

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۱۱

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۱۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰

عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.

یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].

عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها

رده بندی کنگره : CT۲۰۳ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

ادبیات و کتاب

ابجدیان، امراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۴۷، دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه سنت لوئیس آمریکا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش و تحقیق در زمینه تاریخ ادبیات انگلیس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ادبیات انگلیس، نمایشنامه مکبث، نمایشنامه دکتر فاکتوس.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

ادبیات انگلیس.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابراهیمی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر ابراهیمی در سال ۱۳۳۰ش در یکی از روستاهای شهرستان اردبیل به دنیا آمد .میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات کودکان موجب شد که در سال ۱۳۶۰ش. بنا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از وزارت دارایی به آن کانون منتقل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائهٔ خدمات فرهنگی اشتغال دارد. کتاب" یک سنگ و یک دوست " تالیف جعفر ابراهیمی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر ابراهیمی تحصیلات مقدماتی خود را در تهران به پایان رسانده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جعفر ابراهیمی پس از انجام خدمت سربازی به استخدام وزارت دارائی درآمد. امّا میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات کودکان موجب شد که در سال ۱۳۶۰ش. بنا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به آن کانون منتقل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائهٔ خدمات فرهنگی اشتغال دارد.

جوائز و نشانها : کتاب" یک سنگ و یک دوست " تالیف جعفر ابراهیمی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. شاعر، نازک خیال کودکان را گاه در «باران» و گاه در «گنجشک» گاه در «گیسوان سبز» یا که در «بقچ ?گلدار» به مدد تصویرگران به روی کاغذ آورده است.کتابهای «آب مثل سلام»، «آواز پوپک» ، «قالی رنگین کمان» و «لبخند شبنمها» توانسته اند توأماً امتیاز بهترین کتاب سال کودکان (در دوره دوازدهم کتاب سال)در بخش شعر را به خود اختصاص بدهند.

چگونگی عرضه آثار : سالهاست که کودکان سرزمین ما، با سروده های جعفر ابراهیمی که همگون با روح لطیف آنهاست آشنایند. کودکان این بار شاهد اشعاری چند از این شاعر، در چهار کتاب: آب، مثل سلام؛ آواز پوپک؛ قالی رنگین کمان و لبخند شبنمها هستند که برای گروههای سنی «ج» و «د» مناسب می باشد. ---

----

آثار :

۱ آب مثل سلام

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: ساعد مشگی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۲.

۲ آواز پوپک

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: مریم رحمتی اوینی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۳ دوستی کلاغ و کبوتر

۴ شکوفه‌های شعر

۵ غنچه‌های شعر

۶ قالی رنگین کمان

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: کارگاه شریف؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۲.

۷ کبوتر

۸ گل باغ آشنایی

۹ لبخند شبنمها

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: غلامعلی مکتبی؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۲

۱۰ مادر بزرگ

۱۱ یک سنگ و یک دوست

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.قابل ذکر است که کتاب مذکور برای گروه سنی «ج» و «د» (سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی) نوشته شده است.

ابراهیمی، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر ابراهیمی در [چهاردهم] فروردین‌ماه سال ۱۳۱۵ در تهران به‌دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون، به دانشکده‌ی حقوق وارد شد. اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی به درجه‌ی لیسانس رسید. او از ۱۳ سالگی به یک سازمان سیاسی پیوست که بارها دستگیری، بازجویی و زندان رفتن را برایش درپی داشت. ارایه‌ی فهرست کاملی از شغل‌های ابراهیمی، کار دشواری است. او خود در دو کتاب "ابن مشغله" و "ابوالمشاغل" ضمن شرح وقایع زندگی، به فعالیت‌های گوناگون خود نیز پرداخته است. ازجمله شغل‌های او بوده است: کمک‌کارگری تعمیرگاه سیار در ترکمن‌صحرا، کارگری چاپخانه، حسابداری و تحویلداری بانک، صفحه‌بندی روزنامه و مجله و کارهای چاپ دیگر، میرزایی یک حجره‌ی فرش در بازار، مترجمی و ویراستاری، ایران‌شناسی عملی و چاپ مقاله‌های ایران‌شناختی، فیلمسازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب‌های کودکان، مدیریت یک کتاب‌فروشی، خطاطی، نقاشی و نقاشی روی روسری و لباس، تدریس در دانشگاه‌ها و ... در تمام سال‌های پرکار و بی‌کار یا وقت‌هایی که در زندان به‌سر می‌برد، نوشتن را ـ که از ۱۶ سالگی آغاز کرده بود ـ کنار نگذاشت. در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان " خانه‌یی برای شب" به‌چاپ

رسانید که داستان "دشنام" در آن با استقبالی چشمگیر مواجه شد. تا سال ۱۳۸۰ علاوه بر صدها مقاله‌ی تحقیقی و نقد، بیش از صد کتاب از او چاپ و منتشر شده است که دربرگیرنده‌ی داستان بلند (رمان) و کوتاه، کتاب کودک و نوجوان، نمایشنامه، فیلمنامه و پژوهش در زمینه‌های گوناگون است. ضمن آن‌که چند اثرش به زبان‌های مختلف دنیا برگردانده شده است. نادر ابراهیمی چندین فیلم مستند و سینمایی و همچنین دو مجموعه‌ی تلویزیونی را نوشته و کارگردانی کرده، و آهنگ‌ها و ترانه‌هایی برای آن‌ها ساخته است. او همچنین توانسته است نخستین مؤسسه‌ی غیرانتفاعی ـ غیردولتی ایران‌شناسی را تاسیس کند؛ که هزینه و زحمت‌های فراوانی برای سفر، تهیه‌ی فیلم و عکس و اسلاید از سراسر ایران و بایگانی کردن آن‌ها صرف کرد؛ ولی چنان‌که باید، شناخته و به‌کار گرفته نشد و با فرارسیدن انقلاب و جنگ، متوقف شد. او فعالیت حرفه‌یی خود را در زمینه‌ی ادبیات کودکان، با تاسیس "مؤسسه‌ی همگام با کودکان و نوجوانان" ـ با همکاری همسرش ـ در آن مؤسسه متمرکز کرد. این مؤسسه، به‌منظور مطالعه در زمینه‌ی مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان برپا شد و فعالیتش را در حیطه‌ی نوشتن، چاپ و پخش کتاب، نقاشی، عکاسی، و پژوهش درباره‌ی خلق‌وخو، رفتار و زبان کودکان و نیز بررسی شیوه‌های یادگیری آنان دنبال کرد. "همگام" عنوان "ناشر برگزیده‌ی آسیا" و "ناشر برگزیده‌ی نخست جهان" را از جشنواره‌های آسیایی و جهانی تصویرگری کتاب کودک دریافت کرد. ابراهیمی در زمینه‌ی ادبیات کودکان، جایزه‌ی نخست براتیلاوا، جایزه‌ی نخست تعلیم و تربیت یونسکو، جایزه‌ی کتاب برگزیده‌ی سال ایران و چندین جایزه‌ی دیگر را هم دریافت کرده است. او همچنین عنوان "نویسنده‌ی برگزیده‌ی ادبیات داستانی ۲۰ سال بعد از انقلاب" را به‌خاطر داستان بلند و هفت‌جلدی "آتش بدون دود" به‌دست آورده است. نادر ابراهیمی در زندگی پرفرازونشیب خود، جایگاه خاصی برای ورزش نگهداشته است. او رشته‌های مختلف ورزشی را تجربه کرده، یکی از قدیم‌ترین گروه‌های کوهنوردی به‌نام "اَبَرمرد" را بنیان نهاده و در توسعه‌ی کوهنوردی و اخلاق کوهنوردی، تاثیرگذار بوده است. نادر ابراهیمی در حال حاضر که ۷۰ سال دارد، به علت بیماری در منزل استراحت می کند، بیماری اش آرام آرام در حال بهبود است. امید که بتواند انبوه کارهای ناتمامش را که شامل تحقیقات، داستانهای بلند و کوتاه و فیلمنامه می شود، به پایان برساند.

ابرزی فارسی، عمیدالدین، ابونصر اسعد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۴ ق)، شاعر و ادیب. وی اهل ابرج فارس بود و وزیر اتابک سعد بن زنگی و معاصر امام فخر رازی بود. پس از مرگ سعد بن زنگی به اتهام مکاتبه‌ی پنهانی با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به وسیله‌ی ابوبکر سعد زنگی در قلعه‌ی اشکنوان زندانی شد و پس از چند ماه درگذشت. وی قصیده‌ای غرا در یکصد و یازده بیت به زبان عربی سروده که به قصیده‌ی «اشکنوانیه» معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۲۰ –۷۱۶ /۳)، دستور الوزراء (۲۳۹ –۲۳۷)، ریحانه (۷۰ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونصر)، مرآت الفصاحه (۵۷ –۵۵).

ابرقوهی، عبدالسلام

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مترجم. وی کتاب «سیره‌ی رسول» تألیف سعدالدین محمد کازرونی را تحت نام «نهایهٔ المسؤول فی درایهٔ الرسول» به نام یکی از اعیان زمان خود، ابوالشرف محمد، ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۳۶).

ابطحی سدهی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید مهدی حسینی. از سلسله سادات معروف به سادات حکیمی. در ماه صفر سال ۱۲۹۴ در سده متولّد، و در ماه رجب ۱۳۷۱ در سفر زیارت مشهد در آنجا وفات یافته، در صحن دارالضیافه مدفون گردید.

در خدمت آقای شیخ مرتضی ریزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و شیخ عبدالحسین محلّاتی، و جهانگیر خان قشقائی، و میرزا هدایت اللَّه چهار سوقی تحصیل نموده، و در حدود پنجاه مجلّد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است:

۱- تعلیقه بر فرائد ۲- ختام الغرر [مطبوع] ۳- رساله در تعارض ادلّه ۴- رساله در تعادل و تراجیح ۵- رساله استدلالی در توحید ۶- رساله در حجّیّت مظنّه ۷- رساله در رضاع ۸- رساله در صلات ۹- رساله در طهارت ۱۰- رساله در قضا و شهادات ۱۱- رساله در معاملات ۱۲- رساله استدلالی در معاد ۱۳- رساله استدلالی در امامت ۱۴- رساله در نبوّت ۱۵- رساله در ولایت حاکم ۱۶- شرح فارسی بر کفایه آخوند خراسانی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن ابی‌طاهر مروزی، ابوالفضل احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۰ -۲۰۴ ق)، ادیب و مورخ. از فرزندان خراسان بود که در بغداد به دنیا آمد. در ابتدا آموزگار نوجوانان بود. پس از چندی به بازار کتابفروشان راه یافت و به استنساخ کتب پرداخت و از این رهگذر با بسیاری از عالمان و ادیبان بغداد آشنا شد. وی از عمر بن شبه و احمد بن هیثم سامی و عبداللَّه وراق حدیث روایت کرده، و از وی فرزندش، عبیداللَّه، و محمد بن خلف مرزبان نقل حدیث کرده‌اند. شهرت عمده‌ی وی برای نگارش «تاریخ بغداد» است. از او در حدود پنجاه اثر به جای مانده که از آن جمله: «تاریخ بغداد»، که جلد ششم آن چاپ شده؛ «المنثور والمنظوم»، در ۱۴ جزء که فقط دو جزء آن باقی مانده که یکی از این دو به نام «بلاغات النساء» است که مجموعه‌ای از خطبه‌ها، گفته‌ها و شعرهای زنان عهد اسلامی است و دومین خطبه این کتاب گفتار آتشین حضرت زهرا (ع) پیرامون دفاع از حریم ولایت و بازگرداندن فدک است. از دیگر آثارش: «سرقات الشعراء»؛ «کتاب المؤلفین»؛ «اخبار بشار بن برد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۸ /۱)، تاریخ بغداد (۲۱۲ –۲۱۱ /۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۰۳ –۴۰۱ /۲)، کشف الظنون (۲۸۸)، مروج الذهب، ترجمه (۶۶۵ /۲)، هدیهٔ العارفین (۵۲ –۵۱ /۱).

ابن ابی‌مریم شیرازی، ابوعبداللّه نصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۶۵ ق)، مفسر، خطیب، دانشمند و ادیب. اهل فسا بود. در تفسیر، قرائت و نحو مهارت داشت و خطیب شیراز بود. از برهان‌الدین محمود کرمانی روایت می‌کرد. قاضی مجدالدین اسماعیل و قاضی سراج‌الدین مکرم از شاگردان او بودند. از آثارش: «الکشف والبیان»، در تفسیر قرآن، در هشت جلد، مشهور به «تفسیر ابن ابی‌مریم»؛ «الموضح»، در قراآت هشتگانه یا دهگانه، که آن را شاگردان از گفته‌های استاد تقریر کرده‌اند؛ «الارفاد فی شرح الارشاد»؛ «الافصاح فی شرح الایضاح»، در شرح «ایضاح» ابوعلی فارسی؛ «عیون التصریف»؛ «المنتقی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۸ –۳۴۷ /۸)، تذکره‌ی هزار مزار (۴۳۰ –۴۲۹)، ریحانه (۳۶۷ –۳۶۶ /۷)، کشف الظنون (۱۹۰۵ –۱۹۰۴ ، ۴۳۷، ۲۱۲)، معجم الادباء (۲۲۵ –۲۲۴ /۱۹)، معجم المؤلفین (۹۱ –۹۰ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۴۹۱ /۲).

ابن ابی‌منصور منجم فارسی، ابوعلی یحیی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۰ ق)، ادیب و اخترشناس. او بزرگ خاندان آل‌منجم است. نوادگان وی همگی اخترشناس بودند. ابن‌خلکان آنها را زرتشتیانی می‌داند که به دست مأمون اسلام آوردند. یحیی با فضل بن سهل ذوالریاستین دوستی داشت و برا او اختر می‌دید. پس از وی به مأمون عباسی پیوست و به دستور او به اخترشناسی پرداخت اما موفق به ادامه‌ی آن نشد. محمد، علی، سعید و حسن چهار پسر وی نیز در ادب، فصاحت زبان و اخترشناسی آوازه داشتند. در سفرش به طرسوس درگذشت و در حلب در مقابر قریش دفن شد. از آثارش: «الاغانی»؛ «کتاب الطبیخ»؛ «کتاب العود والملاهی»؛ «کتاب المعاریض»؛ «الزیج الممتحن»؛ «مقالهٔ فی ارتفاع سدس ساعهٔ لعرض مدینه السلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ علوم عقلی (۵۰، ۴۶)، ریحانه (۳۷۰ –۳۶۹ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۴۷)، کشف الظنون (۱۴۴۱ ، ۱۴۳۵ ، ۱۳۰)، معجم المؤلفین (۲۳۳ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۵۱۷ /۲).

ابن ابی‌یمان بندنیجی، ابوبشر، یمان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۴ -۲۰۰ ق)، ادیب و لغوی. از دهقانزادگان ایرانی بود که در شهر بندنیج، نزدیک بغداد در حالی که نابینا بود به دنیا آمد. وی از ثروتمندان و ملاکین عجم بود که تمامی املاک و بستانهای خود را که از پدرش به ارث رسیده بود، فروخت و صرف هزینه‌ی علما و تحصیل علم کرد. او نزد ابن‌سکیت و ریاشی و دیگری علمای بصره و کوفه به تحصیل پرداخت. ابوبشر شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «التفقیه»؛ «العروض»؛ «معانی الشعر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۶ /۹)، ایضاح المکنون (۵۰۶، ۳۱۳، ۲۸۳ /۲)، روضات الجنات (۲۰۰ /۸)، ریحانه (۲۸۳ /۱)، الفهرست لابن الندیم (۲۸۵، ۱۳۱)، معجم الادباء (۵۷ -۵۶ /۲۰)، معجم المؤلفین (۲۵۷ -۲۵۶ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۵۴۸ /۲).

ابن احمد عجمی، حافظ الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۷ ق)، محقق. نیاکانش از مردم بردعه بودند. در تبریز درس خواند. از آثار وی: ترجمه‌ی «ظفرنامه‌ی تیموری»، به ترکی؛ «حاشیه‌ی شرح وقایهٔ الروایهٔ» برهان الشریعه‌ی حنفی، «السبعهٔ السیارهٔ»؛ «نقطهٔ العلم»؛ «محاکمات الفرید فی حاشیه تجرید»، وی در این کتاب شروح تجرید خواجه نصیرالدین طوسی را به ذوق و سلیقه‌ی خود به محک نقد زده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۹۷۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن احمد عجمی)، هدیهٔ العارفین (۲۴۳ /۲).

ابن اخوه بغدادی، جمال‌الدین، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، شاعر، ادیب و محدث شیعی. از بزرگان دودمان آل‌اخوه بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. نزد ابوالسعادات هبهٔ اللّه بن شجری، ابوشجاع صابر بن حسین، ابوالفوارس زینبی، ابوالخطاب نصر بن احمد، ابوعبداللّه نعالی و ابوغانم هروی درس خواند و حدیث شنید. بانوی دانشمند، دختر سید مرتضی، که کتاب «نهج‌البلاغه» را از عمویش سید رضی نقل کرده نیز از مشایخ اوست. وی در طلب حدیث به ایران آمد و در کاشان و خراسان و ری و طبرستان حدیث شنید و چندی در اصفهان مسکن گزید و سالهای واپسین عمر خود را در شیراز گذراند و در همان جا درگذشت. ضیاءالدین راوندی، قطب‌الدین راوندی و عمادالدین راوندی و سدیدالدین طوسی از شاگردان وی بودند. وی به خاطر خط خوبی که داشت حدود یکهزار مجلد کتاب را استنساخ کرد. او شعر را نیز خوب می‌گفت و اشعاری از او باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۵ /۴)، اعیان الشیعه (۴۶۹ -۴۶۶ /۷)، ریاض العلماء (۴۰۹ /۵، ۱۰۷ /۳)، ریحانه (۳۷۷ /۷).

ابن اشته اصفهانی، ابوبکر، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۰ ق)، نحوی و ادیب. اهل اصفهان بود. به مصر مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آن سرزمین زیست. نزد ابوبکر بن مجاهد، محمد بن احمد بن حسن کسایی، محمد بن یعقوب المعدل، ابوبکر نقاش، ابوبکر ادمی، ابراهیم بن جعفر باطرقانی، محمد بن احمد بن عبدالوهاب و عبداللّه بن باذان و یوسف بن جعفر بن معروف، درس خواند. خلف بن ابراهیم، عبداللّه بن محمد بن اسداندلسی، عبدالمنعم بن غلبون، محمد بن عبداللّه المؤدب از شاگردان وی بودند. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «المحبر»؛ «المفید فی الشاذ» یا «شواذ القراآت»؛ «المصاحف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۷ /۷)، کشف الظنون (۱۴۵۹)، معجم المؤلفین (۲۳۷ / ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۴۷ /۳).

ابن الاسود

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن علویه کرانی کرمانی (کوانی) کاتب اصفهانی، شاعر محدّث ادیب لغوی شیعی، از مجاهرین شعرای اهل بیت است.

ابوحاتم سجستانی که خود از بزرگان شعر و ادب است خطاب به اهل بصره گوید: قسم به خدا این شاعر اصفهانی در محکم بودن اشعار، و کثرت فوائد آن، بر همه تفوّق یافته است.

بیشتر از یک صد سال عمر کرده، و در ۳۱۲ (و به قولی ۳۲۰) وفات یافته است.

کتب زیر از اوست: ۱- الاعتقاد، یا دعاء الاعتقاد ۲- الفیّه، و آن قصیده‌ای است در هزار بیات در مدح حضرت علی علیه‌السلام ۳- الرسائل المختاره، در ادعیه ۴- الشیب و الخضاب، و غیره.

نجاشی در رجال خود (:۶۴) و عموم مؤلّفین شیعه در کتب خود او را به احترام نام برده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن الرسول، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا ابن الرسول

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در خانواده ای روحانی در اصفهان چشم به جهان گشوده ام. در شش ماهگی همراه پدر و مادرم به قم هجرت کرده و تا بیست و چند سالگی همواره در میان قم و اصفهان در تردد بوده ایم. بخشی از تحصیلات دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را هم در قم گذرانده ام.

همه قبیله من عالمان دین بوده اند. پدربزرگم مجتهد و مدرس حوزه علمیه اصفهان، پدرم مدرس خارج حوزه علمیه اصفهان و ممتحن دروس سطح عالی است. خود نیز از سال ۱۳۶۴ رسماً وارد حوزه علمیه قم مدرسه علمیه رضویه شدم و در سال ۱۳۶۵ با قبولی در دانشگاه اصفهان همزمان به حوزه اصفهان منتقل شدم و دروس حوزوی را در کنار دانشگاه ادامه دادم. تاکنون این مقارنت به لطف خداوند ادامه یافته است. و اکنون مدرس دانشگاه مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان بوده و گاه گاه در موسسات آموزشی دیگر و نیز مدارس علمیه به تدریس ادبیات عرب اشتغال داشته ام.

ابن الفتی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعبداللّه سلیمان بن عبداللّه، ادیب نحوی لغوی، از فضلای قرن ششم، در ۵۷۵ در اصفهان وفات یافته است.

فرزندش ابوعلی حسن نیز به این لقب معروف بوده، منصب قضاوت خوزستان، و سپس تدریس نظامیّه بغداد را یافته، در آنجا روز ۲ شنبه ۵ شوال ۵۲۵ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن حاجب، جمال‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال‌الدین ابوعمر و عثمان بن عمر نحوی معروف (و. ۵۷۰– ف.۶۴۶ ه.ق.) وی اصلا از کردان ایرانی بود و در مصر متولد شد و در قاهره به تحصیل علوم ادبی و فقه پرداخت و چندی نیز در دمشق تدریس کرد. از تألیفات او: کافیه (نحو)، شافیه (صرف)، مختصرالمنتهی (تلخیص کتاب دیگر او به نام منتهی السؤال و الامل)، الامالی و غیره است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن خطیب گنجوی، تاج‌الدین امیراحمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر و ادیب. مشهور به پسر خطیب گنجه یا پورخطیب گنجه. وی معاصر محمود غزنوی بود و با همسرش مهستی گنجوی به دربار غزنوی پیوستگی داشت. همسرش از سرایندگان شهرآشوب بود و میان او و مهستی مناظره در می‌گرفت. در سده‌ی هفتم قمری داستان امیراحمد و مهستی درباره‌ی شوخ‌طبعیهای وی و همسرش به نثر نوشته شد. از وی اشعاری در تذکره‌ها باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۱۸)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۹، ۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸)، دانشمندان آذربایجان (۷۶)، الذریعه (۹/ ۲۱)، مجالس النفائس (۳۲۷).

ابن شهرآشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۸۸ -۴۸۸ ق)، عالم، متکلم، محدث، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شیعی. در ساری متولد شد. نیای وی شهرآشوب از شاگردان شیخ طوسی بود و ابن شهرآشوب به واسطه‌ی پدر خود از او روایت می‌کرد. در هشت سالگی قرآن را حفظ می‌خواند. از زمخشری و احمد و محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه‌ی روایت داشت. بنا به دلایل مذهبی به حلب که در آن زمان در پرتو حمایت حمدانیها پیشرفته‌ترین مرکز علمی تشیع و پناهگاه شیعیان بود، رفت. مدتی نیز در بغداد اقامت داشت. به دلیل اینکه بلاغتش در خطبه مورد پسند مقتفی، خلیفه‌ی عباسی، واقع شد و مواعظش در وی مؤثر افتاد، منصب تدریس در بغداد و لقب رشیدالدین گرفت. پدرش شیخ علی بن شهرآشوب، ابومنصور احمد طبرسی، امین‌الدین طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب راوندی، وفتال نیشابوری، از جمله‌ی استادان وی بودند. شاگردان زیادی نزد وی تربیت شدند. محقق حلی خود را به یک واسطه شاگرد او می‌دانسته است. شهرت و مقبولیت وی چندان بود که علی‌رغم اعتقادات شیعی، مورد احترام و قبول اهل تسنن نیز بود و وی را از محدثین ثقه می‌دانند. مقبره‌ی ابن شهرآشوب در جبل‌جوشن نزدیک مشهد حسینی قرار دارد. از آثار وی: «معالم العلما»، که فصلی از آن درباره‌ی شعرای شیعه است؛ «مناقب آل ابی‌طالب»؛ «متشابه القرآن»؛ «بیان التنزیل»؛ «اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق»؛ «انساب آل‌ابیطالب»؛ «الاسباب والنزول علی مذهب آل‌رسول (ص)»؛ «الحاوی»؛ «الاوصاف»؛ «المنهاج»؛ «المخزون المکنون فی عیون الفنون».[۱]

ساری قدیم‌الایام معدن رجال و دانشمندان بزرگ علمی بوده و بزرگان از قبیل علامه جلیل‌القدر جناب محمد بن علی بن شهرآشوب ساروی مازندرانی منسوب به آن می‌باشد.

این بزرگوار از علماء قرن ششم هجری و صاحب تألیفات عدیده مانند مناقب آل ابیطالب و متشابهات القرآن و معالم‌العلماء و غیره می‌باشد.

علماء علم رجال وی را چنین ستوده‌اند.

محمد بن علی بن آشوب السروی نورالله مرقده السنی فخر الشیعه و تاج‌الشریعه محی آثار المناقب والفضائل والبحر المتلاطم الزخار الذی لیس له ساحل قطب المحدثین و شیخ مشایخهم رئیس‌العلماء و فقیههم رشید الملهٔ والدین شمس‌الاسلام والمسلمین فقیه وجیه

و محدث مفسر محقق ادیب اریب شاعر منشی بلیغ جامع فنون فضائل و محاسن عالم ربانی شیخ رشید بن ابن شهر آشوب المازندرانی صاحب ۱- مناقب آل ابیطالب ۲- والمعالم ۳- و مثالب النواصب ۴- والمخزون المکنون فی عیون الفنون ۵- و اعلام الطرائق فی الحدود ۶- والحقایق ۷- والاوصاف ۸- و مائدهٔ الفایده ۹- والمثال فی الامثال والاسباب ۱۰- والنزول علی مذهب آل الرسول ۱۱- والحاوی ۱۲- والانصاف ۱۳- والمنهاج الی غیر ذلک مما ذکره فی رجاله المسمی بمعالم العلماء.

وی در شب جمعه ۲۲ شعبان سنه ۵۸۸ ق ه وفات یافته و در بیرون حلب در بالای کوه معروف به جبل جوشن در جوار مشهدالسقط (محسن بن حسین الشهید (ع)) و قبر احمد بن منیر و ابن‌زهره.

و ما به خواست خدا عده‌ای از رجال گذشته و معاصر این شهر را به نظر ارباب فضل و دانش می‌آوریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۶۷ /۷)، اعیان الشیعه (۱۷ /۱۰)، ایضاح المکنون (۴۵۲، ۴۲۷، ۴۲۱ /۲، ۱۰۳، ۶۹ /۱)، خاتمهٔ مستدرک الوسائل (۶۰ -۵۶ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۶۳ -۶۶۲ /۵)، الذریعه (۲۳۳، ۱۵۴ /۲۳، ۳۱۹ -۳۱۸ /۲۲، ۲۰۱، ۹۹ -۹۸ /۲۱، ۲۳۱ /۲۰، ۷۶، ۷۳، ۶۳ -۶۲، ۱۱ -۱۰ /۱۹، ۱۷۸ -۱۷۷ /۳، ۴۷۷، ۴۷۶، ۳۷۸، ۲۳۹، ۱۲ /۲)، روضات الجنات (۲۷۲ -۲۶۹ /۶)، ریاض العلماء (۱۲۸ -۱۲۴ /۵)، ریحانه (۶۰ -۵۸ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴ -۲۷۳ /۶)، فوائد الرضویه (۵۷۱ -۵۶۸)، قصص العلماء (۴۲۹ -۴۲۸)، کشف الظنون (۱۵۸۴، ۱۲۶۹، ۷۷)، الکنی والالقاب (۳۳۳ -۳۳۲ /۱)، لسان المیزان (۳۹۵ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شهرآشوب)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۵ -۶۲۴ /۵)، معجم المؤلفین (۱۷ -۱۶ /۱۱)، نامه‌ی دانشوران (۴۶ -۴۵ /۵)، الوافی بالوفیات (۱۶۴ /۴)، هدیهٔ الاحباب (۶۹)، هدیهٔ العارفین (۱۰۲ /۲).

ابن عبدالباقی بخاری مکی، علاءالدین، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۱ ق)، قاضی، خطیب و ادیب. معروف به خطیب مدینه. وی در ۹۹۱ ق در مدینه به ایراد خطبه می‌پرداخت. از آثار وی: «الطراز المنقوش فی فضائل الحبوش»، تألیف ۹۹۱ ق، موسوم به «نزههٔ الناظر و سلوهٔ الخاطر»؛ «عقد الفرائد فیما نظم من الفوائد»، در ادب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۵ -۵۴ /۷)، ایضاح المکنون (۱۰۹ /۲)، کشف الظنون (۱۱۰۹)، معجم المؤلفین (۱۲۳ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۲۵۶ /۲).

ابن فورک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوبکر محمد بن حسن بن فورک (بر وزن دوزخ) ادیب متکلم اسولی، واعظ نحوی مدتی در عراق به مذهب اشعری تدریس می‌نموده سپس به ری مهاجرت کرده و بر حسب خواهش مردم نیشابور بدانجا رفته و ساکن شده و جهت او مدرسه و خانقاهی بنا

کردند.
بالاخره به سال ۴۰۶ وفات یافته، و علت آن را مسموم شدن در مراجعت از غزنه نوشته‌اند و پس از فوت در حیره مدفون گردیده و قبرش معروف است.
تعداد تألیفاتش را در اصول دین و اصول فقه و معانی قرآن حدود یکصد جلد نوشته‌اند.
از کلمات اوست که گوید: گرفتاری عیال نتیجه متابعت شهوات حلال است پس چه گمان می‌کنی در پیروی از شهوات حرام؟
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن لزه کرخی اصفهانی، ابوعمرو بندار

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، لغوی. در کرخ بغداد درس خواند و سپس به اصفهان سفر کرد. در آن شهر شهرت بسیار کسب کرد. حافظه‌ای قوی داشت، حدود هفتصد یا نهصد قصیده حفظ بود. ابوعبید هروی استادش بود و ابن‌کیسان بغدادی شاگرد وی. در شعر، خبر و انساب سرآمد همروزگاران خود بود. برخی منابع از او به ابن‌لره یاد کرده‌اند. در زمان خلافت متوکل عباسی، مبرد را در سامرا ملاقات و او را به خلیفه معرفی کرد. از آثار وی: «معانی الشعرا»؛ «جامع اللغه»؛«شرح معانی الباهلی» (الانصاری)؛ «الوحوش».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۱۴ -۸۱۳ /۶)، روضات الجنات (۱۴۱ -۱۳۹ /۲)، ریحانه (۱۸۱ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۹)، الکنی والالقاب (۳۹۷ /۱)، معجم الادباء (۱۳۴ -۱۲۸ /۷).

ابن لنکک، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۶۰ ق)، نحوی. شاعر. از مردم بصره و معاصر متنبی بود. به بغداد رفت و به خدمت مهلبی وزیر درآمد. احتمالاً به اشاره‌ی مهلبی، در ۳۵۱ ق که متنبی از وزیر دیدن کرد، ابن‌لنکک در اشاری وی را هجو کرد. «دیوان» اشعار او را گرد آورده بودند و شعر او پسند خاطر صاحب بن عباد افتاده بود، اما اکنون از سروده‌های وی مگر اندکی به جا نمانده است. از شهرت او به ابن‌لنکک (پسر مرد لنگک) چنین برمی‌آید که تبار ایرانی داشته است. وی قصیده‌ی تائیه‌ی دعبل را که در مدح اهل‌بیت سروده روایت می‌کرد. از این روی می‌توان حدس زد که وی با شیعیان همدلی داشته است. پسرش ابراهیم نیز شاعر بود و به ابن‌لنکک شهرت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۳ /۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۱۵ -۸۱۴ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۶۷۱ /۱)، ریحانه (۱۸۱ /۸)، معجم الادباء (۱۱ -۶ /۱۹)، الوافی بالوفیات (۱۵۷ -۱۵۶ /۱).

ابن واضح یعقوبی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن ابی یعقوب اسحق بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عباسی معروف به ابن واضح، و ابن یعقوبی، و گاهی او را یعقوبی گویند، اصفهانی شیعی، از قدمای مشاهیر مورخین و جغرافی دانان شیعه است مردی جهانگرد بوده که مسافرت را دوست می‌داشته و شرق و غرب بلاد اسلام را سیاحت کرده، در سال ۲۶۰ به ارمنستان رفته سپس به هند و از آنجا به مصر و بلاد مغرب بعد از آن کتب تاریخی و جغرافیائی خود را به رشته تحریر در آورده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اخبار الامم السالفهٔ ۲- الاسماء ۳- البلدان در جغرافیا ۴- التاریخ که به تاریخ یعقوبی معروف است و در دو مجلد به طبع رسیده است ۵- المسالک و الممالک ۶- مشاکلهٔ الناس لزمانهم؛ و غیره.

صاحب عنوان در سال ۲۸۴ وفات یافته است.

مخفی نماند که صاحب عنوان غیر از شیخ ابوبکر احمد بن یعقوب ابن ناصح نحوی ادیب، شاگرد ابن منده اصفهانی است. وی در سال ۳۴۰ و اندی وفات یافته و برادرش ابی الحسن محمّد بن یعقوب بن ناصح ادیب نحوی متوفی بسال ۳۵۴ می‌باشد. هر دو برادر در نیشابور ساکن بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن‌بُطه قمی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، ادیب، محدث، نحوی، لغوی و رجال‌شناس امامی. در روزگار غیبت صغری در قم و بغداد می‌زیست. وی معاصر شیخ کلینی بود. محدثان و رجال‌نویسان شیعی وی را محدث دارای مسامحه می‌دانند و می‌گویند که در روایتهایش احادیث سستی یافت می‌شود. وی از احمد بن محمد بن خالد برقی و حسین به حسن قمی و محمد بن حسن صفّار و محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب حدیث شنید. علی بن حاتم از وی روایت کرده است. از آثار وی: «تفسیر اسماء اللَّه تعالی و ما یدعی به»، «کتاب قرب الاسناد»، «فهرست ابن‌بطه». نجاشی در کتاب خود آثار دیگری از وی را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۱ /۲)، الذریعه (۷۰ /۱۷، ۳۷۵ -۳۷۴ /۱۶)، رجال النجاشی (۲۸۳ -۲۸۲ /۲)، ریحانه (۴۱۷ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴ص ۲۵۴ -۲۵۳ /۴)، الفهرست للطوسی (۳۹)، معجم المؤلفین (۱۴۸ /۹).

ابن‌بَوّاب، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۳ /۴۱۳ ق)، خطاط مذهّب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن‌بواب یا ابن‌ستری و ملقّب به علاءالدین و قبلهٔالکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل‌بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله‌ی دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن‌اسد کاتب آموخت، برخی او را شاگرد حسن بن مقله و بعضی شاگرد محمد بن مقله دانسته‌اند. خط نسخ را به شیوه‌ی خود می‌نوشت و اصولی نیز برای آن وضع کرد. وی را پایه‌گذار شیوه‌ی ریحانی و محقق نیز دانسته‌اند. آموزشگاهی برای تعلیم خط تأسیس کرد که تا ۶۹۸ ق برجا بود. شصت و چهار نسخه قرآن به خط خود نوشته بود. ابن‌بواب به خدمت فخرالملک، ابوغالب محمد بن علی بن خلف واسطی، والی عراق، از جانب بهاءالدوله، درآمد و ندیم وی شد. در بغداد درگذشت و در جوار امام احمد حنبل به خاک سپرده شد. آثاری از وی در مجموعه‌ی چستربیتی لندن و کتابخانه لاله لی استانبول باقی است. نسخه قرآن کتابخانه چستربیتی به امضای او و به تاریخ ۳۹۱ ق است که هم از نظر خط و هم از تذهیب مجلل است. اشعاری نیز در فن خط و لوازم آن سروده که ادیبان «القصیدهٔ الرائیهٔ» او را در نهایت بلاغت دانسته‌اند. شهرت او در تکمیل و تنقیح شیوه‌ی ابن‌مقله است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۳۰۸ -۳۰۰)، الاعلام (۱۸۳ /۵)، پیدایش خط و خطاطان (۷۵، ۷۴ -۷۰)، تاریخ گزیده (۶۹۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۴ -۷۳۹ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵۴ /۳)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۱۱ -۴۱۰ /۱)، ریحانه (۴۲۴ -۴۲۲ /۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۶ -۳۵ /۱)، سیر النبلاء (۳۲۰ -۳۱۵ /۱۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۴)، کشف الظنون (۱۳۳۹)، الکنی والالقاب (۲۳۴ /۱)، گلستان هنر (۱۹، ۱۸، ۱۲)، مجالس المؤمنین (۴۸۸ /۲)، معجم الادباء (۱۳۴ -۱۲۰ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۸ /۷)، مناقب هنرمندان (۱۱۳، ۴۲، ۳۸ -۳۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۰۵ -۹۱ /۵)، وفیات الاعیان (۳۴۴ -۳۴۲ /۳)، هدیهٔ الاحباب (۵۱).

ابن‌بی‌بی جعفری رُغَدی، امیر ناصرالدین حسین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۸۴ ق)، ادیب و مورخ. معروف به ابن‌بی‌بی منجّمه. پدرش مجدالدین محمد ترجمان از مردم گرگان، مدتها منشی دستگاه جلال‌الدین خوارزمشاه و سمنانی، رییس شافعیان نیشابور بود و چون به اخترگویی می‌پرداخت به بی‌بی منجّمه شهرت داشت. ابن‌بی‌بی از طریق پدر وارد دستگاه سلجوقیان گردید. در روزگار جانشینان علاءالدین کیقباد فرمان‌نویس و مهردار پادشاه بود. تنها اثر بازمانده او کتاب «الاوامر العلانیه فی الامور العلائیه» است مشهور به «تاریخ ابن‌بی‌بی»، درباره‌ی تاریخ سلاجقه‌ی روم که وقایع میان سالهای ۵۸۸ و ۶۷۹ ق را در بر می‌گیرد. مؤلف این کتاب را پس از استیلای مغولان بر آسیا، به علاءالدین عَطاء مَلکِ جوینی اهدا کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۷ -۱۲۱۳ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵۶ -۴۵۵ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بی‌بی).

ابن‌جبّان، ابومنصور محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۱۶ ق)، لغوی و ادیب. وی اهل ری و ساکن اصفهان بود. در ۳۹۱ ق رهسپار بغداد شد. او سرآمد اقران در لغت و از معاشران ابوعلی فارسی از وندیمان صاحب بن عباد بود. در اواخر عمر به حج رفت. از وی اشعار پراکنده‌ای به جا مانده است. ازآثارش: «انتهاز الفُرَص فی تبیین المقلوب من کلام العرب»؛ «ابنیهٔ الافعال»؛ «الشامل»، در لغت؛ «شرح الفصیح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۳۳)، لسان المیزان (۳۶۵ /۶)، معجم الادباء (۲۶۲ -۲۶۰ /۱۸)، معجم المؤلفین (۳۱ -۳۰ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۸۰ /۴).

ابن‌جراح بغدادی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۴ -۲۴۵ ق)، ادیب، نویسنده، محدث، مفسر و مورخ. از خاندانی ایرانی‌تبار بود. از احمد بن بُدیل قاضی و حسن بن محمد زعفرانی و دیگران حدیث شنید. فرزندش عیسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوطاهر ذهلی از او حدیث روایت کرده‌اند. وی وزیر مقتدر و قاهر عباسی بود که امور مالی دولت را سامان داد. مدتی خلیفه او را برکنار کرد و به زندان انداخت و پس از آزادی به ریاست دیوانها منصوب شد. در ۳۱۱ ق او را به مکه، سپس به صنعا تبعید کرد. در ۳۱۲ ق بخشوده و ریاست دیوان اشراف مصر و شام به او سپرده شد. پس از آن در ۳۱۵ ق مجدداً به وزارت رسید، ولی باز بر اثر حسد درباریان خشم خلیفه بر وی نازل شد و او را دستگیر و زندانی کردند. ابن‌جراح از وزرای ایرانی دربار خلفای عباسی بود، که زندگی پر فراز و نشیبی را گذراند، اما در پایان زندگی، در بغداد، محتشم زیست. او را به نیک رفتاری و نیک خلقی ستوده‌اند. هارولدباون خاورشناس انگلیسی کتابی درباره‌ی زندگی وی به نام «زندگی علی بن عیسی و عصر او» به انگلیسی نوشته است. از آثارش: «دیوان رسائل»؛ «معانی القرآن» و تفسیر آن که با همکاری ابوالحسن واسطی و ابن‌مجاهد مقری تألیف شد، «جامع الدعاء»؛ «کتاب الکتّاب و سیاسهٔ المملکهٔ و سیرهٔ الخلفاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الوزراء (۱۳۱ -۱۲۶) الاعلام (۱۳۳ /۵)، تاریخ بغداد (۱۶ -۱۴ /۱۲)، روضات الجنات (۲۰۷ -۲۰۶ /۵)، سیر النبلاء (۳۰۱ -۲۹۸ /۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۱۲ -۲۱۱ ،۶۰)، معجم الادباء (۷۳ -۶۸ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۲ -۱۶۱ /۷).

ابن‌جراح، ابوعبدالله محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۹۶ -۲۴۳ ق)، ادیب و دبیر دیوان خلفای عباسی. از خانواده‌ای ایرانی‌نژاد مسیحی در شهر بغداد متولد شد و در دربار خلفای عباسی به کار دیوانی پرداخت. ابتدا ریاست دیوان خراج ولایت شرقی را به عهده داشت. در ۲۸۵ ق همراه وزیر به ایالت جبال رفت

و پس از بازگشت از سفر، دیوان خود را که تا آن هنگام زیر نظر احمد بن فرات بود مستقل ساخت. در ایامی که قرامطه به کاروان حج حمله کردند، به ریاست دیوان جیش منصوب شد. وی پس از مرگ مکتفی از خلافت ابن‌معتز هواداری کرد و چند ماه بعد در شمار یکی از اعضای اصلی توطئه علیه مقتدر خلیفه‌ی جوان قرار گرفت و در زمان ابن‌معتز ۲۴ ساعت مقام وزارت داشت. ابن‌فرات که دشمن دیرینه‌ی وی بود پس از مدتی تقیب ابن‌جراح را دستگیر و اعدام کرد. از آثار وی: «الشعر والشعراء»؛ «الورقه فی اخبار الشعراء»؛ «کتاب الوزراء» «کتاب الاربعه علی مثال کتاب ابن‌هفان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۵ /۶)، تاریخ بغداد (۲۵۵ /۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۷۴ /۳)، ریحانه (۴۳۹ -۴۳۸ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۱۱)، معجم المؤلفین (۲۹۵ /۹)، هدیة العارفین (۶۹۵ /۳) ،(۲۲ /۲).

ابن‌جنگ سجزی، ابوسعید، خلیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۸ -۲۸۹ ق)، فقیه و ادیب حنفی مذهب. در سیستان به دنیا آمد. به شهرهای بسیاری سفر کرد و در دمشق و نیشابور از ابوالقاسم بغوی و یحیی بن صاعد و ابوالعباس سراج حدیث شنید و الحاکم و ابوذر هروی و عبدالوهاب بن محمد خطابی از وی روایت کرده‌اند. او معاصر ملك مظفر صالح بن نوح سامانی، و در فقه بی‌نظیر بود. در ۳۲۰ ق امیر ابوجعفر، فرمانروای صفاری سیستان وی را به قضاوت سیستان گماشت. چندی نیز قاضی سمرقند بود. در فرغانه درگذشت. ابوبکر خوارزمی در رثای او شعر گفته است. از آثار وی: «الدعوات والآداب والمواعظ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۳ /۲)، ایضاح المکنون (۲۹۵ /۲)، تاریخ سیستان (۳۲۷، ۳۱۳، ۲۰)، سیر النبلاء (۴۳۹ -۴۳۷ /۱۶)، معجم الادباء (۸۰ -۷۷ /۱۱)، معجم المؤلفین (۱۱۳ /۴).

ابن‌حازم، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فرهنگ‌نویس. معروف به لحیانی. وی غلام کسایی مروزی و معاصر محمود غزنوی و فراء بود. در لغت عرب استاد بود و با دانشمندان و سخنوران عرب دیدار و گفتگو می‌کرد. نزد اصمعی و ابوعبیده و ابوعمرو شیبانی درس خواند. ابوعبید قاسم بن سلام شاگرد وی بود. تنها اثرش: «کتاب النوادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۳۴۵ /۲)، ریحانه (۱۲۵ /۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۸۴)، معجم الادباء (۱۰۸ -۱۰۶ /۱۴)، معجم المؤلفین (۵۶ /۷).

ابن‌حسول رازی، صفی‌الملک، ابوالعلاء محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، ادیب و خوشنویس شیعی. از مردم همدان بود، اما در ری نشو و نما یافت. پدرش نیز ادیب و کاتب بود. وی از صاحب بن عباد و ابن‌فارس ادب آموخت. ابتدا در دستگاه آل‌بویه‌ی ری عهده‌دار دیوان رسایل بود، سپس به وزارت ابوطالب مجدالدوله رسید و با تسلط محمود غزنوی بر ری، به غزنویات پیوست و به دبیری گمارده شد. در ۴۳۴ ق به هنگام تسلط ترکان سلجوقی بر ری به خدمت آنها درآمد و منشی عمیدالملک کندری شد. از آثار وی: «تفضیل الاتراک علی سائر الاجناد»؛ «مناقب الحضرهٔ السلطانیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۲ /۷)، اعیان الشیعه (۳۸۳ /۲)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۳۴ -۳۱ /۱)، تاریخ بیهق (۱۱۱)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۴۵ /۱)، راحهٔ الصدور (۴۸۲ -۴۸۰)، کشف الظنون (۴۶۲)، معجم المؤلفین (۳۱۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۴/ ۱۳۲- ۱۳۵).

ابن‌حمّویه جوینی، صاحب، فخرالدین، ابوالمظفر یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۷ -۵۸۲ ق)، ادیب، شاعر و محدث. اصل وی از جوین نیشابور بود. در دمشق به دنیا آمد و در آنجا و مصر حدیث شنید. از ۶۲۴ ق به خدمت محمد بن محمد، فرمانروای ایوبی دمشق، درآمد و تا زمان مرگ او با وی همکاری داشت. در ۶۴۰ ق سلطان نجم‌الدین ایوب او را زندانی کرد. ابن‌حمویه تا ۶۴۳ ق در زندان به سر برد. سلطان در این سال وی را از بند رها کرد و فرماندهی سپاه خود را به او داد. پس از درگذشت نجم‌الدین، اروپائیان بر «دمیاط» دست یافتند که ابن‌حمویه در جنگ با آنها کشته شد و جنازه‌ی وی به مصر برده شد. از آثارش: «تقویم الندیم و عقبی النعیم المقیم»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵ /۱۰، ۳۲۹ -۳۲۸ /۹)، کشف الظنون (۴۷۰)، معجم المولفین (۳۳۱ /۱۳).

ابن‌خاتون طوسی، شمس‌الدین، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۰۵۵ ق)، فقیه امامی و ادیب. از پیشوایان و برجستگان علمای امامیه و شاگرد شیخ‌بهایی و در علوم و فنون مختلف سرآمد بود. پس از فراغت از تحصیل مدتی در حیدرآباد دکن مسکن گزید، و از آنجا به مشهد مقدس رفت و پس از چندی به

هندوستان بازگشت و در آن دیار وزارت سلاطین قطب شاهیه را در حیدرآباد عهده‌دار شد. در ۱۰۳۸ ق سلطان عبداللّٰه قطب شاه که به جای سلطان محمد قطب شاه نشسته بود، منصب صدارت عظمی را به وی داد و او را به لقب پیشوا ملقب ساخت. وی شیخ اجازه سید حسین فرزند حیدر کرکی است. در حیدرآباد دکن از دنیا رفت. از آثار وی: ترجمه‌ی «اربعین» استادش شیخ‌بهایی که به امر سلطان محمد قطب شاه از سلاطین قطب شاهیه‌ی هند نوشت و به نام ترجمه‌ی «قطب شاهی» نامید و در سفری که به عنوان سفیر حیدرآباد به ایران آمد ترجمه‌ی قطب شاهی را به استادش شیخ‌بهائی نشان داد، و شیخ در ۱۰۲۸ ق تقریظی لطیف بر آن نوشت؛ «شرح الارشاد» علامه‌ی حلی؛ «شرح جامع عباسی» شیخ بهائی؛ «توضیح اخلاق عبداللّٰه شاهی»، به فارسی، در شرح کتاب «اخلاق ناصری» خواجه نصیر طوسی، به درخواست عبداللّٰه قطب شاه؛ کتابی در «امامت»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱ -۱۰ /۱۰)، الذریعه (۱۷۲، ۸۰ -۷۹ /۱۳، ۷۶ /۴)، روضات الجنات (۸۷ /۱)، ریاض العلماء (۱۳۵ - ۱۳۴ /۵)، ریحانه (۴۹۰ -۴۸۹ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۳ -۵۱۲ /۱۱)، فوائد الرضویه (۵۶۷)، الکنی والالقاب (۲۷۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خاتون)، معجم المؤلفین (۶ /۱۱)، هدیهٔ الاحباب (۵۶).

ابن‌خالویه، ابوعبداللّٰه حسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۰ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر امامی. اصلش از همدان بود. در ۳۱۴ ق وارد بغداد شد و در محضر بزرگان علم و ادب حضور یافت. قرآن را از ابن‌مجاهد، نحو و ادب را از ابن‌دُرَید و ابن انباری و نِفْطویه، و لغت را از ابوعمر زاهد آموخت و از محمد بن مخلد عطار حدیث شنید. پس از آن ساکن حلب و ادب‌آموز فرزندان سیف‌الدوله حمدانی شد. ابن‌عدی معروف به ابن‌قطان، ابن‌غلبون، معافی بن زکریا و حسین بن سلیمان انطاکی از شاگردان وی بودند. او با متنبی در محضر سیف‌الدوله مباحثات بسیار داشته است. زجاجی نحوی و ابوعلی فارسی معاصر او بودند. وی در حلب وفات یافت. از آثارش: «الآل»؛ «الاشتقاق»؛ «شرح مقصورهٔ ابن‌درید»؛ «اعراب ثلاثین سورهٔ من القرآن العزیز»؛ «لیس»، در ادب؛ «الجمل»، در نحو؛ «شرح المقصور والممدود»؛ «الاسماء الاسد»؛ «الفصیح»؛ «شرح قصیده‌ی نفطویّه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۹ -۲۴۸ /۲)، اعیان الشیعه (۴۲۳ -۴۱۹ /۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۲۸ -۵۲۷ /۴)، الذریعه (۳۷ /۱)، رجال النجاشی (۱۸۸ /۱)، روضات الجنات (۱۴۵ -۱۴۱ /۳)، ریاض العلماء (۲۸ -۲۳ /۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۴۱)، کشف الظنون (۱۳۹۱، ۱۳۴۳، ۱۲۷۲، ۶۰۲، ۱۲۳، ۸۶)، الکنی والالقاب (۲۷۵ -۲۷۴ /۱)، لسان المیزان (۴۹۰ -۴۸۹ /۲)، معجم الادباء (۲۰۵ -۲۰۰ /۹)، معجم المؤلفین (۳۱۰ /۳)، الوافی بالوفیات (۳۲۵ -۳۲۳ /۱۲)، وفیات الاعیان (۱۷۹ -۱۷۸ /۲).

ابن‌خراسانی، ابوالعزّ محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۶ -۴۹۴ ق)، شاعر، نحوی، عروضی و محدث. وی نزد ابومنصور جوالیقی به تحصیل پرداخت. از ابوالحسین طیوری و ابوسعد بن خشیش حدیث شنید و ابن‌الاخضر و ابوالفتوح بن حصری از وی روایت کرده‌اند. وی علاقه‌ی وافری به علم عروض داشت و در سرودن شعر بسیار توانا و استاد بود. در پایان عرم دچار پریشانی حواس شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار، در پنج مجلد؛ «النوادر»؛ «العروض» و چندین اثر دیگر در فنون ادبی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۲ /۷)، ایضاح المکنون (۱۰۰ /۲)، ریحانه (۴۹۷ -۴۹۶ /۷)، سیر النبلاء (۸۳ -۸۲ /۲۱)، کشف الظنون (۷۶۵)، لسان المیزان (۵۱۰ /۶)، معجم الادباء (۴۷ -۴۶ /۱۹)، معجم المؤلفین (۳۰۴ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۵۰ /۱)، هدیهٔ العارفین (۹۸ /۲).

ابن‌خمّار، ابوالخیر حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۱- ح ۴۲۱ ق)، طبیب، فیلسوف و مترجم. از نصرانیان ایرانی و یکی از مترجمان بزرگ، از زبان سریانی به عربی بود. وی کتب زیادی را از آن زبان به عربی ترجمه کرد. در فلسفه شاگرد یحیی بن عَدی بود. ابن‌ندیم او را ملاقات کرده و از او به عنوان منطقی بزرگی یاد می‌کند. ابوالفرج بن طیّب مسیحی و ابوالفرج بن هندوی مسلمان احتمالاً در زمان اقامت او در بغداد از شاگردان وی بوده‌اند. او را در طب ثالث بقراط و جالینوس می‌دانستند. از جراحان بیمارستان بزرگ عضدالدوله در بغداد بود. ابن‌سینا او را تحسین کرده، ولی با تمام اشتیاقی که به دیدار وی داشت، به این امر نائل نشد. مدتی در زمان مجدالدوله‌ی دیلمی در ری، چندی در دستگاه ابوالعباس مأمون خوارزمشاه در خوارزم بود. پس از فتح خوارزم به دست سلطان محمود غزنوی وی را به همراه ابوریحان بیرونی و چند تن از دانشمندان به غزنه بردند. در اواخر عمر به سبب شنیدن آیه‌ای از قرآن و دیدن پیامبر اسلام (ص) در خواب، مسلمان شد. در زمان سلطان محمود، در راه رفتن به دربار او از اسب بر زمین افتاد و کشته شد. از جمله آثار باقی مانده از وی: «کتاب الوفاق بین آراء الفلاسفهٔ والنصاری»؛ «مقالهٔ فی التوحید والتثلیث»؛ «مقالهٔ فی الصدیق والصداقهٔ»؛ «مقاله فی السعادهٔ»؛ «مقالهٔ فی الاخلاق»؛ «مقالهٔ فی الصرع»؛ «کتاب دیابطا» یعنی تقطیر؛ «الآثار المخیلهٔ فی الجو الحادثه عن البخار المائی و هی الهالهٔ والقوس والضباب»؛ «کتاب الهیولی»؛ «مقالهٔ فی امتحان الاطباء»؛ که آن را به خوارزمشاه اهدا کرد؛ «کتاب الآثار العلویه»؛ «کتاب اللبس فی الکتب الاربعهٔ فی المنطق» که این از ترجمه‌های او از سریانی به عربی است؛ «کتاب تفسیر ایساغوجی»، هم به صورت مشروح و هم به صورت مختصر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۲ -۲۸۱ /۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۲۲۶)، تاریخ طب (۷۰۱ -۶۹۹ /۲)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۱۶ -۱۴)، چهار مقاله (۱۱۹، ۱۱۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۵۶ -۹۵۵ /۷)، ریحانه (۵۰۹ -۵۰۸ /۷)، عیون الانباء (۳۲۳ -۳۲۲ /۱)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۷۷ -۴۷۶، ۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خمار)، معجم المؤلفین (۲۲۹ /۳)، الملل والنحل (۳۶۹)، نامه‌ی دانشوران (۸۸ -۸۵ /۱)، الوافی بالوفیات (۴۲ -۴۱ /۱۲)، هدیهٔ العارفین (۲۷۷ /۱).

ابن‌خَیّاط، ابوبکر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۰ ق) نحوی و لغوی. از مردم سمرقند بود، در بغداد زیست و در بصره از دنیا رفت. ابوعلی فارسی و ابوالقاسم زجاجی از شاگردان او بودند. با ابراهیم بن سری زجّاج مشاجرات نحوی داشت. به ظاهر در دوره‌ای از زندگی دچار کری کامل شده بود. به گفته‌ی یاقوت حموی او مردی خوش‌اندام، خوش‌اخلاق و خوش برخورد بود. او شیوه‌ی نحویان کوفه و بصره را در نحو به هم می‌آمیخت، در پاره‌ای از موارد از لحاظ روش، بصری بود ولی بعضی از نظرات کوفیان را نیز می‌پذیرفت. آثار وی: کتاب «المعانی القرآن»؛ «النحو الکبیر»؛ کتاب «الموجز» و کتاب «المقنع» هردو در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۹ –۱۹۸ /۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۵۴ –۵۵۳ /۴)، ریحانه (۵۱۲ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۷)، کشف الظنون (۱۹۳۵، ۱۸۹۹، ۱۸۱۰، ۱۷۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خیاط)، معجم الادباء (۱۴۲ –۱۴۱ /۱۷)، معجم‌المؤلفین (۲۳ /۹)، الوافی بالوفیات (۸۸ /۲)، هدیۀ العارفین (۳۱ /۲).

ابن‌دُرُستُوْیه فسوی، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۷ –۲۵۸ ق)، نحوی، لغوی و عالم دینی. پدرش از محدثین بزرگ بود. وی از مردم فسای فارس بود که در نوجوانی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد. در بسیاری از علوم، از جمله در علم حدیث، سرآمد زمان خویش بود. مجموعه‌هایی گرد آورده بود که حداقل تا زمان خطیب بغدادی باقی بود. در بغداد درس خواند و از محضر استادانی چون ابن‌قتیبه‌ی دینوری و ابوالعباس مبرد بهره گرفت. ابن‌درستویه مفسر قرآن نیز بود و در تفسیر دو دیدگاه اخفش بصری و ثعلب کوفی را تلفیق می‌کرد. ابن‌درستویه در آثار نحوی، طرفدار مکتب بصره بود. گویا کتبی نیز در رد افکار نحویون کوفی نیز نوشته بوده است. اما در تفسیر قرآن و حدیث روشی مختلط داشته است. دارقطنی، ابن‌شاهین و ابوعبیداللّٰه مرزبانی از شاگردان وی بودند. از آثار وی: «کتاب الکتّاب المتمم» یا «ادب الکاتب المتمم»، در بررسی جزئیات خط و املاـ برای دبیران؛ کتاب «الارشاد»، در نحو؛ «معانی الشعر»؛ «اخبار النحویین»؛ «نقض کتاب العین»؛ «التوسط بین الاخفش و ثعلب»، در تفسیر قرآن؛ شرح «کتاب الجرمی»؛ «کتاب الهجاء»؛ کتاب «غریب الحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۴ /۴)، ایضاح المکنون (۵۵۸، ۳۷۴، ۳۴۳، ۳۳۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۸۲ /۲، ۵۵۶، ۵۵۳، ۳۷۴ /۱)، تاریخ بغداد (۴۲۹ –۴۲۸ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۶۴ /۴)، دائرۀالمعارف البستانی (۴۷۵ /۱)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۸ /۱)، روضات الجنات (۱۰۵ –۱۰۴ /۵)، ریحانه (۵۱۷ /۷)، سیر النبلاء (۵۳۲ –۵۳۱ /۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۰۷ –۱۰۶)، کشف الظنون (۲۰۴۱، ۱۷۳۰، ۱۷۲۹، ۱۴۷۲، ۱۴۶۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۱– ۱۴۱۵، ۱۲۷۲، ۱۲۰۵، ۱۱۰۸، ۸۳۹، ۷۰۰، ۵۰۶، ۱۱۶ –۱۱۵، ۶۸)، الکنی والالقاب (۲۸۴ /۱)، لسان المیزان (۷۴۴ –۷۴۲ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌درستویه)، معجم المؤلفین (۴۰ /۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۲۶ – ۱۲۵ /۳)، وفیات الاعیان (۴۵ –۴۴ /۳)، هدیۀالعارفین (۴۴۶ /۱).

ابن‌دوست، ابوسعید، ابوسعد عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۱ -۳۵۷ ق)، عـالم، ادیب و شـاعر. جـدش ملقب به دوست بود. عبـدالرحمان از مردم نیشابور و ناشـنوا بود. نزد ابونصـر جوهری لغت و ادب آموخت. ابوالحسن واحدی مفسـیر از شاگردان اوست. از آثار او: «ردّ علی الزجاجی»، در اسـتدارکش بر «اصلاح منطق» ابن‌سـکیت؛ «دیوان» شـعر. در «الاعلام» زرکلی نام او را به اسـتناد «جواهر المضـیئه» ابن‌درست نوشته است، اما با توجه به آنکه اغلب منـابع او را ابن‌دوسـت ذکر کرده‌انـد، بنـا را بر ضـبط ابن‌دوسـت می‌گـذاریم. همیـن ضـبط را «دائرةالمعـارف البسـتانی» بـه صـورت ابن‌دُوَست [dowast] آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۰۲ /۴)، دائرةالمعارف البسـتانی (۴۸۲ /۱)، ریحـانه (۵۲۰ /۷)، سـیر النبلاء (۵۱۰ -۵۰۹ /۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌دوست)، معجم المؤلفین (۱۸۸ /۵).

ابن‌رزین رازی اصفهانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۳ ق)، قاری، نحوی و محـدث. اصل وی از اصـفهان بود. در ری متولـد شـد. نزد نُصـیر و خلّادبن خالـد قرآن آموخت. در عربیت و قراآت اسـتاد و راوی حـدیث بود. از آثـار وی: «الجـامع»، در قرائت، «رسم القرآن»؛ «العـدد»؛ کتابی در «جواز قراءة القرآن علی طریق المخاطبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۳ /۷)، ری باستان (۳۷۸ /۲)، معجم المؤلفین (۱۰۳ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۲۹۴ /۴).

ابن‌ساعاتی، فخرالدین رضوان، رمضان

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۷ -۶۱۷ ق)، پزشک و ادیب. در دمشق متولد شد. وی با اینکه پزشک بود، در ادب و منطق و سایر موضوعات فلسفی و نیز در ساعت‌سازی مهارت داشت. در ابتـدا وزیر محمـد بن ایوب، برادرزاده‌ی صـلاح‌الدین بود، سپس وزیر و طبیب خاص برادر وی شـد. در دمشق درگـذشت. از آثار وی: «رسالـة فی عمل الساعات و استعمالها»، درباره‌ی ساختن ساعت؛ «حاشـیه‌ی قانون ابن‌سـینا»؛ «المختارات فی الاشعار»؛ «تکمیل کتاب القولنج ابن‌سینا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۳ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۱۹ /۴)، ریحانه (۵۵۸ -۵۵۷ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌ساعاتی)، معجم الادباء (۱۴۳، ۱۴۱ /۱۱)، هدیهٔ العارفین (۳۶۹ /۱).

ابن‌ساوجی، ابوالمحاسن محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۳۲ ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از مردم نخجوان بود. از وی اشعاری در تذکره‌ها به جای مانده است. از آثار او: منظومه‌ای است به نام «درّهٔ المعانی»، در ترجمه و شرح «لآلی المنثوره»، که ابن‌ساوجی آن را در ۷۳۲ ق سروده است؛ نسخه‌ای از ترجمه‌ی کتاب «مسالك و ممالك» ابواسحاق ابراهیم اصطخری به خط ابن‌ساوجی به تاریخ ۷۲۶ ق؛ کتاب «السامی فی الاسلامی»، به خط نسخ و رقاع و عناوین ثلث دودانگ، با رقم: «ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد یعرف ابن الساوجی... سنهٔ احدی عشر و سبعمائهٔ الهجریهٔ، بالسلطانیهٔ» (۷۱۱).کاتب این نسخه را برای فرزندش، ابوطاهر محمد، کتابت کرده است و اکنون این کتاب در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۰ /۴)، تاریخ نظم ونثر (۷۷۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹).

ابن‌سِکّیت، ابویوسف یعقوب

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۴۴ -۱۸۶ ق)، لغوی، نحوی، شاعر و زبان‌شناس شیعی. پدرش سکیت، شاعر و از مردم دورق خوزستان بود. نخست نزد پدر، که در شعر و لغت صاحب‌نظر بود، و سپس نزد ابوعمرو شیبانی، فرّاء و ابن اعرابی و دیگران، درس خواند. ابن‌سکیت گوید: پدرم در شعر بر من مقدم است و من در نحو بر وی. از اصحاب خاص امام محمدتقی (ع) و امام علی‌النقی (ع)، و محدثی ثقه و صادق بود. در درب القنطره‌ی بغداد مقیم و همراه پدرش به تدریس مشغول بود. ابن‌سکیت معلم فرزندان متوکل خلیفه عباسی بود و در ابراز شیعیگری خود زبانی بی‌پروا داشت، چندان که جان خود را نیز به خاطر آن از دست داد. روزی متوکل که با اهل‌بیت (ع) دشمنی داشت، از او پرسید که آیا فرزندان من بهترند یا پسران علی (ع)، ابن‌سکیت در جواب گفت: من، تو و فرزندان تو را با قنبر، خادم علی (ع)، برابر ندارم. متوکل برآشفت و فرمان داد زبان وی را از قفا بیرون کشند. غلامان او را به بدترین صورت کشتند. ابن‌سکیت در نحو از پیروان مکتب کوفه بود. و سبب اشتهار وی آثار لغوی اوست کهبه مکتب بصره تعلق دارد، بدین سبب نیز او را نماینده‌ی مکتب تلفیقی کوفه و بصره دانسته‌اند. ابن‌سکیت متخصص لغت و شعر عرب بود و بیش از بیست اثر از خود بر جای گذاشته است که برخی از آنها عبارت‌اند از: «اصلاح المنطق» که به گفته مبرد کتابی در لغت همسنگ آن در بغداد دیده نشده؛ کتاب «الالفاظ»؛ کتاب «القلب والابدال»؛ کتاب «الاضداد». علاوه بر اینها، ابن‌ندیم از سی شاعر قدیم نام می‌برد که ابن‌سکیت دواوین ایشان را با دقت تحسین برانگیزی جمع‌آوری و شرح کرده است که از این تعداد تنها چند اثر باقی مانده است. از دیگر آثار او: «الاصوات»؛ «الامثال»؛ «معانی الشعر الکبیر»؛ «معانی الشعر الصغیر»؛ «المقصور والممدود»؛ «المذکر والمؤنث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵ /۹)، اعیان الشیعه (۳۰۶ -۳۰۵ /۱۰)، ایضاح المکنون (۵۰۷، ۳۴۸، ۳۴۵، ۳۴۲، ۳۳۵، ۳۳۰، ۳۲۸، ۳۲۰، ۳۱۸، ۳۰۲، ۲۹۰، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۳، ۲۶۲، ۲۶۱ /۲، ۹۴ /۱)، تاریخ بغداد (۲۷۴ -۲۷۳ /۱۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۳۲ -۶۳۱ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۵۲۵ -۵۲۳ /۱)، الذریعه (۱۷۳ /۲)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۷۹ /۱)، رجال النجاشی (۴۲۶ -۴۲۵ /۲)، روضات الجنات (۲۰۰ -۱۹۸ /۸)، ریاض العلماء (۲۱ /۶، ۳۸۷ -۳۸۱ /۵)، ریحانه (۵۷۱ -۵۶۹ /۷)، سیر النبلاء (۱۹ -۱۶ /۱۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۳ -۲۶۰، ۱۲۲ -۱۲۱)، کشف الظنون (۲۰۰۹، ۱۴۰۶، ۱۳۵۸، ۱۳۵۵، ۵۰۷، ۲۶۴، ۱۰۸)، الکنی والالقاب (۳۱۶ - ۳۱۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌سکیت)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۹ -۸۶۸ /۶)، مجالس المؤمنین (۵۵۶ -۵۵۵ /۱)، معجم الادباء (۵۲ - ۵۰ /۲۰)، معجم رجال الحدیث (۱۳۰ -۱۲۹ /۲۰)، معجم المؤلفین (۲۴۴ -۲۴۳ /۱۳)، نامه‌ی دانشوران (۲۶۰ -۲۵۲ /۲)، وفیات الاعیان (۴۰۱ -۳۹۵ /۶)، هدیة الاحباب (۶۴ -۶۳)، هدیة العارفین (۵۳۷ -۵۳۶ /۲).

ابن‌سمکه قمی، ابوعلی احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، حکیم، ادیب و نویسنده. اهل قم و از استادان ابن‌عمید بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۸ /۱)، تاریخ قم (۲۱۷).

ابن‌شاذان، ابوعلی احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، ادیب. در دوران فرمانروایی چغری بیک و آلب ارسلان در دستگاه سلجوقیان در بلخ و شمال افغانستان به کار دیوانی مشغول بود. ابن‌شادان از ابوالعباس محمد بن احمد نقاش کلام آموخت. از شاگردان او می‌توان، ابوالمعالی ثابت بن بُندار بقّال و ابوعلی محمد بن سعد کاتب را نام برد. خواجه نظام‌الملک نیز مدتی در شهر بلخ نزد وی، که در آن زمان از طرف چغری بیک حاکم آن شهر بود، به دبیری اشتغال داشت و این یکی از دلایل اشتهار ابوعلی شد، چه از طریق او بود که خواجه نظام‌الملک به خدمت آلب ارسلان درآمد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از فردوسی تا سعدی (۲۵۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۵۳ /۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان و احمد)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (۴۷).

ابن‌شاه، ابوبکر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۶ -۳۱۳ ق)، شاعر، ادیب، صوفی و فقیه حنفی. اصل وی از خوارزم بود و خود از اهالی بخارا. ابن‌سینا از شاگردان او بود. به گفته‌ی ذهبی او از پیشگامان بود و تصانیف زیبائی داشت. از آثارش: «دیوان» اشعار، که ابن‌ماکولا آن را دیده که اکثرش به خط ابن‌سینا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۲ /۱)، ایضاح المکنون (۴۸۵ /۱)، معجم المؤلفین (۷۷ /۲).

ابن‌شاه‌مردان ابهری، عبیداللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۶۰۰ ق)، ادیب و زبان‌شناس. در «الذریعه» نام وی عبداللّه ذکر شده است. از آثار وی: «حدائق الآداب» یا «خلائق الادب»، در لغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۰ /۶)، کشف الظنون (۶۳۲)، معجم الادباء (۷۲ /۱۲)، معجم المؤلفین (۲۴۵ /۶)، هدیهٔ العارفین (۶۵۰ /۱).

ابن‌طباطبایی اصفهانی، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۲ ق)، عالم، ادیب، شاعر، و محقق. در اصفهان متولد شد. در همان جا تحصیل کرد و تا پایان عمر در همان شهر زیست، از این رو به ابن طباطبای اصفهانی شهرت یافت. گرچه در عصری می‌زیست که بازار سیاست گرم بود، اما او یکسره به کارهای علمی و ادبی و شعر و شاعری پرداخت و عمری را به آسودگی گذراند. بیشترین شهرت او از رهگذر توجه به شعر و شاعری به زبان عربی است. شعرهای او را متوسط دانسته‌اند، اما در نقد ادبی توانا بود. در شرح واقعه‌ی غدیر خم اشعاری سروده است. عبداللّه بن معتز، شاعر معروف بغدادی را بسیار دوست می‌داشت، اما هرگز با او ملاقات نکرد. برخی از آثار او: «المدخل فی معرفهٔ المعمی من الشعر»؛ «الشعر والشعرا»؛ «تهذیب الطبع»؛ «دیوان» شعر؛ «تقریظ الدفاتر»؛ «عیار الشعر». ظاهراً ابن‌خلکان در «وفیات» وجه تفاوتی میان او و احمد بن محمد بن اسماعیل الدیباج، ابن‌طباطبای مصری نیافته و به همین جهت در ضبط اشعارشان به اشتباه افتاده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۹ /۶)، اعیان الشیعه (۸۰ -۷۲ /۹)، الذریعه (۱۳۶۳ /۱۵، ۲۶ /۹، ۵۱۱، ۳۸۷ /۴)، ریحانه (۸۲ -۸۱ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۲۵)، معجم الادباء (۱۵۶ -۱۴۳ /۱۷)، معجم المؤلفین (۳۱۲ /۸)، وفیات الاعیان (۱۳۰ /۱)، الوافی بالوفیات (۸۰ -۷۹ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۶۹ -۶۸).

ابن‌طلیق، اسحاق

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم ق)، کاتب و مترجم. وی نخستین کسی بود که در خراسان نگارشها را از فارسی به عربی گزارش کرد و عربی‌نویسی را در دیوانها رواج داد. وی از بنی‌نهشل و از نزدیکان و همراهان نصر بن سیار ولایتدار خراسان و از دبیران وی بود. در ۱۲۴ ق یوسف بن عمر فرمانروای عراق به نصرنامه نوشت که در نگارش دیوانی به هیچ وجه از زرتشتیان یاری نخواهد کرد. اسحاق از آن پس فرمان یافت تا دفاتر دیوانی را از فارسی به عربی برگرداند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لغت‌نامه (ذیل/ اسحاق).

ابن‌طیفور، ابوالحسن، ابوالحسین عبیداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۱۳ ق)، ادیب و مورخ. اصل وی از مرورود خراسان بود. در بغداد متولد شد. او همچون پدر به تاریخ‌نگاری روی آورد و بر کتاب تاریخ بغداد پدرش که درباره‌ی اخبار بغداد و شرح حال پادشاهان و حوادث مربوط به آنان بود ذیلی به نام «تتمه کتاب اخبار بغداد» نوشت و تاریخ روزگار معتمد تا نیمه‌ی خلافت مقتدر را بر آن افزود. از دیگر آثار وی: «المستظرفات والمستظرفین»؛ «کتاب السکباج و فضائلها».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۳/ ۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۰۲/ ۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۴۳)، معجم المؤلفین (۲۳۶/ ۶)، هدیة العارفین (۶۴۶/ ۱).

ابن‌عبدک گرگانی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۳۴۰ ق)، مفسر، ادیب، فقیه و متکلم امامی. معروف به عبدکی. عبدک اختصار عبدالکریم است. اهل گرگان بود و پیشوای شیعیان آنجا. مدتی در نیشابور توطن کرد. از عمران بن موسی جرجانی و همطبقه او حدیث شنید. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. او سرانجام در گرگان درگذشت. از آثار وی: «التفسیر» یا «تفسیر ابن‌عبدک»؛ «شرح الجامع الصغیر» و «شرح الجامع الکبیر» محمد بن حسن شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «الاقتداء بعلی»؛ «الرد علی الاسماعیلیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۹ /۷)، اعیان الشیعه (۴۳۸ -۴۳۷ /۹)، الذریعه (۱۸۳ /۱۰ ،۲۴۴ /۴)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۲۵ /۱)، رجال النجاشی (۳۰۱ -۳۰۰ /۲)، ریحانه (۱۰۳ /۸)، الفهرست للطوسی (۳۶۸ ،۳۰۶)، کشف الظنون (۵۶۸ ،۵۶۲)، معجم رجال الحدیث (۳۳۱/ ۱۶)، معجم المؤلفین (۲۶ /۱۱).

ابن‌عُجیم فارسی، ابوالحسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۴۲۰ ق)، طبیب، ادیب و منجم. در فارسی متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و تحصیلات طبی را نزد پزشکان زمان آموخت و در همان سرزمین سالیان دراز به طبابت اشتغال ورزید. ابن‌عجیم در خدمت بهاءالدوله دیلمی مقامی بس ارجمند داشت و ابتدا در زمره‌ی اطباء مخصوص وی بود. او علاوه بر طب در ادب و کتابت نیز دستی بسزا داشت تا آنجا که امر کتابت بصره ب وی تفویض شد. از تاریخ تولد و وفات وی اطلاع دقیقی در دست نیست. زمان وفاتش در حدود زمان درگذشت ابن‌سینا است و از خلال بعضی کتب چنین برمی‌آید که تا حدود ۴۳۰ ق زنده بوده است. فیلسوف‌الدوله در «مطرح الانظار» می‌نویسد که وی کتابی در کلیات طب داشته که ظاهراً به اتمام آن توفیق نیافته است. از آثارش: «نقل اقوال حکمای قبل از اسلام در حرکت و کروی بودن زمین»؛ «جواب سؤالهای ابوریحان بیرونی درباره‌ی افلاک و ثوابت و سیارات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان نامی پارس (۲۰۶ -۲۰۵ /۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۸۹)، تاریخ طب (۶۸۸ -۶۸۷ /۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارسی (۵۷ /۱)، ریحانه (۱۰۷ /۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسین فارسی)، نامه‌ی دانشوران (۳۸۵ -۳۸۴ /۴).

ابن‌عربشاه اسفراینی، عصام‌الدین، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۸۷۳ وف ۹۴۵ -۹۴۳ ق)، ادیب و منطقی. اصل وی از سمرقند بود. در اسفراین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. نیا و پدر او قاضی اسفراین بودند. ابن‌عربشاه از شاگردان نورالدین عبدالرحمان جامی بود و در بخارا سکونت داشت. در اواخر عمر به قصد زیارت مرقد خواجه عبیداللّه احرار نقشبندی به سمرقند رفت، اما در آن شهر بیمار شد و درگذشت و در کنار بارگاه خواجه عبیداللّه دفن شد. از آثار وی: «اطول» که شرح «تلخیص المفتاح» خطیب دمشقی است و آن را در برابر «مطول» تفتازانی نوشته است؛ «بیان النسب بین القضایا»؛ «الاستعارات البدیعهٔ»؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی شمسیه‌ی» میر سید شریف جرجانی؛ حاشیه‌ی «شرح عقاید نسفیه‌ی» تفتازانی؛ حاشیه‌ی «کبرای» میر سید شریف جرجانی؛ «میزان الادب»، در صرف و نحو و بیان؛ شرح «الرسالهٔ الترشیحیهٔ»، در اقسام استعارات؛ شرح «المشائل النبویهٔ» ترمذی؛ شرح «طوالع الانوار» بیضاوی؛ شرح «الرسالهٔ العضدیهٔ»؛ «الفرید» در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۲ -۳۳۱ /۶)، ایضاح المکنون (۴۴ /۲)، ریحانه (۱۴۱ -۱۴۰ /۳)، کشف الظنون (۲۰۲۲، ۱۹۱۶، ۱۶۱۴،

۱۳۷۲ ،۱۲۵۹ ،۱۱۴۶ ،۱۱۴۴ ،۱۱۱۶ ،۱۰۶۰ ،۸۷۸ ،۸۵۳ ،۴۷۷ ،۱۹۰ ،۴۱ ،۳۹)، الکنی والالقاب (۴۶۸ /۲)، معجم المؤلفین (۱۰۲ -۱۰۱ /۱)، هدیةالاحباب (۱۹۸).

ابن‌عربشاه اسفراینی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۷ ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به عصامی و همچنین حفید یا حفید عصام. در مکه‌ی معظمه به دنیا آمد. و در همان جا نشو و نما یافت. از رجال بلاغت محسوب می‌شد. وی در زادگاه خویش منصب قضاوت داشت و سرانجام در همان شهر درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «شرح الاستعارات» جدش عصام‌الدین بر «سمرقندیه»، در بلاغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷۰ /۵)، معجم المؤلفین (۳۴ /۷)، هدیة العارفین (۷۵۱ /۱).

ابن‌عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۵۴ -۷۹۱ ق)، مورخ، ادیب، لغوی، فقیه و محدث حنفی. معروف به عربی و گاهی به عجمی. در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما کرد. در لشکرکشی تیمور، در ۸۰۳ ق به همراه او به سمرقند انتقال یافت و نزد جرجانی، جزری و بسیاری دیگر، به تحصیل علم پرداخت و زبانهای فارسی، ترکی و مغولی را فراگرفت. در مغولستان، نزد شِتِرامی حدیث آموخت. از سفرهایی به خوارزم، کریمه و ادرنه داشت و در ادرنه معتمد سلطان عثمان محمد اول شد و برای او کتابهای بسیاری به ترکی ترجمه کرد و به عنوان کاتب السر مسؤول نامه‌نگاریهای سلان به زبانهای عربی، ترکی، فارسی و مغولی شد. در ۸۲۴ ق به حلب و سال بعد به دمشق رفت و نزد دوست خود، ابوعبداللّه محمد بخاری به تحصیل حدیث پرداخت. درطی سفر حج در قاهره با ابوالمحاسن ابن‌تغری بردی و دیگران روابط دوستی ایجاد کرد. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «عجائب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور»؛ «فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء» که تقلیدی است از «مرزبان‌نامه»؛ «الترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترک والعجم»؛ «برهان الفارض بقول المعارض»؛ «العقد الفرید فی علم التوحید»؛ «عنقود النصیحة»؛ «غرة السیر فی دول الترک والتتر»؛ ترجمه «جامع الحکایات»؛ «مرآت الادب فی المعانی والبیان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۸ /۱)، ایضاح المکنون (۲۲۸ /۲ ،۱۷۸ /۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۶۳۵)، دائرةالمعارف اسلامیه (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۰۷ -۷۰۶ /۵)، الذریعه (۲۲۰ /۱۵)، ریحانه (۱۱۱ -۱۱۰ /۸)، کشف الظنون (۱۶۴۶ ، ۱۲۱۶ ،۱۱۹۸ ،۱۱۷۴ ،۱۱۵۲ ،۱۱۲۸ ،۷۱۴ ،۳۹۷)، الکنی والالقاب (۳۵۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۲۲ /۲)، هدیة العارفین (۱۳۰ /۱).

ابن‌عمید قمی، ابوالفضل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۰ ق)، شاعر، ادیب، کاتب، حکیم معتزلی، لغوی، فیلسوف و منجم. از مردم قم بود. در همان جا نزد ابن‌سمکه تلمذ کرد. و پس از پدر در دربار آل‌بویه خدمت می‌کرد. در ری وزارت وشمگیر را داشت و مدتی هم وزیر رکن‌الدوله‌ی دیلمی بود. چندی در خدمت عضدالدوله در شیراز به سر برد. صاحب بن عباد از شاگردان او بود و به دلیل مصاحبت بیش از حد با وی به صاحب شهرت یافت. در طول عمر به بیماری نقرس و قولنج دچار بود. ابن‌عمید در اغلب علوم عصر خود تبحر داشت. شعرای بسیاری او را مدح کردند از آن جمله متنبی، شاعر معروف در ارجان به خدمت او رسید و به سبب قصیده‌ای که در محدح او گفت، صله دریافت کرد. ابن‌عمید کتابخانه‌ی بزرگی حاوی صد بار کتاب در علوم مختلف داشت که خازن آن ابوعلی بن مسکویه بود. اهمیت ابن‌عمید در آن است که صنایع لفظیه را با معانی دقیق گرد آورد و در بلاغت به درجه‌ای رساند که او را تالی عبدالحمید دانستند. وی در بغداد و به قولی در همدان یا ری درگذشت. پس از وی، پسرش نیز به وزارت رکن‌الدوله رسید که به سبب حسادت به شهادت رسید. در ادب و ترسل او را «جاحظ ثانی» می‌نامیدند. از آثار او: «تاریخ ابن‌عمید»؛ «دیوان رسائل» یا «رسائل ابن‌عمید». ابن‌ندیم، کتاب «المذهب فی بلاغهٔ» را از آثار وی می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶/ ۳۲۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۹ -۶۳۸ /۱)، تاریخ گزیده (۷۹۲ ،۷۹۱ ،۴۱۷ ،۴۱۶ ،۴۱۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۴۰ -۷۳۹ /۵)، الذریعه (۲۴۱ ،۲۴۰ /۱۰ ،۲۲۴ /۳)، رساله‌ی شرح احوال و آثار ابن‌عمید، روضهٔالصفا (۵۰ /۴)، ریحانه (۱۲۸ -۱۲۵ /۸)، سیر النبلاء (۱۳۸ -۱۳۷ /۱۶)، فوائد الرضویه (۵۲۸ -۵۲۱)، مجالس المؤمنین (۴۴۵ -۴۴۳ /۲)، معجم المؤلفین (۲۵۸ -۲۵۷ /۹)، الوافی بالوفیات (۳۸۳ -۳۸۱ /۲)، وفیات الاعیان (۱۱۳ -۱۰۳ /۵)، هدیهٔ الاحباب (۷۸ -۷۷)، هدیهٔ العارفین (۲/ ۴۶).

ابن‌فارس رازی، ابوالحسن، ابوالحسین احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۹۵ /۳۷۵ -۳۲۹ ق)، ادیب، لغوی و محدث. در قزوین به دنیا آمد، سپس به همدان رفت و پس از چندی به ری مهاجرت کرد. در نحو شیوه‌ی کوفیان را اختیار کرد. بدیع الزمان همدانی و صاحب بن عباد از مشهورترین شاگردانش بودند. خطیب تبریزی، صاحب بن عباد و شیخ صدوق از وی روایت کرده‌اند. چندی در ری معلم ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی بود و همین، سبب نزدیکی بیشتر صاحب بن عباد به وی شد. در مذهب وی اختلاف نظر بسیار است، برخی او را مالکی یا شافعی و برخی دیگر او را شیعی می‌دانند؛ علت این امر را شاید بتوان در گستردگی اندیشه‌اش یافت. برخی از آثار او: «الاتباع والمُزاوجه»؛ «اختلاف النحاهٔ»؛ «اخلاق النبی»؛ «اصول الفقه»؛ «امثلهٔ الاسجاع»؛ «اللامات»؛ «انتصار لثعلب»؛ «تفسیر اسماء النبی»؛ «حلیهٔ الفقهاء»؛ «دارات العرب»؛ «دیوان» شعر؛ «ذخائر الکلمات»؛ «ذم الخطاء فی الشعر»؛ «الصاحبی»؛ کتاب «المجمل»؛ در لغت؛ «النیروز».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۴ /۱)، اعیان الشیعه (۶۳ -۶۰ /۳)، ایضاح المکنون (۴۲۱ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۵۴ -۷۵۱ /۵)، الذریعه (۴۳۵ /۲۴، ۱۶ -۱۵ /۲۲، ۲۹۶ /۲۶۹، ۲۱، ۱۸ /۲۹۶، ۱۶ /۹، ۵ /۳۴۸، ۳۴۷ -۲ /۳۶۱، ۸۱ /۱)، روضات الجنات (۲۴۴ -۲۴۲ /۱)، ریحانه (۱۳۵ -۱۳۴ /۸)، سیر النبلاء (۱۰۶ -۱۰۳ /۱۷)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۶۷ -۶۵)، معجم الادباء (۹۸ -۸۰ /۴)، معجم المؤلفین (۴۱ -۴۰ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۷۲ -۶۵ /۶)، الوافی بالوفیات (۲۸۰ -۲۷۸ /۷)، وفیات الاعیان (۱۲۰ -۱۱۸ /۱)، هدیهٔ العارفین (۶۹ -۶۸ /۱).

ابن‌فتی، ابوعبداللّه سلمان، سلیمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۳ ق)، لغوی، نحوی و مفسر. متولد نهروان بود. یاقوت حموی گوید که نشو و نمای او در ری بوده است. وی در بغداد نحو را نزد ثمانینی و لغت را نزد حسن بن دهّان و حدیث را از قاضی ابوطیّب طبری فراگرفت، و به شهرهای عراق سفر کرد و به تعلیم پرداخت. سرانجام در اصفهان مقیم شد و در همان جا درگذشت. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الایضاح» ابوعلی فارسی، در نحو؛ «شرح دیوان المتنبی»؛ «شرح الامالی»؛ «علل القراآت»؛ «القانون»، در زبان شناسی، ده مجلد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۹ /۳)، روضات الجنات (۸۴ -۸۲ /۴)، ریحانه (۱۳۸ -۱۳۷ /۸)، کشف الظنون (۱۳۱۳، ۱۱۶۰، ۸۱۲، ۴۴۶، ۲۱۲، ۱۶۳)، معجم الادباء (۲۵۳ -۲۵۱ /۱۱)، معجم المؤلفین (۲۳۹ /۴)، الوافی بالوفیات (۳۱۳ -۳۱۱ /۱۵).

ابن‌فقیه همدانی، ابوبکر، ابوعبداللّه احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۴۰ ق)، جغرافیدان و ادیب. از مردم همدان بود. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. برخی از جغرافی‌نویسان مسلمان در آثار خود از او یاد می‌کنند و با نسبت دادن تألیفاتی مرکب از پنج کتاب به وی، بر آثار او خرده می‌گیرند و او را به نداشتن دقت متهم می‌سازد. از آثارش: «البلدان»؛ «مختصر البلدان».[۱]

ابوبکر شهاب‌الدین احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. از جعرافی‌دانان مشهور بود. وی در سال ۲۹۰ ه.ق. کتاب البلدان را تألیف کرد. این کتاب به گفته ابن‌الندیم نزدیک هزار ورق است که بیشتر آن را ابن فقیه از جیهانی گرفته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احسن التقّاسیم (۷ -۶ /۱)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۳۸ /۱)، ریحانه (۱۴۱ -۱۴۰ /۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵ و ۷۶۷ -۷۶۶ /۶)، مقدمه بر تاریخ علم (۷۳۴ /۱).

ابن‌فورجه بروجردی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۵ –۳۳۰ ق)، ادیب، شاعر، مؤلف و محقق. اهل نهاوند بود. برخی منابع، وی را از مردم اصفهان می‌دانند. در بغداد از محضر سید مرتضی بهره برد و مناظراتی نیز با وی داشت، از ابوالعلاء معری بهره جست و در ری اقامت گزید و صدارت و ریاست علمی داشت. گویند بیش از یک صد و سی و دو سال عمر کرد. در سال تولد و وفات وی اختلاف است. ابن‌فورجه در نظم و نثر مبرّز بوده است. از آثار وی: «التجنی علی بن جنی»؛ «الفتح علی ابن الفتح»، که هر دو اثر در رد ابن‌جنی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۱ /۶)، تاریخ بروجرد (۴۸ –۴۲ /۲)، دائرۀالمعارف البستانی (۶۴۱ /۱)، ریحانه (۱۴۲ –۱۴۱ /۸)، معجم الادباء (۱۸۸ /۱۸)، معجم المؤلفین (۲۶۹ /۹)، الوافی بالوفیات (۲۵ –۲۴ /۳).

ابن‌قتلمش، ابومنصور محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۲۰ –۵۴۳ /۵۴۲ ق)، ادیب، نحوی، شاعر و ریاضیدان. از امیرزادگان سمرقند بود ولی در بغداد به دنیا آمد. در ریاضی و در حل مشکلات هندسه‌ی اقلیدسی تبحر داشت. گویند شوق بسیار به قمار داشت و مدتی حاجب خلیفه بود. در بغداد درگذشت و درشونیزیه دفن شد. اشعار پراکنده‌ای از وی در تذکره‌ها به جا مانده است. از آثارش: «التبر المسبوک والوشی المحبوک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دائرۀالمعارف البستانی (۶۴۵ –۶۴۴ /۱)، ریحانه (۱۵۹ /۸)، معجم الادباء (۲۰۶ –۲۰۵ /۱۸)، معجم المؤلفین (۵۲ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۲۷ –۱۲۵ /۳).

ابن‌قتیبه‌ی دینوری، ابومحمد عبداللّه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۷۶ –۲۱۳ ق)، فرهنگ‌نویس، زبان‌شناس، نویسنده، محدث و مفسر. از مردم مرو بود. نزد استادانی چون اسحاق بن راهویه، ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی و عباس بن فرج ریاشی درس خواند. بیشترین تأثیر را از ابن‌مقفع و ارسطو پذیرفت. آثار جاحظ را خوب می‌شناخت. شکوفایی او با جنبش سنت‌گرایی متوکل همزمان بود. وی توانست با پاره‌ای از نوشته‌های خود از اصلاحات متوکل پشتیبانی کند، و در اندک زمانی سخنگوی این مذهب شود. در ۲۳۶ ق قاضی دینور شد و بعد از آن همین سمت را در بصره داشت تا زنگیان، شهر را تاراج کردند. ابن‌قتیبه پس از آن تمام همّ خود را بر سر تدریس گذاشت. وی علاوه بر پایگاه بلندی که در میان اهل سنت داشت، پایه‌گذار مکتب زبان‌شناسی بغداد بود که مکتبی آمیخته از مکاتب نحوی کوفه و بصره به شمار می‌رفت. وی سومین نثرنویس بزرگ عرب پس از ابن‌مقفع و جاحظ است. آوازه‌ی او در عرب به خاطر توانایی وی در نگارش آثار

ادبی است که گونه‌ای انسان‌گرایی را در جریانهای فکری آن زمان نشان می‌دهد. پسرش، احمد، و قاسم بن اصنع و عبدالرحمان شکری از شاگردان او بودند. آثار او تا مصر نیز رفت. از آثارش: «ادب الکاتب»، کتابی واژگانی است برای دبیران که پیشگفتار پرآوازه‌ی آن بیانیه‌ای فرنگی- سیاسی است؛ «کتاب الانواء» درباره‌ی گاهنامه اخترشناسی با اطلاعاتی درباره‌ی برجهای دوازده‌گانه، کهکشان راه شیری و پیکره‌های آسمانی که تمام متن کتاب باقی مانده است؛ «المعارف»، در شناخت و شرح رجال؛ «الشعر والشعراء» برگزیده‌ی شعر عرب به ترتیب زمان حیات شاعران که پیشگفتار آن بیانیه‌ی مکتب نئوکلاسیک شمرده می‌شود؛ «تفسیر غریب قرآن»، تفسیر واژگانی بر آیه‌های دشوار؛ «تأویل مختلف الحدیث»، بزرگ‌ترین اثر کلامی ابن‌قتیبه که در آن شرح اندیشه‌های دینی و سیاسی و باورهای وی آمده است؛ «تأویل القرآن»، در معانی و بیان و اعجاز قرآن؛ «عیون الاخبار»، مجموعه‌ی بزرگ ادبی؛ «غریب الحدیث»، شرحی لغوی بر حدیث از پیامبر (ص) تا معاویه؛ «اعلام النبوة»؛ «الامامة والسیاسة»؛ «جامع النحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۰ /۴)، ایضاح المکنون (۵۰۶، ۱۴۶، ۱۳۴ /۲، ۳۵۶ /۱)، تاریخ مشاهیر کرد (۷ /۱)، تاریخ بغداد (۱۷۰ /۱۰)، دائرةالمعارف البستانی (۶۴۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۸۱ -۷۷۵ /۶)، روضات الجنات (۱۰۳ -۱۰۰ /۵)، ریحانه (۱۵۲ /۸)، سیر النبلاء (۲۹۷ -۲۹۶ /۱۲/۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۰)، کشف الظنون (۱۷۲۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۴، ۱۴۱۵، ۱۳۹۹، ۱۳۹۲، ۱۲۰۴، ۱۱۸۴، ۱۱۰۲، ۸۰۷، ۷۶۰، ۷۲۲، ۶۰۹، ۵۷۵، ۴۶۳، ۳۳۵، ۱۰۸، ۴۷، ۳۲)، الکنی والالقاب (۳۸۷ -۳۸۳ /۱)، لسان المیزان (۱۶۱ -۱۵۸ /۴)، معجم المؤلفین (۴۰۲ /۱۳، ۱۵۰ /۶)، وفیات الاعیان (۴۳ -۴۲ /۳)، هدیة العارفین (۴۴۲ -۴۴۱ /۱).

ابن‌مبارک، ابوعثمان سعدان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۲۰ ق)، ادیب، نحوی و محدث. وی برده و از اسیرانی بود که در طخارستان به دست مسلمانان افتاد. ابن‌مبارک نابینا بود و در نحو از مکتب کوفیان پیروی می‌کرد. از ابوعبید معمر بن مثنی روایت می‌کرده و ابن‌دینا هاشمی نیز از او روایت کرده است. از آثار وی: «خلق الانسان»؛ «کتاب الوحوش»؛ «الارض والمیاه والبحار والجبال»؛ «النقائص والامثال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۰ /۳)، تاریخ بغداد (۲۰۳ /۹)، ریحانه (۱۸۹ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۱۹)، معجم الادباء (۱۹۰ -۱۸۹ /۱۱)، معجم المؤلفین (۲۱۴ /۴).

ابن‌مجاور شیرازی، نجم‌الدین ابوالفتح یوسف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۱ ق)، ادیب و شاعر. پدر وی از صوفیان شیراز بود که در دمشق خانقاه بنا کرده بود. یوسف در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و در همان شهر مکتب خانه‌ای بنا کرد و به تعلیم پرداخت. صلاح‌الدین او را به عنوان مربی پسرش برگزید و پس از آن هم مدتی وزارت مصر را عهده‌دار بود. وی در سرودن شعر نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲-۳۰۱ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۱ /۶)، دائرۀالمعارف البستانی (۶۷۶ /۱).

ابن‌مجاور، جمال‌الدین، نجم‌الدین، ابوالفتح یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۰-۶۰۱ ق)، مورخ، محدث و کاتب ایرانی‌تبار. از کندی و ابن‌مندویه حدیث شنید. بنا به علت نامعلومی به هند رفت و از آنجا به عدن. سه بار به زبید سفر کرد. در سال ۶۲۱ ق در مکه بود و از آنجا به جده رفت. در غلافقه، یکی از شهرهای یمن، مدتی مقیم شد. ابن مجاور با جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی شهرها، قبایل غرب و جنوب عربستان کتاب مشهور خود «تاریخ المستبصر/ مستنصر» را نوشت. ارزش این کتاب بیشتر به لحاظ معرفی جغرافیایی و اجتماعی عربستان آن زمان است. راه‌شناسی کتاب نیز بسیار مفید است و مسافتها به فرسنگ نوشته شده. ابن‌مجاور توصیف جغرافیایی خود را از مدینه شروع کرده و اطلاعاتی که وی درباره‌ی قلهات، مسقط و صحار در خلیج عمان به دست می‌دهد از دیگر جغرافیدانان عرب پربارتر است. در این کتاب از خلیج فارس و جزیره‌ی کیش (قیس) نیز سخن رفته است. گزارش او درباره‌ی فرق اسلامی، آداب زناشویی، برده‌داری، لباس، اوزان و مقیاسها، سکه‌ها، کشاورزی، دریانوردی و حقوق گمرکی بسیار دقیق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۱ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۱-۸۲۹ /۶)، معجم المؤلفین (۳۴۵ /۱۳).

ابن‌مدبر، ابوالحسن احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۰ ق)، کاتب و شاعر. در روزگار خلافت واثق عباسی سرپرست دیوان سپاه و از دولتمردان بود. در سالهای نخست خلافت متوکل سرپرستی هفت دیوان را داشت. متوکل اشعار او را می‌پسندید و آنها را ارج می‌نهاد. نفوذ ابن‌مدبر در دربار باعث بدگمانی وزیر خلیفه عبیداللّه بن خاقان شد و گویا ابن‌مدبر و برادرش به زندان افتادند. اما پس از چندی کارگزار خراج دمشق و اردن شد و به دمشق رهسپار شد. پس از آن وی کارگزار مصر شد و به علت مالیاتهای تازه که وضع کرده بود از منفورترین کارگزاران خراج شد. وی با ابن‌طولون کشمکشهایی پیدا کرد که درگیری آنها به سامرا نیز کشید و احمد بن طولون ابن‌مدبر را به زندان افکند و دارایی وی را مصادره کرد. برخی منابع گفته‌اند به اشاره ابن‌طولون در زندان کشته شد و برخی دیگر می‌گویند در ۲۵۸ ق آزاد شد و پیشکار دارایی شام و اردن و فلسطین شد و به دمشق رفت. ابن‌طولون که دمشق را تسخیر کرد بار دیگر ابن‌مدبر را بازداشت نمود و به پرداخت ۶۰۰ هزار درهم محکوم کرد. وی را به مصر بردند و در آنجا تا پایان عمر زندانی بود. وی هر کسی که شعرش را می‌پسندید صله می‌داد و به هر کسی که شعرش را نمی‌پذیرفت دستور می‌داد ۱۰۰ رکعت نماز بخواند. از آثارش: کتاب «المجالسه والمذاکره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :دانشـنامه‌ی ایران و اسـلام (۸۳۳ /۶)، ریحـانه (۱۹۸ -۱۹۷ /۸)، سـیر النبلاء (۱۲۶ -۱۲۵ /۱۳)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۰۳)، الکنی والالقاب (۴۰۴ /۱)، معجم‌الادباء (۲۲۸ /۱)، الوافی بالوفیات (۴۰۳۸ /۸)، وفیات الاعیان (۵۷ -۵۶ /۷).

ابن‌مراغی همدانی، ابوالفتح محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۱ ق)، ادیب، نحوی و محدث شیعی. در بغداد ساکن شد و از ابن‌قتیبه حدیث شنید. آموزگار عزالدوله بویهی بود. ابوالحسین محاملی از وی روایت می‌کرد. حافظه‌ای نیکو داشت و در نحو و لغت زبانزد بغدادیان بود. برخی وی را منسوب به قبیله هَمْدان و گروهی او را همدانی دانسته‌اند. از آثارش: «استدراک لما اغفلهٔ الخلیل»؛ «البهجهٔ»، نظیر کتاب «الکامل للمبرد»؛ «مختار الاخبار»؛ «کتاب الخلیلی فی الامامهٔ»؛ «ذکر المجاز فی القرآن»؛ «اسماء البلدان»، و جلد دوم آن به نام «اخبار البلدان»؛ «کتاب الجزء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۸ /۶)، اعیان الشیعه (۲۰۱ /۹)، ایضاح المکنون (۴۴۷، ۲۹۳ /۲)، تاریخ بغداد (۱۵۴ -۱۵۲ /۲)، الذریعه (۱۶۹ /۲۰، ۱۵۹ /۳، ۶۵، ۲۳ -۲۲ /۲)، رجال النجاشی (۳۱۹ -۳۱۸ /۲)، ریحانه (۱۹۹ /۸ -۲۷۹ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۸ /۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۴۴)، کشف الظنون (۸۷، ۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌مراغی)، معجم الادباء (۱۰۳ -۱۰۱ /۱۸)، معجم رجال الحدیث (۱۶۰ -۱۵۹ /۱۵)، معجم المؤلفین (۱۵۷ /۹)، هدیهٔ العارفین (۵۰ /۲).

ابن‌مردان، ابوموسی عیسی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، نحوی. وی از یاران فرّاء نحوی بود. از آثار او: «القیاس علی اصول النحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۰۰ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۱۹ -۱۱۸)، کشف الظنون (۱۳۶۶).

ابن‌مرزبان، ابونصر سهل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۲۰ ق)، ادیب و شاعر. از مردم اصفهان بود که در قاین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در نیشابور مسکن گزید و چند بار در جستجوی کتاب به بغداد سفر کرد و کتابهایی نفیس گرد آورد. ابن‌مرزبان معاصر ثعالبی بود و با او مکاتبه داشت. از آثار وی: «اخبار ابی‌العیناء»؛ «اخبار ابن‌الرومی»؛ «اخبار جحظهٔ البرمکی»؛ «الآداب فی الطعام والشراب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰ /۳)، معجم المؤلفین (۲۸۶ /۴).

ابن‌مسکویه، ابوعلی، ابوعبدالله احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۱ ق)، فیلسوف ادیب، نویسنده، و منشی آل‌بویه. ملقب به خازن. در خانواده‌ای زردشتی در ری متولد شد. در فن دبیری چندان مهارت داشت که به عنوان کاتب و ندیم به خدمت ابومحمد حسن مهلبی، وزیر امیر معزالدوله‌ی دیلمی درآمد و تا زمان مرگ با وی بود. مدت هفت سال نیز در خدمت ابن‌عمید در دربار رکن‌الدوله در ری بود و سمت کتابداری و نگاهداری اسناد و مدارک را داشت. در ۳۵۵ ق که غازیان آشوبگر خراسان بر سر راه خود به روم شرقی از ری می‌گذشتند، کتابخانه‌ی عظیم ابن‌عمید را از غارت و ویرانی مصون داشت. پس از عزل ابوالفتح ابن‌عمید، همکاری با دستگاه صاحب بن عباد را نپذیرفت. چه خود را همپایه‌ی وی می‌دانست و مستقیماً به خدمت یکی از فرمانروایان آل‌بویه درآمد. پس از مرگ عضدالدوله به خدمت پسرش، صمصام‌الدوله رسید. از معاصران بوعلی سینا بود و با ابوحیان توحیدی و بدیع‌الزمان همدانی مکاتبه داشت. از احوال ابن‌مسکویه پس از اعدام ابن‌سعدان، وزیر صمصام‌الدوله (۳۷۵ ق)، اطلاع چندانی در دست نیست. ابن‌مسکویه چهره‌ی برجسته‌ای در حیات عقلی و فرهنگی زمان خود بود. در رشته‌های گوناگون تاریخ، علم کلام، فلسفه و پزشکی تبحر داشت. به کیمیاگری و علوم غریبه سخت علاقه‌مند بود. برداشت وی از دین بیشتر فلسفی و تا حدی عقلانی بود. رنگ فلسفی آثار ابن‌مسکویه سبب شده است که شیعیان بیش از اهل تسنن آنها را بپذیرند. خود وی مانند فارابی و اخوان الصفا از معتقدان به تشیع فلسفی بود. از دیگر علوم مورد علاقه‌ی وی پزشکی بود و بسیار محتمل است که دو کتاب داروشناسی که ابن‌قفطی در «تاریخ الحکماء» از وی نام برده است برای عضدالدوله تألیف کرده باشد. از آثار مهم او «تجارب الامم و عواقب الهمم» در تاریخ است از آغاز تا مرگ عضدالدوله ۳۷۲ ق. از دیگر آثار بزرگ وی: «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق»، در فلسفه اخلاق است. هدف از تألیف این کتاب آن بوده است که برای دانشجویان فلسفه و اخلاق، کتابی ساده و روان مشتمل بر بیان اصول فلسفه فراهم آورد. پس از آن کتب زیادی را به این سبک نوشتند از آن جمله، «اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی که ترجمه و تألیفی از آن کتاب؛ کتاب «حکمهٔ الخالده»، ترجمه‌ی کتاب «جاویدان خرد»، که یکی از نسخه‌های آن عنوان «کتاب آداب العرب والفرس» دارد.[۱]

(مسکویه معر.) ابوعلی خازن احمد بن محمد بن یعقوب (ف. ۴۲۱ ه.ق.) بنا به نقل مورخان و یا پدر او در آغاز امر زردشتی بود و سپس اسلام آورد. ابوعلی نخست در خدمت ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله (ف. ۳۵۲) به سر می‌برد و بعد از آن نزد ابن‌العمید رفت و خازن کتب او بود. پس از وفات ابن‌العمید چندی در خدمت عضدالدله دیلمی و صمصام‌الدوله گذراند. ابو علی به علوم اوایل معرفت بسیار داشت و از آن جمله به فلسفه و طب و کیمیا بیش از همه مایل بود. وی از نویسندگان و مورخان مشهور اسلامی محسوب می‌شود. از جمله آثار فسلفی او که در دست است کتب ذیل را نام می‌بریم: الطهارهٔ فی علم الاخلاق، کتاب فی جواب المسائل الثلاث (در سه مسأله: اول در اثبات صانع، دوم در نفس و احوال آن، سوم در نبوات)، تهذیب الاخلاق، آداب العرب و الفرس (ه.م.)، جاویدان خرد، کتاب العادهٔ تجارب الامم (ه.م.) ابن مسکویه در ما بعدالطبیعه سه مسأله اثبات وجود صانع و نفس و نبوت را با روش تازه‌ای مورد مطالعه قرار داده است.

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه (ف. ۴۲۱ ه.ق) از بزرگان فلاسفه و حکما و مشاهیر دانشمندان اسلامی است. در لغت، منطق، فنون شعر، ریاضیات، فلسفه و حکمت استاد بود، به خدمت عضدالدوله رسید و سمت ندیم و خازنی او را یافت. تألیفات

بسیاری دارد که از آن جمله است «تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم» و «تهذیب‌الاخلاق و تطهیرالاعراق» و کتاب «جاویدان خرد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۵ -۲۰۴ /۱)، اعیان الشیعه (۱۷۲ -۱۵۸ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۲ -۳۰۰ /۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۹۵ -۱۷۳)، تاریخ فلسفه در اسلام (۶۸۲ -۶۶۵ /۱)، تازیخ گزیده (۶۸۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۵۴ -۸۵۲ /۶)، دایرةالمعارف فارسی (۳۴ /۱)، الذّریعه (۶۶ /۴، ۱۰۵ /۲، ۳۸۷ /۱)، روضات الجنات (۲۶۶ -۲۶۴ /۱)، ری باستان (۲۸۷، ۲۸۶ /۲)، ریحانه (۲۰۸ -۲۰۶ /۸)، کشف الظنون (۱۹۳۷، ۱۴۳۶، ۱۳۰۳، ۵۱۴، ۴۳)، الکنی والالقاب (۴۰۹ -۴۰۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۷ -۳۳۶ /۱)، مجالس المؤمنین (۱۹۰ -۱۸۹ /۲)، معجم الادباء (۱۹ -۵ /۵)، معجم المؤلفین (۱۶۹ -۱۶۸ /۲)، هدیة العارفین (۷۳ /۱).

ابن‌مظفر شیرازی، سعدالدین، ابوالیمن اسعد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۷۰ ق)، واعظ و ادیب. پسر مهتر مظفر بود. به مدد حافظه‌ی توانا بسیاری از کتابها و آیات و احادیث و احکام را در خاطر داشت و آنها را درس می‌داد، و در مسجد عتیق و مسجد بغدادی وعظ می‌کرد. در وعظ بسیار خوش‌بیان بود. هنوز جوان بود که در پی‌ریزش سقف خانه‌اش در زیر آوار از پای درآمد. وی پیش از پدر وفات کرد. و در مقبره خانوادگی دفن شد. پدرش در سوک او بسی ابیات سرود که تمامی حاکی از سوزش و احتراق بود. در «شیرازنامه» این مشخصات با سعدالدین محمد انطباق داده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۳ -۲۴۲، ۲۵)، شیرازنامه (۱۷۹).

ابن‌مظفر شیرازی، نجم‌الدین، ابوالفتح محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۰ ق)، زاهد، واعظ و نساخ. نزد شهاب‌الدین زنجانی و نورالدین خراسانی درس خواند. زبان‌آور بود و در رباط ضیائیه و گاه مسجد عتیق وعظ می‌کرد. در حفظ قرآن و ضبط وجوه قراآت و بیان متشابهات نیز دست داشت. از طریقه‌ی پدر و عم خود پیروی کرد و به انزوا گرایید و به در خانه حاکمی نرفت. وی در مقبره‌ی پدرانش مدفون است. معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شدالازار» پسر او بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان نامی پارس (۳۹۷ -۳۹۶)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۵۴ -۲۵۱، ۱۶).

ابن‌معروف، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، ادیب و فرهنگ نویس. وی مؤلف فرهنگی است به نام «کنزاللغات» یا «کنز اللغه» که این کتاب را به نام سلطان محمد کارکیا و پسرش کارکیا میرزا علی تدوین کرد. این کتاب از بدو تألیف مورد استفاده‌ی طالبان علم بود. مؤلف در گردآوری این کتاب از قرآن و اکثر کتابهای لغت عربی و تفسیر، حدیث فقه و طب بهره برده است. وی در آغاز هر باب به ذکر مصادر مبادرت کرده و از بیان مشتقات آنها خودداری کرده و بعد از ذکر مصادر به لغات غیر مشتقه پرداخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۰ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۲ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۰)، الذریعه (۱۶۴ /۱۸)، ریحانه (۲۱۴ /۸)، کشف الظنون (۱۵۱۸).

ابن‌مقفع، عبدالله

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲- ح ۱۳۹ ق)، مترجم و عالم. وی یکی از نخستین مترجمان آثار ادبی تمدنهای هند و ایرانی به زبان عربی و یکی از آفرینندگان نثر ادبی عربی است. در خاندانی نجیب‌زاده در جور فارس، فیروزآباد کنونی، متولد شد. پدرش، دادویه که با نام اسلامی مبارک، معروف بود در زمان حجاج تحصیلدار مالیات بود و چون به جرم اختلاس شکنجه شد، وی را به تمسخر مقفع خواندند. عبدالله نام اسلامی روزبه بود. در آغاز در کرمان منشی حکام و صاحب منصبان اموی بود. در آنجا ثروتی هنگفت به دست آورد. پس از آن به خدمت عیسی بن علی، عموی منصور، خلیفه‌ی عباسی، درآمد. بهترین سالهای عمر وی در کوفه و بصره طی شد. در محفل ادیبان و ظریفان رفت و آمد داشت. مرگ وی عللی سیاسی داشت. ابن‌مقفع با دست بردن در متن دستخط امان نامه‌ی منصور خلیفه سبب برآشفتگی و بدگمانی خلیفه در حق خود شد. خلیفه فرمان داد تا دست کاتب گستاخ را قطع کنند. حاکم بصره که از مدتها پیش کینه‌ی وی را در دل داشت از این پیشامد برای گرفتن انتقام شدید بهره برد و ابن‌مقفع را زیر شکنجه‌های سهمناک به قتل رساند. ابن‌مقفع، با وجود کمی عمر خود آثار گرانبهایی را تألیف و ترجمه کرد، از آن جمله‌اند: ترجمه‌ی «کلیله و دمنه»، که قدیمی‌ترین ترجمه از این اثر هندی است؛ «ادب الصغیر» و «ادب الکبیر»؛ «الیتیمهٔ»؛ «خدای نامه» که ترجمه‌ای است از «آیین نامه‌ی» عهد ساسانیان؛ «کتاب مزدک»؛ «کتاب التاج».[۱]

عبدالله روزبه (مقت. ۱۴۲ یا ۱۴۳ یا ۱۴۵ ه.ق.) اصل وی از فارس است و او در آغاز کاتب عیسی بن علی بود و یکی از ناقلان بزرگ کتب از فارسی به عربی است. از تألیفات اوست: التاج در سیرت انوشروان، آیین‌نامه، کلیله و دمنه، الیتیمهٔ (در رسائل). ابن مقفع به تحریک سفیان بن معاویه و موافقت منصور خلیفه در ۳۶ سالگی کشته شده و در کیفیت مرگ او روایات مختلف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۸۴ -۲۸۳ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷ -۱۸۵)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۵۲ -۳۴۶، ۳۳۸ - ۳۲۹)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۰۷ -۳۰۶)، تاریخ گزیده (۶۸۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۶۸ -۸۶۴ /۶)، دائرةالمعارف اسلامی (۱۶۷۴ /۲)، روضات الجنات (۲۱۹ /۳)، ریحانه (۲۲۶ -۲۲۲ /۸)، سیر النبلاء (۲۰۹ -۲۰۸ /۶)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۹۶ -

۱۹۵)، کشف الظنون (۷۴۵، ۲۱۷)، الکنی والالقاب (۴۲۵ -۴۲۱ /۱)، لسان المیزان (۱۷۵ -۱۷۳ /۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌المقفع)، معجم المؤلفین (۴۰۲ /۱۳، ۱۵۶ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰۱ -۹۹۹ /۳)، الوافی بالوفیات (۶۳۹ -۶۳۳ /۱۷)، وفیات الاعیان (۱۵۵ - ۱۵۱ /۲)، هدیهٔ العارفین (۴۳۸ /۱).

ابن‌منتجب مروزی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، کاتب، ادیب و شاعر. از مردم مرو بود. پدرش محمد نیز ادیب و شاعری فاضل بود و خطی نیکو داشت و لقب منتجب‌الملک داشت و زمخشری وی را مدح و مرثیه گفته بود. وی به عراق سفر کرد و شهرهای این سرزمین را سیاحت کرد. در مرو از ابوعلی اسماعیل بن احمد بن حسین بیهقی حدیث شنید. سرانجام در یورش خوارزمشاهیان به مرو کشته شد. از آثار وی: «تعلهٔ المشتاق الی ساکنی العراق».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۹ /۵)، ایضاح المکنون (۲۹۷ /۱)، معجم الادباء (۶۱ -۵۸ /۱۵)، معجم المؤلفین (۱۸۳ /۷).

ابن‌منجّم، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۲ -۲۷۷ /۲۷۶ ق)، ادیب، شاعر، منجم، متکلم و نسب‌شناس. وی در بغداد متولد شد. با صاحب بن عباد نیز مدتی معاشر بود.، ندیمی گروهی از خلفاء را کرد گویا به وزارت نیز رسید. از آثارش؛ کتاب «القوافی»؛ فضائل «شهر رمضان»؛ «الرّد علی الخلیل»، در عروض؛ کتاب «النیروز النوروز والمهرجان»؛ «الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء» و «اللفظ المحیط بنقض مالفظ به اللقیط»، در معارضه‌ی کتاب «الفرق والمعیار» ابوالفرج اصفهانی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۳ /۵)، ریحانه (۲۶۷ /۸، ۳۶۹ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۳۸)، کشف الظنون (۱۵۵۹، ۱۴۶۸ ، ۱۲۵۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۱۲۰ -۱۱۲ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۶ /۷)، وفیات الاعیان (۳۷۶ -۳۷۵ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۸۰ /۱).

ابن‌منجّم، ابوعبداللّه هارون

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۸ -۲۵۱ ق)، ادیب، اخباری و شاعر. معروف به ابن ابی‌منصور منجم. وی در بغداد متولد شد. با ادیبان و خلفای هم روزگارش

مجالست داشت. در جوانی در شهر بغداد درگذشت. از آثارش. «البارع»، در اخبار شعراء مولدین؛ «المختار»، در اغانی؛ کتاب «النساء و ماجاء فیهن من الخبر و محاسن ماقیل فیهن من الشعر والکلام الحسن» یا «اخبار النساء»؛ «اختیار الشعراء کبیر»، که ناتمام ماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۳ -۴۲ /۹)، ریحانه (۳۶۸ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۳۸)، کشف الظنون (۲۱۷)، الکنی والالقاب (۲۱۰ /۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعبداللّه). سیر النبلاء (۴۰۵ -۴۰۴ /۱۳)، معجم الادباء (۲۶۳ -۲۶۲ /۱۹)، معجم المولفین (۱۲۹ /۱۳)، وفیات الاعیان (۷۹ -۷۸ /۶)، هدیه العارفین (۵۰۳ /۲).

ابن‌مهریزد اصفهانی، ابومسلم محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۹ /۴۵۷ -۳۶۶ ق)، ادیب، مفسر و محدث معتزلی. معروف به ابومسلم اصفهانی. وی محدث اصفهانی و از بزرگان معتزله‌ی عصر خویش است. ابومسلم آشنای به عربیت و به گفته یحیی بن منده آشنای به نحو بود. او از شاگردان ابوبکر بن مُقْری بود و سعید بن ابی‌رجاء صیرفی و حسین خلّال و محمد بن حَمد کبریتی از وی روایت کرده‌اند. او شیخ و استاد اسماعیل بن علی حمامی است. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «جامع التأویل لمحکم التنزیل» یا «تفسیر قرآن»، تفسیر بزرگی در بیست مجلد؛ «جامع الرسائل»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۳ /۷)، سیر النبلاء (۱۴۷ -۱۴۶ /۱۸)، لسان المیزان (۳۷۴ -۳۷۳ /۶)، معجم المؤلفین (۵۰ -۴۹ /۱۱)، میزان الاعتدال (۶۵۵ /۳)، الوافی بالوفیات (۱۳۱ -۱۳۰ /۴)، هدیهٔ العارفین (۷۱ /۲).

ابن‌هارون توزی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۰۳ ق)، ادیب و نحوی. نسبت وی به توز، شهری نزدیک اهواز، می‌رسد. نخست برده‌ی قریشیان بود. شاگرد اصمعی بود و «الکتاب» سیبویه رانزد ابوعمر جرمی خواند از آثارش «کتاب الاضداد»؛ «کتاب الامثال»؛ «کتاب الخیل»؛ «کتاب فعلت و افعلت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۹۴، ۱۷۳ /۲، ۹۴ /۱)، روضات الجنات (۳ /۶)، ریحانه (۲۶۷ -۲۶۶ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۹۹ -۹۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ثوری)، معجم المؤلفین (۱۴۳ /۶).

ابن‌هارون دشت میشانی، ابوعمرو سهل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۵ ق)، حکیم، شاعر، نحوی و لغوی. معروف به بزرگمهر اسلام. وی از مردم دشت میشان بود که به بصره نقل مکان کرد و در آنجا شهره گشت. و به خدمت هارون‌الرشید درآمد و تا آنجا اوج گرفت که به جای یحیی برمکی برگزیده شد. او همچنین از خادمان خاص مأمون گردید و متصدی خزانهٔالحکمهٔ و کتابدار مأمون شد. ابن‌هارون از شعوبیان بود و عجم را بر عرب برتری می‌داد. و در این باره کتابها و رسایل مختلفی نگاشته است. جاحظ شیفته اوست و در وصفش گوید که او خطیب، شاعر و نویسنده قطعات بلند و کوتاه و کتب بزرگ است. گویند که وی بخیل و خسیس بود، به طوری که رساله‌ای در «بخل» نوشت و در آن خساست و بخل را ستود، و آن را به نام حسن بن سهل وزیر کرد. از جمله آثارش: کتاب «ادب اسل بن اسل»؛ کتاب «اسباسیوس فی اتحاد الاخوان»؛ «تدبیر الملک والسیاسهٔ»؛ کتاب «دیوان الرسائل»؛ «ثعلهٔ و عفراء»، که بر اساس «کلیله و دمنه» برای مأمون نوشت؛ «المسائل»؛ «ندود و ودود و لدود»؛ «النّمر والثعلب»؛ «الوامق والعذراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۱ /۳)، اعیان الشیعه (۳۲۳ /۷)، ایضاح المکنون (۴۱ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷ /۱)، ریحانه (۲۶۶ /۸)، الفهرست لابن‌الندیم (۱۷۴)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم الادباء (۲۶۷ –۲۶۶ /۱)، معجم المؤلفین (۲۸۶ /۴).

ابن‌هارون عسکری، ابوالحسین احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۶۹ ق)، نحوی و لغوی. از مردم شهر عسکر مکرم خوزستان بود. از آثار او: «شرح التلقین فی النحو لابن‌جنی» که آن را در ۳۶۹ ق به پایان برد؛ «شرح العیون»؛ «شرح المجاری»؛ «شرح مختصر ابن‌اسماعیل مبرمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :روضات الجنات (۲۴۲ –۲۴۱ /۱)، ریحانه (۲۶۶ /۸)، کشف الظنون (۴۸۱)، معجم الادباء (۲۳۲ –۲۳۱ /۴)، معجم المؤلفین (۱۲۴ /۲).

ابن‌هندو، ابوالفرج علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۰ /۴۱۰ ق)، ادیب، شاعر، طبیب و منجم. از مردم ری بود. در نیشابور تحصیل کرد و هم در آنجا با دانش یونانی آشنا شد. از شاگردان ابوالحسن دائلی بود. پزشکی را نزد ابن‌خمار آموخت. مدتی در گرگان در خدمت قابوس وشمگیر بود. در اشعارش قابوس و فرزند وی، منوچهر، را ستود. پس از آن به خدمت عضدالدوله‌ی دیلمی درآمد و تا پایان زندگی دبیر وی بود. از آثارش: «مفتاح الطب»؛ «الکلم الروحانیهٔ من الحکم الیونانیه»؛ «کتاب النفس»؛ «المقالهٔ المشوقهٔ فی المدخل الی العلم الفلسفه»؛ «الرسالهٔ المشرقیه»؛ «انموذج الحکمهٔ»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۹ -۸۸ /۵)، ایضاح المکنون (۷۰۴ -۳۷۹ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۲ /۱)، تاریخ طب (۶۷۸ /۲)، تاریخ طبرستان (۱۲۵ -۱۳۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۲۰ /۷)، دائرةالمعارف البستانی (۷۳۲ /۱)، الذریعه (۳۶ /۹)، ریحانه (۲۸۰ - ۲۷۹ /۸)، روضات الجنات (۲۱۶ -۲۱۵ /۵)، کشف الظنون (۱۷۶۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌هندو)، معجم الادباء (۱۴۶ -۱۳۶ /۱۳)، معجم المؤلفین (۸۳ -۸۲ /۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۳۴ -۱۲۷ /۳).

ابن‌هیصم هروی، صدرالاسلام، مجدالدین، علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(زنده قبل از ۲۸۰ ق)، ادیب، شاعر و محدث. در هرات متولد شد، از آنجا به بغداد رفت و از عثمان بن سعید دارمی (م ح ۲۸۰ ق)، حدیث شنید. ابواحمد غطریفی گرگانی از او حدیث شنید. ابن‌هیصم در سرودن شعر به زبان عربی توانا بد. از آثار وی: «مفتاح البلاغة»؛ «کتاب البَسملة»؛ «نهج الرشاد»؛ «عقود الجواهر»؛ «لطائف النُکَت»؛ «تصفیة القلوب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۶ /۸)، تاریخ بغداد (۵ /۱۲)، ریحانه (۳۶۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۲۸۰ -۲۷۷ /۱۳)، معجم المؤلفین (۱۴۱ /۷)، هدیة العارفین (۶۹۸ -۶۹۷ /۱).

ابن‌یمین فریومدی، امیر فخرالدین، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۷۲ /۷۶۹ ق)، شاعر و ادیب. پدرش از ترکانی بود که از ماوراءالنهر به خراسان آمده بودند. با دربار ابوسعید و طغاتیمور مراوده داشت. ابن‌یمین نخست در دیوان استیفا مشغول به کار شد. سپس به تبریز رفت و در دستگاه غیاث‌الدین محمد فرزند رشیدالدین فضل‌اللّه به خدمت مشغول شد. از آنجا عازم عراق عجم شد و سپس به زادگاهش بازگشت. وی علاءالدین محمد فریومدی را می‌ستود و با سربداران دوست بود. در ۷۴۳ ق در نبرد میان وجیه‌الدین مسعود سربداری با ابوالحسین محمد بن غیاث‌الدین کرت «دیوان» اشعارش گم شد و گویا به سارت آل‌کرت درآمد. در دربار آل‌کرت به گردآوری مجدد «دیوان» اشعارش همت گماشت. سپس به سبزوار رفت و انزوا گزید. شعر وی برخلاف گویندگان معاصر وی ساده و دوراز تکلّف است. در سرودن قطعه بیش از دیگر قالبها تبحر داشت. به جز «دیوان» شعر، مثنوی «مجلس افروز» از جمله آثار باقی مانده از اوست. وی از نخستین شاعرانی است که در مناقب امامان و درباره‌ی فاجعه کربلا شعر سروده است. از شاگردان برجسته‌ی وی می‌توان به ابوعلی فارسی اشاره کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹ -۳۷ /۱)، از سعدی تا جامی (۳۰۱ -۲۹۱)، ایضاح المکنون (۴۸۸ /۱)، با کاروان حله (۲۷۴ - ۲۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۲ -۹۵۱ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۱ -۲۰۰)، تذکرة الشعراء (۳۱۴ -۳۰۶)، حبیب السیر (۳۸۶ /۳)،

دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۲۶ -۹۲۴ /۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۳ /۱)، الذریعه (۳۴ /۹)، ریحانه (۲۸۴ -۲۸۲ /۸)، سرآمدان فرهنگ (۵۳ /۱)، سیری در شعر فارسی (۸۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸ -۱۷)، الکنی والالقاب (۴۵۴ /۱)، فهرست کتب چاپی (۴ -۲ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌یمین)، مجالس المؤمنین (۶۷۲ -۶۷۱ /۲)، مجمع الفصحا (۸ -۱ /۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۷۶۹، ۷۴۳)، هدیة العارفین (۴۰۸ /۲)، هفت اقلیم (۲۸۶ -۲۸۵ /۲).

ابوالفتح بستی، نظام الدین عمید

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بستی، علی بن محمد بن حسین بن یوسف بن محمد بن عبدالعزیز (ف. بخارا ۴۰۰ یا ۴۰۱ ه.ق.). از مشاهیر مترسلان و شاعران پارسی و تازی در آغاز عهد غزنویان و اواخر قرن چهارم است. وی نخست در خدمت «بایتوز» امیر بست به سر می‌برد و دبیر او بود و پس از غلبه سبکیگین بر بایتوز به دبیری سبکتیگین منصوب شد و تا پایان حیات آن امیر و اوایل پادشاهی محمود صاحب دیوان رسائل بود، تا عاقبت به عللی سلطان بر او متغییر شد و بستی به دیار ترک افتاد و در آن غربت فروشده. عوفی گفته که خود و دیوان پارسی و تازی او را دیده.

(وف ۴۰۱ / ۴۰۰ ق)، شاعر و کاتب. ابتدا در دربار سامانیان به شغل دبیری اشتغال داشت و بعد از آن به خدمت امیر بست پیوست و تا هنگامی که ناصرالدین سبکتکین بر امیر بست غلبه یافت، سمت دبیری داشت ابوالفتح از بیم او متواری شد، لیکن سبکتکین که بر مرتبه‌ی او در دانش وقوف داشت وی را به خدمت خواند و به دبیری برگزید. ابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود و در اوایل سلطنت محمود نیز همچنان در شغل خود باقی ماند تا عاقبت به جهاتی سلطان بر او متغیر شد. وی در شعر و نثر عربی مهارت بسیار و در هر دو شهرت داشت و دارای دو «دیوان» بود، یکی تازی و دیگری فارسی. در بخارا درگذشت. ابوالفتح چند رساله‌ی در انشاء نیز نوشته است.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۴۴ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۸ -۴۵۷ / ۱)، تاریخ گزیده (۶۹۰)، تاریخ نظم و نثر (۴۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳)، دایرة المعارف فارسی (۲۶ / ۱)، لباب الالباب (۶۴ / ۱)، مجمع الفصحا (۱۵۰ / ۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۰۰)، نامه‌ی دانشوران (۱۹۷ -۱۷۳ / ۴)، وفیات الاعیان (۳۷۸ -۳۷۶ / ۳).

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هیثم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۶ -۲۸۴ ق)، مورخ، محدث، ادیب شاعر و موسیقیدان. در اصفهان متولد شد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابن درید و ابن‌انباری و محمد بن جریر طبری تحصیل کرد. وی از علی بن عباس بجلی و محمد بن جعفر قتّات و ابوبکر بن درید و نفطویه حدیث شنید. دارقطنی و ابراهیم بن احمد طبری و ابوالفتح بن ابی‌الفوارس از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالفرج در ادبیات، نحو، لغت، تاریخ، سیر، انساب، طب، نجوم و حدیث متبحر بود و شعر را نیکو می‌گفت. با اینکه نسب اموی داشت، شیعی زیدی بود و

این را از عجایب شمرده‌اند. وی در بغداد درگذشت و همان جا دفن شد. مهمترین اثرش که او را جاودانه ساخته، کتاب «الاغانی» است که رجال قرن چهارم، مانند صاحب بن عباد و عضدالدوله‌ی دیلمی به آن توجه بسیار داشتند و گفته‌اند که عضدالدوله این کتاب را از خود در سفر و حضر دور نمی‌داشت. از دیگر آثار وی: «الاماء الشواعر»؛ «الدیارات»؛ «مقاتل الطالبین»؛ «اعیان الفرس»؛ «آداب الفرباء من اهل الفضل و الاداب»؛ «اخبار جحظهٔ البرمکی»، «اخبار الطفیلیین»؛ «اشعار الاماء و الممالیک»؛ «جمهرهٔ النسب»؛ «دعوهٔ التجار»؛ «کتاب التنزیل فی امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الخمارین و الخمارات»؛ «کتاب الغلمان المغنین»؛ «مجرد الاغانی » و « دیوان» شعر.[۱]

اصفهانی علی بن حسین (و. ۲۸۴ ه.ق./ ۸۹۷ م.- ف. ۳۵۶ ه.ق./ ۹۶۷ م.) نویسنده و ادیب قرن چهارم. وی در ادب عرب شاگرد ابن درید و ابن‌الانباری و محمد- ابن جریر طبری بود و کتاب مشهورش الاغانی (اغانی) است، دیگر از آثار او «مقاتل الطالبین»، «الاماء الشواعر» و «الدیارات» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۳۱)، الاعلام (۸۸ /۵)، اعیان الشیعه (۲۰۱ -۱۹۸ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۲ /۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۴۵ -۱۴۳ /۳۸۰ -۳۵۱)، تاریخ برگزیدگان (۲۷۴ -۲۷۲)، تاریخ بغداد (۴۰۰ -۳۹۸ /۱۱)، تاریخ در ایران (۲۴ - ۲۳)، تاریخ هنرهای ملی (۷۳۶ -۷۳۵ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۸ -۹۷۷ /۷)، دائرةالمعارف البستانی (۳۰۴ -۳۰۳ /۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۶ /۱)، الذریعه (۳۷۷ -۳۷۶ /۲۱، ۷۴۲ /۹، ۲۸۷ /۸، ۲۵۰ -۲۴۹ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۸۲ -۸۱ /۱)، سیر النبلاء (۲۰۳ -۲۰۱ -۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۴ -۱۸۳ /۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۸۹)، الفهرست للطوسی (۳۷۹)، فوائد الرضویه (۲۸۰ -۲۷۸)، الکامل (۲۵ /۷)، کشف الظنون (۱۹۵۱، ۱۹۴۷، ۱۴۴۴، ۱۲۵۶، ۷۵۶، ۶۰۵، ۴۱۹، ۳۶۰، ۱۶۱، ۱۲۹ ، ۱۲۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۹ -۱۳۸ /۱)، لسان المیزان (۱۵ -۱۳ /۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفرج)، معجم الادباء (۱۳۶ -۹۴ /۱۳)، معجم المؤلفین (۷۹ -۷۸ /۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۳ -۲۱۲ /۴)، نامه‌ی دانشوران (۵۸ -۴۴ /۴)، الوافی بالوفیات (۲۶ -۲۰ /۲۱)، وفیات الاعیان (۳۰۹ -۳۰۷ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۸۱ /۱).

ابوالقاسمی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابونراس اهوازی، حسن

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران معروف دوره‌ی بنی‌عباس است که بین ۱۳۰ و ۱۴۵ ق در اهواز از مادری ایرانی متولد شد و در بصره و کوفه پرورش یافت و سپس به بغداد رفت و به خدمت برامکه پیوست و بعد از افول دولت آنها به مصر گریخت، ولی

دگر بـار به بغـداد بازگشت و از مقربان خلیفه، امین، شـد. ابونراس به قولی در زنـدان و به ۲ قولی دیگر در میخانه‌ای در بغـداد بین ۱۹۸ و ۲۰۰ ق وفات یافت. اشـعار وی بیشتر در وصف می و معشوق و بعضـی در مدح هارون الرشـید وامین است. «دیوان» اشعار او بعد از مرگش توسط ادبا تدوین گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۱ -۲۴۰ /۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۱۵ -۲۹۶)، تاریخ بغداد (۴۵۰ -۴۳۶ /۷)، خاندان نوبختی (۲۳ -۲۱)، دائرةالمعارف البستانی (۳۷۱ -۳۶۸ /۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶ /۱)، روضات الجنات (۵۱ -۳۶ /۳)، ریاض العلماء (۵۲۶ - ۵۲۵ /۵)، ریحانه (۲۹۰ -۲۸۷ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه، (۲۶۷ -۲۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۶۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونواس)، مجالس المومنین (۵۸۳ -۵۸۲ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۸۶ -۲۸۳ /۱۲)، وفیات الاعیان (۱۰۴ -۹۵ /۲).

ابونصر (ابومضر)

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نجم‌الدین محمود بن جریر ضبی اصفهانی، ادیب نحوی معتزلی لغوی معروف به «فرید العصر»، در نحو و لغت و طب، بلکه در جمیع علوم و فنون سرآمد اهل زمان بوده و بدو مثال می‌زدند. در خوارزم سکونت داشته و مذهب معتزله را ترویج می‌کرده و جمعی کثیر از علمـا که از آن جمله است زمخشـری از محضـر او مسـتفید شده‌انـد. در سال ۵۰۷ در مرو وفـات یـافته کتاب: ۱- زاد الراکـب، در متفرقات ادب و اشعار و حکایات ۲- مسالک العباد، در تصوف به فارسی ۳- مناهج الطالبین از اوست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ابونصر قاینی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. معروف به مناح. وی از ادبای معروف عصـر خود بود که شـعر عربی را نیکو می‌سرود و در حکمت نیز دست داشت. در بعضی منابع کتاب «قراضه‌ی طبیعیات» را به وی نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۵۲)، بهارستان (۱۶۹ -۱۶۷)، تاریخ نظم و نثر (۶۳)، الذریعه (۶۵ /۱۷).

ابونصر قباوی بخاری، احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، مترجم. وی از مردم قبـای بخـارا بود. در سال ۵۲۳ ق کتاب «تاریـخ بخارا» را که ابوبکر محمـد بن جعفر نرشـخی در

سال ۳۳۲ ق برای نوح بن نصر سامانی نوشته بود، با جرح و تعدیل‌هایی ازعربی به فارسی بسیار فصیح ترجمه کرد که از شاهکارهای نثر فارسی است. این کتاب در سال ۵۷۰ توسط محمد بن زفر بن عمر، خلاص شد و اینک همان خلاصه در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۸ -۹۷۷ /۲)، تاریخ بخارا (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (۷۰ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۵۹۴ /۱).

ابونصر مشکان، منصور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۱ ق)، نویسنده و منشی معروف به شیخ عمید. صاحب دیوان رسالت محمود غزنوی و پسرش مسعود بود. از منشیان زبردست زمان خود که در نثر عربی و فارسی استاد بود. ابوالفضل بیهقی مورخ معروف که دستیار و دست پرورده‌ی او در دیوان رسالت بود، از استاد خود به نیکی یاد می‌کند و سبک نگارش خود را متأثر از وی می‌داند و چندین مکتوب وی را در تاریخ خود آورده است که آثار قلمی وی همین مکاتیبی است که بیهقی در اثر خود نقل کرده است.[۱]

شیخ العمید ابونصر بن مشکان (ف. ۴۳۱ ه.ق.). وی در ادب فارسی و تازی دست داشت و صاحب دیوان رسایل محمود ومسعود غزنوی بود (تا پایان حیات) نمونه‌هایی از انشای او در تاریخ بیهقی موجود است و ابوالفضل بیهقی خود شاگرد او بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۴ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۶۷)، تاریخ گزیده (۳۹۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶ /۱)، سبک شناسی (۶۹ -۶۶ /۲)، الکامل (۲۱ /۸)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۳۱).

ابهری، کمال الدین ابوعمرو، ابوعمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، ادیب، شاعر. از وزیران سلجوقیان بزرگ بود. پیش از وزارت، در دستگاه سلطنت کارهای خطیر و مشاغل مهم دیوانی داشت وی زمان هرج و مرج سلطنت طغرل از بیم دشمنان در جامه‌ی اهل تصوف به حجاز رفت و از آن جا، رباعیی در وصف حال خود سرود و به ابهر فرستاد. همان رباعی در تذکره‌ها به عنوان شاهد شعری وی ثبت شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۷۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۳ -۱۱۴۲ /۹)، دستورالوزراء (۲۲۰ -۲۱۹)، نسائم الاسحار (۹۱ -۹۰).

ابیوردی کوفنی، ابوالمظفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۷ ق)، ادیب، شاعر، نسب شناس و محدث شیعی. در بعضی کتب شهرت او را کوفنی نوشته‌اند. در کوفن، دهی میان ابیورد و نسا، متولد شد. به بغداد رفت و به خدمت مؤید الملک بن نظام الملک درآمد. و به درخواست او عمیدالدوله را هجو کرد و عمیدالدوله شکایت به نزد خلیفه برد که ابیوردی شعر در هجای خلیفه عباسی و مدح خلیفه فاطمی مصر سروده است. خلیفه خون او را مباح کرد. ابیوردی به همدان گریخت و نسبت مجعول منسوب به معاویهٔ بن محمد بن عثمان را برای خود ساخت. وی پس از فرار از بغداد، مدتها در اصفهان به پریشانی زیست، و از رهگذر تعلیم فرزندان زین الملک برسق گذران زندگی می‌کرد، ولی بعد به دربار سلطان محمد سلجوقی راه یافت و سلطان او را مشرف مملکت خود کرد. گویند بعد از قاضی ابویوسف اسفراین متصدی دارالکتب نظامیه‌ی بغداد شد. و در اصفهان مسموم شد و از دنیا رفت. ابیوردی از اسماعیل بن مسعده‌ی جرجانی، عبدالوهاب بن محمد بن الشهید و ابوبکر بن خلف شیرازی حدیث شنید و از ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و عبدالقاهر جرجانی، روایت کرد. محمد بن طاهر مقدسی در کتاب «انساب» خویش از ابیوردی بسیار روایت کرده است. از آثار وی: «قبسهٔ العجلان فی نسب آل ابی‌سفیان»؛ «المجتبی من المجتنی»؛ «المختلف و المؤتلف»؛ «طبقات العلم»؛ «تعلهٔ المشتاق»؛ «کوکب المتأمل»؛ «کتاب فی انساب»؛ «الدرهٔ الثمینهٔ»؛ «تاریخ ابیورد و نسا». وی صاحب «دیوان» شعری است در سه بخش: «عراقیات»، «نجدیات» و «جدیات». او را در مرثیه امام حسین (ع) قصیده‌ای است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۹ /۶)، اعیان الشیعه (۱۰۲ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۹ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۶ /۹)، الذریعه (۳۵ /۱۷، ۹۶ /۸، ۲۱۹ /۴)، روضات الجنات (۱۹ /۸)، ریاض العلماء (۲۹ -۳۰ /۵)، ریحانه (۷۲ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۷ /۶)، الکامل (۲۶۸ -۲۶۷ /۸)، کشف الظنون (۱۹۴۲ ، ۱۹۳۰، ۱۶۳۷، ۱۱۰۵، ۹۴۵، ۷۷۴، ۳۹۸، ۲۸۱)، الکنی و الالقاب (۱۱ -۱۰ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابیوردی)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۳۴ /۱۷)، معجم المؤلفین (۳۱۴ /۸)، الوافی بالوفیات (۹۳ -۹۱ /۲)، وفیات الاعیان (۴۴۹ -۴۴۴ /۴)، هدیهٔ العارفین (۸۲ -۸۱ /۲).

اجلالی، امین‌پاشا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه مسائل دستوری، دروس حماسی و عرفانی، فرهنگ شاهنامه، راهنمائی ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و مشاوره ۳ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تحقیقی و تدریسی بیشتر برای کمک درس دانشجویان و استفاده آنان در درک بهتر مطالب ادبی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبی، عرفانی، دستوری، فرهنگی و لغوی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

احترامی، منوچهر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منوچهر احترامی متولد سال ۱۳۲۰ است. در مدارس مروی و دارالفنون دوران تحصیل را طی کرد و از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التّحصیل شد.

وی سال‌ها به عنوان طنزنویس با نشریات مختلف همکاری داشت و طی چندسال گذشته اغلب آثارش را در مجله گل‌آقا چاپ می‌کرد.

طنزنویسی را به طور جدّی از سال ۱۳۳۷ با مجله توفیق آغاز کرد و با مطبوعات دیگر و نیز رادیو و تلویزیون هم همکاری داشت. امضاهای مستعار، «م.پسرخاله»، «الف ـ اینکاره» و ... از امضاهای اوست .

احترامی مجموعه‌ای از این آثار را درکتاب «جامع الحکایات» منتشر کرد و چاپ بخشی از داستان‌های طنزش را در مجموعه «بچه ها، من هم بازی» تدارک دید.

منوچهر احترامی تاکنون بیش از پنجاه عنوان کتاب برای کودکان نوشته و منتشر کرده که «حسنی نگو یه دسته گل» و «خروس نگو یه ساعت» و «خرس وکوزه عسل» و «دزده و مرغ فلفلی» و... از آن جمله‌اند.

خودش دربارهٔ تحصیلش می‌گوید:«چند ماهی رشتهٔ ریاضی خواندم. چون شیطان بودم، بیرونم کردند. جایی اسمم را ننوشتند و مجبور شدم بروم مدرسهٔ مروی در محلّهٔ ناصرخسرو. چهارم و پنجم را آن‌جا خواندم و ششم را دارالفنون. انصافاً هم سطح این دو مدرسه بالا بود. ما بیست و پنج نفر بودیم که بیست و چهار نفرمان برای دورهٔ لیسانس پذیرفته شدیم. سال سی و نه دانشکدهٔ حقوق قبول شدم. بچه‌ی درس‌نخوان شاگرد اوّلی بودم!» و ایضاً بخوانید خاطره‌ای از دوران تحصیل ایشان:«یادم هست یک‌بار چون بچّهٔ زرنگ کلاس بودم، همه امتحان ریاضی را از روی دست من نوشتند. معلّممان دید که برگه‌ام را آویزان کرده‌ام که بقیه ببینند، با خودکار قرمز بالای برگه نمرهٔ یک گذاشت و رفت. همه آن امتحان را هجده شدند و من، یک! جالب این‌جاست که رفقا هنوز هم

این خاطرهٔ بد من را به عنوان خاطرهٔ شیرین دورهٔ تحصیلشان همه‌جا تعریف می‌کنند»
احترامی در عرصهٔ طنز به خاطر تسلّط بر ادبیات فارسی از سبک‌ها و قالب‌های گوناگون استفاده می‌کند.
وی در روز چهارشنبه، ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ بر اثر نارسایی قلبی، در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت.

احسائی، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. دومین فرزند شیخ احمد احسائی. که در حساهجر مرکز شیعی نشین ساحل شبه جزیره‌ی عرب متولد شد. شاگرد و پیرو مکتب تند پدرش در تشیع بود و در سفرهای ایران و عراق او را همراهی می‌کرد. بیش از ده تألیف در کلام و تفسیر، نزدیک به شیوه‌ی فلسفی پدرش، دارد که برخی از آنها چاپ شده است. علینقی در کرمانشاه درگذشت و چون انتقال جنازه را حرام می‌دانست، در همان جا به خاکش سپردند. وی شعر نیز می‌سرود و «دیوان» اشعارش به چاپ رسیده است. از آثارش: «نهج المحجهٔ»، در امامت؛ «منهج السالکین» یا «منهاج السالکین»، در اخلاق؛ «المعاد»؛ «واضح المنار فی علم الاسرار»؛ «رسالهٔ فی القصهٔ الموسی و الخضر»؛ «رسالهٔ العلم»؛ «الرد علی رسالهٔ بعض العرفا»؛ «مشرق الانوار» در حکمت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۰۴ /۹)، الذریعه (۱۲ –۱۱ /۲۵، ۴۲۴ /۲۴، ۱۸۹ ،۱۶۱ /۲۳، ۱۷۳ /۲۱، ۱۹۵ /۲۰، ۹۸ /۱۷ ،۳۱۶ /۱۵، ۱۹۷ /۱۰، ۷۶۳ /۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۲ /۴)، معجم المؤلفین (۲۵۵ –۲۵۴ /۷).

احمدسلطانی، منیره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

خلاصه : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۳۱در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان «کسایی» گذراند بعد به دبیرستان « عطار» رفت و در ادامه در دبیرستان « اسدی» دوره متوسطه را به اتمام رسانید. خانم باوندی (همسر محمد زهری) نیز یکی از معلمان منیره احمد سلطانی بود که دراین راه او را بسیار تشویق کرد و در واقع جرقه شوقی را که معلمان ابتدایی او زده بودند به آتش اشتیاقی برای مطالعه بدل کرد. در سال ۱۳۴۷ دررشته حقوق دانشگاه پذیرفته شد که به احترام پدر وارد دانش سرای عالی شد و در سال ۱۳۵۱ مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه علامه طباطبایی گرفت و بعد از یک وقفه طولانی به دلیل حوادث انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۴ مدرک کارشناسی ارشد خود را نیز اخذ کرد و در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج تحصیلات خود را ادامه داد و از پایان نامه دکتری خود دفاع کرد. منیره احمد سلطانی نیز یکی از همان استادان برجسته و با پشتکاری است که نکات پیچیده در ادبیات را بیان می کند و با این اندیشه آثار برجسته ای از خود به جا گذاشته است.
گروه : علوم انسانی
رشته : ادیان خارجی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شد. پدرش مردی آگاه و روشن بین بود و در

آن ایام به همان اندازه که تحصیلات پسرانش اهمیت داشت، تحصیل دخترش نیز حائز اهمیت بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ گذراندن دوره ابتدایی و راهنمایی در تهران ـ دریافت مدرک کارشناسی از دانشسرای عالی، سال ۱۳۵۱ ـ دریافت مدرک کارشناسی ارشد سال ۱۳۶۴ از دانشگاه علامه طباطبایی ـ دریافت مدرک دکتری ۱۳۷۰ دانشگاه آزاد واحد کرج – گذرادن دوره بهداشت و پزشکیاری در دانشگاه تهران

خاطرات و وقایع تحصیل : منیره احمد سلطانی بین سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ در دانشسرای عالی سرگرم تحصیل بود و کارشناسی خود را گرفت. در همین ایام به خاطر کار مجبور شد به لنگرود برود و همسرش عبدالحسین فرزاد (مترجم و استاد دانشگاه) هم با او به آنجا رفت. یک سال بعد مأموران ساواک عبدالحسین فرزاد را دستگیر کردند و در این روزها منیره احمدسلطانی ایام سختی را سپری کرد چون مجبور بود ـ با این که شاغل بود ـ بدون همسرش زندگی و فرزندان را اداره کند. یک سال و اندی بعد وقتی فرزاد از زندان آزاد شد، از آموزش و پرورش اخراج شده بود و همین امر موجب شد که فرزاد هم بتواند به تحصیلاتش ادامه دهد. در این ایام منیره احمدسلطانی در لنگرود زندگی می کرد. در سال ۱۳۵۶ به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه ـ در منطقه سیزده ـ سرگرم تدریس شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۵۶ از لنگرود به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه سرگرم تدریس شدو بعد از دوره کارشناسی ارشد مدتی به عنوان مدرس تربیت معلم درس" ادبیات کودکان و نوجوانان "تدریس میکرد

استادان و مربیان : در زمان سپری کردن دوره آموزش عالی و کارشناسی ارشد و دکتری توانست از محضر استادان بسیار برجسته استفاده کند، استادانی چون دکتر تفضلی، دکتر سادات ناصری، دکتر زرین کوب، دکتر مشکور، دکتر ضیاءالدین سجادی، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر جعفر شعار، دکتر استعلامی، دکتر شمیسا، دکتر شهیدی، دکتر پورنامداریان، دکتر ابوالقاسمی و دیگر استادان...

همسر و فرزندان : همسر وی عبدالحسین فرزاد ـ مترجم و استاد دانشگاه است.

فعالیتهای آموزشی : از فعالیتهای آموزشی منیره احمد سلطانی میتوان به : تدریس در دانشگاه هایشهید بهشتی، آزاد اسلامی، مراکز تربیت معلم، پیام نور منیره احمدسلطانی در دوره کارشناسی تاکنون استاد راهنمای بیش از ۵۰ پایان نامه بوده که موضوع بیشتر آن ها ادبیات بوده و همچنین بخشی از آنها ادبیات کهن و تعدادی دیگر به ادبیات معاصر و حتی ادبیات کودکان و نوجوانان ازجمله «نقد انوری و تأثیر او بر سعدی و حافظ» ، «نقد و بررسی اشعار منوچهری»، «صور خیال و صنایع لفظی در مخزن الاسرار نظامی»، «بازتاب تضاد دراندیشه انوری»، «بررسی اصطلاح عشق در آثار عین القضات» و... اختصاص داشته است. او در دوره کارشناسی ارشد نیز استاد راهنمای رساله های بسیاری بوده است. استاد راهنمای پایان نامه های کارشناسی ارشد

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ـ همکاری با مطبوعات از سال ۱۳۷۰ از قبیل: فصلنامه پژوهش ادبی، اطلاعات شوکران، کیهان فرهنگی، رشد زبان و ادب فارسی، رودکی و سروش، انتخاب، فرهنگ منیره احمد سلطانی از دهه ۷۰ نیز با نوشتن نقد و مقالات ادبی وارد عرصه مطبوعات شد. این فعالیت نخست در کیهان فرهنگی و سپس در مجله رشد زبان و ادب فارسی و ادبیات معاصر شکل گرفت. هرچند در سال ۱۳۷۸ با ۲۵ سال سابقه تدریس از آموزش و پرورش کناره گیری کرد، اما تاکنون هیچ گاه تدریس را رها نکرده و تنها محل خدمتش را از آموزش و پرورش به دانشگاه منتقل کرده است.

آرا و گرایشهای خاص : منیره احمد سلطانی معتقد است، اگرچه به تازگی درباره نقد علمی و کاربردی در ایران حرکت هایی صورت گرفته، اما «پیری» نوع خاصی از نقد علمی را در کتاب خود مطرح می کند و معتقد است که سخن گفتن و بررسی یک اثر بایـد با مدارک و استنادهایی علمی و نه به شکل احساسی صورت بگیرد. در نقدی که «پیری» مطرح می کند باید همه جوانب اثر مورد بررسی قرار گیرد. منیره احمد سلطانی به دانشجویان توصیه می کند که بیشتر مطالعه کنند زیرا شرایط تحقیق و پژوهش مهیا

است و دانشجویان می توانند از این شرایط استفاده بهینه کنند و در مسیر افزایش سطح علمی خود، کوشا باشند. محققان و پژوهشگران نیز با توجه به تجربیاتشان می توانند به نسل جوان کمک کنند تا بتوانند آینده کشورمان را بسازند. این یعنی همیاری و سازندگی آینده و کشور.

جوائز و نشانها : پژوهشگر نمونه سال ۱۳۷۵

آثار :

۱ «قصیده فنی و تصویرآفرینی خاقانی»

ویژگی اثر : چاپ ۱۳۷۱

۲ اساطیر شاخه طلایی اثر سرجیمز فریزر

ویژگی اثر : در دست چاپ

۳ ترجمه چگونه نقد بنویسیم اثر ب. پیری

۴ ترجمه زنان در سلامت وبیماری

۵ ترجمه فرهنگ فولکلور جهان ?? (جلد)

۶ کتاب «واژگان فارسی در زبان فارسی»

۷ کتاب خاقانی شروانی؛ نقد و پژوهش با نمونه اشعار

ویژگی اثر : چاپ ۱۳۷۶

۸ کتاب دستور گشتاری بر مبنای زبان شناسی و معناشناسی

۹ کتاب گزینه اشعار انوری ابیوردی

۱۰ کتاب معانی و بیان در شعر معاصر

۱۱ هزار واژه اشتقاقی در زبان انگلیسی، اسطوره بریتانیا اثر (چارلز اسکوا)، ستاره شناسی و مسائل الهی

ویژگی اثر : در دست چاپ منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

احمدی راد، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی احمدی راد

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از آن که دروس مقدماتی در حوزه شهرستان نیشابور را فرا گرفتم، به حوزه مشهد رفتم. در آن حوزه ضمن فراگیری درسهای حوزوی در جلسات سخنرانی بزرگان حوزه شرکت می کردم از جمله برنامه های بسیار آموزنده، رهگشا و عالمانه مقام معظم

رهبری در مسجد کرامت، مسجد امام حسن مجتبی، درسهای اعتقادی شهید هاشمی نژاد و گاه درسهای تفسیری عارف بزرگوار آقا میرزا جواد آقا تهرانی.
در حوزه قم افزون به شرکت در درسهای بزرگان که از آنها در بخش اساتید نام بردم و کارهای تبلیغی معمولی از آغاز آبان ۱۳۶۲ تاکنون با مجله حوزه بوده ام در پی ریزی بنای آن ادامه حیات و... ؛ و نیز در مجله فقه از آغاز تاکنون به اندازه توانایی نقش داشته ام پی ریزی و ادامه حیات؛ در ضمن در مجله حوزه علاوه بر ویراستاری محتوا و بازنویسی عضو هیات تحریریه و سیاست گذاری مجله نیز هستم.
در مجله فقه نیز افزون بر عضویت در هیات تحریریه و سیاست گذاری از آغاز بهمن ۷۲ تا سال ۱۳۸۳ تمامی شماره ها را بنده ویراستاری و بازنویسی کرده ام.

احمدی فراز، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی احمدی فراز

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی احمدی فراز در سال ۱۳۵۰متولد و در سال ۱۳۶۵مشغول تحصیل شدم و سال ۱۳۶۸موفق به اخذ دیپلم شدم. بعد از آن به خدمت سربازی اعزام و یک سال از سربازی را گذراندم. دانشگاه قبول شدم و از خدمت معاف شدم و مشغول به تحصیل شدم. بعد از اخذ مدرک کارشناسی دو مرتبه به خدمت سربازی رفتم و در سال ۱۳۷۰مشغول به تحصیل در حوزه و دانشگاه شدم.
سال ۱۳۷۸مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم و در سالهای بعد آن دروس حوزوی را تا پایه ۸ خواندم و فعالیت های جنبی داشته ام که بطور خلاصه عبارتند از:
۱- حفظ قرآن کریم ۲- حفظ کلمات قصار نهج البلاغه ۳- شرکت در کلاسهای مکالمه عربی دفتر تبلیغات حوزه علمیه و اخذ مدرك از موسسه باقرالعلوم قم ۴- در حال حاضر کلاسهای ترجمه انگلیسی بصورت کارگاه شرکت دارم که متون را از عربی به انگلیسی برمی گردانیم.

احمدی گیوی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : حسن احمدی گیوی متولد اول بهمن۱۳۰۶ در گیوی خلخال چشم به جهان گشود وی بعد از تحصیل در مدرسه ناصری خلخال گرچه مدارج دانشگاهی اش را تا اخذ مدرک فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی پی می گیرد،اما قریحه ادبی و ذوق شعر و شاعری که از عنفوان جوانی در او متبلور بوده است،حسن احمدی گیوی را ترغیب به تحصیل در زبان و ادب فارسی می کند،آنچنان که دکترای خویش را با موضوع «دستور تاریخی فعل» و با راهنمایی دکتر محمد معین و بعد دکتر محمد مقدم به نگارش در می آورد و در سال ۱۳۴۴ از رساله دکترای خود دفاع می کند. او اکنون استاد بلند مرتبه ادبیات و چهره شناخته شده نزد ادیبان و مؤلفان و محققان زبان فارسی امروز است. و مؤلف بیش از پنجاه جلد کتاب در زمینه ادبیات فارسی است

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : - تحصیل در مدرسه ناصری خلخال - فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی - دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران

استادان و مربیان : از استادان وی میتوان به آقایان دکتر معین ، دکتر محمد مقدم و دکتر خیام پور اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران حسن احمدی گیوی میتوان دکتر محمد استعلامی و دکتر نجفی اسداللهی را نام برد.

فعالیتهای آموزشی : حسن احمدی گیوی بیش از چهارده فعالیت پژوهشی در موسسه لغت نامه دهخدا داشته و در دانشگاههای متعدد زبان و ادب فارسی تدریس کرده است.

آرا و گرایشهای خاص : او درباره زبان فارسی دیدگاه های نو و تازه ای دارد.او معتقد است: «زبان فارسی یکی از زبان های مهم خانواده زبان های هند و اروپایی است، با وجود پژوهش های دامنه داری که در زمینه تاریخ زبان فارسی و زبان های ایرانی میانه و باستان انجام گرفته است، هنوز به درستی نمی دانیم زبان فارسی دنباله مستقیم کدام یک از زبان های ایرانی میانه است. او به محتوای سخن ایمان دارد تا قالبی که با آن شعری سروده شده باشد. «از حضرت محمد(ص) پرسیدند عقیده شما درباره شعر چیست. ایشان فرمودند: «شعر سخن است و سخن، خوب و بد دارد». اگر در شعر سعدی یک سخن سست دیدید، نمی توانید بگویید چون این سخن را سعدی گفته پس خوب است. حتی گمنام ترین شاعر هم می تواند سخن تازه و دلنشینی را بگوید. من از معدود معلمان ایران هستم که شعرهای سپید بسیاری را در حافظه ام دارم . من همانطور که به فردوسی و مولانا و حافظ عشق می ورزم به نیما، شاملو، فروغ، سهراب، دکتر شفیعی کدکنی و... هم احترام می گذارم. برای من قالب ها و الفاظ به منزله لباس است. اینها شخصیت مستقلی ندارند.» خطر تحریف آن نگاه قابل توجهی دارد: «من خطری که برای زبان فارسی احساس می کنم، خیلی مربوط به صدا و سیما و نهادهای مشابه نیست. اصل خطر به دلیل زبان های علمی دنیا است که با اختراعات فراوانی که صورت می گیرد و وارد مملکت می شود، این زبان علمی به سرعت با فارسی در آمیخته می شود. متأسفانه ما به دلیل کمبود بودجه تحقیقاتی برای اهل فرهنگ و تحقیق تاب مقاومت در برابر این هجوم گسترده نداریم. در نتیجه ما اینطور بی رحمانه تهدید می شویم. احمدی گیوی معتقد است که ادبیات معاصر ما نیز نخبگان بسیاری پرورانده، اما در کوران آثار بی محتوا گم شده است. «مردم آنقدر کتاب بد خوانده اند که طعم کتاب خوب را حس نمی کنند. در گذشته پدید آورندگان آثار جدی قوی تر بودند و با نویسندگان عامه پسند مبارزه می کردند. اما حالا کفه ترازو به نفع باری به هر جهت نویس ها سنگین شده است...

جوائز و نشانها : - سه شنبه اول بهمن ماه دو سه سال پیش بود، مراسم بزرگداشتی به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تولد «دکتر حسن احمدی گیوی » استاد برجسته ادبیات فارسی در تالار بعثت باشگاه دانشگاه تهران برگزار شد. دوتن از برجسته ترین ادیبان ایرانی «دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی» و «دکتر حسن انوری» بانی این بزرگداشت در روز تولد دوست و همکار خود بودند،

حرکتی زیبا و بدیع که نشان از صافی و صفای باطن آن دو استاد و ارزش و اعتبار « حسن احمدی گیوی » داشت. - انتخاب به عنوان نویسنده کتاب برتر سال ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد برای «دستور تاریخی فعل»

چگونگی عرضه آثار : حسن احمدی گیوی در خلال سالهایی که در موسسه دهخدا مشغول بوده است زیر نظر استاد محمد معین مشغول به کار بوده و تحقیق و تفحص در زبان و ادب فارسی را به جد دنبال می کرد: «از سال چهل تا امروز یعنی حدود ۴۵ سال است که من در مؤسسه لغت نامه دهخدا کارمی کنم و ۲۴ جلد از ۲۲۲ جلد مجموعه لغت نامه دهخدا را من نوشتم. یعنی بیش از دیگر همکاران این مؤسسه، مجلدات لغت نامه را تألیف کرده ام.» با این حال احمدی گیوی مهمترین اثر خویش را همان دستور تاریخی فعل می داند.این کتاب مشتمل بر ۱۹۶۴ صفحه است.از دیگر آثار مهم احمدی گیوی کتاب «آیین پژوهش و مرجع شناسی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده ام. زمانی که من در دانشگاه رشته ادبیات فارسی تدریس می کردم. شیوه تحقیق و مرجع شناسی را درچندین فصل برای دانشجویان تشریح کرده ام. شیوه مراجعه به منابع و مآخذ چیست؟ پیداکردن کتاب ها، آیین کتابداری، آیین نقطه گذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضمن مطالعه جزو مباحثی بودند که دراین کتاب توضیح داده شده است.» حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسی نیز نگاشته و هدف از تدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه مندان به زبان فارسی می داند که با قواعد نگارش و خط فارسی و انواع نوشته ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و ...بیشتر آشنا شوند. کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی» نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است.این کتاب بیشتر اثری درسی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته های غیراز ادبیات تحصیل می کنند، نوشتن و شیوه نگارش را توضیح می دهد. حسن احمدی گیوی شاعر نیز هست: «شعرهای من بیشتردر قالب کلاسیک سروده شده، البته شعر آزاد هم دارم اما شعر سپید اصلاً نگفتم و نمی توانم بگویم. اشعار من عموماً در قالب غزل نیست. درمجموعه دو - سه غزل دارم که این غزل ها هم به یاد عزیزانم سروده شده است. شعرهای من بیشتر یا قطعه هستند و یا قصیده. عموماً شعرهایم ملی و میهنی، سیاسی و اجتماعی و انتقادی و مبارزاتی و انقلابی اند. چه قبل ازانقلاب و چه در جریان انقلاب و چه بعد ازانقلاب اشعاری که سروده ام، همه را در یک جلد گردآوری کرده ام.» با این حال او به همه قالب ها ی شعری معتقد است و بر خلاف بسیاری از همنسلانش که در عرصه پژوهش ادب فارسی، سخن از شعر نو گفتن را بر نمی تابند.

آثار :

۱ آیین پژوهش و مرجع شناسی

ویژگی اثر : از دیگر آثار مهم احمدی گیوی کتاب «آیین پژوهش و مرجع شناسی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده ام. زمانی که من در دانشگاه رشته ادبیات فارسی تدریس می کردم. شیوه تحقیق و مرجع شناسی را درچندین فصل برای دانشجویان تشریح کرده ام. شیوه مراجعه به منابع و مآخذ چیست؟ پیداکردن کتاب ها، آیین کتابداری، آیین نقطه گذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضمن مطالعه جزو مباحثی بودند که دراین کتاب توضیح داده شده است.»

۲ ادب و نگارش

۳ از فن نگارش تا هنر نویسندگی

۴ دستور تاریخی فعل

ویژگی اثر : اما موضوع «فعل» بعد از آن احمدی گیوی را رها نکرد و به مهمترین دغدغه پژوهشی او بدل شد: «تمام مباحث فعل را از دوران رودکی و بلعمی و بیهقی مرور کردم و تا آثار جلال آل احمد و اسلامی ندوشن و دکتر ناتل خانلری و آثار دیگر

نویسندگان معاصر را فیش کردم. حدود ????? فیش تهیه کردم. منابع تحقیق من متون نثر بودند، از متون نظم فقط سه کتاب موردنظر من قرار گرفت که فردوسی و سعدی و ملک الشعرای بهار بودند. حداقل چند نکته جدید که درهیچ یک از کتاب های دستور زبان مطرح نشده بود ، دراین تحقیق چهل ساله کشف و ضبط کردم. بنده در تبریز شاگرد دکتر خیام پور بودم و از آنجا که سخت شیفته دستور نویسی ایشان بودم، علاقه ای خاص به دستور زبان پیدا کردم. وقتی به تهران آمدم و در دوره دکتری قبول شدم، آقای دکتر معین، من و آقای دکتر محمد استعلامی ودکتر نجفی اسداللهی را به لغت نامه دعوت کرد و از من پرسید که برای رساله دکتری فکری کرده ای؟ گفتم می خواهم با شما مشورت کنم. گفت روی فعل کار نشده، شما درباره فعل رساله بگیرید. اقسام فعل به اعتبار زمان. خودایشان ? جلد کتاب درباره اسم نوشته بودند. بعد از دوسه سال که با ایشان کار کردم دکتر معین سکته کردند و من با آقای مقدم ? سال دیگر کار کردم تا این کتاب تمام شد. این اثر به دلایلی چاپ نشد و من تصمیم گرفتم در همه مسائل فعل تحقیق کنم. اینگونه بود که در مجموع ?? سال طول کشید و این کتاب دوجلدی حاصل تلاش ? دهه من است. چهل سال تلاش و هفتاد و پنج هزار فیش.»این کتاب مشتمل بر ???? صفحه است و برخی از فصول مهم آن به این شرح است: «تعریف فعل و کلیات»، «اقسام فعل به اعتبار زمان» (که یکی از فصول اصلی کتاب است)، «اقسام فعل به اعتبار مفعول»، «اقسام فعل به اعتبار فاعل»، «اقسام فعل به اعتبار ساختار»، «اقسام فعل به اعتبار نقش»، «اقسام فعل به اعتبار صرف»، «اقسام فعل به اعتبار وجه»، «اقسام فعل از جهات گوناگون» «مفردات فعل »، «فعل و گفتنی های ناگفته». احمدی گیوی در پیشگفتار کتاب نوشته است: «...فعل، کار دستور نویسی و استخراج قواعد زبان را با دشواریهایی همراه می کند.و علت عمده آن این است که مرز دقیقی میان زبان نوشتاری روز با زبان کهن، با همه وجوه افتراق آنها دیده نمی شود و کاربردهای نحوی و صرفی دیرین، چه در نثر و چه در شعر امروز فراوان به چشم می خورد...لازمه پژوهش جامع در دستور زبان فارسی این است که برای هر واحد جغرافیایی ـ تاریخی دستور زبانی جداگانه نوشته شود و علاوه بر این، هر یک از مقولات دستوری از آغاز تا امروز جداگانه بررسی شود.» و به راستی که حسن احمدی گیوی در نگارش این اثر ماندگار،چنین کرده است.

۵ دستور تطبیقی زبان ترکی به فارسی

ویژگی اثر : حسن احمدی گیوی به زبان و فرهنگ آذری نیز توجه ویژه دارد و در این زمینه نیز پژوهش های مهمی را به ثمر رسانده است.کتاب دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی از آن جمله است.زبان ترکی آذربایجانی، زبان بخش بزرگی از شمال غرب ایران، شامل استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، و نیز بخشی از مناطق مرکزی ایران از جمله قزوین، ساوه، همدان و شهرهای استان مرکزی است.کتاب احمدی گیوی، یک دوره کامل دستور زبان ترکی است که جزء به جزء با دستور زبان فارسی سنجیده شده و در آخر نیز فصلی با عنوان «رهنمود آموزش زبان ترکی به فارسی زبانان» به آن افزوده شده است

۶ دستور زبان فارسی

ویژگی اثر : . دستور زبان فارسی نیز عنوان اثر دیگری از حسن احمدی گیوی است که به همراه دکترحسن انوری، در خرداد???? در دو جلد انتشار یافت و به سرعت به یکی از منابع مهم درسی و پژوهشی بدل گشت. این کتاب، مجموعه ای جامع و مفید از اصول و قواعد دستور زبان نوشتاری امروز است که شاهدها و مثال های بسیار از این زبان را دربر دارد.در آخر هر بخش، تمرین ها و پرسش های مناسبی آورده شده و در آخر کتاب نیز جمله ها و عبارت های گوناگونی تجزیه و ترکیب شده است.احمدی گیوی درباره نگارش دستور زبان های فارسی در صد سال گذشته اطلاعات جالبی را بازگو می کند.او می گوید: «دستور زبان فارسی برای نخستین بار یکصد و بیست سال پیش توسط حاج میرزا حبیب اصفهانی به نگارش در آمد. قبل از این تاریخ ما دستور تدوین شده ای نداشتیم. البته آنچه عالم بزرگوار حبیب اصفهانی نوشته بود، چندان کامل نبود و بعد بزرگانی با دانش و بینش خیره کننده ای در یک کارگروهی پنج استاد را نوشتند. البته نباید از حق گذشت که استاد ارجمند دکتر پرویز ناتل خانلری که خدایش رحمت

کند در این وادی رنج بسیاری برد و گنج شایسته ای نیز برجا نهاد. اما کار ارزشمندی که در این باب صورت گرفته اثر فناناپذیر دکتر خیام پور تبریزی است. ایشان دستور را به نحو حیرت آوری کامل کرد و به آنچه که دیگران به آن بی توجه بودند، به درستی پرداخت. به عقیده من صحیح ترین، سازنده ترین و کارساز ترین قدمی که در دستور زبان فارسی به صورت علمی و تحقیقی نوشته شده، اثر دکتر خیام پور است که دستور زبان فارسی من و دکترحسن انوری هم ملهم از همین اثر است. با این تفاوت که ما از کمک زبان شناسان استفاده کردیم. چون دستور بدون زبان شناسی امروز می لنگد. به همین دلیل دستور زبان فارسی که ما نوشتیم، بین زبان شناسی و دستور سنتی است. به همین دلیل کتاب های ما در تیراژهای وسیع منتشر می شود. گذشته از دستور زبان فارسی که برای آموزش و پرورش در تیراژ میلیونی چاپ می شود کتاب دستور زبانی به چاپ رسانده ایم که در عرض ?? سال ?? بار تجدید چاپ شد. آن هم در تیراژ بالاـ این به خاطر اعتدال ماست. هم به ساخت گرایی توجه داشتیم و هم به معنا وفادار ماندیم. همین است که سخت مورد استقبال ادب دوستان قرار گرفته ایم.»

۷ زبان و نگارش فارسی

ویژگی اثر : .» حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسی نیز نگاشته و هدف از تدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه مندان به زبان فارسی می داند که با قواعد نگارش و خط فارسی و انواع نوشته ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و ...بیشتر آشنا شوند.احمدی گیوی در این کتاب از طرح بحث های طولانی و مطالب کاملاً تخصصی خودداری کرده و نمونه هایی از نوشته های ادبی، اجتماعی، اخلاقی و حکایات و داستان ها را نقل کرده است، به گونه ای که مخاطبان کتاب، طیف گسترده ای از علاقه مندان غیر حرفه ای باشند.

۸ شوریده و بی قرار

۹ گزیده از فن نگارش تا هنر نویسندگی

ویژگی اثر : کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی» نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است.این کتاب بیشتر اثری درسی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته های غیراز ادبیات تحصیل می کنند، نوشتن و شیوه نگارش را توضیح می دهد.

۱۰ گزیده اشعار و مقالات دهخدا

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

احمدی نژاد، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم احمدی نژاد

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۸/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم احمدی نژاد در سال ۱۳۳۹ در آبادان متولد شدم. دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در آبادان گذراندم. در

زمان اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی به همراه بچه های مسجد مهدی موعود (عج) در پخش اعلامیه و تظاهرات فعالیت می کردم. سال آخر دبیرستان مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی شد و در اولین انجمن اسلامی دبیرستان به عضویت شورا بر گزیده شدم.

در سال ۱۳۵۸ در انستیتو تکنولوژی بروجرد در رشته برق پذیرفته شدم ودر آنجا نیز به عنوان نماینده انجمن اسلامی انتخاب شدم.

در سال ۱۳۵۹ بعد ازانصراف از انستیتو تکنولوژی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رسول اکرم (ص) وامام باقر (ع) دروس مقدماتی و سطح را خواندم و از سال ۱۳۷۳ تا کنون مشغول به تحصیل درس خارج می باشم.

در این مدت از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات خسرو شاهی، فتوحی، مرحوم آیت وجدانی، مرحوم آیت الله پایانی و همچنین آیت الله اعتمادی، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مکارم شیرازی بهره وافر برده ام.

از قبل از دوران انقلاب به ادبیات کودک و نوجوان علاقمند بودم و در این زمینه مطالعه می کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با ورود به حوزهٔ علمیه قم در مرکز تحقیقات جهاد سازندگی که شعبه ای در قم داشت به نقد و بررسی کتابهای کودک و نوجوان مشغول شدم. پس از کسب تجربه و تخصص در واحد کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی قم به عنوان مسئول نقد و بررسی کتاب سالهای متمادی مشغول به فعالیت بودم.

در کنار تحقیق تاکنون بارها به تدریس، نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان در حوزه علمیه قم و نهادهای دیگر اشتغال داشته ام که بخش خواهران دفتر تبلیغات، طرح هجرت، حوزه علمیه گچساران و... از این قبیل است. در پی این همکاریها، چندین سال عضو هیئت طرح و برنامه مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات بوده ام. مدت کوتاهی نیز با مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای قم در زمینه نقد سریالهای تلویزیونی کودک و نوجوان همکاری داشته ام. به غیر از سفرهای ایام دفاع مقدس همه سفرهای تبلیغی بنده تخصصی بوده و فقط شامل کار با کودک و نوجوان بوده است و به شهرهای: سنندج، شیراز، اهواز، گچساران، بندرعباس، آبادان، تهران، گرمسار، شوشتر، زاهدان، اصفهان، کرمان، همدان و... جهت تبلیغ صاحب نظر و رای می باشم.

در سال ۱۳۷۵ به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی وارد شدم و سالها به عنوان معاونت شبکه جهانی نور انجام وظیفه نموده و در به ثمر رساندن بانک اطلاعات شبکه جهانی نور، نرم افزار پایگاه های قرآنی، پایگاه امام علی (ع) همکاری عملی و اجرایی داشته ام.

هم اکنون نیز به عنوان مدیر سازمان آموزش کامپیوتر نور، مدیر گروه آموزش از راه دور دانشکده باقرالعلوم (ع) و عضو طرح و برنامه مدرسه اسلامی هنر مشغول به فعالیت می باشم.

احمدی، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدرضا احمدی در سال ۱۳۱۹ در کرمان بدنیا آمد.در کارنامه ادبی چهل و چندساله‌اش، آثار مختلفی در حوزه‌های داستان، شعر کودک، شعر بزرگسال، دکلمه شعر و... ثبت شده‌اند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر و نویسندگی

والدین و انساب : جد پدری احمدرضا احمدی ،ثقه‌الاسلام کرمانی، و جد مادری‌اش آقا شیخ محمود کرمانی است. حاج محمدرضا کرمانی از فعالان نهضت مشروطیت در کرمان، دایی مادری احمدی است. پدر وی مصطفی از کارمندان وزارت دارایی و نیز از درویشان حلقه ذوالریاتین بود. خاندان او در این شهر از اعقاب حاج احمد فقیه کرمانی بودند که احوال‌شان در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» اثر ناظم‌الاسلام کرمانی آمده است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمدرضا احمدی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدرضا احمدی تحصیلات ابتدایی را در دبستان کاویانی کرمان و بعد از کوچیدن خانواده‌اش به تهران در سال ۱۳۲۶ در مدرسه‌های ادبی و صفوی تهران و دورهٔ متوسطه را در دبیرستان دارالفنون ناصرخسرو و هدف شماره ۳ طی کرد و در سال ۱۳۴۵ با اخذ دیپلم ادبی از دارالفنون فارغ‌التحصیل شد و دورهٔ سربازی را با عنوان سپاهی دانش در روستای ماهونک کرمان گذراند

هم دوره ای ها و همکاران : نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری از همکاران احمدی می باشند.

همسر و فرزندان : احمدرضا احمدی تنها یک دختر ۲۱ ساله به نام ماهور دارد که در رشته موسیقی از هنرستان ملی موسیقی در تهران فارغ التحصیل شده است

وقایع میانسالی : احمدرضا احمدی در سال ۴۶ راهی آمریکا شد و مدت یک سال در این کشور مقیم شد. تجربه سفر، شناخت جهان و افقهای تازهتر سبب شد که شاعر در بازگشت یعنی در سال ۴۷ مجموعه »وقت خوب مصائب« را به بازار بفرستد. ناشر این اثر، کتاب زمان بود ;ناشری که آثار روشنفکرانی چون حقوقی، رحمانی، ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی و... را منتشر میکرد. احمدی با انتشار این شعرهای سهل و ممتنع جایگاه خود را در شعر ایران تثبیت کرد. احمدی پس از یک سال اقامت در آمریکا به ایران بازگشت و از سال ۴۹ کار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را انتخاب کرد و تا سال ۷۳ که بازنشسته شد، در همین مؤسسه فعالیت داشت. قابل ذکر است او در سال ۱۳۵۵ همکاری با برنامه رادیویی ظهر روز هفتم را با تهیه‌کنندگی مسعود بهنود در نگارش و قرائت متن پذیرفت. «طرح» نام نخستین دفتر شعر احمدی است. این دفتر زمینه پدید آمدن جریانی را در شعر نو فارسی فراهم کرد که بعدها موج نو نام گرفت

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمدضا احمدی اولین مجموعه شعرش را با عنوان « طرح» در سال ۱۳۴۱ چاپ و منتشر کرد. وی پس از پایان خدمت در گروه صنعتی بهشهر، گروه تبلیغات استخدام شد. مدتی بعد با انتشارات روزن به همکاری پرداخت و سردبیری مجله روزن را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۴۹ برای گذراندن دوره‌ای یک ماهه در رشته انیمیشن کودکان راهی آمریکا شد. از مهر همان سال تا ۱۳۵۸ مدیریت تولید صفحه و نوار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را داشت و از سال ۱۳۵۸ با سمت ویراستاری در مرکز انتشارات کانون به کار پرداخت و در سال ۱۳۷۳ بازنشسته شد. هم‌کاری با مجله‌های رودکی، فیلم، گزارش فیلم، جنگ روزن، کلک و نگاه نو از دیگر فعالیت‌های او به‌شمار می‌روند. احمدی هم‌چنین در فیلم‌های «نار و نی» اثر سعید ابراهیمی‌فر و « بانوی اردیبهشت» رخشان بنی‌اعتماد گویندگی و در فیلم «پستچی» داریوش مهرجویی در سال ۱۳۵۱ بازی کرده است. در سال ۱۳۷۸ داور نخستین جشنواره موسیقی پاپ در ایران می‌شود و در سال ۱۳۷۹ داور جشنواره ۲۰ سال شعر و قصه کودك در ایران. در مدتی که مدیر تولید مرکز تهیه صفحه و نوار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : احمدی در سال ۱۳۴۳ به همراه نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی،

محمـدعلی سپانلو، بهرام بیضـایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری گروه ادبی طرفه را با هـدف دفاع از هنر موج نو تأسیس کرد. انتشار دو شماره مجله طرفه و تعدادی کتاب در زمینه شعر و داستان از فعالیتهای این گروه است.

آرا و گرایشـهای خاص : به عقیده ی احمدرضا احمدی ،شعر چندصد سال پیش، به اعتلای روحی آدم‌ها کمک می‌کرد، ولی الان نمی‌توانـد چنین کاری را انجام دهـد. به طور کلی فعالیتهای احمدی را می‌توان به ۵ بخش زیر تقسیم کرد: ۱ـ شعر ۲ـ نثر ۳ـ ادبیات کودک ۴ـ نوار کاست و اشعار صدای او ۵ـ سینما: بازیگری.

جوائز و نشانها : در سال ۱۳۸۶ در دومین جشـنواره شعر فجر از احمدرضا احمدی به عنوان شاعر برگزیده بخش آزاد تقدیر شد. در سال ۱۳۸۱ ناصر صفاریان در فیلمی با عنوان «وقت خوب مصائب»، به زندگی و آثار این شاعر پرداخت. در بهار خرگوش سفیدم را یافتم، با نقاشی نفیسه ریاحی ۷۰(این کتاب ازسوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.) «اسب و سیب و بهار» با نقاشی کریم نصر ۸۰، (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد) از طرف دیگر احمدی شـیوه تازهای در شـعر نو پیشنهاد میکرد و با چاپ »روزنامه شیشهای« در سال ۴۲ توسط نشر طرفه بهعنوان شاعری آوانگارد شناخته شد

چگونگی عرضه آثار : آثاری ازجمله مجموعه «صدای شاعر» که معرفی شـعر معاصـر و شعر کلاسیک فارسی بود، مجموعه زندگی و آثـار موسـیقی‌دانان ایران و جهـان، مجمـوعه آوازهـای فولکلـور ایران، مجمـوعه کـل ردیـف موسـیقی ایران، مجمـوعه بازسـازی تصـنیف‌های کلاسـیک موسیقی ایران و مجموعه قصه برای کودکان را تولید کرده است. احمدرضا احمدی کتاب‌های «پسرک تنها روی برف»، «برف هفـت گـل بنفشه را پوشانـده بـود»، «همه‌ی این قایق‌هـای کاغـذی»، «شب دوازدهم»، «خـواب دوازدهم»، «چهـار مهمـان»، «باز هم نوشـتم صبح، صـبح شـد»، «قاصـدک و قاصـدک‌ها»، «در یک صـبح مه‌آلود» و «دیگر شب کامل بود» را نیز برای انتشار نزد ناشـران مختلف دارد. --

آثار :

۱ ساعت ۱۰ صبح بود(۱۳۸۵)

۲ از نگاه تو زیر آسمان لاجوردی(۱۳۷۶)

۳ اسب و سیب و بهار

ویژگی اثر : با نقاشی کریم نصر ۸۰، (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد)

۴ تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری

ویژگی اثر : با نقاشی فردوس ابراهیمی‌فر و مینا ضرابی ۶۸

۵ چای در غروب جمعه روی میز سرد می‌شود(۱۳۸۶)

۶ در بهار پرنده را صدا کردیم، جواب داد

ویژگی اثر : با نقاشی فرح اصولی ۶۹

۷ در بهار خرگوش سفیدم را یافتم

ویژگی اثر : با نقاشی نفیسه ریاحی ۷۰، (این کتاب ازسوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.)

۸ در قلمرو ادبیات کودکان: من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید

ویژگی اثر : با نقاشی عباس کیارستمی ۱۳۴۸

۹ در قلمرو نثر: حکایت آشنایی من(۱۳۷۷)

۱۰ روزنامه شیشه‌ای

ویژگی اثر : ۱۳۴۳

۱۱ روزهای آخر پاییز بود

ویژگی اثر : با نقاشی فرح اصولی ۶۹

۱۲ عاشقی بود که صبحگاه دیر به مسافرخانه آمده بود(۱۳۷۸)

۱۳ عزیزمن(۱۳۸۴)

۱۴ عکاس در حیاط خانه ما منتظر بود

ویژگی اثر : با نقاشی نسرین خسروی ۶۹

۱۵ قافیه در باد گم می‌شود(۱۳۶۹)

۱۶ کتاب منتخبات(۱۳۸۱)

۱۷ گزیده ادبیات معاصر(۱۳۷۸)

۱۸ لکه‌ای از عمر بر دیوار بود(۱۳۷۲)

۱۹ ما روی زمین هستیم(۱۳۵۲)،

۲۰ من فقط سپیدی اسب را گریستم (۱۳۵۰)،

۲۱ نثرهای یومیه(تجدید چاپ ۸۲)

۲۲ نوشتم باران، باران بارید

ویژگی اثر : با نقاشی فردوس ابراهیمی‌فر ۶۸

۲۳ هزار اقاقیا در چشمان تو هیچ بود (۱۳۷۹)

۲۴ هزار پله به دریا مانده (۱۳۴۶)

۲۵ هفت روز هفته دارم

ویژگی اثر : با نقاشی محمدرضا دادگر ۱۳۶۴

۲۶ هفت کمان هفت‌رنگ

ویژگی اثر : با نقاشی هوشنگ محمدیان ۱۳۶۴

۲۷ همه آن سال‌ها (۱۳۷۱)

۲۸ وقت خوب مصائب(۱۳۴۷)،

۲۹ ویرانه‌های دل را به باد می‌سپارم(۱۳۷۳)

۳۰ یادگاری(۱۳۷۷)

۳۱ یک منظومه دیریاب در برف و باران یافت شد(۱۳۸۰)

احمدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی احمدی

محل تولد : قصر شیرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی احمدی فرزند محمد به شناسنامه ۵۱۷ به سال ۱۳۵۵در قصر شیرین استان کرمانشاه متولد شدم. پس از گذراندن دوران ابتدایی و راهنمایی و دو سال از دبیرستان نظام قدیم در سال ۱۳۷۲وارد حوزه علمیه قم شدم.

پس از اتمام تحصیلات سطح ۱ حوزه در سال ۱۳۷۸به کارهای پژوهشی روی آوردم. نگارش ۴ کتاب مستقل و بیش از ۴ کتاب به صورت گروهی حاصل این سالها می باشد. البته در زمینه های دیگر هم که با نویسندگی مرتبط است فعالیت داشته ام از جمله تصحیح و مقابله، ویرایش و آموزش، هم اکنون هم چندین طرح پژوهشی در دست کار دارم که برخی در مرحله تدوین و برخی در مرحله تایپ است.

احمدی، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم احمدی

محل تولد : روستای یام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۵

زندگینامه علمی

در نیمه دوم سال ۱۳۶۲ در تهران، دروس طلبگی را شروع کردم. بحمدالله تعالی ۷ - ۹ نفر از بستگانم (ازجمله پدر بزرگ ها، دایی و پسردایی ام) روحانی بوده و هستند. در اسفند ۱۳۶۷ معمم شدم و در نیمه دوم ۱۳۶۸ متأهل گردیدم.

از همان دوران نوجوانی به مطالعه کتاب به ویژه داستان و شعر علاقه داشتم که بحمدالله تعالی با ورود به حوزه علمیه، به مطالعه کتاب و گوش دادن به نوارهای سخنرانی، بیشتر اهمیت می دادم، چنان که در برخی از کتابخانه های تهران عضو شده و در اوقات فراغت، به کتابخانه های چهل ستون، ملک، پارک شهر، مجلس شورای اسلامی بهارستان و غیره می رفتم. از سال ۱۳۶۵ به این نتیجه رسیدم که علاوه بر مطالعه و نگارش مطالب مهم کتابها، مجلات، روزنامه ها و سخنرانی ها (نوار و زنده) می باید به خریدن کتاب هم بپردازم، لذا از آن سال تاکنون بخشی از شهریه و درآمدم را به خرید کتاب اختصاص داده ام و کتابخانه شخصی ام، حدود سه هزار کتاب در موضوعات گوناگون دارد.

از آذرماه ۱۳۶۹ به نگارش مقاله روی آوردم که نخستین مقاله ام با عنوان" کعبه می گرید ".در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شد

و از سوی مدیر مدرسه شهید بهشتی و برخی از استادان و دوستان طلبه، مورد تشویق قرار گرفتم. از این روی، هر ماه مقاله یا مقالاتی به روزنامه های جمهوری اسلامی، کار و کارگر، کیهان، اطلاعات، سلام، جهان اسلام، رسالت و ابرار می فرستادم که بحمد الله برخی از آنها چاپ شده است.

در تاریخ ۳ / ۷ / ۱۳۷۲ همراه خانواده ام (همسر و پسر هشت ماهه ام) به شهر مقدس قم مهاجرت کردیم که تا سال جاری، سکونت ما (حقیر، همسر، دو پسر و یک دختر) استمرار داشته است. مهاجرت به قم، غربت، عدم اشتغال، مستأجری و نداشتن شهریه تا سیزده ماه، همگی باعث شد که به پیشنهاد یکی از دوستان طلبه ام، به جمع پژوهشگران پژوهشکده باقر العلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی ملحق شوم، که این همکاری آزاد و پروژه ای، از آذرماه ۱۳۷۳ تاکنون کم و بیش در قالب های نگارش کتاب و مقاله، تصحیح، ویرایش، ارزیابی و جلسات نقد و بررسی اهل قلم، ادامه دارد.

از خرداد ۱۳۷۸ تاکنون نیز در نشریه فرهنگ کوثر وابسته به آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) به عنوان مصحح همکاری داشته ام و معمولاً مقالاتی از حقیر هم در نشریه چاپ می شود و گاهی هم به ویرایش و ارزیابی برخی از مقالات کوثر هم می پردازم. البته تصحیح کتاب ستارگان حرم از جلد ۶- ۸ و ۱۰- ۱۶ به عهده حقیر بود و حدود دو سال (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳) هم در آستانه مقدسه به کتابداری نیز اشتغال داشتم.

شایان توجه است علاوه بر همکاری با پژوهشکده باقر العلوم (ع) و نشریه فرهنگ کوثر، برای برخی از نهادها، مثل: سازمان تبلیغات اسلامی قم و نیز عده ای از نویسندگان، کارهای علمی (نگارش بروشور، داوری مسابقات، ویرایش، تصحیح و ارزیابی کتاب و مقاله) انجام داده ام.

در ضمن، حقیر:

الف) از نه سالگی تاکنون در زمینهٔ برق و الکترونیک، فعالیت و تجارب گوناگونی دارم.

ب) از سال ۱۳۶۲ نیز تا الآن در خصوص مداحی و تعزیه خوانی، فعالیت و ...

ج) از سال ۱۳۶۰ تا کنون، در قالب های مختلف به «سرودن اشعار» پرداخته ام.

د) از سال ۱۳۶۸ تا الان نیز به «طراحی» می پردازم که کاربر آن در امور: تذهیب، قالی، گچبری و غیره است. می توان تعداد این طرح ها، اشکال و نقوش را تا هزار مورد تخمین زد.

ه) در اربیبهشت ۱۳۷۲ به مناسبت برپایی نمایشگاه بین المللی کتاب و اختصاص یافتن غرفه ای به نام «سلمان رشدی» از عموم مردم دعوت شده بود که در صورت تمایل و توانایی هنری، در مسابقه حضوری طراحی کاریکاتور شرکت کنند که بحمد الله شرکت کرده و دو طرح کشیدم که در مردادماه ۱۳۷۲دعوتنامه ای برای حقیر نیز ارسال شد تا هیئت داوران از بین کاریکاتوریست های داخلی و خارجی، که امتیاز مناسب را به دست آورده اند نفرات برتر و ممتاز (ظاهراً ۵۳ نفر) را انتخاب کنند و لکن نام حقیر در لیست برگزیدگان نبود.

و) در سال های ۱۳۶۷- ۱۳۷۳ پنج «نمایشنامه و فیلمنامه» نوشته ام که البته نیاز به اصلاحات علمی، هنری و فنی دارد.

اختیارالدین حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۸ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. وی اهل تربت حیدریه بود. در جوانی از ولایت زاوه به هرات رفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از آن به فن انشاء و شعر و معما نیز آگاهی یافت. در ابتدا کاتب محکمه‌ی قضاوت نظام‌الدین امیر علیشیر بود و در زمان سلطان حسین بایقرا به منصب قضاوت رسید و به دلیل دانش و کمالاتش سرآمد قضات زمان خود شد. در عهد ابوالفتح محمد خان شیبانی نیز در کار قضاوت بود، ولی پس از کشته شدن آن پادشاه به تربت رفت و به امر کشاورزی پرداخت. در همان قصبه بدرود زندگانی گفت. از آثار وی: «اساس الاقتباس»؛ «مجالس الملوک»؛ «مختار اختیار الاخبار در میان فضلای روزگار»؛ «مقالات حسینی»؛ «قیاسات»؛ مثنوی «عدل و جود».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۷۸)، تاریخ هنرهای ملی (۹۱۷ /۲)، تحفه‌ی سامی (۴۹)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴ -۴۳)، حبیب السیر (۳۵۶ -۳۵۵ /۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۸۰)، الذریعه (۲۴۶ -۲۴۵ /۱۹، ۶۲ /۹)، روضهٔ الصفا (۲۹۳ -۲۹۲ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸ /۱۰)، فرهنگ سخنوران (۴۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۳)،لغت‌نامه (ذیل/ اختیارالدین) مجالس النفائس (۲۷۱، ۹۵)، هدیهٔ العارفین (۳۱۷ /۱).

اخسیکثی، ابوالوفاء محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۲۰ ق)، لغوی و مورخ. معروف به ابن ابی‌المناقب. وی برادر ابورشاد اخسیکثی است. در اخسیکث فرغانه ماوراءالنهر متولد شد، همراه برادر به مرو رفت و در آن شهر تحصیل کمال کرد و از ادیبان به نام روزگار خود شد. پایان عمر را در همان شهر زیست تا درگذشت. از آثار وی: «التاریخ»، که به «تاریخ ابی‌الوفاء الاخسیکثی» معروف است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۱۲ /۱)، ریحانه (۳۶۷ /۷)، کشف الظنون (۲۸۱)، معجم الادباء (۵۵ -۵۲ /۵)، معجم البلدان (۱۴۸ /۱)، معجم المؤلفین (۲۵۹ /۱۱).

اخسیکثی، ابورشاد احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۸ /۵۲۶ -۴۶۶ ق)، ادیب، شاعر، نویسنده و مورّخ. ملقب به ذوالفضائل، و منسوب به اخسکیث ماوراءالنهر در نظم و نثر و نحو و لغت دستی توانا داشت و مرجع استفاده‌ی اکثر فضلا و کاتبان دیوان سلاطین بود. در مرو وفات یافت. از تألیفات او: «تاریخ ابی‌رشاد»؛ «الزوائد»، شرح «سقط الزند» ابوالعلاء معرّی؛ « کتاب فی قولهم کذب علیک کذا»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸ /۱)، ایضاح المکنون (۲۱۲ /۱)، روضات الجنات (۲۶۹ -۲۶۸ /۱)، ریحانه (۱۱۰ /۷)، کشف الظنون (۹۳۳ -۲۸۰)،لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۵۵ -۵۲ /۵)، معجم المؤلفین (۱۴۴ /۲).

اخفش اوسط خوارزمی بلخی، ابوالحسن سعید

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۲۱ /۲۱۵ ق)، نحوی، لغوی و عروضی. ملقب به اخفش. در خوارزم متولد شد و در بصره رشد و نمود کرد. وی از موالی بنی‌مجاشع بن دارم از نحویین بصره و از شاگردان سیبویه در نحو بود. صاحب کتاب «البغیۀ» او را معتزلی می‌داند اخفش از کلبی و نخعی و هشام بن عروۀ حدیث شنید و ابوحاتم سجستانی از وی روایت می‌کرد. اخفش دچار ضعف بینایی بود، چشمان ریزی نیز داشت و اجلع هم بود یعنی دو لب او بر هم بسته نمی‌شد. در ابتدا به اخفش اصغر معروف بود، اما پس از آنکه علی بن سلیمان نحوی به اخفش معروف شد او را اخفش اوسط و علی بن سلیمان را اخفش اصغر خواندند. چون از لحاظ سنی از سیبویه بزرگتر بود نه تنها از سیبویه بلکه از محضر استادان سیبویه نیز استفاده کرد. وی راوی و شارح «الکتاب» سیبویه نیز آن را برای کسی نخوانده بود، به همین جهت ابوعمر جرمی و ابوعثمان مازنی دو تن از شاگردان سیبویه پس از مرگ وی بیم آن داشتند که اخفش آن را به نام خود کند، از این رو با بذل مال «الکتاب» را نزد اخفش خواندند و آن را به نام سیبویه منتشر کردند. اخفش معتقد بود که سیبویه هر چه را می‌خواست وارد «الکتاب» کند بر وی عرضه می‌کرد و نیز ادعا می‌کرده است که او به مضامین «الکتاب» داناتر از سیبویه بود، گرچه در آغاز سیبویه داناتر از او بوده است. اخفش پس از شکست سیبویه از کسائی، در مناظره مشهور، به بغداد رفت و در مسجد کسائی دو رکعت نماز صبح را به او اقتدا کرد و سپس در حضور شاگردانش سؤالاتی از وی نمود و جوابهای او را رد کرد تا جایی که شاگردان کسائی قصد حمله به او را کردند ولی کسائی مانع شد، و هنگامی که شناختش به او احترام گذاشت و او را معلم فرزندانش کرد. کسائی «الکتاب» سیبویه را نزد او خواند و هفتاد هزار دینار در ازای آن به وی بخشید. وی شعر می‌گفت و استخراج بحر خبب را در علم عروض که به عبارت دیگر همان بحر المتدارك است به او نسبت می‌دهند. وی صاحب آثار بسیاری است که عبارت‌اند از: «کتاب الاوسط»، در نحو؛ «تفسیر معانی القرآن»؛ «کتاب المقاییس»، در نحو؛ «کتاب الاشتقاق»؛ «کتاب الاربعه»؛ «کتاب العروض»؛ «کتاب المسائل الکبیر»؛ «کتاب المسائل الصغیر»؛ «کتاب القوافی»؛ «کتاب الملوك»؛ «کتاب معانی الشعر»؛ «کتاب وقف التمام»؛ «کتاب الاصواب»؛ «کتاب اللامات»، در قرآن؛ «کتاب الوقف التام»؛ «المعایاۀ»، که در خزانه الادب تألیف عبدالقادر بغدادی از آن نام برده شده است؛ «کتاب صفات الغنم و الوانها و علاجها و اسبابها»؛ «غریب القرآن».[۱]

(بخش ۱) سعید بن مسعده مجاشعی بالولاء خوارزمی بلخی، مکنی به ابوالحسن و ملقب به اخفش اوسط (ف. ۲۲۱ ه.ق./ ۸۳۶ م. و به قولی ۲۱۵ ه.ق./ ۸۳۰ م.). عالم نحو و ایرانی و از موالی بنی مجاشع بن دارم و از بصریان است. او شاگرد سیبویه و یکی از اصحاب اوست. اخفش از حماد بن زبرقان روایت دارد. از مؤلفات اوست: کتاب الاوسط فی النحو، کتاب تفسیر معانی القرآن، کتاب المقاییس فی النحو، کتاب الاشتاق، کتاب العروض. او را در اول اخفش اصغر می‌نامیدند و پس از ظهور علی بن سلیمان اخفش، ابوالحسن سعید را اخفش اوسط گفتند و علی را اخفش صغیر. چون اخفش مطلق گویند مراد همین اخفش است بز اخفش.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۵۵ -۱۵۴ /۳)، اعیان الشیعه (۲۴۹ -۲۴۸ /۷)، ایضاح المکنون (۲۶۵ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۹ ،۱۲۶، ۷۱ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۲۶۵ /۲۶۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۳۳۳ -۱۳۳۲ /۱۰)، روضات الجنات (۵۳ -۵۰ /۴)، ریحانه (۹۱ -۹۰ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۵ -۱۵۴ /۱)، سیر النبلاء (۲۰۸ -۲۰۶ /۱۰)، کشف الظنون (۱۷۹۲ ، ۱۷۳۰ ، ۱۶۷۰، ۱۴۶۳،

۱۴۵۱، ۱۴۳۸، ۱۳۹۲، ۱۳۹۱، ۱۲۰۷، ۲۰۱)، الکنی و الالقاب (۱۷ -۱۶ /۲)،لغت‌نامه (ذیل/ اخفش)، معجم الادباء (۲۳۰ -۲۲۴ /۱۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۳۵ -۳۴)، معجم المؤلفین (۲۳۲ -۲۳۱ /۴)، نام‌آوران فرهنگ (۱۰ -۱۰۹)، الوافی بالوفیات (۲۶۰ - ۲۵۸ /۱۵)، وفیات الاعیان (۳۸۱ - ۳۸۰ /۲)، هدیهٔ العارفین (۳۸۸ /۱).

ادب کرمانشاهی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، خطاط، شاعر و ادیب. وی از سلسله‌ی سادات کرمانشاه بود. از بیشتر علوم متداول زمان خود بهره‌ی کافی داشت. مردی ادیب و دانشمند بود. کتابی به سبک «گلستان» سعدی پرداخته و در آن حکایات خوبی همراه با شعر آورده است. وی در خط شکسته مهارت داشت. ادب در کرمانشاه بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۰۸ -۱۰۲ /۱)، الذریعه (۱۷۳ -۱۷۲ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۵۰).

ادیب السلطنه سمیعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۹۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به عطا. در رشت متولد شد و تحصیلات خود را در تهران و کرمانشاه به پایان رسانید. از محضر ابوالفقراء اصفهانی و میرزا سالک کرمانشاهی کسب فیض کرد. به استانبول رفت و پس از پنج سال به تهران بازگشت، آنگاه به مشاغل دولتی پرداخت و به مقاماتی رسید. وی چند سال ریاست انجمن ادبی فرهنگستان را عهده‌دار بود و مطالعه‌ی کتاب و معاشرت با ادبا و سرودن شعر از سرگرمی‌های او بود. از آثارش: «رساله‌ی جان کلام»؛ «رساله‌ی دستور زبان فارسی»؛ «آرزوی بشر»؛ «آیین نگارش»؛ «جامعهٔ الحیوانات»؛ «خواهران»؛ ترجمه‌ی «تاریخ افغانستان» به قلم سید جمال‌الدین اسدآبادی از عربی به فارسی؛ «دیوان» اشعار؛ «منظومه‌ی سیاست»، به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۷۵ -۷۳)، تاریخ برگزیدگان (۳۶۱)، چهار صد شاعر برگزیده پارسی گوی (۸۶ -۸۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۰۳ /۴)، سرآمدان فرهنگ (۴۸۴ -۴۸۳ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۶ -۷۵۵ /۲).

ادیب پیشاوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۶۰ ق)، عالم و شاعر. معروف به ادیب. در سرحد بین پیشاور و افغانستان متولد شد. علوم ادبی و عربی را در زادگاه

خود فراگرفت، سپس به افغانستان رفت و طی اقامت دو ساله‌ی خود در کابل، نزد آخوند ملاـ محمد مشهور به آل‌ناصر دانش آموخت. بعد به غزنین رفت و در باغ فیروزه، آرامگاه حکیم سنایی غزنوی، اقامت گزید و آنجا نزد سعدالدین غزنوی تلمّذ نمود. وی در بیست و دو سالگی به مشهد آمد و در آن شهر ریاضی را نزد میرزا عبدالرحمان و علوم عقلی را در محضر آخوند ملا غلامحسین شیخ‌الاسلام آموخت. سپس به سبزوار رفت و دو سال از محضر حاج ملا هادی سبزواری و آخوند ملا محمد، فرزند وی، و آخوند ملا اسماعیل استفاده کرد. بعد به مشهد بازگشت و در مدرسه‌ی میرزا جعفر ساکن و به ادیب پیشاوری یا ادیب هندی مشهور شد. در مشهد مورد توجه میرزا سعیدخان گرمرودی، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، قرار گرفت و بنا به تقاضای وی به تهران آمد و میهمان محمد خان قوام‌الدوله شد. و به تعلیم و نشر ادب پرداخت. وی علاوه بر فنون ادبی و عربی و حفظ اشعار و نحو و لغت و حکمت و ریاضیات در حسن خط نیز استاد بود. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و سرانجام، در منزل یحیی‌خان قراگوزلو، وزیر معارف، درگذشت و در امامزاده عبداللّٰه تهران دفن شد. آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر چهار هزار و دویست بیت قصیده و غزل فارسی و سیصد و هفتاد بیت قصاید و قطعات عربی به انضمام دو رساله در بدیهیات اولیه و تصحیح «دیوان ناصر خسرو»؛ «قیصر نامه»؛ حواشی و تعلیقات بر «تاریخ بیهقی»؛ ترجمه‌ی فارسی «اشارات» شیخ الرییس که ناتمام ماند؛ حاشه بر «شرح ابن ابی‌الحدید» بر نهج‌البلاغه.[۱]

(سید) احمد بن (سید) شهاب‌الدین پیشاوری، ادیب و شاعر (و. ۱۲۶۰ ه.ق./ ۱۸۴۴ م. ف. ۱۳۴۹ ه.ق./ ۱۹۳۰ م.). وی از سلسله سادات معروف به «اجاق» بود که در پیشاور به سر میبردند، و نسبت آنان در سیر و سلوک به سلسله سهرو دیده می‌رسد. پدر ادیب در حوادث سیاسی هندوستان تباه شد، و ادیب مدتی در شهرهای افغانستان و خراسان به تحصیل علوم معقول و منقول اشتغال داشت و در غالب علوم سرآمد عصر خود گردید. در سال ۱۳۰۰ ه.ق./ ۱۸۸۲ م. به تهران هجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر اقامت داشت. ادیب در شعر سبک استادان قدیم را با موفقیت اقتفا میکرد. کثرت اطلاع او از فرهنگ اسلامی و علوم مختلف قدیم و تبحرش در لغات فارسی و عربی باعث شد که شعرش بیش از حد عادت مشحون از اطلاعات و معلومات مختلف گردیده، و به همان نسبت از لطافت و حال و اشتمال بر عواطف رقیق شاعران دور افتاده است. دیوان وی به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۲۲ -۳۱۷ /۲)، اعیان الشیعه (۶۰۳ /۲)، حماسه سرایی در ایران (۳۷۵)، دایرةالمعارف فارسی (۷۷ /۱)، الذریعه (۱۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۵ -۱۰۳ /۱)، سخنوران نامی (۹ -۳ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۴ - ۲۰۸ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۶ /۱)، شرح حال رجال (۷۸ -۷۷ /۱)،لغت‌نامه (ذیل/ ادیب پیشاوری)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲ - ۳۵۱ /۱)، معجم المؤلفین (۲۴۶ /۱)، مکارم الآثار (۱۶۲۴ -۱۶۲۳ /۵)، یادداشتهای قزوینی (۱۴۹ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۴ - ۳۳).

ادیب شیبانی کاشانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. وی پدربزرگ حاج میرزا ابراهیم‌خان صدیق‌الممالک شیبانی کاشانی بود. درباره‌ی ادیب در «تاریخ شیبانی» آمده است که وی از علمای بزرگ و فضلای بی‌نظیر بود و گذشته از علوم عقلی و نقلی و فنون ادبی و عربی، در تاریخ و امثال و حکم و ریاضیات و نجوم و فن نگارش و نظم شعر و برخی علوم غربی حتی زبان عبری نیز مهارت تام داشته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۸۹ /۱)، یغما (س ۱۳، ش ۷، ص ۳۶۲ -۳۶۱).

ادیب شیرازی، محمود مصطفوی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ش)، خطاط و ادیب. در خط نستعلیق شیوه شیرینی داشت و بسیار خوش می‌نوشت. در شیراز وفات یافت. از آثار وی: کتابهای «دبستان الفرصه»، «بحور الالحان» که از مؤلفات میرزا نصیرالدین فرصت شیرازی است و در بمبئی چاپ شده؛ همچنین «کلیات سعدی» تصحیح شوریده به قلم او کتابت شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۴۵، ۲۴۴ /۱).

ادیب طالقانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و فاضل. وی از مؤلفین جلد اول «نامه‌ی دانشوران» بود و یکی از چهار نفر فضلای درجه اول که اعتضاد السلطنه، وزیر علوم وقت آنها را مأمور نگارش «نامه‌ی دانشوران» کرد. و چون به فرقه‌ی بابیه گروید، به این جهت او را از دارالتألیف به کلی اخراج کرد. مدفن او در غرب تهران است. تألیف دیگرش «لسان العجم» در صرف و نحو.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۷ /۱۸)، شرح حال رجال (۸۰ /۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۲ /۱).

ادیب طوسی، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۳ ش)، دانشمند، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب طوسی. وی در مشهد متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب گذرانید. سپس، به تحصیل علوم دینی در مدارس قدیم پرداخت. علوم ادبی را نزد ادیب نیشابوری و حکمت را نزد حاج میرزا عباسعلی معروف به فاضل و آقا بزرگ حکیم و فقه را نزد پدر خود آموخت. ادیب طوسی با سفرهایی که به هند، ترکستان، عربستان، مصر، شام و آسیای صغیر کرد، به زبانهای رایج عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، سانسکریت، اوستایی، پهلوی و کلدانی آشنایی کامل پیدا کرد. وی در تبریز اقامت نمود و مجله‌ی «ماهتاب» را در سال ۱۳۱۶ ش آنجا به مدت یک سال انتشار داد. در دانشکده‌ی ادبیات تبریز تدریس کرد و مدیریت مجله‌ی آن دانشکده را نیز عهده‌دار شد. او کتب زیادی به رشته‌ی تحریر درآورد.

از جمله آثار وی: «تاریخ دینی ایران» در دو دوره؛ «دستور زبان فارسی» در سه دوره؛ «بودا در هند»؛ «تخت سلیمان»؛ «پیام فردوسی»؛ به نظم؛ «لغات آذری»؛ «لهجه‌های محلی»؛ «تعلیم و تربیت از نظر غزالی».[۱]

مدرس، ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۳، مشهد (محله نوغان).

درگذشت: ۵ خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمدحسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حمکت و فسلفه را از آقا بزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزوار نزد حاج ملا هادی سبزواری به فراگیری اصول فسلفه اشراق پرداخت. وی در سال ۱۳۴۲ ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.

ادیب طوسی سفرهایی به ندوتسان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوره و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.

از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آموزش و پروش از نظر غزالی (تبریز، ۱۳۲۰)؛ ایام کودکی (نظم، تهران، ۱۳۱۲)؛ بودا در هند؛ پیام فردوسی (نظم، تهران، ۱۳۱۳)؛ تاریخ دینی ایران قدیم (در دو دوره)؛ تخت سلیمان؛ دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی؛ رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران (تبریز، ۱۳۳۲)؛ فرهنگ لغات ادبی تبریز (دو جلد، ۱۳۴۹)؛ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع) (تبریز، دو جلد، ۱۳۴۳)؛ فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران؛ فقه الغهٔ فارسی؛ لغات آذری؛ تلخیص مثنوی؛ مهرشاه و میهن (نظم، تبریز ۱۳۲۰)؛ نقد الادب (بغداد). وی همچنین مجله‌ی «ماهتاب» (نشریه‌ی انجمن ادبی آذربایجان) و نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جمله این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: انتقام عشق (سه جلد، تبریز، ۱۳۱۹ - ۱۳۱۷)، مرد عجیب، جوکی در جنگل، دخمه‌های سیاه یا کلبه بدبختان (تبریز ۱۳۲۰)، شبح مخوف، درویش گمنام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۸۱ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷ -۱۰۶ /۱)، سخنوران نامی (۵۴ -۴۶ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۰ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷ -۶۸۵ /۱).

ادیب فراهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیرالشعراء ادیب‌الممالک محمدصادق بن (حاجی میرزا) حسین فراهانی، شاعر (و. ۱۲۷۷ ه.ق./ ۱۸۶۰ م.- ف. ۱۳۳۶ ه.ق./ ۱۹۱۷ م.) نسب وی به میرزا عیسی قائم‌مقام می‌رسد. ادیب از کودکی به آموختن علوم و ادبیات فارسی و تازی و زبانهای اروپایی اشتغال یافت و هم از خردی به سرودن شعر پرداخت. از سال ۱۳۱۶ ه.ق./ ۱۸۹۸ م. نویسندگی و اداره روزنامه‌های ادب، مجلس، عراق عجم و آفتاب را بر عهده داشت. چندی نیز در سفرهای خارج و داخل ایران گذراند. وی در انواع شعر مخصوصا در قصیده و قطعه

استاد بود و سبک استادان قدیم را نیک پیروی می‌کرد. غالب شعر او نماینده زندگانی اجتماعی و مبارزات سیاسی وی است. او در وطنیات، سیاسیات، اجتماعیات و آوردن تمثیلات و حکایاتی که مبتنی بر نظرهای انتقادی و اصلاحی باشد از نخستین گویندگان استاد عهد اخیر است. آشنایی ادیب با ادب اروپایی موجب ورود بعضی افکار و مضامین و قصص و کلمات فرنگی دراشعارش شده است، و نیز اطلاع او از ادب و لغت و تاریخ عرب و اسلام باعث گردیده که بسیار بیشتر از معاصران خود کلمات و ترکیبات غیر ضرور عربی ر در سخنان خود به کار برد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ادیب کرمانی، غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ح ۱۳۳۰ ق)، مؤرخ، مترجم نویسنده و شاعر، متخلص به ادیب. معروف به ادیب کرمانی. از کرمان به خراسان رفت، سپس به تهران آمد. شغل دیوانی داشته و در اوقات فراغت به مطالعه و تألیف کتب در تاریخ، جغرافیا و سفرنامه می‌پرداخت. او مترجم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و و قایع نگار ایشان در سفرهایشان بود. وی صاحب دو «دیوان» بوده یکی به فارسی و دیگری به عربی. از آثار اوست: «سفرنامه‌ی خراسان»؛ «سفرنامه‌ی عراق عرب»؛ «تاریخ و جغرافیای مازندران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۴)، الذریعه (۶۶ /۹)، ستارگان کرمان (۱۵)، فرهنگ سخنوران (۵۳)،لغت‌نامه (ذیل/ غلامحسین‌خان).

ادیب نیشابوری، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ –۱۲۸۱ ق)، شاعر، متخلص به ادیب. در نیشابور دیده به جهان گشود و در چهار سالگی بر اثر بیماری آبله بینایی چشم راست و قسمتی از چشم چپ خود را از دست داد. علوم مقدماتی را در همان شهر آموخت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت و در آنجا علوم ادبی و شعر و لغت عربی را آموخت. پس از احاطه بر ادبیات و شعر عرب، به مدت چهل و سه سال در مشهد در مدارس خیرات‌خان، فاضل‌خان و نواب به تدریس پرداخت. از شاگردان برجسته‌ی وی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر بود. وی علاوه بر فنون ادبی از علوم ریاضی و نجوم و فقه و اصول نیز بهره داشت. در شعر ابتدا پیرو قاآنی بود و سپس شیوه‌ی خراسانی را برگزید. به دو زبان عربی و فارسی شعر می‌گفت. در مشهد درگذشت و در دارالسیاده دفن شد. «دیوان» اشعارش به نام «لئالی مکنون» به چاپ رسیده است. همچنین رساله‌ای در «جمع بین عروض فارسی و عربی»؛ رساله‌ای در «شرح معلقات سبعه» و چند جزوه در تلخیص «شرح خطیب تبریزی بر حماسه‌ی ابوتمام» نوشته است.[۱]

عبدالجواد بن (ملا) عباس (و. نیشابور ۱۲۸۱ ه.ق./ ۱۲۴۲ ه.ش.– ف. ۱۳۴۴ ه.ق./ ۱۳۰۵ ه.ش.) یک چشم وی به چهار سالگی بر اثر آبله کور شد. وی تا ۱۶ سالگی در نیشابور به خواندن مقدمات مشغول بود، سپس به مشهد رهسپار شد و نخست در مدرسه خیرات

خانی و بعد در مدرسه فاضل‌خان و مدرسه نواب منزل اختیار کرد و فنون و ادبی را فراگرفت و بیشتر اوقات را در مطالعه کتب ادبی عرب می‌گذرانید. از آثار او چیزی به طبع نرسیده. رساله‌ای در جمع بین عروض فارسی و عربی و رساله‌ای در شرح معلقات سبع و چند جزوه در تلخیص شرح خطیب تبریزی بر حماسه ابوتمام نوشته. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و مالی نیندوخت و گروهی از ادبای معاصر تربیت یافته اویند. در شعر نخست پیرو قاآنی بود و بعد شیوه خراسانی را اختیار کرد.

به فارسی و عربی شعر می‌گفت. قریب ۶۰۰۰ بیت از اشعارش را جمع کرده‌اند.

عبدالجواد از معاریف ادبای عصر حاضر بوده شرح حال او را در آغاز دیوانش که مطبوع است و در برخی از کتب و مجلات دیگر چاپ شده است .

وی در سال ۱۲۸۱ ق در نیشابور متولد شده مقدمات عربی را همانجا تکمیل و در سال ۱۲۹۷ ق به مشهد آمده و در مدرسه نواب مشغول به تحصیل و تدریس گردیده و با اینکه یک چشمش در اثر بیماری آبله از دست رفته و از چشم دیگر هم به زحمت استفاده می‌کرده و مطالعات عمیق داشته و دقیقه‌ای بیکار نبوده و جز با معدودی از آشنایان با دیگری مراوده نداشته و با مناعت طبع زندگی می‌کرد و متجاوز از چهل سال به تدریس اشتغال داشت تا در ۱۵ ذیقعده که خود مکرر می‌گفت در ذیقعده وفات خواهم یافت در سال ۱۳۴۴ ق درگذشت و در دارالسیاده مدفون شد شیخ احمد بهار متوفی ۱۳۶۶ در تاریخش به دو مصرع گفت.

دور ادب نپرورد بهر ادیب تالی

جای ادیب خالی جای ادیب خالی

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۱۵ -۱۴)، از صبا تا نیما (۲۰ -۱۹ /۲)، تاریخ برگزیدگان (۳۳۳)، دایرةالمعارف فارسی (۷۸ /۱)، دویست سخنور (۱۶ -۱۵)، زندگینامه‌ی رجال ومشاهیر (۱۰۷ /۱)، سخنوران نامی (۱۵ -۱۰ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۹ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۷ -۱۵۶ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۸ -۹۷ /۷)،لغت‌نامه (ذیل/ ادیب نیشابوری)، یادداشتهای قزوینی (۸/ ۱۵۰).

ادیب نیشابوری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۷۷ ق)، دانشمند، عالم و ادیب. در روستای خیرآباد بلوک عشق‌آباد نیشابور به دنیا آمد. او تا هیجده سالگی در نزد پدرش درس خواند. سپس پدرش وی را به مشهد فرستاد. پس از اندك زمانی نزد دائی خود حاج شیخ محمد کدکنی به تحصیل پرداخت. در ۱۲۹۴ ش به محضر شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری اول راه یافت. ادیب نزد بسیاری از مدرسان و عالمان آن عصر درس خواند. او در رشته‌های ادبیات عرب، منطق، فلسفه، ریاضیات، اصول، فقه، رجال حدیث و تفسیر متبحر بود و طب قدیم را نیز می‌دانست. او نزدیك به شصت سال صاحب حوزه‌ی تدریس بود و شاگردان بسیاری تربت کرد. از آثار وی: «گوهر دانش»؛ «تاریخ ادبیات عرب»؛ «البدایة و النهایة»؛ «تابش جان و بینش روان»؛ «حدیث جان و جانان»؛ «تاریخ ادبیات ایران».[۱]

محمدتقی معروف به (ادیب نیشابوری) از ادباء و اساتید ادبیات و دانشمندان عالیمقام معاصر و در فنون ادبیه تالی و ثانی استادش مرحوم عبدالجواد ادیب نیشابوری بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۸۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۶ -۱۹۵ /۲)، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (زمستان ۱۳۵۷).

ادیب هروی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۲ ق)، ادیب و نویسنده. وی در مشهد متولد شد. بعد از فراگیری مقدمات عربی و ادبی به حوزه‌ی درس میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری وارد شد و به مدت چهار الی پنج سال از محضر وی بهره گرفت. همچنین در محضر آخوند ملاعلی تونی علم فقه و اصول را نیز آموخت. ادیب هروی پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۲۵ ق با سمت معلمی در مدارس مشهد به کار پرداخت. آثار به جای مانده از او: «احسن القصص»؛ «تاریخ انقلاب طوس»؛ «حدیقة الرضویه» «دستور حسن»؛ «صرف متوسط»؛ «نحو مقدماتی»؛ «تاریخ پیدایش مشروطیت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۰ -۱۰۹ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۲ -۵۳۱ /۲).

ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ /۱۳۳۵ -۱۲۷۷ ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوایل پروانه تخلص می‌کرد، چون به امیرالشعرا ملقب گردید، تخلص خود را امیری قرار داد. وی در قریه‌ی گازران، از توابع فراهان اراک، متولد شد. در نوجوانی پدرش را از دست داد و به همین علت به تهران آمد. در تهران، پس از طی مدارج معمول آن زمان، فنون ادبیات ایران و عرب را از استادان فن آموخت و سرآمد سخنوران عصر گشت و مورد اکرام و توجه شاهزاده طهماسب میرزای مویدالدوله قرار گرفت. دوره‌ی فعال زندگانی وی مقارن با جنبش مشروطه‌خوواهی در ایران بود. در سال ۱۳۰۹ ق که امیر نظام گروسی به حکومت کرمانشاه منصوب شد، با او بدان جا رفت و تا سال ۱۳۱۳ ق در کرمانشاه بود. در سال ۱۳۱۴ ق از طرف مظفرالدین شاه به ادیب‌الممالک ملقب گردید. در همین سال بود که امیر نظام به پیشکاری کل آذربایجان منصوب شد و با او به تبریز رفت. «روزنامه ادب» را در سال ۱۳۱۶ ق در تبریز منتشر کرد. در سال ۱۳۱۸ ق از تبریز به قفقاز رفت و در آنجا با کمک احمد بیک آقایف قراباغی «روزنامه‌ی ارشاد» را به زبان ترکی و فارسی منتشر کرد. از آنجا به خوارزم و پس از چندی به مشهد رفت و «روزنامه‌ی ادب» را در آن شهر انتشار داد. سپس به تهران آمد و در سال ۱۳۲۴ ق «روزنامه‌ی عراق عجم» را در تهران تأسیس کرد اما دیری نپایید. سپس سردبیر «روزنامه‌ی ایران» دولتی شد و در سال ۱۳۲۲ ق از طرف وزارت کشور مدیر روزنامه‌ی نیمه رسمی «آفتاب» شد و در این ایام در وزارت دادگستری خدمت کرد. در سال ۱۳۳۵ ق مأمور عدلیه‌ی یزد شد. در تهران بدرود حیات گفت و در امامزاده عبدالعظیم شهر ری. به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی مشتمل بر بیست و دو هزار بیت، به همت وحید دستگردی، در سال ۱۳۱۲ ش در تهران چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۲۲ -۲۰)، از صبا تـا نیما (۱۴۶ -۱۳۷)، تاریـخ ادبیـات ایران، براون (۲۲۶ -۲۲۳، ۱۹۶ /۴)، تاریخ جراید (۹۸ -۸۰)، چشمه‌ی روشن (۳۵۶ -۳۴۸)، الذریعه (۶۶ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴ -۳۷۶ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۵ /۱)، شخصیت‌های نامی (۴۱ -۴۰)، شرح حال رجال (۱۶۱ -۱۵۹ /۲)، لغت‌نـامه (ذیل/ ادیب فراهانی)، مکارم الآثار (۲۱۳۲ -۲۱۳۱ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۹ -۴۷۷ /۳)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۰ -۱۴۹ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳ ص ۳۴).

ارباب شیرانی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سـعید ارباب شیرانی در سال ۱۳۱۶ در اصـفهان به دنیا آمد.وی پس از دریافت کارشناسـی زبان و ادبیات انگلیسـی از دانشگاه تهران ،در سـال ۱۳۴۰ برای ادامـهٔ تحصـیل به آمریکـا رفت و موفق شـد از دانشـگاه پرینسـتن درجـهٔ فوق لیسـانس و دکترای ادبیات تطبیقی را دریـافت کنـد.ایشـان در حـال حاضـر در دانشـگاه علامـهٔ طباطبـایی به تـدریس اشـتغال دارد. کتاب"تاریـخ نقـد جدیـد" ترجمه،سـعید ارباب شیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشـته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصـیلات رسـمی و حرفه ای : سـعید ارباب شیرانی پس از طی دوران دبسـتان و دبیرسـتان در اصفهان، در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۰ برای ادامهٔ تحصـیل به آمریکا رفت و ضـمن تدریس فارسـی در بخش شـرق شناسی دانشگاه پرینستن، از دانشگاه راتگرز (دانشگاه ایالتی نیـوجرزی) درجـهٔ فـوق لیسـانس ادبیـات انگلیسـی و از دانشـگاه پرینسـتن درجـهٔ فوق لیسـانس و دکـترای ادبیـات تطبیقی دریـافت داشـتمشاغل و سـمتهای مورد تصدی : سعید ارباب شیرانی در سال ۱۳۴۰ برای ادامهٔ تحصـیل به آمریکا رفت و در کنار تحصـیل به تدریس زبان و ادبیات فارسـی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستن پرداخت.ایشان در حال حاضر در دانشگاه علامهٔ طباطبایی به تدریس اشـتغال دارد.جوائز و نشانها : کتاب"تاریخ نقد جدید "ترجمه،سـعید ارباب شـیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی به عنـوان کتـاب سـال برگزیـده شـد.آثـار : ۱- "Creative use of convention in Herrick's Corinna's going a-Maying" -"Theoretical Backgrounds of French Prose Poetry: Fenelon to Baudelaire accepted for publication in the forthcoming issue of Humanities ویژگی اثر : تـالیف۲ تاریـخ نقـد جدیـد ویژگی اثر : ترجمه،این کتـاب در دوره پـانزدهم کتـاب سـال جمهـوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «تاریخ نقد جدید»: تاریخ نقد جدید (جلد ۱، ۲، ۳و...)؛ رنه ولک؛ ترجمه سعید ارباب شیرانی؛ تهران: انتشارات نیلوفر، جلد سوم، ۱۳۷۵. نقد ادبی و اطلاع از آراء و مکاتب آن، اهمیت بنیادی در شـناخت و ارزیابی آثار ادبی- هنری دارد. رنه ولک- مورخ و منتقد برجسته که او را «منتقد والای منتقـدان» خوانـده انـد- دارای آثاری باارزش در این زمینه است. یکی از این آثار، کتاب هشت جلـدی تاریخ و نقد است که تألیف آن قریب چهل سال زمان برده است. کتاب حاضـر از امّهات کتب نقد ادبی در همه زبانهای مغرب زمین به شـمار می رود و تفصیل و دامنه شـمول آن چشـمگیر است. ترجمه این اثر، همتی والاـ را می طلبیـد که مترجم محترم از عهـده این کـار دشوار به شایسـتگی برآمـده است و تاکنون سه جلـد آن- با رعایت امانت در ترجمه- به خواننـدگان عرضه شده است. این کتاب راهنمای مناسبی برای همه محققان، دانشجویان دوره های کارشناسی ارشد و دکترا وعلاقه مندان به نقد ادبی است. تعلیقات پایانی هریک از مجلدات، نه تنها یاری رسان خواننده است؛ بلکه می توان آن را در حکم تحقیق ارزنده ای به شـمار آورد ۳ تاریخچه نقد در ادبیات قدیم عرب

ویژگی اثر : ترجمه،فان گلدر، ؛ تحقیقات اسلامی، سال سوم، شماره۱ و ۲(۱۳۶۷)۴ تخیل فرهیخته ویژگی اثر : ترجمه،نورتروپ فرای؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۶۳، چاپ دوم ۱۳۷۲.۵ مضمون سازی در شعر سبک هندی و شعر متافیزیکی انگلیس ویژگی اثر : تالیف،صائب و سبک هندی، به کوشش محمدرسول دریاگشت

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ارباب کیخسرو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ –۱۲۵۳ ش)، نویسنده و شاعر. وی در کرمان متولد شد. در طفولیت از داشتن پدر محروم گردید. تحصیلات مقدماتی را تحت توجه مادر خود در دبستان کرمان به پایان برد و در نه سالگی به تهران آمد و به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. سپس به بمبئی رفت و تحت حمایت و سرپرستی دینشاه به تحصیل مشغول شد. پس از پایان تحصیلات، از طرف انجمن اکابر صاحبان پارسی، به آموزگاری در کرمان منصوب شد. در این مدت به اصلاحات فرهنگی اقدام کرد. پس از مدتی از طریق مشهد و عشق‌آباد به روسیه رفت و بیش از یکسال در ادسا ماند، سپس به تهران آمد و جزو مدیران اداره‌ی ارباب جمشید بهمن درآمد. در دوره‌ی دوّم، از طرف همکیشان خود به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و جمعا یازده دوره نماینده‌ی زردتشتیان در مجلس بود. در سال ۱۳۱۰ ش، تنی چند از رجال دانشمند، به منظور تجلیل از بزرگان علم و ادب ایران و حفظ آثار باستانی و ابنیه‌ی تاریخی، انجمنی به نام «انجمن آثار ملی» تأسیس کردند که وی نیز با آنان همکاری داشت. نخستین اقدام انجمن مذکور، ساختن آرامگاه فردوسی در طوس بود. وی مردی امین و صدیق و میهن دوست بود. به زبان انگلیسی تسلط داشت. در تهران به طرز مشکوک و اسرارآمیزی کشته شد. او طبع شعر داشت و دارای تألیفاتی است از جمله: «آئین پارسیان»، ترجمه از انگلیسی؛ «آئینه‌ی آئین مزدیسنی»؛ «فروغ مزدیسنی».

ارباب کیخسرو شاهرخ ۷ تیرماه ۱۲۵۴ در کرمان زاده شد.وی معلم ، نویسنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از ۲۰ مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... بود.ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخانه در نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورد توجه قرار گرفت.نانبرده سرانجام پس از شصت و شش سال زندگی نیک ، آفتاب عمرش در نیمه شب یازدهم تیرماه ۱۳۱۹ غروب کرد و نامش را در تاریخ ایران جاودان ساخت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده

تحصیلات رسمی و حرفه ای : . تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراند و سپس به هند رفت. سال ۱۲۸۴ به تهران آمد

هم دوره ای ها و همکاران : اسناد موجود و اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که ارباب کیخسرو شاهرخ با همکاری جمعی از نمایندگان پیشگام مجلس مانند دکتر رضا افشار، شیخ ابراهیم‌زنجانی و سید نصرالله تقوی در فراهم آوردن مقدمات تأسیس کتابخانه مجلس از این طرح پیشنهاد و تا استقرار و پا گرفتن آن، کوشش‌های فراوانی کردند.

وقایع میانسالی : این مرد نیک اندیش از همان بدو کودکی با تمامی مشکلاتی که برایش پیش می آمد از کمک به همنوع دریغ نمی نمود و در دوران زندگی اش منشاء خدمات ارزنده ای به جامعه زرتشتی و کشورش ایران شد

زمان و علت فوت : ارباب کیخسرو شاهرخ در یازدهم تیر سال ۱۳۱۹ دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ارباب کیخسرو شاهرخ سال ۱۲۸۸ از طرف همکیشان خود به نمایندگی مجلس برگزیده شد. همان سال نیز به ریاست انجمن زرتشتیان تهران منصوب شد. وی در سال ۱۲۸۹ کتاب «فروغ مزدیسنی» را به رشته تحریر درآورد. او ۳۱ سال نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی بود. ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخانه در نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورد توجه قرار گرفت. خلاصه ای از فعالیت های ایشان به قرار زیر است: معلم ، نویسنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از ۲۰ مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... نگارش و چاپ کتابهای آینه آیین مزدیسنی و فروغ مزدیسنی ۳۱ سال نماینده ایرانیان زرتشتی در مجلس شورای ملی از سال ۱۲۸۸ تا ۱۳۱۹ خورشیدی تغییر مراسم تدفین از دخمه به خاکسپاری و خرید و احیای آرامگاه قصر فیروزه تهران و پیگیری این مراسم در سایر شهرها پافشاری در تصویب به رسمیت شمردن احوال شخصیه اقلیتهای مذهبی و پیگیری و تدوین مفاد آن دریافت حکم تولیت موقوفات زرتشتی به نام انجمن های زرتشتیان هر شهرستان . مسئول ساخت راه آهن ایران مدیرعامل شرکت سهامی تلفن به سال ۱۲۹۵ خورشیدی مسئول خرید گندم و غلات در زمان قحطی سال ۱۲۹۷ خورشیدی مسئول شناسایی و بازسازی آرامگاه فردوسی و سرپرستی جشن هزاره آن شاعر نامور به سال ۱۳۱۳ خورشیدی تاسیس کتابخانه مجلس و رئیس اداره مباشرت و سرپرست چاپخانه مجلس مسئولیت و سرپرستی جشن تاج گذاری احمد شاه قاجار نظارت بر جشن تاج گذاری رضا شاه پهلوی

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ارباب کیخسرو در انجام مراحل مقدماتی تاسیس، گردآوری کتاب و تعیین مکانی برای نگهداری کتاب‌ها و ایجاد کتابخانه موقت، سهم بەسزایی داشته است.که از وی به عوان بنیانگذار کتابخانه مجلس یاد می شود. وی علاوه بر این، بنیانگذار انجمن آثار ملی است. این انجمن بعد از انقلاب به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تغییر نام داد. همچنین مسؤلیت ساخت بنای فعلی آرامگاه فردوسی در طوس نیز بر عهده ارباب کیخسرو بوده است. ساخت بنای آرامگاه فردوسی در کمیسیونی پیگیری می‌شده که محمدعلی فروغی نخست وزیر، ارباب کیخسرو، هرتسفلد آلمانی و گدار فرانسوی اعضای آن بوده‌اند. --

آثار :

۱ فروغ مزدیسنی

ویژگی اثر : تالیف

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۴ –۱۲۰ /۱)، شرح حال رجال (۱۸۰ –۱۷۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲ –۱۰۱ /۵).

ارجمند، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمشید ارجمند، مترجم و منتقد سینمایی.

زندگی‌نامه:

جمشید ارجمند در خیابان لاله‌زار، کوچه پیرنیا ۲، روبه‌روی سینما کریستال به دنیا آمد. خیلی زود در ۱۲ سالگی در آغاز دهه سی و دولت دکتر مصدق به عضویت حزب پان ایرانیست درآمد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد با وسایل ابتدایی به چاپ اعلامیه می‌پرداخت اما فعالیت‌های سیاسی او را خیلی زود به فعالیت‌های فرهنگی کشاند و در تابستان ۱۳۳۳ کار در مجله فردوسی زیر نظر ناصر نیرمحمدی آغاز کرد. در همین سال چاپ چند شعر نو در مجله فردوسی و راهنمایی‌های اسماعیل شاهرودی و نصرت رحمانی او را با ادبیات نوین فارسی آشنا کرد. مرگ مادرش در ۱۳۳۷ طی حادثه‌ای در جلوی چشمان‌اش و مرگ پدر در دو سال بعد زندگی مشقت‌باری را به او تحمیل کرد اما وی توانست با سخت‌کوشی بر مشکلات فایق آید و به دانشگاه برود و هم‌زمان در مجله فردوسی به مدیریت نعمت‌الله جهانبانویی و ستاره سینما به سردبیری پرویز نوری به کار ترجمه و انتشار مقاله بپردازد. در ۱۳۴۰ به دلیل فعالیت‌های سیاسی در چارچوب جبهه ملی دو بار دستگیر و در زندان قزل‌قلعه زندانی شد. در سال ۱۳۴۱ در تظاهرات دانشجویی مورد ضرب و جرح شدیدی قرار گرفت. سال ۱۳۴۲ سال پرباری برای ارجمند بود در این سال از دانشکده حقوق فارغ‌التحصیل شد و با روشنک کشاورز، فرزند سید محمدعلی کشاورز سخنگوی جبهه ملی دوم، ازدواج کرد. تحصیل فوق‌لیسانس مدیریت اداری را آغاز کرد که البته ناتمام ماند. در همین سال در موسسه تحقیقات اقتصادی با سمت محقق استخدام شد که امکان تحقیق و سفر به مناطق مختلف ایران و انتشار پژوهش‌های‌اش در فصلنامه تحقیقات اقتصادی را برای‌اش فراهم آورد. نخستین فرزندش در سال بعد ۵ مرداد ۱۳۴۳ به دنیا آمد که به یاد دکتر محمد مصدق نام او را" محمد "گذاشت. چهار سال بعد در آذر ۱۳۴۶ دخترش لیلا به دنیا آمد. در این سال‌ها هر چند دو سال را در سربازی گذراند اما به فعالیت‌های مطبوعاتی و ترجمه و تالیف و نقد سینمایی نیز پرداخت و در سال ۱۳۴۵ مجمع منتقدان فیلم در بنیانگذاری کرد و در همین سال به عنوان عضو هیئت داوران منتقدان سینمایی در جشنواره فیلم کودک و نوجوان انتخاب شد. در ۱۳۴۸ به فرانسه رفت تا مطالعات تخصصی در دوره دکترای سیکل سوم دانشگاه اکس-مارسی، رشته اقتصاد و تبلیغات جهانگردی را پی بگیرد. در همین سال ترجمه نخستین کتاب‌اش را به پایان برد و با بازگشت به کشور در سال بعد، به فعالیت‌های گسترده و مداوم به ترجمه و تالیف پرداخت. بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در سال ۱۳۵۸ کار در هیئت تحریریه روزنامه هفتگی طنز" آهنگر "به سردبیری منوچهر محجوبی را آغاز کرد و با تعطیلی این هفته‌نامه در سرویس خارجی روزنامه بامداد شروع به کار کرد که این روزنامه هم تعطیل شد و او در روزنامه میزان مشغول کار شد و این روزنامه هم به سرنوشت آن دو نشریه دچار شد و به کام تعطیلی رفت. جمشید ارجمند هر چند تا کنون دو بار عمل جراحی قلب انجام داده است اما هم‌اکنون ضمن تحقیق و پژوهش و ترجمه، سردبیری و انتشار فصلنامه بیمه و کشاورزی برای صندوق بیمه محصولات کشاورزی را به عهده دارد. :تالیف

- ۱۳۵۱ درباره چند سینماگر(۲و۱)، نشر و پژوهش کتاب جار.
- ۱۳۵۱ در باره سینما، نشر و پخش کتاب جار.
- ۱۳۵۲فیلم ساختن، انتشارات مروارید.
- ۱۳۵۳ سینماگر، نشر و پخش کتاب جار.
- ۱۳۷۲ دستور خط و نگارش، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- دست‌نامه شیوه نگارش، سازمان مدیریت صنعتی.
- ۱۳۷۷ گربه روی شیروانی داغ و ۲۱ فیلم-قصه دیگر، انتشارات روزنه‌کار.

– ۱۳۷۹ میان پرده، گل آقا.

ترجمه:

– ۱۳۵۱ حقوق نویسنده، آلکساندر سولژنیتسین، انتشارات مروارید

– ۱۳۵۲ جامعه‌شناسی رادیو و تلویزیون، ژان کازنو، انتشارات سروش

– ۱۳۵۴ چهرهٔ عریان آمریکا، روژه کان، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.

– ۱۳۶۲ جنبش مقاومت ایرلند، روژه خالیگو، انتشارات خوارزمی.

– ۱۳۶۳ نیکلا کوچولو، سامپه(تصویرگر)، گوسینی (نویسنده)، نشر شینلام.

– ۱۳۶۳ دنیای کوچک دن کامیلو، جووانی گوارسکی، نشر تهران فاریاب، چاپ‌های بعد نشر پرواز.

– ۱۳۶۸ تاریخچهٔ رادیو و تلویزیون، پیر آلبر، آندره ژان تودسک، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

– ۱۳۷۷ سنگ قیصر، جستجوی خط مبارزه در آثار مسعود کیمیایی، پیر بالدوکی، بهرام شیراوژن، فرهنگ کاوش.

– ۱۳۷۷ اصفهان، تصویر بهشت، هانری استیرلن (با مقدمهٔ هانری کربن)، نشر و پژوهش فرزان روز.

– ۱۳۷۸ نقد فیلم , (نمونه‌هایی از نقدهای دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰، انتشارات فانوس خیال

– ۱۳۷۹ مینیاتور ایرانی، رنگ‌های نور: آینه و باغ، یوسف اسحاق‌پور، نشر و پژوهش فرزان روز.

– ۱۳۸۰ شوهر مدرسه‌ای، جووانی گوارسکی، نشر کتاب پرواز.

– ۱۳۸۲ آیین هندو و عرفان اسلامی، داریوش شایگان، نشر و پژوهش فرزان روز.

– ۱۳۸۸ ایرانیان، یونانیان و رومیان، یوزف ویسهوفر، نشر و پژوهش فرزان روز.

اردبیلی، جمال‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۷ ق)، مفسر، فقیه و نحوی. از اهالی اردبیل بود. وی مؤلف کتاب «شرح انموذج» زمخشری است که از قرن هفتم تاکنون از کتب درسی حوزوی بوده و در مجموعه‌ی «جامع المقدمات» برای تعلیم مبتدیان علوم عربی آمده است. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر؛ «الانوار»، در فقه شافعی. صاحب «هدیـهٔ العارفین» اردبیلی را با نادری رومی، معروف به غنی‌زاده، شاعر ترک زبان قرن دهم و یازدهم، اشتباه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۰ /۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۰ /۳)، ریحانه (۴۲۵ /۱)، کشف الظنون (۱۸۵)، معجم المؤلفین (۱۷۸ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۲۷۵ /۲).

اردبیلی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۶ -۱۲۶۹ ق)، عالم، متکلم و ادیب. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح، در سال ۱۲۹۴ ق به عتبات رفت و مدتی نزد میرزا حبیب‌اللّه رشتی، فاضل ایروانی و دیگران شاگردی کرد. سپس به اردبیل بازگشت. در جریان نهضت مشروطیت، وی نخست از طرفداران آن بود، ولی بعدا از در مخالفت درآمد. در ۱۳۳۸ ق که لشکریان روسیه وارد انزلی شدند، علیه آنان فرمان جهاد داد. آقا میرزا علی‌اکبر مشرب کلامی داشت، بدان پایه که تحصیل آن را واجب می‌شمرد. وی عالم و کامل و عارف به حکمت و کلام و حدیث و فقه و اصول بود. وی در اردبیل وفات یافت. از آثار اوست: «اصول‌الدین مسلمین»؛ «البعث و النشور»، در اثبات معاد جسمانی؛ «جواب السؤال عن وقعهٔ زید و زینب»؛ «رسالهٔ فی تقلید المیت»؛ «عمود النور»، در رد شیخیه و بابیه و صوفیه. وی چند کتاب نیز به زبان ترکی نوشته که به طبع رسیده است، از جمله: «اصول‌الدین عوامی»؛ «رساله‌ی عوام الناس»، در رد بابیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشروطه (۴۰۲ -۴۰۰، ۱۹۷)، الذریعه (۱۲۹ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۲ /۱)، طبقت اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰۶ -۱۶۰۵ /۱۴)، علماء معاصرین (۳۹۵ -۳۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۰ /۴)، مکارم الآثار (۱۹۳۳ /۶).

اردستانی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ ق)، ادیب. ملقب به ابوجعفر. وی به ناحیه‌ی اردستان اصفهان منسوب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۰۴ /۱).

اردوبادی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۰ -۱۳۱۲ ق)، محدث، ادیب و شاعر. در تبریز متولد شد. در حدود ۱۴ سالگی به همراه پدر به نجف رفت و ادبیات را از افاضل آن شهر فراگرفت و پس از آن در حوزه‌ی درس استدلالی پدر خود حاضر شد. پس از فوت پدر، در حوزه‌ی درس میرزا علی‌آقا شیرازی، شریعت اصفهانی، حاج شیخ محمدحسین اصفهانی حاضر شد و بیش از همه از محضر نابغه‌ی عصر، آقا شیخ جواد بلاغی بهره برد. وی از مشایخ بسیاری که شمار آنها به بیش از سی تن می‌رسد روایت کرده است. اردوباری به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و مضمون بیشتر اشعار عربی وی در منقبت اهل بیت و مقاصد و امور دینی بود. از آثار وی: «الانوار الساطعهٔ فی نسمیهٔ حجهٔ‌اللّه القاطعهٔ»؛ «سبک النضار فی شرح حال المختار»؛ «منظومه‌ای در وقایع روز عاشورا»؛ منظومه‌ای در استقبال «الفیه‌ی» میرزا محمدتقی نیر تبریزی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۸ /۹)، الذریعه (۴۲۸ /۲)، ریحانه (۲۰۵ /۱)، الکنی و الالقاب (۲۱ -۲۰ /۲).

ارسنجانی، علی عسکر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، ادیب، عارف، خطاط، نقاش و شاعر. از اهالی قصبه‌ی ارسنجان شیراز و مردی درویش مسلك بود كه به ملااحمد ارسنجانی دست ارادت داده بود. از علوم رسمی و كمالات بهره داشت و خط نسخ را خوب می‌نوشت و در نقاشی و چهره‌سازی نیز دست داشت. وی در زادگاه خود بدرود حیات گفت. از آثار او: دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهّب عالی نسخ و آخر رقاع كتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق كتابت خفی عالی، حواشی شكسته خفی خوش، با رقم: «علی عسكر الارسنجانی الشیرازی ۱۲۹۲»؛ قرآن جلد روغنی، به خط نسخ و آخر رقاع كتابت خفی عالی، با رقم: «علی عسكر بن محمد شفیع الارسنجانی سنه ۱۲۵۳»؛ یك قطعه نسخ و رقاع كتابت عالی، با رقم: «وانا العبد الاقل علی عسكر الارسنجانی ۱۲۸۱».[۱]

علی عسکر ارسنجانی مشهور به میرزا آقا در هنر خطاطی و شعر از نوابغ بود. علی عسکر در شعر «الحان» تخلص می‌کرده است. قطعات بسیاری از مرحوم میرزا آقا به جای مانده است که از ذوق و ابتکار وی حکایت می‌کند.

علی عسکر در اوان جوانی چنان در هنر خط و نقاشی درخشید که شهرت جهانی یافت و از طرف دولت هندوستان به آن کشور دعوت شد. سپس از آن کشور بازگشت و در شیراز بدرود حیات گفت و در حرم مطهر امامزاده سید حاج غریب شیراز مدفون گردید.

دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهب عالی نسخ و آخر رقاع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی عالی، حواشی شکسته خفی خوش با رقم:

«کتبه فی شهر ربیع‌الاول سنهٔ اثنی و تسعین و مأتین بعد الالف من الهجرهٔ علی عسکر الارسنجانی الشیرازی» «۱۲۹۲» در مجموعه‌ی آقای سلطان القرائی.

- قرآن جلد روغنی رقم «یا امیرالمؤمنین» نسخ و آخر رقاع کتابت خی عالی با رفم: «حسب‌الخواهش... میرزا عابد مستوفی شیرازی له الاعز... میرزا محمدرضا من شهور سنهٔ ثلث و خمسین و مأتین بعد الاف من الهجرهٔ... سمت اختتام پذیرفت. و انا العبد الاثم الخاطی الجانی العاصی الفانی علی عسکر ابن محمد شفیع الارسنجانی سنهٔ ۱۲۵۳».

- یک قطعه نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم: «کتبه فی شهر ذی‌القعدهٔ‌الحرام سنهٔ احدی و ثمان و مأتین بعد الف من الهجرهٔ النبویهٔ المصطفویهٔ و انا العبد الاقل علی عسکر الارسنجانی ۱۲۸۱» در مجموعه‌ی بیانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۲۴۹ -۲۴۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۱ -۱۱۲۰ /۴)، حدیقهٔ الشعراء (۲۰ /۱)، ریحانه (۱۰۶ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳/ ۷۰۷)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۵۱ /۲).

ارفع، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم ارفع ، فرزند سید ناصر الدین ارفع ، در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد . دوران تحصیلی دبیرستان را ناتمام رها کرد و به تشویق پدر و شوق خود ، روی به آموزش حوزوی آورد . او در حوزه ی علمیه ای در تهران (خیابان ری ، بازارچه ی نایب السلطنه) به درس و بحث طلبگی اشتغال یافت . پس از چهار سال طلبگی در آن مدرسه ی علوم اسلامی که برجسته ترین استادش حاج آقا مجتهدی بود ، در سال ۱۳۴۲ به حوزه ی علمیه ی قم مهاجرت کرد . استادان بزرگ او در این حوزه عبارت بودند از: آیت الله فاضل لنکرانی ، مرحوم آیت الله سلطانی ، آیت الله نوری همدانی و مرحوم دکتر مفتح .

پس از درگذشت پدر گرانمایه اش ، ناچار شد برای سرپرستی خانواده ، از قم به تهران بازگردد و باز همچنان به آموختن علوم و معارف اسلامی ، این بار نزد استادان : آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسفه در مسجد لرزاده و آیت الله میرزا باقر آشتیانی در مدرسه ی مروی پرداخت . در عین حال ، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ، به وعظ و تبلیغ متعهدانه ی انقلابی روی آورد .

مترجم گرامی صاحب بیش از پنجاه کتاب اعم از تالیف و ترجمه است و اغلب و بلکه همه ی آنها در زمینه ی علوم و معارف اسلامی و نشر و ترویج فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است . ایشان بر وفق سنتی مرضیه به ترجمه ی قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه توفیق یافته است .

بر گرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

ازهری هروی، ابومنصور محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۱ / ۳۷۰ -۲۸۲ ق)، ادیب، نحوی، لغوی، فقیه و محدث شافعی. در هرات به دنیا آمد. از شاگردان نفطویه و ابن‌السراج و ربیع بن سلیمان بود و با زجاج و ابن‌الانباری نیز ملاقات کرد و از محمد بن ابی‌جعفر منذری و به یک واسطه از ابوالعباس ثعلب روایت می کرد و از شاگردان وی بود. ابن‌درید را درک کرده اما از وی روایت ننموده است. وی در فنون علم حدیث نیز مهارت داشت. مدتی در عراق و جزیرةالعرب به جمع لغت مشغول بود. چندی هم به دست قرامطه بادیه‌نشین اسیر شد، و در آنجا بر اثر معاشرت با اعراب هوازن بسیاری از لغات و اصطلاحات حقیقی زبان عرب را فراگرفت. ابوعبید هروی مولف «غریبین» و ابویعقوب قراب و حسین بن محمد باشانی و دیگران از شاگردان ازهری هستند. ابومنصور در هرات درگذشت. از آثار وی: «تهذیب اللغة» در ده مجلد که ابن‌منظور صاحب کتاب « لسان العرب» در مقدمه‌ی کتاب خود آن را از مهترین کتاب لغت شمرده است؛ «الادوات»؛ «تفسیر اصلاح المنطق»؛ «تفسیر الفاظ مختصر» مزنی؛ «تفسیر السبع الطوال»؛ «التقریب فی التفسیر»؛ «تفسیر شعر ابی‌تّمام»؛ «شرح غرائب الفاظ مستعمل فقها» یا «الزاهر فی غرائب الالفاظ»؛ «معرفة الصبح»؛ «کتاب علل القراءات»؛ «تفسیر القرآن»؛ «معانی شواهد غریب الحدیث»؛ «ردّ علی اللیث».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۲ /۶)، ایضاح المکنون (۶۰۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۴ /۱)، روضات الجنات (۳۲۲ - ۳۲۰ /۷)، ریحانه (۱۱۳ -۱۱۲ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۸ /۱)، سیر النبلاء (۳۱۷ -۳۱۵ /۱۶)، کشف الظنون (۱۶۳۶، ۱۴۱۴، ۱۲۰۷، ۱۱۷، ۵۱۵، ۴۶۵، ۴۴۸، ۲۸۹، ۱۰۸، ۳۱)، الکنی و الالقاب (۲۵ -۲۴ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۳۷۰، ۲۸۲)، معجم الادباء (۱۶۷ -۱۶۴ /۱۷)، معجم المؤلفین (۲۳۱ -۲۳۰ /۸)، الوافی بالوفیات (۴۶ -۴۵ /۲)، وفیات الاعیان (۳۳۶ -۳۳۴ /۴)، هدیة العارفین (۴۹ /۱).

استادی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا استادی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم است. که در سال ۱۳۱۶ شمسی در تهران به دنیا آمده و در دامان والدشان حاج خداداد استادی که از مردان نیک و خیر تهران است پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در خدمت حاج شیخ عبدالکریم حقشناسی و حاج شیخ احمد مجتهدی و حاج شیخ هادی مقدس واعظ و مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و دیگران مقدمات و سطوح را خوانده و سپس عزیمت به قم نموده و سطوح وسطحی و نهائی را از اساتید بزرگ آیات حوزه چون حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج میرزا حسین نوری و حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و حاج میرزا محمدشاه آبادی و حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای منتظری و حاج آقای مکارم و آقای آذری و حاج سید محمدباقر سلطانی و جوادی آملی استفاده نموده سپس حدود ۱۲ سال از دروس خارج فقه و اصول آقایان مراجع و اساتید بزرگ چون حاج آقا حسن فرید محسنی اراکی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم تبریزی و حاج آقا موسی شبیری زنجانی استفاده کرده و در خلال این سالها عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات آنجا چون آیت‌اللّه خوئی و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر شهید استفاده نموده و در طول بیست سال غالبا شریک بحث آیت‌اللّه سید محسن خرازی بوده.

آقای استادی در خلال تحصیل اشتغال به تدریس سطوح فقه و اصول شرح لمعه و اصول مظفر و رسائل و مکاسب و کفایه و اصول عقاید داشته و دارند.

آثار و تألیفات استادی

آقای استادی در طول پانزده سال است که در کنار تدریس اشتغال به تألیف و تصنیف و ترجمه و تصحیح دارند و از خود آثار به جای گذارده که اغلب به طبع رسیده است و آنها از این قرار است:

۱- فهرست کتابهای خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم در دو مجلد که به چاپ رسیده است- چاپ قم.

۲- فهرست کتابهای خطی کتابخانه عمومی آیت‌اللّه گلپایگانی جلد دوم و سوم.

۳- فهرست کتب خطی مدرسه حجتیه.

۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع چهل ستون تهران.

۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیه شوشتریهای نجف اشرف ج ۱۲ -۱۱.

۶- فهرست صد و شصت نسخه خطی چاپ قم.

۷- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه حجت (ره).

۸- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه طبسی حایری.

۹- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حاج شیخ علی خونساری.

۱۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم.

۱۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه زنجانی.

۱۲- کتابنامه نهج‌البلاغه چاپ بنیاد نهج‌البلاغه.

۱۳- کتابنامه امام صادق علیه‌السلام چاپ موسسه راه حق قم.

۱۴- کتابنامه امام حسین علیه‌السلام.

۱۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سید مهدی روحانی.

۱۶- اصول دین برای همه چاپ دارالفکر.

۱۷- شوری در قرآن و حدیث.

۱۸- مدارک نهج‌البلاغه.

۱۹- تحقیق در یک مسئله فقهی.

۲۰- بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید.

۲۱- خاتمیت از دیدگاه عقل و قرآن و حدیث.

۲۲- شفاعت در قرآن و حدیث.

۲۳- چهل داستان چاپ کتابفروشی علامه.

۲۴- تحقیق درباره دعاء ندبه.

۲۵- توضیحی در پیرامون آیه خمس.

۲۶- امامت در چند درس.

۲۷- تحقیق در پیرامون فقه الرضا و چندین مقاله و جزوه‌های دیگر که به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

استپانیان، سروژ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم سروژ استپانیان در آذرماه ۱۳۰۸ در شهر باکو به دنیا آمد.وی از فرهیختگان معاصر ایران بود . او درزمینه ترجمه آثار روسی تبحر داشت . وی آثار بسیاری ارا ززبان روسی ترجمه کرده است . سروژ فارسی را خوب و روان می نوشت و به زبان فرانسه و انگلیسی هم تسلط داشت . کتاب"مجموعه آثار چخوف"ترجمه ،ایشان ، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

والدین و انساب : سروژ استپانیان در خانواده ای ارمنی و از مادری روس تبار به دنیا آمد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سروژ استپانیان ده ساله بود که با خانواده اش به ایران کوچ کرد و در شهر رشت مقیم شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سروژ استپانیان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را دررشت سپری کرد .

همسر و فرزندان : از سروژ استپانیان یک پسرو یک دختر به جامانده است که دخترش دبیرریاضی و پسرش دکتر دارو ساز می باشد .

وقایع میانسالی : سروژ استپانیان دراین دوران به ترجمه روی آورد . وی همچنین بانشریه ها نیز همکاری می کرد .

زمان و علت فوت : سروژ استپانیان براثر ابتلاء به بیماری سرطان فوت کرد .

فعالیتهای آموزشی : سروژ استپانیان از سال ۱۳۴۱ فعالیتهای فرهنگی خود را با ترجم ?داستانهایی از نویسندگان روس یا روسی نویس در «کتاب هفته» آغاز کرد که اخیراً آنها را در مجموعه ای با عنوان «فیل در پرونده» برای انتشار آماده ساخت. کتابهای «زندگی درگور» اثر ستراتیس می ری ویلیس، «سراب» و رمان سه جلدی «گذر از رنجها» اثر الکسی تولستوی و «ماجراهای حیرت انگیز بارون مونهاورن» اثر بورگ آثار دیگری بودند که وی به ترجم ?آنها پرداخت. مرحوم استپانیان سپس به چخوف روی آورد و گزینه ای از داستانهای کوتاه او را در سه جلد و نمایشنامه هایش را در دو جلد ترجمه کرد. اخیراً جزیر ?ساخالین و چند داستان کوتاه دیگر از همین نویسنده نیز بر آنها افزوده شده، چنانکه چاپ بعدی آثار چخوف مشتمل بر هفت جلد خواهد بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سروژ استپانیان درنظر داشت که آثار نثر پوشکین ،نویسنده روسی ،را به فارسی ترجمه کند و آن را برای مراسم دویستمین سالگرد تولد پوشکین حاضر کند که اجل مهلت نداد .

جوائز و نشانها : درپانزدهمین دوره معرفی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران(از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) درده فجر ۱۳۷۶ درحوزه ادبیات ،یکی از آثاری که به عنوان اثر ممتاز معرفی شد، مجموعه آثار چخوف ،ترجمه سروژاستپانیان بود. ------

---

آثار :

۱ ترجمه بچه های آربات

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ریباکف است

۲ ترجمه جزیره ساخاری

۳ ترجمه داستانهای چخوف

۴ ترجمه زندگی درگور

ویژگی اثر : اثر ستراتیس می ری ویلیس

۵ ترجمه سراب

ویژگی اثر : این اثر تالیف تولستوی است

۶ ترجمه فیل درپرونده

۷ ترجمه کتاب شطرنج

۸ ترجمه گذر از رنجها

ویژگی اثر : این کتاب سه جلد بوده و تالیف الکسی تولستوی می باشد که به جریان انقلاب اکتبر و جنگهای داخلی شوروی سابق می پردازد .

۹ ترجمه ماجرای حیرت انگیز بارون مونها وزن

ویژگی اثر : این کتاب اثر بورگ می باشد که یک اثر کاملا طنز آمیز است .

۱۰ ترجمه مجموعه آثار چخوف

ویژگی اثر : این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«مجموعه آثار چخوف»: مجموعه آثار چخوف (جلدهای ۴ و ۵)؛ آنتوان چخوف؛ ترجم? سروژاستپانیان؛ تهران: توس، ۱۳۷۵. دوران فعالیت ادبی چخوف سالهای آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. معاصران او، این دوران را «قرن درام نویسی» و درام نویسی او را «درام نوین» می نامند. درام نوین در حدود سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۰ در اروپا نضج

گرفت و به سرعت از فرانسه تا روسیه و از نروژ تا ایتالیا گسترش یافت. تولد تئاتر چخوف، در شرایط تاریخی زمان او امری اجتناب ناپذیر می نمود. با اینکه خلاقیت هنری او بیشتر با درام نویسی آغاز می شود و با آن خاتمه می یابد، نثر او مشحون از موضوعات بکر نمایشی است. چخوف به تئاتر زمان خود با نگرش انتقادی می نگریست و از عنفوان جوانی، در مقاله های طنزآمیز و در نامه های خود، آن را شدیداً مورد انتقاد قرار می داد. او بارها سعی کرده بود با تئاتر وداع کند اما باز به آغوش آن بازگشته بود و این حقیقتی بود که نوسینده خود آن را تجربه کرده و به زبان آورده است. به طور کلی باید گفت که چخوف به قرن طلایی ادبیات روس تعلق دارد. نمایشنامه های او بیانگر اوضاع اجتماعی قرن نوزدهم و از بسیاری جهات با واقعیتهای جامعه قابل قیاس است. از ویژگیهای کتاب این است که مترجم به زبان روسی تسلط کامل دارد و برای ترجمه، زبان راحت و مناسبی اختیار کرده است

۱۱ ترجمه مجموعه آثار ناس (لانس) لاوکیج

۱۲ کتاب هفته

ویژگی اثر : ترجمه از زبان روسی

استرآبادی، فاضل

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن الحسن رضی‌الدین الاسترآبادی عالمی محقق صاحب شرح کافیه و شرح شافیه و شرح قصاید سبع ابن ابی‌الحدید می‌باشد.

علماء عامه و خاصه این بزرگوار ستوده و کتاب شرح کافیه او را تعریف نموده‌اند قاضی شهید شوشتری در مجالس المؤمنین فرموده که شرح کافیه او بهترین کتابست در نحو و متاخرین او همگی خود را عیال آن می‌دانند و آن را دست بدست می گردانند و آن را بر وجهی که در خطبه آن ذکر نموده در آستانه مقدسه علوی و مشهد مقدس مرتضوی نوشته و گفته که اگر مقبول طبع اهل روزگار خواهد بود از برکات وقوع آن در این جوار است و الا از قصور طبع این خاکسار وفات آن بزرگوار در سال ۶۸۶ قمری واقع شده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، محمدمهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۸۰ -۱۱۰۰ ق)، منشی و مورخ. ملقب به میرزا مهدی‌خان. در اصفهان تحصیل کرد. و منشی دربار صفوی شد سمت فرمان صدر و لقب کوکب، عنوان باغبان باشی یا ناظر قصور یافت. پس از پیروزی نادر بر افاغنه در اصفهان، مهدی نامه‌ای، به عنوان تبریك مردم مازندران به نادر فرستاد و از سال ۱۱۴۲ ق به مدت هجده سال مشاور خاص او شد و از او لقب منشی‌الممالك یافت و بعد از تاج‌گذاری نادر در سال ۱۱۴۸ ق لقب میرزا مهدی‌خان را گرفت و تنها سمت ضبط وقایع داشت. در جنگها و سفرهای نادر از داغستان تا دهلی و از هرات تا بغداد و نجف همراه وی و یکی از سه شخصیت اصلی دربار بود. در اوایل سال ۱۱۵۸ ق که

عثمانیان در جنگ ایروان از نادر شکست خوردند و درخواست مصالحه نمودند، مذاکراتی صورت گرفت میزامهدی به عنوان سفیر نادر به دربار عثمان رفت و در راه بازگشت در بغداد بود که نادر درگذشت. به مشهد آمد و از کارهای دیوانی کناره گرفت و دور از مردم در مدرسه‌ای که بعضی از نسخه‌های نوشته‌ی وی هم اکنون در آنجا یافت می‌شود و وقف فرزندان وی است، به تکمیل تألیفاتش در تاریخ حوادث حکومت نادر پرداخت. سبک نگارش وی شیوه‌ی مترسلان قرن هفتم و هشتم قمری چون وصاف الحضره است. آثار وی: «جهانگشای نادری»؛ «درّه‌ی نادره»، با نثر مسجع؛ «سنگلاخ»، در ترجمه‌ی لغات ترکی جغتایی، این کتاب سه جلد است جلد اول در مبانی لغت ترکی جلد دوم سنگلاخ است که قسمت اعظم کتاب است و جلد سوم در شرح و تفسیر لغات مشکل فارسی و عربی؛ «مبانی اللغه»، مقدمه‌ی «سنگلاخ»؛ «انشاء الدرر»، که همان «منشآت» است که با انشای دشواری نوشته شده و گواهی روشن بر بلاغت اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۱۰ -۱۰۸۵ /۵)، شرح حال رجال (۱۷۲ -۱۷۱ /۴)، صبح گلشن (۴۷۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۶ -۶۵۳ /۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ مهدی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸ -۴۴۷ /۶).

استعلامی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد استعلامی در سال ۱۳۱۵ ، در اراک متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نائل آمد. اما او به این حد کفایت ننمود و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا (سال ۱۳۴۵) ، در دانشگاه تهران ادامه داد. او در سال ۱۳۴۳ در گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به عنوان مدرس استخدام شد و در سال ۱۳۵۶ بازنشسته گردید. دکتر استعلامی در تابستان ۱۳۶۱ برای تکمیل مطالعات و تحقیقات خود به سفرهای طولانی درهند، آمریکا و کانادا پرداخت و هم اکنون به تدریس در مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه «مک گیل» مشغول است. کتاب هشت جلدی « تصحیح ، توضیح ، مقدمه و فهرست های مثنوی مولانا جلال الدین در سال ۱۳۶۴ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد استعلامی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نائل آمد. اما او به این حد کفایت ننمود و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا (سال ۱۳۴۵) ، در دانشگاه تهران ادامه داد. از آن پس دوره های مطالعاتی گوناگونی را در دانشگاههای هند ، کانادا و آمریکا گذراند.

استادان و مربیان : مرحوم دکتر محمد معین و مرحوم دکتر بدیع الزمان فروزانفر

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد استعلامی به مدت هفت سال عضو هئیت مولفین دهخدا بوده ، و بعد از آن به سمت معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه الزهرا انتخاب شد.

فعالیتهای آموزشی : محمد استعلامی به مدت چندسال در دبیرستان های تهران به کار معلمی پرداخت. او در سال ۱۳۴۳ در گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به عنوان مدرس استخدام شد و در سال ۱۳۵۶ بازنشسته گردید. وی در تابستان ۱۳۶۱ برای تکمیل مطالعات و تحقیقات خود به سفرهای طولانی در هند ، آمریکا و کانادا پرداخت و تا سال ۱۳۷۴ به تدریس در مرکز مطالعات اسلامی و دانشگاه مک گیل مشغول بوده است.

شاگردان : فارغ التحصیلان رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و دانشسرای عالی تهران در بین سالهای ۱۳۵۶ - ۱۳۴۳ شاگردان محمد استعلامی به شمار می روند.

آرا و گرایشهای خاص : محمد استعلامی به دلیل سابقهٔ شاگردی در محضر استاد معین و نیز فعالیت در لغت نامه دهخدا ، به لغت شناسی و تمثیل و کلمات قصار در ادبیات فارسی توجهی خاص دارد که در تصحیحات وی آشکار است.

جوائز و نشانها : کتاب هشت جلدی « تصحیح ، توضیح ، مقدمه و فهرست های مثنوی مولانا جلال الدین در سال ۱۳۶۴ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : آثار محمد استعلامی توسط نشر دانشگاه تهران ، انتشارات لغت نامه دهخدا و مجلات معتبر منتشر شده است. ایشان پس از مدرک دکتری (از آن زمان به بعد)در دوره های مطالعاتی گوناگون در دانشگاههای هند، کانادا و آمریکا و اجرای پروژه های مختلف تحقیقی شرکت نمود که نتیج ?آنها غالباً به صورت کتب و مقالات متعدد به چاپ رسیده است. ------
----

آثار :

۱ بررسی شاهکارهای زبان فارسی

۲ تصحیح و توضیح و مقدمه و فهرستهای مثنوی مولانا جلال الدین

ویژگی اثر : این کتاب الدین در هشت مجلد که سه جلد از آنها به چاپ رسیده است و باقی مجلدات در آینده به چاپ خواهد رسید.دفتر سوم مثنوی ،در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«مثنوی» (دفتر سوم): این کتاب در هشت جلد به چاپ خواهد رسید که چاپ سه جلد از آنها به اتمام رسیده است. تصحیح این اثر بر اساس نسخه معتبری است که از سال ۶۶۸ (چهار سال پیش از فوت مولانا) باقی مانده و نیز نسخه های معتبری که اندکی پس از درگذشت مولانا تحریر شده و از جمله نسخه بسیار دقیق مورّخ ۶۷۷ محفوظ در مقبره مولانا و نسخ ?دقیق بی تاریخ موجود در مقبره مورخ ۷۱۵ محفوظ در کتابخانه ملی تهران، صورت گرفته و با نسخ ?چاپی معروف نیکلسن و نسخه علاءالدوله مطابقت داده شده است. احادیث نبوی، مثل ها، مواردی که بیان مولانا پیچیده است و نیاز به توضیح دارد، رابط ?مطالب با کتب صوفیان ?پیش از مولانا و ... با اشاره به شمار ?ابیات توضیح داده شده است . نسخه های مورد استفاده و همه منابع کار و کیفیت مقابله و تصحیح و معرفی مولانا و اندیشه ها و آثار دیگر او، موضاعاتی است که در مقدمه جامع این اثر مورد گفتگو خواهد بود و این قسمت هنوز به تدوین نهایی نرسیده است. به غیر از متن و تعلیقات ۶ دفتر مثنوی و مقدمه جامع آن، هشتمین جلد به فهرست های گوناگون و کشف ابیات اختصاص خواهد داشت که این فهرستها حاوی راهنمای یافتن قصه ها، موضوعات، اصطلاحات، آیات قرآن، احادیث نبوی، امثال، کلمات مشایخ صوفیه و عبارات و اشعار تضمین شده در مثنوی به ترتیب حروف الفبا خواهد بود. .

۳ سه جلد از مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی

ویژگی اثر : (برای تدریس در دانشگاهها)

۴ گزیده تذکرهٔ الاولیا

۵ متن کامل تذکرهٔ الاولیا با تعلیقات و فهرستها

۶ مطالب و مقالات تمام حرف «ف» و قسمتهایی از حروف «ه»، «کاف» در لغت نامه دهخدا.

اسداللهی، الله شکر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الله شکر اسدالهی در سال ۱۳۳۹ در شهر اردبیل بدنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۷۵مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : الله شکر اسدالهی ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان بزمی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۸از دبیرستان صفوی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان فرانسه را از دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه را در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۵مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننامه: الف – کارشناسی ارشد: Cellule familiale dans les ceuvres principales de Balzac ب– دکتری: Absence et ses mecanismes langagiers chez N. Sarraute وقایع میانسالی : الله شکر اسدالهی از سال ۱۳۷۶ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی الله شکر اسدالهی به قرار زیر است: – معاون دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی – رئیس دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی – عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز – عضو کمیته برنامه ریزی رشته های علوم انسانی دانشگاه تبریز – نماینده دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی در کمیته تخصصی علوم انسانی دانشگاه تبریز چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی الله شکر اسدالهی به قرار زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده : ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۳ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۸ مورد

اسدی اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌عبدالرحیم، ادیب لغوی نحوی، در سال ۲۹۶ در بغداد وفات یافته، و او امام و پیشوای قراء زمان خود، و استاد در قراءت ورش بوده، و مردم عراق قرائت ورش را از او اخذ نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اسدی لاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۵، لار.

درگذشت: ۲۸ فروردین ۱۳۶۸، تهران، هنگام ورود به کلاس درس دانشگاه.

حسن اسدی لاری از مؤسسان انجمن اسلامی معلمان و نیز زمانی معاون وزیر آموزش و پرورش بود. وی دارای درجه‌ی دکترای ادبیات عرب از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اسعدالدوله، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و خطاط. رییس ذخیره‌ی توپخانه بود و مدتی در شیراز می‌زیست. وی در علوم ادبی فارسی و عربی ماهر بود و نستعلیق را استرار می‌نوشت. هنگام تألیف «آثار عجم»، سال ۱۳۱۳ ق، در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۳۴ -۵۳۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۶۳۴).

اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، و از ممدوحان فرخی سیستانی بود که پدرش از وزیران مشهور محمود بود. وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» او را به فضل و کمال ستوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۵۳۸)، سرآمدان فرهنگ (۱/ ۶۴)، فرخی سیستانی (۱۱۸ -۱۱۷).

اسفراینی، تاج‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۴ ق)، نحوی. آثار وی: «فاتحه الاعراب باعراب الفاتحه»؛ «الضوء علی المصباح» که در شرح کتاب «مصباح» تألیف مطرزی است در نحو که در سال ۱۸۵۰ م در هند به چاپ رسیده است؛ «الجملهٔ الخبریهٔ»؛ «لباب الاعراب»؛ «لباب العلم و الادب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۹ /۷)، ایضاح المکنون (۱۵۳ /۲)، ریحانه (۱۲۰ /۱)، کشف الظنون (۱۷۰۸ ،۱۵۴۵، ۱۵۴۴ -۱۵۴۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسفرائینی)، معجم المؤلفین (۱۸۰ /۱۱)، هدیهٔ العارفین (۱۳۴ /۲).

اسفراینی، خواجه نصیرالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : ملک الشعرا خواجه نصیر الدین اسفراینی معروف به احول ازشاعران و استاد معروف قرن ۷ه.ق است وی شاعر دربارهای ممالیک دهلی، آل صاعد دراصفهان و اتابکان سلغری فارسی و مداح خواجه شمس الدین محمدجوینی بوده است. و قصیده سرایی مداح و ماهر در وصف طبیعت بوده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

گرایش : شعرسنتی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ملک الشعرا خواجه فریدالدین اسفراینی ازشاعران معروف قرن ۷ه.ق است. وی را به سبب اقامت ممتد در اصفهان فرید اصفهانی و به علت زاده شدن دراسفراین، فرید اسفراینی گفته اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریدالدین احول پس از کسب معلومات از خراسان درطب درگاه پادشاهان مداح بیرون رفت.

خاطرات و وقایع تحصیل : فریدالدین احول از خراسانی سفری به هندوستان رفت و به خدمت ناصر الدین قباجه از سلاطین غوری مملوک رسید که تاسال۶۲۴ه.ش درناحیه سند فرمانروایی داشت . وی عین الملک حسین بن ابوبکر انسوی وزیرناصرالدین را در قصیده ای مدح گفت

فعالیتهای ضمن تحصیل : فریدالدین احول در کنار تحصیل علم به مطالعه دورانهای شاعران پیش از خود می پرداخت.

هم دوره ای ها و همکاران : تذکره نویسان فریدالدین احول را از اوان و مصاحبان امامی هروی دانسته اند.

وقایع میانسالی : فریدالدین احول سالها در اصفهان زیسته و درآنجا به ملازمت آل صاعد (صاعدیه) که ریاست حنیفیان اصفهان داشتند درآمد آنان را مدح گفت. بعضی محققان تصور کرده اند که فرید از خراسان نخست به شیراز نزد اتابکان سلغری پس از چندگانی از آنجا به اصفهان رفت و در خدمت آل صاعد درآمد و تا زمان مرگ در آنجاماند

زمان و علت فوت : به نظر نمی رسد که فریدالدین احول دیرگاهی پس از سال۶۶۳ه.ق زیسته باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریدالدین احول از شاعران دربارهای آل صاعد دراصفهان، اتابکان سلغری فارسی و همچنین ناصر الدین قباجه سلطان ملوک دهلی بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدالدین احول درکنار شاعری به مطالعه دیوانهای شاعران بزرگ پیش ازخود و جواب گویی شعر آنان می پرداخته است.

همفکران فرد : فریدالدین احول از معاصران امامی هروی وسعدی شیرازی بوده است.

آرا و گرایشهای خاص : فریدالدین احول به شیوه غالب شاعران پایان قرن ششم و هفتم هجری به سردون قصاید مصنوع علاقه خاصی داشت و سخن او جامع جمیع شرایطی است که در نزد شعرای مشابه وی می بینیم ومخصوصا در وصف طبیعت مهارت خاصی دارد.

چگونگی عرضه آثار : فریدالدین احول قصاید و مدایح خود رابه کسانی چون ناصرالدین قباجه سلطان مملوک خاصی و وزیرش عین الملک حسین بن ابوبکر اشعری، سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی و جانشینانش تا ابش خاتون و همچنین شمس الدین محمدصاحب دیوان جوینی را مدح گفته است___________________________________.

آثار :

۱ دیوان فرید احول(اسفراینی)

ویژگی اثر : دیوان فرید احول موجود و شامل بیش از سه هزار بیت است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

اسفراینی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۰ ق)، ادیب. در جوانی به تحصیل علوم و فنون پرداخت و مدتی در مدرسه‌ی سلطانی هرات به تدریس مشغول بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۴۰/ ۴).

اسفندیاری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج ، در سال ۱۲۷۴ شمسی در یوش مازندران به دنیا آمد. وی آموزش های ابتدایی را در یوش آغاز کرد و در سن دوازده سالگی (۱۲۸۸) با خانواده اش به تهران رفت و در آنجا مسکن گزید. او ابتدا به دبستان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشیج به سال ۱۲۹۶ در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد. نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود، او تا سال ۱۲۹۸ در این کار دوام آورد. از سال ۱۳۰۶ در کنار همسرش عالیه ،در آموزشگاه های کوچک شهرهای شمال ایران : بارفروش (بابل کنونی) ، لاهیجان ، رشت ، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. از فروردین ماه سال ۱۳۱۲ نیما و همسرش به تهران آمدند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال ۱۳۱۶ به تدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت. پس از آن به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ نیما یوشیج تا سال ۱۳۲۶ شغل ثابتی نداشت و پس از آن به خدمت در اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت . او تا پایان زندگیش در این شغل اداری باقی ماند. نیما در روز پنج شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری ذات الریه در گذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والـدین و انسـاب : نیما یوشـیج فرزنـد ابراهیم نوری و طوبی مفتاح بود. در یادداشت کوچک بی تاریخی نسب خود را چنین نوشـته است: « علی بن ابراهیم علی (معروف به ناظم الایاله) بن محمدرضا (معروف به باباخان بیک) بن محمد هاشم بن محمدرضا » .

اوضـاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : نیما آنگونه که خود می گویـد، کودکی اش در میان شـبانان و ایلخی بانان سپری شـده است، اینـان به هوای چراگاه به نقاط دور ییلاق قشـلاق می کردنـد و شب بالای کوهها ساعات طولانی باهم به دور آتش جمع می شـدند ،او می گوید: «از تمام دوره بچگی خود،به زدو خوردهای و حشیانه و چیزهای مربوط به زندگی کوچ نشینی و تفریحات ساده آنها در آرامش یکنواخت و کور و بی خبر ازهمه جا چیزی به خاطر ندارم».

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : نیما خواندن و نوشتن را در یوش که بود آموخت. در زندگینامه ی خود چنین می نویسد: «در همان دهکـده که متولـد شـدم خوانـدن و نوشـتن را نزد آخونـد ده یاد گرفتم. او مرا در کوچه باغهای دنبال می کرد و به باد شـکنجه می گرفت. پاهـای نـازک مرا به درختهای ریشه و گزنه دار می بست. با ترکه های بلنـد مرا مجبور می کرد به از بر کردن نامه هایی که معمولاـ" اهـل خـانواده ای دهـاتی به هم می نویسـند و خودش آنهـا را بهم چسـبانیده و برای من طومـار درست کرده بود». در سـن دوازده سالگی (۱۲۸۸) نیما با خانواده اش در تهران مسـکن گزید و در این شـهر ،ابتدا به دبسـتان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسـطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشـیج به سال ۱۲۹۶ در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصـدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد و این پایان تحصـیلات رسـمی اوست. پس از آن مدتی به اتفاق لاربن در مـدرسه ی خان مروی نزد مرحوم آقا شـیخ هادی یوشـی، زبان عربی آموخت . در سال ۱۳۰۷ نیز در بار فروش (بابل) در محضـر علامه ی حائری به درسهای فلسفه و منطق و فقه این عالم بزرگ دل سپرد.

خاطرات و وقایع تحصـیل : نیما یوشیج از دوران تحصیل خود چنین تعریف می کند : «سالهای اول زندگی مدرسه من به زد وخورد بچه ها گذشت ،وضع رفتار و سکنات من کناره گیری و حجبی که مخصوص بچه ها ی تربیت شده در بیرون شهر است . موضوعی بود که در مدرسه مسـخره برانداز بود. هنر من خوب پریدن و با رفیقم پژمان (حین) فرار از محوطه مدرسه بود. من در مدرسه خوب کـار نمی کردم فقـط نمرات نقاشـی به داد من می رسـید. اما بعـدها مراقبت و تشویق یک معلم خوش رفتار که نظام وفا شاعر امروز باشـد مرا به خـط شـعر گفتن انـداخت. این تاریـخ مقـارن بود با سالها یا که جنگها ی بین المللی ادامه داشت. من در آن وقت اخبار جنگ را به زبان فرانسه می توانسـتم بخوانم». او در ادامه می گوید : «به منزل خاله ام ، مادر تقی کیانی کاردار، می گریختم. با پای برهنه از بازارها و کوچه های یخ بسـته و مرطوب که آثار قدیم در آنجا هنوز بجا بود (می گذشـتم). در سـر راه من دالان دولتسرای عضـدالملک نـائب السـلطنه بود. بـا چراغ کم روشن توی دالاـن و قراول دم در بـا لبـاس مخصوص قـدیم قراول هـای زمـان پیش از مشروطه . همه چیز قدیم. من درست به یادم می آید حیدر علی کمالی و تقی کاردار کیانی در بالاخانه شعر می خواندند تا صبح. و احتشام الملک ، پـدر همین خانلری ، در زاویه به حساب خود زندگی می کرد. آنها تا صـبح نظامی می خواندند. تاثیر نظامی از آن وقت در من پیدا شد که من اصـلاً در خصوص شـعر فکر نمی کردم. تقی کیاین کاردار (معتصم الملک) در من تاثیر مهمی دارد ، بدون اینکه خودش بداند» .

استـادان و مربیان : نیما به تشویق نظام وفا که استـاد او بود ،به نظم شـعر پرداخت. از اسـتادان وی می توان به مرحوم آقا شـیخ هادی یوشیجی و علامه حائری اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : یکی از همدو ره ایها ی دوران تحصیل نیما یوشیج ،حسین پژمان بود.

همسـر و فرزندان : در تاریخ ۶ اردیبهشت مـاه سال ۱۳۰۵ نیما یوشـیج ، در سن ۲۹ سـالگی ،با خانم عا لیه ی جهانگیر ،فرزنـد میرزا اسـماعیل شـیرازی ،خواهر زاده ی انقلابی و نویسنده ی مشهور میرزا جهانگیر صور اسرافیل ازدواج کرد.حاصل این ازدواج فرزندی

به نام شراگیم بود.

وقایع میانسالی : نیما در یکی از طوفانی ترین و پر آشوب ترین ایام تاریخ کشور را درک نموده است.وی در این زمان رضا خان با توطئه چینی و حمایت بیگانگان در پی تغییر حکومت قاجار و انتقال سلطنت به خود و خاندان خود بود. در سال ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی لایحه ای عزل احمد شاه قاجار و جانشینی سردار سپه را به مقام سلطنت تصویب می کند و در ۱۵ آذر ماه ۱۳۰۴ مجلس موسسان برای تغییر مواردی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است ،در یاد داشتی با عنوان (مجلس مؤسسان)برای تغییر موادی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است، در یاد داشتی با عنوان (مجلس موسسان) به تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۰۴ چنین می نویسد:(مجلس موسسان به اصطلاح شیطان می خواهد آتیه ی مملکت ،یعنی سرنوشت یک مست بچه های یتیم و مادرهای فقیر را معین کند. جوانها اغلب آنهایی که چند جلد از کتب ادبیات غربی را ترجمه کرده اند و به این جهت مشهور به نویسندگان هستند، در این مجلس شرکت دارند. می خواهند آنها را برای این مجلس انتخاب کنند. به من هم تکلیف کرده اند،ولی من تاکنون نه پا به مجلس آنها گذاشته ام نه بازی قرعه و انتخاب و کلا را شناخته ام . من از این بازی چیزی نمی فهمم . یک نفر را روی کار کشیده اند یک استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد. جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تو را معدوم نکنند و تو بتوانی روزی که نطفه های پاک پیدا شدند ،به آنها اتحاد را تبلیغ کنی .این نقشه ها برای این است که متفکرین و مخالفین شناخته شوند و آنها را در موقع جلسه ،نیست کنند؛ ولی بالاخره شیطان مغلوب می شود.) نیما یوشیج که به هنگام نوشتن یادداشت ۲۸ ساله است، در این عبارت (جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تورا معدوم نکنند)بی گمان به شهادت دوست ناکام خود میرزاده عشقی نظر دارد و جملات (من از این بازیها چیزی نمی فهمم .یک نفر را روی کار کشیده اند . یک استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد .سخت هوشیارانه ،قابل توجه، تاریخی و عبرت آور است. در بهمن ماه ۱۳۰۶ حادثه سیاسی مهمی روی داد : کشف کتیبه ی سری و اعلام سرهنگ احمد پولادین. سرهنگ احمد خان پولادین که افسری حساس و چو ن رئیس گارد رضا شاه و از نزدیک شاهد اعمال او بود با عده ای از افسران و اشخاص می دانست آنها هم با رژیم پهلوی موافق نیستند وارد مذاکره و متحد شده کمیته ای سری تشکیل دادند که او را از میان بردارند و رژیم پهلوی را سرنگون سازند. نزدیک بود که موفق هم بشوند . اما یکی از افراد این کمیته از بیم نافرجام ماندن این اقدام محرمانه مراتب را به اطلاع پهلوی رسانید . همگی اعضاء کمیته دستگیر و تسلیم دادگاه نظامی شدند محاکمات آنها چند روز به طول انجامید در نتیجه سرهنگ احمدخان پولادین محکوم به اعدام شد. این واقعه نیما یوشیج را که اندیشه انتقام همیشه با او بود سر شوق می آورد و در اسفند ماه ۱۳۰۶ شعر بلند و حماسی (سرباز فولادین) را سرود تا این تاریخ بعد از (افسانه) مهم ترین شعر اوست.

زمان و علت فوت : نیما در روز پنج شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری ذات الریه در گذشت و در قبرستان امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود و ی تا سال ۱۲۹۸ در این کار دوام آورد. از فروردین ماه سال ۱۳۱۲ نیما و همسرش در تهران بودند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال ۱۳۱۶ به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به تمایل خودش با همان حقوق به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ این کار جدی ترین و مناسب ترین شغل اداری نیما یوشیج درتما م طول زندگیش است که تا پایان عمر این مجله ،تا بهمن ۱۳۲۰ ادامه یافت. نیما یوشیج تا سال ۱۳۲۶ شغل ثابتی نداشت و پس از آن به خدمت در اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت . کار او بررسی و اظهار نظر

در باره ی نمایشنامه ها و فیلمنامه هایی بود که به این اداره می رسید. تا پایان زندگیش این شغل اداری او بود و حقوقش سیصد و سی تومان در ماه بود.

فعالیتهای آموزشی : از سال ۱۳۰۶ ، نیما در کنار همسرش عالیه ،در آموزشگاه های کوچک شهرهای شمال ایران : بارفروش (بابل کنونی) ، لاهیجان ، رشت ، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. او در سال ۱۳۱۶ در تهران بـه تـدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : نیما یوشیج در سال ۱۳۱۶ موفق به کشف شکل تازه ای در شعر فارسی شد که این شیوه به کلی با شعر قدیم فرق دارد و با نگرشی که در شیوه شکل آن پدید آورد به پدر شعر نو لقب گرفت. نظرنیما در خصوص شعر، یک نگاه جدید است که بعضاً شیوه های قدیم را به چالش کشیده و از منظری جدید غالب شعر را تعریف می نماید. او می گوید: « ادبیات ما باید از هر حیث عوض شود. موضوع تازه کافی نیست و نه این کافی است که مضمونی را بسط داده و به طرز تازه بیان کنیم. نه این کافی است که با پس و پیش کردن قافیه و افزایش و کاهش مصراع ها یا وسایل دیگر ، دست به فرم تازه زده باشیم . عمده کار این است که طرز کار عوض شود و مدل وصفی و روائی ، که در دنیای با شعور آدم هاست ، به شعر بدهیم. »او در ادامه می گوید:« شعر وزن و قافیه نیست ، بلکه وزن و قافیه هم از ابزار کار یک نفر شاعر هستند. همچنین شعر ردیف ساختن مصطلحات و فهرست کلی دادن از مطالب معلوم که در سر زبان ها افتاده است نیست. این جور کار به درد دفتر حساب بندی یک تجارتخانه می خورد. شعر واسطه تشریح و تاثیر دادن و کوچک کردن معنویات و شکافتن و نمودن درونیهای دقیق و نهفته آنهاست. و تمام کوشش و کاوش شاعر برای آن است که « مخصوصاً شعر را از حیث بیان آن به طبیعت نزدیک کرده و به آن اثر دلپذیر نثر را دهد » . زیاد رغبت دارد و دلباخته رغبت خود است که « شعر را از مصراعبازیهای ابتدایی ـ که در طبیعت این طور یکدست و یکنواخت و ساده لوح پسندانه وجود ندارد و لباس متحد الشکل نپوشیده است آزاد کرده باشد» .نیما فقط در ابداع شعر نو جسارت به خرج نداد بلکه همین آوردن واژه های روستایی و بومی در شعر فارسی و ملی در نوع خود بدعت و نوآوری محسوب می شود ، تا جاییکه که بعد از او بسیاری خواستند از این شیوه بهره بگیرند که راه به جایی نبردند. --

----

آثار :

۱ پادشاه فتح

۲ خواب زمستانی

۳ قصه رنگ پریده ،خون سرد

ویژگی اثر : این قصه مثنوی حزن انگیزی است که برای دلهای خونین سروده شده است و به بیان مصائب شاعر اختصاص یافته که میخواهد قصه ا ی از یاران و ببخت و دوران خویش بازگو کند.

۴ کار شب پا

۵ منظومه افسانه

ویژگی اثر : افسانه منظومه مفصلی است. در یکی از مفترعات بحر رمل(فاعلاتن فعولن فعولن) که محتوی آشفتگی و خیالهای پریشان شاعر است. نیما نخستین انحراف خود را از اسلوب تفکر وبیان دیرینه شعر فارسی در این منظومه نشان می دهد.

۶ وای بر من

منابع زندگینامه :۱آریان پورم یحیی- از نیما تا روزگار ما- ج۳, تهران: انتشارات زوار, ص ۵۹۷۲پیام نوین- سال ۳- شماره ۶,

اسفند ۱۳۳۹۳صوفیم لیلا- زنـدگی نـامه شاعران ایران- انتشارات جاجرمی, ص ۲۱۶۴طاهباز, سیروس- زندگی و هنر نیما یوشیج پردرد کوهستان- تهران: انتشارات زریاب, ص ۱۱

اسکافی، ابوجعفر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۴۰ ق)، متکلم معتزلی، ادیب و شاعر. اصلی وی از سمرقند بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. ابتدا پیشه خیاطی داشت اما به تحصیل دانش روی آورد و علم کلام را از جعفر بن حرب فراگرفت و از پیشوایان بنام معتزلیان بغداد شد. طایفه اسکافیه بدو منسوبند. وی مناظراتی با حسین بن علی کرابیسی داشته است. معتصم عباسی او را بر همه مقدم می‌داشت. در مآخذ مختلف او را صاحب تصانیف بسیار دانسته‌اند. از آثارش: کتاب «المقامات فی تفضیل علی- علیه‌السلام»؛ کتاب «فضائل علی- علیه‌السلام»؛ کتاب «ابطال قول من قال بتعذیب الاطفال»؛ کتاب. «البدل»؛ کتاب «الرد علی المشبهۀ»؛ کتاب «اللطیف»؛ کتاب «النقض».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۲ /۷)، تاریخ بغداد (۴۱۶ /۵)، خاندان نوبختی (۸۵ ،۸۱)، ریحانه (۱۲۲ /۱)، الکنی والالقاب (۲۷ /۲)، لسان المیزان (۲۲۷ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ اسکافی)، مروج الذهب ترجمه (۵۱۲ /۲)، معجم المؤلفین (۲۰۰ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۳۷ -۳۳۶ /۳)، هدیۀ الاحباب (۹۸).

اسکندری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳۷۱.

دکتر محمدحسین اسکندی استاد رشته‌ی ادبیات بود که چندی در دانشگاه شیراز تدریس می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اسلامی ندوشن، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، در سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت ، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار

شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اسلامی ندوشن در خانواده ای با بضاعت متوسط به دنیا آمد ، پدرش خیلی زود وفات یافت و او ناگزیر شد که روی پای خود بایستد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اسلامی ندوشن ، تحصیلات ابتدایی را نخست در مدرسه ی ناصرخسرو ندوشن ، سپس مدرسه ی خان یزد ، پس از آن به دبستان دینیاری رفت و دبیرستان را تا سوم متوسطه در دبیرستان ایرانشهر یزد گذراند ، آنگاه برای ادامه ی تحصیل در سال ۱۳۲۳ به تهران عزیمت کرد و بقیه ی دوره ی متوسطه را در دبیرستان البرز به پایان رساند. سپس برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. پس از آن به منظور تکمیل تحصیلات به اروپا عزیمت نمود .مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و با گذراندن پایان نامه ی دکترای خود به نام « کشور هند و کامنولث » به دریافت دکترای حقوق بین الملل از دانشکده حقوق دانشگاه پاریس نائل آمد فعالیتهای ضمن تحصیل : اسلامی از ده دوازده سالگی شاعری را آغاز کرد و پس از آمدن به تهران در دوران دبیرستان ، حرفه ای تر شعر می گفت. وی در این زمان بعضی از قطعه شعرها را در مجله ی سخن منتشر می نمود. فعالیت های اسلامی ندوشن در دوران تحصیلات در اروپا ، بیشتر آشنایی با زبان فرانسه و شرکت در سخنرانی های دانشگاه سوربن بود و به جز چند داستان کوتاه و چند قطعه شعر و پایان نامه ی دکترایش چیز دیگری ننوشت همسر و فرزندان : دکتر شیرین بیانی استاد تاریخ دانشگاه تهران و نویسنده ی چندین کتاب تاریخی ، همسر دکتر اسلامی ندوشن می باشد مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر اسلامی ندوشن در سال ۱۳۳۴ پس از بازگشت به ایران ، چند سال در شغل قاضی دادگستری خدمت کرد فعالیتهای آموزشی : دکتر اسلامی ندوشن پس از ترک خدمت در دادگستری ، به تدریس حقوق و ادبیات در برخی دانشگاه ها و آموزشگاه های عالی ، از جمله : دانشگاه ملی ، مدرسه ی عالی ادبیات ، مدرسه ی عالی بازرگانی و مؤسسه ی علوم بانکی پرداخت. در سال ۱۳۴۸ به دعوت پروفسور فضل الله رضا (رئیس وقت دانشگاه تهران) به همکاری با دانشگاه تهران دعوت گردید و براساس تألیفاتی که در زمینه ی ادبیات انتشار داده بود ، جزء هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران قرار گرفت و تدریس نقد ادبی و سخن سنجی ، ادبیات تطبیقی ، فردوسی و شاهنامه ، شاهکارهای ادبیات جهان در دانشکده ادبیات و تدریس تاریخ تمدن و فرهنگ ایران را در دانشکده حقوق برعهده گرفت و تا سال ۱۳۵۹ که به انتخاب خود از دانشگاه تهران بازنشسته شد ، ادامه داشت. وی اکنون در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و در مقطع دکترای ادبیات به تدریس مکتب های ادبی جهان می پردازد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، در سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت ، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی از مجلات دیگر انتشار یافت و مورد توجه قرارگرفت. وی در کنار فعالیت های علمی و تحقیقی خود ، از زبان شعر کمتر استفاده کرده است ، اما آنچه از او چاپ و در دسترس قرار گرفته است ، بسیار خوب و نمودار استعداد و ذوق سرشار و قریحت تابناک او در شعر می باشد. استاد بیشتر اوقات خود را صرف در تحقیق آثار علمی و ادبی ایران و ترجمه ی آثار نویسندگان جهان کرده و آثارش در مجلات پیام نو ، سخن ، یغما ، راهنمای کتاب و نگین چاپ شده است. آرا و گرایشهای خاص : دکتر اسلامی ندوشن ، برخی از آثار خود را با امضای مستعار « م. دیده ور » چاپ و منتشر ساخته است. جوائز و نشانها : کتاب « ابر زمانه و ابر زلف » در سال ۱۳۴۲ به عنوان

کتاب برگزیده ی سال از سوی انجمن کتاب انتخاب گردید آثار : مجموعه شعر « چشمه »- مجموعه شعر « گناه »- ترجمه و مؤخره ی پیروزی آینده ی دموکراسی- ترجمه ی جهاد در اروپا- ترجمه ی قطعاتی از رومئو و ژولیت- در کشور شوراها- آزادی مجسمه- ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم- گفت و گوها- افسانه و افسون- زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه- ایران را از یاد نبریم- به دنبال سایه ی همای- فرهنگ و شبه فرهنگ- درباره ی آموزش- گفته ها و ناگفته ها- صفیر سیمرغ- داستان داستان ها- نوشت های بی سرنوشت- کارنامه ی سفر چین- جام جهان بین- آواها و ایماها- دیدن دگر آموز ، شنیدن دگر آموز- داستان کوتاه پنجره های بسته- ترجمه ی آنتونیوس و کلئوپاترا- ابرزمانه و ابر زلف- شور زندگی- ترجمه ی ملال پاریس و برگزیده ای از گل های بدی- ترجمه ی بهترین اشعار هِنری لانگ فلو- روزها ، سرگذشت- تحقیق در منظومه ی ویس و رامین گرگانی- آویزه ی سخن ها- ایران لوک پیر- ایران و تنهایی اش- باران نه رگبار- باغ سبز عشق- سخن ها را بشنویم- سرو سایه فکن- ترجمه ی عمر خیام- کشور هند و کامنولث- گفتیم و نگفتیم- ماجرای پایان ناپذیر حافظ- مسئله ی عقب ماندگی- نامه ی نامور-

منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

اشتری اصفهانی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در اصفهان و در یک خانواده‌ی روحانی متولد شد. پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی در اصفهان، به تهران آمد و در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد. او ضمن نوشتن مقالات ادبی و اجتماعی برای جراید و سرودن شعر، به تألیف و ترجمه هم می‌پرداخت و از آن جمله است: «تاریخ عشق»؛ «طوفان روح»؛ «نامه‌هائی اسیران جنگ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۱ –۳۷)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۸/۱).

اشرف اصفهانی، محمداشرف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۳۳ ق)، ادیب، محدث و شاعر. از علمای عهد صفویه و از شاگردان علامه‌ی مجلسی و نوه‌ی دختری میرداماد بود. به همین خاطر به وی میرزااشرف میردامادی هم گفته‌اند. در بیشتر علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. در قریه‌ی ورنوسفادران از قراء سده‌ی ماربین اصفهان مدفون است. ازآثار وی: «اشرف المناقب»، که آن را در ۱۱۰۲ ق به نام شاه سلیمان صفوی تألیف کرد و بعدها مطالبی بر آن افزود و نام آن را «فضائل السادات» گذاشت و به نام شاه سلطان حسین صفوی کرد. این کتاب حاکی از وسعت اطلاعات سید محمداشرف در انساب و حدیث است؛ حاشیه بر «قبسات»؛ حاشیه بر «شرح مختصر» عضدی؛ شرح «مشیخه تهذیب الحدیث»؛ معروف به «رجال سید محمداشرف»؛ ترجمه‌ی «الفیه» ابن مالک، به نظم؛ «علاقهٔ التجرید»، شرح فارسی بر «تجرید العقاید» خواجه طوسی؛ «المنهاج الصفوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۵/۹)، تذکرة القبور (۱۴۷)، تذکرة المعاصرین (۲۸۲ -۲۸۱)، الذریعه (۲۵۹/۱۶، ۳۱۰/۱۵، ۳۵۵/۳، ۱۰۷/۲)، ریحانه (۳۸۱ -۳۸۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۶۵)، فوائد الرضویه (۳۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۱/۱)، معجم المؤلفین (۶۴/۹).

اشرف زاده، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رضا اشرف زاده در سال ۱۳۲۱ در شهر بم بدنیا آمد ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۶۳ می باشد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد زبان و ادبیات فارسی و قائم مقام و معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر رضا اشرف زاده ماشا الله است که به شغل مسگری اشتغال داشت و دارای سواد اندک خواندن و نوشتن بود و خود را از نسل دختر عمرولیث صفاری بنام اشرف می خواند و مدعی بود که فامیل " اشرف زاده " به همین سبب است. نام مادر محترمشان سیده صغری از نسل پیغمبر خدا(ص) و زنی خانه دار بود.دکتر اشرف زاده کلا ۲ برادر و ۴ خواهر بودند.

خاطرات کودکی : رضا اشرف زاده از خاطرات دوران کودکی خود چنین می گوید": یکی از خاطرات تلخ آن دوران این بود که در سال سوم دبستان مدیر دبستان ،عالم اما سختگیری داشتیم-در دبستان فردوسی بم -بنام آقای رشاد- برای تعمیرات مدرسه مبلغ ۵۰ ریال از هر دانش آموز طلب کرده بود و پدرم این مقدار پول را نداشت ،مدیر دبستان نیز مرا تهدید به اخراج می کرد و پدرم نیز از انان نبود که داشته باشد ! بالاخره بر این شد که بنده از رفتن به مدرسه بازدارند. گریه و ضجه من ناراحتی پدرو مادرم و سختگیری جناب رشاد ... بالاخره پدرم را وادار به قرض کردن کرد و غائله خوابید و من - خوشحال- به تحصیل ادامه دادم. شاید یکی از اسرار موفقیت من در طول تحصیل همن موضع باشد".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا اشرف زاده در خانواده ای با وضع مالی مناسبی بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا اشرف زاده ،دوران ابتدایی، سیکل اوّل و چهارم ریاضی را در بم گذراند و در سال ۱۳۳۸ به دانشسرای مقدّماتی کرمان رفته و با درجهٔ ممتاز و شاگرد اوّلی، فارغ‌التحصیل شدند، به علّلی ادامهٔ تحصیل نداد وبه استخدام آموزش و پرورش (فعلی) در آمد. در سال ۱۳۴۹ برای ادامهٔ تحصیل وارد دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد شد و دورهٔ کارشناسی را در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشدرا در سال ۱۳۵۶، و دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۶۳ گذرانید، ایشان در تمام دوران تحصیل شاگرد ممتاز و دانشجوی اوّل بودند. رسالهٔ کارشناسی ارشد ، با راهنمایی استاد فرزانه و فقید زنده‌یاد آقای دکتر یوسفی، با درجهٔ ممتاز و رسالهٔ دورهٔ دکتری را در ۷ جلد و با ۴۲۰۰ صفحه و با درجهٔ ممتاز در سال ۱۳۶۳ دفاع کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : رضا اشرف زاده از خاطرات دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد" : از خاطرات خوب دوران تحصیل دانشگاهیم آشنایی با دو استاد خوب و برجسته بود: مرحوم دکتر حمید زرین کوب و مرحوم زنده یاد غلامحسین یوسفی و از خاطرات دوران دبستان وجود معلمی بسیار دلسوز -آقای اصفهانی - معلم سال ششم ابتدایی که با شوری و صف ناپذیر و با تمام

وجود درس می گفت و دانش آموزان را شوق یادگرفتن می آموخت".

فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا اشرف زاده در حین تحصیل در هفته ای ۲۴ ساعت به تدریس می پرداخت.

استادان و مربیان : از مربیان و استادان رضا اشرف زاده می توان به چند تن از آنها اشاره کرد: دوران دبستان : سرکار خانم تهمتنی – معلم کلاس اول ابتدایی– ،آقای اصفهانی_ معلم کلاس ششم ابتدایی دوران متوسطه : آقای پرورشی– دبیر ریاضی دوران دانشگاهی : دکتر حمید زرین کوب ،دکتر متینی ،دکتر شهابی ،دکتر عبدالشکور احسن و زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر دهقان ،دکتر فاطمی و دکتر حمیدی از همدوره ایها و دکتر علوی مقدم ،دکتر محمد فاضلی ،دکتر تقی وحیدیان کامیار و دکتر محمود مهدوی دامغانی و غیره از همکارن رضا اشرف زاده می باشند.

همسر و فرزندان : رضا اشرف زاده متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم طاهره سیف الدینی (دارای مدرک دیپلم ادبیات فارسی – خانه دار)می باشد ایشان همچنین دارای چهار فرزند بنامهای زیر می باشد: – انیس اشرف زاده ،دارای مدرک کارشناسی کتابداری– شاغل – انوش اشرف زاده ،دوره کارشناسی مدیریت دولتی را به اتمام نرساندو خانه دار شدند – آرزو اشرف زاده ،دارای مدرک کارشناسی زیست شناسی –خانه دار – نونا اشرف زاده دانشجوی سال آخر رشته کامپیوتر نرم افزار

وقایع میانسالی : از وقایع تلخ رخ داده برای رضا اشرف زاده فوت پسر ۲۴ ساله اش بنام امید اشرف زاده و فوت دامادش بنام سرهنگ دکتر مجید کردعلی در سال ۱۳۸۵ می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (استاد زبان و ادبیات فارسی) بمدت ۲۰ سال و هم اکنون ادامه دارد قائم مقام ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد بمدت ۸ سال که اکنون هم ادامه دارد مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه نیشابور بمدت ۸ سال معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد بمدت ۱۷ سال هم اکنون ادامه دارد عضو انجمن آثار و مفاخر خراسان مشاور فرهنگی و ادبی ادارهٔ کلّ فرهنگ و ارشاد اسلامی عضو شورای نشر کتاب عضو هیأت رئیسهٔ مرکز خراسان‌شناسی، از تأسیس تا انحلال

فعالیتهای آموزشی : رضا اشرف زاده ۴۶ سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف تحصیل از سال اول ابتدایی گرفته تا دکتری را دارد.

جوائز و نشانها : رضا اشرف زاده در باره جوایز و نشان های خود چنین می گوید": با صدا و سیمای مرکز خراسان نیز گاهگاهی برنامه داشته‌ام (حدود ۵۰ برنامه) در برنامهٔ تلویزیونی چهره‌های ماندگار ۵۰ دقیقه، زندگی و آثارم نمایش داده شد و مصاحبه‌های گوناگون علمی و ادبی داشته‌ام چه در مجلاّت و روزنامه‌ها و چه در صدا و سیما. ۲بار به عنوان استاد نمونه مشهد، یکبار استاد نمونهٔ کشور در دانشگاه آزاد اسلامی برگزیده شدم. محقق نمونهٔ جشنوارهٔ فردوسی و محقّق نمونهٔ دانشگاه آزاد اسلامی و شهروند نمونهٔ منطقه ۹در سال ۱۳۸۲ بودم در روز بزرگداشت عطّار نیشابوری، به عنوان عطّار شناس، از من تجلیل به عمل آمد ".

چگونگی عرضه آثار : رضا اشرف زاده تاکنون حدود ۴۵ کتاب و ۵۰ مقالهٔ علمی و ادبی منتشر کرده‌است. ----------------
----

آثار :

۱ آب آتش‌فروز (گزید ?حدیقه الحقیقه) (چاپ هفتم)

ویژگی اثر : انتشارات جامی ۱۳۸۵

۲ المستخلص فی ترجمان القرآن از محمدبن محمد بخاری

ویژگی اثر : انتشارات رجا ۱۳۶۵

۳ برگزید ?اخلاق ناصری

ویژگی اثر : انتشارات پیام نور ۱۳۷۱

۴ بهار زنده‌دلان (گزید ?اشعار صائب)

ویژگی اثر : انتشارات جامی ۱۳۸۴

۵ پیغام اهل راز (دو جلد)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۱

۶ تجلی رمز و روایت در شعر عطّار نیشابوری

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۳

۷ جلوه گریهای سحرگاهی (شرح گزید ?مخزن‌الاسرار)

ویژگی اثر : انتشارات جامی ۱۳۸۵

۸ چهل حکایت (چاپ دوم)

ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۴

۹ حق‌الیقین فی معرف ?ربّ العالمین شیخ محمود شبستری

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۰

۱۰ حکایت شیخ صنعان (چاپ دوم) عطّار نیشابوری

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۰

۱۱ خزان و بهار قاضی محمد شریف شیرازی

ویژگی اثر : انتشارات به نشر ۱۳۸۲

۱۲ داستان شیخ صنعان

ویژگی اثر : انتشارات کلهر ۱۳۷۴

۱۳ داستان‌های دیوانگان در آثار عطار

ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۵

۱۴ رابعه (زندگی و آثار رابعه بنت کعب)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۳

۱۵ راز خلوتیان (شرح ۱۱۰ غزل حافظ)

ویژگی اثر : انتشارات کلهر ۱۳۷۹

۱۶ رنجنام ?زندانی نای و مرنج (گزید ?مسعود سعد)

ویژگی اثر : انتشارات صالح ۱۳۷۸

۱۷ سرود خورشید (شرح ۱۱۴ غزل دیوان شمس)

ویژگی اثر : انتشارات روزگار ۱۳۷۹

۱۸ شرح گزید ?منطق‌الطیر (چاپ سوم)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۹

۱۹ صد کلم ?امیرالمؤمنین عادل بن علی بن عادل

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ۱۳۸۰

۲۰ فارسی عمومی (چاپ یازدهم)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۵ چاپ سیزدهم ۱۳۸۶

۲۱ فارسی عمومی (چاپ یازدهم) سیزدهم

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۵

۲۲ فرهنگ بازیافته‌های ادبی از متون پیشین

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی ـ سخن گستر ۱۳۸۶

۲۳ فرهنگ کاربرد آیات و روایات در شعر عطّار

ویژگی اثر : انتشارات انجمن مفاخر خراسان ۱۳۷۳

۲۴ فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات آثار عطّار نیشابوری

ویژگی اثر : انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم ۱۳۷۴

۲۵ کلاه بی‌سران (شرح گزید ?مصیبت‌نامه)

ویژگی اثر : انتشارات صالح ۱۳۷۶

۲۶ گزید ?اخلاق ناصری (چاپ ششم)

ویژگی اثر : انتشارات توس ۱۳۷۸

۲۷ گزید ?اشعار (ناصرخسرو ـ مسعود سعد)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۲

۲۸ گزید ?اشعار خاقانی

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۵

۲۹ گزید ?شعر دو شاعر برجسته (فرخی ـ کسایی)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۹

۳۰ گزید ?متون تفسیری فارسی

ویژگی اثر : انتشارات جامی– زیر چاپ

۳۱ گزید ?مختارنامه (رباعیات عطار)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۷

۳۲ گلشن توحید (شرح منظوم مفردات مثنوی) مغلوی دده

ویژگی اثر : جهان اندیشه ۱۳۷۲

۳۳ مرج‌البحرین (شرح غزلیات حافظ) از ختمی لاهوری (تصحیح و تعلیق)

ویژگی اثر : اساطیر – زیر چاپ

۳۴ مضمار دانش (فرسنامه) میرازا احمد نظام‌الدین گیلانی

ویژگی اثر : انتشارات اندیشه ۱۳۷۳

۳۵ معانی و بیان (چاپ پنجم)

ویژگی اثر : انتشارات سمت ۱۳۸۳

۳۶ نشان تیش ?فرهاد (شیرین و فرهاد وحشی بافقی) (نقد و تحلیل)

ویژگی اثر : انتشارات صالح ۱۳۷۶

۳۷ نوبت زن کوی ساقی (ساقی‌نامه‌های راجی کرمانی)

ویژگی اثر : انتشارات آیین ?اندیشه ۱۳۷۸

۳۸ هفت حکایت (چاپ سوم)

ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۳

اشرف سمرقندی، معین‌الدین حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۵ ق)، ادیب و شاعر. معروف به اشرف ثانی. از مردم ماوراءالنهر بوده و در سمرقند می‌زیسته است. متصدی کارهای شرعی بود. وی از علما و فضلای عهد خود و مجمع کمالات و مداح پادشاهان سلسله‌ی ترکستان از جمله الغ قدرخان و علاءالدین پیغوملک بود و با او از خراسان به عراق رفت و مدت زیادی در اصفهان ماند. از آثارش: «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۱۹،۸۷)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴ -۵۳)، ریاض العارفین (۱۶۸)،الذریعه (۱۰۷۶، ۲۶۱، ۷۹ -۷۸ /۹)، ریحانه (۱۲۹ /۱)، صبح گلشن (۲۵)، فرنگ سخنوران (۶۶)، لباب الالباب (۳۹۲ -۳۹۰ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اشرفی)، مجمع الفصحا (۲۶۵ /۱)، هفت اقلیم (۳۶۸ -۳۶۲ /۳).

اشرف طسوجی، علی اشرف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، ادیب و عالم و شاعر. وی نبیره‌ی آخوند ملا- عبدالنبی طسوجی و از شعرا و علمای دوران خود و در الهیات و حدیث و کلام سرآمد بود. تصحیلات خود را در اصفهان و عتبات عالیه به انجام رساند در طسوج وفات یافت. جسدش به کربلا منتقل و همان جا دفن شد. «دیوان» مولانا اشرف حاوی غزل، قصیده و مخمس و اثر دیگری به نام «شعله» نیز از او باقی مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۷۳ -۴۶۸ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۴۲)، الذریعه (۷۷ /۹)، سخنوران آذربایجان (۱۳۸ -۱۳۲)، نگارستان دارا (۶۰ -۵۹).

اشرفی استرآبادی، نظام‌الدین، عبدالحی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۹ ق)، فقیه، متکلم و ادیب. در استرآباد متولد شد ولی، اصل وی از جرجان بود. او از شاگردان محقق کرکی بود و همواره

پی گیر تحصیل معقول و منقول. از استرآباد به هرات رفت و به خاطر مهارتش در علوم مختلف مورد توجه سلطان حسین بایقرا قرار گرفت و از سوی وی به تدریس در مدرسه‌ی گوهرشادبیگم اشتغال یافت. پس از تسلط شاه اسماعیل صفوی بر خراسان، امیر غیاث‌الدین محمد بن یوسف به قضاوت خراسان منصوب گشت و پس از استعفای او عبدالحی استرآبادی به جای او نشست و تا سال ۹۳۰ ق در کمال احترام در هرات قضاوت کرد و به نشر علوم دینی و معارف اسلامی مشغول بود. سرانجام وی از ترس دشمنان به قصبه‌ی کوهبنان کرمان پناه برد و در آنجا به تألیف پاره‌ای از کتب خویش به درخواست عده‌ای از شاگردانش پرداخت. از جمله شاگردان وی ابن‌قمر شجاع‌الدین محمود کرکی است. وی در کرمان درگذشت. از جمله آثار وی: شرح کبیر «الفیه» شهید اول و شرح متوسط «الفیه» که در کرمان تألیف کرده است؛ ترجمه‌ی «الفیه‌ی شهید»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه»؛ حاشیه بر حاشیه‌ی سید شریف بر «شرح شمسیه»؛ «الخطب»؛ حاشیه بر «شرح الهدایه الاثیریه» میبدی؛ حاشیه بر «فرائض النصیریه»؛ رساله‌ای در علوم مختلف مانند منطق و کلام و فقه که در ۹۵۹ ق تألیف نموده است؛ «لسان الالهام»؛ «معراج الخیال»، منظومه‌ی فارسی؛ «المعضلات»، در مشکلات علوم فقهی و حکمی که در عهد شاه‌طهماسب صفوی به سال ۹۵۹ ق تألیف شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۶۱۵ -۶۱۴ /۴)، الذریعه (۱۳۹، ۸۹ /۶ ،۸۱ /۴ ،۱۸۹ /۲)، روضات الجنات (۱۸۹ -۱۸۷ /۴)، ریاض العلماء (۹۰ -۸۷ /۳)، ریحانه (۲۰۲ -۲۰۱ /۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰ -۱۱۹ /۱۰)، معجم المؤلفین (۱۰۸ /۵)، هدیه العارفین (۵۰۸ /۱).

اصطهباناتی، ابوتراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱/۱۳۶۰ -۱۳۰۵ ق)، شاعر و نحوی. وی دخترزاده‌ی سید جعفر کشفی و از شاگردان میرزا ابوالحسن محقق اصطهباناتی بود که در شعر عربی و فارسی دست داشت. از او اشعاری بر جای مانده است. آثار وی: منظومه‌های «حدائق الاعراب»، به سبک الفیه‌ی ابن مالک در و نحو؛ «دره‌التالیف و دره‌التصریف»، در صرف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۱۴ -۹۱۳ /۵ ،۱۲۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰).

اصطهباناتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۹۱ ق)، عالم، عارف و ادیب. ملقب به شیخ المحققین و معروف به شیخ‌الاسلام. در اصطهبانات به دنیا آمد و سالهای بسیار در شیراز در محضر پدرش و هم در خدمت حاج سید علی حکیم کازرونی تحصیل علم و کمال کرد. وی در علوم غریبه مانند جفر نیز دست داشت. او با سید عبدالحسین مجتهد لاری که از آزادی‌خواهان مشهور بود، محاصر و دوست بوده و به خواهش او «رساله‌ای در وجوب نماز جمعه» نوشته است. وی در امامزاده عبدالله شهر ری مدفون است. آثار وی عبارت‌اند از: «بیان

الحق»، در مهدویت شخصیه و شخصیت مهدویه با تقریظ آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بر آن؛ «کشکول الادباء» و «کشکول العرفاء»؛ «تنبیهات عشر».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۳۰۲ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۰ -۱۹۷ /۱)، الذریعه (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۹ -۱۸۸ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۹ /۳).

اصطهباناتی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین بن محمد یوسف اصطهباناتی عالمی فاضل بوده و بعد از ۱۲۹۲ ق وفات نموده است. وی دارای خط زیبائی بوده و کتاب (الشواهد) عینی را بخط خود نوشته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصغری تبریزی، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فرانسه در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه سوربن پاریس.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فرانسه با تخصص در ادبیات قرن نوزدهم، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

مذهبی، تاریخی، اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فلسفه و عرفان در مقیاس جهانی، ادبیات، دانستنیهایی از علوم پزشکی، ادبیات فرانسه در قرن ۱۹.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اصفهانی ابوالفتح، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۱۳ ق)، مترجم و ریاضیدان. وی معاصر ابوکالیجار گرشاسف بن فرامرز، پنجمین پادشاه کاکویه اصفهان و همدان بود. و کتاب «المخروطات» ابولونیوس را که هلال بن ابی‌هلال الحمصی و ثابت بن قرّه آن را ترجمه کرده بودند، تکمیل کرد و سه کتاب اخیر آن را به عربی درآورد و تفسیر گرانبهایی بر آن کتاب نوشت که از آن چند ترجمه به زبانهای لاتینی و انگلیسی صورت گرفته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۴/ ۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۶/ ۱)، زندگینامه ریاضیدان (۹۲).

اصفهانی کمال الدین، ابوالفضل اسماعیل

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۶۳۵ ق)، ادیب و شاعر. معروف به خلاق المعانی، به دلیل آوردن معانی دقیق شعری. در اصفهان به دنیا آمد و از جوانی به سرودن شعر پرداخت. وی علاوه بر باریک‌اندیشی و دقت در خلق معانی در التزامات دشوار و تقید به آوردن ردیف‌های مشکل نیز مشهور بود. او آخرین قصیده‌سرای بزرگ ایران در دوره‌ی مغول است. او خاندان آل صاعد، اتابکان فارس و امرای طبرستان و همچنین جلال‌الدین منکبرنی را مدح گفته است. کمال‌الدین در فقه، اصول و ادبیات عرب تبحر داشت و از اغلب علوم عصر خود آگاه و در حکمت، طب، ریاضیات به ویژه هندسه ماهر بود، و در اشعار خود اصطلاحات علمی به کار می‌برد. وی همچون پدرش شاهان معاصر و بزرگان بسیاری را مدح گفت. کمال‌الدین در قصاید عرفانی پیشرو سعدی بود و قصاید عرفانی سعدی مکمل قصاید وی می‌باشد. در پایان عمر به عرفان روی آورد و مرید شیخ شهاب‌الدین سهروردی گردید و خانقاهی برای خویش اختیار کرد. وی شاهد حمله‌ی مغولان به اصفهان و کشته شدن انسانهای بسیار بود و خود نیز سرانجام به دست مغولی کشته شد یا به قول «مجمل فصیحی» به دست رندان و اوباش در ۶۲۶ ق به قتل رسید. از آثارش: «رسله‌ی القوسیهٔ»؛ «دیوان» شعر، شامل قصائد، مقطعات، غزلیات، رباعیات و چند مثنوی، که نسخه‌ای از آن در هند به چاپ رسید.[۱]

اسماعیل بن جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، ملقب به خلاق‌المعانی، شاعر قصیده‌سرای ایرانی (ف. ۶۳۵ ه.ق). پدر وی جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق (ه.م) شاعر معروف است. سبب شهرت او را به خلاق‌المعانی آن دانسته‌اند که: «در شعر او معانی دقیقه مضمر است که بعد از چند نوبت که مطالعه کنند، ظاهر می‌شود.» از جمله‌ی ممدوحان او رکن‌الدین مسعود از آل صاعد اصفهان، جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه، حسام‌الدین اردشیر از آل باوند و اتابک سعد بن زنگی هستند. وی دوره‌ی وحشتناک

حمله‌ی مغول را درک کرد و به چشم خویش قتل‌عام مردم اصـفهان را به دست مغولان به سال ۶۳۳ دید و خود نیز دو سال بعد، در ۶۳۵ به دست مغولی به قتل رسید. کمال‌الدین در آوردن معانی دقیق و باریک‌اندیشی مهارت دارد و در التزامات صعب و تقیید به آوردن مفاهیم مشکل چیره‌دست است و دیوان او بطبع رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۰۷ -۹۸۰/ ۳)، ارمغان (س ۷، ش ۱، ص ۲۳ -۱۹ ش ۳ -۲ ص ۱۱۷ -۱۰۴ ش ۵، ص ۳۱۲ - ۳۰۱)، از سعدی تا جامی (۴۶۸، ۳۴۶)، بهارستان جامی (۱۱۵ -۱۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۷۷ -۸۷۱/ ۲)، تاریخ گزیده (۷۴۶)، تاریخ مغول (۵۳۳ -۵۳۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۰ -۷۳۹، ۱۵۸ -۱۵۷)، تذکرة الشعراء (۱۷۰ -۱۶۴)، تذکرة القبور (۱۴۱ -۱۴۰)، حبیب السیر (۶۶۵/ ۲)، دایرة المعارف فارسی (۲۲۶۰/ ۲)، الذریعه (۲۰۷/ ۱۷، ۲۵۹/ ۱۲، ۹۱۷ -۹۱۶/ ۹)، راحة الصدور و آیة السرور (۴۶۹)، ریاض العارفین (۲۳۰ -۲۲۹)، ریحانه (۸۴ -۸۳/ ۵)، سبک شناسی (۸۸/ ۳)، شعر العجم (۱۸ -۱۱ / ۲)، طرائق الحقائق (۶۴۹ -۶۴۸ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۶ -۴۱۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۷ -۷۶۶)، گنج سخن (۱۴۱ -۱۲۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ کمال‌الدین اسماعیل)، مجالس النفائس (۳۴۸)، مجمع الفصحا (۱۱۵۳ -۱۱۴۴ / ۳)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۲۶)، مرآة الخیال (۳۸ -۳۶)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۴۷۲، ۳۶۷، ۳۴۹ -۳۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۰ -۶۰۹/ ۱)، نتایج الافکار (۵۹۳ - ۵۹۰)، هفت اقلیم (۳۸۳ -۳۷۳/ ۲)، یغما (س ۴، ش ۵، ص ۲۰۵).

اصفهانی مازندرانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌رضا بن علی بن محمد حسینی اصفهانی مازندرانی.

عالم فاضل جلیل، در ۱۱ ذی حجه سال ۱۲۸۷ در نجف متولد شده، و در ۵ شنبه دوم جمادی الاولی سال ۱۳۴۴ در سامرا وفات یافته، در صحن شریف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی نجفی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، متوفی در ۱۲۹۰ و اندی. وی مؤلف کتابی است در سه مجلد در اعمال روز و شب و هفته و ماه و سال، و خاتمه‌ی آن در آداب و سنن و اخلاق.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۹ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. از هنرمندان عصر صفوی بود. پس از قتل پدرش (۹۲۸ ق)، روزگار او و برادرش، میرزا اسماعیل، دگرگون شد. میرزا ابراهیم به قزوین رفت و چون خوش قریحه و با ذوق بود، منزلش محفل دانشمندان و شعرا گردید. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. خط او را در ردیف حسنعلی مشهدی و سید احمد مشهدی و میرمعز کاشانی دانسته‌اند. به گفته‌ی صاحب «عالم آرای عباسی»، وی فرهنگی تدوین کرده بود که در آن لغات متداول در اشعار قدما و معانی آنها، گاه به تتبع و گاه به تصرف قریحه، جمع‌آوری شده بود. در قزوین درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶ -۱۵ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۱)، الذریعه (۱۵ /۹)، عالم آرای عباسی (۱۷۲ /۱)، مجمع الخواص (۷۰)، هفت اقلیم (۴۰۱ /۲).

اصفهانی، باقر، محمد باقر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر و منشی. وی از سادات نطنز بود و در اصفهان نشو و نما یافت. جد اعلای او از مریدان صفی اردبیلی بود و پدرش نیز در دربار شاه عباس وزیر سرکار قوچیان بود که این منصب بعد از مرگش به وی ارجاع داده شد. میرزا محمد باقر در سرودن قصیده، غزل و سایر اقسام شعر قدرت تمام داشت. از وی «دیوان» اشعاری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۲۶/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۷۰ -۶۹)، الذریعه (۱۲۲/۹)، صبح گلشن (۵۳ -۵۲).

اصفهانی، بهرام بن فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلّف شارستان فارسی، در بیان مراتب دانش، و عقاید و آداب ایرانیان باستانی. مؤلّف از شیراز به تته رفته، و از شاگردان جمال الدین محمود تبریزی و آذر کیوان است. در ۱۳۰۴ در لاهور فوت شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، حبیب الله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا عبداللّه. عالم و فاضل و ادیب و نویسنده بوده، در سال ۱۱۰۶ وفات یافته. وی مؤلّف کتاب: «توصیف الوزراء» است که آن را رجال میرزا حبیب اللّه نیز گویند، در احوال وزاری دولت صفویّه.

ظاهراً وی سید نور الدین حبیب اللّه نسّابه اصفهانی است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، شمس الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمود بن محمّد بن عبدالکافی.

در ۶۱۶ متولّد، و در رجب سال ۶۸۰ در مصر وفات یافته، در قرافه مدفون گردید.

در اصفهان و بغداد تحصیل علوم نموده، و در منطق و کلام و اصول از اساتید به شمار می‌رود.

کتب زیر از اوست:

۱- قواعد ۲- غایهٔ المطب، در منطق ۳- الکاشف عن الحصول، در شرح کتاب محصول، معروف‌ترین تألیفات اوست و در بین مؤلّفین به همین جهت او را اصفهانی شارح محصول گویند.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۹ -۶۷۴ ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین‌شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیه فی تفسیر الآیات القرآنیه»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۲ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۰، ۲۲۹ /۳)، حبیب السیر (۲۳۲ /۳)، الذریعه (۱۴۰ /۱۳)، روضات الجنات (۱۱۷ /۸)، ریحانه (۲۴۹ -۲۴۸ /۳)، کشف الظنون (۱۹۹۱، ۱۹۲۱، ۱۸۷۹، ۱۸۵۵، ۱۷۱۷، ۱۳۷۱، ۱۱۴۸، ۱۱۳۷، ۱۱۱۶، ۴۴۳، ۴۴۲، ۳۴۶، ۲۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)، معجم المؤلفین (۱۷۳ /۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۹ /۲).

اصفهانی، طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به دیباچه نگار. فاضل ادیب و شاعر مترسل از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی می‌پیوندد می‌باشد.

در ۱۰ ذی حجه ۱۲۲۴ در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، به طهران رفته، و مورد نظر بزرگان واقع شده.

کتاب «گنج شایگان» را در تراجم شعرای مادح میرزا آقا خان نوری جمع‌آوری نموده، و در آن از ۴۸ شاعر نام می‌برد.

تاریخ اتمام آن (آکنده شده به درج گهر گنج شایگان ۱۲۷۳) می‌باشد. وی را دیوان اشعار است به عربی و فارسی، و در آن «شعری» تخلص می‌کند.

وفاتش را در ۱۲۷۰ نوشته‌اند و یقینا اشتباه است، لیکن دانشمند محقق آقای آقامیرزا محمد علی معلم در کتاب «نمونه‌ی مختصر المکارم» آن را در ۱۲۷۵ نوشته‌اند، و این تاریخ به یقین نزدیکتر است.

جد اعلای ایشان شیخ محمد حسن [بن شیخ عبدالله گیلانی] عالم و عارف بوده و او را محمد حسن خان قاجار به اصفهان آورده، و منصب قضاوت بدو داده، که تا این اواخر قضاوت اصفهان در سلسله‌ی ایشان باقی بود.

برادرش: شیخ محمد صالح، عالم و فاضل بوده، در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، و در طهران فوت شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از شاگردان آخوند خراسانی بوده، و [شرح] خطبه‌ی «اول الدین معرفته» را از تقریرات استاد خویش تألیف نموه است، و در حدود سال ۱۳۵۶ در نجف وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالمطلب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد حسن کاظمینی، معروف به عباس‌آبادی. عالم فاضل، از شاگردان شیخ احمد احسائی و پیروان او بوده، و در کتب

خویش طعن زیاد به مخالفین شیخیه دارد.

کتب زیر از آثار اوست:

۱ – الحجهٔ البالغهٔ ۲ – رساله در حجیت مظنه (عنوان هفتم کتاب الحجهٔ البالغه است) ۳ – رساله رد بداء، در ۱۲۷۷ تألیف شده ۴ – نجاهٔ الدارین (عنوان پنجم الحجهٔ البالغه است).

وفاتش پس از ۱۲۷۷ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عماد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعبدالله محمدبن صفی‌الدین ابی الفرج محمدبن حامدبن محمد [بن عبدالله] بن علی بن محمود کاتب اصفهانی.

ادیب کاتب، و فقیه شافعی، معروف به [کاتب اصفهانی، عماد کاتب و] ابن اخی عزیز، در شعبان ۵۱۹ در اصفهان متولد، و در اصفهان و بغداد تحصیل نموده، سال‌ها در نظامیه‌ی بغداد به کسب علوم پرداخته، در شام به وزارت صلاح‌الدین ایوبی رسیده، سرانجام در دوشنبه غره‌ی رمضان سال ۵۹۷ وفات یافته، در دمشق مدفون گردیده.

کتب زیر از اوست:

۱ – البرق الشامی، در تاریخ، در ۷ مجلد ۲ – خریدهٔ القصر و جریدهٔ اهل العصر، معروف‌ترین تألیفات او در ۱۰ مجلد ۳ – دیوان رباعی ۴ – دیوان الرسائل ۵ – دیوان شعر، در چهار مجلد ۶ – زبدهٔ النصرهٔ، در پاریس و لندن چاپ شده است ۷ – السیل علی الذیل، شرح تاریخ بداد ۸ – عتبی الزمان ۹ – الفتح القسی فی الفتح القدسی، دو جلد ۱۰ – نحلهٔ الرحلهٔ ۱۱ – نصرهٔ العترهٔ، در تاریخ سلجوقی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عیسی بن محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلای قرن ۱۳، و مؤلف کتاب «اسرار الانوار» فارسی، در حکایات اخلاقی و مواعظ، در بیست باب. تاریخ تألیف یا کتابت ۱۲۱۵ می‌باشد. از مطالعه‌ی کتاب معلوم می‌شود که مؤلف را از علم و دانش بهره‌ی زیادی نبوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد بن حسن بن محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فاضل، از علمای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری در اصـفهان است. مجموعه‌ای از کتب مربوط به نماز جمعه را که تاریخ برخی از آنها ۱۰۱۰ می‌باشد جمع‌آوری نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمـد، از شاگردان وحید بهبهانی است. در سال ۱۲۱۶ به ایران مهاجرت نموده، و چنـدین سال در کرمانشاه ساکن، و سپس به اصفهان منتقل شده، و در این شهر از جمله اعلام به شمار می‌رفته.

کتب زیر از اوست:

۱- انوار البصائر، در انواع علوم، در ۱۲ مجلّد ۲- الرسالهٔ المعادیّه، به فارسی ۳- زبدهٔ الرجال؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، ناصر الدین خسرو

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب شاعر، مؤلف سعادتنامه‌ی منظوم، متوفی به سال ۷۳۱. به طوری که در کشف الظنون گفته، و ظاهر عبارت آن است که او غیر از ناصر خسرو علوی قبادیانی متوفی به سال ۴۸۱ باشد، و این غلط است، و کتاب نامبرده از ناصر خسرو علوی است، و وی اصفهانی نمی‌باشد، و برخی از تذکره‌نویسان مانند آذر و دیگران که وی را اصفهانی نوشته‌اند اشتباه نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۴/۳۰۲ -۲۳۰/۲۲۵ ق)، مفسر، متکلم، فقیه، محدث، ادیب و شـاعر شیعی. مشـهور به ناصـر کبیر. جـد مادری شـریف رضـی و شریف مرتضـی است. شیخ طوسـی او را در شـمار اصـحاب امـام هادی (ع) آورده است. حاکم طبرسـتان بود و از این رو که بر اثر اصـابت شمشـیری در نبردگاه کر شـده بود به اطروش خوانـده می‌شـد. وی در فقه و دین علامه بود و در شـعر توانا. ابن ابی‌الحـدید گوید که او صاحب سیف و قلم و از بزرگان فقهای امامیه و شیخ طالبیین و عالم و زاهد و ادیب و شاعر ایشان بود. او اسـلام را در میان ساکنان ساحل دریای خزر نشـر داد و در حدود دویست هزار دیلمی و گیلانی به دست وی ایمان آوردند، و او را در شـهرهای

آنان مساجدی بنا کرد. به گفته‌ی طبری و ابن‌اثیر او حاکمی عادل و نیک سیرت بود و مردم همانند او را در عدل و برپایی حق و حسن روش ندیدند. وی سرانجام در آمل طبرستان درگذشت و مزارش در همان شهر زیارتگاه عموم است. تالیفات و آثار وی بیش از سیصد کتاب بوده است. از جمله آثارش: «اصول الدین»؛ «الامالی»؛ «الامامه الصغیر»؛ «الامامه الکبیر»؛ «امهات الاولاد»؛ «البساط»، در علم کلام؛ «تفسیر الاطروش»، در دو مجلد که در آن به ۱۰۰۰ بیت از ۱۰۰۰ قصیده احتجاج کرده؛ «الفقه الناصریه» که شریف مرتضی علم‌الهدی آن را شرح و تصحیح کرد و «المسائل الناصریات» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۶/۲)، اعیان الشیعه (۱۸۴ –۱۷۹ /۵)، الذریعه (۲۹۹/۱۶، ۲۶۱/۴، ۳۱۵، ۳۰۸، ۲/ ۲)، رجال الطوسی (۴۱۲)، رجال النجاشی (۱۷۱ –۱۷۰ /۱)، روضات الجنات (۲۵۳ –۲۵۱ /۲)، ریحانه (۹۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۲/۴)، الکامل (۱۴۸/۶)، الکنی و الالقاب (۲۳۲/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اطروش)، مروج الذهب، ترجمه (۶۹۰/۲)، معجم المولفین (۲۵۲/۳).

اعتصامی، پروین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پروین اعتصامی ، دختر یوسف اعتصامی آشتیانی (اعتصام الملک) ، در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز از مادر زاده شد. او تحصیلات خود را در کالج آمریکایی به پایان رساند و به اخذ گواهینامه ی دوره ی متوسطه نائل آمد و در جشن فارغ التحصیلی خود خطابه ی « زن و تاریخ » را ایراد کرد. پروین ، ادبیات فارسی و عربی را در نزد پدرش آموخت . پروین در شعر ، سبک اساتید خراسان و عراقی را پسندید و در قصیده ، را ه آنان را دنبال نمود . او سرانجام در شب ۱۶ فروردین ماه سال ۱۳۲۰ در حالی که پروین داشت شوط جوانی را می پیمود ، جهان را ترک گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : پروین دخت اعتصامی دختر مرحوم یوسف اعتصامی (اعتصام الملک آشتیانی) یکی از گویندگان توانای معاصر در شعر فارسی است.اعتصام الملک از نویسندگان ایران معاصر مدیر مجله معروف« بهار» بود و به شعر و ادب عشق می ورزید.دهخدا درمورد او می نویسد:« یوسف اعتصامی در زبان ترکی اسلامبولی دبیری شیرین سخن و در فرانسه مترجمی توانا و در لسان و ادب عرب بالخصوص یکی از ائمه و ارکان به شمار میرود چنانکه در احاطه به این لغت در ایران بی همال و در مصر و عراق و شام کم نظیر بود.در خطوط اربعه نستعلیق و نسخ و شکسته وسیاق از بسیاری از استادان سلف گوی سبقت ربود. همچنین وی کتابهای بینوایان و خدعه و عشق (شیلر) را ترجمه کرده است.» [پیام نوین– سال دوم, شماره ۶, اسفند ۱۳۳۸ .]

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پروین اعتصامی از زمان کودکی با شعر و ادب آشنا شد ، چرا که خانه ی آنها محفل شاعران و فرزانگان آن روزگار بود و پروین با ادبیات و شعر بزرگ شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین اعتصامی در کودکی به همراه خانواده به تهران آمدو مقدمات عربی و برخی متون فارسی را در خانه نزد پدر فرا گرفت. بعد از آموختن ادب فارسی و عربی به مدرسه دخترانه (ایران نبل) که از سوی آمریییکاییان اداره می شد رفت و در سال ۱۳۰۳ شمسی دوره تحصیلی آن مدرسه را به پایان رساند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : پروین اعتصامی سرودن شعر را از کودکی آغاز کرد. وبا تکامل فکری اشعارش آب و رنگی یافت و آنها را در حضور ادبا و شعرایی که در مجلس پدرش حاضر می شدند می خواندچنانکه مورد تعجب و درعین حال تحسین حاضرین واقع می شد.

همسر و فرزندان : پروین اعتصامی در ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۳ با پسرعموی خود به نام فضل الله که رئیس شهربانی بود در کرمانشاه ازدواج کرد.

وقایع میانسالی : پروین اعتصامی چهار ماه پس از عقد با همسر خود به کرمانشاه رفت ، اما از همان آغاز پیدا بود که دیگر با دل و جان به شعر و شاعری نمی پردازد چرا که روح خشن و نظامی شوهرش با روح لطیف پروین هم خوانی نداشت ، پروین نمی توانست برخوردهای او را تحمل کند پس با برادرش راهی تهران شد و سرانجام در ۱۱ مرداد ۱۳۱۴ با چشم پوشی از مهریه از وی جدا شد. این تجربه ی تلخ از زندگانی مشترک ، پروین را در دنیایی از غم و اندوه و انزوا فرو برد و باز هم متوسل به روحیه ی آرام خود شد و از کم وکیف آن با هیچ کس صحبت نکرد فقط چند بیت سرود : ای گل تو زجمعیت گلزار چه دیدی جز سرزنش و بد سری خار چه دیدی ای لعل دل افروز تا با این همه پرتو جز مشتری سفله به بازار چه دیدی رفتی به چمن ، لیکن قفس شد نصیبت غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی زندگی نامه شاعران ایران ، تالیف : لیلا صوفی ، ص ۲۲۴]

زمان و علت فوت : پروین اعتصامی در سوم فروردین ۱۳۲۰ بی هیچ سابقه ای بیمار شد و حصبه گرفت. در لحظات آخر عمر از دایی خود که هر روز بر سر بالین او می آمد خواست تا برای مادر تسکینی باشد و بعد بیهوش شد و در نیمه شب جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در آغوش مادر جان داد. جنازه پرورین در صحن حضرت معصومه در قم در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : پروین اعتصامی در همان مدرسه ای که دوره ی تحصیلی خود را در آن سپری کرد (ایران نوبل) ، بعد از اتمام تحصیل به تعلیم پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : استاد بهار در مورد اشعار پروین اعتصامی چنین می گوید : «پروین در قصاید خود پس از بیانات حکیمانه و عارفانه روح انسان را به سوی سعی و عمل امید ، حیات , اغتنام وقت ، کسب کمال ، همت ، اقدام نیکبختی و فصیلت سوق می دهد .»او همچنین می گوید :« ... خانم پروین در سروده هایش مهر مادری و لطافت روح خویش را از زبان پرندگان ، از زبان مادران فقیر ، و از زبان بیچارگان بیان می کند.» [چیستا - سال شانزدهم ، شماره ی ۱۵۱ ، مهر ۱۳۷۷] پروین درزیستن و سرودنش به تک تک عناصر هستی ، دگرگونه می نگرد . در ورای پرده های پوشاننده ظاهری ، درون و باطن مخلوقات را می نگر د،خود را در هم جوهری روحی با عناصر جهان می بیند وبرای هر یک از اعضا ء وجوارح به ظاهر بی جان آن ، جانی تازه و حالتی ذی شعور متصور می شود . ازنظر گاه او ، جهان و عناصر آن از روح فعال زندگی و خصایص شعور مند برخوردار هستند . دراین نگرش که از نوعی بینش اساطیری و برداشت ازلی انسان باستان از جهان نشات می گیرد ، هر جزیی ازعالم دارای حیاتی پویا ، مستقل ، زنده و زایا است . در شعر او بد نشانه ها و ویژگی ها ی بینش اساطیری می توان اشاره کرد . در جهان شعر پروین همه مخلوقات جهان دارای جان هستند و تک تک عناصر طبیعت را روانی جادویی است . وی در این جهان با عناصر و حوادث طبیعی هماننـدموجود است از نعمت تفکر و تکلم برخوردار می شوند . در این نوع نگرش و گویش ، شاعر قصه پرداز ، آرمان هاو آوازه های خویش را از زبان عناصر جهان و حتی اشیا ء بی جان و جامدی چون سنگ و چوب می گوید . [احمدی ملکی رحمان . بینش اساطیری درشعر پروین اعتصامی،فصلنامه هنر . دوره جدید ،زمستان ۱۳۷۷ ،پیاپی ۳۸، ص۲۳۴] ------------------------------

----

آثار :

۱ دیوان اشعار

ویژگی اثر : دیوان وی مجموعا ۶۵۰۰ بیت را شامل می شود . حاوی سه قسمت می باشد ؤ قصاید , مثنویات , تمثیلات.درباره سبک اشعار, نظر بهار این است ؛؛ این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی - آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه شعراء خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو و دیگر شیوه شعراء عراق و فارس بویژه مصلح الدین سعدی ؛؛ میتوان گفت در قصائد ,طرز گفتارش طوری است و در قطعات طور دیگر. بیشتر قطعات بطرز سئوال و جواب یا ؛؛ مناظره؛؛ بسته شده . در سرودن قطعات , شاعر استقلال طبع نشان داده و ضمن سرودن قطعات که ؛؛ قدیمی ترین اسلوب حسن اداء مقصود ؛؛ است این شیوه پسندیده را احیا کرده است. در قطعات پروین و در کلیه اشعارش چیزی که آنها را مشخص می کند هما هنگی فکر و احساس است.در ببعضی از قطعات و بخصوص در قصاید او اندیشه هایی از تصوف و عرفان دیده میشود. او در اشعارش در قالب یک منتقد اجتما عی می رود وتباهی ها را نابود می کند. [پیام نوین- سال دوم , شماره ۶, اسفند ۱۳۳۸] -------------------------
----

منابع :

۱پیام نوین-سال دوم,شماره ۶, اسفند ۱۳۳۸ .۲چیستا - سال شانزدهم ، شماره ی ۱۵۱ ، مهر ۱۳۷۷۳صوفی, لیلا- زند گینامه شاعران ایران-انتشارات جاجرمی,۱۳۷۸ .

اعتضادالسلطنه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌قلی میرزا (و. ۱۲۳۴- ف. ۱۲۹۸ ه.ق.). پسر فتحعلی شاه. وی پس از فوت محمد شاه قاجار (۱۲۵۰) در تهران تا ورود ناصرالدین شاه پیشکار مهدعلیا مادر او بود. در ۱۲۷۲ لقب اعتضادالسلطنه گرفت. در ۱۲۷۴ ریاست دارالفنون را داشت. در ۱۲۷۵ اولین خط تلگراف بین تهران و سلطانیه را به اتمام رسانید و وزیر علوم شد و بعدها ریاست مدرسه دارالفنون و اداره تلگرافخانه‌ها و معادن و روزنامه دولتی و علمی و مدیریت چاپخانه را به عهده گرفت، و حکومت ملایر و تویسرکان هم ضمیمه مشاغل او گردید. قبرش در جنب مزار حضرت عبدالعظیم است. از تألیفات اوست: تاریخ وقایع و سوانح افغانستان (تهران ۱۲۷۳)، فلک السعاده، در رد اقوال اختر شناسان و کهنه (تهران ۱۲۷۸)، ترجمه کتاب الآثار الباقیه و اکسیر التواریخ، کتابی در تاریخ متنبئین (همه خطی).

(۱۲۹۸ -۱۲۳۴ ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فخری. وی سمت پیشکار مهدعلیا را داشت و در دوره‌ی صدارت امیرکبیر سمت خود را حفظ کرد و با مهدعلیا و میرزا آقاخان نوری علیه امیرکبیر همکاری می‌کرد. در این مدت فنون شعر و ادب و حکمت و ریاضی را فراگرفت و به مطالعه‌ی کتاب و معاشرت با اهل فضل و ادب مشغول بود. کتابخانه‌ی مهم و معتبری فراهم آورد که بعدها تمام آن را برای مدرسه‌ی سپهسالار جدید خریداری و وقف آن مدرسه کردند. در سال ۱۲۷۲ ق به اعتضادالسلطنه ملقب شد. سمتهایی چون ریاست مدرسه‌ی دارالفنون و وزارت علوم و صنایع و تجارت و اداره‌ی تلگرافخانه و معادن و روزنامه‌های دولتی و علمی و چاپخانه‌های تهران، ولایات و حکومت ملایر و تویسرکان همه بر عهده‌ی او بود. در سال ۱۲۸۳ ق روزنامه «ملت سنیه ایران» را انتشار داد و پس از انتشار دو شماره، نام آن به روزنامه‌ی «ملتی» تبدیل شد. در زمان وزارت علوم چندین نشریه تحت‌نظر

وی دایر گردید: روزنامه‌ی «ملت علیه ایران» در دو شماره، روزنامه‌ی «ملت سنیه ایران» سابق‌الذکر در دو شماره، «روزنامه‌ی ملتی» ۳۴ شماره، روزنامه‌ی «علمیه‌ی دولت علیه ایران» ۵۳ شماره به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه. در شب عاشورا در شصت و چهار سالگی درگذشت و در یکی از حجرات جنب مزار حضرت عبدالعظیم دفن شد. آثار وی علاوه بر انتشار روزنامه‌ها: «تاریخ وقایع و سوانح افغانستان»؛ «فلک السعاده» در ابطال ستاره‌شناسی؛ «اکسیر التواریخ»؛ «تاریخ متنبئین»، که قسمتی از آن به نام «فتنه‌ی باب» در تهران چاپ شده است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۹۶/ ۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۳۵ -۶۳۳/ ۲)، تاریخ جراید (۲۴۰ -۲۳۷، ۴۸ -۴۵/ ۴، ۳۰۷-۳۰۵/ ۲)، تاریخ در ایران (۸۱)، حدیقه الشعراء (۱۲۹۶ -۱۲۹۱/ ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۷)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۷ -۱۶۶/ ۱)، شرح حال رجال (۴۴۷ -۴۴۲/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۹۲)، المآثر و الآثار (۱۹۴ -۱۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۱ -۵۶۹/ ۴).

اعتماد السلطنه صنیع الملک، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ -۱۲۵۹ ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به صنیع‌الدوله و موتمن‌السلطنه. از شاگردان دوره‌ی اول رشته‌ی نظام مدرسه‌ی دارالفنون بود و در سن شانزده سالگی به منصب سرهنگی ارتقاء یافت و به ریاست قشون و نیابت حکومتهای خوزستان و لرستان منصوب و پس از آن معاون وزارت عدلیه شد. اعتمادالسلطنه ضمن این که نایب دوم سفارت ایران در پاریس بود، به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و بعد از بازگشت به ایران، علاوه بر مترجمی مخصوص شاه، موضوعاتی را از کتب فرانسه، برای «روزنامه‌ی دولتی» ترجمه می‌کرد. وی در ۱۲۸۸ ق ریاست دارالطباعه‌ی دولتی را بر عهده داشت و وزیر انطباعات شد و زیر نظر او روزنامه‌ی «ایران سلطانی» و «مریخ» و روزنامه‌ی «نظامی» و ماهنامه‌ی «علمی» و روزنامه مصور «شرف» منتشر می‌شد. وی با سید جمال‌الدین اسدآبادی مکاتبه و مراوده داشت. در تهران سکته کرد و در نجف اشرف دفن شد. آثار وی: «وقایع یومیه» شانزده سال اواخر عمر او که تمام مجلدات خطی آن در هشت جلد در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است؛ «منتظم ناصری»، در سه جلد، به صورت تاریخ عمومی از صدر اسلام تا زمان مولف؛ «مطلع الشمس»، در جغرافیا و تاریخ خراسان؛ «مرآت البلدان» در جغرافیای ایران که ناتمام مانده؛ «المآثر و الآثار»؛ «دررالتیجان فی تاریخ بن الاشکان»؛ «التدوین فی جبال شروین»؛ «خیرات حسان»، تاریخ مشاهیر زنان؛ «خلسه» یا «خوابنامه»؛ «تاریخ فرانسه». از معروف‌ترین ترجمه‌های اوست: «خاطرات مادموازل دومونت پانسیه»؛ «شرح احوال کریستف کلمب»؛ «سرگذشت خانم انگلیسی»؛ «طبیب اجباری».[۱]

(ع. مورد اعتماد پادشاهی) محمدحسن خان مقلب به صنیع‌الدوله که بعدها معروف و ملقب به اعتمادالسلطنه گردید (ف. ۱۳۱۳ ه.ق.). از مقربان دربار ناصرالدین شاه و وزیر انطباعات، وی دارای تألیفات متعددی است از جمله مرآة البلدان (ه. م.)، مطلع‌الشمس (ه. م.) خیرات‌الحسان (ه. م.) والمآثر و الآثار، و منظم ناصری در تاریخ و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۷۱ -۲۶۴/ ۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۱۶ -۶۱۱/ ۱)، تاریخ جراید (۲۰۴ -۲۰۳/ ۴، ۶۱ -۵۹/ ۳، ۳۱۲ -۳۰۵/ ۱)، تاریخ در ایران (۸۳ -۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۸/۱)، الذریعه (۱۲۰/۲۵، ۱۲۲/۸، ۲۶۷/۷، ۲۷۲/۳)، ریحانه (۱۵۱/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۷/۱)، شرح حال رجال (۳۴۸ -۳۳۰/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اعتمادالسلطنه)، معجم المولفین (۲۰۰/۹)،

یادداشتهای قزوینی (۱۵۲ -۱۵۱ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۶)، یغما (س ۱۷، ش ۸، ص ۳۹۰ -۳۸۳).

اعرج نیشابوری، نظام‌الدین حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عالم دینی، مفسر، عارف و ادیب. معروف به نظام نیشابوری و نظام اعرج. او را از علمای عامه دانسته‌اند و بعضی به او نسبت تشیع داده‌اند. اصلش از قم و ساکن نیشابور و به آورده‌ی برخی از مآخذ اصلش از نیشابور و ساکن قم بود. وی از شاگردان قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی به شمار می‌آمد. در پاره‌ای از منابع وی جزو علمای سده‌ی نهم قمری آورده شده چون تاریخ اتمام بعضی از مجلدات «تفسیر» مشهور او را در حدود ۸۵۰ ق ذکر کرده‌اند، در حالی که برخی از منابع ۷۲۸ ق را تاریخ صحیح اتمام می‌دانند. از آثارش: «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، در تفسیر که به «تفسیر نیشابوری» معروف است و آن را به اشاره استادش، قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی، تألیف کرد؛ «لب التأویل»، در تفسیر قرآن؛ «اوقاف القرآن»، که به امر قطب‌الدین شیرازی به اسم خواجه سعدالدین ساوجی وزیر الجایتو (م ۷۱۱ ق) نوشته است، «توضیح التذکرة»، شرح «تذکرة النصیریة» خواجه نصیر طوسی، در هیئت که در ۷۱۱ ق تألیف نموده است؛ شرح «الشافیة» ابن‌حاجب، در علم صرف که به «شرح نظام» معروف است؛ شرح «مفتاح‌العلوم» سکاکی؛ «الربع المقنطر»؛ رساله‌ای در «علم الحساب».[۱]

نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری (ف. ۹۰۰ ه.ق). از علمای قرن نهم است. آثارش: کتاب «شرح تذکره‌ی طوسی» در هیأت، کتاب «شرح مجسطی»، کتاب «شرح نظام» در صرف، کتاب «تفسیر» معروف به تفسیر نیشابوری و شرحی بر کتب زیج.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۳۴، ۲۳۳/ ۲)، اعیان‌الشیعه (۲۴۹ -۲۴۸/ ۵)، الذریعه (۲۸۴/ ۱۸ ،۳۲ -۳۱/ ۱۶ ،۱۴۲/ ۱۳ ،۷۲/ ۱۰ ،۴۹۲، ۲۰۶/ ۴ ،۱۲۱ / ۳ ،۴۸۰ / ۲)، روضات‌الجنات (۱۰۱ -۹۶ / ۳)، ریحانه (۱۹۹ -۱۹۷ / ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۷ -۴۶ / ۸)، کشف‌الظنون (۱۷۶۳، ۱۵۹۵، ۱۱۹۵، ۱۰۶۲، ۱۰۲۱، ۳۹۲ -۳۹۱)، الکنی والالقاب (۲۵۶/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۲۹۱، ۲۸۲ -۲۸۱/ ۳)، هدیۀالاحباب (۲۵۷)، هدیۀالعارفین (۲۸۳/ ۱).

افتخار الحکما، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا موسی خان ناظم الاطباء، ادیب کامل، و شاعر فاضل، و طبیب حاذق، از خاندان علم و حکمت، در ۲۰ ماه صفر سال ۱۳۲۰ در طهران وفات یافته، در ایوان مقبره‌ی ناصرالدین شاه مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

پوشید سیه چه شارق اندر تاریخ

سوسن ز عزای میرزا عیسی خان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

افسر اصفهانی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۳۰۵ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به افسر. وی پزشکی نیز می‌دانسته اما به این حرفه اشتغال نداشته است. بنا به گفته‌ی جلال‌الدین همایی در مقدمه‌ی «دیوان» طرب: طرب در خط، ارشد شاگردان میرزا عبدالرحیم افسر شاعر خوشنویس معروف است که وفاتش علی‌التحقیق بعد از سنه‌ی ۱۳۰۸ و به بعض احتمالات در سال ۱۳۱۵ قمری است». کتابت خفی نزدیک به غبار را بسیار شیرین و استوار می‌نوشت. از استواری خط میرعماد و ملاحت کتابت میرعلی هروی در خطوط او اثری است. از آثار وی: قسمت اول روزنامه‌ی «فرهنگ» است که در زمان حکومت ظل‌السلطان در اصفهان چاپ سنگی شده و قسمتهای بعدی آن به خط پسر او میرزا فتح‌الله جلالی است که از شاگردان وی نیز بود؛ خط و شعر کتیبه‌ی کاشیکاری سر در تکیه‌ی حاج محمد جعفرآباده‌ای، جنب مسجد رکن‌الملک تخت فولاد اصفهان؛ یک نسخه «جهانگشای» جوینی، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه العبد المذنب المستکین ابن مسکین الحقیر الفقیر الاثیم، عبدالرحیم المتخلص به افسر ۱۲۸۳»؛ یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خفی عالی، در سنه‌ی ۱۲۷۹. شش اثر دیگر وی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر گردیده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳۸۴-۳۸۱/ ۲)، اطلس خط (۵۷۶)، تذکره القبور (۱۸۰)، حدیقه الشعراء (۱۴۱-۱۴۰/ ۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۷۳۶).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

افسر کرمانی، مهدی‌قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۰-۱۲۵۹ ق)، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به افسر. ملقب به افسر الشعراء. وی در کرمان به دنیا آمد و در این شهر تحصیل کرد. در حکمت و منطق سرآمد سخنوران عصر خود گشت بطوری که ناصرالدین شاه وی را به حضور پذیرفت و او را به افسرالشعرا ملقب ساخت. افسر در حسن خط ممتاز بود و نثر را به شیوه‌ی قایم‌مقام نیکو می‌نوشت. ظاهرا نخستین انجمن ادبی را در کرمان وی بنیاد نهاد. او دارای دو «دیوان» شعر از انواع قصاید، غزلیات، مثنویات و رباعیات بوده که به وسیله‌ی یکی از احفادش گردآوری و چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۷۳-۷۰)، الذریعه (۸۴/۹)، ستارگان کرمان (۵۳-۴۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳).

افشار شیرازی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

درگذشت: ۱۳۶۳.

احمد افشار شیرازی در انجمن ادبی که در دبیرستان فیروز بهرام تشکیل می‌شد، حضور می‌یافت. همچنین در جلسات انجمن ایران شناسی که ابراهیم پوردود تأسیس کرده بود، نیز حاضر می‌شد. وی کتاب‌شناس بود و چندین بار برای گذراندن زندگی مجبور شد که بخش‌هایی از کتابخانه‌ی خود را به کتابخانه‌های مجلس شورای ملی، مجلس سنا و دانشگاه تهران و کتابخانه‌ی دانشگاه شیراز بفروشد. از او دو اثر به یادگار مانده است: یکی از آنها گردآوری و چاپ نوشته‌هایش راجع به مانی و مانویت است که به تشویق و راهنمایی سید حسن تقی‌زاده از میان متون فارسی و عربی جمع کرد. دیگری تجدید طبع از پرویز تا چنگیز (تألیف سید حسن تقی‌زاده، تهران، ۱۳۳۵) است، چاپ این کتاب از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۹ به طول کشید زیرا افشار شیرازی اصرار داشت که کتاب معرب به چاپ برسد.

دروه‌ی خدمت دولتی افشار شیرازی به مدرس ادبیات و زبان فارسی و عربی در دبیرستان‌ها (شیراز و تهران) و سپس در دانشگاه‌های کشور «تهران و شیراز» گذشت. وی به زبان عربی تسلط داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

افشار یزدی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق، ادیب.

تولد: ۱۳۱۳ (۱۲۷۲ ق.)، یزد.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۲، تهران.

دکتر محمود افشار یزدی، فرزند محمدصادق، در سن سیزده سالگی مادر خود را از دست داد و به این سبب برای تصحیل به نزد عمویش در هند اعزام شد و این شخص که سالیان دراز ریاست انجمن ایرانیان مقیم بمبئی با او بود در آن شهر به ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در هندوستان مشغول بود. محمود افشار یزدی در هند مقدمات علوم جدید و زبان انگلیسی را فراگرفت. و پس از سه سال به تهران آمد و در مدرسه علوم سیاسی به تصحیل پرداخت. اما به قصد ادامه‌ی تحصیل در نوزده سالگی راهی اروپا شد و در سوییس از دانشکده‌ی علوم سیاسی دانشگاه لوزان درجه دکترای دریافت کرد. چون ایام اقامت وی در اروپا مقارن با ختم جنگ بین‌الملل اول بود و موضوع قرارداد ۱۹۱۹ مطرح بود در جراید سوییس مقالاتی در دفاع از حقوق ایران نوشت، همچنین مقالاتی درباره‌ی زبان فارسی و ایران در جراید سوییس از وی به یادگار مانده است. وی پس از به پایان رساندن دوره دکترای در سال ۱۳۴۰ ق. به ایران بازگشت. چندی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تدریس تاریخ اشتغال داشت. سپ به ریاست مدرسه‌ی عالی تجارت که تازه تأسیس شده بود انتخاب شد و اساس مدرسه‌ی مزبور را پی‌ریزی کرد. مدتی نیز در وزارت مالیه و عدلیه به خدمت اشتغال داشت با به سمت مستشاری دیوان کشور رسید. آخرین موقعیت اداری او معاونت وزارت فرهنگ بود. از آن پس از خدمت دولتی کناره گرفت.

دکتر محمود افشار یزدی از سال ۱۳۰۰ وارد عرصه‌ی مطبوعات شد. در سال ۱۳۰۴ مجله «آینده» را تأسیس کرد که ابتدا دو سال

(۲۴ شماره) و سپس از سال ۱۳۲۲، شانزده شماره‌ی آن طبع گردید و سپس پسرش ایرج افشار به نشر آن ادامه داد. از کارهای دیگر وی ایجاد موقوفه دکتر محمود افشار در شمیران تهران است که مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در همان جا مستقر شد. دفتر اشعار دکتر محمود افشار در سال ۱۳۶۲ از طرف موقوفه فوق چاپ شده است. فهرست آثار او به شرح زیر است: مجله «آینده»، چهار دوره؛ روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه (۱۳۴۵)؛ گفتار ادبی (در دو جلد)؛ گنجینه مقالات (مقالات سیاسی یا سیاستنامه‌ی جدید، جلد یک ۱۳۶۸)؛ سیاست اروپا در ایران (۱۹۲۱، آلمان، گفته شده که این کتاب را به زبان فرانسوی نوشته است)؛ افغان‌نامه (درسه جلد)؛ تاریخچه‌ی سیاست روسیه در ایران. مقاله‌های وی در جراید «آفتاب»، «رعد»، «ایران»، «ستاره‌ی جهان»، «شفق سرخ»، «شیرکوه» و «کوشش» و روزنامه‌های دیگر سال‌های ۱۳۰۶ -۱۳۰۳ منتشر شده است. مقاله‌هایی نیز برای روزنامه‌های «حبل المتین» (کلکته) و «شمس» (استانبول) نوشته است. به مناسبت یادبود دومین سال درگذشتش، چهار مجلد کتاب به نام ناموارهٔ دکتر محمود افشار شامل مقاله‌های تحقیق منتشر شد.

حقوقدان، قاضی، مدیر، مدبر، میهن‌خواه، مروج علم و فرهنگ، نیکوکار. در ۱۲۶۷ در یزد متولد شد. پدرش حاج محمدصادق افشار یزدی بازرگانی روشنفکر و طالب علم و ادب بود. به همین دلیل در تربیت فرزندان خود که مستعد بودند سعی بلیغ مبذول داشت. محمود افشار تحصیلات مقدماتی و متوسطه و مقدمات زبان و ادبیات عربی و فرانسه را در تهران و هندوستان فراگرفت و در ۱۲۹۰ برای ادامه‌ی تحصیلات و کسب علوم جدید اروپائی عازم سویس شد و دوره‌ی لیسانس و دکترای حقوق را پایان برد. از محصلینی که در آن تاریخ در سویس ادامه تحصیل می‌دادند یکی دکتر محمد مصدق‌السلطنه و دیگری علی‌اکبر داور بودند که بین افشار و آن دو دوستی و نزدیکی زیادی ایجاد شد و در تمام مدت عمر ادامه داشت.

پس از مراجعت به ایران به کارهای علمی و تحقیقاتی پرداخت و با کمک دکتر محمد مصدق و چند نفر دیگر مجله‌ی علمی را انتشار دادند. در ۱۳۰۴ مجله‌ی آینده را بنیاد نهاد و چند سالی مرتباً آن را انتشار داد. داور وقتی وزیر فوائد عامه شد او را به همکاری دعوت نمود و ریاست مدرسه‌ی تجارت را به عهده‌ی وی سپرد. افشار بر اساس مدارس اروپائی سر و صورتی شایسته به آنجا داد. در ۱۳۰۶ بنا به دعوت داور وارد تشکیلات نوین قضائی شد و به مستشاری استیناف تهران منصوب گردید. چند سالی این همکاری ادامه داشت. بین وی و داور اختلاف سلیقه بوجود آمد ناگزیر افشار عدلیه را ترک کرد و در زمان وزارت دارائی تقی‌زاده به آن وزارتخانه منتقل گردید. ریاست اداره‌ی اقتصادی و حقوقی را که از اهم ادارات بود بدو سپردند. تا سال ۱۳۱۲ در آنجا خدمت می‌کرد. وقتی داور به وزارت مالیه رفت او به دادگستری بازگشت. ابتدا به مقام دادیاری دیوان عالی کشور رسید، چندی بعد مقام مستشاری یافت. بعد از ۱۳۲۰ به معاونت وزارت فرهنگ منصوب گردید و مجله‌ی آینده را مجدداً انتشار داد.

افشار مردی دانشمند، محقق، ادیب، شاعر و ثروتمند بود. عشق میهن‌خواهی داشت. برای ترویج علم و فرهنگ چه از لحاظ مادی و چه معنوی دریغی نداشت، کما اینکه قسمتی از مستغلات خود را در باغ فردوس شمیران وقف سازمان لغت‌نامه دهخدا نمود. در ۱۳۶۳ درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

افشار، ایرج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه: در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد فرزند برومند «دکتر محمود افشار» تربیت‌یافته خاندان ادب و سیاست است. تحصیلات

خود را در رشته حقوق به پایان رسانید و دورهٔ دکتری را نیز دیده است.

افشار از ذخایر ادبی و علمی کشور شمرده می‌شود و در فن کتاب‌شناسی و کتابداری بی‌مانند است.

زبان انگلیسی را خوب می‌داند و زبان فرانسه را از آن بهتر. ده سال کتابدار دانشکده حقوق بود و سپس رئیس کتابخانه دانش‌سرای عالی شد. یک سال نیز ریاست کتابخانه ملی را بر عهده داشت و چهار سال هم رئیس اداره کل انتشارات دانشگاه بود.

افشار به سال ۱۳۳۱ با همکاری چهار تن از دوستان خود، انتشار نشریه گرانقدر «فرهنگ ایران زمین» را آغاز کرد و از سال ۱۳۲۷ مدیریت مجله راهنمای کتاب را به عهده داشت.

وی به دعوت دانشگاه هاروارد آمریکا یک سال در آن کشور مقیم بوده و به کار مرتب کردن کتابهای السنه شرقی آن دانشگاه معتبر اشتغال داشته است و نیز برای امور مربوط به کتاب و کتابداری سفرهایی به کشورهای مختلف داشته است. آثار: ۱ـ فردوس المرشدید ۲ـ تاریخ کاشان ۳ـ تاریخ یزد ۴ـ جامع مفیدی ۵ـ مالك و ممالك ۶ـ قندیه ۷ـ حالت و سخنان ابوسعید ۸ ـ آغاز و انجام از نصرالدین طوسی ۹ـ رساله عشق از صفی‌الدین نجاری ۱۰ـ عرض سپاه ۱۱ـ بیان الصناعت ۱۲– تاریخ کبیر از جعفری ۱۳–یادداشت قزوینی در ۶ ج، ۱۴ـ نثر فارسی معاصر ۱۵ـ میرزا تقی خان امیرکبیر ۱۶ـ فرهنگ ایران زمین در ۹ جلد ۱۷ـ راهنمای کتاب در ۵ جلد ۱۸ـ مهر جلد هشتم ۱۹ ـ کتابهای ماه در ۳ ج.

افشار، خداوردی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد قاسم. از اجلای شاگردان مولی عبدالله تستر، و معاصر با مجلسی بوده، کتابی در رجال به نام «زبدهٔ الرجال» تألیف نموده، و در آن اسامی مجهولان را اسقاط نموده است.

و در فضل و کمال او کافی است که در خانواده‌ای به مقام سامی علم و کمال رسیده که در بین آنها اهل فضلی وجود نداشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اقبال آشتیانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ –۱۲۷۷ ش)، ادیب، مورخ و روزنامه‌نگار. در خانواده‌ای پیشه‌ور و تهیدست به دنیا آمد. در کودکی شاگرد درودگر بود اما میل به تحصیل سبب شد که در ضمن کار به مکتب رفته، مقدمات علوم را در زادگاه خود فراگیرد. در سال ۱۳۲۸ ق به تهران آمد. ابتدا به مدرسه‌ی شرکت گلستان رفت سپس در دارالفنون به فراگیری ادب فارسی پرداخت و معاونت کتابخانه‌ی معارف را که در دارالفنون دایر شده بود به عهده گرفت. علاوه بر آن تدریس ادبیات و جغرافیا در مدارس نظام و علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی نیز سالها با وی بود. کار نویسندگی اقبال از همکاری با «مجله‌ی دانشکده» و انتشار مقالاتی در آن مجله از سال ۱۲۹۷ ش آغاز شد. در سال ۱۳۰۴ ش از سوی وزارت جنگ با سمت منشی به همراه هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن لیسانس ادبیات گرفت. در سال ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت. در این هنگام وزارت فرهنگ از وی خواست که در تألیف کتابهای درسی

تاریخ و جغرافیای اقتصادی ایران برای دبیرستانها و شعب علوم انسانی مدارس عالیه که در کشور تأسیس شده بود شرکت کند. با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ش به سمت استادی در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ ش مجله‌ی «یادگار» را در تهران منتشر کرد. در اواخر عمر مدتی رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا و در رم درگذشت. پس از یک سال پیکرش را به ایران آوردند و در مرقد شیخ ابوالفتوح رازی در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از وی آثار زیادی بر جای مانده است از جمله: «تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا»؛ «تاریخ ایران از صدراسلام تا استیلای مغول»؛ «تاریخ ایران از بدو خروج چنگیز تا ظهور امیر تیمور»؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «جغرافیای ایران در خارجه»؛ «خاندان نوبختی»؛ «خدمات ایرانیان به تمدن عالم»؛ ترجمه‌ها: «تاریخ مختصر ایران» تألیف پاول هرن؛ «طبقات سلاطین اسلام»؛ «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»؛ «ناپلئون و اسلام»؛ «یادداشتهای ژنرال ترهزل»؛ تصحیح متون: «دیوان معزی»؛ «حدائق السحر»؛ «بیان الادیان»؛ «تجارب السلف».[۱]

(بخش ۱) عباس اقبال آشتیانی، محقق و مورخ ایرانی (و. ۱۳۱۴ ه.ق./ ۱۲۷۵ ه.ش.- ف. رم. ۱۳۷۵ ه.ق./ ۱۳۳۴ ه.ش.). وی در آغاز جوانی شاگرد درودگر بود و سپس به تحصیل پرداخت و دوره دارالفنون را به پایان رسانید و به معاونت کتابخانه معارف انتخاب گردید. آنگاه در دارالفنون به تدریس، پرداخت و بعدها به معلمی مدارس نظام، مدرسه علوم سیاسی و داراالمعلین عالی منصوب شد. در سال ۱۳۰۴ ه.ش. به منشی‌گری هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد و با اخذ درجه لیسانس از سربن نائل آمد و در آن شهر با علامه محمد قزوینی آشنایی یافت و از محضر وی استفاده کرد. پس از بازگشت به ایران به سمت استادی دانشگاه و عضویت فرهنگستان انتخاب شد و سپس به سمت نماینده فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا به شهر رم رفت و در آنجا اقامت گزید و هم در آنجا در سن ۵۹ سالگی درگذشت.

جنازه او را به تهران حمل کردند. وی در ۱۳۲۴ مجله «یادگار» را تأسیس کرد که پنج دوره از آن منتشر شده. از آثار وی «تاریخ مغول»، «وزراء سلاجقه»، «خاندان نوبختی»، تصحیح «عتبة الکتبه»، تصحیح «سمط العلی»، تصحیح «مجمع التواریخ» تألیف دکتر فوریه، ترجمه «یادداشتهای ژنرال ترهزل»، ترجمه «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»، تصحیح «ترجمه فارسی محاسن اصفهان»، تصحیح «بیان‌الادیان»، و تصحیح «تبصرةالعوام» را باید نام برد. وی در تحقیقات تاریخی و ادبی روش عالمانه‌ای دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما(۸۹ -۸۵)، تاریخ در ایران(۲۰۰ -۱۹۷)، دایرةالمعارف فارسی(۱۸۳ -۱۸۲ /۱)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر(۲۴۵ -۲۴۳ /۱)، سرآمدان فرهنگ(۱۷۲ -۱۷۱ /۱)، شخصیتهای نامی(۱۷ -۱۶)، شرح حال رجال(۱۳۱ /۵)، فرهنگ ادبیات فارسی(۶۴ -۶۳)، کارنامه‌ی بزرگان(۴۱۸ -۴۱۶)، گلزار معانی(۹۲ -۸۴)، مؤلفین کتب چاپی(۶۴۰ -۶۳۳ /۳)، یغما(س ۹، ش ۱، ص ۴۵ -۴۴).

اقبال مازندرانی، علیقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی چلاو مازندران بود. در نظم و نثر عربی و فارسی دست داشت. مدتی در خدمت محمدقلی میرزا ملک‌آرا، والی مازندارن بود. سپس به خدمت شاهزاده محمدعلی میرزا درآمد و در زمان وی نزد طهماسب میراز منصب دبیری یافت. در زادگاه خود کشته و به چاهی انداخته شد. قاتل و علت قتل نیز معلوم نشد. اثر وی: «ملک آرا» در ذکر سلسله‌ی

قاجاریه و وقایع دوران محمدحسنخان قاجار و جهانسوز شاه است که به دستور محمدقلی میرزا ملک‌آرا والی مازندران نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء(۱۵۱ -۱۵۰ /۱)، سفینهٔ المحمود(۶۱۹ /۲)، فرهنگ سخنوران(۷۸)، مجمع الفصحا(۱۴۶ -۱۴۵ /۴).

اقبال یغمایی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم اقبال یغمایی نویسنده و مترجم دانشمند معاصر بود . او دانش آموخته دانشسرای سابق بوده وبه امر معلمی اشتغال داشت . وی همچنین دربنیاد فرهنگ ایران نیز فعالیت داشت . یغمایی آثار بسیاری به یادگار گذاشته است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : اقبال یغمایی فرزند شادروان اسد الله منتخب السادات جندقی (آل داود) و برادر کوچکتر مرحوم حبیب یغمایی (مدیر مجله یغما) بود .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اقبال یغمایی کوچکترین پسر خانواده بود . او درروزگاری زاده شد که پدرو سایر افراد خاندان به تازه گی از رنج دربه دری های ناشی از تهاجم نایب حسین کاشی و دیگر باغبان رسته بودند . ردرروستای خور به طور دائم ماواگزیدند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اقبال یغمایی تحصیلات نخستین را نزد پدر دانشمندش فرا گرفت و درحالی که بیش از هفت سال نداشت ازراه کویر به شاهرود آد و از آنجا روانه تهران شد . درتهران درجوار برادرش ، حبیب یغمایی ،دریکی از حجره های مدرسه دارالشفاء که برروی مسجد شاه بود سکنی گزیده و به کار تحصیل پرداخت . پس از آن دردوره اول دانشسرای مقدماتی پسران به تحصیل پرداخت و درسال ۱۳۱۵ شمسی دوره آن را به انجام رسانید .

همسر و فرزندان : مرحوم اقبال یغمایی چهارفرزند پسر و دختر دارد که دو تن از آنان پزشکان برجسته و نامورند .

وقایع میانسالی : اقبال یغمایی دردوران میانسالی ابتدابا نشریات و مجلات گوناگون همکاری داشت . نشریاتی همچون مهر ، ارمغان ، یغما ، آموزش و پرورش و دانش آموز می باشند .

زمان و علت فوت : اقبال یغمایی در۱۵شهریور ۱۳۷۶ شمسی دربیمارستانی درغرب تهران و در حالی که بیش از هشتاد سال سن داشت درگذشت و روز بعد درقطعه ویژه دانشمندان و اهل قلم دربهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقبال یغمایی درنیمه دوم سال ۱۳۱۵ شمسی به خدمت وزارت معارف درآمد و با سمت دبیری به شاهرود رفت . وی درسال ۱۳۲۵ به تهران منتقل شدو پس از دو سال تدریس درمدارس تهران به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ منتقل شد . وی درتاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۷۴ازوزارت آموزش و پرورش بازنشسته شد .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت های آموزشی اقبال یغمایی ،نویسندگی بود . در آن راستا وی مدتی مجله آموزش و پرورش را منتشر کرد . سپس در دوره ۲۵ مجله (سال تحصیلی ۳۱-۱۳۳۰) رسما مدیریت مجله را برعهده گرفت . سالهایی که تصدی این مجله را یغمایی برعهده داشت از جمله ادوار خوب این مجله بود . از آن پس مجله مستقلی به راه انداخت . این مجله که دانش

آموز نـام داشت مخصوص کودکـان و نوجوانـان بـوده و یکی از بهـترین و نخسـتین نشـریاتی بـود کـه درایران برای نوجوانـان منتشرگردید .او همچنین مجله رایزن را نیز برای کودکان چاپ می کرد .

سـایر فعالیتهـا و برنامه های روزمره : اقبال یغمایی درزمان بازنشسـتگی به طور غیر رسـمی و بنا به دعوت دکتر پرویز خانلری دربنیاد فرهنگ ایران به کار پرداخت و مـدتی از ساعات ظهر به بعـد دراداره نگارش وزارت فرهنگ وهنر به انجام خـدمت متفرقه فرهنگی اشتغال داشت . تا آنکه دراواخر سال ۱۳۵۷ شمسی به کلی خدمات فرهنگی و اداری را رها کرده و درمنزل کارهای تحقیقی خودرا ادامه داد . وی تاروزها پایانی عمر دست ازمطالعه و تحقیق و ترجمه برنداشت .

آرا و گرایشـهای خـاص : اقبال یغمایی به مطالعه و تحقیق و پژوهش علاقه خاصـی داشت .طوری که تاروزهای واپسـین عمر دسـت ازنوشـتن برنداشت . با آنکه دیگانش کم نورشده و دسـتانش می لرزید باز هرهنگام که رمقی می یافت کتابی بردست می گرفت و یا خطوطی برصفحه کاغذ نقش می کرد . --

----

آثار :

۱ افرند

ویژگی اثر : این اثر مجموعه داستانهای آموزش است

۲ بزرگمهر

۳ تاریخچه اداره کل نگارش وزارت معارف

۴ تاریخچه اعزام محصل به اروپا اززمان ناصرالدین شاه تا ۱۳۱۲شمسی

۵ ترجمه پتی شنر

ویژگی اثر : این کتاب تالیف آلیفونس دوده بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است .

۶ ترجمه پل وویرژینی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف برناردن دوسن پیر است که توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۷ ترجمه تلماک

ویژگی اثر : این کتاب نوشته فنلون است و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۸ ترجمه حکایت های آسیایی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کنت گوبینو است

۹ ترجمه ربنسن کروزئه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف دانیل دفو بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۱۰ ترجمه سفر نامه شاردن

ویژگی اثر : این کتاب تالیف شاردن است که در۵جلد به فارسی ترجمه گشت

۱۱ تشبیهات شاعرانه

۱۲ تصحیح ابومسلم نامه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ابو طاهر بن علی بن حسین طرطوسی و توسط یغمایی تصحیح شده است

۱۳ جغرافیای تاریخی دامغان

۱۴ خلیج فارس

۱۵ خمسه نظامی به نثر

۱۶ داستان های عاشقانه ادبیات فارسی

۱۷ داستانهای پهلوانی ادبیات فارسی

۱۸ دانستنی های علمی

۱۹ ز گفتار دهقان

ویژگی اثر : این اثر شاهنامه فردوسی به نثر است

۲۰ سیستان و بلوچستان

۲۱ شرح احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی

۲۲ شهید راه آزادی سید جمال اصفهانی

۲۳ طرفه ها

۲۴ عارف نامی بایزید بسطامی

۲۵ عشق و پادشاهی یاداستان تاریخی نورجهان و جهانگیر

۲۶ مختصر راماین (کهن ترین اثر حماسی هندوان)

۲۷ مدرسه دارالفنون

۲۸ هوس نامه خسرو و شیرین

۲۹ وزیران علوم و معارف وفرهنگ ایران

منابع زندگینامه :

۱آل داود ، سید علی، ۶۰سال با کتاب /نگاهی به زندگی وآثار اقبال یغمایی ،کتاب ماه زبان وادبیات ، بهمن و اسفند ماه ۱۳۷۶، شماره چهاردم و پنجم ، ص ۳۰

الفت اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۶۲ ش)، عالم، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به الفت. در اصفهان متولد شد. پس از فراگیری فلسفه و حدیث و عرفان، به آموختن ریاضیات قدیم و جدید و سپس زبان فرانسه روی آورد. در فرقه‌شناسی و فلسفه و تاریخ نیز استاد بود. به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و آقا شیخ باقر اصطهباناتی و آقاضیاء عراقی به فراگیری علوم مذهبی پرداخت و اجازه‌ی روایت را از حاج میرزا خلیل و آقا سید حسن صدر اخذ کرد. در انقلاب مشروطه در صف آزادیخواهان قرار گرفت و مجله‌ی «آفتاب» را دایر کرد و به نشر آن پرداخت و در بیداری مردم نقش مؤثری ایفا نمود. وی در سفر به شهرهای مختلف ایران با آزادیخواهان همکاری کرد. عضو مجلس مؤسسان و نماینده‌ی مجلس شواری ملی بود. الفت در انواع شعر مهارت داشت اما بیشتر غزل می‌سرود. کتابخانه بزرگ او به دانشکده‌ی ادبیات اصفهان اهدا گردید. وی در اصفهان وفات یافت و در مقبره‌ی پدرش جنب امامزاده احمد دفن شد.از آثارش: «ابواب الروضات»، فهرست کتاب «رضوات الجنات»؛

«داستان هفت برادر»؛ «دانش‌نامه»؛ «دیوان» اشعار؛ «کشف الحجب»، در اسامی کتب، که تألیف آن به مناسبت آن که مرحوم ثقة الاسلام تبریزی نیز در همین موضوع تألیفی را شروع کرده بود ناتمام ماند؛ «مجله‌ی آفتاب»؛ «مجمع الاجازات و منبع الافادات»، در دو مجلد؛ «سفرنامه»، در شرح حالات خودش در دو مجلد؛ «نسب‌نامه‌ی الفت»، در شرح وابستگان سببی و نسبی خودش؛ «تاریخ مداخله علمای شیعه در امور سیاسی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان(۵۸ -۵۵)، تذکرة القبور(۱۶۲ -۱۶۰)، الذریعه(۱۵ /۲۰، ۲۷ /۱۸، ۳۸۳ /۱۶، ۹۰ /۹، ۱۲۴ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر(۲۵۱ -۲۴۹ /۱)، سخنوران نامی معاصر(۳۳۰ -۳۲۶ /۱)، فرهنگ سخنوران(۸۲ -۸۱)، لغت‌نامه(ذیل/ الفت اصفهانی)، مکارم الآثار(۱۶۶۴ /۵).

النور، حلیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حلیم النور

محل تولد : عراق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حلیم النور طلبه عراقی در سال ۱۳۷۱ به ایران آمده و در حوزه مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. فعالیت تبلیغی خود را از سال ۱۳۷۳ شروع و ابتدا به مناطق فقیر و مستضعف خوزستان عازم شدم.

در سال ۱۳۷۷ اولین سفر تبلیغی خود را به خارج از کشور شروع نموده و به سوریه عازم شدم و به مدت ۳ سال هم به لبنان برای تبلیغ دین در ایام محرم و صفر و رمضان عزیمت نمودم. در سال ۱۳۸۱ به مدت ۴ سال به لطف خداوند و نظر بقیه الله الاعظم و ائمه اطهار علیهم السلام به آفریقا (کنگو) رفتم. و در این سالها تجارب خوبی کسب نمودم و مثمر ثمر برای آن کشورها بودم.

ناگفته نماند که به همت و یاری دوستان و محبان اهلبیت علیهم السلام توانستم مدرسه ای برای ترویج و تبلیغ اسلام و اصول اعتقادی و اخلاقی و دینی پایه ریزی نمایم که فعلا در دست اجرا می باشد و هم اکنون مشغول تحقیق در کتب تاریخ اسلام می باشم.

الهی قمشه ای، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین محی الدین الهی قمشه ای فرزند چهارم استاد فقید مهدی الهی قمشه ای و خانم طیبه تربتی در دی ماه ۱۳۱۸ (ژانویه ۱۹۴۰) در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی، متوسطه و دانشگاهی را به ترتیب در دبستان دانش، دبیرستان مروی و دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران تا درجه دکتری (Ph.D. In Islamic Philosophy & Theology) به پایان برد و نیز تحصیلات حوزوی و سنتی را نزد پدر، و استادان دیگر دنبال کرد. پدر ایشان فیلسوف، مجتهد، شاعر و مترجم برجسته ای بودند و اولین و معتبر ترین ترجمه فارسی قرآن از کارهای ایشان میباشد. دکتر قمشه ای پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به کار تدریس در دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزش عالی در داخل و بعد ها خارج از کشور پرداخت و در کنار آن به تالیف و ترجمه در زمینه عرفان و ادبیات و زیبائی شناسی مشغول شد. ایشان دارای همسر و دو فرزند، یک پسر و یک دختر بنامهای شاهد و شادی می باشند. وی همه آموزش های او در ایران صورت گرفته و زبان انگلیسی، عربی، فرانسه و غیره را نیز در ایران آموخته است. استاد قمشه ای، با خستگی ناپذیری تحسین بر انگیزش همواره پیک آشنایی ایرانی و غیر ایرانی با فلسفه و ادبیات غنی عرفانی ایران بوده و در این راستا در دانشگاههاو مراکز علمی فرهنگی بیشماری در ایران و خارج از ایران تدریس و سخنرانی داشته که از آن میان میتوان تدریس فلسفه، عرفان، ادبیات، و هنر در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای ایران و همچنین دانشگاههای لندن، آکسفورد، هاروارد، پرینستن، و برکلی کالیفرنیا را نام برد. دکتر قمشه ای همچنین با هنر هایی چون نقاشی و موسیقی و خوشنویسی از نزدیک آشنایی دارد و گاهگاهی در زمینه خوش نویسی آثاری از او به نمایش گذاشته شده است. ایشان به موسیقی ارادت خاص دارد و آنرا بیش از سایر هنر ها در سخنرانیهای خود ستوده و همگان را به آموختن آن تشویق نموده است. به قول یکی از موسیقیدانان هیچیک از سخنرانیهای دکتر قمشه ای نیست که در آن نکته ای در باره موسیقی نباشد. دکتر قمشه ای از حافظه درخشانی برخوردار است و به نظر می رسد که قرآن را تقریبا از حفظ دارد و با مثنوی و حافظ و نظامی و فردوسی چنان است که گویی دیوان آنها در پیش روی او گشاده است و بخصوص گلشن راز شیخ محمود شبستری تماما در خاطر اوست. وی همچنین در ادبیات انگلیس و عرب نیز می تواند ساعتها از حفظ ، اشعار و قطعاتی را باز گو کند.

امام الحرمین، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۵ -۱۳۰۲ ق)، عالم شیعی، فقیه، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. دارای حافظه‌ای قوی و خط نیکو بود. در کاظمین ادبیات را آموخت و در علوم مختلف کامل شد. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. و از بزرگان علمای اعلام همچون شیخ انصاری و میر سید علی شوشتری دارای اجازه بود. میرزامحمد در کاظمین به قضاوت منصوب و از جانب ناصرالدین شاه ملقب به امامالحرمین شد ولی به روایت آقاشیخ آقابزرگ تهرانی این لقب از طرف سلطان روم (ترک) به وی داده شد. وی در کاظمین درگذشت. از آثار وی: «فصوص الیواقیت فی علم المواقیت»، شعر عربی؛ «عصمهٔ الاذهان فی علم المیزان»، منظومه‌ای در منطق؛ «غنیمهٔ السفر»، در شرح حال شیخ جعفر شوشتری؛ «المحاسن»، در انشاآت و مراسلات؛ «المشکاهٔ فی مسائل الخمس والزکاهٔ»؛ «کتاب الاجازات»؛ «المجلهٔ الزاهرهٔ فی امر الخلافهٔ والمشاورهٔ فی جواب دعوت العلماء القاهرهٔ من منشآت العاجله والمؤلفات الباجلهٔ»؛ «الأسنهٔ»؛ «المواعظ البالغه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۵ -۳۹۴ /۹)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۵۰ -۴۹ /۲)، الذریعه (۲۲۶ -۲۲۵ /۲۳، ۲۱/ ۵۲، ۱۲۴، ۲۰/ ۲۳۶، ۱۶/ ۷۰، ۱۵/ ۲۷۳- ۲۷۴، ۱۳/ ۱۸۶، ۲/ ۷۰، ۱۳۰ -۱۲۹/ ۱)، ریحانه (۱۷۱ /۱)، فوائد الرضویه (۵۵۳)، مؤلفین کتب چاپی

(۵۹۰ –۵۸۹ /۵)، معجم المؤلفین (۲۶۸ / ۱۰).

امام جمعه، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: آبان ۱۳۵۶.

جلال‌الدین امام جمعه محقق لهجه‌های خوزستان بود. از جمله آثار اوست: مثل‌های شوشتری و برخی زبانزدها (بنیاد نیشابور، ۱۳۶۳). این کتاب بخشی از «فرهنگ خوزی» است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امامی هروی، رضی‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۶ ق)، ادیب، شاعر. وی ملک‌الشعراء و مداح اتابکان فارس و معاصر سعدی و مجدالدین همگر بود. ابتدا مداح ملوک کرت بود. سپس به کرمان رفت و به مدح پادشاهان آن دیار یعنی سلاطین قراختایی پرداخت. در یزد مصاحب شمس‌الدین محمد تازی‌گوی، کارگزار شمس‌الدین محمد صاحب دیوان شد. به سبب فضل و دانش وافر و تسلط بر زبان و ادب عربی و فارسی و اطلاع از علوم مختلف معقول و منقول شهرت بسیار داشت، تا آنجایی که برخی از معاصران در مقام مقایسه او با سعدی بر آمده و او را بر بسیاری از شاعران ترجیح داده‌اند. مجدالدین همگر او را بر سعدی ترجیح داه است. در قصیده‌سرایی به سبک عراقی شهرت داشت. وی به اصفهان رفت و باقی عمر را در آنجا گذرانید. و در قصبه‌ی لنجان درگذشت. آثار وی «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت؛ شرحی بر قصیده‌ی «بائیه» ذوالُرمّه شاعر معروف عرب به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۵۹ –۷۵۲ /۲)، از سعدی تا جامی (۱۶۵ –۱۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۷ –۵۴۶ /۳)، تاریخ گزیده (۷۱۷ –۷۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۲ –۱۶۱)، تذکرة الشعراء (۱۸۸ –۱۸۳)، تذکرة القبور (۱۹۸)، حبیب السیر (۳۸۷، ۱۱۸ /۳)، الذریعه (۹۴/۹)، ریحانه (۱۷۲/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۸۸ –۱۸۷ /۱)، صبح گلشن (۳۶)، گنج سخن (۱۴۶ –۱۴۲ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ امامی)، مجمع الفصحا (۲۶۵ –۲۵۹ /۱).

امامی هروی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و منشی. از زبر دست‌ترین کاتبان قرن خویش بود که ظاهراً در دربار سلطان یعقوب و رستم آق قویونلو به کار

کتابت مشغول بود و به همین جهت یعقوبی و رستمی رقم می کرد. از خطوط نستعلیق او: یک نسخه «انیس العاشقین»، به قلم نستعلیق کتابت عالی، با رقم: «تمت... به انیس العاشقین فی تاریخ سنهٔ سبع و ثمانین و ثمانمائهٔ... شیخ محمد الامامی»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الفقیر الحقیر شیخ محمد بن شیخ احمد الهروی فی تاریخ سنهٔ تسع و تسعین و ثمانمائهٔ»؛ یک نسخه مثنوی «اشترنامه»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمام شد کتاب اشترنامه‌ی شیخ فریدالدین عطار... شیخ محد بن احمد... سنه‌ی احمد عشرین و ثمانمائهٔ...» و قطعات و مرقعات دیگر که در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۴۴ -۶۴۲ /۳).

امامی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنوان : دکتر ابوالقاسم امامی

آقای دکتر ابوالقاسم امامی از فضلای کم کار اما گزیده کار و دقیق النظر امروز ایران است و در ادبیت و عربیت و اغلب دانش ها و معارف اسلامی ، هم در حوزه و هم در دانشگاه ، به مدارج والای علمی دست یافته است . او متولد بیست و سوم دی ماه ۱۳۱۳ ش در روستای گز (وابسته به بندر گز ، جزو استان گلستان امروز) است . پدرش اهل علم و از شاگردان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بود . تا سال ۱۳۲۸ تحصیلات ابتدایی را در گز و بندر گز به پایان رساند . سپس بر وفق علاقه و ارشاد پدر ، به تحصیلات حوزوی (در بهشهر ، گرگان ، و سرانجام و بیش از همه در مشهد) روی آورد ، و استادان فرزانه ای داشت از جمله ادیب نیشابوری ، و میرزا جواد آقا تهرانی . مدتی کوتاه نیز به حوزه ی علمیه ی قم رفت و سپس به تهران آمد . در سال ۱۳۳۹ از کسوت روحانی بیرون آمد و تحصیلات دانشگاهی جدید را در پیش گرفت . یک چند با مجله ی عربی الاخاء همکاری داشت . پس از طی دوره ی لیسانس حقوق سیاسی (۱۳۴۸) در دانشگاه تهران ، دوره ی فوق لیسانس زبان و ادبیات عربی را با احراز رتبه ی اول گذراند (۱۳۵۱) و دوره ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی را با نگارش رساله ای به نام تصحیح و تحقیق در متن تجارب الامم ، نیز تالیف رساله ای در زندگینامه و کارنامه ی ابوعلی مسکویه در دانشکده ی ادبیات و از سال ۱۳۶۰ در دانشکده ی الهیات همان دانشگاه به تدریس پرداخت . از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۹ (که بازنشسته شد) ، از سر ویراستاران و صاحب نظران مسائل کتاب و نشر در انتشارات صدا و سیما (سروش) بود . از سال ۱۳۷۱ به عضویت هیئت علمی دانشکده ی الهیات و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد کرج ، در گروه علوم قرآن و حدیث درآمد . همچنین با بعضی نهادهای علمی - انتشاراتی نظیر دفتر نشر میراث مکتوب و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، همچنان ، و به موازت کار تدریس و مسئولیت دانشگاهی همکاری دارد . مقالات علمی بسیاری به عربی و فارسی نوشته است . آثار کتابی چاپ شده یا در دست چاپ ایشان از این قرار است :

۱ - ترجمه ی قرآن کریم که به توصیف اجمالی آن می پردازیم (چاپ اول ، نگار ، ۱۳۷۰ ؛ چاپ دوم ، اسوه ، ۱۳۷۸)

۲ - تصحیح متن عربی تجارب الامم اثر هفت جلدی ابوعلی مسکویه (مشکویه رازی) که دو جلد آن (سروش ، ۱۳۶۶) منتشر شده و کار بر روی باقی مجلدات ادامه دارد .

۳ـ ترجمه ی تجارب الامم پیش گفته (جلد اول ، سروش ، ۱۳۶۹)

۴ـ تصحیح ترتیب السعادات ، اثر مسکویه (آماده ی چاپ)

۵ـ رسائل پراکنده ی مسکویه (نزدیک به پایان)

۶ـ رساله فیماهیه العدل (آماده ی چاپ)

۷ـ تصحیح متن الفوز الاصغر (آماده ی چاپ)

۸ـ تصحیح کیمیای سعادت (که ترجمه ای است از طهاره الاعراق / تهذیب الاخلاق اثر ابوعلی مسکویه ، به قلم میرزا ابوطالب زنجانی . چاپ تهران ، انتشارات نقطه با همکاری « میراث مکتوب » ، ۱۳۷۵)

۹ـ تصحیح و ترجمه ی دیوان امام علی (تهران ، اسوه ، ۱۳۷۰ ، ۱۳۷۳) .

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

امامی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۲، دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۲.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۵ تاکنون، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی و عربی، شرکت و سخنرانی در کنگره‌های جهانی حافظ، سعدی، فردوسی، نظامی، خواجوی کرمانی و تدریس در دروس تخصصی ادبیات فارسی و عربی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی، پرنیان هفت رنگ (بررسی اشعار فرخی سیستانی) در دست چاپ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نقد ادبی، اسطوره‌شناسی، شعر شناسی، سبک‌شناسی شعر، زندگینامه‌نویسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

امانت، رشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، نویسنده و مترجم. در یزد متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاهش به تهران آمد و دو سال در مدرسه‌ی صنعتی آلمان و سه ماه در کالج تحصیل نمود، بعد به خدمت سربازی پرداخت. پس آن به شغل آزاد مشغول شد. زبان انگلیسی را در مدت پنج سال و زبان آلمانی را در مدرسه‌ی صنعتی و فرانسوی را خود آموخت. از آثار وی: ترجمه‌ی «از اسرار جنگ گذشته»؛ «اسرار سیرک»؛ «اسرار عشق»؛ ترجمه‌ی «پسر کاپیتان» یا «شوالیه شاه»؛ ترجمه‌ی «تریپوله» یا «مقلد دربار شاهی»؛ «خودآموز انگلیسی به فارسی»؛ ترجمه‌ی «ژان دولارج»؛ «سرگذشتهای آرسن لوپن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۵ -۲۶۴ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۵ -۱۲۲ /۳).

امیر همایون

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، طبیب، ادیب، منجم و شاعر. ظاهراً وی غیر از همایون اسفراینی شاعر معروف قرن نهم و همایون عراقی است. در ماوراءالنهر می‌زیست و در زمان خود بسیار معروف بود. علاوه بر فنون مذکور در ادبیات عرب و عروض نیز دست داشت و غزل و معما بسیار خوب می گفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۵).

امیرنظام گروسی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۳۷/۱۲۳۶ ق)، ادیب و خطاط. ملقب به سالار عسکر و امیرنظام. یکی از رجال جلیل‌القدر دوره قاجار و از خاندان قدیمی ایل کرد کبودوند ساکن گروس بود. نیاکان وی در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه مصدر خدمات مهم دولتی بوده‌اند امیرنظام همواره مشاغل سیاسی و اداری مهمی در داخل و خارج از کشور برعهده داشت. از جمله اقدامات سیاسی وی پایان دادن به ماجرای عبیداللّٰه خان نقشبندی، رییس صوفی مسلک کرد بوده است. امیرنظام گهگاهی از روی تفنن به نظم هم می‌پرداخته

است. از آثار وی: «منشآت امیرنظام» و «پندنامه» که به خط خود برای فرزندش یحیی نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۶ -۱۲۵۴ /۴)، از صبا تا نیما (۱۷۲ -۱۶۵ /۱)، اطلس خط (۶۳۱ -۶۳۰)، تاریخ برگزیدگان (۱۹۰ -۱۸۸)، تذکره خوشنویسان معاصر (۵۶ -۵۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۱ -۲۰۰ /۱)، شرح حال رجال (۳۶۷ -۳۵۹ /۱).

امیری، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی نواده‌ی حاج محمدتقی امیرالامراء بود. در کرمانشاه متولد شد. در کودکی به تهران آمد، سپس به تبریز رفت و در آنجا تحصیلات ابتدایی خود را به پایان رساند. در سال ۱۳۱۴ ش به تهران بازگشت و دوره‌ی متوسطه را تمام کرد، سپس از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در سال ۱۳۲۲ ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. در خلال این مدت موفق به اخذ دکتری ادبیات فارسی شد. از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸ ش نماینده‌ی فرهنگ و هنر در آمریکا بود و پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی ارتباطات اجتماعی و مدرسه‌ی عالی ادبیات به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۵۰ ش به دعوت دانشگاه یوتا به امریکا رفت و در سال در آنجا به تدریس پرداخت. در بازگشت، به استادی دانشگاه شیراز منصوب شد و سرانجام در سال ۱۳۶۴ ش بازنشسته گردید. برخی از آثار وی: فرهنگ کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی سهراب و رستم»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی فردوسی در تبعید»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی گالیور»؛ «آشنایی با شکسپیر»؛ ترجمه‌ی «مالك و زارع در ایران»؛ ترجمه‌ی «بازگشت ده هزار یونانی»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی فریزر»؛ ترجمه‌ی «روس و انگلیس در ایران»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی جکسن» یا «ایران در گذشته و حال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۹۰ -۳۸۵ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴ -۳۰۳ /۶).

امین الدوله، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۵۹ ق)، نویسنده و منشی. وی از رجال دوران قاجاریه و مردی مطلع بود. در جوانی در اداره یا وزارت رسائل به خدمت پذیرفته شد. در سال ۱۲۷۵ ق با سمت منشیگری وارد وزارت خارجه و به واسطه‌ی خط خوشی که داشت ملتزم ناصرالدین شاه شد. در سال ۱۲۷۹ ق به سمت نیابت اول وزارت خارجه منصوب شد و در سال ۱۲۸۳ ق لقب منشی یافت. در اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ همراه او بود اما بر اثر سعایت امین‌السلطان، رقیبش، از مرز آلمان بازگشت. وی سمت‌های مختلفی چون وزارت رسائل، نظامت مجلس شورا، تصدی امور ضرابخانه، وزارت اوقاف را داشت و در نهایت، بعد از امین‌السلطان، صدراعظم ایران شد. در سال ۱۳۱۶ ق از صدارت معزول و به ملك خود در لشت نشاء گیلان رفت. از کارهای امین‌الدوله تأسیس کارخانه‌ی آخرین سیستم قند

کهریزك با سرمایه‌ی داخلی و خارجی به وسیله‌ی مهندسین بلژیکی، تأسیس کارخانه‌ی کبریت‌سازی در الهیه‌ی شمیران ملك خود و تأسیس مدرسه‌ی رشدیه در تهران است. امین‌الدوله از مؤسسان اداره‌ی پست به سبك جدید بود. وی زبان فرانسه را به خوبی می‌دانست. در گیان درگذشت. از آثار وی: «سفرنامه‌ی مکه»؛ «خاطرات امین الدوله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۲۸۰ -۲۷۲ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۹۴ -۱۹۱)، دایرۀالمعارف فارسی (۲۵۴/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۲ -۲۰۱ /۱)، شرح حال رجال (۳۶۶ -۳۵۴ /۲)، طرائق الحقائق (۶۳۹/۳)، المآثر والآثار (۱۹۳)، مکارم الآثار (۱۵۹۶ -۱۵۹۵ /۵)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۸ -۳۷).

امین‌احمد رازی، محمد مؤمن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۲ ق)، تذکره‌نویس و ادیب. در ری متولد شد، پدرش از جانب شاه طهماسب صفوی به کلانتری ری مأمور بود، امین‌احمد نیز از اعیان دربار صفوی بود و به روزگار شاه‌عباس کبیر به هندوستان رفت و به دربار جهانگیر شاه راه یافت و طی مدت شش سال تذکره نفیس خود، «هفت اقلیم» را به رشته‌ی تحریر درآورد. امین احمد در هندوستان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۲۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۹۱ -۱۶۸۸ /۵)، تاریخ تذکره های فارسی (۴۱۴ -۴۱۰ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۲)، الذریعه (۲۳۰ -۲۲۹ /۲۵ ،۵۲/۴)، طرائق الحقائق (۱۵۹/۳)، کاروان هند (۱۱۶ -۱۱۵ /۱)، کشف الظنون (۲۰۴۴).

امینی، امیرقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۷ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. در اصفهان متولد شد. پدرش را در طفولیت از دست داد و تعلیم و تربیت او به مادرش که دختر میرزااحمد صادقی، برادر آیت‌اللّه شریعت نجفی شیرازی بود، منحصر شد. وی تحصیل را از پنج سالگی نزد معلمه‌ای که مادرش به خدمت گرفته بود، آغاز کرد. پس از چندی مدرسه‌ای که به طرز جدید در پشت باغ چهل ستون اصفهان تأسیس شده بود به تحصیل پرداخت و بعد از آن به مدرسه‌ی اسلامیه رفت. از سنین کودکی به بیماری فلج‌اطفال دچار و نیمی از بدنش بی‌حس شد. با این حال، از حرکت و تلاش باز نایستاد. نخستین فعالیتش را از روزنامه‌نگاری آغاز کرد و در سال ۱۳۰۷ ش روزنامه‌ی «اخگر» را از میرزا فتح‌اللّه خان وزیرزاده تحویل گرفت. مدتی نیز مدیریت روزنامه‌ی «باختر» را عهده‌دار شد و روزنامه‌ی «اصفهان» را نیز جایگزین روزنامه «اخگر» کرد. وی به کارهای عام‌المنفعه می‌پرداخت از جمله تأسیس پرورشگاه کودکان بی‌سرپرست اصفهان، احداث قنات و غرس درختان بی‌شمار و آبرسانی به اراضی بایر، و نسبت به تأمین کار و درآمد برای روستاییان اصفهان کمك شایانی کرد. امیرقلی زبانهای عربی، فرانسه و اسپرانتو را به خوبی می‌دانست. از آثارش: ترجمه‌ی «عروس

فرغانه»، اثر جرجی زیدان؛ «غلبه بر ترس و گرسنگی»، ترجمه از عربی؛ «داستانهای امثال»؛ «فرهنگ عوام»؛ «عبدالرحمن ناصر»، اثر جرجی زیدان؛ «کودک»، اثر ویکتور پوشه؛ «داستانهای کوچک»، از اسپرانتو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲ -۱ /۲، ۱۸۲ -۱۷۷، ۷۴ -۷۱ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۵ -۲۹۴ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۶۷۹- ۶۸۱).

انجوی شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در سال ۱۳۰۰ ش. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس علمیه تهران و مشهد آغاز کرد ، سپس به تهران رفت و در دبیرستان دارایی تحصیلات خود را پی گرفت. او تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل داد ، سپس در سال ۱۳۲۹ به سوییس رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل نمود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضا شاه ، استاد انجوی به فعالیت های سیاسی روی آورد و از حدود سال ۱۳۲۲ نیز فعالیت های مطبوعاتی خود را آغاز کرد. استاد انجوی شیرازی از چهل سالگی به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگهداری روایات و میراث فرهنگی مردم پرداخت. در سال ۱۳۴۰ با همکاری علی دشتی و محیط طباطبایی به رادیو راه یافت و برنامه ای درباره فرهنگ مردم پی افکند. استاد انجوی شیرازی در شهریور ۱۳۷۲ ، در تهران درگذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : سید ابوالقاسم انجوی شیرازی فرزند سیدخلیل صدرالعلماء ، در سال ۱۳۰۰ش ، در شیراز به دنیا آمد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در واقعه گوهرشاد حضور داشت ،او بعد از وقوع حادثه به همراه خانواده مخفیانه به تهران عزیمت نمود و در این شهر اقامت کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس علمیه تهران و مشهد آغاز کرد ، سپس به تهران رفت و در دبیرستان دارایی تحصیلات خود را پی گرفت. او تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل داد ، سپس در سال ۱۳۲۹ به سوییس رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل نمود.

هم دوره ای ها و همکاران : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در سال ۱۳۱۸ ، با صادق هدایت آشنا شد. او همچنین در تاسیس یک مرکز پژوهشی ، از همکاری کسانی چون نصرالله یگانی ، محمود ظریفیان ، حسن پناهیان ، احمد وکیلیان ، ولی الله درودیان ، علی اکبر جباری و علی اکبر عبدالرشیدی ، برخوردار بود.

وقایع میانسالی : بعد از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضا شاه ، سیدابوالقاسم انجوی شیرازی به فعالیت های سیاسی روی آورد ؛ وی در سال ۱۳۲۴ به جرم سخنرانی های ضد دولتی در تهران و گرگان ، تحت تعقیب فرماندار نظامی تهران قرار گرفت. در زمستان سال ۱۳۲۷ ، ترور نافرجام محمدرضا شاه باعث گردید ، به اروپا رفته و فعالیت های روزنامه نگاری خود را در آنجا پی گیرد. انجوی پس از بازگشت به ایران ، با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مواجه گردید او به همراه ۶۰ نفر دیگر دستگیر و به جزیره خارک تبعید شدند ، که تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۴ در آنجا باقی ماند.

زمان و علت فوت : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در شهریور ۱۳۷۲ ، در تهران درگذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی از چهل سالگی به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگهداری روایات و میراث فرهنگی مردم پرداخت. در سال ۱۳۴۰ با همکاری علی دشتی و محیط طباطبایی به رادیو راه یافت و برنامه ای درباره فرهنگ مردم پی افکند. ابتدا این برنامه به مدت یک ربع ساعت در هفته و تحت نام « احساس و اندیشه پخش می شد. پس از تغییر عنوان های مکرر ، سرانجام این برنامه « سفینه فرهنگ مردم » نام گرفت و در اواخر سه ساعت تمام به آن اختصاص داده شده بود. این برنامه تا بهار ۱۳۵۸ ادامه داشت تا سرانجام انجوی بازنشسته شد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یکی از اقدامات مهم سیدابوالقاسم انجوی شیرازی ، گشایش مرکزی برای گردآوری و پژوهش فرهنگ مردم بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی از حدود سال ۱۳۲۲ فعالیت های مطبوعاتی خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۲۳ ، سردبیری روزنامه « نبرد امروز » را عهده دار شد که تا سال توقیف این روزنامه (آبان ۱۳۲۵) ، همچنان این مسئولیت بر عهده او بود. در سال ۱۳۲۴ مدتی به انتشار روزنامه « افق » پرداخت. در آبان ۱۳۲۵ پس از توقیف روزنامه « نبرد امروز » به سوییس رفت و از آنجا به قصد دیدار هدایت راهی پاریس شد. انجوی در سال ۱۳۲۶ به تهران بازگشت و این بار سردبیری مجله « آتشبار » را که به مدیریت ایرج زندپور منتشر می شد ، عهده دار شد. او پس از کودتای ۲۸ مرداد و سپری نمودن دوره تبعید ، به کار تالیف روی آورد. ---

آثار :

۱ بازی نمایشی

۲ تمثیل و مثل

۳ جشن ها و آداب و معتقدات زمستان

۴ دیوان حافظ

۵ سفینه ی غزل

ویژگی اثر : با مقدمه ی دکتر محسن هشترودی.

۶ فرهنگ مردم و طرز گردآوری و نوشتن آن

۷ قصه های ایرانی

۸ گذری و نظری در فرهنگ مردم

۹ مردم و شاهنامه

۱۰ مردم و فردوسی

۱۱ مردم و قهرمانان شاهنامه

۱۲ مکتب شمس

منابع :

۱مشاهیر ادب معاصر ایران ، گردآوری و پژوهش: علی میر انصاری ، دفتر اول ، تهران: سازمان اسناد مدارک ملی ایران ، ص ۴۸۸

انزابی‌نژاد، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

انصاری استرآبادی، نصیرالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند شیعی و مترجم. وی ساکن هرات و معاصر شاه طهماسب اول صفوی بود. کتاب «مکارم الاخلاق» تألیف رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل طبرسی را که از کتابهای مشهور است، به دستور محمدخان شرف‌الدین اوغلی تکلو، حاکم هرات و امیرالامرای خراسان در عهد شاه طهماسب، به نام او به فارسی ترجمه کرد و «محاسن الآداب» نامید. از دیگر آثار او ترجمه کتاب «عدهٔ الداعی» ابن فهدحلّی است که آن را به درخواست امیر قزان خان فرزند محمدخان به فارسی ترجمه کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۴۸۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۳)، الذریعه (۱۲۴/۲۰، ۱۱۶/۴).

انصاری گرمرودی، موتمن الملک، سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۱ -۱۲۳۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر. وی خود را از اولاد خواجه عبداللّه انصاری می‌دانست و در انشاء و حسن خط و احاطه بر اشعار عربی و فارسی در عهد خود کم‌نظیر بوده است. نستعلیق و شکسته را استوار و درست می‌نوشت. سعید خان به خاطر دیداری که با میرزا محمدتقی خان امیرکبیر کرد و میرزا محمدتقی خان حسن خطش را دید، او را از تبریز به تهران آورد و مسؤول نامه‌های محرمانه خود قرار داد. او پس از مدتی ملقب به موتمن‌الملک شد و در سال ۱۲۶۹ ق رسما به وزارت خارجه منصوب گردید و مدتها بر آن سمت بود. در پایان عمر نیز افتخار تولیت آستان قدس رضوی را داشت. او سرانجام در هفتاد سالگی در تهران درگذشت و در دارالسعاده‌ی مشهد دفن شد. از آثار وی: مرقعی به قلم سه دانگ و کتابت متوسط از اشعار مختلف، با رقم: «لمحرره سعید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۳۱ - ۲۳۰ /۱)، شرح حال رجال (۷۰ -۶۶ /۲).

انوار، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات حوزوی، علوم قدیمه و ادبیات عرب، کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا در رشته ادبیات عرب از دانشکده ادبیات و الهیات و معارف اسلامی تهران با رتبه ممتاز.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای مختلف ایران، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران، دریافت سه مدال درجه اول فرهنگ، سراینده اشعار فارسی و عربی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تفسیر و عرفان، لغت، شرح نظم و نثر عربی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی تألیفات:

تفسیر، عرفان، ادب، لغت، شعر فارسی، شعر عربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادب، عرفان، تفسیر، شعر و هنر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

انواری، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر ادیب فاضل، متخلص به «لمعه» از خدمت گزاران صدیق فرهنگ. در ۱۳۲۱ قمری در دستگرد متولد، و تحصیلات خویش را در مدارس قدیم و جدید این شهر به پایان رسانیده، مدتی به محراب و منبر سرگرم بوده، سپس ترک نموده به خدمت فرهنگ اشتغال جسته، سال‌ها مدیریت دبستان حسین‌آباد را داشت. در انجمن شعرا شرکت می‌کرد، و از آثارش: «نامه‌های دهقان» به چاپ

رسیده. صاحب دیوان اشعار است.

در یکشنبه ۱۴ محرم ۱۳۸۵ وفات یافته، در تکیه‌ی شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

انوری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن انوری در سال ۱۳۱۲ در شهرستان تکاب به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ درجه دکترا در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های مختلف طی سالیان متمادی با سازمان کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش و مؤسسهٔ لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه پیام‌نور و... همکاری داشته است و چندین سفر مطالعاتی به کشورهای آلمان و آمریکا نموده است. دکتر حسن انوری سرپرست گروه تدوین کتاب "فرهنگ بزرگ سخنگ می باشد. کتاب فوق، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن انوری بعد از تحصیلات ابتدایی ، از سال ۴۰ـ ۱۳۳۷در مقطع کارشناسی رشته زبان وادبیات فارسی دانشگاه تبریز ادامه تحصیل داد و همچنین کارشناسی ارشد در همین رشته را از دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۴تا۱۳۴۶ ادامه داد. وی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران ازسال۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ ادامه گذراند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیت در تالیف بخشی از لغت نامه دهخدا در موسسه لغت نامه دهخدا و نوشتن مقاله در دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی از جمله فعالیتهای حسن انوری به شمار می آید.

فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی که حسن انوری تا کنون بر عهده داشته است عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تکاب ، ۱۳۳۷ـ۱۳۳۲ تدریس دردبیرستانهای تبریز ۱۳۴۰–۱۳۳۷ تدریس در دبیرستانهای تهران ۱۳۴۶–۱۳۴۰ تدریس در دانشگاه علم وصنعت ۱۳۵۱–۱۳۴۸ همکاری با سازمان کتابهای درسی ۱۳۵۸–۱۳۴۳ همکاری با سازمان لغت نامه دهخدا و تالیف بخشی از مجلدات لغت نامه دهخدا،۱۳۵۹–۱۳۴۰ تدریس نقد ادبی در رشته روزنامه نگاری دانشکده علوم ارتباطات و علوم اجتماعی ۱۳۵۸–۱۳۵۱ تدریس ادبیات فارسی و سرپرستی گروه زبان وادبیات فارسی دانشکده علوم ورزشی۱۳۵۸–۱۳۵۱ تدریس نقد ادبی ،متون قدیم فارسی (شاهنامه ، حافظ ، سعدی) و دستورزبان فارسی تربیت معلم ۱۳۵۸–۱۳۶۵ همکاری بادانشگاه پیام نور و تالیف ۹ جلد کتاب درسی برای آن دانشگاه تاسیس مجموعه ادب فارسی با همکاری دکترجعفر شعار ، تاکنون ۲۵ جلد از این مجموعه به وسیله چند ناشر چاپ شده است(۱۳۶۲) تاسیس مجموعه گنج ادب ، تاکنون ۲۵ مجلد در نشر قطره چاپ شده است(۱۳۷۱) تاسیس سازمان فرهنگ برای تدوین چند روزه فرهنگ(۱۳۷۳)

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حسن انوری موسس مجموعه ادب فارسی، مجموعه گنج ادب (در سال ۱۳۷۱) و سازمان فرهنگ (۱۳۷۱)بوده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسن انوری بغیر از تدریس در مجامع علمی درسال ۱۳۵۳ به دعوت دانشگاه کن راهی آلمان و

برای گذراندن فرصت مطالعاتی دردانشگاه پرنیستون درسال های ۸ ـ ۱۳۵۷ به آمریکا سفرکرده است.

جوائز و نشانها : دکتر حسن انوری سرپرست گروه تدوین کتاب "فرهنگ بزرگ سخنگ می باشد. کتاب فوق، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. حسن انوری در هفتمین همایش چهره های ماندگار در ابان ماه ۱۳۸۷ بعنوان چهره برگزیده در رشته ادبیات فارسی انتخاب گردید.

چگونگی عرضه آثار : از دکتر انوری مقالات و تألیفات متعددی به چاپ رسیده است و در زمینهٔ تحقیق و تصحیح نیز دارای آثار مختلفی می‌باشد . ---

-

آثار :

۱ آتشکده آذر گشسب

۲ آغاجی ـ ترخان

ویژگی اثر : این مقاله در مجله آینده سال هشتم شماره ۱۰ دی ماه ۱۳۶۱ به چاپ رسیده است

۳ آمیختگی عرفان با ورزش باستانی

ویژگی اثر : نشریه دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی در شماره دوم زمستان ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است

۴ آی بی کلاه ،آی با کلاه

ویژگی اثر : این مقاله در مجله راهنمای کتاب شماره ۴ سال یازدهم تیرماه ۱۳۴۷ به چاپ رسیده است

۵ آیین نگارش

ویژگی اثر : برای سال اول ودوم و سوم دبیرستان و همچنین آیین نگارش مقدماتی و پیشرفته و برای تحصیلات مکاتبه ای از انتشارات رسا و پیام نور و آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۳تا ۱۳۶۸ چاپ شده است

۶ اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی

ویژگی اثر : تهران ، سال۱۳۵۵

۷ ایران درشاهنامه

ویژگی اثر : این مقاله در مجله خاوران شماره ۳و۴ دربهمن و اسفند ۱۳۶۹ و مقالات کنگره بزرگداشت فردوسی دردانشگاه تهران ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است

۸ تحقیق در احوال مشایخ نقشبندیه

۹ تحقیق در افعال فارسی

۱۰ تحلیل داستان شاه و کنیزک و زرگر

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه دانشکده علوم انسانی در دانشگاه تربیت معلم در اسفند ماه ۱۳۵۶به چاپ رسیده است

۱۱ تساهل

ویژگی اثر : این مقاله در مجله یغما سال پانزدهم دی ماه ۱۳۴۱ به چاپ رسیده است

۱۲ تصحیح انتقادی دیوان حافظ

ویژگی اثر : این مقاله درمجله آینده سال سیزدهم شماره۱۲ـ ۸ درسال ۱۳۶۶به چاپ رسیده است

۱۳ تصحیح انتقادی گلستان سعدی

۱۴ تصحیح انتقادی نصاب الصبیان فراهی

۱۵ تعمیم سواد دردهکده ها

ویژگی اثر : این مقاله در مجله یغما سال شانزدهم آبان ماه ۱۳۴۲ به چاپ رسیده است

۱۶ تنظیم مجلدات از لغت نامه دهخدا (حروف الف ، ب ، ر، ک، ی)

۱۷ خاندان نوبختی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله راهنمای کتاب شماره ۳و ۴ سال دوازدهم تیر ماه ۱۳۴۸ به چاپ رسیده است

۱۸ دستور زبان فارسی

ویژگی اثر : این کتاب بعنوان دستورزبان فارسی برای سالهای اول و دوم و سوم راهنمایی و دانشسرای راهنمایی در تهران و دانشسرای مقدماتی توسط انتشارات فاطمی وبرای تحصیلات مکاتبه ای در دانشگاه پیام نوراز سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۸ به چاپ رسیده است .

۱۹ دستورزبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله یغما درسال ۱۳۴۱ شماره ۴ ، تیرماه ،سال پانزدهم به چاپ رسیده است

۲۰ دیوان استیفا در حکومت غزنویان وسلجوقیان

ویژگی اثر : این مقاله در مجله بررسیهای تاریخی درشماره ۶ سال هشتم بهمن واسفند ماه ۱۳۵۲ در چاپ رسیده است .

۲۱ راهنمای تدریس فارسی

ویژگی اثر : این کتاب بعنوان راهنمای تدریس آموزگاران برای سالهای چهارم و پنجم و اول و دوم و سوم راهنمایی از سال ۱۳۲۸ تاسال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است .

۲۲ رزمنامه رستم و سهراب

ویژگی اثر : این کتاب با همکاری جعفر شعار در تهران ،درسال ۱۳۶۳به چاپ رسیده است

۲۳ سخن و اندیشه

ویژگی اثر : این کتاب در تهران و در انتشارات توس باهمکاری علی اصغر خبره زاده به چاپ رسیده است

۲۴ صدای سخن عشق

ویژگی اثر : تهران ، انتشارات سخن، ۱۳۷۴

۲۵ غمنامه رستم و سهراب

ویژگی اثر : این کتاب در تهران و انتشارات توس درسال ۱۳۶۳ به چاپ رسیده است

۲۶ فارسی

ویژگی اثر : این کتاب برای دانشسرای مقدماتی درسال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است

۲۷ فرهنگ بزرگ سخن

ویژگی اثر : این کتاب حاوی ۸ جلد است که در انتشارات سخن درسال ۱۳۸۱ به چاپ رسید ه است.دکتر انوری سرپرست گروه تدوین این کتاب می باشد. این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: فرهنگ بزرگ سخن به سرپرستی حسن انوری.ـتهران: انتشارات سخن، ۸ ج، ۱۳۸۱. این فرهنگ، به گفتهٔ سرویراستار آن، گامی است کوچک در راه تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی. تهیه‌کنندگان این فرهنگ خواسته‌اند به نیاز طبقهٔ متوسط کتابخوان و مراجعان فارسی¬زبان پاسخ گویند، هم نیازهای آنان را که در متون و در گفتارهای روز به واژه‌ای ناآشنا برمی‌خورند و هم نیاز آنان را که متون کهن را در مطالعه می گیرند برآورده کنند.

برای تهیهٔ این فرهنگ بیش از هشت سال وقت صرف شده و ده‌ها تن از کارشناسان درجهٔ اوّل تحت نظارت و سرپرستی دکتر حسن انوری، استاد زبان و ادب فارسی، به کار پرداخته اند. اگر چه مبنای کار تهیه‌کنندگان بر استخراج معانی از شواهد بوده، فرهنگ‌های مهم فارسی را پیوسته پیش چشم داشته‌اند . از آن میان، فرهنگ‌های برهان قاطع، جهانگیری، آنندراج، فرهنگ فارسی امروز، و به ویژه لغت‌نامهٔ دهخدا و فرهنگ معین، پیوسته مورد مراجعهٔ آنان بوده است

۲۸ فرهنگ دو جلدی سخن

۲۹ کتاب فارسی و تاریخ ادبیات

ویژگی اثر : این کتاب برای سالهای۲ ـ ۱۳۵۱ در وزارت آموزش وپرورش به چاپ رسیده است

۳۰ کتاب قرائت فارسی برای مدارس

ویژگی اثر : این کتاب برای سالهای چهارم و پنجم دبستان و اول و دوم و سوم راهنمایی از آموزش و پرورش درسالهای ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است

۳۱ کتاب لغت برای کودکان

ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب شماره ۱ سال دهم اردیبهشت ۱۳۴۶ به چاپ رسیده است

۳۲ کشتی از دیدگاه اهل تصوف

ویژگی اثر : این مقاله درنشریه تربیت بدنی و علوم ورزشی شماره اول آذر ماه ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است

۳۳ گزیده اشعار رودکی

ویژگی اثر : این کتاب در تهران درانتشارات امیرکبیر درسال ۱۳۶۵ با همکاری جعفر شعار به چاپ رسیده است

۳۴ گزیده اشعار صائب

ویژگی اثر : این کتاب در نشر بنیاد در تهران با همکاری دکتر جعفر شعار و زین العابدین موتمن به چاپ رسیده است

۳۵ گزیده بوستان سعدی

ویژگی اثر : ۱۳۷۱ تهران ،انتشارات علمی،

۳۶ گزیده غزلیات سعدی

ویژگی اثر : این کتاب در تهران در انتشارات سعدی و درسال ۱۳۶۹به چاپ رسیده است

۳۷ گزیده گلستان سعدی

ویژگی اثر : تهران ، انتشارات علمی، ۱۳۷۱.

۳۸ هدف تدریس از ادبیات

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه انجمن دبیران ادبیات فارسی در تهران ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است

۳۹ یادداشتهای قزوینی بر حافظ

ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب درسال ۱۳۴۰ شماره ۵و ۶ به چاپ رسیده است

۴۰ یک قصه بیش نیست

ویژگی اثر : تهران ، مقاله علمی ، ۱۳۶۸–بررسی محتوایی و ساختاری شعر حافظ --

منابع :

۱http://www.aftab.ir/lifestyle/view.php?id=۱۰۰۲۲۹۲www.ketabesal.ir

اوحد سبزواری، خواجه فخرالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۸ ق)، منجم، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به اوحد. از اعیان سبزوار و از خاندان مستوفی آن سامان و از معاصران امیرعلیشیر نوایی، شیخ آذری، مولانا یحیی سیبک و مولانا حسن سلیمی تونی و امیرشاهی سبزواری بود. با وجود فضل و حکمت مشرب فقر و درویشی داشت و همیشه جمعی از وی استفاده می‌بردند. بنا به گفته‌ی دولتشاه یک هزار جلد کتاب فارسی و عربی جمع کرد و آن را به خط خود تصحیح و مقابله نمود، وی در سبزوار درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات و مقطعات است و قصاید غرّا در مدایح ائمه (ع) گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۸ -۳۹۷ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۴ -۳۰۳)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱)، الذریعه (۱۱۱/۹)، ریحانه (۲۰۰/۱)، الکنی والالقاب (۲۰۰/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اوحد)، مجالس المؤمنین (۶۶۸ -۶۶۷ /۲)، مجالس النفائس (۲۰۰، ۲۶).

اورنگ شیرازی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۸۶ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به اورنگ. مشهور به وقارالسلطنه. وی نواده‌ی وصال شیرازی بود و علوم ادبی و فارسی و عربی را در محضر پدر آموخت. سفری به عراق رفت و چندی در اصفهان و تهران اقامت کرد. در یکی از دوره‌ها از سوی مردم فارس به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و از آن پس در تهران ساکن شد و ریاست دفتر رییس الوزراء ایران را قبول کرد. پس از مرگ پدر به عتبات سفر کرد و بعد از شش ماه در سال ۱۳۱۳ ق به تهران بازگشت و با مؤلف «طرائق الحقائق» معاشر شد و مورد نوازش صدراعظم قرار گرفت. وفات وی در تهران اتفاق افتاد و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. اثر وی: دیوان «اشعار»، و از خطوط او: یک نسخه «لوایح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، که چنین تمام می‌شود، «به انجام رسید... در چهارم شهر ربیع‌الاول من شهور سنه ۱۳۱۳ صلاث عشر و ثلاثمائهٔ بعدالالف، علی ید تراب اقدام العارفین محمودالمتخلص به اورنگ ابن الفرهنگ ابن الوصال». اثر دیگر وی، «نصاب الرجال» است که منظومه‌ای فکاهی است و در آن از اوضاع ایران و فساد اخلاق مردمش به اسلوب زیبایی انتقاد کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۶۴ -۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۸۶۷-۸۶۶ /۳)، حدیقهٔ الشعراء (۲۰۲ -۲۰۰ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۷۶ -۳۷۱ /۱)، الذریعه (۱۱۲/۹)، ریحانه (۳۲۸/۶، ۲۰۶/۱)، شرح حال رجال (۲۵۹/۶)، طرائق الحقائق (۳۸۱/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اورنگ شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰ -۹ /۶)، مرآت الفصاحه (۷۶ -۷۵).

اورنگ، مراد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق زبان‌های باستان.

تولد: ۱۲۸۳، تکاب آذربایجان.

درگذشت: آذر ۱۳۶۱.

مراد اورنگ، فرزند علی‌اکبر، بازنشسته‌ی ارتش بود. از وی آثاری درباره‌ی فرهنگ ایران باستان به یادگار مانده است که از آن جمله است: بررسی یسنا (ترجمه و تفسیر اوستا، بخش یکم، تهران. ۱۳۳۹؛ بخش دوم- هات ۹- تهران، ۱۳۴۰؛ بخش سوم- هات ۱۰- تهران)؛ جشن‌های ایران باستان (تهران، ۱۳۳۶)؛ سددر (منتخبی از گفتارهای زند و پازند، تهران، ۱۳۳۷)؛ سوشیانت (داستان هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانت، تهران، ۱۳۴۲)، فرهنگ اورنگ (تهران، ۱۳۳۷)؛ گزارش گاتاها (سرودهای زرتشت، تهران، ۱۳۴۱)؛ همبستگی در اوستا (ترجمه و گزارش واژه اوستانی: خوات و دته، تهران ۱۳۴۱)؛ یکتاپرستی در ایران باستان (تهران، ۱۳۳۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ایجی، قاضی عضدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۰۸/۷۰۱- ح ۷۵۶ ق)، متکلم، اصولی، فقیه شافعی و نحوی. از معاصران حافظ است که در ایج از توابع اصطهبانات متولد شد. صوفی مشرب بود و شاگردان بسیاری داشت، شمس‌الدین کرمانی و سیف‌الدین ابهری و سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند. در زمان سلطنت آل‌مظفر در شیراز به قضاوت اشتغال داشت. حافظ او را در زمره‌ی یکی از مفاخر علمی پنجگانه‌ی فارس ستایش کرده است. کتب بسیاری در فلسفه و کلام و اصول دین و اخلاق به زبان عربی دارد. آنگاه که از سوی شیخ ابواسحاق نزد امیر مبارزالدین برای انصراف وی از حمله به شیراز رفت مورد احترام فوق‌العاده وی قرار گرفت و امیر از او درخواست کرد که کتاب «المفصل» زمخشری را که در نحو است به فرزندش شاه شجاع تعلیم دهد. در مذهب خود بسیار متعصب و با امامیه شدیداً مخالفت می‌ورزید. کار او به سختی رسید و توسط والی کرمان زندانی شد و در زندان قلعیه دریمیان کرمان درگذشت. از تألیفات او: «المواقف»، در علم کلام، که به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین وزیر تألیف کرده و میرشریف جرجانی نیز شرحی بر آن نوشته است؛ شرح «مختصر الاصول» ابن حاجب؛ «الفوائد الغیاثیه»، که اختصاری است از قسمت سوم «مفتاح العلوم»؛ «تحقیق التفسیر فی تکثیر التنویر»؛ «الرسالهٔ العضدیهٔ»، در وضع؛ «المدخل فی علم المعانی والبیان والبدیع»؛ «العقائد العضدیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۸۲ -۴۸۰)، الاعلام (۶۶/۴)، ایضاح المکنون (۵۶۵، ۳۷۸ /۱)، بزرگان شیراز (۲۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۵/۳)، تاریخ گزیده (۶۹۹)، حبیب السیر (۲۲۱/۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۲۳/۱)، روضات الجنات (۵۱ -۴۷

۵/)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۲ /۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۶/۲)، کشف الظنون (۱۸۹۱ ،۱۷۶۴ ،۱۲۹۹ ،۱۱۴۴ ،۸۹۸ ،۱۰۴ ،۴۱ ،۳۷)، الکنی والالقاب (۴۷۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرحمن)، معجم المؤلفین (۱۱۹/۵)، هدیهٔ العارفین (۵۲۷/۱)، هفت اقلیم (۱۶۹ -۱۶۸ /۱).

ایران‌پرست، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۹، اصفهان.

نورالله ایران‌پرست مؤسس و مدیر کتابفروشی دانش و صاحب امتیاز و ناشر «دانش» (سه سال منتشر شد) فرزند مرحوم محمدعلی داعی‌السلام در ۱۲۸۹ در اصفهان متولد شد. سال‌های نوجوانی را در هند گذرانید و تحصیل کرد. سپس به ایران آمد و کتابفروشی دانش را در خیابان سعدی ایجاد کرد. از جمله آثار او تصحیح گلستان سعدی است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ایراندوست تبریزی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه مونپلیه فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات تطبیقی (ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه)، ویراستاری ۵ کتاب از دانشگاههای تبریز و سهند.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ادبیات تطبیقی (ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اینجو، عضدالدوله، جمال‌الدین حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۵ ق)، فرهنگ‌نویس. از علویان شیراز بود که ظاهراً نسب خود را به شیخ ابواحسق اینجو پادشاه معروف فارس در سده‌ی هشتم قمری می‌رساند. پدرش از ارکان دولت دکن بود. علوم متداوله را در خدمت اساتید عصر آموخت و از مقربان درگاه حسین نظام شاه صاحب احمدنگر شد، و نظام‌شاه دختر او خدیجه را به عقد خود درآورد و مقام پدرزن خود را بالا برد. تا حیات نظام‌شاه با احترام زیست. پس از وفات او پسرش مرتضی بن حسین بحری جانشین وی شد و چون مادر شاه بر امور مسلط بود جمال‌الدین را به زندان انداخت. اما بعداً امور به دست مرتضی افتاد، او را از زندان بیرون آورد و کارهای مهم را به او سپرد. پس از مدتی از او رنجید و او را با دخترش خدیجه به رامپور تبعید کرد. وی به آگره نزد جلال‌الدین اکبر بن همایون تیموری رفت و از مقربان درگاه او شد. زمانی که جهانگیر پسر اکبر به تخت سلطنت نشست او را والی بهار کرد و لقب عضدالدوله به او داد. در سال ۱۰۳۰ ق به علت کهولت سن از کار کناره گرفت و در اکبرآباد ساکن شد. اثر وی: «فرهنگ جهانگیری» در لغت فارسی است که آن را در سال ۱۰۳۲ ق تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۰ -۳۷۶ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۷)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۲۳ -۱۲۲ /۲).

آبادانی، فرهاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

درگذشت: ۱ فروردین ۱۳۵۹.

فرهاد آبادانی تحصیلات خود را در دانشگاه‌های هند به پایان رسانید و پس از آن استاد زبان‌های ایرانی و فرهنگ پیش از اسلام در دانشگاه اصفهان گشت. مقاله‌های او در زمینه‌ی فرهنگ پیش از اسلام و تاریخ ایران باستان در مجله‌های تحقیقی و بیشتر در مجله‌های «هوخت»، «مهر»، «نامه‌ی سخنوران سپاهان»، «باستان‌شناسی» و «فرهنگ و هنر» چاپ شده است. وی در کتاب گوشه‌ای از فرهنگ ایران باستان مقاله‌ای درباره کتیبه‌ی داریوش دارد.

فرهاد آبادانی همچنین برای دومین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی مقاله‌ای را به رشته‌ی تحریر درآورد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آبی، ابوسعد، ابوسعید منصور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۲/ ۴۲۲/ ۴۲۱ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ امامی. در آبه یا آوه از توابع ساوه متولد شد. و پس از کسب معلومات متداول زمان در ری به وزارت ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی رسید، و با صاحب بن عباد دوستی داشت. به گفته‌ی منتجب الدین از شاگردان شیخ طوسی بود. عبدالرحمان نیشابوری از او روایت می‌کرد. برادر او، ابومنصور محمد بن حسن آبی، نیز از ادیبان و دانشمندان قرن پنجم است که در خدمت ملوک طبرستان دارای منصب وزارت بود. آثار ابوسعد عبارت‌اند از: «نزهة الادب»؛ «نثر الدرر»؛ «تاریخ ری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۷ /۸)، اعیان الشیعه (۲۵۲ /۹، ۸۵ /۲)، دائرةالمعارف البستانی (۲۶ -۲۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲ /۱)، الذریعه (۱۰۸، ۵۲ -۵۱ /۲۴، ۲۵۴ /۳)، ری باستان (۳۹۴ /۲)، ریاض العلماء (۲۱۹ /۵)، ریحانه (۱۳۶ -۱۳۵ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶ -۱۹۵ /۵)، فهرست منتجب الدین (۱۶۱)، فوائد الرضویه (۶۶۸ -۶۶۷)، کشف الظنون (۱۹۳۹، ۱۹۲۷، ۲۹۵)، الکنی والالقاب (۴ /۲)، معجم الادباء (۲۳۸ /۶)، معجم البلدان (۶۹ /۱)، معجم المؤلفین (۱۲ /۱۳)، نشر دانش (س ۱۳، ش ۶، ص ۲۸)، هدیة الاحباب (۹۶)، هدیة العارفین (۴۷۳ /۲).

آبی، سید حسین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۹ ق)، مترجم. از احوالات وی اطلاع چندانی در دست نیست، فقط از اشاراتی که خود در کتابش به احوال خویش نموده است معلوم می‌شود که اصلاً از سادات به (بین قزوین و همدان) بوده و در جوانی به کاشان و سپس به اصفهان رفته است و در همان جا مقیم و با حکّام آنجا محشور شده است. اثر وی ترجمه‌ی آزادی است از «محاسن اصفهان» نوشته‌ی مفضل مافروخی، از عربی به فارسی، در ۷۲۹ ق که آن را به خواجه غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه تقدیم کرده است. عباس اقبال آشتیانی آن را تصحیح و منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ در ایران (۵۴)، تاریخ نگاران ایران (۳۶۸ /۱)، الذریعه (۱۲۶ /۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۸ /۸)، مولفین کتب چاپی (۸۶۰ -۸۵۹ /۲).

آبی، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، ادیب و محدث. مشهور به ادیب آبی. وی استاد منتجب‌الدین است و منتجب‌الدین در «فهرست» گوید که از محضرش استفاده روایی برده‌ام. از آثارش: «المنتخب»؛ «ندبةالوالد علی المولود».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۴ -۱۰۳ /۲۴، ۳۶۶ /۲۲)، ریاض العلماء (۸۷ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۰ /۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۷۰).

آپاسای منشی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س سوم م)، منشی دربار ساسانی. در شهر قدیمی شاپور، در بیست و چهار کیلومتری شمال غربی کازرون دو ستون مربوط به یک آتشکده‌ی کوچک ضمن ویرانه‌ها پیدا شد که روی آن ۱۶ سطر به پهلوی ساسانی و اشکانی از بهرام اول (۲۷۲ تا ۲۷۵ م) نوشته شده بود بدین مضمون: «در فروردین ماه از سال ۴۸ از تاریخ آتش اردشیر و سال سی از آتش شاپورشاه مؤبدان سال ۲۴. این است پیکر مزداپرست خداوندگار شاه شاهان ایران و غیر ایران... اردشیر.. نوه‌ی پاپک. این آثار توسط «آپاسای» منشی از شهر حران.. برای پادشاه خود... شاپور... ساخته است. وقتی که شاهنشاه این پیکر را دید به آپاسای منشی خلعت بخشید از طلا و نقره و یک باغ و یک معبد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تمدن ساسانی (۶۶ -۶۵ /۱).

آتشی مراغه‌ای

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در عهد فتحعلی شاه شیخ‌الاسلام مراغه و از شعرای معروف آن شهر و متخلص به آتشی بوده است. وی کتب زیادی تألیف کرده است، دیوانی هم دارد که اکثر اشعار آن به زبان ترکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲)، الذریعه (۲ /۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹ /۱۳)، فرهنگ سخنوران (۲)، مستدرکات اعیان (۳ /۳).

آجودان باشی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۳ ق)، مترجم. ملقب به امیر تومان فرزند میرزا علی اکبرخان آجودانباشی. وی «تیاتر ضحاک» نوشته‌ی سامی‌بیک عثمانی را که یکی از نمایشنامه‌های ضداستعماری است به فارسی ترجمه کرد. اهمیت این نمایشنامه از جهت داشتن محتوای ضداستبدادی و

انتشار آن مقارن با شکل گیری نخستین حرکتهای مشروطه‌طلبانه است. از این گذشته، انتخاب یک داستان اساطیری- تاریخی برای تنظیم یک نمایش ابعاد نمایشی اساطیر ایرانی را هم برای ایجاد «نمایش ملی» به ایرانیان نشان می‌داد. میرزا ابراهیم‌خان آجودان‌باشی ترجمه‌ی نسبتاً خوبی از این اثر به دست داده است به طوری که ذکاءالملک فروغی از آن بسیار تعریف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (۲۷۴ –۲۷۳ /۲)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت (۳۴۲).

آخری، ابوالفضل خُزیمهٔ

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه و متکلم معتزلی، ادیب و لغوی. نامش محمد و به خزیمه معروف بود. اهل آخُر، قصبه‌ای در دهستان، میان گرگان و خوارزم، بود. در ناحیه‌ی دهستان از کسانی چون ابوالفتیان عمر بن عبدالکریم روّاسی و بندار بن عبدالواحد دهستانی و دیگران حدیث شنید. در مرو به روایت حدیث اشتغال داشت و در همان جا نیز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۱ /۱)، دانشنامه‌ی ایران اسلام (۳۸ /۱)، معجم البلدان (۵۵۹ /۲ ، ۷۰ /۱).

آخوند زاده

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزای فتحلی بن میرزا محمد تقی. پدر وی کدخدای ده خانه از حوالی شبستر بود. فتحعلی در ده سالگی (۱۲۳۶ ه.ق.) از تبریز با مادر خود به ارسباران و از آنجا به قفقاز رفت، و بعد نزد پدر زن خود حاج‌علی اصغر قرجه‌داغی در دفترخانه مترجم زبانهای اسلامی گردید. آخوندزاده مردی دانشمند بود و در غالب مباحث علمی و فلسفی و دینی اظهار نظر و موجبات جهالت شرقیان و بدبختی آنان را گوشزد کرده است. وی بیشتر آثار خود را درباره انتقاد از اوضاع اجتماعی و اصول اداره استبدادی ایران نگاشته، و با آنکه در خدمت دولت تزاری بوده، و از شاگرد مترجمی به مترجمی و از درجه سلطانی (سروانی) تا سرهنگی ارتقا یافته بود، تا پایان عمر محبت صادقانه‌ای به ایران داشت. از جمله آثار وی مرثیه منظوم درباره مرگ پوشکین شاعر روسی، درامها، داستان ستارگان فریب خورده (از سال ۱۲۷۴ –۱۲۶۷) به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و روسی ترجمه شده است. رساله «خواب شگفت» او در انتقاد اوضاع اجتماعی در برلین چاپ شده. نامه‌های کمال‌الدوله نیز بدو منسوب است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آدمی خوارزمی، ابوالفضل محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۲ /۵۶۱ ق)، مفسر، نحوی، لغوی و محدث. ملقب به زین‌المشایخ. او در ادبیات از پیشگامان و در زبان عرب خحجت به حساب می‌آید. لغت و علم اِعراب را از زمخشری آموخت و پس از او بر جایش نشست. او حدیث را نیز از زمخشری و دیگران شنید. در ترسل و نقد شعر دست داشت. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الاسماء الحُسنی»؛ «مفتاح التنزیل»؛ «تقویم اللسان»، در نحو؛ «الاعجاب فی علم الاعراب»؛ «الهدایه فی المعانی والبیان»؛ «اعجاز القرآن»؛ «اسرار الادب و افتخار العرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۷ /۷)، کشف الظنون (۲۰۴۰، ۱۸۲۹، ۱۷۶۰، ۵۹۵، ۴۸۸، ۴۶۹، ۴۰۰، ۱۳۲، ۱۲۰، ۹۱، ۸۴، ۵۱)، معجم الادباء (۵ /۱۹)، معجم المؤلفین (۱۳۸ -۱۳۷ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۳۴۰ /۴)، هدیهٔ العارفین (۹۸ /۲).

آذر تبریزی مرتضوی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۵۰ ش)، ادیب و شاعر، متخلص به آذر. مردی میهن‌دوست بود. مدتی به استانبول مسافرت کرد. در آنجا با سید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقت کرد و از او چیزها در زمینه سیاست آموخت. چنان که در انقلاب مشروطه‌ی ایران از مؤسسین جدّی انجمن آذربایجان در تهران شد و در ۱۳۱۱ ش به عضویت انجمن ادبی آذربایجان درآمد. آذر مردی وارسته و آزادیخواه بود. وی در مقبرهٔالشعراء مدفون است. «دیوان» اشعارش شامل بیش از یکهزار بیت می‌باشد. «اوراق پریشان» از آثار او است که در ۱۳۳۴ ش در تبریز چاپ شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۰ /۲۶)، سخنوران آذربایجان (۱۸۸ -۱۸۷)، فرهنگ سخنوران (۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۳ /۱).

آذر یزدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی آذر یزدی ، در روز دوم خمسه مسترقه ی سال ۱۳۰۰ شمسی در خرمشاه از توابع یزد در یک خانواده ی جدید الاسلام دیده به جهان گشود. مختصرخواندن و نوشتن را در خانه از پدر و قرآن را از مادربزرگ فراگرفت. در سن چهارده پانزده سالگی ، همراه با کار رعیتی و یا شاگرد بنایی ، مدت یک سال و نیم ، صبح های تاریک به مدرسه ی خان می رفت و تا طلوع آفتاب نزد یک « آشیخ » که او هم روزها در گیوه فروشی کار می کرد ، با سه شاگرد دیگر یادگرفتن عربی را با اصرار پدر شروع کرد ، « نصاب » را حفظ نمود و تا « انموزج و الفیه » خواند که بعد آن را رها کرد.آذر یزدی ، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی ، چندی در رشته ی علوم قدیمه به تحصیل پرداخت و با زبان عربی و انگلیسی آشنایی یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انسـاب : پـدر مهـدی آذریزدی ، حاج علی اکبر رشـید ، به شـغل زراعت اشتغال داشت و به امور دینی و مـذهبی سـخت متعصب بود و چون از ذوق و قریحه ی شاعری برخوردار بود ، دیوانی از اشعار در مدایح و مراثی ائمه اطهار از خود به جا گذاشت. خاطرات کودکی : مهدی آذر یزدی ، با ذکر خاطراتی از دوران کودکی خود می گوید : « - اولین بار که حسرت را تجربه کردم ، موقعی بود که دیدم پسرخاله ی پدرم که روی پشت بام با هم بازی می کردیم و هردو هشت سال بودیم ، چندتا کتاب دارد که من هم می خواستم و نداشتم. به نظرم ظلمی از این بزرگتر نمی آمد که آن بچه که سواد نداشت ، آن کتاب ها را داشته باشد و من که سواد داشتم ، نداشته باشم. کتاب ها ، گلستان و بوستان سعدی ، سیدالانشاء ، نوظهور و تاریخ معجم چاپ بمبئی بود که پدرش از زرتشتی هـای مقیم بمبئی هـدیه گرفته بود. شب قضـیه را به پـدرم گفتم. پـدرم گفت ، اینهـا به درد ما نمی خورد ، اینها کتاب های دنیـایی انـد. مـا بایـد به فکر آخرتمـان باشـیم. شب رفتم توی زیرزمین و ساعت ها گریه کردم و از همان زمان عقـده ی کتاب پیـدا کردم ، که هنوز هم دارم. - یک وقتی کار کوچه و صحرا کم شد ، قرار شد من بروم سر کار بنایی و گلکاری کار کنم. این کارها هم اغلب توی شـهر بود و به این ترتیب من با شـهر یزد آشنا شدم. در یزد با اینکه بچه ها و بزرگ ها ما را دهاتی حساب می کردند و لهجه و لحن حرف زدن ما را مسخره می کردنـد ، ناراحت نبودم ، چون راست می گفتند : ما دهاتی بودیم و خیلی چیزها را نمی دانستیم. امـا رفت و آمـد توی شـهر برای من تازگی داشت. نان نازک بازاری و پالوده یزدی و بعضـی میوه ها که قبلاً هرگز ندیـده بودم و زندگی شسته رفته ی شـهری ها مرا به شـهر جذب می کرد. به خاطر همین یک روز گفتم : دیگر به صـحرا نمی روم. پدرم اوقاتش تلخ شد ، ولی مادرم با کار در شـهر موافق بود. از کار بنایی به کار در کارگاه جوراب بافی کشیده شدم. صاحب کارگاه با « گلبـاری هـا » ، صاحبـان یگـانه کتابفروشـی شـهر ، خویشـی داشت و او هم جـداگانه یک کتابفروشـی تأسیس کرد و مرا از میان شاگردهای جوراب بافی جدا کرد و به کتابفروشی برد. دیگر گمان می کردم به بهشت رسیده ام ، تولد دوباره و کتاب خواندن من شروع شـد. در این کتابفروشـی بود که فهمیـدم چقدر بی سوادم و بچه هایی که به دبسـتان و دبیرسـتان می روند ، چقدر چیزها می داننـد که من نمی دانم. برای رسـیدن به دانـایی بیشتر ، یگـانه راهی که جلو پـایم بود خوانـدن کتاب بود. سه چهار سال کار در این کتابفروشی ، هوس نوشتن و شعرگفتن و با بچه های درس خوانده همرنگ شدن را در من به وجود آورد ».

اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : خانواده ی مهدی آذر یزدی ، جزء خانواده ی جدیدالاسـلام ها بودند ؛ یعنی قبلاً زرتشتی بودند و سه چهـار نسـل پیش مسـلمان شدنـد ، خانواده ای کم جمعیت با مردمی فقیر. پـدر او جز کار و رعیتی و باغبانی ، درآمـد دیگری نداشت ، کم سواد بود و خیلی خشک و وسواسی و متعصب.

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : پدرمهدی آذر یزدی ، کم سواد و خیلی متعصب بود و مدرسه ی دولتی و کار دولتی و لباس کت و شلـوار را حرام می دانسـت ، بـه همیـن علـت او را بـه مـدرسه نگـذاشت. مختصـرخواندن و نوشـتن را در خـانه از پـدر و قرآن را از مـادربزرگ فراگرفت. در منزل هم قرآن ، مفاتیـح الجنـان ، حلیه المتقین ، عین الحیـات ، معراج السـعاده ، نصـاب الصبیـان و جـامع المقـدمات را خوانـد. در سن چهـارده پـانزده سـالگی ، همراه بـا کـار رعیتی و یـا شاگرد بنایی ، مـدت یک سال و نیم ، صبح های تاریک به مدرسه ی خان می رفت و تا طلوع آفتاب نزد یک « آشیخ » که او هم روزها در گیوه فروشی کار می کرد ، با سه شاگرد دیگر یادگرفتن عربی را با اصرار پدر شروع کرد ، « نصاب » را حفظ نمود و تا « انموزج و الفیه » خواند که بعد آن را رها کرد. آذر یزدی ، پس از اتمام تحصـیلات مقـدماتی ، چندی در رشـته ی علوم قدیمه به تحصـیل پرداخت و با زبان عربی و انگلیسـی آشـنایی یافت.

سـایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهـدی آذر یزدی ، با ذکر خاطراتی از فعالیت های گوناگون خود می گویـد : « - در بحبوبه ی جنـگ دوم و یکی دو سال از شـهریور ۱۳۲۰ گذشـته بود که ناگهـان آمـدم تهران ، حال ناگزیر می بایست کاری پیـدا می کردم تا بتوانم با آن زندگی کنم و این کار حتماً می بایست کاری مطبوعاتی می بود. در تهران با چند کتابفروشی از راه مکاتبه آشنا بودم ،

ولی نمی خواستم بروم و بگویم کار می خواهم ناشناسانه تقاضای کار کردن را سهل تر می یافتم. پیشتر با مقالات « هاشمی حائری » انسی پیدا کرده بودم. با خودم گفتم ، یک روزنامه نویس مشهور با همه ارتباط دارد. نامه ای به ایشان نوشتم و گفتم که کار مطبوعاتی می خواهم. آقای هاشمی قدری توپ و تشر زد و ملامت کرد که به تهران می آیید چه کنید ؟! ما خودمان از این شهر در عذابیم و از این حرف ها. بعد کم کم آرام شد و گفت ، شما سه شنبه ی آینده بیا یک فکری برایت می کنم. سه شنبه ی بعد ، آقای حسین مکی را در همان اداره (ظاهراً روزنامه ایران) صدا کرد و گفت ، بیا ، این همشهری ات آمده. با آقای مکی در یزد آشنا شده بودم. آقای مکی گفت ، در خیابان ناصرخسرو با چاپخانه ی حاج محمدعلی علمی صحبت کرده ام ، برو آنجا و بگو مکی مرا فرستاده. همان روز رفتم و در چاپخانه ی علمی مشغول به کار شدم و تا امروز همچنان در کتابفروشی های متعددی مشغول کار هستم (حالا در هشتادسالگی ، کارم بیشتر تصحیح نمونه های چاپی کتاب است). - با اینکه در این مدت چهل و هفت سال اقامت در تهران ، از کتاب دور نشده ام ، ولی به کارهای مختلفی دست زده ام و هروقت از هرجا بد می آوردم ، چاپخانه ی علمی دوباره پناهگاه من بود. دو بار کتابفروشی دایر کردم و هر دوبار ورشکست شدم. دوبار با یکی از کسانی که در چاپخانه آشنا شده بودم شریک شدم و به کار عکاسی حرفه ای پرداختم و هر دوبار مغبون و پشیمان شدم. یک بار یک عکاسخانه را خریدم ، ولی بعد از یک سال واگذار کردم ، چون با وضع من جور نمی آمد. در کتابفروشی های خاور ، ابن سینا ، امیرکبیر (دوبار) ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، روزنامه ی های آشفته و اطلاعات و چاپخانه ی علمی (سه چهار نوبت و هر نوبت به مدت شش ماه تا چندسال) کار کردم. هر وقت نمی توانستم با جایی جور بیاییم ، از کار موظف و مستمری گرفتن دست برمی داشتم و فقط کار فردی غلط گیری و فهرست اعلام نویسی و ... را انجام می دادم (کاری که همچنان به آن مشغولم). - اولین بار که به فکر تدارک کتاب برای کودکان افتادم ، سال ۱۳۳۵ یعنی در سن ۳۵ سالگی ام بود. در این سال ، در عکاسی یادگار یا بنگاه ترجمه و نشر کتاب کار می کردم و ضمناً کار غلط گیری نمونه های چاپی را هم از انتشارات امیرکبیر گرفته بودم و شب ها آن را انجام می دادم. قصه ای از « انوار سهیلی » را در چاپخانه می خواندم که خیلی جالب بود ، فکر کردم اگر ساده تر نوشته شود ، برای بچه ها خیلی مناسب است. جلد اول « قصه های خوب برای بچه های خوب » خود به خود از اینجا پیدا شد. آن را شب ها در حالی می نوشتم که توی یک اتاق ۲ × ۳ متری زیر شیروانی ، با یک لامپای نمره ده دیوارکوب زندگی می کردم. نگران بودم کتاب خوبی نشود و مرا مسخره کنند. آن را اول بار به کتابخانه ی ابن سینا (سر چهار راه مخبرالدوله) دادم. آن را بعد از مدتی پس دادند و رد کردند. گریه کنان آن را پیش آقای جعفری ، مدیر انتشارات امیرکبیر بردم. ایشان حاضر شد آن را چاپ کند. وقتی یک سال بعد کتاب از چاپ درآمد ، دیگران که اهل مطبوعات و کار کتاب بودند ، گفته بودند که خوب است. به همین خاطر ، آقای جعفری پیوسته جلد دوم آن را مطالبه می کرد. کم کم این کتاب ها به هشت جلد رسید ، البته قرار بود ده جلد شود ، ولی من مجال نوشتن آن را پیدا نکردم ».

جوائز و نشانها : مهدی آذر یزدی ، در سال ۱۳۴۳ از سازمان یونسکو جایزه ای دریافت کرد و در سال ۱۳۴۵ دو اثر وی به عنوان اثر برگزیده ی « کتاب کودک » انتخاب شد --

آثار :

۱ تصحیح مثنوی معنوی مولوی

۲ چهل حدیث

۳ خاله گوهر

۴ خودآموز شطرنج

۵ خودآموز شطرنج

۶ خودآموز عکاسی

۷ خودآموز عکاسی

۸ دستور طباخی و خانه داری

۹ شعر قند و عسل

۱۰ فرهنگ لغات و اصطلاحات محلی یزد

۱۱ قصه های پیامبران

۱۲ قصه های تازه از کتاب های کهن

ویژگی اثر : دوره ی ده جلدی.

۱۳ قصه های خوب برای بچه های خوب

ویژگی اثر : دوره ی هشت جلدی.

۱۴ قصه های ساده

۱۵ گربه ی تنبل

۱۶ گربه ی ناقلا

۱۷ لبخند

۱۸ لبخنــد

۱۹ مثنوی بچه خوب

۲۰ منظومه ی بابای من

۲۱ منظومه ی نوروزنامه

۲۲ یاد عاشورا

منابع :

۱اذر یزدی بـه روایـت آذر یزدی ، روزنــامه ی پیمــان یزد ، سـال هفتـم ، شــماره ی ۶۲۸۲سخنوران نـامی معاصـر ایران ، تـألیف : سیدمحمدباقر برقعی ، ج ۱ ، قم : نشر خرم ، ص ۴۴

آذربایجانی، گوهر بیگم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز پیش از ۱۳۰۷ ق)، ادیب و شاعر. وی در فضل و عفت مشهور بود. از آثارش: «دیوان» شعر است. از اشعار او است:

اگر به باد دهم زلف عنبر آسا را

به دام خویش کشم آهوان صحرا را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ریاحین الشریعه (۴۲/ ۵)، ریحانه (۴۴/ ۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۰)، الذریعه (۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۲)، مشاهیر زنان (۱۹۹).

آذرخشی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۰ ش)، مترجم. از اهالی مشهد. در اواخر قرن سیزدهم افرادی در مشهد به فکر ایجاد سالنها و گروههای نمایشی افتادند. اعتبارالسلطنه غفاری سالنی در سال ۱۲۹۰ ش تأسیس کرد که جایگاه اجرای نمایش شد. در همین سالها رضا آذرخشی که در اداره‌ی نظمیه‌ی مشهد کار می‌کرد، به ترجمه‌ی چند نمایشنامه دست زد و آنها را شخصاً به روی صحنه آورد. برخی از ترجمه‌های او عبارت‌اند از: «الهه»؛ «از دریچه‌ی سفارت»؛ «ایالت چهل و نهم»؛ «تصویر»؛ «در زندان و در آزادی»؛ «سرگشتگی جانگداز»؛ «توفان»؛ «عدالت»؛ «فضول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (۶۸/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۸ –۱۲۷ /۳).

آذرمهر، فاطمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فاطمه آذرمهر در سال ۱۳۳۳ در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۸ در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. از سال ۱۳۶۴ فعالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسسهٔ انتشارات «فرهنگ معاصر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ های دو زبانهٔ انگلیسی ـ فارسی و فارسی ـ انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هستند. کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی ـ فارسی "تالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه آذر مهر در سال ۱۳۵۸ در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فاطمه آذر مهر از سال ۱۳۶۴ فعالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسسهٔ انتشارات «فرهنگ معاصر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ های دو زبانهٔ انگلیسی ـ فارسی و فارسی ـ انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هستند.جوائز و نشانها : کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی ـ فارسی "تالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار : فرهنگ معاصر انگلیسی ـ فارسی ویژگی اثر : تالیف،با همکاری محمد رضا باطنی،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنائی با کتاب:«فرهنگ معاصر انگلیسی ـ فارسی» : فرهنگ معاصر انگلیسی ـ فارسی؛ محمدرضا باطنی، با دستیاری فاطمه آذرمهر؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱. از جمله اهمیت های

«فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی» این است که مدخلهای انگلیسی و معادلهای فارسی آن با تکیه بر پنج فرهنگ معتبر از زبان زنده روز گرفته شده است. توجه این فرهنگ بیشتر بر برشها ظریف معنایی است و برای دستیابی این هدف، سعی شده است که معانی واژه های انگلیسی از متن مثالهای واقعی که در فرهنگهای مذکور ضبط شده، استخراج و طبقه بندی شود. نکته قابل توجه دیگر در ارتباط با «فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی» این است که این فرهنگ بر اصل برابریابی پایه گذاری شده است و چون در فرهنگهای دوزبانه، بر خلاف فرهنگهای یک زبانه، تعریف واژه به تنهایی مشکل چندانی را برای مراجعه کننده حل نمی کند، لذا نهایت تلاش به عمل آمده تا با بهره گیری از فرهنگهای دیگر، برابرهای دقیق فارسی برای معانی گوناگون واژه های انگلیسی انتخاب و ثبت شود. این موارد، در کنار هماهنگی در ارائه مطالب و شیوایی نگارش موجب شده تا کارایی فرهنگ مورد نظر در ترجمه از انگلیسی به فارسی، افزایش یابد.

آذرنوش، آذرتاش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آذری، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله آذری مؤسس و مدیر بنگاه مطبوعاتی آذری درگذشت (۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۲). من نزدیک به سی سال با او آشنا و دوست بودم. حدود پانزده سال ازین مدت کتابدار انجمن کتاب بود. نوجوانی بود که با شور و شوق در آنجا به کار آغاز کرد و با دلسوزی و علاقه مندی امور مربوط به مشترکان و پخش مجله راهنمای کتاب را انجام می داد. مرحوم تقی زاده معرف او بود. ابتدا در بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران و سپس در مؤسسه فرانکلین در تبریز کار می کرد و چون به تهران آمد به یاری و همکاری ما شتافت. جوانی دلسوز و صدیق و کاردان بود. تصدی کتابداری در انجمن کتاب موجب علاقه مندی او به گردآوری و مجموعه سازی مجله ها و روزنامه های قدیمی شد. درین رشته تبحر و ممارستی به دست آورد. چون انجمن کتاب و مجله راهنمای کتاب در پایان سال ۱۳۵۷ بی سرانجام ماند و کتابخانه اش را به بنگاه ترجمه و نشر کتاب بردند، آذری هم چند صباحی به آنجا کشانیده شد. ولی دوران خدمت او درآن مؤسسه مدتی دراز نپایید و سرنوشت او" ما را از مدرسه بیرون کردند " شد. زیرا معلوم نشد که آن کتابخانه را از انجمن به کجا فرستادند. او برای اعاشه خانواده خویش مغازه کوچکی در اول خیابان امیرآباد گرفت و به مجله فروشی ــکاری که در آن استادی و مهارت پیدا کرده بود ــپرداخت. البته آغاز این دوره از زندگی او با سختی روبه رو شد. در آن روزها هیچ قدرت و بنیه مالی نداشت و با قرض توانست در آن دکه کار را شروع کند. بی تردید بسیاری از مجموعه هایی که کتابخانه های کشور از نشریات ادواری دارند نتیجه رنجها و کوششهایی است که آذری در راه جور کردن آنها متحمل شده بود. بنابراین همه استفاده کنندگان از نشریه ها باید آمرزش آن مرد فرهنگ دوست را بخواهند. مدیر مجله با تأسف بسیار، به فرزندان و

همسرش تسلیت می گوید و اظهار شادمانی می کند که فرزندان برومندش دنباله کار پدر را از دست نمی گذارند و آن مرکز را سرپا نگاه خواهند داشت.۱ محمد امین ادیب طوسی (۱۲۸۳ – ۱۳۶۱ش) به تازگی از دوستم مصطفی مقربی شنیدم که محمد امین ادیب طوسی استاد بازنشسته دانشگاه تبریز دو سه سال پیش درگذشته است(۵ خرداد ۱۳۶۱). آن مرحوم سال های دراز رشته ادبیات را در دبیرستان ها و پس از آن حدود پانزده سال در دانشگاه تبریز تدریس می کرد. چند سال هم در بغداد درس گفته بود. از خدمات فرهنگی او همکاری در انتشار مجله ماهتاب است. این مجله تقریباْ نشریه انجمن ادبی آذربایجان محسوب می شد. آن انجمن را مرحوم ادیب السلطنه سمیعی به هنگامی که استاندار آذربایجان بود تشکیل داده بود. مجله ماهتاب که به صاحب امتیازی جواد ناطق (پدر مهندس ناصح ناطق) منتشر می شد، بیش از دوازده شماره انتشار نیافت؛ مجله ای بود ادبی و تحقیقی و دارای مقاله های خوب. ادیب طوسی مخصوصاْ علاقه ای مخصوص به تحقیق در متون ادبی و لهجه های فارسی داشت و مقاله هایی چند در این زمینه دارد که همه در نشریه دانشکده ادبیات تبریز به چاپ رسیده است. کتابهایی که از آثار ادیب طوسی طبع شده است عبارتند از : ۱۳۱۲ دستور نوین، تهران ۱۳۱۲ ایام کودکی (شعر)، تهران . ۱۳۱۳ پیام فردوسی (شعر). ۱۳۱۷ – ۱۹ انتقام عشق؛ تبریز (سه جلد) ۱۳۲۰ آموزش و پرورش از نظر غزالی ، تبریز ۱۳۲۱ دخمه های سیاه یا کلبه بدبختان، تبریز. ۱۳۳۲ رابطه اوزان شعر فارسی با اوزان ترانه های محلی ایران، تبریز. ۱۳۴۱ دیوان ادیب طوسی ، تبریز. ۱۳۴۲ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع)، تبریز(دوجلد). ۱۳۴۹ فرهنگ لغات ادبی، تبریز دوجلد. بی تاریخ بودا در هند بی تاریخ تخت سلیمان ادیب طوسی شعر می سرود و نمونه اشعارش در تذکره های معاصران نقد شده است.۱ ۱ - آینده ، سال ۱۳، شماره ۱– ۳ (فروردین – خرداد ۱۳۶۶)، صص ۱۹۸ –۱۹۹

آرام، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد آرام (۱۲۸۱–۱۳۷۸ش)، مترجم و نویسنده .در محله چاله میدان تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه از دارالفنون، در سال ۱۳۰۴ احمد آرام به تدریس فیزیک و شیمی پرداخت. او متوجه شد که درس‌های تجربی بصورت نظری و بدون فعالیت آزمایشگاهی تدریس می‌شود. ایشان به ابتکار جدیدی دست زد و کتابی با عنوان هدیه سال نو «مجموعه تجربیات فیزیکی و شیمیایی» منتشر کرد. «هدیه سال نو» نخستین کتاب آموزشی در کارهای آزمایشگاهی شامل آزمایش های فیزیک و شیمی است که استاد احمد آرام آن را در بهمن سال ۱۳۰۴ تألیف کرده است. احمد آرام سپس به رشته حقوق روی آورد ولی پس از چندی آن را رها کرد وبه پزشکی تمایل یافت، ولی این یک نیز چندان پای بندش نکرد ودر آخرین سال آن را نیز رها کرد و به فعالیتهای فرهنگی و ترجمه روی آورد. وی به همراه دکتر نصیری از بنیانگذاران تالیف کتاب‌های درسی در ایران است و مدتی به عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش در دهه ۲۰ هجری شمسی فعالیت داشته‌است.

استاد آرام یکی از نخستین مؤلفان کتاب‌های درسی و آموزشی بود که هم به تنهایی و هم با کمک دیگران کتاب‌های فیزیک و شیمی دبیرستان را تألیف کرد. علاقه‌ای که به امیرکبیر داشت نام مجموعه‌ای از کتاب‌های خود را به نام «مجموعه امیر» نامگذاری کرد. احمد آرام تا حدود سال ۱۳۳۰ نزدیک به چهل جلد کتاب درسی و آموزشی نوشت.

احمد آرام یکی از پرکارترین مترجمین معاصر است که بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده‌است. وی در ترجمه کتاب ها، دقت می کرد تا معادل های فارسی مناسب برای واژه های خارجی بیابد و از اصطلاحات و واژه

های فرنگی استفاده نکند. خود وی در این باره می گوید: من در زمینه طب کتابی ترجمه کرده ام که حدود ۱۲۰۰ صفحه دارد. در این کتاب سعی کرده ام حتی یک کلمه فرنگی نیاورم. البته کار بسیار مشکلی است، ولی من این کار را انجام دادم.

مرحوم احمد آرام روز ۱۴ فروردین سال ۱۳۷۸ در آمریکا درگذشت و طی مراسمی در روز ۲۲ فروردین و پس از انتقال به تهران تدفین شد. وی در سال ۱۳۸۲ به عنوان یکی از چهره های ماندگار برگزیده شد. آثار :

وی بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده‌است . برخی از آثار ترجمه ایشان شامل: اثبات وجود خدا ؛ سه حکیم مسلمان (نوشته حسین نصر) ؛ علم و تمدن در اسلام (نوشته حسین نصر) ؛پیدایش و مرگ خورشید ؛ تکامل فیزیک (تألیف آلبرت اینشتین)؛ تاریخ تمدن (نوشته ویل دورانت)، انتقال علوم یونانی بعالم اسلامی (تالیف دلیسی اولیوی)؛ مشرق زمین گاهواره تمدن هگل و مبانی اندیشه معاصر تاریخ علم (تالیف جرج سارتن)؛ شش بال علم؛ متفکران اسلام (نوشته بارون کاراد)؛ حدس ها و ابطل ها(نوشته کارل پوپر) ؛ هگل و مبانی اندیشه معاصر (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ یونانیان و بربرها (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ هیئت ؛ لغتهای قرآن؛ معلم نمونه؛ اندیشه‌های کلامی شیعه (نوشته مارتین مکدرموت) می باشد.

آریان، قمر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قمر آریان ، در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهر مشهد قدم به عرصه ی هستی نهاد. لات ابتدایی و متوسطه را در شهر مشهد به پایان رسانید. سپس به تهران رهسپار گردید و به دانشکده ادبیات راه یافت و در رشته ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و پس از طی مراحل مربوطه به دریافت لیسانس توفیق حاصل کرد. پس از آن در خلال خدمات آموزشی ، دوره ی دکترای ادبیات را گذراند و در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل گردید. خانم دکتر آریان ، پس از اخذ مدرك لیسانس ، با عنوان دبیر در دبیرستان ها به تدریس اشتغال ورزید. وی سال ها از عمر خویش را صرف تدریس در دانشگاه ها کرد. علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله های سخن ، راهنمای کتاب ، یغما ، مروارید و مهرگان به چاپ رسانیده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : قمر آریان ، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر مشهد به پایان رسانید. سپس به تهران رهسپار گردید و به دانشکده ادبیات راه یافت و در رشته ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و پس از طی مراحل مربوطه به دریافت لیسانس توفیق حاصل کرد. پس از آن در خلال خدمات آموزشی ، دوره ی دکترای ادبیات را گذراند و در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل گردید.

همسر و فرزندان : قمر آریان ، همسر نویسنده ی توانا دکتر عبدالحسین زرین کوب می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قمر آریان ، مدت ها ریاست هنرستان هنرهای زیبای دختران را بر عهده داشته و هم زمان به فعالیت های فرهنگی خود ادامه می دهد.

فعالیتهای آموزشی : قمر آریان ، پس از اخذ مدرك لیسانس ، با عنوان دبیر در دبیرستان ها به تدریس اشتغال ورزید. وی سال ها از عمر خویش را صرف تدریس در دانشگاه ها کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : قمر آریان ، علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله های سخن ،

راهنمای کتاب ، یغما ، مروارید و مهرگان به چاپ رسانده است. وی دانشمندی محقق و مترجمی توانا و شاعری خوش قریحه و در شعر و شاعری از استعداد و توانایی کافی برخوردار است و اشعارش بیشتر در قالب دوبیتی به نظم درآمده و در قالب قصیده و غزل کمتر از او شعری مشاهده گردیده است. او به زبان های فرانسه ، انگلیسی و عربی آشنایی دارد.

آرا و گرایشهای خاص : رساله ی دکترای قمرآریان ، درباره ی مسیحیت و آیین مسیح و تأثیر آن در ادبیات و شعر فارسی است. وی درباره ی نقش زن در قصه ها و افسانه های تورات و قرآن نیز به پژوهش پرداخته و آثاری را در این زمینه خلق کرده است. -- ---

آثار :

۱ ترجمه ی جهان اسلام

ویژگی اثر : تألیف : برتولد اشپولر.

۲ ترجمه ی شرق نزدیک در تاریخ

ویژگی اثر : تألیف : فیلیپ حتی.

۳ چهره ی مسیح در ادبیات فارسی

ویژگی اثر : تحقیق درباره ی تأثیر مسیحیت در ادبیات ایران.

۴ کمال الدین بهزاد

ویژگی اثر : تحقیق در احوال و آثار بهزاد و محیط هرات عهد شاهرخ. -- ---------------------------------------

منابع :

۱دانشنامه ی زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، تألیف : پوران فرخزاد ، ج ۱ ، تهران انتشارات زریاب ، ص ۶۷۲سخنوران نامی معاصر ایران ، تألیف : سیدمحمدباقر برقعی ، ج ۱ ، قم : نشر خرم ، ص ۸۹

آرین‌پور، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۴ -۱۲۸۶ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به دانش. در تبریز متولد شد. نیای پدریش عباس‌میرزا بود و از طرف مادر سلسله نسبش به خواجه نصیرالدین طوسی می‌رسد. آرین‌پور در شرح حال خود در «کتاب امروز» می‌گوید: روز و ماه و حتی سال تولدم را به درستی نمی‌دانم، آنچه از این بابت در شناسنامه‌ام آمده راه به جایی نمی‌برد زیرا مستند به بیاض و یادداشت پشت جلد کتابی نیست. وی در مدرسه‌ای در تبریز که اسماعیل امیر حیزی مدیریت و تعلیمات آن را بر عهده داشت، تحصیل کرد. از همدرسان وی، دکتر رعدی آذرخشی، دکتر علی‌اصغر حریری، محمد حسین شهریار و دیگران بودند. از معلمان وی ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت و سید احمد کسروی. تقی رفعت نخستین شخصی بود که وی را با ادبیات نو آشنا ساخت. وی هنگامی که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد شش شماره از «مجله ادب» را انتشار داد. او سی سال در دارائی خدمت کرد. از آثار وی: ترجمه‌ی «ناصرخسرو و اسماعیلیان» برتلس؛ «از صبا تا نیما»؛ «از نیما تا روزگار ما».[۱]

محقق، مترجم، مورخ.

تولد: ۱۲۹۷، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۴، تهران.

یحیی آرین‌پور تحصیلات خود را از مکتبخانه و سپس در دبستان تمدن تبریز آغاز نمود. علوم متوسطه را در دبیرستان محمدیه همان شهر ادامه داد. آموزگاران وی در دبیرستان محمدیه ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت، سید احمد کسروی بودند. از همان زمان قصیده‌گویی و غزل‌گویی را با تخلص «دانش» آغاز کرد. بعدها برخی از قطعه‌ها و ترجمه‌های شعری او در مجله‌های «سخن» و «یغما» به شکل پراکنده به چاپ رسید.

در اواسط سال ۱۲۹۸ که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد، شش شماره از مجله‌ی «ادب» را انتشار داد، شش شماره‌ی دیگر آن مجله تحت نظر اسماعیل امیر خیزی منتشر شد. در اواسط سال ۱۲۹۹ وارد خدمت وزارت دارایی در تبریز شد و تا مرداد ۱۳۳۲، یعنی مدت سی و سه سال پیاپی را در آن وزارتخانه مشاغلی داشت. زبان روسی را در آموزشگاهی در تبریز فراگرفت و با زبان‌های انگلیسی و فرانسوی نیز آشنا بود. پس از بازنشستگی به عنوان مترجم در راه‌آهن دولتی ایران مشغول به کار شد و همزمان به تحقیقات علمی خود ادامه داد. در سال ۱۳۴۶، کتاب ناصر خسرو و اسماعیلیان تألیف ایران‌شناس روس (برتلس) را ترجمه کرد. کتاب دیگر او خاطرات سیمونیچ، وزیر مختار روس بود. اما اثر دیگر او از صبا تا نیما نام دارد (۱۳۵۰) که تاریخ یک قرن و نیم (سده‌ی سیزدهم و نیمه‌ی اول سده‌ی چهاردهم هجری) ادب ایران است. وی سرانجام پس از یک سال بیماری جانکاه جان سپرد و در بهشت زهرا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آدینه (ش ۱، ص ۱۱)، آینده (س ۱۲، ص ۱۱۶ -۱۱۵)، چیستا (س ۳، ص ۳۲۲).

آزاد همدانی، علی‌محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۴ -۱۲۶۳ ش)، شاعر، متخلص به آزاد. در همدان متولد شد. پدرش حسین از اهالی ناحیه‌ی خوانسار اصفهان بود. وی از پانزده سالگی به تحصیل ادبیات فارسی و عربی پرداخت. منطق را بدون معلم و فقه و اصول و فلسفه را از اساتید فن آموخت و با زبان انگلیسی، فرانس و اسپرانتو آشنا شد. وی تحصیلات خود را در همدان و تهران گذراند و به خدمت وزارت فرهنگ و آموزش و پرورش درآمد و متجاوز از چهل سال به خدمت مشغول بود. وی سالها رییس انجمن ادبی همدان بود. آزاد خط شکسته را خوب می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. ابتدا اسیر و سپس آزاد تخلص می‌کرد و از مریدان سید محمد یوسف‌زاده معروف به غمام همدانی بود که بدین سبب به غمامی نیز شهرت داشت. از آثار او: کتاب «عشق و ادب»، در دو جلد در شرح داستان فردوسی که ناتمام مانده است، جلد اول آن در ۱۳۱۳ ش در تهران به چاپ رسید.[۱]

شیخ علی‌محمد غمامی آزاد همدانی (و. ۱۳۰۲ ه.ق.) وی به فنون ادب فارسی و طبعی سرشار و بیانی جذاب و شیرین داشت. آزاد یکی از با ذوق‌ترین نویسندگان هم عصر خویش بود و سراسر عمر را در خدمت فرهنگ کشور گذراند و مردی نیک نام و درستکار بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۲۳۸ -۲۳۷)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۷۶ -۲۷۲ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر

(۱۵۹ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۹۹ -۹۴ /۱)، شرح حال رجال (۱۷۱ /۶)، فرهنگ سخنوران (۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۷ /۴).

آزادواری جوینی، ابوموسی هارون

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، ادیب و فقیه. در نیشابور از ابوعبداللّه محمد بن ابراهیم پوشَنجی و ابراهیم بن عبدالرحمان بن سهل آزادواری حدیث شنید. حاکم ابوعبداللّه حافظ از او روایت کرده و او را فقیه و ادیب شمرده و گفت است که وی پیش از سال ۳۱۰ ق در ری و بغداد به جمع‌آوری احادیث اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۳ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۵ /۱).

آسوده شیرازی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۰ -۱۲۶۵ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به آسوده. از اهالی شیراز و پدرش بازرگان بود، اما خود او به حکم ذوق و گرایش فکری، به شاعری روی آورد و به تحصیل علوم ادبی و حکمت و ریاضیات پرداخت و در فنون شاعری چون عروض و بدیع و قافیه و نقدالشعر مهارت یافت. در اواسط عمر به عزلت گرایید و به مصاحبت اهل ذوق و عرفان روی آورد. وی در تمام قلبهای شعری اعم از قصیده، غزل، قطعه، رباعی، مثنوی و مسمط طبع آزمایی کرده است و مثنویی به نام «عرفان الحکم» و مثنویی در تقریظ «سالارنامه» دارد. «دیوان آسوده» اثر دیگر او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۵۴ -۳۵۳)، حدیقهٔ الشعراء (۳۷ -۳۲ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰ -۲۵ /۱)، الذریعه (۲۴۶ /۱۴۳، ۱۹، ۲۴۷ /۱۵، ۶ /۹)، ریحانه (۴۸ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۴، ۱۱۳۵، ۹۸۰ /۲)، فرنگک سخنوران (۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۸ -۳۵۷ /۶)، مرآت الفصاحهٔ (۲۶ -۲۵).

آشتیانی اعتصام‌الملک، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۵۳ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. اصلا آشتیانی بود و در تبریز متولد شد. پس از فوت پدرش، که از مستوفیان آذربایجان بود، به اعتصام‌الملک ملقب گردید. در تبریز ادبیات فارسی و عربی و قدری از فقه و اصول و حکمت قدیم و زبان فرانسه و عربی را آموخت. در ترجمه از عربی و فرانسه توانا بود. در جوانی مطبعه‌ی سربی را در تبریز دایر کرد. وی در دوره‌ی دوم

مجلس وکیل بود و مدتی ریاست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی را داشت. از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۱ ق مجله‌ی ادبی علمی و اخلاقی و سیاسی «بهار» را انتشار داد. در تهران درگذشت و در آرامگاه خانوادگی در قم دفن شد. بعضی از تالیفاتش که به زبان عربی است ظاهر در مصر چاپ شده است. از عربی و فرانسه نیز چند کتاب به فارسی ترجمه کرده است. از آثار وی: «تربیت نسوان» که ترجمه‌ای است از «تحریر المراه»؛ «تیره‌بختان»، اثر ویکتور هوگو؛ ترجمه «خدعه و عشق»، اثر شیلر شاعر آلمانی برگردان از ترجمه فرانسوی؛ ترجمه‌ی «سفینه غواصه» اثر ژول ورن؛ ترجمه‌ی «حال تولستوی»؛ «سیاحتنامه‌ی فیثاغورث در ایران»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی»؛ «قلائد الادب»، در شرح «اطواق الذهب» زمخشری، به عربی؛ «الثوره الهندیه»، ترجمه به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۱۱۷ -۱۱۳ /۲)، ایضاح المکنون (۲۳۷/۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۷/۱)، الذریعه (۱۶۱/۱۷ ، ۳۸۹/۱۶)، ریحانه (۸۵۰/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۵ -۲۰۳ /۱)، شرح حال رجال (۴۹۴ -۴۹۳ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۱ -۸۸۰ /۶)، معجم المولفین (۲۷۷/۱۳)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۵)، یادداشتهای قزوینی (۲۶۴/۸).

آشتیانی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۰ ق)، خطاط و منشی. در علم انشاء مهارت داشت و نستعلیق را نیکو و استوار می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۲۰ /۳).

آغنه دوست، فاطمه خاتون

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(قبل از ۹۶۲ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به دوستی. وی دختر درویش قیام سبزواری بود. آغادوست در ادبیات و علم عروض وقوف و بصیرت کافی داشت و دارای طبعی سرشار بود. در تذکره‌ها با نامهای آقا یا آغادوست نیز آمده است بیت زیر از او است:

ز آشنایی تو عاقبت جدایی بود

فغان که با تو مرا این چه آشنایی بود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱)، الذریعه (۹ /۹)، ریاحین الشریعه (۳۲۲ /۳)، زنان سخنور (۱۹۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰)، مرآت الخیال (۳۳۷)، مستدرکات اعیان (۴ /۳)، مشاهیر زنان (۵).

آفُرانی، ابوالطیب، عبدالملک

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. ابوالطیب از مردم آفُران، قریه‌ای در نزدیکی نسف، بود. از احمد بن حامد مقری نسفی و ابوالفوارس احمد بن محمد بن جمعه و لیث بن نصر کاجَری نَسفَی حدیث شنید و به مرو رفت و در آنجا فقه آموخت و از ابوالعباس معدانی و ابوالحسن محمودی و ابوزید فقیه مروزی حدیث شنید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱/ ۶۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۰۹).

آفرانی، ابوتَمام، عبدالسلام

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۰ ق)، ادیب، شاعر و فقیه. برادر ابوالطیب آفُرانی و از مردم آفُران، دهی در نزدیکی نَسَف بود. در فقه پیرو مذهب شافعی بود و از اصحاب شافعی نیز آموخته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱/ ۶۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/ ۱۰۹).

آقا خان کرمانی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۰- مقتول ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. وی نوه‌ی دختری مظفر علیشاه کرمانی بود و در کرمان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و معانی و بیان به تکمیل ادبیات، ریاضیات و حکمت الهی کوشید. میرزا عبدالحسین در حدود ۱۳۰۲ ق همراه شیخ احمد روحی به اصفهان مهاجرت کرد و از آنجا به تهران آمد و به تدریس و تفسیر قرآن اشتغال ورزید. وی مدتی با حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و شیخ مهدی شریف کاشانی مصاحبت داشت. سپس به همراه روحی به رشت رفت و از آنجا رهسپار استانبول شد. او در استانبول با روزنامه‌ی «اختر» با مدیریت آقا محمدطاهر تبریزی، همکاری کرد و مقالاتی در آن روزنامه نوشت. میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی و میرزا حسن خان خبیرالملک نامه‌های بسیاری از قول سید جمال‌الدین اسدآبادی به علمای نجف و سامرا و ایران نوشتند و خواستار همبستگی و مبارزه با استبداد ناصرالدین شاه شدند و همچنین از اعمال میرزا علی‌اصغر خان صد اعظم انتقاد کردند. به همین دلیل صدر اعظم در صدد دستگیری آنان برآمد و با متهم کردن آنان به دست داشتن در شورش ارمنیان، دولت عثمانی آنان را تحت‌الحفظ به طرابوزن تبعد و زندانی کرد. با پیش آمدن واقعه‌ی قتل ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ ق، سوءظن دولت ایران نسبت به این افراد بیشتر شد و عاقبت بر اثر اصرار میرزا محمود خان علاءالملک دیبا، سفیر کبیر ایران در عثمان، به ایران فرستاده شدند و سرانجام به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز به قتل رسیدند. از آثار وی: «آیینه سکندری»، در تاریخ ایران، از ماقبل تاریخ تا رحلت پیغمبر (ص)؛ «جنگ هفتاد و دو ملت»؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر و دستور

حکومت»، شرح و ترجمه؛ «نامه‌ی باستان»، منظوم، بر وزن «شاهنامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اختر (ج ۱، س ۳ -۱، مقدمه ص ۱۱)، ادبیات نوین (۳۰)، از صبا تا نیما (۳۹۴ -۳۹۰/ ۱)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۹۷ -۴۹۳)، ستارگان کرمان (۳۷۲ -۳۶۸)، شرح حال رجال (۲۵۷ -۲۵۳/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۲/ ۲ ،۱۵۸۶ ، ۱۰۶۷ ،۸۷۰، ۹۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۶ -۷۵۴/ ۳)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۵۴)، یغما (س ۲، ش ۶، ص ۲۵۹ -۲۵۵).

آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۹۳ ق)، کتاب شناس، محقق، فقیه و محدث شیعی. آقا بزرگ تحصیلات مقدماتی خود را در تهران در مدارس دانگی و پامنار و فخریه آغاز کرد و ادبیات و فقه و اصول و منطق آموخت و در ۱۳۱۵ ق عازم نجف شد و نزد حاج میرزا حسین محدث نوری تحصیل علم حدیث کرد. و در حوزه درس آخوند ملا کاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، سید محمدکاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی به تکمیل فقه و اصول پرداخت. در سال ۱۳۲۹ ق به کاظمین رفت تا مقدمات تدوین بزرگ‌ترین دایرۀالمعارف کتاب شناسی شیعه، یعنی«الذریعۀ الی تصانیف الشیعۀ» را آماده سازد. این دایرۀالمعارف در واقع جوابی به جرجی زیدان، ادیب مسیحی عرب بود که مدعی شده وبد که نقش شیعه در فرهنگ اسلامی بسیار اندک است. آقابزرگ برای تهیه‌ی «فهرست الذریعه» در نجف چاپخانه‌ای به نام مطبعۀالسعادۀ دایر کرد. ولی دولت عراق مانع کار وی شد. وی برای تکمیل «الذریعه» سفرهای بسیار کرد و از بیشتر کتابخانه‌های عمومی عراق و ایران و سوریه و فلسطین و مصر و حجاز و بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی بازدید کرد. حاج‌آقا بزرگ از بسیاری از محدثین فرق و مذاهب گوناگون اجازه‌ی نقل حدیث داشت، از جمله: میرزا حسین نوری، سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی، شیخ علی خاقانی، شیخ علی کاشف الغطاء، سید حسن صدر، شیخ محمدعلی ازهری مالکی، شیخ عبدالوهاب شافعی، شیخ ابراهیم الاحمدی، شیخ عبدالقادر طرابلسی، شیخ عبدالرحمن حنفی. بسیاری از بزرگان نیز از او اجازه‌ی نقل حدیث گرفته‌اند، مانند: حاج‌آقا حسین بروجردی، سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، شیخ عبدالحسین امینی، سید عبدالهادی شیرازی، شیخ محمدرضا آل‌یاسین، سید محمدصادق بحرالعلوم، سید شهاب‌الدین مرعشی. وی پس از یک بیماری طولانی در نجف درگذشت و طبق وصیتش، در کتابخانه خود که آن را وقف علما کرده بود به خاک سپرده شد. مهمترین آثار وی عبارت‌اند از: «الذریعۀ الی تصانیف الشیعۀ» در ۲۶ جلد؛ «طبقات اعلام الشیعه»، از سده‌ی چهارم تا چهاردهم ق. در یازده جزء که ادامه کتاب «وفیات الاعلام» سید حسن صدر در سه قرن اول بود؛ «مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال»؛ «هدیۀ الرازی الی المجدد شیرازی»؛ «النقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «توضیح الرشاد فی تاریخ حصر الاجتهاد»؛ «المشیخۀ»؛ «ضیاء المفازات فی طریق مشایخ الاجازات»؛ «مستدرک کشف الظنون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۶، ش ۴ -۳، ص ۲۵۳ -۲۴۷ و ش ۸ -۷، ص ۵۹۶ -۵۸۸)، الذریعه (۱/ مقدمه و ۲۰/ مقدمه)، ریحانه (۵۴ -۵۲ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۹ -۱۸ /۱)، سواد و بیاض (۵۸۹ -۵۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۰ -۲۷۹ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۵ -۲۳۲ /۵)، نام‌آوران فرهنگ (۳۵۳).

آقاسردار، نجف قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۳ ق)، مورخ و مترجم. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و مقدمات برای ادامه‌ی تحصیلات به بیروت رفته و از آنجا به فرانسه رهسپار شد. مدتی برای تکمیل انگلیسی در لندن صرف وقت کرده در بازگشت وارد خدمت وزارت دارایی شده و یک دوره نیز به وکالت مجلس انتخاب شد. وی از شاگردان فرصت‌الدوله شیرازی صاحب «آثار عجم» است. از آثارش: ترجمه‌ی «تاریخ انگلستان»؛ ترجمه‌ی «تاریخ روسیه»؛ «تاریخ سیاسی نفت»، «دره‌ی نجفی»، در عروض و بدیع و قافیه؛ «راه‌آهن ایران»؛ ترجمه‌ی «شناسایی دام و دد»؛ «عالم حیوانات»؛ «فراماسیون در انقلاب فرانسه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۵ /۱۴، ۱۱۴ /۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶ -۵۴۴ /۶).

آقاسی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمّدرضا آقاسی هستم. فرزند ششم یک خانواده ی مذهبی.۲۴ فروردین سال ۱۳۳۸ در منزل پدری مان، واقع در تهران، خیابان خیّام، پشت امامزاده سیّد نصرالدین، به دنیا آمدم. مرحوم پدرم، با آنکه سوادی به آن صورت نداشت، امّا قاری قرآن بود و از مریدان مرحوم آیت الله« حاج سید احمد طالقانی آل احمد» که روحانی سرشناس محل ما بود و پدر جوانمرد فاضل؛ زنده یاد« جلال آل احمد». از طرفی، مادرم حدود چهل سال است افتخار مدّاحی حضرت قمر بنی هاشم (علیه السلام) را دارد.

دو.

از زمان بچگی کلمات را به هم می بافتم. مشخصاً از سنین سیزده چهارده سالگی. تقریباً بیست ساله بودم که انقلاب شروع شد. قبل از انقلاب، دو سالی هنرجوی «هنرستان هنرهای زیبا»ی شهر تهران بودم. منتها، از آنجا که به نحوه ی آموزش متون درسی و مدیریت خشک و بی بهره از ظرافت های تعلیم و تعلّم هنری اولیاء امور هنرستان اعتراض داشتم، با مدیر، ناظم و بعضی از اساتید آنجا برخورد پیدا کردم. روی همین حساب هم، دو سال پیاپی مرا مردود کردند و دست آخر سال سوم؛ اخراج ام کردند. بعد از آن ماجرا، مدتی در تسلیحات ارتش کار می کردم. این وضع ادامه داشت تا حوالی تابستان ۱۳۵۷ که با اوج گیری مسائل انقلاب، از تسلیحات هم زدم بیرون.

سه.

از همان شب اول پیروزی انقلاب در بیست و دو بهمن ۵۷، در کمیته ی انقلاب؛ مستقر در مسجد امامزاده سیّد نصرالدین تفنگ به دوش کشیدم و شدم یکی از صدها هزار جوان پاسدار انقلاب.

چهار.

شعار محوری آن روزهای انقلابیون این بود؛ «امروز ایران- فردا، فلسطین». بر مبنای همین باور، دوره های مقدّماتی جنگ چریکی

را در تهران آموزش دیدم. در آذرماه ۵۸ بود که به جمهوری عربی سوریه رفتیم. آنجا در یکی از پادگان های متعلّق به جناح نظامی «سازمان آزادی بخش فلسطین»- معروف به قوای العاصفه- مستقر شدیم و مربیان زبده ی فلسطینی، یک دوره ی تخصصی از رزم پارتیزانی را به ما آموزش دادند. در پایان آن دوره ی آموزشی، روزی که می خواستیم به سمت مرز حرکت کنیم، نیروهای مسیحی لبنانی طرفدار ارتش اسرائیل؛ معروف به فالانژها، مستقر در مرز مشترک سوریه- لبنان، راه عبور را به روی ما بستند و از ورود اکیپ ما به خاک لبنان جلوگیری شد. به ناچار، من به اتفّاق تعدادی از دوستان به تهران برگشتیم تا دستکم خودمان را به جبهه های نبرد افغانستان برسانیم؛ که تازه چند ماهی بود توسّط یکصد و چهل هزار چکمه پوش سپاه چهلم ارتش سرخ اتّحاد شوروی اشغال شده بود.

پنج.

پاییز سال ۱۳۶۵ بود که یکی از رفقای ما، در ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی، سر وقت ام آمد با این پیشنهاد که؛« اگر آمادگی داری، بیا با هم برویم برای دوره ی آموزشی کار با بلدوزر و ماشین آلات سنگین. جبهه بلدوزرچی لازم دارد». خب، ما هم رفتیم در واحد مهندسی- رزمی ستاد پشتیبانی جنگ جهاد تهران اسم نوشتیم. مدتی در کهریزک، دوره ی کار با ماشین آلات سنگین را دیدیم. بعد هم اعزام شدیم به جبهه ی جنوب. مدتی در شوش دانیال مستقر بودیم. بعد هم رفتیم سمت جزایر مجنون و دست آخر هم دشت شلمچه.

شش.

انتخاب قالب شعری برای بیان ادراکات و احساسات شاعرانه ام، یحتمل مثنوی به این خاطر بود که در این قالب، برای فَورانِ شور درونی شاعر، به نسبت دیگر قالب های شعری، میدان به مراتب وسیع تری وجود دارد. مثنوی دریاست، مثنوی اقیانوس است. وقتی بخواهی بیایی توی چنین وادی هایی،« شرط اول قدم آن است که مجنون باشی». باید ایمان داشته باشی که ذاتاً فقیری و غنی مطلق خداست و باب جود و عطای خدا، آل محمّد (علیهم السلام) هستند. باید کاسه ی گدایی برداری، بروی درِ خانه ی اهل بیت (علیهم السلام) را بزنی. احساس استغنا و بی نیازی هم نباید داشته باشی. در چنین صورتی؛ مطمئن باش اهل بیت (علیهم السلام) تو را دست خالی از در خانه شان بر نمی گردانند. هر چه شکسته تر و زارتر درِ خانه شان بروی، کاسه ی گدایی تو را پُرتَر می کنند. حالاـ در رابطه با معروف ترین شعری که خلایق در این ملک مرا به آن می شناسند؛ یعنی شیعه نامه، فقط می توانم بگویم که من شیعه نامه را از کرم اهل بیت (علیهم السلام) دارم، نه از خودم؛ که هیچ ام و هیچ.

هفت.

بیشتر سرمایه ها و ردیف بودجه های مصوّب برای شعر اصیل انقلاب، به سمینارها و سمپوزیوم ها و کنگره ها و کنفرانس ها و- به قولی امروزی ها همایش ها- ی پر از اسراف و تبذیر و بی حاصلِ مثلاً فرهنگی- هنری و چاپ کاتالوگ ها و بولتن های لوکس و چهار رنگ بی خاصیت و یک بار مصرف اختصاص داده شد. بعضی دستگاه ها هم که بعد از انقلاب به وجود آمدند و خود، به عنوان نهاد های هنری- تبلیغاتی این انقلاب مطرح شدند، زدند به بی راهه ی فرو رفتن در مسائلی، که بیشتر در حوزه ی مسؤولیت وزارت بازرگانی و وزارت مسکن و شهرسازی است، تا یک نهاد مدّعی ترویج اندیشه و هنر اسلامی! من از بیان حرف حق پروایی ندارم و خوفی هم ندارم که اگر به خوشایند این حضرات حرف نزنم، نان نداشته ام آجر شود! همین قدر گفته باشم، یکی از همین قماش دستگاه های متولّی اندیشه و هنر اسلامی، یک بار عکس العمل تندی را نسبت به من نشان داد... حقوق ام را قطع کردند و ضمن ارسال یک دستورالعمل اکید، مرا به صحن و سرای دستگاه شان ممنوع الورود فرمودند! یک بیت نثارشان کردم و سپردم شان به قهر مولا علی (علیه السلام). که:

از آن روزی که در خون پر گشودم به دار الکفر ممنوع الورودم آثار استاد محمّدرضا آقاسی در حوزه ی شعر به حدود ۶-۷ هزار

بیت می رسد، که یکی از مشهور ترین آنها مثنوی بلند شیعه نامه است.
محمدرضا آقاسی، شاعر و مثنوی‌سرای اهل بیت عصمت و طهارت،در سن ۴۶ سالگی،بامداد سه شنبه سوم خرداد ماه ۸۴ به علت عارضه قلبی در مرکز تخصصی قلب تهران دار فانی را وداع گفت. پیکر وی ۵ خردادماه از مقابل معراج الشهدای تهران تشییع و در قطعه ۴۴ شهیدان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

آقاگلزاده، فردوس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فردوس آقاگلزاده در سال ۱۳۳۵ به دنیا آمد. وی پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. وی پس از اتمام تحصیلات خود، به عنوان عضو هیات علمی گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد. او همچنین با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی، مقالات بسیار ارزشمندی را ارائه داده است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : زبانشناسی همگانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فردوس آقاگلزاده پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. موضوع رساله وی " مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل انتقادی در تولید و درک متن "می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فردوس آقاگلزاده از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱سرپرست کتابخانه دانشکده، از سال ۱۳۷۶ جانشین معاونت پژوهشی دانشکده و از سال ۱۳۷۵ تا کنون سرپرستی آزمایشگاههای زبان را به عهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : فردوس آقاگلزاده عضو هیات علمی گروه زبان شناسی و استادیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد. از جمله دروسی که وی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می نماید عبارتند از: تجزیه و تحلیل کلام و کاربرد شناسی، تطور زبان فارسی، مقدمات زبانشناسی، زبان انگلیسی (مقطع کارشناسی ارشد و دکتری).سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فردوس آقاگلزاده با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی نیز شرکت کرده است.آرا و گرایشهای خاص : تخصص اصلی فردوس آقاگلزاده تجزیه و تحلیل کلام و کاربردشناسی بوده اما به صورت جنبی بر روی جامعه شناسی زبان، ادبیات و زبانشناسی، گویش شناسی مطالعات و پژوهشهای خود را نیز متمرکز نموده است.آثار " : نقش جامعه شناسی زبان و راهبردهای آن در تدریس زبان "مجله رشد زبان، شماره ۱۴، تهران ۱۳۷۹ ، تقویت مهارت شنیداری به روش نوین تحلیل متن، نخستین همایش بررسی روش های نوین آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، چاپ شده در مجموعه مقالات، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰. دوزبانگی و چند زبانگی از دیدگاه روانشناسی زبان (به زبان انگلیسی، ") دومین کنفرانس بین المللی علوم شناختی، تهران ۱۳۸۱ ، سازگاری صورت و محتوا در آیات قرآن مجید از نگاه زبانشناسی، "همایش قرآن و علوم روز دانشگاه بیرجند، ۱۳۷۹ ، مفاهیم فرهنگ و زبان "کنفرانس تعاملات علمی و فرهنگی ایران و غرب، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ۱۳۷۹ ، نقش عوامل زبانشناختی و فرازبانی در گفتگو و تفاهم فرهنگی ایران و آفریقا، "کنفرانس ایران و آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس ، ویژگیهای متون ادبی از دیدگاه زبانشناسی "مجله آموزش زبان، شماره ۲، مشهد، ۱۳۷۹ ، ویژگیهای متون ادبی از

دیدگاه زبانشناسی، "همایش ترجمه ادبی در ایران دانشگاه فردوسی مشهد، بهمن ماه ۱۳۷۸

آقانجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ –۱۲۹۵ ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاور از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاهت و رتق و فتق امو مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی را برعهده داشت. وی در قوچان درگذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»؛ «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقا نجفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوة الاسلام فی احوال آیةاللّه الملك‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایةالاصول».[۱]

حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال ۱۲۹۵ قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به دروس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان مقدمات را کاملا خوانده و بعد در سن ۲۰ سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم کزی و حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقائی و فقه را از مرحوم آقا نجفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال ۱۳۱۸ قمری در سن ۲۳ سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند خراسانی و حاج سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا در سن سی سالگی به مقام فقاهت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال ۱۳۳۸ قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رتق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۶۳ قمری در سن ۶۸ سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.

۱– سفر غرب (سیاحت غرب) ۲– سیاحت شرق ۳– شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو ۴– کتاب عذر بدتر از گناه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۱ –۲۲۰ /۶)، نشر دانش (س ۴، ش ۲، ص ۲۷ –۱۸).

آل احمد، جلال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال الدین سادات آل احمد، معروف به جلال آل احمد، فرزند سید احمد حسینی طالقانی در محله سید نصرالدین از محله های قدیمی شهر تهران به دنیا آمد، او در سال ۱۳۰۲ پس از هفت دختر متولد شد و نهمین فرزند پدر و دومین پسر خانواده بود. پدرش در کسوت روحانیت بود و از این رو جلال دوران کودکی را در محیطی مذهبی گذراند. تمام سعی پدر این بود که از جلال، برای مسجد و منبرش جانشینی بپرورد. جلال پس از اتمام دوره دبستان، تحصیل در دبیرستان را آغاز کرد، اما پدر که تحصیل فرزند را در مدارس دولتی نمی پسندید و پیش بینی می کرد که آن درسها، فرزندش را از راه دین و حقیقت منحرف می کند، با او مخالفت کرد: « دبستان را که تمام کردم، دیگر نگذاشت درس بخوانم که: «برو بازار کار کن» تا بعد ازم جانشینی بسازد. و من رفتم بازار. اما دارالفنون هم کلاسهای شبانه باز کرده بود که پنهان از پدر اسم نوشتم. » پس از ختم تحصیل دبیرستانی، پدر او را به نجف نزد برادر بزرگش سید محمد تقی فرستاد تا در آنجا به تحصیل در علوم دینی بپردازد، البته او خود به قصد تحصیل در بیروت به این سفر رفت، اما در نجف ماندگار شد. این سفر چند ماه بیشتر دوام نیاورد و جلال به ایران بازگشت. در «کارنامه سه ساله» ماجرای رفتن به عراق را این گونه شرح می دهد: «تابستان ۱۳۲۲ بود، در بحبوحه جنگ، با حضور سربازان بیگانه و رفت و آمد وحشت انگیز U.K.C.C و قرقی که در تمام جاده ها کرده بودند تا مهمات جنگی از خرمشهر به استالینگراد برسد. به قصد تحصیل به بیروت می رفتم که آخرین حد نوک دماغ ذهن جوانی ام بود و از راه خرمشهر به بصره و نجف می رفتم که سپس به بغداد والخ .... اما در نجف ماندگار شدم. میهمان سفره برادرم. تا سه ماه بعد به چیزی در حدود گریزی، از راه خانقین و کرمانشاه برگردم. کله خورده و کلافه و از برادر و پدر.» پس از بازگشت از سفر، آثار شک و تردید و بی اعتقادی به مذهب در او مشاهده می شود که بازتابهای منفی خانواده را به دنبال داشت. «شخص من که نویسنده این کلمات است، در خانواده روحانی خود همان وقت لامذهب اعلام شد ه دیگر مهر نماز زیرپیشانی نمی گذاشت. در نظر خود من که چنین می کردم، بر مهر گلی نماز خواندن نوعی بت پرستی بود که اسلام هر نوعش را نهی کرده، ولی در نظر پدرم آغاز لا مذهبی بود. و تصدیق می کنید که وقتی لا مذهبی به این آسانی به چنگ آمد، به خاطر آزمایش هم شده، آدمیزاد به خود حق می دهد که تا به آخر براندش.» آل احمد در سال ۱۳۲۳ به حزب توده ایران پیوست و عملاً از تفکرات مذهبی دست شست. دوران پر حرارت بلوغ که شک و تردید لازمه آن دوره از زندگی بود، اوج گیری حرکت های چپ گرایانه حزب توده ایران و توجه جوانان پرشور آن زمان به شعارهای تند وانقلابی آن حزب و درگیری جنگ جهانی دوم عواملی بودند که باعث تغییر مسیر فکری آن احد شدند. همه این عوامل دست به دست هم داد تا جوانکی با انگشتری عقیق با دست و سر تراشیده، تبدیل شد به جوانی مرتب و منظم با یک کراوات و یکدست لباس نیمدار آمریکایی شود. در سال ۱۳۲۴ با چاپ داستان «زیارت» در مجله سخن به دنیای نویسندگی قدم گذاشت و در همان سال، این داستان در کنار چند دیگر در مجموعه" دید و بازدید "به چاپ رسید. آل احمد در نوروز سال ۱۳۲۴ برای افتتاح حزب توده و اتحادیه کارگران وابسته به حزب به آبادان سفر کرد: «در آبادان اطراق کردم. پانزده روزی. سال ۱۳۲۴ بود، ایام نوروز و من به مأموریتی برای افتتاح حزب توده و اتحادیه کارگران وابسته اش به آن ولایت می رفتم و اولین میتینگ در اهواز از بالای بالکونی کنار خیابان. "آل احمد که از دانشسرای عالی در رشته ادبیات فارسی فارغ التحصیل شده بود، او تحصیل را در دوره دکترای ادبیات فارسی نیز ادامه داد، اما در اواخر تحصیل از ادامه آن دوری جست و به قول خودش «از آن بیماری (دکتر شدن) شفا یافت». به علت فعالیت مداومش در حزب توده، مسؤولیتهای چندی را پذیرفت. خود در این باره می گوید: «در حزب توده در عرض چهار

سال از صورت یک عضو ساده به عضویت کمیته حزبی تهران رسیدم و نمایندگی کنگره.... و از اوایل ۲۵ مأمور شدم زیر نظر طبری «ماهنامه مردم» را راه بیندازم که تا هنگام انشعاب ۱۸ شماره اش را درآوردم حتی شش ماهی مدیر چاپخانه حزب بودم.»
در سال ۱۳۲۶ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در همان سال، به رهبری خلیل ملکی و ۱۰ تن دیگر از حزب توده جدا شد. آنها از رهبری حزب و مشی آن انتقاد می کردند و نمی توانستند بپذیرند که یک حزب ایرانی، آلت دست کشور بیگانه باشد. در این سال با همراهی گروهی از همفکرانش طرح استعفای دسته جمعی خود را نوشتند. آل احمد با نثر عصیانگرش اینگونه می گوید: «روزگاری بود و حزب توده ای بود و حرف و سخنی داشت و انقلابی می نمود و ضد استعمار حرف می زد و مدافع کارگران و دهقانان بود و چه دعویهای دیگر و چه شوری که انگیخته بود و ما جوان بودیم و عضو آن حزب بودیم و نمی دانستیم سر نخ دست کیست و جوانی مان را می فرسودیم و تجربه می آموختیم. برای خود من «اما» روزی شروع شد که مأمور انتظامات یکی از تظاهرات حزبی بودیم (سال ۲۳ یا ۲۴؟) از در حزب خیابان فردوسی تا چهارراه مخبرالدوله با بازوبند انتظامات چه فخرها که به خلق نفروختم، اما اول شاه آباد چشمم افتاد به کامیون های روسی پر از سرباز که ناظر و حامی تظاهرات ما کنار خیابان صف کشیده بودند که یک مرتبه جا خوردم و چنان خجالت کشیدم که تپیدم توی کوچه سید هاشم و " .....در سال ۱۳۲۶ کتاب «از رنجی که می بریم» چاپ شد که مجموعه ۱۰ قصه کوتاه بود و در سال بعد «سه تار» به چاپ رسید. پس از این سالها آل احمد به ترجمه روی آورد. در این دوره، به ترجمه آثار «ژید» و«کامو»، «سارتر» و «داستایوسکی» پرداخت و در همین دوره با دکتر سیمین دانشور ازدواج کرد. «زن زیادی» نیز به این سال تعلق دارد. در طی سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ «اورازان»، «تات نشینهای بلوک زهرا»، «هفت مقاله» و ترجمه مائده های زمینی را منتشر کرد و در سال ۱۳۳۷ «مدیر مدرسه» «سرگذشت کندوها» را به چاپ سپرد. دو سال بعد «جزیره خارک- در یتیم خلیج» را چاپ کرد. سپس از سال ۴۰ تا ۴۳ «نون و القلم»، «سه مقاله دیگر»، «کارنامه سه ساله»، «غرب زدگی» «سفر روس»، «سنگی بر گوری» را نوشت و در سال ۴۵ «خسی در میقات» را چاپ کرد و هم «کرگدن» نمایشنامه ای از اوژان یونسکورا. «در خدمت و خیانت روشنفکران» و «نفرین زمین» و ترجمه «عبور از خط» از آخرین آثار اوست. آل احمد در صحنه مطبوعات نیز حضور فعالانه مستمری داشت و در این مجلات و روزنامه ها فعالیت می کرد. نکته ای که در زندگی آل احمد جالب توجه است، زندگی مستمر ادبی او است. اگر حیات ادبی این نویسنده با دیگر نویسندگان همعصرش مقایسه شود این موضوع به خوبی مشخص می شود. جلال در سالهای فرجامین زندگی، با روحی خسته و دلزده از تفکرات مادی به تعمق در خویشتن خویش پرداخت تا آنجا که در نهایت، پلی روحانی و معنوی بین او و خدایش ارتباط برقرار کرد. او در کتاب" خسی در میقات "که سفرنامه ی حج اوست به این تحول روحی اشاره می کند و می گوید": دیدم که کسی نیستم که به میعاد آمده باشد که خسی به میقات آمده است ". . .این نویسنده پر توان که همواره به حقیقت می اندیشید و از مصلحت اندیشی می گریخت، در اواخر عمر پر بارش، به کلبه ای در میان جنگلهای اسالم کوچ کرد. جلال آل احمد، نویسنده توانا و هنرمند دلیر به ناگاه در غروب روز هفدهم شهریور ماه سال ۱۳۴۸ در چهل و شش سالگی زندگی را بدرود گفت. ویژگی های آثار
به طور کلی نثر آل احمد نثری است شتابزده، کوتاه، تاثیر گذار و در نهایت کوتاهی و ایجاز . آل احمد در شکستن برخی از سنت های ادبی و قواعد دستور زبان فارسی شجاعتی کم نظیر داشت و این ویژگی در نامه های او به اوج می رسد. اغلب نوشته هایش به گونه ای است که خواننده می تواند بپندارد نویسنده هم اکنون در برابرش نشسته و سخنان خود را بیان می کند و خواننده، اگر با نثر او آشنا نباشد و نتواند به کمک آهنگ عبارات ، آغاز و انجام آنها را دریابد، سر در گم خواهد شد.
از این رو ناآشنایان با سبک آل احمد گاهی ناگریز می شوند عباراتی را بیش از چند بار بخوانند.
آثار
آثار جلال آل احمد را به طور کلی می توان در پنج مقوله یا موضوع طبقه بندی کرد: الف- قصه و داستان. ب- مشاهدات و

سفرنامه. ج- مقالات. د- ترجمه. هـ- خاطرات و نامه ها. الف- قصه و داستان ۱- دید و بازدید ۱۳۲۴:

نخست شامل ده بود، در چاپ هفتم دوازده داستان کوتاه را در بردارد. جلال جوان در این مجموعه با دیدی سطحی و نثری طنز آلود اما خام که آن هم سطحی است، زبان به انتقاد از مسایل اجتماعی و باورهای قومی می گشاید. ۲- از رنجی که می بریم ۱۳۲۶:

مجموعه هفت است که در این دو سال زبان و نثر داستانهای جلال به انسجام و پختگی می گراید. در این مجموعه تشبیهات تازه، زبان آل احمد را تصویری کرده است. ۳- سه تار ۱۳۲۷:

مجموعه سیزده است. فضای داستانهای سه تار لبریز از شکست و ناکامی قشرهای فرو دست جامعه است. ۴- زن زیادی ۱۳۳۱:

حاوی یک مقدمه و نه داستان کوتاه است. قبل از جلال، صادق چوبک و به تصویر شخصیت زنان در داستانهای خود پرداخته اند.

زنان مجموعه زن زیادی را قشرهای مختلف و متضاد مرفه، سنت زده و تباه شده تشکیل می دهند. ۵- سرگذشت کندوها ۱۳۳۷:

نخستین داستان نسبتاً بلند جلال است با شروعی به سبک قصه های سنتی ایرانی"، یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود" این داستان به بیان شکست مبارزات سیاسی سالهای ۲۹ تا ۳۱ حزبی پرداخته است. ۶- مدیر مدرسه ۱۳۳۷:

این داستان نسبتاً بلند به نوعی میان خاطرات فرهنگی آل احمد است. خود او در این مورد گفته است": حاصل اندیشه های خصوصی و برداشت های سریع عاطفی از حوزه بسیار کوچک اما بسیار موثر فرهنگ و مدرسه "مدیر مدرسه، گزارش گونه ای است از روابط افراد یک مدرسه با هم و روابط مدرسه با جامعه ". آل احمد در مدیر مدرسه به نثر خود اعتماد کامل دارد. قلم دیگر در دستش نمی لرزد و چنین می نماید که اندیشه هایش نیز، در چارچوبی خاص، شکل نهایی خود را یافته است. به رغم این تکوین اندیشه، جلال شکست را باور کرده است، لذا به دنبال گوشه ای خلوت می گردد. ۷- نون والقلم ۱۳۴۰:

یک داستان بلند تاریخی که حوادث آن مربوط به اویل حکومت صفویان است. زبان نون والقلم به اقتضای زمان آن نسبتاً کهنه است. ۸- نفرین زمین ۱۳۴۶:

رمانی روستایی است که بازتابی از جریانهای مربوط به" اصلاحات ارضی "در آن بیان شده است. ۹- پنج داستان ۱۳۵۰:

دو سال پس از مرگ آل احمد چاپ شده است. ۱۰- چهل طوطی اصل (با سیمین دانشور) ۱۳۵۱:

مجموعه شش قصه کوتاه قدیمی از" طوطی نامه "که با تحریری نو نگاشته شده است. آل احمد در نامه ای خطاب به حبیب یغمایی، مدیر مجله ادبی یغما می نویسد ": و من که جلال باشم وقتی خیال دکتر شدن و ادبیات را در سر داشتم به اینها دسترسی یافتم. قرار بود درباره" هزار و یک شب "و ریشه های هندی و ایرانی قصه هایش چیزی درست کنم به رسم رساله، که نشد". . . ۱۱- سنگی بر گوری ۱۳۶۰:

رمانی است کوتاه و آخرین اثر داستانی آل احمد محسوب می شود. موضوع آن فرزند نداشتن اوست.

ب- مشاهدات و سفرنامه ها اورازان ۱۳۳۳، تات نشینهای بلوک زهرا ۱۳۳۷، جزیره خارک، درٌ یتیم خلیج فارس ۱۳۳۹، خسی در میقات ۱۳۴۵، سفر به ولایت عزرائیل چاپ ۱۳۶۳، سفر روس ۱۳۶۹ ، سفر آمریکا و سفر اروپا که هنوز چاپ نشده اند. ج- مقالات و کتابهای تحقیقی گزارشها ۱۳۲۵، حزب توده سر دو راه ۱۳۲۶، هفت مقاله ۱۳۳۳، سه مقاله دیگر ۱۳۴۱، غرب زدگی به صورت کتاب ۱۳۴۱، کارنامه سه ساله ۱۳۴۱، ارزیابی شتابزده ۱۳۴۲، یک چاه و دو چاله ۱۳۵۶، در خدمت و خیانت روشنفکران ۱۳۵۶، گفتگوها ۱۳۴۶. د- ترجمه عزاداریهای نامشروع ۱۳۲۲ از عربی، محمد آخرالزمان نوشته بل کازانوا نویسنده فرانسوی ۱۳۲۶، قمارباز ۱۳۲۷ از داستایوسکی، بیگانه ۱۳۲۸ اثر آلبرکامو (با علی اصغر خبرزاده)، سوء تفاهم ۱۳۲۹ از آلبرکامو، دستهای آلوده ۱۳۳۱ از ژان پل سارتر، بازگشت از شوروی ۱۳۳۳ از آندره ژید، مائده های زمینی ۱۳۳۴ اثر ژید (با پرویز داریوش)، کرگدن ۱۳۴۵ از اوژن یونسکو، عبور از خط ۱۳۴۶ از یونگر (با دکتر محمود هومن)، تشنگی و گشنگی ۱۳۵۱ نمایشنامه ای از اوژن یونسکو؛ در حدود

پنجاه صفحه این کتاب را جلال آل احمد ترجمه کرده بود که مرگ زودرس باعث شد نتواند آن را به پایان ببرد؛ پس از آل احمد دکتر منوچهر هزارخانی بقیه کتاب را ترجمه کرد. هـ- خاطرات و نامه ها نامه های جلال آل احمد (جلد اول ۱۳۶۴) به کوشش علی دهباشی، چاپ شده است که حاوی نامه های او به دوستان دور و نزدیک است.

آل بحرالعلوم، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۰ /۱۳۱۹ -۱۲۴۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. تفسیر و فقه و اصول و کلام و ادبیات را از پدر آموخت. از او به عنوان شاعر کبیر آل بحرالعلوم یاد شده است. مناعت طبع او مورد ستایش همگان بود. شیخ محمد سماوی نجفی صاحب کتاب «الطلیعهٔ» و شیخ عبدالمحسن کاظمی و شیخ عبدالحسین خیاط نجفی از شاگردان وی در ادبیات و شعر می‌باشند. از آثارش «دیوان» شعری است که با اجازه در فرزندش سید حسن و سید محمد در صیداء به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹ /۱)، اعیان الشیعه (۱۳۳ -۱۲۹ /۲)، الذریعه (۶۴۴ /۹)، معجم المؤلفین (۲۴ -۲۳ /۱)، مکارم الآثار (۴/ ۱۳۳۳).

آل بحرالعلوم، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۲ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. ادبیات و مقدمات علوم را نزد پدر آموخت. فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و شیخ الشریعهٔ اصفهانی و شیخ عبداللّه مازندرانی فراگرفت. بیشترین شهرت او در شعر و ادب و تاریخ است. او همچون پدرش شاعری توانمند بود. از آثارش: «التاریخ المنظوم»، حدود ۱۰۰۰ بیت، در تاریخ وفیات مشاهیر علما و پاره‌ای از حوادث مهم و تاریخی و مدائح ائمه- علیهم‌السلام؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۲۶ /۴)، الذریعه (۲۸۹ /۳)، معجم المؤلفین (۱۹۵ -۱۹۴ /۳).

آل بحرالعلوم، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۲۱ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. در نجف‌زاده شد و همان جا نشو و نما یافت و مراحل علمی را پیمود. فقه و اصول و کلام را نزد شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و شریف العلماء مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و شیخ

محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» آموخت. وی از صاحب «جواهر» به دریافت اجازه نایل شد. کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» محصول همکاری وی با استادش می‌باشد. عالمانی چون سید میرزا جعفر حایری و سید محمد موسوی ساروی و شیخ فضل‌اللّه مازندرانی و میرزا صادق تبریزی و میرزا محمد همدانی از شاگردان وی هستند. در سفری که برای مداوای چشم به ایران آمد پس از زیارت مشهد حدود دو سال در بروجرد نزد اقوامش ماند. پس از وفات برادرش، سید علی، از سوی خاص و عام به ریاست حوزه‌ی نجف و مرجعیت شیعه برگزیده شد. سید حسین در شعر و ادب نیز شهرت بسزایی دارد، و «دیوان» اشعاری از او باقی مانده که به ترتیب حروف تهجی است و در آن اشعار جدش سید بحرالعلوم را نیز تخمیس کرده است. در فقه و اصول نیز کتابهائی از وی به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰ -۱۸ /۶)، الذریعه (۱۲۶ /۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، فوائد الرضویه (۱۵۶ -۱۵۵)، معجم المؤلفین (۵۰ /۴)، مکارم الآثار (۷۲۵ -۷۲۳ /۳).

آل بحرالعلوم، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۱۸ -۱۲۴۷ ق)، فقیه، اصولی و ادیب. نزد پدرش و عمویش، سید علی صاحب «البرهان القاطع»، و شیخ مرتضی انصاری و میرزا حسن شیرازی فقه و اصول خواند. او دارای دقت نظر بود. او را آثاری در فقه و اصول است و چندین رساله تصنیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۷ /۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، علماء معاصرین (۷۰ -۶۹)، فوائد الرضویه (۳۷۴)، معجم المؤلفین (۱۸۳ /۸).

آل بحرالعلوم، محمدصادق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد. تحت نظارت پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و سطوح عالی فقه و اصول را نزد میرزای نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و سید محسن قزوینی، و تفسیر را نزد بلاغی و علم حدیث و درایه را نزد شیخ ابوتراب خوانساری آموخت. و از نایینی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین و سید حسن صدر اجازه روایت گرفت. وی کتابخانه‌ای بنیاد نهاد که در آن کتابهای خطی نفیسی گردآوری شد. او آثار بسیاری در فقه و اصول و شعر و ادب پدید آورد. از جمله: «دلیل القضاء الشرعی، اصول و فروعه»؛ «السلاسل الذهبیهٔ»، کشکولی ادبی و تاریخی و رجالی؛ «المجموع الرائق من ازهار الحداق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۵ /۲۰، ۲۱۱ /۱۲، ۲۵۹ /۸).

آل بحرالعلوم، میرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، فقیه و نحوی. در علم و تقوا به درجه کمال رسید. در زمان حیات پدرش از دنیا رفت. پدرش در آخر رساله ولایت در کتاب «بلغهٔ الفقیه» از او تمجید نموده و او را غواص دریای فقه خوانده است. از آثارش: کتاب «کشف الاسرار فی شرح الاظهار»، درنحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۱۳ -۳۱۲ /۸)، الذریعه (۱۷ /۱۸)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳۰ - ۱۵۲۹ /۱۴).

آل داوود, علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سیدعلی آل داوود در سال ۱۳۳۱ در شهر خور بیابانک به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه تا سال پنجم دبیرستان را در زادگاهش سپری کرد و سال آخر را در شهر اصفهان به پایان رسانید، به تهران آمد و در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران مدرک لیسانس گرفت. سپس تحصیل در مقطع فوق لیسانس رشته جامعه شناسی را در دانشگاه تهران آغاز کرد ولی آن را نا تمام گذاشت. آل داوود مصحح دیوان شعرای قدیم، نسخه شناسی، مقاله نویس و ویراستار ، شاید کارنامه پر بار وی ، امروزه مایه رشک و غبطه افرادی است که راه کوبیده شده و هموار « تحصیلات رسمی» را تا آخر رفتند. و دست آخر، تبدیل به کارمندان پشت میز نویس شدند. بدون تحقیق و تالیف و بدون جای پای در تاریخ و ادب و فرهنگ ایران . وی هم اکنون عضو هیات علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی است.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

گرایش : ادیب، محقق و نسخ شناس و ویراستار

والدین و انساب : پدر سید علی آل داوود زنده نام سید عبدالحسین آل داوود از کارکنان وزارت معارف (سابق) و پدر بزرگش ، اسدالله منتخب السادات یغمایی، شاعر نامدار آن اقلیم (خور) بوده است. منتخب السادات نواده دختری یغمایی جندقی شاعر بزرگ عصر قاجار بود و بدین طریق نسب سیدعلی ال داوود ، هم از طریق پدر و هم از طریق مادر به یغمایی جندقی می رسد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعلی آل داوود، تحصیلات متوسطه را تا سال پنجم دبیرستان در زادگاهش (خور) و سال آخر را در دبیرستان ادب در شهر اصفهان به پایان رسانید. به تهران آمد و در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت و موفق به اخذ درجه لیسانس شد. بعد از آن، راغب شد تا در رشته جامعه شناسی تحصیل را ادامه بدهد، در دانشکده

علوم اجتماعی دانشگاه تهران، و چند قدم مانده به اخذ درجه فوق لیسانس، به قول خودش: «از آن منصرف شده و تا امروز دیگر پیگیر تحصیلات رسمی نبوده ام».

فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدعلی آل داوود از همان زمان تحصیل در دبیرستان بنیاد فرهنگ ایران کار می کرد. نخستین مقاله سیدعلی آل داوود جوان در «کتاب طوس» – نشریه وزین و سنگین – چاپ شد و پایه و مایه علمی او را به همگنانش نشان داد. با این حال، محقق جوان ما، صلاح ندید بنای معیشت خود را بر کار سنگین و کم برکت تحقیق (از لحاظ مادی) بگذارد. از این رو، کار در وزارت فرهنگ و هنر (سابق) را نیز رها کرد و بر آن شد که از تحصیلات خود در رشته وکالت دعاوی استفاده کند. هرچند که بخش اعظم عمر او عملاً در کتاب و قلم و دایرهٔ المعارف ها سپری شد نه در دفتر وکالت و دادگاه ها.

استادان و مربیان : سیدعلی آل داوود زیرنظر استادی بزرگ: پرویز ناتل خانلری که استعدادپرور بود و وسعت مشرب داشت. استادانی مثل محمدپروین گنابادی، حسین فریدجم و دکتر مهرداد بهار بنای فکری و علمی او را شکل دادند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدعلی آل داوود از ۱۳۶۵ به سمت مؤلف و ویراستار در دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی (زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی) به کار مشغول شد و در عرض کمتر از بیست سال، بیش از یکصد مقاله علمی سنگین در موضوعات مختلف برای آن دایرهٔ المعارف نوشت و چند برابر این تعداد مقالات را ویرایش کرد. اوقاتی از هفته را نیز در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به کار پرداخت. «دانشنامه زبان وا دب فارسی در شبه قاره هند» را تدوین و ویرایش کرد: نخستین کتاب های او نیز در همین سال ها از چاپ درآمد

فعالیتهای آموزشی : سیدعلی آل داوود اکنون عضو هیات علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از کارهای تحقیقی سیدعلی آل داوود در سه سال گذشته باید به این موارد اشاره کرد: «برگزیده اعجوبه و محجوبه»، از جمله داستان های کهن عامیانه و از زمره داستان های خواندنی و مفید در ادب قدیم فارسی است. آل داوود این «برگزیده» را از متن خطی آن (موجود در کتابخانه مجلس) استخراج و همراه با مقدمه مفصل و شرح لغات و اصطلاحات چاپ کرده است.

آرا و گرایشهای خاص : وی در مورد پژوهش در نسخههای خطی میگوید: «در انتشار نسخه های خطی، طبیعتاً باید نسخه های مختلف آن اثر، با هم مقابله و تصحیح و سپس منتشر شوند. این نقدها را بر آثاری می نویسم که مقابله شده اند و جزو آثار مطرح محسوب می شوند. هر کتاب مطرحی را باید یک منتقد که به آن حوزه مسلط است، نقادی و بررسی کند و ببیند که چاپ تازه این کتاب تا چه حد توانسته به اهداف خودش نزدیک باشد، اگر متن است، منتقد باید ببیند این متن درست تصحیح شده یا نه؟ اگر در حوزه تحقیقاتی است باید دید محقق آخرین حرف ها و تازه ترین حرف ها را در مورد یک اثر زده یا نه، مهم این است کتابی که در حوزه تاریخ و یا ادب منتشر می شود آخرین مباحث این موضوع را مطرح کرده باشد، اگر تکراری و مثل حرف های گذشتگان باشد، طبعاً آن اثر تحقیقی واجد ارزشی نیست». زندگی در میان متون و اشتغال مداوم به کار تصحیح و بازشناسی، نسخ قدیم، سیدعلی آل داوود را بدل به مسافر خستگی ناپذیر نسخه های کهن ساخته است.

جوائز و نشانها : بزرگداشت حامیان نسخه های خطی در کتابخانه مجلس، از بسیاری مصححان و پژوهشگران نسخه های خطی تقدیر شد که نام سیدعلی آل داوود نیز در آن فهرست بود. خود او با فروتنی در این مورد می گوید: «این تقدیر در واقع بابت نقدنویسی در مجله نشر دانش (وابسته به مرکز نشر دانشگاهی) است. یکی از کارهای اصلی این نشریه، نقد و بررسی نسخه های خطی است که توسط مصححان منتشر می شوند. در این نشریه یکی از کارهای من نوشتن نقد و بررسی روی آثار خطی است که منتشر شده اند. من در این چند سال بیش از شصت نقد در مورد این آثار نوشته ام. آنچه موجب این تقدیر شد در واقع سلسله نقدهای من بود».

چگونگی عرضه آثار : مقالات فراوان سیدعلی آل داوود را می توان در نشریات و کتاب های وزینی چون نشر دانش، نامه فرهنگستان، تحقیقات اسلامی، کتاب طوس (توس)، ارج نامه ایرج (با استخراج و فهرست نویسی درخشان سیدفرید قاسمی از آثار استاد ایرج افشار)، نامه بهارستان ... و مجله کانون وکلای دادگستری سراغ کرد. این آخری، مجله ای ویژه در زمینه تاریخ و مطالعات حقوقی است. سیدعلی آل داوود، رشته و حرفه معیشتی خود را نیز مثل کاردل، بسیار جدی دانسته و در آن مسیر نیز فکر و قلم خود را به کار گرفته است. از جمله: مجموعه آثار یغمای جندقی (جلد اول: دیوان اشعار غیر از فکاهیات؛ در سال ۱۳۵۷، و جلد دوم شامل مکاتیب، در سال ۱۳۶۲)، شرح احوال و آثار یغمای جندقی (در سال ۱۳۶۲)، شرح احوال و اشعار حریف جندقی (در سال ۱۳۶۶)، دو سفرنامه از جنوب ایران (به سال ۱۳۶۷). او این آزمودگی در نسخه های قدیم و کارورزی با ادبیات کهن ایران را در فضای ماهنامه وزین «یغما» (۱۳۵۷-۱۳۲۷) آموخته بود و از ۱۳۵۲ تا چند سال بعد، مدیر داخلی آن مجله و یار و یاور عمومی دانشمندش حبیب یغمایی بود. آل داوود جوان در محیط آن نشریه، با غنایی از ادب و فرهنگ ایران آشنا شد که در نوع خود منحصربه فرد بود

آثار :

۱ احوال و اشعار حریف جندقی

ویژگی اثر : تهران، انتشارات فتحی، ۱۳۶۶

۲ اسرار الشهود، اثر شمس الدین اسیری لاهیجی

ویژگی اثر : موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸

۳ برگزیده اشعار یغمای جندقی

ویژگی اثر : تهران ، امیر کبیر، ۱۳۶۵، چاپ دوم ۱۳۶۹

۴ تاریخ الفی،تاریخ ایران و کشورهای همسایه در بین سالهای ۸۵۰ تا ۹۸۴ هـق

ویژگی اثر : تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۸

۵ دو سفرنامه از جنوب ایران

ویژگی اثر : تهران، امیر کبیر، سال ۱۳۶۸، چاپ اول و چاپ دوم ۱۳۷۸

۶ دیوان اشعار صفایی جندقی

ویژگی اثر : تهران، انتشارات افرینش، ۱۳۷۰

۷ دیوان حافظ با مقدمه

ویژگی اثر : تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۶۷

۸ دیوان هنر جندقی

ویژگی اثر : انتشارات تالار کتاب، ۱۳۶۶، تهران

۹ مثنوی شمس و قمر، اثر خواجه مسعود قمی

ویژگی اثر : اسلام آباد پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۷

۱۰ مجموعه آثار یغمای جندقی جلد اول و دوم

ویژگی اثر : انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۵۷، چاپ دوم ۱۳۶۷ تهران ، جلد دوم این کتاب در تاریخ ۱۳۶۲ منتشر شد.

۱۱ نامه اقبال (۴۵ گفتار در زمینه مطالعات و تحقیقات ایرانی)

ویژگی اثر : تهران ، انتشارات هیرمند،۱۳۷۷

۱۲ نامه های امیر کبیر و انضمام رساله نوادرالامیر

ویژگی اثر : تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۱

۱۳ یوسف و زلیخا و شمس و قمر، اثر خواجه مسعود قمی

ویژگی اثر : تهران، انتشارات آفرین، ۱۳۶۹ منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

آل طالقانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۴۸ ق)، ادیب، فقیه و عارف. در نجف به دنیا آمد. مقدمات را در خدمت برادر خویش، سید هاشم، فراگرفت و ادبیات را در محضر شیخ احمد قفطان خواند. سپس به مجالس درس شیخ انصاری و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و میرزای شیرازی حاضر شد، تا در فقه و اصول به اجتهاد رسید. در اخلاق نیز مدتی نزد ملا حسینقلی همدانی رفت و از محضرش بهره‌ها گرفت. بیشترین شهرت وی در زمینه ادبیات است بدان پایه که او را سیبویه ملقب کردند. جماعتی از ادباء از شاگردان وی به حساب می‌آیند، از جمله: شیخ جعفر بدیری. در نجف وفات کرد و در صحن علوی دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مکارم الآثار (۱۳۴۰ -۱۳۳۹ /۴).

آل‌طیب شوشتری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در شوشتر متولد شد. در محضر عموی خود سید محمدباقر آل‌طیب علوم مقدماتی را خواند، و نزد پدرش و شیخ محمدکاظم ابن الشیخ سطوح عالی فراگرفت. سپس به دزفول مهاجرت کرد و از محضر شیخ محمدرضا دزفولی در زمینه فقه و اصول و حدیث بهره برد. آنگاه به قم رفت و چند سال در محضر آیت‌اللَّه حائری و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری تلمذ کرد و پس از دریافت درجه اجتهاد به زادگاهش بازگشت و به ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی پرداخت. وی از آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی نیز دارای اجازه بود. او در علم هیئت و علوم عقلی مهارت داشت و در فلسفه از شاگردان مبرز میرزا مهدی آشتیانی بود. از او آثار زیادی در فقه و اصول و حکمت و ادبیات باقی مانده، از جمله آثار وی: منظومه «ریاض المرضیه» که متضمن «الفیه» ابن مالك نحوی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۷ -۳۰۶ /۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۴ -۴۱۲ /۵).

آل‌عصفور، یوسف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۶ -۱۱۰۷ ق)، فقیه، متکلم، محدث، محقق، نویسنده و رجال شناس. از فرزندان احمد بن ابراهیم از شخصیتهای معروف روحانی و علمی این خاندان بود. وی در شاخوره‌ی بحرین زاده شد و در مکتب خانه و نزد پدر خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را آموخت. هنگام فتنه خوارج در بحرین، و مهاجرت پدرش احمد به قطیف، در شاخوره ماند و پس از چندی به آنان پیوست. در آنجا نزد شیخ حسین ماحوزی و شیخ احمد بن عبداللّه بلادی و شیخ‌احمد بن علی به آموختن علوم دینی مشغول شد. فوت پدر و سنگینی معیشت خانواده مانع ادامه‌ی تحصیل وی شد. پس به بحرین و سپس به مکه رفت و یکبار دیگر نزد شیح حسین ماحوزی بازگشت. از آنجا به بحرین، کرمان و شیراز رفت. و چون شیراز دچار خشم و غضب نادرشاه گشت به فسا رفت. در فسا برای تأمین نیازهای زندگی به کشاورزی پرداخت و با فراغت نسبی به کار تدریس و تحقیق مشغول گشت و تألیف مشهورترین اثر فقهی خود «حدائق» را آغاز کرد. اما پس از آشوب خونینی که در فسا رخ داد و میرزا محمدعلی، حاکم وقت فسا، که به وی التفات داشت کشته شد و دارایی و کتابهای خود وی نیز به غارت رفت به اصطهبانات و سپس به عراق رفت و در کربلا اقامت گزید و در این شهر به آرامش و امنیت و رفاه دست یافت و کتاب «حدائق» و چندین کتاب دیگر را تمام کرد. وی تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد و حیات خود را صرف تدریس و تعلیم و تحقیق و تألیف کتابای فقهی، روایی و کلامی و عبادی کرد. او استاد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» و از مشایخ روائی علامه بحرالعلوم است. در کربلا بر اثر طاعون درگذشت. بنابر وصیتش استاد وحید بهبهانی بر وی نماز گزارد و در کنار تربت امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «اعلام القاصدین»؛ «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة»، در فقه استدلالی؛ «سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی‌الحدید»؛ «الدررالنجفیة من الملتقطات الیوسفیة»؛ «انیس المسافر و جلیس الخواطر»؛ «لؤلؤة البحرین فی الاجازة لقرتی العین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۶ /۹) ایضاح المکنون (۲۰ /۲، ۱۰۳ /۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۲۹ /۴)، الذریعه (۳۸۰ -۳۷۹ /۱۸ ،۲۱۱ -۲۱۰ /۱۲ ، ۱۴۰ /۸ ، ۲۹۰ -۲۸۹ /۶ ، ۴۶۶ -۴۶۵ ،۲۳۹ /۲)، روضات الجنات (۱۹۰ -۱۸۶ /۸)، ریحانه، (۴۷۲ /۸) ،(۳۶۱ - ۳۶۰ /۳) ،(۲۳۴ /۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۶)، طرائق الحقائق (۱۸۶ -۱۸۰ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۰۷ -۱۴۰۶ /۲)، فوائد الرضویه (۷۱۶ -۷۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۴ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۹ -۸۷۶ /۶)، مصفی المقال (۵۰۵)، معجم المؤلفین (۲۶۹ - ۲۶۸ /۱۳)، هدیة الاحباب (۱۷۲)، هدیة العارفین (۵۶۹ /۲).

آملی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، کاتب. ملقب به صدرالکتاب. یک نسخه‌ی دیوان رودکی به قلم کتابت جلی متوسط به خط وی موجود است که در تهران چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۴ /۱).

آملی، ابوالحسین احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۱ -۳۳۳ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و محدث. در آمل به دنیا آمد. وی برادر یحیی ملقب به ناطق بالحق و از پیشوایان زیدیه‌ی طبرستان و معاصر صاحب بن عباد بود. و با برادر کوچک‌تر خود به برادران هارونی معروف بودند. پدر وی شیعه‌ی اثنی‌عشری بود و خود او و برادرش نیز نخست دارای این مذهب بودند و بعد از فرقه‌ی زیدیه‌ی پیوستند. آملی در پی کسب دانش به بغداد رفت و نزد دایی خود ابوالعباس احمد بن ابراهیم درس خواند. بعد به همدان رفت و نزد قاضی‌القضاة عبدالجبار همدانی درس خود را به پایان رساند و در فقه و اصول و نحو و لغت عربی و حدیث و درایت تبحر یافت و آراء فقهی او از سوی زیدیان ایران و کوفه و حجاز و یمن پذیرفته شد. وی در فصاحت شهره بود، چنانکه نثر وی را در کتابی که در پاسخ قابوس وشمگیر درباره‌ی فضایل امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) نوشت معجزه مانند دانسته‌اند. در دیلمستان با او به خلافت بیعت کردند و مدت حکومتش بیست سال طول کشید. آثار او عبارتند از: «التجرید»، و شرح آن؛ «دیوان» اشعار؛ «سیاسة المریدین»؛ «کتاب الافادة»؛ «کتاب البلغه»؛ «کتاب النصرة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۲ /۱)، اعیان الشیعه (۵۷۰ /۲)، تاریخ طبرستان (۱۰۱ ،۹۸)، تاریخ گیلان و دیلمستان (۲۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶ -۱۵ /۵)، معجم المؤلفین (۲۰۹ /۱).

آملی، محمدسلیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شارح و مترجم. وی «دعای مشلول» را شرح و ترجمه کرده است. این کتاب همراه «ترجمهٔ دعاء السمات» علامه مجلسی که در حدود ۱۰۰۰ سطر است با خط یک نویسنده گردآوری شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۱ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۸ /۱۲).

آموزگار یگانه، ژاله

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و زبانهای باستان، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی از مدرسه مطالعات عالی سوربن پاریس در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و اساطیر ایران باستان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و زبانهای باستانی، تاریخ و فرهنگ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

زبان، تاریخ، فرهنگ و اساطیر ایران باستان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آموزگار، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ق)، نویسنده و مترجم. پسر حبیب‌اللّه آموزگار در اصطهبانات فارس متولد شد. در رشته‌ی اقتصاد و ادبیات به اخذ مدرک کارشناسی نایل شد. برای تکمیل تحصیل به آمریکا رفت و دکترای خود را در هر دو رشته گرفت. پس از بازگشت به ایران مشاور اقتصادی شد. ولی مجدداً به آمریکا رفت و به تدریس در دانشگاه مشغول شد. وی مدتی نماینده‌ی اصطهبانات در مجلس بود و یک چند نیز وزیر بازرگانی شد. از آثار او است: «کلیما یا سایه‌ی خوبان»، ترجمه‌ای از کتاب آندره موروا.[۱]

(۱۳۵۹ -۱۲۶۹ ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در اصطهبانات فارس متولد شد. به شیراز رفت و مقدمات فقه و اصول و منطق را فراگرفت. در ۱۲۹۰ ش به تهران آمد و به جرگه‌ی مطبوعات وارد شد و سردبیر روزنامه‌های «آفتاب»، «صدای ایران»، و مدیر مجله «رهنما» و صاحب امتیاز مجله «علم و اخلاق» شد. سپس به ریاست مدرسه‌ی دولتی ادب منصوب گردید مدتی هم ریاست فرهنگ شیراز را بر عهده داشت. در وزارت دادگستری نیز یک چند مشاغل گوناگونی عهده‌دار شد. در سال ۱۳۳۰ ش وزیر فرهنگ و پس از آن چند دوره سناتور شد. از همکاران مجله‌ی «آینده» و جزء مؤسسان و شریکان دوره‌ی چهارم آن مجله بود از جمله‌ی آثار وی: «آموزش و پرورش»؛ «ابومسلم خراسانی»، ترجمه از عربی؛ «اصلاحات اجتماعی»؛ «تاریخ اسلام»؛ «رهنمای تربیت»، ترجمه از عربی؛ «زن در جامعه»؛ «فرهنگ آموزگار».[۲]

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۰، تهران.

درگذشت: فروردین ۱۳۵۹.

حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی، فرزند محمدحسین اصطهباناتی، تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس تهران پشت سر گذاشت و سپس به دارالفنون وارد شد و پس از فراغت از تحصیل به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی مدتی ریاست مدرسه‌ی دولتی ادب و پس از آن ریاست معارف فارس و ریاست تعلیمات ولایات را به عهده داشت. در زمان داور به وزارت عدلیه منتقل شد و به مشاغل مختلفی از عضویت استیناف و ثبت کل و بازرسی قضایی دست یافت. وی همچنین مدتی مستشار دیوان کشور بود. حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی، مدتی نیز در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تدریس نمود. مدتی در وزارت دادگستری در سمت‌های مختلف مشغول به کار بود. سال‌ها در مجلس سنا به عنوان نماینده‌ی منصوب شده بود و در کابینه‌ی حسین علاء که در ۲۹ اسفند سال ۱۳۳۰ تشکیل شد به عنوان وزیر فرهنگ معرفی گردید. این کابینه بر اثر تظاهرات مردم و اعتصابات ادارات و بازار به منظور ملی شدن صنعت نفت دیری نپایید و در دهم اردیبهشت سال ۱۳۳۱ سقوط کرد. حبیب‌الله آموزگار در دوره‌ی چهارم مجلس شورای ملی نیز نماینده بود.

آموزگار در تهران به عرصه مطبوعاتی وارد شد و به سردبیری روزنامه‌ی «آفتاب» و روزنامه‌ی «صدای ایران» و همچنین به مدیریت مجله‌های «رهنما» و «علم و اخلاق» رسید. آموزگار مدتی نیز صاحب امتیاز روزنامه «جهان آینده» بود.

علاوه بر تألیف برخی از کتب درسی، از آثار وی که قسمتی به صورت تألیف و قسمتی دیگر به صورت ترجمه است، می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: آموزش و پرورش (۱۳۱۶)؛ ابومسلم خراسانی (جرجی زیدان، ترجمه با همکاری عبدالحسین میرزا، سه جلد)؛ اصطلاحات اجتماعی (۱۳۰۷)؛ تاریخ اسلام (۱۳۳۴)؛ جهان و روح آفرینش (۱۳۳۳)؛ رهنمای تربیت یا اصول تعلیم (اثر عمر بیک مصری، ترجمه‌ی کتاب هدایة المدرس، تألیف و ترجه، ۱۳۰۱)؛ زن در جامعه (۱۳۱۱)؛ عالم ارواح (تلخیص و ترجمه از کتاب الارواح طنطاوی، ۱۳۰۷)؛ صرف عربی، عمدة النحو (نحو عربی)، فرهنگ فارسی آموزگار (چاپ اول: ۱۳۳۶)؛ منطق آموزگار (۱۳۰۱)؛ لغت عربی به فارسی آموزگار، فلسفه‌ی روحی (۱۳۰۸)؛ ملکه اسلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۴، ش ۵، ص ۳۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۴ -۴۴۳ /۲).

[۲] آینده (س ۴، ش ۱، ص ۲۳۷)، تاریخ جراید (۳۹ -۳۸ /۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۴ -۴۳ /۱)، الذریعه (۲۳ /۷۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۲ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۴ -۴۸۲ /۲).

آوانسی ماسئیان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۲ ش)، مترجم. آوانسی یا هوانس خان ماسئیان ملقب به عمادالوزاره و بعد ملقب به مساعدالسلطنه از ارامنه‌ی ایران بود که در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات در تهران و پاریس در اداره‌ی انطباعات و دارالترجمه‌ی دولتی به عنوان مترجم زبان انگلیسی و فرانسه مشغول به کار شد. مدتی نائب اول سفارت ایران در برلین بود، ولی با شروع جنگ جهانی اول به ایران آمد. در دوره‌ی ششم نماینده‌ی ارامنه‌ی جنوب در مجلس شد. پس از آن نیز مدتی وزیرمختار ایران در لندن و سفیر ایران در توکیو شد. در

سال ۱۳۱۰ ش از توکیو احضار شد، ولی در راه بازگشت در منچوری درگذشت. آوانس‌خان احاطه‌ی کاملی به زبانهای ارمنی، انگلیسی، فارسی، فرانسه و آلمانی داشت. آثار وی عبارت‌اند از: ترجمه‌ی آثار شکسپیر به ارمنی؛ «سفرنامه‌ی آنتوان و روبرت شرلی»، ترجمه‌ی منظوم بخشی از «شاهنامه» به ارمنی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۷۴ -۱۷۳ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰ /۱).

آوی، ابوالفتوح، احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۰۵ ق)، فقیه، محدث و کاتب. وی از شاگردان علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین بود و از هر دوی آنان اجازه داشت. علامه حلی در اجازه‌نامه‌اش از او تمجید بسیار کرده است. از آثارش استنساخ از نسخه «نهج‌البلاغه» سید ابوالرضا فضل‌اللّه راوندی و نگارش حواشی بر آن است. از دیگر آثارش شرح «قصیدهٔ العینیهٔ السینائیهٔ» است. او مجموعه‌ای از «نهج المسترشدین» و «مبادیء الاصول» حلی را نوشت و نوشته‌ها را بر فخرالمحققین خواند و از او اجازه گرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶ /۷، قرن ۵ /۸).

آوی، تاج الدین، ابوالفضل محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۷۱۱ ق)، ادیب، عالم و پیشوای مذهبی. اصل او از آوه و محل تولدش کوفه و محل نشو و نمای او نجف است. در آغاز کار واعظ بود. سلطان محمد اولجاتیو به او عقیده بست و مقام ریاست نقیبان همه بلاد اسلامی را به وی سپرد. رشیدالدین وزیر به دشمنی وی برخاست و با گرد کردن مخالفین و تطمیع سید جلال‌الدین ابراهیم بن مختار، سید تاج‌الدین و دو پسرش شمس‌الدین حسین و شرف‌الدین علی را تسلیم جلال‌الدین کرد و او به فرمان رشید وزیر ناجوانمردانه دو پسرش را پیش از وی کشت و سپس تاج‌الدین را به شهادت رساند. در این واقعه آثار تعصب بسیار به ظهور رسید. آستانه وی در کنار دجله بین عزیزیه و صویره در راه کوت و بغداد است، و یکی از زیارتگاه‌های شیعیان در اطراف بغداد به حساب می‌آید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۶۰۸)، روضهٔالصفا (۴۳۹ -۴۳۸ /۵)، ریاض العلماء (۳۹ /۷)، شهیدان راه فضیلت (۱۳۴ -۱۲۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۷ -۱۸۶ /۸)، مجالس المؤمنین (۵۱۸ /۱)، یادداشتهای قزوینی (۳ /۲).

آوی، حسین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۹ ق)، مترجم. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست اما از اشاره‌ای که به زندگی خود در کتاب ترجمه‌ی «محاسن اصفهان» کرده معلوم می‌شود که در اصل از سادات آوه- آبه کنونی بین قزوین و همدان- بوده است. در جوانی به کاشان و از آنجا به اصفهان سفر کرد در آن شهر مقیم شد و با بزرگان و متنفذین آن شهر همچون افراد خاندان صاعدی و خواجه شمس‌الدین محمد بن نظام‌الدین یزدی و امیر مظفرالدین شیخ علی و حکام آن دیار جلیس و همنشین بود. از آثارش: ترجمه‌ی «محاسن اصفهان» ما فروخی که به نام غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه همدانی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۸۷۷ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۰ -۸۵۹ /۲).

آهی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا ابوالقاسم خان در ۱۲۶۵ متولد شد. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به کمک عموی خود که منشی سفارت روسیه در تهران بود، برای ادامه‌ی تحصیلات به پطرزبورگ رفت و در آنجا مجدداً دوره‌ی متوسطه و عالی را در رشته‌ی حقوق به پایان رسانید. پس از مراجعت به ایران چندی در وزارت امور خارجه مصدر خدماتی شد و تا ریاست اداره ترقی کرد و بعد به ریاست شیلات شمال منصوب شد. در ۱۳۰۱ با علی‌اکبر داور محشور و نزدیک شد و از پایه‌گذاران حزب رادیکال و دنباله‌روی خط سیاسی داور بود. در ۱۳۰۱ با کمک و مساعدت حزب رادیکال، به معاونت وزارت معارف منصوب گردید و ضمناً در مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی تدریس می‌نمود.

در ۱۳۰۶ در تشکیلات نوین دادگستری با تربه‌ی ۹ قضائی به مستشاری دیوان عالی تمیز منصوب گردید و قریب ۶ سال در آن سمت باقی ماند. در ۱۳۱۲ استانداری فارس به عهده‌ی او قرار گرفت و در احیاء آثار باستانی فارس جد و جهدی از خود معمول داشت. در ۱۳۱۴ وقتی علی منصور ظاهراً به اتهام اخذ رشوه از شرکت کامپاکس برکنار و بازداشت شد، آهی به جای او به وزارت طرق منصور گردید و قریب سه سال در آن شغل مستقر بود و اتصال خطوط راه‌آهن شمال و جنوب در دوران تصدی او انجام گرفت. در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۱۷ برکنار و زندانی شد. علت برکناریش سوءظنی بود که رضاشاه به او داشت چون تحصیلکرده‌ی روسیه بود و با سفیرکبیر شوروی حشر و نشر زیادی داشت، شاه به او ظنین شده بود. در یکی از ملاقات‌ها به رضاشاه گفته بود مردم از حکومت رضایت ندارند. همین جلسه موجب عصبانیت فوق‌العاده‌ی شاه شد و دستور داد شهربانی او را توقیف کند و پرونده‌ای در دادگستری برایش درست کردند تا سرانجام بر اثر مجاهدت دکتر احمد متین دفتری وزیر دادگستری محاکمه‌ی او سر نگرفت و از وی رفع اتهام گردید و مدتی بیکار ماند تا اینکه در تیر ماه ۱۳۱۹ در کابینه‌ی علی منصور به سمت وزیر دادگستری تعیین و معرفی شد. در شهریور ۱۳۲۰ پس از حمله‌ی شوروی و انگلیس به مرزهای ایران، علی منصور از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد. رضاشاه ریاست دولت را به آهی تکلیف نمود ولی او زیر بار نرفت و به لطائف‌الحیل او را راضی کرد که باید در این موقع خطیر یکی از رجال باتجربه و پرسابقه در رأس دولت قرار بگیرد و شاه این پیشنهاد را پذیرفت و ریاست دولت را به فروغی واگذار کرد. شغل آهی در کابینه‌ی جدید همچنان وزارت دادگستری بود. دولت فروغی از نخستین روزهای تشکیل با مشکلات بسیار بزرگی

مواجه بود که از همه مهمتر ترک مخاصمه و تعیین تکلیف رضاشاه و بالاخره انعقاد پیمان‌نامه‌ای با دولتین شوروی و انگلیس بود. آهی در حل مشکلات نقش مهمی داشت. در حقیقت قائم‌مقام نخست‌وزیر و کارگردان دولت بود. در مذاکرات با سفراء شوروی و انگلیس آهی نقش‌آفرین شد. پس از استعفا و خروج رضاشاه از ایران، فروغی مجدداً با رأی تمایل نمایندگان مجلس به ریاست دولت رسید و آهی همچنان در کابینه با سمت وزیر دادگستری باقی ماند.

فروغی بعلت کسالت و کهولت غالباً قادر به حضور در مجلس شورای ملی نبود و تمام وظایف او را در مجلس، آهی انجام می‌داد. در سومین ترمیم کابینه باز هم شغل او محفوظ ماند و به هنگام طرح پیمان سه‌جانبه‌ی بین ایران و متفقین، دفاع اصلی از آن به دوش او قرار گرفت. در اوایل اسفند ۱۳۲۰ در چهارمین ترمیم کابینه، فروغی شغل آهی را تغییر داد و او را به وزارت اقتصاد و خواروبار و کشاورزی منصوب نمود. پس از معرفی هیئت دولت جدید، مجلس با اکثریت ضعیفی دولت را تأیید کرد ولیکن رأی مجلس مورد قبول فروغی واقع نشد و طبعاً خود و وزیران استعفا دادند. علی سهیلی جانشین فروغی در هیئت وزیران خود، آهی را به سمت وزیر دادگستری معرفی نمود و ضمناً برای سفارتش در مسکو از دولت شوروی تقاضای آگرمان کرد و در اوایل ۱۳۲۱ به مسکو رفت و قریب چهار سال در آنجا سفارت داشت. در ۱۳۲۵ در اثر بیماری به تهران بازگشت و سرانجام در همان سال در اثر بیماری سرطان درگذشت.

(۱۳۲۵ -۱۲۶۵ ق)، مترجم. پسر میرزاابوالقاسم آهی سفیر ایران در مسکو بود. در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق و اقتصاد در مسکو به پایان رسانید. مشاغل گوناگونی را عهده‌دار شد. استاد مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران، معاون وزارت معارف، وزیر راه و دادگستری، سفیر ایران در مسکو از ۱۳۲۱ ش تا پایان عمر در اواخر عمر به علت کسالت شدید به تهران بازگشت و در تهران درگذشت.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] یادگار (س ۳، ش ۳،ص ۲۸).

آهی، مهری

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مدرس، ادیب.

تولد تهران.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۶.

مهری آهی، فرزند مجید، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ژاندارک تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۰ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۱۱ پدرش به سفارت کبیر ایران در اتحاد حماهیر شوروی منصوب گردید و مهری آهی همراه پدر عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسوف مسکو به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۲۷ برای ادامه تحصیل خود در این رشته به انگلستان و فرانسه رفت و مدت هفت سال به تحصیل پرداخت و به اخذ دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات روسی نایل آمد. پس از مراجعت به ایران به تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکده ادبیات تهران و ادبیات تطبیقی مشغول شد و به ریاست مرکز زبان‌های خارجی دانشگاه تهران منصوب گردید. وی همچنین با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و ادبیات این زبان‌ها آشنایی داشت.

مهری آهی، علاوه بر تدریس به فعالیت‌های دیگری نیز می‌پرداخت. وی از اعضای مؤسس جمعیت راه نو، شورای کتاب کودک، انجمن کتاب و شورای عالی جمعیت زنان ایران بود و از همین رو در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی به نمایندگی از ایران حضور داشت. در سال ۱۳۳۶ در کنفرانسی که در مسکو از طرف سازمان ملل متحد تشکیل شد شرکت جست.

در سال ۱۳۳۸، از طرف کمیته ارتباطات برای شرکت در سمینار زنان و کودکان به نیویورک دعوت شد و سپس بنا به دعوت سازمان ملل در کنفرانس جمعیت‌های غیر دولتی شرکت نمود و نیز چهار دوره به عنوان نماینده‌ی ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد منصوب گردید و همچنین به نمایندگی ایران در دو همایش مربوط به حقوق بشر به مغولستان و مانیل اعزام شد.

در سال ۱۳۴۳ جزو هیئت نمایندگی ایران برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نمایندگی ایران در کمیسیون سوم (کمیسیون امور اجتماعی و اقتصادی) انتخاب شد و انجام وظیفه نمود. در همین سال بنا بر دعوت دانشگاه هاروارد در سمینار تابستانی آن شرکت کرد.

از ترجمه‌های وی می‌توان به این آثار اشاره نمود: مجموعه‌ای از قصه‌های آندرسن (مجموعه قصه، ۱۳۲۰)، پدران و پسران (اثر ایوان تورگنیف)، جنایت و مکافات (اثر فئودر داستایوسکی)، قهرمان کوچک (اثر نویسندگان خارجی، ۱۳۴۱). وی همچنین کتاب داستان کودکان هرکس خانه‌ای دارد را به رشته‌ی تحریر درآورد.

(وف ۱۳۶۷ ش)، مترجم. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه‌ی ژاندارک تهران به پایان آورد و در سال ۱۳۲۰ ش در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۲۱ ش همراه پدر که به سفارت ایران در شوروی (سابق) منصور شده بود عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسوف مسکو به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۲۷ ش برای ادامه تحصیل خود در این رشته با انگلستان و فرانسه مسافرت نمود پس از بازگشت به تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکده ادبیات تهران پرداخت. از جمله آثارش: ترجمه‌ی «آندرسن»؛ ترجمه «پدران و پسران» تورگنیف؛ ترجمه «قهرمان عصر ما» لرمانتف؛ ترجمه «قهرمان کوچک».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۴۷۱ - ۴۷۰ / ۶).

آیت قزوینی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به آیت. سلسله نسب وی منسوب به علمای مسجد جامع قزوین بود. از علوم ادبی و عربی و حکمت بهره داشت. مدتی در عراق و خراسان و فارس مسافرت کرد و با محمدخان دشتی مصاحبت داشت و در ۱۲۸۶ ق دیباچه‌ای بر «دیوان» دشتی نوشت. مدتی نیز در خدمت اسداللّه میرزا، از نوادگان ظل‌السلطان، بود و بعد از وفات وی جزو شعرا و ادبای دارالخلافه تهران شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۶۴ -۶۳ /۱)، الذریعه (۱۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۴)، مینو در (۳۵۸ -۳۵۷ /۲).

آیت‌اللّه‌زاده، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آیتی بیرجندی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم آیتی در سال ۱۳۳۳هجری قمری در قریه گازار از توابع بیرجند در خانواده‌ای روحانی و شیعه متولد شد و اهل خانه را از قدوم خویش شاد کرد این فرزند محمدابراهیم نام گرفت. وی از هفت سالگی برای فراگیری از قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی و از قبیل اینها وارد جلسات استادان آن زمان در شهر خود گردید. در سیزده سالگی به شهر بیرجند رفت و ادامه تحصیل خود را در کنار اساتید بیرجند گذراند. در هیجده سالگی در مدرسه باقریه شهر مشهد به قمستی از فصول و منطق تحت نظر استادان مجرب بودند. وی به درجه دکترا نایل گردید و در تمام طول تحصیل به تحصیلات حوزوی بسنده نشد. وی در سن ۵۱ سالگی در اثر سانحه تصادف در سال ۱۳۸۴ قمری جان خویش را از دست دادند.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر محمد ابراهیم آیتی شیخ محمد قائنی پیشنماز روستای گازار بود که به امور شرعی مردم رسیدگی می‌کرد. او در سلک روحانیت و در امور دینی خود و مردم کوشا بود. وی که توفیق تربیت در دامن مادر متدین پیدا نموده بود رشد کرد و به سن تحصیل رسید.

خاطرات کودکی : محمد ابراهیم آیتی مقدمات عربی از پدرش شیخ محمد قائنی یاد گرفت تا اینکه به نه سالگی که رسیدند پدر در سوم ماه رمضان ۱۳۴۲ مرحوم شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : هفت ساله بودم که پدرم مرحوم شیخ محمد قائنی مرا برای فراگیری قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی از قبیل عین الحیات و جلاء العیون و حلیهٔ المتقین مرحوم مجلسی نزد « آخوند ملا عبداللّه گازاری» برد و به وی سپرد. مقدمات عربی را از مرحوم پدرم فرا گرفتم، نه ساله بودم که پدرم در سوم ماه رمضان سال ۱۳۴۲قمری مرحوم شد. پس از آن شرح « قطرالندی» و « القیه» ابن مالک « سیوطی» و « شرح جامی» را نزد همان ملا عبداللّه و « محمد ابراهیم بویکی» خواندم. سیزده ساله بودم که با اجازه مادرم برای ادامه تحصیل به شهر بیرجند رفتم و مدت پنج سال در مدرسه معصومیه کتابهای « حاشیه» ملاعبداللّه یزدی و « شرح شمسیه» در منطق، « شرح نظام» « مغنی البیب» در صرف و نحو و قسمتی از « مطوّل» در معانی و بیان و بدیع و « معالم» و قسمتی از « قوانین الاصول» میرزای قمی در اصول، « تبصرهٔ» علامه حلّی و « شرح لمعه» شهید ثانی در فقه و مختصری حساب و هیأت و مقداری از شرح « سبعهٔ معلّقه» را خواندم. در این مدت پنج سال در شهر بیرجند از محضر مرحوم حاج شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی و آیهٔاللّه حاج شیخ محمد حسین آیتی و مرحوم شیخ غلامرضا فاضل و آقای حاج شیخ محمد علی ربّانی و مرحوم حاج ملا محمد دهکی استفاده بردم و شاگردی آنها را نمودم.هیجده ساله بودم که برای ادامه تحصیل به مشهد

مقدس مشرّف و در مدرسه باقریه ساکن شدم و بقیه شرح لمعه و مطول و قسمتی از فصول و قسمت منطق شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری و آنگاه تمام سطح مکاسب، رسائل شیخ انصاری و کفایه آخوند خراسانی را در محضر استادان فرا گرفتم. ضمنا هیئت قدیم را نزد مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و آقا شیخ مجتبی قزوینی و آیهٔاللّه میرزا حسین فقیه سبزواری و آیهٔاللّه ادیب نیشابوری و مرحوم حاج شیخ حسن پایین خیابانی و برخی اساتید دیگر خواندم. در همان حال با درس خارج فقه و معارف مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی آشنا شدم و با شوق فراوان در حدود دو سال به درس پر بهره ایشان می‌رفتم و در همین اوقات به درس شرح منظومه آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم می‌رفتم و از این راه با فلسفه قدیم آشنا شدم. آشنایی من با متون عالی فلسفه قدیم از قبیل شرح اشارات، شفای بوعلی و اسفار مرحوم آخوند ملاصدرا در خارج از محیط طلبگی بود.» آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و او در همان دانشکده معقول و منقول تهران تحصیل کرده بود و موفق به اخذ درجه دکتری شده بود. ایشان علاوه بر علوم اسلامی و ادبیات عرب به زبان انگلیسی نیز احاطه کامل داشت و از این راه با اندیشه‌های غربی و متون و روش تحقیق آنان آشنا گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : حوزه‌های درس هرگاه محدود به چند نفر و کم جمعیت بود غالبا در اطاقهای مسکونی مدارس و درسهای سطوح عالی و خارج که جمعیت بیشتری در آن شرکت می‌داشت بیشتر در مدرس‌های نسبتا وسیع مدارس که فرش آن در تابستان و زمستان منحصر به حصیر بود و یا در شبستان‌های مساجد که نیز در تابستان و زمستان حصیر فرش و بسیار سرد بود و هرگز بخاری نمی‌دید، تشکیل می‌گردید.کسانی که اهل کار و تحصیل بودند تقریبا تمام وقتشان به درس خواندن و مطالعه کردن و مباحثه کردن همان درسها و (اگر خود از فضلای حوزه بودند) به درس گفتن برگزار می‌شد و فقط در هفته‌ای دو روز پنجشنبه و جمعه تعطیل بود، که آن هم احیانا با درسهای تعطیلی از قبیل ریاضیات و هیئت و تفسیر و حدیث و جز اینها می‌گذشت.زندگی طلبگی بسیار ساده و در عین حال پرنشاط برگزار می‌شد. در آن تاریخ کمتر افکار اجتماعی به محیط طلبگی راه داشت و گیر و داری هم اگر پیش می‌آمد از حدود حجره‌های مدارس تجاوز نمی‌کرد. تا در بیرجند بودم با اینکه مدرسه معصومیه اوقاف زیادی داشت، به طلبه مدرسه چیزی نمی‌رسید و متصدّیان اوقاف تمام درآمد موقوفه را می‌خوردند و زندگانی ساده طلاب منحصرا از کمکهای پدران و مادرانشان می‌گذشت.اما در مشهد مقدس چون از طرفی موقوفات مدارس سرشارتر بود و از طرف دیگر متصدیان اوقاف آنجا مانند متصدیان اوقاف بیرجند نبودند مختصر حق السکوت و قوت لا یموتی به طلاب داده می‌شد و روزی که وارد مشهد شدم متصدی اوقاف مدرسه باقریه آقا شیخ جواد شیخ الاسلامی اصفهانی به دیدن من آمد و از همان روز مبلغ سی ریال (که شهریه کامل آن مدرسه بود) حقوق ماهیانه برای من قرار ساخت و این مبلغ در آن تاریخ برای زندگی طلبگی متوسط یک نفر به خوبی کفایت می‌کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : از امتیازات بسیار ارزنده حیات علمی محمد ابراهیم آیتی این است که او هرگز خود را در علوم متداول حوزه‌ها و مجامع علمی محدود نساخت. گو اینکه راز موفقیت هر اندیشهورِ دلسوز و تلاشگر و کاوشگر پر توفیق این است که خودجوش و زیرکانه بیابد چه چیزی را باید بخواند و کدام راه را برود. بدینسان او در تاریخ دوره اسلامی و تاریخ پیامبر و اهل بیت نیز تلاش فراوان کرد و یکی از متخصصان این رشته در آمد و از تألیفات ایشان نیز این نکته آشکار خواهد شد.

استادان و مربیان : از استادان محمد ابراهیم آیتی در زمینه های مختلف درسی می توان به موارد زیر اشاره کرد: آخوند ملا عبداللّه گازاری ابن مالک محمد ابراهیم بویکی میرزای قمی علامه حلی شهید ثانی باقر آیتی بیرجندی شیخ محمد حسین آیتی غلامرضا فاضل شیخ محمد علی ربانی حاج ملا محمد دهکی ملا هادی سبزواری شیخ انصاری آخوند خراسانی شیخ هاشم قزوینی مجتبی قزوینی حسین فقیه سبزواری ادیب نیشابوری حسن پایین خیابانی میرزا مهدی اصفهانی میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم آخوند ملاصدرا

هم دوره ای ها و همکاران : از دوستان محمد ابراهیم آیتی ، شهید مطهری، آیهٔاللّه بهشتی و آیهٔاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند.

زمان و علت فوت : محمد ابراهیم آیتی در سوم جمادی الثانیه ۱۳۸۴ قمری مطابق با هفدهم ۱۳۴۳ شمسی بر اثر سانحه تصادف جان خویش را از دست دادند. پیکر ایشان در قبرستان ابوحسن قم دفن گردید.

فعالیتهای آموزشی : محمد ابراهیم آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و در کنار تدریس به تحصیل نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۴شمسی در دانشکده علوم معقول و منقول مشغول به تدریس شد و درسهای تاریخ اسلام، تاریخ تمدن اسلام، فقه(دوره لیسانس) و فقه الحدیث(دوره دکتری) را درس می‌داد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دوستان محمد ابراهیم آیتی، شهید مطهری، آیهٔاللّه بهشتی و آیهٔاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند. در آن زمان نوای بیداری در بعضی از مجامع علمی و فرهنگی برخاسته بود و حرکت‌های خودجوش ارزشمندی برای شناخت درست اسلام ایجاد شده بود. کار مهم اندیشه وران آن روز تغذیه فکری این مجامع بود و استاد آیتی یکی از کسانی بود که در انجام این مهم کوشا بود. در انجمن اسلامی مهندسان، جلسات ماهانه دینی که شهید مطهری نیز سخنرانی داشت شرکت داشت و به سخنرانیهای ارزشمندی می‌پرداخت و این سخنرانیها بلافاصله تایپ و تکثیر می‌شد و با استقبال فراوانی نیز روبرو گشت.یکی از تلاش‌های تحسین برانگیز ایشان تلاش در راه انتشار کتابهای مذهبی بود که از آن جمله تلاش گروهی ایشان و همراهانش منشأ ایجاد « شرکت انتشار» گردید. باری او در راه اصلاح ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش از هیچ خدمتی فروگذار نکرد و با قلم و زبان و دست خویش هر آنچه کرد برای احیای فکر دینی و اندیشه الهی بود.او همچنین در پرداختن به برخی موضوعات اسلامی و پیراستن نقص‌ها و خرافه‌ها متون اصیل و استواری را عرضه کرد .

آرا و گرایشهای خاص : از خصوصیات محمد ابراهیم آیتی تحقیق‌های نو و بدیع است. او در تاریخ به بررسی و کنکاشی ارزنده پرداخت و نکات ابهام و نقاط کور را شناسایی کرد و به بحث و بررسی در آن پرداخت. . معظم له دارای ملکات نفسانیه و جامع علوم عقلیّه نقلیّه، مروج طریقه جعفریه بود. --

آثار :

۱ ۱۲افکار جاوید محمد

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه‌ای از متن انگلیسی

۲ آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا

ویژگی اثر : به طوری که ایشان در مقدمه کتاب ذکر می‌کنند این اثر حاصل تحقیق و تدریس سال‌های ۱۳۳۷و ۱۳۳۸دوره لیسانس دانشکده معقول و منقول تهران است و ایشان در این کتاب تاریخ حوادث مهم هشت قرن حکومت مسلمین در اروپا را به تفصیل بیان کرده‌اند که شامل تاریخ حکومتها، دست نشاندگان حکام عباسی و غیر آن می‌باشد. این کتاب در سال ۱۳۴۰در ۳۵۷صفحه چاپ شده است.

۳ آیینه اسلام

ویژگی اثر : ترجمه‌ای است از متن عربی آن اثر نویسنده توانای مصری دکتر طه حسین که در تهران وسیله شرکت انتشار به چاپ رسیده است.

۴ بررسی تاریخ عاشورا

ویژگی اثر : این خصلت او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا به خوبی ظهور کرده است یعنی او در این قضیه مطیع و دنباله‌رو هیچ

کس نیست و آزادانه و زیبا بر اساس مبانی اصیل و اساسی قرآن و عترت و با عقل سلیم و ذهل جوال خویش به میدان آمده و به راستی به نقد احیاگری در جریان عاشورا دست زده است.خمیر مایه این کتاب را مجموعه هفده سخنرانی دکتر آیتی در رادیو ایران در سال‌های ۱۳۴۳ - ۱۳۴۲تشکیل می‌دهد. این اثر به همت استاد علی اکبر غفاری تنظیم و چاپ شده و تاکنون در حدود ۱۰نوبت تجدید چاپ شده است.

۵ تاریخ پیامبر اسلام

ویژگی اثر : این کتاب تحقیقی است مستند، گسترده و دقیق بر اساس متون کهن در پیرامون حیات اشرف مخلوقات هستی حضرت رسول اکرم (ص)که مؤلف در تنظیم آن زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند. این کتاب با تعلیقات و اضافاتی از دکتر ابوالقاسم گرجی از طرف دانشگاه تهران چاپ شده و چندین بار تجدید چاپ گردیده است.

۶ ترجمه البلدان یعقوبی

ویژگی اثر : این کتاب نیز به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۶در ۲۱۱صفحه چاپ شده است.

۷ ترجمه تاریخ یعقوبی

ویژگی اثر : این کتاب در دو جلد ضخیم چاپ شده است و از ترجمه‌های ارزشمند متون تاریخی به حساب می‌آید به طوری که در سال ۱۳۴۲این ترجمه به عنوان کتاب سال شناخته شد. متخصصان ترجمه نسبت به ترجمه‌های دقیق و اصولی مرحوم آیتی اعتماد خاصی دارند. این اثر نیز چندین بار تجدید چاپ شده است.

۸ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی

ویژگی اثر : مرحوم استاد آیتی جلد ۳و ۴این تفسیر را به صورت زیبا و اصولی تصحیح نموده‌اند و در سال ۱۳۴۰از طرف اداره اوقاف تهران به چاپ رسیده است.

۹ خطبه‌های رسول اکرم(ص

ویژگی اثر : به زبان عربی نگارش یافته و تاکنون چاپ نشده است.

۱۰ راه و رسم تبلیغ

ویژگی اثر : مقاله‌ای است که در کتاب گفتار ماه جلد دوم، ص ۱۷۴ - ۱۴۹به چاپ رسیده است.

۱۱ سرمایه سخن

ویژگی اثر : این کتاب به انگیزه تقویت و غنی سازی سخنرانیهای اسلامی تهیه شده است و مجموعه ۸۰مقاله درباره مناسبت‌های مذهبی است که سی مجلس آن درباره ماه مبارک رمضان، بیست و پنج مجلس درباره ماه محرم و صفر و بیست و پنج مجلس دیگر در مناسبت‌های دیگر سال می‌باشد. این اثر به همت مرحوم آیتی و یکی از دوستانش به نام سید محمد باقر سبزواری تهیه و تنظیم شده و در سال ۱۳۳۹به چاپ رسیده است.

۱۲ سیمای امیرالمؤمنین از مسجدالحرام تا مسجد کوفه

ویژگی اثر : این کتاب سخنرانی استاد در جلسه ماهانه دینی است که ابتدا در کتاب گفتار ماه، ج ۳ص ۱۶۴ - ۱۲۹۶چاپ شده و سپس به صورت جداگانه به زیور طبع آراسته گردیده است.

۱۳ شهدای اسلام

ویژگی اثر : به عربی است و تاکنون چاپ نشده است.

۱۴ فهرست ابواب و فصول اسفار

ویژگی اثر : این مقاله در یادنامه ملاصدرا به چاپ رسیده است.

۱۵ کتاب و سنت

ویژگی اثر : در کتاب گفتار ماه جلد اول، ص ۲۲۵تا ۲۵۲به چاپ رسیده است.

۱۶ گفتار عاشورا

ویژگی اثر : با همکاری عده‌ای از اندیشه وران.

۱۷ مجموعه سخنرانیها در مورد شخصیت‌های برجسته عالم اسلام

ویژگی اثر : و مقالات و سخنرانیهای علمی و تحقیقی ارزشمندی که براستی شایسته است در یک مجموعه ارزشمند گرد آید.فرازهایی از اندیشه استاد آیتی

۱۸ مرجعیت و روحانیت

ویژگی اثر : این کتاب را نیز با همکاری عده‌ای از نویسندگان تألیف کرده است.

۱۹ مقولات عشر

ویژگی اثر : این کتاب رساله تز دکترای آن مرحوم می‌باشد و در روزنامه ۱۳۷۱ / ۶ /۵مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

۲۰ همه مسؤول یکدیگریم

ویژگی اثر : مقاله‌ای است در کتاب همه مسؤول یکدیگریم که بحث زیبایی درباره امر به معروف و نهی از منکر نموده است. کتاب توسط انتشارات تشیّع در سال ۱۳۵۶به چاپ رسیده و مقاله در کتاب گفتار ماه، ج ۱ص ۷۶ - ۴۵نیز چاپ شده است.

آیتی قائنی، ضیاءالدین محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۷ -۱۳۱۰ ق)، فقیه، متکلم، ادیب و شاعر، متخلص به آیتی. در روستای مهموئی از توابع قاین متولد شد. مقدمات علوم را در بیرجند آموخت. سپس به مشهد رفت و به تحصیل در حوزه علمیه آنجا پرداخت علوم ادبی را نزد شیخ عبدالجواد نیشابوری و مقداری فقه و اصول را از پدر خود آموخت. در سال ۱۳۳۱ ق به مکه رفت و در این سفر از قفقاز، سوریه، ترکیه و عراق دیدن کرد. در بازگشت به اصفهان رفت و مدت دو سال در حوزه‌ی این شهر درسهای فقه و اصول را آموخت و از محضر اساتیدی چون سید علی نجف‌آبادی و شیخ محمد الهی گنابادی استفاده کرد، سپس به نجف رفت و مدت پنج سال نزد آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی دروس خارج فقه و اصول را آموخت. در سال ۱۳۴۳ ق به بیرجند بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس و تألیف پرداخت. علاوه بر بهره کافی در زمینه دانشهای مختلف طبع شاعرانه‌ای هم داشت و حدود بیست هزار بیت شعر سروده است. آثار وی: شرح «کفایهٔ الاصول» علامه خراسانی؛ «درّالفرید فیماروی عن السبط الشهید»، در خطب و مواعظ و اشعار سیدالشهداء (ع)؛ «مقامات معنوی»؛ «مقامات الابرار»؛ «بهارستان»، شرح حال رجال قاینات و قهستان؛ «تتمیم بهارستان»؛ «دیوان درّ غلطان»؛ «فوائد العقول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۷۷ -۳۶۷ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۸۸ -۴۸۶ /۲)، الذریعه (۱۳ /۲۲)، صد سال شعر خراسان (۵۵ -۵۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۸ -۲۶۶ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۸ -۶۸۷ /۲).

آئینه وند، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و ادبیات اسلامی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته تاریخ و ادبیات اسلامی از دانشگاه القدیس یوسف لبنان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ اسلام، تاریخ شیعه، فرهنگ و تمدن اسلامی، علوم حدیث، علوم قرآن، سیره، ادبیات عرب، علوم سیاسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ اسلام، ادبیات سیاسی، علم‌التاریخ، تاریخ شیعه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادبیات، تاریخ، فقه، فرهنگ و تمدن اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بابا افضل کاشانی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۷ ق)، حکیم، نویسنده، عارف، ادیب، شاعر، متخلص به افضل. معروف به بابا افضل. ولادت او در مرق بین اصفهان و کاشان اتفاق افتاد. بابا افضل بیشتر در زادگاه خود به اعتکاف، تدریس، تألیف، تحقیق و مباحثه روزگار می‌گذرانید. نسبت تعلیم خواجه نصیر طوسی با یک واسطه به او می‌رسد. وی مدتی از عمر خود را به علت رشک حاسدان و سخن‌چینی آنها در زندان گذرانده است که با توجه به گفته‌های صفا حبس وی سخت مورد تردید است شیوه نثر بابا افضل بسیار پخته و به اصول متقدمان

نزدیک است. در رسالات خود کوشیده لغات فارسی را به جای اصطلاحات عربی قرار دهد. وی چند رساله در تصوف و سلوک و حکمت به زبان فارسی دارد با متنی بسیار فصیح. مجموع رسائل وی تحت عنوان «مصنفات بابا افضل» نشر یافته است، این رسایل بیانگر اندیشه‌های حکمی و تفکراتی است که بر نویسنده دست می‌داده است و همچنین بیان‌کننده مواعظ و حکم و حقایق عرفانی است. مدفن وی در مرق کاشان است. تاریخ وفات وی را به اختلاف ۷۰۷، ۶۰۶ و ۶۶۴ ق نوشته‌اند که صحیحتر آن همان است که در بالا ذکر شد. آثار بسیاری از وی به جا مانده است، از آن جمله‌اند: «المفید للمتسفید»؛ ترجمه‌ی «رساله‌ی نفس» ارسطو؛ «جاودان نامه» یا «جاویدنامه»؛ «ره‌انجام نامه»؛ یا «آغاز و انجام»؛ «انشاء نامه»؛ «مدارج الکمال؛ «ساز و پیرایه شاهان پرمایه»؛ «منهاج المبین»؛ «عرض نامه»؛ «مبادی موجودات نفسانی»؛ «مکتوبات»؛ «رباعیات»؛ «رساله در منطق»؛ ترجمه‌ی «رساله تفاحه»، ارسطو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۷ -۱۱۸۲، ۴۳۴ -۴۲۶، ۲۵۲، ۲۵۰ - ۳/)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۵۹ -۴۵۱) تاریخ کاشان (۵۶۳ -۵۶۲، ۴۳۹)، حبسیه در ادب فارسی (۱۲۳ -۱۲۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۵۷/۱)، الذریعه (۱۱۶/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۲۱۵، ۲۱۲، ۱۹۲)، ریاض العارفین (۱۶۴)، ریحانه (۲۱۳ -۲۱۲ /۱)، سبک‌شناسی (۱۶۵ -۱۶۲ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰/۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۶۳ -۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶)، کشف الظنون (۱۶۴۰، ۵۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا افضل کاشانی) مؤلفین کتب چاپی (۳۹۵ -۳۹۳ /۵) مجمع‌الفصحا (۲۵۹ -۲۵۵ /۱)، مخزن الغرائب (۷۷/۱)، هفت اقلیم (۴۵۲ -۴۴۹ /۲)، یغما (س ۴، ش ۹، ص ۴۱۷ -۴۱۴).

باخرزی، ابوالحسن، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۷ ق)، ادیب، شاعر و فقیه شافعی. مشهور به رییس علی حسن‌خان و ملقب به تاج الرؤسا. در باخرز و نیشابور به فراگیری علم پرداخت و سفری دور و دراز به شهرهای ایران و عراق کرد. وی در جوانی کاتب طغرل بیگ و شاگرد شیخ ابومحمد جوینی بود. اما به میل خود از دربار بیرون رفت و در سلک عارفان درآمد. وی در مجلس شادخواری به دست والی باخرز کشته شد. باخرزی به زبان فارسی و عربی «دیوان» شعر داشته که «دیوان» فارسی او از میان رفته است و همچنین در شعر فارسی مجموعه‌ی رباعیاتی به نام «طرب خانه» داشته که ظاهرا آن هم در میان نیست. از شعر فارسی او جز یک قصیده و چند قطعه چیز دیگری در دست نیست. از دیگر آثار او کتاب «دمیهٔ القصر و عمرهٔ اهل العصر» که از کتابهای معروف ادبیات عرب و ذیلی است بر «یتیمهٔ الدهر» ثعالبی. گویند علی بن زید بیهقی بر آن ذیلی تحت عنوان «وشاح الدمیهٔ» نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۱/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۸ -۱۰۳۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۳ -۵۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶۲/۱)، الذریعه (۱۱۸/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۰۷ -۱۰۶) ریحانه (۲۱۹ -۲۱۸ /۱)، سیرالنبلاء (۳۶۴ -۳۶۳ /۱۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۳ -۸۲)، فرهنگ سخنوران (۴۰۱)، کشف الظنون (۲۰۴۹، ۱۱۰۳، ۷۷۸، ۷۶۱)، الکنی و الالقاب (۶۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ باخرزی)، معجم الادباء (۴۸ -۳۳ /۱۳)، معجم البلدان (۳۷۶/۱)، معجم المؤلفین (۶۵/۷)، وفیات الاعیان (۳۸۹ -۳۸۷ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۹۲/۱).

باخرزی، ابونصر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۵ ق)، ادیب. به قول صاحب «دمیهٔ القصر » وی از بزرگان و مفاخر باخرز و دارای شعری دقیق و روان بود. مدتی نیز وزیر امیر بیغو حسن بن موسی در خراسان بود. بالاخره در قریه‌ی بنداشیر به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۲/۱).

باخرزی، اسماعیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نویسنده و لغوی. وی مؤلف کتاب «خلاصهٔ اللغات و تفسیر المشکلات»، در لغت عربی به فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۱۴).

باشی، بهزاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۱۱.

درگذشت: مهر ۱۳۷۰.

بهزاد باشی فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم سیاسی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران بود. در جوانی به زندان افتاد و موسیقی را پیش خود و پدرش (پیش از زندان) و در زندان‌های کودتای ۱۳۳۲ آموخت و با موسیقی کلاسیک به همین ترتیب آشنا شده بود.

فعالیت مطبوعاتی وی از سال ۱۳۳۵ آغاز شد و حدود سی سال به طول انجامید. مدتی مترجمن بخش خارجی روزنامه‌ی «کیهان» و سردبیر اخبار خارجی خبرگزاری پارس بود. علاوه بر چندین نشریه‌ی دیگر و سازمان رادیو و تلویزیون هم همکاری داشته است.

بهزاد باشی ده سال آخر عمر را بر ترجمه‌ی کتاب پنج جلدی تاریخ جامع موسیقی که حجم آن بیش از چهار هزار صفحه است، صرف کرد که در سه جلد در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. از ترجمه‌های دیگر وی می‌توان از: یوهان سباستیان باخ (آلبرت شوایتزر)؛ زندگی‌نامه سوکارنو؛ خاطرات مک میلان؛ خاطرات سارا چرچیل؛ از استالین تا خروشچف؛ تاریخچه‌ی سینما؛ تاریخچه‌ی هواپیما؛ تاریخ موسیقی؛ زندگی شومان (نوشته جون شیسل)؛ آمریکای بزرگ و حقوق بشر؛ جامعه‌ی فئودالی؛ خنیانگری و موسیقی ایرانی؛

سلفای موسیقی ایران نام برد که همه آنها را از انگلیسی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

باطنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدرضا باطنی در سال ۱۳۱۳ در اصفهان به دنیا آمد.ایشان مدرک کارشناسی ارشد و دکتری رشته زبان و ادبیات انگلیسی را از انگلستان دریافت کرد.او تا سال ۱۳۶۰استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بودو از سال ۱۳۶۴ تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسهٔ فرهنگ معاصر را به عهده دارد. کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی "تالیف محمد رضا باطنی(با همکاری همکارانش) ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا باطنی کارشناسی زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم فعلی) و کارشناسی ارشد و دکتری در زبان انگلیسی را از انگلستان دریافت داشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمدرضا باطنی تا سال ۱۳۶۰استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بود و از سال ۱۳۶۴ تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسهٔ فرهنگ معاصر را به عهده دارد.جوائز و نشانها : کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی "تالیف محمد رضا باطنی(با همکاری همکارانش) ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : تألیفات و ترجمه های فراوانی در زبان شناسی و علوم از محمد رضا باطنی به چاپ رسیده است .آثار : ۱ پیرامون زبان و زبان شناسی ویژگی اثر : تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۷۲ توصیف ساختمان زبان فارسی ویژگی اثر : تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۸۳ زبان و تفکر ویژگی اثر : تهران: زمان، ۱۳۵۴۴ ساخت و کار ذهن ویژگی اثر : (ترجمه)؛ انتشارات فرهنگ معاصر۵ فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی ویژگی اثر : این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است۶ نگاهی تازه به دستور زبان ویژگی اثر : تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۱

باغ نوی شیرازی، شمس‌الدین حبیب الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ /۹۹۴ ق)، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب. معروف به میرزاجان. چون در محله باغنو شیراز می‌زیست به باغنوی معروف بود. او شاگرد جمال‌الدین محمود از دانشمندان زمان خود و از معاصران علامه جلال‌الدین دوانی بود. شمس‌الدین در علوم زمان بخصوص در حکمت و منطق دست داشته است و یکی از آخرین حکمای بزرگ ایران است که پیرو طریقه‌ی اشعریان و از شافعیان متعصب بود و در کلام و اصول نیز دست داشت. وی چند سالی قبل از وفات به هندوستان رفت و همان جا درگذشت. از تألیفات او: «انموذج الفنون»؛ «تعلیقات بر شرح «مختصر العضدی»؛ «حاشیه بر شرح جدید قدیم؛ «تجرید الکلام»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی بر حاشیه‌ی شرح مطالع»؛ «حاشیه بر اثبات الواجب دوانی»؛ «حاشیه بر محاکمات قطب‌الدین شیرازی بر شرح اشارات»؛

«حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی» و «حاشیه بر مطول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۲/۲)، بزرگان شیراز (۳۳۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۵/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۹)، الذریعه (۱۰/۶)، روضات الجنات (۱۲/۳)، ریحانه (۶۳/۶)، صبح گلشن (۴۸۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۶۰ -۹۵۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰)، کشف الظنون (۱۸۵۳، ۱۷۱۶، ۸۴۲، ۶۸۵، ۴۷۶، ۴۷۵، ۱۸۵، ۹۵)، الکنی و الالقاب (۲۲۱/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب)، معجم المؤلفین (۱۸۸/۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۵۲)، هدیهٔ العارفین (۲۶۳ -۲۶۲ /۱).

بافقی علی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شرف‌الدین علی بافقی از سخنوران نامی و مشاهیر اهل فضل و استاد وحشی بافقی بوده از یزد بشیراز رفته و بتحصیل علم پرداخته پس بهند رفته و محل توجه اکابر گردیده و بعد از مراجعت در دربار شاه طهماسب صفوی ۹۳۰ تا ۹۸۴ قمری تقرب یافته و در واقعه‌ی قتل بایزید پسر سلطان سلیم با چهار پسرش این رباعی را در قزوین گفته و بنظر شاه رسانده و مورد اکرام شاهانه گردید.

دست ستم سپهر بیداد نما

سر پنجه فتنه داشت از میخ بلا

چون دعوی زور پنجه با بخت تو کرد

اقبال تو ساخت دستش از پنجه جدا

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بافی خوارزمی، ابومحمد عبدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۸ ق)، ادیب، نحوی، شاعر و فقیه شافعی. نسبتش به باف از توابع خوارزم می‌رسد. خطیب بغدادی گوید که اصل وی از بخارا است، لذا، به وی بافی بخاری نیز می گویند. او شاگرد ابوعلی بن ابی‌هریره مروزی و ابواسحاق مروزی است. بافی شاعری ماهر بود و در فنون ادب مهارت داشت و فصیح، بدیهه‌گو و نیکو محضر نیز بود. وی متصدی منصب تدریس در بغداد بود و کتب شافعی را درس می گفت و شاگردان از دور و نزدیک برای استفاده به محضرش می‌آمدند. به گفته‌ی خطیب او در زمان خود فقیه‌ترین مردم در مذهب شافعی بود. وی در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۵ -۲۶۴ /۴)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۸ -۳۵۷ /۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ بغداد (۱۴۰ -۱۳۹ /۱۰)، ریحانه (۲۲۲/۱)، سیر النبلاء (۶۹ -۶۸ /۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد)، معجم البلدان (۳۸۸/۱).

باقولی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۳۵ ق)، ادیب، نحوی و مفسر. مشهور به جامع العلوم و معروف به جامع باقولی. در علم نحو و فنون اعراب پیشگام افاضل عصر خود بود. از آثار وی: «شرح الجمل» یا «الجواهر فی شرح جمل عبدالقاهر»، در نحو؛ «المجمل»؛ «الاستدراك» بر ابوعلی فارسی؛ «البیان فی شواهد القرآن»؛ «علل القراآت»؛ کشف المشکلات و ایضاح المعضلات فی علل القرآن»؛ «شرح اللمع»؛ «تفسیر جامع العلوم» یا «تفسیر القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۰/۵)، الذریعه (۲۶۹ -۲۶۸ /۴)، روضات الجنات (۲۴۱/۵)، ریحانه (۳۸۲/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۶ -۱۸۵ /۶)، الکنی و الالقاب (۱۳۸/۲)، کشف الظنون (۱۴۹۳، ۱۱۶۰، ۶۰۳، ۲۶۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم الادباء (۱۶۷ -۱۶۴ /۱۳)، معجم المؤلفین (۷۵/۷)، هدیهٔ العارفین (۶۹۷/۱).

بامداد، پروین تکین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پروین تکین بامداد در سال ۱۳۰۴ ، در تهران دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود. پروین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی والدین و انساب : پروین تکین بامداد فرزند حاجی خان تکین مدیر چاپخانه ارتش و دکتر بدرالملوك بامداد می باشد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مادر پروین تکین بامدادکتابهایی در مسائل آموزش و پرورش نوشت و سفری برای مطالعات فرهنگی و به دست آوردن اطلاعات تازه علمی به آمریکا رفت و پس از دریافت دانشنامه دکترا از دانشگاه کلمبیا و بازگشت به تهران ، دبستان و دبیرستان نمونه ای تاسیس کرد. او چندی روزنامه «زن امروز» را منتشر کرد. و پس از درگذشت حسین صبا مدیر روزنامه « ستاره ایران » و شوهر اول خود همسر حاجی تکین شد و پس از او با آقای بامداد ازدواج کرد و پروین از این پیوند دوم متولد گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین تکین بامداد در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : پروین تکین بامداد

از کودکی به شعر گرایش پیدا نمود ، مادرش در این باره چنین می گوید: « پروین از یازده سالگی گاه گاهی شعرهایی نزد من می آورد با آنکه سروده هایش بی بهره از اندیشه و ذوق نبود ولی وی را ازمن پنهان می کرد و برای خود شعر می سرود. »همسر و فرزندان : پروین تکین بامداد با مهندس قدسی ازدواج کرد که ثمره آن پسری به نام سهیل است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پروین تکین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد.

منابع زندگینامه :شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف مجید شفق ، ج ۱ ، تهران: انتشارات سنایی ، ص۱۳۳ ـ دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، تالیف: پوران فرخزاد ، ج ۱ ، تهران: انتشارات زریاب ، ص ۳۷۹

بایسنغر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شاهرخ پسر تیمور (۸۳۷ -۸۰۲) که خود از خوشنویسان و هنرمندان بود و اهل هنر را تشویق بسیار می‌کرد و در کتابخانه‌ی او پیوسته چهل تن از خوشنویسان و مذهبان و مصوران مشغول کتابت و تذهیب و تصویر بودند. بایسنقر میرزا در خطوط اصول (شش- قلم) شاگرد شمس‌الدین محمد بن حسام هروی معروف به شمس بایسنغر بوده است و خود در خط محقق و ثلث از استادان برجسته. کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث اوست که در بیست سالگی نوشته و از قدرت و قوت قلم سحر و معجزه‌ای به یادگار گذاشته است. کتابت بزرگترین قرآن موجود به خط محقق نیز اثر ارزنده‌ی اوست که هم‌اکنون بعض صفحات آن در موزه‌ی آستان قدس رضوی و کتابخانه‌ی سلطنتی و کتابخانه‌ی ملی و موزه‌ی ایران باستان و کتابخانه‌ی ملک و بعضی مجموعه‌های خصوصی موجود است و منسوب به او می‌دانند و بعضی از اوراق آن هم در امامزاده‌ای در قوچان بوده است چه در حدیق‌الحقایق است که:

«... از زلزله جز همان امام‌زاده سلطان ابراهیم بن علی بن موسی‌الرضا (در قوچان) چیزی باقی نمانده و بعضی اوراق قرآن خط میرزا بایسنغر بن میرزا شاهرخ ابن امیر تیمور گورکانی در آنجاست. گویند نادرشاه افشار از سمرقند به آنجا آورده از عجایب آثار است: طول صفحه دو ذرع و نیم، عرض یك ذرع و ده گره، طول سطر یك ذرع، عرض سطر پنج گره، بین‌السطور یك چارك اندازه‌ی قلم صد یك ذرع، و شاه شهید در سفر خراسان دو صفحه از آن را برای اطاق موزه به تهران آورد». حدایق‌الحقایق ج ۳، ص ۳۱۳.

بایسنغر میرزا در سنین جوانی (سی و پنج سالگی یا سی و هشت سالگی) در هرات بدرود حیات گفت. مولف «حبیب‌السیر» درباره‌ی او می‌نویسد: «به مجالست ارباب عالم و کمال به غایت مایل و راغب بود و در تعظیم و تبجیل اصحاب فضل و هنر در هیچ وقتی از اوقات اهمال و اغفال نمی‌نمود و خردمندان کامل از اطراف و اکناف ایران و توران به هرات آمده در آستان مکرمت آشیانش مجتمع می‌بودند، و بلغای وافر کیاست و فصحای صاحب فراست از اصار و امصار عراق و فارس و آذربایجان به درگاه عالم پناهش شتافته صبح و شام ملازمت می‌نمودند و آن شاهزاده عالی شأن در تربیت و رعایت تمامی آن طایفه گرامی کوشیده همه را به وفور انعام و احسان مسرور و شادمان می‌ساخت و هر کس از خوشنویسان و مصوران و نقاشان و مجلدان در کار خویش ترقی می‌کرد به همگی همت، به حالش می‌پرداخت».

بایسنغر میرزا دوست‌ترین و بانی زیباترین مکتب کتاب‌سازی در ایران بوده است و در هیچ دورانی به اندازه‌ی زمان او نسخه‌های

نفیس و زیبا نوشته و تصویر نشده است به طوری که در کمتر کتابخانه‌ای در جهان ممکن است از کتابهای کتابخانه‌ی بایسنغر نسخه‌ای یافته نشود.

(۸۳۷ –۸۰۲ / ۸۰۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر. در سال ۸۲۰ ق پدرش سمت قاضی القضاۀ دربار خود را به او داد و در سال ۸۳۵ ق تبریز را تصرف کرد و در همان سال حاکم استرآباد شد. در اواخر عمر به علت اینکه اخترشناسان عمر او را چهل سال بیشتر تخمین نزده بودند، به میگساری پرداخت و دست به کارهای ناشایست زد. وی ذوقی ادبی و هنری داشت و اشعار و آثار فارسی را به دقت مطالعه می‌کرد و در سرودن اشعار فارسی و ترکی نیز مهارت داشت. مجلس او مجمع شاعران، مورخان، خوشنویسان و نقاشان ایرانی بود. خود در خط استاد بود و شاگرد شمس‌الدین محمد هروی خوشنویس. خطوط محقق و ثلث را به مهارت می‌نوشت و اوراق قرآنهایی که به خط خود نوشته، هنوز در دست است و رقم استادانه او بر طاق و اطراف سر در مسجد گوهرشاد که آیاتی از قرآن مجید نوشته، ظاهر است. میر علی، خوشنویس معروف، و بسیاری دیگر از خوشنویسان آن عصر در کتابخانه او کار می‌کردند، بایسنقر در نقاشی و تهذیب نیز دست داشته و بانی زیباترین مکتب کتابسازی در ایران بوده است. نسخه‌ای از شاهنامه به دستور وی فراهم شد و خود مقدمه‌ای بر آن نوشت که به «دیباچه بایسنقری» و یا «شاهنامه‌ی بایسنقری» معروف شد. در تذکره‌ی «صبح گلشن» سال ولادت او ۸۳۵ ق و سال وفاتش ۸۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار او: کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث که در بیست سالگی نوشته است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۲ –۱۰۵۱/ ۴)، از سعدی تا جامی (۷۲۹ –۷۲۸، ۵۵۵، ۵۳۸ –۵۳۷)، پیدایش خط و خطاطان (۹۹ –۹۸)، تاریخ ادبی ایران (۱۸۷/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۸ –۷۹۷)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۹ –۸۰۶/ ۲)، تذکرۀ الخطاطین (۵۲ –۴۵/ ۱)، تذکرۀ الشعراء (۳۹۲ –۳۹۰)، حبیب السیر (۶۴۴، ۶۳۴، ۴۶/ ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷)، دایرۀالمعارف فارسی (۳۸۷/ ۱)، الذریعه (۱۲۵/ ۹)، روضۀ السلاطین (۳۳ –۳۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۱۶ –۲۱۵/ ۱)، صبح گلشن (۵۶)، فرهنگ سخنوران (۱۲۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۶۹)، گلستان هنر (نوزده، سی و هفت، سی و هشت، ۲۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بایسنقر)، مجالس النفائس (۱۲۵) مناقب هنروران (۱۰۶، ۵۹، ۵۸)، هنر عهد تیموریان (۴۸۲ –۴۸۱).

بجنوردی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۵ –۱۳۱۶ ق)، فقیه، ادیب و نویسنده. در شهرستان بجنورد به دنیا آمد و همان جا تحصیلات مقدماتی کرد و سپس به مشهد رفت و در آنجا علوم عقلی و نقلی را نزد حاج فاضل خراسانی و آقا بزرگ حکیم و آقازاده‌ی خراسانی و آیت الله قمی، و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری اول فراگرفت. سپس به نجف رفت و در محضر آیت الله اصفهانی و میرزای نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، و در شمار مدرسان نجف درآمد. وی تا آخر عمر به تحقیق و تألیف و تدریس مشغول بود. میرزا حسن با شعر آشنایی کامل داشت و خود نیز شاعر بود. تألیفاتی در فقه و اصول از وی به جای مانده است، از آثارش: «منتهی الاصول»؛ «القواعد الفقهیه»؛ «حاشیۀ العروۀ الوثقی»؛ «ذخیرۀ المعاد»؛ «رسالۀ فی اجتماع الامر و النهی»؛ «کتاب فی الحکمۀ» که شرحی است بر «الاسفار الاربعۀ» صدر المتألهین.[۱]

آیه‌الله آقای حاج میرزا حسن بن السید آقا بزرگ ابن السید علی اصغر بن السید فتحعلی بن السید اسماعیل موسوی بجنوردی داماد

معظم مرحوم آیه‌الله حاج سید حسین اصفهانی (داماد آیه‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی) از علماء طراز اول معاصر حوزه علمیه نجف و دارای مقام علم و عمل و دقت نظر میباشد.

معظم‌له عالمی محقق و فقیهی مدقق و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول میباشد تولدش در سال ۱۳۱۶ قمری در بجنورد و از آنجا بمشهد و مدت ۱۳ سال از محضر مرحوم آقا زاده کفائی و آیه‌الله قمی و حاج فاضل و دیگران استفاده کرده آنگاه مهاجرت بنجف اشرف نموده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله عراقی و مخصوصا آیه‌الله العظمی اصفهانی شرکت کرده تا به اعلی درجه فقاهت و اجتهاد رسیده است.

تألیفاتی در فقه و اصول دارد که بطبع رسیده و مورد استفاده فضلاء حوزه نجف و قم میباشد و آنها از این قرار است:

۱- منتهی الاصول ۲- القواعد الفقهیه ۳- حاشیه بر عروه الوثقی ۴- حاشیه بر وسائل ۵- رساله اجتماع امر و نهی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۵/۷، ۱۸۴/۳).

بحاثی زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، ادیب، قاضی و شاعر. یکی از بزرگان و شاعران صاحب تصنیف است که در هجویه‌سرایی توانا بود. بحائی در مدرسه «سیوری» غزنه ساکن بود و در آنجا به کتابت مشغول بود. در مخزنه درگذشت. از آثار وی: «بحر القلوب»؛ «نحو القلوب»؛ «دیوان» شعر؛ شرح «دیوان بحتری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۹۲/۲، ۱۶۵/۱)، معجم الادباء (۲۹ -۱۸ /۱۸)، معجم المؤلفین (۴۱/۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۹ - ۱۹۷ /۲).

بحرالعلومی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۲۹۶.

درگذشت: ۲۶ آبان ۱۳۶۸.

حسین بحرالعلومی سال‌ها در دبیرستان‌ها و سپس در دانشگاه تدریس می‌کرد. استاد ادبیات دانشگاه تهران و اصفهان بود. رساله دکترای او تصحیح دیوان کمال‌الدین اسماعیلی اصفهانی بود و توفیق یافت آن را به چاپ برساند. کار دیگر او تدوین و تألیف کتاب انجمن آثار ملی است. وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «کارنامه‌ی انجمن آثار ملی»، «تماشا»، «فرهنگ و هنر» و «پشوتن»، می‌نوشت. وی در هفتمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، مقاله‌ای تحت عنوان «تحقیقی در احوال و آثار پیر هرات» ارائه داد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بحرانی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۲ ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر امامی. به جهت انتساب به دو تألیف گرانسنگ خویش «خمائل» و «ریاض الدلائل» او را گاهی فاضل الخمائل و زمانی فاضل الدلائل نیز گفته‌اند. وی در روستای مقابی بحرین به دنیا آمد. او برای پیمودن مدارج عالی اجتهاد به اصفهان رفت، و در سلک شاگردان مجلسی درآمد. مجلسی در اجازه‌ی خود او را بسیار ستوده است. ملا محمد باقر سبزواری صاحب «ذخیره» برای استفاده از مراتب علمی او هفته‌ای دو روز با وی مصاحبت داشته است. شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی، صاحب «بلغهٔ الرجال»، و ملا ابوالحسن شریف عاملی فتونی از شاگردان او بودند. وی به مرض طاعون درگذشت و در کاظمین به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاستقلالیه»؛ رساله «البداء»؛ «الحسن و القبح العقلیان»؛ «الخمائل»، در فقه؛ «ریاض الدلائل و حیاض المسائل»، در فقه؛ «الرموز الخفیهٔ فی المسائل المنطقیهٔ»؛ «المشکاهٔ المضیئهٔ فی العلوم المنطقیهٔ»؛ «عینیهٔ صلاهٔ الجمعهٔ»، اثری فقهی که در آن ثابت کرده نماز جمعه در عصر غیبت واجب عینی است. از دیگر آثارش «دیوان» شعر است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۹/۱)، اعیان الشیعه (۱۷۳ -۱۷۲ /۳)، ایضاح المکنون (۴۸۸/۲، ۶۰۱، ۵۸۴ /۱)، تلامذهٔ العلامهٔ المجلسی (۱۸ -۱۶) الذریعه (۳۲۵ -۳۲۴، ۲۵۲ /۱۱)، ریحانه (۱۴۲ -۱۴۱ /۲، ۲۳۰ /۱)، روضات الجنات (۱۹۰/۸، ۹۷ -۹۵، ۳۹ /۱)، ریاض العلماء (۶۹ -۶۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۶۹/۲)، هدیهٔ العارفین (۱۶۶/۱).

بحرانی، ماجد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۷ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. پس از فراگیری مقدمات علوم و ادبیات عربی و فارسی، مدارج عالی‌تر را نزد پدر خود که جامع علوم و شیخ الاسلام شیراز بود فراگرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. بحرانی پس از کناره‌گیری پدرش، مدتی قاضی و شیخ الاسلام شیراز بود. سپس به اصفهان رفت و در آنجا نیز به کار قضاوت پرداخت. وی از معاصران شیخ حر عاملی بود و با او مکاتبه داشت. شیخ حر در رثای وی قطعه‌ای سروده است. از آثار او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» که ناتمام مانده؛ «التحفه السلیمانیه»، ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به فارسی، که به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف و در ۱۳۰۱ ق چاپ شده؛ «فصوص سلیمانیه»، شرح فارسی، «دعای بیت المعمور»، که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۶ -۲۳۵ /۱۶، ۱۴۵ -۱۴۴ /۱۴، ۴۴۲ -۴۴۱ /۳)، ریحانه (۲۳۲ -۲۳۱ /۱).

بخاری

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۳ ق)، نحوی و فقیه حنفی. وی در بخارا متولد شد. خواهرزاده قاضی محمد بخاری بود. در بخارا از دنیا رفت. از آثارش: «المبسوط» در فروع؛ «المختصر»؛ «التجنیس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۲/۶)، ریحانه (۱۹۲/۲)، کشف الظنون (۱۵۸۰، ۱۲۲۳، ۵۶۹)، لغت نامه (ذیل/ خواهرزاده)، معجم المولفین (۲۵۳/۹)، هدیه العارفین (۷۶/۲).

بخاری، عنایت‌اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۶ ق)، مفسر، نحوی و عالم حنفی. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر سورة البقره» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح العضدیة» دوانی؛ حاشیه بر «شرح اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «شرح الکافیة» جامی، در نحو؛ حاشیه بر «شرح حکمة العین» مبارکشاه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۴۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۴ -۱۳ /۸)، هدیة العارفین (۸۰۴/ ۱).

بختیاری، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمّد حسن بختیاری، مؤلّف شرح نهج البلاغه متوفّی به سال ۱۲۷۲.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بختیاری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پدرش نیز از علما و فضلا معدود بوده، و در سال ۱۳۱۲ در اصفهان وفات یافته است. وی از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده، و کتب زیر از اوست:

۱ - تفسیر سوره‌ی آل عمران ۲ - تفسیر سوره‌ی انبیاء ۳ - تفسیر سوره‌ی یوسف

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بدیع اصفهانی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ق)، عالم، فقیه، مدرس، ادیب و شاعر. به مناسبت سکونت در محله درب امام، به درب امامی مشهور بود. پدرانش عموما از دانشمندان اصفهان به حساب می‌آمدند. او نزد حاج ملاحسینعلی تویسرکانی و میرسید محمد شهشهانی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی و حاج شیخ محمد باقر نجفی درس خواند و اجازه اجتهاد گرفت. حاج سید میرزا بدیع در مدرسه نیماورد درس می‌گفت و متجاوز از یکصد دانشمند در محضرش تلمذ می‌کردند و عوام و خواص در وقت نماز بدو اقتدا می‌کردند. او علاوه بر کمالات علمی در هنر خط نیز شهرت داشت و در ادب و شعر توانا بود. از آثار وی: حاشیه بر «ریاض»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ رساله‌ای در «خراج»؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ «دیوان» اشعار.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة القبور (۲۰۱ -۲۰۰)، حدیقة الشعراء (۲۲۶ -۲۲۵ /۱)، الذریعه (۱۷۵/۶)، معجم المؤلفین (۴۰/۳).

بدیع‌الزمان نطنزی، ابو عبدالله حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۹/۴۹۷ ق)، ادیب و شاعر. وی از اهالی نطنز بود و در اصفهان زندگی می‌کرد. او تمام عمر خویش را به معلمی و درس و بحث گذراند و در دو زبان فارسی و عربی ادیبی معروف شد. به همین دلیل او را ذوالبیانین یا ذواللسانین لقب دادند. در شعر فارسی نیز دست داشت بخصوص سرودن اشعار مصنوع، از شعر او جز چند قطعه چیزی باقی نمانده است. تألیفات او عبارت‌اند از «الخلاص» یا «دستور اللغة» و «المرقاة» که هر دو در لغت عربی به فارسی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۶)، الذریعه (۳۱۱/۲۰، ۱۳۱/۹، ۱۶۶، ۱۶۵ /۸، ۲۰۸/۷)، ریحانه (۲۷۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳)، کشف الظنون (۷۵۴)، معجم البلدان (۳۳۷/۵)، معجم المؤلفین (۱۹۱/۳).

بدیع‌الزمان همدانی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۹۸/۳۷۸ -۳۵۸/۳۵۳)، مقاله‌نویس و شاعر. ملقب به مهذب‌الدین. در همدان تولد یافت. ساکن هرات شد. از شاگردان ابن‌فارسی رازی و صاحب بن عباد بود و یکی از فضلا و فصحا عصر خود. وی در حدیث هم ثقه بود و مذهب اشعری داشت. با ابوبکر خوارزمی، دانشمند مشهور زمان خود در شهر نیشابور مناظراتی داشت و از این طریق بود که شهرت زیادی به دست آورد و بعد از

درگذشت ابوبکر در همه کارهای دیوانی جانشین او شد. بدیع‌الزمان مسافرتهایی به سیستان، غزنه و دیگر بلاد خراسان کرد و از امرا و فضلا و مشاهیر زمان تمتعی کامل برگرفت، و ثروتی عظیم اندوخت. در هرات ازدواج کرد و همان جا درگذشت. وی حافظه‌ای قوی داشت و آثاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت و مقامه‌نویسی را رونق و کمالی بسزا بخشید. در واقع او خود نخستین کسی است که مقامه‌نویسی را ایجاد کرده و در این راه پیشوای آیندگانی چون حریری و دیگران شد. آثار وی قریب به چهارصد مقامه می‌شده که برگزیده‌ی آنها پنجاه و نه مقامه است. از دیگر آثار وی: «مجموعه‌ی رسائل»؛ «مناظرات او با ابوبکر خوارزمی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۸۱ -۵۷۰ /۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۵۸ -۱۵۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۰/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۳ -۳۴۹/۴۰۰ -۳۸۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۹۶/۱)، الذریعه (۱۳۱/۹)، روضات الجنات (۲۵۰ -۲۴۸ /۱)، ریحانه (۲۴۴ -۲۴۳ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۱ -۲۲۰ /۱)، سیر النبلاء (۶۸ -۶۷ /۱۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۹ -۸)، الکنی و الالقاب (۷۶ -۷۵ /۲)، کشف الظنون (۱۷۸۵)، لغت‌نامه (ذیل/ بدیع‌الزمان)، معجم الادباء (۲۰۲ -۱۶۱ /۲)، الوافی بالوفیات (۳۵۸ -۳۵۵ /۶)، وفیات الاعیان (۱۲۹ -۱۲۷ /۱)، هدیهٔ العارفین (۶۹/۱).

بدیع‌الزمان، احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. نادر روزگار) احمد بن حسین همدانی (ف. ۳۹۸ ه.ق.) وی علوم ادبی عرب را در همدان نزد ابن فارس رازی فراگرفت و سپس به خدمت صاحب بن عباد رسید و از او نیز استفاده علمی کرد. «رسائل» (ه. م.) و «مقامات» (ه. م.) وی در ادب عرب ممتاز است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

بدیعی اندجانی، یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۷ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به بدیعی. ملقب به بدیعی معمایی. در اواخر دوران تیموری در اندجان متولد شد. در کودکی به سمرقند رفت و نزد صفایی شاگردی کرد و به همین جهت به ملایوسف صفایی نیز مشهور شد، گرچه، از شهرت صفایی راضی نبود. بدیعی در سرخس درگذشت و در خانقاه شیخ لقمان پرنده دفن شد. مولانا یوسف به علم عروض و صنایع و بدایع شعری و فن معما آگاهی داشت و صاحب «رساله‌ای در معما» و «قصیده‌ی مرآهٔ الصفا» است. از وی «دیوان» شعری نیز بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۶۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۳ - ۱۰۲)، حبیب السیر (۳۳۷/۴)، الذریعه (۱۳۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۹)، مجالس النفائس (۱۲۲).

بدیعی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۰ ق)، دانشمند، طبیب، ادیب و شاعر. از دوستان مظفر علی نقاش و مردی خوش‌طبع و خوش‌مشرب بود، به ترکی و فارسی شعر می‌گفت. وی در سرودن غزل مهارت داشت و این امر از «دیوان» غزلیات بازمانده از وی تأیید می‌شود. برخی «مثلثات منظوم» در لغت را از او دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۶ -۵۲۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۸۷ -۸۶ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۶ -۶۵)، الذریعه (۸۰/۱۹، ۱۳۱/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۳۴ -۲۳۳)، هفت اقلیم (۲۲۹/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۳۰ - ۱۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰/۲)، مجمع الخواص (۲۶۰).

بدیعی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر بدیعی در فروردین ۱۳۱۸ در اصفهان به دنیا آمد.وی تحصیلات خود در رشته‌ای نامرتبط با فن ترجمه ادامه دادو لیسانسش را گرفت . او درس‌های دورهٔ دکترای همان رشته را نیز تمام کرد، اما چون رسالهٔ پایان دورهٔ تحصیلی را نگذرانده است درجه و عنوان دکترا ندارد.مشاغلش همواره در همان زمینهٔ تحصیلات دانشگاهی‌اش بوده و از این رو به ترجمه به عنوان یک شغل و حرفه نگاه نمی‌کند. کتاب" چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی "ترجمه منوچهر بدیعی ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر بدیعی تحصیلات دورهٔ دبستان و دبیرستان را در همان شهر گذراند و سپس در دانشگاه تهران در رشته‌ای نامرتبط با فن ترجمه تحصیل کرد و لیسانس گرفت. درس‌های دورهٔ دکترای همان رشته را نیز تمام کرد، اما چون رسالهٔ پایان دورهٔ تحصیلی را نگذرانده است درجه و عنوان دکترا ندارد

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل منوچهر بدیعی همواره در همان زمینهٔ تحصیلات دانشگاهی‌اش بوده و از این رو به ترجمه به عنوان یک شغل و حرفه نگاه نمی‌کند

جوائز و نشانها : کتاب" چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی "ترجمه منوچهر بدیعی ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : ترجمه‌های منتشر شدهٔ منوچهر بدیعی علاوه بر چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی عبارت است از: بیست اثر سینکلر

لوییس؛ بازار خود فروشی اثر ویلیام تکری؛ جادهٔ فلاندر اثر کلود سیمون؛ آدم اول اثر آلبر کامو؛ ژان باروا اثر روژه مارتن دوگار؛ مقدمهٔ آلبر کامو بر مجموعهٔ آثار روژه مارتن دوگار؛ کتاب کوچکی دربارهٔ جیمز جویس (چاپ دوم آن همراه با بخش هفدهم اولیس اثر جیمز جویس)؛ دو کتاب کوچک دربارهٔ «رابله» و «ناتالی ساروت» و چند مقالهٔ فلسفی و ادبی در نشریه‌های فرهنگ، ارغنون، کلک و سرانجام، آخرین ترجمهٔ منتشر شدهٔ او کتاب قرائتی نقادانه از رمان چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی شاهکار جیمز جویس نوشتهٔ دیوید سید است. ترجمه بخشی از اولیس نیز، دیگر اثر ارزشمند اوست. ------------------------------
----

آثار :

۱ آدم اول اثر آلبر کامو

۲ ارغنون، کلک و سرانجام

۳ بازار خود فروشی اثر ویلیام تکری

۴ بیست اثر سینکلر لوییس

۵ جادهٔ فلاندر اثر کلود سیمون

۶ چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی/ جیمز جویس؛ ترجمهٔ منوچهر. بدیعی. ـ تهران: نیلوفر، ۱۳۸۰.۳۸۳ص. این شاهکار ادبی که در اوایل قرن بیستم میلادی نوشته شده، از نخستین رمان‌هایی است که سیر رشد و تکامل قهرمان داستان را از دوران کودکی تا سنّ کمال در تمامی ابعاد آموزش و پرورش وی نشان می‌دهد و از این لحاظ با رمان‌های قرن نوزدهم تفاوت دارد. به یک معنا می¬توان گفت که این رمان نخستین سنگ‌بنای رمانِ نو است. این رمان، نه تنها رشد جسمانی شخصیت داستان بلکه رشد معنوی و مذهبی و پرورش معنوی مذهبی و فلسفی او را نیز نشان می‌دهد. وصف تأثیر تربیت دینی قهرمان رمان و واکنش‌های او نسبت به این تربیت، که به صُوَرِ گوناگون فلسفی و هنری ظاهر می‌شود، یکی از ویژگی‌های برجستهٔ این رمان است. در عین حال، در این رمان به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی رشد قهرمان توجه وافر شده است. فضای تاریخی رمان و در نتیجه فضای آموزش و پرورش قهرمان آن، فضای جامعه‌ای است استعمارزده که می‌خواهد آزادی را به دست آورد و در این راه مبارزه‌ها کرده است. این، شاید تنها سندِ ادبی باشد که تنش عقیدتی و اجتماعی ایرلند را پس از سال‌ها تحمل استعمار انگلیس نشان می‌دهد. از لحاظ تطابق صورت با محتوا، این اثر در حد کمال است. در این رمان به تناسب رشد شخصیت اصلی، زبان رمان از مرتبهٔ کودکانه به مرتبهٔ زبان شاگردان و معلمان مدرسه و از آن‌جا به مرتبهٔ زبان دینی و سرانجام به مرتبهٔ زبان فلسفی، به ویژه زبان فلسفهٔ هنر، تحول می یابد. اغلب جویس¬شناسان معتقدند که چهر ?مرد هنرمند در جوانی، در واقع زندگینامهٔ خود نوشت جویس است از دو سالگی تا حدود بیست سالگی، یعنی تا زمانی که برای نخستین بار به پاریس رفت. ترجم ?چنین رمانی مهارت و چیره‌دستی فراوان می‌خواهد و مترجم با استادی از عهد ?این کار برآمده و ترجمهٔ هنرمندانه‌ای ارائه کرده است. بافت متن یکدست و زیباست و با توجه به قرابت واژگانی و نحوی ترجمه با متن اصلی و تناسب نثر ترجمه با سبک مؤلف، مترجم محترم توانسته است متنی ادبی بیافریند که با متن اصلی، به لحاظ برخورداری از کیفیت ادبی، چندان فاصله ندارد، یا دست کم فارسی زبان را از لذت درک ادبی متن اصلی بی‌بهره نمی گذارد. نکات فرهنگی، اساطیری، تاریخی و جغرافیایی یا واژگانی و ادبی موجود در کتاب به نحوی شایسته و کامل در بخش «یادداشت‌ها» در پایان کتاب توضیح داده شده که بر فایدهٔ این ترجمه می‌افزاید. خلاصه آن که ترجمهٔ بسیار دشوار این رمان، یکی از موفق‌ترین ترجمه‌های زمان حاضر به شمار می‌آید.

۷ دو کتاب کوچک دربارهٔ «رابله» و «ناتالی ساروت» و چند مقالهٔ فلسفی و ادبی در نشریه‌های فرهنگ

۸ ژان باروا اثر روژه مارتن دوگار

۹ کتاب کوچکی دربارهٔ جیمز جویس

ویژگی اثر : چاپ دوم آن همراه با بخش هفدهم اولیس اثر جیمز جویس

۱۰ مقدمهٔ آلبر کامو بر مجموعهٔ آثار روژه مارتن دوگار

منابع :

۱www.ketabesal.ir

برزگر، فرامرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۹.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از آثار اوست: اختناق ایران (تألیف مورگان شوستر؛ ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری؛ تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد محرمانه منتشر نشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسماعیل رائین؛ تهران، ۱۳۶۸)؛ اسرار مرگ (موریس مترلینک؛ تهران، ۱۳۷۱) دو هزار دانشمند در جستجوی خدای بزرگ (ریموند روایه؛ تهران، ۱۳۶۱)؛ سرگذشت کشتی اسنارگ: یک سرگذشت زیبا و پرماجرا از خود نویسنده (جک لندن، تهران، ۱۳۳۵)؛ سفرهای من: مشتمل بر زیباترین نوشته‌های هوگو دربارهٔ جهان و طبیعت (ویکتور هوگو؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ ماجراجو (جک لندن؛ تهران، ۱۳۶۲).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

برزویه اصفهانی، ابوجعفر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۴ ق)، نحوی و محدث. مشهور به غلام نفطویه. ساکن بغداد بود. نحو را از فضل بن حباب و محمد بن عباس یزیدی فراگرفت. برزویه از عمر بن ایوب سقطی و ابوالعباس خزاعی و علی بن رستم و محمد بن یحیی بن منده اصفهانی، روایت کرده و ابوالحسن/ ابوعلی بن شاذان از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰۶/۳)، تاریخ بغداد (۲۲۶/۵)، روضات الجنات (۲۲۲/۱)، ریحانه (۲۴۶/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰/۴)، الکنی و الالقاب (۷۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۱۵۳ -۱۵۲ /۵).

برزویه طبیب

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۳۲ م)، طبیب و مترجم. از پزشکان معاصر انوشیروان، و زرتشتی مسلک بود. به دستور انوشیروان کتاب «پنجه تنتره» (کلیله و دمنه) را از هند به ایران آورد و از زبان هندی به پهلوی ترجمه کرد. پدرش از لشکریان و مادرش از خانواده‌ی یکی از علمای زرتشتی بود. گویند بازی شطرنج را او از هند به ایران آورد. وی با جبرییل طبیب، بیادق، صاحب کتاب «الماکول المشروب»، و سرجیوس رأس العینی، طبیب و فیلسوف مشهور، معاصر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸/۱)، تاریخ طب (۷۰ -۶۶ /۲)، تمدن ساسانی (۱۱۷ -۱۱۵ /۱)، جستجو در تصوف (۲۷ -۱۷)، دایرةالمعارف فارسی (۴۰۵/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ برزویه)، رای و برهمن (مقدمه).

برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۵ -۳۳۶ ق)، فقیه، محدث، قرآن‌پژوه، نحوی. معروف به حافظ کبیر. از اهالی خوارزم بود که در بغداد سکنی گزید. در خوارزم ابوالعباس حیری نیشابوری و در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در بغداد از ابوعلی صواف و محمد بن جعفر بندار و در نیشابور از ابوعمرو بن حمدان و ابواحمد حاکم و در دمشق از ابوبکر بن ابی‌الحدید و در مصر از حافظ عبدالغنی حدیث شنید. ابو عبدالله صوری و ابوبکر بیهقی و ابوبکر خطیب بغدادی و ابواسحاق شیرازی و ابوطاهر احمد کرجی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. خطیب بغدادی او را ثقه، پرهیزکار و دانای فقه و حدیث توصیف کرده است. ابوبکر تا زمان مرگ خویش از تألیف و تصنیف باز نایستاد. او در بغداد درگذشت. از آثار وی «مسند» ی است که جامع تمامی احادیث «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم است. او احادیث سفیان ثوری و شعبه و ایوب و دیگران را نیز جمع‌آوری کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۵/۱)، تاریخ بغداد (۳۷۶ -۳۷۳ /۴)، ریحانه (۲۴۹ -۲۴۸ /۱)، سیر النبلاء (۴۶۸ -۴۶۴ /۱۷)، کشف الظنون (۱۶۸۲)، لکنی و الالقاب (۷۸/۲)، معجم المؤلفین (۷۴/۲)، الوافی بالوفیات (۳۳۱/۷)، هدیۀ العارفین (۷۴/۱).

برقعی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقعی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والایمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.

اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.

۱- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و بیانی دلنشین داشت.

۲- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر

۳- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر

۴- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل

۵- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که ۱۵ سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.

۶- آیهٔ‌اللّٰه حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتا احاطه عجیبی به چندین علم داشت.

۷- آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)

۸- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی.

مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.

۱- مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمد ارباب که در سال ۱۳۳۷ قمری مرقوم داشته‌اند.

۲- مرحوم ثقهٔ‌الاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۲ قمری نوشته‌اند.

۳- مرحوم آیهٔ‌اللّٰه آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال ۱۳۵۲ قمری نوشته‌اند.

۴- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند.

آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:

۱- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.

۲- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.

۳- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.

۴- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام

۵- جلوه حق

۶- تذکره مبتکران در بنیان گذاران علوم و فنون.

۷- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.

۸- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.

۹- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.

۱۰- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.

۱۱- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح

۱۲- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان گذاران فنون و علوم اسلام.

۱۳- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.

و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:

۱- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.

۲- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.

۳- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.

۴- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی

۵- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.

(۱۳۶۶ -۱۲۷۸ ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقعی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقعی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال ۱۳۱۳ ش یک دبستان و در سال ۱۳۱۵ ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد.[۱]

فقیه، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۷۸(۱۳۱۷ ق.)، قم.

وفات: ۱۳ مرداد ۱۳۶۶.

آیت‌الله سید علی‌اکبر برقعی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.

در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالیه معقول شیخ علی‌اکبر حکمی یزدی بودند.

در سال ۱۳۱۳ یک دبستان و سال ۱۳۱۵ یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقعی یکی از مشاروان او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع

تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقعی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.

در سال ۱۳۲۹ که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست ملک‌الشعرای بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقعی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنون «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.

آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.

فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ ۱۳۲۹ -۱۳۲۸)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، ۱۳۱۷)؛ راهنمای دینداران (۱۳۲۴)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ ۱۳۸)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ ۱۳۱۷)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ ۱۳۱۹)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ ۱۳۲۰)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ ۱۳۱۹)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ ۱۳۶۶ ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، ۱۳۲۷)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۲۹۳۱ -۲۹۲۴/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، الذریعه (۲۲۹/ ۱۷، ۶۴/ ۱۰، ۸۹۹/ ۹). گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۳ -۳۸۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۳ -۴۹۱/ ۴).

برقی قمی، ابوعبدالله محمد

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۸۳ ق)، ادیب، فقیه و محدث امامی. وی منسوب به برق‌رود از نواحی قم بود. ابن‌ندیم او را از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) شمرده است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) برشمرده است. او در علوم عربی مشهور و به چیرگی در اخبار معروف بود. وی پدر شیخ اجل احمد بن محمد برقی، صاحب «المحاسن»، است. پسرش، احمد بن محمد، از راویان او است. از آثارش: «البلدان و المساحهٔ»؛ «التأویل و التعبیر»؛ «التبصرهٔ»؛ «التفسیر»؛ «التنزیل»؛ «الرجال»، شامل نام کسانی که از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده‌اند؛ «فضائل القرآن»؛ «العویص»؛ «النوادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۳/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۰/۱)، الذریعه (۳۶۲/۱۵، ۳۱۵/۳)، رجال الطوسی (۴۰۴، ۳۸۶)، رجال النجاشی (۲۲۱ -۲۲۰/ ۲)، ریحانه (۲۵۱/۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۹)، الفهرست للطوسی (۲۹۲ -۲۹۱)، الکنی و الالقاب (۷۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ برقی)، معجم المؤلفین (۲۷۷/۹).

برکلی حنفی، تقی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۱ -۹۲۹/۹۲۶ ق)، صوفی، واعظ نحوی، فقیه، مفسر و محدث. وی ایرانی الاصل و از دانشمندان نامی عثمانی بود. ظاهرا چون حنفی مذهب بود، از ترس صفویه به آن سرزمین رفت. از جزئیات احوالش اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابهای بسیاری به زبان عربی و فارسی است که در فنون مختلف نوشته شده است و معلوم می‌شود که در همه‌ی علوم زمان دست داشته است. از آثار وی: تعلیقه بر «اصلاح الوقایهٔ فی فروع» ابن کمال پاشا؛ «اظهار الاسرار»، در نحو؛ «انقاذ الهالکین»، که در سال ۹۶۷ ق تألیف کرده است؛ «ایقاظ النائمین»، که در سال ۹۷۲ به پایان رسانیده؛ «رسالهٔ فی عدم جواز اخذ الاجرهٔ للقراءهٔ و عدم جواز وقف النقود»؛ «جلاء القلوب»، که در سال ۹۷۱ ق به پایان رسانیده است؛ «صحاح عجمیه»، به فارسی؛ «فرائض» و شرح آن؛ «کفایهٔ المبتدی»، در صرف؛ شرح «لب الالباب فی علم الاعراب» یا شرح «مختصر الکافیه» بیضاوی، معروف به «امتحان الاذکیاء»؛ حاشیه بر «شرح الوقایهٔ» صدر الشریعه ثانی. «دامغهٔ المبتدعین و کاشفهٔ بطلان الملحدین»؛ «آداب البرکوی»، «الاربعون»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۷ -۲۸۶ /۶)، ایضاح المکنون (۴۴۲/۱) تاریخ نظم و نثر (۳۹۵)، الذریعه (۱۲۵/۵)، کشف الظنون (۲۰۲۲ -۲۰۲۰، ۱۵۰۰، ۱۲۴۶، ۱۰۷۴، ۵۹۲، ۲۱۵ -۲۱۴، ۱۸۴ -۱۸۳، ۱۱۷، ۱۰۹، ۵۴)، معجم المؤلفین (۱۲۴ -۱۲۳ /۹)، هدیهٔ العارفین (۲۵۲/۲).

بروجردی کاشانی، محمد تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم دینی، محدث ادیب و شاعر. پس از فراگرفتن علوم متداول خود را به اصفهان رسانید و در حوزه‌های درسی آنجا تحصیل خود را تکمیل کرد. وی از محضر علامه مجلسی فائده‌ها برد و از وی اجازه‌ی روایت گرفت و خود به ملا عبدالله کاشانی در ۱۱۰۳ /۱۱۰۲ ق اجازه روایت داد. او قسمت پایانی عمر را در کاشان گذراند. او را ارادتی تمام به خاندان پیامبر علیهم‌السلام بود، لذا از خود آثاری در مناقب ایشان به جای گذاشت. یکی از این آثار کتاب «عین البکاء»، به فارسی، در تاریخ زندگی و شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) است که در آن اشعاری از خود و دیگران آورده است و آن را در ۱۰۹۹ ق در کاشان تألیف کرده و در ۱۲۸۴ ق در لکهنو به چاپ رسیده است. اثر دیگر او «لب عین البکاء» است که خلاصه‌ای از کتاب «عین البکاء» او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۱/۹)، تاریخ بروجرد (۱۱۱ -۱۱۰ /۲)، الذریعه (۲۸۷/۱۸، ۳۶۷/۱۵).

بروجردی، داوود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۵- ز ۱۲۹۴ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. علوم و معارف اسلامی را از استادان عصر فراگرفت. وی ادیب و شاعر نیز بود. از آثار وی: «مظهر المصائب»، در تاریخ زندگانی خمسه طیبه (ع)، که در ۱۲۹۰ ق به رشته تحریر درآمده؛ «سرور المصلین»، در نماز شب و کیفیت و ادعیه آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۴۲- ۴۳۹ /۲).

برهان تبریزی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۲ ق)، ادیب، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به برهان. در اصل اهل تبریز بود و لکن در هند اقامت داشت. وی مؤلف کتاب «برهان قاطع» و از معاصران سلطان عبدالله قطب‌الدین شاه، پادشاه شیعی مذهب هند، است. وی کتاب «برهان قاطع» را به سلطان مذکور تقدیم کرد. این کتاب با استفاده از «فرهنگ جهانگیری»؛ «فرهنگ سروری»؛ «سرمه‌ی سلیمانی»؛ و «صحاح الادویه‌ی» حسین انصاری و با حذف شواهد و مکررات و افزایش پاره‌ای واژه‌ها از استعاره‌ها و ترکیبهای لغوی فراهم آمده است، حتی مقدمه‌ی کتاب که در بیان بعضی از قاعده‌های دستور فارسی است از کتاب «فرهنگ جهانگیری» به وجه تلخیص اقتباس شده. برهان در این کتاب واژه‌های فارسی و ترکی یا عربی را که در فارسی وارد شده، آورده است. این فرهنگ شامل نه گفتار و هر گفتار در چند بیان است و مقدمه‌ی آن در نه فایده تنظیم شده است. بعد از شهرت «برهان» کتابهایی در ذکر اشتباه‌ها و تکمیل آن نگاشته شد از جمله: «قاطع برهان»؛ «ساطع برهان»؛ «رافع هذیان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۵۱/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۶- ۳۸۴ /۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۰- ۸۸ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۹- ۶۸)، الذریعه (۱۳۳/۹، ۹۹- ۹۸ /۳)، ریحانه (۲۵۴- ۲۵۳ /۱)، سخنوران آذربایجان (۲۳۸- ۲۳۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۹- ۸۸)، فرهنگ سخنوران (۱۳۲)، فرهنگهای فارسی (۱۴۹- ۱۴۰)، کاروان هند (۱۶۴/۱)، لغت‌نامه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۴/۲).

برهان‌الدین هروی، حیدر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۸۰- ح ۸۳۰ ق)، مفسر، متکلم و ادیب. معروف به صدر هروی. عالم به معانی و بیان بود و از شاگردان ارشد ملاسعد تفتازانی به حساب می‌آمد. در «هدیهٔ العارفین» سال وفات وی ۸۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: حاشیه بر «شرح کشاف» استادش، در تفسیر؛

شرح بر «ایضاح المعانی» قزوینی، در معانی و بیان؛ حاشیه بر «فرائض سراجیه» یا شرح «فرائض سجاوندی»؛ شرح «المواقف» قاضی ایجی، در علم کلام.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۶/۱)، کشف الظنون (۱۸۹۴، ۱۴۷۹، ۱۲۴۷، ۲۱۱)، معجم المؤلفین (۹۲/۴)، هدیهٔ العارفین (۳۴۲ –۳۴۱ /۱).

بزرگمهر، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، مؤلف، مترجم.

تولد: آذر ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت: ۲۷ آبان ۱۳۶۵، آمریکا.

منوچهر بزرگمهر، فرزند میرزا یوسف‌خان ملقب به علیم‌السلطنه از پزشکانی بود که دوره‌ی طب را در فرانسه گذرانده بود. بزرگمهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران به پایان رسانید و بعد از آن که دو سال در مدرسه‌ی حقوق به تحصیل پرداخت به سال ۱۳۱۱ برای ادامه‌ی تحصیل به انگلستان رفت و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس حقوق از دانشگاه بیرمنگام به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول به کار شد. پس از خدمت نظام وظیفه، در وزارت امور خارجه مشغول به کار شد. در سال ۱۳۱۸ به استخدام شرکت بیمه درآمد. در سال ۱۳۱۹ به مشهد منتقل شد، مدتی در راه‌آهن مشغول به کار شد. سرانجام در شرکت نفت (ابتدا در آبادان از سال ۱۳۲۱ الی ۱۳۳۳ و سپس در تهران تا سال ۱۳۴۵)؛ اشتغال یافت. وی بین سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵ مشاور حقوقی کنسرسیوم بود. وی از سال ۱۳۴۱ الی ۱۳۴۵ نیز در دانشگاه تدریس می‌نمود.

وی از ابتدای جوانی به ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی علاقه‌مند بود. پیش از سفر به اروپا گلستان و کلیله و دمنه را نزد علی‌محمدخان عامری و مرزبان‌نامه را به فارسی و مدارج القرائه و مبادی العربیه را به عربی و جواهر الادب را به انگلیسی نزد شاهزاده فرهی آموخت. در مقدمات علوم اسلامی از قبیل منطق و معانی بیان و مختصری از فقه و اصول نیز از استادانی مانند شیخ محمد سنگلجی و آقا میرزا محمود شهابی و بدیع‌الزمان فروزانفر و شیخ علی بابا فیروزکوهی استفاده کرد.

پس از مراجعت از اروپا، چنانکه خود در بیان احوال خود گفته است: مدتی تلمذ متروك شد. در ۱۳۲۶ مجددا در آبادان نزد استادی به نام سید موسی، قدری فقه خواند و در ۱۳۲۸ در تهران نزد عرفان که خود از شاگردان میرزا احمد آشتیانی بود، شرح الفیه و در ۱۳۳۲ در مدرسه‌ی نوربخش بروجرد نزد شیخ علی جواهری مقداری مطول خواند. پس از مراجعت از خوزستان در ۱۳۳۵ شرح هدایهٔ میبدی و قدری از شرح منظومه را از عرفان آموخت و در همان سال‌ها در کلاس درس مطول همایی در دانشگاه شرکت کرد.

بزرگمهر با آنکه در فلسفه غربی تحصیل نکرده بود به مطالعه‌ی کتاب‌های فلسفی غربی و ترجمه‌ی آنها پرداخت. تحصیل در انگلستان و آشنایی به زبان انگلیسی، بزرگمهر را به مطالعه و ترجمه‌ی آثار فیلسوفان تجربی مذهب انگلیسی و فلاسفه‌ی جدید غرب سوق داد و از این رهگذر تعدادی کتاب فلسفی به قلم او به زبان فارسی درآمد. این کتاب‌ها و آثار دیگر که فلسفه محور اصلی آنها را تشکیل می‌دهد عبارتند از: پوپر (بریان مگی)؛ تحلیل ذهن (برتراند راسل)؛ رساله در اصول علم انسانی (جرج برکلی)؛

رساله درباره‌ی فهم انسانی (اثر جان لاک، تهران، ۱۳۳۵)؛ زبان، حقیقت، منطق (ا. اچ. آیر)؛ ژان پل سارتر (موریس کریستن)؛ سه گفت و شنود (جرج برکلی)؛ فلسفه چیست؟ (مجموعه‌ی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌ی «سخن» و بعضی نشریات دیگر)؛ فلسفه‌ی تحلیلی منطقی (مجموعه‌ی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌ی «سخن» که قسمتی از آنها به نقد کتاب کاوش‌های عقل نظری تألیف مهدی حائری یزدی اختصاص دارد)؛ فلسفه‌ی نظری (منتخبات از فلسفه اروپایی، دو جلد)؛ کارناپ (آرن نائیس)؛ کانت (فردریک کاپلستون)؛ گذشته‌های فلسفی فلاسفه‌ی تجربی انگلستان (لاک و برکلی)؛ مسائل فلسفه (برتراند راسل)؛ مسائل و نظریات فلسفه (ک. آژدوکیویچ)؛ منطق سمبلیک، ویتگنشتاین (یوستوس هارت‌ناک).

از بزرگمهر در سال‌های جوانی و قبل از آن که به ترجمه و تألیف کتب فلسفی روی آورد، چند کتاب دیگر نیز به نام‌های زیر به جا مانده است: از بیرون گود (۱۳۲۸)؛ دیگ جوش قلندر (۱۳۳۰)؛ عرفان نو (۱۳۲۲) و مرقعات صاحبدل که مجموعه مقاله‌های منتشره در روزنامه‌ی «پند» است (۱۳۲۴) (نام مستعاد مطبوعاتی وی «صاحبدل» بود).

علاوه بر این ترجمه‌ها و تألیفات، بزرگمهر چندین سال در دوره‌ی فوق لیسانس و دکترای فلسفه دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، به تدریس درسهایی مانند فلسفه‌ی تجربی، تفسیر متون فلسیفی به زبان‌های اروپایی، منطق جدید و فلسفه‌ی تحلیل منطقی اشتغال داشت و در بعضی دانشکده‌های دیگر نیز تدریس می‌کرد.

منوچهر بزرگمهر همچنین در جلسات درس هفتگی در فلسفه‌ی تطبیقی که از سال ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۷ ادامه داشت، با حضور استاد مرتضی مطهری و حمید عنایت (و به پیشنهاد او) شرکت می‌جست. این جلسات بعدها به مجلس درس منظومه بدل شد و دو جلد شرح مبسوط منظومه از آن حلقه‌ی درس و بحث باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بسطامی، ضیاءالدین، ابوشجاع عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۰ /۵۶۲- ۴۷۵ ق)، مفسر، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. محدث و مسند بلخ و امام مسجد راغوم یا راعوام بود. بسطامی نزد پدرش و سپس نزد ابوالقاسم احمد خلیلی و ابراهیم بن محمد اصفهانی درس خواند، و در محضر ابوجعفر محمد بن حسین سمنجانی فقه آموخت. او حتی در کهن‌سالی نیز بر دانش‌اندوزی حریص بود و از هر کسی چیزی می‌آموخت. کلامش شیرین و در وعظ و خطابه‌ی او نکته‌ها نهفته بود. سمعانی و فرزندش، ابومظفر، و ابوالفرج ابن‌جوزی و ابوروح هروی، و بسیاری دیگر، از شاگردان وی به حساب می‌آیند. وی در بلخ درگذشت. از آثار وی: «ادب المریض و العائد»؛ «لقطات العقول»؛ «مزالیق یا مزالق العزلة» یا «من الف العزلة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۳/۵)، سیر النبلاء (۴۵۴ -۴۵۲/ ۲۰)، کشف الظنون (۱۶۵۹ -۱۴۶۴، ۴۸)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۷)، هدیة العارفین (۷۸۴/۱).

بشار

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۶۷ -۹۶ ق)، شاعر، خطیب و ادیب. ملقب به مرعث، چون در کودکی گوشواره در گوش می‌کرد. در بصره نابینا متولد شد. اصلا از شاهزادگان طخارستان بود. از ده سالگی به زبان عربی شعر می‌گفت و چون به سن رشد رسید، از نیش زبان او می‌ترسیدند. بشار بن برد مقدم شعرای زمان خود بوده و دولتهای اموی و عباسی را درک کرده و در این دو دولت مدحها و هجاها گفته، و به هجا بیشتر میل داشته است. مهدی، خلیفه عباسی و خالد برمکی از جمله‌ی ممدوحان او بودند. وی در انواع شعر بخصوص قصیده و رجز دست و ابتکار و ابداع داشت و مقلد نبود. اشعارش را حدود دوازده هزار بیت و بنا به قول خودش دوازده هزار قصیده گفته‌اند. این کور روشندل در شعر تشبیهاتی دارد که بینایان مانند آنرا نمی‌توانند بیاورند. در بعضی اشعارش علاقه‌ی وی به ایران کهن و تمایلات شعوبی او مشهود است. سه جلد از «دیوان» مفصل او در قاهره به چاپ رسیده است. وی در مباهات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و امثال مشهور بود و در تغییر سبک شعر عربی بسیار مؤثر بود بشار به کثرت آثار معروف بود به طوری که آثاری نیز به زبان فارسی از او باقی مانده و چند خطابه در نثر دارد. سرانجام در عهد مهدی خلیفه، دشمنانش او را متهم به زندقه کردند، بشار دستگیر و محکوم به تازیانه شد، و سپس او را در باتلاقی در بطائح انداختند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵ -۲۴ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۲، ۱۹۱، ۲۴ -۲۳ /۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۲۹۵ -۲۸۳)، تاریخ الاسلام (حوادث ۹۲ -۸۷/۱۷۰ -۱۶۱)، تاریخ بغداد (۱۱۸ -۱۱۲ /۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۴۲)، حماسه‌سرایی در ایران (۱۶۱ -۱۶۰)، الذریعه (۱۳۸ -۱۳۷ /۹)، ریحانه (۲۶۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۵/۱)، سیر النبلاء (۲۵ -۲۴ /۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۰)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، لسان المیزان (۲۸ -۲۷ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/بشار)، معجم المؤلفین (۴۵ -۴۴ /۳)، الوافی بالوفیات (۱۴۱ -۱۳۵ /۱۰)، وفیات الاعیان (۲۷۴ -۲۷۱ /۱).

بغدادی اسفراینی، ابومنصور عبدالقاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۹ ق)، فقیه اصولی، متکلم و ادیب شافعی. در بغداد به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد. سپس همراه پدر ساکن نیشابور شد و در اثر فتنه غز مدتی نیشابور را ترک کرد. وی در هفده رشته علمی مدرس بود، بخصوص در زمینه‌ی علم حساب از صاحبنظران بود. او شعر نیز می‌گفت و اشعار زیادی به جای گذاشت. دستی گشاده داشت و آنچه از مال و ثروت داشت بر جویندگان علم و حدیث انفاق می‌کرد. ابومنصور در فقه شاگرد ابواسحاق اسفراینی بود و بعد از او بر مسند استادش نشست و در مجسد عقیل به املا پرداخت. ابوبکر بیهقی، ناصر مروزی، زین الاسلام ابوالقاسم قشیری و عبدالغفار شیرویی از جمله شاگردان وی بودند. ابومنصور در اسفراین از دنیا رفت و در جوار استادش ابواسحاق دفن شد. از آثارش: «بلوغ المدی فی اصول الهدی»، در اصول فقه؛ «التحصیل»، در اصول فقه؛ «تفسیر القرآن»؛ «تأویل متشابه الاخبار»؛ «التکمله»؛ در علم حساب؛ «الفرق بین الفرق»؛ «الملل و النحل»؛ «مشارق النور»، در کلام؛ «معیار النظر»، در عقلیات؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۳/۴)، ایضاح المکنون (۴۸۵، ۳۷۵، ۲۳۴ /۲)، ریحانه (۲۷۸ -۲۷۷ /۷)، سیرالنبلاء (۵۷۳ -۵۷۲ /۱۷)،

کشف الظنون (۱۹۷۰، ۱۹۲۱، ۱۸۳۹، ۱۸۲۰، ۱۷۶۹، ۱۴۳۲، ۱۴۱۸، ۱۴۰۱، ۱۳۹۲، ۱۲۷۴، ۱۲۵۲، ۱۰۳۹، ۴۷۱، ۴۶۳، ۴۶۲ - ۴۴۱، ۳۹۸، ۳۳۵، ۲۵۴)، وفیات الاعیان (۲۰۳/۳)، هدیة العارفین (۶۰۶/۱).

بقای اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۱ -۱۲۵۷ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بقاء ملقب به شرف المعالی و اشرف الکتاب از بزرگان و معارف اصفهان بود و در تهران اقامت داشت. بقا خطوط مختلف را خوش می‌نوشت و در نسخ مهارت داشت. شعر نیز می‌سرود و صاحب طبع بود. وی در تهران درگذشت. از آثار او: «آیات یا مراتب و مناقب خسروی» شعر؛ «رساله‌ی هاشمیه»، شعر. از خطوط وی: جزوه‌ی «زیارت جامعه»، سرلوح مذهب، نسخ و رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «بجهت... ۱۲۸۳ تحریر شد... انا العبد سید محمد الاصفهانی»؛ قرآن وزیری جلد روغنی، نسخ کتابت نسخ کتابت خوش، با رقم: «... سید محمد بقاء اصفهانی... ۱۲۹۹»؛ یک رقعه به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «... کتبه العبد سید محمد المتخلص بالبقا، سنه ۱۳۱۴»؛ «صحیفه سجادیه»، یک سرلوح مذهب، به خط نسخ کتابت خوش و نستعلیق تحریر متوسط و در آخر رقاع خوش، با رقم: «... حرره العبد سید محمد المتخلص بالبقاء الملقب بشرف المعالی سنه ۱۳۲۲». سیزده اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۴ -۱۱۴۳ /۴)، تذکرةالقبور (۱۴۹)، حدیثه الشعراء (۲۴۹ -۲۴۸ /۱)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۳ -۷۸۲ /۵).

بکوس، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، طبیب و مترجم. پزشکی ماهر و ترجمی زبردست بوده و زبانهای سریانی و عبری را خوب می‌دانسته است. در دولت عباسیان کتب زیادی از یونانی به عربی نقل کرده و در بیمارستان عضدی طبابت و تدریس می‌کرده است. در اواخر عمر نابینا شد، با این وصف همچنان به طبابت اشتغال داشت. آثار وی عبارت‌اند از: «کناش کبیر در طب»، «کناش صغیر در طب»، «مقاله‌ای در باب آبله»، «رساله‌ای در تشریح و درمان چشم»، «رساله‌ای در بیماری پوست»، «کتابی در رویا»، «رساله‌ای در آبهای معدنی»، «رساله‌ای در درمان سموم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ طب (۶۶۴ -۶۶۳، ۲۷۰ -۲۶۹ /۲)، کشف الظنون (۱۵۱۱)، هدیة العارفین (۷/۱).

بلادی بهبهانی بوشهری، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲- ح ۱۳۷۰ ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در بوشهر متولد شد پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف رفت و سالها در نجف تحصیل علوم دینی کرد و به مقام اجتهاد رسید و سپس به بوشهر بازگشت. سید عبداللّه علاوه بر مقام اجتهاد، در زبان و ادبیات عرب نیز تبحر داشت. او از آزادیخواهان و وطن دوستان حافظان استقلال ایران بود. از آثار او: «السحاب اللئالی فی المطالب العوالی»، کشکول، به عربی، در دو جلد؛ «توضیح المآرب»؛ «بصر الحدید فی معرفه الهیئه علی الطرز الجدید»، در هیئت؛ «رحله الحرمین»؛ «الردود السته»؛ «ضیاء المستضیئین»، مجموعه‌ای فارسی؛ «محفظه الانوار»، ترجمه کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)؛ «المسائل الاربعه»؛ «المقالات العشر»، در سیاست اسلامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۰ -۵۹۸ /۳)، الذریعه (۳۹۲/۲۱ ،۱۵۲/۲۰ ،۱۳۰/۱۵، ۱۵۰/۱۲، ۲۳۸، ۱۶۸/۱۰ ، ۴۹۵/۴ ،۱۲۶/۳)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۱۰۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳۷/۳).

بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۹ ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم‌عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوه‌ی بلاذر (بلادر مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»؛ «البلدان الصغیر»؛ «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»؛ «فتوح البلدان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۲/۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۴۳۸/۱)، ریحانه (۲۷۶ -۲۷۵ /۱)، سیر النبلاء (۱۶۳ -۱۶۲ /۱۳)، الفهرست لابن الندیم (۱۶۴)، کشف الظنون (۱۴۰۲ ،۱۷۹)، الکنی و الالقاب (۹۳ -۹۲ /۲)، لسان المیزان (۴۹۰ -۴۸۹ /۱)، معجم الادباء (۱۰۲ -۸۹ /۵)، معجم المؤلفین (۲۰۲ -۲۰۱ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۱ -۲۳۹ /۸).

بلاغی نایینی، صدرالدین، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، فقیه، مترجم، نویسنده، خطیب و شاعر. معروف به سید صدرالدین و مشهور به صدر بلاغی. وی در نایین متولد شد. در سیزده سالگی به اصفهان رفت و مدت شش سال در حوزه درس استادان آن دیار مشغول به تحصیل ادب و منطق و فقه و اصول شد. سپس به شیراز رفت و یازده سال در آن جا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۱۸ ش به خراسان رفت و دو سال بعد به

تهران آمد و در این شهر مقیم شد. بلاغی در سرودن انواع شعر مهارت داشت و اشعارش از مضامین نو و تازه آکنده بود. از آثار وی: «سخنرانیهای بلاغی در رادیو»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «قصص قرآن» و «فرهنگ قصص قرآن»؛ «برهان قرآن»، رد مهمترین شبهات پیروان کمونیسم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۴۴۱ -۴۳۲)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹۲ -۹۱)، سخنوران نامی معاصر (۵۴۹ - ۵۴۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۴ -۵۳۳ /۳).

بلعمی، ابوالفضل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۰ /۳۲۹)، ادیب. در زمان سامانیان می‌زیست. وی پدر صاحب «تاریخ بلعمی» وزیر اسماعیل بن احمد سامانی، بود و یکی از ممدوحان و مشوقان رودکی. بلعمی به رودکی اعتقاد بسیار داشت و حتی وی را در عرب و عجم نظیری نمی‌شناخت و به او صله‌ها و جایزه‌های فراوان می‌بخشید. او بود که رودکی را به نظم «کلیله و دمنه» واداشت. به او بلعمی کبیر هم می‌گفتند. و بلعمی منسوب بود به دیهی به نام بلعمان از نواحی مرو. از آثار او: «تلقیح البلاغه»؛ «المقالات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۹/۷)، پیشاهنگان شعر فارسی (۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۹، ۳۷۶ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۱۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷/۱)، ریحانه (۲۸۱ -۲۸۰ /۱)، سیر النبلاء (۱۹۲/۱۵)، کشف الظنون (۴۸۰)، معجم البلدان (۵۷۶ -۵۷۵ /۱)، معجم المؤلفین (۲۷۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۵/۴)، هدیة العارفین (۳۴/۲).

بلعمی، ابوعلی محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۳/۳۶۳ ق)، مورخ، ادیب و متجرم. وی وزیر منصور بن نوح سامانی و پسر ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی بود. در زمان سامانیان می‌زیست و وزارت عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح سامانی را داشت و به دستور پادشاه اخیر «تاریخ طبری» را از عربی به فارسی ترجمه کرد. علت شهرت او به بلعمی به خاطر انتساب او و نیاکان وی به بلعمان از قراء مرو بود. بلعمی در این ترجمه بسیاری از موارد «تاریخ طبری» را تلخیص کرده و در بسی موارد دیگر از منابع جدیدی استفاده کرده است.

کتاب او حکم تألیف جدیدی را پیدا کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۹/۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (۹۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۳/۱)، ریحانه (۲۸۰/۱)، زین الاخبار (۱۶۱)، سبک شناسی (۹ -۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ بلعمی)، گنج و گنجینه (۱۵ -۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۱)، دستور الوزراء، (۱۱۴ -۱۱۳)، الذریعه (۸۶/۴).

بمی کرمانی، طیان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران بم کرمان است که در نظم و نثر توانا بوده است و اشعاری چند از وی در تذکره‌ها نقل است که قدرت طبع او از آن مشهود است. صاحب «مجمع الفصحا» احوال وی را با طیان ژاژخای مرغزی درهم آمیخه و اشعار طیان مرغزی را به او نسبت داده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۲۴ -۶۲۳ / ۲)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۶۰ -۳۵۶)، الذریعه (۶۵۳ / ۹)، صبح گلشن (۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۵۹۳)، ستارگان کرمان (۲۶۹ -۲۶۳)، مجمع الفصحا (۸۵۰ -۸۴۷ / ۲)، هفت اقلیم (۲۷۰ -۲۶۸ / ۱).

بنداری اصفهانی، قوام‌الدین فتح

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۳ -۵۸۶ ق)، مترجم. وی در مولد خود اصفهان تربیت یافت. در سال ۶۲۰ ق به شام سفری کرد و در دمشق به خدمت پادشاه عیسی بن ملک عادل ابی‌بکر بن ایوب رسید و به امر او «شاهنامه‌ی» فردوسی را به عربی درآورد که به «الشاهنامه» معروف است. وی همچنین کتاب «تاریخ سلاجقه» انوشروان بن خالد، وزیر محمود بن محمد بن ملکشاه، را که عمادالدین اصفهانی به عربی درآورده بود، خلاصه کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۳/۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۲۲۴)، سرآمدان فرهنگ (۱۷۲/۱).

بنداری، فتح

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فتح بن علی بن محمد البلداری (البنداری)، از فضلای شیعه در قرن هفتم بوده، و کتاب «نصرة الفترة» عماد کاتب را در سال ۶۲۳ مختصر نموده، و آن را: «زبدة النصرة و نخبة العصرة» نامیده، و این مختصر در لیدن با فهرست اعلام و امم و ولایات و شهرها به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بنی مجیدی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال ۱۳۳۴ در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود. وی پس از اتمام دوره سربازی ، بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بیله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید.او از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس می کرد تا اینکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد. در سال ۱۳۶۵ با انتقال به آموزش و پرورش آستارا با همکاری اکبر اکسیر شعر را به طور جدی دنبال کرد و یکی از اعضای ثابت حلقه فرانوشد. وی از شاعران کلاسیک بشمار می آمد.نامبرده پس از چند دهه فعالیت در عرصه هنر و شعر در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۸۷ ، پس از جدال طولانی با بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نام پدر : اروج

خاطرات کودکی" : دوران کودکی و نوجوانی را علی رغم موفقیت در درس و مشق ، با مشقات و دردسرهای فراوان پشت سر نهاده ام . شاید هم پیشامدهای ناگوار زمینه ساز مقوله ی شعر و شاعری در من شده است" ؛

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال ۱۳۳۴ در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود.او در یک خانواده ی متوسط و کم سواد پا به عرصه ی وجود نهاده .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منصور در خرداد ماه سال ۵۳ با عنوان شاگرد ممتاز دیپلم ادبی گرفت . او در همان سال در رشته فوق دیپلم علوم انسانی مرکز استان گیلان قبول شد . از آنجائیکه آن زمان هنوز کمک هزینه ی تحصیلی به دانشسرای راهنمایی تربیت معلم نمی دادند از ادامه ی تحصیل باز ماند و به ناچار به خدمت وظیفه اعزام شد و پس از دو سال بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بیله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید. وی از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس می کرد تا اینکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : منصور بنی مجیدی از نحوه شاعر شدنش چنین می گوید": آنچه به یادم مانده است وقتی با بچه های یک کلاس ، یک تنه مشاعره می کردم سالهای آخر دوره ی ابتدایی بودم اول بعضی شعرها را بخاطر حروف خاص اش عوض می کردم و این دگرگونی به شکلی صورت می گرفت که کسی از بچه ها متوجه نمی شد بعدها در دبیرستان تنها انشاء نویس کلاس بودم که از روی کاغذ سپید انشاء می خواندم چرا که همیشه ، بچه ها انشاءهای مکتوبم را کش می رفتند و آن زمانها هم جوری بود که آدم کسی را لو نمی داد یعنی این کارها به دور از جوانمردی بود"

فعالیتهای ضمن تحصیل : منصور بنی مجیدی از خاطرات و فعالیت های ضمن تحصیل خود چنین می گوید": در دوره ی دبیرستان علی الخصوص در سیکل دوم به بعد جزء دانش آموزان اهل قلم شهر ، شناخته شده بودم . انس و الفتم بجای تفریح و ورزش– اگر کارهای اجباری و بی گاری می گذاشت – تنها با کتاب و مطالعه بود . از آنجائیکه راهنمای درست و حسابی نداشتم با هیچ نشریه و مجله ای همکاری نمی کردم . آن زمان تنها کسی در کلاس بودم که از درس شفاهی « عروض و قافیه » دوره ی دبیرستان سر در می آوردم . نه معلم درست و حسابی داشتیم و نه کسی این کتاب را به کلاس می آورد ... سالها سپری شد .اولین اثرم سال

۱۳۵۶ بـا نـام « بابـا انـار دارد » در روزنـامه ی فروغ آزادی آذربایجان آن زمان در تبریز چاپ شـد و این تلنگری شـد برای کارهای بسیارِ آینده ام ، به جرئت می توانم بگویم در طول سه دهه در تمام نشریات و مجلات موجود و معتبر ادبی آثارم چه بصورت شعر و چه بصورت مقـاله و نقـد همه جـا چاپ شـده است و دیگر اینکه آنچنان گرم شـغل مقـدس معلمی بودم که فرصت مجموعه کردن شعرها را در کتاب ها پیدا نمی کردم و شاید هم به موقع به صـرافت این کارها نیفتادم . تا اینکه سال ۸۰ گاهنامه ای به نام « ترلان » در هشـتاد و چند صـفحه منتشـر کردم و بلافاصله اولین کتاب شعرم را – شعرهای سال ۵۷ الی ۸۰ در ۱۲۰ صـفحه با نام « بهاری از خـاکستر پـاییز » در سه هزار تیراژ توسـط انتشـاراتی « فرهنـگ دهسـرا » ، منتشـر کردم که پس از چنـد مـاه همـان سال با همان تیراژ تجدید چاپ شد"

همسـر و فرزندان : در سال ۵۳ مقـدمات ازدواج منصور بنی مجیـد فراهم شـده و در سال ۵۶ عروسـی کرد .از ایشان سه فرزنـد ، دو دختر و یک پسر به یادگار مانده است.

زمان و علت فوت : منصور بنی مجیـدی در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۸۷ در ساعت ۱:۳۰ نیمه شب پس از جدال طولانی با بیماری سـرطان، چشم از جهان فرو بست.

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : بعـد از پایان تحصـیلات در مدارس آسـتارا به اسـتخدام آموزش و پرورش درآمد و در شـهرهای پارس‌آباد مغان و تالش به تـدریس پرداخت. در سال ۱۳۶۵ با انتقال به آموزش و پرورش آسـتارا با همکاری اکبر اکسـیر شعر را به طور جـدی دنبـال کرد و یکی از اعضـای ثابت حلقه فرانوشـد. او در کنار تـدریس ادبیات فارسـی در دبیرسـتانهای آسـتارا سالها در کانون ادبی شهریار اداره ارشاد این شهر به آموزش فنون شعر و تشویق شاعران جوان پرداخت.

همفکران فرد : استاد منصور بنی مجیدی در جواب سوال : از شاعران قدیم به کدامیک بیش از همه علاقه مندید !؟ چنین جواب می دهد " : راستش را بخواهید بنده ی حقیر همه چیز را با ادبیات کلاسیک شروع کرده ام و همیشه هم توصیه ام به شا گردان همین مقوله بوده است . چرا که ریشه و فرهنـگ گذشـته ی مـا باعث اسـتحکام رو بنا و کیفیت کارهای امروزی ما می شود بنا براین خود شخصاً آثار شاعران و نویسـندگان قـدیم را هرچنـد خیلی با دقت هم نباشد خوانده ام ! به مولوی ، حافظ ، سـعدی ، سـیف فرغانی ، فخرالدین عراقی ، فردوسـی ، صائب تبریزی و ... علاقه ی بیشتری دارم و حافظ را معجزه ی شـعر ایران می دانم . ضمن اینکه سیف فرغانی را انقلابی ترین شاعر " ... او همچنین در جواب سوال :از شاعران معاصـر و یک قرن اخیر به کـدامیک علاقه منديـد ؟ چنین جواب می دهد" : اگر دقیقاً صد سال اخیر را در نظر بگیرم حتماً می بایست به شاعران عصـر مشـروطیت توجه ای بیشتر داشـته باشم ولی دوست دارم از نیما شـروع کنم که پرچمدار شـعر نو بود هم به لحاظ ساختار هم به لحاظ دیدگاه شاعری که با مطالعه ی کامل ادبیـات فرانسه و ... به آگـاهی سـطح بالایی رسـیده بود و ادبیات کلاسـیک ما را نیز خوب درونی کرده بود و بـدنبال راه چاره می گشت . خوشـبختانه در آن زمان پس از کشـمکش های فراوان توانست حرف حق خود را به کرسی بنشاند و در این راه رنج فراوان برد . او تنها کارش کوتاه و بلنـد کردن مصـراعها نبود بلکه توانست فضای شـعری حاکم را که هزار و چند سال مدام تکرار می شـد تقریباً عوض بکند . هر چند قبل از او چند تن در تبریز از جمله تقی رفعت ، جعفر خامنه ای ، شمس کسمایی و حتا کسانی دیگر در این راه قـدم گذاشـته بودند ولی هیچکدام قدرت و مقاومت و اسـتحکام او را نداشت . او بقول خود « آب / در خوابگه مورچه گان ریخته بود » و در مرتبه ی دوم به شاملوی عزیز عشق و علاقه فراوان داشتم و بازهم دارم . و شاملو توانست شعر چندین ساله ی ایران را از حـالت یک نواختی بـدر آورد . او با هوش سـرشار اش آموزه های زیادی را از نیمای بزرگ آموخته بود ولی خود هم معلم و هم متعلم بود و هرگز از آموختن و بکار بسـتن آنها دست برنـداشت . شـعر سپیـد محصول سن زده ای نبود که مور و ملخ هم از آن نصـیبی نبرنـد بلکه این صـخره ی به ظاهر دست نایافتنی همه چیزش حساب شده بود . رودی بود بزرگ که حتی می شد در کنار و گوشه ی آن قایق رانی کرد و هر کس بنا به اسـتعداد و توان ذاتی اش از آن ماهی می گرفت . شاملو شـعر سیاسی اجتماعی را قرب

و منزلت داد و تا پای مرگ ، کسی ناله ی نه من غریب از او نشنید . آثاراش همه ارزشمند و خود شاهد بزرگی ست برای ادعاهای بزرگ اش ، می توان از آثار باقی مانده ی شاملو و نیما چندین رساله برای تدریس در دانشگاههای معتبر جهان تهیه کرد . دیگرانی نیز از جنس خلف اینها بوده اند از جمله : یدالله رویایی ، م آزاد ، نادر نادرپور ، هوشنگ ابتهاج ، منوچهر آتشی ، علی باباچاهی و خیلی کسان دیگر که از ذکر نامشان فعلاً شرمنده ام " .

آرا و گرایشهای خاص : در شعرهای منصور بنی‌مجیدی توجه به انسان معاصر و دغدغه‌های آن موج می‌زند بنی‌مجیدی در غزل ترکی حرفی برای گفتن داشت و از استقبال عموم برخوردار بود در شعرهای فارسی که اغلب در مطبوعات ادبی به چاپ رسیده شاعری اجتماعی و دردآشنا دیده می‌شد او از روح لطیفی برخوردار بود و به کمال انسان می‌اندیشید شعر او، خطابه‌های مکرر درد بود بازبانی ساده و نگاهی انسانی، او به نوعی از قصه ـ شعر رسیده بود که در عین بلندی گیرا و دلنشین بود. واژگان شعرهایش آمیزه‌ای از کلمات عامیانه و گفتاری بود با طنزی نهان و استفاده سرشار از فولکلور و امثال و حکم شعری سرزنده و شاداب اما دردمند و تفکربرانگیز.

چگونگی عرضه آثار : آثار بنی مجیدی می‌توان به مجموعه شعرهای «بهاری از خاکستر پاییز»(گزیده شعرهای سال‌های ۵۶ تا ۸۰)، «بانوی باد شبنامه پخش می کند»، «دیگر نمی‌توانم شاعر بمانم»، «سهم من، همیشه دلتنگی ست» و «قرائت دوم من، تویی» اشاره کرد. دو کتاب بیژن کلکی با عنوان های" ترانه هایی برای الکاپون "و " نیامدی اسم آب یادم رفت " به کوشش بنی مجیدی به چاپ رسیده اند. شعر زیر با عنوان «افعال غیرمنصرف» از اشعار اوست: اینجا پوسیده باشم پوسیده باشی شاید هم پوسیده باشد اگر به هر سازی تن بدهد! نَه برای قصد قربت / نَه برای رقصیدن تنها دردی همیشگی در کشاله رانم تیر می‌کشد! این ناتمامی زندگی ... برایم هیچ لذتی ندارد! هر روز مثلِ چای لب زنده یا فنجان دَمر شده کنار گذاشته می‌شوم این بغضِ چندین ساله نه تنها من است که در تو و دیگران نو به نوبه می‌ترکد! --

----

آثار :

۱ بانوی باد شبنامه پخش می کند

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - ۱۳۸۳

۲ بر بام خود آشفته می وزم

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - ۱۵ اسفند، ۱۳۸۵

۳ بهاری از خاکسر پائیز

ویژگی اثر : مجموعه شعر،چاپ دوم

۴ ترانه هایی برای آلکاپون

ویژگی اثر : مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی

۵ دیگر نمی توانم شاعر بمانم

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - ۱۳۸۳

۶ سهم من، همیشه دلتنگی ست

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - ۱۳۸۳

۷ شعر امروز آستارا

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی (شاعر) ناشر: فرهنگ ایلیا - ۲۷ اسفند، ۱۳۸۴

۸ قرائت دوم من، تویی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۳۸۳

۹ نیامدی اسم آب یادم رفت

ویژگی اثر : مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی

بوذری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بوذری به سال ۱۲۷۴ شمسی در قریه کرود از توابع طالقان دیده به جهان گشود، پدرش ملا علی‌اصغر بود، جد وی مرحوم سلطان محمد بود که قرآن‌های بسیاری به خط زیبای وی موجود می‌باشد.

بوذری، ابتدا در مکتبخانه‌ی کرود، شروع به فراگیری دروس فارسی و قرآن کرد و حدود پنج سال داشت به تهران آمد و در منزل مرحوم شیخ محمد آقا بوذری طالقانی که از افاضل زمان و مدرس مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) بود اقامت گزید.

مرحوم شیخ محمدآقا بوذری طالقانی در منزل حوزه‌ی علمیه داشت که فضلا و مدرسین و طلبه‌ها در این منزل آمد و شد داشتند و مرحوم ابراهیم بوذری در این منزل و در چنین محیطی پرورش یافت.

ابتدا، ادبیات فارسی، عربی، اصول و فقه را نزد مرحومان شیخ مسیح اوانکی، آیت‌اللّه کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌ای و علی شوشتری فراگرفت و از مرحوم شوشتری موفق به دریافت اجازه در امور حسبیه گرفت.

در هنر خطاطی، در رشته نستعلیق ابتدا شاگرد مرحوم حاج زین‌العابدین که نواده‌ی مرحوم میرزا زکی‌خان نوری بوده رفته، سپس نزد مرحوم عماد طاهری (عمادالشریعه) که از شاگردان مرحوم امیرحسین خوشنویس بود به تلمذ پرداخت و بالاخره در محضر عمادالکتاب به کمال رسید. در خط ثلث شاگرد مرحوم امیرالکتاب استاد بی‌نظیر خط که در ادب و شعر و شاعری «شرفی» تخلص می‌کرد رفت و در اندک زمانی گوی سبقت از همگنان خود ربود و خط نسخ و رقاء را در محضر آشیخ علی عبدالرسولی (پدر مرتضی عبدالرسولی از شاگردان مرحوم حبیب سماعی) که از شاگردان سید محمدتقی شرف‌المعالی بود به کمال آموخت.

مرحوم استاد ابراهیم بوذری، خود از بنیان‌گذاران کلاس‌های انجمن خوشنویسان که سلف انجمن خوشنویسان فعلی ایران می‌باشد بود و در این رشته شاگردان فراوانی که همگی هم‌اکنون از استادان خوشنویس می‌باشند تربیت نمود. وی سالها در دبیرستان‌های مختلف تهران از جمله تمدن و اسلام به تعلیم خط پرداخت و از سال ۱۳۲۷ شمسی به استاد خط دانشگاه روحانی معقول و منقول انتخاب و مشغول تعلیم شد. استاد بوذری بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود و خطاط رسمی کتابخانه مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء بود که همکاری وی در این ادارات بیش از ۳۷ سال ادامه داشته و در سال ۱۳۴۱ بازنشسته گردید.

آثار چاپی وی تا آنجا که در دسترس نگارنده است عبارتند از: دیوان خواجه شیراز، منتخبات دیوان مسعود سعد سلمان، کتاب تاریخ دبیرستاها، صرف و نحو برای دبیرستانها، جوامع‌الحکایت مرحوم اوفی ترجیع‌بند مرحوم صفی علیشاه، منتخبات مثنوی، پاورقی نقد مرحوم حکمت اشعار مرحوم حاج ذوالریاستین (مونس علیشاه)، کتیبه‌های آرامگاه شیخ شیراز سعدی، کتیبه‌ی آرامگاه شاه خلیل‌اللّه در تفت یزد، کتیبه‌ی دروازه‌ی قرآن شیراز، وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی شیراز، تاریخچه‌ی آب شیراز و...

استاد بوذری، واقعاً هنرمندی بی‌نظیر بود که خداوند استعدادی در نهاد او به ودیعه نهاده بود که در کمتر انسانی می‌شود مشاهده

کرد، زیرا با توجه به این همه هنر، در رشته آواز و موسیقی از نوادر روزگار بود از صدایی رسا و خوش برخوردار بود و دستگاهها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده، ابوالحسن صبا فراگرفت که باید یادآور شد که اقبال‌السلطان دو شاگرد بیشتر نداشته که یکی رضاقلی ظلی و دیگری ابراهیم بوذری بوده‌اند.

متأسفانه مشغله‌ی فراوان و گرفتاری‌های استاد به وی اجازه نداد که در رشته‌ی آواز شاگرد بپذیرد و یا آثاری آنچنان از خود به جای نهد تنها چند نواری از وی به جای مانده که در آرشیو وزارت ارشاد اسلامی (فرهنگ و هنر سابق) موجود می‌باشد که امید است روزی پخش و برای هنرجویان مورد استفاده قرار گیرد و چاپ دو کتاب در مورد تعزیه و تعزیه‌خوانی است که از طرف وزارت فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی فعلی) در سال ۱۳۵۴ چاپ کرد و به سرعت نایاب گردید.

مرحوم استاد ابراهیم بوذری در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود و اشعار زیبایی هم سروده که خود جای بحث‌ها و گفتگوهای جداگانه دارد و یکی از دو بیتی‌های استاد را که فی‌البدیه ساخته و آن چنین بوده که روزی دوستی، فندکی به رسم یاد بود توسط دوست مشترکی برای استاد می‌فرستد و مرحوم بوذری به قدری تحت تأثیر این محبت و دوستی قرار می‌گیرد که این دو بیتی را برای وی می‌سراید:

جانا غم هجران تو اندك نبود

در دوستی ما به خدا شك نبود

خود آتش دوریت طی سوختنم

بس باشد و محتاج به فندك نبود

فرزندان مرحوم ابراهیم بوذری پنج پسر و دو دختر می‌باشند به نامهای: علی‌اصغر، یوسف، پروین، منوچهر، علی، شیرین و فریدون که کلیه ایشان از خطی زیبا و خوش برخوردار می‌باشند.

از خاطرات استاد بوذری این که یکسال مرحوم اقبال‌السلطان از تبریز به تهران می‌آید و در سرچشمه منزل مرحوم شیخ محمد بوذری طالقانی که یکی از شب‌های ماه مبارك رمضان بوده مهمان می‌شود. هنگام سحر که در آن زمان از گلدسته‌های مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) برای بیدار شدن مردم، جهت ادای فرائض دینی و صرف سحری، توسط تنی چند از خوش‌صداترین مؤذنان گلدسته‌ها، مناجات سر می‌دادند آن شب مردم متوجه‌ی وضع دیگری شدند چرا که شب‌های گذشته و سال‌های قبل هر یك از مناجات کنندگان از گلدسته‌های متعدد این مدرسه می‌خواندند و هر یك جواب یکدیگر را می‌دادند ولی آن شب با خواندن مرحوم اقبال آذر در مدرسه و از پایین گلدسته‌ها آن خوانندگان همه ساکت شدند و تنها صدای رسا و خوش مرحوم اقبال‌السلطان به گوش مردم می‌رسید و فردا تمام اهالی خیابان‌های سرچشمه، سیروس، ایران، پامنار، بهارستان، مخبرالدوله و بسیاری خیابان‌های دوردست دیگر از یکدیگر می‌پرسیدند راستی این چه کسی بود که دیشب این چنین زیبا و عالی مناجاب سر داده بود؟ فقط کسانی که ساکن منزل مرحوم شیخ محمدآقا بوذری بودند می‌دانستند که صاحب صدای مناجات اقبال‌السلطان است.

استاد ابراهیم بوذری هم در سال ۱۳۶۵ درگذشت و جهان فانی را بدرود گفت و با آثاری که از خود به جای نهاد، نامش همیشه زنده و جاوید و خدماتش به فرهنگ و هنر کشور در تاریخ ثبت است. روانش شاد.

(۱۳۶۵ -۱۲۷۴ ش). موسیقیدان، خواننده، خطاط و ادیب. در روستای کرود از توابع طالقان به دنیا آمد. تحصیل خود را از مکتب خانه‌ی زادگاهش شروع کرد، در سن پنج سالگی به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار اقامت گزید. ادبیات فارسی، عربی، اصول و فقه را نزد شیخ مسیح ایوانکی، آیت‌اللّه کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌یی و علی شوشتری فراگرفت. در هنر خطاطی از محضر حاج زین‌العابدین، عماد طاهری، عمادالکتاب و امیرالکتاب بهره برد. وی از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان بود. بوذری سالها در

دبیرستانهای مختلف به تعلیم خط پرداخت و بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود؛ همچنین خطاط رسمی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء نیز بود. ابراهیم صدایی رسا و خوش داشت و دستگاهها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده و ابوالحسن صبا آموخت، مدتی نیز از حبیب‌اللّه کاشانی تعلیم گرفت و سرانجام اقبال آذر را به استادی انتخاب کرد. در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود، اشعار زیبایی هم سروده است. از آثار چاپی وی: «دیوان» خواجه شیراز؛ «منتخبات دیوان» مسعود سعد؛ کتاب «تاریخ» دبیرستانها؛ «صرف و نحو» برای دبیرستان‌ها؛ «جوامع الحکایات» عوفی کتیبه‌های آرامگاه شیخ شیراز و کتیبه‌ی دروازه قرآن شیراز.[۱]

خوشنویس، مدرس خوشنویسی.

تولد: ۱۲۷۴، طالقان.

درگذشت: ۱ بهمن ۱۳۶۵، تهران.

ابراهیم بوذری، فرزند علی‌اصغر طالقانی پس از فرا گرفتن علوم مرسوم زمان مانند ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و غیره به مطالعه رشته‌ی قضاء پرداخت و از محضر آیت‌الله خلیل کمره‌ای و آیت‌الله کاشانی و همچنین آیت‌الله شوشتری استفاده کرد و از آیت‌الله شوشتری اجازه در امور حسبیه گرفت و دارای مدرک اجتهاد شد.

دیری نگذشت که به عرصه‌ی خوشنویسی وارد شد و نکات و دقایق اولیه‌ی خط نستعلیق را در محضر زین‌العابدین ساعت ساز فراگرفت و سپس از استاد حاج آقا محمد مشهور به عماد طاهری که از شاگردان میر حسین خوشنویس باشی بود استفاده برد و برای تکمیل این خط و همچنین برای آموختن خط ثلث، نزد استاد عبدالحمید ملک‌الکلامی مشهور به امیرالکتاب (متوفی ۱۳۲۸) به تملذ پرداخت. وی چندی نیز جهت تکمیل خط نستعلیق در محضر استاد محمدحسین عمادالکتاب سیفی قزوینی (متوفی ۱۳۱۵) حضور یافت. سپس خط نسخ را در مکتب استاد محمدتقی کمال و آقا شیخ عبدالرسولی آموخت.

وی پس از سال‌ها خدمت در دستگاه‌های دولتی سرانجام در سال ۱۳۳۰ بازنشسته شد. وی مدت‌ها به فرمان‌نگاری و خوشنویسی احکام در مجلس شورای ملی و طی خدمتش در وزارت دادگستری به کارشناسی رسمی خطوط و امضای فارسی نیز اشتغال داشت. استاد بوذری به موسیقی نیز علاقه‌مند بود و از جمله اساتید وی در این زمینه اقبال آذر تعزیه‌خوان معروف به اقبال‌السلطان بودند. تجربه‌هایی از او در «ردیف»، «پرده»، «نوا» و ایرانی به یاد مانده است.

بوذری جزء نخستین کسانی بود که بنیاد کلاس‌های آزاد و رایگان خوشنویسی را به وجود آورده و به همراه دیگر استادان (حسین میرخانی و علی‌اکبر کاوه) سرانجام انجمن خوشنویسان ایران را پایه‌گذاری کرد. او تا آخرین لحظات عمر خود در آن انجمن به عنوان مشاور شورای عالی با حفظ مقام استادی و نیز عضویت در شورای تعیین شایستگی مقام استادی به کار ادامه داد.

ابراهیم بوذری ابتدا به سبک میر حسین و بعدا به اسلوب ملک‌الکلامی و عمادالکتاب گرایش پیدا نمود و سرانجام دارای شیوه‌ای خاص خود گردید که به اسلوب مستقل بوذری معروف شد.

از آثار کتابت به جای مانده از وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ملخص مثنوی؛ منتخب دیوان سعد سلمان؛ جلد اول جوامع الحکایات؛ پارسی نغز؛ تاریخچه‌ی آب شیراز؛ وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی؛ وقف‌نامه‌ی موقوفات مسجد فخرالدوله؛ جزوه‌های قرآن چاپ معروف به حاج ضیاءالدنی؛ ارمغان پاک؛ دیوان حافظ؛ کتب کلاسیک؛ کتیبه‌ی آرامگاه سعدی؛ کتیبه‌ی شاه خلیل‌الله در یزد؛ کتیبه رو به تهران دروازه شیراز به خط ثلث؛ یک دوره کتاب‌های درسی سال‌های مختلف دبستان و دبیرستان.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۶۳)، تاریخ موسیقی (۶۶۹/ ۲)، تذکره خوشنویسان معاصر (۱۳۵ -۱۳۳)، سرگذشت موسیقی (۳۸۰/ ۱)، مردان موسیقی (۱۵۲ -۱۴۹/ ۲).

بوستان، مجدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۳۱۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خراسان متولد شد و در مشهد نزد آخوند ملا احمد کدکنی و ادیب نیشابوری درس خواند و فرانسه را نزد میرزا حسین تهرانی حبیب فراگرفت. در تهران نیز از محضر آقامیرزا مهدی آشتیانی و ضیاءالدین درّی اصفهانی استفاده کرد. سپس به خدمات دولتی روی آورد و مدتی نیز تدریس کرد خدمات ادبی و اجتماعی وی با نگارش مقالات در روزنامه‌ها و مجلات مهم مانند «مهر»، «منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» در خراسان شروع شد، که به انتشار روزنامه «بوستان» در خراسان و عضویت در انجمن فرهنگستان ایران در تهران و همکاری در نشر مجله‌ی «ارمغان» انجامید. برخی از تألیفات وی عبارت‌اند از: «طریقه‌ی ترجمه»؛ «رساله‌ی خرافات»؛ «پندنامه منظوم»؛ «تذکره‌ی منتهیان».[۱]

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۷ ذیقعده ۱۳۱۷ ق.

درگذشت: ۲ اسفند ۱۳۶۴.

مجدالعلی بوستان، فرزند شیخ حسن، فارسی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملا احمد کدکنی فراگرفت. در سال ۱۳۳۳ ق. (مطابق با ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴) در مشهد نزد میرزا حسین تهران طبیب (ساکن سر قبر میر در محله نوغان) به آموختن زبان فرانسوی پرداخت. از سال ۱۳۰۳ که به تهران آمد از درس آقا میرزا مهدی آشتیانی و شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی استفاده نمود.

بوستان به کار معلمی در مدارس جدید خراسان اشتغال داشت. از سال ۱۳۰۶ در تشکیلات جدید عدلیه مشغول به کار شد و سرانجام در شهریور ۱۳۴۷ از کار بازنشسته شد. ابتدا مدعی‌العموم شهرستان ملایر بود و در پایان مستشار دیوان عالی کشور.

وی مقاله‌هایی را در موضوعات مختلف اجتماعی و ادبی برای روزنامه‌های «مهر منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» که در خراسان منتشر می‌شد می‌نوشت. وی سپس به انتشار روزنامه‌ی «بوستان» در خراسان اقدام کرد. از سال ۱۳۰۷ به بعد در انجمن ادبی ایران و انجمن فرهنگستان ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی حضور می‌یافت. وی همچنین در تصحیح دیوان بابا طاهر عریان با اتفاق محمد حسین وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نایینی و محمود عرفان همکاری داشت. تألیفات وی عبارت است از: رساله خرافات، دستور شرق (کتاب دستور فارسی که برای مدارس ابتدایی خراسان نوشته شد و چندین بار به چاپ رسید)، پندنامه منظوم (نصحیت مادر به دختر، چاپ سنگی در تهران ۱۳۰۶)، تذکره‌ی منتهیان (جلد دوم طریقه ترجمه). آثاری نیز از وی به چاپ نرسید: اوهام خواس «غلطهای مشهور»؛ ترجمه احوال بزرگان؛ شرح حال شیخ علاءالدوله سمنانی؛ سید حسن مشکانی طبسی (شرح حال)؛ یادداشت‌های قضایی و مقالات ادبی.

بوستان از زمانی که به تهران آمد با وحید دستگردی مدیر مجله «ارمغان» آشنا شد. این آشنایی منتهی به همکاری بوستان در نشر مجله‌ی «ارمغان» شد. وی گاه نوشته‌های خود را با امضاهای «پونه»، «بیابانی»، «عمیدجلال»، «بنده خدا» و «عبد خدا» منتشر می‌ساخت.

مجدالعلی بوستان به هنگام اقامت در خراسان از هواداران کلنل محمدتقی‌خان پسیان بود. وقتی که برای مدت سه سال رییس دادگستری سمنان بود به سبب تماس با تبعید شدگان زمان رضاشاه، تحت تعقیب قرار گرفت و برای مدتی به حالت بازداشت تحت نظر بود. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق به سبب وضع خاص و حساس شهر محلات به هنگام انتخابات، از سوی ایشان مأمور

نظارت در انتخابات محلات شد که چون طرفداران شهاب خسروانی وجود او را مخل دخالت‌های خود در صندوق‌ها تشخیص دادند، به دادگستری که محل اقامت او نیز بود، حمله بردند و قصد جان او را کردند. ناچار بنا به توصیه فرمانده ژاندارمری و شهربانی ضمن مراقبت ویژه او را از محلات بیرون آورده و راهی تهران کردند.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۶ -۲۴ /۲)، الذریعه (۱۷۰/۱۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۵ -۸۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۸ -۱۸۷ /۵).

بهار، مهرداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملک مهرداد بهار ، فرزند محمدتقی بهار (ملک الشعرا) در سال ۱۳۰۸ شمسی در تهران چشم به جهان گشود. وی از سال ۱۳۲۶ به عرصه ی فعالیت های سیاسی واردشد ، و پس از ورود به دانشگاه فعالیت های خود را گسترش داد ، که همین امر باعث اخراجش از دانشگاه شد و چندی بعد منجر به دستگیریِ او گردید. پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۳۸ برای ادامه ی تحصیلات به انگلستان رفت و در دانشکده شرق شناسی دانشگاه لندن تحصیلات خود را ادامه داد. بهار از سال ۱۳۴۴ به کلی از فعالیت های سیاسی کناره گرفت و به وطن بازگشت و در زمینه ی فرهنگ ایران باستان به پژوهش پرداخت. وی ده سال در بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان زبان ایران به کار پژوهش پرداخت و مدیریت گروه اساطیر را به عهده داشت. وی سرانجام در ۲۲ آبان ۱۳۷۳ بر اثر سرطان خون در گذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : ملک مهرداد بهار ، پنجمین فرزند در خانواده ی دانش پرور شاعر پرآوازه استاد محمدتقی بهار (ملک الشعرا) چشم به جهان گشود. مادر وی شاهزاده خانمی قاجاریه از خانواده ی دولتشاه کرمانشاه از نوادگان فتحعلی شاه بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ملک مهرداد بهار ، دوران کودکی و نوجوانی را در کنار خانواده و تحت سرپرستیِ مادرش سپری کرد. محیط فرهنگیِ خانه که محل رفت و آمد شعرا و ادبا و محفل انس فضلا و بزرگان ادب و سیاستِ آن روز بود ، در روحیه و ساختار و شخصیت او تأثیر بسزایی گذاشت ، به طوری که از او انسانی کم نظیر با تمامیِ خصایل عظیم انسانی و فضایل والای علمی ساخت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ملک مهرداد بهار ، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ی « جمشید جم » و دوران متوسطه را در دبیرستان « فیروز بهرام » و « البرز » گذراند. وی در سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ در رشته ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پذیرفته شد. در سال دوم دانشکده (۱۳۲۹-۱۳۳۰) به سبب زندانی کردن استاد دانشگاه تهران برای یک سال از دانشگاه اخراج شد. سپس در بهار ۱۳۳۴ پس از چهار سال دوری به دانشگاه برگشت و در سال ۱۳۳۶ در رشته ی زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد. در فروردین ۱۳۳۸ برای ادامه ی تحصیل به انگلستان رفت و در مدرسه ی مطالعات شرقی و آفریقایی در رشته ی زبان ایران باستان - مطالعات کهن و میانه ی ایرانی که شامل تاریخ و فرهنگ و زبان ایران باستان از اوستا و پارسی باستان تا متن های فارسی میانه و پارتی بود - تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از چهارسال فوق لیسانس خود را در انگلستان گرفت. و دو سال هم بر روی

پایـان نامه ی دکترا کار کرد ، اما به دلایل مالی مجبور شـد به ایران باز گردد (۱۳۴۴). در این سال در دانشگاه تهران دکترای رشته ی زبان های ایران باسـتان به تازگی راه انـدازی شده بود ، بنابراین بهار رساله ی دکترایش را با عنوان « آفرینش در اساطیر ایرانی بر پایه ی گزیده های زاد سپرم » با دکتر صادق کیا گذراند.

خـاطرات و وقایع تحصـیل : ملک مهرداد بهار در سال ۱۳۲۶ درکلاس دهم دبیرسـتان فیروز بهرام وارد حزب توده شـد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شـد. وی در طول سال های تحصـیل فعالیت سیاسـی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. در ادامه ی فعالیت های سیاسـی دیگر به صورت مستقل از آرمان های صنفی – سیاسی دانشجویان ایرانی دفاع می کرد. در سال ۱۹۶۱ در کنفرانس حزب توده در شهر دوسلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشعاب در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.

فعالیتهـای ضـمن تحصـیل : مهرداد بهار در مـدت تحصـیل در انگلسـتان ، با جنبش دانشـجویی ایران و انتشار نشـریه های فرهنگی – دانشـجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ ، عضو هیئت تحریریه ی مجله ی پژوهشـی چاپ لندن و مدتی هم سـردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت.

اسـتادان و مربیـان : ملـک مهرداد بهـار پس از آنکه تحصـیلا ت متوسـطه ی خود را در تهران گذرانـد ، در رشـته ی زبان و ادبیات فارسـی ادامه ی تحصـیل داد. در این مدت از محضـر اسـتادانی چون استاد پورداوود ، استاد بدیع الزمان فروزانفر و بیش از همه پدر ادیب و سـخنورش اسـتاد محمـد تقی بهـار بهره برد. و ی ۶ سال هم در دانشـکده ی شـرق شناسـی دانشـگاه لندن در رشته ی ایران شناسـی به تحقیق و مطالعه ی زبان های پارسـی باسـتان و اوسـتا و پارسـی میانه و پارتی و تاریخ فرهنگ ایران پرداخت. استادانش ، بزرگانی چون پرفسور هنینک ، پرفسور مکنزی ، پرفسور مری بویس و پروفسور هارولد بیلی بودند.

همسر و فرزندان : همسر ملک مهرداد بهار ، خانم دکتر زهره سرمد تهرانی ، استاد دانشگاه تهران است. از او دو پسر و یک دختر به نام های کاوه ، میلاد و فرغانه به یادگار مانده است.

زمـان و علت فوت : ملـک مهرداد بهار بر اثر سـرطان خون در روز یکشـنبه ۲۲ آبان ماه ۱۳۷۳ در سن ۶۵ سالگی در گـذشت و در قطعه ی هنرمندان در بهشت زهرا به خا ک سپرده شد.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : ملـک مهرداد بهـار پس از آنکه از لنـدن به ایران بـازگشت به سـبب فعـالیت های سیاسـی هرگز نتوانست در دانشـگاه به طور رسـمی اسـتخدام شود ، به ناچـار در بانـک مرکزی با عنوان « دبیر هیئت عامل بانک » اسـتخدام شـد ، سپس به صورت کارمنـد انتقـالی از بانـک مرکزی در بنیـاد فرهنـگ ایران به پژوهش پرداخت. از ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۳ ، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بانک برگشت و به کار ترجمه ی متون اقتصادی پرداخت. پس از ۲۳ سـال کار در بانک به دلیل ناهم خوانی با روحیه ی اسـتاد در سال ۱۳۶۸ خود را بازنشسـته کرد. مهرداد بهـار در سال ۱۳۲۶ درکلاس دهم دبیرسـتان فیروز بهرام وارد حزب توده شـد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شـد و در طول سال های تحصـیل فعالیت سیاسـی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. بهار در مدت تحصـیل در انگلسـتان ، با جنبش دانشـجویی ایران و انتشار نشـریه های فرهنگی – دانشجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسـیون محصـلین و دانشجویان ایرانی در سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ ، عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشـی چاپ لندن و مدتی هم سردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت. در ادامه ی فعالیت های سیاسـی دیگر به صورت مسـتقل از آرمان های صـنفی – سیاسـی دانشـجویان ایرانی دفاع می کرد ،در سال ۱۹۶۱ در کنفرانس حزب توده در شهردوسـلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشـعاب در کنفدراسـیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.

فعالیتهـای آموزشـی : ملـک مهرداد بهار به سـبب فعالیت های سیاسـی هرگز نتوانست در دانشـگاه به طور رسـمی اسـتخدام شود. او هنگامی که در بانک کار می کرد به صورت حق التدریس در دانشگاه تهران تدریس می نمود. از سال ۱۳۵۲ در گروه زبان شناسی و زبان های باستانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به عنوان عضو هیئت علمی مدعو به تدریس پرداخت. در واپسین سال های عمر در گروه تاریخ ادیان دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در رشته ی ادبیات و عرفان به تدریس پرداخت.

مراکزی کـه فرد از بانیـان آن بـه شــمار می آیــد : ملـک مهرداد بهـار در سـال ۱۳۵۱-۱۳۵۲ در فرهنگسـتان زبـان ایران موفق شـد پژوهشـکده ی زبـان هـای ایرانی میانه و باسـتان گروه زبان و پارسـی میانه را تشـکیل بدهـد که در آنجا طی هفت سال متون پهلوی بسـیاری به یاری او منتشـر شد. در کنار فرهنگستان زبان ایران در فرهنگستان ادب و هنر ایران (۱۳۵۱-۱۳۵۲) نیز گروه اساطیر را با هدف تدوین دانشنامه ی اساطیر ایران تشکیل داد.

آرا و گرایشهای خاص : ملک مهرداد بهار نخستین کسی بود که در ایران به پژوهش درباره ی اساطیر ایران پرداخت و در این زمینه شاگردان بسیاری پروراند. در میان پژوهشگران پهنه ی فرهنگ ایران زمین ،گروهی یافت می شوند که تنها توجه خود را منحصر به داده ها و تحلیل های گذشـته نمی بیننـد ، بلکه ترجیح می دهند تا با کندوکاو در دیدگاه های رایج و ارزیابی و سـنجش آن ، خود نیز به دیـدگاهی مسـتقل دست یابند. اسـتاد مهرداد بهار از جمله فرهنگ پژوهانی است که می توان وی را در حوزه ی یادشده جای داد. اسـتاد در عین آشنایی با دیدگاه های رایج ایران شناختی و بهره گیری درست و دقیق از هرکدام ، پژوهشگری یکتا و مستقل به شمار می آمد چرا که بر بسـیاری از داده ها و نظرگاه های ایران شـناسان غربی نقد روا داشـته و در برخی از موارد از آنها فاصله می گرفت.کـار پراهمیت دکتر بهار متمرکز است بر تاثیر ژرف فرهنگ های بومی ایران و فرهنگ آسـیای غربی به ویژه میان رودان بین النهرین بر فرهنگ ایرانی که از چشم بسیاری به دور مانده بود. --

آثار :

۱ بند هش

۲ پژوهشی در اساطیر ایران

۳ درباره ی قیام ژاندارمری ایران

۴ سخنی چند درباره ی شاهنامه

۵ واژه نامه ی گزیده های زاداسپرم

منابع :

۱روزنامه همشهری ، شنبه ۵ آذر ۱۳۷۹ ، شماره ۲۲۷۶۲کتاب ماه ، سال دوم ، شماره دوازدهم ، ۲۹ مهر ۱۳۷۸۳مهرداد بهار (یادنامه ی اسـتاد دکتر مهرداد بهار) ، به کوشش امیر کاووس بالازاده ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۳۴نشریه ی نامه ی فرهنگ ، سال چهارم ، شماره ی ۱۶ ، زمستان ۱۳۷۳

بهبهانی، سیمین

قرن:۱۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سیمین بهبهانی شاعر و ادیب متولد ۱۳۰۶ تهران

- لیسانس حقوق قضایی دانشگاه تهران

- برنده ده ها جایزه علمی و آکادمیک به خاطر اشعار و غزلیاتش، از جمله جایزه بیژن جلالی

- از معدود شاعرانی که اشعارش به زبان های مختلف دنیا ترجمه شده است.

- گزینه شعر «جامی گناه» او به زبان انگلیسی ترجمه شده و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است.

- برخی از آثار او عبارتند از: جای پا، چلچراغ، مرمر، رستاخیز، خطی زسرعت و از آتش،دشت ارژن و ...

- زن برگزیده سال ۱۳۷۷ از سوی بنیاد جهانی پژوهش های زنان

- برنده جایزه لیلیان هیلمن و راشیل هامت از طرف سازمان نظارت بر حقوق بشر ۱۳۷۸

- ترجمه ۱۰۳ شعر او به زبان انگلیسی در مجموعه ای تحت عنوان «فنجانی از آفتاب»

- ترجمه ۱۰۲ شعر او درکتابی با عنوان «آن سوی واژه ها» در آلمان

ز شب خستگان یاد کن شبی آرمیدی اگر

سلامی هم از ما رسان به صبحی رسیدی اگر

به حجت در این داوری ز دوزخ نشان می دهم

به دعوی، زخوش باوری بهشت آفریدی اگر

مهرانه خالقی:برای نوشتن از بهبهانی باید قبل از هر چیز نگاه دوباره ای داشت به غزلیات او چه این غزلیات گذشته از تمام ویژگی های دیگرشان نشان دهنده حساسیت شاعر به موضوعات سیاسی و اجتماعی پیرامونش است. شاید او تنها غزلسرای معاصر ماست که اگر جنگ می شود برای جنگ و اگر زلزله رخ می دهد برای زلزله می سراید و در این میان محدودیت و دست و پاگیری قاعده وزن و قافیه نه تنها مجال او را تنگ نمی کند، بلکه گستره ای می شود برای او که خود را متعهد به رخدادهای پیرامون خویش نشان دهد که سیمین بهبهانی شاعر درون نیست و گرفتار انتزاعات و تراوشات ذهن نمی شود. بلکه شاعر برون است و پیرامون. او برخلاف بسیاری از زنان روشنفکر و نویسنده و شاعر معاصر، دغدغه خود را کمتر دارد و بیشتر درد اجتماع و جامعه و مردم او را به شعر گفتن وامی دارد و شعر برای او عرصه پرداختن به تعهدات و ضرورت های انسانی از جنس مردم است و نه خود. علاوه بر این شعر بهبهانی گرچه از لطافت و زنانگی به حد اعلا بهره می برد اما فیمینیسم وزنانه نیست و اگر جایی هم دغدغه اش زن بوده است، نه از زاویه تنگ نگاه های مرسوم که از نگاه یک طبیبی که درد و محل درد را می شناسد به موضوع و مشکلات زنان می پردازد و قصد رو درروکردن زنان با مردان و بهره بردن از این آب گل آلود - بر خلاف بسیاری از روشنفکران زن معاصر- را ندارد.

... سخن آنگه از آب گو، سرابی ندیدی اگر /

بدین خالی آسمان، میفروز خورشیدمان/

به پندار و وهم و گمان چراغی خریدی اگر/

و باید از آغازش بنویسیم. روزی که به دنیا آمده است. باید بنویسیم سیمین بهبهانی (خلیلی) به سال ۱۳۰۶ در تهران، در خانواده ای صاحب فرهنگ و قلم متولد شد. «و اما گفتم که زاده شدم در خانه بزرگ پدربزرگ؛ چون پیش از زادنم، مادرم همسر خود را به

اشتغالاتش واگذاشته و به خانه پدری بازگشته بود. گویا مادر را تا آستانه مرگ کشیده بود نوزادی که من بودم. زیرا نزدیک به دو منی وزن داشتم! مامای فرنگی خود را باخته بود و پدربزرگ با پای ناتوان بر بام خانه رفته و اذان گفته بود تا دخترش به سلامت فراغت یابد و یافته بود.

به دایه سپرده بودندم، زیرا مادر چنان ناتوان شده بود که شیر نداشت. و این دایه دختر دایی مادرم بود. (گویا راست است که می گویند: «در روزگار پیش، مناصب موروثی بوده اند»)

امیر تومان پیر که دیگر کاری نداشت جز اندیشیدن به روزگار گذشته... سرگرمی تازه ای یافته بود: نوه نوزاد دومنی که مجبور بودند روزهای عمرش را به دروغ بیفزایند تا از چشم زخم بیگانه آسیب نبیند. و البته دایه مهربان آنگاه که زالوی فربه را به شیر بی اشتها می دید، تخم مرغی را با خطوط گرد زغالین سیاه می کرد و زیر فشار انگشت و پول خرد می شکست و گناه بی مبالاتی خود را به گردن «چشم شور» عمه و خاله بی گناه می انداخت و در باور او جز این گریزی نبود!» (۱)

بهبهانی اما در کودکی اولین ماتم را تجربه می کند. مرگ پدربزرگ. چنانچه می نویسد: «پدربزرگ را دیدم در بستر بی هیچ نگاهی در چشم و بی هیچ کلامی بر لب و بی هیچ نقل و کلوچه ای در دست. مادر شیون می کرد و زنان سیاهپوش نیز. و مرگ در باور من معنای گنگی یافته بود، بی آنکه به واژه آن اندیشیده باشم.»

و شاعر از همین جا طعم تلخ و گس مرگ را تجربه می کند. رؤیای کودکی از سر شاعر می پرد. نقل مکان و آغاز زندگی طاقت فرسای در غربت و ناتوانی. چه «پدر بزرگ میراثی بر جای نگذاشته بود و مادر ناچار بود برای اداره زندگی کار کند. در مدارس تازه پاگرفته آن روزگار به تدریس زبان فرانسه پرداخته بود. یک برادرش به دلایل سیاسی ناچار به گریز از مرگ محتوم و فرار از کشور شده بود و برادر دیگرش در زندان به سر می برد.»

وقت درس و مدرسه آغاز می شود. شاعر را به کودکستان می سپرند. «در گوشه باغی پیوسته به کلیسای انجیلی تهران، در خیابان قوام السلطنه. هنوز هم گاهی از برابر در ورودی آن می گذرم... هر روز صبح در کودکستان، دوشیزه دولیتل را –که کوچک نبود و پیر هم بود – می دیدم که در برابر خدای به چهار میخ کشیده می ایستد و نیایش می کند.»

در همین ایام است که بیماری سختی به جان شاعر می افتد: «در زیر گوش راستم تورمی پدید آمده بود. هر روز کاسه ای تلخابه سیاه برابرم می گذاشتند که: «بنوش!» اما تبم نمی برید.» بعدها این تلخی گله از همروزگارانش می شود و در این بیت می نشیند:

همچو برگ بید و بیخ کاسنی تلخند، لیک

تلخشان بیرون نکرد آسیب تب از پیکرم

«سرانجام، پزشک با نیشتر دمل را شکافت، روزهای پیاپی، تکه ای تنزیب را با محلولی می آغشت و بیرحمانه در جای نیشتر فرو می کرد تا زخم بهبود یافت... پزشک فریاد های کودکانه ام را به «کولی گری» تعبیر می کرد و به مادرم می گفت: «این دختر انتقام تو را از زمانه خواهد گرفت!» (۲)

«کولی گری» شاعر به صورت «کولی واره »ها در آمد و «انتقام» به این بیت بدل شد:

گر بسوزند استخوانم در نیستان همچو نی

گوید: «از ایشان گذشتم» ناله خاکسترم

سالی بعد مادر شاعر به ازدواج دوباره تن می دهد. ازدواج دوم مادر مصیبتی است برای او. چنانکه می نویسد: «در خانه پدر دوم اندوهگین بودم که مبادا مادر نیمی از محبتش را از من باز گرفته باشد. دایه او را بیش از پیش دوست می داشتم و آرامش را در سر نهادن بر سینه اش می جستم که همیشه بوی دود و پیاز می داد...»

با این حال تنها پناه شاعر نیز به دیار عدم می شتابد. «به سفر رفته بودیم، بی دایه، و هنگام بازگشتمان دایه دیگر در خانه نبود. مادرم

می گریست و این بیت را زمزمه می کرد:

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت»

بهبهانی در ایام دبستان و سال اول آن صاحب برادر و پسری دوقلو از پدر جدیدش می شود. می نویسد: مادرم دختری و پسری توأمان به دنیا آورده بود و من کارت پستال دخترکی همسال خود را به مدرسه بردم و گفتم: خواهر من است؛ مادرم دیشب زاییده و آموزگار رندانه گفت: به همین بزرگی؟ و من در نماندم و گفتم: عکس را با برق بزرگ کرده اند!

تراژدی دیگری اما در سنین جوانی برای شاعر اتفاق می افتد: «برادر توأمان بیمار شد. به بیمارستان بردندش، اما مادر تنها بازگشت. با اندک فاصله پس از او خواهر دوساله هم بیمار شد، همان بیماری. شب را گذراند و صبح به حال خفقان افتاد. از خانه بیرون دویده بودم، بی کفش و با جفتی جوراب که نیمه ای از هر لنگه مچاله و لوله روی برف و گل کشیده می شد و من می دویدم... سرگشته و ناتوان بازگشتم. پزشک از در خانه بیرون می رفت. سرافکنده و کیفی در دست. کسی بدرقه اش نمی کرد. به اتاق آمدم، مادرکنار دیوار نشسته بود. حتی توان گریستن نداشت: مجسمه ای مومیایی و خشک. (۳)

سال بعد اما خداوند برادری دیگر به او می دهد. کودکی رنجور که ناچار به پانسیون می فرستندش و بیماری بچه بیش از پیش می شود و شاعر قبول می کند در ازای شبانه درس خواندن از او مراقبت کند.

اولین شعرهای بهبهانی را مادرش کشف می کند که خود ذوق سرودن داشت. «یک روز که دست نوشته هایم را زیر بالشم یافته وخوانده بود، پرسید: شعر می نویسی؟ سرخ شدم و گریستم این دومین باری بود که در برابر نگاه جست وجوگرش سرخ می شدم و می گریستم.»

مادر شاعر اما اشعار او را برای پروین اعتصامی می خواند و شاعر پرآوازه از ذوق و علاقه، بهبهانی را می بوسد. وقتی رفتند مادر گفت: «او پروین اعتصامی است، بزرگترین شاعر زن. شاید نهانی آرزو می کرد که روزی چون او باشم. در فروردین سال بعد پروین اعتصامی درگذشت، به بیماری حصبه، اما خاطره دیدارش در من نخواهد مرد و شاید گلی بر خاکم برویاند...»

بهبهانی تحصیلات خود را در رشته حقوق قضایی به پایان می برد و از ۱۴ سالگی سرودن را با چهارپاره های نیمایی آغاز می کند و سپس به غزل روی می آورد. و این آغاز تحولی نو در غزل معاصر بود.

شاعر تمام هستی اش شعر است. خودش معترف است که «از آن هنگام که در جامه سپید از خانه پدر بیرون خزیدم در شعر زیستم. اگر صفایی، نوری، طراوتی و رنگ و بویی بوده است در شعر است. درغزل هاست. دیگر جز در شعر با خود راست نگفته ام.»

بهبهانی با نزدیکی شگفت آورش به زبان روزمره مردم و یافتن پاره های موزون در جملات عادی زبان، دموکرات ترین زبان شعر نوکلاسیک فارسی را خلق کرد. شعر او نشانگر درگیری عمیق ذهن شاعر، با رنج ها، شادی ها و مسائل مردم است.

او که به خاطر همین نوآوری ها در زبان و وزن غزل به «بانوی غزل» شناخته می شد و شعر عاشقانه اش، برتر از انواع دیگر شعرش می نشست؛ به تدریج شعرش را به تجلیگاه رنج ها، محرومیت ها و فریادهای مردم بدل کرد. او از معدود شاعران مطرح ایرانی است که به جنگ ۸ ساله عراق و ایران توجه کرده است، و هم درباره قربانیان جنگ و هم دشواری های اجتماعی ناشی از آن شعر سروده است.

واقعیت آن است که سیمین بهبهانی به خاطر زن بودن مسائل مهم را نادیده نگرفته است. در جای جای شعر سیمین بهبهانی توجه به مسائل تبعیض نژادی وطن و دغدغه های انسان معاصر به چشم می خورد. بهبهانی تفکری فرامرزی دارد و استبداد را در هر جای جهان باشد به محاکمه می کشد. او ستایشگر شرافت انسان است.

اعتبار اشعار بهبهانی از مرزهای ایران گذشته است. شعر او تاکنون به زبان های انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است. گزینه شعر

«جامی گناه» شش سال پیش به زبان انگلیسی توسط فرزانه میلانی و کاوه صفا ترجمه و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است و این نقد توسط علی بهبهانی به فارسی برگردانده شده است.

قالب مورد اقبال سیمین بهبهانی غزل است. او با لحنی مالیخولیایی که از حسی ژرف و عشقی رمانتیک و پاس داشتن ساختار بنیادی شعر نشان دارد، غزل سروده است. او درونمایه را گسترش می دهد و سبک را گفتارگونه می کند.

صفدر تقی زاده درباره شعر بهبهانی می گوید: «آنچه که از درونمایه ۱۰۳شعر این گزیده سر بیرون می آورد، مسائل ناشی از قشری گری و تلفات ناشی از جنگ ایران و عراق است.بهبهانی در غزل جزئیات عینی را محورقرار می دهد. مثلاً مردی که یک پا ندارد، بلکه دردناک تر از یک پانداشتن، سن کمتر از بیست سال اوست.

سیمین بهبهانی به تنهایی با زبانی پاک، بی حشو و حافظ گونه، در عرصه غزل می تازد. در غزل او حتی خللی و نقصی نمی بینیم. از نظر تنوع اوزان هیچ کس نتوانسته است تا به امروز به مقام مولانا برسد اما سیمین بهبهانی به تنهایی توانسته است ۴۰ وزن به وزن غزل فارسی بیفزاید، ضمن اینکه زبان قوی و قدرتمند احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث در شهر او جریان دارد و در کنار این زبان، بهبهانی از زبان مردم چشم پوشی نکرده است.»

درباره غزل بهبهانی «محمد حقوقی» می گوید: «غزل بهبهانی غزل مکالمه است. در غزل او ترکیبات فوق العاده ای به چشم می خورد، شعر او در دوران معاصر تنها شعری است که قابل تفسیر است. حتی شعر سعدی نیز در تاریخ ادبیات ایران قابل تفسیر نیست.» او می گوید: «سیمین بهبهانی کلی گویی را در غزل، جزیی سرایی کرده است. او در شعری که برای همسر پوینده و مختاری سروده است هنرمندانه ترین تعابیر را به کار گرفته است. غزل های او در نهایت سادگی، فوق العاده و بی نظیر است.»

بهپور شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۷۳.

درگذشت: ۱۳۶۰.

از آثار اوست: یادداشتهای پنکوفسکی: خاطرات یک افسر اطلاعاتی شوروی که به غرب پناه‌نده شده بود (به کوشش فردین بهپور؛ تهران، ۱۳۷۲).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهجتی اردکانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا شیخ محمد حسین بهجتی اردکانی از افاضل برجسته و علماء شایسته حوزه‌ی قم است که سالها از محضر آیات عظام مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات استفاده کامل نموده و بمدارج عالیه علم و کمال رسیده است دارای طبع شعر میباشد.

(س چهارم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. از علمای شایسته حوزه علمیه قم بود که سالها از محضر آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه بروجردی و سایر آیات استفاده کامل کرد و به مدارج عالیه علمی رسید. وی دارای طبع شعر بود و قصیده‌ی مخمسی از وی در «گنجینه‌ی دانشمندان» آورده شده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷/ ۳).

بهروزکیا، کمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال بهروزکیا در سال ۱۳۲۹ در تهران به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی زبان آلمانی از دانشگاه تهران می باشد.آقای بهروزکیا سال ها در مدرس ?راهنمائی و دبیرستان مشغول تدریس بوده، و کار ترجمه را از سال ۵۸ شروع کرده است. کتاب"تند پا و باد پا " ترجمه کمال بهروز کیا ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : کمال بهروز کیا سال دوم دبیرستان به ناچار تحصیل را ترک کرد و به کارگری مشغول شد. پس از چندی معلم کلاس دوم یک مدرس ?ملی شد. از آن پس، روزها درس داد و شب ها درس خواند تا آنکه سرانجام دیپلم متوسطه را دریافت کرد و به دانشگاه تهران، برای تحصیل در رشت ?زبان آلمانی، راه یافت و در سال ۱۳۵۹ به اخذ درج ?لیسانس نائل شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کمال بهروزکیا سال ها در مدرس ?راهنمائی و دبیرستان مشغول تدریس بوده، و کار ترجمه را از سال ۵۸ شروع کرده است.

جوائز و نشانها : کتاب"تند پا و باد پا " ترجمه کمال بهروز کیا ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

----

آثار :

۱ . آتش بعدی (صد سال آزادی بدون تساوی حقوق)

ویژگی اثر : ترجمه،جیمزبالدوین

۲ بچه های شلوغ

ویژگی اثر : ترجمه،آسترید لیندگرن

۳ بچه های کوچ ?تیله بازها

ویژگی اثر : ترجمه،گرهارد تاخلت

۴ بدرود ای سرزمین مقدس (۲۲ داستان از نویسندگان معاصر لهستان)

ویژگی اثر : ترجمه

۵ پسرک بی نظم و آدمکهای روی دیوار

ویژگی اثر : ترجمه،گیزلا بونزلز

۶ تند پا و باد پا

ویژگی اثر : ترجمه،اورسولاولفل،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «تندپا و بادپا»: تند پا و بادپا؛ اورسولا ولفل؛ ترجم ?کمال بهروزکیا، تهران: نشر شورا، ۱۳۷۱. تندپا و بادپا کتابی است جذاب و تربیتی با پیامهای آموزشی گوناگون. در این داستان پسرک فقیری از چاقی و کوتاه بودن قدش رنج می برد و برای همین دوست دارد کودک دیگری باشد. پدرش او را با خود به مسافرت می برد و در طول سفر، داستانهای پند آموز و زیبایی برای او تعریف می کند و سرانجام پسرک آگاه می شود که قیاف ?ظاهری آدمها اهمیتی ندارد. ترجم ?کتاب با شیوایی و دقت انجام گرفته، و مترجم نیز انتخاب شایسته ای داشته است.

۷ دایی من

ویژگی اثر : ترجمه،فرانس اریش کستنر

۸ زیباترین تخم مرغ دنیا

ویژگی اثر : ترجمه،هلمه هاینه

۹ فلوت سحر آمیز هانس

ویژگی اثر : ترجمه،کریستین اُندرسن

۱۰ قوی ترین کلاغ دنیا

ویژگی اثر : ترجمه،هلمه هاینه

۱۱ کره خری به نام گریزلا

ویژگی اثر : ترجمه،هاینریش ماریادنبورگ

۱۲ ماشین سحرآمیز

ویژگی اثر : ترجمه،کارل تئوگورینگ --

منابع :

۱www.ketabesal.ir

بهروزی، علی‌نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۸۱(۱۳۲۳ ق.)، کازرون.

درگذشت: ۱۴ فروردین ۱۳۶۲، شیراز.

علی‌نقی بهروزی متخلص به «بهروزی»، فرزند بهروز، پس از اخذ دیپلم در بوشهر و فراگیری ادبیات و زبان انگلیسی، به سال ۱۳۰۲ به بحرین رفت و دو سال به مدیریت و آموزگاری مدرسه اتحادیه ایرانیان اشتغال ورزید و بعد خدمت خود را در سمت‌های معلمی و نظامت و مدیریت در بوشهر و شیراز ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد. با این وجود معلمی در دبیرستان ابن سینا ادامه داد. همچنین دارای گواهینامه زبان انگلیسی از دانشگاه کمریج بود. علاوه بر انگلیسی، با عربی نیز آشنا بود و به دریافت نشان‌های درجه یک و دو علمی نایل آمد.

در سال ۱۳۰۵ با روزنامه‌ی «تخت جمشید» همکاری کرد و بعد به عضویت در هیئت تحریریه روزنامه‌های «عصر آزادی»، «پیغام»، «پارس» و «بهار ایران» درآمد. در عین حال مقالاتی در مجلات «گل‌های رنگارنگ»، «ارمغان»، «یادگار»و «یغما» انتشار می‌داد. او در سال ۱۳۲۵ امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره در شیراز منتشر کرد. وی همچنین عضو «انجمن قلم» و عضو مشورتی روزنامه‌ی «اطلاعات» در استان فارس بود و به عنوان شعار در «انجمن ادبی فارس» حضور می‌یافت و یکی از بنیانگذاران «کانون دانش پارس» بود و تا روزهای آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد.

از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ به سمت سرپرست کتابخانه حافظیه مشغول کار بود. از تیر سال ۱۳۵۸ به سرپرستی کتابخانه حضرت احمد در ××××× شاهچراغ شیراز اشتغال داشت.

فهرست آثار او به شرح زیر است: جشن‌های ایزدی، تاریخ اعیاد ملی (شیراز، ۱۳۲۴)؛ سده‌ی وفات قاآنی (شیراز، ۱۳۳۳)؛ شرح کامل حالات حکیم قاآنی (شیراز، ۱۳۳۴، نشریه‌ی سه کانون دانش پارس)؛ شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور (شیراز، ۱۳۳۳)؛ تصحیح دیوان رحمت کازرونی (شیراز، ۱۳۳۴)؛ تصحیح دیوان مظفر شیرازی (با همکاری و بازنگری دیگران شیراز، ۱۳۳۷)؛ لطایف و ظرایف ادبی (شیراز، ۱۳۴۲)؛ آثار محلی فارس (شیراز ۱۳۴۰)؛ فارسنامه ابن بلخی (شیراز، ۱۳۴۳)؛ تاریخچه‌ی شهر شیراز و اماکن تاریخی (تهران، ۱۳۴۷)؛ واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی (تهران، ۱۳۴۸)؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز (شیراز، ۱۴۳۹)؛ تاریخچه‌ی مسجد جامع سلطانی وکیل (شیراز، ۱۳۵۰)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس (دو جلد با همکاری آقای محمدصادق فقیری، شیراز، ۱۳۵۱)، نوادر تاریخی (جلد اول، ۱۳۵۳)؛ حافظ را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ سعدی را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ افتخارات ایران؛ شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد (شیراز، ۱۳۵۶)؛ تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانه‌ی فارس (شیراز، ۱۳۵۶)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (دو جلد، شیراز، ۱۳۶۰)؛ تاریخچه‌ی ده ساله‌ی کانون فرهنگیان پارس (شیراز، ۱۳۳۳)؛ اشعار نغز؛ گلشکر.

علی‌نقی بهروزی سرانجام به سال ۱۳۶۲ در شیراز زندگی را بدرود گفت و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد.

(۱۳۶۲ –۱۲۸۳ / ۱۲۸۱ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کازرون و بوشهر و شیراز به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و زبان انگلیسی را کاملاـ آموخت و نایل به دریافت گواهی‌نامه از دانشگاه کمبریج انگلستان شد. بهروزی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و مدت دو سال مدیر مدرسه‌ی ایرانیان در بحرین بود و از آنجا به بوشهر منتقل شد. و به مدیریت و تدریس در مدارس مختلف در بوشهر و شیراز پرداخت. او مقالات ادبی و اجتماعی زیادی در جراید «تخت جمشید»، «عصر ایادی»، «پارس» و مجلات «ارمغان»، «یادگار» و «گلهای رنگارنگ» منتشر کرد. بهروزی در سال ۱۳۲۵ ش امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره‌ی آن را در شیراز منتشر کرد. بعد از بازنشستگی از سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی

کتابخانه حافظیه و کتابخانه شاهچراغ، گمارده شد و عضو انجمن ادبی فارس و مؤسس کانون دانش پارس بود و تا آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد. وی گاهی شعر می‌سرود و محققی پرکار بود و بیست و چهار جلد کتاب تألیف کرد و دهها مقاله نوشت. از آثار وی: «آثار محلی فارس»؛ «جشنهای ایزدی»؛ «نوادر تاریخی»؛ «گلشکر»، لطائف و ظرائف ادبی؛ «سده قاآنی»؛ «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»؛ «فرهنگ لغات محلی فارسی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۳۲/ ۵)، انجمن‌های ادبی شیراز (۴۱۵ -۴۱۲)، تارخی جراید (۳۱ -۳۰/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۴ -۴۹۰/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۰ -۱۱۹/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴، ۶۰۳/ ۴).

بهزادی اندوهجردی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ و هم‌اکنون دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرهنگ جامع اصطلاحات زبان و ادبیات فارسی، اصطلاحات دستور زبان فارسی، اصطلاحات عروض و قافیه، اصطلاحات معانی و بیان و بدیع، نقد ادبی، سبک‌شناسی، مکتبها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شعر، تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی، بدیع و بیان، عروض و قافیه، طنز و انتقاد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تحقیقات ادبی، نقد و نظر، پژوهش در طنز و هزل، حماسه‌های مذهبی، بدیع و بیان، معرفی بهترین شاعران کرمان، ستارگان کرمان، اختران خراسان، شیرین‌کاران شیراز، سخنسرایان آذربایجان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بهشتی قزوینی، شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مدرس، ادیب و شاعر. در قزوین به دنیا آمد. وی پس از فراگیری مقدمات علوم، مدارج عالی را در حوزه‌ی درس شیخ ملا محمدصالح برغانی و شهید ثالث پیمود. سپس به عراق رفت و در کربلا و نجف از محضر استادانی چون شیخ حسن برغانی بهره گرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. در بازگشت به موطن خویش از استادان قزوین نیز اجازه اجتهاد گرفت. آنگاه به تدریس و فتوا و ترویج دین پرداخت. بهشتی از مدرسان مشهور مدرسه صالحیه بود، بویژه در تدریس کتاب «مطول» به حدی مهارت داشت که او را مطول گوی می گفتند. وی و برادرش شیخ ملا عبدالوهاب بهشتی، که او نیز مدرس سطوح فقهیه بود و در حدود ۱۳۰۰ ق از دنیا رفت، هر دو از علما و ادبا و برجستگان قزوین به حساب می‌آمدند. از آثار وی: حواشی بر «مطول»؛ حواشی بر «حاشیه‌ی ملا عبداللّه»، در منطق؛ حواشی بر «شرح لمعه‌ی» شهید ثانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۸۰۵/۱۳)، المآثر والآثار (۱۶۵).

بهشتی، سیدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۴ ق)، عالم، ادیب، لغوی، مفسر، فقیه و محدث. معروف به مفسر. در کربلا متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. وی در تهران ساکن و از اعلام معاصر تهران بود. بهشتی در زهد و تقوی کم‌نظیر بود. او متجاوز از بیست و دو سال پی‌درپی در مسجد جامع تهران تفسیر قرآن می گفت. در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه شهر ری دفن شد. از آثار وی تفسیر «مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، به عربی، در دوازده مجلد است که در تهران به طبع رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۷۹ -۱۷۸ /۴)، مقنیات الدرر (ج ۱/ مقدمه مؤلف).

بهشتی، محمدحسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، اصفهان.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی در محله‌ی لومبان اصفهان چشم به جهان گشود. پدربزرگ وی، آیت‌الله میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی، از مراجع عصر خود بود. آیت‌الله بهشتی تحصیلات خود را تا سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند و سپس در سال ۱۳۲۵ به قم رفت. حدود شش ماه در قم بقیه سطح مکاسب و کفایه را تکمیل نمود و از اوایل سال ۱۳۲۶ به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت‌الله محقق داماد وارد شد. از اساتید دیگر وی آیات عظام بروجردی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای و امام خمینی (ره) بودند.

برای پیگیری تحصیلات دانشگاهی، در سال ۱۳۲۷ با گرفتن دیپلم وارد دانشگاه معقول و منقول شد و تا سطح دکتری ادامه تحصیل داد. در فسلفه نیز پنج سال مستمر (۱۳۳۵ –۱۳۳۰) در درس علامه‌ی طباطبائی حضور یافت و علاوه بر بحث‌های اصول فسلفه و روش رئالیسم، اسفار و شفا را نیز فراگرفت.

در همان سالها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی به عنوان دبیر به تعلیم این زبان در دبیرستان‌ها پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ وارد عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی شد. تأسیس مدرسه‌ی منتظریه‌ی با همت آیت‌الله قدوسی و با نظارت ایشان از فعالیت‌های دیگری بود که از سال ۱۳۳۹ آغاز شد. از سال ۱۳۴۱ نیز در جریان‌های سیاسی حضور داشت. از جمله اقدامات وی همکاری در ایجاد «کانون دانش‌آموزان قم» بود که بعدها آیت‌الله دکتر محمد مفتح مسئولیت آن را پذیرفت. در زمستان سال ۱۳۴۲ او را مجبور کردند که از قم خارج شده و به تهران برود.

با ورود به تهران با جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی رابطه سازمان یافته‌ای داشت. در همین جمعیت‌ها بود که به پیشنهاد شورای مرکزی، امام خمینی (ره) یک گروه چهار نفری را به عنوان شورای سیاسی و فقهی تعیین نمود که یکی از آنها آیت‌الله بهشتی بود. بعدها برنامه تغییر کتاب‌های تعلیمات دینی مدارس در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

با دستگیری اغلب رهبران سیاسی نظامی جمعیت‌های مؤتلفه، آیت‌الله بهشتی در اوایل سال ۱۳۴۴ برای راهنمایی مسلمانان آلمان، از ایران به آن کشور رفت و در هامبورگ مستقر شد. در آنجا زبان آلمانی را یاد گرفت. اما فعالیت وی فقط منحصر به آلمان نبود و کشورهای آلمانی زبان (به ویژه اتریش) را نیز در برگرفت. آیت‌الله در این مدت در تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نشریه «اسلام مکتب مبارز» همکاری کرد و از ایشان در این دوره، سخنرانیها و جزوات چندی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی باقی مانده است. یک دوره تفسیر قرآن از آغاز تا سوره نساء نیز حاصل همین ایام است.

در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و با همکاری آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد مفتح به تشکیل جامعه روحانیت مبارز نمود. در سال ۱۳۵۵ هسته‌هایی برای امور تشکیلاتی به وجود آمد و در سال ۱۳۵۶ روحانیت مبارز شکل گرفت.

در کنار فعالیت‌های دیگرش، از همان سال بازگشت به ایران (۱۳۴۹) کار تحقیقاتی و علمی را آغاز کرد که تا سالهای انقلاب با همکاری آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر محمد مفتح ادامه یافت و اهمیت این کار تحقیقاتی به حدی بود که حتی در سال ۱۳۵۳ در برگه یادداشت کارهای جاری، پنجاه درصد از وقت خویش را فقط به آن اختصاص داده‌اند و بقیه را به بیش از پانزده کار فرهنگی، تحقیقی و اجرائی دیگر. در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ نیز، جلسه‌ای در روزهای دوشنبه در منزل ایشان برقرار بود که در آن با حضور چند تن از محققان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی اقتصاد، کتاب کاپیتال (سرمایه) کارل مارکس مورد بررسی قرار گرفت.

با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس، آیت‌الله دکتر بهشتی به حضور ایشان رفت و هسته‌ی شورای انقلاب تشکیل شد که وی یکی از اعضای آن بود.

علاوه بر مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، تألیفات وی به شرح زیر است: بانکداری و قوانین مالی اسلام؛ عادت (ترجمه از انگلیسی)؛ قانون علیت در جامعه ما؛ نقش ایمان در زندگی انسان؛ کدام مسلک ؟؛ صدای اسلام در اروپا (به پنج زبان)؛ روحانیت در اسلام و در قرآن؛ یک قشر جدید در جامعه ما؛ حکومت در اسلام (حکومت از نظر اسلام) (۱۳۶۷)؛ نماز چیست؟ (۱۳۶۶)؛ اسلام و مکتب‌های

معاصر؛ مباحث شناخت در اسلام (۱۳۶۹)؛ شناخت از دیدگاه قرآن؛ امر به معروف و نهی از منکر، آزادی از دیدگاه اسلام؛ مالکیت از نظر اسلام؛ تکامل از نظر اسلام؛ تخریب در اندیشه اسلامی؛ حقیقت و عرفان؛ اسلام دین واقع‌بین؛ قضای اسلامی؛ اقتصاد اسلامی (فارسی و عربی، ۱۳۶۲)؛ توحید در قرآن؛ حج در قرآن (۱۳۶۵)؛ نقش قیامتی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات؛ با همکاری محمدجواد باهنر).

از آثار دیگر ایشان که چاپ نشده‌اند: ترجمه کامل تاریخ قرآن نولد؛ ترجمه بخشی از کتاب دانش منطق اثر هگل؛ تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی؛ تفسیر قرآن (نوار).

ضمنا تعداد معدودی نوار از جلسات درس دکتر بهشتی با عنوان (فلسفه‌ی هگل) که از سال ۱۳۵۵ برای طلاب آغاز کرد و نیز یادداشتهای آن به جا مانده است.

آیت‌الله دکتر بهشتی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

استاد دکتر سید محمد حسینی بهشتی اصفهانی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین و اساتید معاصر و مستخرجین با کمال حوزه علمیه قم است آقای دکتر بهشتی در حدود ۱۳۴۵ قمری در شهر اصفهان به دنیا آمده و پس از خواندن اولیات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و آنگاه به دروس خارج فقه واصول آیات عظام مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی و آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه العظمی نایب‌الامام خمینی و آیت‌اللّٰه العظمی آقای شریعتمداری حاضر و از دراسات آنان استفاده کامل نموده و معقول را هم از محضر علامه آیت‌اللّٰه طباطبائی آموخته و در رشته‌های مختلف علمی عقلی و نقلی یکی از ستارگان درخشنده حوزه علمیه گردیده و چند سالی از طرف مراجع بزرگ برای ارشاد و وظائف روحی و دینی به آلمان مهاجرت و در آنجا رهبری- مسلمین شیعی را نموده و خدمات چشمگیری انجام داده تا در این چند ساله اخیر که مراجعت به ایران و در تهران به تدریس و خدمات دینی پرداخته و هم برای تدریس و سخنرانی در دارالتبلیغ اسلامی قم به دعوت موسس بزرگوار آن حضرت آیت‌العظمی آقای شریعتمداری به قم آمده و ایفاء وظیفه نموده است.

معظم‌له نیز از مجاهدین به نام و مبارزین عیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی است که با تمام سخنرانیهایش مظالم و جرائم دولت را بیان و از اعمال ضد خلقی و مردمی و توحیدی آنان انتقاد نموده است.

استاد بهشتی در انقلاب ایران و پیروزی آن سهم ویژه‌ای دارند و هم اکنون یکی از علماء دولت موقت جمهوری اسلام و از نزدیکان و همکاران جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر می‌باشد سخنرانیها و اعلامیه‌های ایشان جالب و مجموع آن خود کتابی خواهد بود.

آثار و تالیفات عدیده علمی دارند که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است از تالیفات مطبوع ایشان کتب زیر است.

۱- خدا از دیدگاه قرآن که در ۲۷ شهریور ۱۳۵۲ برابر ۲۵ شعبان ۱۳۹۳ ق به طبع رسیده است.

۲- نماز چیست.

۳- شناخت اسلام که به اتفاق دو نفر از افاضل آقای علی آقای گلزار غفوری- محمدجواد باهنر نوشته‌اند کتابهای دیگری که متاسفانه نام آنها را یاد ندارم.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهشتیان، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد عباس بهشتیان به سال ۱۳۰۵ش در اصفهان دیده به جهان گشود. وی یکی از سه فرزند ذکور خانواده بود. پدرش مرحوم حیدر علی در شهر ریز (زرین شهر) به شغل برنجکاری و ادارهٔ امور عصارخانه ای در آن محل اشتغال داشت. مرحوم بهشتیان دورهٔ تحصیلات را در مدرسهٔ که به مدیریت عالم فاضل ادیب مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی اداره می شد سپری نمود . عشق به تاریخ ادبیا ت فارسی از همان زمان در وی ریشه گرفت و به مرور ایام تبدیل به انگیزه ای مؤثر و مفید گشته، دیگر فعالیتهای اجتماعی اش را تحت الشعاع خویش قرار داد. بنحوی که در نهایت، پاسداری از مواریث فرهنگی و افتخارات ملی این سرزمین هدف غائی و قوهٔ محرکهٔ زندگیش گشت.

پس از فراغت از تحصیل بر خلاف دارا بودن مدرک تحصیلات بالاـو توجهٔ زمانه خویش و امکان احراز موقعیتهای گوناگون جهت تصدی مشاغل دولتی، تن به قبول مسؤلیت های اداری نداده، ترجیح داد بطور آزاد به انجام مطالعات و تحقیقاتش در امور تاریخی، ادبی و اجتماعی بپردازد.

همچنین فعالیت در امور زراعی سبب گردید که میزان اطلاعات و تبحر وی در مسائل مربوطه به درخت و درختکاری، متناسب با آب و هوای منطقه اصفهان زیاد گردد. و با فوت پدرش مزرعه های و باتلاقی در حوالی لنجان را خریداری نموده و پس از پنج سال تلاش مداوم ، توانست زمین را بصورت قابل قبول جهت زراعت و سکونت درآورد. در تمام دوران زندگی با درآمد حاصل از راه زراعت، باغداری و تولید سرکه و فروش آن زندگی را سر کرد.

عباس بهشتیان یکی از مردان جالب و جذاب و کم نظیر و یکی از یاران و همراهانش او را بحق (آتشفشان خاموش) لقب داده بود. بزرگمهری که آتش مقدس عشق به زاد و بوم پیوسته در اعماق قلبش زنده و جوشان بود. وی به لحاظ روحیه توکل و قناعتی که وجه مشخصهٔ او بوده از هیچ قدرت و مانعی جهت حفظ آثار و بناهای تاریخی هراس نداشت.

استاد مهریار از معاریف که سالهای دراز یار همراه بهشتیان بوده درباره وی می گوید:

« هیچوقت کنار یک منقل پرآتش که شعله می کشد نشسته اید دیده اید که وقتی بادی می وزد چگونه شعله بالا می کشد، شور و شوق این مردم به وطن رفته رفته چنین شده بود، در کنار که می نشستی حرارت را حس می کردی و گاه بود که می سوختی، بالاخص اگر بادی هم می ورزید.

وباز از قلم رفیق شفیق دیگر وی مرحوم استاد منوچهر قدسی که از عهد شباب تا آخرین روزهای حیات با وی بوده می¬خوانیم. «...... من نسبت به گذشتهٔ ایران خاصهٔ اصفهان، آگاهتر از عباس بهشتیان عدهٔ ای را ولو به شماره انگشتان یک دست می شناسم اما......عاشق تر از او در تمام عمر ندیده ایم کسی که به اندازهٔ او در مسائل تاریخی، هنری و مملکتی صاحب سوز و درد باشد و آثار هنری و فرهنگی این سرزمین به ویژه اصفهان را نه تنها دوست بدارد، که به هر کدام تا حد پرستش عاشقانه مهربورزد....»

وی با شور فراوانی که در معرفی و شناساندن آثار تاریخی اصفهان داشت با عشق و مهرورزی تمام دانشجویان و علاقمندان را راهنمایی می¬نمود و نکته به نکته جای جای آثار را که معرفی می نمود.

موضاعات تحقیقی استاد، زمینه های گوناگون را دربر می گرفت که اهم آنها از قرار ذیل است:

۱- بحث آثار ملی، که شامل معرفی و بیان تاریخچه بازارها، سراها، مساجد ، مدارس و خانه های قدیمی اصفهان می گردد.

۲- تاریخ تخت فولاد که تکایای موجود و از بین رفته را دراین قبرستان بررسی نموده و به ذکر احوال دانشمندان و اساتید مدفون در این مزار شریف می پردازد و این کتاب بر صفحهٔ کتاب بخشی از گنجینهٔ آثار ملی، به چاپ رسید.

۳- عصارخانه ها، ¬تحقیق جامعی است از عصار خانه های اصفهان

۴- کبوتر¬خانه های اصفهان، برج کبوتر را معرفی و در مورد فوائد آن در امور کشاورزی اصفهان و روستاها به بحث می پردازد.

۵- تحقیقی در مورد مادی های اصفهان

۶- شرح خانقاه تکیه، علی بن سهل وخلاق المعانی کمال الدین اسماعیل و معماران هنرمندان اصفهان و مقالات متعددی دیگر که در نشریات و مجلات آن زمان به چاپ رسیده است.

مرحوم بهشتیان که در سالهای فعالیتش به زندگی بس ساده ای با درآمد حاصل از راه زراعت و باغداری وتولید و فروش سرکه می گذشت، قناعت می کرد در سرار عمر بسیاری ساده بی پیرایه زندگی می کرد. به سبک قدیم لباس میپوشید و هرگز در سلک البسهٔ معمول زمان دیده نشد و به تجملات دنیوی کوچکترین علاقه ای نداشت. مردی بسیار تمیز و نظیف بود، حتی در نظافت وسواس داشت، صورتش گلگون و همیشه خندان بود، شوخی و مزاح را دوست می داشت.

از جمله از اقدامات برجستهٔ استاد بهشتیان با کمک علاقمندان به آثار تاریخی، جلوگیری و ممنوعیت عبور ومرور وسائل نقلیه از روی پلهای خواجو و سی وسه پل و همچنین احیاء ومرمت مزار صائب تبریزی بود.

ایشان در انجمن آثار ملی وکمیسیون نامگذاری اماکن و معابر اصفهان با توجه وعلاقه بسیار زیاد شرکت می کرد. وی برای حفظ محیط زیست و فضای سبز شهر اصفهان اقدامات شایسته ای بعمل آورد.

سرانجام این استاد گرانمایه در ۱۱ اسفند ۱۳۶۶ فوت کرد و بنابر وصیت نامه خود در تکیه میر فندرسکی بخاک سپرده شد.

بهلول گنابادی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر. معروف به بهلول. اصل وی بجستان گناباد است. وی در سبزوار متولد شد و همان جا تحصیل علوم قدیمی کرد. سپس بیشتر به وعظ و روضه‌خوانی و مسافرت در ایران و عراق مشغول بود. وی برای مخالفت با قانون اتحاد شکل و تبدیل لباسهای مختلف و معمولی ایرانی به لباس واحد نیم‌تنه و شاپو، در مشهد سخنرانیهایی کرد که منجر به شورشی در آنجا شد که در نهایت وی را به افغانستان بازگشت و در سال ۱۳۴۹ ق به ایران بازگشت. بهلول حافظه‌ای نیرومند داشت. او را منظومه‌ای است در حدود هزار و دویست بیت که خود از آن تعبیر به «مجموعه‌ی دینی» کرده و در آن شرح حال خود و بعضی وقایع زمان خود را به تصویر کشیده است. مجموعه‌ی شعرش به نام «بهلول» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۹ -۱۴۸ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۶۳۴ -۶۳۱ /۱)، صد سال شعر خراسان (۱۵۷ -۱۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۲/۲).

بهمنش، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در زادگاه خویش انجام داد و بعد به

فرانسه رفت و به ایران بـاز گشت و در سال ۱۳۱۴ ش در دانشسـرای عالی به تدریس پرداخت و تاریخ ملل قدیم را درس گفت. وی تألیفات و ترجمه‌های زیادی دارد از جمله: ترجمه‌ی «تاریخ مصر قدیم»؛ «تاریخ یونان قدیم»؛ «تاریخ ملل قدیم آسـیای غربی»؛ «سیر تاریخ»؛ «تاریخ جهانی»، در دو مجلد؛ «فرهنگ اساطیر»؛ مسئله‌ی شرق»؛ «تارخی اروپا، قرون وسطی و آغاز قرن جدید».[۱]

در گذشت: ۱۳۷۱.

احمـد بهمنش از تحصـیل کردگـان دارالفنـون بـود و جزو محصـلان اعزامی بـه اروپـا و فرانسـه به تحصـیل تاریـخ پرداخت. پس از بازگشت چندی در دبیرسـتان‌ها درس می‌گفت تا این که به دانشـگاه منتقل شد و در دانشـکده‌ی ادبیات بیشتر تاریخ یونان و روم را بر عهـده داشت. بهمنش چنـد کتاب در زمینه تـدریس و مطالعات خود به چاپ رسانیـده است. از جمله آثار اوست: تاریخ اروپا در قرون وسـطی و آغـاز قرون جدیـد (مخصوص سـال چهـارم ادبی و دانشسـرای مقـدماتی)؛ تاریـخ جهـانی (تـألیف شارل دولانـدلن، ۱۳۴۷)؛ تاریخ یونان باستان؛ فرهنگ اساطیر یونان و روم (پیر گریمال ۱۳۷۶).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۱، ص ۱۰ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۷ -۳۶۶ /۱).

بهمنی، اردشیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مدرس، ادیب.

تولد: ۱۳۲۳، بهار همدان.

در گذشت: ۸ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

اردشـیر بهمنی تحصـیلات ابتدایی و دبیرستان را در همدان گذراند و در سال‌های بعد از دانشسرای عالی تهران به درجه لیسانس در رشـته‌ی زبان و ادبیات پارسی و سپس به اخذ فوق لیسانس ادبیات نائل گردید. مدت ۲۷ سال به تدریس در نقاط مختلف کشور از جمله کرمانشاه، تهران، ارومیه و همدان مشغول بود. دو کتاب به نام‌های دستور زبان فارسی (۱۳۶۴) و رتبت دانش حافظ (۱۳۵۵) از وی بـه چـاپ رسیده است. همچنین از وی مقاله‌هـایی دربـاره‌ی ادبیـات فارسـی در مجله‌هـای «ارمغـان»، «یغمـا»، «وحیـد»، «گلچرخ اطلاعات»، «کیهان فرهنگی» و «نهیب غرب» به چاپ رسیده است.

اردشیر بهمنی به علت خونریزی معده و ناراحتی کلیه بعد از تحمل درد بسیار در گذشت.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهمنی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدعلی بهمنی در فروردین سال ۱۳۲۱ در شـهر دزفول به دنیا آمـد. شـعر بهمنی نیز البته شایـد با خود او متولد شده باشد، گرچه بسـیاری بر این عقیده اند که او غزلهایش را وامدار سبک و سیاق نیماست. نخستین شعر از او در سال ۱۳۳۰، یعنی زمانی که او تنها

۹ سال داشت، به چاپ رسید.

محمدعلی بهمنی

برای محمدعلی بهمنی شعر چون موجودی جاندار است که شکل و قالب، لباسهای آن را تشکیل و به آن شخصیت میدهند. با این همه، محمدعلی بهمنی شیفته ی غزل است و غزل گفتن و غزل خواندن و غزل سرودن. میگوید: «غزل، نه تنها در شعر امروز، بیتردید در شعر تمام فرداها جایگاه ویژه ای خواهد داشت. غزل هستی ایرانی است و خواهد بود. آنچه که مهم است، این است که این امانت حساس را به نسلهای آینده تحویل دهیم.» گرچه به رغم تمام این علاقه به غزل گفتن، بهمنی غزل را هرگز قالب نمیبندد. «چون قالب یعنی محدودیت و هنر را نمیتوان محدود کرد و به خاطر این حرفم بارها زیر تهمت ها رفته ام.» در دیدگاه محمدعلی بهمنی، غزل یک شکل است که میتواند با روزگار خود و با شرایط جدید تغییر کند.

محمدعلی بهمنی در سال ۱۳۷۸ موفق به دریافت تندیس خورشید مهر به عنوان برترین غزلسرای ایران گردید. برخی از مجموعه اشعار وی عبارتند از: باغ لال (۱۳۵۰)، در بیوزنی (۱۳۵۱)، عامیانه ها (۱۳۵۵)، گیسو، کلاه، کفتر (۱۳۵۶)، گاهی دلم برای خودم تنگ میشود (۱۳۶۹)، غزل (۱۳۷۷)، عشق است (۱۳۷۸)، شاعر شنیدنی است (۱۳۷۷)، نیستان (۱۳۷۹)، این خانه واژه های نسوزی دارد (۱۳۸۲)، کاسه آب دیوژن، امانم بده (۱۳۸۰).

بهنام، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باستان‌شناس، مترجم، مدرس.

تولد: ۱۲۸۵، در محله‌ی عودلاجان تهران.

درگذشت: ۹ آذر ۱۳۶۳.

عیسی بهنام پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران در سال ۱۳۰۸ در نخستین گروه دانشجویان اعزامی برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی باستان‌شناسی به فرانسه رفت و در طی هشت سال در مدرسه‌ی لوور دانشکده ادبیات مؤسسه‌ی هنر و باستان‌شناسی فرانسه به تحصیل پرداخت. سپس به ایران بازگشت. در سال ۱۳۱۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به جای اشمیت، ریاست هیئت علمی تخت جمشید را به عهده گرفت و تدریس در دانشگاه تازه تأسیس تهران را از سال ۱۳۲۰ آغاز کرد و رشته‌ی باستان‌شناسی را پایه گذاری کرد. وی مدت بیست و سه سال به تدریس در دانشگاه پرداخت. همچنین نشان‌های علمی از دانشگاه‌های بین‌المللی دریافت کرده است.

عیسی بهنام در برگزاری نمایشگاه‌های آثار ایران در پاریس و نمایشگاه جهانی بروکسل و مسکو در شناساندن تاریخ و فرهنگ ایران نقش بسیاری داشته است. از فعالیت‌های دیگر وی، تأسیس موزه‌ی مردم‌شناسی بود. چندی هم منشیگری و مترجمی سفارت افغانستان در تهران را عهده‌دار بود.

از جمله تألیفات وی می‌توان به این آثار اشاره کرد: تاریخ صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ (۱۳۲۰)؛ راهنمای موزه‌ی ایران باستان (به فرانسه و فارسی)؛ راهنمای آثار باستانی پاسارگاد (به فرانسه و فارسی)؛ تمدن ایران پیش از شروع تاریخ، تمدن ایرانی (اثر چند تن از خاورشناسان فرانسوی، ۱۳۴۶)؛ تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی (۱۳۲۷).

همچنین مقاله‌هایی برای مجله‌های «دانشکده‌ی ادبیات»، «هنر و مردم»، «سخن»، «پیام نوین»، «هنر و زندگی»، «ژورنال دو تهران» (به

زبان فرانسوی) و «معماری ایران» به رشته‌ی تحریر درآورده است.

از آثار ترجمه‌ی عیسی بهنام می‌توان به این عناوین اشاره کرد: تمدن ایرانی (مجموعه‌ی مقالات خاور شناسان معاصر فرانسوی، ۱۳۳۷)؛ هنر ایران، ماد و هخامنشی (از رمان گریشمن، ۱۳۴۶)؛ باستان‌شناسی ایران باستان (از لویی واندنبرگ، ۱۳۴۵)؛ خانواده‌ی رومانوف، کاروانسراهای ایران.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بیانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی بیانی ، در سال ۱۲۸۵ شمسی، در شهر همدان متولد گردید.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : مهدی بیانی، پسر محمد، او پسر عباسعلی و وی نیز پسر محمدعلی ، اصلاً فراهانی بودند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهدی بیانی ، در دو سالگی پدرش را از دست داد و پس از آن ، همراه مادر و برادران و خاندانش به تهران مهاجرت کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی بیانی ، گواهینامه ی ابتدایی را از دبستان اقدسیه و متوسطه را از دارالفنون و لیسانس علوم فلسفی و ادبیات را از دانشسرای عالی و عنوان دکترای ادبیات را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اخذ کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی بیانی ، در سال ۱۳۱۳ در ضمن اشتغال به تدریس دانشکده ادبیات ، به مدیریت کتابخانه ی عمومی معارف نیز منصوب گردید. وی در سال ۱۳۱۶ ، ریاست کتابخانه ی ملی را عهده دار شد و در سال ۱۳۱۹ ، به مدت یک سال از طرف وزارت فرهنگ به اصفهان مأموریت یافت و در بازگشت به تهران ، پس از انجام یک سال مأموریت آموزشی در وزارت پیشه و هنر وقت ، دوباره به خدمت کتابخانه ی ملی بازگشت و با سمت مدیرکلی در کتابخانه ی ملی به ادامه ی خدمت پرداخت. آنگاه در سال ۱۳۳۵ ، به ریاست کتابخانه ی سلطنتی انتخاب شد.

فعالیتهای آموزشی : مهدی بیانی ، پس از انجام خدمت وظیفه در سال ۱۳۱۱ ، به تدریس زبان و ادبیات فارسی و کتابداری کتابخانه ی دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اشتغال ورزید و با سمت استادی مشغول تدریس تاریخ تکامل خطوط اسلامی و کتاب شناسی نسخه های خطی شد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی بیانی ، در سال ۱۳۱۶ سازمان نخستین کتابخانه ی ملی وابسته به وزارت فرهنگ را بنیان گذارد و خود ریاست آن را برعهده گرفت. وی انجمن حمایت خط و خطاطان را پایه گذاری کرد و این طبقه ی هنرمند را به جامعه معرفی کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی بیانی ، ضمن فعالیت ها و خدمات مختلف خود ، مأموریت های فرهنگی نیز به کشورهایی چون: هند ، پاکستان ، افغانستان ، لبنان ، ترکیه ، جماهیر شوروی ، لهستان ، اطریش ، آلمان ، دانمارک ، هلند ، بلژیک ، فرانسه ، سوئیس ، ایتالیا ، انگلستان و ممالک متحده آمریکا داشته است. وی سال ها عضو انجمن فرهنگی ایران و شوروی بود و مجله ی « پیام نوین » زیرنظر او منتشر می شد. --

----

آثار :

۱ احوال و آثار میرعماد

۲ اهتمام در نشر السوانح فی العشق

ویژگی اثر : تألیف: احمد غزالی.

۳ اهتمام در نشر بدایع الازمان فی وقایع کرمان (تاریخ سلاجقه ی کرمان)

ویژگی اثر : تألیف: افضل الدین کرمانی.

۴ اهتمام در نشر چهار رساله ی فارسی

ویژگی اثر : تألیف: شیخ شهاب الدین سهروردی.

۵ اهتمام در نشر معراجنامه ی منسوب به ابن سینا

۶ تاریخ پانصدساله ی جواهرات سلطنتی ایران

۷ تاریخ دریای نور

۸ راهنمای گنجینه ی قرآن

۹ فرهنگ خوشنویسان

ویژگی اثر : در ۱۲ مجلد.

۱۰ فهرست کتاب های خطی فارسی کتابخانه ی سلطنتی ایران

۱۱ فهرست نمایشگاه خطوط خوش کتابخانه ی ملی

۱۲ نمونه ی خطوط خوش کتابخانه ی سلطنتی ایران

۱۳ نمونه ی سخن فارسی

منابع :

۱مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال ۱۵ ، شماره ی ۵ و ۶ ، مرداد ۱۳۴۷

بیدآبادی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد علی بن سید محمد باقر حجّهٔ الاسلام.

عـالم فاضـل محقّق، مؤلّف کتابی است به نام «غرقاب» در رجال که در سال ۱۳۰۳ شـروع به تألیف آن نموده و تا سال ۱۳۰۹ تألیف آن به طول انجامید.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرحوم اقبال آشتیانی بوده است. تولّد او در ۱۲۷۸ روی داده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیرشک، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بیرشک، فرزند محمد در سال ۱۲۸۵ در تهران زاده شد. تحصیلات اولیه را نزد پدر خویش فراگرفت، سپس در سال ۱۲۹۶ به مشهد عزیمت کرد و در مدرسه احمدیه مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و در مدرسه آلیانس فرانسه به تحصیل ادامه داد و فرانسه را به نیکی فراگرفت و از همان ابتدا به ترجمه کتاب‌های فرانسوی مشغول شد. پس از فراغت از تحصیل مدتی رئیس اداره استخدام شهرستان‌ها در کارگزینی وزارت فرهنگ و مدتی رئیس کارگزینی دانشگاه و بانی و معلم گروه فرهنگی هدف بود. استاد بیرشک تاکنون کارهای تحقیقاتی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است و آثار او در دسترس عموم قرار دارد. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ مسئولیت زندگینامهٔ علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهده ایشان بود. سپس به کار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی است. کتاب "زندگینامه علمی دانشوران "ترجمه احمد بیرشک، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : نویسندگی

والدین و انساب : احمد بیرشک فرزند محمد می‌باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دوران تحصیل و کودکی احمد بیرشک به دلیل ماموریت‌های پی در پی پدر، دوران پرتلاطمی در زندگی او بوده است. به همین دلیل تحصیلات مقدماتی ایشان پیوسته و منظم نبود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد بیرشک در ۷ الی ۸ سالگی نزد پدر خود به آموختن زبان فارسی از کتاب گلستان فارسی و پس از آن زبان فرانسوی پرداخت. در ۱۲۹۶ به مشهد رفته و در مدرسه احمدیه این شهر مشغول تحصیل شد و پس از گذشت سه ماه بنا به تشخیص مدیر مدرسه (میرزا حسین خانزاده) از کلاس چهارم به کلاس پنجم ارتقاء یافت. مرحله دوم تحصیلات ایشان به سال ۱۳۰۰ آن هم در مدرسه آلیانس فرانسه تهران بود، لیکن مجدداً به علت نبوغ و استعداد وافر پس از گذراندن یک دوره امتحانات، بنا به تشخیص «مسیو مرل» مدیر مدرسه به کلاس ششم و مجدداً دو الی سه ماه پس از آن به کلاس سوم و دوم یعنی کلاس ما قبل آخر ارتقاء یافت. استاد در سال ۱۳۰۶ به تهران بازگشت. در این سال وی تحصیل در کلاس سوم متوسطه را با موفقیت به پایان برد و بلافاصله در تابستان ۱۳۰۷ شخصاً اقدام به مطالعه کتاب‌های کلاس چهارم و در پایان همان سال توفیق ورود به کلاس پنجم را پیدا نمود. سال پنجم تحصیل استاد در مدرسه شرف بود که مجدداً در تابستان کلاس ششم را خواند. استاد بیرشک پس از پایان دوره متوسطه، در مهر ۱۳۰۸ وارد دارالمعلمین شد و در رشته ریاضیات تحصیلات خود را ادامه داد. در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ چند ماه در انگلستان و آمریکا به مطالعه در روشهای آموزش و پرورش گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : احمد بیرشک یاد می‌کند از روزی که زبان فرانسه را تازه آموخته بود، او می‌گوید: «در همان سال‌های ۱۲۹۲-۱۲۹۳، آنوقت‌ها چند تا لغت یاد گرفته بودم گوشه طاقچه کتاب فرانسه‌ای بود که تصمیم گرفتم آن را ترجمه کنم. رفتم کتاب را آوردم و شروع کردم به ترجمه چهار، پنج سطر اولش. در سطر دوم از «کور سوپریور» (بالاترین کلاس) صحبت می‌کرد. من می‌دانستم که «کور» با املاء دیگر یعنی حیاط، «سوپریور» هم یعنی عالی، بنابراین ترجمه کردم: حیاط عالی. البته بعد از اینکه

سه، چهار سطر جلو رفتم متوقف شدم. نکته جالب اینکه من در چنین سنی تصمیم داشتم کتاب ترجمه کنم.» احمد بیرشک به دلیل هوش و استعداد قابل توجهش، بعضی از کلاس‌ها را جهشی و به سرعت طی نمود. بیرشک از دوره ابتدایی خود چنین تعریف می‌کند: «بعد از اینکه سه ماه در کلاس چهارم بودم به پدرم گفتم: آقاجان این کلاس برای من کم است، من اینهایی را که می‌گویند می‌دانم. شب که آقای مدیر به خانه ما آمد پدرم گفت: آقای مدیر! احمد خان می‌گوید این کلاس برای من کم است. [آقای مدیر] گفت: خوب امتحانش می‌کنیم، اگر بلد بود می‌بریم کلاس پنجم. بنابراین بعد از سه چهار ماه از کلاس چهارم به کلاس پنجم رفتم.» بیرشک دوره تحصیل در مدرسه آلیانس را نیز به همین ترتیب طی نمود. او در این مدرسه از «مسیو مرل» مدیر مدرسه که فرد بداخلاقی بود تقاضا نمود وی را از کلاس هفتم به کلاس ششم منتقل نماید، مسیو مرل از جسارت بیرشک در بیان خواسته خود خوشش آمد و از طریق آزمون، او را به کلاس ششم ارتقاء داد. این روال در دوره‌های بعدی یعنی پنجم، چهارم، سوم و دوم که کلاس‌های ماقبل آخر بودند برای او تکرار شد. سال تحصیلی ۱۳۰۶–۱۳۰۷ برای بیرشک سال بسیار سختی بود، زیرا از ثبت نام در مقطع متوسطه بازمانده بود؛ او تنها امید خود را در ثبت نام در مدرسه شرف می‌دید، به محض مراجعه به آن مدرسه با جواب منفی مدیر مدرسه مواجه شد، اما اصرار او باعث شد که مدیر نام او را بپرسد، بیرشک پس از معرفی نمودن خود توانست مدیر را قانع نماید و بدین ترتیب در آن مدرسه ادامه تحصیل داد. اینکه چرا مدیر مدرسه با شنیدن نام بیرشک، که به قول او یک «آدم دهاتی» بود از او ثبت نام نمود معمایی بود که بیرشک بعدها به آن پی برد. استاد در این باره می‌گوید: «... در آن ایام در سال سوم، دبیرستان‌های تهران به دنبال این بودند که شاگرد اول تحویل بدهند، مرحوم ذوقی و مرحوم مهران هم برای خاطر دانش‌آموزی به نام عبدالرسول دبیر که می‌خواستند شاگرد اول مدرسه‌شان بشود، دنبال این امتحانات بودند و اسامی شاگرد اول‌ها را شناسایی می‌کردند، من هم که کاری نداشتم به این کارها آمده و امتحان داده بودم، نه کسی بود که حامی من باشد و نه من احتیاج به حمایت داشتم، بعد اینها رفته بودند و دیده بودند که عبدالرسول دبیر با معدل ۱۵/۸۷ شاگرد اول شده، ولی دو تا ۱۵/۸۷ هست: یکی عبدالرسول دبیر و یکی هم کسی به نام احمد بیرشک؛ این را به خاطر سپرده بودند. این بود که گره از کار بنده گشوده شد ...». در مقطع تحصیلی دانشسرای عالی، معلمی به نام «کابرئیل یارئیر»، به آنها مکانیک درس می‌داد؛ این شخص به دلیل آنکه از نظر علمی در سطح پایینی قرار داشت، شیوه تدریس را رعایت نمی‌نمود و گاه در درس ریاضی، فیزیک تدریس می‌کرد. استاد بیرشک از این کلاس خاطره‌ای به یاد دارد که بسیار شنیدنی است: «یک روز من قطعه کاغذی را روی میز گذاشتم و روی آن محاوره بین دو دانشجو را نگاشتم: – آیا اینکه به ما تعلیم می‌شود ریاضی است؟ – نه، مسلماً فیزیک است. – اما ما که دانشجوی ریاضی هستیم! – بله، اما استاد ما خیلی فیزیکدان است.» معلم کاغذ را از بیرشک گرفت و بلافاصله شروع به تدریس ریاضی نمود، در امتحان سال آخر با مشخص شدن نتایج، بیرشک متوجه شد که نفر دوم کلاس شده است، زیرا نمره ریاضی هشترودی ۲۰ شده بود و نمره او ۱۴. بیرشک وقتی دلیل امر را از معلم ریاضی خود پرسید، او در جواب گفت: «آیا موضوع کاغذ را فراموش کرده‌اید؟»، و از جیب خود یادداشت بیرشک را بیرون آورد، بعدها «یارئیر» مشوق خوبی برای بیرشک گردید و او را تشویق به ادامه تحصیل در فرانسه نمود، او حتی پیشنهاد داد در صورت موافقت بیرشک، او را به وزیر آموزش و پرورش فرانسه و رئیس دارالمعلمین عالی (اکول نورمال) معرفی خواهد کرد، اما این امر میسر نگردید.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد بیرشک قبل از آغاز تحصیل در کلاس سوم متوسطه همواره به مطالعه می‌پرداخت، استاد خود در این باره چنین می‌گوید: «سرمایه بنده از نظر کتاب عبارت بود از یک «دیکسیونر پتی لاروس»، یک کتاب حساب «بازنان» که کتاب بسیار خوبی بود، یک گرامر «کلودوژه» جلد سوم و کتاب معلم ایشان. بعد هم رفتم به یک کتابفروشی روبروی محلی که الآن شهر و روستاست. در خیابان فردوسی، کتابفروشی مادام پازنئود، کتابفروشی فرانسوی. رفتم آنجا دو کتاب داستان خریدم و با این «زرادخانه» مهم! تو سر خودم می‌زدم و تو سر این کتاب‌ها، یعنی طلبه‌وار درس می‌خواندم، مطلب مشکل بود ولی آن قدر

می‌خواندم تا بفهمم. »

استادان و مربیان : احمد بیرشک در مورد آموزش‌های دوران کودکی خود چنین می گوید: «تحصیلاتم خیلی مرتب نبوده است. اولین و بزرگترین معلم من پدرم بود. او مرد خودساخته‌ای بود و فرزندانش را هم ساخت ... » مدیر مدرسه ابتدایی استاد، یعنی آقای میرزا عبدالحسین خان (بعدها سلطانزاده) نیزدر ارتقاء وی نقش به سزایی داشته است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه استاد بیرشک معمولاً به صورت خودآموزی و هر سه ماه یک کلاس بوده است، اما در دوره‌های کوتاه مدت از کلاس معلمانی بهره گرفته است که از میان آنان می‌توان از افراد زیر نام برد: شیخ ابوالقاسم محمودی در دبستان المحمدیه مشهد، بدیع الزمان فروزانفر معلم فارسی کلاس پنجم دبیرستان، شیخ علی اکبر خدابنده (جانشین بدیع الزمان فروزانفر)، میرزا حسن خان مشاور (جانشین شیخ علی اکبر خدابنده، وی پیشکار ولیعهد در سوئیس شد)، سیدمصطفی خان طباطبایی (تحصیل کرده آلمان و پسر سیدمحمد طباطبایی از رهبران مشروطه)، معلم شیمی مصور الممالک، نقاش معروف، موسیو بونو معلم ادبیات فرانسه، موسیو پاریه معلم فیزیک (او در سفر بیرجند کشته شد. استاد در رثای او مقاله‌ای به زبان فرانسوی نوشت که در ستاره جهانی چاپ شد، ۱۳۰۸)، حبیب الله مظفری معلم فرانسه. بیرشک در مورد استادان خود در دانشسرای عالی چنین می گوید: «استادانم در دانشسرای عالی عبارت بودند از شادروانان غلامحسین رهنما، دکتر شفق، فروزانفر، دکتر لویی لونگ، گابرییل یارئیر، استادان ریاضی و ژان اتییه استاد زبان ... دکتر لونگ در سه سال دانشسرای عالی، استاد شاخه‌های مختلف ریاضی بود. در نیمه دوم سال آخر گابرئیل یارئیر برای معلمی مکانیک استخدام شد. ... باری آقای یارئیر بسیار خوش هیکل، شیک، خوش لباس، حراف و زبان‌باز بود، اما در قسمت علمی چندان پرمایه نبود. در درس ریاضی اغلب به فیزیک گریز می‌زد و وقتی ایراد می گرفتیم می گفت: من خیلی فیزیکدان هستم.»

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره‌ای‌های تحصیل احمد بیرشک می‌توان غلامحسین صدیقی را نام برد. وی در سال ۱۳۰۱ درکلاس چهارم مدرسه آلیانس فرانسه با وی آشنا گردید. وی همچنین در سه سال دانشسرای عالی با محسن هشترودی نیز همکلاس بود.

همسر و فرزندان : احمد بیرشک در سال ۱۳۱۶ با دختر آقای فرزان ازدواج نمود. اولین فرزند استاد، یعنی خانم دکتر گیتی بیرشک در ۲۷ خرداد ماه ۱۳۱۸ متولد شد. خانم دکتر مهشید بیرشک فرزند دوم ایشان در ۱۹ فروردین ۱۳۲۲ متولد گردیدند، و آخرین فرزند استاد، دکتر بهروز بیرشک در ۱۹ فروردین ۱۳۲۷ به دنیا آمد.

وقایع میانسالی : با توجه به آنکه تجربه تاسیس مدارس به صورت فردی تجربه خوبی دربرنداشت، احمد بیرشک تصمیم به تاسیس مدارسی نمود که به فرد متکی نباشد، انجام این کار مقارن بود با دوره رضا شاه؛ او را به شهربانی احضار کردند و در آنجا سرهنگ پارسا، رئیس اداره اماکن پس از بازرسی او را از انجام این کار برحذر داشت. این مسئله دو سه بار تکرار شد.

زمان و علت فوت : احمد بیرشک سرانجام در عصر روز چهارشنبه ۱۴ فروردین سال ۱۳۸۱ در سن ۹۵ سالگی چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد بیرشک در ۱۶ بهمن ۱۳۱۲ به خدمت وزارت «معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» درآمد و به همین منظور برای تدریس ریاضـی، فیزیک، علوم طبیعی و زبان از کلاس اول تا ششم متوسطه به ساری اعزام گردید. وی در این زمان مسئولیت امتحانات را نیز به عهده داشت . بیرشک با توصیه حسن فرزان رئیس کل کارگزینی وزارت معارف، به سمت ریاست استخدام شهرستان‌ها منصوب گردید و از همین سال (۱۳۱۴) تا سال ۱۳۲۰به عنوان مدیر سوم در مدیریت «جامعه لیسانسیه‌های دارالمعلمین عالی» به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۲۰ نیابت انجمن مدارس ایران به استاد بیرشک واگذار گردید، و در سال بعد با استقلال دانشگاه تهران، با اقدام دکتر سیاسی ـ وزیر معارف و رئیس دانشگاه تهران ـ به دانشگاه تهران منتقل و ریاست و کارگزینی آنجا را به عهده گرفت. در سال ۱۳۲۷ گروه فرهنگی هدف تاسیس و ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل این مؤسسه

گردیـد. با تعطیل شدن مدارس ملی در سال ۱۳۳۸ بیرشک «انجمن ملی مـدارس هماهنگ» را با عضویت گروه‌های فرهنگی هدف، خوارزمی، ارامنه، زرتشیان تاسیس و خود ریاست آن را تا سال ۱۳۵۸ به عهده گرفت. بیرشک قبل از بازنشستگی در زمان وزارت دکتر خانلری (۱۳۴۱) معاونت وزارت فرهنگ را عهده‌دار بود، اما بعد از مدتی از این مقام استعفاء داد و در اواخر اردیبهشت ۱۳۴۲ بازنشسته شد. وی هجده ماه مسئولیت دانشنامهٔ ایران و اسلام را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب (سابق) برعهده داشت. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ مسئولیت زندگینامهٔ علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهـده ایشان بود. سپس به کـار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی است.

فعالیتهای آموزشی : احمد بیرشک خدمات آموزشی را از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۷ در مدرسه آلیانس تهران آغاز کرد، متعاقبا در ساری و مشـهد مشغول تدریس شد. ریاست استخدام شهرستان‌ها در اداره آموزش و پرورش و تدریس در دبیرستان‌های سن لویی، معرفت و دارالفنون و تـدریس در دانشـکده هنرهای زیبا در رشـته معماری و تـدریس در دانشسـرای عالی از دیگر خـدمات ایشان است که می‌توان به آن اشاره کرد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آیـد : از فعالیت‌های فرهنگی احمد بیرشک تاسیس مدارس علمی بوده است. دلیل عمده تشـکیل چنین مدارسـی توسط اسـتاد این بود که مدارسـی مانند اقدسیه، تمدن، تدین، اسلام و ... کوتاه زمانی پس از تشکیل منحل می‌شدند. استاد که از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ رئیس جامعه لیسانسـیه‌های دانشسرای عالی بود، در سال ۱۳۱۵ فکر خود را با تنی چند از دوسـتان عضو جامعه یادشـده در میان گـذاشت و چون آن فکر را تاییـد کردند به منظور از قوه به فعل درآمدن فکر، نامههایی برای تعداد زیادی از اعضای جامعه تهیه کرد که به چاپ رسـید و به صورت بخشـنامه برای آنان فرسـتاده شد، تا نیروهای خود را متمرکز سازنـد و یـک تربیتی نو آغـاز کننـد. گروه فرهنگی «هـدف» ثمره این زحمـات بود. مؤسـسان گروه مصـمم شدنـد افرادی در گروه پـذیرفته شونـد که با منظور اساسـی یعنی خدمت از راه تعلیم در تربیت و بی‌علاقگی به جنبه مادی، موافق باشـند و از طرف اکثریت اعضای موجود شناخته شده باشند؛ لذا در سال ۱۳۲۰ اولین دبیرستان را دایر و در سال ۱۳۳۴ دومین دبیرستان و به همین منوال گروه فرهنگی هدف توسـعه پیدا کرد به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۳ این گروه دارای ۱۳ مدرسه و ۱۵ هزار دانش‌آموز بود. حدود ۱۲ سال از تشـکیل گروه فرهنگی هـدف گذشـته بـود کـه مـدارس ملی دیگری هم یکی پس از دیگری شـروع به فعـالیت کردنـد. پیرو این موفقیت‌ها استاد بیرشک همراه با گروهی از همفکران خود اقدام به تاسیس «انجمن ملی مدارس هماهنگ» کردند. هدف از تشکیل چنین انجمنی ارتقـاء سـطح معلومـات دانش‌آموزان و تبـادل تجربیـات علمی و تعیین یـک سلسـله معیارهـا و اسـتانداردهایی بود که می‌بـایست هر مـدرسه‌ای که بخواهـد عضو این انجمن شود تلاـش کنـد به این معیارها برسـد و این راهی بود که سـرانجام موجبات ارتقاء سطح تعلیم و تربیت را موجب می‌شد.

آرا و گرایشـهای خاص : دیـدگاه احمـد بیرشک در خصوص تالیف و تدوین کتاب دیدگاهی است ساده و روان. او می گوید: «من علاقه‌منـدم که کتاب‌های خودآموز بنویسم تا جوان‌ها به مطالعه تشویق شوند. باید ساده نوشت، درست نوشت، جذاب نوشت. برای اینکه الگوی کتاب ساده را به مؤلفان نشان دهم خودم تصـمیم گرفتم بخش اخترشناسی کتاب خودآموز فیزیک را بنویسم.» لازم به ذکر است که احمد بیرشک از پایه‌گذاران آموزش نوین در ایران می‌باشد.

جوائز و نشانها : کتاب" زنـدگینامه علمی دانشوران "ترجمه احمـد بیرشک، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. وی در فروردین ۱۳۸۱ نشان دولتی درجه یک دانش را از دفتر ریاست جمهوری دریافت نمود.

چگونگی عرضه آثـار : بیرشک تاکنون بیش از ۱۱۰ کتـاب که برخی از آنهـا با همکاری دیگران بوده تألیف و ترجمه کرده است.

آثار :

۱ ۳۸ جلد از مجموعه ریاضیات دبیرستانی هدف و مجموعه خرد

۲ آثار اصلی ریاضیدان های بزرگ یونان

۳ اصول مناظره مرایا: پرسپکتیو

۴ اقتصاد آموزش و پرورش در عصر پهلوی

۵ تاریخ مدارس

۶ ترجمه رهبر علم نوشته ایزاک عاصم اوف

۷ ترجمه سلطنت قباد و ظهور مزدک نوشته آرتور کریستین سن

۸ ترجمه شناخت ژاپن نوشته جون لیو ینگستون و دیگران

۹ ترجمه علم قدیم و تمدن جدید نوشته جورج ساتن

۱۰ ترجمه علم و زندگی نوشته الس ورت س.اوبورن و دیگران

۱۱ ترجمه فرض و اسطوره در فیزیک نظری نوشته هرمان باندی

ویژگی اثر : این ترجمه با همکاری رضا منصوری می باشد.

۱۲ ترجمه فرهنگ علم نوشته ئی بی.اوواروف، آیزاکس

ویژگی اثر : این ترجمه با همکاری ابوالقاسم قلمسیاده انجام شده.

۱۳ ترجمه فرهنگ و اندیشه نو، نوشته الیور استالی براس، آلن بلوک

۱۴ ترجمه فلسفه ریاضی نوشته استیفن سی.پارکر

۱۵ ترجمه کتاب سرگذشت علم، نوشته جورج سارتن

۱۶ ترجمه کتاب آموزش در جریان پیشرفت، نوشته پائولوفریره

۱۷ ترجمه کتاب آموزش ستمدیدگان، نوشته پائولوفریره

ویژگی اثر : این کتاب توسط احمد بیرشک و سیف الله داد ترجمه گردید.

۱۸ ترجمه کتاب آناباسیس، نوشته گزنفون

۱۹ ترجمه کتاب آنیشتاین، نوشته جرمی برنشتاین

۲۰ ترجمه کتاب پرسش و پاسخ از کتاب دانش

ویژگی اثر : این کتاب توسط هادی خراسانی و احمد بیرشک ترجمه گردید.

۲۱ ترجمه کتاب پهلوان شیرافکن یا تاتارن تاراسکنی، نوشته آلفونس دوده

۲۲ ترجمه کتاب تاریخ آفریقا، نوشته جی. کی. زربور

ویژگی اثر : این کتاب توسط احمد بیرشک و مرتضی ثاقب ترجمه گردید.

۲۳ ترجمه کتاب جهان و اینشتاین، نوشته لینکلن بارنت

۲۴ ترجمه کتاب جهان، تالیف جمعی از مؤلفان

۲۵ ترجمه کتاب رهبر علم ، نوشته آیزاک آسیموف

۲۶ ترجمه کتاب ریاضیات نوین ، نوشته سربرژمان ، رنه بزار

۲۷ ترجمه کتاب سرگردان های زیر دریا، نوشته کاپیتان دانری، دکومانمان دیریان

۲۸ ترجمه کتاب مردی که طلا می سازد نوشته کنان دویل

۲۹ ترجمه کتاب هایی که دنیا را تغییر دادند، نوشته روبرت پژدونز

۳۰ ترجمه کمون پاریس نوشته لئوتروتسکی

۳۱ ترجمه میراث ایران نوشته سیزده تن از خاورشناسان

۳۲ ترجمه هندسه لیاچفسکئی نوشته اسمو گوژفسکی

ویژگی اثر : ترجمه از روسی به انگلیسی و کیسین،ترجمه از انگلیسی به فارسی می باشد.

۳۳ ترجمه هندسه نااقلیدسی نوشته هارولداولف

۳۴ ترجمه یک ،دو،سه بینهایت نوشته ژرژ گاموف

۳۵ جبر برای پنجم طبیعی

۳۶ جبر برای سال پنجم ادبی

۳۷ جبر برای سال چهارم طبیعی

۳۸ جبر برای سال چهارم طبیعی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۳۹ جبر برای سال دوم دبیرستان

۴۰ جبر برای سال دوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۱ جبر برای سال دوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۲ جبر برای سال سوم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۳ جبر برای سال سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۴ جبر سال پنجم دبیرستان ها شعبه ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۵ جبر سال پنجم ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۶ جبر سال چهارم ادبی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۷ جبر سال چهارم دبیرستان های شعبه ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۸ جبر سال چهارم ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۹ جبر سال ششم ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۰ جبر و مثلثات سال ششم دبیرستان های شعبه طبیعی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۱ جدول های لگاریتم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا . انواری صورت گرفته است.

۵۲ حساب آسان برای سال پنجم دبستان

۵۳ حساب آسان برای سال ششم دبستان

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.

۵۴ حساب برای اول

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۵ حساب برای دوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۶ حساب برای سال اول دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۷ حساب برای سال اول و دوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۸ حساب برای سال دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۹ حساب برای سال دوم و سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۰ حساب برای سال سوم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۱ حساب برای سال سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۲ حساب و دفترداری دوبل برای سال پنجم و ششم دبستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۳ حساب و هندسه برای سال های پنجم و ششم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک ، ا. انواری و ب . نحوی صورت گرفته است.

۶۴ خلاصه ریاضیات متوسطه

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا. انواری صورت گرفته است.

۶۵ دانشنامه خودآموز اختر شناسی

۶۶ ریاضیات سال اول دانشگاه

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.

۶۷ زندگی نامه علمی دانشوران، به ویراستاری چارلز کولسترن گیلسپی

ویژگی اثر : ترجمه این کتاب زیرنظر احمد بیرشک صورت گرفته است.این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «زندگینام ?علمی دانشوران»: زندگینام ?علمی دانشوران؛ بودان دوبوالوران، پینل فیلیپ؛ زیرنظر احمد بیرشک؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری بنیاد دانشنام ?بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵، ۳ج.- زندگینام ?علمی دانشوران مشتمل بر شرح حال، آثار و نظریه های علمی بیش از شش هزار دانشمند از سراسر جهان است که با تلاش علمی و عملی خود به پیشرفت تمدن بشری خدمت کرده اند. این کتاب مرجع که در پاسخ به نیاز محققان و دانش پژوهان تدوین شده، تاریخ نه چندان مختصر علم نیز به شمار می آید که خواننده را با سیر علم در طول تمدن بشر آشنا می سازد و اطلاعات موثقی را دربار ?زندگی حرفه ای دانشمندان در دسترس دوستداران علم قرار می دهد. ترجم ?این کتاب که حاصل تلاش حداقل ۵۴ نفر از مترجمان و ویراستاران برجست ?ایران است، ترجمه ای است بی کم و کاست و خالی از حشو و زواید که سعی شده در آن سبک و سیاق نویسند ?اصلی حفظ شود. امتیاز خاص این کتاب، کتابشناسی جامعی است مرکب از دو قسمت، کارهای اصلی و خواندنیهای فرعی است که اطلاعات کافی دربار ?آثار صاحب مقاله و آثار وابسته به او را در اختیار خواننده قرار می دهد. چاپ دقیق و بدون غلط، علامت گذاری دقیق برای تلفظ نام مکانها و افراد به زبان انگلیسی و عنوانهای فرعی قابل رؤیت در هر مقاله از ویژگیهای دیگر این کتاب است.

۶۸ زندگینامه برتراندارسل

۶۹ قرآن چهار زبانه

۷۰ کارنامه بزرگان ایران

۷۱ کتاب درسی هندسه

۷۲ گاهشماری ایرانی ، شاهکار دقت

۷۳ گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، تطبیق تاریخ های ایرانی و هجری قمری و میلادی

۷۴ متمم حساب برای سال چهارم

۷۵ مثلثات برای سال پنجم دبیرستان

۷۶ مثلثات برای سال پنجم شعبه ریاضی

۷۷ مثلثات برای سال چهارم دبیرستان ها

۷۸ مثلثات برای سال ششم ریاضی

۷۹ مثلثات برای سال ششم ریاضی

۸۰ مثلثات سال پنجم دبیرستان ها شعبه طبیعی

۸۱ مثلثات سال پنجم ریاضی

۸۲ مثلثات سال ششم دبیرستان ها شعبه ریاضی

۸۳ مقاله اختر شناسی

۸۴ مقاله تاریخ تمدن

۸۵ مقاله تاریخ علم

۸۶ مقاله خط فارسی

۸۷ مقاله داستان

۸۸ مقاله داستان نویسی

۸۹ مقاله در زمینه آموزش و پرورش

۹۰ مقاله ریاضیات

۹۱ مقاله زندگی دانشوران و هنرمندان

۹۲ مقاله زیست شناسی

۹۳ مقاله سرگرمی های ریاضی

۹۴ مقاله سفربه فضا

۹۵ مقاله فرهنگ نویسی

۹۶ مقاله فیزیک

۹۷ مقاله گاهشماری

۹۸ مقاله نقد دانشگاه

۹۹ مقاله نقد قانون تربیت معلم

۱۰۰ هندسه آسان برای سال پنجم دبستان

۱۰۱ هندسه آسان برای سال چهارم دبستان

۱۰۲ هندسه آسان برای سال سوم دبستان

۱۰۳ هندسه آسان برای سال ششم دبستان

۱۰۴ هندسه آموزش نظری سال اول

۱۰۵ هندسه برای سال اول دبیرستان ها

۱۰۶ هندسه برای سال اول دبیرستان ها

۱۰۷ هندسه برای سال پنجم دبیرستان ها

۱۰۸ هندسه برای سال پنجم ریاضی

۱۰۹ هندسه برای سال چهارم ادبی

۱۱۰ هندسه برای سال چهارم ادبی دبیرستان ها

۱۱۱ هندسه برای سال چهارم دبیرستان ها

۱۱۲ هندسه برای سال چهارم ریاضی

۱۱۳ هندسه برای سال دوم دبیرستان

۱۱۴ هندسه برای سال دوم دبیرستان ها

۱۱۵ هندسه برای سال سوم دبیرستان ها

۱۱۶ هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی

۱۱۷ هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی

۱۱۸ هندسه ترسیمی و هندسه رقومی

۱۱۹ هندسه چهارم طبیعی

۱۲۰ هندسه سال اول آموزش متوسطه عمومی علوم تجربی و ریاضی

۱۲۱ هندسه سال پنجم ادبی و طبیعی

۱۲۲ هندسه سال چهارم ریاضی

۱۲۳ هندسه سال دوم دبیرستان

۱۲۴ هندسه سال سوم

۱۲۵ هندسه مسطحه برای سالهای ۱و۲ دبیرستان های دختران

۱۲۶ هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها

۱۲۷ هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها

۱۲۸ هندسه و رسم برای سال دوم دبیرستان ها

۱۲۹ هندسه و رسم برای سال سوم دبیرستان ها

۱۳۰ هندسه و مخروطات برای سال ششم ریاضی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۴، ص ۱۰ -۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲ -۳۷۰ /۱).

/http://iranologyfo.com

بیرونی، ابوریحان محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۰ -۳۶۲ ق)، دانشمند، منجم، ریاضیدان، حکیم، فیلسوف، مورخ، لغوی. در خانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولد شد. شهرک زادگاهش در بیرون شهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن علوم ریاضی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به گرگانج شمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری با ابومحمود خجندی و کوشیارکیکی ملاقات کرد و بعد به طبرستان نزد ابوالعباس مرزبان بن شروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال ۳۸۷ ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه کرد و قرار رصدی را گذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرتهای ممتد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضمن همین سفرها بود که با دانشمندان آن سامان آشنا شد و علاوه بر فراگیری زبان سانسکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری، عربی آشنا بود. وی در هند فلسفه‌ی یونان را تدریس می‌کرد. اگر چه بیرونی در اکثر رشته‌های علوم زمان خود به پژوهش پرداخت، اما اصولا به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از ۱۱۳ کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صناعهٔ التنجیم»، در ریاضی؛ «تحقیق ماللهند»، که پرحجم‌ترین اثر وی است؛ «استخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائره فی معرفهٔ اوتار الدائره»؛ «مقالید علم الهیئهٔ»؛ «قانون مسعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیهٔ»؛ «الجماهر فی معرفهٔ الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجوه الممکنهٔ فی صنعهٔ لاسطرلاب»، «الاضلال او

افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی».[۱]

(قـد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضـی‌دان و فیلسوف ایرانی و. بیرون) (خوارزم) ۳۶۲ ه.ق./ ۹۷۳ م.- ف. غزنین ۴۴۰ ه.ق./ ۱۰۴۸ م.) وی اوایل عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانیـد و سـپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشـمگیر به سر برد و کتـاب «الآثار الباقیه» (ه.م.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چنـدی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضـلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (۴۰۸ ه.ق.).پس از آن چند بار به خوارزم سـفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هنـد مخـالطت کرد و زبـان سنسـکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسـعت داد و مواد لازم رابرای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (ه.م.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (ه.م.) است که آن را به عربی و فارسی (جداگانه) تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۶ -۲۰۵ /۶)، اعیان الشیعه (۶۵/۹)، تاریخ در ایران (۲۱ -۲۰)، تاریـخ ادبیات در ایران (۳۴۲ -۳۳۷ /۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۷۱ -۲۵۴)، تاریخ گزیده (۶۹۰ -۶۸۹)، تاریخ موسیقی (۱۵۴/۱)، الذریعه (۵/۲۲، ۲۷/۱۷، ۱۳۲/۵، ۷ - ۶ /۱)، روضـات الجنـات (۳۳۶ -۳۳۴ /۷)، ریحـانه (۱۱۹ -۱۱۴ /۷)، زنـدگینامه‌ی ریاضـیدانان (۱۹۷ -۱۷۶)، زنـدگینامه‌ی علمی دانشمندان (۳۲۷ -۳۵ /۱)، شـرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸ -۲۱)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۰۳ -۳۸۰)، کشف الظنون (۱۷۸۴، ۱۶۲۲، ۱۵۹۴، ۱۴۳۷، ۱۴۳۴، ۱۳۸۵، ۱۳۱۴، ۱۱۲۶، ۱۰۶۵، ۹۰۷، ۷۷۱، ۵۹۴، ۴۸۸، ۴۶۳، ۴۲۴، ۴۰۳، ۳۴۵، ۸۱، ۷۹، ۷۰، ۹)، الکنی و الالقاب (۸۰ -۷۸ /۱)، لغت‌نـامه (ذیل/ ابوریحان)، معجم الادباء (۱۸۰/۱۷)، معجم المؤلفین (۲۴۲ -۲۴۱ /۸)، نامه‌ی دانشوران (۸۲ -۶۱ /۱)، هدیة العارفین (۶۶ -۶۵ /۲).

بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۹۶ -۶۸۰ ق)، عالم، ادیب، محدث، مفسر و مورخ اشعری شافعی. معروف به قاضی بیضاوی. اهل بیضای فارس بود. پدرش در زمان سـلطنت اتابک ابوبکر بن سـعد زنگی قاضـی القضاة فارس بود و بعـد از او این منصب به پسرش رسـید. وی بعـد از مدتها اقامت در شـیراز، اواخر عمر را در تبریز سپری کرد. قاضـی معاصـر با علامه حلی امامی و خواجه نصیرالدین طوسـی و صـلاح‌الدین صفـدی بود. او در گورسـتان چرنـداب تبریز مـدفون است. بیضـاوی در عربی و فارسـی تألیفـاتی دارد. از جمله: کتاب تفسیر که به «تفسیر بیضـاوی» یـا «انوار التنزیل و اسـرار التأویل» شـهرت دارد و شـیخ بهایی بر آن شـرح نوشـته است. «الایضاح»، در اصول دین؛ «تهـذیب الاخلاق» در تصوف؛ «شـرح التنبیه»، در فقه؛ «شـرح الکافیه»، در نحو؛ «شـرح المصابیـح»، در فقه؛ «شـرح مطالع»، در منطق؛ «منهـاج الوصـول الی علم الاـصول»، در اصول فقه؛ «طوالع الاـنوار» و «مطـالع الانظـار»، در توحیـد و کلاـم؛ «غایـة القصوی فی درایة الفتوی»، در فقه شافعی؛ «شرح منتخب الاصول»، در لغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۴۸/۴)، بزرگـان نامی پارس (۲۸۱ -۲۷۴)، تاریـخ ادبیات در ایران (۱۲۰۹، ۲۲۸، ۲۲۳ -۲۲۲، ۲۱۸ /۳)، تاریخ گزیده (۷۰۶)، تاریخ نظـم و نـثر (۱۴۰ -۱۳۹)، دانشـمندان و سخن‌سـرایان فـارس (۵۱۸ -۵۱۷ /۱)، دایرةالمعارف فارسـی

(۴۹۰/۱)، الذریعه (۱۹۲/۲۴، ۱۷۹ -۱۷۸ /۲۳)، روضات الجنات (۱۳۰ -۱۲۷ /۵)، ریحانه (۳۰۶/۱)، شیرازنامه (۱۸۲)، طرائق الحقائق (۶۶۶ -۶۶۲ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸/۱)، کشف الظنون (۱۹۵۹، ۱۸۸ -۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۱۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/بیضاوی)، معجم المؤلفین (۴۰۰/۱۳، ۹۸ -۹۷ /۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۵۱ -۱۳۷ /۸)، هدیهٔ الاحباب (۱۱۱ -۱۱۰)، هدیهٔ العارفین (۴۶۳ -۴۶۲ /۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۵ -۱۳ /۲).

بیغمی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نویسنده. مشهور به بیغمی. از زندگانی و احوال او اطلاعی در دست نیست و از روی قراینی که از اثرش به دست می‌آید، می‌توان او را از داستانگزاران زمان خود دانست که داستان کهنه‌یی را درباره‌ی فیروز شاه نامی از پهلوانان که پسر ملك داراب معرفی شده، در حفظ داشت و آن را در حضور گروهی حکایت یا املاء کرد و کاتبی به نام محمود دفتر خوان آن را می‌شنید و یادداشت می‌کرد. مولانا این داستانها را از قصاصان دیگر گرفته بود و به نام همان راویان یا گویندگان نقل می‌کرد. حاصل این داستانها اثری شد به نام «دارابنامه» که ترجمه آن به عربی به نام «سیرهٔ فیروز شاه بن ملك داراب» در مصر طبع شده است.[۱]

مولانا شیخ حاجی محمد بن شیخ احمد بن مولانا علی بن حاجی محمد طاهری (طامری) از داستانسرایان قرن هشتم و قرن نهم، مؤلف و مدون داراب‌نامه (۲- داراب نامه.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۹ -۵۱۷ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، دارابنامه (مقدمه)، گنج و گنجینه (۵۰۰ -۴۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹/۵).

بیگدلی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین بیگدلی در سال ۱۲۹۷، در خمسهٔ زنجان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید.بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد. وی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و بیشتر اوقات خود را صرف پژوهش و نگارش مطالب تاریخی و ادبی کرد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. غلامحسین بیگدلی سرانجام در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی ، در شهرستان کرج چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر غلامحسین بیگدلی آقا فتح الله خان بیگدلی اهل خمسهٔ زنجان بود و به کار کشاورزی اشتغال داشت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین بیگدلی پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد و با اخذ گواهینامه دکترای ادبیات به پایان رسانید.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامحسین بیگدلی از دوران تحصیل خود و اتفاقی که در زمان حضور رضا شاه در مدرسه افتاد چنین یاد می کند: « من با لباس رسمی (یونیفورم) مدرسه بودم. رضا شاه از عمویم پرسید: این پسر بچه کیست و این چه لباسی ست که پوشیده است ؟ عمویم توضیح داد. رضاشاه گفت: محمدرضا هم به همین مدرسه می رود ولی لباس مدرسه او این زرق و برق ها را ندارد. عمویم گفت: این برادرزاده من شاگرد اول کلاس است و بنابراین یونیفورم او چیزهایی علاوه دارد.»

وقایع میانسالی : غلامحسین بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت های سیاسی و پیوستن به احزاب مخالف حاکمیت بازداشت شد و پس از شش ماه حبس در کرمان رهایی یافت و به اتحاد جماهیر شوروی سابق مسافرت کرد ، ولی به علت سوءظن مسوولان وقت مدت هفت سال در تبعیدگاه سیبری به سر برد، آنگاه به مسکو رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از وی دعوت به همکاری شد و به تهران مهاجرت کرد.

زمان و علت فوت : غلامحسین بیگدلی در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی ،

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامحسین بیگدلی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت.

جوائز و نشانها : غلامرضا اسلامی بیدگلی برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. ---

آثار :

۱ ادب خزینه

ویژگی اثر : این اثربه زبان ترکی می باشد.

۲ تاریخ بیگدلی ـ شاملو

ویژگی اثر : این اثر دکتر بیگدلی بنابر نوشته خود وی در ده جلد قرار دارد ، و تنها دو جلد از آن در بیش از ۱۲۰۰ صفحه به چاپ رسیده است و سایر مجلدات دیگر هنوز مخطوط است. الف) جلد اول ، شامل منشاء ایل و تبار بیگدلی و معرفی سایر انشعابات بیگدلی. ب) جلد دوم ، ایل بیگدلی در دوران صفویه. ج) جلد سوم ، دوران افشاریه و ایل بیگدلی. د) جلد چهارم ، دوران زندو ایل بیگدلی. ه) جلد پنجم ، دوران قاجار و ایل بیگدلی. و) جلد ششم ، دوران پهلوی و خاندان بیگدلی. ز) جلد هفتم ، دودمان بیگدلی ـ شاملو در دوران معاصر. ح) جلد هشتم ، تاریخ شعرای بیگدلی (معرفی بیش از ۸۰ شاعر). ط) جلد نهم ، مدارک و اسناد مختلف از خاندان بیگدلی. ی) جلد دهم ، معرفی آثار عمرانی و خیریه که توسط بیگدلی ها بنا شده است.

۳ تصحیح دیوان آذر بیگدلی

ویژگی اثر : تصحیح این دیوان با همکاری دکترحسن سادات ناصری

۴ تصحیح شهریار نامهٔ عثمان مختاری غزنوی

۵ جمشید و خورشید

ویژگی اثر : به اهتمام و ویرایش دکتر بیگدلی .

۶ چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندر نامهٔ نظامی

ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۶۹ در تهران به چاپ رسید ، که علاوه بر موضوع اصلی (چهره اسکندر) متعرض بسیاری از نگرش و ویژگی های علمی و هنری فردوسی و نظامی شده است.

۷ دیدار با شهریار (استاد سیدمحمدحسین شهریارتبریزی

۸ دیوان حاج محمدصادق خان بیگدلی شاملو

ویژگی اثر : گردآوری دکتر غلامحسین بیگدلی.

۹ کهله یه سلام (به زبان ترکی)

۱۰ گذر عمر

ویژگی اثر : مجموعه اشعار

۱۱ لغتنامه فارسی ـ ترکی صحاح العجم (نسخهٔ غازان)

ویژگی اثر : به اهتمام دکتر غلامحسین بیگدلی . ---

منابع :

۱اینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ۵۴ ، ص ۶۸۱۲ماهنامه کلك ، شماره ۹۷ ، شهریور ۱۳۷۷ ، ص ۱۲۱

بیگم

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سوم ربیع‌الاول ۱۱۶۴ ق، از زنـان عالم، ادیب و شاعر. وی دختر میرزا محمدصالـح حسـینی خلیفه سـلطانی بود. این بانو در اصـفهان درگذشت و در امامزاده اسماعیل این شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تذکرهٔالقبور، ۳۴؛ رجال اصفهان، ۱۷۹.

بینش، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق، مصحح.

تولد: ۱۳۰۰، مشهد.

درگذشت: اسفند ۱۳۷۴، تهران.

تقی بینش، فرزند علیرضا رکن‌التولیه (از خاندان نقیب)، پس از تحصیلات مقدماتی، تحصیلات عالیه‌ی خویش را در فیزیک، ادبیات و موسیقی عالی و نظری تداوم بخشید. پس از فراغت از تحصیل به مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی معارف اسلامی و ادب فارسی پرداخت و از محضر اساتیدی چون دکتر علی‌اکبر فیاض، استاد محمدتقی مدرس رضوی و ادیب هروی استفاده برد.

تقی بینش صاحب مقالات و رسالاتی است که در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند. او مدیریت نشریه «فرهنگ خراسان» را نیز بر عهده داشت.

وی همچنین نزد استاد علی‌اکبر شهنازی و سلیمان روح‌افزا به فراگیری موسیقی علمی و نظری پرداخت. از جمله فعالیت‌های تقی بینش، نسخه‌شناسی موسیقی بوده است.

از جمله آثار تقی بینش تصحیح کتب مختلف در زمینه نظم و نثر فارسی و ادب عربی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: کتاب المصادر زوزنی (دو جلد)؛ دیوان ظهیرالدین فاریابی؛ دیوان شمس طبسی؛ دیوان نظام‌الدین قمر اصفهانی؛ شمارنامه‌ی حاسب طبری؛ کتاب نتیجه الدوله؛ کتاب الابناء فی تاریخ الخلفاء عمرانی (عربی)؛ تصحیح مقاصد الالحان و جامع الالحان عبدالقادر مراغه‌ای (کتاب جامع الالحان برنده‌ی جایزه‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی شده است)؛ رساله بنایی به اتفاق دکتر داریوش صفوت؛ «شرح ادوار» عبدالقادر مراغه‌ای همراه با متن عربی «الادوار» صفی‌الدین ارموی؛ سه رساله فارسی درباره موسیقی؛ بخش موسیقی دانشنامه‌ی علایی ابن سینا؛ کنز التحف؛ ترجمه‌ی رساله‌ی موسیقی ایران. مقالاتی از وی نیز در مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

تقی بینش در دانشگاه تهران، دانشگاه هنر و مجتمع آموزش عالی سوره تدریس می‌نمود و با دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه ایرانیکا و فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی همکاری داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۶۵ – ۴۹۰ ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن‌فندق و فرید خراسان. در سبزوار به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمهٔ بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمهٔ صوان الحکمهٔ» آورده است. او از مشایخ ابن شهرآشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج‌البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمهٔ صوان الحکمهٔ»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمهٔ» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به

فواید تاریخی است.[۱]

ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. ۵۶۵ ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج‌البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفهٔالکرهٔ و ذات الحلق و الاصطرلاب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفایس فی اصناف العلوم، امثلهٔ الاعمال النجومیهٔ.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]الاعلام (۱۰۱/۵)، ایضاح المکنون (۷۱۴، ۵۶۳، ۵۵۲، ۵۰۳، ۴۸۶، ۴۶۹، ۴۵۰، ۴۳۰، ۳۹۸، ۳۰۳، ۲۳۴، ۲۲۲، ۱۸۴، ۱۴۴، ۱۱۵، ۹۸، ۸۳، ۶۰ /۲، ۵۹۹، ۵۶۶، ۵۴۸، ۴۶۶، ۴۶۲، ۴۰۶، ۳۷۳، ۳۶۳، ۳۲۶، ۳۰۰، ۲۵۰، ۲۳۲، ۱۹۲، ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۳۰، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۰۷، ۹۷، ۹۲، ۸۳، ۷۴، ۶۶، ۶۵، ۵۳، ۳۶، ۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۶ -۹۹۳، ۳۱۲ -۳۱۱ /۲)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (۱۷ -۱۶)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمهٔ (مقدمه و ۷۲ -۷۱)، دائرهٔالمعارف الاسلامیهٔ (۴۳۱/۴)، الذریعه (۱۸۴ /۲۱، ۱۱۴ -۱۱۳ /۷، ۱۴۹ /۴)، ریاض العلماء (۳۸/۷)، ریحانه (۳۳۵ -۳۳۴ /۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶ -۳۶۴ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۶۲ -۶۱ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰ -۱۸۹ /۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۹ -۱۱۸)، کشف الظنون (۲۰۵۰، ۲۰۱۱، ۲۰۰۷، ۱۸۹۵، ۱۶۸۶، ۱۵۱۴، ۱۴۳۸، ۱۳۶۱، ۱۲۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۸۲۱، ۷۴۷، ۶۳۴، ۶۰۹، ۲۸۹)، لغت‌نامه (ذیل/ علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۸ - ۲۵۷ /۴)، معجم الادباء (۲۴۰ -۲۱۹ /۱۳)، معجم المؤلفین (۹۷ -۹۶/۷)، هدیهٔ العارفین (۷۰۰ -۶۹۹).

بیهقی، ابوالفضل محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۰ -۳۸۵ ق)، نویسنده و مورخ. وی در قریه حارث‌آباد بیهق ولادت یافت، بعد از کسب فضایل در نیشابور، به دیوان رسایل محمودی راه جست و در خدمت خواجه بونصر مشکان به کار پرداخت. همچنان در خدمت سلاطین غزنوی بود تا در زمان غزالدوله عبدالرشید که در سال ۴۴۰ ق سلطنت یافت چندی صاحب دیوان انشاء گردید، اما به تهمت حاسدان معزول شد و در سال ۴۴۳ ق که طغرل بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بیهقی با جمعی دیگر از درباریان زندانی شد و یک سال در زندان بود. ابوالفضل در اواخر سلطنت فرخزاد از کارهای دیوانی کناره گرفت تا اینکه در سال ۴۷۰ ق وفات یافت. مهمترین اثر بیهقی «تاریخ» مشهور اوست که از امهات کتب تاریخ و ادب فارسی است در شرح سلطنت آل سبکتکین در سی مجلد که در آن از تشکیل دولت غزنوی تا اوایل سلطان ابراهیم بن مسعود سخن رفته است، اما اکنون فقط قسمتی از آن که مربوط به سلطنت مسعود بن محمود غزنوی و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و افتادن آن به دست سلطان محمود و حکومت آلتون‌تاش حاجب، در آن سامان تا غلبه‌ی سلاجقه، موجود است. درباره‌ی سبک و شیوه‌ی نگارش این کتاب و مؤلف آن سخن بسیار گفته و نوشته‌اند و از میان همه نوشته‌ها به قول استاد فیاض که بیهقی‌شناس یگانه روزگار ما بود بسنده می‌کنیم که فرمود بیهقی گزارشگر حقیقت بود. علاوه بر این کتاب ابن‌فندق کتابی دیگر به نام «زینهٔ الکتاب» در آداب کتابت بدو نسبت داده است.[۱]

ابوالفضل محمد ابن حسین، دبیر فاضل دربار محمود و مسعود غزنوی (و. حارث‌آباد بیهق ۳۵۸- ف. ۴۷۰ ه.ق.). وی پس از کسب معلومات در نیشابور، به دیوان رسایل محمود غزنوی راه جست، و در خدمت ابونصر مشکان رئیس دیوان رسایل به کار پرداخت، و همچنان در خدمت سلاطین غزنوی به سر می‌برد تا در زمان عزالدوله عبدالرشید (جلوس ۴۴۰) چندی صاحب دیوان انشا گردید،

لیکن به تهمت حاسدان معزول و محبوس شد. در سال ۴۴ که طغرل کافر نعمت بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بسیاری از خادمان درگاه را در قلاع محبوس ساخت.از آن جمله بیهقی را از حبس سلطان- و به قولی از حبس قاضی غزنین- بیرون آورد و به زندان قلعه فرستاد. بیهقی پس از رهایی از زندان گویا بقیه عمر را در انزوا به سر برد تا بدرود زندگی گفت. اثر معروف او «تاریخ بیهقی.» (ه.م.) است، دیگر «زینهٔ الکتاب» در آداب کتابت که اکنون در دست نیست در مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه ملک (تهران) چند ورق مشتمل بر شرح بغض لغات است که به بیهقی نسبت داده شده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۳۲ -۳۳۱/ ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۲ -۸۹۰/ ۲)، تاریخ بیهق (۱۷۸ -۱۷۵)، تاریخ بیهقی چاپ دکتر فیاض، (مقدمه)، تاریخ در ایران (۳۱ -۲۹)، تاریخ غزنویان (۹ -۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵ -۶۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۹۷/۱)، سبک‌شناسی (۹۱ -۶۶ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴ -۱۶۳ /۵)، گنج و گنجینه (۹۲ -۸۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفضل)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۷ -۴۱۶/ ۵)، معجم المؤلفین (۲۳۷/۹)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۷۰)، نام‌آوران فرهنگ (۱۵۱ -۱۵۰)، الوافی بالوفیات (۲۰/۳)، یادنامه‌ی بیهقی چاپ دانشگاه فردوسی.

بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، لغوی، نحوی، فقیه و قاری. معروف به شمس بیهقی. ملقب به شمس الائمه. او جامع علوم و فنون بود و در مرو مسکن داشت. از آثارش: «نقض الاصطلام»؛ «سمط الثریا»، در معانی غرائب حدیث؛ کتابی در «لغت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۷۵/۲)، معجم الادباء (۱۴۱ -۱۴۰ /۶)، معجم المؤلفین (۲۶۴/۲).

بیهقی، ابوجعفر احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۵۴۴ -۴۷۰ ق)، محدث، فقیه، مفسر و ادیب. معروف به بوجعفرک. وی اهل نیشابور بود. گروهی از نجبا همصحبت وی بودند و جماعتی نزد وی دانش فراگرفتند. او از ابونصر احمد بن محمد بن صاعد قاضی و ابوالحسن علی بن حسن بن عباس صندلی واعظ و دیگران سماع حدیث داشت. تاج‌الدین محمود بن ابی‌المعالی خواری، در مقدمه‌ی کتاب «ضالهٔ الادیب» می‌آورد که احمد بن علی بیهقی در ادب و قرائت امام بود و کتاب «صحاح» جوهری، در لغت را، پس از قرائت بر ابوالفضل احمد بن محمد میدانی، حفظ کرد. از جمله‌ی تألیفات او: «المحیط»، در لغات قرآن؛ «ینابیع اللغهٔ»؛ «تاج المصادر»، در لغت عرب؛ کتاب «المحیط بعلم القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۱ -۳۲۰ /۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۹۷/۱)، روضات الجنات (۲۷۰/۱)، سیر النبلاء

(۲۰۸/۲۰)، کشف الظنون (۲۰۵۲ -۱۶۱۹، ۲۶۹)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن علی)، معجم الادباء (۵۱ -۴۹ /۴)، معجم المؤلفین (۴/۲)، الوافی بالوفیات (۲۱۵ -۲۱۴ /۷)، هدیة العارفین (۸۴/۱).

بیهودی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت پس از ۱۳۰۰ ق)، ادیب و شاعر. وی منسوب به بیهود از توابع قاین است. در قاین و سپس در مشهد به تحصیل پرداخت، آنگاه راهی نجف شد و تحصیلاتش را نزد استادان عصر، از جمله علامه شربیانی به پایان برد و بر اقران پیشی گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از آن به دیار خویش بازگشت و به نشر حقایق اسلامی و اجرای قوانین کیفری اسلام پرداخت. وی با صوفیان طاووسیه زادگاهش به مقابله برخاست و این تقابل آنان را به خشم آورد تا حدی که شبانه به خانه‌اش درآمدند و او را در حالی که خفته بود با ضربات چاقو مجروح و سپس خفه کردند و همسر حامله‌اش را نیز با او کشتند و اموالش را به غارت بردند. وی در هنگام مرگ شصت ساله بود. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۳/۵)، بزرگان قاین (۱۳۶ -۱۳۵)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۰ -۵۳۹)، معجم المؤلفین (۲۴۶/۲).

پارسا تویسرکانی، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۸، تویسرکان.

درگذشت: ۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

عبدالرحمن پارسا تویسرکانی متخلص به «پارسا» فرزند شیخ محمدرحیم رستگار (از نیای پارسا مجنون تویسرکانی)، علوم ابتدایی و متوسطه را در تویسرکان و مازندران و تهران (فارغ‌التحصیل دارالمعلمین مرکزی) به پایان رساند. سپس به تکمیل معلومات خود نزد استادان فن به تحصیل پرداخت.

پس از پایان تحصیلات، چندی به شغل آموزگاری در دبیرستان‌های تهران و مدرسه عالی سپهسالار پرداخت. مدتی نیز رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود، سپس به شرکت بیمه ایران رفت و تا زمان بازنشستگی (در سمت‌های مختلف و از جمله ریاست روابط عمومی شرکت، مسؤلیت مجله‌ی «بیمه» و فعالیت در اداره‌ی انتشارات و مطبوعات بیمه‌ی ایران) در این شرکت کار می‌کرد. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ منشی و نایب رییس انجمن ادبی ایران بود. مدتی نیز رییس انجمن ادبی ایران بود. علاوه بر اینها عضو دائمی و عضو هیئت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پس از کودتای ۱۳۳۲ نیز مدت یک سال مشاور مطبوعاتی سپهبد اردشیر زاهدی (نخست وزیر) بود.

فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال ۱۳۰۹ آغاز کرد. ضمن خدمت مطبوعاتی خود، سردبیری مجله‌ی «معارف» و روزنامه‌ی «کرمانشاه»

را به عهده داشت. با نام‌های «گل آقا»، «همشهری» و «شیخ ابوالپشم» نیز مطالب خود را امضا می‌کرد. وی به مناسبت‌هایی نشان‌های ۲۸ مرداد و تاجگذاری دریافت داشت و به کشورهای عربستان صعودی و کویت و بحرین و قطر و عراق نیز سفر کرد.

پارسا شاعری را از دوران جوانی آغاز کرد. شاعری غزلسرا بود و به ساختن قطعه و رباعی نیز می‌پرداخت. یکی از کارهای پارسا به نظم درآودن حکایت‌ها و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در مجله‌ی «گوهر» از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ به چاپ رسیده است. دیوان اشعار او که در حدود ده هزار بیت است هرچند به چاپ نرسیده ولی بیشتر اشعارش در جراید کشور به ویژه در مجله‌های «ارمغان» و «وحید» و «گوهر» و در مجله‌های کشورهای پارسی زبان افغانستان و پاکستان منتشر شده است. همچنین قطعه‌هایی از آثار منظم وی به وسیله پرفسور ایلسکی به زبان روسی و پرفسور مولوی به زبان انگلیسی ترجمه گردیده است.

فهرست تألیفات او به شرح زیر است: تصحیح و چاپ دیوان شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ دیوان رضی‌الدین آریتمانی؛ تصحیح دیوان عنصری؛ تاریخ تویسرکان؛ فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار تهران؛ تصحیح مقدمه و چاپ قیصرنامه‌ی ادیب پیشاوری؛ رساله در شرح حال خاقانی و رساله در معرفت النفس و مقاله‌های انتقادی و اجتماعی در روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی، مقدمه بر کتاب‌های مختلف از جمله کتاب رجال قم و بحثی در تاریخ آن. کتابی نیز درباره‌ی تاریخ تویسرکان تألیف کرده است که به چاپ نرسید.

(۱۳۶۹ -۱۲۸۸ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به مجنون. در تویسرکان متولد شد. پدر وی از شاعران و ادیبان نامور بود. پارسا علوم ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و مازندران و تهران به پایان برد. از آن پس چندی آموزگار و مدتی رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود و سپس به شرکت بیمه‌ی ایران منتقل شد. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ ش منشی و نایب رییس انجمن ادبی و عضو دایمی و عضو هیأت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پارسا شاعری اجتماعی و غزلسرا بود. غزل را نیکو می‌سرود و در ساختن قطعه و رباعی توانایی داشت. آثارش در مجله‌ها و روزنامه‌ها چاپ می‌شد. از آثار او: تصحیح و چاپ «دیوان» شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ «دیوان» رضی‌الدین آرتیمانی؛ تصحیح «دیوان» عنصری؛ «تاریخ تویسرکان»؛ «تحریر هزار صفحه فهرست کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار تهران»؛ تصحیح و چاپ «قیصرنامه» ادیب پیشاوری و همچنین مقالات متعددی در مجلات ادبی که به چاپ رسیده است. یکی از کارهای مهم و قابل توجه پارسا به نظم درآوردن حکایتهای آموزنده و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در دوره‌ی شش ساله‌ی مجله‌ی «گوهر» به چاپ رسیده است. «دیوان» اشعار او حدود ده هزار بیت است که تاکنون به چاپ نرسیده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۷۱۳ -۷۰۸/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۲، ص ۵۶)، گلزار معانی (۲۴۴ -۲۴۲/ ۱).

پارسی نژاد، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : ایرج پارسی نژاد درسال ۱۳۱۷ در شهر آبادان دیده به جهان گشود. وی بعد از تحصیلات متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و فوق لیسانس خود را در رشته زبان شناسی از همان دانشگاه اخذ نمود، وی برای ادامه تحصیل به انگلستان سفر کرد و با اخذمدرک دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه آکسفورد انگلیس تدریس در دانشگاه مطالعات توکیو را به مدت ۱۷ سال شروع کرد. بعد از بازنشستگی و عزیمت مجدد به آمریکا در دانشگاه ucla به تدریس مروری بر ادبیات کلاسیک فارسی به زبان

انگلیسی را آغاز نمود. از وی آثار متعددی به جامانده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ایرج پارسی نژاد پس از پایان تحصیلات متوسطه در زادگاه ،برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات به تهران می آید و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس زبان شناسی دانشگاه تهران می شود.شوق تحصیل اما ماجرای تحصیلات پارسی نژاد را بـه این مختصر ختم نمی کنـد و او را ترغیب به عزیمت به انگلستان می کنـد.او به دانشگاه آکسفورد می رود تـا در رشته ادبیات تطبیقی ادامه تحصیل دهد.پارسی نژاد موفق به اخذ مدرک دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه آکسفورد انگلیس می شود

استادان و مربیان : از استادان ایرج پارسی نژاد می توان به استاد زرین کوب اشاره کرد.

فعالیتهای آموزشی : ایرج پارسی نژاد پس از اخـذ مـدرک دکترای خود وارد توکیو شـد و به مـدت ۱۷ سال شـروع به تدریس در دانشگاه مطالعات خارجی گردیـد. وی سخنرانی های متعـددی در مراکز گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران داشت. پس از بازنشستگی عزیمت به آمریکا کرد و تدریس « مروری بر ادبیات کلاسیک فارسی» به زبان انگلیسی در دانشگاه ucla را آغاز نمود.

آرا و گرایشهای خاص : ، آرای ایرج پارسی نژاد هم در مورد اهمیت نقـد ادبی در تاریخ ایران روشن تر می شود. به نظر او نقد جدیـد فقـط ابزاری برای بهبود ادبیات فارسـی نیست، امری که آن را از نقـد پیش از قرن نوزدهم جـدا می کنـد که چیزی جز تملق گویی و تعریف و تکذیب شخصـی نبود، بلکه پیشرفت سیاسـی و اجتماعی مملکت نیز پیوندی استوار داشت. به گمانم او نقد ادبی حاصل «مبارزه اجتماعی ـ انتقادی روشـنفکران ایران با اسـتعداد قرن نوزدهم » بود چون ادبیات در شـکل گیری فرهنگ ایرانی سهم به سـزایی داشـته و دارد و «تفکر ادبی، که محصول نگرش عقلایی است، پیش از هر چیز بر ضد نهادهای سیاسـی و اقتصادی حاکم دست به اعتراض می زند». پارسی نژاددر تأیید ارتباط میان نقد و پیشرفت مملکت در مقامی مناسب به قول طالبوف استناد می کند: «اگر در اعمال و اقوال دایره منافع ملی«کریتیکه»، یعنی تشـریح معایب و محسـنات، نباشد در آن ملت ترقی نمی شود».او معتقد است مبحث «نقـد ادبی جدیـد» با آنچه در سـنت ادبی فارسـی در این زمینه وجود دارد از بنیاد متفاوت است: «آثاری که به عنوان مباحث انتقاد ادبی از گذشـتگان ما به جا مانده، همچنان که اسـتاد زرین کوب یاد کرده، یا از نوع «نقد ذوقی» است که شاعران از سر ذوق به کنایه و تعریض به خرده گیری از یکدیگر پرداخته اند، مانند اشاره انتقادی فردوسـی به ناتندرستی شـعر دقیقی و نکته گیری های عنصـری و غضائری از یکدیگر و یا از مقوله «نقد فنی» است که در کتاب های بلاغت و بدیع و قافیه از مقدمات ظاهری کلام سخن رفته. مانند ترجمان ابلاغی از محمد بن عمر رادویانی و حدائق السـحر از رشـید وطواط و چهار مقاله نظامی عروضی و لباب الالباب محمـد عوفی و المعجم فی معـاییر اشـعار العجم شـمس قیس رازی. امـا در همه این آثـار کمتر نشـانی از تحلیـل موضوع و قضـاوت درباره ارزش ذاتی آثار ادبی دیده می شود.»

چگونگی عرضه آثار : ایرج پارسـی نژاد نوشتن را به جد و جهد از دوران دبیرستان آغاز کرده و از همان آغاز نیز گرایش نقد ادبی داشـته است.زنده یاد سیروس طاهباز که او نیز متولد آبادان بود، از تأسـیس انجمن ادبی دبیرستان رازی آبادان یاد می کرد که مهم ترین کـار آن تهیه یـک روزنـامه دیواری بود و ایرج پارسـی نژاد بـا آن همکـاری داشت. ایرج پارسـی نژاد در این سال ها علاوه بر تـدریس پیوسـته،ازنگارش مقالات متعـدد در حوزه ادبیات و زبان شناسـی در نشـریات تخصصـی ادبیات نیز غافل نمانده و همچنین ارتباط پیوسـته اش با مراکزآکادمیک ، نشـریات تخصصی و همکارانش در حوزه ادبیات در ایران را حفظ کرده و هر از چند گاهی برای کارهـای تحقیقی و پژوهشـی به ایران می آیـد. پارسـی نژاد در این سـال ها علاوه بر حفظ پیونـد هایش با جریان نقـد ادبی در ایران،از تحقیق و مـداقه در وضع ادبیـات کلاسـیک ایران در خـارج از ایران نیز غافـل نمانـده و به نقـد آنان نیز پرداخته است.از آن

جمله است دیدگاهی که او درباره ترجمه امروزین آثارمولانا در آمریکا دارد: «کلمن بارکس برای آن که شعر مولانا را با ذائقه زمانه تطبیق دهد و آن را باب روز بازار آمریکا بگرداند، مضامین عرفانی آن عارف آزاده را از خاستگاه تاریخی و اجتماعی او جدا می کند و آن را با فرهنگ دنیای معاصر تطبیق می دهد . بارکس به جای آن که مفهوم « عشق » در مثنوی را ، همان گونه که هست باز نماید، دست به تحریف آن می زند . در سرآغاز فصل ششم زیر عنوان « مهارتمنیات جسمانی » وانمود می کند که در طریق تصوف، برآوردن امیال نفسانی، مرحله ای از وصول به حق و رسیدن به عشق الهی است!

آثار :

۱ تاریخ نقد ادبی در ایران

ویژگی اثر : پارسی نژاد ترجمه ای از کتاب روشنگران ایرانی را با عنوان «تاریخ نقد ادبی در ایران» از سوی انتشارات آیسبک در واشنگتن منتشر کرده و هم اکنون در تدارک جلد دوم «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» است.در جلد نخست این کتاب تا هدایت مورد بررسی و پژوهش قرارگرفته بود و جلد دوم اختصاص دارد به دوره هدایت تا روز گار ما. »

۲ ترجمه به انگلیسی«تاریخ نقد ادبی در ایران»????-????

ویژگی اثر : انتشار آن از سوی IBEX در مریلند آمریکا

۳ روشنگران ایرانی و نقد ادبی در دو جلد

ویژگی اثر : اما یکی از مباحثی که سال هاست به موضوع اصلی نقد ها و نوشته های پارسی نژاد بدل شده، همانا تاریخ نقد ادبی در ایران است.مبحثی که عنوان مهم ترین کتاب او نیز هست. «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» اثری تحقیقی از ایرج پارسی نژاد پیرامون شکل گیری جریان نقد ادبی به همت نویسندگان و منتقدانی است که انتشارات سخن مسؤلیت چاپ و توزیع آن را به عهده دارد.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

پازارگادی، علاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، نویسنده و مترجم. از مردم شیراز است. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در شیراز به انگلستان رفت و موفق به دریافت درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی تاریخ عمومی و فوق لیسانس در رشته‌ی تعلیم و تربیت شد. پس از دریافت درجه‌ی فوق لیسانس رشته‌ی علوم سیاسی و اقتصادی از دانشگاه آکسفورد به آمریکا رفت و در رشته‌ی تعلیم و تربیت دکترا گرفت. دکتر پازارگادی پس از بازگشت به ایران به امر تدریس پرداخت. برخی از آثار او: «انشاء انگلیسی»؛ «پیروزی در دست من»؛ «دستور زبان انگلیسی»؛ «گرامر زبان انگلیسی»؛ «یک بحث جدی درباره‌ی خنده و شوخی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴ -۸۲ /۴).

پاینده غزنوی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نویسنده و مترجم. وی قسمتی از کتاب «بابرنامه» را از زبان جغتایی، در ۹۹۴ ق ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۱۶).

پاینده، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار، داستانسرا، مترجم.

تولد: ۱۲۹۲، نجف‌آباد.

درگذشت: ۱۸ مرداد ۱۳۶۳.

ابوالقاسم نجف‌آبادی مشهور به ابوالقاسم پاینده، فرزند رضا، در اصفهان از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۹ به تحصیل علوم قدیم (صرف و نحو عربی، فقه اسلامی و فلسفه یونان) پرداخت.

خدمت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۰۸ در روزنامه‌ی «عرفان» (اصفهان) آغاز کرد. از سال ۱۳۱۱ به تهران آمد و روزنامه‌نگاری را ادامه داد مدت‌ها با روزنامه‌های «شفق سرخ» و «ایران» همکاری داشت. مدتی نیز مدیر مجله‌ی «تعلیم و تربیت» بود. در سال ۱۳۲۱ مجله «صبا» را بنیاد نهاد و تا سال ۱۳۳۰ انتشار داد. ضمنا با مجلات دیگر از جمله مجله‌ی «معارف اسلامی» نیز همکاری می‌کرد.

ابوالقاسم پاینده در سال ۱۳۳۶ به سبب ترجمه‌ی قرآن مجید به دریافت جایزه نایل آمده است. از ترجمه‌های دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: التنبیه و الاشراف (علی بن حسین مسعودی، ۱۳۴۹)؛ تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک (اثر محمد بن جریر طبری در شانزده جلد، ۱۳۵۲)؛ اسرار نیک‌بختی (اوریزان ماردن، ۱۳۳۳)؛ تاریخ سیاسی اسلام از آغاز ظهور تا انقراض دولت اموی (دکتر حسین ابراهیم حسن، سه جلد، ۱۳۱۸)؛ چرا فرانسه شکست خورد (آندره موروآ، ۱۳۱۹)؛ در آغوش خوشبختی (لرد آوری بوری، ۱۳۱۳)؛ زندگانی محمد (ص) (دکتر محمد حسنین هیکل، دو جلد، ۱۳۱۷)؛ مروج الذهب (از مسعودی، دو جلد، ۱۳۴۴)؛ تاریخ عرب (از فیلیپ حتی، دو جلد، تبریز، ۱۳۴۴)؛ نهج الفصاحه (س) (کلمات قصار حضرت رسول، جلد اول: ۱۳۲۶)؛ سخنان محمد (ص) (کلمات قصار با ترجمه، ۱۳۱۸)؛ عشق و زناشویی (نیکلا حداد، ۱۳۳۵).

در سال ۱۳۲۶ به ریاست اداره‌ی تبلیغات برگزیده شد و در دوره‌ی دوم مجلس مؤسسان نامزد نجف‌آباد بود.

ابوالقاسم پاینده داستان هم می‌نوشت. داستان‌هایش ترکیبی از خاطره و موعظه‌اند و بیشتر به انتقاد از زندگی اداری در سال‌های پیش از ۱۳۲۰ اختصاص دارند. در چند داستان نیز به نشان دادن جنبه‌های مضحک زندگی روستایی و خاطرات دوران کودکی می‌پردازد. از جمله آثار داستان وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رمان قاتل (اصفهان، ۱۳۱۳)؛ در سینمای زندگی (مجموعه داستان، ۱۳۳۷)؛ دفاع از ملا نصرالدین (۱۳۴۷)؛ جناب آقای دکتر ریش (۱۳۴۸)؛ مرده کشان جوزان و هفده داستان دیگر (۱۳۵۷)؛ داستان‌های برگزیده (۱۳۵۲)؛ و ظلمات عدالت (۱۳۵۴).از آثار دیگر او می‌توان به دستور نوشتن (اصفهان، ۱۳۰۹) و تمدن اسلام (از مجلدات تاریخ ویل دورانت) اشاره نمود.

در ۱۲۹۰ در نجف‌آباد اصفهان متولد شد. تحصیلات جدید و قدیم را به خوبی ادامه داد و به ادبیات زبان فارسی و عربی تسلط پیدا کرد. زبان فرانسه را هم فراگرفت. به خدمت دولت درآمد، ولی کار اصلی او ترجمه و نویسندگی بود و کارهای ادبی و علمی

اولیه‌ی او نشانگر ذوق و تسلط او به زبان فارسی است. چندی در مطبوعات اصفهان به کار ترجمه و نویسندگی اشتغال داشت، بعد به تهران آمد و مدتی به اتفاق علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی در اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری شهربانی اشتغال داشت. بعد از ۱۳۲۰ مستقلاً به انتشار مجله‌ی هفتگی صبا که روزهای چهارشنبه منتشر می‌شد مبادرت نمود. این مجله در نوع خود جالب بود و در آن مسائل اجتماعی برای اولین بار در ایران به طور عریان مطرح می‌شد. حتی از لحاظ چاپ عکس‌های لخت و نیمه‌لخت نیز بی‌سابقه بود. داستان‌های عشقی که تحریک‌کننده‌ی جوانان است، هر هفته با آب و تاب تمام انتشار می‌یافت. مخصوصاً عکس‌های ستارگان معروف سینما همه هفته روی جلد و داخل صفحات، و اخبار سینمایی جلب توجه می‌کرد. این مجله خیلی زود با استقبال روبرو شد و تیراژ آن سرسام‌آور بالا رفت و مدیر آن از لحاظ اجتماعی موقعیتی پیدا کرد؛ مخصوصاً تبلیغات مجله هم بی‌سابقه و جالب بود. مجله‌ی صبا در عین حال مخالفین سرسختی هم داشت و با تمام قدرت می‌خواستند از انتشار آن جلوگیری کنند، ولی میسر نمی‌شد. مجله‌ی صبا چندین سال انتشار می‌یافت تا تدریجاً تازگی خود را از دست داد و تعطیل شد.

پاینده در بین مردم وجهه‌ی زیادی نداشت و دشمنان سرسختی پیدا کرده بود. نسبت‌هائی به او دادند. هرچه تلاش کرد بدنامی مجله را از خود دور کند، نشد. سرانجام به ترجمه‌ی قرآن پرداخت و ترجمه‌ای از قرآن به دست داد که در زمان خود بهترین ترجمه‌ی فارسی بود. در دوره‌ی بیست و یکم پس از چندین سال تلاش، نماینده‌ی نجف‌آباد شد. در مجلس تک‌روی کرد. گاهی عوام‌فریبی می‌کرد. پس از آن دوره، دیگر به مجلس راه نیافت، از او کتاب‌های زیادی انتشار یافته است که هر یک در حوزه‌ی خود درخور توجه است. ترجمه‌های او روان است. ترجمه‌ی کتاب در آغوش خوشبختی یکی از ترجمه‌های سلیس اوست. حیات محمد (ص) و ترجمه‌ی کلمات حضرت رسول (ص) تحت عنوان نهج‌الفصاحه از دیگر کارهای علمی و ادبی او می‌باشد.

مهمترین کار پاینده، ترجمه‌ی قرآن و ترجمه‌ی تاریخ طبری در ۱۶ مجلد است. پاینده قصه و طنز نیز می‌نوشت. در ۷۳ سالگی در تهران درگذشت. از وی کتابخانه‌ی معظمی باقی ماند که غالب کتب آن به زبان‌های فرانسه و عربی بود. ظاهراً این کتابخانه از طرف وراث به فروش رفت و گویا علی‌رغم میل صاحب آن، در اختیار مؤسسات دانشگاهی و علمی قرار نگرفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پاینده، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود پایندهٔ لنگرودی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در شهرستان لنگرود به دنیا آمد.استاد سالهاست که به عنوان گرافیست و خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند. کتاب" فرهنگ گیل و دیلم " محمود پایندهٔ لنگرودی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود پایندهٔ لنگرودی دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۳۲ راهی تهران شد و همکاری با مطبوعات را آغاز کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود پایندهٔ لنگرودی سالهاست که به عنوان گرافیست و خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی

اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند.

جوائز و نشانها : کتاب" فرهنگ گیل و دیلم " محمود پایندهٔ لنگرودی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---

آثار :

۱ آیین‌ها و باورداشتهای گیل و دیلم

ویژگی اثر : بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۵

۲ خوئینه‌های تاریخ دارالمرز (گیلان و مازندران)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۳ دکتر حشمت جنگلی

ویژگی اثر : انتشارات شعله اندیشه – ۱۳۶۸

۴ فرهنگ گیل و دیلم

ویژگی اثر : امیرکبیر ۱۳۶۷–این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است

۵ قیام غریب شاه گیلانی

ویژگی اثر : انتشارات سحر ۱۳۵۷

۶ گل عصیان

ویژگی اثر : مجموعهٔ شعر ۱۳۳۶

۷ گیلان در شعر شاعران و مجموعهٔ شعر (فارسی)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۸ لیله کوه

ویژگی اثر : شعر گیلکی ۱۳۵۸

۹ مثلها و اصطلاحات گیل و دیلم

ویژگی اثر : بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۱۰ مجموعهٔ مقالات گیلان‌شناسی

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۱۱ یَه شُو بو شَئوم روخُئونَه

ویژگی اثر : شعر گیلکی – ۱۳۵۸ --

منابع :

۱www.ketabesal.ir

پرتو علوی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۹ -۱۲۸۱ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به پرتو. وی در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی اقدسیه به پایان رسانید و سپس وارد دارالمعلمین گردید. وی چندی نیز در عراق و مصر و برلن به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، ابتدا در وزارت دادگستری و سپس در راه‌آهن اشتغال یافت و مدتی نیز به تدریس ادبیات و زبان خارجه در هنرسرای عالی مشغول شد. پرتو در سالهای ملی شدن صنعت نفت به صف مبارزان علیه شرکتهای استعماری پیوست، و در این راه زندانی هم شد. او در شعر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت و هنر خود را در خدمت راهنمایی و ارشاد مردم به کار می‌گرفت. از آثار وی: «خودآموز و گرامر آلمانی»؛ «راست و نو»؛ «زندگی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «بانگ جرس»، در شرح مشکلات «دیوان» خواجه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۳/۲)، سخنوران نامی معاصر (۷۳۳ -۷۲۹ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۳ -۸۸۲ /۳).

پرتوی آملی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف.

تولد: ۱۲۹۶، آمل.

درگذشت: خرداد ۱۳۶۷.

مهدی پرتوی آملی تحصیلات ابتدایی خود را در آن شهر و دوره متوسطه را در بابل و ساری و تحصیلات عالیه را در دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا به پایان رساند و از شهریور ۱۳۱۶ در دبیرستان پهلوی ساری به تدریس مشغول شد و سپس به نظامت و ریاست دبیرستان منصوب گردید. مدت پنج سال در این سمت خدمت کرد و بعد ریاست فرهنگ شهرهای بابل و انزلی و چند بخش فرهنگ تهران را به عهده داشت. او چندی نیز به تدریس پرداخت و مدت ده سال رایزنی فرهنگی در عراق را بر عهده داشت. تألیفات چاپ شده او عبارتنداز: فرهنگ عوام آمل، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم (دو جلد).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پروین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری، ملقب به شمس‌الحاجیه از زنان فاضل، ادیب و شاعر. وی ربیبه‌ی حاج میرزا حبیب خراسانی (۱۳۲۷ -۱۲۶۶ ق)، از علما و شعرای معروف خراسان بود. پروین بسیاری از اشعار میرزا حبیب را جواب می‌گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت. از اشعار اوست:

وصل یار و فصل فروردین خوش است

طرف جوی و لاله و نسرین خوش است

خوش نباشد هر خطی در هر لبی

گرد آن لب آن خط مشکین خوش است

بر گلستان رخت شب تا سحر

همچو بلبل ناله پروین خوش است[۱]

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر. ملقب به شمس الحاجیه. وی نادختری حاج میرزا حبیب خراسانی بود. پروین بسیاری از اشعار میرزا حبیب را جواب گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منبع: صد سال شعر خراسان، ۱۶۷.

[۲] صد سال شعر خراسان (۱۶۷)، مشاهیر زنان (۴۴ -۴۳).

پروین گنابادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۸۲ در خراسان متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس قدیم مشهد گذرانید و از محضر دانشمندان بزرگی مانند ادیب نیشابوری استفاده کرد. در ادبیات فارسی و عربی سرآمد اقران شد. کار اداری خود را از معلمی آغاز نمود و مدت‌ها بدین شغل اشتغال داشت. ریاست چند دبیرستان و دانشسرای مشهد با او بود. در ۱۳۲۲ از طرف مردم سبزوار به نمایندگی مجلس انتخاب گردید و جزء نمایندگان دوره‌ی چهاردهم قرار گرفت. در آن مجلس فراکسیون‌های مختلفی به وجود آمد، از جمله فراکسیون حزب توده که هشت عضو داشت و محمد پروین گنابادی به لحاظ مردم‌دوستی و عواطف شدید اجتماعی و به خیال اینکه آن حزب مدافع زحمتکشان است، به آن فراکسیون پیوست. فراکسیون حزب توده ماجراهای زیادی در مجلس آفرید. مشاجرات تندی بین اعضای آن و بعضی از نمایندگان و اعضای دولت در تمام مدت عمر مجلس چهاردهم وجود داشت، ولی گنابادی در این مشاجرات هیچ‌گاه وارد نمی‌شد و فقط در رأی تابع آن بود.

پس از ختم مجلس، از سیاست به کلی گسست و به وزارت فرهنگ بازگشت و از نو به همان کار تدریس اشتغال ورزید، تا عضویت مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا را قبول کرد و تا آخر عمر در آن مؤسسه‌ی علمی اشتغال داشت. در طول عمر خود دست به تألیف چندین کتاب مفید زد و در تصحیح متون کهن تلاش بسیار نمود. ترجمه‌ی مقدمه ابن‌خلدون در دو جلد از کارهای سترگ اوست. کتاب‌های راهنمای مطالعه، پرورش اراده، دستور زبان فارسی، شیوه‌ی نگارش و فن مناظره از آثار دیگر او به شمار می‌رود. دانشگاه تهران به پاس خدمات فرهنگی وی، در ۱۳۵۵ درجه‌ی دکترای افتخاری به او داد. او همیشه از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی را به سختی می‌گذرانید. چون علو طبع داشت، از کسی چیزی قبول نمی‌کرد و با مختصر حقوق بازنشستگی امرار معاش می‌نمود. مردی صالح، زحمتکش و محققی بی‌مدعا بود. حقی که او در تکمیل و تتمیم لغت‌نامه‌ی عظیم دهخدا دارد، بسیار گران است و زحمات هیچ‌کس دیگر شاید به پای زحمات وی نرسد. پروین گنابادی در ۱۳۵۷ در ۷۵ سالگی درگذشت. شاگردان، هواخواهان و ارادتمندانش مجموعه‌ی مقاله‌ای تهیه کرده‌اند و به نام او به خود او تقدیم داشته‌اند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

پرهیزگار، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا پرهیزگار استاد بخش زبان و ادبیات انگلیسی دردانشگاه شیراز است . او به ویژه درمورد ترجمه فعالیت می کند . او دانستن یک زبان خارجی را برای ترجمه کافی نمی داند. وی دانش زبان شناسی با شاخه منظور شناسی راجهت ترجمه لازم و ضروری می داند او همچنین نظریه تاویل یا هرمنوتیک را از لوازم ترجمه شمرده است .گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : زبان های خارجی فعالیتهای ضمن تحصیل : مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد رضا پرهیزگار ،ترجمه است . او براین عقیده است که امروزه کسانی که زبان شناسی می خوانند، دو رشته جدید را تحصیل می کنند که بدون اطلاع ازاین دورشته ، یک ترجمه خوب به دست نمی توان داد . مگر به طور تصادفی ، آن دو دانش ،یکی دانش زبان شناسی باشاخه منظور شناسی است که همان پراگماتیک و گفتمان و تحلیل سخن کاوی یا دیسکوآنالیزیسم است و دیگر شناخت نظریه های متاخر وجدی ادبی است مثل نظریه تاویل یا هرمنوتیک می باشد .وقایع میانسالی : مهمترین امر این دوران رو آوردن محمد رضا پرهیزگار به ام ترجمه است . او که سخت به ترجمه علاقمند است براین باور می باشد که ما ضمن اینکه نقد ترجمه داشته باشیم ،ازطریق مطبوعات نیز به طور مرتب ترجمه های خوب را معرفی کنیم تا خوانندگان به سراغ ترجمه های غلط و نادرس نرونـد .آرا و گرایشهای خاص : محمد رضا پرهیزگار زمینه آفرینش کارفرهنگی رادرترجمه ، آشفته می داند . او معتقد است که بعد ازانقلاب اسلامی ،بسیاری از مردم به دلیل تجربه هایی که دریک زبان خارجی داشتند و یا دردانشگاهها انگلیسی و فرانسه خوانده بودند ،به ترجمه وری آوردند و این تنها ظاهر قضیه است . اینها گمان می کردند دانستن یک زبان خارجی برای ترجمه کافی است . اما این درست نیست و آشفتگی می آفریند .آثار : ترجمه رنگ ارغوانی ویژگی اثر : این رمان تالیف خانم آلیس و اکران است .

پریمی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی پریمی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجایب علی پریمی دارای تحصیلات حوزوی ودانشگاه می باشم .تحصیلات حوزه خود را تا پایه دوم در حوزه علمیه دامغان درسالهای ۶۷-۶۸ سپری نمودم وسال۱۳۶۹وارد حوزه علمیه قم شدم و تاکنون مشغول تحصیل هستم که حدود هشت سال سابقه

حضور در دروس خارج فقه واصول را دارم .همزمان با تحصیلات حوزوی ،تحصیلات متوسطه و بعد قبولی در دانشگاه را کسب نمودم و دررشته ادبیات وزبان فارسی مدرک کارشناسی را دریافت نمودم و بعد در دانشگاه باقرالعلوم (ع)قم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم و از سال ۷۹تاکنون در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)به عنوان محقق و مسئول کتابخانه تخصصی علوم عقلی مشغول به تحقیق و پژوهش هستم . ازسال ۱۳۸۰تاکنون در دانشگاههای مختلف کشور (پیام نور قم،دامغان ،صنعتی شاهرود،آزاداسلامی دامغان،وشاهرود)در رشته فلسفه ،دروس عمومی و رشته حقوق مشغول به تدریس هستم .

پژمان بختیاری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۷۹ ش)، شاعر و مترجم. از مردم تهران بود، مادرش خانم عالم تاج، متخلص به ژاله از دودمان میرزا ابوالقاسم قائم مقام، وزیر محمد شاه بود. وی تحصیلات خود را در مدارس تهران گذراند و در رشته‌های علوم ادبیات و عربی و زبان فرانسه اطلاعات خود را کامل کرد و پس از آن به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. پژمان در هیجده سالگی به سرودن شعر پرداخت و آثارش در روزنامه‌ها و مجلات مختلف به چاپ رسید. او از شعرای خوش‌ذوق و تجددخواهی است که آثارش از لطف کلام و انسجام لفظی و معنوی برخوردار است. از آثارش: منظومه‌های «سیه روز»؛ «زن بیچاره»؛ «محاکمه‌ی شاعر»؛ «خاشاک»؛ و همچنین ترجمه‌ی کتابهای: «وفای زن»؛ «آتالاورنه»؛ «پیشه»؛ «دزد اطفال»؛ «قمار»؛ «کرسیل»؛ «گربه‌ی سیاه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۳۶ -۳۵)، از بهار تا شهریار (۳۸۸ -۳۸۴)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (۱۶۷ -۱۶۴)، چون سبوی تشنه (۱۸۰ -۱۷۸)، دویست سخنور (۶۴ -۶۲)، سخنوران نامی (۱۴۴ -۱۳۶ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۸۰۳ -۷۹۸ /۲)، صدف (۱۴۴ -۱۱۴)، گلزار معانی (۱۸۷ -۱۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۹ -۸۲۷ /۲).

پورحسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۹ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به واصل. وی در کرمان متولد شد. و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در همان شهر گذراند، پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی موفق به دریافت لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. سپس به کرمان بازگشت و به تدریس پرداخت و روزنامه‌ی «روح‌القدس» را در کرمان، به مدت سه سال منتشر کرد. برخی از مشاغل وی عبارت‌اند از: ریاست دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهداد، رفسنجان، کرمان. واصل در سال ۱۳۳۷ ش به وزارت فرهنگ و هنر تهران انتقال یافت و در خلال خدمت اداری، و در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی دکترا گرفت و به مقام استادی دانشگاه رسید. مدفن او در کرمان است. از آثار وی:

ترجمه‌ی «اخلاق نیکو ماخس» ارسطو؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «سلامان وابسال»؛ «فیثاغورثیان»؛ «رواقیون»؛ «لغت‌نامه گویش کرمانی»؛

«فلاسفه قبل از ارسطو»؛ «اخلاق عملی» و «دیوان» اشعار.[۱]

مدرس، مترجم.

تولد: ۱۲۹۹، کرمان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۶۵، شهداد.

سید ابوالقاسم پورحسینی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان برد. آنگاه به تهران آمد و در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه فارغ‌التحصیل شد و به زادگاه خود بازگشت و با شغل دبیری کار فرهنگی خود را آغاز نمود. وی در طول چهل سال خدمت فرهنگی مشاغلی متعدد چون نظامت دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دانشسرای کرمان و فرهنگ شهداد و رفسنجان، معاونت استان کرمان و... برعهده‌اش بود. طی پانزده سال خدمت فرهنگی در استان کرمان حدود ۱۲۲ مدرسه‌ی ابتدایی در این شهر احداث کرد. در سال ۱۳۳۷ به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و پس از چندی به ریاست دبیرخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد (۱۳۶۲ –۱۳۴۲) و در ضمن به تدریس در این دانشکده نیز می‌پرداخت.

در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه دکتری گرفت. در طی اقامتش در کرمان روزنامه «روح‌القدس» را پی افکند و سه سال متوالی آن را منتشر نمود و دو نشریه را در دانشسرای مقدماتی کرمان فراهم ساخت. مقالات و اشعار او در روزنامه‌های «استقامت»، «صدای کرمان» و «بیداری» چاپ می‌شد.

دکتر پورحسینی شعر نیز می‌گفت و غزلیات، دو بیتی‌ها و قصادی از او به یادگار مانده است و تخلص او «واصل» بود. وی از سال ۱۳۳۵ به بعد در هیئت مدیره‌ی انجمن ابدی عضویت داشته است.

فهرست آثار دکتر پورحسینی به شرح زیر است: ترجمه‌ی اخلاق نیکوماخوس ارسطو به فارسی و تطبیق آن با کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (الطهاره) مسکویه، ترجمه رساله سلامان و آبسال ابن سینا، فراسوی تناقض، افلاطون، مشارب عمده‌ی اخلاقی، فلسفه‌ی اپیکور، فلسفه‌ی رواقی، فلسفه‌ی اخلاق شرح نمط نهم اشارات، فیثاغورثیان، از انتشارات مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات، رواقیون، رساله‌ای درباره‌ی فلسفه‌ی اخلاقی ابن حکماء کتب و آثار خطی مسکویه به صورت مقاله در مجله‌ی «معارف اسلامی»، ترجمه‌ی اشعار در مجله‌ی «یغما». آثار ترجمه نشده‌ی وی عبارتند از فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان، فلسفه‌ی بعد از سقراط، سقراط، هراکلیتوس، فلسفه‌ی یاسپرس، سلسله مقالات عرفانی، مردمی و نامردمی‌ها.

پیکر دکتر پورحسینی بنا بر وصیت خود در جوار مرقد امامزاده زید به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۶۸ –۱۵۸)، الذریعه (۱۲۴۹/۹)، ستارگان کرمان (۱۲۹ –۱۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۸۱۳– ۳۸۱۶).

پورنامداریان، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر تقی پور نامداریان در سال ۱۳۲۰ در همدان متولد شد. وی در سال ۱۳۵۸ در حالی که فعالیتهای خودرا در آموزش و پرورش ادامه می داد موفق به دریافت درجه دکتری خود از دانشگاه تهران گردید. دکتر پورنامداریان در حال حاضر استاد زبان و ادبیات

فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میباشد تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی , بویژه در زمینهٔنقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. اورا می توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست, چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیک فارسی پرداخته است . کتاب"رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی "تقی پورنامداران ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نقد ادبی

والدین و انساب : پدر تقی پور نامداریان قناد بودو شعر هم می گفت . اما آنقدر سرگرم شعر و شاعری بود که قنادی را در حاشیهٔ آن انجام می داد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تقی پورنامداریان تحصیلات خودرا از کلاس سوم ابتدایی شروع نموده و در رشتهٔ ریاضی در زادگاهش دیپلم گرفت و ته معلمی پرداخت . یکی از معلمان دبستان روستای الفوت (در حوالی همدان) وی را به ادامه تحصیل در دانشگاه ترغیب نمود. پورنامداریان پس از موفقیت در امتحانات دانشگاه در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران از روستای الفوت به ازندریان منتقل شد. . وی پس از انتقال به تهران تحصیلات خود را در دورهٔ فوق لیسانس در پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران ادامه داد. او اولین دانشجوی پژوهشکده بود که به تشویق دکتر اتوالقاسمی در آزمون ورودی دکتری دانشگاه تهران شرکت نمود و درسال ۱۳۵۸ از پایان نامهٔ دکتری خود دفاع نموده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : تقی پورنامداریان از مشکلات رفت و آمدخود به تهران در زمان تحصیل, به خصوص در روزهای برفی و بارانی زمستان , و اقامت در مسافرخانه های خیابان ناصرخسرو خاطرات مفصلی دارد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : تقی پورنامداریان در زمان معلمی خود در ازندریان, هر هفته یکی دو روز جهت تحصیل به تهران می آمد . بدین گونه فعالیت معلمی اودر حین تحصیل نیز ادامه داشت . او که تحصیلات دانشگاهی خود را مدیون اصرار دوستان و همکاران خود در روستای ازندریان میداند, پس از یک سال خدمت در ازندریان به روستای قروهٔدرجزین همدان منتقل گشت. وی از این روستا نیز مدت دو سال به تهران رفت و آمد داشت. تا اینکه به تهران منتقل شده و سال چهارم دانشگاه رادرتهران مقیم گشت. اودر تهران شش سال دیگر به معلمی د ردبستان و دبیرستان پرداخت و در این مدت نیز موفق به اخذ درجهٔ فوق لیسانس از پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران شده است . وی بعداز سال اول دانشجویی درپژوهشکدهعلاوه بردرس خواندن , تدریس هم داشت و بطور غیر رسمی به دانشجویان در نوشتن رساله نیز کمک می کرد. هر چند اشتغال بیش از پیش پورنامداریان در دورهٔ فوق لیسانس و اشتغال بسیار وی در دورهٔ دکتری باعث شدکه همسرش ابراز ناراحتی نماید , اما با دفاع از پایان نامهٔ دکتری ااز وضعیت با ثباتی برخوردار گردید.

استادان و مربیان : تقی پور نامداریان دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با درک فیض از محضر اساتیدی چون مرحوم محمد پروین گنابادی – مرحوم دکتر احمدعلی رجایی و دکتر پرویز ناتل خانلری – دکتر سیدجعفر شهیدی – دکتر سیدحسن سادات ناصری و خصوصا ارشادات و راهنمایی استاد دکتر شفیعی کد کنی در سال ۱۳۵۸ طی کرده و به اخذ درجه دکتری در این رشته نایل آمد.

همسر و فرزندان : تقی پورنامداریان سال اول که در پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران دورهٔ فوق لیسانس را می گذراند در مدرسهٔهدف نیز به آموزش خط اشتغال داشت. در این مدرسه با یکی از معلمان آشنا شده و با او ازدواج نمود.

فعالیتهای آموزشی : تقی پورنامداریان که در حال حاضر استاد زبان و ادبیات فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

میباشد, در سالهای قبل و پس از گرفتن دیپلم, در روستاهای ملایر(جیجان , مانیزان, کسب, ازندریان, الفوت) به شغل معلمی پرداخته است . در آن دوران وی چند ماه در جیجان و دو سال نیز در الفوت , تنها معلم دهکده بود . او در دوران تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهایی همچون معلمی , اشتغال در پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران , کمک به دانشجویان در درس و رساله و تدریس در دبستان و دبیرستان می پرداخت . تا اینکه از آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر انتقال یافته و بعنوان مامور در بنیاد فرهنگ ایران مشغول گشته است . در سالهای بعداز انقلاب که بنیادها و فرهنگستان در مؤ سسهٔمطالعات و تحقیقات فرهنگی ادغام شده و بعد هم به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تغییر داد, او و همکارانش تالیف؛فرهنگ تاریخی زبان فارسی ؛را از سال۱۳۶۳ آ غاز نمودند . در خلال این سالها , که سه سال آن در کرهٔجنوبی به تدریس گذشت , در اکثر دانشگاههای تهران از جمله , دانشگاه تهران , تربیت معلم , شهید بهشتی و تربیت مدرس به تدریس پرداخته و به خلق کتب و مقالات متعدد اهتمام ورزیده است .

آرا و گرایشهای خاص : تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی , بویژه در زمینهٔنقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. اورا می توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست, چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیك فارسی پرداخته است . از نمونه آثار وی در نقد ادبی به کتاب در سایهٔ آفتاب :اشاره کرد . در این کتاب نویسنده به مشعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولوی بپرداخته است.

جوائز و نشانها : کتاب"رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی "تقی پورنامداران ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : دکتر تقی پورنامداران ،بیش از ۲۲ مقاله در زمینه رشته تخصصی خود و بیش از ۲ طرح تحقیقاتی را در کارنامه کاری خود دارد. --

آثار :

۱ احوال و اندیشهٔ عطار

ویژگی اثر : مقا له

۲ اسباب و صور در غزلهای مولوی

ویژگی اثر : مقا له

۳ استاد زرین کوب و مثنوی

ویژگی اثر : مقا له

۴ بلاغت و گفت و گو با متن

ویژگی اثر : مقا له

۵ پایان بی قراری ماهان

ویژگی اثر : مقا له

۶ پونه های الوند

ویژگی اثر : گزیده شعر های رضا ذوقی

۷ تاملی در شعر احمد شاملو

ویژگی اثر : کتاب

۸ تصحیح و شرح کتاب منطق الطیر عطار

ویژگی اثر : با همکاری دکتر محمود عابدی بوده و نا تمام است .

۹ تصویر آفرینی در مرزبان نامه

ویژگی اثر : مقا له

۱۰ تفسیری دیگر از شیخ

ویژگی اثر : مقا له

۱۱ جلد دوم : داستان پیامبران در کلیات شمس :

ویژگی اثر : نا تمام است

۱۲ چند نکته دربارهٔ شعر شاعران آذری و نظامی

ویژگی اثر : مقا له

۱۳ خانه ام ابری است (نقد و تحلیل شعر نیما)

ویژگی اثر : کتاب

۱۴ داستان پیامبران در کلیات شمس (جلد اول)

ویژگی اثر : جلد ۲ این کتاب در دست تحریر است

۱۵ در سایهٔ آفتاب

ویژگی اثر : نویسنده این کتاب را حاصل بخشی از اندوخته های ذهنی خود -که سبب حصول یک شهود- و ظرایف غریب زبان قرآنی می داند. نویسنده معتقد است در قرآن همه سخن می گویند در عین آنکه متکلم حقیقی همان خداست, و در طول سوره ها توالی و تناوب متکلم دستوری و به اقتضای آن مخاطبها بدون ذکرقرینه ، زبان خاصی را به وجود می آورند , که به این ترتیب می توان عادت ستیزیهای گوناگونی راتصور کرد که در زبان قرآن رخ داده است و ساختارآنرا در قیاس با زبان ما درهم شکسته است. دکتر پور نامداریان در فصل اول کتاب به بررسی پاسخ این سوال می پردازد که چه عواملی سبب می شود شاعرانی مثل سنایی: عطار :مولوی و حافظ در غزلهای عارفانهٔ خود رکن رکین معنی داری یا تک معنایی رادر شعر کلاسیک بشکنند و از میان چهار عامل موثر در تولید شعر یعنی اوضاع سیاسی و اجتماعی : شخصیت فردی شاعر : میراث ادبی و مخاطب شعر : تحول کدام عامل سبب شکسته شدن سد سنت می گردد و تجدد در ارکان سه گانه شعر کلاسیک (زبان ادبی :صورت و قالب ازپیش معین و معنی داری)را به دنبال خودمی آورد . همچنین در این فصل به علت متزلزل بودن رکن معنی داری بوسیلهٔبعضی شاعران می پردازد. نویسنده در بخشی از کتاب با عنوان : صور و اسباب ابهام در غزل های مولوی :کوشیده است تاشباهتهای ساختاری میان غزلها ی مولوی با ساختار قرآن را که نتیجهٔ اشتراک بافت , یعنی بافت وحی است :نشان دهد. بخش دوم کتاب نیزهمین ساخت شکنیهارا در مثنوی پی می گیرد.ضمن آنکه به مناسبت : به شیوهٔ داستان پرداری مولوی و تاثیر این بافت در زبان مثنوی اشاره و برای اثبات مطلب و تفاوت مثنوی با کتابهای تعلیمی مشابه چون حدیقهٔسنایی و مثنویهای عطار مقایسهٔلازم به عمل می آورد.

۱۶ درس فارسی برای فارسی آموزان خارجی

ویژگی اثر : کتاب

۱۷ دیدار با سیمرغ

ویژگی اثر : کتاب

۱۸ رساله های عرفانی ابن سینا و مثنویهای عطار

ویژگی اثر : مقا له

۱۹ رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی

ویژگی اثر : این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است-آشنایی با کتاب رمز و داستانهای رمزی این کتاب شامل ۱۶ بخش است که ۱۰ بخش ابتدای آن در حکم مقدّمه ای است که خواننده را با زمینه ها و سوابق رمز و جلوه های متعدد و متنوع آن در ادب فارسی و فرهنگ ایرانی – اسلامی آشنا می سازد. در این مقدّمه پس از بحث درباره معنی لغوی و اصطلاحی رمز علت رمزی شمردن این داستان ها و سپس رابطه رمز با صور خیال بررسی گردیده است و موارد اشتراک و اختلاف آنها شرح شده و آن گاه نوع برخورد انسان با متعلق معرفت و تأثیر آن در کیفیت بیان مورد مداقه قرار گرفته است. در ۶ بخش بعدی، کتاب مستقیماً با داستان های رمزی ارتباط می یابد و جدایی داستان رمزی از تمثیل و شباهت آن با رؤیا بیان می گردد. در بخش های ۱۴ و ۱۵ به شرح رمزهایی که در داستان های عرفانی – فلسفی ابن سینا و سهروردی آمده، پرداخته و در بخش ۱۶ به مفهوم کلی «رسالهٔ الطّیر» ها اختصاص یافته است. ضمناً خلاصه ای از داستان های مورد بحث در پایان به کتاب منضم شده است.

۲۰ رهروان بی برگ

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۲۱ سفردر مه (نقد شعر احمد شاملو)

ویژگی اثر : کتاب

۲۲ سیری در یک غزل عطار

ویژگی اثر : مقا له

۲۳ شرح گزیده ای از نثرهای شاعرانهٔ عرفانی:

ویژگی اثر : نا تمام است

۲۴ شرح و تحلیل سه رساله از سهروردی

ویژگی اثر : این کتاب در دست تحریر است.

۲۵ شهود زیبایی و عشق الهی

ویژگی اثر : مقا له

۲۶ عالم مثالی شعر حافظ

ویژگی اثر : مقا له

۲۷ عشق و غزل در ادب فارسی

ویژگی اثر : مقا له

۲۸ عطار و ابو سعید ابوالخیر

ویژگی اثر : مقا له

۲۹ غزلهای فارسی فضولی

ویژگی اثر : مقا له

۳۰ فرهنگ تاریخی زبان فارسی

ویژگی اثر : جلد دوم -(با همکاری پژوهشگران مؤسس ?مطالعات و تحقیقات فرهنگی) در دست تحریر است

۳۱ گزیده ای از آثار شیخ اشراق : همراه با شرح و تحلیل

ویژگی اثر : نا تمام است

۳۲ گزیده ای از غزلهای حافظ همراه با شرح :

ویژگی اثر : ناتمام است

۳۳ گزیده ای از نظم و نثر همراه با شرح :

ویژگی اثر : ناتمام است

۳۴ گمشدهٔ لب دریا

ویژگی اثر : مقا له

۳۵ گمشدهٔ لب دریا : دربار هٔ شعر حافظ:

ویژگی اثر : نا تمام است

۳۶ مجلدات :فرهنگ تاریخی زبان فارسی : (با تنی چند از همکاران)

ویژگی اثر : نا تمام است

۳۷ مسالهٔ معنی در شعر کلاسیک و شعر نو

ویژگی اثر : مقا له

۳۸ نقد و تحلیل هزارهٔ دوم آهوی کوهی

ویژگی اثر : مقا له

۳۹ هماهنگی صورت و معنی در شعر بهار

ویژگی اثر : مقا له

۴۰ هویت ملی و شاهنامه

ویژگی اثر : مقا له

پوشنگی، ابوعبدالله محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۹۱ -۲۰۴ ق)، فقیه مالکی، محدث، لغوی و ادیب. از پیشگامان حدیث، در نیشابور، بود. برای کسب علم و دانش سفرها کرد، و ره‌آوردش تصنیف‌ها بود. او در لغت و کلام عرب پیشتاز بود. از یحیی بن عبدالله بن بکیر و روح بن صلاح و احمد بن حنبل و امیه بن بسطام و بسیاری دیگر حدیث شنید. محمد بن اسماعیل بخاری با اینکه از او مسن‌تر بود در «صحیح» خود از وی نقل حدیث کرده است. محمد بن اسحاق صاغانی (چغانی) و ابوحامد بن شرقی و ابن‌خزیمه و یحیی بن محمد عنبری و علی بن حمشاد و خلق بسیاری از او حدیث روایت کرده‌اند. گفته‌اند که در محرم سال ۲۹۱ ق و یا در آخر ذیحجه ۲۹۰ ق درگذشت و ابن‌خزیمه بر او نماز گذاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۴/۶)، تهذیب التهذیب (۱۰ -۸ /۹)، الجرح و التعدیل (ج ۳، ق ۱۸۷/۲)، سیرالنبلاء (۵۸۹ -۵۸۱ /۱۳)، الوافی بالوفیات (۳۴۲/۱).

پیروزی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۲.

درگذشت: ۱۳۶۰.

از آثار اوست: ترجمه بینوایان (ویکتور هوگو، تهران، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پیرهاشمی، تیمور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: آذری دیلی نین گرامری- دستور زبان ترکی آذری، فارسی- ترکی آذربایجانی (تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تاج فارسی، تاج‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۳۳ ق)، شاعر و منشی. وی از مردم زیرراه (دهی از دهستانهای بخش برازجان شهرستان بوشهر) بود که در دهلی مسکن داشت و دبیری سلطان شمس‌الدین دهلوی را عهده‌دار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۳۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین)، مجمع الفصحا (۴۶۵ -۴۶۴ /۱)، مرآت الفصاحه (۱۱۲ -۱۱۱).

تاج‌الدوله، طاووس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. در اصفهان متولد شد. وی از گرجی‌زادگان صفویه و زنی هوشمند و دانا بود. تاج‌الدوله علوم اسلامی و فنون ادب و خط را از معتمدالدوله‌ی نشاط اصفهانی فراگرفت. وی همسر فتحعلی‌شاه و بسیار مورد توجه و اعتنای او بود. تخت طاووس که «تخت خورشید» نام داشت، بعد از وفات تاج‌الدوله، تخت طاووس نامیده شد. سلطان محمد میرزای سیف‌الدوله، که شاعری توانا بود، یکی از سه پسر او است. بعد از مرگ فتحعلی‌شاه، تاج‌الدوله دو مرتبه به حج مشرف شد و سرانجام نجف اشرف را مسکن دایمی خویش قرار داد و در همان شهر درگذشت. طاووس خانم در صحن مطهر حضرت امیرالمومنین (ع)، در آرامگاهی که خود ساخته بود، به خاک سپرده شد. از اوست:

باد از سر کوی تو گذشتن نتواند

پیغام من دلشده را پس که رساند؟

گفتم به صبوری دل خود را بفریبم

دیگر دل بیچاره صبوری نتواند[۱]

قرن سیزدهم هجری، از زنان ادیب و شاعر. نام اصلی او طاووس خانم و از زنان صیغه‌ای فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود که بسیار مورد علاقه و توجه وی قرار داشت و از همین رو به او لقب تاج‌الدوله داد. تخت جواهرنشان سلطنتی معروف به تخت طاووس را که تا پیش از عروسی تاج‌الدوله تخت خورشید می‌گفتند از نخستین شب ازدواج شاه و طاووس خانم، تخت طاووس نامیدند. وی خارج از حرمخانه شاهی قصر مجللی مخصوص به خود داشت. شاه و شاهزادگان قاجاری هر ساله از روز اول نوروز تا پایان روز سیزدهم عید مهمان تاج‌الدوله بودند.

تاج‌الدوله نزد شاعر معروف آن زمان، میرزا عبدالوهاب اصفهانی، متخلص به نشاط فنون ادب و هنر را فراگرفت و در رموز نویسندگی به استادی رسید. نامه‌هایی که به شاه می‌نوشت مضامین و دقایق لطیف داشت. برخی از رسایل و مراسلات او را ماه شرف از زنان فاضل و ادیب انجام می‌داد. تاج‌الدوله پس از مرگ فتحعلی شاه از بیم نزاع میان شاهزادگان به عالم معروف اصفهان، سید محمدباقر شفتی (۱۲۶۰ ق) معروف به حجت‌الاسلام پناه برد. پس از جلوس محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) تاج‌الدوله تمام ثروت و جواهرات خود را به محمدشاه تقدیم کرد که به وی بازگرداند. وی چند بار به سفر حج رفت و در پایان عمر در نجف اشرف سکونت کرد و در همان شهر درگذشت و در صحن مطهر امیر مؤمنان دفن شد. از جمله فرزندان مشهور او احمد میرزا عضدالدوله مؤلف تاریخ عضدی و خورشید کلاه بودند.

تاج‌الدوله طبع شعر داشت. وقتی پسرش بر اثر ابتلا به مرض وبا درگذشت شاه با ارسال بیت زیر به او تسلیت گفت:

از کسی چون بشکند چیزی بلایی بگذرد

خوب شد بر تو بزد آسیبش از مینا گذشت

و او نیز با یک بیت شعر به شاه چنین پاسخ داد:

اگر بشکست اندر بزم مستان ساغر مینا

سر ساقی سلامت دولت پیرمغان برجا

به خواهش او محمود میرزا کتاب پرورده خیال را به رشته تحریر درآورد. از اشعار اوست:

باد از سر کوی تو گذشتن نتواند

پیغام من دلشده را پس که رساند

تا کی به صبوری بفریبم دل خود را

دیگر دل بیچاره صبوری نتواند

به تاج‌الدوله چون دادم لقب شاه

گذشت از آن سرم از طارم ماه

همیشه بخت با او هست و نبود

کسی باذات غیر از سایه همراه[۲] برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۱۶۶ –۱۶۴)، تذکره القبور (۳۵)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۸ –۲۱۷۲ /۳)، الذریعه (۶۳۹/۹)، روضه الصفا (۱۳۸، ۱۰۱، ۹۵، ۷۷ /۱۰)، زنان سخنور (۱۴۰ –۱۳۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۶)، کارنامه‌ی زنان (۱۰۰ –۹۸)، مشاهیر زنان (۵۰ –۴۹)، ناسخ التواریخ (۱۵۳/۲)، یغما (س ۲، ش ۲ و ۳، ص ۸۷ – ۸۰).

[۲] منابع: از رابعه تا پروین، ۱۶۶ –۱۶۴؛ تاریخ عضدی، ۲۰ –۱۷؛ تذکرهٔالقبور، ۳۵؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۷۸ –۲۱۷۲ /۳؛ خیرات حسان، ۱۴۵ –۱۴۰ /۲؛ دایرهٔالمعارف تشیع، ۱۱ –۱۰ /۴؛ الذریعه، ۶۳۹ /۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۹۵ /۵؛ زنان سخنور، ۳۱۲ –۳۱۱، ۱۴۰ –۱۳۹ /۱؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۹۸؛ نقل مجلس، گ ۲۳ –۲۱.

تاج‌الکتاب سرخسی، ظهیرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و منشی. مدتها دیوان انشاء سلطان مسعود غزنوی به رسم او بود. منشآتش مقبول فضلا و مکتوباتش پسند علما واقع می‌شد. وی معاصر تاج‌الدین تمران شاه بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، لباب الالباب (۱۳۹ –۱۳۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الکتاب)، مخزن الغرائب (۴۰۲ –۴۰۱ /۱)، هفت اقلیم (۳۸ –۳۷ /۲).

تاراج قمشه‌ای، رضاقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ –۱۲۴۸ ش)، ادیب، شاعر، متخلص به تاراج. ملقب به پژوهنده. وی تحصیلات مقدماتی را در شهرضا انجام داد و جهت تکمیل آن به اصفهان رهسپار شد. تاراج از کودکی طبع شعر داشت و بیشتر اوقات نزد شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای به گفتن و خواندن اشعار مشغول بود. وی در اغلب فنون شاعری بخصوص ماده تاریخ و هزل استاد بوده است. میرزا رضاقلی در ابتدا منشی اداره‌ی حکومتی بود ولی در اواخر عمر از کلیه مشاغل دست کشید. وی حدود پنج‌هزار بیت شعر سروده که حدود دو هزار بیت آن را فرزندش، حمزه پژوهنده، جمع و مرتب کرد و در صدد تکمیل و چاپ آن برآمد. اشعار وی در زمان حیاتش در مجله‌های «ارمغان»، «آینده» و روزنامه‌ی «ندای شهرضا» به چاپ رسید. وی در شهرضا فوت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۲۹ –۱۲۶).

تاهباز زاده، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول تاهبازاده (خیام پور) در سال ۱۲۷۷ ، تبریز دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز ، به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ در آمد. سپس برای ادامه تحصیل به دارالمعلمین رفت و تحصیلات خود را ادامه داد و در سال ۱۳۱۲ لیسانس فلسفه و ادبیات گرفت. پس از آن ضمن خدمات اداری به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول توفیق یافت. پس ازآن مدتی به تدریس در دانشکده ادبیات تبریز مشغول گردید. در خرداد ۱۳۲۹ به ریاست کتابخانه دانشکده نیز منصوب شد و در شهریور همان سال از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دانشکده انتخاب شد ولی بنا به دلایلی نپذیرفت و تا ۲۵ فروردین ۱۳۴۲ معاونت دانشکده را به عهده داشت و پس از آن مدتی نیز کفیل دانشکده بود. او در ۱۵ تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد. دکترتاهبازاده در هفتم فروردین ۱۳۵۸ وفات یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : عبدالرسول تاهباز زاده [خیام پور] فرزند حاجی محمود تاهباز در تبریز متولد گردید.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالرسول تاهباز زاده پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز ، به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ در آمد. سپس برای ادامه تحصیل به دارالمعلمین رفت و تحصیلات خود را ادامه داد و در سال ۱۳۱۲ لیسانس فلسفه و ادبیات گرفت. پس از آن ضمن خدمات اداری به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول توفیق یافت.

زمان و علت فوت : عبدالرسول تاهبازاده در هفتم فروردین ۱۳۵۸ وفات یافت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالرسول تاهبازاده از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۵ سمت مدیریت دبستان ایرانیان را در استانبول به عهده داشت. در خرداد ۱۳۲۹ به ریاست کتابخانه دانشکده نیز منصوب شد و در شهریور همان سال از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دانشکده انتخاب شد ولی بنا به دلایلی نپذیرفت و تا ۲۵ فروردین ۱۳۴۲ معاونت دانشکده را به عهده داشت و پس از آن مدتی نیز کفیل دانشکده بود. او در ۱۵ تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد.

فعالیتهای آموزشی : عبدالرسول تاهبازاده پس از آنکه دیپلم ادبی را در دارالفنون دریافت کرد ، به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از سه سال تدریس در اهواز برای ادامه تحصیل به تهران بازگشت. با اخذ لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی ، در دارالفنون و دیگر دبیرستانها به تدریس پرداخت. و پس از اخذ مدرک دکترا مدتی به تدریس در دانشکده ادبیات تبریز مشغول گردید. وی پس از بازنشستگی با توجه به مقام علمی و خدمات آموزشی و پژوهشی به پیشنهاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه از تاریخ دهم دی ماه ۱۳۴۸ به مقام استادی ممتاز نایل آمد. دکتر تاهباز زاده در شهریور ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان کرد و به مدت یک سال در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالرسول تاهباز زاده در دوران بازنشستگی تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب « فرهنگ سخنوران » کرد. علاوه بر اثر فوق وی آثار دیگری نیز تایلف و چاپ نموده است. --

----

آثار :

۱ تذکره روضه السلاطین

۲ ترجمه وتصحیح مجمع الخواص

۳ تصحیح و تحشیه تذکره اختر

ویژگی اثر : جلد اول

۴ تصحیح و تحشیه تذکره حدیقه امان اللهی

۵ تصحیح و تحشیه ریاض الوفاق

۶ تصحیح و تحشیه سفینه المحمود

۷ تصحیح و تحشیه نگارستان دارا

۸ دستور زبان فارسی

۹ رساله عربی برای فارسی

۱۰ رساله یوسف و زلیخا

۱۱ فرهنگ سخنوران

۱۲ مصطبه خراب

منابع :

۱زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ، تالیف: حسن مرسلوند ، ج ۲ ، تهران : انتشارات الهام ، ص ۲۴۷

تبریزی، ابومحمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۲ ق)، مورخ و مترجم. وی تاریخ «الامم و الملوک» محمد بن جریر طبری را که شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۳۰۹ ق است به فارسی گزارش کرده و وقایع حد فاصل طبری و زمان خود را نیز بدان افزوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۷/۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد).

تبریزی، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد علی. از فضلای قرن سیزدهم هجری است. از آثارش کتب زینهٔ الصالحین، در دعا و آداب و شرایط آن می‌باشد. تاریخ نسخه ۱۲۶۲ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تبریزی، محمدابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۹ -۱۱۴۰ ق)، فقیه و ادیب امامی. نسبش حسینی و مسکنش قزوین بود. مقدمات علوم را در خدمت پدرش فراگرفت، سپس بـه اصـفهان رفت و از مجلس درس آقاجمال خوانساری. علامه محمدباقر مجلسی، شیخ جعفر قاضی اصفهانی و میرزا قوام‌الدین محمد سیفی قزوینی بهره‌مند گردید. پس از چندی به قزوین رفت. وی از علامه مجلسی و آقاجمال خوانساری اجازه‌ی حدیث داشت. وی گذشته از علوم دینی در شعر و ادب نیز استاد و به هر دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و اشعارش بیشتر مدایح و مراثی بود. محمد قطب ذهبی و شیخ عبدالنبی قزوینی، مولف «تتمیم امل‌الآمل» از شاگردان او بودند. وی پدر بزرگوار آقاسید حسین قزوینی و نیای خاندان حاج سید جوادی است. او سرانجام در شهر قزوین درگذشت. برخی منابع جای درگذشت وی را در تبریز و محدث قمی به تصریح قبر وی را در قزوین می‌داند. او را علامه‌ای جامع انواع فنون و عالمی زاهد و با ورع و ادیبی شاعر به هر زبان فارسی و عربی دانسته و نوشته‌اند که کتابخانه‌ای بیش از هزار و پانصد جلد کتاب داشته که اکثر آنها را مقابله کرده یا بر آنها حاشیه نوشته است. هفتاد مجلد کتاب به خط خود نوشته که بعضی از آنها از تالیفات خود ایشان است. از جمله آثار وی: «البداء»؛ «تحصیل الاطمینان»، در شرح «زبده البیان» که حاشیه‌ای بر «آیات الاحکام» مقدس اردبیلی است؛ «سلاح المومنین»، در دعا؛ «العلم الالهی»؛ «مجموعه الفوائد» متفرقه، مثل «کشکول»؛ «تحقیق الصغیره و الکبیره من الذنوب»؛ «مقامات»، همچون «مقامات حریری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲۸ -۲۲۷ /۲)، تلامذه‌ی العلامه المجلسی (۹ -۸)، الذریعه (۹۴/۲۰، ۳۱۷/۱۵، ۲۰۹/۱۲، ۳۹۶، ۵۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷ -۱۵ /۱۲)، فوائد الرضویه (۱۳ -۱۲)، معجم المولفین (۱۱۴/۱).

تجلی اردکانی، علیرضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۵ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. وی از شاگردان مشهور محقق خوانساری و از بزرگان اردکان بود که در آغاز جوانی به اصفهان رفت و در آنجا به کسب دانش پرداخت و پس از مدتی تعلم، در خدمت محقق مذکور سفری به هند کرد و بعد از مدتی به اصفهان بازگشت و به سبب مقام علمی که داشت در آن شهر شهرت بسیار یافت و به مرتبه‌ی مدرسی مدرسه والده رسید و شاه عباس دوم به سال ۱۰۷۲ ق محلی را در اردکان به رسم سیورغال بدو واگذاشت و او در همان حال که حوزه‌ی درسی خود را اداره می‌کرد به تالیف و تصنیف و سرودن شعر نیز سرگرم بود. تجلی پس از چند سال به مکه و از آنجا به شیراز رفت و

همان جا ماند تا بدرود حیات گفت. تجلی در موضوعهای علمی و دینی اثرهایی دارد، از آن جمله است: «رساله»ای به فارسی در منع نماز جمعه و در غیبت امام که ملحقاتی بر آن در رد رساله‌ی ملا محمدباقر خراسانی درباره‌ی وجوب عینی آن افزود که خود حکم رساله‌یی مستقل دارد. از آثار وی: «تفسیری بر قرآن» به فارسی؛ رساله‌ای درباره امامت به فارسی به نام «سفینه النجاه»؛ «دیوان» قصیده و غزل؛ مثنویی به نام «معراج الخیال»؛ «حاشیه المولی عبدالله فی المنطق».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۴۰/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۸ -۳۱۷ /۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۴۷ -۱۴۸)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۵ -۶۳)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۶۵ -۱۶۴ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۰ -۱۶۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶ -۱۲ /۲)، الذریعه (۲۰۱/۱۲، ۳۰۱/۱۹، ۱۶۷/۹، ۶۱/۶)، ریحانه (۳۲۸/۱)، سرو آزاد (۱۱۶ -۱۱۵)، شام غریبان (۶۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۴۹/۲)، کاروان هند (۲۰۵ -۲۰۰ /۱)، کلمات الشعراء (۳۹ -۳۸)، الکنی والالقاب (۱۱۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ علیرضا)، مرآت الفصاحه (۱۱۵ -۱۱۴)، معجم المولفین (۹۳/۷)، نتایج الافکار (۱۲۸ -۱۲۶)، نشتر عشق (۲۷۸ -۲۷۷ /۱)، هدیه العارفین (۷۶۰/۱).

تجلی سبزواری، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۳۰۰ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. در سبزوار به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی تحصیلات در رشته ادبیات، به صف مشروطه‌خواهان پیوست. به فرمان حاکم سبزوار دستگیر شد اما، به همراه چند تن از یارانش شبانه گریخت و به مشهد رفت. تجلی از کارمندان وزارت دارایی بود. به سلسله‌ی نعمت‌اللهی گناباد ارادت داشت. تجلی شعر نیکو می‌گفت، به ویژه در سرودن مثنوی و غزل استاد بود. از آثار وی: «ارمغان تجلی»؛ «تجددنامه»؛ «طالب‌نامه‌ی تجلی»؛ «معراج الخیال»؛ «ذم الاستبداد»؛ «انقلاب خراسان»؛ «نیاز تجلی»؛ «کنگاشنامه»؛ «دیوان» اشعار.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۷/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۹ -۲۵۸ /۲)، مولفین کتب چاپی (۱۰۵ -۱۰۴ /۳).

تجلیل، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل تجلیل درسال ۱۳۱۳ در خوی به دنیا آمد . وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کارشناسی خودرا در تبریز سپری کرد و برای ادامه تحصیل درمقطع کارشناسی ارشد و دکتری وارد دانشگاه تهران شد . ایشان علاوه برتدریس دردبیرستان و دانشگاهها عضو هئیت ممیزه وزارت فرهنگ و آموزش عالی گردید و تا به حال درآنجا فعالیت دارد .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : جلیل تجلیل درسال ۱۳۱۳ درشهر خوی به دنیاآمد . خانواده او همه تبریزی بودند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلیل تجلیل تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کارشناسی خودرا در تبریز سپری کرد و بارتبه اول درسال ۱۳۳۴ دررشته ادبیات از دانشگاه تبریز دوره لیسانس را به پایان رسانید . درسال ۱۳۴۷ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه تهران و درسال ۱۳۴۹ ازهمین دانشگاه مدرک دکتری خودرا اخذ کرد . درهمین حین درحوزه علمیه به تحصیلات علوم اسلامی پرداخت .

استادان و مربیان : از استادان جلیل تجلیل می توان به حاج سلطانی ،جودی ،علی اکبر صبا ، میرزا علی سلطان القرآنی ، دکتر خیامپور ،دکتر مشکور ، ترجامی ران و حسن تاجی طباطبایی اشاره کرد .

همسر و فرزندان : جلیل تجلیل درسال ۱۳۴۰ ازدواج کرد و دارای دو فرزند دخترو پسر می باشد که هر دوآنها لیسانس می باشند .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مشاغل جلیل تجلیل می توان به موارد زیر اشاره کرد : ۱- عضو هیئت ممیزه مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی حدود ۱۰ سال ۲ـ عضو هیئت ممیزه دانشگاه تهران حدود۵سال ۳ـ عضو هیئت درشورای گسترش زبان فارسی خارج از کشور حدود ۸سال ۴ـ عضویت درشورای گسترش دانشگاههای کشور حدود ۶سال ۵ـ عضویت در شورای گروه علوم انسانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۶ـ عضویت درشوارای نام گذاری شهرداری تهران به نمایندگی فرهنگ و آموزش عالی حدود ۱۰ سال

فعالیتهای آموزشی : جلیل تجلیل ازسال ۱۳۳۱ به دبیری ار دبیرستانهای آن شهر پرداخت . از سال ۱۳۴۹ به تهران منتقل شد وبا مرتبه استادیاری دردانشگاه تهران به تدریس ادبیات مشغول گشت . در سال ۱۳۷۴ به احراز مقام استاد نمونه دانشگاههای کشور مفتخر گردید .

جوائز و نشانها : جلیل تجلیل دارای مدال شاگرد اولی خرداد ۱۳۳۴ ، از دانشگاه تبریز و نشان و لوح تقدیر استاد نمونه ازدانشگاههای کشور از ریاست جمهور کسب کرده است .

چگونگی عرضه آثار : جلیل تجلیل استاد دانشگاههای تالیفاتی شامل کتب ، مترجم ، مصحح ، مقالات و سخنرانیهای علمی در مجامع و کنگره های مختلف داخلی و خارجی دارد . ---

آثار :

۱ آزادی دراسلام

ویژگی اثر : در مجله جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در شماره ۳ به سال ۱۳۵۹

۲ آشنایی با تصویر فنی و نمایش هنری درقرآن

ویژگی اثر : این مقاله در مجله مشکوه درشمار ه های ۱۲-۱۳ درسال ۱۳۶۵ به چاپ رسیده است

۳ ادبیات انقلاب اسلامی

ویژگی اثر : در کیهان فرهنگی در خرداد ۷۱ در ص۱۲۷ به چاپ رسیده است

۴ از هایر گلشن

ویژگی اثر : مولانا ابراهیم من شهاب الدین گلشنی که درتحقیق دکتر جلیل تجلیل دارالثقلین درقم ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است

۵ ازهار گلشن

ویژگی اثر : مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درسال ۱۳۶۲ به شماره ۱-۴

۶ اسلام و محیط زیست

ویژگی اثر : درنشریه اولین کنفرانس بین المللی بررسی علمی اثرات نشت نفت دردانشگاه تهران به سال ۱۳۶۳

۷ افسانه تقلید و افسون ابتکار

ویژگی اثر : این در مجموعه سخنرانیهای هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۵۵

۸ اقتباسات سعد الدین تفتازانی از عبد القاهر جرجانی

ویژگی اثر : درمجلد دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم شماره ۱ ، سال ۵۶

۹ اوصاف الفرس فی الشعر العربی

ویژگی اثر : این مقاله درمجلد الاخاء در ۲۳بهمن سال ۱۳۵۵ به چاپ رسیده است

۱۰ بلاغت پیغمبر اکرم (ص)

ویژگی اثر : درابعاد زندگانی اسوه بشریت رسول اکرم (ص) در انتشارات دانشگاه رسول اکرم (ص) به سال ۱۳۶۶ به چاپ رسیده است

۱۱ بلاغت رسول اکرم

ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه مقالات سمینار ابعادزندگی رسول اکرم در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسیده است

۱۲ بلاغت قرآنی و پرتوآن در ادب فارسی وعربی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی درسال ۱۳۷۳ به شماره ۱تا ۴ به چاپ رسیده است

۱۳ پژوهشی درمجاز

ویژگی اثر : درمجموعه هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی درکرمان به چاپ رسیده است ود ر کتابفروشی انجمن فلسفه درسی و پنج خطابه در سال ۱۳۵۸ می باشد

۱۴ پیوند دانش و تهذیب در اسلام

ویژگی اثر : این درمجله جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در شماره ۴ به سال ۱۳۵۹

۱۵ تاثیر شاعران ایرانی درشعر فضولی

ویژگی اثر : درپائیز ۷۳به شماره ۴-۷۳ می باشد

۱۶ تحلیل ابیاتی از جام جم اوحدی

ویژگی اثر : درنشریه اختصاصی گروه زبان و ادبیات فارسی در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۶۴ شماره ۲ صص ۱۱۱-۱۱۴

۱۷ تحلیل اشعار اسرار البلاغه

ویژگی اثر : این کتاب درمرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی بهار ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است

۱۸ تحلیل های بلاغی عبد القاهر جرجانی از آیات قرآنی

ویژگی اثر : این دردانشگاه تربیت مدرس در مجله مدرس به سال ۱۳۶۸ به چاپ رسید ه است

۱۹ ترجمه اسرار البلاعه عبد القاهر جرجانی

ویژگی اثر : این کتاب درسال ۱۳۶۱ درانتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است

۲۰ ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد ۲۱

۲۱ ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد ۲۲

۲۲ تعهد درشعر اقبال

ویژگی اثر : این مقاله در مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است

۲۳ توصیف اسب درشعر فارسی

ویژگی اثر : این مقاله درمجلد دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم به شماره ۴، سال۱۳۵۷ به چاپ رسیده است

۲۴ توصیف کعبه و مدینه و خراسان

ویژگی اثر : مجله مشکوه آستان قدس رضوی درسال ۱۳۶۳/۵

۲۵ جاذبه های شعری خاقانی

ویژگی اثر : درمجله مشکوه در نشریه آستان قدس رضوی ۱۳۶۳/۶

۲۶ جاذبه های شعری خاقانی

ویژگی اثر : در مجله مشکوه درنشریه آستان قدس رضوی درسال ۱۳۶۴/۸

۲۷ جاذبه های شعری خاقانی و هنر های ادبی او

ویژگی اثر : در مجله مشکوه درآستان قدس رضوی به شماره ۷در سال ۱۳۶۴

۲۸ جرعه ها از جام جم

ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دردانشگاه تهران درپائیز ۱۳۵۵به چاپ رسیده است

۲۹ جمال شعر نظامی

ویژگی اثر : در مجله آشنا در شماره هفتم درسال ۴ آذرودی ۱۳۷۳ به چاپ رسیده است

۳۰ جمال کمندی درشعر کمال خجندی

ویژگی اثر : درمجموعه مقالات کنگره بزرگداشت کمال خجندی انتشارات سروش در وزارت ارشاد اسلامی درآذر۱۳۷۵

۳۱ جناس درپهنه ادب فارسی موسسه تحقیقات مطالعات فرهنگی ۱۳۶۸

۳۲ جهات مفاخره درشعر حافظ

ویژگی اثر : این مقاله درمجله تحقیقات فارسی انجمن فارسی دهلی در سال ۱۹۸۵ به چاپ رسیده است

۳۳ خاطرات من به شهریار و تحلیل دو مرغ بهشتی او

ویژگی اثر : این مقاله درمجله کلمه به شماره ۱۳۷۱/۲ به چاپ رسیده است

۳۴ خصایص سخن امام

ویژگی اثر : مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی سیره نظری وعملی حضرت امام ۱۳۷۲

۳۵ دومرغ بهشتی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله کلمه به شماره ۲ به چاپ رسیده است

۳۶ رساله ای در استعارد

ویژگی اثر : آرام نامه ، تهرا ن۱۳۶۱

۳۷ سیری در بلاغت نهج البلاغه

ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشنامه دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۶۹/۱ به چاپ رسیده است

۳۸ شناخت روش در تحقیقات ادب فارسی

۳۹ طبع روان و فسونگری فردوسی

ویژگی اثر : در مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است

۴۰ طیف بیانی در منشور غزل حافظ

ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت حافظ در پائیز ۱۳۷۱ ص۱۵۹ به چاپ رسیده است

۴۱ عروض نشر همراه ۱۳۶۸

۴۲ عروض و قافیه

ویژگی اثر : درسال ۱۳۷۸ درانتشارات سپهر به چاپ رسیده است

۴۳ علاقه های مجاز و رساله ای از عضام الدین

ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شماره ۱۰۷-۱۰۸ در پائیز ۱۳۶۷ سال ۲۵ صص ۵۱-۶۱ به چاپ رسیده است

۴۴ علت سازی و علت سوزی درشعر

ویژگی اثر : این درمجله یغما در شماره ۳ درسال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است

۴۵ غوری درديوان حزين

ویژگی اثر : مجله آشنا -شماره ۳۲ به سال ۶ آذر ۷۵ به چاپ رسیده است

۴۶ غوری درديوان حزين

ویژگی اثر : آشنا به شماره ۳۲ درسال ۱۳۷۵ ششم آذر

۴۷ فردوسی و تاگور دوحکیم جهانی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله کلمه در انجمن تحقیقات فارسی در هند در دهلی نو به چاپ رسیده است

۴۸ فک وفعل دراضافه

ویژگی اثر : این مقاله درمجله گوهر دردوشماره پیاپی ۱۱و۱۲ درسال ۱۳۵۴و شماره ۱درسال ۱۳۵۵به چاپ رسیده است

۴۹ فنون و صنایع ادبی (عروض)

ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش سال چهارم ۱۳۶۲

۵۰ کتاب تعلیمات دینی

ویژگی اثر : این کتاب برای مقطع دبیرستان است که در تبریز در کتابفروشی صفوی بازار شیشه گران درسال ۱۳۳۵به چاپ رسیده است

۵۱ کتابداری نوین در اسلام

ویژگی اثر : دانشگاه بهشهر ۱۳۶۰

۵۲ گزیده متون ادب فارسی

ویژگی اثر : این کتاب را با همکاری چند تن ازاستادان و همکاران درسال۱۳۶۲ به چاپ رسیده است

۵۳ معالم المدرستين

ویژگی اثر : این کتاب پژوهش و بررسی تحلیلی مبانی اندیشه های اسلامی دردیدگاه دو مکتب ، ترجمه کتاب معالم المدرستين علامه عسکری دردو جلد درزایزن ۱۳۷۵به چاپ رسیده است

۵۴ معانی امرو نهی درغزل حافظ

ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درسال۱۳۶۸ در سفینه حافظ به چاپ رسیده است

۵۵ معانی و بیان مرکز نشر دانشگاهی

ویژگی اثر : این کتاب درسال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است

۵۶ معرفت کردگار

ویژگی اثر : این مقاله در جلد ۱ دروزارت ارشاد اسلامی درسال ۱۳۶۳ دربیان ذکر جمیل سعدی به چاپ رسیده است

۵۷ مفاخره درشعر حافظ

ویژگی اثر : این در مجله دانشگاه انقلاب در اردیبهشت ۱۳۶۳ به چاپ رسیده است

۵۸ مفاخره درشهر فارس

ویژگی اثر : ضمیمه مجلد انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۱۳۶۰

۵۹ مقاله شعر از دیدگاه پیغمبر اسلام (ص)

ویژگی اثر : در جشن نمه مدرس اخوی درسال۱۳۶۴ درانتشارات انجمن استاد به چاپ رسیده است

۶۰ مقایسه لیلی و مجنون نظامی و لیلی و مجنون ففضولی

ویژگی اثر : درانتشارات کنگره بزرگداشت فضولی -تالاروحدت ۱۳۷۴

۶۱ مقدمه بر کتاب عشق درعرفان اسلامی

ویژگی اثر : تالیفات نصرت الله کامیاب تالشی ، دارالثقلین چاپ اول ۱۳۷۵

۶۲ ملاحظاتی در مضمون پردازی و هماهنگی تصویر و آهنگ در شعر خاقانی

ویژگی اثر : در دانشنامه مجله دوره عالی در تحقیقات دکتری شماره ۱۲و۱۳ به چاپ رسیده است

۶۳ ملاحظاتی درمضمون پردازی خاقانی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله مقالات انجمن واره بررسی مسایل ایران درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است

۶۴ مهدی کیست

ویژگی اثر : ترجمه من هو المهدی درسال ۱۳۶۰ درقم چاپ ارم به چاپ رسیده است

۶۵ موج تعالی وتهذیب درکلام حافظ

ویژگی اثر : بطور سریال دردو شماره مجله کلمه -۱۳۶۰و ۱۳۶۱

۶۶ نتاسی تشبیه

ویژگی اثر : درمجلد انتشارات ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران شماره ۲و۳ سال ۱۳۵۳

۶۷ نظرات ادبیه حول التاریخ الطبری

ویژگی اثر : این مقاله در مجله جمهوری اسلامی ایران به زبان عربی درسال ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است

۶۸ نگارش روز معیار الاشعار خواجه نصیر طوسی ۱۳۶۹

۶۹ نوعی تشبیه در خسرو شیرین نظامی گنجوی

ویژگی اثر : این مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین شده تولد حکیم نظامی در مجله تسف صص ۲۸۶ به چاپ رسیده است

۷۰ هدایت اسلامی در شعر فارسی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله گلچرخ دراطلاعات به چاپ رسیده است

۷۱ هشیار سران در ابله دیدار

ویژگی اثر : این مقاله درمجله ویسمن درسال اول به شماره ۱۳۵۴-۱ به چاپ رسیده است

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تحریریان، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد زبان انگلیسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۰ و دکترای زبان‌شناسی و آموزش زبان از دانشگاه ایندیانای آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس مقدمه زبان‌شناسی، روش تدریس، روش تحقیق، تهیه متون آموزش و تعداد زیادی از دروس دیگر مربوط به زبان‌شناسی و روش تدریس زبان در دانشگاههای شیراز و اصفهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

در زمینه آموزش زبان کتابهای Freshman English, ABSIR.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

گسترش دامنه لغات و یادگیری زبان دوم، مقالاتی چند در مورد آموزش زبان و سواد به زبان انگلیسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تدین نجف‌آبادی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، دکترای ادبیات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عرفان و حکمت، تصوف از نظر دانشمندان عصر صفوی و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

عرفان و حکمت الهی در ادبیات فارسی، فلسفه اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادب عرفانی و جنبه تحقیقی تاریخی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ترجانی‌زاده، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق.

تولد: ۱۳۱۹ ق.، مهاباد.

درگذشت: اوایل آبان ۱۳۵۹(۱۴۰۱ ق.)، در تبریز.

احمد ترجانی‌زده، فرزند ملا حسین فرزند ملا علی قزلجی ترجانی، خواندن را در کودکی آموخت و تا هشت سالگی توانست قرآن مجید را ختم کند. سپس به خواندن کتب مقدماتی فارسی و مشق خط پرداخت. بعد از آن تحت مراقبت و سرپرستی پدرش به تحصیل مقدمات عربی و ایساغوجی منطق و حاشیه‌ی ملا عبدالله یزدی به تهذیب الکلام شیخ مهاجر و مختصر تفتازانی و قسمتی از مفتاح العلوم سکاکی را در محضر برادر خود ملا محمد قزلجی فراگرفت. سپس به فراگیری کتب مربوط به اصول فقه و هیأت و ادبیات عرب مشغول بود و تا سن بیست و یک سالگی نزد اساتید این علوم به شاگردی پرداخت. بعد از آن، مدتی مشغول فراگیری حساب و هندسه جدید و قسمتی از جبر و مقابله و فیزیک و شیمی و زبان انگلیسی و فرانسوی بود. از سن بیست و دو سالگی تا سی و چهار سالگی جز تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی مشغول دیگری نداشت.

احمد ترجانی‌زاده به سال ۱۳۱۵ به استخدام وزارت معارف درآمد و مدت شش سال تمام ضمن انجام خدمت، وقت خود را به

مطالعه‌ی کتب قدیم و جدید ادبیات فارسی گذراند. ترجانی‌زاده یک سال در اداره‌ی فرهنگ ارومیه و چهار سال در مشهد یک سال در آذربایجان شرقی و سپس تا خرداد ماه سال ۱۳۲۷ در تهران شغل دبیری و دانشیاری داشت. مدتی هم به نام بازرس عالی وزارتی و زمانی به عنوان «خطیب سیار فرهنگ» انجام وظیفه کرد. پس از آن به سمت استادی دانشگاه تبریز منصوب شد و تا سال‌های آخر عمر، استاد دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه بود. پس از بازنشستگی، از تبریز به تهران آمد. وی به شعر مسلط بود، دیوان شعری از منتشر شده است و مثنوی دختر ترسا در یک صد و سیزده بیت از جمله آثار شعری اوست:

آثار و تألیفات ترجانی‌زاده به این شرح هستند: تاریخ ادبیات عرب از دوره جاهلیت تا عصر حاضر (به فارسی، چاپ تبریز، ۱۳۴۸)؛ شرحی بر سبعه معلقه (به فارسی)؛ الاستاذ الاجل سعدی الشیرازی (به عربی که به سال ۱۳۲۹ در معداللغات الشرقیه دانشگاه فؤاد قاهره برای دانشجویان و طلاب مصری به صورت خطابه ایراد کرده است، چاپ دانشکده ادبیات تبریز)؛ داستان منظوم مکتبدار بصره (به فارسی، ۱۳۴۲)؛ علوم معانی و بیان (به فارسی)؛ کتابی در مسائل و احکام فقهی؛ رساله‌ای در رد معتقدین اقانیم ثلثه؛ آداب المناظره؛ دیوان اشعار؛ رسالهٔ الحذف؛ تفسیر جزء عم؛ یاد ایران گذشته؛ چکامه‌ی کاخ ادب؛ مقدمه بر دیوان استاد شهریار؛ و درج مقالاتی در نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ترکستانی قمی، فخرالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از اهالی ترکستان ماوراءالنهر و سنی مذهب بود. سپس به مشهد مقدس هجرت نمود و پس از اخذ مقدمات و فنون ادب نزد علمای مشهد در اوایل جوانی به تشیع گروید. سپس در قم ساکن شد و مدارج عالی علمی را تا اجتهاد گذرانید و از ائمه فتوی در قم شد. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «توحید المفضل»، به فارسی؛ شرح «حدیث البساط» یا شرح «حدیث الغمامه»، شامل معجزات امیرالمومنین علی (ع)؛ شرح «حدیث الاحتجاج و منهاج الکرامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۲ -۱۹۱ /۱۳، ۹۱/۴)، ریاض العلماء (۳۳۲ -۳۳۱ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۳۳/۱۱).

ترکمان، علی قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن قرچقای خان، در ۱۰۲۰ متولد گردیده، از شاگردان آقا حسین خوانساری و شمس‌الدین حکیم جیلانی بوده، عالم فاضل، و ساکن مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله بوده است.

کتب زیر از اوست:

۱ - احیاء الحکمهٔ [مطبوع] ۲ - ایمان الکامل ۳ - خزائن جواهر القرآن ۴ - زبور العارفین ۵ - السعدیه ۶ - شرح اثولوجیا ۷ - فرقان الرأیین ۸ - مزامیر العاشقین فی تعریب زیور العارفین؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ترکه، مظفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر و ادیب و واعظ، معاصر شاه عباس صفوی. در هجو ساروتقی (بعداً به نام او اشاره خواهد شد) اشعاری دارد که از آن جمله است:

ساروتقی که امروز ایرانیان مدار است

یاران حذر نمائید الماس لکّه دار است

در گنجینه آثار تاریخی اصفهان(:۵۴۸) نقل از قصص الخاقانی(۲:۸۰) گوید:

در دوره شاه اسماعیل اول به منصب قضای دارالسلطنه اصفهان سرافراز بوده، و تولیت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ یزد با اجداد او بوده. در سال ۱۰۷۶ جزو منشیان دربار شاه عباس ثانی بوده، مردی ظریف و بذله گو و عیاش بوده است.

نور صادقی در کتاب اصفهان(:۵۴۸) در ضمن شرح حال میرزا ابو تراب خطّاط اصفهانی گوید: در جنب مسجد لنبان در جوار مزار خواجه صاین الدین ترکه، که از اجلّه علما و فقها بود. دفن گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تریاکیان، هارتیون

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ش)، پزشک، محقق، دانشمند و مترجم. از پزشکان ارمنی و از محققین پرکار که علاوه بر طبابت در زمینه‌ی ارتباط گویش گیلکی و زبان پهلوی و روسی و فرانسه و همچنین گویش محلی گیلان آشنا بود. او ظاهرا نخستین فردی از ارامنه است که «گلستان» سعدی را به زبان ارمنی ترجمه کرد و این ترجمه در سال ۱۹۱۸ م به چاپ رسید که نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی ایروان موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :نامها و نامدارهای گیلان (۹۴ -۹۳).

تستری، رضی‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌بهاءالدین محمد بن مولی حسن علی بن مولی عبدالله تستری اصفهانی. عالم فاضل محقق، مؤلف «شرح ادعیه السر»، که جهت

مریم بیگم یکی از زنان صفویه (عمه‌ی شاه سلطان حسین) تألیف شده است.

مولی عزالدین عبدالله تستری بن حسین صاحب مدرسه‌ی معروفه در بازار اصفهان می‌باشد. شرح حالش در کتب تراجم مذکور، و در تاریخچه‌ی محله‌ی خواجو (: ۳۶ – ۵۲) به طور مفصل مسطور است.

در ۱۰۲۱ وفات یافته است. جنازه پس از دفن در امامزاده اسماعیل به کربلا منتقل گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تعلیمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، ریاضیدان، منجم، فیزیکدان و ادیب. در تهران متولد شد. بعد از سپری کردن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه از دانشسرای عالی در رشته ریاضی فارغ‌التحصیل شد. سپس برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه بُردو، و درجه‌ی دکترا از دانشگاه ژنو شد. همچنین در رشته‌های فیزیک ستارگان و جوشناسی موفق به اخذ دانشنامه گردید. تعلیمی مدت دو سال در رصدخانه‌ی ژنو به انجام تحقیقات علمی پرداخت و چون به تعلیم و تربیت علاقه‌ی وافر داشت، وارد انستیتوی ژان ژاک روسو شد و پس از پنج سال تحصیل در رشته‌ی تعلیم و تربیت و روانشناسی، دانشنامه، و در قسمت تعلیم و تربیت تجربی دیپلم عالی اختصاصی دریافت کرد. دکتر تعلیمی پس از هفده سال تحصیل، تحقیق و کسب تجربه در فرانسه و سویس، به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار سمت‌هایی چون مترجمی فنی و ریاست دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. از آثار وی: «مبانی آموزش و پرورش نوین»؛ «مربی و طرز تربیت او»؛ «اصول تعلیم و تربیت تجربی و روانشناسی فنکسیونل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۸/۲)، مولفین کتب چاپی (۳۵۳–۳۵۲ /۵).

تفتازانی، سعدالدین مسعود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۹۲– ۷۲۲/ ۷۱۲ ق)، عالم و ادیب. معروف به ملاسعد تفتازانی. در تفتازان– قریه‌ی نزدیک نسای خراسان– متولد شد. وی از شاگردان قطب‌الدین رازی و قاضی عضدالدین ایجی بود. سعدالدین مدتی در سرخس سکونت گزید و به فرمان تیمور به سمرقند رفت. همان جا درگذشت و در سرخس دفن شد. تفتازانی در فنون ادبی، منطق کلام، فقه، اصول، متبحر بود و در بسیاری دیگر از علوم زمان خود دست داشت. از آثار مهم او «شرح العقاید النسفیه»؛ «مقاصد الطالبین»، در کلام و شرح «مقاصد الطالبین»؛ «المطول»، در فصاحت و بلاغت؛ «تهذیب المنطق و الکلام»؛ «شرح الشمسیه»، در منطق؛ حاشیه بر «الکشاف» زمخشری، در تفسیر؛ «ارشاد الهادی»، در نحو؛ «شرح التصریف العزی»، در صرف؛ شرح «تلخیص المفتاح»، در معانی و بیان؛ و مختصر آن شرح به نام «المختصر»؛ «شرح الاربعین النوویه».[۱]

سعدالدین مسعود بن عمر (و. تفتازان ۷۲۲– ف. سرخس ۷۹۷ یا ۷۹۱ ه.ق.).

وی در ۱۶ سالگی به تصنیف کتب پرداخت. شرح صرف زنجانی و پس از آن مطول را تألیف کرد و در خوارزم متوطن شد و مختصر را به رشته تحریر آورد. ملک پیر محمد با اجازه امیر تیمور تفتازانی را به سرخس فرستاد و او سپس به دعوت تیمور به سمرقند رفت و مورد احترام تیمور گردید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۱۴ –۱۱۳ /۸)، ایضاح المکنون (۲۸۳/۱)، تاریخ ادبیات ایران (۲۹۵ –۲۹۴ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۸۹۷)، دائره‌المعارف الاسلامیه (۳۳۹/۵)، دایره‌المعارف فارسی (۶۵۰/۱)، روضات الجنات (۳۸ –۳۴ /۴)، ریحانه (۳۴۰ –۳۳۷ /۱)، کشف‌الظنون (۱۷۸۰، ۱۷۶۹، ۱۲۲۲، ۱۱۴۵، ۱۱۳۹، ۸۴۷، ۵۱۵، ۴۹۶، ۴۷۴، ۶۷)، الکنی والالقاب (۱۲۲ –۱۲۱ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ تفتازانی)، معجم المولفین (۲۲۹ –۲۲۸ /۱۲)، هدیه الاحباب (۱۱۲)، هدیه العارفین (۴۳۰ –۴۲۹ /۲).

تفضلی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد ابوالقاسم تفضلی در سال ۱۳۰۰ ، در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خودرا پس از مقطع ابتدایی و متوسطه ، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاههای استانبول ، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از جمله برنامه های استاد تفضلی می باشد. اغلب مقالات او از سال ۱۳۲۵ در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۵۶ خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان و نگارش کتاب های قابل توجهی دربارهٔ عرفان و نیز کتاب های جنایی بر گرفته از پرونده های موکلان خود مشغول شد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر تفضلی در خانواده ای درویش مسلک و عارف پیشه به دنیا آمد و پرورش یافت. منزل پدر او محفل درویشان و مجلس مثنوی خوانی و تفسیر آن بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : تفضلی تحصیلات خودرا پس از مقطع ابتدایی و متوسطه ، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاههای استانبول ، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. وی زبان انگلیسی را در دانشگاه کلمبیای نیویورک آموخته است. خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل دکتر تفضلی در ترکیه مصادف با جنگ جهانی دوم و کشتار مردم آنجا بود که استاد تمامی این وقایع را از نزدیک مشاهده کرده بود. استادان و مربیان : عبدالباقی گلپیناری محقق تاریخ و فرهنگ ترک در دانشگاه استانبول و جلال الدین چلبی نوادهٔ مطهر مولوی از جمله استادان وی بودند. هم دوره ای ها و همکاران : دکتر زرین کوب از جمله دوستان نزدیک دکترتفضلی به شمار می آید. وقایع میانسالی : دکتر تفضلی در سال ۱۳۳۴ برای زیارت آرامگاه مولانا و در سالهای ۱۳۴۳ ، ۱۳۵۵و ۱۳۵۶ برای حضور در مجالس سماع درویشان در ترکیه حضور یافت و از آن پس به دیدار با مشایخ با مشایخ طریقت مولویه و تحقیق دربارهٔ مولوی پرداخت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر تفضلی تا سال ۱۳۵۶ (به مدت ۵۵ سال) به کار وکالت اشتغال داشت. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : استاد ابوالقاسم تفضلی در سال ۱۳۰۰ ، در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خودرا پس از مقطع ابتدایی و متوسطه ، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاههای استانبول ، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از جمله برنامه های استاد تفضلی می باشد. اغلب مقالات او از سال ۱۳۲۵ در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۵۶ خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان و نگارش کتاب های قابل توجهی دربارهٔ عرفان و نیز کتاب های جنایی بر گرفته از پرونده های موکلان خود مشغول شد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از عادات هر روزهٔ

استاد تفضلی می باشد.اغلب مقالات او از سال ۱۳۲۵ در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال ۱۳۵۶ خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان پرداخت.

تفضلی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶ مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد زبان‌های پیش از اسلام از مدرسه زبان‌های شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۰، دکترا در زبان‌های باستانی ایران از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دانشیار در سال ۱۳۵۲، استاد در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در سال ۱۳۵۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی، لهجه‌شناسی، زبان‌های باستانی ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی ایران، زبان‌ها و ادبیات پیش از اسلام ایران، زبان فارسی، ادیان پیش از اسلام ایران، اسطوره‌شناسی ایرانی، لهجه‌شناسی ایرانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی ایرانی، زبان پهلوی (فارسی میانه)، اسطوره‌شناسی ایران، لغت‌شناسی فارسی.

زبان‌شناس، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۶ آذر ۱۳۱۶، اصفهان.

درگذشت: ۲۴ دی ۲۳۷۵، تهران.

احمد تفضلی، فرزند اسماعیل، فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. وی سپس در رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در دانشگاه لندن در انگلستان به تحصیل پرداخت و موفق شد کارشناسی ارشد و دکترای خود را در همین رشته کسب نماید. وی استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

آثار وی عبارتند از: تألیف واژه‌نامه مینوی خرد؛ ترجمه‌ی مینوی خرد؛ تألیف شناخت اساطیر ایران (با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه، چاپ سوم، ۱۳۷۳)؛ ترجمه نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان (اثر آرتور کریستن سن، دو جلد، ترجمه با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه؛ این کتاب در هشتمین دوره‌ی کتاب سال در سال ۱۳۶۹ در موضوع تاریخ و جغرافیا در بخش ترجمه‌ی برنده‌ی جایزه‌ی کتاب سال شده است)؛ گزیده‌های زاد اسپرم (به فرانسوی؛ با همکاری دکتر فیلیپ ژینیو، پاریس، ۱۹۹۳، این کتاب برنده سومین دوره‌ی جایزه‌ی جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است). از وی مقاله‌هایی در مجلات «سخن»، «دانشکده‌ی ادبیات تهران»، «دانشکده‌ی ادبیات تبریز»، «راهنمای کتاب» و «کلک» به چاپ رسیده است.

دکتر تفضلی در دی ۱۳۷۵ درگذشت و پیکرش در بهشت زهرا در قطعه ۸۸ به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تفضلی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۷، مشهد.

درگذشت: ۴ مهر ۱۳۶۳، جاده مشهد.

محمود تفضلی، فرزند مصدق‌السلطان، بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود در زادگاهش تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی باستان‌شناسی دنبال کرد. در امتحانات نهایی دوره‌ی لیسانس با احراز رتبه‌ی اول موفق به دریافت مدال درجه‌ی یک علمی (مدال طلا) گردید و سال‌ها در دبیرستان‌های تهران (دبیرستان البرز و دبیرستان دیگر) با سمت دبیری به تدریس مشغول بود. وی همچنین مدتی در موزه‌ی ایران باستان کار می‌کرد.

محمود تضلی با نام مستعار «گرسنه» نیز مطالب خود را امضا می‌کرده است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۱ آغاز کرده و مدت‌ها با روزنامه‌های «نبرد» و «ایران ما» همکاری داشته و زمانی نیز صاحب امتیاز روزنامه «تلاش» بود. وی همچنین مدتی به مدیریت «نامه‌ی موسیقی» برگمارده شد و هفت شماره از آن مجله را منتشر ساخت.

تفضلی در کشورهای نپال، ترکیه، یونان و خصوصا هندوستان تجاربی اندوخته بود. وی به انتخاب وزارت فرهنگ و هنر به رایزنی فرهنگی به ترکیه و هندوستان رفت و چندین سال در این کشورها اقامت داشت. به ویژه به علت تعلق خاطری که به فرهنگ هندوستان داشت، در راه شناسایی ادب این کشور تلاش بسیار کرد. از وی ترجمه‌های ارزنده‌ای به جای مانده است که از آن جمله است: اندیشه‌های نهرو (ترجمه از انگلیسی، ۱۳۴۰)؛ نگاهی به تاریخ جهان (سه جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهرو، ترجمه از انگلیسی، ۱۳۳۸، نشریه‌ی سفارت هند)؛ ایتر پریسکوم، گزارش سفارتی به دربار شاه‌عباس اول (از ژرژ تکتاندر فن دریابل، ۱۳۵۱)؛ مرآت الممالک، سفرنامه‌ای به خلیج فارس... (از سید علی کاتبی، با همکاری علی گنجدلی، ۱۳۵۵)؛ کودتا، نفت، مصدق (ترجمه و گردآوری، ۱۳۵۹)؛ نامه‌های پدری به دخترش (اثر جواهر لعل نهرو، ترجمه از انگلیسی، ۱۳۴۱)؛ کشف هند (دو جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهرو، ۱۳۵۱)؛ همه‌ی مردم برادرند (ترجمه از انگلیسی، تألیف مهاتما گاندی، ۱۳۴۸)؛ حقیقت من (ترجمه از انگلیسی، تألیف ایندیرا گاندی، ۱۳۶۲)؛ زندگانی بتهوون (اثر رومن رولان، ترجمه از فرانسه، ۱۳۲۸)؛ اتوبیوگرافی فرانکلین (اثر بنجامین فرانکلین، ۱۳۴۲)، زندگانی من (اثر جواهر لعل نهرو، با مقدمه دکتر تاراچند، ۱۳۳۵)؛ زندگی

یوهان سباستیان باخ (نشریه‌ی شماره‌ی شش اداره‌ی موسیقی کشور، ۱۳۲۹)؛ سفری به مسکو (چاپ دوم، ۱۳۳۲)؛ شاندور پتوفی شاعر انقلاب مجار (ترجمه با مشارکت انکلا بارانی، ۱۳۳۱)؛ گفت و شنود با آقای نهرو (۱۳۳۸)؛ مجموعه درباره‌ی مهاتما گاندی پدر ملت هند (۱۳۳۷)؛ مجموعه‌ی اشعار در توحید و حقانیت دین مبین اسلام (۱۳۳۵)؛ نامه‌های تیرباران شده‌ها (۱۳۳۰)؛ شوپن یا شاعر (ازگی دوپورتاس، ۱۳۳۶)؛ دوستی، دوستی (یادداشت‌های یک شرکت کننده در جشنواره‌ی برلین، ۱۳۳۱)؛ هفت شاهی (شامل داستان‌های: «یک فاجعه»، «آخور چوبی»، «یک بار سیر شدن»، «تحصیل مجانی در دبیرستان»، «بیچاره‌ها» اثر زیگوند مورتیس، ۱۳۳۱)؛ هند ۱۹۵۹ م. (۱۳۳۷، نشریه اطلاعات سفارت هند).

تفضلی در آستانه‌ی وفاتش به عنوان مشاور فرهنگی مؤسسه‌ی جدیدالتأسیس چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی برگزیده شده بود.

محمود تضلی بر اثر تصادف در جاده‌ی مشهد چهارم مهر ۱۳۶۳ به دار باقی شتافت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تقدس، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳۶۱.

از آثار اوست: الله الخالق: آفریدگار یکتا (تألیف عبدالحلیم خضره؛ تهران، ۱۳۶۷)؛ تألیف دنیای ناشناخته نیایش: نگرشی بر نیایش امام سجاد سیدالساجدین (ع) (تهران، ۱۳۶۶)؛ ترجمه قدس، رؤیای ما، نقاشی‌ها و نوشته‌های کودکان فلسطین (تهران، ۱۳۶۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تقوی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۴۲ ش)، شاعر، محقق و مصحح. در تهران متولد شد. فقه و اصول و حکمت را در جوانی نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا ابوالحسن جلوه در تهران فراگرفت، و برای تکمیل تحصیلات به عتبات رفت، و در حوزه درس علمای آنجا حاضر شد و موفق به اخذ تصدیق و اجازه روایت و استنباط احکام شرعی گردید. تقوی در ادبیات پارسی و عربی نیز متبحر شد، شعر هم خوب می‌سرود. وی پس از اتمام تحصیلات سفری به مکه کرد و در مراجعت از مکه به اروپا رفت و در قوانین موضوعه‌ی اروپا تحقیقاتی انجام داد. نصرالله به هنگام جنبش مشروطه‌خواهی به آزادی خواهان پیوست و از سران انقلاب مشروطه شد. در سال ۱۳۲۳ ق به اتفاق ملک المتکلمین و نصرۀالسلطان کتابخانه ملی را تاسیس کرد و در دوره‌ی اول و سوم مجلس شورای ملی وکیل تهران شد. او سالهای متمادی نیز عضو و رئیس دیوان عالی کشور بود. وی در تهران درگذشت. از آثار وی: «هنجار گفتار»، در معانی و بیان؛ تصحیح «اوصاف الاشراف» و «تازیانه سلوک»، مکتوب احمد غزالی به عین القضاه و «دره التاج»؛ ترجمه‌ی «اشارات» با همکاری سید حسن مشکان طبسی.[۱]

(حاج سید) نصراللّه اخوی (و. تهران ۱۲۸۲ ه. ق- ف. تهران ۱۳۶۷ ه.ق./ ۱۳۲۶ ه. ش.). از رجال دانشمند دوره اخیر قاجاریه و اوایل پهلوی، وکیل دوره اول و دوم مجلس شورای ملی از تهران، مدعی‌العموم و رئیس دیوان عالی تمیز و مدرس دانشکده‌های حقوق و معقول و منقول و رئیس دانشکده اخیر. از تألیفات وی «هنجار گفتار» در معانی و بیان فارسی است و متن دیوان ناصر خسرو نیز توسط وی تصحیح شده و به طبع رسیده. کتابخانه‌ای نفیس نیز از او به جای مانده است.

معروف به سادات اخوی تهرانی، فرزند سید محمدرضا سادات اخوی، متولد ۱۲۴۲ در تهران. پس از انجام تحصیلات مقدماتی به آموختن معارف اسلامی و فلسفه پرداخت. علوم منقول را نزد میرزا حسن آشتیانی و علوم معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه تحصیل نمود. سپس عازم نجف شد. چند سالی از محضر علمای بزرگ درس خارج گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از مراجعت به ایران، در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم به تدریس فلسفه پرداخت. در نهضت مشروطیت در زمره‌ی آزادیخواهان بود و برای استقرار حکومت قانون، از هیچ اقدامی فروگزاری نمی‌کرد. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی اول، از طرف طلاب و روحانیون و اهل علم به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. به علت تسلط به سخنوری، در مجلس گل کرد و در ردیف چند نماینده‌ی متنفذ درآمد. به هنگام تاجگذاری محمدعلی شاه، خطابه‌ی بسیار شیوا و غرائی در مجلس ایراد کرد. اقدامات او و عده‌ای دیگر از وکلاء، نتوانست روابط مجلس با محمدعلی شاه را التیام دهد. مجلس به توپ بسته شد، عده‌ای دستگیر شدند، و تعدادی فرار کردند. او هم در دوران استبداد صغیر در اختفا بسر می‌برد. پس خلع محمدعلی میرزا و رفع بحران، فعالیت خود را از سر گرفت. در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران وکیل شد و به نیابت ریاست مجلس منصوب گردید. در دوره‌ی سوم وکیل و نایب‌رئیس بود.

پس از انحلال آن مجلس، به دعوت مشیرالدوله وزیر عدلیه وقت، وارد دادگستری گردید و رئیس شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد و سال‌ها در همان سمت باقی ماند. در ۱۳۰۶ که داور دادگستری جدید را بنیاد نهاد و از قدمای عدلیه چند نفری را به خدمت پذیرفت، او با رتبه‌ی ۱۰ قضائی، رئیس یکی از سه شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد. در آن تاریخ، داور به یک نفر رتبه‌ی ۱۱ و به ۶ نفر رتبه‌ی ۱۰ قضائی اعطاء کرد. رتبه‌ی ۱۱ قضائی به میرزا رضاخان نائینی که مقام دادستان کل را داشت تعلق گرفت، رتبه‌ی ۱۰ را به نیرالملک کفیل دیوان کشور، محمدرضا وجدانی، حاج سید نصراللّه تقوی، صدرالاشراف و شیخ محمد عبده و سید محمد فاطمی داد. در ۱۳۱۲ که صدرالاشراف از دادستانی کل به وزارت دادگستری منصوب شد، جای خود را به تقوی سپرد. در ۱۳۱۵ به ریاست دیوان عالی کشور رسید و مدت ده سال در رأس قوه‌ی قضائیه کشور قرار داشت.

در کنار کارهای قضائی خود مدتی عضو و نایب‌رئیس فرهنگستان بود و سال‌ها در سمت ریاست دانشکده‌ی معقول و منقول، به امر دریس در آن دانشکده و مدرسه‌ی حقوق و مدرسه‌ی سپهسالار اشتغال داشت. در ۱۳۲۵ تقاضای بازنشستگی نمود و در این امر اصرار داشت. سرانجام قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت، در ذیل تقاضای بازنشستگی او شرحی به این مضمون نوشت: «برای اینجانب و دولت و کشور نهایت تأسف حاصل است که از خدمات گرانبهای جناب مستطاب عالی محروم می‌مانیم، لیکن چون زحمات و خستگی ممتد حضرت عالی را مجبور به تقاضای تقاعد نموده، از این جهت که ملاحظه‌ی مزاج و حفظ صحت و سلامت عالی برای ارادتمندان فوق‌العاده مأمول و مطلوب است، ناچار با درخواست حضرت عالی موافقت می‌شود؛ مشروط به اینکه از تجربیات و نظرات اصلاح‌طلبانه در پیشرفت امور دریغ نفرموده، دولت و مملکت را از این جهت قرین مزید قدردانی و تشکر فرمایید.»

تقوی در ۱۳۲۶ در ۸۴ سالگی درگذشت. مردی ادیب، دانشمند و حقوقدان بود. در زبان و ادبیات فارسی و عربی استاد بود. تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت: از جمله کتاب سیاست، هنجار و گفتار در علم معانی و بیان. دیوان ناصرخسرو را نیز تصحیح کرده و مقدمه‌ی فاضلانه و مبسوطی بر آن نوشته است. شعر نیز نیکو می‌سرود. در بحبوحه‌ی دیکتاتوری رضاشاه، قصیده‌ای طولانی در مدح رضاشاه و ذم احمدشاه انشاء نموده است. از لحاظ سیاسی جزو افراد محافظه‌کار و مؤید دولت‌های وقت بود. زمانی که به

عضویت دیوان کشور پذیرفته شد، به فراماسونری پیوست و تدریجاً از ارکان و بزرگان آن گردید.

وی از جوانی علاقه‌ی خاصی به جمع‌آوری کتب خطی منحصر به فرد و خطوط خوشنویسان معروف داشت و همین علاقه باعث شد کتابخانه و گنجینه‌ی بزرگی از خطوط خطاطان معروف جمع‌آوری کند. به طوری که مجموعه‌ی او فوق‌العاده جالب و منحصر به فرد بود. بعد از مرگش به فرزندش جمال اخوی رسید و معلوم نشد که آن گنجینه‌ی گرانبها که از مواریث بزرگ فرهنگی ایران بود، به چه سرنوشتی دچار شد. مرحوم تقوی در تمام عمر زندگی مرفهی داشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۲۹۷/۶ ،۲۱۰/۱)، الذریعه (۱۱۹۴/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۹/۲)، سخنوران نامی معاصر (۹۰۷/۲)، شرح حال رجال (۳۱۵/۵)، مولفین کتب چاپی (۵۷۷ -۵۷۵ /۶).

تقی‌زاده، قباد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۳/۱۲۸۲ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز متولد شد. وی برادرزاده‌ی سید حسن تقی‌زاده بود. در مدرسه‌ی اقدسیه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۰۱ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به آلمان رفت و تحصیلات مهندسی خود را در آنجا به انجام رسانید همچنین، با زبانهای فرانسه، آلمانی و انگلیسی آشنا شد؛ سپس به تهران بازگشت و با درجه‌ی ستوان یکمی، در کارخانجات ارتش به کار پرداخت و مدتی نیز به ریاست آن کارخانجات منصوب شد. تقی‌زاده در سال ۱۳۲۸ ش به درجه‌ی سرتیپی رسید. سرانجام بازنشسته شد و به کارهای فرهنگی پرداخت. از آثار وی: «نیروی طبیعی زمین، چوب»، در دو جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۱۵۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۶/۲)، الذریعه (۹۰۸ -۹۰۷ /۴).

تمیمی عرب، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۳.

درگذشت: ۱۳۶۱.

از آثار اوست: ترجمه شریان‌های باز آمریکای لاتین (ادوارد گالئانو، تهران، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تنکابنی قزوینی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۴ /۱۳۲۳ ق)، نحوی، اصولی، فقیه و عالم شیعی. از نوادگان میرمحمد صالح تنکابنی بود که در قزوین متولد شد. وی پس از کسب مقدمات علوم اولیه، سطوح عالی را از حوزه‌ی درس پدرش و دیگران فراگرفت. سپس در مدرسه صالحیه، علوم عقلی و اصول و فقه را از حوزه‌ی درس شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی کسب کرد. پس از آن راهی عتبات مقدسه عراق شد و در نجف اشرف ساکن. تنکابنی نخست، به حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و پس از وفات وی، به حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی پیوست و در کربلا از محضر درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره‌مند شد. حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس علامه‌ی برغانی آل‌صالحی تکمیل کرد و به مقام اجتهاد نایل آمد، پس از آن به موطن خویش بازگشت و کرسی تدریس و رهبری و فتوی را به خود اختصاص داد. وی آثار و مآثری از خود باقی گذاشت از جمله: مدرسه علوم دینی، موسوم به مدرسه‌ی تنکابنی یا مدرسه‌ی آقا و جنب آن مسجدی به همین نام که موقوفات بسیاری برای آنها تعیین کرد. از آثار قلمی وی: «شرح رسائل»، در چهار مجلد؛ «شرح مکاسب»؛ «شرح مدارک» «تقریرات استادش برغانی» و «رساله‌ای در اخلاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۵/۲)، دایره المعارف الاسلامیه (۲۶۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷/۱۴).

تنکابنی، حکیم مؤمن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمد مؤمن بن محمد زمان حسینی تنکابنی. سید حکیم فاضل ادیب. معاصر شاه سلیمان صفوی بوده، و کتاب خود را در طب به نام «تحفة المؤمنین» و بر حسب آنچه مشهور است «تحفه‌ی حکیم مؤمن» را در زمان این پادشاه تألیف نموده که مکرر به طبع رسیده. اولاد او در اصفهان و نجف آباد ساکن می‌باشند.

در صحن مقبره‌ی خواجه، قبر کوچکی است که بر روی او: میرزا محمد مؤمن (حکیم و ادیب و شاعر) متوفی به سال ۹۲۳ مرقوم است، و اتحاد نام، برخی را به اشتباه انداخته، وی را حکیم مؤمن تنکابنی سابق الذکر دانسته‌اند، و حال آن که تاریخ قبر، حکایت از اختلاف آن دو می‌نماید، و او دانشمند دیگری است غیر از حکیم تنکابنی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، سلیمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، فقیه، ادیب، متکلم و پزشک ایرانی. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در جوانی به همراه برادرش، ملا عبدالمطلب، رهسپار عتبات عراق گردید و چندی در شهرهای مقدس آن سرزمین به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس راهی اصفهان شد و بیست و دو سال در خدمت آخوند ملاعلی نوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ملاصدرا را نزد وی فراگرفت. «شرح لمعه» را نزد ملا محمدعلی نوری آموخت. پس از آن خود به تدریس روی آورد و در اصفهان «تجرید الکلام»؛ «شوارق»؛

«شرح لمعه» و «تفسیر قاضی بیضاوی» را درس می گفت. میرزا سلیمان به آموختن دانش پزشکی پرداخت و در رشته‌ی پزشکی شاگرد میرزا اسماعیل اعرج اصفهانی بود. میرزا اسماعیل به تنکابنی طب آموخت و خود نیز نزد او شرح «تجرید الکلام» فرا می گرفت. میرزا سلیمان در اصفهان به ملامحراب، عارف گیلانی، دست ارادت داد. میرزا سلیمان تنکابنی پدر میرزا محمد تنکابنی، مولف «قصص العلماء»، است. از جمله آثار وی: حاشیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشیه بر «مفاتیح الشرائع» ملامحسن فیض کاشانی؛ حاشیه بر «الفوائد الضیائیه» جامی، حاشیه بر «شرح الاسباب»، در پزشکی؛ حاشیه بر «حکمه العین»؛ حاشیه بر «حیوه القلوب»؛ حاشیه بر «تذکره الائمه»؛ رساله‌ای در وبا و طرز معالجه‌ی آن.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :قصص العلماء (۷۳ –۷۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۹/۱۳).

توحیدی، ابوحیان علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۱۴/۴۰۰ –۳۱۰ ق)، ادیب، فیلسوف معتزلی، صوفی و شاعر. معروف به فیلسوف‌الادباء و ادیب‌الفلاسفه و جاحظ ثانی. اگر چه محل تولد او را به اختلاف شیراز، نیشابور، بغداد، واسط دانسته‌اند، اما احتمال این که در شیراز متولد شده باشد بیشتر است. ابوحیان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی سجستانی بود، در آنجا با گروهی از دانشمندان طراز اول مانند ابوالحسن عامری و ابن‌مسکویه معاشرت داشت. وی فقه شافعی را از ابوحامد مرورودی و ابوبکر شاشی آموخت و نزد استادان صوفی آمد و شد داشت و از راه کتابت زندگانی می کرد. ابوحیان مدتی در بغداد اقامت داشت و پس از آن به ری رفت و در آنجا در خدمت ابوالفضل عمید و صاحب بن عباد بود ولی با آنها میانه خوبی نداشت و حتی کتابی در ذم آنها به نام «اخلاق الوزیرین» نوشت ولی با وزراء صمصام‌الدوله یعنی عبداللّه بن عریض شیرازی و ابن سعدان میانه خوبی داشت. از جمله اساتید دیگر وی علی بن عیسی رمّانی در تصوف و یحیی بن عدی در فلسفه و منطق و جعفر خلدی و ابن سمعون در حدیث و سایر معارف اسلامی. ابوحیان در نگارش عربی استاد بود و جاحظ را بسیار می‌ستود و کتابی در مناقب و شناخت او نیز تألیف کرد. وی در ادبیات عرب به مقامی رسید که وی را با جاحظ برابر یا برتر می‌شمارند. بعضی او را از زنادقه می‌دانند. او علاوه بر نگارش نثر که در حد اعلای سلاست و استواری بود شعر نیز می گفت. وی در اواخر عمر کتابخانه عمومی خود را آتش زد و علت آن چنانکه خود گفت عدم توجه مردم بغداد در مدت بیست سال اقامت او در آنجا به وی بود چون نمی‌خواست کسانی که قدر او ندانستند پس از مرگ او از آنها بهره‌مند شوند. ابوحیان احتمالاً در خانقاه ابن خفیف در شیراز درگذشت و در کنار مزار شیخ کبیر به خاک سپرده شد. از جمله تألیفات وی: «المقابسات»؛ «الصداقهٔ والصدیق»؛ «الامتاع والموانسهٔ»، در سه جزء، «اشارات الالهیه»؛ «البصائر والذخائر» یا «بصائر القدما و بشائر الحکما»، در پنج جزء؛ «تقریظ الجاحظ»؛ «المحاضرات والمناظرات».[۱]

توحیدی، علی بن محمد بن عباس، ادیب و فیلسوف معتزلی قرن چهارم (ف. ۴۰۰ ه.ق.) وی در حسن تنظیم مطالب و سهولت انشای عربی چندان مهارت داشته که او را «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند. ابوحیان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی با گروهی از دانشمندان و حکمای عهد معاشرت داشته و مدتی نیز درک خدمت ابن‌العمید و صاحب بن عباد و ابن سعدان را کرده و با ابوعلی مسکویه نیز رابطه داشته است. از آثار مهم او کتاب الامتاع و المؤانسهٔ، کتاب الهوامل و الشوامل، کتاب المقابسات، کتاب البصائر، رسالهٔ فی الصداقهٔ است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۴۵ -۱۴۴ /۵)، ایضاح المکنون (۴۴۰، ۶۵ /۲ ،۶۰۲/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۲، ۳۵۳، ۳۰۰، ۲۸۶، ۲۶۰/۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۴۰۲ -۴۰۰/۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۷۲ -۱۵۷)، تاریخ نجوم اسلامی (۹۹ -۹۸ ،۷۰)، تذکره‌ی هزار مزار (۹۷ -۹۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۲۶ -۱۲۴ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۹/۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹/۱)، روضات الجنات (۸۵ -۵۶ /۸)، ریحانه (۸۴/۷)، سخن و سخنوران (۲۰)، شیرازنامه (۱۵۰ -۱۴۹)، کشف الظنون (۱۷۷۸ ،۵۲۲، ۲۴۶، ۱۶۷ ،۱۴۰)، الکنی والالقاب (۶۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن چهارم/ ۱۲)، لسان المیزان (۶۳۷ -۶۳۳ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحیان)، معجم الادباء (۵۲ -۵ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۰۵/۷)، الوافی بالوفیات (۴۱ -۳۹ /۲۲)، وفیات الاعیان (۱۱۳ -۱۰۸ /۵)، هدیۀ الاحباب (۱۴)، هدیۀ العارفین (۶۸۵ -۶۴۸ /۱)، یادداشتهای قزوین (۱۸۰ -۱۷۴ /۴).

تویسرکانی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

دکتر قاسم تویسرکانی فارغ‌التحصیل رشته‌ی دکترای ادبیات دانشگاه تهران بود و در همین دانشگاه تدریس می‌کرد. نامه‌های رشیدالدین وطواط به تصحیح او در سلسله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است. کتاب دیگر او قواعد النحو و هی التدریس فی بعض الصفوف من کلیه المعقول و المنقول (۱۳۷۱) است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تویسرکانی، محمدصادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۲ ق)، ادیب و نحوی امامی. پس از تکمیل مقدمات علوم اسلامی و فنون ادب، به حوزه‌ی درس شیخ بهایی راه یافت و از خواص شاگردان وی در زمینه‌ی معقول و منقول گردید. از جمله آثار وی: «زهر الحدیقه» که شرح مزجی است بر اسلوب «قال اقول» بر «لغز النحو» شیخ بهایی؛ کتاب «النهج الصفی»، در اصول عقاید، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۰/۲۴، ۶۸/۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۶/۱۱).

تویسرکانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسن حسینی اصفهانی. عالم فاضل ادیب، از شاگردان و مخصوصین حاج شیخ محمد باقر نجفی بوده، و در اوایل قرن ۱۴ وفات یافته.

[او] در مقدمه‌ی کتاب بحر المعارف (ترجمه‌ی جلد ۱۵ بحارالانوار) از تألیفات آقا نجفی، فهرست مؤلفات وی را نام برده، کتاب در سال ۱۲۹۷ به طبع رسیده است، و به خط محمد باقر بن محمدحسن خطاط بروجنی اصفهانی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تهامی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدغلامرضا تهامی، فرزند آیت‌الله تهامی در سال ۱۳۱۰ در شهر بیرجند دیده به جهان گشود.وی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد. دکتر سیدغلامرضا تهامی در اوایل دهه ۱۳۳۰ همکاری خود را با «مجله ایران ما» آغاز کرد.دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری -که از علایق اوست- روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود. کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام "تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید غلامرضا تهامی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید غلامرضا تهامی تا اوایل دهه ۴۰، ویرایش بیش از ۲۰ عنوان از کتابهای «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» را برعهده داشت. از جمله برخی ترجمه‌های بدیع‌الزمان فروزانفر. «فرهنگ اعلام تاریخ اسلام» دکتر تهامی در دو مجلد با ۲۸ هزار مدخل و بیش از شش هزار صفحه از سوی شرکت سهامی انتشار، در اسفند ۱۳۸۵ منتشر شده است. دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری -که از علایق اوست- روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود.

جوائز و نشانها : کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام "تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد. --
----

آثار :

۱ باروی قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز

ویژگی اثر : ترجمه

۲ بحران فرهنگ اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۳ چین و هنرهای اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۴ سیاست و دیانت در اسراییل

ویژگی اثر : ترجمه

۵ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام

ویژگی اثر : تالیف.این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.دکتر سید غلامرضا تهامی درباره این کتاب چنین می گوید: اعلام در لغت به معنی علم‌هاست و در زبان عربی به معنی اسلامی خاص است، در فارسی ما اسامی خاص داریم مثل اسم کوه‌ها، شهرها و... در زبان عربی و در اصطلاح نویسندگی آنچه درباره اشخاص و اماکن خاص استرا علم می گویند. در پایان بسیاری از کتاب‌های غالبا مذهبی، اعلام اشخاص یا اعلام اماکن آمده است. در این کتاب هم موضوع همین است. البته فرهنگ به معنای شخصیت‌هاست مثل «فرهنگ مصاحب»، کلمه قاموس را هم به جای فرهنگ به کار می‌برند یا کلمه معجم. اما در زبان فارسی به آن «فرهنگ» گفته می‌شود و فرهنگ اعلام یعنی کتابی که اسامی خاص یک دوره یا کشور یا یک گروه که معمولا بر حسب حروف الفبا مرتب شده در آن تنظیم می‌شود.

۶ مسایل هنر و زیبایی‌شناسی

ویژگی اثر : ترجمه

۷ نگارگری اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

ثروت، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور ثروت در سال ۱۳۲۷ در شهر اردبیل متولد شد. ایشان دارای مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸ می باشدو نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی منصور ثروت به قرار زیر است: سوابق تحصیلی دیپلم اد بی در دبیرستان اذرابادگان اردبیل ۱۳۴۵ کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز ۱۳۵۲ کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز ۱۳۵۶ دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران ۱۳۶۸

همسر و فرزندان : منصور ثروت متاهل و دارای یک فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری دکتر منصور ثروت به ترتیب زیر است: از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۹کارمند دانشگا ه تبریز از ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۰ عضو هیا ت علمی دانسگاه تبریز از سال ۱۳۷۰ تا کنون عضو هیا ت علمی دانشگاه شهید بهشتی مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ مدیر گروه انتشارات فرهنگستان عضو شورای پژوهشی دانشکده عضویت در برخی از گرد هماییهای ملی و بین المللی

فعالیتهای آموزشی : منصور ثروت از سال ۱۳۶۰ تا کنون در مقاطع کارشناسی کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی مشغول به تدریس در دانشگاه شهید بهشتی ؛ دانشگاه هرمزگان و تبریز می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : از علایق پژوهشی منصور ثروت می توان به : لغت متون ادبی، نقد ادبی و مکتبهای ادبی اشاره کرد.

چگونگی عرضه آثار : ب- مقالات ۲۰ مقاله در مجله های معتبر دانشگاهی و غیر دانشگاهی و ارائه در کنفذانسهای علمی عنوان های طرحهای پژوهشی و زمان اجرای آن: روشهای اثباتی اهل عرفان --

آثار :

۱ اشنایی با مکتبهای ادبی انتشارات سخن

ویژگی اثر : ج اول ۱۳۸۵

۲ تحریر نوین تاریخ جهانگشای جوینی انتشارات امیر کبیر

ویژگی اثر : ج اول ۱۳۶۲ دوم ۱۳۷۸

۳ خردنامه

ویژگی اثر : تصحیح،چ اول ۱۳۶۶ دوم ۱۳۷۱ سوم ۱۳۷۵

۴ درست بنویسیم

ویژگی اثر : دانشگاه تبریز چ اول ۱۳۷۰ دوم ۱۳۷۴

۵ روش تحقیق و مرجع شناسی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه پیام نور ج اول ۱۳۸۱

۶ روش تصحیح انتقادی متون

ویژگی اثر : انتشارات بایا ج اول ۱۳۷۸

۷ فرهنگ غیاث اللغات

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۶۳ دوم ۱۳۷۵

۸ فرهنگ کنایات

ویژگی اثر : چ اول دوم ۱۳۷۶ انتشارات سخن

۹ فرهنگ لغات و تعبیرات عامیانه و معاصر

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۶۵ دوم ۱۳۷۸

۱۰ کشور وسط دنیا (ره اورد سفر چین)

ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر چ اول ۱۳۸۰

۱۱ گزیده دیوان خاقانی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه پیام نور ج اول ۱۳۸۱

۱۲ گنجینه حکمت در اثار نظامی

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۶۹ دوم ۱۳۷۵

۱۳ مجموعه مقالات کنگره بین المللی نظامی

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۷۲

۱۴ نظریه ادبی نیما

ویژگی اثر : انتشارات بابا چ اول ۱۳۷۵

۱۵ نگارش فارسی (برای دانشجویان زبان انگلیسی)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه پیام نور چ اول ۱۳۷۴

۱۶ یادگار گنبد دوار

ویژگی اثر : چ اول ۱۳۶۹ دوم ۱۳۷۵

ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۹/۴۳۰ –۳۵۰ ق)، ادیب، نویسنده و مورخ. وی در دو روش نثر مصنوع و مرسل استاد بوده است. چون شغلش پوستین‌دوزی از پوست روباه بود، به ثعالبی مشهور شد. آثار مشهور او عبارت‌اند از: «یتیمه الدهر»، در شرح احوال شعرای بزرگ عهد مولف از شام تا ماوراءالنهر، که از حیث انشاء بلیغ و از باب اشتمال بر احوال و اشعار بسیاری از شعرای آن عصر، خاصه شعرای تازی‌گوی ایران، اهمیت بسیار دارد. وی این کتاب را به وسیله ذیلی به نام «تتمه الیتیمه»، تکمیل کرده است. از دیگر آثار وی: «الاعجاز و الایجاز»؛ «خاص الخاص»؛ «ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب»؛ «نثر النظم»؛ «التمثیل و المحاضره».[۱]

ابومنصور عبدالملک بن محمد نیشابوری (ف. ۴۲۹ ه.ق.) ادیب و نویسنده و مورخ قرن چهارم و آغاز قرن پنجم است. وی در نثر مصنوع و مرسل عربی هر دو استاد بود. از آثار او یتیمهٔ الدهر (ه.م.)، الاعجاز و الایجاز، خاص الخاص، ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب، نثر النظم، کتاب التمثیل و المحاضرهٔ و چند کتاب دیگر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۱/۴)، تاریخ ادبیات ایران (۶۴۲ –۶۴۱ /۱)، دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، ریحانه (۳۶۵ –۳۶۴ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۶/۱)، سیرالنبلاء (۴۳۸ –۴۳۷ /۱۷)، وفیات الاعیان (۱۸۰ –۱۷۸ /۳)، هدیه العارفین (۶۳۵/۱).

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۷/۴۲۷/۴۲۶ ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلدی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۶ –۲۰۵ /۱)، دایره‌المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، الذریعه (۶۷ –۶۶ /۱۸، ۲۴۳ –۲۴۲ /۱۵)، روضات الجنات

(۲۵۷ -۲۵۵ /۱)، ریحانه (۳۶۸ -۳۶۷ /۱)، سیرالنبلاء (۴۳۷ -۴۳۵ /۱۷)، کشف الظنون (۱۴۹۶، ۱۱۳۱)، الکنی و الالقاب (۱۳۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۳۸ -۳۶ /۵)، الوافی بالوفیات (۳۰۸ -۳۰۷ /۷)، وفیات الاعیان (۸۰ -۷۹ /۱)، هدیه العارفین (۷۵/۱).

ثقهٔ الاسلام، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید محسن بن میر محمّد باقر بن میر سید علی مدرس میر محمّد صادقی. عالم جلیل، در ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۲۸۵ در اصفهان متولّد گردیده، مقدّمات علوم را در اصفهان نزد علمای این شهر آموخته، در سنّ هیجده سالگی به عتبات عالیات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، در آن ارض اقدس مدّتی نزد جمعی از دانشمندان تلمّذ نموده که از آن جمله است: میرزا محمّد علی رشتی، و میرزا محمد حسن شیرازی، و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و قسمت عمده تحصیلات او نزد آخوند خراسانی بوده، و از خواصّ آن مرحوم به شمار می‌آمده، و در ۱۲۳۰ به ایران معاودت نموده، به درس و بحث و اقامه جماعت اشتغال جسته.

سرانجام در قبل از ظهر روز ۶ ماه صفر سال ۱۳۸۲ وفات یافته، در تخت فولاد درتکیه میر محمّد صادقیها جنب تکیه ملک مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- ارشاد المسلمین، در نسب نامه خود. و در این کتاب از او استفاده شده است ۲- انیس العارفین، در احوال برزخ و جنّت و نار، مطبوع ۳- تقریرات اصولّیه اساتیدش ۴- حاشیه بر طهارت شیخ ۵- خلاصهٔ الاصول، از محبث الفاظ تا محبث تعادل و تراجیح ۶- رساله در اصول دین ۷- رساله در لباس مشکوک ۸- رساله در تقلید اعلم ۹- رساله در عدالت ۱۰- رساله در قاعده من ملک شیئاً ۱۱- رساله در قاعده میسور ۱۲- رساله در وضو، طبق رساله شیخ اسماعیل مقرّی که تمام سطرها اگر خوانده شود مسأله وضو است، و کلمات اوّل سطرهای هر صفحه غرض از تألیف است، و کلمات وسط سطرها اگر جمع شود مسأله لغز است، و کلمات آخر سطرها بیان ذکر دعایی است به جهت علاج جراحات ۱۳- رساله‌ای در طرق روایت خود و اجازه آنها به فرزندش فاضل بزرگوار آقا سید محمّد کاظم ۱۶- کتابی در مجازاتهای معاصی (حدود و دیات و تعزیزات) ۱۵- مبک المؤمنین ۱۶- مشکول، مانند کشکول ۱۷- مقتصر المقال، در علم رجال ۱۸- نور الایمان، ردّ بر بابیّه؛ و رسائل عدیده دیگر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقهٔ الواعظین، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و ادیب و شاعر، و از محترمین اهل منبر اصفهان به شمار می‌رفت. کتب و رسائل چندی تألیف نموده و آن‌ها را در پشت جزوه های که در ترجمه و شرح حدیث کساء نوشته و به طبع رسانیده نام برده است:

۱- آثار باقریّه ۲- بغیهٔ الامجاد فی لغات الاضداد ۳- ترجمه و شرح حدیث کساء، مطبوع ۴- دررالثمین ۵- دیوان السادات ۶- سرور العباد فی صدق المعاد ۷- سلطان المقاتل ۸- کرامهٔ الامّهٔ فی معرفهٔ الائمّهٔ ۹- لئالی الصدق و خیر التحف ۱۰- مجمع الاحزان ۱۱- معاجز القرآن ۱۲- المعراجیّهٔ ۱۳- منتخب اللغهٔ؛ و غیره.

در شب شنبه ۲۶ ذی حجّهٔ الحرام سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در اطاق پدر مدفون شد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقهٔالاسلام، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ محمّد باقر بن شیخ محمّد تقی رازی اصفهانی.

عالم زاهد فقیه مجتهد اصولی، از مشاهیر علما و فقها و مدّرسین اصفهان. مادرش دختر سید صدر الدین عاملی بوده، به دین جهت از طرف پدر و مادر هر دو، نواده شیخ جعفر کبیر است.

در ربیع الاول سال ۱۲۷۱ در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف نزد: پدر بزرگوار خود، و آقا شیخ مهدی نجفی، وحاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و میرزای بزرگ شیرازی، و شیخ راضی نجفی تحصیل نموده تا به مقامات عالیه اجتهاد نایل شده، در اصفهان به درس و بحث و اقامه جماعت و تدریس پرداخته.

سرانجام در روز ۳ شنبه چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۱۸ وفات یافته، در نجف اشرف در جنب برادر خود آقا شیخ محمّد حسین مدفون گردید.

در تاریخ اصفهان و ری (:۳۳۵) درباره او گوید: عقل اکمل آقایان مسجد شاه بوده، و به کارهای خوب اقدام نمود، یکی: دادن سالی هزار تومان به دولت، عوض مالیات قهوه خانه‌های اصفهان و بستن آن انجمن مفاسد و کارخانه اتلاف مال و جان و حال و وقت و شرافت و آسایش مردم را. دوّم: جلوگیری از خیالات سطحی برادرش آقای حاج شیخ نور اللّه.

تاریخ فوتش «ثقهٔ الاسلام آوی بالجنان» است.

دیگر از آثار او احداث مدرسه‌ای به نام خودش در محّله حسن آباد اصفهان که ظاهراً محلّ مدرسه ساروتقی بوده و در طول زمان خراب شده، ایشان در سال ۱۳۱۷ تجدید بنا کردند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- حواشی بر کتاب ارشاد الاذهان، که آن را فرزندش حاج شیخ مهدی به دستور او ترجمه کرده و وی حاشیه کرده است ۲- رساله در آداب نماز شب و استخاره، مطبوع ۳- رساله در اصول دین، مطبوع ۴- کتابی در معاصی کبیره، مطبوع ۵- کتابی در ولایت به عربی ۶- رساله عملیّه که در آن هزار مسأله از مسائل نماز را ذکر فرموده است. ۷- مناسک حج؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقهٔالسلام

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(میرزا) علی آقـا تبریزی بن (حاج میرزا) موسـی، از علمای آذربایجان (و. تبریز ۱۲۷۷– مقت. ۱۳۳۰ ه.ق.). وی در نظم و نثر فارسـی مهـارت داشت و از تألیفـات او «مرآة الکتب» در اسـامی مؤلفـات شـیعه است. او از مشـروطه طلبان و آزادیخواهان بود و در تبریز به دست روسهای تزاری به دار آویخته شد.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ثقفی کوفی، ابراهیم

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابواسحق ابراهیم بن محمّد ثقفی کوفی اصفهانی، از بزرگان مؤلّفین، و ثقات مصنّفین و مورّخین است، در اوّل، زیدی مذهب بوده و سپس امامی شده است، در حدود پنجاه و سه مجلد کتاب تألیف نموده.

شرح حالش در معالم العلماء، و معجم الادباء، و روضات الجنات(:۲) و دیگر کتب مبسوطاً نوشته شده است.

از کتـب اوست: ۱– اخبار زیـد بن علی ۲– اخبار کشـته شدگان از اولاد ابی طالب علیه‌السـلام ۳– قیام حسن بن علی علیه‌السـلام ۴– مقتل الحسین علیه‌السلام ۵– مقتل أمیرالمؤمنین علیه‌السلام ۶– الجمل ۷– فدک ۸– صفّین ۹– حکمین ۱۰– نهروان ۱۱– ما نزل من القرآن فی أمیرالمؤمنین علیه السلام ۱۲– المودّة فی ذی القربی ۱۳– کشته شدگان از آل محمّد؛ [۱۴–العارات] و غیره.

وفات صاحب عنوان در سال ۲۸۰ هجری در اصفهان روی داده است.

در فضیلت او همین بس که ابونعیم اصفهانی در حقّش گفته است: کان غالیاً فی الرفض.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقفی، خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ –۱۲۳۹ ش)، پزشک، نویسـنده و مترجم. ملقب به اعلم‌الدوله. وی به شـیوه‌ی پدر، که از اطبای مشـهور ناصـرالدین شاه بود، ابتـدا طب را در دارالفنون فراگرفت، سـپس برای تکمیـل تحصـیلات به پـاریس رفت و در اوایـل سـلطنت مظفرالـدین شـاه به تهران بـازگشت و در دسـتگاه شـاهی، مقـامی عـالی یـافت و از سوی شـاه به اعلم‌الـدوله ملقب شـد. پس از فوت مظفرالـدین شـاه، طبیب مخصوص ملک منصور میرزا شعاع‌السـلطنه شـد. اعلم‌الدوله در زمان محمدعلی شاه، به اجبار به فرانسه رفت و در پاریس، به کمک برادرش، دکتر جلیل‌خان ندیم‌السلطان، انجمنی به نام ایران جوان دوم تاسیس کرد و به فعالیت بر ضد محمدعلی شاه پرداخت. پس از فتـح تهران، دکتر اعلم‌الـدوله به ایران بازگشت و رئیس اولین بلـدیه‌ی قانونی تهران شد. سـپس با سـمت ژنرال کنسول به سویس رفت. در این ماموریت سی تن از جوانان بختیاری را به منظور ادامه‌ی تحصیل به اروپا برد. ثقفی در زمان رضاشاه مدتی مدیر کل و سپس وزارت معـارف و اوقـاف بود. وی در اواخر عمر از کارهـای دولتی کنـاره گرفت و انجمنی به نام انجمنی معرفه‌الروح تجربتی ایران تاسـیس کرد. خلیل‌خـان طبیبی حاذق و نویسـنده‌ای توانا بود. او به زبان فرانسوی تسـلط داشت و مقالات و رسایلی به آن زبان

نوشته است. سرانجام در تهران وفات یافت و در امامزاده عبدالله در آرامگاه سعدالدوله دفن شد. تالیفات به جای مانده از وی: «باغ سرور»؛ ترجمه‌ی داستانهایی از ادبیات فارسی به فرانسه؛ «کنت مونت کریستو»، جلد دوم ترجمه از فرانسه به فارسی؛ «فرائد اللغه»؛ «خردنامه جاودان»؛ «هزار و یک حکایت»؛ «کلید زندگی»؛ «کلید شناسایی در علم غیرمرئی هفتاد و یک مقاله‌ی معرفه‌الروح»؛ «مقالات گوناگون»، شامل حوادث و وقایع تاریخی عهد قاجاریه، به ویژه در دوران سلطنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، که در اغلب آنها خود وی شاهد عینی و حاضر و ناظر بوده است.[۱]

معروف به اعلم‌الدوله، فرزند میرزا عبدالباقی حکیم‌باشی، متولد ۱۲۳۶. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در تهران، به پاریس رفت و در رشته‌ی پزشکی درجه‌ی دکترا گرفت. بعد از مراجعت به ایران به استادی رشته‌ی طب دارالفنون برگزیده شد. مدت‌ها در آن سمت به تعلیم پزشکان ایرانی مشغول بود. در دوران سلطنت مظفرالدین شاه، به جای میرزا محمودخان حکیم‌الملک که ابتدا وزیر دربار و بعد والی گیلان شد، به سمت پزشک مخصوص شاه انتخاب گردید و تدریجاً شاه را عمیقاً زیر نفوذ خود قرار داد و از طرفی چون به حکومت قانون و مشروطه علاقه‌مند بود، در هر فرصت شاه را تشویق به صدور فرمان مشروطیت می‌کرد. مساعی او در تسریع صدور فرمان مشروطیت به گواهی تاریخ بر اهل تحقیق مکتوم نیست. بعد از صدور فرمان مشروطیت، همچنان به کار طبابت و استادی دارالفنون اشتغال داشت. مدتی رئیس انجمن بلدی تهران (انجمن شهر) و زمانی نیز کنسول ایران در سوئیس شد. در ۱۳۲۳ ش در سن ۸۷ سالگی درگذشت. او از مشاهیر و پزشکان دوره‌ی قاجاریه و مشروطیت ایران به شمار می‌رود. مردی بود بسیار فاضل، اهل تحقیق و تتبع، نویسنده‌ای توانا با سبکی روان و شیرین و جذاب. در عمر طولانی خود آثار گرانبهائی از خود به یادگار گذارد که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- هزار و یک حکایت؛ ۲- صد و پنجاه مقاله یادگار عصر جدید؛ ۳- خردنامه‌ی جاویدان؛ ۴- مقالات گوناگون؛ ۵- فوائدالنصایح؛ ۶- تحفه‌ی نوروزی؛ ۷- هزار و یک نصیحت و چند اثر دیگر.

اعلم‌الدوله یکی از معتقدان جدی احضار ارواح بود. در تهران، انجمنی به نام انجمن معرفةالروح تشکیل داد. از لحاظ اخلاقی و انسانی از افراد کم‌نظیری بود که سال‌ها می‌گذرد و نظیرشان پیدا نمی‌شود. فرزندش حسین اعزاز ثقفی در حفظ و نگهداری و ازدیاد کتب و آثار عتیقه‌ی او جدیتی به تمام معمول داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۲۳ -۲۱۵ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۴۹/۱)، شرح حال رجال (۴۸۹ -۴۸۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ خلیل ثقفی)، مولفین کتب چاپی (۲۸ -۲۴ /۳)، یادگار (س ۳، ش ۵، ص ۴۸ ، ۴۵)، یادداشتهای قزوینی (۱۷۸ -۱۷۶ /۸).

ثمره، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یدالله ثمره در سال ۱۳۱۱ در شهر کرمان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبانشناسی از دانشگاه لندن-انگلستان در سال ۱۳۴۸ است. وی استاد بازنشسته دانشگاه تهران ، و هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشکده زبانها و ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : پدر یدالله ثمره ،عنایت الله ثمره نام دارد.خاطرات کودکی : یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی متولد شد و دوره دبستان را تحت نظر پدر و مادرش در دبستان بدر سیرجان تحصیل کرده است.او می گوید ":پدر و مادرم، هردو ، معلم بودند و من تحصیلات اولیه ام را در خانواده پیش پدر ومادر

شروع کردم و سپس در مدرسه این دونفر ،تحصیلات ابتدایی را به پایان رساندم. پدرم مدیر مدرسه بود و مادرم هم معلم همان مدرسه. بنابراین، اولین معلمان من پدر و مادرم بودند. قبل از اینکه به مدرسه بروم، پدرم قرآن و مقداری تعلیمات مذهبی به من آموخت. من شش سال ابتدایی را در مدرسه پدرم به پایان رساندم. مدتی از دوره تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراندم و بعد از انتقال پدرم به یکی از مدارس سیرجان ،که به مدیریت آن مدرسه رسید، من هم به انجا نقل مکان کرده و تا ششم ابتدایی را در آن مدرسه بودم ".اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی در شهر کرمان به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : یدالله ثمره پس اتمام تحصیلات ابتدایی ،تحصیلات متوسطه اش را در دانشسرای مقدماتی کرمان به پایان رساند و در مهرماه ۱۳۲۹ به عنوان آموزگار پایه یک به خدمت وزارت فرهنگ آن زمان درمی آید. یکی دو سال بعد ، دیپلم کامل متوسطه در رشته ادبی را اخذ و چندسالی در وزارت فرهنگ کرمان تدریس کرد. او در سال ۱۳۳۶ به تهران آمد و در کنکور دانشگاه تهران در سه رشته ادبیات فارسی، باستان شناسی و حقوق شرکت کرد و در هر سه رشته قبول شد و از بین آنها ادبیات فارسی را بر گزید. در سال ۱۳۳۹ با رتبه اول ، از دانشکده ادبیات لیسانس ادبیات فارسی گرفته و بلافاصله وارد دوره دکترای ادبیات فارسی می شود و حدود دو سال ونیم در این دوره تحصیل کرد. استاد در اواسط سال ،۱۳۴۱ از طرف دولت ایران بورس تحصیلی شاگرد اولی دریافت کرد و برای تکمل معلوماتش به انگلستان عزیمت کرد و در دانشگاه لندن به تحصیل زبان شناسی پرداخت و در سال ۱۳۴۷ با درجه دکترا از دانشگاه لندن فارغ التحصیل شد. خاطرات و وقایع تحصیل : یدالله ثمره در خصوص انگیزه اش از انتخاب زبان شناسی آن هم در سالهایی که در نظام آموزش عالی چیزی به این عنوان اصلاً وجود نداشت می گوید: «ما در دوره لیسانس دو یا سه درس با محتوای زبان شناختی داشتیم. چند تا از این درسها به زبان شناسی و زبان های باستانی مثل پهلوی ، فارسی باستان و اوستا و نیز ساختمان این زبانها مربوط می شد. یکی دو درس هم به زبان شناسی نوین مربوط می شد، مثل تاریخ زبان و دستور زبان و غیره که اینها جزو دروس ادبیات بود و با عنوان رشته زبان شناسی تدریس نمی شد. استادان این دروس هم بعضی مانند مرحوم پورداود و مرحوم صادق کیا، زبان های باستانی را درس می دادند و بعضی مثل مرحوم خانلری و مرحوم مقدم مطالبی به اسم زبان شناسی جدید تدریس می کردند. البته چیزهایی که آنها درس می دادند با این زبان شناسی که امروز می شناسیم تا حدودی فرق داشت و آمیزه ای بود از زبان شناسی باستانی و جدید... یادم هست وقتی که از استادهایم خداحافظی می کردم که بروم خارج ، بعضی ها به من سفارش می کردند که زبان شناسی بخوانم. از میان این افراد، به خصوص باید از دکتر مقدم ، خانلری و کیا یادکنم که مرا خیلی تشویق می کردند. آنها معتقد بودند چون ما متخصص زبان شناسی نداریم و این رشته در آینده مطمئناً در ایران تأسیس خواهد شد برای تدریس آن به متخصص و مدرس نیاز داریم. این بود که وقتی به انگلیس رفتم، تا حدودی با زبان شناسی آشنایی داشتم.» دکتر ثمره درباره خاطراتش از لندن و تحصیل در آنجا چنین می گوید: «یادم هست که وقتی وارد دانشگاه شدم، تا مدتی، حداقل شش ماه، همه چیز برایم سیر و سیاحت بود و تازگی داشت چون با آن سیستم دانشگاهی کاملاً بیگانه بودم. از رفتار استادها گرفته تا طرز حرف زدن آنها با دانشجو، طرز رفتارشان، معاشرت شان با دانشجوها، تجهیزات کتابخانه ها، آزمایشگاهها و امثال اینها همگی برایم تازگی داشت.» فعالیتهای ضمن تحصیل : یدالله ثمره بین سالهای ۳۸ تا ۳۹ حرف «هـ» لغتنامه دهخدا را نوشته و همکاری هایی هم در تألیف فرهنگ معین داشته است.استادان و مربیان : یدالله ثمره در دوران تحصیلات دانشگاهی در ایران از محضر اساتیدی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر محمد معین، جلال‌الدین همایی، محمد تقی مدرس رضوی، ابراهیم پورداوود، عبدالحمید فروزانی، دکتر محمد خوانساری، دکتر ذبیح‌الله صفا ،استادخانلری،دکتر مقدم و دکتر صادق کیا کسب فیض کرد و از اساتید دوران تحصیل وی در دانشگاه لندن، می‌توان از: جی.دی.اوگانور، ا.سی.گیمسون، آر. اچ. روبینز و هالیدی نام برد.وقایع میانسالی : یدالله ثمره در سال۱۳۴۷ به عضو یت هیأت علمی دانشگاه تهران درآمد و در سالهای ،۱۳۵۰ ۱۳۶۰ و ۱۳۶۹ به ترتیب به درجه استادیار، دانشیار و استاد نایل گشت. یکی از زمینه های مورد علاقه ثمره آموزش زبان فارسی به

خارجیان است و در این زمینه هم خیلی کار کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغلی که ید الله ثمره به عهده داشته اند عبارتند از : کارشناس برنامه ریزی آموزشی دروزارت علوم و آموزش عالی ریاست انجمن زبانشناسی ایران عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۷ استادیار، دانشیار و استاد دانشگاه تهران طی سالهای ۱۳۶۹ - ۱۳۵۰ مدیر گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران طی سالهای ۷۵ - ۱۳۷۰ مدیر پژوهشگاه گویش شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی طی سالهای ۵۴ - ۱۳۵۱ مدیر گروه علوم انسانی انستیتو علوم بیمارستانی طی سالهای ۵۷ - ۱۳۵۲ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی عضو دائمی انجمن آواشناسی بین المللی IPA همکاری با موسسات و مراکزی تحقیقاتی : فرهنگستان دوم بمدت ۴ سال ،مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف بمدت یک سال ، موسسه دانش پژوهش ایران بمدت یک سال،وزارت جهاد کشاورزی مرکز تحقیقات روستاییبمدت سه سال،وزارت آموزش و پرورش دفتر تهیه و تدوین کتب درسی و آموزشی بمدت سه سال ،بنیاد ایرانشناسی بمدت یک سال ،فرهنگستان زبان و ادب فارسی بمدت هشت سالفعالیتهای آموزشی : ید الله ثمره بعنوان دبیر دبیرستانهای ایران ازسال ۱۳۲۹تا ۱۳۴۲ فعالیت داشته است و بعنوان استاد یار، تدریس در دانشگاههای تهران ،تربیت معلم ، امام خمینی قزوین و انستیتو علوم بیمارستانی تهران ازسال ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ را عهده دار بوده اند. وی همچنین درسال ۱۳۷۷ بعنوان استاد در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه لندن به تدریس زبان شناسی اشتغال داشته است .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یدالله ثمره یکی از مؤسسین اصلی آزمایشگاه زبان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یدالله ثمره در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ، سومین و چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی ، سمینارزبانشناسی ، سمینار جهانی ISO و همایش ایرانشناسی بنیاد ایرانشناسی شرکت کرده است . همچنین با فرهنگستان علوم بخش گردآوری گویشهای ایران، از سال ۱۳۵۰تا۱۳۵۴ و در مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف و درموسسه توسعه دانش و پژوهش ایران و دروزارت جهاد کشاورزی، مرکزتحقیقات روستایی، در وزارت آموزش و پرورش، دفتر تهیه و تدوین کتب درسی وآموزش فارسی به خارجیان،نیز فرهنگستان زبان وادب فارسی فعالیت داشته است .شاگردان : یدالله ثمره در باره دانش آموختگان و دانشجویان تحت تعلیم خود چنین می گوید: «الآن ۹۰درصد افرادی که در دانشگاههای مختلف زبان شناسی درس می دهند، یا پرورش یافتگان داخل هستند یا لااقل فوق لیسانس خود را در اینجا گرفته اند و برای گرفتن دکترا به خارج رفته اند. مثلاً دکتر سیمین کریمی فوق لیسانس خود را همین جا گرفت. دکترایش را همین جا تا حد رساله گرفت و بعد رفت خارج و رساله اش را در آنجا نوشت و دکترایش را از آنجا گرفت و حالا هم در دانشگاههای آمریکا درس می دهد.» و البته شاگردان دیگری چون دکتر حسن پوراقدم که مشغول تدریس در آمریکاست، یا چند نفر دیگر از دانشجویانش که حالا در دانشگاههای انگلیس تدریس می کنند ثمره سالها تلاش و کوشش یدالله ثمره می باشد.همفکران فرد : یدالله ثمره با دکتر باطنی و دکتر میلانیان همفکری نزدیکی دارد.آرا و گرایشهای خاص : یدالله ثمره درباره زبان شناسی می گوید: «زبان شناسی از ابتدای پیدایش تا امروز در مسیر رشد بوده است. زبان شناسی فارسی در مسیر تکامل بوده است. به طور کلی اولین هدف زبان شناسی در ایران این بودکه به زبان فارسی و زبان شناسی زبان فارسی خدمت کند. در این راهکارهای زیادی صورت گرفته و مقالات و کتابهای نسبتاً قابل توجهی نوشته شده است.» جوائز و نشانها : - دریافت لوح تقدیر از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترجمه کتاب " زبانهای خاموش "در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران - تندیس سخن ،دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۸۳ - مدال زرین دانشگاه تهران-تهران در سال ۱۳۸۵ بمناسبت تجلیل و قدردانی از خدمات علمی.چگونگی عرضه آثار : از یداله ثمره تعداد زیادی مقالهٔ تحقیقی و فرهنگی و زبان‌شناسی در نشریات مختلف مانند: نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات، نشریه کنگره ایران‌شناسی، مجله وحید، مجله رودکی و غیره به چاپ رسیده است. - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی :۱۷ مقاله - شرکت در مجامع علمی : ۷ مورد آثار : ۱ A Course In Colloquial Farsi ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران،۱۹۷۷۲ The Arrangement Of Segmental PhinemesIn Farsi ویژگی اثر :

انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۵۷۷۳ The verb system In Zeynabadi Dari ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال۱۳۵۷ به چاپ رسیده است۴ آرایش واکه ای واژه های ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده است۵ آموزش زبان فارسی ویژگی اثر : آزفا ۱ ،وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال ۱۳۶۶ . این کتاب یک دوره ۵ جلدی است که به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده و تاکنون به ۱۶ زبان ترجمه شده است۶ آموزش زبان فارسی ویژگی اثر : آزفا ، وزارت و فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال ۱۳۶۷۷ آموزش زبان فارسی ویژگی اثر : این کتاب درآزفا و تحت وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی درسالهای ۶۹ـ ۱۳۶۷به چاپ رسیده است.۸ آواشناسی زبان فارسی ،آواها و ساخت آوائی هجا ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی، سال۱۳۶۴۹ پاره ای ویژگیهای دستوری دری ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است ۱۰ تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاـردشت ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیا ت دانشگاه تهرا ن در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسیده است ۱۱ تحلیل سبکی حافظ و معرفی غزلی تازه منسوب به او ویژگی اثر : این مقاله درچهارمین کنگره تحقیقات ایرانی درسال۱۳۵۴ به چاپ رسیده است۱۲ تحلیلی بررده شناسی زبان ، ویژگیهای رده شناختی زبان فارسی ویژگی اثر : این مقاله در مجله زبان شناسی درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است۱۳ تهیه و تدوین بخشی ازحرف «ه»لغت نامه دهخدا ویژگی اثر : مجلدات ۷۵تا ۱۰۴۱۴ دریای خلیج فارس درصوره الارض ابن حوقل ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دردانشگاه تهران درسال۱۳۶۸ به چاپ رسیده است۱۵ دریچه ای به زبان فارسی ویژگی اثر : انتشارات المهدی، سال ۱۳۷۳۱۶ راهنمای تدریس زبان فارسی ویژگی اثر : این کتاب درآزفا و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است.(این کتاب تاکنون به زبانهای فرانسه، آلمانی، روسی، اسپانیایی، ترکی استانبولی، هندی و... ترجمه شده است)۱۷ راهنمای زبان فارسی ویژگی اثر : انتشارات المهدی ، سال ۱۳۷۴–این دو کتاب که برای دانشگاههای قزاقستان ،تاجیکستان و ازبکستان نوشته شده توسط مرحوم پروفسور رستم اوف به زبان قزاقی و خط سیریلیک برگزیده شده است.۱۸ زبانهای خاموش ویژگی اثر : ترجمه، باهمکاری دکتر بدر الزمان قریب ، پژوهشگاه علوم انسانی ، سال ۱۳۶۵– این کتاب، برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۶۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد ،۱۹ ساختمان فونولوژیکی درفارسی ویژگی اثر : این مقاله در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه تهران درسال۱۳۵۰ چاپ شده است ۲۰ ساختمان واجی «وند » درفارسی ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است ۲۱ شناخت نظام‌آوایی زبان ویژگی اثر : (ترجمه)، فرهنگ معاصر. (زیر چاپ) .۲۲ طرح آوایی واژه هایی دو هجایی درفارسی ویژگی اثر : این مقاله درسومین کنگره تحقیقات ایرانی دربنیاد فرهنگ ایران درسال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است۲۳ طرح حرف نویسی و واج نویسی زبان فارسی ویژگی اثر : این مقاله در سمینار جهانی (Internation Standadization Organization)درلندن در آوریل ۱۹۹۷ به چاپ رسیده است۲۴ نظام آوایی زبان ویژگی اثر : نظریه و تحلیل ، فرهنگ معاصر ، سال ۱۳۶۸۲۵ همکاری در تهیه و تدوین فرهنگ فارسی ویژگی اثر : این کتاب تالیف محمدمعین است .

جابری انصاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا علی مستوفی بن محمود.

فاضل ارجمند گرامی، ادیب مؤرخ شاعر، از مشاهیر فضلا و دانشمندان اصفهان، و از خاندان علمی و ادبی، در ۱۸ رجب ۱۲۸۷ در

شیراز متولّد شده، و در ۵ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۶ در اصفهان وفات یافته، در ایوان داخلی بقعه بابا رکن الدین مدفون گردید. در اصفهان خدمت جمعی از افاضل همچون: میرزا محمّد حسن نجفی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی تلمّذ فرموده، و در این بین به تألیف و تصنیف اشتغال جسته، کتب زیادی تألیف نموده، و اغلب آنها را به طبع رسانیده است.

اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- آثار الحسان، در بدایع اشعار نسوان ۲- اوصاف المستحسنه ۳- آگهی شهان از کار جهان، ۴ مجلّد ۴- آفتاب درخشنده ۵- اسرار الانصار ۶- اسرار تاریخی قاجاریه ۷- بدایع و نوادر ۸- تاریخ اصفهان، مختصر ۹- تاریخ اصفهان و ری ۱۰- تفسیر حسن، تفسیر قرآن مجید ۱۱- تهذیب الاخلاق ۱۲- ترجمه وفیات الاعیان ابن خلّکان که به دستور ظل السلطان انجام داده ۱۳- ترجمه فقه ابوحنیفه ۱۴- تسهیل وصّاف ۱۵- دیوان اشعار ۱۶- رساله در حقیقت معراج ۱۷- صعود المسعود ۱۸- عشق حقیقی و مجازی، منظومه فارسی ۱۹- گزارش شرح حال سعدی و حافظ ۲۰- گنجینهٔ الاسرار ۲۱- گوهر شب چراغ، جلد اوّل آن مطبوع ۲۲- لئالی السمط فی معالی النبی و السبط ۲۳- منشآت ۲۴- نوش دارو، در اخلاق ۲۵- نور الثقلین، در مناقب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛ و رسائل عدیده دیگر از مطبوع و غیر مطبوع، حدود سیزده مجلّد.

مرحوم انصاری در کتب خویش به نام جمعی از مشاهیر خاندان خویش که در اصفهان ساکن بوده‌اند اشاره می‌کند. ذیلاً نام آنها در این کتاب جهت تتمیم مطلب تذکّر داده می‌شود:

۱- خواجه کمال ابوالفتح جابری فرزند خواجه جلال الدوله، معاصر شاه اسماعیل و مشرف خزانه سلطنتی.

۲- میرزا باقر فرزند میرزا محمّد علی کلانتر اصفهان، و واقف خانه‌ها و املاکی در اصفهان.

۳- رئیس برگه، با فضایل متوافر، و از زمره اخیار و صاحبان خیرات بوده.

۴- جلال الدین. از وزرای تراکمه و از اسخیای معروف بوده، معاصر سلطان الوند بهادر.

۵- میرزا حسین جابری، کلانتر و حکمران اصفهان در عهد نادر شاه، و مقتول به امر او.

۶- میرزا داود، در دستگاه سلاطین صفویّه بوده، شاعر و ادیب و بانی تکیه حاج میرزا داود در جویباره است.

۷- ربیع الدین، معاصر با نادر شاه و فرزند رفیع الدین.

۸- رفیع الدین ابن مهدی مستوفی الممالک ایران.

۹- میرزا سلمان اعتماد الدوله بن علی، ادیب و نویسنده و شاعر معصر شاه طهماسب صفوی.

۱۰- میرزا عبداللّه فرزند میرزا سلمان، ادیب و شاعر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۶ ق)، فقیه و ادیب شافعی. وی از فضلای شاگردان قاضی بیضاوی و از داناترین دانشمندان تبریز بود و اوقات خود را بیشتر به تدریس و تالیف در زمینه علوم عقلی و نقلی صرف می‌کرد. بین جاربردی و قاضی عضدی ایجی مشاجرات بسیاری در علوم بود. وی در تبریز درگذشت. از تالیفات او: «الحواشی علی الکشاف» زمخشری؛ شرح «المنهاج» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح المفصل» ابن حاجب، در نحو؛ «شرح اصول البزدوی»؛ «شرح الحاوی الصغیر» قزوینی، و فروع فقه شافعی؛ «شرح الشافیه»، ابن‌حاجب، در صرف؛

«شرح الهدایه للمرغینانی» در فروع حنفیه؛ «المغنی»، در نحو.[۱]

(منسوب به جاربرد) ابوالمکارم فخرالدین احمد ابن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم (ف. تبریز ۷۴۶ ه.ق.) وی پیوسته موظبت بر تحصیل علوم می‌کرد و به افاده طالبان علم ممارست داشت.

او ساکن تبریز بود و در همانجا درگذشت. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدنی ایجی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات بسیار دارد از جمله: شرح شافیه ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشاف. المغنی که رساله‌ایست در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۰۷/۱)، حبیب السیر (۲۳۲/۳)، روضات الجنات (۳۴۷ -۳۴۵ /۱)، ریحانه (۳۸۰/۱)، کشف الظنون (۶۲۶، ۱۰۲۱، ۱۴۷۸، ۱۸۷۹، ۲۰۳۶، ۲۲۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (۱۳۷/۲)، معجم المولفین (۱۹۹ -۱۹۸ /۱)، هدیه العارفین (۱۰۸/۱).

جامی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عین علی فروشانی. عالم فاضل، ادیب کامل، و شاعر متبحر، از اعقاب شیخ حر عاملی، در سال ۱۲۲۰ در قریه‌ی فروشان وفات یافته.

وی را منظومه‌ای است نظیر «حمله‌ی حیدری»، مشتمل بر احوالات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بحر تقارب، قریب بیست و پنج هزار بیت. [به نام جام گیتی نما]

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جامی، معین‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۳ ق)، شاعر و ادیب. نسبش به پنج پشت به شیخ‌الاسلام احمد جامی و از طرف مادر به ملك شمس‌الدین ابوبکر کرت، از پادشاهان آل کرت می‌رسد. خواجه معین‌الدین خود از بزرگان خراسان به شمار می‌رفت. وی در جام درگذشت و در مقبره‌ی نیایش شیخ احمد جام به خاك سپرده شد. وی از ادبا و شعرای نامی زمان خود بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۹).

جاوید کبیری، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق کتابداری.

تولد: ۱۳۲۳، مشهد.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۴، مشهد.

غلامحسین جاوید کبیری در سال ۱۳۵۱ موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد گردید و در ادامه‌ی آن به اخذ درجه‌ی فوق لیسانس کتابداری از دانشگاه تهران نایل آمد. سوابق خدمت حرفه‌ای او با شروع فهرست‌نویسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه صنعتی (آریا مهر سابق)؛ از سال ۱۳۵۱ الی ۱۳۵۴، آغاز شد. سپس به سمت سرپرست کتابخانه‌ی مرکز تحقیقات هسته‌ای سازمان انرژی ایران (۱۳۶۱ -۱۳۵۴) منصوب گردید.

در سال ۱۳۶۳ به سمت ریاست کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب شد. با کوشش و فعالیت‌های وی و دیگر همکارانش نظام فهرست‌نویسی متمرکز در کتابخانه‌های دانشگاه مشهد به اجرا درآمد. و از آن پس سازماندهی و آماده‌سازی کل مجموعه کتب فارسی، عربی و لاتین کتابخانه‌های دانشگاه مشهد در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز استناد انجام گرفت. از دیگر فعالیت‌های پژوهشی او تدوین طرح فهرستگان کتاب‌های فهرست شده در دانشگاه مهشد بود که با سرپرستی و نظارت وی و کوشش همکارانش اولین جلد آن در سال ۱۳۶۲ منتشر شد. سپس دو جلد دیگر نیز به زیور طبع آراسته شد.

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های آموزشی ایشان به عنوان مدرس و سپس مربی گروه کتابداری آغاز شد و تا پایان عمر به انجام خدمات آموزشی اشتغال داشت.

از غلامحسین جاوید کبیری آثاری بر جای مانده است: طرح تشکیلات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه مشهد (مشهد، ۱۳۶۲)؛ طرح پیشنهادی برای ایجاد مرکز سفارش و تهیه‌ی مدارک (کتب و مجلات) (با همکاری حسن جاویدی و رحمت‌الله فتاحی، مشهد، ۱۳۶۲)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد ده ساله ۱۳۶۲ -۱۳۵۲) (با همکاری محمد جوان خندان، محمدعلی خاکساری، محمدرضا شالچیان، ملیحه ناظم، نقیب نقوی، مشهد، ۱۳۶۲)؛ نظارت بر بررسی اجمالی مسائل کتابخانه‌های دانشگاه مشهد (گروه تحقیق: حسن جاویدی، رحمت‌الله فتاحی، مهری پریرخ، مشهد، ۱۳۶۳)؛ پیرامون نقش آموزشی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد (با همکاری رحمت‌الله فتاحی، مشهد، ۱۳۶۳)؛ فهرست توصیفی انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد از بدو تأسیس تا مهر ۱۳۶۲ (با همکاری محمدعلی خاکساری و رحمت‌الله فتاحی، ۱۳۶۴)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد دو ساله ۱۳۶۴ -۱۳۶۲) (با همکاری حسن جاویدی، محمدعلی خاکساری، رحمت‌الله فتاحی، عاطفه عطرچی و ملیحه ناظم، ۱۳۵۶)؛ نظارت بر تحقیق کتاب فهرست پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، جلد اول (مشهد، ۱۳۶۷)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد سه ساله ۱۳۶۷ -۱۳۶۴) (با همکاری رحمت‌الله فتاحی، محمدعلی خاکساری، حسن جاویدی، ملیحه ناظم و محمد بنکدار، مشهد، ۱۳۶۹).

غلامحسین جاوید کبیری به سبب حمله‌ی قلبی در سوم آبان ۱۳۴۷ دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جاویدان، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۲.

درگذشت: ۱۳۷۰.

از آثار اوست: بررسی زبان، مبحثی در زبان‌شناسی همگانی (جورج یول، مترجمان اسماعیل جاویدان و حسین وثوق، تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جاویدی صباغیان، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جبان اصفهانی، ابومنصور محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۱۶ ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی در ری به دنیا آمد و در اصفهان ساکن شد و به بغداد سفر کرد. جبان از ندیمان صاحب بن عباد و اصحاب ابوعلی فارسی نحوی بود. از جمله آثار وی: «انتهاز الفرص فی تفسیر المقلوب من کلام العرب»؛ «ابنیه الافعال»؛ «الشامل فی اللغه»؛ «شرح الفصیح»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۸۵ –۲۸۴ /۵)، کشف الظنون (۱۳۳)، معجم الادباء (۲۶۲ –۲۶۰ /۱۸)، معجم المولفین (۳۱ –۳۰ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۸۰/۴).

جبلی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالواسع، بدیع‌الزمان بن عبدالجامع بن عمران بن ربیع غرجستانی، شاعر ایرانی(ف. ۵۵۵ ه.ق.) از خاندانی علوی در غرجستان ولادت یافت، و در علوم زمان مخصوصا علوم ادبی کسب کمال کرد، و در شاعری ممتاز شد. سپس به مدح شاهنشاه عصر از غوریان و سلجوقیان و غزنویان پرداخت. از ممدوحان وی طغرل تکین بن محمد است که در ۴۹۰ ه.ق. بر خوارزم استیلا- یافت.

دیگر بهرام شاه بن مسعود غزنوی است که عبدالواسع در آغاز شهرت خود چهار سال در دستگاه او به سر می‌برد، و چون بهرام شاه از سنجر استمداد کرد و سنجر به یاری او در ۵۱۰ به غزنین لشکر کشید، عبدالواسع به خدمت او پیوست و چندی در درگه او اقامت داشت و مورد علاقه سلطان بود. شعر او به لهجه عمومی زمان- که تا آنگاه با زبان عربی آمیزش بیشتری یافته بود- نزدیک شد. وی به کلام آراسته مصنوع و پیرایه‌های لفظی و زیورهای معنوی توجه بسیار داشته. جبلی در شعر عربی هم دست داشت. دیوان او در تهران به طبع رسید.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

جداری عیوضی، رشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رشید جداری عیوضی در سال ۱۳۰۷ در تبریز متولد شد.ایشان دارای دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران (در سال ۱۳۴۶) می باشد.وی فعالیتهای آموزشی خود را در سال ۱۳۴۰ با رتب ?مربی در دانشگاه تبریز آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ به سمت استادی منصوب شد. کتاب"دیوان حافظ "تصحیح،رشید جداری عیوضی ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال بر گزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رشید جداری عیوضی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز گذراند و در سال ۱۳۳۳ از دانشگاه تبریز لیسانس زبان و ادبیات فارسی اخذ کرد. در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۶ موفق به دریافت فوق لیسانس و دکترای خود از دانشگاه تهران گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رشید جداری عیوضی فعالیتهای آموزشی خود را در سال ۱۳۴۰ با رتب ?مربی در دانشگاه تبریز آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ به سمت استادی منصوب شد.

جوائز و نشانها : کتاب"دیوان حافظ "تصحیح،رشید جداری عیوضی ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال بر گزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : دکتر عیوضی علاوه بر مقالات متعددی که در نشریات و کنگره های علمی ارائه داده، آثار دیگری به رشته تحریر در آورده است. ---

-----

آثار :

۱ تصحیح دیوان پیام تبریزی

ویژگی اثر : مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۱

۲ تصحیح دیوان حافظ براساس سه نسخ ?کامل کهن

ویژگی اثر : تصحیح،با همکاری دکتر اکبر بهروز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «دیوان حافظ»

دیوان حافظ/ تدوین و تصحیح رشید عیوضی –. تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۶.- ۲ ج. این نکته مورد اتفاق است که اشعار حافظ در زمان حیات وی تدوین نشده و علاقه جامعان دیوان به تکمیل باعث شده است که حتی در کهن¬ترین نسخه کامل شناخته شده موجود نیز که فقط بیست و یک سال پس از وفات خواجه تدوین شده است اشعاری راه یابد که انتساب قطعی آنها به خواجه دشوار می نماید. همچنین محققان اتفاق نظر دارند در این که غالب اختلاف ضبط ها ناشی از بررسی مداوم حافظ در اشعار خود و تهذیب و تنقیح آنها بوده است و معلوم نیست ضبط کدام غزل در کدام نسخه کهن مطابق با آخرین نظر حافظ باشد. بنابراین در تدوین و تصحیح دیوان باید روشی اختیار شود که مصحح را به سرمنزل مقصود یعنی تهیه نسخه¬ای کمال مطلوب، نزدیکتر گرداند و حصول این نیت جز با اتکا به «منابع قابل اعتماد» و «اعمال روشی دقیق و احتیاط آمیز در تدوین و تهیه متن» امکان پذیر نخواهد بود. هم اکنون هشت نسخ ?کامل و دو نسخ ?ناقص و دو منتخب در دست است که در فاصل ?زمانی ۱۵ تا ۳۵ سال بعد از وفات خواجه نوشته شده اند و این «گنجینه عظیم» منابع قابل اعتمادی است که نیل به نسخ ?نهایی دیوان حافظ را نوید می دهد. مصحح محترم از میان نسخ مورد اشاره، هشت نسخ ?کامل را برای تهیه نسخ ?حاضر کافی تشخیص داده است. تاریخ استنساخ این هشت نسخه از ۸۱۳ تا ۸۲۷ هجری قمری است، یعنی در فاصله زمانی ۲۱ تا ۳۵ سال پس از درگذشت حافظ، و فعلاً این هشت نسخه را می توان کاملترین، کهن ترین و قابل اعتمادترین منابع اشعار حافظ دانست. کتاب دیوان حافظ تصحیح دکتر رشید عیوضی در دو جلد تدوین شده است. در جلد اول مصحح در مقدمه ای شیوه کار خود را تشریح کرده و در ادامه، متن کامل دیوان را – به ترتیب از غزلیات، قصاید، مثنویات، ترکیب¬بند، قطعات و فردیات و رباعیات – آورده است. جلد دوم کتاب، بخشی به ذکر نسخه بدلها اختصاص یافته و بخشی دیگر نیز شامل یادداشتهای مصحح می شود. --

----

منابع :

۱www.ketabesal.ir

جذبی اصفهانی، هبهٔالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۷۴.

درگذشت: ۱۳۶۴.

رساله در باب ولایت و راه هدایت (تألیف، ۱۳۷۲)؛ کتاب توضیح شرح فارسی بر کلمات قصار بابا طاهر عریان تألیف ملا سلطانمحمد سلطانعلی‌شاه گنابادی (تهران، ۱۳۴۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جراح زاده، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منوچهر جراح زاده ، شاعر و نویسنده معاصر ،در سال ۱۳۱۲ در بندر انزلی بدنیا آمد.وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود،شعر می گفت و داستان می نوشت و به طنز می پرداخت.ایشان در روز شنبه ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۲ در تهران درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

زمان و علت فوت : منوچهر جراح زاده ، شاعر و نویسنده معاصر ، روز شنبه ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۲ در تهران درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر جراح زاده بازنشسته بانک بود و " موج سازان "عنوان کتابی است در عرصه شغلی وی که در آن مروری دارد بر عملیات بانکی .تلاشهای دیگرش در این زمینه،وی را شایسته دریافت عنوان نیروی باشزنسته فعال در عرصه بانکداری در سال ۱۳۸۰ کرد..وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود،شعر می گفت،داستان می نوشت و به طنز می پرداخت.با تبلیغات هم میانه خوبی داشت. متن تبلیغاتی برای مبلغان تلویزیونی تدارک می دید.

چگونگی عرضه آثار : مرحوم منوچهر حراج زاده هنگامی که نفس در سینه اش حبس شد و از منزل بر دوش یاران،دوستان و خویشان شعر سکوت و سکون را سرود و طنز زندگی را با قصه مرگ در آمیخت،یک دو جین تالیف از خود میراث ماندگار کرده بود. عنوان های همچون قلندرفدریا،هردمبیل،انزل چی و میم وجیم برخی امضاءهای جراح زاده پای اثار طنز وی در مطبوعات بوده اند. ---

آثار :

۱ بر بافت های خون

ویژگی اثر : مجمعه شعر انقلاب

۲ بوسه بر آتش

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۳ تلاوت فواره ها

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۴ توفان در فنجان

ویژگی اثر : مجموعه طنز

۵ چلچله های جزیره

ویژگی اثر : داستان بلند

۶ خانه های شنی

ویژگی اثر : داستان کودکان

۷ خواب های قایقی

ویژگی اثر : داستان پیرامون فصاحت سلمان رشدی

۸ زنده های بی مزار

ویژگی اثر : مجموعه شعر طنز

۹ گیل آواز

ویژگی اثر : دو بیتی های تمثیلی

۱۰ نیمکت سنگی

ویژگی اثر : داستان جنگ

۱۱ یابو و هیاهو

ویژگی اثر : مجموعه داستان

۱۲ یک اسمان شعر

ویژگی اثر : پیرامون شعر

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۶ /۳۶۲ -۲۹۰ ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که ثعالبی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن‌مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن‌خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاة ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطة بین المتنبّی و خُصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفة التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالة»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۴ /۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴ -۳۵۵ /۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۷۳ -۲۷۱ /۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۴۶ /۷)، ریحانه (۴۰۲ /۱)، سیر النبلاء (۲۱ -۱۹ /۱۷)، الکامل (۸۸ /۷)، کشف الظنون (۱۴۷۱، ۷۸۲)، الکنی والالقاب (۱۴۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۱۲۳ /۷)، معجم الادباء (۳۵ -۱۴ /۱۴)، هدیة العارفین (۶۸۴ /۱)، وفیات الاعیان (۲۸۱ -۲۷۸ /۳).

جرجانی، ابوبکر عبدالقاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۷۴/۴۷۱ ق)، ادیب، نحوی و لغوی شافعی. از پیشوایان نحو و ادبیات عرب و از مشاهیر علمای اعیان و بنیانگذار علم معانی و بیان بود. در جرجان متولد شد و نحو را در جرجان نزد ابوالحسین محمد بن حسن ابن اخت استاد ابوعلی فارسی، فراگرفت. وی اشعار نغز و طرفه هم می‌گفته، عبدالقاهر در جرجان درگذشت. از آثار وی: «اسرار البلاغه»؛ «دلایل الاعجاز»؛ «الجمل»؛ «التتمه»؛ «المغنی فی شرح الایضاح»؛ «المقتصد»؛ «اعجاز القرآن صغیر»؛ «العمده فی تصریف الافعال»؛ «العوامل المئه»؛ «المفتاح فی شرح الصحاح»؛ «اعجاز القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۴/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۵/۱)، دایره المعارف فارسی (۷۳۴/۱)، روضات الجنات (۸۹ -۸۵ /۵)، ریحانه (۴۰۱/۱)، سیرالنبلاء (۴۳۳ -۴۳۲ /۱)، کشف الظنون (۱۷۶۹، ۱۱۷۹، ۱۱۶۹، ۷۵۹، ۶۰۲، ۴۵۴، ۴۵۳، ۲۱۲، ۱۲۰، ۸۳)، الکنی و الالقاب (۱۴۵ -۱۴۳ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقاهر)، معجم المولفین (۳۱۰/۵)، هدیه العارفین (۶۰۶/۱).

جرجانی، جمال‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۹ ق)، دانشمند، فقیه، متکلم، ادیب و محدث امامی. وی در استرآباد به دنیا آمد و مقدمات علوم را در این شهر فراگرفت، سپس به هرات رفت و نزد ملاحسن حسابی به تحصیل علوم دینی پرداخت و شرح «اللوامع» و کتابهای دیگری را در محضر درس او فراگرفت. وی چندی به وزارت رسید، گویا با امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی مجادله و درگیری داشت، گویند وی با محقق کرکی مجالست و موانست داشت و از محقق کرکی «شرح قوشچی» را آموخت. از جمله آثار وی، شرح «تهذیب الاصول» علامه می‌باشد که در ۹۲۹ ق از تالیف آن فراغت یافت. این شرح در میان اصولیان شیعه بسیار معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۶/۱۳)، روضات الجنات (۲۱۱/۲)، فوائد الرضویه (۸۴).

جرجانی، شمس‌الدین، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، ادیب نحوی، متکلم و نویسنده. ملقب به میر سید شمس‌الدین و معروف به ابن شریف. در شیراز متولد شد. وی پس از تحصیل دانش، برخلاف مذهب پدر، تشیع اختیار کرد. شمس‌الدین ادیب و حکیمی زبده بود و آثار بسیاری تالیف و تصنیف کرد، از جمله: شرح «هدایه الحکمه» ابهری؛ شرح «ارشاد الهادی» تفتازانی، در نحو؛ شرح «الفوائد الغیاثیه»، «غره» و «دره» در منطق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۰/۷)، الذریعه (۱۷۵/۱۴، ۸۱/۱۳، ۷۷/۷)، ریحانه (۲۴۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ جرجانی)، مجالس المومنین (۲۲۱ -۲۲۰ /۲)، هدیه العارفین ۱۸۹/۲).

جرموقی خراسانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۷۹ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. به جرموق از روستاهای خراسان انتساب دارد. وی از علمای بزرگ کاظمین به حساب می‌آید. او در علوم عربیت و در فنون عقلی و در قواعد فقهی و اصولی ماهر بود. سید محمدمهدی صاحب «احسن الودیعه»

از شاگردان جرموقی است. در کاظمین درگذشت و طی تشییع باشکوهی در نجف دفن شد. از آثار وی: شرح «کفایه الاصول»، در فقه؛ رساله‌ای در «متنجّس»؛ «الاسئله الکاظمیه»؛ «دیوان» شعر؛ حواشی غیر مدون بر کتب علمیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵/۸)، الذریعه (۱۸۸/۶، ۹۱ -۹۰ /۲)، علماء معاصرین (۱۲۶ -۱۲۵).

جزایری شوشتری، عبداللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، ادیب، محدث، مورخ و فقیه شیعی. یکسر مذهب اخباری داشت و منکر طریقه‌ی اجتهاد بود. وی از مشایخ اجازه‌ی روایت سید نصراللّه مدرس بود و خودش نیز از پدرش و سید امیر محمدحسین خاتون آبادی روایت می‌کرد. از آثار وی: «الاجازهٔ الکبیرهٔ»؛ «اجوبهٔ مسائل السید علی نهاوندی»؛ «الانوار الجلیهٔ»؛ «التذکرهٔ فی التاریخ تستر»؛ «تاریخ شوشتر»؛ «حاشیه ریاض السالکین»؛ «حاشیه نقد الرجال»؛ «شرح مفاتیح الحکام»، ملا محسن فیض؛ «شرح نخبه‌ی» فیض؛ «الذخیرهٔ الباقیهٔ»؛ «الحاشیهٔ علی اربعین البهایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۷/۸)، الذریعه (۳۸۲ -۳۸۱ /۲۱، ۲۵۴/۲۰، ۱۰۲/۱۴، ۱۵/۱۰، ۸۴۲، ۶۹۴ /۹، ۲۵، ۱۳/۶، ۸۹/۴، ۲۴۵ - ۲۴۳ /۳، ۴۲۴، ۴۲۳- /۲)، روضات الجنات (۳۷۲، ۲۵۳ -۲۴۹ /۴)، ریحانه (۱۱۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۷۱۶ -۷۱۵)، فوائد الرضویه (۲۵۷ -۲۵۶)، الکنی والالقاب (۳۳۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جزایری)، معجم المؤلفین (۱۶۰/۶).

جزایری شوشتری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۹۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. جد بزرگش محمدجعفر از شوشتر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو سکنی گزید. سید محمدعلی نیز در آنجا به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. در سال ۱۳۲۵ ق رهسپار عتبات عراق شد و در نجف نزد استادانی چون آخوند خراسانی، آقا سید محمدکاظم یزدی، آقا ضیاءالدین عراقی تحصیل کرد. پس از شش سال به زادگاهش بازگشت و در بنیاد علمی شعبه‌ی عربی کالج به تدریس پرداخت و شاگردانی چون سید علینقی نقوی، میرزا یوسف حسین، شیخ محمدبشیر انصاری و سید ثمرحسن را می‌توان نام برد. در سال ۱۳۵۵ ق به عراق رفت با شیخ آقابزرگ تهرانی دیدار کرد. وی در شعر دست توانایی داشت و به سه زبان فارسی و عربی و اردو شعر می‌سرود. از جمله آثار وی: «الافادات المحمدیه»؛ «تخمیس قصیده‌ی علویه» به عربی که سروده‌ی پدرش بود؛ شرح «یوان امریء القیس»، به اردو؛ شرح «رنات الطرب فی قصائد العرب»، به اردو؛ «مزاعم العرب فی الجاهلیهٔ»؛ «دیوان» شعر به عربی؛ «ضبط الغریب من لغهٔ العرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۴/۱۵، ۲۹۲، ۱۶۵ /۱۳، ۲۵۴/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۲ -۱۴۶۰ /۱۴)، مستدرکات اعیان (۲۹۸/۲، ۱۸۸/۱).

جزایری شوشتری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم، ادیب و نویسنده‌ی امامی. از جمله آثار وی: «خصایص الزینبیه»، در شرح حال زینب کبری (ع)، به فارسی است و عالمان بزرگی چون آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و حاج میرزا حسین شهرستانی و شیخ العراقین در تقریظات خود از آن ستایش کرده‌اند. این کتاب در سال ۱۳۴۱ ق در نجف به چاپ رسیده است. این اثر به اردو نیز ترجمه و چاپ شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۷/۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۸ -۶۴۷ /۶).

جعفرپور، عبدالجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اهواز در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲ و دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه جرج تاون آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار زبان‌شناسی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۶ و دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و بررسی تحلیلی و تطبیقی روش و محتوای کتابهای زبان انگلیسی مدارس، بررسی ارزشیابی توان صحبت کردن و درجه اعتبار نمرات آزمون‌گران و تهیه فرهنگ بسامدی و دستور ساختار توصیفی زبان فارسی نوشتاری معاصر با استفاده از کامپیوتر، تدریس دروس زبان انگلیسی، آزمون، روش تدریس مسائل زبان‌شناسی، ارزشیابی، مقدمه زبان‌شناسی، دستور پیشرفته، گفت و شنود، درک مطلب و فنون یادگیری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

تهیه مجموعه آموزشی فارسی به دیگر زبانان

A basic Course in Reading English for University students, A Course

in testing English as foreign language readings,
pronunciation exercises and writing exercisis.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

نقدی بر یکی از آزمونهای انگلیسی امتحانات نهائی وزارت آموزش و پرورش، دیکته چیست و چه می‌سنجد؟ و مقالاتی چند به زبان انگلیسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جعفری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جعفری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۹قم دوره ابتدایی: دبستان فیض و شاهد نور علم قم دوره راهنمایی: مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان)

دوره دبیرستان (رشته ریاضی فیزیک): مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان) ورود به حوزه علمیه قم: ۱۳۷۴ (پس از اشتغال به دروس حوزوی، ادامه دبیرستان را به صورت داوطلب آزاد امتحان دادم و در سال ۱۳۷۷ دیپلم ریاضی گرفتم)

اتمام کتبی و شفاهی پایه ۱۰حوزه علمیه درسال ۱۳۸۱

اساتید سطح حوزه: استاد حسینی عاملی و حسینی خراسانی(ادبیات عرب)- استاد ناصری، استاد مدنی و استاد مسعودی(شرح لمعه)- استاد سلیمانی و استاد محمدی پور(اصول)- مرحوم آیت الله احمدی میانجی(مکاسب محرمه)- آیت الله استادی (رسائل)- آیت الله موسوی تهرانی (کفایه)- استاد علیدوست (مکاسب) از سال ۱۳۸۱ حضور در درس خارج آیت الله وحید خراسانی

دریافت لیسانس حقوق با احراز رتبه اول گروه از موسسه امام خمینی(ره) در سال ۱۳۸۳

اتمام دوره عالی زبان انگلیسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) در سال ۱۳۸۳ دریافت فوق لیسانس حقوق خصوصی با احراز رتبه اول گروه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ و انتخاب پایان نامه به عنوان پایان نامه برتر دانشکده

شروع به تدریس در دانشگاهها از سال ۱۳۸۵ اتمام خدمت سربازی در اردیبهشت ۱۳۸۷ اشتغال به تحصیل در دوره دکتری تخصصی (Ph.D) حقوق خصوصی در دانشگاه قم از مهر ۱۳۸۷

مدیریت گروه فقه و حقوق پژوهشکده باقرالعلوم(ع) از خرداد ۱۳۸۷

جلالی مقدم، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : مسعود جلالی مقدم در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. گرچه تحصیلات متوسطه را در رشته ریاضی به پایان برده بود، اما مجذوب مباحث دین پژوهی شد ودر رشته فلسفه و ادیان و عرفان از دانشگاه تهران دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد را گذراند. او دکترای خود را نیز در دو رشته یکی در رشته ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه تهران و معارف اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی گرفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

گرایش : ادیان، اساطیر و عرفان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ پایان تحصیلات متوسطه در رشته ریاضی ـ دریافت مدرک کارشناسی فلسفه محض از دانشگاه تهران ـ دریافت کارشناسی ارشد در رشته ادیان و عرفان ـ دریافت مدرک دکترا در رشته معارف اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی ـ دریافت مدرک دکترای ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه تهران

استادان و مربیان : از استادان مسعود جلالی مقدم میتوان به استاد فرزانه دکتر فتح الله مجتبایی اشاره کرد که وی نیز راه استاد خویش فتح الله مجتبایی را پی گرفته و در حیطه مطالعاتی اش به شناخت جامع از مقوله پژوهش ادیان دست یافته است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ مدیر بخش «ادیان، اساطیر و عرفان» دانشنامه ایران در مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی ـ مدیر گروه ادیان و عرفان (کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر ری) ـ عضو شورای علمی مرکز گفت وگوی ادیان حوزه های مطالعاتی جهت گیری اصلی ادیان جلالی مقدم در حال حاضر به نگارش مقالاتی برای دانشنامه ایران و دایر ةالمعارف بزرگ اسلامی مشغول است و به عنوان پژوهشگر با بخش ادیان مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی همکاری دارد (بخش ادیان و عرفان دانشنامه ایران از تیرماه ۱۳۷۷ کار خود را آغاز کرده و از همان ابتدا مدیریت آن بر عهده جلالی مقدم بوده است. مباحث مربوط به ادیان و اساطیر تمام جهان و عرفان اسلامی در این بخش مطرح می شود. اساس کار برترجمه از منابع معتبر و دایرهٔ المعارف های موثق خارجی است، ولی در مورد عرفان اسلامی قاعده بر تلخیص از مقالات تألیفی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی است.)

آرا و گرایشهای خاص : مسعود جلالی مقدم درباره دو موضوع دانش ادیان و گفت وگوی ادیان می گوید: «دانش ادیان و گفت وگوی ادیان هر دو به حوزه دین مربوط اند و دارای اشتراکاتی هستند، اما شیوه عملی این دو متفاوت است. گفت وگوی ادیان از همان زمان که جوامع بشری تشکیل شد و انسان ها به نوعی با هم ارتباط پیدا کردند، مطرح شد و شاید حرکت جوامع به سمت دهکده جهانی ضرورت گفت وگوی ادیان را واجب تر کرده است. مجاب کردن دیگران، تفهیم و تفهم و نزدیکی و تقرب سه هدف اصلی گفت وگوی ادیان است. در شیوه مجاب کردن دو طرف گفت وگو سعی در پیدا کردن نقاط ضعف طرف مقابل از یک طرف و از طرف دیگر اثبات حقانیت خود دارند که در عالم اسلام این شیوه گفت وگو احتجاج خوانده می شود. در شیوه تفهیم و تفاهم نیز که زمینه عملی برای گفت وگوی ادیان فراهم می آورد، دو طرف گفت وگو هدفشان این است که شناخت روشن تری نسبت به هم به دست آورند و جنبه معرفتی دارد. گفت وگو با هدف نزدیکی و تقرب جستن نیز جنبه اخلاقی دارد. وقتی دو طرف گفت وگو سعی می کنند اشتراکاتشان را پیدا کنند، همین منجر به شناخت و ارتباط نزدیک تر می شود و از اختلاف ها، دشمنی ها و کینه ها کاسته می شود.وحدت انسانیت، وحدت ایمان و وحدت حقیقت به عنوان مقدماتی است که از

طریق تحقق آن ها وحدت دینی امکان پذیر است. تا زمانی که اختلاف های ملی و فرهنگی وجود داشته باشد، سودای رسیدن به وحدت فرهنگی و ادیان نتیجه ای نخواهد داشت؛ چرا که رسیدن به تساهل و تسامح مقدمات زیادی لازم دارد. رویکردهای مختلفی در بحث های مربوط به دین وجود دارد و نخستین آن، رویکرد کلامی یا الهیاتی به دین است که تلاشی برای اثبات حقانیت یک دین است. رویکرد بعدی، رویکرد فلسفی است و زمانی که گرایش به تأیید دین دارد، دیندارانه است. رویکرد سوم، یعنی پدیدارشناسی را باید رهیافتی خاص غیر از رهیافت محض علمی در نظر گرفت. رویکرد علمی به دین نیز شامل سه بخش است: رویکرد توصیفی که شخص باید دوره تاریخی خود را توصیف کند؛ چرا که هیچ پدیده اجتماعی ای بدون تاریخ وجود ندارد، بنابراین، در اینجا بحث رویکرد تاریخی مطرح می شود و از آنجا که در این مرحله باید مقایسه و تطبیق را هم انجام دهیم، رویکرد تطبیقی یا مقایسه ای به وجود می آید. جامعه شناسی و مردم شناسی دین رویکردهای کمکی هستند. کتاب world religion dialogue برجسته ترین نمونه جدید شناخت تطبیقی ادیان به شکل گفت وگوی ساختگی است. در این شیوه ساختگی به طرح مسائل و اعتقادات آئین ها و دین های مختلف پرداخته می شود و ۶ نماینده از ۵ دین مسیحیت، اسلام، یهودی، هندو و دو نماینده از دین بودا به گفت وگو می پردازند. جلالی معتقد است دانش ادیان می تواند به شکل گفت وگوی ادیان مطرح شود و همچنین گفت وگوی ادیان می تواند معرفت دانش ادیان در بالاترین شکل باشد.

چگونگی عرضه آثار : پژوهش ها و تألیف ها و ترجمه های مسعود جلالی مقدم همه در زمینه ادیان است. در میان آثار او می توان به کتاب های آئین زروانی، تنها بازماندگان خوارج، درآمدی بر جامعه شناسی دین، آرای جامعه شناسان بزرگ دین، سه گام کیهانی و...، و همچنین ده ها مقاله در نشریه های علمی - پژوهشی معتبر اشاره کرد. جلالی در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مدخل های آسوریان، آفتاب پرستی، اباضیه، ابتریه، ابراهیم بن بن محمد، بن ابی یحیی، ابن ابی العوجاء، ابن حرزهم، ابن حوشب، ابن عاشر، ابوالعباس، ابن کرامه، ابوحاتم رازی، ، احمد، ابوالحسین بصری، ابوزکریاورجلانی، ابو قره، ابومسلمیه، اشرف جهانگیر و... را نگاشته است. یکی دیگر از آثار جلالی «درآمدی بر جامعه شناسی دین» است. امروزه جامعه شناسی دین جایگاه مهمی در مباحث دین شناسی دارد________________________________.

آثار :

۱ آئین زروانی

ویژگی اثر : چاپ گوته، - (تجدید چاپ) امیرکبیر، - کتاب «آئین زروانی» جلالی نیز به بررسی مکتب فلسفی، عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان می پردازد. این کتاب که از آثار تألیفی جلالی مقدم است در دو بخش تاریخ، اصول فلسفی و عرفانی آئین زروانی تألیف و تدوین شده است. به گفته او در این کتاب توضیحاتی به لحاظ تاریخی و فلسفی از مکتب زروانی به خوانندگان ارائه می شود و مباحثی در باره این که چرا در ایران پیش از اسلام به ثنویت توجه شد و آیا در آن دوران مسأله یگانه گرایی مطرح نبوده است و ایرانیان به سمت مبدأ واحد توجه نداشتند و ... در آن به صورت مبسوط شرح داده می شود.هدف نگارنده از تألیف این کتاب، پاسخ به همه این مجهولات و آشنا کردن خوانندگان با این مباحث بوده است. در دیباچه این کتاب آمده است: «با این فلسفه و تأثیر دیرپایی که مکتب زروانی داشته غفلت ایرانیان از آن شاید قابل توجیه نباشد. اکنون در دانشگاه های ما که فلسفه دوران باستان را تدریس می کنند، به فلسفه سال پیش یونانیان می پردازند؛ جلوتر که بیایند فلسفه هایی را که در روم، پیش و پس از آغاز مسیحیت مطرح شد، می آموزند، ولی در همین کلاس ها هیچ خبری از فلسفه های ایرانی نیست گویا در ایران چشمه های تفکر خشکیده بوده و تنها در مغرب زمین اندیشه و فلسفه امکان حیات داشته است. در این باره باید کاری انجام شود. باید تاریخ قدیم فلسفه و عرفان را دوباره به محک زد. قسمت های ناشناخته و تاریک این تاریخ را باید دوباره روشن کرد و مذهب زروانی در این میان جایگاهی مهم دارد، زیرا از فلسفه ای پیچیده و جالب توجه و زمینه ای عرفانی برخوردار است.» کتاب آئین زروانی نگاهی

دارد به مکتب فلسفی – عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان. کتاب حاضر از ? گفتار سامان یافته است و گفتارها در جمع به?? فصل بخش می شود. موضوع متن بررسی و ریشه یابی آئین کهن ایران (آئین زرتشتی) است به گمان مولف، آئین زرتشت یک آئین بسامان مذهبی بود که از جهان بینی فلسفی دیرپایی بهره داشت ودر جای جای ایران زمین میان عامه و متفکران پیرو داشت. نفوذ این آئین از ماوراء مرزهای شمال شرقی ایران کهن تا بین النهرین باستانی ادامه داشت.

۲ اسلام

ویژگی اثر : پژوهشی تاریخی و فرهنگی (تألیف گروهی) سازمان چاپ وزارت ارشاد

۳ تاریخچه ادیان و مذاهب در ایران

ویژگی اثر : امیرکبیر،

۴ تاریخچه ادیان در جهان

ویژگی اثر : کتاب «تاریخچه ادیان در جهان» (نخستین گام در شناخت تاریخ ادیان) تازه ترین ترجمه این محقق و مترجم به شمار می آید. او با ترجمه این کتاب به طور فشرده اطلاعات جامعی را درباره تاریخچه ادیان در جهان در اختیار خوانندگان و علاقه مندان قرار می دهد. جلالی مقدم درباره این کتاب می گوید: « تا امروز در ایران کتاب های متعددی درباره تاریخ ادیان به زبان فارسی به چاپ رسیده است اما جز یک کتاب، هیچ یک از آنها خلاصه نیستند. تنها کتاب خلاصه ای هم که در این زمینه موجود است از مجموعه کتاب های «چه می دانم» است که انتشارات علمی به چاپ رسانده است که آن هم از ترجمه مناسبی برخوردار نیست و بسیار مخدوش است.» به گفته او، هدف از ترجمه این کتاب، شناساندن اجمالی تاریخ ادیان به خوانندگان وعلاقه مندان در این زمینه بوده است.

۵ تنها بازماندگان خوارج

۶ جستاری در تاریخ و معتقدات اباضیه

ویژگی اثر : نگاه سبز،

۷ درآمدی بر جامعه شناسی دین

ویژگی اثر : این کتاب که در سال ???? توسط نشر مرکز به چاپ رسیده، شامل یک دیباچه و?? فصل است. از منظر جامعه شناختی سؤالاتی چند در مورد دین ایجاد می شود. از جمله این که دین چیست؟ چرا آدمیان دیندارند؟ دین به انسان چه می دهد ؟ دین بر انسان به عنوان یک موجود اجتماعی چه تأثیری دارد؟ و در روابط مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چه نقشی دارد؟ از جنبه های گوناگونی می توان به بررسی دین پرداخت. اما رویکرد جامعه شناسی درصدد است با دوری از هر گونه پیشداوری و قضاوت به آثار اجتماعی دین در جامعه بپردازد. دین وابستگی شدیدی با یکایک وجوه فرهنگی و نیز سیاسی و اقتصادی دارد و بر آنها تأثیر می گذارد و از آنها متأثر می شود. فصول بعدی این کتاب به رویکرد جامعه شناسی دین اختصاص دارد. همانطور که در دیباچه کتاب آمده هدف نویسنده هموار کردن راه دانش دین شناسی در ایران است. آنچه که در این کتاب درج شده تنها یک گام در این راه است. جدا از محتوای کتاب که به قول نویسنده تنها یک گام به جلو است، از نظر شکلی نیز لغت نامه، فهرست اعلام و منابع برای مطالعه بیشتر در پایان کتاب عرضه شده است.

۸ درسهایی از بینش روانی

ویژگی اثر : (ترجمه) نشر یاران شید،

۹ رساله در آئین و یشنو پرستی دین هندویی

ویژگی اثر : نشر مرکز،

۱۰ سه گام کیهانی

۱۱ کرانه های هستی انسان در پنج افق مقدس

ویژگی اثر : کتاب دیگر جلالی است که به تحقیق تطبیقی در انسان شناسی پنج دین بزرگ می پردازد و انتشارات امیر کبیر آن را در یک جلد به چاپ رسانده است. این کتاب درباره انسان شناسی است و از نگاه ادیان به ابعاد مختلف انسان می پردازد، به طوری که از پیدایش انسان تا عناصر سازنده او، احوال و سرانجام انسان مورد بررسی قرار می گیرد. به گفته جلالی، از آنجا که بحث انسان شناسی از جمله مباحث مهم فلسفه امروز است، باید بتوان به دور از نگاه فلسفی، با نگاه ادیان نیز به سراغ این موضوع رفت و از این منظر به مسأله انسا ن شناسی نیز پرداخت. او در این کتاب، افتراق ها و اشتراکات دو دیدگاه فسلفی و ادیان را درباره انسان مورد بررسی قرار می دهد، با هدف آن که بتواند به دیدگاه جامع دینی درباره انسان دست یابد.

۱۲ گزارشی از تاریخ ادیان و مذاهب در ایران

ویژگی اثر : جلالی در این کتاب وضعیت مراحل دین در ایران را در سه بخش پیش از اسلام، از اسلام تا حمله مغول و از حمله مغول تا عصر کنونی مورد بررسی قرار داده است

۱۳ مکتب فلسفی ـ عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان

ویژگی اثر : چاپ گوته،

۱۴ نماز در فرهنگ دوم

ویژگی اثر : مرکز تحقیقات، مطالعات ...صدا و سیمای جمهوری اسلامی،

۱۵ هاله انسانی و رنگ های کوکبی

ویژگی اثر : (ترجمه) انتشارات گوتنبرگ، منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

جلالی، بیژن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیژن جلالی شاعر معاصردر اول آذرماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی، در تهران به دنیا آمد. وی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ چندماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند ;زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد.از این شاعر چنیدین کتاب و مجوعه شعر به یادگار مانده است.وی در روز آدینه ۲۴ دی‌ماه ۱۳۷۸، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بیژن جلالی در آخرین شب آبان‌ماه ;یا به‌عبارتی، اول آذرماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی، در تهران به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : بیژن جلالی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ چندماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته

علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند ;زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد. در بازگشت، در رشته زبان و ادبیات فرانسوی دانشگاه تهران، نام نوشت. دوره لیسانس را به پایان برد و از سال ۱۳۲۵ تا مدتی، به کارهای گونه‌گونی پرداخت

همسر و فرزندان : بیژن جلالی، ازدواج نکرد ;زندگی‌اش در سکوت و با آرامش و تلالویی خاص ادامه داشت

زمان و علت فوت : بیژن جلالی چند روزی پس از نیمه آذرماه، دچار سکته مغزی شد که بیش از یک ماه را در اغما گذراند و در روز آدینه ۲۴ دی‌ماه ۱۳۷۸، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.

فعالیتهای آموزشی : بیژن جلالی در دبیرستان‌ها انگلیسی درس داد ;چندی هم مسؤول آزمایشگاه دبیرستان ایرانشهر بود. زمانی هم در موزه مردم‌شناسی وزارت فرهنگ به کار پرداخت، چون دوره مردم شناسی را در موزه مردم‌شناسی پاریس گذرانده بود; سرانجام به کار در شرکت فرانسوی آنتروپوز مشغول شد و با استفاده از بورس این شرکت، یک دوره اقتصاد نفت را در پاریس به پایان برد ;کار اداری رسمی را در شرکت نفت و شرکت پتروشیمی پی گرفت و در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد. علاقه به شعر و ادبیات، فلسفه، فکر و عرفان، زندگی در محیط فرهنگی خاندان هدایت، گفت و گو با دایی‌اش صادق هدایت و تاثیرپذیری از او و اقامت پنج‌ساله دوره جوانی در فرانسه، پیوندهایی میان جلالی و نوشتن به وجود آورد ـ گاه به فارسی، گاه به فرانسوی. البته ابتدا آنها را جدی نمی‌گرفت ;اما پس از اینکه به ایران بازگشت و توانست با فراغ بیشتری بخواند، بیندیشد و بنویسد، تامل‌های شاعرانه‌اش نظم گرفت و توانست از ادای معانی ذهنی خود برآید. او از آغاز دهه ۱۳۴۰ این تامل‌ها را به نشر سپرد. سروده‌هایش، در مجموع با تلقی مثبت و گشاده‌رویانه‌ای از اهل شعر و ادب معاصر رو به رو شد ;هرچند شعرهایش همه سپید بود و به نسبت همسالانش، تا حدی دیر به انتشار آنها پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : بسیاری از منتقدان ، نگرش «جلالی » در شعرهایش را نگرشی «اشراقی » دانسته اند و خود او در مورد مضمون شعرهایش گفته است : «در شعرهای من نوعی گفت وگو دنبال شده ، گاه با خداوند، گاه با جهان ، گاه با طبیعت . از این جهت ، همیشه این نوشته ها یک روی تاریک و یک روی روشن دارند. زمینه مشترک آنها ادامه نوعی اندیشه است . یعنی اندیشه و فکری را بیان می کنند یا زمینه را در ما برای ایجاد اندیشه فراهم می کنند. ولی این گفت وگوها همیشه به صورت نیمه تمام می ماند و حدس می زنم در خواننده ، حالت انتظاری را به وجود می آورد. آنها حالت منطقی ظاهری و فرمولی ندارند و بدین جهت ، دست و پاگیر خواننده نیستند. بعد از پایان هر قطعه راه برای رشد و ادامه اندیشه باز است .

چگونگی عرضه آثار : بیژن جلالی نخستین شعرهایش را در دهه چهل منتشر کرد که نخستین کتاب شعرش روزها (۱۳۴۱) و آخرین شان «دیدارها» بود که دو سال پس از مرگش منتشر شد. «دیدارها» گزیده یی از شعرهایی است که «جلالی » در فاصله سالهای ۷۵ تا ۷۸ (سالی که درگذشت) سروده بود. اکنون شعرهایی از این کتاب را با هم می خوانیم . چه امید بخش است سفیدی کاغذ آنگاه که اندوه خود را به او نگفته ام دومینیکو اینجنیتو - مترجم ایتالیایی - هم برگزیده‌ای از شعرهای جلالی را با عنوان «بیدار» ترجمه کرده است، که از سوی نشر سوی مؤسسه‌ی علوم ترجمه در دانشگاه ناپل با نام اریل اکسپرس به چاپ خواهد رسید. عبدالله طاهر برزنکی گزیده‌ای از شعرهای جلالی را به عربی ترجمه و در لبنان منتشر کرده است. همچنین مریوان حلبچه‌ای گزیده‌ای از شعرهای این شاعر را به همراه دو مصاحبه‌ی او به کردی ترجمه کرده است، که از سوی نشر رخنه چاودیر در کردستان عراق منتشر خواهد شد. --

------

آثار :

۱ آب و آفتاب

ویژگی اثر : (۱۳۶۲)

۲ بازی نور (به انتخاب شاپور بنیاد ۱۳۶۹)

ویژگی اثر : گزینه شعرها

۳ درباره شعر (به انتخاب شاعر ۱۳۷۷)

ویژگی اثر : گزینه شعرها

۴ دل ما و جهان

ویژگی اثر : (۱۳۴۴)

۵ دیدارها (گزینه شعرها از ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸).

ویژگی اثر : گزینه شعرها

۶ رنگ آب‌ها

ویژگی اثر : ۱۳۵۰

۷ روزانه‌ها

ویژگی اثر : (۱۳۷۳)

۸ روزها

ویژگی اثر : ۱۳۴۱

جلیلی کرمانشاهی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، ادیب.

تولد: ۱۲۹۸، کرمانشاه.

درگذشت: ۳۰ آبان ۱۳۵۸.

محمدحسین جلیلی کرمانشاهی متخلص به «بیدار»، فرزند آیت‌الله هادی کرمانشاهی رییس حوزه‌ی علمیه‌ی کرمانشاه ابتدا چند سالی در مدارس همان شهر به تحصیل علوم جدید اشتغال داشت و به اقتضای خانوادگی نزد پدر و علامه حیدرقلی‌خان سردار کابل و آزاد همدانی به تحصیل علوم مذهبی اسلامی پرداخت و ادبیات عرب و حدیث و فلسفه و فقه را فراگرفت. و سپس برای تکمیل مطالعات خود در سال ۱۳۱۸ به تهران آمد و در دانشکده‌ی علوم معقول و منقول ثبت نام نمود و این رشته را تا اخذ لیسانس از آن دانشکده در سال ۱۳۲۲ ادامه داد. پس از آن به کرمانشاه بازگشت. ابتدا در یکی از شعب بانک ملی ایران به کار پرداخت اما بعد از مدتی استعفا داد. به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس ادبیات در دبیرستان‌ها اشتغال ورزید.

از آثار اوست: کرمانشاهان باستان (با همکاری دکتر مسعود گلزاری)، ابکار الافکار، تاریخ ایل و طایفه زنگنه، تاریخچه‌ی اوقاف در کرمانشاه، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطیت، یک دوره صرف و نحو و دستور زبان فارسی، ترجمه زبدة النصرة و نخبة العصرة، تألیف بنداری اصفهانی که در سال ۱۳۶۵ به نام تاریخ سلسله‌ی سلجوقی از طرف انتشارات بنیاد فرهنگ ایران طبع و نشر شد. دیوان اشعارش را یدالله عاطفی جمع‌آوری و با مقدمه‌ی غلامرضا کیوان سمیعی به چاپ رسانید و چند اثر دیگر که به چاپ

نرسیده است.

محمدحسین جلیلی کرمانشاهی در سال ۱۳۵۸ به بیماری سرطان مثانه بدرود حیات گفت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

محمدحسین جلیلی متخلص به بیدار فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدهادی کرمانشاهی از ادباء و فضلاء معاصر کرمانشاه است.

وی در سال ۱۲۹۸ شمسی در کرمانشاه متولد شده مقدمات و ادبیات و سطوح عالیه را در کرمانشاه از محضر والد معظم خود و آقای آیت‌اللّه حاج شیخ حسن علامی و مرحوم سردار کابلی فراگرفته و در علوم جدید فارغ‌التحصیل از دانشکده حقوق می‌باشد. بیدار شاعری فرزانه و ادیبی کم‌نظیر است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جلیلی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جمادی، سیاوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیاوش جمادی، بهمن ۱۳۳۰ در تهران به دنیا آمد.وی پس از طی تحصیلات مقدماتی به دانشکده حقوق دانشگاه تهران وارد شد و مدرک کارشناسی رشته حقوق را در سال ۱۳۵۳ و کارشناسی ارشد خود را در ادبیات انگلیسی و فلسفه غرب، از دانشگاه علامه طباطبایی را در سال ۱۳۵۵ دریافت کرد. سیاوش جمادی، تاکنون ۱۰ عنوان کتاب و مقاله را تالیف و ترجمه کرده است. کتاب"زمینه و زمانه پدیدار شناسی"تالیف سیاوش جمادی ، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش جمادی دوره ابتدایی و تحصیلات متوسطه خود را در جهرم و شیراز گذراند و در سال ۱۳۴۹ پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته طبیعی، به دانشکده حقوق دانشگاه تهران وارد شد و مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۳۵۳ اخذ کرد. جمادی، در سال ۱۳۵۵ مدرک کارشناسی ارشد خود را در ادبیات انگلیسی و فلسفه غرب، از دانشگاه علامه طباطبایی دریافت کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش جمادی حدود ۱۳ سال به عنوان مشاور حقوقی در شهرداری تهران خدمت نموده است و

پس از آن به هیچ کار دولتی اشتغال نداشته و زندگی خود را از راه تدریس و تألیف و ترجمه گذرانده است.

جوائز و نشانها : کتاب"زمینه و زمانه پدیدار شناسی"تالیف سیاوش جمادی ، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.همچنین کتاب" سیری در جهان کافکا "تالیف وی در دوره بیست و دوم کتاب سال معرفی و برگزیده شده است.

چگونگی عرضه آثار : از سیاوش جمادی، تاکنون ۱۰ عنوان کتاب و مقاله، تالیف و ترجمه شده است. مقاله‌های وی، عموما در نشریاتی چون همشهری، شرق، اعتماد، فصلنامه خوانش، خردنامه و... به چاپ رسیده‌اند. ---------------------------
----

آثار :

۱ پاورقی و نقد کتاب در مطبوعات از جمله: پاورقی «خشت اول» (فلسفه به زبان ساده) در همشهری، نقد و تفسیر «کیفر آتش» (الیاس کانتی)، «ترس و لرز» (کی یرکگور)، «یادداشت‌های زیر زمینی» (داستایفسکی) و غیره در فصلنامه خوانش، «طرح، روش و مضامین هستی و زمان» و «گذار پدیدار شناسی: شرح اندیشه‌های امانویل لویناس» در کتاب ماه فلسفه و مقالاتی در خردنامه، همشهری، شرق، اعتماد

ویژگی اثر : در دست ترجمه

۲ تئوری زیبایی شناسی، از تئودور آدرنو

ویژگی اثر : در دست ترجمه

۳ چه باشد آنچه گویندش تفکر، از مارتین هایدگر

ویژگی اثر : در دست چاپ

۴ داستان عامه‌پسند : فیلمنامه کوینتین تاراتینو

ویژگی اثر : (ترجمه از انگلیسی)

۵ زبان اصالت در ایدئولوژی آلمانی

ویژگی اثر : اثر نئودور آدرلو (۱۳۸۵)

۶ زمینه و زمانه پدیدارشناسی

ویژگی اثر : (تالیف) ۱۳۸۵. برنده بیست و پنجمین دوره کتاب سال در فلسفه .این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

۷ سیری در جهان کافکا

ویژگی اثر : تالیف: برنده کتاب سال ادبیات در بیست و دومین دوره (۱۳۸۲) آشنایی با کتاب: سیری در جهان کافکا سیری در جهان کافکا / سیاوش جمادی. - تهران: ققنوس، ۱۳۸۲. ۳۳۵ ص: - مصور کتابنامه؛ ۳۲۵ - ۳۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس. کافکا بی‌شک یکی از اثرگذارترین نویسندگان قرن بیستم است که در حوزه‌های مختلف ادبیات، نقد ادبی و فلسفه تأثیر قابل توجهی داشته است. شناخت عمیق و آزادمنشانه و رویارویی جدی با اندیشمندان بزرگ این قرن صرفاً ضرورتی که مبتنی بر انتخاب ما باشد، نیست بلکه فراتر از نیاز و ضرورت است، این اندیشمندان خود را بر تفکر زمانهٔ ما تحمیل کرده‌اند و ما باید شناختی همه‌جانبه و محققانه از آنها داشته باشیم. نویسندهٔ کتاب سیری در جهان کافکا با چنین دیدی به سراغ تحلیل و بررسی اندیشه و هنر کافکا رفته و با مطالعه دقیق آثار او و مهمترین کتابهایی که دربارهٔ او و تفکرش نوشته شده است، تصویری گویا، روشن و جامع از او به دست داده است. زبان عالمانه و در عین حال رسای کتاب و تسلط قابل توجه نویسنده بر ذهن و زبان کافکا، این کتاب را در

زمرهٔ یکی از موفق‌ترین آثاری که نویسندگان ایرانی مستقلاً دربارهٔ متفکران و هنرمندان مغرب زمین نگاشته‌اند در آورده است. کتاب در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست نویسنده دربارهٔ بیماری و هنر کافکا، پیوند جنون با مضمون و سبک هنر او، جنگ نفسانی در جهان کافکا و پیوند هنر و زندگی کافکا سخن گفته است و در بخش دوم که به تفسیر دینی جهان کافکا اختصاص دارد، به این مضامین پرداخته می‌شود که تا چه حد می‌توان در آثار کافکا نمادها یا استعاره‌هایی یافت که نفیاً یا اثباتاً به الوهیت و مابعد الطبیعه اشاره‌ای داشته باشند. کندوکاو در اینکه تا چه حد کافکا و ادبیات او به یهودیت و مسیحیت رسمی التفات دارد از مضامین مهم آن است. در این بخش سعی شده است تا از طریق نوعی همداستانی با جهان کافکا، به مدد نوشته‌های خصوصی و ادبی او، اعتبار آرای مفسرانی که در انتساب مقاصد نهفته در آثار کافکا به مضامین یهودیت و فرقه‌های عرفانی مربوط به آن اصرار می‌ورزند، بررسی شود

۸ سینما و زمان، همراه با فیلمنامه داستان عامه پسند از کوینتین تارانتینو (۱۳۷۷)

ویژگی اثر : ترجمه و تالیف

۹ متافیزیک چیست؟

ویژگی اثر : اثر مارتین هایدگر (۱۳۸۳) تشویق شده در بیست و سومین دوره کتاب سال در رشته فلسفه غرب (ترجمه همراه با شرح آرای هایدگر)

۱۰ نامه‌هایی به میلنا از فرانتس کافکا (۱۳۷۸)

ویژگی اثر : ترجمه

۱۱ نقد و تفسیر آن، از فرانتس کافکا

ویژگی اثر : در دست چاپ

۱۲ نیچه

ویژگی اثر : درآمدی به فهم فلسفه ورزی او. اثر کارل یاسپرس (۱۳۸۳)

۱۳ هایدگر و سیاست، اثر میگل دبیستگی (۱۳۸۱)

۱۴ هستی و زمان اثر مارتین هایدگر (۱۳۸۶)

ویژگی اثر : ترجمه

۱۵ یادبود ایوب در جهان کافکا (همراه با آثاری از کافکا)

ویژگی اثر : ترجمه و تالیف (۱۳۷۹) --

منابع :

۱http://www.ibna.ir/vdccxiqs.۲bqe۰۸laa۲.html۲www.ketabesal.ir

جناب اصفهانی، فتح‌الله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۸/۱۱۴۶ ق)، شاعر و ادیب. از بزرگان عهد صفوی بود که زمان نادرشاه را درک کرده است. نسبتش به امیرنجم ثانی می‌رسد. در جوانی به هندوستان رفت و بعد به وطن بازگشت و در خوزان که یکی از بلوکات اصفهان است، ساکن شد و به دستور شاه طهماسب صفوی به منصب کلانتری اصفهان رسید. جناب از طرف نادرشاه مأموریتی به خراسان یافت و پس از مدتی به امر وی در راه تهران و کاشان کشته شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ النبور (۲۴۱)، الذریعه (۲۰۶ -۲۰۵ /۹)، ریحانه (۴۳۰/۱)، سفینهٔ المحمود (۱۸۸ -۱۸۷)، صبح گلشن (۱۰۸ - ۱۰۷)، فرهنگ سخنوران (۲۲۵ -۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ جناب اصفهانی)، مجمع الفصحا (۲۰۵ -۲۰۴ /۴)، نگارستان دارا (۱۷۷ - ۱۷۶).

جندی شاپوری، جبرییل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۳ ق)، طبیب و مترجم. از اطبای مشهور جندی شاپور و اولین طبیبی است که نخستین کتاب طب را از زبان یونانی به عربی ترجمه کرد. جبرییل مدتی طبیب بیمارستان جندی شاپور و مدتی طبیب دربار هارون‌الرشید و امین بود. وی مدت ۲۳ سال در بغداد بود و در سقوط بغداد و قتل امین، مردم خانه‌اش را غارت کردند و او ترک خدمت دربار گفت و با این کار مورد غضب مامون قرار گرفت و مدتی محبوس شد، سپس در زمانی که اطبا از معالجه‌ی حسن بن سهل، وزیر مامون، درمانده بودند، جبرییل آزاد شد و او را معالجه کرد و از آن پس به شدت مورد احترام قرار گرفت. جنازه‌اش در شهر مداین در دیری به خاک سپرده شد. آثار وی: «المطعم و المشرب»؛ «مدخل طب»؛ «باء»؛ «صنعه البخور»؛ «کناش»، در طب؛ «المدخل الی صناعه المنطق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۱ -۱۰۰ /۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۲۰۲ -۱۸۳)، تاریخ طب (۵۸ -۵۶ /۲)، دایره‌المعارف فارسی (۳۹۳/۱)، معجم المولفین (۱۱۳/۳).

جنید شیرازی، عیسی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مترجم. در نیمه‌ی اول قرن نهم می‌زیست. کتاب «شدالازار» پدرش را به نام «ملتمس الاحباء خالصاً من الریا» ترجمه کرد، این کتاب به «تذکره‌ی هزار مزار» مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۱۰۶۱ -۱۰۶۰، ۱۱۵۲ -۱۱۵۱ /۳)، تذکره‌ی هزار مزار (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۶/۴).

جوادی آملی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللَّه جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللَّه شعرانی (ره) و آیت‌اللَّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللَّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللَّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللَّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّه‌علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استَنّوا بسنته

(ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. ۲ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّه هُوَ یَقبَلُ التَّوبَهَٔ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقَهًٔ تُطهّرهُم وَ تُزکّیهِم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اذ اَخَذتَ، ولکنّ اللّه اَخَذَ. ۳ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی‌کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. ۴ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. ۵ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّه لَهُم مَغفِرَهًٔ وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف لَهُم و لَهُم اَجرُ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الّا ثلاث خصال: صدقهٔ اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّهٔ هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه

خواهد بود. ۶ ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرُ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّٰالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقةُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. ۷ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالٍ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمهَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّهُ‌له الجنهٔ، عمد الی ماله فَجَعَله صدقهً مبتولهً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸ ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابهٔ ذو مقدرهٍ الّا وقف وقفا. ۹ ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقهٔ، بتهً بتلاً فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیلٍ، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنهٔ اللّه والملائکهٔ والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. ۱۰ ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمهٔ للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیهٔ‌اللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیهٔ‌اللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوهٔ، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و

قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

بر گرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جواری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین جواری در سال ۱۳۴۶ در اهر بدنیا امد. ایشان در سال ۱۳۷۷مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس- فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین جواری ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان شمس به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۶۴ از دبیرستان مدرس اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان وادبیات فرانسه را از دانشگاه تبریز و ازدانشگاه ژول ورن آمین فرانسه و کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه وتطبیقی را در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه ژول ورن آمین فرانسه دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۷مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس- فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد : سنت - تقلید - نوآوری در پالکنهای رب گریه (رمان جدید) ب- دکتری: پایان رمان نو - مسائل زیبایی شناسی و مسائل دریافت ادبی از ورای آثار رب گریه. وقایع میانسالی : محمد حسین جواری و از سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی محمدحسین جواری : قبلی: رئیس آموزش دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی فعلی: مدیر گروه آموزشی زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی محمدحسین جواری در دانشگاه تبریز به قرار زیر است: تدریس دروس کارشناسی وکارشناسی ارشد چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی محمدحسین جواری به ترتیب زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده : ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۴ مورد تعداد کتابهای تالیف شده : ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۹ مورد

جوانرودی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۳۰۰ ق)، منشی، خطاط، ادیب و دانشمند. از اهالی جوانرود بود. تحصیلات خود را در مدارس کردستان ایران و عراق شروع کرد و در شهر کرکوک علوم دینی را نزد علامه علی حکمت افندی به کمال رساند و به ایران بازگشت و در آبادی بالک از قرای مریوان به مدت یازده سال تدریس کرد، سپس به دره تفی رفته و تا هنگام مرگ در آنجا ماند و به تدریس و خدمت اجتماعی و دینی ادامه داد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۲۶۳/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹/۳).

جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۰ /۳۹۸ ق)، ادیب و لغوی، مشهور به جوهری. در فاراب متولد شد. وی نزد دایی خود ابوابراهیم اسحاق فارابی تحصیل کرد و سپس در طلب علم به بغداد و شام و حجاز سفر کرد و در مراجعت چندی در دامغان اقامت گزید و پس از آن به نیشابور رفت و برای همیشه در آنجا رحل اقامت افکند. ابونصر در بغداد نزد ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی تحصیل کرد. گویند در آخر عمر مبتلا به اختلال حواس شد، و به خیال پرواز افتاد، و لنگه در را زیر بغل گرفت، و از محل بلندی خود را پائین انداخت، جوهری در نیشابور درگذشت. وی نخستین کسی است که لغات عرب را به ترتیب حروف هجا مرتب کرد. علاوه بر مقام شامخی که در لغت عرب دارد، علم عروض را تکمیل کرد، و شعر هم می‌گفت. وی خطی بسیار نیکو داشت، به حدی که تمییز خط او از خط ابن مقله ممکن نبود. معروفترین اثر وی: «صحاح اللغه» به عربی؛ «مقدمه در نحو»؛ «عروض الورقه»، که در علم عروض است؛ «بیان الاعراب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۰ –۳۰۹ /۱)، تاریخ ادبیات ایران (۳۵۴/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۸۳ –۲۸۱ ،۴۰۰ ،۳۸۱)، دایرةالمعارف فارسی (۷۷۵/۱)، الذریعه (۱۱/۱۵)، روضات الجنات (۴۹ –۴۳ /۲)، ریحانه (۴۴۰ –۴۳۸ /۱)، سیر النبلاء (۸۲ –۸۰ /۱۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۶)، کشف الظنون (۱۰۷۳ –۱۰۷۱)، الکنی والالقاب (۱۶۳ –۱۶۱ /۲)، لسان المیزان (۶۱۶ –۶۱۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ جوهری، بارانی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳ –۵۸۲ /۱)، معجم الادباء (۱۶۵ –۱۵۱ /۶)، معجم البلدان (۲۵۵/۴)، معجم المؤلفین (۲۶۸ –۲۶۷ /۲)، الوافی بالوفیات (۱۱۴ –۱۱۱ /۹).

جوینی، ابومحمد عبدالله

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۸ /۴۳۷ /۴۳۴ ق)، نحوی، مفسر، فقیه شافعی. ملقب به رکن الاسلام. وی پدر امام‌الحرمین بود. عبدالله در جوین متولد شد. ادبیات را نزد پدر در زادگاهش آموخت. سه بار به نیشابور رفت و فقه و اصول را نزد سهل بن محمد صُعلوکی فراگرفت، و سپس در مرو از محضر قفّال مروزی استفاده برد. و از ابونهیم اسفراینی نیز بهره گرفت. رکن‌الاسلام در بغداد در محضر ابوحسین بن بشران حاضر شد. وی در سال ۴۰۷ ق به نیشابور بازگشت و به تدریس و فتوی مشغول شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «التبصرة»؛ «التذکرة»؛ «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر الجوینی» مشتمل بر انواع علوم؛ «الفرق والجمع» یا «الجمع والفرق»؛ «الفروق والسلسلة»؛ «مختصر المختصر» یا «مختصر الجوینی»؛ «موقف الامام والمأموم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۰ –۲۹۱ /۴)، دایرةالمعارف فارسی (۷۷۶/۱)، روضات الجنات (۱۵۸ –۱۶۰ /۵)، ریحانه (۴۴۴/۱)،

سیرالنبلاء (۶۱۸ -۶۱۷ /۱۷)، کشف الظنون (۱۹۱۰ ،۱۶۲۶ ،۱۶۲۱ ،۱۲۵۸ ،۹۹۶ ،۶۰۱ ،۴۴۶ -۴۴۵ ،۳۸۵ ،۳۳۹)، معجم البلدان (۲۲۴ -۲۲۳ /۲)، معجم المؤلفین (۱۶۵/۶)، وفیات الاعیان (۴۸ -۴۷ /۳)، هدیهٔ العارفین (۴۵۱/۱).

جوینی، عزیزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، تحصیل مقدمات (سطح)، منطق و فلسفه، فقه و اصول، تفسیر و کلام، ریاضی و هیئت قدیم تا درس خارج از مدرسه میرزا جعفر مشهد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، علوم قرائی، نقد و تحلیل مباحث دستوری در فرهنگ‌های فارسی، بررسی تفسیر سورآبادی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترا و ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تصحیح و شرح نهج‌البلاغه، تصحیح فرهنگ عربی- فارسی، مصادرالغه، فرهنگ مجموعه العربی، شرح خمسه نظامی، تغییر نسفی و تفسیر مفردات قرآن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: خیلی زیاد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، ترجمه انگلیسی و عربی، علوم قرآنی، نقد و بررسی کتب، شرح متون نظم و نثر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جوینی، معین‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۳ / ۷۸۱ ق)، ادیب، صوفی و شاعر، متخلص به معین. در برخی از تذکره‌ها تخلص و شهرت وی معینی ذکر شده است. اهل خراسان بود و در انداده، از توابع جوین، به دنیا آمد. او شاعری توانا بود و قصاید وی در نعت باری تعالی همراه با مشرب تحقیق و غزل‌هایش پر از مایه‌های عرفانی است. وی همچنین در فن تصوف، مواعظ و پند، دقایق حدیث و تفسیر استاد بود و نزد مولانا فخرالدین خالدی اسفراینی، مؤلف «شرح فرایض»، کسب علم کرد و در تصوف پیرو خاندان شیخ سعدالدین یوسف حمویی شد. او سفری به عراق و آذربایجان کرد و مورد توجه خواجه غیاث‌الدین محمد فضل‌اللّه وزیر قرار گرفت و ساکن همدان شد. سپس به بغداد و از آنجا به مکه و مدینه رفت و بعد از آن به خراسان بازگشت. سرانجام در جوین درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش کتاب «نگارستان» است که آن را به تقلید «گلستان» سعدی، در عهد سلطان ابوسعید مغول و به نام وزیرش غیاث‌الدین محمد، نگارش کرد. در «ریحانة الادب» آمده است که کتاب به نام سلطان ابوسعید نوشته شده اما صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» نویسنده‌ی آن را سعیدالدین یوسف حمویی دانسته است. این کتاب در ماوراءالنهر شهرتی عظیم یافت زیرا زمانی که الغ بیگ گورکان به بحرآباد رفت مشایخ آنجا این کتاب را پیشکش او کردند و سلطان به نویسندگان دستور داد تا کتاب را به خوبترین خط بنگارند. معین‌الدین علاوه بر قطعات و ابیات فراوانی که در «نگارستان» آورده، قصاید و غزلهای مستقلی نیز سروده است. تقی‌الدین کاشی از مجموع اشعارش هزار بیت غزل و قسمتی از قصاید را یافته و بخشی از آنها را در «خلاصة الاشعار» نقل کرده است. «احسن القصص»، شرح سوره‌ی یوسف و قصه‌ی یوسف و زلیخا، اثر دیگر اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۶۹ –۱۲۶۸، ۱۰۴۵ –۱۰۴۱/ ۳)، تاریخ عصر حافظ (۲۹/ ۱)، تاریخ مغول (۵۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۱)، تذکرة الشعراء (۳۸۵ –۳۷۹)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۱۲/ ۲)، الذریعه (۳۰۸ –۳۰۷/ ۲۴، ۱۰۷۹/ ۹)، ریحانه (۳۵۲/ ۵، ۴۴۴/ ۱)، صبح گلشن (۴۳۵)، فرهنگ سخنوران (۸۶۴)، کشف الظنون (۱۹۷۶)، لغت نامه (ذیل/ معین‌الدین جوینی)، هفت اقلیم (۳۰۶– ۳۰۵/ ۲).

جهاد اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید علی بن سید جعفر خراسانی. فاضل و ادیب، از آزادی خواهان و روزنامه نویسان صدر مشروطیّت بوده، در ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۶۵ وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

مرحوم جهاد اکبر مدّتها به سمت مدّعی العموم در دادگستری یزد خدمت نموده.

مرحوم آیتی در رثا و مادّه تاریخ وفاتش گوید:

کس در جهان نیامده کز این جهان نرفت

کس خانمان نساخت کز آن خانمان نرفت

سال وفات خواستمش پیر عقل گفت

جز با جهاد اکبر کس بر جنان نرفت

روزنامه جهاد اکبر مدّت دو سال یا کمی بیشتر منتشر می‌شده، و نویسندگی آن به عهده میرزا محمّد علی علم فرزند آخوند ملاّ علی اکبر فشارکی بوده که مردی فاضل و دانشمند بوده، و قبل از سال ۱۳۶۰ در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جهان قاجار، زبیده

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۴ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به جهان. ملقب به جانباجی و فرشته. وی همسر علینقی خان قراگزلو، ملقب به نصرةالملك بود. او زنی خیر و عارف مسلك و از مریدان حاجی میرزا علینقی همدانی بود و زندگی به دور از تجمل داشت و بذل و بخششهای بسیاری می‌کرد. چندین بار به زیارت عتبات رفت. وی اشعاری نیکو می‌سرود. از او «دیوان» شعری به جای مانده است.[۱]

حدود ۱۳۰۵ ق، زبیده خانم، معروف به فرشته از زنان زاهد، عارف و شاعر. وی دختر بیست و هفتم فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ق) بود و مادرش ماه‌آفرین خانم نام داشت. به نوشته تاریخ عضدی در میان تمام فرزندان پسر و دختر فتحعلی شاه هیچکدام به زهد و تقوی و پاکی و اخلاص وی نبودند و از همین رو همه شاهزادگان به او لقب فرشته دادند. زبیده در جوانی به عقد علی خان نصرت‌الملك قراگوزلو درآمد. مدتی بعد به همراه همسرش به همدان رفت و در آنجا در سلک عرفان حاج میرزا علینقی همدانی، عارف معروف، درآمد و از مریدان خاص او گردید. در طول بیش از شصت سال اقامت در همدان، از ثروت خود به دستگیری مستمندان و عمران و آبادی منطقه پرداخت. کاروانسرایی مدور برای اقامت زوار در قریه تاج‌آباد با شراکت حاج میرزا علینقی همدانی بنا کرد.

پلی بر روی روان رود احداث نمود، دو دانگ قریه‌ی لاله‌چین را برای تعزیه‌داری و روشنایی کربلا- وقف نمود، بقعه و صحن امامزاده یحیی واقع در همدان را تعمیر کرد و همه ساله مبلغی برای متولی، قاری و روشنایی بقعه باباطاهر- که مدفن حاج میرزا علینقی همدانی نیز در آنجاست- مقرر نمود. زبیده دایم‌الذکر، شب زنده‌دار و اهل ریاضت و در سفر و حضر به دور از تجمل و تشریفات ظاهری بود. یک بار به زیارت حج، بیست مرتبه به زیارت عتبات و ده مرتبه نیز به زیارت مشهد رضوی مشرف شد.

وی دارای طبعی توانا بود و دیوانی حاوی قصیده، غزل و مراثی داشته که اشعار زیر را مؤلف تاریخ عضدی از آن نقل کرده است:

در ده به من ای ساقی زان می دو سه پیمانه

کز سوز درون گویم شعری دو سه مستانه

خواهم که در این مستی خود نیز رود از یاد

غیر از تو نماند کس نه خویش و نه بیگانه

از عشق رخ جانان، گشته است «جهان» حیران

مستانه سخن گوید این عاشق دیوانه

خواهم از ساقی مهوش تا نماید لطف عام

هر زمان ریزد به کام خشک من جامی دگر

گرچه نتوان لنگ لنگان پا نهم در کوی دوست

لطف او گر شامل آید می‌نهم گامی دگر

در شب هجران گدازم همچو شمع

روز وصلت سرفرازم همچو شمع

در رهت استاده‌ام از روی شوق

تا بیایی جان ببازم همچو شمع

از غمت با آتش هجران همی

گه بسوزم گه بسازم همچو شمع[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۳۳/۷)، حدیقه الشعراء (۲۱۴۳ -۲۱۴۰ /۳)، خیرات حسان (۱۴ -۱۱ /۲)، الذریعه (۴۰۱، ۴۰۰ ، ۲۱۲ /۹)، ریاحین الشریعه (۲۶۷ -۲۶۶ /۴)، ریحانه (۳۶۱/۲)، طرائق الحقائق (۳۲۹ -۳۲۵ /۳)، فرهنگ سخنوران (۲۲۷)، الکنی والالقاب (۲۸۹/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ زبیده).

[۲] منابع: از رابعه تا پروین، ۹۵ -۹۳؛ اعیان‌الشیعه، ۴۳ /۶؛ تاریخ عضدی، ۳۴ -۳۰؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۴۳ -۲۱۴۰ /۳؛ خیرات حسان، ۱۴ -۱۱ /۲؛ الذریعه، ۴۰۱ -۴۰۰، ۲۱۲ /۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۲۶۸ -۲۶۶ /۴؛ زنان سخنور، ۱۶۴ -۱۶۲ /۱؛ زنان نامی ایران و اسلام، ۷۳ -۷۱؛ طرایق الحقایق، ۳۲۷ -۳۲۵ /۳؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۷۵ /۳؛ کارنامه زنان، ۸۷؛ لغت‌نامه‌ی دهخدا، ش ۲۱۷ /۱۱۰؛ دیوان.

جهانبگلو، امیرحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مدرس، مولف.

تولد: ۲۵ بهمن ۱۳۰۲، تهران.

درگذشت: ۲۰ خرداد ۱۳۷۰، تهران.

امیرحسین جهانبگلو از دبیرستان شرف فارغ‌التحصیل شد. ابتدا در وزارت دارایی مشغول به کار شد و ده سال بعد از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید و چهار سال بعد از آن برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت. در سال ۱۳۲۸ از دانشگاه سربن پاریس لیسانس فلسفه و منطق دریافت کرد و سه سال بعد با درجه‌ی دکترای اقتصاد از همین دانشگاه به تهران بازگشت و در همان وزارت دارایی به کار مشغول شد. دکتر امیرحسین جهانبگلو بعد از این تاریخ سمت‌های مختلفی را در ادارات و وزارت‌خانه‌های گوناگون به عهده داشت، از آن جمله وزارت دارایی، شرکت نفت و سازمان اوپک، شرکت گاز و غیره. دکتر امیر جهانبگلو بیشتر عمر خود را از سال ۱۳۵۰ به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت. از جمله آثار ترجمه‌ی شده وی، می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: غول‌های غلات (دن مورگان)؛ سیاست از نظر افلاطون (الکساندر کویره)؛ ضربه‌ی آینده (الونی تافلر)؛ تاریخ اجتماعی دوره‌ی مغول (بخش سوم تاریخ غازان‌خان و مقدمه‌ی جامع التواریخ و رساله‌ی او از کتاب اللطائف، ۱۳۳۷)؛ سپیده دم (مانوئل روبلس)؛ فن صحنه‌سازی تئاتر (لئون موسیناک، ۱۳۳۵)؛ مردی که زیر زمین زندگی می‌کرد (ریچارد وایت، ۱۳۳۵).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جهانسوز، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی جهانسوز پسر مرحوم محمدجواد میرزا (و. کرمانشاه دوازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۲ ه.ق) پس از تحصیل مقدماتی در حوزه‌ی درس ملا ـ اکبر خراسانی از شاگردان حاج ملا ـ هادی سبزواری و آقا میر شهاب شیرازی به آموختن فنون ادبی پرداخت، سپس به خدمت حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی حاکم کرمانشاه درآمد. مرآت سالی چند در نزد بعضی از فرمانروایان ایالات به خدمت انشاء (منشیگری) اشتغال ورزید، به بیشتر بلاد ایران مسافرت کرد. پس از سفری به اروپا به تهران بازگشت و به خدمت دولتی درآمد و حائز مقامات عالی اداری شد. در نظم و نثر خاصه نگارش نامه‌های دوستانه و فنون محاوره و حضور جواب و ایراد امثال توانائی و شهرت بسزا داشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

جهانشاهی قاجار، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ویراستار.

تولد: ۱۳۰۵، تهران.

درگذشت: ۲۹ تیر ۱۳۷۰، تهران.

ایرج جهانشاهی قاجار تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای ملایر و اهواز انجام داد. سپس به دریافت لیسانس جغرافیا و تعلیم و تربیت از دانشکده‌ی ادبیات دانشسرای عالی نایل آمد. در سال ۱۳۳۸ از مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران درجه فوق لیسانس گرفت و دوره‌ی یک ساله را در رشته‌ی آموزش بزرگسالان در دانشگاه منچستر انگلستان گذراند. همچنین در دوره‌های کوتاه مدتی در کشورهای آمریکا، پاکستان و تایلند درباره‌ی ادبیات کودکان به مطالعه پرداخت. و از سال ۱۳۲۴ به عنوان معلم در آموزش وپرورش مشغول به کار شد. سپس مدتی نیز به دبیری و ریاست دبیرستانی رسید.

از جمله فعالیت‌های وی، تأسیس مرکز تهیه خواندنی‌های نوسوادان بود که بعدها به مرکز انتشارات آموزشی تغییر نام داد. نشر مجله‌های «پیک کودک»، «پیک معلم و خانواده»، «پیک نوآموز»، «پیک دانش‌آموز»، «پیک نوجوانان»، «پیک جوانان» از ابتکارات او بود. چندی هم مدیریت مجله‌ی «آموزش و پرورش» را بر عهده داشت. از سال ۱۳۵۷ سرپرستی شورای ویراستاری فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را در شورای کتاب کودک به عهده گرفت. در سال ۱۳۶۱ همکای خود را به عنوان مشاور گزینش و تألیف و ترجمه و ویرایش کتاب‌های ادبیات کودکان و نوجوانان با انتشارات فاطمی و واژه آغاز کرد و تا آخرین لحظات زندگی نسبت به تهیه‌ی آثاری برای کودکان و نوجوانان فعال بود. کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم هم یادگار اوست. تألیف او عبارتند از: گل‌های وحشی (۱۳۲۵)، شاخ‌های ملوس (۱۳۴۵)، ازوپ در کلاس درس (۱۳۶۱) قلم موی جادو(۱۳۶۲)، چشم چشم دو ابرو (۱۳۶۳)، بازی‌های ورزشی (۱۳۶۳)، قصه‌های من و بابام (کتاب برگزیده شورای کتاب کودک در (۱۳۶۲).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جهانگیر، عیسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عیسی جهانگیر

محل تولد : عجب شیر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ در شهرستان عجب شیر واقع در استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم – تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا گذراندم سپس برای ادامه تحصیلات به قم رفتم. در سال ۱۳۷۰ دارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه شهیدین مشغول تحصیل علوم دینی گشتم. از جمله اساتید برجسته ای که در حوزه علمیّه قم از آنها کسب علم کرده ام آیت الله مروّجی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله مصباح یزدی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی می باشند.در سال ۱۳۷۶ همزمان با تحصیلات حوزوی وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در این زمینه به پایان رساندم.

جهانگیری، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جیهانی، ابوعبداللّه احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۵ ق). ادیب و جغرافیدان. اهل جیهان از توابع ماوراءالنهر بود و به مدت دو سال وزیر منصور بن نوح سامانی. ابوعبداللّه کتابی در جغرافیا، نام: «المسالک والممالک»، به عرب تألیف کرده که مقدسی وصف مفصلی از آن کرده است. از دیگر آثار وی: «آیین»؛ «مقامات کتب العهود والخلفاء والامراء»؛ «کتاب الزیادات فی کتاب الناسی فی المقالات» و «رسائل».[۱]

ابوعبداللَّه احمد بن محمد بن نصر، از رجال ادب وسیاست اواخر قرن چهارم ه. وی از سال ۳۶۵ ه.ق. به وزرات منصور بن نوح سامانی انتخاب شد و در ۳۶۷ از وزارت معزول گردید و عتبی (ه.م.) به جای او منصوب شد. جیهانی کتابی در جغرافیا تألیف کرد به نام کتاب «المسالك والممالك» (ه.م.) و «کتاب رسائل» نیز از اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات ایران (۳۵۱/۱)، ریحانه (۴۴۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۲۰/۱)، الفهرست ابن‌ندیم ترجمه (۲۲۸)، کشف الظنون (۱۶۶۴)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، المسالك والممالك (۳۰۴)، معجم المولفین (۱۶۵/۲).

چخوف، آنتوان

قرن:۱۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

«آنتوان چخوف» نویسنده ای، بشردوست، آزدیخواه و روشنفکر بود و داستان های وی حکایت از افکار مترقی او می نماید. او با فساد و دروغ، خودنمایی، سرشکستگی، منفی بافی، کوته نظری، تحمل ظلم، آزادیخواهی دروغی و بالاخره صفات منفی با کمال خشونت مبارزه می کند و جامعه ی عقب مانده را به آینده ی درخشان و زندگانی سعادتمندانه امیدوار می سازد و برای رسیدن به اصول مترقی افکار برجسته ای به خوانندگان آثار خود تلقین می کند.«آنتون پاولویچ چخوف» Anton – Tchekhov درام نویس و داستانسرای معروف روسی در ۱۷ ژانویه ی سال ۱۸۶۰ در شهر «تاگان روگ» در شمال قفقاز در آغوش یک خانواده ی بی چیز و معتقد به سنن و آداب قدیمی و ملی به دنیا آمد و در دوم ژوئیه ی سال ۱۹۰۴ در ۴۴ سالگی در «بادن وایلر» محلی واقع در جنگل سیاه درگذشت.جَد چخوف از سرف هایی بود که با صرفه جویی و کار زیاد آزادی و حیات خود و خانواده اش را از ارباب خویش بازخرید کرده بود. پدرش با داد و ستد جزئی ای که داشت نمی توانست هزینه ی زندگی خانواده را تأمین نماید و از این رو «آنتون» کوچک، در آغاز زندگی با قیافه ی شوم فقر آشنا گردید و به اثرات مخرب آن پی برد. با آنکه چخوف در سختی و فشار زندگی می نمود لکن با عزت نفسی که داشت کوچکترین گله و شکایتی ابراز نمی کرد و با کار و کوشش فراوان، تحصیلات مقدماتی خود را در «ژیمنازیوم » مسقط الرأس خاتمه داد و برای تحصیل در دانشکده ی پزشکی عازم مسکو شد و در سال ۱۸۷۹ در نوزده سالگی وارد دانشگاه مسکو گردید و به تحصیل طب پرداخت. وی تنها به تحصیل در دانشکده اکتفا نکرد و با وجود ذوق فطری به نوشتن داستانها و نوول ها و مقالات در مطبوعات فکاهی سرگرم شد و به این جهت وقتی در سال ۱۸۸۴ درجه ی دکترای طب را گرفت شغل طبابت را با حرفه ی نویسندگی توأم ساخت ولی بعدها تمام اوقات خود را وقف نوشتن کرد و از این راه مقام شامخی در دنیا به دست آورد. چخوف جز در دوره ی عمومیت بیماری و یا در سالهای ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳ به طبابت نپرداخت. نخستین داستانهای او با نام مستعار «چخوف» انتشار یافت و در سال ۱۸۸۶ برخی از داستانهایش به صورت کتابی به نام «داستانهای رنگارنگ» منتشر شد، این کتاب موفقیت بسیار کسب کرد. در سال ۱۸۸۷ وی نخستین نمایشنامه ی خود را به نام «ایوانف» تحریر کرد. «آنتون چخوف» بر اثر فقر و استیصال دوران کودکی و زحمات شبانه روزی دوران جوانی در سی سالگی مبتلا به بیماری خانمانسوز سل گردید که تا پایان حیات کوتاهش مونس این نویسنده ی بزرگ بود و بالاخره هم باعث مرگ وی شد. با آنکه چخوف مریض بود و با آنکه خودش هم طبیب و از مرض خود اطلاع داشت با این وصف دمی از کار و کوشش دست بر نمی داشت و تقریباً تمام ساعات فراغت خود را سرگرم نوشتن بود و برای مطالعه ی روحیات و احوال عموم مردم و طبقات مختلف به مسافرتها و گردشهای پر زحمتی تن می داد، چنانکه در سال ۱۸۹۰ راه سخت و دور و دراز سیبری را در پیش گرفت و

در آنجا وضع تبعیدیها را مطالعه کرد و از این سفر ره آوردی به نام «جزیره ی ساخالین» برای ستمدیدگان رژیم تزاری به ارمغان آورد که در سال ۱۸۹۱ منتشر شد . این کتاب تا حدودی رژیم پلیس تزار را که محکومین را به جزیره ی ساخالین می فرستاد تخفیف داد. چخوف در سال ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۷ با پدر و مادرش در ملکی که که در نزدیکی مسکو خریده بود زندگی کرد. در سال ۱۸۹۷ که در معرض تهدید مرض سل قرار گرفت ناگزیر شد قسمت اعظم اوقات خود را در کریمه و خارجه بگذارند. وی در سال ۱۸۹۶ نمایشنامه ی خود را به نام «مرغ نوروزی» در مسکو انتشار داد، اما این اثر در «پطرزبورگ» با عدم موفقیت روبرو شد و دو سال بعد در سال ۱۸۹۸در مسکو نیز از این نمایشنامه تجلیل شایانی شد. «آنتون چخوف» در سال ۱۹۰۰ بر اثر توجه نویسندگان و دانشمندان و قاطبه ی ملت به وی و در نتیجه ی نفوذ و شهرت انکار ناپذیر خود به عضویت افتخاری آکادمی روسیه انتخاب شد و مورد تقدیر فراوان قرار گرفت. «عموونیا» در ۱۸۹۹ و «سه خواهران» در ۱۹۰۱ و «باغ گیلاس» در سال ۱۹۰۴ از جمله نمایشنامه های او بود که در مسکو با موفقیت روبرو شد. وی در سال ۱۹۰۱ با یک هنرپیشه به نام «اولگاکپنیر» ازدواج کرد.موقعی که دولت روسیه عضویت به نام «ماکسیم گورکی» نویسنده ی معروف روسیه را از آکادمی لغو کرد «آنتون چخوف» نیز استعفا داد. در محیط تئاتر از نمایشنامه های وی با اشتیاق زیاد استقبال شد و اغلب از نمایش نامه های وی در صحنه نمایشگاه آکادمی مسکو به معرض تماشا گذارده شد و در سایر پایتخت های اروپا هم مورد نمایش و تحسین تماشاگران قرار گرفت. در جهان هنر و ادب پیروزی روزافزون چخوف افتخارات زیادی برای وی فراهم آورد و آکادمی برای مجموعه ی داستانهایش جایزه ی «پوشکین» را به وی اهداء کرد. چخوف به نویسندگی خود ادامه می داد که بیماری وی شدیدتر شد و به دستور پزشکان ناگزیر به نقاط جنوبی فرانسه رفت و با آنکه کار کردن برایش زیان داشت دست از کارهای ادبی نکشید و پس از مدتی اقامت در آن کشور به مسافرت خود در ایتالیا و آلمان ادامه داد و بالاخره به وطن خود بازگشت و در سال ۱۹۰۴ با مرض سل از دنیا رفت. از آثار او می توان «علامت زمانه»، «خاطرات یک دختر جوان»، «چاق و لاغر»، «اطلاع»، «مرگ کارمند» ، «متلون» ، «موژکیها»، «سرگذشت غم انگیز»، «انسان در غلاف» ، «بدبختی» ، «پشتیبانی» ، «آزادیخواه» ، «نماینده ی مجلس»، «حقیقت خالص»، «رشته فرهنگی»، «چگونه زن قانونی گرفتم»، «یک مرد جوان»، «طبیعت پر معما»، «جنگ تن به تن»، «داستان کسالت آور»، «رؤیاها»، «در تبعیدگاه» ، «وانکا»، «میل بخوابیدن» ، «اطاق شماره ی ۶» ، «یک واقعه ی جالب»، «مرغابی دریایی»، «مرد ناشناس»، «خاطرات یک استاد»، «عمو وانیا»، «تمشک تیغ دار»، «مشاور مخصوص»، «خواب آلود» ، «اندوه» ، «جنایتکار»، «مشاور مخصوص» ، «خوابآلود» ، «اندوه»، «جنایتکار»، «دشتها»، «خانه ای با اشکوب»، «تیفوس»، «بیست و پنج روبل» را نام برد.«چخوف» نویسنده ای، بشردوست، آزدیخواه و روشنفکر بود و داستان های وی حکایت از افکار مترقی وی می نماید. ای با تمام قوا از آزادی دفاع کرد، برای دسترسی مردم به حقوق خود کوشش نموده و با انتقاد از اصول اجتماعی و وضع موجود مردم را به سوی ترقی فکری و اخلاقی سوق داده است. وی با فساد و دروغ، خودنمایی، سرشکستگی، منفی بافی، کوته نظری، تحمل ظلم، آزادیخواهی دروغی و بالاخره صفات منفی با کمال خشونت مبارزه می کند و جامعه ی عقب مانده را به آینده ی درخشان و زندگانی سعادتمندانه امیدوار می سازد و برای رسیدن به اصول مترقی افکار برجسته ای به خوانندگان آثار خود تلقین می کند.

چنگانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌حیدر بن حسن بن غلام چنگانی اصفهانی. فاضل مدقق بوده، و در سال ۱۲۷۸ کتاب «منیهٔ اللبیب در شرح تهذیب» را جهت خود

استنساخ نموده، و بر آن تعالیقی دارد که دلالت بر وفور علم و دانش او می کند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چوبک، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۷ -۱۲۹۵ ش)، نویسنده و مترجم. در بوشهر متولد شد، بعد از تحصیلات مقدماتی با پدر خود به شیراز و تهران مسافرت کرد. وی در تهران دوره‌ی کالج را به پایان رسانید و از کالج آمریکایی البرز فارغ‌التحصیل شد. وی مدتی رییس کتابخانه‌ی شرکت نفت بود. او زبان انگلیسی را خوب آموخت و در ادبیات فارسی و انگلیسی مهارتی یافت. حکایات و داستانهای اجتماعی کوتاه و مفیدی به سبک جدید نوول دارد. مکتب داستان‌نویسی وی ناتورالیسم است که حد فاصل شیوه‌ی ادگار آلن‌پوی آمریکایی و چخوف روسی است. برخی از آثار وی: «خیمه شب بازی»؛ «انتری که لوطیش مرده بود»؛ «سنگ صبور»؛ «تنگسیر»؛ «چراغ آخر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات امروز ایران (۱۱۵ -۱۱۱ /۱)، چون سبوی تشنه (۲۰۴ -۲۰۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۶۶ -۱۶۳ /۲)، شخصیتهای نامی (۱۵۲ ،۱۵۱)، صدسال داستان‌نویسی در ایران (۱ و ۲۵۲ -۲۴۱ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ -۴۸۳ /۳).

چهارسوقی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید محمد صادق بن امیر زین العابدین خوانساری
پدرش آقا سید محمّد صادق خوانساری از علما و دانشمندان اصفهان است که در شب ۲۹ شعبان ۱۲۸۹ وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده، جنب پدر مدفون گردیده است.
وی را: ۱- شرحی است بر زبده شیخ بهائی ۲- کتاب الاحباط و التکفیر، ۳- شرح بر شرایع در ۵ جلد
اولاد او در اصفهان و کاظمین ساکن می‌باشند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۸ رمضان المبارک ۱۲۵۱ متولّد، و در ۱۳ ذی حجّه ۱۳۲۴ وفات یافته، در بقعه پدر مدفون گردید.
کتب زیر از اوست:

ترجمه الفیّه به نام فرایض الیومیّهٔ ۲- تعلیقه بر لمعهٔ الدمشقیّهٔ ۳- تکمیل شرح الفیّه که پدرش نوشته، به نام مکمّل البقیّهٔ من احسن العطیّهٔ ۴- دلیل المصلّین ۵- شرح بر تبصره علّامه ۶- شرح بر نفلیّه شهید؛ و غیره.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

تاریخ وفاتش طلبیدم ز خرد

فرمود که آه نور مهدیٍّ غاب

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی اصفهانی مشهور به « صاحب روضات » عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم فرزند عالم برجسته حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری (مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی) می¬باشد.

این عالم بزرگوار در خوانسار متولد شد و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای بزرگی چون سید محمد شهشهانی، سید صدرالدین عاملی ، شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس ، تحقیق ، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.

در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدی که در محله چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده اند ظل السلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمد باقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. ظل السلطان ابتدا تصور می¬کرد که واقعا توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.

ایشان در شب دوشنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۱۳ هـ. ق در گذشت و بنا بر وصیتش در تخت فولاد در جوار قبر میرزا حسین خان کشیکچی به خاک سپرده شد.

به جهت احترام و تجلیل از مقام برجسته وی به همت میرزا سلیمان خان رکن الملك و فرزندان این عالم بزرگوار بعقه ای بر سر قبرش بنا گردید.

تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شرح برالفیه ، تسلیه الاخوان، حاشیه بر شرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شرح حدیث حی ، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصاید عربی و فارسی در مدح و فضیلت اهلبیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.

او تالیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»، در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لمعه »؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلایا النازله فی هذه الدنیا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه‌ی قوانین الاصول»؛ «قرةالعین و سرور النشاتین»؛

«رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».

مشهورترین کتاب ایشان « روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات » به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری ازبزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به « صاحب روضات » و فرزندان بزرگوارش به « سادات روضاتی» معروف گشتند.

چهارسوقی، مسیح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در شب جمعه ۲۷ شوّال ۱۲۵۵ متولّد، و در شب شنبه ۹ ذی حجه سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در بقعه پدر خویش مدفون گردیده.

وی مؤلّف چندین کتاب و رساله مختصره و بیاض ادعیه و یک عشریّه و جزوات منبری می‌باشد.

ماده تاریخ وفاتش را مرحوم فتح اللّه جلالی ضمن قطعه‌ای چنین گوید:

یکی آمد ز غیب ناگه و گفت

بریاض جنان نمود مکان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهره نما

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج عبدالمحمد مؤدّب السلطان ایرانی پور علی زاده، ادیب فاضل، و شاعر و نویسنده و مورّخ، در اصفهان متولّد شده، و در این شهر مقدّمات علوم را آموخته، به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده و از محترمین ایرانیان ساکن مصر به شمار می‌رفته. روزنامه چهره نما را در آنجا می‌نوشته و مدّت سی و دو سال مرتّباً انتشار داده است.

در حدود سال ۱۲۹۱ متولّد، و در اوّل شعبان ۱۳۵۴ در قاهره وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- احقاق الحق ۲- امان التواریخ ۳- پیدایش خطّ و خطاطان ۴- زردشت باستانی و فلسفه او ۵- فؤاد التواریخ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حاکمی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل حاکمی ، در سال ۱۳۱۵ در آبادان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال ۱۳۳۴ پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره لیسانس به سال ۱۳۳۷ وارد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی شد و در سال۱۳۴۳ به اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران نائل آمد.دکتر حاکمی از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ به خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال ۱۳۴۷ به درجه استادیاری و سال ۱۳۵۲ به دانشیاری و سرانجام به سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از ۲۲ سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه ۱۳۶۹ درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل حاکمی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال ۱۳۳۴ پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره ی لیسانس به سال ۱۳۳۷ وارد دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی شد و در سال۱۳۴۳ به اخذ درجه ی دکترا از دانشگاه تهران نائل آمد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل حاکمی در طول ۳۲ سال خدمت علمی و فرهنگی ، متصدی سمت های : ریاست دبیرستان ، مدیریت گروه ، معاونت دانشگاه علامه طباطبایی ، ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه را عهده دار بود.

فعالیتهای آموزشی : اسماعیل حاکمی از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ به خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال ۱۳۴۷ به درجه استادیاری و سال ۱۳۵۲ به دانشیاری و سرانجام به سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از ۲۲ سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه ۱۳۶۹ درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حضور در کنگره ها و سمینارهای بین المللی چون کنگره سعدی و حافظ و سمینار استادان فارسی هند ـ سمینار اقبال در پاکستان و دانشگاه کابل و دانشکده الهیات استانبول از جمله فعالیت دیگر اسماعیل حاکمی می باشد.

جوائز و نشانها : در سال تحصیلی ۷۰-۶۹ اسماعیل حاکمی عنوان استاد ممتاز را به خود اختصاص داده و توانست لوح تقدیر دریافت نماید. --

منابع :

۱مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، شماره پیاپی ۱۱۴-۱۱۳ ، سال ۲۸ ، بهار و تابستان ۱۳۶۹ ، ص ۳۱۳

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حالت، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم حالت، فرزند محمدتقی حالت در خانواده‌ای متمدن و مذهبی متولد شد. وی از کودکی به موسیقی و نقاشی و شعر و نویسندگی علاقه تام داشت و چون امکان پرورش ذوق و استعداد و رشد و ترقی خود را در موسیقی و نقاشی در خانواده مشاهده نکرد به شعر و نویسندگی روی آورد و طولی نکشید که در این هنرها پیشرفت شایانی کرد و از بزرگان آن گردید.

درباره اولین شعری که حالت سرود، خود وی می‌گوید: «روزی در مدرسه با یکی از دوستان همکلاسم قهر کرده بودم و چون

خیلی نسبت به هم صمیمی بودیم بالاخره طاقت نیاودم و با یک قطعه سه بیتی از او معذرت خواستم، این قطعه که اولین شعرم بود و متأسفانه الان هیچ به یادم نیست موثر واقع شد و قهر ما را به آشتی تبدیل نمود... اثر این شعر مرا بر آن داشت که شاعری را دنبال کنم، لذا از کلاس ششم ابتدایی گاهگاهی شعر ساختم، مخصوصا تابستان‌ها که مدرسه تعطیل بود و فراغت بیشتری داشتم و می‌توانستم هم شعر بسازم و هم دنبال چاپ آن بروم اما روزنامه‌های ادبی آن ایام که عبارت بودند از «نسیم شمال» و «کانون شعرا» و «توفیق» همه از چاپ اشعارم خودداری می‌کردند، چون بسیار ناپخته بود، ولی این امر به هیچوجه باعث دلسردی من نمی شد... تا دو سه سال بعد که کم‌کم بعضی از اشعارم در روزنامه‌ها چاپ شد.»

پس از چندی که اولین اثر ابوالقاسم حالت در یکی از جراید چاپ گردید، درصدد برآمد که خود را به کانون و انجمن‌های ادبی نزدیک نماید، به همین سبب بعضی شب‌ها به انجمن ادبی ایران که ریاست آن با شاهزاده محمدهاشم افسر بود می‌رفت و در یکی از همین شب‌ها یکی از اشعار خود را در این انجمن ادبی قرائت می‌کند که صدای آفرین و احسنت رسا و پر طنطنه شیخ‌الملک اورنگ که در آن زمان نایب رئیس انجمن بود به قدری وی را تحت تأثیر قرار داد که تا صبح خواب به چشمانش راه نیافت. از این زمان به بعد وی در راه شهرت و ترقی گام‌های بلندی یکی پس از دیگری برداشت.

باری ابوالقاسم حالت، در کلاس‌های چهارم دبیرستان مروی درس می‌خواند و چون اواخر سال تحصیلی بو و محصلین در حالی که کتاب‌های خود را جهت تمرین دروس زیر بغل نهاده و عازم محوطه باغ ملی که درختان زیادی داشت و محلی مصفا بود می رفتند، حالت هم کتاب خود را برداشت عازم این محل گردید. در خیابان خیام نزدیک باغ ملی با مرحوم حسین توفیق صاحب امتیاز روزنامه توفیق برخورد می‌کند و از طرف دعوت می‌شود که با هیئت تحریریه این روزنامه همکاری نماید وی از نخستین شماره روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده داشت.

حالت بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ با بسیاری از جراید از جمله روزنامه‌های: «امید»، «قیام ایران» و مجله «تهران مصور» همکاری می‌کند.

در مورد انگیزه ترانه می‌گوید: «یک شب مرحوم دهقان پیشنهاد کرد که برای تماشاخانه تهران تصنیف بسازم اولین تصنیف من که توسط حمید قنبری به عنوان پیش سپرده در تماشاخانه تهران خوانده شد و خیلی معروف گردید، تصنیف «چاقوکش‌ها» بود که با این شعر شروع می‌شد:

بچه‌ی چاقوکشم و گردنم کلفته

هر جا من باشم باید خون راه بیفته

بقیه‌اش حرف مفته

بعد از تصنیف «وکالت خانم‌ها» را ساختم که مرحوم مجید محسنی خواند. از آن به بعد این کار را هم دنبال کردم و اغلب تصنیف‌هایی را که می‌ساختم توسط حمید قنبری، جمشید شیبانی و مرحوم مجید محسنی خوانده و اجرا می گردید. البته بعضی تصنیف‌های جدی و ادبی هم برای جامعه باربد ساخته‌ام که در آن زمان خانم ملکه حکمت شعار اجرا می‌کرد.»

ابوالقاسم حالت در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت کمپانی «اورگرین پیکچر» به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار دوبلاژ فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا این‌که مرحوم مهدی خالدی، مرحوم جواد بدیع‌زاده، مرحوم نصرالله زرین‌پنجه، مرحوم علی زاهدی، مرحوم یوسف کاموسی، مرحوم علی‌اکبر پروانه و خانم دلکش جهت ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت، و علی زاهدی آن را اجرا کرد. این تصنیف اینطور شروع می‌شود:

شیرین، شیرین، سروقد و سیمین برو گل پیکری تو

در مذاق از شکر شیرین‌تری تو

ابوالقاسم حالت، در بهار سال ۱۳۲۷ به وطن بازگشت و در آن زمان، سرپرستی اداره کل انتشارات و رادیو با ابوالقاسم پاینده بود، از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تصنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی از شعرای دانشمند و باذوق می‌باشد که به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرده است.

در اینجا نام چند آثار این شاعر فاضل و ادیب و مترجم را یادآور می‌شوم:

۱- ترجمه کلمات قصار حضرت علی (ع) به زبان انگلیسی و فارسی و رباعیات فارسی.

۲- کتاب بهار زندگی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).

۳- پیشروان موشک‌سازی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).

۴- جادوگر شهر زمرد (ترجمه از انگلیسی به فارسی).

۵- شبح در کوچه میکل‌آنژ (ترجمه از فرانسه به فارسی).

۶- پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی).

۷- فکاهیات حالت (در دو جلد شامل اشعار فکاهی).

۸- رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه).

در اینجا یادآور می‌شوم، گفتگویی را که با منوچهر همایون‌پور که از دوستان صمیمی حالت بود، به اطلاع خوانندگان گرامی برسانم، همایون‌پور، می‌گفت:

«در تابستان سال ۱۳۳۲ وقتی که زنده‌یاد مهدی خالدی همکاری خود را با خانم دلکش رها کرد و به فکر ابداع برنامه‌های دیگر افتاد، اولین کاری که طرح و شروع به اجراء آن کرد، همکاری با آوازخوان‌های مختلف بود، یکی از افرادی را هم که برای همکاری دعوت کرد من بودم، در آن ایام برنامه‌های موسیقی قبل از ظهر جمعه انحصاراً در اختیار ایشان بود که مورد علاقه اکثریت دوستداران موسیقی بود.

از کارهای بسیار ظریف و دقیق و هنرمندانه ایشان انتخاب آهنگ و شعر متناسب برای سبک و ذوق آوازخوان‌ها با رعایت و شناخت کل هنر آن‌ها بود با توجه به این موضوع که من در امر شعر و کلام و مضمون و آهنگ دقت داشتم و با آگاهی به طرز فکر و در عین حال انس و الفت و آشنایی که میان ما بود در انتخاب کلام و مضمون و آهنگ این تصنیف توجه خاص به من کرد. تصنیفی را با آهنگی متناسب و شعری از شاعری را برای من در نظر گرفت که می‌توان به جرأت و با دلایل متقن اظهار کرد که از آغاز ترانه‌سرایی در دوران مختلف تاکنون از لحاظ پیوستگی مضمون شعری و انتخاب کلام و صنایع بدیعی در نوع خود اگر نه بی‌نظیر که غلو و گزافه‌گویی زیاده از حد معقول نیست، ولی کم‌نظیر است.

عنوان این تصنیف «گلباران» است و به صورت‌های مختلف در تمام جمله‌ها و با عنایت به صنتهع «التزام» که یکی از صنایع بدیعی است، کلمه «گل» با ترکیب‌های مختلف به کار گرفته شده است و «گل» کرده است.

در انتخاب آهنگ این تصنیف که نت آن با خط زنده‌یاد نزد اینجانب موجود است و شاید در تجدید چاپ کتاب ایشان در جزء کارهای وی افزوده شود نیز حد اعلای تناسب ذوقی و موسیقیائی را با توجه به ذوق و سلیقه من به کار برده بود.

آهنگ این تصنیف در مایه ابوعطا و از آوازهای مورد علاقه من است، تصنیف از دو بخش تشکیل شده است.

بخش اول، با ضرب (ریتم) ۴ / ۴ و با الهام از یک آهنگ کردی است.

بخش دوم، با ضربی شاد و ریتمیک و در ضرب ۶ / ۸ است.

این تصنیف در روز جمعه و قبل از ظهر در رادیو اجرا و منتشر شد. گرچه حسرت و افسوس بر گذشته نه کاری عاقلانه است و نه سودی از آن عاید خواهد شد. اما از جهاتی جای دریغ است که در آن ایام اوضاع و احوال صنعت ضبط به صورت ابتدایی بود و در دسترس عموم نبود و این ترانه چون خیلی از کارهای من به فراموشی سپرده شد. افسوس دیگر این‌که در اوقات جمع‌آوری و چاپ آثار ایشان اولا آگاهی نداشتم، در ثانی کسالت ایشان در سال‌های اخیر و بعضی مسائلی که ذکر آن‌ها جایز نیست و ملال‌آور است ارتباط و مراوده چون روزگار گذشته برقرار نبود.

گفتنی است، در بزرگداشتی که برای آقای ابوالقاسم حالت، در زمستان سال ۱۳۷۰ گذاشتند، درباره تصنیف‌سرایی ایشان و توضیح و شناساندن این رشته سخن را به دست کسی سپردند که اصلاً در کار تصنیف‌سرایی و تاریخ و سیر آن آگاهی نداشتند و این کار به صورتی که دیده شد در واقع انجام گردید.

البته این چنین بزرگداشت‌ها در زیر یک سقف و با حضور دویست، سیصد یا هزار نفر برای مردی با پنجاه سال سابقه کارهای ادبی و هنری مختلف همچون افزودن یک ظرف آب به رودخانه‌ای است. البته ترتیب دهندگان آن بزرگداشت نه تنها در مورد تصنیف‌سرایی ایشان که درباره بزرگترین کار بی‌نظیر وی که همانا برگرداندن نهج‌البلاغه به زبان انگلیسی و عربی و سرودن یک رباعی متناسب با همان معنی و مفهوم که کاری بس دشوار و ابداعی نو آیین است و تا این زمان کسی دانش و هنر دست یا زیدن به چنین کاری شگرف را نداشته است، به‌طرز جامع و دلخواه حرفی و سخنی گفته نشده به‌هر تقدیر ظهور چنین مردانی یک امر مألوف و معتاد نیست، گوینده این مطالب را اعتقاد بر آن است که این چهره هم به دلایلی از تصاویری است که در قاب زمان حال نمی‌گنجد و طبق معمول روزگار آیندگان هنرمند و هنرشناس می‌آیند و این تصور بزرگ را در جای خود قرار می‌دهند.

عمر و زندگی افراد عادی با روز و ماه و سال سنجیده می‌شود، اما عمر دانشمند، نویسنده، محقق، شاعر و هنرمند این چنین نیست و حیات این قبیل افراد و نوادر روزگار عبارت است از تعداد و اندازه آثار آنان در طول مدت زندگانی.

متأسفانه در شب یک شنبه سوم آبان‌ماه ۱۳۷۱ این استاد بزرگ ادبیات دار فانی را وداع گفت، روانش شاد. هنوز خیلی از نوباوگان ذوق و اندیشه او در باغ ادب و هنر ایران- زمین به گل ننشسته‌اند، و اینک تصنیف «گلباران» و شرح صنایع بدیعی و لطایفی که در آن به کار رفته است.

(۱) در فصل گل که گردد گلباران گلشن

وه چه گل‌ها کز خون دارم من بر دامن

ز غم گلرخسارم

شده گلکاری کارم

بهر گلی رخ را گلگون مکن از خون

در راه یک لیلی خود را مکن مجنون

تا از درون دل غم را کنی بیرون

در پای سر کن در کش می گلگون

(۲) گلعذاری که گل پیش او چون خار است

گل بهر اغیار و خار از بهر یار است

دل او زارم خواهد

گل من خارم خواهد

بهر گلی تا کی آری به خواری سر

چون بی‌وفا شد گل خاری از او خوشتر
هر سو در این گلشن گلی هست و گل پیکر
این گل نشد سر کن با نوگل دیگر
(۳) دلبرا رو که دیگر دلی در بر نیست
شوق گل چیدن دیگرای گلی در سر نیست
دگر این دل افسرده
دگر این گل پژمرده
ای نوگل خندان، من از تو بی‌زارم
رو رو که من یارا مستغنی از یارم
آسوده از یارم فارغ از اغیارم
هم بر کنار از گل هم ایمن از خارم

در جای جای ترانه کلمه‌ی گل به صورت جناس تام آمده است.

گل گلشن جناس مذیل است.

گل و خار طباق و تقابل و مراعات نظیر است.

اغیار و یار هم جناس زاید و هم طباق است.

و ترکیب‌های دیگری چون: نوگل، گلی، گلرخسار، گلعذار، گلگون به صورت‌هایی که دیده می‌شود در این ترانه گل کرده است و واقعاً سراینده، با این «گل‌ها»، گل کاشته است.

در گلستان که زاغان نغمه‌پردازی کنند
گوش گل را گوشواری بهتر از سیماب نیست

«رضی دانش»

شادروان استاد ابوالقاسم حالت، گذشته از آنکه در سرودن انواع و اقسام شعر پارسی از قصیده و غزل و مخمس و چهارپاره و طنز و رباعی و غیره ماهر و مسلط و از بعضی جهات بی‌بدیل بود، در ترانه‌سرائی نیز دستی قوی و ذوقی لطیف داشت و بر روی آهنگهای بسیاری از هنرمندان رادیو ایران منجمله امین‌اللّه رشیدی آهنگساز و خواننده رادیو ترانه‌هایی زیبایی سروده بود که نمونه از آنها ذیلاً می‌آید.

«برباد رفته»

من آن گلم که دور از چمنم
چنین پریشان که منم
چو یار دور از وطنم
چرا جدا ز گلشنم
باد سحر از چمنم برده بدر
بجا گذرم
چه رَوَد بسرم؟
ز رهی که رَوَم نَبوَد خبرم

همره طوفان میگذرم

رهرو راهی پر خطرم

تیره جهان شد در نظرم

شد جانم آزرده

شد رویم پژمرده

مانده جدا از باغ و چمن

رنگ صفا رفت از رخ من

دیده بسوی من بفکن

تا بینی احوالم

این بخت و اقبالم

تا شده‌ام جلوه‌گر از باغ جهان

رفتم و شد چهر من از دیده نهان

نه کسی، نفسی، گذرد به برم

که شکایت دل بر او ببرم

نه ز بوی خوشم اثری

نه وجود مرا ثمری

نه کسی پی دیدن من

نه دل پی چیدن من

نه گلی شده همدم و همبر من

نه گیاه بسرم شده سایه فکن

همه نرگس و لاله چه شد؟

آه از دوری همنفسان

چو کسی ز میان برود

گویی رفته ز یاد کسان

نه دل و نه هوس

منم و غم و بس

چه بود ثمرم چه بود اثرم

همره طوفان میگذرم

رهرو راهی پر خطرم

تیره جهان شد در نظرم

شد جانم آزرده

شد رویم پژمرده

(۱۳۷۱ -۱۲۹۴ / ۱۲۹۳ ش)، نویسـنده، شاعر، روزنامه‌نگار و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در همین شهر به پایان

رسانید و از همان کودکی به شعر و ادب علاقه‌ی فراوانی داشت. از سال ۱۳۱۴ ش به طور رسمی به شعر و شاعری پرداخت و از سال ۱۳۱۷ ش با روزنامه‌ی فکاهی «توفیق» همکاری کرد. بحر طویلهای او با امضاهای هدهدمیرزا و اشعارش با امضای خروس لاری، شوخ، فاضل مآب و ابوالعینک، به چاپ می‌رسید. حالت با نشریات بسیاری چون: «امید»، «تهران مصور»، «قیام ایران» و «خبردار»، همکاری داشت و ملک‌الشعرا بهار او را به کنگره‌ی نویسندگان ایران دعوت کرد. او در ترانه‌سازی توانا بود و علاوه بر آن شاعری محقق و مترجمی زبردست بود و به زبانهای انگلیسی و عربی و فرانسه، مسلط. از وی ترجمه‌های متعددی به جای مانده است. از آثار او: «دیوان» اشعار؛ «پروانه و شبنم»؛ «تذکره‌ی شاهان شاعر»؛ «کلمات قصار حضرت علی (ع)»؛ ترجمه‌ی «تاریخ کامل ابن‌اثیر»؛ «تاریخ فتوحات مغول»، اثر ج ج ساندوز؛ «تاریخ تجارت»، اثر اریک. ن. سیمونز؛ «زندگی من»، اثر مارک تواین؛ «بهار زندگی»، اثر کلاویس هاستی کارول.[۱]

شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۱، تهران.

ابوالقاسم حالت (با نام اصلی ابوالقاسم عبدالله فرد) متخلص به «حالت»، فرزند محمدتقی حالت، تحصیلات خود را در تهران از دبیرستان مروی به پایان رساند. از سال ۱۳۱۴ به شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی و از جمله انجمن ادبی ایران راه یافت. در سال ۱۳۱۷ در هفته‌نامه‌ی «توفیق» که تازه فکاهی شده بود با مدیر آن، حسن توفیق، همکاری کرد (از نخستین شماره‌ی روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده وی بود) و این همکاری را تا آخرین شماره‌ی «توفیق» که به مدیریت حسن توفیق انتشار می‌یافت، ادامه داد در مدت این همکاری، بحر طویل‌های وی به امضای «هدهد میرزا» و اشعارش به امضاهای «خروس لاری»، «شوخ»، «فاضل مآب» و «ابوالعینک» در توفیق به چاپ می‌رسید.

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ علاوه بر هفته‌نامه‌ی «توفیق» با هیئت تحریریه برخی از جراید دیگر نیز همکاری می‌کرد. در هفته‌نامه‌های «امید»، «قیام ایران»، «خواندنیها» و «خبردار»، آثاری فکاهی به نثر و نظم داشت. در مجله‌ی «تهران مصور» نیز با امضای «فاضل مآب» قطعاتی را سرود.

ولی اشعاری که برای درج در هفته‌نامه «آیین اسلام» می‌ساخت همه جدی (غیر فکاهی) بود که از تاریخ شانزدهم فروردین ۱۳۲۳ به بعد هر هفته پنج رباعی که ترجمه‌ی منظوم کلمات قصار حضرت علی (ع) بود. همچنین یک قصیده اخلاقی و عرفانی از وی در آن هفته‌نامه دیده می‌شد. بیشتر قصاید او در همکاری با هفته‌نامه‌ی مذکور سروده شده است.

از جمله مشغولیت‌های دیگر وی ترانه‌سازی بود. در واقع با سرودن ترانه‌های فکاهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره انتقاد می‌کرد. این ترانه‌های به عنوان پیش‌پرده در تماشاخانه‌ی تهران به وسیله‌ی مجید محسنی، حمید قنبری، جمشید شیبانی و در تماشاخانه‌ی گهر به وسیله‌ی عزت‌الله انتظامی اجرا می‌شد.

در انجام کارهای هنری جامعه‌ی باربد نیز که به مدیریت اسماعیل مهرتاش اداره می شد. شرکت داشت. در بهار سال ۱۳۲۵ آثار فکاهی خود را در دو جلد تحت عنوان فکاهیات حالت منتشر کرد. در همین سال به نخستین «کنگره‌ی نویسندگان ایران» دعوت شده که به ریاست ملک‌الشعرای بهار تشکیل شده بود. این کنگره از چهارم تا دوازدهم تیر ۱۳۲۵ ادامه داشت و در این کنگره دو شعر جدی قرائت کرد: قصیده‌ای تحت عنون «ستمگر و ستمکش» و یک مثنوی به نام «توپ فوتبال».

ابوالقاسم حالت در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت شرکت «اورگرین پیکچر» به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار صدابرگردانی فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا اینکه مهدی خالدی به همراه گروهی برای ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت و علی زاهدی آن را اجرا کرد. ابوالقاسم

حالت در بهار سال ۱۳۲۷ به ایران بازگشت و در آن هنگام، سرپرستی اداره‌ی کل انتشارات رادیو تهران با ابوالقاسم پاینده بود که از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تهران تصنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی سپس به عضویت در هیئت تحریریه به مجله‌ی «اخبار هفته» منتشره در آبادان درآمد. بیشتر اشعار جدید و داستان‌هایش در این مجله طبع شده است.

پس از ملی شدن صنعت نفت و متوقف شدن صدور آن به مدت سه سال، حالت در این فاصله به تحصیل زبان فرانسوی پرداخت و به دنبال آن کتاب شبح در کوچه میکل آنژ فرانسوی ترجمه و در مجله‌ی «تهران مصور» به چاپ رسانید.

حالت در اواسط سال ۱۳۲۷ به تهران منتقل شد و در اداره‌ی روابط عمومی شرکت نفت انجام وظیفه نمود و در مدیریت مجله‌ی «صنعت نفت» را به عهده گرفت و در عین حال همکاری خود را با مطبوعات همچنان حفظ کرد تا در سال ۱۳۵۳ بازنشسته گردید. وی همچنین با مجله‌ی «گل آقا» همکاری داشت.

حالت در آغاز انقلاب اسلامی، سرود جمهوری اسلامی را ساخت و در نوزدهم آبان ۱۳۷۰ طی مراسمی که در تالار باشگاه بانک ملی برای بزرگداشت او برگزار شد از وی تجلیل به عمل آمد.

ابوالقاسم حالت در رشته‌ی زبان و ادبیات تحصیلات عالی کرد و به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسوی تسلط داشت و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرد. برخی آثاری که از وی طبع و نشر شده بدین شرح است: دیوان حالت (شامل قطعات، مثنویات، قصاید، غزلیات و رباعیات)؛ کلیات سعدی (با ترجمه‌ی اشعار عربی آن به فارسی)؛ تذکره‌ی شاهان شاعر؛ گلزار خنده (مشتمل بر اشعار فکاهی که از نیمه سال ۱۳۱۷ تا آخر سال ۱۳۱۸ سروده شده)؛ فکاهیات حالت (دو جلد)؛ دیوان خروس لاری (شامل اشعار طنزآمیز)؛ دیوان ابوالعینک؛ دیوان شوخ؛ بحر طویل‌های هدهد میرزا؛ عیالوار؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه)؛ مقالات طنزآمیز؛ فروغ بینش یا سخنان حضرت محمد (ص) (با ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی)؛ راه رستگاری یا سخنان حسین بن علی (ع) (با ترجمه فارسی وانگلیسی و رباعیات فارسی)؛ کلمات قصار حضرت علی (ع) (این کتاب مختصری از شکوفه‌های خرد است، با ترجمه به فارسی و انگلیسی و رباعایت فارسی، ۱۳۳۳)؛ کلمات قصار حسین بن علی (ع) (این کتاب چاپ دوم راه رستگاری است)؛ ترجمه تاریخ کامل ابن اثیر؛ تاریخ فتوحات مغول (نوشته ج. ج. ساندرز)؛ تاریخ تجارت (اثر اریک ن. سیمونز)؛ ناپلئون در تبعید (خاطرات ژنرال برتران، استنساخ و تنظیم یادداشت نگاری از پل فلوریو دولانگل)؛ زندگی من (اثر مارک تواین)؛ زندگی بر روی می‌سی سی پی (اثر مارک تواین)؛ پیشروان موشک‌سازی (تألیف بریل ویلیامز و ساموئل اشتاین)؛ بهار زندگی (اثر کلاویس هاستی کارول، ۱۳۳۷)؛ جادوگر شهر زمرد (نوشته‌ی ال. فرانک باوم)؛ مینوتوش مشاور نرون (نوشته‌ی میکا والتاری)؛ پسر ایرانی، سرگذشت واقعی داریوش سوم و اسکندر (نوشته‌ی ماری رنولت)؛ فرعون (نوشته‌ی الویز جارویز مک گرد)؛ شبح در کوچه میکل آنژ (ترجه از فرانسوی به فارسی)؛ پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی، ۱۳۳۶)؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه، ۱۳۳۳).

ابوالقاسم حالت، بر اثر سکته‌ی قلبی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۴۷/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۶۲ –۱۰۵۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۸ –۲۳۷/ ۱).

حامد حسین، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، مفسر، محدث، متکلم و ادیب. وی را با نسبتهای موسوی نیشابوری، کنتوری، هندی و کلهنوی نوشته‌اند. حامد حسین در لکهنو به دنیا آمد. وی از ارکان علمای امامیه بوده است. کلام را در محضر پدرش، مفتی سید محمدقلی، و فقه و اصول را نزد سید حسین بن دلدار علی نقوی، و معقول را در خدمت سید مرتضی بن سید محمد و ادب را در حوزه‌ی مفتی سید محمد عباس فراگرفت. او تصنیفات فراوانی دارد با مراجعه به کتاب «عبقات» وی معلوم می‌شود که کسی به پایه او در فن کلام بخصوص در باب امامت بدان منوال کار نکرده است. کتابخانه‌ی ارزشمند میرحامد حسین یکی از خزاین گرانبهای شرقی در دوران اخیر است. این کتابخانه حاوی هزاران جلد کتاب است که برخی از آنها از دستنویسهای قدیمی است. از آثار وی: «عبقات الانوار فی امامهٔ الائمه الاطهار»؛ «اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار»؛ «استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد المنتهی الکلام»؛ «الشریعهٔ الغراء»، در فقه: «الشعلهٔ الجوالهٔ»؛ «شمع المجالس»، قصاید عربی و فارسی در مراثی؛ مثنوی «شمع و دمع»، به اردو؛ «الظلل الممدود والطلح المنضود»؛ «افحام اهل الیمن فی رد ازالهٔ الغین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱/۴)، ایضاح مکنون (۹۲/۲)، الذریعه (۲۱۵ -۲۱۴ /۱۵ ،۲۳/۱۰ ،۲۵۷ ،۳۱ /۲)، ریحانه (۳۷۹ -۳۷۷ /۳)، فوائد الرضویه (۹۲ -۹۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حامد حسین)، معجم المؤلفین (۷۱۷/۳).

حایری مازندرانی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، مترجم. در تهران متولد شد. وی در دارالفنون، تحصیل کرد، سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد، و نزد پدر، اصول فقه و علوم قدیمی را فراگرفت. مازندرانی چندی به اورپا رفت و در پاریس دکترای حقوق گرفت و به تهران بازگشت و مشغول امر وکالت شد. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب معروف «مانون لسکو» اثر آبه پرود از فرانسه به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مولفین کتب چاپی (۱۹۳ -۱۹۲ /۵).

حائری، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

زندگینامه

دکتر شادروان عبدالهادی حائری استاد برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران در سال ۱۳۱۲ هجر شمسی به دنیا آمد. وی که نوه‌ی حضرت آیت‌اللّه حائری یزدی بود سالها در خارج از کشور و در دانشگاههای کانادا و آمریکا مشغول تدریس و تحقیق بود و در سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان استاد و رئیس گروه تاریخ مشغول به تدریس و تحقیق شد.

ایشان در زمینه‌های تاریخی، بخصوص تاریخ معاصر ایران دارای آثار ارزشمند و مهمی است که در محافل علمی و دانشگاههای داخل و خارج از کشور معروف می‌باشد.

تألیفات گوناگون وی در زمینه مسائل تاریخی به زبانهای انگلیسی و فارسی به بیش از ۴۰ مورد می‌رسد.

مرحوم دکتر حائری یکی از مردان نامی دانشگاههای کشور بوده و مهمترین آثار فارسی او «تشیع و مشروطیت در ایران»، «رویاروئی اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب»، «تاریخ جنبش و تکاپوهای فراماسیونری در کشورهای اسلامی»، «ایران و جهان اسلام»، «آنچه گذشت»، «نقشی از نیم‌قرن تکاپو» (خاطرات خود استاد) و... نام برد. از وی بیش از ۳۶ مورد ملاقات ارزشمند تاریخی به زبان انگلیسی در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

دکتر حائری سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی ۲ ساله در سن ۶۰ سالگی در تاریخ بیست و چهارم مرداد ۱۳۷۲ چشم به جهان فروبست.

مدرس، مورخ.

تولد: ۱۳۱۴، قم.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۷۲، مشهد.

عبدالهادی حایری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوه‌ی دختری آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم) پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشته‌ی الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در اداره‌ی بهداشت مشهد مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان ابن مقفع که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارس ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال ۱۳۴۳ با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.

عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشته‌ی اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.

دکتر حائری در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سده‌ی اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.

تخصص اصلی دکتر حائری در زمینه‌ی انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجه تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.

از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام؛ پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها؛ اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامه‌ی «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.

کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال کشور برنده‌ی جایزه شد.

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حبیب اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، ادیب، نویسنده، زبان‌شناس و شاعر، متخلص به دستان. در قریه‌ی بن از توابع چهارمحال اصفهان متولد شد. در اصفهان به تحصیل علوم پرداخت. بعد از تحصیل ادبیات و فقه و اصول در بغداد، به تهران آمد و پس از چندی به استانبول رفت و در آنجا مقیم شد. میرزا حبیب با شیخ احمد روحی و یاران او معاشرت داشت و در نهضت آزادمردانی که برای بیداری ایرانیان در کوشش بودند همکاری داشت. وی بیشتر اوقات خود را به تدریس و آموزش زبان فارسی در استانبول می‌گذراند و علاوه بر زبان فارسی به زبان ترکی و فرانسه مسلط بود. گاهی نیز به سرودن شعر می‌پرداخت. در اواخر عمر برای معالجه به آبهای بورسا رفت و همان جا درگذشت و در گورستان چکرگه دفن شد. از آثار وی: «برگ سبز»؛ «خط و خطاطان»؛ «دستور سخن»؛ «دبستان پارسی»؛ «رهنمای فارسی»؛ «غرائب عقائد ملل»؛ «دیوان» اشعار؛ ترجمه‌ی کتاب «حاجی بابا».[۱]

اصفهانی (میرزا) متخلص به دستان، دانشمند ایرانی (ف. بورسه ۱۳۱۱ ه.ق.) وی به جرم دهری بودن و اتهام سیاسی از ایران به استانبول تبعید شد و تا سال فوت غالبا در مکتب سلطانی آن شهر به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود. از آثار او دستور سخن، تصحیح و طبع دیوان اطعمه ابواسحاق حلاج شیرازی، تصحیح و طبع دیوان البسه قاری، منتخب کلیات عبید زاکانی با مقدمه فرانسوی فرته، غرائب عوائد ملل، برگ سبز، خط و خطاطان (ترکی)، دبستان فارسی، خلاصه رهنمای فارسی، رهبر فارسی، ترجمه مولیر به فارسی به نام «مردم گریز» و ترجمه «جاحی بابا» است و دیوان شعری هم دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۴۰۵ -۳۹۵ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۹۹/۲)، تذکره‌ی القبور (۲۴۷)، شرح حال رجال (۳۱۴ -۳۱۳ /۱)، مولفین کتب چاپی (۴۷۰ -۴۶۹ /۲).

حجاج اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب، شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، پدرش از وزیران مشهور محمود است و از ممدوحان فرخی سیستانی وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» فضل و کمال او را ستوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۸ /۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (۲۱۷)، سرآمدان فرهنگ (۶۴ /۱)، فرخی سیستانی (۱۱۸ - ۱۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن اسفراینی).

حجازی دزفولی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ /۱۳۲۲ -۱۲۷۳ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به حجازی. در تهران متولد شد. پدرش از علمای خوزستان و قطب سلسله‌ی ذهبیه بود. حجازی در نه سالگی باتفاق پدر خود به دزفول رفت و علوم متداول را نزد پدرش فراگرفت. در مجلس موسسان اول نماینده بود، بعدها دو دوره‌ی متوالی به نمایندگی مجلس انتخاب شد. حجازی طبع شعری نیز داشت و اشعاری می‌سرود. وی همچنین در مجله‌ی «ارمغان» به نشر مقالات ادبی، تحقیقی و انتقادی می‌پرداخت. او حدود بیست جلد کتاب تالیف کرده است. از جمله‌ی آثار او: «شکرستان تاریخ شش هزار ساله‌ی خوزستان»؛ «ظهور محمد (ص)»، ترجمه از انگلیسی؛ «نعم الظهر فی طلب اکسیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۰۹۶ -۱۰۹۴ /۲)، مولفین کتب چاپی (۵۳۷ -۵۳۶ /۳).

حجازی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۷، ملایر.

درگذشت: ۲ خرداد ۱۳۵۹، تهران.

حسین حجازی تحصیل کرده‌ی بیروت بود. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت. در آنجا مدت سه چهار سال سردبیری «نامه‌ی راه» را بر عهده داشت و در آن مجله‌ی نوشته‌های ادبی و اجتماعی را از نشریات خارجی ترجمه و نشر می‌کرد. پس از آن از سال ۱۳۲۳ به چاپ و نشر مجله‌ی «جهان نو» پرداخت. صاحب امتیاز مجله و گرداننده و پخش کننده‌ی آن خودش بود. «جهان نو» مدت سیزده سال منتشر شد. در قسمتی از سال‌های اول انتشار آن، مرتضی کیوان سردبیر آن بود. سپس امین عالیمرد با وی همکاری می‌کرد.

«جهان نو» عاقبت در سال ۱۳۳۳ از انتشار باز ماند. تا اینکه مجددا در سال ۱۳۴۵، به قطع وزیری و به طور ماهیانه تجدید انتشار یافت.

حسین حجازی در چند سال اواخر عمر کتابخانه‌ی شهرداری تهران را تأسیس کرد. از ترجمه‌های مستقل او که به چاپ رسیده است عناوین زیر هستند: بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت (م.زمیر)؛ انسان آینده (لئونارد داروین، ۱۳۲۱)؛ عصمت عروس می‌شود (نوشته‌ی گرین ویشرپین، ۱۳۴۱).

(۱۳۵۹ -۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در ملایر متولد شد. تحصیلات خود را در بیروت گذراند. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت و در آنجا حدود چهار سال سردبیری «نامه‌ی راه» را بر عهده داشت و در آن نشوته‌های ادبی و اجتماعی خارجی را ترجمه و نشر می‌کرد. چندی نیز سردبیر مجله‌ی «راه نو» بود. وی پس از آن در سال ۱۳۲۳ ش به چاپ و نشر مجله‌ی «جهان نو» پرداخت، این مجله در سال ۱۳۳۳ ش از انتشار بازماند. تا اینکه از سال ۱۳۴۵ ش به طور ماهنامه مجددا انتشار یافت. حسین حجازی در اواخر عمر کتابخانه‌ی شهرداری را تاسیس کرد. از آثار وی: ترجمه‌های «بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت»،

از م. زمیر؛ «انسان آینده»، از لئونارد داروین؛ «عصمت عروس می‌شود»، نوشته‌ی گرین ویشرپین.[۱]

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۱۲ -۹ ص ۹۳۰ -۹۲۲)، مولفین کتب چاپی (۷۲۲/ ۲).

حجت، ناصرالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌سید هاشم حسینی نجف‌آبادی. عالم زاهد جلیل، مؤلف کتاب «حجة البالغة فی تنبیه القلوب الرائقة» در رد نبیل زاده مبلغ بهائی، کتاب نامبرده از کتب بسیار مفید در این موضوع است، و در مشهد به طبع رسیده.

مؤلف دانشمند آن در ۱۲۹۶ در نجف‌آباد متولد شده، و در مولد خود و اصفهان و نجف و مشهد تلمذ نموده، و عمده‌ی تحصیلاتش نزد آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آخوند کاشی بوده، پس از نیل به مقام اجتهاد به موطن خود مراجعت نموده، و به نشر احکام و ترویج دین و دفع شبهات مخالفین، در کمال سعی و جدیت اشتغال جسته، تا سرانجام در شب ۱۶ ربیع‌الثانی سال ۱۳۶۰ وفات یافته، در بقعه‌ای مخصوص در جنب مسجد خود در پهلوی قبر پدر مدفون گردید.

گاهی شعر می گفت و در آن «حجت» و «ناصر» تخلص می‌فرمود.

پدرش نیز از علماء معروف است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حداد عادل، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی حدادعادل درسال ۱۳۲۴ درتهران متولد شد. و پس از اخذ دیپلم از دبیرستان علوی در ۱۳۴۲، لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران (۱۳۴۵)و فوق لیسان از دانشگاه شیراز (۱۳۴۷ه.ش)گرفت اما توسط ساواک از دانشگاه اخراج شد. اما از سال ۱۳۴۸ دوباره به تحصیل در رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تهران پرداخت. و در سال ۱۳۵۴ درفلسفه دکتری گرفت . وی مدرس فلسفه دانشگاه تهران، مدیر بنیاد دایره المعارف اسلامی و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم است. ترجمه کتاب" تمهیدات"غلامعلی حداد عادل ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفهوالدین و انساب : غلامعلی حداد عادل فرزند رضا است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامعلی حداد عادل پس ازاخذ دیپلم ازدبیرستان علوی تهران۱۳۴۲،لیسانس فیزیک ازدانشگاه تهران۱۳۴۵،فوق لیسانس فیزیک ازدانشگاه شیراز۱۳۴۷،توسط ساواک ازدانشگاه اخراج شد ودوباره از۱۳۴۸درمقطع لیسانس علوم اجتماعی وارد دانشگاه تهران شد. وتااخذ مدرک دکترای فلسفه ازدانشگاه تهران در۱۳۵۴تحصیل کرد. عنوا ن تزدکتری وی نظرکانت درباره مابعدالطبیعه بوده است.خاطرات و وقایع تحصیل : اخراج غلامعلی حداد عادل ازدانشگاه شیرازتوسط ساواک ازوقایع مهم زندگی علمی ومبارزاتی وی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامعلی حداد عادل درهنگام تحصیل دردوره فوق

لیسانس فیزیک دردانشگاه شیراز،به طورهمزمان به تدریس دروس نظری وعملی فیزیک درهمان دانشگاه مشغول بوده است.استادان و مربیان : غلامعلی حداد عادل دررشته فزیک ازمحضر استاددکتر حسابی ودکتر جناب ودرفلسفه ازحضور عالمانی چون دکتر یحیی مهدوی،دکتر احمد فردید،دکتر سید حسین نصر،دکتر بزرگمهر ودکتر محمد خوانساریوشهید مطهری بهره برده است.وقایع میانسالی : غلامعلی حداد عادل پس ازاخذ دکتری فلسفه ازدانشگاه تهران به تدریس درمرکزتعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف پرداخت. پس ازانقلاب نیزمسئولیت های گوناگون اجرایی راعهده داربود که ازآن جمله مدیریت بنیاددایره المعارف اسلامی،ریاست فرهنگستان زبان وادب فارسی،تدریس کلام جدیددرحوزه علمیه قم ودانشگاهها اشاره نمود.وی اخیرا در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی به ریاست مجلس نیز منسوب شده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قبل از پیروزی انقلاب اسلامی: عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی: معاون تبلیغات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی ، عضو شورای سرپرستی صداوسیما ، مشاور وزیر ومعاون وزیر ورئیس سازمان پژوهش وبرنامه ریزی وزارت آموزش وپرورش ، مدیر عامل بنیاد دائره المعارف اسلامی ، رئیس فرهنگستان زبان وادب فارسی ، عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نماینده مردم تهران در دوره ششم (عضو کمیسیون فرهنگی)،دوره هفتم(رئیس مجلس) و دوره هشتم مجلس شورای اسلامی فعالیتهای آموزشی : عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف(قبل از انقلاب اسلامی) عضو هیئت علمی دنشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران(بعد از انقلاب اسلامی) مدرس کلام جدیددرحوزه علمیه قم ودانشگاهها.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامعلی حداد عادل دکنارتدریس ومسئولیت های اجرایی به مطالعه وتحقیق وتالیف آثاری درزمینه فلسفه واسلام می پرداخت.آرا و گرایشهای خاص : غلامعلی حداد عادل درفلسفه بیشتر بر آرای کانت و تحلیل آنها تمرکز دارد.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "تمهیدات"غلامعلی حداد عادل ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. غلامعلی حداد عادل در هفتمین همایش چهره های ماندگار در آبان ماه ۱۳۸۷ بعنوان چهره برگزیده در رشته فلسفه انتخاب گردید.

آثار : ۱ تمهیدات ویژگی اثر : ترجمه–این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «تمهیدات»: کتاب ترجمهٔ «پروله گومنا» دومین مرجع فلسفهٔ نظری کانت، فیلسوف مشهور آلمانی است. ترجمه براساس شش ترجمهٔ انگلیسی و نظر به ترجمهٔ عربی و فرانسهٔ کتاب، با رعایت دقّتهای لازم و در کمال شیوایی و رسایی صورت گرفته است. ترجمهٔ این کتاب قدم مهمی در راه معرفی متون کلاسیک فلسفه به زبان فارسی و حلّ مشکلات این زبان برای ترجمهٔ اصطلاحات فلسفهٔ کانت است. کتاب علاوه بر ترجمهٔ متن تمهیدات، مشتمل بر شرح حال کانت، نظر کانت در بارهٔ مابعدالطبیعه و غرض وی از تألیف تمهیدات است ۲ جدائیها ۳ دانشنامه جهان اسلام ویژگی اثر : (جلد ۲و۳و۴ – زیر نظر)۴ درسهایی از قرآن ویژگی اثر : ۴ جلد۵ فارسی دوره راهنمایی ویژگی اثر : (با همکاری دیگران)۶ فرهنگ برهنگی وبرهنگی فرهنگی ۷ نظریه معرفت در فلسفه کانت

حداد، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حداد سال ۱۳۳۹ در شهرستان ساوه به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود.وی

نزدیک به ۳۰ اثر تألیف و تدوین کرده و هفت جلد کتاب پژوهشی از وی در دست انتشار است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین حداد فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. همچنین از سال ۱۳۶۸– ۱۳۵۹ در روستاهای دورافتاده همدان، ساوه و قزوین خدمت کرد.

آرا و گرایشهای خاص : پژوهشگر و مدیر دفتر پژوهش‌های مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، سیدمهدی شجاعی در مراسم یاد بود حسین حداد خاطرنشان کرد: تلقی من درباره حسین حداد این‌گونه است. او به واقع می‌دانست آن‌چه را که انجام می‌دهد، به عنوان توشه‌ای با خود به آن دنیا می‌برد. آن‌چه او انجام می‌داد، اعتلاـ بخشیدن به ادبیات متعهد بود. در ادامه جواد محقق با بیان خاطره‌ای از حسین حداد گفت: هر کدام از این نشست‌ها برای ما می‌تواند تلنگری باشد تا در زمان حیات قدر یکدیگر را بدانیم و قضاوت‌های‌مان بر اساس عدل و انصاف باشد. همچنین پس از مرگ هم دچار تملق‌گویی نشویم. او همچنین با تأکید بر این‌که ضروری است این دست بزرگداشت‌ها را در زمان حیات افراد داشته باشیم، خاطرنشان کرد: بزرگداشت کسی به معنای نفی نقد آثار آن فرد نیست. از سویی اگر کسی نقدی بر آثار دیگری داشت، آن را به حساب دشمنی و موارد منفی نگذاریم. امیرحسین فردی هم با یادآوری خاطراتی از حداد گفت: زندگی وارسته حسین حداد برای ما الگویی است و همواره این را به ما یادآوری می‌کند، که بار امانت انقلاب اسلامی را به سلامت به مقصد برسانیم. فردی با بیان این که اتحاد و انسجام یکی از دغدغه‌های حسین حداد بوده است، افزود: او از غربت نسل جنگ در انقلاب اسلامی حرف می‌زد؛ نسلی که تا آخرین لحظه در جبهه‌های جنگ از آرمان‌های خود دست نکشید. در سوگ‌نشست حسین حداد، عباس براتی‌پور چند شعر خواند، و همسر حداد نیز به بیان خاطراتی از زندگی مشترک خود با او پرداخت.

جوائز و نشانها : مراسم یادبود حسین حداد با عنوان «خواب خاطره» در سالن اجتماعات انجمن قلم ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ برگزار شد.

چگونگی عرضه آثار : درباره تألیفات حداد هم اشاره شد که نزدیک به ۳۰ اثر تألیف و تدوین کرده و هفت جلد کتاب پژوهشی از وی در دست انتشار است. --

منابع :

۱بانک رسانه ها – روزنامه همشهری، ۱–۲–۱۳۸۶"، شجاعی: کار حداد اعتلا بخشیدن به ادبیات متعهد بود"۱

حدائق، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۲۲، ق.شیراز.

درگذشت: ۳۰ بهمن ۱۳۶۶.

ضیاءالدین حدائق معروف به «ابن یوسف»، فرزند آیت‌الله یوسف حدائق، پس از تحصیل مقدمات علوم در مدارس جدید و مدرسه‌ی علمیه‌ی منصوریه، به سال ۱۳۴۵ ق. برای تکمیل علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، تهران و مشهد رفت و مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید و با گرفتن لیسانس دانشکده‌ی معقول و منقول، در مدرسه‌ی علی سپهسالار و مدرسه خان مروی به تدریس پرداخت. او از علمای تهران اجازه گرفت، سپس به عتبات عالیات رفت و از علمای آنجا نیز موفق به اخذ اجازه‌ی اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعت کرد. وی در جلسات کانون دانش پارس و انجمن صدر شرکت می‌جست. آثار چاپ شده او عبارتند از: رساله‌ای درباره نهج‌البلاغه؛ رساله صدرالدین شیرازی؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (یک جلد)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار (دو جلد)؛ کتاب النظائر و المقتبسات، گمشده‌ها در «مصاریعی که مثل سائر شد».

ضیاءالدین بن حاج شیخ یوسف مذکور مشهور به ابن‌یوسف از نویسندگان و دانشمندان بنام و مؤلفین عظام شیراز است.

وی در ۱۳۲۳ ق متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به تحصیل سطوح منقول و معقول پرداخت و مدت پانزده سال در تهران از محضر درس فحول علماء استفاده نموده و جامع معقول و منقول شد و مدتی در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه خان مروی بتدریس و افاده اشتغال داشت و پس از آن مسافرتی به نجف اشرف نموده و با مذاکرات علمی که با مراجع بزرگ تقلید و آیات عظام نمود موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و به شیراز مراجعت و به تدریس و تالیف و ارشاد و هدایت مردم پرداخت تالیفات عدیده ارزنده دارد که آنها را متذکر می‌شوم.

۱- رساله نهج‌البلاغه چیست (چاپ شده)

۲- فهرست کتب خطی مدرسه عالی سپهسالار در دو جلد (چاپ شده)

۳- فهرست کتب خطی ادبی کتابخانه مجلس شورای ملی (چاپ شده)

۴- گمشده‌ها

۵- النظائر والمقتبسات.

از رباعیات ایشانست این دو رباعی.

دیدار تو ای دوست مرا جان بخشد

گفتار روانبخش تو ایمان بخشد

شایسته ز چون توئی بود آیت حسن

کایمان و روان ز رویت احسان بخشد

من از دل و جان طالب دیدار توام

آشفته و مدهوش ز رفتار توام

با اینهمه بندگی و عجزی که مراست

از چیست که محروم ز دیدار توام

(تو ۱۳۲۳ ق)، مجتهد، نویسنده، شاعر و فهرست‌نگار. در شیراز به دنیا آمد و تا بیست و سه سالگی در شیراز، مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی را در مدارس رحمت، شعاعیه و منصوریه و نزد پدر آموخت. در سال ۱۳۴۵ ق برای تکمیل تحصیلات علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، مشهد و تهران سفر کرد. مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید. وی در رشته‌ی علوم معقول لیسانس گرفت و به مقام مدرسی رسید. پس از سی این مراحل در مدارس سپهسالار و مروی به تدریس پرداخت. پس از آن به عراق رفت و بعد از گذراندن امتحان به کسب اجازه‌ی اجتهاد نایل شد و به شیراز بازگشت و مقیم آن شهر گردید. وی گهگاهی

شعر نیز می‌سرود. آثار به جای مانده از او: «رساله‌ی صدرالدین شیرازی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار»؛ «نهج‌البلاغه چیست؟»؛ «گمشده‌ها»؛ «النظائر و المقتبسات».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۰ –۲۳۸/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۴/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۲ –۴۴۱/ ۵)، مولفین کتب چاپی (۵۶۱ –۵۶۰/ ۳).

حدیدی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد حدیدی در پنجم آذر ماه سال ۱۳۱۱ ش. در قم متولد شد. ایشان پس از اتمام تحصیلات حوزوی در شهرستان قم ,در سال۱۳۳۳ در رشته ادبیات فرانسه و دبیری ازدانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و به عنوان دبیر در دبیرستانهای مشهد به کار مشغول شد. وی در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه تحصیلی معادل لیسانس ادبیات فرانسه از دانشگاه ژنو نائل گشت.همچنین وی به عنوان ریاست اداره آموزش مشهد و ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات وعلوم انسانی و مدیر مسوول و صاحب امتیاز مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی و معاونت دانشکده و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیر کل برنامه ریزی زبان فرانسه برای دانشگاههای کشور و عضو پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی و مدیریت گروه ادبیات تطبیقی در طول سالهای متمادی به خدمت مشغول بوده و هستند و از ایشان کتابهاو مقالات بسیاری به زبانهای فارسی و فرانسه منتشرشده است . تعدادی از کتبهای تالیفی و ترجمه ای ایشان به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده و معرفی شده است که از آن جمله می توان به ترجمه کتاب" حدیث عشق در شرق "و ترجمه کتاب " از سعدی تا آراگون "اشاره کرد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه خاطرات کودکی : یکی از سرگرمیهای جواد حدیدی در دوره سرخوردگی از مکتب, شکار خرچنگ در قناتهای اطراف شهر بود که در عالم کودکانه او کاری بسیار دلاورانه به شمار می رفت. بچه های همبازی او گفته بودند شاخک خرچنگ بعد از صد سال عتیقه می شود ,جواد تقریبا نمی دانست صد سال چقدر طول می کشد , ولی تقریبا می دانست عتیقه چیز ی است مانند طلا.جواد در آن دوران کودکی شاخکهای بسیار گردآوردکه سالها ماند ولی هیچیک از آنها عتیقه نشد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جواد حدیدی خود در این زمینه می گوید: پدر و مادرم هیچ کدام سواد نداشتند. در نتیجه آموزش و تعلیم و تدبیت و مدرسه مشکلاتی داشت. در آن زمان هم , لا اقل در قم , این طور رواج داده بودند که مدرسه های جدید بچه ها را بی دین بار می آورد. پدر من هم که آدم متدینی بود مرا به مدرسه نگذاشت بلکه ابتدا نزد شاباجی فرستاد و بعد مرا به مکتب.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد حدیدی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سنایی قم به پایان رساند. سپس از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ در مدرسه فیضیه به تحصیلات سنایی قم به پایان رساند. سپس از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی پرداخت.در سال ۱۳۳۰ تحصیل در ر شته ادبیات فرانسه را در دانشگاه تهران آغاز نمود. ودر همین دوران به صورت همزمان تحصیلات خود را در دانشسرای عالی تهران ادامه داد,که در سال ۱۳۳۳ موفق شد دو مدرک لیسانس رشته ادبیات فرانسه و دبیری را اخذ کند.پس از دو سال برای ادامه تحصیل به کشور سویس عازم شد و در سال ۱۳۳۶ با اخذ درجه تحصیلی معادل لیسانس ادبیات فرانسه از دانشگاه ژنو بازگشت.خاطرات و وقایع تحصیل : جواد حدیدی ضمن تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات ,بعد از امتحانات سال اول پدرش را که به ذات ا لریه مبتلا شده بود از دست دا د و مسئولیت مادر و برادر کوچک و خواهر و فرزندان یتیم خواهری دیگرش

به عهده او افتاد.فعالیتهای ضمن تحصیل : جواد حدیدی ضمن تحصیل در حوزه, برای امرار معاش تدریس می کرد, همچنین تدریس زبان فرانسه به یکی از طلبه های حوزه علمیه را به عهده داست به نام صلواتی که استاد حدیدی در حوزه بوداستادان و مربیان : دکتر سپهبدی , دکتر بروخیم, خانم نفیسی, خانم آندریو, خانم پاکروان , دکتر خوانساریوقایع میانسالی : یک کلیه جواد حدیدی بر اثر شیمی درمانی از کار افتاده بود و ضایعه ای هم در کبد ایشان وجود داشت , به همین دلیل حدیدی تن به جراحی داد و یک کلیه و قسمتی از کبد و کیسه صفرای ایشان را در آوردند که این عمل با موفقیت همراه بود. جواد حدیدی پس از انقلاب برای تدوین برنامه‌های آموزشی رشته زبان و ادبیات فرانسه دانشگاههای کشور مأمور خدمت در ستاد انقلاب فرهنگی شد. وی از آن دوران چنین یاد می کند":این مأموریت از بهمن ۱۳۶۰ تا اواخر سال ۱۳۶۲ به درازا کشید. در این مدت سه برنامه مختلف (ادبی، مترجمی، دبیری) تدوین و پیشنهاد کردم که مورد تأیید قرار گرفت و پس از بازگشایی دانشگاهها به اجرا درآمد. در سال ۱۳۶۳ به درخواست خود بازنشسته شدم. ولی، طبق قراردادی، در مرکز نشر دانشگاهی، با سمت مدیر گروه تخصصی زبان و ادبیات فرانسه مشغول به کار شدم ".زمان و علت فوت : جواد حدیدی بر اثر بیماری در تاریخ دوشنبه ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۱ در تهران در گذشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جواد حدیدی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ سمت ریاست اداره آموزش دانشگاه مشهد و در طی سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۴ سمت ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. سال ۱۳۴۴ همچنین مدیر مسوول و صاحب امتیاز مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی را به عهده داشت. وی در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ مسوولیت معاونت دانشکده و در طی سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ سمت ریاست دانشکده ادبیات ووعلوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. حدیدی در سال ۱۳۵۷ عضو پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی شد و هم اکنون مدیریت گروه ادبیات تطبیقی را به عهده دارد.از اردیبهشت ۱۳۶۷ تاکنون با مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، و از فروردین ۱۳۷۵ تاکنون با مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی، همکاری دارد.فعالیتهای آموزشی : جواد حدیدی از سال ۱۳۳۳ به عنوان دبیر در دبیرستانهای مشهد به خدمت مشغول شد. نمود و خدمات آموزشی خود را در دانشگاه مشهد آغاز کرد. ایشان از سال ۱۳۴۴ به مرتبه استادی نایل آمدند.همچنین بعد ا ز بازنشستگی در سال ۱۳۶۳ به فعالیت های آموزشی خود در برخی از دانشگاههای تهران ادامه دادند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : جواد حدیدی مجله لقمان، نشریه ایران‌شناسی مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه را تأسیس کرده است بطوری که انتشار آن همچنان ادامه دارد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عضویت در مجامع بین المللی : ۱. عضو انجمن نویسندگان فرانسوی زبان, ۱۹۷۵ ۲.عضو انجمن ایران شناسی اروپا , ۱۹۸۷ ۳. عضو انجمن مطبوعات فرانسوی زبان, ۱۹۸۸.جوائز و نشانها : حدیدی اولین جایزه علمی خود را در سال ۱۳۳۳ به عنوان مدال درجه یک علمی, برای احراز رتبه اول در دانشسرای عالی وزارت فرهنگ سابق کسب کرد. جایزه ادبی نویسندگان فرانسوی زبان در ۱۹۷۸ , برای کتاب ؤ جایزه بهترین تحقیق در علوم انسانی برای (پژوهش خیام در ادبیات فرانسه) دانشگاه مشهد, ۱۳۵۲. ؤ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترجمه حدیث عشق در شرق ۱۳۷۳ .ؤ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای کتاب از سعدی تا آرگون (در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)۱۳۷۴.ؤ عنوان ؛؛ شوالیه در افتخارات فرهنگی ؛؛ وزارت فرهنگ فرانسه ۱۹۹۴.چگونگی عرضه آثار : شرکت در مجامع علمی به شرح زیر: ۱.کنگره بین ا لمللی بخشهای زبان فرانسه دانشگاههای جهان , ۸ تا ۱۴ مه ۱۹۷۲ , کانادا. ۲. بیست و نهمین کنگره بین ا لمللی خاورشناسان, تابستان ۱۹۷۳, پاریس ۳. سی امین کنگره بین ا لمللی خاور شناسان, ۳–۸ اوت ۱۹۷۵, مکزیک ۴.اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان, ۱۹۷۵,پاریس ۵. کنگره بین ا لمللی دویستمین سالگرد مرگ ولتر و روسو, ۷تا ۹ ژوئن ۱۹۷۸, فرانسه ۶. اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان , ۸ نوامبر تا ۳ دسامبر ۱۹۸۴, پاریس ۷.اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان, ۲۲ تا ۲۸ نوامبر ۱۹۸۶, فرانسه ۸ . بزرگداشت ششصدمین سالگرد مرگ حافظ در یونسکو, ۲۹ و ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸ , فرانسه ۹.کنگره بین

ا لمللی انجمن مطبوعات فرانسوی زبان , ۳-۱۱ نوامبر ۱۹۸۸ , گویان ۱۰.سی و سومین کنگره بین ا لمللی خاورشناسان, ۱۹-۲۵ اوت ۱۹۹۰ ,کانادا ۱۱.کنگره بین ا لمللی انجمن مطبوعات فرانسوی زبان, ژوئن ۱۹۹۲, لیموژ ۱۲.کنگره بین ا لمللی شعر در کشورهای حوزه مدیترانه, ۲۸-۳۰ مه ۱۹۹۳, دلفی ۱۳.کنگره بین ا لمللی عطارم دانشگاه استراسبورگ, فرانسه,۲-۴ آوریل ۱۹۹۶ ۱۴.کنگره بین المللی جامی و خیام, دانشگاه استراسبورگ, فرانسه ۲۸-۳۰ آوریل ۱۹۹۹ ۱۵.تدریس در دوره های دکتری و فوق لیسانس بخش خاور شناسی دانشگاه استراسبورگ, مارس ۲۰۰۰.آثار : ۱ ۳ les portes de l'eau ۲ de sa'dia aragon ۵ voltaire et I'islam ۴ traduction commentaire et lerixue de la surate al- bagara ا لقرآن ا لکریم ذلک ا لکتاب لاریب فیه ویژگی اثر : ترجمه معانی ا لفاتحه و ا لبقره فی ا لفرنسیه۶ از سعدی تا آرگون ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«از سعدی تا آراگون»: ازسعدی تا آراگون: (تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه)؛ جواد حدیدی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳. این کتاب، داد و ستد فرهنگی ایران و فرانسه را در مدت چهارقرن در بر می گیرد و به دوره¬ای مشخص یا شاعری معین اختصاص نیافته است. مطالب کتاب از هماهنگی و انجام دقیقی برخوردار و نحو ?تنظیم کتاب شناسی و فهرستها نیز دقیق است و به دو بخش اصلی تقسیم شده است. در بخش اول، از نویسندگان قرون هفدهم و هجدهم سخن رفته است و بخش دوم کتاب، دوره های پس از انقلاب فرانسه را در بر می گیرد و تا مرگ لویی آراگون، یکی از شیفتگان بزرگ ادبیات فارسی، ادامه می یابد. مؤلف نتیجه تجربیات و مطالعات خود را در طول سی سال به کار گرفته و با استفاده از کتب تاریخ ادبیات غرب و حتی دست نوشته های نویسندگان فرانسوی، آرای خود را استنتاج کرده است ۷ اسلام از نظر ولتر ۸ ایران در ادبیات فرانسه ۹ برخورد اندیشه ها ۱۰ ترجمه قسمتی از قرآن مجید به زبان فرانسه و تالیف ۱۰ مقاله فارسی و فرانسه برای درج در ترجمان وحی و ویرایش کلیه مطالب مجله ترجمان وحی ویژگی اثر : از سال ۱۳۷۳ تاکنون در مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی ,مانند ؛؛ ترجمه و تفسیری روایی از قرآن مجید به زبان فرانسه؛؛۱۱ ترجمه مقالات فرهنگ آثار ویژگی اثر : ترجمه حدود ۱۰۰ مقاله در انتشارات سروش از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳۱۲ حدیث عشق در شرق (از سده اول تا سده پنجم هجری) ویژگی اثر : مولف کتاب ژان- کلود واده است که حدیدی آنرا ترجمه کرده است.این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«حدیث عشق در شرق»: حدیث عشق در شرق؛ ژان کلودواده؛ ترجم ?جواد حدیدی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲. در شرق، عشق، از دیرباز مفهوم متعالی و برتری داشته است. این نکته ای است که مؤلف کتاب «حدیث عشق در شرق» می خواهد به اثبات آن بپردازد. او در جست و جوی وجوه اشتراک و مشابهت میان ادبیات عاشقان ?شرق اسلامی از یک سو، و ادبیات غرب مسیحی از سوی دیگر است. انتخاب بجا و شایست ?مترجم این اثر توانسته است تا حدودی جای خالی چنین آثاری را در ادبیات پژوهی یا عرفان پژوهی پر کند. نثر دقیق و استوار و سبک بیان مترجم، این کتاب را جزو نمونه های ممتاز نثر فارسی در ربع قرن اخیر قرار داده است. کتاب حاضر به زبان فرانسه تألیف شده اما در ترجمه اشعار عربی به فارسی، مترجم بیشتر اشعار را از منابع اصلی استخراج کرده و به شیوایی به فارسی برگردانده است. دقت مترجم در حصول اطمینان از صحت ارجاعات واقوال، در مقایسه با آثار دیگری که در سالهای اخیر به فارسی ترجمه شده است، بی نظیر می باشد. نکات فنی چاپ و دیگر خصوصیات صوری نیز زیبا و چشم نواز می نمایند ۱۳ دروازه های آب (هفده گفتار) ۱۴ رهروان حقیقت ویژگی اثر : دردست آماده سازی۱۵ شاعران فرانسوی در مکتب عارفان ایرانی ۱۶ مجله لقمان ویژگی اثر : مجله ای است به زبان فرانسه که توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر می گردد, هدف این مجله نشر فرهنگ ایرانی و فارسی است در زمینه های مختلف مذهبی , فلسفی, عرفانی و ادبی . که در حال حاضر به هفده کشور جهان فرستاده می شود و نزدیک به دویست و پنجاه مشترک خارجی دارد.۱۷ میراث سوم ویژگی اثر : مولف کتاب روژه - گارودی است که

حدیدی آنرا ترجمه کرده ااست.۱۸ نظارت بر تدوین ۲۴ عنوان کتاب درسی برای رشته های مختلف زبان فرانسه دانشگاهای کشور ، نگارش و ویرایش مقاله ویژگی اثر : ویرایش حدود ۸۰۰ مقاله در مر کز دائر"ا لمعارف اسلامی از سال ۱۳۶۷ تاکنون, مانند مقاله ؛؛ بولن ویلی یه؛؛۲۰ نگاهی در آینه ویژگی اثر : این کتاب در حوزه زندگینامه نویسی از آثار ارزشمندی است که در دهه ۷۰ چاپ شده ا ست.

منابع زنـدگینامه :حدیـدی, جواد- نگاهی در آینه, انتشارات نیلوفر۴کتاب ماه (ادبیات و فلسـفه)- سال ۴-شماره ۱۰ و ۱۱, مرداد و شهریور ۱۳۸۰۵مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی-دانشگاه فردوسی مشهد, ویژه سپاسداشت و ارج شناسی استاد دکتر جواد حدیدی, سال ۳۴, شماره ۱و۲, بهار و تابستان ۱۳۸۰

حری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حری در پانزدهم اسـفند ۱۳۱۵ در خانواده‌ای روحانی در مشـهد به دنیا آمد. تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه را در همان شـهر گذراند. پس از گذراندن سه سال اول دبیرسـتان وارد دانشسـرای مقدماتی شد و پس از اتمام دورهٔ دو سالهٔ دانشسرا برای معلمی در یکی از روستاهای شهرسـتان کاشـمر(در جنوب خراسـان) مأموریت یافت. در واقع در سال ۱۳۳۵ بود که به جرگـهٔ معلمی پیوست. پس از دو سال خـدمت در روسـتای ریوش از بخش کوهسرخ(کاشـمر) به شـهر کاشـمر منتقل شد و هفت سال نیز در آنجا خدمت کرد. در این مدت مدرک شـشم دبیرستان را که به «دیپلم کامل» میانجامید(در مقابل اتمام دو سال دانشسرا که «دیپلم ناقص» نامیده میشد). به صورت آزاد گرفت و در همین زمان به فراگیری زبان انگلیسی نیز پرداخت(زبان خارجی مرسوم آن زمان فرانسوی بود و انگلیسـی تازه باب شده بود). در سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد و در سـال ۱۳۴۵ به مشـهد انتقـال یافت و در همان سال در آزمون ورودی دانشـگاه مشـهد شـرکت جست. در آزمون ورودی رشتهٔ تاریخ رتبهٔ اول و در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی رتبهٔ پنجم را کسب کرد. بنا به علاقهای که داشت وارد رشـتهٔ زبان و ادبیات انگلیسـی شد و در سال ۱۳۴۹ مـدرک لیسانس خود را گرفت. پس از فراغت از تحصـیل، در همـان سـال بنـا به درخواست خود به تهران انتقـال یـافت و در آزمون ورودی فوق لیسـانس کتابـداری دانشـگاه تهران شرکت کرد و پذیرفته شد. در سال ۱۳۵۲ فوق لیسانس خود را گرفت و در سال ۱۳۵۳ از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران انتقال یافت و به عنوان مربی در گروه کتابـداری این دانشـگاه به تدریس پرداخت. در همان سال از سوی دانشـگاه مأموریتی یکساله برای توسـعهٔ اطلاعـات خود به ایالات متحـده گرفت و در همان زمان در آنجا، در دانشـگاه کیس وسترن، برای مقطع دکتری نام نویسـی کرد و پـذیرفته شـد. وی در مـدت چهارده ماه دروس دکتری را با موفقیت گذرانـد و تمام وقت خود, به جز زمان کلاس هایش, را در کتابخـانه میگذرانـد. طبق مقررات میبایست به ایران بازمیگشت و چنین کرد. در سال ۱۳۵۸ برای تکمیل دوره و گذراندن رسالهٔ دکتری بار دیگر عازم همان دانشـگاه شد و سـرانجام در سال ۱۳۶۰ با مدرک دکترای کتابداری و اطلاع رسانی به کشور بازگشـت گروه : علوم انسانی رشـته : کتابداری والدین و انساب : مادر عباس حری از مردم تهران و پدرش اهل خراسان و مشخصاً اهل مشهد بود. از ناحیه پدر نسب وی به شـیخ حُرّ عاملی، صاحب وسایل الشـیعه، میرسد. خانواده او از لحاظ اقتصادی متوسط بود. مادربزرگ مـادریش از مردم خیابـان خراسـان(شـهر تهران) و محلـه تیر دوقلـو بـود که همراه دخـترش بـا این نیّت که بقیه عمر رادر جـوار مرقد حضـرت رضا(ع) سپری کند به مشهد کوچ کرده و در آنجا ساکن شده و طلبه جوان را برای همسری دخترش برگزیده بود. خانواده پدریاش پشت اندر پشت روحانی بودند. وصلت مادر و پدرش به چهار پسر و چهار دختر انجامید. پدرش مورد اعتماد و احترام اهل

محل و راهگشای بسیاری از مسائل خانوادهها و حَکَم اختلافات خانوادگی، اجتماعی، و اقتصادی بود. پدرش در اواخر عمر مبتلا به سرطان کبد شد و در سال ۱۳۴۲ چشم از جهان فروبست و چند سال بعد مادر نیز به او پیوست.خاطرات کودکی : کودکی عباس حری در دامان خانواده گذشت و در شش سالگی وارد مدرسهای نیمه دینی شد. مدرسهای که به سبک امروزی اداره میشد ولی بر دروس و علوم دینی تأکید داشت. مدیر و معاون مدسه و تعدادی از معلمان آن روحانی بودند. مدرسه در نزدیکی محل سکونت وی قرار داشت. به طور مبهم، سربازان روس را به یاد میآورد که در آن سالها مشهد را به سمت شهرهای شمالی خراسان ترک میکردند تا به روسیه بازگردند. کلاس ششم ابتدایی را باید در مدرسهای دیگر میگذراند که کمی از منزل آنان دورتر بود. ساختمان این مدرسه قبلاً کارخانه کبریت سازی بود و یکی از سرگرمیهای دانشآموزان این بود که از منزل کبریت میآوردند و چون دیوارهای ساختمان مدرسه آغشته به گوگرد بود، هر چوب کبریت را که به دیوار میکشیدند شعله ور میشد و این کار برای کودکان آن سنین لذت بخش بود و در عین حال باید پیوسته منتظر تنبیه از سوی مسئولان مدرسه نیز میبودند. از کلاس پنجم ابتدایی با کتابهای پدرش آشنا شد. یکی از کتاب هایی که از آن زمان به یاد دارد کتاب مجمع البحرین است. طرز یافتن لغت در این کتاب را از پدرش فرا گرفت و شاید به دلیل همین متفاوت بودن, بیش از سایر کتابها به یادش مانده باشد. کتاب دیگری که خطی بود در سال ششم ابتدایی مورد استفادهٔ او قرار گرفت. این کتاب ورق اول نداشت, ولی آنچه در آن آمده بود دربارهٔ خوبیهای بهشت و زشتیهای جهنم بود. از آن به عنوان یک کتاب داستان لذت میبرد و گاه اگر کسی به منزل آنان سر میزد برایش تعریف میکرد. زن میانسال مهربانی یک روز در میان برای کمک به مادرش به خانهٔ آنها میآمد و هر وقت فرصت مییافت از وی میخواست تا آن کتاب را با صدای بلند برایش بخواند. هر زمان که به زشتیها و رویدادهای هراس آور جهنم میرسید آن زن با صدای بلند گریه میکرد. این کار هراز چندگاهی تکرار میشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عباس حری پنجمین فرزند خانواده بود. در دوران کودکی و اندکی پس از آن آثار جنگ و اشغال در جامعه و طبعاً در شرایط خانوادگی نیز کاملاً مشهود بود. نان جو که غذای پایه محسوب میشد چنان بود که گویی از آرد نبیخته تهیه شده بود؛ همه چیز در آن پیدا میشد. چای خود را با کشمش که آن هم با چیزهای اضافی همراه بود میخوردند. آن زمان همهٔ اینها برایش عادی بود. چنین میاندیشید که زندگی همین است و واقعاً برای بسیاری از مردم نیز چنین بود. وصله کردن لباس و جوراب کار عادی مادر بود. خیاطها عادت داشتند که کت و شلوار افراد را پشت و رو کنند. میوه جزو ضروریات زندگی محسوب نمیشد. وظایف دخترها، سوای مدرسه و درس، تمیز کردن لامپ دود زده چراغها و ساییدن و برق انداختن سماور و سینی و ظروف برنجی بود که با گرد آجر صورت میگرفت. پودر شستشو هم چوبک بود. در زندگی روستایی خاک و گِل کنار جوی نقش چوبک را ایفا میکرد. پول بسیار اندک و مخارج بسیار بالا بود. این برداشتی امروزی است وگرنه در آن ایام و در گرماگرم دوران کودکی زندگی همانی بود که بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس حری سه سالهٔ اول(سیکل اول) دبیرستان را که تمام کرد وارد دانشسرای مقدماتی شد تا برای شغل معلمی آماده شود. در دورهٔ دو ساله دانشسرا در دورهٔ زبان عربی که در مهدیهٔ مشهد برگزار میشد نامنویسی کرد وهمه روزه عصرها در حجرههای درس حضور مییافت و طی این مدت کتاب سیوطی را به پایان برد. پس از اتمام دوره دانشسرا به روستایی دور دست اعزام شد تا کار معلمی را آغاز کند. ششم دبیرستان و زبان انگلیسی را در دورهای که در شهرستان کاشمر معلم بود به پایان برد و پس از انتقال به مشهد در ۱۳۴۵ وارد دانشگاه مشهد شد، لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را در سال ۱۳۴۹ گرفت و بلافاصله تقاضای انتقال به تهران کرد و در رشته فوق لیسانس کتابداری شرکت جست و پذیرفته شد. پس از پایان این دوره و انتقال از وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تهران، مدت چهارده ماه که به ایالات متحده اعزام گردید دروس دوره دکتری را به پایان رساند و به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ مجدد برای اتمام دوره مأموریت یافت و سال ۱۳۶۰ پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت و کار تدریس خود را در دانشگاه تهران ادامه داد.خاطرات و وقایع تحصیل : در دورهٔ متوسطه, دبیرستان

شاهرضا(مشهد) که محل تحصیل عباس حری بود زیرنظر مدیری سخت گیر, و در عین حال مهربان، اداره میشد. سختگیری برای دبیرستانی که دانشآموزان آن, گاه از دبیران درشتتر و قد بلندتر بودند، به جز با سختگیری ممکن نبود. رئیس دبیرستان را هرگز کسی بدون ترکه نمی دید. این ترکه, که چندان هم نازک نبود, پیوسته در حال نوسان بود، حتی وقتی که رئیس دستهایش را در پشت به هم قفل کرده بود. گاه برخی دانشآموزان را آنقدر به کف دستشان ترکه میزد که خون میافتاد. آنوقت خدمتگذار را صدا میزد که با مرکورکوروم محل آزردگی را التیام ببخشد. علی رغم این رفتار، دانشآموزان بدون استثناء او را دوست داشتند. کسی خندهٔ او را نمیدید. شبی نمایشی کمدی در دبیرستان اجرا میشد که همهٔ دانشآموزان در تالار بزرگ آن حضور داشتند. رئیس دبیرستان نیز در انتهای سالن ایستاده بود. به قسمت بسیار خنده آور نمایش که میرسید، دانشآموزان به جای آنکه به صحنه چشم بدوزند، سر خود را به عقب بر میگرداندند که خنده رئیس را ببینند. در تاریکی تالار، دندانهای سفیدش را میدیدند و قند در دلشان آب میشد. در دورهٔ دانشسرا، گردش علمی خطهٔ شمال خاطرهای ماندنی به جای گذاشت. همه مسافران همسن و سال و دوست و آشنا بودند که همراه رئیس و معاون دانشسرا سفری سیزده روزه را گذراندند و گوشه گوشهٔ آن خاطره بود. دورهٔ لیسانس در دانشگاه مشهد دوران پرالتهاب سیاسی بود و گروه بندیهای دانشجویی، مطالعه در عرصههای مختلف، خواندن آثار کلاسیک غربی به زبان اصلی، مطالعهٔ کامل متن اصلی نهجالبلاغه و صحیفه سجّادیه در این دوره اتفاِ افتاد. استمرار مطالعات در دوره کارشناسی ارشد و در فضایی متفاوت ادامه یافت و عرصههای جدیدی در مطالعهٔ وی گشوده شد. در دوره دکتری در نخستین قسمت که به تنهایی به ایالات متحده اعزام شد، فرصت مغتنمی بود که همهٔ اوقات خود را در کلاس درس یا در کتابخانه بگذراند. باز بودن کتابخانههای دانشگاهی تا نیمه شب این فرصت را فراهم کرده بود که با ولع و اشتیاق آثاری را که میاندیشید دیگر به آنها دست نخواهد یافت مطالعه کند. فعالیتهای ضمن تحصیل : عباس حری در دورهٔ تحصیل در دانشسرای مقدماتی بود که کار نوشتن را آغاز کرد. روزنامهای دیواری راهاندازی کرد که فاصله انتشار آن هر دو هفته یک بار بود و کتابچه خاطرات سفر علمی به خطهٔ شمال از نخستینهای این فعالیتهاست. در همین دوره بود که به کانون نشر حقایق اسلامی پیوست که ادارهٔ آن را مرحوم محمدتقی شریعتی پدر روانشاد دکتر علی شریعتی بر عهده داشت. در دوره لیسانس در مشهد کار نوشتن جدیتر شد و آثاری از وی در روزنامههای محلی از جمله روزنامه خراسان درج گردید. مجموعه آثار چاپ نشدهای از آن دوران هنوز نزد وی باقی است. دوره لیسانس باکار آموزگاری در مدارس مشهد نیز همراه بود. در دوره فوق لیسانس در تهران، علاوه بر تحصیل، در دبیرستانهای تهران به تدریس اشتغال داشت و در عین حال به صورت پاره وقت با کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و نیز مرکز آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری میکرد. کار نوشتن در این دوره حال و هوای جدیدی یافت. استادان و مربیان : عباس حری از دورهٔ ابتدایی مرحوم مؤمن زاده، مدیر مدرسه، و روانشاد ریاحی معلم کلاس پنجم را به خاطر دارد، که اولی فردی مهربان و دومی معلمی سخت گیر بود و به دلیل اندام درشتش دانشآموزان از او بسیار میترسیدند. در دورهٔ دبیرستان روانشادان زوّار که رئیس دبیرستان و تقی بینش که دبیر بود از جمله کسانی هستند که بیش از همه به خاطرش مانده است. در دورهٔ لیسانس استادانی چون دکتر احمدعلی رجایی، دکتر غلامحسین یوسفی، و دکتر متینی و دکتر مختاری را به یاد دارد و در دوره فوق لیسانس شاگر کسانی چون مرحوم محمدتقی دانش پژوه، روانشاد فرشته انوار و خانمها نوش آفرین انصاری، پوری سلطانی، زهرا شادمان، و آقای علی سینایی بوده است. در دورهٔ دکتری استادانی چون روانشاد دکتر جسن شرا، دکتر کنرادراسکی و دکتر ویلیام گافمن, بیش از همه، وی را تحت تأثیر قرار دادهاند.هم دوره ای ها و همکاران : عباس حری از همدورهایهای ابتدایی و متوسطه به کسانی چون حسن امینی، حسین نجومیان، محمدرضا شجریان؛ در دوره دانشسرا علی رئوف و حسین نجومیان، و در دورهٔ لیسانس خانم ناهید بنی اقبال، اسداله آزاد، و ناصر انصاری را بیش از همه به یاد دارد. از دوره فوق لیسانس آقایان بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، نوراله مرادی، علی میرزایی، و عبدالحسین آذرنگ را به خاطر میآورد. در دوره دکتری با آقایان دکتر شاهرخ

افشارپناه، دکتر سید صادق، دکتر جعفر مهراد، و خانم دکتر مهرانگیز حریری، بیش از دیگران مراوده داشته است. همکاران امروز بسیار زیادند ونام بردن آنها ممکن است سبب سهوالقلم و در نتیجه شرمساری شود، ولی نمیتوانند از کسانی چون خانمها نوش آفرین انصاری و دکتر نرگس نشاط و آقایان دکتر رحمتاله فتاحی، دکتر جعفر مهراد، و محمود حقیقی که همکاری فعالانهتری با آنان دارد به خیر یاد نکند. همسر و فرزندان : عباس حری در سال ۱۳۴۲ با بانویی از شهر کاشمر ازدواج کرد که حاصل آن دو فرزند پسر بوده است. این دو فرزند یکی در رشته پزشکی و دیگری در رشته دندانپزشکی از دانشگاه تهران فارغالتحصیل شدند و هم اکنون دارای همسر و فرزند بوده و به طبابت اشتغال دارند و مادرشان نیز سرگرم کدبانویی است. این خانواده چهار نفره افت و خیزهای بسیار فراوان در طول زندگی داشتهاند و سختترین ایام را نیز بدون گلایه و در نهایت شکیبایی از سرگذراندهاند. بردباری شان شایان قدرشناسی است مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱۳۳۵ آغاز کار معلمی، کاشمر ۱۳۳۵ — ۱۳۵۳ معلمی و دبیری در آموزش و پرورش ۱۳۴۲ ازدواج، کاشمر ۱۳۴۹ لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی، مشهد ۱۳۵۱ – ۱۳۵۳ همکاری با بخش آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۵۲ فوق لیسانس کتابداری، تهران ۱۳۵۲ عضو کمیته تحقیق گروه کتابداری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۵۲ – ۱۳۵۶ عضو کمیته آموزش انجمن کتابداران ایران ۱۳۵۳ انتقال از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران ۱۳۵۳ – ۱۳۵۵ دبیر انجمن کتابداران ایران ۱۳۵۳ تاکنون عضو هیات علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۵۳ تاکنون عضو شورای کتاب کودک ۱۳۵۴ — ۱۳۵۵ عضو کمیته انتخاب و خرید کتاب دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۵۴ — ۱۳۵۶ سرپرست امور دانشجویی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۶۰ دکترای کتابداری و اطلاعرسانی، دانشگاه کیس وسترن، کلیولند، اوهایو، ایالات متحده امریکا ۱۳۶۱ تاکنون عضو کمیته اجرایی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان ۱۳۶۳ — ۱۳۷۰ همکاری با دانشنامه جهان اسلام ۱۳۶۳ — ۱۳۷۰ ویراستار و مترجم بنیاد دایرهالمعارف اسلامی ۱۳۶۴– ۱۳۷۰ سرپرستی ترجمه دانشنامه مک گروهیل با انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۵ — ۱۳۷۰ مدیر بخش اطلاعات بنیاد دایرهالمعارف اسلامی ۱۳۶۵ —۱۳۶۹ مدیر بخش ویراستاری امیرکبیر ۱۳۸۰تاکنون سردبیر و عضو هیات تحریریه مجله روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۶۵ — ۱۳۸۰ مدیر بخش اطلاعات دفتر پژوهشهای فرهنگی ۱۳۷۰ — ۱۳۷۳ عضو کمیته علمی و سیاستگذاری اصطلاحنامه فرهنگی فارسی(اصفا)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان مدارک قرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۷۰ – ۱۳۷۳ مشاور فنی کتابخانه ملی ۱۳۷۰ تاکنون عضو شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۲–۱۳۷۵ عضو وابسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم ۱۳۷۲ — ۱۳۷۹ مشاور اصطلاحنامه علوم قرآنی، قم ۱۳۷۳ — ۱۳۷۹ مشاور اصطلاحنامه فارسی فلسفه اسلامی، قم ۱۳۷۳–۱۳۷۹ عضو کمیته ملی اطلاع رسانی کمیسیون ملی یونسکو ۱۳۷۳ — ۱۳۷۴ عضو کمیته علمی هشتمین همایش ملی در حوزهاطلاعرسانی ۱۳۷۳ – ۱۳۷۵ عضو مجمع هماهنگی نظامهای اسنادی ۱۳۷۳ — ۱۳۷۷ نایب رییس کنگره بینالمللی کتابداران و اطلاعرسانان مسلمان ۱۳۷۳ – ۱۳۸۰ معاون پژوهش کتابخانهی ملی ۱۳۷۳ تاکنون عضو کمیته منطقهای آسیا و اقیانوسیه، ایفلا ۱۳۷۴ دبیر همایش بینالمللی کتابداران و اطلاعرسانان مسلمان (کاملیس) در تهران ۱۳۷۴ — ۱۳۷۹ مدیر گروه پژوهشی انتشارات سمت ۱۳۷۴ — ۱۳۸۰ مدیر گروه آموزش کتابداری و اطلاعرسانی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۴— ۱۳۸۰ طراحی، توسعه، سرپرستی و سرویراستاری دایرهالمعارف فارسی، کتابداری و اطلاعرسانی (ج۱) ۱۳۷۴ — ۱۳۸۰ مدیر مسئول و سردبیر مجله فصلنامه کتاب ۱۳۷۴ تاکنون عضو شورای سردبیران مجلههای دانشگاه تهران ۱۳۷۵–۱۳۷۷ عضو شورای برنامه ریزی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ۱۳۷۵ – ۱۳۸۱ عضو کمیته انتخاب کتاب برگزیده سال ۱۳۷۵ تاکنون عضو شورای آموزشی و پژوهشی دانشکدهروانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۶ دبیر نخستین همایش بینالمللی جوانِ مسلمان و رسانه ۱۳۷۶ رییس کمیته تولید علم ، تدوین و ارایه آن ؛ دانشگاه تهران ۱۳۷۶ – ۱۳۷۷ ویراستار مجله علوم تربیتی ۱۳۷۶–۱۳۷۸ عضو هیات تحریریه نشریه سخن سمت ۱۳۷۶ — ۱۳۸۴ مشاور اطلاعرسانی رئیس جمهور ۱۳۷۶ — ۱۳۸۴ عضو شورای عالی اطلاعرسانی کشور ۱۳۷۷—

۱۳۸۱ مشاور پژوهشهای کاربردی دانشگاه تهران ۱۳۷۷ – ۱۳۸۲ عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۷ تاکنون عضو هیات مشاوران عالی کتابخانه ملی ۱۳۷۸ تاکنون عضو هیات تحریریه مجله علوم کتابداری و فن آوری اطلاعاتی ایران(انگلیسی) ۱۳۷۹– ۱۳۸۰ سرپرست کتابخانه دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۹ تاکنون مدیر مسئول مجله پل فیروزه (دفتر پژوهشهای فرهنگی) ۱۳۸۰ – ۱۳۸۲ معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۸۰ تاکنون عضو هیات تحریریه مجله انگلیسی علم و فنآوری اطلاعات (شیراز) ۱۳۸۰ تاکنون عضو انجمن برنامهریزی آموزشی ۱۳۸۱ دبیر گروه کتابشناسی و نسخهشناسی اولین همایش ملی ایرانشناسی ۱۳۸۱–۱۳۸۳ عضو کمیته منتخب جذب هیات علمی دانشکده روانشناسی علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۸۱ – ۱۳۸۳ عضو کمسیون ارزیابی نشریات دانشگاه تهران ۱۳۸۱ تاکنون مدیر مسئول مجله اطلاعشناسی ۱۳۸۲ تاکنون معاون پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۸۲ تاکنون سردبیر مجله کتابداری (دانشگاه تهران) ۱۳۸۲ تاکنون عضو هیات مؤسس انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران ۱۳۸۳ تاکنون عضو پیوسته انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ مدیر گروه پژوهشی رسانه کتاب، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ۱۳۸۳ تاکنون عضو شورای علمی بنیاد ملی اطلاعات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فنآوری ۱۳۸۳ تاکنون مدیر کمیته واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۳ تاکنون دبیر گروه کتابشناسی و نسخهشناسی دومین همایش ملی ایرانشناسی ۱۳۸۳ عضو کمیته علمی – فنی اطلاع رسانی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی؛ وزارت جهاد کشاورزی ۱۳۸۴ عضو انجمن کتابخانههای عمومی استان تهران ۱۳۸۴ تاکنون رئیس انجمن ترویج علم ایران ۱۳۸۴- تاکنون عضو شورای تخصصی گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۴ عضو کمیته تخصصی رشته روانشناسی و علوم تربیتی موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۴ عضو کمیته تدوین آیین نامه جامع ارتقاء علوم انسانی – اجتماعی و هنر دانشگاه تهران ۱۳۸۴ عضو هیات ممیزه نظارت بر فعالیتهای اعضای هیات علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی ۱۳۸۵ عضو هیات ممیزه مرکزی وزارت علوم و تحقیقات و فنآوری ۱۳۸۵ عضو کمیسیون تخصصی علوم انسانی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری ۱۳۸۵ عضو کمیته راهبردی نظام اطلاع رسانی دانشگاهی وزارت علوم و فنآوری ۱۳۸۵ عضو کمیته کارآفرینی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد واحد شمال، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شیراز، دانشگاه اهواز، و دانشگاه مشهد در رشته کتابداری و اطلاع رسانی در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس، و دکتری و هدایت بیش از ۱۵۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتریمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - همکاری در راهاندازی بنیاد دایرهٔالمعارف اسلامی در خدمت جناب آقای دکتر مهدی محقق - راه اندازی واحد اطلاعاتدفتر پژوهشهای فرهنگی - راه اندازی واحد اطلاعات بنیاد دایرهٔالمعارف اسلامی - راه اندازی مجله اطلاع شناسی - راه اندازی دایرهٔالمعارف کتابداری و اطلاع رسانی - راه اندازی بانک مطالعات ایرانشناسی - راه اندازی کمیته واژه گزینی کتابداری و اطلاع رسانی در دورهٔ اخیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : - داوری مقالات مجلات علمی - داوری کتاب سال دانشگاهی - داوری کتاب سال جمهوری اسلامی ایران - داوری پژوهشهای فرهنگی - داوری طرحهای تحقیقاتی - داوری آثار جشنواره خوارزمی - داوری پایان نامههای ارشد و دکتری - بررسی کارهای علمی دانشجویان - شرکت در جلسات مستمر پژوهشی، آموزشی و هیأتهای ممیزه دانشگاه و وزارت علوم، و جلسات مختلف دیگر دانشگاهی و وزارتی - همکاری با بنیاد ایران شناسی - کارهای قلمی(مقاله و کتاب) شاگردان : شاگردان دورههای دانشگاهی عباس حری بسیار کثیرند که طی بیش از ۳۳ سال کار دانشگاهی در مقاطع مختلف به تحصیل اشتغال داشتهاند. از میان این شاگردان، از قدیم به جدید به نام هایی چون کاظم حافظیان، ابراهیم عمرانی، محمد حسن خوشنویس، فرخ امیرفریار، محمدحسن رجبی، نرگس نشاط، زهیر حیاتی، رحمتاله فتاحی، هاجر ستوده، کیوان کوشا، برمیخوریم که هریک در عرصه و زمینهای فعالیت داشته و از کامیابی هایی برخوردار بوده و رهاوردهای ارزندهای نیز داشتهاند همفکران فرد : از همفکران عباس حری در عرصههای مختلف علمی, از جمله کسانی که

با اندیشه‌هایش نزدیکی بیشتری داشته اند نخست سرکار خانم دکتر نرگس نشاط و سپس خانمها نوش آفرین انصاری، نوراله مرادی، کامران فانی، محمدحسن رجبی، دکتر رحمت اله فتاحی و دکتر علی رئوف در این زمره قرار میگیرند. آرا و گرایشهای خاص : عباس حری بسیار علاقهمند به نظریه پردازی در عرصهٔ اطلاعات و اطلاعشناسی است و به همین دلیل از دهه ۱۳۶۰ به بحث درباره نظریههای اطلاعات از جمله نظریه ریاضی، نظریه معنا شناختی، نظریه سیبرنتیکی، و اخیراً نظریه کوانتومی اطلاعات پرداخته و در این زمینه آثاری نیز عرضه کرده است. به رویکردهای دیگری نیز، با استفاده از استدلال استعاری، در زمینه اکولوژی اطلاعات، اختلاف پتانسیل اطلاعاتی، و نیز روش اطلاع شناختی پرداخته است. وی در گذشته نیز در نقد عالم سوم پوپر، تحلیل نظر ابن خلدون در باب تألیف، و جست و جوی مبانی تحلیل استنادی غرب در علم الحدیث و علوم اسلامی قلم زده است. جوائز و نشانها : V دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب بهعنوان استاد پیشکسوت از سوی انجمن کتابداری و اطلاعرسانی ایران و دانشگاه تهران؛ V دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب «آیین نگارش علمی» به عنوان کتاب برگزیده دانشگاهی از طرف دانشگاه تهران،۱۳۸۰ V دریافت لوح تقدیروجایزه به مناسبت برنده شدن کتاب «مروری بر اطلاعات و اطلاعرسانی» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران,۱۳۷۲ چگونگی عرضه آثار : آثار عباس حری به صورت تالیف، ترجمه، مقاله، یادداشتها و نگارشها، سخنرانی، مصاحبه و طرحهای پژوهشی می باشد . آثار : ۱ " تالیف مقاله : تالیف مقاله :روانشناسی خواندن. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ج ۱، ص ۹۲۶ – ۹۲۷.۲ " تالیف مقاله :راههای ارتقای میزان مطالعه. "ویژگی اثر : جهان کتاب. ۷ و ۸، اسفند ۱۳۷۵، ص ۵ - ۷.۳ " تالیف مقاله :رایانه و رسم الخط فارسی. "ویژگی اثر : پیام کتابخانه. ۱، بهار ۱۳۷۲، ص ۶ - ۱۱.۴" تالیف مقاله :روند به کارگیری روشهای پژوهش در پایان نامه های کارشناسیارشد کتابداری و اطلاعرسانی دانشگاه تهران (۱۳۴۸– ۱۳۷۸. ")ویژگی اثر : با همکاری افسانه محسن زاده. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۱. بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۵۵– ۷۶.۵" تالیف مقاله :زنجیره داوری ربط در فرایند انتقال اطلاعات. "ویژگی اثر : اطلاع شناسی. ۵، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۷۷ – ۱۹۳.۶ ۸۷. A study of Subject Consistency Between the National Library of Iran & Humanities Libraries Cataloging & Classification Quarterly . Vol ۴۳, : ویژگی اثر , By Narges Neshat & Abass Horri ۱,۲۰۰۶ ,pp.۶۷-۷۶۷ Bibliometric Overview of Library and Information Research Productivity in Journal of Education for Library and Information Science. Vol ۴۵, no ۱, winter : ویژگی اثر Iran A General overview. Tehran: : ویژگی اثر ۲۰۰۴۸ Education in the Islamic Republic of Iran Ministry of Education, ۱۹۹۳۹ The Correlation of Market Place Priorities and Educational Proceedings of : ویژگی اثر Priorities in the Field of Library and Information Science in Iran International Conference for Library and Information Science Educators in The Asia and Pacific Region, by Abbas Horri and Narges Neshat. Selangor, Malasiya, ۱۱ – ۱۲ June ۲۰۰۱.۱۰ The Relationship between Scholarly Publishing and the Counts of Academic Inlinks to by : ویژگی اثر Iranian University Web Sites: Exploring Academic Links Creation Motivations Keyvan Kousha and Abbas Horri.Journal of information management and scientometric.۱(۲), ۲۰۰۴: ۱۳-۲۲.۱۱ تالیف کتاب: آیین گزارش نویسی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، ۱۳۷۱.۱۲ تالیف کتاب: آیین نگارش علمی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۵۱۳ تالیف کتاب: اطلاع رسانی: نظامها و فرآیندها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۵۱۴ تالیف کتاب: اطلاع رسانی: نگرش و پژوهشها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۵.۱۵ تالیف کتاب: توسعهٔ نظام ملی

کتابخانه های عمومی ایران. ویژگی اثر : با همکاری دکتر جعفر مهراد. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.۱۶ تالیف کتاب: شیوه بهره گیری از کتابخانه. ویژگی اثر : تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶.۱۷ تالیف کتاب: شیوه های استناد در نگارش های علمی : رهنمودهای بین المللی . ویژگی اثر : با همکاری اعظم شاهبداغی . تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۸۵۱۸ تالیف کتاب: فهرست کوچک سرعنوانهـای موضوعی. ویژگی اثر : تهران: انجمن کتابـداران ایران، ۱۳۵۲.۱۹ تـالیف کتـاب: کتابخانه آموزشگاهی در مدرسه کتابخانه مدار. ویژگی اثر : با همکاری دکتر نرگس نشاط. تهران: شبکه کتاب، ۱۳۸۳.۲۰ تـالیف کتاب: کسانی که جامعه را می سازنـد . ویژگی اثر : ۱: دکتر عباس حری . تهران : نشر دبیایه ، نشر آناهیـد، ۱۳۸۴۲۱ تـالیف کتـاب: مراجع و بهره گیری از آنها. ویژگی اثر : تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶.۲۲ تالیف کتاب: مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی. ویژگی اثر : تهران: هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور، دبیرخانه، ۱۳۷۲.این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیـده شـده است.آشنایی بـا کتـاب :«مروی بر اطلاعـات و اطلاع رسانی»: مروری بر اطلاعـات و اطلاع رسانی؛ دکتر عباس حرّی؛ تهران: دبیرخان ?هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲. در زمان ما که اطلاعات در حکم ماد ?خام استراتژیکی برای پیشرفتهای فرهنگی، علمی، آموزشی، فنی و اقتصادی جامعه محسوب می شود، نیازهـای علمی و فرهنگی ایجاب می کنـد که دانشـجویان و پژوهشـگران با شیوه های علمی و با اصول و مفاهیم اساسی علم اطلاع رسانی و نقش اطلاعـات در تحقیق و توسعه آشنا شونـد و این امر مستلزم وجود منابع معتبر در این زمینه است. این اثر، به منظور برآوردن نیازهای مذکور تألیف شده است. در فصول مختلف این کتاب تلاش بر آن بوده است که اطلاعات به عنوان عناصر تشکیل دهنـد ?دانش و معرفت مورد بررسی قرار گیرد و کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی نیز نمادهایی تلقی شده اند که دستیابی بـه ایـن عناصـر را تسـهیل می کننـد. این اثر، اطلاعـات (این پدیـد ?چندبعـدی) را – که در هم ?زمینه هـا حضـور دارد – براساس کـارکرد آن مورد مطـالعه قرار می هـد و حیـات علمی، صـنعتی، آموزشـی، اقتصادی و فرهنگی را در گرو بی چون و چرای آن می دانـد. کتاب، مشـحون از رهنمودهای مفیـد درابعاد مختلف اطلاعات واطلاع رسانی است که با شـیوه های علمی مورد بررسـی قرار گرفته است. و نیازهـا و برنـامه هـای اطلاعاتی جهان سوم و کشورهای اسـلامی در آن با دیـدی ابتکاری ارائه شـده است. کتاب در مجموع خالی از حشو و زواید است و به زبانی گویا و دور از تکلف ارائه شده است. مجموع ?حاضـر حاوی ۲۸ مقال ?کوتاه و بلند است که شـش مقـال ?آن ترجمه و بقیه تـالیفی است ۲۳ تـالیف مقاله " :بررسـی وضـعیت مبادله منابع اطلاعاتی میان کتابخانه های دانشـگاهی و پژوهشـی کشور. "ویژگی اثر : نشـریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. ۳- ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، ص ۷۵- ۱۰۲.۲۴ تالیف مقاله " :تحقیق نوعی سـرمایه گـذاری است. "ویژگی اثر : بینالود. ۳، مهر ۱۳۷۲، ص ۲۲ – ۲۵.۲۵ تالیف مقاله ":ارتباطات علمی و اختلاف پتانسیل اطلاعاتی. "ویژگی اثر : اطلاعشناسی. زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۷ – ۳۲.۲۶ تالیف مقاله" :ارزیابی شیوه نامه های اسـتناد در نشـریات معتبر دانشـگاه تهران. "ویژگی اثر : با همکاری اعظم شاهبداغی. کتابداری. ۴۰، ۱۳۸۲، ص ۱– ۲۳.۲۷ تالیف مقاله" :اسـتناد در آثار علمی: چاله ها و چالشـها. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ۱۲۰ – ۱۳۳.۲۸ تالیف مقاله" :اطلاع رسانی: اصـطلاحی نو با مضـمونی کهن. "ویژگی اثر : دانشـمند، ویژه نامه اطلاعات. شهریور، ۱۳۶۹، ص ۱۶– ۱۸.۲۹ تالیف مقاله" :اطلاع شناسـی. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ۱۳۸۱؛ ج ۱، ص ۲۴۲ –۲۴۴.۳۰ تالیف مقاله" :اطلاعات چیست. "?ویژگی اثر : دانشـمند، ویژه نامه اطلاعات. شهریور ۱۳۶۹، ص ۵ – ۸ و ۸۸ – ۸۹.۳۱ تـالیف مقـاله" :اطلاعـات. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابـداری و اطلاع رسانی. ۱۳۸۱ ؛ ج ۱، ص ۲۳۱ – ۲۳۵.۳۲ تالیف مقاله ":اکولوژی اطلاعـات: مروری بر مفـاهیم و مصـادیق. "ویژگی اثر : اطلاع شناسـی. ۲، زمستان ۱۳۸۲، ص ۵ – ۳۰.۳۳ تالیف مقاله ":اکولـوژی اطلاعـاتی و نظـام اجتمـاعی». ویژگی اثر : اطلاع شناسـی. ۴، تابسـتان ۱۳۸۳، ص، ۷ – ۱۷.۳۴ تـالیف مقاله" :اهمیت اطلاعـاتی پایان نامه ها. "ویژگی اثر : پژوهشـنامه آموزشـی. ۲، زمستان ۱۳۶۹، ص ۶– ۱۱.۳۵ تالیف مقاله" :اهمیت و ضـرورت به

کارگیری منابع خارجی در تحقیقات کشور. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۴، زمستان ۱۳۷۶، ص ۷- ۱۲.۳۶ تالیف مقاله" :بررسی پایگاه مطالعات ایران شناسی، "ویژگی اثر : با همکاری دکتر نرگس نشاط، در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایرانشناسی :تهران : بنیاد ایرانشناسی ؛ ۱۳۸۳۳۷ تالیف مقاله" :بررسی تاثیر پذیری اصطلاحنامه از ورود اصطلاحات جدید با رویکردی بر اصطلاحنامه اریک. "ویژگی اثر : با همکاری مهدیه میرزا بیگی . مجله کتابداری . ۱و۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)۳۸ تالیف مقاله ":بررسی رابطه میان مجلات منتشر شده حوزه های تخصصی و ارتقا علمی متخصصان کشور. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۲، بهار ۱۳۷۴، ص ۳۳- ۴۴.۳۹ تالیف مقاله" :بررسی راهکارهای عملیاتی کردن طرح نظام ملی اطلاع رسانی در دانشگاههای کشور. "ویژگی اثر : با همکاری فاطمه زندیان. کتابداری. ۳۸، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۹۱ – ۱۲۴.۴۰ تالیف مقاله" :بررسی فرایند اطلاع جویی پیوسته دانشجویان کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاعرسانی دانشگاهها. "ویژگی اثر : با همکاری حمید کشاورز. کتابداری. ۳۸، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱ – ۲۴.۴۱ تالیف مقاله" :بررسی فعالیتهای علمی و پژوهشی اعضای هیات علمی رشته کتابداری و اطلاع رسانی ایران تا پایان سال ۱۳۷۸. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۲(تابستان ۱۳۷۹) ص ۹- ۳۶.۴۲ تالیف مقاله" :بررسی کارایی علمی پژوهشی سمینارهای تخصصی برگزار شده در ایران. "ویژگی اثر : در سمینار تحقیق و توسعه (۲۶ – ۲۸ تیر ۱۳۶۸)، مجموعه مقالات سمینار تحقیق و توسعه. تهران: سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، ۱۳۶۸.۴۳ تالیف مقاله" :بررسی گرایش موضوعی آثار علمی و پژوهشی رشته کتابداری و اطلاع رسانی، از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۷، "ویژگی اثر : در فهرست رایانهای: کاربرد و توسعه مجموعه مقالههای همایش .... تهران: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد؛ تهران: مرکز اطلاع رسانی و خدمات علمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۹.۴۴ تالیف مقاله" :بررسی میزان همگونی تدریس مواد با تولید و هدایت آثار توسط اعضای هیئت علمی رشته کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : با همکاری نجمه سالمی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۴۷ – ۷۰.۴۵ تالیف مقاله" :بررسی وضع پیشینه در پایاننامه های کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت واطلاع رسانی پزشکی. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۱- ۴، ۱۳۷۵، ص ۳۳– ۳۷.۴۶ تالیف مقاله" :بررسی وضعیت مجلات منتشر شده در ایران در طول برنامه پنجساله اول توسعه ۶۸- ۷۲. "ویژگی اثر : کتابداری. دفتر بیست و ششم و بیست و هفتم، ۱۳۷۶، ص ۲۱ - ۳۷.۴۷ تالیف مقاله" :تبلور اطلاعات در تکنولوژی. "ویژگی اثر : ریزپردازنده. ۸ و ۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰، ص ۵ – ۸.۴۸ تالیف مقاله" :تحلیل استنادی و شباهتهای آن با علمالحدیث." ویژگی اثر : نشـــر دانش. ۲، بهمن واسفند ۱۳۶۲، ص ۱۱- ۱۷.۴۹ تالیف مقاله" :تحلیل استنادی. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ج ۱، ص ۶۱۶ – ۶۲۰.۵۰ تالیف مقاله" :تحلیل ساختاری توصیف گرهای فارسی پایگاه های اطلاعاتی پژوهشگاه اطلاعات و مدارك علمی ایران، "ویژگی اثر : با همکاری شکوفه آخوندی . مجله کتابداری . سال چهلم ، دفتر ۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)۵۱ تالیف مقاله" :تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی. "ویژگی اثر : چاپ و انتشار. ۱، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۳۸ - ۴۱.۵۲ تالیف مقاله" :چگونگی حمایت از مالکیت فکری در کشورهای اسلامی، "ویژگی اثر : در سخنرانیها و مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، با همکاری سازمان جهانی مالکیت فکری (تهران: دانشگاه تهران؛ خانه ادبیات، ۱۳۸۳، ص ۲۹۹ - ۳۱۳).۵۳ تالیف مقاله" :چهل سال عشق و تفکر و تلاش. "ویژگی اثر : زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی ... نوش آفرین انصاری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۳۹ – ۴۷.۵۴ تالیف مقاله" :دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، ضرورت دنیای نو. "ویژگی اثر : همشهری. ۲۷ مرداد ۱۳۷۵.۵۵ تالیف مقاله" :درباره ادبیات کودکان. "ویژگی اثر : پویه، نشریه آموزشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۲، پاییز ۱۳۵۳، ص ۵ – ۱۲.۵۶ تالیف مقاله" :دستیابی به اطلاعات در پژوهشهای کشورهای اسلامی. "ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی.شماره ۱و۲، ۱۳۶۷، ص ۱- ۵.۵۷ تالیف مقاله" :ده سال تلاش." ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. ۴، زمستان ۱۳۵۴، ص ۵۰۸- ۵۱۴.۵۸ تالیف مقاله" :رفتار استنادی نویسندگان مقاله های

مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۹. "ویژگی اثر : با همکاری نرگس نشاط. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱ – ۳۳.۵۹ تالیف مقاله" :سیاستگذاری اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : رهیافت. ۲۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۶ – ۱۲.۶۰ تالیف مقاله" :شناسایی الگوهای روابط فرارشته ای مقالات تالیفی رشته کتابداری و اطلاع رسانی در ایران ، با همکاری غزاله قناویز چیان و امیر حسین غائبی . ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی . س. ۳۶ ، ۱و۲(بهار و تابستان ۱۳۸۵):۱۷-۳۵۶۱ تالیف مقاله" :ضرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابداری و اطلاعرسانی. "ویژگی اثر : کتابداری: نشریه علمی در تحقیقات کتابشناسی، کتابداری و اطلاعرسانی. ۲۶ و ۲۷(۱۳۷۶): ۲۱ – ۳۷.۶۲ تالیف مقاله" :عنوان نوشته. "مروری بر اطلاعات و اطلاعرسانی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانههای عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲، ص ۱۷۷- ۱۸۰.۶۳ تالیف مقاله" :قیمت کتاب در طول برنامه پنجساله اول توسعه ۱۳۶۸- ۱۳۷۲. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، ص ۹- ۲۳.۶۴ تالیف مقاله" :کاربرد چند رسانه ایها در اطلاع رسانی پزشکی. "ویژگی اثر : کامپیوتر. ۵، ۱۳۷۳، ص ۱۲ – ۱۸.۶۵ تالیف مقاله" :کتاب و عالم سوم پوپر. "ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی (ویژه کتابداری). ۳ و ۴، ۱۳۶۶، ص ۱– ۱۱.۶۶ تالیف مقاله" :کتابداری و مدیریت جدید. "ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. ۳، پاییز ۱۳۵۴، ص ۴۲۵ - ۴۳۴.۶۷ تالیف مقاله" :مدیریت دانش و مدیریت اطلاعات در کتابداری. "ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات. آذر ۱۳۸۳، ص ۸ – ۱۱.۶۸ تالیف مقاله" :مروری بر دو راهنما. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۱۸- ۱۲۱.۶۹ تالیف مقاله" :مروی بر مفاهیم و نظریه ها در قلمرو اطلاع شناسی. "ویژگی اثر : اطلاع شناسی. پاییز ۱۳۸۲، ص ۹ – ۳۴۷۰ تالیف مقاله" :مسائل و مشکلات ذخیره پیش همارا و بازیابی پس همارا در نظام رایانه ای. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۸ – ۱۵.۷۱ تالیف مقاله" :مصرف و تولید اطلاعات. "ویژگی اثر : در سمینار نقش اطلاعات علمی و فنی در خدمات دفاع مقدس (۱۸ و ۱۹ خرداد ۱۳۶۶)، مجموعه مقالات و سخنرانیهای ارائه شده. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معاونت صنایع خودکفایی، مدیریت تحقیقات و آموزش، مرکز اطلاعات علمی و فنی، [۱۳۶۶].۷۲ تالیف مقاله" :مطالعه تأثیر استفاده از اینترنت بر رفتار پژوهشی اعضای هیات علمی دانشگاه تهران. "ویژگی اثر : با همکاری مریم اسدی. کتابداری. ۴۰، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳– ۱۷۱.۷۳ تالیف مقاله" :مطالعه رفتار اطلاع یابی اینترنتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی. "ویژگی اثر : مجله کتابداری (پاییز و زمستان ۱۳۸۳): ۱ – ۴۰.۷۴ تالیف مقاله" :مطالعه عملکرد نهادها و برنامه های پژوهشی در حوزه اطلاع رسانی ایران. "ویژگی اثر : رهیافت. ۲۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۷۸- ۹۳.۷۵ تالیف مقاله" :مطالعه میزان همبستگی موضوعی پایان نامه ها و مقالات فارسی در رشته کتابداری و اطلاع رسانی ایران. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۴۳ – ۷۴.۷۶ تالیف مقاله" :نظام چند سطحی در ذخیره و بازیابی رایانه ای اطلاعات اسلامی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳(پاییز ۱۳۷۵) ص ۸ - ۱۳.۷۷ تالیف مقاله" :نظر ابنخلدون در باب تألیف. "ویژگی اثر : نشر دانش. ۴(خرداد و تیر ۱۳۶۳) ص ۲۰- ۲۷.۷۸ تالیف مقاله" :نظریه کوانتومی اطلاعات . "ویژگی اثر : اطلاع شناسی. سال سوم ، ۳و۴ (بهار و تابستان۱۳۸۵).۷۹ تالیف مقاله" :نقش خبرنامه. "ویژگی اثر : پژوهشنامه آموزشی. ۱(پاییز ۱۳۶۹) ص ۶- ۱۲.۸۰ تالیف مقاله" :نقش کتابخانه ها در تحقق جوامع اطلاعاتی و معرفتی. "ویژگی اثر : مجله کتابداری . سال چهلم ، دفتر۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)۸۱ تالیف مقاله" :واقع گرایی در ادبیات کودکان . "ویژگی اثر : گزارش شورای کتاب کودك (نشریه داخلی). شماره ۱ ، ۱۳۵۳۸۲ تالیف مقاله" :وجه معرفتشناختی پوزیتیویسم منطقی و جایگاه آن در مطالعات کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : اطلاعشناسی. (بهار ۱۳۸۳)، ص ۵ – ۱۶.۸۳ تالیف مقاله" :وحدت در کتابشناسی. "ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. ۲، تابستان ۱۳۵۵، ص ۲۰۷ – ۲۱۹.۸۴ تالیف مقاله" :وضعیت کتابداری و اطلاعرسانی در ایران. "ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات. ۵، اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۴ – ۱۷.۸۵ تالیف مقاله":آیین بدنویسی. "ویژگی اثر : آینه پژوهش. ۳، مهر و آبان ۱۳۷۰، ص ۲- ۵.۸۶ ترجمه کتاب : اصطلاحنامه فرهنگ،

ارتباطـات، و اطلاعـات، ویژگی اثر : از اصـطلاحنامه یونسکو، گردآوری جین اچسن؛ ترجمه عباس حری و عبدالحسین آذرنگ با همکاری پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشـهای فرهنگی، ۱۳۷۵.۸۷ ترجمه کتاب : راهنمای تهیه و گسترش اصطلاحنامه یکزبانه، ویژگی اثر : تألیف درک آوستین و پیتر دیل، ترجمه عباس حری. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، ۱۳۶۵.۸۸ ترجمه کتاب اصـطلاحنامه بیـن المللی توسـعه فرهنگی یونسـکو. ویژگی اثر : بـا همکـاری پروانـه گـودرزی. تهران: دفـتر پژوهشـهای فرهنگی، ۱۳۷۷.۸۹ ترجمه مقاله : «انعکاس انتشارات اسلامی در چند نمایه». ویژگی اثر : تألیف ا. ستاروس. رحمان. نشریه علوم تربیتی. ۱– ۴، سال ۱۳۶۵، ص ۷۳ – ۹۲.۹۰ ترجمـه مقـاله : «برنـامه اطلاعـاتی جهـان اسـلام: اصـول نظری». ویژگی اثر : تـألیف اولی محمد عبدالحمید. در اکملالدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاعرسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱ – ۲۰.۹۱ ترجمه مقـاله : «پوزیـتیویسم و تحقیق در کتابـداری و اطلاعرسـانی». ویژگی اثر : تـألیف مایکـل هریس. مروری بر اطلاعـات و اطلاعرسـانی. تهران: هیئت امنـای کتابخانههـای عمـومی کشور، دبیرخـانه، ۱۳۷۲، ص ۲۶۹ – ۲۸۹.۹۲ ترجمه مقـاله : «جامعیت دستیابی موضوعی در شبکهای بین المللی». ویژگی اثر : تألیف ف. و. لنکستر. در اکملالدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاعرسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۵۹ – ۷۳.۹۳ ترجمه مقاله : «خواندن به قصد لذت». ویژگی اثر : تـألیف ال.ای.جی استرانـگ. نـامه انجمن کتابـداران ایران. ۴، زمستان ۱۳۵۲، ص ۴ – ۱۵.۹۴ ترجمه مقاله : «سیاسـت اطلاعـاتی جهان سوم برای قرن بیست و یکم». ویژگی اثر : تألیف ضـیاءالدین سـردار. دانشـمند، ویژهنامه اطلاعات. شـهریور ۱۳۶۹، ص ۸۵ – ۸۷.۹۵ ترجمه مقـاله : «فراسوی مرزهای زمان و مکان». ویژگی اثر : تألیف رابرت وج ورث. گزیـده مقالات ایفلا (ترکیه: ۲۰ – ۲۶ اوت ۱۹۹۵). زیر نظر عبـاس حری. تهران: کتابخـانه ملی جمهـوری اسـلامی ایران، ۱۳۷۵، ص ۱ – ۸.۹۶ ترجمه مقاله : «کتابخـانه ها در جمهوری خلق چین از سال ۱۹۴۹ به بعـد». ویژگی اثر : تألیف تی ماجان. خبرنامه انجمن کتابـداران ایران. ۳، پاییز ۱۳۵۰، ۶ – ۱۶.۹۷ ترجمه مقاله : «کتابشناسـی علوم ابن کفانی». تألیف ج. ج. ویتکام. تحقیقات اسلامی (یادنامه دکتر احمد طاهری عراقی). ۱ و ۳، ۱۳۷۰، ص ۱۶۱– ۱۷۲. ۹۸ ترجمه مقاله : «گاه شماری در کتاب تاریخ الاطباء اسحاق بن حنین». ویژگی اثر : تألیف ف.و.زیمرمان. فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۸۱ – ۸۹.۹۹ ترجمه مقاله : «مسئولیت اجتماعی دانشـمندان». ویژگی اثر : تألیف برتراند راسل. فردوسـی. ۹۹۸، بهمن ۱۳۴۹، ص ۱۰ – ۱۱.۱۰۰ ترجمه مقـاله : «مـک لوهـان، جوانان و ادبیات». ویژگی اثر : تألیف الینور کـامرون. نـامه انجمن کتابـداران ایران. ۱۰، بهـار ۱۳۵۲، ص ۴ – ۱۵.۱۰۱ ترجمـه مقـاله : «وضـع کنـونی بشـر». ویژگی اثر : نویسنده اریک فرم. فردوسـی. ۹۹۳، آذر ۱۳۴۹، ص ۱۶ – ۱۹ و ترجمـه ۱۷۲ مقاله برای جلـدهای مختلف دانشـنامه جهان اسـلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسـلامی، ۱۳۶۴ – ۱۳۷۰. ۱۰۲. سـخنرانی در رابطه با" : رسانه کتاب در ایران و چشم انـداز جهانی آن." ویژگی اثر : کتاب هفته. ۲۸ آذر ۱۳۸۳، ص ۱۸.۱۰۳ سـخنرانی در رابطه با : افتتاحیه : ارتباط با منابع جهانی اطلاعات . ویژگی اثر : دانشـگاه تهران با همکاری شرکت اطلاع رسانی نباء .دانشکده فنی دانشگاه تهران:۱۳۷۶۱۰۴ سخنرانی در رابطه با : افتتاحیه کتاب و کتابخوانی . ویژگی اثر : فرهنگسـرای اندیشه: ۱۳۷۵۱۰۵ سـخنرانی در رابطه بـا : پردازش و انتقال اطلاعات . ویژگی اثر : یازدهمین نمایشـگا بین المللی کتاب تهران : نمایشـگاه اطلاع رسانی و فن آوری اطلاعات: ۱۳۷۷۱۰۶ سـخنرانی در رابطه با " : جامعه شناسی پزوهش . "ویژگی اثر : همـایش پزوهش و فرهنـگ و جـامعه. اداره کـل فرهنگ و ارشاد اسـلامی خراسان؛ ۱۳۷۸۱۰۷ سخنرانی در رابطـه بـا " : جایگـاه کتابـداری در عصـر اطلاعـات. " ویژگی اثر : انجمـن کتابـداری و اطلاع رسـانی ایران؛ شـاخه خوزسـتان. آبان۱۳۸۳۱۰۸ سـخنرانی در رابطه با " : راههایی برای مشارکت بهینه در دومین مرحله اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی . ویژگی اثر : نخستین نشـست تخصصـی . تیر ۱۳۸۳۱۰۹ سـخنرانی در رابطه بـا" : اطلاعـات خرد، اطلاعات کلان و نظام ملی اطلاع رسانی، "ویژگی اثر : در سـمینار توسعه نظام مـدیریت در اطلاعرسانی و کتابداری (۴– ۵ آبان ۱۳۷۱).۱۱۰ سـخنرانی در رابطه با : "اطلاعـات و توسعه، "ویژگی اثر : در سـمینار اطلاع رسانی تحقیق و توسـعه. تهران: مؤسسه آموزشـی و تحقیقاتی صـنایع دفاعی،

شهریور ۱۳۷۱.۱۱۱ سخنرانی در رابطه با" : اطلاعات و گردش آن. "ویژگی اثر : مرکز اطلاع رسانی جهاد سازندگی: شهریور ۱۳۷۳.۱۱۲ سخنرانی در رابطه با" : ایجاد شرایط مناسب آموزشی برای بهبود و ارتقاء انشاءنویسی. "ویژگی اثر : ارائه شده در سمینار آموزش انشاء. (نیشابور: مرکز تربیت معلم شیخ طوسی، ۳۰ – ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۲).۱۱۳ سخنرانی در رابطه با" : ایجاد مرکز ملی اطلاعات پزشکی در ایران: طرح پیشنهادی، "ویژگی اثر : در اولین سمینار نیاز کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی در ایران (۱۶-۱۷ اسفند ۱۳۶۷). مشهد: دانشگاه علوم پزشکی مشهد، [۱۳۶۷].۱۱۴ سخنرانی در رابطه با" : اینفوتراپی (اطلاع درمانی) و جایگاه آن در اطلاعرسانی پزشکی، "ویژگی اثر : در ششمین همایش ملی اطلاع رسانی پزشکی (اصفهان ۱۰- ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳).۱۱۵ سخنرانی در رابطه با" : تبلور اطلاعات در تکنولوژی و برخورد جهان سوم با اینگونه اطلاعات، "ویژگی اثر : در کنفرانس تکنولوژی و اطلاعات(۳ تیرماه ۱۳۶۹).تهران:سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران،۱۳۷۱.۱۱۶ سخنرانی در رابطه با" : تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی، گامی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی. "ویژگی اثر : اطلاعات. ۳۰ بهمن ۱۳۷۲.۱۱۷ سخنرانی در رابطه با" : جایگاه ترویج علم در جامعه اطلاعاتی "ویژگی اثر : دوره آموزش روزنامه نگاری و جامعه اطلاعاتی . اسفند ۱۳۸۴۱۱۸ سخنرانی در رابطه با" : دایره المعارفها: نگاه از درون "ویژگی اثر : دایرهالمعارف زن ایرانی. جهاد دانشگاهی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. مهر ۱۳۸۳.۱۱۹ سخنرانی در رابطه با" : روابط متقابل قوانین ملی و بین المللی حق مؤلف، "ویژگی اثر : در همایش حق مؤلف (اسفند ۱۳۸۰).۱۲۰ سخنرانی در رابطه با" : رویکرد اکولوژیکی به جامعه اطلاعاتی، "ویژگی اثر : در همایش جامعه اطلاعاتی، ۱۳۸۲. سخنرانی افتتاحیه . کارگاه آموزشی پنجمین نمایشگاه کتاب و بانکهای اطلاعاتی : شرکت مهندسی رز سیستم ؛ ۱۳۷۶۱۲۱ سخنرانی در رابطه با" : سواد اطلاعاتی و اخلاق اطلاع رسانی . ویژگی اثر : پزوهشکده فرهنگ و هنر و ارتباطات ,گروه رسانه های الکترونیک. اردیبهشت ۱۳۸۳۱۲۲ سخنرانی در رابطه با" : ضرورت اصلاح برخی رویه های فرهنگی در ایران برای نیل به جامعه اطلاعاتی، "ویژگی اثر : در همایش علمی ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی (۲۵ - ۲۷ آذر ۱۳۸۱).۱۲۳ سخنرانی در رابطه با" : طرح پیشنهادی برای تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی. "ویژگی اثر : ارائه شده در اولین سمینار ملی فرهنگ و توسعه. (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۴ – ۲۶ مهر ۱۳۷۲).۱۲۴ سخنرانی در رابطه با" : علم اطلاع رسانی و اهمیت آن . " ویژگی اثر : گردهمایی مسئولین مراکز اطلاع رسانی مجتمع ها و شرکتهای تابعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی . تهران : ۱۳۷۶۱۲۵ سخنرانی در رابطه با" : کتابداری و اطلاع رسانی در رویارویی با دوگانگی اطلاعات با اشاراتی بر: سیاستهای کلان اطلاع رسانی در ایران. "ویژگی اثر : مشهد : دانشگاه فردوسی : خرداد ۱۳۷۸۱۲۶ سخنرانی در رابطه با" : مبانی رشته ما." ویژگی اثر : در دانشگاه امام رضا . مشهد ، ۲/۹/۸۵۱۲۷ سخنرانی در رابطه با" : مروری بر بانک مطالعات ایران شناسی. "ویژگی اثر : ارائه شده در دومین همایش ملی ایرانشناسی (تهران: بنیاد ایرانشناسی، ۳۰ آذر – ۳ دی ۱۳۸۳).۱۲۸ سخنرانی در رابطه با" : نقش اطلاعات در برنامه ریزی خرد و کلان. "ویژگی اثر : ارائه شده در دومین سمینار نقش اطلاعات و ارتباطات در تحول اداری (تهران: وزارت جهاد سازندگی، ۶ – ۷ مهر ۱۳۷۳).۱۲۹ سخنرانی در رابطه با" : نقش تخیل در آثار کودکان و نوجوانان . "ویژگی اثر : نشست ماهانه نقد آثار غیر تخیلی . کتاب ماه کودک و نوجوان ؛ ۱۳۸۲۱۳۰ سخنرانی در رابطه با" : نقش خدمات اطلاعاتی در پیشرفت فرهنگی. "ویژگی اثر : در سمینار بررسی تحلیلی موانع و عوامل مؤثر در پیشرفتهای فرهنگی (بیرجند، ۱۱- ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۵)۱۳۱ سخنرانی در رابطه با" : نقش نظام آموزشی در توسعه کمی و کیفی نشر "ویژگی اثر : ، در دومین گردهمایی نقش اطلاع رسانی در توسعه فرهنگی: کتاب و فن آوری اطلاعات (۲۵- ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۰).۱۳۲ سخنرانی در رابطه با" : نمایه ها به عنوان ملاکهای ارزشگذاری نوشته های علمی، "ویژگی اثر : در همایش روش شناسی و فنون تحقیق (۲۱- ۱۹ بهمن ۱۳۷۶).محل ندارد۱۳۳ سخنرانی در رابطه با" : هنر حر بودن . "ویژگی اثر : ارائه شده در دومین کنگره فرهنگ عاشورا (۱۱ – ۱۳ خرداد ۱۳۷۵).۱۳۴ سخنرانی در رابطه با : ضرورت نظام مند بودن فعالیتهای اطلاع رسانی ویژگی اثر : . وزارت جهاد سازندگی ، مرکز

تحقیقات اطلاع رسانی . اتاق فکر ؛۱۶ دی ۱۳۸۵۱۳۵ طرحهای پژوهشی: بررسی عوامل موثر بر تغییر رشته دانشجویان دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی در سال تحصیلی ۸۲-۸۳(در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: بررسی وضعیت اعتبار ویژه اعضای هیات علمی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و تاثیر آن بر تولیدات علمی آنان ، ۱۳۸۵ (در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: بررسی وضعیت شیوه نامه های تدوین پایان نامه ، نشر مقاله در مجلات ، و انتشار کتاب در دانشگاه تهران و ارائه الگو برای این گونه تولیدات ، ۱۳۸۵ (در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: طراحی «نظام ملی اطلاعرسانی»، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛۱۳۷۳-۱۳۷۵ طرحهای پژوهشی: طراحی کتابخانه تخصصی و کانون ارجاعی در حوزه ساختمان و مسکن؛۱۳۷۶ طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای بانک اطلاعات پژوهشهای فرهنگی؛۱۳۷۴-۱۳۷۷ طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای پایگاه پایان نامه های دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی؛۱۳۸۲-۱۳۸۳ طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای پروژه کامپیوتری کردن فهرستنویسی کتابهای فارسی ؛ دفتر پزوهشهای فرهنگی؛۱۳۶۷-۱۳۷۱ طرحهای پژوهشی: طراحی و راه اندازی پایگاه اطلاعات عکس و عکاسی(دفتر پژوهش های فرهنگی)؛۱۳۷۲ طرحهای پژوهشی: طراحی،راه اندازی و توسعه پایگاه مطالعات ایرانشناسی؛ ۱۳۷۶- طرحهای پژوهشی: مجری طرح بررسی استنادهای مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی؛۱۳۷۹-۱۳۸۰ طرحهای پژوهشی: مجری طرح بررسی استنادهای مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی؛۱۳۷۹- طرحهای پژوهشی: مشارکت در طراحی و توسعه «شورای عالی اطلاع رسانی»؛۱۳۷۵ طرحهای پژوهشی: مشاور امور کتابداری طرح فهرستگان ایران . سازمان پزوهشهای علمی و صنعتی ایران : ۱۳۶۸ ۱۴۹ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح بررسی کتابخانه های هنرستانهای کشور و چگونگی استفاده هنرجویان از آنها. وزارت آموزش و پرورش ؛ معاونت آموزش فنی و حرفه ای ؛ ۱۳۷۲ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح توسعه کتابخانهه ای عمومی کشور، هیئت امنای کتابخانه های عمومی؛۱۳۸۳ ۱۵۱ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح فهرست مطالب شهید و شهادت در مطبوعات فارسی ایران. بنیاد شهید انقلاب اسلامی ؛۱۳۷۷ ۱۵۲ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح فهرستگان علوم انتظامی . مرکز مطالعات و پزوهشهای ناجا؛ ۱۳۷۶ طرحهای پژوهشی: نظارت بر طرح نمایه سازی وصایای شهدا . بنیاد شهید انقلاب اسلامی ؛ ۱۳۷۶ ۱۵۴ طرحهای پژوهشی: نظارت بر طرح مسائل کتابخانه های آموزشگاهی ایران (وزارت آموزش و پرورش)؛ ۱۳۷۰-۱۳۷۱ طرحهای پژوهشی: همکاری در طرح بررسی چگونگی دستیابی اعضای هیات علمی دانشکدهعلوم دانشگاه تهران به مدارك و اطلاعات علمی؛ ۱۳۵۲ مصاحبه « همه چیز برای کتاب نخواندن مهیاست». ویژگی اثر : جام جم . ۱۳ آذر ۱۳۸۴، ص۱و۱۶۱۵۷ مصاحبه «اطلاعشناسی صنعتی». ویژگی اثر : فرهنگ و صنعت. ۵۲، خرداد ۱۳۸۴.۱۵۸ مصاحبه «این گفتگو پشت پرده ندارد». ویژگی اثر : خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران . س. پنجم ، شماره ۱، (بهمن و اسفند ۱۳۸۴).۱۵۹ مصاحبه «بانک اطلاعات فرهنگی». ویژگی اثر : فرهنگ و سینما. اردیبهشت ۱۳۶۹، ص ۱۴ – ۱۶.۱۶۰ مصاحبه «جایزه ترویج علم ایران» . ویژگی اثر : مصاحبه. خبرنامه داخلی انجمن ترویج علم ایران. دی ماه ۱۳۸۵۱۶۱ مصاحبه «چه کسانی کتاب نمیخوانند و چرا؟» ویژگی اثر : . ایران. ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۵.۱۶۲ مصاحبه «دایره المعارفها جلوهگاه جهان بینی جوامعند». ویژگی اثر : کیهان فرهنگی. ۱۲۷، خرداد، تیر ۱۳۷۵، ص ۱۰۷- ۱۰۹.۱۶۳ مصاحبه «درباره فصلنامه کتاب »؛ ویژگی اثر : آبان ۱۳۷۵.۱۶۴ مصاحبه «سرگذشتنامه و آثار » ویژگی اثر : آرشیو شفاهی . سازمان اسناد و کتابخانه ملی , معاونت اسناد ،۱۳۸۴۱۶۵ مصاحبه «کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی». ویژگی اثر : پیام کتابخانه. ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۱، ص۲۹ –۳۲.۱۶۶ مصاحبه «کتابداری یا اطلاع رسانی » . ویژگی اثر : لیبر: فصلنامه انجمن علمی – دانشجویی کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه تهران . دوره دوم ، ۴(زمستان ۱۳۸۴).۱۶۷ مصاحبه «معلم دورترین روزها». ویژگی اثر : ایران. ۲۷ آبان ۱۳۸۳.۱۶۸ مصاحبه «ناکامی همایشها در بهبود اوضاع» ویژگی اثر : . ایران. ۴ مهر ۱۳۸۳.۱۶۹ یادداشت ها و نگرشها ": اشارهای به فلسفه کتابداری. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۷۰ یادداشت ها و نگرشها: "زمزمه کتابخانه ملی در شصت سالگی . "ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران: نشرکتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۸-

۱۲۰۱۷۱ یادداشت ها و نگرشها ": لجاجت علمی . "ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها. تهران : نشرکتابدار، ۱۳۷۸،ص. ۱۶۴-۱۶۶۱۷۲ یادداشت ها و نگرشها ": مدیریت رسانه ها. " ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها . تهران : نشر کتابدار،۱۳۷۸، ص.۲۳۱-۲۳۵۱۷۳ یادداشت ها و نگرشها ": هدایت گری در آموزش متوسطه. " ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران : نشرکتابدار، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۲-۲۰۳۱۷۴ یادداشت ها و نگرشها": آموزش کتابداری در ایران. "ویژگی اثر : پیام کتابخانه، ۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۸- ۲۱.۱۷۵ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع باوری. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۴، تابستان ۱۳۷۵، ص ۵۱۷۶ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع رسانی، رسالت آموزش عالی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۵- ۷.۱۷۷ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع شناسی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳. پاییز ۱۳۷۲، ص ۳۹۳-۳۹۵.۱۷۸ یادداشت ها و نگرشها": اقتصاد اطلاعات. "ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی. ۳- ۴، سال ۱۳۶۸، ص ۱- ۴.۱۷۹ یادداشت ها و نگرشها": انتقال تجربه ها در دایره المعارف نگاری ایران معاصر. ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات.۱۲، آذر ۱۳۷۷، ص ۸.۱۸۰ یادداشت ها و نگرشها": ایدز تکنولوژیکی. ویژگی اثر : اطلاع رسانی:نگرشها و پژوهشها. تهران:نشر کتابدار، ۱۳۷۸،ص۲۳۶-۲۳۸۱۸۱ یادداشت ها و نگرشها": اینترنت در کتابخانه "ویژگی اثر : . کتاب ماه کلیات.۴۱ و ۴۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۰، ص ۴۰ —۴۱. . کتاب ماه کلیات.۴۱ و ۴۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۰، ص ۴۰ — ۴۱.۱۸۲ یادداشت ها و نگرشها": برنامه ریزی آموزشی." ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴ - ۲۰۶.۱۸۳ یادداشت ها و نگرشها": برنامه مدیریت نظامهای اطلاعاتی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۵- ۶.۱۸۴ یادداشت ها و نگرشها": تأمل در مصرف." ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۱. بهار ۱۳۷۷، ص ۵- ۶.۱۸۵ یادداشت ها و نگرشها": تداخل در وظایف سازمانی. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۲۸- ۲۳۰۱۸۶ یادداشت ها و نگرشها": تکثر یا وحدت. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی:نگرشها و پژوهشها. تهران:نشر کتابدار، ۱۳۷۸،ص.۲۸- ۳۰.۱۸۷ یادداشت ها و نگرشها": جوان مسلمان، رسانه و موج چهارم. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۷۶، ص ۷- ۹.۱۸۸ یادداشت ها و نگرشها": در جستوجوی هویت. "ویژگی اثر : اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۳- ۱۶.۱۸۹ یادداشت ها و نگرشها": دسترس پذیری. اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار ،۱۳۷۸،ص۲۲۲- ۲۲۷.۱۹۰ یادداشت ها و نگرشها": رویارویی با رسانه ها. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۳- ۲۷.۱۹۱ یادداشت ها و نگرشها": سیاست مجموعه سازی. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹- ۲۲۱.۱۹۲ یادداشت ها و نگرشها": ضرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۲- ۱۸.۱۹۳ یادداشت ها و نگرشها": عمر مجلات. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نظامها و فرآیندها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰- ۱۷۲.۱۹۴ یادداشت ها و نگرشها": گزارش سفر مالزی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۴۳- ۱۶۰.۱۹۵ یادداشت ها و نگرشها": مرگ کتاب . "اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها . ویژگی اثر : تهران : نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۷-۱۶۹۱۹۶ یادداشت ها و نگرشها": نیروی انسانی کتابخانه ملی. " ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها . تهران: نشرکتابدار، ۱۳۷۸۱۹۷ یادداشت ها و نگرشها": هدایت گری در آموزش. " ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران: نشرکتابدار، ۱۳۷۸ ، ص. ۱۹۹-۲۰۱

حریرچی، فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، دکترای زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

مربی زبان و ادبیات عربی در سال ۱۳۴۸، استادیار در سال ۱۳۵۶، دانشیار در سال ۱۳۶۳ و استاد زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عضو فرهنگستان بین‌المللی زبان و ادبیات عربی سوریه، تدریس در دانشگاه تهران، تربیت ۲۰۰ عضو هیأت علمی برای دانشگاههای کشور، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات عربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات عربی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حریری، قاسم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم بن علی بن محمد عثمان حریری حرامی مکنی به ابومحمد از ادبای مشهور ایرانی، از مردم بصره (و. قریه میشان نزدیک بصره ۴۴۶- ف. بصره ۵۱۵ یا ۵۱۶ ه.ق.). وی از ایمه‌ی عصر خویش بود و در مقامه نگاری مهارت تام داشت و «مقامات حریری» از شاهکارهای ادب عرب از اوست.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حزین لاهیجی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۱ -۱۱۰۳ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به حزین و معروف به شیخ علی حزین. وی در اصفهان متولد شد. بعد از هجوم افاغنه در سال ۱۱۳۵ ق به اصفهان، از آن شهر فراری شد و سرگردان، تا اینکه در سال ۱۱۴۶ ق از ترس نادرشاه به هند رفت و تا آخر عمر حدود سی و پنج سال در هندوستان زندگی کرد و در سال ۱۱۸۱ ق در حدود هفتاد و هشت سالگی در بنارس درگذشت و در همان شهر دفن شد. او از احفاد شیخ زاهد گیلانی، عارف معروف، بوده است و خطوط را بسیار نیکو می‌نوشت و صاحب کمالات صوری و معنوی بود. او سرگذشت خود و حوادث و وقایع عصر خویش را با احوال و اوضاع سیاسی به قلم شیوایی نوشته است. حزین با اکثر علوم و فنون آشنایی کامل داشت. تالیفات متعددی در نظم و نثر به عربی و فارسی داشته که مهمترین آنها عبارت‌اند از: «تذکره‌ی شعرا»؛ «تاریخ حزین»؛ «دیوان» اشعار؛ «کلیات» شامل قصاید، قطعات و مثنویهای «صفیر دل»؛ «چمن و انجمن»؛ «مطمح الانظار»؛ «فرهنگنامه»؛ و «تذکارات العاشقین»، در برابر «لیلی و مجنون».[۱]

(ع. بخش ۱) (شیخ) محمدعلی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی (و. اصفهان ۱۱۰۳ ه.ق./ ۱۶۹۱ م.- ف. بنارس (هند) ۱۱۸۱ ه.ق./ ۱۷۶۷ م.). وی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی است. اجدادش در لاهیجان سکونت داشتند و پدرش از آنجا به اصفهان رفت و محمدعلی در آن شهر تولد یافت، و در حمله افغانان از اصفهان بیرون شد، و پس از سفر در بلاد ایران و عراق و حجاز و یمن به هند شتافت و تا پایان عمر در آن ناحیه بود. حزین کتابی در احوال شاعران به نام «تذکره حزین» و سرگذشتی به نام «تاریخ حزین» دارد که هر دو حاوی اطلاعات سودمندست. حزین دیوان اشعار خود را در چهار قسمت مدون کرده، و آن مشتمل بر انواع مختلف شعر است سخن او متوسط و مقرون به سادگی و روانی و حد فاصلی است میان سبک شاعران قدیم و سبک هندی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۸۹/۷)، اعیان الشیعه (۶/۱۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۸۵ -۱۸۲، ۹۴ -۹۳ /۴)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۳۸۱ -۳۷۹ /۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۵۹ -۳۵۵ /۱)، تذکره المعاصرین (۸۲ -۴۲)، لغت نامه (ذیل/ حزین لاهیجی)، دایرةالمعارف فارسی (۸۴۳/۱)، الذریعه (۱۰۰۱- ۱۹۰ /۲۱ ،۲۳۵/۹، ۳۵۶/۳)، ریاض العارفین (۶۸)، ریحانه (۴۲ -۴۱ /۲)، سبک شناسی (۳۰۶ -۳۰۵ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۰۱/۱)، سفینه المحمود (۶۲۵ -۶۲۴ /۲)، سیری در شعر فارسی (۱۵۰ - ۱۴۸)، شاعری در هجوم منتقدان در شرح احوال و آثار حزین، شام غریبان (۸۷ -۸۶)، شخصیتهای نامی (۱۶۰ -۱۵۹)، شرح حال رجال (۲۲۹/۳)، طرائق الحقائق (۵۲۰/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۱ -۱۸۰)، فرهنگ سخنوران (۲۵۲)، گنج سخن (۱۳۷ -۱۳۴ /۳)، مولفین کتب چاپی (۱۰۴ -۱۰۲ /۴)، مخزن الغرائب (۸۰۵ -۸۰۱ /۱)، معجم المولفین (۱۹/۱۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۹۷ -۳۹۶).

حسابی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۸۱ ش)، فیزیکدان و استاد دانشگاه. در تهران متولد شد. در سال ۱۲۸۶ ش به بیروت عزیمت کرد و تحصیلات خود را تا سال ۱۲۹۷ ش در مدارس شبانه‌روزی فرانسویها و سپس آمریکاییها گذراند و به دریافت درجه‌ی کارشناسی نایل شد، سپس در رشته‌ی مهندسی راه فارغ‌التحصیل شد. وی برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت، ابتدا در رشته‌ی برق، در مدرسه‌ی عالی الکتریسیته

تحصیل کرد، پس از آن از دانشگاه سوربن بـه اخـذ درجه‌ی دکـتری فیزیـک نایـل شـد. سـپس به ایران آمـد و به خـدمات مهمی پرداخت، از جلمه: تاسیس درالمعلمین عالی، ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی، نصب و راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران، واژه گزینی علمی، نوشـتن قانون دانشـگاه و تاسیس دانشـگاه تهران، تاسیس دانشـکده‌ی علوم و ریاست آن، پایه گـذاری مـدارس عشایری، تاسیس اولین رصد خانه‌ی تعقیب ماهواره در شیراز، شرکت در پایه گذار مرکز مخابرات اسدآباد همدان، تصدی وزارت فرهنـگ در دولت مصـدق، تعیین ساعت ایران، پایه گـذاری موسـسه‌ی ژئوفیزیک دانشـگاه تهران، تاسیس مرکز اتمی، پایه گـذاری مرکز تحقیقات و رآکتور اتمی دانشگاه تهران در زمان ریاست دانشکده‌ی علوم. حسابی اسـتاد ممتاز دانشگاه تهران و مرد سال از سوی انستیتوی زیست نگاری بین‌المللی در سال ۱۳۶۹ ش بود. وی علاوه بر تحقیق و انتشار مقاله و کتابهای علمی در دوره‌های اول تـا سـوم مجلس سـنا، نماینـده‌ی انتصـابی شـهر تهران بـود. در تهران درگـذشت. در تفرش دفن شـد. برخی از آثـار وی: «دارالفنـون آمریکایی بیروت»؛ «نامهای ایرانی»؛ «دیـدگانی فیزیکی»؛ کتابی در «الکترودینامیک»؛ «نگره کاهنربایی»؛ کتاب «دیدگان گوانتیک»؛ کتاب «فیزیک حالت جامد»؛ کتاب «وندها و گهواژه‌های فارسی»؛ «فیزیک دوره‌ی اول متوسطه».[۱]

متولد ۱۲۸۲، فرزند معزالسـلطان است. تحصیـلات ابتدائی و متوسـطه را در مدارس فرانسوی و آمریکائی بیروت به اتمام رسانید و از دانشـکده‌ی آمریکائی بیروت در رشـته‌ی ریاضیات فارغ‌التحصیل گردید. مدتی در پاریس و شیکاگو ادامه‌ی تحصیل داد و درجه‌ی مهندسـی راه و ساختمـان و دکترای فیزیـک دریـافت کرد. در آمریکـا مـدتی دستیـار اینشتین ریاضیـدان و فیزیکـدان معروف بود و رابطه‌ی خود را تا آخر عمر او حفظ کرد. پس از مراجعت به ایران، به اسـتادی دانشگاه جدیدالولاده‌ی تهران برگزیده شد و تدریجاً به معاونت و ریاست دانشـکده‌ی علوم رسـید. مـدتی هم ریاست دانشـکده‌ی فنی تهران با او بود. در ۱۳۳۰ در کـابینه‌ی دکتر محمد مصـدق به وزارت فرهنگ منصوب شـد، ولی دوران وزارت او طولانی نبود. مجـدداً به دانشـگاه بازگشت و به تدریس پرداخت. در انتخابـات دوره‌ی اول سـنا که در ۱۳۲۸ انجـام یـافت، سـناتور انتصابی تهران شـد. او از رجال دانشـمند و از فیزیکـدانان خوب ایران است. علاوه بر این، در مجامع بین‌المللی نیز شـهرت داشـته است. او در فارسی‌نویسـی سلیقه‌ی خاصی دارد و نظریات خود را در این بـاره نوشـته است. در زمینه‌ی فیزیـک تألیفاتی دارد که در دانشـگاه تـدریس می‌شـد. خیابان و چهارراه حسابی در شـمیران به نام او نامگذاری شده است. در ۱۳۷۱ درگذشت.

محقق، فیزیکدان.

تولد: ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت: ۱۲ شهریور ۱۳۷۱، ژنو.

محمود حسابی، فرزنـد عباس معزالسـلطنه اهل تفرش، در سن چهار سالگی که سـفارت ایران در بغـداد به پـدربزرگ ایشان واگذار شـده بود به همراه خـانواده به آن شـهر رفت. پس از دو سـال اقامت در بغـداد به همراه خانواده به دمشق رفت و پس از یک سال به شهر بیروت عزیمت نمود. در سن هفت سالگی در مدرسه‌ی فرانسوی در بیروت به طور شبانه‌روزی مشغول تحصیل شد.

محمود حسابی تحصیـلات ابتدایی را در همان مدرسه به پایان رسانید. با آغاز دوره‌ی متوسطه که مقارن با شروع جنگ جهانی اول بود مـدرسه‌ی فرانسویـان در بیروت تعطیـل شـد و از آن پس در منزل از یـک معلم خصوصـی درس گرفت و از مـادر زبان فارسـی آموخت و از جمله قرآن، گلسـتان و بوسـتان سعدی و غزلیات حافظ و منشأت قائم مقام فراهانی را مطالعه نمود. وی پس از دو سال برای ادامه‌ی تحصیل به مـدرسه‌ی آمریکـایی بیروت وارد شـد. ابتـدا به دلیـل عـدم آشـنایی به زبان انگلیسـی وی را در کلاس اول ابتـدایی ثبت نـام کردنـد ولی در آخر سـال تحصیلی زبان انگلیسـی را به خوبی فراگرفت و در امتحانات عمومی مـدرسه شـرکت و مربیانش پذیرفتنـد که به کلاس پنجم ارتقا یابـد. پس از آن در کالـج آمریکایی بیروت ثبت نام کرد. وی موفق شد که پس از اتمام کالج تحصیـلات عالی خود را شروع کند. در سال ۱۲۹۹ لیسانس علوم و ادبیات خود را از آنجا دریافت کرد. سـپس در دانشکده‌ی

مهندسی بیروت به تحصیل مشغول شد و مدرک مهندسی راه و ساختمان خود را از آن مدرسه در سال ۱۳۰۱ دریافت کرد. وی همچنین به تحصیل علوم پزشکی و نجوم و ریاضی در دانشگاه آمریکایی بیروت پرداخت و در رشته‌های زیست‌شناسی و برق به تحصیل مشغول شد. وی سپس در سال ۱۳۰۵ در مدرسه‌ی عالی معدن در پاریس مدرک خود را دریافت و در سال ۱۳۰۶ دکترای فیزیک خود را از دانشگاه سربن پاریس اخذ نمود. از جمله فعالیت‌های وی پیش از آن که به ایران باز گردد، میتوان به این موارد اشاره کرد: تعیین نقشه‌ی راه‌های لبنان، ۱۹۲۱ م.؛ انجام وظیفه به عنوان مهندس راه و ساختمان در اداره‌ی راه سوریه، ۱۳۰۲؛ مهندسی برق در راه‌آهن برقی دولتی فرانسه، ۱۳۰۴. دکتری حسابی در سال ۱۳۰۶ به ایران بازگشت و در ابتدا در وزارت فواید عامه از دی ماه همان سال استخدام گردید. از جمله‌ی فعالیتهای وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تأسیس مدرسه‌ی مهندسی وزارت راه و تدریس در آن در سال ۱۳۰۷؛ نقشه‌کشی و نقشه‌برداری راه‌های ساحلی ایران میان بنادر خلیج فارس از بوشهر تا بندر لنگه در سال ۱۳۰۷؛ تأسیس دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی) (۱۳۰۷)؛ ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی (۱۳۱۰)؛ تأسیس اولین بیمارستان خصوصی ایران (گوهرشاد)، ۱۳۱۲؛ تهیه‌ی نقشه راه تهران به شمشک؛ نصب و راه اندازی اولین دستگاه رادیولوژی کشور (۱۳۱۰)؛ شروع واژه‌گزینی علمی (۱۳۱۲)؛ تأسیس و همکاری در قانونگذاری دانشگاه تهران (۱۳۱۳)؛ تأسیس دانشکده‌ی فنی (۱۳۱۳)؛ و به عهده‌گیری ریاست آن تا سال ۱۳۱۵ و تدریس آن را به عهده گرفت و به تدریس فیزیک در آن پرداخت)؛ تأسیس نخستین رصدخانه برای پی‌گیری اطلاعات ارسالی از ماهواره‌ها در شیراز؛ تعیین ساعت ایران؛ تأسیس مؤسسه‌ی ژئوفیزیک دانشگاه تهران؛ تأسیس مرکز اتمی ایران؛ پایه‌گذاری اولین مدارس عشایری، کردستان، ۱۳۳۰؛ اولین رییس هئیت مدیره‌ی خلع ید از شرکت نفت انگلیس در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق؛ مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران؛ وزیر فرهنگ در دولت دکتر محمد مصدق؛ تدریس در دانشگاه تا سن نود سالگی؛ عضو دائمی شورای اتمی شیکاگو؛ عضو آکادمی علوم نیویورک؛ عضو پیوسته شورای دانشگاه؛ عضو شورای عالی فرهنگ؛ عضو انجمن اصطلاحات علمی؛ رییس انجمن پژوهش فضای ایران (هنگام تشکیل آن)؛ رییس انجمن ژئوفیزیک ایران (هنگام تشکیل آن) پایه‌گذاری انجمن موسیقی ایران، تشکیل فرهنگستان زبان ایران؛ تدوین قانون و تشکیل مؤسسه‌ی استاندار؛ تحقیق و مطالعات علمی در دانشگاه‌های جهان در کنار دانشمندانی نظیر پروفسور انیشتن، شرودینگر، بورن، فرمی و چند فیزیکدان دیگر و تبادل نظر با برترانـد راسل و آندره ژید. وی تنها ایرانی شاگرد پروفسور آلبرت انیشتن بود و با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و عربی آشنایی و نسبت به زبان‌های سانسکریت، یونانی، لاتین، پهلوی، اوستا، ترکی و ایتالیایی اشراف داشت، علاوه بر نگارش مقاله‌ها و رساله‌هایی و قرائت برخی از آنها در کنفرانس‌های بین‌المللی، از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حساسیت سلول‌های فتوالکتریک؛ رساله‌ی راه ما به زبان فرانسوی، ۱۹۳۵ م.؛ نام‌های ایرانی (۱۳۲۹)؛ فیزیک جدید و فلسفه ایران باستان (۱۳۴۳)؛ توانایی زبان فارسی (۱۳۵۰)؛ کتاب فیزیک دوره‌ی اول متوسطه (۱۳۱۸)؛ دیدگانی فیزیک (مبحث تداخل و پراش نور، گردآورنده نیره حمزه و مهدی خاتمی، جلد اول، ۱۳۴۱، نشریه‌ی ۷۲۴ دانشگاه)؛ الکترودینامیک، فیزیک، نگره‌ی کاهنربایی؛ فیزیک حالت جامد؛ دیگانی کوانتیک؛ دارالفنون امریکایی بیروت (بیروت، ۱۲۹۴، م.).

در سال ۱۳۶۶ در کنگره‌ی شصت سال فیزک ایران از خدمات دکتر حسابی به عنوان «پدر فیزیک نوین ایران» قدردانی شد، جوایز دیگر استاد عبارتند از: استاد ممتاز دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، دریافت نشان افتخار «کومان دو لژیون دونور»، بالاترین نشان علمی فرانسه، به مناسبت ارائه‌ی فرضیه بی‌نهایت بودن ذرات، نامزدی دکتر حسابی به عنوان مرد سال از سوی مؤسسه‌ی زیست نگاری بین‌المللی (آمریکا).

پروفسور محمود حسابی در ۱۲ شهریور سال ۱۳۷۱ هنگام معالجه‌ی بیماری قلب در بیمارستان دانشگاه ژنو بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۰ -۸۸ /۳)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۷، ص ۱۵ -۴)، مولفین کتب چاپی (۲۴ -۲۳ /۶)، میراث ماندگار (۳ و ۹۸ -۸۳ /۴).

حسن زاده آملی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنـده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسـطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشـته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضـر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحـوم آیه‌الله حـاج میرزا ابـوالحسن شـعرانی تقریـظ مفصـلی برای شـرح ایشـان مرقوم که در اول جلـد ۱۵ شـرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:

(ثم ان حضـره الفاضـل الاـدیب العالـم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشـیخ المؤتمن الشـیخ حسن الاـملی ضاعف‌الله قـدره و اجزل اجر له تصـدی لشـرح باقی کتاب نهـج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانی

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانی و اخلاقی

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه

الهی نامه متن الهی نامه

انسان در عرف عرفان

کلمه علیا در توقیفت اسماء

اصول و امّهات حکمی و عرفانی

تصحیح رساله مکاتبات

تصحیح و تعلیق تمهید القواعد

تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری

تصحیح و تحشیه رساله تحفهٔ الملوک فی السیر و السلوک

مفاتیح المخازن

شرح فصوص الحکم

مشکاهٔ القدس علی مصباح الأنس

شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ

نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور

باب رحمت

نامه ها برنامه ها

قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند

آثار فلسفی و منطقی

اتحاد عاقل به معقول

نصوص الحکم بر فصوص الحکم

رساله جعل

صد کلمه

تصحیح اسفار اربعه

تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء

رساله ای در تضاد

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله ای در حرکت جوهری

ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم

رساله نفس الأمر

نهج الولایه

درر القلائد علی غررِ الفَرائد

النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی

مفاتیح الَاسرار لسلّاک الأسفار

سرح العیون فی شرح العیون

گشتی در حرکت

الحجج البالغهٔ علی تجرد النفس الناطقهٔ

گنجینه گوهر روان

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله مُثُل

تصحیح و تعلیق شرح اشارات

ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات

تصحیح و تعلیق شفا

ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرّأیَین

رساله اعتقادات

الأصول الحکمیّهٔ

رساله رؤیا

من کیستم

رسالهٔ فی التضاد

دروس معرفت نفس

نثر الدراری علی نظم اللئالی

آثار فقهی

رساله ای در مسائل متفرقه فقهی

تعلیقات علی العروهٔ الوثقی فی الفقه

وجیزه ای در مناسک حج

آثار تفسیری

تصحیح خلاصهٔ المنهج

انسان و قرآن

آثار کلامی

خیر الأثر در رد جبر و قدر

تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار

لیلهٔالقدر و فاطمه علیها السلام

رسالهٔ فی الإمامهٔ

رساله ای در کسب کلامی

فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب

رسالهٔ حول الرؤیا

آثار روایی

تصحیح نهج البلاغه

تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّهٔ)

تکملهٔ منهاج البراعهٔ

مصادر و مأاخذ نهج البلاغه

انسان کامل از دیدگاه نهج البیلاغه

شرح چهل حديث در معرفت نفس

رساله اى در اربعين

آثار رياضى و هيوى

دروس معرفهٔ الوقت و القبلهٔ

رساله كلّ فى فلك يسبحون

رساله اى در تناهى ابعاد

تصحيح كتاب الإستيعاب فى صنعهٔ الأصطرلاب للبيرونى

تعيين سمت قبله مدينه

الصحيفهٔ العسجديّهٔ فى آلاتٍ رصديّهٔ

الكوكب الدرّى فى مطلع التّاريخ الهجرى

رساله سى فصل

تعليق تحفهٔ الأجِلَّهٔ فى معرفهٔ القبلهٔ

رساله قطب نما و قبله نما

تعليقه بر رساله مولا مظفر

رساله ميل كلّى

رساله ظِلّ

رساله تكسير دايره

تصحيح كتاب المناظر فى كيفيّهٔ الابصار

رساله اى در اختلاف منظر و انكسار نور

رسالهٔ فى تعيين البُعد بين المركزين و الأوج

رسالهٔ فى الصّبح و الشّفق

رساله اى پيرامون فنون رياضى

رساله اى در مطالب رياضى

دروس هيأت و ديگر رشته هاى رياضى

تصحيح و تعليق شرح جغمينى

تصحيح و تعليق تحرير اصول اقليدس

تصحيح و تعليق اُكَرِ مانالاؤس

تصحيح و تعليق تحرير اُكَرِ ثاوذوسيوس

شرح زيج بهادرى

تصحيح و تعليق شرح بيرجندى بر زيج الغ بيك

تصحيح و تعليق شرح بيرجندى بربيست باب

تصحيح و تعليق تحرير مجسطى

استخراج جداول تقويم

تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون

دروس معرفت اوفاق

شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی

تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه

تصحیح و اعراب اصول کافی

دیوان اشعار

قصیده یَنبوع الحیاهٔ

مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین

تعلیقه بر باب توحید حدیقهٔ الحقیقهٔ

تصحیح گلستان سعدی

تعلیقه بر قسمت معانی مطوّل

امثال طبری

آثار متفرقه

تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن

هزار و یک نکته

هزار و یک کلمه

مجموعه مقالات

ده رساله فارسی

کشیکل

مصاحبات مناجات علامه حسن زاده

- الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟

- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر

- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد

- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده

- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم

- الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد

- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو

- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار

- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی

- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است

- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟

- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!

– الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
– الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!
– الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاك است، آن نبات هم پاك و میوه‌اش شیرین خواهد بود ;و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندك و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را دریاب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است ;و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش ;» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسن زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله حسن زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۴ قدم به حوزه علمیه قم گذاشتم. دروس حوزه از ادبیات، معانی بیان، منطق، کلام، فلسفه، اصول، فقه و عرفان را گذراندم. سالیانی هم در درس خارج شرکت کردم. از سال ۶۳ پا به عرصه ادبیات و هنر گذاشتم. در این زمینه درس های ادبیات معاصر، آیین نگارش و ویرایش، ادبیات دراماتیک، داستان نویسی، نمایش نامه نویسی، فیلمبرداری، فیلنامه نویسی، نقد و تحلیل فیلم، کارگردانی سینما، طراحی و نقاشی، عکاسی و ادبیات کودکان و نوجوانان را گذراندم. اکنون به عنوان مدیر مسئول و سردبیر سلام بچه ها و پوپک و سردبیر سنجاقك و حدیث زندگی ، فعالیت می کنم.

حسن لغذه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعلی حسن بن عبداللّه، معروف به لغذه (به ضم اول و سکون ثانی و فتح ثالث) یا لذکه، از ائمّه نحو و ادب و لغت، و هم طبقه با ابوحنیفه دینوری، و شاگرد زجّاج (متوفّی ۳۱۰) بوده، و با او در علم مخالفت داشته، در [اواخر عمر خود را] عراق از حیث علم و ادب بی نظیر بوده است.

کتب زیر از اوست:

۱- التسمیهٔ ۲- خلق الانسان ۳- خلق الفرس ۴- دیوان اشعار ۵- الرّد علی ابن قتیبهٔ فی غریب الحدیث ۶- الصفات ۷- مختصر النحو ۸- النوادر ۹- نقض علل النحو ۱۰- الهشاشهٔ و البشاشه؛ و غیره.

سال وفاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسنی برقعی، عماد الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عماد الدین حسنی برقعی (مبرقعی) ، به سال ۱۳۰۰ در مشهد چشم به جهان گشود. عماد دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود. عماد تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد.گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی دان خود شعر می گذاشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نسبت عماد الدین حسنی برقعی به موسی مبرقع پسر امام محمد تقی (ع) ملقب به جواد می رسد. عماد الدین از طرف پدر و مادر هر دو سید است. پدرش سید محمد تقی معین دفتر از صاحب منصبان آستان قدس رضوی و مادرش بی بی

حرمت از خانواده ای صاحب ذوق و اهل ادب بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عماد الدین حسنی برقعی دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود.

فعالیتهای ضمن تحصیل : عماد الدین حسنی برقعی از ابتدای نوجوانی سعی داشته است هر چه بتواند هنر بیشتری در خود خلق کند.

استادان و مربیان : عماد الدین حسنی برقعی بر اثر تشویق پدر توانست یکی از شعرای معروف و شوریده حال خطه خراسان شود.

همسر و فرزندان : عماد الدین حسنی برقعی یک بار ازدواج نمود ولی همسرش هشت ماه پس از ازدواج فوت کرد و شاعر دیگر همسری اختیار نکرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عماد الدین حسنی برقعی تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد. گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی دان خود شعر می گذاشت.

آرا و گرایشهای خاص : دکتر غلامحسین یوسفی درباره شعر عماد الدین حسنی برقعی و سبک او چنین اظهار نظر می کند: « عماد که به شعر ایرج و ساده گوئی و صداقت وی علاقه و توجهی بارز نشان می دهد خود نیز در شعر زبانی روان ، گویا ، گیرا ، زنده ، و پر احساس بکار می برد ؛ که در عین حال فصحیح و شیواست. » مهدی اخوان ثالث نیز دربارهٔ شعر عماد چنین می گوید: « سخن عماد چنانکه دیوانش گواهی می دهد ، اغلب فصیح و بلیغ و بلند است. اما اگر گواهی ترک اولی و فتوری در کلامش دیده شود ، بیشتر از آن جهت است که: او بعد از سرودن و فرود آمدن از حال سرایش و تغنی در موالید طبع خود کمتر تجدید نظر و آرایش یا به قول خودش (رتوش) روا می دارد... و اما نظیر این فتور گاهگاه و اندک در سخن همه کس حتی بزرگانی چون فدروسی و سعدی و حافظ نیز هست. کدام ژرف بین بی غرضی است که منکر این امر باشد؟ اگر اصالت و قدمت نسخه را یکسو نهیم ، بسیاری موارد هست که حتی در دیوان حافظ ، تصرف مردم بعضی شعرها را را حال خوشتر داده... این امر طبیعی است که چشمه ها و جویبار ها نیز جوشش و زلال آبشان همیشه به یک حال نیست... از این رو من معتقدم که این فراز و فرودها در شعر شاعران اصیل امری طبیعی است و کمتر جای چند و چون دارد ، زیرا حال آدمی هم همیشه به یک منوال نیست.» ---

آثار :

۱ ورقی چند از دیوان عماد

ویژگی اثر : مهدی اخوان ثالث در مقدمه این کتاب شرح حال و زندگی نسبتا کاملی از عماد را تحریر نموده و منتشر گردیده که بارها تجدید چاپ شده است. ---

منابع :

۱از بهار تا شهریار ، تالیف حسنعلی محمدی ، ج ۲ ، تهران ، انتشارات ارغنون ، ص ۵۱۸

حسنی گلستانه، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به محمود. وی از سادات حسنی اصفهان بود که به گلستانه مشهورند. مولف کتابی است به نام: «انیس الوحده و جلیس الخلوه»، در اخلاق، در این کتاب سودمند برخی از اشعار فارسی و تازی خود را آورده است و پیداست که در شاعری توانا بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۷)، الذریعه (۲۶۹/۲)، کشف الظنون (۱۹۹).

حسیبی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۵.

درگذشت: آبان ۱۳۶۹، تهران.

کاظم حسیبی پس از تحصیلات متوسطه، مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران را برای ادامه‌ی تحصیل برگزید و در سال ۱۳۰۷ جزو محصلین اعزامی به فرانسه رفت. رشته‌های مهندسی راه‌آهن و ذوب آهن و مس را گذرانید و چون به ایران آمد در دانشگاه جنگ و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. چندی هم در اداره‌ی معاون و بنگاه آبیاری و بانک صنعتی کار می‌کرد. در دوره‌ی هفدهم از تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در تمام دوران فعالیت‌های سیاسی دکتر محمد مصدق از او پیروی می‌کرد. او از اعضای فعال حزب ایران بود و در ملی شدن صنعت نفت فعالیت داشت. چند خطابه و رساله هم در همین موضوع از او چاپ شده است. رساله‌ای هم درباره‌ی خط و رسم‌الخط به چاپ رسانید و در آن از تغییر خط طرفداری کرد. رساله‌ی مذکور چگونه خط را باید اصلاح کرد نام دارد (آذر ۱۳۴۵).

فرزند حاج محمدعلی تاجر چای، در ۱۲۸۵ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه‌ی کمالیه و تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون به پایان رسانید و در ۱۳۰۴ ش به اخذ دیپلم با احراز رتبه اولی نائل آمد. آنگاه وارد مدرسه‌ی عالی حقوق گردید و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را پایان بخشید و در آن مدرسه هم شاگرد اول شد.

کاظم حسیبی در ۱۳۰۷ ش در مسابقه اعزام محصل به اروپا شرکت کرد و نفر اول شد و به فرانسه اعزام گردید و پس از طی دو سال دوره‌ی عمومی وارد دانشکده‌ی پلی‌تکنیک پاریس شد و دوره‌ی مذکور را به پایان رسانید و بعد، دو سال هم دوره‌ی مدرسه‌ی معدن را گذرانید و در ۱۳۱۸ به ایران بازگشت و در اداره کل معادن وزارت پیشه و هنر استخدام گردید و در همان سال به خدمت نظام وظیفه رفت (یادنامه‌ی صفحه‌ی ۱۱۴). چندی هم در بنگاه آبیاری و بانک صنعتی و معدنی ایران اشتغال داشت.

مهندس حسیبی در ۱۳۲۰ وارد دانشگاه تهران شد و با سمت دانشیار در دانشکده فنی مشغول تدریس گردید و بعد به مقام استادی رسید و علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، در دانشگاه جنگ هم تدریس می‌نمود.

مهندس کاظم حسیبی پس از شهریور ۱۳۲۰ کانون مهندسین ایران را با همکاران دیگر مهندس خود تشکیل داد و بدین ترتیب وارد مسائل سیاسی شد. اعضاء کانون مهندسین بعداً حزب ایران را تشکیل دادند. در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورای ملی که لایحه دولت در مورد نفت به مجلس داده شد، حسیبی بیلان کامل ۴۵ ساله شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را تهیه کرد که توسط

حسین مکی در چند جلسه مجلس ایراد گردید و در نتیجه‌ی این نطق طولانی، عمر مجلس پانزدهم پایان پذیرفت و لایحه‌ی دولت به تصویب نرسید.

پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، مهندس حسیبی چندی معاون و قائم‌مقام وزارت دارائی بود. در سفر نخست‌وزیر به شورای امنیت و دیوان دادگستری لایحه، مهندس حسیبی جزو هیئت بود و در تمام مدت زمامداری مصدق، وی مشاور امور نفتی نخست‌وزیر بود. در دوره‌ی هفدهم مجلس، حسیبی از تهران به وکالت مجلس انتخاب شد و غیر از عضویت کمیسیون نفت از طرف مجلس شورای ملی عضویت خلع‌ید را عهده‌دار گردید.

در کلیه مذاکراتی که بین دکتر مصدق و هیئت‌های مختلف پیرامون نفت انجام می‌گرفت، حسیبی دخالت کامل داشت و نظریه‌ی نهائی تصمیم‌گیری از طرف او صادر می‌شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مهندس حسیبی تحت تعقیب قرار گرفت. مدتی به حالت اختفاء در تهران بسر برد و سرانجام در قم دستگیر و به زندان انتقال یافت. قریب یک ماه در زندان بسر برد تا آزاد شد. پس از آزادی از زندان به کاری دعوت نشد حتی تدریس او را در دانشگاه لغو کردند. وفات وی در ۱۳۶۹ در تهران پس از یک بیماری ممتد اتفاق افتاد. دوستان و یاران وی پس از مرگش یادنامه‌ای برای او انتشار دادند که مبین مقام علمی و انسانی و مذهبی او بود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

حسین آبادی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ محمّد جواد از علمای اعلام، و فقهای اسلام، و از شاگردان شیخ محمّد حسن صاحب جواهر، و مجاز از ایشان بوده، تاریخ اجازه: ۱۲۶۵، و مجاز از شیخ مرتضی انصاری می‌باشد.

وی را تألیفات چندی است که از آن جمله است:

۱- بحر البکاء، فارسی ۲- بساتین الریاحین، در اصول فقه ۳- ترجمه ی رساله ی نجاة العباد ۴- ترتیب و تلخیص خلاصه (الاقوال) علاّمه حلّی که به طبع رسیده است. ۵- الرسالهٔ الاحمدیّهٔ، به نام فرزندش آقا شیخ احمد صاحب عنوان ۶- الریاحین، در فقه استدلالی ۷- سراج الوهّاج، در شرح نتایج الاصول تألیف سید ابراهیم قزوینی ۸- کنوز اللئالی، در اصول فقه ۹- النتایج، در اصول فقه [تقریرات سید ابراهیم قزوینی].

در ذی قعده سال ۱۳۱۲ وفات یافته، و در تکیه ی آقا حسین خوانساری، در قبری که حاج شیخ محمد باقراصفهانی جهت خود تهیّه نموده بود مدفون گردید (قبر در زیر دیوار مابین تکیه آقا حسین و مادر شاهزاده در سردابه واقع است).

مشارالیه مدّت چهارده سال در طهران ساکن بوده، و در مسجد سراج الملک امامت و تدریس می‌نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی اشکوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شب ۱۳ ربیع‌الاول سال ۱۳۵۰ ق در نجف اشرف متولد شده.

مرحوم پدرش حاج سید علی اشکوری از شاگردان آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ شعبان گیلانی بود و مقداری از تقریرات اصولی و فقهی آقا ضیاء را نوشته است.

جدش سید حسن بن سیدعلی بن سید معصوم حسینی اشکوری از یکی از محال گیلان به نحف اشرف هجرت نموده و از شاگردان آیت‌الله آخوند خراسانی بود و حدود سال ۱۳۶۷ در نجف بدرود حیات گفت.

نزد اساتید برجسته‌ی نجف تحصیلات مقدمات و سطوح را به پایان رساند و در خصوص علوم ادبی عرب تخصص پیدا نموده و کوشش زیادی کرده است.

در سن هیجده سالگی ترک تحصیل نموده از نجف به بغداد رفتند و چهارسال به کسب اشتغال داشته و وضع مادی و کسبشان بسیار خوب بود، اما چون در خود قدرت انجام کارهای علمی می‌دیدند خود لازم دانستند که در این راه بذل مساعی کنند لذا به نجف بازگشته و به ادامه‌ی تحصیل پرداختند.

در نجف اشرف از سال ۱۳۷۸ ق به کار نویسندگی و تحقیق و تصحیح کتابهای علمی عربی پرداخته و در راه احیاء و زنده نمودن کتب قدما تا توانستند جدیت کرده و در ظرف چند سال پاره‌ای از کتابهای مهم را تحقیق و چاپ نمودند.

در اثر پیش‌آمدهائی ناگزیر به سال ۱۳۹۱ ه به قم هجرت نموده و مشغول به تالیف و تحقیق شده‌اند.

بیشتر اوقاتشان صرف می‌شود در تالیف کتاب «مولفات الامامیه العربیه» که بیش از صد جلد می‌باشد، و کتاب «الاسماء و مصادر» که بیش از پنجاه جلد می‌باشد و «فهرست کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی» که حدود بیست جلد می‌باشد.

سید احمد حسینی اشکوری فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج سید علی فرزند سید حسن اشکوری در شب سیزدهم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در آنجا نشو و نما یافته و علوم اولیه و اولیات علوم دینیه را نزد افاضل علماء و مدرسین نجف خوانده و دروس عالیه را نیز به سبک سنتی معموله در نجف اشرف در خدمت جماعتی از بزرگان آن سامان به اتمام رسانده. و اکثر از درسهای خصوصی استفاده کرده و پس از فراغت از آن در سال ۱۳۸۰ ق به تألیف و به تحقیق پرداخته و شوق مفرطی به مطالعه و تحقیق آثار بزرگان داشته و موفق به مطالعه و بررسی صدها کتاب نویسندگان و مولفین شده و مسافرتها به داخل و خارج کشور برای مطالعه و دیدن کتب مطبوعه و غیره نموده است.

در اواخر ۱۳۹۱ قمری منتقل به ایران و در قم رحل اقامت افکنده و به تألیف و تحقیق و مباحثات پرداخته و از بسیاری از شهرها و استانها دیدن نموده و درباره کتب مخطوطه کاوش و تفحص به عمل آورده و از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی دیدن کرده و بر بسیاری از مصادر صالحه و کتب مخطوطه قدیمه که از مواریث اسلامی بوده راه یافته و استفاده نموده و دهها کتاب که از دانشمندان قدیم بوده به تحقیق ایشان به عراق و ایران و بیروت به طبع رسیده است.

و از کارها و تاسیسات ایشانست (مجمع الذخائر الاسلامیه) در قم و از تألیفات به چاپ رسسیده معظم له کتب زیر است:

۱- الامام الحکیم در سال ۱۳۸۵ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۲- الامام الثائر در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۳- الامام الشاهرودی در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۴- فهرست مخطوطات رشتی که به کتابخانه آیت‌اللّه الحکیم اهداء شده.

۵- فهرست مخطوطات خزینه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در سال ۱۳۹۱ ق به طبع رسیده.

۶- زندگانی شریف مرتضی در سال ۱۳۸۵ ق به طبع رسیده.

۷- دلیل المخطوطات که جزء اول آن در سال ۱۳۹۷ در قم به طبع رسیده.

۸- التعریف بالتراث مقالاتی که در مجله هادی چاپ شده.

۹- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه گلپایگانی که جزء اول آن در سال ۱۳۵۷ به طبع رسیده است.

۱۰- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی (ره) که تاکنون بیست جلد آن به طبع رسیده است.

۱۱- تراجم الرجال در قم چاپ شده.

۱۲- اجازات الحدیث علامه مجلسی در سال ۱۴۱۰ ق در قم چاپ شده.

۱۳- تلامذه شاگردان مجلسی در قم چاپ شده.

از کتابهائی که به عربی ترجمه نموده‌اند

۱- القرآن فی الاسلام در سال ۱۳۹۳ ق در بیروت چاپ شده.

۲- رابطه العالم الاسلامی.

و از تألیفات چاپ نشده ایشان کتب زیر است:

۱- مهذب الذریعه الی تصانیف الشیعه.

۲- المفصل فی تراجم الاعلام.

۳- حدیث جوله.

۴- نهج‌البلاغه فی الشعر العربی.

۵- معجم الاعلام الامامیه.

۶- مولفات الزیدیه.

۷- قضیه حیاتی.

۸- من کل لون (از هر رنگی).

۹- فهرست مخطوطات کتابخانه حکیم در نجف.

۱۰- التراث العربی در کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی.

۱۱- اجازات الحدیث.

۱۲- معجم المولفات القرانیه.

۱۳- احسن المواثر فی اعلام القرن الخامس العشر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، غیاث‌الدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(یا محمد) بن علی امیران حسینی، از فضلای قرن نهم هجری است. در بدخشان ساکن بوده، و در سال ۸۷۹ کتاب معروف خود را به نام «دانشنامه‌ی جهان» در حکمت طبیعی در ضمن ده فصل، و خاتمه در تشریح، به نام سلطان محمودبن ابوسعید بهادرخان بن میران شاه بن امیر تیمور گورکانی تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌محمد صادق، خطیب ادیب، و عالم جلیل، مؤلف کتاب «مشرق التوحید» در اصول دین به فارسی، که آن را به اسم فتح علی شاه قاجار در سال ۱۲۵۰ تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی اصفهانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد اسماعیل حسینی بیرجندی، عالم زاهد، مؤلف رساله در صبح و شفق، و متوفی به سال ۱۳۰۵.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی حایری، عزالدین حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۱۷ ق)، عالم امایم، ادیب و شاعر. اصل وی از خراسان بوده است. با شیخ ابراهیم کفعمی معاصر بود و به گفته‌ی علامه مجلسی بر کفعمی سمت استادی داشت و با وی مراسلات نظمی و نثری داشت. کفعمی در حاشیه‌ی «مصباح الائمه» خویش او را به عزالاسلام و المسلمین ابوالفضائل می‌ستاید. از آثار وی: «تحفه الابرار فی مناقب الائمه الاطهار (ع)»، مشتمل بر احادیثی از شصت کتاب ارزشمند عامه؛ «حاشیه‌ی عمدۀالطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ اشعاری در منقبت اهل‌بیت (ع) و رثاء امام حسین (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۳ -۱۷۱ /۶)، بحارالانوار (۱۸/۱)، الذریعه (۱۵۰/۶، ۴۰۶ -۴۰۵ /۳)، ریاض العلماء (۱۷۶ -۱۷۵ /۲)، ریحانه (۱۳۱/۴)، لغت نامه (ذیل/ حسین).

حسینی فسائی، کمال‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال‌الدین حسینی فسائی از دانشمندان و شعراء قرن دوازدهم هجریست. وی از افضال شاگردان آخوند فدشکوئی محمد مسیح بن اسماعیل و متخلص به (معنی) بوده.

دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنها (۱) حاشیه بر معالم الاصول (۲) کتاب شواهد که شرح مطول است (۳) رساله‌ای در حل شبهات کاتبی قزوینی.

از شاگردان وی مرحوم شیخ محمدعلی حزین صاحب تذکره و دیوان حزین می‌باشد، در تذکره‌اش می‌نویسد: راقم کتاب مغنی اللبیب را با تفسیر صغیر عروۀالاسلام شیخ ابوعلی طبرسی علیه‌الرحمه و بعض مقاصد دیگر را در حضور باهرالنورش قرائت و استفاده نمودم.

وی در سال ۱۱۳۴ ق در هنگام محاصره اصفهان از طرف افغانیان زندگی را بدرود گفت و به سرای جاوید شتافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حسینی قمی، شرف‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۹۰ -۹۱۳ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. معروف به میر منشی قمی. وی پدر قاضی احمد و در آغاز منشی سام میرزا در هرات بود. بعدها در مشهد وزیر سلطان ابراهیم میرزا شد و نسبت ابراهیم یافت و بعد از آن به تبریز رفت. سرانجام در آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم درگذشت و همان جا دفن شد. استاد وی در خط ثلث مولانا حیدر قمی و در صرف و نحو صدقی استرآبادی بود و هیات و ریاضی را نزد غیاث‌الدین منصور دشتکی آموخت. حسینی در شعر و انشاء نیز مرتبه‌ای والا داشت. مولانا عبدی جنابدی در تاریخ فوت او گفته:

چو تاریخ جستم ز پیر خود

بگفتا: «بهشت برین جای او».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۲ -۱۲۸۱ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۷۸ -۱۶۷۷ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۲۴ -۷۲۳ /۲)، گلستان هنر (پنجاه و شش- پنجاه و هفت).

حسینی کازرونی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیداحمدحسینی کازرونی در سال ۱۳۲۰در بوشهر بدنیا آمد. وی با احراز رتبه اول درمقاطع تحصیلی متوسطه با دریافت دیپلم وارد دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز گردید. دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در شهر تهران ادامه داد. او به تدریس در مدارس، دانشگاه های آزاداسلامی و دولتی با سمت هیئت علمی و استادیاری ادامه فعالیت دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : سید جواد حسینی کازرونی پدر سید احمد است که به حرفه بازرگانی اشتغال داشته و از انساب حاج سیدمحمدرضا کازرونی از بازرگانان و واقفان بنام واز مساعدین معروف نهضت جنوب بوده است. سکینه کنگانی نام مادر سید احمدبود که ایشان خانه دار بوده اند.

خاطرات کودکی : سیداحمد حسینی کازرونی جوانی زیرك و بلند پرواز بود و پویا و پرتحرك.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید احمد حسینی کازرونی دارای خانواده ای آرام و روابطشان بسیار حسنه بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دبستانی: از مهر ماه ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ دوره شش ساله دبستان تحصیلات دبیرستانی: مهرماه ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ دوره شش ساله دبیرستانی (دیپلم ادبی) تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی: مهرماه ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ دوره سه ساله در رشته ادبیات فارسی تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی ارشد: مهرماه ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ دوره دو ساله در رشته ادبیات فارسی تحصیلات در مقطع دکتری: مهرماه ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ دوره سه ساله در رشته زبان وادبیات فارسی

خاطرات و وقایع تحصیل : سید احمد حسینی کازرونی از دوران تحصیل خود اینطور بیان میکند: نفراول دیپلم ادبی در سال ۱۳۳۹ در استان بوشهر و ورود بدون کنکور درمقطع لیسانس در دانشگاه شیراز و دریافت پاداش ماهانه و معافیت از سربازی و استخدام در وزارت آموزش و پرورش مهرماه ۱۳۴۲ . نفر اول دوره های کارشناسی ارشد و دکتری ونخستین فارغ التحصیل رشته زبان وادبیات فارسی- واحد علوم تحقیقات عالی تهران - دردانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۰ش بوده ام و در رشته خود نخستین استادیاری هستم که در طول ۱۱سال از استادیاری به درجه استادی ۱۳۷۴-۱۳۷۳ رسیده ام.

فعالیتهای ضمن تحصیل : از دیگر فعالیتهای سید احمد حسینی کازرونی در امور مقاله نویسی وچاپ در نشریات، شرکت در همایش ها و کنگره های تحقیقاتی و تدریس و طرحهای پژوهشی، مطالعه، ورزش ، شرکت در مراسم مذهبی می باشد.

استادان و مربیان : دکتر جلیل تجلیل ، دکتراسماعیل حاکمی والا، دکتر عبدالله جاسبی، دکترموسوی بهبهانی. شادروانان: دکتر صورتگر،خلیل رجایی،دکترعلی اصغر حکمت، حسن سادات ناصری، دکترحسن مینوچهر، دکتر علی محمد مژده، دکتر حسین بحرالعلومی، دکترسیدضیاء الدین سجادی، دکترنورانی وصال، دکتر پوران شجیعی، دکتر مرتضوی، بلادی، مذنب، بازیار، ایرج کشمیری، ناصر کشمیری، اسلامی مذهب، محمد غدیری، فروتن، مهیمنیان ، رسول مجد، دکتر یدالله پیمانی، دکتر بیگلربیگی، بیضایی، دوانی، ضیا الدین بلادی .

هم دوره ای ها و همکاران : دکترسید عبدالصاحب امامی، دکتر علی شیخ الاسلامی، دکتر سیدجعفر حمیدی، دکتر محمد موذنی، دکتر علی محمد سجادی، دکتر احمد حاتمی، دکتر احمد ذاکری، دکتر اسماعیل آذر، دکتر حیدری.

همسر و فرزندان : سیداحمدحسینی کازرونی درسال ۱۳۴۴ با خانم صدیقه اله کازرونی از منسوبین خاندانش ازدواج کرد که از وی سه فرزند داشت بعد درسال ۱۳۶۵ با خانم نسرین مهرانی ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یك رفرزند میباشد اسم و مشخصات فرزندان وی به شرح زیر می باشد: بهناز حسینی کازرونی ، لیسانس شیمی، کارمند مهناز حسینی کازرونی ، دکترای دندان پزشکی، شهناز حسینی کازرونی ، کارشناس ارشد پرستاری، مقیم آمریکا سیدعلی حسینی کازرونی، دانشجوی مهندسی مکاترونیک دانشگاه صنعتی شریف بین المللی کیش

وقایع میانسالی : یکی از وقایع سید احمد حسینی کازرونی فوت همسر اولشان بود که درسال۱۳۶۳ به علت سرطان مغزی اتفاق افتاد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دبیر دبیرستان های بندر عباس(۴۴-۱۳۴۲) دبیر دبیرستانها و مدرس مراکز تربیت معلم و مدیر گروه ادبیات فارسی در استان بوشهر (۶۴- ۴۴) دبیر دبیرستان ها و مدرس مراکز تربیت معلم وکارشناس ومشاور معاون نیروی

انسانی وزارت آموزش و پرورش درتهران (۷۳-۶۴) مدرس وعضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول (به ترتیب تایید آبها در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲) موسس و مدیر گروه ادبیات فارسی در واحد بوشهر و استخدام رسمی تمام وقت(به ترتیب کارشناسی در ۱۳۷۳ و کارشناسی ارشد ۱۳۷۶ و دکتری زبان وادبیات فارسی ۱۳۷۸. موسس معاونت پژوهشی و معاون پژوهشی در واحد بوشهر ۸۱- ۷۵ رئیس شورای پژوهشی و رئیس انتشاراتوموسس کتابخانه جدید دانشگاه واحد وسرپرست آن تاسال ۱۳۸۱ عضو شورای پژوهشی واحد از سال ۸۱ عضو شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاداسلامی ۸۱- ۷۸ نماینده واحد در استانداری بوشهر درزمان معاونت پژوهشی ممیز علمی درمنطقه یک دو دوره ۸۳-۷۹ ممیز و داور علمی در منطقه ۶ خوزستان از ۱۳۸۴ نماینده واحد در سازمان مرکزی ازسال ۱۳۸۰

فعالیتهای آموزشی : ۱- شرکت فعال در سمینارها و همایش های معتبر استانی، منطقه ای، کشوری و بین المللی منعقده در کشور باارائه مقاله وسخنرانی های متعدد در مراکز دانشگاهی و سازمانی و درون مرزی و برون مرزی ۲- سخنرانی در صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران(بین المللی، کشوری، منطقه ای واستانی) و رادیو فرهنگ ۳- عضو شورای پژوهشی و انتشارات در واحد بوشهر از سال ۱۳۷۵ تا کنون ۴- مدیر و عضو هیات علمی در چندین همایش و سمینار در مناطق یک و شش دانشگاه آزاد اسلامی ۵- استاد راهنما، مشاور و داور بییش از سیصد عنوان پایان نامه در دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی ۶- عضو شورای پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر در زمان حال ۱۳۸۶ ۷- داور کشوری جهت تایید مقالات ادبی در کنگره ها و مجامع دانشگاهی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ۱- تاسیس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی درواحد دزفول (به ترتیب درسالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲) ۲- کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری همین رشته در واحد بوشهر به ترتیب در سالهای ۷۳- ۱۳۷۴ ۳- پست معاونت پژوهشی ، تجهیز کتاب خانه، آزمایشگاه ها ، انتشارات، لابراتور زبان انگلیسی به ترتیب در سالهای ۷۵-۱۳۷۷ ۴- همکاری در تاسیس چندین رشته دانشگاهی و جذب تعدادی اعضای هیات علمی ph.d در رشته های علوم انسانی و فنی و مهندسی در واحد بوشهر از سال ۱۳۷۲

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تحقیق، تدریس، نوشتن وپژوهش، تالیف کتاب، مقاله نویسی، معاشرت و در زمان مقتضی در سیر و سفر، انجام طرحهای پژوهشی و کارهای تحقیقاتی، مشاور ناشران در چاپ کتاب همکاری با دانشجویان در امر تحقیق و پژوهش.

شاگردان : دکتر عبدالرسول مهرسای (اورولوژیست _مقیم تهران)- دکتر باقر هوشنگی (پزشک متخصص_ مقیم تهران)- دکتر عبدالکریم مشایخی (دکتر در تاریخ، مدرس دانشگاه و رئیس ایران شناسی _ مقیم بوشهر) - دکتر مریم بختیار (دکتری در عرفان و استادیار واحد اهواز)- دکتر مالملی (دکتر در ادبیات فارسی و استادیار واحددانشگاه آزاد اسلامی اهواز)- دکتر شمس الحاجیه اردلانی (مدرس ادبیات فارسی واحد دانشگاه بوشهر) - مریم پرهیزگار دانشجوی دکتری ادبیات فارسی و عضو هیات علمی واحد بوشهر- محمد دادفر (نماینده پیشین بوشهر در مجلس شورای اسلامی) و صدها مدرس، دبیر، پزشک ، مهندس و سایر مصادر دیگر در مشاغل کشوری، سپاهی، لشکری و حرفه های آزاد

جوائز و نشانها : ۱- هیات علمی نمونه واحد درسالهای ۷۳-۸۰ منطقه یک سالهای ۷۸- ۸۰ و کشور ۱۳۸۰ دانشگاه آزاد اسلامی همچنین درسالهای پس از ۱۳۸۰ در واحد دزفول و بوشهر ۲- کسب عنوان مقاله نویس برتر در فراخوان « بهبود نظام بازنشستگی کشور»در چهارمین جشنواره شهید رجایی تهران در سال ۱۳۸۰ در سطح کشور ۳- کسب عنوان مقام اول در محور پژوهشی فرهنگی ادبی برتر در استان بوشهر تحت عنوان درون گرایی در شعر جنوب - استان بوشهر درسال ۱۳۷۹ ۴- کسب عنوان پیش کسوت نمونه سطح دستگاهی (وزارت آموزش و پرورش) در چهارمین جشنواره شهید رجایی ، تهران درسال ۱۳۸۰ در کشور ۵- عضو نمونه کشوری در بخش پژوهش ها و تحقیقات در سومین جشنواره شهید رجایی (شهریور ۱۳۷۹ تهران) ۶- پژوهشگر برتر

استان بوشهر درآذر ماه سال ۱۳۸۶ (پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۶) واحد دانشگاهی بوشهر ۷- مقاله نویس در چندین همایش منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی (از جمله واحدهای بوشهر، اهواز، بابل، سبزوار و ... در سال ۱۳۸۶) و کشور (در بخش پژوهش ویژه اساتید کشور در نخستین کنگره نهج البلاغه) و کنگره شناخت فرهنگ عمومی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ۸- احراز مقام سوم کشوری کتاب « پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیای تاریخ بیهقی» در سال ۱۳۸۰

چگونگی عرضه آثار : در عرصه مقالات علمی پژوهشی وتخصصی تا سال ۱۳۸۶ بیش از یکصد مقاله درفصل نامه ها، مجلات و نشریات معتبر دانشگاهی و وزارتی و سازمانی چاپ و منتشر گردیده است (تا کنون ۱۵ مقاله تخصصی در خصوص استان بوشهر در کتاب « بوشهر، شهر آفتاب و دریا» و ۴۶مقاله پژوهشی در کتاب « روزگاران ؟؟» چاپ و منتشر شده است. درعرصه کتاب بیش از ۳۳ کتاب در گروه ادبیات وعلوم انسانی (دانشگاهی و غیر دانشگاهی) توسط دانشگاه یا ناشران کشوری چاپ و منتشر شده است به سال ۱۳۸۶. ---

منابع :

۱تکمیل پرسشنامه تکمیلی توسط دکتر سید احمد کازرونی حسینی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی زمستان ۱۳۸۶

حسینی کربلایی اصفهانی، عبدالله بن یحیی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و ادیب و شاعر بوده، در ۱۱۲۶ وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک مسجد مصلی مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی مرعشی، محمد خلیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۰ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. محمد خلیل که به سلطان میرزا نیز مشهور بود، از طرف پدر مرعشی، و از طرف مادر صفوی است. جدش، سید محمد حسین، مدتی در مشهد سلطنت کرد و به شاه سلیمان ثانی معروف شد. میرزا محمد خلیل به عتبات رفت و بعد به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد. از آثار او: «مجمع التواریخ»؛ «حاشیه‌ی تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «من لا یحضره الفقیه»؛ و «شرح تذکره‌ی هیئت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۵/۲۰)، ریحانه (۲۹۲/۵)، مولفین کتب چاپی (۲۹ -۲۸ /۳).

حسینی منشی، سلیمان

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، ادیب. وی صاحب کتاب «شجره السینیه لثمره الیقینیه» در خواص حرف سین که به نام امیرعلیشیر نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۶۱).

حسینی نایینی اصفهانی، بهاءالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۳۳ -۱۰۸۰ ق)، متکلم، محدث، فقیه امامی و ادیب. در اصفهان ساکن بود و با فاضل هندی معاصر. او از شیخ حر عاملی اجازه روایت داشت. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «ارتشاف الشافی» و «صفوه الصافی من رغوه الشافی»، تلخیص «الشافی» علم الهدی؛ «اناره الطروس فی شرح عباره الدروس»؛ «تعلیقات اشباه و نظایر سیوطی»؛ «رساله فی صیغ العقود»؛ «تفریج القاصد لتوضیح المقاصد»؛ «تعلیقات شرح صحیفه‌ی سید علی خان»؛ «زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر»، نظیر «مقامات» حریری؛ شرح «بدایه الهدایه» شیخ حر عاملی؛ «شرح صمدیه‌ی شیخ بهایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۱۵/۱)، تذکره القبور (۴۷۷)، الذریعه (۱۹۴/۲۴، ۳۶۲/۱۳، ۶۱/۱۲، ۱۵۳/۴)، روضات الجنات (۱۱۶ -۱۱۵ /۷)، ریحانه (۳۹۰/۱)، فوائد الرضویه (۶۰۱)، معجم المولفین (۱۹۶/۱۱)، هدیه الاحباب (۱۰۹)، هدیه العارفین (۳۱۶/۲).

حسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم حسینی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

تولد: تهران/ دوشنبه هفتم خرداد ۱۳۴۱ هجری شمسی/ بیست و سوم ذی الحجه ۱۳۸۱هجری قمری بیست و هشتم می ۱۹۶۲میلادی.

آ غاز طلبگی: تهران/۱۳۵۹، ادامه در قم ۱۳۶۳. تحصیلات حوزوی: خارج فقه و اصول(یک دوره).استادان اصلی دروس حوزه:

پاکتچی، رضی شیرازی، محامی، راستی، طاهری خرم آبادی، احمدی یزدی، مؤمن، نوری همدانی، تبریزی، مددی، سبحانی . تحصیلات دانشگاهی: کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران(۱۳۶۷)و کارشناسی ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۷۱). سوابق علمی: ویرایش حدود ۵۰ کتاب، تألیف و ترجمه و تحقیق و فراهم سازی ۳۰ اثر در زمینه های حقوقی،ادبی، هنری، ادبیات کودکان، تربیت،حدیث، پیشینه شعر از سال ۱۳۵۸ و دارای اشعاری در مجموعه های مختلف و عرضه در ده ها کنگره کشوری، عرضه ده ها مقاله در نشریات گوناگون، نگارش صدها ساعت برنامه رادیویی و تلویزونی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷. سوابق عملی: مسؤولیت های فرهنگی در آموزش و پرورش، صدا و سیما، سپاه پاسداران، وزارت ارشاد، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و نشریات گوناگون از سال ۱۳۵۸ . اشتغال کنونی: عضو هیأت علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سر ویراستار دانشنامه فرهنگ فاطمی، مشاوره های فرهنگی، اشتغال به ترجمه دوره کامل الغدیر . سفرهای تبلیغی: پنج سال کار مستمر فرهنگی در کردستان، یک دوره عضویت در هیات علمی بعثه مقام معظم رهبری در حج . آشنایی به زبان های دیگر: عربی به طور کامل، انگلیسی در حد ترجمه.

حسینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سید حسن حسینی درسال ۱۳۳۵ه.ش در تهران دیده به جهان گشود. وی اصلا از اورازان است. و دارای مدرک کارشناسی تغذیه و دکترای ادبیات فارسی است. وی در ادبیات تطبیقی و مقایسه ای فارسی و عربی تحقیقات و تالیفاتی داده و خود نیز صاحب طبع شعر، نثر و دارای روحیه ای مذهبی و عرفانی است. گنجشک و جبرئیل از مجموعه های شعر او، نگاهی به خویش از مصاحبه های او با ادیبان معاصر عرب و «سپهری و سبک هندی » از تحقیقات تطبیقی اوست. وی فروردین ماه سال ۱۳۸۲ به طور ناگهانی و بر اثر ایست قلبی درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

گرایش : ادبیات مقایسه ای عربی و فارسی

والدین و انساب : پدر و اجداد سید حسن حسینی از قریه مشهور اورازان بوده اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید حسن حسینی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه خود تهران، در رشته تغذیه در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. اما پس از اخذ مدرک کارشناسی، به ادبیات فارسی روی آورد و تا حد اخذ مدرک دکتری دراین رشته ارتقا یافت. وی آثار تحقیقاتی درزمینه ادبیات تطبیقی و مقایسه ای به نگارش در آورده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : روزگار تحصیل سید حسن حسینی شاهد اواسط و آخرین سالهای نهضت محمد رضا شاه پهلوی و حوادث پیش از انقلاب اسلامی بود.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سید حسن حسینی در کنار تحصیل در رشته ادبیات فارسی، به مطالعه آثار مذهبی و انقلابی همچون آثار دکتر علی شریعتی وآیت الله مطهری و نیز شرکت در مبارزات سیاسی می پرداخت.

وقایع میانسالی : سید حسن حسینی پس از اخذمدرک کارشناسی در رشته تغذیه، به تحصیل در دوره های کارشناسی ارشد و

دکتری درشته ادبیات در دانشگاه تهران پرداخت. و پس از فراغب از تحصیل به تدریس و پژوهش پرداخت. و تا کنون به این امور اشتغال دارد.

زمان و علت فوت : سید حسن حسینی فردین ماه سال ۱۳۸۲ به طور ناگهانی و بر اثر ایست قلبی درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید حسن حسینی صرف نظر از اینکه به عنان یک محقق درزمینه ادبیات تطبیقی و مقایسه ای میان سبکهای گوناگون ادبیات معاصر و گذشته ایران است. درزمینه مقایسه ادبیات عربی با ادبیات فارسی و بررسی پیوندهای آن به ویژه در زمان معاصر به تحقیق می پردازد. از این گذشته به تدریس ادبیات فارسی و عربی در دانشگاه می پردازد.

فعالیتهای آموزشی : سید حسن حسینی به عنوان یک پژوهشگر ادبیات مقایسه ای و تطبیقی میان ادبیات فارسی و عربی مشهور است و ازاین رو، دروس مربوط به زبان عربی در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاهها تدریس می نماید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه آثار ادبیات معاصر فارسی و عربی و نیز سرودن شعر و نگارش نثرهای ادبی از امور مورد علاقه سید حسن حسینی می باشد. محتوای آثار وی بیشتر مذهبی و عرفان است.

آرا و گرایشهای خاص : حسن حسینی پس از آشنایی با اندیشه های دکتر علی شریعتی وآیت الله مطهری، بازتابی از اندیشه های این دو تن را در شعر و نثر خود یافت. به نظر وی این بازتاب در سراسر شعر معاصر متجلی بود. شعر معاصری که در پی این بود که به لحاظ زبان، ساختار و نگاه معاصر باشد. دکتر حسینی بیشتر در زمینه روابط ادبیات عربی با ادبیات فارسی آثاری از خود منتشر کرده است.

چگونگی عرضه آثار : سیدحسن حسینی که به مفهومی علمدار شعر ایدئولوژیک دهه شصت بود و به گفته برخی کارشناسان جریان نوینی را در شعر مذهبی معاصر رقم زد،بنا به وصیت او دکتر قیصر امین‌پور، آثار او را پس از مرگش منتشر خواهد کرد که تاکنون این مهم با انتشار دو مجموعه «در ملکوت سکوت» و «از شرابه‌های روسری مادرم» پیگیری شده است که اولی گزینه‌ای از شعرهای آزاد منتشر نشده و دومی مجموعه‌ای از شعرهای آزاد با تمرکز موضوعی بر «ستایش حضرت زهرا (س)» است.

آثار :

۱ از شرابه‌های روسری مادرم

ویژگی اثر : مجموعه‌ای از شعرهای آزاد با تمرکز موضوعی بر «ستایش حضرت زهرا (س)

۲ براده ها

ویژگی اثر : این کتاب مجموعه ای ست از نثرهای ادبی ، دکتر سید حسن حسینی که بیشتر حال و هوای مذهبی و انقلابی دارند.

۳ ترجمه و شرح فن الشعر

ویژگی اثر : فن الشعر اثری است از استاد احسان عباس ادیب معاصر عرب که درباره شیوه شعر سرایی و آرایه های ادبی است. این اثر توسط دکتر سید حسن حسینی به فارسی ترجمه و شرح داده شده است.

۴ حمام روح

ویژگی اثر : این اثر ترجمه و گزیده هایی است از آثار جبران خلیل جبران ادیب، فیلسوف و عارف بزرگ عرب در روزگار معاصر.

۵ در ملکوت سکوت

ویژگی اثر : مجموعه اشعار آزاد

۶ سپهری و سبک هندی

ویژگی اثر : این اثر درحیطه ادبیات مقایسه ای است که اشعار سهراب سپهری اشعار سهراب سپهری شاعر معاصر را با شاعران سبک

هندی که در دوره صفویه می سرودند، مقایسه نموده است.

۷ گنجشک و جبرییل

ویژگی اثر : مجموعه شعری است که از دکتر سید حسن حسینی که حال و هوای مذهبی و عارفانه دارد.

۸ نگاهی به خویش

ویژگی اثر : ترجمه مصاحبه های دکتر سید حسن حسینی با شعرا و ادیبان معاصر عرب در کتابی تحت عنوان نگاهی به خویش منتشر شده است. این اثر با همکاری شخصی به نام بیدج به انجام رسیده است.

۹ همصدا با حلق اسماعیل

ویژگی اثر : این کتاب مجموعه ای است از شعرهای دکتر سید حسن حسینی که در فضای انقلاب اسلامی و پیش از آن سروده شده است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

حسینی، صالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صالح حسینی در سال ۱۳۲۵ در سنقر کرمانشاه به دنیا آمد. وی در کودکی با قرآن و دیوان شاعرانی چون سعدی و حافظ آشنا شد. تحصیلات عالی را در دانشگاه شیراز در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دنبال کرد، و پس از آن به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن به تحصیل در زمینه ادبیات آمریکایی پرداخت. دکتر صالح حسینی به غیر از تدریس در دانشگاه شهید چمران اهواز ، آثار متعددی از مشاهیر ادبیات آمریکا از جمله ویلیام فاکنر و نور تروپ فرای را ترجمه کرده است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : مترجمیتحصیلات رسمی و حرفه ای : صالح حسینی تحصیلات مقدماتی در مکتب خانه آغاز کرد و پس از مدتی طلبگی و آشنایی به قرآن وحافظ و سعدی وارد مدارس جدید شد . پس از اتمام دوره های ابتدایی و دبیرستان در زادگاهش از سال ۵۲-۱۳۴۵ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی شیراز زبان و ادبیات انگلیسی را فرا گرفت .وی به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا به تحصیل ادبیات آمریکایی پرداخت (از سال ۵۸-۱۳۵۴)مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صالح حسینی در سال ۱۳۵۸ که از آمریکا به ایران بازگشت. به امر تدریس در دانشگاه سه سال تعطیلی دانشگاه ها ، که دو سال از آن را در مرکز نشر دانشگاهی فعالیت می کرد، سایر سالها ی عمر خودرا در در دانشگاه اهواز سپری نمود . دروس عمده ای که وی تدریس می کرده است ، عبارت است از: رمان، نقد، مکتبهای ادبی، شعر انگلیسی، بررسی ادبیات معاصر فارسی و ترجمه . آثار : آبشالوم، ابشالوم! ، تالیف بررسی تطبیقی خشم و هیاهو و شازده احتجاب ، تالیف خانه روشنان و گلشیری کاتب ، تالیف فرهنگ برابر های ادبی ، تالیف نظری به ترجمه ، تالیف نیلوفر خاموش ویژگی اثر : نظری به شعر سهراب سپهری۷ تالیف واژه نامه ادبی ، ترجمه آخرین وسوسه مسیح اثر نیکوس کازانتزاکیس ، ترجمه برادران کارازوف اثر داستایوسکی ، ترجمه برخیز ای موسی ، ترجمه به سوی نانوس رویایی ، ترجمه تحلیل نقد اثر نور ترواپ فرای ، ترجمه خشم و هیاهو ، ترجمه دل تاریکی ، ترجمه رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات اثر نور تروپ فرای ، ترجمه گزارش به خاک یونان . اثر نیکوس کازانتزاکیس ، ترجمه لرر جیم ، ترجمه مجموعه مقالاتی درباره دو بلینی ها

حکمت، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مورخ، شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۷۱(۱۳۱۰ ق.)، تهران.

درگذشت: ۳ شهریور ۱۳۵۹، تهران.

علی‌اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت‌الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوه‌ی حسن فسایی نویسنده‌ی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت.

علی‌اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ ۱۳۳۷ ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۶ ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال ۱۳۰۹ به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصل گردید و به تهران بازگشت.

مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، ۱۲۹۹؛ رییس اداره‌ی کل معارف، ۱۳۰۷؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، ۱۳۱۲ -۱۳۰۰ (بازگشت به تهران در شهریور ۱۳۱۲)؛ کفیل وزارت معارف، ۱۳۱۲؛ وزیر فرهنگ، ۱۳۱۷ -۱۳۱۳؛ رییس دانشگاه تهران، ۱۳۱۷ -۱۳۱۴؛ وزیر کشور ۱۳۱۸؛ وزیر بهداری، ۱۳۲۰؛ وزیر دادگستری، ۱۳۲۲؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال ۱۳۲۵؛ وزیر مشاور؛ ۱۳۲۶ و ۱۳۳۲ وزیر امور خارجه، ۱۳۲۸ - ۱۳۲۷؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (۱۹۵۰) و دهلی نو (۱۹۵۶)؛ سفیر کبیر ایران در هند ۱۳۳۶ -۱۳۳۲؛ وزیر مختار در تایلند، ۱۳۳۵؛ وزیر امور خارجه، ۱۳۳۸ -۱۳۳۷؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، ۱۳۳۳ -۱۳۲۴؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، ۱۲۴۴؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین ۱۳۰۴ منتشر شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد ۱۳۵۱ کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گابیگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.

از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، ۱۲۹۹؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، ۱۳۲۵؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، ۱۳۱۸؛ نشان درجه‌ی اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ ۱۳۲۸، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، ۱۳۲۹؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.

فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، ۱۳۳۳)، حروف مقطعه‌ی قرآنیه یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (۱۳۳۱، نشریه مجله «مهر»)؛ تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدهٔ الابرار خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد

براون، در منبع دیگر بـه ایـن صـورت از آن یـاد شـده اسـت: ترجمه‌ی جلـد سـوم تاریـخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمـده است: چهارمین جلـد از تاریخ ادبیات ایران، (۱۳۲۷)؛ شادباش نوروزی (مجموعه اشـعار، ۱۳۲۶)؛ پارسـی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، ۱۳۲۳)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شـکسپیر (دو جلد، لاهور، ۱۹۵۷ م.)؛ پنـج درام از شـکسپیر (دو جلـد، تهرن، ۱۳۳۳)؛ دوسـتداران وطن، تقویم معـارف از سـال ۱۳۰۵ تـا ۱۳۰۷ (تحصـحیح و تحشـیه)؛ جـام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسـی؛ رساله در باب علیشـیر نوایی (۱۳۲۶)؛ ایران در فرهنگ جهان (۱۳۲۶)؛ شـعر معاصـر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، ۱۳۳۹)؛ راه زنـدگی (اثر نیکلا حداد مصـری، ۱۳۴۶ ق.)؛ شرح حـال و منتخب جـامی (ظـاهرا همین کتاب با نام زنـدگی جامی شاعر ایرانی در سال ۱۳۲۰ هم به چـاپ رسـیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، ۱۲۲۰ -۱۳۱۹)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژوملیت با لیلی و مجنون نظـامی (۱۳۱۷)؛ مقدمه و تحشـیه و تصـحیح مجالس النفائس علیشـیر نوایی؛ رساله در احوال «اثر» پرشـکفتی شاعر معروف فارسـی؛ نقش فارسـی بر احجار هند (کلکته، ۱۹۵۷ م.، چـاپ دوم، تهران، ۱۳۳۸)؛ شـکونتلا یا انگشتر گمشـده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، ۱۳۳۶)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، ۱۳۴۱)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، ۱۳۴۱)؛ اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب (۱۳۴۰، چـاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (۱۳۱۶)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شـکسپیر، ۱۳۲۱)، الف لیله و لیله (مقـدمه کتـاب به قلم حکمت، ۱۳۱۵)؛ گلزار حکمـت جلـد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسـمی وزارت معـارف از سـال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵. سـخن حکمت شامل سه هزار و پانصـد بیت از اشـعار حکمت با مقدمه‌ی سـید حسن سادات ناصـری به خط نسـتعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (۱۳۳۷، نشریه‌ی ۵۱۵ دانشـگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی‌اصـغر حکمت روز دوشـنبه سوم شـهریور ۱۳۵۹ برابرچهـاردهم شوال ۱۴۰۰ ق. در تهران وفـات یـافت و در شـیراز در مقـبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی » به خاک سپرده شد.

فرزنـد احمدعلی خان حشـمت‌الممالک است که در ۱۲۷۲ در شـیراز تولد یافت. حشـمت‌الممالک از مسـتوفیان شیراز بود. حکمت تحصـیلات ابتـدائی و متوسطه را در شـیراز گذرانیـد و در رشـته‌های ادبیـات فارسـی و عربی مطالعـاتی نمـود و سـپس برای ادامه‌ی تحصـیل به تهران وارد شـد و ضـمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصـیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در ۱۲۹۷ وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسـی شد و با کمک عده‌ای از دوسـتان و همفکران خود، به زعامت علی‌اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردنـد. تا ۱۳۰۹ در وزارت معـارف خـدمت می‌نمود و مشـاغلیماننـد ریـاست کارگزینی، بازرسـی و اداره کل معارف را تصـدی می‌نمود. در این سال به تشـکیلات جدیـد داور در دادگستری وارد شـد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتی به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپـا وارد دانشـکده‌ی حقوق و ادبیـات گردیـد و درجه‌ی لیسـانس از هر دو رشـته گرفت. مـأموریت دیگر حکمت در اروپـا، مطـالعه در امر آموزش و پرورش دانشـگاه بود. وی در این مـدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال می‌داشت.

حکمت در شهریور ۱۳۱۲ به تهران احضار شـد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتـدا کفیل و بعـد وزیر معارف و رئیس دانشـگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه ۱۳۱۷ از خدمت معاف شد.

دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی‌اصـغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس

دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.

حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند ۱۳۱۷ در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۱۹ بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.

در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور ۱۳۲۰، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.

در ۱۳۲۲ در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۶ وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در ۱۳۲۷ وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در ۱۳۳۷ در کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید. علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیرکبیر بوده است.

حکمت در سال ۱۳۱۴ که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز ۱۷ دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید. اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.

حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.

او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.

دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی- پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتوح رازی و دیگری از خواجه عبداللّه انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکمت، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۶۶، تهران.

علیرضا حکمت از خاندان حکمت شیرازی، تحصیلات خود را در شیراز و تهران به پایان رسانید. در پی حوادث دوران پیشه‌وری به شوروی پناهنده شد. در آنجا در دانشگاه مسکو به تحصیل پرداخت و در رشته‌ی ادبیات به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد و رساله‌ی پایان‌نامه خود را درباره‌ی «شعر ابن یمین فریومدی» نوشت.

حدود سال ۱۳۵۰، بود که توانست از دولت ایران اجازه بازگشت بگیرد و چون به کشور آمد به خدمت در وزارت علوم و آموزش عالی پرداخت.

علیرضا حکمت پس از بازگشت کتابی درباره‌ی تاریخ آموزش و پرورش در ایران باستان نوشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکمت، میرزا باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۳ ش)، مدرس، مترجم و شاعر. در تبریز متولد شد. پس از فراگیری نحو و معانی و بیان و منطق، زبان فرانسه را در مدرسه‌ی کمال تبریز آموخت. پس از آن مدتی نیز نزد عبدالحسین فیلسوف و مویدالحکما کسب علم کرد. سپس به تهران آمد و با گذراندن امتحان ورودی وارد دارالفنون شد، اما به علت فوت پدر، تحصیل را رها کرد و به تبریز بازگشت و مدرسه‌ی حکمت را در تبریز دایر کرد. بعد از آن به تهران آمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد. وی در سرودن شعر توانا بود. از آثار او: «اخلاق حکمتی»؛ «اخلاق نوباوگان»؛ «تاریخ طبیعی، گیاهشناسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۳ -۱۱۲ /۳)، مولفین کتب چاپی (۶۳ -۶۲/۲).

حکیم الممالک، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۳ ق)، طبیب، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به حکیم الممالک. پدرش از پیشخدمتان فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه بود. پس از مرگ پدرش، شغل او به میرزا علینقی رسید و او با حفظ این سمت، پس از افتتاح مدرسه دارالفنون در آنجا علم طب را آموخت. در سال ۱۲۷۲ ق ضمن این که نایب دوم سفارت ایران در فرانسه بود، به تکمیل علم طب پرداخت. پس از مراجعت، از ندیمان و نزدیکان شاه شد و در سال ۱۲۸۴ ق به لقب حکیم الممالکی نایل گردید و همواره با شاه در سفر و حضر همراه بود. حکیم الممالک مدتی به حکومت بروجرد و بختیاری منصوب شد، در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگ، همراه وی بود و بعدها به

حکومت اراک و سپس به ریاست کل اداره‌ی معادن منصوب شد. وی شعر را نیکو می‌سرود و در سفر ناصرالدین‌شاه از تهران به خراسان، مسئول نوشتن سفرنامه‌ای شد که به «روزنامه‌ی حکیم الممالک» معروف شد. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی زبده الحکمه» دکتر پولاک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۲۹ -۳۲۷ /۲)، شرح حال رجال (۵۰۹ -۵۰۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶)، مولفین کتب چاپی (۶۰۳ -۶۰۲ /۴) المآثر و الآثار (۱۹۴).

حکیم الهی لواسانی، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ش)، ادیب و فاضل. در خانواده‌ای اهل علم و ادب در تهران متولد شد. پس از تحصیل در رشته‌ی فقه و اصول به شغل وکالت پرداخت. در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۷۹/۶).

حکیم الهی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۹۳ ق)، خطاط، مذهب، مترجم و شاعر، متخلص به حکمت. معروف به موتمن دیوان مشیر الکتاب. در تهران متولد شد. نزد پدر تحصیل علم کرد و نزد میرزا علی محمد صفا به فراگیری خط پرداخت. وی در تهران درگذشت و در صفاییه دفن شد. الهی، نسخ و ثلث را خوب می‌نوشت و در تذهیب و نقاشی و حجاری و نجاری نیز مهارت داشت. حکیم الهی در سالهای ۱۳۱۵ - ۱۳۱۴ ق بنا به دستور وزیر علوم، دو نسخه از ترجمه‌های کتب خارجی را برای کتابخانه‌ی سلطنتی نوشت. وی طبع شعر نیز داشت و بیشتر اشعارش به صورت قصیده و اغلب در مدح ائمه (ع) بود. اثر به جای مانده از وی: «لطیفه العرفان، الهی نامه»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۲/۳)، مولفین کتب چاپی (۶۰۹ -۶۰۸ /۴).

حکیمی – محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد حکیمی در چهاردهم فروردین ۱۳۵۴ (۱۳۱۴ ق) (استاد، تاریخ درگذشت خویش را به اصحاب سرش گفته است (و «سر اهل

السر مما لا یباح»)؛ اما امید است که با دعای همان اصحاب سر، آن تاریخ به تأخیر افتد و استاد دیرتر بزید. ان ذلک علی الله یسیر.)، در مشهد زاده شد. پدرش، حاج عبدالوهاب حکیمی (م ۱۳۶۹ ش)، که از یزد به آستان امام رضا –ع – پناه برده بود، از محترمین بازار مشهد و متشرع و اهل مراقبه بود و از شبهات می گریخت. حکیمی در سال ۱۳۲۰ به مکتب و سپس به مدرسه رفت. پس از فرا گرفتن قرآن و صد کلمه (از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی –ع– با ترجمه‌ی منظوم)، و نیز مقداری از دیوان حافظ، درسهای دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه فرا گرفت. درسال ۱۳۲۶ به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد وارد شد و بیست سال در آنجا به علم اندوزی و خود سازی پرداخت. هشت سال به درسهای مقدمات و سطح و دوازده سال به درس خارج اشتغال داشت و در جنب آن، پانزده سال به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت.

ادبیات عرب را نخست در نزد چند تن از طلاب فاضل، و بار دیگر در نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی (م ۱۳۵۵ ش)، فرا گرفت و تقریرات همه‌ی دروس او را نوشت. اصول فقه و فقه را در محضر آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی (م ۱۳۵۰ ش)، که خویشاوندش بود، و آیت الله علی نمازی شاهرودی (م ۱۳۶۴ ش)، و دیگر دروس سطح و مقداری از خارج را، از جمله خارج کفایه، در محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی (م ۱۳۳۹ ش)، آموخت. همچنین دوازده سال از افاضات آیت الله شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۴۶ ش)، بهره برد و جلدین کفایه و خارج فقه و نیز درس معارف اعتقادی و اجتهادی و فلسفه (شرح اشارات و اسفار) و نقد فلسفه را از محضر او فرا گرفت و ضمن تماشای رواق اشراق، همراه مشائیان تمشی کرد. ده سال نیز در درس خارج فقه واصول آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (م ۱۳۵۴ ش)، حاضر شد و تقریرات درس اصول وی را بتفصیل و تقریرات برخی از دروس فقه را باختصار نوشت.

شرح باب حادی عشر را از بعضی از فضلا، و شرح تجرید را در محضر شیخ عبدالنبی کجوری (م ۱۴۱۹ ق)، و شرح منظومه را از شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای (م ۱۳۳۳ ش)، آموخت، در پی آموختن علوم مرسوم حوزه، در سری هم در علوم دیگر کشید که مبادا چیزی را فروهشته باشد: نجوم و تقویم را در نزد حاج شیخ اسماعیل نجومیان (م ۱۳۵۶ ش)، و اوفاق و رمل را از محضر حاج سید ابوالحسن حافظیان (م ۱۳۶۰ ش)، و حاجی خان مخیری (م ح ۱۳۵۰ ش)، و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت.

گزافه نیست اگر بگویم از کوچکی آثار بزرگی در مشی حکیمی نمایان بود و: بالای سرش ز هوشمندی می‌تافت ستاره‌ی بلندی. شاهد اینکه در نوزده سالگی، هنگامی که درسهایش در نزد ادیب ثانی پایان یافته بود، قصیده‌ای به عربی، در بیش از چهل بیت، پاس مقام استاد را، سرود و در شب نوروز ۱۳۳۳، به وی پیشکش کرد. آنکه که آن ادیب اریب، آن قصیده‌ی عربی را، از آن طلبه‌ی نوجوان دید، انگشت تعجب به دهان گرفت و او را، علی رؤوس الاشهاد، برکشید و «متنبی جوان» خواند. (شرح این موضوع خواهد آمد.).

نیز گفتنی است که استاد حکیمی دو جلد کفایه را در طی یک سال تحصیلی در نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. شیخ استاد چندان از ذکاوت وسرعت انتقال وی شگفت زده شده بود که گفت: «تاکنون کسی با این استعداد ندیدم که جلدین کفایه را در یک سال بخواند». (معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۲.).

این را هم بگوییم چندی پس از آنکه حکیمی شرح منظومه را به صورت اجتهادی و انتقادی، در نزد محامی بادکوبه‌ای فرا گرفت، وی دیگر او را نه «حکیمی»، که «حکیم» می‌خواند و می‌گفت: «یا»ی نسبت را از نام حکیمی بردارید؛ او دیگر نه «حکیمی»، که «حکیم» است.

همچنین روزی آیت الله میلانی، در هنگام درس اصول، پس از اینکه بسمله گفت و خطبه خواند، چشم چرخاند و شاگرد جوانش را، که در گوشه‌ای نشسته بود و در دیدگاه استاد نبود، ندید. سکوت کرد و سکوت مجلس را فرا گرفت که مگر چه شده آقا درس را متوقف کرده است! آنگاه فرمود: آقای حکیمی نیستند. افلاطون تا ارسطو حاضر نمی‌شد درس را شروع نمی‌کرد؛ می گفت عقل

در مجلس درس حاضر نیست.

آری، آن «متنبی جوان»، در نزد ادیب ثانی، و آن «حکیم»، در نظر محامی بادکوبه‌ای، «ارسطوی دوم» و «عقل مجلس درس»، در نزد آیت الله میلانی بود. و دانستنی است که حکیمی جوانترین فرد در درس میلانی بود و همگان از او پیشینه‌ی علمی و حوزوی دیرینه‌تری داشتند. حتی در آن جمع، فاضلانی بودند که حکیمی برخی از متون مقدمات و سطح را نزد آنان خوانده بود.

این را نیز بگویم که استاد حکیمی قدم در سی سالگی نگذاشته بود که علامه شیخ عبدالحسین امینی (م ۱۳۴۹ ش)، در نامه‌ای که از نجف برایش نوشت، وی را با عنوان «العلامهٔ الجلیل» مورد خطاب قرار داد. در این نامه، که با عبارت «با هزاران شوق دیدار» آغاز شده، استاد حکیمی به همکاری مطبوعاتی دعوت گردیده و در آن آمده است:

زیاد از حد مایلم که از قلم و قدم شما خدمات شایانی نسبت به مولا بوده باشد و شما شریک این اعمال گردید که تحقیقا موجب توفیق است. لذا این زحمت را به عهده‌ی جناب عالی می‌گذارم؛ والا رفقای زیادی در تهران هست که با جان و دل حاضرند که این خدمات را عهده‌دار شوند. و این تصدیع، رمز محبت حقیر است نسبت به شما. (این نامه‌ی بدون تاریخ در حدود ۱۳۴۱ نوشته شده و تصویری از آن در نزد اینجانب هست.).

در همین سالها بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۴۸ ش)، در ضمن اجازه‌ی روایی به استاد حکیمی، از وی با القاب «الفاضل الکامل البارع الاریب والاستاد المحقق الماهر الادیب» یاد کرد. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۶۷. تاریخ ابن اجازه رجب ۱۳۸۲، برابر با آذر ۱۳۴۲ است.) و این اجازه کتبی، پس از اجازه‌ی شفاهی‌ای بود که شیخ در حرم مطهر امام رضا -ع- در جمادی الاول ۱۳۸۲ به استاد حکیمی داده بود.

هیچگاه استاد حکیمی از زندگی آموزشی خود حکایت نکرده است؛ فقط در یک - دو جا، آن هم جایی که می‌خواسته است خاطر نشان کند که با علم اصول مخالف نیست، بناچار، از تحصیلاتش، آن هم فقط تحصیلات اصولی خویش، سخن گفته است:

در ایام تحصیل، کفایه و مقداری از درس خارج را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خواندم، و مقداری خارج کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی. و هفت سال در درس خارج اصول آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳ ق - ۱۳۹۵ ق)، حاضر می‌شدم و همه‌ی درس را با دقت می‌نوشتم؛ به طوری که هیچیک از شاگردان ایشان در آن دوره به این تفصیل نمی‌نوشتند. سپس مقداری از مطالب را (از باب «اوامر»)، به عربی برگردانم و در صدد تنظیم و تألیف تقریرات اصول ایشان بر آمدم. بخشی از مقدار عربی شده را نزد ایشان بردم، دیدند و پسندیدند و بسیار تشویق و ترغیب کردند که همه، به همان صورت، آماده شود تا به چاپ برسد. و خود اظهار می‌داشتند که اگر این تقریرات تدوین یابد و تعریب گردد و به چاپ برسد، در شمار بهترین و مهمترین کتب علم اصول جای خواهد گرفت...

باری، این امور بود، لیکن اینجانب پس از تأمل در اینکه در علم اصول فقه کتابهای بسیاری نوشته شده است، و اصول آیت الله میلانی نیز مفصل است، و همچنین پس از اینکه استاد دیگر، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، به چاپ کتابهایی در اصول و تقریرات اصولی، افزون بر آنچه هست، رضایت خاطری ندارند، از ترجمه‌ی کامل و چاپ و عرضه‌ی آن تقریرات منصرف گشتیم. (مکتب تفکیک، ص ۳۶۹-۳۶۸. همچنین استاد در همین باره مرقوم داشته‌اند: «کتاب اصولی را که از افاضات مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م ۱۳۹۵ ق)، با تحریراتی از خودم، شروع به نوشتن کردم و مقداری را خدمتشان بردم، پس از ملاحظه فرمودند: «اگر این کتاب را تکمیل کنید و چاپ شود کفایه را نسخ می‌کند.» معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۳.).

استاد حکیمی سالها در لباس روحانیت بود، (حکیمی تا سال ۱۳۴۵، که در حوزه‌ی مشهد بود، کسوت روحانیت داشت، اما لباسش را سنگین نکرده بود. به جای قبا یک پالتوی ساده می‌پوشید و عمامه‌اش به دستار شبیه بود.) اما هرگز روحانیت را حرفه‌ی خود نکرد. زیرا پس از آنکه لباس روحانیت به تن کند، لباس زهد و اعراض به تن کرده بود. سرانجام در سال ۱۳۴۵، با رضایت

استادش، شیخ مجتبی قزوینی، از حوزه و لباس روحانیت بیرون آمد، اما همواره نگاهش به حوزه است و مخاطبش، نسلهای جوان. حکیمی جوان، در حوزه علمیه‌ی خراسان، در محضـر استادانی زانو زد که، همه و همه، پروا پیشه بودند و از دنیا رسته و پشت کرده به جاه و مقام. هر یک، جهانی در گوشه‌ای بودنـد و همنشـین خدا (گفته‌اند: «رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند»، اما از این برتر هم در امکـان است و می‌توان گفت رسـد آدمی به جـایی که همنشـین خـدا شود. این، ادعـایی از جانب انسان نیست، بلکه ارتقایی است که خداونـد به آدمی ارزانی داشـته و فرموده است: انا جلیس من ذکرنی.) و خـدازی («خـدازی»، از ساخته‌های اسـتاد حکیمی است و آن را معادل کلمه‌ی «متأله» نهاده و در توضیح آن نوشته است: «انسانی که در شـناخت خـدا و توجه به خـدا و عبادت خـدا غرق است؛ برای خـدا هست و برای خـدا زنـدگی می‌کنـد...» خورشـید مغرب، ص ۱۹۲. به عبارت دیگر، خـدازی کسـی است که ترجمه‌ی این آیه باشـد: قل ان صـلاتی و نسکی و محیـای و ممـاتی لله رب العـالمین. سوره‌ی انعـام (۶)، آیه‌ی ۱۶۲.) و بـه دور از تعلقـات دنیوی و مریـد بازی و آقا منشـی و اشـرافیگری علمی. اسـتاد حکیمی، حکایتهایی از مشـی و منش ساده و مردمی آنان نقل می‌کند که امروزه افسانه و مثل شده است و مانند آنها را در کتابهای گذشتگان می‌توان یافت. (شرح حال شماری از این استادان در کتاب مکتب تفکیک آمده است.).

از میان آن اسـتادان، آنکه بیش از همه بر حکیمی تأثیر گـذاشت و در معماری شخصـیت علمیش نقش داشت، شـیخ مجتبی قزوینی بود. وی، به گفته‌ی اسـتاد حکیمی، یکی از سه رکن مکتب تفکیـک (مکتب تفکیـک به نظریه‌ای گفته می‌شود که قائل به تفکیک دین از فلسـفه و عرفـان است. شـرح آن بیایـد.) در قرن چهـاردهم هجری بود و صاحب کشف و کرامات و مشـرف شـده به آسـتان حضـرت ولی عصـر - عـج - و داری اخلاق باطنی و اهل عبادات و ریاضات و مسـغرق در خلسات. (برای تحقیق بیشتر درباره‌ی وی رجـوع شود به: محمـد علی رحیمیـان، متـأله قرآنی شـیخ مجتـبی قزوینی خراسـانی، مقـدمه‌ی محمـد رضـا حکیمی (چـاپ اول: قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲).) حکیمی دوازده سال از محضر او درس آموخت، اما چهل سال است که به مکارم اخلای او رطب اللسان است و هنوز خود را مرید وی می‌داند.

اسـتاد حکیمی در کتاب خورشـید مغرب، از چهار تن از متقدمان و چهار تن از معاصـران یاد کرده است که به محضـر آن حضـرت مشـرف شدند. چهار فرد اخیر عبارتند از: سـید موسـی زر آبادی (م ۱۳۵۳ ق)، میرزا مهدی اصـفهانی (م ۱۳۶۵ ق)، شـیخ علی اکبر الهیان (م ۱۳۸۰ ق) و شـیخ مجتـبی قزوینی (م ۱۳۸۶ ق). (ر.ک: خورشـید مغرب:، ص ۲۰۵.) از این چهـار تن، دو فرد اخیر، اسـتاد حکیمی بودند و دو فرد نخست، استاد استادان او.

به هر رو، حکیمی در محضـر اسـتادانی زانوی ادب زد که، به یافت او، به محضـر حضـرت ولی عصـر - عج - حضور یافته بودند. از این روست که وی، شاهکـار خـویش را (جلـد سـوم تـا شـشم الحیـاۀ (کتـاب مزبور، تـألیف اسـتاد حکیمی و محمـد حکیمی و علی حکیمی، از دانشوران حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان، است. این کتاب همواره به اسـتاد نسـبت داده می‌شود و ما نیز در کتاب حاضر، برای رعـایت اختصـار، گاه چنین کرده‌ایم؛ اما به گفته‌ی اسـتاد، الحیاۀ «تألیف مشترک» است.)، به این چهار چهره تقـدیم و از آنان چنین یـاد کرده است: «عالمان بزرگ ربانی»، «متألهان سترگ قرآنی»، «سـره سازان معارف وحیانی»، «پیراینـدگان بنیادهای تعقل قرآنی»، «متعقلاـن ژرفکـاو» و «مربیان تأثیر آفرین». (ر.ک: ترجمه‌ی الحیاۀ، ج ۳، ص ۴-۳. گفتنی است از آنجا که ترجمه‌ی الحیاۀ را اسـتاد حکیمی، بـا دقت بسـیار، ویراسـته و بـا متن آن تطبیق داده، در سراسـر این کتـاب بـدان ارجاع داده شـده است. به هر حال، ترجمه‌ی الحیاۀ، اعتبار اصل کتاب را دارد و، مضافا اینکه، گاه مطالبی افزون بر اصل، به خامه‌ی استاد حکیمی، در آن آمده است.).

هنگامی که حکیمی مـدارج عالی علمی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشـهد گذراند، دو راه در پیش داشت: یا مانند دیگر همدرسان خود در حوزه بماند و به تدریس فقه و اصول بپردازد و، النهایه، سـر از مرجعیت در آورد، و یا اینکه پلی از حوزه به جامعه و جوانان بزند و خوراک فکری برای آنان فراهم آورد و، النهایه، به آنجا برسد که اینک رسیده است.

گذشت که استاد حکیمی، مانند همدرسان خود، در حوزه نماند و پلی از حوزه به جامعه زد و، به عبارت خویش، «هجرت الی التکلیف» کرد. وی در خرداد ۱۳۴۵، هنگامی که از سی سالگی گذشته بود، از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تهران آمد، و در واقع، از همه‌ی القاب و مقامات و مزایا و عناوین حوزه چشم پوشید.

استاد حکیمی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در چند مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی در تهران، از جمله بنیاد فرهنگ ایران، شرکت سهامی انتشار و مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، اشتغال داشت. (برخی از همکاران حکیمی در انتشارات فرانکلین عبارت بودند از: احمد آرام، احمد سمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، اسماعیل سعادت، عبدالمحمد آیتی، غلامعلی حداد عادل و عبدالحسین آذرنگ. کریم امامی، از مسؤولان این انتشارات، در مصاحبه‌ای گفته است: برخی از کارکنان فرانکلین کسانی بودند که به علت فعالیتهای سیاسی به زندان رفته بودند و در سازمانهای دولتی نمی‌توانستند شاغل شوند. مؤسسه‌ی فرانکلین این افراد را می‌پذیرفت و ساواک هم تقریبا راضی بود که اینها در فرانکلین مشغول به کار شوند. زیرا می‌خواست در جایی کار کنند که آمد و رفت و روابطشان زیر نظر باشد. یکی از کسانی که تحت نظر ساواک بود، آقای محمدرضا حکیمی بود. عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی (به کوشش)، «سلسله گفت و گوها پیرامون نشر ئو فرهنگ»، بخارا (شماره‌ی ۲۲-۲۱، آذر ذ اسفند ۱۳۸۰)، ص ۱۵۷.) او، بدرستی و از سر اجتهاد، تشخیص داده بود که باید در مؤسسه‌های فرهنگی داخل شد و تا آنجا که می‌توان «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.» همچنین محض احتیاط و برای اطمینان بیشتر، از دو مرجع تقلید (آیت الله خمینی و آیت الله خوئی)، اجازه گرفت. پس از چند سال فعالیت هم که می‌خواست کناره بگیرد، با استاد مطهری مشورت کرد و او نه تنها کناره‌گیری را صلاح ندانست، بلکه «حرام» شمرد. بدین ترتیب با اطمینان بیشتر به کار مشغول شد و در آن مدت با صتحیح محتوایی شماری آثار و تعلیقه نگاری بر چند کتاب مهم، ضمن کار اداری، «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.»

همکاران حکیمی در آن مؤسسه‌ها، او را یک روحانی بی عمامه می‌دانستند که بر نمی‌تابد کتابی منتشر شود و کلمه‌ای خلاف دین در آن باشد. به گفته‌ی یکی از همکاران او در انتشارات فرانکلین: «محمدرضا حکیمی همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را معطوف به این می‌کرد که هیچ اصلی از اصول اسلام نقض نشود و نکته‌ای خلاف واقع در نوشته نباشد.»

در خود ذکر است که تدریس استاد حکیمی در دانشگاه تهران، در دوره‌ی دکترای ادبیات، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، و بنا به دعوات دکتر عبدالحسین زرین کوب بود. در آغاز در حدود سی نفر در این دوره ثبت نام کردند؛ اما دیری نگذشت که بیش از سیصد نفر در کلاسهای استاد حضور می‌یافتند. وی برای نخستین بار به جای متونی چون تاریخ ابن خلکان، که رایج بود، نهج البلاغه را متن درسی قرار داد. استقبال دانشجویان از این کلاس و مرعوبیت ساواک از این ازدحام، منجر بدان شد که با دخالت پلیس و ساواک، تعطیل شود.

همچنین گفتنی است که استاد حکیمی، در پی هجرت تکلیفی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به جرم فعالیت علیه رژیم شاه، در سال ۱۳۴۵، چند بار در وی و مرند و سلماس و ارومیه بازداشت و زندانی شد. وی آخرین بار در سال ۱۳۵۷ دستگیر و در کمیته‌ی تهران زندانی گردید.

در آثار حکیمی، تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، بیشتر از قیام و پیکار سخن رفته و از موضوعات دیگری هم که سخن گفته شده، قیام و پیکار نتیجه گیری و بدان دعوت شده است. (از جمله رجوع شود به: فریاد روزها، سرود جهشها، بیدارگران اقالیم قبله و امام در عینیت جامعه.) آهنگ و جهت کلی کتابهای او، تا آن تاریخ، «قیام» است و گفته‌ها و نوشته‌های دیگر مقدمه و زمینه و برای آن است. اما از سال ۱۳۵۷ بدین سو، آهنگ و جهت کتابهای حکیمی تغییر کرد و به «قسط» تبدیل شد. (از جمله رجوع شود به: کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه سازی قرآنی و الحیاة (بویژه جلد سوم تا ششم).) وی از آن هنگام همواره از قسط سخن گفته و سخنهای دیگر را همچون مقدمه‌ی آن قرار داده و، در واقع، قسط را ترجیع بند سخنان خود ساخته است. بنابراین

چکیده‌ی همه‌ی نوشته‌های حکیمی و آهنگ و پیام آن، در یک عبارت، عبارت است از: «قیام به قسط».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

حکیمی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حکیمی در سال ۱۳۲۳ه.ش در تهران متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی ومتوسطه،برای تحصیل دررشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد و پس از مدتی تدریس در مدارس، برای ادامه تحصیل دررشته تعلیم و تربیت به انگلستان رفت و پس از دریافت درجه فوق لیسانس و بازگشت به ایران، به تدریس در مراکز تربیت معلم پرداخت. وی اکنون (۱۳۸۳ه.ش) بازنشسته است و به کار مورد علاقه خود که همان تحقیق و تالیف درزمینه ادبیات معاصر انقلابی ایران و تاریخ تمدن است، می پردازد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات دینی و معاصر

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمود حکیمی در شهریور ماه سال ۱۳۲۳ه.ش در محله میدان خراسان درتهران در خانوده ای مذهبی متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود حکیمی پس از طی تحصیلات متوسطه موفق به دریافت مدرک کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم شد. وی پس از و مدتی تدریس در مدارس تهران، به انگلستان رفت و پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، به تدریس در مراکز تربیت معلم مشغول شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمود حکیمی از روزگار تحصیل به ادبیات فارسی و تاریخ تمدن علاقه داشت و با این گرایش به مطالعه آزاد می پرداخت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود حکیمی سالها در مدارس تهران به عنوان معلم زبان انگلیسی ، و پس از بازگشت از انگلستان به عنوان مدرس تعلیم و تربیت درمراکز تربیت معلم به تدریش اشتغال داشته و اکنون نیز مدتی است بازنشسته شده و به تحقیق و تالیف می پردازد.

فعالیتهای آموزشی : محمود حکیمی سالها تدریس زبان انگلیسی مدارس تهران را به عهده داشته، و پس از بازگشت ازانگلستان نیز استاد تعلیم و تربیت دردانشگاههای تربیت معلم بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه، تحقیق و تالیف و سرودن اشعاری با مضمون ادبیات معاصر و انقلابی ایران و تالیف کتبی پیرامون تاریخ تمدن از کارهای روزمره محمود حکیمی است.

آرا و گرایشهای خاص : محمود حکیمی در آثار ادبی خود مدافع ادبیات انقلاب ایران است و نیز در تاریخ تمدن به اخلاق گرایی و اصنافی چون صوفیان و پهلوانان توجه خاصی دارد.

جوائز و نشانها : فرهنگسرای نوجوانان درمنطقه ۱۸ شهرداری تهران کتابخانه ای رابه نام محمود حکیمی نام گذاری کرده است که در سال ۱۳۸۲ ه.ش توسط شخص محمود حکیمی افتتاح شد. ---

----

آثار :

۱ تاریخ تمدن جهان باستان یا داستان زندگی انسان

ویژگی اثر : مجموعه ای است ۲۱جلدی که اولین جلد آن در سال ۱۳۶۰ه.ش و جلد بیست ویکم آن در ۱۳۸۲ه.ش منتشر شده است.

۲ غرب بیمار

ویژگی اثر : غرب بیمار نخستین کتاب محمود حکیمی بود که در سال ۱۳۵۱ه.ش منتشر شد.

۳ مبانی ادبیات دینی کودکان و نوجوانان

ویژگی اثر : این کتاب آخرین و جدیدترین اثر اوست که با همکاری مهدی کاموس آن را به نگارش در آورده است.

۴ همراه با عارفان ، عیاران و جوانمردان

ویژگی اثر : کتابی است شامل شرح حالهای بزرگان عرفان، عیاران .جوانمردانی چون پوریای ولی و غلامرضا تختی.

حمادراویه، ابوالقاسم

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۵۶/۱۵۵ -۹۵ ق)، مورخ، لغوی و شاعر. اصلش از دیلم بود. در عهد بنی‌امیه در کوفه می‌زیست. وی در عصر خود، در روایت اشعار و اخبار و وقایع از مشاهیر طراز اول بود. او باید ولید بن یزید و مهدی عباسی مجالست داشت و برای ولید اشعار نیکو می‌سرود. او همچنین دارای حافظه‌ای قوی بود، به طوری که روزی چندین قصیده از قصاید جاهلی را بدون آنکه کلمه‌ای از کلمات شعای اسلام در آن باشد، برای خلیفه می‌خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲ -۳۰۱ /۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۸۲، ۱۱۳/۱۶۰ -۱۴۲)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۴/۱)، روضات الجنات (۲۳۷ -۲۳۵ /۳)، ریحانه (۲۹۹ -۲۹۸ /۲)، سیرالنبلاء (۱۵۸ -۱۵۷ /۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۵۵ -۱۵۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۰ -۲۶۹ /۳)، لسان المیزان (۶۶۴ -۶۶۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ حماد بن شاپور)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۵۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲ -۱۳۷ /۱۳)، وفیات الاعیان (۲۱۰ -۲۰۶ /۲).

حمدی، برهان‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، شاعر، محقق.

تولد: ۲۴ ذیقعده سال ۱۳۲۳ ق. (۱۲۸۲)؛ سنندج.

درگذشت: ۱۲ آذر ۱۳۶۶.

شیخ برهان‌الدین حمدی فرزند حاج شیخ عبدالمجید عرفان پس از ختم قرآن و خواندن کتاب‌های اخلاقی، دینی و ادبی فارسی، مقدمات علوم (صرف و نحو) را نزد پدر فراگرفت و سپس در محضر اساتیدی چون ملاـ صادق منبری، شیخ حبیب‌الله کاشتری (ادبیات عرب) و ملا عبدالعظیم مجتهد (علم حکمت و کلام) به تحصیل علوم پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۱۲ به دریافت اجازه‌ی فتوا و اجتهاد و تدریس علوم اسلامی نایل گردید (این اجازه از طرف ملا محمد صادق نیری صادر شد و دو استاد دیگرش ملا عبدالعظیم کاشتری و شیخ حبیب‌الله کاشتری آن را تأیید کردند .) وی ابتدا در مسجد رشید قلعه بیگی (نزدیک بازار والی سنندج) به تدریس آموزش و پرورش درآمد و پس از سی و سه سال خدمت به سال ۱۳۴۸ بازنشسته شد. در این مدت ایشان در دبیرستان‌ها و دانشسراها مدرس ادبیات فارسی و عربی بودند. مدتی نیز ریاست دبیرستان شاهپور سنندج (شهید قصری فعلی) را که در آن زمان تنها دبیرستان شش کلاسه سنندج بود بر عهده داشت. وی همچنین اصول کلامی چون مواقف قاضی عضدالدین ایجی و شرح میر سید شریف جرجانی و بحث در تفسیر جلالین و بیضاوی را تدریس می‌کرد. بعدها قریب سه سال به ریاست اداره‌ی اوقاف کردستان منصوب شد. پس از رسیدن به بازنشستگی به دعوت هیئت امنای دانشگاه رازی در دانشکده‌ی تربیت دبیر سنندج به عنوان استاد فارسی برگزیده و مشغول گردید. ایشان کتابخانه‌ی خود را که شامل تعداد بسیاری از کتب نفیس خطی و چاپی بود به کتابخانه‌ی شهر سنندج واگذار نماید. ترجمه‌ها و تألیفات ایشان به شرح زیر هستند: ترجمه مشکوةالانوار امام محمد غزالی، ترجمه رسالة الطیر ابن سینا شامل رسالات «فلسفه نماز» و کتاب مرآت الفلسفه در یک جلد به نام فلاسفه و خداشناسی؛ مرآت الفلسفه طنطاوی؛ ترجمه‌ی رساله‌ی حی بن یقضان ابن سینا؛ شیخ اشراق و ابن طفیل؛ ترجمه‌ی عقاید نسفی؛ ترجمه‌ی متسطاب الاربعین فی اصول الدین امام محمد غزالی. آثار چاپ نشده‌ی وی عبارتند از: ترجمه‌ی قصائد سه گانه: لامیه‌ی العرب شنفری و لامیة العجم طغرایی و لامیة الکرد عرفان از: حاج شیخ عبدالحمید (پدر برهان‌الدین حمدی)؛ ترجمه‌ی قصیده‌ی «بانت سعاد کعب ابن زهیر» و چند رساله دیگر.

شیخ برهان‌الدین حمدی روز دوشنبه دوازدهم آذر ۱۳۶۶ به سبب بیماری معده و روده و ضیق‌النفس جان سپرد.

جنازه‌ی وی در قبرستان تایله سنندج در جوار اقوامش دفن گردیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حمزه‌ی اصفهانی، ابوعبدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۰/۳۵۰ – ۲۷۰ ق)، مورخ و ادیب. در اصفهان تولد یافت. مدتی در طلب علم سفر کرد و اکثر ایام عمر را در زادگاهش گذراند. اگرچه، غالبا به عنوان یک مورخ مشهور نام برده می‌شود اما، وی بیشتر به ادب و لغت توجه داشته است. مشهورترین اثر وی «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است، که نمایانگر تفکر شعوبی نویسنده می‌باشد. چه، نامهای ایرانی را به صورت اصلی آن نگاشته است، حال آنکه اغلب مورخان آنها را معرب کرده‌اند. دیگر آثار وی: «التنبیه علی حدوث التصحیف»؛ «کبار البشر»؛ «الامثال»؛ «تاریخ اصفهان».[۱]

اصفهانی، ابوعبداللّه بن حسن (و. حدود ۲۷۰- ف. حوالی ۳۶۰ -۳۵۰ ه.ق.) وی مؤلف کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (سنی ملوک...)، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب المثال است که همه آنها در دست است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۲۴۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳/۱)، تاریخ در ایران (۳۵ -۳۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۶/۱)، الذریعه (۲۶۵/۱۷، ۲۸۸ -۲۳۳ /۳)، ریحانه (۱۴۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۱/۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۵، ۱۱۷ -۱۱۶)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۳۰)، کشف الظنون (۱۴۶۴، ۳۰۱، ۲۸۲، ۱۶۸)، لغت نامه (ذیل/ حمزه)، معجم الادباء (۱۳۶ -۹۴ /۱۳)، معجم المولفین (۷۸/۴)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۳/۴).

حمیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. پسندیده دین) ابوبکر بن عمر بن محمود بلخی قاضی و نویسنده معروف (ف. ۵۹۹ ه.ق.). وی قاضی بلخ بود و شهرت او مخصوصا به وسیله تألیف «مقامات حمیدی.» (ه.م.) است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حمیدی بلخی، حمیدالدین عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۹ ق)، ادیب و شاعر. در شهر بلخ می‌زیست و در آنجا سمت قاضی القضاتی داشت و او بود که به انوری بعد از داستان هجو بلخ و غوغای عوام در آن شهر پناه داد. انوری قطعات و قصایدی در مدح قاضی حمیدالدین گفت. قاضی حمیدالدین شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «مقامات حمیدی» که حمیدالدین آن را به پیروی از مقامات بدیع‌الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری و به تقلید از روش و مضامین آنها در بیست و چهار مقاله و خاتمه نگاشت؛ «وسیله العفاه الی اکفی الکفاه»؛ «حنین المستجیر الی حضره المجید»؛ «روضه الرضا فی مدح ابی‌الرضا»؛ «قدح المغنی فی مدح المعنی»؛ «الاستغاثه الی اخوان الثلثه»؛ «منیه الراجی فی جوهر التاجی»؛ «مثنوی سفرنامه‌ی مرو». مصحح دانشمند «فضائل بلخ» در تعلیقات خود بر آن کتاب بعد از بحث مستوفی در باب نسب و خاندان قاضی حمیدالدین می‌نویسد: پس با در نظر گرفتن روایات سابق، باید نام مولف «مقامات حمیدی» را ابوبکر حمیدالدین ابوبکر محمود بن عمر بن احمد بن محمد بن ابوذر محمودی دانست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۰ -۹۵۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸)، تذکره الشعراء (۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۷/۱)، الذریعه (۹/۲۲)، ریحانه (۸۱ -۸۰ /۲)، سبک‌شناسی (۳۲۹ -۳۲۸ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۲ -۳۲۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۷۹)، فضائل بلخ (تعلیقات، ۴۰۳ -۳۹۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۵۳)، الکامل (۹۰/۹)، کشف الظنون (۱۷۸۶)، گنج و گنجینه (۲۰۰ -۱۹۵)، لباب الالباب (۲۰۰ -۱۹۸ /۱)، لغت نامه (ذیل/ حمیدالدین محمودی)، مولفین کتب چاپی (۶۴۸/۵)، مجمع

الفصحا (۵۹۵ -۵۷۳ /۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۵۹)، مقامات حمیدی (مقدمه)، هفت اقلیم (۶۷ -۶۴ /۲)، یادگار (س ۱ ش ۷، ص ۲۵).

حمیدی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاههای شیراز، تهران و مشهد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات، تاریخ، جغرافیا، شعر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی و تحقیق.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حمیدیان، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حویزی، خلف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۴ ق)، متکلم، محدث، ادیب و شاعر امامی. معروف به سید خلف. وی از معاصران شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی بود و والی حویزه، حویزی مردی زاهدپیشه و در انجام فرائض و نوافل بر خود سخت‌گیر بود. در نجف دفن شد. از آثار وی: «الاثنی عشریه فی الصلوه»؛ «برهان الشیعه»، در امامت؛ «الحق المبین»، در منطق؛ «البلاغ المبین»، در احادیث قدسی؛ «الحجه البالغه»، در کلام؛ «سفینه النجاه»؛ «الموده فی القربی»؛ «النهج القویم»، در کلمات امیرالمومنین علی (ع)، «حق الیقین»، در کلام؛ دو «دیوان» به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۳۴ -۳۳۰ /۶)، الذریعه (۱۶۸/۲۱، ۳۰۰/۹، ۴۰/۷، ۲۵۸/۶)، روضات الجنات (۷۰۴ -۶۹۹ /۳)، ریحانه (۸۹ -۷۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۰)، معجم المولفین (۱۰۵/۴).

حویزی، عبد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۳ ق)، ادیب و شاعر. نزد حکام بصره تقرب داشت و تا آخر عمر در کنف حمایت آنها زندگی کرد. وی مدتی نزد شیخ بهایی تلمذ کرد. از آثارش: «دیوان» شعر، به سه زبان ترکی، فارسی و عربی؛ «قطر الغمام»؛ «حاشیه تفسیر بیضاوی»؛ «المعول فی شرح شواهد المطول»؛ «مناهج الصواب فی علم الاعراب»؛ «رساله فی الرمل»؛ «کتاب فی الحکمه»؛ «کلام الملوک ملوک الکلام»؛ «کتاب فی العروض»؛ «کتاب فی نحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۶/۴)، ایضاح المکنون (۴۹۹/۱)، الذریعه (۲۴۲/۲۳، ۲۳۸/۲۰، ۲۵۰/۱۱، ۶۹۰/۹، ۱۸۹/۶)، روضات الجنات (۲۱۱ -۲۱۰ /۴)، ریحانه (۹۰ -۸۹ /۲)، معجم المولفین (۲۶۶/۵)، هدیه العارفین (۵۸۶/۱).

حویزی، عبدالعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، فقیه، محدث، مفسر، ادیب و شاعر امامی. معروف به عبدالعلی عروسی. در حویزه متولد شد و در شیراز ساکن. وی استاد سید نعمت‌اللّه جزایری و معاصر شیخ حر، عاملی و علامه مجلسی است. از آثار وی: شرح «لامیه العجم» طغرایی؛ «نورالثقلین»، تفسیری روایی از قرآن، در چهار مجلد؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۶ -۳۶۵ /۲۴، ۶۹۰/۹)، روضات الجنات (۲۷ -۲۵ /۵)، ریحانه (۱۲۴/۴، ۸۹/۲)، فوائد الرضویه (۲۳۷)، معجم المولفین (۲۶۵/۵).

حویزی، فرج اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۰ -۱۰۳۱ ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگـار خویش دست داشت و تالیفـاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال‌نویسان او را به داشـتن فضل سـتوده‌اند. از آثار وی: «ایجـاز المقـال فی معرفه الرجـال» دربـاره‌ی رجـال، در دو مجلـد؛ «تـذکره العنـوان» که به پیروی «عنـوان الشـرف» شـرف‌الدین اسـماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسـیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصـفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۳۴۱/۵)، اعیان الشـیعه (۳۹۵/۸)، ایضـاح المکنون (۴۹۹، ۲۷۵ /۱)، الـذریعه (۲۷۶/۲۲، ۸۱۸/۹، ۴۸۷/۲)، روضات الجنات (۳۴۱ -۳۹۹ /۶)، ریاض العلماء (۳۳۷/۴)، ریحانه (۹۴/۲)، فوائد الرضویه (۳۴۹)، لغت نـامه (ذیل/ فرج اللّه)، معجم المولفین (۵۹/۸)،هدیه العارفین (۸۱۶/۱).

حیرت بخارایی، محمد اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۵۴ ق)، مترجم و شاعر، متخلص به حیرت. وی مترجم معروف «تاریخ ایران»، تالیف سر جان ملکم، از انگیسی به فارسی است. حیرت در بمبئی وفات یافت و در قبرستان ایرانیان آن شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۳۱/۱).

خاتون آبادی، محمد صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر عبدالواسع. عالم فاضل جلیل‌القدر و عظیم‌المنزلهٔ.

از سلسـله‌ی سادات خاتون‌آبای، و خود داماد ملا محمد باقر مجلسـی، و از شاگردان علامه‌ی مجلسـی و ملا میرزای شیروانی بوده، و پس از فوت علامه مجلسـی، شـیخ الاسلام اصفهان، و سپس امام جمعه‌ی اصفهان گردید، و مقام امام جمعگی اصفهان از آن تاریخ تاکنون در اولاد او باقی است.

و موقعی که فتـح علی شـاه قاجـار مسـجد شـاه طهران را سـاخت یکی از اولاـد او را به طهران برده، مقـام امام جمعگی آنجا را به او

مفوض داشت، که تاکنون در اولاد اوست.

کتب زیادی تألیف فرموده، از آن جمله است: ۱ - احوال ملائکه ۲ - اسرار الصلاة ۳ - اصول العقاید ۴ - اسماء علمای سنی که شیعه شده‌اند ۵ - ایمان و کفر ۶ - انوار المشرقة ۷ - تفسیر سوره‌ی اخلاص ۸ - تفسیر سوره‌ی فاتحه ۹ - تحفة الصالحین ۱۰ - تقویم الشرعی ۱۱ - تقویم المؤمنین ۱۲ - التهلیلیة، در حکم تهلیل آخر اقامه ۱۳ - تکمله‌ی مرآة العقول ۱۴ - الجامع فی اصول العقائد - جامع العقاید، شاید همان شماره قبل باشد ۱۵ - حدائق المقربین، در احوال ملائکه و غیره (فهرست مفصل این کتاب در فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان به شماره‌ی ۲۵ مذکور است) ۱۶ - ذریعة النجاح، در اعمال سال ۱۷ - رساله در عصمت ائمه علیهم‌السلام ۱۸ - رساله در ثبوت هلال در اول رمضان و شوال - رساله در حکم اخلاق ۲۱ - شرح بر من لایحضر ۲۲ - شرح استبصار ۲۳ - شرح حدیث «الهلال اذا طلب فی الشرق» از تهذیب شیخ ۲۴ - منهج الشیعة ۲۵ - خلف الوعد از مسائل فرعیه؛ و غیره.

فوت صاحب عنوان را در ماه صفر سال ۱۱۱۶ [یا ۱۱۲۶] نوشته‌اند، و قبرش در نجف در ایوان علما می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتونی بجلی، ابوطاهر حسین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۳۲ ق)، شاعر، کاتب. ملقب به موفق الدین، موفق الدوله، معین الملک و معین الدین. وی از بزرگان دولت سلجوقی بود. سبب شهرت او به خاتونی، ظاهرا از آن رو است که چندی متصدی امور و مستوفی گوهر خاتون، همسر محمد بن ملکشاه سلجوقی بود. از دوران کودکی و نوجوانی او اطلاعی در دست نیست. بنابراین، می‌توان گفت که ابوطاهر از ابتدای کار خود تا پایان عمر در دربار سلجوقی خدمت کرد و به کار دبیری و خدمت دیوانی مشغول بود. در شهر ساوه کتابخانه‌ای بزرگ به ابوطاهر منسوب بود، وی کتابخانه‌ی ارزشمند خود را وقف جامع ساوه کرد. این کتابخانه‌ی معتبر احتمالاـ در حمله‌ی مغول از میان رفت. ابوطاهر نزد بزرگانی چون ابومظفر، محمد ابیوردی و ناصح‌الدین ابوبکر احمد ارجانی تحصیل کرد. ادیبان و شاعران آن روزگار که، او را مدح گفته‌اند، از او با عنوان استاد الموفق یاد کرده که از وی «دیوانی» بر جای نمانده است، ولی در تذکره‌ها و برخی از کتابهای ادب، لغت و تاریخ، ابیاتی از او نقل شده و صاحب «الذریعه» به نقل از «آثار البلاد» قزوینی، «دیوانی» را به وی نسبت داده است. برخی از اشعار فارسی ابوطاهر خاتونی را عمادالدین کاتب به عربی ترجمه کرد. دولتشاه سمرقندی در «تذکرة الشعراء» از دو کتاب او نام می‌برد. یکی کتاب «مناقب الشعراء»، که در احوال شاعران پارسی گو است؛ دیگری «تاریخ آل‌سلجوق» که به ذکر احوال سلاطین و امرای این سلسله اختصاص داشته و متضمن مشاهدات شخصی ابوطاهر بوده، و از آثار دیگر وی «شکارنامه‌ی ملکشاه» که مؤلف «راحة الصدور» آن را به خط مؤلف دیده است. آنچه به نام ابوطاهر باقی است رساله کوتاهی است به زبان عربی با عنوان «تنزیر الوزیر الزیر الخنزیر»، در لعن و ذکر مثاب نصیرالملک وزیر سلطان محمد بن ملکشاه. در بعضی از تذکره‌ها و برخی تواریخ اسم او را اصم یا معین‌الدین اصم گفته‌اند، و چنین برمی‌آید که شهرت او به اصم به سبب سنگینی گوشش بود، و ظاهرا در دوره سلطنت سنجر یعنی در اواخر عمر به این نام معروف شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۹ -۸۷)، دایرة المعارف فارسی (۳۲ /۱)، الذریعه (۲۷۷ /۹)، سخن و سخنوران (۵۱۷ -۵۱۵)، کشف الظنون (۱۸۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوطاهر خاتونی)، مجمع الفصحا (۱۴۲، ۱۴۱ /۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۲۸۶ -

۱۲۲)، یادگار (س ۴، ش ۵، ص ۱۸ -۷).

خارزنجی نیشابوری، ابوحامد احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۸ ق)، ادیب و لغوی. در خارزنج نیشابور متولد شد و از امامان بی همال ادب خراسان در روزگار خود بود. به بغداد سفر کرد و توانایی او در علم لغت مورد تحسین علمای آن سامان قرار گرفت. از آثارش: «کتاب التفصله»؛ تفسیر ابیات «ادب الکاتب»؛ «تکمله العین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۰/۱)، روضات الجنات (۲۳۰ -۲۲۹ /۱)، ریحانه (۱۰۷ -۱۰۶ /۲)، کشف الظنون (۱۴۴۳، ۴۸)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۲۰۸ -۲۰۳ /۴)، معجم المولفین (۸۵/۲)، هدیه العارفین (۶۳/۱).

خازن اصفهانی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر و منشی. در نوجوانی کتابدار صاحب بن عباد بود. به عللی چند ترک خدمت صاحب کرد و به سفر در بلاد عراق، شام و حجاز پرداخت تا به اصفهان بازگشت و با وساطت استاد ابوالعباس، بار دیگر به خدمت صاحب رسید. وی با ابوبکر خوارزمی مراسله داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۷/۷)، لغت نامه (ذیل/ ابومحمد خازن).

خاقانی، سلمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۳۳۲ ق، سوق الشیوخ (از شهرهای ناصریه عراق).

درگذشت: ۲۴ بهمن ۱۳۶۶، قم.

آیت‌الله شیخ سلمان خاقانی، فرزند شیخ عبدالحسین آل خاقانی، پس از طی دوران کودکی در زادگاه خود در سال ۱۳۴۵ ق. جهت تحصیل به نجف اشرف هجرت نمود و در حوزه‌ی آن شهر تحصیلات خود را شروع کرد. نخست درسهای مقدماتی نظیر صرف و نحو منطق، معانی و بیان و سطوح اصول را نزد برادر بزرگ خود شیخ عبدالمنعم خاقانی فراگرفت. سپس مراحل عالیه‌ی تحصیلات

خود را آغاز نمود و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدجواد بلاغی، آیت‌الله محمدعلی کاظمینی، آیت‌الله باقر زنجانی و آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی استفاده نمود.

آیت‌الله خاقانی فعالیت‌های فرهنگی- ادبی خود را از سنین جوانی آغاز کرد. در آغاز این فعالیت‌ها از حرکت‌هایی مانند تأسیس انجمن «منتدی النشر» و انجمن «رابطهٔ الادبیه» و بالاخره «کلیه الفقه» و تأسیس مجله‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی مانند «البیان» «النجف» و غیره بود که توسط افرادی مانند سید هبهٔالدین شهرستانی و شیخ محمدرضا مظفر و دیگر نویسندگان و متفکران آن روز نجف تشکیل شده بود. آیت‌الله خاقانی در بسیاری از این امور شرکت می‌جست.

هنگامی که آیت‌الله امین عاملی حرکت اصلاح طلبانه خود را برای تنزیه عزاداری‌ها و مجالس سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) از شوائب وارده و زوائد منافی با شرع و دین اعلان نمود، ایشان به همراه دوستان خود به دفاع از این حرکت پرداخت.

آیت‌الله خاقانی در سال ۱۳۷۵ ق. پس از درگذشت پدرش که از علما و ائمه‌ی جماعت خرمشهر بود در این شهر سکونت گزید و نزدیک به سی سال به ارشاد و هدایت مردم و دستگیری از مستمندان پرداخت. شهرت و آوازه او از ایران به عراق به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رسید و در آنجا نیز مریدانی داشت.

آیت‌الله خاقانی در طرفداری از وحدت اسلامی کوشا بود و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی از دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه در قاهره انجام داد. لیکن در عین حال از مدافعان تشیع و مذهب اهل‌بیت (ع) بود و همواره با قلم خود از این مکتب دفاع نمود.

کتاب‌هایی که از ایشان بر جای مانده عبارتند از: طریق المعرفهٔ، در اعتقادات که مکررا در عراق و بیروت به چاپ رسیده است، مع الخطوط العریضهٔ لمحب الدین الخطیب؛ بین‌الحق و الباطل؛ السنهٔ و الشیعه فی المیزان کتابی در رد گفته‌های احسان ظهیرالهی؛ دیوان شعر (گفته می‌شود این کتاب در جربان دفاع مقدس از میان رفت).

خانه‌ی وی در این خرمشهر قرار داشت. در روزهایی که این شهر مورد تجاوز عراق قرار گرفت، خانه او پناهگاه آورگان بود. در آن روزها مردم را به مقاومت دعوت می‌نمود لیکن بعدها که خانه‌ی او هدف مستقیم توپ‌ها و خمپاره‌های عراق قرار گرفت مجبور به ترک دیار گشته و چندی در اهواز و سپس در قم مستقر شد. در گیراگیر جنگ نه تنها خانه‌ی او را غارت شد بلکه اموال مسجد او را نیز به تاراج بردند. قسمتی از کتابخانه‌ی نفیس او به یغما رفت و در بصره به حراج گذاشتند و قسمت دیگر آن، مدت‌ها در زیر خاک‌ها مدفون بود و پس از آزادی خرمشهر به قم منتقل گشت. در این جریان قسمتی از دست نوشته‌ی او از جمله دیوان اشعارش از میان رفت.

آیت‌الله خاقانی به عربی شعر می‌سرود، به ویژه در مدح پیامبر (ص) یا معصومین (ع).

آیت‌الله پس از هفتاد و شش سال زندگی، بالاخره در شب بیست و چهارم بهمن ۱۳۶۶ (برابر با بیست و پنجم رجب ۱۴۰۸ ق.) درگذشت و پس از مراسم تشییع، در یکی از حجره‌های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خانلربندپیی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، منشی و خطاط. وی منشی الممالک شاه قاجار بود و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۴/۱).

خاوری شیرازی، فضل‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خاوری. در شیراز به دنیا آمد. بعد از کسب کمالات ندیم فرمانروای فارس شد. پس از چندی به تهران آمد و به دربار فتحعلی‌شاه راه یافت و عهده‌دار مشاغلی چند شد. خاوری طبعی روان داشت و انواع شعر بخصوص قصیده و غزل را نیکو می‌سرود. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «ذوالقرنین یا تاریخ صاحبقرانی»، در تاریخ قاجار؛ منظومه «یوسف و زلیخا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۴۳ -۵۳۵ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۰ -۴۱۴ /۲)، الذریعه (۴۵ -۴۴ /۱۰ ،۲۸۸/۹)، روضه الصفا (۱۲۹ -۱۲۸ /۱۰)، سفینه المحمود (۵۶۳ -۵۵۷ /۲)، شرح حال رجال (۱۷۸/۶)، طرائق الحقائق (۳۳۱ -۳۳۰ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۲۴۶ -۹۴۵ /۲)، مجمع الفصحا (۲۸۹ -۲۸۵ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۵۵)، نشریه‌ی دانشکده‌ی تبریز (س ۱۶، ص ۲۶۰ -۲۵۷)، نگارستان دارا (۸۰ -۷۸).

خائفی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز خائفی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در شیراز از مادر زاده شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامهٔ تحصیل وارد دانشکده ی ادبیات همان شهر گردید . و به دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی، و به تدریس در دبیرستان های شیراز اشتغال ورزید . سپس عازم تهران گردید و دوره ی فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید و به سمت مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته ی پیکار با بی سوادی منصوب شد . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنربه خدمت پرداخت و یک چند ریاست کتابخانه ی ملی فارس را عهده دار بود و اکنون ضمن تدریس در دانشگاه های آزاد و پیام نور شیراز و چند شهر استان فارس ، سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد . پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد و از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود .گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : پرویز خائفی نوه میرزا اسماعیل خائف ،شاعر معروف و عالم متبحر شیراز ،که فلسفه ملاصدرا را تدریس می کرد و هم صاحب دیوان شعر بود.وی با شوریده شیرازی معاصر بود ه و هر دو از نعمت بینایی محروم بوده اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز خائفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید و پس ازدریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی توفیق یافت ، به تدریس در دبیرستانها شیراز اشتغال ورزید ،آنگاه عازم تهران گردید و دوره فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید.فعالیتهای ضمن تحصیل : پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از

دوران دبیرستان آغاز کرد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز خائفی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد ، مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته پیکار با بی سوادی گردید . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ وهنر انتقال یافت و یک چند نیز ریاست کتابخانه ملی فارس را عهده دار بود واکنون سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیزمی باشد .فعالیتهای آموزشی : پرویز خائفی پس از اخذ لیسانس ادبیات فارسی ، به تدریس در دبیرستان های شیراز به تدریس پرداخت .بعدها وی در دانشگاه های آزاد ، پیام نور شیراز و چند شهرستان استان فارس پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز خائفی از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود و آثار منظوم و مقالاتش همواره در روزنامه و مجله های کشور به چاپ رسیده است .آثار : از لحظه تا یقین (شعر) ، این خاک طربناک (شعر) ، باز آسمان آبی است (شعر) ، بازگشت یادنامه میرزا ی کاظمی ، پند سعدی ، حافظ در اوج ، حصار(شعر) ، مقا له ها و مقابله ها ، نگاهی به غزل حافظ

خجسته‌ی کاشانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خجسته. معروف به ندیم‌باشی. وی دبیری نیکو خط و خوش اخلاق بود. نزد عموی خویش، ابوالقاسم‌خان، فروع قواعد و قوانین ادبی و عربی را فراگرفت. خجسته در سرودن شعر مایل به شیوه‌ی منوچهری بود و اغلب قصاید و مسمط او را به نیکویی پاسخ گفته است. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۸۰، ۲۹۰ /۹)، شرح حال رجال (۱۸۹ -۱۸۸ /۶)، لغت نامه (ذیل/ خجسته‌ی کاشانی)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مجمع الفصحا (۲۷۹ -۲۴۸ /۴).

خجندی، صدرالدین، عبداللطیف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۳ ق)، شاعر و ادیب. وی از خانواده‌ی خجندیان اصفهان است که در آن شهر صاحب ریاست بوده‌اند. صدرالدین از بزرگان زمان خویش بود که علاوه بر منصب صدارت او را شعری بود مطبوع و در تازی و پارسی و نظم و نثر قدرت او کامل. وی به دست اسماعیلیه کشته شد و اشعاری از او در تذکره «لباب الالباب» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۴۰۴، ۳۱۶ -۳۱۵ /۱)، لغت نامه (ذیل/ خجندی).

خدیوجم، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۳۰۶، مشهد.

درگذشت: ۲۵ مهر ۱۳۶۵، مشهد.

سید حسین خدیوجم، فرزند سید علی (از مردم اشکذر یزد) یزدی‌الاصل، پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ دیپلم ادبی و در سال ۱۳۳۸ لیسانس خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد گرفت و از دانشگاه سن ژوزف بیروت در رشته‌ی ادبیات عرب به اخذ درجه دکتری نایل گردید.

وی مدت‌ها در دبیرستان‌های شهر زادگاهش به تدریس اشتغال داشت. سپس به تهران منتقل گردید و در پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران به تدریس پرداخت. پس از آن به عنوان محقق در کتابخانه‌ی ملی و بنیاد فرهنگ مشغول به کار شد. مدتی نیز رایزن فرهنگی ایران در افغانستان بود.

سید حسین خدیوجم سال‌هایی از عمر خود را به تحقیق و مطالعه در کتابخانه‌های مختلف دنیا، به ویژه کشورهای عربی گذراند. از استاد خدیوجم بیش از سی جلد کتاب در زمینه تحقیق و تصحیح و ترجمه به جا مانده است. وی از محققان آثار غزالی در ایران بود و مهمترین اثرش در اینباره تصحیح و ترجمه‌ی احیاء علوم الدین غزالی است در هشت جلد که برای آن پانزده سال عمر صرف نمود.

از آثار اوست: تصحیح کیمیای سعادت (در دو جلد)؛ جواهر القرآن و وجد و سماع (از امام محمد غزالی)؛ تصحیح حقایق الاخبار ناصری (تألیف محمد جعفر خورموجی)؛ احیاء علوم الدین غزالی (ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، در هشت مجلد، ۱۳۵۹ - ۱۳۵۱)؛ ترجمه احصاء العلوم (ابونصر فارابی، ۱۳۴۸)؛ ترجمه آن روزها (ترجمه کتاب الایام اثر طه حسین، ۱۳۴۸)؛ عقاید فلسفی ابوالعلاء فیلسوف معره (از عمر فروخ، ۱۳۴۲)؛ هم آهنگی مردم (از احمد بن ابی یعقوب اسحاق یعقوبی، ۱۳۴۳)؛ استخراج آب‌های پنهانی (از ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب الکرجی، ۱۳۴۵)؛ روز مادر (با همکاری مهستی بحرینی، ۱۳۴۲)، گفت و شنودی فلسفی در زندان ابوالعلاء معری (از طه حسین، ۱۳۴۴)؛ کوشش در چاپ کتاب روضه خلد (از مجدالدین خوافی و به تصحیح مهدی فرخ، ۱۳۴۵)؛ کتاب از نظر شاعران و نویسندگان (۱۳۴۵)؛ روش صحیح نسخه‌های خطی (از صلاح‌الدین المنجد، ۱۳۵۶)؛ مفاتیح العلوم (از ابوعبدالله محمد بن یوسف کاتب خوارزمی، ۱۳۴۶)؛ جبر و مقابله (از محمد بن موسی خوارزمی ۱۳۴۸)؛ مسیر طالبی یا سفرنامه‌ی ابوطالب خان اصفهانی (۱۳۵۲)؛ معجم شاهنامه (تألیف محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، ۱۳۵۳)؛ واژه‌نامه‌ی حافظ (۱۳۵۹)؛ وی همچنین در چاپ کتاب هفتاد سالگی فرخ در سال ۱۳۴۴ با مجتبی مینوی همکاری داشت.

خدمت مطبوعات را از سال ۱۳۴۰ آغاز کرد و با نشریه‌های «سخن»، «نگین» و «راهنمای کتاب» همکاری داشت. به عربی، انگلسی و تا حدودی فرانسوی نیز آشنا بود و به بیشتر کشورهای اروپایی و عربی و شمال آفریقا سفر کرد.

حسین خدیوجم در مشهد درگذشت و پیکرش در کنار بقعه‌ای که مشهور به گور غزالی است به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خراسانی، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، ادیب، نوازنده و دانشمند. معروف به مدرس کبیر. از دانشمندان بنام اصفهان بود و شاگردان و مریدان زیادی داشت. بنا به قول گوبینو وزیر مختار فرانسه در ایران در کتاب «سه سال در آسیا»، وی در موسیقی خیلی ورزیده بود و تار را خیلی خوب می‌نواخت. ولی به جهت حرمت موسیقی هنر را مکتوم می کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۸۵/۱)، سرگذشت موسیقی (۱۹/۱)، شرح حال رجال (۲۳۸/۲) المآثر و الآثار (۱۸۳).

خراسانی، عبدالکافی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، کاتب. وی اهل خراسان بود و چنان که در مطاوی کتاب «اسکندر نامه» برمی‌آید، این کتاب را وی از روی چند نسخه استنساخ کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۲۹)، سبک شناسی (۱۳۱ -۱۲۸ / ۲).

خرده فروش کاشانی، مقصود، مولانا مقصود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۸۷ / ۹۸۳ ق)، شاعر و ادیب. اهل کاشان بود و به شغل خرده فروشی اشتغال داشت. اما در «تاریخ نظم و نثر» و تذکره‌ی «روز روشن» وی به قریه خرده کاشان نسبت داده شده است. او برادر باقر خرده فروش غزلسرا است. در علم سیاق دست داشت و شاگرد میر حیدر معمایی و میر غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. به آورده‌ی صاحب تذکره‌ی «روز روشن» با میر غیاث‌الدین منصور به حج و زیارت مشرف شد. مقصود کاشانی با ملا محتشم کاشانی همعصر بود و این دو قصایدی در هجو یکدیگر سروده‌اند. او سرانجام در خانه‌اش در یزد به دست دزدان به قتل رسید. صاحب «الذریعه» مقصود کاشانی خرده فروش و مقصود کاشانی متبحر در علم سیاق را یکی نمی‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۶)، تحفه سامی (۲۶۸ -۲۶۷)، تذکره‌ی روز روشن (۷۵۹ -۷۵۸)، الذریعه (۱۰۹۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۰ -۸۶۹)، لغت نامه (ذیل/ مقصود کاشانی)، مجمع الخواص (۲۱۴ -۲۱۳)، هفت اقلیم (۴۷۸ -۴۷۷/ ۲).

خرمشاهی، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهاءالدین خرمشاهی، متولد ۱۳۲۴، قزوین

– انصراف از رشته پزشکی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ۱۳۴۲

– اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۷

– دکترای کتابداری از دانشگاه تهران

– نویسنده بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله

– سردبیر نشریه فرهنگ از ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۰

– تألیف بیش از ۱۲ جلد کتاب درباره حافظ و حافظ شناسی

– ترجمه قرآن کریم با ۴ هزار یادداشت در ذیل صفحات و واژه نامه ای با ۱۲ هزار لغت

– تألیف فرهنگ شش جلدی انگلیسی – فارسی «واژه پژوهی»

– برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرهٔ المعارف تشیع.

تعبیری را درباره بهاءالدین خرمشاهی بپذیریم که می گوید: «خرمشاهی در میان نسلی که در سالهای دهه بیست متولد شدند، در سالهای دهه چهل به دانشگاه رفتند و در دهه پنجاه به کار تألیف و تحقیق و ترجمه پرداختند، بی شک بی نظیرترین و برجسته ترین چهره شناخته شده است. کارنامه پر بار و پربرگ او شگفت انگیز است. بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله زاییده پویش و پژوهش بی وقفه و عاشقانه اوست. آن هم در زمانه ای که کار تحقیق و تألیف با ناکامی و نابسامانی بسیار همراه است. استادان دانشگاه جز به تدریس نمی پردازند و کمتر فرصت تحقیق و پژوهش دارند. محققان و نویسندگان ما هم آنچنان درگیر گرفتاریهای پیچیده مادی و گذران معاشند که امکان پژوهش ندارند. در این زمانه عسرت اگر هم نویسنده ای به پرکاری و کثرت آثار شهره شده، کارش را نازل و قدرش را ناچیز می دانند و شعار «کوچک زیباست» را سر می دهند...» بسیارند نویسندگانی که دقت و سرعت را در هم آمیخته اند و هم کمیت و هم کیفیت کارشان درخشان است. خرمشاهی در زمره همین نویسندگان است. آثارش گسترده سرشار از تنوع است، نکته یاب و باریک بین است، کوشا و کوشنده و جستجوگر است. لطف بیان دارد و زبانش جذاب و شیرین و دلنشین است. پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است، شاعر و مترجم و مصحح و منتقد و ویراستار و دایرهٔ المعارف نویس است. و هر چند یکبار خود را «مؤلف و مترجمی پراکنده کار» نامیده، اما متفنن نیست. بی شک در دو حوزه تخصصی قرآن پژوهی و حافظ پژوهی کم نظیر است. بهاءالدین خرمشاهی متولد فروردین ۱۳۲۴ قزوین است و در آستانه ۶۰ سالگی می گوید: «من به چند روایت و اختلاف در روز دوازدهم فروردین ۱۳۲۴ دیده به جهان گشودم. سالهای ابتدایی عمر و تحصیلم را در دبستان رزبان و دو دبیرستان دیگر سپری کردم. رشته طبیعی خواندم. ولی همه عشقم به ادبیات فارسی و علوم قرآنی و علوم اسلامی معطوف بوده و هست.» پدرش اولین معلم علم و ادب و شیوه زندگانی اوست. و اگر عربیتی آموخته باشد از فضل پدر بوده است. از نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر و از ویراستاران دایرهٔ المعارف حاضر. تفسیر مورد بحث در یک مجلد به قطع بزرگ رحلی و شیوه ادبی دایرهٔ المعارفی شامل تمام قرآن کریم است مؤلف پس از درج هر یک صفحه از مصحف شریف، در ستون مقابل ترجمه فارسی آن را آورده سپس کلمات مشکله و متشابه و غریب هر آیه و مفاهیم کلیدی و مسائل و عبارات دشوار را ذیل آن توضیح می دهد. این ترجمه همراه با تفسیر از سوی مؤسسات انتشاراتی نیلوفر و جامی به طبع رسیده و نزدیک به انتشار است. در پایان این تفسیر واژه نامه قرآنی – فارسی و چند مقاله در زمینه تاریخ قرآن و عدم تحریف آن و مسائل دیگر قرآن پژوهی درج گردیده است. مؤلف از جمله محققین شیعه است که چهار اثر در زمینه قرآن پژوهی و تفسیر نگاشته است که سه دیگر آن عبارتند از: ۱) فرهنگ

موضوعی قرآن مجید در یک مجلد به زبان عربی و فارسی با همکاری استاد محقق توانا آقای کامران فانی این اثر شامل تدوین کلمات قرآن بر اساس موضوعی است. شیوه ساده مؤلفان در تنظیم کلمات و لغات قرآن، به ترتیب حرف اول کلمه بر اساس ابجدی یا دقیقتر بگوئیم ابتثی است - و نه بر رسم فرهنگهای کهن عربی که از روی ماده اصلی کلمات تنظیم یافته است. لذا مبتدیان و علماء و محققین یک سان بدون زحمت، خواسته خویش را در اندک زمان به دست می آورند. این اثر نزدیک به هشت هزار مدخل از موضوعات قرآنی را با ذکر نام سوره و شماره آیه در برابر آنها دربردارد. طبع اول این اثر در ۱۳۶۴ ش از سوی نشر فرهنگ معاصر (تهران), و طبع دوم آن در ۱۳۶۹ ش از سوی انتشارات الهدی صورت گرفته است. ۲) قرآن پژوهی : در یک مجلد به زبان فارسی، شامل هفتاد بحث و تحقیق قرآنی است که توس ط نشر مشرق در تهران در ۱۳۷۲ ش طبع گردیده است. ۳) تفسیر و تفاسیر جدید در یک مجلد به زبان فارسی (تهران، کیهان، ۱۳۶۴ ش) این اثر توس ط عصام حسن به عربی ترجمه گردیده و در بیروت توسط انتشارات دارالروضهٔ طبع و نشر گردیده است (۱۹۹۱/۱۴۱۱ ق). درباره پدرش می گوید: «اولین معلم قرآنی و عربی من پدرم بود. گاهی در ایام تحصیل در دانشگاه بین من و پدرم نامه های عربی رد و بدل می شد که ایشان از این کار بسیار به وجد می آمدند. هر چند که عربی هر دوی ما عجمی بود.» خرمشاهی در سال ۱۳۴۲ ایام دبیرستان را به پایان می رساند و با شرکت در اولین دوره کنکور رد می شود. چرا؟ می گوید: «من می بایست امتحان ادبی می دادم در حالی که دانش آموز رشته طبیعی بودم. اما با خواندن کتابهای ادبی در سال بعد موفق شدم در دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز، در رشته ادبیات فارسی قبول شوم. در ضمن در حد فاصل ردی اول و قبولی دوم یک سال فاصله زمانی وجود داشت که من در همان خلال به دانشگاه ملی (آن روزگار) که در همان سال تأسیس شده بود رفتم (۱۳۴۲). وجه تسمیه ملی برای این دانشگاه بیشتر به علت پرداخت شهریه اش بود. لاجرم پدرم از یکی از نزدیکان وام گرفت تا من بتوانم وارد دانشکده پزشکی شوم و شهریه سنگین ۵ هزار تومانی اش را پرداخت نمایم. اما این رشته دانشگاهی برای من چندان دوامی نداشت چرا که من دلی درگیر ادبیات و سری در سودای عربیت داشتم و لاجرم از رشته پزشکی انصراف داده و سال بعد با قبولی در کنکور وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم.» او در دانشگاه تهران، نزد اساتیدی چون دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر فره وشی، استاد پورداوود، استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی، دکتر سید صادق گوهرین، دکتر مهدی محقق، دکتر سید جعفر شهیدی و... تلمذ می کند. با این همه خودش دکتر عبدالحمید بدیع الزمانی را دومین معلم قرآنی خود می داند و می گوید: «هر هفته در محضر و کلاس او سؤالاتی که در حین قرائت قرآن برایم موضوعیت می یافت مطرح می کردم.» بهاءالدین خرمشاهی در سال ۱۳۴۷ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ التحصیل می شود و پس از گرفتن لیسانس ادبیات، رشته کتابداری را انتخاب می کند و پس از آن به انجمن حکمت و فلسفه می رود. از مهمترین علایق زندگی بهاءالدین خرمشاهی قرآن است و قرآن پژوهی. درباره اش می گوید «اصلاً بدین صورت نیست که هر کسی تحصیلکرده باشد بتواند قرآن را بفهمد و گاهی حتی از عهده روخوانی قرآن نیز برنمی آیند تا چه رسد به فهم عبارات و تفسیر قرآن، که در حقیقت این روند روخوانی و فهم عبارات و تفسیر مستلزم یک عمر جهد و ممارست و عشق و علاقه است که عمری پنجاه ساله می طلبد تا شخص از عهده آن برآید. بنده شاید به تقریب حدود چهل سال از عمرم را صرف این کار کرده ام و فعالیتهای مستمری در حوزه قرآن پژوهی و حافظ پژوهی نمودم و با یک نگاه اجمالی در می یابم که حتی همین مدت طولانی نیز هنوز چندان کافی نیست و عمر بیشتری می طلبد تا به فهم دقایق و رموزات قرآن و حافظ، توأمان، پی ببریم. و با آن که ده کتاب قرآنی و پانصد مقاله قرآن پژوهانه نوشته ام هنوز فکر می کنم که از آن آب و گل اولیه بیرون نیامده ام. از خداوند بزرگ مسألت دارم تا ما قرآن را مهجور نگیریم. چرا که مهجور گرفتن قرآن چنین نیست که ما قرآن را نخوانیم یا که کم بخوانیم، بلکه مهجوریت قرآن زمانی آغاز می شود که به مفاد قرآن توجه نکنیم و در آن تدبر ننماییم.»

برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر

(ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرهٔ المعارف تشیع.

خسروان، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد حسین خسروان در سال ۱۳۱۸ در سبزوار بدنیا آمد.از آنجایی که برای ورود به مدرسه سنش به حد نساب نمی رسید پدرش سن او را چند سال بزرگتر یعنی ۱۳۱۳ گرفته بود.او پس از اخذ دیپلم تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه فردوسی مشهد شروع کرد و موفق به اخذ مدارک به ترتیب کارشناسی،کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی شد.ایشان تا کنون حدود نیم قرن است که در آموزش و پرورش (تربیت معلم) ودانشگاهها به تدریس مشغول است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر و مادر محمد حسین خسروان دار فانی را وداع گفتند. وی جمعا چهار برادر و سه خواهر به نامهای علی رضا،علی اکبر،محمد حسین و محمد حسن و فاطمه زهرا،فاطمه صغری ،فرخ هستند.

خاطرات کودکی : محمد حسین خسروان کودکی را در سبزوار گذراند او به خواندن قران و مطالعه برخی کتابهای موجود ،مانند گلستان ،عاق والدین و غیره می پرداخت.دکتر خسروان به همراه برادران و خواهران خود در منزل به بازیهای کودکانه مشغول بودند که وی از این دوران خاطرات خوبی را بیاد دارد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد حسین خسروان در خانواده ای مذهبی که به ائمه اطهار دلبسته بودند بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد حسین خسروان از سن چهار سالگی به مکتب رفته و قرآن و آموزه های دینی و همچین چندین کتاب از جمله عاق والدین،گلستان و غیره را خوانده است.او دوران ابتدایی و متوسطه را را در سبزوار طی کرد.ایشان پس از اخذ دیپلم در آموزش و پرورش سبزوار به امر تدریس مشغول شد.دکتر خسروان کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه فردوسی مشهد گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمد حسین خسروان از دوران تحصیل چنین خاطره ای را بیاد دارد: دوران متوسطه دوران عجیبی بود.عده ای با چاقو و پنجه بوکس به کلاس می آمدند.می بایست موی سر کوتاه باشد،سال آخری ها زیر بار نمی رفتند.بیاد دارم که آخرین جلسه امتحان بود که رئیس فرهنگ یک سلمانی آورده بود،که در هنگام نوشتن ورقه ،سر ما را به صورت چهار راه در آوردند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : تمام فعالیت های محمد حسین سروان در راستای تحصیل و ورزش بوده است.

همسر و فرزندان : دکتر محمد سین خسروان متاهل است.وی درباره همسرش چنین متذکر میشود:همسر من خردمند و خانه دار است. تام هم و غمش این بوده و هست که مایه آرامش باشد ،به بهداشت و غذا اهمیت زیادی قائل است. ایشان دارای دو پسر و دو دختر دارد که همگی آنها دارا تحصیلات دانشگاهی می باشد.

فعالیتهای آموزشی : محمد حسین خسروان حدود نیم قرن است که در کسوت معلمی و استادی به تدریس می پردازد. او تا کنون بیش از ۲۰۰ رساله کارشناسی ارشد و دکترای را راهنمایی کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد حسین خسروان در کنار تدریس به تحقیق و مطالعه در زمینه های ادبی و غیره می پردازد.
همفکران فرد : دکتر خسروان خود را با همکاران دانشگاهی خود همفکر می داند.
چگونگی عرضه آثار : محمد حسین خسروان بیش از ۳۰ جلد کتاب و مقاله متشر کرده است. --

آثار :

۱ افسانه خیر و شر

ویژگی اثر : تالیف

۲ اوج و انحطاط سبک هندی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدحسین خسروان ناشر: سخن گستر - ۱۳۸۳.این کتاب چکیده رساله دکتری دکتر خسروان است

۳ تو نیکی می کنی و در دجله انداز

ویژگی اثر : تالیف

۴ خزان و بهار

ویژگی اثر : این اثر مثنوی گرانقدر را نیز با تهیه چند نسخه خطی به بازار عرضه شد.مطالب و حکایت بسیار نغز و ارزنده دارد.نثر شیوا و روان است.

۵ داستانهای باستان

ویژگی اثر : تالیف

۶ گلشن توحید

ویژگی اثر : نسخه خطی بود که بر اثر تلاش فراون چند نسخه خطی از کتابخانه های اینجا و آنجا فراهم آورده و به زیور چاپ آراسته شده.منظوم است بیتی از مثنوی مولوی است. و شاهدی" دده "در پنج بیت آن را شرح کرده است.

۷ مضمار دانش

ویژگی اثر : تالیف

خطاط، نسرین دخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر نسرین دخت خطاط ،مترجم و محقق زبان فرانسه ،در سال ۱۳۲۳ در تهران بدنیا آمد. وی پس از طی دورهای ابتدایی و متوسطه ، در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فرانسه ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۴۷ درجه کارشناسی اش را از همین دانشگاه دریافت کرد و در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد و درسال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را دریافت کرد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه, دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهوالدین و انساب : نسرین دخت خطاط فرزند عزت الله خطاط است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : نسرین

دخت خیاط دوران متوسطه اش را در دبیرستان آزرم تهران در رشته طبیعی و در فاصله سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۲ سپری کرده و سپس در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فرانسه ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۴۷ درجه کارشناسی اش را از همین دانشگاه دریافت کرد و در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد و درسال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را دریافت کرد. موضوع پایان نامه او، بررسی یکی از رمان های گوستاو فلوبر نویسنده مشهور قرن ۱۹ فرانسه است که در ایران او را بیشتر به واسطه کتاب «مادام بوآری» می شناسندهم دوره ای ها و همکاران : نام نسرین دخت خطاط همچنین نام مهوش قدیمی، همکار و یار قدیمی اش را به یاد می اندازد. این دو توانسته اند با همکاری و همیاری یکدیگر آثار بسیارخوب و وزینی را در عرصه ادبیات پژوهش تدوین و ترجمه نمایند که «تاریخ ادبیات فرانسه» (جلد پنجم: قرن بیستم) پیدایش رمان فارسی نوشته کریستف بالایی از آن جمله استمشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی نسرین دخت خطاط به قرار زیر است: استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی نائب رییس انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه سردبیر نشریه PLUME (قلم) عضو هیات تحریریه مجله پژوهشی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران عضو کمیته تخصصی سمت فعالیتهای آموزشی : نسرین دخت خطاط» از سال ۱۳۵۴ در دانشگاه شهید بهشتی یا همان دانشگاه ملی به تدریس واحدهای درسی رشته زبان و ادبیات فرانسه و درس های ذیل پرداخت: - تاریخ ادبیات، - نقد ادبی ، - امثال و تعبیرات، - مکالمه متون نظم و نثر، و نویسندگان بزرگ معاصر پرداخته است که این همکاری همچنان ادامه دارد و بسیاری از شاگردان او حالا از مترجمان و محققان به نام هستند. او هم اکنون با سمت استادیار در دانشگاه شهید بهشتی مشغول تدریس است و در نهمین کنگره جهانی استادان زبان فرانسه در کشور ژاپن که در سال ۱۳۷۵ برگزار شد، با ارائه مقاله ای در باره این زبان شرکت داشت و عضو هیأت برگزارکننده این کنفرانس بود. معروفترین مقالاتی که تاکنون از او به چاپ رسیده اند عبارتند از: - آموزش ادبیات فرانسه، تألیف لقمان، ۱۳۷۱ - تألیف روش سمعی و بصری، تألیف لقمان ، ۱۳۷۱ - روش آموزشی متون ادبی ، رشد ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی می باشد که در در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد (تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی) به تدریس می پردازد. وی همچنین استاد راهنما در پروژه های مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد(ادبیات فرانسه و تطبیقی در زمینه نقد مضمونی ، تخیل و زبانشناسی) می باشد. آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی زبان و ادبیات فرانسه و تطبیقی: تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی جوائز و نشانها : - مؤلف برجسته و نمونه سال ۱۳۷۱ منتخب از سوی دانشگاه الزهرا - تقدیر از طرف دانشگاه شهید بهشتی بخاطر کتاب نقد ادبی در سال ۱۳۷۴چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات منتشر شده در مجلات و ژورنالهای علمی : بیش از ۲۱ مقاله نسرین دخت خطاط» تاکنون کتابهای متعددی را نیز در زمینه ادبیات و ادبیات پژوهشی منتشر نموده که معروفترین آنهاعبارتند از: «فرانسه نیمه تخصصی جلد یک و دو (با همکاری) این دو کتاب را مرکز نشر دانشگاهی در سالهای ۱۳۶۳ منتشر کرد که در سال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ شد. از دیگر کتابهای او می توان به کتاب «امثال و تعبیرات» اشاره کرد که با همکاری دیگر نویسندگان توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۵ چاپ شد و درسال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ گردید. نقد ادبی ، آموزش سمعی و بصری، ترجمه تاریخ ادبیات قرن بیستم ، پیدایش رمان معاصر از دیگر کتابهای مشهور اوست. از دیگر کتابهای مهمی که درچندساله اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی منتشر شده است و نسرین دخت خطاط نقشی کلیدی در پدیدآمدن آن ایفا نموده کتاب و یا به عبارت بهتر فرهنگ توصیفی نقد ادبی است که فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده و روانه بازار کرده استآثار : ۱ آموزش زبان فرانسه به روش سمعی و بصری ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی ۲ امثال و تعبیرات، ترجمه

تاریخ ادبیات قرن بیستم (ترجمه) ، پیدایش رمان فارسی (ترجمه) ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم -کتاب «پیدایش رمان» فارسی ازجمله کتاب های اثرگذار در سالهای اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی است. کتابی که در سه بخش تدوین شده است و این بخش ها عبارتند از: «پیدایش رمان فارسی»، «رمان در اواخر قرن نوزدهم» و «رمان در قرن بیستم» در این کتاب کریستف بالایی تلاش می کند تا با مطالعه ای تطبیقی ادبیات فارسی را با ادبیات ترک، عرب و ادبیات پنجاب مقایسه نموده وجوه مشترک آنها را بررسی کند. او نحوه پیدایش رمان های تاریخی را ملهم از رمان های اروپایی می داند و بحران های سیاسی، اجتماعی و روشنفکری ادبیات نوین ایرانی را از ابتدای قرن نوزدهم میلادی ارزیابی می کند. او در بخشی از کتاب می نویسد: «خسروی حقیقتاً تحت تأثیر آثار الکساندر دوما ـ کنت دو مونت کریستو و سه تفنگدار، که به فارسی ترجمه شده بودند قرار دارد... جالب آن است که بسیاری از مشروطه طلبان این دوره همچون نویسنده [خسروی] فوق از خاندان مستبد قاجاری، شاهزادگان و اشراف زادگان هستند. او به همین دلیل مجبور به اختفا و سپس تبعید می شود.»۴ پیدایش رمان معاصر (ترجمه) ، تاریخ ادبیات فرانسه ویژگی اثر : (جلد پنجم: قرن بیستم) نوشته پیربرونل و ایوه بلانژه، وانیل کوتی، فیلیپ سلیه و میشل تروفه، از زبان شناسان و محققان برجسته فرانسه است که نسرین دخت خطاط چنانکه پیش از این آمد آن را به همراه دکتر مهوش قویمی یار دیرینه و همکار آشنای خود ترجمه کرده است. کتاب مذکور که کتابی درسی نیز محسوب می شود توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) در پاییز به چاپ رسید. کتاب فوق ترجمه پنجمین و آخرین بخش از یک دوره کامل «تاریخ ادبیات فرانسه» اثر پیر برونل و همکاران او محسوب می شود که بخش های پیشین آن را مترجمان و محققان دیگری ترجمه کرده بودند.۶ فرهنگ توصیفی نقد ادبی ویژگی اثر : این کتاب که از فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده است.۷ نقد ادبی ویژگی اثر : سمت، چاپ پنجم۸ نقد ادبی ، فرانسه نیمه تخصصی

خطی بحرانی، ابوالبحر جعفر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۸ ق)، ادیب و شاعر. در قطیف متولد شد، به بحرین رفت و از آنجا به اصفهان سفر کرد و نزد شیخ‌بهایی تحصیل کرد. ابوالبحر در شیراز درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۴/۲)، اعیان الشیعه (۱۵۸/۴)، الذریعه (۲۹۹/۹)، ریحانه (۱۴۳ -۱۴۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ جعفر)، معجم المولفین (۱۴۶/۳).

خطیب اسکافی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۱/۴۲۰ ق)، فقیه، ادیب و لغوی. در اصفهان متولد شد. وی نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و در این فن سرآمد و

همچنین در نحو و لغت و ادب نیز مشتهر. به گفته سمعانی، ابتدا از اصحاب رای بود و پس از آن اصحاب حدیث شد. خطیب از ابوبکر قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید و ابومنصور سمعانی از وی روایت می‌کرد. از آثارش: «مبادی اللغه العربیه»؛ «نقد الشعر»؛ «لطف التدبیر فی سیاسه الملوک»؛ «دره التنزیل و غره التاویل فی الایات المتشابهه»؛ «شواهد سیبویه»؛ «غلط کتاب العین»؛ «العزه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۲/۷)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳ /۲)، کشف الظنون (۱۹۷۳ ،۱۵۷۹، ۱۵۵۵، ۱۴۲۸ -۶۹۱)، لغت نامه (ذیل/ خطیب)، معجم الادباء (۲۱۵ -۲۱۴ /۱۸)، معجم المولفین (۲۱۱/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۳۷/۳)، هدیه العارفین (۶۴/۲).

خطیب تبریزی، ابوزکریا یحیی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۲ -۴۲۱ ق)، ادیب لغوی و شاعر. معروف به خطیب. در تبریز متولد شد و در بغداد ساکن. ابوالعلاء معری، ابوالقاسم الرقی، ابومنصور جوالیقی و ابوبکر احمد بن علی، صاحب تاریخ بغداد، از استادان او بودند. در جوانی سفری به مصر کرد و پس از چندی به بغداد بازگشت و به تدریس و تولیت کتابخانه و ریاست علوم ادبی نظامیه آن شهر مشغول شد. در بغداد درگذشت. از آثار وی: شرح «حماسه‌ی» ابی‌تمام؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «شرح سقط الزند»؛ «تهذیب غریب الحدیث»؛ «الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «الملخص»؛ «تفسیر القرآن و الاعراب».[۱]

تبریزی، ابوزکریا یحیی بن علی بن محمد شیبانی از بزرگان لغت و ادب عرب (و ۴۲۱- ف. ۵۰۲ ه.ق.). اصل وی از تبریز است ولی در بغداد نشو و نما یافت و به مصر رفت و سپس به بغداد بازگشت و بدانجا درگذشت. از کتب او شرح دیوان الحماسهٔ لابی تمام در ۴ جزو بزرگ، تهذیب اصلاح المنطق لابن السکیت، شرح سقط الزند للمعزی، اعراب القرآن و غیره است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۹۷/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۸/۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۹ -۳۷)، دایرةالمعارف فارسی (۹۰۶/۱)، ریحانه (۱۴۶/۲)، سیرالنبلاء (۲۷۱ -۲۹۶ /۱۹)، الکامل (۲۵۸/۸)، کشف الظنون (۱۹۹۱ ،۱۸۰۸، ۱۷۴۱ -۱۷۴۰، ۱۵۶۳، ۱۳۷۷ ،۱۳۳۰، ۹۹۲، ۸۱۲ ،۷۷۰، ۶۹۲، ۴۴۶، ۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۲۱۵ -۲۱۴ /۲)، وفیات الاعیان (۱۹۶ -۱۹۱ /۶)، هدیه العارفین (۵۱۹/۲).

خطیب رهبر، خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر خلیل خطیب رهبر در سال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی در شهر کرمان دیده به جهان گشود.ایشان در سال ۱۳۳۶مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران اخذ کرد.در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۴۵ به درجه استادی ارتقاء یافت. وی در سال ۱۳۵۹ پس از ۳۷ سال خدمت آموزش به افتخار بازنشستگی نایل آمد. تصحیح

کتاب" مرزبان نامه " ایشان ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : خلیل خطیب رهبر تحصیلات ابتدائی و دوره دانشسرای مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند و در سال ۱۳۲۴ برای ادامه تحصیل در دانشسرای عالی به تهران آمد. در سال ۱۳۲۸ بارتبه اول به احراز درجه لیسانس در رشته زبان فارسی و گرفتن مدال درجه اول علمی نائل آمد و به دبیری پرداخت. در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی سرافراز گشت

استادان و مربیان : خلیل خطیب رهبر در سالهای تحصیل در دانشکده ادبیات، علاوه بر استفاده از محضر استادان بزرگ دانشگاه تهران از قبیل استاد فقید همایی، از محضر شادروان استاد محمدعلی ناصح رئیس دانشمند انجمن ادبی ایران بهره ها برد و در مدت سی و هشت سال آموزش در محضر استاد ناصح، بسیاری از متون نظم و نثر کهن را آموخت و از ذهن توانا و طبع وقاد استاد در حل مشکلات یاری جست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خلیل خطیب رهبر در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۴۵ به درجه استادی ارتقاء یافت. در سال ۱۳۵۹ پس از ۳۷ سال خدمت آموزش به افتخار بازنشستگی نایل آمد

جوائز و نشانها : خلیل خطیب رهبر در سال ۱۳۲۸ بخاطر احراز رتبه اول در مقطع لیسانس در رشته زبان فارسی مدال درجه اول علمی را از آن خود کرد.همچنین تصحیح" مرزبان نامه " ایشان ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ تصحیح دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی

۲ تصحیح گلستان سعدی

۳ تصحیح مرزبان نامه

ویژگی اثر : این کتاب برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره سوم انتخا کتاب سال می باشد.-آشنایی با کتاب: «مرزبان نامه» یکی از آثار ارزنده نثر فنی فارسی، باز نگاشته خامه نویسنده و گوینده و ادیب توانا سعدالدین وراوینی است که در نیمه اول قرن هفتم میان سالهای ۶۲۲ – ۶۱۷ از گویش طبری باستان به زبان پارسی دری آراسته به صنایع لفظی و معنوی و اشعار تازی و پارسی امثال و اخبار نقل شده پس از دویست و اندسال که از تاریخ تألیف آن توسط مرزبان بن رستم، یکی از شاهزادگان طبرستان می گذشت، در جامه نو به منصه ظهور آمد. مرزبان نامه از لحاظ شیوه نثر نویسی، پیرو سبک نصرالله بن عبدالحمید منشی ترجمان کلیله و دمنه از عربی به فارسی است. مرزبان نامه دارای یک مقدمه و نه باب است. شیوه داستان پردازی در مرزبان نامه، همان شیوه معهود در ایران و هند. یعنی بیان پند و انتقاد از زبان جانوران و گیاهان است تا شنوندگان را نوشداروی تلخ نصیحت ناگوار نیفتد و فرمانروایان خود کامه را خرده گیری آشکار، به آزار و شکنجه اهل قلم بر نینگیزد. برای تصحیح و تعلیق مرزبان نامه، قریب هفت سال صرف وقت شده است و در ۷۹۵ صفحه، در سلسله انتشارات دانشگاه شهید بهشتی نشر یافته است.

۴ دو رساله در باب حروف اضافه و ربط و مقالاتی در باب مباحث دستور فارسی

۵ گزیده اشعار رودکی و فرخی

۶ گزینه نثر فارسی (سه جلد)

۷ مجموعه ای از نثر فارسی قدیم و جدید

خطیب قزوینی، جلال‌الدین، ابوالمعالی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۳۹ -۶۶۶ ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به خطیب دمشقی. اصل او از قزوین است. وی به روم و مصر و شام سفر کرد. مدتها قاضی‌القضاه آناتولی، قاضی بلاد مصر و قاضی خطیب دمشق بود. وی اقوال اوقاف را صرف نیازمندان و درویشان می‌کرد. خطیب قزوینی شیرین‌سخن بود و به ادبیات عربی و ترکی و فارسی کاملا مسلط بود. در دمشق درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «الایضاح»، در شرح «التلخیص»، در معانی و بیان؛ تلخیص «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «السور/ الشذر المرجانی من شعر الارجانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۶/۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۵ -۲۹۳ /۳)، روضات الجنات (۸۱ -۸۰ /۸)، ریحانه (۱۴۸/۲)، کشف الظنون (۲۱۰)، الکنی و الالقاب (۲۱۶ -۲۱۵ /۲)، معجم المولفین (۱۴۶ -۱۴۵ /۱۰)، مینو در (۲۴۳، ۱۲۰ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۳ - ۲۴۲ /۳)، هدیه الاحباب (۱۳۲).

خطیب کرمانشاهی، زکی، محمد زکی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۱۵۹ ق)، عالم امامی، واعظ و ادیب. پدر و مادرش اهل سنت بودند. وی در هشت سالگی از نزد ایشان رفت و به اسماعیل خان حاکم همدان پناهنده شد و تحت نظر وی تربیت شد. وی پس از طی مراتب علمی شیخ‌الاسلام و امام جمعه کرمانشاه شد و جمع بسیاری در اثر مواعظ او هدایت یافتند. در اواخر عمرش به امر نادرشان، قاضی لشکر بود و پس از مدتی در اثر بدگویی اطرافیان به امر وی کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۶/۷)، ریحانه (۱۵۰/۲).

خطیبی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین خطیبی در سال ۱۲۹۵ در تهران متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون ، شعبه

ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد. خطیبی مشاغل مختلفی چون: دبیردبیرستان ، رییس کتابخانه دانشکده حقوق ؤ استاد دانشکده ادبیات تهران ، معاون و ریاست رونامه رسمی کشور ، عضو هیات مدیره جمعیت هلال احمر مرکز و... را به عهده داشته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین خطیبی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون ، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد.

استادان و مربیان : ملك الشعرای بهار ، فروزانفر ، پورداوود و علی اصغر حکمت از جمله استادان حسین خطیبی بودند.

هم دوره ای ها و همکاران : حسین خطیبی از جمله نخستین کسانی بود که به همراه دکتر معین ، دکتر خانلری و دکتر ذبیح الله صفا در دوره دکترای ادبیات فارسی پذیرفته شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین خطیبی به مدت تقریباً سه سال (از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳) رئیس کتابخانه دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران را به عهده داشت. پس از آن گذشته از وظایف دانشگاهی معاونت و سپس ریاست اداره روزنامه رسمی کشور در مجلس شورای ملی به او محول شد. استاد دکتر خطیبی از ششم شهریور ماه ۱۳۲۶ به سمت افتخاری مدیر عاملی شیر و خورشید سرخ سابق و هلال احمر فعلی منصوب شد و این سمت را به مدت سی و دو سال ـ تا بهمن ۱۳۵۷ ـ بدون دریافت هیچ گونه حقوق و پاداشی عهده دار بود که نتیجه آن احداث صدها بیمارستان و درمانگاه و زایشگاه و آموزشگاههای پرستاری و بهیاری و پرورشگاه ایتام و دیگر موسسات خیریه و امدادی بود.

فعالیتهای آموزشی : حسین خطیبی پس از اخذ لیسانس به پیشنهاد استاد ملك الشعرای بهار ساعتی چند از درس استاد به واگذار شد. او همچنین پس از دریافت درجه دکترا به دانشیاری کرسی سبك شناسی دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۳۰ که استاد ملك الشعرای بهار صاحب کرسی درگذشت ، این سمت رسماً به او واگذار گردید که آن را تا اواخر سال ۱۳۵۷ برعهده داشت و به این ترتیب با احتساب دورهٔ دبیری دانشگاه که از سال ۱۳۱۷ آغاز شد ، جمعاً چهل سال در سمت تدریس انجام وظیفه کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین خطیبی ادیب ، روزنامه نگار و شاعر می باشد ، با آنکه در شاعری توانا و در کار نظم تبحر دارد ، هیچگاه به شعر و شاعری متظاهر نبوده است. وی دارای آثار و تالیفاتی نیز می باشد. ---------------------- --

آثار :

۱ فن نثر در ادبیات فارسی

ویژگی اثر : جلد اول این کتاب چاپ و در دانشگاه های کشور تدریس می شود.

۲ منظومه ای در چندهزار بیت در مورد زبان پر ارج فارسی

منابع :

۱اثر آفرینان (زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران) ، زیر نظر: دکتر سیدکمال حاج سیدجوادی ، با همکاری: دکتر عبدالحسین

نوایی ، ج ۲ ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی فرهنگی ایران ، ص ۳۵۱۲سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سیدمحمدباقر برقعی ، ج ۲ ، قم: نشرخرم ، ص ۱۲۹۲۳شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج اول ، تهران: انتشارت سنایی ، ص ۳۲۶

خطیبی، حسین، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵/۱۲۹۴ ش)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه‌ی دارالفنون، شعبه‌ی ادبی به پایان رسانید. سپس دوره‌های مختلف عالی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ ش موفق به اخذ دکتری زبان و ادبیات فارسی شد. ملک‌الشعراء بهار، فروزانفر، پور داوود و علی‌اصغر حکمت از استادان او بودند. خطیبی پس از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود، از جمله: دبیر دبیرستان شرف، رییس کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق، استاد دانشکده‌ی ادبیات تهران، معاون روزنامه‌ی رسمی کشور عضو هیات مدیره‌ی جمعیت هلال‌احمر مرکز. از آثار منظوم وی: «منظومه‌ای در چند هزار بیت در مورد زبان پر ارج فارس»؛ و از تالیفات او: «فن نثر در ادبیات فارسی».[۱]

از دانشمندان زبان و ادبیات فارسی و استاد دانشگاه، در سال ۱۲۹۵ ش در تهران تولد یافت. پدرش آشیخ محمدعلی سال‌ها نایب‌التولیه و مدرس مدرسه‌ی خان مروی بود و امور مدرسه و طلاب و موقوفات را اداره می‌کرد. خطیبی وقتی به سن رشد رسید، تحصیلات خود را آغاز نمود و به کسوت روحانیت درآمد. در سال ۱۳۰۶ آقا شیخ محمدعلی درگذشت. تولیت و مدیریت مدرسه به دیگری واگذار شد و خطیبی به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و دیپلم خود را از آن مدرسه اخذ نمود. در سال ۱۳۱۳ وارد دانشکده‌ی ادبیات تهران شد و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی و فلسفه دانشنامه گرفت و در ۱۳۱۶ که دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران تأسیس شد و عده‌ی معین، صفا و خانلری دانشجویان اولین دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی بودند. دروس دوره‌ی دکترا را در سال ۱۳۱۸ پایان برد و به تألیف و تنظیم رساله‌ی دکترای خود پرداخت و ظرف پنج سال تاریخ تطور نثر فارسی را به رشته‌ی تنظیم درآورد و پس از مرحوم ملک‌الشعرای بهار، اولین تحقیق درباره‌ی سبک‌شناسی در نظم و نثر فاسی به وسیله‌ی او پورداوود، علی‌اصغر حکمت، بهمنیار و فروزانفر با قید بسیار خوب پذیرفته شد و سمت وی از دبیری دانشگاه به دانشیاری تبدیل یافت و مستقلاً تدریس سبک‌شناسی را در دانشکده‌ی ادبیات عهده‌دار شد. در سال ۱۳۳۰ پس از درگذشت بهار، کرسی و مقام استادی وی به خطیبی تفویض گردید و از آن تاریخ تا دوران کناره‌گیری به تدریس تاریخ تطور نظم و نثر و دستور زبان فارسی در دوره‌ی لیسانس و دکترا اشتغال داشت.

دکتر خطیبی در کنار شغل دانشگاهی، مشاغل دیگری را نیز عهده‌دار شد. چندی ریاست کتابخانه دانشکده‌ی حقوق با او بود، بعد مدیریت روزنامه‌ی رسمی کشور را عهده‌دار شد. در دوران حکومت دکتر محمد مصدق مدیرکل دفتر نخست‌وزیری بود و تا سقوط مصدق در سمت رئیس کابینه با مصدق همکاری نزدیک داشت. در سال ۱۳۴۲ در دوره‌ی بیست و یکم مجلس شورای ملی از لار او را به مجلس فرستادند و در همان دوره به نیابت ریاست رسید. در ادوار بیست و دوم و بیست و سوم و بیست و چهارم همچنان وکیل و نایب‌رئیس اول مجلس بود. دکتر حسین خطیبی در سال ۱۳۲۸ مدیرعامل شیر و خورشید سرخ شد. در آن تاریخ شیر و خورشید سازمان کوچک و غیرفعالی بود. خطیبی توانست در مدتی کوتاه جمعیت مزبور را به سرعت توسعه دهد به طوری که ده‌ها بیمارستان و درمانگاه، پرورشگاه، مؤسسات خیریه و امدادی دیگر در سطح کشور تأسیس و دائر شد.

خطیبی یکی از افراد انگشت‌شماری است که با زبان‌های فارس قدیم و پهلوی آشنائی دارد. وی در میانسالی با دختر سید محمد آیت‌اللّه‌زاده کاشانی ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] رجال ماذندران (۱۶۰/۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۹۷ –۱۲۹۲ /۲)، مولفین کتب چاپی (۷۳۳/۲).

خلخالی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱ –۱۲۵۱ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و مصحح. مشروطه‌خواه و همکار سید رضای شیرازی بود که در تحریر و نشر روزنامه‌ی روزانه‌ی «مساوات» همکاری داشت. امروز خلخالی بیشتر به خاطر چاپ نسخه مورخ ۸۲۷ ق «دیوان» حافظ مشهور است. وی در تهران درگذشت. آثار او: «حافظ نامه»؛ «به یکدیگر محبت کنید»؛ «حرص باعث هلاکت است» که هر دو از تولستوی است و از ترکی ترجمه شده؛ «شارل و عبدالرحمان»، اثر جرجی زیدان.[۱]

عبدالرحیم (سید) نویسنده و دانشمند (ف. ۱۳۲۱ ه.ش./ ۱۳۶۱ ه.ق.). وی از آزادیخواهان و مشروطه طلبان و همکار سید محمدرضا شیرازی در تحریر و نشر روزنامه مساوات (منتسب به حزب دموکرات در تهران) بود. خلخالی دیوان حافظ را از روی نسخه مکتوب به سال ۸۲۷ ه.ق. تصحیح و منتشر کرده است.

در حدود ۱۲۹۰ ه.ق در خلخال متولد شد. در اوایل عمر برای تحصیل به رشت مسافرت نمود و سالیان دراز در آنجا به تحصیل زبان و ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و فلسفه مشغول بود. بعد برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و تا ابتدای مشروطیت به طور نامنظم به مطالعه و تحصیل اشتغال داشت. در تهران در اثر رفت و آمد در محافل مختلف با گروه‌های سیاسی آشنا شد و برای استقرار مشروطیت به تلاش و تکاپو افتاد. پس از صدور فرمان مشروطیت به همراهی سید محمدرضا مساوات روزنامه‌ی معروف و تندرو و هتاک مساوات را دائر کردند و تحقیقاً لبه‌ی تیز حملات این روزنامه متوجه محمدعلی شاه بود و یک بار نیز کار آنها به عدلیه کشید ولی گذشت محمدعلی شاه باعث شد مدیر و سردبیر روزنامه مجازات نشوند. پس از به توپ بستن مجلس و اعلام حکومت نظامی و دستگیری عده‌ای از مخالفین حکومت، سید عبدالرحیم خلخالی به اتفاق سید محمدرضا مساوات مخفیانه از تهران فرار کردند. مساوات در تبریز به فعالیت خود علیه استبداد ادامه داد ولی خلخالی به قفقاز مسافرت کرد و در آنجا دست به فعالیت زد و مدتی نیز نزد حاج میرزا عبدالرحیم طالبوف بود و از آنجا به عشق‌آباد رفت.

در ۱۳۲۷ ه.ق به رشت آمد و فعالیت خود را مجدداً آغاز نمود و با معزالسلطان و یپرم و سپهدار که از سران فعالیت در گیلان بودند آشنا شد. پس از سقوط محمدعلی شاه و فتح تهران وارد مرکز شد و به هر کدام از مخالفین محمدعلی شاه کاری داده شد از جمله خلخالی در وزارت دارائی استخدام گردید و ریاست دیوان محاسبات را به او سپردند ولی به علت عدم اطلاع وضع دیوان محاسبات را آشفته‌تر کرد و ناچار او را تغییر دادند و در خزانه‌داری سمتی به او سپردند. بعد به ریاست مالیه غار و فشاپویه منصوب شد.

در جنگ بین‌الملل اول در زمره رجال و معاریف و آزادی‌طلبان به کرمانشاه رفت و مدتی نیز در اسلامبول و کرکوک اقامت گزید تا به تهران بازگشته به شغل خود در وزارت مالیه اشتغال ورزید. در سال ۱۳۰۶ ش داور او را به عدلیه انتقال داد و مدتی مستشار دیوان عالی جزای عمال دولت بود. وقتی داور به وزارت مالیه رفت، او نیز همراه او به وزارتخانه‌ی مزبور بازگشت و ریاست اداره‌ی بازرسی کل را به او سپردند.

خلخالی از ادباء و علاقمندان به ادبیات فارسی بود. به حافظ ارادت خاصـی داشت. یکی از نسـخه‌های قدیمی دیوان حافظ که گویا سی و پنـج سال بعـد از وفات حافظ کتابت شـده بود، در اختیار آن مرحوم بود. پس از تصـحیح آن را انتشار داد. چنـد ترجمه نیز از نوشـته‌های تولستوی فیلسوف روسی از او باقی مانده است. وفات او در سال ۱۳۲۱ ش اتفاق افتاد. روی همرفته مردی ادیب، باسواد، آزادی‌خواه و نیک‌نفس بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۰۸/۴)، شرح حال رجال (۲۶۲/۲)، مولفین کتب چاپی (۸۲۳ –۸۲۲ /۳)، یادگار (س ۳، ش ۵، ص ۴۴ –۴۳).

خلیفه نیشابوری، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۵۰ –۶۹۰ ق)، مترجم. وی اهل نیشابور بوده و چنانکه دکتر شـفیعی کـدکنی در مقـدمه‌ی «تاریخ نیشابور» تصـریح دارند، به سال ۷۱۷ ق در تبریز بوده و در خـدمت محمود بن عمر نجاتی نیشابوری، از ادیبان برجسـته‌ی عصـر، به تلمـذ اشـتغال داشـته است. خلیفه تاریـخ مفصل و چنـد جلـدی نیشابور ابن البیع الحاکم را ترجمه و تلخیص کرد. این کتاب چند بار چاپ شده است که بهترین چاپ آن به وسیله دکتر شفیعی با مقدمه و تعلیقات مفصل نشر یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۸۳)، تاریخ نیشابور (۴۷ –۴۳).

خلیقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۲۶ ق.، قریه‌ی ماسان (از توابع کامیاران).

درگذشت: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲، سنندج.

ملا حسن خلیقی، فرزنـد عبدالخالق کوله ساره‌ای، پس از رسـیدن به سن تمیز قرآن و مقدمات فارسـی و عربی را در محضـر پدرش آغـاز کرد و پس از مـدتی برای کسب دانش بیشتر به قریه آفریان سـفلی رفت و در حضور ملا فیض‌الله زردویی تلمـذ نمود. چنـدی بعـد مجـددا به زادگاهش ماسان بازگشت و نزد پدر به تکمیل معلومات پرداخت. به موازات تحصـیل، به مطالعه و تحقیق در منثوی مولانا جلال‌الدین رومی مشغول گردید. در این مورد از عبدالقادر مولانایی که اسـتاد مثنوی‌دان بود اسـتفاده و به ویژه اشعاری را از مثنوی حفظ کرد، علاوه بر اشـعار مولوی آثار سـعدی و حافظ و متونی از کلیله و دمنه و تاریخ معجم و کتب ادبی دیگر را به خاطر سپرد، تا اینکه به کمک و راهنمایی‌های پدرش در ادبیات فارسی پیشرفت نمود و برای تکمیل تحصیلات راهی سنندج شد و با سید عنایت‌الله هویه‌ای ملاقات کرد. همراه با ایشا ن به قریه‌ی هویه رفت و مدتی در محضـر او علوم پایه (صرف و نحو و منطق و غیره...)

را فراگرفت. بعد به ماسان مراجعت و در بین راه گذارش به قریه‌ی دولاب ژاورود افتاد و در آنجا نیز چند ماهی در خدمت ملا غفور دولابی استفاده نمود. آنگاه به ماسان بازگشت و نزد پدرش کتاب جمع الجوامع را در اصول به اتمام رسانید و به منظور ادامه و تکمیل علوم و اخذ اجازه‌ی افتاء و تدریس به سنندج رفت و چندی نزد ملا حبیب‌الله کاشتری و ملا عبدالمجید اصولی کسب فیض نمود و عاقبةالامر در مدرسه‌ی مسجد ملا جلال سنندج از محضر حاج ملا محمد مدرس گرجی اجازه گرفت و ملا عبدالعظیم مجتهد و ملا محمد مفتی و شیخ کاشتری و سایر استادان اجازه او را تصدیق و مهر تایید زدند. آنگاه به ماسان بازگشت و پس از توقف کوتاهی به سمت مدرس و امام قریه نجف‌آباد منصوب و مشغول تدریس گردید. چند سال بعد در قریتین سرچی و دیرمولی (یکی پس از دیگری) مدرس شد و با جدیت به حل مسائل شرعی رفع اختلافات مسلمانان می‌پرداخت. بعدها نیز یازده سال در قریه کوله ساوه ورمشت (ناحیه گاورود) در خدمت مردم بود و عاقبت به زادگاهش ماسان رفته اداره‌ی مدرسه و قضاوت حوزه‌ی علمیه‌ی ماسان را بر عهده گرفت. در اواخر عمر به علت کهولت سن به سنندج نقل مکان نمود و در آنجا سکونت گزید.

ملا-حسن خلیقی سال‌ها به کار تدریس مشغول بود یه ویژه تحفه شیخ ابن حجر و صحیحین بخاری و مسلم (فقه و حدیث) را تدریس می‌کرد و تعلیقاتی بر آنها دارد.

ملا حسن خلیقی در هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ دار فانی را وداع و پیکرش در بهشت محمدی سنندج دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلیلی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۲ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و مترجم. در نجف متولد شد. وی مقدمات علوم عربی و ادبی را در همان شهر فراگرفت. به دنبال پیدایی نهضت ضد انگلیسی در عراق به مبارزه علیه انگلیسی‌ها پرداخت و از طرف آنها به اعدام محکوم شد ولی، از عراق به ایران گریخت و در روزنامه‌ی «رعد» مشغول به کار شد. پس از فرار سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد، از ایران، خلیلی روزنامه «اقدام» را بنیان گذاشت، که چندین بار به خاطر قلم تند و گزنده‌ی آن توقیف شد. او در تهران درگذشت. آثار وی: «ترجمه‌ی قسمتی از شاهنامه»، به عربی؛ «ترجمه‌ی بیت به بیت بیشتر کلیات سعدی»، به عربی؛ «روزگار سیاه»؛ «اسرار شب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۲۹ -۲۲۶ /۱)، شرح حال رجال (۱۳۰ -۱۲۹ /۶)، مولفین کتب چاپی (۶۵۰ -۶۴۷ /۳).

خلیلی‌فر، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۶ فروردین ۱۳۵۹، تهران.

حسین خلیلی‌فر، فرزند شیخ ابراهیم خلیلی از وعاظ گیلان و از همرزمان میرزا کوچک‌خان جنگلی، بود. حسین خلیلی‌فر تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان رسانید و جهت ادامه‌ی تحصیل در دانشسرای مقدماتی کشاورزی کرج ثبت نام نمود و پس از اتمام دوره‌ی دانشسرا با اخذ مدال علمی حائز رتبه‌ی اول گردید و سپس تحصیلات خود را در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا در داشسرای عالی ادامه داد و در سال ۱۳۲۲ موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا گردید.

از مهر ماه سال ۱۳۲۳ از طرف وزارت فرهنگ وقت به دبیری دبیرستان‌های اهواز منصوب و شروع به کار نمود. در سال ۱۳۲۵ به ریاست فرهنگ خرمشهر منصوب گشت و پس از پنج سال خدمت در آن شهرستان به تهران منتقل شد و مسئولیت اداره‌ی تألیف و ترجمه در اداره‌ی کل نگارش را به عهده گرفت.

در سال ۱۳۳۰ همزمان با اوج‌گیری مبارزات ملی برای با انتشار مجله‌ی «دانستیها» گام‌های مؤثری در تنویر افکار عمومی برداشت.

به موازات فعالیت‌های سیاسی در امور آموزشی و تألیف کتاب‌های درسی و شرکت در مجامع بین‌المللی مخصوصا در رشته‌ی جغرافیا آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته است. وی همچین در نخستین کنگره‌ی جغرافیدانان ایران شرکت داشت.

آثار خلیلی‌فر به شرح زیر است: ترجمه‌ی کتاب اکتشاف دریاها (از رنه لنگدره)؛ تألیف کتاب جغرافیا از قدیم تا امروز (۱۳۳۰)؛ انتشار «سالنامه‌ی فرهنگ خرمشهر» از ۱۳۲۴ مدت پنج سال، انتشار مجله‌ی «دانستنیها» از سال ۱۳۳۰ که خود صاحب امتیاز آن بوده است، کتاب جغرافیای کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی؛ کتاب جغرافیای سه ساله راهنمایی تحصیلی؛ مشارکت در تألیف کتاب‌های دروه‌ی دبیرستان؛ تألیف جغرافیا برای دانشسراها و کلاس‌های تربیت معلم.

حسین خلیلی‌فر، صبح روز شانزدهم فرودرین ۱۳۵۹ پس از یک دوره طولانی بیماری درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خمامی زاده، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر خمامی زاده یکی از دانشمندان معاصر گیلان است . اوبه مشاغل همچون معلمی ودبیری اشتغال داشته است . وی در حال حاضر کتابدار کتابخانه ملی گیلان است .گروه : علوم انسانیرشته : کتابداریتحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر خمامی زاده درسال ۱۳۰۸ شمسی پادرمدرسه گذاشت . وقتی که او کلاس ششم ابتدایی بود ، امتحانات به صورت استانی برگزار شد .خاطرات و وقایع تحصیل : جعفر خمامی زاده نقل می کند که درامتحان شفاهی جغرافیا ،نقشه ای که روی تابلو بود ،نقشه گنگ (نامفهوم) بود . یعنی قاره ها سیاه و رودخانه ها سفید بوده و چیزی روی آن نوشته نشده بود و خودمان باید درهمان نقشه ، کشورها و یا رودخانه ها و یا شهرها را مشخص می کردیم .استادان و مربیان : یکی از معلمان جعفر خمامی زاده دردوران ابتدایی ، سید آقا بزرگ شوشتری است که با عبا و عمامه سرکلاس می آمدند . یکی دیگراز دبیران او دردوران دبیرستان ، سید محمد تائب بود که تعلیمات دینی و عربی تدریس می نمودند .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جعفر خمامی زاده روزگاری دردبیرستان شهید بهشتی (شاهپور سابق) تدریس می کرد .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دبیرستان فرهنگیان یکی از مراکزی است که جعفر خمامی زاده درتاسیس آن شرکت داشته و از بانیان آن به شمار می آید . این دبیرستان به همت فرهنگی ها ی رشت و با هزینه شخصی کسانی همانند جعفر خمامی زاده بنا شده است .آرا و گرایشهای خاص : جعفر خمامی زاده بر این باوراست که درگذشته شاگرد اول های دانشگاه ها غالبا از گیلان بودند . امروزه متاسفانه این طور نیست تا یکی دوسال قبل ما از این نظر درتبه های نزدیک به

آخر استان ها بودیم . الان درزمانی که دانش آموزان کشور ما درالمپیاد ها شرکت می کنند و مقام می آورند ، من ندیده ام که کسی از گیلان دراین المپیاد ها شرکت کرده باشد . ا وامیدوارست که گیلان بازهم درر‌ده های بالای علمی مقامش را حفظ کند .آثار : ترجمه برنج گیلان ویژگی اثر : این کتاب تالیف رابینواست۲ ترجمه دریای خزر ویژگی اثر : این کتاب پایان نامه آقای دکتر مفتخم پایان است که خمامی زاده به هنگام برگرداندن به فارسی چیزهایی به آن افزوده است۳ ترجمه فهرست روزنامه های فارسی ویژگی اثر : این کتاب تالیف رابینو است۴ ترجمه کتاب ولایات دارالمرز ایران ـگیلان ویژگی اثر : وجه تسمیه این کتاب آن است که اعراب پس ازشکست ایرانیان و فتح بقیه سرزمین های ایران تا قزوین آمدند اما نتوانستند وارد گیلان شوند و آنجا را تصرف کنند .۵ ترجمه گویش گیلکی ویژگی اثر : این کتاب تالیف آرتور کریستن سن است۶ ترجمه وضعیت نوغان درایران ویژگی اثر : این کتاب تالیف را بینواست

خمیجانی فراهانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار رشته: زبان‌شناسی همگانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خواجویان، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

مدرس.

تولد: ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت: ۱۳ آبان ۱۳۷۲، مشهد.

محمدکاظم خواجویان پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه تحصیل، به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد راه یافت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس تاریخ از آن دانشکده نایل آمد. پس از آن، با سمت دبیری به کار در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و مدتی در آباده‌ی فارس تدریس کرد و چندی بعد برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و طی سال‌های ۱۳۵۶ – ۱۳۵۴ دوره‌های فوق لیسانس و دکترای رشته‌ی مطالعات اسلامی را به پایان برد.

دکتر خواجویان از سال تحصیلی ۱۳۵۷ –۱۳۵۶ به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و چندی پس از آن ریاست دانشکده‌ی ادبیات این دانشگاه را پذیرفت. دکتر خواجویان نزدیک به نه سال در این سمت باقی بود و پس از آن نیز تا درگذشت، در سمت معاون دانشجویی دانشگاه مشهد انجام وظیفه کرد. همزمان با آن، عضویت هیئت امنای دانشگاه‌های شمال شرق کشور را داشت و به ویژه سرپرستی شورای برنامه ریزی گروه تاریخ وزارت فرهنگ و آموزش عالی را نیز عهده‌دار بود. این شورا اقداماتی برای بهبود کیفیت

وضع مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام داد.

دکتر محمدکاظم خواجویان درس‌های تاریخ صدر اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ ائمه را در بخش تاریخ دانشکده‌ی مشهد تدریس می‌کرد و ضمنا به امور اجرایی- اداری دانشگاه فردوسی نیز می‌رسید. وی همچنین از نخستین سال‌های فعالیت کانون نشر حقایق اسالم در مشهد زیر نظر استاد محمدتقی شریعتی به فعالیت‌های مذهبی در این کانون پرداخت. عضویت در هیئت مدیریه «انصار الحجه» (مؤسسه‌ی خیریه‌ای که برای رسیدگی به وضع یتیمان فالیت داشت)؛ فعالیت در انجمن حمایت از زندانیان مشهد؛ عضویت در هیئت امنای اداره‌ی اوقاف مشهد از دیگر فعالیت‌های اجتماعی دکتر خواجویان بود.

دکتر خواجویان در زمان ریاست خویش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، کوشش بسیار کرد تا فضای علمی- پژوهشی دانشکده را سرزنده نگاه دارد. بسیاری از پژوهشگران به تشویق و یاری وی به کارهای پژوهشی پرداختند. وی همچنین نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی پژوهش‌های تاریخی بنیاد گذارد که از سال ۱۳۶۸ با نام «فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی» منتشر شد. مقالات پژوهشی وی در این فصلنامه و نیز مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» مشهد به چاپ رسیده است.

دکتر خواجویان درباره‌ی تشیع پژوهشی انجام داد که بنا بود در سلسله انتشارات سازمان «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها) چاپ گردد.

دکتر محمدکاظم خواجویان در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۷۲ در مشهد به علت سکته‌ی قلبی درگذشت.

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خوارزمی ادیبی، ابوسعید احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۶ ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از اهالی خوارزم بود و در فصاحت و بلاغت و نگارش مهارت داشت از خوشنویسان طراز اول به شمار می‌رفت و پیش از زمان یاقوت حموی می‌زیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۰۰ /۱)، معجم الادباء (۱۳۵ -۱۳۱ /۲).

خوارزمی، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۳ ق)، شاعر و ادیب. مشهور به طبرخزی. نسبت وی بدان سبب است که پدرش از خوارزم بود و مادرش از طبرستان. وی که خواهرزاده‌ی محمد بن جریر طبری است در خوارزم متولد شد، از زادگاهش به شام رفت و مدتی در حلب ساکن شد. در راه بازگشت در ارجان (بهبهان)، به دیدار صاحب بن عباد رفت و داستان این ملاقات مشهور است و پس از آن به نیشابور آمد و در آن شهر مسکن گزید و همان جا درگذشت. ابوبکر در حفظ اشعار و ایام و اخبار عرب و لغت عرب یگانه روزگار خود بود. از آثار

وی: «دیوان» اشعار؛ مجموعه‌ی «رسایل» خوارزمی که به داشتن محاسن بدیعی ممتاز است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۵۲/۷)، اعیان الشیعه (۳۷۹ -۳۷۷ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۰ -۶۳۹ /۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۶۹ - ۶۸ /۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۸۵)، الذریعه (۲۴۵، ۲۴۱ /۱۰ ،۹۸۵، ۳۷ /۹)، روضات الجنات (۱۹۳/۷)، ریحانه (۱۸۵ -۱۸۳ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۹۸/۱)، سیرالنبلاء (۵۲۶/۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴/۴)، الکامل (۱۶۱/۷)، کشف الظنون (۹۰۲ ، ۷۷۰)، الکنی و الالقاب (۲۲/۱)، لغت نامه (ذیل/ابوبکر)، معجم المولفین (۱۲۰ -۱۱۹ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۹۶ -۱۹۱ /۳)، وفیات الاعیان (۴۰۳ -۴۰۰ /۴)، هدیه العارفین (۵۷/۲).

خوارزمی، ابوعلی حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۲ ق)، فقیه، ادیب و شاعر شیعی. ملقب به ضریر. پدرش از مردم نیشابور بود که به خوارزم مهاجرت کرد. حسن در این شهر نشو و نما یافت. از جمله آثار وی: «تهذیب دیوان الادب»؛ «تهذیب اصلاح المنطق»؛ «زیادات اخبار خوارزم»؛ «محاسن من اسمه الحسن»؛ «دیوان» شعر، دو مجلد؛ «دیوان رسائل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۱۳ -۳۱۲ /۵)، الغدیر (۳۰/۴)، کشف الظنون (۱۰۸)، معجم الادباء (۱۹۱/۹)، معجم المولفین (۲۹۶/۳)، الوافی بالوفیات (۲۷۲ -۲۷۱ /۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۵/۱).

خوانساری، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برهان الدین ابواسحاق ابراهیم بن زین الدین ابی الحسن علی بن جمال الدین ابو یعقوب یوسف بن علی خوانساری اصفهانی.
از اجلّه شاگردان شیخ علی کرکی، و از او اجازه دارد. تاریخ اجازه ۹۲۴ می‌باشد.
در الذریعهٔ (۲۱۲:۱) نقل از ریاض العلماء گوید که آن را در پشت کتاب کشف الغمهٔ به خطّ کرکی دیده‌ام.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، عطاء اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۲۹ ربیع الاول ۱۲۶۶ متولّد، و در ۶ جمادی الاولی ۱۳۳۵ وفات یافته. وی مؤلّف فهرستی است بر کتاب روضات الجنات.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خورشید مریوانی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز دهه چهارم قرن چهاردهم هجری، از زنان ادیب و هنرمند. وی دختر شیخ معروف که لوس و از سادات «ته راته وه‌ن» بود. پدرش به دلیل ناملایمات روزگار از مریوان به سنندج مهاجرت کرد و خاتون خورشید در کودکی در خانه یکی از خوانین محترم اردلان به سر برد و او وسایل تحصیلش را فراهم نمود تا جایی که به ادبیات فارسی احاطه یافت و با منطق و زبان و ادبیات عربی نیز آشنا شد.

وی کتابی درباره آداب خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت فرزند از ابتدای ولادت تا هنگام بلوغ به زبان فارسی تألیف کرد و یک دیوان شعر نیز از او به جا مانده که هیچکدام چاپ و منتشر نشده‌اند. این بانو در زمینه نقش و نگار و نوع رنگ‌آمیزی قالی و تهیه رنگهای متنوع آن شهرت داشته و نقشه‌های او را هم‌اکنون در کردستان «خورشیدی» می‌خوانند. خاتون خورشید مادر شاعر معروف کرد «قانع مریوانی» بود. وی قطعه شعری نیز به زبان کردی سورانی دارد که در نصیحت دخترش سروده است.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۵۵ -۱۵۴ / ۲.

خویی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، صوفی، منشی و شاعر. در خوی به دنیا آمد. مدتی برای تحصیل علم ظاهر و باطن به مسافرت و سیاحت پرداخت و در اصفهان از محضر شیخ محمدحسین و شیخ زین‌العابدین حسن علیشاه، و رییس سلسله‌ی نعمت الهی کسب فیض کرد. نزد آخوند ملاعلی نوری، که حکیم عصر بود حکمت آموخت و بعد از چندی سیر و سلوک و تحصیل، به خدمت محمدشاه رسید و منشی خاصه و کاتب اسرار و محرم او شد. در اواخر عمر، از کار دنیا ملول شد و انزوا گزید. سرانجام در تهران درگذشت. میرزا مهدی در نظم و نثر توانا بود و از اشعارش مقداری قصاید و غزلیات و مثنویات بر جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۷۵۹ -۱۷۵۵ /۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۵ -۳۶۴)، گنج شایگان (۴۳۷ -۴۳۶)، مجمع الفصحا (۹۲۷ -۹۱۹/۵).

خیام‌پور، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۳۱۶(۱۲۷۷ ق.) تبریز.

درگذشت: ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، تهران.

عبدالرسول خیام‌پور، فرزند محمد تاهباز، پس از تحصیلات مقدماتی به تهران عازم و در سال ۱۳۰۶ به اخذ گواهینامه از دوره ادبی مدرسه دارالفنون نایل آمد. پس از سه سال خدمت دبیری در دبیرستان شاهپور اهواز در تهران وارد دانشسرای عالی شد و در فلسفه و ادبیات لیسانس گرفت چون در امتحانات رشته‌ی مزبور درجه‌ی اول را حائز شد، به دریافت یک قطعه نشان علمی درجه‌ی اول نایل گردید. پس از آن به سمت دبیری منصوب گردید. بعدا عهده‌دار مشاغل زیر شد: متصدی و مدیر دفتر دانشکده‌ی معقول و منقول، مدیر دبستان ایرانیان در استانبول از سال ۱۳۱۶ الی ۱۳۲۵ (در این مسافرت پس از چهار سال تحصیل در دانشکده‌ی ادبیات از شعبه‌ی ترمولوژی استانبول لیسانسیه شد و در تیر ۱۳۲۵ به ایران بازگشت)، معلم دستور ادبی و فلسفه در رشت؛ استاد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات تبریز از مهر ۱۳۲۶؛ وی همچنین به معاونت دانشکده‌ی ادبیات رسید. وی در خرداد ۱۳۲۹ نیز به ریاست کتابخانه‌ی دانشکده نیز منصوب شد . در پانزدهم تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد و با توجه به موقعیت علمی ایشان، به پیشنهاد دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه تبریز از تاریخ دهم دی ۱۳۴۸ به مقام استادی ممتاز نایل آمد.

دکتر عبدالرسول خیام‌پور در شهریور ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان کرد و از آن پس به جز یک سالی که در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت، تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب فرهنگ سخنوران (تبریز، ۱۳۴۰، تهران، ۱۳۷۲، ۱۳۶۸) کرد و در سال‌های آخر عمر به علت بیماری از هر گونه فعالیت فرهنگی نیز محروم شد.

فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: مجمع الخواص (به قلم صادق افشار، ترجمه از ترکی جغتایی به فارسی، ۱۳۲۷)؛ رساله‌ی عربی برای فارسی (اقتباس و ترجمه از المنجد ۱۳۳۶)؛ دستور زبان فارسی (۱۳۳۳ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ یوسف و زلیخا (۱۳۳۹)؛ فرهنگ سخنوران (۱۳۴۰)؛ نگارستان دارا (تألیف عبدالرزاق دنبلی، ۱۳۴۲)؛ ریاض الوفاق (تألیف ذوالفقار علی، ۱۳۴۳)؛ تذکره اختر (تألیف احمد گرجی، ۱۳۴۳)؛ مصطبه خراب (به قلم احمد قاجار، ۱۳۴۴)؛ حدیقه امان‌اللهی (نوشته میرزا عبدالله سنندجی، ۱۳۴۴)؛ تذکره‌ی روضهٔ السلاطین (به قلم محمد بن امیری فخری هروی، ۱۳۴۵)؛ سفینهٔ المحمود (نوشته‌ی محمود میرزا قاجار، ۱۳۴۶) جزوه‌ای تحت نام شیوه انتقاد در مجله راهنمای کتاب (آذر ۱۳۳۹)؛ حالات اسم در فارسی امروزی (۱۳۳۲)؛ خاقانی شروانی (۱۳۲۷). وی همچنین سلسله مقالاتی تحت عنوان «غلط مشهور» تحریر کرده است که در سیزده شماره از شماره‌های سال اول و دوم نشریه «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» به چاپ رسیده است.

(۱۳۵۸ -۱۲۷۷ ش)، محقق، مصحح، استاد دانشگاه و نویسنده. در تبریز متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از سه سال تدریس در اهواز برای ادامه‌ی تحصیل به تهران بازگشت و موفق به دریافت لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد، سپس در دارالفنون و دیگر دبیرستانها به تدریس پرداخت. از سال ۱۳۱۶ ش به مدت نه سال سمت مدیری دبستان ایرانیان را در استانبول بر عهده داشت و در ضمن خدمت، موفق به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول شد. پس از مدتی تدریس در دانشکده‌ی ادبیات تبریز، به سمت ریاست کتابخانه و سپس معاونت دانشکده انتخاب شد. در سال ۱۳۴۸ ش بازنشسته شد و به دلیل خدمات علمی و پژوهشی به مقام استادی ممتاز نایل آمد. از آثار وی: تالیف «فرهنگ سخنوران»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «رساله‌ی یوسف و زلخیا»؛ ترجمه و تصحیح و تحشیه‌ی «نگارستان دارا» و «مصطبه‌ی خراب» و «تذکره‌ی روضه السلاطین» و «سفینه المحمود» و «ریاض الوفاق».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۳، ص ۲۴۵ –۲۴۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۸ –۲۴۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (مقدمه)، مولفین کتب چاپی (۸۴۹ –۸۴۷/ ۳).

دادبه، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر دادبه درسال ۱۳۲۵ در یزد متولد شد. وی دارای لیسانس فلسفه و حکمت (۱۳۴۷) ، فوق لیسانس (۱۳۵۰)و دکتری همان رشته (۱۳۵۹) از دانشگاه تهران می باشد. وی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و بسیاری مجامع علمی وادبی کشوراست. وی در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار درعرصهٔ ادبیات عرفانی و فلسفهٔ اسلامی معرفی شد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفه و حکمت اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اصغر دادبه پس از اخذ دیپلم در زادگاه خود یزد، به تهران آمد و پس از لیسانس ۱۳۴۷، فوق لیسانس ۱۳۵۰و دکتری رشته حکمت و فلسفه را درسال ۱۳۵۹ از دانشگاه تهران دریافت کردو وی ادامه زندگی علمی خود را به تحقیق و تدریس سپری می نماید.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری در رشته حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۹ از مقاطع مهم زندگی تحصیلی علی اصغر دادبه می باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اصغر دادبه درحین تحصیل در دورهٔ دکتری در دانشگاه تهران، در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس نیز مشغول بوده است.وقایع میانسالی : علی اصغر دادبه پس از اخذ مدرک دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۹، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی در سال ۱۳۸۱ دردومین همایش چهره های ماندگار در زمینهٔ ادبیات عرفانی برگزیده و معرفی شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اصغر دادبه پس از اخذ دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۹ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی پیش از این نیز دردانشگاهها و موسسات آموزشی از سال ۱۳۵۳ مشغول به تدریس بوده است.فعالیتهای آموزشی : علی اصغر دادبه از سال ۱۳۵۳ به تدریس در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی اشتغال داشته است. اما پس از اخذ مدرک دکتر در سال ۱۳۵۹، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد و به تدریس دروس ادبی، حافظ شناسی و کلام اسلامی و فلسفه هنر پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اصغر دادبه در کنار تدریس، به مطالعه و تحقیق در زمینهٔ ادبیات عرفانی ایران و تالیف کتبی دراین زمینه اشتغال دارد.آرا و گرایشهای خاص : علی اصغر دادبه از جمله فلاسفه و حکمایی است که توجه خاصی به ادبیات به ویژه ادبیات عارفانه و حکیمانه فارسی دارد.جوائز و نشانها : علی اصغر دادبه در سال ۱۳۸۱، در دومین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار درعرصه ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی معرفی شد.

آثار : ۱ تجلی آرای کلامی درشعر نظامی ۲ تصحیح دیوان نجیب کاشانی ۳ فخررازی ۴ فرهنگ اصطلاحات کلامی ۵ کلیات فلسفه ۶ مفهوم رندی در شعر حافظ

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دارابی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۴ ق)، عالم، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به عندلیب. معروف به حاج آخوند. در مدینه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «زیاره المفجعه»؛ «دیوان» اشعار؛ «بیت‌الاحزان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۰۳)، الذریعه (۷۷۲/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۳/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶/۵)، مرآت الفصاحه (۴۲۸).

داریوش، هژیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده، مترجم، فیلمساز، منتقد، استاد.

تولد: ۱۳۱۷، بندرانزلی (پهلوی).

درگذشت: اوایل مهر ۱۳۷۴، پاریس.

هژیر داریوش پس از پایان تحصیلات در رشته‌ی کارگردانی فیلم از مدرسه‌ی سینمایی ایدک فرانسه و ساختن فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» (۱۳۴۰) در فرانسه، به ایران بازگشت و همزمان فعالیت در زمینه‌ی مستندسازی و مطبوعات سینمایی را آغاز کرد. البته فعالیت مطبوعاتی را در واقع از سال ۱۳۳۲ با همکاری مجلات «شاهکارها» و «امید ایران» آغاز کرده بود. از آن تاریخ به طور مداوم به عنوان منقد فیلم با بسیاری از نشریات از جمله مجلات «علمی»، «ستاره سینما»، «فیلم و هنر»، «پست تهران» همکاری داشته است. او در معرفی فیلم‌هایی چون «شب»، «کسوف»، «زندگی شیرین» و... که در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ نمایش می‌یافتند و همچنین آشنایی علاقه‌مندان جوان با این نوع فیلم‌ها در مجله‌ی «هنر و سینما» نقشی مؤثر داشت. از مهمترین فیلمهای کوتاه او در این دوره می‌توان به فیلم داستانی «جلد مار» (۱۳۴۲) با بازی فخری خوروش و جمشید مشایخی و «خیابان» (۱۳۴۶) با بازی خسرو شجاع‌زاده اشاره کرد. در حیطه‌ی مستندسازی مهمترین فیلم داریوش «گود مقدس» (۱۳۴۵) است که در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کوتینادامپزو (ایتالیا) جایزه‌ی ویژه‌ی هیئت داوران را به دست آورد. دیگر فیلم‌های کوتاه او عبارتند از: «چهره‌ی ۱۳۴۴) ۷۵)؛ «ولی افتاد مشکل‌ها»، «حماسه‌ی عشقی شب جمعه» (۱۳۴۶)؛ «رنگ بی‌نیرنگ»، «مجسمه‌سازی در ایران» (۱۳۴۶)؛ «جام آسیا» (۱۳۴۷). داریوش همچنین در فیلم «هاشم‌خان» (محمد زرین‌دست، ۱۳۴۵) نقش کوتاهی بازی کرد. همچنین او در سال ۱۳۵۱ فیلم «بیتا» را کارگردانی کرد. استفاده‌ی مبتکرانه از سکوت در این فیلم به تأثیرپذیری داریوش از سینمای نوین اروپا- به قول خودش «فیلم‌های ساکتی که دیده و پسندیده است» باز می‌گردد.

هژیر داریوش در سال ۱۳۵۱ (مدتی قبل و بعد از آن شاید) مدیر جشنواره‌های رادیو تلویزیون بوده است. از جمله فعالیت‌های دیگر او عبارتند از: تدریس کارگردانی در مدرسه‌ی عالی تلویزیون و سینما (اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰)؛ مسئول برگزاری سمینار یونسکو در زمینه فیلم‌سازی مستند آسیا، دبیر عامل جشنواره‌ی بین‌المللی کودکان و نوجوانان (۱۳۴۵)، دبیر کل نخستین جشنواره‌ی فیلم‌های جوانان آسیا، دبیر کل جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران، عضو هیئت داوران جشنواره‌های بین‌المللی تائورمینا، قاهره، کودکان و نوجوان تهران، جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران.

هژیر داریوش برای مدتی در سال ۱۳۵۸ به فرانسه مهاجرت کرد و مشاور هنری و طراح برنامه‌ی هنری و سینمایی دانشگاه تولوز بود. عنوان‌های فیلم‌های او به این شرح هستند: «خیابان» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «حماسه‌ی عشقی شب جمعه» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «مجسمه‌سازی در ایران» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «جلد مار»، «گود مقدس»، «چهره‌ی ۷۵» (فیلم کوتاه)؛ «ولی افتاد مشکل‌ها» (فیلم کوتاه)؛ «رنگ بی‌نیرنگ»، «جام آسیا» (مستند کارگردان، ۱۳۴۸)؛ «هاشم‌خان» (بازیگر، ۱۳۴۵)؛ «بیتا» (کارگردان، ۱۳۵۲).

جوایز وی عبارتند از: فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» برنده‌ی دیپلم افتخار در جشنواره‌ی سن‌سپاستیان شد. «جلد مار» فیلم کوتاه دیگری بود که برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم کوتاه از طرف کانون فیلم ایران گردید. «گود مقدس» او برنده‌ی جایزه‌ی ابتکار در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های فولکوریک در سیه‌تا ایتالیا گردید و جایزه‌ی ابتکار و دیپلم افتخار شهر ماریس در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های جهانگردی، «جام آسیا» جایزه‌ی مخصوص هئیت داوران و جام نقره در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کورتینودامپزو ایتالیا را از آن خود کرد. فیلم کوتاه دیگر او به نام «چهره ۷۵» برنده‌ی جایزه‌ی دوم، لوح نقره در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های تلویزیونی در برلین شد. وی در موقع تهیه‌ی فیلم «گل شیطان» معاون ترنس یانگ بود.

هنرشناسی فیلم از جمله تألیفات اوست.

هژیر داریوش به دلیل حمله‌ی قلبی درگذشت و در گورستان پرلاشز پاریس به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

داعی الاسلام، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۶ ش)، روزنامه‌نگار، زبانشناس، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به داعی. وی از سادات نیاکی بود که در لاریجان متولد شد. در آمل و تهران و اصفهان صرف و نحو عربی و فارسی و سایر علوم را فراگرفت و در همان سالها مجله‌ی «الاسلام» را جهت مناظره با عیسویان در اصفهان دایر کرد. داعی پس از آموختن زبان انگلیسی به بمبئی رفت و ضمن فراگیری زبان اردو مجله‌ی «دعوت الاسلام» را به دو زبان اردو و فارسی منتشر ساخت و در سمت استادی در دانشکده حیدرآباد دکن نیز به تدریس ادبیات فارسی پرداخت. وی با زانهای پهلوی، اوستا، گجراتی و سانسکریت آشنا بود. برای مدتی اندك به ایران آمد و مجددا به هندوستان مراجعت کرد و همان جا وفات یافت. وی طبع شعر نیز داشت و در شاعری پیرو سبك هندی بود. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب «نادر شاه»، از انگلیسی به فارسی؛ ترجمه «و ندیداد»، به فارسی؛ «فرهنگ نظام»؛ «دیوان» شعر؛ «شعر و شاعری عصر جدید ایران»؛ «فرهنگ نویسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۴۱ -۲۳۳/۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۸۷ -۱۸۵)، ریحانه (۲۰۹ -۲۰۸/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۴ -۱۷۲/۳)، شرح حال رجال (۲۵۶ -۲۵۵/۵)، گلزار معانی (۲۳۹ -۲۳۱)، فهرستواره ی کتابهای فارسی (۹۱۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۰ -۲۲۷/۴).

داعی دزفولی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۶ -۱۱۵۸ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به داعی. اصل وی از شوشتر و از طوایف سادات مرعش بود. از فرزندزادگان خواجه علی سیاهپوش است. وی از شاگردان سید محمدباقر حجهٔالاسلام و آقا محمد بیدآبادی بود. قسمتی از اشعارش توسط خودش تدوین یافت و قسمتی از آن شیخ میرزا جعفر انصاری در دو مجلد، شامل غزلیات و توسط قصاید و رباعیات گردآوری شد. از دیگر آثارش: «تخمیس الفرزدیقیه»؛ «مجمع الاخبار و تذکره الابرار»، در تعیین قبور اولاد ائمه (ع) در دزفول؛ «دیوان» شعر. آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی گوید که به نظر من رساله‌ی «آب حیات» از تالیفات اوست. از اوست:

جوانی چه آورد و پیری چه برد

بت خردسال و می سالخورد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۴ -۳۱۳/۹، ۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷۱ -۷۷۰/۱۳)، فرهنگ سخنوران (۳۲۸)، لغت نامه (ذیل/ داعی دزفولی)، مجمع الفصحا (۲۹۲/۴)، مصطبه‌ی خراب (۶۱ -۶۰).

دامغانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۰ ق)، عالم، ادیب و شاعر. وی از شاگردان برجسته‌ی آقا سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و هم دوره‌ی حاج ملا علی کنی بوده و با ملا- آقای دربندی مکالماتی داشته است. او پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا به ایران بازگشت و در دامغان و مشهد به انجانم وظائف دینی پرداخت. در «المآثر و الآثار» از وی به عنوان مجتهد و عالم ربانی عصر ناصری نام برده شده است. وی از خود اشعاری به جای نهاده و کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» را به خط خویش نگاشته است.[۱]

محمدرضا بن حبیب‌اللّه دامغانی عالمی ادیب و فاضلی اریب بوده است. وی در کربلا نزد بزرگان علم تلمذ نموده و بعد به ایران برگشته و در دامغان و مشهد در سال ۱۲۸۸ قمری به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشته است. اشعاری دارد که از آنهاست:

ستبقی خطوطی فی القراطیس برههٔ

و ایدی کتاب الخطوط تراب

و ما الدهر الا عیشهٔ بعد عیشهٔ

و ما العیش الا قیعهٔ و سراب

و لا خیر فی الدنیا فان حلالها

علیه حساب و الحرام عقاب

آن بزرگوار بعد از سال ۱۲۹۰ قمری از دنیا رفته است رحمهٔاللّه‌علیه.

جناب آقای شاه‌چراغی در کتکاب ارمغان دامغان (مخطوط) خود گوید: مرحوم حاج میرزا رضا مشهور به شریعتمدار از علماء بزرگ و مقتدر و باکفایت و معاصر دوره ناصری و از شاگردان مبرز آقا سید ابراهیم صاحب ضوابط و هم‌دوره مرحوم حاج ملا علی کنی معروف بوده است و با مرحوم ملا آقا دربندی مکالماتی داشته‌اند الی آخره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۱ -۵۵۰ ،۵۴۲ -۵۴۱ /۱۳، قرن ۷۲۸/۱۴)، قصص العلماء (۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۴/۵)، المآثر و الآثار (۱۷۰).

دانا سرشت، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۶۸.

علی‌اکبر داناسرشت (صیوفی)، فرزند حاج علینقی و نوه‌ی حاج علیقلی صرافباشی زنجانی بود. سال‌های کودکی و دوران تحصیل اولیه‌ی علی‌اکبر داناسرشت مقارن با جنگ با جنگ اول جهانی بود. پس چندی خانواده‌اش به شهر زنجان کوچید. در آنجا به مدرسه ابتدایی- معروف به اسعدیه به سرپرستی مترجم همایون- رفت تا وقتی که دوباره به تهران آمد. در این سال‌ها همچنین به یادگیری قرآن کریم و زبان عربی پرداخت. سپس با احساس نیاز به فراگیری علم جدید به علوم ریاضی روی آورد و نزد اساتیدی چون سید حسن مشکان طبسی و سید جلال تهران به تحصیل این علوم پرداخت و از آن زمان تا پایان عمر به تحقیق در این زمینه‌ها اشتغال داشت.

علی‌اکبر داناسرشت در طی عمر خود آثاری را ترجمه کرد که از میان آنها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: روان شناسی یا علم النفس شفاء (ترجمه جلد ششم شفاء، چاپ دوم، ۱۳۳۰)؛ رسالهٔ الغفران یا بهشت و دوزخ معری (ابوالعلاء معری، ۱۳۲۴)؛ تحقیق ماللهند، قسمت فلسفه (ابوریحان بیرونی، ۱۳۳۴)؛ بر سنگ سفید (آناتول فرانس، ۱۳۲۶)؛ آثار الباقیه (ابوریحان بیرونی، ۱۳۲۱). از آثار دیگر اوست: تاریخ فلاسفه‌ی اسلام (۱۳۱۵)؛ افکار سهروردی و ملاصدرا یا خلاصه‌ای از حکمهٔ الاشراق و اسفار.

داناسرشت بر اثر سکته‌ی مغزی درگذشت.

(۱۳۶۸ -۱۲۹۰ ش)، ریاضی‌دان و مترجم. وی نوه‌ی حاج علی قلی صرافباشی زنجانی بود که در تهران متولد شد و ایام کودکی خود را در زنجان سپری کرد. از اوان کودکی زبان عربی را فراگرفت و به تحصیل علوم ریاضی نزد استادانی چون سید حسن مشکان طبسی، سید جلال تهرانی و بغایری پرداخت و فقه را نزد محمدرضا تنکابنی فراگرفت. وی معاصر با احمد بیرشک و غلامحسین مصاحب بود و به گفته دکتر نجم‌آبادی وی اولین بیرونی شناس بود. بر اثر سکته مغزی در تهران در گذشت. آثار به جای مانده از وی: ترجمه‌ی «خلاصه حمکه الاشراق و اسفار»؛ «آثار الباقیه»؛ «روانشناسی یا علم النفس شفاء»؛ «تاریخ فلسفه اسلام».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۱، ص ۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۵ -۶۴۴ /۱).

دانش اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۶۲ -۱۲۹۰ ق). نویسنده. مترجم و شاعر، متخلص به دانش. در خانواده بازرگان پیشه در شهر استانبول متولد شد. در آنجا زبان فارسی، ترکی و فرانسه را در مکتب رشدیه، دبستان ایرانیان و مدرسه فرانسویان آموخت و مدتی عضو هیات تحریریه روزنامه ترکی «اقدام» بود و مدت مدیدی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه استانبول بود. وی در استانبول یا آنکارا درگذشت و در اسکودار دفن شد. از وی چندین تالیف به زبان فارسی و ترکی باقی مانده است. از جمله: «ترجمه رباعیات عمر خیام»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «تعلیم لسان»، ترکی و فارسی؛ «خرابه‌ی مداین»؛ «زرتشت نامه»؛ «سوهان»؛ «نوای صریر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۷/۹)، ریحانه (۲۱۱ -۲۱۰ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، شرح حال رجال (۷۹/۵)، لغت نامه (ذیل/ دانش)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷ -۷۳۶ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۵۳ -۵۰).

دانش آشتیانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن العالم الجلیل المتقی الشیخ محمدتقی بن العالم الورع آخوند ملا احمد آشتیانی از علماء اخیار و فضلاء ابرار حوزه علمیه قم است که علم خود را مقرون به عمل و توام با حلم و وقار نموده است.

تولد آن جناب در سال ۱۳۲۹ قمری در آشتیان واقع شده و در مهد تربیت پدر متقی خود که از علماء آن سامان بود پرورش یافته و در سن ۱۴ سالگی تحصیلات مقدماتی را فراگرفته و در سال ۱۳۴۴ قمری به قم آمده و به واسطه سوابق دوستی والدش با مرحوم آیت‌الله میرزا محمد فیض در تحت تربیت علمی و اخلاقی ایشان قرار گرفته و چند سالی را در منزل آن بزرگوار به سر برده و با راهنمائی آن مرحوم از روز اول در محضر فضلاء و دانشمندان راه یافته و تکمیل مقدمات را نزد بعضی از فضلاء عصر نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب تهرانی و منطق را از آیت‌الله آقا سید مهدی کشفی تهرانی فراگرفته و سطوح را از آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و قسمتی از سطح را از مرحوم آیت‌الله حجت و عمده آن را با تمام سطح مکاسب از مرحوم آیت‌الله خونساری بهره‌مند گردیده و قسمتی از کفایه را از آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری خوانده و چند سالی هم در درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر شده و پس از فوت آن مرحوم از محضر بزرگان حوزه چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله فیض و آیت‌الله خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۵۸ قمری به اصرار مردم آشتیان به آنجا مسافرت و اقامت نموده و به ترویج دین پرداخته و چند ماهی را هم در سال به قم به سر برده تا در ورود آیت‌الله العظمی بروجردی که رسما برای تکمیل مبانی علمی و استفاده از محضر علمی آن نابغه زمان و علامه دوران به قم مهاجرت و به درس آن مرحوم شرکت و مورد توجه مخصوص معظم‌له قرار گرفته و تولیت کتابخانه مسجد اعظم را به ایشان محول و تا هم‌اکنون به این سمت باقی و خدمات شایانی به این کتابخانه نموده و رقم کتب را به حدود شصت هزار رسانید.

آثار مرقومه ایشان علاوه بر جزوات درسی به قرار ذیل است:

۱- مقالات علمی و اجتماعی و اخلاقی که در پاره‌ای از مجلات و جرائد منتشر گردیده است.

۲- رساله‌ای به نام دو سرمایه نفیس در ترجمه (الثقلان) که شرح حدیث مشهور به ثقلین است که با حواشی نوشته و طبع شده.

۳- رساله‌ای به نام سقیفه در ترجمه کتاب (السقیفه).

۴- نشریه کتابخانه مسجد اعظم در دو مجلد به طبع رسیده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دانش پژوه، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدتقی دانش پژوه در ۳۰ فروردین سـال ۱۲۹۰ ، در شـهر آمل متولـد گردیـد. پس از سپری کردن دوران کودکی ، تحصـیلات مقـدماتی را نزد پـدر آغاز کردودر سن هجـده سالگی با فوت پـدر برای ادامه تحصـیل راهی شـهر مقـدس قم گردیـد تا از جلسات درس و بحث علمـای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کنـد. بعـد از دو سـال رحـل اقامت ، به سـبب گرفتاری های زنـدگی نتوانست در قم بمانـد و به شـهر آمل برگشت ودر نزد علمای این شـهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران شـد. چهار سالی در مردسه سـپهسالار قـدیم به تحصـیل پرداخت ، سـپس دوره دانشـکده معقول و منقول را در مدرسـه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شـهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران درآورد و در سال ۱۳۲۰ به اخـذ درجه لیسانس از این دانشـکده نائل آمد. پس از فارغ التحصـیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه دانشـکده حقوق دانشـگاه تهران مشغول به کار شد. لیسانس حقوق دانش پژوه به او اجازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشـکده ادبیـات موقعیت خود را تحکیم بخشـد. در سـال ۱۳۳۲ به ریـاست کتابخـانه مرکزی آن دانشـگاه منصوب گردیـد و در سـال ۱۳۴۳ مشـاور فنی کتابخـانه مرکزی و در سـال ۱۳۲۶ عضـو کمیتـه علمی آن شـد. اسـتادمحمدتقی دانش پژوه از سـال ۱۳۳۴ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. وی سرانجام در روز ۲۷ آذر سال ۱۳۷۵ ، در تهران درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انساب : محمد تقی دانش پژوه، فرزند میرزا احمد درکایی لاریجانی ، که ار مجتهدان و فقهای به نام آمل و لاریجان بوده است.

اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : محمدتقی دانش پژوه روزگار کودکی و جوانیش را در رفت و آمد میان روستای ناندال و شهر آمـل گذرانـد ، بین خـانه پـدری و شـهری که در آن به مـدرسه می رفت. خوشنویسـی از دیر باز یک حرفه فامیلی برای محمـدتقی محسوب می شد که طی نسلها در خانواده او ادامه یافته بود . نیاکان او به همین شـغل در دربار شاهان قاجاریه اشـتغال داشته اند ، و لذا از این راه خانواده او از همان زمان آشنا به علم و معرفت و با نوشتن و کتابت مانوس بوده اند.

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی دانش پژوه پس از سپری کردن دوران کودکی تحصیل آغاز کرد و مقدمات ادبی را پس از خواندن « عم جزء » ، « قرآن کریم » ، « دیوان حافظ » و « نصاب الصبیان » را فراگرفت و در این راه از محضر پدر و دیگر عالمان آن بهره فراوان برد. در سن هجـده سالگی با فوت پـدر برای ادامه تحصـیل راهی شـهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمـای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کنـد. بعـد از دو سال رحل اقامت ، به سـبب گرفتاری های زنـدگی نتوانست در قم بماند و به شـهر آمل برگشت ودر نزد علمای این شهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران شد. چهار سالی در مردسه سـپهسالار قدیم به تحصـیل پرداخت ، سـپس دوره دانشـکده معقول و منقول را در مدرسه سـپهسالار جدید (

مدرسه عالی شهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران درآورد و در سال ۱۳۲۰ به اخذ درجه لیسانس از این دانشکده نائل آمد.

خاطرات و وقایع تحصیل : یک روز حاجی میرزا احمد درکایی (پدر محمدتقی دانش پژوه) دست پسرش را گرفت و او را به مدرسه جدیدالتاسیسی در شهر آمل برد تا نامش را در آنجا بنویسد. اما شرط نام نویسی او را آموختن « شرح الفیه سیوطی » به محمد تقی قرار داد. مدرسه نپذیرفت و میرزا احمد هم فرزند جوانش را مجدداً به خانه آورد و همان دروس حوزه های قدیم را به او توصیه نمود. در همین احوال و در شهر آمل بود که محمدتقی شروع به آموختن زبان فرانسه کرد.

استادان و مربیان : محمدتقی دانش پژوه تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش حاج میرزا احمد فراگرفت. او در همین دوران از محضر درس بزرگانی چون میرزا عبدالله طبرسی حضور یافت که موضوع درسش آثار فلسفی سبزواری بود. دانش پژوه در حوزه علمیه قم از محضر استادانی همچون میرزا ابوالفضل گلپایگانی در درس « القوانین المحکمه » میرزای قمی و حضرت آخوند ملا علی همدانی و آیت الله مرعشی نجفی در درس « شرح لمعه » استفاده کرد. استاد در باره محضر درس آیت الله مرعشی نجفی زنجانی چنین می گوید: « هنوز لذات نوادر اادبی را که از آیت الله مرعشی می شنیدم در کام ذهنم هست . او بعد از دوسال اقامت در قم ، به آمل برگشت و در نزد ابوالقاسم فرسیوی و آقا محمد عروی دینه ای « مکاسب » و « رسائل » شیخ مرتضی انصاری را فراگرفت. چهار سالی در مدرسه سپهسالار قدیم از محضرمیرزامهدی آشتیانی در درس فلسفه بهره برد .

همسر و فرزندان : محمد تقی دانش پژوه در سال ۱۳۰۷ ازدواج نمود.

زمان و علت فوت : محمدتقی دانش پژوه در ۲۷ آذر سال ۱۳۷۵ ، در تهران درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی دانش پژوه پس از فارغ التحصیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به کار شد. لیسانس حقوق دانش پژوه به او اجازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات موقعیت خود را تحکیم بخشد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته علمی آن شد.

فعالیتهای آموزشی : محمدتقی دانش پژوه از سال ۱۳۳۴ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس منطق و تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق در دوره لیسانس و فوق لیسانس پرداخت و در دوره دکترا نیز تدریس عرفان اسلامی را آغاز کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ورود محمدتقی دانش پژوه به دانشگاه سرآغاز ورود او به عرصه تحقیق و پژوهش بود. او در همین راستا و به منظور کسب اطلاعات کتاب شناسی و نسخه شناسی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد ، نجف ، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شهرهای مدینه و مکه در عربستان سعودی در سال ۱۳۴۵ و به شهرهای مسکو ، لینگراد سابق ، تفلیس ، دوشنبه ، تاشکند ، بخارا ، سمرقند و باکو در شوروی سابق و شهرهای پاریس و مونیخ ، لین ، اترخت و استانبول در اروپا و شهرهای کمبریج ، بوستون ، پرنیسول ، آن آربرمیشیگان، شیکاگو و نیویورک در آمریکا سفر کرد. یادداشتهایی که در این سفرها برداشت آنچه مربوط به کشورهای عربی بود در نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده است و یادداشت هایش درباره نزدیک به شش هزار کتاب در مجلد هشتم نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده است.

آرا و گرایشهای خاص : در زمینه فهرست نگاری کار محمدتقی دانش پژوه فقط منحصر به این نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه ها بپردازد بلکه سعی کرده با توجه همه جانبه به آنچه در یک صد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهدی که در خودمان و از میان اصل نسخه ها بر می آید ، قواعد و فنون فهرست نگاری را تنظیم و حتی اسلوبی روشمند و متناسب را عرضه کند . او با توجه به مبانی فهرست نویسی از میان چهل پنجاه هزار نسخه متفاوت الشکل دقایقی را به

دست آورده که برخی از آنها بع نظر فهرست نگاران نیامـده بود. --

آثار :

۱ « النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی » شیخ طوسی

۲ « معتقد الامامیه » صدرالدین شیرازی

۳ «تاریخ الوزراء» قمی

۴ «جامع الحکمه » کاشانی

۵ «رساله امامت» خواجه طوسی

۶ «کسراصنام الجاهلیه» صدرالدین شیرازی

۷ آثار درویش طبسی

۸ آثار علوی

۹ اخلاق محتشمی

۱۰ اسرار شهریاری

۱۱ الاقطاب القطبیه

۱۲ المنطقیات الفارابی(جلد سوم)

۱۳ النجاه ابن سینا

۱۴ بحرالفوائد

۱۵ تاریخ اسماعیلیه کاشانی

۱۶ تاریخ نگاری فلسفه

۱۷ تبصره مساوی

۱۸ تحفه

۱۹ ترجمه « ادب الوجیز و تولی و تبری »از خواجه نصیر طوسی

۲۰ ترجمه « مختصر نافع » محقق حلی

۲۱ ترجمه «النکت الاعتقادیه» شیخ مفید

۲۲ ترجمه شرایع

۲۳ تصحیح التواریخ رشیدی

۲۴ تصحیح زبده التوارخ کاشانی

۲۵ جام جهان نما

۲۶ جامع التواریخ

۲۷ جاویدان خرد

۲۸ چند نسخه خصوصی دیگر

۲۹ حل مشکلات رساله معینیه

۳۰ دفتر ۱۱ و ۱۲ نشریه دانشگاه تهران

۳۱ ذخیره شهاب الاخبار

۳۲ رساله المعینیه

۳۳ روزبهان نامه

۳۴ سه گفتار خواجه طوسی

۳۵ سوانح الافکار رشیدی

۳۶ شرح شهاب الاخبار

۳۷ شرح فارسی شهاب الاخبار

۳۸ شرح فصوص

۳۹ طب ابن هندو

۴۰ فرمان مالک اشتر

۴۱ فرهنگ ایران زمین

ویژگی اثر : با مشارکت منوچهر ستوده ، مصطفی مقربی ، عباس زریاب خویی ، ایرج افشار

۴۲ فصول خواجه نصیر طوسی

۴۳ فلسفه اشراق (حیات النفوس)

۴۴ فهرست کتاب های خطی کتابخانه مجلس سنا

۴۵ فهرست کتاب های خطی کتابخانه ملی ملک وابسته به آستا قدس رضوی

ویژگی اثر : با همکاری محمد باقر حجتی ؛ احمد منزوی ، تهران ۱۳۵۲-۱۳۵۴ دوجلد ، دو جلد

۴۶ فهرست کتب اهدایی مشکوه به دانشگاه

۴۷ فهرست ملی ملل (جلد نهم)

۴۸ فهرست موسیقی

۴۹ فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم

۵۰ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه امامزاده عبدالعظیم

منابع :

۱آینه میراث ، سال اول ، شماره دوم ، پاییز ۱۳۷۷ ، ص ۷۵۲روزنامه همشهری ، شماره ۲۰۵۸ ، ۲ اسفند ۱۳۷۸۳گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۶ ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص۲۷۴

دانش تبریزی، نجفعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، ادیب و روزنامه‌نگار. وی در فقه و اصول و احادیث و اخبار و علوم ادبی اطلاع کامل داشت. دانش معاصر با ناصرالدین شاه قاجار بود و در ۱۲۷۳ ق از آذربایجان به استانبول رفت و با میرزای سنگلاخ همنشین شده و اشعاری را که شعرای آن عهد در مدح سنگلاخ گفته بودند جمع‌آوری و به عنوان «مجمع الاوصاف» چاپ کرد. در آن جا تا ۱۳۰۳ ق کنسول ایران بود. وی در این مدت از ۱۲۹۲ ق اقدام به تاسیس روزنامه‌ی هفتگی «اختر» کرده و مدت بیست و یک سال آن را انتشار داد، تا اینکه پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، روزنامه‌ی مزبور از طرف دولت عثمانی توقیف شد. در ۱۳۰۳ ق منصب سرتیپی گرفت و نایب و مترجم اول گردید و یک سال بعد سمت سر کنسولی ایران در مصر را عهده‌دار شد تا این که در ۱۳۰۸ ق به تهران آمد و جزو صاحب منصبان وزارت خارجه گردید و تا پایان عمر در همین سمت باقی ماند تا درگذشت. آثار وی: «مجمع الاوصاف»؛ «مشکوه الحیات فی تفسیر الایات»، «تفسیر آیه ذوالقرنین»؛ «میزان الموازین فی امر الدین»، در رد «میزان لحق» هانری مارتن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۴۴ -۱۴۳)، الذریعه (۳۲۸ -۳۲۷/۲۳، ۲۰/۲۰، ۳۱۵/۹)، شرح حال رجال (۳۳۰/۴)، المآثر الآثار (۱۹۸ -۱۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۳ -۵۴۲ /۶).

دانش تفرشی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۵۰ ش)، خطاط:، منشی و شاعر، متخلص به دانش. ملقب به ضیاء لشکر و مستشار اعظم. معروف به بلور. در تفرش به دنیا آمد. از کودکی نزد ملا- عبدالحمد یزدی و میرزا علی محمد به تحصیل زبان عربی و ادبیات فارسی پرداخت و تعلیم خط گرفت. در یازده سالگی قصیده‌ای در هفتاد بیت به رشته‌ی نظم کشید که سبب شهرتش شد. از آن پس به دبیری میرزا یوسف خان مستوفی الممالک منصوب شد، آنگاه سالها در همین سمت در شهرهای مختلف، در دستگاه ظل‌السلطان و ناصرالملک و میرزا علی‌اصغر خان اتابک به خدمت اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۵ ق «تذکره‌ی صدر اعظمی» را در شرح شاعران معاصر اتابک نگاشت و در سال ۱۳۱۹ ق فکاهیات خود را به نام «دیوان حکیم سوری» به چاپ رسانید. در سال ۱۳۲۷ ق به شیراز رفت و چندی ریاست عدلیه و دفتر ایالتی آن شهر را به عهده داشت. تقی خان در نوشتن اقسام خط توانا بود و نمونه‌هایی که از خط او به جا مانده، بیانگر استادی وی است. وی مدعی بود که قانون اساسی ایران را به دستور مظفرالدین شاه یک شب تا صبح نگاشته است. دانش در تهران درگذشت. او در مجموع بیست و دو جلد کتاب نگاشته که همه‌ی آنها به خط اوست و این آثار غیر از «تذکره‌ی نون والقلم»- که در شرح حال خطاطان ایران است- همگی منظوم‌اند و صد هزار بیت شعر را شامل می‌شود. مهمترین آنها عبارت‌اند از: «دیوان» اشعار، مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات و پهلویات؛ «نوشین روان»؛ «مثنوی اکسیر اعظم»؛ «فردوس برین» و چند اثر دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۵۰ -۴۸)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰۱ -۸۰۰ /۲ -۳۰۹ -۳۰۶ /۱)، الذریعه (۳۱۵، ۲۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۸ -۱۷۶ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۳۸ -۱۳۳۳ /۲)، شرح حال رجال (۴۶ -۴۵ /۵)، فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷ -۲۱۶ /۲).

دانش‌پژوه، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، محقق.

تولد: ۳۰ فروردین ۱۲۹۰، آمل.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۷۵، تهران.

محمدتقی دانش‌پژوه، فرزند میرزا احمد، مدرک لیسانس خود را از دانشکده‌ی معقول و منقول دریافت کرد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه‌ی مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه‌ی مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته‌ی علمی آن شد.

استاد در سال ۱۳۴۸ به مقام دانشیاری نیمه وقت دانشکده‌ی الهیات و در سال ۱۳۴۹ به مقام دانشیاری تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران ارتقا یافت.

استاد برای کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی به کشورهای عراق، عربستان سعودی، شوروری، ترکیه، انگلستان، فرانسه و آمریکا سفر کرد و در کنگره‌های عملی در سطح ملی و بین‌المللی فعالانه شرکت جست و نتایج تحقیقت علمی خود را به اهل علم عرضه داشت و سرانجام در سال ۱۳۵۵ بازنشسته شد. وی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

دکتر دانش‌پژوه علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی، سال‌ها در مقام استادی، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری، به تدریس می‌پرداخت. حاصل یک عمر تلاش وی حدود ۳۴۰ مقاله تألیف تحقیقی است که در مجله‌های مختلف و از جمله «هنر و مردم» و «یغما» و «سخن» و «وحید»، «راهنمای کتاب» نشریه «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» و «معارف اسلامی») به چاپ رسیده‌اند.

از آثار اوست: آثار درویش طبسی؛ آثار علوی؛ اخلاق محتشمی؛ ترجمه‌ی ادب الوجیز و تولی و تبری از خواجه طوسی؛ اسرار شهریاری؛ الاقطاب القطبیه؛ تصحیح التواریخ رشیدی؛ المنطقیات الفارابی (جلد سوم)؛ تصحیح النهایهٔ و ترجمه‌ی آن؛ بحر الفوائد؛ تاریخ اسماعیلیه کاشانی؛ تاریخ الوزراء قمی؛ تاریخ‌نگاری فلسفه؛ تبصره مساوی؛ تحفه؛ جامع التواریخ؛ جامع الحکمه کاشانی؛ جاویدان خرد؛ چند نسخه خصوصی دیگر؛ حل مشکلات رساله‌ی معینیه (نشریه‌ی ۳۰۴ دانشگاه)؛ دفتر ۱۱ و ۱۲ نشریه‌ی دانشگاه تهران؛ ذخیره شهاب الاخبار؛ رساله المعینیهٔ (عربی، نشریه‌ی ۳۰۰ دانشگاه)؛ رساله‌ی امامت خواجه طوسی (عربی، نشریه ۳۰۲ دانشگاه)؛ روزبهان نامه تصحیح زبدهٔ التواریخ کاشانی؛ سوانح الافکار رشیدی (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۷)؛ سه گفتار خواجه طوسی (نشریه‌ی ۲۹۶ دانشگاه)؛ ترجمه شرایع (جلد چهارم)؛ شرح شهاب الاخبار؛ طب ابن هندو؛ فرمان مالک اشتر؛ فرهنگ ایران زمین (با مشارکت منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، عباس زریاب‌خویی، ایرج افشار)؛ فصول خواجه‌ی طوسی (نشریه‌ی ۲۹۸ دانشگاه به اهتمام وی)؛ شرح فصوص؛ فلسفه‌ی اشراق (حیات النفوس)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (۱۳۵۶، جلد یکم)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی (با همکاری محمدباقر حجتی، احمد منزوی، تهران، ۱۳۵۴ –۱۳۵۲، دو جلد)؛ فهرست کتب اهدایی مشکوهٔ به دانشگاه (در نشریه‌های مختلف)؛ فهرست ملی ملل (جلد نهم)؛ فهرست موسیقی؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی مقدسه‌ی قم(۱۳۵۵)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی امامزاده عبدالعظیم (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه امام جمعه کرمان، اهدایی احمد جوادی، ۱۳۴۴، به جای شماره‌ی اول سال سیزدهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات) ؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی

ادبیات (مجموعه وقفی اصغر مهدوی، ۱۳۴۱)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه وقفی علی اصغر حکمت، ۱۳۴۱، ضمیمه سال دهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران محمدباقر حجتی با تحقیق و نظارت دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ -۱۳۴۵)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران (۱۳۴۰)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبای کشور (با همکاری یحیی ذکاء ۱۳۴۲، جلد سوم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی سازمان لغت‌نامه دهخدا (۱۳۴۲)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (۱۳۴۱، مستخرج از دفتر دوم نشریه‌ی کتابخانه‌ی دانشگاه تهران)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار (تهران، ۱۳۴۶ -۱۳۱۵، پنج جلد)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی تبریز (۱۳۴۸ و ۱۳۵۰، جلد چهارم)؛ کسر اصنام الجاهلیه صدرای شیرازی، مجموعه فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شهرستان‌های ایران (۱۳۵۳ -۱۳۵۱، سه جلد)؛ مرقع سازی و جنگ سازی (مشهد، ۱۳۶۰)، ترجمه مصادقه الاخوان ابن بابویه (۱۳۲۵)؛ معتقد الامامیه، منطق ابن مقنع، میکروفیلم دانشگاه تهران (جلد یکم)؛ نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی رشت (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ نسخه‌های خطی نشریه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران (۱۰، ۱۳۵۸ -۱۳۳۹ جلد، گاهنامه)؛ ترجمه‌ی نکت اعتقادیه شیخ مفید؛ نکت الاعتقادیه (شیخ مفید، ۱۳۲۴)؛ نوادر التبادر؛ وزارت در عهد سلاجقه از عباس اقبال؛ یک پرده از زندگی شاه تهماسب؛ یواقیت العلوم.

وی در تهران درگذشت و کالبد وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (قطعه‌ی خاص هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

(۱۳۷۵ -۱۲۹۰ ش)، نسخه شناس، محقق و مصحح. وی مقدمات ادبی را پس از خواندن نزد میرزا علی بارفروش در مدرسه‌ی حاج علی‌اکبر کوچک در آمل و نزد پدرش فراگرفت. از دیگر استادان وی در آمل شیخ ابوالحسن آملی واعظ، میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی و آقا میرزا عزیزاللّٰه طبرسی بودند. در هجده سالگی بعد از فوت پدر، به تهران آمد. وی از محضر استادانی چون میرزا ابوالفضل گلپایگانی، میرزای قمی، آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّٰه مرعشی بهره برد. دانش‌پژوه در مدرسه‌ی سپهسالار از مضحر میرزا مهدی آشتیانی «شفاء»، «اسفار» و «مکاسب» را آموخت. در ۱۳۲۰ ش موفق به دریافت لیسانس شد. از ۱۳۱۹ ش در کتابخانه دانشکده حقوق مشغول به کار شد. از ۱۳۲۱ ش به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال ورزید و سپس به دبیری دانشگاه پرداخت. از سمتهای دیگر وی معاونت کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق، ریاست کتابخانه‌ی کتب خطی دانشگاه، ریاست کتابخانه‌ی مرکزی، مشاورت فنی کتابخانه مرکزی، عضویت کمیته‌ی کتابخانه‌ی مرکزی بود. در سال ۱۳۴۸ ش دانشیار نیمه‌وقت دانشکده‌ی الهیات و در تاریخ ۱۳۴۹ ش دانشیار تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات شد. در سال ۱۳۳۴ ش شورای دانشگاه تهران وی را برای تدریس درسهای درایه الحدیث و فرهنگ ایرانیان دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شایسته دانست. در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس به تدریس منطق، تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق و در دوره‌ی دکتری به تدریس عرفان اسلامی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثار وی: فهرستهای مختلف کتابخانه‌ی دانشگاه تهران و مجلس سنا؛ ترجمه‌ها: «النکت الاعتقادیه»؛ ترجمه «مصادقه الاخوان»؛ «رساله المعینیه»؛ تصحیح: «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و تصحیح متون متعدد و مقالات مختلف در مجلات وزین.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] راهنمای کتاب (س ۱۸، ش ۹ -۸ -۷، ص ۶۸۸ -۶۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۹ -۲۱۷/ ۲).

دانشور، سیمین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، داستان‌نویس، مترجم، محقق، مدرس دانشگاه و روزنامه‌نگار. در شیراز دیده به جهان گشود و تا پایان دوره‌ی متوسطه در مدرسه‌ی مهرآیین شیراز تحصیل کرد. پس از آن وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۸ ش با نگارش رساله‌ی «علم الجمال در ادبیات فارسی» موفق به دریافت درجه‌ی دکتری ادبیات فارسی در این رشته‌ی تحصیلی شد. سپس به آمریکا رفت و از دانشگاه استنفرد کالیفرنیا درجه‌ی فوق دکتری تخصصی در رشته‌ی زیبایی شناسی اخذ کرد. پس از بازگشت به ایران تدریس در رشته‌های باستان شناسی و تاریخ و هنر دانشگاه تهران و زیبایی شناسی در هنرستان عالی موسیقی و هنرهای زیبا پرداخت. وی همچنین عضو هیات نویسندگان مجله‌ی «علم و زندگی» و «کتاب ماه» و مدیر مجله‌ی «نقش و نگار» نیز بود. سیمین با جلال آل‌احمد ازدواج کرد و همپای او به فعالیتهای فکری و فرهنگی پرداخت. از آثار وی: تحقیقات: «شناخت و تحسین هنر»؛ داستانها: «سووشون»؛ «آتش خاموش»؛ «شهری چون بهشت»؛ «به کی سلام کنم»؛ «غروب جلال»؛ «جزیره سرگردانی»؛ ترجمه‌ها: «سرباز شکلاتی»؛ «دشمنان»؛ «بئاتریس»؛ «داغ ننگ»؛ «بنال وطن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چون سبوی تشنه (۲۱۰ -۲۰۹)، کیان (س ۶، ش ۴۴، ص ۶۷ -۶۶)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۶، ص ۱۱ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۷ -۳۸۶ /۳).

داوری شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۳/۱۲۸۲ -۱۲۳۸ ق)، خطاط، نقاش، ادیب و شاعر، متخلص به داوری. در شیراز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی و آداب سخنوری و خوشنویسی را در محضر پدر و برادر مهتر خود وقار، آموخت و فنون نقاشی و چهره‌نگاری و نیز زبان و ادبیات ترکی را از شخصی به نام حاجی اسداللّه فراگرفت. داوری در سرودن انواع مختلف شعری بویژه قصیده مهارت داشت. خطوط هفت گانه را خوش می‌نوشت و در نستعلیق قوی‌دست بود. صاحب «طرائق الحقائق» مدت دو ماه نزد وی تعلیم خط گرفته است. او همچنین در هنر نقاشی بخصوص آبرنگ، شیرین قلم و صاحب ابتکار بود و تذهیب و آرایش تصاویر را نیکو می‌دانست. دیوان بیگی، مولف «حدیقه الشعراء»، وی را «شمس القلاده‌ی» خاندان وصال دانسته است. از کارهای هنری این استاد، تذهیب و نقاشی «شاهنامه‌ی» فردوسی است که بعدها توسط لطفعلی خان شیرازی و میرزا آقای نقاش تکمیل شد. داوری در زادگاه خود درگذشت و در کنار میرزای سکوت، در حرم شاهچراغ به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی در حدود پانزده هزار بیت دانسته‌اند. در بعضی منابع «رساله‌ای در عروض» و کتابی در «معانی و بدیع» و «فرهنگ» بزرگی به زبان ترکی به وی نسبت داده‌اند. از آثار چهره‌پردازی وی: چهار قطعه تصاویر آبرنگی از قیافه رجال برجسته‌ی دوره‌ی ناصری که در مرقعی با خطوط متنوع ترتیب یافته است؛ تصویر محمد شفیع وصال که بر روی تشکی نشسته است. از خطوط او: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم:؛... و انا العبد... محمد المتخلص بداوری ابن المرحوم وصال... سنه‌ی ۱۲۶۷»؛ یک نسخه «لوایح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «... فی سنه‌ی ۱۲۷۶... و انا العبد داوری بن وصال»؛ یک نسخه «چهار مقاله‌ی» نظامی عروض، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... حرره داوری بن وصال غفر له، سنه‌ی ۱۲۷۹»؛ یک نسخه «سحر حلال»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... داوری بن وصال ۱۲۸۲». چهار اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.[۱]

محمد متلخص به داوری سومین پسر وصال از شاعر از قرن سیزدهم (و. ۱۲۳۸– ف. ۱۲۸۲ ه.ق.). وی در ۱۲۷۹ در تهران بود و در شیراز به بیماری دق درگذشت و در بقعه شاه چراغ شیراز مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۶۰ –۳۵۹)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۱۶ –۷۱۲ /۳)، احوال و آثار نقاشان (۷۱۵ –۷۱۳ /۲)، اطلس خط (۵۶۶ –۵۶۵)، بزرگان شیراز (۳۶۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۷ –۲۰۵ /۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۷/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۷ –۲۵۶)، حدیقه الشعراء (۶۱۳ –۶۰۴ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷ –۵۰۶ /۲)، الذریعه (۳۲۰ –۳۱۹ /۹)، ریحانه (۳۲۷ –۳۲۶ /۶، ۲۱۲ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۲ –۳۵۱ /۱)، شرح حال رجال (۱۸۸ –۱۸۶ /۶)، طرائق الحقائق (۳۷۹ – ۳۷۶ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۱ –۱۰۰۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۴)، لغت نامه (ذیل/ داوری شیرازی)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۲ –۷۸۱ /۵)، مجمع الفصحا (۲۹۹ –۲۹۳ /۴)، مرآت الفصاحه (۲۱۱ –۲۰۸)، مکارم الآثار (۱۰۷۰ –۱۰۶۹ /۴).

دبوسی، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۲ ق)، ادیب، فقیه و مدرس و عالم شافعی. دبوسیه شهری بین سمرقند و بخارا است. وی از شاگردان محمد بن عبدالعزیز قنطری و ابوسهل ابیوردی و ابومسعود بجلی است. در ۴۷۹ ق برای تدریس در نظامیه وارد بغداد گشت و مجلس آراست و عهده‌دار تعلیم شد. از او تعبیر به امام و شیخ شافعیه کرده‌اند. گذشته از قرائت و فقه و حدیث و اصول و لغت، در کلام و مناظره نیز پیشگام بود. هبه‌اللّه سقطی و ابوالعز قلانسی و عبدالوهاب انماطی از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۹۳ –۹۱ /۱۹)، الکامل (۱۵۲/۸)، لغت نامه (ذیل/ دبوسی)، مدارس نظامیه (۱۴۱ ،۱۲۹)، معجم البلدان (۴۹۹/۲).

دبیر الممالک، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط و مترجم. سمت ژنرال آجودانی و مترجمی صدر اعظم را داشت و چون به زبان فرانسه و آلمانی آشنا بود، چند کتاب را به فارسی ترجمه کرد و در وزارت امور خارجه هم سمتی داشت. اسماعیل خان خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. وی تا تاریخ تالیف «تذکره‌ی خوشنویسان» سپهر هنوز در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶/۱).

دبیران، حکیمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، ۱۳۴۸ و ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

پژوهشگر در بخش لغت فرهنگستان زبان ایران در سال ۱۳۵۰، تدریس در دانشگاههای مختلف کشور، استاد اعزامی به دانشگاه پنجاب لاهور (اورینتل کالج) پاکستان (کرسی زبان و ادبیات فارسی) به مدت دو سال، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام تحقیقات ادبی، عرفانی، تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد، عضویت در هیأت امنای دانشگاههای منطقه ۲ تهران و نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی در شورای فرهنگی اجتماعی زنان، نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی در کمیته هماهنگی تربیت معلم و عضو شورای عالی برنامه‌ریزی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

لغت و شعر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبی، بررسی متون، مذهبی، شرح غزلیات عرفانی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دبیرمقدم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر محمد دبیرمقدم در سال ۱۳۳۲ شمسی در کاشان متولد شد.ایشان دارای مدرک دکترای زبانشناسی از دانشگاه ایلینوی(اربانا) امریکا می باشد.دکتر دبیر مقدم در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. ایشان در زمینه های مختلف ازجمله زبانشناسی نظری، زبانشناسی فارسی، معنی شناسی و کاربردشناسی زبان فعالیت پژوهشی داشته و مقالات متعددی نیز به

زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر کرده است. کتاب" زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی "تالیف، محمد دبیرمقدم ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد دبیر مقدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کاشان و تهران گذراند. تحصیلات دانشگاهی را در رشتهٔ زبانشناسی تا مقطع فوق لیسانس در دانشگاه تهران سپری کرد. آنگاه عازم امریکا شد و دکترای زبانشناسی را از دانشگاه ایلینوی(اربانا) امریکا اخذ نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد دبیر مقدم در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. ایشان در زمینه های مختلف ازجمله زبانشناسی نظری، زبانشناسی فارسی، معنی شناسی و کاربردشناسی زبان فعالیت پژوهشی داشته و مقالات متعددی نیز به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر کرده است.

جوائز و نشانها : کتاب" زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی "تالیف، محمد دبیرمقدم ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار :

۱ زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی» زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی/ تألیف محمد دبیر مقدم.- تهران: سخن، ۱۳۷۸.- ۵۸۰ص: نمودار. واژه نامه. کتابنامه:ص[۵۲۷ –] ۵۴۵. اثر حاضر به توصیف عمده ترین رویکرد زبانی در نیم ?دوم قرن بیستم میلادی می پردازد. دستور زایشی (Generative Grammar) مکتبی مسلط و غالب در زبانشناسی نظری امروز است که با ارائ ?مجموعه ای از نظریه های زبانی، انقلابی در زبانشناسی و علوم شناختی به وجود آورده است. کتاب مشتمل بر دوازده فصل است و مؤلف محترم تلاش کرده است به منظور برطرف نمودن خلاء نظری موجود در زبانشناسی امروز ایران، با اتکاء به منابع دست اول و گفتگوی حضوری و تبادل نظر با برخی از زبانشناسان صاحبنظر و تأکید بر جنب ?آموزشی کتاب، زمین ?لازم را برای دانشجویان و پژوهشگران به منظور فهم بهتر متون تخصصی فراهم آورد. کتابنام ?مفصل، معادل سازی برای اصطلاحات تخصصی و واژه نام ?دو سوی ?فارسی و انگلیسی از دیگر امتیازات این اثر است. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

دبیری‌نژاد، بدیع‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۴، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات و زبان‌شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخی، ادبی، کارنامه ساسانیان، سبک نثر آثار تاریخی دوره مغول در ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ادبی، تاریخی، فرهنگی، دوره مغول، دوره سلجوقی، پیش از اسلام و پس از اسلام.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دختر صاحب بن عباد

قرن:۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن چهارم هجری، از زنان فاضل و ادیب شیعه. وی از پدر دانشمندش ادب و دانش آموخت. صاحب، علاقه فراوانی به او داشت و نیز به دلیل محبت و احترام به سادات علوی دخترش را به ازدواج یکی از سادات علوی به نام ابوالحسین علی بن الحسین معروف به اخومسمعی درآورد. دختر صاحب پسری به دنیا آورد که نامش را عباد نهادند. وقتی بشارت تولد نوزاد را به صاحب دادند چند قصیده سرود که مطلع یکی از آن‌ها چنین است:

الحمدللّٰه حمداً دائماً ابدا

قد صار سبط رسول‌اللّٰه لی ولدا

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: دایرةالمعارف تشیع، ۴۲۳ / ۳؛ ریاحین‌الشریعه، ۲۲۹ –۲۲۸ / ۴؛ النساءالمومنات، ۲۶۶.

درخشان، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده و شاعر. وی اصلا همدانی بود. تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی به پایان برد. سپس در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و مدتی نیز در دانشگاه آنکارا به تدریس پرداخت. وی تا پایان عمر به تحقیق و مطالعه در زمینه‌ی زبان و ادبیات فارسی و معارف اسلامی پرداخت. برخی از آثار وی: «بزرگان و سخن‌سرایان همدان»؛ «سبک نثر فارسی از قرن چهار تا چهارده»؛ تصحیح «دیوان ناصر بخاری»؛ «ینبوع الاسرار فی نصایح الابرار»؛ «المستخلص یا جواهر قرآن»؛ «تفسیر جزء سی‌ام قرآن مجید یا عم جزو»؛ «دیوان اشعار کسایی مروزی»؛ «مرآت الحیاه»؛ و تالیف «مقامات رضا (ع)» و «تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی».[۱]

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

زندگینامه

دکتر شادروان مهدی درخشان در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲، موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۹ به مرتبه‌ی استادی دانشگاه تهران ارتقاء یافت.

مرحوم دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاههای تهران و آنکارا با جدیت و تلاش تمام به تحقیق و تدریس پرداخت و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. از وی ۱۱ جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن‌سرایان و معارف اسلامی به یادگار مانده است. همچنین از ایشان حدود ۳۰ مقاله به زبانهای فارسی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد: رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴.

مرتبه علمی:

تدریس در دبیرستانهای دامغان، تهران، دانشگاههای تهران و آنکارا، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، تصحیح و شرح دیوان ذوالفقار شروانی، تصحیح انتقادی تحفه‌الملوك، ترکیب‌سازی در مخزن‌الاسرار نظامی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بزرگان و سخن‌سرایان همدان، سبک نثر فارسی، کسائی مروزی (تحقیق در احوال و اشعار)، درباره زبان فارسی، فن بدیع، تأثیر

معارف اسلامی در ادبیات، تصحیح دیوان ناصر بخارائی، تصحیح ینبوع‌الاسرار فی نصائح‌الابرار، المستخلص یا جواهرالقرآن (عربی- فارسی)، تفسیر جزء سی‌ام قرآن کریم، مقام رض (در شرح حال امام رضا (ع))، مرآت حیات در عرفان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

پیرامون کلمه شیخ و سید، خالص استرآبادی، دیوان منصور حلاج از کیست؟، تسمیه پسر بنام پدر، رساله ذهبیه، دو اثر نویافته از صائب تبریزی، ایران‌شناسی، مقلدان بوستان، تکرار قافیه در شعرهای حافظ، سبک نثر بلعمی و غیره.

مدرس.

تولد: ۱۲۹۷، همدان.

درگذشت: ۱۳۷۲، تهران.

مهدی درخشان بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲، موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته‌ی زبان ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۹ به مرتبه استادی به دانشگاه تهران ارتقا یافت. دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاه‌های تهران و آنکارا پرداخت و دانشجویانی را تربیت نمود. از وی یازده جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن سرایان و معارف اسلامی به یاگار مانده است. همچنین از ایشان حدود سی مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجلات داخلی (ماهنامه‌های «آموزش و پرورش» و «کیهان فرهنگی»، نشریه‌ی «دانشکده ادبیات و علوم انسانی»، روزنامه‌های «کیهان» و «اطلاعات») و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. از جمله کتاب‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تصحیح دیوان ناصر بخارایی؛ دیوان اشعار کسایی مروزی؛ درباره‌ی زبان فارسی؛ بزرگان و سخنسرایان همدان (جلد اول، ۱۳۴۱، این کتاب به صورت دو جلد در سال ۱۳۷۴ چاپ شده است).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۴ -۱۲ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۷/۶).

درزی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر علی درزی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبانشناسی همگانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی دکتر علی درزی به قرار زیر است: زبانشناسی. دانشگاه تهران ؛ ۱۳۷۵-تا کنون زبانشناسی مقدماتی. دانشگاه ایلی نوی، امریکا ؛ ۱۹۹۳-۱۹۹۶ زبان فارسی. دانشگاه ایلی نوی، امریکا ؛ ۱۹۹۳-۱۹۹۶

آثار :

۱ دانش زبان

ویژگی اثر : (ترجمه). نشر نی ۱۳۸۰

۲ درآمدی بر زبانشناسی معاصر

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ویلیام دیلینی اوگریدی، مایکل دابروولسکی، مارک آرنف، علی درزی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۳ دی، ۱۳۸۶

۳ زبان و مسائل دانش

ویژگی اثر : (ترجمه). نشر آگه ۱۳۷۸

۴ زبانشناسی در میان فرهنگها

ویژگی اثر : (ترجمه). جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم ۱۳۶۷

۵ شیوهٔ استدلال نحوی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی درزی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۱۹ شهریور، ۱۳۸۵

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

درگزی، صید علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۲ -۱۲۷۲ ق)، ادیب و شاعر. از طایفه‌ی چاپشلو از خوانین و از فضلاء و ادباء و از نسابه‌های معروف خراسان بود. وی مدتها نزد میراز مهدی گیلانی متخلص به خدیو تلمذ کرد و فنون ادب را از وی آموخت. از شاگردان خان مزبور عبدالجواد معروف به ادیب نیشابوری بوده و تا زمانی که صید علی‌خان زنده بود نامبرده فوق‌العاده مورد تکریم و احترام ادیب می‌بود. وی از معاصران ملک‌الشعراء بهار، صدرالاطباء و سلطان العلماء بوده است و تنها کسی است که بوسیله‌ی ادیب نیشابوری سبک فصحای قدیم را احیا نمود و از این حیث از شخصیتهای بزرگ ادب معاصر ایران است. وی حافظه‌ای نیرومند داشت بطوری که پنجاه هزار بیت اشعار فارسی و عربی و ترکی در حفظ داشت و بهتر از هر کس به سبک خراسانی آشنا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۲۳ / ۶)، صد سال شعر خراسان (۳۶۸ -۳۶۵).

دزفولی شوشتری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۶۰ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به حقیر. ملقب به خلیفه. در دزفول به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات مدتی در محضر علمای زادگاهش تلمذ کرد تا به درجه کمال رسید. او را برای خطابه تشویق کردند و

وی در این سنگر تا پایان حیاتش باقی ماند. از آثار وی: «تحفه الابرار»، در مدایح و مراثی و خطب؛ «احسن المقال»، در قصص و حکایات؛ «مخزن الدرر»، شعر، که در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسید؛ «دفینه الاحباب»، در حوادث و اتفاقات دوران حیاتش؛ «دیوان» شعر به نام «دیوان حقیر دزفولی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۶ -۲۲۵ /۲۰ ،۲۵۸/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۹/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱ -۶۹۰ /۲).

دزفولی شوشتری، محمدطاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۳۲۱ ق)، ادیب و فاضل. او از دانشمندان و ادیبان بود. از جمله آثار وی ترجمه «اللهوف» سید ابن‌طاووس، ترجمه‌ای است شرح گونه که دلالت بر دانش و اطلاعات گسترده صاحب عنوان دارد. وی در سال ۱۳۲۱ ق این اثر را به انجام رسانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷۰ -۹۶۹ /۱۴).

دزفولی کاظمی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۵۵ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. وی در نجف از محضر میرزای شیرازی (قبل از هجرتش به سامراء) و شیخ محمدحسن کاظمی بهره برد و اجازه روایت گرفت. آنگاه به کاظمین بازگشت و در راس امور قضاء و حکم و تدریس قرار گرفت. از آثارش: «منتهی الامل»، در شرح «القواعد» حلی، در لفقه؛ «وسیله النجاه»؛ رساله‌ی عملیه برای مقلدین؛ شرح «الکافیه» ابن حاجب، در نحو، به نام «شقائق المطالب»؛ «اشعار»ی در مواعظ و اخلاق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۵ -۱۹۴ /۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۰/۱۴)، علماء معاصرین (۹۶ -۹۵)، فوائد الرضویه (۴۳۱)، معجم المؤلفین (۱۲۸/۹)، هدیه العارفین (۳۹۰/۲).

دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۵۲ -۱۲۷۳ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. در محضر عمویش شیخ محمد طاهر، شاگرد شیخ انصاری، و دیگر علمای

بزرگ چون آخوند خراسانی شاگردی کرد تا به درجه والائی دست یافت. آیت‌اللّه شهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است. در بروجرد درگذشت و در جوار امامزاده ابوالحسن دفن شد. از آثارش: «جهد المقل»، در پاسخ سوالها، فقه استدلالی ملمع؛ «فیض الباری» شرح «مکاسب» محقق انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه «فصول» در علم اصول؛ «کلمه التقوی»، رساله فتوائیه؛ رساله‌ی عملیه ای فارسی که منتخب «منهج الرشاد» است؛ قسمتی از «اشعار» وی به همراه «مخزن الدرر» در بمبئی چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۰/۹)، تاریخ بروجرد (۵۵۱ -۵۴۹ /۲)، الذریعه (۱۲۴/۱۸، ۴۰۶/۱۶، ۱۵۷ -۱۵۶ /۶، ۳۰۲/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۴/۱۴).

دستجردی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب الشریعهٔ، عالم فاضل، و ادیب شاعر متخلص به «سودایی» معروف به حاج آخوند فرزند ملا عبدالرزاق بن اسماعیل.

از شعرای معروف و فضلای مشهور اصفهان است. در غره‌ی محرم ۱۲۸۱ در قریه‌ی دستگرد خیار متولد گردیده، و نزد آقا میرزا محمدباقر [چهارسوقی] و جمعی دیگر از علما (آقا نجفی مسجد شاهی، میرزا محمد حسن نجفی) تحصیل نموده، و از استاد نامبرده به کسب اجازه مفتخر گردیده.

کتب و رسائل زیر از اوست:

۱ - اجمالی در احوالات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲ - ترجمهٔ الدرر، ترجمه‌ی کلمات قصار حضرت علی علیه‌السلام ۳ - خمسه‌ی طیبه، مجموعه‌ی اشعار خود در مناقب و مرائی ۴ - دیوان قصاید و غزلیات ۵ - دیوان غزلیات و رباعیات ۶ - شمس و قهقهه، به بحر خسرو و شیرین نظامی ۷ - ضیاء الابصار فی احوال الاطهار ۸ - گلزار، نام قسمتی از اشعار اوست، و به طبع رسیده ۹ - ملتقط اللغهٔ، و در آن ۱۵ هزار لغت عربی به فارسی ترجمه شده است ۱۰ - منظومه‌ی انوار سهیلی، معروف‌ترین اثر اوست، و به همین جهت به ناظم السهیلی معروف بود، و نام فامیلی خود را «انواری» نهاد.

در ۱۳۵۲ وفات یافته، در قریه‌ی دستگرد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دستغیب، ابوالمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ابوالمحمد دستغیب شیرازی ادیب و دانشمند و شاعر ماهر این سلسله.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دستگردی، حسن وحید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد قـاسم. فاضـل محقّق، و ادیب اریب، و شـاعر گران مایه، از محقّقین و متتبعین در ادبیّات فارسـی است. در سال ۱۲۹۸ در قریه دستگرد خیار متولّد، و در شب ۲۱ ذی حجهٔ الحرام سال ۱۳۶۱ در طهران وفات یافته، در مقبره امام زاده عبداللّه مدفون گردید.
در اصفهان خدمت جمعی از علما و ادبا همچون: آخوند ملاّ محمّد کاشی، و آخوند گزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و مرحوم جهانگیر خان قشـقائی، و میرزا یحیی مدّرس بید آبادی تحصـیل نموده، و در اوایل مشـروطیت در زمره آزادی خواهان وارد شده، و در این راه کوشـش ها نموده، سپس به طهران منتقل شده، و از سال ۱۳۳۸ مجلّه ادبی «ارمغان» را انتشار داده که تا حین الفوت مرتّباً انتشـار یـافته، و پس از مرگ ایشـان به همّت فرزنـد دانشـمندش آقای محمود وحیـد زاده متخلّص به «نسـیم» که از دبیران و صاحب منصبان عالی رتبه وزارت آموزش و پرورش است تاکنون منتشر می‌شود.
در اوایل «لمعه» و سپس «وحید» تخلّص می‌نمود، و در روزنامه‌ها به طور مستعار، «ناظر اصفهانی» می‌نوشته. کتب زیر از اوست:
۱- انقلاب ادبی ۲- دیوان قصایـد و غزلیّات ۳- ره آورد وحیـد، دو مجلـد ۴- سرگذشت اردشیر ۵- سـفینه بهترین اشعار ۶- مجلّه ارمغان ۷- هزار اندرز نظامی، جمع آوری از اشعار نظامی گنجوی ۶- یخچالیه، جلد دوم؛ و غیره.
مشارالیه در طیّ بیست و سه سال انتشار مجلّه ارمغان چندین مجلّد کتاب ادبی نیز به طبع رسانید که از آن جمله است:
۱- تذکره نصـر آبادی ۲- تحفه سـامی ۳- دیوان ادیب الممالـک فراهانی ۴- تصـحیح و تحشـیه و طبع خمسه نظـامی، و افزودن دو مجلّد بر آن (سبعه نظامی). ۵- دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دشت بیاضی کوهستانی، عبدالکریم محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، ادیب. از معاصـران جلال‌الدین اکبرشاه بود. وی اشعار «نصاب الصبیان» فراهی را با اضافات منظومی که پدرش، فصیح محمد به قصد تکمیل نصاب سروده بود، شرح کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۱۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۵).

دشتکی شیرازی، نظام‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۵ ق)، حیکم، ادیب و شاعر. ملقب به سلطان الحکماء و سید العلماء. وی پدر بزرگ سید علی خان مدنی شیرازی بود. از تالیفات وی: «اثبات الواجب الصغیر»؛ «اثبات الواجب الکبیر»؛ «اثبات الواجب الوسیط».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۳/۱)، ریحاه (۲۰۱ -۲۰۰ /۶).

دشتی فارسی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۹/۱۲۹۸ -۱۲۴۶ ق)، ادیب، حکیم و شاعر، متخلص به دشتی. وی اهل دشتستان بود از طایفه حاجیان. در محضر پدرش و دیگر فاضلان شره علوم ادبی و تازی را آموخت پس از فوت ضابط دشتی به حکومت آن نواحی رسید، در دوره‌ی حکومتش به دستگیری از مستمندان و فقیران پرداخت. از جلمه آثارش: «دیوان» شعر؛ «نمکدان»؛ «طریق السلوک»؛ «کلام الملوک».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۲۲ -۶۲۱ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۶ -۵۳۸ /۲)، الذریعه (۳۱۳/۲۴، ۱۱۱/۱۸ ، ۳۲۶/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۳۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۱ -۴۷۰ /۵)، مرآت الفصاحه (۲۱۵ -۲۱۴)، مکارم الاثار (۱۲۸۹ - ۱۲۸۸ /۴).

دشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فرهیخته، حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد دشتی در سال ۱۳۳۰ ش (۱۳۷۰ ق) در مازندران به دنیا آمد و پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی به آموختن علوم دینی روی آورد. وی پس از تلاش و پشتکار فراوان، در بیست سالگی به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: میرزا هاشم آملی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی اردبیلی و عبداللّه جوادی آملی راه یافت و مبانی حکمت و فلسفه را از استادان فن آموخت. حجت‌الاسلام دشتی پس از آن به تالیف و تدریس و تحقیق روی آورد تا اینکه در سال ۱۳۶۷، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین(ع) را بنیان نهاد و با کمک گروهی از محققان، کتاب‌های ذیل را فراهم نمود: فرهنگ سخنان معصومین در ۱۵ جلد، تحلیل تاریخی سیاسی معصومین در ۱۴ جلد و سیره امام علی(ع) در ۱۵ جلد، ترجمه نهج البلاغه، فرهنگ واژه‌ها، موضوعات کلی و معارف نهج‌البلاغه در ۴ جلد، اسناد و مدارک نهج‌البلاغه و دهها اثر دیگر. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکسره به تلاش و کوشش در راه احیای شعائر دینی می‌پرداخت و هماره به تبلیغ دین در شهرهای مختلف کشور و تدریس در نهادهای انقلابی و دانشگاه‌ها و سخنرانی همت گماشت تا این که در بازگشت از سفر تبلیغی خویش از کاشان در ۵ اردیبهشت ۱۳۸۰ دچار سانحه تصادف شد و پس از گذشت ده روز، در نیمه همان ماه برابر با ۱۱ صفر ۱۴۲۲ق در پنجاه سالگی بدرود حیات گفت و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

دغولی سرخسی، ابوالعباس محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۵ ق)، لغوی، فقیه و محدث. از پیشوایان فقه و لغت و روایت در سرزمین خراسان بود. مدتی در نیشابور اقامت گزید و از محمد بن یحیی ذهلی و عبدالرحمان بن بشر و اقران آنها بهره‌ها برد و در عراق و حجاز از محمد بن اسماعیل احمسی خدیث نوشت و از زعفرانی و سعدان بن نصر و احمد بن سیار و محمد بن عبداللّه قهزاد و محمد بن مشکان و محمد بن مهلب سرخسی و عبداللّه بن‌هاشم طوسی و ابوزرعه رازی حدیث روایت کرد. ابوحاتم بن حبان و ابواحمد بن عدی و یحیی بن عمرو بستی و ابوبکر جوزقی وابوعلی نیشابوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌خزیمه گوید که چون ابوالعباس دغولی دانشمندی ندیده است. از آثار وی: کتاب «الاداب»؛ «فضائل الصحابه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۶۲ -۵۵۷ /۱۴)، الوافی بالوفیات (۲۲۶/۳).

دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، ادیب. گویند در موعظه و تذکیر حقایق و دقایق بی‌نظیر و مداح خواجه عمید فخرالدین حمید بود و طبع عالی داشته و لوای فصاحت و بلاغت می‌افراشته. از جمله آثارش: «حنین الاوطان»؛ «بختیار نامه» را به او نسبت می‌دهند؛ «سندباد نامه» نیز که دو تهذیب دارد یکی از وی است دیگری از ظهیری سمرقندی.[۱]

مروزی، شمس‌الدین محمد بن علی، عالم و واعظ و شاعر اواخر قرن ششم ه. وی تا پایان قرن مذکور زنده بود. و هم اوست که سندباد نامه را به نثری مصنوع و مزین تحریر کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۲/۲)، الذریعه (۳۲۷/۹)، لباب الالباب (۲۱۵ -۲۱۲ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۲/۵)، مجمع الفصحا (۶۴۷/۲)، هفت اقلیم (۱۳/۲).

دقیقی، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۵ -۳۴۵ ق)، عالم، ادیب و نحوی. از پیشوایان علمای نحو و از شاگردان ابوعلی فارسی و ابوالحسن رمانی و ابوسعید سیرافی بود، و مراجع استفاده‌ی جمعی کثیر. دقیقی در تیه درگذشت. از تالیفات وی: شرح «الایضاح» ابوعلی فارسی؛ «شرح الجرمی»، در

نحو؛ «العروض»؛ «المقدمات».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۴/۵)، ایضاح المکنون (۵۴۱، ۴۵۱ /۲)، روضات الجنات (۲۳۱ - ۲۳۰ /۵)، ریحانه (۲۲۴/۲)، کشف الظنون (۲۱۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۹/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۳۴۵ و ۴۱۵)، معجم الادباء (۵۷ -۵۶ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۴/۷)، هدیه ا لاحباب (۱۳۵)، هدیه العارفین (۶۸۶/۱).

دکتر، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، طبیب و مترجم. پس از بازگشت از اروپا به میرزا رضای دکتر معروف شد. وی هنگامی که در دارالفنون در رشته‌ی طب تحصیل می‌کرد، از شاگردان دکتر پولاک اطریشی بود و چهار سال و نیم نزد وی مشغول به آموختن این علم بود. او همچنین مدت چهار سال در اروپا به تحصیل طب پرداخت. پس از بازگشت به ایران طبیب مخصوص و معلم زبان فرانسه سلطان مسعود، پسر بزرگ ناصرالدین شاه شد. سپس همراه علاءالدوله به عثمانی رفت و پس از بازگشت با سمت حکیم باشی‌گری با علاءالدوله، که به عنوان حاکم زنجان انتخاب شده بود، به زنجان رفت و بعد به تهران مراجعت نمود و به جای دکتر شلیمر هلندی معلم طب دارالفنون گردید. از شاگردان وی: میرزا علی‌اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء، ابوالحسن خان و سید احمد نصرالاطباء می‌باشند. از آثار وی: ترجمه‌ی کتاب «پاتولوژی»، تألیف گویزل.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (۲۸۵/ ۱)، شرح حال رجال (۹۸ -۹۷/ ۵).

دلوی استوایی، ابوحامد احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۴ -۳۵۸ ق)، ادیب و فقیه شافعی اشعری. اصل وی از استواء، از نواحی نیشابور، است. از ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوالعباس احمد انماطی و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی حدیث شنید، سپس وارد بغداد شد و از دارقطنی و همطبقه‌ی او حدیث روایت کرد و در آن شهر مسکن گزید. دلوی از جانب قاضی ابوبکر باقلانی، مدتی در عکبرا قضاوت کرد. در فقه شافعی مذهب، و در اصول اشعری مذهب بود. به گفته‌ی خطیب بغدادی، وی ادب شناس بود و از ادبیت و رعبیت حظی تمام داشت، اما حدیث اندکی روایت کرده است. یاقوت حموی گوید که بسیاری از کتابهای ادبی موجود، به خط اوست. در بغداد درگذشت و در قبرستان شونیزیه دفن شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۳۷۸ -۳۷۷ /۴)، ریحانه (۲۲۷/۲)، سیر النبلاء (۵۸۲/۱۷)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۳۹ - ۳۸ /۵)، الوافی بالوفیات (۳۵۱/۷).

دوریستی رازی، حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، ادیب. پدرش جعفر از علمای امامیه بود وی نیز همانند پدر فردی فاضل و دانشمند بود و گاهی هم شعر می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹/۵)، ریاض العلماء (۱۶۹ -۱۶۸ /۱)، ریحانه (۲۳۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۷/۷)، الکنی و الالقاب (۲۳۴/۲).

دولت آبادی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود دولت آبادی نویسنده معروف معاصر در سال ۱۳۱۹ در دولت آباد بیهق متولد شد و در خانواده ای روستایی که از راه کار بر زمین سخت کویر ؛ روزگار می گذراندند بزرگ شد . کودکی اش در روستا سپری شد . برای تحصیل به دولت آباد رفت و همزمان به کارهای گوناگونی از جمله کفاشی و سلمانی گری تا کارگری در کارخانه پرداخت . در ۲۰ سالگی به تهران مهاجرت کرد و برای جامه عمل پوشاندن به دغدغه های اصلی ذهنش به کار نوشتن و بازی در تئاتر مشغول شد و از راه کارگری در چاپخانه امرار معاش می کرد . دغدغه نوشتن با او قبل از مهاجرت به تهران او را به نوشتن چند داستان از سال ۱۳۳۷ واداشت . نخستین داستان چاپ شده او به نام « ته شب »در سال ۱۳۴۱ در مجله آناهیتا در تهران چاپ شد . از آن پس ؛ کار نوشتن را به صورت جد و با پشتکار ادامه داد و از سال ۱۳۴۷ داستانهایش در نشریات ادبی و بصورت کتاب به چاپ رسید و برای وی شهرت زیادی را به بار آورد . آثار وی عبارتند از :« ته شب (داستان)؛ هجرت سلیمان و مرد (مجموعه داستان) ؛لایه های بیابانی (مجموعه داستان) ؛ آوسنه بابا سبحان (داستان بلند) ؛ تنگنا (نمایشنامه) ؛ باشبیرو (نمایشنامه) ؛ گاواره بان (داستان) ؛ ناگریزی و گزینش هنرمند (مجموعه مقاله) ؛ عقیل عقیل (داستان) ؛ موقعیت کلی هنر و ادبیات کنونی (مجوعه مقاله) ؛ دیدار بلوچ (سفرنامه) ؛ کلیدر (رمان) ؛ جای خالی سلوچ (رمان) ؛ ققنوس (نمایشنامه) ؛ آهوی بخت من گزل (داستان) ؛ ما نیز مردمی هستیم (گفت و گو) ؛ کارنامه سپنج (مجموعه داستان و نمایشنامه) ؛ مجموعه مقالات دو جلد و روزگار سپری شده مرد سالخورده (رمان) . »

دولتشاهی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی دولتشاهی در سال ۱۲۷۸ ، در تهران تولد یافت. از سن هفت سالگی در مدرسه ی قاجاریه تحصیلات خود را آغاز کرد و

پس از آن در مدرسه ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریافت تصدیق نامه ی فراغت از تحصیل شد. او همچنین ضمن تحصیل در مدرسه سن لویی ، روزهای یکشنبه به مدرسه ی صنایع مستظرفه که موسس آن استاد کمال الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت. استاد پس از فراغت از تحصیل ماموریت یافت که مدرسه ی مستظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده ی استفاده از آن سازد. با وقوع کودتای ۱۲۹۹ فعالیت خود را در مدرسه ی صنایع مستظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال الملک پرداخت. استاد در سال ۱۳۰۶ که استادکمال الملک به نیشابور مسافرت کرد ، به حسابداری وزارت فرهنگ منتقل شد ، تا کارهای مدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشغول کار گردید. استاد دولتشاهی در مدرسه کمال الملک علاوه بر انجام امور اداری ، به تعلیم شاگردان نیز اشتغال ورزید. او همچنین در دبیرستان های فیروزکوهی ، پهلوی ، خرد و البرز نیز تدریس کرده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : یحیی دولتشاهی از سن هفت سالگی در مدرسه ی قاجاریه تحصیلات خود را آغاز کرد و پس از آن در مدرسه ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریافت تصدیق نامه ی فراغت از تحصیل شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : یحیی دولتشاهی ضمن تحصیل در مدرسه سن لویی ، روزهای یکشنبه به مدرسه ی صنایع مستظرفه که موسس آن استاد کمال الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت.

استادان و مربیان : یحیی دولتشاهی هنر نقاشی را نزد استاد کمال الملک فرا گرفت و چنانکه استائ محمد علی ناصح می گوید: « وی شیوه نقاشی مکتب استاد کمال الملک را با ابتکار های دلپذیر که خود در این زمینه دارد ، جاودانه تر ساخته است.» استاد خرمشتهی در شعر و شاعری نیز از محضر استاد محمدعلی ناصح استفاده نمود.

وقایع میانسالی : از مهمترین رویدادهای زندگی یحیی دولتشاهی ، وقوع کودتای ۱۲۹۹ بود که وی در این زمان مدرسه صنایع مستظرفه را در قزوین اداره می نمود و همین امر باعث گردید به تهران بازگردد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یحیی دولتشاهی با وقوع کودتای ۱۲۹۹ فعالیت خود را در مدرسه ی صنایع مستظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال الملک پرداخت. استاد در سال ۱۳۰۶ که استادکمال الملک به نیشابور مسافرت کرد ، به حسابداری وزارت فرهنگ منتقل شد ، تا کارهای مدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشغول کار گردید.

فعالیتهای آموزشی : یحیی دولتشاهی در مدرسه کمال الملک علاوه بر انجام امور اداری ، به تعلیم شاگردان نیز اشتغال ورزید. او همچنین در دبیرستان های فیروزکوهی ، پهلوی ، خرد و البرز نیز تدریس نموده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یحیی دولتشاهی پس از فراغت از تحصیل ماموریت یافت که مدرسه ی مستظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده ی استفاده از آن سازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یحیی دولتشاهی در کار شعر و شاعری دستی قوی داشته و در این زمینه آثاری نیز به یادگار نهاده است.

آرا و گرایشهای خاص : استاد محمدعلی ناصح در مورد یحیی دولتشاهی چنین می گوید: « در سرایش سخن منظوم نیز از لطف ذوق بهره مند است و غزل های شیوا می سراید و مضامین بکر که نمودار فکر هنر آفرین اوست در گفتارش دیده می شود...» اشعار استاد بیشتر در غالب غزل سروده شده است. ---

----

منابع :

۱شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج۱ ، تهران: سنایی ، ص ۳۶۵

دهخدا، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۵۸ ش)، روزنامه‌نگـار، شـاعر، محقق، مترجم، مصـحح و فرهنگ‌نویس. معروف به دخو. در خانواده‌ی قزوینی‌الاصل در تهران دیـده به جهان گشود. تحصـیلات قـدیمی را نزد شـیخ غلامحسـین بروجردی آموخت و پس از آن وارد مـدرسه‌ی عالی علوم سیاسـی تهران شد و مبانی علوم جدید و زبان فرانسه را در آن جا فراگرفت و ضـمنا از محضـر درس شـیخ هادی نجم‌آبادی نیز بهره برد. در ۱۲۸۲ ش به همراه معاون‌الدوله‌ی غفاری، وزیر مختار ایران در کشورهای بالکان، به اروپا رفت و طی دو سال اقامت در وین ضمن تحصـیل دانشـهای جدید، زبان فرانسه‌ی خود را تکمیل کرد و در همان روزهای آغازین جنبش مشـروطه به ایران بازگشت و در انتشـار روزنـامه «صور اسـرافیل» را بـا میرزا جهانگیر خان شـیرازی همکاری کرد و مقالات خودرا تحت عنوان «چرنـد و پرنـد» با نامهـای مسـتعار؛ دخو، خرمگس، سـگ حسن دله غلامـ گـدا چاپ می‌کرد. دهخـدا پس از واقعه به توپ بسـتن مجلس به اسـتانبول گریخت و از آنجا به اروپا رفت و در سویس با کمک میرزا ابوالحسن خان پیرنیا، معاضدالسـلطنه، روزنامه‌ی «صور اسرافیل» را از نو در شـهر ایوردون دایر کرد که پس از سه شـماره تعطیل شد و وی به ترکیه رفت و در اسـتانبول به انجمن سـعادت ایرانیان پیوست و در شـمار نویسـندگان مجله «سـروش» درآمـد. دهخـدا پس از فتـح تهران و اعاده‌ی اصول مشـروطه، از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس در دوره‌ی دوم انتخاب شـد. وی در دوران جنگ جهانی اول حـدود بیست و هشت ماه در یکی از قرای چهارمحال بختیاری منزوی بود و پس از پایـان جنگ به تهران آمـد و از آن پس از کارهـای سیاسـی دست شـست و مشاغل مختلفی چون ریاست دفتر وزارت فرهنگ، ریاست مـدرسه‌ی علوم سیاسـی تهران، ریاست تفتیش وزارت دادگستری را عهـده‌دار شـد. دهخـدا پس از قضایای شهریور ۱۳۲۰ ش و برکناری رضاشاه، تا پایان عمر به مطالعه و تحقیق و تالیف مشـغول شـد و از کارهای سیاسـی کناره گرفت. وی در تهران درگـذشت و جنـازه‌اش به شـهر ری منتقل شـد و در ابن‌بابویه دفن گردیـد. مهمترین آثار او عبارتنـد از: مقالات «چرنـد و پرنـد»؛ «امثـال و حکم»؛ «جریـده‌ی سـروش»؛ «لغت نـامه»؛ «دیـوان»، شـعر؛ تصـحیح «دیـوان» سـیدحسن غزنوی؛ «شـرح حـال و آثـار ابوریحان بیرونی»؛ «روح القوانین»؛ ترجمه؛ «عظمت و انحطاط رومیان»، ترجمه.[۱]

(بخش ۱) علی‌اکبر ابن خانبابـا (خـان)، دانشـمند و لغوی و نویسـنده معروف (و. تهران حـدود ۱۲۹۷ ه.ق.- ف. ۱۳۵۷ ه.ق./ ۱۳۳۴ ه.ش.) وی نزد شیخ غلامحسین بروجردی به آموختن علوم ادبی پرداخت، وسپس در مدرسه سیاسی مشغول تحصیل شد. چون منزل او در جوار منزل آیـﺔاللّه حاج شـیخ هادی نجم‌آبادی بود، دهخـدا از این حسن جوار اسـتفاده کامل میبرد و با وجود حـداثت سن از محضر آن بزرگوار بهره‌مند می‌گشت. وی در همین ایام به فراگرفتن زبان فرانسوی اشتغال ورزید. بعدها معاون‌الدوله غفاری او را با خود به اروپا برد، و وی دو سال در اروپا و بیشتر در وینه پایتخت اتریش اقامت داشت. در این مدت زبان فرانسوی و معلومات جدید را تکمیـل کرد. مراجعت دهخـدا به ایران مقـارن بـا آغاز مشـروطیت بود.او با همکاری «جهانگیرخان» و «قاسم خان» روزنامه «صور اسـرافیل» را منتشـر کرد. جذاب‌ترین قسمت آن روزنامه ستون فکاهی بود که به عنوان «چرند و پرند» به قلم استاد و با امضای «دخو»

نوشته می‌شد، و سبک نگارش آن در ادب فارسی بی‌سابقه بود، و مکتبی جدید را در عالم روزنامه‌نگاری ایران و نثر فارسی پدید آورد.

دهخدا مطالب انتقادی و سیاسی را با روش فکاهی در طی آن مقالات منتشر می کرد. پس از تعطیل مجلس شورای ملی در دوره محمدعلی شاه، دهخدا را با جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید کردند. دهخدا درپاریس با علامه محمد قزوینی معاشر بود. سپس به سوئیس رفت و در «ایوردون» سوئیس نیز سه شماره از صور اسرافیل را منتشر ساخت، و از آنجا به استانبول رفت و با مساعدت تنی چند از ایرانیان که در ترکیه بودند روزنامه‌ای به نام «سروش» به زبان فارسی انتشار داد که حدود ۱۵ شماره منتشر شد. پس از آنکه مجاهدان تهران را فتح نمودند و محمدعلی شاه خلع گردید، دهخدا از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و با استدعای احرار و سران مشروطیت از عثمانی به ایران باز آمد و به مجلس شورای ملی رفت. در دوران جنگ بین‌المللی اول دهخدا در یکی از قرای «چهار محال» بختیاری منزوی بود و پس از جنگ به تهران بازگشته از کارهای سیاسی کناره گرفت و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد و بالاخره تا پایان حیات بیشتر به مطالعه و تحقیق و تحریر مصنفات خویش اشتغال داشت. وی در تهران درگذشت و مدفن او ابن بابویه است از آثار اوست: ترجمه عظمت و انحطاط رومیان، ترجمه روح القوانین، فرهنگ فرانسه به فارسی، تصحیح یوسف و زلیخا، تصحیح دیوان حافظ، تصحیح دیوان منوچهری، پندها و کلمات قصار (هیچیک از این کتب منتشر نشده). امثال و حکم (۴ جلد، سه بار چاپ شده)، مجموعه اشعار دهخدا، لغت‌نامه دهخدا (دائرةالمعارف فارسی) (لغت‌نامه).

دانشمند و محقق و نویسنده و روزنامه‌نگار، فرزند خانباباخان از ملاکین قزوین است. در ۱۲۵۸ ش در تهران متولد شد. تحصیلات خود را از پنج سالگی شروع کرد و به علوم ادبی و ادبیات عربی و فقه و اصول و ریاضیات قدیم و حکمت تا حدی بصیرت یافت، سپس وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و آن مدرسه را به اتمام رسانید و مدتی نیز نزد آشیخ هادی نجم‌آبادی مجتهد معروف درس خواند. دهخدا قبل از مشروطیت به اتفاق معاون‌الدوله غفاری به اروپا رفت و چند سال در وین اقامت گزید. در این مدت به آموختن زبانهای خارجی و تکمیل معلومات خود پرداخت. در اوایل مشروطیت به ایران آمد و با کمک دو تن از دوستان خود به نام قاسم تبریزی و جهانگیرخان شیرازی، روزنامه‌ی معروف صوراسرافیل را انتشار داد و مقالات دهخدا در آن روزنامه تحت عنوان «چرند و پرند» و با امضای «دخو» سر و صدای زیادی ایجاد کرد و سبک جدیدی در ادبیات فارسی ایجاد شد. دهخدا مطالب سیاسی و جدی را غالبا با عنوان فکاهی در روزنامه انتشار می‌داد. بعد از تعطیل مجلس اول، دهخدا و جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید شدند. در اروپا با کمک عده‌ای از آزادیخواهان چند شماره روزنامه‌ی صوراسرافیل را انتشار داد. بعد به ترکیه رفت و در آنجا روزنامه‌ی سروش را منتشر نمود. بعد از فتح تهران و سقوط محمدعلی شاه، به تهران آمد و در دوره‌ی دوم مجلس از طرف مردم تهران و کرمان به وکالت مجلس انتخاب گردید. بعد از خاتمه‌ی مجلس، سیاست را رها کرد. و به ریاست مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی منصوب شد و سالها ریاست آن مدرسه را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تشکیل یافت، دهخدا به ریاست دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی برگزیده شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در آن سمت مستقر بود. خیلی از رجال و سیاستمداران ایران از شاگردان دهخدا بودند.

دهخدا تالیفات متعددی دارد که برخی انتشار یافته است. از جمله تالیفات انتشار یافته‌ی او امثال و حکم در چهار مجلد است. دیگر از کارهای علمی و ادبی او تصحیح دیوان منوچهری و تصحیح دیوان حافظ و فرهنگ فرانسه به فارسی است. ولی شاهکار خدمات فرهنگی او لغتنامه است که تا ابد نام او را جاویدان خواهد ساخت.

لغتنامه فرهنگ جامعی است از لغات فارسی و عربی و اروپائی مستعمل در فارسی و اعلام که نتیجه‌ی کوشش و تلاش پنجاه ساله‌ی علامه دهخدا است. قریب سه میلیون لغت از روی متون معتبر اساتید نظم و نثر فارسی و عربی در رشته‌های تاریخ، جغرافیا، طب،

هیئت، نجوم، ریاضی، حکمت و کلام و غیره فراهم گردیده است.

مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۴ مادهٔ واحده‌ای به تصویب رسانید و نام لغتنامه را به نام دهخدا تصویب نمود و چاپ آن را مجلس شورای ملی عهده‌دار گردید. در این مجلدات، علاوه بر معانی لغات از نظم و نثر متقدمان شواهدی نیز عرضه شده است. در لغتنامه یک دوره مفصل از دستور زبان فارسی آمده است.

علامه دهخدا گاهی شعر می‌سرود و دیوانی از اشعار وی منتشر شده است. وفات او در اسل ۱۳۳۴ ش اتفاق افتاد و برای اتمام کارهای علمی او سازمانی به نام سازمان لغتنامهٔ دهخدا تاسیس شد. کوشش و تلاش او تاکنون بی‌سابقه بوده است.

علامه دهخدا با وجودی که سالها دور از سیاست به کار عظیم تحقیقی خود اشتغال داشت، معالوصف در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق و جریان ملی شدن نفت او را یاری و معاونت نمود و قدما و قلما نهضت ملی را تقویت می‌کرد. در همان ایام در بین مردم این مسئله قوت گرفته بود که اگر رژیم ایران به جمهوریت تبدیل شود هیچ‌کس بهتر و شایسته‌تر برای ریاست جمهوری از دهخدا نیست. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دهخدا مورد بغض و کینه قرار گرفت. به هنگام مرگ دستور داده شده بود از او تجلیل نشود. خدمات دهخدا چه به مشروطیت و چه به ادبیات فارسی قابل ستایش بسیار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۳۷ –۱۲۹)، با کاروان حله (۴۰۳ –۳۸۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۵۲ – ۵۰ /۴)، تاریخ ادبیات ایران، دورهٔ بازگشت (۲۶۷ –۲۶۴ /۱)، تاریخ جراید (۱۴۷ –۱۴۶ /۳)، چشمهٔ روشن (۴۶۷ – ۴۶۰)، چون سبوی تشنه (۵۴ –۴۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۴۹۷/۲)، دهخدای شاعر، الذریعه (۳۳۳/۹)، ریحانه (۲۴۲ – ۲۴۰ /۲)، زندگینامهٔ رجال و مشاهیر (۲۵۳ –۲۴۴ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۸ –۳۵۶ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۸۳ –۱۳۷۹ /۲)، شرح حال رجال (۴۳۰ –۴۲۹ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۹۱ –۱۵۸۹ /۱۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۱۶ –۲۱۵)، گلزار معانی (۲۷۱ –۲۶۴)، لغت نامه (مقدمه/ ۴۱۸ –۳۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۵ –۵۰۸ /۴)، مستدرکات اعیان (۱۱۵ –۱۱۳ /۱).

دهخوارقانی، ضیاء العلوم، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ –۱۳۰۳ ق)، نویسنده و مترجم. اثر وی: ترجمهٔ «تاریخ مسافرت مشرق» یا «سرگذشت فریکت»، نوشته ل. بوسنار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴۷۴۳/۴، ۷۵۱/۱)، فهرستوارهٔ کتابهای فارسی (۶۸/۱).

دهدار شیرازی، احمد فانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۶/۱۰۱۰ ق) ادیب، صوفی و شاعر. در شیراز ولادت یافت و نزد شاه فتح‌اللّٰه شیرازی تحصیل کرد. وی پس از چندی به هندوستان رفت و در دکن و در دربار احمد نگر نزد حاکمان آنجا تقرب یافت و در آنجا از مریدان شیخ حسن نجفی شد و در

تصوف به درجه‌ی کمال رسید. مدتی نیز در آن سامان حکومت یافت و سرانجام در سورات درگذشت. از آثار وی: «شرح گلشن راز»؛ «شرح فصل الخطاب»؛ حواشی بر «نفات الانس» و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۶ –۶۵۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۲ –۲۱۱/۱)، الذریعه (۳۵۹/۹).

دهستانی مویدی، حسین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، نوینسده و مترجم. از حال او اطلاع کافی در دست نیست ولی از مقدمه‌یی که بر ترجمه‌ی «الفرجح بعد الشده» نوشته روشن می‌شود که او معاصر و مورد حمایت عزالدین طاهر فریومدی وزیر خرسان در عهد ایلخانان بود. خواجه عزالدین طاهر فریومدی، از عهد حکومت امیر ارغوان آقا ببعد متصرف اعمال دیوانی خراسان بود. زندگانی دهستانی در نیمه‌ی دوم قرن هفتم مسلم است و او کتاب ترجمه‌ی «فرج بعد از شدت» را به نام خواجه عزالدین ترتیب داد. البته این کتاب را اصلا ابوعلی محسن بن علی بن داوود التنوخی به عربی نوشته و عوفی آن را به پارسی درآورده ولی از ترجمه مذکور اثری در دست نیست دهستانی دومین کسی است که کتاب مذکور را به پارسی درآورد وی کتاب خودرا «جامع الحکایات» نامید کتاب او مشتمل بر سیزده باب و هر باب شامل چندین حکایت مفصل و دلپذیر است که ارتباط معنوی با موضوع باب دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۶، ۱۲۳۴ /۳)، الذریعه (۵۰/۵)، گنج و گنجینه (۳۸۴ –۳۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰ –۶۹۹ /۲).

دهشیری، ضیاء الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدضیاءالدین دهشیری فرزند استاد سید یحیی ، در سال ۱۳۰۲ دیده به جهان گشود. وی تحصیلات مقدماتی خود را در یزد به پایان برد و در سال ۱۳۳۴ به دریافت دیپلم ادبی نائل آمد. او برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۷ ، در رشته زبان و ادبیات فرانسه فارغ التحصیل گردید. بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران درآمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت. استاد در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز هم زمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه والدین و انساب : سید یحیی دهشیری پدر سیدضیاء الدین دهشیری ، فردی روحانی و قاضی و از چهره های فرهنگی زمان خود بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بیشتر افراد خانواده سیدضیاءالدین دهشیری اهل علم و ادب و عرفان و آگاه به علوم دینی بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدضیاءالدین دهشیری پس از فوت پدر ، نزد دایی خود محمدعلی عالمی (صمصام) تربیت یافت و از طریق وی که از شیوخ طریقت نعمت اللهی در یزد بودبه علوم ادبی و عرفانی و تصوف علاقه پیدا کرد. وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان علمیه

دهشیری یزد به پایان برد. استاد دهشیری در سال ۱۳۳۴ به دریافت دیپلم ادبی نایل آمد، و در همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات فرانسه این دانشگاه ادامه تحصیل داد، تا اینکه در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل گردید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدضیاءالدین دهشیری با اشتیاقی بسیار در محافل ادبی که باحضور مرحوم آزاد همدانی و بیضایی کاشانی، شیوای قمی و صمصام یزدی در منزل پدر دانشمندش در کاشان برگزار می شد، حضور می یافت.او همچنین از سال ۱۳۲۰ در جلسات انجمن ادبی یزد که به سرپرستی شیخ محمود فرساد از چهره های سرشناس ادب و عرفان اداره می شد، حضور یافته و اشعار زیبایی در موضوعات مختلف می سرود. دهشیری از سال ۱۳۲۳ فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز و مقالات و یادداشت های علمی و ادبی بسیاری را منتشر کرد.فعالیتهای آموزشی : سیدضیاءالدین دهشیری پس از فارغ التحصیل شدن بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران در آمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدضیاءالدین دهشیری در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز همزمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد. استاد دهشیری علاوه بر نوشتارها و مقالات متعدد و متنوع ، بیشتر از پنجاه مقاله منتشره و مستند علمی، در زمینه های گوناگون ترجمه، عرفان، روانشناسی، تاریخ، زبانشناسی را در نشریاتی همچون : یغما ، مجله دانشکده ادبیات ، سپیده فردا و جراید و مجلات دیگر چاپ و نشر گردید. که برخی از آنها عبارتند از: خویشاوندی زبانها، ترجمه حکمت الهی شیعه در عصر صفویه (اثر هانری کربن)، ترجمه کاخ آپادانای شوش(اثر گیرشمن)، ترجمه سلسله مرعشیه مازندران (اثر رابینو)، ترجمه برگزیده داستانها جمالزاده (اثر رودلف گلپکه)، یادبود ماسینیون.جوائز و نشانها : سیدضیاءالدین دهشیری در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نایل گردید ، و مدال درجه اول این مقطع تحصیلی را دریافت نمود.آثار : ، ابوسعید و ابن سینا ، ادبیات جدید یونان ، ارض ملکوت (ترجمه) ویژگی اثر : اثرهانری کربن۴ اسلام در ایران ، انقلابات ایران ، بحران دنیای متجدد ، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم) ، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم) ، تاریخ اقتصادی ، تاریخ ایران باستان منابع : سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سید محمد باقر برقعی ، ج۳ ، قم: نشر خرم ، ص۱۸۲۱۲ نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۱۷،فروردین ۱۳۸۰ تفسیر آثار برشت ، توحید در شعر فارسی ، سفر اروپاییان به ایران ، سیاست اروپا در ایران ، شناخت اسلام ، طبیعت در شعر فارسی ، عرفان حلاج ، فرهنگ اصطلاحات فرانسه–فارسی ، فلسفه سن توماداکن ، قرآن در اسلام ویژگی اثر : (ترجمه به فرانسه)۲۱ قرآن مجید (ترجمه) ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)۲۲ کارمندان ، کلمبا ، مصائب حلاج ، معنی و ارج زندگی

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سید محمد باقر برقعی ، ج۳ ، قم: نشر خرم ، ص۱۸۲۱۲نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۱۷،فروردین ۱۳۸۰

دیانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: کتابداری، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد کتابداری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، دکترا از دانشگاه راتگرز آمریکا در رشته کتابداری و اطلاع رسانی در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهره‌وری از اطلاعـات، کتاب‌شناسـی، کامپیوتری کردن کتابخانه‌ها، تعیین معیارهای ویژه نوشـته‌های نوسوادان، اسـتاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روش تحقیق، مصاحبه مرجع در کتابخانه، فهرست مقالات حقوق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

کتابداری و اطلاع‌رسانی، مدیریت کتابخانه، نوشته‌های ویژه نوسوادان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیباجی مروزی، ابوالفتح محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۹ -۵۱۷ ق)، ادیب و نحوی. اهل مرو بود. نحو را از پدرش که مردی فاضل بود آموخت. او سـرپرست کتابخانه‌ی جامع مرو بود و در همان جا درگذشت. از آثارش: «المحصل» در شـرح «المفصل» زمخشـری، و شرح «انموذج» زمشخری، هر دو در نحو؛ تهذیب «مقدمه الادب» زمخشری؛ «قانون الصلاحی فی ادویه النواحی»؛ «منافع اعضاء الحیوان»؛ «فلک الادب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷/۷)، ایضاح المکنون (۱۳۶/۱)، کشف الظنون (۱۸۳۴، ۱۸۲۰، ۱۷۷۵، ۱۳۱۰)، معجم المؤلفین (۲۱/۱۰)، الوافی بالوفیات (۹۰ -۸۹ /۳)، هدیه العارفین (۱۰۸/۲).

دیباجی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عرب، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیدوزمی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، مترجم. وی کتاب «قصص الانبیاء» ابوالحسن کسایی را تحت عنوان «نفایس العرایس» به فارسی گزارش کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴)، الذریعه (۲۴/۲۴۰)، کشف الظنون (۱۳۲۸).

دیلمی طبرستانی، سلار، سالار، ابویعلی حمزه عبدالعزیز

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و محدث امامی. ملقب به سلار یا سالار. در فقه و ادب پیشگام بود. سیوطی در «طبقات» خود او را از جمله‌ی ادیبان بنام برشمرده است. ساکن بغداد بود و مورد اعتماد و احترام. شیخ مفید و سید مرتضی از مشایخ او می‌باشند. شیخ ابوعلی طوسی، فرزند شیخ الطائفه، و شیخ منتجب‌الدین و ابوالمکرم مبارک بن فاخر نحوی و ابوالفتح عثمان نحوی و ابوالصلاح حلبی و ابوالفتح کراجکی از شاگردان وی بودند. سلار گاهی به جانشینی سید مرتضی درس می گفت. وی در قریه خسرو شاه تبریز درگذشت. سیوطی به نقل از صفدی سال مرگ وی را ۴۴۸ ق می‌داند. از آثارش: «المقنع فی المذهب»؛ «التقریب»، در اصول فقه؛ «المراسم العلویه»، در احکام نبویه، در فقه؛ «الرد علی ابی‌الحسین البصری فی نقض الشافعی»؛ «التذکره فی حقیقه الجوهره»؛ «الابواب و الفصول»، در فقه؛ «المسائل السلاریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲/۳۰۹)، اعیان الشیعه (۱۷۲ -۱۷۰ /۷)، ایضاح المکنون (۵۵۳، ۲۷۵ /۱)، الذریعه (۲۲/۱۲۴، ۳۵۲، ۲۰/۲۹۸، ۱۸۰، -۱۷۹ /۱۰، ۳۶۵، ۴/۲۴)، ریاض العلماء (۴۴۴ -۴۳۸ /۲)، ریحانه (۵۱ -۵۰ /۳)، فهرست منتجب‌الدین (۸۴)، الکنی و الالقاب (۲/۲۳۸)، لغت نامه (ذیل/ سلار الدیلمی)، معجم المؤلفین (۲۳۵، ۷۹ /۴)، هدیه العارفین (۱/۳۸۰).

دیلمی، حسن بن الحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی حسن بن الحسن الدیلمی عالم فاضل، و حکیم بارع و فقیه. به اتّفاق پدر خود از گیلان به اصفهان مهاجرت نموده، و از معاشرین و مصاحبین و همدرسان افندی مؤلف ریاض العلماء می‌باشد. تألیفاتی دارد از آن جمله شرح صحیفه سجّادیّه است. در ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۱۱۹ وفات یافته است.

مؤلّف تاریخ علما و شعرای گیلان را در نام صاحب عنوان اشتباهی روی داده، زیرا که مؤلّف شرح صحیفه سجادیه نامش: مولی

حسین بن حسن است. گویند: شرح صحیفه او انتحال از شرح سید علی خان مدنی است. علاّمه جلیل القدر مؤلّف الذریعه (۱۳:۳۵۰) فرماید: من شرح سیّد علی خان را دیدم که به خط خود در حواشی آن، مواضع انتحال را تعیین نموده بود.

مولی حسین گیلانی دایی سید ابوالقاسم بن حسین موسوی خوانساری جدّ صاحب روضات است، و قبرش در بقعه مشارالیه قرار دارد، و آقا میرزا محمّد باقر به مناسبت بودن قبر او در این محل وصیّت به دفن در اینجا نموده است. در اسامی حسین مجدّداً از او نامی برده خواهد شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دیمرتی اصفهانی، قاسم بن محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب نحوی لغوی، مؤلف کتاب ۱ - الابانهٔ ۲ - تفسیر الحماسهٔ ۳ - تقویم الالسنهٔ ۴ - تهذیب الطبع، در نوادر لغت ۵ - غریب الحدیث؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دینشاه ایرانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۶۰ ش)، مترجم و نویسنده. از پیشوایان مشهور زرتشتیان بمبئی بود که در سال ۱۲۶۰ ش در بمبئی متولد شد. وی به همراه رابینات تاگور (شاعر معروف هندی) به ایران آمد. او «دیوان حافظ» را به انگلیسی ترجمه کرد و از شعرای معاصر ایران «تذکره‌ای» ترتیب داد و با ترجمه‌ی منتخبی از اشعار آنان چاپ کرد. وی سرانجام در بمبئی درگذشت. از آثار وی: «اخلاق ایران باستان»؛ «پرتوی از فلسفه ایران باستان»؛ «پیک مزدیسنان»؛ «تعلیمات زرتشت»؛ «سخنوران دوران پهلوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دایرۀالمعارف فارسی (۱۰۲۹/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۸/۱)، شرح حال رجال (۹۹/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵ - ۳/ ۷۳).

دینوری، ابوالقاسم عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۹۰ ق)، ادیب و کاتب. وی از روسای کاتبان دیوانی خراسان بود که نسب به عباس بن عبدالمطلب می‌رساند. به گفته‌ی ثعالبی تصنیفات او در «محاسن الاداب» به سی جزء می‌رسد. وی همچنین دارای اشعار بسیاری است.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۱/۴)، معجم المؤلفین (۶۹/۶).

دینوری، ابوحنیفه احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۸۲ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و ریاضی‌دان. از مردم دینور بود که در بصره و کوفه علم آموخت و از محضر پدر خود و پس از او از ابن سکیت بیشترین بهره را برد. وی در علوم بسیاری همچون، نحو، لغت، هندسه، حساب و هیئت دست داشت، و صاحب تالیف بود. او را ذفنون و از نوادر روزگار می‌دانند. روایاتش را صحه گذاشته‌اند و وی را مورد اعتماد خوانده‌اند. او از بزرگان مذهب حنفی بود. از آثارش: «الاخبار الطوال»؛ «النبات»؛ در شش مجلد بزرگ؛ «الجبر و المقابله»؛ «الجمع و التفریق»؛ «البلدان»؛ «البحث فی حساب الهند»؛ «اصلاح المنطق»؛ «نوادر الجبر»؛ «القبله و الزوال»؛ «الکسوف»؛ «تفسر الدینوری»؛ «الانواء»؛ «ما یلحن فیه العامه» یا «لحن العامه»؛ «الشعر و الشعراء».

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۹/۱)، ایضاح المکنون (۶۸۰، ۴۲۱، ۳۲۱، ۲۷۹، ۲۷۷ /۲ ۳۶۸، ۴۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۸ - ۱۸۷ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۲۹/۱)، الذریعه (۲۳۶/۳، ۱۷۲/۲، ۳۳۸/۱)، روضات الجنات (۱۰۳ -۱۰۲ /۵)، ریحانه (۷۲/۷)، سیر النبلاء (۴۲۲/۱۳)، کظف الظنون (۱۵۴۸، ۱۴۴۶، ۱۴۰۷، ۱۳۹۹، ۹۰۷، ۶۶۴، ۶۱۴، ۴۴۷، ۲۸۰، ۱۰۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوحنیفه)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۲۸۲)، معجم الادباء (۳۲ -۲۶ /۳)، معجم المؤلفین (۲۱۹ -۲۱۸ /۱)، الوافی بالوفیات (۳۷۹ -۳۷۷ /۶)، هدیه الاحباب (۱۲)، هدیه العارفین (۵۲/۱).

دینوری، ابوسعد، نصر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۱۱ ق)، ادیب، کاتب، معبر و شاعر. وی از کاتبان بزرگ بود و عهده‌دار مناصب نیشابور. زمانی که سلطان محمود برای پاسخگویی به خلیفه‌القادر باللّٰه، احتیاج به معتمدی داشت، وی را بر گزید. از آثار وی: «روائع التوجیهات من بدائع التشبیهات»؛ «ثمار الانس فی تشبیهات الفرس»؛ «التعبیر القادری» یا «القادری فی التعبیر»، در احکام، که برای خلیفه القادر باللّٰه در ۳۹۷ ق تالیف کرد.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۲/۸)، کشف الظنون (۱۳۰۵، ۹۱۴، ۵۲۳، ۴۱۷)، معجم المؤلفین (۹۴/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۰/۲).

دینوری، ابوعلی احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۸۹ ق)، نحوی. وی در دینور به دنیا آمد. از شاگردان برجسته مبرد و مازنی و ثعلب بود و در بغداد و بصره درس خواند و در مصر مقیم شد و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «اصلاح المنطق»؛ «مختصر فی ضمائر القرآن»؛ «المهذب» در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۲/۱)، روضات الجنات (۲۰۶/۱)، ریحانه (۲۵۲ -۲۵۱ /۲)، کشف الظنون (۱۹۱۴، ۱۰۸۷)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادبا (۲۴۱ -۲۳۹ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۸۶ -۲۸۵ /۶).

دیهیم، گیتی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، تحصیل در زبان‌شناسی فرانسه در دانشگاه سوربن فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی فارسی، آواشناسی فارسی، زبان و زبان‌شناسی فرانسه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

آواشناسی عمومی، آواشناسی فرانسوی، زبان فرانسه و زبان‌شناسی فرانسوی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

واج‌شناسی فارسی، واج‌شناسی فرانسوی، زبان‌شناسی فارسی، زبان‌شناسی فرانسوی، آموزش زبان خارجی، آواشناسی فرانسوی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ذکاء الملک اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی کتاب «کامل التاریخ» ابن‌اثیر را ترجمه و به ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین شاه پیشکش کرد، که گویا آن نیز کامل نبوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۵۹۸/۱).

ذوالفقاری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن ذوالفقاری در سال ۱۳۴۵ در دامغان بدنیا آمد.وی دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵ و استادیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد.ایشان برگزیده رتبه دوم پژوهشهای کاربردی در نوزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی سال ۱۳۸۴ است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : حسن ذوالفقاری از نوادگان ذوالفقارخان حاکم منطقه قومس و از فرماندهان و معتمدان فتحعلی شاه قاجار است.

خاطرات کودکی : دوران کودکی حسن ذوالفقاری مثل تمام کودکان با بازی سپری شد.کتاب و کتابخانی را با راهنمایی های معلم کلاس سوم ابتدایی ،سرکار خانم کلانتری شروع کرد.دوران راهنمایی و متوسطه ایشان با وقوع انقلاب اسلامی مقارن بود از آن جهت به سوی کتابهای مذهبی سوق یافت .دکتر ذوالفقاری از ماندگارترین خاطرات کودکی همان بازی های کودکانه و سرخوشی های آن دوران یاد می کند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن ذوالفقاری در خانواده ای متوسط و مذهبی متولد شد. پدرش دارای شغل آزاد بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن ذوالفقاری تحصیلات ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه را در شهر محل زادگاهش به پایان رساندو در رشته فرهنگ و ادب دیپلم خود را اخد کرد.تحصیلات دانشگاهی ایشان به ترتیب زیر است: - کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی(دبیری) از دانشگاه بین المللی امام خمینی در سال ۱۳۶۸ - کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی(پژوهشی و آموزشی) از پژوهشگاه علوم انسانی در سال ۱۳۷۰ - دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵ عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد وی با استاد راهنمایی دکتر مظاهر مصفا به شرح زیر است ": بحر طویل فارسی و بحر طویل سرایان" عنوان پایان نامه دکتری دکتر ذوالفقاری با استاد راهنمایی دکتر مظاهر مصفا " : شرح احوال آثار و افکار معروف کرخی"

خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل حسن ذوالفقاری مصادف با وقوع انقلاب اسلامی و همراه با راهپیمایی های شکوهمند مردم بود.وی همچنین شاهد جنگ تحمیلی حق بر باطل بوده و در این جبهه ها حضور فعال داشته است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن ذوالقاری ضمن تحصیل در انجمن های اسلامی ، علمی و دانشجویی عضویت داشتند.وی همچنین در راه اندازی نمایشگاههای کتاب همکاری می کرد.در دوران تحصیلات تکمیلی با بنیاد دایره المعارف اسلامی همکاری می کرد و کم کم به مطبوعات رو آورد و نگارش مقاله ،سردبیری هفته نامه کویر در استان سمنان را بر عهده گرفت.

استادان و مربیان : دکتر شفیعی کدکنی ،دکتر مظاهر مصفا،دکتر علی شیخ الاسلامی ،دکتر زرین کوب ، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، دکتر اسماعیل حاکمی ، دکتر جلیل تجلیل ،دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر غلامحسین یوسفی (از استادان دانشگاه) ،حسین معلم و پرویز ارسطو (دبیر دبیرستان) از دبیران و استان حسن ذوالفقاری می باشد.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد رضا شندی ، دکتر محمد عزوم، دکتر حسین داودی ، دکتر ابراهیم خدایار ،دکتر ناصر نیکوبخت،دکتر روح الله هادی، دکتر غلامحسین زاده، دکتر حسین پاشیده ،دکتر قبادی و دکتر بیگدلی و غیره از همدوره ایهاو همکاران حسن ذوالفقاری هستند.

همسر و فرزندان : حسن ذوالفقاری در سال ۱۳۷۰ با سرکار خانم فرحناز مفیدی (کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی و همکارش) ازدواج کردو حاصل این ازدواج دوفرزند یکی پسر بنام سینا (۱۷ ساله) و دیگری زهرا (۱۳ ساله) است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی حسن ذوالفقاری : ۱. دبیر آموزش و پرورش دامغان (از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۰) ۲. انتقال به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی کتب درسی (از سال ۱۳۷۱ – ۱۳۸۳) ۳. عضویت هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس عضویت در مجامع علمی : ۱- عضو مدخل نگاران بنیاد دایرهٔ المعارف اسلامی ۲- عضو شورای پژوهشی کتابخانه مجلس شورای اسلامی تا سال ۱۳۸۱ ۳- عضو کمیتهٔ علمی المپیاد ادبی ۴- عضو هیأت علمی مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی (از سال ۱۳۷۵ تاکنون) ۵- عضو شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی -۶ همکاری با شورای بررسی متون (داوری) ۷- عضو کمیته کار شورای زبان فارسی و فن‌آوری اطلاعات (معاونت پژوهشی وزارت ارشاد) ۸ – عضو شورای علمی مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس ۹- عضو انجمن علمی ویراستاران ایران ۱۰- عضو انجمن مطالعات ایران شناسی (کرمان) ۱۱–عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران ۱۲–عضو هیأت رییسه انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی ۱۳–عضو انجمن روزنامه نگاران مسلمان ۱۴–عضو صندوق هنرمندان،مصنفان،نویسندگان داوری مجلات علمی : ۱- فصلنامه رشد آموزش زبان ادب فارسی ۲- مجلهٔ فرهنگ مردم به سردبیری سید احمد وکیلیان ۳- دو، فصلنامه پژوهشی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی ۴- فصلنامه پژوهشی ادبی انجمن زبان و ادبیات فارسی

فعالیتهای آموزشی : دروس ارائه شده توسط حسن ذوالفقاری : ۱- دروس تخصصی رشته ادبیات ۲- فارسی عمومی ۳- آموزش ویراستاری ، گزارش نویسی، مکاتبات اداری ۴–ادبیات عامه

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر ذوالفقاری یکی از بانیان بنیاد مطالعات زبان و ادب عامه (در حال تاسیس) و دفتر تدوین ضرب المثل های فارسی (تاسیس از سال ۱۳۸۰) می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیتها حسن ذوالفقاری به شرح زیر است: الف) همکاری با مطبوعات کیهان اندیشه ، ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲ کیهان فرهنگی، آینده، ادبستان مجله ادبیات داستانی، کتاب ماه، اهل قلم، فرهنگ قومس مجله ادبیات داستانی، کتاب ماه، اهل قلم، فرهنگ قومس آیینه میراث، مجلات رشد، کتاب ماه، ادبیات فلسفه، ۱۳۷۰ تاکنون عضو هیأت تحریریه هفته نامه کویر از سال ۱۳۷۸–۱۳۷۰ مدیر داخلی رشد زبان و ادب فارسی از سال ۱۳۷۱ تاکنون ب) تولید مواد کمک آموزشی و فن آوری آموزشی ۱- مدیر علمی و نویسندهٔ CD شاهنامهٔ فردوسی (شامل انیمیشن، نقالی، موسیقی، داستان خوانی، ساده سازی، بازنویسی و . . .) مؤسسه تبلیغاتی حور– کانون انفورماتیک ۲- نوارهای آموزش زبان فارسی پیش دانشگاهی، نویسنده و مدیر علمی، دفتر تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش و پرورش(۹ نوار صوتی) ۳- گزارش نویسی، نوار ویدئویی ۱۸۰ دقیقه آموزش اصول گزارش نویسی برای مدیران سراسر کشور، ۱۳۷۶، سازمان مدیریت دولتی ۴- نویسندهٔ متن و محقق فیلم (خورشید برنیزه) گزارش عزاداری‌های دامغان، به سفارش شبکه سحر و دوم ۵- محقق و مدیرعلمی اطلس مصور دامغان شامل ۲۰۰۰ قطعه عکس با زیرنویس فارسی و انگلیسی ۶- مشاور تولید نرم افزار آموزش فارسی اول ابتدایی، شرکت نرم افزار ۷- مدیر علمی و تهیه کننده نرم

افزارهای آموزشی کتاب های دوره دبیرستان (۱۳ لوح فشرده)

همفکران فرد : از همفکران حسن ذوالفقاری می توان به افراد زیر اشاره کرد: ۱- دکتر مظاهر مصفا ، استاد گروه ادبیات ، دانشگاه تهران ۲- دکتر شفیعی کدکنی ، استاد گروه ادبیات ، دانشگاه تهران ۳- دکتر تقی‌پور نامداریان ، استاد پژوهشگاه علوم انسانی

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی حسن ذوالفقاری به قرار زیر است : ۱- فرهنگ مردم ۲- ادبیات داستانی ۳- آموزش زبان فارسی

جوائز و نشانها : دکتر حسن ذوالفقاری تا کنون ۱۷ جایزه و لوح تقدیر از جشنواره ها ی داخلی و خارجی دریافت داشته است.از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- برگزیده ی نوزدهمین جشنواره ی بین المللی خوارزمی،۱۳۸۴(فارسی بیاموزیم) ۲- برگزیده ی پنجمین جشنواره ی کتاب های رشد ،۱۳۸۴(کتاب کار و راهنمای زبان فارسی دوم دبیرستان) ۳- برگزیده ی چهارمین جشنواره ی کتاب های رشد،۱۳۸۳(کتاب کار بخوانیم و بنویسیم اول دبستان) ۴-برگزیده ی کتاب تقدیری کتاب سال، ۱۳۸۴(فارسی بیاموزیم) ۵- برگزیده سومین جشنواره کتابهای کمک آموزشی ،تقدیر از تالیف کتاب کار انشا و نگارش ۶- برگزیده پنجمین جشنواره کتابهای کمک آموزشی سپاس از تالیف کتاب زبان فارسی ۱ ۷- برگزیده چهارمین جشنواره کتابهای کمک آموزشی تقدیر از تالیف کتاب کار بخوانیم و بنویسیم ۸- برگزیده مؤلفان استان سمنان در سال ۱۳۸۶ برای تالیف کتاب زبان و ادبیات فارسی

چگونگی عرضه آثار : مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی : ۱۱۱ مقاله مقالات ارائه شده در مجامع علمی : ۸ مقاله طرحهای تحقیقاتی اجرا شده و در دست اقدام :۸ مقاله کتاب (نگارش یا ترجمه) :۲۶ کتاب تعداد عناوین پایان نامه ها کارشناسی ارشد :۹ پایانامه سفرهای خارجی حسن ذوالفقاری : ۱- سفر به اتریش، بازدید از فعالیتهای مدارس ایرانی، ۱۳۸۰ ۲- سفر به نیویورک ، شرکت در پنجمین همایش شورای گسترش زبان فارسی در آمریکای شمالی ، نیوجرسی ، ۱۳۸۰ ۳- سفر به چین، بازآموزی استادان فارسی کرسی‌های فارسی دانشگاههای چین، ۱۳۸۳ --

آثار :

۱ ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات دکتر محجوب)

ویژگی اثر : نشر چشمه، چاپ سوم، ۱۳۸۴

۲ بدیع الزمان نامه(تصحیح)

ویژگی اثر : نشر چشمه(دردست چاپ)

۳ بهرام و گلندام (تصحیح)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۴ پیغام اهل راز

ویژگی اثر : انتشارات پویش معاصر، ۱۳۸۰

۵ چاه وصال (تصحیح و تحلیل و پژوهش)

ویژگی اثر : سراینده میرزا احمد سند، تهران ، اهل قلم ۱۳۷۵

۶ چهل داستان کوتاه از چهل نویسنده معاصر،

ویژگی اثر : تهران، انتشارات نیما، ۱۳۷۸، چاپ سوم، ۱۳۸۴

۷ حافظ به روایت شهریار

ویژ گی اثر : تهران ، چشمه ، ۱۳۸۱

۸ حافظ قدسی

ویژ گی اثر : انتشارات پویش معاصر، ۱۳۸۰

۹ حسن و دل (تصحیح)

ویژ گی اثر : (در دست چاپ)

۱۰ خورشید آفرین و فلک ناز(تصحیح)

ویژ گی اثر : نشر چشمه(دردست چاپ)

۱۱ داستان‌هاب امثال

ویژ گی اثر : نشر مازیار، ۱۳۸۴

۱۲ در قلمرو آموزش زبان وادبیات فارسی

ویژ گی اثر : تهران، مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی ، سازمان پژوهش وزارت آموزش و پروش ، ۱۳۷۷

۱۳ راهنمای درست نویسی

ویژ گی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۳

۱۴ زبان و ادبیات عمومی (فارسی عمومی مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌های کشور)

ویژ گی اثر : چاپ اول ۱۳۷۸، چاپ سی و سوم، ۱۳۸۴، نشر چشمه

۱۵ سردلبران

ویژ گی اثر : نشر مازیار، ۱۳۸۵

۱۶ فارسی بیاموزیم، (آموزش فارسی به ایرانیان خارج از کشور)

ویژ گی اثر : جلد، انتشارات مدرسه به همراه نوار و CD

۱۷ فرهنگ جامع ضرب المثل‌های فارسی (موضوعی – کلید واژه‌ای)

ویژ گی اثر : انتشارات مازیار، (در دست چاپ) ۴ جلد

۱۸ فرهنگ دانش آموز،

ویژ گی اثر : تهران، نشر استادی، ۱۳۷۸

۱۹ قاف غزل

ویژ گی اثر : نشر چشمه، ۱۳۸۳

۲۰ کتاب کار انشا و نگارش و ویرایش (۲ جلد)

ویژ گی اثر : انتشارات اساطیر، ۱۳۷۵،۱۳۷۵ چاپ دوم ۱۳۸۰

۲۱ کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی (دوره دبستان، دبیرستان و پیش دانشگاهی)، ۲۶ جلد، وزارت آموزش و پرورش (با همکاری)

۲۲ کوه عجایب (بازنویسی افسانه‌های مردم دامغان)

ویژ گی اثر : انتشارات همراه، ۱۳۷۴ (چاپ سوم)

۲۳ مجموعهٔ کتابهای راهنمای آموزش زبان و ادبیات فارسی

ویژ گی اثر : ۹ جلد انتشارات فاطمی، ۱۳۸۳

۲۴ معشوق بنارس (تصحیح)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۲۵ مکاتبات اداری

ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲

۲۶ منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی،

ویژگی اثر : تهران، نیما، ۱۳۷۴، چاپ دوم ، ۱۳۸۳

۲۷ مهارت های نگارشی

ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی و در دست چاپ

۲۸ هشت بهشت

ویژگی اثر : کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان،۱۳۸۵

۲۹ وامق و عذرا(تصحیح)

ویژگی اثر : نشر چشمه(دردست چاپ) --

منابع :

http://www.ksabz.net/article.asp?AID=۵۱۰۶۲ ۱پرسشنامه تکمیل شده فرهیختگان توسط دکتر حسن ذوالفقاری بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - بهار ۱۳۸۶۳مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

ذوقی بسطامی، فتح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۸/۱۲۷۴ ق)، خطاط، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ذوقی. اصلا از طایفه‌ی عرب بنی‌عامر و ساکن بسطام بود. در اوایل دوره‌ی محمد شاه قاجار، برای دیدار دایی خود، حبیب‌اللّه خان عرب، به فارس رفت و در شیراز به تکمیل تحصیلات پرداخت و صاحب دیوان رسائل شد. در ادبیات فارسی و عربی و ریاضیات سرآمد بود. میرزا طاهر، صاحب کتاب «گنج شایگان»، او را آگاه به علم ریاضی، هیئت و حکمت و تاریخ می‌داند. ذوقی تمام خطوط را خوش می‌نوشت. هنگامی که جعفر قلی خان شادلو به ایالت بجنورد و جوین و جاجرم و استرآباد مامور شد، حکیم فتح‌اللّه را به عنوان رییس دفتر رسائل خود به همراه برد. با هدایت صاحب «مجمع الفصحا» چه در شیراز، چه در تهران معاشرت داشت. هنگام تالیف «گنج شایگان» میرزا طاهر (۱۲۷۲ ق) در قید حیات بود و هنگام تالیف «مجمع الفصحا» سال ۱۲۸۸ ق، فوت کرده بود. ذوقی تنها یک دختر داشت که صاحب کمال بود و بسیاری از اشعار شاعران عرب را از بر داشت و با ادبیات عرب آشنا بود و شعر می‌گفت و سلطانی تخلص می‌کرد و خط نسخ را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۳ -۵۶۲ /۲)، تذکره‌ی طلعت (۸۲)، حدیقه الشعراء (۶۴۴ -۶۴۰ /۱)، الذریعه (۳۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۵۵)، گنج شایگان (۱۸۸ -۱۸۲)، لغت نامه (ذیل/ ذوقی بسطامی)، مجمع الفصحا (۳۰۳ -۲۹۹ /۴)،

مصطبه‌ی خراب (۶۶ -۶۵).

ذهبی شیرازی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی هنری لاندر»، دربردارنده‌ی جنگ چین و فرنگیان.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۰/۱۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۳۲، ۱).

راد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد راد ملقب بصیر دیوان ، فرزند حاج میرزا مصطفی بود . او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود . به هنگام تحصیل در این مدرسه و تکمیل تحصیلات به شغل معلمی نیز پرداخت و در مدارس ملی به کار تدریس مشغول شد ، پس از مدتی به خدمات وزارت معارف درآمد . در ضمن ماموریت به رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود . در آنجا به سراغ میرزا کوچک خان جنگلی رفت .میرزا او را مامور دریافت گمرک انزلی کرد . پس از آن مجددا به معلمی پرداخت .و به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستان ها ، بازرس عالی وزارتی ، رییس آموزش ابتداییرا به عهده گرفت . از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۵۸ که به علت ناتوانی جسمی از مشاغل رسمی کناره گیری کرد مستوفی مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق)فعالیت نمود . احمد راد مقاله های بسیاری از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله «یغما » به چاپ رسیده است . از او بیش از سی اثر به یادگار مانده است . وی در ۱۳ مرداد ۱۳۶۳ در تهران دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهوالدین و انساب : احمد راد ملقب به بصیر دیوان ،فرزند حاج میرزا مصطفی بود .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمد راد چهارده ساله بود که پدرش درگذشت وسرپرستی خواهر و برادر و مادررا به عهده او گرفت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد راد تحصیلات خود رادر مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود.وقایع میانسالی : احمد راد در ضمن ماموریت رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود .در آنجا به سراغ میزار کوچک خان جنگلی رفت و میرزا او را مامور دریافت گمرگ انزلی کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد راد مدتی تصدی وزارت معارف را به عهده داشت و در این مدت به وی واگذار شد . پس از مدتی به خدمت وزارت معارف درآمد و ماموریتهایی را به شهرهای رشت ،شیراز و مشهد عهده دار شد. درزمان تصدی گمرک انزلی نیزبدون چشم داشت به درآمد گمرک وظایف خود را انجام داد . او همچنین مدتی به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستانها ،بازرس عالی وزارتی ،رییس آموزش ابتدایی خدمت نمود . از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۵۸ که علت ناتوانی خود کناره گیری کرد مستوفی مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) فعالیت نمود .فعالیتهای آموزشی : احمد راد به هنگام تحصیل در مدرسه آلیانس فرانسه وتکمیل تحصیلات به شغل معلمی درمدارس ملی هم پرداخت و این شغل را پس از اتمام تحصیلات ادامه داد .چگونگی عرضه آثار : احمد

راد مقاله های بسیاری را از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله (یغما) به چاپ رسیده است .آثار : آگهی دل از آینده ، آیا رمز وراثت کشف شده است ، آیا عمر آدمی به ۱۵۰ سال خواهد رسید ، از اتم چه می دانیم ، از حیوانات هواشناسی بیاموزیم ، از سنجاب تقلید نکنید ، از هر خرمنی خوشه ای ، انسان برتر از انسانها، پیدایش حیات بر روی زمین ، پیروزی بزرگی در زیست شناسی، پیروزیهای تازه در کشف اسرار مغز ، ترقی معجزه آسای ژاپن ، تعیین ارزش اصول اخلاقی هرنسل ، تولد عیسی ، جهانی که در آن زندگی می کنیم ، چرا با بینی نفس می کشید ، چرا جان کلن به خدا ایمان آورد ، حدود قوه ادراک آدمی ، خطرات فرود آمدن بر روی ماه ، خواب دیدن از نظر علمی ، درسی که آموختیم ، دستورهایی برای صد سال عمر کردن ، زخم چگونه التیام می پذیرد ، زندگی شگفت انگیز موریانه ،ساعت چنداست، صد سال عمرکنیدبا نشاط جوانی ،کشف زبان حیوانات ، گردباد حیرت انگیز جهان ، ممکن است شما جوانتر از آن باشید، نسخه ای برای گوارا کردن زندگی ، نیوتن ، یک ماشین الکترونیک درمغز بشر

منابع زندگینامه : گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ - ۱۳۷۶ ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۳۵۳

رادمنش، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۴ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تجزیه و تحلیل مباحث بلاغی یا ترجمه الصناعتین، تفسیر هنجارهای مربوط به زن در قرآن، تدریس دروس مقدمات تفسیر، متون عرفانی العربی، معارف اسلامی، قواعد عربی، تاریخ فرهنگ عرب به عربی و فارسی و متون عربی، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نمونه‌هائی از متون نثر و نظم قدیم زبان فارسی، گزیده متون نظم و نثر عربی، نحو برای دانشجو، نمونه‌هائی از اشعار شعرای متعهد، نمونه‌هائی از آیات و احادیث، راه و روش تربیت از دیدگاه حضرت علی (ع)، آشنائی با علوم قرآن، ارزشهای اخلاقی در فقه امام صادق (ع) و تفسیر سوره‌های حمد و حجرات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

خلاصه نظریه شیخ عبدالقاهر، مثل در ادب فارسی و جهاد شیعه در صد سال اول، ترجمه دو مقدمه از شیخ عبدالقاهر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رادویانی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب. از وی اطلاعی در دست نیست ولی آنچه مسلم است به شاعران دوره‌ی اول غزنوی قریب‌العهد بود، زیرا آخرین شاعران مذکور در کتاب او که اشعارشان را به استشهاد آورده، گویندگان عهد محمود و مسعودند. تنها اثری که از او مانده کتاب مهمی است در بدیع و محسنات کلام به نام «ترجمان البلاغه» که به خطا آن را از فرخی سیستانی می‌دانستند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۹ -۹۱۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۷ -۶۴۶ /۵).

رازی تهرانی، خلیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۰ -۱۱۸۰ ق)، طبیب و ادیب. از آثار وی: «ارجوزه فی نصیحه الاطباء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۲۴/۴).

رازی، ابوالفتح سلیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۷ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب شافعی و محدث. وی در آغاز فنون ادب را به کمال آموخت و پس از چهل سالگی به تدریس پرداخت. او در فقه شاگرد ابوحامد اسفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصیر و احمد بن فارس لغوی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی‌حامد اسفراینی و احمد بن محمد بن صلت مجبر و ابواحمد فرضی روایت می‌کرد. وی به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خطبی و ابومحمد کتانی و سهل بن بشر اسفراینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کردند. گویند: وقتی که در بغداد بود نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را

جمع می‌کرد، تا موقعی که از تحصیل علم فراغ حاصل کرد، سپس همه‌ی نامه‌ها را گشود و خواند و به اخبار دردناک مندرج در آنها- که اگر قبلا خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خویشان- وقوف یافت. سلیم در سفر مکه پس از انجام اعمال حج در ساحل جده در دریای قلزم غرق شد. از آثارش: «التقریب» در فروع؛ «روح المسائل»، در فروع؛ «ضیاء القلوب»، در تفسیر قرآن؛ «غریب الحدیث»؛ «الکافی»، در فروع؛ «المجرد»، در فروع؛ «الاشاره»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۶۳۰، ۱۵۹۳، ۱۳۷۸، ۱۲۰۵، ۱۰۹۱، ۹۱۵، ۴۶۶، ۹۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۲۸ -۱۲۷)، معجم المؤلفین (۲۴۳/۴)، الوافی بالوفیات (۳۳۴/۱۵)، وفیات الاعیان (۳۹۹ -۳۹۷ /۲)، هدیه العارفین (۴۰۹/۱).

رازی، ابوعلی حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۸۵ ق)، نحوی و لغوی. وی از ملازمان صاحب بن عباد بود. از آثار وی: «المبسوط فی اللغه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۲۷۰/۳)، الوافی بالوفیات (۲۰۳/۱۲).

رازی، بدرالدین، ابوالمحامد احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۱ ق)، عالم و ادیب حنفی. از آثار وی: «الطائف القرآن»؛ «فضائل القرآن»؛ «اذکار القرآن»، در ادعیه؛ «بذل الحبا فی فضل آل العبا»؛ «الاستدراک»، در حدیث؛ «المقامات»، شامل دوازده مقامه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۰۵، ۱۹۷، ۲/ ۱۷۴، ۷۰، ۵۳، ۱/)، ری باستان (۲۸۶/۲)، کشف الظنون (۱۷۸۵)، معجم المؤلفین (۱۵۸/۲)، هدیه العارفین (۹۲/۱).

رازی، زین‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۶۶۶ ق)، فقیه، مفسر، لغوی، ادیب و صوفی حنفی. اصل وی از ری است. طی سفری از مصر و شام دیدار کرد و در پایان عمر، در سال ۶۶۶ ق، در قونیه بود. او در تفسیر قرآن مشهور است. صاحب «ریحانه الادب» و به تبع آن دهخدا در «لغت نامه» رازی را از علمای قرن هشتم و متوفای بعد از سال ۷۶۸ ق دانسته‌اند. از آثار وی: «انموذج جلیل فی اسئله و اجوبه من غرائب آی

التنزیل»؛ «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز»؛ «روضه الفصاحه»، در علم بیان؛ «کنوز البراعه فی شرح المقامات الحریریه»؛ «مختار الصحاح»، در لغت که تلخیص «صحاح» جوهری است و در ۶۶۰ ق خاتمه یافته؛ «حدائق الحقائق»، در مواعظ؛ «دقائق الحقایق»، در تصوف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۹/۶)، ایضاح المکنون (۳۸۹/۲، ۴۷۵/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۷ -۲۸۶ /۳)، ری باستان (۳۴۶/۲)، ریحانه (۴۰۵، ۲۸۸ /۲)، کشف الظنون (۱۰۷۳ -۱۰۷۲، ۶۳۳، ۹۲)، لغت نامه (ذیل/ رازی، زین‌الدین)، معجم المؤلفین (۱۱۲/۹)، هدیه العارفین (۱۲۷/۲).

رازی، ضیاءالدین، ابوالقاسم عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۵۹ ق)، عالم، متکلم، خطیب، ادیب و محدث شافعی اشعری. ساکن و خطیب ری بود. وی پدر فخرالدین رازی (وف ۶۰۶ ق) است. علم کلام را از ابوالقاسم انصاری، شاگرد امام الحرمین، فراگرفت. نثر نوشته‌هایش آنقدر زیباست که حریری در «مقامات» خود از آنها بسیار نقل می‌کند. از آثارش: «غایه المرام فی علم الکلام»، در دو مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۳۳۷ -۳۳۶ /۲)، ریحانه (۱۴۹ -۱۴۸ /۲)، معجم المؤلفین (۲۸۲/۷)، هدیه العارفین (۷۸۴/۱).

رازی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۹۴ ق)، طبیب، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد و در همان جا متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت و به تحصیل پرداخت و در حله درگذشت. از آثارش: «تعالیق علی شرح ابن نفیس»، در طب؛ «ارجوزه فی النبض»؛ «حواش علی القانون»؛ و اشعار زیادی از او باقیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۸۹ -۸۸ /۵).

رازی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله رازی, نویسنده, روزنامه نگار و شاعر در سال ۱۲۷۳ هجری شمسی در همدان به دنیا آمد.پس از تحصیلات مقدماتی در

ایران, به هندوستان و از آنجا به پاریس رفت و موفق به دریافت لیسانس در رشته حقوق شد, سپس به مصر عزیمت کرد و به نشر مجله های «رستاخیز», «سودمند» و «عصر پهلوی» پرداخت. او پس از مراجعت به ایران, به استخدام وزارت کشور درآمد و به تدریس تاریخ ایران پرداخت .رازی در اوشان تهران در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی درگذشت و در ابن بابویه دفن شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده, روزنامه نگار و شاعر

والدین و انساب : عبدالله رازی, فرزند ابراهیم است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالله رازی پس از تحصیلات مقدماتی در ایران, به هندوستان و از آنجا به پاریس رفت و موفق به دریافت لیسانس در رشته حقوق شد,

زمان و علت فوت : عبدالله رازی در اوشان تهران در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی درگذشت و در ابن بابویه دفن شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالله رازی پس از اخذ لیسانس خود از پاریس ،به مصر عزیمت کرد و به نشر مجله های «رستاخیز», «سودمند» و «عصر پهلوی» پرداخت. وی با روزنامه‌های «حبل‌المتین», «ایرانشهر», و «فرهنگستان» نیز همکاری میکرد. پس از مراجعت به ایران, مجله «سودمند» و روزنامه «آزاد شرق» را برای مدت کوتاهی منتشر کرد. او به استخدام وزارت کشور درآمد و به تدریس تاریخ ایران پرداخت

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آزادیِ شَرْق، نشریهای هفتگی، به مدیریت عبدالله رازی که از سال ۱۳۲۴ش در تهران منتشر میشد. شمارههای سال اول آن (۱-۳۰، به استثنای شمارههای ۱۵ و ۲۰) و سال دوم (۳۱-۵۱) و سال سوم (۵۶-۷۸) در آرشیو کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران باقی است. در آخرین شمارهٔ موجود، نام اکبر مسعودی شیرازی به عنوان مدیرمسئول آن یاد شده است. آزادی شرق بیانکنندهٔ نظرات سیاسی و اجتماعی رازی است که در مجموع، نوعی التقاط افکار سوسیالیستی و سلطنتطلبی بود. این نشریه مدتی توقیف شد و یک چند به نام آزادی خلق منتشر گردید

چگونگی عرضه آثار : عبدالله رازی شعر نیز میسرود ;اشعار وی در کتابهای ادبی و مجلات آن روزگار چاپ شده است.عبدالله رازی دارای تألیفاتی در تاریخ و ادبیات (شعر و نمایشنامهنویسی) است. وی قبلاً مجلهٔ سودمند را در قاهره به زبان فارسی منتشر میکرد که بعدها به رستاخیز، و سپس عصر پهلوی تغییر نام داد.

راشدی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب ایرانی قرن پنجم ه.، ازمخصوصان دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود (۴۹۲ -۴۵۰ ه.ق.)، و از معاصران مسعود سعد بود و با او مناظره ادبی داشت. ضح- راشدی را با رشیدی سمرقندی نباید اشتباه کرد.

(س پنجم ق)، شاعر. در غزنین می‌زیست و از شاعران دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود و از معاصران مسعود سعد سلمان بود که با او مشاعره داشت و شغل نقابت سلطان را عهده‌دار بود.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۶ -۴۸۵/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۳)، دیوان مسعود سعد (مقدمه/ یط)، سرآمدان

فرهنگ (۳۷۰/ ۱).

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۰۲ ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی/ معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل‌بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را ۵۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «درهٔ التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمدصالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است.[۱]

(بخش ۱) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. ۵۰۲ ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التشأتین، الذریعهٔ الی مکارم الشریعهٔ (ه.م.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۷۹/۲)، اعیان الشیعه (۱۶۲ -۱۶۰ /۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۶/۲)، تاریخ گزیده (۶۹۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۰۶۱/۱)، الذریعه (۳۶۴/۲۱ -۱۲۸/۲۰، ۲۸/۱۰، ۴۶ -۴۵ /۵)، روضات الجنات (۲۱۶ -۱۸۶ /۳)، ریاض العلماء (۱۰۱/۷، ۱۷۲/۲)، ریحانه (۲۹۳ -۲۹۲ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۱ -۳۷۰ /۱)، سیر النبلاء (۱۲۱ -۱۲۰ /۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۲ -۸۱ /۶)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، کشف الظنون (۱۷۷۳، ۱۷۲۹، ۱۶۰۹، ۸۸۱، ۸۲۷، ۷۳۹، ۴۶۲، ۴۴۷، ۳۷۷، ۱۳۱، ۳۶)، الکنی و الالقاب (۲۶۹ -۲۶۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۲/۲)، معجم المؤلفین (۵۹/۴)، هدیه الاحباب (۱۴۰ -۱۳۹)، هدیه العارفین (۳۱۱/۱).

رامشی نیشابوری، ابونصر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۹۰/۴۸۹ -۴۰۴ ق)، لغوی، نحوی، شاعر، قاری و محدث، ادبیات را از ابوالعلاء معری آموخت و به طلب قرآت و حدیث سفرها کرد و از اصحاب اصم و دیگران حدیث شنید. او در قرآت و علوم حدیث مبرز شد و در لغت و فنون عربیت حظی وافر یافت. وی در نیشابور املای حدیث می‌کرد و بسیاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. شعر را نیکو می‌سرود، نمونه‌ای از اشعار وی در «معجم

الادباء» آمده است. از اوست:

و اذا لقیت صعوبه فی حاجه

فاحمل صعوبتها علی الدینار

و ابعثه فی ما تشتهیه فانه

حجر یلین سائر الاحجار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۹۷ -۲۹۶ /۲)، لغت نامه (ذیل/ محمد)، معجم الادباء (۴۵/۱۹)، الوافی بالوفیات (۱۲۵ -۱۲۴ /۱).

رامهرمزی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۶۰ ق)، حافظ، محدث، قاضی، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌خلاد رامهرمزی. وی سبک جاحظ را دنبال می‌کرد. از پدرش محمد حضرمی و محمد مازنی و حسن عنبری و جعفر فریانی و عبدان اهوازی و ابوالقاسم بغوی حدیث شنید. و به آوردهٔ «تاریخ فارس» از جماعتی از بزرگان شیراز استفاده کرد و جزوه‌ها نگاشت. ابوالحسین صیداوی و حسن شیرازی و محمد بن موسی بن مردویه و قاضی احمد نهاوندی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را از پیشگامان علم اصول الحدیث می‌دانند، که در این زمینه در کتاب معروف خود «الحمدث الفاصل بین الراوی و الواعی» ابواب بسیاری را مطرح کرد. شریف ابومحمد حسن محمدی که از مشایخ طوسی و نجاشی است از شاگردان وی به حساب می‌آید. سالیانی در شهرهای خوزستان عهده‌دار منصب قضاوت بود. او تا سال ۳۶۰ ق در رامهرمز باقی ماند و در همان جا درگذشت. از آثارش: کتاب «الریحانتین الحسن والحسین (ع)»؛ «امام التنزیل فی علم القرآن»؛ «النوادر و الشوادر»؛ «ادب الناطق»؛ «رساله السفر»؛ «الرثاء یا المراثی و التعازی»؛ «الفلک فی مختار الاخبار و الاشعار»؛ «ربیع المتیم فی اخبار العشاق»؛ «کتاب امثال النبی (ص)»؛ «المناهل و الاعطان والحنین الی الاوطان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۳ -۱۲۹ /۵)، ایضاح المکنون (۵۶۵، ۴۴۲، ۳۴۷، ۳۱۵، ۳۰۷، ۲۹۷ /۲، ۵۶۴، ۵۴۸، ۱۲۵، ۱۲۴)، سیر النبلاء (۷۵ -۷۳ /۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸/۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۵۵)، کشف الظنون (۱۶۱۲، ۱۱۲۲)، معجم الادباء (۱۷ -۵ /۹)، معجم المؤلفین (۲۳۵/۳)، مقدمه ابن‌الصلاح (۴)، الوافی بالوفیات (۶۵ -۶۴ /۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۱ -۲۷۰ /۱).

راوندی کاشانی، ضیاءالدین، ابوالرضا فضل‌اللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۷۰ ق)، عالم، محدث، ادیب و شاعر. دارای علو نسب بود و کمال فضل و حسب را نیز به دست آورد. وی شاگرد ابوالمحاسن رویانی و ابوالبرکات حسینی مشهدی و ابوعلی، فرزند شیخ طوسی و ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد حسنی است و به واسطهٔ این دو نفر اخیر از شیخ طوسی روایت می‌کند. شیخ منتجب‌الدین و ابن شهر آشوب و پدر خواجه نصیر، شیخ محمد

طوسی، از شاگردان وی بوده‌اند و از او روایت کرده‌اند. سمعانی در «الانساب» گوید: «به کاشان که رسیدم به عزم زیارت سید ابوالرضا ضیاءالدین راوندی به خانه‌اش رفتم، بر سر در خانه‌ی او «آیه‌ی تطهیر» را با گچ نوشته بودند، بعد از ملاقات بیش از آنچه شنیده بودم دیدم و احادیث بسیاری از خودش شنیده و نوشتم و چند قطعه از اشعارش را نگاشتم و چند بیتی خودش برایم نوشت». فرزندان و نوادگان او همگی از اهل علم بودند. از آثار وی: «ضوء الشهاب»، شرحی بر «شهاب» قاضی قضاعی؛ «ادعیه السر»؛ «کتاب النوادر»؛ «مقاربه الطیه الی مقارفه النیه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «تفسیر الراوندی» به نام «الکافی»، در تفسیر قرآن مجید؛ «ترجمه العلوی للطب الرضوی»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «الاربعین»، در احادیث؛ «الحماسه»؛ شرح «النهج‌البلاغه»؛ «المورجز الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۰ -۴۰۸ /۸)، ایضاح المکون (۶۵۹ ،۵۳۱ ،۳۴۶ ،۲۵۹ ،۷۴ /۲ ،۳۰۵ ،۲۸۱ ،۵۳ ،۵۲ /۱)، الذریعه (۳۳۷/۲۴ ،۳۷۸/۲۱ ،۲۴۷ ،۲۴۵ /۱۷ ،۱۲۱ – ۱۲۰ /۱۵ ،۱۴۳/۱۴ ،۳۵۲/۹ ،۴۲۳/۱)، روضات الجنات (۳۵۲ – ۳۵۰ /۵)، ریاض العلماء (۳۷۴ -۳۶۳ /۴)، ریحانه (۱۱ -۹ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۸ -۲۱۷ /۶)، فوائد الرضویه (۳۵۵ -۳۵۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۴۴ -۱۴۳)، الکنی و الالقاب (۴۳۶ -۴۳۵ /۲)، لغت نامه (ذیل/ابوالرضا)، معجم المؤلفین (۷۵/۸)، هدیه الاحباب (۱۴۱ – ۱۴۰)، هدیه العارفین (۸۲۱/۱).

راوندی کاشانی، عزالدین، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. معاصر با شیخ منتجب‌الدین بود. سید علی خان در «الدرجات الرفیعه» وی را ستوده و گوید: «مدرسه‌ای بی‌نظیر در کاشان بنا نهاد که علماء و فضلا و زهاد و حجاج و خلق بسیاری در آن ساکن بودند. از آثار وی: «تفسر القرآن»، که به «تفسیر عزالدین» معروف است و ناتمام؛ «الطراز المذهب فی ابراز المذهب»؛ «مجمع الطائف و منبع الطرائف»؛ کتاب «غمام الغموم»؛ کتاب «مزن الحزن»؛ کتاب «نثر اللآلی لفخر المعالی»؛ کتاب «الحسیب النسیب»؛ «غنیه المتغنی یا المستغنی یا المستفتی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۱/۸)، الذریعه (۵۵/۲۴ ،۳۲۸/۲۰ ،۶۹ ،۶۰ /۱۶ ،۱۵۹/۱۵ ،۲۱/۷ ،۲۸۲/۴)، ریاض العماء (۱۷۸/۴ ، ۳۱۳ -۳۱۲ /۳)، ریحانه (۱۱/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۰ -۱۹۸ /۶)، فوائد الرضویه (۳۵۵ -۳۵۴)، الکنی و الالقاب (۴۳۶ – ۴۳۵ /۲)، هدیه الاحباب (۱۴۱ – ۱۴۰).

راویه دیلمی، ابوالقاسم حماد

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۹۵/۱۶۱/۱۵۵/۱۵۱ ق)، مورخ و لغوی. اصل وی از دیلم بود و در کوفه متولد شد. او از مشاهیر علمای تاریخ و لغت عهد

بنی‌امیه بود که در معرفت وقایع و اخبار و اشعار و انساب و لغات عرب، داناترین شخص در طبقه‌ی اول از لغت‌دانان کوفه به شمار می‌رفت. نام پدر وی را میسره و هرمز نیز نوشته‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲ -۳۰۱ /۲)، روضات الجنات (۲۳۷ -۲۳۵ /۳)، ریحانه (۲۹۹ -۲۹۸ /۲)، الکنی و الالقاب (۲۷۰ -۲۶۹ /۲)، لسان المیزان (۶۶۴ -۶۶۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ حماد)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۵۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲ -۱۳۷ /۱۳)، وفیات الاعیان (۲۸۲/۵، ۲۱۲، ۲۱۰ -۲۰۶، ۳۶ /۲، ۴۴۸/۱).

ربانی خواه، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی ربانی خواه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۲ در خانواده ای روحانی در شهر قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در شهر قم گذراندم. درسال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه رضویه گذراندم. در دوره سطح از محضر مرحوم آیت الله طاهر شمس و پایانی، و حجج اسلام موسوی تهرانی، پایانی، نکونام، خسروشاهی، هادوی و کدیور بهره بردم.و از دروس خارج آیات عظام شبیری زنجانی (فقه)، وحید (اصول) کسب فیض نمودم . در کنار دروس حوزه به امور پژوهشی و تالیف نیز اشتغال داشته ام. همچنین با برخی از مراکز پژوهشی همکاری داشته و دارم. در حوزه های کتابداری، کتابشناسی، ویرایش و اطلاع رسانی نیز فعالیت داشته ام. در زمینه های یاد شده تدریس نیز کرده ام. در راه اندازی چندین موسسه پژوهشی و کتابخانه تخصصی نیز همکاری داشته ام. همچنین در حوزه های یاد شده خدمات مشاوره ای بسیاری به موسسات پژوهشی داده ام.

ربعی، علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۰ -۳۲۸ ق)، نحوی لغوی. اصل وی از شیراز بود ولی در بغداد سکنی داشت. از محضر ابوسعید سیرافی دانش آموخت. سپس به شیراز مهاجرت کرد و از بوعلی فارسی کسب علم کرد و در حدود بیست سال ملازم وی بود، چندی بعد به بغداد بازگشت و در آنجا اقامت گزید تا اینکه دار فانی را وداع گفت در باب وی گفته‌اند: اگر شرق و غرب را بگردید فردی داناتر از وی در علم نحو

نمی‌یابید. از آثار وی: «البدیع فی النحو»؛ «التنبیه علی خطا ابن‌جنی فی تفسیر شعر المتنبی»؛ «شرح الایضاح»، در نحو؛ «شرح البلغه»؛ «شرح مختصر الجرمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۴/۵)، ایضاح المکنون (۱۷۲/۱)، تاریخ بغداد (۱۸ -۱۷ /۱۲)، الذریعه (۵۶/۱۴، ۱۱۷/۱۳)، روضات الجنات (۲۳۱/۵)، ریحانه (۳۰۱/۲)، سیر النبلاء (۳۹۳ -۳۹۲ /۱۷)، کشف الظنون (۲۱۲)، الکنی و الالقاب (۲۷۱/۲)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۸۵ -۷۸ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۴ -۱۶۳ /۷)، وفیات الاعیان (۳۳۶/۳)، هدیه العارفین (۶۸۶/۱).

ربن

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(عبر. ربان) طبری از تربیت یافتگان حوزه علمی مرو، و بردین نصرانی- و به قولی بردین یهودی- بوده است (قر. ۲ و اوایل قر ۳ ه.) وی در طب و نجوم و ریاضیات ماهر و از مترجمان معروف عهد خود به شمار می‌رود. از جمله منقولات او نسخه‌ای از «المجسطی» بود از یونانی به عربی که کاملتر از نسخ منقول دیگر بود. وی پدر علی ابن ربن طبری (ه.م.) است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رجایی زفره‌یی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۱ ق)، نویسنده، فیقه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به رجا. در زفره به دنیا آمد در اثر سعی و کوشش بسیار در اغلب علوم از قبیل صرف و نحو و رمل و جفر و اعداد سرآمد گردید. وی در قریه‌ی زفره به تدریس و وعظ و تحریرات شرعی روزگار می‌گذرانید. سرانجام در زفره وفات یافت و در همان جا دفن شد. از او آثار فراوان به جای مانده است. از جمله: «اسهل اللغات یا منتخب اللغات»؛ «کتاب الارث»؛ «تجوید و ترتیل قرآن»؛ «دبستان الشعراء»، در عروض و قافیه؛ «قواعد الرمل»؛ «سپهر اللغه»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰۹ -۲۰۷)، تذکره القبور (۱۰۲ -۱۰۱)، الذریعه (۷۴۱، ۳۵۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹).

رجب نیا، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در دبیرستان البرز و دانشسرای عالی به پایان برد. در سال ۱۳۲۲ ش به خدمت فرهنگ درآمد. و مدتی به کار تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. از آثار وی: ترجمه‌های «ابراهام لینکن»، «داوید کاپرفیلد»، «دین برای دیر باوران»، «سازمان اداری حکومت صفوی» و «طب اسلامی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۷۶ -۱۷۴ /۶).

رحماندوست، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای مصطفی رحماندوست در سال ۱۳۲۹ در همدان متولد گردید. پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی خود را در رشت ?زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال ۱۳۴۹ تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع نمود. رحماندوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهده داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است.ترجمه کتاب" نگهبان چشمه " مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی رحماندوست پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی خود را در رشت ?زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال ۱۳۴۹ تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی رحماندوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهده داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است.

جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" نگهبان چشمه " مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است. -------
----

آثار :

۱ اسم من علی اصغر است

ویژگی اثر : قصه برای نوجوانان

۲ انتظار را د رکوه، درخت و چشمه می بینم گرد آوری سرودهای بچه ها در بار ?امام زمان علیه السلام می بینیم

۳ بازگشت قصه تاریخی برای کودکان

۴ بسوی خانه

۵ بلبل خوش آواز

۶ جوانه های امید گرد آوری سرودها دربار ?انقلاب و جنگ

۷ چشمه نور مجموعه شعرهای سال ۵۵ تا ۶۱ برای کودکان

۸ خاله خودپسند دو قصه برای کودکان

۹ درسی برای گنجشک

ویژگی اثر : قصه منظومه برای کودکان

۱۰ سربداران نمایشنامه

۱۱ علی کوتوله بالای کمد

ویژگی اثر : قصه منظومه برای خردسالان

۱۲ نگهبان چشمه

ویژگی اثر : ترجمه یک قصه فلسطینی-برگزیده کتاب سال-این کتاب قصه ای فلسطینی است. داستان کتاب، فداکاری دختری است بنام سماء که پاهایش قدرت حرکت نداشته و برای خدمت به مردم نگهبانی چشمه ای را که آب ده را تأمین می کند بعهده می گیرد و سرانجام برای آگاه ساختن مردم به از حمله دزدان (بوسیله بصدا در آوردن زنگی که نزدیک چشمه آویخته شده)، جان خود را از دست می دهد و مردم نیز پاس این فداکاری پرچمی چهار رنگ (پرچم فلسطینی) به یاد او تهیه می نمایند که بر بالای خانه ها نصب می شود و نشانی از مبارزه با بیگانگان است. ---
----

منابع :

۱www.ketabesal.ir

رحمانی، نصرت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرت الله رحمانی در سال ۱۳۰۸ ، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ناصر خسرو ، و متوسطه را در دبیرستان ادیب به پایان رسانید و سپس وارد مدرسه پست و تلگراف شد و تحصیلات خود را در آنجا پی گرفت. پس از اتمام تحصیلات، در آن وزارتخانه مشغول به کار شد. و ضمن آن سالها در چند مجله و روزنامه قلم زد و این شاعر نوپرداز در سال های آخر عمر، به شهر رشت کوچ کرد و سرانجام در تابستان ۱۳۷۹ ، درهمین شهر درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : نصرت الله رحمانی در تهران و در خیابان عین الدوله بزرگ متولد شد. او در یکی از کتاب هایش می نویسد:«نام پدرم گویا اسدالله است!»

تحصیلات رسمی و حرفه ای : نصرت رحمانی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ناصر خسرو و متوسطه را در دبیرستان ادیب به پایان رسانید و سپس وارد مدرسه پست و تلگراف شد و تحصیلات خود را در این مدرسه پی گرفت.

خاطرات و وقایع تحصیل : نصرت رحمانی از دوران تحصیل خود چنین تعریف می کند: « ... از هنرکده نقاشی به خاطر پاره ای بحران ها بیرونم کردند. من هم به مدرسه پست و تلگراف رفتم. روزهای شلوغی بود. مدیر مدرسه ما «پژمان بختیاری» شاعر،

استعداد مرا زود درک کرد و روزنامه ی دیواری مدرسه را دراختیار من گذاشت. آغاز کار روزنامه نویسی از همین جا شروع شد... »

فعالیتهای ضمن تحصیل : نصرت الله رحمانی در طول تحصیلات رسمی، مدتی نیز وارده دانشکده نقاشی شد و زیر نظر « عباس کاتوزیان » به فراگیری نقاشی پرداخت.

استادان و مربیان : نصرت رحمانی هنر نقاشی را نزد عباس کاتوزیان فرا گرفت.

وقایع میانسالی : محمود آزاد تهرانی شاعر معاصر و یکی از دوستان نصرت رحمانی ، از عصیان او پس از سالهای کودتای ۲۸ مرداد یاد می کند و می گوید: « نصرت رحمانی شاعری بود که در یک دوره تاریخی خاص سربرآورد و نماینده یک جنبش شد.» م. آزاد در مورد این دوره چنین می گوید: « دوره پرشور جنبش ملی شدن نفت تمام ملت را سیاسی کرده بود ، کودتای ۲۸ مرداد ضربه اصلی را به این جنبش زد ولی ضربه وقتی کاری شد که روشنفکران و مبارزان را زندانی کردند ، به تبعید فرستادند و یک دوره خفقان و تاریک به وجود آوردند. در این دوره رژیم سعی می کرد تا تمام ارزش هایی را که مایه افتخار ملت بود نفی کند و رمز موفقیت شعر رحمانی در این بود که این شعر در دوره خفقان ، علیه ارزش های حاکم سربرداشت... پیام رحمانی عصیان بود ؛ عصیان علیه ارزش های بورژوازی که پس از کودتا شکل تقدس به خود می گرفت... نثرت در آن دوره به طور مسقیم از زوال ، فروپاشیدگی و انحطاط گفت و در در مقدمه یکی از کتاب هایش نوشت شعر من از آنجا موفق شد که شعر اعتراض بود علیه اشرافیت ... اگر بخواهید دردمندی و فریادی که در شهر رحمانی هست توجه کنید ، همین معنی عصیان و اعتراض است. رحمانی یک آدم سیاسی بود و قبلاً شعرهایش در روزنامه های حزبی چاپ می شد. » نصرت درمجله ی سپید و سیاه اعلام کرده بود که می خواهد شعر را به میان مردم ببرد، به همین منظور به همراه مینا اسدی شاعر دیگری از نو پردازان به قهوه خانه ای در جنوب شهر تهران « میدان شوش » رفتند و هنگام شعر خوانی با بدخویی و مخالفت و عدم پذیرش قهوه خانه نشینان روبرو شدند.

زمان و علت فوت : نصرت رحمانی در تابستان ۱۳۷۹ ، در شهر رشت درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نصرت رحمانی، پس از به پایان بردن تحصیلاتش در وزارت پست و تلگراف مشغول به کار شد. او در مورد وضعیت اشتغال خود چنین می گوید: « ... آن روزها به وزارت پست وتلگراف می گفتند وزارت شازده ها ، راست هم می گفتند چون اولین وزارتخانه ی ایران بود ، شاهزاده ها هم به اصطلاح با سواد بودند ، تخم و ترکه ی قاجار هم که خودتان می دانید ، هرکس از تخم و ترکه ی آنها بود به کارمندی استخدام می شد یا با معرفی آنها. اتفاقاً یکی از همین شازده ها معرف من به مدرسه شد وگرنه راهم نمی دادند آخر سوابق مشعشانه ای داشتم! باری از همان جا به رادیو راه یافتم اما پس از چند سال که کار نکردم و حقوق گرفتم ... پس از چند سال درگیری با رییس قسمتم ، مرا به سرپرستی پست و تلگراف کاشان تبعید کردند ، من هم چون به عقرب علاقه نداشتم ، نرفتم. آنها هم یکی دو سال حقوق مرا پرداختند ، وقتی مطمئن شدند که آدم شدنی نیستم آن شندر غاز را هم قطع کردند. »

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرت رحمانی سالها در چند مجله و روزنامه قلم زد.او علاوه بر نوشتن قصه و رپرتاژ، مسوول صفحات ادبی آن مجلات نیز بود. از مجلاتی که وی با آنها به همکاری می پرداخت مجله فردوسی، امید ایران و سپید و سیاه ، اطلاعات هفتگی و با چند مجله ی دیگر بود.

آرا و گرایشهای خاص : نصرت رحمانی نخست تحت تاثیر سبک و شیوه سرایش فریدون توللی بود، ، اما بعد ها به شیوه زبانی ویژه خود دست یافت. شعرهایش به لحنی تلخ از دردها ، پلیدیها و تباهی های دامنگیر اجتماعی، و از عشقی که در میان به لجن کشیده شده است ، سخن می گوید. از دیدگاه او زندگی سرتاپا سیاه و چرکین است؛ خود وی شعرش را سیاه و چرکین می نامد. اما شاید تعبیر « شعر تلخ » برای آن برازنده تر باشد. شعرش از احساسی نیرومند برخوردار است. زبانش زبانی ساده و گاه حتی تا

حد زبان کوی و برزن خودرا همسان می سازد وی نخستین کسی است که واژه ها و اصطلاحات کوچه و بازار را وارد شعر نو کرده است. محمود آزاد تهرانی در باره زبان شعر رحمانی چنین می گوید: « او کلمات عادی را وارد شعر کرد و از به کار گرفتن کلمات مجلل و مطنطن پرهیز داشت و همین ویژگی سبب شد تا نیما بعد از خواندن یکی از شعرهای رحمانی به وجد بیاید و مقدمه ای بر کتابش بنویسد. در آنجا نیما یادآوری می کند که رحمانی با جرات تمام کلماتی را در شعر به کار می برد که دیگران تصورش را هم نمی کنند. » --

آثار :

۱ پیاله دور دگر زد

۲ ترمه

۳ حریق باد

۴ داستان مردی که در غبار گم شد

۵ درجنگ باد

۶ درو

۷ شمشیر معشوقه قلم

۸ کوچ

۹ کویر

۱۰ گزینه اشعار

۱۱ میعاد در لجن

منابع :

۱روزنامه مردم سالاری ، سه شنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۸۰ ، شماره ۷۱۲شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج۱ ، تهران: سنایی ، ص ۳۸۷

رحمدل، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا رحمدل در سال ۱۳۳۰ در لاهیجان بدنیا آمد. وی دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ و عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۸ دانشگاه گیلان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : نام پدر غلامرضا رحمدل مرتضی رحمدل و نام مادرشان خانم بزرگ موسی پور است که هردو به دار فانی را

وداع گفتند.

خاطرات کودکی : غلامرضا رحمدل قبل از دوره دبستان بمدت ۲ سال به یادگیری قران در مکتب خانه پرداخته است.دوره دبستان را در روستا گذراند.مدرسه ایشان توسط یک معلم در شش پایه اداره می شد که این معلم از سواد بیشتری برخوردار نبود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامرضا رحمدل در خانواده ای از نظر اقتصادی ضعیف بدنیا آمد.پدرو مادر وی سواد خواندن و نوشتن نداشتند.وی قبل از دوران سربازی کار می کرد و بعد از سربازی در سال ۱۳۵۳ یکسال به آموزگار پرداخت و شبانه به تحصیل خود در دانشگاه تربیت معلم ادامه دادند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا رحمدل تحصیلات ابتدایی را در روستای محل زادگاهش گذراند .مقطع متوسطه را در دبیرستان مهدویه لنگرود ،کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تربیت معلم (بسال ۱۳۵۷) ،کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران (در سال ۱۳۶۴) و دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامرضا رحمدل از این دورا چنین می گوید: دبستان روستای ما با بخاری هیزومی گرم می شد و دانش آموزان موظف بودند در اولین روز هر هفته یک پشته هیزم و یک بطری نفت با خود به مدرسه بیاورند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامرضا رحمدل در حین تحصیل به شغلی معلمی در روستای چوشل لاهیجان و دبیرستان های منطقه ۱۳ تهران می پرداخت

استادان و مربیان : معلمان و استادان غلامرضا رحمدل در مقاطع مختلف تحصیل به شرح زیر است: مکتب خانه : طالقانی دبستان : دکتر شفیعی کد کنی ،کیانی ، انصاری دبیرستان : حاج محمدی ،حاج تقوای دانشگاه : دکتر زرین کوب ، دکتر شعار ، دکتر ضیا الدین سجادی ، دکتر آموزگار ،دکتر حاکمی ،دکتر رنجبر ،دکتر احمدی بهنام ،دکتر احمدی ، دکتر حریرچی ،دکتر تجلیل ،دکتر سادات ناصری و دکتر بحرالعلومی

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای غلامرضا رحمدل در دوره کارشناسی ،خانم اعظم طالقانی (دختر مرحئم آیه الله طالقانی) و در مقطع دکتری ،دکتر منوچهر اکبری و دکتر کی منش بوده است.

همسر و فرزندان : غلامرضا رحمدل متاهل و دارای همسر بنام دکتر آذرکوشا (پزشک)و ۴ فرزند بنامهای سمانه ،دانشجوی معماری –ساره دانشجوی شیمی – صادق محصل مقطع پیش دانشگاهی و علی محصل کلاس سوم ابتدایی است.

وقایع میانسالی : از وقایع بوقوع پیوسته در این دوران از زندگی غلامرضا رحمدل فوت پدر ، مادر و خواهرش و همچنین به شهادت رسیدن چند نفر از دوستانش می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرائی: رییس آموزش و پرورش لنگرود ۱۳۶۰–۱۳۶۳ معاون اداری و مالی دانشگاه آزاد واحد رشت ۱۳۶۴–۱۳۶۶ رییس آموزش وپرورش بندر انزلی ۱۳۶۳–۱۳۶۵ معاون جنگ دانشگاه گیلان ۱۳۶۵–۱۳۶۶ رییس دانشکده ادبیات وعلوم انسانی ۱۳۷۰–۱۳۷۶ معاون دانشجوئی و فرهنگی دانشگاه گیلان ۱۳۷۴–۱۳۷۵ مسئول بسیج اساتید استان گیلان از ۱۳۸۰ تا کنون عضو شورای فرهنگی عمومی استان گیلان عضو شورای فرماندهی سپاه لنگرود در سال ۱۳۵۹ عضو مسئول حزب جمهوری اسلامی لنگرود ۱۳۶۱–۱۳۶۳ مربی دانشگاه گیلان ۱۳۶۵–۱۳۷۱ استادیار دانشگاه گیلان ۱۳۷۱–۱۳۸۰ دانشیار دانشگاه گیلان ۱۳۸۰ استاد دانشگاه گیلان از سال ۱۳۸۵ تا کنون

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : غلامرضا رحمدل مرکز پژوهشی گیلان شناسی دانشگاه گیلان را راه اندازی کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامرضا رحمدل در کنار تدریس به سرودن شعر و تحقیق می پردازد.ایشان رسیدگی به

امورات زندگی و خانواده را در اولویت کاری خود قرار می دهد.

شاگردان : اساتید فعلی گروه ادبیات دانشگاه های گیلان و آزاد رشت از شاگردان غلامرضا رحمدل هستند.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه: نقد ادبی – ادبیات معاصر – تاریخ اسلام

جوائز و نشانها : کسب مقامهای علمی ۱- برنده مسابقه شعر جنگ و دریافت نامه افتخار از وزیر وقت فرهنگ وارشاد اسلامی مهر ماه ۱۳۶۰ ۲ – دریافت دیپلم افتخار ۸ سال دفاع مقدس از معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا ۱۳۶۸ ۳ – احراز مقام نخست در دومین جشنواره سراسری دانشگاهیان ایران ویژه عزت وافتخار حسینی بهمن ماه ۱۳۸۱ ۴ – احراز مقام سوم در مسابقه سراسری عباس(ع) باب الحوائج در بخش مقاله خرداد ماه۱۳۸۳ بر گزار کنندگان: صدا وسیما – نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشکاهها ۵- برگزیده کتاب سال دفاع مقدس در سال ۱۳۸۶ کتاب گذاره های چاه و آه ۶- برگزیده مسابقه نقد کتاب سال در ۱۳۸۶ با نام نگاهی به نقد ادبی – از سوی سرای اهل قلم

چگونگی عرضه آثار : غلامرضا رحمدل دارای ۵ کتاب در زمینه تاریخ اسلام و ۵ کتاب در زمینه ادبیات فارسی است.وی دارای ۲۸ مقاله چاپ شده دارد.ایشان دارای سه طرح پژوهشی می باشند. --

آثار :

۱ از زمزمه تا فریاد (مجموعه شعر)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۲ از کربلا تا حره (سه سال بعد از عاشورا)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۳ بال بال ثانیه ها

ویژگی اثر : مجموعه شعر–انتشارات دهسرا – رشت ۱۳۸۶

۴ تذکره شهدای کربلا (شهدای انصار)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۵ تذکره شهدای کربلا (شهدای بنی هاشم)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۶ تذکره شهدای کربلا۱و۲

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان (چاپ دوم –۱۳۸۵)–۱۳۸۶

۷ چشیدن دریا ۵۰ مقاله پیرامون تاریخ اسلام

ویژگی اثر : انتشارات حرف نو رشت ۱۳۸۴ چاپ دوم

۸ حماسه آب

ویژگی اثر : در دست چاپ– عاشورا شناسی

۹ حماسه عطش

ویژگی اثر : عاشورا شناسی–پژوهشاهی موضعی پیرامون عاشورا شناسی–انتشارات دهه رشت سال ۱۳۸۶

۱۰ دیدگاههای حکومتی سعدی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۱۱ رجزهای یورشی در کلام حماسه آفرینان کربلا چاپ اول و دوم

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۱۲ رنگ و درنگ اب

ویژگی اثر : پژوهشهای قرانی سال ۱۳۸۵-زیر چاپ

۱۳ سی دی شعر گیلکی بجار کار

ویژگی اثر : تکثیر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس رشت

۱۴ شکفتن توفان

ویژگی اثر : (مجموعه شعر) چاپ اول -انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی-تهران ۱۳۸۶

۱۵ صخره در گلوگاه آب

ویژگی اثر : در دست چاپ - مجموعه شعر

۱۶ عروض

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان چاپ سوم ۱۳۸۵

۱۷ گدازه های چاه و آه

ویژگی اثر : ادبیات انقلاب - مجموعه شعر-انتشارات بنیاد شهید گیلان -۱۳۸۵.کتاب سال دفاع مقدس در کشور -یازدهمین همایش معرفی کتاب سال دفاع مقدس ۱۳۸۶

۱۸ گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)

ویژگی اثر : انتشارات نیستان

۱۹ ما ایستاده ایم

ویژگی اثر : مجموعه اشعار دوران دفاع مقدس-انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس -رشت ۱۳۸۶

۲۰ مجموعه مقالات گیلان شناسی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان --

منابع :

۱http://staff.guilan.ac.ir/ViewFInfo.asp?vID=۳۱۰E۰C۰۸۱۷۰۴۰۱۲پرسشنامه تکمیل شده فرهیختگان توسط دکتر غلامرضا رحمدل بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۵

رحیم پور، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر مسعود رحیم پور در سال ۱۳۲۹ در شهرستان اهر بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان شناسی کاربردی را از

دانشگاه کوئنزلند استرالیا در سال ۱۳۷۶ می باشد.وی از سال ۱۳۵۸ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان انگلیسی دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شده اند و اکنون هم با رتبه دانشیاری در دانشکده فوق فعالیت می کند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مسعود رحیم پور ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان شیخ شهاب الدین به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۰ از دبیرستان همت اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان انگلیسی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی را در سال ۱۳۵۷از دانشگاه اوکلاهماسیتی – امریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۶مدرک دکتری در رشته زبان شناسی کاربردی را از دانشگاه کوئنزلند استرالیا با موفقیت اخذ کرد. عنوان پایاننامه: الف – کارشناسی ارشد: A study of the effect of the Linguistic Approach in Teaching English ب– دکتری: Task complexity Task Condition and Variation in L ۲ oral Discourse

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی مسعود رحیم پور : قبلی: مدیرگروه زبان انگلیسی– معاون دانشکده – مدیر همکاریهای علمی و بین المللی دانشگاه تبریز مدیر گروه زبان انگلیسی– مشاور استاندار ومدیرهمکاریهای بین المللی استانداری آذربایجان شرقی دبیر متنخب کمیته ارتقاء دانشکده – عضو هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات – ویراستار انگلیسی مجله دانشکده علوم انسانی و اجتماعی – عضوسابق شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه – عضو سابق کمیسیون آموزشی دانشگاه– دبیراولین کنفرانس مشترک بررسی مسایل آموزش زبان تبریز ، باکو – ویراستاری ۲ جلد کتاب از انتشارات دانشگاه تبریز

فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی مسعود رحیم پور به قرار زیر است : الف : تدریس ۱– دوره کارشناسی : تدریس ۲۵ سال ۲– تحصیلات تکمیلی: تدریس ارشد و دکتری ۱۰ سال ب : برگزاری کارگاه ها: ۳ فقره کارگاه آموزشی ویژه اساتید دانشگاهها

چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی: تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۲۶مورد تعداد کتابهای تالیف شده : ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۲۰ مورد تعداد پایاننامه های دکتری: ۳ مورد منابع زندگینامه http://iranologyfo.com/:

رحیم زاده، ?صفوی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم زاده نویسنده و فاضل ایرانی (ف. ۱۳۳۸ ه.ش./ ۱۳۷۹ ه.ق.). وی در مشهد تولد یافت و تحصیلات ابتدایی خود را در محضر استادان در فنون مختلف در آن شهر شروع کرد. سپس به تهران آمد و وارد جریانات سیاسی شد و ضمنا به تکمیل معلومات خود پرداخت و علاوه بر زبان فرانسوی که در خراسان آموخته بود زبانهای انگلیسی و ترکی را نیز در تهران فراگرفت و تا پایان عمر دست از مطالعه برنداشت و مخصوصا در تاریخ و جغرافیا به تتبع می‌پرداخت. از آثار اوست: کتابی به نام «جغرافیای اقتصادی ایران» و رمانی به نام «شهربانو».

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رحیم، فرزانه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۰۳ -۱۲۷۳ ق)، مترجم. در سال ۱۲۹۰ ق که ناصرالدین‌شاه برای نخستین بار به اروپا می‌رفت، حکیم‌الممالک که از همراهان او بود، فرزندش رحیم را برای تحصیل علم در لندن گذاشت، وی پس از پنج سال به ایران بازگشت. به مناسبت ترجمه‌ی کتاب «تاریخ ایران و سلطنت قاجاریه»، ناصرالدین‌شاه به او لقب فرزانه داد که بعدها این لقب نام‌خانوادگی ایشان شد. وی در جوانی درگذشت. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب «تاریخ ایران و سلطنت قاجاریه» تالیف مارخام؛ ترجمه‌ی «سفرنامه دکتر هنری لانسدل» انگلیسی به ترکستان و خیوه و بخارا؛ ترحمه‌ی «نامه‌های متبادله میان ژنرال کوفمان روسی کلمران ترکستان و امیر شیرعلی خان پادشاه افغانستان (۵۵ نامه)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۰۰ -۹۹ /۶).

رزمجو، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین زرمجو درسال ۱۳۱۱ درمشهد متولد شد. وی پس از اخذ لیسانس و فوق لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد، و مدتی تحصیلات حوزوی و تدریس در دبیرستانهای و مراکز تربیت معلم به تحصیل دوره دکتری در دانشگاه تهران پرداخت. وی پس از فراغت از تحصیل عضو دانشگاه فردوسی مشهد شد. وی سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران و برخی از مسئولیتهای اجرایی در دانشگاه فردوسی مشهد را برعهده داشته است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فارسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین رزمجو پس ازاخذ دیپلم طبیعی دردبیرستان فردوسی مشهد،ولیسانس ادبیات فارسی ازدانشگاه فردوسی مشهد۱۳۳۷ومدتی تحصیلات حوزوی واخذ فوق لیسانس ادبیات ازهمان دانشگاه،وارد دانشگاه تهران شد.وی درسال۱۳۵۸ازرساله دکتری خود تحت عنوان انسان آرمانی وکامل درادبیات حماسی وعرفانی فرسی دفاع کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل دردوره دکتری دردانشگاه تهران واخذمدرک دکتری ادبیات فارسی ازآنجا ازمقاطع مهم زندگی علمی حسین رزمجو بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین رزمجو پس ازاخذ مدارک لیسانس وفوق لیسانس ادبیات فارسی به تدریس دردبیرستانهاومراکز تربیت معلم درمشهد پرداخت. وی درعین حال به تحصیل علوم حوزوی نیز می پرداخت. استادان و مربیان : دکترشهیدی،دکترمحقق،دکترزرین کوب،دکترناتل خانلری،استادایرج افشارودکتر اسلامی ندوشن ازاستادان حسین رزمجو دردانشگاه تهران بود ه اند.وقایع میانسالی : حسین رزمجوپس ازاخذ مدرک دکتری زبان وادبیات فارسی درسال۱۳۵۸،عضوهیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد شد. وضمن تصدی برخی مسئولیت های اجرایی درآنجا به تحقیق وتالیف نیز می پرداخت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین رزمجو پس ازاخذ مدرک لیسانس ادبیات فارسی ازدانشگاه فردوسی مشهد،به عنوان معلم وسپس استادمراکز تربیت معلم،به استخدام وزارت آموزش وپزورش درآمد.ازسال۱۳۶۰وی پس ازاخذ مدرک دکترای به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد درآمد وی علاوه

برمسئولیت های اجرایی درآن دانشگاه ازجمله ریاست کتابخانه ونیزدانشکده علوم انسانی،سرپرستی کمیسیون ملی یونسکو درایران رانیز برعهده داشته است. فعالیتهای آموزشی : حسین رزمجو ازسال۱۳۲۷ به تدریس دردبیرستانهای مشهد ومراکزتربیت معلم وازسال۱۳۶۰به تدریس دردانشگاه فردوسی مشهد مشغول بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین رزمجو علاوه برتدریس ورسیدگی به امور اجرایی به تحقیق،مطالعه وتالیف کتبی درزمینه ادبیات فارسی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : حسین رزمجو با توجه به تحصیلات حوزوی خود،ادبیات فارسی را بامعیاراخلاق وتربیت اسلامی می سنجید ونیزتزدکتری خودرادرهمین زمینه نگاشته است.چگونگی عرضه آثار : حسین رزمجو بسیاری ازکتب خود را درانتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسانیده است.

آثار : ۱ ابوحامد محمد غزالی ۲ استاد و فرزند برومند او ۳ انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی ویژگی اثر : این اثر رساله دکتری دکتر رزمجو که درسال ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران آنرا تدوین نمود.۴ انسان صالح در تربیت اسلامی، انواع ادبی و آثار در زبان فارسی ۵ برگزیده نثر فارسی ۶ ذکر جمیل سعدی ۷ روزها و رمزها و رازها و .... ۸ روش نویسندگان بزرگ معاصر ۹ زین آتش نهفته ۱۰ شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی ۱۱ شیخ اجل سعدی شیرازی

رستگار، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر رستگار در سال ۱۳۲۸ ش. در تهران پا به عرصه هستی گذاشت .وی یکی از مترجمان معاصر است او در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهای هنری و ادبی در زمینه های تئاتر، بازیگری، کارگردانی و نویسندگی می پرداخت ترجمه را از دوران تحصیل در دانشگاه شروع کرد .وی در حال حاضر مقیم اصفهان و عضو شورای دبیران فصلنامه زنده رود می باشد. کتاب "جنایت و مکافات "ترجمه اصغر رستگار، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اصغر رستگار تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران گذراند. ایشان در سال ۱۳۵۳ در رشته ریاضی از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اصغر رستگار در آستان ?فارغ التحصیلی از دانشگاه، در تیر ۱۳۵۰ توسط ساواک بازداشت شد و به ۳ سال حبس محکوم گردید. در فاصله سالهای ۵۳-۱۳۵۰ در زندان چند کتاب ترجمه و آماده چاپ نمود که به غیر از یک کتاب (سیستم وروشهای هنر خلاق) بقیه توسط ساواک ضبط شد. همچنین حرفهای داستان بلند «آبادیهای ویران» که در دست چاپ بود اجاز ?انتشار نیافت و تلاش مترجم برای پس گرفتن آنها و سایر کتب به جایی نرسید.

فعالیتهای ضمن تحصیل : اصغر رستگار در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهای هنری و ادبی در زمینه های تئاتر، بازیگری، کارگردانی و نویسندگی می پرداخت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رستگار در حال حاضر مقیم اصفهان و عضو شورای دبیران فصلنامه زنده رود می باشد.
جوائز و نشانها : کتاب"جنایت و مکافات "ترجمه اصغر رستگار، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال بر گزیده شد. --

آثار :

۱ آتشی که نگرفت، داستان بلند، جک لندن

ویژگی اثر : ترجمه

۲ آفرینندگان جهان نو

ویژگی اثر : ترجمه،مجموعه مقالات درباره زندگی و تحلیل آثار ۹۳ اندیشمند معاصر، با همکاری گروهی از مترجمان

۳ از عشق و سایه ها، رمان، ایزابل آلنده

ویژگی اثر : ترجمه

۴ باد در بیدزاران، رمان نوجوانان، کنت گراهام

ویژگی اثر : ترجمه

۵ تئوری بنیادی هنر تئاتر

ویژگی اثر : ترجمه،کنستانتین استانیسلاوسکی و تعداد زیادی نمایشنامه از این مترجم محترم آثار دیگری در دست چاپ می باشد.

۶ جنایت و مکافات

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «جنایت و مکافات» جنایت و مکافات/ فیودور میخائیلو ویچ داستایوسکی؛ ترجمه اصغر رستگار.- اصفهان: نشر فردا، ۱۳۷۹. اثر حاضر ترجم ?یکی از رمانهای بزرگ نویسند ?بلندآواز ?روس است. داستایوسکی در شمار آن نویسندگانی است که خواندن آثارش برای هر نسل ضروری است. جنایت و مکافات در آغاز رمان تباهی اخلاقی به نظر می آید، ولی این تباهی در عمق خود روشنایی می یابد که آن را جبران می کند. در هم ?شخصیتهای این داستان پیشرفت پوسیدگی در نیک نهادی انسان را مشاهده می کنیم، و ، با این همه، در لحظه ای که به نظر می آید همه گونه نور امیدی در وحشت و اشمئزاز به خاموشی می گراید، ناگهان جرقه ای دوباره جستن می کند. انسان که همانند حیوان درنده ای شده است، ناگهان سرشت فرشته ای خود را باز می یابد. ناتورالیسم مخصوصاً دقت این رمان را در تحلیل روانی به ستایش گرفت. البته داستایوسکی در نوشتن این رمان فارغ از تأثیرات ناتورالیستی نبوده است، ولی او در این رمان مسئله ای را پیش کشیده بود که نویسندگان روس از اندك زمانی پیش به مطالعه آن دست برده و آن را از سنت اروپایی اقتباس کرده بودند، و آن مسأل ?جاودانه ای بود که در نظری ?اومانیستی انسان را در برابر نظری ?صرفاً مذهبی انسان قرار می داد. اگر تولستوی این تقابل دو اندیشه را از درون به حوز ?جهان هستی برون می افکند، و در آنجا تقابل، در عالم نظر، محلی برای فروکش کردن می یابد، داستایوسکی، به عکس، آن را به روح آدمی می برد و در دام درونی فرد مجزا و محصور می کند؛ و در آنجاست که تقابل با شدت تب آلودی به جوش و خروش در می آید. جنایت و مکافات رمانی است که در آن شخصیتها به گونه ای اند که در اطراف آنها جایی برای هیچ چیز دیگر وجود ندارد. هرازگاهی، گوش ?کوچه ای، اضطراب درونیی، و توصیف جزئی دهکده ای، در جهانی که هم ?آن از اندیشه و احساس تشکیل یافته است، طرح وار ترسیم شده است. شاید هیچ گاه باطن پنهان انسان، آن گونه که در این اثر می بینیم، به خلوتی چنین کامل و چنین نومیدانه دست نیافته باشد. ولی اگر در دو کران ?این خلوت، هم یک آرمان قدرت مطلق و هم یک

آرمـان عشق مطلق وجود دارد. این دو هـدف بیرون از انسـان است. مـترجم محـترم ضـمن وفـاداری به اصـل متن، ترجمه ای رسـا و سلیس و زیبـا و درخور این اثر بزرگ فراهم آورده است. اسـتفاده از زبـان محـاور ?متناسب با فضای داسـتان و کاربرد اصـطلاحات عامیـانه، و تفـاوت نمایـان آن با بقی ?متن از امتیازات ترجم ?حاضـر است. تلاش مترجم در انتقال مضامین کتاب به زبان فارسـی با معانی روشن و دلنشین ستودنی است. ---

منابع :

۱www.ketabesal.ir

رستگارفسایی، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۹، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تـدریس دروس: شاهنـامه فردوسـی، متـون نظـم و نـثر فارسـی، نقـد ادبی و سبک‌شناسـی و منظومه‌هـای غنـائی و حماسـی. طرح معنی‌شناسی شـعر حافـظ، طرح دگرگونی آموزش زبـان و ادبیـات فارسـی در دانشـگاههای ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شاهنامه فردوسی، تاریخ و فرهنگ فارس، شـعر فارسـی، کتاب فارسـنامه ناصـری به تصحیح و تحشیه استاد که به عنوان کتاب سال ۱۳۶۷ انتخـاب شـده است، کتـاب ۲۱ گفتـار دربـاره شاهنـامه و فردوسـی که به دریـافت لوح تقـدیر بهترین کتـاب سـال ۱۳۷۱ نائل گردیده است.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

فردوسی و شاهنامه، اساطیر ایران، شعر و شاعران ایران، تاریخ و فرهنگ و ادب فارسی، مسائل دانشگاهی و آموزش پیش از دانشگاهی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رشتی اصفهانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به معین‌السلطنه، مؤلف سفرنامه‌ی شیکاگو، که در سال ۱۳۱۸ شمسی در پاریس به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رشتی گیلانی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و ادیب. در ادبیات فارسی و عرب دست داشت. کتاب «تحفه الناصریه فی فنون الادبیه»- که منتخباتی است از اشعار عرب و در موضوعهای متفرقه از قبیل مدایح و مراثی و اخلاق- تالیف اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۰/۲)، ایضاح المکنون (۲۶۰/۱)، الذریعه (۴۷۶ -۴۷۵ /۳)، ریحانه (۳۰۷/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹/۱۳)، لغت نامه (ذیل/ رشتی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۱ -۲۵۰ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱۳/۸)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۶).

رشتی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی و ادیب. وی از دیارش به نجف سفر کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث و کلام پرداخت. مدت دو سال درک محضر شیخ انصاری نمود و پس از او به شاگردی شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی و سید حسین کوه‌کمری درآمد. کسانی چون سید کاظم یزدی و میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی از شاگردان وی بودند. وی از مدرسان اصول و فقه و کلام بود که به حسن تعبیر و فصاحت و روشنی بیان شهره بود. او پس از مدتها به رشت بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در امر به معروف و نهی از منکر جدی بود، بحدی که یک بار توسط ناصرالدین شاه به تهران احضار شد و سرانجام آزاد گشت و به رشت بازگشت. او در رشت درگذشت و پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام

دفن شد. از جمله آثار وی: «کتاب فی الصرف»؛ «کتب ثلاثه فی الکلام و الفقه و الاصول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۷/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۳ –۳۳۲/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۶/۳).

رشتی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۹ –۱۲۱۲ ق)، فقیه و ادیب. در رشت متولد شد و در کربلا مسکن گزید. نزد علمای عصر خویش درس خواند و از شاگردان برجسته و از نزدیکان شیخ احمد احسائی بود و تا او به مجلس حاضر نمی‌شد، شیخ درس را شروع نمی‌کرد. وی پس از استادش نایب او و پیشوای فرقه‌ی شیخیه شد و در ترویج مرام احسائی سعی بسیار کرد. سید کلمات شیخ را در مجلس درس بیان و آنها را تایید و کلمات مخالفان را رد می‌کرد. او از شیخ احمد احسائی و سید عبداللّه شبر و ملا علی رشتی و شیخ موسی نجفی اجازه‌ی روایت داشته است. میرزا ابراهیم شیرازی و میرزا حسن بن امان‌اللّه دهلوی عظیم‌آبادی در نزد سید کاظم رشتی درس خوانده‌اند. از آثار وی: «رسائل الرشتی» یا «الرسائل و جوابات المسائل»؛ شرح «قصیده لامیه‌ی» عبدالباقی عمری، در مدح حضرت موسی بن جعفر (ع)؛ «شرح قصیده البائیه»؛ «اسرار الشهاده»؛ «اسرار الحج»؛ «اسرار العباده»؛ «الحجه البالغه»، در رد ملل باطله؛ «دلیل المتحرین و ارشاد المسترشدین»؛ «المحجه الدامغه»؛ «اللوامع الحسینیه»؛ «مقامات العارفین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۶۷/۶)، ایضاح المکنون (۵۳۶، ۴۵۷، ۴۴۲، ۴۶/ ۲، ۴۷۹، ۳۹۲، ۷۵/ ۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۱۴۳/۲)، الذریعه (۱۲/۲۲، ۲۶۰/۱۰، ۳۶۰/۸، ۲۵۹/۶، ۱۸۱/۵، ۱۹۲، ۵۲، ۴۶/ ۲)، روضات الجنات (۱۰۱ –۱۰۰/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ کاظم)، معجم المؤلفین (۱۵۷/ ۱۱، ۱۳۹ –۱۳۸/ ۸)، مکارم الآثار (۲۲۰ –۲۰۹/ ۱)، هدیه العارفین (۸۳۷ –۸۳۶/ ۱)، یادگار (س ۵، ش ۴ و ۵، ص ۱۱۴ –۱۱۱).

رشید یاسمی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ –۱۲۷۵ ش)، نویسنده، مورخ، ادیب، مترجم و شاعر. در قصبه‌ی گهواره از توابع کرمانشاه متولد شد. پدر او شاعر و نقاش و خوشنویس بود. جد مادری او، شاهزاده محمدباقر میرزای خسروی، نویسنده‌ی داستان «شمس و طغرا» است که دیوان شعرش به همت رشید چاپ شده است. رشید یاسمی تحصیلات مقدماتی را در کرمانشاه به پایان برد، سپس به تهران آمد و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان سن‌لوئی گذراند. از همان هنگام به تشویق نظام وفا که معلم ادبیات او بود، به سرودن شعر پرداخت. پس از تحصیلات، در وزارت معارف، مالیه و دربار به کار مشغول شد. در همین اوان جرگه دانشوری را تاسیس کرد که بعدها با همت ملك‌الشعرای بهار به انجمن دانشکده تبدیل شد. رشید ضمن همکاری با مجله‌ی «دانشکده» با نویسندگان و شعرای آن دوره آشنا شد و با انجمن ادبی ایران همکاری داشت. یك سال پس از کودتا، رشید یاسمی مقالات خود را در روزنامه‌ی «شفق سرخ» به سردبیری علی دشتی

منتشر ساخت که همین مقالات موجب شهرت ادبی او گردید. در این مدت زبان‌های عربی و انگلیسی را آموخت و زبان فرانسه را تکمیل کرد. زبان پهلوی را از حوزه‌ی درس استاد هر تسفلد نیك فراگرفت. در سال ۱۳۱۲ ش که دانشگاه تهران تاسیس شد، او در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی با سمت استادی تاریخ اسلام را تدریس می‌کرد. بعدها به عضویت فرهنگستان ایران درآمد. در سال ۱۳۲۲ ش به همراه هیاتی از استادان ایرانی به هند رفت و در سال ۱۳۲۴ ش به منظور مطالعه به فرانسه رفت و پس از دو سال به ایران بازگشت رشید یاسمی تا پایان عمر به عنوان استاد در دانشگاه تهران تدریس کرد. روز یازدهم اسفندماه ۱۳۲۷ ش به هنگام سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات دچار سکته شد و پس از سفری کوتاه به فرانسه و بازگشت به ایران، سرانجام روز چهار شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ ش در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاك سپرده شد. جز از مقالاتی ادبی و تاریخی و فلسفی و انتقادی که از او در مجلات «نوبهار»، «آینده»، «ارمغان»، «تعلیم و تربیت»، «یغما»، «مهر»،... چاپ شده است دارای تالیفات و تحقیقات و تتبعات و ترجمه‌های بسیاری است که از آن جمله: «ادبیات معاصر»؛ «تتبع و انتقاد در احوال و آثار سلمان ساوجی»؛ «احوال ابن‌یمین»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «تاریخ ملل نحل»؛ «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه؛ «تاریخچه نادرشاه»، ترجمه؛ «جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران تالیف براون»؛ «آیین دوست یابی»، ترجمه؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۱۴۵ -۱۳۸)، تاریخ مشاهیر کرد (۳۱۶ -۳۱۰ /۲)، چشمه‌ی روشن (۴۴۸ -۴۴۱)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۳۶۹ -۳۶۸)، الذریعه (۱۳۰۷، ۳۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۲ -۳۲۸ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۳۴ -۱۵۲۸ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۸۲ -۳۷۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸)، گنج سخن (۳۲۶ -۳۰۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰ -۶۹۶ /۴)، یغما (س ۲۶، ش ۸، ص ۴۹۰ -۴۸۷).

رضازاده شفق، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۴/۱۲۷۱ ش)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تبریز متولد شد و زبان فرانسوی و انگلیسی را در مدرسه‌ی کاتولیك و امریکایی تبریز فراگرفت. مدتی مدیریت مدرسه‌ی حیات تبریز را به عهده داشت و در سال ۱۳۲۸ ق روزنامه‌ی «شفق» را در تبریز منتشر کرد، و در سال ۱۳۳۰ ف بر اثر سخنرانیهایی که بر علیه استیلای دولت روس می‌کرد از طرف آن دولت به اعدام محکوم شد و به استانبول گریخت. و از کالج رابرت آنجا به دریافت لیسانس نائل گردید، در سال ۱۳۴۰ ق به ایران بازگشت و بعد از مدت کوتاهی به برلن رفت و در آنجا موفق به دریافت دکترای فلسفه شد. سپس به ایران آمد و در دارالمعلمین عالی به تدریس فلسفه و ادبیات فارسی قبل از اسلام پرداخت او زبانهای روسی، فرانسوی، ترکی، آلمانی و انگلیسی را به خوبی می‌دانست و در دانشگاه تهران ادبیات فارسی و فلسفه تدریس می‌کرد. در اولین دوره‌ی مجلس سنا و دوره‌های چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی نماینده بود. وی در تهران درگذشت و در گورستان بهشت زهرا به خاك سپرده شد. از آثار اوست: «تاریخ ادبیات ایران»؛ «ایران از نظر خاورشناسان»؛ «ستارخان»؛ تدوین «دیوان عارف»؛ «فرهنگ شاهنامه و ملاحظاتی درباره‌ی فردوسی» و ترجمه‌های: «اسکندر مقدونی»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «زندگانی داریوش».[۱]

محقق، خطیب، نماینده‌ی مجلس، سناتور، مولف و مترجم، فرزند آقارضا بازرگان، در ۱۲۷۳ در تبریز تولد یافت. پس از رسیدن به سن رشد، تحصیلات معمول زمان را آغاز کرد و مقدمات را نزد معلمین خصوصی فراگرفت و وارد مدرسه‌ی آمریکائی در تبریز

شـد و چنـد سالی در آن مـدرسه تحصـیل کرد و زبان انگلیسـی را به طور کامل فراگرفت و در همان مدرسه به معلمی پرداخت. در جوانی سری پرشور داشت و آزادی‌طلب بود. چندی هم روزنامه‌ی شفق را انتشار داد. روزنامه‌ی شفق در آن ایام روزنامه‌ای تندرو و آزادی‌طلب بود. چندی غنی‌زاده سردبیری آن را عهده‌دار بود. سال اول این روزنامه ۴۸ شماره منتشر شد. دارای مطالب گوناگون و انتقـادی و اجتمـاعی بود. سـال دوم روزنامه از رجب ۱۳۲۹ ه.ق آغـاز شـد و مجموعا ۴۳ شـماره از آن انتشـار یـافت و از آن پس با پیشامد عاشورای ۱۳۳۰ ه.ق و قتل عده‌ی زیادی از آزادیخواهان آذربایجان به دست روسـها، شـفق تعطیل شد و مدیر آن به عثمانی رفت و در استـانبول در مـدرسه‌ی ایرانیان معلم فارسـی و تاریـخ ادبیات شـد و سـپس وارد یکی از مدارس استـانبول گردید و دیپلم دریافت نمود. رضازاده سـپس برای انجام تحصـیلات عالی به آلمان مسافرت نمود و قریب شش سال در آن کشور به تحصیل فلسفه پرداخت و درجه‌ی علمی گرفت و ضـمنا در مجلات ایرانشـهر، مهر، آرمان، شرق و غیره مقالاتی انتشار می‌داد و علاوه بر آن، کتب و رسالاتی نیز در زمینه‌های تاریخی، ادبی، فلسفی و اجتماعی تالیف یا ترجمه نموده است.

رضـازاده شـفق چنـدی در مـدارس جدیدالتاسـیس تهران به تـدریس پرداخت و در سال ۱۳۱۳ که دانشـگاه تهران تاسـیس گردید، دعوت به کـار شـد. در آنجا فلسـفه و علوم تربیتی تـدریس می‌نمود. در ۱۳۱۴ شورای عـالی فرهنگ، تحصـیلات او را معادل دکترا شنـاخت و رسـما به استـادی دانشـگاه در دانشـکده‌ی ادبیات پـذیرفته شـد و در همان سال فرهنگسـتان ایران به منظور اشاعه‌ی لغات فارسـی سـره به جای لغات بیگانه تاسیس گردید و دکتر شفق عضو پیوسته‌ی فرهنگستان شد. در سال ۱۳۱۷ سازمانی به نام پرورش افکار تاسـیس گردید تا پیشـرفتهای ایران در زمان گذشـته و حاضـر با ایراد سـخنرانی اساتید به سـمع مردم برسد. دکتر شـفق در آن سازمان سـهمی بسـزا داشت. پس از شهریور ۱۳۲۰ و آغاز دموکراسـی، شـفق از تهران کاندیـدای مجلس شورای ملی شد. انتخابات تهران در آن دوره بـه معنـای واقعی آزاد بـود و رای مردم سـرنوشت آن را تاییـد می‌کرد. در آن دوره دکـتر محمدمصـدق، سـید محمـدصادق طباطبـائی، موتمن‌الملک پیرنیـا و آیت‌الله کاشـانی در زمره منتخبین تهران بودنـد. دکتر رضازاده شـفق نیز از تهران به پارلمان راه یافت و رویه‌ای معتـدل پیش گرفت. نطقهای ضـروری و فصـیح و به موقع او توجه مردم را جلب کرد. در جریان جدائی آذربایجان از ایران، چند نطق مهم ایراد نمود و سـرانجام عضو میسیونی شد که به ریاست قوام‌السلطنه برای مذاکره درباره‌ی تخلیه‌ی ایران و عـدم حمـایت از فرقه دمـوکرات به مسـکو سـفر کردنـد. وجـود شـفق در آن هیئت بسـیار سودمنـد بود. پس از پایـان جنگ بین‌المللی دوم، یک هیئت از ایران عازم آمریکا شد تا در کنفرانس سانفرانسیسـکو شـرکت نماید از مجلس آقایان دکتر شفق، دکتر عبده و دکتر اعتبار عضو این هیئت بودند.

پس از پایـان مجلس چهاردهم، قریب ۱۶ ماه فترت ایجاد شـد تا سـرانجام انتخابات ایران آغاز گردید. حزب دولتی دموکرات ایران که خالق آن احمد قوام بود، کاندیدای خود را رسـما معرفی نمود. دکتر رضازاده شـفق کاندیدار نمایندگی مجلس از تهران گردید و سرانجام به مجلس پانزدهم راه یافت. در سال ۱۳۲۸ مجلس سنا در ایران تشکیل شد و دکتر شفق سناتور انتصابی تهران بود. شفق مجموعا پنج دوره نماینده‌ی مجلس سنا بود و عنداللزوم از کابینه‌های دولتی حمایت می‌کرد.

محمـدرضا پهلوی نسبت به شـفق علاقه‌ای خـاص داشت و از او خواست لقبی برای او و فرح پهلوی پیشـنهاد کنـد و سـرانجام لقب «آریامهر» برای محمدرضاشاه و «شهبانو» برای فرح انتخاب و مورد قبول شاه واقع شد.

دکتر رضازاده شـفق در سال ۱۳۵۱ بیمار و در بیمارسـتان بستری شـد. عمل جراحی او لازم تشـخیص داده شد. پروفسور انوشـیروان پویان عمل او را انجام داد ولی بهبودی حاصل نشد و پس از چند روز درگذشت و در گورستان بهشت زهرا مدفون گردید.

دکـتر قـاسم غنی در صـفحه‌ی ۲۸ جلـد چهـارم یادداشـتهای خـود کـه اخیرا انتشـارات زوار آن را چـاپ و توزیـع نمـوده، داوری غیرمنصـفانه‌ای درباره‌ی شـفق نموده است، می‌نویسد:«دکتر شفق آرام بسیار سمج، پررو و دریده‌ئی است. تمام خصوصیات یک نفر آدم احمق در او جمع است. بسیار خودپسند، مغرور و بی‌حیـا است و از جـامعه نالاـن است. بسـیار مزاح‌گو و دروغگو و حقه‌باز و

متملق و بی‌حیا و پررو است. حیوانی است بس. بسیار بسیار هم بی‌سواد است»

دکتر شفق در آخر سالهای آخر عمر خود در طالقان باغچه‌ای بنیاد نهاد و بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذراند و همسری نیز در آنجا انتخاب کرد و صاحب دختری شد که نامش را گیتی نهاد و اشعار زیادی در وصف این دختر سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۶۱ -۵۹)، تاریخ جراید (۷۵ -۷۲ /۳)، سخنوران نامی (۳۲۱ -۳۱۴ /۲)، شرح حال رجال (۱۰۶ -۱۰۵ /۶)، فرهنگ سخنوران (۵۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۹ -۴۸۵ /۳).

رضایی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ ق)، شاعر، کاتب، معروف به قاری روزمره. وی از کاشان بود با عرفی و غیرتی شیرازی و عارف لاهیجی و اوحدی بلیانی معاصر بود. وی را چون حروف را از مخرج ادا می‌کرده، قاری می‌خواندهاند. وی گویا روزگار به کتابت می‌گذرانیده و مردی نکته‌سنج بوده از وطن خود به خراسان سفر کرد در فتنه ازبکان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۰۱، ۵۱۵ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۷ -۵۳۶)، الذریعه (۳۷۰ -۳۶۹ /۹)، ریحانه (۳۱۳/۲)، صبح گلشن (۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۸۴)، مجمع الخواص (۳۱۰)، مکتب وقوع (۱۵۴ -۱۳۸)، هفت اقلیم (۴۷۶ -۴۷۴ /۲).

رضایی، باسمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

باسمهٔ رضایی در سال ۱۳۳۵ در بغداد به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته کتابداری می باشد. نامبرده هم اکنون در دانشگاههای تهران و آزاد اسلامی به تدریس مشغول است. کتاب " ردهٔ PJA ادبیات فارسی "تالیف باسمه رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : باسمه رضایی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه المستنصریه بغداد شد و در رشتهٔ کتابداری و اطلاع رسانی به اخذ درجه فوق دیپلم نایل گردید. از آن پس در ایران و در رشتهٔ فوق ادامه تحصیل داد و کارشناسی ارشد خود را با رتبهٔ ممتاز از دانشگاه تهران دریافت داشت.فعالیتهای آموزشی : باسمه رضایی از سال ۱۳۶۳ در کتابخانه دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی مشغول به کار است و از سال ۱۳۷۳ سرپرستی همان کتابخانه را به عهده دارد. همچنین چند سال در دانشگاه آزاد تدریس کرد و در حال حاضر در دانشگاه تهران مشغول به تدریس است.جوائز و نشانها : کتاب " ردهٔ PJA ادبیات فارسی "تالیف باسمه رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : رده PJA ادبیات فارسی ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده

شده است. آشنایی با کتاب «رده PJA ادبیات فارسی»: رده PJA ادبیات فارسی، تنظیم و تدوین باسمه رضایی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴. قرنهاست که در ایران، زبان عربی گذشته از پیوند هزار و چهارصد ساله اش با فارسی، زبان دوم ما محسوب می شود، زیرا زبان قرآن و نماز و دین ماست. بنابراین زبان و ادبیات عربی اختصاص به شبه جزیره عربستان ندارد. دانشمندان ایرانی در جهت پرورش و رشد این زبان بسیار کوشیده اند. وجود مجموعه های غنی ادبیات عربی در ایران و سازماندهی این مجموعه ها، تهیه گسترش ادبیات عربی را ضروری می نمود. هدف از این گسترش، ایجاد طرح نوینی بوده است که با رعایت اصول ضوابط رده بندی کنگره، به نیازهای موجود در کشور و کشورهای عربی پاسخ گوید. کتاب، موضوعی و الفبایی است و شیوه تنظیم آن بسیار منسجم و هماهنگ است. نمایه الفبایی دقیق و جامعی دارد که با ارجاع به مدخلهای متن، بازیابی اطلاعات تسهیل می شود. از امتیازات خاص این کتاب آن که، این رده پس از کاربرد آن در کتابخانه ملی صورت گرفته و براساس نمونه های علمی، توسعه یافته و تکمیل شده است .

رضوی خوانساری، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد حسن بن محمد بن میر علی اکبر نقوی در حدود سال ۱۲۲۵ متولد، و در ۱۳ ربیع المولود سال ۱۳۰۷ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

در اصفهان خدمت جمعی از اعاظم علما همچون: میر سید حسن مدرس، و ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا سید محمد شهشهانی تلمذ فرموده، و به آقایان مسجد شاه اختصاص یافته، در محله‌ی مسجد حکیم سکونت، و در مسجد علی اکبر امامت می‌نموده.

وی از جمله کسانی است که به شرف ملاقات حضرت ولی عصر – عجل الله تعالی فرجه الشریف – نایل گردیده، و از او کرامات و استجابت دعوات منقول است.

تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱- ترجمه‌ی کتاب انوار نعمانی تألیف سید نعمت الله جزائری که به نام آقا نجفی به طبع رسیده است. ۲- حسام الشیعهٔ که به نام [بعضی از علمای اعلام و فضلای کرام حاضرین مجلس شریف و محفل منیف سرکار شریعتمدار] آقا نجفی به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رضوی، قمی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ –۱۲۸۳ ق)، عالم، فقیه و ادیب امامی. در ۱۳۱۳ ق در تهران در بحث و درس علامه سید عبدالکریم لاهیجی شرکت کرد. سپس به نجف مهاجرت و در محضر شیخ الشریعه اصفهانی تلمذ نمود و از ملا محمد کاظم خراسانی بهره گرفت. او در حدود ۱۳۲۶ ق به قم رفت و در ۱۳۳۱ ق به حج مشرف شد و در بازگشت ساکن تهران گردید و به انجام وظائف شرعی مشغول گشت. از آثارش: «تقریرات» دروس استادانش در فقه و اصول با تصرفات و تحقیقات؛ کتاب «نهایه المأمول»، در شرح «کفایه الاصول» که

شرح مزجی است بر «کفایه» آخوند خراسانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰۵ / ۲۴، ۳۴ / ۱۴، ۸۷۷ / ۹)، ریحانه (۴۸۷ -۴۸۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۳ -۴۱۲ / ۱۴).

رضی استرآبادی، محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۶ ق)، نحوی و عالم امامی. ملقب به نجم‌الائمه و نجم‌الدین و رضی‌الدین. معروف به رضی و فاضل رضی و شارح رضی. از فارویان و نام‌آوران علم نحو که در استرآباد متولد و در نجف ساکن شد. از آثار وی: شرح «شافیه» ابن‌حاجب، در صرف، معروف به «صرف رضی»؛ شرح «قصائد سبعه» ابن ابی‌الحدید؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو، معروف به «شرح الکبیر» یا «شرح الرضی» که سیوطی از آن به عنوان کتاب بی‌نظیر نام برده، و براساس این کتاب او لقب شارح رضی گرفته است؛ حاشیه بر «شرح تجرید العقاید الجدیده و الحاشیه القدیمه».[۱]

ع. بخش ۱) رضی‌الدین استرآبادی محمد حسن مشهور به نجم الائمه نحوی معروف (ف. ۶۸۴ یا ۶۸۶ ه.ق.) ازآثار اوست: شرح الکافیهٔ در نحو معروف به شرح رضی (ه.م.)، شرح الشافیهٔ ایضا معروف به شرح رضی (ه.م.)، شرح قصائد سبع ابن ابی‌الحدید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۵۳ -۱۵۱ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۹/۳)، الذریعه (۳۱۳، ۱۳، ۳۰ /۱۴)، ریحانه (۳۱۵/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۵/۷)، کشف الظنون (۱۳۷۰)، الکنی و الالقاب (۳۱۵/۲)، لغت نامه (ذیل/ رضی)، معجم المؤلفین (۱۸۳/۹)، هدیه الاحباب (۱۴۲ -۱۴۱)، هدیه العارفین (۱۳۴/۲).

رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۷ ق)، مورخ و ادیب و شاعر، متخلص به رفعت. مدتی پیش از تولد وی در لکنهو، پدرش مقیم هندوستان شده بود. رفعت به اکثر سرزمینهای هند مسافرت کرد و در «بهوپال» اقامت گزید، و کتابهای بسیاری تصنیف کرد. از وی با نسبتهای شیروانی، انصاری، یمنی یا هندی یاد شده است از آثار وی: «آثار العجم» که با «آثار عجم» فرصت شیرازی تفاوت دارد؛ «تاریخ ائمه»؛ «تاریخ افاغنه» فارسی؛ «تاریخ البواهر»، در عقاید اسماعیلیه که نام اصلی این کتاب «قلائد الجواهر فی تاریخ البواهر» می‌باشد که «تاریخ نکو» نیز می‌گویند؛ «تاریخ بهوپال»؛ «تاریخ دکن» که همان «چار چمن» است؛ «تاریخ سرندیب»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۷/۹، ۲۱۶/۳، ۲۳۴، ۲۹۱ /۲)، ریحانه (۳۲۵ -۳۲۴ /۲)، صبح گلشن (۱۸۲ -۱۸۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۸ -۹۸۷ /۱۴)، لغت نامه (ذیل/ رفعت)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۳ -۶۵۲ /۳).

رفیعی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۵۷ ش)، مؤسس و مترجم. ملقب به نظام‌الدوله. وی خواهرزاده‌ی حسینقلی خان نظام‌الدوله دنبلی بود که بعد از فوت دایی خود، لقب وی را گرفت. او در اروپا تحصیل کرد و در دوره‌های دهم تا سیزدهم، از تبریز به نمایندگی شورای ملی انتخاب شد. نظام‌الدوله به امور اجتماعی شهر می‌پرداخت و در تأسیس دارالایتام تبریز و تشکیلات شیر و خورشید اهتمام داشت. وی در غائله پیشه‌وری به حکومت ارومیه منصوب شد و چون از اقدامات افراطی به دور بود پس از رفع غائله نیز از طرف مردم و دولت مورد تعقیب قرار نگرفت و در تبریز اقامت گزید. از آثارش: «جوان فقیر»، ترجمه؛ «رموز دوستی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۸/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۴۸/ ۲، ۱۰۷۳ -۱۰۷۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۱/ ۲)، نخبگان سیاسی ایران (۴۸۵/ ۴).

رفیعی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی رفیعی به سال ۱۳۳۳ در شهر یزد بدنیا آمد.وی مترجم، زبانشناس، ادیب، نویسنده و منتقد و شاعر بود. گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : محمد علی رفیعی به سال ۱۳۳۳ در شهر یزد بدنیا آمد. پدرش دکتر عبدالعلی رفیعی از پزشکان خوشنام یزد و از خانواده ای اصیل بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد علی رفیعی تحصیلات ابتدایی را در شهر یزد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا پایان اخذ دکترای ادبیات انگلیسی در تهران به انجام رساند. همسر و فرزندان : از محمد علی رفیعی صاحب دو فرزند به یادگارمانده است . وقایع میانسالی : محمد علی رفیعی در فن ترجمه، توانا بود و به دلیل احاطه اش به واژگان و فن و ترجمه، بسیاری از دوستان مترجم و زبان شناس که برخی مطالب و مباحث برایشان گنگ و نارسا بود از او بهره می بردند. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در سفر به یزد و آشنایی با دکتر رفیعی و تبحرش در علوم ادبی از جمله زبانشناسی، لب به تحسین وی گشود. زمانی هم دکتر فتح الله مجتبایی پس از مقابله ترجمه جباریت در تاریخ اثر ادوارد براون، با اصل آن قدرت مترجم و دقت کار وی را مورد ستایش قرار داد. زمان و علت فوت : محمد علی رفیعی در روز نهم اردیبهشت ۱۳۷۹ به سرای باقی شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد علی رفیعی به غیر از عضویت در کمیته علمی کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشید الدین میبدی در سال ۱۳۷۴، مشارکتی فعال در برپایی آن داشت. همکاری او با مراکز فرهنگ کشور، از جمله فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، دفتر پژوهش های فرهنگی از دیگر فعالیتهای بشمار می رود .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد علی رفیعی علاوه بر فعالیت های اجتماعی، در عرصه تعلیم و تدریس نیز در دانشگاه های کشور از جمله دانشگاه آزاد اسلامی میبد، دانشکده معماری دانشگاه یزد، دانشگاه جامع تکنولوژی یزد و چندین مرکز آموزش عالی تهران حضوری موثر داشت. از جمله در مرکز نشر دانشگاهی به تدریس آیین ویراستاری پرداخت. دکتر رفیعی زمینه کار پژوهشی و تحقیقاتی بسیاری

داشت که از آن جمله می توان به مقاله های او در نشر یاتی چون مقاله های ارزشمندی در مجله های وزین و علمی کشور، مانند: آدینه، جامعه سالم، جهان کتاب، آینده، نشر دانش، گتفگو، نگاه نو، نامه فلسفه، دنیای سخن، معیار و کیهان فرهنگی از خود به یادگار نهاد که عمده آنها در زمینه زبان شناسی و نقد عالمانه کتاب ها بوداشاره کرد . دکتر رفیعی به غیر از دانش ترجمه، شاعر نوگرایی بود که گهگاه در جمله دوستان به قرائت اشعاری می پرداخت. وی در سالهای آخر حیات عمر خویش، در چندین دانشگاه و مجمع دانشگاهی به ایراد سخنرانی پرداخت که مهمترین آن «نقد شعر فروغ»در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه تهران بود. دکتر رفیعی همچنین موفق شد در سالهای ۶۴-۱۳۶۳ شش شماره پیک کتاب را چاپ و منتشر کند.آثار : انس شپریر ویژگی اثر : مصاحبه و سخنرانی مانس اشپر بر که توسط انتشارات تندیس ۱۳۶۸ منتشر شد.۲ تالیف پیک کتاب ویژگی اثر : این اثر توسط انتشارات بهجت در سال ۶۴-۱۳۶۳ در ۶ جلد منتشر شد.۳ ترجمه برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی ویژگی اثر : اثر ساموئل ها نتینگتون که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.۴ ترجمه پایان جهان اثر فوکویاما ، ترجمه پژوهش ترکیبی ویژگی اثر : اثر هریس ام کوپر، که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۶ ترجمه پژوهش عملی مشارکتی ویژگی اثر : اثر ویلیام فوت وایت که توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.۷ ترجمه پنج سال در یک شهر ایرانی ویژگی اثر : چاپ نشده۸ ترجمه جباریت در تاریخ ویژگی اثر : این ترجمه توسط انتشارات مروارید رد سال ۱۳۷۹ انتشار یافت.۹ ترجمه سالار مگس ها ویژگی اثر : اثر ویلیام گلدنیگ که توسط انتشارات بهجت در سال ۱۳۶۳ منتشر شد.۱۰ ترجمه فلسفه های هنر ویژگی اثر : اثر پیتر کیوی که توسط دفتر پژوهشه های فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۱۱ ترجمه لبخند یوزپلنگ ویژگی اثر : اثر س. ر که چاپ نشده است۱۲ چین ۱۹۸۰ ویژگی اثر : اثر دیوید بوناویا که انتشارات تندیس وسکر در سال ۳۶۴ منتشر کرد.۱۳ دسته گلی برای الچرفون ویژگی اثر : اثر دنیل کیز که توسط انتشارات تجربه در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.۱۴ شناخت اثر هنری ادبی ویژگی اثر : اثر انیگاردن که توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۱۵ فراسوی آزادی ونزلت ویژگی اثر : اثر ب.اف. اسکینر، که توسط انتشارات سکه و تندیس در سال ۱۳۶۴ منتشر شد.۱۶ فیمنیسم در شعر فروغ ویژگی اثر : چاپ نشده۱۷ قبضه قدرت ویژگی اثر : اثر چسلا و میلوش که توسط انتشارات پانوس در سال ۱۳۶۷ منتشر شد.۱۸ مبانی مدیریت ویژگی اثر : استیفن پی را بینمز که با همکاری محمد اعرابی توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۱۹ مدیریت بدون کاغذ ویژگی اثر : ویژگی ترجمه این اثر با همکاری محمد اعرابی و قصر الله مستوفی صورت گرفت و توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۲۰ هنر پژوهش موردی ویژگی اثر : اثر رابرت ای استمیک است که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۲۱ هنرشادمانگی ویژگی اثر : دالایی لاـ ما است که انتشارات تندیس در سال ۱۳۷۸ منتشر نمود.منابع : انتشارات نو اندیش ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،تیر ماه ۱۳۷۹

رکنی یزدی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان، و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۳، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات

فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، دکترا در سال ۱۳۴۶، عنوان رساله دکترا (تحقیق در تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار در ده جلد).

مرتبه علمی:

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبی، لغوی، پژوهش ادبی در ترجمه آیات قرآنی- التوبه الاولی- از نظر لغوی و برابرهای لغات قرآن، طرح > فهرست کامپیوتری کلمات گلستان شامل: اسم، صفت، فعل و حرف.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، اسلامی با بحثهای اعتقادی و نگرش جدید.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات، عرفان اسلامی در آثار ادبی و مباحث اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رنجبر، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان ادبیات فارسی و عربی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی و تربیتی، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی و عربی و تربیتی در سال ۱۳۴۷، دکترای زبان و ادبیات فارسی و عربی در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۵۶، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۶۱ و استاد دانشگاه آزاد اسلامی تهران تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرهنگ و تکنولوژی، تعلیم و تربیت در آثار شعرا و نویسندگان، مسائل دینی و مذهبی، مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی، اخلاق، مسائل ادبی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، اجتماعی، احوال و آثار و افکار شعرا و نویسندگان و دانشمندان، بیان ارزش آثار ادبی و هنری و اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بررسی آثار ادبی، آثار هنری، ارزشهای اجتماعی در آثار ادبی و هنری، شناسایی علما و دانشمندان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رواقی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رواقی در سال ۱۳۲۰ ، در شهر مشهد متولد شد.در سال ۱۳۳۹ تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا را تا سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران گذراند. دکتر رواقی ، از سال ۱۳۴۹ تدریس متون زبان فارسی شامل شاهنامه ، تاریخ بیهقی و آثار ناصرخسرو را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۵۴ با استفاده از یک فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال ۱۳۵۶ در دانشگاه پل والری مون پلیه ، زبان فارسی را تدریس کرد. دکتر رواقی ، مؤسسه ای فرهنگی به نام برادر شهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده است که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی رواقی، در سال ۱۳۳۹ تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا را تا سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران گذراند.

استادان و مربیان : علی رواقی تحت تعلیم استادانی چون : دکتر احمدعلی رجایی بخارایی ، دکتر غلامحسین یوسفی ، بدیع الزمان فروزانفر ، همایی ، خانلری ، معین ، مجتبی مینوی ، دکتر علی اکبر فیاض و محمد پروین گنابادی قرار داشت.

فعالیتهای آموزشی : علی رواقی، از سال ۱۳۴۹ تدریس متون زبان فارسی شامل شاهنامه ، تاریخ بیهقی و آثار ناصرخسرو را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۵۴ با استفاده از یک فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال ۱۳۵۶ در دانشگاه پل والری مون پلیه ، زبان فارسی را تدریس کرد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی رواقی، مؤسسه ای فرهنگی به نام برادر شهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده است که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد. ---

----

آثار :

۱ پژوهش و ویرایش قرآن مترجم قدس

۲ تصحیح ترجمه ی مقامات حریری

۳ تصحیح تفسیر قرآن پاک

ویژگی اثر : با مقدمه ی استاد مجتبی مینوی.

۴ تصحیح جلد اول بصایر یمینی

۵ تصحیح فرهنگ تکمله الاصناف

۶ تصحیح مقاصد اللغه و تفسیر ۶ جلدی بصائر یمینی

۷ ذیلی بر فرهنگ های فارسی

۸ زبان فارسی در ماوراءالنهر

ویژگی اثر : در ۲ مجلد.

۹ سبک شناسی یا گونه شناسی ترجمه های قرآن

ویژگی اثر : بر پایه ی بیش از پانزده ترجمه ی قرآن که به حوزه های زبانی گوناگون پیوند دارند.

۱۰ فراهم کردن گزیده ی شاهنامه

۱۱ فرهنگ فارسی تاجیکی

۱۲ فرهنگ مصدر در زبان فارسی

ویژگی اثر : در ۲ مجلد.

۱۳ فرهنگواره ی واژگان قرآنی – فارسی

ویژگی اثر : در ۴ مجلد.

۱۴ همکاری در چاپ دیوان ناصرخسرو

۱۵ ویرایش ترجمه ی قرآن موزه پارس شیراز

ویژگی اثر : دربردارنده ی ترجمه ای از نیمه ی دوم قرآن از سوره ی مریم تا پایان قرآن. ---------------------------

----

منابع :

۱آینه ی میراث ، سال اول ، شماره ی اول ، دی ۱۳۷۶

روحانی، فواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده و مترجم. وی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران و تحصیلات عالی را در دانشگاه لندن در رشته‌ی حقوق به پایان رساند. در سال ۱۳۰۶ ش به ایران بازگشت و به عضویت شرکت نفت درآمد. روحانی به

مباحث ادبی و فلسفی و خلاقی و هنری علاقه وافری داشت و در زمینه‌ی موسیقی علمی و فلسفه هنرهای زیبا از صاحب نظران کشور بود. وی از موسسان انجن فیلارمونیک تهران و دبیر انجمن بود. روحانی علاوه بر تبحر در زبانهای انگلیسی و فرانسه، به زبانهای عربی و لاتین نیز آشنا بود. از آثار وی: ترجمه‌ای از «الهی‌نامه‌ی عطار» به زبان فرانسه؛ «جمهور» افلاطون، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۴۹ -۷۴۸ /۴).

روحی کرمانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۷۲/۱۲۶۳ ق)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به روحی. در کرمان متولد شد، تحصیلات اولیه و علوم عربی و فقه و اصول و حدیث را در همان شهر نزد پدر خود فراگرفت. در سال ۱۳۰۲ ق با میرزا آقا خان کرمانی که از مشاهیر زمان خود بود، به اصفهان و تهران و رشت و استانبول سفر کرد و در این شهر به تدریس زبانهای شرقی و تکمیل زبانهای انگلیسی و فرانسوی و ترکی عثمانی مشغول شد. چندی بعد به سفر حج رفت و در مراجعت مدتی در حلب اقامت گزید و مجددا به استانبول برگشت. روحی در مدت اقامت در استانبول با میرزا رضا کرمانی و سید جمال‌الدین اسدآبادی ارتباط داشت و همین رابطه موجب شد بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی، دولت ایران استرداد شیخ احمد و دوستانش را از دولت عثمانی درخواست کند. بعد از تحویل به مقامات ایرانی، هر سه به دستور محمدعلی میرزا، در خانه و در حضور او سر بریده شدند و اجساد آنان را بعدا در قبرستان ششکلان دفن کردند. روحی دارای تالیفات و ترجمه‌هایی است که از آن جمله ترجمه‌های «هشت بهشت»؛ «حاجی بابا اصفهانی» است.[۱]

(شیخ) احمد کرمانی (و. ۱۲۶۳- مقت. ۱۳۱۴ ه.ق.) از تعلیم یافتگان مکتب سید جمال‌الدین اسدآبادی و از پیشوایان نهضت مشروطه است. وی به همراهی میرزا آقاخان کرمانی با ایادی حکومت مطلقه قاجاریه و استبداد شاهزادگان به مبارزه پرداخت و عاقبت در این راه شهید شد. وی نویسنده و شاعر بود و در شعر روحی تخلص می‌کرد. ترجمه ژیل بلاس از فرانسوی به فارسی به قلم او صورت گرفته و کتاب هشت بهشت از تألیفات اوست و نیز ترجمه حاجی بابا را از انگلیسی به فارسی بدو نسبت دهند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۹۵ -۳۹۴ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۶۴/۱)، الذریعه (۳۸۹/۹)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۳/۱)، شخصیتهای نامی (۲۱۷ -۲۱۶)، شرح حال رجال (۸۴ -۸۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۰۰)، لغت نامه (ذیل/ روحی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۷ -۳۹۵ /۱)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۲۱ -۱۷).

رودباری، ابوعلی احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۲۲ ق)، صوفی، ادیب و فقیه. در رودبار متولد شد. و در بغداد ساکن گردید. او از وزیرزادگان سلاله‌ی کسری بود و

نسبش را به انوشیروان می‌رساند. روزی با مریدان جنید بغدادی صحبت کرد و چون کلماتی از او شنید در دل وی محبت اهل طریقت جای گرفت و ترک مال و منال کرد و در سلک مریدان جنید درآمد. از مسعود رملی حدیث روایت کرد. با ابن‌جلاء و ابوالحسین نوری و ابوحمزه بغدادی صحبت داشت و همنشین بود. فقه را نزد ابوالعباس بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم حربی آموخت. عاقبت به مصر رفت و خود مرجع استفاده علما شد. سرانجام در همان جا درگذشت. بعضی او را جامع سه علم شریعت و طریقت و حقیقت می‌دانند. فرزند خواهرش، احمد بن عطا رودباری، محمد بن عبداللّه رازی، احمد بن علی وجیهی و معروف زنجانی از شاگردان وی می‌باشند. وی تصانیفی نیکو در تصوف دارد. اشعاری نیز از وی به جای مانده است. از کلمات او است: «برترین یقین آن است که حق را در چشمان تو عظمت بخشد و هرچه جز اوست کوچک گرداند، و امید و ترس را در دلت تثبیت کند».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۳۳۳ -۳۲۹ /۱)، تاریخ گزیده (۶۵۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۳)، تذکره الاولیاء (۲۸۸ -۲۸۵ /۲)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۷۳ -۷۲)، حلیه‌الاولیاء (۳۵۷ -۳۵۶ /۱۰)، ریاض العارفین (۴۰)، سیر النبلاء (۵۳۶ -۵۳۵ /۱۴)، طبقات الصوفیه سلمی (۳۶۰ -۳۵۴)، کشف المحجوب (۱۹۸ -۱۹۷)، الکنی و الالقاب (۱۲۵/۱)، لغت نامه (ذیل/ابوعلی)، معجم البلدن (۸۹/۳)، نفحات الانس (۲۰۷ -۲۰۵).

روزبه، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۳۰۰ ش)، استاد، فیزیکدان، ریاضیدان، ادیب، فیلسوف، فقیه و زاهد. در زنجان به دنیا آمد و تحت تعلیمات عالیه پدرش و عمویش که هر دو عالم و زاهد بودند قرار گرفت. در دبستان و دبیرستان هم از نظر درس و هم از جنبه فضایل اخلاقی دانش‌آموزی برجسته بود. با پایان گرفتن تحصیلات دبیرستانی به کار تعلیم و تربیت در دبستان توفیق زنجان پرداخت. استعداد عالی و روزش کار بی‌نظیرش در زمینه‌ی تعلیم و تربیت او را در این امر بسیار موفق ساخت. در ۱۳۳۰ ش وارد دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران شد. در تصحیلات عالیه هم دانشجویی ممتاز و بی‌رقیب بود. پس از فراغت از تحصیل در رشته‌ی فیزیک تحقیقات خود را در این زمینه‌ی پی گیر شد و به عنوان محقق فیزیک شناخته شد. رساله‌ی پایان‌نامه‌ی تحصیلی‌اش در زمینه‌ی «مطالعه در آثار میدان الکتریکی و رادیاسیون و گاز ازن روی موجودات زنده» بود، و در پایان رساله طرح جدیدی برای استفاده از گاز ازن را در پزشکی ارائه داد. با وجود پیشنهادات مکرر برای احراز کرسی تدریس دانشگاه به سمت دانشیاری دکتر هوشیار، و همچنین عضویت در مجامع تحقیقی غرب همراه مزایای کلان مادی، وی پایه‌گذاری دبیرستان علوی و تدریس در آن را ترجیح داد و تمام عمرش را صرف انسان‌سازی کرد و شاگردانی تربیت کرد که به گفته‌ی خودش هر کدام یک مدرسه‌ی علوی بودند. در کنار تحقیقات گسترده در زمنیه فیزیک استاد روزبه در مساله تعلیم و تربیت نیز نظری صائب و متقن داشت. تسلط کامل وی بر معارف اسلامی و تفسیر قرآن و فقه و اصول چشمگیر بود. «رسائل» و «مکاسب» را به خوبی می‌دانست. با ادبیات عرب و زبان فرانسه کاملا آشنا بود. در بعد اخلاق نیز شخصی نمونه و کم‌نظیر بود. پاکی و صفا و زهد بی‌ریای او، حاکی از شاخص بودنش در این زمینه بود. او انسانی بود که همه‌ی مصلحان جهان آرزوی یافتن مثل او را داشتند. استاد روزبه تالیفات و تحقیقات متعددی در زمینه‌ی علوم مثبته و نیز فقه دارد. حتی در آخرین شب حیاتش به تجدید نظر در این تالیفات مشغول بود. او همگی این آثار را در پایان عمر به یکی از

شاگردان فاضلش سپرد تا به چاپ برساند. سرانجام به بیماری سرطان از دنیا رفت و در قم در گورستان نو به خاک سپرده شد. از آثار وی: «خداشناسی»، که توسط جامعه مدرسین منتشر شده است؛ «عربی آسان»، که محصول کار اواخر عمر استاد با همکاری استاد شهید سید کاظم موسوی می‌باشد؛ رسائل بسیاری در علوم و فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بیادبود استاد روزبه، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۸، ص ۵۳ -۵۲).

روشن، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد روشن به سال ۱۳۱۲ ش. در رشت زاده شد.تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان برد و به تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. وی دوره فوق لیسانس را در پژوهشکده فرهنگ ایران گذرانید. محمد روشن از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ به دبیری در دبیرستانهای رشت اشتغال داشت. و از سال ۱۳۵۰ به هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ ایران پیوست. از اسفندماه ۱۳۴۸ که به تهران منتقل گردید با بنیاد فرهنگ ایران همکاری کرد که تا انقلاب اسلامی همکاری خودرا در بخش ‹‹ فرهنگ تاریخی زبان فارسی›› این موسسه ادامه داد. وی به سال ۱۳۵۰ از وزارت آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر منتقل گشت.و از آن پس دربیشتر فعالیتهای فرهنگی داخلی و خارجی اعم از کنگره ها ، سمینارها ، بزرگداشت ها و....حضور داشته است . کتاب"جامع التواریخ"تصحیح ،محمد روشن ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد روشن تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان برد و بر اثر تشویقهای استاد پورداود به تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. وی دوره فوق لیسانس را در پژوهشکده فرهنگ ایران گذرانید.

استادان و مربیان : محمد روشن از محضر استادانی همچون استاد پورداود و دکتر محمد معین استفاده برد.

هم دوره ای ها و همکاران : محمد روشن با سیدمحمد تقی مدرس رضوی از روزگار دانشجویی همکاری داشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همکاری محمد روشن پس از انتقال به تهران از اسفند۱۳۴۸ آغاز گردید و این همکاری با بنیاد فرهنگ ایران همکاری آغاز کرد که تا انقلاب اسلامی در آن موسسه، در بخش ‹‹ فرهنگ تاریخی زبان فارسی›› ادامه داشت. وی به سال ۱۳۵۰ از وزارت آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر منتقل گشت. از سال ۱۳۵۰ به پیشنهاد استاد شادروان مجتبی مینوی در شمار ۵ تن پژوهشگران نخستین بنیاد شاهنامه فردوسی: آقایان دکتر زریاب خویی، دکتر شفیعی کدکنی و دکتر علی رواقی برگزیده شد. محمد روشن از نخستین دوره کنگره تحقیقات ایرانی که از سوی دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۹ بر پا گردید تا هشتمین دوره آن که هریک از سوی دانشگاههای فردوسی مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و ملی سابق (دکتر بهشتی) و بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان ادب و هنر در کرمان عضویت موثر داشت چنان که ۵ دفتر از خطابه های کنگره های بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان ادب و هنر با نظارت و ویراستاری وی منتشر گردید. وی همچنین در کنگره جهانی هزارمین سال تدوین شاهنامه فردوسی که از سوی یونسکو در دانشگاه تهران به سال ۱۳۶۹ بر پا گردید عضویت داشت و برای نخستین بار خدشه دار بودن نسخه

خطی شاهنامه فلورانس را که تاریخ مجعول ۶۱۴ دارد و خود توفیق بررسی عین نسخه را در کتابخانه ملی فلورانس یافته بود اعلام داشت. محمد روشن در کنگره جهانی بزرگداشت نهمین سده نظامی در دانشگاه تبریز (تیر ماه ۱۳۷۰) و نیز کنگره خواجوی کرمانی در دانشگاه کرمان (مهرماه ۱۳۷۰) عضویت داشت. وی در کنگره بزرگداشت استاد دکتر معین که از سوی دانشگاه گیلان در اردیبهشت ۱۳۷۰ برگزار گردید ، عضو هیئت اجرائی کنگره را بودو نیز در کنگره گیلان شناسی دانشگاه گیلان، در شهریور ۱۳۷۲ مشارکت داشت.

فعالیتهای آموزشی : محمد روشن از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ به دبیری در دبیرستانهای رشت اشتغال داشت. و از سال ۱۳۵۰ به هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ ایران پیوست و در دوره های فوق لیسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی و دوره فوق لیسانس رشته تاریخ و زبان شناسی تدریس کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد روشن در گردآوری مقالات استاد پورداود افتخار همکاری با وی را داشت و درهمان اوان فهرستهای دوازده گانه چهار مقاله نظامی عروضی مصحح دکتر محمد معین و « ایران از آغاز تا اسلامی» ترجمه آن روانشاد را فراهم ساخت . در تمهید مقالات « فرهنگ معین» از همکاران نخستین آن بزرگوار بود. پس از« داستان رستم و سهراب » مصحح استاد مینوی، « داستان فرود» مصحح روشن در بنیاد شاهنامه به مناسبت جشنواره طوس در ۱۳۵۴ منتشر گردید.محمد روشن پس از انتقال به تهران با مجلات ادبی و تحقیقی پیوندی نزدیکتر یافت، چنان که سر دبیری سال ۱۳ مجله « راهنمای کتاب» با وی بود و نیز ستون نقد و بررسی کتابها و مجله های دانشگاهی در مجله سخن را نیز بر عهده داشت.

جوائز و نشانها : کتاب"جامع التواریخ"تصحیح ،محمد روشن ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : نخستین اثر آقای محمد روشن با عنوان تصحیح «تفسیر سور ?یوسف» در سال ۱۳۴۵ منتشر شد. تصحیح «منشآت خاقانی»، «لمعهٔ السراج» ، «محضرهٔ التاج» ، «مرزبان نامه»، «جنگنامه حضرت سید جلال الدین اشرف» و «بخشی از تفسیری کهن» را در سالهای بعد به طبع رساند. تصحیح بخش نخستین «تاریخنام ?طبری» و همچنین «شاهنام ?فردوسی» با شرح واژگان از آخرین آثار آقای روشن است. --

آثار :

۱ بخشی از تفسیری کهن

ویژگی اثر : تصحیح

۲ تاریخنام ?طبری

ویژگی اثر : تصحیح

۳ تفسیر سوره یوسف

ویژگی اثر : این کتاب به تشویق دکتر محمد معین تالیف شدو به سال ۱۳۴۵ از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. این اثر در چاپ سوم بر مبنای متن کتاب « قصه یوسف» نام گرفت که به سال ۱۳۶۷ از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر گردید.[کتاب گیلان ،گروه پژوهشگران ، به سرپرستی سید ابراهیم اصلاح عربانی، ص ۷۰۵]

۴ جامع التواریخ

ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«جامع التواریخ»: جامع التواریخ (۴ جلد)؛ رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و

تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳. یکی از آثار گرانبها و ارجمند زبان فارسی در زمینه تاریخ که خوشبختانه از چنگال حوادث روزگار مصون مانده و به دست ما رسیده جامع التواریخ است. بخش بزرگی از این کار سترگ، بی مانند و بخشهای دیگری از آن نادر و کم نظیر به شمار می آید. مانند قسمتهایی از جلد اول که مؤلف به شرح وقایعی که خود در دوران اقامت در دربار مغولان شاهد آن بوده پرداخته. همچنین بخشهای مهمی از جلد دوم مانند تاریخ اغوزان، چین، هند و بودا، فرنگ و پایان، اسماعیلیان و نزاریان که در جای خود از نظر شیو ?تاریخ نگاری در جهان اسلام بدیع و بی نظیر است. مجلد اول و دوم کتاب به اصل متن جامع التواریخ و تمامی مجلد سوم به انعکاس نسخه بدلها اختصاص یافته است. فهرست آیه های قرآن، عبارتها و اشعارعربی و فارسی، واژه ها و ترکیبات و نام کسان و مکانها نیز در مجلد چهارم منعکس شده است. از ویژگیهای این کتاب این است که مصححان، با اعراب گذاری روی نامها و واژه های ترکی، مغولی، عربی و فارسی تاریکیها و ابهامات را برای خوانندگان کتاب از میان برده اند. همچنین ارائ ?تصاویری ازنسخه های قدیمی «جامع التواریخ رشیدی» و نیز وجوه مختلف زندگی اجتماعی و هنری مغولان، بر اعتبار و گیرایی کتاب افزوده است

۵ جنگنامه حضرت سید جلال الدین اشرف

ویژگی اثر : تصحیح

۶ حدیقه الحقیقه سنائی

۷ دیوان سید حسن غزنوی

۸ شاهنام ?فردوسی

ویژگی اثر : تصحیح

۹ شجره طیبه

۱۰ مثنویهای حکیم سنائی

۱۱ محضرهٔ التاج

ویژگی اثر : تصحیح

۱۲ مرزبان نامه

ویژگی اثر : تصحیح

۱۳ معهٔ السراج

ویژگی اثر : تصحیح

۱۴ منشات خاقانی

منابع :

۱www.ketabesal.ir۲کتاب گیلان ،گروه پژوهشگران ، به سرپرستی سید ابراهیم اصلاح عربانی، ص ۷۰۴

روضاتی، محمد هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۵ محرّم ۱۳۱۹ متولّد، و در ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۳۵۶ در شطّ کوفه غرق شده، و در نزد عمّ بزرگوار خود در وادی السلام مدفون گردید.

عالم و فاضل و محقّق بوده، امید ترقّیات زیاد درباره او می‌رفته، لکن اجل مهلتش نداده

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- حاشیه فرائد الاصول ۲- حاشیه بر مکاسب ۳- حاشیه بر مغنی ۴- حاشیه بر کشف المراد در شرح تجرید الاعتقاد، که قسمتی از آن در اصفهان به طبع رسیده ۵- اجزای متفرّقه‌ای در اخلاق، تاریخ، تفسیر و مواعظ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رویانی کجوری بخاری، جلال‌الدین، ابوالفتح نصرالله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۳۳ -۷۶۶ ق)، صوفی و لغوی شافعی. در کجور رویان به دنیا آمد. به قاهره رفت و با امرا و بزرگان همنشینی کرد. کتبهای نفیس فراوانی جمع‌آوری کرد. وی در روزگار خود به نام و شهرتی رسید. در قاهره درگذشت و در خانه‌اش دفن شد. از آثارش: «اعلام الشهود بحقایق الوجود»، در تصوف؛ «غنیه الطالب فیما اشتمل علیه الوهم من المطالب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۳/۸)، معجم المؤلفین (۹۶/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۳/۲).

رهبری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رهبری

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن رهبری فرزند بزرگ خانواده فقیر و بی سواد امّا متدین و متشرع از تبریز بودم. مرحوم پدرم حسین از سواد فقط خواندن قرآن را میدانست و از اعداد تا سه رقمی ها را امّا در عین حال به علّت رفت و آمد با اهل علم و علاقه مندی به حضور در مساجد و محافل مذهبی و پای منابر، به قدری با مسائل فقهی و شرعی آشنائی داشت که محل رجوع اهالی محل بود.

شش ساله بودم که قرآن را با همان سبک و سیاق و حجی کردن قدیمی، در مدّت یک سال تمام به من آموخت و چه نیکو

آموخت. به ۷ سالگی که رسیدم مسئله ثبت نام من در کلاس اوّل ابتدائی مطرح شد، پدرم از رفتن من به مدارس دولتی سخت پرهیز داشت که مبادا با فرهنگ غربی رژیم شاهنشاهی تربیت شوم و به دنبال محیط آموزشی غیر دولتی و با مدیریت اسلامی برایم بود. مدرسه ای با این خصوصیات پیدا شد امّا عدم توانائی پدرم از پرداخت شهریه ۲۰۰ ریال آن، قضا را تغییر داد. درس نخواندنم بر درس خواندنم ترجیح داده شد تا مقداری بزرگ شده و در حرفه ای مشغول به کار شوم امّا با اصرار همسایگان، پدرم به شرطی با ورود من به مدرسه دولتی موافقت کرد که یکی از علمای بزرگ تبریز جواز آن را صادر کند. به یاد دارم که مرحوم آیت الله حاج میرزا علی اصغر چاپچی اجازه دادند تا کلاس ششم ابتدائی تحصیل نمایم.

دوره ابتدائی را تمام کردم اما باز در ادامه تحصیل با مشکل شرعی مواجه شدم گریه و زاری ام برای ادامه تحصیل بی فایده بود مگر اینکه به فکرم رسید در خانه تحصن نموده و از رفتن به کارگاه خیاطی که تابستانها می رفتم خودداری کنم. کتک کاری های پدر را تحمل کرده و بست نشینی را چند روز ادامه دادم. مغازه خیاطی پدرم محل اطراق و رفت و آمد روحانیون محل بود او موضوع را با یکی از آنها در میان می گذارد و برای نصیحت من از او کمک می خواهد، او می گوید: آقا شیخ حسین! من خودم دیپلم مدارس دولتی هستم آیا بی دین شده ام ؟ مگر کارگران همه با دین هستند و درس خوانان همه بی دین؟ و ... این سخنان پدرم را آگاهی بخشیده و نرم کرده بود تا اینکه قرق شکست و من وارد دبیرستان شدم. در دوره دبیرستان با تشویق یکی از مداحان اهل بیت(ع) که شعر هم می سرود ابتدا به شعر گفتن و سپس برای خوب شعر گفتن به مطالعات خارج از کتب درسی کشیده شدم. مقاتل را می خواندم و به نظم می کشیدم اما چون استعداد شعر را در خود کمتر دیدم آن را رها نموده و مطالعه را سرعت بخشیدم. تدریس قرآنم در یک هیئت عزاداری جوانان، نا گزیر از یاد گیری دروس حوزوی ام کرد. در کنار دروس حوزوی به صورت متفرقه حضور در دوره های تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه را نیز شروع کردم. در سال ۱۳۶۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی وارد دانشگاه تبریز شدم. زمینه های قبلی و تحقیقات دانشگاهی، قلم به دستم کرد و زمینه های مذهبی، قلمم و درس و تحقیقم را به سوی مسائل دینی سوق داد. تا جایی که از اساتیدی که در دسترسم بود استفاده کردم و آنجا هم که استاد نیافتم متوسل به تکنولوژی روز شدم. نوار اساتید،(سی دی) دروس فقه و اصول، برنامه های درسی رادیو قرآن، اینترنت و کتابها ، استادی مرا عهده دار شدند. از سال ۱۳۷۹ دوره کارشناسی ارشد را در رشته مدیریت دولتی ادامه دادم. تا به حال دو جلد کتاب و ۳۰ مقاله تحقیقی نوشته ام که ۱۸ مقاله چاپ گردیده و بقیه در نوبت چاپ مجلات تخصصی بوده و یا برای مجموعه مقالاتم آماده می شوند.

اکنون ۳ جلد کتاب «مقالات قرآنی»، «مقالات فقهی» و «علم امام » ر ا آماده چاپ دارم که در صورت مساعدت شرایط، اقدام خواهم کرد انشاءالله. در مقالاتم همواره دنبال مسائل جدید و کار نشده بوده ام تا مشکلی از مشکلات فقهی و قرآنی را طرح و راه کاری برای آن ارائه نموده باشم. تلاش کردم که دنبال مسائل تکراری و حل شده نباشم و تا جایی که تحقیق اجازه می دهد تک صدایی در موضوعی را بشکنم و زمان و مکان را دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد معرفی کنم. تعدادی از مقالاتم را به کنگره های ملی و همایشهای بین المللی ارائه کردم که خوشبختانه مورد پذیرش و ارائه واقع شده و در مجموعه مقالات آن کنگره ها به چاپ رسیده است که در فهرست مقالات بدان اشاره کرده ام. فکر می کنم که زندگی علمی من یک پیام خاص خود دارد و آن اینکه کارایی و تولید فکر و اندیشه دینی در خارج از متن رسمی حوزه هم امکان تحقق دارد.

رهنما، تورج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته ادبیات آلمانی، علوم تربیتی و ادبیات مقایسه‌ای از دانشگاه مونیخ آلمان و تدریس در دانشگاه زالتسبورگ اتریش به مدت دو سال بعنوان استادیار.

مرتبه علمی:

استاد رشته زبان و ادبیات آلمانی در دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات آلمانی، عضویت در انجمن بین‌المللی اشتفان تسوایگ در وین، استاد راهنمای ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات آلمانی و فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

ادبیات آلمانی و فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رهنما، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۲، نجف.

درگذشت: ۱۲ تیر ۱۳۶۸، تهران.

زین‌العابدین رهنما، فرزند شیخ‌العراقین مازندرانی، در رشته‌های علوم ادبی، فلسفی و اصول فقه اسلامی تحصیل نمود. خدمت مطبوعاتی خود را قبل از سال ۱۲۹۹ آغاز کرد و در این مدت مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «ایران»، مجله‌ی «راهنما»، و روزنامه‌ی «راهنما» بود. چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در دوره‌ی رضا شاه مدتی خانه نشین و بعدا به خارج از کشور تبعید گردید. پس از حوادث شهریور ۱۳۲۰ به ایران بازگشت. در تهران می‌زیست، تا به سفارت ایران در فرانسه و سپس به سفارت سوریه در لبنان انتخاب گردید. وی همچنین مدتی وزیر کشور و مدتی نیز معاون نخست وزیر بود. به فرانسوی و انگلیسی و عربی و ترکی آشنا بود و به دریافت نشان درجه اول «همایون» نایل آمد. به آمریکا و کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی سفر

کرد و از تألیفات وی می‌توان از کتاب‌های پیامبر (داستان تاریخی- مذهبی، ۱۳۱۶، خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسوی ترجمه شـده است)؛ امـام حسین؛ داستان اجتماعی ژاله؛ ترجمه و تفسیر قرآن (چهار جلـد)؛ ترجمه‌ی حقوق در اسـلام (تألیف دکتر مجید خدوری) و ترجمه‌ی قانون در خاورمیانه نام برد.

(۱۲۷۳ ق- ۱۳۶۸ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در نجف به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشته‌های علوم ادبی، فلسفه و اصول فقه اسلامی به تهران آمد و به فعالیتهای ادبی و سیاسی پرداخت. در ۱۳۰۲ ش مـدیریت روزنامه «ایران» را عهده‌دار شد. این روزنـامه که به صورت روزانه چاپ می‌شـد، سالها روزنامه‌ی درجه اول کشور به حساب می‌آمـد. زمانی که رهنما به خارج از ایران تبعیـد شد، امتیاز روزنامه‌ی «ایران» به دیگری منتقل گردید، اما پس از وقایع شـهریور ۱۳۲۰ ش که رهنما به ایران بازگشت، مجـددا اداره‌ی روزنامه را خود بر عهـده گرفت. او به زبانهای عربی و فرانسوی تسـلط کامل داشت. از وی تالیفات و ترجمه‌ای چند بر جای مانده است از جمله: «پیامبر، زندگانی حضرت رسول اکرم»؛ «امام حسین»؛ «ترجمه و تفسیر قرآن»؛ «قانون در خاورمیانه»؛ «ژاله، رمان اجتماعی»؛ «حقوق در اسلام».[۱]

روزنامه‌نگار، مورخ و محقق، سیاسـتمدار، فرزند شـیخ علی شـیخ‌العراقین و داماد شـیخ عبدالله از بزرگان و روساء و اقطاب سلسـله‌ی معروف صـوفیه، در ۱۲۶۸ ش تولـد یـافت. قسـمتی از تحصـیلات خـود را در تهران و قسـمتی را در عراق در تاریـخ، فقـه، اصـول و حکمت و ادبیـات فارسـی و عربی به پایـان برد. پس از ورود به ایران، کـار روزنامه‌نگاری را پیشه خود ساخت. چنـدی با مطبوعات مختلف همکاری داشت، سـرانجام در سال ۱۲۹۹ ش مـدیریت روزنامه‌ی نیمه‌رسـمی ایران به او سپرده شـد. روزنامه‌ی ایران به طور یومیه انتشـار می‌یافت و از لحاظ کیفیت چاپ و کاغـذ، ممتاز بود. پس از مـدتی کوتاه، نفوذ روزنامه‌ی ایران در تمام محافل هویـدا شد و تحقیقا روزنامه‌ی رسمی ایران بود. سرمقاله‌های روزنامه در خطمشی سیاسی دولت اثر داشت. رهنما تدریجا خود را منتسب به سردار سپه که قدرتی در کشور شده بود، نمود و روزنامه‌ی خود را در جهت منویات او تنظیم نمود.

در سال ۱۳۰۲ به زور سـرنیزه سـردار سپه در دوره‌ی پنجم از تبریز به وکالت مجلس انتخاب شد و به خلع سلسله‌ی قاجاریه رای داد. در مجلس موسسان هم عضویت یـافت. در ۱۳۰۶ از طرف مخبرالسـلطنه هـدایت که وزیر فوائـد عامه بود، به معاونت آن وازرتخانه برگزیـده شـد. چنـد مـاهی در آن سـمت انجـام وظیفه کرد، بعـد از آنکه مخبرالسـلطنه به رئیس‌الـوزرائی رسـید، رهنمـا به معـاونت رئیس‌الوزراء منصوب شد. دو سال در آن سـمت بود که در دوره‌ی هشـتم، از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی نهم همچنـان سـمت نماینـدگی داشت و روزنـامه‌ی ایران نیز به صورت یومیه انتشار می‌یافت. در ۱۳۱۴ بعضـی از مطالب روزنامه‌ی ایران مورد پسـند رضاشاه واقع نشـد. سرلشـکر آیرم هم مرتبا گزارش‌های نامساعـدی از رهنما و روزنامه‌اش به شاه می‌داد. سـرانجام رهنما مورد غضب واقع شد. از او سـلب مصونیت کردند و او را به زندان قصـر بردند و امتیاز روزنامه‌ی ایران را لغو کردند و کلیه‌ی دارائی و اثاثیه و مطبعه را به مجیـد موقر واگـذار نمودنـد و امتیاز روزنامه‌ی ایران نیز به نام او صادر شـد. رهنما چند ماهی در زندان بود تا بالاخره موی سـفید و روی سـیاه مخبرالسـلطنه موثر افتاد، رضاشاه شـفاعت او را پذیرفت و دسـتور آزادیش را از زندان صادر کرد، مشروط بر اینکه خاک ایران را ترک کند. رهنما به سرعت خاک ایران را ترک کرد در عراق اقامت گزید و تا شهریور ۱۳۲۰ در عراق و لبنان به سر می‌برد. پس از استعفای رضاشاه، برای پس گرفتن مطبعه روزنامه‌ی خود به تهران آمد و علیه مجید موقر طرح دعـوی نمـود. سـرانجام امتیـاز روزنـامه‌ی ایران مجـددا به او واگـذار شـد و در عـوض امتیـاز روزنـامه‌ی مهر ایران را به موقر دادنـد. روزنامه‌ی ایران مجددا حیات خود را از سـر گرفت ولی کار اداره‌ی آن با حمید رهنما بود. زین‌العابدین رهنما بعد از شهریور ۱۳۲۰ به سمت وزیرمختار ایران در دولت موقت فرانسه درویشی و سپس پاریس منصوب شد و چندی نیز سفیر ایران در کشورهای لبنان و سوریه بود. مدتی هم معاونت نخست‌وزیری و ریاست انتشارات و تبلیغات را عهده‌دار گردید.

رهنمـا بـدون شک یکی از فضـلای درجه اول ایران است. وی به ادبیات فارسـی و ادبیات زبانهای عربی و فرانسه کاملا مسـلط بوده

است. علاوه بر دوره‌ی منظم روزنامه‌ی ایران که حاکی از ذوق و قدرت نویسندگی اوست، تالیفات زیادی عرضه نموده است. کتاب معروف او به نام پیامبر و کتاب امام حسین (ع) و تفسیر و ترجمه قرآن مجید از آثار انتشار یافته‌ی او می‌باشد. در ۱۳۶۸ درگذشت. حین الفوت یک قرن کامل را پشت سر گذاشته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۳۱۶ -۳۱۵/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۱ -۳۴۷/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۶ -۲۶۴/ ۳)، نشر دانش (س ۹، ش ۴، ص ۹۹).

ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۰ -۱۳۱۳ ق)، فقیه، حکیم، ادیب و ریاضیدان. وی در ۱۳۲۸ ق از اصفهان به نجف مهاجرت کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث پرداخت و در ریاضیات سرآمد اقران شد وی به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نشر احکام پرداخت. او در گلگیت نزدیک کشمیر از دنیا رفت. کتابخانه نسبتا غنی از وی باقی ماند. او تالیفاتی چند به نظم و نثر دارد. که از آن جمله می‌توان به «سفائن البحار»، به فارسی، منظوم؛ «بحر الحساب»، به فارسی؛ «اعجاز المهندسین»؛ رساله‌ی «الجبر و المقابله»؛ رساله «قابلیه التقسیم»، در اعداد؛ رد «ابطال الرمل»؛ و «تسهیل القسمه» اشاره کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴/۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۵/۱).

ریاضی هروی، نصرت‌الزمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۱۹، مشهد.

درگذشت: ۲ تیر ۱۳۶۷، مشهد.

نصرت‌الزمان ریاضی هروی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی از سال ۱۳۴۲ در دبیرستان خراسان به تحصیل زبان و ادبیات فارسی پرداخت و بیست و شش سال به کار معلمی پرداخت.

نصرت‌الزمان ریاضی هرروی در سال ۱۳۶۵ فرهنگ فارسی تحفهٔ الاحباب را با همکاری همسرش فریدون تقی‌زاده طوسی همراه با تعلیقات منتشر ساخت و گزیده‌ای از کتاب تجارب الامم منسوب به حمدالله مستوفی را از یگانه کتابخانه‌ی ایاصوفیه آماده‌ی چاپ ساخته بود. سه مجموعه حاوی خاطرات و نیز چندین مقاله در باب دستور زبان فارسی در نشریه‌های استان خراسان از وی به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ریاضی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۳۱۲، دره‌گز.

درگذشت: ۲۰ مهر ۱۳۷۳، در سانحه هوایی.

محمود ریاضی دوره ابتدایی و چند سالی از دوره‌ی متوسطه را در دره‌گز طی کرد و سپس به مشهد آمد و دوره‌ی متوسطه را در آنجا به پایان رسانید. این امر همزمان با ملی شدن صنعت نفت بود. وی وارد مبارزات سیاسی شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدتی به دانشکده‌ی افسری رفت و سپس وارد دانشکده‌ی فنی شد. در سال ۱۳۴۱ فارغ‌التحصیل شد. وی مطالعات خود را ادامه داد و در صنعت برق کارشناس شد.

محمود ریاضی در این اواخر شروع به ترجمه داستان تمدن جهان از آغاز تا سال ۱۹۹۰ نوشته جی. ام. رابرتس کرده بود. ترجمه‌ی متن اصلی کتاب پایان یافته بود. وی مشغول پانویس‌های کتاب بود که اجل امانش نداد.

در سال ۱۳۴۹ او و دکتر کاظم سامی و سایر همفکرانش اقدام به تأسیس انتشارات چاپخش کردند. محمود ریاضی همچنین با مؤسسات نشر دیگر نیز همکاری داشت.

فهرست آثار ترجمه و تألیف شده وی به این شرح هستند: ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ (تألیف پل کندی)؛ روسیه، غرب و چین (ایزاک دویچر)؛ زندگی سیاسی استالین (ایزاک دویچر، با همکاری علی اسلامی)؛ سیری در بلوغ (ایزاک دویچز)؛ (پایگاه‌های استراتژیک امپریالیسم)؛ (عظیم حسین)؛ سلاح اقتصادی استعمار جدید (بانوف، با همکاری نظام الدین قهاری)؛ چشم‌اندازهایی بر آزادی و برابری در جهان سوم (سی. جی. ویرافتاری)؛ انقلاب ناتمام روسیه (ایزاک دویچر)؛ نظری به درون شیلی آینده (اوارد بوراشتاین)؛ اروپا و عقب ماندگی آسیا (دوجلد، والتر رادفی)؛ آمریکا و جهان سوم (جان س. گیزلینگ)؛ موسولینی (دنیس مک اسمیت)؛ بحران انرژی (مایکل تانزر)؛ روان شناسی عشق ورزیدن (اینیاس لپ، با همکاری دکتر کاظم سامی)؛ تحلیل کوتاه از امپریالیسم (تألیف)؛ فاصله عقب ماندگی (جی. بی. کرن)؛ اسطوره‌های انقلابی در جهان سوم (ژراز شالیان)؛ چه کسی جیمی کاتر را اداره می‌کند، ظلمت در نیمرز (آرتور کویستر، با همکاری علی اسلامی)؛ اقتصاد تسلیحاتی و جنگ (آندره گوندر فرانک).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ریحان یزدی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

درگذشت: زمستان ۱۳۶۷، تهران.

سید علیرضا ریحان یزدی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست اداره‌ی اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: احوال و آثار محمد بن جریر طبری (۱۳۳۵)؛ اصول الصرف (دو جلد)، اصول النحو (۱۳۴۰)؛ ترجمه تعبیر رؤیا (از ابن سینا، ۱۳۱۶)؛ نظامی شاعر داستان سرا (۱۳۳۷)؛ ماجرای تغییر خط (۱۳۳۸)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچه‌ی اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید» و «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ریحانی، ابوالحسن علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۹ ق)، لغوی، ادیب و نویسنده. ایرانی‌الاصل و ساکن بغداد و معاصر و مورد احترام مامون عباسی بود، و از دانشمندان و حکمت دانان بنام، که او را در فن بلاغت تالی جاحظ خوانده‌اند. با آن همه فضل و کمال به زندقه متهم شده و در آثار خود تحت تاثیر فرهنگ ایرانی بوده است. از آثار وی: «الایقاع»، «التدرج»؛ «الزمام»؛ «العقل و الجمال»؛ «صفه الدنیا»؛ «الموشح»؛ «النمله والبعوضه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۵/۵)، ایضاح المکنون (۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۲، ۲۶۸، ۲۶۴، ۲۶۲ /۲، ۳۷۹ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷/۱)، تاریخ بغداد (۱۹ -۱۸ /۱۲)، روضات الجنات (۱۹۱ -۱۹۰ /۵)، ریحانه (۳۴۹/۲)، کشف الظنون (۱۴۶۸)، لسان المیزان (۵۷/۵)، لغت نامه (ذیل/ علی ریحانی)، معجم الادباء (۵۶ -۵۱ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۵/۷)، هدیه العارفین (۶۶۹ -۶۶۸ /۱).

زاغولی مروزی، ابوعبدالله محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۹ -۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، مفسر، لغوی و فقیه شافعی. منتسب به زاغول از قرای پنج ده مرو رود بود در انجا به دنیا آمد و در مرو سکنی گزید و اشتهار یافت. نزد ابوبکر محمد سمعانی و موفق بن عبدالکریم هروی فقه آموخت و از ابوالفتح نصر بن ابراهیم حنفی و ابومحمد بغوی و عیسی بن شعیب سجزی حدیث شنید. وی تمام عمر خویش را در طلب و گردآوری حدیث و تالیف و تصنیف به سر آورد. او در لغت صاحب نظر بود. سفری به هرات کرد و در آنجا شاگردانی تربیت کرد. ابوسعد عبدالکریم سمعانی و پسرش ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی از شاگردان وی می‌باشند. زاغولی بیش از چهارصد مجلد مشتمل بر تفسیر و حدیث و فقه و لغت را گردآورد و آن را «قید الاوابد» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۳/۶)، سیر النبلاء (۴۹۳ -۴۹۲ /۲۰)، کشف الظنون (۱۳۶۷)، معجم المؤلفین (۲۵۴/۹)، الوافی بالوفیات (۳۷۳/۲)، هدیه العارفین (۹۴/۲).

زاهد گیلانی ثانی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۹ ق)، عالم، ادیب، عارف، شاعر و خطاط. وی عموی محمدعلی حزین لاهیجی، صاحب «تذکره المعاصرین» بود. نسبش با چهارده واسطه به شیخ زاهد گیلانی می‌رسد. او مقدمات علوم را در لاهیجان نزد پدرش و ملا علی نوری فراگرفت و در شاعری و خوشنویسی و ترسل مهارت یافت. هفت قلم را نیکو می‌نوشت و خوشنویسان اصفهان از نمونه‌های خط او که به آنجا می‌رسید، بهره می‌بردند. هنگامی که با پدر خود به لاهیجان سفر کرده بود، مدت یک سال نزد عموی خود به تحصیل مشغول شد و «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی را نزد او فراگرفت. وی سپس به خدمت حسینعلی شاه رسید و به هدایت مردم مامور شد. شیخ ابراهیم از پیروان سلسله‌ی نعمت‌اللهیه بود. او در لاهیجان درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «المختلف» علامه، به نام «رافع الخلاف»؛ حاشیه بر «کشاف» به نام «کاشف الغواشی»؛ رساله‌ای در توضیح «کتاب اقلیدس»؛ «القصائد الغراء»، در مدح آل‌عباء (ع)؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹ -۸ /۱)، اعیان الشیعه (۱۸۱/۲)، تذکره المعاصرین (۲۴۶ -۲۴۵، ۱۱۶ -۱۱۳)، الذریعه (۲۳۹، ۸۶/۱۷، ۶۰/۱۰، ۳۹۹/۹)، ریاض العارفین (۲۶۱ -۲۶۰)، ریحانه (۳۵۷ -۳۵۶ /۲)، طرائق الحقائق (۲۲۳/۳)، لغت نامه (ذیل/ زاهد)، معجم المؤلفین (۵۳/۱)، مکارم الآثار (۷۵۰/۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۸).

زجاجی گرگانی، ابوالقاسم یوسف

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۵ -۳۵۲ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و محدث. اصل وی از همدان و ساکن گرگان و استرآباد بود. به واسطه‌ی پیشه‌ی آبگینه‌سازی و فروش آن به زجاجی معروف شد. از ابواحمد غطریفی و ابواسحاق بصری و دیگران حدیث استماع کرد. از آثار وی: شرح «الفصیح» ثعلب کوفی، در لغت؛ «عمده الکتاب»، در فقه؛ «عمده البیان»؛ کتاب «خلق الانسان»؛ کتاب «خلق الفرس»، که گروهی آن را تصنیف کرده و زجاجی نیز از آن جمله است؛ کتاب «اشتقاق الاسماء»؛ «الریاحین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۶/۹)، روضات الجنات (۱۷۱/۱)، ریحانه (۳۷۰/۲)، کشف الظنون (۱۳۹۱، ۱۲۷۲، ۱۱۷۱، ۷۲۳، ۷۲۲)، لغت نامه (ذیل/ زجاجی)، معجم الادباء (۶۱/۲۰)، معجم المؤلفین (۳۱۲/۱۳)، هدیه العارفین (۵۵۰/۲).

زجاجی نهاوندی، عبدالرحمان

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۰ –۳۳۷ ق)، ادیب، نحوی. در نهاوند به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابراهیم بن محمد زجاج، نفطویه، اخفش صغیر، محمد یزیدی و ابوبکر بن درید کسب دانش کرد و در طبریه درگذشت. از آثار وی: «الجمل الکبیر کبری»؛ «الایضاح الکافی»؛ «الامالی»؛ «شرح الالف و اللام للمازنی»؛ کتاب «اللامات یا اللامیات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۹/۴)، روضات الجنات (۲۸ – ۲۷ /۵)، ریحانه (۳۶۹/۲)، سیر النبلاء (۴۷۶ –۴۷۵ /۱۵)، الکامل (۳۳۷/۶)، کشف الظنون (۱۵۳۵، ۱۳۹۶، ۹۴۷، ۶۰۳، ۲۱۰، ۴۸)، الکنی و الالقاب (۲۹۶ –۲۹۵ /۲)، لغت نامه (ذیل/ عبدالرحمان)، معجم المؤلفین (۱۲۴/۵)، وفیات الاعیان (۱۳۶/۳).

زجاجی، عبدالرحمن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمن نحوی (ف. ۳۳۷ ه.ق./ ۹۴۹ م.) وی در نهاوند متولد شد و نزد زجاج در بغداد تعلیم گرفت و بدو منسوب گردید. در دمشق و ایله تدریس کرد. او راست: کتاب «الجمل» در نحو که آن را در مکه تألیف کرد و نسخه آن در برلین است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زردی، ابوعمرو احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۸ ق)، ادیب و لغوی. وی اهل زرد یکی از روستاهای اسفراین بود که در فن بلاغت و معرفت اصول و ادب سرآمد اقران روزگار خویش بود. وی از ابوعوانه اسفراینی حدیث شنید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (۱۵۲)، رواضت الجنات (۲۴۲ –۲۴۰ /۱)، ریحانه (۳۷۲/۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد).

زریاب خویی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ –۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در خوی متولد شد. پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه به قم رفت و از محضر علمای آن دیار از جمله شیخ صادق فراحی، محقق داماد، سید احمد خسروشاهی، امام خمینی، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری و سید محمد حجت کوه کمره‌ای بهره جست. سپس وارد دانشکده‌ی الهیات شد و پس از دریافت درجه‌ی لیسانس به آلمان رفت و از دانشگاه ماینس در رشته‌ی تاریخ دکترا گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و در ۱۳۴۱ ش به

دعوت پروفسور هنینگ به آمریکا رفت و در دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) به تدریس پرداخت. پس از دو سال به ایران آمد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر زریاب مورخ، محقق و مترجمی جامع‌الاطراف بود و بویژه در معارف ایران و اسلام و فلسفه و تاریخ و ادبیات عرب و زبان شناسی صاحب نظری متبحر بود و به سبب تسلط به زبانهای عربی، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی به منابع دست اول دسترسی داشت. زریاب در بسیاری از مجامع علمی ایرانی مثل: انجمن فلسفه، بنیاد فرهنگ، فرهنگستان تاریخ و بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی عضو بوده و با بنیادهای دایرةالمعارف نویسی همکاری داشت و مقالات بسیاری برای آنها و مجلات ادبی گوناگون می‌نوشت. وی همچنین در مجامع بین‌المللی از جمله: انجمن بین‌المللی شرق شناسی در آلمان و انجمن بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان عضو بود. در تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «آیینه‌ی جام»؛ «تاریخ ساسانیان»؛ «بزم آوزد»؛ تحریر «روضه الصفا» و ترجمه‌های: «تاریخ فلسفه» ویل دورانت؛ «لذات فلسفه»، ویل دورانت؛ «تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان»؛ تئودور نولدکه؛ «ظهور تاریخ بنیادی»، نوشته‌ی فردریش مانیکه؛ «دریای جان» نوشته‌ی ریتر.[۱]

مترجم، استاد، نویسنده، محقق.

تولد: ۲۲ تیر ۱۲۹۸، خوی.

درگذشت: ۱۴ بهمن ۱۳۷۳.

عباس زریاب‌خویی، فرزند علی، تحصیلات مقدماتی علوم جدید و قدیم را در شهر خویی به پایان رساند و برای ادامه‌ی تحصیل در سال ۱۳۱۶ به شهر قم عزیمت نمود و سال‌ها از محضر اساتیدی چون حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی استفاده نمود.

دکتر زریاب‌خویی بعد از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد برای تکمیل تحصیلات خویش وارد دانشگاه الهیات شد و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس، به آلمان رفت و در رشته‌ی تاریخ و فلسفه از دانشگاه «ماینز» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد. همچنین به فراخوان دانشگاه «برکلی» آمریکا پاسخ مثبت داد و مدتی به همکاری با کارشناسان زبان‌های ایرانی و زبان فولکوریک پرداخت.

دکتر عباس زریاب‌خویی پیش از انقلاب استاد رشته‌ی تاریخ و رییس گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و ترکی عثمانی و اسلامبولی آگاه بود. وی سال‌های متمادی در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال داشت و مدتی نیز با دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و دائرةالمعارف مصاحب و بنیاد دائرةالمعارف همکاری داشت و مقالاتی را به رشته‌ی تحریر درآورد. آثار مهم ایشان عبارتند از: ترجمه‌ی فلسفه (ویل دورانت، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی لذات فلسفه (ویل دورانت)؛ ترجمه‌ی تاریخ ساسانیان (نولد که)؛ تألیف بزم آورد؛ تألیف آئینه جام؛ تحقیق و تصحیح کتاب الصیدنه فی الطب اثر ابوریحان بیرونی (این کتاب در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب شد)؛ تألیف تاریخ بنیادی؛ آیینه جام (شرح مشکلات دیوان حافظ؛ این کتاب در سال ۱۳۶۹ عنوان کتاب برگزیده‌ی سال را از آن خود ساخت)؛ سیره‌ی رسول اکرم (ص)؛ تهذیب و تلخیص روضةالصفا. کتاب‌هایی که استاد در حال نشر داشت، عبارت بودند از ترجمه‌ی دریای جان اثر هلموت ریتر و ترجمه‌ی کتابی که قرار بود به مناسبت کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری منتشر شود.

پیکر دکتر زریاب‌خویی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کلک (ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۹۲ -۲۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴/۳)، یکی قطره باران (۱۴ -۱).

زریاب، ابوالحسن علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۰ ق)، موسیقیدان، نوازنده، ادیب و شاعر. ملقب به زریاب و معروف به بصری. از موسیقیدانان بنام ایرانی بود که محل تولد وی را برخی شهر ری دانسته‌اند. او هنر موسیقی را در بغداد از اسحاق موصلی فراگرفت و در این هنر مهارت یافت. شهرتش تا بدانجا رسید که به دربار خلیفه هارون‌الرشید راه یافت و به واسطه‌ی وسعت اطلاعات علمی و ادبی و مهارت در فن موسیقی مورد توجه قرار گرفت و رقیب اسحاق موصلی شد. از این رو اسحاق او را وادار کرد که از بغداد رخت بربندد، زریاب هم ابتدا به سوریه و مصر و سپس به اندلس رفت و حکم بن هشام، امیر اندلس، از وی استقبال نمود. او مدرسه‌ی بزرگی برای تعلیم و توسعه‌ی فن موسیقی مشرق زمین در اندلس دایر کرد و دامنه‌ی فعالیت خود را گسترش داد. زریاب در نواختن عود و در سبک و شیوه‌ی آواز تصرفاتی کرد که باعث سهولت یادگیری شاگردان شد. وی در قرطبه درگذشت. همانطور که مکتب ابراهیم موصلی و فرزندش، اسحاق، و خاندان موصلی در بغداد مشهور بود، مکتب او نیز در اسپانیا شهرت فراوان یافت و منشا اثر در کشورهای ساحلی آفریقا و نیز در موسیقی اروپا شد. زریاب از ادب نیز بهره‌ی وافی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۰/۵)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۶۱۴، ۵۷۲)، تاریخ موسیقی (۱۲۶ -۱۲۳، ۱۱۶ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۱۹/۲)، لغت نامه (ذیل/ زریاب).

زرین کوب، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید زرین کوب ، در اول فروردین ماه سال ۱۳۱۵ ، در بروجرد زاده شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان آورد و سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. پس از اخذ دیپلم ، به کار معلمی در شهر بروجرد پرداخت(۱۳۳۴) . بعد از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ در رشته ادبیات فارسی موفق به دریافت مدرک لیسانس شد. پس از دریافت مدرک لیسانس در دبیرستانهای این شهر مشغول به کار شد. پس از آن او تحصیلات خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه داد. وی تا سال ۱۳۴۸ فوق لیسانس خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت داشت و تحصیلات دوره دکتری را نیز به پایان برد. حمید زرین کوب . او که برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نموده بود ، در جهت دانش اندوزی هیچگاه از تلاش باز نایستد و تا مرحله دکتری به تحصیلات خود ادامه داد. پس از آن در سال ۱۳۴۹ به استخدام دانشگاه مشهد درآمد و تا سال ۱۳۵۶ در این دانشگاه به افاضه پرداخت ؛ از آن پس به دانشگاه تهران منتقل گردید و تا پایان عمر در دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. استاد حمید زرین کوب در شباهنگام بیست و پنجم مردادماه ۱۳۶۶ چشم از جهان فروبست و به سوی سرای جاوید رخت بر بست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حمید زرین کوب تحصیلات مقدماتی را در بروجرد به پایان آورد و سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. بعد از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ در رشته ادبیات فارسی موفق به دریافت مدرک

لیسانس شد. پس از آن او تحصیلات خود را دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه داد. وی تا سال ۱۳۴۸ فوق لیسانس خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت داشت و تحصیلات دوره دکتری را نیز به پایان برد. زرین کوب در سال ۱۳۵۲ از رساله دکتری خود با عنوان « بررسی و نقد فنی و تاریخی در باب صنایع بدیعی ـ با توجه به سیر تکاملی تشبیه در شعر فارسی ـ رودکی تا ازرقی » با موفقیت دفاع کرد.

همسر و فرزندان : حمید زرین کوب در سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد.

زمان و علت فوت : حمید زرین کوب در شباهنگام بیست و پنجم مردادماه ۱۳۶۶ چشم از جهان فروبست و به سوی سرای جاوید رخت بر بست.

فعالیتهای آموزشی : حمید زرین کوب پس از دیپلم ، به کار معلمی در شهر بروجرد پرداخت(۱۳۳۴) . او که برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نموده بود ، پس از دریافت مدرك لیسانس در دبیرستانهای این شهر مشغول به کار شد. استاد در جهت دانش اندوزی هیچگاه از تلاش باز نایستد و تا مرحله دکتری به تحصیلات خود ادامه داد. پس از آن در سال ۱۳۴۹ به استخدام دانشگاه مشهد درآمد و تا سال ۱۳۵۶ در این دانشگاه به افاضه پرداخت و از آن پس به دانشگاه تهران منتقل گردید و تا پایان عمر در دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. وی در سال ۱۳۴۶ به دریافت مرتبه « دانشیاری » از دانشگاه تهران نائل گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از جمله فعالیت های دیگر حمید زرین کوب سرپرستی و سردبیری مجله ادبیات دانشگاه مشهد بودکه از نمونه های آن ، انتشار « مجموعه سخنرانی های دومین کنگره تحقیقات ایرانی » (جلد اول ۱۳۵۱ ، جلد دوم ۱۳۵۲) و « مجموعه سخنرانی های اولین و دومین هفته فردوسی » (۱۳۵۳) را می توان نام برد. دو سال پس از اخذ مدرك دکتری ، استاد به همراه تعدادی دیگر از استادان دانشگاه مشهد ، از طرف این دانشگاه برای انجام یک دوره علمی و مطالعاتی به آمریکا سفر کرد. حمید زرین کوب در طی سال ها مطالعه ، تحقیقو تدریس ، به تالیف و تصحیح پرداخت و در کتب و مقالاتش ، دیدگاه ها و نظریات خود را به دوستداران ادب فارسی عرضه نمود.

آرا و گرایشهای خاص : حمید زرین کوب بر بیشتر مباحث ادبی تسلط و آگاهی کامل داشت. او همچنانکه در علم بدیع و بلاغت غور می نمود ، در شناخت ادبیات معاصر ایران یک صاحبنظر بود؛ و همانطور که در تاریخ ادبیات و سبک شناسی تبحر داشت ، به مباحث زیبا شناسی ، نقد ادبی و داستان نویسی نیز مشتاقانه مشغول بود. نیز آشنایی کامل او با زبان های عربی و انگلیسی ، این امکان را برای او فراهم می ساخت تا با نظریات و اندیشه های متفکران و نویسندگان بزرگ ، به طور مستقیم آشنا شود و روز به روز بر غنای علمی خود بیفزاید. تسلط او بر ظرایف و رموز زبان فارسی ، به اضافه قریحه ادبی و آشنایی با زبان های بیگانه ، او را آماده می ساخت تا بتواند به عنوان یک مترجم نمونه ، خود را به جامعه علمی و ادبی ایران معرفی کند؛ چیزی که هیچگاه مجال آن نیافت. ---

آثار :

۱ تصحیح دیوان مجمر اصفهانی

۲ چشم انداز شعر نو فارسی (مقدمه ای بر شعر نو ، مسایل و چهرهای آن)

ویژگی اثر : این کتاب در واقع بحثی است درباره شعر امروز فارسی ، خاصه از جهت محتوایی و بنیان های فکری شاعران ایران از مشروطیت تا عصر حاضر. گذشته از این ، نویسنده از عوامل دیگر شعری مانند وزن و قالب و صورت های خیال انگیز شاعرانه و ارزش و اعتبار آنها در شعر هر یک از شاعران سخن به میان می آورد و خاصه کوشش می کند شعر را از دیدگاه خود شاعران نیز مورد بررسی قرار دهد.

۳ فرهنگ اصطلاحات نقد و بلاغت

۴ قلندر نامه خطیب فارسی یا سیرت جمال الدین ساوجی

ویژگی اثر : این کتاب با تصحیح و توضیح و تعلیقات دکتر زرین کوب به چاپ رسید ، منظومه ای مربوط به قرن هشتم هجری است که شامل ۱۷۷۰ بیت می شود. این مثنوی در باب زندگی سیدجمال الدین ساوجی مجرد و دیگر پیران معروف قلندر است. این کتاب از جهت روایاتی که در آن راجع به قلندران و قلندریه ـ مخصوصاً در باب سیدجمال الدین ساوجی و برخی یاران او ـ آمده است. با مطالعه این کتاب با آداب و سنت های قلندریه و عقاید و شیوه زندگی آنها آشنا می شویم.

۵ نقد ادبی

ویژگی اثر : دکتر زرین کوب این کتاب را برای وزارت آموزش و پرورش تالیف نمود ؛ چندین سال جزو برنامه درسی سال چهارم متوسطه در رشته فرهنگ وادب تدریس می شد ، اما ظاهراً به دلیل دشوار بودن فهم برخی مباحث آن برای دانش آموزان ، پس از چندی از برنامه درسی حذف گردید. این کتاب مدتی است که از طرف دانشگاه پیام نور به عنوان کتاب درسی تعیین و تجدید چاپ شده است. ---

-

منابع :

۱ماهنامه کلک ، شماره ۵۳ ، مرداد ۱۳۷۳ ،ص ۲۴۰

زرین کوب، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در بروجرد دیده به جهان گشود . دکتر زرین کوب تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان برد .سپس در کنار تحصیل در دوره متوسطه به تشویق و ترغیب پدر که مردی متشرع و دیندار بود ،اوقات فراغت را صرف فراگیری علوم دینی و حوزه ای نمود ،و ضمن تحصیل فقه و تفسیر و ادبیات عرب،به شعر عربی هم علاقمند شد .گرچه تا پایان سال پنجم متوسطه در رشته علمی تحصیل می کرد با این حال کمتر کتاب تاریخ و فلسفه و ادبیاتی بود که به زبان فارسی منتشر شده باشد ،واو آن را در مطالعه نگرفته باشد .به دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر برای ادامه تحصیل به تهران رفت. اما این رشته ادبی را برگزید و در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد،و با وجود آنکه کتابهای سالهای چهارم و پنجم متوسطه ادبی را قبلا نخوانده بود در میان دانش آموزان رشته ادبی سراسر کشور ،رتبه دوم را به دست آورد.با بازگشایی مجدد دانشگاهها در سال ۱۳۲۰ ،دکتر عبدالحسین زرین کوب در امتحان ورودی دانشکده حقوق شرکت کرد.با آنکه پس از کسب رتبه اول ،در دانشکده ثبت نام هم کرده بود،اما به الزام پدر ،ناچار به ترک تهران شد . در همان ایام ،علی اکبر دهخدا که ریاست دانشکده حقوق را به عهده داشت ،از اینکه چنین دانشجوی فاضلی را از دست می داد ،اظهار تاسف کرده بود. سرانجام اشتیاق به تحصیل بار دیگر او ر ا به دانشگاه کشاند .در سال ۱۳۲۴ ،پس از آنکه در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول ،و دانشکده ادبیات حایز رتبه اول شده بود ،وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. به هر تقدیر ،عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۲۷ به عنوان دانشجوی رتبه اول از دانشگاه فارغ التحصیل شد،و سال بعد وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران گردید و درسال ۱۳۳۴ از رساله دکتری خود با عنوان (نقد الشعر ،تاریخ و اصول آن) که زیر نظر بدیع

الزمان فروزانفر تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد .

دکتر زرین کوب در سال ۱۳۳۰ درکنار عده ایی از فضلای عصر همچون عباس اقبال آشتیانی ،سعید نفیسی ،محمد معین،پرویزناتل خانلری ،غلامحسین صدیقی و عباس زریاب ،برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایره المعارف اسلام (E۱)طبع هلند،دعوت شد .

دکتر زرین کوب در ایام تحصیل در تهران ،چندی نزد حاج شیخ ابوالحسن شعرانی به پرداخت و با مباحث حکمت و فلسفه ،آشنایی بیشتر یافت .از همان روزگار با فلسفه های معاصر غربی نیز آشنا شد و بعد به مطالعه در باب تصوف نیز علاقمند گردید. استاد که از قبل با زبانهای عربی ،فرانسوی و انگلیسی آشنا شده بود در سالهای جنگ دوم جهانی ،با کمک بعضی از صاحب منصبان ایتالیایی و آلمانی که در آن ایام در ایران به سرمی بردند،به آموزش این دوزبان پراخت .در سال ۱۳۲۳ نخستین کتاب او به نام (فلسفه ،شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری درایران) در بروجرد منتشر شد ،در حالی که در این هنگام ،حدود چهار سال یا کمی بیشتر از تاریخ تالیف کتاب می گذشت .

دکتر زرین کوب پس از آنکه به الزام پدر دانشکده حقوق را ترک گفت ،به زادگاه خود بازگشت ،و در خرم آباد و بعددر بروجرد به کار معلمی پرداخت ،کاری که به تدریج علاقه جدی بدان پیدا کرد .در دوران معلمی ،از تاریخ و جغرافیا وادبیات فارسی گرفته تا عربی و فلسفه و زبان خارجی و حتی ریاضی و فیزیک و علم الهیات ،همه را تدریس کرد .دکتر زرین کوب پس از اخذ درجه دکترا ،از سوی استاد فروزانفر ،برای تدریس دردانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال ۱۳۳۵ با رتبه دانشیاری ،کار خود را دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام ،تاریخ ادیان ،تاریخ کلام و مجادلات فرق ،تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم پرداخت .پس از دریافت رتبه استادی دانشگاه تهران (۱۳۳۹ ش) دکتر زرین کوب چندی نیز در دانشسرای عالی تهران ،ودوره دکترا ادبیات فارسی دانشگاه تهران و در دانشکده هنرهای درماتیک به افاضه پرداخت.در سالهای ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹ در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاههای کا لیفرنیا و پرنیستون به تدریس علوم انسانی دانشگاه تهران انتقال یافت و در دو گروه تاریخ و ادبیات مشغول به کار شد .

دکتر زرین کوب در ۲۴شهریور ۱۳۷۸ به دلیل بیماریهای قلب و چشم و پروستات در گذشت. آثار دکتر عبدالحسین زرین کوب ۱-دو قرن سکوت/ ۲-تاریخ مردم ایران پیش از اسلام/ ۳-تاریخ مردم ایران بعد از اسلام/ ۴-بامداد اسلام/ ۵-کارنامه اسلام/ ۶-ارزش میراث صوفیه/ ۷-پله پله تا ملاقات خدا/ ۸-سرنی /۹-با کاروان حله/ ۱۰-پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد ....

زرین‌کوب، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، استاد.

تولد: ۱ فروردین ۱۳۱۵، بروجرد.

درگذشت: ۲۵ مرداد ۱۳۶۶.

حمید زرین‌کوب تحصلات مقدماتی را در بروجرد به پایان آورد. سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. پس از اخذ دیپلم به بروجرد بازگشت و از سال ۱۳۳۴ شغل مهمی را آغاز کرد. پس از چندی برای ادامه‌ی تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشته ادبیات فارسی شد. در بازگشت به تهران، به کار معلمی پرداخت و تا پایان عمر

همچنان به تعلیم و تربیت ادامه داد. تحصیلات فوق لیسانس و دکترای ادبیات فارسی را در تهران (۱۳۴۸) به پایان رسانید و رساله‌ی دکترای خود را در باب «صنعت بدیع و سیر تکاملی تشبیه در زبان فارسی» عرضه کرد (۱۳۵۲). در سال ۱۳۵۱ از جانب دانشگاه مشهد به عنوان سردبیر مجله «دانشکده‌ی ادبیات» انتخاب گردید. در همان سال‌ها زرین‌کوب جهت تحقیق و مطالعه به آمریکا سفر کرد و در دانشگاه جرج تاون یک چند در مسائل مربوط به نقد ادبی به مطالعه پرداخت. وی بیست سال آخر عمر را به تدریس در دانشگاه تهران و در دانشگاه مشهد در تدریس تاریخ ادبیات، سبک شناسی نظم و نثر و تعلیم و تحقیق در باب ادبیات معاصر پرداخت. در سال‌های آخر عمر به علوم بلاغت علاقه‌مند شد و به تحقیق در کتاب‌های تفسیر و معانی و بیان پرداخت. وی در این زمینه مقالاتی هم تهیه کرد که ظاهرا می‌خواست آن را همراه با بحثی در باب تاریخ قرآن و بلاغت منتشر سازد ولی عمر او کفاف نداد. از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: چشم‌انداز شعر نو فارسی (شامل مقدمه‌ای بر شعر نو، تحقیقی درباره‌ی شاعران نوپرداز معاصر، ۱۳۶۲)؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات ادبی و بلاغت و بدیع (در حال نشر)؛ جلد دوم چشم‌انداز شعر معاصر (بحث درباره‌ی شاعران معاصر که به شیوه‌ی سنتی شعر می‌سروده‌اند، این کتاب برای چاپ آماده بود)؛ تحقیقات وی در باب تاریخ ادبیات و سبک شناسی نظم و نثر (آماده‌ی نشر). همچنین به درخواست وزارت آموزش و پرورش کتابی در باب نقد ادبی در سال ۱۳۷۱ (پس از فوت وی) توسط دانشگاه پیام نور به چاپ رسیده است. هنگام وفات نیز به کار تنظیم کتاب خود در باب سبک شناسی نظم و نثر فارسی قبل از عهد مغول اشتغال داشت. مقالات تحقیقی وی نیز در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» به چاپ رسیده است.

دکتر حمید زرین‌کوب به زبان عربی و متون ادبی آن آشنایی کافی داشت. از زبان انگلیسی قسمتی از کتاب ادبیات عرب تألف الکساندر گیپ را ترجه کرده بود که به سبب نشر ترجمه‌ای از آن، از ادامه‌ی کار منصرف شد.

دکتر حمید زرین‌کوب بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ززونی، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۲ ق)، نحوی. از جمله آثار وی: شرح «تلخیص المفتاح» قزوینی، در معانی و بیان؛ شرح «لب الالباب» اسفراینی، در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۵۴۵، ۴۷۴)، معجم المؤلفین (۲۸۵/۱۰)، هدیه العارفین (۱۷۴/۲).

زکریای قزوینی، عمادالدین محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زکریای قزوینی. عمادالدین محمود(ف. ۸۶۲ ه.ق.) وی در ادب و شعر صاحب قریحه بود و به جغرافی آشنایی و علاقه تام داشت. از تألیفات اوست: عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، آثارالبلاد و اخبارالعباد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زکی نیشابوری، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۹۲ -۳۱۷ ق)، محدث و ادیب. وی از ابن بلال و محمد بن حسین قطان و ابن قوهیار و عبداللّه بن یعقوب کرمانی و ابوطاهر محمدآبادی و دیگران حدیث شنید. ابوعبداللّه حاکم نیشابوری و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۳ -۵۲ /۱۷).

زلالی خوانساری، محمدحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۷ -۱۰۲۴ ق)، شاعر، متخلص به زلالی. وی در خوانسار متولد شد و همعصر شاه عباس اول صفوی و ملک‌الشعرای دربار وی بود. در غزل و قصیده استاد و شاگرد میرزا جلال اسیر بود و میرداماد و شیخ بهایی را مدح می‌کرد. شهرت وی به سبب هفت مثنوی است که از او به جا مانده. از آثارش: «شعله‌ی دیدار»؛ «محمود و ایاز»؛ «حسن گلوسوز»؛ «آذر و سمندر»؛ «سلیمان نامه»؛ «ذره و خورشید»؛ «می و میخانه» مجموعه‌ی این هفت مثنوی به نام «هفت سیاره» یا «هفت آشوب» یا «سبعه‌ی سیاره» هم خوانده می‌شود.[۱]

(ع. منسوب به زمخشر) جاراللّه، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد خوارزمی (و. زمخشر ۴۶۷- ف. ۵۳۸ ه.ق.)، استاد تفسیر و حدیث و نحو و لغت و علوم بلاغی. وی امام عصر خود و مورد احترام فضلا و علما بوده. سبب اشتهار او به جاراللّه آن است که وی مدتی مجاور کعبه بود. زمخشری معتزلی بود، و از آثار اوست: «الکشاف فی تفسیر القرآن» (ه.م.)، مقدمهٔ الادب (ه.م.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۵۵ -۱۰۵۱ /۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۹/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۶ -۹۶۵ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۳۴ -۲۳۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۷۶/۱)، الذریعه (۱۵۹، ۱۰۶ /۱۹، ۴۰۴ /۹، ۱۵ /۷)، ریحانه (۳۷۹ - ۳۷۸ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۴۱۶ -۴۱۵ /۱)، گنج سخن (۸۴ -۸۱ /۳)، لغت نامه (ذیل/ زلالی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۴/۲)، هفت اقلیم (۴۸۵ -۴۸۴ /۲).

زمان، ساعد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۳۴.

درگذشت: ۱۳۷۳.

ساعد زمان از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه می‌کرد. بیشتر آثارش در انتشارات ققنوس به چاپ رسیده است. از آثار اوست: بهداشت و زیبایی پوست: درمان طبیعی و گیاه درمانی بیماریهای پوستی (اثر جی. سی. مارشینا، تهران، ۱۳۷۳)؛ بهداشت و زیبایی مو؛ مراقبت‌ها و درمان طبیعی برای مو و پوست سر (اثر ژان داریگل، تهران، ۱۳۷۳)؛ بیست تست برای شناخت خود (میشل و فرانسواز گوکلن، تهران، ۱۳۷۴)؛ تأثیر از فاصله (پل ژاکو، تهران، ۱۳۷۲)؛ چگونه بر ترس و اضطراب خود غلبه کنیم: راهنمای عملی برای بازیابی اعتماد به نفس و آرامش (ژرژ باربارن، تهران، ۱۳۷۴؛ پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۳ منتشر شد)؛ چگونه بهتر بخوابیم (پیر فلوشر؛ تهران، ۱۳۷۴، پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۱ منتشر شد)؛ یازده تست برای شناخت دیگران (میشل و فرانسواز گوکلن، تهران، ۱۳۷۴)؛ چگونه حافظه برتر داشته باشیم (روبرت توکه، تهران، ۱۳۷۳)؛ چگونه خود را با غذا درمان کنیم- راهنمای عملی رژیم غدایی خانواده‌ها (ایوجی. شارل و ژان لوک داریگل، تهران، ۱۳۷۴، پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۱ منتشر شد)؛ در انتظار کودکی هستم (لورانس پرنو، تهران، ۱۳۷۳ ،۱۳۷۰)؛ درمان خجالت در سه هفته (ژان شارتیه، ۱۳۷۳ :،۱۳۷۱)؛ درمان طبیعی بیماریهی تنفسی (آندره پاسبک، تهران ۱۳۷۴ ،۱۳۷۲)؛ درمان طبیعی بیماریهای چشمی (آندره پاسبک، تهران، ۱۳۷۳)؛ درمان طبیعی بیماریهای گردش خون (آندره پاسبک، تهران، ۱۳۷۴ –۱۳۶۸)؛ درمان طبیعی بیماریهای گوارشی (آندره پاسبک، تهران، ۱۳۷۴ ،۱۳۷۲)؛ درمان طبیعی یبوست (ژان لوک داریگل، تهران، ۱۳۶۹)؛ رنگها: برای سلامتی شما؛ روش عملی رنگ درمانی با استفاده از خواص درمانی رنگها (ژرارداد، تهران، ۱۳۶۹)؛ فلزات: برای سلامتی شما؛ استفاده از خواص فیزیکی؛ شیمیایی و مغناطیسی فلزات نظیر دستبندهای مسی و هومئوپاتی... (ژرژ فور؛ تهران، ۱۷۳۰)؛ کاربرد عملی طب فشاری (ژاژرد اد؛ تهران، ۱۳۷۵ ۱۳۶۸)؛ گیاهان دارویی (ژان ولاگ و ژیری استدولار، تهران، ۱۳۷۰)؛ ویتامینها و ویتامین درمانی (کلود بینه، تهران، ۱۳۷۳)؛ یاد بگیریم چگونه بر خود مسلط شویم (ار. اسپرینگر، تهران ۱۳۶۹).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زمخشری، ابوالقاسم محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۸ –۴۶۷ ق)، مفسر، محدث، نحوی، متکلم، لغوی و شاعر حنفی معتزلی. ملقب به جارالله. نسبت وی به زمخشر، از آبادیهای خوارزم است در زمخشر به دنیا آمد. او در ادب و لغت عرب و فقه و حدیث و تفسیر استاد و متکلم معتزلی بود و شعر را بسیار نیکو می‌سرود. در ضمن مسافرتهای خود مدت مدیدی در مکه اقامت کرد و به همین مناسبت به جارالله (همسایه‌ی خدا) معروف شد. به بغداد نیز سفر کرد و در آنجا از نصر بن بطر و دیگران حدیث شنید. ادب را از ابومضر محمود بن جریر ضبی اصفهانی و ابوالحسن علی بن مظفر نیشابوری فراگرفت و از ابومنصور نصر حارثی و ابوسعد شقانی حدیث روایت کرد است. ابوطاهر سلفی و زینب دختر شعری از زمخشری با اجازه روایت کرده‌اند اسماعیل بن عبدالله خوارزمی و ابوسعد احمد بن محمود و دیگران از وی اشعارش را نقل کرده‌اند. سرانجام در جرجانیه‌ی خوارزم درگذشت. از آثار متعددش: «الکشاف عن حقایق التنزیل»، در تفسیر قرآن؛ «الامالی»، در نحو؛ «الانموذج»، در نحو؛ «مقدمه الادب»، در لغت؛ «اساس البلاغه»، در لغت؛ «اعجب العجب فی شرح لامیه العرب»؛ «اطواق

الـذهب»، در مواعـظ و خطب؛ «الجبال و الامکنه و المیاه»؛ «دیوان» خطب؛ «دیوان» شعر؛ «دیوان» رسائل؛ «دیوان» تمثیل؛ «الرائض فی علم الفرائض»؛ «روس المسائـل»، در فقه؛ «ربیع الابـرار»، در ادبیـات؛ «سوائر الامثال»؛ شـرح «ابیات الکتاب» سـیبویه؛ شـرح مشـکلات «المفصل»؛ «ضاله الناشد»؛ «القسطاس»، در عروض؛ «المجاز و الاستعاره»؛ «متشابه اسامی الرواه»؛ «المستقصی»، در امثال عرب؛ «معجم الحـدود»؛ «المفرد و الموتلف»، در نحو؛ «المقامات»، در اخلاق؛ «المنهاج»، در اصول؛ «النصائـح الکبار یا کبری»؛ «النصائح الصـغار»؛ «الکلم النوابغ»، در مواعـظ؛ «الاحـاجی النحویه»؛ «المفصـل»، در نحو؛ «الفـائق فی غریب الحـدیث».[۱] بر گرفته از کتـاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۵۵/۸)، ایضاح المکنون (۸۶/۲، ۶۷/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۷، ۱۰۲، ۹۲)، التفسیر و المفسرون (۴۸۲ -۴۲۹ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۲۲۲ -۲۲۲۱ /۲ ، ۱۱۸۰ /۱)، روضات الجنات (۱۱۸/۸)، ریحانه (۳۸۲ -۳۷۹ /۲)، سـفرنامه ابن‌بطوطه (۵۷۱، ۴۳۶ /۱)، سـیر النبلاء (۱۵۶ -۱۵۱ /۲۰)، الکامل (۸/۹)، کشف الظنون (۱۹۷۸، ۱۹۵۵، ۱۸۹۰، ۱۸۷۷، ۱۸۳۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۱، ۱۷۷۴، ۱۷۳۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۴، ۱۶۰۷، ۱۵۸۴، ۱۵۳۹، ۱۴۷۵، ۱۴۲۷، ۱۴۰۷، ۱۳۹۶، ۱۳۲۶، ۱۲۱۷، ۱۲۰۶، ۱۰۸۵، ۱۰۸۲، ۱۰۵۶، ۱۰۲۲، ۱۰۰۹، ۹۱۵، ۸۹۵، ۸۳۲، ۸۳۱، ۷۹۱، ۷۸۱، ۶۱۶، ۱۸۵، ۱۶۴، ۱۱۷)، الکنی و الالقـاب (۳۰۰ - ۲۹۸ /۲)، لسان المیزان (۶۵۳ -۶۵۱ /۶)، لغت نامه (ذیل/ زمخشـری)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷ -۶۶ /۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۸)، معجم الادبـاء (۱۳۵ -۱۲۶ /۱۹)، معجم البلـدان (۱۶۶ -۱۶۵ /۳)، معجم المؤلفین (۱۸۷ -۱۸۶ /۱۲)، المسـتفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۲۹ -۲۲۸)، وفیات الاعیان (۱۷۴ -۱۶۸ /۵)، هدیه الاحباب (۱۴۶ -۱۴۵)، هدیه العارفین (۴۰۳ -۴۰۲ /۲).

زمردیان، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان‌شناسی از دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۳۹، دکترا در رشته زبانشناسی عمومی از فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی عمومی، گویش‌شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

گویش‌شناسی، زبان‌شناسی عمومی، فرهنگ واژه‌های اروپائی در فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی عمومی و گویش‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زنجانی، ابوالمناقب محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۵۶ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و لغوی شافعی. وی در بغداد متوطن بود. مدتی نیز نیابت قاضی القضاتی را بر عهده داشت تا عزل شد. در نظامیه به تحصیل و تدریس پرداخت. وی درایام فتح بغداد به دست هلاکو کشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فی غرائب المقال»، در فروع فقه شافعی؛ «ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح» جوهری، در لغت؛ «تفسیر القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۰۷۳، ۹۸۱)، معجم المؤلفین (۱۴۹ -۱۴۸ /۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۵/۲).

زنجانی، برات

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی در دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آثار ادبی نظامی گنجوی، تدریس متون نظم و نثر ادبیات، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تصحیح و شرح و تلخیص.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علمی و نقد ادبی، تحقیق در لغت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زنجانی، عزالدین، ابوالفضائل ابراهیم

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۵۵ ق)، نحوی، صرفی و فقیه شافعی. از آثارش: «الکافیه»، در حساب؛ مختصر شرح رافعی بر کتاب «الوجیز» ابوحامد غزالی که آن را «نقاوه (فتح) العزیز»، در فروع فقه شافعی، نامیده است؛ «العزی»، در تصریف به نام «تصریف زنجانی»؛ «الکافی» در شرح «الهادی»، در نحو تصریف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۲۰۰۳، ۱۱۳۹، ۱۱۳۸- ۴۱۲)، معجم المؤلفین (۵۷/۱)، هدیه العارفین (۱۲/۱).

زنجانی، عزالدین، عبدالوهاب

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۶۶۰/۶۵۵ ق)، عالم، دانشمند، ریاضیدان و ادیب. در تبریز مسکن گزید و مدتی در موصل به سر برد و در بغداد وفات یافت. او در علوم نحو، لغت، صرف، معانی و بیان عروض دانا بود و از علوم نقلی و عقلی بهره‌مند. خواجه نصیرالدین طوسی کتاب «تذکره» در علم هئیت را به خواهش او تصنیف کرد. او به خراسان و ماوراءالنهر سفر کرد و سرانجام به تبریز باز آمد. وی در بغداد درگذشت. آثار وی: «العزی تصریف» در صرف؛ «الهادی» و شرح آن در نحو، «معیار النظار فی علوم الاشعار»؛ «المضنون به علی غیر اهله»؛ تصحیح «المقیاس فی تفسیر القسطاس» در عروض؛ «رساله‌ی الوفق التام»؛ رساله‌ی کوچکی درباره‌ی چگونگی به کار بردن اسطرلاب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۰/۴)، اعیان الشیعه (۱۳۲/۸)، ایضاح المکنون (۵۱۷/۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۷۳۱/۲)، روضات الجنات (۱۶۶ -۱۶۵ /۵)، ریحانه (۳۸۷ -۳۸۶ /۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۰۸ -۳۰۷)، کشف الظنون (۲۰۲۷، ۱۸۶۹، ۱۷۳۸، ۱۵۷۸، ۱۳۲۶)، لغت نامه (ذیل/ زنجانی، عزالدین زنجانی، عبدالوهاب)، معجم المؤلفین (۲۱۶/۶)، هدیه العارفین (۶۳۸/۱).

زنجانی، عزیزالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۵ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، ادیب و شاعر. در زنجان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش به قزوین رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد. در ۱۲۷۸ ق به عراق رتف و در نجف اشرف نزد شیخ انصاری و علامه سید حسین ترک کوه‌کمری و میرزای شیرازی تحصیلات خود را تکمیل کرد. در ۱۲۸۸ ق به زنجان بازگشت و پس از وفات پدرش مرجع ریاست شرعی شد و منصب قضا و افتاء بدو رسید. وی دارای تصانیف بسیاری است که از جمله آثارش: «لطائف الکلام فی الاوانی الذهب و الفضه من الاحکام»؛ «مفتاح الظفر»، در نماز سفر؛ «التحیه المبارکه»، در احکام سلام؛ شرح «دعاء کمیل»؛ «جواب السوال عن آیات بدء الخلق و آیه رد الشمس لسلیمان»؛ «الصبح الصادق»، به فارسی، در مسائل اجتماعی و وظائف سلطان؛ «معارج الرضوان فی مصائب الامام العطشان»؛ تعلیقات بر «الرسائل»؛ حواشی بر «الریاض»؛ «رساله فی حرمه الخمر»؛ وی قصایدی به عربی و فارسی نیز داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۳/۹)، الذریعه (۳۲۱/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱ -۸۰ /۱۴)، علماء معاصرین (۳۴۰ -۳۳۹)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، مکارم الآثار (۱۵۰۳ -۱۵۰۲ /۵).

زنوزی تبریزی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و طبیب. وی در نجف از شاگردان شیخ مهدی نجفی و شیخ انصاری و فضال ایروانی بود. به تبریز بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. وی پدر میرزا عبدالحسین، فیلسوف‌الدوله، و میرزا رضی و میرزا ابوالحسن بود. پس از مرگ پیکرش را به نجف بردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش: «کتاب الحج»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «اصل البراءه»؛ «استصحاب»؛ «المتین فی الامامه علی نمط الالفین»، در امامت؛ شرح مبسوطی بر «تائیه» دعبل خزاعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، ریحانه (۳۹۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۰۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶/۹).

زواره‌ای، ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مفسر، فقیه، محدث و ادیب امامی. وی از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب بود در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی در اصفهان می‌زیست. وی از اکابر شاگردان محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعالی، سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالوهاب استرآبادی بود. تفسیر را از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی روایت کرد. زواره‌ای استاد ملاـ فتح‌اللّه کاشانی مفسر معروف است. از آثار وی: «ترجمه الخواص» یا «تفسیر زواری»، در تفسیر قرآن، تالیف شده در سال ۹۴۶ ق؛ شرح «نهج‌البلاغه» به فارسی به نام «روضه الابرار»؛ ترجمه‌ی «کشف الغمه»

بهاءالدین عیسی اربلی به نام «ترجمه المناقب»؛ ترجمه‌ی «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکرائم»؛ ترجمه‌ی «عده الداعی» ابن‌فهد حلی به نام «مفتاح النجاح»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایان رسانید؛ ترجمه تفسیر منسوب به امام عسگری (ع) به نام «آثار الاخیار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن‌طاووس به نام «طراوه اللطائف»؛ «مرآت الصفا»، در زیارات؛ «مجمع الهدی»، در تاریخ پیامبران، تلخیص «احسن الکبار فی مناقب ائمه الاطهار» ورامینی به نام «لوامع الانوار الی معرفه ائمه الاطهار»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۶/۸)، ایضاح المکنون (۵۲۸، ۴۵۹، ۴۳۶، ۴۱۳ /۲ ،۲۸۱/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۲۶ -۱۶۲۳ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، الذریعه (۸۸/۲۵ ،۳۵۵/۲۱ ،۳۶۲ -۳۶۱ /۱۸ ،۱۵۹/۱۵/۲۸۵/۱۱ ،۲۲۷/۷ ،۳۱۵/۵ ،۱۴۰ -۱۳۹ ،۷۵ /۴)، روضات الجنات (۳۶۲ -۳۶۱ /۴)، ریاض العلماء (۳۹۶ -۳۹۴ /۳)، ریحانه (۳۹۳/۲)، سبک شناسی (۳۰۳ -۳۰۲ /۳)،طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰ /۱۵۲)، الکنی و الالقاب (۲۰۰/۲)، هدیه العارفین (۷۴۵/۱).

زوزنی، ابوالقاسم اسعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۲ ق)، ادیب، شاعر، منشی، محدث، معروف به بارع. اصل وی از قریه‌ی زوزن ناحیه‌ای بین نیشابور و هرات بود. مدتی در عراق و بعد در نیشابور ساکن بود و از بزرگان خراسان و عراق به شمار می‌رفت. وی در نیشابور درگذشت. در «ریحانه» سال وفات وی ۴۰۲ ق آورده شده. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۴/۱)، ریحانه (۳۹۴/۲)، لغت نامه (ذیل/ اسعد)، معجم الادباء (۹۶ - ۹۰ /۶).

زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۰ ق)، فقیه، مفسر، محدث و ادیب. وی در نواحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت و در بخارا از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فقه» و «ادب» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۹۳/۹).

زوزنی، ابوعبداللّٰه حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۶ ق)، نحوی، اصولی، ادیب. معروف به زوزنی. وی از پیشوایان نحو و لغت و علوم عربی بود. که در زوزن متولد شد. از آثارش: «ترجمان القرآن»؛ «شرح المعلقات السبع»؛ «شرح معلقه‌ی طرفه بن عبد»؛ «شرح معلقه‌ی لبید»؛ «المصادر».[۱]

(منسوب به زوزن) ابوعبداللّه حسین بن احمد. در لغت و نحو و عربیت نامبردار بود (ف. ۴۸۶ ه.ق.) از آثار او کتاب المصادر (ه.م.) (لغت)، شرح سبعه معلقه و ترجمان القرآن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۴۹/۲)، ایضاح المکنون (۳۳۲/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۹/۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۸۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۹۴/۱)، روضات الجنات (۱۴۵/۳)، ریحانه (۳۹۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۲/۱)، کشف الظنون (۱۷)، الکنی و الالقاب (۳۰۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوعبداللّه و حسین)، معجم المؤلفین (۳۱۰ -۳۰۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۳/۲)، یادداشتهای قزوینی (۵۵ -۵۴ /۵).

زوشکی، شمس‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۹۷ ق)، مجلد و مذهب. از این هنرمند، اثری بر جای مانده، که در داخل یک شمسه‌ی تودرتوی شکل گنبدی است و به خط رقاع رقم دارد: «رسم شمس‌الدین بن ضیاءالدین الزوشکی ۶۹۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۴۸/۱).

زیدی، احتشام

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیداحتشام عباس زیدی

محل تولد : هند

شهرت

تابعیت : هندوستان

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۵/۵

زندگینامه علمی

عالم دینی و ادیب شاعر تخلص ب"حشم. "ولد فی مدینه جونپور الهندیه. حصل علی اللیسانس(۱۳۹۶ ق) و الماجستیر(۱۳۹۹ق) فی اللغه الفارسیه و آدابها من جامعه بنارس. قدم الی مدینه قم لدراسه العلوم الدینیه سنه (۱۴۰۴ ق)، فتلمذ فی مختلف المراحل الحوزویه لعده اساتذه، منهم: الشیخ حسن زاده الآملی، الشیخ علی پناه الاشتهاردی، الشیخ محمد تقی بهجت، الشیخ علی المشکینی. عین

عضوا فی الهیئه الاداریه لمجله " التوحید "الاردیه الصادره عن منظمه الاعلام الاسلامی. قصد امیرکا عده مرات لتبلیغ تعالیم الدین الحنیف. یسکن حالیا مدینه قم و یبذل نشاطات ثقافیه مختلفه فی التدریس و الترجمه.

زیغر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن چهاردهم هجری، از زنان ادیب ترک. وی در زبانهای ترکی عربی و فارسی و فرانسوی و یونانی استاد بود و از او چهار اثر ارزشمند بجا مانده است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعلام‌النساء، ۴۴ / ۲.

ژوزف، ادوارد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، مترجم و نویسنده. در کرمانشاه متولد شد و در مدرسه‌ی آلیانس تحصیلات متوسطه را به پایان رساند. پس از آن به تهران آمد و به تکمیل زبان فرانسه و انگلیسی و مطالعه‌ی فلسفه عمومی و ادبیات فارسی پرداخت. وی متخصص در امور مالی و بانکی است. پس از خدمت در بانک عثمانی و ملی و کشاورزی در سال ۱۳۲۱ ش به سمت مشاور مالی وزارت پیشه و هنر منصوب شد. در سال ۱۳۲۵ ش برای امور تجارتی به اروپا رفت. بعدها ریاست هیئت مدیره عامل شرکت سهامی بیمه ملی را به عهده گرفت.

از آثار وی: «بابا گوریو»، ترجمه؛ «زن سی ساله»، ترجمه؛ «نخجیران»، داستان دفتر اول مثنوی.[۱]

مولوی‌شناس نامدار، مولف و مترجم، موسیقی‌دان و موسیقی‌شناس، عتیقه‌شناس، بانکدار؛ پدرش مرحوم ابراهیم‌خان مترجم سلطان، در ۱۲۸۲ ش در شهر کرمانشاه متولد شد. در شش سالگی به مدرسه رفت و آنگاه وارد مدرسه‌ی آلیانس فرانسه در کرمانشاه شد و در همین مدرسه زبان فرانسه را به حد کامل فراگرفت. در ۱۳۰۴ ش به موسیقی روی آورد و در زمره شاگردان سرهنگ رکن‌الدین مختاری که ریاست شهربانی غرب را برعهده داشت درآمد و در آموختن طریقه‌ی علمی موسیقی بسیار کوشید و در ۱۳۰۸ وقتی به تهران آمد نزد استاد ابوالحسن صبا رفت و مدتها با وی در شیوه‌های علمی ویولن و پیانو کار کرد و علاوه بر آن با موسیقی‌دانان اروپائی که در ایران اقامت داشتند حشر و نشر یافت و بار اطلاعات علمی خود را در موسیقی افزایش داد و در این هنر سرآمد اقران شد.

ادوارد ژوزف کار اداری خود را در بانکداری شروع کرد. ابتدا وارد بانک عثمانی شد و چند سالی در آنجا به سر برد. پس از تاسیس بانک ملی ایران بدانجا رفت و مراحلی از ترقی را پیمود و شهرتی در بانکداری پیدا نمود. در دوران وزارت دارائی هژیر، به وزارت دارائی رفت و چندی نیز ریاست حسابداری بانک کشاورزی را عهده‌دار بود. سرانجام در سال ۱۳۳۱ که بانکداری در ایران به سرعت رو به ترقی بود ریاست هیئت مدیره و مدیرعاملی بانک صادرات و معادن را عهده‌دار شد و سازمانی شایسته که متضمن

رفاه مشتریان بود در آن بانک پیاده نمود. در تاسیس سایر بانکها نیز مشارکت داشت. زمانی نیز به ریاست بیمه ملی ایران منصوب شد ولی شغل اصلی او بازرگانی و تجارت بود و در امور بازرگانی آنچنان شهرت پیدا کرد که غالب موسسات تجارتی در کارهای خود با او مشورت می‌نمودند.

ادوارد ژوزف از هوش و ابتکار و ذوق و توانایی بسیار برخوردار بود. زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، عربی، عبری و ارمنی را به خوبی تکلم و کتابت می‌کرد.

در جوانی به مثنوی روی آورد. او نیکو می‌دانست مثنوی گنجینه‌ی بزرگ ایران است و دست زدن به آن کار هر کسی نیست ولی با توانائی کامل قدم بدین وادی نهاد و با سرسلسله عارفان جهان مولوی پیوندی ناگسستنی برقرار ساخت به طوری که یکی از مولوی‌شناسان نامدار ایران شد و آثار بسیار سودمندی از خود به یادگار گذارد.

ژوزف مترجمی زبردست بود. دو کتاب معتبر از بالزاک ترجمه کرد: یکی کتاب باباگوریو بالزاک بود و دیگری کتاب معروفش به نام زن سی‌ساله که هر دو کتاب در دفعات مختلف توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. ناگفته نماند ژوزف از بنیانگذاران بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران بود. او موسیقی‌شناس و موسیقی‌دان بود و با همت خستگی ناپذیرش انجمن فلامونیک تهران را برای رونق موسیقی کلاسیک غربی در ایران بنیاد نهاد.

از هنرهای دیگر او، خطی خوش داشت و چندی این هنر را نزد استاد فراگرفته و در شناخت خط استادان پیشین، مهارت داشت. در شناخت هنرهای تجسمی نظرش صائب بود. در ارزیابی سکه‌های باستانی، تمبر و مهر اسم استادی کم‌نظیر بود.

و اما کتبی که پیرامون مثنوی نوشته است به این شرح است: ۱- نخجیران: شرح داستانی از مثنوی شریف ۲- طوطیان: شرح داستانی از مثنوی شریف ۳- پوپک ۶ شرح داستانی از مثنوی شریف ۴- شیدای خام: شرح داستانی از مثنوی شریف ۵- آهنگ شریف: شرح داستانی از مثنوی شریف ۶- ناشنوایان: شرح داستانی از مثنوی شریف، و بالاخره چوپان، تشنگان، شرح داستانی از مثنوی شریف؛ هفت‌بند نای شرح چهار داستان و راز میداس شاه و نظامی گنجه‌یی و بالاخره پروین اعتصامی و اندیشه‌های او.

از ادوارد ژوزف مقالات مختلفی در طول زمان در زمینه‌ی تخصصی او در مطبوعات ایران انتشار یافته. وی ربع قرن زندگانی پربار خود را در خارج از کشور به سر برد و سرانجام در دی‌ماه ۱۳۷۲ ش در سن ۹۰ سالگی در دیار غربت درگذشت. در بزرگداشت این ادیب و مولوی‌شناس و هنرمند معروف، مراسم بسیار باشکوهی برگزار گردید و در ۱۳۷۳ یک سال پس از مرگش یادنامه‌ای منتشر ساختند که ادوارد ژوزف را آنچنان که بود معرفی کردند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۱۷ -۵۱۶ /۱).

سادات ناصری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب و محقق.

تولد: ۱ اردیبهشت ۱۳۰۴، تهران.

درگذشت: ۱۴ بهمن ۱۳۶۸، کابل (افغانستان).

سید حسن سادات ناصری پس از اخذ دیپلم متوسطه از دبیرستان شرف در تهران، به ترتیب دوره‌ی لیسانس تاریخ و فوق لیسانس

ادبیات فارسی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به پایان برد. در سال ۱۳۸۲ به دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی راه یافت و پایان‌نامه‌ی خود را با عنوان «ارتباط فکر حافظ و مولانا» به راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر اختیار کرد و در سال ۱۳۴۸ از آن دفاع نمود. بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ در شهر قم به معلمی اشتغال داشت و همانجا در محضر برخی از اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم مستفیض شد. در سال ۱۳۴۵ رسما به عضویت در هیئت علمی در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درآمد. وی همچنین به اقتضای طبع شعر می‌سرود. ضمنا فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال ۱۳۲۵ از طریق همکاری با نشریاتی از جمله مجلات «وحید»، «یغما»، «ارمغان» و «آموزش و پرورش» آغاز کرد.

آثار دکتر سید حسن سادات ناصری به شرح زیر است: بدیع و قافیه، برای دبیرستان‌ها (در نظام قدیم آموزشی، با همکاری دکتر محمد خزائلی، ۱۳۳۴)؛ شرکت در هیئت مؤلفان یک سلسله کتب درسی دبیرستانی (در نظام قدیم آموزشی) که عبارتند از: قرائت و دستور زبان فارسی و همچنین فارسی و دستور زبان برای سال‌های اول تا سوم دبیرستان، گل‌های ادب (برای پنج سال اول دبیرستان‌ها، با همکاری دکتر خزائلی، بدیع الزمان کردستانی، دکتر هدایت نیرسینا، میرمیرانی)؛ تصحیح، تحشیه و تعلیق تذکره‌ی آتشکده آذر (از لفطعلی بیگ آذر بیگدلی، در هفت مجلد که سه جلد آن منتشر شده است، به ترتیب: بخش نخست در ۱۳۳۶، بخش دوم در ۱۳۳۸ و بخش سوم در ۱۳۴۰)؛ اهتمام در طبع اشعار علی اصغر حکمت به نام سخن حکمت؛ تصحیح و طبع دیوان ملا محمد رفیع واعظ قزوینی، (۱۳۵۹)؛ تألیف دو کتاب درسی برای دبیرستان (در نظام جدید آموزشی) به نام‌های فنون و صنایع ادبی، برای سال دوم رشته‌ی فرهنگ و ادب (۱۳۶۳)؛ و قافیه و صنایع معنوی برای سال سوم رشته فرهنگ و ادب (۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع دیوان لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، با همکاری دکتر غلامحسین بیگدلی؛ تصحیح نهج‌البلاغه؛ اهتمام به چاپ قرآن کریم؛ تصحیح دیوان محتشم کاشانی؛ تصحیح دیوان حافظ؛ تألیف کتاب سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران در دوره‌ی اسلامی (یک مجلد آن از آ تا س در سال ۱۳۵۳ منتشر شد)؛ صناعات ادبی در دو مجلد؛ تصحیح و چاپ دیوان کامل صائب تبریزی در ده مجلد؛ همچنین چند اثر دیگر از وی اعم از زیر چاپ یا آماده‌ی چاپ هست، از جمله تصحیح و طبع قصص الخاقانی، اثر ابن داود قلی ولیقی شاملو، تألیف کتاب هزار سال تفسیر فارسی، تصحیح و تحشیه‌ی بخش‌های چاپ نشده آتشکده‌ی آذر(از بخش چهارم به بعد)؛ ارتباط افکار حافظ و مولوی.

در سفری که سید حسن سادات ناصری به دعوت مقامات فرهنگی کشور افغانستان، برای بازدید مراکز فرهنگی و بررسی چگونگی وضع آموزش و پژوهش زبان و ادب فارسی در آن کشور، در هفتم بهمن ۱۳۶۸ در حدود ساعت ۷ / ۵ بعدازظهر در اثنای ضیافت شامی که از سوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران به افتخار هیئت مذکور برپا شده بود، ناگهان و بی‌هیچ سابقه‌ی قبلی دچار حمله‌ی قلبی گردید و جان سپرد. پیکر وی در ابن‌بابویه تهران به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سالاری نژاد، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسعود سالاری نژاد

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد مسعود میر سالاری نژاد در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم مکانیک خود را از هنرستان فنی شهداء اهواز اخذ نمودم و از همان سال در مدرسه علمیّه امام صادق نیروگاه قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی شدم .همزمان باتحصیل دروس سطح حوزه به رشته اقتصاد دانشگاه مفید همت گماشتم و پس از اندکی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم . در سال ۱۳۷۸ به عنوان مدیر دفتر تحقیقات نور رایانه منصوب و نسبت به پژوهش و تحقیق در مباحث ادبیات فارسی آشنائی پیدا کردم و مشغول به تحقیق شدم . در سال ۱۳۷۹نسبت به تولیدچند رسانه ای مثنوی معنوی و کارهای تحقیقاتی این پروژه تحت عنوان مدیر و متکفل پروژه ،همت گماشتم ودر سال ۱۳۸۱ کارهای تحقیقاتی پروژه شاهنامه فردوسی را مدیریت نموده و در دو لوح فشرده به جامعه فرهنگی عرضه نموده ام . همچنین بعضی از مقالات و نوشته های موجود در این دو پروژه از اینجانب می باشد.

هم اکنون هم نسبت به تولید نرم افزار چند رسانه ای حافظ شیرازی و کارهای تحقیقاتی آن و پیگیریهای متعدد با مراکز علمی ، پژوهشی « مرکز حافظ شناسی و انجمن شاعران تهران » مشغول به کار هستم. همزمان با همکاری با مرکز به دروس خارج استاد سبحانی «اصول » و استاد مکارم «فقه» مشغول می باشم.

سالاری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سالاری

محل تولد : قاینات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در تیر ماه سال ۱۳۴۶ در خانواده ای متوسط، مذهبی شغل پدرم کشاورز و مادرم خانه دار در روستای دهشک از توابع بخش نیم بلوک قاینات، واقع در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شهرستان قاین دیده به جهان گشودم.وقتی به دنیا آمدم برادر دو ساله ام که محمد نام داشت به علت مریضی سرخجه از دنیا رفته بود، پدرم شناسنامه برادر فوت شده ام را به من اختصاص داد و دیگر برای من شناسنامه ای نگرفت بنابراین من با همان شناسنامه برادرم که دو سال از من بزرگتر است درسال تحصیلی ۵۱ ـ۵۲ دو سال زودتر از موعد به مدرسه رفتم .

تحصیلات (دوران کودکی، نوجوانی و جوانی)دوران ابتدایی را در روستای محل ولادتم با موفقیت گذراندم. سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران کلاس اول راهنمایی را در روستای بیهود و دوم راهنمایی را در شهرستان قاین و سوم راهنمایی را درخضری مرکز بخش نیم بلوک با موفقیت گذراندم و سپس با توجه به علاقه ی شدیدی که به روحانیت داشتم

تحصیلات جدید را ترک نمودم و در سال تحصیلی ۶۰ ـ ۶۱ وارد حوزه علمیه قاین شدم و دو سال بعد برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه گناباد مهاجرت نمودم و دو سال در این حوزه، بقیه دروس مقدمات را نزد استادان محترم مدرسه علمیه امام رضا علیه السلام گذراندم در سال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم و تحصیلات حوزه را در مدت ده سال اقامت در این حوزه تا اتمام سطح گذراندم.از سال ورود به حوزه مشهد همزمان با تحصیل حوزوی به صورت داوطلب آزاد دوره دبیرستان را نیز هر ساله امتحان می دادم که سرانجام درسال ۱۳۶۷ موفق به اخذ دیپلم در رشته فرهنگ و ادب از آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد شدم در سال ۱۳۶۸ در آزمون سراسری دانشگاه پیام نور در رشته زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شدم و در مقطع کارشناسی به تحصیل پرداختم. ضمنا در همان سال ازدواج کردم که حاصل این ازدواج هم اکنون چهار فرزند می باشد، دو پسر و دو دختر می باشد.سر انجام در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ درجه لیسانس (کارشناسی) از دانشگاه پیام نور مرکز مشهد گردیدم.در سال ۱۳۷۴ به قصد ادامه تحصیل از مشهد به قم مهاجرت کردم و تا سال ۱۳۸۱ در حوزه علمیه قم دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، یوسف صانعی و علوی گرگانی ادامه دادم و بهره های فراوان بردم.

دروس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی و اخلاق آیت الله مشکینی و آیات الاحکام آیت الله محمد یزدی نیز دروس جنبی حوزه قم بود که از محضر این بزرگواران نیز بهره مند شدم .

در سال ۱۳۷۶ در کنکور سراسری کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی پذیرفته شدم و در واحد مرکزی تهران به تحصیل پرداختم و سرانجام در سال ۱۳۷۸ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی شدم واز پایان نامه ای با موضوع «اخلاق و تربیت اسلامی در دیوان عطار نیشابوری» و با نمره ممتاز دفاع کردم.تدریس در آموزش و پرورش را در مقطع (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) از سال ۱۳۷۶ در مشهد آغاز کردم و در قم ادامه دادم و هم اکنون نیز چندساعتی را در مقطع دبیرستان در شهر خضری ادبیات فارسی تدریس می کنم.تدریس در مقطع دانشگاهی را با دروس معارف اسلامی «۱ و ۲ » و اخلاق اسلامی، از سال ۱۳۷۲ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی آغاز نمودم و در سال های ۱۳۸۱ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی شهرهای قاین و گناباد در دانشکده علوم پزشکی گناباد ادامه دادم و هم اکنون نیز با علوم پزشکی هم در زمینه تدریس و هم به صورت عضو پایگاه تحقیقات جمعیتی دانشکده علوم پزشکی همکاری دارم از ۲۵ فروردین سال ۱۳۸۱ از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) و با حکم شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور به سمت امام جعه بخش نیم بلوک در (شهر خضری دشت بیاض) منصوب گردیدم و تا هم اکنون مدت حدود چهار سال است که در این سمت انجام وظیفه می نمایم.

سالاری، مظفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مظفر سالاری

محل تولد : –

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

از دوم دبستان عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده و همواره با کتاب و کتابخوانی انس والفت داشته ام . از سال ۶۷ همراه با شرکت در کلاس های ادبی و هنری دفتر تبلیغات ، اداره کتابخانه ادبی آن جا را پذیرفتم . از سال ۷۱ همکاری ام را با مجله سلام بچه ها به عنوان مسئول داستان آغاز کردم و دو سال بعد با همین عنوان با مجله «پوپک» نیز همراه شدم . برای بچه ها داستان ، نمایشنامه ، فیلمنامه ، نقد و مقاله های آموزشی فراوانی نوشته و شاگردان زیادی تربیت کرده ام . در آن زمان که به طور مرتب نقد می نوشتم ، در سه سال پیاپی در جشنواره مطبوعات کانون در زمینه نقد برگزیده شدم . کتاب ها و داستان هایم بارها برگزیده جشنواره ها شده و مورد تقدیر قرار گرفته است . رمانم با نام «نیمه شبی در حله» می تواند الگویی باشد برای نگارش داستان با صبغه دینی" . نیمه شبی در حله "نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی ، برگزیده کتاب سال ولایت و کتاب سال سلام بچه ها و پوپک در سال ۸۳ بوده است . بارها داور کتاب سال بوده و با عناوین کارشناس ، عضو هیات علمی ، مشاور و مدیر در امور ادبی و هنری دعوت به همکاری شده ام . به دلیل خدمات فرهنگی و تولید و تدریس داستان طی سال ها ، در دهمین کنگره شعر وقصه طلاب ، برگزیده ویژه شناخته شدم . از سال ۸۳ با معرفی شورای فرهنگ عمومی و حکم وزیر فرهنگ و ارشاد به عنوان عضو هیات نظارت بر کتاب کودک و نوجوان ، در تدوین آیین نامه نظارت ، همکاری موثر داشته ام . نخستین جلد از مجموعه پنج جلدی داستان نویسی قدم به قدم با نام «گشایش داستان» در سال ۸۳ از من به چاپ رسیده و مورد استقبال قرار گرفت . در کنار مسئولیت هایی چون معاونت فرهنگی هنری دفتر تبلیغات ، سر دبیری فصلنامه «آفرینه» را نیز به عهده دارم و به ترجمه و تفسیر قرآن برای بچه ها و نگارش دایرهٔ المعارف موضوعی قرآن برای ایشان نیز می اندیشم .

سام میرزای صفوی، ابونصر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۷۵/۹۷۴ -۹۲۳ ق)، تذکره‌نویس، خطاط و شاعر، متخلص به سامی. وی در مراغه متولد شد دومین فرزند شاه اسماعیل و برادر شاه طهماسب بود. در زمان پدر نخست حکمران گیلان و سپس حکمران خراسان شد و در هرات استقرار یافت اما چندی پس از مرگ شاه اسماعیل معزول شد و بر شاه طهماسب طغیان کرد و در جنگی در قندهار شکست خورد و از آنجا به طبس گیلکی رفت. وی پس از چندی امان نامه دریافت کرد و به دربار بازگشت و چندی به این نحو می‌زیست تا این که از شاه طهماسب درخواست کرد که از التزام رکاب معذورش بدارد، شاه طهماسب تلویت بقعه شیخ صفی‌الدین و حکمرانی اردبیل را به او داد. سام میرزا سالها بعد بار دیگر بر شاه طهماسب شورید و به مدت شش سال در قلعه قهقهه زندانی شد و سام در همان قلعه در زیر آوار زلزله درگذشت. از جمله آثارش: «تحفه‌ی سامی»؛ «دیوان». شعر. سام میرزا همچنین خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و از خطوط وی، یک قطعه به قلم نیم دو دانگ متوسط به زر تحریردار موجود است، با رقم: «...کتبه غلام شاه، سام».[۱]

صفوی پسر شاه اسماعیل و برادر شاه طمهاسب صفوی (ف. ۹۴۰ ه.ق.). وی در فنون شعر و انشا مهارت داشت و کتاب «تحفه سامی» که تذکره‌ایست از شعرا تألیف اوست. در سال ۹۳۹ ه.ق. از طرف برادرش به حکومت خراسان منصوب شد و در سال ۹۴۰ بر برادر شورید و در همان اثنا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۳ -۶۲ /۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۲۲۸/۱)، از سعدی تا جامی (۶۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۹۸/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۵۷ -۱۵۵ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۹ -۳۷۸)، تحفه سامی (مقدمه)، دانشمندان

آذربایجان (۱۷۸ -۱۷۶)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۲۴۶/۱)، الذریعه (۴۲۴ -۴۲۳ /۹)، روضه السلاطین (۷۱)، ریحانه (۱۵۱/۲)، سخنوران آذربایجان (۳۶ -۳۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۰)، فرهنگ سخنوران (۴۳۵ -۴۳۴)، لغت نامه (ذیل/ سام میرزا)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۶/۳)، مجمع الخواص (۲۴)، مجمع الفصحا (۵۹ -۵۸ /۱)، نتایج الافکار (۳۳۲ -۳۳۱).

سامعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر حسین سامعی در سال ۱۳۳۲ ش. در تهران متولّد شد .ایشان دارای مدرک دکترای زبان شناسی از دانشگاه تهران می باشد.دکتر سامعی مسؤول واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است.وی علاوه بر کار تحقیقاتی در دانشگاه نیز تدریس می‌کرده است.در حال حاضر، نامبرده به دعوت دانشگاه هارواد، برای یک دورۀ تحقیقی یک ساله عازم امریکا شده و در ایالت جورجیا در دانشگاه Emory مشغول تدریس زبان فارسی است. کتاب"فرهنگ معاصر هزاره "تالیف حسین سامعی (یکی از مؤلفان)، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین سامعی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) و فوق لیسانس و دکترا با درجۀ ممتاز در رشتۀ زبان شناسی از دانشگاه تهران شد.

هم دوره ای ها و همکاران : حسین سامعی از سال ۱۳۶۴ با دکتر علی محمد حق شناس و سرکار خانم انتخابی در تهیۀ فرهنگ هزاره در مؤسسۀ انتشاراتی فرهنگ معاصر همکاری داشته است.

فعالیتهای آموزشی : دکتر سامعی مسؤول واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است.وی علاوه بر کار تحقیقاتی در دانشگاه نیز تدریس می‌کرده است. از دیگر سوابق ایشان همکاری با مرکز نشر دانشگاهی است. در حال حاضر، دکتر سامعی به دعوت دانشگاه هارواد، برای یک دورۀ تحقیقی یک ساله عازم امریکا شده و در ایالت جورجیا در دانشگاه Emory مشغول تدریس زبان فارسی است.

جوائز و نشانها : کتاب"فرهنگ معاصر هزاره "تالیف حسین سامعی (یکی از مؤلفان)، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سامی شیرازی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، نویسنده، محقق و استاد دانشگاه. در شیراز متولد شد پس از تحصیل مقدمات در رشته ادبیات و باستان شناسی و

تاریخ بخصوص قسمت قبل از اسلام مشغول تحصیل و تفحص شد و در این رشته تخصص پیدا کرد و از دانشگاه آزاد آسیایی درجه دکتری افتخاری دریافت کرد آنگاه وارد خدمت وزارت فرهنگ شد مدتی ریاست کارپردازی و ساختمانهای فرهنگی فارس و تعمیرات ابنیه‌ی تاریخی را داشت از سال ۱۳۱۸ ش به ریاست علمی و حفاری تخت جمشید به ادامه کاوش در خرابه‌های استخر و تپه‌های مرودشت و حفاری در پازارگاد اشتغال داشت همچنین در سال ۱۳۳۶ ش به ریاست اداره باستان شناسی فارس منسوب شد از بدو تاسیس دانشکده‌ی ادبیات شیراز سمت استادی تدریس باستان شناسی دانشکده مزبور را داشت و همچنین مدتی سرپرستی آرامگاه خواجه حافظ و تعمیر ابنیه تاریخی فارس و اداره‌ی امور کاوش در آثار قدیمی و حفاری در پازارگاد را بر عهده داشت از آثار وی: «آثار باستانی جلگه‌ی مرودشت»؛ «پارس در عهد باستان»؛ «پازارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران»؛ «تمدن هخامنشی»؛ «مقام دانش در ایران باستان»؛ «شیراز، شهر سعدی و حافظ و شهر گل و بلبل».[۱]

باستان‌شناس، ایران‌شناس.

تولد: ۱۲۸۹(۲۳۸ ق.)؛ شیراز.

درگذشت: ۲۲ مرداد ۱۳۶۸، شیراز.

علی سامی، فرزند آقا بزرگ، از شاعران و نقاشان شیراز و صاحب کتاب مقامات معنوی (۱۳۲۹) است. علی سامی پس از تصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌ی شعاعیه، در سال ۱۳۰۸ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ به سمت آموزگار و سپس به عنوان دبیر تاریخی و جغرافیا در مدارس شیراز مشغول تدریس شد و پس از آن به مدیری مدرسه‌ی و تصدی دانشسرای مقدماتی پسران در ۱۳۱۴ ارتقا یافت، از سال ۱۳۱۵ نیز به تعمیرات ابنیه‌ی تاریخی شیراز پرداخت. در همین زمان، آرامگاه حافظ ساخته شد و موزه‌ی پاریس و آرامگاه خوجوی کرمانی و مسجد جامع عقیق مرمت شدند.

پس از خروج هیئت علمی دانشگاه شیکاگو که حفاری علمی تخت جمشید را به عهده داشت، از سال ۱۳۲۱ به سمت ریاست بنگاه علمی تحت جمشید منصوب شد. در همین مدت کاوش‌های علمی پاسارگاد و تپه‌های ماقبل تاریخ اطراف مرودشت انجام گرفت. ایشان در سال ۱۳۲۶، علاوه بر ریاست بنگاه علمی تحت جمشید به سمت ریاست اداره‌ی باستان شناسی فارس منصوب شد و تدریس در دانشگاه را نیز آغاز کرد تا سال ۱۳۴۹ ادامه داشت.

علی سامی عضو چند مجمع علمی و فرهنگی و اجتماعی بود که اهم آنها عبارتند از: سردبیر روزنامه‌ی «عدل» (شیراز)؛ رییس شورای نویسندگان و خبرنگاران استان فارس، عضو کنگره‌ی ایران شناسی، عضو کنگره خاور شناسی تاجیکستان، دبیر و عضو انجمن قلم شیراز، رییس و دبیر کانون دانش پارس (این کانون در سال ۱۳۳۱ به همت خود وی بنیاد نهاده شد)؛ دبیر و عضو انجمن آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت انجمن آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت آثار باستانی، عضو و رییس هیئت امنا در آستانه‌ی حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ)؛ عضو کمیسیون ترجمه و تألیف دانشگاه شیراز، عضو و رییس کمیته‌ی دائمی دانشکده‌ی ادبیات شیراز، عضو هیئت مدیره بنگاه حمایت زندانیان شیراز (از سال ۱۳۴۳)؛ عضو و دبیر شورای عالی جهانگردی.

علی سامی دارای درجه‌ی دکترای افتخاری از کشور هندوستان (دانشگاه آزاد آسیایی) بود و نشان‌های همایون درجه‌ی ۴ و مدال درجه‌ی ۱ و سپاس درجه‌ی ۲ (به سبب فعالیت‌های مطبوعاتی) به وی داده شده بود.

دکتر علی سامی بیش از سی جلد کتاب نوشت که مهمترین آنها عبارتند از: آثار تاریخی جلگه‌ی مرودشت (۱۳۳۱)؛ پارس در عهد باستان (ضمیمه‌ی نشریه‌ی شماره سه «کانون دانش پارس»، ۱۳۳۳)؛ پارسکده (۱۳۵۰)؛ پاسارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران (۱۳۳۰)، این کتاب بعدا در سال ۱۳۷۵ تحت نام پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی ذولقرنین به کوشش و بازنگری دکتر غلامرضا وطن‌دوست از سوی بنیاد فارس شناسی به چاپ رسید)؛ تاریخ پارس در عهد باستان (۱۳۳۴)؛ تاریخ پیدایش خط و تحول آن در شرق باستان و ترجمه کتیبه‌های میخی و پهلوی (۱۳۲۹)؛ تمدن ساسانی (جلد اول، ۱۳۴۲)؛ تمدن

ساسانی (جلد دوم، ۱۳۴۴)؛ تمدن هخامنشی (جلد اول، ۱۳۴۱)؛ تمدن هخامنشی (جلد دوم، ۱۳۴۸)؛ روزها و یادها (جلد اول، ۱۳۶۰)؛ روزها و یادها (جلد دوم، ۱۳۶۲)؛ شرح آثار باستانی تخت جمشید (با همکای سید محمدتقی مصطفوی، ۱۳۳۵)؛ شرح آثار تاریخی شیراز (به زبان انگلیسی، ترجمه نارمن شارپ، ۱۳۳۵)؛ شرح آثار تخت جمشید (به زبان انگلیسی، با ترجمه رالف نارمن شارپ، ۱۳۳۵ که نه بار تجدید چاپ شد)؛ شرح کاوش‌های پاسارگاد (به زبان انگلیسی، ترجمه شارپ، ۱۳۳۵)؛ شیراز، دیار سعدی و حافظ، شیراز: شرح مفصل آثار باستانی و سیر فرهنگ و هنر در ادوار گوناگون (۱۳۳۷)؛ شیراز شهر جاویدان (۱۳۶۳)؛ شیراز شهر گل و بلبل، تاریخچه شیراز و شرح آثار باستانی شیراز (۱۳۳۷)؛ گزارش‌های باستان شناسی (جلد دوم، ۱۳۳۱)؛ گزارش‌های باستان شناسی (جلد چهارم، ۱۳۳۸)؛ گزارش‌های کاوش‌های علمی پاسارگاد (ضمیمه‌ی جلد اول گزارش‌های باستان شناسی، ۱۳۲۹)؛ مقام دانش در ایران باستان (۱۳۳۳)؛ نقش ایران در فرهنگ اسلامی (۱۳۶۵).

از وی همچنین مقالاتی در مجله «دانشکده‌ی ادبیات»، «مهر»، «هنر و مردم»، «فروغ تربیت»، «اطلاعات ماهانه»، «بررسی‌های تاریخی» و روزنامه‌های «بهار ایران»، «عدل»، «گلستان» و «پارس» شیراز به چاپ رسیده است.

آثار دیگری که علی سامی به رشته‌ی تحریر درآورده است ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح هستند: جلد چهارم تمدن هخامنشی، جلد سوم و چهارم تمدن ساسانی، تمدن قدیم فلات ایران و تمدن پیش از هخامنشی، تاریخ تمدن جهان، بهار جاویدان مشتمل بر یک سلسله مقالات ادبی و تحقیقات باستان شناسی در ایران.

از اشیای کشف شده توسط علی سامی، تعدادی در موزه‌ی ملی ایران (ایران باستان)، قسمت مربوط به هخامنشیان نگه‌داری می‌شود که از آن جمله است: سر شاهزاده هخامنشی از سنگ لاجورد و بشقاب سنگی به خط آرامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲ -۴۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۵ -۲۶۳ /۴).

ساوجی، صدرالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران و ادیبان صاحب هوش و ذکاوت و استاد در علم عروض و قافیه عهد ایلخانان مغول بود. وی به روزگار هلاکو خان در شام مسکن داشت و در همان دوره به اتهام ساحری کشته شد. از آثار وی: قصیده‌ی «حسنا» در علم عروض و قافیه به نظم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ برگزیده (۶۹۶ -۶۹۵)، حبیب السیر (۱۰۸ -۱۰۷ /۳)، لغت نامه (ذیل/ ساوجی).

ساوجی، فضل الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، ادیب، طبیب و خطاط. وی پدر ابوالفضل ساوجی و از خاندان شاملو و از اعقاب حسن‌خان شاملوی معروف، والی

هرات است. میرزا فضل‌الله، خود از مشاهیر اطبای ساکن تهران بود و فتحعلی‌شاه او را به سمت معلمی علی‌خان ظل‌السلطان، دهمین فرزند خود، منصوب داشت. از خطوط، علاوه بر نستعلیق، ثلث و نسخ را نیز خوش می‌نوشت. او را به داشتن سجایای اخلاقی و مراتب فضل و کمال یاد کرده‌اند و بعضی شاعران عصر، مانند شباهنگ، در اشعار خود وی را ستوده‌اند.او در تهران درگذشت و جنازه‌اش را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش، قطعه‌ی سیاه‌مشقی است که به قلم چهار دانگ خوش نوشته شده و رقم «ذلک فضل‌الله» دارد؛ قطعه‌ای به قلم شش دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «یا هو، در نهایت افسردگی و بیدماغی نوشته شد، کتبه الحقیر لله، فضل‌الله ۱۲۵۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۷۳ -۵۷۲ / ۲)، شرح حال رجال (۱۷۸ / ۶)، حدیقه الشعراء (۱۵۱۳ -۱۵۱۲، ۱۵۰۸ / ۳)، طرائق الحقائق (۵۸۴ -۵۸۳ / ۳)، مجمع الفصحا (۹۰۱ / ۵)، گنج شایگان (۵۰۹).

ساوجی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، ادیب و خطاط. از خاندان میرزا ابوالفضل ساوجی و در زمره‌ی دانشمندان عصر خود بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: ترجمه‌ی فارسی یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «ترجمه‌ی این صحیفه‌ی کامله‌ی شریفه‌ی سجادیه که بقلم معجز رقم استاد کل آقا زین‌العابدین اصفهانی است... بتحریر این حقیر بانجام رسید. و انا العبد الراجی محمد الساوجی سنه ۱۲۷۸»؛ یک قطعه، به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «الحقیر محمد الساوجی غفر له ۱۲۸۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۴۱ - ۷۴۰/ ۳).

سبزواری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بنده به سال ۱۳۰۴ هـ. ش در سبزوار و در خانواده ای فرهنگی متولد شدم . اجدادم اهل شعر و شاعری بودند، به خصوص پسر دایی پدرم ، تجّلی سبزواری که از شاعران توانا بود . پدرم نیز با وجود نابینایی شعر می گفت. من از همان دوران طفولیت ، ذوق شاعری داشتم و چیزهایی می سرودم . به تدریج با تشویق و راهنمایی های پدرم این سروده ها رنگ شعر گرفت . تقریباً از کلاس سوم متوسطه بود که می توانستم به خوبی بسرایم . در زمانی که متفقین به ایران آمدند اشعارمن رنگ و بوی خاصی به خود گرفت . در آن زمان سروده های زیادی داشتم که متأسفانه طی جریاناتی از بین رفت. به هرحال مدتی در استخدام وزارت آموزش و پرورش بودم. پس از آن به کارهای مختلف دیگری پرداختم، زمانی که در بانک مشغول به کار بودم به تهران منتقل و در آنجا با مجامع مختلف ادبی آشنا شدم . نتیجه این رفت و آمدها ، اشعاری در زمینه های سیاسی و اجتماعی بود. طی جریان انقلاب کم کم

شعرهای من حال و هوای مذهبی به خود گرفت . در جریان ساخت سرودهای انقلابی هم پیشقدم بودم . مدتی هم در جبهه حضور داشتم و اشعاری نیز در رابطه با جنگ تحمیلی سروده ام ، از همان زمان تاکنون به طور مداوم با صدا و سیما همکاری دارم ، همچنین با دیگر سازمان های اسلامی . به هر حال از زمانی که خودم را شناختم ، هیچ گاه شعر بیهوده نگفتم و هنرم را در راهی صرف نکردم که پشیمان باشم. حمید سبزواری (حین ممتحنی) ، شاعر معاصر ایران است . حمید شاعری است ازنسل دیروز . نسلی که با ما همنفس وهم آوا است ،اما پژواک صدایش تا قرن هادرامتداد زمان جاری خواهد بود ، پس شعراو شعرآینده نیز هست . او شاعری است که آیندگان قدر و منزلت او را بیشتر خواهند شناخت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : پدرحمید سبزواری ،«عبد الوهاب » پیشه ور و ساده ای بود که قریحه شعری داشت . جدش ،ملا محمد صادق ممتحنی ،شاعری مردمی بود که «مجرم » تخلص می کرد و آثارش درسفری به مشهد و درحمله راهزنان به یغما رفت .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حمید سبزواری قبل از مدرسه قرآن را در خانه و نزد مادرش آموخته بود . او بعدا به مدرسه شیخ حسن داورزنی رفت .

خاطرات و وقایع تحصیل : حمید سبزواری دردوره نوجوانی درسبزوار زندگی می کرد . درسبزوار کتابفروشی به نام خسروی بود . او شعرهای حمید را چاپ کرده و فروخت . حمید می خواست اینکار را درتهران نیز انجام بدهد لیکن این امر صورت نگرفت و وی از این لحاظ خوشحال است .

فعالیتهای ضمن تحصیل : حمید سبزواری درنوجوانی شاهد فرهنگ ستیزی ،خشونت و سرکوب احساسات مذهبی مردم توسط رضا شاه پهلوی بود . چهارده ساله بود که سرودن شعر را آغاز کرد . حمیدجوان در آن سالها به هر حزب و گروهی که فکر می کرد حامل حقیقت یا حامی محرومانند سری می زد اما ه سرعت در می یافت که آن سراب ها هیچگاه نمی توانند عطش عدالت خواهی و شوق استقلال جویی او را سیراب کنند و سرخورده کنارمی کشید .

استادان و مربیان : مادر حمید سبزواری ، شاید اولین استاد وی بود . او جامع المقدمات را نزد میرزا حبیب جوینی خوانده است . حاج آقا محمد علی محمدی نیز ازدیگر استادان وی بود .

وقایع میانسالی : دراثر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حمید سبزواری متواری و مخفی شد . لیکن بعدا خود را به شهربانی سبزوار معرفی کرد و چهار سال دروضعیت بلا تکلیفی و تعلیق طی کرد تا سرانجام تبرئه شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حمید سبزواری ابتدا به شغل معلمی مشغول بود . او سپس کارمند بانک بازرگانی درتهران شد و سپس به شاعری وری آورد .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت حمید سبزواری ،شاعری می باشد . شعر حمید ،شناسنامه زمان مند انقلاب است ، زیرا کمتر حادثه یا رویدادی است که انعکاس از آن درشعر او نباشد . شاعر با حساسیت ویژه خویش ،هر رویداد مهم تاریخ معاصرایران رابا گل واژه های شعرش درحافظه زمانه نقش کرده است تا آیندگان ازیاد نبرند که نسل گذشته درچه شرایط دشواری از آرمان ها و انقلابش دفاع کرده است .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حمید سبزواری هنگامی که دربانک بازرگانی مشغول بود یک نشریه ای داخلی راه انداخت . نشریه ای داخلی که علاوه بر اخبار بانک و مسایل اقتصادی ،جدول وصفحه شعر ، داستان هم داشت .

همفکران فرد : یکی از همفکران حمید سبزواری ،فخر الدین حجازی می باشد که ازدوران جوانی با هم دوست بودند .

آرا و گرایشهای خاص : حمید سبزواری درمیان شعرای متقدم ،کار مسعود سعد سلمان و ناصر خسرو را بیشتر می پسندد . در میان شعرای معاصر نیز فرخی و نسیم شمال دراو تاثیر گذار بوده اند. ---

آثار :

۱ به رنگ آمده دشمن

۲ سرود درد

۳ سرود سپیده

۴ سرودی دیگر

۵ فریاد نامه

۶ کاروان سپیده

۷ گزیده ادبیات معاصر

۸ یاد یاران

منابع :

۱مهدی پروین زاد ،روایتگر حماسه های انقلاب /گفتگو با استاد حمید سبزواری ، کیهان فرهنگی ،سال نوزدهم . شهریور۱۳۸۱ ، پیاپی ۱۹۱، ص۱۳

سپانلو، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی سپانلو در سال ۱۳۱۹ در تهران متولد گردید. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی و دارالفنون به پایان برد و در رشته ادبی دیپلم گرفت ، آنگاه به دانشکده حقوق راه یافت و در سال ۱۳۴۲ فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس از دانشکده تهران نائل آمد. سپانلو پس از پایان تحصیلات کار مطبوعاتی را برگزید. او در بیست سالگی به شعر و شاعری پرداخت و توانست آثار متعددی به چاپ رساند. در سال ۱۳۴۰ به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت. او در سال ۱۳۴۰ به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت. در سالهای پس از انقلاب ، چندی در بعضی از دانشکده ها به تدریس ادبیات فارسی قدیم و معاصر ، مکتبهای ادبی و تاریخ ایران مشغول شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر محمدعلی سپانلو، حسین سپانلو کارمند بانک ملی ، اهل شعر و ادب و دارای خطی خوش بود و از هنر نقاشی نیز بهره داشت. در عین حال که قرآن و زیارتنامه را با خطی خوش می نوشت ، به موسیقی علاقمند بود و دستگاههای موسیقی را به

خوبی می شناخت.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدعلی سپانلو در یکی از محله های قدیم تهران (خیابان ری) قدم به عرصه هستی نهاد ، خود می گوید: « کودکی و نوجوانی من در خیابان ری و بعد محله عباسی گذشت. من به یک تعبیر از بچه های خالص تهرانی هستم. در جزو میراث مادر بزرگ یادگار پرستم ، عکس هایی از پنج پشت پدران من هست که همه اهل تهران بوده اند. این تهرانی بودن من به نظرم معنی خاصی دارد... »

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدعلی سپانلو تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی و دارالفنون به پایان برد و در رشته ادبی دیپلم گرفت ، آنگاه به دانشکده حقوق راه یافت و در سال ۱۳۴۲ فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس از دانشکده تهران نائل آمد.

هم دوره ای ها و همکاران : از جمله دوستان محمدعلی سپانلو می توان به افرادی چون نادر ابراهیمی ، اسماعیل نوری علا ، مهرداد صمدی ، بهرام بیضایی ، غفار حسینی ، احمدرضا احمدی و مریم جزایری اشاره کرد.

همسر و فرزندان : محمدعلی سپانلو با خواهر دوست شاعرش اسماعیل نوری علاء ازدواج کرد.

وقایع میانسالی : محمدعلی سپانلو در سال ۱۳۵۳ ممنوع القلم شد و تا سال ۱۳۵۶ این ممنوعیت ادامه داشت تا اینکه سرانجام کتاب «هجوم» که مدتی در چاپخانه مانده بود منتشرشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدعلی سپانلو چندی در بخش خصوصی به عنوان مدیر تبلیغات یا ویراستار کار کرده است.

فعالیتهای آموزشی : محمدعلی سپانلو در سالهای پس از انقلاب ، چندی در بعضی از دانشکده ها به تدریس ادبیات فارسی قدیم و معاصر ، مکتبهای ادبی و تاریخ ایران مشغول شد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمدعلی سپانلو در سال ۱۳۴۰ به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدعلی سپانلو پس از پایان تحصیلات کار مطبوعاتی را برگزید. او در بیست سالگی به شعر و شاعری پرداخت و توانست آثار متعددی به چاپ رساند.

آرا و گرایشهای خاص : آثار نخستین محمدعلی سپانلو قصیده به سبک خراسانی و غزل به شیوه عراقی بود و در میان شعرای معاصر شعر شهریار را می پسندید ، کم کم به شعر نیمایی از طریق پل ارتباطی شهریار ، حمیدی ، توللی و... گرایش یافت و در زمینه شعر نو و شعر کلاسیک هر دو کار کرد و امروز بیشتر به قالب مثنوی گرایش دارد. ---------------------------------
----

آثار :

۱ آه بیان

ویژگی اثر : مجموعه شعر ـ ۱۳۴۲

۲ پیاده روها

۳ حکومت شب

۴ خیابانها ، بیابانها

۵ رگبارها

۶ ساعت امید

۷ سند باد غایب

۸ قایق سواری در تهران

۹ محاصره

ویژگی اثر : ترجمه ـ نوشته آلبر کامو

۱۰ مردان

ویژگی اثر : مجموعه ۵ قصه

۱۱ منظومه خاک

۱۲ منظومه خانم زمان

۱۳ نبض وطنم را می گیرم

۱۴ هجوم

منابع :

۱سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سید محمدباقر برقعی ، ج ۳ ، قم: نشر خرم ، ص ۱۷۲۴۲شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج اول ، تهران: انتشارت سنایی ، ص ۴۶۴

سپنتا، ساسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ساسان سپنتا، فرزند شادروان عبدالحسین‌خان سپنتا، اولین فیلمساز کارگردان فیلم ناطق ایرانی است که یکی از موسیقی‌دانان و پژوهشگران و محققین بزرگ می‌باشد. وی آموزش موسیقی را ابتدا نزد زنده‌یاد استاد ابوالحسن صبا آغاز و پس از چندی نزد استاد محمود تاجبخش رفت و مدتی را از مکتب وی بهره گرفت و با نواختن ساز ویولن آشنایی پیدا کرد. سپس نزد زنده‌یاد روح‌اللّه خالقی و شادروان استاد علینقی وزیری رفت و مدتی را در کلاس این بزرگان علم موسیقی سپری کرد و علم موسیقی را آموخت.

دکتر ساسان سپنتا، طی ساهای ۱۳۳۶ به بعد مقالات جامع و متعددی درباره هنر موسیقی ایران در مجلات مختلف به خصوص مجله موزیک ایران و ماهنامه موسیقی به چاپ رسانید که بسیار سازنده و راهگشا بود. وی در سال ۱۳۵۱ دکترای خود را تحت عنوان بررسی فونتیکی خصوصیات واج‌های زبان فارسی دریافت داشت و تاکنون متجاوز از شصت مطلب و مقاله تحقیقی از وی راجع به موسیقی و ادبیات و زبانشناسی به چاپ رسیده است و از کارهای بزرگ و تاریخی وی، باید از آثار استادان موسیقی عصر ناصرالدین‌شاه یاد کرد که او این آثار را از استوانه‌های مومی «فتوگراف» که طی بیش از حدود شصت- هفتاد سال متروک مانده و در حال زوال و از بین رفتن بود، با زحمات فراوان و طاقت‌فرسا و تمهیدات و ابتکارات فنی بازیافت صوتی کرد و برای گنجینه موسیقی اصیل و سنتی ایران از خود به یادگار گذاشت.

از آخرین آثار این مرد بزرگ هنردوست تألیف کتاب «تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران» است که حدود چهارصد و هشتاد صفحه می‌گردد که از آثار گرانبها و تحقیقی در تاریخ ضبط موسیقی و تحول آن در ایران می‌باشد.

دکتر ساسان سپنتا در کنگره بین‌المللی «باربد» که در شهر «دوشنبه» تاجیکستان برگزار گردیده بود، به عنوان اولین سخنران در مورد

موسیقی ایران در زمان ساسانیان و این موسیقیدان ایرانی صحبت کرد و از طرف هیئت برگزاری این مراسم رئیس جلسه کنگره نیز انتخاب شد که موجب شناخت هرچه بیشتر موسیقی ایران به جهانیان گردید. دکتر سپنتا دو فرزند به نامهای داریوش و دانش دارد که امید است مثل پدربزرگ و پدر خود، منشاء خدمات بزرگ فرهنگی و هنری به وطن خود ایران گردند.

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه تهران، گواهی‌نامه تخصصی در رشته بی‌سیم و ارتباطات رادیوئی از آمریکا، تحصیل موسیقی نزد استادان فن و طی دوره هنرستان عالی موسیقی محلی.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای تهران و اصفهان، مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه دورهام انگلستان، مؤسسه بین‌المللی لینگافن لندن، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی و مطالعات الکترواکوستیک زبان، تعیین فورماتهای واجها (صامتها و مصوتها) در زبان فارسی و ثبت و سنجش طیف گفتاری زبان فارسی، سنجش الگوهای آهنگ کلام و نواخت در زبان فارسی، بازسازی گفتار زبان فارسی با دستگاههای الکترواکوستیک.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی و هنر بویژه موسیقی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، ادبیات و هنر موسیقی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سپهر کاشانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۰۷ ق)، ادیب، دانشمند، مورخ و شاعر، متخلص به سپهر. ملقب به لسان‌الملك و مشهور به لسان سپهر. محمد در کاشان متولد شد و پس از تحصیل علوم قدیمی، عروض و قافیه را آموخت. در بیست سالگی به خواهش ملك‌الشعراء- فتحعلی خان صبا- به تهران آمد و به تشویق او به تالیف کتابی در علم قافیه پرداخت، اما این کتاب با فوت صبا ناتمام ماند و میرزا محمدتقی به کاشان

برگشت. در آنجا محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه حکمران کاشان او را به ندیمی خود برگزید و به او تخلص سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی‌شاه به تهران احضار گردیـد و به سـلک اعضای دیوان درآمد. سـپهر در عهد محمدشاه مداح خاص شاه و منشـی و مسـتوفی دیوان شـد و به نوشـتن کتـاب «ناسـخ التواریـخ» ماموریت یافت. این کتاب تاریـخ عمومی است که تا سال ۱۲۷۳ قمری امتـداد یافته است. سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری علوم از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظی وافر داشت. وی در تهران درگـذشت و پیکرش به نجف اشـرف منتقل شـد. از دیگر آثار و تالیفات وی: «آینه‌ی جهان‌نما»؛ «اسـرارالانوار» فی مناقب الائمه‌ی اطهار (ع)؛ «براهین العجم فی قوانین المعجم»؛ «جنگ فی التواریخ» و «دیوان» اشعار.[۱]

(بخش ۱) (میرزا) محمـدتقی بن (ملا) محمـدعلی کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سـپهر، نویسـنده و مورخ عهد قاجاری (ف. ۱۲۹۷ ه.ق.). وی پس از تحصـیل مقدمات علوم قدیم به شـعر و عروض و قافیه پرداخت، و در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خـدمت صـبا ملک‌الشـعرای فتحعلی شاه رسـید، و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه مشـغول شد، ولی این امر با فوت صـبا (۱۲۳۸ ه.ق.) ناتمام ماند و میرزا تقی به کاشان برگشت. و به خدمت محمود میرزا پسـر فتحعلی شاه حکمران کاشان رسید و تخلص سپهر را از او گرفت. در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد، و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» (که دوره تاریخ جهان از زمان آدم تا عهد مؤلف است) پرداخت. کتاب قافیه او به نام «براهین العجم» مشهور است. سن وی به هنگام مرگ از ۸۰ سال متجاوز بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حدیقه الشـعراء (۷۴۷ -۷۴۶ /۱)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۲۶۲/۱)، الذریعه (۸ -۶ /۲۴ ،۴۳۰ -۴۲۹ /۹ ،۱۶۶ - ۱۶۵ /۵ ،۸۱/۳ ،۴۲/۲ ،۵۱/۱)، ریحانه (۱۳۲ -۱۲۹ /۵)، سفینه المحمود (۳۶۰ -۳۴۱ /۱)، شرح حال رجال (۳۲۱ -۳۱۹ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳۹ -۴۳۸)، لغت نـامه (ذیل/ سـپهر کاشانی)، المآثر و الآثار (۱۸۸ -۱۸۷)، مؤلفین کتب چـاپی (۲۵۳ -۲۴۹ /۲)، مجمع الفصحا (۴۰۰ -۳۵۰ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۸۴ -۸۲)، نگارستان دارا (۸۸ -۸۷)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۰/۸)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۹۶).

سپهر، عباس قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۸ ق)، منشـی و مترجم. وی برادر اعیانی لسان‌الملک دوم است. وی در سال ۱۲۸۷ ق منشی وزارت خارجه و در سال ۱۲۹۳ ق رئیس اجرایی دفتر وزارت خارجه شـد. از طرف دولت مامور ترجمه‌ی «وفیات الاعیان» ابن‌خلکان گردیـد که موفق به اتمام نشد، این ترجمه ناقص به نام «مشکوه الادب ناصری» مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۳۷/۵)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۵۶/۱).

ستارزاده، عصمت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۲۹۰، تبریز.

درگذشت: ۲ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

عصمت ستارزاده دوران تحصیلات ابتدایی را در دارالمعلمات تبریز (که بعدها دانشسرای مقدماتی نامیده شد) طی نمود. کلاس ششم ادبی را به طور متفرقه امتحان داد. سپس در رشته‌ی ادبیات در دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ لیسانس شد.

وی همچنین از سال ۱۳۱۶ به عنوان معلم به وزارت فرهنگ پیوست. در مدت سی و دو سال خدمت در این وزارتخانه، مراتب مختلف را در فرهنگ از قبیل نظامت، مدیریت، کفالت دانشسرای مقدماتی و دبیری را در شهرهای تبریز، اراک، اصفهان و تهران پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۴۴ با مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی و با رساله «شعرای ترک مقلد نظامی» به راهنمایی دکتر نفیسی فارغ‌التحصیل شد.

دکتر ستارزاده با توجه به آشنایی‌اش با زبان ترکی اسلامبولی، شروع به ترجمه آثار از این زبان پرداخت. برای تحقیق در این زمینه بارها به شهرهای مختلف ترکیه سفر کرد و با مراجعه به کتابخانه‌های مهم داخلی، به نسخه‌های مهم و مورد علاقه خود دست یافت. نخستین کتاب وی ترجمه شرح سودی بر حافظ است در چهار مجلد (این کتاب در سال ۱۳۵۰ به عنوان بهترین کتاب سال انتخاب شد) و کتاب بعدی ترجمه شرح کبیر انقروی بر مثنوی در شش جلد است. از ایشان چند کتاب منتشر نشده باقی مانده است، از آن جمله است: تفسیر سودی بر گلستان سعدی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ستوده، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی منقول در سال ۱۳۳۸ همراه با اخذ شهادتنامه‌های علوم قضائی و علوم تربیتی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی در زبانهای باستانی در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۴۹، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون، استاد دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی، کارشناسی کتب مرجع در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تحمیدیه در ادب فارسی، سیمای رستم در شاهنامه، تصحیح انتقادی بوستان سعدی، فرهنگ فارسی به چینی و بالعکس و همکاری در تألیف بخشی از حرف میم لغت‌نامه دهخدا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تحقیق در متون نظم و نثر فارسی و روش آموزش زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ستوده، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر ستوده در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود.دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد.ایشان در دانشکده های الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بودند تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل آمدند. کتاب"از آستارا تا استارباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر ستوده دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی در سال ۱۳۱۹ دورهٔ تحصیلی دانشکدهٔ افسری را نیز به اتمام رسانید و مفتخر به دریافت درجهٔ افسری گردید

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر ستوده در سال ۱۳۲۰ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس پرداخت و آنگاه از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۰ در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی به تدریس جغرافیای تاریخی اسلامی و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس کتیبه‌های اسلامی و تاریخ خطوط اسلامی در رشتهٔ باستان‌شناسی پرداخت و در پایان این سال بازنشسته گردید.

جوائز و نشانها : کتاب"از آستارا تا استارباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری

اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار : منوچهر ستوده صاحب آثار فراوانی در تألیف و تصنیف و تصحیح است --

آثار :

۱ آثار و احیاء (متن فارسی دربارهٔ فن کشاورزی)

ویژگی اثر : تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی – مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبهٔ تهران با همکاری دانشگاه تهران ۱۳۶۸

۲ از آستارا تا استارباد

ویژگی اثر : تألیف – دورهٔ هفت جلدی – اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۷ – ۱۳۴۹ -این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است

۳ استوناوند دژ ۳۵۰۰ ساله

ویژگی اثر : با همکاری مهندس محمد مهریار – احمد کبیری – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۴ تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس

ویژگی اثر : تألیف محمد ابراهیم کازرونی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۵ تاریخ خانی

ویژگی اثر : تألیف علی بن شمس‌الدین لاهیجی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۶ تاریخ رویان

ویژگی اثر : تألیف مولانا اولیاء الله آملی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸

۷ تاریخ گیلان

ویژگی اثر : تألیف ملا عبدالفتاح فومنی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹

۸ تاریخ گیلان و دیلمستان

ویژگی اثر : تألیف سید ظهیرالدین مرعشی – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۴۷

۹ تاریخ مازندران

ویژگی اثر : تألیف ملا شیخ علی گیلانی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۱۰ راهنمای قطغن و بدخشان

ویژگی اثر : تألیف محمد نادرخان تهذیب کوشککی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۱۱ روزنامهٔ سفر گیلان دستخط ناصرالدین شاه قاجار

ویژگی اثر : مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۱۲ صیدنه

ویژگی اثر : تألیف ابوریحان بیرونی – ترجمهٔ ابوبکر بن علی بن کاشانی – شرکت افست ۱۳۵۸

۱۳ فرهنگ نایینی

ویژگی اثر : گردآوری – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۵

۱۴ قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز

ویژگی اثر : ۱۳۴۵ --

منابع :
۱www.ketabesal.ir

ستی‌النساء

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۲۷ ذوالحجه ۱۰۵۶ ق، از زنـان فاضـل، پزشک، ادیب و سخنور. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی (۱۰۳۶ ق)- ملک‌الشعرای دربار جهانگیر (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) پادشاه بابری هند- بود. همسرش حکیم نصیرالدین کاشی نام داشت که از وی فرزندی نیاورد. در سال ۱۰۳۴ ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد اما دو سال بعد برادرش درگذشت و او پس از این واقعه سرپرستی دو دختر کوچک او را برعهده گرفت. هنگامی که این دو دختر بزرگ شدند و به سن ازدواج رسیدند خواهر بزرگ را به ازدواج عنایت‌اللّه شیرازی ملقب به عاقل خان و خواهر کوچک را به ازدواج حکیم ضیاءالدین ملقب به رحمت خان درآورد. به نوشته پادشاه نامه ستی‌النساء خانم به دلیل «کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات» منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان (۱۰۶۸ -۱۰۳۷ ق) واقع شد و به درجه‌ی مهرداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آرابیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم درگذشت. شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش نمود و او تا پایان عمر این وظیفه را انجام داد.

در روز ۱۳ ذوالحجه ۱۰۵۶ ق، برادرزاده‌ی کوچک ستی خانم در اثنای وضع حمل درگذشت. ستی خانم به دلیل اندوه فراوان به مدت یازده روز در خانه‌ای بیرون از ارگ درالسلطنه لاهور سوگواری نمود. چند روز بعد شاه جهان به همراه دخترش جهان آرابیگم برای عرض تسلیت به خانه وی رفتند و به او تسلی دادند و وی را به ارگ آوردند ولی چند روز بعد به دلیل تالمات وارده درگذشت. شاه جهان از مرگ او بسیار اندوهگین گردید و برای تدارک کفن و دفن او ده هزار روپیه داد و موقتا او را در لاهور دفن کردند. یکسال و اندی بعد جنازه‌اش را به اکبرآباد برده و در ضلع غربی مقبره همسرش (تاج محل) دفن کردند. به دستور شاه جهان مرقدی برایش ساختند که سی هزار روپیه هزینه داشت و برای مخارج مقبره، دهی وقف کرد که سالانه سه هزار روپیه درآمد داشت. مولف شاه جهان نامه از او به «رابعه‌ی دوم» نام برده و برخی تذکره‌ها اسم او را نیز ستی خانم نوشته‌اند.[۱]

(وف ۱۰۵۶)، پزشک و ادیب. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی ملک‌الشعرای دربار جهانگیر پادشاه بابری هند بود. در سال ۱۰۳۴ ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد. وی به دلیل کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان واقع شد و به درجه‌ی مهرداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آراء بیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم درگذشت شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش کرد. ستی خانم بعد از درگذشت برادرزاده‌ی کوچک که در اثنای وضع حمل درگذشت بر اثر اندوه زیاد خود نیز دار فانی را وداع گفت وی به دستور شاه جهان در ضلع غربی مقبره‌ی

همسرش دفن شده است و بعدها به دستور شاه جهان مقبره‌ای برایش ساختند.[۲]

خواهر طالب آملی (ف. ۱۰۳۶ ه.ق./ ۱۶۲۶ م.). وی پس از مرگ برادر سرپرستی فرزندان او را بر عهده داشت. منظومه «طالبا» (ه.م.) را که به لهجه طبری است بدو نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: پادشاهنامه، ۶۳۰ / ۶۲۸ / ۳؛ شاه جهان‌نامه، ۷۷ / ۲؛ کاروان هند، ۷۷۲ –۷۷۰ / ۱؛ میخانه، ۵۰۹؛ نزهةالخواطر، ۱۶۱ / ۵.

[۲] تذکره‌ی میخانه (۵۰۹)، کاروان هند (۷۷۲ –۷۷۰/ ۱)، مشاهیر زنان (۱۲۲ –۱۲۱).

سجادی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب.

تولد: ۱۲۹۸، مشهد.

درگذشت: ۳ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

ضیاءالدین سجادی، فرزند حاج سید مصطفی سرابی، تحصیلات مقدماتی، دبیرستان و دانشسرای مقدماتی را در زادگاهش گذراند و سپس در کلاس‌های دبستان و اول دبیرستان به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۴ با کسب رتبه‌ی نخست، موفق به گرفتن درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد. در سال ۱۳۳۴ دکترای این رشته را از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران گرفت. در سال ۱۳۳۵ به خدمت آن دانشگاه درآمد. در دوران خدمتش در مراکز مختلف آموزش عالی تدریس کرد و پس از بیست و سه سال خدمت در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد. وی عضو شورای نویسندگان برنامه‌های انتشارات رادیو بود و تهیه و اجرای برناه‌های ادبی و مذهبی در رادیو ایران را به عهده داشت. به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی نیز آشنا بود. از آثارش: تصحیح و تعلیق دیوان خاقانی شروانی (تهران، ۱۳۳۸)، تصحیح و تعلیقات مجموعه نامه‌های خاقانی شروانی (تهران، ۱۳۴۶)، شرح قصیده‌ی مسیحیت (از شمس‌الدین محمود لاهیجانی، تهران، ۱۳۵۱)، در مکتب استاد (گفتارهایی درباره‌ی زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۴۵)، کوی سرخاب تبریز و مقبرةالشعراء (تهران، ۱۳۵۴)، سخنان گزیده درباره‌ی فردوسی و شاهنامه (تهران، ۱۳۵۴)، انسان در قرآن کریم (تهران، ۱۳۶۰)، شرح احوال و آثار ابن عمید (تهران، ۱۳۶۶)، تصحیح و شرح مثنوی ختم‌الغرائب خاقانی (تهران، ۱۳۴۳)، دیباچه‌نگاری در ده قرن (تهران، ۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف (تهران، ۱۳۷۲)، گزیده‌ی اشعار خاقانی (همراه با شرح، تهران، ۱۳۵۲)، گزیده اشعار سنایی با مقدمه و توضیحات (تهران، ۱۳۴۸)، مباحث و دستوری فرهنگ لغات قرآن (تهران، ۱۳۵۸)، سیری در اندیشه و شناخت (تهران، ۱۳۶۶). وی با همکاری مؤلفان دیگر، یک دوره کتاب فارسی و دستور و تاریخ ادبیات فارسی را به رشته‌ی تحریر درآورد (تهران، ۱۳۳۵)، مبحث شرح حال شاعران در کتاب‌های کارنامه‌ی بزرگان ایران (۱۳۴۰) و فرهنگ امیر کبیر نیز از دیگر کارهای اوست. وی همچنین مقاله‌هایی در موضوع‌های ادبی، تاریخی و مذهبی در مجله‌ها و نشریات مختلف و از جمله در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران» به چاپ رسانید. آخرین اثری که از وی منتشر شد، دو جلد فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی است.

دکتر سید ضیاءالدین سجادی بر اثر یک عارضه‌ی قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی در بیمارستان دی در تهران درگذشت و پیکر

وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سجاوندی غزنوی، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۰ ق)، مفسر، قاری، فقیه حنفی، ریاضیدان و شاعر. وی از دانشمندان و عالمان بزرگ قرن ششم هجری است که با سلطان سنجر سلجوقی معاصر بود و آثار بسیار ارزشمندی در تفسیر و علوم دینی تالیف کرد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود، اشعار چندی نیز از وی در تذکره‌ها نقل است. از جمله آثارش: «انسان عین المعانی» در تفسیر و مختصر آن «عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی»؛ «ذخایر الثمار فی اخبار السید المختار»؛ «التفسیر»؛ «الایضاح فی الوقف و الابتداء»، در مجلدی بزرگ که دلیل تبحر سجاوندی در علم قرآن است؛ «علل القراآت»، در چند مجلد؛ «غرائب القران»، در تفسیر لغات مشکل آن؛ «السراجیه» «یا فرائض سجاوندیه»، که شرحهای بسیاری بر آن نوشته شده و مشهورترین آنها «شرح سید شریف جرجانی» است؛ «التجنیس»، در حساب و ریاضیات. در منابع مختلف، کنیه و لقب او چون نام و نام پدرش محل اختلاف است و به صورتهای مختلف ابوعبداللّه، ابوطاهر، مجدالدین و سراج‌الدین ذکر شده است.[۱]

ابوالفضل محمد بن ابویزید طیفور عزنوی، از دانشمندان علم قرائت در قرن ششم (ف. ۵۶۰ ه.ق.). از آثار معروف وی کتاب وقوف است در شرح موادر وقف در قرآن، کتاب الوقف و الابتداء در شرح انواع وقف، کتاب الموجز در شرح بعض انوع وقف، کتاب انسان عین المعانی در تفسیر سبع المثانی، نسخ همه کتابهای مذکور در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۴۸/۷)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۲۷۵ -۱۲۷۴ /۱)، الذریعه (۳۱/۱۶)، ریاض العارفین (۱۷۴)، ریحانه (۴۴۳ -۴۴۲ /۲)، کشف الظنون (۱۱۸۲، ۸۵۲، ۳۵۳)، الکنی و الالقاب (۳۰۸/۲)، لباب الالباب (۲۸۳ -۲۸۲ /۱)، لغت نامه (ذیل/ سجاوندی و احمد)، معجم المؤلفین (۲۳۳/۱۱، ۱۱۲/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۷۸/۳)، هدیه الاحباب (۱۴۸)، هدیه العارفین (۱۰۶/۲).

سجستانی، ابوحاتم سهل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۵ -۲۴۸)، نحوی، لغوی، قاری، محدث و شاعر. وی شاگرد ابوزید انصاری و ابوعبیده بن مثنی و اصمعی و ابوعامر عقدی و دیگران بود. او قرآن را از یعقوب حضرمی فراگرفت. «کتاب» سیبویه را دو مرتبه بر اخفش خواند. در زمره‌ی شاگردانش از ابن‌درید و ابوالعباس مبرد یاد شده است. رشته‌ی اصلیش آثار شاعران قدیم و اصطلاحات و عروض و لغت و غرائب و علوم قرآنی بود. محدثینی چون ابوداوود و نسایی در «سنن» خود و ابوبکر بزاز در «مسند» خود و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند بطوری که هر روز دیناری به تصدق می‌داد و هر هفته قرآنی ختم می‌کرد. وی شعر را نیکو می‌سرود. دارای سی و هفت کتاب است که از آن جمله: «اعراب القران»؛ «اختلاف المصاحف»؛ «الاضداد»، کتاب «المعمرین من العرب»؛ «ما یلحن فیه العامه»؛ «المقصور و الممدود»؛

«المقـاطع و المبـادی»؛ «القراآت»؛ «الفصـاحه»؛ کتـاب «خلـق الانسـان»؛ «المـذکر و المونث»؛ کتـاب «الطیر»؛ «الوحوش»؛ «الحشـرات»؛ «النبات»؛ «النخله»؛ «الشوق الی الوطن».[۱]

(ع. سیسـتانی) ابوحاتم سـهل بن محمد بن عثمان بن یزید جشمی، عالم لغوی، نحوی و مقری (ف. ۲۵۵ ه.ق./ ۸۶۴ م.). او در بصره میزیست و از علـوم قرآنی و عروض اطلاـع وافی داشت. الکتـاب سـیبویه را نزد اخفش آمـوخت و از اصـمعی و ابویزیـد انصـاری و ابوعبیـده معمر بن مثنی روایات بسـیار در لغت و اقسام ادب دارد. ابن دریـد و مبرد شاگرد اوینـد. او راست: کتاب الشـمس و القمر، کتاب فی النحو، کتاب الشوق الی الوطن، کتاب الوصایا، کتاب مایلحن فیه العامهٔ، کتاب الطیر، کتاب المذکر و المؤنث. (سهل)

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۱۰/۳)، ایضاح المکنون (۳۵۱ ،۳۵۰ ،۳۴۲، ۳۲۲، ۳۰۷، ۲۹۲ ،۲۹۰ ،۲۸۹ ،۲۸۵ ،۲۶۲ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴/۱)، تهـذیب التهذیب (۲۳۴ -۲۳۳ /۴)، الجرح و التعـدیل (ج ۲، ق ۲۰۴/۱)، دانشـنامه‌ی ایران و اسـلام (۱۰۲۲/۸)، روضات الجنات (۹۰ -۸۸ /۴)، ریحانه (۴۴۴ -۴۴۳ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۱۰۳ -۱۰۲ /۱)، سیر النبلاء (۲۷۰ -۲۶۸ /۱۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۰۰)، کشـف الظنون (۱۷۸۱، ۱۵۷۷، ۱۴۶۹، ۱۴۶۶، ۱۴۶۲، ۱۴۵۷، ۱۴۵۴، ۱۴۵۲، ۱۴۵۲، ۱۴۴۹، ۱۴۴۶، ۱۴۳۹ ، ۱۴۳۶ ،۱۴۲۹، ۱۴۲۳، ۱۳۸۸، ۱۳۸۷، ۱۳۸۳، ۱۱۸۹، ۱۲۳، ۱۱۵، ۳۳)، الکنی و الالقـاب (۴۵ -۴۴ /۱)، لغت نـامه (ذیل/ ابوحاتم)، معجم الادباء (۲۶۵ -۲۶۳/۱۱)، معجم المؤلفین (۲۸۶ -۲۸۵ /۴)، وفیات الاعیان (۴۳۳ - ۴۳۰ /۲).

سخنور، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی زبان و ادبیات انگلیسـی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۸، کارشناسـی ارشد زبان و ادبیات انگلیسـی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۱، دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه لیل در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

تدریس دروس تخصصی ادبیات انگلیسی در دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات انگلیسی، طرح هنر نمایش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات نمایشی، فنون و صناعات ادبی و نقد ادبی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

نظریه‌پردازی در ترجمه، نقد ادبی، نمایش و تاریخ ادبیات انگلیسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سدهی اصفهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۸ ق)، عالم دینی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ضیائی. معروف به حاج آقا بزرگ. نسبش به محمد دیباج، فرزند امام جعفر صادق (ع) می‌رسد. وی شاگرد سید میرزا محمدهاشم چهار سوقی و آقا نجفی و جمعی دیگر از علما بود. علاوه بر فقه و اصول در حکمت و نجوم و ریاضیات و طب و علوم غریبه تبحر داشت. شعر را نیز نیکو می‌سرود. او امام جمعه‌ی سده اصفهان بود. در سن نود و چهار سالگی درگذشت و در انتهای شبستان مسجد جامع فروشان سده دفن شد. از او آثاری در علوم گوناگون باقی مانده، و در «اخلاق» و «تقلید» و «فقه» و «معاملات» و «طب» و «ختوم و ادعیه» و «مقتل» رساله‌هائی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۳۸ -۴۳۷)، ریحانه (۴۵۴ -۴۵۳ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۴۱/۱۴).

سرباز بروجردی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به سرباز. اصلش از خرم‌آباد فیلی بود. به مناسبت آن که در بروجرد تولد و تمکن یافت به بروجردی مشهور شد و چون در فوج نظام صاحب منصب بوده، تخلص سرباز را برای خود برگزید. در انواع شعر دست داشت و دیوانی در مراثی به نام «اسرار الشهاده» از او بازمانده که دو مرتبه در تبریز چاپ شده است، «دیوان» اشعارش قریب پنج هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۵۴ -۷۵۳ /۱)، الذریعه (۴۶/۲)، ریحانه (۱۰/۳)، سفینه المحمود (۳۷۲/۱)، المآثر و الآثار (۲۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۵/۱)، مصطبه‌ی خراب (۷۷ -۷۶).

سرخسی ابوالعباس، احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۸۶ ق)، فیلسوف، حکیم، عالم، ادیب و شاعر. معروف به ابن الفرائقی. از درخشانترین چهره‌های حکمت و از بهترین شاگردان اسحاق کندی، فیلسوف نامدار عرب بود. وی در علوم مختلف فلسفه ریاضیات، نجوم، طب، موسیقی، منطق و کیمیا و جغرافیا و تاریخ، حدیث و شریعت، دارای فرهنگ و آگاهی ژرف بود. سرخسی در اول کار معلم معتضد، شانزدهمین خلیفه‌ی عباسی بود. لیکن، علی رغم این که معلم معتضد و رفیق و مشاور او بود، طولی نکشید که به اتهام الحاد کار به قتل سرخسی انجامید و نیز گفته شده که وی در اثر بی دقتی و سبکسری معتضد کشته شد. در علم نحو و شعر نیز یگانه بود. از احمد برقی روایت کرد و احمد بن اسحاق ملحمی و محمد بن ابی‌هراز از او روایت کرده‌اند. ابن ابی‌اصیبعه متجاوز از ۵۰ کتاب و رساله از او نام می‌برد که از آن جمله است: «ادب النفس»؛ «موسیقی الکبیر»؛ «المدخل فی الطب»؛ «اختصار کتاب باری ارمینیاس»؛ «اختصار کتاب انالوطیقاالاولی»؛ «اختصار کتاب آنالو طیقاالثانیة»؛ «کتاب النفس»؛ «کتاب الاغشاش و صناعة الحسبة الکبیر اللهو» و «لهو و ملاهی»؛ «کتاب فی وصایا فیثاغورس»؛ «کتاب نزهة الفکر الساهی»؛ «کتاب السیاسة الصغیر»؛ «کتاب المدخل الی صناعة النجوم»؛ «کتاب المسالک و الممالک»، «النوم و الرویا» و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۷ /۱)، تاریخ بغداد (۱۳۹ /۵)، تاریخ الحکماء قفطی (۱۱۱ -۱۱۰)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۶۴ -۶۰)، سیر النبلاء (۴۴۹، ۴۴۸ /۱۳)، فلاسفه شیعه (۱۵۵ -۱۴۹)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۷۳ -۴۷۲)، کشف الظنون (۱۹۴۷، ۱۶۶۴، ۱۶۱۳، ۱۶۴۲، ۱۴۷۰، ۱۴۶۸، ۱۴۶۷، ۱۴۶۵، ۱۴۵۴، ۴۹)، معجم المؤلفین (۱۵۷ /۲)، الملل و النحل (۳۶۶ -۳۶۵)، الوافی بالوفیات (۸ -۵ /۷)، مجمع الفصحا (۲۱۷ /۱)، معجم الادباء (۱۰۲ - ۹۸ /۳)، لسان المیزان (۱۸۲ -۱۸۹ /۱).

سردار اسعد،علیقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج علیقلی‌خان بختیاری «سردار اسعد»، در ۱۲۴۷ ه.ق در چهارمحال بختیاری متولد شد. وی پسر سوم حسینقلی‌خان هفت‌لنگ ایلخانی بختیاری است که در سال ۱۲۹۹ ه.ق به دست مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ناصرالدین‌شاه حکمران اصفهان، کشته شد.

علیقلی‌خان دوران کودکی و جوانی را طبق یک خانواده گذرانید و مقدماتی از ادبیات را قرار گرفت و در سواری و تیراندازی سرآمد اقران شد. پس از کشته شدن پدرش، مدتی در زندان ظل‌السلطان به سر برد تا با مساعدت میرزا علی‌اصغر خان اتابک از زندان آزاد و به تهران وارد شد و با رتبه و مقام سرتیپی، فرماندهی عده‌ای از سواران پایتخت به او واگذار گردید. در ۱۳۱۳ مدت چهل روز تا ورود مظفرالدین میرزا به تهران، حفاظت کاخ گلستان به عهده‌ی علیقلی‌خان بود و اتابک ماموریتهای دیگری نیز به او واگذار می‌نمود. پس از کنار رفتن ظل‌السلطان از حکومت اصفهان، سردار اسعد گاهگاهی به بختیاری می‌رفت و امور مربوط به ایل را سرکشی می‌نمود. در ۱۳۲۱ پس از فوت برادرش اسفندیارخان، به او از طرف مظفرالدین شاه لقب سردار اسعدی داده شد.

سردار اسعد غالبا از آن تاریخ در اروپا می‌زیست و به مطالعه و مجالست با فضلاء و دانشمندان اشتغال داشت.

در جریان مشروطیت ایران و دوران سلطنت محمدعلی شاه، سردار در اروپا بود ولی در استبداد صغیر به ایران آمد و با دوهزار از سواران بختیاری به اصفهان وارد شد و پس از آنکه اصفهان به تصرف او درآمد، به سمت تهران روانه گردید و پس از چند روزی توقف در قم، به تهران نزدیک شد و با توافقی که قبلا با سپهدار تنکابنی نموده بود، اردوی سپهدار تنکابنی و سردار اسعد در یک روز به هم رسیده و به یکدیگر پیوستند و روز جمعه ۲۷ جمادی‌الاخر ۱۳۲۷ وارد تهران گردیدند. قوای قزاق تاب مقاومت نیاورد و

در زدوخورد کوتاهی تسلیم شدند و قوای بختیاری و سپهدار، تهران را فتح نمودند و از این نظر است که به سردار اسعد و سپهدار، در فاتح تهران می گویند.

لیاخوف فرمانده قزاق و حاکم نظامی تهران، تسلیم خود را اعلام نمود و محمدعلی شاه در سفارت روس در زرگنده تحصن اختیار کرده، و روز ۲۸ جمادی مجلسی مرکب از علماء و وزراء و اعیان و وکلای سابق و تجار، در بهارستان منعقد گردید. محمدعلی میرزا از سلطنت خلع و احمدمیرزای دوازده‌ساله را به نام سلطان احمدشاه قاجاریه سلطنت اعلام نمودند. در همان جلسه، علیرضاخان عضدالملک به نیابت سلطنت و محمد ولی‌خان سپهدار تنکابنی به وازرت جنگ و حاجی علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری به وزارت داخله انتخاب شدند.

در کابینه‌ای که سردار اسعد وزیر داخله بود، مستوفی و ناصرالملک و صنیع‌الدوله و سردار منصور عضویت داشتند و کابینه بدون سرپرست بود. در دوران این کابینه حوادث مهمی در ایران به وقوع پیوست. تشکیل محکمه‌ی انقلابی و اعدام عده‌ی زیادی از رجال مانند حاج شیخ فضل‌الله نوری و مفاخرالملک در این دوره صورت گرفت.

سردار اسعد برای اینکه به وضع وزارت داخله سر و صورتی بدهد، میرزا احمدخان قوام‌السلطنه را به معاونت خود برگزیده و سازمانی برای آن وزارتخانه به وجود آورد. در تاریخ ۹ مهر ۱۲۸۸ سپهدار تنکابنی به نخست‌وزیری رسید و سردار اسعد همچنان وزیر داخله کابینه بود. در آذر همان سال کابینه‌ی سپهدار ترمیم شد. سردار باز در راس وزارت داخله باقی بود. در ۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۹ در کابینه‌ی سوم و چهارم سپهدار، مرحوم سردار اسعد به وزارت جنگ رسید.

پس از مرگ عضدالملک نایب‌السلطنه، سردار اسعد کاندیدای نیابت سلطنت بود و در مجلس طرفدارانی داشت. لیکن ناصرالملک مورد توجه قرار گرفته و این منصب را احراز نمود. سردار از آن تاریخ مستقیما در کارها وارد نشد ولی در تمام کابینه‌ها نظر سردار ملحوظ می گردید و عده‌ی زیادی از سران بختیاری به توصیه‌ی سردار اسعد به مقام وزارت و حکومت رسیدند. در قیام مجدد محمدعلی شاه و سالارالدوله، سردار اسعد و ایل بختیاری نقش مهمی داشتند. سردار اسعد در سال ۱۳۳۷ درگذشت و با تشریفات نظامی او را در اصفهان به خاک سپردند. پس از فوت او فرزندش جعفرقلی‌خان سردار بهادر لقب سردار اسعد گرفت. سردار اسعد از افرادی بود که اهل علم را تشویق و ترغیب می‌نمود و به هزینه‌ی شخصی خویش، چندین کتاب را ترجمه و چاپ کرد. تحریر تاریخ بختیاری به توصیه‌ی او بوده است.

(حاج) علیقلی‌خان از رؤسای معروف بختیاری (و. ۱۲۷۴- ف. تهران ۱۳۳۶ ه.ق.). لقب سردار اسعدی را ابتدا برادر بزرگتر او- یعنی اسفندیار خان- داشت و پس از فوت اسفندیار خان، این لقب بدو داده شد. وی مشروطه خواه و یکی از دو فاتح مشهور تهران در عهد محمدعلی شاه قاجار و مظهر اخلاق نیک بود. پس از فوت او لقب سردار اسعد به پسرش جعفرقلی خان- که ابتدا سردار بهادر لقب داشت داده شد.

(۱۲۹۶ -۱۲۳۶ ش)، مترجم. در اصفهان به دنیا آمد، یکی از روسای معروف بختیاری و یکی از دو فاتح مشهور تهران در عهد محمدعلی‌شاه قاجار بود. مدتی در اصفهان در زندان ظل‌السلطان بود، سپس به کمک میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان از زندان خلاص شد و به تهران آمد، به پاریس رفت و مدتی در آن شهر مقیم بود. سپس به اصفهان رفت و نهایتا به تهران برگشت. در زمان حیات چند بار به نمایندگی مجلس شواری ملی و وزارت رسید. وی در تهران وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان دفن شد. از جمله ترجمه‌های او: «بولینا- غاده الانگلیس»؛ «پل و ورژینی»؛ «تاریخ حمیدی- سلطان عبدالحمید عثمانی»؛ «دختر فرعون»؛ «دیل گابریل»؛ «روکامبول»؛ «شرح حال هانری سوم»؛ «عشاق پاریس»؛ «ماد موازل مارگریت»؛ «هرمس مصری»؛ «سفرنامه‌های برادران شرلی»؛ «ترجمه عهدنامه‌ی حضرت امیر». کتاب «تاریخ بختیاری» از تالیفات اوست.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۱۰۸۴ –۱۰۷۷/ ۵)، تاریخ برگزیدگان (۲۰۰ –۱۹۸)، تذکره القبور (۱۳۲ –۱۳۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۶ –۲۷۵/ ۱)، شخصیتهای نامی (۱۰۱ –۹۹)، شرح حال رجال (۴۵۱ –۴۴۸/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۴–۵۷۱/ ۴)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۱ –۹۹).

سرکاراتی، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : بهمن سرکاراتی (۱۳۱۶ ـ تبریز) و دارای دکتری زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی است.وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب واستاد و مدیر گروه رشتهٔ زبان‌های باستانی در دانشگاه تبریز است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

گرایش : زبان‌های باستانی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : – لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز ۱۳۳۹ – دکترای زبان شناسی و زبان های باستانی از دانشگاه تهران ۱۳۴۹

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – مدیر گروه رشتهٔ زبان‌های باستانی ، دانشگاه تبریز – استاد زبان شناسی و ادبیات فارسی دانشگاه های تهران، مشهد و تبریز – عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و زبان فارسی دانشگاه تبریز – محقق برجسته زبان و ادیان باستانی ایران زمین – عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی

آثار :

۱ اسطور ?بازگشت جاودانی

ویژگی اثر : ترجمه–۱۳۷۸

۲ اوستا و هنر نو

ویژگی اثر : تالیف

۳ دین ایرانی بر پای ?متن‌های معتبر یونانی

ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۷۷

۴ سایه‌های شکارشده

ویژگی اثر : (شامل ۲۰ مقاله)، ۱۳۷۸

۵ کارنام ?شاهان در روایات سنّتی ایران

ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۵۰ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سرور شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، طبیب، ادیب و شاعر، متخلص به سرور. در شیراز متولد شد. پزشکی حاذق بود و در فنون عربی و ادبی استاد. «قانون» شیخ‌الرئیس را درس می‌گفت و شعر را نیکو می‌سرود. کتاب «رشحات الفنون» در ادبیات تالیف او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۱۶)، الذریعه (۴۴۳-۴۴۲ /۹)، ریحانه (۱۹-۱۸ /۳).

سرور، مولائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سروری کاشانی، محمد قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۶ ق)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به سروری. وی در اصفهان می‌زیست و در آن شهر با جهانگرد مشهور ایتالیایی پیترو دلاواله دیداری داشته. در سال ۱۰۳۲ ق به هند مسافرت کرد. دربار شاه جهان را درک کرد. سپس به زیارت کعبه رفت و در راه درگذشت. از آثارش «مجمع الفرس»/ «فرهنگ سروری»/ «لغت فرس سروری» است که ابتدا نوشته‌ای ساده و کوتاه بوده که حاجی خلیفه از آن به عنوان «سهل و مختصر» یاد کرده است ولی بعد از تفحص در آثار شاعران قدیم و یاری جستن از شانزده فرهنگ پارسی به سال ۱۰۰۸ ق کتاب خود را به نام شاه عباس تدوین کرد. سروری تحریر سومی از «مجمع الفرس» فراهم کرد و آن را «خلاصه المجمع» نامید و به نام اعتمادالدوله حاتم بیک وزیر شاه عباس پرداخت. از وی اشعاری نیز در دست است.[۱]

محمدقاسم بن (حاج) محمد کاشانی متخلص به سروری نویسنده و شاعر قر. ۱۱ ه. پدرش کفشدوز بود و خود نیز در جوانی در رشه چخشور دوزان اصفهان بود و سپس روی به تحصیل دانش نهاد و به سبب حافظه بسیار قوی و دقت و مهارت در صف اهل فضل درآمد. به قول صاحب عرفات العاشقین حدود سی هزار بیت از اشعار متقدمان و متأخران در حفظ داشت. کتاب لغت فارسی او به نام «مجمع الفرس» معروف است و آن به طبع رسیده (مجمع الفرس.)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]اعیان الشیعه (۴۱/۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۴-۳۸۰ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۸-۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۱)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۲۹۰/۱)، الذریعه (۳۸-۳۷ /۲۰، ۴۴۳ /۹)، ریحانه (۱۹/۳)، سرآمدان فرهنگ (۴۵۱/۱)، صبح گلشن (۲۰۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۶-۲۶۵)، فرهنگ سخنوران (۴۵۰)، فرهنگهای فارسی (۱۳۲-۱۲۴)، کاروان هند (۵۵۴-۵۵۰ /۱)، کشف الظنون (۱۵۵۸)، لغت نامه (ذیل/ سروری)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۴/۴).

سعادت، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل سعادت زبان شناس و مترجم آثار فلسفی در سال ۱۳۰۴ در خوانسار متولد شد. در سال ۱۳۲۲ راهی گلپایگان و سپس عازم تهران شد و در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته زبان فرانسه و انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. سعادت مدرک کارشناسی ارشد زبان شناسی خود را در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه تهران گرفت .سعادت عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال ۷۸ و مدیر دانشنامه زبان و ادب فارسی می باشد. درسال ۱۳۸۶ به عنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشان درجه یک دانش به ایشان اهدا شد. کتاب " در آسمان "ترجمه اسماعیل سعادت ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

والدین و انساب : پدر اسماعیل سعادت احتمالا هنگامی که او در حدود شش سال سن داشت فوت کرده است .

خاطرات کودکی : اسماعیل سعادت به نقل ازدوران کودکی بیان می دارد : یادم می آید که یک روز صبح که به مکتب می رفتم ،در را ه به چند تا از بچه های هم سن و سال خودم برخوردم که بازی می کردند . من بی اختیار در بازی آنها شرکت می کردم و آن قدر از این کار لذت می بردم که کیفم را در سوراخی دردیوار باغی کنار کوچه پنهان می کردم .ظهرکه شد کیفم رابرداشتم و به خانه رفتم . دو سه روزی کارم این بود تا اینکه یکی از بستگان نزدیکم مرا در راه دید . توجه گریز پایی من شد ، مرا به مکتب برد و آهسته درگوش معلم چیزی گفت و پیدا بود که سفارش کرد که تقصیر مر انادیده بگیرد . به پدرم هم که مرد سختگیری بود چیزی نگفت . ولی همین باعث شد که سال تحصیلی بعد مرا به دبستان دولتی بردند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل سعادت که تحصیلات مکتبی داشت تحصیلات رسمی خودرا از کلاس دوم ابتدایی شروع کرد که دراین زمان هشت ساله بوده است . او در سیزده سالگی دوران ابتدایی را به پایان رسانید و کلاس اول و دوم دبیرستان را درخوانسار مشغول شده و درهر دو سال شاگرد اول شده است لیکن سال سوم دبیرستان در خوانسار دایر نشده واو بلاتکلیف ماند . وی بعدا به اصفهان رفته و در دبیرستان حکیم نظامی ثبت نام کرد و آن سال تحصیلی را دراصفهان گذرانید و سال بعد درگلپایگان دردانشسرای مقدماتی ثبت نام کرده و آنجا نیز شاگرد اول شد . وی سال بعد رابا راهنمایی دکتر مشایخ فریدنی دردانشسرای تهران ثبت نام کرد و در سال تحصیلی۲۴-۱۳۲۳ از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ التحصیل شده و در سال دوم تدریس خود در تهران توانست به دانشگاه برود و دررشته زبان و ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۱ فارغ التحصیل شد . وی سال بعد که رشته زبانشناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دایر شد ، ثبت نام کرده و ادامه تحصیل داد لیکن درسال آخر تحصیلی بورس از طرف یونسکو به او داده شد و او به فرانسه رفت و این وقفه درتحصیل ، ترک تحصیل محسوب شده و او نتوانست تحصیلات خود را به پایان برساند .

خاطرات و وقایع تحصیل : اسماعیل سعادت که در مکتب درس خوانده بود تعریف می کند که در مکتب رسم بود که وقتی شاگردی مثلا رخصت می گرفت یعنی از ملا اجازه می گرفت که آن روز بچه ها تعطیل باشند .یکی از شیرین ترین روزهای سعادت و دوستانش همین رخصتهابود که به عده شاگردها و به تناسب ارتقای تحصیلی آنها تکرار می شد .

فعالیتهای ضمن تحصیل : اسماعیل سعادت درضمن تحصیل دانشگاهی ، تدریس هم می کرد .او می بایست هجده ساعت در هفته تدریس می کرد .

استادان و مربیان : آقا شیخ محمد باقر مهدوی در دوران دبیرستان و دبستان معلم فارسی و عربی اسماعیل سعادت بوده است که تشویق هایش در توفیق های تحصیلی اسماعیل خیلی موثر بوده و سعادت همیشه او را به یاد داشته و از وی به نیکی یاد می کند . دکتر بروخیم ،عیسی سپهبدی ،خانم نفیسی .خانم پاکروان و مادام رهاوی نیز استادان سعادت در دوران دانشگاه بودند . آقا شیخ محمد حسن رفیعی یک معلم روحانی بود که اسماعیل سعادت در تعطیلات تابستان پیش او به تحصیل می پرداخت . اسماعیل پیش وی گلستان سعدی و نصاب صبیان را آموخته است .

هم دوره ای ها و همکاران : بیشتر همکلاسی های ابتدایی اسماعیل سعادت ترک تحصیل کردند و دنبال کسب و کار پدرشان رفتند . اصولا در آن زمان تا آنجا این فکر غالب بود که هر پسری پس از یاد گرفتن خواندن و نوشتن و حساب کردن ،باید همان شغل پدرش را دنبال کند . از این الحاظ بزرگتر های اسماعیل نیز اختیار او را داشتند و از قضا آنهامخالف تحصیلات اسماعیل بودند .سعادت در دوران دانشگاه با کسانی چون ابوالحسن نجفی ،هوشنگ اعلم و عبد الله توکل همدوره بوده است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل سعادت زمانی که درسال ۱۳۲۴ از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ التحصیل شد به شغل آموزگاری در تهران مشغول شد و در سال ۱۳۳۱ که تحصیلات دانشگاهی را به پایان رسانید از آموزگاری به دبیری ارتقاء یافت . سعادت دربنگاه ترجمه و نشر کتاب هم فعالیت داشته و ویرایش کتابها را برعهده داشته است .او درموسسه فرانکلین هم فعالیت داشته است . به طور کلی اسماعیل سعادت حدود هفت سال دربنگاه ترجمه و نشر کتاب کارکرد و بعد از آن هم مدتی در اداره مجله راهنمای کتاب با آقای ایرج افشار ، مدیر مجله همکاری داشت . سپس به انتشارات فرانکلین رفته و بعد از آن نیز در مرکز تهیه مواد خواندنی برای نو سوادان به سرپرستی ایرج جهانشاهی مشغول به فعالیت شده است . او عهده دار سر دبیری مجله پیک دانش نیز بوده است و درهمان وقت معاون انتشاراتی مرکز تهیه موا د خواندنی برای نو سوادان بود . سعادت ویراستاری و سر دبیر مجله معارف نیز می باشد که از سوی مرکز نشر دانشگاهی چاپ می شود .وی عضو شورای عالی و ویرایش زبان فارسی صدا و سیما بوده است. او به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در سال۱۳۷۷ انتخاب شده و در آن میان ، مدیریت دانشنامه زبان و ادبیات فارسی به او محول شده است .

فعالیتهای آموزشی : اسماعیل سعادت بیشتر درموردویرایش و ترجمه فعالیت کرده است . نقل می کند ویرایش از جهت فعالیت ذهنی جدا از ترجمه نیست ، مترجم خوب می تواند ویراستار خوبی هم باشد و بالعکس . چون از نظر نوع کار ، چندان تفاوتی با هم ندارند مثلا وقتی که متنی راویرایش می کنند ، آن را جمله به جمله با متن اصلی مقابله می کنند . یعنی هر مرحله متن را که می خوانند اول در ذهن خودتان آن را ترجمه می کنند ،بعد ترجمه ذهنی خود را با ترجمه متر جم مقایسه می کنند و اگر تفاوتی باشد درجمله متر جم تصرف می گردد .

آرا و گرایشهای خاص : اسماعیل سعادت درمورد توجه معتقد است که ترجمه سه رکن اساسی دارد و متر جم باید بر این سه رکن مسلط باشد تا بتواند خوب ترجمه کند ،یکی زبان مبدا است ،دیگری زبان مقصد است و سوم موضوع متنی که باید ترجمه شود . تسلط بر زبان مبدا وموضوع زودتر و آسان تر حاصل می شود تاتسلط برزبان مقصد . در تر جمه متون ادبی و به طور کلی متون مربوط به علوم انسانی ،مترجم باید با روح زبان مادری خود خوب آشنا باشد و شم زبانی کافی داشته باشد و متون ادبی زبان مادری خودرا بسیار خوانده باشد تا بتواند دقایق متن زبان مبدا را که دریافته است به زبان مادری خود منتقل کند . دردانستن زبان مبدا فهم زبان و آگاهی از دقایق آن لازم است ام در برگرداندن این دقایق به زبان مادری ،علاوه بر آن ،خلاقیت هنری هم لازم است یعنی ذهن باید بیشتر از فعالیتی که برای ادراک چیزی لازم است فعالیت کند وبه جولان در بیاید تا بتواند چیزی را که در

عالم خارج نیست هست کند . آن هم به گونه ای که اهل زبان مقصد بتوانند معنی متن رابه همان خوبی که اهل زبان مبدا می فهمند ،بفهمند . اسماعیل سعادت به ترجمه آثار کلاسیک فلسفی مانند آثار ارسطو علاقه خاصی دارد چون او آن آثار ر ابا فلسفه اسلامی مرتبط می داند و مقصد است که فلاسفه اسلامی درتفکر است فلسفی شان به آثار آنها نظر داشته اند .

جوائز و نشانها : - برنده جایزه بهترین ترجمه به خاطر ترجمه کتاب « میکل آنژ» در سال ۱۳۳۴ و در همان سال مجله سخن که بنیانگذارش پرویز خانلری بود، جایزه ممتاز خود را به این کتاب اهدا کرد. - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۴به خاطر کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۸ به خاطر کتاب در کون و فساد ارسطو - دریافت نشان درجه یک دانش بعنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی درسال ۱۳۸۷ - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره نوزدهم کتاب سال به خاطر ترجمه کتاب " در آسمان "

چگونگی عرضه آثار : چاپ و انتشار جلد دوم دانشنامه زبان و ادب فارسی، عضویت پیوسته در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فعالیت در پروژه فرهنگ آثار اسلامی از جمله برنامه‌های اسماعیل سعادت است. - ترجمه و تالیف و ویرایش مقالات مجله های پیک در سالهای خدمت در مرکز انتشارات آموزش - ترجمه و تالیف مقالات در مجله سخن ، راهنمای کتاب، اموزش وپرورش، نشر دانش و معارف --

آثار :

۱ ترجم ?ایزابل

ویژگی اثر : از آندره ژید

۲ ترجم ?زندگی میکل آنژ

ویژگی اثر : ترجمه،تالیف :رومن رولان

۳ ترجمه آثار میکل آنژ

ویژگی اثر : این کتاب تالیف رومن رولان است واولین ترجمه اسماعیل سعادت می باشد که در سال ۱۳۳۴ به چاپ رسید . این کتاب برنده جایزه ادبی مجله سخن که بنیانگذار آن پرویز خانلری بود شد ه و بهترین ترجمه سال ۱۳۳۴ شناخته شده است .

۴ ترجمه ابوسلیمان سجستانی منطقی او مانیست بزرگ قرن چهارم هجری

ویژگی اثر : این مقاله توسط عبد الرحمان بدوی تهیه و تدوین یافته است

۵ ترجمه اخلاق

ویژگی اثر : این کتاب تالیف جرج ادوارد مور است

۶ ترجمه از وجوه و نظائر مقاتل بن سلیمان و حکیم ترمذی تا تفسیر امام صادق (ع)

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۷ ترجمه از وولف تا کانت

ویژگی اثر : بخش اول از جلد ششم تاریخ فلسفه کاپلستون، سروش ۱۳۷۲

۸ ترجمه اسپینوزا

ویژگی اثر : این کتاب تالیف راجر سکروتن است ض

۹ ترجمه انرژی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف آیزا ک آسیمون است

۱۰ ترجمه ایزابل

ویژگی اثر : آندره ژید

۱۱ ترجمه بخشی از سیر فلسفه در جها ن اسلام

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ماجد فخری است

۱۲ ترجمه بکر زدایی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله سخن به چاپ رسیده است

۱۳ ترجمه پل نویا

ویژگی اثر : این مقاله تالیف دانیل ژیماره است

۱۴ ترجمه تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کاپلستون است و بخش اول از جلد ششم توسط اسماعیل سعادت ترجمه شده است .

۱۵ ترجمه تاریخ و فلسفه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف بریه است و شامل هفت جلد می باشد که جلد های اول و دوم و چهارم آن توسط اسماعیل سعادت تر جمه شده است .

۱۶ ترجمه تفسیر قرآنی و پیدایش زبان عرفانی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۱۷ ترجمه تفسیر قرآنی وزبان عرفانی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف پل نویا است

۱۸ ترجمه تلخکامیهای سوفی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کنتس دوسگور می باشد .

۱۹ ترجمه خیمه شب بازی درهند

ویژگی اثر : این مقاله درمجله سخن به چاپ رسیده است

۲۰ ترجمه در کون وفساد

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ارسطواست

۲۱ ترجمه درآسمان

ویژگی اثر : این کتـاب تـالیف ارسطو می باشـد .این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیـده شـد. آشـنایی با کتاب : «در آسـمان» در آسـمان/ ارسطو؛ ترجمه اسـماعیل سـعادت.- تهران: هرمس، ۱۳۷۹ . بیست و یـک، ۳۰۶ ص: مصور. واژه¬نـامه. کتابنـامه: ص [۲۹۹]- ۳۰۶. ترجمه امّهات متون فلسـفی یکی از نیازهای فرهنگی ماست. به دلیل تأثیری که فلسف ?ارسـطو در تکوین فلسف ?اسـلامی داشـته، ترجم? آثار ارسطو برای اهل فلسف ?ما بسیار ضـروری است. در آسـمان، به رغم اسـتطرادهای اجتناب ناپذیر، یکی از منظم ترین، روشن ترین و سامـان یـافته ترین رسـاله هـای مجموع ?ارسـطویی است. این رسـاله، که درمورد ویژگیهـای اجسام جهان تحت قمر و دیگر انواع تغییرات آنهـا، با اطلاعات دقیقتر در کون و فساد و کائنات جوّ، و در بخش کیهان شـناختی خود، با کتاب لامبـدای متافیزیک، کامل می شود، تصویر تمام نمایی از جهان جسـمانی به دست می دهـد. موضوع این رساله بررسـی حرکت انتقالی (حرکت مکانی) در اطلاـق آن بر موجوداتی است که کـلّ جهان هستی را تشـکیل می دهـد و مشـیِ کلّی رساله تمایز اساسـی میانِ «جهان فوق قمر»

شامل فلک ثوابت و افلاک سیارات مختلف، از یک سو، و «جهان تحت قمر» از سوی دیگر است که از زمین ما تا منطق ?بلافاصله واقع در زیر قمر امتداد می یابد. مترجم محترم، این رساله را از روی دو ترجم ?فرانسوی (ژ. تریکو و پل مورو) و یک ترجم? انگلیسی (ج. ل. استاکز) و با توجه به ترجم ?عربی آن (عبدالرحمن بدوی) به فارسی برگردانده است. البته در ترجم ?فارسی از ترجم ?فرانسوی تریکو پیروی کرده، ولی در مواردی که ترجم ?تریکو را روشن نیافته از دو ترجم ?دیگر فرانسوی و انگلیسی یاری گرفته و ترجمه ای امین و قابل اعتماد فراهم ساخته است. از امتیازات این ترجمه، یادداشتهای آخر کتاب است که مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامهای آن برپای ?ترجمه های فرانسوی و انگلیسی این رساله ترتیب داده است. مترجم در عین تقید به شیوایی و رسایی، دقت را فدای سادگی بیان نکرده و اگر گاهی تعقیدی در این ترجمه دیده می شود، به دلیل پیچیدگی متن اصلی و بیان ارسطو است. از دیگر ویژگیهای ترجم ?حاضر این است که اصطلاحات کتاب همان اصطلاحاتی است که در فلسف? اسلامی به کار رفته و مترجم معادلهای انگلیسی و فرانسوی غالب اصطلاحات را هم در پانوشت ذکر کرده است. در متنی چنین سنگین، رعایت نقطه گذاری درست یک اصل اساسی است، که مترجم این اصل را بسیار خوب رعایت کرده است. دو واژه نام? کتاب («فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی به فارسی» و «فارسی به فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی») بر فاید ?ترجمه افزوده است

۲۲ ترجمه درسایه آفتاب

ویژگی اثر : نشر دریانورد ، ۱۳۸۰

۲۳ ترجمه رسالت کتابخانه

ویژگی اثر : این مقاله تالیف آندره مورروامی باشد

۲۴ ترجمه رساله اسما الله فخررازی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژرژ قنواتی است

۲۵ ترجمه رساله دراصلاح فاهمه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف اسپینوزا می باشد .

۲۶ ترجمه رساله کتاب الصفات ابوسعید خراز

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۲۷ ترجمه زندگی ارسطو

ویژگی اثر : این مقاله توسط دیوگنس لائریتوس تالیف یافته است

۲۸ ترجمه زندگی ارسطو درآثار تذکره نویسان سریانی و عرب

ویژگی اثر : این مقاله تالیف هرمان کروست است

۲۹ ترجمه زندگی افلوطین و ترتیب و توالی رساله هایش

ویژگی اثر : این مقاله تلیف فرفوریوس است

۳۰ ترجمه زندگی و آثار تا گور

ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب به چاپ رسیده است

۳۱ ترجمه ژان غرغرو، ژان خنده رو

ویژگی اثر : کنتس دوسگور، هرمس ۱۳۸۱

۳۲ ترجمه ساختار و واژگان تجربه عرفانی

ویژگی اثر : این مقاله ترجمه پل نویا است

۳۳ ترجمه سرود نیبلو نگن

ویژگی اثر : این کتاب حماسه قوم ژرمن است

۳۴ ترجمه سیری دررساله های ابوسعید خراز

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۳۵ ترجمه شیر و جادوگر

ویژگی اثر : این کتاب تلیف سی . اس لویس می باشد

۳۶ ترجمه ظهور کرامیه درخراسان

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ادموند بوزورث است

۳۷ ترجمه عصر بدگمانی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ناتالی ساروت است ض

۳۸ ترجمه فلسفه ابو سلیمان سجستانی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف فهمی جدعان است

۳۹ ترجمه فن ترجمه انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلام

ویژگی اثر : این مقاله تالیف عبدالرحمان بدوی است

۴۰ ترجمه کشفیات نوین در روان پزشکی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کلیفورد آلن می باشد .

۴۱ ترجمه کودکان وحشی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژرژبلون است

۴۲ ترجمه گرولوس ،نخستین کتاب ارسطو

ویژگی اثر : این مقاله تالیف هرمان کروست میباشد

۴۳ ترجمه گفت و گو درباره مرگ

ویژگی اثر : این مقاله تالیف لودویک اسکنازی است

۴۴ ترجمه گوشه ای از داستان سفرهای فیلسوفان یونانی به ایران

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ماریا دزیسکا است

۴۵ ترجمه ماجرای دریفوس

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژان بلوک میشل بوده وشامل یادداشتهای روژه مارتن دوکارمی باشد

۴۶ ترجمه مرگ الیویه بکی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف امیل زولا می باشد و در مجله سخن چاپ شده است

۴۷ ترجمه مسئله اختیار در تفکر فلسفی و پاسخ معتزله به آن

ویژگی اثر : این کتاب درباره آراء معتزله درباره مساله اختیار است درتقابل با آراء مذاهب کلامی دیگر

۴۸ ترجمه مونتنی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف پیتربوک است

۴۹ ترجمه میکروبها

ویژگی اثر : این کتاب تالیف آیزاک آسیموف است

۵۰ ترجمه نظریه مثل ومسئله معرفت در فلسفه اسلامی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ابراهیم مدکور است

۵۱ ترجمه نهضت ترجمه در جهان اسلام

ویژگی اثر : این مقاله نگارش ابراهیم مدکوراست

۵۲ ترجمه وویرایش فرهنگ آثار

ویژگی اثر : این کتاب درپنج جلد می باشد

۵۳ دانشنامه زبان و ادب فارسی

ویژگی اثر : انتشارات زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴

۵۴ رای بعد از مای نکره

ویژگی اثر : این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است

۵۵ زبان فارسی،ممیز ذیروح ازغیر روح

ویژگی اثر : این مقاله درفصلنامه نشردانش به چاپ رسیده است

۵۶ کدام عذرا؟

ویژگی اثر : این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است

۵۷ یادی از حجه الاسلام غزالی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله معارف به چاپ رسیده است

۵۸ یادی از فخرالدین رازی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله معارف به چاپ رسیده است --

منابع :

iterature_verse/c۵c۱۱۸۳۲۹۲۵۴۳_esmaeel_saadat_p۱.php۲http://www.ketabnews.com/detail-۷۱۲۵-fa-۰.html۳www.ketabesal.ir۴کیمیای سعادت ، گفتگو با اسماعیل سعادت ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،سال چهارم ، شماره هفتم ،اردیبهشت ۱۳۸۰ ، پیاپی ۴۳ ، ص ۴

سعیدی زاده، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول سعیدی زاده

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

شیخ رسول سعیدی زاده فرزند طاهر از محققان و پژوهشگران مقیم مشهد در غروب آخرین روز خرداد سال ۱۳۴۴ هـش مصادف با سالروز تولد خاتم پیغمبران در یکی از محلات قدیمی شهر رشت به نام پلکو (جنب کوچه مهدیه فعلی) متولد گردید.

پدر و مادرش هر دو اهل رشت و اجدادش از حومه آنجا بودند. پدر او یک کارگر ساده و مادرش زنی زحمت کش بود، که در میانسالی به خاطر تحمل کار و سختی زیاد از حد زندگی جان بر کف نهاد و دار فانی را وداع گفت. سعیدی زاده متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر و نیز جانباز انقلاب اسلامی می باشد.

او تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در زادگاهش خواند و سپس درسال ۱۳۶۲ هـش، برای فراگیری دروس حوزوی وارد مدرسه علمیه جامع رشت شد. پس از طی دروس مقدماتی درسال ۱۳۶۶ هـ. ش، به مشهد مهاجرت و در آنجا سطح و بعد خارج فقه و اصول را به مدت شش سال متوالی خواند. هم زمان دروس مقدمات حوزوی را در مدرسه آیت الله خوئی تدریس نمود. در کنار درس های حوزه به تحصیلات دانشگاهی تمایل یافت و توانست درسال ۱۳۷۲ هـ. ش، در رشته کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش، در رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد فارغ التحصیل شود. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد او «خاندان های معروف سادات با تکیه بر خاندان علمی» است.

از جمله اساتیدی که حق بزرگی در تربیت او دارند می توان به آیات عظام شیخ محمد ازدی لاکانی، سید مجتبی رودباری، سید علی اکبر بنی هاشمی، سید حسن مرتضوی شاهرودی، سید جواد فقیه سبزواری و استاد رضا زاده نام برد.وی مسافرت هایی به کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و عربستان انجام داده که حاصل آن چند سفرنامه مکتوب است.

سعیدی زاده در کنگره های داخلی چندی از جمله مشارکت در شیراز، مسکن در اصفهان، دومین و نیز سومین کنگره دیدگاه های اسلام در پزشکی در مشهد، میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا (س) در مشهد، بزرگداشت علامه سید عبدالحسین شرف الدین در قم، بزرگداشت عالمان فرزانه نهاوندی در نهاوند همدان و بزرگداشت حکیم متاله سید جلال الدین آشتیانی در مشهد و غیره شرکت نمود.

سعیدی کازرونی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالوهاب سعیدی کازرونی متولد ۱۲۴۹ و متوفی ۱۳۲۴ شمسی فرزند سید حسن از شعراء و ادباء این سامانست رساله منظومی بنام (هادی السبیل) دارد که طبع شده.

(۱۳۲۴ -۱۲۴۶ ش)، ادیب و شاعر، متخلص به سعیدی. وی در کازرون متولد شد. علوم ادبی فارسی و عربی را آموخت و در قصیده و غزل مهارت داشت و بیشتر علاقه به سرودن هزل داشت. و مدتی در بوشهر زیست. از آثار وی: «هادی السبیل»؛ «دیوان» شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶۷ -۱۶۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶/ ۴).

سعیدی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷ -۱۲۷۵/۱۲۷۴ ش)، عالم، محقق، مترجم و نویسنده. وی در قریه‌ی نوزاد از توابع بیرجند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه‌ی نوزاد گذراند سپس با خانواده‌اش به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی شوکتیه‌ی این شهر به فراگیری علوم ریاضی، طبیعی، هیئت و نجوم و همچنین زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی به خدمت در بانک مشغول گردید. ابتدا در مدرسه‌ی شوکتیه به تدریس پرداخت و سپس به تهران آمد و با همکاری دکتر سید جعفر شهیدی مجله‌ی «فروغ علم» را منتشر ساخت. پس از ایجاد دولت پاکستان، بارها به آن مملکت سفر کرد و با آراء و اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری آشنا شد و زبان اردو را آموخت وی در تهران وفات یافت. از سعیدی در حدود شصت اثر در زمینه‌های تالیف و ترجمه بر جای مانده که از آن جمله‌اند: «عمار یاسر»؛ «عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن»؛ «اقبال شناسی»، ترجمه؛ «فرد و اجتماع»؛ «برنامه‌های انقلاب اسلامی»؛ «اول اخلاق مابعد تمدن آنها»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۷، ص ۱۲ -۳ و س ۵، ش ۹، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۴ -۷۰۲/ ۴)، نشر دانش (س ۹، ش ۱، ص ۱۰۳).

سعیدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۲۶۸، تهران.

درگذشت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱.

محمد سعیدی، فرزند محمدعلی، تحصلات مقدماتی را در مدرسه‌ی تربیت و سپس زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمه را نزد استادان فن آموخت. نخستین مقاله‌های او در روزنامه‌ی «شفق سرخ» چاپ شد. در مجله‌های «آینده» و «مهر» و غیره مقاله می‌نوشت. مدت سه سال مجله «راه نو» را انتشار داد و مدتی نیز بر انتشار مجله «ایران آباد» نظارت داشته است. به سمتهای سناتوری، کفالت وزارت راه، معاونت نخست وزیر و سرپرستی انتشارات و رادیو رسید. علاوه بر مقاله‌های وی در مطبوعات، آثاری را ترجمه کرده است. از جمله ترجمه‌های او است: آخرین روز یک محکوم (ویکتور هوگو، ۱۳۰۶)؛ اخلاق روجی (ساموئل اسمایلز، ۱۳۰۸)؛ انسان در تکاپوی تمدن (اوین پالو، ۱۳۳۵، این کتاب به این نام نیز منتشر شده است: تاریخ جهان یا انسان در تکاپوی تمدن)؛ ایفی ژنی (گوته)؛ بادبزن خانم و بندر مرسالومه؛ اهمیت ارنست بودن (اسکار وایلد، ۱۳۳۶)؛ تاریخ عرب (فیلیپ حتی، ۱۳۳۶)؛ جنگ‌های ایران و روم (پروکوپیوس، ۱۳۱۱)؛ چهار نمایشنامه- الکترا؛ زنان تراخیس؛ فیلوکتتس؛

آژاکس- (سوفوکل، ۱۳۳۵)؛ خطابه‌ی ویکتور هوگو بر سر قبر ولتر (۱۳۳۳)؛ خلیج فارس از قدیمی‌ترین ازمنه تا قرن بیستم میلادی (سرهنگ سرآرنولد ویلسون، ۱۳۱۰)؛ راز آفرینش انسان (ا. گریسی موریس، ۱۳۳۴)؛ زیر درختان زیرفون (آلفونس کار، ۱۳۳۵)؛ سه نمایشنامه- اودیپوس شاه، اودیپوس در کولولوس، آنتی گون (سوفوکل، ۱۳۳۴)؛ فروید، شرح حال (استفان تسوایک، ترجمه به نام مستعار)؛ کریستف کلمب (ساموئل الیوت وریس، ۱۳۳۸)؛ لردکرزن (۱۳۲۲)؛ ماکدولین یا در سایه‌ی درختان زیرفون (ترجمه از عربی متن آلفونس کار، ۱۳۰۶)؛ مقالات اجتماعی (آرتور بریزیان، ۱۳۲۲)؛ هلن، هیپولیت، ارنست، ایون (اوریپید، ۱۳۳۸)؛ سالومه و هلن؛ و آثار دیگری از تری‌پید و افلاطون. از جمله تألیفات وی می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: امیر کبیر (۱۳۳۵)؛ خاطرات سفر آمریکا (۱۳۳۶).

وی به دریافت نشان همایون و چندین نشان دیگر نایل آمده است.

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تهران متولد شد. زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمی را در نزد استادان فن آموخت. نویسندگی را با نخستین مقالات در روزنامه‌ی «شفق سرخ» شروع کرد. و با آن که به کار سیاست می‌پرداخت اما از مطالعه و تحقیق غافل نبود. از جمله مشاغل سیاسی وی معاونت وزارت راه و سرپرستی اداره‌ی تبلیغات و معاونت نخست‌وزیری بود. وی چند سالی نیز مدیریت مجله «راه نو» را داشت. از آثار وی، ترجمه‌ها: «آخرین روز یک محکوم»؛ «اخلاق روحی»؛ «تاریخ عرب»؛ «امیر کبیر»؛ «راز آفرینش انسان»؛ «مقالات اجتماعی».[۱]

در ۱۲۸۰ در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در مدرسه‌ی ادب وارد کالج آمریکائی‌ها شد و دوره‌ی آنجا را به اتمام رسانید. سپس به مدرسه‌ی سن‌لوئی رفت و دوره‌ی آنجا را نیز پایان داد. خدمات اداری خود را از وزارت فوائد عامه شروع کرد و سرانجام در وزارت راه به مقامات بلند رسید. مدتی معاون وزارت راه و زمانی سرپرست آن وزارتخانه بود. مدتی نیز نه چندان طولانی ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات و معاونت نخست‌وزیری را در نخست‌وزیری سپهبد زاهدی عهده‌دار گردید. در سال ۱۳۴۲ به سناتوری تهران رسید و مجموعا سه دوره‌ی چهارساله در مجلس اعیان عضویت داشت. در ۱۳۵۴ به مجلس سنا راه پیدا نکرد و به معاونت شریف امامی در بنیاد پهلوی منصوب شد. سعیدی نویسنده‌ای محقق و مترجمی دقیق و پرکار و نکته‌سنج بود. آثار زیادی از او چاپ و انتشار یافته است. از جمله کتابهای خلیج‌فارس، جنگهای ایران و روم، تاریخ عرب، سفرنامه‌ی آمریکا و بالاخره شعله‌های نبوغ را می‌توان نام برد که با قلمی شیوا و روان ترجمه شده است. وی مدتی مجله‌ی راه نو را انتشار می‌داد که از مجلات معتبر و خواندنی زمان خود بود. از نوجوانی در زمینه‌های ادبی و تاریخی با مطبوعات همکار داشت. در ۱۳۶۵ در آمریکا درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۰۴ -۵۰۰/ ۵).

سعیدی، نیره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ژاندارک به پایان رساند، سپس از دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی ادبیات فرانسه و فارسی موفق به اخذ لیسانس گردید. به منظور ادامه‌ی تحصیلات به پاریس رفت و بعد از چند سال به ایران بازگشت. وی به مدت دو سال مجله‌ی «بانو» را به مدیریت خود در تهران نشر

داد که نخستین نشریه‌ی اختصاصی بانوان محسوب می‌شود. او دو دوره به نماینـدگی مردم تهران در مجلس شورای ملی برگزیـده شد. و از اعضای موسس شورای عالی جمعیت زنان بوده است. مقالات و اشعار او در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی در تهران وفات یافت. از آثار او است: ترجمه‌ای از آثار لافونتن به نام «قصه‌های لافونتن» (برنـده‌ی حایز یونسکو)؛ ترجمه‌ی «شطرنج باز»؛ ترجمه‌ی «کازانوا» و مجموعه‌ی شعر به نام «ترانه‌ی من».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :زنان روزنامه‌نگار و اندیشمندان ایران (۱۵۰ -۱۴۶)، زنان سخنور (۳۶۸ -۳۶۰ /۳)، کارنامه‌ی زنان مشهور ایران (۲۳۱ -۲۳۰)، مجموعه‌ی گلها (۴۱۶ -۴۱۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۱ -۶۷۰ /۶).

سکاکی خوارزمی، سراج‌الدین، ابویعقوب یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۲۶ -۵۵۵/۵۵۴ ق)، ادیب، نحوی. مشهور به سکاکی و موصوف به علامه. محل تولـد وی خوارزم بود. حنفی معتزلی بود و از ادبای بزرگ عهد سلطان محمد خوارزمشاه و معاصر ابن‌حاجب. در نحو، صرف، منطق، کلام، بیان، شعر، عروض و معانی و قوافی توانا بود. می‌گوینـد در بدایت حال شغل آهنگری داشته و در سی سالگی به فراگیری علم روی آورده و در علوم غریبه نیز دست داشته است. وی در خوارزم درگـذشت. قبر او در کنار آب تیکه می‌باشـد.از جمله آثار او: «مفتاح العلوم»، که دوازده علم از علوم عرب را در آن آورده است و شروح بسیاری بر آن نوشته شده است؛ رساله‌ای در «علم مناظره».[۱]

سراج‌الـدین ابویعقوب یوسف خوارزمی، از ادبای معروف عربیت قرن ششم و هفتم (و. ۵۵۵- ف. ۶۲۶ ه.ق.) مؤلف کتاب «مفتاح العلوم» (ه. م.) وی در انواع علوم مخصوصا علوم ادبی و بالاخص علوم بلاغی متبحر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۹۴/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۳ -۲۹۲ /۳)، حبیب السیر (۸۱ -۸۰ /۳)، روضات الجنات (۲۰۲ -۲۰۰ /۸)، ریحانه (۴۴ -۴۲ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۴۶۸/۱)، کشف الظنون (۱۷۶۳ -۱۷۶۲)، الکنی و الالقاب (۳۱۶/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابویعقوب)، معجم الادبا (۵۹ -۵۸ /۲۰)، معجم المؤلفین (۲۸۲/۱۳)، هدیه الاحباب (۱۵۰)، هدیه العارفین (۵۵۳/۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۴۸/۳).

سلاجقه، پروین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پروین سلاجقه در سال ۱۳۴۰ در شهر بافت از توابع کرمان به دنیا آمد .ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (در سال ۱۳۸۰) می باشد.نامبرده هم‌اکنون عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز است و به عنوان استادیار با دانشگاه‌های دیگر همکاری دارد.وی از دوران دبستان ادبیات را دوست داشت و در دوران دانشجویی هم تالیفات و ترجمه های داشته است. کتاب «از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)» تالیف پروین سلاجقه، در

سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

خاطرات کودکی : پروین سلاجقه تا سن ۱۳ سالگی در بافت از توابع کرمان زندگی کرد. پس از آن به کرمان رفت و تا ۱۸ سالگی در آن شهر ماند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین سلاجقه دوره ابتدایی و راهنمایی را در شهر بافت گذراند و دوره دبیرستان را در مدارس بهمن یار و دانشسرای مقدماتی دختران طی کرد. در سال ۱۳۶۵ در مقطع کارشناسی در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد و در سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ دوره کارشناسی ارشد را در همان رشته در دانشگاه آزاد اسلامی گذراند وی در سال ۱۳۷۶، بعد از ورود به دانشگاه علوم تحقیقات در مقطع دکتری. در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ مدرک در رشته ادبیات فارسی شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : پروین سلاجقه از دوران تحصیل خود چنین می گوید:هنر و ادبیات را از دوره دبستان دوست داشتم. در دبیرستان در زمینه ادبیات بسیار فعال بودم و سرودن شعرهای اولیه خود را از آن دوره شروع کردم. تالیفاتم از دوره‌ای که دانشجوی دکتری بودم شروع شد.

استادان و مربیان : پروین سلاجقه از آقای توحیدی -یکی از دبیران در کرمان -به عنوان فردی تاثیر گذار در زندگی علمی خود یاد می کند.

همسر و فرزندان : پروین سلاجقه متاهل است.

وقایع میانسالی : پروین سلاجقه همزمان با کار بر روی پایان نامه دکتری اش، فعالیت‌های جدی‌تری را همچون نوشتن مقالات متعدد در جراید و مجلات و فصل‌نامه‌های تخصصی را شروع کرد.وی در باره چنین می گوید "فعالیت‌هایم در زمینه نقد و نظریه ادبی در نقد شعر و رمان و در زمینه ادبیات کودک ادامه پیدا کرد. سپس مجموعه نقدی به نام «نقد شعر معاصر» را انجام دادم که اولین شماره این مجموعه با عنوان «امیرزاده کاشی‌ها» -که نقد شعر احمد شاملو بود- به چاپ رسید. همزمان با چاپ این کتاب، در نخستین جایزه نقد ادبی ایران و منتقد برتر ایران، از طرف خانه نقد ایران و بنیاد هنرمندان و نویسندگان، در زمینه نقد شعر معاصر و کهن جایزه دریافت کردم. سپس کتابی از من به نام «از این باغ شرقی» به چاپ رسید که حاصل تلاش‌های زیاد من در چند سال گذشته بوده است".

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پروین سلاجقه هم‌اکنون عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز است و به عنوان استادیار با دانشگاه‌های دیگر همکاری دارد و به عنوان راهنما و مشاور در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد فعالیت می‌کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پروین سلاجقه در کنار فعالیت های خود به شعر، رمان، دانش نقد ادبی کلاسیک و مدرن علاقه‌مند است.

جوائز و نشانها : کتاب «از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)» تالیف پروین سلاجقه، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. --------------------------

----

آثار :

۱ از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)

ویژگی اثر : تالیف پروین سلاجقه- تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۸۵. ۶۰۸ صفحه .این کتاب در سال ۱۳۸۶ ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است

۲ بنفشه کوچولو

ویژگی اثر : تالیف،کتابی فانتزی است.

۳ درآمدی بر زیبایی شناسی شعر

ویژگی اثر : تالیف–این کتاب در دانشگاه تدریس می شود.

۴ شماره از نقد شعر معاصر (شعر فروغ فرخزاد)

ویژگی اثر : در دست چاپ

۵ صدای خط خوردن مشق

ویژگی اثر : تالیف

۶ فرهنگ تحلیلی متیف، نشانه و نماد در شعر سبک هندی

ویژگی اثر : آماده چاپ

۷ کتاب دیگری با عنوان «دنیای قشنگ پوپو» که فانتزی است و تعداد زیادی مقاله.

ویژگی اثر : در دست چاپ

۸ مجموعه مقالات در زمینه نقد شعر

ویژگی اثر : در دست چاپ

۹ مجموعه نقد شعر

ویژگی اثر : آماده چاپ

۱۰ مجموعه نقد مقالات رمان

ویژگی اثر : در دست چاپ ---

منابع :

۱http://www.ibna.ir/vdcjo۸ev.uqemtzsffu.html

سلامی بیهقی نیشابوری، ابوعلی حسین احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۰ ق)، مورخ. وی از مردم‌خوار بیهق بود و از ملازمان و کاتبان ابوبکر محمـد بن مظفر بن محتاج و فرزندانش بود یگانه اثر وی کتابی است به نام: «التاریخ فی اخبار ولات خراسان».[۱]

ابوعلی حسین بن احمد بن محمد بیقهی نیشابوری از بزرگان قر.۴ ه. مولد و منشأ او خوار بیهق بود. وی در سلک ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد ابن مظفر بن محتاج و پسرانش بود و او را تصانیف بسیار است از جمله کتاب «التاریخ فی اخبار ولاهٔ خراسان».

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] سرآمدان فرهنگ (۴۶۸/۱)، لغت نامه (ذیل/ سلامی).

سلطان‌العلماء بستکی، عبدالرحمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۹۳ ق)، ادیب، مفتی و شاعر و. در قصبه‌ی بستک (از بخش‌های شهرستان لار) متولد شد. علوم متداول را از اساتید آن دیار آموخت و به منظور تکمیل معلومات خود به بندر لنگه و از آن جا به بصره رفت و از بصره به حجاز و در آنجا فقه و اصول را آموخت، آنگاه به مصر رفت و سپس به سوریه و مراکش و تونس و ترکیه و هندوستان مسافرت کرد و در علوم ادبی و دینی و فلسفه و اصول و منطق و معانی و بیان و فلسفه‌ی یونانی تبحر یافت. وی در سرون اشعار فارسی و عربی توانا بود. پس از این سفر و سیاحت طولانی به بستک برگشت و مدرسه‌ای تاسیس کرد و به تدریس مشغول شد و از جانب ناصرالدین‌شاه ملقب به سلطان‌العلماء شد. او اجبارا از بستک به بندر لنگه رفت و مدت چهل سال در آنجا به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت و سرانجام در همان شهر وفات یفات.از تالیفات او است: «الفوایـد الصـمدیه»، به عربی و در نحو؛ «بدیعیه»، به عربی در بدیع؛ «رحبیه»؛ «سلطان الرسائل»؛ «شرح قطر» به عربی؛ «ظهور الحقایق»؛ «کشاف الحقایق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۷۶ -۱۷۳ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷ -۶۶ /۲).

سلطان‌القراء

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. شاه قرآن خوانان) (شیخ) عبدالرحیم بن شیخ ابوالقاسم (و. تبریز ۱۲۵۵- ف.تبریز ۱۳۳۶ ه.ق.). وی در علم تجوید در عصر خود استاد بود و فاضل ایروانی و شیخ فرج‌اللّٰه بن حاج محمد تبریزی جزو شاگردان او بودند. از تألیفات وی رساله‌ای است در علم تجوید موسوم به «درالمنثور» و رساله‌ای دیگر در تجوید و حاشیه بر مقدمه شمس‌الدین ابوالخیر که هیچیک به طبع نرسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سلطان‌زاده پسیان، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی برادرزاده‌ی کلنل محمدتقی خان بود و شرح حال عمومی خود را نوشت و در مجله‌ی «ایرانشهر» به چاپ رسانید. وی در دارالفنون ادنبورک در رشته‌ی تاریخ تحصیل نمود. از آثار وی: «بسوی باختر»؛ «حسن یا جاده‌ی رزین سمرقند»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۹۲۶/۲).

سلطانی بسطامی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۲۹۶ ق، از زنـان ادیب، شـاعر و خوشـنویس. وی تنهـا فرزنـد میرزا فتـح‌اللّٰه ذوقی شـاعر بـود. پـدرش در تعلیم و تربیت او همت گماشت. خواندن و نوشـتن را در کودکی آموخت و خوشنویسـی و شـعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. گویند اشعار عربی زیادی از دوره جاهلی از حفظ داشت و دیوانی نیز فراهم آورده بود.

در اوایـل جوانی بـا پسـر محمـد ناصـر خـان قاجار، ملقب به ظهیرالـدوله ازدواج کرد. چنانکه از اشـعار این بانو پیـداست از زنـدگی زناشویی خود رضایت نداشته است. از اشعار اوست:

اول چنین نوشت قضا سرنوشت ما

کاخر خم شراب شود خاک و خشت ما

عشق آمد و عقل رفت و دیوانه شدیم

وز کعبه روان به سوی بتخانه شدیم

این روزه و این نماز آید به چه کار

ما را که حریف جام و پیمانه شدیم

در سینه توست کینه ما

مهر تو نهان به سینه‌ی ما

دیدی که چه سان گرفت الفت

با سنگ تو آبگینه‌ی ما

مهرت که بها فزونش از جان

یکتا گهر خزینه‌ی ما[۱]

(س سـیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. وی چون تنها فرزند خانواده بود، پدرش در تعلیم و تربیت او اهتمام تمام داشت. خواندن و نوشـتن را در کودکی آموخت و خوشنویسـی و شـعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. اشعار عربی زیادی از دوره‌ی جاهلی از حفـظ داشت و «دیوانی» نیز فراهم آورده بود. در اوایـل جوانی بـا پسـر محمـد ناصـر خان قاجار، ملقب به ظهیرالـدوله، ازدواج کرد. چنانکه از اشعار این بانو پیداست، از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته است.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منبع: حدیقةالشعراء، ۲۱۶۸ -۲۱۶۷ / ۳.

[۲] حدیقه الشعراء (۲۱۶۸ -۲۱۶۷/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۴۶۳)، مشاهیر زنان (۱۲۶ -۱۲۵).

سلطانیه‌ای، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط، ادیب و فقیه. وی از علوم متداول مانند فقه و حدیث و لغت و تجوید و قرائت و ادب بهره‌مند و خطشناسی ماهر بود و همگی خطوط را خوش می‌نوشت. در کتابت و انشاء رتبه‌ی اعلی داشت و بعضی از کتابهای حدیث فقه و ادعیه را به خط خود نشوت و تصحیح و تحشیه کرده است. میرزاعلی بسیاری از فرمانهای دیوانی و قباله‌ها را به خود نوشته و امر قضای سلطانیه به او محول بوده است. به گفته‌ی صاحب «احوال و آثار خوشنویسان» صاحب عنوان در تاریخ تألیف «گلستان هنر» (ح ۱۰۵۲ ق) زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۶۹ -۴۶۸ / ۲).

سلغر شاه سلغری

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. برادر اتابک ابوبکر پادشاه فارس بود او را فریباش خان می‌خواندند و در حسن صورت و سیرت و کمال و جمال نظیر نداشت. چون می‌دانست که دخالت در امور ملکی مایه تزلزل خاطر برادر می‌شود. در بیرون شهر شیراز سرابستانی بنیاد کرد و آن را صبوح‌آباد نام نهاد و از دخالت در امور برادر خودداری کرد. وی عاقبت توسط برادر خود کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۶۳)، الذریعه (۴۵۶/۹)، لغت نامه (ذیل/ سلطان سلغرشاه)، مجمع الفصحا (۵۷/۱).

سلفی اصفهانی، صدرالدین، ابوطاهر احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۶ -۴۷۸ ق)، حافظ، محدث، فقیه، نحوی و لغوی شافعی. شهرت وی به سلفی به خاطر نام نیای بزرگش سلفه- معرب سه لبه- می‌باشد. در اصفهان به دنیا آمد. در طلب حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد و اکثر مشایخ حدیث را ملاقات کرد. لغت را از خطیب تبریزی فراگرفت و چون به بغداد رفت فقه را نز الکیا هراسی آموخت. وی از ابومطیع صحاف و ابوطالب احمد کندلانی و احمد بن محمد بن ابی‌بکر بن مردویه و احمد بن محمد بن بشرویه و احمد بن محمد بن قولویه حدیث روایت کرده است. او همچنین از زنان بسیاری در اصفهان حدیث شنید. از وی حافظ محمد مقدسی و محدث سعدالخیر و ابوالعز محمد ملقابادی و علی بن ابراهیم سرقسطی و طیب مروزی و ابوسعد سمعانی و قاضی عیاض و عمر میانشی و حماد حرانی و محمد بن عبدالغفار همدانی و جعفر بن علی همدانی و محمد بن ابراهیم فارسی و حسان مهدوی و بسیاری دیگر حدیث روایت کردند. ابوالحسن علی بن سلار وزیر ملوک فاطمیه در مصر مدرسه‌ای در اسکندریه برای او تاسیس کرد و وی را عهده‌دار تدریس در آن مدرسه نمود. علماء از دور و نزدیک به محضرش شتافتند و از وی بهره بردند. او در سرحد اسکندریه درگذشت. از آثارش: «الاربعین البلدانیه»، در

حدیث؛ «السداسیات»، در حدیث؛ «المشیخه البغدادیه» یا «معجم شیوخ بغداد»؛ «معجم مشیخه اصفهان»؛ «السلفیات من اجزاء الاحادیث» یا «اجزاء السلفیات»، انتخابهایی از «اصول» ابن شرف انماطی و «اصول» ابن الطیوری؛ «السلماسیات» یا «مجالس پنج گانه» از املاهای ابوطاهر سلی؛ «شرط القراءه علی الشیوخ»؛ «معجم السفر»؛ «الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۹/۱)، ایضاح المکنون (۵۰۸/۲)، تذکره القبور (۱۲۵ -۱۲۴)، روضات الجنات (۲۷۶/۱)، ریحانه (۶۵ - ۶۴ /۳)، سیر النبلاء (۳۹ -۵ /۲۱)، الکامل (۱۵۲/۹)، کشف الظنون (۱۶۹۶، ۱۰۴۴، ۹۹۷، ۹۹۶، ۹۸۲، ۵۸۷، ۵۴)، الکنی و الالقاب (۳۲۱ -۳۲۰ /۲)، لسان المیزان (۴۵۱ -۴۵۰ /۱)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۷۶ -۷۵ /۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۷۲ -۶۸ /۱۹)، الوافی بالوفیات (۳۵۶ -۳۵۱ /۷)، وفیات الاعیان (۱۰۷ -۱۰۵ /۱)، هدیه العارفین (۸۷/۱).

سلماسی، ابوالفتح مسعود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۹ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از سلماس از شهرهای آذربایجان است. از آثارش: شرح «المقامات»؛ شرح «الجمل»، در نحو؛ وی خطبه‌ها و نظمی زیبا داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۰/۸).

سلمی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای باستانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸ و دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی ایران از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نظارت بر تحقیقی تحت عنوان اعلام شاهنامه (اسامی اشخاص)، تدریس دروس فارسی میانه، زبان اوستا، تاریخ زبان فارسی، شاهنامه، تاریخ بیهقی، اساطیر ایران و روش تحقیق و مرجع‌شناسی، آئین نگارش و فارسی عمومی و مقدمات زبان‌شناسی در دانشگاه شهید چمران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی کتاب غم‌نامه رستم و سهراب، پنج خیم آسرونان، نقد و بررسی رزمنامه رستم و اسفندیار، چند نکته در دیوان ناصرخسرو.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سلیم، عبدالامیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای باستانی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سمسار، محمداحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۷۴، تبریز.

درگذشت: اوایل فروردین ۱۳۶۰، آمریکا.

محمداحمد سمسار تحصیلات خود را در استانبول به پایان برد و سپس به آمریکا رفت و در آنجا ماند و سال‌ها به تدریس ترکی در دانشگاه‌های آن کشور پرداخت.

از تألیفات او فهرست نسخ خطی عربی و فارس وترکی، مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس موجود در کتابخانه‌ی آزاد فیلادلفیا است ه در سال ۱۹۳۷ در فیلادلفیا انتشار یافته است. در این فهرست یک صد و چهل و نه نسخه فارسی معرفی شده است. دیگر مقدمه‌ای است بر کتاب طوطی‌نامه‌ی ضیاء نخشی نوشت. البته ترجمه انگلیسی طوطی‌نامه هم از محمداحمد سمسار است.

(تو ح ۱۳۶۰ -۱۲۷۴ ش)، محقق. وی در تبریز متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در این شهر و تحصیلات عالی را در استانبول به پایان برد و حدود سال ۱۳۱۰ ش به امریکا رفت و سالها به تدریس زبان و ادبیات ترکی در دانشگاه‌های آن مملکت اشتغال داشت. وی در آمریکا وفات یافت. از تالیفات او «فهرست نسخ خطی عربی و فارسی و ترکی مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس» موجود در کتابخانه‌ی آزاد فیلادلفیاست که در سال ۱۹۳۷ م در فیلادلفیا انتشار یافت. در این فهرست یکصد و چهل و نه نسخه‌ی فارسی معرفی شده است. دیگر از آثار وی مقدمه‌ای است بر چاپ «طوطی نامه» ضیاء نخشی و دیگر ترجمه‌ی این کتاب است به زبان

انگلیسی.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :

[۱] آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۱).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر عبدالرحیم

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۷- ح ۶۱۷ ق)، محدث، فقیه و ادیب شافعی. از کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت. پدرش او را در پاره‌ای از سفرها همراه کرد و تا آنجا که توانست برای او حدیث خواند و او را به فراگیری فقه و حدیث و ادب واداشت تا اینکه از هر خرمن خوشه‌ای برچید. او «صحیح بخاری» و «سنن ابی‌داود» و «جامع ابی‌عیسی» و «مسند ابی‌عوانه» و «تاریخ فسوی» و «الحلیه» و «مسند الهیثم» و «صحیح مسلم» را سماعی روایت می‌کند. او از رییس اسعد مهروی و ابوالبرکات عبداللّه فراوی و ابوسعد عبدالوهاب کرمانی و وجیه شحامی و ابوالفتوح خرکوشی و جنید قاینی و ابوالوقت سجزی و ابوالاسعد ابن القشیری و محمد بن عبداللّه شیرازی و حسن بن محمد سنگبستی و سعید بن علی شجاعی و عبدالسلام هروی و بسیاری دیگر در بخارا و سمرقند و هرات و نیشابور و مرو شهرهای دیگر حدیث شنید. ابوبکر محمد حازمی و برزالی و ابن الصلاح و ابن النجار و ابن هلاله و شرف مرسی و احمد غرافی و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. او سرانجام شیخ مرو شد و به مقام پیشگامی شافعیان آن شهر رسید. پدرش «عوالی» را در دو مجلد برای او گفت و «معجم» را در هیجده جزء برایش پرداخت. این کتابها به نام «العوالی من مسموعات الفراوی» و «معجم الشیوخ» گردآوری شده است.[۱]

فخرالدین ابوالمظفر عبدالرحیم بن عبدالکریم فقیه و عالم بزرگ خراسان و از خاندان سمعانی (و. ۵۳۷- ف. ۶۱۴ یا ۶۱۶ ه.ق.)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] سرآمدان فرهنگ (۴۸۳ -۴۸۲ /۱)، سیر النبلاء (۱۰۹ -۱۰۷ /۲۲)، کشف الظنون (۱۱۷۹)، لسان المیزان (۳۳۹ - ۳۳۸ /۴)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۵۸ -۱۵۷ /۱۹)، معجم المؤلفین (۲۰۷ -۲۰۶ /۵)، الوافی بالوفیات (۳۳۱/۱۸)، هدیه العارفین (۵۶۰/۱).

سمنانی، ابوالحسین عبداللّه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۳ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. از اسحاق بن راهویه و عیسی بن زغبه و محمد بن حمید رازی و ابوکریب و عمرو بن علی فلاس و محمد بن هاشم بعلبکی و همطبقه آنان حدیث شنید و او در این راه سفرهای بسیار کرد. علی بن حمشاد و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن صالح بن هانی و ابوعمرو بن حمدان و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای تصانیف بسیار نیکویی بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۹۵ -۱۹۴ /۱۴)، طبقات الحفاظ (۳۱۲).

سمندریان، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید سمندریان (زاده ۱۳۱۰ در تهران) کارگردان تئاتر است. کارگردانی تئاتر صحنه‌ای:

۱- «دوزخ» اثر ژان پل سارتر سال اجرا ۱۳۴۱ بازیگران: جمیله شیخی ـ رکن الدین خسروی ـ پرویز کاردان ـ عزت پریان ۲- «اشباح» اثر هنریک ایبسن سال اجرا ۱۳۴۲ بازیگران: جمیله شیخی ـ محمد علی کشاورز ـ عباس غفوریان ـ اسماعیل دادفر ـ عزت پریان ۳- «مرده‌های بی‌کفن و دفن» اثر ژان پل سارتر سالهای اجرا ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷ بازیگران: محمد علی کشاورز ـ منوچهر فرید ـ پرویز فنی زاده ـ اسماعیل محرابی ـ پری صابری ـ جمشید مشایخی ۴- «طبیب اجباری» اثر مولیر سال اجرا ۱۳۴۳ بازیگران: محمدعلی کشاورز ـ پرویز فنی‌زاده ـ اسماعیل محرابی ـ مسعود فقیه ـ شکوه نجم‌آبادی ـ سعید پورصمیمی ۵- «هرکول و طویله اوجیاس» اثر دورنمات سال اجرا ۱۳۴۴ بازیگران: پرویز صیاد ـ محمد گودرزی ـ محمد حفاظی ـ ثریا قاسمی ـ عباس یوسفیانی ـ سیروس ابراهیم‌زاده ـ فریده صابری ۶- «ملاقات بانوی سالخورده» اثر فردریش دورنمات سال اجرا ۱۳۵۱ بازیگران جمیله شیخی ـ آذر فخر ـ اکبر زنجانپور ـ محمود هاشمی ـ علی رامز ـ غلامرضا طباطبائی ۷- «نگاهی از پل» اثر آرتور میلر سال اجرا ۱۳۴۸ بازیگران: اکبر زنجانپور ـ سوسن تسلیمی ـ خسرو فرحزادی ـ اسماعیل دادفر ـ پروین دولتشاهی ۸- «مرغ دریایی» اثر آنتوان چخوف سال اجرا ۱۳۵۶ بازیگران: جمیله شیخی ـ محمدعلی کشاورز ـ قاسم سیف ـ هما روستا ـ جمال اجلالی ـ محمد مطیع ـ منوچهر فرید ـ سرور رجائی– آتیلا- پسیانی ـ سروش خلیلی و..... ۹ ـ «کرگدن» اثر اوژن یونسکو سال اجرا ۱۳۵۱ بازیگران: عزت ا... انتظامی ـ پرویز صیاد ـ اسماعیل دادفر ـ محمد حفاظی ـ مهدی فخیم‌زاده ـ پروین دولتشاهی ـ فریده صابری ـ عباس یوسفیانی ـ محمود شیبانی و.... ۱۰- «بازی استریندبرگ» اثر فردریش دورنمات سال اجرا ۱۳۵۱–۱۳۷۸ بازیگران: محمدعلی کشاورز ـ اسماعیل شنگله ـ هما روستا ۱۱- «دایره گچی قفقازی» اثر برتولت برشت سال اجرا ۱۳۷۷ بازیگران: سعید پور صمیمی ـ آزیتا حاجیان ـ سهراب سلیمی ـ حسن پورشیرازی ـ آرمان امید ـ جمال اجلالی و.... ۱۲- «باغ وحش شیشه‌ای» اثر تنسی ویلیامز سال اجرا ۱۳۴۲ بازیگران: پرویز فنی‌زاده ـ شهلا- ریاحی ـ پری صابری ـ عباس مغفوریان ۱۳- «آندورا» اثر ماکس فریش سال اجرا ۱۳۴۶ بازیگران: سعید پورصمیمی ـ ثریا قاسمی ـ محمدعلی کشاورز ـ منوچهر فرید ـ پرویز پورحسینی ـ جمیله شیخی ـ اسماعیل دادفر ـ جمشید مشایخی ـ منوچهر فرید ـ پری امیر حمزه ـ اسفندیار شهیدی و.... ۱۴- «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی» اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۶۸ بازیگران: رضا کیانیان ـ احمد آقالو ـ میکائیل شهرستانی ـ هما روستا ـ نورالدین استوار ـ جمال اجلالی ـ رضا عمرانی ـ قاسم زارع و..... ۱۵- «لئوکادیا» اثر ژان آنوی سال اجرا ۱۳۴۳ بازیگران: پرویز پورحسینی ـ سعید پورصمیمی ـ محمدعلی کشاورز ـ محمد حفاظی ـ شکوه نجم‌آبادی – عصمت صفوی

کارگردانی تئاتر رادیویی:

حمید سمندریان در رادیو صدای ایران تعدادی نمایشنامه را ترجمه کرده که کارگردانی آن را نیز به عهده داشته‌است: ۱- غروب روزهای آخر پاییز نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۲- پنچری نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۳- همزاد نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۴- اقدامات وگا نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۵- فیزیکدانها نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۶۶

تله تئاتر:

آثار اجرا شده در تلویزیون ملی ایران (تله تئاتر) که ترجمه و کارگردانی این آثار به عهده حمید سمندریان بوده‌است: ۱- غروب روزهای پائیز اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ ۲- بازی استریندبرگ اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۱ ۳- خمره اثر لوئیجی پیراندللو سال ۱۳۵۳ ۴- جراحی پلاستیک اثر پی‌یر فراری سال ۱۳۴۰ ۵- پلوفت (شبح کوچک) اثر ماریا کل راماشادو سال ۱۳۴۰ ۶- ساعت شش در خیابان آتن اثر روژه فردیناند ۷- به‌سوی دمشق اثر اگوست استریندبرگ سال ۱۳۸۱ حمید سمندریان به دعوت پرفسور رگن‌برگ استاد دانشگاه مونیخ و کارگردان تئاتر به انستیتو گوته دعوت شد و نمایشنامه‌های بسیاری را با بازیگران آلمانی روی صحنه برد. این همکاری بین سالهای ۵۱ تا ۵۷ ادامه داشت. ۱- شهاب آسمانی اثر فردریش دورنمات ۲- چگونه رنجهای آقای موکین پوت برطرف می‌شود اثر پیتر وایس ۳- پنچری اثر فردریش دورنمات ۴- سانتا کروز اثر ماکس فریش ۵- راهب و راهزن اثر هاینریش بول ۶- خوزه اثر هاینریش بول ۷- خشم شدید فلیپ هوتس اثر ماکس فریش ۸- بالماسکه دزدان اثر ژان آنوی ۹- دوزخ اثر ژان پل سارتر ۱۰- ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی اثر فردریش دورنمات ۱۱- توراندخت اثر هیلدس هایمر ۱۲- مرده‌های بی‌کفن و دفن اثر ژان پل سارتر : ترجمه

حمید سمندریان در باب ترجمه آثار نمایشی در جامعه تئاتری: ۱- غروب روزهای پاییز اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۰ ناشر مروارید ۲- پنچری اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ ناشر مروارید ۳- ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ نشر پیروز ۴- دایره گچی قفقازی اثر برتولت برشت سال ۱۳۴۱ چاپ مجدد ۱۳۷۸ ۵- اقدامات وگا و همزاد اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۶- ملاقات بانوی سالخورده اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ چاپ مجدد ۱۳۷۸ نشر قطره ۷- رومولوس کبیر اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۶۹ مرکز هنرهای نمایشی ۸- باغ وحش شیشه‌ای اثر تنسی ویلیامز سال ۱۳۴۲ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۹- لئوکادیا اثر ژان آنوی سال ۱۳۴۳ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۰- هرکول و طویله اوجیاس اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۳ ۱۱- آندورا اثر ماکس فریش سال ۱۳۴۷ انتشارات روز ۱۲- فیزیکدانها اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۰ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۳- خشم شدید فلیپ هوتس اثر ماکس فریش سال ۱۳۵۰ چاپ مجدد ۱۳۷۰ نشر مرکز هنرهای نمایشی ۱۴ ـ فرشته‌ای به بابل می‌آید اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۲ ۱۵- چگونه رنجهای آقای موکین پوت بر طرف می‌شود سال ۱۳۵۳ ۱۶- مکبث اثر ویلیام شکسپیر سال ۱۳۵۵ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۷- بازی استریندبرگ اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۱ چاپ مجدد ۱۳۷۴ نسل قلم

سمیعی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد سمیعی (گیلانی) در بهمن ۱۲۹۹ در محله قدیمی سنگلج تهران تولد یافت و پس از چند ماه ، با خانواده خود روانه رشت شد. پس از طی مقطع ابتدایی و متوسطه در گیلان ، در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد، ولی پس از یکی دو ماه ، آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد و در همین رشته موفق به اخذ درجه دکترا شد. وی در زمان تحصیل به دلیل مشکلات مالی ، در راه آهن دولتی ایران اشتغال یافت، و توانست در کنار کار ، تحصیلات خود را نیز به پایان برد. از جمله فعالیت های سمیعی در طول تحصیل و بعد از آن ، ورود به مسائل سیاسی بود که به همین خاطر چندین مرتبه توسط ماموران رژیم پهلوی

دستگیر شد. سمیعی علاوه بر فعالیت در راه آهن به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت. پس از انحلال موسسه انتشارات فرانکلین ، در سازمان ویرایش و تولید فنی ، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود ، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هئیت مدیره ، مشغول به کار شد. پس از پیروزی انقلاب وی با چندین موسسه فرهنگی به همکاری پرداخت ؛ او همچنین به مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران) ، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. دکتر سمیعی همچنان به فعالیت های فرهنگی خود با موسسات و پژوهشکده ها ادامه می دهدو آثاری چند نیز تاکنون عرضه نموده است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ویراستاری

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد سمیعی پس از تولد یافتن در تهران با خانواده به رشت رفته و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت گذراند و در خرداد سال ۱۳۱۸ دوره دبیرستان را با احراز رتبه اول در گیلان به پایان رساند. در شهریور همان سال، برای ادامه تحصیلات به تهران رفت و در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد. ولی پس از یکی دو ماه آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۲۱ با احراز رتبه اول و اخذ مدال درجه یک علمی، دوره لیسانس، خود را به پایان رساند. ضمن تحصیل در دانشکده ادبیات دوره درسی انستیتوی روزنامه نگاری را نیز گذراند. از سال ۱۳۳۴، از فعالیتهای سیاسی کناره گرفت و به تحصیل و فعالیتهای فرهنگی پرداخت. پس از حدود چهارده سال دوری از محیط دانشگاهی، بار دیگر در دوره دکتری ادبیات فارسی نام نویسی کرد و طی دو سال، هشت شهادتنامه از ده شهادتنامه این دوره را گذراند. در ۱۳۵۵ ، در کنکور فوق لیسانس زبان شناسی همگانی دانشگاه تهران با رتبه اول پذیرفته شد و در ۱۳۵۸ (با معدل ۳/۸۹ از ۴/۰۰ به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل گشت.

استادان و مربیان : احمد سمیعی در حوزه درسی استادانی چون ملك الشعرای بهار، بدیع الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، کاظم عصار. فاضل تونی، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر محمد باقر هوشیار و دکتر رضازاده شفق، شرکت جست. همچنین با استادانی چون رشید یاسمی، مطیع الدوله حجازی، خانبابا بیانی، عبدالرحمن، فرامرزی گذراند.

وقایع میانسالی : فعالیتهای سیاسی احمد سمیعی از اواخر سال ۱۳۲۳ آغاز شد و تا ۱۳۳۴ ادامه یافت. مجموعا" سه سال و چهار ماه در زندان سیاسی به سر برد و حدود پنج سال به فعالیت مخفی و نیمه علنی پرداخت و در همین مدت، یک سال و نیم را در کشورهای اروپایی گذراند. در سال ۱۳۴۲، دستگاه حکومتی که بر اثر وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، فشار به فعالان سیاسی را شدت بخشیده بود، به اتهام فعالیتهای سیاسی سابق، وی را به سه سال زندان محکوم کرد که شش ماه آن را بیشتر گذرانده بود و تا پایان سال ۱۳۴۵ به مدت دو سال و نیم دیگر را در زندان سیاسی به سر برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد سمیعی مدتی در راه آهن دولتی ایران اشتغال داشت. سپس به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت و کتاب های متعددی را ویرایش کرد. بر اثر انحلال موسسه انتشارات فرانکلین، در سازمان ویرایش و تولید فنی، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هیئت مدیره، مشغول به کار شد. پس از انقلاب اسلامی ، سازمان ویرایش و تولید فنی منحل شد و او سالهای پس از انقلاب را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دایره المعارف اسلام، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی ، انتشارات سروش ، به خدمات ویرایشی پرداخت. وی از ۱۳۷۰ به عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب شد و مسئولیت سر

دبیری نامه فرهنگستان را به عهده گرفت. وی، علاوه بر این، در حال حاضر، عضو گروه ویرایش و از مترجمان فرهنگ آثار در انتشارات سروش، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیمای جمهوری اسلامی و مشاور علمی پژوهشگاه علوم انسانی (موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی) است.

فعالیتهای آموزشی : احمد سمیعی دوره های کتاب داری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دروس زیبا شناسی، مکاتب ادبی و آیین نگارش تدریس می کرد. در عین حال مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران)، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. وی در دوره های کوتاه مدت و میان مدت آموزش ویراستاری موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، نیروی هوایی، موسسه امام جعفر صادق (ع) قم، موسسه باقر العلوم قم، مرکز نشر دانشگاهی ، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت ارشاد اسلامی نیز دروس «ویرایش زبانی» و «آیین نگارش» را بر عهده گرفت. تدریس «مکتب های ادبی » در چند دوره کلاس کتاب داران کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان. تدریس (شاهکارهای ادبی یونان باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (شاهکارهای ادبی رم باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (متون ادب فارسی) در دانشگاه تربیت معلم. تدریس (آیین نگارش) در دانشگاه تربیت مدرس. سردبیری مجموعه سخن پارسی(۱۱ عنوان). دبیری (داخلی) مجله سپیده فردا (دانش سرای عالی) در سالهای ۱۳۳۶-۱۳۳۷. مشاور ویرایشی موسسه مطالعات علمی و فرهنگی . مسئول بخش ویرایش انتشارات علمی و فرهنگی(پنج سال). ویراستار ارشد مرکز نشر دانشگاهی. تدریس متون ادب فارسی،سبک شناسی،آیین نگارش در دانشگاه گیلان(۷ سال). تدریس متون ادب فارسی و سبک شناسی در دانشگاه آزاد گیلان (۵ سال). تدریس دروس (ویرایش زبانی)، آیین نگارش در دوره های دو ساله ویرایش مرکز نشر دانشگاهی. عضویت هیئت علمی مجمع علمی آموزش زبان وادب فارسی.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد سمیعی با مجلات سپیده فردا، ارگان دانش سرای عالی، و با سازمان لغت نامه دهخدا همکاری داشت. در سال ۱۳۴۱ به معرفی راه آهن، در دوره پنج هفته ای سمینار آموزشی مدیریت در زیبا کنار (گیلان) و همچنین دوره یک هفته ای بازآموزی تابستان ۱۳۴۲ در همدان شرکت کرد. وی ، همزمان، سردبیری مجموعه سخن پارسی را نیز به عهده داشت و یازده عنوان آن را، که به صورت کتاب درسی دانشگاهی در آمدند، سرپرستی کرد. ضمن خدمات ویرایشی، بامجلات کتاب امروز، پیک جوانان، ماهنامه آموزش و پرورش همکاری مستمر داشت و در مجلات فرهنگ و زندگی ، رودکی ، الفبا، ققنوس پویه، پیام یونسکو مقالاتی (تالیف و ترجمه) از وی به چاپ رسید. ------------------------------------

----

آثار :

۱ ترجمه برادرزاده راموو هنرپیشه کیست؟

ویژگی اثر : اثر دیدرو

۲ ترجمه چومسکی

ویژگی اثر : اثر جان لاینر

۳ ترجمه چیزها

ویژگی اثر : اثر ژرژ پرک

۴ ترجمه خیال پروری ها

ویژگی اثر : اثر روسو

۵ ترجمه دلدار و دلباخته

ویژگی اثر : اثر ژرژ ساند

۶ ترجمه ساخت های نحوی

ویژگی اثر : اثر چومسکی

۷ ترجمه سالامیو

ویژگی اثر : اثر فلوبر

۸ ترجمه کنفوسیوس

ویژگی اثر : اثر کارل یاسپرس

منابع زندگینامه :منابع :

۱نشریه بخارا–شماره ۱۵–آذر و دی ۷۹

سمیعی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، مترجم. از آثار وی: «پرومته‌ی سست زنجیر»، ترجمه؛ «پیر دختر»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۰۴/۴).

سناجیان، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۷۱.

از آثار اوست: ترجمه کتاب آیین دوست یابی در اسلام (اثر محمد الحیدری، ویراستار حسین الهی قمشه‌ای، تهران، ۱۳۷۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سنجی، ابوداوود سلیمان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۷ ق)، حافظ، محدث، مورخ، نحوی، ادیب، و شاعر. نسبتش به سنج، یکی از توابع مرو، می‌رسد. وی در لغت و فنون

مهارت بسزایی داشت. تمامی آن علوم را از اصمعی و دیگر اساتید وقت فراگرفت. به عراق و حجاز و یمن و مصر کرد و به بغداد رفت و با حافظان حدیث آنجا به مذاکره پرداخت. او از نضر بن شمیل و عبدالرزاق بن همام و حسین بن حفص اصفهانی و عثمان بن عمر بن فارس و عمرو بن عاصم و بسیاری دیگر حدیث شنید. مسلم و ترمذی و نسائی، صاحبان سه «صحیح»، و همچنین ابوحاتم رازی و ابن‌خراش و محمد بن عقیل بلخی و ابن ابی‌داوود از وی حدیث روایت کرده‌اند. پاره‌ای از رجال‌شناسان او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. از آثار وی کتابی در «تاریخ» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۵۲ -۵۱ /۹)، تهذیب التهذیب (۱۹۹/۴)، الجرح و التعدیل (ج ۲ ق ۱۴۷/۱)، ریحانه (۹۱/۳)، معجم المؤلفین (۲۷۶/۴).

سهراب، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۴ ش)، مترجم و نویسنده. تحصیلات خود را در کالج آمریکایی تهران به پایان رسانید و مدتی با سمت دبیری در دبیرستان دولتی کرمان اشتغال داشت. بعدها وارد خدمت ارتش شد و در سال ۱۳۳۶ ش بعد از چهل و پنج سال خدمت در نقاط مختلف ایران بازنشسته شد. ازآثار وی: «اصول تعلیمات اخلاقی کنفوسیوس»، ترجمه؛ «در جبهه‌ی باختر»، ترجمه؛ «راهنمای شوهر جوان در مرحله‌ی ازدواج»، ترجمه؛ «راهنمای معلمین برای مدارس و مراکز تعلیماتی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۷۶ -۷۷۵ /۶).

سهروردی، ابوالفتوح یحیی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۹- مقتول ۵۸۷ ق)، حکیم، صوفی، متکلم، ادیب، فیلسوف. ملقب به الموید بالملکوت و شیخ اشراق. وی در سهرود از توابع زنجان متولد شد. شهاب‌الدین یحیی سهروردی را غالبا شیخ اشراق یا المقتول یا شهید می‌نامند. وی اصول فقه را نزد شیخ مجدالدین جیلی استاد فخرالدین محمد رازی در شهر مراغه آموخت و مراتب عالیتر را در اصفهان نزد طاهرالدین قاری به پایان رساند. و چون در بسیاری از موارد با قدما خلاف اندیشیده و علی‌الخصوص در اصطلاحات خود از الفاظ و اصطلاحات دینی زرتشتی بسیار استفاده کرده است، متعصبان قوم، او را بالحاد متهم داشته و علماء حلب خون او را مباح شمردند. وی آثار متعدد به زبان فارسی و تازی دارد. وی بزرگترین فیلسوفی است که حکمت اشراق در آثار و روش فلسفی او به کمال رسید. وی تنها از افلاطون و پیروان طریقه‌ی او متاثر نبود بلکه از فلسفه‌ی متداول در ایران خاصه‌ی فلسفه‌ی متمایل به عرفان که در طریقت زردشت دیده می‌شود نیز استفاده کرد، که همان طریقه‌ی خسروانی است. وی منطق، بصائر ابن‌سهلان ساوی ر نزد ظهیرالدین قاری خوانده است. و در سفری که به ماردین از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی

عارف و حکیم رسیده وی به فرمان صلاح‌الدین ایوبی و به تحریک متعصبین در سن سی و هشت سالگی در حلب به قتل رسید. از آثار عربی وی: «البارقات الالهیه»؛ «التلویحات»؛ «التنقیحات»؛ «حکمه الاشراق»؛ «رساله فی اعتقاد الحکما»؛ «طوارق الانوار»؛ «قصه الغربه الغربیه»؛ «لوامع الانوار»؛ «الالواح العمادیه»؛ «المقاومات»؛ «المشارع و المطارحات»؛ «اللمحات» یا «اللمحه»؛ «الهیا کل النوریه»؛ «المبداء و المعاد» و غیره. از آثار فارسی او: «آواز پر جبریل»؛ «پرتونامه»؛ ترجمه «رساله الطیر» ابن‌سینا؛ «رساله العشق»؛ «روزی با جماعت صوفیان»؛ «صفیر سیمرغ»؛ «عقل سرخ»؛ «لغت موران»؛ «یزدان شناخت».[۱]

یحیی بن حبش بن امیرک ملقب به شهاب‌الدین و شیخ اشراق و شیخ مقتول و شهید و مکنی به ابوالفتح، حکیم معروف و محیی حکمت اشراق (و. سهرورد ۵۴۹- مقت. ۵۸۷ ه.ق.). وی حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و به قوت ذکا وحدت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از امور علمی اطلاع یافت، و چون در بسیاری از موارد خلاف رأی قدما گفته و از حکمت ایرانی و اصطلاحات دین زردشتی استفاده کرده، متعصبان او را با لحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباح شمردند. صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای مصر و شام فرمان داد تا او را به قتل رسانند و وی در حبس در سن ۳۸ سالگی خفه شد. سهروردی آثار متعدد به فارسی و عربی دارد. مهمترین آنها از این قرارند: منطق التحلویحات، کتاب التلویحات، کتاب المقاومات، کتاب المشارع والمطارحات، حکمهٔ الاشراق (ه.م.) رسالهٔ فی اعتقاد الحکماء قصهٔ الغربهٔ الغربیهٔ، آواز پر جبرئیل، رسالهٔ العشق، لغت موران، صفیر سیمرغ، ترجمه رسالهٔ الطیر ابن سینا، اللمحات، الیهاکل النوریهٔ، الالواح العمادیهٔ، المبدأ و المعاد، طوارق الانوار، البارقات الالهیهٔ، لوامع الانوار، روزی با جماعت صوفیان، عقل سرخ، پرتونامه. از غالب کتب او نسخ متعدد در دست است و بخش مهمی به طبع رسیده. سهروردی حکمت اشراق (ه.م.) را احیاء کرده به کمال رسانید. فلسفه او التقاطی است و در آن آثاری از اصول عقاید حکمای یونان به خصوص افلاطون و نوافلاطونیان و حکمای قدیم ایران (فهلویون) و اصول دین زردشت در آن به خوبی نمایان است. این فسلفه به حکمت اشراق معروف است و پس از او شارحان وی (شهر زوری و قطب‌الدین شیرازی) و حکمایی مانند صدرالدین شیرازی و هادی سبزواری عقاید او را دنبال کردند و به تأیید و توضیح آن پرداختند. سهروردی درباره مشرب عرفانی خود گوید: بیشتر نظرات من فقط زاده فکر نیست. بلکه بر اثر ریاضت و راهنمایی ذوق حاصل شده است. پس چون از راه برهان به دست نیامده و از راه عیان حاصل شده به تشکیک مشککی از میان نمی‌رود. طریق من طریقی است که همه سالکان راه حق و امام الحکمه افلاطون پیش گرفته و به یاری ذوق به حل بسیاری از مشکلات توفیق یافته‌اند. وی قایل به اصالت ماهیت است و وجود را امری اعتباری و عقلی می‌داند و ماهیت را که اصل است و همه عالم از آن تشکیل یافته است چهار قسم ذکر می‌کنند: زیرا یا نور است یا ظلمت، و هر یک از این دو یا جوهر است یا عرض. اما نور جوهری شامل نفوس (یا به تعبیر خود او انوار اسفهبدی) و عقول است و مراتبی دارد که بالاترین آنها نورالانوار است که آن را به اسامی نور مقدس، نور محیط، نور اعلی، نور اعظم و غیره خوانده است. منشأ و مبدأ همه نورهاست. نورالانوار کامل است، و ورای آن هیچ چیز دیگر موجود نیست بنابراین نورالانوار در واقع همان روشنی بی‌پایان است که در اوستا بدان اشاره رفته و از آن به اهورامزدا تعبیر شده است. به عبارت دیگر نورالانوار علهٔ العلل، مبدأ کل و خالق عالم است و همه چیزها از اشراقات او هستند و محتاج بدو. از نورالانوار فقط یک نور مجرد مستقیما پدیده آمده است. این نور نخستین را سهروردی نور اقرب و نور عظیم (بهمن) خوانده است. از نور اقرب یک فلک- که فلک‌الافلاک باشد و نور مجرد دوم- حاصل شد، و از این نور، نور و فلک دیگر به وجود آمد، و به همین ترتیب تا نور نهم و فلک نهم. فلک نهم- که آخرین فلک است- زمین خاکی را در برگرفته است، و نور مربوط به این فلک در قلب انسان و مغز سر او پرتو افکن شده و ادراک معقولات را برای وی میسر ساخته است. این انوار نه گانه با مصدر و مبدأ کل آنها که نورالانوار است همان است که فارابی و ابن سینا عقول عشره خوانده و همه را صادر از فیض الهی دانسته و آخرین آنها را عقل فعال نامیده‌اند.در نظر سهروردی نور عرضی روشنیهای محسوس است چون نور آفتاب و ستارگان و آتش.

ظلمت جوهری عبارتست از اجسام، یعنی اشیائی که قابل اشاره و محل اعراضند و شیخ آنها را برزخ نام داده است. ظلمت عرضی چیزهایی هستند که بر اجسام عارض توانند شد، چون رنگ و بو و طعم و سبکی و سنگینی و جز آن که شیخ از آنها به لفظ «هیئت» نیز تعبیر کرده است. سهروردی در کتاب کلمهٔ التصوف گوید: «در میان ایرانیان گروهی بودند که به حق رهنمایی می‌کردند و حکیمانی دانشمند بودند که به مجوس شباهتی نداشتند، و بر آن طریق گامزن نبودند، و ما حکمت نوریه شریف آنان را، که ذوق افلاطون و کسانی که بیش از او بودند، گواه آن است، در کتاب موسوم به حکمهٔالاشراق و مانند آن، زنده گردانیدیم، و کسی بر من در تدوین مانند آن پیشی نجسته است.» و در حکمهٔ الاشراق نویسد: «... و برین بنا نهاده شده است قاعده اشراق در نور و ظلمت که طریقه حکمای ایران مانند جاماسب و فرشوشتر و بزرگمهر و حکیمان پیش از او بود.» و در کتاب المشارع و المطارحات آورده: «و اما نور طامس که به مرگ اصغر می‌کشد: آخرین کسانی که درباره آن در دست آگاهی داده‌اند، از گروه یونانیان حکیم بزرگوار افلاطون، و از بزرگانی که در آن پژوهش کرده و نامش در تاریخها به‌جا مانده هرمس، و در پهلویان «گلشاه» موسوم به «گیومرث» و همچنین از پیروان او افریدون و کیخسرو باشند.»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۷۰ -۱۶۹ /۹)، ایضاح المکنون (۶۰۷، ۵۰۳ /۲ ، ۳۳۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۷ -۹۹۶، ۳۰۵ - ۲۹۷ /۲)، تاریخ فلاسفه (۳۸۱ -۳۶۸)، تاریخ فلسفه در اسلام (۵۶۰ -۵۲۹ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۴ - ۴۴۳)، ترجمه‌ی تتمه صوان الحکمه (۱۰۴ -۱۰۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۳۸۴/۱)، الذریعه (۱۵۳ -۱۵۲ /۱۳ ، ۲۷۷/۲۵، ۵۵۴/۹)، روضات الجنات (۱۹۷/۸)، ریاض العارفین (۲۱۱)، ریحانه (۳۰۰ -۲۹۸ /۳)، سیر النبلاء (۲۱۱ -۲۰۷ /۲۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱۹ - ۵۱۸)، کشف الظنون (۱۵۶۰ ، ۷۱۹۷، ۶۸۴، ۴۸۲، ۳۶۱، ۱۵۹)، الکنی و الالقاب (۳۲۶/۲)، لسان المیزان (۵۱۱ - ۵۱۰ /۳)، لغت نامه (ذیل/ابوالفتوح)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۶ -۸۲۳ /۶)، مجمع الفصحا (۸۱۹/۲)، معجم الادبا (۳۲۰ -۳۱۴ /۱۹)، معجم المؤلفین (۱۹۰ -۱۸۹ /۱۳)، نفحات الانس (۵۸۶ -۵۸۴)، الوافی بالوفیات (۳۲۳ -۳۱۸ /۲)، وفیات الاعیان (۲۷۴ -۲۶۸ /۶)، هدیه العارفین (۵۲۱/۲)، هفت اقلیم (۲۰۱/۳).

سهیلی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی آموزش زبان انگلیسی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه آمریکائی بیروت در سال ۱۳۴۶، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۵ و فوق تخصص فراگیری زبان اول و دوم از دانشگاه واشنگتن در سیاتل در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام تحقیقات زبان‌شناسی و تدریس دروس زبان‌شناسی و دستور زبان انگلیسی و زبان‌شناسی همگانی در دانشگاههای اصفهان، تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

آواشناسی زبان انگلیسی، شناخت لغت در زبان انگلیسی، دستور زبان انگلیسی، روشهای تدریس زبان انگلیسی، فرهنگ مطبوعاتی، آموزش و سنجش زبان انگلیسی، طبقه‌بندی زبانها و زبان‌شناسی نو.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، زبان‌شناسی فارسی، فراگیری و تدریس زبان انگلیسی و فارسی، آواشناسی از دید بوعلی سینا.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سهیلی خوارزمی، ابوالحسن احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۸ ق)، ادیب و شاعر. وی مدتی وزیر ابوالعباس مامون خوارزمشاه بود، سپس ترک وزارت گفت و به بغداد رفت و در سامراء درگذشت. حسن بن حارث حسونی «کتاب سهیلی» خود را به نام وی تالیف کرد. از آثار او: «الروضه السهیلیه فی الاوصاف و التشبیهات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴، ۳۰۴/ ۱)، تاریخ علوم عقلی (۲۰۸)، ریحانه (۱۰۱/۳)، شاعران بی‌دیوان (۴۲۱ -۴۲۰)، کشف الظنون (۹۲۶)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۳۴ -۳۱ /۵)، معجم المؤلفین (۱۰۹/۲)، هدیه العارفین (۷۲/۱).

سیاح سپانلو، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، مترجم و نویسنده. در وزارت دارایی به عنوان عضو دفتر وزارت دارایی خدمت کرد و عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی شد. از آثار وی: «حسابدار نوین، تعریف اصول ساده»؛ «در غرب خبری نیست»، ترجمه، «راپرت ماژورهال به دکتر ملیسپو»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۲۴ -۷۲۳ /۶).

سیاح، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، پزشک، مدرس، نویسنده و مترجم. در تهران متولد شد در سال ۱۳۲۸ ش به سویس رفت و تا مدت نه سال در مدرسه‌ی ابتدایی و متوسطه لوزان مشغول به تصحیل شد. تحصیلات عالی را در دانشکده‌ی پزشکی پاریس و فرانکفورت به پایان رسانید و پایان نامه‌ی خود را در باب کانونهای عفونی دو ریشه‌ای از تصویب گذرانید و در سال ۱۳۳۷ ش به ایران بازگشت، و عهده‌دار مشاغل مختلفی از قبیل استاد کرسی بیمایهای دندان، جراح دندانسازی بیمارستانها، استاد مدرسه‌ی عالی دندانسازی، ریاست دندانسازی بیمارستانهای دولتی گردید. از آثار وی: «امراض دهان و دندان»؛ «بیماریهای دندان»؛ «بیماریهای دهان»؛ «ژوزف فرشه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۲۶ -۲۲۵ /۵).

سیار، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۰۲، مشهد.

درگذشت: ۱۲ دی ۱۳۷۲، تهران.

غلامعلی سیار، فرزند سید عبدالله، پس از خاتمه‌ی تحصیلات متوسطه دارالفنون در سال ۱۳۲۳ به فرانسه رفت. هفت و سال و نیم در آن کشور بود و از دانشگاه پاریس به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی حقوق نایل آمد. پس از بازگشت به ایران به خدمات اداری در وزارت کار و امور اجتماعی و تدریس در دانشگاه تبریز پرداخت. سپس به وزارت امور خارجه منتقل گردید و مدارج متعددی را در آن وزارتخانه طی کرد. آخرین سمت وی سرکنسولی ایران در برلین غربی بود. در مرکز با مقام رایزنی درجه‌ی یک ریاست اداره‌ی دوم سیاسی (مربوط به کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی) را بر عهده داشت (پیش از سال ۱۳۵۷). دکتر سیار از مترجمین بود. آثاری چون گرسنه اثر کنوت هامسن نروژی، و دکاکولا- از شارل لوونس کانادایی، امپراطوری گسسته از هلن کاردانکوس فرانسوی، یک سیاره و چهار پنج دنیا از اکتاویو پاز مکزیکی، جلد پنجم تاریخ عمومی جهان از کارل گریبرگ سوئدی و رمانتیسم در فرانسه از فیلیپ وان تیژم فرانسوی را به فارسی ترجمه کرد. آخرین کتابی که در بستر بیماری ترجمه می‌کرد چهره‌ی آسیا تألیف رنه گروسه خاورشناس فرانسوی بود.

سیار به جز ترجمه به داستان نویسی و مقاله‌پردازی هم می‌پرداخت و در مجلات ادبی تهران یک رشته‌ی داستان‌های کوتاه و نقد ادبی منتشر کرده است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیاری اصفهانی، ابوعبداللّه احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، محدث و کاتب. در دستگاه آل‌طاهر، در زمان امام حسن عسگری (ع)، کاتب و دبیر بود. محمد بن یحیی و علی بن محمد حنانی از وی حدیث شنیدند. برخی از رجال‌نویسان وی را محدثی ضعیف و غیر قابل اعتماد و کتبش را اکثرا مراسیل می‌دانند. از آثارش: «الغارات»؛ «النوادر»؛ «ثواب القرآن»؛ «الطب»؛ «کتاب القراآت» یا «التنزیل و التحریف».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اختیار معرفه الرجال (۶۰۶)، الاعلام (۲۰۲/۱)، اعیان الشیعه (۱۱۷ -۱۱۶ /۳)، الذریعه (۳۲۱/۲۴، ۵۲/۱۷، ۱۳۶/۱۵ ، ۱۹/۵ ،۴۵۴/۴)، رجال ابن‌داود (قسم ۴۲۳ -۴۲۲ /۲)، رجال برقی (۶۱)، رجال الطوسی (۴۲۷ ،۴۱۱)، رجال النجاشی (۲۱۱/۱)، ریحانه (۱۰۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸ -۴۷ /۴)، الفهرست طوسی (۴۴)، الکنی و الالقاب (۳۲۷/۲)، لسان المیزان (۳۸۲ - ۳۸۱ /۱)، معجم رجال الحدیث (۲۸۴ -۲۸۲ /۲)، معجم المؤلفین (۱۰۹/۲)، هدیه الاحباب (۱۵۳).

سیاری، ابوالحسین احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، نحوی، لغوی و ادیب امامی. او دایی ابوعمر زاهد ملقب به مطرز است. ابوعمر، از طریق سیاری، از مبرد و ابن مسروق طوسی و ناشی روایت کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۶۹/۲)، تاریخ بغداد (۱۳ -۱۲ /۴)، روضات الجنات (۲۱۶/۱)، ریحانه (۱۰۳/۳)، الکنی و الالقاب (۳۲۸/۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، هدیه الاحباب (۱۵۳).

سیاسی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۷۴/۱۲۷۳ ش)، روانشناس، مولف و استاد دانشگاه. وی در تهران متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس خرد و سلطانی، برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه رفت و از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی پاریس به اخذ درجه‌ی دکترا با قید درجه‌ی بسیار عالی نایل گردید و به ایران بازگشت و فعالیتهای فرهنگی خود را از استادی دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی ادبیات آغاز نمود. وی چندین بار رییس دانشگاه تهران شد. از جمله خدمت موثر او می‌توان از تهیه‌ی

لایحه‌ی قانون تربیت معلم، تعلیمات عمومی اجباری و مجانی، جدا کردن دانشگاه از وزارت فرهنگ، تاسیس مجدد دانشکده‌ی معقول و منقول، ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه و تاسیس کوی دانشگاه نام برد. او به کشورهای انگلستان و فرانسه و ایتالیا و آمریکا و کانادا سفر کرد. وی در تهران وفات یافت. از دکتر سیاسی تالیفات متعددی به جا مانده است از جمله: «علم النفس یا روانشناسی»؛ «علم النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید»؛ «علم اخلاق»؛ «مبانی فلسفه»؛ «منطق و فلسفه»؛ «هوش و خرد»؛ «روانشناسی شخصیت»؛ «ایران در تماس با مغرب زمین» به زبان فرانسوی و برنده‌ی جایزه از آکادمی فرانسه؛ «طریقه تست» و «مقالات» متعددی که در جراید و مجلات به چاپ رسیده است.[۱]

محقق، مؤلف، رییس دانشگاه تهران.

تولد: ۱۲۷۳(۱۳۱۳ ق.)؛ تهران.

درگذشت: ۴ خرداد ۱۳۶۹، بیمارستان جم تهران.

علی‌اکبر سیاسی، فرزند محمدحسن، پس از اتمام تحصیلات در مدارس خرد و سلطانی و دانشکده‌ی علوم سیاسی تهران، در روزگار احمد شاه قاجار در امتحانات اعزام دانشجو شرکت کرد، شاگرد اول شد و برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در فرانسه به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه سربن نایل شد (موضوع پایان‌نامه‌ی وی «ایران در برخورد با غرب» بود.) طی تحصیل در فرانسه، رساله‌ی دکترای وی مورد توجه فرهنگستان علوم فرانسه قرار گرفت و یکی از جوایز آن فرهنگستان در سال ۱۲۹۳ م. به وی اعطاء شد.

علی‌اکبر سیاسی تحت تأثیر جریان‌های فکری و اجتماعی ناشی از زندگی در اروپا با چند تن از دوستانش که در فرنگ تحصیل کرده بودند حزب ایران جوان را تأسیس کرد. دکتر سیاسی یکی از اعضای هیئت عامله‌ی حزب و از نویسندگان روزنامه‌ی هفتگی «ایران جوان» بود. وی پس از بازگشت از سفر اول اروپا به تدریس در سه مدرسه‌ی دارالفنون، نظام و علوم سیاسی پرداخت. در همین دوران مترجمی سفارت فرانسه در تهران را هم به عهده داشت. در آن مدرسه‌ها، در آغاز کار، زبان فرانسوی و سپس روان‌شناسی تدریس می‌کرد. در همان هنگام با مجله‌ی «آینده» نیز همکاری داشت.

علی‌اکبر سیاسی پس از تأسیس دانشگاه تهران به استادی این رشته نایل آمد. بعدها که انجمن روان شناسان ایران تأسیس شد به ریاست آن انجمن برگزیده شد و نیز رییس مؤسسه‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران بود. دکتر سیاسی مدت دوازده سال ریاست انتخابی دانشگاه تهران را به عهده داشت. انتشارات دانشگاه تهران در دوره‌ی ریاست و در سال‌های آغازین کار او تأسیس شد و دکتر پرویز ناتل خانلری طراح و مجری امور آن شد. او همچنین ریاست انجمن ایرانی و فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را بر عهده گرفت و در مقام رییس کانون ایران جوان نیز کوشید تا مجموعه سخنرانی‌های فرهنگی و پژوهشی ایراد شده در آن دو مؤسسه به چاپ برساند.

دکتر سیاسی ریاست دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و نیز دانشسرای عالی تا پیش از جدا شدن آن- که بیش از بیست سال طول کشید- بر عهده داشت. تأسیس مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» نیز از فعالیت‌های او بود. وی وزیر فرهنگ احمد قوام و علی سهیلی، وزیر مشاور در هیئت دولت مرتضی قلی بیات (سهام‌الدین)، وزیر فرهنگ در هیئت دولت ابراهیم حکیمی و وزیر امور خارجه در هیئت دولت ساعد بود. در هیئتی که برای امضای منشور سازمان ملل متحد به سانفرانسیسکو اعزام شد عضو بود. در پایه‌گذاری امور یونسکو همکاری داشت و یکی دو بار به نمایندگی ایران در اجلاسیه‌های آن مؤسسه‌ی جهانی شرکت کرد. عضو شورای تبلیغات و عضو فرهنگستان ایران و شورای عالی فرهنگ و جز اینها بود. دکتر سیاسی، ده سال پایانی عمر را در اروپا و امریکا زندگی می‌کرد.

علاوه بر مقالات وی در نشریات داخل و خارج، از آثار وی است: اصول روان شناسی (۱۳۱۷)؛ روان‌شناسی پرورشی (۱۳۲۰، این

کتاب به کرات بین بیست تا سی بار به چاپ رسیده است)؛ علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ نمایشنامه‌های عشق و وطن؛ ماهیار یک قربانی دیکر؛ عشق و تجدد؛ ایران در تماس بامغرب زمین (به زبان فرانسوی)؛ دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا برلین (۱۳۲۹)؛ روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ علم اخلاق (نظری و عملی) (۱۳۳۶)؛ منطق و روش‌شناسی (۱۳۳۶، چند بار چاپ شده است)؛ مبانی فلسفه (۱۳۳۶)؛ علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ منطق و فلسفه (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ هوش و خرد (۱۳۴۱، چاپ‌های مکرر دارد)؛ روان‌شناسی جنایی (۱۳۴۲)؛ گزارش یک زندگی (جلد اول، لندن ۱۳۳۶).

در ۱۲۷۴ ش در تهران متولد شد و پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه عالی سیاسی مشیرالدوله شد و دانشنامه گرفت. در ۱۲۹۰ دولت ایران قریب بیست نفر از جوانان کشور را تحت سرپرستی ریشارد برای ادامه تحصیل به اروپا فرستاد، از جمله علی‌اکبر سیاسی در زمره‌ی آن بیست نفر بود. در این سفر برای هر کدام از محصلین نام خانوادگی انتخاب شد و چون علی‌اکبر رشته‌ی سیاسی خوانده بود نام خانوادگی سیاسی را برای خویش انتخاب کرد. پس از ورود به پاریس وارد دانشسرای روان شد و به تحصیل در رشته‌ی علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت و مدت تحصیل وی مجموعا پنج سال به طول انجامید و در ۱۲۹۶ به ایران بازگشت و به استادی مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در ۱۲۹۸ علاوه بر تدریس به سمت مستشار و مترجم سفارت فرانسه در تهران برگزیده شد و قریب دو سال در آن سمت انجام وظیفه نمود. سیاسی پس از بازگشت از اروپا در فکر تغییراتی در شئون تغییراتی در شئون مختلف کشور افتاد و با مشارکت عده‌ای از دوستان خود جمعیتی به نام ایران‌جوان تاسیس کرد. هسته‌ی اصلی این جمعیت غیر از سیاسی عبارت بودند از، حسن مشرف نفیسی، اسمعیل مرآت، محمدوحید تنکابنی، محسن رئیس، جواد عامری. اساسنامه‌ای که خیلی مترقی و تند بود تهیه کردند از جمله در مرامنامه آنها آمده بود: تجزیه امور مدنی از مسائل روحانی، الغاء کاپیتولاسیون، الغاء محاکم خصوصی و ارجاع کلیه امور به محاکم عمومی، تجدیدنظر در قراردادهای گمرکی، ایجاد راه‌آهن، ایجاد مدرس عمومی و اجباری برای پسران و دختران و چند مورد دیگر.

جمعیت ایران‌جوان پس از مدتی روزنامه‌ای به نام جمعیت که به طور هفتگی منتشر می‌شد دائر کردند که شماره اول آن دوازده صفحه بود و مطالب متنوعی در آن نوشته شده و چندین کاریکاتور هم در آن شماره به چشم می‌خورد. وقتی سردار سپه قدرت گرفت، اعضاء موسس ایران‌جوان را پذیرفته و مرامنامه آنها را مطالعه و مورد تصویب و اجرا قرار داد.

علی‌اکبر سیاسی در ۱۳۰۸ مجددا برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در رشته‌ی روانشناسی دکترا گرفت و رساله‌ی وی با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب استادان قرار گرفت و جایزه‌ای نیز از طرف دانشگاه به او داده شد. سیاسی در ۱۹۳۱ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ ریاست تعلیمات عالیه به او واگذار شد و در دارالمعلمین عالی نیز به تدریس روانشناسی و فلسفه پرداخت.

در ۱۳۱۳ پس از تاسیس دانشگاه تهران وی به استادی روانشناسی در دانشکده ادبیات منصوب شد و در سال بعد عضو پیوسته فرهنگستان جدیدالتاسیس ایران شد. در ۱۳۲۱ به ریاست دانشکده ادبیات برگزیده شد و در مرداد همان سال در کابینه‌ی احمد قوام وزارت فرهنگ را عهده‌دار شد. سیاسی در این سمت قانون تعلمیات اجباری را از مجلس سیزدهم گذرانید و برای دانشگاه تهران که ضمیمه وزارت فرهنگ بود استقلال گرفت و از طرف روساء دانشکده‌ها به ریاست دانشگاه مستقل تعیین شد.

پس از بلوای ۱۷ آذر ۱۳۲۱ قوام‌السلطنه تمام روزنامه‌ها و مجلات کشور را تعطیل کرد و مدیران آن را به زندان افکند و دکتر سیاسی وزیر فرهنگ وقت لایحه‌ی جدیدی به قید دوفوریت به مجلس داد و ضمن لغو تمام امتیازات برای صاحب امتیازی مطبوعات، اصول جدیدی را در نظر گرفت که یکی داشتن دیپلم متوسطه و دیگری بضاعت مالی بود.

پس از سقوط کابینه‌ی احمد قوام، علی سهیلی به نخست‌وزیری منصوب شد و پست وزارت فرهنگ مجددا به دکتر علی‌اکبر سیاسی تفویض گردید. در ۱۳۲۳ در کابینه‌ی مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) به وزارت مشاور برگزیده شد. در ۱۳۲۶ در کابینه‌ی

ابراهیم حکیمی برای بار سوم وزیر فرهنگ شد و بالاخره در کابینه‌ی ساعد به وزارت امور خارجه معرفی گردید. و در ۱۳۲۵ عضویت هیئت نمایندگی ایران را در سازمان ملل عهده‌دار گردید.

دکتر علی‌اکبر سیاسی مجموعا مدت ۱۲ سال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۳۳ به موجب طرحی که از طرف یکی از نمایندگان به مجلس داده شد، انتخاب ریاست دانشگاه از روسای دانشکده‌ها سلب و قرار شد وزیر فرهنگ سه نفر از اساتید دانشگاه را که رتبه‌ی آنها از ۹ کمتر نباشد به شاه پیشنهاد کند و شاه یکی از آنها را انتخاب کند. لذا جعفری وزیر فرهنگ وقت، سه نفر را پیشنهاد نمود. نفر اول دکتر منوچهر اقبال بود که به ریاست دانشگاه انتخاب گردید. دکتر اقبال برای تقدیر از خدمات دکتر سیاسی به وی مقام ریاست افتخاری دانشگاه تهران را داد.

دکتر علی اکبر سیاسی پس از کنار رفتن از ریاست دانشگاه، تلاشی برای کارهای دولتی به عمل نیاورد و همچنان با استادی و تدریس در دانشکده ادبیات امرار وقت می‌کرد و سرانجام بازنشسته شد و به مقام استادی ممتاز رسید.

دکتر سیاسی دارای تالیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد، از جمله می‌توان کتابهای مبانی فلسفه علی‌النفس یا اصول روانشناسی، نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی و چندین کتاب درسی و چند ترجمه را نام برد. او اصول روانشناسی جدید را در ایران بنیاد نهاد، از اینرو به نام بنیانگذار و پدر روانشناسی جدید در ایران معروف می‌باشد. وی در جوانی با دختر صمصام‌الملک بیات ازدواج کرد و صاحب چند فرزند شد که ارشد آنها دکتر هدایت سیاسی هم‌اکنون استاد دانشکده بهداشت است.

سیاسی در اواخر عمر در خارج از ایران می‌زیست و کتابی به زبان فارسی تحت عنوان گزارش یک زندگی نوشته و انتشار داد که در حقیقت شرح حال و زندگینامه‌ی او بود. در اواخر ۱۳۶۸ به ایران بازگشت و در ششم خرداد ۱۳۶۹ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۳۱۱ -۳۱۰)، کلک (س ۱۳۶۹، ش ۳، ص ۳۲ -۲۹)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۱ -۵۱۸ /۴)، نشر دانش (س ۱۰، ش ۴، ص ۱۰۴).

سیاهپوش، سید جواد، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، عالم، ادیب و شاعر. پدرش سید محمد زینی از معاصران سید مهدی طباطبایی بود. سید جواد از اخباریان متعصب و از شاگردان میرزا محمد اخباری بود. او دارای خطی نیکو بود. چون پدرش درگذشت او را به قصیده‌ای رثاء گفت که در «دیوان» وی ثبت است. از آثار وی: «معراج الاسرار»، در تصوف؛ «دوحه‌الانوار فی الرائق من الاشعار»؛ در ادب، در چند جزء؛ شعری در رثای شیخ محسن اعسم؛ «دیوان» اشعار؛ قصیده‌ای در رثای شیخ خالد نقشبندی که سید محمود آلوسی بزرگ آن را شرح کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲/۶)، اعیان الشیعه (۲۸۱ -۲۸۰ /۴)، الذریعه (۲۲۸/۲۱، ۲۰۸/۹، ۲۷۳/۸)، ریحانه (۱۰۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۰ -۲۸۹ /۱۳)، معجم المؤلفین (۱۶۸/۳)، مکارم الآثار (۱۳۲۰ -۱۳۱۹ /۴).

سیبویه اصفهانی، ابونصر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، نحوی. از بزرگان علم و ادب بود. از ابن فارسی روایت کرده و عموی سمعانی نیز از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۱۰ -۱۰۹ /۳).

سیبویه ثانی، برهان‌الدین ابراهیم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۰ -۹۱۷ ق)، نحوی و ادیب، عارف، شاعر و مفسر. از عارفان و نام‌آوران عرفان و مشاهیر سلسله‌ی نقشبندیه است. که در نحو و ادبیات عرب و متون شعری یگانه‌ی روزگار خود بود. در حین مسافرت به مکه به دست خوارج کشته شد. از آثار وی: «انبیاء نامه»؛ «التائیه»، در نحو معروف است به «نهایه البهجه»، که آن را شرح کرده به نام «معیار الادب فی شرح نهایه البهجه»؛ «تائیه» در نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری به نام «موزون المیزان»؛ «تفسیر قرآن» از اول تا سوره‌ی یوسف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۸ -۱۲۷ /۲)، ایضاح المکنون (۵۱۵/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶)، الذریعه (۵۰۶/۹، ۲۰۲ -۲۰۱ /۳)، ریحانه (۱۱۱ -۱۱۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۷)، کشف الظنون (۱۹۰۱، ۲۶۷)، معجم المؤلفین (۳۸/۱)، یغما (س ۶، ص ۱۵۴ - ۱۵۲).

سیبویه، ابوبشر، ابوالحسن عمرو

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۹۴ -۱۶۰)، نحوی. ملقب به امام نحویان. در بیضاء شیراز متولد شد و در بصره نشو و نما یافت و در بصره و بغداد اقامت گزید. ابتدا به طلب فقه و حدیث پرداخت. سپس متون عربیت را نزد خلیل بن احمد و یونس بن حبیب و عیسی بن عمر و اخفش اکبر فراگرفت و قطرب و اخفش اصغر و اخفش اوسط و دیگر بزرگان از شاگردان وی بودند وی با کسایی معاصر بود و مناظره داشت. محل مرگ وی را در بصره، ساوه، بیضاء آورده‌اند. درباره عظمت علمی و فکری سیبویه سخن بسیار گفته شده و کتاب فراوان نگاشته شده او را اولین کسی می‌دانند که علم نحو را گسترش داد. از آثار او: «الکتاب» یا «کتاب سیبویه».[۱]

(معر، سیب کوچک یا بوی سیب) ابوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر (یا قنبره) فارسی بیضاوی و سپس عراقی مصری ملقب به سیبویه (و. بیضاء (فارس) ۱۴۸ ه.ق./ ۷۶۵ م.- ف ۱۸۰ ه.ق./ ۷۹۶ م.) وی اعلم مردم در نحو عربی بود و او را پیشوای مذهب بصریان در نحو دانند چنانکه کسائی را پیشوای کوفیان دانند، کتاب مشهور او به نام «الکتاب» در نحو است. قبر وی اکنون در محله سنگ سیاه شیراز می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۲/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶/۱)، تاریخ بغداد (۱۹۹ -۱۹۵ /۱۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۲ -۲۱۱ /۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۳۹۷ -۱۳۹۶ /۱)، الذریعه (۲۶۱/۱۷)، روضات الجنات (۳۱۰ -۳۰۵ /۵)، ریحانه (۱۰۹ -۱۰۸ /۳)، سیر النبلاء (۳۵۲ -۳۵۱ /۸)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۷۱/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۸۴)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۹۰ -۸۹)، الکنی و الالقاب (۳۳۰ -۳۲۹ /۲)، کشف الظنون (۱۴۲۷ -۱۴۲۶)، لغت نامه (ذیل/ سیبویه)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۱۷۹)، مجموعه مقالات کنگره سیبویه، معجم الادباء (۱۲۷ -۱۱۴ /۱۶)، معجم المؤلفین (۱۰/۸)، وفیات الاعیان (۴۶۵ -۴۶۳ /۳)، هدیه الاحباب (۱۵۴ -۱۵۳).

سید انزابی‌نژاد، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سیدحسینی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا سیدحسینی درسال ۱۳۰۵ در اردبیل زاده شد. وی علوم ارتباطات دور را در مدرسه پست و تلگراف و تهران آموخت وی در مدرسه عالی ارتباطات دور فرانسه و نیز در دانشگاه U.S.C آمریکا مدتی تحصیل کرد و به تدریس در آموزشکده تئاتر پرداخت. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دایرهٔ المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می کند. کتاب"ضد خاطرات "ترجمه وی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فارسیگرایش : ترجمه ادبیوالدین و انساب : رضا سیدحسینی ازسادات شهرستان اردبیل می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا سیدحسینی دورهٔ دبیرستان را در زادگاهش و تحصیلات تخصصی در رشته مخابرات را در آموزشگاه عالی پست و تلگراف تهران فراگرفت. سپس به فرانسه رفت و در مدرسه عالی ارتباطات دور و سپس دردانشگاه U.S.C آمریکا به تحصیل فیلم سازی مشغول شد. وی پس از بازگشت به میهن زبانهای فرانسه و فارسی را به طور عمیق تر نزد عبدالله توکل، پژمان بختیاری و ناتل خانلری فرا گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : سفرها و اقامت رضا سیدحسینی در فرانسه و آمریکا از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا سیدحسینی در کنار مطالعه رشته فیلم سازی، به طور جدی به مطالعه آثار ادبی ملل گوناگون می پرداخت و ترجمه های فراوان و ارزشمندی از آنها به عمل آورد که وی را در این زمینه مشهور کرد. وی کار ترجمه را از شانزده سالگی آغاز کرده است. از زبانهای فرانسه و ترکی استامبولی و انگلیسی ترجمه می کند. در سال ۱۳۳۴ کتاب «مکتبهای ادبی» را تألیف کرده است که اغلب در رشته های ادبی دانشگاهها تدریس می شود. عبالله توکل را (که به اتفاق او چند کتاب از آثار اشتفان تسوایک و بالزاک و آندره ژید را ترجمه

کرده) و نیز مرحوم پژمان بختیاری را اولین معلم های خودش در کار ترجمه می داند، اما رشد ادبی خود را مدیون دکتر پرویز خانلری است که سالیان دراز در مجلهٔ سخن (به عنوان دستیار و سر دبیر) در واقع شاگرد مکتب او بوده است.استادان و مربیان : رضا سیدحسینی زبان فرانسه و فارسی را نزد استادانی همچون عبدالله توکل، پژمان بختیاری و دکتر پرویز ناتل خانلری به طور عمیق تری فرا گرفته بود.وقایع میانسالی : رضا سیدحسینی پس از بازگشت از آمریکا و فرانسه به میهن مدتی به تدریس در آموزشکده تئاتر پرداخت. وی سالهای متمادی سردبیر مجله سخن و فعال در اداره مخابرات و رادیو و تلویزیون بو. و در کنار آن به طور جدی به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون به زبان فارسی مشغول بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : برخی از مشاغل رضا سیدحسینی عبارتند از : - عضو هیأت علمی دایره‌المعارف اسلامی -مدرس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات در آموزشکده تئاتر - سردبیر مجله سخن -فعالیت دراداره مخابرات و رادیو و تلویزیون -مترجم ادبیات ملل به زبان فارسی فعالیتهای آموزشی : رضا سیدحسینی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا مدتی در آموزشکده تئاتر به تدریس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات می پرداخت.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی دایرهٔ المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می کند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه وترجمه آثار ادبی مشهور ملل گوناگون به ویژه ملتهای فرانسوی زبان از امور مورد علاقه رضا سیدحسینی بوده و هست.همفکران فرد : رضا سیدحسینی در زمینه ترجمه آثار ادبی ملل در کنار بزرگانی چون نجف دریا بندری و احمد آرام قرار می گیرد.آرا و گرایشهای خاص : رضا سیدحسینی از جمله مترجمینی است که عمدتا به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون علاقمند است.جوائز و نشانها : رضا سیدحسینی درسال ۱۳۸۰در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه ترجمه برگزیده و معرفی شد.همچنین کتاب"ضد خاطرات "ترجمه وی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان سر ویراستار کتا" فرهنگ آثار (معرُفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز ")بوده اند که کتاب فوق در دوره بیست و یکم کتاب سال انتخاب شده است.

آثار : آن سوی کوهستان و ، گرما را بکشند ویژگی اثر : ترجمه، از یاشار کمال (به اتفاق جلا ل خسروشاهی)۲ آنسوی کوهستان ۳ امید ۴ امید ویژگی اثر : ترجمه،از آندره مالرو۵ بهانه ها و بهانه های تازه ۶ تاریخ رمان مدرن ۷ تونیوکروگر ویژگی اثر : ترجمه، اثر توماس مان۸ جادهٔ تنباکو و غوغای ژوئیه ویژگی اثر : ترجمه، از ارسکین کالدول۹ چشم انداز ادبیات جهان ۱۰ دایره المعارف فرهنگ آثار ویژگی اثر : استاد رضا سید حسینی سرپرستی دایره المعارف فرهنگ آثار را برعهده دارد.۱۱ در تنگ ویژگی اثر : ترجمه، اثر آندره ژید (به اتفاق عبدالله توکل)۱۲ در تنگ ۱۳ در دفاع از روشنفکران ۱۴ ضد خاطرات ویژگی اثر : ترجمه، خاطرات از آندره مالرو (به اتفاق ابو الحسن نجفی)،این کتاب در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب ضد خاطرات: در تاریخ ادبیات جهان هیچ نویسندهٔ دیگری را نمی توان نشان داد که مانند آندره مالرو که زندگیش با این همه حوادث بزرگ و این همه آثار بزرگ آمیخته باشد...زمانی آندره ژید در بارهٔ او گفته بود: «هر بارکه مالرو دهان باز می کند نبوغ سخن می گوید». مالرو ضد خاطرات را در سالهای آخر عمرش نوشته است و این کتاب درواقع حاصل عمر پر بار او است و بر پایهٔ خاطراتی که از مراحل مختلف زندگی خود دارد، از قبیل اسارت در زندانهای آلمانی، و ملاقات با بازرگانی از قبیل نهرو، مائو و دیگران نوشته است. اما کتاب فقط خاطرات نیست و خود او دربارهٔ آن چنین می گوید: «من از کتابم شرح حال را به عمد کنار گذاشته ام . این کتاب متکی بر کارهای روزانه یا یادداشتهای متفرق دیگر نیست، بلکه بر اساس عناصر مشخصی از تجربه ام کوشیده ام تا شخص را، یا پاره هایی از تاریخ را ، باز یابم. رویداد و شخص را به گونه ای وصف کرده ام که گویی به خودم مربوط نیست.» ۱۵ طاعون ویژگی اثر : ترجمه، از آلبر

کامو۱۶ فرهنگ آثار (معرُفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز) ویژگی اثر : سرویراستار ،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: فرهنگ آثار (معرُفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز)/]ترجمه و تألیف[تحت نظر هیأت علمی: اسماعیل سعادت، احمد سمیعی (گیلانی)، رضا سیّدحسینی، ابوالحسن نجفی، به سرپرستی رضا سیّدحسینی.ـ تهران: انتشارات سروش، ۶ ج] ۴ ج تاکنون[، ج ۴، ۱۳۸۱. این اثر شش جلدی ثمرهٔ همکاری پژوهشگران ایتالیایی و فرانسوی است. بانی آن والنتینو بومپیانی بوده و انتشار چاپ نخست آن از ۱۹۵۳ آغاز شده است. مقالات این فرهنگ عرصه‌ای وسیع را در بر می‌گیرند: رمان، شعر، نمایشنامه، خاطرات، مجموعهٔ نامه‌ها، دانشنامه، انواع علوم و فنون، ادب و فلسفه، حقوق، علوم تجربی، علوم انسانی، تاریخ و هنر و آثار مذهبی، از متون باستانی مصر و چین گرفته تا شاهکارهای روزگار ما. اعضای هیأت علمی همهٔ مدخل‌های این فرهنگ را مطالعه و آن‌ها را به سه درجه تقسیم کردند که از آن میان مقالات کم‌ارزش و بی‌اهمیت (مقالات درجهٔ سه) حذف شد و نیز مقالات مربوط به آثار موسیقی کنار گذاشته شد و به جای آن‌ها مقالات مهم دیگری از فرهنگ ادبی آلمانی معروف کیندلرز دربارهٔ آثار شاعران و نویسندگان ملل جهان سوم انتخاب و ترجمه شد. مهمترین آثار ایرانی و اسلامی نیز در مقالاتی تألیفی معرفی و به صورت الفبایی در داخل فرهنگ قرار گرفت. و بدین ترتیب معرّفی و تحلیل و نقد قریب بیست هزار جلد کتاب‌های متعدد فرهنگ‌های گوناگون و ملل مختلف صورت پذیرفت. این فرهنگ عصاره و زبدهٔ همهٔ کتاب‌ها و همهٔ آثار ذوقی و علمی بشر را در بر دارد و ضرورتش برای انسان امروز نه تنها به حکم گسترش دامنهٔ آن در زمان است بلکه به سبب شمول قلمرو آن در مکان نیز هست. هدف این کار بزرگ مطلقاً آن نبوده است که خواننده را از خواندن اصل آثار معاف کند، بلکه برعکس، هدف اساسی این بوده است که ابزاری برای کشف نگرش اجمالی و انتخاب این آثار به دست خواننده دهد و بدین¬گونه او را به مراجعهٔ مستقیم به خود آثار برانگیزد

۱۷ مکتب های ادبی

سیدی ساروی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سیدی ساروی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۲/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روزهای سبز ادیبهشت ۱۳۴۳ در ساری شهری که همسایه دریا و کشتزاران است وعطر شالیزار درآن می وزد چشم به جهان گشودم. اولین کاری که در عمرم کردم این بود که با آمدنم پدر و مادرم را به گریه انداختم و بعد فامیلهای دیگر را (باغی که نکوست از بهارش پیداست) تا یازده سالگی در کوچه های آکنده از عطر درختان نارنج به دنبال سنجاقک و پروانه می دویدم. رگهای برگها را می شمردم و لطافت پرهای سار و سبز قبا را با نگاهم لمس می کردم. با اینکه آن روزها هم شهر نشین بودم اما گوشم با شیهه اسب و زنگوله گوسفندان آشتی داشت.در سال ۱۳۵۳ برای فرو نشاندن تشنگی روح به حوزه علمیه قم وارد شدم . تا

سال ۱۳۵۹ برگهای دفتر عمرم خالی از رنگ شعر و ادب و هنر است. از همان سال حرفهایی از چشمه روحم جوشیدند و در جویبار شعر جاری شدند . در یک برخورد از نوع معمولی با استاد " صادق موسوی گرمارودی " آشنا شدم و ایشان به پاکسازی و پالایش این چشمه پرداخت . در مدت یکی - دو سال هر بار که خار جفا در پای دل می رفت و یا پرنده شادی بر شاخسار احساس می خواند چشمه می جوشید و چند نفری هم از شنوندگان رادیو " ساری " و خوانندگان مجلات آن روزها از ان نوشیدند .از سال ۱۳۶۲ باز به تشویق همان استاد به ترجمه روی آوردم که تا امروز ۴۰ تایشان در قفسه های کتابفروشی ها و کتابخانه ها نشسته اند. این شعله هر چند وقت یکبار از زیر خاکستر پراکنده کاریها سر بر می کشد و تا فاصله ای را روشن و درون عده ای - وبیشتر بچه ها - را گرم می کند . سال ۱۳۶۳ بود که پس از مدتی کلنجار رفتن با روحم او را به دوربین فروشی بردم و از پشت " ویزور" دوربین دنیا را نشانش دادم . آن قدر خوشش آمد که از آنروز تا الآن همیشه از آنجا به عالم و آدم نگاه می کند . تا حالا هم بیش از ۱۲ جایزه عکاسی به من هدیه کرده است. معطل کارهای دیگری هم شده ام که هرگز این پراکنده کاریها را به کسی توصیه نمی کنم .

سیدیونسی، ودود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نسخه شناس، محقق.

درگذشت: ۱۸ دی ۱۳۵۹.

میرودود سیدیونسی رییس کتابخانه‌ی ملی تبریز بود. از جمله فعالیت‌های او تصحیح کتاب روضۀالکتاب و حدیقۀ الکتاب تألیف ابوبکر بن الزکی المتطبب القونیوی الملق بالصدر است که به اهتمام وی در سال ۱۳۴۹ در تبریز نشر شده است. مقاله‌هایی به قلم وی در نشریه‌های «کتابخانه‌ی ملی تبریز» و «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز» به چاپ رسیده است. از آثار اوست: فهرست کتابخانه‌ی ملی تبریز: کتب خطی اهدایی مرحوم حاج محمد نخجوانی (سه جلد، تبریز، ۱۳۶۲، ۱۳۵۳، ۱۳۴۸). انتشار دو دیوان صائب (یکی در سال ۱۳۵۶ و یکی در سال ۱۳۵۷) و گنجینه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۱۳۴۷) از جمله فعالیت‌های دیگر سید یونسی بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیرافی، ابوسعید حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۸ ق)، ادیب، نحوی حنفی. معروف به قاضی سیرافی. اصل وی از سیراف فارس بود. پدرش مجوسی بود و بعد اسلام آورد. ابوسعید در عمان فقه آموخت. و در بغداد علوم قرآنی و نحو را تدریس می‌کرد قرآن را نزد ابوبکر مجاهد و لغت را نزد ابن‌درید و نحو را پیش ابن‌سراج فراگرفت. سید رضی نحو را نزد او آموخت. مدتی قاضی بغداد بود و از راه کسب امرار معاش

می‌کرد. در بغداد درگذشت و در مقبره خیزران دفن شد در برخی منابع آثار وی را به فرزندش نسبت داده‌اند. از آثار وی: «الاقناع»، در نحو؛ «اخباره النحویین البصیریین»؛ «صنعه الشعر»؛ «البلاغه»؛ «شرح کتاب سیبویه»؛ «شرح مقصوره ابن‌درید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۱ -۲۱۰ /۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۹۵ -۳۹۴ /۳۸۰ -۳۵۱)، تاریخ بغداد (۳۴۲ -۳۴۱ /۷)، دانشنامه ایران و اسلام (۸۳۷ -۸۳۶ /۶)، روضات الجنات (۷۰ -۶۶ /۳)، ریحانه (۱۴۳/۳)، سیر النبلاء (۲۴۸ -۲۴۷ /۱۶)، الفهرست لابن ندیم (۹۳)، کشف الظنون (۱۹۸۰، ۱۸۰۸، ۱۴۷۰، ۱۴۲۷، ۱۱۰۷، ۱۵۰، ۱۴۰)، الکنی و الالقاب (۳۴۰ -۳۳۹ /۲)، لسان المیزان (۴۰۸ -۴۰۷ /۲)، لغت نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادبا (۲۳۲ -۱۴۵ /۸)، معجم البلدان (۳۳۵/۳)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۳)، الوافی بالوفیات (۷۴/۱۲)، وفایت الاعیان (۷۹ -۷۸ /۲)، هدیه العارفین (۲۷۱/۱).

سیرافی، ابومحمد یوسف

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۵ -۳۳۰ ق)، نحوی، لغوی ادیب و اخباری. اصل وی از سیراف بود و در بغداد متولد شد و نزد پدرش کسب علم کرد و خود نیز درس می‌داد و به تکمیل کتابهای پدر پرداخت. از آثارش: «شرح ابیات سیبویه»؛ تکمله کتاب «الاقناع»؛ شرح ابیات «الغریب المصنف» ابی‌عبید؛ شرح ابیات «المجاز»، ابی‌عبید؛ شرح ابیات «اصلاح المنطق»، ابن‌السکیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۸/۹)، روضات الجنات (۷۰/۳)، ریحانه (۵۷۹/۷)، سیر النبلاء (۲۴۸ -۲۴۷ /۱۶)، کشف الظنون (۱۲۰۹، ۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۳۴۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ یوسف)، معجم الادبا (۶۰/۲۰)، معجم المؤلفین (۲۹۱/۱۳)، وفیات الاعیان (۷۴ - ۷۲ /۷)، هدیه العارفین (۵۴۹/۲).

سیفائی، عبدالغفار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۶.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: ضرب‌المثل‌های محلی اوز فارس (۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیفی فمی تفرشی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: اسفند ۱۳۰۹، فم در تفرش.

درگذشت: ۹ تیر ۱۳۷۲، تهران.

مرتضی سیفی فم تفرشی تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رساند و در مهر ۱۳۳۰ وارد دانشکده‌ی افسری شهربانی شد. در سال ۱۳۴۵ در رشته‌ی زبان انگلیسی و در سال ۱۳۵۱ در رشته‌ی علوم تربیتی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و برای دریافت درجه‌ی فوق لیسانس، موضوع «جامعه، پلیس و تعلیم و تربیت» را برگزید.

مرتضی سیفی فمی تفرشی به بررسی مسایل جغرافیای تاریخی علاقه‌مند بود. وی پس از انقلاب با درجه‌ی سرهنگی بازنشسته شد و فرصتی یافت تا به خواندن و پژوهیدن بیشتر روی بیاورد.

از آثار اوست: سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان؛ نظم و نظمیه در دوره‌ی قاجاریه؛ پلیس خفیه ایران با مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچه‌ی شهربانی ۱۳۲۰ -۱۲۲۹، نگاهی به ایران (با همکاری فخرالدین حسینی تنکابنی)؛ ترجمه‌ی تاریخ ایران (نوشته‌ی سرجان مالکم با همکاری ابراهیم زندپور)؛ تهران در آیینه‌ی زمان- بخش اول؛ مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه. از جمله کتاب‌هایی که وی برای چاپ آماده ساخت می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نگاهی به جنگ‌های جهانی اول و دوم در تاریخ مدنیت اروپا، مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچه‌ی شهربانی از ۱۳۴۲ تا انقلاب اسلامی ایران.

مرتضی سیفی فمی تفرشی بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیمای کاشانی، محمدرضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۵ ق)، حکیم، ادیب و خطاط. او از اجداد میرزا محمدتقی سپهر لسان‌الملک کاشانی است که در عهد شاه سلطان حسین صفوی می‌زیسته و از این سلطان به لقب عضدالدوله مفتخر شده است. سیما از حکمت الهی و نظم و نثر فارسی و تازی بهره‌مند بود و خطوط هفت‌گانه را خوش می‌نوشت. او در فتنه‌ی افغان در اصفهان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۲۹/۳)، مکارم الآثار (۵۸۱/۲).

شاپور، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز شاپور متولد پنجم اسفند ماه ۱۳۰۳ شهر قم که شناسنامه اش را در تهران گرفتند ، دوران ابتدائی را در مدرسه " دقیقی " گذراند . وی دیپلم خود را از دبیرستان " دارائی " گرفت . و در دانشگاه تهران به اخذ لیسانس اقتصاد نائل آمد .او در مدرسه

صنعتی آن سالها شاگرد علی اسفندیاری (نیما یوشیج) بود . بعدها با فروغ فرخ زاد که در آن زمان شانزده ساله بود ازدواج کرد (۱۳۲۹) . بعدها فروغ از این حادثه با عبارت " عشق و ازدواج مضحک " یاد کرد .

رابطه زناشوئی این دو به خاطر دخالتهای نزدیکان در سال ۱۳۴۳ به جدائی ختم شد و حاصل این ، پسری به نام کامیار بود ، که فروغ در اشعار خود به او اشاره کرده ، و شاپور نیز از کامی به عنوان نام مستعار استفاده می کرده .

شاپور در طی سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۴ معاونت دارائی اهواز را به عهده داشت . او کارش را ابتدا با مجله تووفیق در صفحات " دارالمجانین " و " سبدیات " شروع کرد .یک بار هم در همان سالها داستان هفته نامه توفیق ، مال شاپور بود . در این داستان ، یک ماهی گربه ای را تحت تعقیب قرار داده بود .

شاپور زمانی که ساکن خوزستان بود ، نوشته هایش در روزنامه های محلی آنجا چاپ می شد ، حدود سالهای ۳۱و ۳۲ .

در توفیق هم از سال ۳۷ نوشته هایش با نامهای مستعار کامی ، کامیار و مهدخت به چاپ رسید .

تولد کاریکلماتور در ۲۱ خرداد ۱۳۴۶ در نشریه خوشه به سردبیری احمد شاملو بود . و این واژه را " کاریکلماتور " نیز شاملو نامگذاری کرده بود .

اولین کتاب کاریکلماتور را انتشارات نمونه چاپ کرد ، در سال ۵۰ که در برگیرنده طرحها و نوشته های شاپور از سال ۳۷ تا ۵۰ بود .

این کتاب را انتشارات مروارید در سال ۵۵ تجدید چاپ کرد . کتابهای دیگر شاپور از این قرار است :

ـ کاریکلماتور ۲ انتشارات بامداد سال ۱۳۵۴

ـ کاریکلماتور ۳تحت عنوان " با گردباد می رقصم " انتشارات مروارید سال ۱۳۵۴

ـ کاریکلماتور ۴ انتشارات مروارید سال ۱۳۵۶

ـ کاریکلماتور ۵ انتشارات پرستش سال ۱۳۶۶

ـ موش و گربه عبید زاکانی با طرحهای پرویز شاپور انتشارات مروارید ۱۳۵۲

ـ فانتزی سنجاق قفلی انتشارات پویش ۱۳۵۵

ـ تفریحنامه (طرحهای مشترک بیژن اسدی پور و پرویز شاپور) انتشارات مروارید ۱۳۵۵

ـ شاپور در دو نمایشگاه نیز شرکت داشته است ،یکی به طور مستقل در گالری زروان در سال ۱۳۵۴ ، و یکی هم به طور جمعی در نگارخانه تخت جمشید در سال ۱۳۵۶ با بیژن اسدی پور و عمران صلاحی .

شاپور هرگز دوباره ازدواج نکرد و تا آخر عمر همراه با کامیار و دکتر خسرو شاپور برادرش در یک خانه قدیمی زندگی می کرد و سرانجام پیر انرژیک طنز ایران در چهاردهم مرداد سال ۱۳۷۸ در بیمارستان طوس تهران درگذشت .

اصلا" بهتر است از نوشته های خود او درباره زندگی خصوصیش بدانید ، پس متن زیر را بخوانید :

عباس شهریاری ۷:۴۳ AM زندگی نامه شاپور به زبان خودش : ما خانواده گربه دوستی هستیم . از قدیم ، همیشه گربه توی خانه مان داشتیم . یادم می آید که زمستانها این گربه ها می آمدند و با ژستهای مختلف روی کرسی می نشستند . گاهی خوابیده بودن ، یک وقت نشسته بودند و یک وقت هم با هم بازی می کردند . این است که من با خطوط تن گربه خیلی آشنا هستم و میتوانم بکشمش ، در صورتی که فیل را نمیتوانم بکشم .

گربه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد : موش و ماهی . میتوانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

توی نوشته هایم هم همینطور است . مثلاـ به" رنگین کمان" میپردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم . بعد رهایش

میکنم . یک وقت یادم میآید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت . تصویر چیزها در آب . مثلا گفته بودم : وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد . ماهیها صلوات فرستادند یا فرض بفرمایید در زمستان وقتی تصویر درخت در آب افتاد آنقدر ماهی گلرنگ روی شاخه هایش نشست که مثل درخت بهاری غرق شکوفه شد .

به طور کلی حس میکنم که توانسته ام خودم را بشناسم . از بچگی . خیام را از بربودم . از رباعیات خیام . که از نظر حجم خیلی هم کم است . مفاهیم زیادی گرفته بودم . خیلی بیشتر از آنچه که شاید آدم از خواندن یک دیوان پر از قصیده های بلند میگیرد . هروقت چیزی میدیدم که جلب نظرم را میکرد و میآمدم درباره اش با پدر و مادرم صحبت میکردم . حرفم را نمی فهمیدند . حتی چند بار سر این موضوع کتک خوردم . حرفم را میخوردم و جویده جویده صحبت میکردم . خلاصه از همان اول عامل کوتاه نویسی و کوتاه گویی با من بود .

شاد هم سعی کرده ام که" شاعرانه "ها در نوشته هایم بیشتر باشند. برای اینکه حس کرده ام که هم گفتنشان برایم آسان تر است و هم مردم بیشتر دوستشان دارند . اما من خودم بیشتر آنهایی را دوست دارم که جنبه طنزشان قوی تر است .

من همیشه نگران آن هستم که از من بپرسند طنز یعنی چه ؟ چه بسا شبها از ناراحتی و نگرانی این سئوال خوابم نبرده است .

در لحظه ای که کار می کنم ـ چه نوشتنی چه کشیدنی ـ احساس آرامش عجیبی دارم و لحظات جهنمی برایم به لحظات بهشتی تبدیل می شوند . مثلا" وقتی با سنجاق قفلی بازی می کنم ، دیگر یاد بدهکاریهایم نمی افتم و کیف می کنم از اینکه توانسته ام مثلا" ۱۵۰ کار مختلف با یک سنجاق قفلی کوچولو بکنم .

وقتی آدم کار می کند هم لحظات را خوش گذرانده و هم وقتی شب احیانا" در آینه نگاه می کند ، می تواند به خودش بگوید : " آفرین ، شاپور " !!

ـ یک روز این مدادهای « ماژیک » رنگی را دیدم و خیلی خوشم آمد . یک دسته خریدم و آوردم خانه . بعد ، یک روز مادرم و اهل خانه تصمیم گرفتند بروند مسافرت ، به زیارت . چون قبلاً یک بار دزد به خانه مان زده بود ، قرار شد من بمانم و مواظب خانه باشم . تا آن وقت ، طرح هایم را بیشتر توی کافه ها و ترياها می کشیدم . وقتی اجباراً توی خانه ماندم ، چون میز بزرگتری وجود داشت و من هم جای بیشتری داشتم که ماژیکهایم را پخش کنم ، توانستم طرح های رنگی بکشم .این طور بود که رنگ به طرح های منراه یافت .

ـ من طرح کشیدن را با سنجاق قفلی شروع کردم ،هم از جهت این که واقعاً قیافه اش را خیلی دوست دارم ، همیشه در ذهنم هست ، و هم این که در واقع ،طراحی از آن کار نسبتاً آسانی بود . سنجاق قفلی صورت ساده ای دارد و می شود باهاش بازی کرد .

ـ چیزهای هستند که در ذهن من می مانند ، مثلاً از جبری که اجباراً در مدرسه خواندم ،چیزی که بخاطرم مانده ، دسته رادیکال است .

ـ یک مقدار اشیاء دیگر هم توی ایستاده اند و نوبت آنها هم می رسد . به طور کلی ،من ساختمانم طوری است که نمی توانم درباره یک شیء حق مطلب را ادا نکنم . حالابه سنجاق قفلی پرداخته ام و تا آنجا که امکان دارد ، حقش را تضییع نمی کنم !

شادمان، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

زهرا شادمان یکی از استادان به نام رشته کتابداری است . او پس از اخذ مدرک دکتری از دانشگاه سوربن پاریس به ایران بازگشته

و درمشاغل مختلفی به فعالیت پرداخته است . مشاغل مهم وی دراین دوران عبارتند از : عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی ، مرکز خدمات کتابداری (درمرتبه رهبری پژوهش و سرپرستی مرکز) ، مدرس مدعو کتابداری دانشگاه تهران ، ، عضو هیات علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفلا ، عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق ، مشاورکتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته مارک ایران ومشاور ورئیس کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی .گروه : علوم انسانی رشته : کتابداریگرایش : فهرست نویسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا شادمان تحصیلات ابتدایی ، متوسطه و دانشگاهی خودرا تامقطع لیسانس در رشته ادبیات فرانسه درتهران گذراند . سپس جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه گشت . او درسال ۱۳۴۷ موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس کتابداری از مدرسه عالی پاریس شده و در سال ۱۳۴۸ دکترای ادبیات تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس اخذ نمود .هم دوره ای ها و همکاران : زهرا شادمان زمانی در کتابخانه سنای سابق مشغول به فعالیت شد که کیکاوس جهانداری رئیس آن کتابخانه بود . شادمان به عنوان مشاور کتابخانه هفته ای یک روز درآن جا حضور داشت . او دراین دوران بخش فهرست نویسی را درآنجا راه اندازی کرد . خانم جمیله دبیری ، مهوش شاهق ، مهرانگیز صمدی ، شهلا رجالی ،مرحوم آقای طاهری عراقی و کامران فانی از همکاران شادمان درکتابخانه سنای سابق بودند. شادمان ، کیکاوس جهانداری را کتاب شناس بسیار خوبی می داند که توانسته است مجموعه بسیار خوبی را انتخاب و تهیه کرده بود . احسان یار شاطر ، عباس زریاب خویی و قریشی (اهل پاکستان) از جمله کسانی بودند که از مجموعه کتاب های کتابخانه سنای سابق به نحو مفیدی استفاده می کردند . خانم حکمی وراستین و کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی ، آقای مظاهر و تفضلی و خانم سلطانی هم در مر کز خدمات کتابداری از جمله همکاران شادمان بودند . همچنین آقای نیکنام نیز از جمله همکاران شادمان درکتابخانه ملی بود..وقایع میانسالی : زهرا شادمان معتقد است که معمولا درساعات کاراداری با کسی حرف نمی زند ،مگر این که ارجع به کا رباشد . بنابراین خاطرات او ، خاطره کاربود ، آن هم کار با آدم هایی که اعتقاد به کارشان داشتند . وی کاربا این آدم ها را همیشه لذت بخش می داند . اولین خاطره شادمان راجع ه نقل و انتقال کتابخانه ها ، مربوط به جابه جایی مرکز خدمات کتابداری است. که از خیابان خردمند به ساختمانی نبش خیابان کاخ (فلسطین جنوبی) و خیابان شاهرضا (انقلاب فعلی) منتقل گردید . در آن زمان تمام کارکنان مرکز خدمات کتابداری که ۲۷الی ۲۸ نفر بودند ، با ماشین های شخصی کلیه کشوهای برگه دان ها را پس ا بسته بندی حمل کردند . تجربه بعدی او در کتابخانه ملی بود که قرار شد مجموعه ایران شناسی آن را از ساختمان نبش خیابان فلسطین به ساختمان نیاوران انتقال دهند . شادمان و خانم راستین قبل از انجام جابجایی ، جای جدید را بررسی کردند ، طوری که تمام فضاها را اندازه گیری کرده و تمام اتاق های کارمندان را تعیین نمودند . همچنین مخازن را تعیین نموده و چگونگی نصب آنها را بررسی کردند . آنها حتی بسته بندی کتابها را نیز خود نشان برعهده داشتند . شادمان نقل می کند که وقتی لیسانس گرفته بود اصلا کار بلد نبود ، طوری که کار را صددر صد تجربی آموخته است . او می گوید : وقتی کار به من دادند و گفتند که انجام بده از شرمندگی این که بلد نبودم ،تمام ابزار کار فهرست نویسی رابه منزل می بردم و مطالعه می کردم و درنتیجه با پشتکار و مطالعه خودم و با راهنمایی های خانم سلطانی کاریاد گرفتم .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهر اشادمان که به زبان های فرانسه و انگلیسی مسلط می باشد ، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی ، مرکز خدمات کتابداری (در مرتبه رهبری پژوهش و سرپرست مرکز درار سالهای ۱۳۵۸و ۱۳۵۹) ، مدرس مدعوو کتابداری دانشگاه تهران ، عضو هیئت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفال ، عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق ، مشاور کتابخانه ملی جمهوری اسلامی دربرنامه احداث و تجهیز ساختمان کتابخانه ، عضو کمیته مارک ایران ومشاور رئیس کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی است . شادمان درباره روحیه کاری خود نقل کرده است ؛تنها هنری که داشت این بود که برای صفات خوب و پسندیده افراد ارزش قائل می شد و آنها وقتی متوجه صفت

ارزشمند خود می شدند جهت حفظ و تقویت آن کوشش می کردند .آرا و گرایشهای خاص : زهرا شادمان درمورد کار و زندگی ، براین عقیده است که هر کس با ارزش کارخود ، شناسایی و موفقیت پیدا می کند ، نه با روابط سببی و نسبی . ازاین روی او به همگام تصدی امورات کتابخانه سنای سابق از استخدام اشخاص به صورت سفارشی و فامیلی دوری کرده و تنها به شایستگی او توجه داشته است تا میزان بهره وری بالارود . شادمان فهرست نویسی رایک کارمشاوره ای می داند . بدان علت تمام کارمندان کتابخانه مجلس سنای سابق دوریک میز کار می کردند ، تا سنخیت رفتاری باهم داشته باشند وهمه اصل کار باشند . شادمان درباره کتابخانه عقیده دارد که آن چه آدم را کتابدار می کند علاقه به کار ، پشتکار و داشتن یک راهنمای خوب است .

منابع زندگینامه :هما افراسیابی ، مصاحبه باخانم دکتر زهرا شادمان ، پیام بهارستان ، شماره ۱۹و ۲۰ ، سال دوم ،دی و بهمن ۱۳۸۱ ، ص۲۴

شاه رکنی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۳ تیر ۱۳۲۳.

درگذشت: ۸ اسفند ۱۳۷۵.

سید احمدشاه رکنی فرزند سید عبدالحسین است. از آثار اوست: تئوری حمایت (دبلیو ام. کوردن، ۱۳۷۱). پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شاه عبدالعظیمی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۳۰۴ ق)، عالم دینی و ادیب. از نوادگان میرزا جان، ملقب به میرزا هدایت حسینی شاه عبدالعظیمی بود. در نجف به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت و نزد پدر تحصیلات خود را شروع کرد. گذشته از پدر، در محضر علمای زمان خود مراتب علمی خویش را در علم و ادب کامل ساخت. او نه تنها در فقه و اصول که در ادبیات نیز تبحر داشت. وی نه ماه پس از پدر درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثار وی: «اللؤلؤ المرتب فی اخبار البرامکه و آل المهلب»؛ «لولوه لولوه»؛ «ملهی الحبیب»؛ «مصباح الداعی»، در ادعیه ماثوره و اذکار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۴/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۶۳ -۷۶۲ /۱۴).

شاهین، داریوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شـادروان داریوش شاهین یکی از دین پژوهان متجـدد و امروزین و راسـخ در عقیـده و علم و ایمان بود . در سال ۱۳۷۶ این بنده در گرماگرم تدوین دانشـنامه ی قرآن و قرآن پژوهی بودم که با وزیدن نفحات توفیق رحمانی ، در سال ۱۳۷۷ از سوی نشر دوستان در ۲ جلد ، مشـتمل بر ۳۶۰۰ مقـاله از جمله بالغ بر نزدیک به ۸۰۰ زندگینامه ی قرآن پژوهان از قاری و مقری و مفسـر و خوشـنویس و غیره منتشر شد . با بنده ۱۶ ـ ۱۷ مولف جوان همکاری می کردند که اگر یاری الهی به صورت یاری بندگان پاکدلش در نمی آمد ، تدوین و جمع و نشر آن مرجع مشکل گشا ممکن نبود . یکی از مشکل گشاییهای ساده ی این مرجع کوتاه اما جوابگو این بود که شرح حال خود نوشت دست کم دویست تن از مترجمان و مفسران و سایر قرآن پژوهان را در برداشت . به یادم هست که دو سه بار به منزل آقای داریوش شاهین تلفن زدم که لطف کنند و زندگینامه ی خود نوشتی برای درج در آن دانشـنامه بنویسند ، بی علاقگی و اکراه از لحنش آشـکار بود . زیرا در سالها شایـد دهه ها پیش که من بچه بودم ، روزی در پشت ویترین کتابفروشـی ها ترجمه ای از قرآن کریم دیـدم که ترجمه ای گسـترده و آزاد بـود که انگلیسـی هـا به آن نوع ترجمه Para phrase یا نقل به معنا ، بـدون قـابلیت مطـابقه ی واو به واو بـا متن اصـلی که برای رسایی بیشتر و همه فهمی و مردم پسـندی است ، گوینـد؛ و ایشان رو ی جلـد و صفحه ی عنوان ترجمه ی خود از قرآن کریم نوشـته بودنـد : « ترجمه و نگـارش داریوش شـاهین » ، بنـده و شایـد بسـیاری ها تکان خورده بودند که مگر قرآن کریم می تواند نگارش کسی جز خداوند باشد ؟ و بنده اشاره وار در یکی از مصاحبه ها و مقالات خود از این مسئله به شگفتی یاد کرده بودم که ایشان آن را حمل بر تمسخر کرده بودند .

همین است که به درخواست من پاسـخ مثبتی ندادنـد و حاصـل این شـد که تهیه ی یک صـفحه شـرح حال از ایشان برای جامعه ی علمی دشوار است .

خوشـبختانه ، هنگامی که این بزرگ مرد پرکار با کارنامه ی فرهنگی پربارش درگـذشت (چهارم آبان ماه ۱۳۸۰) یک زندگینامه ی کوتـاه و پر اطلاـع نیز همراه بـا آگهی نـامه ی مربوط به اعلاـم وفـات او منتشـر شـد ، که در آن چنین اطلاعـاتی آمـده است : از داریوش شـاهین بیش از ۳۰۰ جلـد تالیف ، ترجمه ، مجموعه های مختلف و داسـتان در عرصه ی ادبیات ، شـعر و مـذهب به یادگار مانـده است . در بخش مـذهب شـادروان شاهین به ترجمه ی نهـج البلاغه به زبان انگلیسـی توفیق یافت . کتابی به نام یکصـد گوهر شامـل کلمات قصار حضـرت علی (ع) ، به انتخاب و کوشـش او تـدوین و به پنـج زبان ترجمه شـده است . او چنـدین دهه هم برای رادیـو نویسـندگی و تهیـه ی مطلب می کرد . دیگر از آثـار او تاریـخ ایران در یکصـد قرن است که نه صـرفاً تاریـخ سیاسـی ، بلکه اجتماعی و هنری و فرهنگی ده هزار ساله ی ایران است و به انگلیسی هم ترجمه شده است . در عین حال و این همه پرکاری قلمی ، آن بزرگوار به مدت سی سال در مرکز توسعه ی صادرات ایران خدمت کرد و از همان جا پس از ۳۰ سال بازنشسته شد .

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

شایگان، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ –۱۲۸۱ ش)، اسـتاد دانشـگاه، حقوقدان و مترجم. در شـیراز متولد شد. پس از طی تحصـیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس شریعـت و شـعاعیه زادگـاهش بـه تهران آمـد، وارد مـدرسه‌ی علـوم سیاســی شـد و بعـد از اتمـام دوره‌ی آن مـدرسه، برای تکمیل

تحصیلات در رشته‌ی حقوق به فرانسه رفت و دکترا گرفت. پس از بازگشت به کشور در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و سالیان دراز معاون دانشکده بود و پس از آن به معاونت وزارت فرهنگ و نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش مدتی زندانی شد و پس از آزادی به امریکا رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت. دکتر شایگان شعر هم می‌گفت ولی به ندرت. از آثار وی: «مقدمه‌ی حقوق مدنی ایران»؛ «امیدهای نو» برتراندراسل، ترجمه.[۱]

فرزند سیدهاشم مولی رهی شیراز، متولد ۱۲۸۰ است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در موطن خود انجام داد و به شغل فرهنگی پرداخت. ضمن اشتغال به کار معلمی ، یک دوره‌ی کامل فقه و اصول و حکمت را نزد اساتید روز تلمذ نمود. حوالی سال ۱۳۰۳ به تهران آمد و دوره‌ی مدرسه‌ی عالی حقوق را گذراند. در سال ۱۳۰۷ جزء اولین دسته محصلین دولتی اعزامی به خارج شرکت کرد و به اروپا رفت و درجه‌ی دکترای حقوق از دانشگاه پاریس دریافت نمود. چندی هم در انگلستان به تحصیل حقوق و فلسفه پرداخت. در ۱۳۱۳ به ایران آمد و دانشکده‌ی حقوق که تازه بنیاد گرفته بود، او را به سمت دانشیاری برای تدریس حقوق مدنی استخدام کرد. پس از چندی از طرف علامه علی‌اکبر دهخدا رئیس دانشکده، به معاونت مشارالیه انتخاب گردید. در سال ۱۳۱۷ ولیعهد وقت از دانشکده‌ی حقوق بازدید کرد و شایگان معاون دانشکده نطقی ایراد نمود که سراپا تملق و مداهنه بود. در همان سال به عضویت سازمان پرورش افکار برگزیده شد. شایگان در کنار شغل استادی، به کار وکالت دادگستری هم پرداخت و در چند وزارتخانه از جمله وزارت دارائی مشاوری حقوق داشت. در ۱۳۲۴ که قوام‌السلطنه روی کار آمد و ملک‌الشعرای بهار را به وزارت فرهنگ معرفی کرد، شایگان معاون وزیر فرهنگ شد و در ترمیم کابینه که دکتر فریدون کشاورز وزارت گرفت، او کماکان معاون بود. در ترمیم سوم کابینه‌ی قوام، به وزارت فرهنگ منصوب گردید و کمتر از یک سال در آن سمت استوار شد ولی کار عمده‌ای نتوانست انجام دهد. چون سایر وزیران از تمام امکانات استفاده کرد. بعد از کنار رفتن از کابینه با دکتر مصدق پیوند دوستی زد و عضو جبهه ملی شد و در جبهه هم مقام دبیری یافت. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم به اتفاق مصدق و چند نفر دیگر از اعضاء جبهه ملی، از تهران وارد مجلس شد. در تمام مدت نقش اقلیت داشت. نطقها و ایرادات وی در مجلس منطقی و مستند و محتوای بیشتری از سایر نمایندگان اقلیت داشت. در دوره‌ی هفدهم هم از تهران به مجلس رفت. داعیه‌ی ریاست مجلس و مقامات دیگر او را پرجوش و خروش کرد. بعد از کنار گذاردن آیت‌الله کاشانی از ریاست مجلس، بین او دکتر عبدالله معظمی کشمکش شروع شد. رای مخفی گرفتند. معظمی ۳۹ رای و شایگان ۳۵ رای آورد، درنتیجه با چندین رای اضافی، معظمی بر کرسی ریاست تکیه زد.

شایگان در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از رادیو تهران نطق جالبی ایراد نمود یعنی همان روزی که شاه از رامسر به بغداد و رم رفته بود و گفت آن متاعی که بایستی به تهران بیاید، به بغداد رفت و خیلی مطالب تند دیگر و زمینه را کاملا- برای ریاست جمهوری خود فراهم می‌نمود که کودتای ۲۸ مرداد به تمام تخثیلات و آرزوهای او خاتمه داد. یک روز در اختفاء به سر برد. روز دوم در معیت دکتر مصدق و دکتر صدیقی به باشگاه افسران رفتند یا بردند و خود را در اختیار دولت گذاشت. چندی در باشگاه افسران بازداشت بود، بعدا به لشکر ۲ زرهی منتقل شد و محاکمه‌ای برای او ترتیب دادند و همزمان با دکتر مصدق، او را هم به دادگاه کشیدند. در محکمه‌ی فوق‌العاده به رهبر جبهه ملی احترام گذاشت و طوری عمل کرد که همه او را تحسین می‌کردند و سرانجام حکم محکومیت او برای مدت ده سال صادر شد. دو سال در زندان به سر برد که مورد عفو واقع شد. پس از آزادی، چندی در تهران می‌زیست تا اجازه‌ی خروج از کشور گرفت و آمریکا را برای ادامه‌ی زندگی انتخاب کرد. در آنجا ساکت نماند و فعالیت خود را علیه رژیم پهلوی ادامه داد و وجود او پایگاهی برای دانشجویان مقیم آمریکا بود. وفات او در سن ۸۰ سالگی در آمریکا اتفاق افتاد. شایگان مردی دانشمند، حقوقدان، ادیب و در عین حال خودخواه، لجوج، عوام فریب و پرتوقع بود. غالبا در اعلامیه‌های انتخاباتی، خود را «سقراط ایران» معرفی می‌کرد. هنگام تدریس فوق‌العاده قدرت استادی را نشان می‌داد و کلاسش محل اجتماع شیفتگان علم

و دانش بود. مطالب حقوقی را با امثله سیاسی و اجتماعی شیرین‌تر می‌کرد. وی طبع شعر هم داشت و شعر نیکو و محکم می‌سرود. معروفترین شعرش «وطن چیست» می‌باشد که حتی در کتب درسی هم ثبت شده است. وی در جوانی با خانواده‌ی شیبانی وصلت کرده بود. دختر ذکاءالسلطنه شیبانی همسر او بود. شایگان در بین دوستان و دانشگاهیان، به «شراب شور» شهرت گرفته بود.

شاعر، حقوقدان، محقق.

تولد: ۱۲۸۱، شیراز.

درگذشت: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰، آمریکا.

سید علی شایگان، فرزند حاج سید هاشم، پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌های شریعت و شعاعیه شیراز، و نیز فراگیری ادبیات فارسی و زبان عربی در مدارس قدیمه، در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران به تحصیل پرداخت و لیسانس حقوق را گرفت. سپس در سال ۱۳۰۶ با دانشجویان دوره‌ی اول به پاریس رفت و تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق در آنجا به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۲ موفق به دریافت دکترای حقوق شد. پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. سال‌ها معاون دانشکده‌ی حقوق بود. بعدها وی کرسی استادی حقوق مدنی را در دانشگاه تهران احراز نمود. سپس به معاونت وزارت فرهنگ رسید و مدتی در کابینه‌ی قوام‌السلطنه به عنوان وزیر فرهنگ بود، همچنین در دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملی نماینده‌ی تهران شد. وی از بنیان‌گذاران جبهه‌ی ملی به شمار می‌آمد. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زندان افتاد و سرانجام پس از آزادی از زندان به آمریکا رفت و همان جا ساکن شد در ضمن در دانشگاه‌های آنجا نیز تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۵۸ برای مدتی کوتاه به ایران آمد سپس به آمریکا مراجعت کرد.

در جوانی مدتی به معلمی پرداخت و زمانی که در شیراز بود در انجمن سالار شرکت می جست. گاهی شعر می‌گفت. اشعارش حاوی مضامین وطن دوستی و تشویق به تحصیل دانش و به مبارزه با جهل و بی‌سوادی است.

فهرست آثار شایگان به شرح زیر است. حقوق مدنی ایران (چند بار تجدید چاپ شده است)؛ ترجمه‌ی کتاب امیدهای نو در جهانی که در حال تغییر است (تألیف رتراند راسل، از انگلیسی به فارسی، تهران، ۱۳۳۶.) کتاب خاطرات او تا هنگام فوتش به طبع نرسیده بود.

سید علی شایگان سرانجام به سال ۱۳۶۰ در آمریکا درگذشت و پیکرش را برای دفن به ایران منتقل نمودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۹۳۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۷ -۲۳۴ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۷۴- ۲۷۵).

شجره اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۷۸/۱۲۷۱ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به ناهید و شجره. پدر وی متخلص به بزمی از وعاظ اصفهان بود. شجره در قریه‌ی سامان چهارمحال بختیاری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش فراگرفت. پس از فراغت از تحصیل در قهفرخ و زادگاهش به تدریس پرداخت. پس از مدتی ابتدا به اصفهان و سپس به تهران منتقل شد. و در کالج آمریکایی البرز به تحصیل و تدریس پرداخت و پس از اتمام دوره‌ی متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق شد. و همین زمان به نوشتن مقاله در

روزنامه‌های «کیهان» و «ایران» پرداخت. شجره پس از اخذ لیسانس وارد دادگستری شد. وی شعر کم می‌سرود، اما در سرودن انواع شعر توان بود. در تهران درگذشت. برخی از آثار وی: «تحقیق در رباعیات خیام»؛ «تعبیر رویا و روانشناسی امروز»، ترجمه؛ «شخصیت مولوی»؛ «علم معاش»؛ «قوای روحی و آئین فرمانروایی»؛ «گلزار ایران»، مجموعه‌ی مقالاتی در باره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران» آن روز طبع می‌شد؛ «مقدمه بر جغرافیای اقتصادی».[۱]

شاعر.

تولد: ۱۳۱۷(۱۲۷۹ ق.)، قریه سامان چهارمحال.

درگذشت: ۲۷ فروردین ۱۳۶۱.

سید حسین شجره، فرزند سید عبدالرسول واعظ تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان فراگرفت و تحصیلات عالی را در کالج آمریکایی تهران (البرز) به پایان برد. همچنین دوره‌ی دانشکده‌ی حقوق را گذراند و به شغل دبیری و قضاوت پرداخت. مدت‌ها در قهفرخ ساکن بوده و به آموزش و پروش کودکان و نونهالان اشتغال داشت، بعدا به اصفهان و از آن پس به تهران منتقل شد و در خدمت وزارت دارایی داخل گردید. در زمانی که ساکن بختیاری بود «ناهید» تخلص می‌نمود (چنانچه در کتاب تذکره شعرای چهارمحال و جنگ بهترین اشعار به همین تخلص مذکور است). در اصفهان «شیوا» تلخیص می کرد (چنانکه در کتاب نامه‌ی سخنوران، از او به همین تخلص یاد شده است.). وی در همه نوع شعر می‌گفت اما طبعش بیشتر به سرودن مثنوی و قصیده مایل بود. اشعار و مقاله‌های او در جراید کشور چاپ و نشر شده است.

از آثار اوست: تحقیق در رباعیات خیام فیتز جرالد (کریستین سن، ۱۳۲۰)، رساله‌ای در تعبیر رؤیا و روان‌شناسی امروز، شخصیت مولوی (۱۳۱۶)، روان‌شناسی، علم معانی، دوست‌یابی، ترجمه‌ی رساله‌ی وجودیه خیام، ترجمه رساله‌ی کون خیام، علم معاش (۱۳۲۲)، مقدمه بر جغرافیای اقتصادی (۱۳۲۸)، قوای روحی و آیین فرمانروایی (چاپ دوم، ۱۳۳۴). علاوه بر اینها، کتابی درباره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام و تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران»، تحت عنوان «گلزار ایران» به چاپ رسید و همچنین مقالاتی زیر عنوان «در محفل انس چه شنیدم» که در روزنامه‌ی «کیهان» طبع گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۸، ش ۵، ص ۲۸۳ –۲۸۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۹۶ –۲۹۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۲۰ –۱۹۱۷ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲ –۵۳۱، ۴۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۱ – ۷۶۰ /۲).

شرف جهان قزوینی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۶۸ –۹۱۲ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. در جوانی مقدمات دانش و ادب را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به شیراز رفت و نزد امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی و خواجه جلال‌الدین محمود شیرازی، به کسب دانشهای معقول همت گماشت. علمای معاصر او به فضلش گواهی داده‌اند. شرف جهان در خط و انشا و شعر و حتی در موسیقی و آواز سرآمد زمان بود و خط را به روش خواجه عبدالحی منشی می‌نوشت. وفات وی در قزوین اتفاق افتاد و در مزار شاهزاده حسین به خاک سپرده شد. وی به غیر از «دیوان» شعر، صاحب «ساقی نامه»ای است که به مدح شاه طهماسب ختم شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۸۷ -۱۱۷۴ /۳)، حسن التواریخ (۶۹۹ -۶۹۸، ۵۳۳)، ایضاح المکنون (۵۱۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۱ -۶۷۹ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۶ -۸۲۵، ۴۴۰ -۴۳۹)، تذکره‌ی میخانه (۱۶۸ -۱۵۱)، الذریعه (۵۱۶ -۵۱۵ /۹)، ریحانه (۱۸۸/۳)، عالم آرای عباسی (۱۷۸/۱)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۱ -۲۲۰)، گلستان هنر (۴۹)، مجمع الخواص (۴۰ -۳۹)، مجمع الفصحا (۴۴/۴)، مینودر (۴۷۳ -۴۷۲ /۲)، نتایج الافکار (۳۶۹ -۳۶۸).

شروانی، عبداللطیف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نویسنده، ادیب. معروف به افلاطون. وی مولف رساله‌ای به نام «حل ما لا ینحل» در شرح قصیده ابوالمفاخر رازی شاعر قرن ششم در مناقب امام هشتم (ع) که مولف به خطا آن را از امام فخرالدین رازی دانسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۰۳).

شریعت اصفهانی، فتح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۶۶ ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شیرازی می‌رسد. اصل وی از شیراز بود که در اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصفهانی درس خواند. سپسی به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشت. در ۱۳۱۳ ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تالیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید اغلب شیعه‌ی امامیه‌ی گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی قزوینی و صاحب «روضات الجنات» و برادرش میرزا محمدهاشم چهارسوقی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلد نگاشته است. از آثارش: «ابانه المختار فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدیر فی حل العصیر»؛ «اناره الحالک فی قرائه ملک و مالک»؛ حاشیه «فصول»؛ «قاعده‌ی صدور» یا «قاعده‌ی الواحد البسیط»؛ قاعده‌ی «ضرر»؛ قاعده‌ی «طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۴ -۳۳۳ /۵)، اعیان الشیعه (۳۹۲ -۳۹۱ /۸)، الذریعه (۶/۲۵، ۱۰۴ -۱۰۳، ۴۴/۱۵، ۱۸۸/۱۰، ۱۹۵/۷، ۵۹/۱)، ریحانه (۲۰۷ -۲۰۶ /۳)، شرح حال رجال (۱۷۵/۶)، علماء معاصرین (۱۲۴ -۱۲۲)، فوائد الرضویه (۳۴۵)، معجم المؤلفین

(۵۳ -۵۲ /۸)، مکارم الآثار (۱۸۱۹ -۱۸۱۶ /۵).

شریعت، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده:-، دانشگاه: علوم و صنایع دفاع

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم و صنایع دفاع.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرهنگ بسامدی گلشن راز، فرهنگ بسامدی گلستان، فرهنگ اصطلاحات دستور زبان فارسی، فرهنگ بسامدی دیوان پروین اعتصامی، تدریس دروس ادبیات فارسی، متون نظم و نثر، دستور زبان فارسی در دانشگاههای اصفهان، علوم و صنایع دفاعی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

املای صحیح، دستور زبان فارسی و انگلیسی تطبیقی، کاملترین صرف و نحو عربی، تجزیه و ترکیب اشعار گلستان زمینه بحث درباره آئین نگارش، ترجمه نهج‌البلاغه، جمله و جمله‌سازی، سخنان پیر هرات، پروین، ستاره آسمان ادب ایران و چندین عنوان دیگر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

دستور زبان فارسی، انتقاد درباره دیوان عطار، صفت مرکب، لفظ " افتادن "در لغت‌نامه، دگرگونیهای لفظ در مثنوی مولوی، اظهار نظر درباره حافظ، فرهنگ‌نویسی، لغات و ترکیبات نو، کهن‌ترین کتاب دستور زبان فارسی، انتقادی بر مرصادالعباد، نقد کتابهای دبیرستانی، قدرت ترکیبی زبان فارسی، انتقادی بر ترجمه تفسیر کمبریج، ویژگیهای دستوری سیاست‌نامه، تأثیر زبانهای خارجی در زبان فارسی معاصر، نثر معاصر فارسی، ضمیر و کاربرد آن در دیوان حافظ و مقالاتی چند درباره دستور زبان فارسی.

تولد: ۱۳۱۵.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از آثار اوست: کتاب املا (اصفهان، ۲ ،۱۳۴۹ -۱۳۴۷ جلد)؛ پاسخ تمرین‌های مبادی العربیه یا کاملترین صرف و نحو عربی (رشید شرتونی، ۱۳۷۲)؛ پروین ستاره‌ی آسمان ادب ایران (اصفهان، ۱۳۶۶)؛ ترجمه و راهنمای مبادی العربیه (رشید شرتونی، اصفهان)؛

جواهر الاسرار و زواهر الانوار: شرح مثنوی مولوی (کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی، اصفهان)؛ دستور زبان فارسی (ویرایش سه، ۱۳۶۴)؛ زمینه بحث دربـاره‌ی آیین نگارش (چاپ‌های متعدد، ۱۳۶۴)؛ سخنان پیر هرات (عبدالله انصاری، به کوشش شریعت، ۱۳۶۵)؛ گزیده تفسیر کشف الاسرار (ابوالفضل رشیدالدین میبدی، به اهتمام)؛ متن و ترجمه کتاب تعرف (ابوبکر محمد بن ابراهیم کلابادی، ۱۳۷۱)؛ نهج‌البلاغه، سخنان امیرالمؤمنین (ع) (تألیف شریف رضی، ۱۳۷۴).

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۴۹ ق)، عالم، فقیه اصولی، رجالی و ادیب. وی در کربلا متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. به همراه پدر به سفر در شهرهایی همچون کرمانشاه، تهران، استراباد، مشهد رضوی و سرانجام تهران پرداخت. در خلال سفر از پدر علوم عربی و سطوح فقه و اصول را فراگرفت. پس از درگذشت پدر و رسیدن به سن بلوغ به نجف رفت و در محضر درس و بحث شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی و شیخ محسن خنفر و شیخ راضی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در بیست و سه سالگی به دریافت درجه‌ی اجتهاد نائل شد. وی از شیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمد و به مرجعیت عام و خاص رسید. در عین حال به تدریس و تصنیف نیز پرداخت. از آثار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «ینابیع العقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شرح «شرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصره المستبصرین»، در شرح «التبصره»؛ «معراج المومنین»، در شرح «الالفیه» شهید؛ «النفلیه»، در نماز؛ «ادعیه الوباء و الطاعون و جمله من الامراض و بعض العوذات و الاحراز»؛ «تحفه الممالک فی ترکیب الفیه ابن مالک»؛ «اثبات الفرقه الناجیه»؛ «رساله فی سند دعاء الخضر»؛ «مجمع الاراء و الادله»، در فقه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، الذریعه (۲۸۹/۲۵، ۱۷۷/۲۴، ۲۳۴، ۱۶۲ -۱۶۱ /۲۱، ۱۵ -۱۴ /۲۰، ۲۳۵/۱۲، ۴۷/۱۱، ۴۷۲/۳، ۴/۲، ۹۸/۱)، ریحانه (۲۱۱ -۲۱۰ /۳)، شرح حال رجال (۲۲۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۲ -۳۹۱ /۱۴)، لغت نامه (ذیل/ شریعتمدار)، معجم المؤلفین (۲۱۳/۹)، مکارم الآثار (۱۳۵۰ -۱۳۴۹ /۴).

شریف تبریزی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ -۱۲۸۶ ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر، متخلص به تائب. معروف به مساله‌گو. او در مشهد رضوی ساکن بود. علم و ادب را فراگرفت و یکی از فضلای بنام زمان خود شد. شیخ اسماعیل به تالیف و تصنیف در فنون مختلف پرداخت و آثار بسیاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت. در مشهد درگذشت و در باغ رضوان دفن شد. از آثار وی: «عقاید الاسلام»، در اصول خمسه، که گویا ترجمه‌ی «عقاید الاسلام» ترکی منسوب به مقدس اردبیلی است؛ «مرآه المتقین»؛ «مجلات المحققین»؛ «البلاغ المبین»؛ «معیار

الفهم و منشار الوهم»؛ «تذکره المتقین»؛ مثنویهای «انصاف نامه»؛ «بلبل نامه»؛ «تحفه نامه»؛ «تزویج نامه»؛ «توحید نامه»؛ «ثمره‌ی فوادیه»؛ «حیرت نامه»؛ «سعادت نامه»؛ «محبت نامه»؛ «نماز نامه» و مثنویهای مختلف دیگر؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۱/۲۱، ۲۸۴، ۲۲۸، ۲۲۷- ۱۱/۲۰، ۸۵- ۸۳ /۱۹، ۲۸۱/۱۵، ۱۸۱/۱۲، ۲۶۵/۱۱، ۱۶۳/۹، ۴۶/۴، ۱۴۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۶/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۱۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۰- ۵۷۹ /۱).

شریف‌زاده گلپایگانی، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف، مترجم.

تولد: ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

هوشنگ شریف‌زاده گلپایگانی بعد از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تربیت معلم شد و پس از پایان دوره‌ی لیسانس برای ادامه‌ی تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و از دانشگاه چلسی به دریافت فوق لیسانس آموزش علوم نایل آمد.

مشاغل فرهنگی وی عبارت بودند از: دبیر فیزیک، کارشناس مسئول بخش فیزیک سازمان کتاب‌های درسی، علاوه بر مسئولیت‌های مذکور در فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان، مجله‌ی «دانشمند» و مجله‌ی «گنجینه» به ویراستاری و مشاورت اشتغال داشت.

علاوه بر مقاله‌های شریف‌زاده در نشریه‌های علمی، آثارش عبارتند از: تألیف کتاب‌های درسی علوم دوره‌ی راهنمایی (سه جلد با همکاری دیگران)؛ تألیف کتاب‌های راهنمای تدریس علوم دوره‌ی راهنمایی (سه جلد با همکای دیگران)؛ تألیف فیزیک دانشسرای مقدماتی با همکاری دیگران؛ تألیف سه جلد فیزیک دوره‌ی دبیرستان (نظام قدیم)؛ ترجمه‌ی کتاب در قلمرو مکانیک (استاتیک و دینامیک) (دو جلد)؛ ترجمه کتاب در جهان علم؛ ترجمه‌ی کتاب‌های طرح فیزیک هاروارد (شش جلد با همکاری دیگران؛ برگزیده‌ی هشتمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ ترجمه و ویرایش نگاهی به تاریخ علم (برای نوجوانان، با همکاری دیگران).

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شریفی کرمانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۱۶ -۹۸۰ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به شریفی. وی ناظم سه فقره قصیده ثائیه می‌باشد. از آثار وی: نظم «کافیه‌ی نجومیه» ابن‌حاجب؛ نظم «شافیه‌ی صرفیه‌ی» ابن حاجب؛ «موزون المیزان» که نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۲۵/۹، ۲۰۲/۳)، ریحانه (۲۲۰/۳)، معجم المؤلفین (۱۹/۱)، هدیه العارفین (۲۹/۱).

شریفیان، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین شریفیان درسال ۱۳۰۵در بندر تاریخی بوشهربه دنیا آمد . عبد الحسین شریفیان دوران ابتدایی و متوسطه رادر بوشهر سپری کرد .وی موفق به اخذ دیپلم دررشته ادبی شد .در فروردین ماه ۱۳۲۹ به خدمت سربازی رفت و دوره نظام را دردانشکده افسری سپری کرد.ایشان پس از دوسال خدمت سربازی را به پایان رساند و همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد . اما اونتوانست تحصیلاتش راتا پایان ادامه دهد و در همان سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصیل کرد . از وی آثار متعددی که ترجمه و منتشر شده وجود دارد از جمله نخستین اثراو «رمان شوم» که به طور مستقل کار ترجمه آن را انجام داده است .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : ترجمهوالدین و انساب : عبدالحسین شریفیان درسال ۱۳۰۵در بندر تاریخی بوشهربه دنیا آمد . نام مادرش شهر بانو و نا پدرش غلام است . پدر وپدر بزرگش ناخدا و اهل سیر و سفر دریایی و کشتیرانی بودند . پدر بزرگش ناخدای یکی از کشتی ها حاج معین التجار (از رجال اقتصادی وسیاسی مشهور بوشهر و ایران در فاصله سالهای قبل از انقلاب مشروطه تا سقوط رضا شاه پهلوی) بود و در خط دریایی خرمشهر (محمره) و اهواز (ناصری) دردوران قاجار مشغول به کار بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبد الحسین شریفیان درسال ۱۳۱۲ پا به مدرسه گذاشت و دوران ابتدایی را درتابستان فردوسی و متوسطه را در دبیرستان سعادت بوشهر سپری کرد .درسال۱۳۲۸ موفق به اخذ دیپلم دررشته ادبی از این مدرسه شد .در فروردین ماه ۱۳۲۹ به خدمت سربازی رفت و دوره نظام را دردانشکده افسری سپری کرد.ایشان پس از دوسال خدمت سربازی را در سال ۱۳۳۱ به پایان رساند و همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد . اما ایشان نتوانست تحصیلاتش راتا پایان ادامه دهد و در سال ۱۳۳۲ سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصیل کرد .خاطرات و وقایع تحصیل : دوران جوانی و نوجوانی عبد الحسین شریفیان مصادف بود با شهریور ۱۳۲۰ و سقوط و فرار شاه پهلوی از ایران و اشغال ایران و بندر بوشهر ،توسط قوای متجاوز متفقین .بوشهر در آن سالها به تصرف نیروهای متجاوز انگلیسی درآمد و تعداد زیادی نظامی هندی و انگلیسی دربوشهر مستقر شدند. در سال ۱۳۳۲به دلیل سفرهای متعدد کاری برای شرکت ژاپنی ،استاد شریفیان نتوانست تحصیلاتش را تا پایان اخذ لیسانس ادامه دهد و ناار شد درسال دوم تحصیل ،دانشگاه را برای همیشه ترک کند و وارد دانشگاه اصلی یعنی زندگی شود.استادان و مربیان : عبد الحسین شریفیان درهنگام تحصیل درمدرسه سعادت شاگرد شاعر مشهور سید محمد طاهر دشتی ملقب به (شفیق شهریاری) بود.از دیگر اساتید می توان از میرزا محمد رحیم خان بوشهری(استاد زبان انگلیسی) ، سید مهدی سعادت (از فعالان و مروجان هنر تئاتر در مدارس بوشهر) نام برد . از اساتید استاد شریفیان دردوران تحصیل می توان به مرحومان دکتر لطف علی صورتگر (مترجم و ادیب معروف دردهه ۳۰و ۴۰) و دکتر علاء الدین پاسارگارد (مولف و مترجم صاحب نام) و دکتر پرویز ناتل خانلری (محقق معروف زبان و ادبیات فارسی و سر دبیر مجله ادبی سخن) نام برد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبد الحسین شریفیان به عنوان مترجم در دانشکده توپخانه منصوب شد و در کنار وظیفه مترجمی ، اطلاعات و خصوصا دایره لغات انگلیسی خود را گسترده دادو کاملا بر تکلم این زبان مسلط شد. درهمین سالها یعنی سال ۱۳۳۱ بود که به تشویق روزنامه نگار برجسته بوشهری مرحوم عبد الرحیم جعفری شروع به تر جمه برخی از داستان های کوتاه انگلیسی کرد . استاد شریفیان کارترجمه کتابهای ادبی ،هنری ،رمان ،اسطوره و تاریخ رابه طور جدی و حرفه ای از اواخر دهه چهل خورشیدی و درخدمت شرکت انتشاراتی فرانکلین آغاز کرد .چگونگی عرضه آثار : عبد الحسین شریفیان از

جمله مترجمانی است که حجم زیادی از آثار رمان نویس ژرف اندیش هرمان هسه را به فارسی ترجمه کرده و از این نظر سهم به سزایی در شناسایی و معروفی این نویسنده المانی به مردم ایران و خصوصا نسل جوان ،بر عهده دارد وایشان علاوه بر هرمان هسه ،آثاری از سامراست موام ، روزنبرگ ،ویلیام شایرر،ویلیام فاکنر ،جک لندن ،ریچارد رایت ،گوستاوفلوبر ،تئودور داستایوسکی ،جان تولند ،هاواردفاست ،آندره ژید،برونو آپستز ،هموندداینس ،چالزدیکنز و.....رابه فارسی ترجمه و منتشر کرده است.آثار : آخرین تابستان لینگزور ویژگی اثر : از هرمان هسه در ۱۳۷۸۲ آدولف هیتلر ویژگی اثر : از جان تولند در دو جلد از تهران ۱۳۷۳۳ اساطیر جهان ویژگی اثر : دردوجلد است ،دوناروزنبرگ در تهران ۱۳۷۹۴ اسب قربانی ویژگی اثر : ویلیام فاکنر۵ اسطوره بین النهرین ویژگی اثر : از رابرت گریوز۶ اسطوره یونان ویژگی اثر : کتاب مرجع اسطوره ها دردو جلد است از رابرت گریوز۷ اعجوبه ویژگی اثر : از هرمان هسه در ۱۳۷۷۸ الاغ طلایی ویژگی اثر : از آپولیوس درسال ۱۳۷۹۹ ایزابلا ویژگی اثر : از آندره ژید۱۰ بازی مهره ی شیشه ای ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۱۸۱۱ برهنه میان گرگها ویژگی اثر : از برونواپتز درتهران ۱۳۶۹۱۲ پایبندی های انسانی ویژگی اثر : سامراست موام ،تهران ۱۳۶۴در دو جلد۱۳ پیتر کامنتسید ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۴۱۴ تر جمه سقوط جمهوری سوم ویژگی اثر : شرح شکست فرانسه در جنگ جهانی دوم به قلم ویلیام شایرر،تهرا ن ۱۳۵۲۱۵ ترجمه پسرک سیاه پوست ویژگی اثر : این اثر نوشته ریچارد رایت را به فارسی ترجمه کرد و درهفته نامه محلی دریا کنار (به سردبیری عبد الرحیم جعفری) به چاپ رساند .۱۶ ترجمه میراث شوم ویژگی اثر : نخستین اثری که به طورمستقل به فارسی برگرداند و منتشرکرد .این رمان نوشته سالتیکوف شچدرین رمان نویس رئالیست روسی بود . این کتاب در قطع جیبی توسط سازمان کتابهای جیبی در ۳۴۴صفحه و باشمارگان پنج هزار نسخه درسال ۱۳۴۶درتهران چاپ و منتشر کرد .۱۷ تعطیلات وحشت زا ویژگی اثر : از ریارد رایت درسال ۱۳۴۸۱۸ جوان خام ویژگی اثر : از داستایوسکی در تهران ۱۳۶۸۱۹ خاورمیانه نفت و قدرت های بزرگ ،آن شریدان ویژگی اثر : تهران ۱۳۵۲۲۰ خورشید تابان ویژگی اثر : از جک لندن۲۱ دائره المعارف آکسفورد ویژگی اثر : در دو جلد درباره رویدادهاو شخصیتهای تاریخی از پیش از تاریخ تا اواسط قرن بیستم۲۲ داستانهای پنج دهه (سفرهای رویایی) ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۷۲۳ درتنگ است ویژگی اثر : آندره ژید۱۳۸۲۲۴ دره ماه ویژگی اثر : جک لندن۲۵ دمیان ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهرا ن سال۱۳۷۴۲۶ دوست مشترک ما ویژگی اثر : از چارلزدیکنز ، تهران ۱۳۶۹۲۷ دیروز و امروز ویژگی اثر : سامراست موام ،تهران ۱۳۸۲۲۸ روشنایی ماه اوت ویژگی اثر : ویلیام فاکنر۲۹ زیردریایی در قطب ویژگی اثر : از هموندداینس۳۰ سرزمین مردم ایسلند ۳۱ سرزمین مردم پاکستان ۳۲ سرزمینی که خداوند به قابیل داد ویژگی اثر : از هموندداینس۳۳ سفربه سوی شرق ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۸۳۴ سلطان انگشتری ویژگی اثر : از تول کین۳۵ سمفونی کلیسایی ویژگی اثر : از آندره ژید۱۳۸۲۳۶ سیری در اساطیر یونان و روم ویژگی اثر : ادیت همیلتون ،تهران ۱۳۷۶۳۷ ظهور زرتشت ،اگر جنگ ادامه یابد ویژگی اثر : از هرمان هسه ۱۳۷۹۳۸ کنولپ ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۸۳۹ لویی چهاردهم ویژگی اثر : از سری کتابهای تاریخ تمدن ویل دورانت ویراست دوم تهران ،۱۳۶۸۴۰ مادام آرنو ویژگی اثر : از گوستاوفلوبر۴۱ مجموعه داستانهای کوتاه ویژگی اثر : از سامراست موام در چهار جلد است .۴۲ مسخ اووید ۴۳ نار سیسوس و گولدموند (نرگس و زرین دهان) ویژگی اثر : از هرمان هسه۴۴ همشهری تام پین ویژگی اثر : از هموندداینس۴۵ واتیکان و اروپای عصر جاهلیت ویژگی اثر : از ویلیام منچستر در سال ۱۳۸۲

شعار، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر شعار، پژوهش گر ادبی، مصحح، مترجم ایرانی.

زندگی:

جعفر شعار در ۱۳۰۴ در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانش گاهی خود تا مقطع کارشناسی ادبیات فارسی و لیسانس زبان فرانسه را در همان شهر و در دانش گاه تبریز به پایان رساند. در تهران به تحصیل خود در ادبیات فارسی ادامه داد و در ۱۳۴۲ درجه دکتری در زبان ادبیات فارسی گرفت. مدارج و مشاغل:

۶ سال عضویت در سازمان لغت‌نامه دهخدا.

استادی دانشگاه تربیت معلم پس از سال‌ها تدریس در دانش گاه تهران و دانش‌سرای عالی.

همکاری با مرکز دایرۀالمعارف بزرگ اسلامی. آثار: تصحیح و شرح

تاریخ یمینی.

سیاست‌نامه.

گزیدۀ اشعار ناصرخسرو.

سفرنامه ناصرخسرو.

جوامع الحکایات و لوامع الروایات : ترجمه

سفرنامه ابن حوقل. سایر:

پژوهشی در دستور فارسی.

شعاع‌الملک شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹/۱۲۷۶ ق- ۱۳۲۴/۱۳۲۳ ش)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شعاع. ملقب به شعاع‌الملک. در شیراز متولد شد. پس از پایان تحصیلات متداوله‌ی زمان به سرودن شعر پرداخت. در قصیده‌سرایی و ماده تاریخ و مطایبه و هجا توانا بود وی با فرصت‌الدوله و شوریده‌ی شیرازی جواد کمپانی و میرزا حسین مشیری همعصر بود و در مدت زندگانی به گردآوری کتب خطی دلبستگی شایانی داشت و از خود کتابخانه‌ی بسیار نادری بر جای گذارد. در شیراز وفات یافت. علامه قزوینی سال تولد وی را به اشتباه ۱۲۷۶ ق آورده است. از آثارش: «تذکره‌ی شعاعیه»، «تذکره شکرستان فارس»؛ «اشعه‌ی شعاعیه»؛ «دیوان» اشعار نزدیک به سی هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۹)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۴ -۲۵۵ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۵ -۲۶۸ /۳)، الذریعه (۵۲۶/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۸/۴)، سخنوران نامی (۳۱۳ -۲۹۸ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۴۷ -۱۹۴۲ /۳)، شرح حال رجال (۲۳۳ -۲۳۲ /۶)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۲ -۷۶۱ /۲)، مرآت الفصاحه (۳۰۵ -۳۰۰)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۵ -۱۹۴ /۸)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۵۵، س ۵، ش ۳، ص ۵۳ -۵۲).

شعری اصفهانی، طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۵/۱۲۷۰ -۱۲۲۴ ق)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شرعی. ملقب به دیباچه نگار. از اولاد شیخ زاهد گیلانی بود. در اصفهان به دنیا آمد. پدرانش در اصفهان جزو مشایخ و قضات آن شهر بوده‌اند. در جوانی به همراه شیخ صالح برادرش به تهران رفت و در مدرسه‌ی دارالشفا به تصحیل ادب مشغول شد و در زمره‌ی ادبا و شعرا درآمد. او کتابی به نام «گنج شایان» به اشاره‌ی اعتضادالسلطنه به نام میرزا آقا خان نوری صدر اعظم تالیف کرد و ملقب به دیباچه نگار گردید. جلد اول این کتاب به سال ۱۲۷۳ ق به اتمام رسید. برخی منابع وفات وی را ۱۲۷۰ ق آورده‌اند که با سال تالیف کتابش مغایرت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۷ -۷۳ /۲)، حدیقه الشعراء (۸۴۷ -۸۴۲ /۲)، الذریعه (۲۳۸/۱۸، ۵۲۷/۹)، ریحانه (۲۲۵/۳)، شرح حال رجال (۱۲۸/۵، ۱۸۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۹/۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۵)، گنج شایگان (۵۷۸ - ۵۶۶)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۵ -۵۸۴ /۳)، مجمع الفصحا (۵۳۳ -۵۳۲ /۵)، مکارم الآثار (۷۸۰ -۷۷۹ /۳)، یادگار (س ۲، ش ۱، ص ۵۹، س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۷).

شفا، شجاع‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده و مترجم. بعد از تحصیلات متوسطه در مدرسه علمیه به خواسته پدرش وارد دانشکده‌ی طب شد؛ ولی پس از مدتی چون این رشته با روح وی سازگار نبود از ادامه‌ی آن منصرف شد. در ۱۳۱۸ ش به فرانسه رفت و در رشته ادبیات مشغول به تحصیل شد؛ ولی پس از شروع جنگ مجبور به رفتن به بیروت شد پس از اتمام تحصیلات عالیه در بیروت در ۱۳۲۰ ش به تهران بازگشت و در اداره‌ی تبلیغات به خدمت اشتغال یافت. از آثار وی: «ایران در ادبیات جهان»، که این کتاب جایزه‌ی اول سخن را دریافت کرد و بهترین ترجمه‌ی سال شناخته شد. «آهنگهای شاعرانه»، ترجمه؛ «افسانه خدایان»؛ «بازگشت»؛ «اوراق زرین، ادبیات جهان» ترجمه؛ «شاخه یاس»، شانزده داستان از شانزده نویسنده؛ «سایه ایام»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۴۱۰ -۴۰۲ /۳).

شفتی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدباقر مشهور (به حجهٔالاسلام شفتی) صاحب (مسجد سید) اصفهان بن سید محمدتقی بن سید محمد زکی بن محمدتقی بن شاه قاسم بن امیر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم ابن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن

محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی‌القاسم بن حمزهٔ بن الامام موسی الکاظم (ع) از فحول علماء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده است.

تولد آن بزرگوار در سال ۱۱۷۵ قمری در نواحی طارم علیاء زنجان در قریه‌ای که به آن (چرزه) می‌گویند در ده فرسخی شفت واقع شده و در سن هفت سالگی منتقل به شفت شده.

و پس از ده سال در سن ۱۷ سالگی و سال ۱۱۹۲ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در کربلا به درس وحید علی‌الاطلاق و استاد اکبر علامه محمدباقر بهبهانی و پس از آن علامه سید علی صاحب ریاض استفاده کرده.

و بعد به نجف مشرف و از محضر علامه بزرگ سید مهدی بحرالعلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند شده و مسافرتی به کاظمین نموده و از حضرت علامه سید محسن اعرجی مستفیض گردیده و پس از هشت سال توقف در عراق در سال ۱۲۰۰ ه به ایران برگشته و در قم از محضر مدقق بزرگوار میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین‌الاصول) استفاده نموده.

و از آنجا به کاشان عزیمت و از محضر و دروس اخلاقی ملا مهدی نراقی صاحب (جامع‌السعادات) کامیاب شده و در سال ۱۲۰۶ ه به اصفهان وارد و رحل اقامت افکنده و افاضل طلاب و علماء در گردش جمع و از درس و بحثش استفاده نموده و شهرت عالمی پیدا و به ریاست عامه و مرجعیت تامه رسیده و بسط یدش تا اجراء حدود الهی رسیده و شمشیری که با آن ده‌ها حد الهی را جاری کرده است.

اکنون در بیت آن بزرگوار در دست حفیدش حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج سید رضا شفتی باقی و موجود است و تاریخ روحانیت شیعه یاد ندارد که این موقعیت برای احدی از علماء و مراجع شیعه غیر آنجناب پیدا شده باشد و این نبود مگر حسن باطن و سلامت نفسش (اللّٰه اعلم حیث یجعل رسالته).

از خصایص آن بزرگوار سخاوت وجودش بود که هیچ صاحب حاجتی به ایشان مراجعه نمی‌کرد مگر اینکه فوراً حاجتش را روا می‌ساخت و هیچ مستحقی نزد او نمی‌رفت مگر اینکه او را مستغنی و مستطیع و توانگر می‌کرد حکایاتی از کرم و عطاء او شنیده‌ام که اینجا مجال ذکر آن نیست.

از اقران و اصدقاء خالص او عالم ربانی و آیت سبحانی علامه بزرگ حاج ملا محمدابراهیم کلباسی بود که با آن همه عظمت سید را بر خود مقدم می‌داشت و حتی حکم او را بدون وضو نمی‌گرفت.

آن بزرگوار در یکشنبه دوم ربیع‌الثانی ۱۲۶۰ هجری از دنیا رفت و در مقبره خودش در زاویه مسجدش (مسجد سید اصفهان) در محله بیدآباد مدفون گردید.

آثار خالده سید

۱- مسجد عظیم و زیبای او در در محله بیدآباد خیابان مذکور که از مساجد مهمه و معروفه اصفهان و بلکه ایرانست.

۲- کتاب (مطالع‌الانوار) در شرح شرایع که پنج جلد آن بیرون آمده

۳- جوابات المسائل در دو مجلد.

۴- تحفهٔ‌الابرار رساله عملیه فارسی

۵- قضاء و شهادات.

۶- زهرهٔ‌الباهره در اصول فقه و ده‌ها رساله و تعلیقات دیگر.

دارای ۶ فرزند بزرگوار بودند که تمامی از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.

۱- حجهٔ‌الاسلام ثانی علامه جلیل‌القدر آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید اسداللّٰه.

۲- آیت‌اللّٰه آسید ابوالقاسم شفتی

۳- آیت‌اللّٰه آسید محمدعلی

۴- آیت‌اللّٰه میرزا زین‌العابدین

۵- آیت‌اللّٰه آسید جعفر

۶- آیت‌اللّٰه آسید مؤمن.

در حال حاضر دو نفر از احفاد آن بزرگوار در قید حیاتند و در مسجد او (مسجد سید) بجای نیاکان خود اقامه جماعت می‌نمایند. (۱۲۶۰ -۱۱۷۵ ق)، علامـ امـامی، فقیه اصـولی، ادیب نحـوی و رجـالی. معروف به حجهٔ‌الاسـلام. در قریه‌ای از قرای رشت از نواحی طارم علیا به دنیا آمـد و در هفت سالگی به شـفت منتقل شد. وی در اصـفهان سـکنی کرد. از شاگردان بهبهانی، بحرالعلوم، صاحب «ریاض»، کاشف الغطاء، ملا مهدی نراقی و میرزای قمی است. شـفتی از بزرگان علمای امامیه بود که در فقه، اصول، ادبیات، رجال، حدیث، درایه، ریاضـی و هیئت تبحر داشت و در اخلاقیات از نوادر بود. پس از سـفر علمی طولانی به شـهرهای مختلف در اصفهان مقیم شـد و اهـل علم و دانش‌پژوهـان گردش جمع شدنـد و ریـاست و زعـامت به طور کامل به وی منتقل شـد. حاج محمـد ابراهیم اصـفهانی قزوینی و میرزا محمد رضوی و ملا محمدعلی محلاتی و سـید فضل‌اللّٰه استرآبادی و شیخ علی نخجوانی و سید محمدتقی زنجـانی و ملاـ محمـد رفیع گیلاـنی و حـاج عبـدالباقی کاشانی و سـید محمـدعلی ابرقویی از شاگردان و راویان وی بودنـد. وی در اصـفهان درگذشت و در مسـجدی که خودش در کوی بیدآباد اصـفهان بنا نهاده و به مسـجد سـید مشهور است، و دارای مدارس و حجره‌هـایی برای طلاـب می‌باشـد، دفن شـد. از آثـارش: کتاب «السوال و الجواب»؛ «مطالع الانوار»، در فقه که شـرح «شـرایع» محقق است؛ «تحفه الابرار»، به فارسـی، در احکام شـرعیه؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ رسائلی در «فقه» و «رجال» که بطور تحقیقی نگاشته شده است؛ «الزهره البارقه فی احوال المجاز و الحقیقه»؛ «قضاء و شـهادات استدلالی»؛ «وجوب اقامه‌ی حدود در زمان غیبت بر فقها و مجتهدین»؛ «اصحاب الاجماع»؛ «تمییز مشترکات الرجال»؛ «الاجازات»؛ «آداب الصلاه اللیل و فضلها».[۱]

شفتی، سـید محمـدباقر بن تقی موسوی شـفتی از بزرگـان علمای امامیه (ف. اصـفهان ۱۲۶۰ ه.ق.). وی فقیه اصـولی، ادیب نحـوی، رجالی و ریاضـی و شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم سید مهدی و کاشف الغطاء شیخ جعفر و ملا مهدی نراقی و میرزای قمی و غیره بود. آثـار عمـده او عبارتنـد از: آداب صـلوهٔ الیـل و فضـلها، الاجـازات، الاسـتقبال فی شـرح مبحث القبلـهٔ من التحفـهٔ، اصـحاب الاجماع، اصـحاب العـدهٔ للکینی، تحفـهٔ الاـبرار در احکـام شـرعی (فارسـی)، تمییز مشترکات الرجال و رساله‌های بسـیار در تحقیق حال رجال حدیث امامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۸/ ۹)، الذریعه (۱۴۹/ ۱۱ ،۱۲/ ۲ ،۸۱/ ۱)، روضات الجنات (۱۰۲ -۹۶/ ۲)، ریحانه (۲۶/ ۲)، شرح حـال رجال (۳۰۵ -۳۰۴/ ۳)، طبقات اعلام الشـیعه (قرن ۱۹۶ -۱۹۲/ ۱۳)، الکنی و الالقـاب (۱۷۴ -۱۷۳/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ حجهٔ‌الاسلام)، معجم المؤلفین (۹۶/ ۹)، مکارم الآثار (۱۶۱۴/ ۵).

شفیعی کدکنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

شفیعی کدکنی

زندگینامه

دکتر محمد رضا کدکنی در سال ۱۳۱۸ هـ ش در کدکن از روستاهای قدیمی بین نیشابور و تربت حیدریه به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در مشهد گذراند و از آن پس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد شد و به تحصیل پرداخت و لیسانس خود را در این رشته دریافت کرد. دکتر شفیعی، همزمان با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در حوزه علمیه مشهد به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و ادبیات عرب را نزد اساتید معظم این حوزه فراگرفت. او در زمانی که در مشهد به تحصیل اشتغال داشت از اعضای موثر و فعال انجمنهای ادبی به شمار می رفت و از همان آغاز نوجوانی آثارش در مطبوعات خراسان با نام مستعار ش م سرشک به چاپ می رسید. در سالهای بعد از ۱۳۳۲ هـ ش با همکاری تنی چند از جوانان شاعر و اهل ادب انجمن ادبی تشکیل دادند که بیشتر طرفداران شعر نو و ادبیات داستانی و ترجمه ادبیات فرنگی بودند که دکتر علی شریعتی نیز از جمله اعضای آن انجمن بودند. استاد شفیعی پس از عزیمت به تهران در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس خود را گذراند و سپس دوره دکترای زبان و ادبیات عرب را نیز پشت سر گذاشت. او مدتی در بنیاد فرهنگ ایران و کتابخانه مجلس سنا به کار اشتغال ورزید و سپس به عنوان استاد دانشکده ادبیات تهران در رشته سبک شناسی و نقد ادبی به کار مشغول شد. دکتر شفیعی همچنین مدتی را بنا به دعوت دانشگاههای آکسفورد انگلستان و پرینستون آمریکا به عنوان استاد به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. از دکتر شفیعی تا کنون دهها نوشته و مقاله و تألیفات بسیاری به چاپ رسیده است.

ویژگی سخن

دکتر شفیعی از استادان بارز و متبحر ادبیات معاصر ایران و از محققین بزرگ به شمار می رود که در نقد شعر و ادب فارسی صاحب نظر است و در شعر و شاعری نیز مقام والایی دارد و صاحب سبک و شیوه خاصی است که او را به عنوان شاعری پیش رو می شناسند و یکی از ویژگیهای شخصیتی دکتر شفیعی این است که وی در محافل ادبی به ندرت ظاهر می شود و بیشتر در انزوای اهل ادب به سر می برد. معرفی آثار آنچه که از آثار و تاألیفات دکتر شفیعی به چاپ رسیده است عبارتند از: زمزمه ها، شب خوانی، از زبان برگ، در کوچه باغهای نیشابور، از بودن و سرودن، مثل درخت در شب باران، بوی جوی مولیان، صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر، ادوار شعر فارسی، شعر معاصر عرب، گزیده غزلیات شمس، حزین لاهیجی زندگی و زیباترین غزلهای او، شاعر آینه ها، بیدل و سبک هندی، اسرار التوحید از محمد بن منور، حالات و سخنان ابو سعید، ابو روح میهنی، مختار نامه، مجموعه رباعیات عطار، مرموزات اسدی در مرموزات داودی نجم الدین رازی، ترجمه تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا از نیکلسون و بسیاری دیگر که نامی از آنها نبردیم.

گزیده ای از اشعار

حتی به روزگاران این مهربانتر از برگ در بوسه های باران بیداری ستاره، در چشم جویباران آیینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل لبخند گاهگاهت، صبح ستاره باران بازآ که در هوایت خاموشی جنونم فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز کاین گونه فرصت از دست دادند بی شماران گفتی: به روزگاری مهری نشسته گفتم بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران بیگانگی ز حد رفت، ای آشنا میرهیز زین عاشق پشیمان سر خیل شرمساران پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند دیوار زندگی را زین گونه یادگاران وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران * * * خونریزی خزان چه گونه دوست ندارم من این دیاران را که هر شقایقش آیینه ای است یاران را تمام هستی من در شط سحر جاری است چو یاد آورم آن روشنی تباران را سپیده آینه گردان روحشان بادا که روشنایی دگر داد روزگاران را بهار زخمی این باغ، دلکش است هنوز اگر چه نغمه به لب خشک شد هزاران را قبای میر غضب سبز و خنجرش سرخ

است مخور فریب دروغ این سیاهکاران را به هوش باش که خونریزی خزان کو شد که روح باغ فراموش کند بهاران را * * * هزاره دوم آهوی کوهی تا کجای می برد این نقش به دیوار مرا؟

تـا بـدانجا که فرو می مانـد چشم از دیـدن و لب نیز ز گفتـار مرا * * لاـجورد افـق صـبح نیشـابور و هری است که در این کاشـی کوچـک مـتراکم شـده است می برد جـانب فرغـانه و فرخـار مرا * * این چه حزنی است که در همهمه کاشـیهاست جـامه سوگ سیاووش به تن پوشیده است این طنینی که سرایند خموشیها، در عمق فراموشیها و به گوش آید از این گونه به تکرار مرا * * گرد خـاکستری حلاج و دعای مانی شـعله آتش کرکوی و سـرود زرتشت پوریای ولی آن شاعر رزم و خوارزمی می نماینـد در این آینه رخسار مرا * * تا کجا می برد این نقش به دیوار مرا؟ تا درودی به سـمرقند چو قند و به رود سخن رودکی آن دم که سرود کس فرسـتاد به سر اندر عیار مرا * * شاخ نیلوفر مرواست گه زادن مهر کز دل شط روان شنها می کند جلوه از این گونه به دیدار مرا * * سبزی سـرو قد افراشـته کاشمر است کز نهان سوی قرون می شود در نظر این لحظه پدیدار مرا * * چشم آن آهوی سر گشته کوهی است هنوز که نگاه می کنـد از آن سوی اعصار مرا * * بوته گندم روییده بر آن بام سـفال باد آورده آن خرمن آتش زده است که به یاد آورد از فتنه تاتار مرا * * کیمیا کاری و دستان کدامین دستان گسترانیده شکوهی به موازات ابد روی آن پنجره با زیور عریانیهاش که گذر می دهد از روزن اسـرار مرا * * نقش اسـلیمی آن طاق نماهای بلند و آجر صـیقلی سـر در ایوان بزرگ می شود بر سـر، چو صاعقه، آوار مرا و آن کتیبه که بر آن نام کس از سلسـله ای نیست پیدا و خبر می دهد از سلسله کار مرا * * * عجبا کز گـذر کاشـی این مزدک پیر هوس کوی مغان است دگر بار مرا گر چه بس ناژوی واژونه در آن حاشـیه هاش می نماید به نظر پیکر مزدک و آن باغ نگونسار مرا

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شفیعی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۳۱ تیر ۱۲۹۳، فرخشهر (قهفرخ).

درگذشت: آذر ۱۳۷۲، تهران.

محمود شفیعی، متخلص به «کیوان»، دروس ابتدایی و متوسطه را در فرخشهر و اصفهان فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و تا پایان عمر هم در تهران زندگی کرد. وی به اخذ درجه‌ی لیسانس در حقوق و درجه‌ی دکتری در ادبیات فارسـی نایل آمد. چند سالی در بانک ملی ایران به خدمت مشـغول بود. سپس در دانشگاه‌های ملی، اراک و اصفهان و مدرسه عالی پارس به تدریس ادبیات مشغول شد.

از آثار اوست: شاهنامه و دسـتور (برنده جایزه بهترین کتاب سال ۱۳۴۶)؛ دانش و خرد؛ شـیوه‌ی خط و دستور زبان فارسی. وی اهل شعر و شاعری هم بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شکری، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: مهر ۱۳۲۳، رودسر (بازکول).

درگذشت: ۹ آذر ۱۳۶۶، تهران.

یدالله شکری پس از طی تحیلات ابتدایی و متوسطه در رودسر و تهران، مدارج تحصیلات عالیه را در دانشگاه تهران در رشته‌ی ادبیات فارسی و دانشسرای تربیت معلم گذراند و از محضر استادانی چون بدیع الزمان فروزانفر، محمد معین، جلال‌الدین همایی، عبدالحمید بدیع‌الزمانی و احمدعلی رجایی بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۵۳ نیز پایان‌نامه تحصیلی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران دریافت کرد. در سال ۱۳۶۱ موفق به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد.

فعالیت علمی و تحقیقاتی او از همکاری با بنیاد فرهنگ ایران آغاز گردید. در سال ۱۳۵۲ در تدوین کتب درسی گروه ادبیات فارسی دانشکده مکاتبه‌ای- که خود از بنیان‌گذاران آن گروه بود- با استاد همایی و محمد پروین گنابادی همکاری کرد. در سال ۱۳۶۰ به عضویت هیئت مؤلفان لغت‌نامه فارسی درآمد. او عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی بود و همزمان در دانشگاههای تربیت معلم، تربیت مدرس، شهید بهشتی و دانشکده‌ی صدا و سیما اشتغال به تدریس داشت. در مرکز نشر دانشگاهی نیز مسئول گروه ادبیات فارسی بود.

یدالله شکری در تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی سهم ویژه‌ای داشت. آثار چاپ شده‌ی او عبارتند از: تصحیح عالم‌آرای صفوی؛ منتخب تاریخ جهانگشا؛ منتخب دیوان سراج‌الدین قمری؛ گزیده‌ی تاریخ بیهقی؛ گزیده‌ی دیوان سنایی. دیوان کامل سراج‌الدین قمری (که رساله‌ی دکترای او بود) و کتاب فارسی و آیین نگارش (۲) از جمله عناوینی است که وی در دست چاپ داشت. همچنین گردآوری فرهنگ و اصطلاحات عرفانی را نیز با همکاری جمعی از دانشجویان پژوهشگر خود آغاز کرده بود. مقالاتی از او در مجله‌ی «دانشگاه تربیت معلم» و مجموعه مقالات کنگره‌ی تحقیقات ایرانی چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شکورزاده بلوری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن فرانسه، اخذ دو نشان علمی درجه ۱ و ۲ و دو جایزه هنری در نقاشی و طراحی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فرانسه، فرهنگ عامه خراسان، علوم اجتماعی و مردم‌شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فرانسه، فرهنگ عامه (فولکلور)، زبان و ادبیات فارسی، عقاید و رسوم مردم خراسان مهمترین اثر ایشان فرهنگ اصطلاحات و معارف اسلامی به زبان فرانسه می‌باشد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فرانسه، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ عامه (فولکلور) و علوم معارف اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شکیباپور، عنایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف، مترجم.

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۱۳۶۳.

عنایت‌الله شکیباپور در اداره‌ی حسابداری وزارت دارایی مشغول به کار بود. از آثار اوست: احتراق بمب (اثر موریس لبلان، دو جلد)؛ از جهان تا ابدیت (موریس مترلینک، ۱۳۴۰)؛ اعترافات (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ بیگانه (آلبر کامو، ۱۳۴۸)؛ پرنده‌ی آبی (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ تبعید و حکومت وجدان (آلبر کامو)؛ توده‌ی طلا (اثر موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ جادوگر قرون وسطی (اثر ژول میشل، ۱۳۳۷)؛ اسکلت سبز (اثر ادوارد بروکر، ۱۳۳۵)؛ اصول نامه‌نگاری و انشاء (۱۳۳۹)؛ برگزیده‌ی لغات کلیله و دمنه (۱۳۳۹)؛ پرنس تالیران (ولاـگور گایت، ۱۳۳۶)؛ ترانه‌های غم‌انگیز (اثر کنستانس)؛ جدال بی‌هدف (جان اشتاین بک)؛ جنایتکار مخوف (اثر پرنسون دوترای، ۱۳۳۹)؛ چگونه از خود دفاع کنیم (و. ه.کولینگریسچ، ۱۳۳۸)؛ حرمسرای خسرو پرویز (۱۳۳۵)؛ خانه‌ی مرگ (موریس لبلان، ۱۳۳۹)؛ در اوج قدرت (بالزاک، ۱۳۴۰)؛ در برابر خدا (موریس مترلینک، ۱۳۴۴)؛ دلباخته؛ دندان ببر (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ دنیای دیگر (موریس مترلینک)؛ راز بزرگ (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ راه‌های اختیار (ژان پل سارتر، ۱۳۴۴)؛ زندگی زنبور عسل (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ زندانی بیگناه؛ زنگ‌های ساعت (موریس لبلان، ۱۳۰۶)؛ ژاندارک (موریس مترلینک، ۱۳۳۳)؛ سایه‌ی انسان‌ها (ژان پل سارتر)؛ سر تنگ بلور (موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ سنگ معجزه (موریس لبلان، ۱۳۰۶)؛ شادی‌ها و ناکامی (آلبر کامو، ۱۳۵۶)؛ طاعون (آلبر کامو، ۱۳۵۱)؛ عروس زندان (ژرژ ماری)؛ قصر مرموز (موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ قهرمان ونیز (میشل زاکو، سه جلد، ۱۳۳۳)؛ کف شناسی (۱۳۱۲)؛ گرازیلاـ یا سوز و گداز عشق (آلفونس دولامارتین،

۱۳۴۰)؛ گلوله‌ی خون (جیمز هادلی چیز، ۱۳۴۱)؛ گنجینه‌ی ناچیز (موریس مترلینک، ۱۳۴۵)؛ مجادله‌ی آرسن لوپن و شرلوک هلمز (موریس لبلان، ۱۳۳۹)؛ مجموعه‌ی سری (۱۳۳۵)؛ مرد خاکستری (یونسون دوترای، ۱۳۳۹)؛ مرگ و زندگی (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ مرگ و زندگی به ضمیمه‌ی «اعجاز مریم مقدس» اثر کلودل (موریس مترلینک، ۱۳۹۹)؛ مکافات (موریس مترلینک)؛ هستی و نیستی؛ پدیده‌شناسی عالم هستی (ژان پل سارتر)؛ ۸۱۳ عملیات خارق‌العاده‌ی آرسن لوپن (موریس لبلان، دو جلد، ۱۳۳۴)؛ زهرا (ولتر، ۱۳۳۷)؛ مورچگان (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ نوسترا داماوس از آینده جهان خبر می‌دهد (ادوارد م. پ، ۱۳۳۵)؛ ورتر (گوته، ۱۳۳۵).

(تو ۱۲۸۶ ش)، نویسنده. در اداره‌ی حسابداری وزارت دارائی مشغول به خدمت بود. از آثار وی: «احتراق بمب»، ترجمه؛ «از جهان تا ابدیت»، ترجمه؛ «پرنه‌ی آبی»، ترجمه؛ «ژاندارک»، ترجمه؛ «کشف شناسی»؛ «مرگ و زندگی»، ترجمه؛ «مورچگان»، ترجمه؛ «اصول نامه‌نگاری و انشاء»؛ «برگزیده‌ی لغات کلیله و دمنه».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۶۴۴ -۶۴۰/ ۴).

شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳/۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، منطقی، ادیب و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحرالعلوم فقه و اصول خواند. شلیله از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مشهدی روایت کرده است. سید عبداللّه بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت و در کرند همان جا درگذشت. با پایان گرفتن جنگ جهانی جنازه‌ی به امانت گذاشته شده‌ی وی به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب طوسی در مقبره‌ی خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «العقد الفرید فی مقاصد المفید و المستفید»؛ «لولوه المیزان»، ارجوزه‌ای در منطق که در ۱۳۱۷ ق از نظم آن فراغت یافت، و شرح آن به نام «منتقی الجمان»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبداللّه»، در منطق؛ «حاشیه القوانین»؛ «غایه المامول»، در فقه و اصول؛ «رساله فی الاجتهاد و التقلید»؛ «منتقی الشیعه فی احکام الشریعه»؛ «فرائض الفقه»، ارجوزه‌ای در ارث؛ کتابی در «صلاه المسافر»؛ «المختصر الشافی فی العروض و القوافی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۰/۸)، الذریعه (۸/۲۳، ۳۸۲/۱۸، ۱۰۸/۸، ۴۹۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۵۸ -۱۲۵۵ /۱۴)، معجم المؤلفین (۲۰۳ -۲۰۲ /۶).

شمس اصفهانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۴ ق)، ادیب. وزیر غیاث‌الدین کیخسرو و عزالدین کیکاوس از سلجوقیان روم بوده و از ادیبان نامی زمان خود. سرانجام به دستور رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم کشته شد. او به زبان عربی و فارسی شعر نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۵۱).

شمس الادبا، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۴۲ ش)، شاعر، ادیب و عارف. ملقب به شمس‌الادبا. پس از تحصیل صرف، نحو، منطق و معانی و بیان به تحصیل علم کلام و فلسفه و حکمت پرداخت. شمس‌الادبا چندی در راه عرفان و تصوف گام نهاد و خدمت بزرگان طریقت رسید تا دست ارادت به پیر و مرشد خود حاج ملا سلطان علیشاه گنابادی داد. وی شاعری توانا و ادیبی دانشمند بود و به فن شعر و ادب آگاهی کامل داشت. پس از فوت در حضرت عبدالعظیم و در جوار مزار سعادت علیشاه اصفهانی به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعاری از او متجاوز از سی هزار بیت بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۰۲۸ -۲۰۲۷ /۳).

شمس المشرق خوارزمی، ابوالقاسم محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۱ ق)، ادیب. مشهور به شمس المشرق. در علم لغت و ادب از سرآمدان روزگار خود بود. در علم فقه و خلاف نیز دست داشت و به جهت کثرت حفظ و فصاحت لفظ به او جاحظ ثانی می‌گفتند. وی مدتی در خوارزم و از معاصران خوارزمشاه بود و نزد او محترم و معزز. در پایان عمر به فلسفه روی آورد و به همین جهت منفور عامه شد، به مرو رفت و در همان جا خود را ذبح کرد و مکتوبی به خط خودش یافتند: «هذا ما عملته ایدینا فلا یواخذ بغیرنا». از ابونصر قشیری و دیگران حدیث شنید و گویند املای حدیث نیز می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۱/۳)، لغت نامه (ذیل/ محمود)، معجم الادباء (۱۲۶/۱۹).

شمس المعالی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷ ق)، ادیب و طبیب. او اغلب در دستگاه دوستعلی خان معیرالممالک که بعدها ملقب به نظام‌الدوله شد، به سر می‌برد. وی مردی فاضل و طبیبی حاذق بود. در تهران درگذشت. میرزا صادق خان ادیب الممالک قطعه‌ای در رثا و تاریخ وفات وی ساخته است که در «دیوانش» درج است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۵۷/۶).

شمس منشی نخجوانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، ادیب و فرهنگ نویس. معروف به شمس منشی. وی فرزند هندوشاه نخجوانی است از عهد جوانی در خدمت سلاطین زمان راه جست و از آن جمله مدتی در خدمت سلطان ابوسعید بهادر و وزیرش غیاث‌الدین محمد کار می‌کرد و سپس در دستگاه سلطان ویس جلایر وارد شد و کتاب خود «دستور الکاتب فی تعیین المراتب» را به نام او تمام کرد. موضوع این کتاب بحث درباره‌ی ترسل و انشاء و قواعد دبیری است. کتاب دیگری به نام «صحاح المعجم یا صحاح الفرس» است و به اسم خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی، تالیف شد. «صحاح الفرس» بعد از «لغت فرس» اسدی قدیمی‌ترین کتاب لغت فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۳ -۱۳۰۰ /۳)، تجارب السلف (مقدمه)، الذریعه (۱۲ -۱۱ /۱۵ ،۱۶۵/۸)، فرهنگ‌های فارسی (۴۱ -۳۶)، کشف الظنون (۱۰۷۴، ۷۵۴)، گنج و گنجینه (۴۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۲/۵).

شمس‌العلماء، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. آفتاب دانشمندان) (حاج میرزا) محمد حسین قریب ملقب به شمس‌العلماء و متخلص به ربانی (و. گرکان (از توابع آشتیان) ۱۲۲۲ ه.ش.- ف. ۱۳۰۵ ه.ش./ ۱۳۴۵ ه.ق.). وی مقدمات علوم را در زادگاه خود گرگان آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات به قم شتافت و در آنجا به تحصیل فقه و اصول و حدیث و تفسیر و ضمنا به تتبع در ادبیات فارسی و عربی پرداخت. از آنجا سفری به عتبات کرد و سه سال علمای عصر به تحصیل و تکمیل علوم دینی اشتغال داشت، و بعد از مراجعت به ایران مدتی نیز نزد میرزا علی‌محمد صفا که از خطاطان معروف آن زمان بود به تعلیم خط اشتغال داشت و خط نستعلیق را به شیوه استاد خود می‌نوشت. درسال ۱۲۶۶ ه.ش. برای تعلیم زبان و ادبیات فارسی به آقاخان (سوم) از ایران یک تن استاد خواستند. شمس‌العلماء بدین خدمت نامزد گردید و به هندوستان (بمبئی) رفت. از سال مزبور تا سال ۱۲۷۵ ه.ش. در آنجا به تعلمی و تربیت آقاخان و ترویج دیانت اسلام مشغول بود. در سال اخیر به سبب ناسازگاری آب و هوا و علاقه به موطن خود به ایران بازگشت و بنا به دعوت مخبرالسلطنه هدایت در مدرسه علمیه و مدرسه نظام سابق و سپس در مدرسه علوم سیاسی به تدریس زبان و ادب فارسی پرداخت. در سال ۱۲۸۴

ه ش. با کسب اجازه از وزارت معارف به ترکستان و استانبول و قفقاز مسافرت کرد و به زیارت بیت‌اللّٰه الحرام مشرف گردید، و پس از مراجعت به ریاست مدرسه علمیه منصوب شد. ضمنا چند ساعت در مدرسه علوم سیاسی و دارالفنون به تدریس فارسی و عربی اشتغال داشت و تا پایان عمر از تدریس دست نکشید. از سال ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۸ به تألیف کتاب «ابدع البدایع» در فن بدیع مشغول بود و آن به طبع رسیده. در سال ۱۲۹۳ به عضویت دیوان عالی تمیز (دیوان کشور) منصوب شد و در ۸۳ سالگی وفات کرد. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود و کتابهایی در معانی و بیان و منظومه‌ای در فقه و اصول پرداخته که تاکنون به طبع نرسیده. جنازه وی را در ابن‌بابویه دفن کرده‌اند (از یادداشت سرلشکر قریب، قزوینی. یادگار ۳ :۵ ص ۵۶)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شمیسا، سیروس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیروس شمیسا "در ۲۹ فروردین ۱۳۲۷ در شهر رشت متولد شد، از پدر و مادری فرهنگی و رئیس دبیرستان. پس از اخذ دیپلم به دانشگاه شیراز رفت و چند سالی پزشکی خواند. سپس تغییر رشته داد و در همان شیراز لیسانس ادبیات فارسی گرفت. در آنجا با مرحوم مسعود فرزاد محشور بود و در درس اساتید آمریکایی –که در گروه زبان و ادبیات انگلیسی تدریس می کردند –حاضر می‌شد. همچنین در مدرسه ی خان نزد حجت‌الاسلام آقای حسینی، جامع‌المقدمات و مقداری از سیوطی را خواند. ویراستار مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران شد و در دانشگاه آزاد ایران استخدام شد. پس از اخذ فوق لیسانس، به خدمت سربازی رفت و در ضمن خدمت، دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی را هم خواند و در سال ۱۳۵۷ رساله‌ی خود را نزد دکتر خانلری دفاع کرد. پس از اتمام دروس دانشگاهی، به تحصیلات حوزوی ادامه داد و برخی از کتب را مانند شرح منظومه، رسائل، قوانین، مغنی، مطول، جوهر النضید و غیره را نزد دکتر سید جعفر سجادی خواند. سپس عضو گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی شد که هنوز در این سمت باقی ست.

دکتر"سیروس شمیسا "پژوهش گر و نویسنده ای فعال و تواناست که تاکنون بیش از ۴۰ عنوان کتاب در کارنامه ی خود دارد.

"شاهد بازی در ادبیات فارسی "در سال ۱۳۸۱ منتشر، و در همان سال توقیف و جمع آوری شد. کتابی جسور و جدید، که در شکستن تابوهای ایرانی همتا ندارد. خود" شمیسا "در مقدمه ی کتاب می گوید: (عجیب است که با این گستردگی مطلب در ادبیات و تاریخ ما تاکنون نوشته ی مستقلی در این باب فراهم نیامده است. شاید علت قبحی است که در این موضوع است. این کتاب هم ممکن است به مذاق عده یی خوشایند نباشد اما چه می توان کرد؟) و کتاب به مذاق عده یی خوشایند نیامد و توقیفش کردند.

همان گونه که از نام کتاب و نقاشی ی روی جلد آن پیداست،همجنس گرایی – مردانه – در ادبیات فارسی موضوع پژوهش این کتاب است. خود می گوید: (اساساً ادبیات غنایی فارسی به یک اعتبار ادبیات همجنس گرایی است. در این که معشوق شعر سبک خراسانی و مکتب وقوع در دوره تیموری، مرد است شکی نیست. اما ممکن است خواننده غیر حرفه یی در مورد ادبیات سبک عراقی مثلاً غزلیات امثال سعدی و حافظ دچار شک و تردید باشد. اما حدود نصف اشعار این بزرگان هم صراحت دارد که در باب معشوق مذکر است زیرا در آن ها آشکارا از واژه های پسر و اَمرد و خط عذرا و سبزهٔ ریش و این گونه مسائل سخن رفته است. اما بخش اعظم آن نصف باقی مانده هم در مورد معشوق مذکر است منتها خاصیت زبان فارسی طوری است که مثلاً به علت عدم

وجود افعال و ضمایر مذکر و مؤنث ایجاد شبهه می کند. باید دانست که مسائلی چون رقص و زلف و خال و خدّ و قد و دامن و تیرنگاه و ساقیگری و امثال این ها که امروزه به نظر می رسد در مورد زنان است در قدیم مربوط به مردان هم می شده است. بدین ترتیب فقط بخش کمی از اشعار قدماست که می توان در آن ها به ضرس قاطع معشوق را مؤنث قلمداد کرد.)

"شمیسا "اولین محققی ست که در این باره به چاپ پژوهش هایش می پردازد. چاپ این کتاب نه تنها برای حکومت که برای بسیاری از پژوهشگران متعصب و عرفا و دراویش ایرانی هم گران آمد.

صوفیان پسرهای نوبالغ را کنار خود می نشاندندو از دیدن روی آن ها حظ می بردند. این کار خود را شاهد بازی نام گذاشتند که یعنی در روی زیبایی که خدا آفریده جلوه ای از او می بینیم. که این کار هنوز هم در برخی نقاط در جریان است. نام کتاب برگرفته از این سخن است.

کتاب" شاهدبازی در ادبیات فارسی "در هشت فصل و هر فصل در چندین بخش نوشته شده:

فصل اول: سابقه نظربازی – افلاطون، عشق افلاطونی، رساله عشق ابن سینا، شاهدبازی در ادبیات عرب، شاهدبازی در هند، و ... .

فصل دوم: دوره غزنویان – زلف ایاز، معشوق لشکری یا لعبت سپاهی، معشوق بنده یا لعبت سرایی، ریش معشوق یا سبزه عذار، قابوسنامه و عشق به غلامان، فرخی سیستانی، و ... .

فصل سوم: دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان – سلاطین و وزرا، سلطان سنجر و امردان، نزهۀ المجالس، مناظرۀ بین لواط کار و زناکار، سبک آذربایجانی، اسماعیلیه، و ... .

فصل چهارم: صوفیان و شاهد بازی – صوفیان امردباز، احمد غزالی، عین القضاۀ، اوحدالدین کرمانی، عراقی، شیخ روزبهان بقلی، محمد غزالی، سهروردی، احمد جام، شمس تبریزی، مولانا، و ... .

فصل پنجم: شاعران معروف سبک عراقی – سعدی، حکایاتی از بوستان و گلستان، حافظ، عبید زاکانی، و ... .

فصل ششم: دورۀ تیموریان و اوایل صفویه – جامی، محتشم کاشانی، رسالۀ جلالیه، وحشی بافقی، مهر و مشتری، ترسا بچگان، و ... .

فصل هفتم: دورۀ صفویه و افشاریه و زندیه – دورۀ صفویه، رستم التواریخ، پلشت شدن زبان، و ... .

فصل هشتم: دورۀ قاجار – ملیجک و ناصرالدین شاه، ایرج میرزا، دورۀ پهلوی، معشوق دوجنسی،امکانات زبانی،

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شوقی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مؤلف.

تولد: همدان.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۷، لندن.

سید عباس شوقی از دبیرانی بود که سال‌های بسیار به تدریس مشغول بود. وی عهده‌دار ریاست فرهنگ در برخی از شهرها بود و چندی هم در اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ خدمت می‌کرد و از هم قلمان مجله‌های «آموزش وپرورش»، «جهان نو» و «یغما» بود و برای آنها مقالاتی می‌نوشت. از تألیفات او دشت گرگان، ترجمه‌ی تاریخ فلسفه در اسلام (تألیف دبور)؛ ترجمه‌ی آراء و عقاید (از

گوستاو لوبون)؛ ترجمه‌ی بنیاد انواع (چارلز داروین)؛ ترجمه‌ی در تربیت (از برتراند راسل، ۱۳۲۸) چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شوکت شیرازی، شمس الدین حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۵۴ ق)، مورخ، مترجم و شاعر، متخلص به شوکت. شوکت در تهران متولد شده و چندی در اصفهان و از آن پس در عتبات عالیات تحصیل کرد. نامبرده سالها منشی اول سفارت عثمانی در تهران بود. از آثار او: «تاریخ اسکندر» و «تاریخ شارل دوازدهم پادشاه سوئد» را به وی نسبت می‌دهند. در «فارسنامه‌ی ناصری» تخلص او شکوه شیرازی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۸۵ -۸۸۳ /۲)، الذریعه (۵۵۱/۹)، شرح حال رجال (۳۳۴/۱)، فارسنامه ناصری (۱۱۷۱/۲)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۵/۲)، مجمع الفصحا (۵۳۵/۵)، مرآت الفصاحه (۲۲۵)، مکارم الآثار (۳۰۳/۲)، یغما (س ۷، ش ۴، ص ۱۶۲).

شه ناصر، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌عبدالله خان لله باشی بن مهدی قهپایه‌ای. ادیب و شاعر متخلص به «شاه ناصری» قسمتی از دیوان اشعار او به نام «تحفهٔ الجاوید» به طبع رسیده. در ۱۲۹۷ در قریه‌ی حریصه متولد، و در ۱۳۸۴ وفات یافته است.

این خاندان، خود را از اولاد شاه ناصر مدفون در مزرعه‌ی شنانه‌ی جبل قهپایه می‌دانند.

شاعر توانا آقای برنا در ماه تاریخ وفات او گوید:

پی سال تاریخ برنا سرود

شده در جنان شاه ناصر مکین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهاب منشی، شهاب‌الدین محمد، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، ادیب. وی کتابی به نام «همایون نامه» در انشای فارسی، به نام خواجه غیاث‌الدین پیر احمد وزیر نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۶۰)، کشف الظنون (۲۰۴۶).

شهابی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۲۸۷.

درگذشت: پاییز ۱۳۶۷.

علی‌اکبر شهابی مدتی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست اداره‌ی اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: احوال و آثار محمد بن جریر طبری (۱۳۳۵)؛ اصول الصرف (دو جلد)؛ اصول النحو (۱۳۴۰)؛ ترجه‌ی تعبیر رؤیا (از ابن سینا، ۱۳۱۶)؛ نظامی شاعر داستانسرا (۱۳۳۷)؛ ماجرای تغییر خط (۱۳۳۸)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچه‌ی اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید»، «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.

(۱۳۶۷ -۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و محقق. در تربت حیدریه متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش و نزد پدر و برادر، علامه محمود شهابی، به انجام رساند. سپس برای ادامه تحصیلات به شهرهای مشهد، اصفهان و تهران سفر کرد تا اینکه از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران با احراز رتبه‌ی اول موفق به دریات مدرک لیسانس در رشته‌ی منقول شد و از همان زمان خدمات فرهنگی خویش را آغاز نمود و به تدریس در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و دانشکده‌ی الهیات مشهد پرداخت. در خلال این مدت به کسب مدرک دکتری نایل آمد. وی مدتی نیز عهده‌دار سمتهای وابسته‌ی فرهنگی ایران در افغانستان و مدیر کل اوقاف کشور در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد بود. دکتر شهابی در شمار پژوهندگان و محققان معارف اسلامی بود. از آثار وی: «اصول النحو»، عربی؛ «اصول الصرف»، عربی؛ «اصول روانشناسی تربیتی»؛ تصحیح «رساله‌ی صناعیه‌ی» میرفندرسکی؛ «نظامی شاعر داستانسرا»؛ «روابط ادبی ایران و هند و تاثیر روابط ایران و هند در ادبیات صفویه»؛ «تاریخ وقف در اسلام»؛ «همبستگی تشیع و تصوف»؛ «شیعه شناسی»؛ ترجمه «تعبیر رویا»، بوعلی‌سینا.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۵- ش ۹- ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۴ -۵۲۲/ ۴)، نشر دانش (س ۱ ،(۱۳۶۷) ۹، ص ۱۰۳).

شهباز، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. وی در مازندران بدنیا آمد و فارغ‌التحصیل از کالج آمریکایی اصفهان و دانشکده‌ی ادبیات در رشته‌ی زبان خارجه بود به آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی مسافرت کرد و معاونت رادیوی صدای آمریکا در

ایران را بر عهده گرفت و متجاوز از پانزده سال سابقه‌ی مطبوعاتی داشت. از آثار وی: «افسانه‌های اپرا»؛ «بر باد برفته»، ترجمه؛ «خاطره‌ی یکدوست»؛ «راه بی‌پایان»، ترجمه؛ «سرگذشت من»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶ -۵۴۳ /۲).

شهرزاد، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۷۷ ش)، مترجم و نمایشنامه‌نویس. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات اولیه را از مدرسه‌ی سن‌لوئی آغاز کرد و زبان فرانسه را در آنجا آموخت. وی کم کم به ترجمه قطعاتی از ادبیات فرانسه پرداخت و پس از آن به نمایشنامه‌نویسی روی آورد. از فرط علاقه به داستانهای هزار و یک شب نام شهرزاد داستان‌گوی معروف هزار و یک شب را بر خود نهاد. شهرزاد، هنرپیشگانی را که نقش نمایشنامه‌های او را بر عهده داشتند تشویق می‌کرد و می‌کوشید قهرمانهای ساخته‌ی خود را هرچه بهتر و با شکوهتر نشان دهد خود وی بارها به صحنه آمد و در سال ۱۳۰۸ ش که نمایشنامه «مجسمه‌ی مرمر» را نوشت خود با موفقیت در نقش اول آن ظاهر شد. در اواخر عمر وارد خدمات دولتی شد و سرانجام در صبح روز بیستم شهریور ماه ۱۳۱۶ ش خودکشی کرد. از آثار وی: ترجمه‌ی «سالمه‌ی» اثر ساکاروایلد؛ «افسانه‌ی عشق»؛ «اصلی و کرم»؛ «کمربند سحرآمیز»؛ «نمونه آثار پوشکین به یادگار صدمین سال وفات شاعر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۴۳۷ -۴۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۰/۳).

شهرستانی حایری، ضیاءالدین محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۱۵ -۱۲۵۶ ق)، محقق، فقیه، حکیم، ادیب و شاعر امامی. میر قوام‌الدین معروف به میر بزرگ مدفون در آمل از سادات مرعشی مازندرانی نیای بزرگ وی است. او در کرمانشاه متولد شد. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. او از شاگردان شیخ محمدحسین اردکانی در فقه و اصول بود و به دریافت اجازه از از وی نایل گشت. هئیت و نجوم را از میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا علام هروی حائری فراگرفت. در ۱۳۰۵ ق به زیارت مشهد رضوی رفت و چون به تهران آمد مورد استقبال عموم واقع شد و تدریس در مدرسه‌ی صدر قزوینی به وی تفویض گشت، اما او به کربلا بازگشت و در آنجا مرجعیت جمعی از شیعیان را بر عهده گرفت. شهرستانی در کربلا درگذشت و در رواق حسینی نزدیک دیوار شهداء دفن شد. از دوازده سالگی شروع به تالیف نمود، و حدود هشتاد اثر از خود به جای گذاشت که از آن جمله‌اند: «الاستصحاب»؛ «اصول الاصول» در تلخیص «الفصول»؛ «غایه المسول و نهایه المامول»، در علم اصول؛ «العنصر المتین»، که حاشیه «قوانین الاصول» است؛ «تحقیق الادله»، در اصول فقه؛ «الحجه البالغه و النعمه السابقه»؛ در اثبات حضرت حجت (عج)؛ «جنه النعمی»، در امامت؛ «تاریخ شهرستانی»؛ «تذکره

النفس»؛ «تسهیل المشاکل»، در نحو؛ «تقویم الکواکب»؛ «الکوکب الدری»، در معرفت تقویم؛ «مواقع النجوم»، در هئیت؛ «اللباب فی الاسطرلاب»؛ «زوائد الفوائد»، در متفرقات؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق» به نام «مهذب التهذیب»؛ «لباب الاجتهاد»؛ «لب اللباب» لب «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی؛ منظومه «خوان نعمت»، در بیان نعمتهای الهی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۸/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۲/۹)، الذریعه (۲۹۰، ۲۷۴/۱۸، ۲۳۶/۱۴، ۱۳۸/۱۲، ۲۶۴/۸، ۲۷۵/۷، ۲۵۸/۶، ۴۴۱، ۳۷۶، ۱۸۳، ۱۷۱/۴، ۱۹۱/۲۵، ۲۹۳/۲۳، ۲۲، ۱۱/۱۶، ۱۶۱/۵، ۴۸۱/۳، ۱۶۸، ۱۹/۲، ۴۶/۱)، ریحانه (۲۷۳ -۲۷۲ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۳۱ -۶۲۷ /۱۴)، الکنی و الالقاب (۳۷۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۱ -۸۷۰ /۲)، معجم المؤلفین (۲۵۷/۹)، مکارم الآثار (۱۵۳۸ -۱۵۳۶ /۵)، هدیه العارفین (۳۹۷ -۳۹۶ /۲).

شهید خراسانی، محمد مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌هدایهٔ الله، از علما و کاملین بوده، در سال ۱۱۵۲ متولد، و در رمضان ۱۲۱۸ در مشهد شهید گردیده. مؤلف حاشیه‌ای بر شرح دروس شهید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهیدی،جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب و فقه و اصول در حوزه علمیه بروجرد، ادامه تحصیلات فقه و اصول، سطح و خارج در نجف اشرف تا مرحله اجتهاد، گواهینامه مدرسی از وزارت فرهنگ، کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، کارشناسی و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح لغت‌نامه فارسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات، تاریخ اسلام، سیره امامان و معصومان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ اسلام.

(تو ۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، مولف، مترجم و مصحح. وی در بروجرد در خانواده‌ی عالمان دین دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خویش فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رهسپار شد. برای تحصیلات حوزوی به عراق رهسپار شد و به مدت هفت سال در آنجا به تکمیل علوم دینی پرداخت. پس از آن به ایران بازگشت و یک سال بعد، از جانب علامه‌ی دهخدا برای همکاری در لغت‌نامه دعوت شد و در ضمن آن، به تدریس در دبیرستانهای تهران و اخذ مدرک کارشناسی از دانشکده‌های ادبیات و الهیات پرداخت. در سال ۱۳۴۰ ش موفق به گرفتن درجه‌ی دکترای ادب فارسی دانشگاه تهران شد موضوع پایان نامه‌ی وی درباره‌ی «شرح مشکلات دیوان انوری» است که به کرات چاپ شده است. پس از آن ضمن تدریس در دانشکده‌ی ادبیات ابتدا به معاونت موسسه لغت نامه‌ی دهخدا منسوب شد و پس از آن به ریاست آن. وی تاکنون سفرهای علمی بسیاری به کشورهای مختلف از جمله: مصر، عراق، الجزایر، چین و آمریکا داشته است و در سال ۱۳۷۳ ش از دانشگاه پکن به دریافت درجه‌ی استادی افتخاری نایل شد. دکتر شهیدی علاوه بر تبحر و استادی در زمینه‌ی لغت‌نویسی و دایرةالمعارف نگاری در عرصه‌های تاریخ اسلام و ترجمه‌ی آثار دینی و شرح و تصحیح متون نیز استاد بوده است. آثار وی را می‌توان در سه بخش تقسیم‌بندی کرد. الف- تالیف: «جنایات تاریخ»؛ «علی از زبان علی (ع)»؛ «تاریخ تحلیلی اسلام»؛ «زندگانی حضرت فاطمه (ع)»؛ «زندگانی علی بن الحسین (ع)»؛ «آشنایی با زندگانی امام صادق (ع)»؛ «شرح مثنوی شریف». ب- تصحیح: «آتشکده‌ی آذر»؛ «دره‌ی نادره»؛ «براهین العجم». ج- ترجمه: «ابوذر غفاری»؛ «شیرزن کربلا»؛ «انقلاب اسلامی».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۱۳۶۳، ش ۱، ص ۱۲ -۳، ش ۲، ص ۲۰ -۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۳ -۳۲۲/ ۲)، نامه‌ی شهیدی.

شیبانی کاشانی، ابوالنصر فتح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ -۱۲۴۲/۱۲۴۱ ق)، شاعر، ادیب، نویسنده و صوفی. متخلص به شیبانی. خاندانش در کارهای لشکری و دیوانی عهد قاجار تصرف و دخالت داشتند. شیبانی در کاشان متولد شد. در جوانی در خدمت محمد شاه و منادمت پسرش ناصرالدین‌شاه درآمد و برخی از اشعارش در مدح آنان و دیگر شاهزادگان قاجاریه است. مدتی نیز منشی حسام‌السلطنه در هرات بود. در فارس به خدمت رحمتعلی‌شاه رسید و از او کسب فیض کرد. مدتی در بلخ، هرات، خراسان و تهران سفر کرد و سرانجام به کاشان رفت و در عشق‌آباد مدرسه و صحن و عمارتی ایجاد کرد و همان جا گوشه‌ی عزلت گزید. پس از مدتی مردم بر او شوریدند. شیبانی به دادخواهی به تهران آمد. نزدیک دروازه‌ی قزوین خانه و خانقاهی بنا کرد. وی در نظم و نثر دست داشت. و از شعرای بنام دوره‌ی بازگشت بود که به سبک خراسانی اشعاری انتقادی می‌سرود. در تهران درگذشت و در همان خانقاه خویش به خاک سپرده شد. از

آثار و تالیفات وی، «بیانات شیبانی»؛ «تنگ شکر»؛ «جواهر مخزون»؛ «درج درر»، یا «درج گهر»؛ «دیوان» اشعار؛ «زبده الاسرار»؛ «الالی مکنون»؛ «فتح و ظفر»؛ «گنج گهر»؛ «کامرانیه».[۱]

ابوالنصر فتح‌اللّه بن محمد کاظم بن محمد حسین شیبانی کاشانی شاعر (و. ۱۲۴۱ ه.ق./ ۱۸۲۵ م.- ف. ۱۳۰۸ ه.ق./ ۱۸۹۰ م.). خاندانش عهده‌دار امور لشکری و دیوانی عهد قاجاری بودند، و او خود در جوانی در خدمت محمد شاه درآمد و به مدح وی و پسرش ناصرالدین شاه و فرزندان شاه اخیر پرداخت. شیبانی سالها در سلک اهل تصوف بود و در نظم و نثر هر دو دست داشت و از آثار خود مجموعه‌هایی به نام «درج درر» «گنج گهر»، «زبدهٔ الآثار»، «فتح و ظفر»، «مسعودنامه»، «تنگ شکر»، «شرف‌الملوک»، «کامرانیه»، «یوسفیه»، «خطاب فرخ»، «مقالات سه گانه»، «فواکه السحر»، «جواهر مخزون»، «الآلی مکنون»، «نصایح منظومه» ترتیب داد. وی از شاعران بزرگ دوره بازگشت ادبی است و مهارت او بیشتر در نظم قصاید به روش شاعران قدیم خاصه گویندگان قرن پنجم است. منتخبی از آثار منظومش در استانبول به طبع رسیده، و درج درر او نیز جداگانه چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۴۴ -۱۳۳ /۱)، حدیقه الشعراء (۹۳۶ -۹۲۸ /۲)، الذریعه (۵۶۳ -۵۶۲ /۹)، سبک شناسی (۲۹۱/۳)، شرح حال رجال (۵۵/۳)، طرائق الحقایق (۴۲۶/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۲۸)، گنج سخن (۲۴۸ -۲۴۰ /۳)، لغت نامه (ذیل/ فتح‌اللّه)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۶ -۷۷۵ /۴)، مجمع الفصحا (۵۳۰ -۴۸۹ /۵)، مکارم الاثار (۱۱۸۱ -۱۱۸۰ /۴)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۷/۸)، یادگار (س ۵، ش ۳، ص ۶۸ -۶۶).

شیبانی، علی اشرف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، نویسنده و مترجم. در کاشان متولد شد تحصیلات خود را در مدرسه‌ی آمریکایی به پایان رساند و در وزارت مالیه و وزارت راه مشغول خدمت شد وی همچنین در موسسات خصوصی اشتغال یافت. از آثار وی: «بار سیب»، ترجمه؛ «دخترک سیاه در جستجوی خدا»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۴۵۱/۴).

شیخ بهایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهاء الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن حسن بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی (جباعی) معروف به شیخ بهائی در سال ۹۵۳ ه.ق ۱۵۴۶ میلادی در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل در ناحیه شام و سوریه در روستایی به نام" جبع "یا" جباع "می زیسته و از نژاد" حارث بن عبدالله اعور همدانی "متوفی به سال ۶۵ هجری از معاریف اسلام بوده است.

ناحیه" جبل عامل "همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیارند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگ از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است.

بهاءالدین در کودکی به همراه پدرش به ایران آمد و پس از اتمام تحصیلات، شیخ الاسلام اصفهان شد. چون در سال ۹۹۱ هجری قمری به قصد حج راه افتاد، به بسیاری از سرزمینهای اسلامی از جمله عراق، شام و مصر رفت و پس از ۴ سال در حالی که حالت درویشی یافته بود، به ایران بازگشت.

وی در علوم فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت، مجموعه تألیفاتی که از او بر جای مانده در حدود ۸۸ کتاب و رساله است. وی در سال ۱۰۳۱ ه.ق در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش جنازه او را به مشهد بردند و در جوار مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام جنب موزه آستان قدس دفن کردند. شخصیت ادبی شیخ بهایی:

ـ بهائی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدید آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشنایی داشته است. عرفات العاشقین (تألیف ۱۰۲۲ـ ۱۰۲۴)، اولین تذکره ای است که در زمان حیات بهائی از او نام

برده است.

بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدّمه ای ممتّع در شرح احوال بهائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری وجدی که مثنوی منحول « رموز اسم اعظم » (ص ۹۴ ـ ۹۹) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست.

اشعار فارسی بهائی عمدتاً شامل مثنویّات، غزلیّات و رباعیّات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهد و تصوّف و عرفان است. ازمثنوّیات معروف شیخ می توان از اینها نام برد: «نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز»، این مثنوی ملمّع چنانکه از نام آن پیداست در سفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است و بهائی در آن ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است. او این مثنوی را به طور پراکنده در کشکول نقل کرده و گردآورندگان دیوان فارسی وی ظاهراً به علت عدم مراجعه دقیق به کشکول متن ناقصی از این مثنوی را ارائه کرده اند.

«نان و پنیر»، این اثر نیز بر وزن و سبک مثنوی مولوی است؛ «طوطی نامه» نفیسی این مثنوی را که از نظر محتوا و زبان نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی است، بهترین اثر ادبی شیخ دانسته و با آنکه آن را در اختیار داشته جز اندکی در دیوان بهائی نیاورده و نام آن را نیز خود براساس محتوایش انتخاب کرده است.

«شیر و شکر»، اولین منظومه فارسی در بحر خَبَب یا مُتدارک است. در زبان عربی این بحر شعری پیش از بهائی نیز مورد استفاده بوده است. « شیر و شکر » سراسر جذبه و اشتیاق است و علی رغم اختصار آن (۱۶۱ بیت در کلیات، چاپ نفیسی، ص ۱۷۹ ـ ۱۸۸؛ ۱۴۱ بیت در کشکول، ج ۱، ص ۲۴۷ ـ ۲۵۴) مشحون از معارف و مواعظ حکمی است، لحن حماسی دارد و منظومه ای بدین سبک و سیاق در ادب فارسی سروده نشده است؛ مثنویهایی مانند «نان و خرما»، «شیخ ابوالپشم» و «رموز اسم اعظم» را نیز منسوب بدو دانسته اند که مثنوی اخیر به گزارش میر جهانی طباطبائی (ص ۱۰۰) از آنِ سید محمود دهدار است. شیوه مثنوی سرایی بهائی مورد استقبال دیگر شعرا، که بیشتر از عالمان امامیّه اند واقع شده است. تنها نثر فارسی بهائی که در دیوان های چاپی آمده است، « رساله پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش » است.

بهائی در عربی نیز شاعری چیره دست و زبان دانی صاحب نظر است و آثار نحوی و بدیع او در ادبیات عرب جایگاه ویژه ای دارد. مهمترین و دقیقترین اثر او در نحو، « الفوائد الصمدیّه » معروف به صمدیّه است که به نام برادرش عبدالصمد نگاشته است و جزو کتب درسی در مرحله متوسط علم نحو در حوزه های علمیّه است. اشعار عربی بهائی نیز شایان توجه بسیار است. معروفترین و مهمترین قصیده او موسوم به « وسیله الفوزوالامان فی مدح صاحب الزّمان علیه السلام » در ۶۳ بیت است که هر گونه شبهه ای را در اثناعشری بودن وی مردود می سازد. بهائی در ارجوزه سرایی نیز مهارت داشت و دو ارجوزه شیوا یکی در وصف شهر هرات به نام « هراتیه یا الزّهره » (کشکول، ج۱،ص ۱۸۹ ـ ۱۹۴) و دیگر ارجوزه ای عرفانی موسوم به « ریاض الارواح » (کشکول، ج۱، ص۲۲۵ ـ ۲۲۷) از وی باقی مانده است. دوبیتیهای عربی شیخ نیز از شهرت و لطافت بسیاری برخوردار بوده که بیشتر آنها در اظهار شوق نسبت به زیارت روضهٔ مقدّسه معصومین علیه السلام است.

شیخ محمدرضا فرزند شیخ حرّعاملی (متوفی ۱۱۱۰) مجموعه لطیفی از اشعار عربی و فارسی شیخ بهائی را در دیوانی فراهم آورده است. اشعار عربی وی اخیراً با تدوین دیگری نیز به چاپ رسیده است. بخش مهمی از اشعار عربی بهائی، لُغز و معمّاست.

از بررسی شیوه نگارش بهائی در اکثر آثارش، این نکته هویداست که وی مهارت فراوانی در ایجاز و بیان معمّا آمیز مطالب داشته است. وی حتی در آثار فقهی اش این هنر را به کار برده که نمونه بارز آن «رسائل پنجگانه الاثناعشریه »، است. این سبک نویسندگی در « خلاصه الحساب، فوائد الصمّدیه، تهذیب البیان و الوجیزه فی الدرایه » آشکاراتر است. بهائی تبحّر بسیاری در صنعت لغز و تعمیه داشته و رسائل کوتاه و لغزهای متعدّد و معروفی به عربی از وی بر جا مانده است. مانند:

« لغزالزبده » (لغزی است که کلمه زبده از آن به دست می آید)، « لغزالنحو »، « لغزالکشّاف »، « لغزالصمدیه »، « لغزالکافیه » و « فائده ». نامدارترین اثر بهائی الکشکول، معروف به «کشکول شیخ بهائی» است که مجموعه گرانسنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب بهائی محسوب می شود.

بهائی در شمار مؤلفان پر اثر در علوم مختلف است و آثار او که تماماً موجز و بدون حشو و زواید است، مورد توجه دانشمندان پس از او قرار گرفته و بر شماری از آنها شروح و حواشی متعدّدی نگاشته شده است. خود بهائی نیز بر بعضی تصانیف خود حاشیه ای مفصّل تر از اصل نوشته است. از برجسته ترین آثار چاپ شده بهائی می توان از اینها نام برد: «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین» (تألیف ۱۰۱۵)، که ارائه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن (آیات الاحکام) و حدیث است. این اثر دارای مقدمه بسیار مهمی در تقسیم احادیث و معانی برخی اصطلاحات حدیثی نزد قدما و توجیه تعلیل این تقسیم بندی است. از اثر مذکور تنها باب طهارت نگاشته شده و بهائی در آن از حدود چهارصد حدیث صحیح و حسن بهره برده است؛ «جامع عباسی»، از نخستین و معروفترین رساله های علمیّه به زبان فارسی؛ « حبل المتین فی اِحکام احکام الدّین » (تألیف ۱۰۰۷) در فقه که تا پایان صلوه نوشته است و در آن به شرح و تفسیر بیش از یکهزار حدیث فقهی پرداخته شده است؛ « الاثنا عشریه » در پنج باب طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم و حج است. بهائی دراین اثر بدیع، مسائل فقهی هر باب را به قسمی ابتکاری بر عدد دوازده تطبیق کرده است، خود وی نیز بر آن شرح نگاشته است.

«زبده الاصول» این کتاب تا مدتها کتاب درسی حوزه های علمی شیعه بود و دارای بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم است. « الاربعون حدیثاً » (تألیف ۹۹۵) معروف به اربعین بهائی ؛ « مفتاح الفلاح » (تألیف ۱۰۱۵) در اعمال و اذکار شبانه روز به همراه تفسیر سورهٔ حمد. این اثر کم نظیر که گفته می شود مورد توجه و تأیید امامان معصوم علیه السّلام قرار گرفته است.

«حدائق الصالحین» (ناتمام)، شرحی است بر صحیفهٔ سجادیه که هر یک از ادعیهٔ آن با نام مناسبی شرح شده است. از این اثر تنها الحدیقه الهلالیّه در شرح دعای رؤیت هلال (دعای چهل و سوم صحیفهٔ سجادیه) در دست است.

«حدیقهٔ هلالیّه » شامل تحقیقات و فوائد نجومی ارزنده است که سایر شارحان صحیفه از جمله سیّد علیخان مدنی در شرح خود

موسوم ریاض السالکین از آن بسیار استفاده کرده اند. همچنین فوائد و نکات ادبی، عرفانی، فقهی و حدیثی بسیار در این اثر موجز به چشم می خورد. بنا بر قول کلیهٔ کسانی که در احوال شیخ سخن گفته اند. وی نزد پدر تفسیر ، حدیث و عربیت و امثال این ها راآموخت و پس از محضر استادان دیگر از جمله مولانا عبدالله مدرس(۱) یزدی حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را نزد ملاعلی مذهّب و ملا افضل قاضی مدرس و ملا محمد باقرین زین العابدین یزدی ریاضی را آموخت و در طب از حکیم عماد الدین مسعود کسب فیض نموده ». (نفیسی : ۱۳۶۸ ، ص ۱۷) بهاءالدین محمّد عاملی در عصر خود ، چه در دانش و چه در اخلاق از مردان بزرگ جهان به شمار می رفت .

وی در علوم ریاضی و نجوم و هیأت استاد مسلم عصر خود بود وپس از یکصد سال که این علم در ایران رواجی نداشت . برای نخستین بار در اواخر قرن دهم و ابتدای قرن یازدهم هجری قمری این علوم را درهرات آموخته است و بار دیگر در ایران رواج داد .

خدمات شیخ بهائی:

در عرف مردم ایران، شیخ بهائی به مهارت در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند. و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.

در احاطه وی در مهندسی مساحی تردید نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و قرای مجاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهائی مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادیها داده اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست.

دیگر از کارهای علمی که به بهائی نسبت می دهند طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن ۹ فرسنگ است و به ۱۱ جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم

بهائی می دانند.

دیگر از کارهای شیخ بهائی، تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یك قرن و نیم اختلاف داشته اند.

یکی دیگر از کارهای شگفت که به بهائی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای که هنوز در اصفهان مانده و به حمام شیخ بهائی یا حمام شیخ معروف است و آن حمام در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع است و مردم اصفهان از دیر باز همواره عقیده داشته اند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شمعی گرم می شد و در زیر پاتیل گلخن فضای تهی تعبیه کرده و شمعی افروخته در میان آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدتهای مدید همچنان می سوخت و آب حمام بدان وسیله گرم می شد و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش خواهد شد و گلخن از کار می افتد و چون پس از مدتی به تعمیر گرمابه پرداختند و آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر از آن پس نتوانستند بسازند. همچنین طراحی منار جنبان اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود. استادان شیخ بهائی:

آن طور که مؤلف عالم آرا آورده است، استادان او بجز پدرش از این قرار بوده اند": تفسیر و حدیث و عربیت و امثال آن را از پدر و حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را از مولانا عبدالله مدرس یزدی مؤلف مشهور حاشیه بر تهذیب منطق معروف به حاشیه ملا

عبدالله آموخت. ریاضی را از ملا علی مذهب ملا افضل قاضی مدرس سرکار فیض کاشانی فرا گرفت و طب را از حکیم عماد الدین محمود آموخت و در اندک زمانی در منقول و معقول پیش رفت و به تصنیف کتاب پرداخت".

مؤلف روضات الجنات استادان او را پدرش و محمد بن محمد بن محمد ابی الطیف مقدسی می شمارد و گوید که صحیح بخاری را نزد او خوانده است. علاوه بر استادان فوق در ریاضی، بهائی نزد ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی مؤلف کتاب مطالع الانوار در هیئت و عیون الحساب که از ریاضی دانان عصر خود بوده نیز درس خوانده است. شاگردان شیخ بهایی :

برای پی بردن به مقام علمی و میزان دانش شیخ، کافی است بدانیم که متجاوز از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم هجری قمری از وی علم آموخته و بهره برده‌اند و بعضی از آنان، اشخاص زیر هستند:

۱- صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف معروف.

۲- ملا محمد محسن بن مرتضی بن محمود، معروف به فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی.

۳- ملا عزالدین فراهانی مشهور به علینقی کمره‌ای، شاعر معروف قرن یازدهم .

۴- ملا محمدباقر بن محمد مؤمن خراسانی، معروف به محقق شیخ الاسلام.

۵- شیخ جواد بغدادی، مشهور به فاضل جواد، صاحب شرح خلاصهٔ الحساب و زبدهٔ فی الاصول.

۶- ملا محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، صاحب روضهٔ المتقین(م ۱۰۷۰) .

۷- سید عزالدین حسینی کرکی عاملی، مشهور به مجتهد مفتی اصفهانی. سخنی در تاریخ وفات شیخ

در مورد تاریخ وفات شیخ بهایی اقوال گوناگونی وجود دارد، صاحب «تاریخ عالم آرای عباسی» که از مآخذ مورد اعتماد است، می‌گوید که در شب چهارم شوال سال ۱۰۳۰ ه.ق بیمار شد و هفت روز رنجور بود، تا این که در شب ۱۱ شوال درگذشت، و چون وی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می گفت، به خاکش سپردند.

صاحب روضات الجنات می‌گوید که چون شیخ درگذشت، پنجاه هزار نفر بر جنازه وی نماز گزاردند و در تاریخ فوت وی گفته‌اند: «بی سر و پا گشت و شرع و افسر فضل اوفتاد.» مقصود از «بی‌سر و پا گشت شرع» این است که شین و عین از آغاز و آخر شرع می‌افتد، و «راء» می‌ماند که ۲۰۰ باشد، و «افسر فضل اوفتاد»، یعنی «فاء» از آغاز آن ساقط می‌شود و «ضاء» که ۸۰۰ و «لام» که ۳۰ باشد می‌ماند و روی هم رفته، ۱۰۳۰می‌شود.

صاحب کتاب تنبیهات می‌گوید که سال یک هزار و سی هجری، مریخ در عقرب راجع شد، و شیخ پس از یک هفته مریضی به رحمت ایزدی پیوست.

اعتماد الدوله میرزا ابو طالب در تاریخ رحلت وی گفته است:

رفت چون شیخ از این دار فنای گشت ایوان جنانش ماوای دوستی جست ز من تاریخش گفتمش «شیخ بهاء الدین وای» که از جمله آخر بدون همزه «بهاء»، عدد ۱۰۳۰ به دست می‌آید.

صاحب مطلع الشمس می‌گوید که در چهارم شوال سال ۱۰۳۰ هجری شمسی مریض گشت و در سه‌شنبه دوازدهم رحلت نمود و جسد شریفش به مشهد نقل شد.

صاحب امل الآمل در مورد تاریخ وفات شیخ گوید که از مشایخ خود شنیدم که در سال ۱۰۳۰ هجری قمری درگذشت.

ولی صاحب قصص العلماء تاریخ درگذشت وی را سال ۱۰۳۱ هجری قمری ذکر کرده است.

صاحب سلافهٔ العصر، تاریخ وفات شیخ را دوازده روز مانده از شوال سال ۱۰۳۱ هجری قمری نوشته است، و در کتاب دیگر خویش موسوم به حدائق الندیه فی شرح الفوائد الصمدیه در دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ هجری قمری ذکر کرده است و ممکن است در چاپ کتاب اول تحریفی شده باشد. به طور کلی آنچه از این اقوال برمی‌آید، وفات شیخ در دوازدهم شوال سال۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ هجری قمری اتفاق افتاده است و چون صاحب تاریخ عالم آرای عباسی که نظرش معتبرتر از دیگران است، و همچنین کتاب تنبیهات که تالیف خود را چند ماه بعد از آن واقعه نوشته است، سال ۱۰۳۰ را ذکر کرده‌اند، از این رو گفته کسانی که وفات شیخ را در این سال نوشته‌اند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

در این صورت وفات شیخ در دوازدهم ماه شوال سال ۱۰۳۰ ه.ق در شهر اصفهان روی داده است.

وقتی شیخ بهایی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند. نمونه اشعار :

تا کی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

خواهد که سرآید غم هجران تو یا نه

ای تیره غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه

رفتم به در صومعه عابد و زاهد

دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد

در میکده رهبانم و در صومعه عابد

گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد

یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه

روزی که برفتند حریفان پی هر کار

زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار

من یار طلب کردم و او جلوه گه یار

حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار

او خانه همی جوید و من صاحب خانه

هر در که زنم صاحب آن خانه تویی تو

هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو

در میکده و دیر که جانانه تویی تو

مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو

مقصود تویی ...کعبه و بتخانه بهانه

بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید

پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید

عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید

یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید

دیوانه منم ..من که روم خانه به خانه

عاقل به قوانین خرد راه تو پوید

دیوانه برون از همه آئین تو جوید

تا غنچهء بشکفتهء این باغ که بوید

هر کس به بهانی صفت حمد تو گوید

بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

بیچاره بهایی که دلش زار غم توست

هر چند که عاصی است ز خیل خدم توست

امید وی از عاطفت دم به دم توست

تقصیر" خیالی "به امید کرم توست

یعنی که گنه را به از این نیست بهانه

نصایح شیخ بهایی به فرزندش

اگر پیامبر هم باشد از زبان مردم آسوده نیست.

اگر بسیار کار کند، می‌گویند احمق است.

اگر کم کار کند، می‌گویند تنبل است.

اگر بخشش کند می‌گویند افراط می‌کند.

اگر ثروت اندوزی کند، می‌گویند بخیل است.

اگر ساکت و خاموش باشد می‌گویند لال است.

اگر زبان‌آوری کند، می‌گویند وراج و پر روست.

اگر روزه بدارد و شب‌ها نماز بخواند می‌گویند ریاکار است.

و اگر نماز نخواند می‌گویند کافر و بی دین است.

پس فرزندم نباید به حمد و ثنای مردم اعتنا کرد و جز از خداوند نباید از کسی ترسید . منبع :

سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

سایت مشاهیر ، سایت شهید آوینی

کشکول شیخ بهایی

فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص ۲۱۱

شیخ‌الاسلام تبریزی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب امامی. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری کتب مقدماتی، عربی و فارسی، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنفر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در ۱۲۸۲ ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ‌الاسلامی رسید. شیخ‌الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه‌ی شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود بجای گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف و از آنجا به مکه کرد و در حال حج‌گزاری از دنیا رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درایه الحدیث»؛ «دکه القضاء»، در شهادت و قضاء؛ «رساله‌ی مشتقات»؛ «حقایق القوانین» که حاشیه‌ی «قوانین الاصول» است؛ «تمییز الصحیح من الجریح»، در تعادل و تراجیح؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفه الکشاف»، حاشیه بر «کشاف» زمخشری؛ «مفتاح البسمله»؛ «منتهی المقاصد»، در علم نحو؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «غایه الاملین»، در حل مشکلات آیات؛ «المنهل الصافی»، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله‌ای در «عدم حجیت اصول مثبته»؛ «عجب العاجب»، در مساله اجرت بر واجب؛ «ابداء البداء»، در حقیقت قدر و قضا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۵/۸)، اعیان الشیعه (۱۰۷/۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۸)، الذریعه (۲۳۰/۲۳، ۴۱/۲۱، ۶/۱۶، ۲۲۰/۵، ۶۴/۱)، ریحانه (۲۹۸ -۲۹۶ /۳)، علماء معاصرین (۴۴ -۴۰)، معجم المؤلفین (۱۸۱/۱۲)، مکارم الآثار (۱۱۲۵ -۱۱۲۳ /۴).

شیخ‌الاسلامی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ‌بهائی، بهاءالدین، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۱/۱۰۳۰ -۹۵۳ ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شیهد ثانی، و عبداللّٰه بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی- مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد

رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعدالله، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در «ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زبده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره».[۱]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک ۹۵۳ ه.ق./ ۱۵۴۶ م.- ف. اصفهان ۱۰۳۱ ه.ق./ ۱۶۲۲ م.) پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ به ایران مهاجرت کدر و بهاءالدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به ۸۸ کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است:

دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصهٔ‌الحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (بعربی)، کشکول که مجوعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله واشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۲۷ -۹۲۶ /۳)، الاعلام (۳۳۴/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۷۹ - ۲۷۷ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴۷ -۱۰۳۹ /۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۱۵ -۵۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۲ -۱۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۱ -۱۵۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۵۰۶ -۴۹۵)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۱۵۲۲/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۹)، الذریعه (۷۷/۱۸، ۹۸۳، ۱۴۳، ۹/ ۲۴۱ -۲۴۰، ۶/ ۲۲۵ -۲۲۴، ۲۱۱، ۲۰۳، ۱۹۵، ۱۷۳، ۱۶۸، ۱۰۳، ۸۸، ۳۹، ۶/ ۳۰۲ -۳۰۱، ۶۳ -۶۲، ۵/ ۵۰۹، ۴۹۸، ۲۰۰، ۱۸۶ -۱۸۵، ۴/ ۴۲۵، ۳۶ -۳۵، ۳/ ۴۲/۲، ۱۱۸ -۱۱۷، ۱۱۵، ۸۵، ۱/ ۸۵)، روضات الجنات (۸۰ -۵۴ /۷)، ریاض العارفین (۴۹ -۴۵)، ریاض العلماء (۹۷ -۸۸ /۵)، ریحانه (۳۲۰ -۳۰۱ /۳)، زندگینامه ریاضیدانان (۱۷۲ -۱۷۰)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۲/۱)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴ -۳۸۳)، شخصیتهای نامی (۲۷۳ -۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ -۸۵ /۱۱)، عالم آرای عباسی (۱۵۷ -۱۵۵ /۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۱ -۳۱۰)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷)، فقهای نامدار شیعه (۲۲۸ -۲۰۹)، فوائد الرضویه (۵۲۱ -۵۰۲)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۲۹ -۴۱۵)، کارنامه بزرگان (۳۲۵ -۳۲۴)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲ -۴۲۱ /۵)، مجمع الخواص (۴۱ -۴۰)، مجمع الفصحا (۱۵ -۱۲ /۴)، مطلع الشمس (۳۸۸ -۳۸۶ /۲)، معجم

المؤلفین (۲۴۲/۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶ -۳۵۳)، نتایج الافکار (۱۰۵ -۱۰۳)، یغما (س ۱۳، ص ۱۴۶ -۱۴۳).

شیدا، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند اسحاق. ادیب و شاعر و نویسنده‌ی محقق، در علم و فضل ممتاز بود. در ۱۴ ذی حجه‌ی سال ۱۲۹۹ در شهرکرد متولد، و در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و ادب، در فقه و اصول و منطق و کلام و حدیث و تفسیر تحصیل نموده که از آن جمله است: آخوند کاشی، و آقا شیخ مرتضی ریزی، و میرزا حسین همدانی، و در خط از شاگردان میرزا فتح الله جلالی بود.

سال‌ها در اصفهان انجمن ادبی تأسیس نموده، و شعرا را دور هم جمع نموده، و به ترویج شعر و ادب، و تصحیح اشعار گویندگان پرداخت، و مدت ۱۴ سال بدین مهم اقدام نموده، و در ضمن آن به نشر مجله‌ی ادبی «دانشکده» اقدام نموده، لکن متأسفانه در دو دوره‌ای که مجله را منتشر ساخت جمعا بیشتر از ۱۲ شماره منتشر نشد.

مرحوم شیدا پس از یک عمر کار و کوشش و رنج و مشقت، سرانجام در شب ۳ شنبه ۱۴ جمادی الاولی سال ۱۳۶۹ وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شیدای بلخی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادبی، شاعر و منجم. وی از نزدیکان و مولانا قوام‌الدین بلخی بود. در علوم نقلی و عقلی استاد بوده و تدریس فقه و تفسیر می‌کرده و شاگردان بسیاری داشته از آن جمله سید بهاءالدین حسن نثاری بخارایی در هئیت و نجوم شاگرد وی بوده و در استخراج تقویم مهارت داشته. وی در نظم و نثر فارسی نیز دست داشته و کتابی در تقلید «گلستان» سعدی نوشته و پیروی از سعدی می‌کرده است. وی در هجو نیز استاد بوده. گویا در جوانی وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۶)، فرهنگ سخنوران (۵۳۰).

شیدای یزدی، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۹ ق)، لغوی و شاعر. اصل وی از یزد بود و از بزرگان سادات و فضلای عالی مقام بود و از حافظه‌ای قوی برخوردار، بسیار مبادی آداب و نظیف و صاحب اخلاق و صادق و پاک اعتقاد بود. زمانی آشفتگی دماغ او را به شیدایی کشاند، اما بهبود

یافت. در علم لغت ممتاز و باهنر بود. از اشعار او، جز آنچه در «تذکره‌ی وامق» آمده، چیزی در دست نیست و بیشتر آنها در منقبت حضرت امیرالمومنین است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۷۹ -۱۷۸)، حدیقه الشعراء (۹۴۴ -۹۴۲ / ۲)، سفنیه المحمود (۴۸۴ -۴۸۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۱ -۵۳۰)، مجمع الفصحا (۵۴۰ -۵۳۹ / ۵).

شیرازی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۳ ق.، شیراز.

درگذشت: ۱۳۶۶.

ابن یوسف شیرازی تحصیلات سنتی قدیمی را در شیراز و سپس در اصفهان و قم و مشهد دیده بود و درجه‌ی دانشکده‌ی معقول و منقول را هم دریافت کرد و در مدرسه‌های سپهسالار (جلد دوم، ۱۳۱۵ و ۱۳۱۸)؛ فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (جلد سوم، ۱۳۲۱ ق.)؛ نهج‌البلاغه چیست (ترجمه و نوشته هبهٔالدین شهرستانی، ۱۳۱۶)؛ مقاله «صدرالدین شیرازی» ترجمه‌ی نوشته‌ی ابوعبدالله زنجانی- که در روزنامه‌ی «ایران» منتشر شد. ابن یوسف شرازی از پیشروان فن فهرست‌نویسی است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شیروانلو، فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۳۱۷، تهران.

درگذشت: ۳۰ بهمن ۱۳۶۷.

فیروز شیروانلو تحصیلات متوسطه‌ی خود را در مدرسه‌ی البرز به پایان رساند و به انگلستان رفت و در دانشگاه لیدز در رشته‌ی جامعه‌شناسی هنر به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، نخستین کارش طراحی و ویرایش کتاب در مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین بود. در همان زمان بود که پس از یک دوره فعالیت سیاسی به زندان افتاد و پس از آزادی، «دفتر نشر و تبلیغات نگاره» را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۵۷ مشاغلی را عهده‌دار بود. تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و فرهنگسرای نیاوران در نتیجه فعالیت‌های وی مقدور شد. همچنین در تشکیل موزه‌های فرش، هنرهای معاصر، آبگینه و برگزاری نمایشگاه‌های متعددی از هنر گذشته و معاصر ایران، سهم داشت.

در کنار این فعالیت‌ها همچنان به کار ترجمه و تألیف آثاری در زمینه‌ی هنر و اجتماع و دو کتاب از ارنست فیشر مشغول بود. مجموعه‌ای از آثار وی به شرح زیر است: ابعاد هنر نگارگری در ایران؛ اوستا (۱۳۵۷)؛ بررسی مسائل و نیازهای کودکان و نوجوانان

(۱۳۵۰)؛ چهارمحال و بختیاری (۱۳۵۶)؛ خاستگاه اجتماعی هنرها (مجموعه مقالات، ۱۳۵۷)؛ خاستگاه زبان دری (سهیل افنان)؛ شناخت، تفکر و زبان در روند تکامل اجتماعی (تألیف ارنست فیشر، ۱۳۵۰)؛ ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی (تألیف ارنست فیشر، ۱۳۴۸)؛ کارآسایی در جوامع صنعتی و سنتی، گسترده و محدوده‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (مجموعه مقالات، ۱۳۵۵)؛ مبانی مقابل فرهنگ، فراغت و کارآسایی، مشارکت، تعهد و جوانان، نگاهی به نگارگری در ایران (بازیل گری، ۱۳۵۴)؛ نهضت‌های فکری جوانان در متن فرهنگ جهانی. وی مقاله‌هایی برای مجموعه‌ی «دفتر زمانه» در سال‌های ۱۳۴۶ الی ۱۳۴۹ و نیز برای مجله‌ی «تماشا» از سال ۱۳۵۲ به بعد می‌نوشت یا ترجمه می کرد.

از نخستین کارهای او به هنگام بازگشت به ایران، شناساندن و ترویج طراحی کتاب بود. وی در زمینه‌ی ویرایش کتاب از متقدمان بود و توانست تحولی در زمینه‌ی تولید کتاب فیلم و نقاشی متحرک ویژه‌ی کودکان و نوجوانان پدید آورد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صابر اصفهانی، صابر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ۱۰۷۰ / ۱۰۶۴ ق)، شاعر و واقعه‌نویس. میرصابر از سادات اصفهان بود که در روزگار سلطنت جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) به هندوستان رفت، گرچه در تذکره‌ی «روز روشن» ورود او به هندوستان در عهد شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۳۷ ق) ذکر شده است. در آنجا مدتی به امر وقایع‌نگاری منطقه‌ی گجرات و دکن اشتغال داشت و در برهان‌پور درگذشت. یکی از آثار خیری که از او سر زده، فرستادن استخوانهای عرفی پس از سی سال قمری، در ۱۰۲۷ ق، از لاهور به نجف اشرف است. بیشتر اشعاری که از وی به جای مانده، در قالب رباعی است. صاحب «الذریعه»، صابر اصفهانی را با صابر زواره‌ای یکی می داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۵۴)، تذکره‌ی میخانه (۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵)، الذریعه (۵۷۳، ۵۷۲ / ۹)، کاروان هند (۶۶۸ -۶۶۷ / ۱).

صابر قاجار، محمد هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۶ ق)، شاعر و ادیب. در کرمانشاه به دنیا آمد و به فراگیری علوم مختلف پرداخت و در ادبیات فارسی و عربی تبحر پیدا کرد. محمد هادی در نگارش خط شکسته و همچنین مراسلات آمیخته به امثال و اشعار و اخبار و آیات مهارت داشت و گاهی هم از سر تفنن غزل می سرود. به گفته‌ی صاحب «حدیقه الشعراء» وی در ۱۲۹۶ ق زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۵۵ -۹۵۴ / ۲).

صابری، کیومرث

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کیومرث صابری فومنی در سال ۱۳۲۱ در یکی از روستاهای صومعه‌سرا در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش کارمند جزء اداره دارایی و مادرش از سادات ترک‌نسب و از معدود زنان باسواد روستا بود که بعد از فوت پدر به مکتب‌داری پرداخت. کیومرث در کنار شاگردی دکان خیاطی، تحصیل را ادامه داد و در ۱۸ سالگی در روستای کسما معلم شد.

وی در سال ۱۳۴۰ در کنکور رشته سیاسی دانشکده حقوق تهران قبول شد و در سال ۱۳۴۵ شعرهایش در مجله توفیق با امضای "گردن‌شکسته‌ی فومنی" چاپ می‌شد. البته اولین نوشته‌هایش در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در مجله امید ایران به چاپ رسیده بود.

گشایش ستون "دوکلمه حرف حساب" در روزنامه اطلاعات و طنز جسورانه او نام « گل‌آقا » را بر سر زبان‌ها انداخت. سفر او به حج در سال ۱۳۶۳ و نوشتن ستونی طنز با عنوان داستان‌های جعفرآقا در خبرنامه این سفر، او را پس از بازگشت از حج، به کار کردن روی طرح این ستون واداشت که درنهایت ۲۳ دی‌ماه سال ۶۳ عنوان "دو کلمه حرف حساب"و نام مستعار "گل‌آقا" را برای خود برگزید و طنزهایش را در روزنامه اطلاعات به چاپ رساند.

طنز سیاسی که تقریبا از سال ۵۹ به این سو تعطیل شده بود، با شکل‌گیری این ستون طنز دوباره احیا شد. ابوالفضل زرویی نصرآباد – طنز نویس – درباره طنز گل‌آقا معتقد است: در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب به‌خاطر شروع جنگ و مسائلی از این دست طنزپردازان بیشتر سعی می‌کردند به مسائل غیر سیاسی بپردازند و مردم به دلیل دغدغه‌های معیشتی حوصله طنز خواندن نداشتند و کسی هم جرأت نزدیک شدن به طنز سیاسی را نداشت. در این دوره بروز و ظهور قلمی به اسم گل‌آقا بین مردم شادمانی زیادی را ایجاد کرد؛ زیرا آنها شاهد نوعی نگارش طنز بودند که تا حالا- تجربه نکرده بودند؛ آن هم طنزهای بسیار محکم سیاسی با رویکردی عامه‌فهم و پر گوشه و کنایه که با روحیه هر ایرانی موافق بود.

خود وی در جایی عنوان کرده بود که ما با کسی جنگ و دعوا نداریم؛ هر کسی، مقامی، رییسی، مدیر کلی، معاونی، وزیری که مایل نیست درباره‌اش مطالبی بنویسیم، البته کتبا به ما بنویسد و ما نوشته‌شان را روی چشم می‌گذاریم؛ منتهای مراتب کار خودمان را می‌کنیم و شرط کار هم همین است که هر کس کار خودش را بکند و حالا حالاها میل به کشک ساییدن هم نداریم؛ زیرا که آمده‌ایم بمانیم.

طنز فومنی اغلب به انتقاد از مسؤولان، مشکلات معیشتی مردم و واگویی مشکلات اقتصادی بود. گیتی صفرزاده – سردبیر ماهنامه گل‌آقا – طنز فومنی را عاری از کینه، نفرت و تهمت و همراه با مهربانی دانست که قصد ترمیم داشت. فومنی صابری در سال ۵۸ به اولین مسؤولیت دولتی خود یعنی مدیر کلی دفتر آموزش بازرگانی و حرفه‌یی وزارت آموزش و پرورش رسید که با سرآمدن دوره دولت موقت، دوره مدیر کلی او هم به سر رسید؛ اما هنگامی که دوست صمیمی او یعنی شهید رجایی به نخست وزیری و ریاست جمهوری رسید، صابری به مشاورت فرهنگی نخست وزیر و رییس جمهور منصوب شد؛ ولی شوق نوشتن و قلم، بر قدرت سیاسی پیروز شد و در سال ۶۲ از مشاغل سیاسی کناره گرفت.

او می‌گفت: به هیچ جناحی وابسته نیستم و سعی می‌کنم با مردم و انقلاب به صداقت رفتار کنم؛ اینها و بسیاری از مسائل دیگر موجب می‌شود تا با همان لحن محکمی انتقاد کنم که یک موافق حمایت و جانبداری می‌کند. با این همه من هم از تیر اتهام جان سالم به در نبرده‌ام؛ بارها به مقابله با من برخاسته‌اند، اما من کار خود را کرده‌ام.

زرویی نصرآباد نیز به این جنبه شخصیت صابری فومنی تأکید دارد و پایبندی وی به اخلاقیات را در کلام و نوشتار از خصوصیات

بارز گل‌آقا می‌داند.

مؤسسه فرهنگی گل‌آقا علاوه بر انتشار هفته‌نامه گل‌آقا، نشریات بچه‌ها گل‌آقا و ماهنامه گل‌آقا را نیز منتشر می‌کرد که صابری فومنی شعرهای طنز و کاریکاتورهای مجموعه‌های منشتر شده را به‌صورت کتابهایی منتشر کرده بود.

وی همچنین چهار جلد از دو کلمه حرف حساب را به‌صورت کتابی درآورده بود.

اولین شماره هفته‌نامه گل‌آقا در ۲۳ دی ۶۹ منتشر و آخرین شماره آن در سیزدهمین سال انتشار در سال ۸۱، پس از آن دیگر منتشر نشد و صابری فومنی بنا به علتی اعلام نکرده، انتشار این نشریه را متوقف کرد. او قول داده بود عاقبت روزی دلیل تعطیل کردن هفته‌نامه را به شرطی که عمری باقی بود، بگوید که اجل به او مهلت این کار را نداد.

شعرهای طنز صابری برای بچه‌ها که با شعرهای او بزرگ شدند و بزرگسالان که با شعرهایش زیستند، همیشه باقی بوده و خواهد ماند.

وی هر چند مدت، مجموعه‌ای از مطالب یا کاریکاتورهای منتشرشده در گل‌آقا را در قالب کتاب یا سالنما منتشر می‌کرد. روحش شاد

صادقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کتابدار. نام وی صادق بیک و از ایل افشار بود، ادیب و دانشمند (و. تبریز ۹۴۰ ه.ق.) وی بیست ساله بود که پدرش به قتل رسید و صادقی مدتی با امرای افشار به سر برد و در عهد شاه اسماعیل دوم وارد کتابخانه دولتی شد، و از طرف شاه عباس بزرگ به منصب کتابداری سرافراز گردید. وی در نظم و نثر فارسی و ترکی دست داشت و به نقاشی و طراحی علاقمند بود. نقاشی را به نزد مظفر علی نقاش (خواهرزاده بهزاد) فراگرفت. وی تذکره‌ای به نام «مجمع الخواص» در احوال معاصران خویش به ترکی نوشته که به فارسی ترجمه شده و به طبع رسیده. از آثار دیگر اوست: «زبدهٔ الکلام» (شامل قصایدی در منقبت و مدح)، مثنوی «فتح‌نامه عباس نامدار» «شرح حال» (مثنوی شامل مقالات و حکایات به وزن مخزن‌الاسرار نظامی و بوستان سعدی)، مثنوی سعد و سعید (به وزن خسرو و شیرین)، غزلیات پارسی و ترکی (به ترتیب حروف تهجی)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صادقی، علی اشرف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صادقی، علی اشرف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی‌اشرف صادقی (۱۳۲۰ ـ قم) دارای دکتری زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه سوربن فرانسه است. وی هم اکنون مدیر گروه فرهنگ‌نویسی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی‌و عضو هیئت‌علمی و استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران می باشد. کتاب" زبانهای ایرانی "ترجمه وی ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : پدر علی اشرف صادقی فرهنگی بود و خانواده پدری اش عمدتا همه از روحانیون بودند.پدربزرگش –اشرف الواعظین– واعظ معروف قم و جدش حاج ملاـ محمد صادق مجتهد بود.خاطرات کودکی : علی اشرف صادقی از دوران کودکی چنین اذعان دارد": در خانواده ای بزرگ شدم که از همان دوره ابتدایی شوق کتاب خواندن را در من برانگیخت.معلم کلاس اول ابتدایی ام ،پدرم بود.چون ایشان فرهنگی و مدیر مدرسه و معلم بود این است که کلاس اول را پیش او خواندن و از همان ابتدا خیلی برای من مایه گذاشت ودر خانه هم به من کمک می کرد.من خواندن و نوشتن را سریع یاد گرفتم".تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: دیپلم ادبی از دبیرستان حکیم نظامی قم دارای لیسانس ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در ۱۳۴۱ (بعنوان شاگرد اول فارغ التحصیل شد و با بورس دولتی در سال ۱۳۴۲ به کشور فرانسه اعزام گردید) دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه سربن (پاریس) در ۱۹۶۷ (۱۳۴۶).خاطرات و وقایع تحصیل : علی اشرف صادقی در دوران تحصیل در دبیرستان کتاب برهان قاطع نوشته مرحوم دکتر معین را مطالعه می کرد.او در توضیحات دکتر معین و متن برهان قاطع مقدار زیادی اشتباه دید و به ایشان این اشتباهات را رساند. دکتر معین هم در توضیحات آخر جلد پنجم این توضیحات را به اسم دکتر صادقی اضافه کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اشرف صادقی در کنار تحصیل در فرانسه در رشته زبان شناسی عمومی به کلاسهای زبانهای قدیم ایران مانند زبان پهلوی و زبان اوستا می رفت و استفاده می کرد.ایشان از همان دوران مقطع متوسطه به زبان فارسی علاقه مند بود او در کنار دروس دبیرستان کتابهایی همچون برهان قاطع (مرحوم دکتر معین چهار جلد) را مطالعه میکرد.استادان و مربیان : علی اصغر فقیهی دبیر دبیرستان و دارای کتابهای متعدد در تاریخ آل بویه و تاریخ قم و امثال اینها است.از دیگر اساتید علی اشرف صادقی می توان به چند تن اشاره کرد: مرحوم بدیع الزمان فروزانفر ،مرحوم استاد جلال همایی ،مرحوم استاد پورداود،دکتر خانلری،دکتر صفا،دکتر معین،دکتر حسین خطیبی،دکتر حسن منوچهر،دکتر صادقی گوهرین فاستاد ،استاد محمد تقی مدرس رضوی ،مرحوم میر جلال الدین محدث ارموی،مرحوم مجتبی مینوی و دکتر صادق کیاهم دوره ای ها و همکاران : غلامرضا ارژنگ از همکلاسیهای علی اشرف صادقی بودند.دکتر کیا،دکتر ماهیار نوابی ،دکتر میلانیان ،دکتر باطنی و دکتر تفضلی از همکاران ایشان بشمار می آیند.همسر و فرزندان : علی اشرف صادقی در سال ۱۳۵۰ در سن ۳۱ سالگی با یکی از دانشجویان دانشکده ادبیات(رشته زبان انگلیسی) ازدواج نمود.وقایع میانسالی : علی اشرف صادقی در سال ۱۳۴۸ پس از اخذ دکتری رشته زبان شناسی به استخدام در گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای مورد تصدی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: ۱. عضو شورای ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۲. عضو شورای علمی دائره‌المعارف بزرگ اسلامی ۳. مدیر و مؤسس مجله زبان‌شناسی از ۱۳۶۳ تاکنون ۴. استاد پایه ۲۰ گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸ ۵.مدیر گروه فرهنگ‌نویسی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۶. عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال ۱۳۷۰ مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اشرف صادقی در سال ۱۳۶۳ مجله زبان شناسی را راه اندازی کرد.جوائز و نشانها : از علی اشرف صادقی در سال ۱۳۸۰ در نخستین

همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار عرصه زبان و ادبیات فارسی تجلیل به عمل آمد.از دیگر افتخارات ایشان انتخاب کتاب" زبانهای ایرانی "ترجمه وی ، در دوره هیجدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران(از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)،به عنوان کتاب سال می باشد.چگونگی عرضه آثار : از دکتر صادقی ۵ کتاب و ۱۳۰ مقالهٔ علمی به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسوی منتشر شده است.آثار : ۱ تدوین بخشی از حرف" گ "لغت نامه دهخدا ویژگی اثر : تدوین۲ ترجمه دو فصل از کتاب زبان‌شناسی نوین، نتایج انقلاب چامسکی ویژگی اثر : از ن. ایمیث و د. ویلسون، تهران، آگاه، ۱۳۶۷.۳ ترجمه کتاب زبانهای ایرانی ویژگی اثر : از ی. اورانسکی، تهران، سخن ۱۳۷۸.این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «زبانهای ایرانی» زبانهای ایرانی / یوسف میخائیلوویچ اُرانسکی؛ ترجم ?علی اشرف صادقی —. تهران: سخن، ۱۳۷۸. - ۲۰۸ص. جدول. کتابنامه: ص[۱۸۳ —] ۲۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس. این اثر از جمله کوششهای ارجمندی است که برای طبقه بندی زبانها وگویشهای ایرانی صورت پذیرفته است. کتاب حاضر در پنج فصل سامان یافته است. در ابتدا اطلاعاتی درباره خانواده زبانهای ایرانی ارائه می دهد و سپس به زبانهای ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نو می پردازد و در خاتمه، کلیاتی راجع به طبقه بندی تاریخی و گویش شناختی این زبانها بیان می کند. مترجم محترم، این کتاب را از روی ترجم ?فرانسوی اصل کتاب به فارسی برگردانده و به منظور رفع برخی نارساییها و سهوها، متن کتاب و به ویژه آوانویسیهای آن را با اصل روسی کتاب مقابله کرده است که مبیّن دقت و رعایت امانت در ترجمه است. اضافه کردن سالهای قمری در کنار سالهای میلادی، برخی توضیحات و ذکر بعضی منابع مهم و اساسی (علاو بر متن گسترش یافت ?کتابنام ?پایان کتاب توسط مترجم فرانسوی) از دیگر اقدامات ایشان است. ۴ تصیح ترجمه الابانه، شرح السامی فی الاسامی ویژگی اثر : ضمیمه شماره ۱۰ نامه فرهنگستان، ۱۳۷۹. ۵ تصیح خلاصهلغت فرس اسدی ویژگی اثر : تهران، ضمیمه شماره ۹، نامه فرهنگستان، ۱۳۷۹. ۶ تصیح فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، منسوب به قطران ویژگی اثر : تهران، سخن، ۱۳۸۰. ۷ تصیح لغت فرس اسدی ویژگی اثر : با همکاری دکتر فتح‌الله مجتبائی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۵۸ تکوین زبان فارسی، تهران ویژگی اثر : دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۷۹ دستور زبان فارسی برای رشته فرهنگ و ادب آموزش و پرورش ویژگی اثر : با همکاری غلامرضا ارژنگ، ۳ جلد ۷-۱۳۵۵.۱۰ فارسی قمی ویژگی اثر : قم، باورداران، ۱۳۸۰. ۱۱ گردآوری یادنامه دکتر احمد تفضلی ویژگی اثر : تهران، سخن، ۱۳۷۹۱۲ مسائل تاریخی زبان فارسی ویژگی اثر : تهران، سخن، ۱۳۸۰.۱۳ نگاهی به گویشنامه‌های ایرانی ویژگی اثر : تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.

منابع زندگینامه :جشن نامه دکتر علی اشرف صادقی ،پژوهشهای زبان شناسی در ایران (۱) به اهتمام امیر طبیب زاده ،انتشارات هرس،تهران ۱۳۸۲۵چهره های ماندگار ،بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی مشاهیر ایران ،به اهتمام محمد اسعدی ،انتشارات زمان و جهان فرهنگ تهران ۱۳۸۲

صادقیان، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: یزد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه یزد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

متون قدیم زبان فارسی و علوم بلاغی، نقد و بررسی شعر و ادبیات، تدریس متون فارسی و صرف و نحو عربی و معانی در دانشگاههای شیراز، تربیت معلم و یزد از سال ۱۳۵۱، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تصحیح روزمه خسروان، طراز سخن در معانی و بیان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبی و تاریخی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صافی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم صافی در سال ۱۳۲۷ در شهر گلپایگان به دنیا آمد. ایشان دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی در گرایش علوم کتابداری و ادبیات شبه قاره است و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : علوم کتابداری و ادبیات شبه قاره

والدین و انساب : پدر قاسم صافی، مصطفی صافی دارای تحصیلات قدیمی، شاعری خوش قریحه (متخلص به مصفا) و عضو وزارت آموزش و پرورش بود . او از استعداد نقاشی و خوشنویسی بهره داشت و در سن ۸۳ سالگی در سال ۱۳۶۵ دار فانی را وداع گفت. پدرش مشهدی احمد از دانایان ، خوش نویسان و نویسندگان و رئیس انجمن شهر گلپایگان بود و در سال ۱۳۰۸ درگذشت. پدربزرگ پدری قاسم صافی ملاعباس از علما و دانشمندان بنام بود و نام مادر قاسم صافی فاطمه تدین، دارای تحصیلات قدیمی بود که در سال ۱۳۸۲ در سن ۹۰ سالگی درگذشت. نام پدربزرگ مادری قاسم صافی، میرزا محمدصادق از علمای بنام عصر خود بود. سلسله نسب مادری او به حضرت شیخ بهائی رحمهٔ الله علیه می رسد.

خاطرات کودکی : قاسم صافی در دوران کودکی به حضور و همکاری در مجالس اعیاد بخصوص ولادت حضرت ولی عصر بها

می داد و چون آوایی رسا و صـدایی خوش داشت در مسـجد محل اذان می گفت. ایشان از نوجوانی تا به امروز که ۶۰ سال از عمر او می گـذرد هزینه تحصـیل و معاش را خود برعهـده داشته است. دکتر صافی از دوران تحصـیل چنین می گویـد ": ناظمین دوره ابتدایی و متوسطه ، افرادی وحشت آور بودند. پیوسته با شلاق و ترکه و لگد به جان محصلان می افتادند... در اواخر دوره متوسطه، دبیری باغیرت و نترس در برابر ناظمین که روزگاری شاگرد آنان بود به پاخاست و با هدایت محصلان و راهپیمایی دانش آموزان ، مراسم آتش سوزی شـلاق به پا کرد و ناظمان را خلع سـلاح نمود ".از دیگر خاطرات کودکی ایشان می توان به صعود دکتر صافی با دوسـتانش به کوه بلنـد و سـنگلاخ الونـد واقع در گلپایگان اشاره کرد که در ابتدای پایین آمدن از کوه ناگهان سـقوط می کند و بعـد از معلق زدن مسـافتی، کنـار تخت سـنگی، سـالم متوقف می شود به طوری که نـاظرین از سـلامتی وی بهت زده می شونـد. او چندبار در حوادث دیگر، مرگ را در یک قدمی خود تجربه کرده است.

اوضاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : قاسم صافی در خانواده ای متولد شد که از لحاظ فرهنگی، مذهبی در سـطح بالا و از نظر مالی متوسط بودند. ایشان دارای دو خواهر و پنج برادر است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : قاسم صافی بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در گلپایگان، برای ادامه تحصیل به تهران رفت و در دانشـگاه تهران در رشـته زبان و ادبیات فارسـی و علوم کتابداری به تحصـیل پرداخت و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد.ایشان همچنین دوره آموزش روابط بین المللی و رایزنی و دیپلماسی در وزارت امورخارجه را گذرانده است.

خاطرات و وقایع تحصـیل : قاسم صافی از دوران تحصیل در دانشگاه تهران خاطرات زیادی به یاد دارد که می توان به یک مورد از آنها اشاره کرد": در سال ۱۳۴۷، کنفرانسی درباره امام محمدغزالی به وی موکول می شود. قسمت عمده ای از کتاب غزالی نامه اثر اسـتاد جلال الدین همایی و نیز قسـمتهایی از کیمیای سـعادت و احیاء العلوم و اشـعار مانده از این فیلسوف و عارف نامی را به شـیوه خطابه ایراد می کنـد که جلال آل احمـد را بسـیار تحت تأثیر قرار می دهـد به نحوی که با تشویق های مکرر به جای او پاسـخگوی پرسشـهای احتمالی حاضـران می شود خطاب به دانشـجویان می گوید: این جوان کتابی را با ظرایف سـخنوری از حفظ بیان کرد به وی توصیه می کنم با این حافظه ای که دارد قرآن را حفظ کند".

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : قاسم صافی ضمن تحصیل، به ورزش باستانی، شنا و کوهنوردی می پرداخت و در نشستها و سخنرانیهای علمی و مذهبی شـرکت می کرد. وی همچنین کتابدار کتابخانه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران و کتابدار کتابخانه وزارت کار و امور اجتماعی بود.

اسـتادان و مربیان : جلال آل احمد، دکترامیرحسـین آریانپور، دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکترمحمدجعفرمحجوب، دکترلطفعلی صورتگر، دکتر عباس اکرامی، دکترسـیدمحمداکرم شاه ، دکترغلامحسین شکوهی، استادمحمد تقی جعفری، استاد حسینعلی راشد، دکترعلی شریعتی، دکترسید علی افقه، دکتر هدایت الله نیرسینا، دکتر ماهیار نوابی از استادان و مربیان قاسم صافی بوده اند

هم دوره ای ها و همکاران : استاد محمدتقی دانشپژوه، استاد احمد منزوی، محمدعلی سپانلو ، دکتر مظفر بختیار، دکتر جلیل تجلیل، دکـتر اسـماعیل حـاکمی، دکـتر سـیدمحمدمهدی جعفری، دکترمحمـد ابراهیـم باسـتانی پـاریزی، دکـتر علیمحمـد کـاردان، دکـتر ناصـرالدین صاحب الزمانی، دکتر علی اکبر عنایتی، دکتر ناهیـد بنی اقبال، دکتر منوچهر محسـنی، دکتر حسـین لسان، دکتر رجبعلی مظلومی، ، دکتر جهانشاه صالح، پروفسور فضل الله رضا، دکتر هوشنگ شریفی، دکتر پزشکپور مستشفی، دکتر شاهرخ امیر ارجمند، دکتر عبدالحسـین مشـکوهٔ الـدینی، دکتر محمدمهـدی ناصـح، دکتر سـبط حسن رضوی، دکترناظرزاده کرمانی، دکتر مظاهر مصـفا، سیدمحمد خاتمی و دکتر زریاب خویی از هم دو ره ای ها و همکاران قاسم صافی می با شند.

همسـر و فرزندان : قاسم صافی متأهل و دارای دو فرزند دختر و پسـر می باشد –. عالیه، دارای تحصـیلات مهندسـی صـنایع غذایی- علیا، دانشـجوی داروسازی در دانشـگاه شـهید بهشتی- شـهاب الدین دانشـجوی کارشناسـی ارشد دانشـگاه تهران در رشته مهندسی

طراحی محیط زیست.

وقایع میانسالی : از قاسم صافی در سال ۱۳۵۴که کارشناس امور فرهنگی و مدیر مجله دانشکده در دانشگاه تهران بود، خواسته شد در جلسات مربوط به چگونگی و نشر کتاب " ایران عناصر سرنوشت " که تبلیغاتی برای رژیم پهلوی توسط پروفسور رولُف بنی انجام می گرفت شرکت کند. هرچند منافع شغلی و مادی زیادی دربرداشت لیکن چون با روحیات ایشان سازگاری نداشت امتناع کرد و به استناد سرپیچی از اوامر اعلیحضرت و ? ...حکم اخراج ایشان از مقام مافوق خواسته شد. معاون دانشجویی و آموزشی دانشگاه و برخی از استادان از دکتر صافی حمایت کردند و مقدر شد ایشان به تدریس و پژوهش روی آورد. دکتر از ایام انقلاب و از سرپرستی رایزنی فرهنگی و مرکز تحقیقات فارسی ایران در راولپندی و اسلام آباد پاکستان و مسائل روابط بین الملل و از زندگی خود، داستانهای زیادی به خاطر دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - کارشناس تحقیقات و انتشارات دانشگاه تهران و مدیر مجله دانشکده نشریه مرکزی دانشگاه- رئیس اداره خدمات کتابداری و مشاور کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران- سردبیر مجله کتابداری- دیپلمات فرهنگی ایران در پاکستان – مشاور معاونت روابط بین المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسئول دبیرخانه اجرایی گسترش زبان فارسی و ایران شناسی - عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران و شورای مجلات علمی این دانشگاه، عضو کمیته تحقیقات علمی و کمیته علمی کتابخانه ها.

فعالیتهای آموزشی : قاسم صافی در دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی و مراکز تربیت معلم در دوره های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در رشته های علوم انسانی و کتابداری حدود ۱۵ هزار ساعت تدریس کرده است. وی مدتی نیز استاد افتخاری دانشگاه های جی سی و پنجاب لاهور پاکستان در دوره تحصیلات تکمیلی و مدرس دوره بازآموزی زبان فارسی در دهلی بوده است. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط قاسم صافی: تاریخ ادبیات ایران و جهان ، زبان و ادبیات فارسی، آشنایی با متون فارسی نمایشی، آیین نگارش و گزارش نویسی، مرجع شناسی و شیوه تحقیق، روش تحقیق و تدوین پایان نامه، روش ها و تکنیک برنامه ریزی آموزشی ، کلیات روش تدریس، کلیات کتابداری.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : قاسم صافی دبیرخانه شورای اجرایی گسترش زبان فارسی در معاونت روابط بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بنا نهاد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : قاسم صافی در کنار تدریس به تألیف کتاب و مقاله و مطالعه پیرامون رشته تخصصی خود می پردازد. ایشان همچنین در نگارش و اجرای برنامه های فرهنگی در سیما و ویرایش انتشارات دانشگاهی همکاری کرده است. نویسندگی و اجرای برنامه های آیینه اندیشه، هنر و اندیشه و هفت گنبد در سیما از فعالیت های اوست.

آرا و گرایشهای خاص : - اعتقادات و گرایشات قاسم صافی به شرح زیر است: تأکید بر تسامح و تساهل و مذاکره و تبادل نظر در نظام کاری و اجرایی و ارتباطات جهانی- ارزش نهادن به مبانی عرفان و شخصیت های عرفانی و ناقدان مصلح اجتماعی و ترویج اصول اخلاقی- اعتقاد به حاکمیت قانون در نظام سیاسی و اداری با معیار قرار دادن حق در امور نه صرفاً توجه به نظر مقامات یا شخصیت اشخاص- بکارگیری متخصص ترین، مجرب ترین و با تقوی ترین نیروی انسانی هر ارگان در رأس ادارات مربوط به آن-احترام به شهروندان و صیانت از آنها در مسیر صداقت پیشگی، مردم نیازاری و عدالت گستری ?نظارت و هدایت در عملکرد کارکنان و مسئولین و شناسایی ریشه های انحراف و برطرف کردن بسترهای وقوع جرم به جای برخورد تهدیدآمیز و ناگهانی.

چگونگی عرضه آثار : قاسم صافی دارای ۲۵ کتاب تألیفی و بیش از ۵۰ مقاله و گزارش علمی است ------------------

----

آثار :

۱ آیین نگارش و ویرایش

ویژگی اثر : تألیف، نشر ویرایش،۱۳۸۴.

۲ از چاپخانه تا کتابخانه(مراحل کتاب نویسی- چاپ سپاری- کتابداری و کتابخوانی).

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ، چاپ نهم، ویراست دوم ، ۱۳۸۴.

۳ بهار ادب(تاریخ زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند و پاکستان)

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

۴ تحقیقی در زمینه کاربرد فراغت دانشجویان

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴

۵ رساله معارف(دربیان کیفیت توجه اتم با احوال و آثار صدر الدین قونوی)

ویژگی اثر : تألیف، حسینیه ارشاد، ۱۳۷۸

۶ روش تالیف و نقد و اصلاح

ویژگی اثر : تألیف، نشر مؤلف ، ۱۳۶۴

۷ سرزمین و مردم پاکستان

ویژگی اثر : تألیف، حسینیه ارشاد ?۱۳۷۸

۸ سفرنامه پاکستان

ویژگی اثر : تالیف,کلمه ,۱۳۶۶

۹ سفرنامه سند (از کراچی تا شهر خاموشان)

ویژگی اثر : تالیف,انتشارات دانشگاه تهران ,۱۳۸۵

۱۰ عکسهای قدیمی از رجال – مناظر- بناها و محیط اجتماعی ایران

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، چاپ پنجم ۱۳۸۴

۱۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه سندالوجی

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه جی سی ، ۱۳۸۶

۱۲ قلمرو اندیشه جلال آل احمد

ویژگی اثر : تالیف,دانشگاه تهران ,۱۳۶۴

۱۳ کارت پستالهای تاریخی ایران

ویژگی اثر : تألیف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸

۱۴ گفتگو با ایرانشناسان و استادان ادب فارسی

ویژگی اثر : تألیف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰

۱۵ گلزار ادب (تاریخ زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان)

ویژگی اثر : تألیف، زیرچاپ

۱۶ گنجینه خطی وهنری تالپوران

ویژگی اثر : تألیف، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۳

۱۷ مجموعه گفتارهایی درباره چند تن از رجال ادب و تاریخ ایران

ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷

۱۸ مرجع شناسی عمومی فارسی وعربی

ویژگی اثر : ، انتشارات سپهر سخن و چاپار ، ۱۳۸۵، ویراست دوم،۱۳۸۶

۱۹ مقدمات روشهای مطالعه و پژوهش

ویژگی اثر : تألیف، نشر ویرایش،۱۳۷۹.چاپ یازدهم، ویراست دوم، ۱۳۸۷

۲۰ نامه ها ونوشته های محمد جلال الدین طباطبایی زواره ای اردستانی باشرح احوال وآثار و محیط اجتماعی او

ویژگی اثر : تالیف،دانشگاه تهران ,۱۳۷۴

منـــــــــــــابع زنـــــــــــــــــدگینامه : http://dbfm.ut.ac.ir:۷۷۷۷/tunapp/tunserv/tun.ProfCV?۱ func=shortcv&ProfId=۱۵۵۶۳&pLang=۱۱۸۳۰۱۲تکمیـل پرسشـنامه فرهیختگـان توسـط دکـتر قـاسم صـافی بنـا به درخواست بنیاد ایرانشناسی -تابستان ۱۳۸۶

صافی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد ملقب به صافی ابن ملا عباس گلپایگانی عالمی فقیه و مصـنفی ادیب و فاضـلی جلیل از حسنات معاصر ما بوده‌اند. ایشان در ۱۲۸۸ در گلپایگـان متولـد شـده و پس از پرورش در سـال ۱۳۰۵ قمری به اصـفهان مهـاجرت و از محضـر حکیم قشـقائی میرزا جهانگیر خان و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمدعلی توسرگانی و سید محمدباقر درچهی و آقانجفی اصفهانی و غیرهم حدود ده سال استفاده نموده و در سال ۱۳۱۶ ق به گلپایگان مراجعت و به تدریس و تصـنیف و سایر امور پرداخته تا به رحمت حق پیوسته است

از آثـار اوسـت (گنجینـه گهر) و (گنـج عرفـان) و (مصـباح‌الفلاح) و (نفایس‌الوفـان) و غیره و از باقیـات الصالحـات اسـت دو فرزند دانشـمند و بزرگوارش بنـام آیت‌اللّه حـاج آقـا علی صافی که از مدرسـین بزرگ حوزه علمیه و ۲ حجهٔالاسـلام والمسلمین حاج آقا لطف‌اللّه صافی صاحب (منتخب‌الاثر) و تالیفات دیگر که در ج ۲ ص ۱۸۸ و ۱۸۹ گنجینه ایشان را یاد نمودیم

حجهٔالاسـلام آشـیخ محمدحسن بن ملا محمدحسـین گلپایگانی عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان آقا نجفی اصـفهانی و غیره بوده و در حدود ۱۳۱۵ وفات نمود

(تو ۱۳۶۸ -۱۲۸۸ ق)، عـالم، فقیه، ادیب و شـاعر. در گلپایگـان به دنیا آمـد و در همان شـهر نشوونما یافت. در حـدود ۱۳۰۵ ق به اصفهان رفت و در محضر درس حکیم معروف، میرزا جهانگیرخان قشقایی، و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمد علی تویسرکانی و سـید محمـد باقر درچه‌ای و آقا نجفی اصـفهانی و برادرانش، آقا نوراللّه و ثقه‌الاسـلام، حاضـر شـد و حدود ده سال در آن شـهر به کسـب علم پرداخت. او همچنین در تهران نزد شـیخ فضـل‌اللّه نـوری تلمـذ کرد. در ۱۳۱۶ ق به گلپایگـان بـازگشت و به تـدریس و تصـنیف و سـایر امور دینی پرداخت. وی در قم مـدفون است. از آثـار منظوم و منثور وی: «گنجینه‌ی گهر» یـا سـخنان پیغمبر (ص)، شعر؛ «گنـج عرفان» یا سـخنان امیر مومنان (ع)؛ «مصـباح الفلاح و مفتاح النجاح»؛ «نفایس العرفان»؛ «دیوان» شـعر، حـدود پانزده هزار بیت؛ «صـافی نـامه» یا «فیض ایزدی»، در پاسـخ احمـدی؛ «بشارت میلادیه»؛ «اشـعار شـیوا»، در رد باب و بها؛ «گنـج دانش»، پنـدنامه، شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۴۱ / ۲۴، ۱۱۶ / ۲۱، ۲۳۹ / ۱۸، ۵ / ۱۵، ۵۸۵ / ۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۲ -۳۳۱ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۲ -۴۲۱ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۱ / ۲).

صالح‌رشتی، صالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۳۱۱ق.، رشت.

درگذشت: ۱۱ فروردین ۱۳۵۹.

سید صالح صالح، فرزند سید عبدالوهاب صالح ضیاء بری، در سال ۱۳۲۲ ق.، از عتبات به رشت مراجعت نمود. در آن وقت رشت از مرکز حوزه‌ی علمیه بود و آقا سید عبدالوهاب نیز به جمع مدرسین حوزه‌ی علمیه رشت پیوست. سید صالح به همراه پدرش پس از صدور فرمان مشروطیت و تأسیس انجمن‌های ملی و ایالتی جدید در رشت، در اکثر این انجمن‌ها سمت ریاست و نیابت ریاست را داشتند و فعالانه شرکت می‌کردند. در جریان استبداد صغیر به همراه پدرش، بیش از یک ماه در مشهد تبعید بود و پس از مراجعت به گیلان، ناگزیر به اقامت در ضیاءبر شد.

پس از التیماتوم روس در سال ۱۲۹۰، و پیاده شدن قوای روسی در انزلی، نکراسف کنسول روس دستور بر هم ریختن چاپخانه‌های جراید ملی را داد. مأموران وی در یورش و حمله به خانه‌ی مجاهدین و علماء به خانه سید صالح ریختند و تمامی اوراق و اسناد و مکاتبات را به آتش کشیدند. در این واقعه تألیفات اجداد سید صالح از میان رفت و خود او را به همراه عده‌ای دستگیر و از راه پیله بازار به انزلی و از آنجا به کشتی به بادکوبه فرستادند و در زندان قزامات محبوس کردند.

در اوایل ماه صفر ۱۳۳۰ ق. برابر با بهمن ۱۲۹۰، زندانیان را به رشت آوردند و در کنسولگری روس زندانی کردند. سپس آنها در دادگاهی که از قزاقان ساخلوی رشت تشکیل شده بود، محاکمه کردند. در این محاکمه چند نفر به اعدام محکوم شدند که سید صالح نیز جزو آنها بود، ولی همان شب محکومیت، هیئتی برای تشکیل دادگاه و رسیدگی به موضوع به رشت آمد. حکم را نقض و هر یک را به نحوی محکوم به تبعید یا زندان کردند.

در ۱۹ صفر همان سال (۱۲۹۰)؛ سید صالح به همراه پدرش از راه بادکوبه، راستوف، اودسا و دریای سیاه به استانبول فرستاده شدند و به مدت پنج سال به حال تبعید در خارج از ایران بودند. پس از دو ماه توقف در استانبول، به بیروت و دمشق رفتند.

در دوره‌ی نهضت جنگل که اتحاد اسلام نامیده می‌شد و تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت، سید صالح در تشکیلات قضایی آن بود. پس از انحلال سازمان اتحاد اسلام، و جنگل، دولت ایران تشکیلات قضایی جنگل را محترم شمرد و از جمله سید صالح را به خدمت قضایی پذیرفت.

سید صالح در سال ۱۲۹۷ رسما وارد وزارت عدلیه شد و در اواخر حیات به ریاست شعبه‌ی دیوان عالی کشور رسید. در زمان سرپرستی اداره‌ی حقوق وزارت دادگستری، مجموعه قوانین موضوع کشور را تدوین و به چاپ رساند.

ترجمه‌ها و مقاله‌های او در مطبوعات گیلان و تهران از قبیل مجله‌ی «فرهنگ»، مجله‌ی «فروغ»، و روزنامه‌های «بدر منیر» و «صورت» چاپ رشت و مجله‌ی «ماه نو» چاپ تهران، انتشار یافته است. سید صالح طبع شعر هم داشت و گاهی به فارسی و گیلی اشعاری

می‌سرود.

سید صالح در یازدهم فروردین ۱۳۵۹ وفات یافت.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صالحی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد صالحی

محل تولد : خمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

جواد صالحی هستم در ششم شهریور سال ۱۳۵۰ در روستای قلعه بردی از توابع الیگودرز متولد شدم.پیشه مردم آن منطقه، در آن زمان، دامداری و کشاورزی بود، گرچه اکنون معدنکاری هم به آن اضافه شده است.تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم، با معلمانی که از آب زلال تر بودند و آقایان گودرزی، جوادی و عسکری. و تا سوم راهنمایی را هم در مدرسه شهید مفتح الیگودرز طی کردم. پس از آن، متأثر از شهید رحمان حیدری سر به تحصیل در حوزه سپردم، چند سالی درشهرستان الیگودرز و سپس راهی دیار قم. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ را در این شهر سکنی گزیدم.همه این ایام را با مطالعه شعر و ا دبیات فارسی و کلام جدید طی کردم و در کنار آن، سطح حوزه را تمام کردم و چند سالی هم مدیر واحد فرهنگی و ادبی دفتر تبلیغات بودم. از سال ۱۳۸۰ هم به تهران کوچیدم و همراه با دوستان، از جمله دکتر دیباجی و صادق رحمانی، با رادیو فرهنگ همکاری کردم. این همکاری همچنان ادامه دارد...در سال ۷۷ اولین نوشته من، که نقدی بود بر مجموعه اشعار خانم فاطمه راکعی، با اسم مستعار در روزنامه کیهان منتشر شد. پس از آن هم چند بار دیگر، به همان شیوه، برای آن رونامه مطلب نوشتم و این آغازی بود بر همکاری با روزنامه ها(جمهوری اسلامی، اطلاعات، و یکی دو مورد).چند باری هم برای مجلات(آینه پژوهش، اربستان و...) مطلب نوشتم. شعرهایی هم اینجا و آنجا، در همین ایام، می خواندم یا نشر می دارم. در این مدت، چندین نقد و مطلب هم برای مجله شعر تحریر کردم.از تو می گویم ای بشارت مشکل، عنوان بلند کتاب مختصری است که گزیده ای از شعرهای مرا دربر می گیرد و توسط نشر همسایه در سال ۱۳۸۱ منتشر شد.گزیده نقد و نوشته های گذشته را هم تدوین شده که اگر شد به علاقمندان به این گونه مباحث تقدیم شود. آنچه را که پس از سال ۸۱ سروده ام نیز در دفتری گرد آورده ام که شاید همین روزها در معرض داوری شعر دوستان قرار دهم.

صالحی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن صالحی حاجی آبادی

محل تولد : حاجی آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن صالحی حاجی آبادی در سال ۱۳۴۸در روستای نمونه کشور،حاجی آباد از توابع نجف آباد اصفهان متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در همان روستا گذراندم وبعد از گرفتن سیکل وارد حوزه علمیه نجف آباد شده وهمزمان با آن به جبهه های جنگ اعزام شدم. در سهای مقدماتی صرف ونحو تا معالم را در آن حوزه سپری کردم وسپس وارد حوزه علمیه قم شدم ودروس لمعه واصول به بالا ـ را نزد اساتیدی چون آقایان : حسینی خراسانی ،صفائی ،طاهری مازندرانی ،و...گذراندم . سپس به درس آیت الله علوی بروجردی شرکت کرده ولی به علت بیماری وجانبازی چند سالی از دروس حوزه محروم شده وتوفیق شرفیابی نزد اساتید را نداشته ود راین سالها بیشتر به ادبیات فارسی ،قصه ،داستان وشعر کودک ونوجوان ودفاع مقدس پرداختم وهم اکنون در این زمینه ها بیشتر فعالیت می نمایم .

صائغ رامهزری، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ۳۱۲ ق)، نحوی، لغوی و شاعر. در نحو، لغت، ادب و شعر استاد بود و شعر را نیک می‌سرود. ابوهاشم بن ابوعلی جبائی نزد او تلمذ کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۳۴۳ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۶۷ -۶۵ / ۱۴).

صبا، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۸۵ ش)، فهرست‌نویس، روزنامه‌نگار، مترجم، نویسنده و استاد دانشگاه. از نوادگان فتحعلی‌خان صبا بود. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های فرانکوپرسان، دارالفنون و سپس علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه دانشجویان اعزامی به اروپا، به فرانسه رفت و در پاریس از دانشکده‌ی حقوق درجه‌ی دکتری دریافت کرد. همچنین دوره‌ی مدرسه‌ی عالی شارت را که مخصوص تعلیمات مربوط به آرشیو، بایگانی و کتابداری است، در آن دیار گذراند و دیپلم آنجا را

کسب کرد. صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است. وی در روزنامه‌هایی چون: «شفق سرخ»، «نوبهار»، «عصر اقتصاد» و «کیهان» مقالات متعددی نوشته و مدت ده سال سردبیر مجله‌ی «بانک ملی ایران» بود. او مؤسس انجمن دوستداران کتاب بود و شماری از آثار پیشینیان را به سبکی زیبا و دلپسند انتشار داد. صبا استاد کرسی آمار دانشکده حقوق و استاد بایگانی و روش تحقیق در دانشکده‌ی ادبیات بود. او کتابسشناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد و کتابهای فرانسه راجع را به ایران را فهرست کرد و مطالبی راجع به ایران در ادبیات فرانسه گردآوری کرد. از دیگر آثار او: «آزلزین»، ترجمه؛ «اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی»؛ «اصول بایگانی»؛ «اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی‌و خصوصی»؛ «گلهای حافظ»، ترجمه؛ «یکی بود یکی نبود»، ترجمه. از جمله‌ی خدمات دکتر صبا پایه‌گذاری کتابخانه‌ی بانک ملی ایران بود.[۱]

کتاب شناس.

تولد: ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۷۱، سن‌دیه‌گو (آمریکا).

محسن صبا تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های «فرانکو پرسان» و دارالفنون و سپس مدرسه‌ی علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه گروهی از محصلین اعزامی به فرانسه رفت و توانست دانشکده‌ی حقوق پاریس را بگذراند و درجه‌ی دکتری دریافت کند. همچنین مدرسه‌ی عالی شارت را در آن دیار ببیند و دیپلم آنجا را به دست بیاورد. مدرسه‌ی شارت مخصوص تعلیمات مرتبط به آرشیو، بایگانی و کتابدای است و صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است.

کار علمی وی در پاریس که منجر به دریافت درجه‌ی علمی و دکتری شد گردآوری فهرستی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی بود که به زبان فرانسوی درباره‌ی ایران در سراسر جهان نشر شده بود. دکتر صبا برای به سرانجام رسانیدن این کار مدت‌ها در کتابخانه‌های فرانسه به جستجو پرداخت تا عاقبت کتاب‌شناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد که در سال ۱۹۳۶ در پاریس به چاپ رسید. صبا پس از بازگشت به ایران نخست در بانک ملی ایران به کار پرداخت. از اقدامات مهم او پایه گذاری و مجموعه‌سازی کتابخانه‌ی بانک ملی در سال ۱۳۱۶ است. دکتر صبا توانست فهرست کتابخانه‌ی ملی را در سال ۱۳۲۴ به چاپ برساند. صبا مدت ده سال ریاست اداره‌ی آمار و بررسی‌های اقتصادی همان بانک را داشت و در این مدت بود که مجله‌ی «بانک ملی» زیر نظر او منتشر می‌شد که به مقاله‌های تخصصی آماری و اقتصادی اجتماعی اختصاصی داشت. کم‌کم همزمان با ادامه‌ی کار در بانک، به تدریس در دانشگاه پرداخت و به استادی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی رسید، تا این که پس از سی سال تدریس بازنشسته شد.

وی کتابی درباره‌ی فن کتابداری در سال ۱۳۳۳ منتشر نمود. وی کتابی هم درباره‌ی بایگانی و کتاب دیگری درباره‌ی آمار اقتصادی نوشت. وی همچنین انجمن دوستداران کتاب را تأسیس نمود. دکتر صبا پس از تشکیل یونسکو نخستین کتابداری بود که به دعوت آن مؤسسه‌ی سفری به اروپا رفت (سال ۱۳۳۲) و تحولات جدید کتابداری را پس از جنگ دید. گروه ملی کتابشناسی ایران وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را با همکاری دکتر مهدی بیانی، محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار تأسیس نمود. دکتر صبا بر سه کتاب منتشره این گروه مقدمه دارد (کتاب شناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا از ایرج افشار، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران از محمدتقی دانش‌پژوه و فهرست مقالات فارسی جلد اول از ایرج افشار). تأسیس کمیته بایگانی ملی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو در سال ۱۳۳۸ کار دیگری بود که با همکاری دیگران انجام داد. از آثار اوست:

Bibliographie francaise de Iran paris ۱۹۳۵

Tehran ۱۹۵۱ Tehran ۱۹۶۶ (english)

Biblioraohy of Tehran ۱۹۶۵

فرهنگ بیان اندیشه‌ها (تهران، ۱۳۶۶)؛ صدای انسانی (از ژان کوکتو، تهران، ۱۳۳۸)؛ یکی بود یکی نبود (از فرانسیس دوکرواسه، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۳۸)؛ گل‌های حافظ (از هانری گی، با نقاشی‌های لیلی تقی‌پور)؛ ترجمه‌های کوتاه دیگر دارد که در فهرست‌های کتاب‌های چاپی تألیف خانبابا مشار به نامهای آرلزین، آنترموز، تیستین، ستارگان، گردش آمده است، مسافرت به ایران (از الکسیس سولتی کف دیمیتریویج، تهران، ۱۳۳۶)؛ زیبایی‌های ایران (آندره دولیه دولند، تهران، ۱۳۵۵)؛ اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تهران (۱۳۳۳)؛ اصول بایگانی (۱۳۳۳)؛ اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی (۱۳۳۴).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۹، ش ۳ -۱، ص ۲۳۴ -۲۲۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۴ -۱۸۳ / ۴)،کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۱ -۲۲۹ / ۵).

صباحی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و منشی. وی از شاعران و منشیان هرات بود که در روزگار اکبر شاه گورکانی (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و در آن سامان ملازم بیت‌الانشاء شد. پس از مدتی اقامت در هندوستان، به زادگاهش بازگشت. صباحی علاوه بر مهارت در فن انشاء، در سرودن شعر، بویژه غزل نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۴)، تذکره روز روشن (۴۶۹).

صباربیارانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۹۵، بیساران (از قراء دهستان ژاورود، سنندج).

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۵۸.

علی بن احمد بن محمد مشهور به «صبار» پس از دوران کودکی به درس خواندن علاقه‌مند شد، لذا نزد ملای زادگاهش قرآن را فراگرفت و کتب اخلاقی و دینی را آموخت. برای تکمیل معلومات به روستاهای مجاور (هویه و اویهنگ) که مرکز نشر دین و دارای مدرس و مدرسه بودند رفت. مدتی در محضر سید عنایت مدرس هویه و استادان دیگر مدارس ژاورود و اورمان استفاده نمود و مقدمات فقه و علوم صرف و نحو و منطق را آموخت. سرانجام به قصد تکمیل و تحصیل علوم به عراق رفت و به سلیمانیه وارد شد، و در مدرسه‌ی مولانا خالد و مدارس دیگر این شهر مشغول درس گردید. بعد به کرکوك رفت و در مدرسه‌ی خانقاه طالبانی مشغول تحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل و دریافت شهادتنامه یا اجازه افتاء و تدریس مدت‌ها در سلیمانیه و بغداد به

خدمت دولتی مشغول گردید و به موازات کار و اشتغال زبان انگلیسی را یاد گرفت. در حدود ۱۳۲۵ به ایران بازگشت و در سنندج اقامت گزید. با گذراندن امتحان به دریافت دیپلم معقول و منقول نایل شد. در وزارت آموزش و پرورش استخدام گردید و در دبیرستان‌ها به تدریس زبان انگلیسی و فقه پرداخت. پس از بیست و پنج سال خدمت تدریس و تعلیم بالاخره در سال ۱۳۵۰ به بازنشستگی نایل شد. از آن به بعد به مطالعه و تحقیق و ترجمه و تألیف پرداخت، کتاب‌های التقریب (فتح القریب)؛ ده روز زندگانی حضرت محمد (ص)؛ سفینۀالنجاۀ، قصۀالایمان؛ فقه السنه؛ فلسفه‌ی علم قرآن و اسرائیلیات را ترجمه کرد که دو کتاب اول در زمان حیات مترجم چاپ گردید.

ملا علی صابربیارانی در اردیبهشت ۱۳۵۸ در حالی که از بیماری آسم و تنگی نفس رنج می‌برد، جان سپرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صبحی مهتدی، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۱ ش)، نویسنده. در شهر کاشان به دنیا آمد. نیای او، حاجی ملا علی اکبر، از دانشمندان مسلمان بود. در شش سالگی نزد پدر کتب مذهبی می‌خواند و روزها نزد زنی خواندن و نوشتن فارسی یاد می‌گرفت. سپس در آموزشگاه تربیت بهاییان به تحصیل پرداخت و در بیرون از آموزشگاه نزد مبلغین بهایی تحت تأثیر آنان قرار گرفت.

پس از مدتی، پدرش او را به قزوین فرستاد و در آنجا با یکی از مبغلین بهایی به زنجان و از زنجان به آذربایجان و از آنجا به تفلیس و باکو و عشق‌آباد و بخارا و سمرقند و تاشکند و مرو سفر کرد و بعد به ایران بازگشت و از فرقه‌ی بهایی تبری جست و مورد کینه و دشمنی آنان قرار گرفت. تا این که در ۱۳۱۱ ش در آذربایجان با مشهدی محمد حسن آقا محبوب علیشاه، از اقطاب سلسله‌ی نعمت‌اللهی، در مراغه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و در جرگه‌ی درویشان درآمد. وی سالها آموزگاری مدرسه‌ی سادات و آموزگاری مدارس آمریکایی و غیره را به عهده داشت. او در ۱۳۱۹ ش گفتارهای خود را در رادیو آغاز نمود. و از آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرایی و قصه‌خوانی می‌کرد وی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت، اما بی‌نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران وفات یافت و در مقبره‌ی ظهیرالدوله به خاک سپرده شده.از تألیفات وی: «افسانه‌ها»؛ «افسانه‌های باستانی ایران و مجار»؛ «افسانه‌های بوعلی»؛ «افسانه‌های کهن»؛ «پیام پدر»؛ «داستانهای ملل»؛ «داستانهای دیوان بلخ»؛ «کتاب صبحی»؛ «خاطرات صبحی درباره‌ی بهاییگری».[۱]

فضل‌اللّه بن محمد حسین مهتدی (ف. تهران ۱۳۴۱ ه.ش. / ۱۹۶۲ م.) وی نواده حاج ملا ـ علی کاشانی است. پدرش در تهران بازرگان بود. در شش سالگی از مادر جدا شد. چون به سن رشد رسید به آموزشگاه تربیت رفت و در آنجا نزد میرزا عزیزاللّه خان مصباح مقدمات علوم را فراگرفت. بیست ساله بود که از راه آذربایجان به قفقاز و گرجستان و از آنجا به ترکیه و بیروت و فلسطین سفر کرد و چند سال در آن نواحی اقامت داشت. سپس به ایران بازگشت و نزد شریعت سنگلجی به تحصیل پرداخت و در مدرسه آمریکایی به تدریس زبان فارسی مشغول شد. در سال ۱۳۱۹ ه.ش. به رادیو ایران معرفی گردید و مدت ۲۰ سال برنامه جالب توجه «قصه کودکان» را شخصا اداره کرد. وی رسایلی راجع به داستانهای ملی و خارجی منتشر کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۱۴۹ -۱۴۸)، از نیما تا روزگار ما (۴۶۴ -۴۶۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۳ / ۲ ،۱۳۳۹

،۱۲۳۶، ۶۳۴، ۲۹۵، ۲۹۳، ۲۹۲ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۸ –۸۵۷ / ۴).

صبحی، فضل الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فضل‌الله صبحی مهتدی ،در شهر کاشان به دنیا آمد.وی سالها آموزگاری مدرسه سادات و آموزگاری مدارس آمریکایی و غیره را به عهده داشت. او در ۱۳۱۹ش گفتارهای خود را در اردیو آغاز نمود. واز آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرائی و قصه خوانی میکرد وی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت, اما بی نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران در سال ۱۳۴۱ش وفات یافت و در مقبره ظهیرالدوله به خاك سپرده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده و داستانگوی کودکان

والدین و انساب : فضل‌الله مهتدی شناخته شده به صبحی، نوهٔ حاج ملا علی‌اکبر از روحانیان کاشان بود. پدرش محمد حسین در تهران پیشه بازرگانی داشت

خاطرات کودکی : صبحی شش ساله بود که پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند. این رخداد، برای او بسیار ناگوار بود. فضل‌الله و خواهرش با پدر و نامادری زندگی می‌کردند. صبحی در خاطرات کودکی‌اش می‌نویسد: هفته‌ای یک بار، شب‌های آدینه به دیدن مادر می‌رفتیم. شب در آغوش مادر می‌خفتیم و مادر برای ما افسانه‌های شیرین می‌گفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فضل‌الله صبحی مهتدی در شش سالگی نزد پدر کتب مذهبی میخواند و روزها نزد زنی خواندن و نوشتن فارسی یاد میگرفت. سپس در آموزشگاه تربیت بهائیان به تحصیل پرداخت و در بیرون از آموزشگاه نزد مبلغین بهائی تحت تأثیر آنان قرار گرفت. پس از مدتی, پدرش اورا به قزوین فرستاد و در آنجا با یکی از مبلغین بهائی به زنجان و از زنجان به آذربایجان و ا آنجا به تفلیس و باکو وعشق آباد و بخارا و سمرقند و تاشکند و مرو سفر کرد و بعد به ایران بازگشت .

استادان و مربیان : پدر صبحی او را برای آموزش نزد زنی بنام آقا بیگم می‌فرستاد.

وقایع میانسالی : صبحی در سال ۱۳۰۵، پس از اقامت دوازده ساله نزد عبدالبهاء و تحریر و انشای مکاتبات وی، به ایران اعزام گردید. در ایران تغییراتی در فکر و اندیشه او پدید آمد و با توجه به عملکرد رهبری بهایی‌گری که خود شاهد عینی آن بوده، از آن فرقه جدا شد و اسلام آورد و به نشر اندیشه انسان دوستانه و اخلاق اسلامی و به بیان حقایق بهایی‌گری پرداخت. این تغییرات فکری --- روحی یکی از برجسته‌ترین مبلغان بهایی‌گری سبب آن شد که وی از طرف بهاییان تکفیر و تفسیق شود. چنان‌که خود نگاشته پس از این رویه‌ای خصومت‌آمیز با وی در پیش گرفتند، تصمیمات بسیاری در مورد وی اتخاذ گردید و حتی دایره فشار را بر خانواده‌اش هم گسترانند و از سوی پدر – که بهایی بود – هم طرد گردید. صبحی علی‌رغم آنکه بسیار به سختی افتاده بود، چندی سکوت اختیار کرد تا بلکه موجب فراموشی موضوع گردد و زندگی گوشه‌گیرانه‌ای در پیش گیرد، ولی بهاییان دست از وی برنداشتند و در اذیت و آزارش کوشیدند تا اینکه وی برای دفاع از خود و بیان حقایق و علل برگشت خود از بهایی‌گری، مجبور شد شرح دگرگونی و خاطرات دوران بهایی‌گری و فعالیتهایش را بنگارد و ناگفته‌های درون این فرقه را فاش نماید. هرچند وی از بهاییت به آغوش اسلام بازگشت و پرده از کار سران آن برداشت – همچنان که خود نوشته – اما بغض و عداوتی با اهل بهاییه

نداشت و تلاش نموده است از منظر فردی آشنا به حقایق، موضوع را طرح و مورد بحث قرار دهد و در این راستا باید نگرش و دوری وی از حبّ و بغض شخصی را ستود و از این‌رو در صداقت و امانت وی نمی‌توان تردید روا داشت. برهمین اساس کتاب او روایتی جالب، جذاب و خالی از یکسونگری عنادآمیز است که نه از طرف مقابل ایشان، بلکه از جانب یکی از مبلغان برجسته و محرم اسرار و منشی مخصوص عبدالبهاء، کاتب وحی! و واسطه فیض حق و خلق! به نگارش درآمده است، آن هم نه از سر عناد و خصومت، بلکه از سر کشف حقیقت. علی‌رغم رویگردانی کامل صبحی از بهاییت، چون مورد اعتماد و محرم‌اسرار عبدالبهاء (عباس افندی) بود، همه اسرار را افشا نمی‌سازد و خود در این باره چنین استدلال می‌کند که: (تمام این اسرار را که عبدالبهاء به صرف اعتماد و راستی و درستی من مکتوم نمی‌داشت، افشا نمی‌نمایم تا گذشته از اینکه نفس عمل محمود و ممدوح است، ظن او نیز بر امانت من نزد اهل خرد فاسد نگردد و هم در نزد آزادمردان از مردی و اهلیت دور نباشیم.)

زمان و علت فوت : فضل‌الله صبحی مهتدی بعدها به بیماری سرطان مبتلا‌ شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت, اما بی نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران در سال ۱۳۴۱ش وفات یافت و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زندگی صبحی بسیار پرماجرا و مملو از فراز و نشیب‌های عجیبی است. او شرح زندگی خود را در (کتاب صبحی) و (پیام پدر) به تفصیل نوشته است و چنانکه خود شرح می‌دهد، سالیان درازی را در قفقاز، عشق‌آباد، بخارا، سمرقند، تاشکند و مرو گذرانده و سپس به ایران آمده و در ایران هم تقریباً به اغلب نقاط سفر کرده و در همه جا به عنوان مبلغ با هوش بهائیان به شمار رفته است.صبحی پس از خاتمه جنگ جهانی اول، برای دیدن عبدالبهاء از راه بادکوبه و استانبول و بیروت به حیفا رفت و در آنجا مقرب درگاه شد و سالها کاتب عبدالبهاء گردید. وی پس از سالها، بنابه عللی که در کتابش شرح داده، از این دار و دسته سیاسی وابسته به استعمار بین‌المللی، کناره گرفت و در عسرت مادی فراوانی به سر برد تا آنکه سرانجام به عنوان آموزگار استخدام شد و بعدها در اداره انتشارات و رادیو، برنامه کودکان را تنظیم می‌کرد و برای بچه‌ها قصه‌های شیرینی می‌گفت که مورد توجه همگان بود.صبحی در جمع‌آوری قصه‌ها و آداب و رسوم ایرانی، زحمات زیادی کشید و به همین جهت به عضویت (انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی) انتخاب شد. صبحی اهل قلم و ادب و هنر بود و خط بسیار خوش و زیبایی داشت وی در ۱۳۱۱ ش در آذربایجان با مشهدی محمد حسن آقا محبوب علیشاه, از اقطاب سلسله نعمت‌اللهی, در مراغه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و در جرگه درویشان درآمد. او در ۱۳۱۹ش گفتارهای خود را در اردیو آغاز نمود. واز آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرائی و قصه خوانی میکرد

چگونگی عرضه آثار : بعضی از تالیفات او چندین بار تجدید چاپ شده و بعضی هم به زبان‌های خارجی از جمله: لمانی، چکی و روسی ترجمه شده است --

------

آثار :

۱ افسانه‌ها

ویژگی اثر : (در دو جلد ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵)

۲ افسانه‌های باستانی ایران و مجار

ویژگی اثر : (۱۳۳۲)

۳ افسانه‌های بوعلی

ویژگی اثر : (۱۳۳۳)

۴ افسانه‌های کهن

ویژگی اثر : (در دو جلد ۱۳۲۸ و ۱۳۳۱)

۵ پیام پدر

ویژگی اثر : (۱۳۳۵)

۶ حاج ملا زلفعلی

ویژگی اثر : (۱۳۲۶)

۷ خاطرات صبحی در باره بهائیگری

۸ داستانهای دیوان بلخ

ویژگی اثر : (۱۳۳۱)

۹ داستانهای ملل

ویژگی اثر : (۱۳۲۷)

۱۰ دژ هوش‌ربا

ویژگی اثر : (۱۳۳۰)

۱۱ عمو نوروز

ویژگی اثر : (۱۳۳۹).

۱۲ کتاب صبحی

ویژگی اثر : (۱۳۱۲ - ۱۳۴۲)

صحافیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی صحافیان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مهدی صحافیان در سال ۱۳۴۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد . از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت استاد در ایام تحصیل از محضر ستارگانی بزرگ همچون آیت الله مرتضوی،آیت الله مروی، آیت الله اشرفی و... کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "تقابل عقل و عشق در متون منصوب فارسی "دفاع کرد.ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است. نامبرده ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر پژوهش در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد مشغول می باشد.

صحبت، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) لاری (ملا) محمد باقر متخلص به صحبت، شاعر ایرانی (و. حدود ۱۱۶۲ ه. ق- ف. ۱۲۵۱ ه.ق.) وی از مردم بیرم لار (از توابع فارس) است. در آغاز در مدرسه قریه رونیز به تحصیل پرداخت. سپس به شیراز رفت و به فراگرفتن علوم مشغول شد. آنگاه به لار بازگشت و به امامت جماعت و تألیف رسایل پرداخت. وی در تاریخ و لغت فارسی و عربی و فنون ادب مهارت داشت. دیوان او حاوی بیش از ۳۰۰۰۰ بیت است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صحیحی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از تحصیل دوره‌های ابتدایی و متوسطه به فرانسه رفت و در دانشسرای آنجا به تصحیل پرداخت. پس از اخذ مدرک به ایران بازگشت. وی علاوه بر اشتغال به تألیف و ترجمه، به تدریس مباحث تعلیم و تربیت و روانشناسی در دبیرستان فلاحت (کشاورزی) مشغول شد. از آثار وی: «دستور آموزش برای دانشسرای مقدماتی»؛ «دستور تعلیم حساب مقدماتی»؛ «سفر هشتاد روزه بدور دنیا»، ترجمه؛ «کتاب فرانسه»، به مشاکرت وارسته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۵ -۲۶۱۴، ۲۰۰۱ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۶ -۴۸۵ / ۲).

صخری خوارزمی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۴۰۶ ق)، ادیب و شاعر. وی از مفاخر خوارزم است که در ادب و فنون شاعری بسیار توانا و زبردست بود. در جوانی به خدمت صاحب بن عباد رسید و پس از کسب فضایل به دربار خوارزم بازگشت. او را در فن نثر از اقران بدیع الزمان همدانی

دانسته‌اند. از آثار وی «دیوان» شعر، و چندین رساله می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۴۱۷ -۴۱۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، معجم الادباء (۳۱ -۱۹ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۱۲ / ۲).

صدر الافاضل خوارزمی، ابومحمد، قاسم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۷ -۵۵۵ ق)، ادیب، نحوی، فقیه حنفی و شاعر. مقلب به مجدالدین. وی در خوارزم به دنیا آمد. از ادبای نامی عصر خود که در نحو و خطب و فنون شعری و علوم ادبی و عربی وحید دهر بود. وی در فتنه‌ی تاتار کشته شد. از تألیفات وی: «بدایع الملح»؛ «التوضیح»، در شرح «مقامات» حریری؛ «الزوایا فی الخبایا»، در نحو؛ «شرح الابنیه»؛ شرح «الاحاجی» زمخشری؛ شرح «مفصل» زمخشری که سه گونه است: شرح وسیط و صغیر و کبیر به نامهای «سبیکه»، «مجمره» و «تجمیر»؛ «شرح النموذج»؛ «عجائب النحو»؛ «لهجه الشرع»، در شرح الفاظ فقهی؛ «المحصل»، در بیان؛ «ضرام السقط»، در شرح «سقط الزند»، شرح مشکلات «دیوان» ابوالعلاء معری.[۱]

(ع. پیشوای دانشمندان بخش ۲) قاسم بن حسین بن احمد خوارزمی نحوی حنفی مکنی به ابومحمد و ملقب به مجدالدین، ادیب ایرانی (مقت. ۶۱۷ ه.ق.). وی در نحو و خطب و فنون شعر و علوم ادبی عرب کم نظیر بود. اوراست: بدایع الملح، التجمیر (شرح کبیر کتاب مفصل زمخشری)، التوضیح (در شرح مقامات)، السبیکهٔ (شرح وسیط کتاب مفصل)، (الزوایا فی الخبایا) (نحو)، شرح الابنیهٔ، شرح الاحاجی (تألیف زمخشری)، ضرام السقط (شرح سقط الزند ابوالعلاء معری) و غیره. وی در فتنه مغول به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۸ / ۶)، ریحانه (۴۲۴ -۴۲۳ / ۳)، کشف الظنون (۱۷۹۰ ،۱۷۸۹، ۱۷۷۵، ۱۶۱، ۹۹۳ -۹۹۲، ۹۵۶، ۲۳۰)، الکنی و الالقاب (۴۱۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/صدر الافاضل)، معجم الادباء (۲۵۳ -۲۳۸ / ۱۶)، معجم المؤلفین (۹۸ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۸۵)، هدیه العارفین (۸۲۸ / ۱).

صدر حاج سید جوادی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. از مسئولین روزنامه‌ی اطلاعات بود. از آثارش: «داستانهای شگفت انگیز»، ترجمه؛ «گنجینه‌ی نثر فارسی»؛ «مقایسه سعدی و حافظ» از نظر غزلسرایی و سبک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۸۸ -۳۰۸۷، ۲۷۸۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۰ -۵۷۹ / ۲).

صدر، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، مترجم و نویسنده. وی پس از تحصیل دروه‌های مقدماتی به اخذ دکترای حقوق موفق شد. پس از آن به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و مشاغل متعددی را عهده‌دار شد که از آن جمله: وزارت کشور در کابینه‌ی منصور و هویدا و وزارت دادگستری در کابینه‌ی هویدا. دکتر صدر در امر ترجمه دست داشت و با همکاری کاظم صدر، برادرش، کتاب «تاریخ سیاست خارجی ایران» را به فارسی ترجمه کرد. از دیگر آثار وی: «تأسیسات و سازمانهای بین‌اللمل»؛ «چنبر مار»، ترجمه.[۱]

فرزند سید محسن صدرالاشراف، متولد ۱۲۹۱ ش است. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق تهران شد و دوره‌ی دانشکده را پایان داد. در ۱۳۱۴ از طرف دولت برای تکمیل تحصیلات تخصصی به اروپا رفت و از دانشگاه پاریس درجه‌ی دکترا گرفت و در ۱۳۱۸ به ایران بازگشت و به استخدام در وزارت کشور درآمد. پس از دو سال به وزارت امور خارجه انتقال یافت. چندی در تهران و چندی در خارج به سر برد. از مشاغل ابتدائی او رایزنی سفارت بلگراد و رایزنی سفارت اسپانیا بود. در ۱۳۲۷ زمانی که هژیر به نخست‌وزیری رسید، او را به ریاست دفتر خود برگزید. در کابینه‌های ساعد و منصورالملک هم دارای همان سمت بود. در ۱۳۲۹ به وزارت خارجه بازگشت. مدیر کل اداره عهود و حقوقی شد. در ۱۳۳۲ مدیرکل سیاسی وزارت کشور گردید و در ۱۳۳۶ به معاونت پارلمانی و سیاسی آن وزارتخانه معرفی شد. یک سال بعد از معاونت وزارت کشور به معاونت وزارت امور خارجه انتقال یافت. تا سال ۱۳۳۹ در آن مقام بود تا به سمت سفیرکبیر ایران در ژاپن تعیین و به آن کشور عزیمت نمود. قریب سه سال در ماموریت ژاپن بود تا به تهران احضار و به عضویت شورای عالی وزارت خارجه منصوب شد.

در ۱۳۴۲ در کابینه‌ی حسنعلی منصور، به سمت وزیر کشور معرفی گردید. در ۱۳۴۳ در کابینه‌ی امیرعباس هویدا دارای همان سمت بود. یک سال بعد در ترمیم کابینه ، شغل او تغیر کرد و به سمت وزارت دادگستری تعیین شد. قریب چهار سال وزیر دادگستری بود. بعد از وزارت دادگستری جذب بخش خصوصی شد و در بانک بازرگانی و چند شرکت وابسته به آن بانک، ریاست هیئت مدیره و مشاوری حقوقی را عهده‌دار بود. ضمنا با سمت استادی در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه ملی تدریس می‌نمود. وی کتبی چند در علم حقوق انتشار داد که هم‌اکنون در دانشگاه تدریس می‌شود. وفات او در شهریور ۱۳۷۹ در تهران اتفاق افتاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آنشا (۳۵۹)، روزشمار تاریخ (۱۹۷، ۱۸۳، ۱۶۹ / ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۱۵، ۷۱۴ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۰–۴۱۹ / ۲).

صدر، حیدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۳۰۹ در سامرّاء متولّد شده، و در ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۳۵۶ در کاظمین وفات یافته.

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱– الاوضاع اللفظیّهٔ ۲– حاشیه ی کفایه ۳– رساله فی المعانی الحرفیّه ۴– رساله در تبعیض احکام به علّت تبعیض اسباب ۵– شبههٔ الحیدریّه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدرالاطباء حسینی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولف کتاب «فصول العلاج» در ۱۳۳۵ وفات یافته، قبرش نزدیک فاضلان.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالذاکرین، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۱ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به واله. در شهر و دیارش به صدرالذاکرین معروف بود. وی یکی از مشاهیر وعاظ و خطیبان بزرگ و از اهل فضل و ادب و کمال بود. از صدرالذاکرین آثار مفید و سودمندی باقی است که همگی دلالت بر گستردگی دانش و مهارتش دارد. در شعر نیز صاحب ذوق و ماهر بود.از آثارش: «توان روان» یا «چهل حدیث در فضائل امیرالمؤمنین (ع)»، به نظم، فارسی؛ «الدیباجه الموضونه فی تضمین الآیات المؤذونه»؛ «دیوان» شعر یا «دیوان» واله افشار، به فارسی و مرتب بر اساس حروف الفبا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۵۵ / ۹ ،۴۷۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۹۶۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۸-۳۰۷ / ۴).

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۷ ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبیعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج‌الشریعه، را تنقیح کرد. ازآثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نخو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۴ / ۴)، ریحانه (۴۳۴ -۴۳۳ / ۳)، کشف الظنون (۲۰۲۱ ،۱۲۷۰، ۲۰۱۱، ۱۰۴۷، ۴۹۶، ۴۱۹)، الکنی و الالقاب (۴۱۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبیدالله)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۶)، هدیه العارفین (۶۵۰ -۶۴۹ / ۱).

صدرالمعالی شیرازی حائری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۶ ش)، نویسنده و مترجم. در تربت حیدریه وفات یافت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «بوسه‌ی عذرا»، ترجمه؛ «کشف الاسرار»، ترجمه؛ «مبدا ترقی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۳۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۹ / ۲).

صدرهاشمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۸۴ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و مورخ. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم قدیم و جدید در ۱۳۱۶ ش موفق به دریافت لیسانس از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات گردید. سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد، از جمله: ریاست یکی از دبیرستانهای زنجان، بازرس فنی، ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان. صدر هاشمی موفق شد که قبر صائب تبریزی را در اصفهان شناسایی کند و در این باره مقاله‌ای بنویسد. در ضمن او روزنامه‌ی «چهلستون» را به طور هفتگی به مدت پنج سال منتشر کرد. از آثار وی: «تاریخ جراید و مجلات ایران»؛ «تاریخ تمدن اسلام و عرب»، ترجمه؛ «تاریخ کربلا ـ و حائر حسین (ع)»، ترجمه؛ «شعر و شاعری در عصر صفوی»؛ « عشاق قندهار»، ترجمه؛ تصحیح «قصص الخاقانی»، در تاریخ صفویه، اهتمام در چاپ «تذکره الانساب»، در انساب خاندان مجلسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید و مجلات (۱/ سه- هفت)، تذکره القبور (۴۹۱)، الذریعه (۱۰۷ - ۱۰۶ / ۱۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۸ -۱۹۷ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۲۱۵۱ / ۲ ،۷۴۰، ۶۹۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۶ -۵۳۵ / ۵)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۳۸ -۳۴).

صدقیانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، مترجم.

تولد: ۱۳۰۲، سبزوار.

درگذشت: ۱۳۶۲.

محمد تقی (امیر) صدقیانی پس از طی دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید. وی از سال ۱۳۲۵ با سمت خراسان استخدام شد. سپس از سال ۱۳۳۱ در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه مشهد و از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.

از جمله آثار وی است: ترجمه کتاب شیوه‌های نقد ادبی (با همکاری غلامحسین یوسفی، این کتاب برگزیده‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال شد)، جزوه‌های گرامر انگلیسی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صدقیانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی صدقیانی در سال ۱۳۰۲ در شهر سبزوار دیده به جهان گشود .پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید.ایشان در دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد و بعد در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت.وی در سال ۱۳۶۲ دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت. ترجمه کتاب "شیوه‌های نقد ادبی " مرحوم محمد تقی صدقیانی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی صدقیانی پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید.زمان و علت فوت : محمدتقی صدقیانی در سال ۱۳۶۲ دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی صدقیانی از سال ۱۳۲۵ با سمت دبیر تاریخ و ادبیات انگلیسی در فرهنگ خراسان استخدام شد. سپس از سال ۱۳۳۱ در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه مشهد و از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "شیوه‌های نقد ادبی " محمد تقی صدقیانی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : مرحوم صدقیانی به تاریخ و ادبیات و گرامر زبان انگلیسی تسلّط کامل داشت. جزوات گرامر انگلیسی که بوسیلهٔ ایشان تهیه و تدوین شده بود گویای این مدّعاست. کارهای ترجمه آن مرحوم بیشتر به صورت پراکنده موجود است و به ندرت چاپ و منتشر شده است. مهمترین اثر ترجمه‌ای نامبرده ترجمه کتاب شیوه‌های نقد ادبی است که با همکاری و مساعدت دوست دانشمند خود دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید. آثار : شیوه‌های نقد ادبی ویژگی اثر : ترجمه–با همکاری و مساعدت دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید–این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

صدیق اعلم، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، مؤسس دانشگاه تهران، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در ۱۲۹۰ ش عازم فرانسه شد و در ۱۲۹۷ ش دوره‌ی دانشسرای و رسای را به اتمام رساند و از دانشگاه پاریس، دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی ریاضی گرفت. چندی نیز در دانشگاه کمبریج به مطالعه و تدریس پرداخت. در ۱۲۹۷ ش به ایران مراجعت کرد و تا ۱۳۰۹ ش مشاغل مختلفی را به عهده داشت، از جمله: بازرس مدراس متوسطه و عالی، ریاست فرهنگ گیلان، ریاست تعلمیات عالیه، معلمی دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی و مدرسه‌ی حقوق، و مدتی نیز مدیر داخلی روزنامه‌ی «مرد آزاد» بود. در ۱۳۰۹ ش به دعوت دانشگاه کلمبیا برای مطالعه‌ی فرهنگ آمریکا به نیویورک رفت و از آن دانشگاه موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در فلسفه گردید و پس از بازگشت به ایران مأمور تأسیس دانشگاه تهران شد و تا ۱۳۱۹ ش ریاست و استادی دانشسرای عالی، دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی علوم به عهده‌ی وی بود. او چندین بار به وزارت فرهنگ انتخاب شد. وی سرانجام در تهران درگذشت. از آثارش: «اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری»؛ «اصول تعلیم و تربیت»، ترجمه، «تاریخ فرهنگ اروپا از آغاز تا عصر حاضر»؛ «حقوق بین‌الملل»؛ «شرح حال و شخصیت و آثار فردوسی»؛ «صنایع ایران در گذشته و در آینده»، ترجمه؛ «یکسال در آمریکا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۰ / ۱۵ ،۱۷۹ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۵ - ۲۰۰ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۳۴۵۱ / ۲ ۲۵۱ ،۲۴۹ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴ - ۶۵۰ / ۴).

صدیق الحکماء، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. از آثار وی: «اصول طب جدید»؛ «حفظ الصحه»؛ «هدایه التلقیح»؛ «معرفه السل»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (۱۱۷۸ ،۲۵۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴ -۱۷۳ / ۳).

صدیقی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، جامعه شناسی، محقق.

تولد: آذر ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۷۰.

غلامحسین صدیقی، فرزند حسین اعتضاد دفتر، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران در مدارس علمیه، آلیانس و دارالفنون گذراند و سپس در سال ۱۳۰۹ برای ادامه‌ی تحصیل جزو دومین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا به فرانسه رفت. در آنجا پس از گذراندن دوره‌ی دانشسرای سن‌کلو و دانشگاه پاریس به اخذ لیسانس و دکترای ادبیات در رشته‌ی فلسفه و جامعه‌شناسی نایل آمد. رساله‌ی دکترای او با عنوان جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری در سال ۱۹۳۸(۱۳۱۷) به زبان فرانسوی در پاریس به چاپ رسید (این کتاب در سال ۱۳۷۲ در تهران به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و با درجه‌ی دانشیاری در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ فلسفه‌ی قدیم و جامعه‌شناسی پرداخت، مدتی بعد هم به مقام استادی دانشکده‌های ادبیات معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) نایل آمد. چندی نیز مدیر کل دانشگاه و چند دوره نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات در شورای دانشگاه بود. او همچنین در تأسیس انجمن آثار ملی مؤثر بود، و بعدها به ریاست انجمن رسید. او عضو کمیسیون ملی یونسکو و کنگره هزاره ابن سینا بود، و از ۱۳۲۶ الی ۱۳۲۹ در تنظیم مدخل‌های حروف «پ» و «ث» لغت نامه دهخدا فعالیت کرد، در واقع او یکی از پنج نفری بود که همراه خان بابا بیانی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین و عبدالحمید اعظمی زنگنه پس از تصویب ماده واحده مربوط به چاپ لغت نامه در چاپخانه مجلس شورای ملی در اواخر ۱۳۲۴ به همکای با دهخدا انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۰ در هیئت دولت دکتر محمد مصدق به عنوان وزیر پست و تلگراف منصوب شد و پس از مدتی تا سال ۱۳۳۲ وزیر کشور این هیئت دولت بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر گردید و مدت پانزده ماه در زندان به سر برد. اما پس از آزادی چهار بار دیگر هم به زندان افتاد.

از جمله فعالیت‌های وی در زمینه‌ی فرهنگی تأسیس مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ است. این مؤسسه در سال ۱۳۵۱ به دانشکده‌ی علوم اجتماعی تبدیل شد.

دکتر غلامحسین صدیقی همچنان در طول سال‌های عمر خود چندین بار نماینده ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت و یونسکو انتخاب شد. تألیفات وی از این جمله است: از طائیس تا سقراط، گزارش سفر هند (۱۳۲۶)؛ چاپ متن عربی رساله‌ی سرگذشت ابن سینا و چند رساله‌ی دیگر منسوب به ابن‌سینا. وی همچنین مقدمه‌ای بر کتاب اصول حکومت آتن (تألیف ارسطو و با ترجمه و تحشیه‌ی باستانی پاریزی) نوشته است.

دکتر غلامحسین صدیقی پس از تحمل یک دوره بیماری در نهم اردیبهشت ۱۳۷۰ درگذشت.

از فلاسفه و دانشمندان و استادان مسلم دانشگاه است. در ۱۲۸۴ ش تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و فقه و اصول و ادبیات در تهران به اخذ دیپلم نائل آمد و از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیلی به فرانسه اعزام شد و در رشته‌ی فلسفه لیسانس و دکترا اخذ کرد. پس از مراجعت به ایران به دانشیاری و سپس استادی دانشکده‌ی ادبیات برگزیده شد و سالیان دراز در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در ۱۳۳۰ در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق،ابتدا وزیر پست و تلگراف و بعد وزیر کشور بود و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در آن سمت باقی ماند. پس از سقوط مصدق، دو روزی به حال اختفاء می‌زیست تا اینکه به اتفاق مصدق و شایگان، خود را به حکومت جدید معرفی کرد، چند روزی در باشگاه افسران، سپس در زندان لشکر ۲ زرهی زندانی بود. همزمان با محاکمه‌ی مصدق در دادگاه نظامی او هم محاکمه شد و چندی در زندان بود و او را از کار دانشگاهی اخراج کردند ولی مجددا به کار خود بازگشت و شغل استادی را تا سنین بازنشستگی ادامه داد. ریاست گروه فلسفه و روانشناسی با او بود.

دکتر غلامحسین صدیقی مردی به تمام معنی صدیق و متقی و دانشمند و در عین حال سختگیر و بدون گذشت بود. در وطن‌خواهی و علاقه‌ی او به کشور هیچ‌کس تردید ندارد. او عضویت جبهه ملی را پذیرفت و تا پایان عمر بدان عقیده باقی ماند. در اواخر دوران حکومت شاه هر موقع سخن از نخست‌وزیر ملی می‌شد، نام صدیقی مترادف آن بود. شاه در روزهای سقوط به او متوسل شد تا

سکان شکسته‌ی کشتی حکومت را به دست او بسپارد ولی روی شرایط پیشنهادی توافق نشد. شاه در خاطرات خود اشاره می‌کند که شرایط او مورد قبول واقع نشد لیکن واقعیت مطلب این است که صدیقی از زیر بار مسئولیت فرار کرد. زیرا اوضاع و احوال روز خواستار عدم قبولی او بود. وی صاحب تالیفاتی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد. در سال ۱۳۷۱ در تهران درگذشت و از طرف مردم تشییع جنازه‌ی باشکوهی به عمل آمد.

(۱۳۷۰ -۱۲۸۴ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه، رییس انجمن آثار ملی. در تهران به دنیا آمد. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه‌های آلیانس و دارالفنون در ۱۳۰۸ ش به فرانسه اعزام شد. او پس از اخذ دیپلم ادبیات از دانشسرای عالی سن کلود، تحصیلات دوره‌ی دکترا را در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه سوربن آغاز کرد و با تقدیم رساله‌ی خویش تحت عنوان «جنبش‌های دینی ایرانیان در قرن‌های دوم و سوم هجری» دوره‌ی دکترای خویش را به پایان برد. به ایران بازگشت و به خدمت دانشگاه درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد: معلم جامعه‌شناسی و تاریخ فلسفه، نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در شورای دانشگاه، عضو هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس بین‌المللی تلعیم و تربیت در ژنو و بعد با همین سمت در لندن، عضو هیأت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در هندوستان، ریاست نمایندگی در سومین کنفرانس سازمان تربیتی و علمی یونسکو به جهت شایستگی علمی و فرهنگی مدتها عضو هیئت تحقیقی انجمن آثار ملی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «از طالس تا سقراط»؛ «گزارش سفر هند». دکتر صدیقی برای مدتی هم با علی ابکر دهخدا همکاری علمی و فرهنگی نمود و تألیف و تنقیح دو جزء «لغت‌نامه» را بر عهده گرفت به پایان رساند. او همچنین در تصحیح تألیفات فارسی منسوب به ابن‌سینا شرکتی فعال داشت.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۴ -۱، ص ۱۷۳ -۱۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۰ -۶۷۹ / ۴).

صدیقی، فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای خارجی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صعلوکی نیشابوری، ابوسهل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۹ -۲۹۶ ق)، فقه شافعی، مفسر، ادیب، نحوی، صوفی و شاعر. شیخ خراسان در زمان خود بود. در اصفهان به دنیا آمد. وی به بصره رفت و چندین سال در آن شهر تدریس نمود و چند سال نیز در اصفهان اقامت داشت. سرانجام در ۳۳۷ ق به نیشابور آمد و سپس خانواده‌ی خود را به آنجا منتقل کرد. او بیش از سی سال کرسی درس و فتوی نیشابور را در اختیار داشت. صعلوکی از ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و احمد ماسرجسی و احمد محمدآبادی و ابن ابی‌حاتم و ابن‌انباری و محاملی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، ابوطیب، و فقهای نیشابور در محضر وی فقه آموختند. ابوسهل مصاحب ابواسحقاق مروزی بود و گفته‌اند که از وی

فقه آموخت. گویند که او شبیلی را نیز درک کرده بود. نسوی وی را پیشگام علم تصوف می‌داند. ابوبکر صیرفی گوید که اهل خراسان همچون ابوسهل را هرگز نخواهند دید و صاحب بن عباد گفت که ما همچون ابوسهل ندیده‌ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده است. به هر حال او در شریعت و طریقت یگانه‌ی روزگار خود بود. وی در نیشابور درگذشت. ثعالبی اشعار بسیاری را به او نسبت داده است. «الفوائد» روایتهایی از اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۶۵۸)، الاعلام (۲۰۷)، الاعلام بوفیات اعلام (۲۵۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰ -۵۳۹ / ۳)، ریحانه (۴۴۶ -۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۳۹ - ۲۳۵ / ۱۶)، شذرات الذهب (۷۰ -۶۹ / ۳) طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، العبر (۱۳۲ / ۲)، الکنی و الالقاب (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صلعوکی)، النجوم الزاهره (۱۴۱ - ۱۴۰ / ۴)، نفحات الانس (۳۱۸ -۳۱۷)، الوافی بالوفیات (۱۲۵ -۱۲۴ / ۳)، وفیات الاعیان (۲۰۵ -۲۰۴ / ۴).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه و لغوی. پدرانش حنفی و خود شافعی و مذهب بود و از بزرگان آنها. از یحیی بن محمد ذهلی و علی بن حسن دارابجردی و محمد بن عبدالوهاب فراء و محمد بن ایوب رازی و عبدالله بن احمد بن حنبل و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. او در نیشابور به تدریس فقه و حدیث مشغول بود. برادرزاده‌اش،ابوسهل صعلوکی، و ابوعبدالله اخرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید که از وی حدیثی شنیدم. او رد فقه و لغت از پیشگامان بود و در حدیث صاحب تصنیف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات اعلام (۲۳۱ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۱ -۵۴۰/ ۳)، سیر النبلاء (۳۹۱ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۱۰۸ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۹۶ / ۷).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب سهل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۴ / ۳۸۷ ق)، محدث، فقیه، متکلم و ادیب شافعی. مفتی نیشابور بود و پدرش نیز قبل از او این سمت را داشت. علم و فضل و دیانت او را ستوده‌اند و گفته‌اند که مرجع فقهای نیشابور بود. فقه را از پدرش، ابوسهل محمد بن سلیمان،و حدیث را از ابوالعباس اصم و ابوعلی رفاء آموخت. سپس مجلس درس آراست. در مجلس او افزون بر پانصد دوات برای نگارش بیانات او فراهم می‌کردند. حاکم نیشابوری و ابوبکر بیهقی و ابونصر محمد شادیاخی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الفوائد» که گردآوری مسموعات اوست؛ «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب»، که همان طبقات شافعیه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰ / ۳)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۷۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰ / ۳)،روضات الجنات (۹۴ / ۴)، ریحانه

(۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۰۹ -۲۰۷ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۷۳ -۱۷۲ / ۳)، طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، العبر (۲۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۴۵)، الکنی و الالقاب (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم المؤلفین (۲۸۴ / ۴)، نفحات الانس (۳۱۸)، الوافی بالوفیات (۱۳ -۱۲ / ۱۶)، وفیات الاعیان (۴۳۶ -۴۳۵ / ۲)، هدیه العارفین (۴۱۲ / ۱).

صغانی، رضی‌الدین، ابوالفضائل حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۵۰ -۵۷۷ ق)، فقیه حنفی، محدث، نحوی و لغوی. اصل وی از صغان یا چغان مرو از ولایات ماوراءالنهر است که در لاهور به دنیا آمد و در غزنه نشوونما یافت.به بغداد رفت و سفری به یمن نمود و سرانجام تا پایان عمر در بغداد ماندگار شد. او در مکه از ابوالفتوح نصر بن صحری و در یمن از قاضی خلف حسن‌آبادی و در بغداد از سعید بن محمد بن رزاز حدیث شنید. او در زبان عربی سرآمد همعصران خود بود، و از مشاهیر فقها و محدثین به شمار می‌رفت. در اکثر علوم ریاست علمی داشت. حوزه‌ی درس او مرجع استفاده‌ی افاضل زمان بود. صغانی از مشایخ اجازه‌ی روایتی سید احمد بن طاووس و فرزندش سید عبدالکریم بن طاووس و علامه‌ی حلی است. از آثار وی: «مجمع البحرین»، در لغت، در چندین مجلد؛ «العباب»، معجمی در لغت که برای ابن‌علقمی، وزیر مستعصم نگارش کرده است؛ «الشوارد»، درلغت؛ «الاضداد»؛ «مشارق الانوار»، در حدیث، که برای مستنصر عباسی تألیف کرده است، شرح «صحیح» بخاری بطور مختصر؛ «التکمله علی الصحاح» یا تکمله الصحاح»؛ «در السحابه فی مواضع وفیات الصحابه»؛ «بیان الاحادیث الموضوعه» یا «الدررالملتقطه فی بیان الاحادیث الموضوعه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۲ / ۲)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، روضات الجنات (۹۱ -۸۹ / ۳)، ریحانه (۴۰۹ -۴۰۷ / ۳)، سیر النبلاء (۲۸۴ -۲۸۲ / ۲۳)، شذرات الذهب (۲۵۰ / ۵)، العبر (۲۶۵ / ۳)، کشف الظنون (۱۹۸۰، ۱۸۳۲، ۱۸۰۸، ۱۷۷۶، ۱۷۰۵، ۱۶۸۸، ۱۵۹۹، ۱۴۶۱، ۱۴۳۸، ۱۴۲۴، ۱۳۹۴، ۱۳۹۲، ۱۲۵۰، ۱۱۲۱، ۱۰۷۲،۱۰۸۷، ۱۰۶۷، ۱۰۶۵، ۷۳۱، ۵۵۳، ۳۹۵، ۲۵۱، ۱۱۶، ۸۷)، الکنی و الالقاب (۳۱۸ -۴۱۷ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (۱۹۱ -۱۸۹ / ۹)، معجم المؤلفین (۲۷۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۲۷ -۲۶ / ۷)، الوافی بالوفیات (۲۴۳ -۲۴۰ / ۱۲).

صفا، ذبیح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۹۰ ش در شهمیرزاد از قراء سمنان متولد شد. دوران اولیه را در شهر بابل به سر برد و در همانجا گواهینامه دوره‌ی ابتدائی را دریافت کرد. تحصیلات متوسطه را در تهران به اتمام رسانید و در ۱۳۱۲ دیپلم ادبی گرفت و وارد دارالمعلمین عالی شد و در ۱۳۱۵ لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی گرفت. پس از انجام خدمت سربازی به دبیری زبان و ادبیات فارس پرداخت. در عین حال در دوره‌ی دکترای ادبیات به تحصیل اشتغال ورزید و دکترا دریافت کرد و رساله‌ی خود را تحت عنوان حماسه‌سرائی در ایران نوشت و با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب واقع شد و به عنوان دانشیار به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات پرداخت و پس از پنج سال توقف در

رتبه‌ی دانشیاری به مقام استادی کرسی زبان و ادبیات فارسی منصوب گردید.

دکتر صفا از سال ۱۳۲۰ به سمت معاونت و بعد کفالت اداره دانشسراهای مقدماتی در وزارت فرهنگ برگزیده شد و در ۱۳۲۲ به ریاست اداره تعلیمات عالیه و تعلیمات متوسطه و ریاست دانشسراها منصوب گردید. در همان زمان عضو هیئت مدیره شیر و خورشید سرخ و دبیرکلی کمیسیون ملی یونسکو را در ایران عهده‌دار شد و در این سمتها ماموریتهای زیادی به اروپا پیدا کرد. وی از جوانی شوق و ذوق مطبوعاتی داشت. در ۱۳۱۲ معاون سردبیر مجله‌ی مهر شد و در ۱۳۱۵ سردبیر مجله‌ی مذکور گردید. در ۱۳۲۰ امتیاز مجله‌ی سخن را گرفت و یک سال آن را انتشار داد و بعد از یک سال امتیاز سخن را به دکتر خانلری واگذار نمود و خود امتیاز روزنامه‌ی شباهنگ را دریافت کرد و چهارسال متوالیا روزنامه را منتشر کرد. مدتی نیز مدیریت مجله‌ی ارتش با او بود و بعد مدیر مجله‌ی ادبی دانشکده ادبیات شد.

دکتر صفا مدتی نیز ریاست دانشکده ادبیات را بر عهده داشت. از آثار و تالیفات او می‌توان کتب زیر را نام برد: حماسه‌سرائی در ایران، تاریخ مختصر تحول نظم و نثر فارسی، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تاریخ ادبیات در ایران (سه جلد)، گنج سخن، یادنامه خواجه نصیر طوسی، جشن‌نامه ابن‌سینا، ترجمه‌ی مرگ سقراط از آثار لامارتین، مزداپرستی در ایران قدیم، آئین سخن در معانی و بیان فارسی و چندین آثار و تصحیح دیگر. صفا در سال ۱۳۷۸ در خارج از کشور درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

صفار بخاری، ابونصر اسحاق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۰۵ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اهل بخارا بود. او در ادبیات عرب، در شناخت نکات و دقائق آن، و همچنین در فقه و حدیث یگانه‌ی زمان خود بود. ابوسعد سمعانی در «تاریخ مرو» و حاکم نیشابوری در «تاریخ نیشابور» و خطیب بغدادی در «تاریخ بغداد» به شرح حال او پرداخته‌اند. او احادیث بسیاری در انواع علوم فراگرفت و در ۴۰۵ ق، در سفر حج، در بغداد، از نصر بن احمد بن اسماعیل کنانی، صاحب جبرئیل سمرقندی، حدیث روایت کرد. ابوعلی حسن بن علی بن مذهب بغدادی از شاگردان و راویان صفار است و استادش را بسیار ستوده است. صفار در اواخر عمر به حجاز رفت و ساکن طایف شد و قبر وی در آنجاست. صفار شعر را نیکو می‌سرود. او در لغت و ادبیات تصانیفی دارد که از آن جمله است: «المدخل الی سیبویه»، در نحو؛ «المدخل الصغیر»، در نحو؛ «الرد علی حمزه فی حدوث التصحیف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۴۸ -۵۴۷ / ۳)، تاریخ بغداد (۴۰۳ / ۶)، ریحانه (۴۵۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسحاق)، معجم الادباء (۶۹ -۶۶ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۳۰ / ۲).

صفارزاده، طاهره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.

▪طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم ،متولد ۱۳۱۵ سیرجان

▪لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران

▪ادامه تحصیل در انگلستان و سپس آمریکا در دانشگاه آیووا

▪کسب درجه MFA

▪استخدام در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۹

▪رئیس دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات

▪دکترا در رشته نقد تئوری و عملی ادبیات جهان

▪برگزیده شدن در «فستیوال بین المللی داکا» در سال ۶۷ به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا،

«▪استاد نمونه» سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی

«▪خادم القرآن» پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم »، سال ۸۰

سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته های مختلف دانشگاهی

▪قصه ، پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱

▪شعر ، رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱

Brella the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م.= ۱۳۴۷ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، ۱۳۵۰ ، سفر پنجم، ۱۳۵۶ ، حرکت و دیروز، ۱۳۵۷ ، بیعت با بیداری، ۱۳۵۸ ، مردان منحنی ، دیدار صبح، ۱۳۶۶ ، در پیشواز صلح، ۱۳۸۵ ، گزیده ادبیات معاصر، ۱۳۷۸ ، هفت سفر، ۱۳۸۴ ، روشنگران راه، ۱۳۸۴ ، اندیشه در هدایت شعر، ۱۳۸۴

●اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه

▪اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸

ترجمه های نامفهوم، ۱۳۸۴

▪ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، ۱۳۷۹

▪ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه – متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰

▪ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲

▪ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵

▪لوح فشرده قرآن حکیم (سه زبانه – متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۳ (نشر دوم) کامل وجزء ۳۰.

▪دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۱

▪دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۳

▪مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، ۱۳۸۴

دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به ۳ زبان زنده دنیا است. صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم به سال ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده ای متوسط چشم به جهان گشود.اجدادش از عرفای مقید به مقابله با ظلم و عدالت پروری بوده اند.پدر و خواهرش هم اهل تصوف بودند . در خانواده، برپایی مجالس ذکر و دعا بویژه در اظهار ارادت به حضرت علی علیه السلام متداول بود.خانواده اش پیشینه عرفانی داشتند وهمین امر سبب شد که او از همان آغاز نگاهی ویژه به پیرامونش داشته باشد.قبل از آنکه به مدرسه برود تجوید و قرائت و حفظ قرآن کریم را در مکتب محل آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذرانید.

از کودکی ذوق نویسندگی و عشق به مطالعه آثار ادبی داشت ودر دبستان به عنوان شاعر شناخته شده بود.در این زمینه آموزگاران و بعد دبیران او را بسیار تشویق می کردند.

نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که در روزنامه دیواری مدرسه به ثبت رسید و نخستین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

در ششم ادبی شاگرد اول شد و با جرأت در امتحان ورودی دانشگاه در رشته های حقوق و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی که مناسب آن دیپلم بود شرکت کرد و در هر سه قبول شدو چون تردید در انتخاب داشت خانواده اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت . مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت .در دانشگاه آیووا ، هم در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد.MFAدرجه ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام طرح های ادبی متنوع به مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می پردازند.دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه های آمریکا با پایه دکتری انجام می پذیرد.در زبان عربی استعداد خاصی داشت و چنانکه در مقدمه «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» گفته است: «در دوره دبیرستان و به تشویق یک استاد دلسوز و دانشمند، عربی پایه را خوب فرا گرفتم و هرگز رابطه ام با آموختن آن زبان قطع نشد چه کلاس های عادی و چه درس خصوصی را در محضر استادانی تلمذ می کردم که قرآن شناس بودند .خودم بر این عقیده هستم که بروز و شکوفایی استعداد من در زبان عربی به دلیل این بود که تجوید و قرائت قرآن کریم را در کودکی در سن ۶ سالگی آموخته بودم .»

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی «شعر امروز جهان »، «نقد ادبی» و «نقد عملی ترجمه » را انتخاب کرد و در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته های زبان خارجی موجب گله مندی گروه های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت شد. دکتر طاهره صفارزاده پایه گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه » در دانشگاه های ایران محسوب می شود.دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی »، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته های زبان و ادبیات اقدام کرد. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره مندی هایی از این آموزش جدید دست یافت .صفارزاده از

ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی ، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت .پس از انقلاب اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه »اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه » مفید افتاد.

دکتر طاهره صفارزاده به عنوان کارشناس ترجمه معتقداست: «در ترجمه دانستن موضوع یا مطلب مورد ترجمه مقدم بر دانستن زبان مبدأ و مقصد است .این خطر بزرگی است که متخصص رشته علوم انسانی ، حتی رشته مهندسی متن پزشکی را و بالعکس یک پزشک متن جامعه شناسی را ترجمه کند ، چون که اصطلاحات خاص مجموعاً زبان علمی یک رشته را تشکیل می دهند. » بر اساس این فکر دو تمرین «ترجمه تخصصی »و «معادل یابی برای واژگان تخصصی» در کتابهای زبان برای رشته های دانشگاهی به پیشنهاد او گنجانده شد.

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی ، حکومت پسند نبود.سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت.و در ایام تنهایی و مشاهده پاره ای خیانت های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد.

کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. از مجموعه شعرهای او می توان به : رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱ brelld the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م. ۱۳۴۷ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان،سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح،گزیده ادبیات معاصر، هفت سفر، روشنگران راه و اندیشه در هدایت شعر، اشاره کرد.

اشعار صفارزاده با نظر به مسائل سیاسی و اشاره به وقایع مهم جهان دارای خط فکری خاصی است.در همه آثارش به جریان های سیاسی ایران و جهان نظر دارد.صفارزاده با استفاده از زبان محاوره، اصطلاحات عامیانه، حتی مطرح کردن شعارها، تلاش می کند به شعر و زبان مردمی نزدیک تر شود.شاید به همین دلیل، از آوردن واژه ها و اسامی، از زبان های بیگانه خودداری می کند.

شعر صفارزاده دارای اندیشه های شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می شود.در شعر صفارزاده، فرصت ها گرانبهاترند و خواننده با شاعری مواجه می شود که اسلوب را در زبانی فشرده و با بار بیشتر از لحاظ اندیشه و تفکر می بیند.او با استفاده از تعابیر مذهبی و قصص و آیات قرآن کریم به صورت تلمیح و جهان مداری و سیاست محوری، رنگ و بوی خاص به اشعارش بخشیده است.خودش می گوید: شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ وقت حکومت پسند نبوده است.

صفاری، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر و مترجم. در رشت به دنیا آمد و در کالج آمریکایی تهران تحصیل کرد. او طبع شعر نیز داشت و در حدود هزار و پانصد بیت شعر سروده است. اثر وی: «بدبختی روشنفکران»، ترجمه.[۱]

تولد: ۱۲۹۶، رشت.

درگذشت: آبان ۱۳۶۹، تهران.

رحیم صفاری مدرسه‌ی کالج آمریکایی را گذرانیده بود و چندی در امور سیاسی و اجتماعی با جنبه‌های ملی فعالیت داشت. از نوشته‌های چاپ شده‌ی او ترجمه‌ی بدبختی روشنفکران اثر اشتفان زوایک است (تهران، ۱۳۲۸). چند نوشته رساله‌ی سیاسی هم منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی (۴۷۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۴ -۱۱۳ / ۳).

صفاهانی، حبیب الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلّف کتاب «شرح اسماء اللَّه الحسنی»، معاصر با شاه عباس ثانی صفوی، کتاب خود را در سال ۱۰۶۱ به نام این پادشاه نوشته است. بیشتر از این از حالاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صفای تبریزی، فضلعلی مولوی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ / ۱۳۳۷ -۱۲۷۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به صفا. پدرش ملاباشی آذربایجان بود. وی در تبریز به دنیا آمد. به تحصیل مقدمات و صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه و تجوید و قرائت و حساب و نجوم نزد آقا میر علی زنوزی پرداخت. سپس فقه و اصول را فرا گرفت. استادان وی در فقه و اصول میرزا محمد حسن زنوزی و حاج میرزا محمد علی ملاباشی آذربایجان، برادرش، بودند. او تفسیر و کلام را نزد پدرش آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات عالیه به عتبات سفر کرد و در محضر علمای بزرگ حاضر شد و سرانجام به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از فاضل شرابیانی و فاضل ایروانی و ادرکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی نائل گردید. در ۱۳۰۷ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخت. در ۱۳۲۴ ق از طرف مردم تبریز به نماینده‌گی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در ۱۳۳۶ ق برای معالجه به اروپا رفت اما اقامت طولانی وی مفید واقع نشد و در برلین درگذشت و در گورستان مسلمین آنجا دفن شد. فرزندزادگان وی به نام مولوی مشهورند. از آثارش: «احکام الاراضی الخراجیه»؛ «استصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «حدایق العارفین»، در جمع آیات و اخبار کتب اربعه؛ شرح «قصیده‌ی عینیه» سید حمیری؛ «مصباح الهدی فی حقیقه التقیه و البداء»؛ «کلید دانش»، در صرف فارسی؛ «ریاض الازهار»؛ «سفرنامه»؛ «دیوان»

شعر، به عربی و فارسی؛ قصیده‌ی «لامیه السفر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۹۹ -۲۹۸)، الذریعه (۱۰ / ۱۴، ۲۷۱ / ۱۲، ۶۰۸ / ۹، ۲۸۹ / ۶)، ریحانه (۴۵۱ -۴۴۸ / ۳)، علماء معاصرین (۱۲۱ -۱۲۰)، فرهنگ سخنوران (۵۵۷)، مکارم الآثار (۲۱۹۶ -۲۱۹۲ / ۶)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۱۱۶ - ۱۱۰).

صفای شهمیرزادی، ذبیح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۸ -۱۲۹۰ ش)، محقق، مترجم، مصحح، نویسنده، ادیب، شاعر و استاد دانشگاه. وی در شهمیرزاد سمنان به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان جا و بابل گذراند، سپس به تهران آمد و تحصیلات خود را در تا درجه‌ی دکترا ادامه داد و به استادی دانشگاه ادبیات رسید و با نوشتن مقالات ادبی و تاریخی در مجلات «مهر»، «ایران امروز» و «تعلیم و تربیت» و غیره استعداد خود را نشان داد. وی مدیریت سال اول مجله‌ی «سخن» و مدیریت سال پنجم و هفتم مجله‌ی «مهر» را نیز بر عهده داشته و تأسیس روزنامه‌ی «شباهنگ» نیز از اقدامات اوست. او مدتی دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران و زمانی رییس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود. دکتر صفا در سالهای آخر عمر در شهر لوبک (آلمان) می‌زیست.از آثارش: «تاریخ ادبیات در ایران»، در پنج جلد؛ «حماسه‌سرایی در ایران»؛ «تاریخ علوم عقلی»، در تمدن اسلامی تا قرن پنجم هجری؛ «مزداپرستی در ایران قدیم»، ترجمه؛ تصحیح «دیوان عبدالواسع جبلی»؛ «جشن‌نامه‌ی ابن‌سینا»؛ «آیین سخن در معانی بیان»؛ «تربیت معلمین روستایی»، ترجمه؛ «شاهکارهای ادبیات فارسی»، در جند مجلد؛ «فلسفه لایب نیتس»؛ «گنج سخن»؛ «مرگ سقراط»، ترجمه؛ «نگهبانان ایران»؛ «یادنامه‌ی خواجه نصیر»؛ «مادر دیوانه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۳۶۸ -۳۶۷)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۰۰ -۲۲۹۵ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۳۴۴۳، ۲۸۴۸ ، ۲۷۰۰ / ۲، ۱۲۲۱ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴ - ۸۰ / ۳).

صفری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد و به شغل قضاوت اشتغال داشت. از آثار وی: «زندگانی بیسمارک»، ترجمه؛ «عروس مرو، کیانوش دختر یزدگرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۹۸، ۱۴۸۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹ / ۴).

صفوت، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۶ -۱۲۹۸ ق)، نویسنده، محقق، ادیب و شاعر. ملقب به صفوت. وی در تبریز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی، فقه، اوصل، منطق و حکمت را از محضر علما و دانشمندانی چون سید علی یزدی، میرزا علی لنکرانی، میرزا نصیر قره‌باغی، آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و سید کاظم عصار فرا گرفت و به درجه اجتهاد رسید. سالهای جوانی در سلک روحانیت بود و در ضمن به وعظ می‌پرداخت. بعد از مدتی از لباس روحانیت خارج شد و به استخدام فرهنگ درآمد و در مشاغل مختلفی مثل ریاست اوقاف، کفیل اداره‌ی کل فرهنگ آذربایجان و سرپرست دانشسرای تبریزی انجام وظیفه کرد. صفوت پس از چهل سال فعالیتهای فرهنگی، مجاورت شهر قم را برگزید و اوقاتش در این شهر، مصروف تألیف آثار ادبی و تاریخی و اخلاقی می‌شد. او سرانجام در همان شهر در گذشت. از آثار وی: «منابع الحکم»، در اخلاق؛ «دانش و پرورش نیازمند هوش و سنجش است»؛ «دسته گل»، منتخب از دیوان عبرت؛ «تاریخ فرهنگ آذربایجان»؛ «مرآت الاعتبار فی احوال رجال الاعصار»؛ «داستان و دوستان» یا «تذکره‌ی ادباء و شعرای آذربایجان»؛ «نعم الرفیق» یا «خل شفیق لارائه الطریق»؛ «چهارده معصوم- تربیت در اسلام»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۴ / ۲۴ ،۱۶۱۳ / ۹، ۱۷۱ / ۸) زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۹ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۳۷ - ۲۳۳۴ / ۴)، شرح حال رجال (۲۴۴ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۲ -۲۹۹ / ۴).

صفوی ایجی، قطب‌الدین، ابوالخیر عیسی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۵۵ / ۹۵۳ -۹۰۰ ق)، عالم و محقق شافعی، نحوی، منطقی و صوفی.

او را به مناسبت جد مادریش، صفی‌الدین ایجی، صفوی گویند. موطن او هند بود. ابتدا نحو و صرف و سپس فقه و پس از آن «رساله صغری و کبری» سید شریف را در منطق نزد پدر فراگرفت. آن‌گاه ملازم شیخ ابوالفضل کازوانی رد گجرات شد و در حضر او «مختصر» و «مطول» را خواند و از او به دریافت اجازه نایل شد. پس از آن مدتی در خدمت ابوالفضل استرآبادی درآمد. سپس به مجامع علمی راه یافت و آوازه فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس به مجامع علمی راه یافت و آوازه فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس چند سالی مجاور مکه شد. او در ۹۳۹ ق از شام و بیت‌المقدس دیدار کرد و در دمشق مجلس درس آراست و جماعتی از اهل دمشق و حلب از او اخذ علم کردند. دو سفر نیز به عثمانی (ترکیه) نمود. سرانجام به مصر رفت و در آنجا سکنی گزید. ابن‌عماد، صاحب «شذرات الذهب»، او را از اعجوبه‌های دوران می‌داند. از آثارش: مختصر «النهایه» ابن‌اثیر، در غریب الحدیث؛ « شرح الغره» سید شریف، در منطق؛ «تفسیر» سوره‌ی عم تا آخر قرآن؛ رساله‌ای در «حمد»؛ شرح حدیث اول از «صحیح» بخاری؛ شرح «الکافیه» ابن‌حاجب، در نحو؛ حاشیه بر «شرح الکافیه» جامی؛ حاشیه بر «شرح جمع الجوامع» محلی؛ «شرح الفوائد الغیاثیه»، در معانی و بیان؛ شرح «الشفا» قاضی عیاض.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۴ / ۵)، ایضاح المکنون (۱۰ / ۱)، شذرات الذهب (۲۹۸ -۲۹۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۸۹، ۱۳۷۴ ، ۱۳۷۱، ۱۲۹۹، ۱۱۹۸، ۱۰۵۴، ۸۵۳، ۵۹۵)، هدیه العارفین (۸۱۰ / ۱).

صفی الدین ارموی، ابوالمفاخر عبدالمومن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۳ -۶۱۳ ق)، موسیقی‌دان، خطاط و ادیب. اصلش از بلخ بود، اما خاندانش در ارومیه به سر می‌بردند و او رد همان جا به دنیا آمد. در کودکی به بغداد رفت و در آنجا نشوونما یافت. وی در مدرسه‌ی مستنصریه به تصحیل عربی و علوم دینی و ادب و ریاضی پرداخت و در نظم اشعار و علم انشا و تاریخ و حسن خط شهرت یافت و در علم و عمل موسیقی بی‌مانند شد. در آخرین سال خلافت مستعصم (م ۶۵۶ ق) ندیم و عودنواز و کتابدار و کاتب او بود و بعدها به خدمت هلاکو درآمد. به قول بعضی از محققین، در خط همپایه‌ی یاقوت مستعصمی و ابن‌مقله بود، اما در موسیقی، پس از اسحاق موصلی، کسی به پایه‌ی او نرسیده است. صفی‌الدین یکی از سه موسیقی‌دان بزرگ ایران و عالم اسلام است، که نخستین ایشان، ابونصر فارابی و دیگری، خواجه عبدالقادر غیبی مراغه‌ای است. صفی‌الدین پیشقدم نظریه‌ی معروف (فرضیه‌ی منتظم) است که در آن گامها به هفده فاصله تقسیم می‌شود. وی سازی به نام مغنی اختراع کرد که ترکیبی‌از قانون و رباب و نزهه بود، حتی برخی اختراع ساز نزهه را هم به او نسبت داده‌اند. صفی‌الدین شاگردان بنامی تربیت کرده است که از آن جمله‌اند: شیخ شمس‌الدین سهروردی، علی ستایی و حسین زامر. وی در سالهای پایان عمر به زندان افتاد و همان جا درگذشت. از آثار وی: «رساله الایقاع»، به فارسی، در پنج فصل؛ «الادوار فی حل الاوتار»، که جمعی از دانشمندان و علمای فن به ترجمه یا شرح آن به زبان فارسی پرداخته‌اند؛ «رساله فی علوم العروض و القوافی و البدیع»؛ «رساله الشرفیه فی النسب تألیفیه»، که به عربی و به نام شرف‌الدین‌هارون، فرزند خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی، نوشته شده است و اختصارا «کتاب الموسیقی» خوانده می‌شود.[۱]

ارموی، عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر دانشمند و موسیقی‌دان ایرانی (و. ارومیه حدود ۶۱۳ ه.ق. - ف. ۹۶۳ ه.ق.) در کودکی وی را به بغداد بردند و او در آن شهر به تحصیل پرداخت و پس از آموختن فقه شافعی به روزگار مستنصر به مستنصریه پرداخت و به سبب خوشنویسی در کتابخانه خلیفه به خطاطی مشغول شد. سپس به نواختن عود پرداخت و به سبب مهارتی که در این راه یافت ملازم و ندیم مستعصم آخرین خلیفه عباسی گردید و مالی فراوان به دست آورد و بیشتر آن را صرف عشرت خویش و احسان بر یاران کرد. هنگامی که هولاکو بغداد را فتح نمود صفی‌الدین نزد او رفت و به سبب هنر موسیقی در دستگاه‌خان مغول احترامی یافت. سپس به ریاست دارالانشاء علاءالدین عطاملك جوینی رسید. آنگاه به تبریز شد و به دستور شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان پسرش شرف‌الدین هارون را تعلیم موسیقی داد و رساله «شرفیه» را به نام وی تألیف کرد. زندگانی او در پایان عمر آشفته گردید و به سختی روزگار می‌گذرانید و به سبب وام بسیار به حکم قاضی به زندان افتاد و در سن ۸۰ سالگی درگذشت. وی در عربیت و نظم شعر و انشاء و تاریخ و خلاف و موسیقی مهارت داشت و خط منسوب را کسی مانند او نمی‌نوشت. از آثار او رساله «شرفیه» و «کتاب ادوار» (هر دو به عربی) مشهور است. رساله‌های او در روزگار خود وی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۹۳۷ م. «بارون اولانژه» آنها را به فرانسوی ترجمه و طبع کرده است. موسیقی‌دانان ادوار بعد از رسایل وی استفاده بسیار بردند. او را مخترع سازی به نام «مغنی» دانسته‌اند و گویند آن ترکیبی از «قانون» و «رباب» و «نزهه» بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۳۵ –۳۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۲ –۲۷۱ / ۳)، تاریخ برگزیدگان (۵۵۳ –۵۵۲)، تاریخ موسیقی (۱۸۸ –۱۸۲ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۲، ۱۴۷ –۱۴۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۵۱ –۷۴۹ / ۲)، حبیب السیر (۱۰۷ / ۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۷ –۲۳۶)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۷۴ –۱۵۷۳ / ۲)، دستور الوزراء (۲۷۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۴ –۶۲)، معجم المولفین (۱۹۸ / ۶)، هدیه العارفین (۶۳۰ / ۱).

صفیر، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمدعلی صفیر ، دانشمند و شاعر شهیر در سال ۱۲۹۴ شمسی در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. استاد صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران تحصیلات خود را پی گرفت. استاد صفیر پس از فارغ التحصیل شدن ، به تعلیم و تربیت روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات پرداخت. استاد سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر سیدمحمدعلی صفیر ، حجت الاسلام سیدحسین حائری از دانشمندان مقیم قم بود. پدربزرگ او نیز ، آیت الله سیدمحمدعلی حسینی تنکابنی از علمای مشهور و از مجاهدین و مبارزین در پیشرفت فتوای تحریم تنباکو بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدمحمدعلی صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران در گروه نخستین دوره ی دانشجویان قرار گرفت.

استادان و مربیان : سیدمحمدعلی صفیر در حوزه علمیه قم برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت.

زمان و علت فوت : سیدمحمدعلی سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و پیکرش در قطعه ی ۸۸ بهشت زهرا (قطعه ی فرهیختگان) به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : سیدمحمدعلی صفیر پس از فارغ التحصیلی از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران ، به تربیت و تعلیم روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات گذراند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سیدمحمدعلی صفیر در تأسیس مراکز فرهنگی و دینی ، یار و یاور علامه شیخ مهدی سراج انصاری بود و بعد از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ ، اقدام به تأسیس « انجمن تعلیمات اسلامی ایران » نمودند. وی از جمله در کار تأسیس بنای حسینیه ارشاد و به همراه آقایان محمد همایون ، دکتر ناصر میناچی و میرعبدالحمید ادبی در بخش

فرهنگی آن تلاش کرد که قسمت اعظم کتیبه های حسینیه و مسجد ارشاد با بهره وری از دیدگاه های استاد صفیر انجام یافت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدعلی صفیر در کنار کارهای فرهنگی ، به دفاع از حریم تشیع و پاسخ شبهات و ایرادها در کنار علمای تهران همت گماشت. وی در فتنه ی کسروی ، همراه با آیت الله شیخ محمدحسن طالقانی رسماً علیه او در دادگاه شکایت نمود. استاد علاوه بر هنر استادی در انواع شعر در کارهای هنری نظیر خطاطی ، نقاشی ، طراحی و کاشی کاری نیز دست داشت. همچنین در فراگرفتن چند زبان کهن و خارجی کوشش نمود و زبان هایی چون عربی ، فرانسه ، عبری و پهلوی را به خوبی می دانست. در بسیاری از مساجد ایران و بلکه خارج ایران ، آثار طبع هنری او روی کاشی کاری ثبت و حک شده ، که از جمله ی آن مراکز مذهبی چون مسجد هدایت ، مسجد جامع نارمک ، حسینیه ارشاد ، مرقد مطهر حضرت رقیه (ع) در شام ، چند مسجد در هندوستان و پاکستان می توان نام برد. وی به امر علامه سیدمحمود طالقانی ، شعرهای کتیبه ی سردر حسینیه ارشاد و سردر بزرگ مسجد هدایت را سروده است.

آرا و گرایشهای خاص : سیدمحمدعلی صفیر در اشعار خود به « صفیر » تخلص می کرد. در زمان دکتر محمد مصدق و بنا بر پیشنهاد او ، تصویبنامه ای از هیئت دولت گذشت که نام خانوادگی صفیر مختص به وی باشد تا آن که شعرهایش با نام خانوادگی این شاعر یکسان و جاودانه شود. استاد صفیر دارای طبعی بلند و همتی زیاد و پشتکار و مجاهدت و استقامت در راه حق و حقیقت بود. در کلام و سخن گفتن ، صداقت و صراحت داشت. --

آثار :

۱ تاریخ مختصر ایران

۲ ترجمه ی دیوان اشعار امام علی (ع)

۳ تصحیح انجیل برنابا

۴ تصحیح دیوان شیخ محمود شبستری

۵ خردنامه

ویژگی اثر : اثر منظوم ، در پند و اندرز.

۶ درس دین

۷ دیوان اشعار

ویژگی اثر : با بیش از پانزده هزار بیت.

۸ ماتمکده ی شهید شیرخوار

ویژگی اثر : منظومه ای در صد بیت ، در رثای عبدالله رضیع (ع). --

منابع :

۱مجله ی آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ی ۵۴ ، بهمن و اسفند ۱۳۷۷ ، ص ۱۱۴

صلاحی، عمران

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عمران صلاحی در دهم اسفندماه ۱۳۲۵ در امیریه تهران بدنیا آمد.مادرش متولد سمنان و پدرش از اردبیل بود. تحصیل را در ۷ سالگی در دبستان صنیع الدوله(قم) آغاز کرد و پس از آن در سال ۱۳۳۵ در دبستان قلمستان(تهران) وسپس در سال ۳۷ در دبستان شهریار و دبیرستان امیر خیزی(تبریز) ادامه داد. نخستین شعر خود را در مجله ی اطلاعات کودکان در سال ۱۳۴۰چاپ کرد. پدر خود را در همین سال از دست داد.

اما بهتر است این دوران را از زبان خودش با عنوان (چه روزگار خوشی داشتیم) بشنویم:

"نامم عمران است و فامیلم صلاحی. نام کوچکم را عمویم مراد انتخاب کرده است؛ از قرآن و سوره آل عمران. ترک ها به من می گویند عیمران و فارس ها گاهی با کسره و اکثرا با ضمه صدایم می کنند. ناشران و مترجمان گاهی گیج می مانند که هرکس هرطوری دوست دارد بنویسد و بخواند.نامم را به لاتین با اِ بنویسند یا با اُ.

... دهم اسفند ۱۳۲۵ در تهران متولد شده ام؛ چهارراه گمرک امیریه. البته نه وسط چهارراه اگر چه گفته اند خیرالامور اوسطها.و اما زندگی ادبی و هنری من. قدیم ترین شعر و نوشته ای که از خودم پیدا کرده ام، تاریخ پنج شنبه ۳۰/۱۱/۱۳۳۷ را دارد. برخلاف تصور خواننده، خیلی غم انگیز است. بخشی از آن را بخوانیم؛ «از تهران حرکت کردیم و پس از یک روز به تبریز رسیدیم... در خیابان چهارم اردیبهشت، دربند کیوان، یک اتاق کوچک کرایه کردیم به ۲۶ تومان. هفت نفر بودیم. بعد از چهار روز، خواهر کوچکم پروین به یک مرض سخت دچار شد... در روز چهارشنبه ۲۹/۱۱/۱۳۳۷ پروین در بستر مرگ بود. صبح روز پنج شنبه به سختی نفس می کشید. بعدازظهر همان روز بعد از آنکه ناهار را خوردیم، من در بیرون توپ بازی می کردم. ناگهان پسر همسایه مان به من خبر داد که مادرت چنان گریه می کند که نمی تواند روی پاهای خودش بایستد. با عجله دویدم تا به خانه رسیدم. دیگر کار از کار گذشته بود. نفس پروین بند آمده بود و چشم هاش باز بود...» دیگر بقیه اش را نمی آورم. به قول ایرج میرزا؛ ببند ایرج ازین گفتار غم دم / که غمگین می کنی خواننده را هم. بعد از این نوشته سوزناک چند بیت هم شعر گفته بودم که بیت اولش این بود؛ کجا رفتی ای پروین / می خندیدی چه شیرین.اولین شعرم پاییز سال ۱۳۴۰ در مجله اطلاعات کودکان چاپ شد، به نام «باد پاییزی» که یک مثنوی بود و اینطور شروع می شد؛ باد پاییزی بریزد برگ گل / بلبلان آزرده اند از مرگ گل. هنوز آن مجله را دارم. در صفحه جدول و سرگرمی همان مجله مسابقه ای گذاشته بودند و سوالاتی طرح کرده بودند که هرکس به آنها پاسخ درست می داد جایزه می گرفت. یکی از سوالات این بود؛ «فرستنده باد پاییزی کیست؟» که منظور فرستنده شعر باد پاییزی بود. من این باد را از تبریز فرستاده بودم! در آخر شعر آورده بودم؛ ای خدا راضی مشو این باد بد / برگ گل های مرا پرپر کند، که همین طور هم شد یا نشد! آخر پاییز، پدرم به سفری همیشگی رفت. من آن وقت ۱۵ ساله بودم".

تحصیل در دبیرستان وحید(تهران) در سال ۱۳۴۱ و پس از آن در سال ۴۵ به همکاری با روزنامهٔ توفیق پرداخت و همانجا با پرویز شاپور آشنا شد. در سال ۱۳۴۷ چاپ اولین شعر نیمایی در مجلهٔ خوشه به سردبیری احمد شاملو را به همراه داشت. در سال ۴۹ کتاب "طنز آوران امروز ایران" با همکاری بیژن اسدی پور ــ فوق دیپلم مترجمی از دانشگاه تهران ــ را منتشر کرد.در سال ۱۳۵۰ به خدمت نظام وظیفه در تهران ، تبریز ، کرمانشاه ، مراغه رفت.

در زندگی خود نوشت صلاحی در مورد این سالها آمده است:

"بعد از مرگ پدر، به تهران آمدیم و ساکن جوادیه شدیم. با دوچرخه قراضه ای از جوادیه به دبیرستان وحید در خیابان شوش می رفتم. روزی دوچرخه ام پنجر شد. سر راهم در جوادیه دوچرخه سازی بود. برای پنچرگیری به آنجا رفتم. دیدم در و دیوار پر از

شعر است. از دوچرخه ساز پرسیدم شعرها مال کیست؟ گفت مال خودم. دوچرخه ساز، شاعر بود و اسمش رحمان ندایی. با هم دوست شدیم و رفت و آمد پیدا کردیم. به خانه هم می رفتیم و شعر می خواندیم؛ هم از خودمان و هم از دیگران. او به انجمن ادبی صائب می رفت. از طریق او، خلیل سامانی (موج) دعوتنامه ای برای من فرستاد. او دبیر انجمن بود و استاد عباس فرات رئیس انجمن. جلسات انجمن هفته ای یک بار تشکیل می شد؛ در ایستگاه اناری نواب کوچه ماه. اولین بار که به انجمن رفتم در بسته بود و هنوز هیچ کس نیامده بود. دیدم از سر کوچه پیرمردی با کلاه لبه دار و بارانی و کیفی چرمی دارد می آید. پیرمرد آمد و دم در ایستاد و از من پرسید «با کی کار داشتی؟» گفتم؛ «با آقای موج.» خودش را معرفی کرد و گفت؛ «من فرات هستم. فرات بی موج نمی شود. الان موجش هم می رسد.» دو دقیقه بعد «موج» هم آمد. سامانی برای اینکه نشانی را فراموش نکنیم، آن را در دو بحر می خواند؛ «کوچه ماه، پلاک سی وسه» و «کوچه ماه، کاشی سی وسه». که هنوز به یاد من مانده است. این هم از تاثیرات وزن است. از همان انجمن صائب پایمان به انجمن های دیگر باز شد. یک شب که از انجمن آذرآبادگان واقع در امیرآباد می آمدم با حسین منزوی آشنا شدم. جوانی لاغر که دانشجوی دانشگاه تهران بود و در خانه عمویش در جوادیه زندگی می کرد و چه عموهای نازنینی، مثل پدر منزوی. از آن به بعد همه در انجمن های ادبی من و منزوی را با هم می دیدند. یک شب که پول نداشتیم از کلبه سعد تا جوادیه پیاده آمدیم و من این بیت را سرودم؛ با منزوی پیاده روی می کنیم ما / خود را بدین وسیله قوی می کنیم ما! کاظم سادات اشکوری می فرماید؛ دستت چو نمی رسد به عمران / دریاب حسین منزوی را! روزی یکی از بچه های شیطان جوادیه با سنگ، زد یکی از پره های دوچرخه ام را شکست و پا به فرار گذاشت. من شعری نوشتم از زبان بچه جوادیه و با همان امضا فرستادم برای روزنامه فکاهی توفیق. روزنامه را نمی خریدم. از روزنامه ای که توی جوی آب پیدا کرده بودم، نشانی اش را نوشته بودم. یک روز که از مدرسه به خانه آمدم، نامه ای به دستم دادند. حسین توفیق نوشته بود شعر و کاریکاتورت در فلان شماره چاپ شده است هرچه زودتر خودت را به ما برسان. یک روز عصر با همان دوچرخه قراضه از مدرسه رفتم به اداره توفیق در خیابان استانبول. از سال ۱۳۴۵ عضو هیات تحریریه روزنامه توفیق شدم و در آن مکتب پرورش یافتم. اسامی مستعارم در توفیق، بچه جوادیه، ابوطیاره، ابوقراضه، مداد، زرشک، زنبور و چند امضای دیگر بود. من خود را خیلی مدیون برادران توفیق می دانم. چه روزگار خوشی داشتیم.در توفیق با پرویز شاپور آشنا شدم. از طریق شاپور با اردشیر محصص آشنا شدم. دوستی من با شاپور تا آخر عمر او ادامه داشت. سال ۴۵ در زندگی هنری من نقطه عطفی بود؛ سرودن شعر نو به فارسی و ترکی، همکاری با توفیق، آشنایی با شاپور".

در سال ۵۲ به همکاری با گروه ادب امروز رادیو به دعوت نادر نادرپور پرداخت و به استخدام رادیو تهران در آمد.در سال ۵۳ انتشار کتاب "گریه در آب"را داشت و در همان سال با هایده وهاب‌زاده ازدواج کرد.در سال ۱۳۵۵ کتاب "قطاری در مه" را منتشر کرد.سال ۵۶ انتشار کتاب "ایستگاه بین راه" را داشت. نمایشگاه مشترک کاریکاتور با پرویز شاپور و بیژن اسدی‌پور در نگارخانه تخت جمشید و شعر خوانی در ۱۰ شب کانون نویسندگان ایران نیز از کارهایی است که عمران صلاحی در همان سال به همراه داشت.

اولین فرزند او به نام یاشار در سال ۵۷ به دنیا آمد. انتشار کتاب "هفدهم" و سفر به ترکیه ، یونان ، بلغارستان از وقایعی است که در سال ۵۸ با آن مواجه بود.دومین فرزندش به نام بهاره در سال ۶۱ بدنیا آمد و در همان سال کتاب "پنجره دن داش گلیر" را به ترکی منتشر کرد. در سال ۶۷ گشایش صفحهٔ "حالا حکایت ماست" در مجله دنیای سخن و مسئولیت نگارش در آن قسمت را به عهده گرفت. در سالهای ۷۰ ،۷۳ و ۷۴ به ترتیب انتشار کتاب " رویاهای مرد نیلوفری"، انتشار ویژه نامهٔ مجلهٔ "عاشقانه" در آمریکا و انتشار کتاب "شاید باور نکنید" در سوئد را در کنار سایر دست آوردهایش همراه داشت.سال ۷۵ پس از بازنشستگی از صدا و سیما به همکاری با گل‌آقا و همکاری با شورای عالی ویرایش پرداخت.

از خود صلاحی کوتاه درباره ی دوران بعد از سربازیش بشنویم:

"بعد از اینکه از سربازی آمدم، به دعوت نادر نادرپور، به همکاری با گروه ادب رادیو تلویزیون پرداختم. در رادیو با محمد قاضی، رضا سیدحسینی، حسینعلی هروی و دیگران آشنا شدم. در گروه ادب امروز، بخش های طنز را می نوشتم. برنامه مستقلی هم داشتم به نـام «زیر دنـدان طنز». از نادرپور هم خیلی آموخته ام. یادش گرامی باد. برنامه های ماهانه گروه ادب هم با حضور مشاهیر ادبیات جلوه و جذابیت خاصـی داشت.شب های شعر کانون نویسندگان که در باغ گوته برگزار می شد برای من فراموش نشدنی است. من در شب دوم شعر خواندم و خیلی تشویق شدم.از سال ۱۳۶۴ با چند نفر از دوستان شاعر و نویسنده جلساتی داشتیم که سه شنبه ها به ترتیب الفبا در منازل تشـکیل می شد. جلسات سه شـنبه تقریبا ۱۱ سال به طول انجامیـد. از سال ۶۵ با شاعران ترک زبان بیشتر آشـنا شـدم. دوشـنبه ها در قهوه خانه ها جمع می شـدیم و شـعر می خوانـدیم البته به ترکی. دیگر از چه بگویم و از که بگویم. از منوچهر آتشـی بگـویم کـه حقی بزرگ به گردن من دارد، از حمیـد مصـدق بگـویم که همیشه «از مـا به مهربـانی» یـاد می کرد، از سـیمین بهبهـانی بگویم که مثل مادرم دوسـتش دارم و به او افتخار می کنم. واقعا نمی دانم از که بگویم. خوبان همه جمع انـد بروم و کمی اسفند دود کنم".

او در سال ۷۷ کتاب های " یک لب و هزار خنده" و "حالا حکایت ماست"و در سال ۷۸ گزینۀ اشعار را به چاپ رساند. همچنین در این سال در ۶ شـهر کشور سوئد سـخنرانی هایی را ایراد کرد. وی در سال ۷۹ کتابهای " آی نسـیم سحری"،"ناگاه یک نگاه"،"ملا نصرالدین"، از گلستان من ببر ورقی" و " باران پنهان" و در سال ۸۰،کتاب‌های "هزار و یک آینه" و "آینا کیمی" به ترکی را منتشر کرد. وی همچنین قرار بود" تفریحات سالم"، "طنز سـعدی در گلسـتان و بوستان "و" زبان‌بسته‌ها ("منتخبی از قصه‌های حیوانات به نظم) را منتشر کند.

و بالاخره عمران صلاحی در شب ۱۱ مهر ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفت.

در مراسم تشییع پیکر او جواد مجابی درباره ی او می گویـد ": عمران هیـچ از مرگ نمی گفت. همواره از زندگی می گفت و می سرود... ورای شـیرینی کلامش زهری جریان داشت که از واقعیت ناگزیر می تراود و او چرب دستانههر دو منظر را یکجا به ما نشان می دهـد... او همچون ذات زنـدگی، دیگران را در خود ایمن و شاد می خواست. نمی میرنـد کسانی که چونعمران عین شادی انـد. عمران تمام عمرش را با مردم کوچه زیست".

همچنین در این مراسم محمود دولت آبادی گفت " :او خود زنـدگی بود. درخشان و دل زنـده ... چه بی مهر شده است اینزندگانی غمبـار ما و این آژنگ های نشسـته بر پیشانی آدمیان که انگار به عادت سـخت وسـمج در آمـده است که انگار حس شوخی و شاد زیستن - آنگونه که عمران - رفتاری نابهنجارمی نماید. در این هنجار، آری عمران انسانی متفاوت بود"...

صلح جو، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی صلح جو ، متولد سال ۱۳۲۳ در قزوین ، از ویراستاران و مترجمان باتجربه و خبره و از معلمان ویراستاری در دوره های آموزش

ویرایش است .گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی گرایش : ویراستاری تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی صلح جو به قرار زیر است: – کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی،مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی،۱۳۵۴ – کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی،دانشگاه تهران،۱۳۵۹همسر و فرزندان : علی صلح جو متاهل و دارای چهار فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای علی صلح جو به قرار زیر است: – نمونه خوان،موسسه انتشارات فرانکلین از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴ – ویرستارفموسسه انتشارات فرانکلین از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ – ویراستار موسسه دایره المعارف فارسی مصاحب از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ – ویراستار دانشگاه آزاد اسلامی از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ – ویراستار مرکز نشر دانشگاهی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۲ – ویراستار مجله پیام یونسکو از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ – دبیر اجرایی مجله زبان شناسی از سال ۱۳۶۶ تا۱۳۸۰ – ویراستار دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۷۳ تا کنون – عضو هیئت تحریریه مجله مترجمفعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی علی صلح جو به ترتیب زیر است: تدریس دروس ، زبان شناسی،ترجمه ،ویرایش از سال ۱۳۶۲ تا کنون در دانشگاههای شهید بهشتی،آزاد اسلامی،پیام نور،جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران،مرکز نشر دانشگاهی دانشکده حدیث و انتشارات سروش .چگونگی عرضه آثار : علی صلح جو از ویراستارانو مترجمین و مولفین در پیرامون زبان،فرهنگ و تارخ و غیره است که از ایان تا کنون ۱۲ مقاله منتشر شده است.آثار : ۱ آموزش بدمینتون ۲ (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: آذر آقایاری، علی صلح جو (ویراستار)، ژاله معماری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ آموزش بسکتبال (۱) (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن محمدزاده جهتلو، علی صلح جو (ویراستار)، خلیل نسودی رضایی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۳۱ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۳ اصول آموزش تنیس روی میز ۱ (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدرضا رمضانپور، علی صلح جو (ویراستار)، بهمن تاروردی زاده (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۵ اسفند، ۱۳۸۶ ۴ اصول آموزش فوتبال (۱): رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی ویژگی اثر : پدیدآورنده: قدرت الله باقری راغب، علی صلح جو (ویراستار)، ابوالفضل فراهانی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۴ آبان، ۱۳۸۶ ۵ پژوهش و نگارش ویژگی اثر : پدید آورنده :علی صلح جو،نشر آگاه ۱۳۶۸۶ تاریخ زبان فارسی (رشته زبان و ادبیات فارسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهری باقری، علی صلح جو (ویرایشگر)، حسن انوری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۷ ترجمه متون ادبی (رشته مترجمی زبان انگلیسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمود علی محمدی، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۴ آبان، ۱۳۸۶ ۸ چگونه تحقیق کنیم؟ (رشته های کارشناسی ارشد علوم انسانی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: لورن بلکستر، کریستینا هیوز، ملکم تایت، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، عیسی ابراهیم زاده (مترجم)، محمدرضا سرمدی (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۲ شهریور، ۱۳۸۵ ۹ خواهر وسطی ویژگی اثر : پدیدآورنده:میریام میس،مترجم(علی صلح جو)،ابن سینا ۱۳۴۶۱۰ درآمدی به اصول و روش ترجمه ویژگی اثر : پدیدآورنده: کاظم لطفی پورساعدی، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی – ۱۲ تیر، ۱۳۸۵ ۱۱ راهنمای آمادگی جسمانی برای زندگی سالم ۱ (رشته تربیت بدنی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: مت رابرتس، بهروز ژاله دوست ثانی (مترجم)، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، محمدرضا اسد (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۱ مهر، ۱۳۸۵ ۱۲ رشد و تکامل حرکتی (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن خلجی، علی صلح جو (ویراستار)، مریم سیف نراقی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۲ مهر، ۱۳۸۶ ۱۳ روشها و فنون در آموزش علوم، برای کارشناسان و معلمان علوم تجربی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهتاش اسفندیاری، علی صلح جو (مترجم) ناشر: مدرسه – ۱۳۸۲ ۱۴ زبان شناسی نوین:نتایج انقلاب چامکسی ویژگی اثر : پدیدآورنده :دیردری ویلسن،مترجم(علی صلح جو–ترجمه مشترک)۱۳۶۷۱۵ زبان و ذهن ویژگی اثر : پدیدآورنده: نوآم چامسکی، کوروش صفوی (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: هرمس – ۱۷ خرداد، ۱۳۸۴ ۱۶ زبان و زبان شاسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: الکساندر کنداتف،مترجم(علی صلح جو)،ایران یاد ۱۳۶۳۱۷

فرستادگان نور ویژگی اثر : پدیدآورنده: امیده صدارت، جیمز توئیمن، علی صلح جو (مترجم)، مریم بیات (مترجم)، مرجان انصاری (مترجم) ناشر: سخن – ۱۳۸۲ ۱۸ فرهنگ اصطلاحات انگلیسی – فارسی و چگونگی کاربرد آنها ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو، حسین وثوقی ناشر: رهنما – ۱۳۸۲ ۱۹ فرهنگ اندیشه نو(مقالات زبانشناسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده :مازیار،مترجم(علی صلح جو) فن مطالعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: لیندافریل انیس، علی صلح جو (مترجم)، احمد سمیعی(گیلانی) (ویراستار) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی – ۰۶ آذر، ۱۳۸۶ ۲۱ گفتمان و ترجمه ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو ناشر: نشر مرکز – ۰۵ اسفند، نظریه های ترجمه در عصر حاضر ویژگی اثر : پدید آورنده :هرمس ،مترجم(علی صلح جو) ۱۳۸۰۲۳ نکته ای ویرایش ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو ناشر: نشر مرکز – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۲۴ نمادها و نشانه ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: آلفرد هوهنه گر، علی صلح جو (مترجم) ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات – ۰۸ آبان، ۱۳۸۶ ۲۵ نمونه های نثر ساده انگلیسی (رشته مترجمی زبان انگلیسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو (ویراستار)، محمود علی محمدی (ویراستار)، بهروز عزبدفتری (گردآورنده) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۹ اسفند، ۱۳۸۶

صمصامی مهاجر، رضا قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ –۱۲۶۷ ش)، مترجم. ملقب به رفیع الملک. تصحیلات وی رشته ادبیات، دوره‌ی علوم جدید متوسه، و سمت رسمی او مدیریت عتیقات و موزه‌ی ملی بود. از آثار وی:«عود ارواح»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۵۴ / ۲)، مولفین کتب چاپی (۲۱۱ –۲۱۰ / ۳).

صمصامی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه‌ی علوم سیاسی وارد خدمت وزارت خارجه شد و عهده‌دار مشاغل مختلفی چون دبیری و کارداری سفارتهای روسیه و افغانستان شد. از آثار وی: «آخرین خانواده‌ی امپراطور روس»،ترجمه؛ «سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی بین‌المللی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۹۷ –۱۸۹۶ / ۲ ،۱۷ / ۱)، مولفین کتب چاپی (۷۲۶–۷۲۵ / ۴).

صناری خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۹ ق)، فقیه، مفسر، نحوی و لغوی. ادبیات را نزد شیخ ابوعلی ضریر نیشابوری آموخت و فقه را در خوارزم نزد ابوعبدالله وبری فراگرفت. آن‌گاه به بخارا رفت و فقه خویش را در محضر فقهای آن دیار تکمیل نمود. سپس به جرجانیه (خوارزم) بازگشت و سرانجام در قریه‌ی مذانه از قرای خوارزم سکنی گزید و عهده‌دار امور مذهبی‌آنجا گشت و در مسجد جامع آنجا هر صبح جمعه وعظ می‌گفت. او لغات غریب و اشعار مشکل بسیاری را در حفظ داشت. وی در مذانه درگذشت. از آثارش کتاب «شماریخ الدرر»، در تفسیر قرآن مجید می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۸ / ۵)، ریحانه (۴۷۰ -۴۶۹ / ۳)، کشف الظنون (۱۰۱۹، ۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۶۴ -۶۳ / ۱۴)، معجم المولفین (۱۴۹ / ۷).

صناعی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، مترجم، محقق، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۷، اراک.

درگذشت: شهریور ۱۳۶۴، لندن.

محمود صناعی که اشعار خود را با عنوان «هونر» (فرود) و «هونر» (م) منتشر می کرد، پس از پایان تحیلات متوسطه در کالج آمریکایی تهران از دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات پارسی و حقوق لیسانس گرفت. پس از چند سال تدریس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران در سال ۱۳۲۴ برای تکمیل تحصیلات خود عازم انگلستان گردید و در دانشگاه لندن به تحصیل در رشته‌ی حقوق و فلسفه و روان‌شناسی مشغول شد و به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی روان‌شناسی نایل شد. در سال ۱۳۳۳ به عضویت انجمن بین‌المللی پسیکوآنالیز انتخاب گردید. مدتی به سمت رایزن فرهنگی ایران در انگلستان خدمت کرد. وی همچنین عضو هیئت نظارت تألیف تاریخ ایران در کمبریج بود پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد و به مقام‌های ریاست دانشسرای عالی تهران و معاونت وزارت فرهنگ نیز رسید.

دکتر محمود صناعی همچنین موفق به تأسیس و پایه‌گذاری مؤسسه‌ی روان‌شناسی در دانشگاه تهران شد. وی در این مؤسسه کتابخانه‌ای حاوی کتابهای مربوطه و نشریات ادورای گرد آورد. او بیش از ده سال پیش از فوتش به انگلستان عزیمت کرد و در لندن ساکن شد.

علاوه بر مقاله‌هایی که در مجله‌های «ایران امروز»، «سخن»، «یغما»، «راهنمای کتاب» و «مهر» منتشر می‌کرد و مقاله‌هایی به زبان انگلیسی در مجله‌های جهانی منتشر می‌ساخت، فهرست آثار انتشار یافته وی به شرح زیر است: یادی از استاد (هرلدلسکی، ۱۳۳۲)؛ ترجمه‌ی چهار رساله افلاطون (۱۳۳۶)؛ آزادی فرد و قدرت دولت؛ آزادی و تربیت (۱۳۳۹)؛ اصول روان‌شناسی (نرمال ل. مان چاپ دوم، ۱۳۴۲)؛ پنج رساله از افلاطون (۱۳۳۴)؛ در آزادی (جان استوارت میل).

دکتر محمود صناعی در شهریور ۱۳۶۴ در لندن درگذشت.

در سال ۱۲۹۷ تولد یافت. پس از انجام تحصیلات متوسطه وارد دانشکده‌ی ادبیات شد و لیسانسیه در رشته‌ی فلسفه و علوم‌تربیتی شد. بعد به اروپا رفت و در دانشگاه لندن فلسفه و علوم‌تربیتی و روانشناسی تحصیل کرد و درجه‌ی دکترا گرفت . چندی در دانشکده‌های انگلستان تدریس می‌نمود، سپس به دعوت دولت ایران به تهران آمد و استاد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات تهران شد. مدتی ریاست دانشسرای عالی با او بود. بعد به معاونت وزارت فرهنگ و تعلیمات عالیه منصوب گردید. چندی هم وابسته‌ی فرهنگی ایران در لندن بود. صناعی در سال ۱۳۴۵ مجددا به روانشناسی به زبانهای انگلیسی و فرانسه می‌باشد. مردی بود به تمام معنی دانشمند و با فضل در روانشناسی و روانکاوی صاحب بصیرت. وقتی که در تهران اقامت داشت، مطبی دائر نمود و بیماران روانی را معالجه می کرد. در سال ۱۳۶۵ درگذشت.

(تو ۱۲۹۷ ش)، مترجم و نویسنده. در اراک به دنیا آمد. تصحیلات خود را در کالج آمریکایی تهران و دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی حقوق به پایان رسانید و در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات فارسی و زبان خارجه و حقوق به اخذ لیسانس توفیق یافت. پس از چند سال تدیس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران، جهت تکمیل تحصیلات به انگلستان رفت و پس از اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه لندن به تحصیل پسیکو آنالیز (روانکاوی) پرداخت و در ۱۳۳۳ ش به عضویت انجمن بین‌المللی آن رشته انتخاب گردید. مقالات متعددی که وی در مسایل مختلف روانشناسی اجتماعی انتشار داد، او را در زمره‌ی متخصصین بین‌المللی این فن درآورد. صناعی مدتی رایزن فرهنگی سفارت ایران در انگلستان بود. از آثار وی: «آزادی و تربیت»؛ «اصول روانشناسی»، ترجمه؛ «پنج رساله از افلاطون»، ترجمه؛ «چهار رساله‌ی افلاطون»، ترجمه؛ «در آزادی»، ترجمه؛ «یادی از استاد»، ترجمه.[۱]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کتابنامه‌ی نخسین دهه‌ی انقلاب (۲۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸ -۴۷ / ۶).

صورتگر، لطفعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۲۷۹ ش)، شاعر، نویسنده، مترجم، استاد دانشگاه. جد وی، آقا لطفعلی از نقاشان هنرمند و چیره‌دست قرن سیزدهم هجری بود که کارهای او در موزه‌های پاریس و لنینگراد موجود است و بهای گزافی دارد. صورتگر در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در شیراز به پایان رسانید، سپس به هند رفت و تحصیلات متوسطه را در آنجا به پایان رسانید سپس به ایران بازگشت و به خدمت ادارات دارایی و فرهنگ درآمد و مجله «سپسده‌دم» را در شیراز تاسیس کرد. در ۱۳۰۶ ش باری ادامه تحصیل به لندن رفت و در رشته‌ی زبان و ادبیان انگلیسی دکترا گرفت. صورتگر پایان‌نامه‌ی دکتری خود را درباره‌ی «نفوذ ادبیات ایران در ادبیات انگلستان در قرن پازدهم و شازدهم میلادی» نوشت. بعد از بازگشت به تدریس ادبیات فارسی و انگلیسی پرداخت و چندی نیز ریاست دانشگاه شیراز را عهده‌دار بوده وی چندی نیز مدیر مجله‌ی «آموزش و پرورش» بود و عضو فرهنگستان. صورتگر سفرهایی به کشورهای روسیه، آمریکا، پاکستان کرده و به مدت یک سال در دانشگاه کلمبیا سمت استادی داشته است. تا این که وفات یافت و در شیراز به خاک سپرده شد. از آثارش: «عشاق ناپل»، ترجمه؛ «سخن سنجی»؛ «تاریخ ادبیات انگلیسی»؛ «علم اقتصاد»؛ «دیوان» شعر؛ «ادبیات توصیفی ایران»؛ «ادبیات غنایی ایران»؛ «برگهای پراکنده»، شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۶۸ -۶۷)، تاریخ جراید (۳۰ -۲۸ / ۳ ،۲۷۴ / ۱)، چشمه‌ی روشن (۵۳۳ -۵۲۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸۳ -۴۶۸ / ۳)، الذریعه (۶۲۰ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۸ -۲۱۷ / ۴)، سخنوران نامی (۳۴۸ -۳۴۱ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۶۹ -۲۳۶۴ / ۴)، سواد و بیاض (۵۸۶ -۵۸۳)، شخصیت‌های نامی (۲۹۱ -۲۹۰)، صدف (۵۱۰ - ۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۳۱)، گلزار معانی (۴۳۲ -۴۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۲ - ۱۳۰ / ۵)،یغما (س ۲۲، ش ۷، ص ۴۱۲ -۴۱۱).

صهبا، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم صهبا, در سال ۱۲۹۰ در یکی از روستاهای تربت حیدریه به دنیا آمد.این استاد دانشگاه, روزنامه نگار وشاعر ،پس از اتمام تحصیلات متوسطه ،برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید, وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری, سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی میسرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد.وی به تدریس در دانشکده افسری پرداخت در ۱۳۲۴ش وارد وزارت دارایی شد. وی اولین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی«باباشمل» آغاز کرد و اشعارش با نام مستعار شیخ سُرنا و ابرام سرپا منتشر میکرد.ایشان در سال ۱۳۷۷ش دارفانی را وداع گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : روزنامه نگار وشاعر

والدین و انساب : ابراهیم صهبا, فرزند مهدی است.وی در یکی از روستاهای تربت حیدریه به دنیا آمد.پدرش از خوانین و مالکین بود که بر اثر ناملایمات و رنجهای فراوان زادگاهش را ترک گفت و به بیرجند کوچ کرد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : صهبا تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در مدرسه شوکتیه بیرجند فراگرفت و مدت یکسال هم در آنجا تدریس کرد. برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید, وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری, سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی میسرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد

زمان و علت فوت : صهبا در سال ۱۳۷۷ش دارفانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : وی به تدریس در دانشکده افسری پرداخت در ۱۳۲۴ش وارد وزارت دارایی شد. وی اولین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی«باباشمل» آغاز کرد و اشعارش با نام مستعار شیخ سُرنا و ابرام سرپا منتشر میکرد. در همین روزنامه بود که با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها رد وبدل شد. صهبا از موسیقی نیز بهره مند بود و تار می نواخت.

همفکران فرد : با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها رد وبدل شد. ---------------

----

آثار :

۱ انسان و شعر وماه

۲ دفتر صهبا

۳ ساغر صهبا

صیدلانی نیشابوری، ابوصادق محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ ق)، فقیه، مسند و ادیب. از نوادگان شاذان نیشابوری است. از ابوالعباس اصم و ابوعبدالله بن اخرم و ابوبکر صبغی حدیث شنید. بیهقی و رییس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد موذن از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۴۰۱ / ۱۷).

صیدلانی، ابوسعد محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. وی از شاعران ذولسانین عهد خود بود که برخی از اشعار عربی وی در «دمیه القصر» باخرزی مضبوط است. از شعر فارسی وی نیز نشانی در «لغت فرس» اسدی طوسی می‌توان جست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۴ / ۷)، شاعران بی‌دیوان (۵۴۵)، لغت‌نامه (ذیل / صیدلانی).

صیمری، ابوعنبس محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۵ ق)، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. از آثار وی «اصل الاصول»، در هیأت و نجوم است که متضمن بسیاری از اقوال ایرانیان در مسایل نجومی می‌باشد. او شاعری توانا بود. به بغداد رفت و ندیم متوکل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۷۷ / ۳)، تاریخ علوم و فلسفه‌ی ایرانی (۴۹۲)، النجوم الزاهره (۸۶ / ۳).

ضبی اصفهانی، ابومضر محمود

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۸ / ۵۰۷ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و طبیب. ملقب به فریدالعصر. وی نخستین کسی بود که مذهب کلامی معتزل را در خوارزم رواج داد. چون ضبی در صرف و نحو و لغت عرب استاد زمان خود و در انواع علوم ضرب‌المثل بود. افراد بسیاری بر گردش جمع شدند و مذهب او را پذیرا گشتند. او مدتی در خوارزم اقامت نمود و مردان بزرگی چون زمخشری و جمعی دیگر از بزرگان را در محضر خود تربیت کرد و آنها از علوم و معارف و مکارم اخلاق وی استفاده کامل کردند. ضبی در مرو درگذشت. زمخشری در سوگ او مرثیه گفت. از آثارش: «زاد الراکب»، مجموعه‌ای در شعر، ادب و اخبار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۲ / ۸)، ریحانه (۳۳۵ / ۴)، کشف الظنون (۹۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)،معجم الادباء (۱۲۴ -۱۲۳ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۵۷ -۱۵۶ / ۱۲).

ضیاء، سوسن

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سوسن ضیاء در سال ۱۳۱۸ ش. در تهران متولد شد.وی یکی از مترجمان معاصر در حوزه ادبیات کودکان است.ایشان هم اکنون با مجله رشد کودک و مؤسس ?پژوهشی کودکان (دنیا) همکاری دارد، و عضو و هنرجوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می باشد. کتاب"شهربانو "ترجمه سوسن ضیاء، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوسن ضیاء تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ژاندارک به پایان رساند و در این مدرسه زبان فرانسوی را آموخت و موفق به دریافت دیپلم زبان فرانسوی گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوسن ضیاء هم اکنون با مجله رشد کودک و مؤسس ?پژوهشی کودکان (دنیا) همکاری دارد، و عضو و هنرجوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می باشد.

جوائز و نشانها : کتاب"شهربانو "ترجمه سوسن ضیاء، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ بازیهای ورزشی در مهدکودک نشر کارگاه کودک

ویژگی اثر : ترجمه

۲ ریاضیات و بازی برای کودکان پیش دبستانی نشر کارگاه کودک

ویژگی اثر : ترجمه

۳ شهربانو نشر چشمه

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:«شهربانو» شهربانو/ سوزان فیشر استیپلز؛ ترجم ?سوسن ضیاء.- تهران: نشر چشمه، کتاب وَنوشِه، ۱۳۷۹. ۲۴۷ ص. خانم سوزان فیشر استیپلز روزنامه نگاری است که سالها در پاکستان زندگی کرده و کویر چولستان را درجنوب این کشور دیده است. کویر چولستان بخشی از کویر بزرگ تَهَر هند در خاک پاکستان است و نویسنده توانسته با مردمان قبیله نشین آن کویر دیدار کند. شهربانو، اولین کتاب داستانی این خانم نویسنده است که آن را به مردم چولستان تقدیم می کند. او در این داستان زیبا که تصویری ملموس و هنرمندانه از شرایط اجتماعی ارائه می دهد، موفق شده است چهر ?دختری نوجوان را ترسیم کند که چگونه در میان آرزوی ساختن زندگی اش به دست خویش و پیروی از قوانین مذهبی و آیین دیرپای قبیله ای سرگردان است. مترجم محترم این اثر که مخاطب آن گروههای سنی دوره های راهنمایی و سالهای دبیرستان است، به خوبی از عهد ?ترجمه برآمده و ضمن وفاداری به سبک اثر، متنی سلیس و خوشخوان ارائه کرده است.

۴ گربه ای که ناخواسته سخن می گفت نشر فارابی

ویژگی اثر : ترجمه

۵ یک مشت ستاره نشر چشمه

ویژگی اثر : ترجمه --
--

منابع :

۱www.ketabesal.ir

ضیاءالدین یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۱۹ -۸۸۲ ق)، دانشمند. وی اهل جام و از شاگردان علامه تفتازانی بود و در علوم معقول و منقول زمان خود استادی و مهارت داشت. در تبریز درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد. ضیاءالدین در خوشنویسی نیز دست داشت و خط نستعلیق را به شیوه‌ی میرعلی هروی خوش می‌نوشت. پدرش، جامی، کتاب «بهارستان» و رضی‌الدین لاری شرح خود بر کتاب «نفحات الانس» را برای خواجه ضیاءالدین یوسف نوشته‌اند.[۱]

یوسف بن عبدالرحمن جامی (شاعر معروف) (و. ۸۷۳ ه.ق.). جامی شرحی را که بر کافیه ابن صاحب در نحو نوشته و معمولا به «شرح جامی» معروف است به اسم همین فرزند خود ضیاءالدین به «الفوائد الضیائیهٔ» نامزد کرده و نیز تحفهٔالاحرار خود را خطاب به همین فرزند- که در آن هنگام چهار سال داشت- به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۲ / ۳)، از سعدی تا جامی (۷۷۴، ۷۶۳) بهارستان جامی (مقدمه/ ۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۵، ۴۷۰ / ۴)، حبیب السیر (۳۸۶ / ۳)، رشحات عین الحیات (۲۸۵ -۲۸۳ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین)،

نفحات الانس (مقدمه/ شانزده چهل و دو).

ضیاءنور، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، عالم ربانی.

تولد: ۱۲۹۹، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۶۴(۷ ربیع‌الاول ۱۴۰۶ ق.).

فضل‌الله ضیاءنور، فرزند حجت‌الاسلام حاج رضا ضیاءنور از واعظان اصفهان، از کودکی به فراگیری علوم و معارف اسلامی پرداخت. پس از مدتی علوم و معارف اسلامی از قبیل ادبیات، منطق، فقه و اصول و مخصوصا فلسفه و عرفان را پشت سر گذاشت. از جمله استادان وی می‌توان به این اسامی اشاره نمود: حاج میرزا علی واعظ شیرازی، آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا کلباسی، حاج صدرالدین هاطلی کوپایی، حاج شیخ محمدحسین عالم نجف‌آبادی، آیت‌الله حاج‌آقا رحیم ارباب، آیت‌الله سید محمدرضا خراسانی، ملا محمدعلی حبیب‌آبادی، حاج حسین خادمی، آیت‌الله حاج شیخ احمد فیاض، حاج شیخ محمود مفید.

استاد ضیاءنور ابتدا در کسوت روحانیت بود و علاوه بر تعلیم و تعلم، به منبر هم می‌رفت. در سال ۱۳۳۶ برای مطالعات جدید و علوم دانشگاهی و تدریس در دانشگاه و وزارت فرهنگ اصفهان نیز اقدام نمود. علاوه بر تدریس، به تحقیق درباره‌ی عرفان و تصوف اسلامی و شاعران ادب فارس به ویژه مولانا و حافظ پرداخت و کتابی به نام وحدت وجود تهیه کرد که آماده چاپ است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ضیایی دزفولی، محمد رشید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۷- ح ۱۳۳۲ ق). فقیه. ادیب و شاعر. متخلص به ضیایی. تحصیلاتش را در دزفول گذراند. سپسی به نجف رفت و تحصیلات خود را در آنجا در محضر شیخ انصاری و میرزای شیرای چندین سال ادامه داد. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به دزفول مراجعت نمود و به تدریس مشغول شد. چندی هم در خرم‌آباد و بروجرد اقامت کرد. سپس به عراق رفت و بعد از ۱۳۰۰ ق مجددا به دزفول بازگشت و به تدریس و ترویج علوم اسلامی و انجام وظایف شرعی پرداخت. او بسیار زاهد و پرهیزگار بود به حدی که هیچ‌گاه از وجوه خیراتی استفاده نکرد و از دست‌رنج و کسب و کار خود روزگار می‌گذراند. میراز هادی دزفولی از شاگردان اوست. وی در مقبره‌ی استاد خود سید حسین بن عبدالکریم گوشه در دزفول دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر که به نام «اشعار ضیایی دزفولی». در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۰ / ۹). الذریعه (۶۳۲ / ۹). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵-۷۲۴ / ۱۴). مؤلفین کتب چاپی (۱۲۶ / ۳).

ضیایی دهخوار قانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. اثر وی ترجمه‌ی «شوالیه دو مزون روژ» از الکساندر دوما (پدر) است که در دو جلد، در ۱۳۰۶ ش. در تهران منتشر شد و چاپ دوم آن در ۱۳۳۶ ش صورت گرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۷۴ / ۲). مؤلفین کتب چاپی (۷۷۱ / ۲).

ضیایی مرندی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۷۵ ق)، مترجم، مفسر، شاعر، متخلص به ضیایی. ملقب به ناظم الملک. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات و فراگیری فنون شعر و ادب از استادان زمان خود. وارد خدمات دولتی گردید و در وزارت خارجه به خدمت اشتغال ورزید و با زبان فرانسه آشنایی کامل یافت. ضیایی در اواخر عمر به قم مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را در روضه‌ی حضرت معصومه (س) دفن کردند. از آثار وی: «حقیقت‌نامه»، شعر، ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمومنین (ع) به امام حسن (ع)؛ «دیوان»؛ «سیاست نامه»، شعر، که ترجمه‌ی عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر است؛ «قصیده‌ی مولودیه»؛ «وصیت‌نامه‌ی حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین (ع)»، شعر؛ تفسیر «سوره العصر»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۴۲). الذریعه (۶۳۳ / ۹ .۳۳۸ / ۴). ریحانه (۱۲۴ -۱۲۳ / ۶). زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۰ / ۴). سخنوران نامی معاصر (۲۳۷۹ -۲۳۷۶ / ۴). شرح حال رجال (۲۸۵ / ۱). فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۶۵ .۲۵۵۰ .۲۰۵۳ / ۲ .۱۵۴۶ -۱۵۴۵ .۱۱۹۶ / ۱). مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸ -۴۴۷ / ۲).

طارمی زنجانی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۶۳ ق)، عالم، فقیه امامی، اصولی، متکلم و نحوی. در آب‌بر، از نواحی طارم، به دنیا آمد. وی ابتدا در زنجان به تحصیل پرداخت، سپس به قزوین رفت و در خدمت علامه‌ی وقت سید علی قزوینی، صاحب حاشیه‌ی «قوانین». مقدمات و مراتب علمی را فرا گرفت. برای تکمیل تحصیلات به عتبات مشرف شد. در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و فاضل ایروانی و فاضل مامقانی و میرزای شیرازی حاضر شد و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در حالی که از بزرگان علماء شده بود. به زنجان

بازگشت و به تدریس و تألیف و امامت جماعت پرداخت. وی رد زنجان درگذشت و در جوار سید ابراهیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاصول الجعفریه». در عقاید، به فارسی؛ «افضل المجالس فی المواعظ و المصائب»، که مقتلی است به فارسی؛ «تکمیل الایمان نی اثبات وجود صاحب الزمان». به فارسی؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «ربیع المتهجدین»، در نماز شب؛ «الارث» و «الدیات»، به فارسی؛ «شرح الاحتشام»، در شرح «نهج‌البلاغه»؛ «مشکل الرجال فی منتهی المقال»؛ «شرح الصمدیه»؛ «منتخب العلوم». در صرف و نحو؛ شرح «الدره» سید مهدی بحرالعلوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۹ / ۴). الذریعه (۲۸۵ / ۸ .۴۱۸ / ۴ .۲۵۹ .۱۸۰ -۱۷۹ / ۲ .۴۴۳ / ۱). ریحانه (۳۸۶ -۳۸۵ / ۲). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۹ / ۱۴). علماء معاصرین (۸۹). معجم المؤلفین (۱۶۸ -۱۶۷ / ۳). مکارم الآثار (۱۷۱۷ / ۵).

طارمی، نجم‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مترجم. وی از بزرگان دربار میرانشاه بن تیمور (م ۸۱۰ ق). بود. طارمی در فن انشاء تلسط داشت و به فرمان آن پادشاه کتاب «کامل التواریخ» ابن‌اثیر را به فارسی ترجمه کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۵۶). حبیب السیر (۵۵۰ / ۳).

طالب شیرازی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. در علوم ادبی مهارت و در علوم عربی دست داشته است. خط شکسته را پاکیزه و شیرین می‌نوشت. در چند سال آخر عمر به صدارت دیوان خانه‌ی عدلیه‌ی فارس منصوب شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۸۹ -۱۰۸۸ / ۲).

طالبوف تبریزی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۹ / ۱۳۲۸ ق)، نویسنده، مترجم. وی در تبریز به دنیا آمد. شانزده یا هفده ساله بود که تبریز را ترک کرد و به تفلیس رفت و به کسب و کار و تحصیل پرداخت. در اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه، طالبوف نیز که از مجرای زبان روسی اطلاعاتی به دست

آورده بود. از راه نوشتن به بیداری مردم و انتقاد از استبداد پرداخت. چنان که بعد از صدور فرمان مشروطیت از طرف مردم آذربایجان به نمایندگی مجلس انتخاب شد اما به دلیل نامعلومی از قبول وکالت سر باز زد. او مسلمان باعقیده‌ای بود و مراسم حج را بجا آورد ولی با این همه هرگز پایبند اوهام نشد. مردی وطن‌پرست و میهن‌دوست بود. در اواخر عمر برای درمان چشمش به برلین رفت و پس از بازگشت درگذشت. از آثارش: «سفینه‌ی طالبی» یا «کتاب احمد»؛ «مسالک المحسنین»؛ «مسائل الحیات»؛ «پندنامه مارکوس قیصر روم». ترجمه؛ «رساله‌ی فیزیک»؛ «نخبه‌ی سپهری»، که خلاصه‌ای از «ناسخ التواریخ» است در احوال رسول اکرم (ص)؛ «ایضاحات در خصوص آزادی»؛ «سیاست طالبی»؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «هیئت جدید».[۱]

(حاج ملا) عبدالرحیم بن (استاد) ابوطالب نجار تبریزی سرخابی، نویسنده و دانشمند (و. ۱۲۵۰– ف. تمرخان شوره ۱۳۲۸ ه.ق.) وی در حدود ۱۶ سال به تفلیس رفت و به تحصیل زبان روسی و ادبیات آن پرداخت و متدرجا نزد رجال و دانشمندان روسیه به درستکاری و راست گفتاری شناخته شد و سپس در تمرخان شوره – داراالحکومه داغستان– اقامت کرد و مورد احترام جمیع مسلمانان و جزایشان گردید و خانه‌اش مقصد امرا و علما و اعیان و ملجاء نیازمندان و مستمندان شد. وی یکی از نسختین نویسندگان فارسی است که ایرانیان را به تألیف رمانهای علمی و تآتر و ترجمه علوم و فنون و هنرهای زیبا و مکارم اخلاق به زبان ساده آگاه کرد، و این امر روز به روز بر اعتبار و منزلت او نزد همه می افزود. از آثار اوست: «کتاب احمد»یا«سفینه طالبی»در سه جلد،«پندنامه قیصر»،«مسالک المحسنین»،«مسائل الحیاة»،«فیزیک» و «تاریخ مختصر اسلام» (قزوینی. وفیات معاصرین یادگار ۵ شماره ۵ –۴)، «نخبه سپهری» در احوال حضرت رسول، ترجمه پندنامه مارکوس، هیئت جدیده ترجمه از فلاماریون، ایضاحات در خصوص آزادی، سیاست طلبی و غیره (لغ.)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین ایران (۱۲۷ –۱۲۶، ۱۰۲)، از صبا تا نیما (۳۰۴ –۲۸۷ / ۱)، پژوهشی در نثر و نظم دوره‌ی بازگشت ادبی (۱۲۹ –۱۲۵)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۹۱ –۱۹۰ / ۱)، چون سبوی تشنه (۳۴۲، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۰ / ۲)، الذریعه (۲۵۶ / ۹۵ / ۲۴، ۳۴۵ / ۲۰، ۲۶۳ / ۱۷، ۱۹۹ / ۳)، ریحانه (۱۷ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶ / ۳)، شخصیت‌های نامی (۳۰۲ –۳۰۱)، شرح حال رجال (۲۶۳ –۲۶۲ / ۲)، صد سال داستان‌نویسی (۲۵ –۲۴ / ۲ –۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۰۱ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ طالبوف)، مکارم الآثار (۲۰۲۴ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۶ –۸۲۴ / ۳)، یادگار (س ۵، ش ۵ –۴، ص ۸۶)، یغما (س ۴، ش ۵، ص ۲۲۱ –۲۱۴).

طاووسی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی ایران از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۵ و ارتقاء به درجه استادی در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گویش‌شناسی، فرهنگ و زبانهای پیش از اسلام، بررسی نارسائیهای دستور و دستورنویسی در دوره‌های دبیرستان، تدریس زبانهای خارجی و زبانشناسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان فارسی و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

زبانها و فرهنگ ایران پیش از اسلام، فرهنگ و ادبیات فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طاهری اهوازی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. ملقب به شوکت الوزاره. در ۱۳۱۳ ش موفق به اخذ گواهینامه از کالج آمریکایی تهران گردید و بعد وارد خدمت فرهنگ شد. وی علاوه بر دبیری زبان انگلیسی، نظامت دانشسرای پسران را نیز دارا بود. از آثار وی: «حاجی بابا در لندن»، ترجمه؛ «سه یار دبستانی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۴۵ / ۲ ،۱۱۴۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۲ -۵۵۱ / ۱).

طاهری عراقی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق.

تولد: ۱ اسفند ۱۳۲۲، اراک.

درگذشت: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۰، تهران.

احمد طاهری عراقی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۴۴ موفق به اخذ دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۵ شروع به کار در بنیاد فرهنگ ایران نمود. پس از طی دوره‌ی نظام وظیفه، در مرکز خدمات

کتابداری مشغول به کار شد و در سال ۱۳۵۱ برای تحقیق در رده‌بندی کتب اسلامی ابتدا عازم مشهد و سپس مصر شد. وی تا سال ۱۳۴۸ با این مرکز همکاری داشت.

در سال ۱۳۵۶ به دانشگاه ادینبورو انگلستان وارد شد و تحصیلات عالیه خود را همانجا ادامه داد. ضمنا در این دانشگاه به تدریس مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و دیوان حافظ نیز مشغول بود. در سال ۱۳۶۱، موفق به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی ادبیات عرب شد و دو سال بعد در مهر ۱۳۶۳ به ایران بازگشت و با بنیاد دایرۀالمعارف اسلامی شروع به همکای نمود. در این مدت وی در انتشار هشت شماره از نشریه‌ی «تحقیقات اسلامی» (در پنج دفتر) همکاری داشت. از سال ۱۳۶۴، نیز شروع به تدریس متون نمود. ضمنا ایشان در سرپرستی انتشار نخستین جزوه‌ی دانشنامه‌ی جهان اسلام (حرف ب، جزوه اول) به عهده داشت و مقدمات چندین جزوه‌ی دیگر را نیز فراهم آورد.

از جمله آثار وی، علاوه بر مقاله‌های وی که در «نامه‌ی انجمن کتابداران ایران»، و «نشر دانش» و «معارف» و «مقالات و بررسیها» و مقاله‌های وی که در دانشنامه‌ی جهان اسلام («ب در زبان عربی» و «ب در عرفان اسلامی») به چاپ رسیده‌اند، می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: رده بندی دهدهی دیوئی: اسلام (۱۳۶۳، ۱۳۵۳)؛ رده BP: اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانه‌ی کنگره) (۱۳۵۸)؛ مقدمه و حواشی و تصحیح رساله‌ی قدسیه، از کلمات بهاءالدین نقشبند (از خواجه احمد پارسا، ۱۳۵۴)؛ رده‌بندی دهدهی دیوئی: زبان‌های ایرانی (۱۳۶۶() ۱۳۵۰) رده‌بندی دهدهی دیوئی: ادبیات ایرانی (۱۳۶۳، ۱۳۵۱)؛ همکاری در تصحیح نصیحۀ الملوک غزالی (به تصحیح جلال‌الدین همایی، ۱۳۵۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طاهری، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، مترجم، منتقد.

تولد: ۱۳۱۳، اهواز.

درگذشت: ۲۱ اسفند ۱۳۶۹، تهران.

هوشنگ طاهری دارای مدارج دکترای تاریخ هنر از اتریش، مهندسی اقتصاد کشاورزی از آلمان و تحصیل موسیقی در کنسرواتوار وین بود. در سال ۱۳۴۶ به ایران آمد و در زمینه‌ی هنر و ادب، به نقد، پژوهش و آموزش پرداخت. با مطبوعات همکاری داشت. ابتدا دبیر هنری مجله «سخن» بود. سپس سردبیر آن شد. طاهری در دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک، دانشکده‌ی صدا و سیما و مجتمع دانشگاهی هنر در رشته‌ی سینما تدریس می‌کرد.

او از پیشگامان ترجمه‌ی فیلمنامه‌های آثار مدرن سینما بود. از آثار اوست: رئالیسم در ادبیات هنر (از ژان پل سارتر)، هنر اسلامی (از ارنست کونل)، خاکستر و الماس (از یرژی آندره یوسکی)، داستان‌های نوین آلمانی، تاریخ سینمای هنری (نوشته اولریش گرگور و انو پاتالاس، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین کتاب سال در رشته هنر، ۱۳۷۰)، توت فرهنگی‌های وحشی (اینگمار برگمن)، زندگی (اکیرا کوروساوا)، صحرای سرخ (میکل آنجلو آنتونیونی)، ام M- قاتل (فرتیس لانگ)، مهر هفتم (اینگمار برگمن)، ویریدیانا (لوئیس بونوئل)، هنر اسلامی (ارنست کوئل)، همچون در یک آینه (اینگمار برگمن)، هیروشیما، عشق من (آلن رنه مارگریت دوراس).

طاهری سال‌ها ویولن می‌نواخت و نقاشی را می‌ستود، مجموعه‌ای نفیس از تابلوها و کتاب‌های نقاشی را گرد آورده بود. اهل شعر و داستان بود. شعرهایی سروده بود و آنها را برای دوستان می‌خواند. همچنین نقدهایی بر فیلم‌های سینمایی نوشته بود. درباره‌ی سینما مطالبی برای مجلات یا روزنامه‌ها ترجمه می‌کرد یا تألیف می‌نمود. ضمنا در تلویزیون برنامه «سینما» را تهیه و اجرا می‌کرد. وی از جشنواره‌ی سوم سینمای آزاد به بعد یکی از داوران سینمای آزاد بود.

هوشنگ طاهری در تهران در بزرگراه آیت‌الله صدر بر اثر تصادف درگذشت. پیکر وی در آرامگاه خانوادگی‌اش در امامزاده‌ی عبدالله به خاک سپرد شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبایی اردکانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۱(۱۳۱۵ ق.)، اردکان (قریه گزلازقرا، سفلای اردستان).

درگذشت: ۱۳ مهر ۱۳۷۲، تهران.

سید محود طباطبایی اردکانی دارای درجه‌ی کارشناسی در رشته‌ی فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشته‌ی فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ دکتری شد.

وی از سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامه طباطبایی (در رشته‌ی ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی نیز به عهده وی بود.

از آثار ایشان است: فرهنگ جامع اردکان؛ بررسی گویه و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی؛ تاریخ تحلیلی اسلام؛ گزیده و شرح تاریخ بلعمی.

دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دار فانی را وداع گفت.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

زندگینامه

دکتر شادروان سید محمود طباطبائی اردکانی در سال ۱۳۱۵ دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران شد. سپس به ادامه‌ی تحصیلات عالی پرداخت. و سرانجام در سال ۱۳۴۷ در رشته فرهنگ اسلامی موفق به اخذ مدرک دکترا گردید. وی در سال ۱۳۵۳ به عضویت هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی نائل آمد و سرانجام به مرتبه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی ارتقاء یافت.

آقای دکتر طباطبائی اردکانی در تمام دوران دانشگاهی خود به پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکانی پرداخت. از ایشان ۵ جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام به جای مانده است. از وی حدود ۷ مقاله درباره‌ی ادبیات و علوم انسانی و تاریخ اسلام در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است.

سال تولـد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشـته: فرهنـگ اسـلامی، دانشـکده: ادبیـات فارسـی و زبانهـای خـارجی، دانشـگاه: علامـه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی در رشـته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسـی ارشد و دکترا در رشـته فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

عضویت در هیـات علمی دانشـگاه ابوریحان سابق در سال ۱۳۵۳، پس از طی مرحله اسـتادیاری، ارتقاء به درجه دانشـیاری دانشـگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکان، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی و تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات و علوم انسانی، تاریخ اسلام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبایی قمی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده و مترجم. در قم به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی را در قم و متوسطه را در دبیرستانهای تهران و انزلی و کرمانشاه و قزوین به پایـان رسانـد و در ۱۳۱۸ ش موفق به اخـذ دیپلم شـد. سـپس دوره‌ی دانشـکده‌ی کشاورزی کرج را گذرانـد و مهنـدس کشاورزی شد. بعد به دانشـکده حقوق رفت. پس از آن به اروپا عزیمت نمود و پس از گرفتن دکترای حقوق در دانشـگاه ژنو یک سال نیز به صورت مستمع آزد در دانشگاه لندن جهت بررسی فلسفه‌ی حقوق به سر برد و در راه مراجعت به ایران مدت شش ماه در دانشـگاه فؤاد اول در قاهره برای مطالعه در منطق ارسـطو مشـغول تحصـیل شـد. در تهران به وکالت دادگستری و مشاورت قضایی و وکـالت بعضـی از بانکهـا اشـتغال داشت. از آثار وی: «مبانی اقتصادی مسائل اجتماعی»؛ «مختصـری از فلسـفه ابن‌سـینا و نفوذ آن در غرب»؛ «مقدمه‌ی تئوری کلی و فلسفه‌ی حقوق»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۹۱، ۲۹۵۹، ۲۸۶۹ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۸-۵۸۶ / ۴).

طباطبایی نایینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از صاحب منصبان اداره‌ی کل گمرکات بود. بعد به کتابخانه‌ی مجلس انتقال یافت. از آثارش: «جیر جیرک»، ترجمه؛ «گامی لرزان رو به جهان شناخته نشده‌ی قرآن»؛ «لومن»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۳۰، ۲۷۰۶ / ۲، ۱۰۹۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸ / ۳).

طباطبایی یزدی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۵۶/ ۱۲۴۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصلوی، لغوی، شاعر و مرجع بزرگ. در کسنویه از قراء یزد به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای طراز اول آنجا همچون صاحب «روضات الجنات» و شیخ محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی نجفی و میرزا محمد هاشم چهار سوقیان ادامه داد، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. سپس برای تکمیل معلومات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس شیخ راضی نجفی و میرزای بزرگ شیرازی حاضر شد، پس از درگذشت میراز به تدریس علوم اسلامی پرداخت و سالها حوزه‌ی درسش از مهمترین حوزه‌های نجف بود. علامه یزدی در سرودن شعر به فارسی و عربی مهارتی تمام داشت. او در نجف درگذشت در جنب در طوسی صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش، احداث ابنیه خیریه و مدارس و مساجد است. مدرسه سید در نجف از جمله‌ی آثار او است. از آثار علمی‌اش: «العروه الوثقی»، که رساله‌ای است فتوایی، مشتمل بر سه هزار و دویست و شصت مسأله که در عراق و ایران و هندوستان به چاپ رسید و حاج شیخ عباس محدث قمی آن را به فارسی ترجمه نموده و «غایه القصوی» نامیده و بسیاری از مراجع تقلید بر آن حواشی نوشته‌اند؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی» و «تعادل و تراجیح»، حاشیه بر «متاجر» یا «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «احکام ظن»؛ رساله‌ای در «منجزات المریض»؛ «السؤال و الجواب»، در فقه؛ «الاستصحاب»؛ «الصحیفه الکاظمیه»؛ «بستان نیاز و گلستان راز»، در مناجات، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۴ / ۷)، الذریعه (۲۵۲ / ۱۵، ۱۰۸ / ۳، ۲۵ / ۲)، ریحانه (۳۹۳ -۳۹۱ / ۶)، شرح حال رجال (۲۵۱ -۲۵۰ / ۶)، علماء معاصرین (۱۱۴ -۱۱۳)، فوائد الرضویه (۵۹۷ -۵۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ یزدی)، معجم المؤلفین (۱۵۶ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۳۲۴ -۱۳۲۱/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰ -۲۶ / ۵).

طباطبایی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۱ -۱۲۴۶ ق)، مصحح، ادیب و نویسنده. ملقب به وکیل‌الرعایا و اعتضادالممالک و معروف به حاجی وکیل. در تبریز به دنیا آمد.

از خانواده‌های مشهور آن شهر بوده که سالیان دراز و کالت رعیت و مالیات آذربایجان را به عهده داشته. وی به خواسته‌ی امیر نظام گروسی والی آذربایجان «کلیله و دمنه» را تصحیح کرد. نادر میرزای قاجار «تاریخ و جغرافیای تبریز» را به اصرار وی تألیف کرد. میرزا کاظم کتابخانه‌ی مفصل و نسخه‌های خطی زیادی داشت. وی کتابی در انساب آل ابی‌طالب نگاشته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه رجال و مشاهیر (۲۶۹ / ۴)، شرح حال رجال (۱۸۱ -۱۸۰ / ۶، ۱۴۹ / ۳).

طباطبائی، عبدالعزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالعزیز فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید جواد طباطبائی یزدی (حفید و نوه آیت‌اللَّه العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه‌الوثقی و حاشیه مکاسب و غیره) که در تاریخ بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۳۴۸ برابر با چهارم آبانماه ۱۳۱۸ شمسی در نجف اشرف متولد شده و پس از طی مراحل مقدمات علوم اولیه ادبی را نزد حاج سید هاشم حسینی تهرانی و حاج سید جلیل طباطبائی یزدی و شرح منظومه را خدمت آیت‌اللَّه حاج سید عبداالاعلی سبزواری و اسفار را خدمت آیت‌اللَّه حاج شیخ صدراء بادکوبه‌ای خوانده و سطوح فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ ذبیح‌اللَّه قوچانی و حاج میرزا حسین نبوی کاشمری و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید علی علامه فانی اصفهانی و حاج شیخ علی سرابی و حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌اللَّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و خارج علم تفسیر و فقه و اصول را از محضر استاذ الاساتید آیت‌اللَّه العظمی خوئی دام ظله العالی آموخته و همین طور چند سالی در دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج شیخ حسین حلی حاضر شده و استفاده نموده و در این اثناء مدت بیست و پنج (۲۵) سال از محضر پر فیض دو استاد بزرگ مرحوم علامه مجاهد امینی صاحب الغدیر و علامه رازی حاج شیخ آقا بزرگ صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه بهره‌مند گردیده و از تربیت یافتگان مکتب این دو بزرگوار بشمار آمده است.

پس به کمک مرحوم علامه امینی در پیشبرد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف اشرف فعالیتهای موثر و چشمگیری داشته و نوشتن فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه نیز به عهده ایشان بوده است.

در اسفند ماه ۱۳۴۹ شمسی و ذی‌حجه ۱۳۸۹ قمری برای شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی از طرف دانشکده مشهد مقدس دعوت شده و از نجف به ایران آمده و در کنگره شرکت کرده و بنابر درخواست کتابخانه آستانه قدس حدود یکسال در مشهد مانده و نسخه‌های خطی فقه و اصول و حدیث آنجا را نوشته و باز به نجف بازگشته و تا سال ۱۳۵۶ برابر ۱۳۹۶ قمری در نجف به

فعالیتهای علمی و مذهبی خود ادامه داده تا در تاریخ یاد شده به ایران آمده و در قم اقامت نموده و همچنان به فعالیتهای مذهبی و علمی خود ادامه داده است.

و اکنون در حوزه علمیه قم وجود مغتنم و مفیدیست و در مسائل کتابشناسی و نسخه‌شناسی و حدیث و رجال و غیره نویسندگان و مولفان کتب و محققان متون و موسسات علمی و بنیادهای فرهنگی به ایشان مراجعه و از وجودشان استفاده می‌برند و نسبت به همه با گشاده‌روئی و ملاطفت جواب و پاسخ مثبت داده و راهنمائی و کمک می‌نمایند و بالاخص موسسه آل‌البیت قم که یک موسسه تحقیقاتی معروف است روابط بیشتری با ایشان دارند و آن جناب هم به این موسسه کمکهای زیادی می‌نمایند.

مسافرتهای ایشان

مترجم محترم ما به منظور بازدید کتابخانه و استفاده از نسخه‌های خطی و احیاء عکسبرداری از بعضی از آنها علاوه از کتابخانه‌های عمومی و شخصی ایران به کشورهای حجاز و اردن و سوریه و ترکیه و لبنان و انگلستان نیز مکرر سفر کرده و از کتابخانه‌های کشورهای مزبور استفاده‌های شایانی نموده است و در هر یک از مسافرتها خاطراتی را مرقوم داشته‌اند.

تألیفات ایشان

۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.

۲- فهرست قسمتی از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.

۳- معجم اعلام‌الشیعه

۴- علی ضفاف الغدیر

۵- تعلیقات بر طبقات اعلام الشیعه

۶- مستدرک الذریعه

۷- تعلیقات بر الذریعه

۸- تهذیب الذریعه

۹- مکتبه العلامه الحلی فهرست تألیفات علامه حلی و نسخه‌های خطی آن.

۱۰- المهدی علیه‌السلام فی السیره النبویه

۱۱- اهل البیت فی المکتبه العربیه

۱۲- الحسین والسنه

۱۳- نتایج الاسفار

۱۴- قید الاوابد

تصحیح متون

۱- فهرست شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه قمی

۲- فهرست شیخ طوسی

۳- مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد بن حنبل

۴- الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی تألیف ابوالخیر قزوینی مطبوع در سال ۹۲.

۵- ترجمه الحسن و الحسین علیهماالسلام از طبقات ابن‌سعد

۶- مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا مطبوع در سال ۸۶.

۷- رساله ذهبی در حدیث الغدیر

شرکت در کنگره‌های علمی

۱- هزاره شیخ طوسی در مشهد

۲- هزاره نهج‌البلاغه شریف رضی در تهران

۳- کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام در مشهد

۴- کنگره حسین (ع) در لندن

۵- کنگره و هزاره حادثه غدیر خم در لندن

اجازات ایشان

معظم‌له از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله اجازات روایتی و غیره دارند و خود نیز به چندین نفر اجازه روایتی داده‌اند.

فقیه.

تولد: ۱۳۰۸(۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۴۸ ق.)، نجف.

درگذشت: ۸ بهمن ۱۳۷۴(۷ رمضان ۱۴۱۶ ق.)، قم.

آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سید هاشم حسینی تهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالعی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فسلفه در نجف فراگرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمری و آقای حاج شیخ ذبیح الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنکرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فراگرفت. در فقه نیز از آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله العظمی ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و علامه عبدالحسین امینی صاحب الغدیر آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین موسوعه‌ی بزرگ شیعی یعنی الذریعه با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانه‌ی امیرالمومنین نجف که توسط علامه‌ی امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانه‌ی آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعه‌ی رجالی شیعه یعنی معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی یزدی متصدی مدرسه‌ی سید در نجف گردید و سال ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در ۱۳۹۶ ق. نجف را به قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از سوی مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.

مشایخ اجازه‌ی ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله العظمی خویی.

کتاب‌های ایشان از این قرار است: اساتید و مشایخ شیخ طوسی؛ اضواء علی الذریعهٔ؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد؛ الشیعه و هجمات الخصوم؛ الغدیر فی الثراث الاسلمی (کتابنامه غدیر هم، بیروت، ۱۳۱۴ ق.)؛ الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربهٔ فی مکتبات ترکیا؛ المهدی (ع) فی السنهٔ النبویهٔ، انباء السماء برزیهٔ کربلا؛ اهل‌البیت علیهم‌السلام فی المکتبهٔ العربیهٔ (معرفی و

توصیف کتاب های عربی اهل سنت در فضایل اهل‌بیت، دو جلد)؛ تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعهٔ (اولین نوشتار استاد در ۱۳۷۷ ق.)؛ حیاهٔ الشیخ یوسف البحرانی، علی ضفاف الغدیر(چاپ نشده)؛ فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، فهرس المخطوطات العربیهٔ فی مکتبهٔ امیرالمؤمنین (ع) العامهٔ فی النجف الاشرف؛ فهرس المخطوطاعت تبریز؛ فهرس المنتخب من مخطوطات لندن؛ فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز؛ فهرس کتب الحدیث فی مکتبهٔ الامام الرضا (ع)، فهرس کتب الفقهیه فی مکتبهٔ الامام الرضا (ع)، فهرست کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز؛ فی رحاب نهج‌البلاغهٔ (کتابنامه نهج‌البلاغه)؛ قید الاوابد و جمع الشوارد؛ ما ینبغی نشره من الثرات (معرفی کتاب های ارزنده مخطوط)؛ مخطوطات اللغهٔ العربیهٔ؛ مستدرک الذریعهٔ، معجم اعلام الشیعهٔ؛ مکتبهٔ العلامهٔ الحلی (که خلاصه آن در مقدمه ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ نتائج الاسفار (چاپ نشده). کتاب هایی که به قلم ایشان تصحیح شد؛ از این قرار است: فهرست منتخب الدین رازی؛ الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی؛ ترجمهٔ الحسن و الحسین (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد؛ مقتل امیرالمؤمنین (ع)؛ الحسین (ع) والسنهٔ (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع)، ترجمهٔ امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر، طریق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه (حافظ ذهبی)؛ عقدالدرر فی اخبار المهدی المنتظر (سلمی شافعی دمشقی)؛ فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین (حموی جوینی)؛ فهرست تصانیف کراجکی (آماده چاپ)؛ فهرست شیخ طوسی، فهرست شیخ منتخب الدین الاربعون المنتهی من مناقب المرتضی (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛ مطالب السئول (زیر چاپ)؛ مناقب امیر المؤمنین (ع) (احمد بن حنبل).

آیت‌الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان ۱۳۷۴ به سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه (س) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن‌شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبرییل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در ۵۲۳ ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکاف الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری درتفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج الموالید»؛ «الآداب الدینیه»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛

«معارج السؤل»؛ «نثر اللئالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو.[۱]

(ع. معر. تفرشی) ۱- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین ۴۸۰ – ۴۶۸ ه.ق.- ف. ۵۴۸ ه. ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد مجلسی در ریاض‌العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال ۵۲۳ ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشاراليه بود. در فقه فتاوای مخصوص دارد. مشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع‌البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه.م.) در تفسیر، الآداب الدینیهٔ للخزانهٔ المعینیهٔ در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج المواليد در تاریخ و انساب، العمدهٔ در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللآلی در کلمات قصار علی ۴ و غیره. ۲- رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. ۶ ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حناط دانسته‌اند)، مکار الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرارالامامهٔ (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).

الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.

اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند ۱- مجمع‌البیان در تفسیر قرآن ۲- الوسیط (تفسیر متوسط) ۳- الوجیز (تفسیر مختصر) ۴- جوامع الجامع ۵- الاداب الدینیه للخزانهٔ المعنیه ۶- غنیهٔ العابد ۷- منیهٔ الزاهد ۸- تاج المواليد ۹- کنوز النجاح ۱۰- عدهٔ السفر ۱۱- عمدهٔ الحضر ۱۲- النور المبین ۱۳- الفائق ۱۴- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.

بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم‌الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوهٔ‌الانوار در ادعیه است.

بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال ۵۲۳ قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال ۵۴۸ قمری از دنیا رفت.

جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.

و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبداللّه خان ازبک افغانی قتل عام کردند

صاحب روضات گوید از صاحب ریاض‌العلماء منقولست که میان همه طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.

نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.

پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را

ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه

پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد

فوائد الرضویه ص ۳۵۲

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۵۳ –۳۵۲ / ۵)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۰۱ –۳۹۸ / ۸)، تأسیس الشیعه (۳۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۹ / ۲)، الذریعه (۲۴ / ۲۰ ،۲۴۹ –۲۴۸ / ۵ ،۲۴۲ ، ۲۴۰/ ۲ ،۱۸ / ۱)، روضات الجنات (۳۴۹ –۳۴۲ / ۵)، ریحانه (۳۶ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۹۱ –۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷ –۲۱۶ / ۶)، فوائد الرضویه (۳۵۲ –۳۵۰)، کشف الظنون (۱۶۰۲ ،۱۲۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (۶۷ –۶۶ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۹۴–۱۹۳)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۸۰ –۲۷۷ / ۵).

طبری، ابوطیب طاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۰ –۳۴۸ ق)، قاضی، محدث، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر شافعی. در آمل به دنیا آمد. چهارده ساله بود که فقه آموخت. در آمل از ابوعلی زجاجی و در گرگان از ابواحمد بن غطریف و در نیشابور از ابوالحسن ماسرجسی و در بغداد از دارقطنی و علی سکری و شیخ ابوحامد اسفراینی حدیث شنید. ساکن بغداد شد و در آنجا به تدریس و افتاء و قضاوت مشغول گردید. ابواسحاق شیرازی که از شاگردان اوست گوید که در تحقیق و اجتهاد و فکر و نظر بالاتر از ابوطیب ندیده است و خطیب بغدادی گوید که استاد ما ابوطیب شخصی پرهیزگار، عارف به اصول و فروع، محقق و خوش‌برخورد بود. گویند که او و برادرش فقط یکدست لباس داشتند و هرگاه یکی از آن دو از منزل خارج می‌شد دیگری مجبور می‌شد در منزل بماند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. اغلب اشعارش به طریقه‌ی فقه و مسائل فقهی می‌باشد. وی در اصول و مذهب و علم خلاف و جدل کتابهای بسیاری تألیف کرد.از آثارش: شرح «مختصر» المزنی، در یازده جزء، در فقه شافعی؛ شرح «فروع» ابن‌حداد مصری؛ کتابی‌در «طبقات الشافعیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۱ / ۳)، انساب سمعانی (۴۷ / ۴)، تاریخ بعداد (۳۶۰ –۳۵۸ / ۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۵ / ۲)، روضات الجنات (۱۴۶ –۱۴۵ / ۴)، ریحانه (۴۶ –۴۵ / ۴)، سیر النبلاء (۶۷۱ –۶۶۸ / ۱۷)، العبر (۲۹۶ / ۲)، الکامل (۸۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۶۳۸ ،۱۶۳۵ ،۱۲۵۷ ،۱۱۰۰ ،۴۲۴) ، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر)، معجم المؤلفین (۳۷ / ۵)، النجوم الزاهره (۶۵ / ۵)، الوافی بالوفیات (۴۰۴ –۴۰۱ / ۱۶)،وفیات الاعیان (۵۱۵ –۵۱۲ / ۲)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۱).

طبری، احسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، شاعر، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۵، ساری.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۶۸، تهران.

احسان طبری، فرزند فخر طبری ملقب به فخرالعارفین، در شش سالگی به مکتب سید عبدالمجید رفت و قرآن را تعلیم گرفت و خواندن و نوشتن آموخت. نصاب‌الصبیان و کتاب‌های جودی و جوهری را نیز خواند. در هفت سالگی به مدرسه‌ی احمدیه رفت و پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به علت تبعید پدرش به تهران به اتفاق مادرش به آن شهر عزیمت کرد و دوره‌ی دبیرستان را هم به انجام رسانید، آنگاه به دانشکده‌ی حقوق راه یافت و فارغ‌التحصیل شد. در خلال تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به فراگرفتن علوم ادبیه و عربیه پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد اساتید کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی یافت.

در سنین جوانی به سبب آشنایی با تقی ارانی به مارکسیسم گروید و در سال ۱۳۱۶ همراه با ۵۲ تن دیگر به زندان رضاشاه افتاد و همزمان با تبعید رضا شاه به جزیره موریس، از زندان رهایی یافت، سپس در فعالیت‌های حزب توده شرکت داشت، مدتی سردبیری روزنامه‌ی (رهبر) به صاحب امتیازی ایرج اسکندر را در تهران به عهده داشت (۱۱ بهمن ۱۳ -۱۳۲۲ آذر ۱۳۲۵)؛ پس از چندی به اراک تبعید شد و در سال ۱۳۲۵ در کنگره‌ی نویسندگان در تهران شرکت کرد. در پس ترور نافرجام شاه در سال ۱۳۲۷ و اعلام غیر قانونی بودن حزب توده، در سال ۱۳۲۸ به اعدام محکوم شد، ناگزیر از ایران خارج شد و به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در آکادمی مسکو به تحصیل پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و به مقام استادی رسید، در این مدت وی در رادیو مسکو کار می‌کرد و سرانجام پس از نه سال فعالیت در این کشور به آلمان شرقی رفت و در شهر لایبزیک اقامت گزید. در برلین دوره‌ی آکادمی علوم اجتماعی را گذراندن و به دریافت مقام علمی «دکتر هانیل» در فلسفه دست یافت و سال‌ها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس اشتغال داشت. وی با زبان‌های عربی و پهلوی و روسی و آلمانی و انگلیسی و فرانسوی و ترکی آذری و ترکی اسلامبولی آشنایی داشت و در تخصش در زمینه‌ی تاریخ فلسفه و ادبیات بود.

در سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج‌گیری قیام مردم و انقلاب اسلامی به ایران آمد و فعالیت‌های سیاسی خود را با بازگشایی حزب توده از سر گرفت. در سال ۱۳۶۲ بنا به تشخیص مصادر امور، فعالیت حزب توده مغایر مصالح جمهوری اسلامی شناخته و به اتفاق کادر رهبری حزب دستگیر و زندانی شد. وی در زندان به اشتباهات خود و حزب اعتراف کرد و کتاب کژراهه (خرداد ۱۳۶۶) را در این زمینه نوشت.

احسان طبری در روزهای پایانی عمر خود نیز مشغول به نگارش اثری موسوم به آورندگان اندیشه‌ی خطا بود که حاوی کنکاشی است در اندیشه‌های احمد کسروی، صادق هدایت و سید حسن تقی‌زاده اما این امر با بسته شدن کتاب عمر وی به سبب نارسایی کلیوی در سال ۱۳۶۸ به انجام نرسید و نیمه تمام ماند.

احسان طبری همچنین به داستان نویسی نیز می‌پرداخت. افسانه‌های تمثیلی وی با نثر شبه کلاسیک آن و با استفاده از اساطیر ایرانی و اروپایی در خدمت تبلیغ مرام سیاسی خاصی است. از جمله داستان‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شکنجه و امید (۱۳۲۶)؛ مجموعه‌ای از قطعات ادبی او و در دوزخ (۱۳۲۷)؛ خدایان از بند رسته (با امضای طباطبا که ظاهرا از اوست، ۱۳۳۱)؛ حماسه‌ی گئومات (چاپ شده در کشورهای اروپایی شرقی، نمایشنامه تاریخی منظوم)؛ فرهاد چهارم (داستان، استکهلم، ۱۹۷۷ ۱۳۵۶)؛ خانواه برومند (داستان)؛ چشمان قهرمان باز است (مجموعه داستان)؛ پنجامه (مجموعه داستان)، چهره خانه (داستان)؛ دهه نخستین (داستان)؛ رانده ستم (داستان).

از احسان طبری سه مجموعه شعر به نام‌های از میان ریگ‌ها و الماس‌ها و دریچه پاییز و در سال ۱۳۶۰ مجموعه شعری به نام ترانه‌ی خوابگونه (مجموعه شعر نو) طبع و نشر کرد.

علاوه بر آثار فوق می‌توان به عنوان‌های دیگری نیز اشاره نمود: آنتی دورینگ (فردریک انگلس)؛ الفبای مبارزه (استکهلم، ۱۹۷۷ ۱۳۵۶)؛ انسان و پراتیک اجتماعی و رفتار فردی وی (در زمینه اخلاق)؛ ایران در دو سده‌ی واپسین (مجموعه‌ای از دو کتاب بنیاد آموزش انقلابی و بررسی‌ها درباره برخی از...، ۱۳۶۰)؛ برخی بررسی‌ها درباره‌ی جنبش‌ها و جهان‌بینی‌های اجتماعی در ایران (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۰ ۱۳۴۸)؛ برخی مسائل حاد انقلاب ایران؛ بررسی چند مسئله‌ی اجتماعی؛ بررسی‌های اجتماعی و تاریخی؛ بنیاد آموزش انقلابی (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۱ ۱۳۵۰)؛ جامعه ایران در دوران رضاشاه (یک تحلیل عمومی، چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۷ ۱۳۵۶)؛ جامعه و جامعه شناسی؛ چهره‌ی یک انسان انقلابی (برخی از مسائل اخلاقی و انسان‌شناسی، ۱۳۶۰)؛ دانش و بینش (در زمینه عرصه های نوین علمی)؛ درباره منطق عمل، دو مقاله درباره‌ی تبلیغات (۱۳۶۱)؛ دو هفته در اتحاد جماهر شوروی (با همکاری نورالدین کیانوری)؛ دوزخ شغالشاه رؤیای چینی (۱۳۲۷)؛ رد تئوری همگرایی (سیاسی)؛ زایش و تکامل تئوری انقلابی؛ فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانه‌ی انقلاب مشروطیت (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۵ ۱۳۵۴)؛ سفر جادو؛ سیمای یک انقلابی؛ شناخت و سنجش مارکسیسم (۱۳۶۸)؛ شمه‌ای درباره‌ی شناخت ایران و جهان؛ گفتگو با یک روشنفکر مأیوس (نمایشنامه)؛ نوشته‌های فلسفی و اجتماعی.

(۱۳۶۸ –۱۲۹۵ ق)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در ساری به دنیا آمد. قبل از هفت سالگی به یادیگری علوم دینی پرداخت. دوران دبستان را در ساری گذراند. بعد از تبعید پدرش به تهران، او نیز به تهران آمد و دوره دبیرستان را به انجام رسانید، آن‌گاه به دانشکده حقوق رفت و فارغ‌التحصیل شد. وی در همان وقت به فراگرفتن علوم ادبی و عربی پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد استادان فن کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی کامل یافت. در ۱۳۱۶ ش به همراه گروه پنجاه و سه نفر یاران دکتر تقی آرانی زندانی شد. بعد از آزادی به حزب توده پیوست و از برجسته‌ترین اعضای آن حزب شد. وی به علت تبلیغات کمونیستی از جانب رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد و ناگزیر به شوروی پناه برد و در آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن به برلین رفت و در آنجا موفق به کسب دکترای فلسفه شد و سالها در دانشگاههای آلمان به تدریس پرداخت. وی به زبانهای روسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه و ترکی تسلط کافی داشت. بع داز انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازگشت. در ۱۳۶۲ دستگیر و زندانی شد. احسان طبری از بزرگترین نظریه‌پردازان مارکسیسم در ایران و جهان بود. از حافظه و استعداد شگرف برخوردار بود، و در زمینه‌ی شعر کلاسیک و نو و داستان و رمان و تحقیقات فلسفی و بررسیهای لغوی و فرهنگ عامیانه و مسایل سیاسی و اجتماعی اطلاعات عمیقی داشت. از آثار وی: «فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری »؛ «شناخت و سنجش مارکسیسم»؛ «خانواده برومند»؛ «روشنفکر مأیوس»؛«زایش و تکامل تئوری انقلابی»؛ «رانده‌ی ستم»؛ «دهه نخستین»؛ «کژراهه»؛ «حماسه گئومات»؛ «از میان ریگها و الماسها»، مجموعه‌ی شعر؛ «ترانه خوابگونه»، مجموعه‌ی شعر؛ «آنتی دورینگ»، ترجمه؛ «شکنجه و امید»؛ «در دوزخ»؛ «رویای چینی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۱۵۵ –۱۴۸ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۲، ص ۵۶)، مازندران، شرح حال رجال معاصر (۱۴۸ –۱۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱۴ –۳۱۳ / ۱).

طبری، محیی‌الدین عبدالقادر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۳ -۹۷۶ ق)، عالم و ادیب شافعی. در مکه به دنیا آمد. در دوازده سالگی قرآن کریم و «الفیه» ابن‌مالك و «اربعین» نووی را حفظ کرد و در پانزده سالگی شروع به تحصیلات علمی نمود. ادبیات، فقه، تفسیر، حدیث، طب، منطق، هیئت و حکمت را از بزرگان زمان خویش فراگرفت. طبری نظم و نثر نیکویی داشت و خطیب و مفتی مکه بود. وی در مکه درگذشت. از آثارش: «عیون المسائل من اعیان الرسائل »؛ «الاساطین فی حج السلاطین»؛ شرح «المقصوره الدریدیه» به نام «الآیات المقصوره/ الرایات المنصوره علی الابیات المقصوره»؛ «کشف النقاب عن انساب الاربعه الاقطاب»؛ «افحام المجاری فی افهام البخاری»؛ «حسن السریره فی حسن السیره»، در سیره پیامبر (ص)؛ «سل السیف علی حل کیف»؛ «کشف الخافی من کتاب الکافی»، در علم عروض و قافیه؛ «عرائس الابکار و غرائس الافکار»، در تفسیر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۸ / ۴)، ایضاح المکنون (۶۴۶، ۳۷۹، ۳۶۸، ۳۵۹،۱۳۵، ۱۱۹، ۹۷، ۲۲ / ۲ ،۴۰۴، ۱۰۸، ۶۸، ۷ / ۱)، ریحانه (۴۶ / ۴)، الکنی و الالقاب (۲۰۵ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقادر)، معجم المؤلفین (۳۰۳ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۰ / ۱).

طبسی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۶ ق)، عالم و مترجم. وی از علمای اوایل قرن دهم هجری است که کتاب «الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم» را به فارسی، به خواست برخی از سروران خود، در ۹۲۶ ق ترجمه کرده است و در آن یادآور شده که طبق مذهب اهل حق بسم‌الله جزئی از سوره به حساب می‌آید، مگر در سوره‌ی برائت، و در پایان متذکر شده که ملا عبدالعلی بیرجندی این کتاب را در ۹۰۱ ق شرح کرده است.[۱]

ملا احمد بن حاج محمد طبسی سکاکی مترجم کتاب الدر النظیم در خواص قرآن عظیم که در سال ۹۳۶ هجری بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۸۵ / ۸،۱۰۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ / ۶).

طبسی، محمدتقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج محمدتقی طبسی از شاگردان محقق آقا جمال‌الدین خونساری صاحب کتاب (ادعیهٔ الاسابیع) و ترجمهٔ مهج‌الدعوات و ترجمه ادعیهٔ الاسابیع بوده که به امر شاه سلطان حسین صفوی نموده است و حاشیه بر مدارك نوشته و در سال ۱۱۲۵ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبیب تهرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، پزشک و مترجم. پدرش در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه طبابت می‌کرد. میرزا محمد کتاب «وبائیه در طب» را که مربوط به یکی از اطبای اروپایی بود ترجمه و تهذیب کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷ /۳۳۴۹ / ۲) مؤلفین کتب چاپی (۴۶۲ -۴۶۱ / ۵).

طرازی بغدادی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۲ ق)، مسند، محدث، فقیه و ادیب حنبلی. مسند خراسان و از بزرگان نیشابور بود. از ابوالعباس اصم و ابوحامد احمد بن علی بن حسنویه و ابوبکر محمد بن مؤمل و ابوعمر و بن مطر و دیگران حدیث شنید. ابوبکر خطیب بغدادی و صاعد بن سیار و ابوسعد علی بن عبدالله بن ابی‌صادق و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابونعیم حافظ از او اجازه روایت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۴ / ۱)، سیر النبلاء (۴۱۰ -۴۰۹ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۲۵ / ۳)، العبر (۲۴۸ / ۲).

طسوجی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۲ / ۱۲۲۹- شهادت ۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، مفسر، محدث، ادیب و شاعر. نسبتش به طسوج آذربایجان می‌رسد. در کربلا به دنیا آمد. مادرش دختر علی مرادخان زن بود. نیای بزرگش ملا عبدالنبی طسوجی از نوابغ علما در دولت زندیه بود. در کربلا نشوونما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. در ۱۲۵۴ ق برای تحصیل، سفری به اصفهان کرد و در ۱۲۵۷ ق به نجف بازگشت و در محضر بحث و درس شیخ انصاری حاضر شد. وی از دانشمندان بزرگ از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری بود. او در قضیه‌ی نجیب شاپا در کربلا شهید شد. در شهادتش مرثیه سروده شد و ماده تاریخش «شد شهید اشقیا افسوس وی» بود.از آثار وی: کتاب «کشکول»؛ حواشی متفرقه بر «ریاض»؛ «تفسیر»، ناتمام؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «الرحله الی الحجاز» یا «سفرنامه‌ی حجاز»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشعیه (۳۹ / ۳)، ریحانه (۵۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷ / ۱۳)، مکارم الآثار (۸۵۹ / ۳).

طسوجی، عبدالنبی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۰۳ -۱۱۱۷ ق)، فقیه، اصولی، ریاضیدان، ادیب و شاعر. پدر وی بنا به روایتی اوجاق قلی از نوادر عهد شاه سلطان حسین صفوی بود. ملاعبدالنبی در خوی متولد شد. علوم عقلیه، فنون عربیه و ادبیه را در لاهیجان نزد سید محمد لاهیجانی فراگرفت. به مشهد رفت و نزد ملارفیع گیلانی علوم فقه و اصول و ریاضی و معقول را تکمیل نمود. سپس به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. میرزا حسن در فوت او ماده تاریخی سروده بود. از جمله آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «شرح نهج‌البلاغه»؛ «حاشیه‌ی تفسیر تونی»؛ «شرح معانی الاخبار»؛ «الردعلی نواقض الرافض»؛ «تحفهٔ السالکین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۶ /۸)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۷)، الذریعه (۱۳۴، ۷۲ /۱۴، ۲۳۳ /۱۰، ۲۸۱ /۴)، ریحانه (۵۷ -۵۶ /۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴ /۶)، معجم المؤلفین (۲۰۱ /۶)، مکارم الآثار (۱۵۱ - ۱۵۰ /۱).

طغرایی اصفهانی، ابواسماعیل حسین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۳- شهادت ۵۱۸ / ۵۱۵ / ۵۱۳ ق)، شاعر، ادیب و نویسنده. ملقب به مؤیدالدین، عمید فخر الکتاب. معروف به طغرایی. وی از استادان بزرگ شعر و ادبیات عرب است که در خانواده‌ای که نسب خود را به ابوالاسود دؤلی می‌رسانید، در اصفهان تولد یافت. نسبت طغرایی به جهت اشتغال او به منصب طغرانویسی یا نگارش فرمان‌های رسمی حکومتی بود. ابتدای امر در نزد خواجه نظام‌الملک به سر برد و در قصاید خود او را مدح گفت. در ۵۰۵ ق دیوان طغرا و انشاء سلطان مسعود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی به وی واگذار شد و در همین سال به سبب گرفتاری که در بغداد برای او پیش آمد، قصیده‌ی معروف «لامیه العجم» را سرود و همین قصیده از اسباب عمده اشتهار او در ادب عربی است. طغرایی در جنگی که میان سلطان مسعود با برادرش سلطان محمود، در نزدیکی همدان درگرفت، اسیر و به دست وزیر سلطان محمود به ناحق کشته شد. از دیگر آثار وی: «ارشاد الاولاد»؛ «ترکیب الانوار»؛ «جامع الامرار»؛ «حقایق الاستشهادات»؛ «ذات الفوائد»؛ «الرد علی ابن سینا»؛ «مفاتیح الرحمه و مصابیح الحکمه»؛ «دیوان» طغرائی.[۱]

(ع.) ابواسماعیل مؤیدالدین حسین بن علی اصفهانی از جمله فاضلان و ادیبان دوره سلجوقی (و. ۴۵۳- مقت. بین ۵۱۳ و ۵۱۶ ه.ق). وی وزارت مسعود بن محمد بن ملکشاه را داشت و مشیر و صاحب تدبیر او بود. او را دیوان شعری به عربی بوده است که قصیده معروف «لامیهٔ العجم» از جمله قصاید آن دیوان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۸ -۲۶۷ / ۲)، اعیان الشیعه (۱۳۰ -۱۲۷ / ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۹ -۱۰۳۸ / ۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۵۲۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۲۶ / ۲)، الذریعه (۳۰۳ -۳۰۲ / ۲۱، ۲۷۲ -۲۷۱ / ۱۸، ۱۱۹ -۱۱۸ / ۱۷، ۲۷۵ - ۲۷۴ / ۱۳، ۶۴۹ -۶۴۸ / ۹)، روضات الجنات (۱۸۳ -۱۸۱ / ۳)، ریحانه (۵۹ -۵۷ / ۴)، سیر النبلاء (۴۵۵ -۴۵۴ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴۳ -۴۱ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۸۷ -۸۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰ / ۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۷)، کشف الظنون (۱۷۵۵، ۱۵۳۷، ۸۳۸، ۸۲۱، ۷۹۸، ۶۷۲، ۵۳۴، ۳۹۴، ۶۸)، الکنی و الالقاب (۴۵۰ -۴۴۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین طغرائی، طغرائی،

فخر الکتاب)، معجم الادباء (۷۹ -۵۶ / ۱۰)، معجم‌المؤلفین (۳۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۰ / ۲)، النجوم الزاهره (۲۲۰ / ۵)، الوافی بالوفیات (۴۳۹ -۴۳۱ / ۱۴)، وفیات الاعیان (۱۹۰ -۱۸۵ / ۲)، هدیه العارفین (۳۱۲ -۳۱۱ / ۱).

طلائی، محمد حسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا محمّد خراسانی. عالم فاضل، و فقیه کامل، در کیمیا رنجها کشیده و کتابها تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- شرح رساله جابر بن حیان ۲- شرح شذور الذهب ۳- شرح مفتاح جلدکی؛ و غیره.

در سال ۱۱۲۹ وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید.

پدرش ملّا احمد خراسانی هندی نیز از فضلا معدود بوده، و در سال ۱۱۱۰ وفات یافته، و در آب بخشان مدفون بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طوبی نایینی، محمدثانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۴ ق)، شاعر و ادیب. در مدتی که پدرش کار وزارت یا انشاء می‌کرد، او نیز نیابت نایین و سرحد داری بلوچ و راهداری را در دست داشت. طوبی مردی ادیب و صاحب قلم بود. اشعار عربی و فارسی وی در زمان حیاتش بالغ بر سی هزار بیت بود که به دلیل عدم جمع‌آوری خود در زمان حیات، بعد از مرگش فقط توانستند در حدود دو هزار بیت از اشعار وی را جمع‌آوری کنند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۳۲ -۱۱۲۹ / ۲).

طوبی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۴ ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بودکه در سخنوری توانا و در علم هیأت استاد بود. طوبی در اصفهان درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۳)، الذریعه (۶۵۱ / ۹)، ریحانه (۶۲ / ۴).

طوسی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوجعفر محمـد بن حسن ملقب به شـیخ‌الطائفه، از بزرگترین علمای دینی شـیعه (و. طوس ۳۸۵- ف. نجف ۴۶۰ ه.ق.). وی در ۴۰۸ ه.ق. از طوس به بغـداد رفت و چهـل سـال بعـد به نجف شـد. تحقیقـات او در حـدیث و تفسـیر و فقه و رجـال و کلام و ادب مرجع علمای شـیعه میباشد. او صاحب تألیفات مهم در مسایل مذهبی شـیعه است که از جمله آنهاست: کتاب تبیان (ه.م.)، استبصار (ه.م.)، تهذیب الاحکام، العدهٔ فی اصول الفقه، کتاب الرجال، کتاب الغیبهٔ، فهرست کتب الشـیعهٔ و اسماء المصنفین، النهایهٔ، کتاب الخلاف، کتاب الجمل والعقود، کتاب یوم دلیلهٔ، تلخیص شافی، المفصح در امامت، مناسک الحج، مقتل الحسین، اخبار مختار و غیره.

(۴۶۰ -۳۸۵ ق)، فقیه، عـالم، مولف دو کتاب از کتب اربعه شـیعه و بنیانگـذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف. معروف به شـیخ‌الطائفه و امام الفرقه بعد الائمه (ع). در ۴۰۸ ق در بیست و سه سالگی از خراسان وارد عراق شد. پس از چهل سال از بغداد به علت ترس از فتنه‌ای که در آن زمـان (۴۴۸ ق) در بغـداد درگرفته بود و کتابهـای شـیخ و خـانه‌ی او را طعمه‌ی آتش خویش کرده بود، به نجف اشـرف مهـاجرت کرد. او بر کرسـی کلاـم می‌نشـست و جوابگوی خـاص و عـام در تمامی مسائل حتی در امامت بود. آن کرسـی از جانب خلفـاء به او عرضه شـده بود و مخصوص یگـانه‌ی دوران بود. شـیخ طوسـی بینان‌گـذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف است که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گـذرد. وی شاگرد شـیخ مفیـد و ابن‌غضائری و ابن‌عبدون و ابن ابی‌جید قمی و سـید مرتضـی و علی بن شـبل بن راشد و حسـین بن قاسم علوی و احمد بن ابراهیم قزوینی و هلال بن محمد حفار و احمد بن محمد اهوازی و جعفر بن حسین قمی و ابـوعلی بـن شـاذان و بسـیای دیگر از اسـاطین علـم و دیـن است. شـاگردان دانشـمند و مجتهـد وی متجـاوز بر سـیصد تن از شـعیه و بی‌شـماری از عامه بودنـد. فرزنـدش شـیخ ابوعلی حسن بن شـیخ، صاحب کتاب «المجالس»، از شاگردان و راویان او است. در میان شاگردان او آدم بن یونس نسـفی، ابوصـلاح حلبی، شیخ‌الاسـلام حسن بن بابویه قمی، محی‌الـدین حسن همـدانی، ابومحمـد حسـن جبهانی، حسـین بن فتح واعظ جرجانی، ابوصـمصام حسـینی، سـلمان بن حسن صـهرشتی، ابوالصلت محمد بن عبدالقادر، سعدالدین ابن‌براج، شـیخ علی سبزواری، شـیخ عبیـداللّه بن بابویه قمی، غازی بن احمـد سامانی، کردی بن عکبری فارسـی، ابوالحسن دیباجی، محمد وراق، شـیخ ابوجعفر حلبی، ابوسـعد منصور آبی، جمال‌الدین محمد طبری، ناصـرالدین رضی حسینی، محمد بن حسن فتال و بسـیاری دیگر را می‌تـوان نـام برد. در هفتـاد و پنـج سـالگی در نجف درگـذشت و در منزل خویش که اکنون مزار معروفی است به خاک سپرده شد. خانه‌اش و مسـجدش که یکی از معروفترین مساجد نجف است و همچنین آثار باقی مانده از او، تاکنون برجاست.

از آثـار علمی وی: در تفسـیر: «التبیـان»؛ «الجـامع لعلوم القرآن»؛ در حـدیث: «تهـذیب الاحکـام» یا «التهـذیب»؛ «الاسـتبصار»؛ در فقه: «المبسوط»؛ «الخلاف»؛ «الایجاز»، در فرائض؛ «الجمل و العقود»، در عبادات؛ «الاقتصاد»، در عقاید و عبادات؛ «النهایه»؛ در علم اصول و رجال: «العـده» که ملا خلیل آن را شـرح کرده است؛ «الفهرست» که در آن «اصول» و نگارشـهای اصـحاب و تصانیف آنها آورده شده «و شیخ سلیمان ماحوزی آن را مرتب و شرح کرده و «معراج الکمال الی معرفه الرجال» نامیده است؛ «الابواب» که به نام «رجال شیـخ» یـا «رجـال الطوسـی» معروف است؛ «اختیـار رجـال الکشـی» یـا «اختیـار معرفه الرجـال». از دیگر آثـار او: «التلخیص للشافی» و «المفصـح»، هر دو در کلام و امامت؛ «هـدایه المسترشـد و بصیره المتعبـد»؛ «کتاب الغیبه»؛ «مناسک حـج»؛ «المجالس»، در اخبار که «امالی» اوست؛ مقتل الحسین (ع)»؛ «اخبار مختار»؛ «مصباح المتهجد»، در اعمال سال.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۵/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۶۷ -۱۵۹/ ۹)، ایضاح المکنون (۷۲۲، ۵۷۳، ۴۵۴، ۴۲۴، ۳۳۵، ۲۸۶، ۲۷۶ ،

۲۶۶، ۲۱۲، ۹۵/ ۲، ۶۰۴، ۳۱۴، ۳۱۸، ۲۲۳/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۸/ ۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۶ -۲۵)، تاسیس شیعه (۳۱۳)، تاریخ علم کلام در ایران و جمان اسلام (۲۵۹ -۲۵۶)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۴۸۵ -۴۸۳)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۳۷۸ - ۳۷۶/ ۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۶۳۴/ ۲)، الذریعه (۲۳۵/ ۷، ۱۴۵/ ۵، ۳۳۱ -۳۲۸/ ۳، ۴۸۶، ۲۶۹، ۱۴/ ۲، ۳۶۵/ ۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۰۶/ ۱)، رجال النجاشی (۳۳۳ -۳۳۲/ ۲)، روضات الجنات (۲۳۱ -۲۰۱/ ۶)، ریحانه (۳۲۸ -۳۲۵/ ۳)، سیر النبلاء (۳۳۵ -۳۳۴/ ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲ -۱۶۱/ ۵)، طبقات خلفاء و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (۳۹۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۹)، فقهای نامدار شیعه (۷۹ -۶۷)، فوائد الرضویه (۴۷۳ -۴۷۰)، الفهرست للطوسی (۱۶۱ -۱۵۹)، قرآن پژوهی (۱۷۵ -۱۷۳)، قصص العلماء (۴۱۶ -۴۱۴)، الکامل (۱۰۶/ ۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۲ -۱۲۱)، کشف الظنون (۱۹۷۳، ۱۵۸۱، ۴۵۲)، الکنی و الالقاب (۳۹۷ -۳۹۴/ ۲)، لسان المیزان (۵۲/ ۶)، لغت نامه (ذیل/ ابوجعفر طوسی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۶ -۴۰۲/ ۵)، مجالس المومنین (۴۸۲ -۴۸۰/ ۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۶۰)، معجم المؤلفین (۲۰۲/ ۹)، معجم رجال الحدیث (۲۴۷ -۲۴۳/ ۱۵)، منتخب التواریخ (۱۹۰ -۱۸۹)، الوافی بالوفیات (۳۹۴/ ۲)، وقایع السنین و الاعوام (۲۶۸)، هدیه الاحباب (۹)، هدیه العارفین (۷۲/ ۲).

طوسی، ابوابراهیم اسحاق

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۵۵ -۵۶۴ ق)، قاری، محدث، ادیب و دانشمند. در مراکش ادب آموخت. قسمتی از «صحیح» مسلم را از دایی مادرش، ابوعبدالله بن زرقون، استماع کرد و قراآت هفت‌گانه را نزد علی بن هشام جذامی آموخت. او از ابومحمد بن عبیدالله حدیث شنید و از ابوعبدالله بن خلیل قیسی، آخرین شاگرد ابوعلی غسانی، اجازه روایت داشت. ابوجعفر بن زبیر از شاگردان وی بود. طوسی هر روز قرآنی ختم می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۰۱ -۳۰۰/ ۲۳)، الوافی بالوفیات (۳۹۸/ ۸).

طوسی، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۱، برنده بورس فولبرایت از طریق آزمون سراسری دبیران زبان انگلیسی و تحصیل در دانشگاه جورج تاون آمریکا در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد در زبانشناسی و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲ و درجه دکترا در آموزش زبان از انگلستان در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد در گروه زبان و ادبیات انگلیسی.

ابداع:

۱۵ اختراع در زمینه‌های مانع‌یاب زیردریائی برای شناورها و کمک مکانیک پارک اتومبیل.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مهارتهای مطالعه، خودآموزی تندخوانی، اصول عملی نوشتن مقاله و رساله.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

آموزش زبان انگلیسی، روشهای تدریس، ارزشیابی مسائل و مشکلات دانشگاهها، اصول و روش تحقیق و تربیت نیروی متخصص برای بازسازی کشور.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طوطی اهری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، ادیب و نویسنده. از ادیبان و سخنوران آذربایجان بود. از آثارش: منظومه‌های «سبیکه المعانی فی المصادر و المعانی» و «توقیعات التقویم»می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۴۷ -۲۴۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۳۳ / ۲ ،۹۷۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۵ -۵۸۴ / ۲).

طهمانی مروزی، ابوالعباس عیسی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۳ / ۲۹۲ ق)، محدث، ادیب، کاتب و لغوی. پیشگام اهل لغت و از بزرگان مرو بود.از اسحاق بن راهویه و علی بن حجر و گروهی دیگر حدیث شنید. به بغداد رفت و از عمر بن محمد بخاری و راهویه و علی بن حجر و گروهی دیگر حدیث شنید. به بغداد رفت و از عمر بن محمد بخاری و احمد بن بکر تغلبی و یعقوب بن جراح حدیث روایت کرد. محمدبن مخلد و عبدالباقی بن قانع و احمد بن خضر و یحیی بن محمد عنبری و عمر بن علك از وی حدیث شنیدند.

ابوسعید ابن الاعرابی گوید که در بازار یحیی از طهمانی حدیث شنیده است. خطیب بغدادی او را فردی مورد اعتماد توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۸۸ / ۴)، تاریخ بغداد (۱۷۱ -۱۷۰ / ۱۱)، سیر النبلاء (۵۷۲ -۵۷۱ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲۱۱ - ۲۱۰ / ۲)، العبر (۴۲۴ / ۱)، النجوم الزاهره (۱۷۷ / ۳).

طهوری، عبدالغفار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خادم نشر.

درگذشت: ۱۹ آذر ۱۳۷۴، تهران.

عبدالغفار طهوری کار خود را در کتابفروشی دانش آغاز کرد و سپس خود را از سال ۱۳۳۱ دست به کار نشر کتاب زد. نخستین کتابی که منتشر کرد، فرهنگ فارسی تألیف محمد کیوان پورمکری (دکتر محمد مکری) بود. فردوس المرشد فی اسرار الصمدیه به تصحیح ایرج افشار که در سال ۱۳۳۳ توسط انتشارات غفوری منتشر شد. وی کتابفروشی خود را نخست در مغازه‌ای در خیابان شاه‌آباد سابق باز کرد و پس از چندی به رو به روی دانشگاه تهران نقل مکان کرد.

از جمله فعالیت‌های وی چاپ و صد و پنجاه جلد کتاب به نام مجموعه زبان و فرهنگ ایران بود. از آثار دیگر او مختصری از شرح حال و منتخبی از اشعار دهخدا (۱۳۳۳) است. مجموعه کتابفروشی او نیز بیشتر شامل کتاب‌های عرفان و ادبیات فارسی است.

عبدالغفار طهوری در پی سکته‌ی مغزی در سال ۱۳۷۴ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طبیب اصفهانی، جلال‌الدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف کتاب «دستورالجلالی» در طب به زبان عربی، از فضلای قرن ۱۲ و ۱۳. نسخه‌ی کتاب مورخ به سال ۱۲۷۵ به خط محمد حسن بن محمدرضا نائینی به شماره‌ی جزو کتب کتابخانه‌ی پزشکی طهران موجود است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طبیب اصفهانی، محمد سعید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌محمد صادق، مترجم کتاب «رجوع الشیخ الی صباه فی القوة علی الباه» تألیف مولی احمد بن سلیمان مشهور به ابن‌کمال پاشا متوفی به سال ۹۴۰ قمری می‌باشد. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی علیه‌السلام موجود است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ظاهری اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۹۷ -۲۵۵ ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر. مذهب ظاهری بدو و به پدرش منسوب است. پدرش پیشوای دینی بود. اصلش از اصفهان است اما در بغداد به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت. چون نحیف و رنگ‌پریده بود به او گنجک لندوک می‌گفتند. ابن‌حزم گوید که در هفت سالگی قرآن را از بر کرد و در ده سالی قادر به مذاکره‌ی شعر و ادب بود. با ابوالعباس بن سریج در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مشاعره داشت. بعد از پدر متصدی کرسی فتوا شد گر چه عده‌ای او را برای این مقام جوان می‌دانستند اما او شایستگی خو را اثبات کرد. در مجلس درس او چهارصد قلمدان مشاهده می‌شد. او از پدرش و عباس دوری و ابوقلابه رقاشی و احمد بن ابی‌خیثمه و محمد بن عیسی مدائنی حدیث روایت می‌کرد. نفطویه و قاضی ابوعمر محمد بن یوسف از شاگردان وی می‌باشند. از آثار وی: «الزهره»، در ادبیات و غرائب و نوادر، که آن را زیر نظر پدرش نگاشت؛ «الانذار»؛ «الاعذار»؛ «التقصی»، در فقه؛ «الوصول الی معرفه الاصول»؛ «الایجاز»؛ «اختلاف مصاحف الصحابه» یا «اختلاف مسائل الصحابه»؛ «الفرائض»؛ «المناسک»؛ «الانتصار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۵ / ۶)، انساب سمعانی (۱۰۰ / ۴)، ایضاح المکنون (۶۲۰ / ۱)، تاریخ بغداد (۲۶۳ -۲۵۶ / ۵)، تذکره القبور (۳۱۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۵۹ -۵۵۷ / ۳)، ریحانه (۷۱ / ۴)، سیر النبلاء (۱۱۶ -۱۰۹ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲۲۶ / ۲)، العبر (۴۳۳ / ۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۵، الکامل (۱۳۷ / ۶)، کشف الظنون (۲۰۱۴، ۱۴۲۳، ۱۳۹۹، ۱۳۹۴، ۹۶۲، ۱۷۳)، الکنی و الالقاب (۴۵۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌داوود)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۲۹۷)، مروج الذهب (۶۸۹ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۹۷ -۲۹۶ / ۹)، النجوم الزاهره (۱۹۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۶۱ -۵۸ / ۳)، وفیات الاعیان (۲۶۱ -۲۵۹ / ۴).

ظاهری، خلیل

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۳ -۸۷۲ ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در ۸۴۰ ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک»و خلاصه آن به نام «زبده کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»،

تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبیر»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضیئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر،در چندین مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۷ / ۲)، ایضاح المکنون (۵۹۶ / ۲ ،۴۶۰ / ۱)، ریحانه (۴۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۵۲۳ ،۱۴۹۶ ،۹۵۳ ،۳۰۵ ،۹۷)، معجم المؤلفین (۱۲۰ / ۴).

ظفر ایلخان بختیاری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، مترجم. در چهار محال بختیاری به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در یران و تحصیلات تکمیلی در امور سیاسی و اجتماعی را در لوزان سویس، و انگلستان انجام داد. از ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ ش به حکومت یزد منصوب و همچنین چند دوره (از دوره‌ی چهارم تا هشتم) به وکالت مجلس انتخاب شد.وی در کابینه‌ی سپهبد زاهدی به سمت وزیر مشاور عضویت داشت. از آثارش: «سفری به سرزمین دلاوران»، ترجمه؛ «زندگی و افکار و عقاید سقراط»، ترجمه؛ «شاهزاده خانم بعلبک»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روزشمار تاریخ ایران (۳۵، ۱۹، ۱۸ / ۲ ،۴۰۹، ۲۷۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۶ -۷۰۵ / ۲)، نخبگان سیاسی ایران (۴۷۱ / ۴).

ظفری، ولی‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نگارش و تدوین یک دوره تاریخ ادبیات ایران، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پژوهشی درباره شاعران، زندان‌ها و انواع شکنجه‌ها تا قبل از انقلاب اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

پژوهشی درباره مقلدان سعدی، اشعار و امثال کلیله، نکته‌هایی درباره مسعود سعد سلمان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ظهیر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) حسن بن ظئر مکنی به ابوعلی فارسی، فقیه و لغوی و نحوی (ف. قاهره ۵۹۸ ه.ق). مولد اودهی به نام نعمانیه بود و از آنجا به شیراز رفت و به فارسی شهرت یافت. وی در فنون علوم و قراات عشره و تفسیر قرآن عالم و در فقه و حدیث و کلام و منطق و حساب و هیئت و طب مبرز و در لغت و نحو و عروض و قوافی و روایت اشعار عرب چیره‌دست بود و در هر فنی از این فنون کتابی را از برداشت. اوراست: کتابی در شرح الصحیحین، اختلاف الصحابهٔ و التابعین و فقهاء الانصار که به پایان نرسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ظهیر کازرونی، علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۱- ح ۶۹۷ ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، لغوی و شاعر. از رجال دوران مغول بود که در عراق زندگی می‌کرد. خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد که از آن جمله: «روضه الاریب»، در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب»، در حساب؛ «الملاحه فی الفلاحه»؛ «النبراس المضیء» یا «نبراس المفتی»، در فقه شاعفی؛ «الذروه العلیا فی سیره المصطفی (ص)»؛ منظومه «الاسدیه»، در لغت؛ «التنزلات» کازرونی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۵ / ۵)، ایضاح المکنون (۷۱۵ ۷۱۴ / ۲ ،۳۲۸ / ۱)، ریحانه (۷۶ / ۴)، کشف الظنون (۱۹۲۳، ۱۰۱۳، ۹۲۳، ۴۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۲۳۲/ ۷)، هدیه العارفین (۷۱۵ / ۱).

ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۲۶ ق)، عالم امامی، متکلم، حکیم متأله، ادیب و شاعر. پدرش میرزا قوام‌الدین حسین در عهد شاه طهماسب در همدان عهده‌دار منصب قضاوت و متصدی امور شرع بود، بدین جهت میرزا ابراهیم به قاضی‌زاده نیز مشهور است. وی به همراه پدرش مدتی در قزوین بود لذا توانست در محضر میر فخرالدین سماکی تلمذ کند و علوم عقلی را فراگیرد. چون به همراه پدر به اصفهان رفت، شاگرد میرزا مخدوم اصفهانی شد. وی تحصیلات را در فقه و ادب و حکمت و کلام و بلاغت ادامه داد تا سرآمد شد. مراتب علمی او با زهد و تقوی توأم بود. حدیث را از شیخ بهائی فراگرفت و از او اجازه‌ی روایت دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد بن نعمت‌الله عاملی ملاقات کرد و از او نیز اجازه‌ی روایت دریافت کرد. او بعد از وفات پدر قاضی همدان شد، لیکن اکثر اوقات خود را در درس و مطالعه و مباحثه می‌گذراند. شیخ بهایی او را بر میرداماد ترجیح می‌داد و مکاتباتی بین آن دو جریان داشت. ظهیر همدانی از دانشمندان بزرگ عصر خود بود و جمع کثیری از علمای زمان از محضر وی استفاده کردند. مجلسی اول، علامه ملا محمد تقی، از وی اجازه‌ی روایت گرفت. او تألیفات و تصنیفات بسیار دارد که از آن جمله است : رساله‌ی «اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ «انموذجه الابراهیمیه»، تلعیقات بر دو کتاب «شفا» و «نجاه» ابن‌سینا؛ حاشیه بر «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه بر «شرح جدید تجرید»؛ حاشیه بر «کشاف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹ / ۱)، اعیان الشیعه (۱۲۹ -۱۲۸ / ۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۱۳ -۲۰۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۴)، الذریعه (۱۱۳، ۱۱۰، ۱۱ / ۶، ۴۰۹ / ۲)، روضات الجنات (۴۳-۴۲ / ۱)، ریاض العلماء (۱۳ -۹ / ۱)، ریحانه (۷۴-۷۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ -۱۲ / ۱۱)، فوائد الرضویه (۵)، الکنی و الالقاب (۵۱ -۵۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ابراهیم)، معجم المؤلفین (۲۳ / ۱)، هدیه العارفین (۲۹ / ۱).

ظهیر ی سمرقندی، بهاء الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، ادیب. از مترسلان و کاتبان بزرگ ایران و از وزیران خاندان خانیه یا آل‌افراسیاب بود. مدتی صاحب دیوان رکن‌الدین قلج طمغاج‌خان بن مسعود بن حسین از پادشاهان این سلسله بود. عوفی او را با لقب الصدرالاجل یاد کرده و اسم او را در باب «وزراء و صدور» آورده است. لقبش را در تذکره‌ها ظهیرالدین آورده‌اند اما او خود، به تصریح، بهاءالدین ذکر کرده است. از آثار او: «اغراض السیاسه فی اعراض الریاسه»، در آداب سلطنت، که پس از ۵۵۲ ق نوشته است؛ «سمع الظهیر فی جمع الظهیر». از دیگر آثار او نگارش «سندبادنامه»به نثر مزین به فارسی ادبی است که آن را به نام قلج طمغاج‌خان نوشته است. این کتاب از داستانهای عروفی است که ظاهرا از هند به ایران آمده و در زمان ساسانیان به پهلوی ترجمه شده و رودکی آن را به نظم آورده است. تهذیب دیگری از این کتاب به زبان پارسی، به وسیله شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی مروزی در اواخر قرن ششم ق انجام گرفته است.[۱]

بهاءالدین محمد بن علی بن محمد بن عمر کاتب سمرقندی دبیر طمغاج‌خان ابراهیم (اواخر قرن پنجم ه.) و مترجم سندباد نامه (ه.م.)

به فارسی است. وی آن ترجمه را در حدود ۶۰۰ به پایان برده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۳ -۹۹۹ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۴۸ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۲۴ / ۲)، کشف الظنون (۱۰۰۳، ۱۰۰۲، ۱۳۰)، گنج و گنجینه (۲۴۶ - ۲۴۰)، لباب الالباب (۹۲ -۹۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد)، مع موسوعات رجال الشیعه (۱۶۲ -۱۶۱ / ۱).

عابدی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود عابدی در سال ۱۳۲۳ ش در چادگان - یکی از روستاهای آن روز شهرستان فریدن - به دنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی می باشد.ایشان اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است.کتاب"کشف‌المحجوب "تصحیح وی ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود عابدی تحصیلات ابتدایی و بخشی از متوسطه را در زادگاه خود- فریدن- به انجام رساند و پس از طی دورهٔ دانشسرای مقدماتی در سال ۱۳۴۲ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. ضمن خدمت در آموزش و پرورش، دورهٔ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه اصفهان به پایان برد و مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا را در سالهای ۱۳۵۴ - ۱۳۶۳ در دانشگاه تهران پشت سر گذاشت.پایان‌نامهٔ دکترای وی تصحیح انتقادی نفحات‌الانس جامی بود که در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد.

استادان و مربیان : محمود عابدی از محضر استادان بزرگی چون: دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر زرین‌کوب، دکتر پرویز خانلری، دکتر خلیل خطیب رهبر، دکتر احمد مهدوی دامغانی و دکتر مظاهر مصفا و ... بهره‌ها برد و در کارهای پژوهشی‌اش همواره به تأثیر نفس و عظمت تحقیقات استادان یاد شده می‌اندیشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود عابدی هم اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است

جوائز و نشانها : پایان‌نامهٔ دکترای محمود عابدی تصحیح انتقادی نفحات‌الانس جامی بود که در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد. همچنین کتاب"کشف‌المحجوب "تصحیح وی ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : محمود عادبذی افزون بر سخنرانیها و مقالات متعدد در زمینه‌های تصوف و عرفان، بخصوص حافظ و شعر او، دارای آثار گرانسنگی است. --
----

آثار :

۱ ترجمهٔ کهن عهدنامهٔ مالک اشتر

ویژگی اثر : تصحیح

۲ تکلمهٔ نفحات‌الانس

ویژگی اثر : تصحیح

۳ جستجویی در نهج‌البلاغه

ویژگی اثر : ترجمه

۴ خردنمای جان‌افروز

ویژگی اثر : تصحیح

۵ درویش گنج بخش

ویژگی اثر : تالیف

۶ علم و علم‌آموزی در اسلام

ویژگی اثر : تالیف

۷ کشف‌المحجوب

ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب کشف‌المحجوب کشف‌المحجوب / تألیف علی بن عثمان هجویری؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. - تهران: سروش، ۱۳۸۳. هفتاد و چهار، ۱۱۵۶ ص. کشف‌المحجوب اثر کم نظیر ابوالحسن علی بن عثمان هجویری یکی از ارزشمندترین متون صوفیانه فارسی است که در سدهٔ پنجم هجری به رشتهٔ تحریر درآمده است. این اثر علاوه بر شرح بسیاری از اصول تصوف و آداب صوفیان، در گزارش فرق صوفیه و کشف حقایق بعضی از احکام و آداب دینی و آیینی صوفیان فصولی دارد که در نوع خود بی سابقه و در میان منابع اصلی تصوف بی مانند است. افزون بر اینکه وسعت دایرهٔ واژگان در این اثر به اندازه‌ای است که برای محققان گونه‌های زبان فارسی حوزهٔ حیات مؤلف و عصر او، بررسی و مطالعهٔ آن امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از کشف‌المحجوب دست نوشته‌های متعددی در کتابخانه‌های تاشکند، لاهور، هند و برخی از کشورهای دیگر جهان موجود است و این امر از فراوانی خوانندگان و علاقه‌مندان این کتاب حکایت دارد. این اثر نخستین بار به سال ۱۳۸۳ ه . 'ق در شهر لاهور چاپ و پس از آن نیز بارها به طبع رسیده است که از میان آنها طبع لنینگراد با تصحیح والنتین ژوکوفسکی، مدرس زبان فارسی دارالفنون سن پترزبورگ قابل ذکر می‌باشد و همین چاپ نیز بارها در ایران به صورت افست منتشر شده است. تصحیح جدید این اثر به همت جناب آقای دکتر محمود عابدی بر اساس نسخه‌های معتبر و قابل توجه، همراه با مقدمه و تعلیقات ارزشمند و رفع کاستیهای چاپهای پیشین این کتاب، صورت گرفته است و تلاش مصحح محترم برای ارائه تصحیحی دقیق و سودمند از این اثر قابل ستایش می‌باشد

۸ کلمات علیهٔ غرا

ویژگی اثر : تصحیح

۹ مطلوب کل طالب

ویژگی اثر : تصحیح

۱۰ نفحات‌الانس

ویژگی اثر : تصحیح

۱۱ نهج‌البلاغه از کیست

ویژگی اثر : ترجمه

عارفچه، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا اسماعیل طبسی خراسانی. پدرش در طبس متولد شده، پس از تحصیل مقدمات علوم جهت تکمیل به اصفهان آمده، و خدمت حجۀالاسلام و دیگران تلمذ کرده، و هم در این شهر وفات یافته است، در هارون ولایت مدفون شده. مردی فاضل و متقی بوده و روزگار به کتابت می‌گذرانیده است.

صاحب عنوان در اصفهان متولد شده، و تحصیلات خود را نزد علمای این سامان همچون ملا حسین علی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهشهانی به پایان رسانیده، در عداد خطبا و واعظین بوده.

کتب چندی در مواظع منبری تألیف نموده که از آن جمله است: ۱ – انیس الواعظین ۲ – زاد العارفین ۳ – زاد المواقف ۴ – زاد الواعظین و غیره.

وی در سال ۱۳۲۲ وفات یافته و در تکیه‌ی آقارضی در تخت فولاد مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاصی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : مصطفی عاصی در سال ۱۳۲۴ در تهران بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکترای رشته زبان شناسی گرایش کامپیوتر و فرهنگ نگاری از دانشگاه اکستر انگلستان – ۱۳۶۸میباشد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی(با درجه علمی دانشیار) می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

گرایش : کامپیوتر و فرهنگ نگاری

والدین و انساب : مصطفی عاصی فرزند سید محمد عاصی است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مصطفی عاصی به قرار زیر است: دیپلم ریاضی از دبیرستان دارالفنون تهران – ۱۳۴۲ لیسانس (کارشناسی) زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکد ه ادبیات دانشگاه تهران – ۱۳۴۷ فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) زبانشناسی همگانی ازدانشکد ه ادبیات دانشگاه تهران – ۱۳۵۰ دکتری زبانشناسی با گرایش کامپیوتر و فرهنگ نگاری از دانشگاه اکستر انگلستان – ۱۳۶۸ دوره های تخصصی : دوره روش تدریس زبان انگلیسی – ۱۳۵۰ دوره های آشنایی با مبانی کامپیوترو سیستم های عامل , برنامه نویسی RPG ,COBOL, ASSEMBLER , ,FORTRAN SNOBOL و تحلیل سیستم ها از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۹در ایران و انگلستان دوره های آشنایی با سیستم شبکه کامپیوتری MULTICS و کاربردمجموعه Office و

نرم افزارهـای آمـاری ازجمله SPSS در محیـط Windows ازسـال ۱۳۵۸ تـا سال ۱۳۷۷ (دانشـگاه اکسـتر) دوره هـای ایجـاد و مـدیریت پایگـاه داده هـا و ارایه اطلاعات در شـبکه جهانی اینترنت - ۱۳۷۷(دانشـگاه اکستر) دوره آشـنایی و کـار با نرم افزارهای مدیریت اصطلاحات Trados و Multiterm در دانشگاه وین - ۱۳۸۱

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : پیشـینه اسـتخدامی و اداری دکتر عاصـی به ترتیب زیر است : عضو هیأت علمی فرهنگسـتان زبان ایران و پژوهشگاه علوم انسانی از ۱۳۵۰ تا کنون وضعیت کنونی استخدامی : دانشیار پژوهشی پایه ۲۶ و مدیر گروه های آموزشی و پژوهشـی زبان شناسی همگانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عضویت در مجامع علمی : عضو انجمن رایانش ادبی و زبـانی (ALLC) از ۱۳۵۸ عضو انجمن فرهنـگ نگـاری اروپا (EURALEX) از بـدو تأ سـیس - ۱۳۶۲ عضـو انجمن فرهنگ نگاری آمریکای شمالی (DSNA) از ۱۳۶۹ عضو انجمن فرهنگ نگاری آسیا (ASIALEX) ازبدو تأ سیس - ۱۳۷۶ عضو انجمن زبان شناسی ایران و مدیر گروه های تخصصی زبان شناسی رایانه ای و فرهنگ نگاری از بدو تأسیس — ۱۳۸۱ عضو گروه های واژه گزینی رایانه وفناوری اطلاعات و زبان شناسی فرهنگستان زبان و ادب قارسی

فعالیتهای آموزشی : پیشینه تدریس : آموزش زبان انگلیسی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ (د ر مرکز آموزش زبان نیروی هوایی ، مرکز آموزش مخابرات و مدرسه زبان‌های خارجی کارآ) تدریس دانشگاهی (در دانشگاههای تهران ، علامه طباطبایی ، الزهرا ، مشهد ، اصفهان ، پزشکی ایران ، آزاد اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی) : زبان انگلیسی و درسهای تخصصی زبان شناسی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری زبانشناسی همگانی ، زبان انگلیسی و فرهنگ و زبانهای باستانی از ۱۳۵۶ تا کنون : زبانشناسی رایانه ای (کامپیوتری) ، فرهنگ نگاری ، مبانی کامپیوتر و کاربرد آن ، اصول دسـتور زبان ، ساختواژه، ساخت زبان فارسی ، مقدمات زبانشناسی ، روش تحقیق ،گویش شناسـی راهنمایی و مشاوره بیش از شـصت پایان نامه دوره کارشناسـی ارشـد و دکتری زبانشناسـی در پژوهشـگاه و دانشگاه های دیگر

مراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : - ایجاد پایگاه داده های واژگانی دوزبانه برای فرهنگ های فارسـی به انگلیسـی از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ - راه‌اندازی پایگاه داده های زبان فارسی در اینترنت - ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : پیشـینه کارهای پژوهشی : شرکت در طرح تهیه فرهنگ مترادفهای فارسی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ شرکت در طرح بررسـی واژه های مرکب در آثار نظامی گنجوی - ۱۳۵۵ شـرکت در طرح تهیه واژه نامه های بسامدی با کامپیوتر از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ شرکت در طرح تهیه واژه نامه های چنـد زبانه و ریشه شناسـی - ۱۳۵۵ شـرکت در گروه های واژه گزینی کامپیوتر ، زبان شناسـی ، متالورژی ، حسابداری ، ادب و هنرفرهنگسـتان زبان ایران از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ و فرهنگسـتان زبان و ادب فارسی از سال ۱۳۷۸ تاکنون شرکت در گردآوری و تـدوین کامپیوتری واژه های پیشـنهادی فرهنگسـتان زبان ایران از ۱۳۵۶ تا۱۳۶۰ طراحی ، پژوهش و اجرای طرح " سیسـتم فارسی (" Farsi System)برای پردازش و چاپ متن دوزبانه فارسـی و انگلیسی با کامپیوتر- ۱۳۵۹ سرپرستی و شرکت در طرح فرهنگنـامه جوانان و نوجوانان از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ شـرکت در طرح فرهنگ برابرهای فارسـی برای واژه های علمی و فنی از ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ اجرای طرح واژه نـامه نویسـی تخصصـی بـا کمک کامپیوتر (رساله دکتری) از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ سرپرستی و اجرای طرح بررسـی کاربرد کامپیوتر در پژوهشهای زبانی از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ شـرکت در تدوین استاندارد ملی کد تبادل اطلاعات ۸ بیتی فارسی ا ز ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ شرکت در تدوین استاندارد ملی برای صفحه کلید فارسی کامپیوتر -۱۳۷۳ شرکت و مشاوره در طرح تهیه فرهنگ جامع مـدیریت از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ سـرپرستی و اجرای طرح ایجاد پایگاه داده های زبان فارسی از ۱۳۷۲تا ۱۳۸۳ شرکت در تـدوین اسـتاندارد بین المللی نویسه گردانی فارسـی - ۱۳۷۸ شـرکت در تدوین اسـتاندارد بین المللی آوانویسـی فارسی - ۱۳۷۹ طراحی و اجرای طرح پژوهشی تعیین مؤلفه های زبانی برای بهره گیری در سیستم های بازیابی اطلاعات و متن کاو فارسی — ۱۳۸۲ مأموریتهای علمی و کنفرانس ها : سمینار بین المللی فرهنگ نگاری (اکستر - انگلستان) ۱۳۵۷ مدرسه تابستانی بین المللی فرهنگ

نگاری (اکستر - انگلستان) ۱۳۵۹ سمینار واژه گزینی برای اصطلاحات صنعت بیرینگ (تهران) - ۱۳۶۶ نخستین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۶۹ چهارمین کنفرانس بین المللی فرهنگ نگاری (مالاگا - اسپانیا) با ارائه مقاله - ۱۳۶۹ سمینار زبانشناسی کامپیوتری (مشهد) دو سخنرانی - ۱۳۷۰ دومین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۷۱ سمینار بررسی نقش اطلاع رسانی در تحقیق و توسعه (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۷۲ ششمین کنفرانس بین المللی فرهنگ نگاری (آمستردام - هلند) با گزارش و پوستر - ۱۳۷۳ سومین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۷۴ فرصت مطالعاتی در مرکز تحقیقات فرهنگ نگاری (دانشگاه اکستر - انگلستان) ۱۳۷۵ چهارمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - ۱۳۷۶ فرصت مطالعاتی در مرکز تحقیقات فرهنگ نگاری (دانشگاه اکستر - انگلستان) ۱۳۷۷ نخستین هم اندیشی واژه گزینی و اصطلاح شناسی (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۰ پنجمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله – ۱۳۸۰ نخستین همایش ملی ایران شناسی (تهران) ۱۳۸۱ دومین کنفرانس علوم شناختی (تهران) ۱۳۸۱ آکادمی تابستانی اصطلاح شناسی (دانشگاه وین – اتریش) با سخنرانی - ۱۳۸۱ دومین هم اندیشی واژه گزینی و اصطلاح شناسی (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ نخستین هم اندیشی ترجمه شناسی (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ کارگاه آموزشی ویرایش (تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ پنجمین کنفرانس سراسری سیستم های هوشمند (مشهد) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ دومین کارگاه بین‌المللی فناوری اطلاعات و رشته‌های وابسته (WITID ۲۰۰۴) (کیش) باارائه مقاله ۱۳۸۲ نخستین هم‌اندیشی دستور زبان فارسی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی- تهران) با ارائه مقاله ۱۳۸۲ اولین کارگاه پژوهشی زبان فارسی و رایانه (دانشگاه تهران) با ارائه طرح و شرکت در میزگرد ۱۳۸۳ دومین همایش آموزش الکترونیکی (مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته دانشگاه صنعتی شریف تهران) با ارائهٔ مقاله - ۱۳۸۳ ششمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله – ۱۳۸۳ همایش هفتهٔ پژوهش (پژوهشگاه علوم انسانی – تهران) با ارائهٔ مقاله و کارگاه پژوهشی -۱۳۸۳ اولین همایش بین‌المللی بومی‌سازی مبتنی بر فناوری اطلاعات در حوزهٔ خط و زبان فارسی (مرکز تحقیقات مخابرات – تهران) با ارائهٔ مقاله– ۱۳۸۴ دومین کنفرانس بین‌المللی فناوری اطلاعات و دانش (دانشگاه صنعتی امیر کبیر- تهران) با ارائهٔ مقاله – ۱۳۸۴ نخستین همایش انجمن زبان شناسی ایران (تهران) دبیر همایش -۱۳۸۴ تعداد مقالات ارائه شده در همایشها و منتشر شده در مجلات معتبر علمی :۳۴ مورد تعداد مقالات بزبان انگلیسی:۱۳ مورد آثار :

۱ Information and Documentation – Transliteration of Arabic Characters into Latin Characters- Part۴: Phonetic Transcription of Persian

ویژگی اثر : ۲۰۰۰- .۴-۲۳۳ International Standard: ISO/DIS

۲ Information and Documentation – Transliteration of Arabic Characters into Latin characters - Part ۳ : Persian Language

ویژگی اثر : ۱۹۹۹- .۳-۲۳۳ Simplified Transliteration. International Standard: ISO

۳ استاندارد صفحه کلید فارسی کامپیوتر

ویژگی اثر : (تالیف گروهی) ، شماره استاندارد ملی ایران : ۲۹۰۱ ، تهران ، موسسه استاندارد وتحقیقات صنعتی ایران . -۱۳۷۳

۴ استاندارد کد تبادل اطلاعات ۸ بیتی فارسی

ویژگی اثر : (تالیف گروهی(، شماره استاندارد ملی ایران: ۳۳۴۲ ، تهران ، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران . -۱۳۷۲

۵ استاندارد نحوهٔ ارائهٔ کد زبانها

ویژگی اثر : (تألیف گروهی) ، تهران ، مؤسسهٔ استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. -۱۳۸۲

۶ پیشنهاد شما چیست ؟ برخی از واژه‌های رایانه‌ای

ویژگی اثر : (تالیف گروهی) ، تهران ، فرهنگستان زبان ایران –۱۳۵۵

۷ سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های واژه‌نامه‌های بسامدی

ویژگی اثر : (تالیف گروهی) ، تهران ، فرهنگستان زبان ایران –۱۳۵۵

۸ سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های واژه‌نامه‌های چندزبانی و ریشه‌شناسی

ویژگی اثر : (تالیف گروهی)، تهران ، فرهنگستان زبان ایران . –۱۳۵۵

۹ فر هنگ زبانشناسی

ویژگی اثر : (نرم افزار کامپیوتری) (باهمکاری محمد عبدعلی) ، تهران . –۱۳۷۵

۱۰ فرهنگ جامع مدیریت

ویژگی اثر : (مشاور) ، تهران ، دانشگاه علامه طباطبائی –۱۳۷۷

۱۱ فرهنگ چهارجلدی فارسی – انگلیسی

ویژگی اثر : (۴۱۷۲ صفحه) (با همکاری دکتر منوچهر آریانپور)، تهران، جهان رایانه–۱۳۸۲

۱۲ فرهنگ یک جلدی فارسی – انگلیسی

ویژگی اثر : (۱۶۰۰ صفحه) (با همکاری دکتر منوچهر آریانپور)، تهران، جهان رایانه–۱۳۸۴

۱۳ مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان شناسی ایران

ویژگی اثر : (۳۸۰ صفحه) , تهران , انجمن زبان شناسی ایران

۱۴ واژگان گزیده زبانشناسی

ویژگی اثر : (با همکاری محمد عبدعلی) ، تهران ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی –۱۳۷۵

۱۵ واژه های رایانه(۲)

ویژگی اثر : (تألیف گروهی) مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران–۱۳۸۳

۱۶ واژه های تخصصی رایانه(۱)

ویژگی اثر : (تألیف گروهی) مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران–۱۳۸۰ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

عامری نایینی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران به پایان رساند و در ۱۲۹۷ ش موفق به گذراندن دوره‌ی دبیرستان شد. پس از آن مدت هشت سال سمت دبیری انگلیسی و فارسی و معاونت مدرسه‌ی شبانه‌روزی آمریکایی را عهده‌دار بود. در ۱۳۰۵ ش در وزارت دارایی به سمت مترجمی استخدام شد. سپس به عنوان معلم زبان فارسی و تحصیل علوم اجتماعی و تربیتی در دانشگاه آمریکایی بیروت در آنجا رفت و رد ۱۳۱۰ ش موفق به اخذ لیسانس در رشته فوق گردید و در وزارت معارف به خدمت مشغول شد. از آثار وی: تصحیح «عقد العلی للموقف الاعلی» افضل‌الدین ابوحامد کرمانی؛ «آن سوی منظومه‌ی شمسی»، ترجمه؛ «آهن‌ربا»، ترجمه؛ «اجتماعات حشره‌ها»، ترجمه؛ «از هواشناس بپرس»، ترجمه؛ «برق»، ترجمه؛

«جانداران»، ترجمه؛ «حرارت»، ترجمه، برای کودکان؛ «حیوانات گذشته»، ترجمه؛ «صوت»، ترجمه؛ «گل، میوه، تخم»، ترجمه؛ «مرغان»، ترجمه؛ «نزدیکترین همسایه زمین»، ترجمه؛ «نور»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۱۸، ۲۳۲۴، ۲۲۳۱ / ۲ ، ۱۲۳۰، ۱۱۶۲، ۱۰۰۶، ۴۸۵، ۱۷۶، ۱۱۳، ۷۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱ -۵۸۸ / ۴).

عامری، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حدود ۱۲۷۰ ش در نائین متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در موطن خود در تهران مدرسه‌ی آمریکائی را به اتمام رسانیده و به استخدام در وزارت معارف درآمد. بعد به وزارت دارائی منتقل گردید.

عامری در آموزش زبان فرانسه و انگلیسی جدیت کامل به خرج داد و هر دو زبان را به خوبی فراگرفت و تدریجا با مطبوعات آن روز شروع به همکاری کرد. گاهی ترجمه‌های وی و زمانی مقالات او در مطبوعات منتشر می‌شد تا اینکه به عضویت دائمی هیئت تحریریه روزنامه‌ی رعد که مدیریت آن با سید ضیاءالدین طباطبائی بود، درآمد و همه‌روزه مقاله یا ترجمه‌ای از او به چاپ می‌رسید. همزمان با فعالیت در روزنامه‌ی رعد در وزارت مالیه مراحلی از ترقی را پیمود و به معاونت چند اداره رسید.

در حوت ۱۲۹۹ ش که سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد در تهران کودتا کرد و به ریاست دولت انتخاب گردید، عامری را به ریاست دفتر اختصاصی خود برگزید. در اواخر حکومت صد روزه‌ی سید ضیاءالدین، عامری معاون وزارت دارائی گردید و در نتیجه عیسی فیض وزیر مالیه از کار خود کناره‌گیری نمود و محمود جم به جای او وزیر مالیه شد.

در انتخابات دوره‌ی چهارم، عامری از نائین به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. مجلس چهارم در حکومت احمد قوام که بلافاصله پس از سید ضیاءالدین زمامدار شده بود، افتتاح و شروع به کار کرد. به هنگام طرح اعتبارنامه‌ی عامری سید حسن مدرس و سردار معظم خراسانی به مخالفت برخاستند و او را به علت همکاری با سید ضیاءالدین، صالح برای نمایندگی مجلس نداشتند. عامری دفاع مفصلی نمود. سرانجام اعتبارنامه‌ی وی رد شد و نتوانست وارد مجلس شود. پس از استخدام دکتر میلیسپو و ورود وی به ایران در ۱۳۰۱، از همکاران نزدیک او شد. در انتخابات مجلس موسسان برای خلع قاجاریه و تفویض سلطنت به رضاخان پهلوی، از نائین به وکالت مجلس موسسان انتخاب شد و به خلع قاجاریه رای داد.

در انتخابات دوره‌ی ششم مجلس شورای ملی از نائین به وکالت مجلس انتخاب گردید.

در ۱۳۰۵ به معاونت وزارت مالیه منصوب شد. در ۱۳۱۲ علی منصور وزیر طرق، او را به معاونت کل وزارت راه معرفی کرد. بعد معاون راه‌آهن و رئیس حسابداری راه آهن در شمال شد. در سال ۱۳۱۵ علی منصور وزیر طرق، تحت تعقیب عدلیه قرار گرفت. در رابطه با این پرونده، سلطان محمد عامر و عباس آریا معاونین سابق وزارت طرق نیز محاکمه شدند. عامری در این محاکمه تبرئه شد و مدتی کوتاه استاندار آذربایجان غربی بود. سایر مشاغل او عبارت است از: وابسته اقتصادی ایران در آمریکا، عضو هیئت مدیره شرکت فرش، عضو هیئت نظارت سازمان برنامه. وفات او در ۱۳۵۲ اتفاق افتاد. مردی باسواد، حراف، منقد و زرنگ بود. یکی از فرزندان وی به نام هوشنگ عامری که در آمریکا کشاورزی تحصیل نموده بود، مدتی استانداری کرمان را عهده‌دار بود ولی هوش و درایت پدر را نداشت.

(تو ۱۲۶۴ ق)، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. در کالج آمریکایی تهران تحصیل کرد و بعد به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود: نمایندگی مردم نایین در مجلس در دوره‌های چهارم و ششم، معاونت وزارت راه و استانداری آذربایجان غربی. او مدتی به کار روزنامه‌نگاری مشغول بود و چندین شماره روزنامه‌ی «صور» را در تهران منتشر کرد. لازم به ذکر است که عامری مقالاتی را در روزنامه‌ی «رعد» که مدیریت آن با سید ضیاءالدین طباطبایی بود ترجمه می‌کرد و با او دوستی تمام داشت. از آثار وی: «اسرار زندگی»، ترجمه؛ «تاریخ کشورهای متحده‌ی آمریکا»؛ «شرح حال توماس جفرسن سومین رئیس جمهور آمریکا»، ترجمه؛ «قانون تجارت، تقریر».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲ -۳۵۱ / ۳).

عامل تهرانی، شرف‌الدین جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، شاعر و ادیب. در نجف به دنیا آمد. در همان جا نشوونما یافت. مبادی و مقدمات را فراگرفت، و در فقه و اصول از محضر شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء استفاده نمود تا از علمای بزرگ گردید، و داماد شیخ اسدالله کاظمی شد. آن‌گاه به تهران آمد و مدتی ماند. سپس به کرمانشاه رفت و در آنجا ساکن شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۶ / ۹ ،۱۷۶ -۱۷۵ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۳ / ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۷ -۱۳۶ / ۳).

عاملی، عبدالحسیب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحسیب محمّد، عالم فاضل محقّق کثیر التألیف، نواده میر داماد.

حزین در تذکره خود، [فرزند] وی را در عداد علمای شعرای معاصر خود نام می‌برد.

در سال ۱۱۲۱ وفات یافته، قبرش در تخت فولاد، جنب پدر بزرگوار خودمی باشد، و آثار قبر ظاهر نیست.

کتب زیر از اوست:

۱- تقدیس الانبیاء ۲- الجواهر المنثوره ۳- سدرة المنتهی. (عرفانی فارسی در معارف و اصول دین، در ۱۰۶۲ از تألیف آن فراغت حاصل نموده، و آن را جهت حکیم محمّد داود تألیف نموده است).

۴- شرح دعای سیفی ۵- شرح بر دعای صباح ۵- صراط الزاهدین، در اعمال ماهها ۷- عرش سماء التوفیق، در تفسیر فارسی ۸- الفطرة الملکوتیّة، در شرح اثنی عشریّه [شیخ بهائی] ۹- مسلک النجاة ۱۰- مناهج الشارعین، در اصول دین؛ و غیره از اشعار اوست:

آن ماه دو هفته دلبر جانی من

آن یار عزیز یوسف ثانی من
یک روز نکرد فکر شبهای غمم
یک بار نگفت پیر کنعانی من
وی را سه فرزند برومند است:
۱- میر محمّد اشرف (بعداً بنام و شرح حالش اشاره خواهد شد).
۲- صدر الدین زین العابدین که او نیز عالم و فاضل بوده است.
۳- میرزا صدر الدین محمّد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عامی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۶ ش)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به عامی. وی رییس دادگاه عالی انتظامی قضاوت وزرات دادگستری بود. از آثار وی: «خرده فرهنگ یا لغت منظوم»، فارسی و فرانسه؛ «سرآغاز»، شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۵۰ / ۲، ۱۲۵۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۸ / ۱).

عباد، ابوالحسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پدرش ابی الحسن عبّاد، وزیر و کاتب رکن الدوله بوده، از ابو حنیفه فضل بن حباب و معاصرینش از محدّثین بغداد، روایت احادیث می‌نماید، و ابوبکر ابن مردویه و جمعی از فضلای اصفهان از او اخذ حدیث کرده‌اند.
در هدیّهٔ العباد (: ۱۴) در احوال او گوید: در علم و دانش و پرهیزکاری دارای مقامی بلند، و مرتبه‌ای ارجمند بود، و در السنه مشهور به شیخ امین می‌باشد، و در ابتدای حال به معلّمی اشتغال داشته، و پس از آن کاتب امیر رکن الدوله دیلمی شده، و بعداً او را منصب وزارت داده.
وی را تألیفاتی است: ۱- رساله در آیات الاحکام ۲- رساله احکام القرآن و غیره.
وفات عبّاد را در سال ۵-۳۳۴ می‌نویسند.
درباره ی شرح حال و زندگانی صاحب بن عبّاد کتب و رسائلی مستقلّاً نوشته شده، و در بیشتر از کتب، نام او مذکور است، و اخیراً عالم محقّق جلیل اقای حاج شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب آبادی از علمای معاصر اصفهان، کتابی مفصّل به نام «هدیّهٔ العباد، در شرح حال صاحب بن عبّاد» تألیف فرموده است.
صاحب، در ۴ ذی قعده سال ۳۲۴ متولّد، و در صفر ۳۸۵ در ری وفات یافته، جنازه ی او بر حسب وصیّتش به اصفهان نقل شده، در

دهلیز خانه‌اش مدفون گردید که تاکنون در محلّه ی طوقچی، زیارتگاهی معروف است.

کتب زیر از تألیفات است:

۱- الابانهٔ عن مذهب اهل العدل ۲- التعلیل ۳- تفضیل علی بن ابیطاب علیه السلام ۴- التذکرهٔ ۵- جوهرهٔ الجمهرهٔ ۶- الرسائل الصاحبیّه، که در مصر به طبع رسیده ۷- زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام ۸- الزیدین ۹- الزیدیّهٔ ۱۰- شرح اسماء الحسنی ۱۱- شواهد ۱۲- العروض، در نحو ۱۳- مختصر نهج السبیل ۱۴- المحیط، در لغت، در ۷ مجلّد ۱۵- نهج السبیل؛ و غیره.

مولد صاحب را برخی طالقان قزوین، و عدّه‌ای طالقان اصفهان (طالخونچه) نوشته‌اند.

شیخ صدوق کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را به نام او تألیف کرده، و در اوّل آن دو قصیده از اشعار صاحب که در مدح حضرت رضا علیه السلام گفته است را عیناً نقل می‌کند. همچنین تاریخ قم نیز به نام او تألیف شده.

از قول صاحب نقل می‌کنند که گفته است: در مدح من هزار قصیده ی عربی و فارسی گفته شد و هیچ کدام مرا شاد نکرد همچنان که اشعار ابو سعید رستمی شادم نمود به گفته‌اش:

ورث الوزارهٔ کابراً عن کابر

موصولهٔ الاسناد بالاسناد

یروی عن العباس عبّاداً وزا

رته و اسماعیل عن عبّاد

صاحب عنوان، اوّل وزیری است که به نام صاحب معروف شده، و علّت شهرت او بدین لقب، مصاحبت اوست. بامؤیّد الدوله فرزند رکن الدوله ی دیلمی، و یا مصاحبت با ابن العمید است.

برای اطلّاع بیشتر از حالات او به کتاب نامبرده بالا، و اعیان الشیعه، و الارشاد، و کتب دیگر مراجعه شود.

از اشعار اوست:

أبا حسن لوکان حبّک مدخلی

جهنّم إنّ الفوز عند جحیمها

فکیف یخاف النار من هو مؤمن

بأنّ أمیرالمؤمنین قسیمها

در آثار الوزراء (:۲۰۲) گوید: ابو علی خطیر الاصفهانی و ابوالعباس الضبی، بعد از وفات صاحب عبّاد، فخر الدوله وزارت را به ده هزار دینار بدیشان فروخت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عبادی حویزی، عبدالقاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی، عالم امامی و شاعر. اصل وی از آبادان بود لذا به عبادی مشهور است و چون ساکن حویزه بوده شهرت حویزی نیز داشته است. او از علمای بزرگ اواخر قرن یازدهم یااوایل قرن دوازدهم است. شیخ حر عاملی در «امل الآمل» چند شعر از او نقل کرده و سپس گوید که وی را در حدود ۱۱۰۰ ق در مشهد رضوی ملاقات کرده است. از آثار وی:

حاشیه بر «تفسیر»بیضاوی؛ «الفرائد الصافیه علی الفوائد الوافیه»، در نحو، که حاشیه بر «شرح» جامی است؛ «ریاض الجنان و حدائق الغفران»، در فقه؛ «المستمسکات القطعیه الیقینیه»، در کلام؛ «خبر/ خیر الزائر المبتلی بالبلاء فی طریق النجف و کربلا»؛ «صفو صفوه الاصول و نفی هفوه الفضول»، در اصول فقه؛ «العقائد الدینیه»، با براهین عقلی؛ «رفع الغوایه لشرح الهدایه»؛ رساله «النیلوفریه»؛«دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۸۳، ۱۰۳، ۶۸، ۲۶ / ۲ ، ۵۸۰، ۴۴۱ / ۱)، الذریعه (۴۳۸ / ۲۴، ۱۴ / ۲۱ ،۱۳۸ / ۱۶ ،۲۸۳ ،۵۱ / ۱۵ ،۲۲۷ / ۱۲ ،۳۲۱ ،۲۴۳ / ۱۱ ،۶۹۲ / ۹ ،۱۳۸ / ۷ ،۴۳ / ۶)، روضات الجنات (۲۱۶ -۲۱۵ / ۴)، ریحانه (۹۳ -۹۲ / ۴)، فوائد الرضویه (۲۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقاهر)، معجم المؤلفین (۳۱۰ -۳۰۹ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۷ / ۱).

عباسی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، محقق، مصحح، مترجم، مؤلف و فرهنگ‌نویس. در مدارس قدیم داخلی و ممالک مختلف خارجی به تصحیل زبانها و ادبیات شرق و غرب پرداخت و سالیان دراز مشغول تحقیقات و تتبع در علوم فسفه و اقتصاد و سیاست بود. او با صرف نیم قرن از عمر خویش به بررسی آثار و ادبیات زبانهای شرقی و غربی به ویژه آلمانی، فرانسه، انگلیسی، روسی، عربی، ترکی، آذری و تألیف و ترجمه‌ی آثار علمی و ادبی گرانبهای متعددی در زبانهای زنده‌ی خاوری و باختری پرداخت. نگارش چند مجلد «فرهنگ آلمانی به فارسی» و «فرهنگ فارسی به آلمانی»، ترجمه‌ی «سیاست‌نامه‌ی شاردن»، انتشار آثار فلسفی مشاهیر فلاسفه‌ی معاصر، تحقیق و تتبع در متون گرانبهای نظم و نثر پارسی و تازی و احیای نسخه‌های خطی قدیم ایران از آثار این دانشمند پرکار است. در ۱۳۴۱ ش یکی از ترجمه‌های او به نام «جهانگردی مارکوپولو» برنده‌ی جایزه‌ی ادبی کتاب سال ایران شد. از دیگر آثار وی: «انشاء و نامه‌نگاری آلمانی»؛ مقدمه و حواشی «برهان قاطع»؛ «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره‌ی مشروطیت»، ترجمه؛ تصحیح «دیوان» خاقانی شروانی؛ تصحیح «لباب الالباب»؛ «خودآموز مصور آلمانی»؛ «فلسفه اجتماع و تاریخ»، ترجمه؛ «کاپیتال»، ترجمه؛ «مردان بی‌زن»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۹ -۵۵۵ / ۵).

عبدالقاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. بنده چیره شونده (خدای)) جرجانی (گرگانی)، ابوبکر بن عبدالرحمن، ادیب و دانشمند قر. ۵ ه. (ف. ۴۷۱ یا ۴۷۴ ه.ق.). از آثار اوست: «اسرار البلاغه» و «دلائل الاعجاز» (نخستین کتابهای مرتب مدون در معانی و بیان)، «کتاب الجمل» معروف به «جرجانیه » «کتاب المغنی»، در شرح ایضاح ابوعلی فارسی، مختصر المغنی به نام «المقتصد»، «کتاب العدهٔ » درصرف، و «شرح الجمل» در

توضیح کتاب الجمل مذکور.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عبدالهادی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، دانشمند. در دربار ایلخانان مغول بود و در ۶۹۰ ق غازان‌خان وی را به ترجمه‌ی کتاب «منافع الحیوان» ابوسعید عبیدالله بن جبرئیل ابن عبیدالله بن بختیشوع طبیب گماشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۳۷)، الذریعه (۲۲ / ۳۱۰).

عبدی فسوی، ابوطالب احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۶ ق)، نحوی و لغوی. از جمله استادانش ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی و ابوالحسن رمانی بوده‌اند. از آثار وی: شرح «الایضاح»، به فارسی؛ «شرح»«الجرمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱ / ۱۰۰)، ایضاح المکنون (۲ / ۴۵۱)، ریحانه (۴ / ۹۸)، الکامل (۷ / ۲۸۰)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۲ / ۲۳۶- ۲۳۸)، معجم المؤلفین (۱ / ۱۷۴)، هدیه العارفین (۱ / ۷۱).

عبدی قزوینی تبریزی، محیی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۶ ق)، دانشمند. نخست در قزوین سکونت داشت و سپس به تبریز رفت. وی در حیات پدر به عثمانی رفته به راهنمایی ابن‌المؤید از دانشمندان عثمانی که او نیز از آذربایجان مهاجرت کرده بود به دربار سلطان بایزید راه یافت. قزوینی در طول اقامت خود در عثمانی دارای مناصب و مشاغل متعدد بود، از آن جمله: منصب قضای دمشق و حلب، تولیت مدرسه مصطفی پاشای وزیر و مدرسه مغنیسا. وی در ادبیات عرب و علوم دینی و مخصوصا در انشای عربی و فارسی و ترکی دست داشت ولی بیتشر اهتمام او در آوردن محسنات لفظی بود و همه‌ی خطوط را بسیار خوب می‌نوشت. از آثارش: «راسله فی قطع الید»؛ حاشیه بر «فرایض» سجاوندی؛ حواشی بر «امور عامه مواقف» عضدالدین ایجی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۹۱).

عبشمی‌اصفهانی، مخلص‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۳ -۵۲۰ ق)، فقیه، محدث، نحوی و ادیب. معروف به ابن‌فاخر. پدرش او را به مضحر فامطه جوزدانیه برد تا از او حدیث استماع کند. او همچنان از جعفر بن عبدالواحد ثقفی و اسماعیل اخشید و ابن ابی‌ذر صالحانی و اسماعیل مؤذن و زاهر شحامی حدیث شنید. او به مذهب شافعی کاملا آگاه بود و در نحو و حدیث دستی قوی داشت و محتشم و مورد احترام مردم بود. به بغداد رفت و در آنجا املای حدیث کرد. ابن‌خلیل و ضیاء و ابوموسی ابن‌حافظ و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌درجی و ابن‌بخاری از وی دارای اجازه بودند. در شیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۴۰۶ / ۲)، سیر النبلاء (۴۲۹ -۴۲۸ / ۲۱)، شذرات الذهب (۱۱ / ۵)، العبر (۱۳۵ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۷۱ / ۶).

عتیقی تبریزی، جلال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۱ / ۷۱۸ ق)، واعظ و شاعر. وی از خطیبان و واعظان برجسته‌ی ایرانی در دوره‌ی ایلخانان مغول است که با خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مصاحبت داشت.عتیقی در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالبا در مدرسه‌ی غیاثیه تبریز وعظ می‌کرد. جلال‌الدین به مانند پدرش در سرودن شعر توانا بود و گویا هر دو، عتیقی تخلص می‌کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر.[۱] (بخش ۱) جلال‌الدین عتیقی تبریزی بن قطب‌الدین عتیقی، دانشمند و خطیب و واعظ (ف. ۷۱۸ یا ۷۴۱ ه.ق.). وی مصاحب خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه بود. در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالبا در غیاثیه تبریز (که از ابنیه غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین بود) وعظ میکرد. فرزندان وی نیز معزز و محترم بوده‌اند. عتیق به انوع فضایل و کمالات آراسته بود. دیوان بزرگی از او که در سال ۷۴۴ ه.ق. استکتاب شده در کتابخانه استانبول موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ گزیده (۷۴۵)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۵ -۵۳۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۱ -۲۶۹)، الذریعه (۷۰۷ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۲۴ -۵۱۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۵)، مجالس النفائس (۳۲۹)، هفت اقلیم (۲۲۷ -۲۲۶ / ۳).

عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۴ – ۳۷۰ ق)، قاری، ادیب و شاعر. معروف بـه ابن‌بنـدار و مشـهور به شیخ‌الاسـلام.در مکه به دنیـا آمـد و قرآن را بر ابوعبـدالله مجاهدی و علی بن داوود دارانی و ابوالحسن حمامی قرائت کرد. عجلی حدیث را در مکه و بغداد و دمشق و بصره و کوفه و حمص و مصر و اصفهان و ری و تستر و فساء و نیشابور و نساء و گرگان از محدثین بزرگ فراگرفت. مستغفری و ابوبکر خطیب و ابوصالح موذن و نصـر شیرازی و ابوعلی حداد و محمد دقاق و ابوسهل بن سعدویه و فامطه بنت بغدادی حدیث از وی روایت کرده‌اند. عجل یدر یک شـهر مدت طولانی اقامت نمی‌کرد و به شـهرهای بسیاری سفر می‌نمود و در هر شهر در مسجد خراب آن سکنی می‌کرد و چون شـناخته می‌شد به مکانی دیگر می‌رفت. وی سرانجام در نیشابور درگذشت. او اشعاری در زهد سروده است. از آثارش: «جامع الوقوف»؛ کتـابی در «فضائـل القرآن». پـاره‌ای از رجال‌نویسـان وی را همـان ابوالفضـل رازی، عبـدالرحمان بن حسن، صاحب کتاب «اللوامح»، در قراآت، می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۶۵ / ۴)، ری باسـتان (۳۱۸ / ۲)، سیرالنبلاء (۱۳۸ -۱۳۵ / ۱۸)، العبر (۳۰۲/ ۲)، کشـف الظنون (۱۲۷۷)، معجم المؤلفین (۱۱۶ / ۵).

عدل، عظمی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س چهـاردهم ق)، مـترجم. تحصـیلات فارسـی و فرانسـه‌ی خـود را از مـدرسه‌ی ژانـدارک تهران آغـاز کرد. پس از اتمـام آن به مطـالعه‌ی ادبیات ایران و آثار نویسـندگان فرانسه پرداخت. وی از مترجمان صاحب ذوق به شـمار می‌آمـد. بانو عظمی از کشورهای فرانسه و انگلسـتان و سویس و آمریکا دیدن کرد و گذشـته از زبان فرانسه به زبان انگلیسـی نیز آشـنایی داشت. از آثارش: «ترس از زندگی»، ترجمه؛ «داستانهای دوشنبه»، ترجمه؛ «سرخ و سیاه»، ترجمه؛ «جامه‌ی پشمین»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۵۸ / ۲، ۱۳۳۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸ -۷۷ / ۴).

عراقی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج آقـا مجتبی بن العلامه الزاهـد الحاج آقا محمـد العراقی الملقب بزین‌الـدین متوفی ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق ابن العلامه الزاهـد الورع (صاحب تصنیفات العدیده) الاخوند ملا محمدباقر العراقی الکرهرودی الشهیر بالکبیر متوفی ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ هجری قمری که از طرف مادر به سادات صـحیح النسب و جلیل القدر حسـینی و از طرف جده امی به مرحوم آخوند ملا محمود میثمی عراقی طاب ثراه (صاحب کتاب دارالسلام و کتب جوامع و قوامع و لوامع در فقه و اصول مفصل) منصوب می‌باشند.

در سال ۱۳۲۳ ق در قریه کرهرود عراق متولـد و در سن ۱۴ سالگی به متابعت مرحوم والد (طبق تقاضای اهالی و امریه علماء عصـر)

به قصبه کنگاور که در دوازده فرسخی کرمانشاه و هیجده فرسخی همدان است جهت اقامت مهاجرت نموده و تحصیلات ابتدائی و مقداری از سطح را خدمت پدر تلمذ و در سال ۱۳۴۹ قمری به منظور تکمیل به وطن اصلی بازگشته و مدت چهار سال در محضر اساتید فن و حجج اسلام مانند مرحوم آسید محسن هفته‌ای و محقق مدقق آقا شیخ محمدسلطان العلماء تلمذ نموده و در سال ۱۳۵۳ مهاجرت به قم و از آیات عظام حوزه بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی از آیت‌الله مرحومین خوانساری و حجت استفاده نموده و تقریرات و دراسات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق به واسطه فوت مرحوم والد به کنگاور مراجعت و تا هشت سال به ترویج دین و اقامه جماعت پرداخته و مسجد بزرگی با تمام جهات در مدت کوتاهی بنا نموده و ضمنا به تالیف کتابهائی که ذیلا ذکر می‌شود پرداخته تا در ۱۶ محرم‌الحرام ۱۳۷۰ قمری که ثانیا به شهر قم مهاجرت نموده و بنابر مصلحت و امریه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحل اقامت انداخته و به جلسات درس و بحث آن مرحوم حاضر و حسب‌الامرشان در جلسه استفتاء وی شرکت نموده و در ماه رجب ۱۳۷۷ دفاتر و پرونده‌های مربوط به نظام وظیفه آقایان طلاب و مدیریت کتاب خانه فیضیه قم و تولیت مدرسه مهدی قلی‌خان سابق و مدرسه آیت‌الله بروجردی امروز به معظم‌له واگذار و حقا خدمات شایانی بالخصوص نسبت به کتابخانه نموده است.

کتابخانه فیضیه قبل از سرپرستی ایشان در مدت ۴۰ سال از تاسیس آن فقط دارای چهار هزار کتابهای فقهی مندرس و مکرر در قفسه‌های چوبی نیمه تمام به انضمام چند قطعه ذیلوهای رنگ و رو رفته بود، ولی بعد از مدیریت ایشان در مدت کوتاهی رقم کتب به بیست هزار جلد کتاب در فنون مختلف رسید که در قفسه‌های فلزی و وترین مخصوص برای کتب خطی و تا سر حد امکان وسیله آسایش فکری آقایان مراجعه‌کنندگان آماده گردید.

معظم‌له مسافرتهای تاریخی و مذهبی مهمی نموده است از جمله در سال ۱۳۷۷ قمری به رهبری صدها نفر از مردم متدین تهران به سوریه برای حمل ضریح مطهر رقیه بنت‌الحسین علیه‌السلام نموده که شایان اهمیت بوده است، و نیز مسافر فی در معیت و مصاحبت سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری به همدان نموده که تصادف با فوت آن مغفور له شده و جنازه را با آن عظمت فوق‌العاه و تجلیل عظیم به قم آوردند

و اما آثار آن جناب به قرار زیر است:

۱- دومین بشر یا علی بن الحسین الاکبر کتابی است مشتمل بر رجال نامی بنی‌ثقیف و قضایای تاریخی شیرین و در فن خود بی‌نظیر است.

۲- وقایع الایام با سبک نوین.

۳- لیله‌القدر در ذکر دلیل و براهین در اینکه شب قدر شب بیست و سوم ماه رمضان است.

۴- شرح زندگانی آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری در سی‌صفحه که در مجله حکمت طبع شده است.

۵- فهرست کتب کتابخانه مدرسه فیضیه در دو مجلد که در سالهای ۷۸ و ۱۳۷۹ به طبع رسیده است.

از اغلب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازات روایتی و اجتهاد و غیره می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عرفان شیرازی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در شیراز به دنیا آمد. خدمات اداری خود را در زادگاهش شروع کرد و تا ۱۳۳۸ ق در شیراز به سر برد و در همان سال چهار شماره از مجله‌ی «خاور» را منتشر کرد. پس از آن به تهران آمد و در وزارت دادگستری به خدمت مشغول شد و چند سالی نیز در دادگستری اصفهان کار می‌کرد. سپس به تهران بازگشت و در ۱۳۴۱ ق روزنامه‌ی «آسمان» را منتشر کرد. وی از اعضای عالی‌رتبه‌ی وزارت دادگستری بود. از آثارش: «اطلس تاریخی اسلامی»، ترجمه؛ «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی»، ترجمه؛ «حواء امروز»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۴۱ -۲۴۰ / ۲ ،۱۷۲ -۱۷۰ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹ - ۵۷ / ۶).

عرفان، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۳۶ در خانواده ای مذهبی در شهرضا چشم به دنیا گشودم پدرم یک خیاط مذهبی و مادرم سیده ای از تبار سادات طبائیان(طباطبائی)بود.

شش کلاس ابتدایی را در مدرسه خیام به پایان بردم و سپس به حسینیه سادات رفتم تا دروس دینی را بیاموزم در محضر حجج اسلام حاج سید محمد علی طبائیان (طباطبائی)زارعان، محمدحسین رهایی، حاج شیخ علی تاکی و ... زانو زدم.

سپس به اصفهان رفتم و از استادانی چون حاج آقا حسن امامی و آقای ابراهیمی و آقای فقیهی بهره گرفتم، آنگاه به قم آمدم از فروغ علم گسترانی چونان حضرات اعلام: طالقانی، تهرانی، مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، ابطحی، زاهدی، اعتمادی، خسرو شاهی، پیشوایی تهرانی و آیت الله اسماعیلپور و آیت الله شیخ جواد تبریزی پرتوهایی نه در خور آنان که همساز با فانوس کورسوز خویش برگرفتم.

سالیانی چند ادبیات فارسی، حاشیه، مغنی، معالم، مختصر، مطول، لمعه، مکاسب، و کاربرد علوم بلاغی در قرآن را با سروران مدارس رسالت، کرمانی ها، رضویه، حقانی و موسسه امام خمینی رحمهٔ الله علیه باز گفته ام.

چندین پایان نامه را به مشورت و یا به اصطلاح راهنمایی نشسته ام .

تاکنون به عربستان،عراق،سوریه، سوئد، امارات سفر زیارتی و تحقیقی و تبلیغی داشته ام و تحقیقاتی در دست سامان بخشی دارم

از همسر سیده ام پنج فرزند دارم دو پسر و سه دختر، علیرضا در مدرسه کرمانی ها درس می خواندو امیر محسن در مدرسه شهیدین.

کتب:

کرانه ها / سه مجلد

شرح جواهر البلاغه / دو مجلد

شرح و ترجمه تهذیب البلاغه

فرهنگ غلط های رایج

پژوهشی در اعجاز قرآن

خاطر و خاطره

آفت ها و لطافت های جنسی

زبان آگاهی

پدر و مادر در فرهنگ اسلامی

درمان نازائی. مقالات:

ازلابلای متون / حدیث زندگی ۳

رمز و راز شادابی و نشاط در جوانی/ گفت و گو /دیدار آشنا ۲۳

موفقیت و شانس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۱۲

عفت در اندیشه، گفتار و رفتار /حدیث زندگی ۶

اعتماد به نفس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۶

زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۵

عزب دفتری، بهروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان انگلیسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران، دوره فشرده آموزش زبان از دانشگاه جرج تون شهر واشینگتن آمریکا در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد زبان انگلیسی از دانشگاه بیروت در سال ۱۳۴۹، دکترای زبان انگلیسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۹، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه کتاب درسی به زبان انگلیسی، خواندن انگلیسی، زبان‌شناسی مقابله‌ای، زبان‌آموزی کودک. استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:۲

زمینه علمی تألیفات:

آموزش زبان انگلیسی، ادبیات، روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

آموزش زبان، ادبیات، روانشناسی و علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عسکری، ابواحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۲ -۲۹۳ ق)، فقیه، لغوی، نحوی و ادیب. در عسکر مکرم از نواحی اهواز به دنیا آمد. در آنجا نشوونما یافت و سپس به بغداد منتقل شد. او سفرهایی به بصره و اصفهان و دیگر شهرها داشت. از عبدان اهوازی و احمد تستری و ابوالقاسم بغوی و محمد بن جریر طبری و ابوبکر بن درید و ابراهیم نفطویه و عباس بن ولید اصفهانی و همبطقه‌ی آنان روایت کرده است. بزرگان حدیث به سویش می‌آمدند تا از او کسب روایت کنند. ریاست عالیه‌ی تحدیث و املاء و تدریس در شهرهای خوزستان در عصر وی بدو منتهی می‌شد. وی در عسکر و تستر و شهرهای اطراف آن نواحی املای حدیث می‌کرد. ابوسعد مالینی و ابوبکر یزدی اصفهانی و ابوالحسن نعیمی و ابوالحسین محمد اهوازی و ابوعلی حسن اهوازی و ابونعیم اصفهانی حافظ و عبدالواحد باطرقانی و احمد بن محمد بن زنجویه و محمد بن منصور تستری و علی بن عمر ایذجی و ابوسعید حسن بن علی تستری سقطی از وی حدیث روایت کرده‌اند. برخی ابوهلال عسکری را خواهرزاده و شاگرد ابواحمد عسکری می‌داند. در «ریاض العلماء» آمده است که عسکری از مشایخ شیخ صدوق است و صاحب «اعیان الشیعه» این را دلیل بر تشیع عسکری دانسته، و بعلاوه شوق صاحب بن عباد را برای دیار وی و رثاء گفتن صاحب را در مرگ او تاکیدی بر تشیع وی آورده است. عسکری در علوم مختلف و فنون گوناگون متبحر بود. همگان زیبایی تألیف و تصنیف وی را ستوده‌اند. از آثارش: «تصحیفات المحدیثن»؛ «الحکم و الامثال»؛ «راحه الارواح»؛ «الزواجر و المواعظ»؛ «المختلف و المؤتلف»؛ «التفصیل بین بلاغتی العرب و العجم»؛ «تصحیح الوجوه و النظائر»؛ «المصون»، در ادب؛ «صناعه الشعر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۱ / ۲)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۶۰ / ۱)، اعیان الشیعه (۱۴۸ -۱۴۵ / ۵)، انساب سمعانی (۱۹۳ / ۴)، ایضاح المکنون (۳۳۲ / ۲)، الذریعه (۶۰ / ۱۲)، روضات الجنات (۶۰ -۵۷ / ۳)، ریاض العلماء (۲۰۱ -۲۰۰ / ۱)، سیر النبلاء (۴۱۵ - ۴۱۳ / ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ / ۴)، العبر (۱۶۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۳۷، ۱۴۶۴، ۱۴۰۴، ۹۵۶، ۸۰۱، ۶۷۵، ۴۱۱، ۲۳۳)، لغتنامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (۲۵۸ -۲۳۳ / ۸)، معجم البلدان (۱۴۰ -۱۳۹ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۴۰-۲۳۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۴)، الوافی بالوفیات (۷۷ -۷۶ / ۱۲)، وفیات الاعیان (۸۵ -۸۳ / ۲)، هدیه العارفین (۲۷۳ -۲۷۲ / ۱).

عسکری، ابوهلال حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۵ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. وی از مردم عسکر خوزستان بود. نزد دایی خویش، حسن بن عبدالله بن سعید عسکری، کسب علم کرد. از آثار وی: «الصناعتین فی النظم و النثر»؛ «التفضیل بین بلاغه العرب و العجم»؛ «جمهره الامثال»؛ «معانی الادب»؛ «تفسیر العسکری»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۲ -۲۱۱ / ۲)، اعیان الشیعه (۱۴۸ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳ / ۱)، روضات الجنات (۶۰ -۵۷ / ۳)، ریحانه (۳۰۵ -۳۰۴ / ۷)، کشف الظنون (۱۹۸۰، ۱۸۲۳، ۱۵۴۸، ۱۴۶۸، ۱۴۶۴، ۱۴۶۰، ۱۰۸۲، ۶۹۱، ۶۰۶، ۴۷۹، ۴۵۳، ۲۹۳، ۲۳۳، ۲۰۰ -۱۹۹)، الکنی و الالقاب (۱۸۴ -۱۸۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن، عسکری)، معجم الادباء (۲۶۷ -۲۵۸ / ۸)، معجم البلدان (۱۴۰ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۴۰ / ۳)، هدیه العارفین (۲۷۳ / ۱).

عصار تبریزی، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۲ / ۷۸۳ ق)، دانشمند، شاعر و نحوی، متخلص به محمد. وی در تبریز به دنیا آمد، در علوم ریاضی، فلکیات، رمل و اسطرلاب دانا و باتصوف آشنا بود. سلطان اویس جلایر را مدح می‌گفت. بیشتر در انزوا و خلوت می‌زیست و به شاعری می‌پرداخت و در شعر به صنعت اغراق توجه خاص داشت. آثار وی: مثنوی «مهر و مشتری»، که در بعضی از تذکره‌ها به اشتباه نام آن را «مهر و ماه» بیان کرده‌اند، و در «ریحانه» از هر دو نام برده شده است؛ رساله‌ی «الوافی فی تعداد القوافی»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۲ -۱۳۱ / ۱)، بهارستان (۱۱۷ -۱۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۶ - ۲۷۵)، الذریعه (۱۶ / ۲۵، ۳۱۵، ۳۱۴ / ۱۹، ۱۰۰۰، ۷۲۴ / ۹)، روضات الجنان (۳۶۶ -۳۶۳ / ۱)، ریحانه (۱۴۰ -۱۳۹ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۵۴۴ -۵۳۳)، صبح گلشن (۲۸۷ -۲۸۶)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، لغت‌نامه (ذیل/ عصار)، مجالس النفائس (۳۵۴)، هفت اقلیم (۲۲۹ -۲۲۷ / ۳).

عصمت تیمور، عایشه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۳۲۰ -۱۲۵۶ ق، از زنان ادیب و متجدد. وی دختر اسماعیل رشدی پاشا پسر محمد تیمور کاشف و از اکراد بود که در مصر به دنیا آمد. عایشه از خردسالی به شعر و ادب تمایل زیادی داشت. پدرش به تعلیم و تربیت او همت گماشت و برای او معلم خانگی گرفت که زبان‌های عربی، ترکی و فارسی را بیاموزد. بعدها عایشه خود در مجامع ادبی حضور یافت و محضر استادان شعر و ادب را درک کرد و در این رشته به پایه‌ای رسید که کمتر زنی تا آن زمان رسیده بود. در نظم و نثر نیز مهارت فراوان یافت.

در سال ۱۲۷۱ ق به همسری محمد توفیق بیگ اسلامبولی درآمد و با او به اسلامبول رفت و به خانه‌داری و بچه‌داری مشغول شد. این امر او را از مطالعه و شاعری بازداشت تا اینکه دخترش، توحیده بزرگ شد و توانست که در خانه‌داری به او کمک کند. در سال ۱۲۸۹ ق پدر و سه سال بعد نیز همسرش وفات یافت (۱۲۹۲ ق) و او ناچار به قاهره بازگشت. از آن پس وقت خود را وقف مطالعه و تکمیل معلومات و گسترش دایره‌ی اطلاعات ادبی خود کرد و در نتیجه کثرت مطالعه و تحقیق و تتبع به حد کمال رسید. دو سال پس از فوت همسرش، دختر او نیز که هیجده سال داشت، ناگهانی و در عین جوانی درگذشت. عایشه در مرگ او هفت سال عزاداری کرد و در اثر تالمات روحی اشعار و مراثی شیوا و سوزناکی به زبان عربی سرود که از لحاظ ادبی شاهکار است. او به زبانهای عربی، فارسی و ترکی شعر می‌گفته و قصاید بسیاری درباره تعلیم و تربیت جامعه زنان سروده است. عایشه را سرآمد نهضت علمی و ادبی زنان مصر می‌دانند. ترجمه مرثیه‌ی او که در مرگ توحیده سروده چنین است:

«در بامدادی از ماه روزه تا جامهای مرگ به گردش درآمد، قدح‌های اشك حسرت نیز به گردش افتاد. آنکه دوستش داشتم رفت و شرنگ غم و غصه را به من چشانید و از فراق او در دلم آتشی برپا شد. آه از این آتشی که در بین دنده‌هایم افروخته شد و سرچشمه زندگانیم را خشکاند. من با غم و رنج چنان خو کرده‌ام که اگر از من دور شود از تاخیرش ناراحت می‌شوم. من حاضر نبودم که زمان کوتاهی دوری عزیزی را تحمل کنم. اکنون که زمان جدایی بسیار نامحدود است چگونه شکیبا باشم؟ فرزندم! تا روزی که در بهشت و آن باغهای سرسبز همیشگی- که حورها آنجا را آذین بسته‌اند- به همدیگر برسیم از جدایی و دوری ناله سر می‌دهم و گریه می‌کنم. همان بهشتی که دوستان در آنجا به همدیگر می‌رسند و در واقع زندگی خوب و آسوده همان است. به خدا قسم از تلاوت قرآن و دعای خیر تا روزی که پرندگان بر شاخه‌های درختان نواخوانی کنند کوتاهی نخواهم کرد.»

ترجمه قطعه‌ای از اشعار تفاخر و و حماسه‌آمیز او چنین است.

«با دست عفت، از عزت و حرمت حجابم نگهداری می‌کنم و با حفظ عصمت و آبرو بر همگان برتری می‌جویم. ادب و تربیت من در سایه اندیشه و روشن و قریحه خرده‌بین به مرز کمال رسیده است. تحصیل و کسب ادب و دانش برای من- که زنی هستم- ضرری نداشته بلکه موجب شده است که در بین جامعه زنان چون گلی جلوه‌گر باشم. شرم و آزرم و نیز داشتن چادر و نقاب، مرا از ترقی در رسیدن به کمال مطلوب و برتری در میدان مبارزه برای دست یافتن به هدف باز نداشته است. آیینه من صفحات دفتر و کتاب و آرایش و گلگونه‌ام از نقش مداد و جوهر نوشتنی است.

قدرت من در دستهایم است- نه زیبایی و رنگ صورت- و فراست و هوش من برای رسیدن به آینده بهتری است.»

آثار چاپ شده عایشه عبارتند از: دیوان اشعار فارسی و ترکی که یکبار در استانبول و بار دیگر در قاهره به چاپ رسیده است، حلیۀالطراز، دیوان شعر به عربی، نتایج‌الاحوال فی الاقوال و الافعال، شامل حکایات و داستان‌هایی درباره دستورهای اخلاقی به زبان عربی، مرآت‌التامل فی الامور، به زبان عربی در ادب و اخلاق. وی در قاهره درگذشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: الاعلام، ۵ / ۴؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۸۴ -۸۱ / ۲؛ معجم‌المؤلفین.

عصیری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی عصیری

محل تولد : آران و بیدگل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمجتبی عصیری فرزند سید محمد متولد اول مرداد ماه سال ۱۳۴۹ ه . ش در خانواده‌ای مذهبی و از نظر اقتصادی متوسط، در منطقه بیدگل کاشان می‌باشم که در سن ۵ سالگی به همراه خانواده پدری جهت سکونت به شهرستان کاشان عزیمت نموده و تحصیلات ابتدائی و راهنمایی خود را در این شهر آغاز نمودم. از همان اوان طفولیت که همزمان با تحصیل در مدرسه ابتدائی بود به علت جوّ خانواده و حرمت و قداستی که در آن نسبت به مقام شامخ روحانیت و این کسوت وجود داشته و همچنین علاقه و ارادت وافری که والدین این جانب، بالاخص پدر که خود به شغل معماری ساختمان مشغول بود توجهم به این سوی جلب گردید. در دومین سال تحصیلی در مقطع راهنمایی بود که فکر روی آوردن به دروس حوزوی به طور جدی به فکرم خطور نمود اما با توصیه بعضی از دوستان جهت تکمیل مقطع راهنمایی مجدداً به ادامه تحصیلات روز مشغول گردیدم و در پایان مقطع راهنمایی چون جهت شرکت در جبهه‌های نبرد حق بر علیه باطل اعزام گردیده بودم تا حدودی از فکر حوزه دور گردیدم و همزمان با حضور در جبهه‌ها تحصیلات دبیرستان را آغاز نمودم. تا اینکه در سال دوم دبیرستان و دومین حضور در جبهه به طور جدی عزم خود را جزم نموده و تصمیم خود را گرفته و در سال ۱۳۶۶ ـ ۱۳۶۷ رسماً وارد حوزه علمیه مقدسه قم گردیدم و در کنار تحصیلات حوزوی دیپلم علوم انسانی و سپس تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی و نیز کارشناسی ارشد را در رشته زبان و ادبیات عرب اخذ نمودم. سپس برای مدت سه سال در دانشگاه به تدریس مشغول گردیدم. اما پس از آن خود را متمرکز و ممحَّض در دروس حوزه نموده و پس از پایان دروس سطح حوزه در سال ۱۳۷۷ وارد دروس خارج فقه و اصول گردیده و تا این زمان نیز به این مهم اشتغال دارم و در کنار آن به بعضی از کارهای قلمی و تألیفی نیز اشتغال دارم که از خداوند متعال مزید توفیقاتش را مسئلت دارم.

عطاء

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) ابن یعقوب مکنی به ابوالعلاء و معروف به ناکوک، فاضل و شاعر و نویسنده ذواللسانین (ف. ۴۹۱ ه.ق.). وی در دو زبان عربی و فارسی دیوان مشهور داشت، و معاصر سلطان ابراهیم بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عطار همدانی، حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۹ –۴۸۸ ق)، حافظ، محدث و ادیب شیعی. وی به مقام برجسته‌ای از علم و فضیلت دست یافت و شهره‌ی آفاق بود. از محضر علما و راویان بسیاری چون حافظ ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و محمد بن الفضل عزاوی و دیگران بهره گرفت و عده‌ی زیادی از او سود جستند و حدیث شنیدند، چون: شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه و ابن شهر آشوب و موفق به احمد خطیب خوارزم و ابوسعد سمعانی. از آثار وی: «الهادی فی معرفه المقاطع و المبادی و الوقف و الابتداء و الانتصار فی معرفه قراء المدن و الامصار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست منتجب‌الدین (۶۵)، معجم رجال الحدیث (۲۹۱/۴).

عطاملک جوینی، علاءالدین، ابوالمظفر عطاء ملک

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۳ / ۶۸۱ –۶۲۳ ق)، مورخ و ادیب. ملقب به صاحب دیوان. وی از خاندان بزرگ صاحب دیوانان جوینی است که در قرن پنجم و ششم و هفتم همواره متصدی مشاغل بزرگ دولتی بودند. از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و به خدمت امیر ارغوان آقا، حکمران خراسان، پیوست، و دوبار به همراه وی به مغولستان سفر کرد و درای سفرها به احوال مغولان آشنایی پیدا کرد. در ۶۵۴ ق که هولاکوخان مغول به خراسان آمد، عطاملک به او پیوست و در جنگ‌های وی با اسماعیلیان الموت و با خلیفه‌ی عباس در بغداد همراه او بود. پس از از چندی از جانب هولاکو به حکومت عراق عرب منصوب شد و حدود بیست سال در این مقام بود. پس از مرگ هولاکو به سعایت مجدالملک یزدی مدتی گرفتار شد. چون آزاد شد در اران یا مغان درگذشت و پیکر او را به تبریز آوردند و در آنجاه به خاک سپردند. از مآثر وی: کشیدن نهری از فرات به جنوب غربی نجف. از آثار علمی وی: «تاریخ جهانگشای»، در سه مجلد در شرح ظهور چنگیزخان و احوال و فتوحات وی و تاریخ خوارزمشاهیان و حکام مغولی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح؛ «تسلیه الاخوان»؛ رساله‌ای در تکمیل «تسلیه الاخوان»؛ «دیوان» شعر.[۱]

جوینی، ملقب به علاءالدین بن بهاءالدین محمد، برادر شمس‌الدین محمد صاحب دیوان، از رجال و مورخان معروف اوایل دوره مغول (و. ۶۲۳– ف. ۶۸۱ ه.ق.) وی از آغاز جوانی وارد کارهای دیوانی شد و از عمال امیر ارغون آقا حکمران خراسان گردید. عطاملک چند بار در خدمت امیر ارغون به قراقروم پایتخت مغولستان سفر کرد و در ضمن همین سفرها درباره احوال مغول و یورتهای اصلی ایشان اطلاع کافی به دست آورد و برای نوشتن تاریخ خود مواد لازم را فراهم کرد. وی در سال ۶۵۴ به توسط امیر ارغون به هلاکو معرفی شد و نزد او تقرب یافت. پس از فوت هلاکو وی و برادرش صاحب دیوان سبب رونق دولت اباقا بودند و عطاملک حکومت بغداد و عراق یافت. مجدالملک مکرر از عطاملک نزد خان مغول سعایت می‌کرد و موجب مزاحمت او و دیگر افراد خاندان جوینی را فراهم می‌ساخت و در نتیجه عطاملک به حبس افتاد ولی با وساطت شاهزادگان و خوانین مغول در ۶۸۰ از حبس نجات یافت و مورد نوازش اباقا قرار گرفت. دشمنان خاندان جوینی باز از پای ننشستند ولی نتیجه نبردند. چون تگودار به سلطنت رسید، حکومت بغداد و عراق را کما فی‌السابق به عطاملک واگذاشت. وی مؤلف تاریخ «جهانگشای جوینی» است. عطاملک این تاریخ را در سال ۶۵۵ ه.ق.– یعنی مقارن تاریخ فتح قلاع اسماعیلیه به دست هلاکو به انجام رسانید. غالب وقایعی را

که جوینی راجع به دوره چنگیزی در کتاب خود آورده از معمرانی که با آن ایام هم عصر بوده‌اند شنیده و ضبط نموده و از معتبران مغول نیز کسب اطلاع می‌کرده و گویا از بعضی از نوشته‌های مغول هم استفاده کرده است. تاریخ جهانگشا چنانکه خود مؤلف تقسیم کرده شامل سه جلد است: جلد اول تاریخ شروع کار چنگیزخان و یاساهای چنگیزی و تاریخ قوم اویغور و فتوحات چنگیز در ماوراءالنهر و خراسان و انقراض سلسله خوارزمشاهیان و سلطنت اگتای و گیوک و احوال جوجی و جغتای، جلد دوم در تاریخ سلاطین خوارزمشاهی و قراختاییان و حکام مغول ایران، جلد سوم در تاریخ منگوقاآن و اردوکشی هلاکو به ایران و شرح تاریخ اسماعیلیه تا سال ۶۵۵ که بیشتر قسمت اخیر مقتبس از کتاب «سرگذشت سیدنا» است و شرحی که در باب فتح بغداد منسوب به خواجه نصیر طوسی است غالبا به عنوان ذیل جلد سوم به آخر نسخه‌های جهانگشا الحاق شده. انشاء کتاب مزبور بلیغ و از لحاظ احتوا بر اطلاعات نفیس کم‌نظیر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۲۸۸ -۲۸۶ / ۱)، از سعدی تا جامی (۹۲ -۹۰، ۳۵ -۲۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۳ -۱۲۰۹ / ۳)، تاریخ جهان‌گشای جوینی (۱/ یا- فه)، تاریخ مغول (۴۸۶ -۴۸۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۶، ۹۴)، حبیب السیر (۳/ صفحات متعدد)،دایره‌المعارف فارسی (۱۷۴۳ / ۲)، دستور الوزراء (۲۹۵ -۲۶۷)، الذریعه (۷۲۸ / ۹، ۳۰۰ / ۵، ۲۴۸ -۲۴۷ / ۳)، ریحانه (۴۴۴ / ۱)، سبک‌شناسی (۱۰۰، ۵۳ -۵۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸ -۹۷ / ۷)، گنج و گنجینه (۳۵۴ -۳۴۶)، لغت‌نامه (ذیل/ عطاملک جوینی)، مجمع الفصحا (۸۷۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷ -۷۵ / ۴). هدیه العارفین (۶۶۵ / ۱).

عفیفی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق.

تولد: ۱۳۰۲(۲۲ رمضان ۱۳۴۵ ق.)، شیراز.

درگذشت: ۱۳۷۵.

رحیم عفیفی در دو سالگی پدرش را از دست داد و دایی او عبدالله عفیفی (از آزادیخواهان خطه فارس) سرپرستی او را به عهده گرفت. تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در شیراز و دوره‌ی دوم را در دبیرستان کشاورزی کرج گذرانید و در خرداد ۱۳۲۰ دیپلم پنج ساله‌ی کشاورزی را به دست آورد و در اداره‌ی کشاورزی شیراز مشغول به کار شد. در همین اوقات دایی او دو روزنامه یکی به نام «فروردین» در نیمه‌ی دوم ۱۳۲۰ و دیگری به نام «سروش» در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۲۱ در شیراز انتشار داد که اداره امور داخلی آنها به عهده وی بود. پس از مرگ دایی در سال ۱۳۲۷ تحصیلات خود را دنبال نمود و با گرفتن دیپلم ادبی در شیراز به تهران منتقل شد و در رشته‌ی ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. در نتیجه در سال ۱۳۳۱ به درجه‌ی لیسانس و در سال ۱۳۳۵ فوق لیسانس و در سال ۱۳۳۸ به درجه‌ی دکترای ادبیات نایل آمد و در سال ۱۳۳۹ پس از گذراندن مقررات مربوط، به سمت دانشیار زبان پهلوی در دانشگاه مشهد انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۸ در سازمان نو بنیاد جنگلبانی ایران مسئول اداره‌ی آموزش و انتشارات و تبلیغات بود و مدیریت ماهنامه‌ای به نام نشریه‌ی «جنگل‌ها» را که مجله‌ای فنی بود به عهده داشت و با همه کمبودهای آن زمان به طور مرتب مدت پنج سال آن را انتشار داد و سرپرستی دو دوره کلاس کمک مهندسی و جنگلبانی را عهده‌دار بود و در سال ۱۳۳۶ نیز مدتی سرپرستی اداره‌ی انتشارات

وزارت کشاورزی به وی محول شد.

در سال تحصیلی ۱۳۴۰ -۱۳۳۹ وی در دانشگاه مشهد به تدریس زبان‌های پیش از اسلام (پهلوی، فارسی باستان، اوستایی) و زبان‌شناسی و فرهنگ ایران باستان پرداخت. در سال ۱۳۴۱ به عضویت شورای انتشارات دانشگاه برگزیده شد و از طرف شورای مذکور به سمت مدیر عامل سازمان چاپ دانشگاه انتخاب گردید تا برای تأسیس مؤسسه چاپ اقدام نماید وی همچنین چند دور مدیر گروه آموزشی زبان‌شناسی و زبان‌های پیش از اسلام را عهده‌دار بود و برای تأسیس دوره‌های فوق لیسانس و دکترای زبان‌شناسی در دانشگاه مشهد آیین‌نامه‌های لازم را تهیه نمود و به تصویب رساند. در سال ۱۳۴۲ به منظور بازدید از مؤسسه‌های فرهنگی و دانشگاهی کشورهای همسایه مسافرتی به اتفاق دانشجویان به کشورهای افغانستان، پاکستان و هندوستان نمود و در سال ۱۳۴۶ با استفاده از بورس تحقیقاتی دانشگاه مدت یک سال در کشورهای فرانسه و انگلستان سرگرم مطالعات علمی و تحقیقاتی بود. در کنار تدریس، به تحقیق می‌پرداخت و به تدریج سی و اند گفتار از متون پهلوی را به فارسی ترجمه و با شرح و تفسیر در مدت چهارده سال در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» به چاپ رسانید. کتاب ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیستی را با شرح و تفسیر و واژه‌نامه در سال ۱۳۴۲ به چاپ رسانید و در سال ۱۳۴۳ ارداویرافنامه منظوم زرتشت بهرام پژدو گوینده قرن هفتم هجری را انتشار داد. اثر دیگر عفیفی هوشیدران (متن پهلوی و ترجمه فارسی، ۱۳۴۵) است. وی همچنین کتاب فرهنگ جهانگیری با شرح و حواشی و شواهد گوناگون در سه جلد و ۳۴۰۰ صفحه در سال ۱۳۵۴ -۱۳۵۱ انتشار داد. این کتاب برنده‌ی جایزه‌ی مسافرت تحقیقاتی دانشگاه مشهد به مدت پنجاه روز به اروپا و آمریکا گردید. وی در برخی از کنگره‌ها حضور می‌یافت و سخنرانی‌هایی درباره‌ی فردوسی و دقیقی ایراد می‌کرد که متن آنها جداگانه به چاپ رسیده است. برخی از مقاله‌های ایشان در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد» منتشر شده است.

پس از تشکیل شورای دانشگاه مشهد از طرف شورای دانشکده‌ی ادبیات به عضویت شورای دانشگاه و نیز شورای آموزشی دانشگاه و شورای تحقیقات دانشگاه برگزیده شد و نمایندگی دانشکده ادبیات در هیئت ممیزه دانشگاه نیز به وی محول گردید.

در مهر ۱۳۵۸ تقاضای بازنشستگی کرد. در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ از مشهد به تهران آمد. در این دوره کار تحقیق و مطالعه در آثار ادب فارسی را دنبال نمود. از آثار این دوره فعالیت اوست: تصحیح کتاب بهمن‌نامه (از آثار اواخر قرن پنجم هجری)، مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری (۱۳۷۱)، فرهنگنامه‌ی شعری (شامل ترکیبات، کنایات، اصطلاحات و آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری در سه جلد)، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، واژه‌نامه پهلوی به فارسی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عقیلی، مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌نعیم بن محمد مؤمن عقیلی استرآبادی اصفهانی، متوفی در حدود سال ۱۱۶۰، مؤلف: ترجمه‌ی کتب اربعه‌ی سماویه.

وی از پدر خود و عمویش میرزا رحیم بن محمد مؤمن که هر دو از علمای نامدار می‌باشند روایت احادیث می‌نموده است.

مرحوم میرزا رحیم عقیلی در زمره علمایی است که خط آنان در خطبه‌ی اول کتاب «جامع الرواة» موجود است، و جدش محمد مؤمن داماد لطف‌الله عاملی میسی صاحب مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عکاسباشی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۴ -۱۲۵۳ ش)، عکاس، فیلمبردار و مترجم. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش عکاس‌باشی دربار ناصرالدین‌شاه بود. او از نوجوانی تحصیلات خود را در هنر عکاسی و گراورسازی در پاریس آغاز کرد. پس از مدتی همراه پدر به تهران آمد و ملتزم مظفرالدین‌شاه شد و در ۱۲۷۷ ش، لقب عکاس‌باشی گرفت. میراز ابراهیم‌خان نخستین فیلم را در استاند بلژیک در مراسم جشن گلها فیملبرداری کرد و سپس همراه شاه به تهران بازگشت. عکاس‌باشی ضمن نمایش فیلم در دربار، گاهی نیز به فیلمبرداری می‌پرداخت. در «تاریخ سینمای ایران» محل وفات وی چابکسر قزوین ذکر شده که به نظر اشتباه می‌رسد و باید چابکسر لاهیجان باشد. از دیگر آثار او، ترجمه‌ی «رساله‌ی لکه‌گیری» از فرانسه به فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ سینمای ایران (۲۲ -۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴ / ۱).

عکاشه، جلال‌الدین فریدون

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر و ادیب، متخلص به عکاشه. وی به دستگاه جلال‌الدین مسعود اینجو (م ۷۴۳ ق) و برادرش شاه شیخ ابواسحاق اینجو اختصاص داشت. او در شعر فارسی و عربی و نظم قصاید مصنوع و موشح دست داشت. از آثارش: قصاید «ربیعیه» و «رحیقیه»؛ مجموعه‌ی «منشآت»، که به چاپ رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۹۱ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۶۵، ۲۱۴).

علامی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علامی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مقدمات را تا مغنی و مطول پیش آقای انصاری که مدرس برجسته مقدمات در حوزه تبریز بود خواندم. مغنی و مطول را از محضـر آقای شیخ علی اکبر ادیب معروف و متخصص فن و لمعتین را از محضر آیت الله آقای حاج سید مهدی انگجی فرا گرفتم و مکـاسب را از محضـر حضـرت آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شـهیدی (ره) صاحب کتاب «هـدایه الطالب الی اسـرار المکاسب» که مجتهـد معروف حوزه علمیه تبریز بود و فرائد را محضـر حضـرت آیت الله مرحوم آقایی حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی خواندم و آن زمان از اساتیـد معروف مطول و مغنی بودم جمع کثیری در درس مطولم حاضـر می شدند چون عبارات را صـحیح و با دقت می خوانـدم الان هم تدریسم در حوزه علمیه قم از نظر خوب عبارت خواندن مورد تحسـین فضـلای حوزه است و فضـلا بارها گفته اند عبارت خواندن شما در مقام تدریس بی نظیر است.

کفایتین را از محضـر حضـرت آیت الله آقای مرعشـی نجفی (ره) استفاده کردم ، منظومه حکمت و اسفار را از محضر حضرت آیت الله علامه طباطبایی (ره) فرا گرفتم دوازده سال حکمت خوانده ام به منظومه حکمت شـرح نوشـته ام درعلم حکمت خیلی کار کرده ام فضـلای حوزه می گویند درس حکمت در حوزه شـروع کنید بی میلی نیسـتم اگر توفیق رفیق شد درس حکمت در حوزه شـروع کنم انشاء الله در درس خارج فقه حضـرت آیت الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت الله آقای حجت کبیر پانزده سال شرکت و استفاده کامل نموده ام بعد از وفات این دو بزرگوار باقی دوره درس خارج را از محضر مبارک امام رضوان الله تعالی علیه و آیت الله گلپایگانی و آیت الله داماد تکمیل نموده ام بیش از بیست سال درس خارج فقه خوانده ام.

علایی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۷.

درگذشت: ۱۲ آبان ۱۳۷۲.

علی علایی در ادبیات عرب و فارسـی و فرهنگ ایران زمین مطالعاتی داشت. وی مـدیر هفته‌نامه‌ی «پیک نوروز» در اردبیل بود. این هفته‌نـامه بعـد از چنـد سال انتشار، بعـد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توقیف شـد. مبـارزات قلمی علایی و نقش روشـنگرانه‌ی «پیک نوروز» در مشاهیر آذربایجان در فصل «تاریخچه مطبوعات اردبیل» آمده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

علایی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از نویسندگان و مترجمان پرکار معاصر بود. از آثار وی: «از منگلفیه تا شاه»، تاریخ هواپیمایی؛ «چهار سرباز پیاده‌ی ارتش آلمان»، ترجمه؛ «در پناه بودن از خطر حملات هوایی»؛ «فتح آسمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۲۵، ۱۷۵ -۱۷۴ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۰ -۶۴۹ / ۶).

علم الهدی شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید علی اکبر واعظ طباطبائی یزدی است که در ۱۳ رجب ۱۲۹۷ متولد گردید، و در شب ۵ شنبه ۱۷ جمادی الثانیه‌ی این سال وفات یافته، جنازه به شیراز منتقل گردیده، در شاه چراغ مدفون گردید.

عالم جلیل، و فقیه محدث، و ادیب جامع، و شاعر کامل بود، و سال‌ها در اصفهان ساکن، و محضرش مجمع افاضل و اماثل بوده، در اخلاق و ملکات نفسانی و قدرت حفظ، عدیم النظیر بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علم، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. از مترجمان پرکار قرن حاضر است از آثار وی: «پیامبر»،ترجمه؛ «راهنمایی نوین اسکی»، ترجمه؛ «شخص نامرئی»، ترجمه؛ «عقیده و عمل»، ترجمه؛ «میراث اسلام» (در سیزده فصل و هر فصل به قلم یکی از مستشرقین)، ترجمه از انگلیسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲ / ۶)، یادگار (س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۴ -۱۲۱، ش ۵، ص ۵۱ -۴۸)، یغما (س ۱، ش ۳، ص ۱۳۲ -۱۲۵).

علوی فرد، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی علوی فرد

محل تولد : بجنورد

شهرت : عموعلوی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۹/۲۱

زندگینامه علمی

یحیی علوی فرد

یحیی علوی فرد در سال ۱۳۵۲ در روستای باغچق از توابع شهرستان بجنورد به دنیا آمد . سال های ابتدائی مدرسه را در روستای محل زند گی گذراند و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه بجنورد شد . او بعد ها به مشهد رفت و در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه قم شد . علوی فرد از همین زمان به صورت جدی وارد عرصه شعر کودک و نوجوان شد . او در جلسات هفتگی شعر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان با مدیریت آقای تقی متقی شرکت کرد . علوی در سال ۱۳۷۷شروع به درس خواندن در رشته روان شناسی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) کرد . همچنین در همین سال همکاری خود را با مطبوعات کودک و نوجوان آغاز کرد . نتیجه کار او تا کنون چاپ صد ها قطعه شعر ، نقد ادبی و نثر در مجلات کودك و نوجوان است . علوی برخلاف بیشتر شاعران کودك و نوجوان سعی می کند به قالب چهارپاره بسنده نکند و در قالب های غزل و شعر نیمایی نیز فعالیت دارد . او همچنین به صورت پراکنده شعر بزرگسال نیز می گوید که در نشریات مختلف به چاپ رسیده است . عناوین و افتخارات علوی در سال ۱۳۸۰ در پنجمین جشنواره دو سالانه مطبوعات کودك و نوجوان در رشته شعر رتبه اول را به دست آورد . همچنین در سال ۱۳۸۱ در جشنواره شعر دانشجویان شاهد رتبه دوم شعر بزرگسال را کسب کرد . او در سال ۱۳۸۲ لیسانس روان شناسی گرفت . همچنین در این سال یکی از شش نامزد دریافت جایزه در ششمین جشنواره مطبوعات کودك و نوجوان بود . در سال ۱۳۸۳ از سوی سازمان صدا و سیما، نویسنده برگزیده گروه کودك و نوجوان معرفی شد . در سال ۱۳۸۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه قم قبول شد و در این سال در جشنواره هنر آسمانی (طلاب سراسر کشور) در بخش کودک و نوجوان مقام اول را به دست آورد. از شاعران برگزیده شعر فجر در استان قم بود . همچنین کتاب نوآوری این است برگزیده ششمین جشنواره کتاب فصل در سال ۱۳۸۷شد. فعالیت ها علوی در کنار سرودن شعر ، نقد ادبی را جدی ترین فعالیت خود می شمارد . او در این زمینه با مجلاتی مثل کتاب ماه کودك و نوجوان و ماهنامه سلام بچه ها همکاری جدی تری دارد که بعضی از این نقد ها با اسم مستعار (ی. باغچقی) به چاپ می رسد . او مقالات آموزشی در زمینه شعر و نثر ادبی را در مجلات انتظار نوجوان و ماهنامه ملیکا با اسم مستعار (عموعلوی) ارائه می کند . کتاب های چاپ شده از او عبارتند از : فصل ها زیبایند۱۳۸۵

بهار ماندنی ۱۳۸۷ (تقدیر شده اولین جشنواره آخرین منجی)

نوآوری این است ۱۳۸۷(برگزیده ششمین دوره کتاب فصل)

محمد دوباره می آید (زیر چاپ)

و...

یکی از جدی ترین فعالیت های علوی در کنار سرودن شعر و نقد ادبی ، تدریس زیبا نویسی ، مخاطب شناسی در ادبیات کودك و نوجوان، سرود دانش آموزی، و اداره جلسات نقد کارگاهی ادبیات کودك و نوجوان در قم می باشد . سابقه تدریس او در مراکز زیر صورت گرفته است : تدریس و نقد شعر در انجمن ادبی شاهد استان قم از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲

تدریس و نقد شعر در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره در سال ۱۳۸۲

تدریس سرود دانش آموزی در دانشگاه قم در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

تدریس و نقد شعر کودك و نوجوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶

تدریس و نقد شعر کودك و نوجوان در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی قم در سال ۱۳۸۵

و...

او هم اکنون در مقطع فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل است . عضو تحریریه ماهنامه سلام بچه هاست از سال ۱۳۸۴ دبیر بخش ماهنامه انتظار نوجوان است و به مدت ۵ سال سردبیر ماهنامه قاصدك بود . (ماهنامه قاصدك در مرکز پژوهش

های اسلامی صدا و سیما برای برنامه سازان کودک و نوجوان به چاپ می رسد .)

علوی مقدم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای ادبیات فارسی در سال ۱۳۴۹، تدریس ادبیات فارسی در دانشگاههای عین شمس قاهره (مصر) و اسلام‌آباد پاکستان هر کدام به مدت یکسال در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادب و فرهنگ اسلامی و ایرانی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا و ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم بلاغی، تحقیقات ادبی، تفسیر آیات قرآنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادبی، تفسیری، نکته‌های بلاغی قرآنی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

علوی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت: ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹، تهران.

عبدالعلی علوی که در شعر «پرتو» تخلص می‌کرد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه اقدسیه به پایان برد، از آن پس به دارالمعلمین (دانشسرای عالی) وارد گردید و به تحصیل پرداخت و به اخذ لیسانس توفیق یافت و علوم عقلیه را نزد اساتید فن آموخت.

پرتو علوی در سال ۱۳۰۰ به عراق و از آنجا به مصر سفر کرد و مدت دو سال در دانشگاه الازهر مصر به تحصیل علوم نقلی پرداخت و از آنجا رهسپار اروپا شد و در برلین وارد مدرسه عالی کشاورزی گردید، اما نتوانست به تحصیل ادامه دهد. ناگزیر به ایران مراجعت کرد و در وزارت دادگستری مشغول به کار شد و چندی نیز در راه‌آهن به کار پرداخت.

پرتو از سال ۱۳۱۸ به هنرسرای عالی انتقال یافت و به تدریس ادبیات و زبان خارجه مشغول شد و پس از سالی چند بازنشسته گردید و چون با زبان‌های عربی و آلمانی و انگلیسی آشنایی داشت، به عنوان مترجم رسمی وزارت دادگستری انجام وظیفه می‌کرد و در ضمن تألیفاتی نیز از وی به یادگار مانده که از آن جمله است: زندگی علی بن ابی طالب (ع) (ترجمه از عربی)، راست و نو، دستور زبان آلمانی (به فارسی)، بانگ جرس (شرح مشکلات دیوان حافظ) و چند اثر دیگر.

در سال‌های ملی شدن صنعت نفت به مبارزه علیه شرکت‌های استعماری پیوست و در این راه به زندان افکنده شد. در شعر بیشتر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

علی عسگری، سعیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید رضا علی عسگری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از دیپلم در سال ۱۳۶۳ و پس از ترمیم برخی مجروحیتها دوران دفاع مقدس و مسائل جبهه و جنگ در آبانماه سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه شدم و دروس مقدماتی را آغاز کردم در سال ۱۳۷۰ به دلیل احساس نیاز و تعهد به مسائل فرهنگی وارد جامعه مدرسین حوزه علمیه و فعالیت در بخش سیاسی فرهنگی را آغاز کردم و در نشریه گزیده ها به مدت دوسال ونیم فعالیت داشتم در سال ۱۳۷۳ جهت کار پژوهشی حدیثی وارد دارالحدیث شدم که تا سال ۱۳۸۳ ادامه داشت در سال ۱۳۷۴ جهت تحصیل و ارتقای سطح دانش ادبیات عرب وارد دانشگاه مجتمع آموزش عالی (پردیس) و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصیل شدم در سال ۱۳۸۲ در رشته کارشناسی ارشد ادبیات عرب وارد دانشگاه آزاد اسلامی شدم و سال ۱۳۸۴ فارغ التحصیل شدم پایان نامه اینجانب راجع به؛

بازخوانی و جنبش جدید کتاب مقاییس اللغه در سال ۱۳۸۵ و با رتبه عالی نمره ۵/۱۹ مورد قبول واقع شده است

علیاری تبریزی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۳۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزااحمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هریک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در ۱۳۳۳ ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌ی المقال» و «منتهی الآمال»، در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاه الوصول فی علم الاصول»، در شش مجلد؛ «مناهج الاحکام فی اصول الفقه»، شرح مزجی بر «معالم»، در پنج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛
شرح «دعای سمات»؛ «نهج الاعلان فیما یثبت به دخول رمضان»؛ «الوافیه»، در شرح «لغز الکافیه» شیخ بهایی؛ «هدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲ / ۸)، الذریعه (۱۷ / ۲۵ ، ۴۱۰ / ۲۴ ،۶۴ / ۲۱ ، ۲۵۰ / ۱۳ ، ۷۶۰ / ۹ ، ۱۶۰ -۱۵۹ / ۳ ،۴۹۶ / ۲)، ریحانه (۱۹۳ -۱۹۲ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۱۲۲ -۱۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۹ -۱۴۷۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۹۷ - ۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی علیاری)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۷).

علیزاده، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. آثار وی: «ترکستان»، ترجمه؛ «مدنیت اسلام»؛«مراسلات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۸۲ ، ۲۹۷۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۶ / ۳).

عماد خراسانی، نسرین دخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

نسرین دخت عماد خراسانی در سال ۱۳۲۷در تهران متولد شد .ایشان تحصیلاتش را در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران آغاز کرد .او تحصیلات خود را در رشتهٔ علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراند.وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات وانتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت کشاورزی می باشد. کتاب "فهرستگان کشاورزی ایران "تالیف سیمین دخت عماد خراسانی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری گرایش : سیستم های اطلاع رسانی تحصیلات رسمی و حرفه ای : نسرین دخت عماد خراسانی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشتهٔ علوم سیاسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و پس از اخذ درجهٔ کارشناسی، تحصیلات خود را در رشتهٔ علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراندمشاغل و سمتهای مورد تصدی : نسرین دخت عماد خراسانی ۲۷ سال است که در وزارت کشاورزی به خدمت اشتغال دارد و علاوه بر آن در مراکز مختلف علمی نیز در دوره های کوتاه مدت، به تدریس کتابداری پرداخته است. وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات وانتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت یاد شده می باشد.جوائز و نشانها : کتاب "فهرستگان کشاورزی ایران "تالیف نسرین دخت عماد خراسانی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : آموزشهای مذهبی در ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی اثر : (ویژه نامه نمایشگاه بین المللی کتاب)۲ خدمت اطلاع رسانی کشاورزی در ایران: یک تجربه ویژگی اثر : مقاله،(نشر کتابداری دانشگاه تهران)۳ فهرستگان کشاورزی ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«فهرستگان کشاورزی ایران»: فهرستگان کشاورزی ایران (۵ جلد)؛ زیرنظر نسرین دخت عماد خراسانی؛ تهران: وزارت کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۲. برای هرگونه پژوهش علمی در زمینه های گوناگون کشاورزی، شناخت و ارزیابی پژوهش های انجام شده در گذشته ضروری است. فهرستگان کشاورزی ایران – شامل کلیه منابع فارسی و غیرفارسی، اعم از کتاب، مقاله، پایان نامه و گزارش مربوط به کشاورزی ایران از دوران قدیم تا سال ۱۳۶۹ – با چنین منظوری تدوین شده و برای نخستین بار است که بدین صورت جامع منتشر می شود. این کتاب در پنج مجلد به شرح زیر تنظیم شده است: جلد اول، مقدمه، کتابها، اسناد و مدارک. جلد دوم، کتابها، اسناد و مدارک. جلد سوم؛ مقاله ها و پایان نامه. جلد چهارم؛ آثار کشاورزی به زبانهای غیرفارسی. جلد پنجم؛ نمایه ها. دسته بندی فوق به گونه ای است که هماهنگی و انسجام مطالب را تضمین کرده است. «فهرستگان کشاورزی ایران» در حکم ابزاری مطمئن است که از طریق آن پژوهشگران می توانند به منابع موجود دسترسی یابند.

عمادالدین کاتب اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۷ –۵۱۹ ق)، مورخ، ادیب و نویسنده. ملقب به عماد و کاتب اصفهانی. معروف به این اخی العزیز. در اصفهان به دنیا آمد و در همین شهر نشوونما یافت. در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به آموختن علم پرداخت و در فقه شافعی و فنون ادب و شعر سرآمد شد. سپس به دمشق رفت و به سلطان نورالدین محمود زنگی پیوست و متصدی دیوان انشاء گردید. وی به دو زبان فارسی و عربی می‌نوشت. او در مدتی که در دمشق بود صلاح‌الدین ایوبی را نیز می‌ستود و مورد علاقه‌ی او بود و به همین مناسبت مقامش نزد نورالدین بالاتر رفت و در زمان مستنجد عباسی، به عنوان پیامگزار از دمشق به بغداد رفت و پس از بازگشت به دمشق در مدرسه‌ای که به نام خود او خوانده می‌شود (مدرسه‌ی عمادیه) به عنوان مدرس منصوب شد. اما وی مورد سعایت دشمنان قرار گرفت و کار بر او تنگ شد و ناچار از دمشق به موصل رفت و در آنجا بیمار شد. ولی به محض شنیدن خبر رسیدن صلاح‌الدین ایوبی به دمشق، مجددا به آن شهر بازگشت و در همان شهر درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «خریده القصر و جریده العصر»،در ده مجلد؛ «الفتح القسی فی الفتح القدسی» یا «القدح القسی فی الفتح القدسی» یا «الفیح القسی فی الفتح لقدسی»، گزارشی از فتح شام و فلسطین به وسیله‌ی صلاح‌الدین؛ «البرق الشامی، در تاریخ، در هفت مجلد؛ «دیوان» شعر، در چهار مجلد؛ «نصره الفتره و عصره الفطره» یا «نصره الفتره و عصره القطره»، در تاریخ سلاجقه‌ی عراق؛ «السیل علی الذیل»، در سه مجلد، در تاریخ بغداد؛ «العتبی و العقبی»؛ «نحله الرحله».[۱]

(بخش ۱) کاتب، محمد بن محمد صفی‌الدین بن نفیس‌الدین حامد بن اله مکنی به ابوعبداللّه، ملقب به عمادالدین کاتب اصفهانی مورخ و ادیب و نویسنده (و. اصفهان ۵۱۹ ه.ق./ ۱۱۲۵ م.– ف. دمشق ۵۹۷ ه.ق/ ۱۲۰۱ م.) وی در جوانی به بغداد رفت و به فرا گرفتن فقه و ادب مشغول گردید، و سپس به خدمت وزیر عون‌الدین بن هبیرهٔ رسید و از طرف او نظارت امور بصره و واسطه را عهده‌دار شد و چون عودالدین درگذشت، کار وی روی به ادبار نهاد لذا آهنگ دمشق کرد و در آنجا از طرف سلطان نورالدین به استخدام دیوان انشاء درآمد. سپس نورالدین او را به روزگار المستنجد جهت رسالت روانه‌ی بغداد ساخت و چون نورالدین فوت کرد عمادالدین به صلاح‌الدین پیوست، و پس از مرگ وی در دمشق اقامت گزید و تا آخر عمر از مدرسه خویش که عمادیه نام داشت دست نکشید. او را تألیفات بسیار است از جمله: خریدهٔ القصر در ده مجلد، قسم شعراء مصر در دو جزوه، البرق الشامی، الفتح القسی فی الفتح القدسی، دیوان رسائل، دیوان شعر، السیل علی الذیل در تاریخ بغداد، نصرهٔ الفترهٔ و عصرهٔ الفطرهٔ در اخبار دولت سلجوقی که آن را فتح بن علی بنداری در یک جزوه مختصر نموده و زبدهٔ النصرهٔ و نخبهٔ العصرهٔ نامیده است و کتاب اخیر به نام تواریخ آل سلجوق نیز مشهور می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۴ –۲۵۳ / ۷)، ایضاح المکنون (۶۲۹ –۹۲ / ۲)، تذکره القبور (۴۵۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۶۷ / ۲)، ریحانه (۲۰۱ –۲۰۰ / ۴)، سیر النبلاء (۳۵۰ –۳۴۵ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۳۳ –۳۳۲ / ۴)، العبر (۱۲۰ / ۳)، کشفاالظنون (۲۰۴۹، ۱۹۵۶، ۱۳۱۶، ۱۱۰۳، ۹۵۴، ۸۰۳، ۷۰۲– ۷۰۱، ۲۸۸، ۲۳۹)، الکنی و الالقاب (۴۸۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عمادالدین کاتب)، معجم الادباد (۲۸ –۱۱ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۰۵ –۲۰۴ / ۱۱)، النجوم الزاهره (۱۶۰ –۱۵۹ / ۶).

عمائی، صدیق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. از آثار وی: «بیعاران پاریس»، ترجمه؛ «اسکندر مقدونی»، ترجمه؛ «پادشاه شکم‌پرست»، ترجمه؛ «فرشته و

زاهد»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۸۷، ۲۴۰۶ / ۲، ۵۷۹، ۵۶۱، ۲۱۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶ -۵۴۵ / ۳).

عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۶۰ ق)، مفسر، عالم، ادیب، لغوی و شاعر معتزلی. ملقب به حجه‌الافاضل و فخرالمشایخ و، به آورده‌ی «هدیه العارفین»، معروف به ابن‌عراق و از خاندان بزرگی در سرخس بود. ادب را نزد محمود بن عمر زمخشری فراگرفت و از نزدیکترین شاگردان و اصحاب وی شد. عمرانی از عمر ترجمانی و حسن بن سلیمان خجندی و قاضی عبدالواحد باقرحی حدیث آموخت. او اشتیاق کامل به کسب علم داشت. در اواخر عمر آنچنان سرآمد شد که علمای بزرگ به محضرش می‌آمدند و دانش خود را بر او قرائت می‌کردند و حل مشکلات خویش را از او می‌خواستند. از وی اشعار زیبایی به جای مانده است. از آثارش: «تفسیر القرآن» یا «شماریخ الدرر فی التفسیر الآی و السور»؛ «الاشقاق اسماء»؛ «المواضع و البلدان»، که به نوشته‌ی «کشف الظنون» این دو کتاب یکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۰ / ۵)، روضات الجنات (۲۴۳ -۲۴۲ / ۵)، ریحانه (۲۰۶ -۲۰۵ / ۴)، کشف الظنون (۴۴۶، ۱۰۲)، لغت‌نامه (ذیل/ علی و ابوالحسن)، معجم الادباء (۶۵ -۶۱ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۱۵ / ۷)، الوافی بالوفیات (۹۵ -۹۴ / ۲۲)، هدیه العارفین (۶۹۸ / ۱).

عمید، حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، فرهنگ‌نویس، نویسنده و روزنامه‌نگار. در مشهد به دنیا آمد و در همان شهر به تصحیل پرداخت. وی در جوانی به عضویت انجمن ادبی درآمد و به کار نویسندگی و فرهنگ‌نویسی پرداخت و مدتها در خراسان به پیشه‌ی روزنامه‌نگاری مشغول بود. عمید مدیر «سالنامه‌ی خراسان» و روزنامه‌ی «طوس» بود. از آثارش: «اسرار مانیتیسم»؛ «بر خرابه‌های تخت جمشید»؛ «غلطهای فاحش فرهنگهای فارسی»؛ «فرهنگ عمید»؛ «نیکوکاران».[۱]

فرهنگ نویس.

درگذشت: شهریور ۱۳۵۸.

حسن عمید عضو انجمن ادبی و از نویسندگان نشریه‌ی «خراسان» و مدیر «سالنامه‌ی خراسان» و روزنامه‌ی «طوس» بود.

از آثار اوست: اسرار مانیتیسم؛ بر خرابه‌های تخت جمشید (۱۳۱۰)؛ سالنامه‌ی خراسان (سال چهارم، ۱۳۱۶، سال پنجم، ۱۳۱۷)؛ غلطهای فاحش فرهنگ‌های فارسی؛ فرهنگ عمید (دو جلد۱۳۴۲)؛ نیکوکاران (بخش اول، مشهد، ۱۳۱۵)؛ فرهنگ نو (۱۳۳۳ ،

۱۳۰۸)؛ فرهنگ کوچک عمید؛ فرهنگ مفصل عمید؛ فرهنگ برگزیده‌ی عمید؛ فرهنگ جیبی عمید (۱۳۳۵)؛ فرهنگ دبیرستانی عمید؛ فرهنگ تاریخ و جغرافیای عمید (۱۳۴۷)؛ طب جدید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۶۸ –۱۶۷ / ۳)، فرهنگهای فارسی (۲۱۲ –۲۰۹)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۶ –۶۱۵ / ۲).

عمید، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود عمید

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۹ در بروجرد در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم در سال ۱۳۶۷ در رشته علوم تجربی در مقطع متوسطه فارغ التحصیل شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های اجتماعی سیاسی حضور داشتم و به عنوان معاون آموزش در انجمن اسلامی دبیرستان و عضو فعال بسیج دانش آموزی انجام وظیفه می کردم به سال ۱۳۶۷ پس از اخذ دیپلم با شوقی فراوان به جرگه تشنگان ولایت و اهل بیت در حوزه علمیه قم پیوستم. در دوره سطح عالی از اساتید گرامی آقایان پایانی، محمدی خراسانی و علوی بهره بردم. از سال ۱۳۷۷ با شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله مهدی هادوی تهرانی از محضر ایشان کسب فیض نموده ام. همچنین مدتی توفیق درک محضر آیت الله شبیری زنجانی را داشتم. به موازات اشتغال به درس خارج در سال ۷۷ مدتی با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما همکاری داشتم. از سال ۸۳ بنابرعلاقه به موضوعات تقریبی با مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی – قم – همکاری پژوهشی داشته و در کنفرانس سالانه وحدت اسلامی به عنوان عضوی از پیکره تقریب شرکت داشته ام. از سال ۱۳۸۴ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس تاریخ اسلام اشتغال دارم. همچنین در خلال این سالها در فن ترجمه متون سنگین ادب و لغت عرب چون قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز پاره ای موضوعات فقهی فعالیت داشته ام که برخی به چاپ رسیده است. نیز به ارائه نکات انتقادی با نگرش جوان پسند پرداخته ام که حاصل آن دست نوشته هایی است که هنوز توفیق تنظیم و چاپ آنها را نیافته ام.

در پایان بر این باورم که می بایست از متون اساسی و جاودانه ای چون قرآن و نهج البلاغه هر ده سال یکبار ترجمه ای روز آمد و متناسب با تحولات و ساختار زبانی به جامعه فرهنگ دوست عرضه شود.

عناصری، جابر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جابر عناصری در سال ۱۳۲۴ در شهر اردبیل زاده شد. او از کودکی به تعزیه و شبیه خوانی علاقه مند بود. وی گرچه دکتری خود را در رشته فلسفه از دانش گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : تعزیهخاطرات کودکی : علی عناصری(پدر جابر) بدلیل علاقه و ارادتی که به ائمه اطهار علیهم السلام داشت، هر ساله مراسم عزاداری، شبیه خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می نمود. جابر از کودکی به شبیه خوانی و تعزیه علاقه مند بود. و زیر نظر پدر، مراسم شبیه خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه خوانی را برگزار می نمود، جابر مشق های خود را در پشت نسخه های تعزیه می نوشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جابر عناصری در یک خانواده فرهنگی - مذهبی در اردبیل به دنیا آمد . و بدلیل علاقه پدرش به ائمه اطهار و اجرای مراسم تعزیه و شبیه خوانی در منزل وی، جابر به تعزیه علاقه مند گردید. پدرش نیز یکی از مردان سرشناس اردبیل بود و در نظر مردم بسیار محترم بود. خانه او نیز هر ساله محل برگزای مراسم تعزیه و شبیه خوانی بود. از این رو در همه جای آن آلات و ادوات شبیه خوانی و تعزیه به چشم می خورد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جابر عناصری تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در اردبیل طی کرد و سپس بخاطر عشق به ادبیات عامه، در سال ۱۳۳۹ راهی تهران شد تا ادبیات را در دارالفنون بیاموزد. در سال ۱۳۴۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد.در سال ۱۳۵۲ برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند.خاطرات و وقایع تحصیل : جابر عناصری در سیزده سالگی در دوره دبیرستان یک پژوهش فرهنگی را انجام داد و آنرا بصورت روزنامه دیواری ارائه نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : جابر عناصری در ضمن تحصیل به پژوهش در ادبیات و فرهنگ عامه مشغول بود. چنانکه یک تک نگاری درباره روستایی بنام ججین را در سال ۱۳۴۵ انجام داد و در مجله هنر و مردم به چاپ رساند. دکتر عناصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردمشناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران و افغانستان پرداخت.استادان و مربیان : جابر عناصری ادبیات را در دارالفنون از جلال الدین شریفیان آموخت . اولین استاد وی درباره هنر و ادبیات عامه، پدرش علی عناصری بود.همسر و فرزندان : همسر جابر عناصری کارشناسی ارشد کتابداری است و همواره او را در یافتن اسناد و مدارک و تحقیق و نقد آنها یاری و تشویق نموده است. فرزندان وی نیز همواره از کودکی با کتاب مانوس بوده و بعنوان شاگردان پدر و دستیاران تحقیقاتی و حتی طراحان جلد کتابهای وی،وی را یاری می نمایند.وقایع میانسالی : جابر عناصری از دوره تحقیقات میدانی خود در گوشه و کنار ایران خاطرات تلخ و شیرینی دارد. یکی از آنها ر زمانی رخ داد که وی با یک دوربین عکاسی جدید و مدرن به یکی از روستاهای آذربایجان شرقی رفته بود. در آنجا به پیرمردی که در حال کشاورزی بود برخورد. دکتر عناصری بدلیل اینکه مبادا پیرمرد را ناراحت کند، بدون اینکه از وی عکسی بگیرد بسرعت از کنار وی گذشت و از چند جوان روستایی که در آن نزدیکی بود عکسهایی تهیه کرد پیرمرد که این صحنه را دید، فریاد زد، عجب روزگاری شده از جوانها عکس می گیرند، ولی از پیرها عکس نمی گیرند.دکتر عناصری نیز از او خواست که هر تعداد عکس می خواهد از او بگیرد. اما پیرمرد آنرا مشروز بر گرفتن عکس دستجمعی با خانواده خود و در لباسهای نو دانست، دکتر عناصری نیز از آنها خواست تا لباس محلی آذربایجان را بپوشند، چند لحظه بعد عکسی زیبا و مردم شناسانه بوجود آمده بود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جابر عناصری علاوه بر سابقه تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک(از سال ۱۳۵۶ ه.ش) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، در حال حاضر(۱۳۸۱ ه.ش) سرپرست برخی گروههای

تحقیقی مردم شناسی و مسئول تحقیقات ایلی و عشایری می باشند.فعالیتهای آموزشی : جابر عناصری از بیست و یک سالگی در دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول به تدریس شد(۱۳۵۶ ه.ش) . وی در سال ۱۳۷۷ درجه استادیاری داشت و تا سالهای اخیر به تدریس مشغول بود.[دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،۱۳۷۷، ص ۳۱۹]. از این گذشته وی بعنوان استاد تعزیه شناسی در دانشکده هنرهای زیبای تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جابر عناصری در کنار تدریس و مسئولیت های اداری تحقیق در زمینه ادبیات عامه ، شبیه خوانی و تعزیه را ادامه می دهد.همفکران فرد : مرحوم احمد شاملو(نویسنده دایره المعارف کتاب کوچه در باره امثال ایرانی)، دهخدا(نویسنده امثال و حکم) صادق هدایت(گرد آورنده حکایات و مثل های محلی برخی مناطق ایران) در گرد آوری ادبیات عامه پیشگام بوده اند. اما امروزه کسانی چون صادق همایونی، دکتر محمود روح الامینی، مهرداد وحدتی دانشمند، محسن میهن دوست، محمد- احمد پناهی سمنانی و دکتر علی بلوکباشی در ردیف همفکران جابر عناصری قرار میگیرند که با نگاهی مردم شناسانه یا هنری به هنر و ادبیات عامه می نگرد.آرا و گرایشهای خاص : مهمترین علاقه جابر عناصری ادبیات عامه، شبیه خوانی و تعزیه است. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه دارد. چنانکه وی بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نموده است. وی این روش را ابزاری برای ارتباط نزدیکتر با واقعایت می داند.جوائز و نشانها : تک نگاری درباره روستای ججین اولین پژوهش چاپ شده جابر عناصری بود که از سوی مجله هنر و مردم بعنوان یکی از تحقیقات نمونه انتخاب شد(۱۳۵۲ ه.ش) هنگامی که دکتر عناصری در انگلستان به سر می برد تحقیقاتی با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه ایران و افغانستان انجام داد و در سال ۱۳۵۶ با کسب عنوان دانشجوی برجسته دوره پژوهش به ایران بازگشت.آثار : ویژگی اثر : وی در آثار خود از نگاهی جامعه شناسانه و مردم شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می نگرد. [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر ، تهران: چهارین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص جلد]۲ ادبیات نمایشی مذهبی ، تجلی قرآن در قاب آئینه فرهنگ عامه ایران و ... [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸ . و سه مردمشناسی و روانشناسی هنری، تهران:اسپرک،۱۳۶۶. و سه ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش ،۱۳۷۰. و سه ، شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲] ، دکتر جابر عناصری تا کنون (۱۳۸۱) ۱۲ تعداد ۱۲۰۰ مقاله و ۳۴ کتاب نگاشته اند، که ۲۰ عنوان از کتابهای پژوهشی می باشند و از آن جمله است: شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی(۱۳۷۲) ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان(۱۳۷۰) ویژگی اثر : پژوهشی است میدانی درباره داستانهای شاهنامه که توسط نقالان نقل شده است. [جابر عناصری، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش،۱۳۷۰، صص فهرست]۷ مراسم آیینی و تئاتر(۱۳۵۸) ، مردم شناسی و روانشناسی هنری(۱۳۶۶) ویژگی اثر : دکتر عناصری در کتاب مردم شناسی و روانشناسی هنری به جایگاه قصه های عامیانه در هنر ایران، باورهای عامیانه، تاثیر رسانه های جمعی در گسترش هنر، مباحث رنگ شناسی، سمبولیسم رنگ و ارتباط آن با روانشناسی می پردازد. سپس به روانشناسی هنری وارد شده و بحث های هنر درمانی، تئاتر درمانی و نقش تئاتر در درمان کودکان معلول و ... را مطرح می نماید. [جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، ۱۳۶۶، و نیز، سه، جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: رشد، ۱۳۸۰، صص جلد و فهرست]۹ نسیم خاطرات[صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱] ویژگی اثر : مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده ۱۵۰ مقاله در باره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محل ایران است. [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱]

منابع زندگینامه :جواد عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص جلد۲دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،۱۳۷۷، ص ۳۱۹]۳صارمی،

عاشـقترین عاشـقان فرهنـگ، فرهنگ و پژوهش. ص ۲۰و نیز جـابر عناصـری، شـبیه خـوانی الگـوی نمایشـهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،۱۳۷۲، صفحات جلد کتاب]۴کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه۱، شماره ۴۰-۳۹(آذر و دی ۱۳۸۰)، ص ۲. و نیز کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه ۲)، شماره ۴۴-۴۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱)،ص ۲

عنبری نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۴ ق)، محدث، مفسر، فقیه، لغوی و ادیب. اهل نیشابور بود از ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن عمرو قشمرد و حسین بن محمد قبانی و ابراهیم بن ابی‌طالب و ابن‌خزیمه و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن عبدش/ عبدوس مفسر و ابوعلی حسین بن علی حافظ و ابوحسین حجاجی و حاکم و ابن‌منده و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابوعلی حافظ قدرت حافظه وی و وسعت آن را ستوده و حاکم گوید که ابوزکریا متجاوز از ده سال گوشه‌گیری کرد، او می‌گفت: عالم برگزیننده باید که به بهترین حالت خویش بازگشت نماید، پاکیزه و حلال بخورد. علم را وسیله‌ای برای مال‌اندوزی قرار ندهد و علم برایش زیبایی آورد. مال خود را فضل‌الهی محسوب کند و سپاسگزار خداوندگار خویش باشد. در «معجم الادباء» سال وفات وی ۴۴۴ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۳۴ -۵۳۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۹ / ۲)، العبر (۶۹ / ۲)، معجم الادباء (۳۴ / ۲۰)، النجوم الزاهره (۳۵۸ / ۳).

عنبریان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(خاندان خانواده عنبریان) خاندانی معتبر در نیشابور که غالب افراد آن اهل فضل و علم و دبیر بوده‌اند، از آن جمله است: خواجه امیرک (ف. ۴۴۸ ه.ق.) دبیر ابوالحسن احمد بن محمد بیقهی و برادرش ابونصر و برادر دیگرش ابوالقاسم کاتب نایب ابونصر مشکان (قزوینی. یادداشتها ۶۱ :۶)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عنقای شیرازی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ -۱۲۶۰ ق)، ادیب، خوشنویس و شاعر، متخلص به عنقا. ملقب به ملک الشعراء.در اصفهان به دنیا آمد. مردی درویش‌مسلک بود. وی عموی استاد جلال‌الدین همایی است و بنا به نوشته‌ی او مرگ عنقا بر اثر مسمومیت از قهوه قجری به دنبال مشاجره‌اش با

ظل‌السلطان و کتک خوردن از او در ۱۳۰۸ ق روی داده، اما به گفته صاحب «حدیقه الشعراء» عنقا در ۱۳۱۰ ق در اصفهان زنده بوده است. عنقا در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده که به همت استاد جلال‌الدین همایی منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۹۸)، حدیقه الشعراء (۱۲۳۸ -۱۲۳۶ / ۲)، الذریعه (۷۷۴ -۷۷۳ / ۹)، شرح حال رجال (۲۲۹ / ۶).

عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۲۰ ق)، مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی اهل سمرقند از فقهای بزرگ فرقه‌ی اثنی‌عشری در زمان کلینی می‌باشد که در ابتدا مذهب عامه داشت و احادیث آنا را استماع می‌کرد ولی بعد به مذهب شیعه گروید. او از شاگردان شیخ کلینی بود. او از علی بن حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد خالد طیالسی و جماعتی از شیوخ کوفه و بغداد حدیث شنید. شیخ کشی صاحب «رجال» از شاگردان عیاشی است. از دیگر شاگردان عیاشی پسرش جعفر بن محمد است که خود از مشایخ ابومفضل شیبانی است. شاگرد دیگر او حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که راوی جمیع مصنفات عیاشی است. گفته‌اند که وی محدثی مورد اعتماد و یگانه‌ی زمان خویش بود و از نظر علمی و ادبی و اندیشه و ذکاوت در مشرق نظیر نداشت. او مجلسی برای خواص و مجلسی برای عامه مردم برپا می‌کرد. خانه‌اش همانند مسجد،مملو از افرادی چون قاری و کاتب و نیز محدثین و علما بود که در آن عده‌ای به تألیف و مقابله و گروهی به استنساخ و گروهی نیز به تعلیقه و حاشیه‌نویسی مشغول بودند. در طب و نجوم و رویا تبحر داشت و در زمینه‌ی ابواب فقهی و متجاوز از دویست کتاب تألیف کرد که در نواحی خراسان به اشتهار کامل رسید. در فهرست ابن‌الندیم صد و پنجاه و هفت جلد از آثار او ذکر شده است. از آثار وی: «تفسیر علی بن ابراهیم» است؛ «التوحید الصفه»؛ «الصلاه»؛ «الزکوه»؛ «الصوم»؛ «المناسک»؛ «العالم و المتعلم»؛ «الطب»؛ «التجاره و الکسب»؛ «الضقاء و آداب الحکم»؛ «الملاهی»؛ «الجزیه و الخراج»؛ «الطاعه»؛ «حقوق الاخوان»؛ «محاسن الاخلاق»؛ «دلائل الائمه»؛ «الملاحم»؛ «القول بین القولین»؛ «فضائل القرآن»؛ «الانبیاء الائمه»؛ «النجوم»؛ «الرؤیا»؛ «معاریض الشعر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۶ / ۷)، اعیان الشیعه (۵۶ / ۱۰)، الذریعه (۷۷ / ۲۴ ،۱۹۵ / ۲۱ ،۱۲۵ / ۲۰ ،۲۰۹ ،۱۴۰ / ۱۷ ،۲۰۷ ،۱۳۹ ، ۱۳۳ ، ۶۰ / ۱۵ ،۴۴ / ۱۲ ،۳۰۷ / ۱۱ ،۲۳۹ / ۸ ،۴۲ / ۷ ،۱۰۵ / ۵،۲۹۵ / ۴ ،۳۴۸ / ۳ ،۳۵۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۹۷)، رجال النجاشی (۲۵۰ -۲۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۱۲۳ -۱۲۱ / ۶)، ریحانه (۲۲۱ -۲۲۰ / ۴)، سفینه البحار (۳۰۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۶ -۳۰۵ / ۴)، فوائد الرضویه (۶۴۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۳ -۳۶۱)، الفهرست للطوسی (۳۷۱ ،۳۲۰- ۳۱۷ ،۳۰۹ ،۱۲۰)، الکنی و الالقاب (۴۹۱ -۴۹۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالنضر)، معجم المؤلفین (۲۰ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۰۵ -۲۰۴)، هدیه العارفین (۳۳ -۳۲ / ۲).

عیسی بیک

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پدرش از علما و فضلا و محقّقین بوده.

کتب زیر از اوست:

۱- تفسیر قرآن ۲- رساله در وجوب عینی نماز جمعه ۳- رساله در طرز قسم دادن اهل کتاب ۴- رساله در حکم رؤیت هلال قبل از زوال ۶- شرح دروس، ناتمام.

حدود سال ۱۰۷۴ وفات یافته است.

صاحب عنوان در ۱۰۶۶ متولّد، و در ۱۱۳۰ وفات یافته، و از شاگردان علّامه محمّد باقر مجلسی است، و چون مدّتی در مملکت عثمانی ساکن بود بدین لقب شهرت یافته است.

کتب زیر از اوست:

۱- الاجازات، یا مجموعهٔ الاجازات ۲- الامان من النیران فی تفسیر القرآن ۳- بساتین الخطباء، در سه مجلد ۴- ترجمه ی جاماسب نامه ۵- ثمار المجالس و نثار العرایس، مانند کشکول ۶- الدرر المنظومه المأثور، در ادعیه. نام صحیفه ثالثه سجّادیّه است و به طبع رسیده است ۷- رساله در موضوع خواجه گردانیدن ۸- رساله در وجوب عینی نماز جمعه ۹- رساله ی خراجیّه ۱۰- رسم خطوط الساعات و نصف النهار ۱۱- روضهٔ الشهداء، به سه زبان ترکی، عربی، فارسی ۱۲- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، که معروف‌ترین تألیفات اوست، و بین مؤلّفین و نویسندگان کتب تراجم و رجال شهرت دارد، و متأسّفانه تاکنون به طبع نرسیده است، در ده مجلد، ۱۳- شرح اصطلاحات شکل العروس از کتاب اقلیدس ۱۴- شرح الفّیه ی ابن مالک، مفصّل ۱۵- شرح الفّیه ی ابن مالک، مختصر ۱۶- شرح صحیفه ی سجّادیّه و حاشیه بر آن؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عین الملک هویدا، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. عین الملک از کارگزاران دولتی بود که آثار چندی به زبان فارسی نگاشته و یا ترجمه کرده است. وی در ۱۳۳۸ ش به سمت نمایندگی فوق‌العاده به حجاز رفت تا برای تجدید روابط ایران و حجاز وارد مذاکره شود. از آثارش: «اسرار سلطانی دربار شاهی»؛ «پسر پاردایان»، ترجمه؛ «داستان آدم جدید»، ترجمه؛ «روکامبول»؛ «مهر فرزندی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۹۳ / ۲، ۱۳۲۴، ۶۰۹، ۲۰۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۸ -۴۹۷ / ۲).

غانمی هروی، ابوالمحاسن مسعود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۳ -۴۶۴ / ۴۲۴ ق)، فقیه، ادیب، محدث، عابد و شاعر. در طوس به دنیا آمد و در نیشابور نشوونما یافت. و نیز گفته شده که در نیشابور به دنیا آمد و در طوس نشوونما یافت. وی از جانب دو صاحب نام: ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن صاحب اجازه بود. از ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصفهانی و گروهی دیگر حدیث شنید و «مسند» هیثم شاشی را از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی استماع کرد. ابن‌عساکر و سمعانی و تاج مسعودی و عبدالرحیم بن سمعانی از او حدیث شنیدند. ابن‌سمعانی همچنین «مسند» شاشی و «رساله‌ی» قشری را از او استماع کرد. ابوسعد سمعانی گوی که او بسایر عابد و زاهد و پرهیزکار بود. بطوری که از سفره‌ی پدرش چون با حاکمان اختلاط داشت پرهیز می‌کرد. غانمی شاعری چیره‌دست بود و اشعار بدیعی می‌سرود. از آثار وی نظم ابیاتی است به نام «السحریه»، یعنی آنچه که مربوط به وقت سحر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۲۷۹ -۲۷۸ / ۴)، سیر النبلاء (۳۶۰ -۳۵۹ / ۲۰).

غبرایی، فرهاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۶ بهمن ۱۳۲۸، لنگرود.

درگذشت: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۳، لنگرود.

فرهاد غبرایی دارای دیپلم طبیعی (تابستان ۱۳۴۸) از یکی از دبیرستانهای کرمانشاه بود. سپس در شیراز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ از این رشته فارغ‌التحصیل شد. پس از گذراندن خدمت سربازی در بهار ۱۳۵۵ به فرانسه سفر کرد و در پاریس در زمینه کارگردانی سینما به مطالعاتی پرداخت. تا سال ۱۳۵۸ در فرانسه بود و با گروه‌های نمایشی همکاری داشت. سپس به ایران بازگشت و نخستین ترجمه‌ی خود را در سال ۱۳۵۹ منتشر نمود. وی همچنین در زمینه داستان‌نویسی نیز فعالیت داشت و اولین داستان وی به نام آب و خاک در سال ۱۳۵۹ منتشر شد.

فرهاد غبرایی در آذر ۱۳۶۹ به نوشهر نقل مکان نمود. در سال ۱۳۷۲ با دریافت بورسی از وزارت فرهنگ فرانسه در نشست بین‌المللی مترجمان ادبی در آرل فرانسه شرکت جست.

از جمله آثار ترجمه وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شهر شیطان زرد (ماکسیم گورکی، ۱۳۵۹)، شکست (امیل زولا، ۱۳۶۰)، آخرین نفر (الکساندر فادایف، ۱۳۶۱)، آسوموار (امیل زولا، ۱۳۶۱)، معجزه در باد و باران (شوراتزبار، ۱۳۶۱)، جزیره (روبر مرل ۱۳۶۲)، کولابرونیون (رومن رولان، ۱۳۶۳)، چهار مجموعه (پابلو نرودا، ۱۳۶۳)، سفر به انتهای شب (لویی فردینان سلین، ۱۳۶۴)، پایان جهان (پابلو نرودا، ۱۳۶۳)، نقد و بررسی آندره وایدا (۱۳۶۶)، حریم (ویلیام فاکنر، ۱۳۶۷)، زندگی بتهوون (رومن رولان، ۱۳۶۷)، جشن بیکران (ارنست همینگوی، ۱۳۶۸)، کودک سیاه (کامارالی، ۱۳۶۹)، خانواده‌ی پاسکوال دوآرته (کاملیو خوسه سلا، ۱۳۶۹)، فلینی از نگاه فلینی (۱۳۷۱)، یادداشت‌های مالته و ریدز بریگه (راینر ماریا ریلکه، ۱۳۷۱، ظاهرا این اثر ناتمام مانده است)، پیامبران نور (نهال تجدد، ۱۳۷۲، ظاهرا این اثر ناتمام مانده است).

فرهاد غبرایی چندین داستان و چند نمایشنامه و فیلمانه نیز نوشته است، از آن جمله می‌توان به رمان ایختیاندر اشاره نمود. از جمله آثار تألیفی ایشان نیز می‌توان از این کتاب نام برد: گرایش‌های نوین در هنرهای بصری (۱۳۶۹).

فرهاد غبرایی در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۱۳۷۳ به سبب تصادف اتومبیل در جاده‌ی بین تنکابن و چالوس درگذشت و پیکر وی در لنگرود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۹۶ ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به مفتقر. مشهور به کمپانی. اصلش از نخجوان است. نیای او پس از سقوط قفقار در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آن‌گاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن تویسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره‌ی کامل برد و مدت سیزده سال فقه و اصول را از ایشان و همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی بطور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فنون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محم باقر اصطهباناتی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نحف اشرف درگذشت و در صحن علوی در مقبره‌ی جنب مناره ایوان طلا۔دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای مانده است. از جمله آثار وی: «نهایه الدرایه فی شرح الکفایه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «اربع قواعد فقهیه»؛ «الحقیقه الشرعیه»؛ ارجوزه‌ای در «الفلسفه العالیه»؛ ارجوزه‌ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقلید و العداله»؛ «الاصول علی منهج الحدیث»؛ «الوسیله فی اهم ابواب الفقه» یا «رساله‌ی عملیه»؛ «انوار القدسیه»، شعر عربی،بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگانی پیامبر (ص)، عموهایش و ائمه (ع) و فرزندانشان؛ «تحفه الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعر، فارسی، در مدائح و مراثی اهل‌بیت (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۲۸۷ -۲۸۶)، الذریعه (۴۰۰ / ۲۴، ۱۰۸۳ - ۱۰۸۱، ۲۴۷ / ۹، ۱۸۷، ۱۴۸ / ۶، ۴۸۳، ۲۷۱ / ۱)، ریحانه (۹۳ - ۹۰ / ۵)، سخنوران نامی معاصر ایران (۲۹۷۷ -۲۹۷۲ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶۲ - ۵۶۰ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۹۱ -۱۹۰)، فرهنگ سخنوران (۸۶۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۷ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۷-۷۲۶ / ۲).

غروی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل غروی

محل تولد : باغملک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سن ۷ سالگی احکام دینی و خواندن و نوشتن را در محضر پدر خود فرا گرفتم سپس به مکتب جهت خواندن قرآن و سایر کتاب های دینی مدت ۴ سال مشغول شدم ۲ سال دیگر از محضر پدر استفاده کردم.

در سن ۱۴ سالگی راهی حوزه علمیه اهواز شدم .

مدتی از استادانی مانند سید شمس الدین ، سید عبد الکریم موسوی نجفی ، شیخ مروج (استاد جامع المقدمات امام) سپس از مرحوم سید محمد کاظم آل طیب و از سید اسماعیل مرعشی و مرحوم امامی ، مرحوم علم الهدی و شیخ ابوالحسن انصاری ، مرحوم آیت الله بهبهانی ، آقای شیخ مرتضی انصاری وسایر اساتید محترم مانند مرحوم آیت الله کرمی و... استفاده کردم .

مدتی در حوزه علمیه شوشتر از اساتید بزرگواری از علماء شوشتر مرحوم صاحب قاموس رجال و دیگران بهره وافری بردم .

پس از آن به نیشابوررفتم و مدت چهار سال در نیشابور از اساتیدی مانند مرحوم آقای مروی و ضیائی ، حاج آقا رضا نجفی و آیت الله موسوی نیشابوری استفاده کردم .

بعد از آن به مشهد مقدس رفتم از ادیب خراسانی مرحوم کفایی مرحوم شیرازی میلانی مصباح واعظی مرحوم افتخاری و دیگر اساتید محترمی که در مشهد مقدس بحث داشته اند بهره بردم .

سپس به قم آمدم و از مرحوم آیت الله مرعشی نجفی ، گلپایگانی و مرحوم آیت الله سلطانی هم درس و هم مشی زندگی بهره بردم .

از اساتید فوق الذکر صرف ، نحو ، منطق ، احکام ، اصول ، فقه تا سطح خارج استفاده کردم در قسمت طب از مرحوم والد و از دکتر جزایری و دکتر خراسانی دکتر موسوی و از دکترهای روان شناس استفاده نمودم و در قسمت جامعه شناسی از اساتید بزرگواری استفاده نمودم .

غروی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳۶۴، احتمالا ترکیه.

محمود غروی تحصیل کرده‌ی ترکیه و محقق و مؤلف کتاب فهرست اسناد تاریخی ایران در آرشیو صدارت عثمانی در استانبول (این تاب در سلسله انتشارات فرهنگستان ادب و هنر ایران به شماره‌ی ۱۵ به سال ۱۳۵۷ منتشر شد) بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غضبان اصفهانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۷ ش)، نویسنده و مترجم. او از نوادگان میرداماد و از طرف مادر نواده‌ی مرحوم سید عباس مراغه‌ای بود. تحصیلات مقدماتی جدید و قدیم و سطوح را نزد استادانی چون میرزا محمدرضا ایروانی و شیخ موسی خوانساری و سید ابوالحسن اصفهانی فراگرفت. سپس به تهران آمد و وارد خدمات دولتی گردید. از آثار وی: «احمد بن طولون»، ترجمه؛ «ارمانوسه‌ی مصریه»، ترجمه؛ «اقتصاد در اسلام»؛ «امام جعفر صادق»، ترجمه؛ «بنی‌هاشم و بنی‌امیه»، ترجمه؛ «زینب عقیله‌ی بنی‌هاشم، دختر علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ ترجمه؛ «یک معجزه‌ی دائم»، ترجمه؛«اعجاز قرآن»، ترجمه. که دو کتاب اخیر در یک مجلد به چاپ رسیده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۴ / ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۵، ۱۸۸۰ / ۲، ۱۶۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۱ -۳۲۹ / ۲).

غضنفری امرایی، اسفندیار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۷، کوهدشت لرستان.

درگذشت: اواخر فروردین ۱۳۷۲، خرم‌آباد.

اسفندیار غضنفری امرایی، شاعر، محقق، ادیب لرستانی پس از تحصیل، در خرم‌آباد رحل اقامت افکند اما به دلیل مبارزات سیاسی از سال ۱۳۲۲ الی ۱۳۵۷ غالبا در تبعید به سر برد. از اسفندیار غضنفری تحقیقات گوناگونی درباره‌ی شعر و ادب فارسی و لری بر جا مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غفاری قزوینی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. وی مرد فاضل و نیکوقریحه‌ای بوده و از تاریخ نیز سررشته داشته است. در پایان عمر به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در راه بازگشت به سرای باقی شتافت. از آثارش: تاریخ «نگارستان»؛ «تاریخ جهان‌آرا».[۱]

(منسوب به عبدالغفار) (قاضی) احمد بن محمد قزوینی، دانشمند و مورخ (ف. ۹۷۵ ه.ق) وی از اعقاب عبدالغفار قزوینی عالم معروف مؤلف کتاب الحاوی الصغیر بود و پدرش قاضی محمد در شهر ری سمت قضا داشته. احمد مردی فاضل و منشی و شاعر و خوش خط و مورخ بود و در نزد امرا و شاهزادگان صفوی محترم می‌زیست و مدتی در دستگاه سام میرزا مقیم بود و در آخر به عزم حج عازم مکه شد ولی در مراجعت در بندر دیبال سند درگذشت. وی مؤلف دو تاریخ است: تاریخ نگارستان، جهان آرا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۰ / ۳)، الذریعه (۳۰۹ -۳۰۸ / ۲۴، ۵۹ / ۹، ۲۴۶ / ۳)، عالم‌آرای عباسی (۹۹، ۸۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۷۰)، هفت اقلیم (۱۷۸ / ۳).

غفرانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد غفرانی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد غفرانی فرزند خیرالحاج جناب آقای حاج حسین غفرانی از معتمدین شهر خرم آباد کرالان مجاور حضرت رضا(ع) هستند در سال ۶۳ عازم شهر مقدس قم شده تا در جوار حرم حضرت معصومه (س) و حوزه کریمه علمیه به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزم. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه الهادی تحت اشراف حضرت آیهٔ الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری آغاز کردم. به لحاظ نظارت آیهٔ الله مشکینی بر مدرسه زمینه ارتباط بیشتر با ایشان میسر شده و حضرت آیهٔ الله مشکینی حفظه الله کفایت اخلاقی را نیز از مدّنظر نمی گذراندند و تذاکراتی در خلال ارتباط بیان می فرمودند و می توان گفت ایشان استاد اخلاق سالیان ابتدای تحصیل اینجانب است. کتب سطح را نزد عالمان دینی از جمله استاد عالی قدر حجهٔ الاسلام ابوالقاسم علی دوست ، استاد عالی قدر حجهٔ الاسلام علی نکونام، استاد عالی قدر جناب حجهٔالاسلام حاج آقا موسوی تهرانی، جناب استاد حجهٔ الاسلام فتوحی همدانی، آیهٔ الله استاد عراقچی همدانی، جناب استاد حجهٔ الاسلام هادوی تهرانی به پایان رسانده و درس حدیث شناسی را نزد آیهٔ الله احمدی یزدی و کتب خارج خمس و حج را نزد آیهٔ الله سبحانی و کتب مکاسب ، و حج مختصراً نزد آیهٔ الله گرامی و کتاب قضا و تکمله قضاء را نزد آقایان آیهٔالله سبحانی و گرامی فراگرفتم.در خلال تحصیل پاره ای از کتب مقدماتی و تفسیر را نیز به جمعی از دوستان منتقل کردم.

از جمله علاقه ای که در طول تحصیل داشتم، پژوهش و تحقیق و نوشتن مقالات بود که این امر منجر به تدوین جزوات احکام که قابل تدریس است گردید. در این میان مقالاتی اخلاقی و حقوقی و اعتقادی از سال ۷۴ تا به حال به رشته تحریر در آمد و در رسانه های کثیرالانتشار چاپ گردید. این مهم با همکاری مرکز پژوهشها و مطالعات حوزه علمیه قم صورت گرفته است. از دیگر فعالیتهای علمی ، همکاری با شبکه سراسری رادیو معارف است که از سال ۸۱ تا به حال ادامه دارد و در برنامه مشکاهٔ هدایت به عنوان کارشناس به تکلیف خود عمل می کنم. تدریس البته الفیه ابن مالک از دیگر کارهای ماندگار است که برای سایت بنیان انجام گرفت. همکاری با سایت اندیشه وابسته به حوزه علمیه قم نیز از دیگر فعالیتها است. مرکز جهانی علوم اسلامی نیز به لحاظ تکمیل بانک سؤالات و نیز ارزیابی طلاب سطح ۲ به عنوان کارشناس جلساتی دعوت نموده که در این جا نیز به اداء تکلیف اقدام شده است.از دیگر خدمات علمی حضور در حوزه علمیه کوتاه مدت است که از سال ۸۱ تا ۸۵ به عنوان استاد ادبیات اشتغال داشتم. و در این مدت مدیر گروه علمی ادبیات بودم. و عضو شورای عالی حوزه علمیه کوتاه مدت از سال ۸۵ به عنوان کارشناس فقه مرکز پاسخ گویی تلفنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به اداء تکلیف مبادرت می ورزم. مدارسی که به عنوان استاد تدریس

داشته ام مدرسه سفیدان، الهادی، معصومیه است.

غلام ثلعب باوردی، ابوعمر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۵ –۲۶۱ ق)، ادیب و لغوی. چون شغلش گلدوزی روی لباس بود، به مطرز مشهور و چون از بیورد خراسان بود، به باورد منسوب و چون مدتی در خدمت ثعلب نحوی بود،به غلام ثعلب معروف بود. به او ابوعمر زاهد نیز می گفتند. از احمد نرسی و موسی بن سهل و شاء و ابوالعباس کدیمی و بشر اسدی و احمد بن زیاد بن مهران سمسار حدیث شنید. ابوالحسن بن رزقویه، ابن‌منده، ابوعبدالله حاکم نیشابوری و قاضی محاملی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. خطیب بغدادی گوید: غلام ثعلب نسبت به معاویه تعصب داشت. او جزوه‌ای به نام فضایل معاویه نوشته بود و تمام شاگردان خود را که برای کسب علوم نزدش می‌آمدند وادار می کرد که پیش از گذراندن هر درسی که برای آن آمده بودند ابتدا این جزوه را بخوانند. بسیاری از بزرگان ادب بر او خرده گرفتند و او را حتی در علم لغت از درجه اعتماد ساقط دانستند. ابن‌حجر گوید: «ابن جزوه را من دیدم، بسیاری از مطالب آن جعلی است». عجب از صاحب «ریاض العلماء» و به تبع او صاحب «اعیان الشیعه» است که او را ظاهرا امامی می‌دانند. وی در بغداد درگذشت و روبروی ایوان معروف کرخی دفن شد. او در لغت، از حفظ، در حدود سی هزار برگ املاء کرد. از آثارش: «الیواقیت»، در لغت؛ «رساله‌ای در «غریب القرآن»؛ «غرائب الحدیث»، تصنیفی بر اساس «مسند» احمد حنبل؛ «جزء فی الحدیث و الادب»؛ «تفسیر اسماء الشعراء»؛ «المدخل»، در لغت؛ «القبائل»؛ «یوم و لیله»؛ «اخبار العرب»؛ «العشرات»؛ مستدرکی ب رکتاب «الفصیح» ثعلب به نام «فائت الفصیح»، و شرح آن به نام «شرح الفصیح»؛ «فائت العین»؛ «فائت الجمهره»؛ «المستحسن»؛ «فائت المستحسن»؛ «المرجان»، در لغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۳ –۱۳۲ / ۷)، اعیان الشیعه (۳۹۳ / ۹)، ایضاح المکنون (۱۵۲،۳۱۴ / ۲)، تاریخ بغداد (۳۵۹ –۳۵۶ / ۲)، روضات الجنات (۳۱۷ –۳۱۴ / ۷)، ریاض العلماء (۴۸۰ –۴۷۹/ ۵)، سیر النبلاء (۵۱۳ –۵۰۸ / ۱۵)، کشف الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۵۳ ، ۱۹۸۰ ، ۱۹۰۳، ۱۶۸۰ ، ۱۴۷۲، ۱۴۶۲، ۱۴۵۸، ۱۴۴۸، ۱۴۴۳، ۱۴۳۱ ، ۱۴۲۳، ۱۲۷۳، ۱۲۰۵، ۱۱۰۲، ۴۲۶، ۸۸)، الکنی و الالقاب (۱۸۷ – ۱۸۶ / ۳)، لسان المیزان (۳۱۶ –۳۱۴ / ۶)، معجم الادباء (۲۳۴ –۲۲۶ / ۱۸)، معجم المؤلفین (۲۶۷ –۲۶۶ / ۱۰)، النجوم الزاهره (۳۶۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۷۳ –۷۲ / ۴)، وفیات الاعیان (۳۳۳ –۳۲۹ / ۴)، هدیه العارفین (۴۲ / ۲).

غلامرضایی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: یزد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۵، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه یزد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی، شرح متن، سابقه ۱۵ سال تدریس در دانشگاه، استاد مشاور ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کتاب‌شناسی و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات فارسی و نقد کتاب.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

غندجانی شیرازی، ابومحمد حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۲۸ ق)، ادیب، لغوی و نسب‌شناس. معروف به اسود غندجانی. به آورده‌ی حموی در «معجم البلدان» نسبت وی به غندجان فارس است. او در شناخت روزگاران عرب و اشعار آنها تبحر داشت. هم او گوید که یکی از تصانیف غندجانی را دیده که در آن نوشته بوده: در ۴۱۲ ق تصنیف و در ۴۲۸ ق بر او خوانده شده است. از آثارش: «فرحه الادیب»، در رد یوسف بن ابی‌سعید سیرافی، در شرح «ابیات سیبویه»؛ «اضاله الادیب»، در رد ابن‌اعرابی، در «نوادر»ی که ثعلب روایت کرده است؛ «نزهه الادیب»، رد بر ابوعلی؛ «قید الاوابد»، در رد ابن‌سیرافی، در شرح «ابیات اصلاح المنطق»؛ کتاب «الخلیل» یا «الخلیل»، به ترتیب حروف معجم؛ «السل و السرقه»؛ کتابی در «اسماء الاماکن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۴ / ۲)، ایضاح المکنون (۱۸۶ / ۲)، کشف الظنون (۱۹۳۹، ۸۷)، لسان المیزان (۳۶۷-۳۶۶ / ۲)، معجم الادباء (۲۶۵-۲۶۱ / ۷)، معجم البلدان (۲۴۴ / ۴)،معجم المؤلفین (۱۹۷ / ۳)، هدیه العارفین (۲۷۵ / ۱).

غنی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا سید عبدالغنی‌خان کشاورز و مالک، در سال ۱۲۷۲ ش در سبزوار متولد شد. تحصیلات ابتدائی و مقدماتی را طبق روش آن زمان در مکتب‌خانه آموخت. در سن دوازده‌سالگی پدرش به بیماری وبا درگذشت و از آن تاریخ حضانت وی را دائیش بر عهده گرفت و او را به مدرسه دارالفنون تهران فرستاد. مدت تحصیل غنی در دارالفنون پنج سال به طول انجامید و پس از اخذ دیپلم، زبان فرانسه را به خوبی فراگرفت و برای ادامه تحصیل رهسپار لبنان شد و در مدرسه سن‌ژوزف بیروت به فراگرفتن فن طب پرداخت. در همان ایام زبان انگلیسی و عربی را فراگرفت و وارد کالج آمریکائی شد و دوره‌ی دانشکده‌ی پزشکی را به پایان رسانید و در ۱۲۹۹ در سن ۲۷ سالگی به ایران بازگشت و در سبزوار مطبی دایر نموده و به مداوای بیماران پرداخت و بیمارستانی نیز در آن شهر بنام حشمتیه با سرمایه سالار حشمت دایر نمود.

غنی در سال ۱۳۰۲ برای تکمیل تحصیلات به فرانسه عزیمت نمود و قریب پنج سال به تکمیل تحصیلات پرداخت و در ۱۳۰۷ به ایران بازگشت. وی در آن مدت علاوه بر تکمیل فن پزشکی، دوره مخصوص شناخت نقاشی را نیز گذرانید و علاوه بر آن به مقام والای آناتول فرانس نویسنده و متفکر فرانسوی وقوف یافت و به ترجمه‌ی یکی از آثار او به نام تائیس پرداخت و در ۱۳۰۸ آن را در تهران انتشار داد. در سال ۱۳۰۹ محیط سبزوار را برای فعالیتهای خود کوچک دید و لاجرم به مشهد نقل مکان نمود. مطبی در آنجا دائر نمود و در اندک مدتی بنام پزشک مسیحادم معرف گردید و طبعا با بزرگان و مقامات عالی‌رتبه مشهد دوستی پیدا کرد و سرانجام کاندیدای نمایندگی مجلس شد و در دوره‌ی دهم به نمایندگی مردم مشهد در مجلس شورای ملی انتخاب گردید. در همین ایام به استادی دانشکده‌ی پزشکی انتخاب شد و تاریخ فن پزشکی را تدریس می‌نمود و ضمنا در دانشکده‌ی معقول و منقول به تدریس روانشناسی پرداخت و کتابی در این زمینه به نام معرفه‌النفس نوشته و انتشار داد.

دکتر غنی در ۱۳۱۴ پس از تاسیس فرهنگستان به عضویت آنجا برگزیده شد و از عوامل موثر و متنفذ آن موسسه فرهنگی گردید و شما در ادوار یازدهم، دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی عضویت یافت و مجموعا به مدت ۸ سال نماینده‌ی مجلس بود.

در سال ۱۳۱۷ هیئتی تحت ریاست محمود جم نخست‌وزیر وقت برای خواستگاری فوزیه دختر ملک فواد پادشاه متوفای مصر به قاهره رفت. دکتر غنی نماینده مجلس و استاد دانشگاه از اعضای برجسته‌ی این هیئت بود و با تکلم به زبانهای فرانسه، انگلیسی و عربی در بین رجال مصری موقعیت پیدا کرد.

در اسفندماه ۱۳۱۸ محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران برای ازدواج با فوزیه مصری عازم قاهره شد. همراهان وی عبارت بودند از: حسن اسفندیاری رئیس مجلس، احمد متین دفتری وزیر دادگستری، مظفر اعلم وزیر امور خارجه، محمدعلی مقدم مدیرکل وزارت امور خارجه، دکتر قاسم غنی و عباس مسعودی نمایندگان مجلس نیز همراه ولیعهد به مصر عزیمت نمودند.

دکتر غنی در آذرماه ۱۳۲۲ در ترمیم کابینه‌ی علی سهیلی به جای امان‌الله اردلان به وزارت بهداری تعیین گردید. در فروردین ماه ۱۳۲۳ که محمد ساعد به نخست‌وزیری منصوب شد، دکتر غنی را کماکان در وزارت بهداری تثبیت نمود ولی این کابینه مورد موافقت مجلس قرار نگرفت و ساعد ناگزیر تغییراتی در آن به عمل آورد از جمله دکتر قاسم غنی به وزارت فرهنگ معرفی گردید و تا شهریورماه ۱۳۲۳ وزیر فرهنگ بود.

در مهرماه ۱۳۲۶ دکتر قاسم غنی با سمت سفیرکبیر در مصر عازم قاهره شد. وی در این سفر ماموریت داشت به اختلاف محمدرضا و فوزیه خاتمه دهد. مدت مسافرت غنی در سفارت مصر یکسال بیشتر طول نکشید و در بهمن‌ماه ۱۳۲۷ با سمت سفیرکبیری عازم ترکیه گردید. این ماموریت نیز کمتر از یکسال بود. دکتر غنی در همان ایام دچار بیماری شد و برای درمان عازم آمریکا گردید.

تلاش پزشکان برای بهبودی او به جائی نرسید و سرانجام در فروردین‌ماه ۱۳۳۱ به بیماری سرطان درگذشت.
مقام علمی و ادبی دکتر غنی درخور توجه و امعان‌نظر می‌باشد. از جمله از ترجمه‌های وی باید عصیان فرشتگان تائیس و بریان‌پزی ملک‌سیا اثر آناتول فرانس را نام برد. تنقیح و تصحیح و چاپ دیوان حافظ یکی از کارهای دکتر غنی است که با همکاری علامه محمد قزوینی آن را انجام داد. دیوان حافظ غنی یکی از منابع معتبر و مستند اشعار این غزلسرای نامدار به شمار می‌رود.
یکی از کارهای برجسته و ماندگار صاحب ترجمه، یادداشتهای وی می‌باشد که تاکنون دوازده مجلد انتشار یافته است و حاوی نکاتی جالب و باارزش می‌باشد. در این مجموعه غیر از خاطرات دکتر غنی، از بعضی از رجال هم نوشته‌هائی وجود دارد.
آخرین اثر وی کتاب بحثی در تصوف است که در حقیقت دنباله‌ی حافظنامه اوست.
(بخش ۱) قاسم (دکتر) ابن (سید) عبدالغنی پزشک و دانشمند و ادیب ایرانی (و. سبزوار ۱۳۱۶ ه.ق- ف. کالیفرنیا (آمریکا) ۱۳۷۰ ه.ق/ ۱۳۳۱ ه.ش). پس از طی تحصیلات مقدماتی در سبزوار به تهران آمد و در مدرسه‌ی دارالفنون (قدیم) وارد شد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی پزشکی به بیروت رفت و در آنجا دانشکده‌ی طب را به پایان رسانید. و به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد و در زبان و ادبیات عرب احاطه یافت. دکتر غنی در اواخر سال ۱۲۹۹ ه.ش به ایران بازگشت و به سبزوار رفت و سه سال در آنجا به طبابت اشتغال داشت. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به پاریس رفت و با مرحوم محمد قزوینی آشنایی یافت. در سال ۱۳۰۷ ه.ش. به ایران بازگشت و مدت یک سال در سبزوار و چند سال در مشهد به طبابت پرداخت. در دوره‌ای ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰ به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در اسفند ۱۳۱۴ به عنوان استاد دانشکده‌ی پزشکی به تدریس دروس بیماریهای عصبی و تاریخ طب و علم اخلاق پزشکی مشغول گردید، و مدت دو سال در دانشکده‌ی معقول و منقول به تدریس روانشناسی اشتغال ورزید. در این اثنا به عضویت کمیسیون پزشکی فرهنگستان برگزیده شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ در دولت سهیلی به سمت وزیر بهداری و در فروردین ۱۳۲۳ در کابینه‌ی ساعد مجدداً وزیر بهداری و بعد وزیر فرهنگ شد، ولی در اردیبهشت همان سال به سبب کسالت مزاج استعفا داد. در سال ۱۹۴۵ م. به نمایندگی از طرف دولت ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت کرد و پس از آن نیز چند بار در کنفرانسهای مختلف جهان به نمایندگی ایران شرکت جست، و سه سال در ایالات متحده‌ی آمریکا به مسافرت و مطالعه و تحقیق مشغول بود و بر اثر حادثه‌ی اتومبیل در سر حد کشور مکزیک استخوان پایش شکست و چهار ماه و نیم بستری بود. پس از رفع بیماری از طرف دولت ایران به سفارت کبرای مصر منصوب شد. در شهریور ۱۳۲۶ ه.ش. به ایران بازگشت و در آبان ۱۳۲۷ به سمت سفیر کبیر ایران در ترکیه منصوب گردید. مدتی پس از آن برای معالجه به آمریکا رفت ولی مداوا مؤثر نگشت و درگذشت. وی از خدمتگزاران ادب فارسی است. به زبانهای فرانسوی و انگلیسی و عربی احاطه داشت و به افکار بزرگان باختر آشنا بود، به آثار آناتول فرانس علاقه داشت و سه کتاب او را به فارسی روان ترجمه کرد: داستان طائیس، عصیان فرشتگان، بریان‌پزی ملکه‌ی سبا. دکتر غنی علاقه‌ی شدیدی به حافظ داشت و درباره‌ی او تحقیق بسیار به عمل آورد و طرح یک دوره بنام «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ» را ریخت که جلد اول آن راجع به تاریخ عصر حافظ یا تاریخ مفصل فارس و مضافات و ایالات مجاور آن در قرن هشتم و جلد دوم آن که راجع به تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلف آن از صدر اسلام تا عصر حافظ است به چاپ رسیده. از آثار دیگر اوست: رساله در شرح احوال و آثار ابن سینا، معرفهٔالنفس، شرکت در تصحیح رباعیات عمر خیام با مرحوم فروغی، شرکت در تصحیح تاریخ بیهقی با دکتر فیاض، شرکت در تصحیح دیوان حافظ با محمد قزوینی (مجله‌ی دانش ۱۳۳۱ شماره‌ی ۱۰ و ۱۱، لغ.).
(ح ۱۳۳۱ -۱۲۷۲ ش)، پزشک، نویسنده و مترجم. در سبزوار به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در آن شهر گذراند. پس از فوت پدر همراه دایی‌اش به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون به پایان رساند. وی برای ادامه‌ی تحصیلات در رشته‌ی طب به بیروت اعزام و در ۱۲۹۷ ش دوره‌ی دانشکده‌ی پزشکی آنجا را به پایان رسانید. بعد به ایران آمد و پس از سه

سال اقامت در سبزوار به فرانسه سفر کرد. پس از یک سال و اندی به وطن مراجعت نمود و پس از چندی دوباره به فرانسه رفت و در ۱۳۰۷ ش مجددا به ایران بازگشت و در سبزوار و مشهد به طبابت پرداخت. پس از مدتی طبابت را کنار گذاشت و به کارهای سیاسی روی آورد. وی در دروه‌های دهم تا سیزدهم از جانب مردم مشهد به نمایندگی مجلس منصوب گردید و در ضمن در دانشکده‌ی طب و علوم معقول و منقول و روانشناسی تدریس می‌کرد. مدتی نیز سفیر ایران در کشورهای ترکیه و مصر بود. سرانجام در ایالات متحده از دنیا رفت. دکتر غنی در طول حیات خود کتبی چند تألیف و ترجمه کرده است. از آثار وی: «ابن‌سینا»؛ «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ»، شامل دو قسمت، قسمت اول «تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارسی و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم» و قسمت دوم «تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلفه‌ی آن از صدر اسلام تا عصر حافظ»؛ «بحثی در تصوف»؛ «بحث در سیاست»؛ «معرفه النفس»؛ «عصیان فرشتگان»، ترجمه؛ «تائیس»، ترجمه؛ «بریان‌پزی ملکه‌ی سبا»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۷، ص ۵۰۳ -۵۰۲، س ۸، ش ۱، ص ۶۲ -۵۹)، بحث در آثار و احوال حافظ، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹ -۲۵ / ۵)، شرح حال رجال (۱۷۹ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۹ -۸۹۷ / ۴)، یغما (س ۲۴، ش ۱۰، ص ۶۰۶ -۵۹۹).

غنی‌زاده سلماسی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ / ۱۳۱۲ -۱۲۵۷ ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، مصحح، نویسنده و شاعر. در سلماس به دنیا آمد و در زادگاهش به کسب دانش و ادب پرداخت. وی در اوایل جوانی دورادور با سید جلال‌الدین کاشانی، مدیر روزنامه‌ی «حبل المتین»، مکاتبه داشت و گاهی اوقات مقالاتی برای این روزنامه می‌فرستاد. غنی‌زاده سفری به قفقاز داشت که در این سفر با طالبوف آشنا شد. وی پس از بازگشت از این سفر در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «فریاد» را در شهر ارومیه منتشر کرد و در ۱۳۲۶ ق به تبریز مهاجرت نمود و در روزنامه‌ی «شورای ایران» به چاپ مقالات مختلف هست گماشت. مدتی منشی مخصوص ستارخان بود و از طرف او به نمایندگی انجمن ایالتی تعیین شد و با تصویب این انجمن روزنامه‌ای به نام «انجمن» تأسیس شد که اداره‌ی آن را غنی‌زاده و علی‌اکبر وکیلی به عهده داشتند. غنی‌زاده همزمان روزنامه‌ی «محاکمات» را تأسیس و با هفته‌نامه‌ی «شفق» نیز همکاری می‌کرد. وی در ۱۳۲۷ ق روزنامه‌ی «بوقلمون» را منتشر کرد. چون در ۱۳۲۹ ق مأمور تشکیل عدلیه سلماس شد از همکاری با این روزنامه‌ها دست کشید. در ۱۳۳۰ ق که سپاهیان روس وارد تبریز شدند با جمعی از آزادیخواهان آذربایجان به استانبول مهاجرت کرد و در آن شهر علاوه بر نوشتن مقالات و اشعار در روزنامه‌ی «اختر»، که ایرانیان مقیم استانبول انتشار می‌دادند، با زبان و ادبیات ترکی استانبولی آشنا شد. در بحبوبه‌ی جنگ جهانی با تقی‌زاده در تحریر مجله‌ی «کاوه» همکاری داشت. در ۱۳۰۵ ش به ایران بازگشت و در همان سال روزنامه‌ی «سهند» را در تبریز منتشر کرد وی سرانجام در تبریز وفات یافت. از آثارش: مقدمه‌ی «سفرنامه ناصرخسرو»؛ تصحیح «زاد المسافرین»؛ تصحیح «وجه دین»؛ «پالتو»، ترجمه؛ «آدم نامرئی»، ترجمه؛ «دوای خواب»، ترجمه؛ «هیپنوزه یا واهمه»، ترجمه. از آثار منظوم غنی‌زاده جز چند غزل و مثنوی «هذیان» چیزی در دست نیست.[۱]

محمود سلماسی، ادیب و شاعر ایرانی (و. سلماس ۱۲۹۶ ه.ق.- ف. ۱۳۵۳ ه.ق)، وی به استانبول و سپس به برلین رفت و در مجله‌ی

کاوه مقالاتی منتشر کرد و بعد به ایران بازگشت و روزنامه‌ی سهند را انتشار داد، او راست: تاریخ آذربایجان، ایرانیان مستعرب. دیوانی از او بنام «آثار منظوم محمود غنی‌زاده» به چاپ رسیده (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۸ -۵، ص ۵۰۴ -۴۹۹)، از صبا تا نیما (۳۳۲ -۳۲۵ / ۲)، تاریخ جراید (۱۹۴، ۸۰ -۷۸ / ۴، ۷۴ -۷۲، ۴۹ -۴۸ / ۳، ۲۶ / ۲، ۲۸۸ -۲۸۶ / ۱)، الذریعه (۷۹۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲ -۳۰ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۶۷ -۲۵۶۴ / ۴) شرح حال رجال (۲۵۷ -۲۵۶ / ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ غنی‌زاده)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹ -۶۸ / ۶)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۹ -۲۱۸ / ۸).

غیاثی طرزی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا غیاثی طرزی

محل تولد : راور کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

جناب استاد غیاثی ضمن معرفی کامل خودتان ،آثار برتر ومنتخب خودتان را که طی ۳۰سال گذشته تالیف کرده اید،معرفی نمایید . بسم ا...الرحمن الرحیم ،اینجانب سید محمد رضا غیاثی کرمانی متولد سال ۱۳۳۸در روستای زیبای «طرز»از توابع شهرستان راور کرمان از سال ۱۳۵۴وارد حوزه ی علمیه شده وتا کنون یعنی سال ۱۳۸۷مدت ۳۳سال است که به تحلیل وتالیف وتدریس اشتغال دارم .تا کنون ۷۰عنوان کتاب تالیف کرده ام که ۷مورد از آنها به عنوان کتاب سال وآثار مکتوب برتر وقابل تقدیر ،شناخته شده اند که عبارتنداز : ۱ـ اختران هدایت (سال ۷۲)،۲ـفضیلت های اخلاقی (سال ۷۸)،۳ـ ابومسلم اصفهانی (سال ۷۹)،۴ـ آیات الاحکام (سال ۸۰)،۵ـ صحیفه کاظمیه (ع)(سال ۸۱)،۶ـ پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی (سال ۸۶)،۷ـ در محضر علامه شعرانی /پرسش ها وپاسخها ی قرآنی (سال ۸۷) لازم به ذکر است ،کتاب پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی دو مرتبه به عنوان کتاب سال برگزیده شده است .یکی در کرمان از سوی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی ودیگری از سوی کمیته ی انتخاب کتاب سال دانشجویی تهران . ـ استادغیاثی،اگر ممکن است نام کتابهای خود را بفرمایید . چون نام بردن از ۷۰ عنوان اولاًـ در خاطرم نیست ودر ثانی از حوصله یک مصاحبه روزنامه ای خارج وبرای خوانندگان عزیز هم خسته کننده است ولذا از ذکر آنها خوداری می کنم ،ولی لازم است که از روزنامه وزین کرمان امروز که همواره ابراز محبت نموده وبه ویژه سردبیر محترم ومسوول وصاحب امتیاز آن،جناب آقای «فتح نجات»که خود فرهیخته ای خدیم علم ونديم قلم هستند ،تشکر کنم که همواره در مسیر نشر فرهنگ دینی کوشا هستند در فرصتی بیشتر در این باره گفتگو خواهیم کرد ،ان شاءا.....

غیاثی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فارابی، ابونصر اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابونصر اسماعیل بن حماد نیشابوری مسکن و مدفن و فارابی الاصل خواهرزاده (اسحق بن ابراهیم) است.

وی در فاراب متولد و به جوهری شهرت یافته و در علم و فطانت و ذکاوت نادره دوران و اعجوبه زمان و بالخصوص در لغت و فنون ادب امام اهل لغت و مرجع علماء عربیه بوده و به جهت تحصیل لغت عرب و اطلاعات بر نکات و حقائق مشکلات و دقائق معضلات آن به بلا در بیعه و مضر و نجد و حجاز و مصر و شام مسافرتها کرده و از سیرافی فارسی و دائی خود اسحق ابن ابراهیم فارابی صاحب (دیوان الادب) و اکابر دیگر عصر خود علوم عربیه و ادبیه را فراگرفته و لغت عرب را از زبان اعرابی که اصلا مراوده با اجانب نداشته و مخلوط به کلمات بیگانه نموده اخذ نموده و با اینکه زبان مادری او ترکی بوده از پیشوایان لغت عرب محسوب می‌شود.

وی پس از مسافرتهای کثیره عاقبت به نیشابور برگشته و به تدریس و تألیف پرداخته تا در ۳۳۳ یا ۴۰۰ و یا مابین آن دو رقم از بام افتاده و مرده است.

از آثار اوست ۱- بیان الاعراب ۲- صحاح اللغه ۳- عروض الورقه ۴- مقدمه نحو و کتاب صحاح او مشهورترین تألیفات اوست که مورد توجه عموم ادباء و دانشمندان است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فارابی، اسحق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسحق بن ابراهیم مکنی به ابوابراهیم از اکابر ادباء قرن چهارم هجری و دائی اسماعیل بن حماد جوهری است.

از تألیفات اوست ۱- بیان الاعراب ۲- دیوان‌الادب ۳- شرح ادب الکاتب وفات او در سال ۳۵۰ یا ۳۷۰ هجری واقع شده.

(وف ۳۷۰ / ۳۵۰ ق)، ادیب و لغوی. از ادیبان دانشور ایرانی است که اصل وی از فاراب ماوراءالنهر بود. فارابی دایی استاد لغوی بزرگ اسماعیل جوهری صاحب «صحاح اللغه» است. از موطن خود به یمن مهاجرت کرد و در زبید اقامت گزید و «دیوان الادب» را در آنجا تصنیف کرد. از آثار وی: «دیوان الادب»، در لغت که آن را به درخواست اتسز خوارزمشاه، در پنج بخش: اسم، فعل، حرف، صرف اسم و صرف فعل نگاشت؛ شرحی بر «ادب الکاتب» ابن‌قتیبه؛ «بیان الاعراب».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۸۵ -۲۸۴ / ۱)، انساب سمعانی (۳۳۱ / ۴)، ایضاح المکنون (۲۰۴ / ۱)، روضات الجنات (۴۴ / ۲)، ریحانه (۲۶۱ / ۴)، کشف الظنون (۷۷۵ -۷۷۴، ۴۸)، معجم الادباء (۶۵ -۶۱ / ۶)، معجم البلدان (۲۵۵ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۲۷ / ۲)، هدیه العارفین (۱۹۹ / ۱).

فارسی ابوالخیر، تقی‌الدین محمد، محمدتقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۹۴۰ ق)، ریاضیدان، منّجم، ادیب، پزشک و شاعر شیعی، متخلص به فهمی. در شیراز می‌زیست و نزد میر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی و فرزد وی میر غیاث‌الدین منصور دشتکی به فراگیری دانش پرداخت. از آثار چاپی او: «آداب السلطنهٔ»، به فارسی؛ «حل التقویم»، به فارسی در نجوم و هیئت. آثار خطی او: «الاحکام الاحکام»، در نجوم به فارسی؛ «اسامی العلوم و اصطلاحاتها» به فارسی در فضیلت علم، حکمت، آداب تعلیم و تعلم، اخلاق و صفات؛ «آغاز و انجام»؛ «طلیعهٔ العلوم»؛ به عربی؛ «بستان الادب»؛ «خلاصه‌ی طلیعهٔ العلوم»، به عربی در علوم ادبی، تفسیر، تصوف و طریقت، حکمت، اخلاق و ریاضیات؛ «انتخاب حل التقویم»؛ «انیس الاطباء»؛ «رساله در هیئت»، به فارسی؛ «رسالهٔ فی حساب القمر»؛ «زبدهٔ الصرف»؛ «شرح رساله‌ی هیئت»؛ «طالع‌نامه»؛ «معرفهٔ سمت القبلهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۶/۹)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۹۶/۱)، الذریعه (۱۸۰، ۱۳۵ /۱۵ ، ۶۷/۷ ،۳۵۹ -۳۵۸، ۱۰ -۹ /۲ ،۲۹۲ -۲۹۱ ،۳۶ -۳۵ /۱)، ریحانه (۹۴/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱/۱۰)، کشف الظنون (۱۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۸/۱۱).

فارسی فسوی، ابوالقاسم زید

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۷ ق)، نحوی و لغوی. از بسیاری علوم متداول زمان خود آگاهی داشت. مدتی در حلب و دمشق بود و زبان عربی را در آنجا فراگرفت. علم نحو را از ابوالحسن خواهرزاده‌ی ابوعلی فارسی و علم حدیث را از ابوذر هروی آموخت. وی در طرابلس شام درگذشت. از آثارش: شرح «ایضاح ابوعلی»، در نحو؛ شرح «حماسه‌ی ابوتمام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۹ / ۳)، روضات الجنات (۳۷۴ / ۳)، ریحانه (۲۶۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴ -۸۳ / ۵)، کشف الظنون (۶۹۱، ۲۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ زید)، معجم الادباء (۱۷۷ -۱۷۶ / ۱۱)، معجم المؤلفین (۱۹۱ -۱۹۰ / ۴).

فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۹ -۴۵۱ ق)، حافظ، محدث، لغوی، ادیب، مورخ و فقیه شافعی. از طرف پدر نوه‌ی شیخ بزرگ ابوحسین فارسی نیشابوری و از طرف مادر نوه‌ی شیخ ابوالقاسم قشیری است. او در نیشابور به دنیا آمد. نزد امام الحرمین جوینی اصول علم حدیث و فقه آموخت و از پدرش، اسماعیل، و مادرش، ام‌رحیم، دختر قشیری و جدش ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و جده‌اش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایی‌اش ابوسعد و ابوسعید، فرزندان قشیری، و احمد بن منصور مغربی و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی و احمد بن حسن ازهری و خلقی کثیر، احادیث بسیار استماع کرد، و در علوم مذهبی سرآمد گشت و به غزنه و هند و خوارزم مسافرت کرد و بزرگان را دیدار نمود و از ابومحمد جوهری و ابوسعد کنجرودی و ابوبکر محمد طبری اجازه دریافت کرد. ابوسعد عبدالله بن عمر صفار آخرین کسی است که از وی حدیث روایت کرده است. او را فقیهی محقق و فصیحی خوش‌زبان و ادیبی کامل توصیف کرده‌اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت. از آثارش: «مجمع الغرائب فی غریب الحدیث»؛ «السیاق»، در تاریخ نیشابور که تکمله‌ای بر کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری است؛ «المفهم»، شرح «غرایب صحیح مسلم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷ / ۴)، روضات الجنات (۲۲ / ۸)، ریحانه (۲۷۳ -۲۷۲ / ۴)، سیر النبلاء (۱۸ -۱۶ / ۲۰)، شذرات الذهب (۹۳ / ۴)، العبر (۴۳۶ -۴۳۵ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۰۱۱، ۵۵۸، ۳۰۸)، الکنی و الالقاب (۶۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۶۷ / ۵)، وفیات الاعیان (۲۲۵ / ۳)، هدیه العارفین (۵۸۷ / ۱).

فارسی، ابوعلی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعلی فارسی نحوی صاحب تصانیف کثیره معاصر امیر عضدالدوله دیلمی بود و در سال ۳۷۷ ق در بغداد وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فاضل استرآبادی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن علی بن ابراهیم معروف به فاضل استرآبادی استاد علماء کربلا صاحب منهج‌المقال (رجال کبیر) و رجال صغیر که وحید بهبهانی تعلیقاتی بر آن نوشته و معروف است که در رجال کتابی بهتر از آن نوشته نشده و هم از تصنیفات اوست شرح آیات الاحکام و حاشیه تهذیب و رسائل مفیده دیگر وفات آن بزرگوار در سیزدهم ذی‌قعده ۱۰۲۸ ق در مکه معظمه واقع و در قبرستان معلی نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری مدفون گردید و در نخبه ماده تاریخش را چنین گفته.

والاسترآبادی فاضل سنی

له الرجال فوئه رضی

و این بزرگوار از افرادی است که به فیض تشرف و زیارت حضرت ولی عصر روحی له الفداء رسیده چنانکه مجلسی ره در سیزدهم بحار نقل نموده از جماعتی از آن بزرگوار که فرمود شبی در مسجدالحرام طواف می‌کردم بر دور خانه کعبه که جوان خوشروئی را دیدم که مشغول به طواف بوده چون به من رسید دسته گل سرخی به من عطا کرد و این در غیر فصل گل بود پس من از او گرفتم و بوئیدم و پرسیدم که ای سید من این گل از کجاست. فرمود از خرابات این بفرمود و پنهان شد و دیگر او را ندیدم سمعانی در انساب گفته خرابات جزیره‌ای در مغرب است در دریای محیط که از آنست جزیره خضراء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فاضل جم، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۹ ق)، عالم، ادیب، خطیب و شاعر، متخلص به فاضل. معروف و ملقب به فاضل جم. وی به روستای جم وزیر در چهار فرسخی سیراف فارس منسوب است. او از شاگردان علامه شیخ مهدی کجوری است که مدتی در شیراز در محضر شیخ حاضر شد و از او کسب اجازه نمود. سپس به عراق مهاجرت کرد و در محضر ملا حسین فاضل اردکانی در کربلا و سید حسین کوه‌کمری در نجف شاگردی نمود تا از سید حسین کوه‌کمری نیز کسب اجازه نمود. او در بسیاری از علوم ماهر و دارای خط بسیار خوبی بود. وی اخلاق نیکویی داشت و شعر را روان می‌گفت. از آثار وی: «جام‌جم فی آثار العجم»، کشکول مانندی است مشتمل بر فواید علمی و تاریخی، از آن جمله ذکر ادوار تاریخی سیراف که امروزه به بندر طاهری معروف است و همچنین ذکر آثار برجسته و قدیمی، مانند مسجدی که در نزدیکی کوه آنجا بنا شده و غیره؛ «ریاض المصائب»، مقتل، در مواعظ و تواریخ و سیر و مصائب؛ «المنشآت اللطیفه» نظم و نثری به فارسی و عربی است که آن را با سفرنامه حجش آغاز و در ضمن آن پاره‌ای از اسرار حج را ذکر کرده و در پایان، منظومه‌ی «لیلی و مجنون» را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۵ / ۶)، الذریعه (۲۷ / ۲۳، ۳۳۷ / ۱۱، ۲۳ / ۵)، ریحانه (۲۷۹ / ۴)،طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۲ - ۶۴۱ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل جم).

فاضل لاریجانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۹۳ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. تحصیلات ابتدایی را در آمل به پایان رساند و سپس به تحصیلات دینی پرداخت. در ۱۳۱۷ ش با سمت دبیر ادبیات و روان‌شناسی در دانشسرای مقدماتی بابل مشغول خدمت شد. بعد از یک سال برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و در ۱۳۲۴ ش از دانشکده‌ی الهیات در رشته‌ی فلسفه‌ی فارغ‌التحصیل شد. سپس به سمت مترجمی در وزارت کشاورزی وارد خدمت شد. وی دارای ذوق شعری بود. از آثار وی: «اسرار انهدام اروپا»، ترجمه؛ «افسونکار»؛ «بمب اتمی»؛ «خطبه‌های محمد (ص)»، ترجمه؛ «سخنان علی (ع)»؛ ترجمه؛«دختران محمد (ص) سخن می گویند»، ترجمه؛ «طب و بهداشت در

اسلام»، ترجمه‌ی طب النبی»، «طب الصادق»؛ «طب الرضا» و «طب الائمه»؛ «نویسنده»؛ «وفا»؛ «هفت دریا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۶، ۳۳۶۸، ۳۳۲۹، ۲۲۵۴- ۲۲۵۳، ۱۹۴۲/ ۲، ۱۳۵۹، ۵۱۶، ۲۹۷، ۱۹۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۳- ۳۹۷ / ۲).

فاضل مراغی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. مشهور به فاضل و فاضل مراغی. اصل وی از مراغه و ساکن تبریز بود. وی در نجف از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج سید حسین کوه‌کمری و دیگر بزرگان بود، و تقریرات استادش، انصاری، را در فقه نوشت. به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و کلام پرداخت. در تبریز به بیماری وبا درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «التحفه المظفریه»، به فارسی، در رد حاج محمد کریم‌خان قاجاری کرمانی؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «صیغ العقود»؛ حاشیه بر «تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه»؛ حاشیه بر «صمدیه»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ «تفسیر قرآن»؛ «نکات القرآن و بیان دقائقه»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۱ / ۳)، الذریعه (۱۰۸ / ۱۵، ۱۱۵ / ۱۴، ۲۰۲، ۱۷۴، ۱۵۳، ۳۴ / ۶ ،۴۷۰- ۴۶۹ / ۳)، ریحانه (۲۸۲ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴ / ۱۴)، علماء معاصرین (۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل مراغی)، معجم المؤلفین (۳۱۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰ / ۱).

فاضل‌زاده بدیع شیرازی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده، مترجم و خطاط. در شیراز به دنیا آمد. در مدرسه‌ی شعاعیه تحصیل کرد. پاره‌ای از مقدمات علوم ادبی و عربی و زبان انگلیسی را در خدمت عم خود، میرزا عبدالصمد بدیع، آموخت. او در هیجده سالگی به عنوان معلم به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. بدیع خط نسخ و شکسته بخصوص نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت و چند جلد کتاب از قبیل: «مثنوی» مولوی و «منتهی الآمال» و غیره را برای چاپ نوشت. او همچنین در دبیرستانهای شیراز معلم زبان انگلیسی بود در ضمن آموزشگاهی برای تعلیم زبان انگلیسی دایره کرده بود. از آثار وی: «اراده‌ی آهنین»، ترجمه؛ «بزرگان ما»، شرح حال و منتخب اشعار فردوسی؛ «دستور زبان انگلیسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۵- ۴۴۴ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۲ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی

فارسی (۴۹۹، ۱۴۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۶ -۵۵۶ / ۳).

فاضلی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فاطمی جهرمی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی پس از اتمام دوره تحصیلات متوسطه و اخذ دیپلم ،تحصلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی دردانشگاه تهران آغاز و بپایان رسانید.او برای تکمیل معلومات دانشگاهی عازم آمریکا شده و در رشته آموزش زبان انگلیسی مدرک دکترای خود را اخذ نموده است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : آموزش زبان انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به ترتیب زیر است. لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران فوق‌لیسانس آموزش زبان انگلیسی آمریکا دکتری آموزش زبان انگلیسی آمریکا مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به قرار زیر است: عضو هیات علمی (دانشیار)دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۲ تاکنون مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی به مدت ۱۶ سال معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به مدت ۸ سال معاون آموزشی دانشگاه به مدت ۴ سال فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی : زبان‌شناسی، آواشناسی، متون پیشرفتهٔ نثر ادبی، جامعه‌شناسی زبان، روش تدریس، روان‌شناسی زبان، تجزیه و تحلیل کلام، مقاله‌نویسی چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی : تعداد مقالات علمی منتشر شده:۱۱ مورد تعداد سخنرانی های علمی : بیش از ۳ مورد تعداد طرح‌های تحقیقاتی خاتمه یافته : ۲ مورد آثار : درک متون انگلیسی Reflections on Reading ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۵ ۲ رهیافتی بر آموزش واجهای انگلیسی به فارسی زبانان A Comprehens Sive Pedagogical Approach to Teaching English Phonemes to Persian Students ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۵۳ مروری بر آواشناسی انگلیسی A Survey of English Phonetics ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۰

فالی خوزستانی، ابوالحسن، ابوالحسین مؤدب علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۸ ق)، محدث، نحوی، ادیب و شاعر. او به فاله از توابع ایذج (ایذه) خوزستان منسوب است. وی در بصره مدتی زیست و در آنجا از ابوعمر هاشمی و ابن‌خربان نهاوندی و ابوالحسین بن نجار/ نجاد و دیگر شیوخ آن زمان حدیث شنید.سپس به بغداد آمد و در آنجا ساکن شد. خطیب در «تاریخ بغداد» و ابوالحسین ابن طیوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او نظم نیکویی داشت. فالی در مقبره‌ی جامع المنصور مدفون است. از آثارش: «کتاب الاستقامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۴۲ / ۴)، ایضاح المکنون (۲۶۶ / ۲)، تاریخ بغداد (۳۳۴ / ۱۱)، ریحانه (۲۹۰ -۲۸۹ / ۴)، سیر النبلاء (۵۵ -۵۴ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۷۸ / ۳)، الکامل (۷۹ / ۸)، کشف الظنون (۱۳۸۹)، الکنی و الالقاب (۱۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی فالی)، معجم الادباء (۲۳۰ -۲۲۶ / ۱۲)، معجم البلدان (۲۶۴ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۱ -۲۰ / ۷)، النجوم الزاهره (۶۱ / ۵)، هدیه العارفین (۶۸۸ / ۱).

فامی هروی، ثقه‌الدین ابونضر، ابونصر عبدالرحمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۶ -۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و مورخ. اهل هرات بود و محدث آنجا. از ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون واسطی و قاضی و ابوعامر ازدی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در کهولت به حج رفت و از هبه‌الله بن علی بخاری و ابوالقاسم بن حصین حدیث شنید. ابن‌عساکر و سمعانی و ابوروح عبدالمعز بزاز و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. سمعانی گوید که او دارای شناخت کافی در حدیث و ادب بود و اخلاقی نیکو داشت. از آثارش کتاب «تاریخ هرات» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۴۳ / ۴)، سیر النبلاء (۲۹۹ -۲۹۷ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۴۰ / ۴)، طبقات الحفاظ (۴۷۱)، معجم المؤلفین (۱۴۳ / ۵)، النجوم الزاهره (۲۹۰ / ۵)، هدیه العارفین (۵۱۸ / ۱).

فانی خوارزمی، کمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. وی ظاهرا از مردم قصبه‌ی قسا در خوارزم یا از قاشان ماوراءالنهر بود که نام آن را قاسان هم نوشته‌اند. در خوارزم منصب قضاوت داشت و مردی دانشمند به شمار می‌رفت وی غزل را نیکو می‌سرود. از آثارش: شرح «شواهد مغنی البیب»؛ شرح «شواهد مطول»؛ حاشیه بر «شرح تجرید»؛ شرح «مطالع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۹ -۶۸۸)، تذکره‌ی روز روشن (۶۸۳ -۶۸۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶۸).

فانی یزدی،حسن، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۸۱ ق)، عالم، خطیب، مصنف، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. معروف به سید آقایی. وی ساکن اصفهان بود. از جوانی در تحصیل علم و ادب کوشید، سپس روی به خطابه آورد تا در این فن سرآمد شد. او ادیبی شاعر و نویسنده‌ای پر تلاش بود. فانی در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی ملک از تخت پولاد دفن شد. از آثار وی: «اکسیر الاخبار»، در چهار مجلد: جلد اول در توحید و صفات‌الله، جلد دوم در فضائل ائمه اطهار (ع) و نصوص امامت و بعضی از خطب و مواعظ امیرالمومنین (ع)، و دو جلد دیگر در اخلاق و مواعظ؛ «التوفیقات الالهیه»، در مواعظ ماه رمضاه در سی مجلس؛ «حرز المؤمنین»، در احراز و ادعیه و برخی از نمازهای متفرقه؛ «فلاح الایمان»، به فارسی در مواعظ و مصائب؛ «غوث الامه فی اثبات الغیبه»؛ «عقیده الحق»، در شرح «باب الحادی عشر»؛ «هدایه السالکین»؛ «حبیب العاشقین»؛ «درر اللئالی فی اسرار الموالی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۲۶۰)، الذریعه (۳۰۱ -۳۰۰، ۷۲ / ۱۶، ۳۰۶ / ۱۵،۸۰۴ / ۹، ۱۳۳ / ۸، ۳۹۴ / ۶، ۵۰۰ / ۴، ۲۷۸- ۲۷۷ / ۱)، ریحانه (۲۹۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۴ -۳۹۳ / ۱۴)، معجم المؤلفین (۲۱۷ / ۳).

فانی، کامران

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کامران فانی در سال ۱۳۲۳ ، در قزوین به دنیا آمد. با تحصیل در رشته ادبیات ، به رشته کتابداری نیز علاقمند شد و تحصیلات خود را در این زمینه ادامه داد. او پس از قبولی در رشته کتابداری ، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود ، استخدام شد و در سال ۱۳۶۱ که استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمود به عنوان دستیار در خدمت استادش بود و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. کتاب"دایره المعارف تشیع"کامران فانی (ویراستار و مؤلف)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : کتابداریتحصیلات رسمی و حرفه ای : کامران فانی تحصیلات مقدماتی را در قزوین گذراند و با اخذ دیپلم طبیعی در سال ۱۳۴۱ ، وارد دانشکده پزشکی شد. اما پس از گذشت سه سال ، به ادبیات فارسی علاقمند گردید و با ترک تحصیل از رشته پزشکی و موفقیت مجدد در کنکور دانشگاه ، تحصیلات خود را در رشته ادبیات پی گرفت و در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ لیسانس گردید. عشق و علاقه به کتاب سرانجام او را به سوی کتابداری کشاند و توانست وارد دانشکده کتابداری گردد. درسال ۵۲-۱۳۵۰ درمقطع کارشناسی ارشد دررشته کتابداری و در سال ۷۷-۱۹۷۶ درمقطع دکتری دررشته علوم اطلاع رسانی از دانشگاه لاف بارو درانگلستان موفق به کسب این مدارج علمی گردید .خاطرات و وقایع تحصیل : عشق و علاقه به مطالعه درکامران فانی از همان دوران ابتدایی تحصیل وجود داشته ، به شکلی که از همان دوران اول و دوم دبستان ، کتابهای بزرگسالان را مطالعه می کرده

او در این باره می گوید: » در آن زمان هنوز ادبیات کودکان رسم نشده بود. ناگزیر کودک کتابخوان همان کتابهایی را می خواند که بزرگسالان می خواندند. در قزوین کتابخانه عمومی وجود نداشت. یکی دو تا مغازه و یا در واقع دکه کتابفروشی بود که کتاب کرایه می دادند ، به شبی « یک قران » که ظاهراً پول کلانی می آمد و همین شد که اجباراً تندخوانی را آموخت. »فعالیتهای ضمن تحصیل : آشنایی کامران فانی با قرآن به سالهای آخر دبیرستان باز می گردد. او در این زمان می توانست به کمک ترجمه های تحت الفظی و زیرنویس قرآن که در آن زمان منحصر به دو ترجمه مرحوم معزی و مرحوم الهی قمشه ای بود ، به فهم ظاهری معانی قرآن برسد.استادان و مربیان : کامران فانی در دوران تحصیل از محضر درس استادانی چون دکتر جعفر شهیدی ، دکتر مهدی محقق ، استاد عبدالحمید بدیع الزمان کردستانی ، امیر حسین یزدگردی و ذبیح الله صفا بهره مند گردید.هم دوره ای ها و همکاران : کامران فانی در دوران تحصیلات دانشگاهی با بهاء الدین خرمشاهی همکلاس بود و این رابطه به دلیل قزوینی بودن هر دو ادامه یافت و همچنان با یکدیگر همکاری نمودند ، چنانکه خرمشاهی در این باره چنین می گوید: « درست نوزده سال پیش بود که در چنین شب یا روزی با جان جانان جناب فانی نشسته بودیم و از هردر سخن می گفتیم ، بحثمان در اطراف داستان « کریستین وکید » نوشته هوشنگ گلشیری بود که به تازگی منتشر شده بود ، به فانی گفتم نقدی بر این کتاب بنویس و... که گفت خود تو چرا نمی نویسی و خلاصه چند ماه بعد به پایمردی فانی این نقد در مجله سخن چاپ گردید.» مهندس حسین معصومی همدانی دکتر سعید حمیدیان ،حسن انوشه ، ملایری ، ثلاثی و اسدپور بیرانفر از جمله دوستان دیگر فانی بودند.وقایع میانسالی : کامران فانی حتی در دوران سربازی از کتاب و ترویج فرهنگ کتاب خوانی دور نماند ، او این موضوع را این گونه تعریف می کند: « در کنار اروند رود و دهانه فاو و در زیر نخلهای بلند کتابخانه کوچکی درست کردم که اولین تجربه من در کتابداری بود. روزهای گرم و بلند تابستان خوزستان به کندی می گذشت و سربازان و گروهبانان و افسران به بطالت وقت کشی می کردند و روز را به شب می رساندند. به اصرار کتاب داستان و شعر به آنها می دادم ، نخست از خواندن ابا داشتند ، آن را امری شاق می پنداشتند. ولی کم کم شیفته مطالعه شدند. به وضوح می دیدم هر انسانی که سواد خواندن داشته باشد بالقوه دوستدار کتاب و کتابخوانی است ، فقط امکان و فرصت آن را نیافته است. نقش کتابخانه در همین است که چنین فرصتی را به سهولت در اختیار همگان می گذارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کامران فانی پس از قبولی در رشته کتابداری ، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود ، استخدام شد. او به عنوان دستیار در خدمت استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمودبود ، همچنانکه خرمشاهی نیز به این کار پرداخت. اما همکاری با دکتر محقق یک سال بیشتر طول نکشید که دکتر محقق « بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی » را تاسیس نمود اما توصیه و سفارش اکید به فانی و خرمشاهی نمود که این راه را ادامه دهند و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. وی عضوهیئت علمی کتابخانه ملی و سرپرست بخش ایرانشناسی کتابخانه ملی می باشد .فعالیتهای آموزشی : کامران فانی پس از اخذ لیسانس به تدریس زبان فارسی پرداخت. او همچنین در سال ۱۳۵۸ به تدریس ترجمه و تفسیر قرآن در مرکز خدمات کتابداری ایران پرداخت ، که مدت دو سال به طول انجامید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : کامران فانی در سال ۱۳۵۰ سربازی را به اتمام رساند و به انگلستان سفر نمود. شاید آن گونه که خود او بیان می دارد ، برای آموختن زبان انگلیسی این سفر را تجربه نمود. به هرحال پس از آن وی در کنار مشاغل اداری و کار موسسات پژوهشی به کار ترجمه و تالیف کتاب پرداخت.جوائز و نشانها : کتاب"دایره المعارف تشیع"کامران فانی (ویراستار و مؤلف)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : نزدیک به ۱۵۰ مقاله نیز اعم از تألیف و ترجمه کامران فاانی تاکنون در نشریات و مجلات مختلف از جمله سخن، نگین، رودکی، نگاه نو، کلک، بخارا، نشر دانش، کیان، کیهان فرهنگی، جهان کتاب و غیره چاپ شده است. آثار : ترجمه آدمهای ماشینی:

روباتها ویژگی اثر : نوشته کارل چابک می باشد۲ ترجمه بخشی از کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی» ویژگی اثر : م. م. شریف، بخشی از کتاب «زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی». ۳ ترجمه خطابه پوشکین ویژگی اثر : نوشته داستایوسکی می باشد۴ ترجمه کتاب سلوک روحی بتهوون ، ترجمه مرغ دریایی ویژگی اثر : نوشته آنتون چخوف می باشد۶ ترجمه موش و گربه ویژگی اثر : نوشته گونترگراس، نویسنده آلمانی و برنده جایزه نوبل ۱۹۹۹. ۷ تریستانا ویژگی اثر : ترجمه،نوشته لوئیس بونوئل، فیلمساز اسپانیایی ۸ جنگ جهانی اول ودوم ، دانشنامه کودکان و نوجوانان ، دایره المعارف تشیع ویژگی اثر : این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است۱۱ رده بندی تاریخ ایران ، رده بندی فلسفه اسلامی ، زردشت : سیاستمدار یا جادوگر ویژگی اثر : این کتاب نوشته هنینگ و ترجمه فانی می باشد۱۴ سرعنوانهای موضوعی فارسی ویژگی اثر : سه جلد می باشد۱۵ سه خواهر ویژگی اثر : ترجمه،نوشته آنتون چخوف ۱۶ علم درتاریخ ویژگی اثر : نوشته جان برنال می باشد که فانی آنرا ترجمه کرده است۱۷ فرهنگ موضوعی قرآن مجید ویژگی اثر : تالیف،با همکاری آقای بهاءالدین خرمشاهی۱۸ گسترش رده بندی تاریخ ایران ویژگی اثر : تالیف۱۹ لنتس و دیتسک، ویژگی اثر : نوشته بوفنر، نویسنده آلمانی ۲۰ مقاله اسطوره شناسی ، مقاله بیت الحکمه و دارالترجمه ، مقاله پایان فلسفه ، مقاله زبان موسیقی ، مقاله زندگی سیدنعمه الله جزایری ، مقاله سیاحت شرق ، مقاله شیوه نقد کتابهای علمی ، مقاله طبقه بندی علوم دراسلام ، مقاله عناوین موضوعی درزبان فارسی ، مقاله فلسفه میرداماد ، مقاله کتب درسی فلسفه درحوزه های علمیه ، مقاله کتب فارسی ابن سینا ، مقاله گفتگوهای تمدنها ، مقاله نقد ادبی

فائزی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فائزی

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد فائزی در سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان رودسر دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. علاقه وافرخویش به فراگیری علوم دینی، تشویق خانواده و اطرافیان او را برای تحصیل به مشهد مقدس کشاند و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. وی ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله علمی اردبیلی، آیت الله شاهرودی و آیت الله رضا زاده بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته زبان در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷ از

دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در مشهد مقدس، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت آموزش و پرورش، در دانشگاه علوم گیلان، دانشگاه آزاد رشت و دانشگاه آزاد لاهیجان مشغول تحصیل می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل (تهاجم فرهنگی، نماز و چرا به فلسفه نیازمندیم) را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

فخر داعی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(سید) محمدتقی گیلانی ملقب به فخرالمحققین و داعی‌الاسلام نویسنده و محقق ایرانی (ف. تهران آذرماه ۱۳۴۳ ه.ش/ شعبان ۱۳۸۴ ه.ق). وی پس از تحصیل نزد شیخ محمد طالقانی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مسیح سمنانی، فاضل تفرشی عازم عراق عرب شد و از محضر آخوند ملاکاظم خراسانی و شیخ عبداللّه مازندرانی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در اوایل نهضت مشروطه با آزادی‌خواهان عراق همکاری کرد. سپس از طرف آخوند ملا کاظم مأمور اداره‌ی انجمن دعوةالاسلام بمبئی گردید. وی علاوه بر وظایف دینی که به عهده داشت به تحقیق و تتبع مشغول بود و زبانهای انگلیسی و اردو را تحصیل کرد و مدت چهار سال در «کالج ایندور» به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. وی پس مراجعت به ایران در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد و کتب ذیل را ترجمه و منتشر کرد: تمدن اسلام و عرب تألیف گوستاولوبون، تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس (دو جلد)، تاریخ عرب و اسلام تألیف امیرعلی، شعرالعجم یا تاریخ منظوم ایران تألیف شبلی نعمانی (پنج جلد)، تفسیر قرآن تألیف سید احمدخان (که سه جلد آن منتشر شده)، تاریخ علم کلام تألیف شبلی نعمانی، مجموعه‌ی مقالات شبلی نعمانی، تاریخ هند تألیف امیرعلی. وی در هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

(وف ۱۳۴۳ ش)، عالم و مترجم. ملقب به فخرالمحققین و معروف به داعی الاسلام. وی از شاگردان آخوند ملا- محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی است که به مقام اجتهاد رسید. در نهضت مشروطه به پیروی از استادانش به حزب آزادیخواهان ایران مقیم عراق پیوست. وی به دستور آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به بمبئی رفت و اداره‌ی امور انجمن دعوه الاسلام آن شهر را بر عهده گرفت و معروف به داعی الاسلام شد. او به زبان اردو و انلگیسی مسلط بود. آن گونه که توانست کتابهایی را به زبان فارسی برگرداند. فخر داعی در کالج ایندور به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. در تهران درگذشت و در قم در کنار آرامگاه میرزایوسف مستوفی و مقابل صحن طلا دفن شد. از آثار وی: «تمدن اسلام وعرب» گوستاولوبون، ترجمه؛ «تاریخ عرب و اسلام» امیرعلی، ترجمه؛ «تاریخ هندوستان»، ترجمه؛ «تاریخ علم کلام» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» یا «تفسیر قرآن سید احمدخان»، ترجمه؛ «سوانح مولوی» شبلی نعمان، ترجمه؛ «شعر العجم» یا «تاریخ ادبیات منظوم ایران» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تاریخ ایران» سرپرستی سایکس، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۰۸، ۲۰۳۲ / ۲ ،۹۳۳– ۹۳۲ ،۷۶۸ ،۷۲۷– ۷۲۶ ،۷۲۴ ،۶۷۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۳ –۲۳۱ / ۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۷۱).

فخری هروی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مترجم و شاعر، متخلص به فخری. در هرات به دنیا آمد و در اوایل عهد شاه‌طهماسب (۹۸۴ – ۹۳۰ ق) ب قصد زیارت خانه خدا به سند رفت و در سلک ملازمان میرزا شاه‌حسین ارغون (۹۶۲ –۹۲۸ ق) درآمد و تذکره‌ی «روضه السلاطین» و کتاب «صنایع الحسن» را، در صنایع و بدایع شعری، به نام وی تألیف کرد و پس از درگذشت او به دربار جلال‌الدین محمد اکبرشاه رفت و تذکره‌ی «جواهر العجایب»را که قبلا ـ به نام حاجیه ماه‌بیگم، همسر میرزا شاه‌حسین، تألیف کرده بود با اندک تغییری به ما هم اتکه، دایه جلال‌الدین اکبرشاه تقدیم کرد. از دیگر آثار وی: دو «دیوان» غزلیات به نامهای: «بوستان خیال» و «تحفه الحبیب»؛ «لطایف‌نامه»، ترجمه فارسی «مجالس النفائس»؛ «جواهر العجایب»، در شرح حال بیست و پنج تن از زنان سخنگو؛ «هفت کشور»، در تاریخ و اخلاق و افسانه؛ «روضه السلاطین»، در ذکر هشتاد نفر از سلاطین و امرا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰ –۱۲۹ / ۴)، تاریخ تذکره فاسی (۱۲۰ –۱۱۸ / ۲ ،۶۴۹ –۶۴۴ ،۴۲۹ –۴۱۷ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸ / ۲)، الذریعه (۸۱۴ / ۹)، روضه السلاطین (مقدمه/ ی- یح)، فرهنگ سخنوران (۶۹۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۶۱ –۲۴۶۰/ ۳)، کاروان هند (۹۹۸ –۹۹۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فخری)، مجالس النفایس (مقدمه/ کح- ل)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۶ –۷۹۵ / ۴).

فدایی یزدی، یحیی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۲ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به فدایی. وی پس از تحصیل علوم دینی به اقتفای پدر قدم در میدان شاعری گذاشت. وی به مرض وبا وفات یافت. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۰۵ –۱۳۰۴ / ۲)، الذریعه (۸۱۶ / ۹)، ریحانه (۳۰۴ –۳۰۳ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۶۹۴).

فدشکوئی فسائی، کمال

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا کمال‌الدین محمد بن معین‌الدین محمد فدشکوئی فسائی معروف به (میرزا کمالا) از فقهاء و فضلاء قرن یازدهم هجری داماد علامه ملا محمدتقی مجلسی اول بوده و در حدود ۱۱۱۰ قمری وفات نموده است از تألیفات اوست (القیودا الوافیه) فی شرح الشافیه

در صرف و نیز شرحی منظوم بر قصیده تائیه دعبل خزاعی که در سال ۱۱۰۳ سروده است و در سال ۱۳۰۷ شمسی در تهران چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فرامرزی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۸ ش)، مورخ، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در روستای کچویه فرامرزان از توابع لارستان فارس به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر به بحرین عزیمت نمود و در آنجا مقدمات فقه شافعی و نحو را در خدمت پدر آموخت. بعد از مراجعت به ایران به دلیل پیوستگی پدرش با مشروطه‌خواهان مجددا مجبور به ترک وطن و عزیمت به بحرین شد. فرامرزی در بحرین مدتی به تجارت مشغول گشت و در ۱۳۰۱ ش به همراه برادرش به تهران سفر کرد. در ۱۳۲۴ ش مدیریت کل وزارت دارایی را به عهده گرفت. او چند دوره نیز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. وی در ۱۳۰۶ ش به همراه برادرش مجله‌ی «تقدم» و بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش روزنامه‌ی «خاور» را تأسیس و منتشر کرد. از آثار او: «چرا فرانسه شکست خورد»،ترجمه؛ «نتایج سیاسی جنگ بین‌المللی اول»، ترجمه؛ «انگلیسی‌ها در انگلستان»، ترجمه؛ «تاریخ تشکیلات سیاسی و قانونی و قضایی و اقتصادی»، ترجمه؛ «تاریخ بصره»؛ «تاریخ کویت».[۱]

فرزند شیخ عبدالواحد لاری در ۱۲۶۵ در قریه گجویه از بلوك فرامرزیان لارستان به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را نزد پدر خود فراگرفت. در سن جوانی به مشروطه‌خواهان پیوست و با نیروهای استبدادی مبارزه نمود. حاصل این مبارزات یک سال زندان بود. فرامرزی پس از استخلاص از زندان به اتفاق برادرش عبدالرحمن به بحرین رفت و کار معلمی را پیشه‌ی خود ساخت و چون هر دو برادر روح سرکشی داشتند و در آنجا به مبارزاتی دست زدند که ناچار به ایران آمدند.

احمد فرامرزی مدتی در وزارت امور خارجه مترجم زبان عربی بود. چندی در وزارت راه و چند سالی هم در دادگستری شاغل مقاماتی شد. مدتی هم مدیرکل وزارت دارائی بود.

در ۱۳۰۸ ش در تهران مجله‌ی علمی و ادبی و تحقیقی تقدم را انتشار داد و دانشمندانی چون تقی‌زاده و جمال‌زاده عضو هیئت تحریریه آن مجله بودند. پس از ۱۳۲۰ نامه‌ی هفتگی سیاسی و اجتماعی خاور را منتشر نمود و مدتی هم روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را می‌نوشت. در دوره‌ی پانزدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و در ادوار هفدهم و هیجدهم نیز وکیل مردم بوشهر در مجلس بود. مرحوم فرامرزی ادیب و دانشمند و محقق بود. تحقیقات دامنه‌داری درباره‌ی تاریخ و جغرافیای خلیج‌فارس نموده که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط وافی داشت. در اسفندماه ۱۳۴۰ در ۷۳ سالگی درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۳۴ -۱۳۲ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۴ -۷۰ / ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۷ -۵۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۱ -۴۳۰ / ۱).

فرامرزی، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۷۵ ش)، شاعر، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نویس. وی در قریه کچویه فرامرزان لار به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم مقدماتی در زادگاهش به اتفاق خانواده به بحرین رهسپار گردید و برای تکمیل تحصیلات به چند کشور عربی مسافرت کرد و پس از چندی به بحرین بازگشت و به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در تهران به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. اما چندی طول نکشید که از این کار دست کشید و به روزنامه‌نگاری روی آورد و بیست سال سردبیری روزنامه «کیهان» را عهده‌دار بود. وی چندین دوره از طرف مردم لار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. از آثار اوست: «راه زندگی»؛ «داستان دوستان»؛ «مجموعه داستان»؛ «مجموعه‌ی مقالات فرامرزی»؛ «دستور زندگانی»، ترجمه؛ «سرگذشت یک بدبخت»، ترجمه.[۱]

نویسنده‌ی برجسته و روزنامه‌نگار و سیاستمدار معاصر، متولد ۱۲۸۰ ش و فرزند عبدالواحد است. وی تحصیلات خود را در لار و بحرین به اتمام رسانید و در ادبیات فارسی و فقه و اصول و منطق و حکمت صاحب‌نظر شد. از ۲۰ سالگی به خدمات فرهنگی اشتغال ورزید و در مدارس مختلف فارس و تهران به تدریس ادبیات فارسی و عربی مشغول شد. در زمانی که مختار رئیس شهربانی بود، اداره‌ای به نام اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری در شهربانی تاسیس کرد، دشتی ریاست آن اداره را عهده‌دار بود و فرامرزی به ریاست آن اداره منصوب شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در انجا خدمت می‌کرد. آن اداره در حقیقت کار سانسور مطبوعات را انجام می‌داد.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ فرامرزی به کار مطبوعاتی پرداخت و روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را انتشار داد. بعد از چندی، امتیاز روزنامه‌ی کیهان را گرفت و با سردبیری دکتر مصباح‌زاده آن را انتشار داد. در آذرماه ۱۳۲۱ که قوام‌السلطنه امتیاز تمام روزنامه‌ها را باطل کرد، روزنامه‌ی کیهان هم منحل گردید. بعد از مدتی مجددا کیهان به صاحب‌امتیازی دکتر مصباح‌زاده و مدیریت عبدالرحمن فرامرزی انتشار یافت. این روزنامه در اثر تلاش و قلم فرامرزی و چند تن دیگر از دوستان به زودی در محافل مختلف ایران معروف شد و در ردیف بزرگترین روزنامه‌های روز شد. سرمقالاتی که فرامرزی در آنجا می‌نوشت طرفداران زیادی پیدا کرد و مخصوصا انتقادات و حملات فرامرزی به دولتها موجبات گرایش مردم به سوی این روزنامه را فراهم نمود. فرامرزی در حزب دموکرات ایران قوام‌السلطنه وارد شد و روزنامه‌ی بهرام را که طرفدار قوام‌السلطنه بود، اداره می‌کرد.

در انتخابات دوره‌ی پانزدهم، فرامرزی از طرف حزب دموکرات ایران کاندیدای نمایندگی مجلس شد و از لار به پارلمان رفت. فرامرزی در مجلس پانزدهم با ایراد چند سخنرانی جای خود را باز کرد و در زمره‌ی وکلای متنفذ قرار گرفت. در دوره‌ی شانزدهم نیز کرسی نمایندگی را حفظ نمود. در دوره‌ی هفدهم از ایوانکی و ورامین نماینده شد و در دوره‌ی هیجدهم هم وکیل ورامین بود. در انتخابات زمستانی دوره‌ی بیستم که منجر به انحلال مجلسین شد، فرامرزی به عنوان نماینده‌ی مردم بندر لنگه در مجلس عضویت داشت. از آن تاریخ به بعد، دیگر کاری به او ارجاع نشد تا اینکه در ۱۳۵۱ در ۷۳ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۸، ش ۶، ص ۳۴۲ -۳۴۰)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۰۳ -۲۶۰۰ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶- ۸۱۴ / ۳).

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اینجانب علی اکبر فرجی سلطان آباد هشترودی درسال ۱۳۲۶هجری شمسی درقریه گنجینه کتاب ازتوابه هشترود آذربایجان شرقی دریک خانواده اهل علم به دنیا آمدم. تمام تحصیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که ازعلما و وعاظآن منطقه به شمار می رفت) ودرسال ۱۳۴۹به قم منتقل شده وپس ازآشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصل مکاسب وکفایه دردارالتبلیغ اسلامی نیز مشغول تحصیل شدم که درسال ۱۳۵۴سطح راتمام کرده واز دارالتبلیغات اسلامی فارغ التحصیل شدم. مدت ۲سال در دارالزهراء مشغول تدریس دررشته های تفسیر قرآن، تاریخ اسلام وادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم باچند نفر ازرفقا لجنه تحقیقی تشکیل دادیم وکتاب نفیس وبسیار ارزشمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام وحجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق وپاورقی نمودیم ونزدیک به ۴ سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن ۳جلد چاپ شده وبقیه زیر چاپ است (چاپ اول ۱۴۲۵ق ۱۳۸۳ش نشر دانش حوزه) مقاله ای ازاینجانب درباره اصلاحات ارضی که پاسخی به یک نویسنده بود درروزنامه اطلاعات شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۹به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری وفارسی سروده ام که یکی ازاشعارم بعنوان (البلاءللولاء) درآخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده است البته چون اینجانب واعظ ومنبری هستم فعلا اغلب فعالیتم دراین زمینه است

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشترودی

۲۲/۲/۸۶

فرخ خراسانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۶۷(۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۴ ق.)، مشهد.

درگذشت: ۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، مشهد.

سید محمود فرخ خراسانی متخلص به «فرخ» فرزند سید احمد جواهری متخلص به «دانا»، مقدمات فارسی و عربی را در مدارس قدیمه (مکتبی در مجاورت منزلشان) آموخت، الفبای قرآن را فراگرفت و کتاب‌های موش و گربه و حسنین و عاق والدین و حسین کرد و نصاب الصبیان و گلستان سعدی را خواند، امثله و صرف میر را در یکی از حجره‌های صحن نو از آخوند مکتبداری به نام ادیب‌السلطنه آموخت. فنون ادب را (انموذج و هدایهٔ و مغنی و مطول) از محضر شیخ محمدحسین سبزواری و پدر خود (کتاب گوهر مراد را پیش پدرش خواند) فراگرفت، در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت، بیشتر اشعار وی به سبک خراسانی است.

سال‌ها تصدی امور آستان قدس رضوی را بر عهده داشت و چندی نیز کفیل استانداری خراسان بود. وی در همان حال عضویت هیئت مدیره کارخانه‌ی نخ‌ریسی و برق خسروی را نیز داشت. ضمنا دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی نماینده‌ی قوچان بود. در سال‌های آخر عمر در مشهد انزوا گزید و به تأسیس انجمن ادبی فرخ اقدام کرد. در سال ۱۳۵۳ دانشگاه مشهد به محمود فرخ مقام استادی افتخاری دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی آن دانشگاه را اعطاء کرد.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: تصحیح و چاپ تاریخ مجمل فصیحی خوافی (سه جلد، ۱۳۳۹)؛ مناظرات و اخوانیات، سفینه‌ی

فرخ (دو جلد، ۱۳۳۲)؛ دیوان اشعار (شامل چهار هزار بیت که به چاپ نرسیده است)؛ روضه‌ی خلد (۱۳۴۵)؛ مثنوی فروزنده و منتخب آثار و شرح احوال استاد منشی باشی نصرت (۱۳۳۱)؛ خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی معروف به مراغه‌ای و مثنوی منطق‌العشاق یا ده نامه‌ی احدی (۱۳۳۵). از فرخ چند مقاله تحقیقی و ادبی در مجله‌های «آینده» «یغما» «فرهنگ خراسان» و «یادگار» طبع شده است.

ادیب و شاعر توانای معاصر، فرزند میرزا احمدخان جواهری خراسانی، در ۱۲۷۴ ش در مشهد تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد شد و نزد علمای مشهور آن زمان از جمله ادیب نیشابوری، ادبیات فارسی و عربی را به حد کمال رسانید و به خدمت آستان قدس رضوی درآمد. وی از جوانی در تشکیل انجمنهای ادبی در مشهد و همکاری با مطبوعات پیشقدم بود و اشعار او در بیشتر جراید انتشار می‌یافت. فرخ در ادوار دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی که انتخابات هر دو دوره در اوج دیکتاتوری انجام گرفته بود، وکیل شد ولی از آن پس همچنان در آستانه مشغول کار بود. مدتی نیز کفیل آستان قدس رضوی بود و بیشتر وقت او صرف کارهای ادبی می‌شد. وی را باید یکی از شعرای بزرگ معاصر دانست، مخصوصا در قصیده در زمره‌ی چند استاد معاصر می‌باشد. در سن ۸۴ سالگی در مشهد وفات یافت. تالیفات زیادی از او باقی مانده است.

(۱۳۶۰ -۱۲۷۵ ش)، مصحح و شاعر، متخلص به فرخ. در شهر مشهد به دنیا آمد. پدرش از ادیبان خراسان بود. علوم مقدماتی را در مدارس قدیمه‌ی آن شهر و فنون ادب را در محضر شیخ محمد حسین سبزواری و پدر خود آموخت و در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت. وی دارای مشاغل مختلفی، از جمله: ریاست دفتر آستان قدس رضوی، نمایندگی مردم قوچان در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی بود. فرخ در ۱۳۲۳ ش به ازبکستان سفر کرد. از آثارش: «سفینه‌ی فرخ»؛ تصحیح «مجمل فیحصی»؛ تصحیح کتاب «روضه‌ی خلد»، مجد خوافی؛ «خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۰ -۳۲۱)، ادبیات معاصر (۷۹ -۸۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷ -۶۴ / ۵)، سخنوران نامی (۲۹۹ -۲۹۰ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۲۳ -۲۶۱۸ / ۴)، صدف (۵۴۲ -۵۳۳)، صد سال شعر خراسان (۴۳۱ - ۴۱۸)، فرهنگ سخنوران (۶۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲ -۷۱ / ۶).

فردوسی فراهانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، مترجم و شاعر. در قریه ابراهیم‌آباد از توابع اراک به دنیا آمد.وی مدت بیست و شش سال به تحصیل پرداخت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند، از آن پس برای ادامه‌ی تحصیل به شهر قم عزیمت کرد و در حوزه‌ی علمیه به تحصیل اشتغال ورزید. وی صرف و نحو، معانی و بیان، منطق و فقه و اصول را از محضر اساتید فن فراگرفت. پس از آن در اداره ثبت اسناد و املاک به خدمت مشغول شد. در ۱۳۲۸ ش به تهران انتقال یافت و در این شهر ساکن شد. از آثار وی: «اسلام و هیئت»، ترجمه؛ «کمال آتاتورک»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۱ -۷۵ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۰۸ -۲۶۰۴ / ۴)،فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۷۷ / ۲ ،۲۲۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۶ -۶۰۵ / ۱).

فرزاد، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۸۵ ش)، شاعر، نویسنده، محقق، مترجم، استاد دانشگاه و مصحح. در سنندج به دنیا آمد. در کئدکی به اتفاق خانواده از کردستان به تهران مهاجرت کرد و در این شهر سکونت اختیار نمود. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به انجام رسانید و با زبان انگلیسی آشنایی کامل یافت. فرزاد از آن پس به استخدام وزارت دارایی درآمد و به عنوان مترجم مشغول کار شد و در ۱۳۰۸ ش همراه سایر محصلین اعزامی به اروپا به لندن رفت و در رشته‌ی اقتصاد به تحصیل پرداخت. سپس به ایران مراجعت کرد و در وزارت خارجه به عنوان مترجم به خدمت مشغول شد و در ضمن در دانشکده‌ی افسری و دارالفنون به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. فرزاد یکبار دیگر به لندن سفر کرد و در آغار جنگ بین‌الملل دوم از طرف بنگاه رادیو لندن برای بخش فارسی و ادبی آن موسسه برگزیده شد و چندین سال در آن جا سخنگو بود. پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد دانشگاه شیراز به تدریس مشغول گردید و سرانجام در ۱۳۶۰ ش که جهت معالجه به لندن رفته بود در آنجا درگذشت. فرزاد با صادق هدایت دوستی تمام داشته و با وی در کتاب «وغ وغ ساهاب» همکاری کرده است. از آثارش: «کوه تنهایی»؛ «بزم درد»؛ «گل غم»؛ «دیوان» شعر؛ «رویای ستاره»، ترجمه؛ «مرتد»؛ «داروی محبت»، ترجمه.[۱]

شاعر، نویسنده، مترجم.

تولد: ۱۲۸۵، سنندج.

درگذشت: ۴ مهر ۱۳۶۰، لندن.

مسعود فرزاد متخلص به «فرزاد» فرزند حبیب‌الله فرزاد (انتخاب الملک یا انتخاب‌الدوله) اصفهانی‌الاصل و رییس دارایی و گمرک کردستان بود. با انتقال پدرش از کردستان به تهران توانست تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تربیت و دارالفنون تهران به پایان رسانید. بعد از گرفتن دیپلم از مدرسه آمریکایی در وزارت دارایی به عنوان مترجم استخدام شد. سپس با قبولی در کنکور اعزام محصلین به اروپا، به انگلستان رفت و در دانشگاه لندن به تحصیل علم اقتصاد وادبیات همت گذاشت و پس از بازگشت به ایران به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. فرزاد مدتی هم به تدریس زبان انگلیسی در دانشکده‌ی افسری و دارالفنون پرداخت و در اوایل جنگ جهانی دوم از طرف بنگاه سخن پراکنی بی‌بی‌سی انگلستان برای بخش ادبی آنجا انتخاب شد و استخدام گردید و چندین سال به این شغل در رادیو لندن مشغول به کار بود. اما در اوایل ملی شدن صنعت نفت چون حاضر نشد مقاله‌های ضد ملی را در رادیو بخواند، از آن بنگاه مستعفی گردید و مترجم سفارت ایران در لندن شد و تا مدت‌ها به همین شغل اشتغال داشت. بعدها در ایران مدت هشت سال در رادیو کار می‌کرد. سپس در سال ۱۳۴۶ به شیراز رفت و در دانشگاه آن شهر به تدریس «عروض» پرداخت. وی موفق شد که تحقیقات خود را درباره‌ی حافظ در ده جلد تحت نام تصحیح انتقادی دیوان حافظ به چاپ برساند و به دانشگاه شیراز اهداء نماید و از سوی دانشگاه شیراز دکترای افتخاری به وی اعطاء شد.

از یازده سالگی به سرودن شعر پرداخت. از آثار منظوم او می‌توان از این عنوان‌ها یاد کرد: وقتی که شاعر بودم (تهران، ۱۳۲۱)؛ کوه تنهایی (تهران، ۱۳۲۶)؛ گل غم (لندن، ۱۹۴۶)؛ بزم درد (تهران، ۱۳۳۲)؛ لبخند بدرود (شیراز، ۱۳۵۵)؛ چامه؛ دیوان اشعار. در شیراز از سال ۱۳۴۶ در برخی جلسات کانون دانش پارس و انجمن هدایت شرکت می‌کرد. از تألیفات وی به زبان انگلیسی باید به این عنوان‌ها اشاره نمود: وزن رباعی، ترجمه غزل‌های حافظ، مردی که فکر می‌کند، ترجمه انگلیسی موش و گربه، تفسیری درباره دو

لغت از متن شکسپیر، شعر انگلیسی، الفباء و املاء جهانی:، نقد ادبیات فارسی. وی از دوستان صادق هدایت بود و کتاب وغ وغ ساهاب را این دو نویسنده با همکاری هم نوشتند از فعالیت‌های دیگر اوست: ترجمه رؤیا در نیمه شب تابستان (۱۳۳۵)، و هملت (از آثار ویلیام شکسپیر ۱۳۳۳)، ترجمه کوهولین رستم ایرلندی (از ویلیام باتلر ییتز)، آمون تیلاد(ادکار آلن پو)، اسب سواری (ویلیام کاپر)، بریان خوک (چارلز لام)، پز عالی (هنری)، داروی محبت (هنری)، مرغ حق (داستان)، رؤیای ستاره (چارلز دیکنز)، ریکی تیکی تاوی (ردیار کیپلینگ)، سرو چه می گفت (هانز اندرسن)، قلب رازگو (ادگار آلن پو) محبوس شیطان (لرد بایرون، ترجمه با مشارکت جواد شیخ‌الاسلامی، ۱۳۳۳)، مرتد (۱۳۳۳)، ماهالابه (ترجمه)، معلم کم‌آزار؛ مهربانی شوم، نی‌زن پاره پوش (رابرت برونیگ)؛ یعنی که مصاحبه؛ آماده ساختن پنجاه داستان مثنوی مولوی به صورت نمایشنامه که از رادیو پخش شد؛ تحقیقات در عروض فارسی؛ سیل بجنورد؛ حافظ- گزارش از نیمه راه (این کتاب پس از فوت فرزاد به چاپ رسید)؛ نوشتن مقالاتی پیرامون مسائل مختلف ادبی در مجلات کشور از جمله «مهر»، «یغما»، «فرهنگ و هنر»، «تماشا»، «تلاش»، «اطلاعات» و «کیهان».

فرزاد در سال ۱۳۵۵ دچار سکته‌ی ناقص شد و برای معالجه به لندن رفت. پس از بهبودی نسبی به شیراز بازگشت. او در چهارم مهر ۱۳۶۰ برابر با ششم سپتامبر ۱۹۸۱ در لندن درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۸ ص ۶۰۱ -۵۸۸)، انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم تا به امروز (۴۵۹ -۴۵۵)، الذریعه (۱۰۳۸ -۸۲۳ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۳ -۸۲ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۴۴ -۲۶۳۸ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۵ -۱۸۲ / ۶).

فرزام، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حمید فرزام در ۱۳۰۲ درکرمان متولد شد . و پس از اتمام تحصیلات ابتدایی ،به تهران آمد و تحصیلات خودراتا درجه دکتری ادبیات دردانشگاه تهران ادامه داد . سپس بعنوان استاد در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول شد و پس از بازنشستگی درسال۱۳۵۹ به تهران آمد و به تدریس دردانشگاه تهران ، دانشکده اقتصاد و دانشگاه امیر کبیر پرداخت و در همان سال به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد . وی در کنارتدریس به تحصیل در ادبیات عرفانی ایرانی بویژه دراحوال و آثار شاه نعمت الله ولی مشهور است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات فارسی

والدین و انساب : حمید فرزام ،پدرش را درشش سالگی ومادرش را درسیزده سالگی ازدست دادو از طرف مادر بزرگ عموو بستگان حمایت شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی فرزام درکرمان سپری شد . وی دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است . پایان نامه تحصیلی وی درمقطع دکترا ،به راهنمایی استاد فروزانفر و درباره احوال و آثار شاه نعمت الله ولی بوده است

.

خاطرات و وقایع تحصیل : حمید فرزام دردوران نوجوانی ،حساس ،زود رنج و بسیار پرتوقع بود ،اما حافظه خوبی داشت .

فعالیتهای ضمن تحصیل : فرزام زمانی که دانشجو دوره دکترا بود ، در دبیرستانی درباغ فردوس ، ادبیات فارسی و عربی درس می داد . علاوه برآن ،ضمن درس از نهج البلاغه و آیات و قرآن کریم هم استفاده می کرد و همزمان ،ابیاتی از مولانا و حافظ می خواند و حالی عجیب و عرفانی پیدا می کرد و اشک درچشمانش حلقه می زد و این حال او ، دانش آموزان را تحت تاثیر قرار می داد که این امر درزمان تحصیل او فعالیت ویژه ای بود .

استادان و مربیان : استادان معروف حمید فرزام عبارتند از : ملک الشعرا ء ، استاد بهمنیار ، استاد جلال همایی ، استاد عبد العظیم قریب ،استاد اقبال آشتیانی ، استاد سید محمد کاظم عصار و استاد فروزانفر ، استاد معین ، استاد محمد باقر هوشیار . او با استاد بهمنیار نسبت و رابطه خویشاوندی دوری داشت . استاد راهنماییش نیز دردوره دکترا مرحوم فروزانفر بود . ولی بهترین استادی که از جنبه معنوی داشته است شیخ رجبعلی نکوگویان بود که از محضر پرفیض ایشان کسب فیض فراوان کرده است .

همسر و فرزندان : دکتر حمید فرزام دراین باره نقل می کند که : « دراوایل ازدواجم یک روز سرسنگین وبدون خداحافظی با همسر م تقریبا به حالت قهر از خانه بیرون رفتم .آن زمان رییس دبیرستان صبا ء در تجریش بودم . هنگام غروب با چند نفر از دوستان وضو گرفتیم و برای نماز مغرب و عشاء آماده شدیم وبه اتاق جناب شیخ نکوگویان رفتیم هنوز یک ربع ساعتی به اذان مغرب مانده بود . جناب شیخ هم وضو گرفتندو آمدند وهمین که نگاهشان به من افتاد با حالت تعجب گفتند :قهر می کنی ؟ باید تحمل داشت زود از میدان در می روی و بلافاصله شعر مناسبی از حافظ خواندند .

وقایع میانسالی : فرزام درسن ۳۰ یا ۳۱ سالگی از ضربان قلب و درد آن ناراحت بود . بدان علت از طریق آقای گویا به استادش شیخ رجبعلی نکوگویا خیاط پیغام فرستاد که من قلبم ناراحت است و مثل اینکه باید مرخص شوم . «وقتی که این حرف به گوش شیخ رسید . گفت که از جانب من به فرزام بگویند ناراحت نباش ، موهای سرو صورتت هم سفید می شود یعنی به سن هفتاد و هشتاد هم می رسی و من می بینم .» این سخن شیخ به واقعیت پیوسته و فرزام هشتاد ساله است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر فرزام استاددانشگاه اصفهان و سپس استاد دانشگاه تهران بود. او دردانشکده اقتصاد دانشگاه امیر کبیر نیز تدریس می کرد ه است . وی عضو فرهنگستان زبان وادب فارسی نیز می باشد.

فعالیتهای آموزشی : تدریس دردبیرستان باغ فردوس درتهران ، دانشگاه اصفهان ، دانشگاه تهران ،ونیز در دانشکده اقتصاد دردانشگاه امیر کبیر از فعالیتهای آموزشی دکتر فرزام بوده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فرزام در کنار تدریس در دانشگاه به تحقیق و تالیف و تصحیح متون ادبیات و عرفان ایرانی و فارسی پرداخته است .

شاگردان : دکتر فرزام شاگردان بسیاری داشت . بعضی از شاگردان او ۷۵ ساله هستند او با بعضی از آنها نیز ارتباط می داشت . یکی از آن دانشجویان سید محمد خاتمی می باشد که به منصب ریاست جمهوری ایران رسیده است .

همفکران فرد : یکی از همفکران فرزام ،دکتر گویا بود که درروران تدریس درباغ فردوس با هم آشنا شدند . این دوبه حافظ و مولوی عشق می ورزیدند وبه شیخ رجبعلی خیاط ارادت خاصی داشتند .

آرا و گرایشهای خاص : استاد فرزام ادبیات فارسی را دربعد عرفان اسلامی و ایران مورد بررسی قرارداده و نظری تخصصی برعرفان نعمت الهیه وشیخ نعمت الله ولی دارد .

چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثار استاد فرزام از سوی فرهنگستان زبان وادب فارسی و نیز دانشگاه اصفهان منتشرشده است . -----
----

آثار :

۱ احوال وآثار شاه نعمت الله ولی

ویژگی اثر : احوال وآثار شاه نعمت الله ولی کرمانی عنوان پایان نامه دکتری استاد فرزام است که تحت نظر استاد فروزانفر دفاع شده است .

۲ شعر افسانه زندگی

۳ شعری درباره فلسطین

۴ شعری درجواب سلمان رشدی

۵ کتاب تحقیق دراحوال ونقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی

۶ کتاب تعلیم و تربیت دراسلام، اصول اخلاقی اسلامی

ویژگی اثر : این کتاب اثری مشترک است از دکتر علی شریعتمداری (بخش اول کتاب) و دکتر حمید فرزام که توسط انتشارات کانون علمی و تربیتی جهان اسلام منتشر شده است .

۷ کتاب روابط معنوی شاه نعمت الله ولی با سلاطین ایران وهند

ویژگی اثر : این کتاب ضمیمه دوره سلسله ازآثار شاه نعمت الله ولی توسط انجمن کتابخانه ای عمومی اصفهان وابسته به وزارت فرهنگ و هنر منتشر شده است .

۸ کتاب شاه ولی ودعوی مهدویت

ویژگی اثر : این کتاب که ضمیمه ای بنام رساله مهدیه اثر شاه نعمت الله ولی دارد که درسال ۱۳۸۱ منتشر شده است .

۹ کتاب نکته ها و نقد ها

ویژگی اثر : عنوان مجموعه مقالاتی است که شامل (۵۵مقاله ادبی وعرفانی ، تاریخی و مذهبی ،تربیت و اجتماعی و انتقادی است بامقدمه دکترمهدی محقق که در ۱۳۸۰ توسط مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل کانادا چاپ شده است .

۱۰ مسافرت های شاه نعمت الله ولی و ارزش آن از جهات تربیت اجتماعی وسیاسی

ویژگی اثر : این کتاب توسط شخص استاد فرزام (ناشر ـمولف) دراصفهان به چاپ رسیده است . ----------------------
----

منابع :

۱[شهلا پروین زاده،نگاهی به آثار استاد حمید فرزام ، کیهان فرهنگی ، ص۲۹]۲مقام عشق وعرفان ،یادنامه جناب شیخ رجبعلی خیاط نکوگویان ، درگفت و گو با دکتر حمید فرزام ، ماهنامه کیهان فرهنگی ، سال بیستم ، شهریور ۱۳۸۲ ، پیاپی ۲۰۳ ، ص۱۷

فرزان بیرجندی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۷۳ ش)، عالم و ادیب. در بیرجند به دنیا آمد. زبان و ادبیات عرب را از «نصاب الصبیان» فراهی آغاز و تا مراحل پایانی ادامه داد. در خلال فرا گرفتن کتب صرفی و نحوی که در مدارس طلاب تدریس می‌شد، از مطالعه‌ی کتبی که درین باره در کشورهای عربی مانند لبنان و مصر تألیف می‌گردید غفلت نداشت و به موازات آن ادبیات عرب را در دوره‌ی جاهلیت به خوبی فراگرفت. وی عضو وزارت فرهنگ بود و دوران خدمات فرهنگی را در سیستان و بلوچستان و خراسان و بوشهر گذرانید و سالها

مربی، معلم و رئیس فرهنگ بود. شناساننده‌ی او به جامعه‌ی ادبی ایران سید حسن تقی‌زاده بود و به وسیله او از خراسان به تهران آمد و چندی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و ادبیات پرداخت و با بنگاه ترجمه و نشر کتاب همکاری علمی داشت. وی علاوه بر اطلاعات وسیع در ادبیات عرب، زبان فرانسه را نیز خوب می دانست. در پایان عمر در بابلسر عزلت گزیده بود. در تهران درگذشت و در بقعه‌ی ابوالفتوح رازی در مرقد عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. از وی آثار عمده‌ای باقی نمانده و آنچه نوشته غالبا درباره‌ی کتابهایی است که جامعه ادب به آنها علاقه دارند، مثل «کلیله و دمنه»، «مرزبان‌نامه»؛ «دیوان» حافظ، «مثنوی» مولوی، و در صدر همه‌ی اینها قرآن‌کریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۸، ش ۲، ص ۱۱۹)، از نیما تا روزگار ما (۱۷۰ -۱۶۷)، راهنمای کتاب (س ۱۳، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۹ - ۱۲۲)، سواد و بیاض (۶۱۱ -۶۱۰ / ۲)، یغما (س ۱۹، ش ۸، ص ۳۹۶ -۳۹۴، س ۲۳، ش ۱، ص ۶۱ -۶۰).

فرساد یزدی، محمود مجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۳۰۹ ق)، عالم امامی، ادیب و شاعر. پدرش، مجدالعلماء، صاحب کتاب «هدیه المهدویه» یا «هدایه المهدویه»، از علمای بزرگ اردکان و استاد علوم مقدماتی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. شیخ محمود فرساد در صحرای عدن در راه مکه به دنیا آمد. او قسمتی از علوم مقدماتی را در یزد آموخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت، و از محضر شیخ علی مدرس یزدی اصفهانی استفاده نمود. فقه و اصول را در محضر شیخ عبدالکریم درگزی و حاج سید محمدصادق اصفهانی فراگرفت. سپس به نجف رفت و تحصیلات خود را کامل کرد و به درجه‌ی اجتهاد نایل و صاحب اجازه گردید. وی پس از مراجعت به ایران در یزد ساکن شد. پس از دو سال در ۱۳۴۰ ق به قم رفت. و از محضر حاج شیخ عبدالکریم حایری نیز بهره‌مند گردید و در ضمن به تدریس پرداخت، و از مدرسین طراز اول گردید. بسیاری از فضلا از محضرش بهره بردند. امام خمینی نیز «شرح لمعه» و «قوانین» را در نزد او فراگرفت. وی پس از دو سال توقف در قم به یزد بازگشت و تا پایان عمر آنجا ماند. آقای سید علیرضا ریحان یزدی، صاحب «آینه‌ی دانشوران»، از شاگردان اوست که در یزد منطق را از او آموخته است. آیت‌الله شیخ محمود فرساد در خط و انشاء و شاعری توانا بود، و سالها انجمن ادبی یزد تحت ریاستش در منزلش تشکیل می‌شد، و شعرا و ادبای یزد و سایر شهرها از محضرش بهره‌مند می‌شدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۲۲۴ -۲۲۳)، تذکره‌ی سخوران یزد (۶۳۰ -۶۲۹)، الذریعه (۸۲۴ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۵۹ -۲۶۵۵ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۰۲).

فرشاد، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشسرای عالی وارد شد و در ۱۳۱۰ ش به دریافت درجه‌ی لیسانس در علوم طبیعی نایل گردید.برای ادامه تصحیل به فرانسه عزیمت نمود و از دانشگاه پاریس به دریافت دکتری در علوم طبیعی موفق شد. در ۱۳۱۶ ش به ایران باز گشت و به سمت دانشیاری علوم طبیعی، دانشسرای عالی برگزیده شد و عهده‌دار تدریس دیرین‌شناسی گردید. از آثار وی: «چینه‌شناسی»؛ «دیرین‌شناسی»؛ «فسیل‌شناسی مهره‌داران»؛ «نبرد من»، فلسفه ناسیونال سوسیالیسم، ترجمه.[۱]

فرزند میرزا عبدالوهاب مستشار دفتر آشتیانی، متولد ۱۲۸۶ ش است. تحصیلات خود را در دارالمعلمین مرکزی و دانشسرای عالی به پایان برد و درجه‌ی لیسانس علوم ریاضی دریافت کرد. سپس عازم اروپا شد و در دانشکده‌های علوم رن و پواتیه پاریس به تحصیل پرداخت. ابتدا درجه‌ی لیسانس تعلیم و تربیت گرفت و بعد درجه‌ی دکترا در علوم طبیعی و زمین‌شناسی دریافت نمود. در ۱۳۱۶ به ایران مراجعت نمود و به استادی در دانشکده‌ی علوم و دانشکده‌ی فنی مشغول گردید.

در ۱۳۳۰ در حالی که معاونت دانشکده‌ی علوم را برعهده داشت، به معاونت وزارت فرهنگ منصوب شد و در ۱۳۳۹ ریاست دانشکده‌ی علوم را عهده‌دار گردید و در ۱۳۴۳ به معاونت دانشگاه تهران منصوب شد. چند بار نیز کاندیدای ریاست دانشگاه تهران بود ولی توفیقی نیافت.

دکتر فرشاد در رشته‌ی تخصصی خود دارای تالیفات متعددی است که در دانشگاه تدریس می‌شود. وفات او در سال ۱۳۵۶ اتفاق افتاد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۴۷ -۳۲۴۶، ۲۴۴۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۳ -۸۳۲ / ۴).

فرشته استرآبادی، محمد قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۹۶۰ ق)، مورخ و ادیب. وی در استرآباد به دنیا آمد. در اوایل جوانی به همراه پدر به هند رفت و در احمدنگر مستقر گردید. پدرش تعلیم فرزند نظامشاه را به عهده گرفت. فرشته نیز وارد دربار نظامشاه شد و تا مقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقاء یافت. وی چنان که در مقدمه‌ی کتابش می‌گوید، از احمدنگر خارج شد و به دربار عادل‌شاه در بیجاپور رفت و از طرف سلطان ابراهیم ثانی، عادل‌شاه (۱۰۳۵ -۹۸۷ ق) مأمور نوشتن تاریخی درباره‌ی سلاطین هند شد و آن را با استفاده از کتابهای زیادی در ۱۰۱۵ ق به پایان رسانید و به نام سلطان ابراهیم «گلشن ابراهیمی» نام نهاد. در همین سال از جانب عادل‌شاه به سفارت نزد جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ - ۱۰۱۴ ق) به لاهور رفت و مدتی در آنجا ماند و در این فرصت نیز مطالبی به آن کتاب افزود. از آثار وی «تاریخ فرشته»، است که این کتاب را در ابتدا به نام ابراهیم عادل‌شاه نگاشت و آن را «گلشن ابراهیمی» نامید، سپس نگارش کتاب را تجدید کرد و این بار آن را «نورس‌نامه» نامید ولی عاقبت به «تاریخ فرشته» شهرت یافت. از دیگر آثارش «دستور الاطباء»، معروف به «اختیارات قاسمی»، در پزشکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۱۱ -۱۷۰۹ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۳۳ -۷۳۲ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۱۷)، الذریعه (۳۶۹ / ۲۴ ،۲۲۳ / ۱۸ ،۸۲۴ / ۹ ،۱۵۰ / ۸ ،۲۷۳ -۲۷۲ / ۳)، ریحانه (۳۲۹ -۳۲۸ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۵۸

-۲۷۵۷ / ۲).

فرشته خوسفی قائنی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده، محقق و شاعر، متخلص به فرشته. وی معاصر فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود. فرشته کتابی در مصائب اهل‌بیت (ع)، به نظم فارسی، به نام «ماتمکده» دارد، که مرتب بر چهارده ماتمکده به عدد معصومین (ع) و یک خاتمه است و در آن غیر از سروده‌های خو سروده‌های کسانی چون وصال، جوهری، بیدل، ناجی، هادی و دیگران را نیز آورده است. وی در این کتاب از روایات صحیح و معتبر استفاده کرده و از نقل مطالب نادرست اجتناب نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزگان قاین (۳۵۵ -۳۵۴ / ۱)، الذریعه (۱۷ -۱۶ / ۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۹ / ۵).

فرشیدورد، خسرو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فروزانفر خراسانی، بدیع الزمان محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ -۱۲۷۸- وف ۱۳۴۹ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، محقق، مصحح، مترجم و شاعر. در روستای بشریه از توابع طبس خراسان در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. نسب وی به ملا احمد تونی، از علمای عصر شاه‌عباس، می‌رسید. وی مقدمات علوم قدیمه را در زادگاه خود آموخت و در ۱۳۳۸ ق به مشهد رفت و محضر ادیب نیشابوری را درک کرد و ادب و منطق را نزد او خواند و مدتی نزد میرزا حسین سبزواری تلمذ کرد و اصول و بعضی از مباحث فقه را از حاج شیخ مرتضی آشتیانی فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد، و یک دوره شرح «اشارات» و «شفا» و «کلیات قانون» را نزد میرزا طاهر تنکابنی خواند و نزد آقا حسین نجم‌آبادی تحصیل فقه و اصول کرد. وی قسمت الهیات کتاب «اسفار» را نزد آقا میرزا مهدی آشتیانی، و «شرح چغمینی» را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. فروزانفر، از آغاز ورود به تهران، با ادیب پیشاوری و شمس‌العلمای گرکانی و میرزا لطفعلی صدرالافاضل و میرزا رضاخان نائینی و شاهزاده افسر و ذکاءالملک فروغی و علامه محمد قزوینی مأنوس و محشور بود. در ۱۳۰۵ ش به جای شمس‌العلمای گرکانی در مدرسه دارالفنون به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در ۱۳۰۶ ش معلم منطق در مدرسه‌ی حقوق شد و

سال بعد معلم زبان عربی و منطق و از ۱۳۰۸ ش معلم زبان و ادبیات فارسی در دارالمعلمین شد. پس از تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول به سمت معاونت آنجا انتخاب و ریاست مؤسسه‌ی وعظ و خطابه را به عهده داشت. از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، استاد تاریخ ادبیات فارسی شد. وی سمت‌های متعددی در دانشکده‌های مختلف داشت. فروزانفر سفرهای متعدد به خارج کشور کرد. از جمله، به دعوت دانشگاه بیروت برای تأسیس کرسی زبان فارسی، به لبنان و برای مشارکت در کنگره اسلامی پاکستان، به لاهور و برای بازدید از مؤسسات فرهنگی و خاورشناسی و زیارت مزار مولانا جلال‌الدین رومی و دیدار از کتابخانه‌های علمی،به ترکیه نیز سفر کرد. وی دانشمندی نکته‌سنج، استادی محقق و مدرسی بی‌نظیر بود. سر انجام بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. از آثارش: «منتخبات شاهنامه»؛ «سخن و سخنوران»؛ «منتخبات ادبیات فارسی»؛ «رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «فرهنگ تازی به فارسی»؛ «خلاصه‌ی مثنوی»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «شرح مثنوی شریف»؛ تصحیح «فیه مافیه»؛ «زنده‌ی بیدار (حی بن یقظان)»، ترجمه؛ «قدیمترین اطلاع از زندگی خیام»؛ «احادیث مثنوی»؛ تصحیح «کلیات شمس» یا «دیوان کبیر». لازم به ذکر است که در مجله‌ی «راهنمای کتاب» نام فروزانفر، جلیل ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۲۹ -۲۷)، از نیما تا روزگار ما (۱۲۶ -۱۲۲)، راهنمای کتاب (س ۱۳، ش ۳ و ۴، ص ۱۶۷ مکرر-۱۷۰ مکرر، ص ۲۶۷ -۲۶۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۳ -۹۲ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۵۱۹ -۵۱۲ / ۱)، سواد و بیاض (۶۱۷-۶۱۱)، شرح حال رجال (۳۷ -۳۶ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۱۲۸)، کلک (س ۷، ش ۳ -۱، ص ۳۰۶ -۱۸۶)، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (به یاد استاد بدیع‌الزمان فروزانفر)، مستدرکات اعیان (۲۲۷ -۲۲۶ / ۳)، مقدمه‌ی مجموعه‌ی مقالات و اشعار فروزانفر (مقدمه/ سیزده- بیست و پنج)، یغما (س ۲۳، ش ۲، ص ۱۲۵ -۱۲۳).

فروغ، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، موسیقیدان، مترجم و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاه خود و شیراز گذراند و در همان وقت از اساتید بزرگ آواز، سید رحیم و سید حسین ساعت‌ساز تعلیم آواز گرفت و با ردیفها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایران آشنا شد. سپس به تهران آمد و در دانشسرای عالی به تحصیل رشته زبان انگلیسی پرداخت و در رشته هنرهای دراماتیک، در آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک فارغ‌التحصیل و به آکادمی پادشاهی موزیک وارد شد. پس از بازگشت به ایران، به مدت پنج سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد و سپس به آمریکا رفت و در رشته ادبیات دراماتیک از دانشگاه کلمبیا دکترا گرفت. سپس به ایران بازگشت و بار دیگر در هنرستان موسیقی به تدریس پرداخت و در همان وقت ریاست اداره هنرهای دراماتیک (از ادارات تابعه اداره‌ی کل هنرهای زیبا) نیز بر عهده‌ی او بود. از آثار وی: «تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا»؛ «نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران» و ترجمه‌های: «علم موسیقی»؛ «نمایشنامه‌ی پدر»؛ «باغ‌وحش شیشه‌ای»؛ «خانه عروسک و اشباح»؛ «فن نمایشنامه‌نویسی» و دهها مقاله در مجلات موسیقی وزارت فرهنگ و هنر وقت.[۱]

مهدی فروغ که یکی از موسقیدانان و صاحبنظران بنام کشور است، به سال ۱۲۹۰ در شهر اصفهان، شهر هنرمندپرور، در یک خانواده‌ی روحانی متولد گشت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان گذراند و در همین زادگاه خود بود که از اساتید

بزرگ آواز ایران مرحوم سیدرحیم و سیدحسین ساعت‌ساز تعلیم آواز گرفت و با ردیف‌ها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایران آشنا گردید.

مهدی فروغ پس از مدتی با خانواده رهسپار شیراز شد و تحصیلات دوره‌ی دوم متوسطه را در این شهر به پایان رسانید و پس از آن به تهران آمد و در رشته زبان خارجه از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد و ضمن تحصیل در دانشکده‌ی زبان، سرپرستی انجمن موسیقی نیز به وی محول گردید.

وی با توجه به فعالیت هنری چشمگیری که داشت مورد توجه مقالات دولتی قرار گرفت و برای آشنایی با فرهنگ ملل و موسیقی کشورهای پیشرفته جهت تحصیل عازم انگلستان شد و تحصیلات خود را در رشته هنرهای دراماتیک، در آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک لندن به پایان رسانید و وارد آکادمی پادشاهی موزیک آن کشور شد.

دکتر مهدی فروغ در اواخر جنگ دوم جهانی به ایران بازگشت و مدت پنج سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد، سپس برای مدت چهار سال جهت تحصیل در رشته ادبیات دراماتیک عازم آمریکا گردید و از دانشگاه کلمبیا موفق به دریافت دکترا شد. وی پس از تحصیل در آمریکا مجدداً به ایران بازگشت و در هنرستان موسیقی تدریس استتیک و تلفیق شعر و موسیقی را عهده‌دار و ریاست اداره هنرهای دراماتیک که از ادارات تابعه اداره‌ی کل هنرهای زیبا بود به عهده گرفت.

دکتر مهدی فروغ یکی از بزرگان هنر و ادبیات ایران بخصوص در رشته‌های مختلف هنری می‌باشند که آثار ایشان عبارت است از: ترجمه‌ی «موسیقی» اثر آرون کوپلند، مترجم دکتر مهدی فروغ، تألیف «تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا» ترجمه‌ی نمایشنامه‌ی «پدر» و «باغ‌وحش شیشه‌ای» و کتاب «نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران» و یک سری مطالب و مقالات سودمند و راهگشا در زمینه‌ی موسیقی در مجلات موسیقی وزارت فرهنگ و هنر وقت و مجله موزیک ایران. دکتر مهدی فروغ فرزند هنرمندی دارد بنام علی فروغ که تحصیلات خود را در رشته موسیقی در بروکسل به پایان رسانیده و ویولنیست شایسته‌ای در ارکستر سمفونیک می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ موسیقی (۱۲۶ / ۱)، شخصیتهای نامی(۳۷۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۱۰، ۲۳۴۰ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۶۶)، مردان موسیقی (۲۰۶ –۲۰۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۰ –۴۱۹ / ۶).

فروغی اصفهانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ –۱۲۶۳ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. پدر ش از رجال دانشمند دوره‌ی ناصری بود. وی علوم مقدماتی را نز پدر آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون و آلیانس به پایان برد و زبان فرانسه را به خوبی آموخت، آن‌گاه به فرانسه عزیمت نود. بعد از بازگشت به ایران معلم دارالفنون و مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و علاوه بر مترجمی، تدریس جغرافیا و تاریخ و علوم طبیعی را نیز عهده‌دار شد. وی در تربیت دانش‌آموزان سلیقه‌ی خاصی داشت و بدین منظور یک مدرسه عالی به نام «دارالمعلمین» در ۱۲۹۸ ش تأسیس کرد که خود، ریاست آن را به عهده داشت. وی همچنین نظارت و سرپرستی مجله‌ی «اصول تعلیمات» را، که از طرف وزارت معارف منتشر می‌شد، به عهده داشت. فروغی پس از نشر شش شماره از آن مجله نام آن را به «اصول تعلیم» تغییر داد. چندی بعد ماهنامه‌ی «فروغ تربیت» را دایر کرد. وی جمعا چهار سفر به اروپا

داشت که سفر آخر او به عنوان وزیر مختار ایران در سویس بود. ابوالحسن فروغی عضو فرهنگستان زبان فارسی و استاد دانشگاه تهران بود. در ادبیات و انشای زبان فرانسه بسیار پرمایه و زبردست و در ادبیات فارسی و عربی هم صاحب مطالعات زیاد بود. نثر را خوب می‌نوشت و شعر نیز می‌گفت. سرانجام در تهران درگذشت. آثار وی: مجموعه‌ی «اشعار»؛ اوراق مشوش»یا «مقالات مختلفه»؛ رساله‌ی «تجدد و ملیت»؛ منظومه‌ی «شیدوش و ناهید»؛ «تاریخ شعرا»، با همکاری محمدعلی فروغی؛ «سرمایه سعادت» یا «علم و آزادی».[۱]

فرزند محمدحسین ذکاءالملک، در ۱۲۶۳ ش (۱۸۸۴ م) در تهران متولد شد. در سن ۶ سالگی تحصیلات مقدماتی را تحت نظارت پدر و محمدعلی فروغی برادر مهترش آغاز کرد و سپس تحصیلات خود را در مدارس دارالفنون و آلیانس فرانسه ادامه داد و فارغ‌التحصیل شد. آنگاه به زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداخت و چون شوق و علاقه‌ای به فلسفه و عرفان داشت، بیشتر وقت خود را صرف فلسفه قدیم و جدید نمود و با مکتبهای فلسفی آشنا شد و در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم آن را تکمیل نمود. فروغی در سن ۱۸ سالگی به روزنامه‌ی تربیت که پدرش انتشار می‌داد پیوست و مدیریت داخلی و توزیع روزنامه‌ی مزبور را بر عهده گرفت. پس از تعطیلی روزنامه‌ی تربیت که مقارن طلوع مشروطیت بود، به کار معلمی و تدریس پرداخت و در مدارس علمیه و دارالفنون ساعاتی از وقت خود را تدریس می‌نمود.

فروغی در ۱۲۹۸ ش با کمک برادرش که ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده داشت، به تاسیس مدرسه‌ای به نام دارالمعلمین مرکزی پرداخت و برنامه‌ی آن مدرسه عینا از مدارس متوسطه فرانسه اقتباش شده بود و دوره‌ی آن شش سال کامل بود و مدرک تحصیلی آن دیپلم کامل متوسطه بود. همزمان با تاسیس دارالمعلمین مرکزی، نصیرالدوله (احمد بدر) وزیر معارف وقت، مدیریت مجله‌ی اصول تعلیم را که از طرف اداره‌ی بازرسی وزارت معارف منتشر می‌شد به ابوالحسن فروغی طبق حکمی واگذار کرد که با کمک مدرسین و معلمین مدرسه‌ی مزبور، مجله را منتشر سازند. این مجله که هزینه‌ی آن را وزارت معارف تامین می‌نمود، یک مجله‌ی فلسفی و تربیتی و علمی و تاریخی و ادبی بود. فروغی اعضاء هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی مزبور را به این شرح انتخاب نمود: غلامحسین رهنما، ابوالقاسم بهرامی، عبدالعظیم قریب و اقبال آشتیانی. علاوه بر هیئت تحریریه، فروغی در هر شماره دو مقاله‌ی فلسفی داشت. با تمام کوششی که برای ادامه‌ی کار این مجله به عمل آمد، معالوصف شش شماره بیشتر منتشر نشد و در محاق تعطیل قرار گرفت.

پس از تعطیلی مجله‌ی اصول تعلیم، فروغی در سال ۱۳۰۰ مجله‌ی فروغ تربیت را انتشار داد که آن هم دوام زیادی نکرد و از چند شماره تجاوز ننمود. در ۱۳۰۷ ش دارالمعلمین عالی از طرف وزارت فرهنگ تاسیس شد و ابوالحسن فروغی به استادی آنجا منصوب شد.

ابوالحسن فروغی در سال ۱۳۱۲ ش به سمت وزیرمختار ایران در سویس انتخاب شد و یک سال در این ماموریت بود و بعد نمایندگی ایران را در جامعه‌ی ملل برعهده گرفت و سرانجام در ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و به استادی دانشگاه تهران و عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان منسوب شد و تا پایان عمر در مشاغل فرهنگی بود.

وفات وی در ۶ بهمن‌ماه ۱۳۳۸ ش اتفاق افتاد. ابوالحسن فروغی تالیفاتی به زبان فرانسه و فارسی دارد که عبارتند از: دو جلد در اصول حکمت و فلسفه به زبان فرانسه، سرمایه سعادت، اوراق مشوش و دوره‌های مجله اصول تعلیم و فروغ تربیت. وی طبع شعر داشت و قسمتی از اشعار او به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۸۰ -۷۹)، از نیما تا روزگار ما (۱۵۹ -۱۵۷)، تاریخ برگزیدگان (۳۷۲ -۳۷۱)، تاریخ جراید (۶۹ / ۴ ، ۱۹۰ -۱۸۵ / ۱)، الذریعه (۸۲۸ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۵ -۹۴ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۰۰ -۲۶۹۷ / ۴)،

سرآمدان فرهنگ (۶۱ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۲ -۱۶۱ / ۱)، یغما (س ۱۹، ش ۳، ص ۱۷۲، س ۲۱، ش ۱۰، ص ۵۷۶-۵۷۴).

فروغی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن فروغی در سال ۱۳۲۳ در شهرستان طبس متولّد شد.وی مدرک دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۷ دریافت داشته است.ایشان از سال ۱۳۵۸ با درجه استادیاری در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و نامبرده درسال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حال حاضر با پایه ۳۵ استادی در این دانشگاه مشغول بکار می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه گرایش : ادبیات فرانسه و تطبیقی والدین و انساب : پدر حسن ،محمد فروغی متولد ۱۲۹۷،از اولین فارغ التحصیلان ششم ابتدایی و از اولین آموزگاران شهرستان طبس و معلم اغلب فارغ التحصیلان دوره های گذشته این شهرستان می باشد.ایشان بادانش و حافظه تاریخی فوق العاده در قید حیات می باشند.مادرش خانه‌دار است. او نیز شش برادر و یک خواهر دارد.خاطرات کودکی " : در منطقه ای محروم ولی در خانواده ای فرهنگی پرورش یافتم. آگاهی فرهنگی پدرم و اقتدار مادرم از ما فرزندانی آگاه ،با پشتکار و موفق آفرید"اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن فروغی در خانواده ای فرهنگی و با شرایط اقتصادی متوسط در طبس بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن فروغی در سال ۱۳۳۶ تحصیلات ابتدایی را در دبستان میرطبس و در سال ۱۳۴۲ تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شیبانی همان شهرستان به پایان رساند و در سال۱۳۴۲ موفّق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی گردید. ایشان در سال ۱۳۵۲ مقطع کارشناسی رشته زبان فرانسه را در مدرسهٔ عالی ترجمه تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۳ (همزمان با گذراندن چندواحد از دروس ادبی برای تبدیل لیسانس مترجمی به لیسانس ادبیات) به دریافت کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس و درسال ۱۳۵۷ به دریافت درجه دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی از دانشگاه سوربن پاریس توفیق یافت. دکتر فروغی همچنین در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ دورهٔ کارشناسی علوم اجتماعی را در دورهٔ شبانهٔ دانشسرای‌عالی تهران به صورت ناتمام گذرانده و در طول اقامت خود در فرانسه، در سال ۱۳۵۳ موفّق به اخذ دیپلم مهارت آموزش زبان فرانسه به روش‌های سمعی وبصری و در سال ۱۳۵۶ موفّق به اخذ فوق لیسانس(DEA= دانشوری) جامعه شناسی از مدرسهٔ مطالعات عالی پاریس نیز گردیده است. خاطرات و وقایع تحصیل " : پس از دو سال توقف در پشت کنکور بخاطر اصرار خودم در پذیرفته شدن در رشته های پزشکی یا مهندسی و پس از انجام خدمت سربازی ،استخدام در آموزش و پرورش و علاقه فراوان به شغل معلمی تصمیم گرفتم در رشته های زبان و یا جامعه شناسی تحصیل کنم که تا در سطح تخصص در دانشگاه هم شد"....فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن فروغی در حین تحصیل به کار تدریس در آموزش و پرورش اشتغال داشت.استادان و مربیان : در ایران ،خانم ها و آقایان : دکتر بروخیم ،دکتر بارویان،دکتر شاهین ،مهندس پایور،دکتر فولادوند در رشته زبان و ادبیات فرانسه،دکتر غلامعباس توسلی ،دکتر خسروی ،دکتر خوئی ف و غیره در رشته علوم اجتماعی در فرانسه : دکتر ژاک شوئیه،رئیس وقت دانشگاه پاریس سه (سوربن پاریس جدید)و استاد راهمای دکتر حسن فروغی ،دکتر ژاك ورنان ،ریمون آرون در رشته جامعه شناسی هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایهای و همکاران حسن فروغی در مقاطع مختلف تحصیل و اشتغال به قرار زیر است: دانشسرای عالی تهران : آقای محمد نبی حبیبی دانشگاه شهید چمران اهواز : دکتر عبدالله محتشمی ،دکتر سید علاء الدین گوشه گیر،خانم دکتر المیرا داور

،دکتر محمودرضا گشمرری(؟)،دکتر مسعود نذری دوست ،دکتر سید جمال موسوی شیرازی و چند استاد فرانسوی در اوایل انقلاب.همسر و فرزندان : دکتر حسن فروغی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم زهرا صدقی است. ایشان آموزگار بازنشسته آموزش و پرورش می باشد.ماحصل ازدواج آنها سه فرزند بنامهای مریم (پزشک)،فرامرز(پزشک) و مرجان مهندس کامپیوتر است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در زمینهٔ فعالیت‌های اجرایی، حسن فروغی در دو دوره، از فروردین ۱۳۵۸ تا آذر ۱۳۵۹ و از دیماه ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ مدیرگروه فرانسه، در سال تحصیلی ۱۳۵۸تا ۱۳۵۹، دبیرشورای مدیریت دانشکده زبان‌های خارجی و عضو شورای دانشگاه جندی شاپور، و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶، نماینده منتخب اعضای هیأت علمی دانشکده ادبیات در کمیته ارتقاء بوده است. در زمینهٔ فعالیت‌های علمی- پژوهشی دکتر فروغی از سال ۱۳۷۵ تا بهمن ماه ۱۳۷۹، عضو شورای پژوهشی گروه فرانسهٔ سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها بوده و در حال حاضر عضو هیأت تحریریهٔ مجله های دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه شهید چمران، مجلهٔ پژوهش دانشگاه تهران، مجلهٔ لقمان در مرکز نشر دانشگاهی و مجله هنرهای نمایشی دانشگاه تهران می باشد. خلاصه ای از فعالیت های اداری و مدیریتی دکتر حسن فروغی به قرار زیر است: عضو شورای پژوهشی گروه فرانسه سازمان سمت از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۵ تا کنون ادامه دارد عضو کمیته علمی هفته پژوهش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ ۱/۱/۱۳۸۲ دبیر شورای مدیریت دانشکده زبانهای خارجی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۵۸تا تاریخ ۱/۱/۱۳۵۹ عضو شورای دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۲/۲/۱۳۵۸ تا تاریخ ۲/۲/۱۳۵۹ مدیر گروه فرانسه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۳/۳/۱۳۵۸تا تاریخ ۳/۳/۱۳۵۹ نماینده منتخب دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز در کمیته ارتقاء از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۷ تا کنون ادامه دارد عضویت در هیئت تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۹تا کنون ادامه دارد مدیر گروه فرانسه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۰ تا کنون ادامه دارد عضو هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۲ تا کنون ادامه دارد عضو کمیته تالیف و ترجمه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۴ تا کنون ادامه دارد عضو جامعهٔ ادبی قرن ۱۸ فرانسه،(پاریس). عضو بنیان گذار « جامعه ادبی دیدرو»، (پاریس). عضو جامعه ادبی منتسکیو، (پاریس). عضو خزانه دار انجمن علمی مطالعات فرانسوی زبان، (ایران). فعالیتهای آموزشی : فعالیت‌های آموزشی دکتر فروغی از سال ۱۳۵۸ با درجه استادیاری در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و نامبرده درسال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حال حاضر با پایه ۳۵ استادی در این دانشگاه مشغول بکار می باشند. ایشان بسیاری از دروس مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فرانسه از جمله ادبیات فرانسه ،نقد ادبی،تفسیر متون ادبی ،روش تحقیقی و ادبیات تطبیقی تدریس می کند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر حسن فروغی در کنار فعالیت های پژوهشی و آموزشی به ورزش و پیگیری اخبار داخلی و خارجی و غیره می پردازد.شاگردان : دکتر عادل خنیاب نژاد(؟)، و دکتر ابراهیم سلیمی (عضو هیئت علمی گروه فرانسه اصفهان) از دانش آموختگان حسن فروغی می باشند.آرا و گرایشهای خاص : گرایش های ایشان عبارت است از : ادبیات فرانسه، ادبیات تطبیقی، نقد ادبی، روش تحقیق، تفسیر متون ادبی فرانسهجوائز و نشانها : دکتر فروغی در سال ۱۳۸۱ به عنوان مولف و مترجم برگزیده دانشگاه و در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ به عنوان پژوهشگر برتر انتخاب شده است.ایشان در سال ۱۳۸۱ به عنوان مولف و مترجم برگزیده دانشگاه شهید چمران اهواز مورد تقدیر قرار گرفته است.چگونگی عرضه آثار : بیش از صد پایان نامهٔ کارشناسی و چندین پایان نامه کارشناسی ارشد توسط دکتر فروغی در سال اخیر راهنمایی شده است.آثار : ترجمهٔ کتاب اسلام وتمدن اسلامی ویژگی اثر : (دوجلد) از آندره میکل، هانری لوران، انتشاراتسمت ، ۱۳۸۱. این کتاب به عنوان یک کتاب مبنایی برای تدریس در بیشتر رشته های دانشکده الهیات به چاپ رسیده است.۲ تفسیر متون ادبی ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات

سمت، ۱۳۸۱.این کتاب ،کتاب درسی مربوط به سه درس تفسیر متون در دوره کارشناسی ادبیات فرانسه که در این دوره تدریس می شود.۳ فرانسه برای دانشجویان رشته علوم ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، چ اوّل، ۱۳۷۳، (با همکاری دکترعبدالله محتشمی و دکترسید علاء الدین گوشه گیر). ۴ یادداشت برداری و روش تحقیق ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، چاپ اوّل ۱۳۸۰ ، چاپ دوم ۱۳۸۲ ، چاپ سوم ۱۳۸۵–این کتاب از کتابهای درسی دانشگاهی است که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه در گروه های آموزشی تدریس می شود.

فروغی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ –۱۲۵۵ ق)، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. ابتدا فدایی، سپس ادیب و سرانجام فروغی تخلص نمود. در جوانی تجارت می‌کرد و چون سرمایه‌ی خویش را در راه تجارت هند به خلیج‌فارس از دست داد. مدتی در بندر لنگه، جهرم،فسا و یزد گذرانید و سپس به کرمان رفت و به خدمت حاکم کرمان، محمد اسماعیل‌خان نوری، وکیل‌الملک، درآمد. مدتی نیز در کرمانشاه اقامت گزید و وارد جمع درویشان شد. در آنجا نیز به مدیحه‌سرایی شاهزاده عمادالدله پرداخت و ادیب تلخص می‌کرد. سرانجام به تهران آمد و در دستگاه وزارت انطباعات و دارالترجمه‌ی میرزا محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه به منشی‌گری پرداخت. در ۱۲۹۱ ق از طرف ناصرالدین‌شاه ملقب و متخلص به فروغی شد. مدتی نیز مدیریت دارالترجمه و دارالطباعه دولتی و مترجمی زبان عربی و فرانسه را عهده‌دار بود و روزنامه‌های دولتی «ایران»؛ «اطلاع»؛ «رسمی»؛ «شرف» معمولا با انشای وی نوشته می‌شد. در ۱۳۱۱ ملقب به ذکاءالملک ش وی روزنامه‌ی «تربیت» را در ۱۳۱۴ ق منتشر کرد. با تأسیس مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی در ۱۳۱۷ ق به استادی مدرسه و در ۱۳۲۳ ق به ریاست آن منصوب گشت. فروغی در ابن‌بابویه شهر ری مدفون شد. آثار وی عبارتند از: «تاریخ سلاطین ساسانی» یا «تاریخ ساسانیان»، ترجمه، با همکاری فرزندش محمدعلی فروغی؛ تصحیح «بوسه‌ی عذرا»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «چرا و به این جهت»، ترجمه؛ «سفر هشتاد روزه‌ی دور دنیا»، ترجمه؛ «عشق و عفت»،به نظم، ترجمه؛ تصحیح «عجز بشر»؛ «علم بدیع»؛ «غرائب زمین و عجایب آسمان»، ترجمه؛ «کلبه هندی»، ترجمه. ضمنا از وی «دیوان» شعر به جای مانده است.[۱]

ملقب به ذکاءالملک (اول)، ادیب و نویسنده (و. اصفهان ۱۲۵۵ ه.ش– ف. ۱۲۸۹ ه.ش/ ۱۳۲۵ ه.ق) ابن آقا محمدمهدی ارباب. وی در جوانی به عنوان تجارت عازم هند گردید، اما کشتی دچار طوفان شد، و مال‌التجاره‌ی او در آب غرق گردید. وی در بندر لنگه پیاده شد و به جهرم و فسا و از آنجا به یزد رفت، و در آن شهر زندانی گردید. سپس به کرمان رفت و تحت حمایت وکیل‌الملک حاکم کرمان قرار گرفت و قصایدی سرود. آنگاه به عزم زیارت عتبات به مغرب شتافت. در کرمانشاه با چند تن از مشایخ و عرفا ملاقات کرد و در زمره‌ی اهل سلوک درآمد، سپس به کربلا و نجف رفت. پس از ورود به تهران مورد نوازش صنیع‌الدوله وزیر انطباعات قرار گرفت و به توسط او به دربار ناصرالدین شاه قاجار معرفی گردید، و به فرمان همایونی تخلص «فروغی» را انتخاب کرد و به مدیریت و مترجمی دارالطباعه منصوب گردید. روزنامه‌های «ایران» و «شرف» و «رسمی» و «اطلاع» که دولتی بودند، غالباً به انشای او نوشته می‌شدند. در ۱۳۰۸ ه.ق به موجب فرمان پادشاه به درجه‌ی اول استیفا و ریاست دارالطباعه رسید. در ۱۳۱۱ ه.ق به موجب دستخط همایونی به لقب «ذکاءالملک» مفتخر شد. روزنامه‌ی «تربیت» از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۵ ه.ق به مدیریت او منتشر گردید. در سال ۱۳۱۷ که مدرسه‌ی علوم سیاسی تأسیس شد وی به معلمی ادبیات آن مدرسه انتخاب گردید و چند کتاب ادبی کلاسیک تألیف و منتشر کرد (بدیع و معانی و عروض و قافیه و تاریخ شعرا). در ۱۳۲۳ به مدیریت مدرسه‌ی مذکور منصوب شد.

وی به سن ۷۰ سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۲۴ -۱۱۶ / ۲، ۳۰۶، ۱۹۸ / ۱)، حدیقه الشعراء (۱۳۴۳ -۱۳۳۸ / ۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۲ - ۳۶۰)، شرح حال رجال (۳۸۸ -۳۸۴ / ۳)، فهرست کتابهای چاپی (۲۳۳۴، ۲۳۱۱ / ۲ ،۷۱۲، ۶۶۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/فروغی)، مکارم الآثار (۱۴۹۲ -۱۴۹۱ / ۵).

فروغی، محمد علی ذکاءالملک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۹۴ ق)، نویسنده، ادیب، مترجم و دانشمند. فروغی تحصیلات خود را از پنج سالگی نزد پدر آغاز کرد و ظرف مدت هفت سال کلیات زبانهای فارسی، عربی و فرانسه را آموخت و از علوم جدید نیز بهره گرفت. بعد از آن وارد مدرسه‌ی دارالفنون شد و به تحصیل در رشته‌ی طب پرداخت. اما پس از چندی به علت علاقه به فلسفه و ادبیات در این دو زمینه مشغول فعالیت شد. چندی نیز در مدرسه‌ی صدر به تکمیل تحصیلات پرداخت. بعد از این که پدرش هفته‌نامه‌ی «تربیت» را انتشار داد محمدعلی به عنوان سردبیر، نویسنده و مترجم هفته‌نامه مقالاتی در آن نوشت. پس از تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی در ابتدا به عنوان مترجم و سپس به عنوان استاد و معاون مدرسه به خدمت پرداخت. بعد از درگذشت محمدحسین فروغی، محمدعلی ملقب به ذکاءالملک شد و ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی را به عهده گرفت. فروغی در طی زندگانی سیاسی خود چند بار به وکالت مجلس و سفارت رسید و چندین بار وزیر و نخست‌وزیر شد. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. آثار او عبارتند از: «آئین سخنوری در فن خطابه»؛ «حکمت سقراط»؛ «تاریخ ملل شرق»، ترجمه؛ «اصول علم ثروت»؛ «سیر حکمت در اروپا»؛ «تاریخ ساسانیان» یا «تاریخ سلاطین ساسانی»، ترجمه، با همکاری پدرش ؛ «فهرست رجال بزرگ ممالک».[۱]

معروف به ذکاءالملک، فرزند مرحوم محمدحسین‌خان ذکاءالملک اول، متولد ۱۲۹۴ ه.ق در تهران است. پدرش از دانشمندان و محققان و شعراء بلندپایه‌ی عصر ناصری و مظفری است که در وزارت انطباعات اعتمادالسلطنه ریاست قسمت ترجمه و تالیف با او بود. علاوه بر آن بر مترجمان همایونی ریاست داشت و شاعری توانا، ادیبی دانشمند و مترجمی کم‌نظیر بود. غالب کتبی که اعتمادالسلطنه به نام خود چاپ کرده است، قسمت اعظم آن نتیجه‌ی تحقیق و نگارش فروغی است.

محمدعلی فروغی تحصیلات خود را نزد پدرش آغاز کرد. پس از آموزش زبان پارسی به آموختن مقدمات عربی و قرآن و شرعیات پرداخت. پس از آن ادبیات زبانهای فارسی و عربی را فراگرفت و در آموزش فلسفه و عرفان و حسن خط همت گماشت و ابتدا زبان فرانسه و بعد زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت و وارد دارالفنون ناصری شد. مدتی به علم طب روی آورد، سالی چند در این علم غوطه‌ور بود تا اینکه طبابت را مطابق ذوق خود نیافت و بر فلسفه و عرفان متمایل شد و تحصیلات خود را در این رشته در مدارس معروف آن روز تهران نزد اساتید بزرگی چون میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا طاهر تنکابنی به حد کمال رسانید و چون مسلط به زبانهای خارج بود، از نوشته‌ی فلاسفه‌ی مغرب زمین هم بهره‌مند گردید.

پدرش در سال ۱۳۱۴ ه.ق به انتشار مجله‌ی تربیت همت گماشت. محمدعلی در کار این نشریه دخالتی تام داشت. گذشته از سردبیری آن ترجمه‌هائی از او منتشر می‌شد. در این روزنامه از قانون و مدرسه و تجدد سخن بسیار آمده است و قریب ده سال منظما انتشار پیدا می‌کرد.

در ۱۳۱۷ ه.ق که میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله به تشویق دو فرزند خود موتمن‌الملک و مشیرالملک (بعدها مشیرالدوله) مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی را بنیاد نهاد، محمدحسین فروغی به استادی آنجا برگزیده شد و فرزندش نیز به ترجمه‌ی تاریخ برای دانشجویان پرداخت و پس از چندی معلم تاریخ در مدرسه‌ی سیاسی گردید. پس از مدتی محمدحسین ذکاءالملک به ریاست مدرسه گمارده شد و فرزندش را به معاونت انتخاب کرد. این وضع تا اوایل مشروطیت ادامه داشت. در این سال ذکاءالملک درگذشت و لقب و شغلش را به فرزند ارشد او واگذار کردند. محمدعلی فروغی با لقب ذکاءالملک به ریاست مدرسه عالی علوم سیاسی منصوب گردید. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس اول که در حقیقت مجلس موسسان بود، فروغی برای ریاست دبیرخانه دعوت شد و کار اداری مجلس را انجام می‌داد. سازمان اداری و تاسیس کتابخانه از کارهای اولیه‌ی اوست. در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد صغیر انجام گرفت، محمدعلی ذکاءالملک به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد و پس از چندی به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردید. چند ماهی بیشتر در این سمت نبود که جای خود را به موتمن‌الملک سپرد و خود به نیابت ریاست رسید.

ذکاءالملک در سال ۱۲۹۰ ش در کابینه‌ی صمصام‌السلطنه بختیاری ابتدا وزیر مالیه و بعد وزیر عدلیه شد. در کابینه‌ی بعدی که به ریاست مشیرالدوله تشکیل یافت، همچنان وزیر عدلیه بود. در دوره‌ی سوم وکیل مجلس شد ولی در مجلس باقی نماند تا به ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد و سالیان دراز در آن سمت اشتغال داشت. پس از پایان جنگ بین‌الملل اول، به اتفاق مشاورالممالک انصاری به کنفرانس صلح رفتند ولی موفق به حضور در کنفرانس نشدند و آنها را مودبانه جواب کردند. در ۱۳۰۱ ش ذکاءالملک در کابینه‌ی مستوفی‌الممالک وزیر امور خارجه شد و در جدال مستوفی و مدرس نقشی اساسی داشت و غالبا پاسخ مجلسیان را او می‌داد. در کابینه‌ی بعدی به ریاست مشیرالدوله وزیر مالیه شد. از ۱۳۰۲ تا ۹ آبان ۱۳۰۴ در چهار کابینه‌ی رضاخان سردارسپه، دو بار وزیر خارجه و دو بار وزیر مالیه بود تا سرانجام در ۹ آبان ۱۳۰۴ مجلس پنجم طرح انقراض قاجاریه را به تصویب رسانید و حکومت موقت را به رضاخان پهلوی سپرد تا مجلس موسسان به اصلاح اصول قانون‌اساسی بپردازد. ذکاءالملک در این تاریخ به کفالت نخست‌وزیری و سرپرستی دولت تعیین شد.

مجلس موسسان در آذرماه ۱۳۰۴ امور سلطنت را به رضاخان پهلوی واگذار کرد و محمدعلی فروغی به عنوان اولین نخست‌وزیر سلطنت رضا پهلوی معرفی شد. او قریب شش ماه رئیس دولت بود. تاجگذاری رضاشاه، انتخابات دوره‌ی ششم قانون نظام اجباری و الغاء القاب و قانون ثبت در دوران نخست‌وزیری او انجام یا به تصویب رسید. فروغی در اثر دخالتهای تیمورتاش وزیر دربار تاب مقاومت نیاورد و از شاه اجازه‌ی استعفا گرفت. شاه استعفای او را پذیرفت مشروط بر اینکه کاری در کابینه قبول کند. پس از مذاکرات لازم، قرار شد فروغی در کابینه‌ی بعدی وزیر جنگ باشد ولی کارهای وزارت جنگ را رضاشاه انجام بدهد. جانشین فروغی که پس از لغو القاب حسن مستوفی نام گرفته بود، فروغی را به عنوان وزیر جنگ معرفی کرد و پس از چندی فروغی به اتفاق دو فرزند خود (جواد و محسن) از راه روسیه عازم اروپا شد تا ترتیب تحصیل فرزندان خود را تحت‌نظر علامه محمد قزوینی در پاریس بدهد. برخی از مورخین درباره‌ی این مسافرت مطالب خلاف واقعی عنوان نموده و متذکر شده‌اند که انگیزه‌ی فروغی در این مسافرت صرفا برای ملاقات با سلطان احمدشاه و اخذ استعفانامه از وی و پرداخت مبلغی حدود هفت میلیون تومان بوده است در حالی که مرحوم فروغی در تمام عمر نسبت به این مطلب معترض بود، و قویا آن را تکذیب می‌نمود و اصولا در پاریس بین او و احمدشاه ملاقاتی دست نداده بود. فروغی چند ماهی در پاریس اقامت گزید تا به سمت سفارت کبرای ایران در آنقره تعیین شد و مراتب تلگرافی به او ابلاغ گردید. مدت ماموریتش در ترکیه دو سال به طول انجامید و در ایجاد حسن روابط بین دو کشور زحماتی متحمل شد. ذکاءالملک در سفر ترکیه دوستی و نزدیکی زیادی با رجال ترک پیدا کرد مخصوصا با کمال آتاتورک دوستی او زبانزد بود و همه روزه با رهبر مقتدر و اصلاح‌طلب ترکیه ملاقات و مذاکره داشت.

در ۱۳۰۸ ش با سمت ریاست هیئت نمایندگی ایران در جامعه‌ی ملل به ژنو رفت و به ریاست جامعه‌ی ملل انتخاب شد. جامعه‌ی ملل در دوران ریاست فروغی، قدمهائی برای رفاه مردم دنیا و صلح کشورها برداشت که یقینا فروغی نیز سهم بسزائی در این امر مهم دارد. در ۱۳۰۹ به تهران بازگشت و در کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه هدایت به وزارت جدیدالتاسیس اقتصاد منصوب شد. پس از دو ماه وزارت امور خارجه هم ضمیمه‌ی کار او شد و هر دو وزارتخانه را توامان اداره می‌کرد ولی چند ماه بعد وزارت اقتصاد منحل گردید. فروغی تا شهریور ۱۳۱۲ در پست وزارت امور خارجه مستقر بود.

در شهریور ۱۳۱۲ مهدی‌قلی هدایت پس از شش سال‌ونیم صدارت، از کار کناره گرفت و محمدعلی فروغی به جای او به نخست‌وزیری منصوب شد. در دوران نخست‌وزیری او، کار تاسیس دانشگاه تهران به اتمام رسید. جشن هزاره‌ی فردوسی با شرکت مستشرقان و دانشمندان دنیا در طوس برگزار شد. فرهنگستان ایران هم برای احیاء زبان فارسی بنیان گرفت. در دوران نخست‌وزیری او، رضاشاه برای اولین بار از کشور خارج شد و چند روزی مهمان کمال آتاتورک شد و از نزدیک با ترقیات کشور دوست و همجوار آشنا گردید. فروغی متجاوز از دو سال در راس دولت بود تا واقعه‌ی گوهرشاد پیش آمد. پاکروان استاندار و نوائی رئیس شهربانی، کاسه و کوزه را بر سر محمدولی اسدی نایب‌التولیه شکستند و او را عامل اصلی قیام معرفی کردند. در آن تاریخ یکی از دختران فروغی، عروس اسدی بود لذا فروغی در مقام شفاعت برآمد ولی آتش غضب رضاشاه تندتر شد، نه تنها شفاعت او را نپذیرفت بلکه فروغی را هم از کار کنار گذاشت، تمام مشاغل او را گرفت و تحت‌نظر نظمیه در منزل خود نیز زندانی شد. تیمورتاش و سردار اسعد در این دوره از نخست‌وزیری او در زندان به قتل رسیدند.

فروغی تا ۱۳۲۰ در انزوا به سر می‌برد تا اینکه پس از حمله‌ی روس و انگلیس به ایران، رضاشاه به سراغ او رفت. در آن ایام پرتلاطم، سکان کشتی نجات ایران را به دست او داد.

فروغی پس از اینکه زمام امور را به دست گرفت، در مقام مذاکره با شوروی و انگلیس برآمد. نتیجه‌ی مذاکرات بر این قرار گرفت که رضاشاه از سلطنت کناره‌گیری کند. ابتدا قرار بود رژیم تغییر نماید و جمهوری به جای سلطنت انتخاب شود ولی پافشاری فروغی موجب شد که رژیم باقی بماند و فرزند شاه طبق قانون اساسی سلطنت کند. از اقدامات فروغی در این دوره تثبیت انتخابات دوره‌ی سیزدهم بود که در زمان رضاشاه و جو دیکتاتوری صورت گرفته بود. قرارداد سه‌جانبه با متفقین که پس از پایان جنگ ایران را تخلیه کنند، از دیگر اقدامات فروغی است. وی در این دوره از نخست‌وزیری خود با مشکلات بزرگی مواجه شد. مورد هتاکی و حمله رادیوهای خارجی و مطبوعات داخلی قرار گرفت. در مجلس به سوی او سنگ پرتاب کردند. رادیوی آلمان او را کلیمی‌زاده خطاب کرد و ایران تیمورتاش در روزنامه‌ی رستاخیز به او نسبت دزدی داد ولی با تمام این مشکلات، فروغی شش ماه دوام کرد و چهار بار کابینه را ترمیم نمود ولی سرانجام در مقابل آن همه مصائب توان خود را از دست داد با وجودی که در مجلس اکثریت داشت، از کار کناره گرفت و خود را مخفی ساخت و زیر بار مسئولیت مجدد نرفت. وکلاء چون از فروغی مایوس شدند، سهیلی را بدان سمت برگزیدند.

فروغی بعد از نخست‌وزیری به وزارت دربار منصوب شد و پس از چندی قرار شد با سمت سفیرکبیر به آمریکا عزیمت کند. برایش پذیرش خواستند، موافقت شد و قبل از حرکت فروغی چون بیمار بود، تقاضا نمود در این ماموریت محمود فروغی فرزند کوچکش که عضویت وزارت امور خارجه را داشت با او همراهی کند. این امر احتیاج به تصویب‌نامه هیئت وزیران داشت. قوام‌السلطنه نخست‌وزیر موضوع را در هیئت دولت مطرح کرد و با مخالفت باقر کاظمی مهذب‌الدوله مواجه شد کاظمی در زمره افرادی بود که تمام ترقیات او مدیون فروغی بود. فروغی او را از کارمندی ساده وزارت امور خارجه به سفارت و وزارت رسانید و همیشه برای حمایت از او مورد ایراد و حتی طعن بعضی دوستان قرار می‌گرفت و انتظار نداشت در آن ایام کاظمی با تقاضای کوچک او مخالفت کند. موضوع چندی در هیئت دولت باقی ماند و اخذ تصمیم به عمل نیامد. فروغی به شدت متاثر شد و بیماری او شدت

یافت تا اینکه در آذرماه ۱۳۲۱ در سن ۶۷ سالگی به بیماری سکته درگذشت. فروغی دارای دو چهره‌ی متضاد است، یکی فروغی سیاستمدار، دیگری فروغی دانشمند و ادیب و فیلسوف. در چهره‌ی اول تمام مراحل ترقی و مشاغل مهم مملکت را پشت سر گذاشت. او در طول زندگانی سیاسی خود سه بار نخست‌وزیری، یک بار کفیل نخست‌وزیری، یک بار رئیس مجلس شورای ملی، پانزده بار وزیر امور خارجه، دارائی، جنگ، عدلیه، اقتصاد ملی، یک بار سفیر، وزیر دربار، رئیس جامعه‌ی ملل، رئیس مدرسه‌ی عالی حقوق و بالاخره رئیس دیوان عالی کشور بوده است. ممکن است از لحاظ سیاسی دانسته یا ندانسته اشتباهاتی مرتکب شده باشد. همانطوری که دوستان سیاسی همیشه او را تایید می‌نمودند، دشمنان او را تقبیح کرده نسبتهائی به او بدهند ولی آنچه مسلم است فروغی از پایه‌گذاران سلسله‌ی پهلوی بود و هنگام جلوس پدر و پسر به سلطنت، نخست‌وزیری را در اختیار داشته است.

محمدعلی فروغی دانشمند و فیلسوف و ادیب در قرن اخیر از بزرگان و محققین درجه اول محسوب می‌شود. در جوانی به امر ترجمه اشتغال داشت، چندین جلد تاریخ دنیا را ترجمه و تلخیص می‌کرد که در مدارس آن روز کشور تدریس می‌شد. بعد به تصحیح دواوین شعرا پرداخت. دیوان عمر خیام نیشابوری، دیوان حافظ و دیوان سعدی و از همه مهمتر شاهنامه فردوسی به همت او تصحیح و چاپ شده‌اند که هنوز نوشته‌های او مورد استفاده‌ی دانشمندان است. در تاسیس فرهنگستان و احیاء زبان فارسی جد و جهدی وافر داشت. خود مدتی ریاست فرهنگستان را عهده‌دار بود. مقاله‌ی مستند «پیام به فرهنگستان» نمونه‌ای از طرز فکر او درباره‌ی زبان فارسی است.

پربارترین دوران حیات علمی فروغی از ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ است که موفق شد آثار مهمی از خود به یادگار گذارد. سه جلد کتاب سیر حکمت در اروپا و شرح اشارات بوعلی سینا از اهم کارهای او در این دوره است. او فلسفه‌ی شرق و غرب را به خوبی می‌دانست، مع‌الوصف از مشورت و مذاکره با دانشمندان و فلاسفه‌ی شرق خودداری نمی‌کرد. در ایامی که سرگرم تهیه‌ی سیر حکمت در اروپا و شرح اشارات بوعلی سینا بود، غالبا با میرزا طاهر تنکابنی، سید محمد مشکوه و استاد فاضل تونی در مذاکره و تبادل‌نظر بود. فروغی در نویسندگی از پیشقدمان ساده‌نویسی است. مقدماتی که بر بعضی از دواوین نوشته است این رویه را به اثبات می‌رساند. او حتی‌المقدور سعی کرده است از لغات بیگانه پرهیز کند و مطالب خود را در عین استحکام و فصاحت طوری بیان کند که همه بتوانند از آن بهره‌مند شوند. در کتاب آیین سخنوری، این شیوه در حد اعلی جلوه‌گر است. او در اواخر عمر تصمیم به تقریر خاطرات خود گرفت. بیش از ۵۰ صفحه تقریر نکرده بود که اجل مهلتش نداد. این یادداشتها بیشتر درباره‌ی پدرش محمدحسین‌خان ذکاءالملک و رویه‌ی او در تعلیم و تربیت فرزندان و طریقه‌ی تالیفات اوست. انتخاب نام خانوادگی فروغی نیز مربوط به پدر اوست. وقتی پدرش در دربار ناصرالدین‌شاه قطعه شعری سرود و شاه را خوش آمد، لقب فروغی را به او داد که از آن تاریخ در اشعارش تخلص فروغی دیده می‌شود. مرحوم ذکاءالملک اول درباره‌ی لقب فروغی چنین گفته است:

فروغ یافت چو از مدح شاه گفته‌ی من

مرا خدیو معظم لقب فروغی داد

مرحوم محمدعلی فروغی نقاش چیره‌دستی بود. او در جوانی با کمال‌الملک در زمینه‌ی نقاشی کار کرده بود. خود می‌نویسد: من به کمال‌الملک فرانسه درس می‌دادم و او به من تعلیم نقاشی می‌داد. آثاری از او نزد فرزندانش به یادگار باقی است.

ذکاءالملک گذشته از مراحل سیاسی و علمی که در حد اعلاـ قرار داشت، در دوستی و وداد هم سرآمد اقران بود. به خانواده‌ی خویش دلبستگی خاصی داشت. پس از فوت پدرش سرپرستی سه خواهر و یک برادر را عهده‌دار شد. یک خواهر و برادرش ابوالحسن فروغی تا روز مرگ با ذکاءالملک زندگی می‌کردند و گذشته از اینکه جمع‌المال بودند، هرگز آنها را از خود دور نساخت. یکی از خواهران او همسر سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری بود. خواهر دیگرش به عقد و ازدواج وقارالسلطنه وصال یکی از فرزندان وصال شیرازی درآمد ولی وقارالسلنه در ۱۳۰۵ در میانسالی درگذشت و فروغی مادام که حیات داشت، خواهرزاده‌های

خود را چون فرزندان خویش مراقبت می‌کرد.

ذکاءالملک در جوانی با خواهرزاده‌ی نظام‌السلطنه (رضاقلی) ازدواج کرد و ثمره‌ی این وصلت چهارپسر و دو دختر بود. همسر او در سنین سی‌سالگی مبتلا به سل شد. تلاش اطباء به جائی نرسید. او را از فرزندانش جدا کردند و در قلهک خانه‌ای اجاره و او را تنها در آن منزل قرار دادند تا تنها پزشک متخصص در سل که پزشک سفارت انگلیس بود، از او عیادت کند. او هفته‌ای یک بار فرزندان خود را از پشت شیشه می‌دید. معالجات پزشکان موثر واقع نشد و آن زن درگذشت. فروغی پس از فوت همسرش، قریب بیست سال زیست و هرگز ازدواج نکرد. در واپسین روزهای عمر به یکی از فرزندان خود گفته بود من پس از مرگ مادر شما هرگز افطار نکردم (منظور این است که زنی ندیدم). فروغی از مال دنیا بهره‌ای نداشت. پدرش در خیابان امیریه نزدیک باغ انتظام‌السلطنه خانه‌ای مشتمل بر بیرونی و اندرونی خریده بود که پس از مرگش فرزندان در آن خانه زندگی می‌کردند. در حوالی ۱۳۰۰ آن خانه را فروغی فروخت و با پس‌اندازی که از حقوق دیوان کشور اندوخته بود در خیابان سپه خانه‌ی بزرگی که چهار هزار مترمربع بود، به مبلغ دوازده هزار تومان خریداری کرد. پس از مرگش این خانه را به وزارت بهداری اجاره دادند و بیمارستانی به نام نجات در آنجا مستقر شد. در ۱۳۳۰ وزارت بهداری این خانه را به مبلغ یک میلیون تومان خریداری کرد ولی ابوالحسن فروغی از قبول سهم خویش خودداری کرد و تمام آن را به فرزندان برادرش داد.

روابط ذکاءالملک با برادر کوچکش ابوالحسن فروغی که از فلاسفه و دانشمندان بزرگ معاصر بود، رفتار پدر و فرزند و معلم و شاگرد بود. فروغی هرگز عادت نداشت مطالب و جریانات سیاسی روز را برای فرزندان خود تعریف کند. اگراز او سئوالی می‌شد مختصر پاسخی می‌داد. از مذاکرات چند ساعته‌ی او و رضاشاه که در همان منزل خیابان سپه اتفاق افتاد، هیچکس اطلاع ندارد. ذکاءالملک سه تن از فرزندان خود را به اروپا فرستاد. جواد فرزند ارشد او علم سیاست آموخت و داخل وزارت امور خارجه شد و همسر سوئیسی اختیار کرد. در ۱۳۳۵ در حالی که وزیرمختار در سوئیس بود درگذشت. محسن فرزند دومش ابتدا ریاضیات و سپس فن معماری آموخت و الحق در این رشته همتا نداشت. مقامات سیاسی و اداری را تا وزارت طی کرد. مسعود فرزند سوم او علوم سیاسی تحصیل نمود و مشاغلی در طول حیات قبول کرد. محمود اساسا خارج نرفت و تحصیل او در دانشکده‌ی حقوق تهران انجام گرفت و در حقیقت تنها فرزندی که توانست از محضر پدر خود برخوردار شود او بود. به همین دلیل در بین فرزندان ذکاءالملک، محمود تا حدی از علوم فلسفی و ادبی بهره‌مند شده است. دو دختر او هر دو عروس مصباح‌السلطنه اسدی شدند.

دانشگاه تهران چند بار برای بزرگداشت فروغی جشنهائی ترتیب داد. درباره‌ی مقام علمی و سیاسی او سخن بسیار رفت. حبیب یغمائی مدیر مجله‌ی یغما، مجموعه‌ای از مقالات او را تحت عنوان «مقالات فروغی» انتشار داده است. فروغی در جوانی وارد لژ فراماسونی شد و به استاد اعظمی رسید. در سال ۱۳۲۱ درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۹، ش ۹ -۷، ص ۶۸۳ -۶۷۷)، تذکره القبور (۴۴۸ -۴۴۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۸ -۹۶ / ۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۴ -۳۶۳ / ۱)، شخصیت‌های نامی (۳۷۶ -۳۷۵)، شرح حال رجال (۴۵۱ -۴۵۰ / ۳)، گلزار معانی (۵۳۶ - ۵۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸ -۳۳۴ / ۴).

فروغی، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله فروغی

محل تولد : مبارکه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیك را در شهرستان مبارکه یکی از شهرستانهای استان اصفهان آغاز نمودم و مقارن با انقلاب اسلامی در آن شهرستان موفق به دریافت گواهی نامه دیپلم شدم با مدرك دیپلم وارد حوزه علمیه اصفهان شدم یکی دو سالی در آنجا مقدمات را گذراندم و بعد از آن به شهر مقدس قم هجرت نمودم و در این شهر ادبیات عرب، منطق، فلسفه، فقه و اصول و به تعبیرات حوزوی سطح را در طی چند سال گذراندم و البته همزمان در دانشگاه اصفهان هم تحصیل نمودم و موفق به لیسانس در رشته ادبیات فارسی شدم. حدود ۱۰ سالی است که در دروس خارج آیات عظام شرکت دارم و سال ۸۱ موفق به نوشتن پایان نامه سطح سه در موضوع و نقش تربیتی مساجد در جوامع اسلامی شدم و همچنین یك دوره علمیه قرآن را گذراندم ده سالی است علاوه بر تحصیل، مقالات و آگاهی هم نوشته ام و در بخش آثار آنها را ذکر کرده ام همچنین در مدارس حوزه قم درس آیین نگارش هم تدریس می نمایم.

فره وشی، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۳۰۶، ارومیه.

درگذشت: ۱ خرداد ۱۳۷۱، آمریکا (سانفرانسیسکو).

بهرام فره‌وشی فرزند علی‌محمد فره‌وشی (مترجم همایون) که رییس اداره فرهنگ ارومیه بود، در سال ۱۳۳۲ از دانشسرای مقدماتی اصفهان فارغ‌التحصیل شد. آنگاه ضمن تدریس در دبستان‌های تهران ابتدا در رشته‌ی زبان‌های خارجی و سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در همان سال‌ها هفته‌ای چند روز در محضر سید محمد فرزان حاضر می‌شد و به همراه امیرحسن یزدگردی، محمداسماعیل رضوانی و اقبال یغمایی به مباحثه و تحقیق در دقایق و مشکلات متون فارسی می‌پرداخت. چندی بعد به پاریس رفت و به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان‌ها و فرهنگ باستان ایران از مدرسه‌ی تتبعات عالیه‌ی دانشگاه پاریس نایل گردید و در این مدت از محضر استادان بزرگ پروفسور دو مناش و پرفسور بنونیست بهره‌مند بود. پس از بازگشت به ایران به دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. و از آن به بعد وقت خود را به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و تحقیق در رشته‌ی تخصصی و تألیف کتاب‌های خود پرداخت. در وهله‌ی اول اوقات خود را صرف نشر آثار ابراهیم پورداود که به سبب پیری نیازمند همکار جوان‌تری بود، کرد و بخش دوم گاتها (شامل یادداشت‌های ابراهیم پورداود) را در سال ۱۳۳۶، سینا را در ۱۳۴۰، ویسپر را در ۱۳۴۳ منتشر ساخت. آنگاه فرهنگ پهلوی به فارسی که حاصل بیست سال بررسی

متون پهلوی بود در ۱۳۴۶، و فرهنگ به پهلوی را در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسانید. آخرین اثر او ایرانوچ شامل ۲۹ مقاله درباره‌ی ایران باستان در اسفند ۱۳۵۶ منتشر گردید. از آثار دیگر اوست: ترانه‌های شرقی (فرانتس توسن، ۱۳۳۶)، روبنسن کروزئه (دانیل دفو، ۱۳۳۴). وی همچنین مدتی برنامه‌ی «فرهنگ ایران زمین» را در سازمان رادیو و تلویزون اداره می‌کرد. از کارهای دیگر او اهتمامی است که در چاپ کتاب ایران، کلده و شوش اثر مادام دیولافوا به ترجمه‌ی پدرش انجام داد که در سال ۱۳۶۵ منتشر شد. از وی مقالاتی در مجلات مختلف از جلمه «بررسی‌های تاریخی» و «یمغا» به چاپ رسیده است. دکتر فره‌وشی گرفتار سرطان بود. در اوایل آذر ۱۳۷۰ برای معالجه به آمریکا رفت. در فرودگاه سانفرانسیسکو دچار سکته شد و به اغما رفت. او را به بیمارستان رساندند و پس از چند روز پزشکان شیمی درمانی را آغاز کردند. با ابتلاء به ذات‌الریه سرانجام روز اول خرداد ۱۳۷۱ زندگی را بدرود گفت.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فره وشی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۵۴ ش)، نویسنده و مترجم. مشهور به مترجم همایون. در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در زادگاهش، برای تحصیل عربی و مبانی طب به تهران آمد. وی سفری به استانبول کرد و پس از بازگشت در مدرسه‌ی دارالفنون به فراگیری زبان فرانسه و ریاضیات پرداخت و بعد وارد وزارت فرهنگ شد و کار خود را با سرپرستی دبستان دانش و آموزگاری زبان و ریاضی در مدرسه‌ی کمالیه شروع کرد. او مدارس بسیاری را تأسیس نمود. عمده مشاغل وی عبارتند از: ریاست معارف زنجان، بازرسی عالی فرهنگ، ریاست مدرسه‌ی معقول و منقول چهارباغ اصفهان، سرپرستی مدرسه‌ی ارامنه در جلفا و سرپرستی آموزشگاههای زرتشتیان تهران. او سرانجام در تهران درگذشت. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»؛ «حساب مقدماتی»؛ «حساب سال اول»؛ «حساب مظفری»؛ «حساب نوین»؛ «حل المسائل جبر»؛ «هندسه»؛ «علم الاشیاء»؛ «جغرافیای رهنما»؛ «دستور دانش»؛ «باستان‌نامه»؛ «ایرانی که من شناخته‌ام»، ترجمه؛ «ربنسن سویس»، ترجمه؛ «سفرنامه از خراسان تا کشور بختیاری»، ترجمه؛ «سفرنامه مادام دیو لافوآ»، ترجمه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۸۹ / ۱۲، ۱۵۳ / ۸ -۷ / ۷، ۱۷۹ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۴ -۱۱۳ / ۵)، شرح حال رجال (۱۶۵ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۹۶، ۱۹۹۲ -۱۹۹۱، ۱۶۷۷ / ۲، ۱۴۱۸، ۱۲۰۷، ۱۱۷۱، ۱۰۳۶، ۴۴۱، ۴۱۹، ۲۵۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۳ -۵۹۱ / ۴).

فرهاد، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. از آنجایی که بیشتر ترجمه‌های او به نام فرهاد به چاپ رسیده است.

معروف به فرهاد بود. پس از تکمیل تحصیلات متوسطه در مدرسه‌ی دارالفنون و گذراندن مسابقه‌ی ورودی وزارت فواید عامه، به منظور تحصیل در رشته‌ی مهندسی ساختمان و راهسازی به بلژیک عزیمت نمود و دوره‌ی چهار ساله‌ی دانشگاه آن کشور را باموفقیت به پایان رساند و به ایران بازگشت. در ۱۳۱۰ ش به خدمت وزارت راه درآمد و سه سال در دانشکده‌ی فنی که تازه تأسیس شده بود تدریس کرد. از ۱۳۲۶ ش که ساخت خطوط راه‌آهن آذربایجان و خراسان شروع شد، به سمت رییس و مدیر کل اداره‌ی ساختمان منصوب شد و مدتی معاونت وزارت راه را عهده‌دار بود. از آثار وی: «حیات مردان نامی»، ترجمه؛ «اعترافات»، ترجمه؛ «امیدواری در یک شب»، ترجمه؛ «تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تا تاریخ تا دوره‌ی معاصر»، ترجمه؛ «فروید»، ترحمه؛ «کلئوپاترا»، ترجمه؛ «کوروش‌نامه»، ترجمه؛ «ماری استوارت»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (۱۴۱۲ / ۲، ۲۸۰ -۲۷۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۲ -۲۰۰ / ۳).

فرهنگ شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۴۲ ق)، خطاط، ادیب، نویسنده و شاعر، متخلص به فرهنگ. وی چهارمین فرزند وصال شیرازی است. در شیراز به دنیا آمد. در آغاز جوانی به تحصیل علوم ادبی و فنون ریاضی پرداخت. علم جفر و رمل را نیز فراگرفت و زبان فرانسه را به تشویق حکیم قاآنی آموخت. فرهنگ شاعری توانا و در آداب سخنوری استاد بود. وی هفت اقلیم را خوش می‌نوشت و در خط ثلث مهارت خاصی داشت. او در شیراز درگذشت و در حرم سید میرمحمد، برادر شاهچراغ، به خاک سپرده شد.از آثار خطی وی: یک نسخه «حدائق السحر» رشید وطواط، به خط نسخ و شکسته کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد الاقل... ابوالقاسم بن... وصال الشاعر...سنه ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مأتین بعد الالف». دیگر آثار وی: شرح «حدائق السحر» رشید وطواط، به طرز چهار مقاله‌ی نظامی عروضی، متجاوز از پانزده هزار بیت: کتاب لغتی به نام «فرهنگ فرهنگ»، شال لغات مصطلحه فارسی، عربی و ترکی؛ رساله‌ی «طب البله» یا «سکنجبینیه»، در مطایبات؛ شرح و ترجمه‌ی کتاب «بارع»، در علم نجوم بالغ بر ده هزار بیت؛ «دیوان» شعر، نزدیک به دوازده هزار بیت، به فارسی و عربی.[۱]

(بخش ۱) ابوالقاسم بن (میرزا) محمدشفیع وصال، شاعر و نویسنده‌ی دوره‌ی قاجاریه (و. ۱۲۴۲ ه.ق- ف. ۱۳۰۹ ه.ق). وی برادر وقار، داوری و یزدانی بود. فرهنگ در کودکی نزد پدر به تحصیل علم و خط پرداخت و پس از پدر نزد وقار برادر بزرگ خویش به تکمیل علوم و ادبیات مشغول گردید و گذشته از شعر و فنون ادبی در تحصیل رمل و جفر و اسطرلاب رنج بسیار کشید و در این فنون استاد شد در سال ۱۲۷۴ با وقار سفری به تهران کرد و دو سال بعد با وی به همراهی حسام‌السلطنه به شیراز بازگشت. سفر دیگری پس از مرگ وقار به شیراز نمود (حدود ۱۳۰۰). وی ناصرالدین شاه و حاج معتمدالدوله فرهاد میرزا، حسام‌السلطنه سلطان‌مراد میرزا، حاج معدل شیرازی را مدح نمود و مانند وقار و دیگر برادران نزد ممدوحان خویش اعزاز و احترام بسزا داشته است. فرهنگ در اشعار خویش مانند داوری و وقار یکی از پیروان سبک خراسانیست. مضامین بکر در اشعار او بسیار است و نوعی تجدد از آنها استنباط می‌شود. برخی از قصاید وی مشحون از لغات فرانسه می‌باشد. و شماره‌ی اشعار او را بالغ بر ۲۰۰۰۰ می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۵۶ -۳۵۴)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۰ / ۴، ۳۴ -۳۲ / ۱)، اطلس خط (۵۶۶)، تاریخ ادبیات

ایران، براون (۲۱۰ -۲۰۸ / ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۸ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۳۷۰ -۱۳۶۰ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۳۵ -۱۳۱ / ۴)، الذریعه (۲۱۳ / ۱۶، ۱۸۵ / ۱۳، ۲۰۷ / ۱۲، ۸۲۹ / ۹)، ریحانه (۳۳۴ -۳۳۲ / ۴)،شرح حال رجال (۱۰ -۹ / ۶)، طرائق الحقائق (۳۸۱ -۳۷۹ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۴ -۱۰۱۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۰۴)، گلستان هنر (بیست)، المآثر و الآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۸۱۷ -۸۰۷ / ۵)، مرآت الفصاحه (۴۷۳ -۴۷۱)، مکارم الآثار (۱۱۷۴ -۱۱۷۳ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۳ -۲۷۲ / ۱).

فرهنگیان آستیم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ویراستار، مترجم.

تولد: ۱۳۲۱، کرمانشاه.

درگذشت: ۱۳۵۶.

محمد فرهنگیان فعالیت‌های فرهنگی خود را با همکاری با مجله‌ی «خواندنیها» که در آن با نام مستعار «م.- مار» مقاله‌های انتقادی می‌نوشت. آغاز کرد. از سال ۱۳۴۵ به عنوان ویراستار با مؤسسه‌ی فرانکلین شروع به کار کرد و همزمان برای نشریاتی چون «آیندگان»، «فردوسی» و ماهنامه‌ی «فرهنگ و زندگی» مقاله می‌نوشت. سپس به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفت و به عنوان ویراستار به کار پرداخت. از آنجا به مرکز مطالعه‌ی فرهنگ‌ها رفت و با سمت سازمانی ویراستار ارشد تا سال ۱۳۶۱ در آن مرکز فعالیت کرد.

محمد فرهنگیان در زمینه‌ی ویرایش، ترجمه، نقد ادبی و هنری فعالیت داشت و از جمله کارهای او می‌توان از عنوان‌های زیر یاد کرد: کتابی در نقد آسیا (در مقابل غرب نوشته داریوش شایگان که منتشر نشد)؛ گزارشی درباره‌ی ابیانه و پژوهش و تحقیقی درباره‌ی سرگذشت و آثار تاریخی شهر امام از منطقه‌ی دیلمستان در بلوک رامکوه و تحقیق و پژوهشی درباره‌ی لافت در جزیره قشم. وی این سه رساله را برای مرکز مطالعه‌ی فرهنگ‌ها نوشت. همچنین گفتار تلویزیونی درباره‌ی پیرچک‌چکو ساخته‌ی منوچهر عسگری را هم او تهیه نمود.

در زمینه‌ی ترجمه می‌توان از کارهایی چون نمایشنامه‌ی آسانسور مطبخ از هارولد پینتر که چندین بار چاپ شده و کتاب ویلیام تل برای کودکان و نوجوانان و همچنین از ترجمه‌های چاپ نشده‌ی وی از چیستی علم از چمرز و آنک آن مرد از نیچه را نام برد.

فرهنگیان ویرایش کتاب‌های زیادی را عهده‌دار بوده است، از آن جمله است: فلسفه‌ی هگل (ترجمه حمید عنایت)؛ فلسفه ریاضی؛ حقیقت و ضرورت در ریاضیات؛ انواریه سهروردی؛ کوه‌های سفید و... که همگی به طبع رسیده‌اند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرهودی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، مورخ، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات عالی در مدرسه‌ی علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق در ۱۳۱۴ ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و چند سال بعد ریاست فرهنگ مازندران را به عهده گرفت. بعد از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله: ریاست دبیرستان، کفالت اداره‌ی اوقاف، ریاست دفتر وزارتی، ریاست دانشکده‌ی کشاورزی. در ۱۳۲۲ ش به نمایندگی ملجس انتخاب گردید. از آثار وی: «تاریخ قرن نوزدهم»، ترجمه؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «راههای پیشرفت اقتصادی»، ترجمه؛ «فروغ زندگی، پرورش افکار سالمندان و دانش‌آموزان».[۱]

در ۱۲۸۵ تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی عالی سیاسی شد و درجه‌ی لیسانس گرفت. خدمات اداری را از وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی رئیس دفتر وزارتخانه بود، بعد رئیس اداره تعلیمات سالمندان و رئیس تعلیمات عمومی شد. در تالیف کتب درسی هم مداخله داشت. در دوره‌ی چهاردهم در ۱۳۲۲ از دزفول به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی پانزدهم توفیقی پیدا نکرد. چندی سمت مشاوری در وزارت فرهنگ داشت تا اینکه در ۱۳۲۶ هنگام نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی، به معاونت پارلمانی و اداری نخست‌وزیر تعیین گردید. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجددا از دزفول انتخاب گردید و در تصمیمات خود در مجلس از دکتر مصدق پیروی می‌کرد و در آراء خود نظر استصوابی او را می‌گرفت. به همین دلیل مورد توجه او قرار گرفت و به دوران نخست‌وزیری‌اش او را با سمت وزیرمختار رایزن اقتصادی ایران در ایتالیا نمود. فرهودی در این سمت با حکومت مصدق همراهی و همکاری داشت مقالاتی در تایید دکتر مصدق در مطبوعات خارج و داخل انتشار می‌داد. در اواخر حکومت مصدق، با کسب مرخصی به تهران آمد. روزنامه‌های باختر امروز و اطلاعات را اداره می‌کرد. تمام مقالات تند روزنامه‌ها به قلم او بود. پس از ۲۸ مرداد از شغل خود به طور موهن و زننده‌ای برکنار شد. به تهران آمد و به حال انزوا می‌زیست. سرانجام سوراخ دعا را پیدا کرد. دولت از سر تقصیرات او گذشت و به وی شغلی دادند و به معاونت پارلمانی وزارت کشور منصوب شد. چند سالی در آنجا بود تا کنار رفت. چندی بیکار ماند تا اینکه در انتخابات انجمن شهر تهران با کمک حزب ایران‌نوین به عضویت انجمن برگزیده شد. در نخستین جلسه به اتفاق‌آراء رئیس انجمن شهر شد و بین وی و شهردار وقت تهران نزدیکی و دوستی زیادی ایجاد شد و به غالب کشورهای درجه اول دنیا مسافرت کردند.

فرهودی از زمانی که در اروپا اقامت داشت، در دانشگاه سورین ثبت‌نام نمود و دکترای اقتصاد دریافت کرد. وی مردی دانشمند و محقق بود. از جوانی با مطبوعات همکار داشت. عباس مسعودی مدیر روزنامه‌ی اطلاعات در روزهای آخر زمامداری دکتر مصدق، روزنامه را به فرهودی سپرده بود و خود در اروپا به سر می‌برد. فرهودی مقالات تندی علیه شاه و به نفع مصدق انتشار می‌داد. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فرهاد دادستان فرماندار نظامی وقت، عباس مسعودی را برای ادای توضیحات به دفتر خود احضار کرد و علت انتشار آن مقالات را جویا شد. چون جواب قانع‌کننده‌ای نتوانست دریافت کند، او را مورد ضرب و شتم قرار داد و اهانتها به او کرد. از تالیفات ایشان تاریخ عمومی ایران را در سه جلد، ترجمه‌ی تاریخ قرن نوزدهم در دو جلد، و ترجمه‌ی کتاب راه‌های پیشرفت اقتصادی را می‌توان نام‌برد. وی مدتها در دانشسرای عالی جغرافیای اقتصادی تدریس می‌کرد. فرهودی داماد وحیدالملک شیبانی بود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۶۸ –۱۴۶۷ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۹ –۸۳۸ / ۲).

فرهی، عزت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. وی در رشته‌ی زبان در دانشسرای عالی تحصیل کرده و کتابهایی به زبان فارسی ترجمه کرده است. از آثارش: «آبهای بهاری»، ترجمه؛ «اسرار موفقیت»، ترجمه؛ «اشعه‌ی آفتاب و فواید آن»، ترجمه؛ «عشق نخستین»، ترجمه؛ «قوه‌ی عصبی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۹، ۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱ -۵۰ / ۴).

فریار، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، مترجم و نویسنده. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود. در آمریکا به تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی آموزش و پرورش پرداخت و از دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل شد و در ضمن در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد به کار مشغول گشت. وی سپس به دانشگاه تهران منتقل شد و به استادی رسید و مدتی نیز ریاست دانشگاه مشهد را عهده‌دار بود. از آثار وی: «تاریخ صنایع ایران، باستانشناسی،ترجمه؛ «جرج واشنگتن کارو»، ترجمه؛ «راهنمای صنایع اسلامی»، ترجمه؛ «طوفان»،ترجمه؛ «فسلفه‌ی تاریخ»، ترجمه؛ «روش آموزش و پرورش در چند کشور: انگلستان، سویس و مصر»؛ «کتاب انگلیسی»، برای دوره‌ی دبیرستان، به مشارکت علی پاشا صالح.[۱]

مترجم.

تولد: ۱۲۹۸.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۳.

عبدالله فریار، میرزا آقاخان عصر انقلاب (وکیل مجلس از اردبیل در دوره‌های پنجم و ششم از خلخال)، بود که روزنامه‌ای به همین نام یعنی «عصر انقلاب»، منتشر می‌کرد. تحصیلات وی در ایران و آمریکا صورت گرفته است. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود. در آمریکا به تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی فارغ‌التحصیل شد و در ضمن در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد کار می‌کرد. در موقعی که سازمان مزبور خواست اداره‌ی اطلاعات را تأسیس کند، او را به ریاست آن انتخاب کرد.

از آثار اوست: تاریخ صنایع ایران (کریستی ویلسن، ۱۳۱۷)؛ دکتر جرج واشنگتن کارو (شرلی گراهام و جرج لیپکم، ۱۳۳۲)؛ راهنمای صنایع ایران (م. س. دیماند، ۱۳۳۶)؛ روش آموزش و پروش در چند کشور؛ انگلستان و سوییس و مصر (ترجمه، ۱۳۲۰)؛ طرز اداره آموزشگاه (۱۳۱۷)؛ طوفان (جرج ر. استوارت)؛ فلسفه تاریخ (امری نف، ۱۳۴۰)؛ کتاب انگلیسی (با مشارکت علی پاشا صالح برای سال ششم دبیرستان‌ها، ۱۳۲۳)؛ تخت جمشید (رایش اشمیت، ترجمه با همکاری دیگران، ۱۳۴۲)؛ مردم‌شناسی ایران (هنری فیلد، ۱۳۴۳)؛ معماری اسلامی ایران در دوره‌ی ایلخانان (دونالد ویلبر، ۱۳۴۶).

فرزند میرزا آقاخان عصر انقلاب، در ۱۲۸۸ متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و برای ادامه تحصیلات به انگلستان رفت. ابتدا لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی و اقتصاد از دانشگاه لندن گرفت، سپس عازم آمریکا گردید و از دانشگاه کلمبیا فوق‌لیسانس در علوم‌تربیتی دریافت کرد. آنگاه تحصیلات خود را در همان دانشگاه ادامه داد و درجه‌ی دکترای

علوم تربیتی گرفت و به ایران بازگشت. چندی در دانشسرای عالی به استادی اشتغال داشت، مدتی هم بازرس فنی وزارت فرهنگ بود. در سال ۱۳۳۴ در حکومت علاء مدیرکل اداره تبلیغات و معاون نخست‌وزیر شد. پس از سقوط کابینه‌ی علاء به دعوت سازمان ملل به آمریکا رفت و ریاست اداره‌ی آموزش را در سازمان ملل عهده‌دار شد. از مشاغل دیگر وی نمایندگی سازمان ملل با سمت دبیرکلی در پاکستان بود. در آفریقای شرقی و نیجریه نیز دارای همان سمت بود. پس از این ماموریت به ایران بازگشت و به معاونت وزارت علوم و آموزش عالی منصوب گردید. مدتی هم ریاست دانشگاه فردوسی را عهده‌دار بود. آخرین سمت وی در ایران قائم مقامی دبیرکل کمیته‌ی ملی پیکار جهانی با بیسوادی بود. آثار زیادی از اعلم از تالیف و ترجمه از او باقی مانده است که بخشی از آنها عبارتند از: تاریخ صنایع ایران، تخت جمشید، راهنمای صنایع اسلامی، مردم‌شناسی ایران و روش آموزش در چند کشور. دکتر عبدالله فریار در سال ۱۳۵۶ درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۶۵۲ / ۲، ۷۱۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۰ -۹۷۹ / ۳).

فرید پاک، فرهاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی نایب رییس اداره‌ی بهره‌برداری شیلات در بندر انزلی بود. از آثار وی: «آب و هوای کرانه‌های شمالی ایران»؛ «ماری استوارت»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۵۳ / ۲، ۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۸ / ۴).

فزاری مروزی، ابوالموجه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۰ / ۲۸۲ ق)، لغوی، حافظ و محدث. وی محدث مرو بود. از عبدان بن عثمان و علی بن جعد و سعدویه واسطی و سعید بن منصور و صدقه بن فضل و سعید بن هبیره و دیگران حدیث شنید. حسن بن محمد بن حلیم و عبدالرحمان بن ابی‌حاتم و علی بن محمد حبیبی مروزی و ابوبکر بن ابی‌نصر مروزی و عده‌ای دیگر از وی حدیث شنیده‌اند. گفته‌اند که او محدثی بزرگ و ادیبی کثیرالحدیث بود. ابوالموجه در مرو درگذشت. وی «السنن» و «الاحکام»، را تصنیف کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الجرح و التعدیل (ج ۴ ق ۳۵ / ۱)، سیر النبلاء (۳۴۸ -۳۴۷ / ۱۳)، طبقات الحفاظ (۲۷۴)، الوافی بالوفیات (۲۹۰ / ۴).

فسایی، حسن حسینی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۳۷ ق)، مقحق، مفسر، ادیب، صوفی، شاعر و طبیب. از سادات دشتکی شیراز بود. در فسا به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خویش را از دست داد و تحت سرپرستی مادربزرگ و برادر به کسب علم و ادب پرداخت. در خدمت میرزا ابوالحسن مجتهد فسایی ابتدا علوم را و بعدها «شرح هدایه»، «شرح تجرید» و «معالم الاصول» و «مطول» را فرا گرفت. سپس نزد میرزا محمد علی واحدالعین «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی را، در فقه، خواند. بعد از آن سفری به اصفهان داشت. پس از بازگشت به شیراز مدتی نزد شیخ مهدی کجوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ریاضی را فراگرفت. میرزا حسن علم طب را نیز در خدمت میرزا سید علی نیاز و حاجی میرزا بابا حکیم‌باشی اصفهانی آموخت. وی در ۱۲۷۹ ق سفری به تهران و یزد کرد و پس از بازگشت به شیراز به معالجه‌ی بیماران پرداخت و شهرتی کسب کرد. چنان که پزشک مخصوص سلطان اویس میرزا احتشام‌الدوله پسر فرهاد میرزا معتمدالدوله شد. از آثار وی: «فارسنامه ناصری»؛ «تفسیر حسن»؛ «تحفه احتشامی»، دراندرز و نصایح، به نظم؛ «نقشه مملکت فارس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵۷ -۲۵۱ / ۲)، سبک‌شناسی (۳۶۵ / ۳)، سرآمدان فرهنگ و تاریخ (۲۸۹ / ۱)، شرح حال رجال (۳۴۲ / ۱)، فارسنامه ناصری (۴۲ -۱۳ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۸)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۱ -۵۴۰ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۷۱ -۶۸).

فسایی، کمال الدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن معین الدین محمد فسائی شیرازی معروف به میرزا کمالا.

در روضات الجنات(:۵۱۹) و فارسنامه ناصری و ریحانهٔ الادب(۶:۶۳) و دیگری کتب نام او به احترام و تجلیل یاد شده است.

مشارالیه داماد مجلسی اوّل (ملاّ محمّد تقی) است، و خود عالمی فقیه، و مفّسر ادیب، و فاضل کامل بوده.

و کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- بیاض کمالی. در الذریعه (صفحه ۱۷۰ جلد سوم) گوید: مجموعه نفیسی است که آن را به عنوان وصیّت به یکی از اولاد و یا شاگردان و یا یکی از دوستان خود نوشته است. در زمان حیات علاّمه ملاّ محمّد باقر مجلسی تألیف شده. کتاب زیاده بر هزار سطر است، و در ریحانهٔ الادب گوید بیشتر آن تاریخی و رجالی است.

۲- شرح شواهد مطّول ۳- شرح قصیده تائّیه دعبل خزاعی ۴- القیود الوافیه در شرح شافیه در علم صرف. تاریخ اتمام تالیف رمضان ۱۱۰۸.

قبرش را در بقعه مجلسی در جنب مسجد جامع اصفهان می‌نویسند.

در ریحانهٔ الادب گوید: سال وفات میرزا کمالا به دست نیامد.

در جلد چهارم دانشمندان و سخن سرایان فارس(:۲۴۶) گوید: کمالاـ فدشکویی متوفّی در حدود ۱۱۱۰، و سپس شرح حال مختصری نقل می کند.

در کتاب فهرست کتب خطّی کتابخانه‌های اصفهان نسخه‌ای از شرح شافیه ابن حاجب تألیف میرزا کمالا معرّفی می‌شود و در آنجا گوید: تاریخ تألیف ۱۱۰۸ و تاریخ کتاب جمعه ۱۸ ربیع المولود سال ۱۱۲۸، و در کنار نسخه حواشی از مؤلف نقل شده، بدین صورت «منه» یا «منه مدّظله العالی» و یا «منه زیدت برکاته» و امثالها که همگی حکایت از حیات مؤلف در سال مرقوم دارد.

در مصفیّ المقال(:۳۷۷) شیخ محمّد بن محمّد زمان کاشی و میرزا ابراهیم قاضی را از شاگردان او معرفی می کند.

در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد سنگ قبری است از دانشمندی به نام آخوند کمالا که این دو سطر شعر بر آن منقور است:

آخوند کمالا که به فضل و به کمال

مشهور بد و نداشت مانند و مثال

با عالم قدس رفت و تاریخ آمد

بادا فردوس جای آخوند کمال

جمادی الاولی سال ۱۱۱۰.

اکنون گوییم: صاحب قبر، دانشمندی است غیر از آن دو نفر، که او نیز در اصفهان ساکن بوده و فعلاً بیشتر از این از حالاتش معلوم نیست. (کمال مخفف کمال الدین، و الف آخر آن جهت تعظیم و تکریم است)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فسوی شیرازی، کمال الدین حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حزین در تاریخ خود و تذکره خویش نامی از او برده و گوید: من در خدمت او تحصیل نمودم و او در هنگام محاصره اصفهان به سال ۱۱۳۴ در سن کهولت وفات یافت، و کتب زیرا را از تألیفاتش نام می‌برد

۱- حاشیه بر معالم اصول ۲- رساله در حل شبهات کاتبی قزوینی ۳- شواهد مطوّل؛ و غیره.

و از اشعار او نیز چند بیتی نقل می کند که از آنهاست:

بکش بسوز که عاشق شدن جزاش این است

کسی که دل به تو ظالم دهد سزاش این است

حزین گوید: از افاضل شاگردان علامی مسیح الانام فسائی بود کاشف معضلات اوایل و حلال غوامض مسائل بود در علوم منقوله تتبع کامل و در معقولات قسطی وافر حاصل نمود (محل دفن او معلوم نیست)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فشارکی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

استادیار رسمی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۸ تاکنون، تدریس در دانشگاه دورهام انگلستان به مدت یکسال.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی و بلاغت، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

عروض، بلاغت اسلامی، تصحیح متون ادبیات فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فصیح، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل فصیح در تاریخ دوم اسفند ماه سال ۱۳۱۳ در تهران به دنیا آمد. در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت ؛ وی از پاییز سال ۱۳۲۶ دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ دیپلم طبیعی شد. در آغاز تابستان سال ۱۳۳۵ از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و لیسانس شیمی را دریافت کرد. وی پس از یک سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولا- به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد . اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا ، به کار ترجمه برای « موسسه انتشارات فرانکلین » پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه ای از طرف صادق چوبک که خود سال ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود ، در تابستان ۱۳۴۲ به استخدام رسمی شرکت نفت درآمدو به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت

مشغول به کار شد. اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا ،توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید. پس از بازگشت به ایران کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (A.I.T AbadanInstitute f Technology) آغاز کرد. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده ، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : زندگی اسماعیل فصیح با جنگ ها و انقلاب های متعدد کشور عجین بوده که در زندگی و کارهای او نیز بی شک آثار عمده نهاده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : فصیح از مهرماه ۱۳۲۰ ، در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت ؛ از پاییز سال ۱۳۲۶ دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ با اخذ دیپلم طبیعی ، تحصیلات این مقطع وی به پایان رسید. در آغاز تابستان سال ۱۳۳۵ از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و موفق به دریافت لیسانس شیمی گردید. وی پس از یک سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولاـ، به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد . اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا ،توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید.خاطرات و وقایع تحصیل : شروع تحصیل اسماعیل فصیح با جنگ جهانی دوم به ایران (۱۳۲۰) مصادف بود . او همچنین در اوج انقلاب ملی دکتر مصدق و آشوب های سال ۱۳۳۱ و حکومت چند روزهٔ احمد قوام السلطنه دوره متوسطه تحصیلی را به پایان رساند.هم دوره ای ها و همکاران : اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا با عده ای از بزرگان اهل قلم آن سال ها از جمله : صادق چوبک ، نجف دریابندری ، مهشید امیر شاهی و دکتر غلامحسین ساعدی آشنا شد.همسر و فرزندان : اسماعیل فصیح در سانفرانسیسکو با دختری اروپایی ازدواج کرد، اما متاسفانه این ازدواج پس از گذشت یک سال با مرگ همسرناکام ماند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا ، به کار ترجمه برای « موسسه انتشارات فرانکلین » پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه ای از طرف صادق چوبک که خود سال ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود ، در تابستان ۱۳۴۲ به استخدام رسمی شرکت نفت درآمدو به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت مشغول به کار شد.فعالیتهای آموزشی : اسماعیل فصیح با اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه میشیگان ، به ایران بازگشت و به کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (A.I.T AbadanInstitute f Technology)پرداخت. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده ، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد.آرا و گرایشهای خاص : از اسماعیل فصیح ترجمه های متعددی انتشار یافته که روشنگر دو زمینه از اشتغال ذهنی او به ادبیات جهانی و همچنین به علم جدید تحلیل رفتار متقابل روانشناختی و حالت های شخصیتی فرد منعکس می سازد ، علمی که امروزه تحت نام(Transactional Analysis) یا (TA)در رشته های بسیار گوناگون روانشناسی ، روان درمانی ، آموزش ، مدیریت و بازسازی شخصیت در جهان کاربردهای متعدد و موثر دارد.آثار : ۱ باده کهن ۲ بازی ها ویژگی اثر : نوشته دکتر اریک برن۳ ترجمه استادان داستان ویژگی اثر : این کتاب شامل سی داستان کوتاه از نویسندگان شهیر جهان ترجمه و انتخاب و بصورت ناشر مترجم انتشار یافت.۴ ترجمه هملت ویژگی اثر : اثر ویلیام شکسپیر۵ ترجمه وضعیت آخر ویژگی اثر : نوشته تامس آ. هریس۶ تولد/عشق/ عقد/مرگ ، ثریا در اغما ۸ خاک آشنا ، خودشناسی به روش یونگ ویژگی اثر : نوشته دکتر مایکل دانیلز۱۰ داستان جاوید ویژگی اثر : این کتاب در مایه کیانی آیین زرتشتی پس از شش سال پژوهش و ویراستاری موبد رستم شهزادی (چاپ اول ۱۳۵۳) توسط انتشارات امیر کبیر بیرون آمد.۱۱ درد سیاوش ، دل کور ، دیدار در هند ، رستم نامه ویژگی اثر : این کتاب نوشته پرفسور ام. ویلمونت باکستون می باشد. که شامل داستان های جاودانی شاهنامه فردوسی به صورت داستان های کوتاه و پیوسته بی

نظیری می باشد که اکنون جزو کتب کلاسیک جهان در غرب است .۱۵ زمستان ۶۲ ، شراب خام ویژگی اثر : این کتاب توسط انتشارات فرانکلین و زیر نظر نجف دریابندری و ویراستاری بهمن فرسی انتشار یافت.۱۷ شکسپیر ویژگی اثر : این کتاب شامل زندگی نامه ، مقدمه ای بر کل آثار شکسپیر و همچنین چکیده کلیه سی و هفت نمایشنامه های کمدی ، تاریخی و تراژدی او می باشد.۱۸ شهباز و جغدان ، فرار فروهر ، لاله برافروخت ویژگی اثر : پیش نویس این رمان به زبان انگلیسی تحت عنوان Child Martyrs «بچه های شهید) در مرکز کتب ایرانی دانشگاه آکسفورد زیر نظر دکتر جان گرنی موجود است.۲۱ ماندن در وضعیت آخر ویژگی اثر : نوشته خانم دکتر ام بی. هریس و دکتر تامس آ. هریس۲۲ نمادهای دشت مشوش

فصیحی، ابوالحسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن زید استرآبادی مشهور به فصیحی فاضلی ادیب و نحوی شاگرد شیخ عبدالقار جرجانی و استاد ملك‌النجاۀ بود (این چنین استاد و شاگردی که دید) بعد از خطیب تبریزی در مدرسه نظامیه بغداد مدرس بود و چون او را به تشیع متهم نمودند و حقیقت مال از او پرسیدند گفت انکار مذهب خود نمی‌توانم و از فرق تا به قدم خود را شیعه می‌دانم بنابراین او را از تدریس آنجا معزول ساختند و ابومنصور جوالیقی را بجای او تعیین نمودند و بعد از آن شیوه عزلت ورزید و از آمیزش مردم دوری گزید تا در ۱۳ ذی‌الحجه ۵۱۶ در بغداد وفات نمود.

(وف ۵۱۶ ق)، عالم امامی، ادیب، نحوی و شاعر. معروف به ابن ابی‌زید. به دلیل مطالعه‌ی بسیار کتاب «الفصیح» ثعلب نحوی و همچنین تدریس آن ملقب به فصیحی. اصل وی از استرآباد و از شاگردان شیخ عبدالقاهر جرجانی در نحو استاد ملك النحاه، حسن بن صافی، و حیص بیص شاعر بود. وی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد و پس از یحیی بن علی خطیب تبریزی مدتی در مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد نحو تدریس کرد. چون او را به تشیع متهم ساختند و حقیقت را از وی پرسیدند گفت: انکار نمی‌کنم و از فرق تا به قدم خود را شیعی می‌دانم. بنابراین او را از مقام مدرسی معزول و ابومنصور جوالیقی را جاشنین وی ساختند. پس از آن از مردم کناره گرفت و گوشه‌نشینی اختیار کرد، حتی شاگردانش را از خود دور می‌کرد که مبادا آنان نیز از مدرسه محروم شوند. اما شاگردانش در خانه به حضورش می‌رسیدند. حافظ ابوطاهر سلفی اصفهانی از شاگردان، راویان و مجالسان اوست. وی اشعاری در رد ابن‌سکره‌ی نحوی ناصبی، در حرمت متعه دارد، که شیخ ابوالفتوح در تفسیرش «روض الجنان»، آن را ذکر کرده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روضات الجنات (۲۴۰ -۲۳۹ / ۵)، ریحانه (۳۴۳ / ۴)، الکنی و الالقاب (۳۲ -۳۱ / ۳)،مجالس المؤمنین (۵۶۸ - ۵۶۴ / ۱)، معجم الادباء (۷۵ -۶۶ / ۵)، هدیه الاحباب (۲۱۳)، وفیات الاعیان (۳۳۷ / ۳).

فقیری، محمدصاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نسخه‌شناس.

تولد: ۱۳۱۹، شیراز.

درگذشت: ۴ فروردین ۱۳۷۰، شیراز.

محمدصادق فقیری از دبیران دبیرستان های شیراز بود. از کارهای پژوهشی او همکاری در تألیف فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ملی پاریس در دو جلد (۱۳۵۱) و همچنین دو جلد فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی حضرت احمد بن موسی «شاهچراغ» با علی‌نقی بهروزی بود. کتاب‌شناسی فریدون توللی در مجله‌ی «آینده» نیز محصول فعالیت تحقیقی او بود. غلطگیری متن حروف چینی شده و تهیه فهرست‌های کتاب انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم به امروز در حدود ششصد صفحه به دست او انجام گرفته است.

فهرستی از کتاب‌ها و روزنامه‌های چاپ سنگی در چاپخانه‌های قدیمی شیراز در دست تألیف داشت که به بیماری مزمنی دچار شد و در بامداد چهارشنبه چهارم فروردین ۱۳۷۰ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فقیه، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فقیهی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، عالم، مورخ، مترجم و ادیب. در قم به دنیا آمد. ابتدا در مکتب با مقدمات و در محضر پدرش که از روحانیون بود با علوم حوزوی آشنا شد و تا حد متوسطه پیش رفت. آن‌گاه برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشکده معقول و منقول لیسانس گرفت. سپس به سمت دبیر ادبیات دبیرستان حکیم نظامی، کفالت فرهنگ و ریاست دبیرستان حکیم نظامی در قم منصوب شد. وی سالهای متمادی عمر خود را صرف نوشتن کتابهای سودمندی کرد. از اثار وی: سلسله مقالات «ایران در جنگ گذشته»؛ سلسله مقالات «تاریخ قضیه‌ی بحرین»؛ سلسله مقالات «گذشته‌ی خوزستان»؛ «تاریخ آل‌بویه»؛ «تاریخ و عقاید وهابیان»؛ «تاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی»؛ «دستورهای املاء و انشاء»؛ «توحید مفضل»، ترجمه؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی حج»؛ «عضدالدوله دیلمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۱۰ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۳ -۴۷۱ / ۴)، یادگار (س ۱، ش ۷، ص ۸۰).

فکری ارشاد، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات آلمانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، با استفاده از بورس ویژه دولت آلمان و گذراندن دوره آموزش زبان و ادبیات آلمان در دانشگاه مونیخ، کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، درجه دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵ و تدریس در دانشگاه اصفهان در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبانهای ایرانی و ادبیات تطبیقی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات آلمانی، وضع اجتماعی ایران در زمان ساسانیان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ادبیات فارسی، فرهنگ و زبانهای باستانی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فلاطوری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فیلسوف.

تولد: ۱۳۰۴ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۹ دی ۱۳۷۵.

عبدالجواد فلاطوری از نوادگان آخوند ملا اسماعیل اصفهانی، استاد فلسفه‌ی حاجی سبزواری، است. فلاطوری از ابتدای جوانی

علاوه بر تحصیلات دبیرستانی به کسب معارف اسلامی همت گماشت و در شهرهای اصفهان، تهران و مشهد در محضر استادانی نظیر محمدعلی شاه‌آبادی، مهدی آشتیانی، آیت‌الله محمدتقی آملی، آیت‌الله خوانساری، محمدرضا کلباسی و آیت‌الله هادی کدکنی نیشابوری به شاگردی پرداخت .

در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ کتاب جواهر را با آیت‌الله محمدرضا کلباسی مباحثه کرد و از محضر وی به اخذ روایت و گواهی درجه‌ی اجتهاد نایل آمد.

فلاطوری در سال ۱۳۳۳ برای تحصیل روانه آلمان شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت. وی در رشته‌ی «کانت‌شناسی» به درجه‌ی استادی رسید. همچنین در آلمان به تحصیل رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی علوم تربیتی، علوم اجتماعی، و تطبیق ادیان پرداخت. در همین ایام زبان‌های لاتین و یونانی را نیز فراگرفت و پس از نوشتن مقالات و رسایل کوچکتری به نوشتن رساله‌ی استادی خود پرداخت و آن را درباره‌ی «دگرگونی بنیادی فلسفه‌ی یونانی بر اثر طرز اندیشه اسلامی» نگاشت و به درجه‌ی استادی نایل آمد. دکتر فلاطوری استاد دانشگاه کلن آلمان در رشته‌های فلسفه (به شیوه‌ی تطبیقی) و حقوق و کلام و علوم اسلامی و اسلام معاصر بود.

از جمله فعالیت‌های دکتر فلاطوری، تأسیس مرکز آکادمی کلن در سال ۱۳۵۶ بود که دست به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس آلمان زد، و نواقص و کاستی‌های کتاب‌های درسی را در زمینه‌های اسلام و تاریخ اسلام اصلاح کرد و در این ارتباط شش کتاب تألیف شد که به عنوان مرجعی برای نویسندگان کتاب‌های درسی آلمان و دیگر کشورهای اروپا از قبیل فنلاند، فرانسه، پرتغال و اسپانیا شد و خود اروپایی‌ها براساس اقدامات و تألیفات استاد فلاطوری، مطالب کتاب‌های درسی خود را اصلاح بازنویسی کردند.

دکتر فلاطوری برای این که مرکز آکادمی کلن به عنوان یک نهاد علمی جزء دانشگاه قرار بگیرد، آن را از شهر کلن به هامبورگ انتقال داد و از آن پس جزیی از دانشگاه هامبورگ شد. قصد وی این بود که در این مرکز آکادمی، دانشجوی علوم اسلامی تربیت کند و مدرک معتبر نیز بدهد.

دکتر فلاطوری در آلمان به عنوان یک مرجع اسلامی و دانشمند فلسفه و علوم اسلامی مطرح بود. هر زمان که مجلس اروپا در تجزیه و تحلیل و بیان مسایل اسلامی و تفاهم و همفکری و گفت و گوی بین پیروان ادیان اسلام و مسیحیت و یهودیت دچار مشکل می‌شدند، به وی مراجعه می‌کردند و نظرخواهی و راهنمایی می‌خواستند. وی برای ایجاد مباحثه، تفاهم، همفکری، و همکاری بین پیروان ادیان مختلف تلاش می‌کرد. وی در برپایی اجلاسی که پیش از فوتش بین مفتکران و اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در یونان برگزار شد، مسئولیت داشت.

از آثار ترجمه‌ی اوست: تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (تألیف برتولد اشپولر، تهران، ۱۳۴۹).

دکتر عبدالجواد فلاطوری روز یکشنبه نهم دی ۱۳۷۵ هنگام تدریس در کلاس درس بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فلسفی شیرازی، هدایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، و نویسنده‌ی توانا، از قضات دادگستری بوده، در شیراز متولد شده، و هم در آن شهر تحصیل علوم دینی و ادبی، از فقه و اصول و ادبیات عربی و فارسی نموده، در سال ۱۳۰۴ خورشیدی روزنامه‌ی «شوش» را در محمره (خرم شهر فعلی) منتشر نموده،

سپس به خدمت وزارت عدلیه وارد گردیده، سالها در دادگستری به شغل قضاوت اشتغال داشته، و از قضات پاکدامن و درستکار به شمار می‌رفته.

سرانجام در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در ضمن مأموریت اصفهان وفات یافته، در این شهر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فلسفی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله فلسفی در سال ۱۲۸۰ ، در تهران متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت. فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد. گذشته از سمت های اداری و مشاغلی که متذکر گردیدیم ، وی به امر آموزش نیز پرداخته است. او در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود. نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در نشریات به چاپ رسانده است. نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰ ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : نصرالله فلسفی ، فرزند میرزا نصرالله خان سوادکوهی مستوفی (از مستوفیان دربار قاجار) بود که اصل خانواده اش از سوادکوه قزوین است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فلسفی شش روز پس از مرگ پدرش به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فلسفی تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت.

زمان و علت فوت : نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰ ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد.

فعالیتهای آموزشی : استاد فلسفی در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول

گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در مجلات تهران از جمله : تعلیم و تربیت ، مهر ، سخن ، شفق سرخ ، اتحاد ، مرز آزاد ، اطلاعات ، شرق ، یغما ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز ، نشریه کتابخانه ملی تبریز و وحید به چاپ رسانده است. وی به روزنامه نگاری هم می پرداخت که از جمله مجلاتی که توسط وی منتشر شده است ، عبارتند از : مدیریت داخلی مجله آینده (۱۳۰۴) ، کفالت مجله پست و تلگراف (فقط سه شماره ، ۱۳۰۴) ، مجله ایران (نشریه کلوپ بین المللی ایران برای تمبر و مجموعه های دیگر از سال ۱۳۰۱ تای ۱۳۱۱) ، مجله تعلیم و تربیت (وابسته به وزارت معارف ، ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴) ، مهر (از ۱۳۱۲ به مدت چهارسال ، دوره ی یک تا چهار) ، مدیریت و سردبیری مجله هفتگی امید (۱۳۲۲ ، مدت سه سال) ، همکاری فکری در نشر مجله اطلاعات ماهانه (در سال های ۱۳۳۰ - ۱۳۳۴) ، مجله ایرانیکا به زبان ایتالیایی در دوره ی رایزنی فرهنگی در ایتالیا. فلسفی گاهی شعر هم می سرود و آثار منظومی از وی به یادگار مانده است ، از آن جمله است منظومه ی « بیچارگان » و قصاید و قطعات دیگر. مجموعه ای از اشعار وی در سال ۱۳۵۱ در تهران چاپ و منتشر شده است.

جوائز و نشانها : نصرالله فلسفی در سال ۱۳۵۴ ، عنوان « استاد ممتاز » دانشگاه تهران را یافت. -------------------------

----

آثار :

۱ اصول آموزش و پرورش

۲ تاریخ اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۹.

۳ تاریخ ایران بعد از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.

۴ تاریخ ایران پیش از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.

۵ تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی

ویژگی اثر : انتشار جلد اول در سال ۱۳۱۶.

۶ تاریخ عمومی جهان در قرن های هفدهم تا بیستم میلادی

ویژگی اثر : مشتمل بر دو مجلـــد

۷ تاریخ عمومی در قرن معاصـــر

۸ تاریخ غزنویان ؛ اصول تعلیم و تربیت

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۴.

۹ تاریخ و جغرافیا

ویژگی اثر : مشتمل بر دوازده جلد ، برای تدریس در دبیرستان ها با مشارکت علی اصغر شمیم.

۱۰ ترجمه ی اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۴۱.

۱۱ ترجمه ی تاریخ انقلاب روسیه

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۲ ترجمه ی تاریخ تمدن روم و یونان

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۱۹.

۱۳ ترجمه ی تاریخ تمدن قدیم

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۴ ترجمه ی تاریخچه ی سلطنت قباد و ظهور مزدک

ویژگی اثر : اثر کریستین سن ، با مشارکت احمد بیرشک ، انتشار در سال ۱۳۰۶.

۱۵ ترجمه ی تهران قدیـم

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۶ ترجمه ی داستان توده ی طلا

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۴.

۱۷ ترجمه ی داستان دندان ببر

ویژگی اثر : اثر موریس لبلان ، انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۸ ترجمه ی داستان سر تنگ بلور

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۹ ترجمه ی داستان های کوتاه از نویسندگان بزرگ

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۳.

۲۰ ترجمه ی داستان هشتصد و سیزده

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۲۱ ترجمه ی راز فلورانس

۲۲ ترجمه ی سرگذشت ورتر

ویژگی اثر : تالیف گوتـــه ، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۳ ترجمه ی فرهنگ فلسفی ولتر

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۷.

۲۴ ترجمه ی منتخب اشعار ویکتور هوگو

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۵.

۲۵ ترجمه ی منظومه ی بیچارگان

ویژگی اثر : تالیف ویکتور هوگو ، و به نظم فارسی ، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۶ جغرافیای مفصل ؛ جغرافیای ممالک بزرگ دنیا

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۶.

۲۷ جنگ چالدران

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۲.

۲۸ دوره ی کامل تاریخ ایران

ویژگی اثر : مشتمل بر پنج مجلد برای کلاس های مدرسه های متوسطه.

۲۹ زندگی شاه عباس کبیر

ویژگی اثر : مشتمل بر سه جلد ، انتشار در سال های ۱۳۴۲ ، ۱۳۵۳ و ۱۳۶۴ .

۳۰ شرح حال بزرگان (داریوش و انوشیروان)

۳۱ مجموعه ی هشت مقاله تاریخی

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۰. --

منابع :

۱شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف : مجید شفق ، ج ۲ ، تهران : انتشارات سنایی ، ص ۸۴۴۲گلزار مشاهیر ؛ زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران (۱۳۵۸ – ۱۳۷۶) ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۳۱۹

فلسفیان، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید فلسفیان

محل تولد : دهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عبدالمجید فلسفیان با شروع به تحصیل در سالهای اخیر مطالعات خود را به قرآن و نهج البلاغه اختصاص داده ام که در زمینه نهج البلاغه دو کتاب «علی و پایان تاریخ» و «علی و جاری حکمت» را توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران و انتشارات لیله القدر ناشر آثار استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) عرضه شده است که کتاب اول عنوان فرعی آن امام زمان (عج) در نهج البلاغه است و کتاب دوم شرح چهل حکمت از حکمتهای نهج البلاغه می باشد. در زمینه قرآن نوشته هایی همچون پیش زمینه های برداشت از قرآن تفسیر سوره روم، لقمان، قمر و یوسف به رشته تحریر در آمده که هیچکدام به چاپ نرسیده است. و فعالیت دیگری که چند سال اخیر به آن مشغول بوده ام همکاری با دوستان و شاگردان زنده یاد استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) برای نوشتاری کردن سخنرانیهای ایشان در زمینه های مختلف معارف دینی بالاخص مباحثی در حوزه نهج البلاغه از جمله روش برداشت از نهج البلاغه شرح شقشقیه با عنوان مشکلات حکومت دینی شرح حکمت ۱۴۷ با عنوان خط انتقال معارف و شرح خطبه ۳۲ با عنوان روزگار ستمگر و...

فنجکردی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۱۳ / ۵۱۲ / ۵۰۳ -۴۳۳ ق)، ادیب، نحوی و شاعر. ملقب به شیخ‌الافاضل. نسبت وی به فنجکرد از توابع نیشابور می‌رسد. وی معاصر با زمخشری و نزدیک به عصر سید رضی بود و میدانی کتاب «السامی فی الاسامی» را، در لغت، به فارسی، به نام وی تألیف کرده و در سرآغاز کتاب او را در فضل و علم و ادب ستوده است. او را مدون «دیوان» امیر المومنین (ع) می‌دانند. در نیشابور درگذشت. از جمله آثارش:«تاج الاشعار» یا «سلوه الشیعه»، در اشعار حضرت امیرالمومنین (ع)؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۶ / ۸)، الذریعه (۸۴۹ / ۹ ،۲۲۳ / ۱۲ ،۲۰۵ / ۳)، ریاض العلماء (۳۵۴ -۳۵۲ / ۳)، ریحانه (۳۵۷ - ۳۵۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۱ / ۶)، فوائد الرضویه (۲۶۹ -۲۶۸)، الکنی و الالقاب (۳۵ -۳۴ / ۳) ، لغت‌نامه (ذیل/ علی فنجگردی)، معجم الادباء (۲۷۲ -۲۷۰ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۸ -۲۷ / ۷).

فندرسکی، ابوطالب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به فندرسک) میرزا ابوطالب فرزند ابوالقاسم فندرسکی. شاعر و منشی قر. ۱۲ ه. وی از شاگردان علامه مجلسی است و با میرزا عبداللّه افندی صاحب ریاض‌العلماء و نظایر وی معاصر و در یک حلقه‌ی تدریس با آنان به کسب علم مشغول بود. تألیفات او عبارتند از: ترجمه‌ی فارسی شرح لمعه‌ی شهید، حاشیه‌ی تفسیر بیضاوی، حاشیه‌ی خفری بر شرح تجرید قوشچی سامی که منظومه است، غزوات حیدری که نیز منظومه است، المنتهی در نجوم، نگارخانه‌ی چین که حاوی تمامی مکتوبات و منشات عربی و فارسی اوست.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فولادوند، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری ، در اول دی ماه ۱۲۹۹ در اراک متولد شد . او از سوی مادر ، نوه ی حجت السلام حاجی آقا محسن اداراکی و نبیره ی دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است . پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید ، در شهریور ۱۳۲۹ برای ادامه ی تحصیل به ویژه در رشته های شعر و ادب و هنر و زیبایی شناسی ، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته های دلخواه دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد . جناب فولادوند در آبان ماه ۱۳۴۳ (۱۹۶۴ م) به تهران بازگشت و تاکنون که بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش می گذرد ، در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه ، زیباشناسی ، زبان فرانسه ، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس

کرده است . او عضو انجمن فلسفه ی ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان است . مجموعه ی آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است . برخی از آثار چاپ شده ی ایشان از این قرار است :

ـ ترجمه ی [رباعیات] عمر خیام ، پاریس ، مزون نو ، ۱۹۶۰ ، طبع جدید آن با مقدمه و حواشی و « سخنان تازه درباره ی عمر خیام و رباعیات او » به پیوست آن . تهران ، فروغی .

ـ هیدا (در جستجوی زیبایی) ، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)

ـ سنفونیها ،چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)

ـ زن در اندیشه ی خدا (به فرانسه)

ـ دیوان اشعار و نوشته ها (آثار فارسی ـ بخش یکم)

ـ ترجمه ی کتاب المنقذ من الضلال (= زندگینامه ی خود نوشت فکری و فرهنگی غزالی ، عنوان ترجمه ی فارسی اش رهنمای گمراهان ، نشریات محمدی)

ـ نخستین درس زیبایی شناسی . انتشارات دهخدا .

ـ پاسکال ـ ونسی ـ بلندل . مجموعه کتابهای جیبی .

ـ زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی) . انتشارات کندی . در سالهای اولیه ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، که بنیاد قرآن تاسیس شد ، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته ی معاصر عرب ، نظیر سید قطب ، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است .

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۲ ق)، عالم امامی، محقق، حکیم، منطقی، متکلم، نویسنده، ادیب و شاعر.اصل وی از لاهیجان است، اما چجون مدت زیادی در شهر قم اقامت داشته و در حوزه‌ی علمیه آنجا تدریس می‌کرده به قمی نیز مشهور شده است. وی شاگرد و داماد صدرالمتألهین ملا صدرا محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی است. تخلص یا لقب فیاض را استادش به او داده است، چنان که لقب فیض را به دیگر دامادش ملاـ محسن کاشانی. او از بزرگان علمای شیعه و از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه‌عباس ثانی (۱۰۸۷ -۱۰۵۲ ق) است. وی در مدرسه حضرت معصومه قم تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش فرزندش میرزا حسن لاهیجی صاحب «شمع الیقین» می‌باشد. از دیگر شاگردانش قاضی سعید قمی است. وی در قم درگذشت و همان جا دفن شد. گر چه در برخی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی در ۱۰۵۱ ق ذکر شده اما با توجه به تاریخ تألیف «گوهر مراد» و «سرمایه ایمان» نمی‌تواند درست باشد. وی در حکمت و کلام و منطق صاحب تألیفات سودمندی است. از آثار وی: «گوهر مراد»، در اصول عقاید، به فارسی، که برای شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۸ -۱۰۵۲ ق)تألیف کرده است؛ «سرمایه‌ی ایمان فی اثبات اصول العقائد بطریق البرهان»، که تلخیص «گوهر مراد» است به فارسی؛ «شوارق الالهام»، در شرح «تجرید الکلام»، خواجه نصیر طوسی، به عربی؛ «حاشیه»‌ای بر «حاشیه» شمس‌الدین محمد خفری بر «الهیات شرح تجرید»، که به درخواست شاگردانش ترتیب داد؛ «حاشیه»‌ای بر «حاشیه» ملا

عبدالله یزدی بر «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ «حاشیه» بر «شرح الاشارات» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «شرح الهیاکل فی حکمه الاشراق»؛ رساله‌ی «حدوث العالم»؛ «مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام»، ناتمام؛ «الکلمات الیبه»، در محاکمه‌ی میان میرداماد و ملاصدرا در اصالت ماهیت میرداماد یا اصالت وجود ملاصدرا، که لاهیجی به نام شاه‌عباس ثانی نگاشته است؛ «دیوان» بزرگ شعر، به فارسی، مجموعه‌ای از قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند در منقبت پیامبر (ص) و ائمه (ع) بویژه امیرالمؤمنین (ع) و در مرثیه‌ی شهیدان کربلا (رض).[۱]

(بخش ۱) لاهیجی، عبدالرزاق بن علی متکلم و حکیم ایرانی (ف. ۱۰۵۲ ه.ق) وی داماد و شاگرد صدرالدین شیرازی بود و در ادب و شعر و کلام دست داشت. از اوست: شوارق دو جلد در شرح تجریدالکلام، گوهر مراد در کلام، سرمایه‌ی ایمان در کلام، شرح فصوص‌الحکم در تصوف (عربی)، شرح فصوص‌الحکم (به فارسی)، دیوان شعر شامل ۵۰۰۰ بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۸۴۹–۸۴۶ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۷۱–۴۷۰ / ۷)، ایضاح المکنون (۵۹ / ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۱ / ۴)، تاریخ علم کلام (۳۲۴–۳۲۲)، تذکره‌ی پیمانه (۴۱۲–۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۶)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)، دنباله جستجو درتصوف (۲۵۴–۲۵۱)، الذریعه (۲۳۸ / ۱۴، ۱۶۱ / ۱۳، ۸۵۳–۸۵۲ / ۹، ۱۹۰ / ۴)، روضات الجنات (۱۹۴–۱۹۲ / ۴)، ریاض العارفین (۲۲۷)، ریحانه (۳۶۳–۳۶۱ / ۴)، سیر در شعر فارسی (۳۸۴)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۶–۴۰۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۹ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۳۰–۴۲۹)، فوائد الرضویه (۲۲۹)، فلاسفه شیعه (۳۷۷–۳۷۵)، الکنی و الالقاب (۳۷–۳۶ / ۳)،لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرزاق)، معجم المؤلفین (۲۱۸ / ۵)، منتخب التواریخ (۷۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۲–۸۴۱ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۴–۲۱۳).

فیاض، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فیاض در سال ۱۲۶۱، در همدان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد.او پس از بازگشت نجف،در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. پس از آن در اواسط شهریور ماه ۱۳۰۸ ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۱۸) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال ۱۳۲۱) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. استاد محمد فیاض در خرداد ماه ۱۳۵۴ ه.ش دار فانی را بدرود گفته و به رحمت ایزدی پیوست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فیاض تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود همدان پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد. فیاض پس از اشتغال در دانشگاه تهران ، طبق قانون تاسیس دانشگاه سه رساله عربی در معانی و بیان و بدیع و یک رساله در شرح قسمتی از نهج البلاغه به زبان فارسی نگاشت و در نوزدهمین جلسه شورای دانشگاه ، به عنوان دکترای ادبیات شناخته شد.

استادان و مربیان : فیاض پس از اقامت دراصفهان در محضر میرزا جهانگیر خان قشقایی (عالم معروف و جامع علوم معقول و منقول) و آخوند ملاعبدالکریم گزی (سرپرست امور قضایی شهر اصفهان) ، آقا سید محمد باقر درچه ای (از مراجع بزرگ تقلید) به تحصیل مشغول گردید و ضمن آن در درس آخوند کاشی (آخوند ملا محمد کاشانی، حکیم و فقیه و ریاضیدان معروف) و عده دیگری از علمای آن عصر حاضر می شد. پس از سه سال اقامت در اصفهان و نوشتن دو رساله در فقه و اصول در سال ۱۲۸۲ ه.ش (۱۳۲۱ ه.ق) اصفهان را ترک کرد و به موطن خود، همدان، بازگشت. علمایی که فیاض در مجلس درس آنان حاضر می شده عبارت بودند از: آخوند ملاـ محمد کاظم خراسانی(صاحب کتاب معروف کفایت الاصول)، آقا سیدمحمد کاظم یزدی (صاحب کتاب مشهور عروه الوثقی)، میرزا فتح الله نمازی شیرازی معروف به شیخ الشریعه یا شریعت اصفهانی، از مشاهیر علمای آن عصر نجف، شیخ عبدالله مازندرانی از مراجع بزرگ دوره مشروطه، آخوند ملامحمد علی نخجوانی، مرجع تقلید شیعیان قفقاز. آخوند ملاعلی امامی خوانساری از مدرسین معروف نجف.

وقایع میانسالی : فیاض در سالهای آخر تدریس دچار ضعف بینایی شد و با اینکه دانشکده ادبیات در آن ایام در باغ نگارستان (شمال میدان بهارستان) قرار داشت و از محل سکونت ایشان چندان دور نبود، اغلب با کمک فرزندان و دوستان به دانشکده می رفت .

زمان و علت فوت : محمد فیاض در خرداد ماه ۱۳۵۴ ه.ش دار فانی را بدرود گفته، به رحمت ایزدی پیوست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد فیاض چندی سرپرست حوزه علمی به نام (مدرسه کوچک) گردید. همچنین به مدت پانزده سال در همدان به عنوان امامت جماعت مسجد برگزیده شد.

فعالیتهای آموزشی : محمد فیاض در یکی از حوزه های علمی همدان به نام مدرسه کوچک به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت. در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. حاج آقا محمد فیاض اواسط شهریور ماه ۱۳۰۸ ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۱۸) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس می کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال ۱۳۲۱) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. فیاض در دانشکده های یاد شده، نهج البلاغه،بیان و زبان عربی تدریس می کرد و در سال ۱۳۳۰ با تصویب شورای دانشگاه کرسی زبان عربی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به ایشان تفویض گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فیاض هنگام اقامت در همدان، علاوه بر مسجد و مدرسه ، بنا به دعوت مشاتاقان در منازل آنان حضور یافته، ضمن اقامه نماز در اول وقت، حاضرین را با معارف دین و شرایط بندگی و تکالیف شرعی آشنا و با نصایح خود راهنمایی و هدایت می کرد، این دوره ها تا پایان اقامت ایشان در همدان برگزار شد و از آن پس بنا به تقاضا و دعوت مشتقان تهرانی، در تهران برگزار گردید. نام وی در دفاتر انجمن ادبی همدان ذکر شده است و دکتر مهدی درخشان استاد فقید دانشکده

ادبیات دانشگاه تهران، در کتاب « بزرگان و سخن سرایان همدان» در این خصوص نوشته است: « حاج آقا محمد فیاض علاوه بر مقام فقاهت و اجتهاد دارای ذوقی سلیم وطبعی لطیف است، اشعاری نغز و دلنشین سروده است که بسیاری از آنها از میان رفته. وی در سال ۱۳۰۷ ه.ش. از اعضای برجسته انجمن ادبی همدان بود....» ---

منابع :

۱فرهنگ همدان،سال دوم، شماره ۸،زمستان ۱۳۷۵

فیروزآبادی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب بـه فیروزآبـاد) مجدالـدین محمـد بـن یعقـوب شـیرازی فیروزآبـادی مکنی به ابوطـاهر، ادیب و لغت‌شـناس زبـان عربی (و فیروزآباد (فارس) ۷۲۹ ه.ق/ ۱۳۲۹ م.- ف. زبید (یمن) ۸۱۷ ه.ق/ ۱۴۱۵ م.). وی نخست در شیراز و سپس در واسط و بعد در بغداد به تحصـیل پرداخت و نیز مدتی در دمشق در محضر درس تاج‌الدین عبدالوهاب سبکی حاضر می‌شد، و با وی سفری نیز به اورشلیم کرد و در آنجا مـدت ده سال به تدریس پرداخت، و سـپس به آسـیای صـغیر، قاهره و مکه مسافرت کرد و مدت پانزده سال در مکه سـاکن شـد. آنگـاه به دهلی و پس از پنـج سـال بار دیگر به مکه بازگشت و دو سال دیگر آنجا اقامت کرد. پس به دربار احمـد بن اویس جلایری (بغـداد) رفت و سـپس سـفری به شـیراز کرد و در آنجا با امیرتیمور ملاقات نمود و بعـد از راه هرمز و خلیـج‌فارس به یمـن رفـت و قاضـی‌القضاۀ یمـن شـد و دختـر سـلطان الملک‌الاشـرف را بـه زنی گرفـت و سـپس بـار سـوم بـه مکه رفت و در آنجا مـدرسه‌ای برای تـدریس فقه مالکی تأسـیس کرد و مجدداً به یمن بازگشت و در شـهر زبید درگذشت. شـهرت وی به سـبب تألیف ارجمند اوست در لغت عرب موسوم به القاموس المحیط معروف به قاموس (ه.م).

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۷ / ۸۱۶ -۷۲۹ ق)، عـالم لغوی، ادیب، مفسـر، قاضـی و فقیه شـافعی. نسـبش به شـیخ ابواسـحاق شـیرازی و به روایتی به ابوبکر صدیق می‌رسـید و لذا او خود را صدیقی معرفی می‌کرد. اصل وی از فیروزآباد شـیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آن جا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شـیراز رفت و از محضـر علمای آنجا اسـتفاده نمود، سـپس به بغداد، مصـر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف را از اساتید مکانهای مختلف فراگرفت. در دمشق در محضـر درس ابن‌قیم و تقی‌الدین سبکی و فرضی و شیخ خلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزیدخان عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملک اشرف اسـماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شـد. مـدت بیست سال قاضـی شـهر زبید یمن بود، تا به مقام قاضـی‌القضاتی یمن و

درجه‌ی شیخ‌الاسلامی رسید. و وی در زبید یمن درگذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شرح حال فیروزآبادی نگاشته است. از فیروزآبادی حدود چهل تصنیف ذکر کرده‌اند. از آثارش: «قاموس المحیط و القابوس الوسیط الجامع لماذهب من کلاما لعرب شماطیط»، که به «قاموس اللغه» نیز معروف است، در چهار جزء، که مهمترین اثر وی می‌باشد؛ «اللامع المعلم العجاب الجامع بین المحکم و العباب»، در شصت مجلد که پس از آن آنها را در دو مجلد خلاصه کرد؛ «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز»، در دو مجلد؛ «الجلیس الانیس فی اسماء الخندریس»؛ «المرقاه الوفیه فی طبقات الحنفیه»؛ «البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغه» یا «البلغه فی تاریخ ائمه اللغه»؛ «سفر السعاده»، در حدیث و سیره نبوی؛ «نغبه الرشاف من خطبه الکشاف»؛«نزهه الاذهان فی تاریخ اصفهان»؛ «تحبیر الموشین فی مایقال بالسین و الشین»؛«الاسعاد بالاصعاد الی درجه الاجتهاد»؛ «الدرر الغالی/ الدرر الغوالی فی الاحادیث العوالی»؛ «الدرر النظیم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسیر؛ «النفحه العنبریه فی مولد خیر البریه (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بانت سعاد»؛ شرح «صحیح» بخاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۰۶، ۸۵، ۸۰ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۶۱ / ۲)، روضات الجنات (۹۷ - ۹۲ / ۸)، ریحانه (۳۶۸ -۳۶۵ / ۴)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۹۳۹، ۱۶۵۷، ۱۴۸۰، ۲۵۳ -۲۵۲، ۱۴۹، ۹۰، ۸۷، ۸۵)، الکنی و الالقاب (۳۹ -۳۷ / ۳)، قاموس المحیط (مقدمه/ ۴۸ -۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (۱۱۹ -۱۱۸ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۱۳)، هدیه العارفین (۱۸۱ -۱۸۰ / ۲).

فیروزآبادی، یعقوب

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۱- محمد بن یعقوب فیروزآبادی متوفی ۸۱۷ و مدفون در یمن صاحب کتاب (قاموس الاعلام) در لغت که چندین شرح و حاشیه بر آن خورده و تمامی مطبوع می‌باشد منسوب به این شهر است.

وی عالمی فاضل و تحریری کامل بوده در ممالك روم و حجاز و غیرها سفرها نموده و با قبایل عرب مجالستها کرده و هشتاد سال عمر نموده است.

شروحی که به کتاب او خورده به اسامی زیر است.

۱- تاج‌العروس فی شرح القاموس ۲- الجاموس ۳- الفانوس ۴- رجل الطاوس و...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض کاشانی، محسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۹۱ -۱۰۰۷ ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم‌الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر

دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملاـ محمدهادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فلیسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمتألهین، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج کرد. فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهائی و ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و شیخ محمد فرزند صاحب «معالم» حدیث روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله جزایری از وی اجازه‌ی حدیث گرفتند. گستردگی و احاطه‌ی علمی او تا بدانجاست که عده‌ای نسبت به وی، له و علیه، تعصب ورزیدند و مدح و ذمش نمودند. گرچه عده‌ای از مخالفان آن‌گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سویش رفتند و در مقام اعتذار خطاب به او (یا محسن! قد اتاك المسیء) گفتند. فیض در تمام فنون شعری مهارت داشت و اشعار زیبایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان درگذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است. فیض در حدود یکصد و بیست اثر در فنون مختلف دارد، که از آن جملفه: «الصافی»، تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الصفی»، و خلاصه‌ی «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «الوافی»، در حمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشلکات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لباب «وافی» است؛ «مفاتیح الشرایع»، تمامی مهمات احکام و مسائل دوره‌ی فقه؛ «عم الیقین فی اصول‌الدین»، و ملخص آن «المعارف»؛ «عین الیقین فی اصول الدین»؛ «الحق الیقین»؛ «خلاصه الاذکار»؛ «بشاره الشیعه»؛ «المحجه البیضاء فی احیاء الاحیاء»، در علم اخلاق، که در آن «احیاء العلوم» غزالی را مهذب کرد و مطالب حقی آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تایید نمود؛ «الحقائق»، که لباب و ملخص «محجه» است؛ «نقد الاصول»؛ «نوادر الاخبار»؛ «سفینه النجاه»؛ شرح مختصر «صحیفه سجادیه»؛ «من لا یحضره التقویم»؛ «تشریح العالم»، در هئیت؛ «دیوان» شعر؛ «مثنویات»؛ «گلزار قدس»، در مراثی و قصائد و رباعیات و غزلیات.[۱]

(فیض) ملا محسن محمد بن شاه ملقب به محسن و معروف به ملا محسن فیض کاشانی از اجله‌ی علمای امامیه‌ی قرن یازدهم هجری قمری و عهد شاه عباس دوم صفوی است که در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و ادب و علوم عقلی و نقلی متبحر و استاد بوده است. وی در قم اقامت داشت لیکن برای تحصیل به شیراز مسافرت نموده علوم شرعی را از سید ماجد و علوم عقلی را از ملاصدرا و میرداماد دریافته و با دختر ملاصدرا نیز ازدواج کرد. آثارش متجاوز از ۱۲۰ می‌باشد و از میان آنها میتوان: مثنوی آب زلال، ابواب‌الجنان، الاستقلالیه، اصول‌العقاید، اصول‌المعارف، الامالی، انوارالحکمه، الشافی، حاشیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، شراب طهور، من لا یحضره التقویم، الوافی، نقدالاصول الفقهیه، نوادرالاخبار، والصافی را نام برد. وفاتش در سال ۱۰۹۱ ه.ق در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ایضاح المکنون (۷۰۱، ۶۷۹، ۶۷۴، ۶۱۳، ۵۸۹، ۵۲۱، ۵۰۸، ۴۵۶، ۴۴۲، ۴۰۰، ۳۹۸، ۳۷۹، ۳۷۸، ۲۲۵،۲۲۶، ۲۱۲، ۱۴۸، ۱۳۲، ۱۱۹، ۷۵، ۶۳، ۶۰، ۳۹، ۱۹ / ۲، ۶۰۶، ۵۵۹، ۵۴۳، ۴۳۳، ۴۰۸، ۴۱۰، ۳۶۳، ۳۳۵، ۲۹۰، ۲۸۷، ۱۸۳، ۱۴۳، ۹۳، ۹۱، ۹۰، ۵۴، ۳۲ / ۱)، بحارالانوار (۱۲۴ / ۱۰۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۰ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۶ -۳۲۸ / ۵)، تاریخ برگزیدگان(۳۸ -۳۷)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۰۱ -۱۹۸)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۵۵ -۵۵۱)، تاریخ کاشان (۲۷۸ -۲۷۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۵)، خاته مستدرك الوسایل (۲۳۶ -۲۳۵ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۷۱ / ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۲۵۸ -۲۵۴)، دویست سخنور (۳۱۳ -۳۱۱)، الذریعه (۲۰۵، ۹۹ -۹۸، ۷۴، ۱۴ -۱۳ / ۲۵، ۳۴۸، ۳۴۴، ۲۷۳، ۱۰۳، ۹۸ -۹۷ / ۲۴، ۳۱۷ -۳۱۶ / ۲۳، ۴۳۱، ۴۱۸، ۴۰۶، ۳۷۶، ۳۲۲، ۲۳۲۲۳۱ / ۲۲، ۳۰۳، ۲۸۰ -۲۷۹، ۲۱۰، ۱۸۷ / ۱۳۰، ۶۸ - ۶۷ / ۲۱، ۲۶۰ -۲۵۹، ۱۴۶ -۱۴۵ / ۲۰، ۲۱۰، ۱۴۳ / ۱۹، ۲۸۶، ۲۸۲ -۲۸۱، ۲۵۷، ۲۱۸، ۱۲۰ -۱۱۹، ۱۱۹، ۱۱۶ / ۱۸، ۷۵ / ۱۷، ۳۹۳، ۳۸۵، ۶۶ -۶۵ / ۱۶، ۳۷۴، ۳۲۶، ۱۲۷، ۵ / ۱۵، ۲۵۲، ۲۴۷ / ۱۴، ۳۵۹، ۴۵، ۴۴، ۱۰ -۹ / ۱۳، ۲۰۳ -۲۰۲، ۱۲۴، ۳ -۲ / ۱۲، ۲۴۵ / ۱۱ ۸۵۴ -۸۵۳، ۶۹۹ / ۹، ۲۸۲ / ۸، ۲۱۱، ۳۸، ۲۸ / ۷، ۱۴۶، ۹۰ / ۶، ۱۹۳، ۱۷۲، ۱۲۵،۱۲۶، ۸۵، ۸۲، ۱۷ -۱۶ / ۵، ۴۸۱، ۴۷۱، ۴۵۹،

۴۰۳ – ۴۰۰، ۲۳۴، ۲۰۱، ۱۸۹، ۱۸۸– ۱۸۲، ۱۱۷، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۰– ۱۰۹، ۱۰۶، ۹۶ / ۴، ۱۱۶– ۱۱۵ / ۳، ۴۸۵– ۴۸۴، ۴۲۵، ۴۰۳، ۳۹۸، ۳۴۹، ۳۱۲، ۲۹۳، ۲۶۱، ۲۴۴، ۲۲۳، ۲۱۲– ۲۱۱، ۱۹۸، ۱۷۹– ۱۷۸، ۱۲۴، ۳۳ / ۲، ۴۲۴، ۴۰۶، ۲۸۴، ۷۷، ۵۳، ۲۴، ۲، ۱ / ۱)، روضات الجنات (۹۷ –۷۳ / ۶)، ریاض العارفین (۲۲۶ –۲۲۵)، ریاض العلماء (۱۸۲ –۱۸۰ / ۵)، ریحانه (۳۷۹ –۳۶۹ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۸۳ –۳۸۲)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۴ –۴۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۲ –۴۹۱ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۸۶ –۳۸۵)، فرهنگ سخنوران (۷۲۴)، فلاسفه‌ی شیعه (۵۶۰ –۵۵۶)، فوائد الرضویه (۶۴۲ –۶۳۳)، الکنی و الالقاب (۴۲ –۳۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فیض)، مجمع الفصحا (۴۹ –۴۸ / ۴)، مراقد المعارف (۴۰۵ –۴۰۴ / ۱)، مستدرک اعیان (۳۰۹ –۳۰۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۸ –۷۹۹ / ۵)، نتایج الافکار (۵۴۱)، وقایع السنین و الاعوام (۵۳۶ –۵۳۵)، هدیه الاحباب (۲۳۳).

فیض مرندی، مقصود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۱۵.

درگذشت: ۱۸ آذر ۱۳۶۹.

مقصود فیض مرندی فارغ‌التحصیل رشته‌ی نمایشنامه‌نویسی از دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک است. وی از سال ۱۳۴۱ شروع به همکاری با مطبوعات نمود و به نوشتن داستان‌های فکاهی و ترجمه‌ی آثار ناظم حکمت و عزیز نسین از زبان ترکی پرداخت. در روزنامه‌ی «توفیق» هم با امضای «دیلاق» مطالبی را به چاپ می‌رساند. او همچنین با مجله‌های «سپید و سیاه»، «خواندنیها»، «کاریکاتور»، «اطلاعات هفتگی»، «تهران مصور»، «امید ایران» و برخی نشریه‌های دیگر همکاری می‌کرد.

مرندی دبیر زبان آموزش و پرورش و کارشناس تئاتر کرمانشاه بود و سال‌ها به عنوان معاون هنرستان موسیقی، مجتمع دانشگاهی هنر خدمت کرد. وی در سال ۱۳۶۳ بازنشسته شد.

از ترجمه‌های او می‌توان از خانه‌ی آن مرحوم و آدم عوضی (دو نمایشنامه از ناظم حکمت) و کتاب‌های عزیز نسین نظیر میهمانان خارجی، مرگ مشکوک، پس‌انداز کارمند، یک خارجی در استانبول، جاسنجاقی، مهمان آمریکایی و پرونده‌ی اداری نام برد. او ترجمه‌های مشترکی هم با همسرش پروین صمیمی داشت: وظیفه‌ی ملی؛ اجاره‌نشین؛ زنده باد وطن؛ شهرداد نمونه؛ دم بریده.

مقصود فیض مرندی روز هیجدهم آذر سال ۱۳۶۹ به علت سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قادری سهی، بهزاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهزاد قادری سهی درسال ۱۳۳۱ در شهر زاهدان دیده به جهان گشود. بعد از کلاس اول ابتدایی در زادگاهش به شهر کرمان رفتند و سه سال در آنجا بودند بعد به شهر بجنورد رفتند و سال پنجم تحصیل خود را در آن شهر سپری کردند.گروه : علوم انسانی رشته :

زبـان و ادبیـات انگلیسـی گرایش : ادبیـات نمایشـی والـدین و انسـاب : پـدر بهزاد قـادری سـهی اصـفهانی و مـادرش اهـل سیسـتان بودند.پدرش همردیف بود؛ یعنی در پست مهندسـی ارتش و با لباس شخصی مسئولیت فنی موتورهای برق و آب مناطق را بر عهده داشت. مـادرش خـانه دار است و از طایفه توکلی های سیسـتان و بلوچسـتان است.خاطرات کودکی : خاطرات کودکی بهزاد قادری سهی به زبـان خودش: شـش سال اول زنـدگی را در زاهـدان زنـدگی کردم. از همان کودکی با پـدرم به سـفر می رفتم.. شب های کویری و خرگوش هـایی که نور چراغ اتومبیـل آن هـا را چراغی می کرد، وهم شب هـای کویر و جیغ و زوزه حیوانـات و آدم هـا. آنچه سـخت در ذهنم جا خوش کرده روز اول دبسـتان بود، در نمی دانم کجای زاهدان.. سرگشـته، از کلاسی به کلاسی دیگر می رفتم. در یک کلاس نقشه پلاس جهان بود: می خواسـتم بدانم من کجای این جهان هسـتم! دلهره ای همراه ناامیدی اما شـیرین. بعد هـا، خـودم کـه به کلاـس پنجم رسـیدم برای درس جغرافی زمین را نقش زدم که معلمم، آقـای عبـدالرمضانی، خیلی تشـویقم کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهزاد قادری سهی بعد از گذران تحصیلات اولیه خود در شهرهای زاهدان ، کرمان و بجنورد، مقاطع تحصیلات لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۴گذراند و فوق لیسانس ادبیات آمریکا، دانشـگاه شـیراز، شـیراز، ۱۳۵۷طی کرد، و دکـترای ادبیـات نمایشـی قرن نـوزده و سـه دهـهٔ ۱۹۶۰-۱۹۹۰دربریتانیـا به اتمـام رسانیـد.خـاطرات و وقایع تحصـیل : از وقایع تحصـیل بهزاد قادری سـهی به زبان خود او: آن روز ها رشـته پزشـکی خیلی طرفـدار و اعتبـار داشت. من در کنکور که شـرکت کردم، انتخـاب اولم زبـان وادبیـات انگلیسـی دانشـگاه مشـهد بود. وقـتی هم که از امتحـان برگشتم، به مادرم گفتم"، کاسه بشقاب من را آماده کن، دارم میرم مشهد! "ولی وقتی قبول شدم، فوج دوستان پیش پدرم رفتند که نگذارد من در رشـته ادبیات انگلیسـی درس بخوانم. ولی او گفته بود"، هرچه خودش می خواهد ".خاطره خوشـی که از این دوران دارم، به ویژه دوره کارشناسی، بیرون آمدن از کتابخانه دانشکده همراه با رفتگر و در دیر وقت شب هاست. فعالیتهای ضمن تحصیل : بهزاد قادری سـهی تنها مطالعه می کرد و در عین حال تـدریس هم می کرد. در دوره کارشناسـی ارشـد، در شـیراز، دانشـکده اش کنار حافظیه بود .اسـتادان و مربیان : از اسـتادان بهزاد قادری سـهی در دوره تحصـیلات تکمیلی به شرح زیر است: دوره کارشناسی: دکتر قنادان، دکتر فرخ، خانم شایگی، اسـتاد حدیدی، اسـتاد صدر، استاد برادران رفیعی دوره کارشناسی ارشد: دکتر بالیتاس، دکتر ویلیام هاروی، اسـتاد یارمحمدی، اسـتاد ابجدیان دوره دکتری: راجر هاوارد، پیتر هیوم، الین جوردن، آنجلا لیوینگسـتن هم دوره ای هـا و همکـاران : از همـدوره ایهـای دکتر بهزاد قادری سـهی می توان به دکتر علیرضا امامی، دکتر علیرضا انوشـیروانی، دکتر هادی کامیـابی، دکتر فارسـیان، دکتر جهـانبخش لنگرودی اشـاره نمود.همسـر و فرزنـدان : بهزاد قـادری سـهی ازدواج کرده و حاصل این ازدواج چهار فرزند است که: دو پسر (سیاوش و سعید) و دو دختر (مریم و مهردیس). سیاوش در شهریور ۸۶ تخصصش را در رشته پاتولوژی دانشـگاه علوم پزشـکی تهران تمام می کند؛ سـعید کارشناسی ارشد عمران را تمام خواهد کرد؛ مریم در رشته کارشناسی ارشـد گیاهپزشـکی درس می خوانـد و مهردیس دارد خودش را برای ورود به مراحل دیگر زنـدگی آماده می کند.وقایع میانسالی : شهـادت برادر بهزاد قادری سـهی به نام حیـدرعلی قادری سـهی، در سوسـنگرد در سال ۱۳۶۰. در گـذشت پـدرم در سال ۱۳۸۲ در شهرسـتان بجنورد. انتقـال از دانشـگاه شـهید بـاهنر کرمـان به دانشـگاه تهران در سـال ۱۳۸۴.مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : ۱- سرپرستی کتابخانه ملی کرمان در بدو تاسـیس ۲-سـرپرستی گروه زبانهای خارجی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان ۳-معاونت آموزشی دانشکده هنر، دانشگاه کرمان ۴-عضو هیات تحریریه نشـریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۵-عضو شورای تخصصی گروه زبان و ادبیات انگلیسی ۶- عضو هیـات امنای تئاتر کرمان به مـدت دو سال ۷- عضو هیات ممیزه دانشـگاه های جنوب شرق ایران ۹-عضو هیات تحریریه نشریه پژوهش زبان های خارجی، دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران ۱۰- عضو مرکز ایبسن شناسی دانشگاه اسلو-نروژ فعالیتهای آموزشی : ۱- تدریس دروس نقد ادبی، نمایشـنامه، مکتبهای ادبی، اصول و روش ترجمه، شـعر، رمان، داستان کوتاه و نثر انگلیسـی در دانشـگاه کرمان از مهر ماه ۵۷ تا ۸۴. ۲-تدریس همین دروس در دانشـگاه آزاد کرمان. ۳- تدریس همین

دروس در دانشگاه ولی عصر(عج) رفسنجان (به مدت چهار ترم) ۴- تدریس دروس فوق و نیز دروس کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی در دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران ۵- تدریس دروس عصر روشنگری، عصر رمانتیسیسم، و نمایشنامه قرن نوزدهم در مقاطع کارشناسی و کار شناسی ارشد در دانشگاه Essex انگلستان از سال ۱۳۷۲ تا پایان تحقیقاتِ دورهٔ دکتری (۱۳۷۶). ۶- شرکت در تدوین برنامه دوره دکتری زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ۱- پژوهش در زمینه ادبیات نمایشی ۲-ترجمه و تالیف مقاله و کتاب ۳-راهنمایی پایان نامه و تشویق دانشجویان به استخراج مقاله از آن ها شاگردان : ۱-دکتر پیرنجمالدین، دانشگاه اصفهان ۲-دکتر امید طبیبزاده، دانشگاه همدان ۳-دکتر طاهره احمدیپور، دانشگاه ولی عصر (رفسنجان) ۴-دکتر محمد حسن حفیظی، دانشکاه فلوریدا، آمریکا ۵-دکتر محمد شهابی، دانشگاه آزاد کرمان ۶-دکتر آزاد منش، دانشگاه آزاد کرمان ۷-خانم ناهید فخرشفایی، دانشگاه شهید باهنر کرمان ۸-خانم زهرا میهنخواه، دانشگاه شهید باهنر کرمان (مرحوم) ۹-دکتر رضا پاشا مقیمی، دانشگاه آزاد کرمان همفکران فرد : ۱-آقای اکبر رادی، نمایشنامه نویس ۲-آقای جلال ستاری، نویسنده و منتقد ۳-خانم لاله تقیان، نویسنده و منتقد ۴-آقای یدا... آقاعباسی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان ۵-دکتر حسین پیرنجم الدین، دانشگاه اصفهان ۶-دکتر محمد مرندی، دانشگاه تهران ۷-دکتر آزبیورن اورشیث، دانشگاه برگن-نروژ ۸-دکتر کنوت برینتسول، دانشگاه اسلو- نروژ ۹-دکتر فروده الان، دانشگاه اسلو-نروژ ۱۰-دکتر ویگدیس استا، دانشگاه اسلو-نروژ ۱۱-دکتر پیتر هیوم، دانشگاه اسکس-انگلیس ۱۲-دکتر توماس برتونیو، دانشگاه دولتی نیویورک ۱۳-دکتر جون تمپلتن، دانشگاه نیویورک ۱۴-دکتر کاری مایزر، دانشگاه پنسیلوانیا آرا و گرایشهای خاص : گرایش به مکتب رمانتیسیسم، شیوه جدلی هگلی و تکیه بر ایبسن به عنوان یکی از جدلی اندیشان دوران مدرنجوائز و نشانها : ۱-استاد نمونه دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۷۶ ۲-لوح تقدیر برای ترجمه متون نمایشی در استان کرمان در سال ۱۳۷۸ ۳-نمایشنامه مرد یخین می آید به عنوان ترجمه برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: ۲۶ شهریور ماه ۸۴. ۴-ترجمهٔ مرگ تراژدی به عنوان پژوهش و ترجمهٔ برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: ۲۶ شهریور ماه ۸۴. ۵-لوح سپاس از سوی سفارت نروژ در تهران و مرکز هنرهای نمایشی در سال ۱۳۸۵ برای پژوهش در باره آثار ایبسن. ۶-با چراغ در آینه های قناس، نوشته بهزاد قادری، نشر قطره، ۱۳۸۴، به عنوان کتاب برتر سال در میان کتب دانشگاهی در سال ۱۳۸۴. چگونگی عرضه آثار : بهزاد قادری سهی بیش از ۱۹ طرح نمایشنامه را ترجمه کرده است و عهده دار ۱۰ترجمه مقاله را داشته، وی ۳۹ مقاله در عنوانهای مختلف ارائه داده است.آثار : ۱ Theatres of the Mind ویژگی اثر : B. Ghaderi Sohi,: Revolutions and British Drama, New Delhi, Bahri Publications, ۲۰۰۲.۲ ایبسن ویژگی اثر : بهزاد قادری: آرمانشهر و آشوب، زیر چاپ۳ با چراغ در آینه های قناس ویژگی اثر : بهزاد قادری، ادبیات نمایشی رمانتیسیسم و تئاتر پسا-مدرن، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۴.۴ گذر از تئاتر ارسطویی به درام پسا-مدرن، کرمان ویژگی اثر : بهزاد قادری، انتشارات دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ۱۳۸۲۵ مرگ تراژدی ویژگی اثر : جورج اشتاینر، زیر چاپ. تهران: مرکز هنر های نمایشی. این کتاب بررسی نسبتا جامعی است در باره زوال تراژدی از یونان باستان تا دهه ۶۰ قرن بیستم و یکی از کتب بسیار ارزشمند و مرجع برای دانشجویان و علاقمندان به هنر تئاتر و نمایشنامه نویسی است.۶ هر کسی را اصطلاحی داده اند ویژگی اثر : بهزاد قادری، شش گفتار پیرامون ترجمه متون نمایشی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۲

قاسمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، نویسنده و مترجم. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطن خود گذراند و سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشسرای عالی در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. بعد از فراغت از تحصیل در وزارت فرهنگ عهده‌دار مشاغلی چند از جمله: دبیر دبیرستانهای اصفهان، ریاست دبیرستان کرمان، ریاست چند دبیرستان در تهران، ریاست دفاتر دانشسرای عالی دانشکده علوم و ادبیات، ریاست فرهنگ شهرهای یزد و همدان و کرمانشاه شد. از آثار وی: «این جنگ عجیب آن طور که من دیدم»، ترجمه؛ «بیماری کودکی کمونیسم»، ترجمه؛ «منشأ خانواده و دولت»؛ «حزب توده‌ی ایران چه می‌گوید و چه می‌خواهد»؛ «چند موضوع از اقتصاد»؛ «جامعه را بشناسید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۳ / ۲ ،۱۱۵۶، ۱۱۱۸، ۱۰۰۲، ۵۶۳، ۴۲۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۴ -۴۳۳ / ۱).

قاصر زهانی قاینی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر. مشهور به قاصر. اصل وی از زهان قاین است. تحصیلات خود را در زهان قاین و مشهد به پایان رساند. وی در ایام اقامت خویش در مشهد در مدرسه‌ی خیراتخان با شاعر مرثیه‌سرا عبدالجواد جودی (م ۱۳۰۲ ق) آشنا شد. از آثارش: «تذکره الباکین»؛ «دیوان» شعر؛ کتابت و ترمیم نسخه‌ای از «مثنوی» مولوی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۴۲۲ - ۴۲۰).

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۸ -۳۷۸ ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، مفتی، ادیب و شاعر. در نسای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت، و از قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت. سپس به عراق و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابو بکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در نیشابور و ابوذر هروی در مکه و ابن‌نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمسار در دمشق و ابومعمر اسماعیلی در گرگان حدیث شنید.او مجالس املای حدیث برپا کرد و درباره‌ی احادیث سخن گفت.ابوعبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کردند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت‌های مهم از وی استفاده می‌کردند. امیر طغرل بیگ او را به دارالخلافه‌ی بغداد فرستاد و وی از جانب ملکشاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده‌دار امر قضاوت خوارزم کرد و به وی لقب أقضی القضات بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای آثاری در زمینه‌ی «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می‌گفت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۴ / ۷)، سیر النبلاء (۴۷۸ –۴۷۷ / ۱۸)، طبقات المفسرین الداوودی (۱۸۱ –۱۷۸ / ۲).

قاضی سعید، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۳ –۱۰۴۹ ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی. معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملاـ عبدالرزاق لاـهیجی و ملاـ رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می‌باشد. در قم درگذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صناعیه» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در ۱۰۹۹ ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماءالله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهل حدیث در معارف که سراسر تحقیقات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصلاه»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و...

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۴۴ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۰ –۳۳۶ / ۵)، الذریعه (۱۳۲ / ۱۸ ،۳۴۱ – ۳۴۰ / ۱۶ ،۱۵۴ –۱۵۳ / ۱۳ ،۴۹ / ۷ ،۳۹۱ ،۱۱۱ ،۱۲ / ۶ ،۴۷۹ / ۴ ،۵۱ / ۲ ،۴۳۷ –۴۳۶ ،۴۱۸ –۴۱۷ / ۱)، روضات الجنات (۱۲ –۱۰ / ۴)، ریاض العلماء (۲۸۵ –۲۸۴ / ۲)، ریحانه (۴۱۳ –۴۱۲ / ۴ ،۵۹ / ۲)، الکنی و الالقاب (۵۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۳۸ / ۱۰).

قاضی طباطبایی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ –۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه، مورخ و مصحح. قاضی از ۱۳۳۴ ش متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زبانزد اکثر دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تحشیه «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ حواشی و تعلیقات بر «تجارب السلف». از وی مقالات بسیاری در نشریه‌های کتابخانه‌ی ملی تبریز و دانشکده‌ی ادبیات تبریز به چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه‌ی امروزی»؛ «محضر و محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره‌ی ادبی»؛ «اشتباهات تاریخی تجارب السف»؛ «خاطراتی چند از استاد عبدالرسول خیامپور»؛ «حکم استیناف ضیاءالعلماء» را می‌توان نام برد.[۱]

ادیب، مدرس.

تولد: ۱۲۹۵.

درگذشت: ۱۸ اسفند ۱۳۶۴، تهران.

سید حسن قاضی طباطبایی از سال ۱۳۳۴ متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» و «کتابخانه‌ی ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی تجارب السلف (۱۳۵۱) و تجربة الاحرار و تسلیة الابرار (اثر عبدالرزاق بیک دنبلی در دو جلد، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] نشر دانش (س ۶، ش ۳، ص ۸۸).

قاضی، نعمت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۳.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از نعمت‌الله قاضی که نام مستعار در برخی از آثار «شکیب» بود، آثار زیر به جای مانده است: اسلام از دیدگاه تاریخ (تهران، ۱۳۶۷)؛ ایل قاجار در پهنه‌ی تاریخ ایران (۱۳۷۰)؛ برگزیده‌ای از دیوان پروین اعتصامی (تبریز، ۱۳۶۷)؛ به سوی سیمرغ: منظومه منطق الطیر (اثر شیخ عطار نیشابوری به نثر پارسی، با مقدمه، پاورقی، فهرست و چند بحث انتقادی، تهران، ۱۳۶۹، ۱۳۶۲)؛ عشق و مرگ پوشکین (مجموعه چند داستان؛ تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قاضی‌زاده‌ی اردبیلی، ظهیرالدین کبیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۳۰ ق)، عالم، ادیب، فقیه و شاعر. پس از جنگ چالدران سلطان سلیم در بازگشت از تبریز وی را به همراه اسیران با خود به روم برد. وی در نزد او مقام و رتبتی یافت و «وفیات الاعیان» ابن‌خلکان را برای وی به فارسی ترجمه کرد. قاضی‌زاده در انشاء، شعر و خط توانا بود. چون به عقاید شیعه‌ی امامیه گرایشی پیدا کرد او را گرفتند و کشتند و سرش را بر دروازه‌ی زویله قاهره آویختند. از آثارش: ترجمه «وفیات الاعیان»، که در «معجم المؤلفین»، «مختصر وفیات الاعیان» ذکر شده؛ «تاریخ سلطان سلیم»؛ «دیوان» شعر. در «کشف الظنون» اظهرالدین اردبیلی و کبیر بن اویس لطیفی، مشهور به قاضی‌زاده، با احتمال این که یکی باشند جدا از هم ذکر شده‌اند. در «شذرات الذهب» و «معجم المؤلفین» ظهیرالدین قاضی‌زاده اردبیلی بدون ذکر نام و نام پدر آمده است.[۱]

اردبیلی، ظهیرالدین، دانشمند اوایل قر. ۱۰ ه. (مقت. ۹۳۰ ه.ق). وی تا هنگام تصرف تبریز توسط سلطان سلیم عثمانی در آن شهر به تدریس مشغول بود و همراه سلطان مذکور به استانبول رفت و در آنجا برای وی مقرری تعیین شد. سپس به مصر رفت و در

سرکشی احمد پاشا به هواداران او پیوست و همراه وی کشته شد. در شعر و انشاء و خوش‌نویسی دست داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان آذربایجان (۲۵۰ -۲۴۹)، الذریعه (۸۷۰ -۸۶۹ / ۹)، شذرات الذهب (۱۷۳ / ۸)، فرهنگ سخنوران (۷۳۵)، کشف الظنون (۲۰۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده اردبیلی)، مجالس النفائس (۳۹۷ -۳۹۶)، معجم المؤلفین (۴۸ / ۵).

قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۸ -۹۱۸ ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی‌زاده و سعدی جلبی و ملازم ملا قادری بود.در ۹۶۳ ق به قضاوت حلب، در ۹۷۱ ق به قضاوت استانبول و در ۹۷۴ ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در ۹۸۳ ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در ۹۸۵ ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان‌محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح القدیر» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۲۰ / ۲)، روضات الجنات (۳۷۸ -۳۷۵ / ۱)، ریحانه (۴۰۹ -۴۰۸ / ۴)، شذرات الذهب (۴۱۵ -۴۱۴ / ۸)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۲۰۳۰، ۲۰۲۲، ۱۷۶۶، ۴۹۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قاینی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۲۸ ق)، فقیه، دانشمند، ادیب و شاعر، متخلص به انوار. وی در نجف در محضر آقا سید حسین کوه‌کمری تلمذ نمود. پس از تکمیل دروس و رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به قائن بازگشت و در آن جا مرجع امور دینی و سیاسی شد. در اواخر عمر به مشهد رضوی رفت و در آنجا درگذشت و در جوار تربت پاک اما هشتم (ع) در دارالسیاده دفن شد. وی در سرودن شعر مهارت داشته و اشعار زیادی از او بجای مانده است. از آثارش: «اسرار التوحید»، به فارسی، در تفسیر سروه توحید است، که در ۱۳۱۸ ق، به همراه کتاب «لؤلؤه الغالیه» پدرش، به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۹ / ۲)، بزرگان قائن (۵۷ -۵۶)، بهارستان آیتی (۳۲۲ -۳۱۹)، الذریعه (۲۱۸ / ۲۶، ۴۳ / ۲)، طبقات

اعلام الشیعه (قرن ۴۵۸ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۹ / ۱).

قاینی، خلیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد اشرف. از اهالی قاین، در اصفهان تحصیل نموده، و در قزوین ساکن گردیده، و در سال ۱۱۳۶ وفات یافته.

کتب زیر از اوست:

۱- رساله در رد بر نصاری ۲- شرح رساله‌ی جبر و تفویض منسوب به حضرت هادی علیه‌السلام موسوم به الرسالهٔ الالهیهٔ ۳- شرح حدیث عمران صابی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قائم مقامی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، مترجم، نویسنده. در اراک به دنیا آمد. تحصلات خود را تا سوم متوسطه در زادگاهش گذرانید و در ضمن به فراگیری علوم قدیم پرداخت و صرف و نحو عربی و منطق را در محضر ملا ـ عبدالحیمد مدرس انجدانی فراگرفت. تحصیلات متوسطه خود را در رشته ادبیات در دارالفنون به اتمام رسانید و از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران در رشته‌ی حقوق قضایی فارغ‌التحصیل شد. آثار وی: «زندگانی سیاسی و مذهبی عمر بن خطاب»، ترجمه؛ «سنگتراش سن پوان»، ترجمه؛ «شبگردان مخوف»، ترجمه؛ «قائم‌مقام در جهان ادب و سیاست».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۰۷، ۲۰۹۱، ۲۰۲۵، ۱۸۵۱ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷ -۸۶/ ۲).

قائم مقامی، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. تحصیلاتش را در رشته‌ی فنون نظامی به پایان رسانید و موفق به گذراندن دوره‌ی دکترای تاریخ در فرانسه شد.وی مجله‌ی «بررسی‌های تاریخی» را در ۱۳۴۵ ش تأسیس نمود که این مجله تا ۱۳۵۷ ش منتشر می‌شد. قائم‌مقامی نویسندگی و تحقیق را با انتشار مقالاتی در مجله‌ی «یادگار» آغاز نمود و مقالاتی در مجله‌های «مهر»، «سخن»، «راهنمای کتاب» و «یغما» نیز منتشر می‌کرد. وی حدود یک سال در پرتقال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گردآورد. او همچنین «منشآت و مکتوبات» قائم‌مقام فراهانی را جمع‌آوری کرد و یکی از افراد

متخصص در رشته‌ی تاریخ دوره‌ی قاجاریه بود. از آثار وی: «تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران»؛ «سفرنامه‌ی دمرگان»، ترجمه؛ «تاریخ ژاندارمری ایران»؛ «ایران امروز»؛«بحرین و مسائل خلیج‌فارس»؛ «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی».[۱]

محقق.

تولد: ۱۲۹۷.

درگذشت: ۲۰ تیر ۱۳۶۰.

جهانگیر قائم‌مقامی تحصیلات خود را در رشته‌ی فنون نظامی تمام کرد. اما سراسر دوران خدمت ارتشی را در امور فرهنگی و تحقیقاتی گذراند و توانست دوره‌ی دکترای تاریخ را در فرانسه بگذراند. وی مجله‌ی «بررسی های تاریخی» را در سال ۱۳۴۵ تأسیس نمود که خود مدت نه سال مدیر آن بود. این مجله تا سال ۱۳۵۷ منتشر شد.

قائم‌مقامی نویسنده و تحقیق را در مجله‌ی «یادگار» و به راهنمایی عباس اقبال آغاز کرد. مقالاتی که در «یادگار» انتشار داد همه در مسائل تاریخی و طوایف ایران است. مقاله‌های دیگر او در مجله‌های «بررسی های تاریخی»، «مهر»، «سخن»، «راهنمای کتاب» و «یغما» انتشار یافته است.

قائم‌مقامی نزدیک یک سال در پرتغال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گردآورد. وی قسمتی از آن مطالب را چاپ کرده است. یک قسمت از تحقیق قائم‌مقامی در جمع‌آوری منشأت و مکتوبات قائم‌مقامی فراهانی است. وی سه مجلد از نامه‌های قائم‌مقامی فراهانی را چاپ کرده است. قائم‌مقامی از محققان تاریخ قاجاریه بود.

از آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تحولات سیاسی نظام ایران از قرن یازدهم هجری تا سال ۱۳۰۱ شمسی (۱۳۲۶)؛ سفرنامه‌ی دمرگان (۱۳۳۵)؛ ناسخ التواریخ (قسمت قاجاریه، ۱۳۳۷)؛ منشئات قائم‌مقامی (۱۳۳۷)؛ بحرین و مسائل خلیج فارس (۱۳۴۱)؛ یک صد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی (۱۳۴۸)؛ اسناد تاریخی وقایع مشروطه‌ی ایران (نامه‌های ظهیرالدوله)؛ نیم قرن تمدن و فرهنگ ایران (۱۳۴۹)؛ مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی (۱۳۵۰)؛ اسناد فارسی عربی و ترکی در آرشیو پرتغال درباره‌ی هرمز و خلیج فارس (دو جلد، ۱۳۵۸ -۱۳۵۴)؛ ایران امروز (۱۳۵۴)؛ تاریخ ژاندارمری ایران (۱۳۵۵)؛ نامه‌های پراکنده‌ی قائم‌مقام فراهانی، بخش یکم (نامه‌های مربوط به جنگ‌های ایران و روسیه، ۱۳۵۷)؛ نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی (درباره‌ی معاهده‌ی صلح ترکمان چاپ و غرامات آن (۱۳۵۸).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۵، ص ۴۰۸ -۴۰۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۳، ۱۹۹۴ / ۲ ،۶۸۴ ،۴۶۳ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۷-۴۴۶ / ۲).

قائم‌مقام فراهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ابوالقاسم خان فراهانی قائم‌مقام و صدارت مرحوم فتحعلی شاه قاجار که در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون می‌باشد.

مرحوم خیابانی در ج سوم ص ۲۵۴ ریحانهٔالادب گوید: قائم‌مقام- میرزا ابوالقاسم بن میرزا عیسی بن محمد حسن بن عیسی بن ابی‌الفتح بن ابی‌الخیر حسینی فراهانی تهرانی از افاضل ادباء نامی عهد فتحعلی شاه قاجار که ادیب فاضل منغی کامل شاعر ماهر

مترسل دانشمند جامع کمالات صوری و معنوی و در نظم و نثر عربی و فارسی سرآمد امثال و اقران خود بوده و به (ثنائی) تخلص می‌نموده است.

از آثار قلمی اوست انشاء که حاوی مکتوبات و منشآت اوست که مرحوم حاج فرهادمیرزا آن را تدوین و به منشآت قائم‌مقام معروف و به امر اویس میرزا پسر فرهادمیرزا به طبع رسیده.

۲- جلایرنامه که مثنوی فکاهی است و بنام جلایر غلام خود به نظم درآورده ۳- الجهادیه ۴- دیباچه جهادیه صغرای پدرش میرزا عیسی ۵- دیباچه جهادیه کبرای مرحوم پدرش ۶- دیوان شعر.

از اشعار اوست این چند بیت.

گر در دو جهان کام دل و راحت جهانست

من وصل تو جویم که به از هر دو جهانست

در کیش من ایمانی اگر هست به عالم

در کفر سر زلف چو زنجیر بتانست

گر واعظ مسجد بجز این گوید مشنو

این احمق بی‌چاره چه داند حیوانست

گر مذهب اسلام همین است که او راست

حق بر طرف مغبچه دریر مغانست

او خون دل خم خورد این خون دل خلق

باور نتوان کرد که این بهتر از آنست

آن مرحوم در سال ۱۲۵۱ قمری بدورد حیات گفته و در شهر ری در مقبره ابوالفتوح به خاک رفته است.

(۱۱۹۳- مقتول ۱۲۵۱ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به ثنایی. پدر وی از رجال سیاسی و از مفاخر علمی و ادبی ایران بود که مدتی مقام وزارت و قائم‌مقامی را به عهده داشت. میرزا ابوالقاسم پس از فوت پدر به منصب قائم‌مقامی رسید و در دربار عباس میرزا نایب‌السلطنه مصدر کارهای بزرگی شد. او پس از وفات فتحعلی‌شاه، محمدشاه را به تهران آورد و با حسن تدبیر و لیاقت خود سلطنت او را مستقر کرد و خود اقدام به سرکوب شورشها و آرام کردن اوضاع نمود. قائم‌مقام در زمینه‌های ادبی نیز صاحب استعداد بود وی به سرودن شعر می‌پرداخت.اما بیشترین شهرت او در زمینه‌ی ادبی، در نثر است تا نظم. در نوشته‌هایش از مکتب گلستان سعدی پیروی می‌نمود. نثر قائم‌مقام دارای ویژگی‌هایی از جمله: کوتاهی جمله‌ها، صراحت لهجه و ترک استعاره و همچنین آهنگین بودن جملات می‌باشد. وی سرانجام بدستور محمدشاه در باغ نگارستان به توسط اسماعیل‌خان قراچه‌داغی به قتل رسید. در شهر ری، در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی، دفن شد. از آثارش: «منشآت» قائم‌مقام؛ «دیوان» شعر؛ «جلایرنامه»؛ «الجهادیه»؛ دیباچه‌ای بر «جهادیه‌ی صغری» و «جهادیه کبری» پدرش؛ «عروضیه»؛ «شمایل خاقان»، در تاریخ.[۱]

(میرزا) ابوالقاسم بن (میرزا) عیسی قائم‌مقام فراهانی وزیر عباس میرزا و محمدشاه قاجار (و. ۱۱۹۳ ه.ق- مقت. ۱۲۵۱ ه.ق/ ۱۸۳۵ م.). وی ادیب، منشی، شاعر و در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنائی تخلص می‌کرد. در سال ۱۲۳۷ پس از وفات پدر در تبریز به وزارت عباس میرزا منصوب شد و قائم‌مقام لقب یافت. اما به سعایت گروهی از دشمنان معزول شد ولی پس از سه سال مجدداً در سال ۱۲۴۱ به وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه منصوب گردید. وی، پس از مرگ فتحعلی شاه (۱۲۵۰) وسایل حرکت محمدمیرزا و جلوس او را به تخت سلطنت فراهم کرد و خود صدراعظم ایران گردید. کوششهای بسیار وی در اصلاح امور ایران موجب حسادت عده‌ای از جمله حاجی میرزا آقاسی، میرزا مسلم خویی، میرزا نصرالله اردبیلی گردید و آنان دسایس مختلف برانگیختند تا شاه در

۳۰ ماه صفر ۱۲۵۱ ه.ق او را به باغ نگارستان (تهران) احضار کرد و در آنجا وی را خفه کردند. جسد قائم‌مقام را در حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. وی در نثر فارسی سبکی خاص ایجاد کرده که مختصات آن از این قرار است: شیرینی بیان و عذوبت الفاظ و حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن تلفیق هر مزدوج از سجعهای زیبا که شیوه‌ی سعدی است، حذف زواید القاب و خودداری از تعریفات خسته‌کننده، ترک استشهادات مکرر شعری از تازی و پارسی مگر به ندرت که آن هم به قدری زیبا و خوش‌ادا که گویی شاعر آن شعر را فقط برای همین مورد گفته و همینطور در استدلالات قرآنی و حدیث و تمثیل، صراحت لهجه، ترک استعاره و کنایه و تشبیبات دور و دراز خسته‌کننده، اختصار و ایجاز، ظرافت و لطیفه‌پردازی که از مختصات کلام سعدی است و قائم‌مقام نیز در این باره دستی قوی داشته. مخصوصاً در آوردن لغات و مصطلحات تازه که استعمالش برای نویسندگان محافظه‌کار دشوار بلکه محال می‌نمود، دست داشت. همچنین عباراتش دارای آهنگ است و به گوش خوشایند می‌نماید. قائم‌مقام موجب تغییر سبک منشات درباری و همچنین نثر معمولی گردید. از آثار اوست: «منشات قائم‌مقام» حاوی نوشته‌ها و انشاءهای او پس از وفاتش فرهاد میرزا معتمدالدوله مجموع آنها را گردآوری کرد و آن به سال ۱۲۹۴ ه.ق به دستور اویس میرزا ابن فرهاد میرزا چاپ و منتشر گردید و بعدها مکرر به طبع رسید، جلایرنامه که مثنویی است فکاهی و انتقادی (انتقاد اوضاع درباریان و نقایص لشکری و کشوری) که آن را به نام جلایر (غلام خود) نظم کرده، و آن ضمن دیوانش چاپ شده، مقدمه‌ی جهادیه‌ی صغرای پدرش میرزا عیسی، مقدمه‌ی جهادیه‌ی کبرای پدرش، دیوان شعر وی (شامل قصاید و قطعات و رباعیات) که با جلایرنامه بطبع رسیده. او از پیشوایان نثر ساده‌ی دوره‌ی قاجاری است و نوشته‌های وی در نثر دوره‌ی مشروطیت و زبان تخاطب مؤثر افتاده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۷۵ –۶۲ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۲ –۲۰۰ / ۴)، حدیقه الشعراء (۱۴۱۷ / ۲ ،۳۶۴ – ۳۶۱ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۸۲ –۱۹۸۱ / ۲)، الذریعه (۳۶ –۳۵ / ۲۳ ،۲۱۹ / ۱۴ ،۱۰۵۳ ،۸۵۸ ،۱۸۶ –۱۸۵ / ۹)، ریحانه (۳۹۲–۳۹۱ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۶۳ –۳۴۸ / ۳)، سفینه المحمود (۷۵ / ۱)، طرائق الحقائق (۲۷۹ –۲۷۸ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۲۰۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۵۱ –۳۴۸)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (۲۰۴ –۱۹۴ / ۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۴ –۱۴۲)، مکارم الآثار (۱۳۸۲ –۱۳۸۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۶ –۲۷۴ / ۱)، نگارستان دارا (۵۵ –۴۶).

قائم‌مقام فراهانی، عیسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۸ / ۱۲۳۷ ق)، دانشمند، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا بزرگ قائم‌مقام اول. در ابتدا منشی حاج ابراهیم‌خان اعتمادالدوله‌ی شرازی صدراعظم بود. سپس در ۱۲۱۳ ق به اعتمادالدوله‌ی شیرازی صدراعظم بود. سپس در ۱۲۱۳ ق به سمت وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه و پیشکاری آذربایجان تعیین شد و به تبریز رفت.از جمله کارهای او و عباس‌میرزا فرستادن محصل و هنرآموز به انگلستان برای آموختن بعضی علوم و صنایع جدید بود. وی در تبریز به بیماری وبا درگذشت. از آثارش: «رساله‌ی جهادیه» به نامهای «احکام الجهاد و اسباب الرشاد» و «الجهادیه» که به ترتیب «الجهادیه الکبری» و «الجهادیه الصغری» است، و او آنها را از روی رساله‌های جهادیه‌ی متعددی که علمای زمان می‌نوشتند تحریر و تنظیم کرده و فرزندش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بر آنها دیباچه‌ای نگاشته است؛«دیوان» شعر؛ «اثبات النبوه الخاصه»، به زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۲۱ -۱۴۱۷ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۸۱ / ۲)، الذریعه (۸۵۸ / ۹، ۲۹۷، ۵ / ۱۰۱، ۱ / ۱)، ریحانه (۳۹۳ -۳۹۲ / ۴)، شرح حال رجال (۵۱۳ -۵۱۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (۸۹۲ -۸۹۱ / ۵)، مکارم الآثار (۱۰۴۱ -۱۰۴۰ / ۴)، نگارستان دارا (۱۱۸ -۱۱۳).

قائم‌مقامی، رضا قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ش)، نویسنده و مترجم. در ارتش خدمت می‌کرد. از آثار وی: «وقایع غرب ایران در جنگ اول جهانی»؛ «جنایات عشق»، ترجمه؛ «دستور اتومبیل‌رانی فرد»؛ «سه روز از زندگی ماری آنتوانت ملکه‌ی فرانسه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۰، ۲۰۴۱ -۲۰۴۰ / ۲، ۱۴۱۴، ۱۰۵۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۱ / ۳).

قائم‌مقامی، عالمتاج

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

اسفند ۱۲۶۲- پنجم مهر ۱۳۲۵ ش. ملقب به ژاله از زنان ادیب، سخنور و هنرمند. وی در فراهان به دنیا آمد. پدرش میرزا فتح‌الله، از نوادگان پسری میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی صدر اعظم مقتول محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) و مادرش مریم ملقب به گهر ملک بود. در پنج سالگی خواندن و نوشتن را نزد یکی از فضلای فراهان معروف به جناب، که معلم سرخانه او بود، فراگرفت و بدلیل استعداد زیاد در طول چند سال صرف و نحو، معانی و بیان، منطق، نقد شعر، مقدمات حکمت و نجوم را با شوق و علاقه وافر تحصیل کرد. تا سن پانزده سالگی به همراه خانواده‌اش در فراهان زندگی کرد و سپس به همراه پدرش به تهران مهاجرت نمود.

در سال ۱۲۷۷ یا ۱۲۷۸ ش، در سن شانزده سالگی علیرغم بی‌علاقگی، به اصرار پدرش به ازدواج یکی از خوانین بختیاری بنام علی مرادخان درآمد. تفاوت سن زیاد زن و مرد، روحیه ایلاتی مرد و بیگانه بودن او با عالم ادب و هنر موجب ناسازگاری در زندگی زناشویی آن دو از نخستین ماههای زندگی گردید. در همان سال پدر و مادر ژاله- که حامیان زندگی او بودند- فوت کردند و او مجبور بود که زندگی را با تخلی سپری کند. پس از گذشت ده سال از شروع زندگی مشترک که با گلایه و تلخکامی ژاله همراه بود همسرش نیز فوت نمود و او تا پایان عمر با تنها فرزندش (حسین پژمان بختیاری) زندگی کرد.

ژاله حافظه‌ای قوی داشت. تقریبا سراسر خمسه‌ی نظامی، دیوان امیر خسرو دهلوی، کلیات سعدی و دیوان حافظ را از حفظ داشت. وی از آغز جوانی به سرودن شعر پرداخت. از جمیع صنوف شعری به غزل علاقه داشت.

عشق را نیز جوهر غزل می‌دانست و چون به زعم وی زندگیش از عشق تهی بود لذا هیچگاه غزلی نسرود بلکه قصایدی به سبک خراسانی و به تقلید از ناصر خسرو و مسعود سعد سلمان گفت. وی شاعر رنجها و ناکامیهای خود و همگنان خود بود. در جریان کشف حجاب در دوره رضاشاه، ژاله همصدا با تبلیغات رسمی، به دفاع از حقوق زنان در برابر مردان برخاست. مضمون اغلب

اشعارش نیز ستیز با مردسالاری و تشویق زنان به رفع عقب‌ماندگی و کسب علم و دانش است. وی از بیان مکنونات قلبی خود ابایی نداشت و در این باره شباهت زیادی به مهستی گنجوی و مهری هروی دارد.

نخستین بار در سال ۱۳۱۲ ش تعدادی از رباعیات ژاله در مجلات ادبی آن زمان و سپس در مجله ادبی یغما، چاپ و منتشر شد. وی در تهران درگذشت.

قصایـد، قطعات، چامه‌ها و چکامه‌های ژاله بالغ بر نهصـد و هفـده بیت می‌شود که پس از مرگ وی، توسط فرزنـدش منتشـر شد. از اشعار اوست:

گم شد جوانیم همه در جستجوی عشق

اما رهم نداد طبیعت به کوی عشق

از کبر و از غرور دل خرده‌بین من

شد بهره‌ور ز عشق ولی ز آرزوی عشق

من باغبان عشقم از آنرو که سالها

در گلشن امید نشستم به بوی عشق

معشوق ناشناس مرا ای صبا بگوی

دل می‌کشد به سوی تو یعنی به سوی عشق

آیینه گفت در رخ دوشیزه رنگ من

کاین روی دلپذیر شود آبروی عشق

شویی بزرگمرد و گرانمایه داشتم

غافل ز عشق و بی‌خبر از گفتگوی عشق

روی نکو و خوی نکو داشتم چه سود

بیگانه بود همسر خوبم ز خوی عشق

خاطرنشین به دیده او بود ای دریغ

روی نکوی ژاله نه روی نکوی عشق

شادم که بسته شد در هستی به روی من

شاید در دگر بگشایم به روی عشق

پس از مرگ همسرش نیز مرثیه‌ای چنین سرود:

به دل گفتم از دست این بختیاری

گر آسوده گردم شود بخت یارم

جمالم خریدار بسیار دارد

چرا بر به دل رنج بسیار دارم

یکی شوی فاضل گزینم که با او

دو روزی جهان را به شادی گذارم

کنون او به خاک سیه خفت و خیزد

شرار غم از روح امیدوارم

گرانمایه مردی جوانمرد شویی
به سر سایه‌ای بود از کردگارم
ندانستمش قدر و اکنون چه حاصل
گر از دیدگان اشک خونین ببارم
به گرد اندرم بهر تاراج و یغما
سبک حلقه بستند خویش و تبارم
بسی عقده بستند بر کارم اما
کسی عقده نگشود یک ره ز کارم
یکی خواند در خورد اورنگ شاهم
یکی گفت شایان سالار بارم
مرا کبر یا کیش کردند از آندر
که کوچک شود جمله دار و دیارم
نه کارم نکوتر شد آوخ نه روزم
سیه چهره‌تر شد سیه روزگارم
پدر نیست مادر نه شوهر نه اینک
به دوشی ضعیف است سنگینه بارم
پسر رفت و شومرد و هستی تبه شد
توان گفتن اکنون به کف هیچ دارم
که را گویم آخر که آن روی چون گل
چنین کرده در چشم ایام خوارم
که را گویم آخر که با جرم پاکی
فلک زیر پی سوده ناپاکوارم
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: از رابعه تا پروین، ۱۵۱ -۱۴۳؛ زنان سخنور، ۲۴۹ -۲۴۱ / ۱؛ دیوان ژاله قائم‌مقامی.

قائمیان، حسن

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، نویسنده و مترجم. تحصیلات عالیه خود را در فرانسه در رشته اقتصاد گذراند. وی از دوستان نزدیک صادق هدایت بود و در ترجمه «مسخ» نوشته‌ی کافکا باوی همکاری داشت و نوشته‌های پراکنده هدایت را گردآوری کرد. در ۱۳۵۴ ش که خانه‌اش آتش گرفت بسیاری از کتابها و دست‌نوشته‌هایش سوخت و این حادثه آن چنان وی را رنجور ساخت که در بیمارستان بستری شد. از آثار وی: «آری بوف‌کور را باید سوزانید»، ترجمه؛ «داستان ویکتور هوگوی وطنی و شاهکار وی»؛ «راهنمای تلفظ

کلمات انگلیسی»؛ «زبان انگلیسی پیش خود»؛ «صادق هدایت، نوشته‌ها و اندیشه‌های او»، ترجمه؛ «عبرت بودا»، ترجمه؛ «کارخانه مطلق‌سازی»، ترجمه؛ «گروه محکومین»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خودکشی صادق هدایت (۶۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۲۱، ۱۶۴۱ / ۲، ۱۳۳۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۳ – ۶۲۰ / ۲).

قدسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و ادیب و خطاط، از بنیان‌گزاران فرهنگ جدید در اصفهان، در ۲۷ ذی قعده‌ی ۱۳۶۷ وفات یافته.

ماده تاریخ وفاتش را مرحوم هور گوید:

شاهد قدس، روان حسن قدسی شد

شد روانه حسن قدسی در عالم قدس

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قدسی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد علی خوشنویس بن محمد کریم.

ادیب فاضل و شاعر، جامع فضایل و کمالات صوری و معنوی، از فرهنگیان اصفهان بود که با تأسیس مدرسه‌ی قدسیه فرهنگ جدید را در این شهر پی‌ریزی نمود.

در شب ۴ رمضان ۱۲۸۷ متولد، و در شب یکشنبه ۵ صفر سال ۱۳۶۶ وفات یافته، در تکیه‌ی تویسرکانی مدفون گردید.

از آثارش کتاب «تحفة الفاطمیة» و کتاب «شرعیات» جهت مدارس جدید به طبع رسیده.

مرحوم نیر در ماده تاریخ وفاتش گوید:

لما فقدت ادیبا قل لرحلته

عبدالحسین اتی فی جنة القدس

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قراب سرخسی هروی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بعد از ۴۱۴ -۳۳۰ ق)، حافظ، محدث، فقیه، زاهد، مقری و ادیب. وی برادر ابویعقوب اسحاق قراب است. از منصور بن عباس و ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد بن غطریفی و ابوعمر بن حمدان و ابواحمد حاکم و مخلد بن جعفر باقرحی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن عیسی عاصمی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در بغداد نزد امام عبدالعزیز دارکی فقه آموخت. ابوعطا عبدالاعلی بن عبدالواحد ملیحی و شیخ‌الاسلام عبدالله بن محمد انصاری و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند. وی در بسیاری از علوم همچون قرائت و حدیث و فقه و معانی قرآن و ادب پیشرو و سردسته زاهدان و متألهان بود. از آثارش: «درجات التائبین و مقامات الصدیقین»؛ «الکافی فی علم القرآن»، در قراآت سبع، در چندین مجلد؛ «الجمع بین الصحیحین»، جمع بین «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم؛ کتابی در «مناقب الامام الشافعی»؛ «الشافی» در قراآت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۸۱ -۳۷۹ / ۱۷)، کشف الظنون (۱۸۳۹، ۱۳۷۹، ۱۰۲۳، ۷۴۵، ۵۹۹)، معجم المؤلفین (۲۵۶ / ۲)، هدیه العارفین (۲۰۹ / ۱).

قراجه داغی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مترجم. وی منشی سلطان جلال‌الدین میرزا، پسر فتحعلی شاه قاجار، بود و مترجم نمایشنامه‌های هفت‌گانه‌ی میرزا فتحعلی آخوندزاده از ترکی به پارسی، تحت عنوان: «تمثیلات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۲۴۱/۱).

قراچه‌داغی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۵۰ ق)، مترجم. وی با ترجمه‌ی «تمثیلات» آخوندزاده معرفی شده و از منشی‌های سلطان جلال‌الدین میرزا، پسر فتحعلی‌شاه، بود. بعد از مرگ شاهزاده در وزارت انطباعات در سمت مترجم ترکی مشغول به کار شد. وی یکی از روشنفکران دوره‌ی قاجاریه بود و با بسیاری از اهل فکر و قلم آن روزگار مراوده و مکاتبه داشت. ترجمه‌ای انگلیسی و فرانسه «تمثیلات» از روی ترجمه فارسی میرزا جعفر به چاپ رسیده است. آثار وی: «تمثیلات»، ترجمه؛ «عروس و داماد»، ترجمه؛ «تاریخ کرید»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایش در ایران (۳۶۷ -۳۶۰ / ۱)، از صبا تا نیما (۳۴۵)، دانشمندان آذربایجان (۴)، شرح حال رجال (۲۴۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۲ -۳۳۱ / ۲).

قربانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ش)، ریاضیدان، نویسنده و مترجم. آثار وی: «جبر برای سال سوم دبیرستانها»؛ «جبر و مثلث سال ششم طبیعی»؛ «حل المسائل مکانیک»؛ «حل المسائل هندسه»؛ «رسم فنی»؛ «متمم هندسه»؛ «هندسه ترسیمی و رقومی»، ترجمه؛ «هندسه‌ی فضایی»؛ «هندسه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۲۱۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۰ -۲۷۸ / ۱).

قرشی، جمال‌الدین، ابوالفضل محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، دانشمند و لغوی. وی از علمای مقیم کاشغر بود. از آثارش کتاب «صراح اللغه» یا «الصراح من الصحاح» است که تلخیص و ترجمه‌ی فارسی «صحاح اللغه» جوهری است. وی این کتاب را در ۶۸۱ ق به پایان رساند، سپس ذیلی به عربی بر آن نوشت به اسم «ملحقات الصراح»، که مشتمل بر مطالب تاریخی مهمی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۵ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، ریحانه (۴۴۰ / ۱)، کشف الظنون (۱۰۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفضل)، هدیه العارفین (۱۳۴ / ۲).

قریب گرکانی، عبدالعظیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۴ -۱۲۵۸ ش)، ادیب، مدرس، نویسنده و شاعر. وی در قریه‌ی گرکان تفرش از توابع اراک به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را در زادگاه خود در خانه‌ی پدر آموخت. در ۱۳۱۱ ق به تهران آمد و زبان و ادبیات عرب و ریاضی را نزد برادر بزرگش، میرزا غلامرضا، تکمیل کرد. بعد «مطول» را در محضر شیخ باقر تهرانی، قوانین و شرح «مطالع» و هئیت و نجوم را نزد سید محمد جواد قاهانی، علم اصول را در مدرسه‌ی حاج ابوالحسن از سید محمد جمارانی، منطق و حکمت را در مدرسه سپهسالار جدید در محضر میراز طاهر تنکابنی و زبان فرانسه را در مدرسه‌ی دارالفنون آموخت و بعد وارد خدمت وزارت معارف شد و در مدرسه‌ی علمیه که تنها آموزشگاه به طرز جدید بود و در مدرسه‌ی نظام به تدریس پرداخت. از جمله شاگردانش محمد تقی‌خان پسیان شهید و برادر و پسر عمویش، سلطان غلامرضاخان، علیقلی‌خان بودند. وی چندی در مدرسه‌ی دارالفنون و سپس در

دانشسرای عالی به تدریس اشتغال داشت. قریب در مقام استادی، در دانشکده‌ی ادبیات تهران، تدریس زبان و ادبیات فارسی را عهده‌دار بود. از جمله آثارش: «بدایه الادب»؛ «بدیع»؛ تصحیح «کلیله و دمه»؛ تصحیح «گلستان»؛ تصحیح «تاریخ برامکه»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «قواعد فارسی در صرف و نحو»؛ «فوائد الادب»؛ «قرائت فارسی»؛ «سخنان شیوا»؛ «کتاب املاء»؛ «دیوان» شعر.[۱]

(بخش ۱) عبدالعظیم، ادیب و استاد دانشگاه تهران (و. گرگان ۱۲۵۷- ف. تهران ۳ فروردین ۱۳۴۴ ه.ش) وی قریب ۶۷ سال به تدریس زبان و ادب فارسی مشغول بود. از آثار اوست: قواعد فارسی (صرف و نحو فارسی، ۳ جلد)، دستور زبان فارسی (۴ جلد)، دستور زبان فارسی به همراهی چهار استاد دیگر (۲ جلد)، بدایةالادب، فوایدالادب (۶ جلد)، کتاب املاء (۳ جلد)، قرائت فارسی (با همکاری چند تن از فاضلان) ۲ جلد، کتاب فارسی (از انتشارات مؤسسه‌ی وعظ و خطابه)، تصحیح کلیله و دمنه‌ی نصراللّه بن عبدالحمید (که مکرر بطبع رسیده)، تصحیح گلستان سعدی با مقدمه‌ی مشروح، تصحیح بوستان سعدی، تصحیح تاریخ برامکه به ضمیمه‌ی رساله‌ای در احوال برمکیان. وی به سبب زمین خوردن دچار شکستگی استخوان پای چپ شد و بستری گردید و به سبب کهولت و ناراحتی ناشی از شکستگی پا و عمل جراحی به تدریج قوایش به تحلیل رفت و در نتیجه به رحمت ایزدی پیوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۵۶ -۱۵۴)، الذریعه (۸۸۱ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۰ -۱۶۸ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۸۱۱ -۲۸۰۸ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۴۳)، گلزار معانی (۵۴۲ -۵۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۶ -۸۷۲ / ۳)، یغما (س ۱۸، ش ۱، ص ۵۱ -۴۹).

قریب، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۵ مهر ۱۳۶۶.

ایرج قریب به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی تلسط داشت و وقوف او نسبت به ادبیات جهان از او مردی آگاه ساخته بود. در رادیو نیز به کار اشتغال داشت. پیش از این در امور مطبوعاتی نیز فعالیت داشت. در سالهای پیش از درگذشت، به ترجمه کتاب اشتغال داشت. از آثار اوست: اسکندر کبیر (جان گونتر، ۱۳۳۹).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قریب، بدرالزمان

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

استاد بدرالزمان قریب در سال ۱۳۰۸ ، در تهران به دنیا آمد. پس از اخذ مدرك لیسانس زبان وادبیات فارسی از دانشكده ادبیات دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل در رشته زبان شناسی به دانشگاه پنسیلوانیای آمریكا راه یافت و در گروه زبان شناسی و مطالعات شرقی ، به دریافت درجه ی فوق لیسانس نایل آمد. خانم قریب پس از مدتی با استفاده از بورس شاگردان اول به دانشگاه كالیفرنیایی بركلی وارد شدو به تكمیل معلوماتش افزود او بالاخره مدرك دكتری زبان های باستان را در سال ۱۳۴۳ از دانشگاه

پنسیلوانیا دریافت کرد. او پس از بازگشت به ایران به عنوان استادیار در دانشگاه شیراز به فعالیت آموزشی مشغول شد.در سال ۱۳۵۰ به دانشگاه تهران منتقل گردید و در آن دانشگاه به مقام استادی نائل آمد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان های باستانی

والدین و انساب : نام پدر بدرالزمان قریب ضیاءالدین و مادرش ضیاءالملوک نواده شمس العلما قریب از عالمان و شاعران به نام بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : بدرالزمان قریب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه ژاندارک طی کرد. پس از آن وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۶ موفق به دریافت مدرک لیسانس زبان وادبیات فارسی گردید. او در سال ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل در رشته زبان شناسی به دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا راه یافت و در سال ۱۳۴۲ ، در گروه زبان شناسی و مطالعات شرقی ، به دریافت درجه ی فوق لیسانس نایل آمد. خانم قریب پس از مدتی با استفاده از بورس شاگردان اول به دانشگاه کالیفرنیایی برکلی وارد شد و با راهنمایی «پرفسور «هنینگ»و پرفسور «مارک درسدن» به تحقیق پرداخت و در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ درجه دکتری از دانشگاه پنسیلوانیا شد.

استادان و مربیان : بدرالزمان قریب در دوران تحصیلات عالیه از محضر استادانی چون بدیع الزمان فروزانفر ، دکتر محمد معین ، استاد جلال الدین همایی ، مدرس رضوی ، ابراهیم پورداود ، دکتر پرویز ناتل خانلری ، دکتر احسان یارشاطر و دکتر صادق کیاء بهره وافر برد. همچنین وی در برکلی نزد پرفسور هنینگ به تحقیق پرداخت و پایان نامه دکتری خود را تحت عنوان « تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی » با راهنمایی پرفسور مارک درسدن تکمیل کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از جمله مشاغل بدرالزمان قریب ،همکاری با بنیاد فرهنگ ایران و دانشگاه میشیگان به عنوان پژوهشگر بوده است. دکتر قریب هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد.

فعالیتهای آموزشی : بدرالزمان قریب پس از اخذ مدرک دکترا از دانشگاه پنسیلوانیا ، در سال ۱۳۴۴ به ایران بازگشت و با عنوان استادیار در دانشگاه شیراز به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۵۰ به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتقل گردید، و در گروه زبان شناسی و فرهنگ و زبان های باستانی این دانشکده با عنوان دانشیار و بعد استاد مشغول فعالیت های آموزشی گردید. او همچنین به عنوان استاد مدعو ، با دانشگاه هاروارد و یوتای آمریکا نیز همکاری نموده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از بدرالزمان قریب تاکنون دوازده مقاله به زبان فارسی ، چهار مقاله به زبان انگلیسی و یک مقاله به زبان فرانسه به چاپ رسیده است که از این تعداد ، ده مقاله درباره زبان سغدی است. همچنین ایراد سخنرانی درباره زبان سغدی ، در کنگره های بین المللی در سال های ۷۶-۱۳۷۵ از جمله فعالیت های علمی وی می باشد. بدرالزمان قریب از هنر شاعری نیز بهره مند است و برخی از اشاعر او در گزینه ها و جنگ های شعر به ثبت رسیده اما هنوز در مجموعه ی منتشر نشده است.

آرا و گرایشهای خاص : بدرالزمان قریب در شعر سبک اساتید کهن را برگزید و به راه آنان رفت و در انواع شعر از قصیده ، غزل ، مثنوی ، دوبیتی و رباعی طبع آزمایی کرده است.

جوائز و نشانها : دو کتاب از آثار بدرالزمان قریب به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شده اند. از جمله کتاب فرهنگ زبان سغدی در سال ۱۳۷۴ و کتاب زبان های خاموش که در سال ۱۳۶۵ منتشر شده است. ---

آثار :

۱ تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی

ویژگی اثر : این کتاب به زبان انگلیسی در سال ۱۹۶۵ منتشر شد-مؤسس ?میکرو فیلم دانشگاهی آن اوبر ـ میشیگان

۲ ریشه های ایرانی باستان در سغدی

ویژگی اثر : مقاله-اکتاایرانیکا ۴، یادنامهٔ ینبرگ، ۱۹۷۵.

۳ زبان های خاموش

ویژگی اثر : این کتاب با همکاری دکتر یدالله ثمره ترجمه گردید و در سال ۱۳۶۵ منتشر شد.-این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد-آشنایی با کتاب «زبان‌های خاموش» کتاب «زبان‌های خاموش»، سرگذشت کوششها و تلاشهای پیگیر و توان‌فرسای دانشمندان را در حل معمای خطوط باستانی بازگو می‌کند و ما را با دقت‌نظر و روشهای علمی و نظام‌یافتهٔ آنان در رمزگشایی این خطوط و نیز تحلیل علمی زبانهای باستانی آشنا می‌سازد. این کتاب در چهار فصل تنظیم گردیده است. در بخش اول، از رمزگشایی خطوط کهن خاور نزدیک از جمله: خط تصویرنگار هیروگلیف مصری، خطوط بین‌النهرین، انواع خطوط میخی بویژه خط میخی فارسی باستان که به گونه‌ای الفبایی بوده و نشانگر تحول شایان توجهی در تاریخ خط میخی است، به تفصیل سخن رفته است. در بخش دوم؛ رمزگشایی دیگر خطوط و زبانهای باستانی از جمله: آسیای صغیر، شمال آفریقا، سوریه، لبنان، فلسطین و نیز زبانهای ناشناختهٔ ایتالیا مورد بحث قرار گرفته است و در بخش سوم؛ اصول و روشهای علمی رمزگشایی خطوط ناخوانده و زبانهای ناشناخته معرفی می‌شود و سرانجام در بخش چهارم؛ چند نمونه از خطوطی که هنوز رمزگشایی نشده‌اند و نیز تلاشهای دانشمندان برای رمزگشایی آنها ارائه می‌شود. پاره‌ای از اطلاعات سودمند دربارهٔ اقوام، اشخاص، مکانها و نیز بعضی مآخذ جدیدتر و آگاهیهای دقیقتر توسط مترجمان به صورت پانوشت با ذکر منبع در پایان کتاب اضافه شده است

۴ طلسم باران به زبان سغدی

ویژگی اثر : مقاله-نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان ۱۳۴۸.

۵ فرهنگ زبان سغدی

ویژگی اثر : این فرهنگ سغدی-فارسی- انگلیسی در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فرهنگ سغدی»: فرهنگ سغدی (سغدی- فارسی- انگلیسی)، بدرالزمان قریب، تهران: فرهنگان، ۱۳۷۴. زبان سغدی از شاخ ?زبانهای ایرانی میان ?شرقی است که از قرن اول تا سیزدهم میلادی در گستر ?جغرافیایی عظیمی، از دریای سیاه تا چین، مردمانی ایرانی تبار بدان تکلم می کردند. این شاخه گروه های مختلفی را در برمی گیرد و از نظر تنوع و حجم ادبیات مهمترین زبان ایرانی میان ?شرقی است. مؤلف این کتاب از بیست سال پیش به گردآوری واژه های سغدی همت گمارده است و حاصل این تلاش، فرهنگی غنی و جامع است که دانشمندان و پژوهشگران می توانند از آن بهره مند شوند. این فرهنگ از دو مقول ?فارسی و انگلیسی و سه بخش تشکیل شده که این سه بخش عبارتند از: بخش اصلی، واژه یاب فارسی، واژه یاب انگلیسی

۶ قانون هم وزنی مصوت ها در زبان سغدی

ویژگی اثر : مقاله-مجله دانشکده ادبیات، ۱۳۵۵.

۷ کتیبه تازه یافته خشایارشاه

ویژگی اثر : مقاله- نشری ?فرهنگ ایران باستان، ۱۳۴۶فمجلهٔ دانشکده ادبیات، ۱۳۴۷،مجلهٔ ایرانیکا آنتیکو، ۱۹۶۷ (انگلیسی)

۸ کشف کتیبه پهلوی در چین

ویژگی اثر : مقاله -مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۱۳۶۴

۹ مآخذ و مدارک پیرامون سرزمین سغد

ویژگی اثر : مقاله-مجل ?بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۹، (انگلیسی)

۱۰ مرز زبانی فارسی باستان و سغدی

ویژگی اثر : مقاله-یادنامهٔ ژان دومنانس، ۱۹۶۹، (انگلیسی)

۱۱ وسنتره جاتکه

ویژگی اثر : داستان تولد بودا به روایت سغدی است که در سال ۱۳۷۱ منتشر شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :www.ketabesal.ir۲۱برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور (از اولین سال برگزاری مراسم تا انتهای برنامه پنجساله) ، ناشر : دفتر شورای جذب نخبگان نهاد ریاست جمهوری ، ص ۱۶۵۳زنان فرهنگساز ایران و جهان ، تالیف: پوران فرخزاد ، ج ۲ ، تهران: انتشارات زریاب ،ص ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷۴سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سیدمحمدباقر برقعی ، قم: انتشارات خرم ، ص ۴۹۲

قریب، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مترجم. تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی علوم سیاسی به پایان برد و از دانشکده‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: رایزنی سفارت ایران در پاریس، معاون اداره‌ی حقوقی در وزارت دارایی، رایزنی سفارت ایران در قاهره، ریاست اداره‌ی اول و پنجم سیاسی در مرکز بود. آثار وی: «بنده‌ی فراری»، ترجمه‌ی؛ «تاریخ سرگذشت بزرگترین سلاطین هخامنشی ایران سیروس یا کورش کبیر»، ترجمه.[۱]

فرزند محمدحسین شمس‌العلماء گرگانی، در ۱۲۷۰ در تهران متولد شد. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و از آنجا فارغ‌التحصیل گردید. در ۱۲۹۳ ش به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و طی خدمت طولانی خود در آن وزارتخانه که قریب نیم قرن طول کشید، مشاغل مختلفی را احراز کرد. چندی در قاهره نایب اول و مستشار و بعد کاردار شد. در سفارت ایران در فرانسه با سمت وزیرمختار، کاردار بود. مدتی مدیریت کل وزارت امور خارجه را بر عهده داشت، سرانجام به سفارت ایران در عربستان سعودی منصوب شد. وفات او در ۱۳۶۵ در تهران در سن ۹۵ سالگی اتفاق افتاد. چند ترجمه از او باقی مانده مانند بنده‌ی فراری اثر جرجی زیدان. قریب یک پسر و سه دختر از خود باقی گذاشت. شمس‌الدین قریب در وزارت امور خارجه به مقام کارداری و مستشاری رسید ولی در میانسالی درگذشت. از بین دختران وی، بدرالزمان قریب در رشته‌ی زبانشناسی و زبانهای باستانی، از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا درجه‌ی دکترا گرفت. چندی در دانشگاه شیراز و سپس در دانشگاه تهران به تدریس زبانهای ایران باستان مشغول شد. دو دختر دیگر وی به نام فخری و مهری، تحصیلات عالیه خود را به اتمام رسانیده در مشاغل فرهنگی خدماتی عرضه داشتند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۱۲، ۵۱۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۴ -۵۷۳ / ۳).

قزوینی حلی، ابوموسی، ابوالهادی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ / ۱۲۹۷ –۱۲۵۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، کاتب، ادیب لغوی و شاعر. در حله به دنیا آمد. جد مادری‌اش شیخ علی بن جعفر کاشف الغطاء است. در مقدمات شاگرد پدرش، سید مهدی بود. آن‌گاه به نجف رفت و فقه را در محضر دایی‌هایش شیخ مهدی و شیخ جعفر، فرزندان علی بن جعفر کاشف الغطاء، و اصول را در محضر شیخ مرتضی انصاری و ملا محمد فاضل ایروانی فراگرفت.. پس از فراگیری فقه و اصول و فلسفه و حکمت و تاریخ و لغت به حله بازگشت و در کنار پدرش به امور دینی پرداخت و در نزد او به تکمیل تحصیلات مشغول شد تا از وی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. او به نوبه‌ی خود مجلس درسی بنا نهاد و شاگردانی تربیت کرد. در حله درگذشت و پیکرش به نجف منتقل شد و در صحن شریف دفن گشت. در سوک او بیست و دو شاعر بزرگ عرب مرثیه سرودند و سید حیدر حلی تمام آنها را در کتابی به نام «الاحزان فی خیر انسان»، گردآوری کرده است. از آثار وی: کتاب «اشراقات»، در منطق؛ «التلویحات الغرویه»، در اصول فقه، با عنوان مختصر «تلویح- تلویح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشعیه (۱۸۸ / ۴)، الذریعه (۴۳۰ / ۴)، ریحانه (۴۴۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۱ –۲۶۹ / ۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/قزوینی)، معجم المؤلفین (۱۵۱ / ۳)،مکارم الآثار (۱۴۲۷ –۱۴۲۵ / ۴).

قزوینی قوام الدین، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۰ / ۱۱۴۹ / ۱۱۴۰ ق)، عالم امامی، فقیه، قاضی، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا قوام‌الدین. وی از شاگردان و خواص شیخ جعفر کمره‌ای اصفهانی قاضی و در ۱۱۰۷ ق از علامه مجلسی به دریافت اجازه نایل شد. او مهارت بسیاری در سرودن شعر داشت و کتابهای چندی را به نظم کشید و قصائد و مقطعات در درود بر پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) و اشعار زیادی در مراثی از خود به یادگار گذاشت. او به هنگام بازگشت از مکه درگذشت. از آثار وی: نظم «اللمعه الدمشقیه»، به نام «التحفه القومیه فی فقه الامامیه»؛ «ارجوزه فی الحساب» به نام «نظم الحساب»، نظم «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الاسطرلاب»، نظم «صحیفه الاسطرلاب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی اصول الفقه»، نظم «زبده‌ی» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الطب»، به نام «مفرح القوام»؛ «منظومه البیان»، ارجوزه‌ای در علم بیان؛ «ارجوزه فی التجوید»، که نظم «الشاطبیه» است؛ «ارجوزه فی النحو»، به نام «الصافیه»، که نظم «الکافیه» ابن‌حاجب است؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۷۴ / ۱۰، ۴۱۲ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۱ / ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۶)، تذکره المعاصرین (۱۲۱ –۱۱۹، ۴۶)، الذریعه (۲۱۰ –۲۰۹ / ۲۴، ۴۸۷ / ۹، ۲۲۵ / ۷، ۴۶۲ / ۳، ۵۰۴، ۴۹۰، ۴۸۵– ۴۸۴، ۴۸۲، ۴۷۲ –۴۷۱، ۴۶۴، ۴۶۱، ۴۵۵، ۴۵۲ / ۱)، ریحانه (۴۹۳ –۴۹۲ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۵۰)، فوائد الرضویه (۶۲۲–۶۲۱)، الکنی و الالقاب (۹۰ / ۳)، لغت‌نامه

(ذیل/قوام‌الدین)، معجم المؤلفین (۳۰۴ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۲۱).

قزوینی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید باقر بن سید هادی بن سید میرزا صالح بن سید مهدی بن سید حسن بن سید احمد حسینی الحلی القزوینی از افاضل ادباء بیت خود بوده و در سال ۱۳۰۴ متولد و در سال ۱۳۳۲ وفات نموده

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، بهاءالدین، ابومحمد طاهر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۵ ق)، محدث، نحوی. او به واسطه جماعتی از ثقات از ادیب فاضل مجمع بن محمد بن احمد مسکنی حدیث نقل کرده و کتابهای وی، «شرح الفصیح» و «شرح الالفاظ» و «دیوان النظم» و «دیوان النثر»، را روایت نموده است. رافعی در کتاب «التقریب» وی را ستوده و او را صاحب تصانیف ذکر کرده است. شیخ منتجب‌الدین از شاگردان و راویان شیخ بهاءالدین است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۴ / ۱۳، ۱۱۷۱ / ۹)، روضات الجنات (۱۳۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷ / ۵)، فهرست منتجب‌الدین (۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل/طاهر).

قزوینی، تاج‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۵ ق)، قاضی، محدث، فقیه شافعی، مدرس، ادیب و لغوی. اصل وی از قزوین و در بغداد ساکن بود و در مدرسه‌ی نظامیه بغداد تا پایان عمر تدریس می‌نمود. از آثارش: شرح «مصابیح السنه» بغوی؛ «المحیط بفتاوی اقطار البسیط»؛ «الرغاب»، در تصریف؛ «العجاب»، در نحو، و شرح آن؛ «اللطائف»؛ شرح «المقامات الحریری».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۸۱ / ۷)، هدیه العارفین (۷۱۹ / ۱).

قزوینی، خلیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۸۹ -۱۰۰۱ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، متکلم و نحوی. اصل وی از قزوین بود. در قزوین به دنیا آمد. وی از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد است. او شریک درس خلیفه سلطان وزیر در درس حاج محمود رنانی و ملا حسین یزدی بود. وی از معاصران شیخ حر عاملی و ملا محسن فیض کاشانی است. ملا خلیل قزوینی استاد علامه مجلسی و آقا رضی‌الدین قزوینی بود. پیش از سی سالگی عهده‌دار تولیت حضرت عبدالعظیم و تدریس در آنجا بود. پس از چندی به مکه رفت و مجاورت آنجا را برگزید. سپس به قزوین بازگشت و شروع به تصنیف و تألیف نمود. در قزوین درگذشت و در مدرسه‌اش دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «مجمع البیان» طبرسی؛ «رموز التفاسیر الواقعه فی الکافی و الروضه»؛ «الصافی فی شرح الکافی»، به فارسی؛ «الشافی فی شرح الکافی»، به عربی؛ «المجمل»، در نحو؛ «الرساله النجفیه»؛ «الرساله القمیه»؛ شرخ «عده الاصول» شیخ طوسی یا حاشیه بر «العده»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۹ -۳۶۸ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۵۶ -۳۵۵ / ۶)، الذریعه (۴۸ -۴۷ / ۲۰، ۵ -۴ / ۱۵، ۳۶۸، ۶ -۵ / ۱۳، ۲۵۱ / ۱۱، ۱۹۱، ۱۴۸ / ۶، ۱۴۲ / ۵، ۸۲ / ۲)، روضات الجنات (۲۶۲ -۲۵۷ / ۳)، ریاض العلماء (۲۶۶ -۲۶۱ / ۲)، ریحانه (۴۵۲ -۴۵۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴ -۲۰۳ / ۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/ خلیل)، معجم المؤلفین (۱۲۵ / ۴)، مینو در (۱۷۳ / ۲)، هدیه العارفین (۳۵۴ / ۱).

قزوینی، شرف‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۴۰ -۶۶۰ ق)، منشی، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. وی در قزوین تولد یافت، پس از تحصیل، به توسط خواجه غیاث‌الدین محمد به خدمت اولجایتو راه یافت و با خواجه به تبریز آمد. چند گاهی نیز در درگاه اتابک نصرةالدین احمد لر از امرای فضلویه یا لر بزرگ بود و او را مدح می‌گفت. از جمله آثارش: «المعجم فی آثار ملوک العجم»، که مختصری در ذکر معالی و مآثر پادشاهان قدیم ایران است و به نام اتابک نصرةالدین احمد تالیف کرده؛ «الترسل النصرتیه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۵۸ -۱۲۵۶ /۳)، تاریخ در ایران (۱۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۶۵ -۱۴۶۴ /۲)، الذریعه (۲۱۸/۲۱، ۵۱۶/۹، ۲۸۸ -۲۸۷ /۳)، سبک شناسی (۱۰۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، مجمع الفصحا (۸۰۸ -۸۰۷ /۲)، مینودر (۹۲۳ -۹۲۲ /۲).

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۳ / ۶۸۲ -۶۰۵ / ۶۰۰ ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به

مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن‌طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در ۶۵۰ ق قاضی حله و در ۶۵۲ ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود.در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخابر العباد»، در جغرافی، که ظاهرا در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دائره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۰ / ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۱ -۲۷۹ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، الذریعه (۲۱۹ / ۱۵، ۷ / ۱)، روضات الجنات (۳۷۳ / ۳)، ریحانه (۴۵۳ / ۴)، کشف الظنون (۱۱۲۸ -۱۱۲۷، ۱۱۲۶، ۹)، الکنی و الالقاب (۶۲ -۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۱۸۳ / ۴)، مینودر (۸۳۷، ۵-۳ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۶)، هدیه العارفین (۳۷۳ / ۱).

قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد قزوینی در سال ۱۲۵۴ خورشیدی در قزوین متولد گردید. تا سال ۱۳۰۶ ق. که پدرش در حال حیات بود ، مقدمات صرف و نحو را نزد پدر آموخت. پس از فوت پدر تحت سرپرستی شمس العلما شیخ محمدمهدی عبدالرب آبادی قزوینی ، نزد علمای وقت به تکمیل تحصیلات پرداخت. قزوینی پس از مدتی به جهت مطالعات بیشتر به اروپا رفت و مدتها در فرانسه ، انگلستان و آلمان اقامت داشت. علامه محمد قزوینی در سن ۲۶ سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان ، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنای اوقاف گیب دست به کار تصحیح و انتشار تاریخ جهانگشای جوینی زد ، پس از دو سال اقامت در لندن ، در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۴ به پاریس رفت ؛ او در این مدت به نشر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن برای چاپ توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت ، و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح کرد. قزوینی یک سال پس از جنگ جهانی اول به آلمان رفت . بعد از خاتمه جنگ در روز ۱۳ دی ماه ۱۲۹۸ (۴ ژانویه ۱۹۲۰) به دعوت میرزا محمدعلی خان فروغی به پاریس برگشت و تصحیح کتبی را که نیمه کاره مانده بود از سر گرفت. در این زمان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد. قزوینی در سال ۱۳۱۸ ، به علت جنگ جهانی دوم فرانسه را ترک کرد و برای اقامت دایم به ایران بازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود. علامه محمد قزوینی در روز جمعه ششم خرداد ماه ۱۳۲۸ ش. در تهران درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : تصحیح متون

والـدین و انساب : نام پـدر محمـد قزوینی، عبـدالوهاب بن عبـدالعلی قزوینی است. عبدالوهاب یکی از مولفین اربعه «نامه دانشوران» می باشد.

اوضـاع اجتمـاعی و شـرایط زنـد گی : پـدر علامه قزوینی از علمای زمان خود بود که در مـدرسه دوسـتعلی خان معیر الممالک ، در تهران به کار تدریس اشـتغال داشت. او از جمله کسانی است که با سه تن از دانشـمندان دیگر ، در نوشتن « نامه دانشوران » شرکت داشته و بیشتر ترجمه احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب و فقه در کتاب مزبور به قلم اوست.

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : محمـد تحصـیلات علوم متـداوله اسـلامی را در تهران سپری کرد. قزوینی بـا وجود آنکه از خانواده علمای دین بود، از همان عهد جوانی در خط تحصیل زبان های اروپایی و آشنا گشتن با طریقه تتبع و تحقیق فرنگیان افتاد.

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : علامه قزوینی در ایام تحصـیل با درس دادن به بعضی از دوستان و آشنایان خود امرار معاش می نمود. از جمله فعالیت های دیگر او در این زمان ترجمه مقالات و کتب از زبان عربی بود که توسط روزنامه تربیت ایشان انتشار می یافت.

استادان و مربیان : محمـد قزوینی، صـرف و نحو را درخـدمت پـدرش عبـد الوهاب بن عبـد العلی قزوینی و در خدمت حاجی سـید مصـطفی قنات آبادی در مدرسه معیر الممالک و فقه را در خدمت، همسو و شیخ محمد صادق تهرانی و اندکیکمتر در محضر شیخ فضـل اللهنوری، کلاـم و حکمت قـدیم را از شـیخ علی نوری درمـدرسه خان مروی و اصول فقه را نزد ملا محمـد آملی در مدرسـه خـازن الملک، اصول فقه خارج را در محضـر افضل المتاخرین میرزا حسن آشتیانی آموخته است. او همچنین از محضـر شـیخ هادی نجم آبادی نیز بهره برده است، اما بدون تدریس و تدرس کتب رسمی وی از سید احمد ادیب پیشاوری نیز کسب فیض کرده است. شمس العلمـا شـیخ محمـد مهـدی قزوینی عبـدالرب آبـادی، میرزا محمـد حسـین خان اصـفهانی (متخلص به فروغی و ملقب به ذکا الملک) نیز از اساتید قزوینی بوده اند.

همسـر و فرزنـدان : محمد قزوینی در سـفر دوم خود به پاریس با یک خانم ایتالیایی ازدواج نمود ، که حاصل آن یک دختر بود که برای او به یادگار ماند.

وقایع میانسالی : در اوایل سال ۱۳۲۲ محمد قزوینی بنا به دعوت برادرش (میرزا احمد خان) به لندن سـفر کرد، و از کتابخانه بزرگ لندن دیدن کرد. او در این سـفر با مستشـرقین انگلیسـی بسیاری آشنا شد از جمله پرفسور توان (A.A.Bevan)، الس (A.G.Elis)، آمـد روز (H.F.Amedroz) و ادوارد براون (E.G.Browne). علامـه قزویی بـا میرزا عبـاس خـان اقبـال آشتیـانی نیز مراوده و مکاتبه داشت، همچنین با میر محمد حسین خان عمیدالملک حسابی. [محقق. مهدی، زندگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه ۱۳۷۸، ص ۳۰-۲۹] قزوینی با کازانوا (P.Casanova) و گابریل فران (.FerandG)، مستشرقین فرانسوی نیز آشنا بود. علامه قزوینی، با احمد زکی ولیدی طوغان ، رهانری ماسه، ماسینیون،برتلز، مارکوارت و ادوارد براوان آشـنایی داشـته است. محمد قزوینی با علی اکبر دهخدا، نویسنده لغت نامه دهخدا، همدوره و دوست بود. همچنین با حاجی سـید نصر الله اخوی، حسینقلی خان نواب، سـید حسن تقی زاده،میرزا فضـلعلی آقا مجتهـد تبریزی، سـید محمد علی خان جمال زاده، میرزا محمود خان غنی زاده، میرزا حسین خان کاظم زاده (ایرانشهر) میرزا محمد علی خان تربیت، سید محمد رضا مساوات و میرزا ابراهیم پور داود. از دوستان آلمانی محمـد قزوینی می توان به مستشـرقینی همچون مارکوارت (j.Marquart)، زاخائو(E.Sachau)، موریتز (B.Moritz) هارتمن (M.Hartmann)، مان(o.Mann)، میتـوخ (E.Mitwoch)، فرانـک (Frank)، بـک (S.Beck)، نولدکه(T.Noldeke) اشـاره کرد. قزوینی بـه پـاریس نیز مسافرتی داشت که بر اثر آن لبـا جمعی از مستشرقین فرانسه آشـنا شـده است هماننـد هرتـویک درنبورک (Hartwig Dernbourg)، باربیه دومنار (Barbier de Meynard)، میه (A.Meillet) و هوارت (C.Huart)

قزوینی در اواخر زنـدگانی خود می گفت: «... اکنون که تامیل ایام گذشـته می کنم و بر عمر تلف کرده تاسف میخورم باز یکی از بهترین تفریحات من مطالعه شرح رضی و مغنی البیب است که برای من احلی من وصل الحبیب است!العاده کالطبیعه الثانیه.»

زمان و علت فوت : محمد قزوینی، روز جمعه ششم خرداد ۱۳۲۸ شمسی مطابق با ۲۸ رجب ۱۳۶۸ قمری، حدود ساعت ده و نیم در کوچه دانش منشعب از خیابان فروردین تهران، چهره در نقاب خاک کشید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد قزوینی در سن ۲۶ سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان ، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنای اوقاف گیب دست به کار تصحیح و انتشار تاریخ جهانگشای جوینی زد ؛ چون بهترین نسخ آن کتاب در کتابخانه ملی پاریس بود، پس از دو سال اقامت در لندن ، در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۴ به پاریس رفت ؛ و از آن تاریخ تا سال ۱۳۳۳ ق. همیشه در پایتخت فرانسه مقیم بود ؛ او در این مدت به نشر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن برای چاپ توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت ، و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح کرد. قزوینی یک سال پس از جنگ جهانی اول ، به دعوت سیدحسن تقی زاده ، که در برلین سرپرستی کمیته ایرانی آلمان را داشت و در آنجا روزنامه کاوه را منتشر می ساخت ، به همراهی حسینقلی خان نواب که به سمت سفیر ایران در آلمان انتخاب شده بود ، به آلمان رفت و در ۱۸ ذی الحجه ۱۳۳۳ (۲۷ اکتبر ۱۹۱۵) به برلین رسید و تا چندی پس از پایان جنگ در آن شهر ماند. بعد از خاتمه جنگ در روز ۱۳ دی ماه ۱۲۹۸ (۴ ژانویه ۱۹۲۰) به دعوت میرزا محمدعلی خان فروغی به پاریس برگشت و تصحیح کتبی را که نیمه کاره مانده بود از سر گرفت. در این زمان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد ؛ او جمعاً ۱۶ کتاب عکس گرفت و با مقدمه های به ایران فرستاد. قزوینی در سال ۱۳۱۸ ، به علت جنگ جهانی دوم و مشکلاتی که خارجیان مقیم در اروپا گریبانگیر آن شدند ، فرانسه را ترک کرد و ، بعد از سی وشش سال غربت ، در مهر ماه آن سال ، برای اقامت دایم به ایران بازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود.

همفکران فرد : روش محمد قزوینی در کار متن شناسی آن چنان از دقت نظر برخوردار بود که بزرگانی چون فروزانفر ، بهار ، دهخدا ، اقبال آشتیانی ، مینوی و ... را متأثر ساخت.

آرا و گرایشهای خاص : محمد قزوینی در کار متن شناسی ، استادی زبردست بود. اجتهاد متن شناسی وی نه تنها در متونی که خود تصحیح کرد ، بلکه در مقالات و رسائلش نیز به خوبی قابل درک است. دکتر قاسم غنی همکار علمی قزوینی در تصحیح دیوان حافظ در مورد وی چنین می گوید: « مرحوم قزوینی روش تدقیق و نقد ادبی را به معاصرین خود آموخت؛ آفتاب فیاض با برکتی بود که هرکس را مستعد می دید به تربیت و ارشاد او می پرداخت... » --

----

آثار :

۱.

ویژگی اثر : علامه محمد قزوینی برای کتابخانه شخصی خود که اکنون در دانشکده ادبیات تهران محفوظ است برای خود فهرستی تهیه کرده و برای همه کتابهای چاپی و خطی به شیوه ای دقیق کتابداری، اطلاعات لازم را نوشته است که شامل چهار جلد فهرست را شامل می گردد.

۲ بیست مقاله

ویژگی اثر : این کتاب شامل دو جلد است.[ص۴۵]

۳ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم

ویژگی اثر : این اثر تالیف شمس قیس رازی است. [ص۴۲]

۴ تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی

ویژگی اثر : این اثر تالیف علا الدین عطا ملك جوینی است.[صص ۴-۴۳]

۵ تصحیح چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی

ویژگی اثر : این اثر تالیف نظامی عروضی سمرقندی است[ص۴۳]

۶ تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر : این اثر تالیف حافظ شیرازی است.[ص۴۴]

۷ تصحیح کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار

ویژگی اثر : این اثر تالیف معین الدین شیرازی است.[ص ۴۴]

۸ تصحیح مرزبان نامه

ویژگی اثر : این اثر تالیف مرزبان بن رستم است.[ص۴۲]

۹ تصحیح مقدمه قدیم شاهنامه

ویژگی اثر : این اثر تالیف فردوسی لوسی است. [ص ۴۷]

۱۰ رساله ای در شرح حال مسعود سعد سلمان

ویژگی اثر : [ص۴۵]

۱۱ رساله در شرح احوال شیخ ابوالفتوح رازی

ویژگی اثر : این اثر به نام خاتمه الطبع راجع به شرح احوال مولف کتاب و وصف اجمالی تفسیر حاضر چاپ شده است. [صص ۸-۴۷]

۱۲ رساله ممدوحین سعدی

ویژگی اثر : [ص۴۷]

۱۳ مقاله تاریخی و انتقادی راجع به کتاب نفثه المصدور

ویژگی اثر : این اثر تالیف نور الدین محمد نسوی است.[ص۴۷]

۱۴ مقدمه تذکره الاولیا

ویژگی اثر : این اثر تالیف عطار نیشابوری است.[ص۴۵]

۱۵ مقدمه تذکره الشعرا عوض

ویژگی اثر : این اثر موسوم به لباب الالباب است.[ص۴۵]

منابع زندگینامه :سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین ، نوشته: پرویز ورجاوند ، ج ۲ ، تهران : نشر نی ، ص ۱۲۵۴]۲[محقق. مهدی، زندگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه ۱۳۷۸، ص ۱]۳از نیما تا روزگار ما ، تالیف: یحیی آرین پور ، ج۳ ، تهران: انتشارات زوار ، ص۱۰۸

قزوینی، میرزا محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمد طاهر قزوینی ، متخلص به وحید ، از شاعران سده یازدهم و اوایل یازدهم است که در قزوین متولد گردید. وحید به

سبب استعداد ذاتی ، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردیدو در فن سیاغ و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدور کوشید. پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد ، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر ومشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ هـ.ق) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ.ق) ، کفالت آن خدمت را عهده دار شد. پس از قتل ساروتقی ، اعتمادالدوله – سید علاء الدین خلیفه سلطان – صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد ، و به سال ۱۰۵۵ هـ.ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (۱۰۷۷ – ۱۱۰۵ هـ.ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ هـق) بر این مسند باقی ماند. وحید قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی ، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : میرزا محمد طاهر قزوینی ، متخلص به « وحید » ، از ادبا و فضلا و رجال دوره صفوی و از شاعران سده یازدهم و اوایل دوازدهم هجری است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا محمد طاهر قزوینی به سبب استعداد ذاتی ، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردیدو در فن سیاغ و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدور کوشید.

هم دوره ای ها و همکاران : میرزا محمد طاهر قزوینی با شاعر بزرگ زمان خود ، صائب تبریزی دوستی نزدیک داشت.

وقایع میانسالی : بنا برروایت هدایت در روضه الصفا، میرزا محمد طاهر قزوینی در دوره وزارت شیخ علی خان زنگنه مخذول و منکوب گردید و این وضعیت تا پایان وزارت شیخ علی خان در سال ۱۱۰۱ ادامه داشت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرزا محمد طاهر قزوینی پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد ، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر ومشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ هـ.ق) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ.ق) ، کفالت آن خدمت را عهده دار شد. پس از قتل ساروتقی ، اعتمادالدوله – سید علاء الدین خلیفه سلطان – صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد ، و به سال ۱۰۵۵ هـ.ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (۱۰۷۷ – ۱۱۰۵ هـ.ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ هـق) بر این مسند باقی ماند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا محمد طاهر قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی ، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است. قصاید وحید را در حدود ۵۷۶۷ بیت ، و غزلیاتش را در حدود ۳۰۰۰۰ بیت ، و رباعیاتش در حدود ۱۰۰ بیت ذکر کرده اند.

آرا و گرایشهای خاص : میرزا محمد طاهر قزوینی که شاعری توانا بود ، در سرودن شعر تلاش می کرد از مزامین تازه استفاده نماید. ابن یوسف شیرازی در مورد اشعار وحید چنین می گوید: « از لحاظ شعر کلیات وحید ارزش و بهای بسیار ندارد ، ولی مثنویات او بی لطافت نیست و جنبه تاریخی دارد. در آخر «عاشق و معشوق» به تعریف تمام اصناف و کسبه اصفهان پرداخته و «

مثنوی آلات جنگ» او بسیار جالب نظر و توجه می باشد ، مثنوی « خلوت راز » و « ناز و نیاز » او لطیف و اخلاقی است ... » نصر آبادی نیز در باره وی چنین می نویسد: « با اینکه در تحصیل علوم از احدی استفاده ننموده و هیچ گاه فرصت آن نداشته ، باز به قوت ادراک از جمیع علوم بهرهٔ وافی برده ؛ در ترتیب نظم ، قوهٔ بدیهه اش به حدی است که تا کسی نام بیت برد معمار خاطرش به دستیاری خامه به عمارت آن پرداخته ... » . --

آثار :

۱ تاریخ طاهر وحید یا عباسنامه ، یا تاریخ شاه عباس دوم

ویژگی اثر : این کتاب مربوط به وقایع دوران پادشاهی شاه عباس دوم از آغاز تا سال بیسیت و دوم سلطنت او بدست می دهد.

۲ عاشق و معشوق

ویژگی اثر : درحدود هزار و سیصد بیت می باشد.

۳ کلیات شعر وحید

ویژگی اثر : هدایت در تتمه روضه الصفا جلد هشتم می نویسد ، دیوان وحید که مرکب از اشعار ترکی ، عربی و فارسی است در حدود نود هزار بیت می باشد. نصر آبادی دیوان وی را از غزل و قصیده و مثنوی ، قریب به سی هزار بیت ذکر می کند؛ و حزین که دیوان وحید را دیده است ، اشعار او را بیش از ششصد هزار بیت یاد می کند.

۴ مثنوی

ویژگی اثر : در حدود هزار و سیصد و هشتاد بیت که فقط در نسخه کلیات به شماره ۱۱۶۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می باشد.

۵ مثنوی آلات جنگ

ویژگی اثر : در حدود هشتصد بیت است.

۶ مثنوی خلوت راز

ویژگی اثر : درحدود دوهزار و دویست بیت می باشد.

۷ مثنوی در وصف تنبور

ویژگی اثر : بالغ بر شصت و شش بیت می باشد.

۸ مثنوی در وصف عمارت شاهی

ویژگی اثر : بالغ بر شصت و یک بیت می باشد.

۹ مثنوی در وصف نرد

ویژگی اثر : بالغ بر پنجاه و نه بیت می باشد.

۱۰ مثنوی در وصف همایون تپه

۱۱ مثنوی ساغر سرشار

ویژگی اثر : این مثنوی در کلیات وحید قزوینی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره۱۱۶۲ ، فقط هفت بیت آن باقی است.

۱۲ مثنوی فتح قندهار

ویژگی اثر : در حدود چهارصد و هشتاد بیت است.

۱۳ مثنوی گلزار عباس

ویژگی اثر : در حدود ششصد و هشتاد بیت است.

۱۴ مثنوی ناز و نیاز

ویژگی اثر : در حدود سه هزار و دویست بیت است.

۱۵ مجموعه منشآت وحید

ویژگی اثر : در حدود دویست و پنجاه نامه است ، که به مناسبت شغل و مقامی که داشته به امرا و سلاطین و... نگاشته است.

منابع زندگینامه : سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین ، پرویز ورجاوند ، ج ۲ ، تهران : نشـر نی ، ۵۶- ۱۳۵۵]۲فرهنگ سخنوران و سرایندگان قزوین (تذکره شعرای قزوین) ، تالیف: سیدمحمود خیری ، به کوشش: نقی افشاری ، قزوین: انتشارات طه ، ص ۲۷۴

قشقائی، جهانگیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا محمّد خان درّه شوری. از اعاظم حکما و متألّهین، و اجلّه فلاسفه و مرتاضین بوده، در اوایل عمر اندکی تحصیل علوم نموده، به سنّ چهل سالگی به اصفهان آمده و شوق تحصیل علم در او ایجاد شده، به تحصیل معقول و منقول پرداخته، نزد آقا محمّد رضا حکیم قمیشه‌ای و میرزا محمّد حسن نجفی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و عدّه‌ای کثیر از علمای اصفهان افتخار شاگردی او را دارند، و آن حکیم دانشمند از جمیع جهات ممتاز بوده، در علم و اخلاق زکیّه بر عموم علما تفوّق داشته، و در مدرسه صدر ساکن بوده، و عمری را به تجرّد و قناعت گذرانیده، و تا آخر عمر، لباس ایلی خود را تغییر نداده، و به عبا و عمامه ملبّس نگردیده.

در ۱۲۲۳ متولّد، و در شب یکشنبه ۱۳ رمضان المبارک سال ۱۳۲۸ در اصفهان وفات یافته، در تکیه آقا سید محمّد ترک، اوّل تخت فولاد مدفون گردید. وی مؤلّف شرحی است بر نهج البلاغه و اشعاری دارد.

مادّه تاریخ وفاتش را جابری چنین می گوید:

«جهانگیر نزد خدای جهان شد»

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قصری، ابوغانم عبدالرحیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، ادیب و شاعر. در گرگان کاتب و وزیر منوچهر بن قابوس بن وشمگیر، ملقب به فلک المعالی بود. که به سمت سفارت نزد سلطان محمود غزنوی رفت. وی اشعار نیکویی به عربی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (۲۸۷ -۲۸۶ /۲)، ریحانه (۲۲۰ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوغانم).

قطان قزوینی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۵ -۲۵۴ ق)، حافظ، محدث، فقیه و ادیب. محدث و شیخ قزوین بود. به طلب حدیث مسافرتهایی به عراق و یمن نمود و به نقل شاگردش، ابن‌فارس قزوینی، از وی حاصل این سفرها حفظ یکصد هزار حدیث بوده است. او «سنن» ابن‌ماجه قزوینی را از خود وی استماع کرد و همچنین از محمد بن فرج ازرق و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن دیزیل و حارث بن ابی‌اسامه و قاسم بن محمد دلال و یحیی بن عبدک قزوینی و اسحاق بن ابراهیم دبری و حسن بن عبدالاعلی بوسی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. وی بر حسن بن علی ازرق- به حرف کسائی- قرائت نمود و احمد بن نصر شذائی قاری بر قطان قرائت کرد. زبیر بن عبدالواحد حافظ و ابوالحسن نحوی و ابوالحسین احمد بن فارس لغوی و احمد بن علی بن لال و ابوسعید عبدالرحمان بن محمد قزوینی و قاسم بن ابی‌منذر خطیب از وی حدیث شنیده‌اند. ابویعلی خلیلی گوید که وی شیخی عالم به جمیع علوم و تفسیر و فقه و نحو و لغت بود. جماعتی از شیوخ قزوین گفتند که قطان مانند خود در زهد و فضل ندیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (۸۵۷ -۸۵۶ / ۳)، سیر النبلاء (۴۶۵ -۴۶۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۷۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۵۵ - ۳۵۴)، العبر (۷۰ / ۲)، معجم الادباء (۲۲۱ -۲۱۸ / ۱۲)، النجوم الزاهره (۳۶۰ -۳۵۹ / ۳).

قطان مروزی، عین الزمان، ابوعلی حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۸ -۴۶۵ ق)، حکیم، ریاضیدان و ادیب. اصل وی از بخارا بود. در مرو به دنیا آمد. در طب، ریاضیات، ادبیات و علوم دینی سرآمد ولی اشتغال وی بیشتر در علم طب بود. او از شاگردان ابوالعباس لوکری بود. وی در فتنه‌ی غزان کشته شد. قطان در عروض، انساب، طب، هیئت و ریاضی تألیفات متعدد دارد. مهمترین اثر ریاضی او کتاب «گیهان شناخت» یا «کیهان شناخت» و «اختر شناخت» است. از دیگر آثارش: «الدوحه»، در انساب؛ «رسائل»، در طب.[۱]

مروزی، عین‌الزمان ابوعلی حسن بن علی؛ ریاضی‌دان و طبیب و فیلسوف قرنهای پنجم و ششم. اصل وی از بخارا بود و او خود به سال ۴۶۵ در مرو ولادت یافت. تحصیلات علمی وی نزد لوکری (ه.م) صورت گرفت و او در مرو می‌زیست تا در ۵۴۸ در فتنه‌ی غزان به دست آنان کشته شد. قطان در طب و علوم اوایل و ریاضیات و ادبیات و علوم دینی سرآمد زمان خود بود، ولی بیشتر به طب علاقه داشت و در مرو دکانی داشت که در آن به طبابت مشغول بود. مهمترین اثر ریاضی او «گیهان شناخت» (ه.م) است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۲۰ -۲۱۹ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۷ -۹۶۵، ۳۱۳ -۳۱۲، ۲۹۴ / ۲)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۷)، تتمه‌ی صوان الحکمه (۹۱)، الذریعه (۲۵۵ -۲۵۴ / ۱۸، ۲۷۲ -۲۷۱ / ۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۵)، معجم المؤلفین (۲۶۰ / ۳).

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۶ / ۷۶۶ -۶۹۴ ق)، عـالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الـدین و قطب المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است او این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الکشاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قوعد الاحکام»علامه حلی؛ رساله در «تحقیق الکلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی.[۱]
رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. ۷۷۶ ه.ق). وی از شاگردان مبرز علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال ۷۱۳ ه.ق در قصبه‌ی ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحرالاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریرالقواعد المنطقیهٔ در شرح شمسیهٔ، تحفهٔالاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحرالاصداف، تحقیق معنی التصور والتصدیق، تقسیم‌العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح‌الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع‌الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۸ / ۷)، اعیان الشیعه (۴۱۳ / ۹)، ایضاح المکنون (۴۰۳، ۵۶ / ۲ ،۲۳۳ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۹، ۲۵۶، ۲۵۴، ۲۵۳- ۲۴۶، ۲۴۴- ۲۳۷، ۱۴۷، ۴۷ / ۳)، تأسیس الشیعه (۴۰۱ -۴۰۰)، حبیب السیر (۲۲۱ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۲۰۵۹ / ۲)، الذریعه (۱۰۷ / ۲۰، ۳۵۹ / ۱۸، ۱۵۶ / ۱۷، ۶۹ / ۱۴، ۳۳۷ / ۱۳، ۱۹۹- ۱۹۸ / ۴، ۳۸۸ / ۳)، روضات ا لجنات (۴۷ -۳۷ / ۶)، ریاض العلماء (۱۷۲ -۱۶۸، ۱۵۶ / ۵)، ریحانه (۴۶۷ -۴۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۸۱ -۳۸۰ / ۲)، شذرات الذهب (۲۰۷ / ۶)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۲ -۲۰۰ / ۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۹ -۳۹۸)، فوائد الرضویه (۶۱۸ -۶۱۶)، کارنامه بزرگان (۲۴۵)، کشف الظنون (۱۷۱۶-۱۷۱۵، ۸۸۶، ۶۲۶، ۹۵)، الکنی و

الالقاب (۷۱ -۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (۲۱۳ -۱۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۱۶ -۲۱۵ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۹ -۷۱۶ / ۵)، النجوم الزاهره (۷۰ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۱۸ -۲۱۷)، هدیه العارفین (۱۶۳ / ۲).

قطب‌الدین طریثیثی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۸ -۵۰۵ ق)، محدث، مدرس، مفسر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریثیث نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود. نزد پدرش و محمد بن یحیی، شاگرد غزالی، و عمر بن علی، معروف به سلطان، و در مرو نزد ابواسحاق ابراهیم بن محمد فقه آموخت و از هبه‌الله بن سهل سیدی و عبدالجبار خواری حدیث شنید. قطب‌الدین از پدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمد و در روزگار اساتیدش وعظ گفت و فتوا داد. وی مدتی نیز در نظامیه‌ی نیشابور به نیابت از جوینی تدریس کرد. در ۵۳۸ ق به بغداد رفت و وعظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سلطان صلاح‌الدین ایوبی کتاب «عقیده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائل دینی مورد نیاز را گردآوری نمود. سپس در دمشق ساکن شد و با ابونصر قشیری ملاقات کرد. در روزگار فقیه ابوالفتح مصیصی در دشمق مورد توجه قرار گرفت و در مجاهدیه درس گفت و پس از مرگ ابوالفتح تدریس در غزالیه را عهده‌دار شد، سپس راهی حلب شد و در آن جا در دو مدرسه‌ای که نورالدین و اسدالدین بنا نهاده بودند درس گفت. سپس به همدان رفت. مدتی در آنجا تدریس کرد. سرانجام به دمشق بازگشت و درس در غزالیه را از سر گرفت و به شاگردانش فقه آموخت. او هچنین در جاروخیه‌ی دمشق درس گفت، سپس به نمایندگی به بغداد رفت و داماد ابوالفتوح اسفرانیی شد. حافظ ضیاء از وی اجازه حدیث داشت. ابوالمواهب ابن صصری و برادرش حسین و تاج ابن حمویه و دیگران از وی روایت کردند. در دمشق درگذشت. در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره‌ی صوفیه‌ی غربی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۵ / ۸)، سیر النبلاء (۱۰۹ -۱۰۶ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۶۳ / ۴)، النجوم الزاهره (۸۶ / ۶)، وفیات الاعیان (۱۹۷ -۱۹۶ / ۵).

قطب‌الدین کیدری نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۷۶ ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از کیدر از روستاهای بیهق خراسان است. وی شاگرد فضل بن حسن طبرسی و ابن‌حمزه عمادالدین طوسی و معاصر با قطب راوندی بود. نقطه نظرات او در فقه مشهور و در کتابهای «مختلف» و «غایه المراد» و «مسالک» و «کشف اللثام» منقول است. از وی اشعار لطیفی باقی مانده است. از آثار وی: «الحدیقه الانیقه»، اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع)دایر بر آداب و حکم و عبرت و مواعظ؛ «انوار العقول من اشعار وصی الرسول»، که تمامی اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) را گردآوری کرده است؛ «حدائق الحقائق فی تفسیر دقائق أحسن الخلائق»، در شرح «نهج‌البلاغه»، که آن را در ۵۷۶ ق تألیف کرده است؛ کتاب «الاصباح» در فقه؛ «کفایه البرایا فی معرفه الانبیاء و الاولیاء»؛ «مباهج المهج فی مناهج الحجج»؛

«الدرر فی دقائق علم النحو»؛ «البراهین الجلیه فی ابطال الذوات الازلیه»؛ «لب الالباب»، در مسائل کلام.[۱]

کیدری، محمد بن حسین بن حسن بیهقی مکنی به ابوالحسن، دانشمند معروف (ف. ۷۷۶ ه.ق) او راست: الاصباح فی فقه‌الامامیهٔ، انوار العقول من اشعار وصی الرسول ص، البراهین الجلیهٔ فی ابطال الذوات الازلیهٔ، حدائق‌الحقائق که شرحی است بر نهج‌البلاغه، الدرر فی دقائق علم النحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۲۵۰ / ۹)، الذریعه (۱۰۱ / ۹ ، ۳۸۲، ۳۸۱- ۲۸۵، ۶ / ۸۰ ، ۳ / ۴۳۴، ۴۳۱- ۱۱۸، ۲ / ۲)، روضات الجنات (۲۷۸ -۲۷۴ / ۶)، ریحانه (۴۷۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۰ -۲۵۹ / ۶)، فوائد الرضویه (۴۹۴ -۴۹۳)، الکنی و الالقاب (۷۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۳۸ -۲۳۷ / ۹).

قلی‌زاده، احمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولف، مترجم.

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۲۸ خرداد ۱۳۶۸، لس‌آنجلس.

احمدرضا قلی‌زاده تحصیلات خود را در مدرسه‌های ثریا و ادب و دانش به پایان رسانید و پس از آن به دارالمعلمین وارد شده و از دانشسرای عالی در رشته‌ی فیزیک و شیمی در مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل شد. علاوه بر تدریس در دبیرستان‌های انوشیروان دادگر و فیروز بهرام در دانشگاه نیز درس می‌داد.

از آثار اوست: آزمایش‌های علمی (ژوزف لیمپتین، ۱۳۳۴)؛ شیمی (برای دوره‌ی متوسطه، ۱۳۱۷ -۱۳۱۶)؛ شیمی آلی (بامشارکت دکتر وارطانی، ۱۳۳۰، جلد سوم، ۱۳۱۶)؛ شیمی فنی خانه‌داری، فیزیک (برای سال سوم دبیرستان‌ها، ۱۳۱۷، با مشارکت علی‌اصغر نوروزیان و هادی رهنما، جلد پنجم، چاپ یازدهم، ۱۳۳۳، جلد ششم، ۱۳۱۹)؛ ماشین‌های خانگی (ژوزف لیمپتین). وی همچنین در ترجمه‌ی کتاب زندگینامه‌ی علمی دانشوران همکاری داشت.

احمدرضا قلی‌زاده در خرداد ۱۳۶۸ در بیمارستانی در شهر لس‌آنجلس آمریکا درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قمی مشهدی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، فقیه، مفسر، محدث، ادیب و عالم. وی با علامه محقق سبزواری و علامه مجلسی صاحب «بحارالانوار» و فیض کاشانی معاصر بود او از شاگردان علامه مجلسی و از ایشان، در ۱۱۰۷ ق، به دریافت اجازه نایل آمد. شیخ حر عاملی در «امل الامل» او را از فضلای معاصر خود می‌شمارد. از آثار وی: «کنز الدقائق و بحر الغرائب» یا «کنز الحقائق و بحر الدقائق»، در تفسیر قرآن که در حدود

یکصد و بیست هزار بیت است و استادش علامه مجلسی در پشت این تفسیر تقریظی، در ۱۱۰۲ ق، نگاشته و در آن او را ستوده است؛ «شرح المنظومه» موسوم به «نجاح المطالب» یا «ارجوزه»، منظومه‌ای در صد بیت، در معانی و بیان، و شرح آن موسوم به «انجاح المطالب فی الفوز بالمارب»؛ رساله در «احکام صید و ذباحه»، به عربی؛ «التحفه الحسینیه»، در ادعیه؛ «سلم درجات الجنه»؛ «شرح الزیاره الرجبیه»؛ «شرح الصحیفه السجادیه»؛ «شرح الترصیف فی علم التصریف»، به نظم.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تلامذه العلامه المجلسی (۷۲ –۷۱)، الذریعه (۶۴/ ۲۴ ،۱۵۴– ۱۵۳ ،۱۵۲ –۱۵۱ / ۱۸ ،۹۲ / ۱۴ ،۳۵۶ ،۳۰۷ –۳۰۶ ، ۱۴۵ / ۱۳ ،۲۲۰ / ۱۲ ،۴۳۰– ۴۲۹ / ۳ ،۳۶۴– ۳۶۳ / ۲ ،۴۹۶ / ۱)، روضات الجنات (۱۰۶ –۱۰۵ / ۷)، فوائد الرضویه (۶۱۸ ،۵۳۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۷ / ۱).

قمی، سعید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه خونساری در باب سین ص ۳۰۱ روضات الجنات گوید، القاضی سعید بن محمد مفید القمی اوست مولا و فاضل حکیم بارع عارف متشرع ادیب کامل محقق صمدانی که در بعضی از نوشته‌هایش از خود تعبیر به بنده ملتجی به درب صاحبان توحید محمد معروف به سعید نموده است.

دست بازی در مراتب ولایت و عرفان و روش عالی بر طریقه اهل معرفت و وجدان دارد. وی از بزرگان فضلاء حکمت و ادب و حدیث و تأویل و مؤید به روح‌القدس در استنباط نکات و دقایق خفیه و اطلاع بر اسرار و ضمایر و مکاشفات بوده است.

در عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می‌نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است.

بیشتر و عمده تلمذ و شاگردیش در محضر محدث بزرگوار مولانا محمد محسن فیض کاشانی بوده شباهت تامی در مشرب و روش به خواهرزاده‌اش شیخ نورالدین که به منزله پیراهن تن او و زبان وی در ظاهر و باطن بوده داشته است.

تألیفات و آثار ارزنده بسیاری دارد در حدیث و اخلاق که بعضی از آن را اشاره می‌نمایم:

۱– شرح کبیری بر کتاب توحید صدوق در چندین مجلد، ۲– کتاب اربعینیات که در او چهل رساله جمع کرده که از هر کدام چهل باب از بابهای معارف و تحقیقات باز می‌شود و آن از بهترین تصنیفات شیعه است.

قبر شریف این بزرگوار در نزدیک قبر جناب شیخ ابوالحسن علی بن بابویه در کنار خیابان ارم مقابل پارک فعلی شهرداری شهرستان قم می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمد بن رضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل گوید: آنجناب از فضلاء معاصرین بوده و گوید او راست شرح منظومه در معانی و بیان که یکصد بیت است و آن را «انجاح المطالب» نامیده و صاحب روضات گوید المولی میرزا محمد بن المولی محمد بن رضا بن المولی اسماعیل ابن جمال‌الدین المشهدی القمی مردی فاضل و عالمی عامل و جامع و ادیب و محدث و فقیه و منسر و نبیه و موثق و وجیه و از علماء زمان علامه سبزواری (جناب مولی محمدباقر ابن‌محمد مؤمن سبزواری اصفهانی) و علامه مجلسی (صاحب بحار) و مرحوم فیض کاشانی است او راست کتاب تفسیر کبیر موسوم به «کنزالدقایق و بحرالغرائب» که تقریباً یکصد و بیست هزار بیت است و سبقت نگرفته است او را به این طرز تفسیر احدی از علماء قدیماً و جدیداً و از برای اوست ایضاً کتاب کبیری در اعمال سال به فارسی که خوش طرز و پرفایده است و رساله‌ای به عربی در احکام صید و ذباحه با نهایت استدلال و غیر اینها از کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمیشه‌ای، ابوالفتوح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل حکیم بوده، و در قرن دوازدهم می‌زیسته است، و حواشی بر شرح اصول کافی نگاشته که آن را فرزندش محمّد مهدی قمیشه‌ای در نسخه‌ای از کتاب مرقوم، که در تاریخ ۲۶ شعبان سال ۱۱۳۳ از کتابت آن فراغت یافته است، نقل نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمیشه‌ای، مفیدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل ادیب، ساکن اصفهان بوده، و در ۱۲۹۳ وفات یافته، نزدیک خواجوئی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قوام الدین کرمانی، ابومحمد، ابوالفتح مسعود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۴۸ -۶۶۴ ق)، ادیب و فقیه حنفی. در دیارش علوم مقدماتی را فراگرفت و آن‌گاه در ادبیات عرب و فقه و اصول مهارت پیدا کرد و نظم و نثر نیکویی یافت. پس به دمشق رفت و ساکن آنجا شد. سپس مدتی را در قاهره گذرانید و سرانجام به دمشق بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثارش: شرح «کنز الدقائق» به نام «شرح الکنز»، در فروع فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکاشف الذهنی» در شرح «المغنی» خبازی خجندی، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۵ / ۸)، شذرات الذهب (۱۵۸ -۱۵۷ / ۶)، کشف الظنون (۱۷۴۹، ۱۵۱۶)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۲).

قوام السنه اصفهانی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۵ -۴۵۷ ق)، مفسر، حافظ، محدث و لغوی شافعی. معروف به جوزی و قوام‌السنه جوزی. از ابوعمرو عبدالوهاب بن منده و عائشه بنت حسن و ابراهیم بن طیان و قاضی ابومنصور شکرویه و محمد بن احمد سمسار و احمد ذکوانی و رئیس ابوعبدالله ثقفی و عاصم بن حسن و محمد زینبی و ابوبکر بن خلف شیرازی و ابونصر سراج و عبدالرحمان واحدی در اصفهان و بغداد و نیشابور حدیث شنید. او همچنین سالی را در مجاورت مکه گذرانید و املاء و تصنیف نمود. ابوسعد سمعانی و ابوالعلاء همدانی و ابوطاهر سلفی و ابوالقاسم بن عساکر و ابوموسی مدینی و ابوسعد صائغ و عبدالله بن محمد خباز و ابوالمجد زاهر بن احمد ثقفی و محمود عبدکوی از شاگردان وی در حدیث می‌باشند. ابوموسی مدینی او را پیشگام و استاد علمای زمانش می‌داند. یحیی بن منده گوید که در عصر او مثل او نبود. او در تفسیر، معانی، اعراب و فقه سرآمد اقران بود. فتاوای او در شهر و روستا شهرت داشت. وی کتاب بسیاری به عربی و فارسی نگاشت. از آثارش: «الجامع»، در تفسیر،سی مجلد؛ «المعتمد»، تفسیری در ده مجلد؛ «الایضاح»، در تفسیر، در چهار مجلد ؛ «الموضح»، تفسیری به فارسی در چندین مجلد؛ «دلائل النبوه»؛ «التذکره»، حدود سی جزء؛ «سیر السلف»، در شرح حال صحابه و تابعین؛ «الترغیب و الترهیب»؛«شرح الصحیحین»؛ «المغازی»؛ «اعراب القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۳ -۳۲۲ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۵۶ / ۱)، سیر النبلاء (۸۸ -۸۰ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۰۶ - ۱۰۵ / ۴)، طبقات الحفاظ (۴۶۴ -۴۶۳)، العبر (۴۴۷ -۴۴۶ / ۲)، الکامل (۳۶۹ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۰۴، ۱۷۳۲، ۱۴۰۴، ۷۶۰، ۶۳۱، ۵۷۵، ۵۷۱، ۵۵۸، ۵۵۴، ۴۴۲، ۴۰۰، ۲۱۱، ۱۲۳)، النجوم الزاهره (۲۶۱ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۱ / ۹)، هدیه العارفین (۲۱۱ / ۱).

قوام، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به «قوام‌السلطنه»، در ۱۲۵۲ ش در تهران متولد شد. پدرش میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه از رجال دوره‌ی ناصری و جدش قوام‌الدوله وزیر دفتر استیفا بود. مادرش طاووس‌خانم دختر میرزا محمدخان مجدالملك سینکی صاحب رساله مجدیه و پدر میرزا علی‌خان امین‌الدوله است. قوام تحصیلات مقدماتی را به اتفاق برادرش حسن وثوق نزد معلمین خصوصی فراگرفت، سپس در زمینه‌ی ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی، عروض و قافیه و معانی بیان و ریاضیات قدیم ادامه‌ی تحصیل داد و مدتی نیز در مدرسه‌ی مروی به آموزش فلسفه و حکمت اشتغال ورزید. تلاش او در حسن‌خط موجب شد که در عداد خطاطان درجه‌ی اول روز قرار بگیرد.

قوام وقتی به سن رشد رسید، معتمدالسلطنه شمه‌ای از تحصیلات او و نمونه‌ای از خط او را نزد ناصرالدین شاه برد و برای فرزند خود تقاضای شغل و لقب نمود. شاه وقتی از حسن خط و شیوه‌ی نگارش این جوان واقف شد، او را جزء پیشخدمتان مخصوص قرار داد

و ملقب به عنوان دبیر حضور کرد.

در سال ۱۳۱۴ ه.ق میرزا علی‌خان امین‌الدوله دائی او با پیشکاری ولیعهد به آذربایجان رفت و میرزا احمد دبیرحضور را نیز به عنوان منشی و رئیس دفتر مخصوص با خود به این ماموریت برد. چند ماهی پس از این ماموریت، امین‌الدوله به تهران احضار شد و به جای میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان به صدارت رسید و قوام را منشی و رئیس دفتر خود نمود.

عبدالله مستوفی در تاریخ قاجار درباره‌ی این سمت دبیرحضور چنین می‌نویسد: «منشی گری صدراعظم در این ایام هم مثل سابق زیبائی خط و انشاء و امانت و صحت و پشتکار و هوش و فراستی لازم داشت که در همه یافت نمی‌شد زیرا هنوز هم نوشتن نامه به طور مرتجل و بدون پیش‌نویس و قلم‌خوردگی از لوازم کار به شمار می‌آمد. عهده کردن این کار زیردست نویسنده دقیق و صاحب خطی مانند امین‌الدوله کار هر بافنده و حلاج نبوده و آقای دبیرحضور تمام مزایای شغل را از زیبائی خط و انشاء مرتجل و امانت و پشتکار حائز بود».

میرزا احمدخان دبیر حضور مادام که امین‌الدوله صدراعظم بود، در آن سمت حساس قرار داشت. پس از کناره‌گیری امین‌الدوله، راه اروپا را پیش گرفت و متناوبا قریب ۳ سال در اروپا به تکمیل تحصیلات و آموزش زبانهای خارجی اشتغال ورزید. در ۱۳۲۲ ه.ق عین‌الدوله صدراعظم شد، دبیرحضور را به تهران فراخواند و به او مقام و عنوان وزیر رسائل داد. این سمت در آن ایام در حقیقت معاونت اجرائی و اداری نخست‌وزیر بود. در سفر سوم مظفرالدین شاه به اروپا در زمره‌ی همراهان قرار گرفت. پس از بازگشت به تهران، با دریافت لقب وزیرحضور، رئیس دفتر مخصوص مظفرالدین شاه شد. او در این سمت توانست اعتماد شاه را نسبت به خود جلب کند. قوام در اثر توقف طولانی در اروپا و مطالعه در نوع حکومتها به حکومت قانون و مشروطیت بستگی داشت و از این رو از سنگر دفتر مخصوص، شاه را تشویق به اعطای مشروطیت می‌نمود. اقدامات قوام و اعلم‌الدوله ثقفی پزشک مخصوص در این باره قابل تقدیس است. قوام فرمان مشروطیت را به خط زیبای خود نوشت و آن را برای امضاء نزد مظفرالدین شاه برد و در اثر اصرار سرانجام فرمان را به توشیح رسانید.

قوام در ۱۳۲۴ پس از فوت نریمان‌خان قوام‌السلطنه وزیرمختار ایران در اتریش با اهداء ۲۵ هزار اشرفی برای خود از شاه لقب قوام‌السلطنه گرفت.

قوام از تاریخ صدور فرمان مشروطیت تا فتح تهران، کار دولتی نداشت و گاهی به عنوان میانجی بین مشروطه‌خواهان و مستبدین می‌شد و یا بعضی تندروی‌ها را تعدیل می‌کرد.

پس از خلع محمدعلی میرزا و اداره‌ی کشور وسیله‌ی سپهسالار و سردار اسعد از طرف سردار اسعد به معاونت وزارت داخله منصوب شد. ظاهرا مقام وزارت با سردار بود ولی او عملا هیچگونه مداخله‌ای در کارها نداشت. قوام سازمانی بر اساس کشورهای اروپائی برای وزارت داخله پی‌ریزی کرد و مسئولیتها را مشخص نمود و برای احراز مشاغل ضوابطی تعیین نمود. در مرداد ۱۲۸۹ در کابینه‌ی اول مستوفی‌الممالک، وزارت جنگ را احراز کرد. قوام‌السلطنه در این سمت توانست لایحه‌ی خلع سلاح مجاهدین را از تصویب مجلس بگذراند. همچنین از خودسری‌های بختیاری‌ها و تروریست‌ها جلوگیری کند. ستارخان و فدائیان او که مسلح و غالبا موجب بروز حوادث ناگواری در شهر می‌شدند، خلع سلاح شدند. در زدوخوردی که بین قوای دولتی و فدائیان ستارخان در پارک اتابک به وقوع پیوست، ستارخان گلوله خورد. قوام در همین سمت قیمتی برای سلاح مردم تعیین کرد و با قیمتی مناسب آنها را خرید و تحویل انبار مهمات وزارت جنگ داد.

در ۱۲۹۰ ش در کابینه‌ی دوم محمدولی‌خان سپهدار تنکابنی به وزارت عدلیه منصوب شد و در مرداد همان سال در هیئت دولت صمصام‌السلطنه بختیاری به وزارت داخله رسید و در هر سه ترمیم کابینه در وزارت داخله باقی ماند. در ۱۲۹۱ در کابینه‌ی محمدعلی‌خان علاءالسلطنه وزارت مالیه را عهده‌دار گردید. در ۱۲۹۶ در نخست‌وزیری دوم علاءالسلطنه وزیر داخله شد. در

کابینه‌ی سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله همچنان مقام وزارت داخله را حفظ کرد.

در ۱۲۹۶ قوام‌السلطنه به جای کامران میرزا قاجار به ایالت خراسان منصوب شد. پس از ورود به مشهد، خود را فرمانروای کل ایالت خراسان و سیستان خواند. در این ماموریت، قوام‌السلطنه اقدامات چشمگیری برای ایجاد امنیت از طریق تقویت ژاندارمری و شهربانی به عمل آورد و اعتباراتی از مرکز برای تهیه‌ی تفنگ و مهمات دیگر تحصیل نمود. یاغیان و طاغیان را سر جای خود نشاند و به این استان پهناور امنیت نسبی بخشید. در همین ایام موجبات انتقال کلنل محمدتقی‌خان پسیان را برای ریاست ژاندارمری خراسان فراهم نمود و ساز و برگی مناسب و در خور یک واحد نظامی قومی برای او تدارک دید و از هر جهت کلنل را مورد تایید و تشویق قرار داد.

قوام‌السلطنه تا پایان ۱۲۹۹ در استان خراسان مستقر بود. بعد از کودتای ۱۲۹۹و نخست‌وزیری سید ضیاءالدین طباطبائی و صدور ابلاغ اعلامیه‌های تازه نخست‌وزیر از مرکز توضیح بیشتری خواست ولی سید ضیاء که از او بیم داشت، دستور توقیف او را به کلنل محمدتقی‌خان پسیان داد روز سیزده نوروز ۱۳۰۰ هنگامی که قوام با کالسکه‌ی مخصوص خود از باغ ملک‌آباد عازم شهر بود، در مقابل ژاندارمری توسط ماژور اسمعیل‌خان بهادر معاون کلنل دستگیر و زندانی شد و کلنل عهدشکنی خود را نسبت به ولی نعمت خود که سوگند وفاداری به او خورده بود شکست. کلنل پس از دستگیری قوام، اموالش را مصادره کرد و او را تحت‌الحفظ با گاری پستی به تهران فرستاد و تحویل زندان قصر داد.

در خردادماه ۱۳۰۰ سید ضیاءالدین از ریاست دولت معزول و به اروپا تبعید شد و شهاب‌الدوله شمس ملک‌آراء رئیس تشریفات سلطان احمدشاه فرمان نخست‌وزیری قوام‌السلطنه را در زندان قصر به او ابلاغ کرد.

قوام در چهاردهم خرداد رئیس‌الوزراء شد. در همین کابینه برای جلوگیری از تندروهای سردارسپه، مصدق‌السلطنه را به وزارت مالیه معرفی کرد و از مجلس برای او اختیارات گرفت و در تمام مدت نخست‌وزیری، وزارت داخله را خود متصدی گردید. قوام پس از نه ماه زمامداری و یک سلسله اقدامات بنیادی، در بهمن‌ماه همان سال جای خود را به مشیرالدوله داد ولی مشیرالدوله بیش از چهار ماه نتوانست دولت را اداره کند و کنار رفت و مجلس بار دیگر قوام‌السلطنه را به ریاست‌الوزرائی برگزید. قوام در این دوره از نخست‌وزیری مورد تایید مدرس و اصلاح‌طلبان بود. در این دوره، قوام لایحه‌ی تشکیل بانک ملی و استخدام مستشاران آمریکائی را برای امور مالی تقدیم مجلس کرد. نخست‌وزیری دوم قوام‌السلطنه، حدود هشت ماه طول کشید و مستوفی جانشین او شد.

قوام در ۱۳۰۲ ظاهرا به جرم توطئه‌ای علیه وزیر جنگ تحت تعقیب قرار گرفت و مدتی توقیف بود تا در اثر وساطت عده‌ای از زندان آزاد و رهسپار اروپا گردید و سالها به صورت انزوا و تبعید در اروپا به سر می‌برد تا اینکه در اثر وساطت وثوق‌الدوله و ذکاءالملک فروغی به تهران آمد و دور از کارهای سیاسی در لاهیجان به کشاورزی مشغول شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر قوام وارد صحنه‌ی سیاست شد و خود را کاندیدای نخست‌وزیری کرد. فروغی برای رهائی از تحریکات قوام، او را به عضویت کابینه دعوت نمود ولی قوام نپذیرفت و همچنان در کمین نخست‌وزیری نشست. قوام، محمدرضا پهلوی را جز یک بار در دوران خردسالی ندیده بود. در ۱۳۰۱ که قوام‌السلطنه نخست‌وزیر و سردارسپه وزیر جنگ بود، رضاخان از رئیس‌الوزراء و وزیران برای صرف ناهار در منزل ییلاقی خود که بعدها سعدآباد نامیده شد، دعوتی به عمل می‌آورد. در آن روز سردارسپه فرزند سه‌ساله‌ی خود را نزد قوام‌السلطنه می‌برد و قوام نیز بر حسب رویه رجال و متعینین، کودک را در آغوش گرفته مشتی اشرفی طلا در جیب او می‌ریزد. دیگر از آن تاریخ به بعد، شاه جدید را ندیده بود. توسط شکوه‌الملک پسرعموی خود تقاضای ملاقات می‌کند. شاه او را می‌پذیرد و قوام وقتی وارد اتاق شاه می‌شود، بدون رعایت تشریفات می‌گوید آه چقدر بزرگ شده‌ای. شاه از این جمله که جنبه‌ی تحقیر در آن نهفته بود، از قوام نفرت پیدا می‌کند و همیشه انزجار خود را ابراز می‌کرد. در این ملاقات، شاه از قوام خواهش می‌کند

کابینه را تقویت کند. قوام با صدور اعلامیه‌ای شایعه‌ی نخست‌وزیری خود را تکذیب می‌نماید.
در مرداد ۱۳۲۱ مجلس سیزدهم به نخست‌وزیری قوام رای اعتماد می‌دهد و شاه ناچار فرمان نخست‌وزیری او را صادر می‌کند. اشغال ایران از طرف متفقین قحطی و کمبود مواد غذائی، تورم شدید اقتصادی و بیکاری، دولت قوام را با مشکلات بزرگی روبرو ساخت. با وجودی که از تنی چند از رجال صدر مشروطیت در کابینه‌ی خود دعوت کرد، مع‌الوصف نتوانست به اوضاع کشور سر و صورتی بدهد. در ۱۷ آذر همان سال مردم شورش کردند، به داخل مجلس ریختند، عده‌ای از نمایندگان را مجروح ساختند، دکاکین به غارت رفت، ساختمانها به آتش کشیده شد و حتی خانه‌ی قوام‌السلطنه را آتش زدند و حکومت نظامی تمام مطبوعات را منحل کرد و مدیران آنها را به زندان انداخت، فقط نشریه‌ای به نام اخبار روز از طرف دولت منتشر می‌شد که حاوی اخبار جاری روز بود. قوام در محیط اختناق و خفقانی که به وجود آورده بود، نتوانست ادامه حکومت دهد، ناچار از کار کنار گرفت و مجددا صندلی صدارت را به سهیلی داد. مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود به فکر تعیین نخست‌وزیر مقتدری افتاد که بتواند بر مشکلات فائق آید. ماجرای آذربایجان و خراسان و فارس و اصفهان هر کدام در نوع خود مشکل بزرگی بودند. اوضاع درهم‌ریخته‌ی کردستان و تهدید قاضی محمد به استقلال، خود داستانی مفصل بود. در آن ایام موتمن‌الملك ذخیره‌ی سیاسی کشور و قوام‌السلطنه رجل استخواندار، کاندیدای نخست‌وزیری بودند. پس از اخذ رای، آراء آنها برابری می‌کرد و هر کدام پنجاه رای موافق داشتند. سید محمدصادق طباطبائی رئیس مجلس، در رای شرکت کرد و به نفع قوام رای خود را در گلدان انداخت و بدین ترتیب با یک رای اضافی، قوام بر رقیب خود موتمن‌الملك فائق آمد و زمام امور را در دست گرفت. قوام، دو تن از نخست‌وزیران سابق یعنی سهام‌السلطان بیات و دکتر احمد متین‌دفتری را به کابینه برد ولی مجلس مخصوصا فراکسیون حزب توده، با عضویت متین دفتری به شدت مخالفت کردند و قوام ناچار از او صرفنظر کرد و دولت و کشور را به دست سهام‌السلطان بیات سپرد و خود با هیئتی از کارشناسان سیاسی و اقتصادی و مطبوعاتی عازم مسکو شد تا قضیه‌ی آذربایجان را حل کند. قریب ده روز در مسکو به سر برد. در نخستین روزهای اقامت خود به هیچ وجه توفیقی در کار به دست نیاورد، حتی مقامات رسمی شوروی از مذاکره با او خودداری کردند. قوام در مسکو تصمیم به استعفا گرفت که از همانجا به اروپا برود ولی همکاران او را به مقاومت بیشتری ترغیب کردند و مراتب را تلگرافی از موتمن‌الملك مشورت نمودند. موتمن‌الملك پاسخ داد قدری تامل کنید. قوام چند روز توقف خود را در مسکو ادامه داد تا اینکه استالین آمادگی خود را برای مذاکره با قوام اعلام نمود و قرار شد قوام به دیدار استالین برود. قوام این ملاقات را نپذیرفت و پیغام فرستاد که او در راس هیئتی به مسکو آمده و اگر ملاقاتی می‌شود بایستی کلیه اعضاء هیئت او حضور داشته باشند. استالین ناگزیر پیشنهاد قوام را پذیرفت و روز بعد قوام‌السلطنه و هیئت او وارد اتاق کار استالین شدند. قوام در صندلی مقابل میز استالین قرار گرفت و بقیه‌ی اعضاء در روی مبلهای سالن نشستند. در این موقع استالین سیگاری از روی میز برداشته و پس از روشن کردن سیگار، مشغول کشیدن سیگار می‌شود بدون اینکه به قوام سیگار تعارف کند. قوام بلافاصله از جعبه سیگار خود سیگاری بر لب می‌نهد و ظاهرا به دنبال فندك در جیبهای خود می‌گردد. استالین فندك خود را روشن کرده سیگار قوام را آتش می‌زند. مذاکرات قوام و استالین رضایت‌بخش بود و قوام با وعده‌ی واگذاری نفت شمال به روسها در صورت تصویب مجلس شورای ملی، موضوع تخلیه‌ی ایران و خودمختاری آذربایجان را با رهبر شوروی توافق می‌کند. او پس از مراجعه از شوروی چندی بعد کابینه‌ی خود را ترمیم کرده و سه تن از اعضاء حزب توده را داخل کابینه نمود و حزبی به نام دموکرات ایران تاسیس کرد. شاه را موظف کرد در حدود قانون اساسی سلطنت کند و در امر حکومت مداخله ننماید. حتی قسمتی از اختیارات قانونی شاه را محدود نمود مثلا در فرامینی که شاه صادر می‌کرد، همیشه نوشته می‌شد پیشنهاد نخست‌وزیر، قوام دستور داد تمام فرامین دربار را تعویض نمایند و به جای پیشنهاد «تصویب و موافقت قوام‌السلطنه» را افزود. به هیچ‌وجه به توصیه‌های شاه و خاندان پهلوی ترتیب اثر نمی‌داد، در مجالس رسمی و بازدیدها گاهی دیرتر از شاه حضور می‌یافت و زمانی جلوتر از او حرکت می‌کرد.

پس از حل مسئله‌ی آذربایجان و فارس و کردستان، شاه خدمات او را صادقانه ستود و به او عنوان و لقب جناب اشرف که قبلا از طرف سلطان احمدشاه هم داده شده بود، اعطاء کرد. قوام قریب بیست‌ماه بلامنازع حکومت کرد تا سرانجام در اثر فشار افکار عمومی انتخابات دوره‌ی پانزدهم را با دخالت کامل حزب دموکرات ایران انجام داد و ظاهرا تمام سرسپردگان خود را به مجلس فرستاد و در آن مجلس فراکسیونی به نام دموکرات ایران با اکثریت قاطع تشکیل شد. لیدر فراکسیون ملك‌الشعرای بهار بود. شاه پس از حل قضیه‌ی آذربایجان از محبوبیتی که برای او در بین عامه فراهم شده بود، رشك می‌برد و می‌خواست اعاده‌ی امنیت در کشور و سایر اصلاحات توسط او انجام گیرد، لذا در مقام مبارزه‌ی پنهانی با قوام برآمد. ابتدا وزرای نظامی را تحریك کرد که با قوام سرشاخ شوند. قوام هر دو آنها را که سپهبد احمدی و سرلشکر آق‌اولی بودند، از کابینه خارج ساخت. بعد عده‌ای از وزراء را پنهانی تحریك کرد و آنها به حالت اجتماع استعفا دادند و قوام ضرورتی برای رای اعتماد نمی‌دید، مع‌الوصف به اتفاق تنها وزیر کابینه سیدجلال‌الدین تهرانی که مستعفی نشده بود، به مجلس رفت و نطق مفصلی ایراد کرد و تقاضای رای اعتماد نمود. سردار فاخر که چشم به مقام قوام دوخته بود و با شاه سر و سری داشت، موجبات سقوط قوام را فراهم نمود و مآلا اکثریت به او رای عدم اعتماد دادند و نخست‌وزیری او در آذر ۱۳۲۶ ساقط شد. پس از چند روز راه اروپا را پیش گرفت. از آن همه افراد حزب و دوستان و آشنایان، تنها یك نفر در فرودگاه او را بدرقه کرد، آن هم سید جلال‌الدین تهرانی بود.

شاه پس از سقوط قوام ساکت ننشست و به وسیله‌ی ایادی خود مشغول پرونده‌سازی شد تا خدمات قوام را از ذهن مردم خارج کند و خود را قهرمانی ملی قلمداد نماید. اعلام جرمهای متعدد در مجلس و دادگستری به جریان افتاد ولی چون هیچ کدام محتوا نداشت، به جائی نرسید. قوام مدتها در اروپا باقی ماند تا اینکه شاه تصمیم گرفت به قانون اساسی شبیخون بزند و چند اصل آن را به نفع خود تغییر داده، اختیار انحلال مجلسین را برای خود بگیرد، لذا دستور مجلس موسسان صادر شد. قوام‌السلطنه از اروپا عریضه‌ی سرگشاده‌ای برای شاه نوشت و مدلل ساخت که تغییر قانون اساسی نه به مصلحت شاه و نه ملت است، این خونبهای پدران را نباید ملعبه نمود و راهی برای تغییر آن باز کرد. شاه از نامه‌ی قوام برآشفت، جوابیه‌ای تهیه و به امضای حکیم‌الملك وزیر دربار برای قوام فرستاد و تمام مفاسد کشور را متوجه زمامداری قوام‌السلطنه ساخت. قوام پس از چندی، پاسخی به نامه‌ی شاه داد. این نامه را فقط روزنامه‌ی داریا به مدیریت حسن ارسنجانی انتشار داد. از نظر ضبط در تاریخ، نامه‌ی قوام عینا در زیر به نظر می‌رسد. ضمنا شاه عنوان و لقب جناب اشرف را نیز از او سلب نمود.

در جواب عریضه‌ی سرگشاده که چندی قبل به حضور همایونی عرض کرده بودم نامه‌ای به امضای جناب آقای حکیم‌الملك به اینجانب رسید که تاریخ آن ۱۹ فروردین بود و در روزهای آخرین فروردین که به دستور طبیب در جنوب فرانسه بودم به اینجانب ابلاغ گردید. در آن موقع به شهادت جمعی از آقایان قریب بیست روز بیمار و بستری بودم و بعد هم برحسب وقتی که از جراح متخصص اذن گرفته بودم بایستی روز ۲۷ ماه مه (۱۶ اردیبهشت) برای عمل جراحی به لندن می‌رفتم این بود که پس از رفع کسالت برای ویزای گذرنامه به پاریس آمد و روز ۱۶ اردیبهشت وارد لندن شدم. بدیهی است در جریان عمل جراحی امکان خواندن و نوشتن و فرصت ایراد جواب غیرمقدور بود. اکنون که از بیمارستان بیرون آمده با حال ضعف و نقاهت تحت‌نظر طبیب و جراح در لندن اقامت دارم و فرصت محدودی برای مطالعه جراید تهران حاصل است با کمال تعجب ضمن شایعات جراید در روزنامه‌ی اطلاعات ملاحظه شد که اینجانب نامه‌ای به علیاحضرت ملکه مادر به طهران فرستاده و تقاضا کرده‌ام اجازه داده شود به طهران مراجعت نمایم و نیز نوع انتشارات سبب شد که با حال کسالت اولا شایعات مزبور را تکذیب کنم، زیرا در خود گناه و خطائی نمی‌بینم که مورد عفو و اغماض ملوکانه واقع شوم و بنابراین هر وقت طبیب اجازه دهد به وطن عزیز خود مراجعت خواهم کرد و ثانیا چنانچه آقای ابراهیم حکیمی را بی‌جواب می‌گذاشتم مثل این بود که مندرجات آن را تصدیق کرده باشم و از مدلول جواب واضح بود که آنچه را شرح داده‌اند بر حسب ابتکار شخص ایشان نبوده، چه عمری است با ایشان رفاقت و خصوصیت داشته‌ام و در

تمام این مدت کلمه‌ای برخلاف نزاکت و احترام از ایشان نسبت به خود نشنیده‌ام. پس مسلم است که آنچه را ایشان امضاء نموده‌اند ابلاغ فرمایشات همایونی بوده. بنابراین روی سخن و در عرض جواب به پیشگاه ملوکانه است نه به جناب ابراهیم حکیمی و چون در خاتمه‌ی نامه ابلاغ نموده‌اند که حسب‌الامر در آتیه از عرض عرایض به حضور همایونی خودداری شود ناچار جواب تقریرات را به وسیله‌ی رجال خیرخواه و جراید به عرض برسانم تا برخلاف اراده مبارک عمل و اقدامی نکرده باشم.

آنچه را در عریضه سرگشاده به عرض رسانده‌ام تنها عقیده فدوی نبوده بلکه نظر علمای اعلام و متفکرین عالیمقام و وطن‌پرستان ایران بوده است که جز خیر و سعادت مملکت و صلاح شخص شخیص سلطنت نظری نداشته‌اند و جای بسی تاسف است که عرایض خیرخواهانه به جای حسن قبول تولید ملال و کدورت نموده تا حدی که قسمت اعظم مشکلات موجود را نتیجه‌ی دوران زمامداری فدوی دانسته‌اند.

اعلیحضرت همایونی اگر اندکی صرف وقت فرموده به تاریخ قرن اخیر ایران مراجعه فرمایند توجه خواهند فرمود که دوران زمامداری فدوی از جهانی مشکل‌ترین و هولناکترین ازمنه تاریخ ایران بوده و اگر فدوی به وظیفه‌ی وطن‌پرستی جرات نموده قبول مسئولیت کرده‌ام و مصدر خدمت بوده یا مرتکب خیانت گردیده‌ام تاریخ ایران و بلکه تاریخ دنیا قضاوت آن را کرده و یا خواهد کرد و جای تعجب و تاسف است که اعلیحضرت که حامی و نگهبان مقام و احترام خدمتگزاران کشور هستند به جای تشویق و تقدیر می‌فرمایند زندگانی پلید خود را باید در گوشه زندان سپری نمایم در صورتی که اگر جسارتی کرده‌ام از این نظر بوده است که چون مملکت را مشروطه و اعلیحضرت را متجدد و شاهنشاه دموکرات می‌دانستم لازم دیدم نظریات عموم را در کمال سادگی و صراحت برای خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت به عرض برسانم لکن از جوابی که امر به صدور فرموده‌اند جا دارد تصور شود که اوضاع امروز با هفتصد سال قبل فرقی نکرده است چنانکه شیخ سعدی گوید «از تلون طبع پادشاهان برحذر باید بود که وقتی به سلامی برنجد و دیگر وقت به دشنامی خلعت دهند» می‌فرمایند اگر فدوی فراموش کرده یا تظاهر به فراموشی می‌نمایم عواقب سوءسیاست و خیانت‌ورزی فدوی به این کیفیت تجلی می‌نمود که اگر تفضل خداوند و غیرت ملی افراد آذربایجانی همراهی نمی‌کرد و فداکاریهای ارتش دلیر این کشور تحت فرماندهی مستقیم اعلی‌حضرت نبود حال نام آذربایجان از تاریخ کشور زدوده شده بود.

اگرچه عرض ادب پیش یار بی‌ادبی است

زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است

پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن

بسوخت عقل زحیرت که این چه بلعجبیست

هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه

کنون که مست و خرابم صلاح بی‌ادبیست

افسوس و هزار افسوس که نتیجه‌ی جانبازیها و فداکاریهای فدوی را با کمال بی‌رحمی و بی‌انضباطی تلقی فرموده‌اند پس ناچارم برخلاف مسلک و رویه خود که هیچ‌وقت دعوی حسن خدمت نکرده‌ام هر خدمتی را وظیفه‌ی ملی و وطن‌پرستی خود دانسته‌ام در این مورد با کمال جسارت و با رقت قلب و سوز دل به عرض برسانم که به خدای لایزال قسم روزی که تقدیرنامه اعلی‌حضرت به خط مبارک به افتخار فدوی رسید که ضمن تحسین و ستایش فرموده بودند سهم مهم اصلاح امور آذربایجان به وسیله‌ی فدوی انجام یافته است متحیر بودم که چگونه افتخار ضبط و قبول آن را حائز شوم زیرا غیر از خود برای احدی در انجام امور آذربایجان سهم و حقی قائل نبودم و فقط نتیجه‌ی تدبیر و سیاست این فدوی بود که به حمدالله مشکل آذربایجان حل شد و اهالی رشید و غیرتمند آذربایجان با سیاست فدوی یاری و همکاری نمودند و بعد که بحمدالله اعلیحضرت با جاه و جلال تشریف‌فرمای

آذربایجان شدند- و برخلاف انتظار اعلیحضرت در بعضی نقاط استفاده‌جوئی و غارتگری شروع شد- با تلگراف رمز عرض کردم اگر نتیجه‌ی زحمات و اقدامات این است، از این تاریخ فدوی مسئول امور آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان معلوم است در آبادی و عمران و رفع خرابی‌ها و خسارتها توجه بیشتری مبذول شده بود که اهالی رنجیده و فلک‌زده‌ی آنجا به اطراف و اکناف پراکنده نمی‌شدند، مال و حشم خود را برای معاش یومیه به ثمن بخس نمی‌فروختند و امروز بعد از چهار سال آذربایجان به صورت بهتر و آبرومندتری عرض‌اندام می‌نمود.

جناب آقای ابراهیم حکیمی با اطاعت امر ملوکانه انواع تهمت و افترا را نسبت به این فدایی ملت و مملکت ابلاغ نموده‌اند پس چرا تکمیل و تصریح ننموده‌اند که تعهدات شوم اینجانب در مسکو چه بود یا اینکه گزارش مسافرت خود را به تفصیل

در مجلس شورای ملی قرائت کردم نقشه‌ی تجزیه‌ی آذربایجان چگونه طرح شده و کی و چه وقت در مجلس شورای ملی لزوم تغییر قانون اساسی را پیشنهاد کرده‌ام و اگر هم وقتی اشاراتی کرده باشم راجع به تفسیر بعضی از مواد قانون اساسی بوده است نه تغییر آن. آن هم به این نظر بوده است که حدود مسئولیت وزراء دستخوش پاره‌ای مداخلات غیرقانونی نشود و امور حکومت من جمیع‌الجهات به وسیله‌ی وزراء و تحت نظارت دقیق مجلس اداره شود و اینکه می‌فرمایند دو نفر از وزرای کابینه را برای تغییر قانون اساسی مامور نموده‌ام برحسب و امر و فرمایش همایونی بوده است که خواستم به عرض برسانند راهی برای تغییر قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. آیا تمام این مقدمات دلیل نمی‌شود که به ترتیبی که به همه معلوم است جمعی را به نام مجلس موسسان دعوت نموده قانون اساسی را تغییر دهند یعنی همان قانون اساسی که اعلیحضرت موقع قبول سلطنت حفظ و صیانت آن را تعهد نموده و سوگند یاد فرموده و کلام‌الله مجید را شاهد و ناظر قرار داده‌اند و مرحوم فروغی رئیس دولت وقت تصریح نموده که اعلیحضرت همایونی طبق قانون اساسی موجود سلطنت خواهند فرمود و اما اینکه می‌فرمایند در کابینه‌ی اول خود از مقام سلطنت انحلال مجلس را درخواست نموده‌ام اولا- در آن موقع اکثریت مجلس طرفدار فدوی بوده است ثانیا البته در نظر مبارک هست که یک روز فرمودند فلان نماینده‌ی خارجی عرض کرده است فدوی دعوی انحلال مجلس را کرده‌ام و فرمودند اگر اینطور باشد پس من چه کاره هستم فدوی عرض آن شخص را تکذیب کردم و به عرض رساندم نه اعلی‌حضرت همایونی و نه رئیس دولت هیچکدام حق انحلال مجلس را ندارند و با اصرار تمام استدعا نمودم آن شخص را بخواهند و با حضور فدوی مواجهه نمایند تا صحت و سقم مطلب معلوم شود و با اینکه دو مرتبه عرض خود را تجدید کردم اقدامی نفرمودند و استدعای فدوی به دفع‌الوقت گذشت. در نامه‌ی مزبور نوشته شده است اصلاح و تکمیل قانون اساسی با توجه به سنت طبیعی یعنی اصل تکامل و ارتقاء صورت گرفته فدوی با هوش و ذکاوت فوق‌العاده اعلیحضرت چگونه قبول کنم که اعلیحضرت همایونی چنین فرمایشی را فرموده باشند زیرا قانون تکامل و ارتقاء را نمی‌توان بدین طریق تاویل نمود که حقوقی را که بیش از چهل سال قبل ملت ایران دارا بوده اکنون که افکار عموم ملل روشن‌تر و مبانی آزادی در همه جا محکم‌تر و کاملتر شده و برای مردم دنیا در تمام ممالک حقوق بیشتری شناخته شده است حقوق مردم ایران را به عنوان اصل تکامل و ارتقاء یعنی به طور معکوس لغو کرده و قانون اساسی کشور را به نفع قوه مجریه تغییر داد و ملت ایران را از حق مشروع و مسلم خود محروم نمود.

امر فرموده‌اند در عریضه سرگشاده حقوق و حدود مقام سلطنت را بی‌پایه و مایه و بی‌ادبانه و جسورانه تلقی نموده و اگر این حقوق تشریفاتی می‌بود اکنون بنیان نظام کشور از بیخ و بن برکنده شده بود. فدوی آنچه را به عرض رسانده‌ام معمول ممالک مشروطه دنیا و مدلول قانون اساسی ایران بوده است و چنانچه عده‌ای از قضات محترم و عالی‌مقام کشور و متخصصین خارجی را مامور می‌فرمودند که عرایض فدوی را با قانون اساسی موجود تطبیق نمایند صحت و سقم عرایض فدوی معلوم می‌شد و نظری جز این نداشته‌ام که اعلیحضرت سالهای فراوان با کمال محبوبیت بر اریکه‌ی سلطنت برقرار باشند و مقام شامخ سلطنت را آلوده امور

حکومت نفرمایند و به معمول سلاطین مشروطه و قانون اساسی ایران از مسئولیت و ظرفیت با مردم مصون و محفوظ مانند. می‌فرمایند ضرورت پاره‌ای اصلاحات از قبیل تمدید مدت مجلس برای جلوگیری از تشنج انتخاباتی که هر دو سال گریبانگیر کشور می‌شود و با افزایش عده نمایندگان مجلس برای تقویت بنیان حکومت ملی به حدی روشن است که محتاج به توضیح نیست. خاطر مبارک مستحضر است که در قانون اساسی موجود عده‌ی نمایندگان تا دویست نفر پیش‌بینی شده است و برای تمدید مدت مجلس نیز هر وقت از طرف ملت تقاضاهای تمدید شد و آزادیخواهان و صلحای قوم تقاضای مجلس موسسان نمودند و مجلس موسسان در کمال آزادی و بی‌مداخله مامورین دولت تشکیل یافت راجع به تمدید مجلس نیز تصمیم ملت معلوم خواهد شد.

می‌فرمایند که در دوره‌ی زمامداری فدوی حبس و زجر عناصر آزادیخواه به حدی بود که عده‌ای از آنان در توفیقگاه درگذشتند و پاره‌ای دیگر نزدیک به این خطر گردیده بودند. خوب بود یکی از آنان را که در توقیفگاه درگذشته بودند معلوم فرموده بودند به علاوه ایام زمامداری فدوی به حدی با پیشامدهای هولناک مصادف بود که ناچار از بعضی از دوستان عزیز و حتی منسوبین خود با کمال احترام در عمارت شهربانی پذیرائی نمودم لیکن بر خاطر مبارک پوشیده نیست که بعد از فدوی هر امری که واقع شد اشخاص محترم و آزادی‌خواه را به حبس و زجر محکوم و در محبس شهربانی زندانی نمودند و روحانی بزرگواری را مانند آیت‌الله کاشانی که چندی در قزوین با کمال احترام و آزادی مهمان فدوی بودند و با اینکه خودشان میل به توقف فرمودند، تا زنده‌ام از وجود محترمشان خجل و شرمنده‌ام شبانه به آن طرز فجیع گرفتار و از هیچ نوع بی‌احترامی و اسائه ادب به شخص ایشان و مقام روحانیت فروگذار نکردند و ایشان را بدون هیچ دلیل و مدرک گرفتار و تبعید و در قلعه‌ی فلک‌الافلاک زندانی نمودند و بطرزی شرم‌آور از وطن مالوف اخراج و تبعید کردند و چنین فاجعه‌ی بی‌سابقه‌ای را به جامعه و روحانیت وارد ساختند. فدوی عرض نمی‌کنم این جنایت به امر و دستور اعلیحضرت همایونی واقع شده بلکه یقین دارم خاطر مبارک از وقوع آن مکدر و متاثر است لکن عرض می‌کنم بعد از اطلاع چرا مجرم و مسبب را تنبیه و تعزیر نفرموده از خدمت اخراج ننموده‌اند.

می‌فرمایند مردم به خوبی واقف هستند چه کسانی در مدت حکومت خود میلیون‌ها اندوخته ذخیره کرده و چه اشخاصی نیز میلیونها در راه رفاه عموم صرف نموده‌اند و در جای دیگر اشاره به جوازفروشی و رشوه‌خواری فرموده‌اند. اولا اگر اعلیحضرت در تمام اوقات حکومت فدوی چه قبل از سلطنت اعلیحضرت و چه بعد معلوم فرمودند که فدوی اهل رشوه و استفاده بوده‌ام یا اندوخته و ذخیره‌ای در بانکهای داخله یا خارجه دارم تمام دارائی خود را به دولت تقدیم می‌کنم. ثانیا راجع به موضوع جواز چنانکه مکرر به عرض رسانده‌ام در محافل عمومی اظهار داشته و در مجلس شورای ملی به دفعات تصریح کرده‌ام فدوی چیزی از کسی نخواسته‌ام مقداری برنج و غیره اضافه بر احتیاجات کشور بود که اگر خارج نمی‌شد می‌پوسید و ضرر آن به رعیت و ملاک می‌رسید و از طرفی برای آسایش مردم و رفع نگرانی‌ها حزب دموکرات ایران تشکیل شده بود و لازم بود با عجله و شتاب پیشرفت کند این بود که خود مردم برای سرعت جریان و پیشرفت حزب دموکرات ایران و هم برای صرفه دولت و صرفه رعیت و ملاک و پیشرفت امور آذربایجان برای مقداری برنج و جو با تصویب هیئت وزراء اجازه‌ی صدور گرفته و ارز آن را به دولت پرداختند و هدایائی نیز به حزب دموکرات ایران دادند و اینکه می‌فرمایند چه اشخاصی میلیون‌ها در راه رفاه عمومی صرف نموده‌اند این قسمت را هم مردم خوب می‌دانند که این میلیونها را خود دارا بوده‌اند یا از اموال و املاک مردم فقیر و غنی این مملکت اندوخته و بعد که خط آن اموال غیرمقدور شد مقداری از آن را به چه مصارفی رسانده‌اند.

در خاتمه عرض می‌کنم که اعلی‌حضرت همایونی البته عرایض مکرر فدوی را فراموش نفرموده‌اند که فدوی با وضع حاضر داوطلب هیچ نوع منصب و مقامی نبوده‌ام و آنچه را با کمال وضوح و خلوص به عرض رسانده‌ام در راه خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت بوده و باز هم عرض می‌کنم که دوام و بقای سلطنت، و موفقیت، در حفظ و حراست حقوق ملت و احترام به افکار عامه است و در این موقع انتظار عموم از پیشگاه مبارک این است که حقوق ملت طبق قانون اساسی موجود محفوظ بماند و امور کشور

به مبعوثین ملت و وزرای مسئول واگذار شود و دولتها مانند همیشه با رای تمایل مجلس انتخاب شوند و اعلیحضرت همایونی طبق روح قانون اساسی سلطنت فرمایند و آنچه برخلاف این منظور در بیست سال سلطنت شاهنشاه فقید معمول بوده از جزئی و کلی منسوخ و متروک گردد و از آنچه را هم خلف وعده و نقض عهد است اجتناب شود. بدیهی است با پیروی مراتب فوق عموم افراد ملت را به وفاداری و فداکاری تشویق و ترغیب فرموده و قلوب مردم را به مهر و محبت وجود مبارک تسخیر خواهند فرمود برعکس چنانچه حقوق مردم گرفته شود و دلها شکسته و مجروح گردد جز یاس و ناامیدی عمومی که موجب بغض و عناد و مقدمه مقاومت و طغیان است نتیجه‌ای نمی‌توان انتظار داشت.

ما نصیحت به جای خود کردیم

چند وقتی در این بسر بردیم

گر نیاید به گوش رغبت کس

بر رسولان پیام باشد و بس

۲۵ خرداد از لندن احمد قوام

قوام مدتی در اروپا به معالجه پرداخت و در اوایل ۱۳۲۹ به تهران بازگشت و غالبا ملتزم بستر بیماری بود. در همین سال وثوق‌الدوله برادر او درگذشت. قوام از این حادثه سخت مکدر شد و غالبا وقت خود را در مصاحبت دوستان می‌گذرانید. در ۱۳۳۱ بین مصدق‌السلطنه و شاه اختلافاتی بروز کرد. مصدق خواهان وزارت جنگ بود ولی شاه از واگذاری آن خودداری کرد و مصدق از نخست‌وزیر استعفا داد. شاه برای اینکه حریف گردن‌کلفتی در مقابل مصدق بتراشد، سراغ قوام‌السلطنه رفت. در این کار تلاش اشرف پهلوی برای جلب رضایت قوام چشمگیر بود. قوام‌السلطنه جاه‌طلب که در آن هنگام هشتاد و یک سال از سنش می‌گذشت، داوطلب نخست‌وزیری شد و مجلس با اکثریت ضعیفی به او رای اعتماد داد و فرمان با عنوان جناب اشرف برای او صادر شد. به دنبال استعفای مصدق و روی کار آمدن قوام، مردم به حرکت درآمدند. جبهه ملی از یک طرف، آیت‌الله کاشانی و بازار تهران از طرف دیگر مردم را برای یک قیام خونین آماده کردند. مخصوصا اعلامیه‌ی شدیداللحن قوام که چند بار از رادیو قرائت شد، بیشتر مردم را به حرکت درآورد به طوری که در روز سی تیر ۱۳۳۱ تهران و غالب شهرستانها صحنه‌ی زدوخورد پلیس و مامورین نظامی با مردم بود. در آن روز عده‌ی کثیری در تهران و شهرستانها کشته و زخمی شدند و ناچار در اثر عقب‌نشینی شاه، قوام از سمت خود استعفا داد و مجددا مصدق با اختیارات نظامی زمام امور کشور را در دست گرفت. شاه در کتاب ماموریت برای وطنم در مورد انتصاب قوام به نخست‌وزیر برای دفاع از خود و رد اعمال خلاف خویش چنین می‌نویسد:

«... من برخلاف نظر باطنی خود احمد قوام را که در گذشته شاغل مقام نخست‌وزیری بود به جای وی به نخست‌وزیر برگزیدم زیرا بزعم عده‌ای قادر بود در برابر دست‌چپی‌ها سخت مقاومت نماید. با روی کار آمدن قوام‌السلطنه حزب توده بلافاصله به طرفداران مصدق پیوستند و دست به تظاهر و آشوب زدند. نظم و قانون مختل گشت و دولت قوام در برابر عناصر اخلالگر و افراطی ناتوان ماند. ضمنا نطقی که قوام در رادیو کرد و در آن مخالفت خود را با احساسات شدید عامه در مسئله‌ی ملی شدن نفت اظهار نمود، اوضاع را وخیم‌تر ساخت. قوام به علت کبر سن بسیار ناتوان و بیمار شده و غالبا در مذاکرات مهم سیاسی به خواب می‌رفت هرچند حقیقتا در حل مسائل به اعمال قدرت معتقد بود ولی من وجدانا نمی‌توانستم اجازه‌ی اتخاذ چنین رویه‌ای را به شخص ناتوانی مانند او بدهم، ناچار پس از چهار روز نخست‌وزیری به صلاحدید من از نخست‌وزیری استعفا داد».

قوام پس از استعفا، مدتی به حالت اختفا می‌زیست و جانش در خطر بود. مجلس هفدهم لایحه‌ی مصادره‌ی اموال او را تصویب کرد و مامورین دولتی به خانه‌ی او رفته و از اموالش صورت‌برداری نمودند. قوام بعد از این جریان کاملا- تاب و توان خود را از دست داد و غالبا بیمار بود تا اینکه در تیرماه ۱۳۳۴ در سن ۸۲ سالگی درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در قم مدفون شد.

قوام‌السلطنه در سن بیست سالگی با دختر حاجب‌الدوله دولو قاجار ازدواج کرد و تا آخر عمر صاحب فرزندی از او نشد. در ۱۳۲۶ در لاهیجان با دختر یکی از کشاورزان خود عقد ازدواج بست. حاصل این مزاوجت یک پسر به نام حسین بود که قوام و همسر اصلی‌اش به این کودک علاقه‌ی خاصی داشتند. حسین پس از مرگ پدر، چندی تحت‌نظر دکتر امینی در اروپا تحصیل نمود و با دختر جواد مسعودی ازدواج کرد ولی این ازدواج طولانی نشد و قسمتی از ثروت حسین از بین رفت. او تدریجا به مواد مخدر پناه برد و در استعمال این مواد راه افراط را پیمود تا اینکه در ۳۴ سالگی در اروپا در اثر استعمال مواد مخدر درگذشت.

درباره‌ی قوام‌السلطنه سیاستمدار کهنسالی که قریب ۶۰ سال در صحنه‌ی سیاسی ایران بازیگر ماهری بود، همه‌گونه سخن رفته است. دشمنان او بیشتر از دوستانش توانسته‌اند درباره‌ی او چیز بنویسند یا حرف بزنند.

او مجموعا پنج بار نخست‌وزیر و متجاوز از بیست مرتبه وزیر، یک بار فرمانروای کل خراسان و یک دوره هم وکیل مجلس بوده است. قوام ذاتا مردی مستبد و قانون‌شکن و جاه‌طلب بود، از جنجال و سروصدا لذت می‌برد، همیشه دوران صدارت او با هیاهو و سروصدا توام بوده است ولی در عین حال به وطن عشق می‌ورزید و هرگز خیانتی به زعم خود مرتکب نشد. از تملق لذت می‌برد، به همین دلیل اطرافیان او را همیشه افرا متملق و چاپلوس تشکیل می‌دادند. از ریخت‌وپاش دولتی ابائی نداشت. او مردی به تمام معنا دانشمند بود، از ادبیات و فلسفه و عرفان بهره‌ی کافی برده بود، گاهی برحسب تفنن شعر می‌سرود. اشعار او پرمغز و مشحون از مضامین لطیف ادبی است. البته در سرودن شعر هرگز به پایه و مایه برادرش وثوق‌الدوله نبود. در تحریر واقعا معجزه می‌کرد. نامه‌های او همیشه محکم و مستند و مستدل با کلمات زیبای فارسی و عربی توام بود. معتقدات مذهبی داشت. به اهل علم و روحانیون احترام می‌گذاشت. درب منزل او به روی همه باز بود. زندگانی او از محل عایدات باغهای چای در لاهیجان تامین می‌گردد.

درباره‌ی قوام اظهارنظرهای متعدد و متضادی شده است که در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌کنیم. در یادداشتهای خطی موجود در کتابخانه‌ی مجلس که ظاهرا تالیف حاج میرزا ابوالحسن علوی است و تاریخ تحریر آن ۱۳۳۶ ه.ق می‌باشد، درباره‌ی قوام‌السلطنه چنین آمده است:

«قوام‌السلطنه (میرزا احمدخان) پسر میرزا ابراهیم‌خان معتمدالسلطنه در ایام جوانی جزء پیشخدمتهای ناصرالدین شاه و بعد منشی امین‌الدوله میرزا علی‌خان در موقعی که حکومت آذربایجان را داشته بود بعد در موقع صدارت میرزا علی‌خان امین‌الدوله در حدود ۱۳۱۵ به منشی حضوری صدراعظم معرفی شد و مدتی گذشت. به مناسبت حسن‌خط و نیکوئی انشاء به منشی حضوری مظفرالدین شاه و از لقب دبیرحضوری که داشت به وزیرحضوری مفتخر گردید. در دوره مشروطیت پس از فتح تهران (۱۳۲۷) معاون وزیر داخله شد و به واسطه بروز لیاقت زیادی که در ترتیبات و تاسیسات جدیده به خرج داده به وزارت داخله و وزارت جنگ و وزارت مالیه مدتی مشغول بود و حالیه (۱۳۳۶) در طهران بی‌شغل است. سن او بیش از چهل سال نیست. یکی از رجال قابل ایران است».

در کتاب برگزیدگان تالیف امیرمسعود سپهرم درباره‌ی او چنین آمده است:

«در نظم و نثر صاحب ذوق و چیره‌دست و جامع کمالات و سیاستمداری بزرگ بود و خدمات بسیار ارزنده و فراموش نشدنی به ملت ایران و حتی نسلهای آینده این مملکت انجام داد».

(بخش ۱) احمد، ملقب به قوام‌السلطنه (و. ۱۲۴۹ ه.ش– ف. تهران ۱۳۳۴ ه.ش) وی در دربار مظفرالدین شاه سمت دبیری مخصوص و ریاست دفتر را داشت و فرمان مشروطیت به خط او نوشته شده. قوام در دوره‌ی احمد شاه مدتی والی خراسان بود و پس از تشکیل کابینه‌ی سید ضیاء محبوس شد و سپس در زمان شاه مذکور نخست‌وزیر گردید (۱۳۰۱ –۱۳۰۰ ه.ش)، و چون سردارسپه به نخست‌وزیری رسید، قوام از کار برکنار شد و سپس مجبور به ترک ایران گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ فعالیت‌های سیاسی را مجدداً آغاز کرد و مکرر نخست‌وزیر شد (۱۳۳۱ –۱۳۲۶ –۱۳۲۵ –۱۳۲۴ –۱۳۲۱). آخرین بار فقط ۴ روز نخست‌وزیر بود و بر اثر

حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ از کار برکنار شد. وی به بیماری قلبی درگذشت.

(۱۳۳۴ -۱۲۵۲ ش)، خطاط، ادیب و شاعر. ملقب به دبیر حضور، وزیر حضور و قوام السلطنه. وی از رجال نامی عهد مظفری و عصر مشروطیت است. نخست جزو عمله خلوت و پیشخدمتهای ناصرالدین شاه بود. در صدارت عین‌الدوله (سلطان عبدالمجید میرزا) منشی بود. پس از آن به تدریج در مقامات دولتی ترقی کرد، چنان که بارها به وزارت رسید و چندین بار نخست وزیر شد. ژاندارمری در زمان تصدی او در پست وزارت داخله تشکیل یافت. خروج نیروهای شوروی از ایران، بعد از جنگ جهانی دوم، و نیز عدم پشتیبانی شوروی از دموکراتهای آذربایجان، از نتایج اقدامات او دانسته شده است. وی در نظم و نثر صاحب ذوق بود و در خوشنویسی نیز مهارت داشت. فرمان مشروطیت به خط اوست. در تهران درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی خود در قم به خاک سپرده شد. قوام‌السلطنه خط شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و در نستعلیق نیز ماهر بود. از آثار وی: یک مرقع، شامل ده رقعه مناجات حضرت علی (ع) که به شیوه‌ی میرعماد سیفی قزوینی و به قلم دو دانگ و کتابت عالی نوشته شده، با رقم : «... احمد بن معتمدالسلطنه، فی شهر رجب المرجب سنه‌ی ۱۳۱۱»؛ یک مرقع مشتمل بر قصیده‌ای در مدح مظفرالدین شاه، به قلم چهار دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد»؛ دو قطعه نستعلیق سه دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۴۳ -۴۲ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۳۳ / ۲)، تذکره خوشنویسان معاصر (۹۴ - ۸۸)، شخصیتهای نامی (۴۰۰ -۳۹۸)، شرح حال رجال (۹۹ -۹۴ / ۱)، گلستان هنر (بیست و یک)، نخبگان سیاسی ایران (۱۴۱، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۱۰، ۹۲، ۸۹، ۸۴، ۸۳، ۷۵ / ۳).

قوامی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی قوامی

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر ری در خانواده روحانی چشم باز کردم؛ پدرم حضرت آیت الله میرزا محمد حسن قوام الشریعه. (که این لقب را مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شوانی و مرحوم آیت الله دکتر مشکاۀ به ایشان داده اند). سطح را در محضر بزرگانی چون آیت الله علامه شوانی و همچنین آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی که شاگرد مرحوم آخوند بودند گذراندم؛ همچنین از حضرت آیت الله العظمی سلطانی طباطبایی، بروجردی وآیات عظام: خوانساری، گلپایگانی و مرعشی نجفی استفاده کرده و تا زمان این بزرگواران به مباحثه بحث خارج فقه و اصول جمعی اشتغال و پس از درگذشت این عزیزان درس خارج فقه و اصول و تفسیر می گویم و چند سالی است که برای تبلیغ داخل و خارج کشور به تربیت مبلغ مشغول هستم. منظومه هایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بصورت فکاهی و در ذم طاغوت به چاپ رسیده است.

قوکاسیان، هراند

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۰۶، جلفای اصفهان.

درگذشت: ۱۹ خرداد ۱۳۷۵.

هراند قوکاسیان پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در اصفهان، از دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. وی با تخصص بیهوشی در اصفهان شروع به کار کرد و در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه اصفهان به تدریس اشتغال ورزید. در سال ۱۳۴۵ در کنار تدریس در دانشکده‌ی پزشکی در دانشگاه ادبیات دانشگاه اصفهان در رشته‌ی نوبنیاد زبان و ادبیات ارمنی نیز به تدریس ادبیات ارمنی مشغول گشت.

وی با مجلات «سخن»، «ارمغان»، «صائب»، «نگین» و «هور» همکاری می‌کرد. او با «جنگ اصفهان» نیز همکاری داشت و با همکای محمد حقوقی در ترجمه اشعار شاعران نوپرداز ارمنی در مطبوعات ارمنی زبان کوشش نمود. وی اشعار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو (بامداد) و فروغ فرخزاد را به زبان ارمنی ترجمه کرد.

هراند قوکاسیان کتاب آنوش را که برگزیده‌ای از شعر شاعران ارمنی زبان است در سال ۱۳۴۸ و به مناسبت صدمین سالگرد تولد هرانس تومانیان شاعر ملی ارامنه ترجمه و منتشر نمود. در کتاب آنوش او به معرفی شاعرانی که در واقعه ۱۹۱۵ به شهادت رسیدند و شاعران معروف ارمنستان شرقی و شاعران برگزیده‌ی ارمنستان غربی پرداخت.

دکتر قوکاسیان در سال ۱۳۴۹ دومین کتاب خود را به نام گرونک که حاوی ترجمه‌ی اشعار شاعران ارمنی زبان که خارج از ارمنستان بودند و به خصوص شاعران ارمنی زبان ایرانی مانند گالوست خاننس، آشوت اصلان دو، آرماند و ارشاویر مگرونچ و ... پرداخت.

آخرین کتاب چاپ شده دکتر هراند قوکاسیان به نام گل‌های آفتاب گردان در سال ۱۳۵۵ چاپ گردید که ترجمه‌ی کارهای منثور آرام مورادیان است.

هراند قوکاسیان به اشعار زوریک میرزایانس علاقه داشت و در نظر داشت که مجموعه‌ای از اشعار میرزایانس را در کتاب جداگانه‌ای چاپ کند.

هراند قوکاسیان به علت ناراحتی قلبی در سال ۱۳۶۵ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قومسانی همدانی، ابوالفضل محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۱ -۳۹۹ ق)، محدث، فقیه و ادیب. معروف به ابن‌زیرک. نسب وی به قومسان همدان می‌رسد. شیخ همدان در روزگار خود در فنون علمی یگانه دورانش بود. او از پدرش، ابوالقاسم عثمان، و عمویش، ابومنصور محمد، و دائیش، ابوسعد عبدالغفار و ابن‌خلنجان و علی بن احمد بن عبدان و یوسف بن کج الفقیه و حسین بن فنجویه و دیگران و همچنین با اجازه از ابوالحسن بن رزقویه و ابوعبدالرحمان سلمی حدیث روایت کرده است. اکثر مشایخ بغداد با اجازه از وی روایت کرده‌اند همچون ابوبکر شادان و ابوالحسن رزقویه و دیگران. شیرویه گوید که وی محدثی صدوق و ثقه و دارای شأن و حشمت بود و در تفسیر ید طولانی داشت. او فقیه و ادیبی متعبد بود و دارای حسن خط و عبارت. عمده مشایخ بغداد از وی روایت کرداند. پس از مرگ در رأس کهر دفن شد و قبرش مزار گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (۱۱۷۷ / ۳)، سیر النبلاء (۴۳۵ -۴۳۳ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۴۱ / ۳)،العبر (۳۳۰ / ۲)، معجم البلدان (۴۷۰ / ۴)، الوافی بالوفیات (۸۴ / ۴).

قویمی، مهوش

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای ادبیات نوین فرانسه، کارشناسی زبان‌شناسی و کارشناسی ارشد جغرافیای شهری.

مرتبه علمی:

استادیار تمام وقت دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فرانسه، شعر، تئاتر، رمان، نگارش یک روش نیمه سمعی و بصری برای آموزش زبان فرانسه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

آئین نگارش به زبان فرانسه، املاء فرانسه، انشاء فرانسه، آواشناسی و انواع شعر زبان فرانسه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی و کاربرد آن در ادبیات، زبان‌آموزی و تدریس ادبیات، مقایسه ترجمه‌های مختلف، معرفی نقد نو و منتقدان معاصر، مسائل مربوط به زبان‌آموزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قهپائی، محمد قاسم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر سراج‌الدین قاسم بن محمد قهپائی طباطبائی، از مشایخ علامه‌ی مجلسی، و از شاگردان شیخ بهائی و [مشایخ] مولی ابوالقاسم بن محمد گلپایگانی بوده، وی را تألیفاتی است، از آن جمله است: ۱- تعلیقاتی بر کتب رجال ۲ - رساله در مسأله‌ی بداء ۳ - رساله در فلاحت؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قهرمان، آنالیزه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد بیولوژی و زبان آلمانی از دانشگاههای ابرهارد آلمان و تهران در سال ۱۳۳۳ و دکترای تخصصی علوم طبیعی از دانشگاه ابرهارد آلمان در سال ۱۳۵۴، متخصص در ادبیات آلمان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۴۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترجمه بعضی از آثار ادبی نوین ایران، تحقیق در زمینه صرف و نحو زبان آلمان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

دستور زبان آلمان و تجزیه و تحلیل دستوری متن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

Die Horen، نقد ادبی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قهرمانی، شرف‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۷۹ ش)، نویسنده، فرهنگ‌نویس و مترجم. تحصیلات عالیه خود را در روسیه به پایان رساند سپس وارد خدمات ارتشی شد. سرانجام در یک سانحه‌ی هوایی درگذشت. از وی بیش از سی و هفت اثر به جای مانده است. از آثار وی: «آموزش هوایی تاکتیک هوایی»؛ «استتار توپ»؛ «پیش‌آهنگ خلبان»؛ «خدای می‌رساند»؛ «شاهسون و دیوانه»؛ «هواپیمایی»؛ «ختم غائله سیمیتقو»؛ «بی‌بی گلابی»، ترجمه؛ «جاسوسی و جلوگیری از آن»، ترجمه؛ «حکحومت تزار و محمدعلی میرزا»، ترجمه؛ «قوای سری در جنگ بین‌المللی»، ترجمه؛ «فرهنگ جامع»، روسی به فارسی؛ «فرهنگ جامع»، فارسی به روسی.[۱]

فرزند کیومرث میرزا عمیدالدوله، در ۱۲۷۹ در تهران متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی سن‌لوئی و دارالفنون گردید و سپس مدرسه‌ی نظام را گذرانید و افسر شد و محل اولیه‌ی خدمت او آتریاد همدان بود. وی در زمره افسرانی بود که در معیت میرپنج رضاخان کودتای ۱۲۹۹ را انجام دادند. در ۱۳۰۳ با درجه‌ی ستوان یکمی برای آموزش فن خلبانی به شوروی اعزام شد. پس از پایان تحصیلات با یک فروند هواپیمانی خریداری شده وارد ایران شد و خدمت خود را در نیروی هوائی ادامه داد و درجات نظامی را تا سرهنگی اخذ نمود. در ۱۳۱۹ به معاونت اداری نیروی هوائی منصوب گردید و در ۱۳۲۱ فرمانده نیروی هوائی ایران گردید. دو ماه پس از انتصاب به فرماندهی نیروی هوائی به دعوت دولت انگلیس برای بازدید فرودگاه حبانیه عراق و وضعیت جبهه مصر و آفریقای شمالی با یک فروند هواپیما در معیت عده‌ای از افسران ایرانی و انگلیسی فرودگاه قلعه‌مرغی را ترک نمودند. یک ساعت بعد از پرواز به علت بدی هوا و علل فنی هواپیما سقوط کرد و کلیه سرنشینان آن از جمله سرهنگ شرف‌الدین قهرمانی کشته شدند. از طرف ارتش مراسم نظامی برای تشییع جنازه به عمل آمد و در ظهیرالدوله اجساد مدفون گردید.

قهرمانی مردی فاضل و دانشمند و مترجم بود. در طول حیات آثار زیادی ترجمه و تالیف نمود که متجاوز از سی جلد می‌باشد. اکثر کتب منتشر شده پیرامون موضوعات نظامی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۶۴۲، ۱۸۹ -۱۸۸، ۶۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۹-۴۱۵ / ۳).

قهستانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۶۷ ق)، فقیه حنفی، زاهد، عالم، مدرس، ادیب و شاعر. ملقب به ابوحنیفه‌ی ثانی، به جهت تسلطی که بر فقه حنفی داشت. وی مفتی بخارا بود. مدتی از سوی والیان ازبک به قضاوت بخارا منصوب شد و در آن جا به تدریس و تقریر فقه پرداخت. با ملا عصام‌الدین، از بزرگان سده‌ی نهم هجری، مصاحب بود. تاریخ درگذشتش در مراجع و مآخذ به اختلاف ذکر شده است. او در

مزار خواجه بهاءالـدین نقشـبند دفن شـد. از آثارش: «جامع الرموز»، در شـرح «النقایه مختصـر الوقایه» صدر الشـریعه ثانی عبیدالله بن مسعود حنفی، در فقه؛ حاشـیه بر حاشیه سید شریف جرجانی بر «شرح الشمسیه»؛ «مقدمه الصلوه» به نظم؛ «رساله در دلالت»به عربی، در منطق؛ حاشیه بر «شرح آداب البحث»؛ شرح «رساله صلوه»، که آن را برای فرزندش کمال‌الدین محمد در ۹۶۷ ق املا نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۳۳ / ۷)، بزرگـان قائن (۶۰۶ -۶۰۱)، تاریـخ نظم و نـثر (۶۱۹)، حبیب السـیر (۳۶۰ -۳۵۹ / ۴)، شذرات الذهب (۳۰۰ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۷۱).

کاتبی، حسینقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۱ ش)، فرهنـگ‌نویس، نویسـنده، روزنـامه نگـار و شاعر، متخلص به جوشـغون. در مراغه به دنیا آمـد. مادرش شاهزاده اختـر، دختـر رضـا قلی میرزا بـن ملـک قـاسم میرزا بن فتحعلی شـاه بـود. کـاتبی پس از طی دوره‌ی ابتـدایی و متوسـطه در تـبریز، از دانشـکده‌ی حقوق تهران موفق به اخذ لیسانس در دو رشـته‌ی حقوق قضایی و علوم سیاسی شد. کاتبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ ش سردبیر مجلـه‌ی «ماهتـاب»، وابسـته به انجمن ادبی آذربایجـان بـود و از ۱۳۲۱ تـا ۱۳۳۱ ش اداره‌ی روزنـامه‌ی «فریـاد آذربایجان» را مسـتقلا عهده‌دار بود. وی مشاغل مختلفی از جمله: وکالت دادگستری در تبریز و تهران، عضویت کمیسـیون‌های واژه‌گزینی حقوق و اقتصاد و بازرگـانی فرهنگسـتان زبـان و همکاری در تأسیس انجمن کانون مشاوره‌ی حقوقی را بر عهـده داشت. از آثار وی: «آذربایجان و وحدت ملی»؛ «اعلان حقوق بشـر»؛ «بردگی»؛ «شکوفه‌های ادب»، قصه‌های کوتاه؛ «سی فصل در فن انشاء»؛ «فرهنگ حقوق»، فرانسه به فارسی؛ «نویسندگان بزرگ معاصر دنیا»؛ «حقوق تجارت».[۱]

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۱، مراغه.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۶۹، تهران.

دکتر حسینقلی کـاتبی، فرزنـد بهجت‌الممالـک (رییس اداره‌ی پست و تلگراف مراغه)، در سـال ۱۳۱۶ در رشـته‌ی حقوق قضایی و سیاسـی از دانشـگاه لیسـانس گرفت و در سال ۱۳۱۸ خـدمت دولتی خود را با سـمت مسـتنطق مسـتقل- که چنـدی بعد از بازپرس- نامیده شد در شهرستان خوی آغاز کرد.

نخستین مقـاله‌ی وی زیر عنوان «لبـاس وطنی» در حالی که بیش از هیجـده سال نـداشت، در سال ۱۳۰۹ در روزنـامه‌ی «تبریز» انتشار یافت. کتاب شـکوفه‌های ادب مجموعه‌ای از نوشته‌های ادبی دوران دانشجویی او بود. نوشتن مقاله‌ای با عنوان «آذربایجان و وحدت ملی ایران» که در شـهریور ۱۳۲۱ یعنی درست یـک سال بعـد از اشـغال کشور در تبریز به چاپ رسـید، موجب گردیـد که ایشان به مـدت یازده ماه و یازده روز از سوی نیروی انتظامی روس‌ها، در شـهرهای تبریز، اراک و رشت زندانی شود. وی در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ سـمت سـردبیری مجله‌ی «ماهتـاب» نشـریه‌ی وابسـته به انجمن ادبی آذربایجان به ریاست ادیب‌السـلطنه سـمیعی را بر عهـده داشت. و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۱ روزنـامه‌ی «فریاد» (دو شـماره در هفته) را که در میان روزنامه‌های آن روز شهرسـتان‌ها هم طراز با روزنامه‌ی «پارس» شیراز شمرده می‌شد، مستقلا اداره می‌کرد.

کاتبی شغل وکالت را بر خدمت بر مسند قضا ترجیح داد.ابتدا در تبریز و بعد تا سال ۱۳۶۲ در تهران به وکالت دادگستری پرداخت.

حتی با همکاری دو تن از حقوقدان به نام‌های دکتر محمدعلی موحد و دکتر احمد تهرانی به تأسیس انجمنی به نام کانون مشاوره حقوقی همت گماشت. او در زمینه‌ی حقوق و تجارت کتاب‌های سودمندی تألیف کرد و از دو انتشار مجله‌ی «کانون وکلا» به سردبیری محمود سرشار، از نویسندگان مقالات ادبی آن مجله بود. ضمنا در کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق، اقتصاد، و بازرگانی فرهنگستان زبان تا سال ۱۳۵۷ عضویت و فعالیت داشت.

دکتر کاتبی به سرودن شعر هم علاقه‌مند بود و تخلص خود را «جوشغون» انتخاب کرد. فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: سی فصل در فن انشاء (تبریز، ۱۳۱۷)؛ آذربایجان و وحدت ملی ایران (تبریز، ۱۳۲۱)؛ سبک‌شناسی فارسی (تبریز، ۱۳۲۱)؛ اعلان حقوق بشر (تبریز، ۱۳۲۲)؛ حق و منشاء آن (تبریز، ۱۳۲۳)؛ شکوفه‌های ادب (تبریز، جلد اول، ۱۳۲۶، جلد دوم، ۱۳۳۲)؛ تاریخ مختصر نثر فارسی یا نگاهی به سبک‌شناسی (تبریز، ۱۳۲۷)؛ نویسندگان بزرگ معاصر (تبریز،جلد اول، ۱۳۲۸، تهران جلد سوم، ۱۳۵۲)؛ ادب و ادبیات (تهران، ۱۳۵۶)؛ وکالت، مجموعه مقالات در فن و وکالت و... (تهران، ۱۳۵۷)؛ حقوق تجارت برای تدریس در دانشگاه تهران جلد اول، ۱۳۴۸، جلد پانزدهم، ۱۳۶۷)؛ عقود و تعهدات (تهران، ۱۳۴۹)؛ حقوق و صنعت (به زبان فارسی و فرانسوی، تهران، ۱۳۵۹)؛ از لیبرالیسم تا سوسیالیسم (تهران، ۱۳۵۸)؛ فرهنگ حقوق (فرانسه به فارسی، تهران، جلد اول، ۱۳۳۷)؛ جلد دوم، ۱۳۶۳)؛ زبان باستانی آذربایجانی (تهران، ۱۳۶۳)؛ سلام به شهریار عزیز (تهران، ۱۳۴۳)؛ آذربایجان تابلوسی (تهران، ۱۳۵۸)؛ زبان‌های باستانی آذربایجان (این تحقیق در ناموارەی دکتر محمود افشار به صورت کتابی مستقل در ۱۳۵۹ به چاپ رسید).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۴ -۱، ص ۱۹۵ -۱۹۳)، ادبیات نوین (۳۰۲، ۱۴۸)، الذریعه (۲۹۰/ ۱۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۲۹، ۳۰۷۶، ۲۴۲۴، ۲۱۶۰ -۲۱۵۹، ۲۰۶۶، ۱۹۳۳/ ۲ ،۷۴۹، ۴۷۸، ۲۸۶، ۲۳۵، ۲۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۴۱ -۹۴۰/ ۲).

کاتوزیان، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۴ ش)، فرهنگ‌نویس و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. از دوران نوجوانی به تحصیل ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی و منطق و ریاضی و هیئت پرداخت. وی پس از تکمیل آن علوم، نزد استادانی چون میرزای آشتیانی و آقا میرزا حسن کرمانشاهی و آقا میرزا هاشم رشتی به تحصیل اصول، فقه، فلسفه، کلام و عرفان مشغول شد و ضمنا در زمینه‌ی تاریخ و جغرافیا و فیزیک نیز تحقیق کرد و در هر یک از علوم مزبور خصوصا منطق و فلسفه و عرفان شرح و حواشی نوشت . در ۱۳۲۲ ق با کوشش فراوان انجمن علمی را تأسیس کرد که از مهم‌ترین آثار آن انجمن کتاب «لغت انجمن علمی»، از عربی به فارسی، است. وی همچنین در تأسیس کتابخانه‌ی ملی نقش مهمی داشت. او از طرف مردم تهران، در دوره‌ی اول و از طرف مردم تبریز، در دوره‌ی پنجم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. از مهم‌ترین تألیفاتش «فرهنگ کاتوزیان» است، مشتمل بر سی و پنج هزار لغت فارسی قدیم و جدید و عربی و ترکی و اروپایی معمول در زبان فارسی. از دیگر آثار وی: «انوار المشعشعین فی بیان شرافهٔ القم و القمیین»، تاریخ قم؛ «تاریخ انبیاء اولواالعزم»؛ «فقه در عبادات و سیاسات»؛ «تاریخ مختصر انبیاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۲/ ۱۸، ۲۹۲، ۲۱۴ -۲۱۳/ ۱۶، ۴۴۱/ ۲)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳۱۸/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی

فارسی (۳۱۹۳، ۲۸۱۲، ۲۴۵۲، ۲۴۳۵، ۲۱۴۲، ۲۱۴۱/ ۲ ،۷۴۶ ،۶۷۰ ،۳۹۱ ،۱۳۸ ،۱۳۵ ،۱۳۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۱ -۳۴۸/ ۴)، نخبگان سیاسی ایران (۴۹۲، ۴۸۴/ ۴)، یغما (س ۵ ش ۱۰، ص ۴۶۵ -۴۶۴).

کارنگ، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

.۱۳۵۸

عبدالعلی کارنگ سال‌های خدمت دولتی را در وزارت معارف گذرانید. وی عضو شورای هیئت مدیره‌ی کتابخانه ملی شهر تبریز بود. آخرین کار او تصحیح قسمت مربوط به آذربایجان وقف‌نامه‌ی ربع شیدی است که به چاپ رسید. وی مقاله‌هایی برای مجله‌های ادبی و تاریخی تهران و تبریز و از جمله «یغما» نوشته است. از آثار اوست: تاتی و هرزنی (۱۳۳۳)، خلخالی یک لهجه از آذری (۱۳۳۴)، ادبیات پارسی (مدرسه‌ای) (با همکاری علی‌اکبر صبا و علی لک دیزجی، ۱۳۳۴)، تاریخ تبریز (تألیف ولادیمیر فدوروویچ مینورسکی، ۱۳۳۷)، دستور زبان فارسی (با همکاری علی اکبرصبا و عزیز دولت‌آبادی و چند تن دیگر، ۱۳۳۷)، دستور زبان کنونی آذربایجان (۱۳۴۰)، راز (مجموعه شعر، ۱۳۴۳)، سفرنامه کارری (اثر جملی کارری، ترجمه با همکاری عباس نخجوانی، ۱۳۴۸)، آثار باستانی آذربایجان (دو جلد، ۱۳۵۱)، وقف‌نامه‌ی ربع شیدی (تصحیح قسمت تبریز، ۱۳۵۷).

از وی مقالاتی در مجلات و نشریات «آرش»، «معلم امروز»، «کتابخانه‌ی ملی تبریز»، «سرو»، «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز»، «جهان اخلاق»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «بررسی‌های تاریخی» منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاسمی ساروی تهرانی، نصرت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(توح ۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، پزشک، روزنامه‌نگار، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به نصرت. اصلش از مازندران بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. وی بنابر ذوق و قریحه‌ی ادبی که داشت، همزمان با تحصیل علوم ادبی، به تاریخ و فلسفه پرداخت و از محضر استادانی چون شیخ خندق آبادی و شیخ یداللّه پاک‌نظر و شیخ مهدی نوری بهره‌مند شد و در همان زمان به عضویت انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی فرهنگستان درآمد. کاسمی در ۱۳۱۴ ش از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل شد و پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در زمینه‌ی «قطع عصب سیاتیک حوصلی زنان» نوشت. پس از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: تدریس بیماری‌های عمومی در دانشکده‌ی دندان‌پزشکی، نمایندگی دوره‌ی سوم مجلس مؤسسان، نمایندگی مردم ساری در دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی، وزیر مشاور در دولت دکتر اقبال، دبیر کل بنیاد نیکوکاری نوریانی، سرپرست مجله «گوهر» و انجمن ادبی گوهر و صاحب امتیاز و مدیر ماهنامه‌ی «دانشکده‌ی پزشکی» بود. دکتر کاسمی در سرودن شعر توانایی خاصی داشت و قصایدش را به سبک خراسانی می‌سرود. از دیگر آثار وی: «غدد مترشحه داخلی و

بیماریهای آن»؛ «راه خوشبختی»، در اخلاق و بهداشت، ترجمه؛ «آنچه باید یک پسر جوان بداند»، ترجمه؛ «آنچه باید یک دختر جوان بداند»، ترجمه؛ «مهر مادر»، شعر؛ «امواج»، شعر؛ «سه نامه»، حاوی سه نامه ادبی و فلسفی؛ «چهار صد سال بعد از فردوسی»، در نظم بعضی از وقایع عصر امیر تیمور گورکانی؛ «داستان یوسف»، مثنوی به سبک «حدیقه» سنایی؛ «دائرهٔ المعارف پزشکی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۱۴۷)، الذریعه (۲۶۵/ ۱۲ ،۶۳ -۶۲/ ۱۰ ،۳۱۳/ ۵)، روزشمار تاریخ (۱۱۱ ،۸۴/ ۲ ،۳۱۱/ ۱)، زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی (۸۳ -۳۱/ ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۹۱۹ -۲۹۱۴/ ۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۳۴ -۱۳۰/ ۲)، صدف (۵۵۲ -۵۴۳)، فرهنگ سخنوران (۷۵۴)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۴۶۸ -۴۶۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۴ ، ۲۰۴۴ ،۱۶۲۷ / ۲ ،۱۱۲۶ -۱۱۲۵ ،۳۳۸ ،۶۵ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰ -۵۶۸ / ۶)، نخبگان سیاسی ایران (۵۱۳/ ۴).

کاسنی نسفی، ابونصر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۳ ق)، فقیه شافعی، عالم، ادیب و شاعر. در ابتدا تنها در ادبیات مهارت داشت. سپس فقه را فراگرفت به طوری که از برجستگان مذهب شافعی گشت. او از ابوحسین محمد بن طالب نسفی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی حدیث شنید. وی در روزگار جوانی در قریه‌ی کاسن درگذشت. از آثارش تصنیف کتاب «تواتر الحجج» یا «تواتی الحجج»، در فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۷ -۱۶/ ۵)، ایضاح المکنون (۳۳۵/ ۱)، معجم المؤلفین (۲۵۰/ ۱).

کاشانی نجفی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷/ ۱۳۳۶ -۱۲۶۸/ ۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مفسر، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در کاشان به دنیا آمد. بعد از گذراندن مقدمات، فقه و اصول و معقول و منقول و ریاضیات را در حوزه‌ی درس پدرش فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد تقی، صاحب حاشیه «معالم»، بهره گرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. در ۱۲۹۲ ق در حالی که جامع جمیع علوم و ماهر در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و ریاضی بود به تهران آمد. در ۱۲۹۶ ق پس از فوت پدرش قائم مقام منصب او گشت و چندین سال ریاست علمی و مرجعیت مذهبی مردم را عهده‌دار بود. در ۱۳۱۳ ق حج گزارد و در بازگشت در نجف سکنی گزید و از علمای آنجا بهره برد و خود حوزه‌ی درس و بحث مستقل تشکیل داد و یکی از علمای بزرگ نجف به شمار آمد. در ۱۳۳۳ ق به همراه علمای مجاهد قیام مردمی ضد انگلیس را اداره و رهبری کرد. او سپس تا پایان عمر در کاظمین ماند و در آنجا درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «التجری»، پیرامون مسائل اصول فقه؛ «الاجزاء»؛ «رسالهٔ فی منجزات المریض»؛ «الاستصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی.[۱]

(حاج سید) مصطفی بن (حاج سید) حسین کاشانی‌الاصل تهرانی المسکن، از بزرگان علمای امامی (ف. ۱۳۳۷ ه.ق). وی سالها در تهران ریاست علمی و مرجعیت عمومی داشت. او بعد از تحصیل مقدمات متداول، فقه و اصول و معقول و منقول و اخلاق و کلام و ریاضیات و رجال را در جوزه‌ی درس پدر خود تکمیل کرد و بعد از وفات او به اصفهان رفت ولی حوزه‌ی علمی آنجا را فراخور استعداد خود ندید. پس عزیمت نجف کرد و در آنجا یکی از مراجع علمی گردید و حوزه‌ی دینی او مرجع استفاده‌ی افاضل بود. وی قریحه‌ی شعر نیز داشت و دیوانی هم در مناقب و مراثی معصومین دارد. او در استصحاب و تجزی و تفسیر مختصر قرآن و حاشیه‌ی ارشاد علامه و حاشیه‌ی شرایع و علامت ظن و قاعده‌ی لاضرر و منجزات مریض، تألیفاتی داشته ولی اکثر آنها تلف شده (ریحانةالادب، لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۳۳ -۱۳۲/ ۸)، اعیان الشیعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۱۰)، الذریعه (۱۹/ ۲۳ ،۱۰۵۵/ ۹ ،۱۰۲/ ۶ ،۲۵/ ۲ ،۳۵۰/ ۳ ، ۲۷۵ -۲۷۴/ ۱)، ریحانه (۲۱/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (۴۱۳/ ۱۳)، علماء معاصرین (۱۱۲ -۱۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/ مصطفی)، المآثر و الآثار (۱۶۰)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۳۱ -۱۰۳۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۴۸/ ۱۲).

کاشانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عبدالحسین خان ملقب (به ملک المورخین) بن میرزا هدایةاللّه خان بن لسان‌الملک میرزا محمدتقی خان ملقب (به سپهر) بن ملا علی ضرابی کاشانی تهرانی متولد ۱۲۹۰ و متوفی ۱۳۵۲ قمری ادیبی بارع و مورخی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبدالمطلب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، مفسر، طبیب، مورخ و شاعر. مشهور به ادیب کاشانی. سلسله نسب وی به طایفه غفاری و بنا به قول صاحب «گنج شایگان» به ابوذر غفاری می‌رسد. وی در عصر ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) می‌زیست. میرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ی میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی صنیع الملک بود. وی در قواعد عربی، علوم ادبی، تفسیر و علم طب بی‌نظیر بود و همگان او را در فنون مزبور به استادی قبول داشتند. ادیب کاشانی تاریخی نیز تألیف کرده که گویا از بین رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۱۸۰ -۱۱۷۹/ ۲)، شرح حال رجال (۱۵۰/ ۶)، گنج شایگان (۳۴۸ -۳۴۵).

کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۰ ق)، فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، صوفی، ادیب و شاعر. مشهور به ملا حسین کاشفی یا ملاحسین واعظ. در سبزوار به دنیا آمد. دوره‌ی جوانی را در آن شهر گذراند و در آنجا و نیشابور و هرات نشو و نما یافت. در زمان سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با صوتی خوش آیات قرآن و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب بیان می‌کرد. وی از ملازمان امیر علی شیرنوایی بود. پس از ملاقات مولانا جامی و معاشرت با وی طریقت نقشبندیه را پذیرفت. درباره‌ی مذهب وی اختلاف است، وی را به جهت گرایش به تصوف ملازمت با امیر علیشیر نوایی و نسبت خانوادگی نزدیک به ملا عبدالرحمان جامی سنی مذهب و به جهت نگارش کتاب «روضة الشهداء» و محل رشد و تربیتش سبزوار که از شهرهای اهل تشیع بوده، شیعه مذهب دانسته‌اند. به هر حال وی در هرات به شیعه بودن و در سبزوار به تسنن اشتهار داشت. کاشفی در هرات درگذشت. از آثار وی: «جواهر التفسیر لتحفة الامیر»، به نام امیر علیشیر نوایی؛ «مختصر الجواهر»، تفسیری دیگر در حدود بیست هزار سطر؛ «جامع الستین»، در تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ «المواهب العلیة»، معروف به «تفسیر حسینی»، به نام سلطان حسین بایقرا؛ «روضة الشهداء»، در مقاتل و ذکر مصیبت اهل‌بیت (ع) و واقعه‌ی کربلا، که چون اهل منبر از روی این کتاب می‌خواندند به روضه‌خوان مشهور شدند؛ «الاربعین»، در احادیث موعظه؛ «المرصد الاسنی»، در شرح اسماء اللّه الحسنی؛ «اخلاق محسنی»؛ «مخزن الانشاء»، در فن ترسل که برای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی، در ۹۰۷ ق، تألیف نموده؛ «انوار سهیلی»، در تدابیر حکم و آداب از زبان حیوانات، بازنویسی از «کلیله و دمنه» نصراللّه منشی، که آن را برای امیر شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان حسین بایقرا نوشت؛ «اسرار قاسمی»، در سحر و طلسمات و کیمیا؛ «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در ذکر صناعات ادبی؛ شرح «مثنوی» مولوی؛ «لب المثنوی»؛ «لب اللب مثنوی»؛ «اختیارات النجوم»، به نام «الواح القمر»؛ «السبعة الکاشفیة»، شامل هفت وسیله در علم نجوم.[۱]

(بخش ۱: کاشف) حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال‌الدین، دانشمند و واعظ معروف (ف. ۹۰۶ یا ۹۱۰ ه.ق) وی در علوم دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می‌کرد. او راست: آیینه‌ی اسکندری به فارسی (در استخراج مطلوب و حاوی ۸ جدول و ۲۰ دایره) و آن را جام جم نیز گویند، الاختیارات یا اختیارات النجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)، اخلاق محسنی (ذیل فرهنگ حاضر)، الاربعون حدیثاً در مواعظ بنام الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة (این کتاب به فارسی و حاول ۴۰ حدیث است)، اسرار قاسمی (ذیل فرهنگ حاضر)، انوار سهیلی (ذیل فرهنگ حاضر)، بدائع‌الافکار فی صناعة‌الاشعار، تحفة‌الصلوات (به پارسی)، جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره‌ی یوسف)، روضة‌الشهداء (ه.م) سبعه‌ی کاشفیه (۷ رساله در علم نجوم)، شرح مثنوی، جواهرالتفسیر لتحفة‌الامیر یا عروس (عروس)، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مختصر الجواهر (مختصر جواهر التفسیر یا عروس مذکور)، مخزن‌الانشاء به پارسی، المرصد الاسنی فی شرح اسماءاللّه الحسنی، مطلع‌الانوار، المواهب العلیة (مواهب العیله) (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۶۸۱، ۶۴۷، ۶۴۶، ۶۴۵، ۶۴۴– ۶۴۳، ۶۴۱– ۶۳۹، ۶۳۶، ۶۲۸، ۳۲۹)، اعیان الشیعه (۱۲۴ – ۱۲۱/ ۶)، ایضاح المکنون (۶۷۴، ۴۱۶/ ۲، ۷۶/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۶ –۵۲۳/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۸ –۲۴۵)، حبیب السیر (۳۴۶ –۳۴۵/ ۴)، الذریعه (۱۹۴ –۱۹۳/ ۲۰، ۲۹۱ –۱۹۰/ ۱۸، ۱۲۵۲، ۸۹۹/ ۹، ۵۸ –۵۷/ ۵، ۴۵۵/ ۳، ۴۳۰/ ۲، ۵۰/ ۱)، روضات الجنات (۲۲۳ –۲۱۷/ ۳)، ریاض العارفین (۲۳۱ –۲۳۰)، ریحانه (۳۲ –۲۹/ ۵)، طرائق الحقائق (۱۱۴/ ۳)، کشف الظنون (۱۹۱۶، ۱۸۹۶

۱۶۴۸، ۱۵۷۴، ۱۳۰۵، ۳۹۸)، الکنی و الالقـاب (۱۰۵/ ۳)، لغت‌نـامه (ذیـل/ کاشـفی)، مجالس المؤمنین (۵۴۸ -۵۴۷/ ۱)، مجالس النفائس (۹۳)، معجم المؤلفین (۳۵ -۳۴/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶ -۸۱۰/ ۲).

کاشی، بهاء الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از شاگردان علاّمه ملاّ محمد باقر مجلسی و راوی از ایشان است. در ۱۱۳۷ به دست افاغنه شهید گردیده.

وی را تألیفاتی است: ۱- شرح بر صحیفه کامله سجادیه ۲- شرح بر نهج البلاغه؛ و غیره.

قبرش در چملان (سنبلستان) واقع بود و بعداً که آنجا را تسطیح کردند از بین رفت. نگارنده به زیارت او موفّق شده بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاشی، عمادالدین یحیی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۷۴۵ ق)، محدث، ریاضیدان و ادیب. یکی از شاگردان محقق کرکی او را در رساله «مشایخ الشیعهٔ» و شیخ یحیی مفتی بحرانی وی را در «تـذکرهٔ المجتهـدین» ذکر کرده‌اند. او گذشـته از ادبیات و حدیث در علم حساب نیز دانشـمندای برجسته بود. در ۷۴۵ ق در یزد می‌زیست و سـرانجام در اصـفهان درگذشت. شـیخ آقا بزرگ تهرانی شـرح حال یحیی کاشی را در ذیل علمای قرن دهم آورده است. از آثـارش: شـرح «مفتـاح العلوم» سـکاکی؛ «لبـاب الحساب» یا «اللباب فی علم الحساب»؛ حاشـیه بر شـرح رساله‌ی «آداب البحث» فاضل سمرقندی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۶۲/ ۹)، الذریعه (۸۲ -۸۱/ ۱۴، ۱۰۹/ ۶)، طبقات اعلام الشـیعه (قرن ۲۷۵/ ۱۰)، کشف الظنون (۱۵۴۲ ، ۳۹)، معجم المؤلفین (۱۸۴/ ۱۳).

کاظمی خلخالی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۶۵.

از آثـار اوست: الحیـاهٔ النبیین و المعروفین و حیـاهٔ المعصومین (زنـدگینامه پیامبران معروف و زنـدگینامه معصومین؛ مؤلف و مترجم؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ ترجمه انسان روح است نه جسـد (تألیف رئوف عبید؛ تهران، به صورت دو جلدی و تک جلدی و در سالهای متعدد

به چاپ رسیده است)؛ ترجمه تا کرانه‌های عالم اثیری عالی حافه العالم الاثیری (جمیز آرتور فینـدلی؛ تهران، ۱۳۷۲ ۱۳۷۰)؛ حدیث اهلیجـه (از امـام جعفر صـادق؛ تهران، ۱۳۶۲)؛ دو هزار حـدیث- برگزیـده فارســی- عربی غررالحکـم و دررالکلـم (تهران، ۱۳۷۰)؛ زناشویی راز خوشـبختی (تهران، ۱۳۶۶)؛ سـفر به کره‌ی مریخ (تهران، ۱۳۷۰)؛ صـحیفه‌ی سجادیه (با مقدمه محمدباقر صدر، تهران، ۱۳۶۲)؛ ترجمه طب الرضـا (ع)؛ طب و درمـان در اسـلام (تحقیق از مرتضــی عسـگری، قم، چاپهای متعـدد)؛ کلیات حـدیث قدســی (ترجمه کتاب جواهر السـنیه تألیف محمدحسـین حرعاملی، تهران، ۱۳۶۶)؛ گفتگو با مردگان: حقیقت و شـناخت روح اسـرار جهان هستی (تـألیف شودزمونـد؛ تهران، ۱۳۷۳ ،۱۳۷۲)؛ گنجینه‌هـای دانش (تهران، ۱۳۶۴؛ چاپهـای دیگری از این کتـاب بـا همکاری به صورت دو جلـدی منتشـر شده است)؛ مدرسه اسـلامی (نوشـته محمدباقر صدر، تهران، ۱۳۶۲)، هزار حـدیث (از حضـرت علی (ع)، تهران، ۱۳۶۲ و چاپهای دیگر در سالهای بعد).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاظمی، اقدس

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

اقدس کاظمی در پاییز سال ۱۳۱۸ در روستا ی وشنوه قم متولد شد. وی پس از گذراندن سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد. بعد از ازدواج ، به تشویق همسـر با رتبه ی شاگرد اول در سال ۱۳۴۱ دیپلم خود را دریافت کرد. یک سال بعد در رشته فیزیک دانشگاه تهران شرکت کرد. ولی پس از کشته شدن همسرش با دوفرزند کوچک ، ادامه زندگی بر او تنگ گردید و به آموزگاری ادامه داد و سـر انجـام از مـدرسه عـالی امور اداری و قضایی قم ، لیسانس حقوق قضایی خود را دریافت کرد. پس از آن کاظمی در پست بازرسـی انجمن حمـایت زنـدانیان و ریـاست بازرسـی کمیته حمـایت از مصـرف کننـده نیز انجام وظیفه کرد. از خـدمات مهم اقـدس کاظمی تاسـیس دبیرسـتان دخترانه آزرمی دخت « بنت الهـدی صـدر » در قم گردید . سـپس از قم به شـمیران انتقال یافت و ریاست مدرسه ایران و آلمان را به عهده گرفت و تا سال ۱۳۵۶ به کار تدریس ادامه داد . وی پس از بازنشستگی کوشید کوشید در کانون وکلا بهکار بپردازد ، اما به سبب تعطیل شدن کانون و مشکلات دیگر این میسر نگردید .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : والدین اقدس کاظمی او را در پنج سالگی به مکتب خانه فرستادند و چون به دانش اندوزی علاقه ی زیادی نشان می دادسرانجام از وشنوه به قم آورده شد و پس از موفقیت در امتحانات لازمه درکلاس سوم دبستان پذیرفته شد و پس از اتمام کردن سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد ، یک سال بعد ازدواج کرد و به تشویق همسر با رتبه ی شاگرد اول در ۱۳۴۱ دیپلم را دریافت کرد .یک سال بعـد در رشـته فیزیک دانشگاه ،تهران شـرکت کرد.و سـرانجام از مدرسه عالی امور اداری و قضایی قم لیسانس حقوق قضایی خود را دریافت کرد .

وقایع میانسالی : از اتفاقات مهم دوران زندگی اقدس کاظمی کشته شدن همسرش می باشد . پس از آن با داشتن دو فرزند کوچک ،ادامه ی زندگی بر او تنگ گردید.

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : اقـدس کاظمی پس از آنکه لیانس حقوق قضایی را اخذ نمود ، در پست بازرسـی انجمن حمایت زنـدانیان و ریـاست بازرسـی کمیته حمـایت از مصـرف کننـده انجـام وظیفه کرد. پس از انتقال از قم به شـمیران نیزمـدتی در پسـت

ریاست مدرسه ایران و آلمان قرار گرفت.

فعالیتهای آموزشی : اقدس کاظمی پس از اتمام سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد. کاظمی پس از مرگ همسرمجددا به شغل آموزگاری روی آورد ،و تا سال ۱۳۵۶ به کار تدریس ادامه داد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله اقدمات اقدس کاظمی پس از فارغ التحصیل شدن و قرار گرفتن در مسیر مسولیت پذیری جامعه تاسیس دبیرستان دخترانه آزرمی دخت (بمت الهدی صدر)در قم بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اقدس کاظمی فعالیتهای اجتماعی را پس از اخذ مدرک لیسانس آغاز کرد و نه تنها مسئولیت امور زنان قم را پذیرفت که رسیدگی به خانواده های بی سرپرست نیز در شمار وظایفش قرار داشت .او همچنین پس از مرگ همسرش به شعر روی آورد. ---

آثار :

۱ آذرین مهر

ویژگی اثر : مجموعه شعری است که از سوی انتشارات (ما)در بهار ۱۳۷۴ به بازار کتاب آمده است .[گلزار مشاهیر،زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۶ ،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی]

منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، به کوشش : پوران فرخزاد، ج ۲ ، تهران: انتشارات زریاب ، چاپ اول ۱۳۷۸ ، ص ۱۳۶۳

کامشاد، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن کامشاد مترجم و پژوهشگر ادبیات فارسی است. حسن کامشاد لیسانس حقوق را از دانشگاه تهران دارد و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه کیمبریج گرفت. زندگی:

حسن کامشاد متولد اصفهان است، او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان و دبیرستان ادب طی کرد پس از دبیرستان با دیپلم ادبی برای ادامه تحصیل به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفت. پس از فارغ التحصیلی به جنوب رفت و مشغول کار در شرکت نفت شد. او در این دوران به فعالیت‌های دست چپی پرداخت و در پی وقایع ۲۸ مرداد مجبور شد به تهران بیاید. او بعدها به دعوت دانشگاه کیمبریج برای تدریس زبان فارسی به انگلستان رفته و در کنار تدریس به تحصیل زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه پرداخت. رساله دکترای او درباره نثر معاصر فارسی بود که بعدها در انگلستان به عنوان Modern persian prose literature به چاپ رسید[۱]. این کتاب سالها بعد توسط او به عنوان پایه‌گذاران نثر جدید فارسی توسط نشر نی منتشر شد. او پس از تحصیل به عنوان استاد زبان فارسی دانشگاه کیمبریج به تدریس پرداخت و همچنین استاد دانشگاه کالیفرنیا و دانشگاه تهران هم بوده است. وی پس از پنج سال تحصیل به ایران بازگشت و سالها در ایران بود تا اینکه از طرف شرکت نفت به لندن رفته و پس از بازنشستگی به تالیف و ترجمه مشغول شد.

کتاب‌های حسن کامشاد : ترجمه

درخدمت تخت طاووس

خاورمیانه

استالین مخوف، خنده و بیست میلیون

عیسی

دنیای فرضی

قبله عالم

سرگذشت فلسفه

دنیای سوفی

تاریخ چیست

ویتگنشتاین – پوپر و ماجرای سیخ بخاری: ده دقیقه جدل میان دو فیلسوف بزرگ

سوگ مادر

دریای ایمان

ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها

سیر نابخردی، از تروریا تا ویتنام

شبح خانم ویل

امپراتور

آخرین امپراتور

روح داروثی دینگلی

الوهیت و هایدگر

تاماس پین

حدیث نفس(زندگینامه) : تالیف

پایه گذاران نثر جدید فارسی (تألیف به دو زبان فارسی

کامکار پارسی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب.

تولد: ۱۲۷۴، فسا.

درگذشت: ۲ شهریور ۱۳۶۲، تهران.

محمد کامکار پارسی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس فسا و شیراز وارد دانشسرای عالی شد و به اخذ درجه‌ی لیسانس نایل آمد. سپس از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی گردید. دکتر کامکار سال‌ها با عنوان دبیری و ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهرستان‌های مختلف، ریاست خانه‌ی فرهنگ ایران در دهلی نو و بمبئی و استاد ادبیات فارسی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور مشغول به فعالیت بود. از وی اشعار و مقاله‌هایی

در روزنامه‌ها و مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاوه، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۷۳ ش)، خطاط و ادیب. در شیراز به دنیا آمد. از کودکی به مشق خط پرداخت و از قطعات و آثار استادان پیشین، چون میرعماد، درویش عبدالمجید، کلهر و میر سید حسین خوشنویس باشی تمرین می‌کرد سپس نزد استاد عماد الکتاب رفت و از او بهره‌مند شد و سرآمد شاگردان گردید. وی در ۱۲۹۸ ش وارد وزارت مالیه (دارایی) شد و در سمت منشی مخصوص وزیر، مشغول خدمت گردید. در ۱۳۱۰ ش به وزارت فرهنگ منتقل شد و سالهای متمادی در دبیرستان‌های مختلف تهران به تعلیم شاگردان پرداخت. کاوه در نوشتن خط نستعلیق از خفی و جلی استادی تمام عیار بود و در سیاه مشق و شکسته نستعلیق مهارت داشت. ملک‌الشعرای بهار او را میرعماد عصر می‌دانست. از شاگردان معروف او علی منظوری، عبداللّٰه فرادی، جهانگیر نظام العلماء و محمد سلحشور در خور ذکرند. از آثار وی کتابت: «گلچین اشعار صائب»؛ «آیات منتخبه‌ی قرآن»؛ «تعلیمات دینی»؛ «صرف و نحو»؛ «تاریخ ششم دبستانها و دبیرستانها».[۱]

خوشنویس.

تولد: ۱۳۱۲ ق.، شیراز.

درگذشت: ۶ شهریور ۱۳۶۹، تهران.

علی‌اکبر کاوه، فرزند علی‌محمدخان شیرازی، از کودکی به مشق خط پرداخت. سپس نزد استادانی به تکمیل هنر خود پرداخت. مدتی نیز نزد میرزا محمدحسین سیقی قزوینی (عمادالکتاب) به مشق و به ویژه خط نستعلیق پرداخت.

استاد از سال ۱۲۹۸ به سمت منشی مخصوص وزیر در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد و پس از چندی بر حسب دعوت یحیی قزاگزلو (اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ وقت از وزارت دارایی به وزارت فرهنگ منتقل گردید و سالهای متمادی در دبیرستان‌های تهران از قبیل: دارالفنون، ثروت، سیروس کالج، شاهدخت، شرف و علمیه به تعلیم خط اشتغال داشت تا اینکه بازنشسته گردید و مجددا بنابر تقاضای اداره‌ی کل هنرهای زیبا در کلاس آزاد خط هنرهای زیبا به تعلیم نوآموزان هنر مشغول شد و نیز ایشان چندی در کلاس کارآموزی خط که از طرف وزارت فرهنگ در عهد دکتر محمود مهران (وزیر فرهنگ وقت) تشکیل شده بود به تعلیم و تربیت مشغول بود. وی سالیان دراز به انجمن خوشنویسان ایران در تهران به تعلیم هنرجویان اشتغال داشت.

از آثار خطی که از وی به جای مانده است می‌توانیم به این عناوین اشاره کنیم: گلچین اشعار صائب؛ آیات منتخبه قرآن؛ تعلیمات دینی؛ صرف و نحو؛ تاریخ ششم دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و غیره.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اطلس خط (۵۹۷ -۵۹۶)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۳۴ -۲۳۰)، تاریخ برگزیدگان (۴۷۶ -۴۷۵)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۳۰ -۱۲۶)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱، ص ۵ -۱).

کاویانپور، طلعت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

طلعت کاویان پور در سال ۱۳۲۳ به دنیا آمد. وی دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران می باشد. با تدریس در دبیرستان خدمات فرهنگی خود را آغاز کرد ،و پس از سالها در حالی که تدریس در دانشگاه را در پیش گرفته بود در هیئت علمی – پژوهشی فرهنگستان زبان ایران پذیرفته شد و به همکاری با فرهنگستان پرداخت و اینک در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس ادبیات فارسی سرگرم است . او همچنین ریاست انجمن حمایت از عقب ماندگان ذهنی و بدنی را به عهده دارد. طلعت کاویان پور ،افزون بر فعالیتهای دانشگاهی ، در سمینارهای ادبی –هنری متعددی شرکت داشته است. از وی تا کنون چندین مقاله ادبی ـ اجتماعی در نشریات معتبر ایران به چاپ رسیده است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : طلعت کاویان پور دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : طلعت کاویان پور ریاست انجمن حمایت از عقب ماندگان ذهنی و بدنی را به عهده دارد.

فعالیتهای آموزشی : طلعت کاویان پور با تدریس در دبیرستان، را آغاز کرد، وی ضمن تدریس در دانشگاه،به عضویت هیئت علمی – پژوهشی فرهنگستان زبان ایران درآمد و به همکاری با فرهنگستان پرداخت. او اینک در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس ادبیات فارسی سرگرم است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : طلعت کاویان پور ،افزون بر فعالیتهای دانشگاهی ، در سمینارهای ادبی –هنری متعددی شرکت داشته است. از وی تاکنون چندین مقاله ادبی ـ اجتماعی در نشریات معتبر ایران به چاپ رسیده است . --------------------
----

آثار :

۱ ستم نامه ی شاهان و درددل بی گناهان

ویژگی اثر : مقاله– ادبستان –۱۳۷۱

۲ شاه نامه فردوسی

ویژگی اثر : مقاله

۳ فردوسی شاعر همه قرنها

ویژگی اثر : مقاله –دانش و فن ،۱۳۷۱

۴ نمونه هایی از نظم و نثر در ادب فارسی از قرن چهارم تا قرن سیزدهم هجری

ویژگی اثر : مقاله –۱۳۷۵–۷۶

۵ واژه های بسامدی و کاربرد آنها در زبان فارسی

ویژگی اثر : مقاله–ادبستان –۱۳۷۲

منابع زندگینامه :

دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، تالیف : پوران فرخزاد ، ج ۲ ، تهران : زریاب ، ص ۱۳۸۱

کاویانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۷ ش)، نویسنده و مترجم. وی رسالات و مقالات زیادی در زمینه اجتماعی نوشت. او از کسانی است که آثار فلاسفه و متفکران یونانی به ویژه افلاطون را ترجمه کرده که در ترجمه‌ی تعدادی از آنها دکتر محمد حسن لطفی نیز مشارکت داشته است که از آن جمله «دانایی شارمیدس»، «دیانت اتیفرون»، «سقراط در زندان کریتون»، «فن سخنوری گرگیاس» و «نامه‌ی شماره‌ی هفت» را می‌توان نام برد. از دیگر آثار وی: «درس عبرت»، ترجمه؛ «جنگ بزرگ»؛ «راه نجات»؛ «سرنوشت غرب»، ترجمه؛ «مملکت بی‌نقشه و هدف» در دو جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۶/ ۱۶، ۲۰۵/ ۱۲)، سواد و بیاض (۵۷۲ -۵۷۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۰۶، ۱۹۷۹/ ۲، ۱۴۸۸، ۱۳۴۵، -۱۳۴۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۳ -۱۹۱/ ۳).

کاویانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا هواشناسی و اقلیم، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه یوستوس لیبیگ آلمان در سال ۱۳۴۴، و دکترای تخصصی هواشناسی و اقلیم‌شناسی از دانشگاه فنی هانور در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۷ و دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کانونهای آلودگی برای شهر اصفهان، جغرافیای طبیعی کرمان با تکیه بر ویژگیهای اقلیمی، بررسی اقلیمی سواحل جنوبی دریای مازندران، تدریس دروس اقلیم‌شناسی عملی، اقلیم‌شناسی، میکروکلیماتولوژی و اقلیم کاربردی از دانشگاههای فنی هانور و اصفهان، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقلیم‌شناسی، اقلیم ایران و میکروکلیماتولوژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تغییرات اقلیمی قرن حاضر، بررسی اقلیمی پدیده شرجی در سواحل جنوبی کشور، بررسی کسری اقلیمی آب در مناطق خشک و نیمه خشک ایران، تحلیلی آماری از رژیم بارندگی ایران، تأثیر آبهای تحت‌الارضی بر روی تبخیر سطح زمین و بررسی بیلان آب در زمینهای واجد و فاقد موش گیاهی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کبیر، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مرحوم شیخ محمدتقی از اجله علماء و مجتهدین و فقهاء و مدققین عصر خود بود در علوم ادبیه و حسن خط نیز مقامی عالی داشت در قم خدمت مرحومین شیخ محمدحسن نادی و ملا محمدجواد تحصیل نمود و در نجف نزد علامتین خراسانی مرحوم آخوند و مرحوم سید محمدکاظم یزدی تلمذ نمود.

نگارنده در آثارالحجهٔ ج ۱ ص ۳۹ ترجمه وی را به عنوان ششمین حادثه حوزه‌ی علمیه بعد از تأسیس آن چنین نگاشته‌ام ششمین حادثه‌ای که قم و حوزه علمیه و عالم تشیع دیده رحلت عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی تقی زاهد معروف به فضل وسعه اطلاع و دقت نظر آیهٔ‌اللَّه العظمی آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی بود که او را بعضی بر مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه ترجیح می‌دادند. فضلاء اصحاب ایشان از مراجع امروز به شمار می‌روند.

نگارنده گوید: گرچه این حقیر آن بزرگوار را درک نکردم و به فیض ملاقات و زیارتش نرسیدم ولی از علماء و مراجع بزرگ امروز حوزه که آنجناب را دیده‌اند شنیدم که آن مرحوم دارای نفس قدسی و ملکوتی بود و مرحوم آیهٔ‌اللَّه حاج آقا حسین قمی می‌فرمود من منکر بودم که در این زمان آدم خوب پیدا شود با شرایط فعلی و فساد عمومی تا آنجناب را دیدم در قم و آیت‌اللَّه آقا سید مرتضی کشمیری را در نجف اشرف که یقین کردم در این عصر هم انسان کامل و مؤمن حقیقی یافت می‌شود.

در سال ۱۳۵۳ ه.ق دو سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حائری در سن هفتاد سالگی وفات نمود و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر حاج شیخ عبدالکریم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کتابی، بدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۲۹۱ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به امید. در اصفهان به دنیا آمد. جد پدری او آیت‌اللَّه میرزا محمد صادق کتابی اصفهانی، صاحب شرحی بر «شرایع» است و جد مادری وی حاج شیخ محمد علی نجمی می‌باشد. پس از تحصیل در مدارس

قدیم اصفهان، در مشهد به تحصیل ادبیات، منطق، فقه، اصول و فلسفه‌ی اسلامی پرداخت. وی «منظومه‌ی» حاج ملا هادی سبزواری را نزد شیخ محمد خراسانی فراگرفت. پس از اخذ دیپلم علمی، در ۱۳۱۶ ش، موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربتی از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات شد. وی به دو زبان عربی و فرانسه تسلط کامل داشت. پس از فراغت از تحصیل ابتدا در اصفهان به تدریس در دبیرستان‌ها مشغول شد و سپس ریاست دبیرستان ادب و چندی معاونت اداره‌ی کل فرهنگ استان اصفهان را عهده‌دار بود. وی در بنیان‌گذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان در ۱۳۳۷ ش و نیز تأسیس کتابخانه‌ی آن نقش مؤثری داشت و سالها نیز در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسه پرداخت. بیشتر با حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمد باقر الفت مصاحبت داشت. از آثارش: «هیپنوتیسم در دسترس همه»؛ «فروغ خاور»، شرح حال و آیین رهبانیت بودا، ترجمه؛ «پیرامون سیره‌ی نبوی»، ترجمه؛ «اخلاق»، ترجمه؛ «آداب المتعلمین»، ترجمه؛ سفرنامه‌ی «به سوی اصفهان»، ترجمه؛ «مکتبهای اصلی فلسفه»، ترجمه؛ «مبانی جامعه شناسی»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[۱]

مترجمه، مؤلف.

تولد: ۱۳۳۰(۱۲۹۱ ق.)، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۶۶.

بدالدین کتابی متخلص به «امید» ابتدا در مدارس قدیم اصفهان و یک سال در مشهد به تحصیلات قدیم از ادبیات و منطق و فقه و اصول پرداخت و منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری نزد حکیم همدانی و آقا شیخ محمد خراسانی فراگرفت. در سال ۱۳۱۳ موفق به اخذ دیپلم شد. سپس وارد دانشگاه گردید. در سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی گردید. وی برای ادامه تحصیلات در اروپا برگزیده شد. وی با دو زبان عربی و فرانسوی آشنایی داشت.

پس از فراغت از تحصیل در دانشسرای عالی به زادگاه خود اصفهان بازگشت. ابتدا به دبیری دبیرستان‌ها اشتغال ورزید و سپس ریاست دبیرستان ادب اصفهان را عهده‌دار گردید و مدتی نیز معاونت و کفالت اداره‌ی کل فرهنگ استان را به عهده داشت. وی همچنین در بنیانگذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان به سال ۱۳۳۷ و نیز تأسیس کتابخانه آن نقش داشت و خود سال‌ها در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسوی می‌پرداخت.

از آثار و تألیفات اوست: هیپنوتیسم در دسترس همه (این کتاب که احتمالا اولین اثر او است نخست در روزنامه‌ی «اصفهان» و سپس جداگانه به طبع رسیده است)؛ سفرنامه‌ی به سوی اصفهان (اثر پی‌یر لوتی، ترجمه از فرانسوی، اصفهان)؛ ترجمه فروغ خاور (شرح حال و آیین رهبانیت بودا، اثر هرمان الدنبرگ، اصفهان، سه جلد، ۱۳۳۲ -۱۳۳۰)؛ پیرامون سیره‌ی نبوی (عنوان عربی آن علی هامش السیره، اثار دکتر طه حسین، سه جلد، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی اخلاق (اثر دکتر پیرژانه ترجمه از فرانسوی، اصفهان ۱۳۳۱)؛ ترجمه‌ی رساله «آداب المتعلمین» با مقدمه‌ی کوتاهی راجع به عدم صحت انتساب آن به خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۶، ضمیمه‌ی «سالنامه‌ی دبیرستات ادب»، اصفهان)؛ مقالات وی در مجلات زیر چاپ می‌شد: «سالنامه‌ی دبیرستان ادب اصفهان»؛ «آئینه‌ی پزشکی» و نشریه‌ی «اداره‌ی فرهنگ استان دهم، اصفهان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۵۸/ ۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۱۱/ ۲ ،۶۳۸، ۵۰۵، ۱۳۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۶، ص ۳۷ -۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۹۷ -۹۶/ ۲).

کرد هکاری، امۀاللّه

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن نهم هجری. از زنان دانشمند و ادیب. وی دختر ابوالعلاـ شهاب‌الدین کردی بود. او به زنان و دختران دروس ادبی و دینی می‌داد. مردانی چون مؤلف الضوءاللامع شاگرد او بوده‌اند. امهٔاللّه حدود شصت سال زندگی کرد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۲۷ / ۱.

کرمانشاهی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مترجم. از آثار وی «اظهار سیاحت ایران» است که ترجمه‌ی کتاب «سیاحت نامه‌ی» مانکجی، ملقب به درویش فانی، می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷/ ۲).

کرمانی، حجهٔ العرافین، حمیدالدین، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۲- بعد از ۴۱۲ ق)، منشی. وی از داعیان و کاتبان فرقه‌ی اسماعیلیه و داعی الدعاهٔ خلیفه فاطمی در مصر بود و در روزگار آن خلیفه مسئول دعوت در مشرق بود. او با غلات اسماعیلی که دروزی گشتند به مخالفت پرداخت. از آثار وی: «مجموعهٔ رسائل»، در سیزده رساله که مهم‌ترین آنها نهمین رساله است به نام « مباسم البشارات بالامام الحاکم بامر اللّه امیرالمؤمنین» و دهمین رساله به نام «الواعظهٔ»، در رد بر فرغانی اجدع و یازدهمین رساله به نام «الکافیهٔ فی الرد علی الهارونی الحسنی»؛ «راحهٔ العقل»، که از کتاب‌های مهم اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۹/ ۱)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۸۳).

کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۸۶ -۷۱۷ ق)، فقیه شافعی، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مدت سی سال در بغداد به نشر

دانش مشغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مـدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد درگذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچک و یا چهار مجلد بزرگ؛ «ضمائر القرآن»، و مختصر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شرح «مختصر» ابن‌حاجب، به نام «السبعة السیارة»، که در آن هفت شرح جمع‌آوری شده است؛ شرح «اخلاق» قاضی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸ -۲۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۸۹۱، ۱۶۶۲، ۱۲۹۹، ۵۴۶، ۱۸۹، ۳۷)، معجم المؤلفین (۱۳۰ -۱۲۹/ ۱۲)، هدیة العارفین (۱۷۲/ ۲).

کرمانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فاضـل، مرحوم حاج شیخ محمـد علی کرمانی از علمای اخیار بوده، در اصـفهان خـدمت جمعی کثیر همچون: حاج ملا جواد آدینه‌ای، و میرزا محمـد علی رنـانی اصـفهانی، و آقـا سـید محمود مغنی، و شـیخ محمـد حسن حکیم شـیرازی، و آخونـد کاشـی، و جهانگیرخـان، و میرزا محمـد علی حکیـم کاشـانی اصـفهانی، و آقـا سـید محمـد بـاقر درچه‌ای، و عبـدالکریم جزی، و میرزا حسـین همدانی (عالم فاضل ادیب، در مدرسه‌ی نیم آورد تدریس می‌نموده، و در سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در صحن درب امام مدفون شده) و آیـة‌الله بروجردی (قبل از مهاجرت به نجف) تحصیل نموده؛ سپس در سال ۱۳۱۹ به نجف مهـاجرت کرده، در آنجا خـدمت: آقا سید محمد کاظم یزدی، و شیخ الشـریعه‌ی اصـفهانی، و آخوند خراسانی تحصـیل نموده، و نسـبت به اخیر، خصوصـیت داشـته، و از جمعی از اساتید خود به اخذ اجازه‌ی روایت و اجتهاد نایل گردیده، در ۱۳۳۰ به اصفهان مراجعت فرموده، و مدتی به درس و بحث اشتغال یافته، سپس ترک مباحثه و تدریس نموده، و تقریبا مدت ده سال آخر عمر به طور تجرد و انزوا می‌زیست.

در ذی حجه ۱۲۹۵ متولـد، و در شب جمعه ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۸۰ وفـات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

رسائل عدیده‌ای در مباحث فقه و اصول نوشته، از آن جمله: تقریرات اصولی آخوند خراسانی ۱ - رساله در مبحث الفاظ ۲ - رساله در استصحاب ۳ - رساله در تعادل و تراجیح ۴ - رساله در عدالت ۵ - رساله در بیع ۶ - رساله در مرجحات ۷ - رساله در وضو ۸ - رساله در مسح رجلین ۹ - رساله در دماء ثلاثه ۱۰ - رساله در تعرض استصحاب و ید ۱۱ - رساله در بیع معاطاة ۱۲ - شرح خطبه‌ی نهج‌البلاغه (اول الدین معرفة الله) و حدود بیست رساله و کتاب دیگر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرمانی، مروارید، شهاب‌الدین عبداللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۲۲ -۸۶۵ ق)، منشی، خطاط، موسیقیدان و شاعر، متخلص به بیانی. از اشراف کرمان و وزیر دربار تیموریان بود. وی در جوانی به خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا رسید و نزد آن امیر بسیار معزز می‌زیست، تا اینکه سمت صدارت یافت و به جای امیرعلیشیر نوایی مهر بر فرمانها و منشورها می‌زد. پس از مرگ امیرعلیشیر، گوشه‌نشینی گزید و به عبادت و کتابت قرآن مشغول شد. هنگامی که شاه اسماعیل صفوی بر خراسان دست یافت، او را فراخواند و شغل وزارت را به وی داد ولی، خواجه از پذیرفتن آن سر باز زد و بنابراین مامور نظم «تاریخ شاهی» شد. خواجه عبداللّه به اکثر علوم و فنون متداول آشنا بود و در نظم و نثر مهارت داشت و جمله‌ی خطوط را خوش می‌نوشت. او در موسیقی و ادوار نیز صاحب نظر بود و در ساختن ساز قانون تصرف کرد. در خطوط اصول، اشگرد عبداللّه طباخ هروی و در خط تعلیق، از شاگردان خواجه تاج سلمانی بود. از تالیفات وی، منظومه‌های: «تاریخ شاهی»؛ «تاریخ منظوم»؛ «خسرو و شیرین» و «مونس الاحباب» است. از خطوط او قطعه‌ای است به خط محقق و نسخ و رقاع که تاریخ کتابت آن سال ۹۱۲ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۱۹ -۶۱۷ /۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۳۵۲ -۳۵۰ /۲)، اطلس خط (۴۰۸، ۳۲۸ -۳۲۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۴۰ -۱۳۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ موسیقی (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۷ ، ۲۵۹)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۳ -۸۰۲ /۲)، تحفه سامی (۱۰۷ -۱۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۶ -۱۲۵)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۵۰ -۱۴۷)، حبیب السیر (۳۲۶ -۳۲۵ /۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۷)، دستور الوزراء (۳۹۷ -۳۹۴)، الذریعه (۲۸۱/۲۳، ۱۵۱ - ۱۵۰ /۹، ۱۶۱/۷)، ریحانه (۲۹۴ -۲۹۳ /۵)، ستارگان کرمان (۱۲۱ -۱۱۷)، فرهنگ سخنوران (۱۵۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۵)، مجالس النفائس (۲۸۱)، مناقب هنروران (۹۷)، مولفین کتب چاپی (۹۴۸ -۹۴۷ /۳)، نتایج الافکار (۱۰۰ -۹۹)، هفت اقلیم (۲۷۹ - ۲۷۸ /۱).

کرمانی، نورالدین، ابوالقاسم محمود

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۰۰ ق)، مقری، مفسر، فقیه شافعی و نحوی. معروف به تاج القراء. او عالم در قراآت بود. از آثارش: «لباب التأویل و عجائب التاویل»، در دو مجلد؛ «البرهان فی توجیه متشابه القرآن لما فیه من الحجهٔ و البیان»؛ «عجائب القرآن» یا «الغرائب و العجائب فی تفسیر القرآن الکریم» یا «العجائب و الغرائب» که تحت عنوان «لباب التفاسیر» می‌باشند؛ «الافادهٔ»، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «الایضاح» ابوعلی فارسی نحوی، در نحو؛ شرح «اللمع» ابن جنی ابوالفتح عثمان موصلی، در نحو؛ «العنوان»، در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۴/ ۸)، کشف الظنون (۱۵۶۲، ۱۵۴۱، ۱۱۹۷، ۱۱۷۷، ۱۱۲۶، ۲۴۱، ۲۱۳، ۱۳۱)، معجم الادباء (۱۲۵/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۶۱/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۴۰۲/ ۲).

کرنبائی، ابوعلی هشام

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۲۱۶ ق)، لغوی. اصـل وی از کرنباء اهواز است. وی با اصـمعی و امثال او همنشـین بود و از این رهگـذر بهره‌ها برد. او در لغت و تاریخ و اشـعار عرب عالمی توانا به حساب می‌آمد. فضل بن حباب از وی روایت کرده است. از آثارش: «الحشـرات»؛ «الوحوش» یا «الوحش»؛ «النبات»؛ «خلق الخیل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :ایضاح المکنون (۳۴۸، ۳۴۲، ۲۹۰ / ۲)، روضـات الجنات (۱۷۸ -۱۷۷ / ۸)، الفهرست لابن النـدیم (۱۰۵)، معجم الادباء (۲۸۵/ ۱۹)، معجم المؤمنین (۱۴۷/ ۱۳).

کریمان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۲ ش)، نویسـنده، اسـتاد دانشـگاه و ادیب. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۲۲ ش موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشسرای عالی گردید. در ۱۳۲۴ ش برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم رفت. در سن ۱۳۳۵ ش موفق به دریافت دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. خدمات تدریسی و تعلیمی خود را از دبستان آغـاز نمود و تـا تـدریس در دانشـگاه‌های تهران و شـهید بهشتی (ملی سـابق) پیش رفت و در این زمـان تحقیقاتی نیز انجام داد. وی فعالیت‌هـای زیـادی در زمینه‌ی جغرافیـای تاریخی و رسم نقشه‌ها داشت. دکتر کریمان از مؤلفان «دایرهٔ المعارف تشیع» بود. از آثار وی: «جغرافیـای شهرسـتان قم»؛ «طبرسـی و مجمع البیـان»، در دو مجلـد؛ «ری باسـتان»، در دو مجلـد؛ «قصـران»، در دو مجلـد؛ «آثـار بازمانـده از ری»؛ «تهران در گذشـته و حـال»؛ «سـیره و قیام زیـد بن علی». علاوه بر اینها بیش از هشـتاد مقاله و رساله در موضوعات دینی و علمی و ادبی و تاریخی نوشته است.[۱]

محقق، استاد.

تولد: ۱۷ آبان ۱۲۹۲، حومه‌ی تهران (رودبار قصران).

درگذشت: ۳۰ آذر ۱۳۷۲.

حسـین کریمـان دارای کارشناسـی در رشـته‌ی زبـان و ادبیـات فارسـی از دانشسـرای عـالی در سال ۱۳۳۲ بـود. در سـال ۱۳۲۴ برای فراگیری علوم دینی و معارف اسـلامی به قم مهاجرت نمود. در سال ۱۳۳۵ در رشـته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه‌ی دکتری گردید.

از آن پس به تدریس و تحقیق در دانشـگاه‌های تهران و شهید بهشتی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ به کسب درجه‌ی دانشیاری و در سال ۱۳۴۶ به مقام استادی رسید.

اهـم تألیفـات وی به شـرح زیر است: فرهنگ‌نویسـی در ایران و فرهنگ‌هـایی که تـاکنون نوشـته شـده است (۱۳۲۲ -۱۳۲۱)؛ قم را بشناسید (۱۳۲۸)؛ طبرسـی و مجمع البیان؛ ری باستان؛ برخی از آثار بازمانده از ری قدیم (۱۳۵۰)؛ تهران در گذشته و حال (۱۳۵۵)؛ قصران (۱۳۵۶)؛ سـیره و قیام زیـد بن علی (۱۳۶۴، این کتـاب در چهـارمین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیـده در رشـته‌ی تاریخ اسلام انتخاب شد)؛ تصحیح و تعلیق دیوان شمس به اتفاق دکتر یزگردی و با اشرف فروزانفر.

حسین کریمان در سن هشتاد سالگی به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۴۹، ۱۸۱۲/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۳)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۸، ص ۱۱ -۳، س ۱۰، ش ۹، ص ۶۵).

کریم‌پور، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۱۵، چهارمحال بختیاری.

درگذشت: ۱۳۶۳، فرانسه.

کریم کریم‌پور پس از طی دوران تحصیلی ابتدایی و دبیرستان در شهرکرد و اصفهان، لیسانس ادبیات فارسی را از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران گرفت و سپس برای ادامه‌ی تحصیلات خود به خارج از کشور رفت و با اقامت پنج سال در انگستان و سه سال در فرانسه دکترای تاریخ سیاسی را از دانشگاه سربن پاریس دریافت کرد و به ایران مراجعت نمود و نزدیک به دوازده سال در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به تدریس اشتغال داشت. آخرین سمت اداری او مدیر کل مطبوعات کشور بوده است.
وی علاوه بر زبان فارسی به زبان‌های انگلیسی فرانسوی، عربی، آلمانی و اردو تسلط کامل داشت و مقالاتی به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تحت عنوان «برداشتی تازه از سلسله‌ی صفویه و علل زوال آن سلسله» به رشته‌ی تحریر درآورده است که در مراجع مختلف دانشگاهی مورد توجه و استناد قرار گرفته‌اند.
کریم کریم‌پور در سال ۱۳۶۳ برای ادامه‌ی تحقیقات علمی و دیدار خانواده‌اش به فرانسه رفت که در آن کشور دچار حادثه شد و زندگی را بدرود گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کریمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی در ۱۳۲۹ ش مدیر باشگاه دوچرخه‌سواران اراک بود. از آثار وی: «زن پاکدامن»، ترجمه؛ «عصر اعتقاد»؛ ترجمه؛ «عشق و پول»، ترجمه؛ «بانک جهانی و مؤسسات وابسته به آن»، ترجمه؛ «واژه‌های کلیله و دمنه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۴۵، ۲۳۱۵، ۲۳۰۹، ۱۸۴۰ -۱۸۳۹/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۷ -۴۳۶/ ۱).

کریمی، بانو

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات و فرهنگ ایران، تدریس دروس متون نظم و نثر فارسی از قبیل فردوسی، نظامی، سنایی، صائب و کلیله و دمنه در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شرح و تفسیر دویست و یک غزل صائب و جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات سیدالدین محمد عوفی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

موضوعات ادبی همانند مقالاتی در یغما و سخن، نقدی بر فرهنگ صائب.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کریمی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کزازی، میرجلال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد میرجلال الـدین کزازی در دیماه ۱۳۲۷ در کرمانشـاه در خـانواده ای فرهیخته و فرهنگی که بنیادگـذار آمـوزش نـوین در این سامـان است، چشم به جهان گشود. خوگیری به مطالعه و دلبسـتگی پرشور به ایران و فرهنگ گرانسـنگ و جهانی آن را از پـدر که مردی آزادمنش و فراخ انـدیش و مردم دوست بـود به یادگـار سـتاند. دوره دبسـتان را در مـدرسه آلیـانس کرمانشـاه گذرانیـد و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشـنایی گرفت. سـپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصـیل در رشـته زبان و ادب پارسـی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسـی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال ۱۳۷۰ به اخذ درجه دکتری در این رشته نائـل آمـد.او اینـک عضو هیـأت علمی و اسـتاد در دانشـکده ادبیـات فارسـی و زبانهای خارجی وابسـته به دانشـگاه علامه طباطبایی است.ایشـان برنـده جـایزه نخستین در پژوهشـهای بنیـادین در هیجـدهمین جشـنواره بین المللی خوارزمی ،برای نوشـتن زنجیره ای از کتاب بنام " نامه باستان - " بهمن ۱۳۸۳ است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انساب : پـدر میرجلال الدین کزازی سـید محمود کزازی (فرزند سـید احمد کزازی) است. سـید احمد کزازی برادر سـید حسـین کزازی (آزادیخـواه کـه در دوره هـای دوم وسـوم نماینـده مجلس بـود و در سـال ۱۳۴۰ قمری رئیس معـارف و فوایـد عـامه کرمانشاه گردیـد و یک سال بعـد بعلت تاسیس مدرسه دخترانه در این شـهر به شـهادت رسیـد)است. نیا کان دکتر کزازی از کزاز استان مرکزی بودند از این روی نام کزازی بر خاندان ایشان مانده است.

خاطرات کودکی : میرجلال الدین کزازی از پدر خود بعنوان اولین آموزگارش یاد میکند و از وی که نمونه برجسته ای از فرهیخته ایرانی است به نیکی یاد میکند.او روزهای تعطیل را در دهسـتانهای زنگیشاه ، هولان و شـلان سپری می کند.روزهای کودکی دکتر آمیخته است با گشت و گذار در چشمه ساران ،کوهها ،هامونهای سبز و غیره.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : میرجلال الدین کزازی در خانواده ای فرهنگی و فرهیخته و از نظر اقتصادی در وضعیت متوسطی بدنیاآمد. از آنجایی که از خانواده ای سرشناس بودند در میهمانی های باشکوه با بزرگان و فرهیختگان روزگار خود آشنا می شد و از وجود آنان بهره می برد.

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : میرجلال الـدین کزازی دوره دبسـتان را در مـدرسه آلیـانس کرمانشـاه گذرانیـد و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشـنایی گرفت. سـپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصیل در رشـته زبان و ادب پارسی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال ۱۳۷۰ به اخذ درجه دکتری در این رشته نائل آمد

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : میرجلال الدین کزازی در کنار تحصـیل از سالیان نوجوانی نوشتن و سرودن را آغاز کرده است و در آن سالیـان بـا هفته نـامه هـای کرمانشـاه همکـاری داشـته و آثـار خود را در آنهـا به چـاپ می رسانیـده است. در جلسـات انجمن هـا و جشـنهایی که در مـدرسه به بهـانه هـای مختلف برگزار می شـد بعنوان سـخنران سـخنرانی میکرد یـا شـعر می خوانـد.وی همچنین با همکـاری دو تن از از دانش آموزان که یکی از آنهـا خوشـنویس بود و دیگری نگـارگر ، روزنـامه دیواری بنـام " نـائره ها " پـدید آوردند.

استادان و مربیان : دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر عبدالحسین زرین کوب ،دکتر مظاهر مصفا ،دکتر شفیعی کدکنی و دکتر اسماعیل حاکمی والاز استادان میرجلال الدین کزازی بودند.

همسر و فرزندان : میرجلال الدین کزازی در سال ۱۳۵۴ با همسر خود سرکار خانم پیوند پیوکانی ازدواج کردایشان دارای چهار فرزند می باشد: – دکتر امیر صدر الدین ،پزشک – مهندس امیر رهام ،کارشناس برق و الکترونیک – ستی آناهیت ،کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی – ستی ماندان ،کارشناس باستان شناسی

وقایع میانسالی : میرجلال الدین کزازی اینک عضو هیأت علمی در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است. او افزون بر زبان فرانسوی که از سالیان خردی با آن آشنایی یافته است، با زبانهای اسپانیایی و آلمانی و انگلیسی نیز آشناست.چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است. او گهگاه شعر نیز می سراید و نام هنری اش در شاعری" زروان "است. ترجمه او از" انه اید ویرژیل "برنده جایزه بهترین کتاب سال شده است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی و استاد دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبائی است.

فعالیتهای آموزشی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبایی می باشد . چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است. سوابق تدریس دکتر کزازی به ترتیب زیر است: تدریس تمام وقت : – دانشگاه رازی کرمانشاه از سال ۱۳۵۵ – ۱۳۵۸ – دانشگاه علامه طباطبایی – دانشکده های ادبیات فارسی و زبان های خارجی از سال ۱۳۵۸ – ۱۳۸۶ – دانشگاه بارسلون اسپانیا تدریس زبان پارسی ، ایران شناسی و شیعه شناسی ازسال ۱۳۷۶ – ۱۳۷۹ تدریس پاره وقت : – دانشگاه تربیت معلم تهران – دانشگاه سراسری گیلان – دانشگاه سراسری یزد – دانشگاه آزاد اسلامی – واحد اراک – دانشگاه آزاد اسلامی – واحد ساوه – دانشگاه آزاد اسلامی – واحد کرمانشاه

آرا و گرایشهای خاص : میرجلال الدین کزازی در نوشتار و گفتارش پارسیگرایی را دنبال می کند.

جوائز و نشانها : – برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دوره نهم)برای ترجمه کتاب" انه اید" در سال ۱۳۶۹ – برنده جایزه نخستین در پژوهشهای بنیادین در جشنواره بین المللی خوارزمی ،برای نوشتن زنجیره ای از کتاب " نامه باستان – " بهمن ۱۳۸۳ – چهره برگزیده در نخستین همایش تجلیل از برگزیدگان استان – نشان زرین و سپاسنامه از بزرگترین انجمن ادبی و فرهنگی یونان ، پارناسوس ، به عنوان برجسته ترین ایرانی در گسترش و شناساندن فرهنگ و ادب یونان زمستان ۱۳۸۴ – پژوهشگر برگزیده در دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۵ – چهره ماندگار فرهنگ و ادب ایران در پنجمین همایش آن به سال ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : آثار میرجلال الدین کزازی به ترتیب زیر است: – تعداد تالیفات : ۲۵ تالیف – تعداد کتب ترجمه شده : ۱۳ ترجمه – تعداد کتب ویرایش و تصحیح شده : ۶ کتاب – تعدا مقالات منتشر شده ک بیش از ۱۰۰ مقاله ------------------

----

آثار :

۱ آب و آیینه (مجموعه مقاله)

۲ آتا لا ورنه

ویژگی اثر : ترجمه اثر شاتو بریان–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۶ چاپ دوم : نشر مرکز – سال ۱۳۶۷ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۶۹ چاپ چهارم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۰" آتالا و رُنه "در بر گیرنده دو داستان جداگانه از نویسنده چیره دست و مشهور فرانسوی" شاتوبریان "است. دکتر کزازی در دیباچه مفصل این کتاب ، زندگینامه شاتوبریان را بر پایه نوشته های وی ، بویژه کتاب

گرانسنگ" یادمانهای آن سوی گور "بررسی کرده و سرچشمه های دو داستان آتالا و رُنه را به دست داده است.

۳ آنه اید

ویژگی اثر : ترجمه اثر ویژیل،چاپ اول : نشر مرکز - سال ۱۳۶۹ ،ترجمه،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «انهاید»: آشنایی با آثار ادبیات کلاسیک جهان به ویژه حماسه‌های برجستهٔ ملتها مورد علاقه هر دانش پژوهی است، انهاید یکی از بارزترین آثار ادبی جهان است که به زبان لاتین نوشته شده است و مترجم آن را به شیوه زیبا و رسایی به زبان فارسی ترجمه کرده است چاپ سوم : نشر مرکز - سال ۱۳۸۱ "انه اید "اثر ویرژیل ، حماسه سرای بزرگ لاتین است که برای اولین بار توسط دکتر کزازی به فارسی ترجمه شده است. انه اید ، یکی از سه اثر بزرگ پهلوانی در فرهنگ و ادب اروپایی است. دو حماسه دیگر" ، ایلیاد "و" اُدیسه "است. انه اید را می توان همچون اُدیسه ، دنباله ای بر ایلیاد شمرد". انه "بزرگزاده ای ترواییِ بوده است که از آتش و خون جان به در برده و در جستجوی سرزمینی نوید داده شده در دریاها و خشکی ها سرگردان شده است.

۴ ادیسه

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز - سال ۱۳۷۹ چاپ چهارم : نشر مرکز - سال ۱۳۸۳" اُدیسه "اثر دیگر هومر ، یکی دیگر از سه گانه های ادب پهلوانی اروپایی است که توسط دکتر کزازی به پارسی ترجمه شده است.

۵ از دهلی نو تا آتن کهن

ویژگی اثر : این کتاب را نشر نویسنده در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است. کتاب چهار سفرنامه را در دارد که سه از آنها پیشتر در روزنامه ها و ماهنامه های فرهنگی به چاپ رسیده است. این سفر نامه به شیوه کتابهای روزهای کاتالونیاو دیدار با اژدها نوشته شده است.

۶ از گونه ای دیگر

ویژگی اثر : مجموعه مقالات-چاپ اول : نشر مرکز - سال ۱۳۶۸ چاپ دوم : نشر مرکز - سال ۱۳۸۰" از گونه ای دیگر "مجموعه ای فراهم آمده از چهار جستار یا مقاله است که خمگی در زمینه فرهنگ و ادب نوشته شده اند. گفتارهای این دفتر که برخی از آنها برای اولین بار در این اثر به چاپ رسیده اند و بعضی پیش تر در گاهنامه ها نشر شده اند ، در چند زمینه پیوسته با هم و جملگی بر زمینه فرهنگ ایرانی و میراث معنوی آن است.

۷ ایلیاد

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز - سال ۱۳۷۷ چاپ چهارم : نشر مرکز - سال ۱۳۸۳" ایلیاد "شاهکار" هومر "اثری است که بارها به زبانهای اروپایی ترجمه شده است. پس از ترجمه" انه اید "و استقبال اهل فرهنگ و ادب از این اثر ، دکتر کزازی به درخواست دانشوران ، دو نامه دیگر پهلوانی در ادب اروپایی ، ایلیاد و اودیسه را نیز به همان شیوه به پارسی ترجمه کردند.

۸ بدایع الافکار فی صنایع الاشعار

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش-نشر مرکز - سال ۱۳۶۹" بدایع الافکار فی صنایع الاشعار "کتابی است از ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری ، نویسنده و دانشور پرکار ایرانی در سده نهم هجری. این کتاب که در آرایه های سخن نوشته شده است ، پرمایه ترین کتاب در دانش" بدیع "است. در دیباچه مفصل کتاب ، تاریخچه بدیع نویسی و بدیع سرایی در پهنه ادب پارسی ، از نخستین کتاب بدیعی" ترجمان البلاغه "تا واپسین که" مدارج البلاغه "است ، توسط دکتر کزازی نوشته و بررسی شده است. در بخش گزارش های کتاب نیز ، این کتاب با دیگر کتاب های بدیعی سنجیده شده است.

۹ بهار خسرو

ویژگی اثر : نشر مرکز – سال ۱۳۷۴" پیترو چیتاتی ، "از ایران شناسان دلبسته و علاقمند به تاریخ و فرهنگ ایران است. وی در این اثر بدیع ، شاعرانه و دل انگیز ، به شیوه ای داستانگونه ، نماها و چشم اندازهایی از تاریخ و فرهنگ ایران را بررسی و به زیبایی ارایه کرده است.

۱۰ پارسا و ترسا

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی – سال ۱۳۷۶" پارسا و ترسا "گزارشی است از داستان شیخ صنعان ، عطار. این چامه که از دشوارترین و پیچیده ترین چامه های خاقانی است ، توسط دکتر کزازی از سه دیدگاه ویژه واژه شناسی ، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی شده است.

۱۱ پرنیان پندار

ویژگی اثر : سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول : انتشارات سمت – سال ۱۳۷۶ چاپ سوم : انتشارات سمت – سال ۱۳۸۵ "سراچه آوا و رنگ "کتابی است که دکتر کزازی آن را در" خاقانی شناسی "نوشته است. در این اثر ، دوازده قصیده ، یک ترکیب بند ، شانزده غزل ، نُه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها ، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی ، ریشه شناسی ، زبانشناسی سنجی ، باورشناسی ، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.

۱۲ پند و پیوند

ویژگی اثر" : پند و پیوند "در حقیقت ، جلد دوم کتاب دیرمغان است که در آن ، دکتر کزازی به شیوه ای نو به گزارش غزل های حافظ پرداخته است و غزلهای خواجه را بر پایه زیبا شناسی و باورشناسی بررسی و گزارش کرده است.

۱۳ تَرجُمانی و تَرزَبانی (هنر ترجمه)

ویژگی اثر : نشر جامی – سال ۱۳۷۴" تَرجُمانی و تَرزَبانی "حاصل کند و کاوها ، درنگ ها و دیدگاه های دکتر کزازی درباره هنر ترجمه است که در چند جستار فراهم آمده است و در آن شیوه های گونه گون ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۴ تلماک

ویژگی اثر : ترجمه اثر فنلون–نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ جایگاه تلماک ، اثر گرانسنگ" فنلون "را در ادب و فرهنگ فرانسه ، تنها می توان با" گلستان "سعدی و" قابوسنامه "سنجید و برابر نهاد. سات های بسیار ، تلماک را در آموزشگاه های فرانسه همچون گلستان به قصد آموختن ادب و اخلاق و آیین به نوآموزان می آموخته اند و فنلون چون آموزگاری فرزانه ، در چهره نمادین" مانتور ،" فرزند جوان اولیس ، تلماک را اندرز می داده است.

۱۵ تندبادی از کنج (شاهنامه شناسی)

۱۶ توانهای نهانی در آدمی

ویژگی اثر : نشر نی – سال ۱۳۷۲ این کتاب ، سومین اثری است که دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی به زبان فارسی ترجمه کرده است". کالین و ویلسن "نویسندگان این کتاب ، با دیدی سنجیده ، روانشناسانه و دانشورانه ، پدیده های فراروانشناسی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده است.

۱۷ جهان اشباح

ویژگی اثر : ترجمه اثر مروردین–انتشارات عطایی – سال ۱۳۷۰" جهان اشباح "کتابی در زمینه فرا روانشناسی است که دو نویسنده "دانیل هامر "و" آلکس رودَن "آن را نوشته اند. در این اثر ، پدیده های" فرا روانشناسی "به گونه ای گسترده و فراگیر بررسی شده است. جهان اشباح ، دومین ترجمه دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی است.

۱۸ جهان پس از مرگ

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر دنیای کتاب - سال ۱۳۶۱ چاپ دوم : نشر دنیای کتاب - سال ۱۳۷۱ "جهان پس از مرگ "اثر نویسنده نامدار انگلیسی" سر آرتور کُنان دویل "خالق کارآگاه معروف" شرلوک هلمز "است. کنان دویل در سال های واپسین زندگی ، به پدیده روحگرایی دلبستگی یافت و این اثر ، رهاورد همان سال هاست. کتاب از دو بخش پژوهش ها و داستان ها پدید آمده است و هر یک از داستان ها بر پایه یکی از آزمون ها و پدیده های روحگرایی نوشته شده است.

۱۹ خاقانی شروانی

ویژگی اثر : این کتاب را دفتر پژوهشهای فرهنگی در مجموعه" از ایران چه می دانم "؟به سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است و هشتادو پنجمین کتاب از این مجموعه است. در این کتاب ،نویسنده به شیوه ای نوآیین و در پیکره داستانی دلکش،زندگانی و شعر خاقانی را بسر رسیده است تا خواننده که بیشتر از جوانانند با شور و شراری افزونتر کتاب را بخوانند و با این چامه سرای بزرگ آشنا بشوند.

۲۰ در دریای دری

ویژگی اثر : در بزرگداشت شاعران ایران"-دُرّ دریای دَری "کتابی کم نظیر در ادب پارسی است. این کتاب گزارش درازآهنگی است از قصیده ای بلند که دکتر کزازی آن را در ۲۷۸ بیت سروده است و چنین آغاز می شود : هر که او را شور معنی گستری است زیب شعرش دُرّ دریای دَری است در این چامه بلند ، سرگذشت شعر پارسی از آغاز تا روزگار ما نموده شده است. علاوه بر آن ، زندگینامه ، نکات ویژه زندگی و نیز شیوه سخنوری هر شاعر بیان گردیده است. نویسنده در مقدمه گسترده خویش بر این اثر ، مطالب جالب و مفیدی در زمینه" چیستی هنر "و نیز" چگونگی آفرینش هنری "آورده است که در جای خود ، روزنی به جهان پر رمز و راز هنر است. در دریای دری در سال ۱۳۶۸ به همت نشر مرکز بچاپ رسیده است.

۲۱ دستان مستان

ویژگی اثر : این کتاب را نشر نویسنده در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است. دستان مستان گزیده ای از سروده های میر جلال الدین کزازی است .که در دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ سروده شده اند.

۲۲ دیدار با اژدها

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش - انتشارات نشر قطره ۱۳۸۰-دیدار با اژدها ،روزنگار سفر کوتاه دکتر کزازی به چین سرزمین افسانه ای آسیا است. این اثر که از دید شیوه و قالب یکسره با روزهای کاتالونیا همسان و دمساز است ،پیوندهای فرهنگی تاریخی ایران و چین مورد بررسی قرار داده است.

۲۳ دیر مغان

ویژگی اثر : دیر مغان (حافظ شناسی) نشر قطره - سال ۱۳۷۵" دیر مغان "گزارش بیست غزل حافظ است ، از آغاز دیوان وی و بر پایه زیباشناسی و باورشناسی. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است از نگاهی متفاوت ، غزل های خواجه شیراز را بنگرد و آنها را بر پایه زیباشناسی و باورشناسی که دیگر حافظ پژوهان کمتر بدان پرداخته اند ، بکاود و بررسد. نویسنده وعده کرده است که در آینده ، بقیه اشعار حافظ را به همین شیوه مورد کند و کاو قرار دهد.

۲۴ دیوان خاقانی

ویژگی اثر : نشر مرکز - سال ۱۳۷۵" دیوان خاقانی "ویرایشی نو از دیوان سخن سالار بزرگ شروان است. این ویرایش بر پایه نسخه های چاپی و برخی برنوشته ها ، به انجام رسیده است. دکتر کزازی در این ویرایش جدید ، تاریکی ها ، دشواری ها و بی اندامی های متن را که از ریخت و ضبط نادرست بیت ها مایه گرفته است برطرف کرده و هرجا که نسخه بدل ها" پچینها" ناکارآمد بوده است ، به یاری دانش های ادب ، چون : واژه شناسی ، سبک شناسی ، زیبا شناسی و جز آن کوشیده است که ریخت و صورت درست به دست داده شود. ویراستار دیوان خاقانی ، همه جا در پانوشت ، دگرگونیهای رخ داده در متن را با برهان باز

نموده است.

۲۵ دیوان میرزا محمد باقر حسینی سپاهانی

ویژگی اثر : نشر مرکز – سال ۱۳۷۶" دیوان میرزا محمدباقر حسینی سپاهانی "سخنور توانا و کم شناخته سده یازدهم و دوازدهم هجری ، بر پایه نسخه ای منحصر به فرد ویراسته شده است. در دیباچه کتاب نیز سبک هندی در شعر فارسی و همچنین سروده های سخنور و پیوند او با دیگر سرایندگان این سبک بررسی و باز نموده شده است.

۲۶ رباعیات خیام

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۱ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۴" رباعیات خیام ، "همچون غزلهای سعدی ویرایشی تازه از چارانه های این شاعر و اندیشمند بزرگ ایرانی است که با شیوه ای نو نقادی شده است

۲۷ رخسار صبح

ویژگی اثر : گزارش چامه از خاقانی با دیباچه ای بلند در شناخت او–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۷۴" رخسار صبح "کتابی است حجیم و هفتصد صفحه ای در گزارش قصیده ای بلند و دلپسند از خاقانی. به تقریب ، نیمی از این کتاب ، شامل دیباچه مفصلی است در شرح زندگانی و شیوه شاعری این قصیده سرای بزرگ ایران. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است بر پایه سروده ها و نوشته های خاقانی ، زندگی وی را بررسی کرده و روشنایی هایی بر بخش های تاریک و ناشناخته زندگی وی بیندازد. دکتر کزازی در این کتاب ، همانند کتاب های" سوزن عیسی "و" پارسا و ترسا "کوشیده است تا این چامه بلند خاقانی را بر بنیاد واژه شناسی ، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی کند.

۲۸ روزهای کاتالونیا

۲۹ رویا ، حماسه ، اسطوره (شاهنامه شناسی)

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۲ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵" رؤیا ، حماسه ، اسطوره "آنچنانکه از عنوان آن برمی آید ، سه قلمرو پر رمز و راز و جاودانه رویا ، حماسه و اسطوره را در بر می"یرد. این اثر ، در حقیقت پایان نامه و تز دکتری نویسنده است که به قول قدما" به زیور طبع آراسته شده است."

۳۰ رویدادهای شهر سنگی

ویژگی اثر : ترجمه اثر اسماعیل کاداره–نشر مرکز – سال ۱۳۷۰" اسماعیل کاداره "در این اثر داستانی ، به شیوه ای دلنشین و شاعرانه ، خاطرات دوران کودکی و نوجوانی خویش را به رشته تحریر درآورده است. وی از نویسندگان نامدار آلبانیایی است که اکنون به شهرتی جهانی دست یافته است. یکی از داستانهای او با عنوان" سردار سپاه مرده "به بیش از پانزده زبان دنیا ترجمه شده است. دکتر کزازی با ترجمه این اثر ، اسماعیل کاداره را به جامعه فرهنگی ایران شناسانده است.

۳۱ زیبا شناسی

ویژگی اثر : در دو جلد

۳۲ زیبا شناسی سخن(۲) معانی

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۰ چاپ ششم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵" معانی "جلد دوم از مجموعه سه جلدی "زیباشناسی سخن پارسی "است که زبان شکرین و شیوای پارسی را بر پایه این دانش بررسی و کاویده است.

۳۳ زیبا شناسی سخن(۳)بدیع

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۳ چاپ پنجم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵" بدیع "سومین جلد از مجموعه" زیباشناسی سخن پارسی "است. جلدهای اول و دوم این مجموعه عهده دار بررسی دو دانش دیگر زیباشناسی ادب پارسی ، یعنی" بیان "و

"معانی "هستند.

۳۴ زیباشناسی سخن پارسی -۱- بیان

ویژگی اثر : جلد اول - بیان (زیباشناسی سخن پارسی) چاپ اول : نشر مرکز - سال ۱۳۶۸ چاپ هفتم : نشر مرکز - سال ۱۳۸۵ این کتاب نخستین جلد از دوره سه جلدی" زیباشناسی سخن پارسی "است که در موضوع دانش بیان نوشته شده است. دکتر کزازی این اثر را به شیوه کتاب های آموزشی برای دانشجویان دانشگاه ارایه کرده است.

۳۵ سراچه آوا و رنگ

ویژگی اثر : سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول : انتشارات سمت - سال ۱۳۷۶ چاپ سوم : انتشارات سمت - سال ۱۳۸۵ "سراچه آوا و رنگ "کتابی است که دکتر کزازی آن را در" خاقانی شناسی "نوشته است. در این اثر ، دوازده قصیده ، یک ترکیب بند ، شانزده غزل ، نُه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها ، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی ، ریشه شناسی ، زبانشناسی سنجی ، باورشناسی ، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.

۳۶ سه داستان

ویژگی اثر : ترجمه اثر گوستاوفلوبر-نشر مرکز - سال ۱۳۶۷" گوستاو فلوبر "نویسنده بلند آوازه و آفریننده آثار برجسته ای چون: "مادام بواری "و" سالامبو "است. فلوبر ، این اثر را در سال های پایانی زندگانی خود نوشت. سال هایی که نویسنده را در تلخکامی و اندوهی ژرف فرو برده بود. کتاب شامل سه داستان" ساده دل" ، "افسانه ژولین ، تیمارگر پاک "و" هرودیا "است.

۳۷ سوزن عیسی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی - سال ۱۳۷۶" سوزن عیسی "گزارشی است از چامه ترسایی خاقانی که از پیچیده ترین و دیریاب ترین چامه های اوست. در این کتاب دکتر کزازی ، قصیده بلند ترسایی را چونان" رخسار صبح "در سه بخش واژه شناسی ، زیبا شناسی و ژرفا شناسی بررسیده است و هرگاه نیازی نبوده که بیت ها را از آن سه دیدگاه بررسد ، تنها از دو دید نخستین کاویده است.

۳۸ سیلوی

ویژگی اثر : ترجمه آثار ژراردو نروال-نشر مرکز - سال ۱۳۷۰" سیلوی "داستانی نه چندان بلند از" ژرار دونروال "است. وی از نویسندگان سخنور و نامدار فرانسوی در سده نوزدهم بوده است. ژرار دونروال چونان شوریده سرانی که زندگی را به سودای یافتن آنچه یافت نمی شود ، سپر کرده اند ، سراسر زندگانی را در پی نازنینی گشت که هرگز در عالم خاکی به دست نمی آید. از اینرو ، به دنبال آنچه در عالم واقع به دست نمی آمد و در دسترس نبود ، به خواب و رویا پناه برد و سر در پی این سودا نهاد و در رویا گم شد.

۳۹ غزل های سعدی

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش -چاپ اول : نشر مرکز - سال ۱۳۷۱ چاپ سوم : نشر مرکز - سال ۱۳۸۴" غزلهای سعدی "ویرایشی تازه از غزلهای شاعر و سخنور توانا و نامی ایران است که برپایه نسخه های چاپی ، به شیوه ای سخن سنجانه و دانشورانه ، توسط دکتر کزازی انجام گرفته است.

۴۰ گزارش دشواریهای دیوان خاقانی

۴۱ گزیده ای از سروده های شیخ الرئیس قاجار

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش-نشر مرکز - سال ۱۳۶۹" شیخ الرئیس قاجار "از نوادگان فتحعلیشاه قاجار ، شاهزاده ای دانش دوست و سخنور بود که به کسوت روحانیت و درویشی درآمد. دکتر کزازی کتاب حاضر را بر پایه چاپ سنگی" منتخب نفیس از

آثار شیخ الرئیس ، "طبع شده در سال ۱۳۱۲ هجری ویراسته است و در مقدمه کتاب ، زندگی و آثار وی را بررسی و شرح کرده است.

۴۲ مازهای راز

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز - سال ۱۳۷۰ چاپ دوم : نشر مرکز - سال ۱۳۸۰ "مازهای راز "جستارهایی است در شاهنامه فردوسی و در برگیرنده شش مقاله درباره شاهنامه است. نخستین جستار" ، نمادشناسی اسطوره در داستان ضحاک "است که به همایش جهانی بزرگداشت فردوسی که در دی ماه ۱۳۶۹ در تهران برگزار شد ، پیشکش شده است.

۴۳ نامه باستان

ویژگی اثر : انتشارات سمت در سال ۱۳۷۹-نامه باستان ویرایش و گزارشی است که از شاهنامه فردوسی که نخستین جلد آن در سال ۱۳۷۹ منتشر شده . این جلد از اثر ،آغاز شاهنامه تا پایان زال و پادشاهی منوچهر را در بر میگیرد.نامه باستان بر پایه بر نوشته فلورانس و چاپ مسکروژول مول و خالقی و مطلق انجام گرفته است.

۴۴ نامه باستان در هشت جلد

ویژگی اثر : این کتاب را سازمان سمت در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است و هشتمین جلد از زنجیره ای است از کتاب در ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی با نام نامه باستان.

منابع زندگینامه

:h.persianblog.ir/۲http://parsisaray.blogfa.com/۳http://www.kazzazi.com۴www.ketabesal.ir۵

پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر میر جلال الدین کزازی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی- بهار ۱۳۸۶۶سید محمد باقر برقعی ، سخنوران نامی معاصر ایران ، ج ۳ ، ص ۱۶۵۰

کسایی، ابوالحسن علی بن حمزهٔ بن عبداللّه بن بهمن بن فیروز اسدی فارسی

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۸۹ ق)، قاری، ادیب، لغوی و نحوی. یکی از قراء سبعه است. اصلش از ایران بود که در یکی از روستاهای کوفه به دنیا آمد و در بغداد سکنی گزید. وی در تلاوت مدتی شاگرد حمزه یکی دیگر از قراء سبعه بود و موافق حمزه قرائت می‌کرد، ولی عاقبت قرائت مخصوصی اتخاذ نمود. حفص و ابوعمر دوری از راویان مشهور قرائت او هستند. جمعی دیگر نیز همچون نصیر رازی و قتیبهٔ بن مهران اصفهانی و احمد بن ابی‌سریج و عیسی بن سلیمان شیزری و ابوحمدون طیب نیز قرائت او را روایت کرده‌اند. کسائی از شاگردان امام جعفر صادق (ع) شمرده شده و از اعمش و سلیمان بن ارقم و سفیان بن عیینه و ابوبکر بن عیاش حدیث روایت کرده است. او در ادبیات و نحو و لغت نیز از پیشگامان عراق بود. نحو را از معاذ هراء و یونس نحوی و خلیل بن احمد عروضی فراگرفت. فراء و ابوعبید قاسم بن سلام و جمعی دیگر از شاگردان او به حساب می‌آیند. شافعی گوید که هر که خواهد در نحو متبحر شود پس باید که بر سفره‌ی کسایی نشیند. هارون الرشید احترام ویژه‌ای برای او قائل بود و دو پسرش امین و مأمون را به دست وی سپرد تا ادب آموزند. با هارون الرشید به ایران آمد و در ری در قریه‌ی ارنبویه درگذشت. در سال مرگ وی اختلاف است و سالهای ۱۹۳، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۰ و ۱۹۷ ق به عنوان سال وفات ذکر شده است. از آثارش: «معانی القرآن»؛ «القرآت»؛ «النوادر» کبیر، اوسط و اصغر؛ مختصری در نحو؛ «المصادر»؛ «الوقف و الابتداء فی القرآن»؛ «متشابه القرآن»؛ «مقطوع القرآن و موصوله»؛

«الحروف»؛ «العدد»؛ «اختلاف العدد»؛ «الهجاء»؛ «اشعار المعایات و طرائقها»؛ «الهاآت المکنی بها فی القرآن»؛ «لحن العامه»؛ «نسب رسول‌اللّه (ص)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۴-۹۳/ ۵)، اعلام بوفیات الاعلام (۱۲۲/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۳۴-۲۳۳/ ۸)، ایضاح المکنون (۳۵۰، ۳۴۵، ۳۳۶، ۳۳۲، ۳۲۲، ۳۱۳، ۲۸۹/ ۲، ۴۸/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶، ۶۸/ ۱)، تاریخ بغداد (۴۱۵ -۴۰۳/ ۱۱)، تهذیب التهذیب (۲۶۷/ ۷)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۲۱۹/ ۲)، الذریعه (۱۳۹/ ۲۴، ۱۵/ ۱۹)، روضات الجنات (۱۸۹ -۱۸۶/ ۵)، ری باستان (۴۱۹/ ۲، ۴۳۹ -۴۳۸/ ۱)، ریحانه (۵۶ -۵۲/ ۵)، سیر النبلاء (۱۳۴ -۱۳۱/ ۹)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۱۲-۱۱۱، ۶۴، ۶۰، ۵۳ -۵۲)، کشف الظنون (۱۷۳۰)، الکنی و الالقاب (۱۱۳ -۱۱۲/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی، کسائی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۱۸۹)، معجم الادباء (۲۰۳ -۱۶۷/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۸۴/ ۷)، وقایع السنین و الاعوام (۱۵۳)، هدیهٔ العارفین (۶۶۸/ ۱)، هفت اقلیم (۱۱۴/ ۱).

کسروی اصفهانی، ابوحسین علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، حافظ، فقیه شافعی، ادیب، نحوی و شاعر. اصل وی از اصفهان و ساکن بغداد بود. معلم هارون، فرزند ابوالحسن علی بن یحیی بن ندیم، بود. او سپس به ابی النجم بدر معتضدی والی اصفهان، در زمان معتضد عباسی، پیوست. وی راوی شعر و تاریخ و سیر، و بر کتاب «العین» خلیل بن احمد مسلط بود. بین کسروی و ابن المعتز عبداللّه نامه‌نگاری و مراجعات بسیار بوده است و اشعار زیادی را سروده به هم ارسال می‌کردند. کسروی در عهد خلافت معتضد (۲۸۹ -۲۷۹ ق) از دنیا رفت. سال مرگ وی در «کشف الظنون» و «هدیهٔ العارفین»، ۳۳۰ ق ذکر شده است. از آثارش: «الخصال»، مجموعه‌ای از اشعار و حکم و امثال؛ «الاعیاد و النواریز»؛ «تأویل الاحادیث المشکلات الواردهٔ فی الصفات»؛ «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»، که در «هدیهٔ العارفین»، «مجاوبات الخلان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۶۳/ ۲، ۲۲۰/ ۱)، ریحانه (۵۸/ ۵)، الفهرست لابن الندیم (۲۱۴)، کشف الظنون (۱۳۹۴، ۷۰۵)، لغت نامه (ذیل/ علی کسروی)، معجم الادباء (۹۶-۸۸/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۴۷/ ۷)، هدیهٔ العارفین (۶۷۸/ ۱).

کسروی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۹- مقتول ۱۳۲۴ ش)، مورخ، ادیب، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات عرب را در مدارس قدیم و زبان انگلیسی را در مدرسه‌ی آمیریکایی تبریز فراگرفت. وی بعدها در همان مدرسه به تدریس پرداخت، و در آنجا با مبلغان مسیحی، در دفاع از اسلام، مباحثات می‌کرد. بعد از اعضاء حزب دمکرات شد و به تهران تبعید گردید. او مدتی به کار در دادگستری پرداخت و مناصبی را نیز عهده‌دار بود. از ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ ش به نشر روزنامه‌ی «پرچم»

پرداخت. در دانشکده‌ی الهیات نیز به تدریس تاریخ اشتغال داشت ولی به سبب بدگویی‌هایی که از شعر و شاعری و عرفان و ادب ایرانی کرده بود با استادی او مواقت نشد. وی با زبان پهلوی و ارمنی و فرانسه آشنایی داشت. کسروی در زمینه‌های مختلف ادب، تاریخ، اجتماع، اقتصاد و مذهب عقاید مخصوص به خود داشت. آنچه او در باب نقد ادبی و بررسی شعر شاعران ایرانی و به خصوص ادب و شعر صوفیه، به ویژه حافظ و مولوی، نوشته از نوعی خشکی طبع و عدم آگاهی از جوهر هنر و زیبایی‌های آثار ادبی سرچشمه گرفته است و بر روی هم دیدگاه نقد او با اینکه دیدگاهی اجتماعی است، اما در مجموع نماینده‌ی ضعف تشخیص او در شناخت آثار ادبی است. آرای او در نقد مذهب شیعه مسایلی بود که پیش از وی بر قلم بعضی از نویسندگان اهل سنت جاری شده بود و علمای شیعه نیز پاسخ آنها را داده بودند اما او با زبانی که از بی‌نزاکتی و هتاکی خالی نبود همان انتقادها را رواج داد. وی عضویت انجمن آسیایی همایونی و انجمن جغرافیایی آسیایی و عضویت آکادمی آمریکا را داشت. کسروی یکی از پرکارترین نویسندگان دوره‌ی اخیر است که متجاوز از هفتاد کتاب و رساله، علاوه بر مقالات بسیار، از وی منتشر شده است. او سرانجام در یکی از محاکم وزارت دادگستری به وسیله‌ی گروهی از فداییان اسلام به قتل رسید. از آثار او در زمینه‌ی تاریخ: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»؛ «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»؛ «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»؛ «شیخ صفی و تبارش»؛ «شهریاران گمنام»؛ «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»؛ «تاریخچه‌ی چپق و قلیان»؛ «نادر شاه». در زمینه‌ی مذهب: «آیین کژی»؛ «ورجاوند بنیاد»؛ «در پیرامون اسلام»؛ «در پیرامون روان»؛ «صوفیگری». در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی: «کار و پیشه و پول»؛ «در راه سیاست»؛ «فرهنگ چیست؟»؛ «افسران ما». در زمینه‌ی مسایل مربوط به زبان شناسی و دستور: «آذری یا زبان باستان آذربایگان»؛ «زبان پاک»، دستور زبان؛ «زبان فارسی»؛ «نامهای شهرها و دیه‌های ایران». زمینه‌ی نقد ادبی و مباحث هنری: «حافظ چه می‌گوید»؛ «در پیرامون ادبیات»؛ «در پیرامون شعر و شاعری».[۱]

(بخش ۱) (سید) احمد بن (حاجی میر) قاسم، دانشمند، مورخ، زبانشناس و اصلاح‌طلب ایرانی (و. تبریز ۱۲۶۹- مقت. تهران ۱۳۲۴ ه.ش). تا چند پشت وی اهل علم و مورد توجه مردم تبریز بوده‌اند. کسروی در رشته‌های تاریخ، لغت، زبان و دین تحقیق کرده و طرفدار جدی اصلاح و تصفیه‌ی مذهبی و مخالف سرسخت تصوف و عرفان بود. وی طرفدار جدی ملیت ایرانی بود و از به کار بردن لغات عربی دوری می‌جست و در برابر آنها لغات و اصطلاحات و ترکیباتی از ریشه فارسی ساخته بود و خود آنها را به کار می‌برد. کسروی مردی رک‌گو و مبارز و در عقاید خود استوار بود. روزنامه‌ای به نام «پرچم» و مجله‌ای به نام «پیمان» منتشر می‌کرد که ناشر عقاید وی بودند. کسروی در روز دوشنبه‌ی بیستم اسفند ماه ۱۳۲۴ ه.ش به وسیله‌ی خنجر و اسلحه‌ی کمری به دست برادران امامی- از فدائیان اسلام- به قتل رسید. تألیفات کسروی از ۷۰ جلد متجاوز است که اهم آنها از این قرار است: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»، «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»، «شهر یاران گمنام»، «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»، «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»، «شیخ صفی و تبارش»، «نامهای شهرها و دههای ایران»، «قانون دادگری»، «زبان پاک» «تاریخچه‌ی چپق و غلیان»، «مشعشعیان»، «ترجمه‌ی کارنامک اردشیر بابکان»، «ترجمه‌ی (تلخیص) پلوتارخ»، «زبان آذری»، «پیدایش آمریکا»، «ده سال در عدلیه»، «صوفی گری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۲۷۴، ۲۷۲)، از نیما تا روزگار ما (۱۰۲ -۹۰)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۸ -۷ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۳۴۹ -۳۴۱)، تاریخ جراید (۹۷ -۹۳/ ۲)، چون سبوی تشنه (۲۳۱)، دایرة المعارف فارسی (۲۲۲۰/ ۲)، الذریعه (۱۹، ۳/ ۲۴، ۲۶۶ -۲۶۵، ۲۶۱/ ۱۴، ۳۳/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۳ -۲۶۵/ ۵)، شرح حال رجال (۲۲-۲۱/ ۵)، شخصیت های نامی (۴۰۶ -۴۰۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۵، ۳۴۵۴، ۳۳۵۴، ۳۲۴۰، ۳۲۱۶، ۳۰۱۸، ۲۷۳۵، ۲۷۳۳، ۲۵۹۱، ۲۵۸۷، ۲۵۸۴، ۲۴۲۴، ۲۴۱۵، ۲۲۳۳، ۲۱۹۳، ۲۱۸۶، ۲۱۸۴، ۲۰۶۴، ۱۹۷۹، ۱۸۵۶، ۱۸۲۲، ۱۸۲۱، ۱۶۲۸/ ۲، ۱۴۸۵، ۱۳۸۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۵، ۱۳۷۴،

۱۳۵۹، ۱۳۴۵، ۱۳۱۹، ۱۲۹۶، ۱۲۵۰، ۱۲۴۹– ۱۱۸۱، ۱۱۷۳، ۱۱۴۵، ۱۱۳۴، ۱۱۱۶، ۱۰۵۰، ۹۷۱، ۷۶۸– ۷۶۹، ۷۵۱، ۶۹۷، ۶۹۶، ۶۸۱، ۶۳۶، ۶۳۳، ۶۲۲، ۶۱۴، ۵۹۴، ۵۸۳، ۵۸۲، ۵۴۵، ۵۲۹، ۴۷۰، ۴۶۶، ۳۷۸، ۳۳۵، ۲۹۷، ۱۷۲، ۸۵، ۷۷، ۲۹/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/احمد، کسروی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۶ –۴۳۷/ ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۲۶/ ۸).

کسمایی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ –۱۲۹۹ ش)، مترجم، نویسنده و روزنامه نگار. وی در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی، تحصیلات خود را در رشته‌ی معقول و منقول ادامه داد. پس از کسب لیسانس، برای ادامه تحصیل در رشته‌ی روزنامه نگاری، به مصر رفت و در این فرصت توانست در زبان عربی تبحر یابد. نویسندگی را با کار در روزنامه‌ی «امید» آغاز کرد. وی در شمار قدیمی‌ترین روزنامه‌نگاران و مدتی سردبیر مجلات «صبا» و «وحید» بود و سرانجام به همکاری با روزنامه‌ی «اطلاعات» پرداخت و فعالیتی نزدیک به پنجاه سال با این روزنامه داشت. کسمایی به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و عربی مسلط بود و علاوه بر تألیفاتش تعدادی کتاب نیز ترجمه کرده است. وی سرانجام در هفتاد و سه سالگی درگذشت. از آثارش: «عشق بزرگان»، ترجمه و تألیف؛ «بالتازار»، ترجمه؛ «خدایان عشق اشک می‌ریزند»، ترجمه؛ «دنبال زن»، ترجمه از عربی؛ «روانشناسی در خدمت بشر»، ترجمه؛ «گلهای وحشی»، ترجمه؛ «مرد خون آشام»، ترجمه؛ «احوال و آثار فرانکلین»؛ «از چند نویسنده‌ی بزرگ دنیا»؛ «پریچهرگان تاریخ»؛ «جهنم دره»؛ «علل شکست آلمان، جاسوس انگلیسی»؛ «قرن دیوانه»، بحران تمدن فرهنگ و نادانی‌های دوران دانش.[۱]

مترجمه، نویسنده، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۹، تهران.

درگذشت: ۱۶ بهمن ۱۳۷۲.

علی‌اکبر کسمایی پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی و کسب مدارک لیسانس در رشته‌ی ادبیات، تحصیلات خود را در رشته‌ی معقول و منقول پی گرفت.

خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۶ با مؤسسه‌ی «اطلاعات» آغاز کرد. مدتی نیز نمایندگی و نویسندگی روزنامه‌ی «اطلاعات» را در مصر بر عهده گرفت. کسمایی از پایه‌گذاران مجله‌ی «اطلاعات هفتگی» بود و طی خدمت مطبوعاتی خود با روزنامه‌ها و مجلات (و از جمله «جوانان») به عنوان نویسنده و منتقد همکاری داشت. مدتی سردبیری روزنامه‌ی «امید» و زمانی نیز سردبیری مجلات «صبا» و «وحید» را به عهده داشت. مدت‌ها نیز برنامه‌های مختلف رادیو ایران، از جمله «برنامه جوانان» را اداره می‌کرد. در ترجمه هم دستی داشت. علاوه بر آن چندی رییس اداره‌ی انتشارات هواپیمایی ملی و پس از آن رایزن مطبوعاتی ایران در قاهره بود. در سال ۱۳۲۲ به سبب تألیف کتاب آئین کامیابی به عنوان بهترین کتاب سال به دریافت جایزه‌ی سلطنتی نایل آمده است. از دیگر تألیفات کسمایی می‌توان از جهنم دره؛ قرن دیوانه؛ عشق بزرگان؛ گل‌های وحشی؛ روان‌شناسی در خدمت بشر؛ و نیشخندهای آناتول فرانس (ترجمه) نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۱۵۰، ۱۴۲ –۱۴۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۳۴۰، ۳۳۱۶، ۲۹۸۸، ۲۷۶۸، ۲۶۹۳، ۲۵۳۰، ۲۳۳۱، ۲۳۰۵، ۲۱۹۳، ۲۱۹۲– ۱۷۶۰/ ۲، ۱۴۵۶، ۱۲۵۳، ۱۰۹۰، ۶۰۳، ۴۴۷، ۱۶۹، ۱۲۵، ۸۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی

انقلاب (۲۹۴)، کلک (س ۵، ش ۵۱ و ۵۲، ص ۲۶۱)، کیهان فرهنگی (س ۱۰، ش ۱۱، ص ۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۷ -۵۳۵/ ۴).

کشاورز صدر، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۸۱ ش)، حقوقدان، ادیب و نویسنده. در محلات به دنیا آمد پس از اتمام تحصلات وارد دادگستری و شغل قضاوت شد. وی در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم نماینده‌ی خرم‌آباد در مجلس شورای ملی بود و از اواخر ۱۳۲۹ ش به همکاری با دکتر مصدق پرداخت و از زمره‌ی یازده نماینده‌ای بود که طرح ماده‌ی واحده‌ی ملی کردن نفت را به مجلس پیشنهاد کردند. او همچنین مدتی استانداری تهران و گیلان و اصفهان را به عهده داشت. سرانجام در تهران بر اثر حمله‌ی قلبی درگذشت. از آثارش: «از رابعه تا پروین»؛ «مکتب سعدی»؛ «عقاب کمازان یا کریم خان زند»، از مرگ نادر... تا شکست علیمردان خان؛ «آیین و رویه دادرسی مدنی»؛ «آیین و رویه دادرسی کیفری»؛ «وزیران محبوس و مقتول».[۱]

در ۱۲۸۱ ش متولد شد. پدرش آقا سید محمد کوچک در دستگاه امیر مفخم بختیاری، سمت پیشکاری داشت. سید محمد علی تحصیلات خود را در حد مدرسی انجام داد و از مدرسه عالی حقوق لیسانس گرفت و به خدمت قضاوت مشغول شد. تمام مراحل قضائی را طی کرد. مدتها دادستان و رئیس دادگستری در شهرستانها بود. در ۱۳۲۵ مدیر کل بازرسی وزارت دادگستری شد. در دوره‌ی پانزدهم از خرم‌آباد به وکالت مجلس رسید و در دوره‌ی شانزدهم این سمت را حفظ کرد. در دوره‌ی اخیر ابتدا از حکومت رزم‌آرا طرفداری می‌نمود، بعد به دکتر مصدق نزدیک شد و عضویت جبهه ملی را پذیرفت ولی با تمام این احوال، در دوره‌ی هفدهم به مجلس راه پیدا نکرد و در عوض، دکتر مصدق او را به کار اجرائی گمارد. ابتدا استانداری گیلان را به او دادند، سپس استانداری اصفهان به او واگذار شد. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اصفهان بود، مورد تعرض عده‌ای قرار گرفت. چون جانش در خطر بود در منزل دکتر حکمی چند روز به حالت اختفا می‌زیست، سرانجام دستگیر شد. مدتی در زندان بود تا آزادش کردند. تدریجا به شغل وکالت دادگستری اشتغال ورزید و در جبهه ملی هم فعالیت می‌کرد. در کار وکالت با هدایت‌الله متین دفتری نوه‌ی دختری مصدق همکاری داشت و چون هم فکر سیاسی هم بودند، دست به اقداماتی زدند که مورد تعقیب قرار گرفته و مدتی در بازداشت بسر برد. وفات او در ۱۳۵۵ اتفاق افتاد. کتابی از وی به نام از رابعه تا پروین که شرح حال زنان شاعره است، و کتاب عقاب کامازون و چند تألیف دیگر باقی مانده است. چند ماهی نیز در فترت مجلس پانزدهم و شانزدهم از طرف ساعد نخست‌وزیر وقت، رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۱/ ۲ ،۵۳۴، ۱۷۱، ۸۸/ ۱)، کیان (س ۶، ش ۳، ص ۵۶ -۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷/ ۵).

کشاورز، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۷۹ ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش در مدرسه‌ی کشاورزی و سپس در مدرسه‌ی آلیانس فرانسه در تهران به پایان برد. وی در نوجوانی برای روزنامه‌ها و مجلات رشت مقاله می‌نوشت. کشاورز مدتی با کنسول گری روس در رشت همکاری داشت و زبان روسی را همان جا آموخت. او علاوه بر زبان‌های ترکی، روسی و فرانسه با زبان‌های انگلیسی و عربی نیز آشنا بود. وی مدتی معلم زبان فارسی در مدرسه‌ی مبلغین آمریکایی رشت بود. از اقدامات فرهنگی او تأسیس انجمن فرهنگی در رشت بود. وی پس از چندی به تهران آمد و در کنگره‌ی نویسندگان سمت منشی داشت و در همان جا با دهخدا و بهار و نیما یوشیج آشنا شد. او بیش از هفتاد سال از عمرش را به تألیف و ترجمه گذراند و کتابهای زیادی از زبان‌های روسی و فرانسه به فارسی ترجمه کرد. عاقبت در تهران از دنیا رفت. از آثار وی: «تاریخ ماد»، ترجمه؛ «امضای مرموز»، ترجمه؛ «بلا»، ترجمه؛ «دشمنان»، ترجمه؛ «اشکانیان»، ترجمه؛ «ترکستان نامه»، ترجمه؛ «عشق بی پیرایه»، ترجمه؛ «نهضت سربداران در خراسان»، ترجمه؛ «اسلام در ایران»، ترجمه؛ «حسن صباح»؛ «گیلان»؛ «هزار سال نثر پارسی»، در پنج مجلد؛ «چهارده ماه در خارک».[۱]

نویسنده، محقق، مترجم.

تولد: ۱۲۷۹، رشت.

درگذشت: ۱۳۶۵ ۱۸، تهران.

کریم کشاورز در مدرسه‌ی کشاورزی رشت و بعدها در آلیانس فرانسه در تهران تحصیل کرد. وی فعالیت فرهنگی خود را با مقاله‌نویسی در روزنامه‌های رشت آغاز کرد و توانست در آن شهر انجمن فرهنگ رشت را دایر کند. احاطه‌ی اصلی کشاورز به زبان روسی و فرانسوی بود. علاوه بر این به زبان گیلکی، ترکی، انگلیسی و عربی آشنایی داشت. کشاورز بیش از هفتاد سال از عمر خود را به ترجمه و تألیف گذرانید و اصولا گذران زندگی او از این راه بود.

کریم کشاورز از اعضای هئیت رئیسه «نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران» بود. داستان‌های مجموعه فی مدة المعلوم (۱۳۵۵) حاصل دوران تبعید او در یزد (در سال‌های آخر حکومت رضاشاه) است. از آثار ترجمه اوست: آبیاری در ترکستان (بارتولد، ۱۳۵۰)؛ آشغالدونی (کارولینا ماریاژروس، ۱۳۵۱)؛ اشکانیان (دیاکونوف، ۱۳۴۴)؛ افسانه‌های کردی (رودنکو، ۱۳۵۲)؛ امضای مرموز (ژرژ سیمنون، ۱۳۴۱)؛ باران سیاه (ماسودزی ایبوسه، ۱۳۵۶)؛ بازی مرگ (استانلی گاردنر، ۱۳۴۲)؛ بلا (میخائیل لرمانتوف، ۱۳۲۵)؛ تاریخ ماد (ایگور میخائیلوویچ لرمانتوف، ۱۳۴۵)؛ تاریکی گرتلی (۱۳۴۵)؛ حسن صباح (برای نوجوانان، ۱۳۴۵)؛ چهارده ماه در خارک (۱۳۶۳)؛ خاطرات جنگ (شارل دوگل، ۱۳۴۲)؛ دشمنان (ماکسیم گورکی، ۱۳۲۶)؛ دوبروسکی (پوشکین، ۱۳۲۴)؛ دوران کودکی (ماکسیم گورکی، ۱۳۳۰)؛ رساله‌ی سلطانعلی مشهدی در خوشنویسی (۱۳۵۶)؛ روستائیان، روشنی‌ها، داستان مرد ناشناس (چخوف، ۱۳۲۳)؛ زارع شیکاگو (مارک تواین، از متن ترجمه شده‌ی فرانسه، ۱۳۲۹)؛ شبی در چهارراه (ژرژ سیمنون، ۱۳۴۱)؛ شهریار کوهسار (ادمون آبو، ۱۳۴۳)؛ عشق بی‌پیرایه (وانداوسیلوسکایا، ۱۳۴۶)؛ قربانعلی بک و نه داستان دیگر (محمد قلی‌زاده، ۱۳۵۵)؛ قهرمان دوران (میخائیل لرمانتوف، ۱۳۳۱)؛ کار دو طناب (ژرژ سیمنون، ۱۳۴۲)؛ کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول (ایلیا پاولوویچ پطروشفسکی، ۱۳۴۱)؛ کودکی، نوباوگی جوانی (تولستوی، ۱۳۴۵)؛ گزیده‌ی مقالات تحقیقی (بارتولد، ۱۳۵۸)؛ گیلان (برای جوانان، ۱۳۴۷)؛ لبخند بخت (گی دوموپاسان، ۱۳۴۱)؛ لنین (ماکسیم گروکی، ۱۳۲۳)؛ مقدمه‌ی فقه اللغه ایرانی (ارانسکی، ۱۳۵۸)؛ موژیک‌ها (آنتوان پاولویچ چخوف، ۱۳۲۳)؛ موضوع روسیه (کنستانتین سیمونوف، ۱۳۲۶)؛ نهضت سربداران در خراسان (پطروشفسکی، ۱۳۴۱)؛ وجدان گمشده (ترجمه داستان‌هایی از روسی، ۱۳۵۵)؛ هزار سال نثر فارسی پنج جلد، (۱۳۴۵)؛ یادداشت‌های حسنک یزدی در سفر گیلان (۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۸، ش ۶، ص ۳۳۸ -۳۳۴)، الذریعه (۲۷۰/ ۱۵ ، ۱۷۱/ ۸)، روزشمار تاریخ (۲۷۹/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۳۴، ۳۱۸۸، ۳۱۸۵، ۲۸۲۴، ۲۸۰۰ ، ۲۶۸۹، ۲۶۸۸- ۲۶۲۹، ۲۵۸۲، ۲۵۷۳، ۲۳۰۵، ۲۰۹۴، ۱۸۲۰ / ۲ ، ۱۴۸۶، ۱۴۶۴ ، ۱۴۶۱ -۱۴۶۰، ۱۴۳۴، ۱۲۳۹، ۱۱۷۳، ۷۴۴، ۵۱۳، ۴۴۰ ، ۲۳۸/ ۱)، کتاب گیلان (۷۴۱/ ۳ ۷۱۴، ۷۱۳- ۲۸/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۵)، کلک (س ۲، ش ۲۰، ص ۲۰۶ -۲۰۳)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸ ص ۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳ -۷۱/ ۵).

کشفی جزی، روح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۷۶ هجری شمسی و متوفی به سال ۱۳۴۱ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری سرطان در سن ۶۳ سالگی دار فانی را وداع گفت و در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان مدفون می‌باشد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه دیانت اصفهان زیر نظر مرحوم میرزا عباس نحوی و صرف و نحو و فقه و اصول را در محضر علمای طراز اوّل اصفهان مانند مرحوم میرزا شیخ علی یزدی و سیّد عبدالباقی و میرزا احمد اصفهانی و آقا عبدالجواد آدینه شروع و به پایان رسانیده و قسمتی از درس خارج را نیز نزد مرحوم آخوند ملّا عبدالکریم گزی فرا گرفته است. از سال ۱۳۰۳ به خدمت آموزش و پرورش که در آن موقع به وزارت معارف و اوقاف موسوم بوده، درآمد. بعداً به سمت نماینده فرهنگ شهرستان لار و داراب فارس و کازرون و اصطهبانات منصوب شد. او مجدداً به اصفهان منتقل شد و از سال ۱۳۲۸ به سمت رئیس اداره اوقاف نجف‌آباد منصوب و تا پایان سال ۱۳۳۷ یعنی پایان خدمت اداری و بازنشستگی در این شهرستان خدمت نموده است.

آن مرحوم علاوه بر مطالب علوم جدید و حوزوی در فن شعر و شاعری و شعرشناسی و تحقیق و تتبع در ادبیات فارسی و عرب شأن و مقامی‌والا داشته و در هنر خطشناسی و خوشنویسی که از میراث اجداد والامقام و دانشمند خویش بوده بهره کافی داشته و قسمتی از اشعار و حتی از قصاید و غزلیات آن مرحوم توسط فرزندان دانشمند و برومند ایشان آقایان: آقا سیّد مهدی و سیّد محمّدعلی و آقا ریحان و دکتر سیّد محمود کشفی جزی، تحت عنوان «تحفه کشفی»، به زیور طبع آراسته شده و از آثار دیگر ایشان تحت عنوان «تلخیص الأغانی» با حاشیه و برداشتهای شخصی ایشان و برگزیده‌های دیگر اعم از مطالب نظم و نثر فارسی و عربی و عرفان و یادداشت‌های دیگری موجود است که امید است با همت فرزندان ایشان، آنها نیز به زیور طبع آراسته گردند و افتخارات دیگری بر افتخارات گذشته پدر مغفور خود بیافزایند و نسبت به غنای هر چه بیشتر ادبیات فارسی و عربی و اصلاح مطالب تدوین شده در رساله‌های خویش و استنساخ شده نظیر رساله «کسر اصنام جاهلیه» از رساله «سه اصل» و «تفسیر منشئات ملّاصدرا» که توسط آن مرحوم با خط شیوا و ذوق خاص بازنویسی و حاشیه زده شده است و چند نمونه خطی دیگر که ضمیمه همین یادداشتها شده، راه را برای مطالعه علاقمندان و دانش‌پژوهان دیگر در این راستا هموار نماید.

باید توجه داشت که آن مرحوم از سادات کشفی دارابی و از سادات صحیح‌النسب منطقه داراب و اصطهبانات فارس می‌باشد. پدرش مرحوم سیّد محمود کشفی ابن سیّد مصفی بن سیّد الجلیل ابی‌الحسن جعفر معروف به علاّمه کشفی و مادرش مرحوم طوبی‌بیگم کشفی مدفون در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان، دختر مرحوم آقا سیّد سینا کشفی ابن سیّد جعفر کشفی بوده که بنابر آنچه در شجره‌نامه ذکر شده، با ۳۷ واسطه به امام همام حضرت موسی بن جعفر می‌رسد.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

کشفی دارابی بروجردی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۶۷ -۱۱۸۹ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در ۱۲۰۸ ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبهٔ المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملاـ عبداللّه بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت. از آثار وی: «اجابهٔ المضطرین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفهٔ الملوک»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیهٔ»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایهٔ الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوک»، در عدالت سلطان؛ «نخبهٔ العقول فی علم الاصول»؛ «سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر.[۱]

مرحوم سیّد جعفر کشفی دارابی از اعاظم علماء قرن ۱۳ سیزدهم (۱۲۶۷-۱۱۹۱ هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوایف و صراط المستقیم فی سلوک الخلایف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال ۱۳۵۷ می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی‌بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سیّد جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادر فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سیّد محمّدمهدی بحرالعلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی‌نظیر و در ردیف اعاظم علمای امامیه در قرن ۱۳ هجری محسوب می گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است. در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال ۱۲۶۷ در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سیّد علی عارف کشفی و سیّد موسی نجل مرحوم سیّد جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمّد صالح کشفی خوشنویس قرن ۱۱ هجری که در صفحه ۷۱ کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۱۰۳)، اعیان الشیعه (۸۵/ ۴)، ایضاح المکنون (۶۳۱، ۵۸، ۴۸/ ۲، ۲۵۹/ ۱)، تاریخ بروجرد (۳۰۶ - ۳۰۳، ۲۹۶ - ۲۸۰، ۲۷۳ - ۲۷۲/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۰ - ۸۸/ ۲)، الذریعه (۹۷/ ۲۴، ۳۲۷ - ۳۲۶، ۴۹/ ۲۳، ۲۲۵/ ۲۱، ۸۹ - ۸۸/ ۱۸، ۱۰۵/ ۱۵، ۲۵۹/ ۱۴، ۲۳۲/ ۱۲، ۱۷۷ - ۱۷۶/ ۱۰، ۹۱۱/ ۹، ۴۷۱، ۸۷/ ۳، ۱۲۱ - ۱۲۰/ ۱)، ریحانه (۶۱ - ۶۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۲ - ۲۴۱/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۴۵۵/ ۳)، فارسنامه (۱۲۶۰/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ دارابی)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۷۹ - ۱۰۷۸/ ۳)، مکارم الآثار (۱۸۵۸ - ۱۸۵۵/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳ - ۳۳۲/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۲۵۶/ ۱).

کشمیری‌زاده شیرازی، نصرهٔ الملوک، نصرت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۶ ش)، معلم، مترجم و روزنامه نگار. اجدادش همه دارای فضل و دانش و عرفان بودند. وی همسر محمد رضا کشمیری زاده می‌باشد. در ۱۳۲۰ ش از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات خارجی فارغ‌التحصیل و در وزارت فرهنگ استخدام شد و در مدارس شیراز به تدریس پرداخت. وی از معتقدان نهضت ملی نفت ایران بود. او در ۱۳۲۶ ش امتیاز روزنامه‌ی «ندای ایران» را گرفت. از دیگر آثارش: «چگونه می‌توان خوشبخت بود»، ترجمه؛ «سرگذشت خانواده‌ی ویک فیلد»، ترجمه؛ «گلهای خندان»، قانون تعلیم و تربیت نوزادان از قنداقه تا حد بلوغ، ترجمه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۲ - ۲۴۱/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۶۷ - ۲۷۶۶، ۱۹۶۷/ ۲، ۱۱۱۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۰/ ۶).

کشمیهنی مروزی، ابوالهیثم محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۹ ق)، فقیه، محدث، ادیب و زاهد. اصل وی از کشمیهن مرو است به عراق و حجاز سفر کرد و درک محضر شیوخ بسیاری نمود. وی «صحیح» بخاری را در فربر به کرات از ابوعبداللّٰه فربری شنید و آخرین کسی است که آن را به عالی‌ترین اسناد روایت کرد، لذا در شرق و غرب شهرت یافت. او در مرو از عمر بن احمد جوهری و در سرخس از ابوالعباس محمد بن عبدالرحمان دغولی و در نیشابور از ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم و در ری از ابوحاتم و سقندی و در بغداد از ابومحمد جعفر بن محمد خلدی و در کوفه از ابوالحسن علی بن محمد شیبانی و در مکه از ابوسعید احمد بن محمد اعرابی و جماعتی دیگر چون (عبداللّٰه بن) محمد بن ابراهیم مروزی داعونی و محمد بن احمد بن عاصم و اسماعیل بن محمد صفار حدیث شنید. ابوذر هروی و ابوعثمان سعید بن محمد بحیری و ابوالخیر محمد بن ابی‌عمران صفار و ابوسهل محمد بن احمد حفصی و کریمه مروزیه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۷۶/ ۵)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۸۹/ ۴۰۰-۳۸۱)، سیر النبلاء (۴۹۲ -۴۹۱/ ۱۶)، شذرات الذهب (۱۳۲/ ۳)، العبر (۱۷۸ -۱۷۷/ ۲).

کفرانی رویدشتی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی بن محمدبن قدیر. در اصفهان متولد، و در نجف در خدمت جمعی از افاضل تحصیل نموده، و اخیرا به درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شده، و سال‌ها در محضر او تلمذ فرموده، و به ایشان اختصاص یافته، و مقرر درس ایشان بوده، و پس از فوت استاد حوزه‌ی درس داشته، و در مسجد هندی تدریس می‌نموده، و جمعی از افاضل به درس او حاضر می‌شده‌اند.

در سال ۱۳۱۷ وفات یافته، در نجف مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کفری کرمانشاهی تهرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۴۵ ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. مشهور به کفری. در کرمانشاه به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در موطن خود و علوم دینی در نجف اشرف، برای ادامه تحصیل وارد دارالفنون شد و طب قدیم را نزد حاج میرزا عبدالباقی اعتضاد الاطباء و طب جدید را نزد دکتر تولوزان فرانسوی آموخت. بعدها، به تشویق دکتر تولوزان، برای تکمیل رشته طب در ۱۲۸۷ ق به پاریس عزیمت نمود و مدت زیادی در بیمارستانها و مدارس آن شهر مشغول کار و آموختن علم بود. در ۱۲۹۶ ق پس از گذراندن پایان‌نامه‌ی خود موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در طب از دانشکده‌ی پزشکی آنجا شد. بعد از مراجعت به ایران، به توسط علیقلی خان مخبر الدوله، به دربار ناصرالدین شاه معرفی گشت و مدتی طبیب تلگرافخانه، معلم طب فرنگی دارالفنون، پزشک دربار قاجار و رئیس بیمارستان دولتی ابن‌سینای کنونی شد. ولی بعدها کم کم از تمام این مشاغل عزل گردید و در ۱۳۰۵ ق به عنوان طبیب مخصوص حسنعلی خان گروسی، امیر نظام پیشکار آذربایجان، به تبریز رفت و مدتی با او بود. پس از بازگشت خانه‌نشین شد و در خانه به طبابت و تدریس پرداخت و علاوه بر آن به ترجمه‌ی کتب علمی به خصوص طب، جراحی و هیتولوژی نیز می‌پرداخت. علت شهرت وی به کفری مخالفت تند و صریح او با خرافات و موهومات بود. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثارش: «امراض الاطفال»، ترجمه؛ «ضیاء الناظرین»، تشریح چشم، ترجمه؛ «کوفت»، رساله‌ای در امراض مقاربتی؛ «ژیل بلاس»، ترجمه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۹۱/ ۴)، دایرة المعارف فارسی (۲۲۳۶/ ۲)، الذریعه (۱۸۴/ ۱۸ ،۱۳۱/ ۱۵ ،۳۴۸/ ۲)، شرح حال رجال (۲۷۸ -۲۷۵/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۹۸ ،۲۲۴۳ ،۱۸۸۹ -۱۸۸۸/ ۲ ،۳۳۳/ ۱)، المآثر و الآثار (۲۲۳)،

مؤلفین کتب چاپی (۶۹۸ -۶۹۵/ ۵).

کلابزی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۰/ ۳۱۶/ ۳۱۲ ق)، ادیب، لغوی و نحوی. نسبتش به کلابزی به مناسبت حفظ، نگهداری و تربیت سگهای شکاری است. محضر مازنی را درک کرد و فنون ادب را از مبرد فراگرفت. او از ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی روایت کرده و ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی از وی روایت می‌کند. وی در نحو و لغت متقدم و عهده‌دار منصب قضای شام بود. او در بصره درگذشت.

از آثار وی: «شرف الفقر علی الغنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۱۶/ ۵)، ریحانه (۷۰/ ۵)، کشف الظنون (۱۰۴۵)، معجم الادباء (۳/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۰۵/ ۱).

کلباسی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در نجف به درس آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی حاضر شده، و در سال ۱۳۳۷ در نجف اشرف وفات یافته، و هم در آن زمین مقدّس مدفون گردید.

در ماضی النجف و حاضرها تولّدش را ۱۲۷۹ در اصفهان، و وفات را در ۱۳۳۵ در نجف می‌نویسد، و از تألیفاتش ۱- حواشی بر کفایه ۲- رسائلی در فقه ۳- السعهٔ و الرزق، مجموعه احادیث مربوط به آن را نام می‌برد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، ایران

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر ایران کلباسی در سال ۱۳۱۸ در شهر اصفهان متولد گردید. ایشان دارای دکتری رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱است .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : – دریافت گواهی نامه ششم ابتدایی : دبستان دانش ،اصفهان ۱۳۳۱ – دریافت دیپلم متوسطه : دبیرستان شاهدخت سابق ،اصفهان رشته علوم طبیعی ،۱۳۳۷ – دریافت گواهی نامه کارشناسی:در رشته زبان و ادبیات فارسی، از دانشگاه شیراز، در سال ۱۳۴۲ – دریافت گواهی‌نامه ارشد:در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۶ – دریافت گواهی نامه دکتری:در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۱

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی ایران کلباسی به قرار زیر است: – استخدام در وزارت آموزش و پرورش، در اصفهان، ۱۳۳۷ – رئیس انستیتو تربیت معلم، وابسته به وزارت آموزش و پرورش در تهران، از سال ۱۳۵۱–۱۳۵۳ – انتقال از آموزش و پرورش به فرهنگستان سابق زبان ایران، در تهران، در سال ۱۳۵۳ – انتقال به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در تهران بعد از انقلاب اسلامی – استفاده از فرصت مطالعاتی، در دانشگاه لندن، مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی (SOAS) در سالهای ۱۳۶۵–۱۳۷۱ – استاد، پژوهشگر و مدیر فعلی گروه گویش شناسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی – مدیر فعلی گروه گویش شناسی در انجمن زبانشناسی ایران

فعالیتهای آموزشی : ایران کلباسی در دانشگاههای تهران ،شهید بهشتی ،الزهرا،علوم پزشکی ایران ، پیام نور ،پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس می پردازد.

آرا و گرایشهای خاص : ایران کلباسی در زمینه گویش های ایرانی تخصص دارد و بیشتر مقالات خود را در این زمینه نوشته است.

چگونگی عرضه آثار : – تعداد راهنمایی پایان نامه های دکتری و کارشناسی ارشد در رشته زبانشناسی همگانی : بیش از ۱۰۰ رساله – تعداد مقالات ارائه شده در همایشها به همراه ایراد سخنرانی : بیش از ۴۰ مورد – تعداد تالیف کتاب : ۱۰ کتاب – تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی : ۵۶ مقاله ——————————————————————————

آثار :

۱ بررسی ساخت واژه در زبان رومانو(۱۳۷۳)

۲ زبان فارسی و زبانهای محلی

ویژگی اثر : دانشکده مکاتبه ای، ۱۳۵۵

۳ ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱

۴ ساخت واژه در گویش کلیمیان اصفهان

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳

۵ ساخت واژه در گویش لاری

۶ ساختمان آوایی در فارسی

۷ فارسی اصفهانی

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۰

۸ فارسی ایران و تاجیکستان

ویژگی اثر : دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴

۹ گویش کلاردشت (رودبارک) بپژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ویژگی اثر : ۱۳۷۶

۱۰ گویشهای ایرانی و لهجه های فارسی (۱۳۷۱)

۱۱ گویشهای کردی مهاباد

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،۱۳۶۲

منابع زندگینامه : http://www.ihcs.ac.ir/User/People.aspx?ID=۳۳۲۲۱پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، ج ۲ ، ص ۱۴۲۴۳تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر ایران کلباسی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی- پاییز ۱۳۸۶

کلیشادی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میر محمـد حسـین بن حـاج میر محمـد صـادق معروف به «سـید مغنی گو». عـالم فاضل ادیب شاعر نحوی، مـدرس مـدرسه‌ی شاهزاده‌ها.

به مناسبت تخصـص ایشان در تدریس کتاب «مغنی اللبیب» به سـید محمود مغنی معروف بوده، جمعی کثیر از فضـلای اصـفهان در خدمت او تحصیل نموده‌اند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اربعیه، در نحـو ۲- جنـگ، در متفرقـات، در چهار مجلـد، در کتابخانه‌ی مرحوم آقا میرزا محمـد رضا الهی موجود بود، و حاوی مطالب مفیـده از صـرف و نحو و حدیث و اخبار و اشـعار می‌بود. ۳- درر منتظمه، الفیه، نسـخه‌ی آن نزد نگارنـده موجود است. ۴- کتابی در مواعظ ۵- مختصر کتاب «غرر و درر» سید مرتضی ۶- مختصر اکسیر العبادات ۷- محمودیهٔ، در نحو ۸- ناصریه، در نحو، و ظاهرا با محمودیه یک کتاب باشد.

صـاحب عنـوان در شب ۵ شـنبه ۸ ربیع‌الثـانی سال ۱۳۲۴ وفـات یـافته، در تخت فولاد مـدفون گردیـد. قبرش در قسـمت‌های جنوبی خانه‌های تخت فولاد، در تکیه‌ای کوچک قرار دارد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کمال پور، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد کمال پور ، متخلص به « کمال » در سال ۱۲۹۷ ، در مشهد دیده به جهان گشود. از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله هـای سـرشور به آموختن قرآن ، دیـوان حافظ و گلسـتان و بوسـتان سـعدی روی آورد و سـپس در مـدرسه نظمیه که بعـدها دبیرسـتان ابن یمین نـام گرفت ، تحصـیلات دوره ابتـدایی را سپری کرد. تـا سال ۱۳۱۰ که پـدرش در قیـد حیـات بود ، روزها را به تحصـیل و شب ها را به خوانـدن شاهنامه حکیم توس در نزد پـدر می گذرانـد. با درگـذشت پدر مجبور به ترک تحصـیل شد و در منزل دایی اش که سـرپرستی اش را به عهـده گرفته بود ، به مطـالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد. اسـتادکمال پور اشـتغال به کار را با کفاشـی در بـازار آغـاز نمود. او در بـازار توفیقی نیـافت ، لـذا حرفه کفاشـی را رها کرد و به انجمن های ادبی پیوست. پس از فوت

استاد فرخ ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی ، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید. او سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۹ ، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد ، بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد کمال پور از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله های سرشور به آموختن قرآن ، دیوان حافظ و گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در مدرسه نظمیه که بعدها دبیرستان ابن یمین نام گرفت ، تحصیلات دوره ابتدایی را سپری کرد. تا سال ۱۳۱۰ که پدرش در قید حیات بود ، روزها را به تحصیل و شب ها را به خواندن شاهنامه حکیم توس در نزد پدر می گذراند. با درگذشت پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در منزل دایی اش که سرپرستی اش را به عهده گرفته بود ، به مطالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد کمال پور که در سیزده سالگی پدر خود را از دست داد ، ناچار برای تحصیل و معیشت ، شاهنامه خوانی را وسیله کسب درآمد قرار داد ؛ او روزها به مدرسه می رفت و شب ها به شاهنامه خوانی می پرداخت.

استادان و مربیان : احمد کمال پور شاهنامه خوانی را نزد پدر فراگرفت. محمود فرخ در ارشاد و راهنمایی شعر او از عوامل موثر بود و سپس از استادان دکتر فیاض ، دکتر رجایی ، و نوید بهره ها گرفت.

هم دوره ای ها و همکاران : احمد کمال پور در انجمن های ادبی با افرادی چون باقرزاده (بقا) ، صاحبکار ، (سهی) ، قهرمان و غلامرضا قدسی معاشرت داشت.

زمان و علت فوت : احمد کمال پور در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۹ ، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد ، بر اثر عارضه قلبی دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد کمال پور اشتغال به کار را با کفاشی در بازار آغاز نمود. او در بازار توفیقی نیافت ، لذا حرفه کفاشی را رها کرد و به انجمن های ادبی پیوست. پس از فوت استاد فرخ ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی ، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد کمال پور در آن هنگامی که شاعری را تجربه می کرد به انجمن ادبی سرگرد نگارنده راه آرا و گرایشهای خاص : احمد کمال پور که در شعر تخلص «کمال» را برگزید ، استاد قصیده سرایی به سبک خراسانی در عصر حاضر بود و به آن افتخار داشت: من خراسانی ام این است کمال من که سخن گویم ، با سبک خراسانی از سوی دیگر عشق به فردوسی و شاهنامه در روح و جان او ریشه داشت. او از خردسالی با این شاهکار ادب پارسی خو گرفته بود و شعر او در شاهراه حماسه و اسطوره به هدایت سخن سرای بزرگ توس جلوه گری داشت: کمال خراسانم و چامه ام را کند شاعر سیستان رهنمایی

جوائز و نشانها : در مهر ماه ۱۳۷۲ به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان ، کنگره بزرگداشت احمد کمال پور در محل دانشکده ادبیات مشهد برگزار شد. --

----

آثار :

۱ آیینه کمال

ویژگی اثر : در سال ۱۳۵۶ این مجموعه ، به کوشش محمدحسین ساکت ، در زمان بزرگداشت کمال چاپ گردید.

منابع زندگینامه :روزنامه جام جم ، ۳۰ مهرماه ۱۳۷۹۲سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف : سید محمدباقر برقعی ، ج۵ ، قم :

انتشارات خرم ، ص ۲۹۴۴

کمالا فد شکویی فارسی شیرازی، کمال‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۱۰ ق)، عالم دینی، مفسر و ادیب. معروف به میرزا کمالا و میرزا کمال‌الدین. نسبت وی به فدشکوی فسا می‌رسد. او داماد ملا محمد تقی مجلسی اول بود. از آثار وی: «بیاض الکمالی»، در مباحث متفرقه که بیشتر آن فواید رجالی و تاریخی است؛ شرح «شواهد مطول»؛ شرح منظوم «قصیده‌ی تائیه» دعبل خزاعی، که در ۱۱۰۳ ق تألیف یافت؛ «القیود الوافیهٔ»، در «شرح الشافیهٔ» ابن‌حاجب، در علم صرف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۲)، الذریعه (۲۲۷/ ۱۷، ۱۲/ ۱۴، ۱۷۰/ ۳)، روضات الجنات (۳۶۵ -۳۶۴/ ۵)، ریحانه (۶۴ - ۶۳/ ۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۹۴/ ۲)، فوائد الرضویه (۳۶۶)، الکنی و الالقاب (۲۲۷/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمدان (۱۰۳ -۱۰۲/ ۶).

کمال‌الدوله میرپنج، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۵ ق)، مترجم. معاصر مظفرالدین شاه قاجار بود. در زمان صدارت میرزا یوسف خان مستوفی الممالک سمت منشی باشی داشت و در ۱۳۱۴ ق ملقب به کمال‌الدوله گردید و در ۱۳۱۵ ق به منصب استیفای درجه‌ی اول منصوب شد. از آثار وی: «ابواب الحکم»، ترجمه‌ی چهارصد و سی کلمه از «کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)» ؛ «الف النهار»، ترجمه، در مقابل «هزار و یک شب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴/ ۲۶، ۲۹۴/ ۲)، فرهنگ رجال قاجار (۱۴۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۰، ۱۰۲/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ کمال‌الدوله)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۶ -۶۲۵/ ۲).

کمال‌الملک، سمیرمی، علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سمیرمی، علی بن احمد بن حرب از مشاهیر نویسندگان فارسی (ف. ۵۱۶ ه.ق). وی وزیر محمود بن محمد بن ملکشاه شد. نام او را در جزو کارداران دولت سنجر نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کمالی، حیدر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمد مهدی، در شوال ۱۲۸۸ متولد، و در ذی حجه‌ی ۱۳۶۵ در طهران وفات یافت.

شاعر و ادیب و نویسنده‌ی ماهر بوده، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- دیوان اشعار ۲- لازیکا ۳- مظالم ترکان خاتون ۴- منتخبات اشعار صائب؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کمره ای، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۲۰ ق)، عالم دینی، فقیه، مترجم و نویسنده. در کمره خمین به دنیا آمد و پس از خواندن مقدمات نزد پدر به سلطان آباد (اراک) رفت و پس از انتقال حوزه علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حائری و مدرسین بزرگ استفاده نمود. او در ۱۳۴۷ ق از آیت‌اللّه حایری اجازه‌ی اجتهاد یافت. وی فلسفه و ریاضیات را نزد اساتید قم فراگرفت و نزدیک دو سال نیز در اصفهان درس خواند، آن گاه به نجف مهاجرت نمود و چند سالی از درس و بحث آیت‌اللّه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین کمپانی و دیگران بهره‌مند شد و به مدارج عالیه علم نایل آمد و از اساتید خود اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. سپس به تدریس متون فقه همچون «مکاسب» و «کفایه» و رسایل و غیره پرداخت و در حدود ۱۳۶۰ ق به ایران بازگشت و بعد از چند سال به شهر ری رفت و به تألیف و تدریس و ترجمه مشغول شد و کتاب‌های بسیاری شامل ترجمه و تألیف و شرح از خود باقی گذاشت. از آثارش: ترجمه و تنظیم برخی از مجلدات «شرح نهج‌البلاغه» خویی، و تألیف به سبک آن؛ ترجمه‌ی «اصول کافی»؛ ترجمه‌ی «امالی» شیخ صدوق؛ ترجمه «خصال» شیخ صدوق؛ ترجمه «اکمال الدین» شیخ صدوق؛ «رموز الشهادهٔ»، ترجمه‌ی «نفس المهموم» محدث قمی؛ ترجمه «مفاتیح الجنان» محدث قمی؛ ترجمه جلد چهاردهم «بحارالانوار»، در ده جلد، به نام «آسمان و جهان»؛ «الدین فی طور الاجتماع»؛ «روحانیت و اسلام»؛ «انتخابات اساسی حکومت ملی، اصلاح مجلس شورای ملی»؛ «فصل الخصومهٔ فی الورود و الحکومهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۵۱۸ -۵۱۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴ -۴۳/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱/ ۲).

کواری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۴ ق)، خطاط و منشی. از سادات حمزوی کوار شیراز بود. وی در شیراز به تحصیل مقدمات علمی پرداخت و در جوانی مورد توجه محمد رضا خان قوام الملک قرار گرفت و در دستگاه وی ملازم و منشی شد. کواری خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. او به هنگام تأليف «فارسنامه‌ی ناصری»، ۱۳۰۴ ق، هنوز می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۷/ ۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۶۵/ ۲).

کوثری، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله کوثری در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر همدان متولد شد.کوثری از جمله مترجمانی است که ادبیات امریکای لاتین را ترجمه کرده و در شناساندن این ادبیات به اهل فرهنگ ایران، تلاش فراوانی است. از عبدالله کوثری، بیش از ۵۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است. کتابهای" جنگ آخر زمان "و" خاطرات پس از مرگ "ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دورهای هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالله کوثری تحصیلات ابتدایی متوسطه را در تهران سپری کرد و در سال ۱۳۴۴ شمسی از دبیرستان البرز فارغ التحصیل شد. تحصیلات دانشگاهی را در رشته اقتصاد دانشگاه ملی (شهید بهشتی) گذراند و در سال ۱۳۴۸ شمسی موفق به اخذ لیسانس گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالله کوثری از همان سالها در نشریات ادبی اشعار آقای کوثری چاپ می شد. وی ترجمه را از سال ۱۳۵۲ شروع کرد و در کنار ترجمه، در امر ویرایش کتابهای ترجمه شده در زمین ?علوم انسانی نیز فعالیت می کرد.

جوائز و نشانها : کتابهای" جنگ آخر زمان "و" خاطرات پس از مرگ "ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دورهای هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار : از عبدالله کوثری، بیش از ۵۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است؛ از جمله «پوست انداختن»، «خودم با دیگران»، «آئورا» از کارلوس فوئنتس، «خوان رامون خیمس» از هاواردتی یانگ، «الکساندر پوشکین» از جی ناماس شا و... «گزیده شعرها» نام کتابی است که در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده و در آن ۴۳ قطعه شعر سروده شده عبدالله کوثری طی سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۷۳ ارایه شده است. --

----

آثار :

۱ آئورا

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?کارلوس فوئنتس نشر تندر

۲ آدام اسمیت

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?د.د. رافائل نشر طرح نو

۳ آنتوان بلوایه

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?پل نیزان نشر توس

۴ پوشکین

ویژگی اثر : ترجمه، نوشت ?تامس شا نشر نسل قلم

۵ تراژدی اورستیا

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?آیسخلوس نشر تجربه

۶ جنگ آخر زمان

ویژگی اثر : تالیف:ماریو بارگاس یوسا؛ترجمه: عبدالله کوثری.- تهران: آگه، ۱۳۷۷ [توزیع ۱۳۷۸]- ۹۱۹ص.این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب : «جنگ آخر زمان» جنگ آخر زمان/ ماریو بارگاس یوسا؛ عبدالله کوثری.- تهران: آگه، ۱۳۷۷ [توزیع ۱۳۷۸]- ۹۱۹ص. رمان جنگ آخر زمان شاهکار ادبی یوسا، نویسند ?برجست ?اهل پرو است که به سبکی رئالیستی (و به دور از هرگونه «نوپردازی») نوشته شده است. از ویژگیهای این رمان، ترسیم فضای بومی و حال و هوایی است که مختص کشورهای لاتین است و رویدادهای آن به قرن نوزدهم مربوط می شود. شیو ?روایت این رمان وابسته به فضای اسطوره ای- حماسی آن است که به شیوه ای ساده و صریح و سنتی صورت می گیرد و در آن از بازیهای شکلی خبری نیست. در هر بخش رمان به تناوب، شخصیتهای رمان معرفی می شوند و گذشته شان درکمال ایجاز و اختصار شرح داده می شود و در کنار این معرفی شخصیتها، ماجرایا حادث ?داستان نیز دنبال می شود. مترجم محترم در ترجم ?حاضر ضمن رعایت دقت و امانت در انتقال مطالب و مضامین، به حفظ سبک نویسند ?کتاب نیز وفادار مانده و کوشیده است ترجمه ای استوار، روان و خوشخوان به دست دهد. تلاش مترجم در رساندن پیام کتاب یوسا به زبان فارسی با بیانی روشن و دلنشین ستودنی است.

۷ خاطرات پس از مرگ

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد.آگه آشنایی با کتاب: خاطرات پس از مرگ خاطرات پس از مرگ براس کوباس / نوشته ماشادو دِ آسیس، ترجمهٔ عبدالله کوثری. - تهران: مروارید، ۱۳۸۲ داستانهای برزیلی - قرن ۱۹ ژواکیم ماریا ماشادو دِ آسیس (۱۸۳۹ - ۱۹۰۸) نویسندهٔ برزیلی، از نامدارترین نویسندگان قرن نوزدهم آمریکای لاتین و از بهترین آنها در همهٔ زمانهاست. در خانواده‌ای فقیر زاده و در کودکی یتیم شد. زندگی را نخست با کار کردن در چاپخانه و آنگاه با روزنامه‌نگاری و سپس با نویسندگی می‌گذراند. در برزیل به شهرت و منزلت دست یافت و اولین رئیس آکادمی ادبیات این کشور شد و تا پایان عمر در این سمت برجا بود. ماشادو در خلق طرح‌های پیچیدهٔ روانی و آنچه مایهٔ آزار انسان است، استادی بی‌بدیل بود. خاطرات پس از مرگ براس کوباس شاهکار ماشادو به شمار می‌رود و نویسنده در آن با آمیزش هنر کامل نقل و طنزنویسی، محیطی خاص به وجود آورده است. داستان خاطرات ثروتمندی را شرح می‌دهد که در عشق با ناکامی و تیره‌روزی همراه است. قهرمان کتاب در واقع نویسنده است که اندیشه‌ها، آرزوها، خاطرات، رؤیاها و احساس‌های خویش را در ضمن توصیفی از آداب و رسوم بیان کرده است. ماشادو در آثار خود توانسته است نثر برزیل را از حالت منطقه‌ای و تصویر منظره‌ها و آداب و رسوم خاص آن خارج کند و به

مطالعهٔ بشر از نظر کلی و جهانی نزدیک شود. او به وسیلهٔ تحلیل دقیق روانی و تحقیقی استادانه موفق گشته است احساس تلخ ناکامی‌های خود را در ورای لحن مطایبه‌آمیز و طنز آرام و لطیف بپوشاند و ناپیداترین گوشه‌های زندگی را چون مسائلی عالی آشکارا پیش چشم گذارد. آثار داستانی ماشادو یک سلسله پردهٔ نقاشی منعکس‌کنندهٔ واقعیت‌هاست و بیان موجز او که از زبان و فرهنگ عامه رنگ دارد، وی را یکی از بزرگترین نویسندگان زبان پرتغالی ساخته است.

۸ خودم با دیگران

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?کارلوس فوئنتس نشر قطره

۹ روانکاو و داستان‌های دیگر

ویژگی اثر : ترجمه، آشنایی با کتاب: روانکاو و داستان‌های دیگر روانکاو و داستان‌های دیگر / نوشته ماشادو دِ آسیس، ترجمهٔ عبدالله کوثری - تهران: لوح فکر، ۱۳۸۲. مجموعهٔ روانکاو و داستان‌های دیگر، شامل یک داستان بلند و یازده داستان کوتاه از نویسندهٔ مشهور برزیلی ژواکیم مآریا ماشادو دِ آسیس است که توسط مترجم نامدار عبداله کوثری به زبان فارسی ترجمه گردیده و انتشارات لوح فکر آن را منتشر کرده است. نثر شیوا و روانی که مترجم برای برگرداندن متن به زبان فارسی به کار برده، واجد چنان ویژگی‌های ممتازی است که خواندن ترجمهٔ این مجموعه داستان نه فقط افادهٔ لذت می‌کند، بلکه همچنین مشابه همان تأثیری را در خوانندهٔ فارسی زبان باقی می‌گذارد که متن اصلی در خوانندهٔ اسپانیایی زبان می‌گذارد. مترجم با دقتی لغت‌شناسانه و با وسواسی محققانه کوشیده است تا سطح کلام را در گفتار هریک از راویان یا شخصیت‌های داستان‌ها متناسب با متن اصلی حفظ کند. به این منظور، وی علاوه بر گزینش دقیق برابرهای مناسب برای واژگان، به نحو یا ترکیب واژه‌ها در جمله نیز توجه نشان داده است. مترجم به سبب تسلطی که به سبک نویسنده دارد، موفق شده است متنی را به خوانندهٔ فارسی‌زبان عرضه کند که تا حد امکان مؤلفه‌های متمایزکنندهٔ طرز داستان نویسیِ ماشادو دِ آسیس را هم شامل می‌شود. رعایت امانت در ترجمه، به کارگیریِ معادل‌های دقیق و کوششِ درخور تحسین برای حفظ یا بازآفرینی سبک متن اصلی، از جملهٔ بارزترین ویژگی‌های ممتازِ این ترجمه است.

۱۰ شکسپیر

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?جرمین گریر نشر طرح نو

۱۱ کارلوس فوئنتس

ویژگی اثر : ترجمه، نوشت ?لانین. آ. گیورگو نشر نسل قلم

منابع زندگینامه : ۱http://www.ibna.ir/vdcauin۶.۴۹nm۰۱۵kk۴.html۲www.ketabesal.ir

کوشا، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، ادیب و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی و متوسطه از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات فارسی با مدرک لیسانی فارغ‌التحصیل گردید. سپس وارد خدمت فرهنگ شد. وی در دوران خدمت عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: دبیری و بازرسی فنی، ریاست دبیرستان‌ها در شهرهای همدان و تهران و کرمانشاه، مؤسس دبستان خاقانی، معاونت دارالفنون، بازرسی وزارت فرهنگ بود. از آثار وی: «انشاء ابتدایی مصور»؛ «بدیع و قافیه و عروض»، برای دوره‌ی دوم متوسطه؛ «دستور زبان»؛ «راهنمای امتحانات نهایی»؛ «فارسی و تاریخ ادبیات»؛ «فارسی و دستور زبان»؛ «منتخب نظم و نثر فارسی». سه

کتاب اخیر با مشارکت چند تن از اساتید گروه ادبیات به چاپ رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۵۲، ۲۳۸۴، ۱۶۳۶/ ۲، ۴۷۳، ۳۶۴/ ۱)، کتابشناسی موضوعی ایران (۸۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۲-۴۵۰/ ۱).

کوفی، ابوعصیده ابوجعفر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۳ ق)، نحوی، ادیب و محدث. معروف به ابن بلنجر. اصل وی از مردم دیلم و از موالی بنی‌هاشم بود. از واقدی و اصمعی و ابوداوود طیالسی و زید/ یزید بن هارون حدیث نقل می‌کرد. معلم فرزندان متوکل عباسی بود و در سامره ساکن. قاسم بن محمد انباری، احمد بن حسن بن شهیر و محمد بن جعفر آدمی از او روایت می‌کردند. ابوداوود در «سنن» خود از وی حدیث نقل کرده است. از آثار وی، کتاب «المقصور و الممدود»؛ کتاب «المذکر و المؤنث»؛ کتاب «الزّیادات» در «معانی الشعر» ابن سکیت؛ کتاب «عیون الاخبار و الاشعار».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۹/ ۱)، ایضاح المکنون (۳۰۱/ ۲)، تاریخ بغداد (۲۶۰-۲۵۸/ ۴)، تهذیب التهذیب (۵۵/ ۱)، روضات الجنات (۲۱۰-۲۰۹/ ۱)، ریحانه (۱۱۶/ ۸)، الذریعه (۳۷۶/ ۱۵)، سیر النبلاء (۱۹۴-۱۹۳/ ۱۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۲۳-۱۲۲)، کشف الظنون (۱۴۶۱، ۱۴۵۸، ۱۱۸۴)، الکنی و الالقاب (۱۲۴-۱۲۳/ ۱)، لسان المیزان (۱۹۹/ ۸)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۲۳۲-۲۲۸/ ۳)، معجم المؤلفین (۳۰۸/ ۱)، الوافی بالوفیات (۱۶۷-۱۶۶/ ۷)، هدیة العارفین (۵۱/ ۱).

کوهی کرمانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/ ۱۳۳۷-۱۲۷۶ ش)، ادیب، محقق، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوان کودکی تحصیلات چندانی نکرد و در اداره‌ی یکی از روزنامه‌ها به شاگردی پرداخت. وی در ۱۳۰۲ ش اقدام به تأسیس و انتشار «نسیم صبا» کرد. کوهی بعدها از کار روزنامه‌نگاری دست کشید و به عضویت وزارت فرهنگ درآمد. وی یکی از ارادتمندان ملک‌الشعرای بهار و از طرفداران سرسخت سید حسن مدرس بود. کوهی از نخستین کسانی است که به گردآوری ادبیات عامیانه پرداخت و مدت‌ها در کار تصحیح نسخه‌ها و چاپ آثار متقدمین فعالیت داشت که در این راه، ملک‌الشعرای بهار و سعید نفیسی او را یاری می‌کردند. «ترانه‌های ملی- فهلویات» وی را پروفسور کریستین سن به آلمانی و پرفسور هنری ماسه به فرانسه ترجمه نموده‌اند. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثارش: «از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه‌ی آذربایجان»؛ «غوغای جمهوری»؛ «افسانه‌های روستایی ایران»؛ «خلنامه»، شعر؛ «هفتصد ترانه»؛ «سوگواریهای ادبی در ایران»؛ «راهنمای اهل ذوق یا بهترین غزلهای سعدی و حافظ»؛ گلچینی از «مثنوی»؛ اهتمام در چاپ «مزارات کرمان»؛ اهتمام در چاپ «کلمات علیه غرا»، از سلسله‌ی انتشارات روزنامه‌ی «نسیم صبا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۴۶۷ -۴۶۶، ۴۶۱ -۴۶۰)، تاریخ جراید (۳۰۲ -۳۰۱/ ۴)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۱۷ -۴۱۵)، الذریعه (۲۳۵/ ۲۵، ۳۲۶/ ۲۰، ۲۳۰/ ۱۸، ۷۲/ ۱۶، ۲۶۰/ ۱۲، ۲۵۱/ ۷، ۹۲۷ -۹۲۶/ ۹)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳۱۶ -۳۱۴/ ۵)، ستارگان کرمان (۳۱۵ -۳۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۷، ۳۱۳۶ -۳۱۳۵، ۳۰۰۱، ۲۷۶۳، ۲۳۷۴، ۲۰۳۵، ۱۶۳۷/ ۲، ۱۲۸۶، ۸۴۶، ۲۹۴، ۱۷۳/ ۱)، کتابنامه نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۹)، مزارات کرمان (دو- هفت)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۰ -۸۴۸/ ۲)، یغما (س ۲۲، ش ۱۰۰ -۹۷، ۲).

کهنمویی پور، ژاله

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ژاله کهنمویی پور در سال ۱۳۲۵ در تهران متولد شد. وی دوره ابتدایی و متوسطه را در همین شهر گذراند و چون شاگرد باهوش و موفقی بود، توانست در ۱۳۴۴ در رشته زبان ادبیات فرانسه دانشگاه تهران پذیرفته شود. او در ۱۳۴۹ دوره کارشناسی را با موفقیت به پایان برد و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. کهنمویی پور دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در رشته ادبیات معاصر فرانسه در دانشگاه هوت برتانی (رن ـ فرانسه) گذراند.وی دوره دکترا را در ۱۳۵۲ در آکادمی رن (دانشگاه هوت برتانی) به پایان برد. کهنمویی پور پس از پایان تحصیلات، به ایران بازگشت و در ۱۳۶۰ مدیرگروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران شد. وی تا سال ۱۳۷۰ در آن سمت باقی بود و در طول این مدت توانست خدمات شایسته ای را به انجام رساند. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه گرایش : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : ژاله کهنمویی پور توانست در ۱۳۴۴ در رشته زبان ادبیات فرانسه دانشگاه تهران پذیرفته شود. او در ۱۳۴۹ دوره کارشناسی را در رشته زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران با موفقیت به پایان برد و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و دوره کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۵۰ با پایان نامه «تصویر زن در آثار آندره ژید» و دکترا را در رشته ادبیات معاصر فرانسه در دانشگاه هوت برتانی (رن ـ فرانسه) در سال ۱۳۵۲ اخذ کرد «مقایسه میان اندیشه و سبک آندره ژید و پل والری از طریق مکاتباتشان» نیز عنوان پایان نامه دکترای ژاله کهنمویی پور است که در آکادمی رن (دانشگاه هوت برتانی) به دفاع از آن پرداخت. هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران ژاله کهنمویی پور میتوان به نسرین دخت خطاط و علی افخمی، اشاره که «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» را در سال ۱۳۸۱ با همکاری آنان تدوین و تألیف کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ژاله کهنمویی پور پس از پایان تحصیلات، به ایران بازگشت و در ۱۳۶۰ مدیرگروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران شد. وی تا سال ۱۳۷۰ در آن سمت باقی بود و در طول این مدت توانست خدمات شایسته ای را به انجام رساند. سپس در ۱۳۸۳ به عنوان معاون پژوهشی دانشکده زبان های خارجی مشغول به کار شد و با مجلات مختلفی چون Dialogues et Cultures مجله پژوهش دانشکده زبان های خارجی، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، مجله رشد زبان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده تبریز، مجله مدرس در دانشگاه تربیت مدرس و... همکاری و مقالات با ارزش و مفیدی را تألیف یا ترجمه کرد. فعالیتهای آموزشی : ژاله کهنمویی پور در دانشگاه تهران به تدریس زبان فرانسه مشغول می باشد. ژاله کهنمویی پور از استادان دانشگاه تهران است که در زمینه ترجمه آثار و گسترش زبان فرانسه در دانشگاه نقش به سزایی داشته و تلاش های بسیاری کرده است. و همچنین راهنمایی بیش از ۱۰ پایان نامه کارشناسی ارشد نیز بوده است که مواردی از آن به شرح زیر است: ـ «مضمون آب وخاک در آثار کولت» ـ «نوشتار زن در ادبیات معاصر فرانسه» ـ «نوشتار خود زندگی نامه ای در

آثار آنی ارنو و ...»سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ژاله کهنمویی پور تاکنون مسئولیت سه طرح پژوهشی را به عهده داشته است که عبارتنـداز:«واژه نـامه توصـیفی و تحلیلی نقـد ادبی»، «واژه نـامه تجزیـه و تحلیـل گفتمـان و آمـوزش زبـان کـاربردی در دوره کارشناسـی.»چگونگی عرضه آثـار : آثـار ژاله کهنمویی پور علاوه بر تالیفات و مقالات، به ترجمه آثار ادبی فرانسه نیز میتوان اشاره کرد: اصولاً فرهنگ نویسـی اکنون یکی از شاخه های مهم علوم انسانی است که مورد توجه بسیار واقع شـده است. اهمیت فرهنگ نویسـی دوزبـانه وقتی بیشتر می شود که در مورد نقـد ادبی به ویژه در زبـان فرانسه بـا آن ادبیـات پربـارش صورت گیرد. از این رو «فرهنگ توصـیفی نقـد ادبی» که با تلاش پیگیر و تحقیقات پربار مؤلفانش از جمله ژاله کهنمویی پور اسـتاد دانشـگاه و مترجم زبان فرانسه، صورت گرفته، درخور اهمیت بسـیار است. ترجمه آثار همواره توانسته افکار انسان ها را به همدیگر نزدیک کرده، آن ها را با افکار، انـدیشه ها و نگرش های مردمان و کشورهای دیگر آشـنا سازد. زبان فرانسه با قـدمت بسـیار و ادبیات پربارش جایگاه ویژه ای دارد. نویسـندگان و شـاعران فرانسوی در طول تاریـخ ادبیات جهان همواره سـهم بسـیاری داشـته انـد و چهره های شـناخته شـده ادبیات فرانسه از بزرگان ادبیات جهان اند. کمتر کسـی را سـراغ داریم که به ادبیات علاقه مند باشد و از آثار سارتر دوبووار، کامو، کلود سـیمون و.... بهره نگرفته باشـد. از این رو، نقش مترجمان آثار فرانسوی بسـیار حائز اهمیت و قابل سـتودن است. بی شک، در این مسـیر مترجمـان بسـیاری عمر خـود را صـرف ترجمه و تـدوین آثـار ادبی کرده و هر کـدام گوشه ای از این دنیـای بزرگ را به تصویر کشـیده اند. در زمینه ادبیات فرانسه نیز به سـبب آشـنایی دیرینه ایرانیان با فرهنگ ممالک فرانسه، نقش مترجم نقشی مهم در ارتبـاط میـان دو کشور بوده است و مترجمان مهمی نیز در این فاصـله ظهور یافته انـد. ژاله کهنمویی پور از اسـتادان دانشـگاه تهران است که در زمینه ترجمه آثار و گسترش زبان فرانسه در دانشـگاه نقش به سـزایی داشته و تلاش های بسیاری کرده است. دکتر ژاله کهنمویی پور از اسـتادان فعـال و پژوهشـگری است که همگام با کار تـدریس، در بسـیاری از همایش های مربوط به زبان فرانسه از جمله هفتمین کنگره اسـتادان زبـان فرانسه در یونـان، کنگره بین المللی اسـتادان زبان فرانسه در آسـیا و اقیانوسـیه در چین، هشـتمین کنگره اسـتادان زبـان فرانسه در لوزان سوئیس و نهمین کنگره اسـتادان زبان فرانسه در توکیو شـرکت داشـته است. و نیز شـرکت در سمینارهـا و همـایش هـای داخلی و خـارجی: ـ کنگره بین المللی اسـتادان زبان فرانسه / آتلانتا ـ همایش اسـطوره و ادبیات / تهران ـ همـایش نقـد ادبی/ تبریز ـ همـایش اسـتادان زبان فرانسه / فرانسه ـ همایش ترجمه متون / آرل فرانسه و ... را در کارنامه دارد. آثار : آموزش مکالمه فرانسه ، انواع شـعر و صـناعات شـعری در زبان فرانسه ویژگی اثر : باهمکاری دکتر ضـیاءالدین دهشیری , انتشارات دانشگاه تهران ,۱۳۷۲ .۳ انواع نوشته های منثور ، تئاتر و شقاوت ویژگی اثر : ترجمه، چاپ ۱۳۷۴ نشر قطره. کتاب «تئاتر و شقاوت» ترجمه ای از ژاله کهنمویی پور است که توسط نشر قطره وارد بازار نشـر شـده است. این اثر که مؤلف آن پیربرونل، اسـتاد برجسـته دانشـکده پاریس است، نقدی بر تئاتر و شـقاوت در تئاتر قدیم و جدید در آثار نمایشنامه نویسانی چون آنتون آرتو، ون کلایست و جـان فورد دارد. در این اثر، کوشـش شـده برداشتی که آنتون آرتو در اثرش «تئـاتر و همزادش» دربـاره زبـان سـحرآمیز تئاتر داشـته است، مورد بررسـی قرار بگیرد و در مقام مقایسه با دیدگاه های نمایشـنامه نویسان دیگر نیز قضاوت شود. ۵ تراژدی سیاسی، تصویر زن در آثار آندره ژید ویژگی اثر : پایان نامه کارشناسی ارشد ۱۳۵۰۷ فرهنگ توصیفی نقد ادبی ویژگی اثر : فرهنگ توصیفی نقد ادبی بـا همکـاری نسـرین دخت خطـاط و علی افخمی تألیف شـده است. این فرهنگ گرچه دارای عنوان نقـد ادبی است، ولی همه بحث هـای ادبی اعم از انواع صـناعات ادبی، مکتب هـای ادبی و تاریـخ ادبیـات را دربرمی گیرد. به این ترتیب در تألیف این کتاب علاوه بر مفهوم خاص نقـد که مبتنی بر نظریه های ادبی است، مفهوم عام و گسترده آن که نگرش به ادبیات است، نیز مـدنظر بوده است. همچنین هـدف اصـلی از نگارش این فرهنگ ارائه مجموعه ای از اطلاعات در زمینه ادبیات و نقـد ادبی به خواننـدگان، بویژه دانشـجویان بوده است. از این رو، هم توصـیفی و هم تطبیقی است. بـدین معنی که تنهـا به معـادل یـابی کوتاه و نارسا اکتفا نشـده و توصـیف واژه ها با ذکر مثال های متعـدد آورده شـده است. از سوی دیگر، مؤلفان تا حـد امکان کوشـیده انـد برای هر واژه نقد در

ادبیات فرانسه، معادل تطبیقی آن را (اعم از صناعات ادبی، انواع ادبی و جریانات و مکتب های ادبی) در زبان و ادبیات فارسی بیابند. در «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» در مدخل شامل اجزای زیر است: ـ تعریف و توصیف واژه، همراه با ذکر مثال در متن فرانسوی. در برخی مدخل ها، مثال ها و بخصوص اشعار ترجمه شده است، ولی چون ترجمه بعضی از اصطلاحات یا ابیات شعری برای بیان مطلب و توضیح مدخل ضروری نبوده، تنها به اصل متن اکتفا شده است. ـ ارائه، معادل های تطبیقی در زبان و ادبیات فارسی ـ ? ارائه واژه های مترادف که بتوان با مراجعه به آن ها توضیحات بیشتری در مورد مدخل به دست آورد. ـ کتابنامه مربوط به هر مدخل ۸ مقایسه میان اندیشه و سبک آندره ژید و پل والری از طریق مکاتباتشان ویژگی اثر : پایاننامه دکترا ۱۳۵۲۹ نقد ادبی فرانسه ویژگی اثر : با همکاری دکتر نسرین خطاط , انتشارات سمت ,۱۳۷۴ .

کی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۹، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۶، پاریس.

محمود کی از خاندان قائم‌مقام و جد بزرگ او یوسف صدرالاشرف برادرزاده‌ی میرزا جعفرخان مشیرالدوله (مهندس باشی) بود. محمود کی در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری تحصیل کرد و به درجه‌ی سرلشگری رسید. چهار سال وابسته‌ی نظامی ایران در فرانسه بود. مدتی به تربت حیدریه تبعید شد. سرانجام در سال ۱۳۵۴ بازنشسته گردید. اهل قلم بود و به شعر و ادبیات و تاریخ علاقه داشت.

ترجمه‌های او سرگذشت مرشال نی، یادداشت‌های ناپلئون جوان، هنر جنگ اثر سورن تزو است. مقاله‌ی «نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه در زمان ناصرالدین شاه» در مجله «بررسی‌های تاریخی» منتشر شد. از آثار چاپ نشده‌ی او کتابی است به نام شاه مهبولستان اثر ژاک دمورگان باستان‌شناس فرانسوی. دمورگان این کتاب را با نام مستعار قره‌گوز افندی انتشار داده بود. این کتاب قرینه‌گونه‌ای است به کتاب معروف حاجی بابا اصفهانی جمیز موریه.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کیا تهرانی، صادق، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، زبان شناس، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به تیرا. در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه‌های ادب، ثروت و دارالفنون به پایان رساند. سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و در ۱۳۲۰ ش به اخذ لیسانس نایل آمد و وارد خدمت وزارت فرهنگ شد. وی در ۱۳۲۳ ش به اخذ درجه دکترای ادبیات توفیق یافت و آن گاه در سمت دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در ۱۳۳۰ به عنوان استاد زبان و ادبیات پهلوی در

آن دانشکده ارتقاء یافت. دکتر کیا در اشعارش گاهی از واژه‌های پهلوی که امروز در زبان فارسی از میان رفته استفاده می‌کرد. از آثارش: «چند نمونه از متن نوشته‌های پهلوی»؛ «داستان جم»، با همکاری دکتر مقدم؛ «گشته دبیره» یا «خط کستج»، درباره‌ی خط کتیبه‌ها و سکه‌ها و مهرهای دوره‌ی اشکانی و ساسانی؛ «گویش آشتیان»؛ «ماه فروردین روز خرداد»، متن پهلوی و ترجمه‌ی فارسی با واژه‌نامه؛ «نقطویان یا پسیخانیان»؛ «واژه‌نامه‌ی گرگانی»؛ «یادداشتی درباره‌ی آرامگاه زرتشت در بلخ»؛ «یادداشتی درباره زبان رازی و طهرانی»؛ «واژه‌نامه‌ی طبری»، با مشارکت دکتر مقدم؛ مجموعه‌ی اشعاری به نام «کابل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۴۸۹)، الذریعه (۱۱/ ۲۵، ۲۹۲/ ۲۴، ۳۲ -۳۱/ ۱۹، ۲۵۳/ ۱۸، ۳۷/ ۸)، سخنوران نامی معاصر (۹۵۲ - ۹۴۸ / ۲)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۶۴ -۱۶۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۷۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۴۰ ، ۳۴۳۹ -۲۸۶۳ -۲۸۶۴، ۳۳۰۴، ۲۷۸۷، ۲۷۲۵، ۲۶۳۰ ، ۲۵۷۹، ۲۵۵۵، ۱۶۵۵/ ۲ ،۱۳۲۶، ۱۱۱۹، ۴۱۷ -۴۱۵ ، ۴۰۰، ۳۴۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۹ -۴۹۸/ ۳).

کیا خانلری، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۹.

زهرا کیا (خانلری)، فرزند هادی نوری نواده حاج شیخ فضل‌الله نوری، تحصیلات دبستانی را در مدرسه ناموس به پایان رسانید و تحصیلات دبیرستانی را در دارالمعلمات مرکزی (دانشسرای مقدماتی) انجام داد و بلافاصله در سن هفده سالگی به تدریس در مدارس ملی و دولتی پرداخت و خود برای گذراندن امتحانات دوره‌ی کامل متوسطه با پسران آماده کرد و اجازه‌ی آن را نیز از معارف دریافت نمود و در سال ۱۳۱۴ پس از گذراندن امتحان ورودی در رشته‌ی ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات تهران که در زمان دانشسرای عالی نامیده می‌شد قبول شد و در سال ۱۳۱۸ به اخذ لیسانس نایل آمد و سپس ضمن خدمت دولتی در رشته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی که تازه تأسیس شده بود ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۲۳ با گذراندن رساله خود درباره‌ی «سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام تا قرن نهم» به اخذ دکتری نایل آمد.

پس از چند سال تدریس در دبیرستان به ریاست دبیرستان نوربخش (رضاشاه کبیر سابق) منصوب شد و چند سال به سمت دانشیاری و پس از آن به مقام استادی دانشکده‌ی ادبیات نایل آمد.

در سال ۱۳۲۰ با پرویز خانلری همکلاسی رشته‌ی دکترای خود ازدواج کرد و با کمک هم مجله «سخن» را در سال ۱۳۲۲ منتشر کردند و در این ایام در شورای زنان با دکتر فاطمه سیاح و عده‌ای دیگر به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت و به سمت منشی هیئت مدیره‌ی شورا منصوب شد. زهرا خانلری پس از مرگ دردناک پسر هشت ساله‌اش از هر گونه فعالیت اجتماعی دست برداشت و تنها به کارهای ادبی خود ادامه داد.

او از هفده سالگی بنا بر ذوق شخصی به مطالعه و نوشتن مقالات در جراید روز پرداخت و در همان ایام دو داستان به نام پروین و پرویز و ژاله یا رهبر دوشیزگان (۱۳۱۵) نوشت و چنان که ذکر شد در مجله «سخن» به داستان‌نویسی و ترجمه‌ی مقالات پرداخت.

در سال ۱۳۳۹ برای مطالعه درباره‌ی کتب درسی به کشورهای فرانسه و انگلستان سفر کرد و در بازگشت در سازمان کتاب‌های درسی با عده‌ای از همکارانش دست به تغییر در کتاب‌های درسی مدارس زد و کار او از اولین کتاب دبستانی آغاز نمود و به کلی سبک کتاب‌های گذشته را عوض و کتاب‌های تازه را به سبک جدید با در نظر گرفتن محیط و زبان کشور خود تألیف کرد و برای آموزگاران نیز روش تدریس نوشت تا با سهولت بتوانند کتاب‌های تازه را تدریس نماید و این همکاری را تا کتاب فارسی اول دبیرستان ادامه داد و کتاب‌های پنجم و ششم دبیرستان را شخصا نوشت و این کتاب‌ها از سال ۱۳۴۱ به تدریج به صورت کتاب‌های رسمی در سراسر کشور تدریس شد. و چون همیشه در ضمن تدریس در دبیرستان و دانشگاه به این نکته برمی‌خورد که شاگردان از داستان‌های منظوم و معروف ادبی زبان فارسی به کلی بی‌اطلاع‌اند و هرگز فرصت خواندن آنها را ندارند بنابراین درصدد برآمد که این داستان‌ها را خلاصه کند و به لباس نثر درآورد. این مجموعه که با شیوه‌ی خاصی نوشته شد به نام داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی (۱۳۳۷) منتشر و دوباره تجدید چاپ شد و برنده‌ی جایزه‌ی یونسکو در ایران شد.

از آثار دیگر اوست: پروین و پرویز (داستان)، ژاله یا رهبر دوشیزگان (داستان، ۱۳۱۵)، راهنمای ادبیات فارسی، فرهنگ اعلام، اصطلاحات (۱۳۴۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۳۴۸)، نمونه فارسی در سلسله شاهکارهای ادبیات فارسی، داستان حسنک از تاریخ بیهقی (۱۳۵۱)، برگزیده‌ی قابوسنامه (تصحیح از قدیمی‌ترین نسخ، ۱۳۵۲)، کتاب‌های فارسی و دستور در سلسله کتاب‌های درسی، افسانه‌ی سیمرغ (از منطق الطیر عطار)، برای کودکان، ترجمه شب‌های روشن (اثر فئودر داستایوسکی، ۱۳۲۴)، رنج‌های جوانی ورتر (اثر آندره موروآ، ۱۳۲۲)، بیست داستان (از پیراندللو، ۱۳۳۵)، آقای رییس جمهور (اثر میگل انخل آستوریاس، ۱۳۴۸)، سه داستان حماسی فارسی برای گنجینه‌ی ادبیات کودکان، نمونه‌ی غزل فارسی (۱۳۴۳)، دنیای خیال، (اثر آندره موروآ، ۱۳۴۹)، توروتومیو (۱۳۵۱)، پاپ سبز (۱۳۶۰).

(۱۳۶۹ -۱۲۹۴ ش)، نویسنده و مترجم. نسبش به حاج شیخ فضل‌اللّه نوری می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدرسه‌ی ناموس، تحصیلات متوسطه را در دانشسرای مقدماتی، به پایان رساند و بلافاصله به تدریس در مدارس ملی و دولتی پرداخت. در ۱۳۱۸ ش موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران شد. وی، در ضمن خدمات دولتی، در رشته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی ادامه‌ی تحصیل داد و با ارائه‌ی رساله‌ی خود درباره‌ی «سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام» موفق به اخذ مدرک دکترا شد. پس از چند سال تدریس در مدارس و ریاست دبیرستان نوربخش به سمت دانشیاری و سپس به مقام استادی دانشگاه ادبیات رسید. وی به اتفاق همسرش، پرویز ناتل خانلری، در ۱۳۲۲ ش مجله‌ی ادبی «سخن» را منتشر کرد و در این ایام در شورای زنان با دکتر فاطمه سیاح و عده‌ای دیگر به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت. او برای مطالعه درباره کتب درسی به کشورهای فرانسه و انگلستان سفر کرد و پس از بازگشت، در سازمان کتاب‌های درسی با عده‌ای از همکارانش به تغییر و تحول در کتب درسی پرداخت. از آثار وی: «پروین و پرویز»، داستان؛ «ژاله یا رهبر دوشیزگان»، داستان؛ «نمونه‌ی غزل فارسی»؛ «راهنمای ادبیات فارسی»؛ «داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی»؛ برگزیده «قابوسنامه»؛ «داستان حسنک»، «از «تاریخ بیهقی»؛ «افسانه سیمرغ»، برای کودکان، از «منطق الطیر» عطار؛ ترجمه‌های: «بیست داستان»، «سه اندیشه‌ی دخترک گوژپشت»، «خانه‌ی افسون‌زده»، «انتقام سگ»، «روسری سیاه»، «شب عروسی»، «کدامیک است»، «دود»، «زن مرده و زن زنده»، «سکته ناقص»، «گل سرخ»، «سرگرمی»، «چائولا ماه را کشف می کند»، «نمازخانه کوچک»، «پاسخ»، «بیچاره آن مرحوم»، «دو و دو شش»، «لباس نو»، «گربه، پرنده، ستارگان»، «دنیای خیال»، «شبهای روشن»، «رنجهای جوانی ورتر»، «آقای رئیس جمهوری»، «پاپ سبز».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :

[۱] صد سال داستان نویسی (۱ و ۷۷۲/ ۳،۴۱۵/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۱۳۲ -۱۳۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۳۵، ۳۳۱۴، ۳۳۱۰ -۳۳۰۹، ۲۸۰۰ -۲۷۹۹، ۲۷۵۷، ۲۷۱۲، ۲۶۲۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۱، ۲۰۳۶، ۲۰۰۷، ۱۹۷۵، ۱۷۷۸، ۱۷۷۳، ۱۷۵۰، ۱۶۳۴/ ۲، ۱۴۸۴ -۱۴۸۳، ۱۲۴۵، ۱۰۹۳، ۶۰۲، ۵۸۴، ۵۸۲، ۵۵۷، ۵۵۴، ۳۴۸/ ۱)، کارنامه‌ی زنان (۲۲۰ -۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۰ -۲۴۹/ ۳).

کیوان سمیعی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۲ ش)، محقق، ادیب و شاعر، متخلص به کیوان. در کرمانشاه به دنیا آمـد. در کنار تحصـیلات جدید، صـرف و نحو را نزد میرزا بـاقر توحیـدی فراگرفت. او همچنین منطق و نحو را نزد شـیخ عزیزاللَّه واعـظ خوانـد و علوم عربی و منطق و نحو و اصول و فقه را نزد حاج آقا میبدی ادامه داد. در نوزده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و از آیت‌اللَّه سید محمد حجت بهره برد. او معقول را نزد آیت‌اللَّه میرزا محمـد علی شـاه آبـادی فراگرفت. آن گـاه به مشـهد رفت و ادبیـات را نزد ادیب نیشـابوری دوم تکمیل کرد. وی همچنین در محضـر حکیم آقابزرگ عسـکری و فرزنـدش میرزا مهدی عسـکری بهره برد. سـپس به تهران آمد و با مجامع ادبی و بزرگان و دانشـمندان آشنا شد و از محضر حاج شیخ عبداللَّه حایری و حاج شیخ عباسعلی کیوان قزوینی استفاده برد. آن گاه به زادگاهش بازگشت و چندی از محضـر سـردار کابلی کسب فیض نمود. در ۱۳۲۲ ش به تهران آمـد و مقیم گشت و به مطـالعه و تحقیق و تـألیف پرداخت. او مـدتی امور حقوقی بانـک کشـاورزی را عهـده‌دار بود. وی در تهران وفات یافت و در بهشت زهرا، در قطعه‌ی هنرمنـدان، دفن شـد. از آثـارش: «زنـدگانی سـردار کـابلی»؛ مقـدمه‌ای بر «مفاتیـح الاعجـاز فی شـرح گلشن راز»؛ «راز دل»، مجموعه شـعر؛ مقدمه‌ای بر «دیوان آزاد همدانی»؛ رساله‌ای در «شـرح حال طبیب اصفهانی»؛ شرح و مقدمه «دیوان» رنجی؛ مقدمه بر «دیوان» صابر همدانی؛ «تحقیقات ادبی یا سـخنانی پیرامون شعر و شاعری»؛ مقدمه بر «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر؛ مقدمه بر «قبله شناسی» سردار کابلی.[۱]

محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۹۲، کرمانشاه.

درگذشت: ۴ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

غلامرضا کیوان سـمیعی متخلص به «کیوان»، فرزند محمد صادق، تحصـیلات ابتدایی را در دبستان نصرت در کرمانشاه به پایان برد. در کنار درس‌های دبسـتانی به فراگیری علوم عربی و قرآنی نزد برخی اسـتادان کرمانشاه از جمله میرزا باقر توحیدی و شـیخ عزیزالله واعظ پرداخت. سـپس به دبیرستان رفت و همچنان پس از فراغت از مدرسه به فراگرفتن علوم عربیه پرداخت و شرح سیوطی بر الفیه ابن مالك و حاشـیه‌ی ملا عبـدالله بر تهـذیب در منطق و شـرح جامی بر کافیه ابن حاجب در نحو و معالم الاصول و جلـد اول قوانین الاصول در علم اصول و اکثر شـرح لمعه را در فقه، نزد حاج آقا محمد میبدی تلمذ کرد و در خلال دروس دبیرسـتانی و علوم عربیه شب‌هـا بـه تحصـیل در رشـته‌ی ریاضـیات و زبـان انگلیسـی پرداخت. در نـوزده سـالگی پس از طی دوره دبیرسـتان به قم رفت و به فراگیری علـوم اسـلامی ادامـه داد. رسائـل را نزد آیت‌الله سـید محمـد بهجت کـوه‌کمره‌ای و مبـداء و معـاد ملاصـدرا را نزد آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی خواند و سـپس به مشهد رفت و در محضر شیخ محمدتقی راموز مشهور به ادیب نیشابوری (ثانی) درس مطول را خواند. از استادان دیگر وی آقا بزرگ عسگری و آقا میرزا مهدی بودند.

آنگاه به تهران آمد و علم کلام را از شریعت سنگلجی آموخت و در تهران با مجامع ادبی و ادیبان رفت و آمد داشت و با شیخ عبدالله حایری (رحمت علیشاه) و شیخ عباس‌علی کیوان قزوینی به مشرب عرفان آشنا شد و شرح قیصری بر فصوص الحکم را فراگرفت.

آنگاه به زادگاه خود بازگشت و چندی نیز از محضر حیدرقلی‌خان سردار کابلی جامع معقول و منقول و ریاضیات کسب فیض کرد و به دنبال معیشت چندی به تجارت پرداخت. سرانجام به استخدام بانک کشاورزی درآمد. و سال‌ها امور حقوقی بانک را عهده‌دار بود و پس از سی سال خدمت در سال ۱۳۵۲ بازنشسته شد.

علاوه بر مقالات کیوان سمیعی در مجله‌های «دعوت اسلامی» (نخستین مقاله وی در سال ۱۳۰۹ در همین مجله به چاپ رسید)، «شفق سرخ»، «کرمانشاه»، «وحید» و روزنامه‌ی «کیهان»، از جمله آثار وی است: زندگانی سردار کابلی مشتمل بر حوادث افغانستان در قرن نوزدهم میلادی (۱۳۶۱)؛ مقدمه‌ای بر شرح گلشن راز (شیخ محمد لاهیجی، ۱۳۳۷)؛ رساله در شرح احوال طبیب اصفهانی (۱۳۴۷)؛ تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری (۱۳۶۱)؛ کتاب چند جلدی اوراق پراکنده (مجموعه مقاله‌ها، ۱۳۶۶)؛ مقدمه بر قبله‌شناسی (تصنیف سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ مقدمه بر اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی (۱۳۳۶)؛ مقدمه بر تذکره مختصر شعرای کرمانشاه (تألیف باقر شاکری، ۱۳۳۷)؛ مقدمه بر خاک نشیان عشق (تألیف فرشید یوسفی، ۱۳۶۴)؛ مقدمه‌ای بر تحقیق در مسائل فقهی (تألیف دکتر سید حسن صفوی ۱۳۴۹)؛ مقدمه‌ای بر دیوان آزاد همدانی (۱۳۵۶)؛ تصحیح دیوان صابر همدانی در دو قسمت با مقدمه‌ی مشروح؛ مقدمه‌ای بر دیوان هادی رنجی (به اهتمام غلامحسین تهرانی، ۱۳۴۱)؛ مقدمه‌ای بر دیوان کی‌فر (۱۳۴۲)؛ راز دل (مجموعه شعر، به اهتمام محمدعلی سلطانی ۱۳۶۳)؛ مقدمه بر مناظرات ترجمه المراجعات (تألیف سید شرف‌الدین عاملی با ترجمه سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ رساله تاریخ فلسفه؛ مقدمه تحفۀ الاجله سردار کابلی؛ شاهکارهای هنری؛ تاریخ و کیفیت روزه در ادیان؛ علت شهرت سید جمال‌الدین اسدآبادی؛ ترجمه حال کیوان قزوینی؛ مبادی عرفان و تصوف؛ وی کتابخانه‌ی شخصی خود را به دانشگاه ادبیات دانشگاه رازی کرمانشاه اهدا کرد.

استاد غلامرضا کیوان سمیعی در پس سرطان حنجره درگذشت و در قطعه مقبرۀالشعرا، حجره‌ی ۹۵۳ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۹، ش ۹ –۷، ص ۸۴۱ –۸۴۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۲۲ –۳۰۱۷/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۶۲/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸ ص ۹ –۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۰ –۷۰۹/ ۴).

کیوانپور کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به کیوان. از خانواده‌ی مکری بابا میری کردستانی بود. وی در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطنش و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان شرف تهران به پایان رساند و از دانشسرای عالی در رشته زبان و ادبیات فارسی مدرک لیسانس گرفت. سپس پایان نامه‌ی دکترای خود را در موضوع «بحث در لهجه‌های مغرب ایران» نوشت و سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمتهای مختلف مشغول به کار گردید. وی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش عازم اروپا شد و سالها در فرانسه اقامت کرد و هنگام پیروزی انقلاب اسلامی به ایران مراجعت نمود و به سمت سفیر کبیر ایران

در مسکو منصوب گشت. وی ضمن آشنایی با چند زبان و خط به زبان پهلوی نیز تسلط کامل داشت. لازم به ذکر است که صاحب «الذریعه» نام «دیوان» شعر وی را ذیل مکری کردستانی آورده است. از آثارش: «بغستان» یا «بیستون»؛ مجموعه‌ی «ترانه‌های کردی یا گورانی»، شعر؛ «عشایر کرد»؛ «فرهنگ فارسی»؛ «نمونه‌های نظم و نثر فارسی»، از قرن سوم هجری تا عصر حاضر؛ «نغمه‌های جوانی»، شعر؛ «اندرز خسرو قبادیان»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۸/ ۲۴، ۲۰۹/ ۱۶، ۲۶۳/ ۱۵، ۱۰۹۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۲۵ -۳۰۲۳/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۷۲، ۷۷۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۳، ۳۳۱۵، ۳۲۹۰، ۲۴۳۱، ۲۳۰۴ -۲۳۰۳/ ۲، ۱۰۲۷ -۱۰۲۶، ۸۴۶، ۳۵۴ -۳۵۳/ ۱)، مولفین کتب چاپی (۷۰۱ -۷۰۰/ ۵).

کیوانی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۰ و دکترای زبان‌شناسی کاربردی از دانشگاه ولز انگلستان در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آموزش زبان و زبان‌شناسی نوین و کاربردی، تدریس دروس زبان انگلیسی، قرائت متون ادبی و ترجمه متون اسلامی در دانشگاههای تربیت معلم و علم و صنعت تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول آموزش زبان و اصول یادگیری و تدریس زبان و زبان‌شناسی نوین.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

شوق یادگیری، صفات تخصیصی و صفات خبری، متدولوژی آموزش زبانهای خارجی، دوزبانگی و مسائل تربیتی و اجتماعی آن، نمای تربیت در اتحاد شوروی، آموزش و پرورش بیرون از مدرسه، دورنمای تکامل ساخت نظام‌های تربیتی، وضع تایلند،

سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال رشد و بازگشت به زبان و فرهنگ ملی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گاوان، عماد الدین محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عماد الدین محمود گاوان درسال ۸۰۸ درروستای گاوان در گیلان متولد شد . پدران وی از حاکمان گیلان بوده اند . وی پس از آموختن علوم معقول و منقول به توسعه مادر برای تجارت و نیز دیدار با علما به سفر و خراسان و عراق پرداخت تا اینکه در ادامه سفرهای خود به هند رفت و مورد توجه سلاطین بهمنی قرار گرفت . در منا سب اداری و شکری چون هزار امیر الامرا ،سپهسالار ،حاکم تا مقام وزارت و وکالت امور شاهی ترقی کرد. و همین قدرت یابی وی ونیز سخت گیری او بر نظامیان هندی و رشوه خواران موجب توطئه علیه وی و اعدام او توسط محمد شاه بهمنی در سال ۸۸۶ ه .ق گردید. خواجه عماد الدین مردی ثروتمند اما صوفی مسلک ،بخشنده و صاحب ذوق بود و اشعار و نثر زیبایی را از خود در آثار ی ون ریاض الانشاء ،مناظر الانشاء و قواعد الانشاء به جا مانده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : انشای دیوانی

والدین و انساب : منشاء خاندان وی محمد گاوان از روستای گاوان یا قاوان بوده است ماید محمود نیز از خاندان مشایخ بوده است .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : آبا و اجداد عماد الدین محمود گاوان از گذشته های دور ،از فرامانروایان گیلان بودند چنانکه یکی از آنان در رشت حکومت می کرد و این فرمانروایان از طریق ارث به محمود گاوان رسید .علت انتساب وی به گاوان یا قاوان انتساب وی به روستایی از گیلان به همین نام بوده است .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عماد الدین محمود گاوان علوم و کمالات در زادگاه خود گیلان فرا گرفت . امابه توصیه مادر ،از بیم مخالفان به سفر در عراق و خراسان پرداخت . با بزرگان علمی وصوفیان دوران خود دیدار کرد. چنانچه انواع علوم معقول ومنقول ،بویژه ریاضی و طب را خوب می دانست و در فن نثر و نظم و انشاء و حساب و خط سیا ق را خوب می نوشت و شعر نیز می سرود واز خود دیوانی داشت که چند قصیده ای در کتاب مشهوری ریاض الانشاء باقی مانده است

وقایع میانسالی : عماد الدین محمود گاوان پس از اتمام تحصیلاتش به سفارش مادر به سفرهایی در شهرهای عراق و خراسان پرداخت و از سال ۸۵۱ در عهد سلطنت علاء الدین بهمنی (۸۶۲-۸۳۸)برای تجارت از راه دریا به احمد آباد بیدر ،پایتخت سلاطین بهمنی رکنی رفت و به دعوت وی جزو درباریان آنجا قرار گرفت وبه مناصب بالا یی چون هزار «منصبی نظامی » دست یافت . حتی قلعه نلکنده را از تصرف افغانان و راجپوتا ن بیرون آورد و ضمیمه متصرفات سلاطین بهمنی کرد . همایونشاه ظالم بهمنی (۸۶۵-۸۶۲) نیز القاب ملک التجاره و حکومت و سپهسالاری ولایت بیجانپور را به وی سپرده بود و حتی در زمان مرگ خود وزارت پسرش نظام شاه بهمنی (۸۶۷-۸۶۵)را به وی وا گذار کرد . محمود گاوان دو دشمن خارجی نظارت شاه بنامهای سلطان محمود خلجی و محمود شاه گجراتی را شکست داد د و تحت عنوان سپهسالار سپاه رکن اقوام بسیاری یافت . سلطان محمد شاه

بهمنی (۸۸۷-۸۶۷) نیز القاب خواجه جهان ،منصب امیر الامراو وکالت امور شاهی را بر القاب وی افزود .زیرا محمود گاوان ولایت های سنگسیر و برخی بلاد بیجانگر را برای وی تصرف کرد. تا آنجا که غلام محمود گاوان مو سوم به «خوشی قدم » به «کشور خان » ملقب شد. اما خواجه جهان به یکباره متغیر شد و برای دوری از غروری که به سراغش آمده بود اموال خود را در میان مردم تقسیم کرد و مانند مردم عادی می زیست . با این وجود از چهار هزار سوار درر‌کاب داشت . سرانجام به سبب سخت گیری هایی که بر امرا به علت استیفای حقوق دولت می کرد ،امرا را ناراضی کرد و و طی تهمتی که برای براندازی نظام حکومت بهمنیان به وی زاده شد ،سلطان محمد بهمنی فرمان قتل وی را صادر کرد . خواجه جهان در اواخر عمر با سلطان حسین ؟؟؟تیموری بود و بدلیل عدم اجازه محمد شاه بهمنی نتوانست به دعوت سلطان حسین در هرات ،پاسخ مثبت بگوید و درهند ماند.

زمان و علت فوت : عماد الدین محمود گاوان در ماه صفر ۸۸۶ ه. ق درسن ۷۸ سالگی به فرمان سلطان محمد بهمنی کشته شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عماد الدین محمود گاوان در آغاز بعنوان تجارت و کسب علم به سفر پرداخت اما در دربار سلاطین بهمنی دکن (شمال هند)به مناصبی چون «هزار» نوعی درجه نظامی ،سپهسالار ،امیر الامرا ،ملک التجاره ، حاکم ولایت بیجانپور و حتی وزارت و وکالت امور شاهی ر ابه دست یافت .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آثار عماد الدین محمود گاوان جهان در رکن بسیار بود از آن جمله مدرسه و مسجدی که دو سال پیش از وفات خود در احمد آباد بیدر به اتمام رسانیده بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عماد الدین محمود گاوان به عبادت ،کمک مالی به مستمندان و تمرین در شعر و نثر از فعالیت های روزانه او بود.

شاگردان : ملا عبد الکریم همدانی از مریدان و شاگردان خواجه عماد الدین محمود گاوان بود که در کتابی شرح زندگانی وی را نوشته است . که مختصری از آن در کتاب « تاریخ فرشته »محفوظ مانده است . ملا سامعی مداح و ندیم خواجه و نظام الدین حسن گیلانی خزانه دار وی بوده است .

همفکران فرد : عماد الدین محمود گاوان از نظر عرفانی با مولانا عبد الرحمن جامی همفکری و دوستی داشت و در نامه هایی که به یکدیگر نوشته اند و در ریاض النشاء ثبت شده است . این مباحث عرفانی موید است.

آرا و گرایشهای خاص : عماد الدین محمود گاوان جهان مردی دیندار و سنی متعصبی بود ، اما ارادتمند شیخین و دستگیر فقیران بود . و گرچه شخصا مردی بازرگان بود در عین وزارت از بازرگانی دست نمی شست ، بخشنده و کریم بود اخلاق و صوفی مشربی داشته است .شیوه وی درانشای فارسی نیز بسیار منشیانه و مترسلانه است . و ترکیبات عربی زیادی با آرایشهای بسیار در آن به کار برده است . --
--

آثار :

۱ ریاض الانشاء

ویژگی اثر : شامل نامه های خواجه عماد الدین محمد گاوان است که سر مشق منشیان هند است .

۲ قواعد الانشاء

۳ مناظر الانشاء

ویژگی اثر : درباره آیین ترسل و مبا حث مربوط به بلاغت است «موضوع و فایده انشاءرا در آن بیان می کند »

منابع زندگینامه :

۱ذبیح الله صفا ، تاریخ ادبیات در ایران ، ج ۴ ، چاپ دوم ، تهران :فردوسی ۱۳۶۳ ، ص ۵۰۰

گرگانی، امیرفریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، محقق.

تولد: ۱۳۰۲.

درگذشت: آذر ۱۳۵۸.

امیر فریدون گرگانی، مترجم و محقق، سال‌ها در زمینه‌ی ادبیات و فرهنگ مشترک هند و پاکستان مطالعه کرده است و از شیفتگان عرفان مشرق زمین است.

از آثار اوست: سدهرتها (هرمان هسه، ۱۳۴۱)، میهن من، کنگو (پاتریس لومومبا، ۱۳۴۲)، نمایشنامه‌های قربانی، پستخانه، مرتاض، مالینی و شاه، ملکه (رابیندرانات تاگور، ۱۳۴۰)، میهمانی کوکتیل (۱۳۵۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

گروسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیرنظام حسنعلی‌خان بن محمدصادق خان سرتیپ، سیاستمدار، ادیب، نویسنده و خوشنویس مشهور دوره‌ی قاجاریه (و. بیجار حدود ۱۲۳۶- ف. کرمان ۱۳۱۷ یا ۱۳۱۸ ه.ق). درجه‌ی سرتیپی فوج گروس به ارث از پدرش به وی رسیده بود و در جنگ هرات به فرماندهی حسام‌السلطنه، وی اولین کسی بود که وارد قلعه‌ی هرات شد. در مسافرت اول ناصرالدین شاه به اروپا به سال ۱۲۹۰ ه.ق با سمت وزارت فوائد عامه جزو ملتزمین بود. گروسی مدتی نیز پیشکار مظفرالدین شاه، به هنگام ولیعهدی وی در تبریز بود. بعدها سمت وزارت مختاری فرانسه و انگلستان را یافت و مدتی هم به حکومت کرمانشاه منصوب گردید. در ۱۳۱۷ به سمت والی وارد کرمان شد و در همان شهر درگذشت و او را در آرامگاه شاه نعمهٔ‌اللّه ولی در ماهان دفن کردند. وی نویسنده‌ای زبردست و خوشنویس بوده و انشا و خط وی مورد توجه و تقلید بود. از آثار وی کتاب «منشات» و «پندنامه‌ی یحیویه» است که به خط بسیار زیبا برای فرزندش نوشته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گزی، خلیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منشی و رقم نویس دیوان عالی و دفترخانه صفوی قرن یازدهم هجری قمری و همسرش حلیله جلیله مکرمه علیا جناب نامدار

عصمت و عفت و طهارت شعار بلقیس والا شهربانو بیگم

بر گرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد محمّـد ابراهیم بن محمّد علی بیگ شـیروانی. عالم فاضل معمّر، مؤلّف کتب فقهیّه، در شب ۲ شنبه ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۳۲۶ وفات یافته، نزدیک فاضل هندی در تخت فولاد مدفون شده، سپس به نجف منتقل گردید.

از آثار او کتاب «مجمع الرسائل» است که عدّه‌ای از مجتهدین بر آن حاشیه نوشته‌اند.

خود از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و دیگران بوده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلچین معانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۷۹ -۱۲۹۵ ش)، استاد دانشگاه، تـذکره نویس، مورخ، مصـحح، فهرست نویس و شـاعر، متخلص به گلچین. در تهران و در خانواده‌ای مـذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات، در ۱۳۱۳ ش، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و تا ۱۳۳۸ ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از ۱۳۳۰ ش در کتابخانه ملی نیز خـدمت می‌کرد و بعد از ۱۳۳۸ ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در ۱۳۴۲ ش به دعوت نایب‌التولیه آسـتان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشـهد مهاجرت کرد. وی در حیـن خـدمت دولت به تحصیل ادامه داد و از محضـر اساتیـد مختلـف بهره برد. در ۱۳۵۶ ش برای تـدریس در دوره‌ی فـوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسـی در دانشـگاه مشـهد دعوت شد. گلچین از سیزده سالگی شـروع به سـرودن شـعر کرد و در پانزده سالگی رسـما قدم در وادی شـعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در ۱۳۱۴ ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاـوه بر شـعرخوانی، «خمسه» نظـامی مقابله و تصـحیح می‌شـد و گلچین از محضـر اسـتادان ادب فنون و رموز شـعر آمـوخت. وی پس از درگـذشت استاد وحیـد برای تأسیس انجمن ادبی ایران در منزل محمـد علی ناصـح زحمـات زیـادی کشـید. گلچین معـانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسـی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سـپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشته است. از آثار وی: «گلزار معانی»؛ «شـهر آشوب در شـعر فارسـی»؛ «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلـد؛ تـذکره‌ی «پیمـانه»، ذیلی بر تـذکره‌ی «میخـانه»؛ «کـاروان هنـد»؛ رساله در احول «آل بنجیر»؛ «مکتب وقوع در شـعر فارسـی»؛ تصـحیح و تکمیل تـذکره‌ی «میخانه» عبـدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصـحیح «لطایف الطوایف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشـعار صـائب»؛ «دیوان» شـعر. اهتمـام در انتشـار کتابهـای: «تاریـخ ملا زاده» احمـد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسـرار و رموز الاسـرار»، شـرح منظوم «السوانـج فی العشق» احمـد غزالی؛ فهرست مجموعه‌هـای خطی کتابخانه‌ی مجلس؛ فهرسـت

قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات.[۱]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال ۱۲۹۵ خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۳ در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی گردید.

«اشک و آه»

بی‌تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع
اشک و آهم بهم آمیخته دارم چون شمع
چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک
تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع
همه شب بهر نثارت رهت از مخزن چشم
رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع
اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم
بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع
چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک
رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع
نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین
شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع

«ماه»

دیدی ای ماه که شمع شب تارم نشدی
تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی
بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت
که خبردار ز دشواری کارم نشدی
روی برتافتی و پشت و پناه دل من
نشدی کز همه جا رو بتو آرم، نشدی
زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی
که خبردار ز حال دل زارم نشدی
غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟
یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟
یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی
لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی
گفتی آرام ندارد دل گلچین بی من
چکنم مایه آرام و قرارم نشدی
باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ

گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از بهار تا شهریار (۵۰۸ -۴۹۶ / ۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۶ -۷۰۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۸۰۹)، الذریعه (۲۱۸ / ۱۸ ،۹۳۱ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۵۹ -۳۰۵۳/ ۵)، صدف (۵۶۷ -۵۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۰۸ / ۲ ،۸۳۷، ۷۵۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۷)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۸، ص ۹ -۳)، گلزار معانی (۶۱۰ -۵۸۵).

گلستانه، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمّد مهدی. عالم فاضل، ساکن طهران. پدرش از علمای طهران و امام مسجد قنات آباد بوده و در سال ۱۳۲۲ وفات یافته. وی به جای پدر امامت می‌نموده. از احفاد سید علاء الدین محمد شارح نهج البلاغه می‌باشد. دارای کتابخانه آبرومندی بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلستانه، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد باقربن حسین بن سید علاءالدین.

فاضل ادیب، در اواخر قرن سیزدهم هجری در اصفهان محترم و معزز می‌زیسته، و منصب استیفاء داشته، و در سال ۱۲۹۰ مسجد صفا واقع در محله‌ی شهشهان را بنا نموده، و اثر خیری از خود به یادگار نهاده.

کتیبه‌ی مسجد به خط محمدتقی بن محمد ابراهیم خطاط اصفهانی است.

ماده تاریخ بنا این است:

بنا شد چو این مسجد با صفا

به عون خداوند رکن و حطیم

ز پرتو به تاریخ آن شد سوال

بگفتا «لساعیه فوز عظیم»

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گلشن، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از آثار وی: «دلکش و پریوش»؛ «روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان»، ترجمه، با مشارکت احمد فردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۵۲/ ۲، ۱۴۵۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۱/ ۳).

گلشیری، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هوشنگ گلشیری در سال ۱۳۱۶در اصفهان به‌دنیا آمد. در سال ۱۳۲۱همراه با خانواده به آبادان رفت.

از سال ۱۳۲۱تا ۱۳۳۴در آبادان اقامت داشت که این دوره از زندگیش را باید شکل‌دهندهٔ حیات فکری و احساسی او دانست. پدرش کارگر بنا، سازندهٔ منارهای شرکت نفت بود، و ما مدام از خانه‌ای به خانهٔ دیگر می رفتند. از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۲ هم در اصفهان زیسته است.گلشیری اولین داستانش را در سال ۱۳۳۷زمانی که در دفتر اسناد رسمی کار می کرد نوشت.

پس از گرفتن دیپلم، معلم شد، در دهی دورافتاده در سرراه اصفهان به یزد. گلشیری در سال ۱۳۳۸ تحصیل در رشتهٔ ادبیات فارسی را در دانشگاه اصفهان آغاز کرد. آشنایی با انجمن ادبی صائب در همین دوره نیز اتفاقی مهم در زندگی او بود.

شرکت در جلسات انجمن صائب زمینه‌ساز آشنایی با برخی اهل قلم آن روز اصفهان شد که در نشست‌های ادبی دیگر تداوم یافت. آشنایی با برخی فعالان سیاسی در این جلسات او را وارد عرصهٔ فعالیت سیاسی کرد که به دستگیری‌اش در اواخر سال ۱۳۴۰ انجامید. در پایان شهریور ۱۳۴۱ از زندان آزاد و در همان سال از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه اصفهان فارغ‌التحصیل شد.

در این زمان دیگر چند شعر و یک داستان از او در مجلات پیام نوین، فردوسی، و کیهان هفته به چاپ رسیده بود. این نشست‌های ادبی که به دلیل حساسیت ساواک در خانه‌ها ادامه یافت، هستهٔ اصلی جنگ اصفهان شد.

از شمارهٔ دوم ابوالحسن نجفی، احمد میر علایی، ضیاء موحد و بعدتر تعدادی از نویسندگان و شاعران جوان به حلقهٔ همکاران پیوستند. جنگ اصفهان که این جمع را به عنوان قطبی در ادب معاصر شناساند کمابیش با همین ترکیب تا سال ۱۳۶۰ در یازده شماره منتشر شد. گلشیری تعدادی از داستان‌های کوتاه و چند شعر خود را در شماره‌های مختلف جنگ به چاپ رساند. در سال ۱۳۴۷، این داستان‌ها را در مجموعهٔ مثل همیشه منتشر کرد.

گلشیری و تعدادی از یاران جنگ اصفهان، در سال ۱۳۴۶، همراه با عده‌ای دیگر از اهل قلم در اعتراض به تشکیل کنگره‌ای فرمایشی از جانب حکومت وقت بیانیه‌ای را امضا کردند و با تشکیل کانون نویسندگان ایران در سال ۱۳۴۷ به عضویت آن درآمدند. در سه دوره فعالیت کانون در جهت تحقق آزادی قلم و بیان و دفاع از حقوق صنفی نویسندگان، گلشیری همواره از اعضای فعال آن باقی ماند. در دوره‌های دوم و سوم فعالیت کانون، به عضویت هئیت دبیران نیز انتخاب شد.

رمان شازده احتجاب را در سال ۱۳۴۸، و رمان کریستین و کید را در سال ۱۳۵۰ منتشر کرد. در اواخر ۱۳۵۲، برای بار دوم به مدت شش ماه به زندان افتاد و به مدت پنج سال نیز از حقوق اجتماعی، از جمله تدریس محروم شد. ناچار در سال ۱۳۵۳ به تهران آمد. در تهران با بعضی از یاران قدیمی جنگ که ساکن تهران بودند و عده‌ای دیگر از اهل قلم جلساتی هفتگی برگزار کردند. مجموعه

داستان نمازخانهٔ کوچک من (۱۳۵۴) ، و جلد اول رمان برهٔ گمشدهٔ راعی (۱۳۵۶) حاصل همین دوره بود. در سال ۱۳۵۴، نمایشنامه‌ای از او به نام سلامان و ابسال به روی صحنه آمد. این نمایشنامه هنوز منتشر نشده است.

در سال ۱۳۵۶، تدریس در گروه تئاتر دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران را به صورت قراردادی آغاز کرد. در پائیز همین سال، گلشیری در ده شب شعری که کانون نویسندگان ایرانبا همکاری انجمن فرهنگی ایران و آلمان - انستیتو گوته - در باغ این انجمن بر پا داشت، سخنرانی‌ای با عنوان جوانمرگی در نثر معاصر فارسی ایراد کرد. در بهمن همین سال، برندهٔ جایزهٔ فروغ فرخزاد شد. در تابستان ۱۳۵۷، برای شرکت در طرح بین‌المللی نویسندگی به آیواسیتی در آمریکا سفر کرد. در چند ماه اقامت در خارج از کشور در شهرهای مختلف سخنرانی کرد و در زمستان ۱۳۵۷، پس از بازگشت به ایران، به اصفهان رفت و تدریس در دبیرستان را از سر گرفت.

گلشیری در بهمن ۱۳۵۸ معصوم پنجم را منتشر کرد. سال ۱۳۶۱ آغاز انتشار گاهنامهٔ نقد آگاه بود. مطالب این گاهنامه را شورایی متشکل از نجف دریابندری، هوشنگ گلشیری، باقر پرهام و محسن یلفانی (بعدتر، محمدرضا باطنی) انتخاب می‌کردند. انتشار این نشریه تا سال ۱۳۶۳ ادامه یافت.

در اواسط سال ۱۳۶۲، گلشیری جلسات هفتگی داستانخوانی را که به جلسات پنج‌شنبه‌ها معروف شد، با شرکت نسل جوان‌تر داستان‌نویسان آغاز کرد. در این جلسات که تا اواخر سال ۱۳۶۷ ادامه یافت،نویسندگانی چون اکبر سردوزامی، مرتضی ثقفیان، محمود داوودی، کامران بزرگ نیا، یارعلی پورمقدم، محمدرضا صفدری، اصغر عبداللهی، قاضی ربیحاوی، محمد محمدعلی، ناصر زراعتی، رضا فرخفال، آذر نفیسی، بیژن بیجاری، عبدالعلی عظیمی، علی موذنی، عباس معروفی، منصور کوشان، شهریار مندنی‌پور، منیرو روانی‌پور شرکت داشتند.

در این جلسات آثار منتشر شده‌ای از شهرنوش پارسی‌پور، سیمین دانشور، تقی مدرسی، محمود دولت‌آبادی، رضا جولایی، ابوالحسن نجفی، رضا براهنی، نجف دریابندری و اکبر رادی نیز با حضور خود آنها نقد و بررسی شد.

جبه‌خانه در سال ۱۳۶۲ و حدیث ماهیگیر و دیو در سال۱۳۶۳ منتشر شد. گلشیری از اواخر سال ۱۳۶۴، با همکاری با مجلهٔ آدینه از اولین شمارهٔ آن، و پس از آن، دنیای سخن، و پذیرش مسئولیت صفحات ادبی مفید برای ده شماره (۶۵ تا ۶۶) دور تازه‌ای از کار مطبوعاتی خود را در حالی آغاز کرد که انتشار این نشریات سرآغاز فضای تازه‌ای در مطبوعات ادبی بود. سردبیری ارغوان که فقط یک شماره منتشر شد (خرداد ۱۳۷۰)، و سردبیری و همکاری باچند شمارهٔ نخست فصلنامهٔ زنده رود (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲) ادامهٔ فعالیت های مطبوعاتی او تا پیش از سردبیری کارنامه بود. در سال ۱۳۶۸، در اولین سفر به خارج از کشور پس از انقلاب برای سخنرانی و داستانخوانی به هلند (با دعوت سازمان آیدا)، و شهرهای مختلف انگستان و سوئد رفت. در سال ۱۳۶۹ نیز برای شرکت در جلسات خانهٔ فرهنگ های جهان در برلین به آلمان سفر کرد. در این سفر در شهرهای مختلف آلمان، سوئد، دانمارک و فرانسه سخنرانی و داستانخوانی کرد. در بهار ۱۳۷۱ به آلمان، امریکا، سوئد، بلژیک و در بهمن ۱۳۷۲ هم به آلمان، هلند، بلژیک سفر کرد.

مجموعه داستان پنج‌گنج در سال ۱۳۶۸ (سوئد) فیلمنامهٔ دوازده رخ در سال ۱۳۶۹، رمان‌های در ولایت هوا در سال ۱۳۷۰ (سوئد)، آینه های دردار (امریکا و ایران) در سال ۱۳۷۱، مجموعه داستان دست تاریک،دست‌روشن در سال ۱۳۷۴،و در ستایش شعر سکوت (دو مقالهٔ بلند در بارهٔ شعر) در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

گلشیری تدریس ادبیات داستانی را که پس از اخراج از دانشگاه مدت کوتاهی دردفتر مجلهٔ مفید ادامه داده بود، در سال ۱۳۶۹ با اجارهٔ محلی در تهران و برگزاری کلاس‌های آموزشی و جلسات آزاد ماهانه از سر گرفت. در این دوره که به دورهٔ تالار کسری معروف شد، ابوالحسن نجفی،م.ع. سپانلو و رضا براهنی نیز به دعوت گلشیری کلاس‌هایی برگزار کردند.

در کنار ادبیات و نقد معاصر، ضرورت شناخت متون کهن نیز از دلمشغولی‌های گلشیری بود. او به همراه دوستانی از اهل قلم در

جلساتی هفتگی، که از سال ۱۳۶۱ آغاز شد و پانزده سالی ادامه داشت، بسیاری از آثار کلاسیک فارسی را بازخوانی و بررسی کرد.

در فروردین ۱۳۷۶، اقامتی نه‌ماهه در آلمان به دعوت بنیاد هاینریش بل فرصتی شد برای به پایان رساندن رمان جن‌نامه که تحریر آن را سیزده سال پیشتر آغاز کرده بود. در همین دوره، برای داستان‌خوانی و سخنرانی به شهرهای مختلف اروپا رفت و جایزهٔ لیلیان هلمن/ دشیل همت را نیز دریافت کرد. در زمستان ۱۳۷۶، رمان جن‌نامه (سوئد) و جدال نقش با نقاش انتشار یافت.

گلشیری سردبیری ماهنامهٔ ادبی کارنامه را در تابستان ۱۳۷۷ پذیرفت و نخستین شمارهٔ آن را در دی ماه همین سال منتشر کرد. در این دوره جلسات بررسی شعر و داستان نیز به همت او در دفتر کارنامه برگزار می‌شد. یازدهمین شمارهٔ کارنامه به سردبیری او پس از مرگش در خرداد ۱۳۷۹ منتشر شد.

گلشیری در دوازدهم تیرماه ۱۳۷۸ جایزهٔ صلح اریش ماریا رمارك را در مراسمی در شهر ازنابروك آلمان دریافت کرد.این جایزه به پاس آثار ادبی و تلاش‌های او در دفاع از آزادی قلم و بیان به او اهدا شد.در مهر ماه همین سال در آخرین سفرش در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت شرکت کرد. سپس برای سخنرانی و داستان‌خوانی به انگلستان رفت.مجموعهٔ مقالات باغ در باغ در پاییز ۱۳۷۸ منتشر شد.

به دنبال یک دورهٔ طولانی بیماری، که نخستین نشانه‌های آن از پاییز ۱۳۷۸ شروع شده بود، هوشنگ گلشیری در ۱۶ خرداد ۷۹ در بیمارستان ایرانمهر تهران در گذشت و در امامزاده طاهر در مهر شهر کرج به خاك سپرده شد.

گل‌گلاب، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۴۷، تهران.

درگذشت: ۲۲ اسفند ۱۳۶۳، تهران.

حسین گل‌گلاب، فرزند میرزا مهدی‌خان مصورالملك (نقاش و عکاس دوره‌ی قاجار)، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی علمیه و متوسطه را در دارالفنون به سال ۱۲۹۵ به پایان رسانید. از سال ۱۲۹۸ که تدریس علوم طبیعی مدرسه‌ی دارالفنون را عهده‌دار شد تا سال ۱۳۰۷ دوازده جلد کتاب در رشته‌ی علوم طبیعی تألیف نمود. ضمنا در دانشکده‌ی حقوق به تحصیل پرداخت و به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی قضایی و علوم سیاسی در سال ۱۳۰۱ نایل آمد. به سال ۱۳۰۷ تصدی کارهای عملی گیاه‌شناسی در دانشکده‌ی پزشکی به عهده‌ی وی محول شد و از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی پزشکی تدریس گیاه‌شناسی را بر عهده داشت. به سال ۱۳۱۴ که کلاس مقدمات طب به دانشسرای عالی انتقال یافت، به معاونت دانشسرای عالی و دانشکده‌ی علوم و ادبیات منصوب گردید و در همین سال طبق مقررات قانون دانشگاه به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی علوم نایل شد و به تدریس فیزیولوژی گیاهی در دانشسرای عالی و گیاه‌شناسی در دانشکده‌ی پزشکی پرداخت. در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب گردید.

دکتر گل‌گلاب در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۶ علاوه بر تدریس به معاونت دانشکده‌ی پزشکی منصوب شد و تا سال ۱۳۲۷ در این سمت خدمت کرد و از پس از معاونت کناره‌گیری کرد و فقط به تشکیل فرهنگستان، به سبب تخصص در معادل‌یابی در رشته‌های علمی، به عضویت پیوسته‌ی این مؤسسه برگزیده شد و در سال ۱۳۱۵ سردبیری فرهنگستان نیز به وی واگذار شد.

علاوه بر کتاب‌های متوسطه تألیفات دکتر گل‌گلاب به شرح زیر است: پایان‌نامه‌ی دکتری راجع به «نباتات» ایران که خلاصه‌ی آن در سال ۱۳۱۳ به چاپ رسید، در این پایان‌نامه شش هزار گیاه که در ایران می‌روید توصیف شده است ؛گیا (راهنمای گیاهی)؛ گیاه‌شناسی (برای دانشجویان دانشکده‌ی پزشکی)؛ فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی؛ تدوین برخی از کتاب‌های درسی گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، تشریح و فیزیولوژی حیوانی و شیمی برای دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها (از سال ۱۳۱۲ الی ۱۳۲۶)؛ تاریخ طبیعی (در قسمت های مختلف)؛ جغرافیا (۱۳۱۰)؛ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران (تألیف م. پتروف، ترجمه از روسی، ۱۳۳۶)؛ ترجمه‌ی بیش از پنجاه قطعه نمایش کلاسیک برای هنرستان هنرپیشگی (برخی از این نمایشنامه‌ها در مجلات به چاپ رسیده است)؛ ترجمه‌ی کامل «اپرای کارمن» به نظم فارسی که مطابق با آهنگ های اصلی است؛ ترجمه‌ی کامل «اپرای فوست» به نظم فارسی مطابق با آهنگ‌های‌اصلی. وی موسیقی می‌دانست و سرود هم می‌ساخت. از جمله سرودهایی که ساخته است، می توان به این دو عنوان اشاره نمود: «ای ایران ای مرز پر گهر» و «آذربایجان».

(۱۳۶۵/ ۱۳۶۳ -۱۲۷۴ ش)، نویسنده، مترجم، موسیقیدان و استاد دانشگاه. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش نقاش و عکاس دوره‌ی قاجار بود. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی علمیه، در محضر استادانی چون: عبدالعظیم قریب، میرزا ابراهیم قمی مسعودی، غلامحسین رهنما و شمس‌العلماء قریب شروع کرد و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان برد. در دوره‌ی متوسطه، علاوه بر زبان انگلیسی و فرانسه، مقدمات زبان روسی را در کلاس اسکندرخان ماردیروسیان فراگرفت. پس از پایان دوره‌ی متوسطه به تدریس در مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در ۱۳۰۱ ش به دریافت لیسانس حقوق نایل آمد و در ۱۳۰۷ ش به تدریس در مدارس نظام منصوب شد. وی دارای لیسانس در رشته‌ی قضایی و علوم سیاسی و دکترا در رشته‌ی علوم بود. او به تدریس فیزیولوژی گیاهی، در دانشسرای عالی و گیاه شناسی، در دانشکده‌ی پزشکی پرداخت و در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب شد. دکتر گل گلاب علاوه بر تدریس مدتی به معاونت دانشکده پزشکی منصوب گردید. وی مدتی نیز سردبیر فرهنگستان بود. او در دوره‌ی تحصیلات متوسطه در محضر درس آقا حسنقلی، استاد تار، به فراگیری این هنر نیز پرداخت و با مقدمات موسیقی ایران آشنا شد. سپس در مدرسه‌ی موسیقی کلنل علینقی وزیری ثبت نام کرد و به تشویق وزیری چندین سرود و تصنیف به عنوان نمونه تهیه کرد که مورد پسند قرار گرفت. وی همچنین با انجمن موسیقی ملی در زمینه‌ی تصنیف و سرود همکاری داشت. سرودهای «ای ایران» و «آذربایجان» از آثار هنری اوست. گل گلاب به نقاشی، عکاسی و شعر نیز علاقه‌مند بود. او در زمینه‌ی واژه‌یابی معادل در رشته‌های علمی تخصص داشت و عضو فرهنگستان ایران بود. از آثار علمی وی: «تاریخ طبیعی»، تشریح و فیزیولوژی حیوانی؛ «تاریخ طبیعی»، زمین شناسی؛ «تاریخ طبیعی»، گیاه شناسی؛ «تاریخ طبیعی»، قسمت چهارم، «حفظ الصحه»؛ «پایان‌نامه دکترا»، درباره‌ی نباتات ایران؛ «فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی»؛ «شیمی فلزات»؛ «جغرافیا»؛ ترجمه‌ی «مشخصات جغرافیای طبیعی ایران».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ برگزیدگان (۳۹۶ -۳۹۴)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۳۱۳، ۲۳۶، ۲۳۵)، تاریخ موسیقی (۴۹۰/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۶/ ۵)، زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی (۱۴۰ -۱۲۹/ ۱)، سرگذشت موسیقی (۳۲۴/ ۱)، شرح حال رجال (۳۰۲/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۲۲ -۷۲۱/ ۱)، مردان موسیقی (۱۳۲، ۲۴، ۲۲/ ۴، ۱۹۸/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۳ -۸۵۱/ ۲).

گنجرودی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بعد از ۴۵۳ -۳۶۰ ق)، فقیه، مسند، نحوی، ادیب، طبیب و شاعر. اهل نیشابور و مسند خراسان بود. در بغداد بزرگان علم نحو را درک کرد. او از ابوعمرو محمد بن احمد بن حمدان و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی و حسینک بن علی تمیمی و شافع بن محمد اسفراینی و ابوبکر بن مهران مقری و حافظ ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوحسین بن دهثم و محمد بن بشر بصری و ابوبکر محمد بن محمد طرازی و احمد بن محمد بالوی و احمد بن حسین مروانی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. او گذشته از علوم اسلامی در طب و سوارکاری و به کار بردن سلاح مهارت داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. اسماعیل بن عبدالغافر و ابوعبداللّه محمد بن فضل فراوی و هبهٔ اللّه بن سهل سیدی و تمیم بن ابوسعید جرجانی و زاهر بن طاهر حامی و عبدالمنعم بن ابوالقاسم قشیری و ابوسعد بن ابوصادق متطیب و ابوبکر احمد بن حسین بیهقی در نیشابور، مرو و اصفهان از وی حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۰۱ -۱۰۰/ ۵)، سیر النبلاء (۱۰۲ -۱۰۱/ ۱۸)، شذرات الذهب (۲۹۲ -۲۹۱/ ۳)، العبر (۳۰۱/ ۲)، معجم البلدان (۳۹۴/ ۵)، الوافی بالوفیات (۲۳۱/ ۳).

گورانی، ستیته

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

آخر قرن نهم هجری، از زنان عالم، ادیب و محدث. وی دختر بدر محمد گورانی و خواهر فاطمه خاتونی گورانی بود و از راویان علم حدیث به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۳۵ / ۱.

گوهر مدراس، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقرخان مدراسی از گویندگان زبان فارسی (ف. اواخر قرن ۱۲). وی دیوان شعری دارد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گوهرین، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ -۱۲۹۳ ش)، نویسنده، محقق، مدرس و مصحح. صرف و نحو را در مدارس قدیم آموخت. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، از دانشسرای عالی در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه لیسانس گرفت. وی در ۱۳۱۹ ش تدریس ادبیات و فلسفه و روان‌شناسی در دبیرستان‌های تهران را به عهده داشت و در ضمن خدمت موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد و رساله‌ی خود را در لغات و آثار مولا جلال‌الدین رومی، به نام «فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی»، در شش مجلد تدوین کرد. از دیگر آثار وی: «حجهٔ الحق ابوعلی سینا»؛ «پیر چنگی»، حکایاتی از مثنوی؛ مقدمه‌ای بر «شمس الحقائق»؛ تصحیح و تعلیقات «منطق الطیر» عطار نیشابوری؛ «داستان بهرام گور»؛ تصحیح و تعلیقات «اسرار نامه» عطار نیشابوری؛ «شرح اصطلاحات تصوف».[۱]

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۷۴، تهران.

سید صادق گوهرین صرف و نحو عربی را در مدرسه‌های قدیم فراگرفت و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه از دانشسرای عالی لیسانس گرفت. وی ضمن تدریس در دبیرستان‌ها در دوره‌ی دکترای فارسی نیز به تحصیل پرداخت و «لغات مثنوی» را موضوع پایان‌نامه خود قرار داد. این رساله که به چاپ رسید، مهم‌ترین اثر گوهرین است. او در کنار تدریس در دانشکده‌های ادبیات دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی چند کتاب نیز تألیف و تصحیح کرد.

از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حجۀالحق ابوعلی سینا (۱۳۳۱)؛ پیر جنگی؛ حکایاتی از مثنوی (این اثر به تفاریق میان سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۵ منتشر شده است)؛ تصحیح اسرارنامه شیخ عطار (۱۳۳۸)؛ تصحیح منطق الطیر عطار (۱۳۴۲)؛ داستان بهرام گور (از شاهنامه فردوسی، ۱۳۴۳)؛ شیخ صنعان (از منطق الطیر، ۱۳۴۴)؛ شرح اصطلاحات تصوف (۱۳۶۷). وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «مردم» و «ستاره صلح» و «راهنمای کتاب» به چاپ رسانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۸، ۳۱۳۶، ۲۸۱۴، ۲۴۳۹، ۲۱۸۷، ۲۱۶۴/ ۲، ۱۳۲۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۱- ، ۶۴۰ - ۶۳۹، ۲۱۰/ ۱)، فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۰/ ۳).

گیلانی، اشرف الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اشرف الدین گیلانی موسوم به نسیم شمال از شعرای معروف و مردمی ،نویسنده و روزنامه نگار دوره مشروطیت، در سال ۱۲۸۷ ه.ق در قزوین متولد شد.وی پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصیل علوم دینی پرداخت و مجددا به زادگاه خود بازگشت. سید اشرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو، منطق ، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سپس به گیلان رفت.اقامت او در رشت و فعالیتهای مطبوعاتی سید اشرف الدین مصادف بود با امضای فرمان مشروطیت ؛سید در شهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسیم شمال را منتشر کردکه انتشار آن تا انحلال و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان،که بشدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شد.نسیم شمال در سال ۱۳۲۷ ه.ق مجددا روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال ۱۳۳۳ آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت.او عاقبت دچار جنون شد و در دارالمجانین بستری شد و فوت کرد و در ابن بابویه مدفون شد

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده ، شاعر و روزنامه نگار

والدین و انساب : سید اشرف قزوینی معروف به گیلانی فرزند سید احمد حسینی قزوینی است.

خاطرات کودکی : سید اشرف الدین گیلانی شش ماهه بود که یتیم شد، در یتیمی ملک و مال و خانه اش را غصب کرده اند و او دچار فقر و تنگدستی شده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید اشرف الدین گیلانی پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصیل علوم دینی پرداخت و مجددا به زادگاه خود بازگشت. سید اشرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو، منطق ، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سپس به گیلان رفت.

زمان و علت فوت : در سال ???? هجری قمری شایع کردند که سید اشرف الدین گیلانی به بیماری جنون مبتلا شده است و با این دستاویز وی را به تیمارستان بردند. و بازهم حق نا شناسی مردم را در زمان اقامتش در تیمارستان و در زمان مرگش می بینیم. سرانجام سیداشرف الدین قزوینی (گیلانی) در ?? اسفندماه سال ???? در دارالمجانین چهارراه قزوین تهران (حوالی میدان قزوین فعلی) جان به جان آفرین تسلیم کرد و در عین گمنامی در گورستان ابن بابویه تهران به خاک سپرده شد و تا سال های سال کسی نمی دانست گور او کجاست و بعدها به همت زنده یاد دکتر اسماعیل رضوانی و ابراهیم فخرایی مقبره او را یافتند و سنگی بر گورش نهادند، تا شاید روزگاری کسی کنار گور او گذشت و برایش فاتحه خواند. جالب است بدانید تا سال ???? ،گور او نامعلوم بود و به راهنمایی یکی از فرزندان پخش کنندگان نسیم شمال، گور او شناسایی شد. حافظا عشق و صابری تا چند ناله عاشقان خوش است بنال

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقامت سید اشرف الدین گیلانی در رشت و فعالیتهای مطبوعاتی سید اشرف الدین مصادف بود با امضای فرمان مشروطیت ;سید در شهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسیم شمال را منتشر کردکه انتشار آن تا انحلال و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان،که بشدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شد.نسیم شمال در سال ۱۳۲۷ ه.ق مجددا روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال ۱۳۳۳ آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. سید اشرف در روزنامه خود و در قالب شعر و طنز همواره استبداد و ظلم را مورد حمله قرار می داد و سخنان منظوم و موزون او بسیار مورد توجه مردم بود ;از اینرو در سال۱۳۴۵ ه.ق به جرم دیوانگی وی را به تیمارستان که در واقع زندان سید بود منتقل کردند

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : نسیم شمال در اصل نام روزنامه ای چهارصفحه ای با مضامین فکاهی و طنز بود که سید اشرف الدین گیلانی در سال ???? ه. ق???? ـ شمسی- در رشت تاسیس کرد

همفکران فرد : سعید نفیسی در مقدمه دیوان کامل نسیم شمال درباره وی می گوید: «یقین داشته باشید که اجر او در آزادی ایران کمتر از اجر ستارخان نبود. حتی این مرد شریف بزرگوار در قزوین تفنگ برداشته و با مجاهدان دسته محمد ولی خان تنکابن سپهدار اعظم و سپهسالار اعظم جنگ کرده و در فتح تهران جانبازی کرده بود.» با این وجود در متون و مقالاتی که درباره مشروطه نوشته می شود، می بینیم که کمتر نامی از سید اشرف الدین آمده است. علت این حق ناشناسی را می توان این دانست که سید اشرف الدین کمترین ادعایی نسبت به نقش خود در مشروطه نداشته است. باز سعید نفیسی درباره آزادگی و بزرگواری وی می گوید: «بزرگی او در اینجا است که با این همه نفوذی که در مردم داشت هرگز درصدد برنیامد از آن سود مادی ببرد. نه هرگز در موقع انتخابات از کسی رای خواست، نه به خانه صاحب مسندی و خداوند زر و زوری رفت.»

آرا و گرایشهای خاص : سید شرف الدین گیلانی در اشعار خود بارها ظلم و استبداد محمد علی شاه ودولتهای پس از وی را به باد حمله و انتقاد گرفت و همواره حامی و پشتیبان آزادی وآزادگی بود. اشعار او به زبان مردم کوچه و بازار و فاقد انسجام لازم ادبی بود ولی ویژگی‌عمده شعر نسیم شمال گذشته از سادگی و صمیمیت زبانی، مضمون و محتوای آن بود که‌در سالهای بیداری از عمق وجود مردم مایه می‌گرفت و نظر خاص و عام را به خود جلب‌می کرد. به طور کلی بعد از انقلاب مشروطه، طنز در ادبیات ایران به جهت فضای خفقان آور حاکم بر جامعه، موقعیتی جدی یافت و مورد توجه شاعران و نویسندگان ازجمله سید اشرف الدین گیلانی قرار گرفت. به علت آزادی و آزادگی شخصیتش اشعار وی از احساسات و عواطف شدید وطن پرستی و عشق به آزادی و مردم سرشار است. به واسطه زبان ساده و عوامانه اش و همچنین عاری بودن از رکاکت کلام و هزل های بی ادبانه، اشعارش در میان مردم محبوبیت و مقبولیت زیادی پیدا کرد تا جایی که وی را به اسم آقای «نسیم شمال» می شناختند.

جوائز و نشانها : در اسفندماه سال ۱۳۸۴ پس از یک فراخوان، به همت «خانه کتاب ایران» همایش بزرگداشتی برای سیداشرف الدین گیلانی برپا شد و ماحصل آن کتابی است در ??? صفحه، در شش فصل و به قلم فرهیختگانی که دل در گرو آزادی دارند، از آزادمردی گفته و نوشته اند که پس از نیم قرن تلاش در راه بیداری و آزادی ملت ایران، در عین غربت و گمنامی، ظاهراً به علت اختلال مشاعر دست از دنیا شست ---

----

آثار :

۱ مجموعه اشعار (نسیم شمال و بهشت باغ)

ویژگی اثر : مهم ترین اثر ادبی سید اشرف الدین مجموعه اشعار او مشتمل بر بیست هزار بیت است که به نام نسیم شمال و بهشت باغ در دو جلد چاپ شده است

گیلانی، محمد محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقق کثیر التألیف، شاعر ادیب زاهد، در اواخر عمر ظاهرا در طهران ساکن بوده، و در آن شهر وفات یافته، در نجف مدفون گردید. نسب او به علامه محقق شیخ بهائی می‌رسد و شاید انتساب او از طرف مادر باشد.

تعداد مؤلفاتش از کتاب و رساله متجاوز از ۱۱۶ مجلد می‌شود، از آن جمله است: ۱- اجابة المحب ۲- اربعین ۳- انیس الصالحین ۴- انیس العباد ۵- ایقاظات ۶- بحر الحکم [شرح هدایه‌ی میبدی] ۷- بحر الامکان ۸- بحر الامال ۹- بحر المآرب ۱۰- بحر المصائب ۱۱- بروق اللوامع ۱۲- بستان الجعفریة ۱۳- بدیهیات ۱۴- بنیان الاصول ۱۵- تحفة الایادی ۱۶- تحفه الاخیار ۱۷- جامع المسائل ۱۸- جامع المصائب، در دو جلد ۱۹- جنات عدن ۲۰- جنة الامان ۲۱- خلاصة الخلاصة ۲۲- درج الدرایج ۲۳- درر الاقوال [فی فقه سیدنا محمد و آله الاطهار المفضال] ۲۴- دلیل المتحیرین ۲۵- دیوان اشعار، و در آن «عاصی» تخلص می‌کند ۲۶- دره‌ی مضیئه ۲۷- ذخیرة المعاد ۲۸- ذریعة الوداد [تفسیر سوره‌ی یوسف] ۲۹- رضوان الامال ۳۰- روض الریاض [حاشیه‌ی معالم] ۳۱- ریاض الارواض [شرح معالم] ۳۲- روضة حسینیه ۳۳- رسائل الرسائل ۳۴- وریقات الانیقات ۳۵- زاد السالکین ۳۶- سبیل السبل ۳۷- سفینة النجاة ۳۸- سوانح ۳۹- شد الوثیق ۴۰- ضیاء الذاکرین ۴۱- عوالم العوالم ۴۲- غزوه‌ی خیبر، منظوم ۴۳- قبلة الافاق ۴۴- القواعد و الفوائد ۴۵- قوانین المصائب ۴۶- کشایف الاسرار ۴۷- کشف الحجب ۴۸- کشف المقال ۴۹- کنز الاحباب ۵۰-

کنز الاخوان ۵۱- لوایح الطرایح ۵۲- متروک الانظار ۵۳- مجمع الاذکار ۵۴- مجمع المعانی [حاشیه‌ی ریاض] ۵۵- مرجع الضمایر، در دو مجلد ۵۶- منهاج الدین، در اصول دین ۵۷- مثنوی شش دفتر ۵۸- مثنوی شور و شیرین ۵۹- مفاتیح النجاة ۶۰- ملتمس المحبوب ۶۱- نظم المجالس، در چندین مجلد ۶۲- نسج النسوج ۶۳- وقایع الصفین ۶۴- وسیلة المراد ۶۵- وسیلة النجاة، فارسی، در جبر و تفویض، و آن را در سال ۱۲۶۹ تألیف نموده ۶۶- هدیة الاخوان ۶۷- ینابیع الدرر؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاری، فتح‌الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کمال‌الدین شاه فتح‌الله به هبةالله بن عطاءالله حسنی حسینی جعفری شیرازی.

از طایفه‌ی سادات شاهی شیراز، عالم فاضل، و ادیب منشی کامل، به دعوت شاه سلیمان از اردکان به اصفهان آمده، و سال‌ها قاضی اصفهان و شیراز و لار بوده. در سال ۱۰۹۸ در اصفهان وفات یافته [در حوالی مدفن آقا حسین خوانساری مدفون شد].

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- الامامة، آن را در موقع تشرف خود به مکه تألیف نموده، و مناظرات خود را با ملا عبدالرحیم مدرس مدینه‌ی طیبه بتمامه نقل نموده است. ۲- بدیع در علم بدیع، در اصفهان تألیف نموده ۳- تاریخ شاه فتح الله ۴- ریاض الابرار و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاری، محیی‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۳ ق)، ادیب و شاعر. از شعرای عهد سلطان یعقوب میرزا آق قوینلو بود و اوایل عصر شاه طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) را نیز درک کرد. از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی بوده و گذشته از علوم متداول زمان در عروض و فنون شعر هم مهارت داشته است. وی غزل را نیکو می‌سرود و از سبک بابا فغانی پیروی می کرد. به زیارت بیت‌اللّه الحرام رفت و در مراجعت مثنوی «فتوح الحرمین» را، که مثنویی دینی در مورد بقاع متبرکه و بیان مناسک حج است، در مدینه به اسم سلطان مظفر بن محمود شاه گیلانی سرود. او این مثنوی را به قولی در ۹۱۱ ق و به قولی در ۹۵۰ ق به اتمام رساند. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. در «فرهنگ سخنوران» محبی لاری و صاحب عنوان با هم یکی دانسته شده، ولی بیشتر تذکره‌ها آن دو را جدا ذکر کرده‌اند. همچنین صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» سال مرگ وی را ۹۵۱ ق می داند. «هدیة العارفین» وی را محیی‌الدین محمد لاری حنفی متخلص به محیی بیان کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۸)، تحفه سامی (۲۳۵ -۲۳۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۷۸ -۳۷۷/ ۴)، الذریعه (۱۲۰ -۱۱۹/ ۱۶، ۱۰۱۷ -۱۰۱۶، ۹۷۱/ ۹)، ریحانه (۲۵۱/ ۵)، صبح گلشن (۳۹۰)، فارسنامه‌ی ناصری

(۱۵۱۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۲۵ -۸۲۴)، منظومه‌های فارسی (۵۲۲ -۵۲۱)، هدیهٔ العارفین (۲۳۹/ ۲)، هفت اقلیم (۲۵۸/ ۱).

لاهوتی کرمانشاهی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ / ۱۳۳۵ -۱۲۶۶/ ۱۲۶۴ س)، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر، متخلص به لاهوتی. در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی در زادگاهش، جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد. در جریان انقلاب مشروطه شب‌نامه و اوراق سیاسی منتشر می‌کرد و در صف فداییان قرار داشت. او در جوانی به تحصیل علوم مذهبی پرداخت و به لباس روحانیون ملبس شد. پس از چندی به تصوف روی آورد و سپس از کسوت روحانیان خارج گردید و در ژاندارمری مشغول خدمت شد. وی در حدود ۱۲۹۰ ش به اتهام قتل یکی از زیردستانش به عثمانی (ترکیه) گریخت و در آنجا به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت و پس از چندی به ایران بازگشت و در کرمانشاه اقدام و به انتشار روزنامه‌ی «بیستون» کرد. بعد از مدتی مجددا به ترکیه رفت و مجله‌ی ادبی «پارس» را در دو قسمت، به فارسی و فرانسه، در استانبول تأسیس و منتشر کرد. در ۱۳۰۰ ش به ایران بازگشت و در ژاندارمری تبریز به خدمت مشغول شد. سپس زمینه‌ی کودتایی در آنجا ترتیب داد و پس از شکست خوردن کودتا به روسیه گریخت و تا پایان عمر در آنجا به فعالیت‌های هنری درباره‌ی زبان و ادبیات فارسی پرداخت. او از نظر مسلکی، شاعری مادی و معتقد به مارکسیسم بود و شعر خود را ابزاری در خدمت تحقق آرمانهای طبقه کارگر می‌دید. وی شاعری توانا بود و در غزلسرایی مهارت داشت. در عین حال او را می‌توان از پیشگامان شعر نو نیز به حساب آورد. سرانجام لاهوتی در روسیه از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «ادبیات سرخ»؛ «ایران نامه»؛ «جنگ آدمیزاد با دیو»؛ «درافشان»؛ «لالی لاهوتی»؛ «چند اثر از پوشکین»، ترجمه، منظوم؛ ترجمه‌ی «شاهنامه» فردوسی به زبان روسی؛ «دیوان» شعر.[۱]

در ۱۲۶۹ در کرمانشاه متولد شد. پدرش الهامی شغل آزاد داشت و گاهی شعر می‌سرود. وی وارد مدرسه ژاندارمری شد و به درجه افسری رسید. خیلی شجاع و احساساتی و خوش بیان بود. وقتی به درجه سروانی رسید ریاست ژاندارمری قم و کاشان به او داده شد. وی در این شغل مأمور دستگیری نایب حسین کاشی و همدستان او بود. خیلی تند و شدید عمل کرد. نه نفر از یاران نایب حسین را اعدام نمود. لاهوتی در قم خیلی بد کار کرد، متهم به اخاذی شد. حتی گفته شد یک دزدی که در حرم حضرت معصومه متحصن شده بود او را به زور از صحن خارج نموده تیرباران کرده است. مردم به تهران شکایت بردند، هیئتی مرکب از یک افسر سوئدی و دو افسر ایرانی برای رسیدگی به قم رفتند ولی قبل از اینکه افسران مزبور به وظیفه خود عمل نمایند مورد حمله افراد مجهولی قرار گرفته دو تن از آنان مقتول و یکی مجروح گردید. مجروح را به رباط کریم منتقل و در آنجا خفه می‌نمایند. دولت تمام این عملیات را ناشی از تحریک لاهوتی دانسته او را بازداشت و در تهران زندانی می‌نماید. وی با کمک عده‌ای از زندانیان متواری شد. ابتدا به کرمانشاه، سپس به اسلامبول می‌رود و در غیاب وی دادگاه حکم اعدام او را صادر می‌کند. در جنگ بین‌المللی اولی که جمعی از ملیون و وطن‌پرستان قوائی بوجود آورده با روس‌ها می‌جنگیدند لاهوتی با آنها همکاری نموده فرماندهی یک گروهان را عهده‌دار می‌گردد. پس از شکست مجددا به استانبول می‌رود و با کمک خان ملک ساسانی، به انتشار مجله پارس مبادرت می‌کند. چندی بعد وارد تبریز شد. به شیخ محمد خیابانی ملحق می‌گردد. پس از کشته شدن خیابانی عفو عمومی درباره افراد او صادر گردید. این عفو شامل لاهوتی نیز گردید و حاج مخبرالسلطنه هدایت والی وقت آذربایجان در شفاعت و کمک به او نقش بسیاری داشته است. و او را مجددا با درجه ماژوری (سرگردی) داخل ژاندارمری می‌نمایند و به معاونت

ژاندارمری آذربایجان منصوب می گردد. در آن ایام اوضاع آذربایجان سخت مغشوش بود. سمیتقو در سطح وسیعی منطقه را زیرنظر داشت. چند بار قوای ژاندارم را از بین برده بود. از طرفی افسران ژاندارم در آن ایام به جهت انحلال و ضمیمه شدن به قزاقخانه ناراضی بودند و چند ماه بود که حقوقی دریافت نکرده در وضع ناگواری بسر برده و درصدد انتقام برآمده بودند. افسران ژاندارم مستقر در شرفخانه با تبانی یکدیگر و انتخاب لاهوتی به سرپرستی خود به قصد اشغال تبریز و سپس تهران دست به قیام مسلحانه زدند. ابتدا ماژور پولادین فرمانده ژاندارمری را توقیف نموده، سیم تلفن و تلگراف را قطع می‌نمایند. همچنین حاج مخبرالسلطنه هدایت والی و سرهنگ شهاب را بازداشت می کنند. قسمت اعظم شهر تبریز به دست آنها افتاده عده‌ای از مردم به ژاندارمها ملحق می گردند. قوای دولتی پس از اطلاع از قیام لاهوتی با قوائی که برای مقابله با سمیتقو آماده کرده بود متوجه شهر تبریز شد و زد و خورد بین دو قدرت درمی گیرد. پس از چند ساعت زد و خورد از طرفین عده زیادی کشته می‌شوند ولی به هیچوجه بیم شکست خوردن لاهوتی و همکارانش در بین نبود ولی یکمرتبه لاهوتی با چند تن از افسران از تاریکی شب استفاده کرده به روسیه فرار می‌نماید و مقادیری سلاح نیز با خود حمل می کنند. شهر تبریز راحت به دست قوای قزاق فتح می‌شود. باقیمانده افسران همکار لاهوتی که عده آنها ده نفر بود بازداشت می‌شوند. در راس این عده سلطان تورج میرزا امین قرار داشت که فرمانده ستاد جنگ بود. به دستور سردار سپه دادگاه نظام به ریاست سرتیپ زاهدی که در آن هنگام مأمور حمله به قلعه چهریق بود تشکیل می‌یابد. سرهنگ متین‌الملک قریب دادستان دادگاه در کیفر خواست اعدام همه را تقاضا می‌نماید و محاکمه همدستان لاهوتی آغاز می گردد. دادگاه تمام عده را براساس کیفر خواست به اعدام محکوم می کند. پس از محاکمه و محکومیت این عده بعضی از صاحبان قدرت در مقام وساطت برآمده از جمله سید حسن مدرس در تهران شدیدا برای جلوگیری از اجرای حکم تلاش می کند. افسران محکوم به زندان تهران انتقال یافته پس از چندی مورد عفو قرار گرفته به شغل سابق خود باز می گردند.

لاهوتی سالها پس از فرار از ایران در شوروی می‌زیست. چندی در قفقاز وزیر فرهنگ تاجیکستان شد. در اواخر به بخش رادیو فارسی مسکو پیوست. وی طبع شعر داشت و قسمتی از اشعارش انتشار یافته است. وی در زمانی که در شوروی بسر می‌برد در برنامه فارسی رادیو مسکو نقشی داشت و حقوقی دریافت می کرد. تا اواخر عمر مردی ماجراجو، پرمدعا و شلوغ بود. در ۱۳۴۰ درگذشت.

لاهوتی در گیرودارهای سیاسی به خارج از ایران گریخت و سرانجام به تاجیکستان شوروی رفت و در آنجا به مقامات مهم از جمله وزارت معارف رسید. هم در آنجا ازدواج کرد، دیوانش بارها به چاپ رسید از جمله در مسکو (۱۹۴۶). لاهوتی در شعر فارسی معاصر مقامی ارجمند دارد. از نظر مضامین در به کار بردن کلمات تازگیهای بسیاری در شعرش دیده می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۴۲، ۱۰۸، ۴۴، ۴۳-۳۱)، از بهار تا شهریار (۲۵۸-۲۴۶/ ۱)، از صبا تا نیما (۳۸۳-۳۸۱، ۲۳۵، ۱۷۲-۱۶۸/ ۲)، از نیما تا روزگار ما (۵۰۲-۴۹۲)، تاریخ جراید (۴۷-۴۶، ۴۲/ ۲)، چون سبوی تشنه (۷۴-۷۲)، دویست سخنور (۳۵۷-۳۵۵)، الذریعه (۹۴۰/ ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۵-۳۴۶/ ۵)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۱۸-۳۱۱۳/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۸۶)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۴۹۲-۴۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۵۴، ۲۷۹۳، ۲۱۲۱، ۱۹۸۲/ ۲، ۱۵۷، ۱۳۹۳، ۱۱۱۶-۱۱۱۵، ۱۱۰۶، ۱۰۵۷، ۴۱۷، ۲۳۳، ۱۴۴/ ۱)، کتاب گیلان (۵۶۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۸-۲۸۶/ ۱).

لاهوتی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن لاهوتی در سال ۱۳۲۳ در سبزوار متولد شد.وی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شد .ایشان در جوار استاد سیدجلال الدین آشتیانی توانست اثار ارزشمندی چون «شکوه شمس» پروفسور شیمل را ترجمه کند.نامبرده مدرس دانشگاه پیام نور بوده و در حال حاضر نیز عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می باشد. کتاب" شرح مثنوی معنوی"ترجمه ،حسن لاهوتی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن لاهوتی تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس در مشهد طی کرد و پس از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه ایالتی میشیگان «MSU» رفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن لاهوتی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شد و آثاری چون «جنبشهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند»، «هند بریتانیا»، «خدمات مسلمانان به جغرافیا» همراه با تعلیقات و تحقیقات دیگر حاصل سالها همکاری او با آن بنیاد است. مطالع ?آثار کهن عرفانی و اسلامی و ادب فارسی که از اوان جوانی بدان پرداخته وبهر ?وافری که در طول سالیان دراز از محضر استاد سیدجلال الدین آشتیانی برده است او را به ترجم ?اثار ارزشمندی چون «شکوه شمس» پروفسور شیمل توانا ساخت

جوائز و نشانها : کتاب" شرح مثنوی معنوی"ترجمه ،حسن لاهوتی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -- ----------------------------------

آثار :

۱ جنبشهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند

ویژگی اثر : ترجمه

۲ خدمات مسلمانان به جغرافیا

ویژگی اثر : ترجمه

۳ شرح مثنوی معنوی

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شرح مثنوی معنوی»: شرح مثنوی معنوی مولوی (شش دفتر)، رینولد ا. نیکلسون، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴. درک سخنان عارفان ?مولانا در مثنوی، بی نیاز از شرح نیست. در این کتاب با هم ?سلاست بیان و شیوایی و سادگی، فراوان است مضامینی که فهم آن بدون اطلاع کافی از دقایق ادب فارسی و اصول معارف عالی ?اسلام، دشوار، بلکه غیرممکن است. همین ضرورت، توجه دانشمندان نکته سنج را به نوشتن شروح گوناگون بر مثنوی معطوف داشته است، تا آنجا که دانشمندی به نام نیکلسون ۲۰ سال تمام از عمر خود را صرف تهی? نسخه ای کامل از مثنوی کرد. مترجم با دقت نظر در یافتن معادلهای درست و قانونی الفاظ و تعبیرات و اصطلاحات عرفانی و فلسفی، کوشیده است عین نقل قولهای مستقیم را بیابد و در متن فارسی بگنجاند. مترجم در برگردان این اثر تحقیقی- که هفت سال به طول انجامید- از راهنمایی و همکاری عالمانی چند برخوردار بوده است و با پیشگفتار محققانه و عالمان ?سیدجلال الدین

آشتیانی اثر خود را مزین نموده است

۴ هند بریتانیا

ویژگی اثر : ترجمه

منابع زندگینامه :www.ketabesal.ir۱

لاهیجانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. وی از شاگردان علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) است. او در اثر معروف خود «نظم اللآلی» خود را شاگرد علامه مجلسی خوانده است. «نظم اللآلی» جواب سؤالات فقهی است که علامه مجلسی از او نموده و او آنها را جواب گفته سپس بر استادش عرضه داشته و آنها را به تأیید رسانده است. او این کتاب را به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف کرده و در ۱۱۰۳ ق از تألیف آن فراغت یافته است. از دیگر آثارش: «فهرست الکتب المأخوذ منها البحار»، که در آن اسامی مآخذ «بحارالانوار» به ترتیب در بیست و هفت باب (غیر از حرف ظ) آمده و در ۱۱۲۷ ق به اتمام رسیده است؛ «صلاهٔ الجمعهٔ»؛ «حلیهٔ النسوان»؛ «تحفهٔ المصلین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تلامذهٔ العلامه المجلسی (۵۹ -۵۸)، الذریعه (۲۲۷ -۲۶۶/ ۲۴ ،۳۹۱/ ۱۶)، ریاض العلماء (۲۴/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۶/ ۱۲).

لاهیجی اصفهانی، محمد سعید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میرزا محمد، از علمای زمان زندیه در اصفهان است، که شیخ عبدالنبی قزوینی او را در سال ۱۱۷۵ ملاقات نموده، و از علم و دانش او تمجید و تحسین نموده است.

وی مؤلف شرحی است بر شاطبیه در تجوید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی بن الحسین اللاهیجی قمی از بزرگان حکماء و متکلمین و ادباء محققین ملقب به فیاض لاهیجی است هم داماد (باجناق)

مرحوم علامه ملا محسن فیض کاشانیست که هر دو شاگرد و داماد صدرالمتألهین شیرازی بودند و لقب فیض و فیاض را از او دریافته‌اند. صاحب روضات گوید در مدرسه معصومه قم (یعنی مدرسه فیضیه) تدریس می‌نمود تألیفات ارزنده دارد که از آنهاست «کتاب گوهر مراد» و رساله (سرمایه ایمان) و شرح تجرید الکلام موسوم «به مشارق الالهام» و «شوارق» کتاب «شرح هیاکل» و رساله‌ی در حدوث عالم، و غیر اینها از کتب و رسائل و حواشی. شاگردان بزرگواری دارد که از آن جمله است فرزند ارجمندش جناب میرزا حسن صاحب کتاب «جمال الصالحین» در سنن و آداب «و کتاب شمع الیقین» در اصول دین به فارسی و غیر آن که قبر شریفش در حاشیه خیابان ارم مقابل شیخان بزرگ سنگ بلندی بر آن نصب است.

(ملا) عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی ملقب به فیض و فیاض، متکلم منطقی، ادیب و شاعر ایرانی (و.؟- ف. ۱۰۵۱ یا ۱۰۷۲ ه.) وی شاگرد ملاصدرا و ملا محسن فیض بود و در قم تدریس کرده. تألیفات بسیاری دارد که حاکی از تبحر وی هستند از جمله‌ی آنهاست: ۱- «شوارق‌الالهام»، شرح بر «تجریدالکلام» خواجه نصیرالدین طوسی. ۲- «گوهر مراد» در حکمت و منطق به فارسی که برای شاه عباس ثانی نوشته. ۳- «حدوث‌العالم». ۴- «دیوان شعر» پارسی شامل حدود پنج هزار بیت. ۵- «کلمات‌الطیبهٔ» در اصالت ماهیت وجود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

لسان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۰۴.

درگذشت: ۱۱ دی ۱۳۶۹.

حسین لسان دانشیار دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود که در سن نزدیک به شصت سالگی درگذشت. برگزیده‌ی اشعار مسعود سعد سلمان را منتشر کرد و تصحیح دیوان عمادی شهریاری را به پایان برده و به چاپ نزدیک ساخته بود.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

لسان‌الملک کاشی، هدایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، شاعر، خطاط و نقاش. وی نواده‌ی دختری فتحعلی خان صبا ملک‌الشعراء بود. بعد از مرگ پدر، ملقب به لسان‌الملک شد. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و اشعار فارسی و عربی را نیکو می‌سرود. لسان‌الملک همچنین از ادبیات و انواع علوم بهره داشت و در فن ترسل ماهر بود و نقاشی نیز می‌کرد. او در جوانی منشی مجلس مصلحت خانه دولتی ناصرالدین شاه بود و در تألیف کتاب «ناسخ التواریخ» با پدر همکاری داشت و پس از مرگ او، تألیف بقیه‌ی مجلدات کتاب را به

عهده گرفت. از دیگر آثار وی: تذکره‌ی «خوشنویسان»، مشتمل بر نام عموم خوشنویسان و سال درگذشت آنان؛ «منشآت»؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی، حدود یازده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۳ -۹۶۲/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۷/ ۳)، ریحانه (۱۳۱/ ۵)، شرح حال رجال (۳۱۹/ ۳).

لطفی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۲۹۸ شمسی در شهر تبریز متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و سپس برای تحصیل در دوره ی دکترا به دانشگاه «گوتینگن» آلمان رفت و پس از ارائه ی پایان نامه اش با عنوان «نمونه ی انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ این درجه در رشته ی حقوق جزایی شد. لطفی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود. سپس به ایران بازگشت و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی پرداخت ؛ اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی با استفاده از تسلطش به زبان های آلمانی ، انگلیسی و فرانسه و نیز فهم دقیق متون فلسفی ، آثار شاخص فلسفه یونان و غرب را ترجمه نمود. دکتر محمدحسن لطفی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. کتابهای " پایدیا " و" مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس ،"ترجمه ،محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق جزا

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن لطفی تبریزی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش تبریز به پایان رساند. در آن ایام دروس دبیرستان به دو دوره سیکل اول و دوم تقسیم می شد. برای دوره دوم دبیرستان در تمام تبریز - بلکه در سرتاسر آذربایجان- یک مدرسه بیشتر نبود و آن مدرسه فردوسی بود. دوره دوم دبیرستان به دو بخش علمی و ادبی تقسیم می شد که لطفی از محصلان بخش ادبی بود. در دوره ادبی گذشته از تاریخ و جغرافی، مختصری معانی بیان و عروض و قافیه و منطق و مقدمات فلسفه و تاریخ آن تدریس می شد. در دوره دبیرستان وی با نهج البلاغه و مقالات عروۀ الوثقی و نامه های عربی سید جمال الدین اسد آبادی نیز آشنا شد. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران و در سال ۱۳۲۰ فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۲۲ با استفاده از بورس تحصیلی به استانبول رفت . پس از سه ماه اقامت در استانبول بطور غیر منتظره موفق به دریافت بورس از موسسه اوقاف هومبولدت آلمان شد و در اسل ۱۹۴۳ میلادی عازم آلمان شد و در دانشگاه گوتینگن تحصیل در دوره دکترا را شروع و پس از ارائه پایان نامه اش با عنوان «نمونه انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ درجه دکترا در رشته حقوق جزایی شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی نه تنها دو سال آخر جنگ جهانی دوم، بلکه سه سال پس از آن را نیز در آلمان در عسرت و سختی گذرانید. و از آن ایام حکایت می کرد که در سالهای کمبود و ویرانی بعد از جنگ، روزی مرحوم دکتر شهید نورایی استاد فقید دانشگاه اورا در آلمان دید و از وضعیتی که داشت متاثر شد. چون پول کافی نداشت، ساعت طلایش را بز کرد و به لطفی داد و او توانست با فروش آن شش ماه زندگی خود را بچرخاند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی روی آورد، اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی همزمان با محاکمه ی دکترمصدق در دادگاه نظامی تهران ، به ترجمه ی رساله ی «آپولوژی » افلاطون اقدام نمود و آن را با عنوان « محاکمه سقراط» که در واقع اعتراضی به جریان دکتر مصدق بود، منتشر کرد.

استادان و مربیان : در دبیرستان فردوسی و در بخش ادبی، معلم ادبیات فارسی سید هدایت ا... شهاب فردوسی از شاگردان ادیب نیشابوری (ادیب اول) بود. معلم صرف و نحو عربی، آقا شیخ علی اکبر قاری از افاضل تبریز بود و معلم فرانسه « موسیو نبارش»و معلم شیمی موسیو میناسیان بود که به زبان فرانسه تدریس می کرد. هچنین معلمان دانشمندی چون مرحوم جلال همایی که ادبیات فارسی را عمیقاً به او آموخت، دیگری معلم یهودی گمنامی که لطفی همیشه از او به نیکی و سپاس یاد می کرد و می فت فرانسه را چنان خوب به من یاد که تا امروز هر چه از آن زمان می دانم و به یاری آن حتما کتابهای فلسفی فرانسه را می خوانم از او دارم، سومی شخصی به نام سید هادی سینا معلم عربی و فلسفه که بعدها مانند مرحوم همایی استاد دانشگاه شد و بدیع الزمان فروزانفر از تسلط او به لغت عرب اعجاب می کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد علی موحد با سابقه دوستی بیش از شصت سال از دوستان دوره دبیرستان محمدحسن لطفی تبریزی بود. دوستی با دکتر رضا کاویانی نیز در زندگی لطفی تاثیری ماندگار گذاشت. کاویانی تحصیل کرده آلمان و از موسسین جبهه ملی بود و درستی او با لطفی به ایامی که او در دانشکده حقوق تهران در سمی خواند بر می گشت لطفی در زمان تحصیل، در وزارت دارایی هم کار می کرد و کاویانی از صاحب منصبان نامدار آن وزارتخانه بود. کاویانی فقدان برنامه و تشکیلات سیاسی را بزرگترین عامل درماندیگ های ایران می دانست و در سال ۱۳۳۰ یعنی همان سال اول زمامداری دکتر مصدق، رساله ای زیر عنوان « مملکت بی نقشه و هدف» نوشت و سرخوردگی خود را ازجبهه ملی فاش ساخت . کاویانی درصدد ایجاد تشکلی به نام « جمعیت مبارز» بر آمد اما در این کار موفق نبود و به زودی جمعیت به محفلی برای « مطالعه و تحقیق»تعلیل یافت که شمار اعضای آن از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی نمود و او این محفل را «مکتب فلسفی جمعیت مبارز»نام نهاد، دکتر موحد و لطفی در نشست های هفتگی آن محفل شرکت می کردند. در این محفل بود که لطفی ترجمه آپولوژی و رساله های کوچک افلاطون را بر عهده گرفت. ترجمه این آثار توسط کاویانی با اصل آلمانی تطبیق داده می شد و در جایی بخارایی که مردی ادیب و فاضل بود عبارات را اصلاح و پیرایه می نمود. بر این آثار مقدمه ای توسط کاویانی نوشته می شد. همکاری لطفی با کاویانی در کار ترجمه تا سال ۱۳۴۷ که کاویانی زنده بود ادامه داشت . آشنایی با افلاطون دولتی بود که برای لطفی به لطف کاویانی حاصل شد اما او صحبت افلاطون را مغتنم شمرد و دامن او را تا پایان عمر از دست نگذاشت.

همسر و فرزندان : محمدحسن لطفی تبریزی درزندگی مدیون همسر کم حرف و پروقار خود خانم زیگرید بود.این دوست همدل و مشفق ایام دانشجویی که روزها مدیر دفتر وکالت او بود و شبها برایش کتاب می خواند و نظم و ترتیب و دقت و ضابطه خاص آلمانی را بر زندگی او حاکم کرد. دکتر لطفی پرورش یافته دوفرهنگ سختگیر و انعطاف ناپذیر بود(فرهنگ آذری و آلمانی) . چون در اواخر جنگ جهانی دوم در آلمان ازدواج کرده بود، با همسر آلمانی اش به توافق رسیده بودند که اگر سرنوشت بشریت آن چیزی است که آنها شخصاً شاهد آن بوده اهد، پس همان بهتر که به نوبه خودشان، موجود دیگری به جمعیت جهان نیفزایند و

نیفزودند.

وقایع میانسالی : محمدحسن لطفی تبریزی در ترجمه آثار فلسفی ، منظوری فرعی نیز برای خود تامل است که آن را چنین بازگو می کند: نخستین تماس بنده با فلسفه در مدرسه متوسطه روی داد. در برنامه کلاسهای پنجم و ششم متوسطه فلسفه مشرق قرار داشت و فلسفه را از روی کتابی با عنوان «فلسفه شرق» تالیف مرحوم « ضیا الدین دری» می خواندیم و من در همان موقع سخت مجذوب فلسفه شدم و علت این امر استعداد خود من نبود بلکه آموزگاری بسیار دانشمند و دلسوز و مهربان داشتیم که همه کوشش او بر این بود که آنچه را خود می داند به شاگردان منتقل کند. ولی من در آن موقع با این که از مباحث فلسفی خوشم می آمد دچار حیرت بودم که چرا برای فهمیدن هر جمله کتاب فلسفی باید ریاضت کشید و چرا از صحت فهمیدن یک جمله فلسفی کمتر از زحمت حل یک مساله ریاضی نیست. بعد ها که با نوشته های فلسفی بیشتر آشنا شدم و ضمناً به کتابهای فلسفی اروپایی هم دسترسی یافتم متوجه شدم که در کشور ما برای فلسفه زبان خاصی ابداع شده است و مثل این است که نویسندگان این گونه نوشته ها کتابهای خود را فقط برای عده خاصی می نویسند نه برای همه درس خواندگان و حتی امروز هم گاهی به زبان عربی می نویسند. در حالی که فلسفه مهمترین دانشهاست در زبان فلسفی کشور ما بطور کلی انحرافی از راه اعتدال روی داده است. و مخصوصاً به اصطلاحات بفرنج آن قدر اهمین داده شده است که خود مطلب در زیر کوه اصطلاحات مدفون مانده است و از یک سو انبوه اصطلاحات و از سوی دیگر زبان نعلق نثر فلسفی سبب هراس و حتی انزجار جوانان و دانشجویان از فلسفه شده است. وقتی که خودم به ترجمه کتابهای فلسفی روی آوردم با توجه به این ملاحظات تصمیم گرفتم راهی دیگر در پیش گیرم و ترجمه را به زبان هر چه ساده تر و سلیس تر آوردم و ببینم نتیجه چه می شود. »

زمان و علت فوت : محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. دکتر عزت ا... فولادوند تواضع، ادب و راستی و دوستی مرحوم لطفی را در خاطره ای چنین نقل می کند که در دیداری از خانه مرحوم لطفی و به پیشنهاد همسر آن مرحوم به اتاق کار ایشان رفتم، روی میز انبوهی از کتاب دیده می شد و در آن میان چند مجلدی که دوستان دکتر لطفی به وی هدیه داده بودند. در این میان مجموعه شعری از آقای دکتر شفیعی کدکنی بود که به رسم یادگاری نوشته بودند «به مظهر اعتدال، خرد ایرانی در عصر ما به حکیم راستین دکتر محمد حسن لطفی - فرویدن ۷۷» دکتر لطفی بی آن که حتی به همسر خود بگوید، یک برچسب کوک روی کلمات « حکیم راستین » چسبانده بود تا خوانده نشود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسن لطفی تبریزی پساز بازگشت از آلمان به ایران که مقارن با خاتمه جنگ جهانی دوم بود کار وکالت را آغاز نمودولی رونقی نداشت و آن را رها نمود و به دانشگاه تبریز رفت و تاریخ تدریس نمود. دکر لطفی از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۵۷ مجدداً در تهران به کار وکالت پرداخت و یکی از موفق ترین شاغلان این حرفه به شمار می رفت اما رونق کسب و کار و در آمد مطلور او را ارضا نمی کرد و او در کنار فعالیت های وکالتی اشتغال ذهنی خود را با افلاطون و ترجمه آثار او ادامه می داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی دفتر وکالت را بست و همه نیرو و حوصله خود را وقف کار ترجمه کرد و گذشته از ترجمه متون تازه به بازخوانی و اصلاح ترجمه های سابق خود نیز همت گماشت.

فعالیتهای آموزشی : محمدحسن لطفی تبریزی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود و مدتی نیز در دانشگاه تبریز به تدریس تاریخ اروپا پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : برنامه کتابخوانی دکتر لطفی و همسرش با نظم و انظباط خاصی انجام می شد. هر روز ، پس از پایان کار روزانه نوشتن و صرف شامی زود هنگام، حوالی شش بعد از ظهر، از ساعت هشت تا ده شب، همسرش برای او کتاب می خواند. این کتاب خوانی عموماً شامل ادبیات جهان می شد و به این ترتیب بود که آنها طی چهل سال ادامه منظم و بی وقفه این کار، موفق شده بودند تمام ادبیات جهان را بخوانند، ادبیات روس، انگلیس، فرانسه، آمریکا و آلمان و غیره. صبح روزی که شب

آن بیمار شد و روز بعد به جهان باقی شتافت در برنامه پیاده روی خود به کتابفروشی زمینه سرزده مانند همیشه سرحال و قبراق به نظر می رسید. پس از تورق چند کتاب از وی در مورد ساعاتی که در روز به کار اختصاص داده است پرسیده شد و دکتر لطفی پاسخ داد: روزی چهار ساعت، دو ساعت صبح، دو ساعت بعد از ظهر، بیشتر هم نمی توانم . جالب است درست لحظه ای که احساس می کنم نمی توانم به کار ادامه بدهم، به ساعتم نگاه می کنم، می بینم راس دو ساعت است. بالاخره در هشتاد سالگی بیشتر از این نمی توان از ذهنی فرسوده کار کشید. اما خوشحالم از این که با تمام کردن کتاب تاریخح اومانیسم در اروپا که مشغول ترجمه اش هستم، عملاًموفق شده ام تاریخ تحولات فرهنگ غرب را از زمان یونانیان تا رنسانس ترجمه کنم .

آرا و گرایشهای خاص : محمدحسن لطفی تبریزی فکر مستقل داشت و به بعضی عقاید پای بند بود و اعتقاداتش ره به صراحت و با شهامت بیان می کرد، اما همواره با ادب و ملایمت و بارعایت کامل حق طرف به پاسخگویی و مخالفت. معتقد بود این ملت برای جبران عقب ماندگیها و پیمودن راه ترقی و تعالی، چاره ای جز بهره مندی از دانش و دل سپردن به کار و کوشش ندارد. معتقد بود ما غرب را درست نمی شناسیم، برای این که نیرومند شویم و بتوانیم از هویتمان دفاع کنیم، باید به تمدن و فرهنگ غربی، شناخت واقعی پیدا کنیم و برای شناختن غرب باید به ریشه های فکری آن برسیم. باید ببینیم این تمدن چیره گر چگونه و از کی آغاز شد،چه اندیشه هایی آن را بهحرکت در آورد و هنور هم جنبش و پویایی آن را حفظ می کند. او عقیده داشت که ریشه اینها همه به فکر یونانی و خصوصاً به افلاطون می رسد. عشق به افلاطون ممکن است کسی را عارف کند اما ضرورتاً فیلسوف نمی کند. دکتر لطفی به کمند عشق یا به تعبیر دیگر به افسون افلاطون گرفتا ر آمده بود. این عین کلمات اوست در گفت و گویی که چهار سال پیش از مرگش به زبان آورد «من هیچ وقت قصد این که همه نوشته های افلاطون را ترجمه کنم نداشتم، افلاطون خودش مرا به دنبال خود می کشانید، به طوری که ساعاتی که مشغول ترجمه نوشته های افلاطون بودم، لذت بخش ترین ساعات زندگی من بود. نوشته افلاطون خاصیت عجیبی دارد. نزدیک شدن به افلاطون آسان است از افلاطون جدا شدن و دور شدن مشکل است. کسی که یک دفعه دربند افلاطون افتاد،به این زودی نمی تواند خودش را خلاص کند. به این ترتیب افسون افلاطون واقعاً طوری بود که رها نمی کرد. ترجمه آثار ارسطو را به دو منظور انجام داد، اولاً هر سه کتاب را از مهمترین امهات کتاب های فلسفی می دانست و مخصوصاً «تابعه الطبیعه»و همچنین« سماع طبیعی»و هر دو کتاب پایه و مایه هر گونه فلسفه می دانست. و علاوه بر این کتابها را نخستین کتابهای درسی فلسفی می دانست که در دست است. ارسطو از یک وارث گنجینه ای پایان ناپذیر از اندیشه های فلسفی و علوم و معارفی است که تا زمان او پدید آمده بودند و از سوی دیگر رشته هایی را که تا زمان او دست کم به آن نظم و انسجام وجود نداشتند خودش پدید آورده است مانند منطق و جنین شناسی و جانور شناسی و غیره. در محور همه نوشته های ارسطو هنوز این سوال وجود دارد که آیا این کتابها نوشته های درسی است که ارسو برای تدریس خود آماده کرده بود یا یادداشتهایی که شاگردان حاضر در جلسات درس نوشته اند. ولی احتمال بیشتر بر این است که این نوشته ها، هم از طرحهای مقدماتی ارطو برای استفاده در مجلس درس و هم از یادداشتها و شنوندگان بوجود آمده باشد. این نیز ممکن است که بعضی را خود استاد با تکمیل طرح مقدماتی خود منضبط کرده و بعضی دیگر را پس از در گذشت او دیگران مرتب کرده باشند. وجود یک یا دو ترجمه از این نوع کتابها به هیچ وجه کافی نسیست بلکه باید ترجمه های متعدد بوجود آید و چه بهتر که مترجمان بدون اطلاع از کم و کیف کار یکدیگر ترجمه را با سلیقه های مختلف خودشان انجام دهند و این نکته لازم به ذکر است که ترجمه های فارسی موجود به هیچ وجه حرف آخر در ترجمه آثار ارسطو نیست بلکه باید امیدوار بود که در آینده دیگران نیز بدین کار بپردازند و ترجمه های بیشتری پدید آید تا جویندگان دانش با مقایسه این ترجمه ها که حتماً باید با تحقیق و مراجعه به تفسیرها همراه باشد، محتوای فلسفی کتابها را چنانکه براستی هست بشناسند. علت این که ترجمه های انجام پس از ده، دوازده سال منتشر گردید از آنجا که به کار ترجمه اعتماد کامل نبود و با توجه به دشواری های محتوای کتاب، ترجمه ها دوباره خوانی می شد زیر نویس ها اضافه می شد

و در فرصتهای مناسب بخشهای مختلف کتاب را با ترجمه های اروپایی مقایسه و تطبیق داده می شد و در این مورد از نظر دوستان و سایر بستگان نیز استفاده می نمود. لطفی در مقدمه مابعد الطبیعه اثر خود را فقط «کوششی» برای ترجمه آن دانسته است. در محیط فرهنگی ما هر نویسنده و هر مترجمی خودش یگانه قاضی آثار خویش است و جز حیثیت انسانی خودش، بسته به این که تا چه اندازه مقید به این حیثیت باشد، هیچ ناظری بر اعمال او وجود ندارد، و یکی از علل نازل بودن سطح فرهنگ ما همین است.» دکتر لطفی درباره آثار افلاطون معتقد است درباره چگونگی زندگی و اندیشه ها و شیوه فکر یک قوم، و حاصل اندیشه و شیوه فکر که فرهنگ قوم را تشکیل می دهد، از تاریخ چیز زیادی نمی آموزیم. بلکه به اشعار شاعران و آثار نثرنویسان و افسانه ها و داستانها و رومانها و فردشنامه های آن قوم- اگر رومان و نمایشنامه داشته باشد- رجوع کنیم. در میان آثار فلسفی که از فیلسوفان و متفکران ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ سال پیش وجود دارد تنها یک نفر هست که در عین حال که بزرگترین فیلسوف دوران باستان و بزرگترین فیلسوف جهان به شمار می آید، نوشته های فلسفیش هم شعر است و هم افسانه و داستان و هم نمایشنامه و همه اینها چهارچوبی را تشکیل می دهد که هسته فلسفی نوشته را در بر می گیرد و این مزیت خارق العاده خاص افلاطون است.

جوائز و نشانها : کتابهای " پایدیا " و" مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس ،"ترجمه ،محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار : دکتر لطفی در طی مدت نزدیک به چهل سال، عمده ترین مشغل ?خود را ترجم ?آثار کلاسیک و متون اصلی فلسفه قرار داده و با ترجم ?بیش از ده هزار صفحه، خدمت ارزشمندی به جامعه علمی ایران در دهه های گذشته انجام داده است. فهرست آثار ترجمه شده دکتر لطفی نشان می دهد که بیشترین حیط ?کاری ایشان فلسفه افلاطون بوده و به تعبیر خودش متون تاریخی دیگر را عمدتاً برای روشنگری اندیشه های افلاطون ترجمه کرده است. --

آثار :

۱ آغاز و انجام تاریخ

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس است که انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ آن را منتشر کرد.

۲ آگوستین

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس می باشد که انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر کرد.

۳ اسپینوزا

ویژگی اثر : ترجمه ای از اثر کارل یا سپرس که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۹ منتشر کرد.

۴ افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل بورمان است که طرح نو در سال ۱۳۷۵ منتشر شد.

۵ افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس. این کتاب توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۶ ترجمه ی پایدیا

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.«پایدیا» نام کتاب بزرگ « ورنریگر» است. درصدد کتاب این جمله یونانی با ترجمه فارسی آن (ظاهراًبه خط مترجم) قرار گرفته است « پایدیا، برای آدیمان فانی پناهگاه طبیعی است» دکتر لطفی در یادداشت خود بر ترجمه

کتاب نوشته است: غرض اینجانب از ترجمه آن گذاشتن راهنمایی چنین گرانبها در دسترس فارسی زبانانی بوده است که مشتاق آشنایی با فلاسفه یونانی خاصه افلاطونند. در ترجمه متفکران یونانی نوشته تئودورگمپرتس نیز غرض جز این در میان نبود. آشنایی با کتاب: «پایدیا»: پایدیا/ورنر یگر؛ ترجم ?محمد حسن لطفی — تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۶.- ۳ ج. پایدیا، کتابی است دربار ?شکلی بخشی به سیرت انسان یونانی به عنوان پالوده ای برای بررسی تمام تاریخ یونان باستان که در مجلدات سه گان ?آن، شالوده و رشد بحران فرهنگ یونانی دوران باستان و کلاسیک تا زمان فروپاشی امپراتوری آتن و تولد دوبار ?روح و فکر یونانی در عصر افلاطون و نبرد آن برای بازسازی دولت و تربیت و تحول فرهنگ یونانی تشریح شده است. به عقید ?صاحبنظران تا کنون کتابی به اهمیت پایدیا دربار ?تحول دولت و جامعه و ادبیات و دین و فلسفه یونان و فرآیند تاریخی که به سیرت یونانیان شکل بخشیده است و فرآیند فرهنگیی که یونانیان از طریق آن آرمان خود را از شخصیت انسانی پدید آورده اند، نوشته نشده است. مترجم توانا و سختکوش کتاب، جناب آقای دکتر محمد حسن لطفی که سالهاست به ترجم ?آثار ارزشمند فلسفی به ویژه فلسف? یویان اشتغال دارند، با ترجم ?ممتاز و تحسین برانگیز این کتاب مهم و ارزشمند به زبان فارسی خدمتی شایان و درخور تقدیر را به دوستداران حکمت و به ویژه پژوهندگان فرهنگ و تاریخ یونان به انجام رسانده اند.

۷ جنگ پلوپونزی

ویژگی اثر : ترجمه اثر توکوریدیس که توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۸ خاطرات سقراطی

ویژگی اثر : نوشته کسنوفون است که ترجمه آن را انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۴ منتشر کرد.

۹ دور ?آثار افلاطون

ویژگی اثر : (۴ جلد) تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.

۱۰ دور ?آثار فلوطین

ویژگی اثر : (تاسوعات) ۲ جلد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۶

۱۱ رساله های منسوب به افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه این آثار توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۶۵ منتشر شد.

۱۲ زندگی افلاطون و آثار او

ویژگی اثر : نوشته ویلا موتیس مولندروف، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه ۱۳۵۵

۱۳ زندگی و آثار افلاطون

ویژگی اثر : (جلد اول: دوره جوانی) تألیف مولندورف، تهران، انتشارات صفی علیشاه،۱۳۳۲.

۱۴ سقراط

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس که توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۵۷ منتشر شد.

۱۵ سیرا و مانیسم در اروپا

ویژگی اثر : اثر ترجمه نیمه تمامی است که به پیدایش اندیشه اومانیسم و تاریخ تحول آن از زمان رومیان قدیم تا قرن بیستم می پردازد. نویسنده کتاب آگوست بوک (۱۹۱۱–۱۹۹۸) استاد ادبیات دانشگاه ماربورگ آلمان با استناد به مدارک بر زمینه تاریخی اثر بخشی فرهنگ دورانی که اروپائیان آن را به دوران باستان (یونان و روم قدیم) می نامند، خواننده را با کوشش متفکران اروپایی برای تربیت انسان باختر زمینی از طریق ترویج گفت و گوی انتقادی با آثار فیلسوفان و نویسندگان و هنرمندان و شاعران «دوران باستان» آشنا می سازد و بدین سان تاریخ مفصل « فرهنگ غرب»را به خواننده عرض می کند.

۱۶ فرهنگ رنسانس در ایتالیا

ویژگی اثر : ترجمه اثر یاکوب بورکهارت است که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۶ منتشر کرد.

۱۷ فلوطین

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس که توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر شد.

۱۸ فن سخنوری گرگیاس

۱۹ کتب سه گانه ی اخلاق نیکوماخوس ، سماع طبیعی و مابعد الطبیعه

ویژگی اثر : از آثار ارسطو که توسط طرح نو در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۲۰ گفتارهای نیکولوماکیاولی

ویژگی اثر : چاپ اول ۱۳۷۷ انتشارات خوارزمی گفتارها شامل اصول اندیش های ماکیاولی بوده و بعد از نزدیک به چهار قرن به همت استاد لطفی وارد ادبیات فارسی گردیده است. ترجمه کتاب گفتار ها بر پایه ترجمه آلمانی به قلم Verly Radolf Zorn, Aifred Kroener در سال ۱۹۷۷ انجام گرفته است.

۲۱ متفکران یونانی

ویژگی اثر : این کتاب اثر گمپرتس در سه مجلد ترجمه و توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۶ منتشر شد.

۲۲ مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس» [مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکوماخوس/ ترجم ?محمدحسن لطفی تبریزی . ـ تهران : طرح نو، ۱۳۷۸ . ـ ۳ ج. اگر آثار کلاسیک را از حیث اهمیت، طبقه بندی و به ضرورت ترجم ?اهمّ آنها عطف توجه کنیم، بی شک آثار ارسطو در شمار چند اثر معدودی خواهد بود که از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار است. ارسطو در مدرس ?خود در آتن برای هر یک از رشته ها مجالس درس ترتیب داد و همین درسها خاستگاه نوشته های تعلیمی او از قبیل فصلهای مختلف مابعدالطبیعه، سماع طبیعی و اخلاق نیکو ماخوس گردید. استفاد ?مترجم محترم از ترجمه های مختلف و دقیق به سه زبان مهم آلمانی، انگلیسی و فرانسوی تا حدود زیادی این اعتماد را در خواننده ایجاد می کند که هر چند این آثار از زبان یونانی ترجمه نشده ولی تا درحد قابل توجهی به متن اصلی نزدیک است و فاصل ?چندانی با اصل ندارد. به ویژه اینکه مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامها با افزودن تعلیقه های مفید و روشنگر که غالباً برگرفته از حواشی راس (مترجم معتبر انگلیسی آثار ارسطو)، تریکو(مترجم اصلی آثار ارسطو به زبان فرانسوی) و هرمان بونیتس(مترجم اصلی آلمانی آثار ارسطو) و یا افزود? خود مترجم است، بر فاید ?ترجمه بسیار افزوده است.

۲۳ مجموعه آثار افلاطون

ویژگی اثر : این ترجمه در چهار جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۲۴ مجموعه آثار فلوطین

ویژگی اثر : این ترجمه در دو جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۶ منتشر شد.

۲۵ محاکمه سقراط

ویژگی اثر : این ترجمه سرآغاز ترجمه ی آثار فلسفی دکتر لطفی بود.

۲۶ مرگ سقراط

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه اثری از رمانو گرواردینی است و به تفسیر چهار رساله افلاطون می پردازد که توسط انتشارات طرح نو در اسل ۱۳۷۶ منتشر شد.

برگرفته از کتاب :بنیاد ایران شناسی

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۶، ۳۱۹۶، ۲۹۴۰، ۲۴۶۸، ۲۰۰۶/ ۲ ،۱۴۸۹، ۱۴۸۸، ۱۴۷۷، ۱۳۷۱، ۱۳۴۴، ۹۴۱ ، ۸۴۷/ ۱)، کلک (س ۵، ش ۶۰، ص ۲۴۳ -۱۹۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۶، ش ۱۵۹، ص ۷۳ -۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۵ -۸۵۴/ ۲).

لطفی‌پور ساعدی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی کاربردی و دکترای زبان‌شناسی کاربردی از دانشگاه لانکاستر انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهارت خواندن، اصول ترجمه، زبان‌شناسی، ترجمه‌شناسی و سخن‌کاوی و استاد راهنمای ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

درآمدی بر اصول و روش ترجمه، اصول و روش ترجمه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

روش‌های تدریس، سخن‌کاوی، ترجمه‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

لقای تفتی، فرخ لقا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی تفت یزد بود که در اواخر سلسله‌ی صفویه زندگی می‌کرد. از اوست:

یوسف برفت و قلب زلیخا به تن نماند

یعنی چو رفت جان، رمقی در بدن نماند

باز آمد آن عزیز به دار السرور وصل

در مصر عشق، صحبت بیت‌الحزن نماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۶۴ -۲۶۳)، الذریعه (۹۴۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۰)، زنان سخنور (۱۳۷/ ۲)، مشاهیر زنان (۲۰۴).

لکذه اصفهانی، ابوعلی حسن

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۱۰/ ۲۱۰ ق)، نحوی، لغوی و ادیب. معروف به لکذه یا لغذه یا لذکه. از پیشوایان نحو و لغت بود. در اصفهان به دنیا آمد. در کودکی کتاب‌های ابوزید و اصمعی و ابوعبیده را حفظ کرد و سپس محفوظات خود را تتبع نمود و آنها را به اعرابی که به اصفهان می‌آمدند عرضه کرد و یافته‌های خود را در کتابی که آن را «النوادر المفیدة» نامید، نوشت. در نوجوانی به بغداد رفت. او در علم لغت و ادب شاگرد باهلی و کرمانی بود. وی با ابوحنیفه دینوری همطبقه بود و با وی معارضه و مناقضه داشت. او گرچه نزد ابواسحاق زجاج تلمذ نمود و گفته‌های استاد را املا کرد، ولی بعدها با او به مخالفت پرداخت و سخنان استادش را نقض کرد. به گفته‌ی حموی وی در فنون ادب ماهر و از پیشوایان نحو و لغت و در موارد قیاس خبیر بود و در پایان عمرش در عراق نظیری برای او نبود. سال وفات وی در ۳۱۰ ق، با توجه به سال وفات زجاج (ح ۳۱۰ ق) و سال وفات دینوری (ح ۲۹۰ ق)، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از دیگر آثارش: «التسمیة»؛ «خلق الانسان»؛ «خلق الفرس»؛ «الرد علی ابن قتیبة فی غریب الحدیث»؛ «مختصر فی النحو»؛ «علل النحو»؛ «نقض علل النحو»؛ «الهشاشة و البشاشة»؛ «الرد علی الشعراء»؛ شرح «معانی» باهلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روضات الجنات (۵۷ -۵۶/ ۳)، ریحانه (۱۲۷/ ۵)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۳۷)، کشف الظنون (۲۰۴۳، ۱۹۸۰، ۱۶۳۱، ۱۲۰۴، ۱۱۶۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن لگذه)، معجم الادباء (۱۴۵ -۱۳۹/ ۸)، معجم المؤلفین (۲۳۸/ ۳)، هدیة العارفین (۲۶۹ -۲۶۸/ ۱).

لنجانی، تاج الدین حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تاج الـدین حسن بن محمّـد لنجانی. عالم جلیل زاهـد (پدر فاضل هندی) معروف به مولا تاجا، در ۱۰۹۸ یا ۱۰۸۵ وفات یافته، قبرش در مقبره جنب مسجد بازار غاز اصفهان.

وی مؤلّـف کتـاب: - بحر موّاج، در تفسیر قرآن ۱- تزویـج النـبی زینب و رقیه من عثمـان ۲- شـرح شافیه ۳- شـرح کافیه ۴- شرح صحیفه سجّادیّه می‌باشد.

در ریحانـهٔ الادب (۵:۳۸۱) نقـل از مسـتدرک الوسائـل گویـد: تاج ارباب العمامه، فوتش در ۱۰۸۵ روی داده ظـاهراً وی تاج الـدین حسن مذکور در شرح حال ملا محمّد تقی مجلسی می‌باشد.

فرزندش فاضل هندی از او روایت احادیث می‌کند، و خود از مجازین از مولی حسن علی بن مولی عبداللّه تستری می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لنکرانی، شریف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۱۰، تهران.

درگذشت: ۳ بهمن ۱۳۶۶، لندن.

شریف لنکرانی از مترجمانی است که بیشتر به ترجمه‌ی نوشته‌های فلسفی و رمان‌ها و نمایشنامه‌های آلمانی می‌پردازد. علاقه خاصی به ترجمه‌ی آثـار برشت داشت. از ترجمه‌هـای اوست: آبروی از دست رفته کاترینـا بلوم (هـاینریش بـل، ۱۳۵۷)؛ آدم آدم اسـت (از برتـولت برشت، به همراه دو نمایشـنامه‌ی دیگر، ۱۳۴۷)؛ اپرای سه پولی و صـعود و سـقوط شـهر ماهاگونی (برتولت برشت، ۱۳۴۴)؛ سـال دو هزار (کتـابی در زمینه‌ی اقتصـادی)؛ عقایـد یـک دلقـک (هـاینریش بـل، ۱۳۴۹)؛ عکس دسـته جمعی بـا خـانم، ننه دلاـور (برشت)؛ وقتی برای زندگی، وقتی برای مرگ (رمارک).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

لوکری مروزی، ابوالعباس فضل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و شـشم ق)، حکیم، فیلسوف ادیب و شـاعر. اهـل لوکر در کنار رود مرو بود. وی حکیمی کامل و در اجزاء علوم حکمت مـاهر بود. لوکری شاگرد بهمنیار (م ۴۵۸ ق)، شـاگرد ابوعلی سـینا، بود و به وسـیله او علم حکمت در خراسان انتشار یافت. از اقران وی در میـدان حکمت می‌توان به خیـام، ابن‌کوشـک و واسـطی اشـاره کرد. او بـا خیـام (م ۵۲۵ ق) و خــازنی (م ۵۲۵ ق) در «زیج ملکشاهی» همکاری داشـته است. از شاگردان وی می‌توان قطب‌الزمان محمـد بن ابوطاهر طبسـی مروزی (م ۵۳۹ ق)، مجد الافاضل قاضـی عبـدالرزاق ترکی، محمد بن یوسف الایلاقی (۵۳۶ ق)، فریدالـدین عمر بن غیلاـن بلخی، عین الزمـان حسن قطان مروزی و ابوالفتح اسـعد بن محمد بن ابونصر المیهنی (م بعد از ۵۲۰ ق) را نام برد. لوکری در مرو درگذشت. از آثار وی: «بیان الحق بضـمان

الصدق»، که مهم‌ترین اثر وی است و از سخنان فارابی و ابوعلی سینا و حکیمان دیگر استفاده کرده است، شامل پنج بخش: ۱- منطق ۲- طبیعیات ۳- الهیات ۴- بخشی در ذکر مسائلی از علم ما بعد الطبیعه که در حکم اسرار است ۵- فصول منتخب از «رسالهٔ الاخلاق»، در پنج باب؛ قصیده‌ای، با شرح فارسی آن؛ «دیوان» شعر. صاحب «روضات الجنات» ضمن شرح حال بهمنیار، او را شاگرد لوکری می‌داند که به گفته‌ی «ریحانهٔ الادب» باید فرد دیگری باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۴ -۲۹۲ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۵ -۵۴)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۸۱ -۸۰)، الذریعه (۹۴۹ -۹۴۸/ ۹)، روضات الجنات (۱۵۵/ ۲)، ریحانه (۱۴۰ -۱۳۹/ ۵).

لؤلؤی سهمی بلخی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۲۳۰ ق)، حافظ، محدث و ادیب. معروف به ابن ابی‌یعقوب. اهل بلخ بود. در ۲۲۲ ق وارد بغداد شد و با حفاظ نشست و برخاست نمود و با ایشان مذاکره‌ی حدیث کرد. او قبل از ۲۳۰ ق به کوفه رفت و با ابوبکر بن ابی‌شیبه مجلسی داشت. وی از مالك بن انس و خارجهٔ بن مصعب و بشر بن سری و یحیی بن یمان و خالد بن عبدالرحمان مخزومی و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن ابی‌دنیا و فضل بن محمد زیدی و ابوعبداللّه حسین بن ابی‌احوص ثقفی و عبید اللّه بن احمد بن منصور کسائی رازی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۴۷ -۱۴۶/ ۵)، تاریخ بغداد (۲۳۶ -۲۳۴/ ۱)، تذکرهٔ الحفاظ (۴۲۶/ ۲)، سیر النبلاء (۴۴۹/ ۱۱)، لسان المیزان (۶۹۶ -۶۹۵/ ۵)، المنتظم (۵۲۰/ ۶)، میزان الاعتدال (۴۵۹/ ۳)، الوافی بالوفیات (۱۹۰ -۱۸۹/ ۲).

لیثی رازی، ابوحاتم احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۲ ق)، ادیب، لغوی و محدث اسماعیلی. در ناحیه‌ی پشاپویه در جنوب ری متولد شد. وی از دعوت کنندگان اسماعیلیه بود و احمد بن علی حاکم ری را به مذهب خود گرواند. پس از فتح ری، توسط سامانیان، ترك شهر کرد و به دیلم گریخت. پس از پیروی مرداویج بر اسفار، در حضور مرداویج با رازی فیلسوف مناظره کرد و آنگاه که نادرستی اظهاراتش معلوم شد، مغضوب و ناچار به فرار شد. در حین فرار، و یا در تبعید، در آذربایجان درگذشت. آثار وی: «اعلام النبوهٔ»؛ «الجامع»، در فقه؛ «الزینهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۱۹۷ -۱۹۳، ۱۴۳ -۱۴۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۱ -۱۰۲۰ /۸)، ری باستان (۲۸۰ ، ۵۸ /۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۵۴)، لسان المیزان (۲۴۷/ ۱).

ماجیلویه قمی، ابوعبدالله محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، عـالم امامی، فقیه و ادیب. از بزرگان علمای امامیه قم و عارف به ادب و شعر و جامع کمالات بود. وی از شاگردان و داماد احمـد بن ابی‌عبدالله محمد برقی (م ح ۲۸۰ ق) است که علم و ادب را از او فراگرفت. در فنـون شعر و ادب متبحر بود. شیخ صدوق با واسطه از وی روایت کرده است. از آثارش: تفسیر «حماسه‌ی ابی‌تمام»؛ «المشارب»؛ کتاب «الطب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۲/ ۹)، الذریعه (۳۰/ ۲۱)، رجال النجاشـی (۲۵۱/ ۲)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳/ ۵)، الکنی و الالقـاب (۱۳۰/ ۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۲۸).

مازندرانی، هادی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضـل جـامع، و محقق کامـل بوده، و کتب و رسائـل عدیـده تألیف نموده، که از آن جمله است: ۱ - ترجمه‌ی قرآن مجیـد، و شأن نزول و نیـک و بـد استخاره، و به مناسبت این ترجمه، او را آقـا هادی مترجم گوینـد ۲ - ترجمه‌ی صـحیفه‌ی کامله‌ی سـجاده ۳ - ترجمه‌ی شافیه ۴ - ترجمه‌ی کافیه‌ی ابن حاجب ۵ - ترجمه و شرح معالم الاصول ۶ - حاشیه‌ی عربی بر تفسیر بیضاوی ۷ - حاشیه‌ی مواریث قواعـد الاحکام علامه ۸ - حدود و دیات، فارسـی ۹ - شـرح بر فروع کافی ۱۰ - شـرح کافیه ۱۱ - شـرح تلخیص المفتاح، فارسی ۱۲ - شـرح شـافیه که به نام نواب حسـین علی خان تألیف شـده ۱۳ - شـرح نظام، به فارسـی ۱۴ - شـرح شمسیه ۱۵ - شرح صحیفه‌ی سـجادیه، به فارسی ۱۶ - شـرح قواعد علامه، و ممکن است همان حاشـیه باشد ۱۷ - رسـاله رضاعیه، که در ۱۱۰۷ تألیف شده ۱۸ - رساله‌ی رسم الخط ۱۹ - انوار البلاغـهٔ، در معانی بیان [مطبوع] ۲۰ - حاشیه‌ی فارسی بر تفسیر بیضاوی، ۲۱ - العوائد، در کلام؛ و غیره.

در سال ۱۱۲۰ وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی در کنار ایوانچه مدفون گردید، و بر قبرش صندوق چوبی نصب گردید.

ماده تاریخ وفات او [که میر عبدالعال نجات گفته] این است:

از پی سال رحلتش گفت آه

هادی و رهنمای ایمان رفت

در قصـص العلماء و رجال اصـفهان شـرحی راجع به سکته کردن و به هوش آمدنش در قبر، و نذر او جهت ترجمه‌ی قرآن نوشته، و نظیر این قضیه را جهت فضل بن حسن طبرسی و ملا فتح‌الله کاشانی نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مالک، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مالک ، فرزند میرزا اسماعیل در سال ۱۲۹۰ در محله پامنار تهران پا به عرصه وجود گذاشت . وی پس از مدت تحصیل ، دانشسرای عالی رفت و به تحقیق در متون نثر فارسی پرداخت ، آنگاه وارد مدرسه حقوق شد . مالکی با مرگ پدر ، ناچار وارد تشکیلات ارتش وارد شد، و در دانشگاه انگلیس دانشنامه انگلیسی را اخذ کرد . وی پس از به پایان بردن دوران تحصیل به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان انگلیسی ، فرانسه و آلمانی مشغول شد . استاد مالکی همواره در انجمن های ادبی حضوری فعال داشت و تا واپسین روزهای زندگی خویش ، جلسات قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد . او سرانجام در سال ۱۳۷۷ در تهران درگذشت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : علی اکبر مالک فرزند اسماعیل مستوفی حضور و نوه میرزا کاظم مستشیر الملک تهرانی و از اعقاب مالک اشتر سردار بزرگ و شجاع حضرت علی (ع)بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مالک پس از طی دوران دبستانی در دبستان ادب، وارد دارالفنون شد. سپس به دانشسرای عالی رفت و پس از تحقیق در متون نظم و نثر فارسی وارد مدرسه حقوق شد. با مرگ پدر در سال ۱۳۱۲ وارد تشکیلات ارتش شد و به فرا گیری زبان انگلیسی پرداخت ، او سرانجام دریافت دانشنامه زبان انگلیسی از دانشگاه انگلیس نائل آمد .

خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع دوران تحصیل علی اکبر مالک ، درگذشت پدرش بود ، که وی را مجبور ساخت وارد تشکیلات ارتش شود .

استادان و مربیان : علی اکبر مالک از محضر استادانی همچون: استاد جلال الدین همایی، استاد عباس اقبال آشتیانی، استاد نصرالله فلسفی و استاد محمد حسین فاضل تونی بهره برد.

زمان و علت فوت : علی اکبر مالک در اثر کهولت سن و بیماری طولانی در اواسط رجب ۱۴۱۹ ق مطابق با آبان ۱۳۷۷ ش در تهران به فوت کرد .

فعالیتهای آموزشی : علی اکبر مالک سالهای متمادی به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی اشتغال داشت و در سال ۱۳۳۹ ش بازنشسته گردید. شادروان مالک تا واپسین روزهای زندگی خویش، جلسات تفسیر قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از فعالیت های دوران زندگی علی اکبر مالک ، حضور مستمر او در مجالس ادبی بوداولین فرصتی امکان ارائه آثار وی را فراهم نمود . او تا واپسین روزهای زندگی خویش ، جلسات تفسیر قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد . ---

----

آثار :

۱ ابا عبدالله الحسین (ع)

۲ ترانه دل

ویژگی اثر : « ترانه دل » مجموعه اشعاری درباره حضرت علی (ع) می باشد .

۳ ترجمه منظوم چندسوره از قرآن مجید

۴ خاطرات اجتماعی و سیاسی

۵ دو نامه به امضای حضرت علی (ع)

۶ سفرنامه حج

۷ سلطان عشق

۸ سه راز مپرس

۹ سیری در سه وادی

ویژگی اثر : مجموعه اشعار

۱۰ کشکول عشق

ویژگی اثر : مجموعه اشعار

۱۱ کشور مقتدر اسلامی

۱۲ مجموعه ای شامل صحیفه حضرت زهرا (ع) ، حدیث کساء در ۲۴ بند ، و فدک به صورت نثر

۱۳ هفت شهر یا هفت وادی عرفان

۱۴ وادی عشق

ویژگی اثر : « « وادی عشق » اشعاری دربارهٔ مناظره و مراحل عرفانی می باشد.

۱۵ وقایع کربلا

منابع زندگینامه :

۱آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره پنجم ، شماره پیاپی ۵۳ ، آذر و دی ۱۳۷۷

مالک، هایده

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۴۵ ش)، نویسنده، مترجم و طبیب. پس از اتمام تحصیلات متوسطه و نیز اخذ لیسانس در رشته‌ی مامایی، وارد وزارت بهداری شد. وی در ضمن خدمت، به تحصیل ادامه داد و در دانشکده‌ی پزشکی پس از اتمام دوره، موفق به اخذ درجه‌ی دکترای طب شد. در ۱۳۴۵ ش به مقام استادی نایل گردید و پس از آن به فرانسه رفت. از آثارش: «تست‌های کلیوی»؛ «اختلال متابلیسم گلوسیدها»؛ «پاستور و میکروب‌شناسی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۵۸۲/ ۱)، کارنامه‌ی زنان (۲۳۶ -۲۳۵).

مالکی، توران دخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

توران دخت (تمدن) مالکی در سال ۱۳۱۹ به دنیا آمد . تحصیلاتش را در رشته ادبیات زبان انگلیسی دانشگاه تهران به پایان رسانید و از آن پس به کار ترجمه روی آورد . توران دخت (تمدن) مالکی تا کنون آثار متعددی به طبع و تالیف رسانده است .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : توران دخت مالکی پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه ، وارد دانشگاه تهران شد و دررشته زبان انگلیسی به تحصیلات خود ادامه داد.همسر و فرزندان : توران دخت تمدن مالکی با آقای مالکی ازدواج نمود و دارای سه فرزند می باشد.آثار : آوای ناقوس ها ویژگی اثر : اثر دروتی سیزل۲ با گرگها می رقصم ویژگی اثر : اثر مایکل بیکت۳ بیا با هم شادی را جست و جو کنیم ویژگی اثر : اثر پنه لوپ راشپیوف۴ تب درمانی یا قدرت معجزه آفرین ویژگی اثر : اثر نورنی یمپل۵ جنگ علیه زنان ویژگی اثر : اثر مارلین فریج۶ زندگی با عشق چه زیباست ویژگی اثر : اثر لئو بوسکالیا۷ عشق درمان و معجزه ویژگی اثر : اثر دکتر برنی اس سیکل۸ قدرت زن و بچه های طلاق ویژگی اثر : اثر آن دیکینسون۹ هنر مبارزه با ترس ویژگی اثر : اثر سوزان جفرسن

منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، گردآورنده پوران فرخزاد ،ج۲ ، ص ۱۶۷۶

مامقانی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ -۱۲۹۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، رجالی، محدث و ادیب. معروف به علامه مامقانی و فاضل مامقانی. از بزرگان علمای امامیه و حاوی فروع و اصول بود. اصلش از مامقان آذربایجان است. در نجف به دنیا آمد. در پنج سالگی شروع به فراگیری قرآن کرد. صرف و نحو و مقدمات و سطوح فقه و اصول را در محضر پدرش و شیخ هاشم ارونقی ملکی و شیخ غلامحسین دربندی و شیخ حسن میرزا (م ۱۳۱۳ ق) فراگرفت تا در فقه و اصول سرآمد شد. در ۱۳۰۸ ق به حوزه‌ی درس اصول استدلالی و در ۱۳۰۹ ق به حوزه‌ی درس فقه استدلالی پدر بزرگوارش راه یافت و «تقریرات» هر دو درس خارج را نگاشت. قوه‌ی استنباط و اجتهاد وی بارها از طرف پدرش تأیید شد و او را به دریافت اجازه مفتخر کرد. آن گاه وی خود به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری بر گردش جمع شدند. او از پدرش روایت کرده و شیخ محمد حرز نیز از وی روایت کرده است. او مرجع تقلید بسیاری از مردم آذربایجان بود. در نجف درگذشت و در کنار پدرش، در مقبره‌ی خانوادگی در منزلشان، دفن گردید. از آثارش: «اجابهٔ السئوال»؛ «ارشاد المستبصرین»؛ «ازاحهٔ الوسوسهٔ»؛ «تحفهٔ الصفوهٔ»؛ «تحفهٔ الخیرهٔ»؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال»، در سه مجلد بزرگ، که مشهورترین و مهم‌ترین تألیف اوست؛ جوابات «المسائل البصریهٔ»؛ جوابات «المسائل البغدادیهٔ»؛ حاشیه بر «العروهٔ الوثقی»؛ «الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود»؛ «مرآهٔ الکمال فی الآداب و السنن» و ترجمه‌ی فارسی آن؛ «سراج الشیعهٔ فی آداب الشریعهٔ»؛ «الفوائد الطبیهٔ»؛ «کشف الاستار فی تکلیف الکفار بالفروغ»؛ «هدایهٔ الانام فی حکم مال الامام»؛ «مجمع الدرر» معروف به «اثنی عشریه»؛ «مناهج الیقین»؛ «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الاسلام»؛ «مقباس الهدایهٔ فی علم الدرایهٔ»؛ «مطارح الافهام فی مبانی الاحکام».[۱]

عبداللّه بن العلامهٔ الکبری حاج شیخ محمدحسن از اکابر و فحول علماء امامیه و عالمی عامل و فقیهی کامل محدثی رجالی و ادیبی اریب حاوی فروع و اصول و دارای کمالات نفسانیه و اخلاق فاضله و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بوده و گوی سبقت از افاضل

وقت ربوده و در بعضی از علوم غریبه نیز حظی داشته است.

آن جناب در ربیع‌الاول ۱۲۹۰ قمری در نجف متولد و در ۱۶ شوال ۱۳۵۱ قمری در جوار علی (ع) به رحمت حق پیوسته در مقبره والدش که دارای گنبد و قبه عالی است مدفون گردیده است.

تالیفات و آثار علمی معظم‌له از اینقرار است.

۱- ارشاد المستبصرین ۲- تحفهٔ الخیره ۳- تحفهٔ الصفوهٔ فی الحیوهٔ ۴- تنقیح المقال فی احوال الرجال ۵- الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود ۶- سراج‌الشیعه ۷- السیف البتار ۸- مرآت الرشاد ۹- مرآت الکمال ۱۰- مطارح الافهام ۱۱- مقباس الهدایه ۱۲- مناهج المتقین ۱۳- منتهی مقاصد الانام ۱۴- نتایج التنقیح ۱۵- نهایهٔ المقال و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۷۳/ ۲۵ ،۱۵۹/ ۲۳ ،۳۴۹، ۱۸/ ۲۲ ،۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۶، ۲۸۴- ۲۸۳، ۲۷۲، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۷/ ۲۰ ،۳۶، ۱۲- ۱۱ / ۱۸ ،۱۶۱/ ۱۷ ،۳۴۶، ۲۲، ۱۳/ ۱۶ ،۲۸۶، ۱۵۷/ ۱۲ ،۱۳۷، ۷۸- ۷۷/ ۸ ،۱۴۹/ ۶ ،۲۱۶، ۲۱۵/ ۵ ،۴۶۷- ۴۶۶/ ۴ ،۴۴۷، ۴۳۲/ ۳ ، ۵۲۸ ، ۵۲۰ ، ۱۲۰ ،۱۱۸/ ۱)، ریحانه (۱۵۹ -۱۵۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۹۹ -۱۱۹۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۵۹ -۱۵۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۴/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۶ -۱۱۴۵/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۱۶/ ۶).

مامقانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، لغوی و ادیب. در مامقان آذربایجان به دنیا آمد و در کربلا نشو و نما یافت و در نجف ساکن گردید. در محضر ملا علی خلیلی و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء تلمذ نمود. پس از درگذشت سید حسین کوه کمری به تدریس و تصنیف پرداخت. وی در صحن حیدری به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. پس از وفات میرزای شیرازی در ۱۳۱۲ ق مرجعیت مردم آذربایجان را در امور مذهبی عهده‌دار شد. مامقانی در نهایت پرهیزکاری زندگی می‌کرد و عملا مروج دین بود. فرزندش، شیخ عبدالله، و شیخ ابراهیم سلیمانی و سید مصطفی نخجوانی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و شیخ محمد علی گنجی و سید علی نخجوانی و میرزا فرج‌الله تبریزی و سید میرزا ابوالحسن تبریزی از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود به خاک سپرده شد. از آثارش: «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول»، در هشت مجلد؛ «ذرائع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام»؛ «غایهٔ الآمال»، در شرح «المکاسب» شیخ انصاری؛ «اصالهٔ البرائهٔ»؛ «الرسالهٔ العملیهٔ».[۱]

محمدحسن بن ملا عبدالله بن محمدباقر مامقانی الاصل از متبحرین علماء امامیه و از اعاظم فقهاء عصر و اکابر مراجع تقلید متولد ۱۲۳۸ و متوفی ۲۹ محرم ۱۳۲۳ قمری عالمی ربانی و فقیه کامل صمدانی از شاگردان بزرگ علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و بعض اکابر دیگر و صاحب تألیفات عدیده بنام ۱- بشری الوصول الی اسرار علم الاصول ۸ مجلد ۲- ذرایع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام ۳- غایهٔ الامال حاشیه بر مکاسب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۲۴/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۵۱ -۱۵۰/ ۵)، الذریعه (۴۰۸/ ۲۴ ،۵/ ۱۶ ،۲۱۴/ ۱۱ ،۲۴/ ۱۰ ،۱۲۱ -۱۲۰/ ۳ ، ۱۱۴/ ۲)، ریحانه (۱۶۰ -۱۵۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۱ -۴۰۹/ ۱۴)، علماء معاصرین (۸۳ -۸۰)، الکنی و الالقاب (۱۳۴ -

۱۳۳/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۹۸ -۱۹۷/ ۹)، مکارم الآثار (۱۰۵۸ -۱۰۵۶/ ۴).

ماه شرف

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز حدود ۱۲۳۴ ق، از زنان فاضل و ادیب. وی عمه شیخ محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق) و شیخ محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) بود که به ام‌کلثوم دختر شیخ محمدتقی برغانی فقه و اصول و ادبیات عرب آموخت. ماه شرف همچنین مورد تقرب تاج‌الدوله همسر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) قرار داشت و مراسلات او را تحریر و انشاء می‌کرد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات). ۶۸ / ۲؛ خیرات حسان، ۱۴۲ / ۲.

ماهابادی، افضل‌الدین حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. در ادب سرآمد بود و در فقه، صالحی مورد اعتماد و متبحر. وی از مشایخ شیخ منتجب‌الدین بود و شیخ منتجب‌الدین تمام تألیفات و تصنیفات او را روایت می‌کند و بنا بر نقلی افضل‌الدین حسن بن قادر (وفادار) قمی واسطه‌ی این روایت است. از آثارش: «الاعراب»؛ «شرح النهج»، شرح «نهج‌البلاغه»؛ «شرح الشهاب»؛ کتابی در «رد التنجیم»؛ «شرح اللمع»؛ «دیوان النثر»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۶۰/ ۵)، الذریعه (۱۲۳، ۴۷/ ۱۴، ۳۴۳/ ۱۳، ۱۱۷۰، ۲۳۹/ ۹، ۲۳۴ -۲۳۳/ ۲)، روضات الجنات (۲۶۱ - ۲۶۰/ ۲)، ریاض العلماء (۲۲۲ -۲۲۱/ ۱)، ریحانه (۱۶۲ -۱۶۱/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲ -۶۱/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۵۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن ماهابادی).

ماهیار نوابی، یحیی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : یحیی ماهیار نوابی در دهم دی ماه سال ۱۲۹۱ شمسی در شیراز متولد شد. پس از گذراندن دوره ی ابتدایی ، وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و توانست تا مقطع دکترا تحصیل نماید. بعد از آن در سال ۱۳۲۷ با سمت دانشیاری در دانشگاه تبریز مشغول به کار شد. استاد پس از دوسال برای فراگرفتن زبان های کهن ایرانی به مدرسه زبان های شرقی دانشگاه لندن (SOAS) رفت و در سال های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ نزد پرفسور « هنینگ» به فراگیری زبان های قدیمی ایران مانند : پهلوی ، اوستایی و

پارسـی باسـتان پرداخت و یـک سـال نیز در دانشـگاه گوتینگی آلمـان ، زبان های ترکی کهن را فراگرفت. وی پس از بازگشت به کشور ، ریاست دانشـکده ادبیات تبریز را به عهـده گرفت و نیز به تـدریس زبان های کهن ایران پرداخت. او مدتی نیز جهت تحقیق به آمریکا سفر نمود و پس از بازگشت در دانشگاه تهران به کار تدریس ادامه داد. استاد نوابی در سال ۱۳۵۲ به عنوان مشاور رئیس دانشـگاه شـیراز رهسپار زادگاه خود شد و همچنین ریاست مؤسسه ی آسیایی را تا سال ۱۳۵۸ به عهـده گرفت. او پس از انقلاب به تهران بـازگشت و فعـالیت هـای فرهنگی و ادبی خـود را پی گرفت. اسـتاد ماهیـار نوابی در ۱۱ مهر مـاه سال ۱۳۷۹ در کشـور سوئد بدرود زندگی گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

والـدین و انساب : یحیی ماهیار نوابی در خانواده ای سرشـناس در شـیراز زاده شـد. مادر وی از خاندان وصال شـیرازی بود ، و بدین سبب نسب به وقار شیرازی ، ارشد اولاد وصال می رساند.

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : یحیی ماهیار نوابی ، دوران ابتدایی را در زادگاه خویش و دوره ی دبیرستان را در دارالفنون و کالج آمریکایی تهران گذرانـد. پس از اخـذ درجه ی دوم لیسانس از دانشـکده ادبیات دانشـگاه تهران و گذرانـدن خـدمت نظام ، جهت تحصـیل در مقطع دکترا به دانشـگاه تهران رفت. اسـتاد پس از دو سال برای فراگرفتن زبان های کهن ایرانی به مـدرسه ی زبان های شرقی دانشگاه لندن (SOAS) رفت و در سـال های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ نزد پروفسور " هنینـگ " به فراگیری زبان های قـدیمی ایران ، مانند پهلوی ، اوستایی و پارسی باستان پرداخت و یک سال نیز در دانشگاه گوتینگی آلمان ، زبان های ترکی کهن را فراگرفت.

استادان و مربیان : یحیی ماهیار نوابی همواره نام پرفسور هنینگ را با احترام بر زبان می آورد و اولین تحقیقات و نوشته های خود را در زمینه ی زبان های باستانی ایران ، به وی تقدیم داشته است.

وقایع میانسالی : در بیستم خرداد ماه سال ۱۳۴۱ به مناسبت عزیمت یحیی ماهیار نوابی از تبریز ، مجلس وداعی تدارک دیده شد که به طور خودجوش از سوی دانشـجویان و انجمن ادبی دانشکده و همکاران علمی ایشان شکل گرفت و با برنامه ریزی در روز بیست و هفتم خرداد ماه جمع دوستداران و مشتاقان استاد و جمع کثیری از دانشجویان ، مراسم باشکوهی در دانشکده ادبیات ترتیب دادند که در آن مجلس ، معاریف و دانشـمندان و شاعران آذربایجان چون نخجوانی ها ، استاد شهریار ، مفتون امینی ، بی ریای گیلانی و بسیاری دیگر در آن حضور یافتنـد و هریک به زبانی و به طریقی از خـدمات اسـتاد یاد کرده و شاعران به یاد دوران خـدمت وی و تأسف از عزیمت او ، سروده ها و اشعار زیبایی قرائت کردند. همکاران علمی استاد و تعدادی از دانشجویان هم هر یک به فراخور ، مطالبی بیان کردنـد و یا اشـعاری خواندنـد که جریان این بزرگداشت به یادماندنی ، در دفتر « وداع با اسـتاد ماهیار » از سوی انجمن ادبی دانشـکده چاپ و منتشـر گردید. چکامه ای که اسـتاد شـهریار در آن روز و به مناسبت سفر استاد در ۱۲ بیت با عنوان « اشـک وداع » سـروده بود ، سـرشار از احساسـات و تعلق خاطر آن شاعر بزرگ نسبت به اسـتاد نوابی بود. چنـد بیت آغازین آن چنین بود: طوطی ، غمین نشسـته که قناد می رود شیرین دلش گرفته که فرهاد می رود چرخد زمانه که یاد عزیان مکن ولی عمر عزیز هم مگر از یاد می رود؟ اسـتاد « ماهیار » ز تبریز بسته بار شاگرد دل شکسته که استاد می رود شاعر دیگری که در این باره سروده ی خود را در ۲۰ بیت خواند ، آقای بی ریای گیلانی بود که مطلع شعر وی این است: بنگر ای دل حاصل مهر و وفای خویشـتن تا نبندی رشته الفت به پای خویشـتن شـعر سروده شده ی آقای مفتون امینی در این مجلس بسیار شنیدنی است : دل می تپد به سینه که جانان وداع کرد خود راست گویی از تن ما جان وداع کرد... استاد ماهیار که فرزانه پیر ماست با مکتب جنون جوانان وداع کرد .... البته در روز دوشـنبه بیست و یکم خرداد ماه نیز که روز عزیمت اسـتاد از شـیراز بود ، مراسـمی باشـکوه در فرودگاه شـهر شـیراز از سوی انجمن ورزشـی دانشـکده که اسـتاد به آن علاقه وافری داشت و همواره در تقویت روحیه ی ورزشکاران کوشش می نمود ترتیب یافت که

در آنجا هم سخنرانی هایی ایراد شد و اشعاری خوانده شد . شعر بلند استاد دکتر امیرخانی در فرودگاه با این بیت آغاز شد : دردا که از دیار وطن « ماهیار » رفت آن شهسوار مهر و وفا زین دیار رفت...

زمان و علت فوت : یحیی ماهیار نوابی در یازدهم مهر ماه سال ۱۳۷۹ ، به دور از وطن و هنگامی که برای دیدار دخترش « میترا » به سوئد سفر کرده بود ،در حالی که همراه فرزند عازم منزل بود ، در اثر ایست قلبی بدرود زندگی گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یحیی ماهیار نوابی جهت ادامه ی تحصیل مدتی به خارج از کشور رهسپار گردید. وی پس از بازگشت به کشور ، ریاست دانشکده ادبیات تبریز را بر عهده گرفت و پس از بازگشت از آمریکا نیز تا سال ۱۹۶۰ همچنان ریاست دانشکده ادبیات تبریز را عهده دار بود. پس از آن، نوابی دو سال و نیم به عنوان رایزن فرهنگی در پاکستان به فعالیت پرداخت. و با پایان یافتن مأموریت استاد در پاکستان ، کار تدریس را در گروه فرهنگ و زبان های باستانی ایران دانشگاه تهران آغاز کرد و پس از چندی به ریاست آن گروه انتخاب شد و به مدت چهار سال در این مقام بود. استاد سرانجام در سال ۱۳۵۲ خود را بازنشسته کرد و بعد از آن به عنوان مشاور رئیس دانشگاه شیراز رهسپار زادگاه خود شد و ریاست مؤسسه ی آسیایی را نیز تا سال ۱۳۵۸ عهده دار شد.

فعالیتهای آموزشی : یحیی ماهیار نوابی پس از به پایان بردن تحصیلات دانشگاهی و اخذ مدرک دکترا ، در سال ۱۳۲۷ با سمت دانشیاری در دانشگاه تبریز مشغول به کار شد ، و به تدریس زبان های کهن ایران پرداخت. استاد در سال ۱۹۵۷ جهت برخی مطالعات به آمریکا سفر نمود ، وی مدتی نیز به عنوان رایزن فرهنگی در کشور پاکستان سپری نمود و پس از بازگشت ، با سمت استادی زبان های باستانی ایران در دانشگاه تهران به کار تدریس ادامه داد. تدریس در مؤسسه ی آسیایی از دیگر فعالیت های آموزشی ایشان بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یحیی ماهیار نوابی در مؤسسه ی آسیایی ، دوره ی کارشناسی ارشد زبان و تاریخ و فرهنگ ایران را تأسیس کرد. وی با حمایت دکتر مهر ، گروهی از فضلای نامدار ایران را برای تدریس تمام وقت و نیمه وقت در مؤسسه ی آسیایی به شیراز دعوت کرد که برخی چون استاد احمد افشار شیرازی ، دکتر محمود طاووسی ، دکتر علی حضوری و ریچارد فرای به طور تمام وقت و برخی چون استاد تاجبخش ، دکتر فره وش و بدرالزمان قریب به طور نیمه وقت با آن مؤسسه همکاری می کردند و از دانشگاه شیراز استادانی همچون دکتر نورانی وصال و دکتر جعفر مؤید شیرازی در آن مؤسسه به تدریس اشتغال داشتند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یحیی ماهیار نوابی در سال ۱۹۵۷ برای تحقیق در نحوه ی مدیریت دانشگاه های آمریکا به مدت یک سال به دانشگاه های کلمبیا و مینیاپلیس اعزام شد. وی افزون بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی همواره حضوری فعال و درخور در مجامع علمی گوناگون داخلی و خارجی داشت و در مراکز و انجمن های متعددی از قبیل: انجمن فرهنگ ارتش ، فرهنگستان زبان ایران (عضویت پیوسته تا انقلاب اسلامی) ، انجمن مجموعه سنگ نبشته های ایرانی ، انجمن پژوهش های مهری ، کنگره تحقیقات ایرانی و انجمن پژوهش های درسی ، مشارکتی فعال و ثمربخش داشت. از استاد علاوه بر دهها مقاله ی وزین و ارزشمند ، کتاب های متعددی نیز به صورت تألیف و ترجمه به یادگار مانده است.

آثار :

۱ بند هش ایرانی

ویژگی اثر : پیش از چاپ گنجینه ی دستنویس های پهلوی و پژوهش های ایرانی ، استاد نوابی ، چاپی عکسی نیز از نسخه ی شماره ی یک تهمورس دینشاه از دستنویس « بندهش ایرانی » که در نزد ایران شناسان به TD ۱ شهرت دارد ، با مقدمه ای مفصل درباره ی آن به چاپ رسانیده بود.

۲ دیوان وقار شیرازی

ویژگی اثر : استاد پس از نگارش مجموعه مقاله هایی درباره ی خاندان وصال شیرازی و نیز به سبب نسبتی که با وقار ، ارشد فرزندان وصال شیرازی داشت و چون شعرهای وقار را بیش از دیگر اعضای شاعر آن خاندان می پسندید ، از این رو به فکر تصحیح و چاپ دیوان وی برآمد و جلد اول از این دیوان را که دربردارنده ی ۲۱۵ قصیده (از «الف» تا «ر») از شاعر است ، با دیباچه ای در معرفی خود شاعر و نسخه ی خطی دیوان او و توضیحاتی درباره ی اشعار وی در ۴۳۰ صفحه چاپ نمود.

۳ کتاب شناسی ایران

ویژگی اثر : فهرستی از مقالات و کتاب هایی که به زبان های اروپایی درباره ی ایران به چاپ رسیده است. استاد در مقدمه ی جلد اول از کتاب ده جلدی کتاب شناسی ایران نوشته اند : «... گردآوری این فهرست را در سال های ۱۳۲۸ – ۱۳۳۰ ، که در لندن و گتینگن بودم و به آموختن زبان های ایرانی میانه و کهن ، و پژوهش در فرهنگ ایران پیش از اسلام می پرداختم ، آغاز کردم ... » کتاب از ارزش ویژه ای برخوردار است ، پیش از آن هیچ منبع مؤثقی برای دست یافتن به آنچه دیگران درباره ی ایران نوشته اند ، به طور یک جا وجود نداشت. استاد نوابی تقریبا مدت پنجاه سال از عمر خود را بر سر این کار گذاشت که حاصل آن به صورت یک مجموعه ی ده جلدی درآمد. جلد اول این کتاب در بردارنده ی این موضوعات است : مطالعات در زمینه ی اوستا ، مانی و مانویت ، فارسی باستان ، پهلوی (ساسانی و اشکانی) ، پارسیان هند ، زرتشت گرایی. جلد دوم کتاب شناسی ایران ، شامل زبان ، ادبیات ، شعر و شاعران ایران است که دیگران درباره ی آن تحقیق و قلمفرسایی کرده اند. جلد سوم کتاب شناسی ایران ، دربردارنده ی فهرست مقالات و کتاب های دیگران درباره ی : باستان شناسی ، معماری ، هنر (شامل فرش و قالی) و سکه است. جلد چهارم کتاب شناسی ایران ، شامل سفرنامه هاست. جلد پنجم کتاب شناسی ایران ، شامل : اساطیر و روابط خارجی (سیاسی نظامی) است. جلد ششم کتاب شناسی ایران ، شامل : دین و فلسفه و دانش است. جلد هفتم کتاب شناسی ایران ، شامل : زبان شناسی زبان های ایران باستان : مادی ، اوستایی ، فارسی باستان ، زبان های ایرانی میانه ، زبان های غیرایرانی رایج در ایران ، زبان های ایرانی نو و گویشهای گوناگون ایرانی دیگر است. جلد هشتم کتاب شناسی ایران ، شامل : جغرافیا ، نقشه ها ، ایالات و شهرهای ایران ، زیست شناسی ، جانور شناسی ، جامعه شناسی ... فولکور شهرهای مختلف ایران و ... است. جلد نهم کتاب شناسی ایران ، شامل : کشاورزی ، تمدن ، ارتباطات ، اقتصاد ، فرهنگ ، سیاست و ... است.

۴ گنجینه ی دستنویس های پهلوی و پژوهش های ایرانی

ویژگی اثر : شامل ۵۷ جلد. این مجموعه به جز شماره های ۳۹ ، ۵۰ و ۵۱ که اولی و سومی (۳۹و۵۱) مجموعه مقالات پروفسور فرای و شماره ی ۵۰ تعدادی از مقالات استاد نوابی است ، بقیه چاپ عکسی است از نسخ موجود در کتابخانه های هند و زبان اوستایی و پهلوی که اغلب آنها برای نخستین بار چاپ و به جامعه ی علمی جهان عرضه گردیده اند. این مجموعه که در قطع ها و اندازه های متفاوتی ـ به اندازه ی اصل نسخه ی خطی ـ عکسبرداری شده ، حدود پانزده هزار صفحه می باشد.

۵ متن های پهلوی

ویژگی اثر : در راستای چاپ عکسی نسخه های پهلوی ، کتاب متن های پهلوی گردآورده ی دستور جاماسب جی ، منوچهر جی جاماسب آسا با مقدمه ی « بهرام گور انکساریا » را استاد با کسب اجازه از انکساریا و نوشتن مقاله به زبان انگلیسی به چاپ رسانید.

۶ مجموعه مقالات پروفسور بیلی

ویژگی اثر : استاد نوابی اعتقادی فراوان به پرفسور « سرهارلد بیلی » زبان شناس و ایران شناس بزرگ معاصر انگلیسی داشت. در هر سفری که به اروپا می داشت ، دیداری از وی می نمود. با کسب اجازه از استاد بیلی ، قرار شد که همه ی کوته نوشته های ایشان را فراهم آورده و به چاپ برساند که دو جلد از آن مقالات ، مجموعاً شامل ۷۳ مقاله که نوشته های بیلی تا سال ۱۹۵۲ م. بود ، با

مقدمه ای از استاد نوابی در سال ۱۹۸۱ م. در شیراز منتشر شد و قرار بود که مجلدات بعدی را نیز به همین ترتیب نشر دهد که مشکلات چاپ و کاغذ و موارد دیگر این فرصت را به استاد نداد.

۷ منظومه درخت آسوریک

ویژگی اثر : متن پهلوی ، آوانوشت ، ترجمه ی فارسی ، فهرست واژه ها و یادداشت ها. این کتاب دربردارنده ی موضوعات زیر می باشد: الف) مقدمه ی استاد ، درباره ی این متن پهلوی و تحقیقات و چاپ هایی که دیگران از این متن نموده اند ، با ارجاعات مربوط. ب) مقاله ی شعری به زبان پهلوی ، از پرفسور و.ب.هنینگ ، به ترجمه ی استاد نوابی. ج) منظومه ی پهلوی درخت آسوریک از روی نسخه ی جاماسب آسانا. د) متن پهلوی ،آوانویسی لاتین و ترجمه ی فارسی آن ، همراه با زیرنویس های مفصل در توضیح متن و واژگان متن.

۸ یادگار زریران

ویژگی اثر : این کتاب که یکی از آثار کهن فارسی میانه است و به نظر دانشمندان ، اصلاً به زبان اشکانی بوده و سپس به فارسی میانه بازنویسی شده ، شاید اولین تعزیه و یا نمایشنامه ایرانی باشد که برای ما باقی مانده است. کتاب شامل پیشگفتاری است درباره ی متن ، پس ، متن پهلوی آن آمده و سپس ترجمه ی متن یادگار به زبان فارسی صورت پذیرفته و با آنچه در شاهنامه آمده مورد سنجش قرار گرفته و یادداشت های لازم برای آن تهیه و در پایان بخش منظوم آن آوانویسی و درج گردیده و واژه نامه کتاب به طور کامل فراهم و چاپ شده است.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ماهیار، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس ماهیار در سال ۱۳۱۶ در شهر ستان عجب شیر درنزدیکی تبریز متولد گردید . وی تحصیلات عالی را در رشته زبان وادبیات فارسی تا مقطع دکتری در دانشگاه تهران دنبال کرد. وی پیش از پیروزی انقلاب به عنوان پژوهشگر و مدیریت پژوهشگاه واژه های فارسی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول به کار بود. وهمچنین پس از پیروزی انقلاب نیز پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان مسئول پژوهشهای اسلامی مربوط به حدیث و در سمت مدیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی به فعالیت های علمی خود ادامه داد. دکتر عباس ماهیار درسال ۱۳۷۹ بدلیل بیماری شد و بازنشسته کرد. پس از آن به دعوت دانشگاه های تهران به تدریس پرداخت . وی حدود ۱۳ کتاب و بیش از ۳۰ مقاله که عمدتا درباره خاقانی شاعر است ، تالیف نموده است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عباس ماهیار دوران کودکی و تحصیل تا دیپلم خود را در تبریز گذراند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس ماهیار پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی و دبیرستان در تبریز در سال ۱۳۳۵ در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه تبریز شد . وی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران دنبال کرد .

خاطرات و وقایع تحصیل : عباس ماهیار در دوره کارشناسی در دانشگاه تبریز از میان رشته فلسفه و ادبیات ، ادبیات را برگزید و

بتدریج به افکار خاقانی نزدیک شد .

همسر و فرزندان : عباس ماهیار دو فرزند پسر دارد که یکی از آنها پزشک متخصص ارتوپد و دیگری مهندس مایکروسافت در شبکه می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباس ماهیار همچنین پس از دریافت دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران به تدریس در مدرسه عالی پرداخت .همچنین در سال ۱۳۵۳ به عنوان پژوهشگر در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول به کار شدو پس از چند سال مدیریت پژوهشگاه واژه های فارسی را بعهده گرفت . دکتر ماهیار چند سالی نیزدر پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی ،مسئول پژوهشهای اسلامی مربوط به حدیث بود .بعد از انقلاب با شورایی شدن امور ، اعضای هیات علمی و کارکنان فرهنگستان او را به عنوان مدیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب کردند.

فعالیتهای آموزشی : عباس ماهیار پس از اخذ مدرک لیسانس به سبب علاقه بسیار به شغل معلمی به تدریس در مدارس مشغول شد .در سال ۱۳۶۲ با بازگشایی دانشگاهها به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد.تا اینکه در سال ۱۳۷۹بازنشسته شد .اما باز هم به دعوت دانشگاه تربیت معلم به تدریس پرداخت و علاوه بر آن دانشگاه در دانشگاه کرج و دانشگاه آزاد اسلامی به فعالیت مشغول است.

شاگردان : اکثر دانشجویان رشته ادبیات فارسی که بین سالهای ۱۳۷۹-۱۳۶۲ در دانشگاه تربیت معلم و برخی از دانشجویان این رشته درسالهای بعد از آن که در دانشگاه های کرج و دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می کردند از شاگردان عباس ماهیار به شمار می روند.

آرا و گرایشهای خاص : عباس ماهیار علاقه بسیاری به خاقانی شروانی شاعر دارد وبیشتر پژوهش های وی درباره خاقانی می باشد .

آثار :

۱ بررسی دیوان اثیر الدین اخسیکتی

ویژگی اثر : این اثر پایا ن نامه دکترای عباس ماهیار بوده است.

۲ ثری تا ثریا

ویژگی اثر : کتاب هفت جلدی است که جلد اول آن منتشر شد . جلد سوم آن به نا م نسیم صبح نام دارد.

۳ خار خار بند و زندان

۴ سیمای شیر یزدان در حدیقه الحقیقه

۵ عروض فارسی وقافیه

۶ گزیده خاقانی

۷ مرجع شناسی و روش تحقیق

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، گردآورنده پوران فرخزاد ،ج۲ ، ص ۱۶۷۶۲ماهیار ،طبقه پژوهشگر شرمنده خانواده است، فرهنگ پژوهشی،شماره ۱۱۲،سال ۱۳۸۲

مایلی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی مایلی در ۸ آذر ۱۳۰۵ متولد گردید. وی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (وکس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود. مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت. محمدتقی مایلی پس از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادرات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است : معاونت کتابخانه دانشکده ادبیات ، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر ، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دائره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت. استاد محمدتقی مایلی در ۲۳ مرداد سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی مایلی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (وکس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود.همسر و فرزندان : از محمدتقی مایلی یک دختر به نام هندو و یک پسر به نام مسیح باقی مانده که هر دو مشغول تحصیل اند.زمان و علت فوت : محمدتقی مایلی در ۲۳ مرداد سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی مایلی پس از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادرات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است : معاونت کتابخانه دانشکده ادبیات ، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر ، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دائره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت.فعالیتهای آموزشی : محمدتقی مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدتقی مایلی خط بسیار زیبایی داشت ، او در ایام جوانی از استاد شریفی تعلیم خط گرفته بود. آثار : اصول تربیت مربی ، بیابان های جهان ، پزشکان بزرگ

مترجم همایونی فره‌وشی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، از فرهنگیان قدیمی، سال‌ها در اصفهان و طهران مصدر خدمات بوده، به زبان عربی و فرانسه و انگلیسی تسلط داشته، کتب زیادی ترجمه نموده، و بسیاری از آنها را به طبع رسانیده است، و از آن جمله است: ۱ - ایرانی که من شناخته‌ام، تألیف

نیکیتین ۲ – باستان نامه، مجموعه‌ی داستان‌های تاریخی و باستانی ۴ – سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری، فارسی ترجمه ۵ – ترجمه‌ی سفرنامه‌ی مادام دیولافوا، مطبوع؛ و غیره.

در شعبان ۱۳۸۸ در طهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

متطبب اصفهانی، غیاث بن محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشهور به مجلدی، مؤلف کتاب مرآت الصحهٔ در طب، به زبان فارسی که جهت بایزید خان عثمانی در سال ۸۹۶ هجری تألیف شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

متکلم نیشابوری، تاج‌الدین حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۱ ق)، ادیب، صوفی و شاعر. مشهور به حسن متکلم. منشأ او نیشابور و محل تربیتش هرات بود. علوم ادبی و شعر را در آن شهر نزد مولانا مظفر هروی فراگرفت. وی از شعرای معروف خاندان کرت و از شاعران مدیح‌سرای دربار ملک غیاث‌الدین (۷۲۹ – ۷۰۷ ق) به شمار می‌رفت. او معاصر فرزندان ملک غیاث‌الدین یعنی ملک شمس‌الدین، ملک حافظ و ملک معزالدین نیز بود. چندی هم نزد شیخ زین‌الدین تایبادی بر طریق تصوف تلاش و مجاهده کرد. شیخ زین‌الدین در مورد وی گفته که مولانا حسن، موضع تجلی و محل ظهور اسم متکلم است؛ و لذا حسن به متکلم شهرت یافت. او در صنایع و بدایع شعری مهارت داشت. در نیشابور درگذشت و قبرش در حوالی مزار شیخ فریدالدین عطار است. بنا به آورده‌ی «الذریعه»، در «شاهد صادق» مرگ وی ۷۷۱ ق ذکر شده است. از آثارش: رساله در «صنایع بدیع»، به اسم ملک غیاث‌الدین؛ «دیوان شعر، در حدود چهار هزار بیت. در برخی تذکره‌ها قصایدی به وی نسبت داده شده که بیانگر انتساب او به آل سامان است، گرچه صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» این انتساب را صحیح نمی‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۵۱ –۸۴۴/ ۳)، تذکرهٔ الشعراء (۳۰۲ –۳۰۱)، الذریعه (۹۵۷، ۲۴۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۰)، مجمع الفصحا (۲۶ –۲۵/ ۴).

متین دفتری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ –۱۲۷۵ ق)، حقوقدان، نویسنده و مترجم. نام پدرش در بعضی مآخذ محمودخان و در بعضی محمدحسین ذکر شده است، در حالی که محمدحسین نام جد وی می‌باشد. متین در تهران به دنیا آمد. در شش سالگی به لقب سابق پدرش، اعتضاد لشکر، و به گفته خویش اعتضاد خاقان، ملقب شد و شغل پدر را که همان لشکرنویسی بود اختیار نمود. او بعدها ملقب به متین‌الدوله گردید. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی آلمانی تهران به پایان برد و زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی را آموخت. سپس به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. متین دفتری، در ۱۳۰۵ ش، به وزارت دادگستری وارد شد و پس از چندی به اروپا رفت و موفق به دریافت درجه‌ی دکترای حقوق گردید. وی در ۱۳۱۸ ش نخست وزیر شد. او چند دوره سناتور و در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورا نماینده‌ی مردم مشکین‌شهر بود. از آثارش: «آیین دادرسی مدنی و بازرگانی»، در سه مجلد؛ «روابط بین‌المللی از قدیم‌الایام تا سازمان ملل متحد»؛ «تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل»، ترجمه؛ «سیاست جزایی»، فارسی و فرانسه؛ «احکام تفصیلی هیئتهای عمومی دیوان کشور»؛ «انجمن آثار ملی ایران»، ترجمه؛ «دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور»؛ «رویه‌ی قضایی»، در چهار بخش؛ «کلید استقلال اقتصادی ایران».[۱]

استاد ممتاز دانشگاه، حقوقدان و محقق بین‌المللی، سیاستمدار، فرزند محمود دفتری (عین‌الممالک) فرزند میرزا حسین وزیر دفتر فرزند میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر فرزند میرزا حسین آشتیانی فرزند میرزا کاظم مستوفی‌الممالک فرزند میرزا محسن آشتیانی است. میرزا محسن از رجال و معاریف اوایل زندیه می‌باشد و اولاد و احفاد وی در یکصد و پنجاه سال اخیر از حکومتگران ایران بوده‌اند. خانواده‌های وثوق الدوله، قوام‌السلطنه، معتمدالسلطنه، مصدق‌السلطنه، متین دفتری، دفتری، معاون، فرهاد معتمد، شکوه، دادور و میکده همگی از نسل همین میرزا محسن آشتیانی هستند.

متین دفتری در ۱۳۱۴ ه.ق در تهران تولد یافت. هنوز به شش سالگی نرسیده بود که توارثا منصب لشکرنویسی فوجهای دماوند و فیروزکوه و پیاده سیستان و مظفر تبریز به او رسید. این شغل قبلا شغل پدرش بوده و پس از آنکه مرحوم به مقام مستوفی ارتقاء یافت به فرمان مظفرالدین شاه با عنوان جناب و لقب اعتضاد لشکر و بعد متین‌الدوله به او واگذار گردید. او از همان اوقات تحصیلات خود را در مکتب خانه جدش وزیر دفتر شروع کرد. پس از یاد گرفتن مقدمات به آموزش زبان عربی و ادبیات فارسی و جغرافیا و حسن خط پرداخت و علوم آن روز را به حد کامل آموخت. سپس وارد مدرسه ایران و آلمان که به خرج دولت آلمان و ایران تأسیس شده بود گردید و مدت هشت سال در آنجا به تحصیل پرداخت و زبانهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی را به حد کامل یاد گرفت و زبان عربی و معارف اسلامی را نزد شیخ محمد عبده تکمیل نمود؛ ضمنا در آموزش بعضی از دروس مدرسه حقوق جدیت تام به خرج داد. در اوایل جنگ بین‌الملل اول وارد وزارت امور خارجه گردید و در اداره تحریرات روس مشغول کار گردید؛ همزمان همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و در روزنامه عصر جدید اخبار روزنامه رویتر را ترجمه می‌کرد و ضمنا مقالات مستقل هم می‌نوشت. متین دفتری هنگامی که در وزارت خارجه اشتغال داشت تحصیلات خود را ادامه داد و یک دوره کامل فقه و اصول و ادبیات عرب را نزد آقا سید اسدالله خارقانی که ملای روشنفکری بود تحصیل نمود. پس از جنگ بین‌الملل اول با مشارکت مصدق‌السلطنه و نصرت‌الدوله و نظام‌السلطنه و ذکاءالدوله غفاری مجله‌ای به نام مجله علمی دائر کردند که چند سالی انتشار آن دوام داشت. پس از تعطیل مجله علمی به روزنامه ستاره ایران و زبان آزاد پیوست و در حزب دموکرات عضو فعال گردید. از ۱۲۹۸ نیز دوره مدرسه عالی حقوق را گذراند. به هنگام نخست‌وزیری وثوق‌الدوله با کمک عبدالرحمن بیک قنسول عثمانی در تهران که نزد متین دفتری زبان آلمانی فرا می‌گرفت طرح سجل احوال را در ایران تهیه و تسلیم رئیس دولت کرد. برمبنای همان طرح از آن تاریخ شناسنامه در ایران بوجود آمد و بعدها جنبه‌ی قانونی پیدا کرد.

در ۱۳۰۱ ش با حفظ سمت در وزارت امور خارجه نماینده مصدق‌السلطنه والی آذربایجان در تهران شد. در آن هنگام هریک از

ولاه یک نماینده در تهران تعیین می‌نمودند که کارهای ایالت را در دوایر دولتی مرکز تعقیب کند.

چندی هم مستشار ایرانی و مترجم سفارت آلمان بود. آخرین سمتی که در وزارت امور خارجه بدست آورد ریاست اداره عهود و جامعه ملل بود که در سازمان جدید وزارت خارجه از ادغام چند اداره تشکیل یافته بود. کتابهای کلید اقتصادی ایران و کاپیتولاسیون از تحقیقات و مطالعات دوران وزارت خارجه اوست که همان موقع چاپ و انتشار یافت.

در ۱۳۰۶ ش داور اختیارات اصلاح دادگستری را گرفت و در همان سال عدلیه با سازمان و افراد جدید فعالیت خود را آغاز کرد. متین دفتری و پدرش عین‌الممالک هر دو از افرادی بودند که به دعوت داور به خدمت قضا اشتغال ورزیدند و با رتبه قضائی اولی به دادیاری و بعد به مستشاری استیناف و دومی به مستشاری دیوان جزای عمال دولت برگزیده شدند.

متین دفتری قریب دو سال در امر قضا با داور همکاری نزدیک داشت و او را در برنامه‌های سنگینی که عهده‌دار شده بود یاری می‌نمود. در ۱۳۰۸ ش داور را برای مطالعه در سازمان قضائی فرانسه و ادامه تحصیل به اروپا فرستاد و او ضمن کارآموزی در دادگاههای پاریس و ژنو و برلن دوره دکترای حقوق را در سویس پایان برد. پس از مراجعت از اروپا مدتی مدیر کل و معاون اداری بود تا سرانجام در ۱۳۱۰ به معاونت کل وزارت دادگستری منصوب گردید و در تهیه و تدوین قوانین مهمی چون قانون مدنی، قانون تجارت، آئین دادرسی حقوقی و بازرگانی و اصول محاکمات جزا نقش اساسی داشت. در ۱۳۱۱ مدتی در غیاب داور که به اروپا سفر کرده بود عهده‌دار کفالت وزارت دادگستری شد. در همین سمت پرونده تیمورتاش بدست او آماده طرح در دادگاه گردید. در ۱۳۱۲ داور به وزارت دارائی انتقال یافت و قرار بود متین دفتری به وزارت دادگستری منصوب شود ولی رضاشاه ترجیح داد یکی از قضات قدیمی عهده‌دار این سمت گردد و لاجرم صدرالاشراف دادستان کل به وزارت دادگستری منصوب شد ولی عملا کارهای مهم وزارتخانه از قبیل تهیه لوایح و دفاع از آن در کمیسیونهای دادگستری با معاون کل بود.

متین دفتری در ۱۳۱۳ هنگام تأسیس دانشگاه تهران برای احدی تصدی استادی کرسی حقوق جزای خصوصی به دانشکده حقوق دعوت شد و قریب چهل سال بدون وقفه در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در همان سال بدنبال تشکیل جمعیت طرفداران سازمان ملل به دبیر کلی آن جمعیت برگزیده شد.

داور برای تعقیب اصلاحات دادگستری و تکمیل خدمات خود تلاش می‌نمود تا متین دفتری که دست پرورده او بود به مقام وزارت برسد. سرانجام در ۱۳۱۵ صدرالاشراف از وزارت معزول و متین دفتری جای او را گرفت.

دکتر متین دفتری در خاطرات خود درباره انتصاب به وزارت دادگستری چنین می‌نویسد: «در تابستان ۱۳۱۵ به مناسبت این که مدتی بود جمعیت طرفدار جامعه ملل را هم من در دانشکده حقوق ضمن تدریس در آنجا به موازات کارهای معاون وزیر دادگستری اداره می‌کردم به دعوت مسیو آونول دبیر کل جامعه ملل به اتفاق همسرم از راه زمینی بغداد و بیروت عازم ژنو شدم و صبح روزی که کشتی مرکوب، پس از یک هفته مسافرت بسیار مطبوع در آبهای مدیترانه وارد بندر تریست می‌شد به من در رستوران کشتی خبر رسید که رئیس شهربانی بندر برای ملاقات من به سالن کشتی آمده است و در چند ثانیه با خیالات مشوش از پلکان رستوران به طرف سالن بالا می‌رفتم افسری با انیفورم پرزرق و برق دیدم که با بلند کردن دست و سلام فاشیستی استقبالم کرد و پاکتی به دست من داد. آن را گشودم تلگرافی بود به امضای آقای محمد ساعد مراغه وزیر مختار ایران در رم در یک جمله کوتاه با این عبارت تکان‌دهنده «حسب‌الامر فورا به تهران مراجعت فرمائید.» بدون هیچ توضیحی که همین ابهام انسان را همیشه دچار توهمات و حدسیات بدی می‌کند مراجعت با کشتی که زودتر از یک هفته حرکت نمی‌کرد عملی نبود ناچار با راه‌آهن حرکت کردم که پس از عبور از سویس و آلمان از راه روسیه به ایران برگردم به ژنو که رسیدم نصرالله انتظام در هتل بدیدنم آمد و از منصورالسلطنه نماینده ایران در جامعه ملل پیغام آورد به موجب تلگرافی که از وزارت خارجه رسیده است من مجاز نیستم در ژنو با دبیر کل جامعه ملل تماس بگیرم و به اصطلاح در آنجا آفتابی شوم و اضافه می‌کرد منصورالسلطنه از وصول این تلگراف برای من نگران

شـده است اما من بـا اعتمـاد به نفس به سـفر بـازگشت ادامه دادم و روزهای طولانی این مسافرت را در آن اوان که هنوز هواپیمای کشوری و تجارتی بین‌المللی دائر نشده بود در راه‌آهن بطئی‌السیر روسیه طی می‌کردم و روزی که کشتی ما وارد بندر پهلوی شد و نمی‌دانسـتم چه سـرنوشتی در انتظار من است دیـدم اتومبیل وزارت دادگستری جلوی بندر حاضـر است و در آنجا مطلع شدم شاه از محاکمه جزائی عـده‌ای که در زمان تصـدی آقای علی منصور در وزارت راه مشاغلی به عهـده داشـتند و متهم شـده بودند ناراضـی است و وزیر دادگستری از خدمت معاف شده است.»

متین دفتری مـدت سه سال وزیر دادگستری بود و با همان شـدت و حـدت که در داور وجود داشت وضع قوانین جدید را ادامه داد. در ۱۳۱۷ به عضویت فرهنگسـتان برگزیـده شـد و در همان سال در رأس سازمان جدیـدی به نام سازمان پرورش افکار قرار گرفت. سرانجام در آبان ماه ۱۳۱۸ به هنگام افتتاح مجلس دوازدهم از طرف رضاشاه نخست‌وزیر شد.

او دربـاره نخست‌وزیر شـدن خود در خـاطراتش چنین می‌نویسـد: «یـک شب در هیئت وزیران که من هنوز وزیر دادگسـتری بودم و تازه جنگ جهانی دوم شـروع شده بود شاه یک مسـئله مهم بین‌المللی را برای یک اقدامی که در نظر داشت مطرح کرد و عاقبت به همه امر فرمود مقاله‌ای بنویسند و بوسیله رئیس دفتر مخصوص هرچه زودتر به عرض برسانند، عینا مثل یک امتحان کتبی که معلم به شاگردان خود می‌دهـد. روزی که من مقاله خود را تسـلیم کردم مرحوم شـکوه اظهار داشت شاه فرموده‌اند برای بهترین مقاله جایزه درنظر گرفته‌انـد. از جـایزه خـبری نشـد و شـاه هم راجع به آن موضوع دیگر چیزی نفرمودنـد ولی چنـدی نگـذشت که روز افتتـاح مجلس (دوره دوازدهم قـانونگزاری) که علی‌الرسم دولت مستعفی و کـابینه جدیـد معرفی می‌شود شـاه من را مـأمور تشـکیل کابینه فرمودنـد. من چون خودم هیـچ اقـدامی برای احراز این مقام نکرده بودم و اصـلا در آن زمان این گونه تشبث‌ها مجاز و معمول نبود حدس زدم که مقاله من در این تصمیم شاهانه شاید بی‌تأثیر نبود یا لااقل یکی از عوامل آن بوده است».

نخست‌وزیری مـتین دفتری زیـادی طولاـنی نشـد. در تیرمـاه هزار و سـیصد و نوزده یعنی پس از ۸ مـاه زمامـداری مغضوب و از کار برکنار و مـدتی در بازداشت و تا شـهریور بیست در منزل خود تحت‌نظر بود. در ۱۳۲۲ از طرف متفقین به جرم ژرمانوفیلی بازداشت شد. مدتی در اراک و مدتی در رشت در اسارت انگلیس و روس بسـر برد تا سـرانجام از این مخمصه جان سالم به در برد. در بهمن ۱۳۲۴ که وضع کشور در اثر وقـایع آذربایجـان رو به وخـامت می‌رفت و تـدابیر حکیمی بی‌ثمر مانـد، مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خـود قوام‌السلطنه را بـا اکـثریت بسـیار ضـعیفی به نخست‌وزیری انتخـاب کرد. قـوام برای اسـتحکام کـابینه خود دو تن از نخست‌وزیران سـابق را به عضویت کابینه دعوت کرد؛ سهام‌السـلطان بیات را برای وزارت دارائی و دکتر متین دفتری را برای وزارت مشـاور. بعـد بـا تعیین سـایر وزیران قوام هیئت دولت را به شاه معرفی کرد ولی هنگام معرفی وزیران به مجلس از معرفی متین دفتری خودداری نمود. متین دفتری در این زمینه در یادداشت‌هـای خود چنین متـذکر شـده است. «در اواخر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در ایـامی که اختلافـات ایران و شـوروی در آذربایجـان برپـا شـده بود آقـای قوام به نخست‌وزیری منصوب شـد. ایشـان قبـل از تشـکیل کـابینه به این فکر افتادنـد که هیئت بزرگ و برجسـته‌ای مرکب از بعضـی رجـال به مسـکو اعزام دارنـد و آن موقع تصـمیم نـداشت شـخصا بـه این مسـافرت برود لـذا به اینجـانب مراجعه و اظهـار کرد میـل دارم شـما که در امـور بین‌المللی وارد می‌باشـید و تخصـص در چنین مسائل داریـد ریاست این هیئت را قبول و به اتحاد جماهیر شوروی مسافرت کنیـد و بعـد برای اینکه این هیئت به دولت انتسـاب نزدیکتری داشـته باشـد تکلیف قبول وزارت مشـاور را نمود و اینجانب هم نظر به اوضاع باریک آنروز که در منتهای وخـامت و تیرگی بود با این نظر موافقت و مشـغول مطالعه سوابق کارهای مربوط به مأموریت مسـکو گردیـدم. روز ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ من و سایر اعضاء کابینه به اعلیحضـرت همایونی معرفی شدیم و فرمانی دائر بر وزارت مشاور من صادر گردید. مظفر فیروز و بعضی اشـخاص دیگر که نقشه‌هائی داشتند از شرکت من در کابینه نگران شده و یقین داشتند با بودن دکتر متین دفتری در کابینه عرصه بر آنها تنگ خواهـد شـد و نخواهنـد توانست قوام را هرطور بخواهنـد بگرداننـد. بدین جهت به قوام اینطور تلقین کردند که اگر دکتر

متین دفتری چندی در دولت بماند کارها را قبضه خواهد کرد و جای شما را خواهد گرفت. اما حقیقت این بود که عمال نفت جنوب میل داشتند کسانی به مسکو بروند که مورد اعتماد خودشان باشند و با دکتر متین دفتری مخالف بودند، برای این که از او در زمان نخست‌وزیری‌اش صدمه خورده و برای انتقام هنگام اشتغال ایران به زندان متفقینش انداخته بودند و این نکته روزی به ثبوت رسید که در حبس متفقین از من استنطاق کرده بودند چرا در زمان نخست‌وزیری به کمپانی فشار می‌آوردی و می‌خواستی امتیاز ۱۹۳۳ را ملغی کنی. دست‌نشاندگان مصطفی فاتح به قوام فشار آوردند که دکتر متین دفتری را به مجلس معرفی نکند. قوام که از هر طرف گرفتار عمال اجنبی شده بود بودن ذره‌ای استقامت از آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی خواهش کرد که دکتر متین دفتری را ملاقات و به ایشان اطلاع دهند که فراکسیون حزب توده در مجلس مخالف شرکت ایشان در کابینه است و در موقع معرفی به مجلس جنجال برپا خواهند کرد چه خوب است از وزارت استعفا دهید.»

متین دفتری با وجودی که عده‌ای چون طباطبائی و سهام‌السلطان و مظفر فیروز به او تکلیف استعفا کردند نپذیرفت و قوام نیز او را به مجلس معرفی نکرد.

در انتخابات دوره پانزدهم که کلا به دست حزب دموکرات قوام‌السلطنه انجام گرفت متین دفتری یکی از نه کاندیدای دکتر مصدق برای مجلس بود. برای جلوگیری از رویه حزب و بی‌طرفی در انتخابات متین دفتری به اتفاق عده‌ای از رجال در دربار متحصن شدند ولی این تحصن نتیجه‌ای نداد و انتخابات تهران مطابق میل قوام‌السلطنه انجام گرفت. متین دفتری با وجودی که قوام‌السلطنه و حزب دموکرات از یکطرف و رزم‌آراء رئیس ستاد ارتش از طرف دیگر مخالف انتخاب وی به نمایندگی مجلس بودند در همان دوره از صندوق مشگین شهر سر درآورده و در زمره وکلای دوره پانزدهم قرار گرفت. هنگام طرح اعتبارنامه او عباس نراقی وکیل کاشان و عضو فراکسیون دموکارت ایران که یکی از پنجاه و سه نفر محکومین توده‌ای دوره وزارت دادگستری متین دفتری بود به مخالفت پرداخت و یکی از وکلای آذربایجان از او دفاع کرد. سرانجام اعتبار نامه او به تصویب رسید. متین دفتری برای ساقط کردن کابینه قوام‌السلطنه دست به اقدامات دامنه‌داری زد، نطق مفصلی راجع به جریان انتخابات تهران نمود. باید او را یکی از عوامل سقوط قوام به حساب آورد.

در ۱۳۲۸ شاه تصمیم به تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر در قانون اساسی به نفع خود نمود. برای اینکه کار خود را موجه قلمداد کند عده زیادی از رجال صدر مشروطیت که در آن تاریخ حیات داشتند و همچنین تنی چند از رجال حقوقدان را به کاخ خود دعوت کرد و منظور و مقصود خود را برای تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر مواد قانون اساسی مطرح کرد و سران قوم همه نظر شاه را تأیید کردند. تنها متین دفتری در آن جلسه به مخالفت پرداخت و شاه را از شبیخون زدن به قانون اساسی برحذر داشت و سرنوشت شاه را با عاقبت محمد علی شاه مقایسه نموده بود. سخنان متین دفتری در آن جلسه به اندازه‌ای تند و شدید بود که سرانجام شاه به او گفته بود «خفه شود فضولی نکن».

اولین انتخابات مجلس سنا که توسط طبقه باسواد و به طریق دو درجه‌ای انجام گرفت متین دفتری سناتور دوم تهران شد. در اوایل ۱۳۲۹ که شایعه نخست‌وزیری سپهبد رزم‌آرا در اذهان قوت گرفت او به مخالفت برخاست و روزی که شاه فرمان نخست‌وزیری او را توشیح کرد به ملاقات شاه رفت و از سوء تدبیر شاه در انتخاب رزم آرا و ظهور دیکتاتور جدید، شاه را مذمت و لعن و نفرین کرد. او به شاه گفته بود با این عمل جسد پدر خود را آتش زدی. در مجلس سنا در صف اول مخالفین رزم‌آرا قرار گرفت، با وجودی که دو برادرش از همکاران نزدیک رزم‌آرا بودند- سرتیپ دفتری ریاست شهربانی و دکتر عبدالله دفتری وزیر اقتصاد را برعهده داشتند، متین دفتری با برنامه دولت به شدت مخالفت کرد و طی سخنان طولانی از سناتورها تقاضا نموده که به او رأی اعتماد ندهند و رزم‌آرا با تلاش فراوان و برخورداری کامل از حمایت شاه رأی اعتماد ضعیفی در مجلس سنا بدست آورد.

در ۱۳۳۰ متین دفتری از طرف مجلس سنا به اتفاق دو سناتور دیگر مأمور نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید

از شرکت غاصب انگلیسی شد. احاطه وی به مسائل بین‌المللی موجب شد قانون مزبور بدون درد سر به مرحله اجرا درآید. او در معیت دکتر مصدق به سازمان ملل رفت و نفوذ وی در بین نمایندگان سازمان ملل تأثیر شگرفی بر جای گذاشت. در ۱۳۳۱ وقتی لایحه مصادره اموال قوام‌السلطنه دشمن دیرین او را پس از تصویب مجلس شورای ملی به مجلس سنا بردند در کمیسیون دادگستری که ریاست آن با متین دفتری بود به سختی ایستادگی نمود و آن را مخالف قانون اساسی دانست. همان استقامت او موجب انحلال مجلس سنا در دوره مصدق گردید.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد که حکومت کشور به دست سپهبد زاهدی به راه دیکتاتوری کشیده شد، متین دفتری در مقام مقابله با دولت برآمد و از انتخابات دوره هیجدهم مجلس شورای ملی و دوم سنا انتقاد کرد و نامه سرگشاده‌ای به انجمن نظار انتخابات دوره دوم مجلس سنا نوشت و سرانجام طی نامه‌ای که به جراید فرستاد انتخابات را تحریم نمود ولی پس از انجام انتخابات متین دفتری این بار به عنوان سناتور انتصابی به سنا رفت و از این تاریخ تا به هنگام مرگ دیگر آن شور و هیجان سابق را نداشتند، فقط در تنقیح لوایح دولت می‌کوشید، گاهی نیز در مخالفت با دولت‌ها برمی‌آمد. در حکومت منصور در ۱۳۴۳ که منجر به افزایش بهای نفت و بنزین شد او مردانه ایستاد ولی پس از آن سکوت اختیار کرد؛ به همین سبب تا آخر عمر شغل سناتور انتصابی را برای خود حفظ نمود. در اواخر عمر برای حفظ خویش، از مدیحه سرائی و تجلیل از مقام سلطنت خودداری نمی‌کرد و بیشتر دلخوش به ریاست کمیسیون دادگستری مجلس سنا و ریاست کمیسیون بین‌المجالس و ریاست جمعیت طرفداران سازمان ملل در ایران و مسافرتهای متعدد مجانی بود.

دکتر احمد متین دفتری در تیرماه ۱۳۵۰ در تهران درگذشت و در باغچه علیجان حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. متین دفتری مردی به تمام معنی دانشمند و محقق بود، در مسائل حقوقی خاصه امور بین‌المللی تبحر داشت، به طوری که دانش او در این زمینه مورد تأیید خارجیان بود. با غالب رجال بزرگ هم عصر خود در دنیادوستی و مراوده داشت، دقیقه‌ای از مطالعه غافل نبود، به تدریس در دانشگاه عشق می‌ورزید، حتی در دوران نخست‌وزیری خود هم در کلاس درس حضور می‌یافت. سه مجلد آئین دادرسی مدنی و بازرگانی نشانگر تبحر و احاطه او به درس دانشگاهیش می‌باشد. وقتی در ۱۳۴۹ او را بازنشسته و استاد ممتاز نمودند به اندازه‌ای متأثر و غمگین شد که مرتبا می‌گفت استاد ممتاز یعنی تشییع جنازه در زمان حیات.

متین دفتری از تمکن مالی برخوردار بود، ولی فوق‌العاده خسیس و صرفه‌جو بود و از این رو همه ساله به ثروت او اضافه می‌شد وقتی بین او و حائری‌زاده اختلاف نظر حاصل شد و از تریبون مجلس شورای ملی و از میز خطابه مجلس سنا به لجن مال کردن یکدیگر پرداختند حائری‌زاده به او نسبت سوء استفاده داد و حتی او را متهم کرد یکی از ساختمانهای او در خیابان لاله‌زار نو دستخوشی است که از کمپانی اشکودار برای ساختن کاخ دادگستری گرفته است. ولی چنین چیزی صحت ندارد، او ذاتا مردی ممسک بود و از طریق توارث نیز مال زیادی برده بود ولی از جوانی به علت سخت بودن در معامله به ثروت خود افزود. خوب به خاطر دارم او کتابهای دانشگاهی خود را برای اینکه پورسانتی به کتاب فروش ندهد شخصا در دانشکده به دانشجویان عرضه می‌نمود و در پشت کتاب نیز امضاء می‌نمود اگر دانشجوئی کتاب بدون امضای او را در دست داشت مواخذه می‌شد.

متین دفتری از زمره رجالی است که دشمنان پروپا قرصی داشت و تا آخر عمر از این دشمنیها بی‌بهره نبود، گرچه تولد و شکوفائی او در دوره دیکتاتوری رضاشاه بود ولی همیشه با دیکتاتوری و قانون‌شکنی مبارزه می‌کرد یا حداقل تظاهر به این موضوع می‌نمود. پس از شهریور ۲۰ که تب حمله انتقاد به رضاشاه بالا گرفت. متین دفتری هم که مدتی وزیر و نخست‌وزیر آن عصر بود از تهمت و افترا مصون نماند. مخصوصا حزب توده برای انتقام‌گیری از بازداشت ۵۳ نفر که در دوره وزارت دادگستری او انجام یافته بود چه نسبتها که به او نداد. سازمان پرورش افکار و یا به قول متین دفتری افسانه دستنبد زدن به قاضی زنجان را آنچنان بزرگ و مهیب نمودند که هیچ کانون وکلائی قادر به دفاع از آن نبود.

رویهمرفته دکتر احمـد متین دفتری مردی باسواد و حقوقـدان، باهوش، با پشـتکار، و در عین حال جاه طلب، پول دوست، به اقتضای زمان مطیع، متظاهر و خودپسـند بود. او تصور می کرد همه به او دین دارنـد و دامنه توقعات او از مردم بسـیار زیاد بود. او به سه زبان دنیـا یعنی فرانسـه و انگلیســی و آلمـانی تسـلط داشـت. زبـان فارسـی و عربی را بخـوبی آمـوخته بـود، بسـیار شـیرین و دلنشـین چیز می‌نوشت، به همان میزان که در نوشـتن مسلط بود در نطق و بیان عاجز و قاصـر بود. او در جوانی با یکی از دختران مصدق‌السـلطنه عموی پدر خود عقد نکاح بست و صاحب دو پسـر و یک دختر گردید. یکی از پسـرانش علم حقوق خواند، دیگری زیست‌شناسـی را تعقیب کرد، یگانه دخترش هم نقاش قابلی بود.

تألیفات متعددی دارد از جمله کلید استقلال اقتصادی ایران، کاپیتولاسیون، محاکمات فوری، دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، آئین دادرسـی مدنی و بازرگانی سه جلد، حقوق جزای خصوصـی، روابط بین‌المللی از قدیم‌ترین ایام. ضمنا همه ساله قسمتی از خاطرات خود را نوشته با نثر خوب به عنوان پیام نوروزی تهیه و به دوستان هدیه می‌نمود. حین‌الفوت ۷۳ سال داشت. دکتر متین دفتری سالها پروانه وکـالت دادگستری داشت به همین دلیـل پس از فوت مرحوم آسـید هـاشم وکیـل، وکلای دادگستری او را به ریاست کانون انتخاب کردند، لیکن پرتو وزیر وقت دادگستری با او از در مخالفت درآمد و نگذاشت او در رأس کانون باقی بماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (۴۳۸ -۴۳۷/ ۶)، خاطرات یک نخست وزیر، الذریعه (۱۳۱/ ۱۸، ۲۷۱/ ۱۲، ۳۰۸/ ۱۱، ۵۰/ ۸)، روزشـمار تاریخ (۲۵۳/ ۲، ۴۱۲، ۳۸۴، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۶، ۳۱۵- ۳۱۱، ۳۰۴، ۲۷۶، ۲۶۹، ۲۶۲، ۲۱۵، ۱۷۸/ ۱)، شرح حال رجال (۳۳ -۳۲/ ۶)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (۸۶/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۷۰، ۲۰۶۰، ۲۰۵۰، ۱۷۹۶، ۱۷۵۲/ ۲، ۱۳۵۸، ۷۴۸، ۳۵۰، ۱۲۰، ۸۰/ ۱)، کتابنـامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۰)، مؤلفین کتب چـاپی (۴۵۶ -۴۵۴/ ۱)، نخبگان سیاسی ایران (۵۴۸/ ۴، ۱۷۸ -۱۷۷/ ۳)، نخست‌وزیران (۲۲۹، ۵۸، ۵۵/ ۱).

مجاهد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مجاهد در سال ۱۳۱۴ در شـهر قزوین متولد شد، دوره های دبسـتان و دبیرستان را در این شهر گذراند و برای ادامه تحصیل به تهران آمـد تـا در رشـته ای کـه دوسـت می داشت و در خـویش اسـتعدادی از آن را یـافته بـود،یعنی ادبیـات فارسـی،ادامه تحصـیل دهد.مجاهد لیسانس ادبیات را از دانشـکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت ودوره فوق لیسانس را در دانشـکده الهیات دانشگاه تهران گذراند و برای ادامه تحصـیل در مقطع دکترا به لبنان رفت و دکترا را در دانشـگاه فرانسوی بیروت گذراند. مجاهد بعد از بازگشـت به ایران،آموزش آنچه آموخته بود را آغاز کرد.تدریسـی که مدت ?? سال در مقاطع مختلف آموزشی ادامه یافت. مجاهد گرچه از اوایـل تحصـیل کنجکـاوی هـایی در متون کهن داشت،اما فراغت بعـد از بازنشسـتگی بود که شـرایطی را برای پرداخت جـدی تر به حوزه علاقه اش فراهم کرد.او سالهاست که به تصحیح متون ادبیات مشغول است و تاکنون بیش از بیست جلد کتاب از گنجینه آثار کهن ادب فارسی را تصحیح کرده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : تصحیح

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان تحصیلات متوسطه در زادگاه ـ ادامه تحصیل در دانشگاه تهران در رشته ادبیات ـ اخذ فوق لیسانس از دانشکده الهیات دانشگاه تهران ـ ادامه تحصیل در مقطع دکترا در دانشگاه فرانسوی بیروت

فعالیتهای آموزشی : احمد مجاهد بیش از ?? سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف آموزشی را د رکارنامه خود دارد ---------
----

آثار :

۱ التجرید فی کلمه التوحید

ویژگی اثر : تصحیح اثر احمد غزالی

۲ تصحیح جلد ? مثنوی که شرح مشکلات مثنوی است از محمد صالح قزوینی

۳ تصحیح دیوان حافظ فریدون میرزا

ویژگی اثر : تصحیحی از دیوان حافظ نیز ارائه کرده که در نوع خود قابل تأمل است.تصحیح او از این دیوان در همایش حامیان نسخ خطی در کنار دو اثر دیگر در حوزه ادبیات شایسته تقدیر شناخته شد. در اوایل قرن دهم هجری، یعنی چند دهه پیشتر از زمان کتابت دستنویس قونیه، فریدون میرزای بایقرا، جمعی از اهل فضل را در شهر هرات که مرکز فرهنگی ایران در آن زمان بود جمع آورد و مأمورشان کرد که نسخه منقحی از دیوان حافظ فراهم آورند. این گروه فاضل، همه نسخه های موجود تا آن زمان را گرد آوردند و مقابله کردند و در سال ??? هجری دیوان جامعی از اشعار حافظ ترتیب دادند و بر آن عبدالله مروارید کرمانی دیباچه ای نگاشت. این نسخه را احمد مجاهد تصحیح و انتشارات دانشگاه تهران سه سال پیش چاپ کرد. این نسخه پر است از غزلهای دیگران که نصیب حافظ شده است و مصحح ارجمند یکایک آنها را جسته و گوشزد کرده است. همچنین ترتیب و ضبط ابیات حافظ در این نسخه تفاوتهای کلی با نسخه های معتبر دارد. ماجرای دقیق تر تدوین این دیوان بدین قرار است که فریدون میرزا پسر سلطان حسین بایقرا و نسل پنجم تیمور گورکانی که هم اهل رزم بود و دلاور، و هم اهل بزم و شاعر، «انجمنی» داشته است که در آن «انجمن که مجمع افاضل ایام» بود، اشعار شاعران بویژه شعر «شمس الدین محمد حافظ» را می خوانده اند و «غث و سمین» آن را از هم باز می کرده اند.در آن «انجمن» گاه بوده است که می دیده اند شعری از حافظ فقط در یک نسخه خطی از دیوان آمده و در سایر نسخه ها نیامده است، و گاه بوده است که می دیده اند شعری از حافظ فقط در یک جنگ و سفینه های آمده است و در نسخه های دیوان دیده نمی شود. از این رو، این شاهزاده تیموری «حکم» می کند که یک بار دیگر دیوان حافظ را گردآوری و تدوین کنند. برای این کار، «جمعی کثیر از فضلای انیس و ندمای جلیس به جمع و تصحیح این کتاب» مأمور می شوند، و «قریب پانصد جلد دیوان حافظ به هم می رسانند، و بعضی سفاین و غزلیات که پیش از فوت خواجه نوشته شده بود با هم مقابله می کنند، و بسیاری از غزلهای دل فریب و جان بخش که به واسطه کاهلی و تصرف کتاب ناقص ادراک از صفحه روزگار مهجور و نامشهور مانده بود، در سلک ربط در می آورند،» و هر شعر در هر جا که به نام حافظ می بینند در مجلدی جمع می کنند، که «درواقع اکنون رشک نگارخانه چین و غیرت فردوس برین است.» مجاهد درباره این نسخه می گوید:«این نسخه مفقودی از متن حافظ بود که آن را پیدا کردم و شامل حدود???غزل و همین مقدار قطعه، رباعی و مثنوی بیشتر از متون دیگر است. و این نسخه متعلق به «فریدون میرزا» پسر «سلطان حسین بایقرا»و به ریاست «عبدالله مروارید» متخلص به «بیانی کرمانی» نوشته شده است) ?.»(این کتاب نخستین بار توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شد .

۴ تصحیح سماع و فنون

۵ تصحیح کتاب شیخ و شیوخ

ویژگی اثر : «شیخ و شوخ» نیز از جمله آثار تصحیح شده توسط مجاهد است و رساله ای است انتقادی با رویکرد فرهنگی، سیاسی،

اجتماعی و حتی در بعضـی بخشها نظامی و اقتصادی. سبک نگارش روایی و داستان گونه و متعلق به اواخر عصر قاجاریه است.شاید «شیخ و شوخ» جزو معدود آثاری باشد که این گونه عریان، به تقابل سنت و تحول دامن زده و سعی در پاسخگویی از موضع سنت دارد؛ نویسنده این رساله که به اعتقاد احمد مجاهد نخواسته است رساله به نام او منتشر شود، نگاهی تک بعدی، ذهنی و مجرد به موضوع مورد بحث اش ندارد. در حقیقت، این رساله که بازگوکننده داستان مناظره بین یک شیخ و جمعی از معلمان و صاحب منصبان مدرسه دارالفنون است، قصد ندارد بدون نظر به واقعیات اجتماعی و فرهنگی جامعه زمان خود، به نقد بنشیند. شیخ که در حقیقت همان نویسنده است، در بعضـی از فصول، اگر به فرنگی مآبی ایراد وارد می کند، تنها از جهت تشبه به کفار نیست که معترض است و تسهیل زندگی خلق الله را در رفع آن می بیند. مجاهد، در مقدمه ای که در ابتدای این رساله به چاپ رسانده، اشاره ای هم به دیگر نوشته های این مؤلف نامعلوم دارد.مناظره شیخ و شوخ را می توان به دو بخش کلّی تقسیم کرد؛ ایرادات شیخ به علوم جدیده و دفاعیات او از علوم بومی و سنتی. و دوم، فصلی در نقد مفاسد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که از مدرسه دارالفنون آغاز شده و به دولت و صاحبان مناصب در صفوف مختلف ختم می شود. البته بخش دوم مفصل تر است و عمق و نکته سنجی آن بر بخش اول می چربد. حتی بخش ابتدایی انتقادات شیخ تحت آسیب شناسی بخش دوم طرح می شود، چنانکه اگر شیخ علومی چون پولتیک، دیپلماسی و... را به سخره می گیرد، جابه جا مثالهای ملموس می آورد. با این حال اساس انتقادات بر وضعیت و تولیدات مدرسه دارالفنون ـ یا به قول مؤلّف معلّم خانه ـ قرار گرفته است. محاجه شیخ و شوخ و آن مجلس میهمانی که کل کتاب را تشکیل می دهد، با بیدار شدن راوی از خواب به پایان می رسد. درواقع، تمام این پرسش و پاسخها ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است که با سبکی داستانی نوشته شده است. با این همه نوع نگاه، آسیب شناسی اجتماعی ـ سیاسی و نقد نظام علمی سالهای پایانی عصر قاجار، از امتیازاتی است که این رساله را ممتاز می کند. رساله «شیخ و شوخ» تا سالهای انتهایی دهه پنجاه ـ که نخستین بار به صورت مقاله به چاپ رسید مورد اعتنا قرار نگرفته بود. به نظر می رسد این رساله و آثاری از این دست می توانند در روشن شدن وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران در سالهای آغازین عصر حاضر، مفید باشد

۶ تصحیح کتاب کدو مطبخ قلندری

ویژگی اثر : تألیف ادهم خلخالی، . اثر قابل توجه دیگر که توسط احمد مجاهد تصحیح شده، کتاب «کدو مطبخ قلندری» تألیف«ادهم خلخالی» متخلص به «عزلتی» (د) ????.و معاصر «شیخ بهایی» است که در زمان صفویه تألیف و برای نخستین بار تصحیح و چاپ شده است.

۷ تصحیح کتاب گلشن راز شبستری

۸ توارق العلما فی رد علی من محیرم السماع

ویژگی اثر : همچنین توارق العلماء فی ردّ علی مَن یُحرمُ السِّماعَ بالإِجماع، تألیف احمد بن محمد طوسی از عارفان قرن هفتم هجری. این کتاب نخستین کتابی است به زبان فارسی که در اباحت و حلّیت موسیقی در اسلام نوشته شده است.»

۹ جوحی

ویژگی اثر : احمد مجاهد کتابی، نیز با عنوان جوحی تألیف کرده که در آن به شخصیت فکاهی متون کهن یعنی جوحی پرداخته است. متن حاضر که یک متن تحقیقی است و برای نخستین بار در زبان فارسی ارائه می شود، در زمینه : فرهنگ عامه، ادبیات داستانی براصل تطبیقی و ریشه یابی، تألیف شده است. در این کتاب سعی شده است تا حق به حق دار برسد، یعنی صاحبان اصلی و اولیه حکایات جرحی معلوم شود و سهم هریک از فرهنگ های ترک ترکیایی(عثمانی) و عرب و فارس روشن باشد.

۱۰ گلشن راز شبستری با کشف الابیات و ارجاع

ویژگی اثر : تصحیح

۱۱ لغات مصطلحه عوام

ویژگی اثر : تصحیح

۱۲ لمعات

ویژگی اثر : مجاهد کتاب لمعات را نیز از فخرالدین عراقی تصحیح کرده است: «کتاب «لمعات»(به فتح لام و میم ، جمع لمعه) نوشته شیخ فخرالدّین عراقی ، یکی از پر شورترین آثار منثور در زمینه ادبیات صوفیانه است. این کتاب که بر سنن کتاب «سوانح» از جناب شیخ احمد غزالی(از اقطاب بزرگوار) نگاشته شده ، به موضوع عشق صوفیانه و اطوار و ادوار سلوک عاشقانه پرداخته است. » مجاهد درباره این کتاب می گوید: «به خواست یکی از مریدان که از حقایق کتاب «لمعات» چندان نصیبی نبرده بود ، قطب الموحدین ، حضرت شاه نعمت الله ولی کرمانی ، شرحی بر کتاب «لمعات» می نویسد. این کتاب خوشبختانه قبل از انقلاب به سعی جواد نوربخش به زیور طبع آراسته گشت ، ولی متأسفانه بعد از انقلاب دیگر چاپ نشد. فقیر حقیر با زحمت فراوان توانست چاپ سال ???? را در کتابخانه دانشگاه تهران بیابد و مست فیوضات شرح حضرت شاه شود.»

۱۳ مجالس غزالی

ویژگی اثر : تصحیح اثر احمد غزالی با عربی و فارسی انتشارات دانشگاه تهران

۱۴ مجموعه آثار فارسی احمد غزالی

ویژگی اثر : تصحیح و حواشی انتشارات دانشگاه تهران

۱۵ نوادر

ویژگی اثر : ترجمه کتاب محاضرات الادبا و محاورات الشعرا و البلغاء از راغب اصفهانی، ترجمه محمدصالح قزوینی.نوادر از متون ادب عرب بوده و شامل?? هزار مطلب با موضوعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... مستند است. این کتاب?? حد دارد که هر حد چند باب و هر باب شامل چند فصل بوده و برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه و تصحیح شده است.

مجتهد تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/ ۱۳۳۷ -۱۲۶۸ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و ادیب. در خانواده‌ی علم و تقوا در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به نجف رفت. گفته‌اند که او چون به نجف وارد شد محضر علامه شیخ انصاری را درک کرد. او همچنین از محضر میرزا حبیب‌اللّه رشتی و ملا محمد شرابیانی و ملا محمد ایروانی و سید حسین کوه کمری و میرزا محمدحسن شیرازی و ملا علی نهاوندی استفاده نمود و به دریافت اجازه از آنان نایل آمد، اخذ اجازه از استادش ملا علی نهاوندی نیز پس از پنج سال ملازمت حاصل شد. آن گاه به آذربایجان بازگشت و چندین سال در تبریز به تدریس پرداخت و منصب اجدادش را عهده‌دار گردید و مرجع دینی مردم آن دیار شد. او در همان جا درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «تشریح الاصول»، که این نام برگرفته از نام کتاب استادش نهاوندی است؛ رساله‌ای در «مقدمهٔ الواجب»؛ کتاب «الطهارهٔ»؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷/ ۵)، الذریعه (۱۸۵/ ۴)، ریحانه (۱۷۸ -۱۷۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۸ -۳۸۷/ ۱۴)، لغت نامه (ذیل/ حسن مجتهد)، معجم المؤلفین (۲۷۶، ۲۰۹ -۲۰۸/ ۳).

مجتهد تبریزی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/ ۱۳۳۷ -۱۲۹۷/ ۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و فقه و اصول را در تبریز در محضر پدرش و علماء دیگر فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات عالیات رفت و از حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و محقق نهاوندی و دیگر علما استفاده نمود و چون عالمی برجسته شد به تبریز بازگشت. مراسلات و مکاتباتی منظوم و منثور بین او و شیخ آقا محمدرضا اصفهانی و شیخ جواد شبیبی وجود داشت. در اواخر عمر به بیماری فلج مبتلا شد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. او رسائلی گوناگون در فلکیات و ریاضیات و موضوعات مختلف فقهی نگاشت. از آثارش: «ارجوزه»، در عروض و قافیه، به عربی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» استادش ملا محمدکاظم آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «لسان الخواص» علامه رضی‌الدین قزوینی؛ «العروض»؛ «قاعدة الخطائن»؛ «اللباس المشکوک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۷ -۱۲۶/ ۱۰)، الذریعه (۴۸۶/ ۱)، ریحانه (۱۷۹ -۱۷۸/ ۵)، علماء معاصرین (۱۱۸ -۱۱۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۹۰/ ۱).

مجد الادبا، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، منشی و خطاط. در زمان تألیف «المآثر و الآثار» (۱۳۰۶ ق)، منشی‌باشی کل خراسان بود. وی از علوم ادبی و عربی و همچنین علم حساب بهره‌مند بود و در خط تحریر نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۲/ ۴)، المآثر و الآثار (۲۲۴).

مجد خوافی خراسانی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۳۷ ق)، واعظ، ادیب و شاعر. وی از بزرگان زمان بود که سفرهایی چند به خراسان و کرمان داشت. از جمله آثارش: دیوان «کنز الحکمه»؛ ترجه‌ی منظومی از «جواهر اللغه» زمخشری؛ «روضة الخلد»، که تقلیدی از «گلستان» سعدی است، که آن را در ۷۳۳ ق به پایان رسانده و در ۷۳۷ ق در آن تجدیدنظر کرده و انتشار داده است. در «آتشکده‌ی آذر»، این کتاب به قاسمی خوافی نسبت

داده شده است که صحیح به نظر می رسد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۶/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، الذریعه (۲۹۳/ ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، لغت نامه (ذیل/ مجد خوافی)، هفت اقلیم (۱۷۴ –۱۷۳/ ۲).

مجد دزفولی، مجدالدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۱۶۵ ق)، عالم دینی، قاضی، ادیب و شاعر. چون دزفول، از توابع شوشتر است او را مجد شوشتری نیز نامیده‌اند. در دزفول نشو و نما یافت و مطالب علمی را نزد علمای حویزه و شوشتر فراگرفت. وی فقه و حدیث را از محضر سید نعمت‌اللّه جزایری فراگرفت تا به مرتبه کمال رسید. قاضی مجدالدین، قاضی دزفول بود. او بارها به اصفهان سفر کرده و حزین لاهیجی با او ملاقات داشته است. وی چند سال قبل از تألیف «ذکرهٔ المعاصرین» حزین لاهیجی (تألیف شده در ۱۱۶۵ ق) از دنیا رفت. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵/ ۹)، تذکرهٔ المعاصرین (۲۶۱ ،۱۳۸ –۱۳۷)، الذریعه (۹۶۰/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹).

مجدالدین خوافی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، ادیب و شاعر. وی از ادیبان ساکن هندوستان بوده و به فرمان اکبرشاه (۱۰۱۴ –۹۶۳ ق) به تقلید از «گلستان» کتابی به نام «خارستان» در ۱۶ باب نوشته است. عده‌ای از تذکره‌نویسان همچون صاحب «تاریخ نظم و نثر» به تبعیت از «عرفات العاشقین» گفته‌اند که او «روضهٔ الخلد» مجد خوافی، را به نام خود کرده است و صاحب تذکره‌ی «روز روشن» به وضوح کتاب «روضهٔ الخلد» را به مجدالدین نسبت داده است یعنی او را با مجد خوافی یکی دانسته است. در حاشیه «کاروان هند» آمده که کتاب «روضهٔ الخلد» در هند با عنوان «خارستان» چندین بار به چاپ رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۸۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۱۴)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، کاروان هند (۱۲۱۴ –۱۲۱۳/ ۲)، هفت اقلیم (۱۷۶ –۱۷۵/ ۲).

مجیدی فیاض، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مجیدی فیاض فرزند سید عبدالمجید به سال ۱۲۷۷ ه. ش در مشهد متولد گردید . وی پس از طی نمودن مراحل مقدماتی تحصیل ، در سال ۱۳۰۷ ه.ش به خدمات فرهنگی مشغول شد که ازجمله همکاری در تاسیس دانشسرای مقدماتی مشهد ، و به عهده گرفتن ریاست آن بود . دکتر مجیدی فیاض در سال ۱۳۲۲ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران احراز کرد ، و به استادی دانشکده ی علوم معقول ومنقول برگزیده شد .او در دوره های دوازدهم و سیزدهم نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر ، یکسره به مطالعه و تحقیق و تدریس پرداخت . در سال ۱۳۲۴ ه.ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت تا دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند . وی قریب نه سال ریاست این دانشکده را برعهده داشت . همچنین در پایه گذاری و تکمیل کتابخانه ی آن کوشید . چندسال نیز دانشکده علوم معقول ومنقول دانشگاه مشهد را سر پرستی کرد . از سال ۱۳۴۳ه.ش به دانشگاه تهران برگشت ، و در سال ۱۳۴۶ ه.ش بازنشسته شد . در بهمن سال۱۳۴۹ ه.ش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد جهت تدریس در این دانشکده از وی دعوت به عمل آورد ، اما دیری نگذشت که در روزپنجشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۵۰ه.ش دار فانی را وداع گفت و به دیدار حق شتافت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : علی اکبر مجیدی فیاض در خانواده ای از سادات و روحانیون مشهد بدنیا آمد پدرش سید عبدالمجید ثقه الاسلام از مجتهدان و فضلای روزگار خود بود و مردی محترم ،تربیت خانوادگی در پرورش وی مؤثر افتاد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : علی اکبر مجید فیاض از همان کودکی به آموختن قرآن و مقدمات زبان عربی پرداخت.و از تعالیم پدر بهر ه ها برد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مجیدی فیاض علوم قدیمه را در مدارس مشهد آموخت و در علوم معقول و منقول و ادبیات فارسی و عربی تبحر یافت . بجای پدر بعنوان خادم باشی کشیک اول در آستان قدس رضوی منصوب گردید. او به سال۱۳۱۶ ه.ش به تهران آمد و با آن که مردی پخته و درسن کمال بود و معلومات فراوان اندخته، دوره های ابتدایی و متوسطه را در مشهد و تهران امتحان داد و وارد دانشگاه تهران شد .

زمان و علت فوت : علی اکبر مجیدی فیاض روز پنجشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۵۰ ه.ش در مشهد درگذشت .و در آستان قدس رضوی به خاک سپرده شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر مجیدی فیاض در ایجاد «دانشسرای مقدماتی» در مشهد ۱۳۱۴ ه.ش ،تاثیر داشت و نخستین رئیس آن موسسه بود. درکتابخانه دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی چندی به کتابداری اشتغال داشت . در دوره های دوازدهم و سیزدهم نیز نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر یکسر به مطالعه و تحقیق وتدریس پرداخت . به مدت قریب نه سال ریاست دانشکده ادبیات مشهد را برعهده داشت در ضمن پایه گذاری و تکمیل کتابخانه آن دانشکده کوشید .

فعالیتهای آموزشی : علی اکبر مجیدی فیاض در سال ۱۳۰۷ ه.ش به عنوان فیاض به خدمات فرهنگی مشغول شد .ریاست دبیرستان شاهرضای مشهد به و ی تفویض شد . بعد ها به تدریس در دانشگاه پرداخت و استاد ملل و نحل در دانشکده علوم معقول و منقول برگزیده شد .در برخی این سالها ،در دانشکده ادبیات مشهد تاریخ ادبیات فارسی ،تاریخ تمدن، و تاریخ ایران بعداز اسلام را تدریس می کرد .چند سال نیز دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد را –که خوددر تاسیس آن همکاری داشت–علاوه بر

دانشکده ادبیات سرپرستی می نمود . از سال ۱۳۴۳ ه.ش به دانشگاه تهران بر گشت و به مدیریت گروه ادیان و مذاهب در دانشکده الهیات و معارف اسلامی انتخاب شد تا این که در سال ۱۳۴۶ ه. ش به افتخار بازنشستگی رسید و در مشهد اقامت گزید، ،از بهمن ۱۳۴۹ دعوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد را پذیرفت و در رشته فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی ، سیر عقاید و آراء اسلامی متون نثر فارسی را تدریس فرمود ،با بعضی از دوستان خویش خاصه مرحوم دکتر قاسم غنی در تصحیح تاریخ بیهقی و تالیف تاریخ عصر حافظ مشارکت و همقدمی داشت .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر مجیدی فیاض در سال ۱۳۳۴ ه.ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند .

منابع زندگینامه :رحمت الله ابریشمی ،کار نامه بزرگداشت بزرگان علم وادب ایران ، ص ۲۴۸

مجیدی، فریبرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریبرز مجیدی در تیر ماه ۱۳۱۹ در شهر مشهد متولد شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران،همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه ۱۴ اثر به تنهایی و ۱۲ ترجمه مشترک نیز به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیت های وی می توان به سرپرستی و همکاری بخش هایی از مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و فرهنگستان هنر و ... اشاره کرد. کتاب"زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه "ترجمه فریبرز مجیدی ، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریبرز مجیدی سه سال از دوره ابتدایی را در مشهد گذراند و در ۱۳۲۷ همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و بقیه تحصیلاتش را در تهران ادامه داد. او در سال ۱۳۳۶ دوره متوسطه را در دبیرستان علمیه در رشته ادبی به پایان رساند و در سال ۱۳۳۸ به دانشسرای عالی وارد و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل مشغول شد. او در سال ۱۳۵۶ با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریبرز مجیدی در سال ۱۳۵۶ با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند و از آن پس همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه ۱۴ اثر به تنهایی و ۱۲ ترجمه مشترک نیز به چشم می‌خورد. علاوه بر این‌ها، ده‌ها کتاب و صدها مقاله را ویرایش کرده است و از سال ۱۳۶۴ تاکنون با مراکز فرهنگی متعددی همکاری داشته و در برخی از آن‌ها سرپرستی بخش‌هایی برعهده وی بوده که عبارتند از؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، شرکت دانش گستر، سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، فرهنگستان هنر. مجیدید، همکاری خود را با تعدادی از این مراکز ادامه داده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریبرز مجیدی در کنار کار تحریر و ترجمه به مطالعه کتابهایی همچون فلسفه هنر، رمان، شعر

شاعرانی مثل نیما، شاملو، اخوان، فروغ و از شاعرای کهن هم حافظ، سعدی و... علاقه دارد.

آرا و گرایشهای خاص : فریبرز مجیدی در باره ارتباط هنر و زیبایی چنین اظهار نظر می کند: تولستوی در کتاب هنر چیست، هنر را خلق زیبایی تعریف می‌کنـد. زیبایی قائم به ذات نیست و برای هر جماعتی متفاوت و نسبی است. هنر هم قائم به ذات نیست و در هر دوره و عصـری، معنـای خاص خود را دارد. نقاشـی درون غار در دوران اولیه یک هنر محسوب می‌شود اما اگر پیکاسو آن را انجام می‌داد، دیگر یک هنرمند نبود. هنر پیکاسو مثل زیبایی، وابسته به شرایط اجتماعی و محیطی در دوران تاریخی است

جوائز و نشانها : کتاب"زیبایی شناسـی و ذهنیت: از کانت تا نیچه "ترجمه فریبرز مجیدی ، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثاری را که مجیدی از زبان انگلیسـی به فارسی برگردانده به فلسفه، مسایل مختلف اجتماعی و جامعه شناسی شناخت مربوط می‌شوند؛ البته در این میان آثاری در زمینه ادبیات (رمان، نمایشنامه و داستان‌های کوتاه) نیز ترجمه کرده، اما این کارهـا بیشتر جنبه تفنن داشـته‌اند. تعـدادی از مهم‌ترین کارهـایی که فریبرز مجیـدی به صورت مشترک و بـا همکاری مترجمان دیگر انجام داده است بدین قرارند؛ فرهنگ اندیشه نو (۱۳۶۹)؛ زندگینامه علمی دانشوران (از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵)؛ آفرینندگان جهان نو (۱۳۷۲)؛ فرهنگ علوم اجتماعی (۱۳۷۶)؛ جهان پیش از تاریخ از دیدگاهی نو (۱۳۷۹)؛ دایره‌المعارف دانش بشر (۱۳۸۱)؛ برای قرن بیسـت و یکم: گفت‌وگـوی دو فرزانه (۱۳۸۱)؛ ۳۲ هزار سال تاریـخ‌ها (۱۳۸۲)؛ دایره المعارف دموکراسـی (۳ جلد، ۱۳۸۱)؛ دایره المعارف ناسیونالیسم (۲ جلد، ۱۳۸۳)؛ فرهنگ ادیان جهان (۱۳۸۵). --

----

آثار :

۱ ایدئولوژی و اوتوپیا

ویژگی اثر : ترجمه،(۱۳۵۵؛ ویراست دوم، ۱۳۸۰)

۲ تکامل فرهنگ

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۷۹

۳ دموکراسی

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۷۴

۴ روح آیین پروتستان

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۲

۵ زندگینامه استوارت میل

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۸۰

۶ زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۵.این کتاب در سال ۱۳۸۶ ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است.

۷ ساخت اجتماعی واقعیت

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۷۵

۸ طرحی کوتاه از تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۴۹

۹ فرهنگ تلفظ نام‌های خاص

ویژگی اثر : (حاوی ۶۰ هزار مدخل) کتابی است که برای راهنمایی پژوهشگران، مترجمان به منظور تلفظ و ثبت صحیح نام‌های خاص (با تلفظ ۳۰ ملیت) تالیف کرده که در سال ۱۳۸۱ به همت بنگاه انتشارات فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است.

۱۰ فلسفه در عمل

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۲چاپ پنجم ۱۳۸۵

۱۱ مار و روباه: مقدمه‌ای بر منطق

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۵

۱۲ مفهوم ایدئولوژی

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۸۰

۱۳ مونادشناسی

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۷۰

محبت، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد محبت متولد ۱۳۲۱ و در کرمانشاه است. وی از شاعران فعال پیش از ۵۷ محسوب می شود محمد جواد محبت ،از فرهیختگان معاصر ایران است . او درزمینه زبان و ادبیات فارسی فعالیت می کند . وی یکی از چهار شاعری است که جایزه شعر فروغ به او اختصاص یافته است . از او آثار متعددی به چاپ رسیده است که حاوی نکات عمیق ادبی می باشند .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

فعالیتهای ضمن تحصیل : مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد جوادمحبت ، شعر وشاعری بود . طوری که او شعر سرودن را مهمترین فعالیت خود نموده بود . وی دراین راستا غزل عاشقانه نیز سروده است . محبت به زبان کردی نیز شعر می سراید .

وقایع میانسالی : مهمترین واقعه این دوران ، این است که کارهای محمد جواد محبت .به ویژه غزل های دهه پنجاه ایشان درمجله روشنفکر به چاپ رسیده است .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت آموزشی محود جواد محبت ،شعر وشاعری است . طوریکه برای شاعران دهه چهل و پنجاه شعرهای اجتماعی و سیاسی او که بارگه های مشخص عاطفی زبانی خاص برای خود داشت ، آشنا می باشد . مثلا درمجله خوشه و دریچه تهران مصور نمونه هایی از کارهای وی به یادگار مانده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد جواد محبت شعری درمورد پرسش مهردارد که مورد توجه اهل فن قرار گرفته است .

همفکران فرد : یکی از همفکران محمد جواد محبت ،جلال آل احمد بود . این دودر قصر شیرین باهم آشنا شدند .

آرا و گرایشهای خاص : محمد جواد محبت بنا به عقیده و آرایی که دارد مخالف جنگ و خونریزی است . بدان علت دربیانیه ای که از سوی روشنفکران و آزادیخواهان ایران علیه جنگ آمریکا و متحدانش درعراق صادر گشته است . این بیانیه راامضاء کرده

وتمایل خودرا به صلح و دوستی ابراز داشت . --

آثار :

۱ آن سوی چهره تو

۲ ازآتش خیمه های عاشورا

۳ درباغسار شعر معلم

۴ گزیده ادبیات معاصر

محبوبی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید محبوبی

محل تولد : ملکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

مجید محبوبی در دوازدهمین روز اسفند سال ۱۳۵۲ در روستای قره‌گل شهرستان ملکان به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در روستا گذراند. بعد از اتمام دوره راهنمایی و تحصیل یک ساله در دبیرستان بوعلی سینا شهرستان میاندوآب، سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه‌ولیعصر(عج) تبریز شد. در تبریز به کلاسهای قصه‌خوانی استاد عبدالمجید نجفی راه یافت و به آموزش اصول قصه‌نویسی پرداخت. آشنایی با شعرای موفق و مطرحی چون آقایان جلال محمدی، سید قاسم ناظمی، محمدرضا لوایی، اسحاق راهب و همچنین نویسنده ادبیات مقاومت جناب داوود امیریان، اشتیاق او به نویسندگی را مضاعف کرد. محبوبی در کنار تحصیلات حوزوی، به طور چشمگیری به مطالعه آثار بزرگان داستان‌نویسی همت گمارد که در این میان انس و الفت او با کتابهای مرحوم جلال آل احمد بیشتر بود. آشنایی محبوبی با مجله «سوره نوجوانان»، علاقه او به ادبیات بزرگسال را کاهش داد. او در این مقطع همه هم و غمش را به این مجله معطوف کرد و اگرچه نوشته‌های او در آن زمان مناسب چاپ در آن مجله تشخیص داده نشد؛ ولی چندی بعد با چاپ اولین قصه‌اش در مجله «سلام بچه‌ها»، که تشویقهای مداوم استاد مظفر سالاری را به همراه داشت، وارد وادی ادبیات کودک و نوجوان شد. محبوبی در مجلاتی مانند«سروش نوجوان»، «سلام بچه‌ها»، «پوپک»، «انتظار نوجوان»،«ملیکا»، «یاران امین» و «قاصدک» برای کودکان و نوجوانان و در مجلاتی چون «کتاب ماه کودک و نوجوان»، «کوثر»، «مبلغان»، «پگاه»، «پیشگامان»، «شمیم یاس» و «خشت اول» برای بزرگسالان قلم زده است. از این نویسنده تاکنون این کتابها منتشر شده است:۱. آن روز، آن مهمانی، ۲. یک روز بهاری ۳. کبوتر سفید، ۴. هدیه، ۵. تربت و دریا، ۶. اولین برفی که زمین نشست، ۷. آفتاب حکمت، ۸. آینه اخلاص، ۹. روح اخلاص، ۱۰. گزیده‌ای از حکایات شیخ عباس قمی، ۱۱.ستارگان حرم (گروهی) ۱۲. گلشن ابرار(گروهی)، ۱۳. مهربانترین، ۱۴. فرزند کعبه، ۱۵. خانه در آتش، ۱۶. ملاقات در شب مهتابی.

همچنین کتابهای ۱. دیدار در خانه دوست، ۲. خورشید در نخلستان، ۳. دعای باران، ۴. فرشته‌ای در کویر، ۵. بارانی از مهر، ۶. زیباترین شب، ۷. همسفر با فرشته، ۸ . رؤیای شیرین، ۹. فرشته‌ای در قصر، ۱۰.آن شب، آن شعر، ۱۱.نوشته نامرئی، را در زیر چاپ دارد.

«نامزد دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی» در سال ۱۳۸۶ و «مؤلف برتر اولین جشنواره مرزبانی وحی و خرد» در سال ۱۳۸۷، تنها عناوینی است که تا به حال محبوبی در عرصه رقابتهای فرهنگی ادبی به دست آورده است.

محجوب، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محجوب در سال ۱۳۰۷ هـ .ش در یک خانواده فرهنگی متولد شد، و به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده اش حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد. محجوب اگرچه همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و با اصرار خانواده تحصیلات خود را ناتمام نهاد ، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود که از آن جمله تقی زاده می باشد. این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه ، بخشی از اشتغالات وی در در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری خاطرات کودکی : روزنامه ملا- نصرالدین از روزنامه های مورد علاقه حسن محجوب در دوران کودکی، بود این روزنامه به زبان ترکی و در قفقاز به چاپ می رسید. حسن آن را ورق می زد و از تماشای کاریکاتورها و عکسهایش لذت می‌برد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن محجوب در سال ۱۳۰۷ ه .ش در یک خانواده فرهنگی متولد شد. وی به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات حسن محجوب دریک مقطع کوتاه سپری شد، چرا که او نتوانست همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی علیرغم اصرار خانواده، تحصیلاتش را ناتمام نهاد ، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد.خاطرات و وقایع تحصیل : حسن محجوب از این دوران، محجوب با توجه به زمینه مطالعات اولیه در دوران کودکی، درس و مدرسه رها کرد و به کسب و کار پرداخت، او چنین یاد می کند: « روز اول مهرماه ۱۳۲۰هـش که اطفال آن موقع روانه دبستانها و دبیرستانها بودند ، به همراه پدرم به یک کارگاه صحافی مراجعه نمودم و پدرم مرا به عنوان شاگرد به شخص صحاف معرفی نمود شخص صحاف هم خیلی استقبال کرد و اینجانب را به عنوان شاگرد پذیرفت. این شغلی که من برای خودم انتخاب کرده بودم ، خواه ناخواه منجر به این شد که با مسائل کتاب که از قبل هم با آن بیگانه نبودم بیشتر آشنا و علاقمند شوم. اشخاصی که به صحافی مذکور مراجعه می کردند ، اغلب افراد فاضلی بودند. با وجود این که من در سنین طفولیت بودم ، شخصیت بزرگ آن بزرگواران به قدری برای من جالب توجه بود که هنوز خاطرهٔ آن زمان را فراموش نکرده ام. »هم دوره ای ها و همکاران : سعید نفیسی ، عباس زریاب خویی ، سید حسن تقی زاده ، عبدالحسین زرین کوب، کیکاوس جهانداری از جمله همدروه ایها و همکاران

حسن محجوب بودند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن محجوب در اوان کودکی به کار صحافی مشغول شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود نظیر تقی زاده این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه ، بخشی از اشتغالات وی در در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید.

محجوب، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، نویسنده، مترجم.

تولد: ۱۳۰۳، محله سرچشمه تهران.

درگذشت: ۲۷ بهمن ۱۳۷۴، کالیفرنیای آمریکا.

محمدجعفر محجوب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تهران گذرانید. سپس به دانشکده‌ی حقوق رفت و به تحصیل علوم سیاسی پرداخت. در سال ۱۳۲۶ به دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران راه یافت و دوره‌ی دکترای آن را به سال ۱۳۳۵ به پایان آورد. رساله‌ی دکترای محجوب با عنوان سبک خراسانی در شعر در سال ۱۳۴۵ در کتابی با همین عنوان منتشر شد. وی پس از تحصیل شروع به تدریس نمود.

محجوب خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۷ آغاز کرد و با مجله «سخن» و چند نشریه علمی و ادبی دیگر همکاری داشت.

از ترجمه‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: خاطرات خانه‌ی مردگان (فئودر داستایوسکی، ۱۳۳۵)؛ داستان‌های دریای جنوب (جک لندن، ۱۳۳۰)؛ سگ سیرک؛ از خود گذشتگی زنان (جک لندن، ۱۳۳۵)؛ دخمه نشینان؛ انتقام مروارید (جان اشتاین‌بک ۱۳۲۸)؛ مروارید (جان اشتاین بک، ۱۳۴۰)؛ جزیره وحشت (جک لندن، ترجمه با مشارکت جهانگیر بهروز، ۱۳۳۰)؛ پسر گرگ (جک لندن، ۱۳۳۰)؛ آتش (هانری باربوس، ۱۳۳۰).

از جمله تصحیحات و حاشیه‌نویسی‌های وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: دیوان حکیم قاآنی شیرازی، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، دیوان سروش اصفهانی، طرائق الحقایق تألیف نایب الصدر شیرازی، فتوت‌نامه سلطانی تألیف واعظ کاشانی سبزواری، شاهنامه فردوسی، دیوان ایرج میرزا و...

آثار وی در پژوهش و نقد و نظریات ادبی به شرح زیر است: انتخاب و انطباق منابع فارسی برای تدوین کتاب‌های کودکان و نوجوانان، آفرین فردوسی، چند رساله درباره‌ی فتوت و جوانمردی در ایران و فرهنگ عامه، فن نگارش یا راهنمای انشاء (با همکای دکتر علی‌اکبر فرزام‌پور، ۱۳۳۳)؛ درباره‌ی کلیله و دمنه.

دکتر محمدجعفر محجوب در ۲۷ بهمن ۱۳۷۴ در سن هفتاد و یک سالگی در پی ابتلا به سرطان درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محدث ارموی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۰ -۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، مدرس، محقق، مصحح و ادیب. به علت شوق بسیار به مطالعه، در جوانی، از طرف آیت‌اللّه سید حسین عرب باغی، لقب محدث گرفت. او در ارومیه به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، علوم اسلامی را در محضر شیخ علی ولدیانی آموخت. سپس به مشهد رفت و فقه و اصول و ادب و تاریخ و حدیث و رجال را در محضر علمای مشهد فراگرفت. پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و عازم نجف بود که به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و برای تدریس راهی تبریز شد. با ورود روسها به آذربایجان به تهران بازگشت و به تصنیف و تألیف پرداخت و عهده‌دار سمت ریاست بخش نسخ خطی کتابخانه‌ی ملی گردید. در ۱۳۲۲ ش داماد آیت‌اللّه سید احمد طالقانی شد. از ۱۳۳۵ ش به دانشکده‌ی معقول و منقول رفت و تا ۱۳۴۷ ش که بازنشسته شد به تدریس اشتغال داشت. او به اخذ درجه دکترای الهیات در رشته علوم منقول نایل آمده و از علما و مراجع اجازات بسیاری کسب کرده بود که از جمله آنها اجازه‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی و شیخ محمدعلی معزی دزفولی بود. وی تا آخر عمر به تألیف و تحقیق و تصحیح کتاب مشغول بود. در تهران درگذشت و در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتوح رازی، در حرم حضرت عبدالعظیم، به خاک سپرده شد. از آثارش: «تشریح الزلازل بأحادیث الافاضل»؛ «عشق و محبت»؛ «ایمان و رجعت»، در چهار مجلد؛ «کشف الکربة»، در شرح «دعاء الندبة»، که حاصل تلاش شصت سال کار اوست؛ شرح بر «اصول الاصیلة» فیض کاشانی؛ تذییل «میزان الملل» علی بخش میرزا قاجار؛ تصحیح کتابهای: «الصوارم المهرقة فینقد الصواعق المحرقة» قاضی نوراللّه شوشتری، «التفضیل» ابوالفتح کراجکی، «المحاسن» برقی، «النقض» عبدالجلیل قزوینی رازی، «الغارات» ابواسحاق ثقفی، «التعریف بوجوب حق الوالدین» ابوالفتح کراجکی، «زاد السالک» فیض کاشانی، «آثار الوزراء» عقیلی، «تفسیر گازر» موسوم به «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان» ابوالمحاسن جرجانی، «التنبیهات العلیة» ترجمه‌ی «اسرار الصلاة» شهید ثانی، «مفتاح التحقیق» معزی دزفولی، «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار» ناصرالدین منشی کرمانی، «فهرست منتجب الدین»، «الاربعین من الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)» و «دیوان» قوامی رازی.[۱]

محقق، مصحح.

تولد: ۲ آذر ۱۲۸۳ (۱۳ رمضان ۱۳۲۳ ق.)؛ ارومیه.

درگذشت: ۵ آبان ۱۳۵۸.

سید جلال‌الدین محدث ارمی، فرزند قاسم حسینی، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود و فراگیری ادبیات فارسی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و علوم اسلامی را در محضر اساتیدی همچون شیخ علی ولدیانی فراگرفت و با آنکه پزشکان او را از خواندن زیاد نهی می‌کردند ولی او به مطالعه ادامه می‌داد تا جایی که آیت‌الله سید حسین عرب‌باغی با این که در صنف روحانیت نبود لقب «محدث» را به وی اعطا نمود. سپس برای تکمیل معلومات خود، به جانب مشهد حرکت کرد و در بین راه به شبستر وارد شد و در این حال سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا را که به وی پیشهاد شده بود رد کرد. پس از آن چهار سال در مشهد به تحصیل علم مشغول بود تا اینکه قتل عام مردم توسط حکومت رضاشاه پیش آمد و چند شبی را در زندان به سر برد و پس از آن عازم تهران شد تا از آنجا روانه حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شود بعدا به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. برای تدریس به تبریز رفت و در سال ۱۳۲۰ به هنگام ورود روس‌ها به آذربایجان، وی به تهران عزیمت کرد و با سمت رییس «بخش مخطوطات کتابخانه‌ی ملی ایران» به خدمت خود ادامه داد. در سال ۱۳۲۲ ازدواج کرد. وی به دعوت دانشکده‌ی معقول و منقول به آن دانشکده رفت تا در سال ۱۳۴۷ بازنشسته شد. لازم به ذکر است که وی همچنین کلاس‌های دوره‌ی دبیرستان و دانشگاه را گذرانده بود و دکترای الهیات در رشته‌ی علوم منقول را نیز گرفته بود. علامه ارموی بعد از بازنشستگی تا آخر عمر به تألیف کتاب مشغول بود.

فهرست آثار وی به این شرح است: تصحیحی میزان الملل (تألیف علی بخش میرزا قاجار)؛ تصحیح الصوارم المهرقهٔ فی نقد الصواعق المحرقهٔ (به زبان عربی، تألیف قاضی نوالله شوشتری)؛ تألیف فیض‌الاله فی ترجمهٔ القاضی نورالله (در شرح احوال قاضی شوشتری و خاندانش)؛ تصحیح اسرارالصلوهٔ ترجمه التنبیهات العلیهٔ علی وظائیف الصلوهٔ القلبیهٔ (تألیف زین‌الدین شهید ثانی، ترجمه محمدصالح بن محمدصادق واعظ، ۱۳۶۸ ق.)؛ تصحیح دیوان الحاج میرزا ابوالفضل الطهرانی (شعر عربی، با مقدمه‌ای در خدمات ایرانیان)؛ تصحیح التفضیل (تألیف ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی)؛ تصحیح المحاسن برقی (دو جلد، تألیف ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ تصحیح النقض (تصنیف عبدالجلیل قزوینی رازی، ۱۳۳۱)؛ تصحیح زادالسالک (تألیف محمد بن مرتضی ملقب به فیض کاشانی، ۱۳۳۱)؛ استخراج فهرست کتاب التدوین فی ذکر اخبار قزوین (تألیف عبدالکریم بن محمد رافعی)؛ تصحیح دیوان قوامی رازی (۱۳۳۴)؛ تصحیح نجاتیه (تألیف شیخ ابومحمد بسطامی)؛ تصحیح دیوان سعد فضل‌الله راوندی کاشانی؛ تألیف مقدمه‌ی نقض و تعلیقات آن؛ تألیف کلید نقض یا فهرست بعض مثالب النواصب؛ همراه با فهرست مقدمه نقض و تعلیقات آن؛ تصحیح آثار الوزراء (تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی)؛ تصحیح تفسیر گازر موسوم به جلاء الاذهان و جلاء الحزان (تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی)؛ تصحیح نسائم الاسحار من لطائم الخبار (در تاریخ وزراء تألیف ناصرالدین منشی کرمانی)؛ تصحیح مفتاح التحقیق (تألیف شیخ محمدعلی معزی دزفولی)؛ تصحیح نقاوهٔ الاصابهٔ فیمن أجمعت علیه العصابهٔ (تصنیف حاج میرزا ابوالفضل تهرانی)؛ تصحیح شش رساله‌ی فارسی (تألیف مولی محمد طاهر قمی)؛ تصحیح شرح فارسی غرر الحکم و درر الکلم (تألیف عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی (تألیف بهاءالدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی)؛ تصحیح رساله‌ی طینت (از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح شرح فارسی کلمات قصار پیغمبر خاتم (ص) (شرح شهاب‌الاخبار، تألیف قاضی قضاعی)؛ اهتمام و طبع رجال برقی (از احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ شرح فارسی مصباح الشریعهٔو مفتاح الحقیقهٔ (از عبدالرزاق گیلانی، در دو جلد)؛ تصحیح الرسالهٔ العلیهٔ فی الاحادیث النبویهٔ (تألیف کمال الدین حسین کاشفی)؛ اهتمام و طبع سه رساله در علم رجال (۱. توضیح الاشتباه و الاشکال؛ ۲. رسالهٔ فی معرفهٔ الصحابهٔ؛ ۳. رجال قاین؛ به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ اهتمام و طبع الفصول الفخریه فی اصول البریهٔ (تألیف نسابه معروف جمال‌الدین احمد بن عنبه مؤلف عمدهٔ‌المطالب به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ تصحیح شرح المائهٔ کلمهٔ لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی)؛ تصحیح شرح المائهٔ کلمهٔ لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف عبدالوهاب)؛ تصحیح مطلوب کل طالب من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف رشیدالدین وطواط)؛ تصحیح الاصول الاصلیهٔ (تألیف مولی محمد محسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الحق المبین فی تحقیق کیفیهٔ التفقه فی الدین (تألیف مولی محمدمحسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الایضاح (تصنیف علم‌الدین فضل بن شاذان نیشابوری)؛ تصحیح فردوس (در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، تألیف علاءالملک مرعشی شوشتری)؛ تصحیح حکمت اسلام (تألیف محمد صالح بن محمدباقر قزوینی)؛ تصحیح الغارات (تألیف ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی)؛ تصحیح الدلائل البرهانیهٔ فی تصحیح الحضرهٔ الغرویهٔ (تألیف علامه جمال‌الدین ابی منصور حسن بن مطهر حلی)؛ تألیف تعلیقات نقض (دو جلد)؛ تألیف کشف الکربهٔ فی شرح دعاء الندبهٔ؛ تصحیح فهرست شیخ منتجب الدین رازی؛ تصحیح الاربعین من الاربعین عن الاربعین شیخ منتجب‌الدین رازی.

سید جلال‌الدین محدث ارموی ساعت دو بامداد شنبه پنجم آبان ۱۳۵۸ به علت سکته قلبی درگذشت و پیکر وی در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتح رازی در صحن امامزاده حمزه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۵، ش ۱۲ -۱۰، ص ۹۵۰ -۹۴۹)، تعلیقات نقض (هفت- بیست)، الذریعه (۱۳۳ -۱۳۲/ ۲۴ ،۵۵ -۵۴/ ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۶/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۸، ص ۳۷ -۳۶).

محدث حائری همدانی، عبدالرزاق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی‌رضا بن عبدالحسین بن ابی‌طالب بن عبدالکریم بن یحیی بن محمد شفیع بن محمد رفیع بن فتح‌الله قزوینی حائری اصفهانی.

اجدادش عموما اهل فضل و کمال بوده، به طوری که مولی عبدالکریم مؤلف «نظم الغرر»؛ و محمد یحیی مؤلف «ترجمان اللغهٔ» در شرح قاموس مطبوع می‌باشد، در سال ۱۱۱۷ زنده بوده؛ و محمد شفیع نویسنده کتاب «متمم ابواب الجنان» متوفی در ۱۱۰۴؛ و محمد رفیع مؤلف کتاب «ابواب الجنان» می‌باشد، و در سال ۱۰۸۹ وفات یافته است.

صاحب عهوان در ۱۲۹۱ در اصفهان متولد شده، و خدمت جمعی کثیر از فضلای این شهر همچون: حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی، و حاج آقا منیر بروجردی، و آخوند گزی، و آقا نجفی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای؛ و در همدان از سید عبدالمجید گروسی؛ و در نجف به درس جمعی از بزرگان حاضر شده؛ سپس به همدان مهاجرت نموده، و تا آخر عمر در آنجا به ترویج دین و نشر احکام از راه تألیف و تصنیف و منبر و محراب پرداخته، سرانجام در اوایل شوال ۱۳۸۳ در همدان وفات یافت.

تألیفات او بالغ بر هفتاد مجلد کتاب و رساله است، از آن جمله است: ۱ - ذریعهٔ المعاد، در شرح نجاهٔ العباد ۲ - رساله در غنا ۳ - رساله در درایه ۴ - رساله‌ی خلافیه بین شیخیه و امامیه ۵ - رساله‌ی هدایه، در رد معتقدات صوفیه ۶ - سلاسل الحدید فی عنق الفرید، در رد عبدالوهاب فرید، در موضوع رجعت ۷ - قرآن و حجاب، مطبوع ۸ - دلایل امامت از اسلام و خلافت، مطبوع ۹ - الشهب الثاقبهٔ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محدثی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد محدثی

محل تولد : سراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۱ در شهرستان سراب (آذربایجان شرقی) به دنیا آمد پدر و پدر بزرگش روحانی بودند و در مکتب مرحوم میرزا جلیل واعظ سرابی به درس و تدریس اشتغال داشتند. وی به لحاظ روحانی بودن پدرش از کودکی در قم می زیست. در این شهر بزرگ شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم گذراند از سال ۱۳۴۴ ش وارد حوزه علمیه قم شد و در مدرسه علیمه منتظریه معروف

به حقانی به تحصـیل پرداخت در این مدرسه که با مدیریت شهید آیت الله قدوسی و همکاری شهید آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی و آیت الله مصباح یزدی اداره می شـد با اسـتفاده از محضـر اساتید برجسـته، انقلابی و متقی که اغلب از شاگردان امام راحل «قدس سره» بودند درسـهای حوزه را از مقدمات تا خارج فقه فرا گرفت از اساتید بسیار این دوره ۱۴ ساله می توان از شهید قدوسی، شهید مفتح، شـهید شاه آبادی و آیات عظام : مشـکینی، وحیـد خراسانی، شبیری زنجانی، جنتی، احمدی میانجی، مصـباح یزدی، گرامی، انصـاری شـیرازی، حسن زاده آملی، میر محمـدی، آذری قمی، صـانعی، مـومن، محمـدی گیلانـی، حـائری شـیرازی، ابراهیم امینی، مقتـدایی و بزرگـان دیگر یـاد کرد پس از انقلاب نیز در درسـهای آیـات عظام حضور می یافت. پیش از انقلاب به سـبب مبارزات سیاسـی و سخنرانی در شهرستانها دو بار دستگیر و زندانی شد یک بار در سال ۵۴ به مدت دو هفته و بار دیگر در سال ۵۶ به مدت ۹ ماه. با پیروزی انقلاب اسـلامی در کنار فعالیتهای درسی به تلاشهای فرهنگی و تبلیغی در شهرستانهای مختلف پرداخت، با صدا و سیما امور تربیتی آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسـلامی، دفتر تبلیغات اسـلامی، پژوهشـکده باقر العلوم، سپاه پاسداران و بخش فرهنگی بنیـاد شـهید و جهـاد سازنـدگی همکاریهای فرهنگی و قلمی داشت، در عرصه مطبوعات دینی و مجلات انقلابی و مـذهبی فعالانـه همکاری داشت و با نگارش سلسـله مقالاتی در زمینه های هنری، اخلاقی، اجتماعی، مباحث قرآنی و تربیتی، خانوادگی، در مجلاتی همچون : عروة الوثقی، پیـام انقلاب، پیام زن، حوزه، مکتب جبهه، مکتب انقلاب، امیـد انقلاب، کمیته، پیام هلال، میقات حـج، کوثر، فرهنگ جهـاد، پاسـدار انقلاب، پرسـمان، حـدیث زنـدگی، افق خانواده، مسـجد دانشـگاه همچنین با همکاری قلمی با روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان و هفته نامه «صبح صادق» و«ری» و نشریه «زائر» در ایام حج، در طول سالیان متمادی حضور ادبی و فرهنگی داشت. چند سال در اوایل انقلاب با حضور در دانشگاههای مختلف و تدریس تاریخ اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی، منطق و موضوعـات دیگر نیز حضـور مکرر در مجـامع دانشـگاهی و جمعهـای دانشـجویی و اردوهـای دانش آموزی و سـمینارهای فرهنگی و تربیتی آموزشـی و پرورش معلمـان، در فضـای فکری اجتماعی جوانان حضوری اثر گـذار داشت. یک بار هم سـفری دو ماهه به جنوب لبنان و ارتباط و همکاری با حزب الله داشت. نه سـفر هم به حج رفته است. وی به دلیل بر خورداری از قریحه شـعر و سـابقه شـاعری که به سالهای پیش از انقلاب بر می گردد در بسـیاری از مجامع ادبی و محافل شـعری و شـبهای شـعر بویژه در اوایل انقلاب به عنـوان یـک حـوزوی شـاعر و خـوش ذوق حضـور می یـافت و آثـار خویش را عرضه میکرد و این حضور نقش مثبت و بسـزایی داشت. از ویژگیهای خاص او بعد ادبی و قلمی است و به همین جهت در راسـتای انتقال تجارب قلمی و نگارشی خویش به نسل جوان حوزه از پیش از انقلاب تا حال حاضـر پیوسـته در مدارس مختلف حوزه علمیه (چه جامعهٔ الزهرا و چه مدارس برادران و چه مراکز تخصصـی حـوزه) آموزش ادبیـات فارسـی و روش نگـارش و تحقیق داشـته است و در این زمینه کتـاب (روشـها ی) او به عنوان یک متن آموزشی فشرده به شمار می رود وی همچنین در مراکز مختلفی به عنوان عضو هیئت علمی، طرح و برنامه، بررسی و نظارت حضور و همکاری داشته است.

محرم یزدی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۴ ق)، ادیب و شـاعر، متخلص به محرم. در یزد به دنیـا آمـد. در کـودکی پـدر خود را از دست داد و تخلص او را برای خود برگزید. وی پس از تکمیل علوم ادبی به عتبات سفر کرد و از آنجا به کرمانشاه رفت. سپس به تهران آمد و مداح محمد شاه گردید و شاه به او لقب ملک‌الشـعرای عراقین داد. او همچنین میرزا آقا خان نوری را مـدح کرده است. محرم به زبان فرانسه تسلط داشت و

در مدرسه‌ی دارالفنون فرانسه تدریس می‌کرد. وی اشعاری نیز در مدح اهل‌بیت و مراثی سیدالشهداء (ع) دارد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۰۱ -۲۹۶)، حدیقة الشعراء (۱۵۵۴ -۱۵۵۱/ ۳)، الذریعه (۹۷۴، ۷۰۳/ ۹)، طرائق الحقاق (۴۰۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۰۸)، المآثر و الآثار (۲۱۵ -۲۱۴)، مجمع الفصحا (۹۶۳ -۹۵۵/ ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۸۳ -۱۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰ -۲۹/ ۴)، یغما (س ۱۲، ش ۱۰، ص ۴۵۷ -۴۵۵).

محسن بن عبدالصمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا عبدالصمد، فاضل ادیب فوت شعبان ۱۲۷۰.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محفوظ، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنوان :نگاهی به زندگی پر بار استاد دکتر حسین علی محفوظ

نویسنده : عبدالحسین طالعی(*)

چکیده :این گفتار به زندگی نامه و آثار علمی دکتر حسین علی محفوظ ، استاد فقید عراقی(۱۳۴۴-۱۴۳۰) هجری قمری /۱۹۲۶-۲۰۰۹ میلادی) می پردازد. برخی از بزرگان خاندان علمی او که هشت سده تاریخ درخشان دارند، شرح حال مختصر و برخی از تألیفات و تلاش های علمی او ، کوشش پی گیر او در احیای سنّت حسنه روایت حدیث ، فهرستی از مشایخ روایتی او ، در این گفتار آمده و در پایان ،منابعی برای آشنایی با شخصیت او و دو سند منتشر نشده درباره ارتباط علمی ایشان با استاد فقید سیدجلال الدین محدث ارموی آمده است.

کلید واژه : محفوظ، حسین علی /دانشگاه بغداد/ اجازه روایت حدیث/ محدث ارموی ، سیدجلال الدین /تاریخ عراق ، قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری.

علی ابن جعفر(علیه السلام) : عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد.(۱)

سرکشید از خاک ، آن دانا که داشت در جهانِ فضل و بر ملک معانی سروری

پیشوای اهل تحقیق و خداوند ادب کعبه ی معنی شناسان قبله دانشوری(۲)

۲۳ محرم سال ۱۴۳۰ شاهد ضایعه ی فقدان یکی از دانشمندان کم نظیر بود که بیش از هشتاد سال عمر خود را به تعلم و تعلیم و فراگرفتن و آموختن و پژوهش و نگارش گذرانده بود.

استاد دکتر حسین علی محفوظ ، پژوهشگر میدان دانش های مختلف ، که شهرها و دیارها را در پی جهاد علمی خود زیر پا نهاده و

درهرجای ، آثار و برکات حضورش نمایان بود.

خاندان

آل محفوظ ، خاندان علمی است ، بس کهن وریشه دار از شهر فرهنگ خیز «حلّه»

که از قرن هفتم هجری تاکنون بزرگانی در خود پرورده و عالمانی به امّت اسلام شناسانده است.

شیخ شمس الدین محفوظ ابن وشّاح بن محمد اسدی حلّی ، جدّ اعلای این خاندان ـ در قرن هفتم ـ یکی از افتخارات خود را انتساب به «بنی اسد» می دانست که روز عاشورا ، چه با تقدیم شهیدی کهن سال به آستان مقدس ابی عبدالله (علیه السلام) جناب حبیب بن مظاهر اسدی ، و چه با خدماتی که پس از رویداد کربلا به خاندان و زائران حضرتش داشتند ، نیکوترین نام را در تاریخ به جای نهادند.

آل محفوظ ، از سوی دیگر ، بنی عمّ «آل مطهر» به شمار می آیند ، که علّامه حلی و فرزندش فخرالمحققین ، از این خاندان هستند. صاحب کتاب «غررالدلائل» ـ که در شرح قصاید علویه هفتگانه ابن ابی الحدید نگاشته ـ در آغاز کتاب خود تصریح می کند که این قصاید را در سال ۶۸۰نزد استادش شیخ شمس الدین ابومحمد محفوظ بن وشاح در خانه اش در حلّه خوانده، و استاد ، آن قصاید را از ناظم آن (ابن ابی الحدید) روایت می کرده است.

شیخ حسن بن شهید ثانی در اجازه کبیره ، شیخ حر عاملی در امل الامل ، شیخ محمد سماوی در کتاب الطلیعه و علّامه امینی در الغدیر ، مراتب علمی او را ستوده اند. وبزرگانی مانند ابن داوود حلّی در رثای او اشعاری سروده اند.

فرزندش تاج الدین ابوعلی محمدبن محفوظ نیز از بزرگان علم و ادب بود. شیخ حر عاملی در امل الآمل ، ابن فوطی در تلخیص مجمع الآداب و صفی الدین حلّی در دیوان خود ، او را ستوده اند . و قصیده ی صفی الدین حلّی در مدح و رثای او قصائدی سروده است . وی در سال ۶۸۵ جانشین عزالدین احمد زنجانی قاضی القضاه حلّه شد.

شیخ حسین محفوظ ،از تبار او بود که در سال ۱۱۷۱ درهرمل (لبنان) زاده شد و در سال ۱۱۸۲ به عراق آمد ودر کاظمیه سکنی گزید. اونزد سید عبدالله شبّر،

مراتب علمی را پیموده و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

سید حسن صدر در تکمله ی امل الآمل ، با اشاره به زهد عملی و تلاش عملی وی ، او را همراه با شیخ حسین نجف به عنوان «حسینین» نام می برد. شیخ مرتضی انصاری نیز او را «سلمان زمان و ابوذر روزگار خود» می خواند .

بیش از صد عالم در این خاندان شناخته شده اند که مجال بیان نام های آنها ، خود رساله ای مفصل می طلبد که مرحوم دکتر محفوظ در دو کتاب خطی خود «تاریخ آل محفوظ» و «تاریخ الهرمل» به تفصیل آورده و در این اجمال نمی گنجد.

علاوه بر عراق ، در جای جای لبنان و سوریه نیز ، بزرگانی از این خاندان می توان یافت . از جمله نسب پطرس بستانی(متوفی ۱۸۸۳ میلادی) ، سلیمان بستانی (م۱۹۲۵) ، ودیع بستانی(م۱۹۵۴) ، و فؤاد افرام بستانی در لبنان نیز به همین خاندان می رسد.

نسب

حسین بن الشیخ علی (م۱۳۵۵ ق) ابن الشیخ محمد الجواد(۱۳۵۸ق) ابن الشیخ موسی(۱۳۲۰ق) ابن الشیخ حسین(۱۲۶۲ق) ابن الشیخ علی(۱۲۲۲ق) ابن الشیخ محمدابن الشیخ علی ابن الشیخ محفوظ، مشهور به دکتر حسین علی محفوظ ، در روز دوشنبه ۲۰شوال ۱۳۴۴ قمری (۳ دسامبر ۱۹۲۶) در کاظمیه ، محله الشیوخ ، شارع قریش ، در خانه ی قدیمی خانوادگی خود دیده به جهان گشود. مادرش سیده خدیجه(م۱۴۱۰ق) دخت سید هاشم صائغ(م۱۳۷۴ق) ، از کتاب دودمان جناب زیدبن علی بن الحسین(علیه السلام) بودند که ابن حزم اندلسی درکتاب «جمهره انساب العرب» ، به ریاست این خاندان در کوفه و بغداد اشاره کرده است.

زندگی نامه علمی

دکتر محفوظ در مدارس کاظمیه و بغداد درس آموخت . در سال ۱۹۴۸ از
دارالمعلمین العالیه در بغداد لیسانس ادبیات (زبان عربی) و در ۱۹۵۵ ، در رشته ی ادبیات شرق (ادبیات تطبیقی) دکترا گرفت . درسال ۱۹۵۰ به دعوت دانشگاه تهران به تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال ۱۹۵۷ از رساله دکترای خود تحت عنوان «المتنبیّ و سعدی» دفاع کرد. در همین زمان ، در سال ۱۹۵۲ به عضویت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد.

دکتر محفوظ ،در زمان کودکی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت عمویش استاد محمد محفوظ درآمد. از عموی دانشمند و مادر فاضل خود بسیار درس آموخت و از کتابخانه موروثی خانوادگی بهره فراوان برد . علاوه بر دروس رسمی دانشگاهی ، دروس حوزی را نزد علمای روزگار خود فراگرفت . در کنار آن ، دروسی همچون علم انساب ، نجوم ، ریاضیات ، طب قدیم ، منطق ، فلسفه را نیز آموخت . در طول سالهای تهران ، زبان فارسی باستان را از استاد ابراهیم پور داوود ، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پرفسور کنعا راجا آموخت. با استاد بدیع الزمان فروزانفر که استاد راهنمای رساله اش بود ، و نیز استاد دکتر سید محمد مشکاه بسیار مأنوس بود. دکتر محفوظ می گفت: زمان عزیمت از بغداد به تهران ، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی ـ که در سال ۱۳۶۷ قمری به من اجازه روایت حدیث داده بود ـ طی نامه ای مرا به دکتر مشکاه معرفی کرد. و دکترمشکاه ، پس از آن ، لطف و محبت خاص خود را از من دریغ نمی داشت . دکتر محفوظ ، با وجود تبحّر در علوم مختلف ـ که بیش از ۱۵۰۰ اثر در موضوعات گوناگون نگاشت ـ خود را «خادم علوم القرآن و علوم الحدیث» و «سبط اهل البیت (علیه السلام)» می دانست.

سرودن شعر را از ۱۳سالگی شروع کرد، در سال ۱۹۳۹ که چند بیت در وصف بهار سرود ، که به این فن تا آخر عمر مداومت داشت.

دکتر محفوظ سه سال (۱۹۶۱-۱۹۶۳) در دانشکده علوم شرقی دانشگاه
لنینگراد سابق (سن پترزبورگ فعلی) در روسیه ، برکرسی شیخ محمد عیاد طنطاوی نشست و به تدریس ادبیات عرب پرداخت ، و به لقب «استاد المستشرقین» دست یافت. در سال ۱۹۶۹ بخش پژوهش های شرقی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد بنیان نهاد که تا سال ۱۹۷۳ در سمت ریاست آن باقی بود.

از سال ۱۹۷۵ به بعد، درباره ی نسخه های خطی پژوهش های مختلفی به سامان برد که آثاری همچون مصطلحات المخطوطات ، مصطلحات المکتبه العربیه ، مصطلحات المخطوطات ، مصطلاحات المکتبه العربیه، مصطلحات الخط، مصطلحات الرسم و النقش و التزویق ، علاوه بر فهرست مخطوطات کتابخانه های مختلف در عراق ، ایران ، آذربایجان و روسیه در این زمینه ،بر جای نهاد.

از سال ۱۹۷۸ به بعد ، چندین اثر ماندگار درعلم تقویم از او به جای ماند، که برخی ابتکاری بود ، مانند : دائره الاهلّه(۱۹۷۸) ، دائره التقویم (۱۹۷۹)،تقویم القرآن الخامس عشر الهجری(۱۹۷۹) ، جدول الأدوار و الکبائس ستّه آلاف سنه الهجریه (۱۹۷۹) ، اوائل الشهود الاثنی عشر فی القرن الخامس عشر(۱۹۸۱).

به آمار در پژوهش های خود بسیار بها می داد. به عنوان نمونه ، در پی یک پژوهش طولانی در مورد میزان اثرگذاری زبان عربی بر چند زبان دیگر ، به این نتایج دست یافت:

زبان اردو ۴۱/۹۵٪ ، زبان تاجیکی۴۶/۳۹٪ ، زبان ترکی ۴۹/۷۰٪، زبان فارسی ۶۰/۶۷٪

نیز : از یک پژوهش در آثار ۱۳۴۰ شاعر و ۱۶۰ نویسنده ی شرقی(غیرعربی) به این نتیجه رسید که الفاظ عربی در آثار اینان ، ۵۲٪ در شعر و ۷۰٪ در نثر به کار رفته است .

دکتر محفوظ در نوشتن فرهنگ های تخصصی ید طولایی داشت ، از جمله : معجم الآلات و الأدوات ، معجم العلامات و الرموز،

معجم الاضداد ،معجم الالوان ،

مصطلحات النقود ، معجم الصنّاع و البیّاعین و المحترفین ، معجم الموسیقی العربیه.

به تاریخ شهرهای اسلامی اهتمامی تمام داشت ، به ویژه تاریخ عتبات عالیات ، که تحقیقات او در این زمینه ، در دوره «مرسوعه العتبات المقدسه» انتشار یافت.

در جهت برگزاری مجالس بزرگداشت بزرگان علم و ادب ، بسیار می کوشید ، مانند : هزاره ی کندی فیلسوف ، هزاره سید رضی ، هزاره ی شیخ صدوق ، هزاره ی صاحب بن عباد ، هزاره ی شیخ مفید، بزرگداشت صفی الدین ارموی وابن رحمه حویزی و ابن سینا و فارابی و فضولی بغدادی و...

در طول این سالها ، استدراک بر کتابشناسی هایی مانند کشف الظنون ومعجم المطبوعات نوشت.

عضویت در فرهنگستان زبان ایران (۱۹۵۲) ، جمعیت سلطنتی آسیایی لندن مجمع(۱۹۵۴) ، مجمع اللغه العربیه قاهره(۱۹۵۶) ، ممجمع علمی علیگره هند(۱۹۷۶)، علمی عربی دمشق(۱۹۹۳) و مجامع دیگر ، در کارنامه ی اوست.

و این تلاش علمی ادامه داشت تا اواخر عمر پربار خود که همراه با دو تن از یاران همراه ، به تصحیح و تحقیق کتاب پر ارج «تکلمه امل الآمل » نوشته علامه محقق سیدحسین صدر پرداخت و متن کامل آن را برای نخستین بار در شش جلد در لبنان منتشر کرد.

نگاه تقریبی او ـ در عین تصلب به مبانی شیعی ـ بسیار دیدنی بود. استاد بر اساس آماری که از احکام شرعی استخراج کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که تنها ۸/۳٪ درصد از احکام فقهی مورد اختلاف میان مذاهب اهل قبله است که در آن میان فقط ۰/۵۶٪ از آن ، حکم مختص شیعه امامیه است.(متن کامل این مقاله را دکتر محفوظ به نگارنده ی این سطور مرحمت فرمود که تلخیص آن در سفینه شماره ۱۵، ص۱۸۲–۱۸۸ به چاپ رسید.)

در تصلب او به مبانی شیعه و بزرگان آن ، کافی است به یک نکته اشاره شود.

یکی از آثار جاودانه دکتر محفوظ ، رساله ای درباره ثقه الاسلام کلینی و کتاب شریف کافی است که در سال ۱۳۷۴ قمری نوشته اند و در مقدمه کتاب کافی (با تحقیق استاد فقید علی اکبر غفاری) آمده است.

استاد علی اکبر غفاری درباره ی این رساله می نویسد:«هی معربه عن مکائه الاستاذ فی الثقافه الاسلامیه و شموخه فی الادب و تضلّعه و براعته فی الدرایه و الحدیث . فزیّنا الکتاب بهمقاله تقدیراً لسعیه و إکباراً لمقامه».

و آیت الله سید محمدرضا حسینی جلالی درباره ی آن می نویسد:«از شاهکارهای ایشان مقدمه بر چاپ کتاب الکافی مرحوم کلینی است که در تهران چاپ شده که با این کار ، علاقه و عشق آقای دکتر محفوظ به حدیث و علوم آن نمایان شد».

این رساله با زبان انگلیسی ترجمه شده ودر ابتدای نخستین مجلّد ترجمه انگلیسی اصول کافی (ترجمه آیت الله شیخ محمدرضا جعفری نجفی تحت عنوان" Al-Kulayni and Al Kafi) "درج شده است.

(چاپ تهران : سازمان جهانی خدمات اسلامی WoFis ، ج۱، ص۲۷ تا۴۶)

ایشان به نگارنده ی سطور می فرمود:«وصیت کرده ام نوشته هایی را که در مورد ثقه الاسلام کلینی نوشته ام ، همراه با من دفن شود ، باشد تا از شفاعت آن بزرگوار در روز قیامت بهره مند شوم.»

روایت حدیث

از نقاط روشن و برجسته در زندگی دکتر محفوظ ، تداوم راه استادش شیخ آقا بزرگ تهرانی در بر پاییِ رایتِ اجازه ی حدیث است . وی ، از زمانی که نخستین اجازه ی روایی خود را در سنّ بیست سالگی ، از شیخ آقا بزرگ گرفت ، تا آخر عمر پربار خود ، نزدیک به صد اجازه ی روایتی ، ، از محدثان شیعه امامی زیدی ، اسماعیلی ، حنفی ، حنبلی ، مالکی ، شافعی در زمینه های حدیث ، قرائت قرآن، اذکار و ادعیه ، خط ، استخاره ، علوم غریبه گرفت . و خود به صدها تن اجازه ی روایتی داد.

این اجازات در شهرهای مختلف بود، از جمله : نجف ، کاظمین ، سامرا ، صور (لبنان) ، طنجه ، فاس (مغرب) ، تهران ، قم ، زنجان ، بغداد، دمشق ، اصفهان ، سمنان ، سبزوار ، پطرزبورگ ، مدینه ، بعلبک ، بصره ، موصل ، علیگره ، إربیل (عراق) ، لندن ، صنعاء(یمن) ، تلمسان(الجزایر) ، بعقوبه (عراق) ،هرمل (لبنان)

دکتر محفوظ ، چه در خاطرات شفاهی خود و چه در نوشته های کتبی ، همواره تواضع خود را نسبت به علما و مراجع تقلید شیعه نشان می داد و استجازه ی آنها از خود را ، نشانه ی تواضع آنها می دانست . از جمله در جایی می نویسد: «مرجع اکبر اقدم سیدابوالقاسم خویی (قدس الله سره) از من خواست که به او اجازه روایت دهم ، در زمانی که به زیارتش مشرف شدم ، در حالی که من سی سال داشتم و او پیرمردی سالخورده بود. این نهایه تواضع و آخرین حدّ خفض جناح بود، که علوم حدیث ، «روایه الأکابر عن الأصاغر» نام دارد. من به راستی حیا کردم ، سکوت بر من غالب شد، در برابر هیبت چنان بزرگی...».

دکتر محفوظ در ارجوزه ای کوتاه، ازهمین مجلس چنین یاد می کند:

قال :«أجزنی أنت» ینهلّ سنامشعشعا ، لمّا استجزته انا

قال : أجزنی ، فسکتّ ادباً

وهیبه و خجلاً و رهبا

أکاد من فرط الحیا أذوب

والقلب قد قطّعه الوجیب

و مالمثلی أن یجیز مثله

و کلّ و بل لایجاری طلّه

لکنّه تواضع الکبار

اذا حنوا فضلاً علی الصغار

و هو تواضع الأعزّ الأجلل

ما یخفض الجناح إلّا أمثل

و انّها روایه الأکابر

إذا روی الشیخ عن الأصاغر

و ذاک حقّاً شرف عظیم أرفع لا تناله النجوم

قد خصّنی بلطفه إحساناً

و من یضاهی ء الحیا تهتانا

پی نوشت ها:

*عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۱-کافی،کتاب فضل العلم ؛باب صفهٔ العلم و فضله و فضل العلماء ،حدیث ۸.

۲-بخشی از قصیده ی استاد بدیع الزمان فروزانفر در رثای میرزا محمد خان قزوینی.

منابع زندگینامه :فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه،شماره ۲۱.

محقق کرکی، زین‌الدین، نورالدین ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۴۰/ ۹۳۸/ ۹۳۷ –۸۶۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، مجتهد و محقق. معروف به محقق کرکی و محقق ثانی و موصوف به شیخ علائی و مروج المذهب و مولای مروج و عالم ربانی. عده‌ای او را به جدش عبدالعالی منسوب کرده و علی بن عبدالعالی خوانده‌اند. وی از علمای بزرگ عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ –۹۳۰ ق) بود، که او را مجدد مذهب شیعه نامیده‌اند. در جبل عامل شامات به دنیا آمد. سپس به مصر رفت و از علمای آنجا اخذ علم نمود. سفری هم به عراق نمود و بعدها در ایران مستقر گردید و نزد شاه تقرب یافت به حدی که شاه سلطنت را بدو تفویض کرد و خود را یکی از عمال شیخ خواند و محقق طی احکامی که به اطراف و ولایات نوشت، کیفیت سلوک عمال با رعایا را به آنان گوشزد کرد. محقق از شاگردان علی بن هلال جزایری (از شاگردان و راویان احمد بن فهد حلی) و محمد بن خاتون عاملی و دیگر بزرگان بود و از آنها روایت می‌نمود. او از علی بن هلال جزایری و ابن المؤذن دارای اجازه بود. علی بن عبدالعالی میسی (و از او شهید ثانی) و پسرش، ظهیرالدین ابراهیم میسی، و شیخ زین‌الدین فقعانی و شیخ احمد ابن ابی‌جامع و شیخ عبدالنبی جزایری از وی روایت کرده‌اند. شیخ علی منشار و شیخ کمال‌الدین درویش و سید امیر محمد استرآبادی و سید شریف‌الدین علی استرآبادی از شاگردان محقق کرکی بودند. در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. پدر شیخ بهائی فرموده که محقق کرکی را به زهر شهید کردند. در «شهیدان راه فضیلت» تاریخ شهادت وی ۹۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: «اثبات الرجعهٔ»؛ «احکام الارضین» یا «اقسام الارضین»؛ «جامع المقاصد»، در شرح «القواعد» علامه حلی، در شش مجلد؛ حاشیه بر «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ حاشیه بر «الفیه» شهید اول؛ حاشیه بر «الدروس» و «الذکری» شهید اول؛ حاشیه بر «شرایع الاسلام»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «قاطعهٔ اللجاج فی تحقیق حل الخراج»؛ «النجمیهٔ»، در کلام؛ «نفحات اللاهوت» یا «اسرار اللاهوت»؛ رساله‌ی «الجعفریهٔ»؛ رساله‌ی «العدالهٔ»؛ رساله‌ی «الغیبهٔ»؛ رساله‌ی «الرضاع»؛ ترجمه‌ی «الجزیرهٔ الخضراء» فضل بن یحیی طیبی، که در هند به چاپ رسیده است.[۱]

شیخ زین‌الدین ابوالحسن علی بن حسین معروف به محقق کرکی (ف. نجف.۹۴۰ ه.ق) از علماء معروف، معاصر شاه طهماسب صفوی، سمت شیخ‌الاسلامی داشت و قاضی‌القضاهٔ ایران بود. تألیفات بسیار دارد، از جمله‌ی آثارش جامع‌المقاصد فی شرح‌القواعد، حاشیه‌ی شرایع‌الاسلام، شرح الفیه‌ی شهید اول. حاشیه‌ی تحریر علامه است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۹۱/ ۵)، اعیان الشیعه (۲۱۳ –۲۰۸/ ۸)، حبیب السیر (۶۱۰ –۶۰۹/ ۴)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۸ ،۱۶۵ ،۱۶۰/ ۲)، الذریعه (۲۵۱ – ۲۵۰، ۷۲/ ۲۴، ۷/ ۱۷، ۱۱۰/ ۱۵، ۱۰۷، ۲۴، ۱۶ –۱۵/ ۶، ۷۳ –۷۲/ ۵، ۲۷۱، ۵۵/ ۲، ۲۹۳، ۹۳/ ۱)، روضات الجنات (۳۵۹ –۳۴۶/ ۴)، ریاض العلماء (۴۶۰ –۴۴۱/ ۳)، ریحانه (۲۴۹ –۲۴۴/ ۵)، شهیدان راه فضیلت (۲۱۷ –۱۹۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۱ –۱۶۰/ ۱۰)، عالم آرای عباسی (۴۵۸، ۱۵۴، ۱۴۶، ۱۴۴/ ۱)، فقهای نامدار شیعه (۱۸۴ –۱۷۶)، فوائد الرضویه (۳۰۶ –۳۰۳)، قصص العلماء (۳۴۸ –۳۴۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۷ –۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۶۲ –۱۶۱/ ۳)، معجم المؤلفین (۷۴/ ۷)، وقایع السنین و الاعوام (۴۶۲)، هدیهٔ الاحباب (۲۳۶)، هدیهٔ العارفین (۷۴۴/ ۱).

محقق، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی محقق در سال ۱۳۰۸ شمسی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی ، علوم حوزه ای را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ پرداخت. در سال ۱۳۳۷ دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانیدو درسال ۱۳۳۸ دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و درسال ۱۳۴۶ به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۴۷ شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رییس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می باشد و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است.ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق ، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از این واقعه چنین تعریف می کند: « هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: « گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود . » سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد وبیش از سه سال را در آنجا گذراند.» در سال ۱۳۱۷ با آزادی پدر از زندان ، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توام گشت،ناچار پدر و دو برادربزرگترش به حجره ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکترمحقق شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال ۱۳۲۱ وارد دبیرستان گردید ، اما به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت ۴ ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران ، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت ، او از این دوران به دلیل بهره مند شدن از « استادان فاضل و دانشمند » به نیکی یاد می کند. استاد در شهریور سال ۱۳۲۷ در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد ؛ او در سال های ۱۳۲۷ و ۱۳۳۰ همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می کرد. در سال ۱۳۳۰ برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترا هم شد

وارد دانشکده ادبیات شده و در سال ۱۳۳۳ لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال ۱۳۳۴ با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول ، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال ۱۳۳۶ دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال ۱۳۳۷ دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی محقق مدتی اداره ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده دار بود و با شروع فعالیت های آموزشی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق ، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است . وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.

فعالیتهای آموزشی : شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت الله کاشانی بود ، استاد می گوید: « مرحوم آیت الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت « شما بیسوادا خودتونو کنار می کشین که همه جاها را کافرا گرفتن » کلمه « بیسواد» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم ازآن سال کار تدریس را شروع کردم . » پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستان ها برگزیده شد و از سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، سپس به درجه ی استادی ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۴۰ به مدت دوسال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال ۱۳۴۴ به مدت هشت سال به تناوب در مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی ، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت ، مدتی در حوزه علمیه قم عهده دار تدریس « روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی » بود. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی محقق در سال ۱۳۴۷ شعبه ی مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان گذاری « دائره المعارف تشیع » و « دائره المعارف اسلامی » هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی « فکر شیعه » را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی محقق در چندین کنگره بین اللملی و ملی شرکت نموده و در همه ی آنها خطابه ایراد کرده است ، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره - ۱۳۳۴) ، انجمن شعر لندن (۱۳۴۰) ، سمینار مقایسه ی گرامر زبان های سامی (دانشگاه لندن - ۱۳۴۱) ، سمینار میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران - ۱۳۴۳) ، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا - ۱۳۴۵ ، نیوهاون - ۱۳۴۶ و دانشگاه برکلی کالیفرنیا - ۱۳۴۷) ، کنگره بین المللی مستشرقین (میشیگان - ۱۳۴۶) و هفته ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک گیل مونترال - ۱۳۴۶). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان های فارسی ، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهایی همچون لبنان ، سوریه ، هند ، پاکستان ، به رشته ی تحریر درآورده است که از آن جمله ، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات ، یغما ، راهنمای کتاب ، فرهنگ ایران زمین ، آستان قدس رضوی ، وحید ، مهر ، الاخاء و نشریه ی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : مهدی محقق ممیزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می داند که هیچوقت دروازه

های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه ازخاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است . بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستنی هاو دانش ها که مفید تشخیص داده شده بود ،از ملت های مختلف گرفته شده است ،این علوم و معارف را از یونانی ،سریانی ،سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را دراین دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند .

جوائز و نشانها : مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس درسال ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

چگونگی عرضه آثار : مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود وجوه قرآن این چنین میگوید \: اولین کتاب من «وجوه قرآن» ازحبیش بن ابراهیم تفلیسی، پزشک، لغت شناس و قرآن شناس درسال ???? منتشرشد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «وجوه قرآن» را توضیح دادم. دراین کتاب لغات قرآن یک به یک ذکرمی شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه اش هم ذکرمی شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می کنند و درزمینه تفسیر کارمی کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهدبود. «وجوه قرآن» از علومی است که همیشه موردتوجه مفسران و دانشمندان قرآن شناس بود. «وجوه قرآن» درقرن هفتم نوشته شده و از نسخه های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که رایزن فرهنگی ایران درترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزارکتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر درهمان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی چاپ شد که حقوق دانشگاهی اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سورآبادی و وجوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیرقرآن دراشعار ناصرخسرو» نیز از آثار وی است که درباره این اثر این چنین میگوید\: تأثیرقرآن در آثار ناصرخسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصرخسرو و هم حافظ هردو قرآن را ازحفظ بودند. حافظ می سراید «قرآن زبربخوانم با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندرسینه داری» و... ازآن طرف هم ناصرخسرو می گوید «کتابت زبردارم اندرضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصرخسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفصی پانزده قصیده ناصرخسرو نیز میگوید \: این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصرخسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهدعتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصرخسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود.

آثار :

۱ بستان الاطباء

۲ بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی

۳ تأثیرقرآن در اشعار ناصرخسرو

۴ تحلیل اشعار ناصر خسرو

۵ ترجمه ی شرح منظومه ی غررالفرائد سبزواری

ویژگی اثر : به انضمام مقدمه ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.

۶ تصحیح کتاب « مفتاح الطب و منهاج الطلاب »

ویژگی اثر : با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)

۷ تعلیقات ، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار

۸ تعلیقات ، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تفلیسی

۹ شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی

۱۰ شرح باب حادی عشر علامه حلی

۱۱ شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصرخسرو

۱۲ شیعه درحدیث دیگران

۱۳ فیلسوف ری

۱۴ فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی

۱۵ مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی

۱۶ مقدمه و فرهنگ لغات لسان التنزیل

۱۷ وجوه قرآن

۱۸ یادنامه ادیب نیشابوری

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه : بانک رسانه ها- روزنامه ایران- ۲۵-۱۲-۱۳۸۱" امروز با دکترمهدی محقق"۲۱برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور ، دفتر شورای جذب نخبگان ، ۲۵۵ ـ۳کیهان فرهنگی ،شماره ۳ ، خرداد ۱۳۶۶۴مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال شانزدهم ، شماره ی ۱و ۲ ، آذر ۱۳۴۷۵میز گرد /فرهنگ و تمدن اسلامی ، نامه فرهنگ . سال سوم ، شماره چهارم . شماره مسلسل ۱۲ ، زمستان ۱۳۷۲ ، ص۱۳

محلاتی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، شیمیدان، داروساز، استاد، مترجم و شاعر، متخلص به شیوا. معروف به شیمی. برادر نصیر الاطباء و پدر دکتر محمود شیمی و جد خاندان شیمی است. میرزا کاظم از شاگردان دوره‌ی اول دارالفنون و از نخستین گروه محصلین اعزامی به اروپا در زمان ناصرالدین‌شاه بود. وی در رشته‌ی طبیعی و داروسازی تحصیل کرد و از محصلین خوب بود به طوری که در گزارش سال اول مدرسه نام او و باقرخان بن هادی خان شیرازی در روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه» درج شد. پس از بازگشت از اروپا به سمت معلم شیمی در دارالفنون انتخاب شد و حدود چهل سال در آن مدرسه به جای معلم خود تدریس کرد. وی کتاب «چرا به این جهت»، در صحبت ساده‌ی طبیعی و هیئت، نوشته‌ی یکی از زنان دانشمند فرانسوی را ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (۲۸۶ –۲۸۵/ ۱)، شرح حال رجال (۱۴۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴ –۴۳/ ۵).

محمد صادق (مینا)

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد صالح اصفهانی در اواسط عهد صفویه به هندوستان مهاجرت نموده، فاضل و ادیب و نویسنده و شاعر بوده، کتب چندی در رجال و تاریخ نوشته که از آن جمله است: ۱- رجال ۲ – شاهد صادق، فارسی کبیر، در انواع علوم ۳ – الشمس البازغهٔ در حکمت، رد بر میرداماد در مبحث حدوث دهری ۴ – صبح صادق، در رجال، فارسی و بزرگ، در چندین مجلد ۵ – القلائد؛ و غیره. نصرآبادی گوید که جد او بوده، و محمد صالح در هند در ۱۰۳۷ وفات یافته، و محمد صادق شاعر و ادیب و متخلص به «مینا» بوده، و در ۱۰۶۱ در هند از دنیا رفته است.

صاحب عنوان در رجال خود، خویشتن را بدین‌گونه معرفی می‌کند:

کوچه گرد دیار نادانی

صادق صالح سپاهانی

در منتظم ناصری در وقایع سال ۸۸۸ گوید: وفات صدرالدین محمد طبیب زبیری اصفهانی که نسب آقا محمد صادق مؤلف کتاب «شاهد صادق» به او می‌رسد.

در مقدمه‌ی تذکره‌ی نصرآبادی وی را صدرالدین علی می‌نویسد. در هر حال، از صاحب عنوان قبلا مختصرا نام برده شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محمدی ملایری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محمدی ملایری در سال ۱۳۰۶ه.ش در ملایر متولدشد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی زادگاه خویش و عزیمت به اراک واخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی در سال ۱۳۶۶ و در سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۳ لیسانس و وفوق لیسانس و دکتری ادبیات را از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی مدتی را در دانشکده هنرهای دراماتیک و دانشگاه آمریکایی بیروت تدریس کرد. وی کتابهایی چون ترجمه کتاب عرفان مولوی، بررسی اندیشه های عرفانی عطار، اصول و مبانی تصوف و عرفان را منتشر کرده است.گروه : علوم انسانیرشته : ادیان خارجیگرایش : ادبیات عرفانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد محمدی ملایری پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود ملایر و عزیمت به اراک و اخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی درسالهای ۱۳۳۶، ۱۳۴۹و ۱۳۵۳ه.ش موفق به دریافت مدارک لیسانس، فوق لیسانس و دکتری خود در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد.خاطرات و وقایع تحصیل : احمد محمدی ملایری بین سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۳ که به تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تنران مشغول بود، شاهد اواسط و اواخر سلطنت محمدرضا شاه پهلوی در ایران بوده است. در آن زمان جریانهای شعر نو و شعر سنتی نیز به جدال خود اداهمه می دادند.فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد محمدی ملایری در کنار تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به مطالعه وسیع آثار عرفانی ادبیات فارسی و نیز آثار دراماتیک (نمایشنامه های اروپایی) مشغول بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد محمدی ملایری پس از دریافت دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول بود.فعالیتهای آموزشی : احمد محمدی ملایری پس از اخذ دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز در دانشگاههای اروپایی بیروت پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد محمدی ملایری در کنار تدریس ادبیات فارسی، به ترجمه و تالیف اثاری دربارهٔ عرفان اسلامی ایران و

ادبیات فارسی مشغول بوده است و وی به فعالیت های تحقیقاتی خود ادامه می دهد.آرا و گرایشهای خاص : احمد محمدی ملایری در رشته ادبیات فارسی بیشتر به عرفان اسلامی -ایرانی و آثار ادبی مربوط به آن (مولوی ، عطار) علاقمند است و دراین زمینه تحقیقات و تالیفاتی دارد .

آثار : ۱ آیین نگارش و سخنوری ۲ اصول و مبانی تصوف و عرفان ۳ بررس اندیشه های عرفانی عطار ۴ پایتخت های نامی ایران در دوران تاریخ ۵ ترجمه کتاب عرفان مولوی

محمدی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صادق محمدی

محل تولد : خرمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم، دروس مقدماتی و دوره سطح را در مدرسه علمیه ملامحمد جعفر مشهور به مدرسه علمیه مجتهدی تهرانی و سپس در مدرسه علمیه مروی تهران گذراندم و در طول این مدت نیز قسمتی از منظومه ملاهادی سبزواری را در محضر آیت الله سید رضی شیرازی تلمذ نمودم و پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی تبریزی و وحید خراسانی آغاز نمودم و حدود ده سال از نظرات فقهی و اصولی این دو فقیه عالی قدر استفاده نمودم و همچنین حدود شش سال در موسسه بقیهٔ الله الاعظم دوره تخصصی فقه و اصول را گذراندم.اینجانب از همان اوائل طلبگی مشغول تدریس بوده و تاکنون در حدود ۲۰ سال مشغول تدریس کتب حوزوی بوده و هم اکنون مشغول تدریس دروس سطح می‌باشم.

محمدی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد محمدی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از دوره دبیرستان در سال ۱۳۶۲ مشغول دروس حوزوی شدم و تا اتمام دوره لمعتین در یزد مشغول تحصیل بودم از سال ۶۹ وارد قم شده در درس بحث آقایان مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و آیت الله سید احمد خاتمی و آیت الله سبحانی و آیت الله عبدالله جوادی آملی و دیگر آقایان شرکت نمودم در کنار درس از سال ۱۳۷۲ وارد محیط ادبیات داستانی شدم در سال ۱۳۷۳ به بعد در مجلات کودکان داستان ارائه کردم. کم کم درمجلات نوجوان و جوان هم داستان و مقالات ادبی ارائه نمودم در همین سالها بود که با مجله کودک و نوجوان (سلام بچه ها پوپک) همکاری داشتم و در درسهای نادر ابراهیمی شرکت کردم.

محمود، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از دانشمندان و مورخان دوران مشروطیت است که در اواخر عمر اثری بسیار ارنزده و محققانه به نام روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در هشت مجلد تنظیم و انتشار داد. تولد او در ۱۲۵۹ ش اتفاق افتاد. تحصیلات قدیم را نزد اساتید روز و تحصیلات جدید را در مدرسه امریکائی به پایان رسانید. در اوایل مشروطیت در سلك آزادیخواهان درآمد و عضو حزب دموکرات گردید و در آن هنگام مقالاتی به طرفداری از آزادی و مشروطه در جراید می‌نوشت. مدتی به کارهای دولتی اشتغال ورزید و در وزارت پست و تلگراف مقاماتی را طی نمود. در اوایل سلطنت رضاشاه مدتی سرپرست محصلین وزارت پست و تلگراف در اروپا بود. در ۱۳۲۴ پس از روی کار آمدن قوام‌السلطنه به استانداری تهران رسید و در دوره پانزدهم از نجف‌آباد وکیل شد. در تشکیل حزب دموکرات ایران با قوام‌السلطنه همکاری نزدیك داشت و یکی از عوامل مؤثر حزب به شمار می‌رفت. پس از پایان دوره پانزدهم از کارهای سیاسی کناره گرفت و به تحقیق و تتبع در تاریخ پرداخت چند کتاب نیز ترجمه نمود که از جمله جنگ نفت اثر موهر و شهریار ماکیاول می‌باشد. در اواخر عمر از نعمت بینائی محروم گردید و در ۱۳۴۴ ش در ۸۵ سالگی وفات یافت. وی خواهرزاده عسگر گاریچی تبریزی صاحب بزرگترین مؤسسه حمل و نقل در اوایل مشروطیت است. محمود در تنظیم و تألیف بعضی از کتب مورخین بعد از شهریور ۲۰ دست داشت. نام خانوادگی وی ابتدا پهلوی بود.

(۱۳۴۴ -۱۲۶۱ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بود. نام اصلیش محمود پهلوی بود که بعدها به محمود محمود تغییر داد. خدمات دولتی او در وزارت پست و تلگراف و سپس در اداره رادیو بود و مدتی نیز سمت استانداری تهران را به عهده داشت. همچنین در دوره‌ی پانزدهم نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. وی مقالاتی در مجله‌ی «آینده» و روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» و دیگر مجلات به چاپ می‌رساند. او کتابهای «تعلیم و تربیت در خانواده»، «تعلیم و تربیت در مدرسه»، «تربیت ایرانی برای جامعه‌ی ایرانی» را با نام مستعار رسول نخشبی منتشر کرد. از دیگر آثار وی: «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی»، در هشت مجلد؛ «شهریار»، ترجمه؛ «جنگ نفت»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دایرۀالمعارف فارسی (۲۷۰۱/ ۲)، شرح حال رجال (۴۵ -۴۴/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۸۴/ ۲ ، ۱۰۶۶ ،۷۰۸/ ۱)، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۳۸۸ -۳۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷/ ۶).

محمودی‌نوبر، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف.

تولد: ۱۳۰۴، تبریز.

درگذشت: ۲۷ دی ۱۳۷۲.

محمود محمودی‌نوبر، فرزند ربیع محمودی‌نوبر، از فضلا و خوشنویسان تبریز، نوه‌ی محمودخان مستوفی والی تبریز مشهور به عمادالکتاب بود. محمودی تصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر تبریز تمام کرد و سپس تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی در تهران ادامه داد. پس از دریافت مدرک لیسانس به تحصیل در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی پرداخت و تا درجه‌ی فوق لیسانس پیش رفت. پس از فراغت از تحصیل با سمت‌های مختلف در وزارت فرهنگ به تعلیم و تربیت نسل‌های جوان پرداخت. پس از انتقال به تهران، علاوه بر تدریس و تعلیم و سایر فعالیت‌های فرهنگی، معاونت اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ را به عهده گرفت. در آن زمان ماهنامه «آموزش و پرورش» و مجله‌ی «دانش‌آموز»، همراه با کتاب‌های ساده‌ای چون خواندنی‌ها و سرگرمی‌ها انتشار یافت. پس از تأسیس مرکز انتشارات آموزشی در سال ۱۳۴۴، سردبیر مجله‌ی «پیک معلم» و عضو شورای نویسندگان مجله‌های «پیک» شد و تا سال ۱۳۵۸ به کار خود ادامه داد. او در کار تهیه و تدوین دائرۀالمعارف فارسی از همکاران دکتر غلامحسین مصاحب بود. کتاب درس معلم دانا که در سال ۱۳۴۴ انتشار یافت، نمونه‌ای از ترجمه‌های این دوران است. محمود محمودی از سال ۱۳۶۰ همراه ایرج جهانشاهی، هوشنگ شریف‌زاده و اسماعیل سعادت به طرح فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان که مقدمات آن را در شورای کتاب کودک فراهم آورده بود پیوست. او گام به گام در شکل دادن به کار تدوین این فرهنگنامه در شورای ویراستاران همکاری کرد. نوشتن مقاله‌های آزمایشی را به عهده گرفت و به عنوان یکی از مسئولان در ویرایش یکایک مقاله‌ها شرکت داشت. از سال ۱۳۷۰ محمود محمودی سر ویراستار فرهنگنامه بود. و همه جنبه‌های کار فرهنگنامه را زیر نظر گرفت و تا آخرین روز زندگی ادامه داد. او در همین مدت به چند کار اساسی دیگر نیز دست زد. همکاری در ترجمه و ویرایش مجموعه نگاهی به تاریخ علم برای نوجوانان (نوشته‌ی آیزاک آسیموف، بیش از بیست جلد) است. کتاب‌های الکتریسته، انرژی هسته‌ای، دینوزروها، قاره‌ی قطب جنوب، نفت و زغال سنگ ترجمه محمود محمودی است. کار دیگر او همکاری در ترجمه‌ی فرهنگ آثار بوده است، ویرایش چندین کتاب از جمله درون جهان سوم اثر پل هریسون، ترجمه‌ی کتاب بخار اثر ریچارد. ن. فرای، قاهره‌ی شهر هنر و تجارت، اثر گاستون بیت از او بوده است.

محمود محمودی‌نوبر به دنبال عارضه‌ی قلبی چشم از جهان فرو بست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محیط قمی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۵۰ ق)، مترجم و شاعر، متخلص به محیط. ملقب به شمس‌الفصحا. در قم به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی را در زادگاهش و اصفهان فراگرفت و چون دارای طبع شعر و ذوق ادبی بود مورد توجه ادبا و فضلا قرار گرفت. محیط همچنین در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت. دوستعلی خان معیرالممالک، وزیر خزانه‌ی ناصرالدین‌شاه، محیط را به تهران فراخواند تا عهده‌دار تعلیم و تربیت فرزندش، دوست محمدخان باشد. وی هنگام جلوس مظفرالدین‌شاه، به امر صدر اعظم، قطعه‌ای برای شاه به نظم درآورد که مقبول واقع گردید و ملقب به شمس‌الفصحا شد. وی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن گردید. از آثارش: «ترجمهٔ الحقایق» یا ترجمه‌ی «الحقایق» ملا محسن فیض کاشانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۶۱۴ -۱۶۱۳/ ۳)، الذریعه (۱۰۱۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۹۷ -۳۱۹۲/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۷۹ -۱۵۷۸، ۸۶۰/ ۱)، مواد التواریخ (۴۱۳، ۲۳۲ -۲۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۵ -۷۹۳/ ۵)، یغما (س ۱۲، ش ۲، ص ۷۵).

محیطی اردکانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دراردیبهشت ۱۳۳۵ هش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقهٔ شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های

مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمهٔ الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرهٔ» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارهٔ ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

محیطی اردکانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دراردیبهشت ۱۳۳۵ هش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقهٔ شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه

بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمهٔ الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرهٔ» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارهٔ ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

مخبر السلطنه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مخبرالسلطنه (حاج مخبرالسلطنه) مهدیقلی میرزا. از خاندان معروف هدایت و از بستگان رضاقلی‌خان هدایت است. وی از مطلعان تاریخ و فرهنگ ایران بود و در سیاست به مناصب عالی رسید. آثار بسیاری از خود بجا گذاشت که عبارتند از:

۱- فوائد الترجمان در تعلیم زبان فرانسه در دو جلد. ۲- تحفهٔالافاق در تاریخ و جغرافیا، سیاست و اقتصاد اروپا. ۳- گزارش ایران باستان یا تحقیقی در سلسله‌ی کیان. ۴- مجمع‌الادوار در علم موسیقی ۵- افکار امم در تحقیق مذاهب و تطبیق آن با حکمت. ۶- سفرنامه‌ی گرد کره از طریق چین و ژاپن به عزم زیارت بیت‌اللّه. ۷- خاطرات و خطرات. وی تا آخر عمرش که ۱۳۳۴ شمسی می‌باشد مشغول تألیف و تصنیف بوده است. حاج مخبرالسلطنه در سال ۱۳۰۵ شمسی وزیر فوائد عامه گردید. در اردیبهشت ۱۳۰۶ به ریاست عالی دیوان تمیز منصوب شد و در خرداد ۱۳۰۶ برای اولین بار به نخست‌وزیری برگزیده شد و در دیماه ۱۳۰۹ مجدداً نخست‌وزیر گردید. وی در چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۳۴ شمسی درگذشت.

حاج مخبرالسلطنه هدایت، از رجال سیاسی بود که پیش از این‌که خود به سیاست و پرداختن به آن علاقه داشته باشد، به موسیقی تمایل داشت ولی جو نامساعد و حال و هوای دوران زندگی او، هدایت را به طرف سیاست سوق داد ولی هیچگاه این مرد از عشق و علاقه خویش که همان موسیقی بود، دست نکشید و در هر فرصتی که به دست می‌آورد به سوی آن می‌رفت.

حاج مخبرالسلطنه هدایت به خط نت آشنایی کامل داشت به همین سبب دو کتاب موسیقی از وی به رشته تحریر درآمده و از او به یادگار مانده است، هدایت بیشتر با سید مهدی دبیری و دکتر صلحی مأنوس بود.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

مخبرالسلطنه، مهدی قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۳۴ -۱۲۴۰ ش)، نویسنده و مترجم. معروف به خان خانان و ملقب به مخبرالسلطنه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاهش به همراه برادرش مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله به آلمان رفت و به تکمیل معلومات پرداخت. وی به زبانهای آلمانی و فرانسه و انگلیسی آشنا بود و از علوم قدیمه نیز اطلاع داشت. او عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: ریاست پستخانه و گمرک و تلگرافخانه آذربایجان، ریاست مدرسه‌ی نظامی، عضویت هیئت تنظیم و تدوین انتخابات مجلس شورای ملی، استانداری آذربایجان و فارس و همچنین ریاست دیوان عالی کشور و نیز وزارت عدلیه فرهنگ و نخست‌وزیری در ۱۳۱۲ ش بود. از آثار وی: «خاطرات و خطرات»؛ «افکار امم»؛ «فوائد الترجمان»، در تعلیم زبان فرانسه؛ «گزارش نامه‌ی ایران»؛ «راهنمای آموزگاران»؛ «مجمع الادوار»، ترجمه؛ «سفرنامه مکه»؛ «بر من چه گذشت»؛ «تحفه‌ی مخبری یا کار بیکاری».[۱]

مهدی‌قلی‌خان هدایت، فرزند علیقلی‌خان مخبرالدوله (ه.م) (و. ۱۲۸۰ ه.ق ف. ۱۳۳۴ ه.ش) وزیر علوم، رئیس‌الوزرا، از تألیفات اوست: افکار امم، خاطرات و خطرات، ترجمه‌ی مجمع‌الادوار، الفبا و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روز شمار تاریخ (۵۸/ ۲ ،۱۰۶ ،۴۷ ،۴۵ ،۴۳ ،۳۵ ،۲۱/ ۱)، سفرنامه‌ی مکه (پیشگفتار/ یازده- دوازده)، شرح حال رجال (۱۸۷ -۱۸۴/ ۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۹۶، ۲۷۲۵، ۲۴۷۳، ۱۶۳۴/ ۲ ،۱۲۳۸ ،۸۰۸، ۴۹۱، ۲۹۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۰ -۴۵۸/ ۶)، وزرای معارف ایران (۳۸/ ۳۶)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ (۶۷ -۵۳)، یغما (س ۵، ش ۱۰، ص ۴۶۷).

مدبری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود مدبری در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۵ در تهران بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش ادب حماسی ، فرهنگ نویسی، تصحیح متون و تاریخ ادبیات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ می باشد.دکتر مدبری هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه کرمان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادب حماسی ،فرهنگ نویسی ،تصحیح متون

والدین و انساب : پدر محمود مدبری،حسین مدبری استوار بازنشسته ارتش است و هم اکنون ۸۶ سال سن دارد و مادر محترمشان خانم فاطمه بختیار است که دار فانی را وداع گفتند. خانواده دکتر مدبر هفت نفر بود.

خاطرات کودکی : دوران کودکی محمود مدبری در محلات جنوب غربی تهران سپری شده است که آن دوران خاطرات خاص به

خود را دارد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمود مدبری در خانواده ای متوسط بدنیا آمد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمود مدبری به ترتیب زیر است: - دیپلم ریاضی از دبیرستان ادیب تهران در سال ۱۳۵۳-۱۳۵۴ - کارشناسی زبان و ابیات فارسی از دانشگاه ملی ایران از سال ۱۳۵۴-۱۳۵۷ - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۵۷-۱۳۶۴ - دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۱-۱۳۷۵

خاطرات و وقایع تحصیل : ازمهمترین واقعه رخداده در دوران تحصیل محمود مدبری در دانشگاه ، وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ می باشد.که وی از آن دوران خاطراتی بیاد دارد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیتهای محمود مدبری در دوران تحصیل به شرح زیر است: - از سال ۱۳۶۴-۱۳۵۶ در سازمان لغتنامه دهخدا مشغول به کار پژوهشی بودند. - در طی سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۴ بصورت حق التدریس با دانشگاههای شهید بهشتی و دانشکده صدا و سیما در تهران همکاری داشتند. - از سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ در بنیاد فرهنگ ایران به کارهای پژوهشی مشغول بودند.

استادان و مربیان : دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر سید محمود دبیر سیاقی ،دکتر سید صادق گوهرین ،دکتر حسین کریمان ،دکتر فرزام پور ،دکتر رعدی آذرخشی ،دکتر علی فاضل ،دکتر شفیعی کدکنی ، دکتر مهدی محقق ، دکتر سادات ناصری ،دکتر آذرتاش آذرنوش ،دکتر فیروز حریرچی ،دکتر پورنامداریان ،دکتر سیروس شمیسا ،دکتر خانلری ،دکتر جعفر شعار و دکتر ابولقاسم از استادان محمود مدبری می باشند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر مسعود قاسمی ،خانم افسانه شیفته فر ،دکتر صفاری ،دکتر صرفی ،دکتر فتوحی ،دکتر عباسی و دکتر حسنی از هم کاران محمود مدبری می باشند.

همسر و فرزندان : محمود مدبری متاهل است. همسر وی بنام سرکار خانم زهرا حلاجی غلامرضا دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و خانه دار هستند.ایشان دارای دو فرزند پسر بنامهای میلاد مدبری(دارای مدرک کارشناسی رشته عمران از دانشگاه آزاد اسلامی کرمان) و علی مدبری (دانشجوی سال دوم رشته دندانپزشکی) می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۱۳۷۶-۱۳۷۹ - معاون پژوهشی دانشکده ادبیات کرمان از سال ۱۳۷۶-۱۳۷۳ -مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در طی سالهای ۱۳۶۶-۱۳۶۸ و ۱۳۶۹-۱۳۷۰ و ۱۳۷۴-۱۳۷۶ - دبیر کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه دانشگاههای جنوب شرقی از سال ۱۳۸۰-۱۳۸۳ و از سال ۱۳۸۵ تا کنون - عضو هیئت ممیزه دانشگاههای جنوب شرق از سال ۱۳۸۱-۱۳۸۳ - یک دوره ماموریت دوساله تدریس در کشور اوکراین از سال ۱۳۸۳-۱۳۸۵ - عضو گروه علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کرمان از سال ۱۳۸۳ تا کنون - عضو هیئت تحریریه نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان از آغاز تا کنون - عضو هیئت تحریریه نشریات فرهنگ و ادب فرهنگ ،مطالعات ایرانی ،پژوهشگران فرهنگ در کرمان - عضو شورای انتشارات دانشگاه از سال ۱۳۶۶ تا کنون

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس محمود مدبری به شرح زیر است: تدریس در دانشگاههای باهنر کرمان ، آزاد اسلامی کرمان و جیرفت ،پیام نور کرمان ،پیام نور رفسنجان ،پیام نور بم و بافت، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه صدا و سیمای تهران . دکتر مدبر از سال ۱۳۷۳ تدریس در مقطع کارشناسی ارشد و از سال ۱۳۸۱ در مقطه دکتری را شروع کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمود مدبری در کنار تدریس به مطالعه ، تحقیق ، تالیف کتب و مقالات و همچنین شرکت در سمینارها و کنفرانسها می پردازد.

همفکران فرد : محمود مدبری با همکار قدیمی خود آقای مسعود قاسمی در زمینه های رشته تخصصی خود همفکر می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : گرایش محمود مدبری بیشتر در زمینه های ادبیات حماسی و شاهنامه ،تصحیح متون ادبی فارسی ،

فرهنگ نویسی فارسی ،تاریخ ادبیات ایران ، سبک شناسی و ترجمه و تفاسیر قرآنمی باشد.

جوائز و نشانها : - استاد نمونه دانشگاه های کشور در سال ۱۳۸۳ - دریافت جایزه حامیان نسخ در سال ۱۳۸۴ - کتاب سال استان کرمان سه بار در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ - پژوهشگر نمونه دانشگاه در سال۱۳۷۹ - پژوهشگر نمونه استان کرمان دو بار در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹

چگونگی عرضه آثار : محمود مدبری دارای ۲۰ کتاب تالیفی و تصحیحی و ۶۰ مقاله (چاپ و منتشر شده) است. -------------
----

آثار :

۱ ایران عمار فقیه کرمانی

۲ ترجمه قرآن ماهان

ویژگی اثر : از ترجمه های کهن قرآن است که در موزه آستان شاه نعمت الله ولی شهر ماهان محفوظ است و نیمه اول قرآن را در بر دارد. متن ترجمه مربوط به قرن پنجم یا ششم هجری است و کتاب نسخه قرن هشتم باز میگردد.- انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۸۳

۳ حمله حیدری

۴ رباعات جامی

۵ سرمه سلیمانی

ویژگی اثر : لغتنامه ای از قرن یازدهم دوره صفوی نوشته تقی الدین اوحدی بلیانی - چاپ مرکز نشر دانشگاهی - ۱۳۶۴

۶ شاعران بی دیوان

۷ غازان نامه منظوم

۸ فرهنگ لغات نژدهای فنی و مصنوعی

ویژگی اثر : کلیه لغات نادر و متشکل ۴۰ نثر فنی و مصنوعی معنی شده و ماخذ و منابع آن در متون مشخص گشته است.-انتشارات خدمات فرهنگی در سال ۱۳۷۶

مدرس افغانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: ۱۳۶۵.

از آثار اوست: تصحیح و تعلیق جامع المقدمات (قم، ۱۳۵۶)؛ الشواهد المنتخبه لکتاب السیوطی (با همکاری مهدی احدی امیر کلاهی، این کتاب شرح است بر البهجهٔ المرضیه فی شرح الفیه؛ قم، ۱۳۵۶)؛ قواعد الادبیه فی توضیح شرح عوامل فی النحو (قم، ۱۳۶۸)؛ تقریر کتاب الزبده فی شرح الهدایهٔ (تألیف مهدی احدی امیرکلاهی، دو جلد؛ قم، ۱۳۷۴)؛ الکلام المفید للمدرس و المستفید من شرح الصمدیه (شیخ بهایی) (قم؛ ۱۳۶۸)؛ متن مصحح جامع المقدمات همراه با فهرست تفصیلی مطالب (قم، ۱۳۷۰)؛ مکررات المدرس، شرح السیوطی (سه جلد؛ قم، ۱۳۶۹). یادنامه‌ای در خصوص محمدعلی مدرس افغانی تحت عنوان یادنامه استاد

ادبیات عرب مدرس افغانی به همت سید جوادی در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرس رضوی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، فقیه، عالم دینی، نحوی و شاعر. پدرش خواهرزاده‌ی سید محمد رضوی سبزواری امام جمعه مشهد بود. سید میرزا محمدتقی یازده برادر داشت که با خود او همگی اهل فضل و کمال بودند. میرزا عبدعلی منجم باشی مشهدی فرزند او است. از آثارش: «المنظومه الفقهیهٔ»؛ «المنظومهٔ النحویهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۴/ ۹)، الذریعه (۱۴۰، ۱۲۶/ ۲۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۱/ ۱۳)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، معجم المؤلفین (۱۳۱/ ۹).

مدرس موسوی بهبهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید علی موسوی بهبهانی در ۱۳۰۵ دربهبهان زاده شد و پس از گذراندن تحصیلات مکتب خانه ای به قم رفت (۱۳۲۵) و پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. و در ۱۳۲۸ فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۳۲ تحصیلات خود در حقوق را نیز در دانشگاه تهران به پایان رساند در سال ۱۳۳۷ نیز دکتری فلسفه خودرا از همان دانشگاه دریافت کرد وی علاوه بر همکاری با دکتر معین در لغت نامه دهخدا در دانشگاه تهران نیز تدریس می کرد. وی درسال ۱۳۵۰ به دانشگاه اوترخت هلند برای تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی رفت و پس از بازگشت تدریس را تا بازنشستگی در ۱۳۷۷ ادامه داد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفهگرایش : فلسفه اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر موسوی بهبهانی پس ازگذراندن تحصیلات مکتب خانه ای در زادگاه خود بهبهان به قم رفت و پس از اندکی تحصیلات حوزوی، وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. (۱۳۲۵ه.ش) پس از فارغ التحصیلی در ۱۳۲۸، به تحصیل حقوق در همان دانشگاه پرداخت و پس از فارغ التحصیلی در ۱۳۳۱، تحصیلات خود را در رشته فلسفه تا اخذ مدرک دکتری در سال ۱۳۳۷ادامه داد.خاطرات و وقایع تحصیل : سفرهای استاد دکتر موسوی بهبهانی به هلند (تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی) و فنلاند (تدریس سیر عقاید و آرا کلامی) از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده اند.فعالیتهای ضمن تحصیل : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در حین تحصیل به تدریس در دبیرستانها و نیز مطالعه آثار گذشتگان درزمینه فلسفه و کلام می پرداخت.استادان و مربیان : نخستین معلم استاد دکتر موسوی بهبهانی پدر بزرگوارشان بود که دروس صرف، نحو، ادبیات عرب و مقدمات را به وی آموخت. وی در دانشگاه تهران در دانشکده حقوق از دکتر عمید، شهابی و شایگان بهره ها برد و نیز دکتر غلامحسین صدیقی استاد راهنمای وی در پایان نامه دکتری بوده است.وقایع میانسالی : دکتر موسوی بهبهانی پس از اخذ مدرک دکتری مدتی به کار وکالت و تدریس در دبیرستانهای تهران

و سپس دانشگاه تهران پرداخت و نیز به دکتر محمد معین در تدوین لغت نامه دهخدا یاری کرد. وی درسال ۱۳۴۷ با پروفسور ایزتسو آشنا شد و همکاریهای علمی با وی داشت وی در ۱۳۵۰ مدتی در هلند و درسال ۱۳۷۷ در دانشگاههای فنلاند به تدریس مشغول بود. و در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل استاد دکتر موسوی بهبهانی عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تهران پژوهشگر در لغت نامه دهخدا مدرس زبان فارسی و اسلامی شناسی در دانشگاه اترخت هلند ۱۳۵۰ استاد دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۵۳تا ۱۳۷۹ مدرس سیر عقاید و آرای کلامی در دانشگاههای فنلاند در سال ۱۳۷۷ فعالیتهای آموزشی : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی از جوانی به تدریس در دبیرستانهای تهران می پرداخت. وی درسال ۱۳۳۶عضو هئیت علمی دانشگاه تهرا گروه فلسفه شد و در سال ۱۳۷۹ بازنشسته گردید. وی در سال ۱۳۵۰در دانشگاه اوترخت هلند درسهای زبان فارسی و اسلامی شناسی و درسال ۱۳۷۷در دانشگاههای فنلاند درس سیر عقاید اسلامی را تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در کنار تدریس به تحقیق و شرح آثار کلامی و فلسفی گذشتگان از جمله میرداماد ، ابن هزم اندلس، صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی به شیوه دانشمندان تهران گذشته به شرح کتب فلسفی و کلامی اسلامی از قبیل آثار میرداماد، ابن جزم و صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول بوده است.

آثار : ۱ القبسات میرداماد ۲ تصحیح صاین الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی ۳ حکیم استر آبادی میرداماد ۴ شرح الدره الفاخره ۵ عیار دانش مشتمل بر الهیات و طبیعیات ۶ عیون المسایل و سیر حکمت و عرفان اسلامی ۷ کلیات معارف اسلامی ۸ منطق ابن حزم ۹ نگارش بخشی از لغت نامه دهخدا برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مدرسی چهاردهی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۰، نجف.

درگذشت: اسفند ۱۳۵۷، تهران.

مرتضی مدرسی چهاردهی فرزند شیخ محمد مشهور به آیت‌الله چهاردهی در رشته‌ی فلسفه از دانشکده‌ی ادبیات درجه‌ی لیسانس داشت و در علوم مذهبی نیز از حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف درجه‌ی اجتهاد گرفته بود. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۵ آغاز کرد و با جراید و مجلات کشور از جمله «ارمغان»، «وحید»، «بررسی‌های تاریخی»، روزنامه‌ی «پارس» و «مهر ایران» همکاری داشت و مدت‌ها رییس اداره‌ی کل مطبوعات وزارت کشور و نیز از اساتید دانشگاه تهران بود. وی همچنین به دریافت نشان درجه‌ی پنجم تاج نایل آمد. نزدیک به بیست جلد کتاب تألیف دارد که چند جلد آن درباره‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی است. از جمله آثار وی است: آراء و معتقدات سید جمال‌الدین افغانی (۱۳۷۷)؛ تاریخ فلاسفه‌ی اسلام (دو جلد، ۱۳۳۷ -۱۱۳۵)؛ خاطرات سید جمال‌الدین افغانی (محمد پاشا مخزومی، ۱۳۲۸)؛ دانشنامه؛ مجموعه‌ی مقالات و رسالات (شرح حال و آثار شیخ احمد احسائی به قلم مدرسی، قسمتی از شرح حال صاحب ابن عباد به قلم احمد بهمنیار)؛ زندگانی و فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی (۱۳۳۴)؛ زندگانی و فلسفه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (۱۳۳۴)؛ سیاست‌نامه (از خواجه نظام‌الملک، از روی چاپ شفر، با

یادداشت‌های محمد قزوینی، ۱۳۳۴)؛ سیمای بزرگان (شرح حال چهارده نفر، ۱۳۳۵)؛ شیخ احمد احسائی، شرح حال (۱۳۳۴)؛ شیخیگری و بابیگری از نظر فلسفه تاریخ و اجتماع (۱۳۴۵)؛ صغری و کبری (از میر سید شریف جرجانی)؛ مثنوی هفت اورنگ جامی (۱۳۳۸)؛ ترجمه‌ی مصائب النواصب (از قاضی نورالله شوشتری)؛ تصحیح معالم الاوصل (ترجمه‌ی آقا هادی مازندرانی)؛ نقش ایران در جهان عرب و بین‌النهرین. آخرین اثر استاد مدرسی نوشته‌ای که به عنوان مقاله برتر هشتمین اجلاس وحدت اسلامی در سنندج برگزار شد.

استاد نورالدین مدرسی چهاردهی در سن هفتاد و پنج سالگی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرسی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. در قاین به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات متوسطه در مشهد و دارالفنون تهران موفق به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه ادبیات تهران شد. او همچنین در بدو تأسیس مجله‌ی «ترقی» عنوان سردبیری آن را داشت. از آثار وی: «پنجه‌ی خونین»؛ «عشق شوم»؛ «پیک اجل»؛ «عروس مدائن»، ترجمه.[۱]

فرزند دکتر سید حسین مدرسی، در ۱۲۹۷ در قائن متولد شد. تحصیلات خود را در دبستان و دبیرستان شاهرضای مشهد انجام داد و از دبیرستان دارالفنون تهران دیپلم گرفت و وارد دانشکده ادبیات تهران شد و دوره‌ی سه ساله دانشکده‌ی مزبور را به پایان رسانید و لیسانس گرفت. چند سال بعد تحصیلات خود را در دانشکده‌ی ادبیات ادامه داد و سرانجام دکتر در ادبیات فارسی شناخته شد.

وی از نوجوانی سودای نویسندگی داشت و از اینرو بعد از شهریور ۱۳۲۰ نویسندگی را آغاز نمود و سرانجام سردبیر مجله‌ی ترقی شد. مجله‌ی ترقی در آن ایام از مطبوعات جنجالی و پرسروصدا و متنوع بود و طرفداران زیادی داشت. مدرسی در این مجله تلاش زیای کرد و آنرا به اوج رسانید و بزرگترین تیراژ را در آن زمان بدست آورد. داستانهائی که توسط مدرسی در مجله نوشته می‌شد، خواهان زیادی داشت و بعضی از آنها بصورت کتاب چندین بار منتشر گردید، مانند عروس مدائن، پنجه خونین، عشق و انتقام، پیک اجل.

دکتر مدرسی همزمان با کار نویسندگی به استخدام در وزارت دارائی درآمد و مشاغل مهمی را در طول خدمت خود در وزارت دارائی بدست آورد. از مشاغل وی می‌توان بازرسی دولت در بنگاه داروئی، نماینده‌ی وزارت دارائی در شورای راه‌آهن، مدیر کل نظارت بر مؤسسات اقتصادی را نام برد. عضویت شورایعالی بانک رفاه کارگران و عضو هیئت مدیره و قائم مقامی بانک رهنی ایران از دیگر مشاغل وی می‌باشد.

دکتر مدرسی در حزب مردم فعالیت داشت و از اینرو در دوره‌ی بیست و دوم مجلس از طرف حزب مزبور کاندیدای نمایندگی از تربت حیدریه گردید و سرانجام به وکالت مجلس انتخاب شد. در مجلس یکی از سخنگویان حزب مردم بود مخصوصا به هنگام طرح بودجه دولت ایراداتی به طرز حکومت هویدا می‌گرفت. در هر حال در ادوار بعد نتوانست رضایت دولت را جلب کند و پس از انقضای مجلس بیست و دوم، به وزارت دارائی بازگشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۵۳۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۹۸/ ۲ ،۶۴۶، ۶۲۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱ -۹۰/

۱).

مدرکی نهاوندی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به مدرکی. در «الذریعه» و تذکره‌ی «روز روشن» و «تاریخ نظم و نثر» صاحب عنوان تحت نام درکی آورده شده است که با توجه به آورده‌ی عبدالباقی نهاوندی، فرزند او، که دوبار وی را تحت نام و تخلص مدرکی آورده، اشتباه می‌باشد. وی ساکن قریه جولک از توابع نهاوند و پدر آقا خضر و عبدالباقی نهاوندی، صاحب «مآثر رحیمی» بود. پدر او از طرف شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰ -۹۰۵ ق) به وزارت همدان رسید و خود او نیز از جمله اعیان آن ولایت بود که در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) وزیر و ناظر آنجا شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۸)، الذریعه (۳۲۲/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مآثر رحیمی (۱۵۳۸ -۱۵۳۷/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۷/ ۳).

مدنی، بدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مترجم.

درگذشت: ۱۳۶۷، تهران.

بدرالدین مدنی در سال‌های آخر عمر درباره‌ی زندگی و آثار سعدی کار و تحقیق می‌کرد. او به زبان فرانسوی آشنایی داشت و به نوشته‌های رومن رولان علاقه‌مند بود و چندین نمایشنامه از جمله روبسپیر (۱۳۶۰) را به فارسی برگرداند: از آن جمله است: آیرت (رومن رولان)؛ آن زمان فراخواهد رسید (رومن رولان، ۱۳۵۷)؛ پیروزی عقل (نمایشنامه‌ای اثر رومن رولان، ۱۳۶۰)؛ تراژدی‌های ایمان (مجموعه چند نمایشنامه از رومن رولان، ۱۳۶۴)؛ تردستی‌های اسکاپن (مولیر، ۱۳۶۵)؛ گرگ‌ها (رومن رولان، ۲۵۳۵ ۱۳۵۵)؛ تحقیقی مقدماتی درباره‌ی داستان‌های شاهنامه با عنوان دریچه‌ای بر کاخ بلند و گزندناپذیر شاهنامه. بدرالدین مدنی کتابی نیز درباره‌ی رومن رولان در سال ۱۳۶۳ تحت عنوان رومن رولان: زندگی و آثار منتشر نمود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، علی خان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی خان کبیر در غروب جمعه ، پانزدهم جمادی الاول ۱۰۵۲ ق . در مدینه پای به عرصه گیتی نهاد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر سیدعلی خان، سید نظام الدین احمد از دانشوران شیرازی تبار حجاز بود و در شمار نوادگـان علی بن الحسین علیه السلام جـای داشت .مادر گرانقـدرش دخت شیخ محمـد بن احمـد منوفی ، مرجع وارسـته شافعیان شمرده می شـد.هنوز علی خردسـال بود که پـدرش دعوت قطب شـاه هفتم ، فرمـانروای حیـدرآباد را اجـابت کرد و برای راهنمـایی مومنان شـبه قاره رهسـپار هند شد.اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : کودک شـیرازی تبار حجاز زیر نظر مادر ارجمندش بالید. در این سالهـا دایی دانشورش ، شـاعر گرانمـایه حضـرت قاضـی عبـدالجواد منوفی ، پیشوای مـذهبی و امام جماعت شافعیان در مسـجد الحرام از وی حمـایت می کرد.و نهـال نورسـته مـدینه را از عنایـات خـویش برخوردار می سـاخت . سـید علی در روزگـار کودکی بزرگان بسیار دید و یاد و نام و سیمای علمی - اجتماعی آنها را به خاطر سپرد. شیخ عبدالله بن سعید باقشیر، سید نورالدین علی بن حسن حسینی شامی ، سبط الشیخ زین بن شیخ محمد شامی عاملی ، قاضـی تاج الدین احمد بن ابراهیم مالکی مکی و مولا محمد باقر خراسانی جمعی از دانشورانی بودنـد که برای تـدریس یا نماز به مسـجد الحرام می آمدند.و خاطره سبزشان در اندیشه کوچک نوباوه هوشـمند حجاز ثبت شد.سـید علی در چنین قضایی رشد یافت و به حدود چهارده سالگی رسـید. در این سن نامه پدر که وی را به هجرت فرا می خواند، به دسـتش رسید. پس بار سفر بست و در ششم شعبان ۱۰۶۶ ق . رهسپار شبه قاره شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سـفر نوجوان حجاز بیست ماه به درازا کشـید. سـرانجام در روزهای پایانی ربیع الاول ۱۰۶۸ ق . به حیدر آباد رسـید. و برای نخستین بار یعقوب هند را در آغوش گرفت . او شـرح تلاشـهای مادر فداکارش را برای پدر باز گفت و از حوادث حجاز پرده برداشت .نظام الدین احمد مقدم فرزند را گرامی داشت و در فرصـتهای گوناگون داستان شیخ الاسلامی و پذیرش دامادی سلطان را برای پور سپیـد بخت مـدینه النبی بیـان کرد.و برنامه درسـی و تربیتی ویژه ای برایش در نظر گرفت .ناگفته پیـداست که نظام الـدین برای تربیت علمی فرزنـد فرصت کافی نداشت . بنابراین جوان برومند حجاز را فرمان داد که تنها به محفل علمی پدر بسـنده نکند و برای دستیابی به آرمان بلنـد خویش از محضـر دانشـمندان بزرگی که به شوق بهره گیری از فضای مناسب حیـدرآباد به سـمت شـبه قاره می شـتافتند، سود برد.سـید علی پند پدر شنید و از پژوهشگران بزرگی چون محمد بن علی شامی عاملی و شیخ جعفر بن کمال الـدین بحرانی کامیاب شـد.ناگفته پیـداست که آموخته های اختر فروزان حیـدرآباد به آموزشـهای مـدون بزرگان یاد شـده محدود نبود. او در نشسـتهای رسـمی و غیر رسمی پدر شرکت می جست و از گنجینه اندوخته های دانشگرانی که به دیدار سید نظام الدین می شتافتند. برخوردار می شد. منابع موجود نشان می دهد که محفل پدر جایگاه ادیبان ، پزشکان و فقیهان بود. سرور جوانان حجاز در این نشسـتها با بزرگانی چون ادیب گرانمایه سید حسینعلی بن حسن شدقم حسینی و ادیب و پزشک نامور شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی آشـنا شد و از تجربه های گرانبهایشان بهره برد و اندک اندک در شمار درختان پرثمر باغستان دانش حیدرآباد جـای گرفتخـاطرات و وقـایع تحصـیل : سـید وارسـتگان حجاز در دیباچه زرین ((سـلافه العصـر)) از آن سالها چنین یاد کرده اسـت :((پس پیوسـته ناکامیهـا بر من فرو می باریـد و مرا از نگـارش بـاز می داشت . حـوادث نـاگواری که طومـار شـکیبایی را در هم می پیچیـد، گردش روزگـاری که پیامـدهای تلخش خردسالاـن را کهنسـال و سپیـد موی می سـاخت . رنـج دوری از وطن ، بسـتگان و آشـنایان ، انواع دشواریها و نامرادیها در کنار دشـمنی پیوسـته دربار چنان آتشی در زندگی ام افکند که اگر بر زبان قلم جاری شود بی تردید آن را می سوزاند. هر چند آن سالها روزگار ناکامیها و نامرادیهای سـید علی شـمرده شده است ، هرگز تلخ ترین روزهای زندگی اش نبود. در سالهای پایانی این دهه غمبار مرد پولادین عرصه دانش و ادب روی در نقاب خاک کشـید.و صدر الدین را در برابر یورشـهای مکرر سـلطان ابوالحسن تنها نهاد.اینک قطب شاه هشتم برای همیشه از دغدغه نفوذ سید نظام الدین رهایی یافته بود. پس بی هیچ نگرانی سـید علی را در خانه ای کوچک زندانی کرد و هر گونه دیدار با او را ممنوع ساخت . بدین ترتیب ناگوارترین روزهای زندگی سـرور دانشوران حجاز با مرگ سید نظام الدین آغاز شد و تا سالها ادامه یافت . روزهایی که خود درباره آن چنین

نگاشته است :((... در این روزگار از همه آشنایان دورم و جز اندوه همنشینی ندارم ... ناگزیر باید در خانه ای تنگ تر از روزن سوزن زندگی کنم ، خانه ای که هنگام ورود بدان شاهرگ قلب انسان پاره می شود. در این سرای ، همنشینی جز کتاب و دفتر ندارم ...خداوند از حوادثی که در آینده پدید می آید آگاه تر است . تا کنون بر این بحران گشایشی آشکار نشده است ... این گزیده ای از حقایقی است که در این سرزمین بر من می گذرد، شرح روزهای زندگی ام که پیاپی می گذرند و من با حسرتی پایان ناپذیر به تماشایشان نشسته ام .استادان و مربیان : از استادان سیدعلی خان مدنی می توان به: سیدحسینعلی بن حسن شدقم حسینی، شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی، شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی و محمدبن علی شامی عاملی اشاره کرد.وقایع میانسالی : دانشور نستوه در این برهه نیز پژهش دست نکشید و در روزگاری که به سن شصت نزدیک می شد به نگارش رساله ای در شرح روایتهای پنجگانه ای که پدرانش سینه به سینه برایش بازگو کرده بودند، پرداخت و در ربیع الاول ۱۱۰۹ ق . آن را به پایان برد.سالها شتابان می گذشتند و ادیب فرزانه هند را به سمت کهنسالی پیش می بردند. سرور اندیشمندان سده یازدهم اینک آثار گذر عمر را بر پیکرش مشاهده می کرد. بنابراین در ۱۱۱۴ ق . نزد محیی الدین محمد اورنگ زیب شتافت و کناره گیری اش از پستهای دولتی را به آگاهی وی رسانده ، اجازه خواست که راه حجاز پیش گیرد و در پایان عمر به زیارت بیت الله الحرام ، آرامگاه مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بستگانش در آن سامان توفیق یابد.اندکی بعد بار سفر بست و بی توجه به اندرز آشنایان ، که او را به ماندن و بهره گیری از عنایتهای ملوکانه تشویق می کردند، در مسیر سپیدترین جاده جهان به حرکت درآمد و پس از ۴۶ سال زندگی پرفراز و فرود در شبه قاره ، سوی وطن روان شد.زمان و علت فوت : دانشوری که در روزهای سخت حیدر آباد و لاهور از پژوهش باز نایستاد در روزهای آسودگی شیراز نمی توانست از این کردار پسندیده دست بردارد. او همچنان تحقیق می کرد و می نوشت تا گرانبهاترین مجموعه لغت عرب را پدید آورد و البته در این کار نیز چون همه اقداماتش به موفقیتی سترگ دست یافت . کتاب پر ارج ((الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول)) نشانه روش پیروزی بزرگ آفتاب بی غروب شیراز در روزگار کهنسالی و ناتوانی است . ادیب گرانمایه مدرسه منصوریه در این اثر گران پایه استادی و چیرگی خیره کننده اش را هویدا ساخته ، در ذیل هر لفظ همه مسائل مربوط به آن ، حتی ترانه ها و داستانها را نیز به زیور نگارش آراسته است .بی تردید پایان این اثر شگرف می توانست پایان گسترده ترین پژوهشهای انسان در موضوع لغت عرب به شمار آید ولی دریغ چرخ چنین نمی پسندید. بیماری بر پیکرش پنجه افکند و سرانجام دیدگان پرفروغش در یکی از غمبارترین روزهای سال ۱۱۲۰ ق . برای همیشه بسته شد.استادان ، دانشجویان و مومنان شهر پیکر گرانبهاترین گوهر دریای ادب و هنر را تا حرم حضرت احمد بن موسی علیه السلام شاهچراغ همراهی کردند و در آن حریم پاک کنار آرامگاه سید ماجد بحرانی به خاک سپردند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : تلاشهای سیدعلی خان بزرگ در تامین امنیت شهر و آسایش مردم ، محمد اورنگ زیب را بر آن داشت که وی را به حکومت لاهور و مناطق مجاور منصوب کند. با این تدبیر سلطان نماینده ای شایسته یافت . لاهور فرمانداری دلسوز به دست آورد و ادیب بزرگ سده یازدهم پای در روزگاری سراسر تلاش نهاد.هر چند مسئولیت تازه سید دشوار و کمرشکن بود، هرگز او را از پژوهش و نگارش باز نداشت . آن بزرگمرد از فرصتهای اندک پدید آمده در نبردها و آماده باشها بهره برد و به تحقیق و نگارش پرداخت . دانشمندی چون صدر الدین سید علی همنشین با کتاب را از هر کاری زیباتر و دوست داشتنی تر می داشت ولی سیاستمداری چون اورنگ زیب هرگز نمی توانست شخصیت ارجمند دانشور وارسته روزگار خویش را نادیده گرفته ، از او در اداره امور جامعه بهره نبرد. بنابراین ضمن فرمانی وی را به ریاست دیوان ((برهانپور)) منصوب کرد. دانشور برجسته جهان اسلام که این مقام را برای خدمت و انجام دادن وظیفه الهی اش مناسب می دید، راه برهانپور پیش گرفت و در آن دیار به نجات ستمدیدگان و کوتاه کردن دست تبهکاران و متجاوزان پرداخت . آن دانشمند گرانمایه پس از چند سال داوری ، از کار در دیوان برهانپور کناره گرفت و دیگر بار به ارتش پیوست و سالیانی چند در سپاه محمد اورنگ زیب ، که تشنه حضور فقیهی پارسا بود، به

خدمت پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سرنوشت همچنان با دانشمند وارسته حیدر آباد نامهربان بود. توفان دیر پای شریعت ستیزی که با مرگ قطب شاه هفتم آغاز شده ، با عروج سید نظام الدین احمد اوج گرفته بود همچنان ادامه داشت و هستی گرانبهاترین گوهر دریای دانش و هنر را تهدید می کرد. نگاهبانانی که پیرامون خانه کوچک او می گشتند، جاسوسانی که به عنوان دانشجو و ادیب به دیدارش می شتافتند هر یک خبر از آینده ای دشوارتر و تاریک تر می داد.در چنین موقعیت ادیب برجسته حجازی تبار نقشه ای هوشمندانه طرح کرد، نقشه ای که در بهترین فرصت به اجرا درآمد. سید علی از زندان گریخت و مقامهای امنیتی قطب شاه هشتم را در شگفتی فرو برد. سلطان سواران بی شمار در پی اش روان ساخت . سوارانی که بسیار تلاش کردند ولی جز نومیدی و شکست بهره ای نبردند.دانشور گریخته از زندان قطب شاهیان ، خود را به برهانپور رساند و در نخستین فرصت به دیدار محمد اورنگ زیب ، پادشاه آن سامان شتافت . اورنگ زیب دشمن دیرپای حیدرآباد نشینان شمرده می شد و پیوسته در اندیشه جذب دانشمندان و سیاستمداران آن دیار بود. بنابراین مقدم سرور ادیبان جزیره العرب را گرامی داشته ، لقب خان به وی بخشید و هزار و سیصد سوار زیر فرمانش قرار داد.بدین ترتیب فرزند دانشمند سید نظام الدین به صدر الدین سید علی خان شهرت یافت . پیشنهادهای سازنده او در شیوه کشور داری و لشگر آرایی سلطان اورنگ را بسیار تحت تاثیر قرار داد، به گونه ای که وقتی رهسپار اورنگ آباد شد وی را نیز همراه خویش برد و چون از آنجا به سمت احمد نکر حرکت کرد او را فرمانده نگاهبانان اورنگ آباد ساخت .شاگردان : سیدعلی خان مدنی در سالهای تدریس شاگردان بسیار پروريد ولی بی دریغ که نام و یاد آن سپید بختان در گذر زمان به تاراج رخدادها رفته ، در آور فراموشی مدفون شده است . آنچه می توان در این فرصت باز گفت نام سه تن از کامروایانی است که اجازه بازگویی شنیده ها و نگاشته های سید ادیبان حجاز را دریافت داشته اند:۱. علامه گرانمایه حضرت شیخ محمد باقر مجلسی گردآورنده مجموعه نفیس بحارالانوار۲. دانشور ارجمند حضرت شیخ باقر بن موسی محمد حسین مکی ،۳. دانشمند وارسته حضرت سید محمد حسین خاتون آبادی اصفهانی .آثار : اسلافه العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر ، التذکره فی الفوائد النادره ، الحدائق الندیه فی شرح الصمدیه ، الزهره فی النحو ، الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول ، الفرائد البهیه فی شرح الفوائد الصمدیه ، الکلم الطیب و الغیث الصیب ، المخلاه ، انوار الربیع فی انواع البدیع ویژگی اثر : در سال ۱۰۹۳ ق . با نام کتاب نفیس انوار الربیع فی انواع البدیع در اختیار ادب دوستان قرار گرفت۱۰ دیوان شعر ، رساله فی اغلاط الفیروز آبادی فی القاموس ، رساله فی المسلسله بالاباء ، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام ، سلوه الغریب و اسوه الادیب ، کتاب النفیس ویژگی اثر : را در جمادی الثانی ۱۰۷۹ ق . به جهان دانش و ادب عرضه کرد.آن بزرگمرد در سطور پایانی این اثر از دشواریهای زندگی اش پرده برداشته۱۶ محک القریض، ملحقاه السلافه ، موضح الرشاد فی شرح الارشاد ، نعمه الاغان فی عشره الاخوان ، نفثه المصدور منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

مدهوش گلپایگانی، محمدصادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۷ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به مدهوش. وی ملا باشی حیدرقلی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه و حاکم گلپایگان بود. در نظم و نثر تبحر داشت و عربی را خوب می‌دانست. مدهوش خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» خاوری، به قلم نستعلیق و شکسته نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد محمدصادق الکلبایکانی فی ۱۲۳۵» و «حرره العبد الاقل محمدصادق کلبایکانی، المتخلص به مدهوش... سنه ۱۲۳۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۶۷ -۷۶۶/ ۳)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۲۸ ،۱۶۲۷/ ۳)، الذریعه (۱۰۲۴/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۳۱۴ -۳۱۱/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مجمع الفصحا (۱۰۰۶/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۷۴ -۱۷۳)، نگارستان دارا (۲۵۱).

مرادخانی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۳.

درگذشت: ۱۳۶۳.

از آثار اوست: المعجم المفهرس لالفاظ ابواب البحار (۱۳۶۵)؛ بحار الانوار، فی تفسیر الماثور و القرآن (دو جلد).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مرادیان، خدامراد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی کرج

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بغداد، کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بغداد، دکترا در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

تدریس و تحقیق در دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۶۰، استاد بازنشسته دانشگاه تهران، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی کرج.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ، ادبیات، زبان و ادبیات عربی، تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی به مدت ۱۲ سال، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ، فرهنگ معارف اسلامی، فلسفه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

فرهنگ، معارف، علوم اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مراغی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نقاش و مجلد. از معاریف زمان خود و اهل مراغه بود و ساکن عثمانی. از آثار گرانقدر وی: جلد روغنی استادانه‌ای است که در کتاب «الفواید الغیاثیه» (تاریخ ۱۴۶۸ میلادی) قرار گرفته و به طلا آرایش شده. داخل جلد به رنگ ارغوانی و نقوش آن تحسین‌انگیز است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۸/ ۱).

مردانی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله مردانی در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در شهر کازرون پا به عرصه ی حیات گذشت . وی پس از به پایان بردن تحصیلات ، تا قبل از انقلاب در استخدام بانک ملی بود. پس از پیروزی انقلاب در بخش فرهنگی سپاه پاسداران و سازمان ارشاد اسلامی به کار پرداخت . مردانی در برگزاری شب های شعر و کنگره های فرهنگی و ادبی با نهاد های انقلابی همکاری می کرد و فعالیت او با سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین ادبیات انقلاب اسلامی و همکاری با جهاد دانشگاهی برای برگزاری کنگره ی شعر دانشجویان سراسر کشور چشمگیر بود . کتاب" خون نام ?خاک ،"نصرالله مردانی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نصرالله مردانی فرزندمردی به نام عوض ،می باشد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود کازرون به پایان برد . از آن پس به مطالعه کتابهای شعرو نثر پرداخت .و از آفرینش مضامین کلامی و سخن شاعران متقدم سود جست و در کار شاعری از سرچشمه های فیاض آنان الهام گرفت . مطالعه و تتبع در دواوین شاعران قریحه و ذوق سرشار او را بارور کرد و به شعرش شکوفایی بخشید .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نصرالله مردانی قبل از انقلاب در بانک ملی ایران مشغول به کار بوده و از اولین لحظات پیروزی

انقلاب تا کنون در بخش فرهنگی سپاه پاسداران و ارشاد اسلامی مأمور به خدمت می باشد. وی با شروع جنگ تحمیلی گاهی کنار رزمندگان اسلام در جبهه ها حضور یافته و گاهی در شبهای شعر و کنگره های علمی و فرهنگی شرکت کرده است. از مهمترین فعّالیّتهای فرهنگی ایشان، همکاری با سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین کتاب ادبیات انقلاب اسلامی و همچنین همکاری جهت برگزاری کنگره شعر دانشجویان سراسر کشور بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرالله مردانی علاوه بر حضور در جبهه در برگزاری شبهای شعر و کنگره های فرهنگی وادبی با نهادهای انقلابی همکاری کرد. و فعالیت او با سازمان پژوهش و برنامه وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین ادبیات انقلاب اسلامی و همکاری با جهاد دانشگاهی برای برگزاری کنگره شعر دانشجویان سراسر کشور چشمگیر بود . و همچنین کوشش وی در برگزاری یادواره علامه طباطبایی به مدت نه سال در کازرون از اقدامات قابل تحسین اوست .

آرا و گرایشهای خاص : نصرالله مردانی بدنبال تحولی تازه در شعر بود او می گوید : « ... سال ها قبل از پیروزی انقلاب پیوند بین حماسه و تغزل ، که شیوه ای کاملا نو بود ، را اساس کار خود قرار دادم ... » .

جوائز و نشانها : کتاب" خون نام ?خاك ،"نصرالله مردانی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ آتش نی (۱۳۷۰)

۲ خون نام پاك (۱۳۴۶)

ویژگی اثر : مجموع ?شعر - این کتاب (در سال ۶۵) در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است .- آشنایی با کتاب خون نام ?خاك کتاب مجموعه ۱۳۲ قطعه شعر، سرود ?نصر الله مردانی شاعر متعهد معاصر است که شامل سروده های پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در قالب اوزان کلاسیك (مقفّی – موزون – مردّف) می باشد. اشعار این مجموعه اغلب مشتمل بر مضامین بکر و تشبیهاتی نوین است و در حقیقت مانند معدودی از شاعران معاصر افقی تازه در بیکران احساس و اندیشه را نمودار ساخته است. مردانی از آندسته شاعرانی است که نوبودن شعر را در تازگی مضمون می داند نه قالب، و همین خصیصه بسیاری از اشعار او را در زمر ?مطرح ترین شعر زمان ما قرار داده است

۳ ستیغ سخن

ویژگی اثر : تذکره منظوم که نام بیش از دو هزار شاعر از ظهور شعر تا زمان نیما و از بیش از یکصد و پنجاه تذکره نام برده شد (۱۳۷۱)

۴ غزل در آیینه انقلاب

۵ قیام نور(۱۳۶۰)

ویژگی اثر : مجموع ?شعر

۶ مجموعه های الماس آب

ویژگی اثر : مجموعه غزل-(برگزیده مهمترین غزلیات شاعران انقلاب) که در دست تهیه و تحریر است

منابع زندگینامه : ۱www.ketabsal.ir۲سید محمد باقر برقعی ، سخنوران نامی معاصر ایران ، ج ۶ ، ص ۳۶۵۶

مردای کرمانی، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هوشنگ مرادی کرمانی در سال ۱۳۲۳ در روستای سیرچ از توابع کرمان متولد شد . دیپلم متوسطه را از کرمان اخذ کرد و ضمن ادامه فعالیتهای هنری و فرهنگی در تهران به مدرسه عالی ترجمه راه یافت و به دریافت لیسانس ترجمه (سال ۱۳۵۳)نایل آمد.مرادی کرمانی با بهره گیری از شیو ?خاص نویسندگان معاصر به کار نوشتن پرداخت و از سال ۱۳۴۷ فعالیتهای مطبوعاتی خود را با مجل ?خوشه آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۳ کار داستان نویسی در مجلات مختلف را ادامه داد. کتابهای" قصه های مجید"و" نه ترونه خشک "تالیف هوشنگ مرادی کرمانی ، به ترتیب در دورهای چهارم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : هوشنگ مرادی کرمانی تا کلاس پنجم ابتدایی در آن روستا درس خواند و سپس به کرمان آمده و در آن شهر به تحصیل خود ادامه داد و موفق به دریافت دیپلم دوره متوسطه گردید. وی ضمن ادامه فعالیتهای هنری و فرهنگی در تهران به مدرسه عالی ترجمه راه یافت و به دریافت لیسانس ترجمه (سال ۱۳۵۳)نایل آمد.

همسر و فرزندان : هوشنگ مرادی کرمانی متاهل و دارای سه فرند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کارشناسی تهیه گزارش دفتر وزارتی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله مشاغل هوشنگ مرادی کرمانی به شمار می آید.مردای کرمانی با بهره گیری از شیو ?خاص نویسندگان معاصر به کار نوشتن پرداخت و از سال ۱۳۴۷ فعالیتهای مطبوعاتی خود را با مجل ?خوشه آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۳ کار داستان نویسی در مجلات مختلف را ادامه داد. اما در این سال بکلی از کار مطبوعات دست کشید و وارد رادیو گردید و کار نوشتن در برنامه خانواده را آغاز کرد. در این زمان به فکر شخصیت سازی تیپ مجید افتاد. حاصل این تلاش هنرمندانه مجموع ?۵ جلدی قصه های مجید است که چهارجلد آن تا کنون منتشر شده و جلد پنجم آن نیز آماد ?چاپ است. از دیگر سمتهای ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: - عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی - عضو شورای مرکز کرمان شناسی

فعالیتهای آموزشی : هوشنگ مرادی کرمانی به عنوان مدرس اکابر و مدرس داستان نویسی در موسسه فرزانگان دختران و مجتمع شهید مهدوی و تدریس در ادبیات عامیانه و گزارش نویسی در موسسه عالی سوره از دیگر فعالیتهای وی می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هوشنگ مرادی کرمانی در همایش های متعددی نظیر ادبیات کودکان و نوجوانان در برلین و هند شرکت داشته است و علاوه بر آن در سال ۲۰۰۳ در جلسه های پرسش و پاسخ کشورهای برلین، هند و لندن و در مراسم اهدای جایزه وزارت فرهنگ و هنر اتریش حضور یافت. وی همچنین با شورای کتاب کودک و کانون پرورش کودکان و نوجوانان و جشنواره فیلم رشد و جشنواره فیلم کودکان فعالیت داشته است .

جوائز و نشانها : کتاب بچه های قالی باف خانه هوشنگ مرادی کرمانی، برنده جایزه شورای کتاب کودک ـ ibby دردفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان ، کتاب نخل برنده جایزه کتاب کودک برگزیده شورای کتاب کودک ـ IBBY ،کتاب خمره برنده ۱۲جایزه داخلی وبین المللی ، کتاب مربای شیرین برگزیده کتابخانه بین المللی مونیخ و مقاله آینه قلب ها جایزه جهانی اندرسن

نشـان از ارزش و جایگـاه قلم این نویسـند دارنـد . همچنین کتابهای" قصه های مجیـد"و" نه ترونه خشک "تالیف هوشـنگ مرادی کرمـانی ، به ترتیب در دورهـای چهارم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی به عنوان کتـاب سـال برگزیـده شدنـد. دیگر جوایز ایشـان به قرار زیر است: نویسـنده برگزیـده هیـات داوران جایزه جهانی اندرسن ۱۹۹۲ نویسـنده برگزیـده هیئت داوران جایزه جهانی خوزه مارتی (کاسـتاریکا) برنده جایزه موسـسه C.P.N.B کشور هلند برنـده جایزه موسـسه جوانان آلمان برنـده جایزه از وزارت فرهنگ و هنر اتریش، برنده جایزه هیئت داوران جایزه کبرای آبی کشور سویس برنده جایزه از کتابخانه های بین المللی مونیخ (آلمان) و سوئد و یونیسف(صندق کودکان سازمان ملل متحد)

چگونگی عرضه آثار : داسـتان‌های مرادی کرمانی به ده زبان انگلیسی، فرانسه، هلندی، اسپانیایی، آلمانی ترجمه و انتشار یافته است و ۲۸ فیلم سینمایی و تلویزیونی از روی داسـتانهای او سـاخته شـده است. نویسـنده فیلم : مورد – ? تـک درختها – ? گوشواره –? مهمان مامان – ? کیسه برنج – ? تیک تاک – ? کاکلی طرح اولیه داسـتان : مورد – ? مهمان مامان – مربای شیرین – ? کیسه برنج – ?تیک تاک – ? صبح روز بعد – ? خمره ---

آثار :

۱ اقتباس سینمایی و تلویزیونی ۲۲مورد

۲ بچه های قالی باف خانه

ویژگی اثر : ۲ قصه روستایی

۳ تجربه های من درنوشتن برای کودکان

ویژگی اثر : این مجموعه درفصلنامه پویش درکانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است.

۴ تنور و داستانهای دیگر

ویژگی اثر : چند داستان به زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه شده است .

۵ چکمه

۶ چهره بچه های روستایی درادبیات کودکان و نوجوانان

ویژگی اثر : این کتاب ۱۷ مقاله دار د که در شورای کتاب کودک به چاپ رسیده است

۷ خمره

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه به انگلیسی ، آلمانی ، هلندی ، اسپانیولی ، فرانسوی که برنده ۱۲جایزه داخلی وبین المللی می باشد .

۸ قارقار کلاغ

ویژگی اثر : این مقاله پیامی به هیئت داوران و بچه های اتریشی ـ وزرات فرهنگ و هنر اتریش است

۹ قصه های مجید

ویژگی اثر : این کتـاب ترجمه به زبـان انگلیسـی ، هلنـدی ، آلمـانی است که کتـاب سـال جمهـوری اسـلامی ایران ، شورای کتـاب کودک ، کانون و ....بوده است–آشـنایی با کتاب قصه های مجیـد قصه های مجید طنز تلخ یک نسل سـرگردان است. نسـلی که در یـک طرفش سـنتهای دیرپـای زمـانه و در طرف دیگرش جـامعه ای دگرگون است که چهار فعل به سوی فرهنگ غربی به پیش می تازد، و مجیـد سـمبل این نسل گمگشـته و نماینـده این تیپ منقلب است. او کسـی است که رویـدادهای پیرامونش را از صافی ذهن خود عبور می دهـد و بـا زبانی اغراق آمیز به توصـیف آن می پردازد. قصه های مجیـد در چهارچوب طرحی اسـتوار با نثری شـیوا و ساده ولی طنز آلود نوشته شده که فرهنگ مبتذل رژیم گذشته را به باد انتقاد می گیرد.

۱۰ کبوتر توی کوزه

۱۱ لبخندانار

ویژگی اثر : این چند داستان ترجمه به انگلیسی ـ درایران و هلند است

۱۲ مثل ماه شب چهارده

۱۳ مربای شیرین

ویژگی اثر : این کتاب برگزبده کتابخانه بین المللی مونیخ است

۱۴ مشت بر پوست

۱۵ مقاله آینه قلب ها

ویژگی اثر : این مقاله پیامی به هیئت داوران جایزه جهانی اندرسن است

۱۶ مهمان مامان

ویژگی اثر : این کتاب به ترجمه انگلیسی است

۱۷ نخل

ویژگی اثر : قصه بلند

۱۸ نه ترونه خشک

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: نه‌تر و نه خشک نه‌تر و نه خشک / نوشتهٔ هوشنگ مرادی کرمانی. – تهران: معین، ۱۳۸۲. پرنده‌ای کوچک به اندازهٔ یک ملخ، عاشق دختر پادشاه می‌شود. این مسئله به غرور شاه برمی‌خورد و شاه از در مخالفت برمی‌آید؛ اما پرندهٔ کوچک با آن جثهٔ ضعیفش شکوه و عظمت شاه را به لرزه می‌اندازد... نه تر و نه خشک داستانی فانتزی است. برداشتی نو و امروزی از افسانه‌ای قدیمی. فضا، شخصیت، و روابط آنها تخیل محض است؛ اما برگرفته از واقعیتی ملموس و همیشگی. و این تخیل است که فضای داستان را با دنیای زیبای نوجوانان پیوند می‌زند. در فضای فانتزی نه تر و نه خشک جدی‌ترین مسائل بشری با ساده‌ترین شیوه بیان شده است، گوشه‌ای از زندگی آدمها با همهٔ زیبایی‌ها و خشونت‌هایش

۱۹ هند درکرمان

ویژگی اثر : این مقاله پیامی به کنگره ادبیات کودکان و نوجوانان ـ هلند است .

مرزآبادی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای ادبیات فارسی.

مرتبه علمی:

طی مرحله استادیاری و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس در زمینه‌های تاریخ ادبیات ایران، ادبیات معاصر، نقد ادبی و روشی برای منابع ادبیات ایران به مدت ۲۷ سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان و ادبیات فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخ ادبیات ایران، نقد ادبی، ادبیات معاصر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرزبان راد، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیقات ادبی و تلاش پیگیر به منظور راه‌یابی قرآن گرانقدر بعنوان درس رسمی به دانشگاهها. راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خسرو انوشیروان در ادب فارسی، دستور سودمند، تألیفات درسی و دانشگاهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶: تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

غالباً دینی و ندرتاً ادبی و سیاسی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرزبان، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز مرزبان در سال ۱۲۹۶ در تهران دیده به جهان گشود.پرویز مرزبان یک دایره المعارف متحرک از هنرهای تجسمی است. حاصل ۵۰ سال تالیف و ترجمه او چاپ و انتشار کتاب هایی است که هر یک در حوزه خود کتابی مرجع به حساب می آیند. برای اولین بار او بود که چشم ایرانیان را با گستره وسیع هنر جهان، از دوران آغازین تاریخ هنر تا مکاتب متاخر قرن بیستم روشن کرد. کتاب" هنرهای ایران "ترجمه ،پرویز مرزبان ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

والدین و انساب : پرویز مرزبان از پدر و مادر خود چنین یاد می کند:مادرم از اعیان ترک ها بود و پدرم امین الملک، در دربار قاجار چشم پزشکی می کرد و در دوره پهلوی مورد غضب شاه قرار گرفت و خانه نشین شد. معروف بود که پدرم حق ویزیت از هیچ بیماری نمی گرفت .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پرویز مرزبان در یک خانواده از اعیان قدیمی تهران به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز مرزبان تحصیلات متوسطه را در رشت ?زبان و ادبیات فرانسه انجام داد و در سال ۱۳۱۹ از دانشسرای عالی در رشت ?زبان انگلیسی موفق به اخذ لیسانس شد.

همسر و فرزندان : پرویز مرزبان در مهرماه سال ۱۳۲۳ ازدواج کرد. همسرش هم مثل خودش در کار ترجمه است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز مرزبان در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۱۶ به طور مستمر در دبیرستانهای تهران به تدریس زبان و ادبیات فارسی، فرانسه و انگلیسی اشتغال داشت. همچنین در طول سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۳ به آموزش زبان و ادبیات انگلیسی و تاریخ و نقد هنر را در دانشگاهها پرداخته است.

جوائز و نشانها : کتاب" هنرهای ایران "ترجمه ،پرویز مرزبان ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ تاریخ هنر جانسن (۱۳۵۹)

۲ ترجمه و ویرایش سلسله مقالات هنری

ویژگی اثر : (از یک جلد از بریتانیکا برای دایرهٔالمعارف اسلامی)

۳ خلاصه تاریخ هنر (۱۳۶۷)

۴ دو مجلد از تاریخ تمدن ویل دورانت

۵ فرهنگ مصور هنرهای تجسمی(۱۳۶۵)

۶ مردانی که دنیا را عوض کرده اند

۷ معلم و شاگرد (۱۳۳۵)

۸ معنی زیبایی (۱۳۶۶)

۹ نظری به هنر نقاشی (۱۳۳۴)

۱۰ هنرهای ایران

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «هنرهای ایران»: هنرهای ایران، ر.دبلیو. فریه، ترجم ?پرویز مرزبان، تهران: نشر پژوهش فرزان روز، ۱۳۷۴. در این کتاب، هم ?جلوه های شگفت انگیز هنرهای ایرانی از پیش از تاریخ و ایران باستان تا عصر اسلامی، برای نخستین بار در مجلدی واحد و در نوزده بخش، به طرزی مرتبط با هم و مکمل یکدیگر، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. مقالات کتاب به قلم بیست تن از کارشناسان سرشناس بین المللی نوشته شده است که هر یک در زمین ?تخصصی خود از معماری و گچبری و پیکره سازی عهد باستان گرفته تا قالی بافی و نقاشی و نساجی و فلزکاری و سفالگری و هنرهای نسخه پردازی و شیشه گری دوران بعد، اثری مستند و آموزنده و معتبر و دلپذیر با بیش از ۱۷۰ لوح ?رنگی، بر آثار «هنرهای زیبا» و «هنرهای کاربردی» جهان افزوده اند

مرزبانی بغدادی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۴/ ۳۷۸/ ۳۷۱ -۲۹۷/ ۲۹۶/ ۲۸۷ ق)، محدث، اخباری، مورخ و ادیب معتزلی. معروف به کاتب مرزبانی. اصلش از خراسان است و در بغداد به دنیا آمد. او را جاحظ زمانش خوانده‌اند. در حدیث ثقه بود و معتزلی، اما گفته‌اند که به تشیع نیز گرایش داشت و نیز گفته‌اند که او اولین کسی است که «دیوان» یزید بن معاویهٔ بن ابی‌سفیان را جمع‌آوری و تدوین نمود. از ابوالقاسم عبداللّٰه بن محمد بغوی و ابوحامد محمد بن هارون حضروی و احمد بن سلیمان طوسی و ابوبکر بن درید و ابوعبداللّٰه نفطویه و ابوبکر محمد بن قاسم انباری و ابوبکر ابن ابی‌داوود سجستانی و از همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبداللّٰه صیمری و ابوالقاسم تنوخی و علی بن ایوب قمی و ابومحمد حسن بن علی جوهری و محمد بن مظفر دقاق و عتیقی و دیگران از وی حدیث شنیدند. به گفته‌ی ابوعلی فارسی نحوی مرزبانی از محاسن دنیا بود و عضدالدوله با تمام عظمتش بر در خانه او می‌ایستاد تا او از منزل خارج شود. خانه او مجمع فضلا و ادیبان بود. گفته‌اند که او اولین واضع علم بیان بوده است و نیز گفته شده که او از مشایخ شیخ مفید است. در بغداد درگذشت. ابوبکر خوارزمی فقیه بر او نماز گزارد و در منزلش، در قسمت شرقی، در محله عمر رومی دفن شد. او در فنون مختلف علوم اسلامی تصنیفات و تألیفات بسیاری نگاشت. از آثارش: «اخبار الشعراء»، که عده‌ای آن را با «اخبار الشعراء المحدثین» یکی دانسته‌اند؛ «معجم الشعراء»، شامل پنج هزار اسم، در هزار برگ؛ «اخبار المعتزلهٔ»؛ «تلقیح العقول»؛ «الریاض»؛ «الازمنهٔ»، در هزار

برگ؛ «الاوائل»، در حدود هزار برگ؛ «الدعاء»؛ «المعلی فی فضائل القرآن»؛ «ذم الدنیا»؛ «الشباب و الشیب»؛ «کتاب الشعر»؛ «اشعار النساء»؛ «اشعار الخلفاء»؛ «الزهد و اخبار الزهاد»؛ «الفرج»؛ «العبادة»؛ «اخبار المحتضرین»؛ «المراثی»؛ «المغازی»؛ «الهدایا»؛ «نسخ العهود الی القضاة»؛ «المدیح فی الولائم و الدعوات»؛ «اخبار النحاة»؛ «اخبارالمتکلمین»؛ «شعراء الشیعه»؛ کتاب «ما نزل من القرآن فی علی (ع)»؛ کتاب «المفصل»، در علم بیان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰/ ۷)، اعیان الشیعه (۳۳/ ۱۰)، انساب سمعانی (۲۵۷ -۲۵۶/ ۵)، ایضاح الکمنون (۸۰/ ۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۸۷ -۸۶/ ۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ بغداد (۱۳۶ -۱۳۵/ ۳)، تأسیس الشیعه (۹۵ -۹۴)، الذریعه (۱۶۲/ ۲۵ ،۱۴۷/ ۲۴ ،۲۹۰ ،۲۱۸ - ۲۱۷/ ۲۱ ،۲۵۰/ ۲۰ ،۱۹۲/ ۱۴ ،۲۳/ ۱۳ ،۳۱۴/ ۱۱ ،۴۲۹/ ۴ ،۴۷۲ -۴۷۱/ ۲ ،۵۳۱ ،۳۳۶ -۳۳۵/ ۱)، روضات الجنات (۳۲۳ -۳۲۲/ ۷)، ریحانه (۲۸۳ -۲۸۲/ ۵)، سیر النبلاء (۴۴۹ -۴۴۷/ ۱۶)، شذرات الذهب (۱۱۲ -۱۱۱/ ۳)، العبر (۱۶۶ -۱۶۵/ ۲)، فوائد الرضویة (۵۸۸)، الفهرست لابن الندیم (۱۹۳ -۱۹۰)، الکامل (۱۶۷ -۱۶۶/ ۷)، کشف الظنون (۱۷۳۴ ،۱۱۰۶)، الکنی و الالقاب (۱۷۹ -۱۷۷/ ۳)، لسان المیزان (۴۲۷ -۴۲۶/ ۶)، معجم الادباء (۲۷۲ -۲۶۸/ ۱۸ ،۴۷/ ۱)، معجم المؤلفین (۹۸ -۹۷/ ۱۱)، المنتظم (۲۶/ ۹)، الاعتدال (۶۴۱ -۶۴۰/ ۳)، النجوم الزاهرة (۱۷۰/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۳۷ -۲۳۵/ ۴)، وفیات الاعیان (۳۵۶ -۳۵۴/ ۴)، هدیة الاحباب (۲۳۸)، هدیة العارفین (۵۴/ ۲).

مرزوقی اصفهانی، ابوعلی احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۱ ق)، ادیب، نحوی و شاعر. معروف به امام مرزوقی و حائک. اهل اصفهان و یکی از پیشوایان زبان و نحو و از شعرا و مداحان اهل‌بیت (ع) بود. وی «کتاب سیبویه» را نزد ابوعلی فارسی خواند. در اصفهان معلم فرزندان آل‌بویه بود. او از عبداللّه بن جعفر بن فارس حدیث روایت کرده است. سعید بقال از وی روایت کرده و در «معجم» خود به وی استناد کرده است. صاحب بن عباد برجستگی علمی اصفهان را به سه کس مربوط می‌داند که اول آنها مرزوقی است. تیزهوشی، زیرکی و تصانیف زیبا را حموی از ویژگی‌های وی می‌داند. وی غیر از ابن‌المرزوق نحوی معروف (م ۷۸۱ ق)، است که از شاگردان خطیب دمشقی و ابوحیان بود. از آثارش: «الازمنة و الامکنة»؛ شرح اشعار هذیل؛ شرح «الحماسة» ابی‌تمام؛ شرح «الفصیح» ثعلب؛ شرح «المفضلیات»؛ شرح «الموجز»، در نحو؛ «شرح النحو»؛ «الامالی»؛ «الفاظ العموم و الشمول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۵/ ۱)، اعیان الشیعه (۹۴/ ۳)، ایضاح المکنون (۱۹۱/ ۱)، الذریعه (۹۶ ،۸۲/ ۱۴ ،۳۸۶ -۳۸۵ ،۹۲/ ۱۳ ، ۵۳۱/ ۱)، روضات الجنات (۲۵۵ -۲۵۴/ ۱)، ریحانه (۲۸۵ -۲۸۴/ ۵)، سیر النبلاء (۴۷۶ -۴۷۵/ ۱۷)، کشف الظنون (۱۲۷۳ ،۶۹۲)، الکنی و الالقاب (۵۶ -۵۵/ ۲)، معجم الادباء (۳۵ -۳۴/ ۵)، معجم المؤلفین (۹۲ -۹۱/ ۲)، الوافی بالوفیات (۵/ ۸)، هدیة الاحباب (۲۳۸)، هدیة العارفین (۷۴ -۷۳/ ۱).

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۱ -۱۳۱۸/ ۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌اللّه حایری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌اللّه مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌اللّه مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبهٔ المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسابین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبلهٔ»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل‌محمد (ص)؛ «مصباح الهدایهٔ فی شوارع الکفایهٔ»، که حاشیه مختصر بر «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمهٔ التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایهٔ»، در شرح «الکفایهٔ»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیهٔ»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[۱]

یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.

اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.

در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر ۱۳۱۸ قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائیه و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی

می‌باشد.

شرف تتابع کابر عن کابر

کالرمح انبوب علی انبوب

نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.

ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه ۱۱ و علماء معاصرین صفحه ۲۱۷ و آثارالحجه جلد ۲ صفحه ۴۶ و معارف الرجال جلد دوم صفحه ۲۶۸ و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه ۱۰۸ طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه ۸۴۷ و دهها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.

علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بابیه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.

و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنگ حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.

در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران

بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری

بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.

اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم

تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایهٔ حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال ۱۳۴۲ ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال ۱۳۹۳ هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهائی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

۱- السید حسن صدر کاظمین ۲- السید نجم‌الحسن الهتدی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان ۳- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار ۴- السید محسن الامین الشامی ۵- السید ابوالقاسم الدهکردی ۶- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه ۸- الشیخ علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء ۸- الشیخ هادی آل کاشف الغطاء ۹- الشیخ مرتضی آل کاشف الغطاء ۱۰- الشیخ محمدجواد البلاغی ۱۱- الشیخ محمداسماعیل محلاتی ۱۲- السید جعفر آل بحرالعلوم ۱۳- الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی ۱۴- المیرزا محمد العسکری التهرانی ۱۵- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی ۱۶- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی ۱۷- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی ۱۸- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری ۱۹- آیت‌الله الحاج آقاحسین قمی ۲۰- آیت‌الله حاج آقاحسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.

آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:

۱- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع

می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.

۲- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.

۳- توضیح‌المسائل که بکرات به طبع رسیده ۴- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی ۵- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.

۶- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) ۷- المعول فی امر المطول.

۸- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر ۹- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.

۱۰- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین کتب در انساب است در چند مجلد.

۱۱- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.

۱۲- الرحله الشیرازیه که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند ۱۳- الرحله الاصفهانیه در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.

۱۴- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.

۱۵- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر ۱- در اجازات علماء امامیه از اثناعشریه که به معظم‌له داده‌اند ۲- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند ۳- اجازاتیکه ایشان به دیگران داده‌اند.

مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۶(۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق.)، نجف اشرف.

درگذشت: ۷ شهریور ۱۳۶۹(۷ صفر ۱۴۱۲ ق.) قم.

آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغاز کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی‌خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی‌اصغر ختیایی تبریزی،

شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.

آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.

آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم ۱۳۴۲ از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های دررس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.

آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در ۱۳۸۰ ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.

آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الاکرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمدهٔ المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسابین، الهدایهٔ فی معاضل الکفایهٔ، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلهٔ الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایهٔ القوی، سلوهٔ الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، ۱۳۷۴).

از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای ۳۵۰۰ متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان ۱۳۴۹ با حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت ۲۴۰۰ متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید ۱۶۰۰۰ متر مربع زیربنا در هفت

طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.

این کتابخانه (تا سال ۱۳۷۴) نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی، ۳۵۰۰۰ مجلد با ۵۰۰۰۰ عنوان نسخه خطی، بیش از ۲۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به ۵۰۰۰ جلد نسخه عکسی، حدود ۸۰۰۰ میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.

آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۲ برابر با هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکته قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۱ -۱۷۷)، الذریعه (۲۰۴/ ۲۳، ۲۷۶/ ۲۱، ۳۷۶/ ۲۰، ۳۵۵، ۲۶۴/ ۱۸، ۱۸۶/ ۱۶، ۸۸/ ۱۵، ۲۱۵، ۱۴۰/ ۱۲، ۳۷۸/ ۶، ۲۶۰/ ۲)، ریحانه (۱۳۴ -۱۲۹/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴۸ -۸۴۷/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۹ -۲۱۷)، گلزار معانی (۷۰۲ -۶۹۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۲ -۳۷/ ۲، ۲۱۵ -۲۱۱، ۵۶ -۵۱/ ۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۰ -۱۱۸۹/ ۳).

مرعشی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۸ ق)، عالم امامی، فقیه، زاهد و ادیب. موصوف به طبری و معروف به مرعشی. از سادات مرعشیه‌ی طبرستان بود که نسبشان به حسین الاصغر، فرزند امام سجاد (ع) می‌رسد و به علت جدش علی مرعش به مرعشی مشهور بود. او از فقهای بزرگ شیعه و از اکابر مشایخ امامیه می‌باشد. وی از محمد بن جعفر بن احمد بن بطه و محمد بن جعفر اسدی و احمد بن ادریس اشعری و محمد بن حسین بن درست و علی بن ابراهیم قمی و علی بن ابی‌عبداللّه محمد بن ابی‌القاسم (از پدرش ملقب به ماجیلویه) و ابوالعباس احمد بن محمد ابن‌عقده روایت کرده است. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و احمد بن عبدون در ۳۵۴ ق از وی حدیث شنیدند. ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری در ۳۲۸ ق از وی روایت شنید و از او اجازه دریافت کرد. از آثارش: «الاشفیهٔ»، در معانی غیبت؛ «تباشیر الشریعهٔ»؛ «الجامع»؛ «الدر»؛ «الغیبهٔ»؛ «المبسوط فی عمل یوم و لیلهٔ»؛ «المرشد»؛ «المفتخر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۳/ ۲)، اعیان الشیعه (۶۱ -۶۰/ ۵)، ایضاح المکنون (۳۲۷، ۳۱۷، ۲۹۴، ۲۶۸/ ۲، ۲۲۰/ ۱)، الذریعه (۳۵۸ - ۳۵۷/ ۲۱، ۳۰۴/ ۲۰، ۵۳/ ۱۹، ۷۶/ ۱۶، ۳۱۰/ ۳، ۱۱۱/ ۲)، رجال طوسی (۴۶۵)، ریحانه (۲۸۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۷ -۸۶/ ۴)، لغت نامه (ذیل/ حسن مرعش)، معجم المؤلفین (۲۲۱/ ۳).

مرعشی، داود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میرزا عبدالله بن محمد شفیع، از اکابر سادات عالی درجات، به جلالت شأن معروف، و به اقتفای فضایل و کمالات، موصوف. به منصب رفیع تولیت روضه‌ی رضویه، و مصاهرت دودمان صفویه ممتاز گردیده.

در ۱۰۶۵ در اصفهان تولد، و در سال ۱۱۳۳ در اصفهان وفات یافته، شاعر و ادیب و نویسنده است.

کتب زیر از اوست:

۱- دیوان اشعار ۲- مثنوی زبور العاشقین ۳- سفرنامه ۴- سلطان الانساب ۵- مثنوی نمکدان؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مرعشی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۰ -۱۱۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب و شاعر. از فرزندزادگان علامه سید حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بود. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»؛ شرح «زبدهٔ الاصول»؛ شرح «تشریح الافلاک»؛ «سفرنامه‌ی هندوستان»؛ کتاب «اجازات»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۲/ ۹)، تذکرهٔ القبور (۴۸۸)، معجم المؤلفین (۱۸۸/ ۱۰).

مرغینانی، بهاءالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۷/ ۵۲۷ ق)، منشی و شاعر. اصل وی از مرغینان، از نواحی فرغانه ترکستان، و از شعرا و منشیان معروف عصر خود بود. او مداحی سلطان قطب‌الدین انوشتگین خوارزمشاه (۵۲۲ -۴۹۰ ق) می‌کرد. به آورده‌ی صاحب «تاریخ نظم و نثر»، بهاءالدین از سوی پدر از خاندان شیخ‌الاسلام فرغانه و از سوی مادر از فرزندان طغان خان، حکمران فرغانه بوده و تا زمان ارغون خان نیز می‌زیسته است. همچنین در این کتاب تاریخ فوت او ۶۴۹ ق ذکر شده است. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۷۴ -۱۷۳)، الذریعه (۱۰۳۱/ ۹)، ریحانه (۲۹۳/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۴ -۱۴۳)، لغت نامه (ذیل/ بهاءالدین)، مجمع الفصحا (۴۴۸ -۴۴۷/ ۱).

مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۲- وف بعد از ۶۱۴ ق)، محدث، فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر، منجم و نسب شناس. نسب او به محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)، می‌رسد. جد سوم وی از قم به مرو سفر کرد و در آنجا سکنی گزید. در مرو متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاه خود مرو آغاز کرد و نزد کسانی چون قاضی محمد بن سلیمان فقیهی دانش آموخت. در جوانی به قصد زیارت خانه خدا از مرو خارج شد. در ۵۹۲ ق به بغداد که رسید از ادامه سفر منصرف شد و مدتی همان جا ماند. ابوطالب از شهرهای خوارزم، هرات، نیشابور، گرگان، ری، یزد، شیراز، رامهرمز و همدان نیز دیدن کرد و از مشایخ و دانشمندان این شهرها بهره جست. در میان مشایخ او باید از فخر رازی، عبدالسید خوارزمی، بلغاری، محمد دیباجی، محمد ماهروی، اسماعیل کاشانی و ابن سمعانی نام برد. تاریخ بازگشت وی به مرو روشن نیست. زمانی که در مرو بود با فخر رازی دیدار کرد و در همان زمان بود که کتاب «الفخری» را برای وی تألیف کرد. در مرو در منزل خود مجالس درس برگزار می‌کرد و در آن طالبان علوم حضور می‌یافتند. یاقوت حموی که از شاگردان وی می‌باشد پس از توصیر صفات زیبای استادش در «معجم الادباء» چند بیت از اشعار او را آورده است. تنها اثر بازمانده از وی «الفخری فی انساب الطالبین» است که در قم به چاپ رسیده؛ اثر دیگر وی «حظیرة القدس»، در حدود ۶۰ مجلد، در خصوص انساب طالبیان بود و تلخیص آن «بستان الشرف» در حدود ۲۰ مجلد؛ و کتابی نیز درباره‌ی نسب شافعی تألیف کرد.از آثار دیگر او: «زبدة الطالبیه»؛ «غنیة الطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ «المثلث» و «الموجز» در نسب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۸ /۱)، اعیان الشیعه (۳۲۰ -۳۱۹ /۳)، الذریعه (۲۵۲ /۲۳، ۷۹ /۱۹، ۶۷ /۱۶، ۲۹ /۱۲، ۲۶/۷، ۱۰۷ -۱۰۶ /۳)، ریحانه (۱۱۲ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (۱۵۰ -۱۴۲ /۶)، معجم المؤلفین (۲۶۶ /۲)، هدیة العارفین (۲۱۱ /۱).

مروزی، ابومعاذ فضل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۱ ق)، محدث، نحوی و مقری. از عبداللّٰه بن مبارک و داوود بن ابی‌هند و عبید بن سلیم/ سلیمان روایت کرد. اهل مرو و محمد بن علی بن حسن بن شقیق از وی روایت کرده‌اند. ابومنصور ازهری در کتاب «تهذیب اللغة» خود از وی بسیار روایت کرده است. از آثارش کتاب «القراآت»، در قرآن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (۷۷)، الثقات (۵/ ۹)، طبقات المفسرین داودی (۲۹ -۲۸/ ۲)، کشف الظنون (۱۴۴۹)، معجم الادباء (۲۱۴/ ۱۶)، معجم المؤلفین (۶۷/ ۸).

مزارعی، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

زهرا مزارعی در نوزدهم آذر ۱۳۲۰ ه.ش در یکی از خانواده های فرهیخته ی شیراز چشم به جهان گشود . وی دیپلم خود را

ازدبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه ی ممتاز به پایان رسانید ،و بعد از ازدواج نیز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و سرانجام از دانشکده ی کمبریج انگلستان گواهی نامه گرفت . از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت. مزارعی در سالهای ۳۸ و ۳۹ در برنامه ی مشاعره ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان « خانم شعر ایران » در نشریات آن زمان به شهرت رسد .او که مدت ها در دانشگاه شیراز سرگرم کار بود اینک دوران بازنشستگی را به مطالعه و تحقیق می گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره)می سراید .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا مزارعی دیپلم خود را از دبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه ی ممتاز و اخذ مدال درجه دو علمی به پایان رسانید ،او بعد از ازدواج به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت و با اخذ گواهینامه از دانشکده ی کمبریج انگلستان این دوره را به پایان برد. از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت .

فعالیتهای ضمن تحصیل : زهرا مزارعی از کودکی با شعر انس یافت و با آغاز بلوغ، به سرودن شعر پرداخت.

وقایع میانسالی : زهرا مزارعی در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ در برنامه ی مشاعره ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان « خانم شعر ایران » در نشریات آن زمان به شهرت رسد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهرا مزارعی که سالها در دانشگاه شیراز اشتغال داشته است، اینک دوران بازنشستگی را سپری می کند. به مطالعه و تحقیق می گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره)می سراید .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : زهرا مزارعی دوران بازنشستگی را به تحقیق و سرودن شعر مشغول است، او آثاری نیز دراین راستا به چاپ رسانده است.

جوائز و نشانها : زهرا مزارعی مقطع دیپلم را با رتبه ممتاز و کسب مدال درجه دو علمی به پایان رساند. او همچنین در سالها ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ در برنامهٔ مشاعره رادیو ایران ، با رتبه اول برگزیده شد. --

----

آثار :

۱ امثال سائره و پندهای موزون

ویژگی اثر : پس از ده سال سکوت این کتاب انتشار یافت .

۲ سخن عشق

ویژگی اثر : پس ازچها رده سال به همت انتشارات نوید شیراز به چاپ رسید .

۳ قفس طلایی

ویژگی اثر : نخستین دفتر شعر اودر سال ۱۳۵۰ به چاپ رسید.

۴ گلچین دعا

منابع زندگینامه :پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، ج ۲ ، ص ۱۴۲۴

مزین‌الدوله نطنزی کاشانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۲۲ ش)، مترجم، موسیقیدان و نقاش. ملقب به نقاش باشی. وی جزو اولین دانش‌آموزانی بود که در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه و به سال ۱۲۷۵ ق برای فراگرفتن فن نقاشی به پاریس اعزام شده بود. مزین‌الدوله پس از مراجعت از اروپا، بیش از پنجاه سال، معلم فرانسه در دارالفنون و مدرسه علمیه و مدرس موسیقی و نقاشی بود که آنها را از روی اصول علمی‌آن تعلیم می‌داد و چندین کتاب نیز در مورد نقاشی به چاپ رسانده است. کمال‌الملک از شاگردان وی بود. مزین‌الدوله اولین کسی در ایران بود که با افتتاح تماشاخانه‌ی دارالفنون، دست به ترجمه هم زده و آن ترجمه‌ها را نیز در تماشاخانه به اجرا درآورده است. گذشته از آن، گفته می‌شود که «طبیب اجباری» مولیر را نیز نخستین بار ترجمه و خود هم آن را در تماشاخانه دارالفنون اجرا کرده است. نخستین کتاب موسیقی نظری جدید به نام «تعریف علم موسیقی»- که از نوشته‌های موسیو لومر فرانسوی بوده- توسط مزین‌الدوله به فارسی برگردانده شده است. از دیگر آثار او: ترجمه‌ی «صرف افعال»؛ «مزین اللغه»، لغت نامه‌ای از فرانسه به فارسی. از آثار نقاشی وی: تصویر نیم تنه‌ی شعاع‌السلطنه به سیاه قلم که نقطه‌پردازی پرمایه‌ای دارد، با رقم: «خانه زاد علی‌اکبر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۷۸ -۳۷۷/ ۱)، ادبیات نمایشی (۳۴۱، ۳۳۸، ۳۱۲ -۳۰۹/ ۱)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۳۸)، تاریخ موسیقی (۷۳۴، ۵۸۹، ۴۳۷/ ۲)، تاریخ هنرهای ملی (۶۱۶، ۵۸۴/ ۱)، شرح حال رجال (۴۲۶/ ۲)، گلستان هنر (پنجاه و سه)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۰/ ۴).

مژده شیرازی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۹۹ ش)، شاعر، مترجم و نویسنده. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را به همراه فراگیری کامل قرآن و بسیاری از متون فارسی سپری کرد و در دوره‌ی اول دبیرستان توانست عربی و قواعد صرف و نحو را بیاموزد. آنگاه به دانشسرای مقدماتی آباده رفت و دوره‌ی آموزگاری را گذراند و سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. پس از آن به تهران آمد و در ۱۳۲۸ ش موفق به اخذ لیسانس و در ۱۳۳۳ ش موفق به دریافت درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد. او در تأسیس بخش زبان و ادبیات در شیراز سهمی به عهده داشت و از سال ۱۳۳۴ ش دانشیار دانشکده ادبیات شیراز بود و علاوه بر سمت استادی، ریاست بخش فارسی نیز به او واگذار گردید و در ضمن مسئولیت اداره انتشارات و روابط دانشگاهی را بر عهده داشت. مژده شیرازی در شکل دادن به تدریس دانشگاهی در شیراز نقش مهمی داشت و بسیاری از استادان فعلی دانشگاه‌ها از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: «تاریخ ایران بعد از اسلام»؛ «راز زندگی»؛ ترجمه‌های: «تاریخ علم و فلسفه در اسلام»، «تاریخ ملل اسلامی»، «نظرهایی بتاریخ جهان» نهرو، «صدو پنجاه سال جوان بمانید» و «منازل السائرین» خواجه عبداللّه انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۳۵۶ -۳۲۵۳/ ۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۰ -۴۱۴/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۱۵/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۲، ص ۷ -۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۹ -۵۹۸/ ۴).

مستشارالدوله تبریزی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، نویسنده و مترجم. ملقب به مستشارالدوله. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم عربی و فارسی به سمت منشی گری وارد کنسول گری انگلیس در تبریز شد. او پس از مدتی به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و به عنوان کاردار به پاریس و لندن سفر کرد. میرزا حسین خان سپهسالار با وی دوست بود، اما به دلیل کدورتی که بین این دو پیش آمد، میرزا یوسف خان را به خراسان تبعید کرد. در ۱۲۹۹ ق به معاونت وزارت عدلیه (دادگستری) منصوب و ملقب به مستشارالدوله گردید. وی در ۱۳۰۶ ق به دلیل نوشتن نامه‌ای انتقادآمیز از حکومت وقت، از تبریز به قزوین تبعید و زندانی شد. از آثارش: «کتابچه‌ی بنفش»، درباره‌ی تأسیس راه‌آهن؛ «یک کلمه»، در منابع قانون اساسی فرانسه و تطبیق آن با قانون اسلام؛ «گنجینه‌ی دانش»؛ «منهج الحساب»؛ رساله‌ی «اصلاح خط اسلام»؛ رساله‌ی «برآورد مخارج راه‌آهن از مشهد به تهران و سایر شهرهای ایران»؛ «رمز یوسفی»، در تلگراف؛ «طبقات الارض»، در زمین‌شناسی و ژئولوژی، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۲۸۶، ۲۸۰/ ۱)، از نیما تا روزگار ما (۴۲ -۴۱)، شرح حال رجال (۴۹۳ -۴۹۰/ ۴)، الذریعه (۲۸۴/ ۲۵ ۱۴۶،/ ۱۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۳، ۳۱۷۵، ۲۷۸۰، ۲۲۵۰، ۱۷۴۶/ ۲ ،۴۷۴، ۲۴۳/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۰ -۸۹۹/ ۶).

مستعان، حسینقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: ۱۳۶۳.

از آثار اوست: ترجمه‌ی بینوایان (ویکتور هوگو، چاپ‌های متعدد)؛ رابعه، رمان تاریخی (دو جلد، تهران، ۱۳۶۹)؛ عشق مقدس (تهران، ۱۳۷۱).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مستوفی خزانه، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عبدالباقی نواب اصفهانی، از میرزاهای چهارسو شیرازیها.

فاضل و ادیب بوده، و در دستگاه ظل‌السلطان اهمیتی داشته، در شب ۱۷ جمادی‌الثانیه سال ۱۳۰۹ به شرحی که مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال مزبور می‌نویسد مسموما فوت شده است.

از آثارش کتاب «احسن التواریخ» در ترجمه‌ی تاریخ آل عثمان تألیف محمد فرید بیک؛ و هدیه‌ی رمضان، ترجمه از کتاب امیر ارسلان مصری به طبع رسیده است.

در شب فوت او سه نفر دیگر: ۱ – میرزا حبیب‌الله مشیر انصاری ۲ – حاج میرزا حسن شیخ الاسلام ۳ – میرزا محمد خان امین‌الدوله نیز مسموما وفات یافتند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مستوفی شهشهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا احمد، از ادبا و فضلا، وفاتش ۵ شنبه ۴ صفر سال ۱۳۱۱، قبرش در صحن مقبره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مسرور اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ –۱۲۶۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به مسرور. در قریه‌ی کوپای اصفهان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی به فراگیری صرف، نحو، معانی، بیان، منطق، فقه، اصول و حکمت نزد اساتید عصر پرداخت. او سپس در مدارس جدید به تحصیل مشغول شد آنگاه به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دارالفنون و دبیرستان نظام به تدریس پرداخت. وی فنون شعر را از فرصت‌الدوله شیرازی و دهقان سامانی آموخت. او زبانهای عربی و فرانسه و انگلیسی را خوب می‌دانست و از زبان پهلوی اطلاعاتی داشت. در ۱۳۵۲ ق که از طرف انجمن ادبی ایران به نظم آوردن مضامین الواح تخت جمشید به مسابقه گذارده شده بود، مسرور از میان پنجاه شاعر برجسته‌ی شرکت کننده حائز رتبه‌ی اول گردید و نیز در موقع افتتاح آرامگاه حکیم فردوسی شعر او مقام اول را به دست آورد. وی گذشته از استادی در زمینه‌ی شعر در نثر نیز توانا بود و از هنر موسیقی و خوشنویسی نیز بهره داشت. مقالات ادبی و تاریخی او در مجلات «ارمغان» و «یغما» چاپ شده است. او مدتی مدیریت برنامه‌های ایران در آینه‌ی زمان و شهر سخن را، در رادیو ایران، به عهده داشت. سرانجام در تهران وفات یافت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. از آثار وی: «امثال سائره»؛ «خواجو کرمانی»؛ «داستان تاریخی محمود افغان»؛ «ده نفر قزلباش»؛ «فرهنگ زبان»؛ «قران یا سرگذشت لطفعلی خان زند»؛ «نی‌زن بیابان»؛ «هنرنامه»، شعر. اثر دیگر او مجموعه اشعارش می‌باشد که نخست تحت نام «راز الهام» در ۱۳۳۸ ش و سپس تحت نام «یادگار سخنیار»، در ۱۳۴۷ ش، در سال وفات وی، منتشر شد.[۱]

حسین مسرور سخنیار اصفهانی، متخلص به مسرور، فرزند حاجی محمدجواد تاجر کوپایی به سال ۱۳۰۸ هجری قمری در کوپای اصفهان تولد یافته و از پایان تحصیلات به خدمت وزارت فرهنگ درآمده است.

حسین مسرور که شاعری توانا و استاد بود، در نثر نویسی نیز مهارتی فوق‌العاده داشت و داستان‌های تاریخی «ده نفر قزلباش» وی که تاریخ دوران صفویه را مطرح می‌سازد، به بهترین وجهی آن عصر را نمایان می‌سازد.

این شاعر کتاب شعری دارد به نام «راز الهام» که در سال ۱۳۳۸ خورشیدی منتشر گردیده است.

«کرشمه‌ی پری»

بکرشمه‌ای پری- دل آشنا بری

من و یاد روی تو- تو بیاد دیگری

تو ای نسیم سحری- ببر بجانان خبری

پیک روز جدایی

باد خزان تو بودی- که گلم را ربودی

همه گلشن بدیدم- تو ز گل‌ها نبودی

تویی ای نگار من- گل من بهار من

به سپیده‌دم رسد- شب انتظار من

ز گریبان شب چو مه سر آرد بیرون

ز غم دوریت شود دلم غرق خون

خزان چو گردد سپری- شود بهار دگری

شکوفه آید به چمن- صبا کند جلوه‌گری

بکرشمه‌ای پری- دل آشنا بری

من و یاد روی تو- تو بیاد دیگری

«عشرت دنیا»

عشرت دنیا مصیبت مردم دانا نبود

یا که خود عشرت نصیب مردم دنیا نبود

عشق هر جایی، قلم بر عقل پا برجا کشید

خاصه ما را کز ازل، خود عقل پا برجا نبود...!

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۸۷ -۸۶)، ادبیات نوین (۱۴۴، ۸۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۴۵ -۴۴۳)، دویست سخنور (۳۸۱ -۳۷۹)، الذریعه (۲۵۱/ ۲۵ /۴۳۶، ۲۴ /۶۷، ۱۷ /۲۰۱، ۱۶ /۱۰۳۵ -۱۰۳۴/ ۹ ،۲۸۵/ ۸ ،۲۶۸/ ۷)، راهنمای کتاب (س ۱۱، ش ۷، ص ۴۲۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۰ -۳۰۹/ ۱)، سخنوران نامی (۴۳۴ -۴۲۲/ ۲)، سخنوران نامی‌معاصر (۳۲۸۴ -۳۲۷۷/ ۵)، سواد و بیاض (۵۷۰)، شرح حال رجال (۷۹/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۳۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۳، ۳۳۳۹، ۲۵۲۹، ۲۴۲۸، ۱۶۱۵/ ۲، ۱۴۸۷، ۱۳۲۶، ۱۲۹۳، ۳۳۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۱ -۸۷۹/ ۲).

مسعودی پنج دهی مروزی، تاج‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۸۴ -۵۲۲/ ۵۲۱ ق)، فقیه، محدث، لغوی و صوفی. نسبتش به پنج ده، از قرای مرورود، می‌رسد. چون نیای بزرگش مسعود بود به مسعودی مشهور شد. او ساکن خانقاه سمیساطیه دمشق بود. در مرو و هرات و سجستان و بلخ و سرخس و نیشابور و کرمان و اصفهان و همدان و تبریز و بغداد و موصل و مصر از پدرش و عبدالسلام بن احمد بکبره و مسعود بن محمد غانمی و ابونضر فامی و ابوالمظفر تریکی بغدادی و ابوالوقت عبدالاول و عبداللَّه بن عمر سجزی و عمر بن محمد بسطامی و ابوبکر محمد بن علی طوسی و ابوالمعالی مقری و عبدالرحمان بن احمد طوسی و ابن‌رفاعه سعدی و مسعود ثقفی و عبدالصبور بن عبدالسلام و سلفی حافظ و جماعتی دیگر حدیث شنید. در ۵۷۵ ق در مصر مجالس املای حدیث برپا کرد. او معلم ملک افضل فرزند سلطان صلاح‌الدین بود. ابن‌مفضل و ابوالقاسم بن عساکر و ابواحمد بن تاجر و ابواحمد بن سکینه و دیگران از وی روایت کردند. او شرحی کامل بر «مقامات» حریری نگاشت که به گفته‌ی ابن‌خلکان نظیر نداشت و در پنج مجلد بزرگ بود و بدین علت به مسعودی شارح «مقامات» معروف شد. او در دمشق درگذشت و در دامنه‌ی کوه قاسیون دفن شد. از آثارش: «مغانی المقامات فی معانی المقامات»، که همان شرح «مقامات حریری»، است؛ «الایضاح فی جمع المغرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۵ -۶۴/ ۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۹۵/ ۲)، سیر النبلاء (۱۷۵ -۱۷۳/ ۲۱)، شذرات الذهب (۲۸۱ -۲۸۰/ ۴)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۵۳/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۳۷/ ۲)، العبر (۸۸/ ۳)، کشف الظنون (۱۷۹۰ -۱۷۸۹)، لسان المیزان (۲۹۲ -۲۹۱/ ۶)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۳ -۲۱/ ۱۹)، معجم الادباء (۲۱۶ -۲۱۵/ ۱۸)، معجم البلدان (۵۹۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۵۵/ ۱۰)، میزان الاعتدال (۶۰۰/ ۳)، الوافی بالوفیات (۲۳۳/ ۳)، وفیات الاعیان (۳۹۲ -۳۹۰/ ۴)، هدیهٔ العارفین (۱۰۱/ ۲).

مسعودی مروزی، ابوالخیر، ابوعبداللَّه محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۳ ق)، فقیه شافعی، نحوی، لغوی و ادیب. مروزی در بین شافعیان به مسعودی معروف بود. نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و برآمد و از اقران شیخ خود گشت. او از قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید. مسعودی در نحو و لغت و ادب مشهور زمان خود بود. قاضی ابومنصور سمعانی از او روایت کرد. امام غزالی در کتاب خود، «الوسیط»، از او حکایت کرده است. به گفته‌ی سمعانی وی در ابتدا از اصحاب الرای بود که چون مصاحب قفال شد جزء اصحاب الحدیث گشت. وفات او را حدود ۴۲۰ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: شرح «مختصر المزنی»، در فروع فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۷۴ -۱۷۱/ ۴)، کشف الظنون (۱۶۳۵)، معجم الادباء (۲۱۴ -۲۱۳/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۲۵۹، ۲۴۸، ۲۲۵ -۲۲۴/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۲۲ -۳۲۱/ ۳)، وفیات الاعیان (۲۱۴ -۲۱۳/ ۴).

مسگرنژاد، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۱ و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ابوریحان و علامه طباطبائی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اخلاق در نهج‌البلاغه، معراج‌نامه‌ها در زبان فارسی، بررسی دستور زبان فارسی و مقایسه دستورها، زندگینامه سخنران جان‌باخته، دیوان مولانا لسانی شیرازی، انیس‌الشعراء، پژوهشی در عقاید اهل حق، تدریس دروس مختلف ادبی در دانشگاههای علامه طباطبایی تربیت معلم و تهران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مختصری در شناخت عروض و قافیه، شرح خصوص‌الحکم خواجه محمد پارسا و کنزالرموز امیر حسینی تاریخ تصوف و اصطلاحات، عرفان و تصوف.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

شرح خصوص‌الحکم و شروح معتبر آن، تأمل در صحت انتساب شروح خصوص‌الحکم، مقاله‌ای در اصطلاحات صوفیه- غزالی، معرفةالنفس (خودشناسی) اقبال لاهوری، مقاله (هلال و خیال) در مثنوی مولوی، کلیت و مفهوم در غزل حافظ، رسالت بزرگ و روحی و سیر مفاهیم عرفانی در دیوان خواجو، عرفان و تصوف، اصطلاحات عرفانی، شناخت متون، تاریخ ادبیات و تحقیق در اندیشه‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مسیحا فدشکویی، محمد مسیح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۷ ق)، فقیه، ادیب و شاعر، متخلص به معنی. در فسا به دنیا آمد. در شیراز و اصفهان درس خواند. در سرودن شعر به دو زبان عربی و فارسی مهارت داشت. در اشعار عربی مسیح و در اشعار فارسی معنی تخلص می‌کرد. آخوند مسیحا از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری بود که به درجه‌ی اجتهاد رسید و چندین سال منصب شیخ الاسلامی ایالت فارس را داشت. در اواخر عمر در سنین نود سالگی به فسا بازگشت و در قریه‌ی فدشکو درگذشت. در «تذکره‌ی نصرآبادی» سال مرگش ۱۱۱۵ ق ذکر شده است. وی به عربی قصیده‌ای در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) گفته است. از دیگر آثارش: «حواش علی الحواشی الخفریه علی شرح التجرید»؛ «اثبات الواجب تعالی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۸۴ -۸۳)، اعیان الشیعه (۵۶ /۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۷ -۳۱۶ /۵)، تذکرهٔ المعاصرین (۱۱۱ - ۱۰۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴ -۳ /۱)، الذریعه (۱۰۷۵ -۱۰۷۴، ۱۰۶۵ /۹، ۱۰۹ /۱)، ریحانه (۳۸۵، ۳۱۴ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵ -۷۲۳ /۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۹۲ /۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۲)، فوائد الرضویه (۶۴۳)، لغت‌نامه (ذیل/ معنی فسایی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۱ -۱۹۰ /۵)، مرآت الفصاحه (۵۸۷ -۵۸۵)، معجم المؤلفین (۲۲ /۱۲).

مشار، خانبابا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۷۹، تهران.

درگذشت: ۲۹ شهریور ۱۳۵۹.

خانبابا مشار پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت وزارت دارایی درآمد و در ضمن نزد استادان وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخت در وزارت دارایی در ادارات تحدید کل و کارگزینی و مالیات برآمد و کلاس مالی عهده‌دار خدمت بود. پس از بیست و یک سال خدمت دولتی به میل خود بازنشسته شد و به امور کشاورزی پرداخت.

اثر برجسته‌ی او مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی از آغاز چاپ تاکنون (شش جلد، ۱۳۴۴ -۱۳۴۰) نام دارد. این کتاب در واقع ترکیبی است از دو کتاب فهرست کتابهای چاپی فارسی و فهرست کتاب‌های چاپی عربی ایران از آغاز چاپ تاکنون است. وی همچنین یک متن قدیمی دینی را هم تصحیح کرد که الفصول المختاره من العیون و المحاسن معروف بمجالس (مجالس در مناظرات) تألیف شیخ مفید و ترجمه‌ی آقا جمال خوانساری (تهران، ۱۳۳۹) است. این کتاب در سال ۱۳۶۳ به چاپ رسید.

(۱۳۵۹ -۱۲۷۹ ش)، نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت وزارت دارایی درآمد و در ضمن نزد استادان وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. پس از بازنشستگی به کشاورزی مشغول شد. از آثار او: «فهرست کتابهای چاپی فارسی»، از آغاز تا ۱۳۴۵ ش؛ «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «الفصول المختاره» شیخ مفید؛ «فهرست کتابهای چاپی فارسی و عربی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «الفصول المختاره» شیخ مفید؛ «فهرست کتابهای چاپی عربی، در ایران» از آغاز چاپ تا ۱۳۴۴ ش و سایر کشورها از ۱۳۴۰ ق به بعد.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۱۲ -۹، ص ۹۱۵ -۹۱۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۷۹، ۲۸۹۱، ۲۴۸۵ /۲)، کتابنامه‌ی

نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱ – ۱۰/ ۳).

مشایخ فریدنی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۱(۱۳۳۳ ق.)؛ محله عودلاجان تهران.

درگذشت: ۱۳ آذر ۱۳۶۹، در نزدیکی بمبئی.

محمدحسین مشایخ فریدنی، فرزند محمدباقر (از علمای معقول و منقول و از مدرسان تهران)؛ در محضر پدر خود مقدمات علوم دینی را فراگرفت و در کنار آن به تحصیل علوم جدید در دبستان ترقی و سپس دبیرستان پهلوی نیز همت گماشت. در سال ۱۳۰۹ بعد از اتمام دوره‌ی اول متوسطه وارد دوره‌ی ادبی دارالفنون شد. از اساتید این دوره درس وی می‌توان به افرادی چون حبیب یغمایی، جلال‌الدین همایی، نصرالله فلسفی، شیخ محمدحسین فاضل تونی، احمد بهمنیار و علی‌اکبر سیاسی اشاره کرد. ایشان در همین دوره، تحصیلات حوزوی را تا پایان لمعتین نزد پدرشان تلمذ کرد. فریدنی در سال ۱۳۱۲ بعد از تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول در امتحان ورودی آن دانشکده پذیرفته شد، در سال ۱۳۱۴ بعد از اتمام دوره گواهینامه مدرسی دریافت کرد. همزمان با تحصیل در دانشکده‌ی معقول و منقول در دانشکده‌ی ادبیات هم ثبت نام نمود و در سال ۱۳۱۴ به اخذ درجه لیسانس نایل آمد و در سال ۱۳۱۸ وارد دوره‌ی دکترای ادبیات شد. استادان وی در آن دوره ملک‌الشعرای بهار، فاضل تونی، سید محمد تدین، بدیع‌الزمان فروزانفر و علی‌اصغر حکمت بودند. در پاکستان کرسی زبان فارسی دانشگاه کراچی را تأسیس کرد و در دانشگاه‌های پنجاب، پیشاور و حیدرآباد و داکا به عنوان استاد میهمان تدریس می‌کرد. در دانشگاه لاهور پاکستان موفق به اخذ درجه‌ی دکترای افتخاری و کسب مقام استادی در رشته‌ی حقوق شد.

دکتر فریدنی در طول خدمات فرهنگی خود در سمت‌های مختلفی اشتغال داشت. نظیر: دبیر دبیرستان‌های تهران بازرس و سرپرست فرهنگ و اوقاف قم، کاشان، ساوه، محلات و گلپایگان، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان، هند، عراق و عربستان سعودی، استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، مأمور تأسیس دانشگاه کردستان و غیره. آثار وی علاوه بر تحریر مقالات در مجلات کشور، عبارتند از: تألیف نوای شاعر فردا (روایت تازه‌ای از اسرار خودی و رموز بی‌خودی اقبال لاهوری، وی از جمله کسانی بود که با اندیشه‌های این متفکر آشنا بود)؛ رساله‌ای در شرح نظرات سیاسی امیرالمؤمنین (ع)؛ گزیده‌ی أغانی (ترجمه‌ی الاغانی، در دو جلد، این کتاب برگزیده‌ی هشتمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد)؛ تألیف آفتاب در آئینه (سیره‌ی امیرالمؤمنین (ع) به روایت اهل سنت). وی همچنین در سال‌های آخر عمر با دایرةالمعارف تشیع و دانشنامه‌ی جهان اسلام همکاری داشت و مقاله‌هایی را برای این دو اثر تألیف کرده است. مقاله‌هایی نیز در «کیهان فرهنگی» و «نشر دانش» و «آینده» از او به چاپ رسیده است. دکتر مشایخ فریدنی به دریافت نشان‌های درجه‌ی دوم همایونی، درجه‌ی دوم سپاس، نشان ارانژناسو از هلند و نشان کوکب از اردن نایل آمده است. وی عضو آکادمی عرب نیز بود.

دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی روز سیزدهم آذر سال ۱۳۶۹ در سن هفتاد و هشت سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. این حادثه در حالی رخ داد که وی یک هیئت علمی بین‌المللی را در یک کشتی مطالعاتی برای بررسی راه آبی «جاده‌ی ابریشم» همراهی می‌کرد. پیکر وی در بهشت زهرا در حجره‌ی ۹۵۳ به خاک سپرده شد.

در ۱۲۹۱ متولـد شـد. پس از انجام تحصـیلات ابتدائی و متوسـطه وارد دانشـکده ادبیات تهران شد و در ۱۳۱۵ لیسـانس گرفت و به شغل دبیری اشتغال ورزید. بعد از شهریور ۱۳۲۰ وارد دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی شد و پس ازطی دوره‌ی دکترا رساله‌ی خود را بـا درجه‌ی ممتاز گذرانیـده و تـدریس خود را در دانشـگاه آغاز کرد. در سال ۱۳۲۸ که علی‌اصـغر حکمت به وزارت امور خـارجه منصوب شـد، چنـد تن از فرهنگسـتان بـاسواد را مأمور خـدمت در آن وزارتخانه نمود از جمله دکتر مشایـخ فریـدنی بود که پس از انتقـال موقت به وزارت امور خارجه، رایزن فرهنگی ایران در پاکسـتان شـد و سـپس رایزنی فرهنگی ایران را در هندوسـتان برعهـده گرفـت. پس از پایــان مــأموریت دهلی بـه تهران انتقــال یـافت و مشـاور اداره اطلاعـات و کتابخـانه و مطبوعـات و اداره فرهنگی و سرپرست امـور نشـریه‌ها در وزارت امـور خـارجه گردیـد. در اواخر سـال ۱۳۳۶ به وزارت فرهنـگ بـازگشت و مـدیر کـل دفتر آن وزارتخانه شـد. در سال ۱۳۳۷، علی‌اصـغر حکمت برای بـار دوم به وزارت امور خـارجه منصوب شـد و این بار دکتر محمـد حسـین مشایـخ فریدنی را بطور قطعی به وزارت امور خارجه منتقل کرد و به وی مقام رایزنی و تصدی اداره روابط فرهنگی را سپرد. پس از چندی سـرپرست اداره اطلاعات و مطبوعات شد و بعد ریاست اداره پنجم سیاسی وزارت خارجه را عهده‌دار شد. مشایخ فریدنی در مأموریتهـای فرهنگی خود در وزارت امور خـارجه، جلب رضـایت زعمـای آن وزارتخانه را نمود و مورد توجه قرار گرفت و لـذا به کادر سیاسـی انتقال یافت و تدریجا سـفیر کبیر ایران در پاکسـتان، سـفیر کبیر ایران در عربسـتان سعودی و سفیر کبیر ایران در عراق شـد. وی در این مأموریت‌هـا چون فصـیح و بلیغ سـخن می‌گفت و اشـعار بسـیاری در حافظه داشت و در هر زمینه‌ی تاریخی و ادبی مجلس آرائی می‌کرد، در آن کشورها مخصوصا در محافل فرهنگی و ادبی منزلتی پیدا کرد و مورد احترام قرار گرفت.

پس از بازنشسـتگی و بـازگشت به ایران دنبـاله کارهای علمی و ادبی خود را گرفت از جمله به ترجمه‌ی کتاب اغانی پرداخت و دو جلـد از آن در بنیـاد فرهنـگ ایران چـاپ شـد. گزیـده‌ای نیز از اغانی فراهم ساخت که آن هم انتشار پیـدا کرد. هنگام مأموریت در هندوستان مقاله‌هائی در زمینه‌های ادبی در جراید فارسی زبان هند انتشار داد.

مشایخ فریدنی مردی ادیب و محقق و خطیب بود و به پنج زبان خارجی تسلط داشت. در ۱۳۶۹ در سن ۷۶ سالگی درگذشت.

(۱۳۶۹ -۱۲۹۳ ش)، نویسـنده و مترجم. چون نسب خانـدانش به محقق ثانی، شـیخ علی بن عبدالعال کرکی، می‌رسد آنان را مشایخ فریدنی خوانده‌اند. پدرش از مدرسـین مدرسه‌ی سپهسالار و مدرسه‌ی معمار باشی بود. وی در محله‌ی عودلاجان تهران به دنیا آمد. در کودکی نزد پدر «الفیه» ابن‌مالك و «نصاب» ابونصر فراهی را آموخت. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی ترقی گذراند. سپس به دبیرستان رفت و دوره‌ی دوم را، در ۱۳۰۹ ش، در دارالفنون آغاز کرد و همزمان، «شـرایع» و «معالم» و «شرح لمعه» و «قوانین» را نزد پدر خواند. در ۱۳۰۹ ش به دارالفنون رفت و با تأسـیس دانشـکده‌ی علوم معقول و منقول دانشگاه تهران در امتحان ورودی شرکت کرد و مقام نخست را از آن خود ساخت. در فرصت تحصـیل در دانشـگاه کتابهای «شرح هدایهٔ» و «شرح منظومه» و «شرح تجرید» و «مکاسب» و «رسائل» و «جواهر» و «کفایـهٔ» را خوانـد و مـدرک مدرسـی گرفت. در ۱۳۱۴ ش، موفق به اخـذ لیسانس از دانشـکده‌ی علوم معقول و منقول در رشـته‌ی ادبیات گردید. وی پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در موضوع «تاریخ روابط سیاسـی و فرهنگ ایران و هند، در عهد سلطنت شاه جهان گورکانی» نوشت. در ۱۳۲۴ ش با سـمت بازرس و سرپرست فرهنگ و اوقاف به مدت یک سال به قم مأمور شد. پس از بازگشت به تهران علاوه بر مقام بازرسی، ماهنامه‌ی «دانش‌آموز» را منتشر کرد. وی حدود بیست و سه سال در وزارت امور خارجه و در کشورهای پاکسـتان، هنـد، عراق و عربسـتان خدمت نمود. از دیگر آثارش: مقدمه و حواشـی بر دو مثنوی «اسـرار خودی» و «رموز بی‌خودی» اقبـال لاهوری، به نام «نوای شاعر فردا»؛ ترجمه و شـرح و خلاصه‌ی «الاغانی» ابوالفرج اصـفهانی؛ «آفتـاب در آیینـه»، سـیره‌ی امیرالمـؤمنین (ع) و منـاقب آن حضـرت به روایت ائمه‌ی اهـل سـنت؛ رسـاله‌ای در شـرح نظرات سیاسـی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ «اقبال فیلسوف و شاعر شهیر اسلام».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] ادبستان (س ۱، ش ۱۲، ص ۸۶)، چهره‌های آشنا (۵۴۱ –۵۴۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۱۲، ص ۱۰ –۳).

مشایخی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: ۲۰ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

رضا مشایخی (فرهاد) پس از اتمام تحصیلات در دارالفنون و گذرانـدن مسابقه‌ی علمی وزارت فوائـد عامه در سال ۱۳۰۵ به منظور تحصیل در رشته‌ی مهندسی راه و ساختمان به بلژیک اعزام شد و دوره‌ی چهار ساله‌ی دانشگاه کان را با موفقیت گذراند. از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۵ در وزارت طرق و شوارع و از آن سال در وزارت راه و ترابری (نـام جدیـد همـان وزارتخـانه) تا سال ۱۳۴۲ خدمت کرد و به معاونت اداری و فنی و پارلمانی وزارت راه و ریاست شورای عالی راه‌آهن رسید.

وی چنـدی در دانشکده‌ی فنی تـدریس کرد و از سـال ۱۳۲۶ که ساختـان خطوط آهن آذربایجان و خراسان شـروع شـد، به سـمت رییس و مدیر کل اداره ساختمان وازرت راه منصوب شد و حدود نه سال سرمهندس این خطوط بود.

مهنـدس رضـا مشـایخی در اوقـات فراغت به ترجمه آثار برگزیـده بزرگان می‌پرداخت. ذوق و علاقه‌ی دیگرش کشاورزی و عمران وآبـادی بـود. فهرسـت آثـار وی بـه شـرح زیر است: مـاری آنتـوانت (اسـتفان زوایـک، ۱۳۲۳)؛ مـاری اسـتوارت (اسـتفان زوایک)؛ زیگموند فروید (استفان زوایک)؛ سه استاد سخن (درباره فئودر داستایوسکی، اونوه دو بالزاک و چارلز دیکنز، اثر استفان زوایک)؛ کلئوپـاترا (آرتور ویگال)؛ تاریـخ اکتشافات جغرافیایی (اوریان اولسن، ۱۴۴۳)؛ تصویر دوریان گری (اسـکار وایلـد)؛ اعترافات (ژان ژاک روسـو)؛ جمهـوریت (افلاطـون، بـا تفسیر و حواشـی، ۱۳۳۴)؛ حیـات مردانی نـامی (پلوتـارک، چهـار جلـد، ۱۳۴۳ –۱۳۳۷)؛ جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر (ژاک پیرن، شش جلد، ۱۳۵۷)؛ کوروش‌نامه (گزنفون، ۱۳۴۲)؛ اندیشه‌ها و رسالات (بلز پاسکال با تفسیر لئون برونسویک، ۱۳۵۱)؛ آخرین نبرد (نلیوس راین)؛ اسـلام، دین و امت (لویی گارده، ۱۳۵۲)؛ اخلاق نیکوماک (ارسطو، با ملحقات درباره‌ی اخلاق و غرب)؛ علم و مذهب (برتراند راسل، ۱۳۵۵)؛ تقریرات ناپلئون (کنت دولاسکاز، ۱۳۶۳).

از ایشـان ترجمه‌های دیگری نیز آماده‌ی چاپ بود، ماننـد: سـفرنامه‌ی مارکوپولو، جهان سوم در بن بست از بروک، تحول از هانری برگسون، تاریخ و تمدن از مجموعه‌ی یونسکو، تمدن ایرانی به سرپرستی هانری ماسه.

فرزنـد مرحوم میرزا عبدالحسین خـان، در ۱۲۸۴ ش در تهران متولـد شـد. تحصیلات مقـدماتی و ابتـدائی را در مـدرسه‌ی علمیـه و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون پایان داد. در ۱۳۰۵ وزارت فوائـد عامه و تجارت اعلانی منتشـر نمود که برای تکمیل کادر فنی خود بیست و پنج محصل به اروپا اعزام خواهد کرد و کنکوری برای آن ترتیب دادند. مشایخی در این مسابقه شـرکت نمود و موفق گردیـد در زمره سایرین برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شود. طبق برنامه‌ای که تنظیم شـده بود، مشایخی به بلژیک اعزام شد و در دانشـگاه کان دوره‌ی مهندسـی راه و ساختمان را گذرانیـد و به تهران بازگشت و در وزارت طرق و شوارع که از وزارت فوائد عامه منـتزع شـده بـود اشـتغال ورزیـد و به کـار راهسـازی پرداخت. وی مـدتها مـدیر کـل ساختمـان وزارت راه بـود و راه‌آهن سراسـری آذربایجان و خراسان توسط او انجام و اتمام پذیرفت. قریب نه سال سـر مهندس این راه بود. مشایخی به حق در ایجاد راههای شوسه

و راه‌آهن در ایران سهم شایسته‌ای دارد. وی مدتی هم در دانشکده‌ی فنی استاد بود. چندی هم معاون فنی وزارت راه شد و بعد به معاونت پارلمانی رسید. سرانجام ریاست شورایعالی راه‌آهن به او سپرده شد.

مهندس رضا مشایخی علاوه بر مشاغل اداری یکی از مترجمین پرکار ایران بود و سالیانی چند به ترجمه‌ی آثار برگزیدگان پرداخت و در کار ترجمه وسواس خاصی داشت. قریب بیست جلد از ترجمه‌های او به چاپ رسیده است از جمله: کلئوپاترا، اعترافات ژان ژاك روسو، جمهوریت افلاطون، حیات مردان نامی، تقریرات ناپلئون، سفرنامه مارکوپلو و ماری آنتوانت را می‌توان نام برد. رویهمرفته از ایران دوستان و خدمتگزاران به فرهنگ کشور بود. وی در ۱۳۶۸ در سن ۸۴ سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مشتری

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان هنرمند و ادیب. وی از زنان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و اهل شیراز بود و در آواز، موسیقی و شعر و بدیهه‌گویی استاد بود. به نوشته تاریخ عضدی، یک شب شاه با یکی از زنانش در طبقه اول برج جهان‌نما به سر می‌برد. مشتری خانم که در طبقه دوم بود شعر زیر را با آواز بلند خواند:

بالای بام دوست چو نتوان نهاد پای

هم چاره آنکه سر بنهم زیر پای دوست

به دستور شاه، هرگاه که شاه عازم سفر می‌شد و چکمه و شلوار می‌پوشید مشتری خانم می‌بایست که مشغول خواندن آواز می‌شد. در سفر آخری که به اصفهان می‌کرد- و در همان سفر در اصفهان درگذشت- مشتری خانم به عادت همیشگی بیت زیر را خواند:

تو سفر کردی و خوبان همه گیسو کندند

از فراق تو عجب سلسله‌ها بر هم خورد

شاه مضمون این بیت را به فال بد گرفت و آیه استرجاع خواند. مشتری خانم حدود صد سال عمر کرد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: پشت پرده‌های حرمسرا، ۳۵۸؛ تاریخ عضدی، ۴۱ -۴۰؛ ریاحین‌الشریعه، ۷۵ / ۵.

مشکان طبسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، شاعر دانشمند و قاضی عالیرتبه در ۱۲۵۸ در طبس تولد یافت. پدرش سید مهدی از دانشمندان و مالکان طبس بود. تحصیلات مقدماتی را در طبس آغاز کرد و سپس در یزد و حوزه علمیه اصفهان آن را تکمیل نمود و مدتی در اصفهان نزد میرزا جهانگیرخان قشقائی فلسفه آموخت. علومی چون فقه و اصول و حساب و هندسه و جبر و اسطرلاب و طبیعیات را کامل کرد. سپس به خراسان بازگشت و در آنجا به آموختن زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبیات اروپائی اشتغال ورزید. بعد به قاهره سفر نمود و در

دانشگاه الازهر چندی به تحصیل و تدریس اشتغال داشت. قریب سه سال نیز در پاریس علوم انسانی و حقوق یاد گرفت. پس از پایان جنگ بین‌الملل اول با سرمایه و بضاعت علمی کامل به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول شد و در چند مدرسه هم تدریس می‌کرد. در تشکیلات دادگستری داور به آن وزارتخانه دعوت شد و با رتبه هفت قضائی مستشار استیناف گردید. پس از چندی به دیوان عالی کشور رفت و در آنجا مستشار دادگاه انتظامی قضات شد. وی از مدرسین درجه اول مدرسه عالی سپهسالار بود و در دانشکده معقول و منقول تدریس می‌کرد. او شعر نیکو می‌سرود و اشعارش از سخن‌سرایان خراسان الهام گرفته است و در رونق انجمن‌های ادبی در تهران سهمی به سزا داشت و مدتها نایب رئیس انجمن ادبی فرهنگستان بود. وفات او در ۱۳۲۸ در هفتاد سالگی اتفاق افتاد. در ادبیات فرانسه نیز استادی داشت. مشکان طبسی مدتی در خراسان از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ مجله ادبی دبستان را انتشار می‌داد پس از عضویت در دادگستری امتیاز آن را به شیخ احمد بهار واگذار کرد.

(۱۳۲۸ / ۱۳۲۷ -۱۲۵۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در طبس به دنیا آمد. حساب و هیئت و نجوم را نزد پدر و علوم عرب را نزد شیخ حسن ملا سلطان محمد آموخت. وی پس از فوت پدر جهت ادامه‌ی تحصیل به یزد و اصفهانی رفت و علوم عقلی و نقلی و ریاضیات و فنون و ادب و اسطرلاب را نزد استادان وقت فراگرفت. سپس به مشهد رفت و به فراگیری زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبی اروپایی پرداخت. وی مسافرتهایی به مصر و پاریس داشت و در اواخر جنگ جهانی اول به خراسان بازگشت و در مشهد به خدمت وزارت معارف درآمد. وی در ۱۳۰۱ ش، مجله‌ی «دبستان» را در مشهد تأسیس و منتشر کرد. مشکان بعدها به تهران منتقل و در سمت مستشار دیوان کشور مشغول خدمت شد. وی همچنین در دانشکده‌ی معقول و منقول فلسفه تدریس می‌کرد. مشکان سرانجام در تهران فوت نمود و در شهر ری در جوار بقعه‌ی حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثار وی: «ببر هژیر یا کاپیتان کرکران»، ترجمه؛ «تدبیر منزل و سیاست مدن»؛ اهتمام در انتشار «ترجمه‌ی اشارات».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۸۰ -۲۷۷/ ۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۹۹۹ -۹۹۸)، شرح حال رجال (۷۹ -۷۸/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۸۵۲، ۸۲۲، ۴۵۲/ ۱)، گلزار معانی (۶۴۷ -۶۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۶ -۶۵۴/ ۲).

مشکوهٔ، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نسخه‌شناس.

تولد: ۱۳۱۹، ق.بیرجند.

درگذشت: ۲ مهر ۱۳۵۹.

سید محمد مشکوهٔ از مردم بیرجند و طلبه‌ی درس خوانده در بیرجند (مدرسه‌ی معصومیه) و قائن و مشهد بود. در اسفند ۱۲۹۹ به تهران آمد. وی توانست به استادی دانشگاه برسد و به تدریس فقه اسلامی بپردازد. از این رشته، تقریراتی از وی به چاپ رسیده است که جنبه‌ی درسی داشت. مشکوهٔ به جز تدریس در دانشگاه در مدرسه‌ی عالی سهپسالار نیز به تدریس فلسفه اشتغال داشت.

مشکوهٔ نزد عده‌ای از علمای زمان و اساتید حوزه‌های علمی مشهد و تهران درس خوانده و به اخذ درجه‌ی اجتهادی از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نایل شد. اما شهرت علمی او در معرفت کتابشناسی اوست. وی در سال ۱۳۳۹ کتب خطی کتابخانه‌ی خود را به دانشگاه تهران بخشید و

پایه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی با این مجموعه گذاشته شد. فهرست کتابخانه‌ی مشکوهٔ در هفت جلد انتشار یافت. (دو جلد توسط احمد منزوی و هفت جلد توسط محمدتقی دانش‌پژوه). از آثار اوست: کلمهٔ التوحید لرفع الترديد (۱۳۰۵)؛ مشکوهٔ الاسرار فی حل عقد الاسفار (۱۳۰۵)؛ روان‌شناسی (ترجمه‌ی رساله‌ی عشق ابن سینا، ترجمه‌ی ضیاءالدین دری، تصحیح میرزا محمود شهابی، ۱۳۱۵)؛ الوجیزه (در درایهٔ، از شیخ بهایی، ۱۳۱۶)؛ رگشناسی یا رساله در نبض (ابن سینا، ۱۳۱۷)؛ فوائد الدریهٔ (شامل چند رساله از ابن سینا، ۱۳۱۸)؛ درهٔ الاخبار و لمعهٔ الانوار (ترجمه تتمه صوان الحکمهٔ، ضمیمه «مهر» سال پنجم، ۱۳۱۸)؛ وصیت‌نامه‌ی محمدباقر مجلسی (ضمیمه‌ی سالنامه، ۱۳۳۲)؛ درهٔ التاج لغرهٔالدباج (تألیف قطب‌الدین شیرازی، جلد اول، ۱۳۲۰)؛ دانشنامه‌ی (قسمت طبیعیات، از ابن سینا، ۱۳۳۰)؛ دانشنامه (قسمت منطق، از ابن سینا، ۱۳۳۱)؛ بیع (از کتاب شرایع، ۱۳۳۲)؛ نمونه‌ی مختصری از غزل و مثنوی و رباعی (گردآورنده اکرم مهین، به همت سید محمد مشکوهٔ، ۱۳۳۶)؛ ارسطاطالیس حکیم، نسختین مقاله‌ی ما بعد الطبیعه موسوم به مقالهٔ الالف الصغری (ترجمه‌ی اسحق بن حنین با تفسیر یحیی بن عدی و تفسیر ابن رشد با تفسیر و تحقیق و مقدمه‌ی و ترجمه‌ی سید محمد مشکوهٔ، ۱۳۴۶)؛ فعلیت و امکان در عقد وضع و آراء فارابی و ابن سینا (۱۳۵۶).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مشکور، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، زبان‌شناس.

تولد: ۱۲۹۷، محله سنگلج تهران.

درگذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

محمدجواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی معقول و منقول شد و در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجه‌ی کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمدمهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر استادانی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعرای بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی باستانی پرداخت وی از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۸ به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال ۱۳۳۲ به پاریس عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در تاریخ اسلام و فوق آن نایل آمد. مدت شش سال سردبیر مجله‌ی عربی «الاخاء» بود. در سال ۱۳۴۴ به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ به عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال ۱۳۵۸ پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: کلمات محمد (ص) (متن عربی و ترجمه، ۱۳۱۸)؛ تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی (۱۳۲۵)؛ تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری (یوسف بنیان، ترجهه، ۱۳۲۶)؛ تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ النکت الاعتقادیهٔ (شیخ

مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، ۱۳۳۳)؛ تاریخ مردم اورارتو (کشف یک سنگ، تهران، ۱۲۳۳)؛ تاریخ اورارتو سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان (۱۳۴۵)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان (۱۳۴۷)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری (۱۳۵۲)؛ نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن (۱۳۴۹)؛ ترجمه تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، ۱۳۳۷)؛ دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی (۱۳۳۸)؛ فرق الشیعه یا مقالات الامامیهٔ و الفرق و اسماؤها و صنوف‌ها (۱۳۲۵)؛ کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۲۹)؛ مجوس در کتب مقدس سامی (۱۳۲۵)؛ هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذهب (۱۳۳۷)؛ گفتاری درباره دینکرد (۱۳۲۵)؛ ایران در عهد باستان (۱۳۴۳)؛ تصحیح منطق الطیر عطار، اخبار سلاجقه روم (۱۳۵۰)؛ سیر اندیشه‌های دینی در ایران (۱۳۵۵)؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری (۱۳۵۷)؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی (۱۳۵۷)؛ جغرافیای تاریخی ایران قدیم (۱۳۷۱)؛ دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینه ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستان‌شناسی و هنر ایران ». وی همچنین در کتاب مجموعه خطابه‌های تحقیقی که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، دارای مقاله بود.

پیکر محمدجواد مشکور در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

(۱۳۷۴ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، مصحح، مورخ، فرهنگ نویس، محقق و استاد دانشگاه. ملقب به بهاءالدین. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس تمدن، ثروت و دارالفنون وارد دانشکده‌ی معقول و منقول شد و سپس از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب گردید. در ۱۳۱۸ ش در دبیرستانهای ملی تدریس کرد و به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی به جهت علاقه به تحقیقات ادبی و معارف اسلامی از محضر دایی‌های خود، شریعت سنگلجی و دو برادرش، آقا محمد و آقا محمدمهدی سنگلجی، و استادانی چون: علامه طباطبایی، علامه قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، بدایع‌الزمان فروزانفر، میرزا یداللّه نظر پاک، الهی قمشه‌ای و محمود شهابی استفاده‌ها برد. وی پس از آموختن مقدمات زبانهای سامی (عبری و سریانی) از طرف مدرسه‌ی عالی ایران شناسی به تدریس در آن مدرسه دعوت شد. مشکور یکی از همکاران علامه علی‌اکبر دهخدا در کار «لغت نامه» بود. در ۱۳۲۷ ش در دانشگاه تبریز تاریخ ایران باستان و زبان پهلوی را تدریس می‌کرد و در ضمن اقامت در تبریز از محضر استادانی چون حاج میرزا عبداللّه مجتهدی و حاج محمد آقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی و واعظ چرندانی و غیره بهره جست. در ۱۳۳۲ ش برای گذراندن دوره‌ی دکترا به دانشگاه سوربن پاریس رفت و درباره‌ی تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، از قرن نهم پیش از میلاد تا قرن نهم میلادی، به تحقیق پرداخت و در ۱۳۳۶ ش موفق به اخذ مدرک دکترا در تاریخ اسلام و خاورمیانه شد. وی از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ ش مدیریت مجله‌ی «الاخاء» را به عهده داشت. در این بین او در کنگره‌های بین‌المللی در انگلستان و فرانسه و آلمان و روسیه و ترکیه شرکت نمود و در ۱۳۵۲ ش با سمت رایزن فرهنگی به دمشق رفت. وی ضمن تدریس تاریخ فرق اسلامی بویژه شیعه در دوره‌ی فوق لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. یکی از مهم‌ترین موفقیتهایش در آنجا مشخص کردن قبر ابونصر فارابی در باب الصغیر و شیخ اشراق شهاب‌الدین ابوالفتوح سهروردی در باب البرید بود. از دیگر آثار وی: «تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم»؛ «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن»؛ «روح القرآن»، در توحید و مکارم اخلاق انسان؛ «تاریخ اورارتی و سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان»؛ «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»؛ «گفتاری درباره‌ی دینکرد»؛ «تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان»؛ «فرهنگ هزوارشهای پهلوی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «هفتاد و سه ملت»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتابهای:

«نصاب الصبیان» ابونصر فراهی و «منطق الطیر» عطار؛ «نسب نامه‌ی خلفاء و شهریاران» و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه؛ «اخبار سلاجقه‌ی روم»؛ «کلمات حضرت محمد (ص)»، ترجمه؛ «الفرق بین الفرق»، ترجمه؛ «فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی»؛ «تاریخ ایران زمین»، از روزگار باستان تا عصر حاضر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۳۱، ۲۶۵۴/ ۲)، کلک (س ۴، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۸۸ -۲۷۷، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ -۳۷۵)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۲، ص ۶ -۱، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ -۳۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۵ -۴۲۳/ ۲)، نامه‌ی باستان (۱۸ -۱۱).

مشکوه‌الدینی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و دکترای زبانشناسی همگانی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی گروه زبانشناسی داشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۵، تدریس زبان‌شناسی و اخذ درجه استادی در سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و مطالعه در زمینه زبان‌آموزی کودک و نیز در دانشگاه واشنگتن در زمینه زبان‌شناسی نظری و همچنین یادگیری زبان دوم، شرکت در کنگره‌های داخلی و خارجی و ارائه مقالات گوناگون، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی نظری، دستور زبان فارسی، زبان‌آموزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، دستور زبان فارسی، زبان‌آموزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مشهدی، هدایهٔاللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۸ –۱۱۷۸ ق)، عالم امامی، فقیه، مفسر و نحوی. در محضر پدرش تلمذ نمود. پس از رسیدن به درجات عالی علمی عهده‌دار ریاست دینی مردم گردید. زمانی که شاهزاده شجاع السلطنه از خراسان رفت و آن منطقه مورد تجاوز سید محمد خان کلاتی قرار گرفت، میرزا هدایت‌اللّه مشهدی شاگرد خویش، ملا قربان نیشابوری، را به همراه نامه‌ای به کلات فرستد و خان متجاوز را از ظلم و تعدی برحذر داشت و خان مزبور فرمان او را اطاعت کرد. او در مشهد درگذشت و در صفه‌ی طهماسبی دفن شد. از آثارش: تفسیر قرآن مجید معروف به «تفسیر میرزا هدایهٔ اللّه»، ده جزء اول قرآن و ده جزء آخر آن می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۹/ ۹)، اعیان الشیعه (۲۶۳/ ۱۰)، الذریعه (۳۲۱/ ۴)، هدیهٔ العارفین (۵۰۷/ ۲).

مشیر سلیمی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مشیر سلیمی در سال ۱۲۷۹ ، در تهران متولد گردید. او در دو رشته ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با زبان های عربی و فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد. سلیمی از سال ۱۲۹۹ شمسی وارد امور فرهنگی و مطبوعاتی گردید و امتیاز روزنامه اطلاعات را تحصیل کرد و به نشر آن پرداخت و در سال ۱۳۰۴ آن را به عباس مسعودی واگذار کرد. وی چندی نیز سردبیر روزنامه « اتحاد » و بعد از دو سال مدیر روزنامه « شفق سرخ » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و مدیریت مجله یونسکو را به عهده داشت. وی سه سال مدیر بنگاه داستان نوین و هشت سال مدیر چاپخانه بانک ملی را عهده دار بود و در سال ۱۳۲۵خدمات فرهنگی خود را در وزارت فرهنگ دنبال نمود. او چندی نیز دبیر سازمان فرهنگی یونسکو را به عهده داشت. علی اکبر مشیر سلیمی سرانجام در سال ۱۳۵۰ به درود زندگی گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : علی اکبر مشیر سلیمی فرزند علی اصغر (مشیر دربار) ، نواده میرزا سلیم تهرانی شاعر معروف قرن یازدهم می باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مشیر سلیمی در دو رشته ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با زبان های عربی و فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد.

زمان و علت فوت : علی اکبر مشیر سلیمی در سال ۱۳۵۰ به درود زندگی گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر مشیر سلیمی سه سال مدیر بنگاه داستان نوین و هشت سال مدیر چاپخانه بانک ملی عهده دار بود و در سال ۱۳۲۵خدمات فرهنگی خود را در وزارت فرهنگ دنبال نمود. او چندی نیز دبیر سازمان فرهنگی یونسکو را

به عهده داشت.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله اقدامات مهم علی اکبر مشیر سلیمی پس از نشر روزنامه اطلاعات ، تاسیس بنگاه مربی و تالیف و ترجمه و طبع و نشر کتاب در این بنگاه بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اکبر مشیر سلیمیاز سال ۱۲۹۹ شمسی وارد امور فرهنگی و مطبوعاتی گردید و امتیاز روزنامه اطلاعات را تحصیل کرد و به نشر آن پرداخت و در سال ۱۳۰۴ آن را به عباس مسعودی واگذار کرد. وی چندی نیز سردبیر روزنامه « اتحاد » و بعد از دو سال مدیر روزنامه « شفق سرخ » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و مدیریت مجله یونسکو را به عهده داشت.

جوائز و نشانها : علی اکبر مشیر سلیمی به پاس خدمات فرهنگی به دریافت سه قطعه نشان علمی نایل آمد. ----------------
----

آثار :

۱ اسناد محرمانه سیاسی

۲ تذکره زنان سخنور

ویژگی اثر : سه جلد

۳ دسته گل ادبی

۴ راهنمای فرهنگ و اصلاح تعلیمات عمومی

۵ کلیات مصور عشقی

۶ گلهای رنگ

ویژگی اثر : ۷۹ جلد

۷ مهر جاوید

۸ مهر جاوید

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۹ هفته نامه مربی

منابع زندگینامه :شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج ۲ ، تهران: انتشارات سنایی ، ص۹۹۸

مشیری شیرازی، قدرت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، شاعر و مترجم. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاهش به پایان رساند. مقالاتی از وی در جراید شیراز به چاپ رسیده است. از آثارش: «دستور رستگاری»، ترجمه؛ «محمدعلی پاشا کبیر»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۸ -۴۴۳/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۴۸/ ۲ ،۱۴۱۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱۴/ ۴).

مصاحب تهرانی، شمس الملوک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ناموس و تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران، در رشته‌ی ادبیات فارسی، به پایان رساند. شمس‌الملوک به زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی آشنایی داشت و رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی «ادبیات غنایی» در ۱۳۲۲ ش نوشت. او مطالعات خود را رشته‌ی تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های کانادا و آمریکا تکمیل نمود. وی مدتی سرپرستی ماهنامه‌ی «زندگی روستایی» را به عهده داشت. مصاحب در شعر توانا بوده و پنج هزار بیت شعر سروده ولی دیوانش چاپ نشده است. در تذکره‌ها قطعه‌هایی از او آمده است از جمله: «هدیه‌ی مادر»، «چنگ گسسته» و «یار مهربان». برخی از مشاغلی که وی عهده‌دار آنها بود عبارتند از: ریاست چند دبیرستان دخترانه در تهران، مشاور وزیر آموزش و پرورش در امر مبارزه با بی‌سوادی و معاونت وزارت آموزش و پرورش. از آثار ترجمه‌ی وی: «افسانه‌های شیرین»؛ «باغ اسرارآمیز»؛ «بعد از باسوادی»؛ «در انتظار مادر شدن»؛ «ساده‌نویسی در زبان فارسی»، کلیاتی در فن سهولت کلام؛ «سرزمین و مردم اسپانیا»؛ «غرور و تعصب».[۱]

ادیب، دانشمند و سیاستمدار فرزند دکتر علی محمد مصاحب در ۱۲۹۲ در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشکده ادبیات تهران شد و در رشته ادبیات و زبان فارسی با احراز رتبه اول لیسانس گردید. در همان سال دوره دکترای ادبیات در دانشگاه تهران تأسیس شد و وی جزء معدود دانشجویانی بود که واجد شرایط برای ورود به دوره دکترا تشخیص داده شد و دوره دکترای ادبیات را در ۱۳۱۸ پایان داد و رساله دکترای او در ۱۳۲۲ با قید عالی به تصویب رسید. چندی نیز به امریکا و کانادا برای تکمیل تحصیلات مسافرت نمود. مصاحب خدمات اداری خود را از فرهنگ آغاز کرد، چندی دبیر بود بعد ریاست چند دبیرستان مهم تهران مانند دبیرستانهای «پروین»، «شاهدخت» و «نوربخش» به او سپرده شد. از دیگر مشاغل او در فرهنگ کشور ریاست اداره تعلیمات متوسطه و تربیت معلم و فرهنگ روستائی است. در ۱۳۴۲ در مغز او سودای سیاست پیش آمد و کاندیدای نمایندگی مجلس شد، ولی توفیقی نیافت. سوراخ دعا را پیدا کرد و سراغ مقام بالاتری را گرفت و داوطلب نمایندگی مجلس سنا گردید. چون برای آن کار شرایط لازم را نداشت برای او شرط صوری درست کردند و به او ابلاغ معاون وزارت فرهنگ دادند. یک روز بعد فرمان سناتور انتصابی او صادر شد. وی مجموعا ۱۷ سال مقام سناتوری داشت. علاوه بر آن ریاست قسمت فرهنگی بنیاد پهلوی هم با او بود و در این سمت اختیارات زیادی داشت. وی شاعر و نویسنده است و قسمتی از نوشته‌های خود را به چاپ رسانیده ولی ارزش ادبی زیادی ندارد. مصاحب چندی در وزارت فرهنگ مجله زندگی روستائی را انتشار می‌داد و در رادیوی ایران هم برنامه‌هائی تحت نظر او تهیه می‌شد. در ۱۳۷۶ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زنان سخنور (۲۰۳ -۱۹۴/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۵۰ -۸۴۹)، کارنامه‌ی زنان (۲۱۱ -۲۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۲ -۴۵۱/ ۳).

مصاحب نایینی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۸۹ ش)، استاد دانشگاه، ریاضیدان، محقق و نویسنده. در نائین به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ۱۳۰۶ ش به خدمت وزارت معارف درآمد و تحصیلات خود را در فرانسه و انگلستان به پایان رساند و در ۱۳۲۷ ش موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در ریاضیات، از دانشکده‌ی کمبریج، شد. وی در جوانی، در ۱۳۰۹ ش مجله‌ی «ریاضیات عالی و مقدماتی» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. مصاحب در طول خدمت عهده‌دار مشاغلی از جمله: ریاست کل تعلیمات عالیه و معاونت فنی وزارت آموزش و پرورش و ریاست دانشکده‌ی علوم دانشگاه ملی بود. وی نخستین کسی بود که منطق صورت به معنی جدید، یعنی منطق ریاضی را وارد فضای فکری ایران کرد. او به زبانهای عربی و فرانسوی و انگلیسی تسلط و با زبان آلمانی آشنایی کامل داشت. در علوم عربی و معقول و منقول تبحر و تحصیلات عمیق داشت به طوری که با دریافت درجه‌ی اجتهاد نیز مفتخر گردیده بود. مصاحب در رسم‌الخط فارسی و ضبط علائم و حروف صاحب رأی و نظر بود. از عمده‌ترین کارهای مصاحب تأسیس مؤسسه‌ای برای تحقیق در ریاضیات و تربیت ریاضیدان بود که توسط دانشگاه تربیت معلم به وجود آمد. یکی از کارهای اساسی مصاحب اقدام به تهیه «دایرةالمعارف فارسی»، با همکاری عده‌ی بسیاری از دانشمندان در رشته‌های گوناگون بود که در ۱۳۳۴ ش سرپرستی آن را بر عهده گرفت. از دیگر آثار وی: «آنالیز ریاضی، تئوری اعداد حقیقی»؛ «مدخل منطق صورت»؛ «منطق ریاضی»؛ «علوم تفریحی»؛ «جبر و مقابله خیام»؛ «توابع مستدیره»، با مشارکت احمد احسنی «هندسه‌ی مسطحه»؛ «افراد و خانواده‌های نادرستکار»؛ «حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر».[۱]

ریاضی‌دان، محقق و فرهنگی، فرزند دکتر علی محمد مصاحب در ۱۲۸۹ در تهران تولد یافت. بعد از انجام تحصیلات مقدماتی وارد دارالمعلمین شد و دوره آن را پایان داد و سپس در دارالمعلمین عالی ثبت نام نمود و در رشته ریاضیات فارغ‌التحصیل شد و هم چنان تحصیلات خود را در رشته‌های گوناگون مانند فقه، اصول، الهیات و فلسفه ادامه داد و در هر کدام از رشته‌های یاد شده استاد مسلم شد. ریاضیات را مدتها نزد سرتیپ بغایری تکمیل کرد و بعد به انگلستان رفت و از دانشگاه کمبریج درجه دکترا در ریاضیات دریافت نمود.

وی خدمات اداری خود را در وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی شغل دبیری و مدتی استادی دانشگاه داشت و مقامات مهمی را در وزارت فرهنگ پشت سر گذاشت، مانند ریاست تعلیمات عالیه و معاون فنی وزارت فرهنگ. ولی دلبستگی به مقامات صوری نداشت و تمام هم او صرف تألیف و تصنیف کتاب بود. نخستین کوشش فرهنگی مصاحب نشر مجله‌ای بود به نام ریاضیات عالی و مقدماتی که در ۱۳۰۹ تأسیس کرد و یازده شماره منتشر شد. مصاحب عالم ریاضی بود و بحق پدر ریاضیات جدید در ایران نام گرفته بود. کتابهای او بیشتر در زمینه‌هایی مانند «جبر خیام»، «مثلثات»، «رسمی فنی» و «مدخل منطق صوری» است، که بعضی از آنها در مدارس متوسطه و عالی تدریس می‌شد. کتابهای مهم مدخل آنالیز ریاضی و دوره تئوری مقدماتی اعداد از تصنیفات خوب او می‌باشد. وی چندی در ۱۳۲۲ به انتشار روزنامه یومیه برق مبادرت نمود. از دیگر کارهای فرهنگی او سرپرستی دائره‌المعارفی است که به اسلوب علمی جهانی آن را تنظیم و انتشار داده است.

محقق، مؤلف.

تولد: ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت: ۲۴ مهر، ۱۳۵۸.

غلاحسین مصاحب تحصیلات خود را در ایران، فرانسه و انگلستان انجام داد و در سال ۱۳۲۷ به اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه کمبریج در رشته‌ی ریاضیات نایل شد و به عضویت انجمن ریاضی‌دان لندن و انجمن فلسفی کمبریج درآمد.

پس از پایـان تحصـیلات عالی، ضـمن مشاغل اداری از تألیف و تـدریس نیز غافل نمانـد و در سال ۱۳۴۵ مؤسـسه‌ی ریاضیات را در دانشگاه تربیت معلم تأسیس کرد و تا آخرین روز حیات خود به سمت استادی در آن مؤسسه اشتغال داشت.

تألیفـات مصـاحب این عنوان‌هـا را در برمی‌گیرد: مجله «ریاضـیات عـالی و مقـدماتی» (۱۳۱۰ -۱۳۰۹، وی مؤسـس این مجله بـود و مدیریت آن را به عهده داشت، اولین شماره‌ی این مجله در تهران در اول آبان ۱۳۰۹ منتشر شد) جبر و مقابله‌ی خیام (مشتمل بر متن عربی و ترجمه‌ی فارسی رساله‌ی خیام در جبر و تاریخ ریاضـیات، ۱۳۱۷)؛ یک رساله‌ی انگلیسی که در جلد چهل و شـشم (مورخ سال ۱۹۵۰) مجله‌ی انجمن فلسـفی کمبریـج به طبع رسیده است، منطق صورت (انتشـارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴)؛ دایرةالمعارف فارسی (جلد اول، ۱۳۴۵، بخش اول از جلـد دوم، ۱۳۵۶)؛ آنالیز ریاضـی (دو جلد، ۱۳۴۸)؛ تئوری مقـدماتی اعداد (جلد اول در دو قسمت، ۱۳۵۳)؛ مجلـد دوم تئوری مقـدماتی اعداد (در سه قسـمت، ۱۳۵۸، کتـاب برگزیـده‌ی نخستین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در رشته‌ی ریاضیات)؛ حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر (انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹)؛ علوم تفریحی (۱۳۰۸).

غلامحسین مصاحب در زمینه‌ی لغت و پهنه‌ی وسیع آن آزمایش‌ها کرد و مخصوصا در مورد وضع واژه‌های جدید در قبال لغت‌ها و اطلاح‌هـای خـارجی فعـالیت نمـود، از آن جمله می‌توان فرهنـگ اصـطلاحات جغرافیـایی را که بـا همکـاری تعـدادی از محققـان و کارشناسان در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسانید نام برد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینـده (س ۵، ش ۹ -۷، ص ۷۰۱ -۶۸۸)، تاریـخ جراید (۳۳۹ -۳۳۸/ ۲)، دایرةالمعارف فارسـی (۲۷۸۵/ ۲)، الذریعه (۲۴۹/ ۲۵، ۳۲۶/ ۱۵)، روزشمار تاریخ (۲۱۹/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسـی (۳۴۲۱، ۳۹۶۹، ۲۳۴۳/ ۲، ۱۳۵۵، ۱۲۰۵، ۹۶۱، ۲۸۹/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۶)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۷، ص ۶ -۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷، ۶۸۶/ ۴).

مصاحب نایینی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۲۹۱ ش)، پژوهشگر، مترجم و استاد دانشگاه. وی برادر دکتر غلامحسین مصاحب بود. در ۱۳۱۶ ش دوره‌ی عالی ادبیات و زبانهای خارجی را در دانشـکده‌ی ادبیات (دانشسـرای عالی) به پایان رسانید. وی از پایه‌گذاران جامعه مترجمان رسـمی ایران بود که تـا پایان عمر، ریاست این جامعه را بر عهـده داشت. مؤسـسه‌ی انتشارات علمی فرهنگی به پاس خـدمات پنجاه ساله‌اش، اقـدام به ایجاد نخستین جایزه‌ی ویراستاری نمود و نه تنها لوح تقـدیر و یادبودی به او اهـدا شـد، بلکه وی اولین جوایز را به برگزیدگان اعطا کرد. او به همراه برادرش، دکتر غلامحسـین مصاحب، در تدوین و نشـر «دایرةالمعارف فارسی» تلاشی پیگیر داشت. وی ترجمه‌های بسـیاری از خـود بجـای گـذاشت، از آن جملـه: «تربیـت دخـتران»؛ «روح تعلیم و تربیت»؛ «اساتیـد یونـان و روم»؛ «زوربـای یونـانی»؛ «روبنسـن کروزوئـه»؛ «سـرزمین و مردم پرتغـال»؛ «سـرزمین و مردم فرانسـه»؛ «سـرزمین و مردم آرژانـتین»؛ «نسـبیت برای همگـان»؛ «دایرةالمعـارف علـم و صـنعت»؛ «ساکنـان کهکشـان»؛ «دانشـمندان بزرگ جهـان علـم». از تألیفـات وی: «لقمـان حکیـم»؛ «کتـاب و کتابخانه در ایران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کتاب ماه ادبیات و فلسفه (س ۳، ۴، ص ۷۹) مؤلفین کتب چاپی (۹۲ -۹۱/ ۶).

مصطفوی سبزواری، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود.پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود.

رضا مصطفوی سبزواری

ـ متولد ۱۳۲۰ سبزوار

ـ استاد دانشگاه، محقق و رایزن فرهنگی ایران وپاکستان

ـ اخذ مدرک ابتدایی و دبیرستان در مدارس سبزوار

ـ اخذ مدرک کارشناسی در سال ۱۳۴۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی

ـ بهره بردن از مکتب پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله، آقا شیخ قربان، علی شریعتی مزینانی و ...

ـ اخذ دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲

ـ استخدام در وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۲

ـ دفاع از پایان نامه دکترا در سال ۱۳۵۴

ـ تدریس در دانشگاه ابوریحان بیرونی

ـ عضویت در دانشگاه علامه طباطبایی در گروه زبان و ادبیات فارسی

ـ همکاری با مؤسسه لغت نامه دهخدا از سال ۱۳۴۰

ـ مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام در سال ۱۳۷۵

ـ رایزن فرهنگی ایران و پاکستان ۱۳۸۲ـ ۱۳۷۸

ـ تدریس در دانشگاه های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامیه

ـ تألیف فرهنگ بزرگ قدیمی ـ هندی

ـ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

ـ ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی

ـ عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی

ـ راهنمایی و مشاوره بیش از ۱۰پایان نامه فوق لیسانس و دکترا

ـ تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد (نمل)

ـ چاپ ده ها مقاله و سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان

ـ استاد نمونه دانشگاه های ایران ۱۳۸۵ و تقدیر توسط ریاست جمهوری

ـ از تألیفات او:

ـ یادگار هندوستان

ـ همکاری در تألیف لغت نامه فارسی

ـ چاپ حدود ۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی

ـ چاپ ۱۴ کتاب علمی در زمینه زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی مانند: یادگار هندوستان، مهر و مشتری، تاریخ بیقهی، پژوهش های علی(ع) شناسی در پاکستان و ...

جست وجو در زبان و ادبیات و فرهنگ ملت ها و همچنین بررسی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ملت ها از یکدیگر یکی از رشته های مفید و جذاب است که به همت برخی از استادان دلسوز و علاقه مند به فرهنگ و زبان فارسی پی گرفته می شود. این جست وجوها دست یافتن به اطلاعاتی در زمینه تاریخ تمدن و فرهنگ، محل پیدایی زبان یا فرهنگی خاص، میزان تأثیرگذاری فرهنگ های مختلف بر یکدیگر و بالاخره در نقد و بررسی آثار فرهنگی ـ هنری را امکان پذیر می کند. یکی از استادانی که با عشق و پشتکار سال های عمر عزیز خود را در راه گرامیداشت و اعتلای فرهنگ و ادبیات سرزمین ایران صرف کرده و در این راه با چاپ مقاله های معتبر علمی و کتاب های مهم و قابل تأمل کوشیده رضا مصطفوی سبزواری است.

رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود.پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود. مادرش بانو مرضیه، دختر آیت الله شیخ محمدحسن شریعتمداری تهرانی، مشهور به سبزواری، از علمای بنام حوزه های سبزوار و شاهرود بود.

این عالم حوزوی در هنر نیز دستی داشت و خط خوش می نوشت. در چنین خانواده ای که فضایی مملو از روح قرآن کریم و شعر و هنر بود رضا با آرامش پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی را در دبستان پانزدهم بهمن آن زمان به سال ۱۳۳۲ و دوره متوسطه را در دبیرستان دکتر غنی سبزوار به سال ۱۳۳۸ به پایان رساند. پس از پایان دوره متوسطه، در محضر استادانی بنام، همچون شادروان دکتر علی اکبر فیاض، دکتر احمدعلی رجایی بخارایی، دکتر غلامحسین یوسفی و سیداحمد خراسانی به تحصیل در علوم دانشگاهی پرداخت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت درجه لیسانس زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی از تحصیلات حوزوی هم غافل نبود. علاوه بر تحصیلات کلاسی و مکتب خانه از محضر پدر نیز کسب علم می کرد. در مدرسه کهنه سبزوار، در محضر علمای حوزه همچون: آقا شیخ قربان علی شریعتی مزینانی (برادر آقا شیخ محمدتقی شریعتی مزینانی و عموی دکتر علی شریعتی)، حجت الاسلام سیادتی و حاج میرزا اسدالله فاضلی از علوم عربی و دینی، خوشه ها چید. همچنین در مشهد نزد حجت الاسلام مظاهری و آیت الله علم الهدی در مدرسه سلیمان خان، از علوم حوزوی توشه ها برداشت. پس از دریافت دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران، سال ۱۳۴۲ در وزارت آموزش و پرورش استخدام شد و در دبیرستان ها و مراکز تربیت معلم سبزوار، به تعلیم و تربیت جویندگان دانش پرداخت. در سال ۱۳۴۸ تحصیلات دانشگاهی را ادامه داد و در سال ۱۳۵۴ از پایان نامه دکترای خود با عنوان «تصحیح انتقادی و شرح و تحلیل دیوان مولاناعبدالرحمن جامی» دفاع کرد. او پس از دریافت دکترا در دانشگاه ابوریحان بیرونی به تدریس پرداخت. پس از ادغام چند دانشگاه و مدرسه عالی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تأسیس دانشگاه علامه طباطبایی به عضویت گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه درآمد.

وی پس از گذراندن مراتب دانشگاهی هم اکنون با مرتبه استادی به تربیت و تعلیم دانشجویان در مقاطع مختلف دانشگاهی، اشتغال دارد. همزمان با تدریس در دانشگاه، از سال ۱۳۶۰ در مؤسسه لغت نامه دهخدا، به کار تحقیق و پژوهش پرداخت و در سال ۱۳۷۵ مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام، به او سپرده شد. در مأموریت سه ساله ای که او در هندوستان به انجام رسانید ضمن تدریس در سه دانشگاه بزرگ آن سامان؛ یعنی دانشگاه های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامیه به تألیف فرهنگ بزرگ فارسی ـ هندی پرداخت. براساس تفاهمنامه منعقد شده میان دانشگاه علامه طباطبایی با وزارت ارشاد اسلامی و رایزنی فرهنگی در

دهلی و با همکاری ۷ تن از بلندآوازه ترین استادان زبان هندی دانشگاه های هند و پژوهشگران زبان هندی، سه مجلد آن را انتشار داد.

مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه در دو نوبت و همچنین ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی از جمله فعالیت های اجرایی مصطفوی در کار فعالیت های علمی و فرهنگی بوده است. همچنین راهنمایی و مشاوره بیش از ده پایان نامه فوق لیسانس و دکترا را برعهده داشته است. او همچنین در کمیته های تخصصی دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی و نیز کمیته تخصصی دانشگاه فعالیت و مشارکت دارد و عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی و ممیزی دانشگاه از دیگر فعالیت های علمی و اجرایی اوست.

مصطفوی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ رایزن فرهنگی ایران و پاکستان بود. همزمان در دانشگاه های آن دیار نیز تحقیق و پژوهش می کرد و برای تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد (نمل) با آن دانشگاه همکاری مؤثری داشت و در آن مدت نیز ده ها مقاله یا سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان به چاپ رسید. کتاب «یادگار هندوستان» شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان که محصول سال های حضور ایشان در شبه قاره است به وسیله انتشارات الهدی در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و سپس به وسیله دانشگاه جواهر لعل نهرو (هند) مورد قدردانی و «رونمایی» قرار گرفت. سبزواری همچنین در سال جاری به عنوان استاد نمونه دانشگاه های ایران انتخاب شد و مورد تقدیر ریاست جمهوری قرار گرفت.

آثار رضا مصطفوی سبزواری در چند بخش به دوستداران زبان و ادبیات فارسی ارائه شده است. از او تاکنون حدود ۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است که موضوع آن ها در زمینه زبان و ادب فارسی وفرهنگ و تمدن ایرانی است. برای نمونه دریکی از این مقاله ها با عنوان «ایران درشبه قاره هند و پاکستان» می نویسد: «روابط بسیار دیرینه ایران زمین با شبه قاره هند وپاکستان به درازای تاریخ مکتوب می رسد. هم ریشه بودن زبان سانسکریت (زبان قدیمی هندیان) با زبان های اوستایی و فارسی باستان، زبان های کهن ایرانی و سهم زبان فارسی در شکل گیری و پیدایی زبان اردو خود زیربنای همه پیوندهای فرهنگی میان این دو ملت کهنسال است.

... مورخان براین باورند که پیوندهای استوار بازرگانی و فرهنگی از روزگاران گذشته میان مردمان ناحیه شوش در جنوب ایران و دره سند، موجود بوده زیرا آثار به دست آمده از خرابه های موهنجودار و تکسیلا و هارپا با آثاری که از فلات ایران و دره دجله و فرات کشف گردیده است، شباهت زیادی دارد...»

همچنین چهارده عنوان کتاب تخصصی و علمی به چاپ رسانده که در آن ها به زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایران پرداخته است.

«یادگار هندوستان» از مهم ترین کتاب های مصطفوی شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان مستند به منابع و مأخذ دست اول شبه قاره است. آن گونه که می دانیم فرهنگ ایران و بویژه زبان و ادب پارسی بر فرهنگ شبه قاره هند تأثیر زیادی گذاشته و زبان فارسی حدود ۱۰ قرن زبان رسمی این پهناور بوده است. تألیف صدها لغت نامه فارسی، تذکره و سایر کتاب های فارسی در آن دیار و همچنین وجود هزاران نسخه خطی موجود در کتابخانه های آن شواهد روشنی بر تأثیرگذاری زبان فارسی فراسوی مرزهای جغرافیایی خود و علاقه مندی مردم شبه قاره به این میراث جاودان است. اما در طول تاریخ، سرزمین هند هم به علت شگفتی های بی شمار خود مورد توجه ایرانیان بوده است و گروه های مختلف ایرانیان همواره شوق سفر به هند و شناخت آن را داشته اند. به همین دلیل مراودات و پیوستگی تعاملات و ارتباطات فرهنگی گسترده ای بین شبه قاره هند و ایران برقرار بوده است. این پیوستگی فرهنگی بدون شک نیازمند پژوهش های گسترده برای بررسی فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است.

رضا مصطفوی در کتاب «یادگار هندوستان» که مجموعه ای از مقالات و سخنرانی های وی درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است به آن پرداخته. او به دلیل آشنایی کامل با سرزمین هند و پاکستان، در مقالات مختلف این کتاب توفیق یافته است که تصویری روشن از فرهنگ و تمدن آن دیار و تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر آن را ارائه دهد. سال های تدریس زبان فارسی به استادان دانشگاه های هند و حضور در سمت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان تجربه های گرانقدری بوده که در غنا بخشیدن به مقالات کتاب نویسنده را یاری کرده است.

از دیگر کتاب های ارزشمند مصطفوی می توان به «مهر و مشتری» اشاره کرد که در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است. این کتاب تألیف مولانا شمس الدین محمد عطار تبریزی شاعر و ادیب توانای قرن هشتم هجری است که به وسیله مصطفوی برای نخستین بار تصحیح شده و توضیحات و تعلیقات سودمندی برآن افزوده شده است. «مهر و مشتری» منظومه ای بسیار خواندنی و زیباست. نسخه اصلی این کتاب در دانشگاه کمبریج انگلستان نگهداری می شود و پنجاه و چهار نسخه کتاب در جهان به دست مصحح معرفی شده است.

در زمینه تألیف یکی از مهم ترین فعالیت های مصطفوی این است که او جزو مؤلفان لغت نامه فارسی در مؤسسه لغت نامه دهخدا است . این لغت نامه که توسط جمعی از استادان برجسته با دقت و وسواس علمی تألیف می شود اشتباهات و کاستی های لغت نامه دهخدا را مرتفع می سازد. در حال حاضر حرف «آ» به پایان رسیده و همچنین حرف «الف» روبه اتمام است.

مصطفوی همچنین تاریخ بیهقی را که تألیف ابوالفضل بیهقی و از متون معتبر زبان فارسی و آینه حکومت غزنویان است برای دانشجویان به چاپ رسانده است که با استقبال وسیع و گسترده مواجه شده و چاپ چهاردهم آن در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است. از کتاب های دیگر استاد می توان به کتاب های: پژوهش های علی (ع) شناسی در پاکستان، فرهنگ فارسی ـ هندی ـ نظامی (۲ مجلد) عطار نیشابوری، فردوسی، جامی (دو مجلد) حافظ پژوهی در پاکستان و ... اشاره کرد.

او همچنین در حال حاضر تصحیح و شرح و توضیحات یکی از متون معتبر فارسی به نام راحة الصدور و آیة السرور در تاریخ آل سلجوق را در دست انجام دارد و همچنین در بخش اجرایی هم مدیریت مرکز تحقیقات علامه اقبال لاهوری را در دانشگاه علامه طباطبایی برعهده دارد، ضمن این که با نخستین نشریه علمی ـ پژوهشی واحد رودهن با نام «فرهنگ و ادب» که زیر نظر دانشکده زبان و ادبیات فارسی رودهن منتشر می شود همکاری می کند.

مصطفوی سبزواری هم اینک در ۶۵ سالگی با انرژی و شور وصف ناشدنی به تعلیم و تربیت دانشجویان مشتاق زبان و ادبیات فارسی و بررسی متون مهم و معتبر زبان فارسی می پردازد گرد فراموشی را از فرهنگ و زبان فارسی دور می کند.

منابع زندگینامه :روزنامه ایران

مصطفوی کاشانی، لیلی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

لیلی مصطفوی کاشانی ، در سال ۱۳۲۲ متولد شد . وی دارای رتبه ی کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران می باشد . وی با وزارت اطلاعات و جهانگردی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کارشناس و مشاور، همکار ی داشته، و موفق به ترجمه ی چندین کتاب ارزشمند شده است . لیلی مصطفوی کاشانی به خاطر فعالیت های موثر فرهنگی، موفق به دریافت لوح تقدیر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گردیده است . او همچنین با ارائه ی مقاله ای درباره ی مسایل فرهنگی زنان، تقدیر نامه ای از سوی کنگره ی دین و سیاست دانشگاه تسالوینک یونان دریافت نمود .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : کودکی لیلی مصطفوی کاشانی معاصر با نخستین سالهای سلطنت محمدرضا شاه پهلوی و بحرانهای ناشی از جنگ جهانی و اشغال ایران توسط نیروهای روسی و انگلیسی بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : لیلی مصطفوی کاشانی ،دارای رتبه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران می باشد .فعالیتهای ضمن تحصیل : مطالعه درباره مسائل زنان و مسائل فرهنگی و ترجمه از زبان فرانسوی .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همکار ی با وزارت اطلاعات و جهانگردی و سپس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کارشناس و مشاور .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از جمله فعالیت های فرهنگی لیلی مصطفوی کاشانی ، ارایه چند مقاله به چند همایش و ایرا د سخنرانی درباره ی مسایل فرهنگی زنان می باشد.جوائز و نشانها : لیلی مصطفوی کاشانی ،به خاطر فعا لیت های مفید فرهنگی خود چندین بار به تحسین و تمجید گرفته شد ،و نه تنها از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لوح تقدیر دریافت کرد ،که به لیلی مصطفوی کاشانی به خاطر ارایه مقاله ای در باره مسایل فرهنگی زنان که از سوی کنگره دین و سیاست ،دانشگاه تسالوینک یونان ،بهترین شناخته شد و موفق به گرفتن تقدیر نامه گردید .چگونگی عرضه آثار : یکی از مقالات لیلی مصطفوی کاشانی درکنگره دین و سیاست در دانشگاه تالونیک یونان ارائه شده است . دیگر اما کتابهای ترجمه وی توسط انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، انتشارات پگاه و انتشارات توس منتشر گردیده است .آثار : پایان صد سال تنهایی در اعتقادات مذهبی مردم آمریکای لاتین ویژگی اثر : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی۲ زندگی در چین ویژگی اثر : ترجمه – انتشارات توس۳ ماندلا ویژگی اثر : انتشارات پگاه

منابع زندگینامه :پوران فرخزاد ، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ،ج۲ ، ص ۱۷۲۰

مصطفوی کاشانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۹ -۱۲۸۴ ش)، باستان شناس، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ابتدا در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد ولی خدمت خود را در وزارت معارف در اداره‌ی تحقیقات آغاز نمود و به تدریج به رشته‌ی باستان‌شناسی علاقه‌مند شد و در این رشته تخصص یافت. وی حدود پنجاه سال از زندگی خود را در باستان شناسی ایران و در همراهی و همکاری با باستان شناسانی همچون کامرون، هرتسفلد، پوپ، گیرشمن گذراند و در حفریات و بازسازی تخت جمشید کوشش فراوان کرد. وی علاوه بر خدمت انجمن آثار و مفاخر

فرهنگی، ریاست اداره‌ی باستان شناسی را بر عهده داشت. مصطفوی در دوره‌ی ریاستش در اداره‌ی باستان شناسی اقدام به تأسیس نشریه‌ای علمی و اختصاصی به نام «گزارشهای باستان شناسی» کرد. او همچنین در تهیه و تدوین مقالات مربوط به آثار و ابنیه‌ی تاریخی، هنری و باستانی ایران، در «دایرةالمعارف فارسی»، همکاری داشت. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی الواح گلی تخت جمشید»؛ «تخت جمشید» با مشارکت علی سامی؛ «شرح اجمالی آثار تخت جمشید»؛ «هگمتانه»، در آثار تاریخی همدان و فصلی درباره‌ی ابوعلی سینا؛ «امانتداری خاک»؛ «آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم»؛ «استمرار هنر معماری در ایران»؛ «ایران باستان»، ترجمه؛ «آثار ایران»، ترجمه جلد دوم و سوم؛ «اقلیم پارس»؛ «انعکاس دیروز در آیینه‌ی امروز»، در آثار باستانی.[۱]

باستان‌شناس، محقق.

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۵۹.

سید محمدتقی مصطفوی کاشانی، فرزند آقا سید محمود مصطفوی، تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان انتصاریه و متوسطه را در دبیرستان‌های ثروت و دارالفنون به پایان رسانید. سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد و موفق گردید در رشته‌ی حقوق به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل آمد.

از سال ۱۳۰۴ الی ۱۳۰۸ آموزگار دبستان‌های سنایی و ناصر خسرو و سیروس بود. سپس از مهر ۱۳۱۰ تا آبان ۱۳۳۷ در اداره‌ی عتیقات سابق که بعدها عنوان آن به اداره‌ی کل باستان‌شناسی تغییر یافت، مشغول به کار شد و به ترتیب سمت‌های ذیل را عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان شناسی، مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید، نماینده‌ی باستان‌شناسی در اصفهان، مأموریت مأموریت‌های مختلف مربوط به تعمیرات آثار تاریخی، معاون باستان شناسی، رییس اداره‌ی کل باستان‌شناسی، مدیر کل باستان‌شناسی. وی همچنین برای شرکت در کنگره‌های بین‌المللی درباره‌ی باستان‌شناسی به برخی از کشورهای خارجی سفر کرد.

وی چند شماره از مجموعه‌ی ایران باستان را از فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. از آثار اوست: آثار ایران (۱۳۱۸)؛ آستانه حضرت عبدالعظیم (۱۳۳۰)؛ الواح گلی تخت جمشید (۱۳۲۹)؛ امانت داری خاک (۱۳۵۶)؛ انعکاس دیروز در آئینه امروز، بقعه‌ی بی‌بی شهربانو (۱۳۳۴)؛ اقلیم پارس (این کتاب به انگلیسی هم ترجمه شده است، لندن، ۱۹۷۸)؛ تخت جمشید (با مشارکت علی سامی، ۱۳۳۰)؛ تخت جمشید (نوشته رایش اسمیت، ترجمه با همکاری با عبدالله فریار و دیگران، ۱۳۴۲)؛ سفارشنامه‌ی انجمن آثار ملی (۱۳۴۴)؛ شرح اجمالی آثار تخت جمشید (۱۳۳۰)؛ گزارش‌های باستان‌شناسی (سه جلد، ۱۳۳۵ -۱۳۲۹)؛ فرش‌ها و پارچه‌های عهد هخامنشی ایران (۱۳۳۴)؛ نگاهی به هنر معماری ایران (۱۳۴۶)؛ هگمتانه، آثار تاریخی همدان (۱۳۳۲).

فرزند سید محمود، در حدود سال ۱۲۸۵ متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و از دانشکده‌ی حقوق تهران لیسانس گرفت و زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی را به خوبی آموخت. چندی دبیر زبان فرانسه در دبیرستان ثروت بود. بعد به اداره عتیقات وزارت معارف منتقل شد و مشاغلی را بشرح زیر عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان‌شناسی، مأمور کاوشهای علمی شوش و تخت جمشید، نماینده باستان‌شناسی در اصفهان، و بالاخره رئیس و مدیرکل باستان‌شناسی.

مصطفوی کاشانی یکی از خادمین پرکار باستان‌شناسی در ایران است که آثار زیادی از خود باقی گذارده است که از جمله می‌توان کتاب بقاع متبرکه و زیارتگاههای خارج و داخل شهر تهران را نام برد که بسیار خواندنی و حاوی نکات جالبی است.

از دیگر تحقیقات او اقلیم فارس است. این کتاب معرفی آثار تاریخی تمام فارس می‌باشد. آثار تاریخی همدان، آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)، فرشها و پارچه‌های عهد هخامنشی، بقعه بی‌بی شهربانو از دیگر آثار باارزش مرحوم مصطفوی است. وی در طول اداری خود در غالب کنگره‌های باستان‌شناسی در سایر کشورها دعوت می‌شد و اکثر موزه‌های بزرگ کشورها را بازدید کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۵ و ۶، ص ۴۷۹، ش ۷ و ۸، ص ۶۱۲ -۶۰۹)، چهره‌های آشنا (۵۴۶ -۵۴۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷۹۳ / ۲)، الذریعه (۲۳۸ / ۲۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۹، ۲۱۰۲/ ۲ ،۸۵۲ ،۸۲۰ ،۳۷۶ ،۳۰۹ ،۳۸ ،۱۲/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۷،۳۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۷ -۲۵۶/ ۲).

مصطفوی، رحمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در مدارس آمریکایی و دارالفنون تحصیل کرد و پس از اخذ لیسانس، از دانشگاه تهران، جهت ادامه تحصیل به پاریس رفت. پس از مراجعت با جراید تهران همکاری کرد. او همچنین مدیریت مجله‌ی «روشنفکر» را در تهران به عهده داشته است. از آثار وی: «رنگین کمان»؛ «تهران دمکرات»؛ «خطاء»؛ «انگلستان چگونه اداره می‌شود»، ترجمه؛ «غریبه»، ترجمه؛ «لندن بزرگترین شهر دنیا»، ترجمه.[۱]

نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۴.

رحمت‌الله مصطفوی، فرزند مصطفی، در کالج آمریکایی و سپس دارالفنون به تحصیل پرداخت. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق از دانشگاه تهران است و در رشته‌ی بین‌الملل و اقتصاد نیز از دانشگاه پاریس دکتری گرفته است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۲ با انتشار مجله‌ی «روشنفکر» آغاز کرده ومدت‌ها نیز معاون رادیو تهران، معاون خبرگذاری پارس و رییس اداره اطلاعات ومطبوعات وزارت امور خارجه بوده است. وی همچنین به دریافت نشان‌های همایون، تاجگذاری و جشن شاهنشاهی نایل آمده است: از آثار اوست: آذر (با مشارکت هاشمی)؛ انگلستان چگونه اداره می‌شود (ماک کالم)؛ رنگین کمان (۱۳۲۰)؛ خطاء، تهران دمکرات (۱۳۲۱)؛ غریبه (آلبر کامو)؛ لندن بزرگترین شهر دنیا (اثر ف. ه. لی)؛ معشوقه و دوست. (۱۳۲۸).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۵۵، ۲۸۲۴، ۲۳۶۶، ۱۷۵۱/ ۲ ،۱۲۶۹ ،۹۷۴ ،۳۸۲ ،۲۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰ -۱۰۹/ ۳).

مصفا، مظاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مظاهر مصفا در سال ۱۳۱۱ ، در اراک دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. دکتر مصفا در سال ۱۳۳۲ به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه

شیراز منتقل گردید ، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. فعالیت آموزشی خود را در سال ۱۳۴۵ و به دعوت دانشگاه پهلوی(سابق) شیراز آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۷ با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. دکتر مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد ، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال ۱۳۴۳اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت.مظاهر مصفا یکی از قصیدهسرایان ایرانی بعد از ملک الشعرای بهار(محمدتقی بهار) است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : مظاهر مصفا در خاندانی فرهنگی به دنیا آمد ،برادر بزرگتر مظاهر مصفا، دکتر ابوالفضل مصفا و خواهر وی خانم دکتر مصفا(مادر فؤاد حجازی آهنگساز معروف) از استادان زبان و ادبیات فارسی هستند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مظاهر مصفا تحصیلات ابتدایی را در در مدرسه حکیم نظامی قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. او پایان نامه اجتهادی خود را در موضوع : تحقیق در قصیده و تحول آن به رشته تحریر درآورد و با درجه ممتاز ، از تصویب گذرانید.

همسر و فرزندان : مظاهر مصفا در سال ۱۳۳۲ با خانم امیری فیروزکوهی که او نیز دکترای ادبیات و دختر استاد امیری فیروز کوهی بود ، ازدواج نمود. حاصل این پیوند زناشویی دو پسر و دو دختر می باشد. او در جوانی با دکتر امیربانو کریمی(استاد ادبیات دانشگاه تهران) دختر امیری فیروزکوهی(شاعر معروف معاصر) ازدواج کرد و از وی صاحب فرزندانی شد که از آن جمله اند: علی مصفا (بازیگر سینما و تلویزیون و همسر لیلا- حاتمی)، کیمیا مصفا (عروس دکتر سید جعفر شهیدی، گلزار مصفا و اسماعیل مصفا.(امیر اسماعیل مصفا دارای مدرک دکتری فیزیک)

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مظاهر مصفا در سال ۱۳۳۲ به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه شیراز منتقل گردید ، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. وی سمت رییس مدرسه عالی قضایی قم، مدیر مجله آموزش و پرورش، رییس انتشارات تربیتی وزارت فرهنگ، معاون آموزشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و مدیر گروه فارسی دانشگاه تهران به فعالیت مشغول بوده اند. دکتر مظاهر مصفا همچنین در عرصه ?تحقیقات ادبی از جمله در حوزه سعدی شناسی فعالیت می کند.

فعالیتهای آموزشی : دکتر مصفا فعالیت آموزشی خود را در سال ۱۳۴۵ و به دعوت دانشگاه شیراز آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۷ با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. وی ۵۳ سال تدریس در دانشگاههای ایران، بخش دیگری از فعالیتهای فرهنگی و علمی استاد است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد ، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال ۱۳۴۳اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت. از جمله فعالیت های دیگر وی ۱۳۰ سخنرانی در برنامه صدای شاعر از رادیو تهران و ۱۲ سخنرانی از رادیو ایران و سخنرانی های متعدد ، در مجامع علمی و ادبی مانند انجمن قلم ، تالار فردوسی دانشگاه تهران ، کنگره جهانی سعدی و حافظ در شیراز ، جشن صدمین سال دانشکده خاورشناسی پنجاب لاهور و سمینار دبیران ادبیات فارسی در بابلسر و مقالات و مصاحبه های متعدد می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : مظاهر مصفا از شاعرانی است که در سرودن قصیده تبحر داشته و بیشتر اشعار خود را در این زمینه سروده است.

جوائز و نشانها : از مظاهر مصفا در خانه هنرمندان ایران به واسطه شب سعدی در روز پنجم اردیبهشت ماه در تهران، تقدیر و تجلیل

شد.

چگونگی عرضه آثار : مظاهر مصفا در کشورهای افغانستان و هند و دیگر کشورهای فارسی زبان نیز دارای شهرت است. قصیده? هیچ او یکی از شعرهای اوست که دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب" چشمه ?روشن "به بررسی آن پرداخته و پروفسور صلاح الصاوی (شاعر و سخن سنج مصری) در کتاب" العدمیه فی شعر "آن را ترجمه، نقد و بررسی کرده است.(ترجمه ی این کتاب مدتی است انجام شده ولی منتشر نگشته است.) ارایه یک صد سخنرانی در کنگرههای علمی در ایران، افغانستان و پاکستان، انگلستان، ایتالیا و تألیف بیش از چهل مقاله تحقیقی از دیگر کارهای او می باشد. --

آثار :

۱ با اوست حدیث من

ویژگی اثر : چند مبحث در عرفان و ادب

۲ برگی از دیوان حکیم صفا

ویژگی اثر : این کتاب با مقدمه ای در شرح حال و نقد سخن و کارهای دیگر.

۳ پاسداران سخن در نقد قصیده سرایان

۴ تصحیح جوامع الحکایات عوفی(در چندین جلد)

۵ تصحیح دیوان ابوتراب فرقتی کاشانی

۶ تصحیح دیوان نزاری قهستانی

۷ توفان خشم

۸ ده فریاد

۹ دیوان حکیم سنایی

۱۰ دیوان نظیری نیشابوری

۱۱ راهی از بن بست

ویژگی اثر : در باره خط فارسی می باشد.

۱۲ سپید نامه

۱۳ سی پاره

۱۴ سی سخن

۱۵ شب های شیراز

۱۶ شرح حال و منتخب دیوان اشعار صفای اصفهانی

۱۷ قند پارسی

ویژگی اثر : منتخبات نظم فارسی.

۱۸ کلیات شیخ اجل سعدی

۱۹ مجمع الفصحای هدایت

ویژگی اثر : تحشیه ، در یک دوره شش جلدی .

۲۰ نسیم

مطرزی خوارزمی، برهان‌الدین، ابوالفتح ناصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۶/ ۶۱۰ -۵۳۸/ ۵۳۶ ق)، فقیه حنفی، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر معتزلی. در جرجانیه‌ی خوارزم به دنیا آمد. چون در سال وفات زمخشری در خوارزم به دنیا آمد به خلیفهٔ الزمخشری معروف شد. در نحو و لغت و شعر و انواع علوم ادب متبحر بود. از محضر پدرش و ابوالمؤید موفق بن احمد، خطیب خوارزم، استفاده نمود و از ابوعبداللّه محمد بن علی بن ابوسعد تاجر و جماعتی دیگر حدیث شنید. او پیشوای معتزلیان بود. در خوارزم درگذشت. متجاوز از سیصد قصیده در سوک او سروده شد. از آثارش: شرح «مقامات» حریری، که در «کشف الظنون» نام آن «الایضاح» ذکر شده است؛ «الاقناع»، در لغت، و «مختصر الاقناع»؛ مختصر «اصلاح المنطق» ابن سکیت؛ «المصباح»، در نحو؛ «المطرزیه» یا «المقدمهٔ النحویهٔ» یا «المقدمهٔ المطرزیهٔ»، در نحو؛ «المغرب»، در لغت، و شرح و ترتیب آن به نام «المعرب فی شرح المغرب».[۱]

ابوالفتح ناصر بن ابوالمکارم عبدالسید بن علی (و. ۵۳۸ ه.ق- ف. ۶۱۶) فقیه حنفی خوارزمی، نحوی، لغوی، ادیب معروف. کتاب مشهور او در لغت «المغرب فی لغهٔالفقه» (ه.م) و «المعرب» (ه.م) است. وی در اصول عقاید معتزلی بوده و او را جانشین زمخشری دانسته‌اند و از شاگردان جاراللّه زمخشری است. شرح مقامات حریری و کتاب مختصرالافلاح از آثار او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۱/ ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۱/ ۲)، روضات الجنات (۱۵۱ -۱۵۰/ ۸)، ریحانه (۳۲۶ -۳۲۵/ ۵)، سیر النبلاء (۲۸ / ۲۲)، کشف الظنون (۱۷۸۹، ۱۷۴۸ -۱۷۴۷، ۱۷۰۸، ۱۳۹)، الکنی و الالقاب (۱۸۸ / ۳)، لغت نامه (ذیل/ ناصر مطرزی)، معجم الادباء (۲۱۳ -۲۱۲/ ۹)، معجم المؤلفین (۷۲ -۷۱/ ۱۳)، وفیات الاعیان (۳۷۱ -۳۶۹/ ۵)، هدیهٔ الاحباب (۲۴۱)، هدیهٔ العارفین (۴۸۸/ ۲)، هفت اقلیم (۳۲۸/ ۳).

مطلبی، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن مطلبی

محل تولد : اسفیدواجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲

زندگینامه علمی

این کمترین، سید ابوالحسن مطلبی ، فرزند سید کاظم ، دوم فروردین ۱۳۳۸ هجری شمسی طبق شناسنامه در یک خانواده روحانی و در روستای اسفیدواجان از منطقه تیران و کرون از توابع اصفهان به دنیا آمدم . مرحوم پدرم که در پارسایی مقامی بس ارجمند و به

حق رتبه ای بالا ـ و والا ـ داشت زبـانزد خـاص و عـام بود . در آن منطقه اطلاـق لفـظ «آقا» به ایشان منصـرف بود و هم اکنون نیز این خانواده به خانواده آقا معروفنـد. هیچ یک از معاصـران مرحوم آقا نیست که ایشان را نسـتوده باشد و یا خاطره اخلاقی زیبایی را از او به یاد نداشـته باشد. اسـتاد اخلاق ایشان مرحوم آیت الله حاج آقارحیم ارباب بود .حضرت آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری حفظه الله رئیس حوزه علمیه اصـفهان از جمله بزرگانی است که با مرحوم پدرم نشست و برخاست داشته و همواره از او به نیکی و پارسایی یاد میکند حضـرت استاد میفرمود: هیچ روزی نیست که برای مرجوم پدرت قرآن نخوانم . در ده سالگی ۲۷/۳/۴۷ با رحلت پدر این نعمت بزرگ الهی را از دست دادم. بنده تحصـیلات ابتدایی را در روسـتایمان به پایان بردم و ناگزیر برای گذراندن دوره دبیرسـتان چون در روسـتا دبیرسـتان نبود به اصفهان و تهران رفته روزها کار می‌کردم و شب‌ها در دبیرستان شبانه تحصیل تا به اخذ دیپلم نائل آمـدم که آن روزها در حد خود قیمت و منزلتی داشت. در سال ۱۳۵۶ پس از دریافت دیپلم طبیعی بر حسب توصیه و علاقه مرحوم پدرم که بسـیار مایل بود که فرزندانش به مسـلک روحانیت درآیند، و علاقه ای که خود به معارف اسـلامی داشـتم به حوزه مقدسه علمیه قم رهسـپار شـدم و تا کنون در قم اقامت دارم و به تحصـیل ، تحقیق ، تالیف و در مقاطعی تـدریس و تبلیغ ،نگارش مقالات ، تصـحیح متون کهن واحیـا آثـار سـلف ، ویرایش ، ارزیـابی کتب و مقالاـت ودر موارد انـدکی به ترجمه می‌پردازم . در تحصـیلات حوزوی از محضـر آیات عظام و حجج اسلام ، اساتید گرانقدر آقایان اعتمادی ، پایانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، حسینی بوشهری ، ستوده ، شب زنده دار ، صلواتی ، طالقانی ، فاضل(ره) ، فشارکی ، وجدانی فخر ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی بهره جسته ام.

مطوعی، ابوحفص عمر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۴۰ ق)، ادیب و شاعر. اهل نیشابور بود. در ایام جوانی در خـدمت امیر ابوالفضل میکالی ادیب (م ۴۳۶ ق) بود. از آثارش: کتـاب «درج الغرر و درج الـدرر»، در محاسن نظم و نثر ابوالفضل میکالی؛ «اجناس التجنیس»؛ کتاب «حمـد من اسـمه احمـد» که در معارضه با کتاب «فضل من اسمه الفضل» ثعالبی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۵/ ۵)، معجم المؤلفین (۳۰۲/ ۷).

مطهری، زین العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل بزرگوار، مؤلّف کتاب «دفنیهٔ الدرر» در امام زاده‌های اصـفهان، و متوفّی در ۳ رمضان المبارک سال ۱۳۶۰ به سنّ متجاوز از ۸۵ سالگی و مدفون در اطاق پدر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مظاهری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۲۹۳ ش)، دانشمند، پژوهشگر، مترجم و استاد. در تهران به دنیا آمد. در دوازده سالگی کتاب «تاریخ روم» را نوشت که خود نقاشی‌های آن را انجام داده بود. در سیزده سالگی در زمره دانش‌آموزان ممتاز دیپلمه برای تحصیلات عالی به فرانسه عزیمت کرد. وی از ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱ ش در دانشگه سن کلووشارتر و سپس در دانشگاه سوربن به تکمیل تحصیلات پرداخت و در ۱۳۱۲ ش پایان‌نامه‌ی دکترای خود را تحت عنوان «خانواده‌ی ایرانی در ادوار پیش از اسلام» ارائه کرد. وی در طی جنگ جهانی دوم به کار تحقیق و کشاورزی پرداخت. بعد از پایان جنگ به عنوان کارشناس نسخ خطی فارسی وارد کتابخانه‌ی ملی پاریس شد. در ۱۳۲۷ ش به عضویت فرهنگستان بین‌المللی تاریخ علوم و در ۱۳۳۶ ش به عنوان مدرس مدرسه‌ی مطالعات عالیه‌ی علوم اجتماعی برگزیده شد و بنا به دعوت یونسکو نگارش بخش موسوم به «تاریخ ملل مسلمان در قرن نوزدهم» را در جلد پنجم «تاریخ جهانی بشریت» به عهده گرفت. وی همچنین مقالات زیادی در مجله‌های داخلی و خارجی به چاپ رسانیده است که از آن جمله: «مقام ایران در هنر جهان»، «تأثیر هجوم قوم مغول به ایران و آثار آن»، «پاسخ در مورد تمیشه»، «جمال اسدآبادی و جمالیسم»، «مان و عرفان»، «زردشت ناشناس»، «کمونیسم مزدک»، «حلاج واقعی»، «پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن» در زمینه معارف اسلامی، «زن و عشق در ایران سنتی» و «مهرهای پادشاهان ایران» می‌باشد وی سرانجام در پاریس درگذشت. از دیگر آثار وی: «مبادی ایرانی علم حساب»، رساله دکترای دیگری از وی که به دانشگاه پاریس ارائه شد؛ «جاده‌ی ابریشم»؛ «گنجینه‌های ایران»؛ «مقدمه‌ای بر تاریخ ایران»؛ «استخراج آبهای پنهانی»، ترجمه‌ی «انباط المیاه الخفیه»؛ «زندگی روزمره‌ی مسلمانان در سده‌های میانه، از سده دهم تا سیزدهم میلادی»، که در آن اوضاع اجتماعی تمامی سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران و مصر را تحت بررسی قرار داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :جاده‌ی ابریشم (۱/ پیشگفتار مترجم)، یغما (س ۴، ش ۴، ص ۱۷۵ -۱۶۸، س ۵، ش ۴، ص ۱۶۲).

مظفری خویی، حسام‌الدین حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به حسام. ملقب به مظفری. از ادبا و سخنوران شهر خوی بود که در دربار چوپانیان روم می‌زیست. از تالیفات وی: «نصیب الفتیان»؛ «تشبیب البیان»؛ «تحفه حسام»، در لغت فارسی به ترکی؛ «ملتمسات»، مشتمل بر چهارصد رباعی؛ «نزهه الکتاب و تحفه الاحباب»، در امثال؛ «قواعد الرسائل و فوائد الفضائل»، در انشاء به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۵/۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۴ -۱۱۳)، الذریعه (۲۳۶/۹)، سر آمدان فرهنگ (۳۰۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۴)، کشف الظنون (۱۹۵۷، ۱۳۵۸)، لغت نامه (ذیل/ حسام خویی).

مظلومی، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رجبعلی مظلومی ، فرزند استاد محمدحسین در سال ۱۳۰۶ شمسی در نیشابور پا به عرصه ی وجود گذاشت. دوران تحصیل خود را در نیشابور ، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن ، در مقطع کارشناسیِ دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین ، دوره های کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته های فلسفه محض ، روان شناسی و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد.دکتر مظلومی در دوران فعالیت های دانشگاهی اش ، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس ، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد. او سمت استادی را در دانشگاه های تهران ، شهیدبهشتی ، صنعتی شریف تهران ، صنعتی اصفهان ، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود. دکتر رجبعلی مظلومی سرانجام پس از سه سال در ۲۱ مهر ۱۳۷۷ به لقای محبوب شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : رجبعلی مظلومی ، فرزند استاد محمدحسین می باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رجبعلی مظلومی ، در دو سالگی پدرش را از دست داد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رجبعلی مظلومی ، دوران تحصیل خود را در نیشابور ، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن ، در مقطع کارشناسیِ دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین ، دوره های کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته های فلسفه محض ، روان شناسی و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد. رساله ی دکترای ایشان ، « تصحیح متن شرح فصوص الحکم باباركن الدین شیرازی » بود که توسط مؤسسه ی مطالعات اسلامی چاپ شد و پروفسور لندلت ، همین کتاب را به عنوان متن درسی در دانشگاه مگ گیل کانادا تدریس می کرد.

استادان و مربیان : رجبعلی مظلومی از اولین سال تحصیل خود ، معلم نقاشی داشت . او بعد ها به شاگردی استاد موید پردازی در آمد و از آنجایی که موید پردازی شاگرد کمال الملك بود بنابراین مظلومی را نیز می توان شاگرد باواسطه کمال الملك محسوب کرد

زمان و علت فوت : رجبعلی مظلومی ، در ۲۱ اسفند ۱۳۷۴ در اثر سکته ی مغزی به بیمارستان منتقل و سرانجام پس از سه سال در ۲۱ مهر ۱۳۷۷ به لقای محبوب شتافت.

فعالیتهای آموزشی : رجبعلی مظلومی ، سمت استادی را در دانشگاه های تهران ، شهیدبهشتی ، صنعتی شریف تهران ، صنعتی اصفهان ، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رجبعلی مظلومی در دوران فعالیت های دانشگاهی اش ، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس ، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رجبعلی مظلومی ، به زبان های فرانسه و عربی آشنایی کامل دارد. مطالعات متنوع و گسترده ی او در زمینه های: قرآن شناسی ، حدیث شناسی ، حکمت و عرفان ، تاریخ و هنر اسلامی و به ویژه امور تربیتی منجر به نگارش بیش از یکصد جلد کتاب و پانصد مقاله در طول نزدیک به نیم قرن تلاش و پژوهش گردید.

آرا و گرایشهای خاص : رجبعلی مظلومی معتقد است که عاملی که بتواند آن مادیت را به معنویت بدل کند و بالطافت حتی با اقتصاد خیلی خوب ، قسمت عمده ای از مسایل زندگانی مارا حل کند فقط هنر است . وی اعتقاد دارد که هنر فقط درزمینه آزاد و آزاده می تواند ابراز وجود کند چون اصلاآب هنر از آزادی است . وی بر این باور است که کسانی که یکسره عینیت های را به وسیله ابزارهای هنر ی طرح می کند ، گرچه زحمت می کشند ،اما کارشان را هنر صنعتی می دانیم ونه هنر هنر مندی . او معتقد است که هنر هنرمند آن است که تنها برای فرهنگ بهتر و ارتقای فهم فرهنگی یک جامعه و اصولا برای مجموعیت لایق یک جامعه و برای قدرت والاتر همین مجموعیت کار کند . ازاین جهت او هنر مند را همیشه آینده بین می داند . ---

آثار :

۱ آموزش فن سخن گفتن

ویژگی اثر : برداشتی از کتاب « راه و رسم سخن گفتن ».

۲ ارمغان مور

۳ با تربیت مکتبی آشنا شویم

۴ بازنگری بر فعالیت های بدنی

۵ بیایید به حرف بچه هایمان گوش کنیم

۶ پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی

۷ تربیت از دیگاه معصومین (ع)

۸ تربیت معنایی انسان

۹ تفسیر شیعه

۱۰ جوان و دین

۱۱ چرا امام حسن (ع) صلح را پذیرفت ؟

۱۲ چه کسی با چه نوع شخصیتی ، کدام شغل را انتخاب می کند ؟

۱۳ حاشیه بر هنر چیست ؟

۱۴ در مسیر نور تا خورشید یا سیر رسالت با جوهره ی ولایت در بستر تشیع

۱۵ درس های رمضان (تفسیر قرآن)

۱۶ دولت عدل الهی ؛ درباره ی دولت امام زمان (عج)

۱۷ راه و رسم سخن گفتن

۱۸ رهبر آزادگان ؛ درباره ی امام حسین (ع)

۱۹ روابط شایسته در ورزش تربیتی

۲۰ روزنه ای به باغ بهشت یا هنر در راستای انقلاب اسلامی

ویژگی اثر : در دو مجلد.

۲۱ زنانِ بافضیلت

۲۲ سخنرانی را توانا شویم

۲۳ سرگذشت قرآن

۲۴ سیر تاریخی قرائت

۲۵ سینما ، اخلاق ، تجربه

۲۶ شورای اسلامی

۲۷ علوم قرآن

ویژگی اثر : در پنج مجلد.

۲۸ علی (ع) معیار کمال

۲۹ فهم قرآن

ویژگی اثر : در دو مجلد.

۳۰ کتابشناسی اسلامی

۳۱ کلیدهای تربیتی و تعلیمی برای اولیای تربیتی

۳۲ گامی در مسیر تربیت اسلامی (از کودکی تا بلوغ)

۳۳ گامی در مسیر تربیت اسلامی (مبانی تربیتی)

۳۴ مؤمن کیست و ایمان چیست ؟

منابع زندگینامه :

مجله ی آینه ی میراث ، سال اول ، شماره ی ۲ ، سال ۱۳۷۷ ـ مجله ی آینه ی پژوهش ، سال نهم ، شماره ی پنجم ، شماره ی پیاپی ۵۳ ، آذر و دی ۱۳۷۷

مظهر، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ -۱۲۳۲ ش)، شاعر و منشی. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن تحصیلات مقدماتی، در رشته‌ی علوم ادبی و عربی به تحصیل پرداخت و در مدرسه‌ی زنگنه به تحصیل فقه، اصول، منطق، فلسفه و عروض اشتغال ورزید و تا جایی پیش رفت که از زمره‌ی اساتید زمان به شمار آمد. وی در تدریس «منظومه‌ی سبزواری» که در زمره‌ی کتابهای فلسفه به شمار می‌رود، تسلط داشت. مظهر بعد از اتمام تحصیلات، در دستگاه امیر افخم قراگوزلو همدانی به سمت منشی گری به کار پرداخت و تا آخر عمر در این سمت باقی بود. وی را در قم در صحن حضرت معصومه (س) به خاك سپردند. از آثارش: «خستوی»، که به طرز مثنوی سروده شده؛ «بضاعت مزجات»، به نثر، مشتمل بر دو قسمت یکی سؤال و جواب در موضوعات فلسفی و دیگری درباره‌ی عرفان و سیر سلوك؛ «دیوان» شعر، متجاوز از ده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۳۴۸ -۳۳۴۲/ ۵).

معتمدالدوله، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی. ادیب، شاعر و نویسنده‌ای توانا بود. در غزل‌های خوب خود بیشتر نظر به سعدی داشته و در نهضت ادبی ایران هم سهم بسزائی دارد، وی معاصر فتحعلی‌شاه قاجار بود. اشعار و منشات او به نام گنجینه معروف است. در سال ۱۲۴۴ ه.ق وفات کرد و تاریخ وفات او را (از قلب جهان نشاط رفته) گفته‌اند.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

معروف، حبیب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۲.

درگذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (با همکاری پرویز مرزبان؛ تهران، ۱۳۷۱؛ این کتاب در سال ۱۳۶۵) با عنوان واژه‌نامه‌ی مصور هنرهای تجسمی به چاپ رسید)؛ واژه‌نامه راه و ساختمان و معماری انگلیسی- فارسی و فهرست الفبایی و ترکیبات فارسی با تعریفات دقیق برخی واژه‌های مشکل و نو ساخته (تهران، ۱۳۶۹). کتاب نقش ماندگار: یادنامه‌ی مهندس حبیب معروف به کوشش امین و نازی معروف به یاد وی در تهران در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معین، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۹۴/ ۱۲۹۳/ ۱۲۹۱ ش)، نویسنده، مصحح، مترجم، فرهنگ نویس و شاعر. در رشت به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. سپس از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات فارسی و فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. پس از آن مدتی ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز و سپس ریاست اداره‌ی دانشسراها را در وزارت فرهنگ داشت. وی اولین کسی بود که در ایران به اخذ درجه‌ی دکترا در ادبیات نایل آمد و رساله‌ی دکترای خود را با عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی» ارائه نمود. او از ۱۳۱۸ ش به تدریس در دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود. وی به جهت شرکت در کنگره‌ها و مجامع علمی و انجام امور تحقیقی و تدریس به کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، شوروی سابق و آلمان سفر کرد. معین همکار دهخدا بود و سرپرستی سازمان «لغت نامه» را بر عهده داشت. دکتر معین سرانجام پس از پنج سال بیماری و بیهوشی در رشت درگذشت و در آستانه‌ی اشرفیه‌ی رشت به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «فرهنگ فارسی»، معروف به «فرهنگ معین»؛ «برگزیده‌ی شعر فارسی»، قرنها چهار و پنج قمری؛ «حافظ شیرین سخن»؛ «ستاره‌ی ناهید یا

داستان خرداد و مرداد»، شعر؛ تحلیل «هفت پیکر» نظامی؛ «روانشناسی تربیتی»، ترجمه؛ «ایران از آغاز تا اسلام»، ترجمه؛ «کتیبه‌های پهلوی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه «برهان قاطع»؛ تصحیح و تحشیه «چهار مقاله» احمد عروضی سمرقندی؛ تصحیح «جوامع الحکایات و لوامع الروایات».[۱]

محمد (و. هفدهم رجب ۱۳۳۶ هجری قمری مطابق ۹ اردیبهشت ۱۲۹۷ شمسی. ف. ۱۳ تیرماه ۱۳۵۰ ه.ش) فرزند مرحوم شیخ ابوالقاسم. در شهر رشت در خانواده‌ای روحانی متولد گردید. به هنگام طفولیت او نخست مادر و پس از ۵ روز پدرش در عنفوان شباب درگذشتند. جد پدری وی شیخ محمدتقی معین‌العلما که در سلک علمای روحانی بود به تربیت وی همت گماشت. جد مادری او شیخ محمدسعید نیز از علما و مدرسان علوم قدیمه بود.

محمد معین دوره‌ی ابتدائی را در دبستان اسلامی و دوره‌ی اول متوسطه را در دبیرستان نمره‌ی ۱ (که بعدها بنام دبیرستان شاهپور خوانده شد) طی کرد. در اوان تحصیل در متوسطه صرف و نحو عربی و بخشی از علوم قدیمه را نزد جد خوش و مرحوم سید مهدی رشت‌آبادی و دیگر استادان وقت آموخت و عشق به مطالعه در نهادش ریشه دوانید. دوره‌ی دوم متوسطه (ادبی) را در دارالفنون تهران به پایان رسانید و به سال ۱۳۱۰ در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی وارد گردید و در سال ۱۳۱۳ از این شعب لیسانسیه شد پس از طی دوره‌ی شش ماهه‌ی دانشکده‌ی افسری احتیاط، شش ماه اول سال ۱۳۱۴ را به خدمت افسری گذرانید و در مهرماه آن سال به دبیری دبیرستان شاهپور اهواز منصوب شد، و پس از سه ماه ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز را یافت و در عین حال عضویت تحقیق اوقاف و ریاست به عهده‌ی وی بود. در همین ایام به وسیله‌ی مکاتبه از آموزشگاه روانشناسی بروکسل (بلژیک) که تحت نظر Elmer Knowles روانشناس اداره می‌شد، روانشناسی عملی و دیگر شعب آن از قبیل خطشناسی، قیافه‌شناسی و مغزشناسی را فراگرفت.

در ۱۳۱۸ به تهران منتقل گردید در حین تصدی معاونت و سپس کفالت اداره‌ی دانشسراها در وزارت فرهنگ، وارد دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی شد. پس از چندی با حفظ سمت به دبیری دانشکده‌ی ادبیات منصوب گردید. پس از به پایان رسانیدن دوره‌ی دکتری، جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی دکتری وی به عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» در روز سه‌شنبه‌ی ۱۷ شهریور ۱۳۲۱ تشکیل و پایان‌نامه‌ی او با قید «بسیار خوب» قبول گردید، و او نخستین دکتر ادبیات فارسی در ایران شناخته شد. از آن پس به سمت دانشیار و سپس به سمت استاد کرسی «تحقیق در متون ادبی» در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس مشغول شد و سه سال نیز در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. از آغاز سال ۱۳۲۵ شمسی که طبع لغت‌نامه‌ی علامه‌ی مرحوم علی‌اکبر دهخدا طبق قانون، در مجلس شورای ملی شروع شد، دکتر معین به همکاری وی برگزیده شد. در دی ماه ۱۳۳۴ با موافقت علامه‌ی مزبور، سازمان لغت‌نامه از منزل شخصی آن مرحوم به مجلس شورای ملی منتقل شد و طبق وصیت‌نامه‌های معظم له دکتر معین به ریاست امور علمی آن سازمان منصوب گردید. در اسفند ۱۳۳۶ سازمان مذکور به دانشکده‌ی ادبیات (دانشگاه تهران) شورای دانشگاه، ریاست سازمان لغت‌نامه به عهده‌ی وی محول گردید. وی این سمت را تا آخرین روزی که دچار سکته گردید به عهده داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۹۷۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۱۱/ ۲)، الذریعه (۲۱۷/ ۱۶ ،۲۳۳/ ۶)، شرح حال رجال (۲۰۳/ ۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۵۲۳ -۵۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۴۲، ۲۶۲۱، ۱۹۳۸ ، ۱۱۴۶، ۱۰۷۱، ۴۹۶، ۴۸۸ ،۴۱۰/ ۱)، کتاب گیلان (۷۲۳ -۷۲۱/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۰ -۸۲۶/ ۵).

معین‌الاسلام، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به دبیر مازندرانی، از شاگردان آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و دیگران بوده، در ۱۲۹۰ متولد، و در شب جمعه ۱۰ شوال ۱۳۸۴ وفات یافته، در جنب لسان‌الارض مدفون گردید.

کتب چندی تألیف فرموده از آن جمله است: ۱ – رساله در سبب ارتحال جدش سید محمد از مازندران به اصفهان، مطبوع ۲ – مفتاح الکنوز، در تعریف علم و عمل، مطبوع.

وی را باید از بنیان‌گزاران فرهنگ جدید در اصفهان دانست، سال‌ها نظامت دبیرستان علیه را داشته، و به همین مناسبت به ناظم مازندرانی شهرت یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۳ -۱۱۷۶ ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخلص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در ۱۱۹۹ ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در ۱۲۴۱ ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌اللّه الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانیه» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا ۱۲۴۱ ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضلای آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره‌ی فتحعلی‌شاه؛ «تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدیقه»، در شرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنهٔ»، در تاریخ سلسله‌ی دنابله؛ «روضهٔ الآداب و جنهٔ الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان» شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینهٔ التواریخ» با میرزا رضی، متخلص به بنده، مشارکت داشته است.[۱]

(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به «مفتون» (و. ۱۱۷۶ ه.ق– ف. تبریز ۱۲۴۳ ه.ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره‌ی قاجاریه بود. وی در سال ۱۲۷۶ ه.ق در شهر خوی متولد شد، از سن ده سالگی تا ۲۴ سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص

شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات گرانبهائی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق‌الجنان، روضهٔ‌الاداب و جنهٔ‌الالباب. حدائق‌الادباء، ماثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۷۰/ ۷)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۱ –۳۹۹/ ۲ ،۶۹۰ –۶۸۹/ ۱)، تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار (مقدمه، ۴۶۴ –۴۵۵، ۱۳۷ –۱۲۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۹۳ –۱۶۹۰/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۷ –۳۵۳)، الذریعه (۳۴۳، ۳۱۷، ۲۸۸/ ۵، ۱۹ ،۹۲ –۹۱/ ۱۲ ،۳۲۳ ،۲۸۴/ ۱۱ ،۱۰۸۳/ ۹)، ریحانه (۳۵۶ –۳۵۵/ ۵)، سبک شناسی (۳۳۱ –۳۱۹/ ۳)، سفینهٔ المحمود (۶۷۰ – ۶۶۹/ ۲)، شرح حال رجال (۲۶۴/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۶ –۸۶۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۸۵/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (۱۰۰۸ –۱۰۰۷/ ۶)، مکارم الآثار (۱۲۰۴ –۱۲۰۳/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۷ –۸۴۶/ ۳)، نگارستان دارا (مقدمه/ و– ی، ۲۹۷ –۲۸۲).

مفتی‌زاده، محمد صدیق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۵ –۱۳۳۴ ق)، نویسنده، شاعر، متخلص بـه محزون. در قریه‌ی دشه، از قرای اورامان، به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات صرف و نحو به عراق رفت و در مدارس کردستان عراق به تکمیل علوم دینی و ادبیات عرب پرداخت. سپس به سنندج بازگشت و از محضر برادر بزرگترش، ملا محمود مفتی، استفاده نمود و به دریافت اجازه نایل گشت. بعد به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و با سمت دبیری به سنندج بازگشت. وی حدود ۱۳۳۱ ش به تهران منتقل شد و در ضمن خدمت موفق به اخذ لیسانس و دکترای الهیات شد. مفتی‌زاده چند سالی از نویسندگان برنامه‌ی رادیو کردی تهران بود. وی در شاعری توانا بود و شعر را به لهجه‌ی اورامی و سورانی می‌سرود. از آثار وی: تصحیح و شرح «دیوان» ملا عبدالرحیم معدومی مولوی، شاعر معروف کرد.[۱]

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۰۰(۱۳۳۴ ق.)، قریه دشه از توابع اورامان.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۶۳، تهران.

محمدصدیق مفتی‌زاده متخلص به «محزون» فرزند ملا- عبدالله دشتی مفتی کردستان، در شش سالگی پدرش و در یازده سالگی مادرش را از دست می‌دهد. وی تحصیلاتش را در قریه‌ی دشه و خانگه و شهر سنندج شروع نمود، و در ۱۳۱۵ شروع به خواندن علوم اسلامی کرد و در محضر مدرسانی از مناطق مختلف عراق و نیز در مهاباد به درس خواندن مشغول شد. استادان وی عبارتند بودند از: برادرش حاج ملا خالد مفتی، ملا سید عارف، ملا صالح تریفه، سید بابا رسول اباعبیده (شهرزور عراق)، ملا باقر بالک، ملا- محمود دره‌تفی، ملا علی حمامیان، ملا شیخ برهان (در مکریان)، ملا عراف بانه‌ای، ملا سید علی (در پنجوین)، ملا مصطفای حاج رسول، ملا عبدالله بیژویی (در سلیمانیه)، ملا عزیز شلی خانه‌ای در کرکوک، ملا صالح دیبه گه‌یی، ملا ابوبکر افندی هه‌ولیر، ملا عبدالکریم افندی (در رواندوز)، ملا صدیق صدیقی، ملا حسین مجدی (در مهاباد) و برادر دیگرش ملا محمود مفتی کردستان در سنندج که سرانجام اجازه‌نامه‌ی خود را نیز از دست او گرفت. چندی بعد در سلیمانیه عراق استادان هیئت علمی و دینی اوقاف پس از امتحان اجازه‌نامه‌اش را مهر تأیید زدند. در تهران نیز شورای عالی وزارت آموزش و پرورش اجازه‌ی افتاء و تدریس را به وی

دادنـد. در سال ۱۳۲۳ در وزارت فرهنگ به عنوان معلم استخدام شـد، و در دبیرسـتان‌های شـهرهای مهابـاد و سـنندج و خرم‌آباد و تهران هر یـک مـدتی انجـام وظیفه کرد. در سال ۱۳۲۷ در دانشـکده‌ی الهیـات و معارف اسـلامی دانشـگاه تهران دوره‌ی لیسانس و دکتری را به اتمـام رسانیـد و به دریـافت دانشـنامه‌ی دکتری نایـل شـد و در دانشـکده‌ی ادبیات نیز مـدتی به مطالعه‌ی علوم تربیتی و زبان‌شناسـی پرداخـت و بـه مـوازات آن در دبیرسـتان هـای تهران، ادبیـات عربی و فارسـی را تـدریس می‌نمـود. در سـال ۱۳۴۹ در دانشـکده‌ی ادبیات دانشـگاه تهران اسـتاد زبان کردی شد، در طی این مدت سردبیری روزنامه «کردستان» را نیز به عهده داشت. وی سال‌ها از نویسـندگان برنامه رادیو کردی تهران بود. در ۱۳۵۹ که دانشـگاه تهران تعطیل گردید، در منزل به تحقیق مشغول گردید و تألیفـات خود را کامـل نمود. فعالیت‌هـای او در دورانی که در مقام سـردبیری روزنامه فعالیت داشـته به این شـرح است: اسـتخراج و جمع آوری قریب ۲۵۰ قطعه از اشـعار سـید عبدالرحیم تاوگوزی (مولوی کردی) از بیاض‌های خطی و دست‌نویس قدیم و تحقیق و تعلیق مختصـر در معانی آنها، جمع‌آوری و تصـحیح بیشتر اشعار ولی دیوانه، مختصری تحقیق در دیوان ملا پریشان و چاپ بعضی از اشعار او، تصحیح و تحریر دیوان سید صالح کرمانشاهی، تصحیح شیرین و فریاد تألیف ملا ولدخان گوران، تصحیح بعضی از اشعار کنیزک و یـازده رزم که قسـمتی از شاهنـامه تـألیف سـرهنگ الماس‌خـان که نوله‌یی است، سلسـله‌ی گفتاری در مورد دسـتور زبان کردی تحت عنوان چگونه بخوانیم و چگونه بنویسیم، چند گفتار در مورد زندگی اجتماعات مختلف کرد، و ایراد و انتقاد به بعضی از رسوم و عقایـد خرافی کردی تحت عنوان: در اجتماع چگونه زنـدگی کنیم، تألیف و تصـحیح دیوان ملا حامد آلیجانی، تصـحیح منظومه‌ی جنگ سـرد و جـدال و مناظره‌ی بین آسـمان و زمین سـروده‌ی میرزا عبدالقادر پاوه‌ای، جمع‌آوری و تصـحیح آثار شـعری بعضـی از شـعرای کرد تحت عنوان از هر گلزار گلی، چند قطعه شـعر ملی و وطنی و عشـقی و چند حکایت کوچک و متفرق که به شیـوه‌ی طنز بـه کردی سـروده شـده است، سلسـله‌ی گفتـاری در فلسـفه‌ی آفرینش، تحـت عنـوان راه خداشناسـی، تـاریخچه‌ی حکومت‌های کرد، تصـحیح و چاپ و انتشار مناجات خانای قبادی به نام هفت‌بند، تمام این آثار و مطالب و نوشته‌های زیر عنوان و امضـای «م. ص. م.» که مختصـر محمدصـدیق مفتی‌زاده است. از کارهای دیگر او تصـحیح و شـرح دیوان ملا عبـدالرحیم معـدومی مولوی (چاپ نشده است) و دستور جامعی برای زبان کردی (چاپ نشده است) است.

محمدصدیق مفتی‌زاده به لهجه‌ی اورامی و سورانی شـعر می‌گفت، اما به سرودن شهر فارسی کمتر علاقه نشان می‌داد، با این حال به فارسی نیز اشعاری سروده بود.

ایشان سرانجام در ششم آذر ۱۳۶۳ به سبب ابتلا به سرطان ریه در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ مشاهیر کرد (۴۷۸ -۴۷۵/ ۲).

مفلق تهرانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، منشی و شاعر، متخلص به مفلق. ملقب به صدرالشعراء و فخر الادباء. اصلش از ری بود و در تهران به دنیا آمد. وی در زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) از منشیان دربار بود و در همین دوره به صدرالشعراء ملقب گشت. او در زمان محمد شاه از جانب وزیر او، حاج میرزا آقاسـی، لقب فخرالادبا (و به آورده‌ی «الذریعه» فخرالشـعراء) گرفت. مفلق در قصیده‌سرایی مهارت داشت و علاوه بر آن به اشعار هزل نیز می‌پرداخت. صـاحب «حدیقـهٔ الشـعراء»، به احتمالی وی را با ادیب تهرانی یکی دانسـته و در جایی

دیگر آورده که مفلق ظاهرا تا زمان حکومت ناصرالدین‌شاه زنده بوده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۰۱ -۱۶۹۵/ ۳)، الذریعه (۱۰۸۷/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۳۰۰ -۲۹۹/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۶۸)، لغت نامه (ذیل/ مفلق)، مجمع الفصحا (۱۰۰۶ -۹۸۹/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۸ -۱۶۷)، نگارستان دارا (۲۵۳ -۲۵۲).

مقدادی، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشسرای عالی تهران با احراز رتبه اول، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال ۱۳۴۵، ارائه دانشنامه تخصصی در سال ۱۳۴۶ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

استادیاری دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸، استاد مرکز دانشگاهی واشنگتن در سال ۱۳۵۸ به مدت یکسال، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات انگلیسی، شعر، نمایشنامه، نقد داستان و راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

در زمینه رمان، نقد ادبی و تاریخ ادبیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نقد داستان، شعر، نمایشنامه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مقدسیان، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۴.

درگذشت: ۱۳۶۵.

از آثار اوست: قوانین بین‌المللی بستکبال (ترجمه با همکاری فرخ نصرتی، تولد ۱۳۶۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مقدم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۵ -۱۲۸۷ ش)، زبان‌شناس، استاد دانشگاه، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. ولی تحصیلات را ناتمام گذاشت و به ایران بازگشت. مجددا در ۱۳۱۰ ش راهی آمریکا شد و در ۱۳۱۷ ش دکترای خود را در رشته‌ی زبان‌شناسی از دانشگاه پرینستون دریافت کرد. وی از ۱۳۱۸ ش در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در ۱۳۴۳ ش گروه زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا ۱۳۴۷ ش مدیریت آن را به عهده داشت. وی همزمان با تدریس در دانشگاه با همکاری چند تن از دانشمندان نشریه‌ی «ایران کوده» را منتشر کرد. از مهم‌ترین کوششهای او، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود که این تلاش را از جزوه‌ی کوچک «راهنمای فارسی باستان» آغاز و طی چند دهه ادامه داد. درباره‌ی گویش شناسی، که این واژه را نخستین بار دکتر مقدم و همکارانش به کار بردند، اولین بار بود که به زبان فارسی بررسیهایی بر پایه علمی صورت می‌گرفت و چند گویش ایرانی با هم سنجیده و نتیجه‌گیری علمی از آنها می‌شد. وی معتقد بود که ریشه‌ی نامش از زبانهای ایرانی است و باید به صورت مغدم نوشته شود. وی در زمینه‌ی تاریخ و دین و آیین مهر مطالعات و پژوهشهایی داشت. وی سرانجام بر اثر سانحه‌ی تصادف اتومبیل درگذشت. از دیگر آثارش: در زمینه‌ی زبان و زبان‌شناسی: «چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان»، با شرح لغات، «داستان جم»، متن اوستا با شرح لغات و ترجمه، «راهنمای ریشه‌ی فعلهای ایرانی»، «یک سند تاریخی از گویش آذری تبریز»، «گویشهای وفس و آشتیان و تفرش»؛ در زمینه‌ی خط: «الفبای روسی»؛ در زمینه‌ی دین: «سرود بنیاد دین زرتشت»، «جستار درباره‌ی مهر و ناهید»؛ در زمینه‌ی تاریخ: «چهارشنبه سوری»، «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی»، ترجمه، «تاریخ دریانوردی عرب در دریای هند»، ترجمه؛ در زمینه‌ی شعر و ادب: «بازگشت به الموت»، «بانگ خروس»، «راز نیمه شب».[۱]

مدرس، ایرانشناس.

تولد: ۱۲۷۸، تهران.

درگذشت: ۹ مهر ۱۳۵۷.

محمد مقدم پس از پایان رساندن دوره‌ی دبیرستانی برای تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفت. در سال ۱۳۱۷ از دانشگاه پرینستون در رشته‌ی زبان‌شناسی دکترای خویش را دریافت کرد. از سال ۱۳۱۸ در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در سال ۱۳۳۹ سفر دیگری به آمریکا کرد. دانشگاه یوتا وی را دعوت کرده بود تا کرسی تمدن ایران باستان را در عهده گیرد.

یادگار این سفر ترجمه‌ی کتاب پرفسور اومستد تحت عنوان تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (۱۳۴۰) است. در سال ۱۳۴۳ گروه زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا سال ۱۳۴۷ مدیریت آن را بر عهده داشت.

وی همزمان با تدریس در دانشکده‌ی ادبیات با همکاری ذبیح بهروز، دکتر صادق کیادست به انتشار نشریه‌ای به نام «ایران کوده» زد که مقاله‌های بسیاری در آن درج کرده است. علاوه بر این نشریه، مقاله‌هایی در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات» و مجله‌ی «اندیشه و هنر» از وی به چاپ رسیده است. وی همچنین مقاله‌هایی در باب شناسایی انواع خطوط و تاریخچه‌ی خط و خوشنویسی در مجله‌ی «فروهر» و «سالنامه‌ی کشور ایران» نوشته است.

از جمله فعالیت‌های دکتر محمد مقدم، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود. وی این کوشش را از جزوه «راهنمای فارسی باستان» آغاز کرد. از آثار اوست: بازگشت به الموت (تهران، ۱۳۱۴)؛ بانگ خروس (تهران، ۱۳۱۳)؛ برای آینده‌ی زبان فارسی (۱۳۵۵)؛ جستار درباره‌ی مهر و ناهید (۱۳۵۶)؛ چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان (تهران، ۱۳۶۳)؛ در یادنامه‌ی جمشید (م. اونوالا، بمبئی ۱۳۶۴)؛ دریانوردی عرب در دریای هند (جوزف حورانی، تهران، ۱۳۳۸)؛ راز نیمه شب (تهران، ۱۳۱۳)؛ راهنمای ریشه فعل‌های ایرانی (تهران، ۱۳۱۳)؛ رستم و سهراب از شاهنامه (تهران، ۱۳۱۳)؛ فهرست توصیفی مجموعه گرت (انگلیسی، پرینستون، ۱۹۳۹ م.)؛ و رساله‌ی «سرود بنیاد دین زردشت» و دو اثر انگلیسی Organic alphabet

(تهران، ۱۹۴۵ م.)؛ APersian – APrsina – Arabic Phonetic

h g (Equation)

دکتر محمد مقدم بر اثر سانحه‌ی تصادف جان خود را از دست داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۲، ۳۴۴۰، ۳۳۴۵، ۳۳۴۴، ۲۷۸۸، ۱۹۸۰، ۱۸۰۵، ۱۷۲۹، ۱۶۴۸، ۱۶۱۸/ ۲، ۱۴۰۶، ۱۱۱۹، ۷۱۷، ۴۵۰، ۴۳۷، ۴۱۷– ۴۱۵، ۷۶/ ۱)، کلک (س ۷، ش ۷۹ –۷۶، ص ۸۱۷ –۸۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۵ –۸۳۲/ ۵).

مقربی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی مقربی در سال ۱۲۹۳ در تهران به دنیا آمد. او دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به پایان برد و از سال ۱۳۲۳ تا بهمن ۱۳۳۸ در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت . همکاری با دکتر غلامحسین مصاحب برای تالیف وتدوین دائر المعارف فارسی (سه جلدی) از جمله فعالیت های دیگر دکتر مقربی به شمار می آید . وی در دانشکده افسری ، دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران کار تدریس را ادامه داد . تالیفاتی که از استاد مقربی به یادگار مانده است شامل کتب و مقالات چاپ شده درمطبوعات کشورمی باشد . دکتر مصطفی مقربی سرانجام در ۱۸ مهر سال ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی مقربی دوره دبستانی را در دبستان اتحادیه و دوره دبیرستانی را در دبیرستان دارالفنون در سال ۱۳۱۲ ش به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۵ ش از دانشسرای عالی، لیسانس زبان و ادب فارسی گرفت. و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴ ش دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را به پایان برد.

زمان و علت فوت : مصطفی مقربی در روز شنبه ۱۹ جمادی ثانی ۱۴۱۹ ق مطابق به ۱۸ مهر ۱۳۷۷ ش در سن۸۶ سالگی در گذشت و پیکرش صبح روز یکشنبه تشیع ودر بهشت زهرا–قطعه هنرمندان و فرهیختگان – به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی مقربی با سازمان کتاب های درسی و در موسسه فرانکلین با دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر زهرا کیا (خانلری) و دکتر فتح الله مجتبائی همکاری داشت. وی در تالیف و تدوین دایره المعارف فارسی با دکتر غلامحسین مصاحب همکاری داشت .

فعالیتهای آموزشی : مصطفی مقربی به مدت یکسال در دبیرستان شاهپور کرمانشاه به تدریس ادبیات پرداخت. مدتی هم دردبیرستان نظام شیراز به تدریس اشتغال داشت. از سال ۱۳۲۳ تا بهمن ۱۳۳۸ ش در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت. استادهمچنین در دانشکده افسری و دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نیزتدریس نموده و در سال ۱۳۴۸ ش رسما بازنشسته شد. البته کار تدریس وی در مراکز مزبور تا سال ۱۳۵۸ ش ادامه داشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از مصطفی مقربی مقالاتی زیادی در مطبوعات کشور به جای مانده که می توان به مقالاتی که در زمینه های : دستور زبان فارسی، زبانشناسی، حافظ پژوهی و نقد کتاب در ماهنامه های: سخن، راهنمای کتاب (که مدتی سر دبیر آن بود)، یغما، آینده وزبان شناسی، اشاره کرد. حدودیک هزار و پانصد مدخل در علوم ادبی، زبان فارسی، رجال وکتاب و ترجمه هایی از مقالات خارجی برای دایره المعارف مذکور تهیه کرد. --

----

آثار :

۱ ترجمه تاریخ جهان برای خردسالان

۲ ترجمه سقوط قسطنطنیه

۳ ترجمه سه مقاله درباره ویس و رامین

۴ ترکیب در زبان فارسی

۵ تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر : تصحیح این کتاب با همکاری استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی صورت گرفته است.

۶ عقاید تربیتی فردوسی به موجب شاهنامه

۷ فرهنگ اصطلاحات جغرافیا

ویژگی اثر : این کتاب با همکاری دکتر مصاحب ، استاد آرام ، وصفی اصفیا و دکتر گل گلاب در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسید.

۸ فرهنگی نامه فارسی

ویژگی اثر : تالیف جلدهیجدهم این کتاب مخصوص زبان و فرهنگ فارسی با همکاری احمد آرام ، رضا اقصی ، محمود بهزاد و نجف دریا بندری صورت گرفته است.

۹ مقایسه عقاید فلسفی رواقی با آراء فلسفه اپیکوری

۱۰ هژده گفتار

منابع زندگینامه :

آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ه پنجم ، شماره پیاپی ۵۳، آذر و دی ۱۳۷۷

مقیم اصفهانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌درویش محمد حامدی خزاعی اصفهانی غروی.

عالم فاضل، مؤلف کتاب «مشکوة البهیة فی الفرائد القرآنیة». نام او در اجازه‌ی کبیر سید عبدالله شوشتری برده شده، و او وی را ستوده است.

درویش محمد، عالم و فاضل و صالح، و از شاگردان شهید ثانی و محقق کرکی بوده، و در ۹۳۹ از استاد خود [محقق کرکی] اجازه گرفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ملا باشی سرابی تبریزی، محمدکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۱ ق)، مدرس، ادیب و نویسنده. از ادباء معروف آذربایجان و معلم محمد میرزای ولیعهد (محمد شاه قاجار) بوده و به نام وی کتابی در لغت پارسی با عنوان «برهان جامع اللسان»، در ۱۲۵۱ ق، تألیف کرده است که این کتاب به «فرهنگ محمد شاهی» نیز معروف می‌باشد. در ابتدای کتاب آمده است که شاهزاده بهمن میرزا در هنگام تألیف «تذکره‌ی شاهی» ملا باشی را به تألیف «فرهنگ محمد شاهی» رهنمون شده است. در «الذریعه» آمده که این کتاب به نام فتحعلی‌شاه قاجار نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۳۵۹ -۳۵۸)، الذریعه (۲۱۶/ ۶، ۹۵ -۹۴/ ۳)، شرح حال رجال (۵/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴۹۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴/ ۵).

ملا عصام، عبدالملک

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۷ -۹۷۸ ق)، ادیب و نحوی. در مکه به دنیا آمد. وی از علمای ادبیات عرب بود که در بلاغت، عروض، منطق و اصول مهارت داشت. او در مدینه درگذشت. گفته‌اند که وی دارای شصت اثر می‌باشد که اکثر آنها شرح و حواشی بر کتب علما است. از آثارش: «بلوغ الارب من کلام العرب»، در نحو؛ «الکافی الوافی»، در عروض و قافیه؛ رساله‌ی «تحریم الدخان»؛ شرح «قطر الندی»، در

نحو؛ شرح «الارشاد»، در نحو؛ شرح «تفسیر ایساغوجی»، در منطق؛ «شفاء الصدور»، در شرح «الشذور الذهب» ابن هشام، در نحو؛ شرح بر «منظومهٔ الشمنی»، در اصول حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲/ ۴)، ایضاح المکنون (۲۸۸، ۲۵۶/ ۲، ۱۵۳/ ۱)، کشف الظنون (۴۰۵ -۴۰۴)، هدیهٔ العارفین (۶۲۸/ ۱).

ملامحمدی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید ملا محمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید ملامحمدی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در خانواده ای روحانی در قم به دنیا آمدم پدرم آقای حجه الاسلام والمسلمین محمد مهدی اشتهاردی از نویسندگان بر جسته حوزه علمیه قم هستند و به همین خاطر با کتاب انس گرفتم در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم از سال۱۳۶۹ به طور جدی کار شعر و داستان را در مطبوعات کودک و نوجوان شروع کردم و عضو تحریریه مجله های سلام بچه ها و پوپک شدم از آن سال تا کنون حدود پنجاه جلد کتاب در زمینه های داستان- شعر - تحقیق از من منتشر شده است حدود بیست کتابم در جشنواره های کتاب سال کشوری برگزیده شده اند با مجلات دیگر کودک و نوجوان همچون باران، سروش، نوجوان، کیهان بچه ها، مجلات رشد، دوست و ... همکاری جدی دارم مسئول صفحه کودک و نوجوان ماهنامه (کتاب قم) هستم تا به حال چند دوره داور بعضی از جشنواره های کتاب سال کشوری بوده ام جشنواره هایی که کتابهایم را برگزیده اند عبارتند از کتاب سال ولایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سلام بچه ها، پوپک، بنیاد دفاع مقدس، مهدویت، حوزه علمیه قم و اشراق

ملک‌الشعراء کاشانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۲۸ ق)، شاعر، ادیب، خطاط و نقاش. اصلا کاشانی بود. پدر و جدش،فتحعلی خان صبا، هر دو از شعرای نامی بودند و در دربار فتحعلی‌شاه لقب ملک‌الشعرایی داشتند. محمود خان در تهران به دنیا آمد و علوم زمان خود را نزد عمویش، محمد قاسم

خان فروغ آموخت. وی از اواخر عهد محمدشاه قاجار به کارهای دیوانی پرداخت و سپس در دربار ناصرالدین شاه عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی بود و از نزدیکان و ستایشگران او شمرده می‌شد. محمود خان از فنون ادب و تاریخ و حکمت آگاهی داشت و در شعر تابع سخنوران قرن پنجم قمری بود و اغلب خطوط، بویژه نستعلیق و شکسته را استادانه می‌نوشت. او همچنین در تصویرسازی صاحب قلم و در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی، نقاشی پر ابتکار بود و در مجسمه‌سازی و منبت‌کاری بر روی چوب و عاج و نیز قلمدان‌سازی مهارت داشت و تذهیب و تشعیر و روغن‌کاری را خود انجام می‌داد. محمود خان در تهران وفات یافت و در زاویه‌ی حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. از آثار قلمی وی: «منشآت»؛ «دیوان» شعر، حاوی پنجاه و هشت قصیده و قطعه و چند شعر پراکنده و ناتمام و چهارده بند مرثیه به سبک «دوازده بند» محتشم کاشانی. به آورده‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، وی تاریخی نیز در تراجم ارباب القاب دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه نگاشته است. از آثار خطی وی: یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... بقلم شکسته رقم اقل چاکران... محمود کاشانی... سنه‌ی یکهزار و دویست و هشتاد و یک اتمام پذیرفت»؛ یک مرقع مشتمل بر بیست و دو رقعه، به اقلام مختلف، از جمله نستعلیق پنج دانگ و دو دانگ و کتابت و غبار خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمود کاشانی غفر له» و تاریخ‌های ۱۲۸۹، ۱۲۸۸ و ۱۲۹۰ ق؛ مرقعی مشتمل بر سی و دو رقعه به اقلام مختلف، از جمله شکسته تعلیق، کتابت خفی خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمد کاشانی غفر له فی سنهٔ ۱۲۸۹» و «العبد الاقل الاثم الجانی محمود الکاشانی سنهٔ ۱۲۸۸» و قطعات مختلف دیگر. از آثار نقاشی وی: آبرنگ زیبا و استادانه‌ی شمس العماره، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۵»؛ تصویر کاخ گلستان، در آبرنگ، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۷»؛ قلمدان برازنده و شیوایی، با تصاویر مختلف، با رقم: «بنده درگاه محمود ۱۳۰۰»؛ تابلوی رنگ روغنی صحن مطهر حضرت امام رضا (ع)، با رقم: «بنده درگاه محمود ۱۳۰۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۸/ ۴، ۸۸۸-۸۸۵/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۳-۱۱۲۳/ ۳)، از صبا تا نیما (۱۳۰-۱۲۷/ ۱)، تاریخ برگزیدگان (۴۹۲-۴۹۰)، هنرهای ملی (۹۶۱-۹۶۰/ ۲)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۰۷-۱۶۰۴/ ۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۷۰۲/ ۲)، الذریعه (۱۰۱۳/ ۹، ۳۱۲/ ۵)، شرح حال رجال (۲۸۳-۲۸۱/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۸۲-۳۸۰)، گلستان هنر (پنجاه و سه)، گنج سخن (۲۳۹-۲۳۴/ ۳)، المآثر و الآثار (۱۹۷-۱۹۶)، مجمع الفصحا (۹۱۹-۹۰۷/ ۵)، مکارم الآثار (۷۵۹-۷۵۸/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸-۲۶/ ۶)، هنر قلمدان (۱۳۳-۱۳۲).

ملیحی هروی، ابوعمر عبدالواحد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، محدث، مسند و ادیب. مسند هرات بود. اصلش از ملیح از قرای هرات است. از ابومحمد مخلدی و ابوحسین خفاف و عبدالرحمان بن ابوشریح و محمد بن محمد بن سمعان نیشابوری و ابوحامد احمد بن عبداللّه نعیمی و جماعتی دیگر حدیث شنید. او «صحیح» بخاری را زا ابوحامد نیمی روایت کرده‌اند. ابومحمد بغوی و خلف بن عطاء ماوردی و اسماعیل بن منصور مقری و محمد بن اسماعیل فضیلی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در «شذرات الذهب» نام او به اشتباه ملیجی، منتسب به ملیج مصر، ذکر شده است. از آثارش: «الرد علی ابی‌عبید فی غریب القرآن»؛ «الروضهٔ»، شامل هزار حدیث صحیح، هزار حدیث غریب، هزار حکایت و هزار بیت شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۳/ ۴)، انساب سمعانی (۳۸۳/ ۵)، تذکرة الحفاظ (۱۱۳۱/ ۳)، روضات الجنات (۱۶۲ -۱۶۱/ ۵)، ریحانه (۳۶۳ -۳۶۲/ ۶)، سیر النبلاء (۲۵۶ -۲۵۵/ ۱۸)، شذرات الذهب (۳۱۴/ ۳)، العبر (۳۱۵/ ۲)، کشف الظنون (۱۲۰۴، ۹۳۱)، معجم البلدان (۲۲۷/ ۵)، معجم المؤلفین (۲۰۵/ ۶)، هدیة العارفین (۶۳۴/ ۱).

منجم باشی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۵۰ ق)، ریاضیدان، منجم، استاد و ادیب. او منجم باشی مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه، بود. از محضر پدرش، ملا علی محمد، که جامع معقول و منقول و ریاضیدانی مشهور بود، استفاده نمود و تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد و سالها در آنجا به تدریس پرداخت. از آثارش: «نجوم القرآن فی اطراف الفرقان»، که ترجمه‌ای است به فارسی از «کشف الآیات» گوستاوفلوگل، مستشرق آلمانی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۱/ ۸)، تذکرة القبور (۴۱۶)، الذریعه (۸۲/ ۲۴)، شرح حال رجال (۱۵۲/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۹ -۸۰۸/ ۱۳).

منذری هروی، ابوالفضل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۹ ق)، لغوی، نحوی، ادیب و مصنف. اهل هرات بود. از ثعلب و مبرد ادبیات عرب را فراگرفت. شیخ ابومنصور محمد بن احمد ازهری از شاگردان و راویان وی است. به گفته‌ی ازهری او سالها ملازم ابوهیثم رازی بود و نوشته‌های خود را بر او عرضه می‌داشت. حموی گوید که وی نحوی و لغوی بود و در این فن تصنیفات داشت. از آثارش: کتاب «نظم الجمان»؛ کتاب «الملتقط»؛ «الفاخر» یا «مفاخر المقال فی المصادر و الافعال»؛ «الشامل».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۸/ ۶)، ریحانه (۱۴/ ۶)، کشف الظنون (۱۹۶۱، ۱۸۱۲، ۱۷۵۸، ۱۰۲۵)، معجم الادباء (۱۰۱ -۹۹/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۱۵۸ -۱۵۷/ ۹)، الوافی بالوفیات (۲۹۷/ ۲)، هدیة العارفین (۳۵/ ۲).

منزوی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد منزوی ، فهرست نگار و کتاب شناس معاصر است . او در سال ۱۳۰۲ ش در سامره ، و در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود . وی تا ده – دوازده سالگی در آنجا بود و سپس به ایران بازگشته و تحصیلات خود را ادامه داد . منزوی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه به عنوان دبیر دبیرستان مشغول به فعالیت شده است . وی پس از بازنشستگی نیز به کارهای تحقیقاتی خود پرداخته است . فعالیت های وی در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به مدت ۱۵–۱۶ سال طول کشید .او سپس در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » به فعالیت پرداخته است . منزوی از محققان پر تلاشی است که با قناعت و فروتنی ، به امید شناساندن آثار علمی و فرهنگی ایران به بررسی فهرست ها و نسخه های گوناگون پرداخته است . کتاب "فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی "تالیف وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : فهرست نگاری

والدین و انساب : نام پدر احمد منزوی ، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی ، نگارنده دایره المعارف بزرگ کتاب شناسی « الذریعه الی تصانیف الشیعه » و « طبقات اعلام الشیعه » است . مادرش ، مریم خانم ، دختر آقا سید احمد دماوندی (از روحانیون روزگار) بود که فرزندان ایشان با نام خانوادگی « آریان » در تهران و ایران پراکنده هستند . پدر احمد منزوی ، در کنار مشروطه خواهان بود ، لیکن پس از آن که متوجه شد مشروطیت در مسیر دلخواه قرار نگرفته است ، به کار نگارش ذریعه و طبقات پرداخت ، و شهر سامره را (که دور از هر غوغایی بود) برگزیده ، و به کار تحقیق پرداخت . احمد نقل می کند که برنامه کاری پدرش آن قدر دقیق بود ، که بیشتر آشنایان قلم زن ایشان ، خاطره ای از آن نوشته اند . او پی گیری کار پژوهش ، اختصاص دادن تمام اوقات خود به آن ، و حضور ذهن پدر نسبت به دانشمندان شیعه را شگفت آور می داند .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شرایط اجتماعی خانواده احمد منزوی چندان که باید مناسب نبود . احمد منزوی ، برادر دکتر علی نقی منزوی و دکتر محمد رضا منزوی است . بازداشت و سپس به شهادت رسیدن محمد رضا در سال ۱۳۳۲ ش باعث شد که علی نقی به کارهای سیاسی کشیده شود. این امر به نوبه خود باعث برهم خوردن اوضاع اجتماعی خانواده گردد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدمنزوی مقدمات علوم را نزد پدرش (مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی) فرا گرفت. او در دوازده سالگی به نجف اشرف سفر کرد.و کلاس ششم ابتدایی را در مدرسه علوی ایرانیان در شهر نجف گذرانید. وی در بیست سالگی ، یعنی در سال ۱۳۲۲ ش ، همراه پدر به ایران بازگشت و پس از اخذ دیپلم از مدرسه دارالفنون به دانشکده معقول و منقول راه یافت .منزوی در مورد تحصیلات دانشگاهی خود نقل می کند که « پدر دست مرا در دست شادروان استاد سید محمد مشکات نهاد و با معرفی و یاری ایشان به تحصیل در رشته معقول در دانشکده معقول و منقول پرداختم. » او در سال ۱۳۲۷ ش در رشته الهیات از آن دانشکده با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد منزوی پس از کوچ خانواده از سامره به نجف در سال ۱۳۱۴ ش ، در کنار تحصیلات خود ، در کارگاه دوزندگی مشغول به کار شد. او پنج سال از عمرش را در مغازه میرزا محمد شیرازی به کارگری پرداخت و دوزنده شد. علاوه بر آن ، کلاس ششم ابتدایی را نیز در دبستان علوی ایرانیان نجف به پایان رسانید.

استادان و مربیان : احمد منزوی در طول تحصیل خود در تهران از محضر استادانی همچون استاد محمد تقی دانش پژوه ، استاد سید محمد باقر سبزواری ، استاد احمد بهمنیار ، استاد ایرج افشار ، استاد سید محمد مشکات ، استاد فاضل تونی ، استاد بدیع الزمان فروزانفر ، دکتر غلامحسین یوسفی ، استاد محمد تقی مدرس رضوی ، دکتر علی اکبرفیاض ، استاد راشد ، دکتر علی نقی منزوی (

برادرش) و دیگران بهره برده است. همچنین دکتر محمد محمدی نیز از دیگر اساتید وی بود. او ادبیات فارسی را نزد عمویش ، حاج محمد ابراهیم بهشتی پور ، و جامع المقدمات را نزد شاگردان پدر آموخت . لیکن نخستین استاد وی در زمینه کتاب شناسی ، پدرش بود.

هم دوره ای ها و همکاران : استاد دکتر محمد تقی دانش پژوه ، استاد دکتر مهدی محقق ، استاد سید کاظم موسوی بجنوردی ، استاد ایرج افشار و دکتر محمد رضا نصیری از دوستان احمد منزوی می باشند. همچنین استاد دکتر فتح الله مجتبایی و عنایت الله مجیدی ، نیز از دوستان دیگر منزوی هستند. منزوی به هنگام فعالیت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با حسین بنی آدم ، عباس مافی و خانم هارتوریان همکار بوده است.

همسر و فرزندان : احمد منزوی در سال ۱۳۲۷ ش که در بندرانزلی به تدریس مشغول شده بود ، با یکی از همکارانش به نام خدیجه جاویدی ازدواج کرد. حاصل این وصلت دو دختر است که هر دو مهندس بوده ، و نسرین (زویا) و شورا نام دارند.

وقایع میانسالی : احمد منزوی برای فراهم کردن « فهرست مشترک از همه نسخه های فارسی » لازم دید که به شبه قاره هند سفر کند . بدان علت در پاییز ۱۳۵۶ به پاکستان ، افغانستان و هند مسافرت کرد . او سفر خود را با هزینه شخصی و از راه زمین (از زاهدان به کویته) آغاز کرد ، و از آن جا نیز به دیگر شهرهای پاکستان رفت . شایان ذکر است که وی پیش از اقامت در پاکستان سفری ۴۵ روزه در افغانستان داشته است . در واقع ، در این سال بود که او در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به کارهای تحقیقاتی پرداخته است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد منزوی در سال ۱۳۴۵ ش با معرفی جلال آل احمد جذب « موسسه علوم اجتماعی » شد که ریاست آن را دکتر احسان نراقی بر عهده داشت. او در سال های ۱۳۳۵ با ایرج افشار به فهرست نویسی از نسخه های چاپ سنگی پرداخت ، و در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۹ ش با معرفی دکتر سید علی اکبر جعفری در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » مشغول فعالیت شد. وی در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ ش مشاور علمی در نگارش « دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره » بود. از دی ماه ۱۳۶۹ تا به حال هم در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » به عنوان کارشناس ارشد بخش فهرست نویسی مشغول فعالیت می باشد. منزوی در پاییز ۱۳۵۶ ش به شبه قاره هند سفر کرد. او طی آن سفر در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به کار گمارده شد، و تحقیق در مورد نسخه های خطی فارسی را آغاز کرد. وی تا پایان سال ۱۳۶۹ آنجا بود و سپس به علت بیماری های پیاپی به تهران بازگشت. او در تهران در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » مشغول فعالیت شد. در زیر به برخی از فعالیت‌های استاد منزوی اشاره می‌شود: ـ فهرست‌نویسی در کتابخانه‌های مجلس و آستان قدس رضوی؛ ـ فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپ سنگی برای مرکز استاد دانشگاه تهران؛ ـ تدوین فهرست نسخ خطی و عکسی در دایرۀالمعارف بزرگ اسلامی.

فعالیتهای آموزشی : احمد منزوی در سال ۱۳۲۷ ش به استخدام آموزش و پرورش بندرانزلی درآمد. وی در سال ۱۳۲۹ ش به تهران منتقل شده و به تدریس پرداخت. تا اینکه در سال ۱۳۵۶ ش بازنشسته شد. منزوی در بندر انزلی به عنوان دبیر دبیرستان پسرانه فردوسی و دبیرستان دخترانه شاهدخت به تدریس ادبیات فارسی و زبان عربی و دینی پرداخت. وی سپس از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۶ ش با همان سمت دبیری در دبیرستان پانزده بهمن (بخش چهار فرهنگ تهران) مشغول شده است. منزوی از سال ۱۳۵۶ ش به مدت ۱۶–۱۵ سال در خدمت « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » بود. او از سال ۱۳۶۹ ش تا به حال به مدت ۱۲ سال در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » مشغول به فعالیت می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد منزوی هرروز یک ساعت پیش از غروب آفتاب ، تا نیم ساعت پس از آن ، به راه پیمایی یا پیاده روی می پردازد. او که از مرداد ۱۳۶۹ ش به مدت ۱۲ سال در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی مشغول به کار است ، حتی یک روز هم از مرخصی کارمندی خود استفاده نکرده است. وی درباره برنامه روز جمعه خود چنین اظهار می دارد که « همه

جمعه ها به خانه برادرم رفته و ساعت ۲ بعداظهر به خانه برمی گردم .» منزوی راز بقا و طول عمر خویش را چنین بیان می کند: « ... این راز درازی عمرم بود : برنامه یکسان و دقیق ، برای انجام کار .»

شاگردان : احمد منزوی نقل می کند که « بد روزگاری است ، احساس می کنم زمان مناسب پرورش شاگردان نیست. انگیزه برای جوانان نمانده است ، نه انگیزه مادی و نه انگیزه روحی . » لیکن او سپاسگزار است که در میانه دهه پنجاه و شصت به موفقیت هایی دست یافته و موفق شده است که چند تن را به ایران شناسی و بخش فهرست نویسی علاقمند نماید. همانند دکتر سید عارف نوشاهی ، که یکی از شخصیت های شناخته شده پاکستان در فهرست نگاری و کتاب شناسی است. دیگر ، سید خضر عباس نوشاهی است که چندین مجلد « فهرست » از نسخه های خطی به زبان فارسی و زبان اردو در پاکستان منتشر کرده است. سومین شاگرد او ، خانم دکتر انجم حمید است که « راهنمای فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی » را در یک مجلد نگاشته است.

آرا و گرایشهای خاص : احمد منزوی درباره استفاده از کامپیوتر در کارهای تحقیقاتی معتقد است که کشور ایران تا ۱۰-۱۵ سال دیگر به منابع کتابی (کاغذی) نیاز دارد. او عقیده دارد که پرش از فرهنگ و پژوهش کتابی ، یعنی منابع و ماخذ کتابی ، به مرتبه بهره مندی از رسانه ها و اطلاعات جهانی به گونه شتابزده ، راه درستی نیست.

جوائز و نشانها : احمد منزوی در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۸ سفرهای مطالعاتی و تحقیقاتی به کشورهای هند و پاکستان داشته است و از سوی بنیادها و مراکز مختلفی مانند انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سرای اهل قلم و مجلس شورای اسلامی مورد قدردانی قرار گرفته است. همچنین در سال ۸۳ از طرف سازمان صدا و سیما به عنوان چهره ماندگار معرفی شد. از دیگر افتخاراتی که استاد منزوی کسب کرده است، انتخاب کتاب "فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی "تالیف وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال است. -------------------------

----

آثار :

۱ تحریر و ویرایش ترجمهٔ فارسی کتاب یو.ا.برگل

ویژگی اثر : (ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری)

۲ سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی پاکستان

۳ فهرست نسخه‌های خطی فارسی

ویژگی اثر : ۶ جلد

۴ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای ملی

ویژگی اثر : (زیر نظر ایرج افشار و محمّد تقی دانش‌پژوه)

۵ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک

ویژگی اثر : ۹ جلد

۶ فهرست نسخه‌های خطی گنج بخش پاکستان

ویژگی اثر : ۴ جلد

۷ فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب : «فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی» فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی/ به کوشش احمد منزوی.ـ تهران: مرکز دایرۀالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۲ ج]۸ ج تاکنون[، ج ۶، ۱۳۸۱. فهرستواره، در

واقع، یک سرشماری است از کتاب‌های فارسی، یا به تعبیری «فهرستِ فهرست‌ها» که گام نخست برای تدوین کتابنامهٔ کتاب‌های فارسی است. این سرشماری از هر آنچه بتوان بر آن یک اثر مکتوب نام نهاد صورت گرفته است: کتاب‌های مشخص و معنون، رساله‌های کوتاه، دیوان‌های مشخص و معنون، اجزای دیوان‌ها از درون مجموعه‌ها و جُنگ‌ها، مانند «ترجیع‌بند» و «رباعی» و چند «غزل» و یا «رباعی» و گنجاندن این اجزای پراکنده از یک دیوان و یا سروده‌های باقی‌مانده از یک سراینده را به زیر یک عنوان تا آسان‌تر در دسترس مراجعه‌کنندگان قرار گیرد. برای این سرشماری، شماری از منابع کتابشناسی و فهرست‌ها تورّق شده و آگاهی‌های لازم برای آن سرشماری از سطر به سطر بیرون کشیده شده و می‌شود. این آگاهی‌ها بر برگه‌هایی مناسب با ذکر منبع نوشته شده و می‌شود و برگه¬ها بر حسب الفبا در نام کتاب¬ها و قفسه‌ها جای گرفته و می‌گیرد. فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی حاصل ادغام این برگه‌هاست. گسترهٔ فهرستواره از آغاز پیدایش زبان فارسی دری تا پایان چاپ سنگی است؛ دوره‌ای که زبان فارسی جزو زبان‌هایی بوده که در بنای فرهنگ و تمدّن امروز جهان بنیادی‌ترین سنگ‌ها را بر جای گذاشته است. کتاب‌ها و نگاشته‌های این دوره است که از اصالت ایرانی بهره داشته است و بررسی دوره‌های پسین به دیگران واگذار شده است

۸ ویرایش الذّریعه الی تصانیف الشیعه

ویژگی اثر : تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی

منابع زندگینامه : www.ketabesal.ir۲ ۱زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد احمد منزوی . تهران : انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ۱۳۸۱ ، صص۷-۲۶۳کتاب هفته ، شنبه ۳۰ آذر ، ۱۳۸۱ ، ص ۴

منشی باشی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌علی محمد، فرزند میرزا هادی نائینی، فاضل ادیب، منشی امین‌السلطان میرزا علی اصغر خان بوده، و معروف به مستشار خاقان است.

در رمضان ۱۳۶۰ به سن ۷۵ سالگی در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

منشی، ابوالمعالی نصرالله

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۵۸۳ -۵۵۵ ق)، ادیب و شاعر. ملقب به حمیدالدین. اهل شیراز یا از مردم غزنین بود که در زمان یمین‌الدوله بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب داشت. در زمان خسروشاه (۵۵۹ -۵۵۲ ق) به سمت دبیری رسید و در دربار همین سلسله تا وزارت پیش رفت. از جمله استادان وی می‌توان به قاضی محمد بن عبدالحمید اسحاق، برهان‌الدین عبدالرشید نصر، صاعد میمنی، ابوالحامد غزنوی، عبدالرحمان بستی و محمد سیفی اشاره کرد. ابوالمعالی علاوه بر مهارتی که در نثر و ترسل داشت، در نظم فارسی نیز سرآمد بود. وی به زبان عربی نیز اشعاری سروده است. از شعرای بزرگی که ابوالمعالی را در اشعار خود ستوده و مدح

نموده‌اند، می‌توان به سید حسن غزنوی که از بزرگان شعرا و ادبای روزگار بهرامشاه غزنوی است، اشاره کرد. به آورده‌ی عوفی در «لباب‌الالباب» او در اثر سعایت بدخواهان در زمان خسروملک (۵۸۳ -۵۵۹ ق) به زندان افتاد و سرانجام در آنجا به قتل رسید. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلافاتی وجود دارد. از آثارش: «کلیله و دمنه بهرامشاهی» که ترجمه «کلیله و دمنه» عربی ابن‌مقفع است و به امر بهرامشاه غزنوی (۵۵۲ -۵۱۱ ق) در حدود (۵۳۹ -۵۳۶ ق) به فارسی برگردانده شده است؛ «دیوان» شعر.[۱]

نصراللّٰه بن محمد بن عبدالحمید مکنی به ابی‌المعالی. وی در زمان بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب تام داشت و به خاطر این اختصاص ابوالمعالی پس از اتمام ترجمه‌ی کلیله کتاب را به نام بهرامشاه مزین کرد و آن را کلیله و دمنه‌ی بهرامشاهی نامید. مرگ ابوالمعالی بین سالهای ۵۵۵ تا ۵۸۳ ه.ق اتفاق افتاده و تاریخ ترجمه‌ی کتاب کلیله و دمنه نیز باید در حدود سالهای ۵۳۶ تا ۵۳۹ ه.ق باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۵۲ -۹۴۸/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸ -۱۱۷، ۷۸)، تذکرةالشعراء (۸۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۶۶۷ -۶۶۶/ ۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۱ / ۲)، الذریعه (۱۳۵ / ۱۸ ،۱۱۹۴ / ۹)، ریحانه (۲۷۱ -۲۷۰ / ۷)، سبک‌شناسی (۲۹۶ -۲۴۸ / ۲)، صبح گلشن (۵۲۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۳ -۴۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۳۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۹)، کشف‌الظنون (۱۵۰۹ -۱۵۰۸)، کلیه و دمنه (مقدمه)، لباب‌الالباب (۹۳ -۹۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ نصراللّٰه)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۷/ ۳)، مرآت‌الفصاحه (۶۵۷ -۶۵۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۵ -۵۹۳/ ۶)، هفت اقلیم (۱۸۸ -۱۸۷/ ۱).

منشی‌زاده، داوود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۹۳ ش)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۱۰ ش با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در ۱۳۱۶ ش از دانشگاه دیژن موفق به اخذ لیسانس ادبیات گردید. بعد به آلمان رفت و در ۱۳۲۲ ش دکترای فلسفه و ادبیات خود را از دانشگاه برلن دریافت کرد. پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم و افتتاح دانشگاه مونیخ، در ۱۳۲۶ ش، یک قسمت از تدریس ایرانشناسی در آن دانشگاه به وی واگذار شد و در ۱۳۲۸ ش برای تدریس زبان فارسی به دانشگاه اسکندریه‌ی مصر رفت و در ۱۳۳۰ ش به ایران بازگشت. پس از مراجعت به ایران جمعیت سیاسی سومکا (مختصر شده‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) را تشکیل داد. از آثار وی: «دربدر در پی بهشت»؛ «پیکار با اهریمن»؛ «کمونیسم و لیبرالیسم»؛ «خط سومکا»؛ «پسر گمشده»، ترجمه؛ «داریوش یکم»، پادشاه پارسها، ترجمه؛ «دوراندیشی در تکنیک»، ترجمه؛ «طغیان توده‌ها»، ترجمه؛ «آسیا در کشمکش با اروپا»، هون‌ها با ساسانیان، ترجمه.[۱]

محقق.

تولد: ۶ شهریور ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت: ۲۹ تیر ۱۳۶۸، اوپسالا.

داود منشی‌زاده، فرزند ابراهیم (میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده از فعالان انقلاب مشروطیت بود و چون یکی از مؤسسان کمیته مجازات بود، تیرباران شد)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۱۰ با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در سال ۱۳۱۶ از دانشگاه دیژن (فرانسه) به اخذ درجه‌ی لیسانس ادبیات (فلسفه) نایل شد و در اواخر همان سال به آلمان رفت و

در سال ۱۳۲۲ دکترای فلسفه و ادبیات خود را از دانشگاه برلین گرفت و در آلمان متأهل شد. در موقع سقوط برلین هفت روز به خاتمه‌ی جنگ مانده مجروح شد و دو سال تمام در بیمارستان‌های پستدام و برلین و مونیخ به سر برد. در سال ۱۳۲۶ که دانشگاه مونیخ پس از جنگ افتتاح می‌شد، یک قسمت از تدریس ایران‌شناسی به وی واگذار شد. در سال ۱۳۲۸ برای یک سال و چند ماه برای تدریس زبان فارسی با رتبه‌ی استاد میهمان به دانشگاه اسکندریه مصر رفت و در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت نمود و بلافاصله جمعیت سیاسی «سومکا» را تشکیل داد که مختصر شده‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بود. سپس از ایران خارج شد و در دانشگاه اوپسالا به مقام استادی دانشگاه رسید و تدریس فرهنگ ایران زمین باستان را بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

از آثار اوست: آسیا در کشمکش با اروپا (هون‌ها، ساسانیان) (از فرانتس آلتهایم، ۱۳۴۳)؛ انتلکتول و دیگری (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۲۲)؛ پسر گمشده (آندره ژید، ۱۳۳۶)؛ پیکار با اهریمن (۱۳۳۰)؛ جهانداری پارسها (نوشته ه. ه. شدر، ۱۳۳۵)؛ خط سومکا (۱۳۳۳)؛ داریوش یکم پادشاه پارسها (پترویولیوس یونگه، ۱۳۳۴)؛ دربدر در پی بهشت (۱۳۳۲)؛ دوراندیشی در تکنیک (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۳۲)؛ طغیان توده‌ها (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۳۴)؛ کمونیسم و لیبرالیسم (۱۳۳۶)؛ گیل گمش کهنه‌ترین حماسه‌ی بشری (گئورک بورکهارت، ۱۳۳۴)؛ مایا دختر گریز آن‌کندو (والدمایر نسلس، ترجمه با امضای د. م.، ۱۳۳۲)؛ وهرود و ارنگ (پژوهشی از ژوزف مارکوات، ۱۳۶۸). از دکتر منشی‌زاده، مقاله‌های ادبی در مجله‌ی «یادگار» و مجله‌ی «دانش» به طبع رسیده است. وی همچنین آثاری به زبان آلمانی دارد.

فرزند میرزا ابراهیم خان منشی‌زاده، در ۱۲۹۳ در تهران متولد شد. وقتی پنج ساله بود پدرش که از اعضای برجسته و مغز متفکر کمیته مجازات بود، به قتل رسید. داود در سن هفده سالگی دیپلم متوسطه دریافت نمود و در مسابقه اعزام محصل به خارج شرکت نمود و از طرف دولت برای انجام تحصیلات عالیه به فرانسه اعزام شد. وی در پاریس درجه‌ی لیسانس در ادبیات فرانسه گرفت و بعد به آلمان عزیمت نمود و سرانجام در ۱۳۲۲ از دانشگاه برلن به دریافت درجه‌ی دکترای ادبیات و فلسفه نائل شد و از سال ۱۳۲۶ به تدریس ایرانشناسی در دانشگاه مونیخ پرداخت و چندی هم استاد مدعو در دانشگاه اسکندریه مصر بود.

منشی‌زاده پس از بیست سال توقف در اروپا که قسمت اعظم آن در آلمان سپری شده بود با افکار فاشیستی به ایران بازگشت و لدی‌الورود به تشکیل حزب سومکا (حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) پرداخت و عده‌ی زیادی از جوانان در این حزب عضویت یافتند و با لباس و آرم مخصوصی در تظاهرات مردمی شرکت می‌کردند. بعضی وقتها تندرویهای زیادی از آنها بروز می‌نمود که طبعا پلیس از آن جلوگیری و احیانا به زدوخورد منجر می‌شد. رهبر حزب هم روی همین اصل، چند بار از طرف حکومت نظامی بازداشت شد. در سال ۱۳۳۱ از شکم حزب سومکا، حزب دیگری به رهبری هادی سپهر بنام آریا با همان برنامه طرفداری از آلمان متولد شد. حزب سومکا روزنامه‌ای به همین نام منتشر می‌کرد. از جوانان تند و تیزی که در آن ایام در آن حزب فعالیت می‌کردند، یکی دکتر داریوش همایون و دیگری دکتر امیر شاپور زندنیا بودند. منشی‌زاده بعد از کودتای ۱۳۳۲ ایران را ترک کرد و در دانشگاه اوپسالا به استادی رسید و فرهنگ ایران زمین را تدریس می‌کرد. در ۱۳۶۸ در ۷۵ سالگی درگذشت. از وی آثار زیادی به زبان آلمانی و فرانسه و فارسی باقی مانده است که از بیست جلد متجاوز است. در سال ۱۳۴۲ که تیمور بختیار علیه شاه مشغول فعالیت شد، دکتر منشی‌زاده همکاری بختیار را پذیرفت و در زمره مخالفان شاه شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۹۲، ۲۶۸۰، ۲۲۶۵/ ۲، ۱۴۶۴، ۱۳۷۳، ۱۳۲۴، ۱۲۷۳، ۱۰۸۶، ۶۴۷، ۶۱۰، ۳۵۰-۳۴۹، ۳۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱ -۵۸/ ۳).

منصوری رشتی، ذبیح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ –۱۲۸۸ ش)، نویسنده و مترجم. در رشت به دنیا آمد. نام اصلیش ذبیح‌اللّٰه حکیم الهی رشتی است. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی به همراه پدر، برای ادامه‌ی تحصیل، به فرانسه رفت و زبان فرانسه را به طور کامل آموخت. پس از بازگشت به ایران، به کار تألیف و ترجمه پرداخت و آثار فراوانی از زبانهای انگلیسی و فرانسه و عربی ترجمه کرد. دامنه‌ی فعالیت وی در زمینه‌های رمان پلیسی، رمان تاریخی، زندگینامه و آثار تاریخی می‌باشد. منصوری نخستین کسی بود که آثار موریس مترلینگ، نویسنده و متفکر بلژیکی، را به فارسی ترجمه کرد. از دیگر ترجمه‌های وی: «محمد (ص) پیغمبری که باید از نو شناخت»؛ «مغز متفکر جهان شیعه»؛ «امام حسین (ع) و ایران»؛ «آوارگی من»؛ «اسرار هفت گانه»؛ «افکار کوچک و دنیای بزرگ»، جلد چهارم «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «یکسالی در میان ایرانیان»؛ «ناپلئون و حمله به انگلستان»؛ «خداوند بزرگ و من»، جلد دوم «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «دنیای دیگر» یا «صحنه‌ی ستارگان»؛ «زنبور عسل»؛ «سقوط پاریس»؛ «سقوط فرانسه»؛ «سه سال در ایران» یا «سیاحت نامه‌ی کنت دوگوبینو»؛ «عجایب آمریکا»؛ «قلب پاک»؛ «قهرمان تمدن»؛ «کاشف مانیتیسم»، (مسمر).[۱]

دانشمند، محقق و مترجم چیره دست و پرکار اهل خراسان، متولد ۱۲۷۵ در مشهد است. پدرش تجارت پیشه بود و تجارتخانه‌ای در مشهد و قفقازیه داشت، از این لحاظ فرزند خود را در کودکی به قفقازیه برد و تحت تعلیم معارف جدید قرار داد. گذشته از معلومات زمان، به زبان‌های فرانسه و روسی مسلط شد و در جوانی به مشهد بازگشت. چون طبعی علم‌آموز و دانش پژوه داشت تحصیلات خود را در رشته‌های مختلف مانند ادبیات فارسی، ادبیات عربی، فلسفه و حکمت، علم کلام و منطق ادامه داد و از محضر دانشمندان آنروز مشهد که شهره آفاق بودند بهره‌ها گرفت و زبان انگلیسی را نیز به خوبی تحصیل کرد. مقارن با تغییر سلطنت قارجاریه به تهران آمد و کار مطبوعاتی را آغاز کرد و غالبا مقالات و تفسیرهای مطبوعات خارجی را ترجمه می‌کرد و در خیلی از جراید آنروز مانند شفق سرخ، اقدام، کوشش، و نوبهار ترجمه‌های محکم و پرمغز او به چشم می‌خورد. وی به طور کلی از استخدام در دستگاه‌های دولتی صرفنظر نمود و همچنین تا سنین کهولت به کار ترجمه و تألیف پرداخت.

از ۱۳۲۰ به بعد ترجمه‌های او که به صورت مسلسل در روزنامه‌ها چاپ شده بود شکل گرفت و به صورت کتابی منتشر شد. برای اولین بار آثار موریس مترلینگ را ادیبانه ترجمه کرد و بنگاه مطبوعاتی علمی آنرا انتشار داد. به قدری از این ترجمه‌ها استقبال شد که حدی نداشت. مترجم معتقد بود که منبع ثروت برادران علمی از همین ترجمه‌ها تأمین گردید. از ۱۳۳۰ به بعد بطور ثابت در چند مجله از جمله خواندنیها استخدام شد و ماهیانه مبلغی دریافت می‌کرد ولی بایستی چندین صفحه ترجمه حداقل در دو مطلب تهیه تا در مجله چاپ شود در حقیقت با این ترتیب چند مجله و نشریه او را استثمار کردند. ولی او نیز برای تأمین زندگانی خود با نام‌های مستعار و یا بدون نام مطالبی ترجمه و به سایر مطبوعات می‌داد.

مطالعات مداوم و حرص و ولع در دانش‌اندوزی روزبروز اطلاعات او را در رشته‌های مختلف وسیع‌تر کرد و واقعا دانشمندی کم‌نظیر شد و در هر علمی سررشته پیدا نمود، مخصوصا در مسائل مذهبی، تاریخی و فلسفی در مرحله عالی قرار گرفت. روش او در ترجمه بدین صورت بود که ابتدا کتاب مورد نظر را دقیقا مطالعه می‌کرد سپس به ترجمه می‌پرداخت ولی عین متن را ترجمه نمی‌کرد و اطلاعات و تحقیقات شخصی را ضمیمه می‌نمود. غالبا یک کتاب صد صفحه فرانسه وقتی به وسیله او ترجمه می‌شد حتما از پانصد صفحه تجاوز می‌نمود و گذشته از آن زیرنویس مترجم هم خود قابل ملاحظه و توجه بود. او در ترجمه‌های خود همیشه با اطلاعاتی که از طریق کتب دیگر کسب کرده بود به نوشته صاحب ترجمه رونق داده و شیرینی خاصی به نوشته‌اش می‌داد.

او در نیم قرن دوم عمر خود مردی پرکار بود. حداقل در سال ۶ تا ۱۰ جلد کتاب ترجمه و تألیف می‌نمود و بعضی از ترجمه‌ها جنبه فلسفی و تاریخی داشت و مترجم با زیرنویس اشتباهات او را برطرف می‌نمود. منصوری آنچنان بی‌سروصدا و بدون تظاهر زندگی می‌کرد که اغلب تصور می‌کردند نامش مستعار است. با حداقل زندگی سازش داشت و با احدی رفت و آمد نداشت. اساسا کمتر کسی بود از حال و زندگی او باخبر باشد. صبر و حوصله زیادی داشت ولی در موقع عصبانیت که بندرت اتفاق می‌افتاد گوئی کوه آتشفشان است. انتقادات به جا را با جان و دل می‌پذیرفت و در شماره بعد مجله یا تجدید چاپ کتاب مؤدبانه اصلاح می‌کرد ولی از انتقادات بی‌جا و غیرمنطقی سخت به تلاش و استدلال متوسل می‌شد. به خاطر دارم زمانی استاد مجتبی مینوی به یکی از ترجمه‌های او خرده گرفت و او را جاعل قلمداد کرد. منصوری در مقام دفاع برآمد و چنان بحث علمی و ادبی بین آن دو کوبنده بود که دیگران میانجی‌گری کردند و حق را به منصوری دادند.

ذبیح‌الله منصوری به طور متوسط ۶۰ سال در مطبوعات ایران مقاله نوشته و ترجمه کرده است و با برخورداری از حافظه قوی خود تاریخ ۶۰ ساله‌ی مطبوعات ایران بود. داستان‌هائی از دوران ریاست شهربانی مختار و اداره راهنمای نامه‌نگاری که مدتی آقایان علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی آن را اداره می‌کردند در خاطر داشت.

وقتی سندیکای نویسندگان و مترجمین تشکیل شد به اتفاق آراء او را به ریاست انجمن برگماردند و به مناسبت هفتاد و پنجمین سال تولدش مجلس جشن و سرور شایسته‌ای که در خور مقام علمیش بود برپا ساختند. منصوری در آستانه هشتاد سالگی خود معتقد بود که مجموعا متجاوز از یک هزار و پانصد جلد کتاب ترجمه کرده است. ولی آنچه مسلم است این رقم اغراق به نظر می‌رسد و شاید تعداد ترجمه‌های او از چهارصد کتاب تجاوز کند ولی اگر مقالات و مطالب کوتاه را به آن اضافه کنیم خیلی بیشتر خواهد شد. بیشتر آثار او ترجمه از زبان‌های فرانسه و انگلیسی است و از زبان عربی و روسی ترجمه‌ای از او دیده نشده است. وی علاوه بر ترجمه‌هائی که به نام وی به صورت کتاب انتشار یافته است تعدادی ترجمه هم دارد که به نام اشخاص دیگر ثبت گردیده است که مهمترین آنها کتاب روح‌القوانین منتسکیو است که علی اکبر مهتدی نام خود را زینت‌بخش این ترجمه نموده و چندین بار تجدید چاپ شد. منصوری برای نگارنده حکایت کرد که از لحاظ مالی سخت در مضیقه بودم. شخصی به من مراجعه و ترجمه منتسکیو را از من درخواست نمود. چهارده هزار تومان حق‌الترجمه مطالبه کردم، فورا قسط اول را پرداخت و من دست به کار ترجمه زدم و هشت ماه طول کشید. نظیر اینگونه ترجمه‌ها زیاد است اگر دیگران ندانند تنی چند از خواص از آن اطلاع دارند.

منصوری در حقیقت علم و دانش خود را برای ارتزاق در اختیار چند مدیر روزنامه و مجله قرار داد. شخصا ترجمه‌ای انتشار نداده است که از فروش مجلات سهمی به او بدهند. بعضی از آثار او تا بیست بار تجدید چاپ شده و طبعا درآینده نیز خواهد شد. از مهمترین آثار انتشار یافته او می‌توان ترجمه‌های زیر را نام برد: محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، عایشه بعد از پیغمبر، مغز متفکر جهان شیعه، خواجه تاجدار، امام حسین و ایران، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و یونان، سه سال در ایران، کنت دوگوبینو، ملاصدرا، امام محمد عزالی، خداوندالموت، منم تیمور جهانگشا. وی در ۱۳۶۷ درگذشت.

مترجم، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۸۸، رشت.

درگذشت: ۱۸ خرداد ۱۳۶۵.

ذبیح‌الله حکیم الهی رشتی مشهور به ذبیح‌الله منصوری، فرزند انتخاب‌الدوله از رجال رشت، بود. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی به همراه پدرش برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد و زبان فرانسوی را در آنجا فراگرفت و پس از مراجعت به ایران به کار ترجمه پرداخت.

منصوری نویسنده و مترجمی فعال بود و بیش از صد و پنجاه کتاب و قریب به هزار مقاله- که اغلب آنها در مجله «خواندنیها» منتشر

می‌شد- از خود به یادگار گذاشت. او در مدت شصت سال فعالیت قلمی خود آثار فراوانی از زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی ترجمه کرد. بعضی از آثار او نه ترجمه مستقیم بلکه اقتباس و تحریر تازه و مفصل‌تری از متن اصلی بود. وی در دوران روزنامه‌نویسی خویش با مجلاتی نظیر «کوشش»، «ایران ما»، «داد»، «ترقی»، «تهران مصور»، «روشنفکر»، «سپید و سیاه» همکاری داشت.

دامنه‌ی فعالیت منصوری گسترده بود و شامل زمینه‌های گوناگونی از جمله رمان پلیسی (بیشتر آثار آگاتا کریستی)، رمان تاریخی (بیشتر از آثار الکساندر دوما و موریس دو کبرا) و زندگینامه (خدواند علم و شمشیر، محمد (ص) پیغمبری که از نو باید شناخت، عایشه بعد از پیغمبر، مغز متفکر جهان شیعه، امام حسین (ع) و ایران، آثار و احوال ملاصدرا،...) و آثار تاریخی (خداوند الموت: حسن صباح (نوشته‌ی پل آمیر)؛ خواجه‌ی تاجدار، سلیمان خانی قانونی و شاه طهماسب، عارف دیهیم‌دار، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و ایران (اثر اشتن متز و جون باک، چاپ‌های متعدد: ۱۳۶۸، ۱۳۵۷، ۱۳۵۵) و مفصل‌تر از همه خاطرات چرچیل در هفت مجلد) می‌گردید.

از جمله آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: آخرین گانگستر (دیوید لاین)؛ آقایان قضات! قاتل حقیقی را پیدا کنید (رالف گولدمان)؛ آوارگی من (موریس دوکبرا، ۱۳۲۰)؛ آواره‌ها (موریس دوکبرا)؛ ابن سینا، نابغه‌ای از شرق (اقتباس، ۱۳۷۴)؛ ابوشاکر، یک داستان علمی و تحقیقی، استالین تزار سرخ (ایزاک دوتشر)؛ اسرار هفت گانه (لسلی شارتریس)؛ امام حسین (ع) و ایران (کورت فریشلر)؛ امشب نوع بشر محو می‌شود (کریستف پولنی)؛ انتقام گربه (آرتور شنیت زللر، ۱۳۲۸)؛ انسان (آرتور شنیت زللر)؛ ایران و بابر (ویلیام ارسکین)؛ بازرس دلباخته (جی درتیلر، ۱۳۳۶)؛ بازرسی من (رالف گولدمان)؛ بازی با آتش (لسلی شارتریس)؛ پلیس بیدار است (رالف گولدمان)؛ پلیس چه می‌کند (لسلی شارتریس)؛ پنج و ده دقیقه (آگاتا کریستی)؛ تاریخ و تحول نظم و نثر پارسی (۱۳۳۱)؛ تازه مسلمان، تولستوی (استفان زوایک، ۱۳۲۷)؛ توطئه در آسمان (شارل بروک)؛ جدال تبه‌کاران در پاریس به انضمام خانه‌ی مرموز (روبر دوما، ۱۳۷۳)؛ جراح دیوانه (ژارگن توروالد)؛ جنایتکاران لندن (آگاتا کریستی)؛ جنگ پنهانی سهمگین (سرد جینالدهالد، ۱۳۳۱)؛ چگونه یک تبهکار آمریکایی شدم (جیمز هادلی چیز، ۱۳۳۹)؛ خاطراتی از یک امپراتور، خدا در آسمان، دختر فقیر (واندر مرش ۱۳۳۴)؛ در پیشگاه امام صادق (ع) (محمد صحفی)؛ در صحنه زندگی و تأثیر (موریس دوکبرا)؛ دزد جوانمرد (لسلی شارتریس)؛ دست‌های قاتل (چهار داستان پلیسی)؛ دلاوران گمنام ایران در جنگ با روسیه (ژان یونیر)؛ دوشیزه متهم (لیونگستن)؛ دون کیشوت (سروانتس، ۱۳۳۵)؛ ده تبهکار بهت‌آور (آگاتا کریستی)؛ رابین هود (الکساندر دوما)؛ زندگی و سرانجام ماری آنتوانت (پیر نزلف، ۱۳۳۷)؛ ژان والژان (ویکتور هوگو)؛ ژوزف بالامو (الکساندر دوما)؛ سارق نامرئی (ویلی فرانتز ۱۳۷۳)؛ سرانجام شوم یک امپراتور (پیر نزلف)؛ سرزمین جاوید (ماژیران موله، هرتزفلد، گریشمن، چهار جلد)؛ سرنوشت یک امپراتور (پیر نزلف)؛ سقوط پاریس (ایلیا ارنبورک)؛ سقوط قسطنطنیه (میکا والتاری، دو جلد)؛ سه تفنگدار (الکساندر دوما)؛ سه سال در ایران، سیاحت‌نامه؛ کنت دوگوبینو؛ سینوهه پزشک مخصوص فرعون (میکا والتاری)؛ شعاع زرد (هرمان لاندن)؛ شعاع وحشت (هرمان لاندن)؛ شهر وحشی (موریس دوکبرا)؛ صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا (هانری کربن)؛ عبور قدغن است (بارینگتون)؛ عجایب آمریکا (موریس دوکبرا)؛ عجایب سرزمین طلا- و الماس (ژوزف لتر)؛ عشق بازی‌های کازانو (ژاک کازانووا دو سیتالت، ۱۳۳۴)؛ عشق ننگین در نظر قضات (سوزان نرمان)؛ عشق یک جاسوسه (ژان بومار)؛ غرش طوفان (الکساندر دوما)؛ غزالی در بغداد (ادوارد توماس)؛ فراموشخانه یا فراماسونری در جهان (فراماسونری چیست و فراماسون کیست ؟)؛ فرزند نیل (هاوارد فاوست، دو جلد)؛ فرمانده بعد از خدا (پیر لافون)؛ فتنه (رمان تاریخی اثر لانتیاک)؛ قبل از طوفان (السکاندر دوما)؛ قتل در باشگاه (دورتی ساترس، ۱۳۲۳)؛ قتل در ساحل دجله (آگاتا کریستی)؛ قلب پاک (واندر مرش، ۱۳۳۷)؛ قهرمان هندوچین؛ قهرمان تمدن (ژوزف کاتلر (و) هیم جاف، ۱۳۳۴)؛ کاشف مانیتیسم (استفان زوایک، ۱۳۲۷)؛ کشتی

بالدار (آگاتا کریستی)؛ کفش‌های سربازی سنگین است (فونبور)؛ کنت مونت کریستو (السکاندر دوما)؛ کنیز ملکه‌ی مصر (میکل پیرامو، دو جلد)؛ گاز نو ظهور (فرانک کینگ)؛ گاو صندوق مرگ (فرانک کینگ، ۱۳۲۲)؛ گروه آهنین (الکساندر دوما)؛ گریز (لسلی شارتریس)؛ گلوله کوچک (دورتی ساتریس ۱۳۳۱)؛ لب‌های ناشناس (هوچین سون)؛ مأموریت ضد جاسوسی من (پریستلی)؛ ما سه مرد بی‌بضاعتیم که خواهان ثروت می‌باشیم (الکساندر دوما)؛ ماری آنتوانت (پیرنزلف)؛ ماژلان (استفان زوایک)؛ ماشین خواندن افکار (آندره موروآ)؛ ماکسیم گروکی (استفان زوایک، ۱۳۲۶)؛ محبوس سنت هلن، یا سرگذشت ناپلئون (اوکتاو اوبری)؛ مردی بالای دار مرگ آرام (جمیز هاردلی چیز)؛ مشاهداتی شنیدنی من در آمریکا (موریس دوکبرا، ۱۳۱۹)؛ ملکه باکره (لانتیاک، ۱۳۳۳)؛ منم تیمور جهانگشا (مارسل بریون)؛ موئیگان دوپاری (السکاندر دوما)؛ ناپلئون و حمله به انگلستان (پل شاک، ۱۳۱۵)؛ نامه‌های روزولت به چرچیل، نخستین مردی که دور کره‌ی زمین گردش کرد (استفان زوایک، ۱۳۲۳)؛ نورنبورک (ایلیا ارنبورک)؛ نوستراداموس و اهرام مصر: جادوگر مرموز (میشل زواگو)؛ هفت خواهران تنی (آنتونی سسمون)؛ هنگامی که از حوادث آینده باخبر هستیم (ژاک اسپیتز)؛ یک خانم نجیب (موریس دوکبرا)؛ یک راز شگفت‌انگیز (شارل بروک)؛ یک سال در میان ایرانیان (ادوارد براون، دو جلد، ۱۳۳۰)؛ یوسف در آیینه‌ی تاریخ (توماس مان) ذبیح‌الله منصوری نخستین کسی بود که آثار موریس مترلینک نویسنده و متفکر بلژیکی را به فارسی ترجمه کرد که ماحصل این فعالیت، کتابهای زیر بود، افکار مترلینک، افکار کوچک و دنیای بزرگ، اندیشه‌های یک مغز بزرگ، جهان بزرگ و انسان، خداوند بزرگ و من، دروازه بزرگ، دنیای دیگر، راز بزرگ، موریانه، زندگانی مورچگان، زنبور عسل.

وی روز هیجدهم خردادماه ۱۳۶۵ بر اثر ناراحتی قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۸۳ / ۲۵ ،۲ / ۲۴ ،۲۳۹ ،۲۱۹ ،۱۶۵ / ۱۷ ،۲۶۹ / ۱۵ ،۲۶۲ ،۲۰۵ ،۴۹ / ۱۲ ،۲۶۶ / ۸ ،۱۴۲ ،۱۴۱ / ۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۱، ۳۲۱۵، ۲۹۴۷، ۲۵۸۹، ۲۵۵۵، ۲۲۸۹، ۲۰۴۱، ۲۰۰۷، ۲۰۰۶، ۱۸۳۹/ ۲، ۱۴۵۹، ۱۲۵۲، ۱۲۵۰ ، ۳۵۹، ۳۰۱، ۲۱۲، ۶۸/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۳، ص ۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۹۵ –۸۸/ ۳).

منفرد، نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نقی منفرد

محل تولد : محمود آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نقی منفرد در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شهرستان آمل شدم و پس از دو سال فراگیری علوم حوزوی برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۲ بـه حوزه علمیه قم عزیمت و نزد اساتید برجسته حوزه به ادامه تحصیل پرداختم. در کنار تحصیل به تدریس در مدارس علمیه حوزه قم و تدریس سطوح عالی مشغول می باشم. نتیجه بیش از ۱۵ سال تدریس ادبیات عرب، تحقیق و اصلاح متن

کتاب البهجهٔ المرضیه (شرح سیوطی) و شرح فارسی آن در پنج جلد می باشد.

موسوی خواجوئی، محمد نجم‌الواعظین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، و واعظ شاعر، امام جماعت مسجد تلواسکان، و از مؤلفین و مصنفین بوده.

از آثارش: ۱ - مرآت الاسرار، در مصائب، منظوم، به طبع رسیده، و در آنجا گوید: ۲ - مثنوی در تفسیر قرآن در سی مجلد دارد.

در اوایل محرم ۱۳۴۷ وفات یافته، جنب خواجوئی مدفون گردیده.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی سدهی، حسن علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد، از فضلا و مؤلّفین، و از شاگردان آقا شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ ابوالقاسم (صاحب تقریرات درس شیخ مرتضی انصاری) بوده، و در سال ۱۳۲۴ به سنّ قریب به هشتاد وفات یافته، در مقبره درب سیّد قریه فروشان سده مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

موسوی گرگانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن موسوی گرگانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به گونه خستگی ناپذیر مشغول تحصیل علوم دینی گردیدم و از همه اساتید آن شهر استفاده بردم به ویژه از مرحوم «ادیب نیشابوری» استفاده های فراوانی بردم و در این شهر ادبیات عرب، منطق و مقداری اصول و فقه

را تحصیل کردم و کلاس ۶ دبستان را متفرقه امتحان دادم و به بهترین وجه قبول شدم و در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و با اشتیاق فراوان از علماء و دانشمندان این شهر استفاده های فراوانی بردم و در مدت کوتاهی بقیه سطح را که عبارت بود از: رسائل، مکاسب و دو جلد کفایه به پایان بردم و دور اول و دوم امتحانات را در آن زمان امتحان دادم و شاگرد اول در حوزه شدم.

سپس به فلسفه و خارج فقه و اصول پرداختم و از خرمن دانش فقیهان و فیلسوفان استفاده ها بردم به ویژه از علامه مطهری، جوادی آملی و حسن‌زاده آملی و تمام مجتهدین و مراجع این شهر، و دو سه دور خارج اصول را شرکت و تقریر کردم و بسیاری از کتابهای فقه را در درس خارج حاضر شدم و تمام اسفار و شرح منظومه و شفاء ابن‌سینا و شواهد ربوبیه و شرح اشارات را خواندم و در تمام این مدت به تدریس انواع علوم اسلامی در حوزه علمیه مشغول بودم و تا حدود دیپلم به طور متفرقه خواندم و امتحان دادم و صدها مقاله و کتاب را به ریشه تحریر درآوردم، و اکنون مدت ۱۰ سال است که خود را بی‌نیاز از تمام رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم حوزوی می‌دانم.

موسوی گرمارودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی موسوی گرمارودی در سال ۱۳۲۰ در قم بدنیا آمد. پدرش از دانشـــمندان اهل

گرمارود الموت قزوین بود.

موسوی گرمارودی مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قضایی و کارشناسی ارشد

و دکترای خودر را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفته است .

او در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور موثر داشته است که راه اندازی و مدیریت گلچـــرخ نمونه ای از تلاش های اوست.

کارنامه شعری گرمـارودی مشتمل بر ۹ کتـاب شعر با نامهای: عبور ، در سایه ســـار نخل ولایت ، سـرود رگبار ،چمن لاله، خط خون ، دســتچین ، باران اخــم ، گزیده شـــعر نیســـتان ، تا ناکجـا آبـاد و گزیـــنه شـعر به انتـخاب

بهاءالدین خرمشــاهی است و همــچنین ۴ اثر زیر چــاپ او عبارتــند از : صدای سبــز زندگی و شعر ادیب المـمالك

فراهانی، از صدر تا ساقه و ترجمه قرآن کریم.

والدین و انساب : خانواده های گرما رودی ازنظر اصل و نسب و ارتباط خویشاوندی به چند طایفه تقسیم می شوند که شامل طایفه هـای قروچی بیگی ،اورس بیك و باقری و صادقی و انـدجی و خانوا ده های غربال بنـد و موسوی و چنـد خانواده دیگر می باشـند . خـانوار موسوی از خـانواده هـای مهـاجر روسـتای میغ سـازه کجوربه به منـاطق «اوانك » و «گرمارود» می باشـند. سـید علی موسوی

گرمارودی از پدری «الموتی » و مادر «تنکابنی» درمحله «چهارمردان » قم به دنیا آمد . نام پدرش حجت الاسلام سید محمد موسوی گرمارودی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سید علی موسوی گرمارودی وی ابتدا در مسجد جامع «گرمارود » مردم را راهنمایی می کرد ، پس دردوران جوانی به قم و سپس نجف هجرت و آنگاه دوباره به قم بازگشت و در همانجا سکنی گزیدند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی موسوی گرمارودی نخست نزد پدرش مقدمات را فراگرفت و پس از آن دبستان ملی «باقریه » رفت .او دوره دبیرستان را مدرسه شهید بهشتی (دین و دانش سابق) هم سپری نمود و پس از آن به مشهد عزیمت نمود و درنزد علمای آن سامان ، به فراگیری علوم دینی پرداخت . درسال ۱۳۴۵ وارد دانشکده حقوق شد و کارشناسی آن رشته را در رشته علوم قضایی کسب کرد. او سرانجام پس از گرفتن مدرک کارشناسی زبان و ادب فارسی با اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید .

خاطرات و وقایع تحصیل : سید علی موسوی گرمارودی تحصیلات ابتدایی را دردبستان «باقریه » طی نمود ، او ازاین دوره چنین یاد می کند :« از آن دبستان ترکه های اناری که درحوض بزرگ مدرسه پیوسته درآن خیس خورد تا به کف دست شاگردان متخلف کوبیده شود ، همیشه چون کابوسی ، درذهن من مانده است . گرچه دستهای کوچک من هرگز با آن چوبها تماس نیافت اما سالیانی دراز بعد از آن روزها ،وقتی درزندان شاه ستمگر ،زیر کابلهای سیمی ساواک ، به خودداز درد می پیچیدم ،چهره شکنجه گرخودرا شبیه ناظم بی رحم آن دبستان می دیدم . »

استادان و مربیان : سید علی موسوی گرما رودی مقدمات رانزد پدر فرا گرفت و پس از عزیمت به مشهد نزد علمای بزرگی چون : فردوسی پور ، واعظ طبسی و ابب نیشابوری دوم نهنگ و به کسب علوم دینی پرداخت .

هم دوره ای ها و همکاران : سید علی موسوی گرمارودی با شاعر بزرگ معاصر اخوان ثالث نیز آشنایی و رفت و آمد داشت و اخوان شعری نیز به نام او سروده بود. شاید از سر این آشنایی بود که کتاب «درباره هنر و ادبیات» را ناصر حریری به گفت و شنودی با مهدی اخوان ثالث و علی موسوی گرمارودی اختصاص داد که به وسیله انتشارات کتابسرای بابل در سال قبل از وفات اخوان منتشر شد.

وقایع میانسالی : اولین رویداد سیاسی بوقوع پیوسته درزندگی سید علی موسوی گرمارودی ، غائله درانجمنهای ایالتی و ولایتی بودکه وی درمدرسه فیضیه حضور داشت. او تاآستانه دستگیری و زندانی شدن نیز رفت که با کوشش آیت لاالله ربانی شیرازی نجات یافت . باورود به دانشگاه با برخی فعالان سیاسی آشنا شد و باشدت گرفتن مبارزان او بر چند رژیم پهلوی ، درسال ۱۳۵۲ به وسیله ساواک دستگیر و نزدیک به چهار سال درزندانهای اوینو قصرحبس گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شورای انقلاب موسوی گرمارودی را به سرپرستی سازمان آموزشی نومرز منصوب کرد. همان مؤسسه فرانکلین سابق که در اواخر دهه ?? با ادغام در تشکیلات «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» از صورت یک مؤسسه خارج شد و از آغاز نیز با نام «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» با انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) ادغام شد. علاوه بر این گرمارودی مدتی رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان بود و مدتی نیز مسئولیت تالار وحدت تهران را بر عهده داشت. او در مدت اقامتش در تاجیکستان به جد جریان شعر معاصر آن کشور فارسی زبان را دنبال کرد و در این باره مقالات تحقیقی متعدد نوشت.

فعالیتهای آموزشی : سید علی موسوی گرمارودی مدت یک سال درحوزه فردوس به امر تدریس مشغول گردید . وی پس از واقعه پانزده خرداد و دستگیری امام ،درتهران مستقیم گردید . او ابتدا در دبستان و سپس دردبیرستان علوی مشغول کار شد . او پس از انقلاب به تدریس دردانشگاه پرداخت.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : با پیروزی انقلاب اسلامی ،موسوی گرمارودی به همراه خانم طاهره صفارزاده «کانون فرهنگی نهضت اسلامی » را بنیاد نهاد . موسوی گرمارودی راه اندازی، مدیریت و سردبیری نشریه گلچرخ و انتشار یک مجله ادبی در تاجیکستان را نیز برعهده داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید علی موسوی گرمارودی علاوه بر سرودن شعرو شرکت درانجمنهای ادبی ، انتشار دو دوره نشریه ادبی گلچرخ را به عهده گرفت . انتشار مجله ماهنامه «گلچرخ» رابايد به دو دوره تقسيم كرد : دوره نخست بصورت ضميمه ادبی روزنامه دراطلاعات از روز سه شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۵ لغایت خرداد ماه همین ماه منتشر شد. دور دوم فعالیت های این ماهنامه افزودن بر فعالیتهای روزنامه نگاری درقلمرو ادبیات داستانی و بازنویسی زندگانی معصومین ،آثار چندی ازوی منتشر شده است .

آرا و گرایشهای خاص : «من آنچه را برزبان شاعر می آید و بر کاغذ نوشته می شود، درخت صاعقه زده ای می بینم که روی زمین افتاده است. اگر گفته اند: من گنگ خوابدیده و عالم تمام کر / من عاجزم زگفتن و خلق از شنیدنش... می تواند در باره همان جلوه نا پیدای شعر گفته شده باشد. آنچه از یک شعر ناب برکاغذ یا زبان می آید در واقع تنها صورت ناظم و مرحله هبوط آن اصل اعلاست. آنچه ما از یک شاعر می خوانیم و می بینیم آن درخت برپای ایستاده در جنگل سبز خاطر، او نیست. توسکایی است که آذرخش خلاقیت شاعر برآن گرفته است و آن را پیش پای ما افکنده است. منتقد با آن عوالم چه می تواند بکند؟او هرچه می کند با بخش بیرونی شعر می کند.» این جملات را شاعر نام آشنا و توانا علی موسوی گرمارودی در میهمانی انجمن شاعران ایران و در مراسم نکوداشت خویش بر زبان آورد. او میهمان نهمین برنامه میهمان ماه انجمن شاعران ایران ودفتر شعر جوان بود که در محل خانه شاعران برگزار شد. گرمارودی از آن دسته شاعرانی است که ضمن توجه به مسیر گذشته در شعر معاصر ره تازه می جوید. او درباره بسیاری از شاعران معاصر و هم عصر خویش هم تحقیقات فراوان کرده وهم نظرات دقیق و عمیقی ارائه کرده است. از آن جمله است نگاه او درباره شاعر بزرگ معاصر سهراب سپهری: «سپهری از کسانی است که راه نیما را شناخته بود، اما این را با خود با شخصیت یگانه خویش پیمود. او خود را با رنگ و کلمه بیان می کرد، مصالح خلاقیت او هم رنگ بود و هم کلمه و او با این هر دو نقاشی می کرد. یا با این هر دو مأموریت ادبی خود را انجام می داد. تعجب نفرمائید که برای نقاشی او نیز تأمل به مأموریت ادبی شده ام. می دانید که در نقاشی ایرانی از گذشته های دور به خاطر منعی که اسلام در مبارزه با آثار بت پرستی پیش آورده بود، پرسپکتیو ناگزیر حذف شده. یکی از منتقدان غربی می گوید نقاشی در آبستره به همانجایی رسیده است که نقاشی ایران اسلامی در طی قرون می پیمود یعنی در این نقاشی نیز مانند آبستره رنگ ها یکدیگر را فرا می خوانند. نقاشی مأموریت ادبی می یابد. اما شعر سپهری، شعر او در نخستین برخورد دارای چند ویژگی است، یکی این که سپهری نخستین کسی یا دست کم مهم ترین شاعری است که زبان شعر نو را با زبان محاوره پیوند زد. توضیح آن که در شعر نو شاعران در همان حال برخی دارای زبان خاص خویشند در یک چیز اشتراک دارند و آن زبان عام شاعرانه است در برابر زبان محاوره. در واقع می توان گفت که زبان شاعرانه هر شاعر و زبان خاص وی جنس و فصل شعر او را تشکیل می دهند. زبان شاعرانه در این تعبیر یعنی زبانی که علاوه بر حفظ ویژگی زبان خاص یک شاعر دارای ضخامت و اسلوب شعری است و حوزه لغات و تعبیرات و بیان در آن از نوعی است که آن را از سویی از زبان نوشتار متمایز می کند و از سویی دیگر از زبان گفتار. این ضخامت و اسلوب و تمایز و تمایل به ارگانیسم در کاربرد لغات به دست می آید. اما سپهری و البته اسماعیل شاهرودی و دیگرانی هم شاعرانی هستند که زبان شاعرانه را با زبان محاوره پیوند زده اند و به جای خود موفق هم بوده اند، اگر چه سپهری از این لحاظ موفق تر است.» موسوی گرمارودی همچنان که در عرصه شعر امروز و غزل امروز حرف تازه برای گفتن داشته، از آثار دیگر شاعران زمانه خویش نیز غفلت نکرده و چه بسا خارج از باورهای اعتقادی یا نگره سیاسی و فردی، شعر آنان را ارجح بر شعر خویش، به مخاطب شعر امروز توصیه کرده است. او در مرگ نوذر پرنگ از غزلسرایان فقید معاصر این حساسیت و دقت و توجه را به خوبی به نمایش گذاشت: «از دست رفتن نوذر

پرنگ برای غزل معاصر ما لطمه بزرگی خواهد بود. پرنگ بی گمان یکی از برجسته ترین شاعران غزل نو است و تأثیر او در نسل های بعد از خودش، بر کسی پوشیده نیست. من درجلسه نقد و بررسی شعر پرنگ که با حضور خود شاعر و مرحوم منوچهر آتشی برگزار شد هم به این موضوع اشاره کردم که اشیا هم ناطق اند و گویا، اما به زبان بی زبانی. اما این طور نیست که پدیدار های عالم با همه سخن بگویند؛ شاعران و بخصوص شاعرانی مانند پرنگ محرم رازهای پدیدار ها هستند و پدیدار ها با کسانی مانند او بیگانه و نامحرم نیستند. برخی از غزل های پرنگ در ادبیات ما جاودانه خواهند بود. پرنگ با توجه به مضمون این شعرش که می گوید: کجایی ای همه جای تو خوش رهایی، های/! دلم به سوی صدای تو رهسپار شده است، به سوی رهایی رفت. به جای دلش که در زندگی به سوی صدای رهایی رهسپار شد، حالا خودش به سوی رهایی رفته است. خاک بر او خوش باد»!

جوائز و نشانها : سید علی موسوی گرمارودی امسال (۱۳۸۵) به عنوان «چهره ماندگار بخش شعر» به وسیله بنیاد چهره های ماندگار انتخاب شد. او در مراسم این انتخاب ضمن قرائت بخشی از شعر پیامبر اعظم (ص) گفت من افتخار می کنم که با شعر علوی بزرگ شده ام و امروز به عنوان یک شاعر آئینی از من یاد می شود. در سالی که به نام پیامبر بزرگ اسلام نامگذاری شده است، باید در راستای اهداف نبوی و توسعه مفاهیم اسلامی گام برداریم و اندیشه های نبوی را در همه جامعه اسلامی خود جاری کنیم».

چگونگی عرضه آثار : بهاءالدین خرمشاهی در مقدمه گزینه اشعار گرمارودی نوشته است: کارنامه شعری گرمارودی هم پر بار است هم پربرگ، کارنامه ای است کلان ومشتمل بر کتاب که حاصل سلوک ساله شعری اوست.کتاب شعر او عبارتند از: عبور، در سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دستچین، باران اخم، گزیده شعر نیستان، تاناکجا آباد. گزینه شعر گرمارودی را نیز بهاءالدین خرمشاهی انتخاب کرده است. سهیل محمودی درباره گرمارودی می گوید: موسوی گرمارودی یکی از کهن ترین قالب های شعر فارسی یعنی قصیده را در عرصه ای به نام شعر سپید تعریف کرده است. او از کسانی است که با تکیه برگذشته شعر فارسی و با ارزش گذاری به گذشته که نه تقلید است و نه فقط تقدیس آن، برای امروز بهره گرفته است. چیزی که متأسفانه امروز در ادبیات ژورنالیست زده ما وجود ندارد و کسانی مانند اخوان یا سهراب در این راه موفق بوده اند و بخشی از این سنت را به شکل پویا در آورده اند. این بخشی از توجه گرمارودی به پیشینیان در قالب قصیده است. بخش دیگر نگاه معرفتی و دینی اوست که البته گاهی آنقدر به آن پرداخته شده که حجابی روی وجه شاعری او شده است. اما نگرش و منبع فکری است که به شعر عاشقانه ماهم معنی می دهد و گرمارودی در این وجه هم موفق بوده است. علی موسوی گرمارودی از پیشتازان شعر مذهبی امروز شناخته می شود. او تحصیلات مقدماتی خود را در قم و مشهد به پایان رساند و ادبیات عرآثار استاد گرمارودی به بخش کاملاًـ متفاوت تقسیم می شود. نخست شعر، در این زمینه ? کتاب تا به حال از او منتشر شده است. «در سایه سار نخل ولایت» و «خط خون»، معروف ترین دفترهای شعر اوست. حوزه دیگر کارهای او، داستان نوجوانان است که در این زمینه هم «داستان پیامبران» معروف تر از بقیه استب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. از ویژگی های شعری او تخیل گسترده و به دام آوردن اندیشه های نو در قالب کهن قصیده است گرمارودی در کار بازخوانی و خوانش ادبیات کهن نیز بوده و مجموعه ای از دیوان حافظ با صدای او منتشر شده و انجمن شاعران ایران نیز گویا روایت بوستان سعدی را با صدای او ضبط کرده است.

آثار :

۱?? شعر ترجمه شده به زبان ایتالیایی (مجموعه شعر)،

۲ بابا تاریخ (داستان کوتاه)،

۳ پرتو انسان ها (داستان جلد اول و دوم)

۴ تا ناکجا آباد

ویژگی اثر : مجموعه شعر علی موسوی گرمارودی با نام «تا ناکجا» به چاپ رسید که عکس های زیبای ریکاردو زیپولی از کوچه باغ های روستا های مناطق کویری، دشت ها، بیابان ها و... آن را همراهی می کرد. کاری که در زمانه خویش مجموعه شعری متفاوت را رقم زد. زیپولی استاد دانشگاه «ونیز» و رایزن سابق فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران بود. او همان است که کتاب شعرهای عباس کیارستمی را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد.

۵ ترجمه قرآن مجید

ویژگی اثر : گرمارودی ادبیات عرب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. آشنایی او با ادبیات عرب البته این نتیجه را نیز به همراه داشته که گرمارودی را ترغیب به ترجمه قرآن کریم کند. ترجمه ای که به سرعت به چاپ دوم رسید و در چاپ دوم ترجمه اش را ویرایش دوباره نیز کرد. چاپ نخست این ترجمه در حجمی هزارو ???صفحه ای انتشار یافت، چاپ دوم آن نیز ازسوی انتشارات قدیانی منتشر شد.

۶ داستان پیامبران

ویژگی اثر : جلد اول آن درکتاب از آدم تا مسیح که به صورت داستانی می باشد .(جلد اول: از آدم (ع) تا عیسی (ع)).گرمارودی علاوه بر شعر، نثر روان و فاخری نیز دارد. او در کتاب، داستان پیامبران را از آدم ابوالبشر(ع) تا حضرت ختمی مرتبت(ص) با این نثر روایت کرده است

۷ داستان پیامبران

ویژگی اثر : از حضرت محمد در جلد دوم

۸ در مسلخ عشق

ویژگی اثر : مجموعه داستانی می باشد.

۹ درباره هنر وادبیات امروز

ویژگی اثر : این کتاب مصاحبه ناصر حریری با گرمارودی

۱۰ درمسلخ عشق (مجموعه داستان کوتاه مذهبی)،

۱۱ دستچین (مجموعه شعر)

۱۲ زندگی شیخ محمد تقی بافقی (داستان کوتاه)،

۱۳ سرود آسمانی

ویژگی اثر : ترجمه ای «از صحیفه سجادیه»

۱۴ صدای سبز

ویژگی اثر : آخرین مجموعه شعر منتشرشده این شاعر، «صدای سبز» (گزینه شعرها به اضافه بیش از شعر جدید) است.

۱۵ قلم انداز

ویژگی اثر : مجموعه مقالات و سفر نامه ها از ۱۳۴۸

۱۶ گزیده شعر نیستان

۱۷ گزینه شعر گرمارودی

ویژگی اثر : به گزینش مقدمه بهاء الدین خرمشاهی

۱۸ مجموعه تا کجا

۱۹ مجموعه شعر باران اخم

ویژگی اثر : گزینه شعر جنگ دفتر ادبیات و شعر مقاومت درسال ۱۳۷۳ تهران منتشر شده است

۲۰ مجموعه شعر چمن لاله

۲۱ مجموعه شعر خط خون

ویژگی اثر : از انتشارات زوار به سال ۱۳۶۳ می باشد

۲۲ مجموعه شعر درسایه سار نخل ولایت

ویژگی اثر : این اثر چاپ دوم و دفترنشر فرهنگ اسلامی به سال ۱۳۵۸ می باشد .

۲۳ مجموعه شعر درفصل مردن سرخ

ویژگی اثر : این اثر از انتشارات راه امام به سال ۱۳۵۷ می باشد .

۲۴ مجموعه شعر سرود رگبار

ویژگی اثر : این اثر درسال ۱۳۵۷ رواق و چاپ دوم می باشد .

۲۵ مجموعه شعر عبور

ویژگی اثر : این اثر وی از آثار شعری اوست که درسال ۱۳۵۶ چاپ دوم می باشد .

۲۶ نهج البلاغه

ویژگی اثر : ترجمه ای

۲۷ نوح پیامبر (داستان کوتاه)،

۲۸ یونس (داستان کوتاه)،

موسوی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سید مصطفی موسوی در سال ۱۳۲۵ در روستای صومعه بر بخش طارم علیای زنجان به دنیا آمد.وی یکی از مصححان کتاب «جامع التواریخ» می باشد. کتاب مذکور ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید مصطفی موسوی در شش سالگی آموزش روخوانی و قرائت قرآن مجید را آغاز کرد و نزد روحانیون بومی مقدمات علوم قدیم را فراگرفت. پس از گذشت شش سال فراگیری دروس جدید را نیز آغاز کرد. دورهٔ دبستان و دبیرستان را در شهر رشت گذراند .وی از هنگامی که همکاری اش را با آقای محمد روشن برای فراهم آوردن متن جامع التواریخ آغاز کرد، مقدماتی از زبان مغولی را نیز آموخت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سید مصطفی موسوی در کنار تحصیل در دبیرستان به مطالعه در زمینهٔ تاریخ و سپس زبان شناسی و ریشه شناسی واژگان فارسی علاقه مند شد و در سالهای بعد زبانهای ترکی غرب (ترکیه) و ترکی شرق را به طور شخصی آموخت و در همین دوران با کتیبهٔ اورخون و متون کهن ترکی نیز آشنا شد.

فعالیتهای آموزشی : سید مصطفی موسوی به غیر از تصحیح کتاب جامع التواریخ، مقالاتی هم در زمینهٔ نقد کتاب، تاریخ، زبان شناسی در مجلات راهنمای کتاب، آینده، فرهنگ و زندگی، نشر دانش و جُنگ ها و نشریات محلی نوشته است. همچنین آماده سازی جلد دوم جامع التواریخ (با همکاری آقای روشن) و فرهنگ سنگلاخ میرزا مهدی خان استرآبادی (منشی نادرشاه) را در دست اقدام دارد

جوائز و نشانها : کتاب" جامع التواریخ "تصحیح سید مصطفی موسوی(یکی از محصصین)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار :

۱ جامع التواریخ

ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«جامع التواریخ»: جامع التواریخ (۴ جلد)؛ رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳. یکی از آثار گرانبها و ارجمند زبان فارسی در زمینه تاریخ که خوشبختانه از چنگال حوادث روزگار مصون مانده و به دست ما رسیده جامع التواریخ است. بخش بزرگی از این کار سترگ، بی مانند و بخشهای دیگری از آن نادر و کم نظیر به شمار می آید. مانند قسمتهایی از جلد اول که مؤلف به شرح وقایعی که خود در دوران اقامت در دربار مغولان شاهد آن بوده پرداخته. همچنین بخشهای مهمی از جلد دوم مانند تاریخ اغوزان، چین، هند و بودا، فرنگ و پایان، اسماعیلیان و نزاریان که در جای خود از نظر شیو ?تاریخ نگاری در جهان اسلام بدیع و بی نظیر است. مجلد اول و دوم کتاب به اصل متن جامع التواریخ و تمامی مجلد سوم به انعکاس نسخه بدلها اختصاص یافته است. فهرست آیه های قرآن، عبارتها و اشعارعربی و فارسی، واژه ها و ترکیبات و نام کسان و مکانها نیز در مجلد چهارم منعکس شده است. از ویژگیهای این کتاب این است که مصححان، با اعراب گذاری روی نامها و واژه های ترکی، مغولی، عربی و فارسی تاریکیها و ابهامات را برای خوانندگان کتاب از میان برده اند. همچنین ارائ ?تصاویری ازنسخه های قدیمی «جامع التواریخ رشیدی» و نیز وجوه مختلف زندگی اجتماعی و هنری مغولان، بر اعتبار و گیرایی کتاب افزوده است.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

موسوی، نعیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۳۳، اهواز.

درگذشت: بهمن ۱۳۷۵، اهواز.

سید نعیم موسوی مترجم اشعار شاعران عرب زبان بود. در جلسات شب شعر با شاعران اهوازی شرکت می‌جست. ترجمه‌های او در مطبوعات به چاپ رسیده‌اند. از جمله آثارش می‌توان به کتاب فانوس رابطه اشاره کرد که اوایل انقلاب اسلامی به چاپ رسید. وی چند سالی به کار کتابفروشی روزگار می‌گذرانید.

سید نعیم موسوی، با بیماری قند خون روبرو بود و در اواخر عمر ۹۰ درصد بینایی خود را از دست داده بود. پیکر وی در اهواز در منطقه‌ی شبیشه در بهشت شهدا به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موگهی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الرحیم موگهی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم موگهی در اول دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات کلاسیک خود را تا سال سوم رشته «مهندسی طراحی» در دانشگاه صنعتی اصفهان ادامه داد. در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «مکارم»، «جوادی» و ... بهره برد. وی دارای تألیفات متعددی می باشند که تعدادی از مقالاتشان در نشریاتی همچون: یاس، فرهنگ جهاد، رشد، ره توشه، مبلغان، مبین، حجره، پیام حوزه، کوثر، مربیان، سلام بچه ها و ... به چاپ رسیده است.

مولوی کتابفروش، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملاـ محمد بن ملا علی خوانساری. از فضلای اصفهان، و از شاگردان حاج میرزا یحیی مستوفی و آقا نجفی و جمعی دیگر بوده، و شغل کتابفروشی داشت، و از راه طبع کتب دینی خدمت شایسته‌ای به علم و دین فرموده.

تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱ - تفسیر مولوی، در حاشیه‌ی قرآن به طبع رسیده، و خلاصه‌ی چندین کتاب تفسیر است ۲ - حواشی بر قرآن ۳ - کشف الایات، که در آخر جنات الخلود به طبع رسیده است.

در سلخ شعبان سال ۱۳۶۶ وفات یافته، در تخت فولاد حوالی قبر فاضل هندی در بقعه‌ای مخصوص جنب پدر مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از پی تاریخ او گفت خرد با یکی

جا بجنان می‌کناد شیخ محمد حسین

پدرش: آقا ملا محمد نیز فاضل و دانشمند بوده، و شغل کتابفروشی داشته، و در ۱۰ ذی قعده ۱۳۰۷ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مهدوی اردبیلی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۶ -۱۲۸۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به تهران آمد و وارد رشته ریاضی دارالمعلمین عالی شد. پس از اخذ لیسانس ریاضی، در ۱۳۱۲ ش، جزء آخرین کاروان دانشجویان اعزامی، به فرانسه و در ۱۳۱۳ ش به سوئیس رفت و دوره دکترا را در آنجا گذراند. وی در دوران جنگ بین‌الملل دوم در فرانسه ماند و تدریس کرد. پس از جنگ به ایران بازگشت و پس از مدتی به درخواست دکتر هشترودی داوطلب کرسی ریاضیات دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد و تا ۱۳۴۹ ش تدریس کرد. وی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ ش در آن دانشکده کفیل بود و تا ۱۳۴۲ ش سه مرتبه توسط شورا به ریاست دانشکده انتخاب شد که مرتبه‌ی سوم به طور اجبار استعفا داد و تا ۱۳۴۹ ش در کرج ماند. در آن سال به دانشگاه اهواز منتقل شد و به سمت معاونت آموزشی آن دانشگاه رسید. از آثار وی: «موارد استعمال احتمالات در انتگرالهای چندگانه»، به زبان فرانسه؛ «احتمالات و آمار ریاضی»، دو مجلد؛ «هیدرولژی»، چهار مجلد، ترجمه؛ «مکانیک استدلالی»؛ «معادلات دیفرانسیل و مشتقات جزئی»؛ «حل المسائل معادلات دیفرانسیل و مشتقات جزئی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۰/ ۲ ،۱۱۶/ ۱)، کلک (س ۸، ش ۸۸ -۸۵، ص ۶۴۳ -۶۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۰/ ۲).

مهدوی هرستانی، هدایت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد موسوی. فاضل صالح، از علمای سده‌ی اصفهان. در اصفهان تحصیل نموده، در روز ۵ شنبه ۸ ربیع الاول سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از شصت سال وفات یافته، در تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.

دانشمند محترم و ادیب کامل، آقا میرزا محمد راجی شاعر معاصر، در مرثیه و ماده تاریخ وفات او قطعه‌ای سرود بدین مطلع:

چون در جهان هستی قانون مرگ دم زد

نقاش، نقش حکمت در دفتر حکم زد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی، مصلح‌الدین محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ -۱۲۹۴ ش)، عالم، مورخ، ادیب و نویسنده. خاندانش در اصفهان به سادات خواجویی معروف می‌باشند. وی در اصفهان به دنیا آمد. ابتدا در مدرسه‌ی اقدسیه و سپس گلبهار و مدتی نیز در حوزه‌ی علمیه اصفهان تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی معلومات خود را تکمیل نمود. نزد استادان بسیاری علوم مختلف را فراگرفت. از اساتید او می‌توان به میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، صاحب «مکارم الآثار»، و آقا سید محمدکاظم عصار و ملا محمدباقر همامی و آقا میرزا محمدباقر امامی و آقا شیخ حسن قاضی عسکر داورپناه و آقا شیخ محمدحسین فاضل تونی و آقا سید حسن مدرس هاشمی و همچنین می‌توان به آیات عظام مرعشی نجفی، آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمدباقر کمره‌ای، سید مصطفی صفایی خوانساری، سید محمد شیرازی، سید محمدعلی روضاتی، سید ضیاءالدین علامه، سید علی فانی و شیخ محمدعلی عراقی اشاره کرد که از بسیاری از ایشان اجازه روایت گرفت. وی از پانزده سالگی بر کتاب «تذکرة القبور» آخوند ملا عبدالکریم گزی، مشتمل بر شرح حال یکصد تن از علماء و شعرا و عرفای اصفهان، حواشی نوشت و در ۱۳۶۹ ق آن را تحت نام «رجال اصفهان» مشتمل بر شرح حال هفتصد تن به چاپ رساند. سپس آن را کامل‌تر نمود مجددا تحت نام «تذکرة القبور» یا «دانشمندان و بزرگان اصفهان»، مشتمل بر شرح حال متجاوز از دو هزار تن منتشر کرد. گفته‌اند که تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است. از دیگر آثارش: «مزارات اصفهان یا تخت فولاد»؛ «زندگینامه‌ی علامه محمدباقر مجلسی»؛ «بیان المفاخر»، در باب احوال سید حجةالاسلام شفتی؛ تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان»؛ «تاریخچه‌ی شهر سامرا»؛ «زندگینامه‌ی حضرتین عسکریین علیهماالسلام»؛ «عطیة الجواد»، در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)؛ «اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة القبور (مقدمه)، الذریعه (۹۷ -۹۶/ ۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۷ -۵۵۶/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۲، ش ۱۲۶، ص ۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶/ ۶).

مهدوی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یحیی مهدوی فرزند امین‌الضرب و متولد ۱۲۸۸ ش است. تحصیلات خود را در اروپا در رشته فلسفه پایان برد و درجه دکترا گرفت و بعد از مراجعت به ایران وارد دانشگاه شد و به استادی دانشکده ادبیات برگزیده گردید. قریب چهل سال کار او تدریس بود و به مشاغل اجرائی رغبتی نشان نمی‌داد و حقوق خود را هم صرف خیرات و مبرات می‌کرد. از پدرش امین‌الضرب ثروت زیادی به او رسید و او زیادتر کرد ولی به مردم کمك می‌نمود و به اصطلاح ناخن خشك نبود. تألیفاتی در رشته تخصصی خود دارد که بیشتر ترجمه است. از کارهای خوب او حفظ اشیاء و آثار و نوشتجات سید جمال‌الدین اسدآبادی است که سالها در حفظ و حراست آن کوشید و آن را در اختیار دانش پژوهان قرار داد.

(۱۳۷۹ -۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در خانه گذراند. پس از مدتی به دارالفنون رفت و از محضر استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، میراز عبدالعظیم خان قریب و گل گلاب بهره‌مند شد. وی تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات و فلسفه در دارالمعلمین عالی ادامه داد و پس از اخذ لیسانس، در ۱۳۱۰ ش، برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد. او با تلاش و کوشش فراوان موفق به دریافت گواهینامه‌های متعددی از مراجع علمی آنجا گردید.

مهدوی رساله‌ی اصلی دکترای خود را با عنوان «شناسایی در نزد فلاسفه‌ی نخستین اسلام» و رساله‌ی دوم خود را با عنوان «فهرست مصنفات ابن‌سینا» نوشت. وی رسما از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۲ ش که بازنشسته شد، در دانشگاه تهران تدریس نمود. از خدمات او تأسیس دوره‌ی دکترای فلسفه در دانشگاه تهران می‌باشد. از شاگردان او در این دوره: دکتر احمد احمدی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر جلال‌الدین مجتبوی، دکتر فاطمه مظاهر تهرانی و دکتر مهتاب مستعان را می‌توان نام برد. از دیگر آثارش: «جامعه شناسی یا علم الاجتماع»؛ «شناخت روش علوم یا فلسفه‌ی علمی»، ترجمه؛ «فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا»؛ «قصص قرآن مجید»، برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی؛ «فلسفه‌ی عمومی یا ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «بحث در ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه‌های هست بودن»؛ «منادولوژی» لایب نیتس، ترجمه؛ «شکاکان یونان»؛ «تاریخ فلسفه‌ی قرون وسطی و دوره‌ی تجدد»، ترجمه و تلخیص؛ «هستی شناسی» پل فولکیه، ترجمه؛ تصحیح و اهتمام در چاپ «مصنفات» افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی، به مشارکت مجتبی مینوی.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی میراث (س ۳، ش ۹، ص ۸۳ -۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۲۹، ۲۹۶۹، ۲۹۶۷، ۲۶۷۷، ۲۶۷۶- ۲۴۹۰، ۲۴۵۵، ۲۲۹۴، ۲۱۷۱، ۱۸۹۸، ۱۷۹۷، ۱۶۹۶/ ۲ ،۱۴۴۲، ۱۰۰۸، ۱۰۰۳، ۹۲۲، ۸۸۴، ۸۷۵/ ۱)، کیان (س ۱۰، ش ۵۳، ص ۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۸ -۸۵۶/ ۶)، مهدوی نامه (۱۰ -۳).

مهذب، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد مهذب، ملقب به مهذب‌الدوله، فرزند حاج میرزا حسن حسنی فسائی در ۱۲۶۲ ش در فسا تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه منصوریه شیراز پایان برد، سپس فقه و اصول و ادبیات عرب و علوم جدید را فرا گرفت و در شیراز به کار تدریس پرداخت و متولی چند موقوفه شد. در دوره سوم از شیراز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید پس از پایان دوره مزبور به شیراز بازگشت و در حوزه‌های عملیه آن شهر به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۸ در دوره دوازدهم مجلس شورای ملی به وکالت انتخاب شد و ضمنا در دانشکده علوم معقول و منقول استاد شد. در دوره سیزدهم نیز کرسی نمایندگی را حفظ کرد. از ۱۳۲۲ در شیراز مجددا به شغل اصلیش که زراعت و تدریس بود مشغول گردید.

صاحب تألیفات متعددی اعم از تألیف و ترجمه می‌باشد. وی در ۱۳۳۶ در ۷۶ سالگی در شیراز درگذشت. فرزندان وی تماما رشد علمی یافتند و چهار تن از پسران او از دانشگاه‌های معروف دنیا درجه دکترا دریافت نمودند.

(۱۳۳۶ -۱۲۶۲ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به مهذب‌الدوله. در شیرزا به دنیا آمد و در مدرسه منصوریه، که از بناهای اجداد اوست، تحصیل نمود و سپس در آنجا به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در ضمن در خارج از مدرسه به تحصیل علوم جدید پرداخت. وی در برقراری مشروطه زحمات زیادی کشید. او در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم نماینده‌ی مردم شیراز، در مجلس شورای ملی، شد و به تهران آمد. مهذب در دانشکده معقول و منقول تهران تدریس می‌کرد. از آثارش: «امروز مسلمین» و «عالم نو اسلام»، ترجمه؛ «زن جدید»، ترجمه؛ «زن و آزادی»، ترجمه. او همچنین تاریخی در ادامه گفتار اول «فارسنامه‌ی ناصری» گماشت و وقایع و اتفاقات ۱۳۰۴ ق به بعد را در رابطه با اوضاع فارس و ایران با مدارک و اسناد به رشته‌ی تحریر درآورد.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۸۴ -۵۸۳/ ۵)، الذریعه (۵۹/ ۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۸/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۷۰/ ۲ ،۳۳۵/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۱/ ۱)، نخبگان سیاسی ایران (۵۲۵/ ۴).

مهراد، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کتابداری، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و علوم کتابداری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳، دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه کیس وسترن (ریزرو) آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار بخش علوم کتابداری دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار علوم کتابداری دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از فرصت مطالعاتی در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ پیرامون پایگاههای اطلاعاتی کتاب شناختی در دانشگاه لوس‌آنجلس، انجام طرح پژوهشی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و اتوماسیون، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، روش تحقیق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

علوم کتابداری و اطلاع رسانی، تکنولوژی اطلاعات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مهیار دیلمی، ابوحسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۸ ق)، کاتب و شاعر. اصلا ایرانی و اهل بغداد بود، لذا به او کاتب فارسی می‌گفتند. وی ابتدا دین زرتشتی داشت سپس به

دست سید شریف رضـی ابـوالحسن محمـد موسـوی اسـلام آورد و به تشیع گرویـد و در خـدمت او به تحصـیل فنون شـعر و ادب پرداخت. در «ریحانهٔ الادب» آمده که او به دست شریف مرتضـی ایمان آورده ولی در خدمت شریف رضی به تحصل علم و ادب پرداخته است. وی مـدتی متصـدی امر کتـابت آل‌بویه بود و در بغـداد برای ترجمه‌ی مطالب از فارسـی به عربی اسـتخدام شـد. وی شـاعری بزرگ بود و مقـدم شـاعران همعصـر خود به حسـاب می‌آمـد. او را جامع فصاحت عرب و بیان ادب فارسـی می‌داننـد و در بسـیاری از جهات شـعری از استادش، شریف رضی، برتر بود. او اشعار بسیاری در مدح اهل‌بیت و مراثی امام حسین (ع) گفته است. از ممـدوحان وی می‌توان به ابوطالب محمد بن ایوب، از وزیران خلفای عباسـی، و ابونصـر سابور و ابومنصور بن مزرع و غیره اشاره کرد. فرزندش حسن یا حسـین بن مهیار دیلمی نیز از شاعران بزرگ بوده که «قصـیده‌ی حائیه»اش معروف است. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل چهار مجلد؛ «قصیده‌ی لامیه»، که ابن طاووس حلی شرحی به نام «الازهار» بر آن نگاشته است.[۱]

ابوالحسن یـا ابوالحسـین ابن مرزویه‌ی دیلمی (ف. ۴۲۶ یا ۴۲۸ ه.ق) از کاتبـان و شـاعران لطیـف طبع ایرانی در اواخر قرن چهـارم و اوایل قرن پنجم. وی نخست زردشتی بود و بعد به دست سیـد رضی اسلام آورد و نزد او به تحصیل شعر و ادب پرداخت و به زودی بزرگترین شاعر عهد خود گردید. مهیار دارای احساسات شدید ایرانی و طرفدار عقاید ملی بود و اشـعاری در هجو قوم عرب سرود. دیوان شعر او چهار مجلد است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۴/ ۸)، اعیان الشیعه (۱۷۲ –۱۷۰/ ۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۵ –۶۴۴/ ۱)، تاریخ بغداد (۲۷۶/ ۱۳)، دمیهٔ القصر (۳۰۹ –۳۰۳/ ۱)، الذریعه (۱۱۳۸/ ۹، ۵۳۲/ ۱)، ریحانه (۴۷ –۴۶/ ۶)، سیر النبلاء (۴۷۲/ ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۳ –۲۴۲/ ۳)، فوائد الرضویه (۶۸۹ –۶۸۸)، کشف الظنون (۸۱۶)، الکامل (۱۴/ ۸)، الکنی و الالقاب (۲۷۴/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مهیار)، معجم المؤلفین (۳۳ –۳۲/ ۱۳)، المنتظم (۲۸۵ –۲۸۴/ ۹)، النجـوم الزاهرهٔ (۲۹/ ۵)، وفیـات الاعیان (۳۶۳ –۳۵۹/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۴۸۶ –۴۸۵/ ۲).

مؤذن هروی، ابوسهل محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۳ –۳۷۲ ق)، عالم، ادیب، نحوی و لغوی. معروف به مؤذن. او رییس الموذنین در جامع عمرو بن عاص در مصر بود. نزد ابوعبید احمد بن محمد هروی مؤذن، صاحب کتاب «الغریبین»، تلمذ نمود و از وی و از ابویعقوب نجیرمی و ابواسامه جنادهٔ بن محمد نحوی روایت کرد. در مصر درگذشت. از آثار وی: «الاسفار»، در شرح «الفصیح» ثعلب نحوی و مختصر آن «التلویح فی شرح الفصیح»، در لغت؛ «اسماء الاسد»؛ «اسماء السیف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶/ ۱۷)، ایضاح المکنون (۳۲۰/ ۱)، روضات الجنات (۲۹/ ۸)، ریحانه (۲۳/ ۶)، کشف الظنون (۱۲۷۳، ۸۸، ۸۶)، معجم الادباء (۲۶۳/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۶۱ –۶۰/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۲۱ –۱۲۰/ ۴)، هدیهٔ العارفین (۶۹/ ۲).

مؤذی خوارزمی، نظام‌الدین، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۵۵۹ ق)، ادیب و شاعر. با یاقوت حموی (م ۶۲۶ ق) معاصر بود و در فقه، حدیث، تفسیر و اصول تبحر داشت. از آثار وی: «اساس نامه»، در مواعظ، به فارسی؛ «نمودارنامه»، در شرح ابیات عجیبه‌ی «کلیله و دمنه»؛ «الخطب»، در دعوات ختم قرآن، که «یتیمهٔ الیتیمهٔ» نام دارد؛ «دیوان الانبیاء»؛ «گفتار نامه»؛ «مرتع الوسائل و مربع الرسائل»؛ «الوسائل الی الرسائل»؛ «الطرفهٔ فی التحفهٔ»، به فارسی؛ «تعریف شواهد التصریف»؛ «دیوان» شعر، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۰۷/ ۶)، لغت نامه (ذیل/ نظام‌الدین مؤذی)، معجم الادباء (۱۶ -۱۵/ ۲)، معجم المؤلفین (۹۲/ ۱).

مؤید، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد ادبیات عربی از دانشگاه تهران، دکترای ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس گوناگون ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی در دانشگاه شیراز، برنده کتاب سال از وزارت ارشاد در سال ۱۳۶۴، دریافت جایزه کتاب آموزشی سال از رادیو تلویزیون در سال ۱۳۵۵.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

فارسی امروز در زمینه زبان‌آموزی، شعر فارسی معاصر، شناختی از سعدی، اشعار عربی سعدی، قند و پند در زمینه ادبیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تأثر سعدی از ادبیات عربی مثلثات سعدی، اقتراء در اسلام.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میبدی یزدی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، عالم دینی، فقیه، لغوی و شاعر. او در کربلا- از محضر شیخ العراقین شیخ عبدالحسین تهرانی و فاضل اردکانی استفاده نمود و از استادش، فاضل اردکانی، به دریافت اجازه نایل شد. وی پس از رسیدن به مراتب علمی بالا در کرمانشاه ساکن گردید و مرجعیت دینی را عهده‌دار شد. از آثار وی: «عصمة الحجج»، در عصمت ائمه (ع)؛ «بدیع اللغة»، در لغات جدید؛ «کشکول»؛ «هدایة النصیریة»، که برای ارشاد اکراد نصیریه نگاشت؛ «مفتاح السلامة»، در حفظ سلامتی و اصول پیشگیری قبل از درمان؛ شرح «المنظومة البطیخیة»؛ کتابی در «الاستخارات»؛ رساله «حلق اللحیة»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «السؤال و الجواب»، در عبادات، با ذکر دلیل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۷/ ۸)، الذریعه (۱۹۹/ ۲۵، ۲۹۵ -۲۹۴/ ۲۴، ۳۳۳/ ۲۱، ۷۶/ ۱۸، ۲۷۴/ ۱۵، ۹۰/ ۱۴، ۲۴۷/ ۱۲، ۶۳/ ۷، ۷۳/ ۳، ۲۰ -۱۹/ ۲)، ریحانه (۵۰/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸۶/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۵/ ۶)، لغت نامه (ذیل/ علی یزدی)، معجم المؤلفین (۲۱۷/ ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۶ -۳۲۵/ ۴).

میدانی نیشابوری، ابوالفضل احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۸ ق)، لغوی، نحوی، ادیب و شاعر. او را پیشگام ادبا نام نهاده‌اند. در نیشابور به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. چون ساکن محله‌ی میدان زیاد نیشابور بود، به میدانی مشهور شد. او از شاگردان ابوالحسن علی بن احمد واحدی مفسر و یعقوب بن احمد نیشابوری بود. فرزندش، سعید بن احمد، و ابوجعفر احمد بن علی مقری بیهقی از شاگردان او بودند. در نیشابور درگذشت و در گورستان میدان زیاد دفن شد. از آثارش: «مجمع الامثال» یا «جامع الامثال»، که گفته‌اند در نوع خود بی‌نظیر بوده است؛ «السامی فی الاسامی»، در لغت؛ «الهادی للشادی»، در نحو فارسی؛ «نزهة الطرف»، در علم صرف؛ «شرح المفضلیات» یا «اسماء التفضیل»؛ «الانموذج»، در نحو؛ کتاب «النحو المیدانی»؛ «المصادر»؛ «منیة الراضی فی رسائل القاضی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸/ ۱)، انساب سمعانی (۴۲۹/ ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۸/ ۲)، روضات الجنات (۳۰۲ -۳۰۰/ ۱)، ریحانه (۵۳ -۵۲/ ۶)، سیر النبلاء (۴۹۰ -۴۸۹/ ۱۹)، شذرات الذهب (۵۸/ ۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۴)، کشف الظنون (۲۰۲۶، ۱۹۴۳، ۱۷۰۳، ۱۵۷۶، ۱۰۴۳، ۹۷۴، ۱۸۵)، الکنی و الالقاب (۲۲۰ -۲۱۸/ ۳)، معجم الادباء (۵۱ -۴۵/ ۵)، معجم البلدان (۲۷۹/ ۵)، معجم المؤلفین (۶۴ -۶۳/ ۲)، الوافی بالوفیات (۳۲۸ -۳۲۶/ ۷)، وفیات الاعیان (۱۴۸/ ۱)، هدیة الاحباب (۲۵۱)، هدیة العارفین (۸۲/ ۱).

میر خواند بلخی، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۹۰۳ -۸۳۷ ق)، مورخ، ادیب و شاعر. معروف به میر خوانـد و امیر خوانـد. وی در شـمار بزرگترین مورخـان عهـد تیموری بود. خاندان وی از سادات حسینی است و سلسله‌ی آباء و اجدادش به زید بن علی بن حسین (ع) منتهی می‌شود. در بلخ به دنیا آمد و در جوانی به هرات رفت و در آنجا تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول به پایان رساند. وی از همان آغاز مورد توجه سلطان حسین بایقرا و وزیرش امیرعلیشیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۴ ق) قرار گرفت و دوستی و الفت همواره بین میرخواند و امیرعلیشیر برقرار بود، به همین دلیل میرخوانـد کتاب «روضـهٔ الصـفا» را به نام او تألیف کرد. وی در فن تاریخ و صنعت انشاء و فنون ادب مهارت بسـزایی داشت بـا این وجود به مشاغـل دیوانی روی نیاورد تا در اواخر عمر، کارش به انقطاع و انزوا کشـید و بیش از یک سال در گازرگاه هرات منزوی شـد و به علت بیماری به هرات منتقل گردیـد و در آنجا نیز درگذشت و در مزار شـیخ بهاءالدین که پیر و مراد پدرش بود، به خاک سپرده شـد. صاحب «ریحانـهٔ الادب» او را معاصـر جامی می‌دانـد و در «دایرهٔالمعارف فارسـی» زندگی پدر میرخواند، بهاءالـدین خاونـد شاه، با صاحب عنوان درآمیخته شده است. گروهی از منابع نیز در مورد محل تولد و تحصـیلاتش اختلاف دارند. از آثـار وی: «روضـهٔ الصـفا فی سـیرهٔ الانبیـاء و الملوک و الخلفا»، مشـتمل بر وقایع عمومی عالم از بـدو خلقت تا زمان خود مؤلف. تاریـخ او قسـمتی ترجمه از تاریـخ‌های عربی و قسـمتی اقتبـاس از تواریـخ خـاصه فارسـی و حتی نقـل به عبارت از «جامع التواریـخ» رشـیدی و «ظفرنامه» شـرف‌الدین علی با انـدکی اصـلاح است. میرخواند طرح این کتاب را در هفت جلد افکنده بود، با شـروع جلد هفتم شـدت بیماریش مانع پیشـرفتش شـد و از این رو نواده‌ی او غیاث‌الـدین خواند میر، مؤلف «حبیب السـیر»، این کتاب را به اتمام رسانید و حوادث عهد تیموری را تا ۹۲۹ ق به آن افزود. رضا قلی خان هدایت ذیلی بر این کتاب در سه مجلد تا حوادث زمان خود نوشته و آن را، به اسم ناصرالدین شاه قاجار، «روضهٔ الصفای ناصری» نامیده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سـعدی تا جامی (۶۲۵ -۶۲۱)، اعیان الشیعه (۴۰۲/ ۹)، تاریـخ ادبیات در ایران (۵۲۳ -۵۱۹/ ۴)، تاریخ در ایران (۱۵۲ -۱۵۱)، تاریـخ مغول (۴۹۱)، تاریخ نظـم و نـثر (۲۴۰ -۲۳۹)، تعلیقـات مزارات هرات (۵۱)، حبیب السـیر (۳۴۲ -۳۴۱/ ۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۹۵۳/ ۲)، الذریعه (۲۹۷ -۲۹۶/ ۱۱ ،۱۱۴۰، ۳۰۷/ ۹)، روضهٔ الصـفا (مقدمه/ ک-ع)، ریحانه (۵۶ -۵۴/ ۶)، سبک شناسـی (۲۰۵ -۲۰۴/ ۳)، شـرح حـال رجـال و مشـاهیر نـامی (۲۳۴ -۲۳۳)، فرهنـگ ادبیات فارسـی (۴۹۵ -۴۹۴)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰ -۸۹۹)، کشف الظنون (۹۲۷ -۹۲۶)، الکنی و الالقاب (۲۲۰/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ میرخواند)، مجالس النفائس (۲۷۰ ،۹۴)، مزارات هرات (۱۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۸ -۴۵۵/ ۵)، هدیهٔ الاحباب (۲۵۲).

میر سپاسی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۶ ش)، روان پزشـک، اسـتاد دانشـگاه، نویسـنده و مـترجم. در تفرش به دنیـا آمـد. تحصـیلات متوسـطه را در مشـهد و دارالفنون گذرانـد و در ۱۳۱۵ ش تحصـیلات پزشـکی خود را در دانشـکده پزشـکی لیون فرانسه به پایـان رسانـد. اما به علت علاقه

شخصی، به تحصیل در رشته‌ی روان پزشکی و پزشکی قانونی و همکاری با پروفسور باروک پرداخت. پس از بازگشت به ایران در بیمارستان روزبه تحت عنوان پزشک بیماری‌های روانی مشغول خدمت شد. او همچنین بیمارستان میمنت را تأسیس کرد و تا پایان عمر به مداوای بیماران پرداخت. از آثارش: «تاریخ تکامل مراکز دماغی»؛ «تاریخ تکامل هیستری یا بیماری حمله‌ی از دیرگاهان تا امروز»؛ «جنون جوانی»؛ «روانشناسی پزشکی»؛ «قانون و جنون»؛ «روانپزشکی اجتماعی»، ترجمه‌ی حواشی؛ «خلاصه روانپزشکی»، با همکاری حسن بطحائی و مسعود میربهاء.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سالنامه‌ی تفرش (۵۰ –۴۹، ۱۳۷۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۲۰، ۱۹۰۶، ۱۷۵۸، ۱۷۵۴/ ۲، ۱۰۶۸، ۶۸۵، ۴۷۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۷ –۷۵۶/ ۳).

میر کیانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد میرکیانی نویسنده کودک و نوجوان در سال ۱۳۳۷ در شهر تهران به دنیا آمد .تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در این شهر به پایان رسانید.او در کنار تحصیل به مطالعهٔ آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد.وی دارای مدرک دکتری هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است .ایشان در سال ۱۳۶۱ وارد گروه کودک صدای جمهوری اسلامی ایران شد و به نوشتن نمایشنامه‌های رادیویی و قصّه‌های ظهر جمعه پرداخت. مجموعه قصه" روز تنهایی من "محمد میرکیانی ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد میرکیانی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید.او در کنار تحصیل به مطالعهٔ آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد.میرکیانی دارای مدرک دکتری هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد میرکیانی از همان دوران کودکی، همزمان با تحصیل به کار و کوشش پرداخت. در دوران نوجوانی، زمانی که کارگر حروفچین یکی از چاپخانه‌های تهران بود به مطالعهٔ آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد. روزی که اولین قصه‌اش را نوشت دقیقاً پانزده شغل مختلف را تجربه کرده، درس زیادی آموخته بود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد میرکیانی در سال ۱۳۶۱ وارد گروه کودک صدای جمهوری اسلامی ایران شد و به نوشتن نمایشنامه‌های رادیویی و قصّه‌های ظهر جمعه پرداخت. بعضی از مسوولیت های اجرایی که میرکیانی برعهده داشته یا دارد: – سردبیری برنامه‌های از سرزمین نور و گفته‌ها و ناگفته‌ها (رادیو) – عضویت در طرح و برنامه مرکز فرهنگی صبا – عضویت در شورای کتاب کودک انتشارات سروش – عضویت در گروه مولفان کتب درسی آموزش و پرورش – در حال حاضر مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما

فعالیتهای آموزشی : محمد میرکیانی در چند دوره مختلف آموزش ضمن خدمت، به تدریس ادبیات کودکان و قصه گویی در

آموزش و پرورش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرداخته است.

آرا و گرایشهای خاص : بیشتر مطالعات و گرایش های میرکیانی در زمینه ادبیات، به خصوص ادبیات کهن، تاریخ، روان شناسی و شعر می باشد.

جوائز و نشانها : مجموعه قصه" روز تنهایی من "محمد میرکیانی ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.میرکیانی همچنین برنده کتاب سال نوجوان در ۱۳۶۵ و جشنواره‌های دیگر داخلی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و از نویسندگان برگزیده بیست سال ادبیات کودکان توسط انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است. ترجمه مجموعه پنج جلدی «قصه ما همین بود» میر کیانی، در سال ۷۳ به زبان اردو و در پاکستان منتشر شد. در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی مرکز بین‌المللی مونیخ آلمان کتاب های «پاپر» و «روزی بود و روزی نبود» ایشان را از در فهرست کتاب های مناسب خود قرار داد. کتاب" قصه ما مثل شد"تالیف وی ، در سال۱۳۸۶ از طرف وزارات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : محمد میرکیانی تاکنون حدود دویست نمایشنامه کوتاه و بلند برای کودکان نوشته و یا تنظیم کرده است.آثار منتشر شده او بیش از ۶۰ کتاب برای کودکان و نوجوانان است و مجموع قصه‌های چاپ شده‌اش برای همه گروه‌های سنی در قالب های داستان کوتاه بلند و رمان، نزدیک به پانصد عنوان می‌رسد. میرکیانی بیش از بیست و پنج کتاب درباره ادبیات کهن و عامیانه برای گروه سنی کودک و نوجوان تالیف کرده است. آخرین کتاب او در این زمینه کتابی پژوهشی برای نوجوانان با موضوع ادبیات عامیانه است با عنوان «راز مثل‌های ما». بعضی از آثار میرکیانی به تولیدات تصویری و تلویزیونی تبدیل شده‌اند، مثل فیلم (شاید فردا نباشد) برای گروه کودک شبکه دو و مجموعه‌های «قصه ما همین بود» با عنوان «افسانه‌های کهن» برای مرکز فرهنگی صبا و در حال حاضر مجموعه هشتاد قسمتی «قصه ما مثل شد» که این کتاب در قالب پویانمایی برای گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما در حال تولید و پخش است. --

آثار :

۱ افسانهٔ خوشبختی

ویژگی اثر : مجموعهٔ قصه

۲ پنج سنگ

ویژگی اثر : مجموعهٔ قصه

۳ پند و قند (چهار جلد)

۴ پهلوان حیدر

۵ روز تنهایی من

ویژگی اثر : مجموعهٔ قصه–این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد–آشنایی با کتاب :«روز تنهایی من» این کتاب مجموعهٔ سه قصه به نامهای «روز تنهایی من»، «این کوچه و آن کوچه» و «آن روز پائیزی» است. قصّهٔ «روز تنهایی من»، سرگذشت نوجوانی کارگر و زحمتکش است که در چاپخانه کار می کند و دشمنانش سعی دارند با ایجاد موانع بسیار، شخصیت او را لگدکوب و غرور او را خرد کنند؛ اما او با ایمان و تلاش در مقابل آنان می‌ایستد و سرانجام موفق می‌شود. در قصه «این کوچه و آن کوچه»، بچه‌های محله، کسی را که مانع عزاداری آنان بود از میان برمی‌دارند و «آن روز پائیزی» حکایت پیروزی سربازان مصری در جنگ رمضان ۱۹۷۳ با اسراییل غاصب است.

۶ روزی بود و روزگاری

ویژگی اثر : مجموعه قصه

۷ روزی بود و روزی نبود (سه جلد) قصه ما مثل شد (پنج جلد)

۸ شاید فردا نباشد.

۹ قصهٔ خانه ما

ویژگی اثر : مجموعهٔ قصه

۱۰ قصّه شاه مال منه

ویژگی اثر : مجموعهٔ قصه

۱۱ قصه ما مثل شد (پنج جلد)

ویژگی اثر : تالیف محمد میرکیانی با تصویرگری محمدحسین صلاتین- مشهد: شرکت به نشر، کتاب‌های پروانه‌ها این کتاب در سال ۱۳۸۶ ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است.

۱۲ قصه ما همین بود (پنج جلد)

۱۳ قصه های شب چله (دو جلد)

میرخانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۱ ش)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بنده. ملقب به سراج الکتاب. در تهران به دنیا آمد. اصول خوشنویسی را نزد پدر خود آموخت و همه‌ی اقلام تداول، از قبیل نسخ و ثلث و تعلیق و شکسته و به ویژه نستعلیق، را از خفی و جلی نیکو می‌نوشت. استاد میرخانی از علوم ادبی بهره‌مند بود، شعر می‌سرود و مجموعه اشعارش موسوم به «دیوان بنده» منتشر شده است. او در تهران درگذشت. از آثار خطی وی: «کلیات» سعدی؛ «مثنوی» مولوی؛ «خمسه‌ی» نظامی؛ «دیوان» حافظ؛ «دیوان» بنده؛ گزیده‌ی «دیوان» شمس تبریزی؛ «ترانه»های بابا طاهر؛ «ترجیع‌بند» هاتف اصفهانی؛ «ترجمه‌ی نفس المهموم»؛ «داستان ملک جمشید»؛ «مجموعه هنر خط»؛ «نگارستان خط».[۱]

خوشنویس، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۲۹۱، تهران.

درگذشت: ۵ آذر ۱۳۶۹، تهران.

سید حسن میرخانی ملقب به «سراج‌الکتاب»، فرزند سید مرتضی حسینی برغانی از خوشنویسان و از شاگردان میرزا رضا کلهر، در محضر پدر به فراگیری خط نستعلیق پرداخت. بیش از چهل کتاب و رساله که می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: کلیات سعدی، مثنوی مولوی، خمسه نظامی، دیوان حافظ، دیوان بنده و گزیده دیوان شمس تبریزی، ترانه‌های طاهر عریان، ترجیع‌بند هاتف اصفهانی، دوازده امام خواجه نصیر طوسی، خلاصه شرح حال مولانا، ترجمه‌ی نفس المهموم، زبدهٔالاسرار، دیوان وحدت کرمانشاهی، دیوان موافق میرزا علی اکبر ملقب به موافق علیشاه نعمهٔاللهی چاپ سنگی، پندنامه سعدی، گزیده سعدی، گزیده شمس تبریزی مثنوی چاه وصال، قصیده انصافیه صدر الافاضل، گلچین معرفت، داستان ملک جمشید، منتخب‌اللغه، مجموعه هنر

خط، نگارستان خط.

سید حسن میرخانی روز ۵ آذر ۱۳۶۹ پس از یک بیماری طولانی و به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اطلس خط (۵۹۶)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۴۱ -۲۳۸)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۷۵ -۱۷۴)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۴، ص ۵۴).

میرزا اصفهانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل ثقه‌ی صالح زاهد، متوفی در ۱۳۱۲ در سامرا. کتابخانه‌ی او در نجف از معتبرترین کتابخانه‌ها بوده، و مشارالیه حرص و ولعی غریب در جمع کتب و انتشار و ترویج آنها داشته، و کتاب‌های نفیس و نسخه‌های اصلی آن بر چندین صد مجلد بالغ می‌شده، مثلا نسخه‌ی اصل ریاض العلماء و جامع الرواۀ و چندین کتاب دیگر را داشته، و از بسیاری از آنها نسخه نوشته است.

[تحت عنوان سید کاظم اصفهانی گذشت.]

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرعلایی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۳۲۱، اصفهان.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۴، اصفهان.

احمد میرعلائی، فرزند علی میرعلایی، در سال ۱۳۴۲ از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اصفهان در رشته‌ی زبان انگلیسی لیسانس و در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه لیذر انگلستان فوق لیسانس گرفت. سپس به تدریس ادبیات انگلیسی و فارسی در دانشگاه‌های اصفهان، هنرهای دراماتیک، صنعتی اصفهان، هنر، آزاد و کراچی به صورت متناوب از ۱۳۴۶ پرداخت. از جمله مشاغل وی می‌توان به ویراستاری ادبیات انگلیسی در مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین (۱۳۵۱ -۱۳۴۸)؛ سردبیری «کتاب امروز»، «فرهنگ و زندگی»، «آیندگان ادبی» و «جنگ اصفهان» (۱۳۵۵ -۱۳۴۶) و سرپرستی خانه‌ی فرهنگ ایران در دهلی نو (۱۳۵۷ -۱۳۵۵) و کراچی (۱۳۵۹ -۱۳۵۷) اشاره نمود.

احمد میرعلایی آثاری را به زبان فارسی ترجمه کرد. از آن جمله است: شیاطین (نمایشنامه، اثر جان وایتینگ، ۱۳۴۸)؛ ویرانه‌های مدور (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۴۹)؛ سنگ آفتاب (شعر، اثر اکتاویوپاز، ۱۳۵۰)؛ چیتی چیتی بنگ بنگ (کودکان، یان فلمینگ، ۱۳۵۰)؛ فارستر (نقد آثار، اثر مور، ۱۳۵۰)؛ الف و داستان‌های دیگر (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۵۱)؛ عرفان مولوی (اثر عبدالحکیم خلیفه، ترجمه با همکاری دکتر احمد محمدی، ۱۳۵۲)؛ اسب عالی (اثر جین مریل، ۱۳۵۲)؛ درباره‌ی ادبیات (اکتاویوپاز

و دیگران، ۱۳۵۳)؛ هزار توها (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۵۵)؛ خدای عقرب (ویلیام گلدینگ، ۱۳۵۵)؛ ژان پل سارتر (اثر هانری، ترجمه با همکاری ابوالحسن نجفی، ۱۳۵۵)؛ کنسول افتخاری (گراهام گرین، ۱۳۵۶)؛ طوق طلا- (مجموعه داستان، اثر فارستر، ۱۳۵۶)؛ کودکان آب و گل (نقد ادبی، اثر اکتاویوپاز ۱۳۶۱)؛ تمدن مجروح (وی. اس. نایپول، ۱۳۶۲)؛ کلاه کلمنتیس (میلان کوندرا، ۱۳۶۲)؛ از چشم غربی (جوزف کنراد، ۱۳۶۳)؛ عامل انسانی (گراهام گرین، ۱۳۶۵)؛ باغ گذرگاه‌های هزار پیچ (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۶۸)؛ بیلی باد ملوان (هرمان ملویل، ۱۳۶۹). از وی همچنین ترجمه‌ی مقالات، داستان‌ها، اشعاری مجلات دیگری چون «سخن»، «نگین»، «الفبا»، «رودکی»، «آدینه»، «کتاب جمعه»، «دنیای سخن»، «گردون»، «کلک» و «لیتری ریویوو» چاپ شده است. آثار منتشر نشده‌ی وی به این شرح هستند: ملکوت (بهرام صادقی، ترجمه به انگلیسی) پشت شیشه، پشت مه (علی خدایی، ترجمه به انگلیسی)؛ باران‌های عیش ما (رضا فرخفال، ترجمه به انگلیسی)؛ ژوستین، جی، (اثر دارل لارنس)؛ بالتازار (اثر دارل لارنس)؛ شور (جانت وینترسون)؛ دیر راهبان (فرارایرا دوکاسترو)؛ حضورهای واقعی (جرج استانیر).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

میرعمادی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد روش تدریس زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد TEFL از دانشگاه UWIST انگلستان در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد روش تدریس زبان از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه ابوریحان بیرونی از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۰، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۹، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ترجمه کتاب جاذبه و دافعه علی (ع)

Competemce in L and English . stress and Reading ۱ and L ۲

Coherence in Persia Comprehension wowel Changes

تدریس دروس زبان‌شناسی عمومی، تجزیه و تحلیل کلام، واژه‌شناسی، تاریخ زبان‌شناسی، دروس مربوط به ترجمه تخصصی و اصول و روشهای ترجمه (نظری و عملی) در دانشگاههای علامه طباطبایی و تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تئوریهای ترجمه، ترجمه نظری و عملی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علامات کلامی- ربطی در ارتباطات تلفنی، تفاوت ترجمه مکتوب و شفاهی، چهار ترجمه از یک غزل حافظ، Error Analysis، آشنایی با زبان‌شناسی لایه‌ای، مشکلات درک آگاهی زبانی، کتاب‌شناسی ترجمه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرفخرایی، حمیده

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر حمیده(مهشید) میرفخرایی دارای مدرک دکتری رشته زبانشناسی می باشد.نامبرده عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده گروه زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حمیده (مهشید)میرفخرایی عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده گروه زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است.

چگونگی عرضه آثار : از دکتر حمیده(مهشید) میرفخرایی تا کنون ۸ کتاب و بیش از ۴۲ مقاله نشر یافته است. طرح‌های پژوهشی دکتر میرفخرایی به قرار زیر است: - فرهنگ فارسی میانه، فارسی نو، (کارگروهی) - اصل خلاء یا تهیگی بنابر آموزه ی بودا (۱۳۸۴)

آثار :

۱ آفرینش در ادیان

ویژگی اثر : ۱۳۶۶

۲ بررسی بغان یسن

ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۸۲

۳ بررسی دخت نسک

ویژگی اثر : ۱۳۷۱

۴ بررسی هفت‌ها

ویژگی اثر : ۱۳۸۲(انتشارات فروهر)

۵ درآمدی بر زبان ختنی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۰ اردیبهشت، ۱۳۸۴

۶ روایت پهلوی

ویژگی اثر : ۱۳۶۷

۷ فرشته‌ی روشنی، مانی و آموزه‌های او

ویژگی اثر : ۱۳۸۳(انتشارات ققنوس)

۸ فرهنگ کوچک زبان پهلوی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: دیویدنیل مکنزی، مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی – ۱۳۸۳.چاپ اول، ۱۳۷۳، چاپ دوم،۱۳۷۹، چاپ سوم ۱۳۸۳ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

میرفخرایی، مجد الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجدالدین میرفخرایی ، معروف به گلچین گیلانی ، در سال ۱۲۸۹ ، در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی) ، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجو به خارج شرکت کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان ، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت ، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید. اقامت و تحصیل گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود و او در این زمان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد. او در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد اشعار گلچین گیلانی برای اولین بار در سال ۱۳۰۷ در مجله « ارمغان » و بعدها در مجله های « روزگار نو » ، « فروغ » و « سخن » انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب های ابتدایی راه یافت. گلچین گیلانی ، در آذرماه سال ۱۳۵۱ چشم از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : پدر مجدالدین ، سیدمهدی میرفخرایی متولد تفرش بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدمهدی میرفخرایی ، پدر مجدالدین به روزگار جوانی در خدمت وزیر و مستوفی حاکم تبریز بود و از سوی صدراعظم وقت ملقب به « دبیر دفتر » گردید. چندی بعد با سمت معاونت مالیه گیلان در رشت مشغول کار شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مجدالدین میرفخرایی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی) ، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجو به خارج شرکت کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان ، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت ، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل پزشکی گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود. اغلب دانشجویان ایرانی ناچار به وطن مراجعت کردند اما میر فخرایی با تحمل تمام مشکلات و مصائب دوران جنگ ، را در این کشور سپری کرد. او برای امرار معاش به کارهای گوناگون تن و از هیچ کوششی در راه تحصیل علم را فرونگذاشت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : مجدالدین میرفخرایی در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد ؛ در آن زمان به شیوه کهن شعر می سرود . هنوز دبیرستان را به پایان نبرده بود که دو شعر از وی در مجله فروغ رشت به چاپ رسید. هنگان تحصیل در تهران به سرودن شعر و فعالیت های ادبی ادامه داد و در انجمن ادبی ایران که ریاست آن به عهده شیخ الرییس افسر بود ، شرکت می کرد. او با آنکه دانشجوی پزشکی بود در لندن نیز اشعاری نغز و زیبا می سرود. مجدالدین میرفخرایی (گلچین) در طول تحصیل در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد.

همسر و فرزندان : گلچین بیش از سیزده سال نداشت که با دختری از بستگان خود ازدواج کرد. هنگام اقامت و تحصیل در انگلستان همسر و خانواده او در ایران زندگی می کردند که سرانجام این فاصله منجر به جدایی گردید. وی بار دیگر با یک پرستار ایرانی در لندن ازدواج کرد که حاصل آن دختری به نام «ژیزل » بود ، ولی این ازدواج نیز دوامی نیافت و به جدایی انجامید. او سومین بار نیز یک همسر ایرانی انتخاب کرد.

زمان و علت فوت : مجدالدین میرفخرایی در آذرماه سال ۱۳۵۱ چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مجدالدین میرفخرایی (گلچین) با وقوع جنگ جهانی دوم در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اشعار مجدالدین میرفخرایی برای اولین بار در سال ۱۳۰۷ در مجله « ارمغان » و بعدها در مجله های « روزگار نو » ، « فروغ » و « سخن » انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب های ابتدایی راه یافت.

آرا و گرایشهای خاص : نادر نادر پور شاعر معاصر ایران در تجزیه و تحلیل سبک و شیوه مجدالدین میرفخرایی می نویسد: « طبع گلچین گیلانی ، به رغم اقامت چهل ساله اش در مغرب زمین ، تاثیر مستقیم شعر اروپایی (خاصه انگلیسی) را نپذیرفت و همچنان ایرانی ماند ، اما از میراث سخن قدیم پارسی بهره ای نیافت و حسن و عیب شعرش نیز در همین است. کلام ساده او از لحن ادیبانه دور و به زبان محاوره امروزی نزدیک است و گاهی هم از لغزش های لفظی خالی نیست ؛ واژه هایش بی آن که همیشه خوش تراش و سنجیده باشد ، سرشار از رنگ و تصویر است و مجموعه سخنش همچون سرور جاوید کودکی و جوانی ، آهنگی شاد و سبکبار دارد... امام مگر من ، تاثیر مستقیم شعر فرنگی را در طبع گلچین انکار می کنم ، تاثیر نا مستقیم همان شعر را در شیوه بیان و شکل سخنش می پذیرم : گلچین گیلانی شاعری است که در کار نو آوری ، نه از بدعت نیمایی ، بلکه از تحولات شهر اروپایی الهام گرفته است. » --

--

آثار :

۱ دیوان شعر

۲ گلی برای تو

۳ مهر و کین

ویژگی اثر : این دفتر شعر ، منظومه ای ضد جنگ است. مضمون شعر گویای آن است که در فاصله سال های ۱۳۲۰-۱۳۲۵ سروده شده است.

۴ نهفته (نهضت)

منابع زندگینامه :۱کتاب گیلان ، تالیف: گروه پژوهشگران ، به سرپرستی : ابراهیم اصلاح عربانی ، تهران: انتشارات گروه پژوهشگران ایران ، ص ۷۱۵ ـ سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سیدمحمد باقر برقعی ، ج ۵ ، قم: انتشارات خرم ، ص ۳۰۴۹ ـ اثرآفرینان ، زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران ،

میرفندرسکی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه استراسبورگ در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شعرای رومانتیک و توصیف طبیعت در اشعار آنها، دیدگاه انسانیت در آثار مونتین و سعید، انعکاس زیبایی‌ها و فرهنگ کشور ایتالیا در آثار استادان، تدریس درس مارسل پروست، نویسندگان قرن بیستم، نویسندگان بزرگ واقع‌نگر در قرن ۱۹ فرانسه در دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شش مقاله ادبی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

خوشبختی واهی، زندگینامه یک کارمند و داستان یک جدایی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرلوحی فلاورجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: زبان و ادبیات خارجی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸، دکترای تخصصی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه مشهد از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس صرف و نحو و متون عربی، تفسیر قرآن کریم و معانی بیان، متون علمی اسلامی در دانشگاههای مشهد، الهیات، اصفهان، مطالعه و تحقیق در زمینه ادبیات عرب و استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه کتب عربی نظیر بدیع‌القرآن، ذکری استشهاد الامام‌الصدر، الحجان فی تشبیهات القرآن و تصحیح الدریقه الی مکارم الشیعه راغب اصفهانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

نگاهی به تاریخ تشیع در رشته شیعه‌شناسی، احوال و آثار شیخ کاظم ازری، احوال و آثار راغب اصفهانی، معرفی نسخه‌ای از احوال عودات، تکمله التحقیق بدیع‌القرآن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرم چلبی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۱ ق)، منجم، ادیب و مورخ. مشهور به میرم. از علمای عثمانی بود و در تاریخ و ادبیات عرب و هیئت و ریاضی مهارت داشت. وی معلم سلطان بایزید خان ثانی عثمانی بود. مدتی نیز از جانب سلطان سلیم خان (۹۲۶ -۹۱۸ ق) قاضی عسکر آناطولی شد. او سپس به زیارت بیت‌اللّٰه الحرام رفت و بعد از مراجعت درگذشت. از آثارش: «دستور العمل فی تصحیح الجدول»، شرح بر «زیج الغ بیگ»، به امر سلطان بایزید و در ۹۰۴ ق، که آن را به دربار هدیه کرد؛ شرح «رساله‌ی فتحیه» ملا علی قوشچی؛ «رسالهٔ فی معرفهٔ سمت القبلهٔ»، که آن را به سلطان بایزید هدیه کرد؛ «کتاب الضمائر»، «منیهٔ الصیادین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۷۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۱)، ریحانه (۷۸/ ۶)، کشف الظنون (۱۸۸۶، ۱۴۳۴، ۱۲۳۶، ۹۶۶، ۸۷۲، ۸۶۶)، لغت نامه (ذیل/ میرم)، معجم المؤلفین (۱۹۶ -۱۹۵/ ۱۲).

میکالی، ابوالعباس اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۲ -۲۷۰ ق)، محدث و ادیب. شیخ خراسان و مورد احترام همگان بود. نسبش به یزدگرد به بهرام گور می‌رسد. پدرش در روزگار مقتدر عباسی حکومت اهواز را داشت. او در نیشابور به دنیا آمد. وی کاتب بود و عهده‌دار مسئولیت کتابتهای دیوانی. در نیشابور از ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و ابوالعباس ماسرجسی و در اهواز از عبدان اهوازی و حسین بن بهار و علی بن سعید عسکری حدیث شنید. از عبدان اهوازی کتابی را روایت کرده و او تنها کسی است که این کتاب را روایت کرد. ابوعلی نیشابوری حافظ و ابوحسین حجاجی و ابوعبداللّٰه حاکم و عبدالغافر فارسی از او حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۵ -۳۱۴/ ۱)، سیر النبلاء (۱۵۷ -۱۵۶/ ۱۶)، شذرات الذهب (۴۱/ ۳)، العبر (۱۱۴ -۱۱۳/ ۲)، معجم الادباء (۱۲ -۵/ ۷).

میکالی، ابوالفضل عبیدالله

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۶ ق)، ادیب، کاتب و شاعر. نسبش را به یزدگرد ساسانی می‌رسانند. وی اهل خراسان و از مشاهیر ادبای آن دیار بود. در خراسان از ابواحمد حافظ حاکم و ابی‌عمرو بن حمدان حدیث شنیده است. او در نظم و نثر عربی ماهر بود. از آثارش: «مخزون البلاغة» یا «مخزن البلاغة»، «المنتحل»، «ملح الخواطر و منح الجواهر»، «دیوان الرسائل»، «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۴/ ۴)، ریحانه (۸۱ -۸۰/ ۶)، فوات الوفیات (۴۳۳ -۴۲۸/ ۲)، کشف الظنون (۱۸۱۷، ۱۶۳۹)، لغت نامه (ذیل/ عبدالرحمان)، معجم المؤلفین (۱۲۰/ ۵)، هدیة العارفین (۶۴۸/ ۱).

میلانیان، هرمز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : هرمز میلانیان در سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شد . وی تحصیلات عالی خود را در رشته زبان شناسی با گرایش های زبان

شناسی ساختگر ا و نقشگرا در دانشکده ادبیا ت و علوم انسانی دانشگاه پاریس ادامه داد و موفق به اخذ درجه دکتر ا شد . از فعالیت های تخصصی دکتر میلانیان می توان به تدریس در دانشگاه تهرا ن و دانشگاه های خارج از کشور اشاره کرد. همچنین سرپرستی پژوهشهای زبان شناسی در داخل و خارج از کشور بر عهده داشته است . وی عضو انجمن زبان شناسی پاریس و انجمن جهانی زبان شناسی نقشگرا است و تالیفات متعددی منتشر کرد ه است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

گرایش : زبان شناسی عمومی

والدین و انساب : هرمز میلانیان، در سال ۱۳۱۶ شمسی در تهران متولد شد. پدر هرمز ناخدا حسن میلانیان فرمانده ناو «پلنگ» بود که در جمله متخلفین به ایران (روسها از شمال و انگلیسی ها از جنوب) هنگام دفاع از آبادان زخمی و پس از انتقال به تهران در ۳۸ سالگی به درجه شهادت نائل آمد. مادرش درخشنده شیمی مسئولیت بزرگ کردن و تربیت هرمز و برادر کوچکتر هومان را بر عهده گرفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : هرمز میلانیان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران در دبیرستانهای شرف و دارالفنون سپری نمود. علاقه ای که به ادبیات به ویژه ادبیات فارسی داشت موجب گردید که پس از دریافت دیپلم متوسطه در رشته ادبی و موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات تهران به سال ۱۳۳۴، در رشته ادبیات فارسی ادامه تحصیل دهد. در سال ۱۳۳۷ پس از اخذ درجه لیسانس در رشته ادبیات فارسی، علاقه ای که بهر زبان فارسی و آموختن زبانهای بیگانه داشت وی را مصمم کرد که به تحصیل در رشته «زبان شناسی» بپردازد با این که تصویر چندان روشنی از این دانش کما بیش نوین نداشت. در شهریور ماه ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) شرایط ادامه تحصل در این رضشته برای او پیش آمد و به پاریس رفت . در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پاریس (سربن) نام نویسی کرد و با زبانشناسی ساختگرا و به ویژه نقش گرا آشنایی نزدیک پیدا کرد. در مدت پنج سالی که در پاریس اقامت داشت به اخذ دو «گواهینامه عالی»در «زبان شناسی عمومی»و «آوا شناسی» و درجه دکتری در « زبانشناسی عمومی»(با قید «بسیار مفتخر»)نائل شد.[از زبان میلانیان ،کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،شهریور ۱۳۷۹]

استادان و مربیان : هرمز میلانیان در دانشگاه تهران از استادانی چون استاد فروزانفر، استاد همایی، استاد مدرس رضوی، دکتر معین، دکتر خانلری، دکتر مقدم، دکتر صفا، دکتر کیا، دکتر خطیبی و بانو نفیسی بهره مند شود. در فرانسه به عئوان نخستین دانشجوی ایرانی «آندره مارتینه» زبان شناس برجسته فرانسوی با زبانشناسی ساختگرا و نقشگرا آشنا شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هرمز میلانیان، پس از مراجعت از فرانسه به ایران در سال ۱۳۴۴ ،در «بنیاد فرهنگ ایران «مسئولیت پژوهش در زمینه تاریخ زبان فارسی را زیر نظر دکتر پرویز خانلری ،بر عهده گرفت .در نیمه دوم سال تحصیلی ۴۵-۱۳۴۴ پس از موفقیت در امتحان استاد یاری به عنوان استاد یار زبان شناسی در گروه «زبان شناسی همگانی و زبان های باستانی »دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران -که بنیانگذار آن مرحوم دکتر مقدم بود -به استخدام رسمی در آمد. در شهریور ماه ۱۳۴۹ به عنوان استادیار مهمان، به مدت یکسال تحصیلی به دنشگاه ایلینوی در شهر اوربانا برای تدریس زبان فارسی اعزام شد. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۵۰، بار دیگر به تدریس در دانشگاه تهران ادامه داد و چند سال بعد به رتبه دانشیاری ارتقا یافت. در طول سالهای ۵۰ شمسی با «فرهنگستان زبان ایران» نیز همکاری داشت و در جلساتی از کمیسیون واژه گزینی آن شرکت داشت. دکتر میلانیان قبل از پیروزی انقلاب به مدت یک سال و نیم به عنوان مدیر گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران انتخاب شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هرمز میلانیان سرپرستی پژوهشهایی را در زمینه دستور ،تلفظ و املای فارسی بر اساس آزمونهای میان پاسخگویا نفارسی زبان برخوردار از تحصیلات لااقل دبیرستانی را برعهده داشت .همچنین وی در چندین کنگره و همایش

تحقیقات ایرانی و نیز زبان شناسی عمومی در ایران و خارجه از کشور شرکت کرده است. استاد میلانیان شش ماه پس از انقلاب باری استفاده از فرصت مطالعاتی که پرونده دانشگاهی آن از مدتها پیش آماده شد، عازم فرانسه گردید و کمی بعد از سوی دانشگاه (سوربن)جدید (پاریس ۳) «به عنوان استاد مهمان » برای تدریس زبان ،ادبیا ت و زبان شناسی فارسی در آن دانشگاه دعوت شد ،این دوره فعالیت از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۵ بمدت شش سال به طول انجامید .و از سال دوم سرپرستی بخش فارسی آن دانشگاه به ایشان واگذار گردید. دکتر میلانیان در شهریور ماه ۱۳۷۸ (۱۹۹۶)پس از ۱۷ سال به ایران باز گشت و از آن زمان اشتغال عهده ایشان تالیف ،ترجمه و تحقیق در زمینه زبان شناسی عمومی و فارسی می باشدو در این زمینه با« موسسه فرهنگی شهید رواقی» انتشارات «هرمس» و نیز انتشارات «فرهنگ معاصر» افتخار همکاری دارد. دکتر میلانیان عضو انجمن زبان شناسی پاریس و انجمن جهانی زبان شناسی نقشگرا است .

آرا و گرایشهای خاص : هرمز میلانیان در تالیفات خود ،اعمال معیارهایی از زبان شناسی نوین بر زبان فارسی را دنبال کرده است که آن ر ادر کارایی و پیشبرد آگاهی در مورد نظام زبان شناسی و نیز خط فارسی موثری می داند . همچنین وی کوشیده است برای اصطلاحات زبان شناسی نوین معادلهای فارسی مناسبی را پیشنهاد دهد که بسیاری از آنها پذیرفته شده اند . دکتر میلانیان هدف خود را در فعالیتهای علمی ،توجه به کار برد فرهنگی و اجتماعی زبان فارسی و تقویت و گسترش آن و کم کردن فاصله میا ن زبان گفتار و نوشتار و مخالفت با دستور العملهای تصنعی در زمینه تلفظ و املا

آثار :

۱ les monemes et les procedes de passage en person :de la categorie verbale a la categorie nomiale et vice versa

ویژگی اثر : این مقاله به زبان فرانسه به عنوان «تکواژه هاو روند های گذر در زبان فارسی ،از مقوله فصل به مقوله اسم و بالعکس».در سال ۱۹۶۸ در نشریه نیویورک شماره ۲۵ ،منتشر شد.

۲ Peut- on dire qu une langue est plus difficile qu une autre

ویژگی اثر : عنوان این مقاله «آیا می توان گفت زبانی از زبان دیگر مشکلتر است ؟»که در نشریه زیر با مشخصات آمده منتشر شده است. Actes clu ۸e Colloque de la societe internationale de la linguistique fonctionnelle , ۱۹۷۸, grece.

۳ آزادی و بند درزبان

ویژگی اثر : این مقاله درجشن نامه دکتر محمد مقدم ،نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ،شماره ۲۴ و درسال ۱۳۵۵ منتشر شد.

۴ چند نکته درباره کلمه های فارسی در گذشته و حال

ویژگی اثر : مجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ،دانشگاه تهران که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد.

۵ چند نکته درباره وابسته های ملکی و زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله سخن ،سال ۲۰ ،شماره ۳، سال ۱۳۴۹ منتشر شده است.

۶ خنثی شدن تقابلهای دستوری در گروه اسمی زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ،سال ۱۷ ،شماره ۲ ، ۱۳۴۸ منتشر شده است.

۷ درست و غلط در زبان از دیدگاه زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه فرهنگ و زندگی ،شماره ۲۲-۲۱ در سال ۱۳۵۵ منتشر شد.

۸ دستگاه عدد و زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه خطابه های سومین کنگره تحقیقات ایرانی توسط بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۱ منتشر شد .

۹ زبان شناسی و تعریف زبان

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه فرهنگ و زندگی ،شماره ۲ ،سال ۱۳۴۹ منتشر شده است.

۱۰ کاربرد زبان فارسی درزمینه علوم و فنون

ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه سخنرانی ها در نخستین سمینار آموزش زبان و ادبیا ت فارسی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی وزارت علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۵۰ منتشر شده است .

۱۱ کلمه و رمز های آن در زبان و خط فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ،سال۱۸ ،شماره ۳ ،سال ۱۳۵۰ منتشر شده است .

۱۲ کهنه و نو در زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در نشریه کتاب امروز ،شماره ۵ و درسال ۱۳۵۲منتشر شد.

۱۳ کوتاه ترین جمله و ساختمان آن در زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران ،شماره ۱ در سال ۱۳۵۴ منتشر شد .

۱۴ گسترش و تقویت فرهنگی زبان فارسی

ویژگی اثر : این کتاب توسط انتشارات کاویا ن در سال ۱۳۵۱ منتشر شد. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

مینوی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از محققین و اندیشـمندان و دانشمندان معاصر ایران در ۱۲۸۲ در سامره متولد شد. پدرش آقاشـیخ عیسی شریعتمداری، در سامره از شـاگردان ملا محمـد تقی شیرازی بود. مینوی تا نه سالگی در سامره بسر برد و مقـدمات فارسـی و عربی را در همانجا فرا گرفت و چـون بـه ایران بـازگشت وارد مـدارس جدیـد شـد و در مـدارس امـانت و اسـلام و سـپهر دوره‌ی ابتـدائی را فرا گرفت و سپس به دارالفنون وارد شـد و در ۱۳۰۰ در دارالمعلمین مرکزی مشـغول تحصـیل گردید و ضـمنا در مجلس شورای ملی تندنویس شد و بعد در وزارت معارف به اسـتخدام درآمد و کتابخانه وزارت معارف را اداره می‌کرد. پس از فراغت از تحصـیل در دارالمعلمین مرکزی در معیت اسـمعیل مرات به فرانسه رفت و کـار اداری به او سپردنـد. وقـتی سـید حسن تقی‌زاده وزیر مختـار ایران در لنـدن شـد او را بعنـوان سـرپرست محصـلین به انگلسـتان برد. این مـأموریت بیش از نه مـاه طـول نکشـید و به تهران احضـار شـد ولی ثمره‌ی این دو مـأموریت یـاد گرفتن زبان فرانسه و انگلیسـی بود. وی قریب پنـج سال در ایران بسـر برد و حاصل کارش کتاب ویس ورامین و جلد اول شاهنـامه فردوسـی و ترجمـه‌ی کتـاب شاهنشـاهی ساسانیـان اثر کریسـتن سـن بـود. البتـه تنظیم شاهنـامه بـا هـدایت و سـرپرستی ذکاءالملک فروغی انجام گرفت. مینوی مجددا به انگلسـتان رفت و تحصیلات عالی خود را در دانشگاه گینگز کالج لندن و مدرسه مطالعات آسـیائی و آفریقائی دانشـگاه لنـدن به اتمام رسانیـد و در همانجا مشـغول کار شد و چندی با رادیوی بی.بی.سـی همکاری داشت. در سال ۱۳۲۵ بعد از پایان جنگ جهانی دوم سـیدحسن تقی‌زاده سـفیر کبیر ایران در انگلستان نامه‌ای به وزیر فرهنگ وقت

نوشته و ضمن معرفی مراتب فضل و دانش او، درخواست کرده بود که از وی دعوت شد تا خدمات فرهنگی خود را در ایران عرضه بدارد. از این رو وزارت فرهنگ این پیشنهاد را پذیرفت و رسما از او دعوت نمود که به خاک وطن برگردد.

مجتبی مینوی در ۱۳۲۸ به ایران بازگشت و طبق قانون خاصی به استادی دانشگاه برگزیده شد و در وزارت فرهنگ نیز به ریاست تعلیمات عالیه منصوب گردید و بعد رایزن فرهنگی ایران در ترکیه شد. این مأموریت قریب چهار سال بطول انجامید. پس از بازگشت از ترکیه عضو پیوسته فرهنگستان ادب و هنر شد. آخرین سمت استاد مینوی مسؤولیت علمی بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی بود و سرانجام در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

مجتبی مینوی در زمان حیات کتابخانه‌ی غنی و پربار خود را به وزارت فرهنگ و هنر اهدا کرد. تألیفات و تصنیفات و تصحیحات مینوی بسیار زیاد است، از جمله از تألیفات وی کتابهای پانزده گفتار، داستانها و قصه‌ها، فردوسی و شعرا و نقد حال، تاریخ و فرهنگ، مجموعه گفتارها و نوشته‌ها در سه مجلد. علاوه بر تألیفات فارسی، تألیفاتی اعم از کتاب و مقاله تحقیقی به زبان انگلیس دارد.

پس از درگذشت استاد مجتبی مینوی، گرانمایه مرد فرهنگ ایران آقای ایرج افشار در بزرگداشت این مرد بزرگ حق مطلب را ادا نموده و یک شماره از نشریه راهنمای کتاب را اختصاص به محامد و مناقب و شناخت واقعی ایشان اختصاص داد و خود نیز سرلوحه این کار را در دست گرفته آنچه در دل داشت بر روی کاغذ آورد. بهتر آن دیدم که از اظهارنظرهائی که درباره‌ی این مرد کم‌نظیر شده است تکه‌هائی را نقل نمایم. استاد ایرج افشار می‌نویسد:

مینوی در چندین زمینه از معارف و علوم مربوط به ایران و اسلام کار کرد و آثاری دست اول و ماندگار برجای گذاشت. شاید در مقام سنجش بتوان خدماتی را که در زمینه‌ی تصحیح متون مهم زبان فارسی انجام داده است در صف مقدم قرار داد. کلیله و دمنه، ویس و رامین، نامه تفسیر، دویان ناصرخسرو، سیرت جلال‌الدین، نوروزنامه، عیون‌الحکمه، السعاده والاسعاد، تحریمه القلم سنائی، نورالعلوم ابوالحسن خرقانی، نصایح‌الملوک سعدی، مصنفات بابا افضل مرقی کاشانی (با همکاری یحیی مهدوی)، اخلاق ناصری، و بالاخره شاهنامه‌ی فردوسی که داستان رستم و سهراب آن را بعنوان نمونه منتشر ساخت، از متونی است که هریک به جهتی و مناسبتی در درجه‌ی اول اهمیت و از امهات نوشته‌های ایرانی است. مینوی در تصحیح هریک از انها سعی کاملی بکار برده است، هم از این حیث که نسخ معتبر را در تصحیح اختیار کرده و روش علمی و انتقادی مرسوم میان غربیان و نقدشناسان را در آنها بکار گرفته است، و هم از این حیث که تنظیم عبارات، صفحه‌بندی و نوع حروف و دقت در غلط گیری آنها پسندیده باشد ناگزیر همه‌ی آثارش نمونه است و از جهات متعدد شاخص شده است. از حق نباید گذشت که هنوز متنی به نفاست و صحت و آراستگی کلیله و دمنه مینوی در ایران نشر نشده است و تردید نباید داشت که روش علمی متخذ و مختار مینوی در تحصیح متون مایه آموزش دیگران نیز قرار خواهد گرفت...

شادروان دکتر عباس زریاب خوئی که خود در صف اول پاسداران زبان و ادبیات فارسی قرار داشت، درباره‌ی استاد مینوی می‌نویسد:... مینوی عاشق زبان فارسی و ادب و فرهنگ ایران بود و این عشق با آب و گل او آمیخته بود. دوستی‌ها و دشمنی‌های با اشخاص بر سر همین معشوق بود و من به یاد ندارم که مینوی با کسی بر سر اسباب دنیوی نزاعی داشته باشد. هدف حملات او کسانی بودند که بزعم او با نداشتن صلاحیت لغت‌سازی و اشتقاق بازی می‌کردند و یا متون قدیم را با بی‌دقتی بچاپ می‌رساندند و یا فلان کلمه را در جای خود بکار نمی‌بردند.

این امر شاید در نظر بسیاری از مردم جهان صنعتی عصر ما غریب و خنده‌آور جلوه کند اما او فارسی و ادب آن را تا حد عشق ستایش می‌کرد و کدام عاشقی است که ننگ حمله و بی‌احترامی به معشوق را تحمل کند؟ روانش شاد که عاشقی صادق و پاکباز بود و نقد عمر عزیز و جان گرامی را در راه معشوق معنوی خود نهاد.

سید محمدعلی جمال‌زاده محقق و نویسنده‌ی کهنسال چنین نوشته است:

وفات استاد مجتبی مینوی بلاـ تردید برای ما و کشور ما ضایعه‌ی بزرگی است. مردی بود از خاندان فضل و تقوی و به تمام معنی کلمه اهل علم و تقوی و در این رشته کاملاـ به سبک و شیوه‌ی علمی و فنی شادروان علامه محمد قزوینی عمل می‌کرد و از مؤسسین دست اول این طریقه یا باصطلاح امروز (مکتب) بشمار می‌آمد. مینوی گذشته از دانش و بینش پهناور و عمیق دارای مکارم اخلاقی چنانی هم بود، الحق سزاوار است پیشوا و سرمشق و مربی و مرشد بسیاری از جوانان دانش‌پژوه که عشق و شور و تتبع دارند واقع گردد. مینوی حرفی را می‌زد که حرف راست بود و حرف راست را بی‌پیرایه و دلیرانه بر زبان و قلم جاری می‌ساخت و تا جائی که بر راقم این سطور معلوم است هیچگاه دیده نشد که در راه علم و حقیقت‌گوئی مداهنه و مجامله و خوش‌آمد گوئی و ملاحظه‌کاری را جایز شمارد، چنانکه گاهی بنظر می‌رسید که در رنجانیدن جمع تعمدی دارد، اما می‌دانیم که بلااختیار همواره درصدد بود به ما بنماید که از گفتن حقیقت تلخ هم نباید رو تابید و آنچه به گفتن می‌ارزد همانا حقاق تلخ است. مجتبی مینوی وجود ذیجود و پرفیض و برکتی بود و بیم آن می‌رود که ما دیگر به این آسانی‌ها نظیر و عدیل او را بدست نیاوریم. اما در دیار ما باب فیض هیچگاه مسدود نبوده است و باید امیدوار بود که از برکت نفس گرم و دم مسیحا اثر استاد مینوی و در اثر زندگی و کار و کوشش و عمل مستدامی که نیم قرن تمام ادامه بلاانقطاع داشت و امروز می‌توان آنرا به «رسالت» تعبیر نمود در میان جوانان، پیروان با ایمان و حواریون با اعتقاد راسخ و استواری پیدا کند که راضی نشوند مشعلی که او روشن ساخته است به آسانی خاموشی پذیرد و با ایقان هرچه تمامتر مطمئن باشند که ترقی و پیشرفت اگر با روح و معرفت توأم نباشد ارزش واقعی نخواهد داشت.

سید حسن تقی‌زاده در مقام سفارت کبرای ایران در انگلستان، مرحوم مجتبی مینوی را به وزارت فرهنگ چنین معرفی می‌کند:

وزارت فرهنگ، البته اطلاع دارید که آقای مجتبی مینوی از فضلاء معروف مدتی است در لندن است... مشارالیه که مسلما یکی از اشخاص فاضل و ادیب درجه اول ایران است و از حیث عمق معلومات اسلامی و احاطه بر تاریخ اسلام و ایران دوره اسلامی و زبان فارسی و عربی و ادبیات آنها، و مخصوصا آشنائی خیلی وسیع و کامل به تحقیقات علمای مغرب در این رشته‌ها و طریقه انتقادی اروپائی و تبحر کامل در کتب اسلامی از عربی و فارسی و وقوف از کتب شرقی و غربی در این رشته مخصوصا آشنائی به کتابخانه‌های بزرگ اروپا شاید بدون ادنی مبالغه پنج نفر نظیر در بین فضلای ایران ندارد و فعلاـ تقریبا بیکار است و عایدی صحیحی برای معیشت ندارد. قبل از جنگ فرنگستان مشارالیه بواسطه‌ی بعضی ناملایمات به فرنگستان آمد و با زحمت شخصی خود از کمک به کارهای علمی به بعضی فرنگیها به عسرت زیاد و ضیق معیشت زندگی کرده و به زحمت سد رمق می‌توانست بکند. در موقع جنگ بکلی تنگدست شد و ناچار در اداره رادیوی انگلیس خدمتی برای نشر اخبار فارسی قبول نمود.

جای کمال تأسف است که چنین شخصی که منبع فیض و منشأ خدمت مفید به معارف ایران تواند شد بی‌استفاده (یا باصطلاح عربی غیرمستفادبه) بماند و مجبور شود به کارهائی که مطابق ذوق و طبع او نیست و فایده‌ای هم برای ملتش ندارد مشغول شود. اگر از فضل و علم او قدردانی شده بود حتی در زمان جنگ هم به کار تبلیغات نمی‌پرداخت و راضی‌تر بود که نصف عایدی آن شغل از ممر دیگر خدمت به علم به او برسد و از آن کار کناره گیرد.

تصور کردم که حالات معارف ایران نهضتی دارد و ارباب ذوق و شوق برای معارف ملی و تاریخی و زبان و ادبیات خودمان در تزاید است مخصوصا وزیر معارف فعلی خودشان از اهل این رشته از معرفت و از فضلای مملکت ما هستند، روا نیست که توجهی به آقای مینوی نشود و تذکر را مجاز شمردم و یقین دارم وقتی خاطر شریف جناب آقای وزیر متوجه این مطلب بشود بذل عنایتی که در خور آنست فرموده، دستور اقدامی برای استفاده از کمالات این شخص مغتنم خواهند داد و در ضمن کمکی به معیشت آقای مینوی خواهند فرمود که بسیار حیف است که چنین مرد فاضلی که باید تمام اوقات وی صرف تألیف و نشر و تصحیح و تلیق بر

کتب نفیسه تاریخی بشود، مجبور گردد به کارهای غیرمتناسب، محض سد رمق، مشغول گردد و شب چو عقد نماز بندد در فکر خوراک بامداد فرزند باشد. بدیهی است که مقصود اینجانب فقط کمک مالی تبرعی مانند وظیفه مستمری نیست که نه برای خزانه دولت مناسب است و نه بالطبع خود مینوی چنین چیزی را البته قبول نخواهد کرد. بلکه منظور آنست که از این همه کارهای علمی و ادبی و معارفی که در حیطه فعالیت وزارت فرهنگ است و شاید به صد نوع از آنها وجوهی صرف می‌شود، چیزی هم به ایشان محول و خدمتی رجوع شود که در اینجا انجام بدهند و به تناسب خدمات انجام شده حقوقی مقرر فرمائید که به او برسد. مثلا تصور می‌کنم اگر عکس گرفتن از نسخه‌های قدیم فارسی و عربی و مراقبت به تصحیح و طبع آنها، و جمع اسناد تاریخی و تدوین رساله‌هائی راجع به کتابخانه‌های فرنگستان و قسمت شرقی آنها و همچنین کتب و مقالات علمای مستشرق اروپا و شاید مخصوصا تهیه مجموعه‌ی خیلی کاملی از فهرست کتبی شرقی که در اروپا موجود است و کتبی که فرنگیها در باب ایران نوشته‌اند، همچنین خرید و تهیه کتب مفیده در این رشته‌ها برای کتابخانه‌های دولتی و ملی ایران و کتابخانه مجلس و غیره شاید نوشته مقالات علمی در مجلات علمی ایران مانند مجله آموزش و پرورش و نیز راهنمائی به محصلین ایرانی که برای تکمیل موقت در رشته‌های زبان و تاریخ شرقی به فرنگستان می‌آیند و سعی منظم در ارسال کلیه اخبار علمی جدید و کتب و مقالات منتشره در اروپا و آمریکا در باب ایران و اسلام به وزارت فرهنگ و نظیر اینها به او رجوع شود، مناسب است و اگر خواسته شود ممکن است تألیف یا ترجمه‌ی بعضی از کتب مخصوصا به ایشان رجوع شود و هکذا. و نیز مشارالیه می‌تواند اگر صلاح بدانند راپورتهای جامع و عمیقی از معارف این سامان و ترتیب مدارس و مخصوصا دارالفنون‌ها مانند آکسفورد، کمبریج و پروگرام آنها و غیره به وزارت متبوعه منظما ارسال دارند. اینها که ذکر شد و کارهای بسیاری نظیر آنها از عهده آقای مینوی ساخته است و بنظر اینجانب بهترین خدمتی که می‌توان به ایشان رجوع کرد، بکار انداختن مایه خود اوست در رشته علوم اسلامی یعنی تاریخ و ادبیات و زبان فارسی و عربی و کتب قدیمه شرقی که رشته‌ی اختصاصی خود اوست و باصطلاح جدید وی متخصص در این رشته است...

سفیرکبیر- سیدحسن تقی‌زاده

(۱۳۵۵ -۱۲۸۲ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد و همراه پدر به سامرا رفت. تحصیلات ابتدایی را در سامرا و تهران و تحصیلات عالی را در دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی تهران و کالج سلطنتی و مدرسه‌ی مطالعات آسیایی و آفریقایی لندن گذراند. در حدود ۱۳۰۵ ش در مجلس شورای ملی سمت تندنویسی داشت و پس از آن به ریاست کتابخانه‌ی ملی رسید. او ابتدا به پاریس و سپس همراه سید حسن تقی‌زاده به لندن رفت و در ۱۳۰۹ ش سرپرست محصلین آنجا شد. پس از بازگشت به ایران در تهران با صادق هدایت، بزرگ علوی، عبدالحسین نوشین، مسعود فرزاد و مین باشیان آشنا شد و اسم ربعه را برای گروه خود برگزیدند. مینوی پس از مدتی به انگلستان رفت و به کار تألیف و تدریس و تعلیم پرداخت. او مدت ده سال برای بنگاه سخن پراکنی انگلستان (بی بی سی) گفتار فرهنگی تهیه می‌کرد. پس از بازگشت به ایران در دانشگاه ادبیات و الهیات تدریس می‌کرد. او بر اثر پافشاری برای عکس‌برداری از کتابهای کتابخانه‌های ترکیه به عنوان رایزن فرهنگی ایران در ترکیه منصوب شد. او بیشتر عمر خود را به تحقیق در متون قدیم ادبی و تاریخی زبان فارسی گذراند و در اواخر عمر سرپرستی بنیاد شاهنامه، که وزارت فرهنگ و هنر برای نشر درست‌ترین متن «شاهنامه» تأسیس کرده بود، را به عهده داشت. از استاد مینوی نزدیک به چهل کتاب از تألیف و ترجمه و تصحیح و حدود یکصد و شصت مقاله‌ی ادبی و انتقادی در مجلات ایرانی و خارجی به قلم او منتشر شده است. او همچنین در تهیه‌ی «فهرستی از نسخه‌های فارسی و مینیاتورهای ایرانی» کتابخانه‌ی چستربیتی ایرلند همکاری داشته است. از آثار وی: «پانزده گفتار»، درباره‌ی چند تن از رجال ادب اروپا از اومیروس تا برناردشاو؛ «شیر و خورشید»، «اطلال شهر پارسه تخت جمشید»، ترجمه؛ «داستان هزار دستان»، ترجمه؛ «شاهنشاهی ساسانیان»، ترجمه؛ «کشف دو لوح تاریخی در همدان»، ترجمه؛ تصحیح و توضیح «ترجمه‌ی کلیله و دمنه» نصراللّه منشی؛ تصحیح «راحهٔ الصدور و آیهٔ السرور»، در تاریخ سلجوقیه

ایران و عثمانی، نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی راوندی؛ تصحیح «داستان ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی؛ تصحیح دو سوم «سیاست نامه»، تصحیح «عیون الحکمهٔ» ابن‌سینا؛ تصحیح «السعادهٔ و الاسعاد» ابوالحسن العامری؛ تصحیح و تعلیقات «سیرت جلال‌الدین منکبرنی» شهاب‌الدین محمد خرندزی؛ تصحیح و توضیح «دیوان» ناصر خسرو، با همکاری دکتر مهدی محقق؛ تصحیح «نوروزنامه» خیام؛ مقدمه‌هایی بر کتب مختلف از جمله کتاب «مازیار» صادق هدایت و «تفسیر قرآن پاک».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۱۳۲، ۸۸، ۷۷)، از نیما تا روزگار ما (۲۲۰ –۱۷۹)، شخصیتهای نامی (۴۶۶)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۹۷۴/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۸، ۳۳۷۷، ۳۳۶۶، ۳۲۳۳، ۳۰۲۹، ۲۸۵۴، ۲۶۷۶، ۲۶۳۸، ۲۲۹۴، ۲۱۸۹، ۲۰۸۷، ۲۰۵۸، ۱۷۹۷، ۱۶۹۴، ۱۶۱۲/ ۲، ۱۳۴۰، ۹۳۲، ۸۹۵، ۸۷۵، ۵۷۵، ۵۸۶، ۳۰۲، ۲۷۷، ۲۴۴، ۳۴/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ مینوی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲ –۱۷۹/ ۵).

ناتل خانلری، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ –۱۲۹۲ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار، نویسنده، زبانشناس و محقق. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به دانشکده‌ی ادبیات راه یافت و موفق به دریافت لیسانس ادبیات فارسی شد و در ضمن تدریس، در مدارس تهران، به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. وی با نگارش رساله‌ی «تحقیق در عروض فارسی»، موفق به دریافت درجه‌ی دکتری شد و پس از آن سمتهای مختلفی چون: کارمند اداره‌ی آموزش وزارت فرهنگ، ریاست انتشارات و روابط عمومی داتنشگاه دانشیاری زبان فارسی را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۲۷ ش برای تکمیل تحصیلات خود به اروپا رفت و دوره‌ی انستیتو دوفونتیک زبان‌شناسی پاریس را گذراند و دو سال بعد به ایران بازگشت و با سمت استادی به تدریس تاریخ زبان فارسی مشغول شد. وی از دوران تحصیل در دبیرستان، همکاری خود را با نشریه‌ی «مهر» شروع کرد و از سال ۱۳۲۲ ش خود به انتشار مجله‌ی «سخن» پرداخت. از دیگر اقدامات او طرح سپاه دانش، تاسیس بنیاد و فرهنگ، و تاسیس یازده موسسه‌ی مختلف فرهنگی از قبیل: فرهنگستان ادب و هنر، فرهنگستان زبان، بنیاد شاهنامه، انجمن فلسفه و حکمت، استاد فرهنگی آسیا، که پس از پیروزی انقلاب همه‌ی این موسسات درهم ادغام، و به نام موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی درآمد. دکتر خانلری، شاعری توانا بود و انواع شعر را با مهارت و زیبایی می‌سرود. معروفترین شعر بلندی که سبب شهرت او شد، منظومه‌ی «عقاب» است. دکتر خانلری در بیمارستان آبان تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: ۱– تالیفات: «تاریخ زبان فارسی»، در سه مجلد؛ «وزن شعر فارسی»؛ «زبان شناسی»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «شهر سمک»؛ ۲– تصحیح: «دیوان حافظ»؛ «سمک عیار»؛ «داستانهای بید پای»؛ ۳– ترجمه: «شاهکارهای هنر ایرانی»؛ «تریستان و ایزوت»؛ ۴– شعر: «ماه در مرداب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از بهار تا شهریار (۴۶۹ –۴۶۲)، چون سبوی تشنه (۱۰۳ –۱۰۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۶۲ –۱۲۵۴/ ۲)، شخصیتهای نامی (۱۷۵ –۱۷۴)، صدف (۲۶۰ –۲۴۷)، فرهنگ سخنوران (۲۹۹)، مولفین کتب چاپی (۱۷۰ –۱۶۷/ ۲).

نادرپور، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر نادرپور، به روز شانزدهم خردادماه ۱۳۰۸ هجری خورشیدی در تهران زاده شد. وی پس از گرفتن لیسانس زبان فرانسه از دانشگاه سوربن، به تهران بازگشت و در طول سالیان متمادی، نخست در بخش خصوصی و سپس به عنوان کارشناس پیمانی در وزارت فرهنگ و هنر، به انتشار ماهنامه های " هنر و مردم " و " نقش و نگار " ادامه داد و مدتی مسئولیت سردبیری آنها را بر عهده داشت. سپس در سال ۱۳۴۳، برای تکمیل مطالعات خود در زبان و ادبیات ایتالیایی به آن سرزمین رفت و در شهرهای پروجا و رم به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷، سمت سرپرستی گروه ادب امروز را در رادیو تلویزیون ملی ایران عهده دار بود و برنامه هایی درباره زندگی و آثار نوآوران ادب معاصر ساخت. در مرداد ماه ماه ۱۳۵۹ از تهران به پاریس رفت و تا اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ در آن شهر اقامت داشت. در همانجا، به عضویت افتخاری اتحادیه نویسندگان فرانسه برگزیده شد و در مجامع و گردهمایی های گوناگون شرکت جست و سخن راند. در بهار سال ۱۳۶۵ به دعوت بنیاد فرهنگ ایران در بوستون، عازم آمریکا شد و از آن پس، به سخنرانی های متعدد در دانشگاه های هاروارد، جرج تاون، یو.سی.ال.ای، برکلی و اروین پرداخت و پاره ای از برنامه های ادبی و فرهنگی خود را،چه از طریق تدریس در کلاسها و چه از راه سخن گفتن در رادیو و تلویزیون، آغاز کرد. نادر پور در بهار سال ۱۳۷۹ در آمریکا از دنیا رفت.گروه : علوم انسانیرشته : زبان خارجیتحصیلات رسمی و حرفه ای : نادر پور دوره های دبستان و دبیرستان را در تهران گذراند سپس برای تحصیل در رشته ادبیات فرانسه به دانشگاه سوربن پاریس رفت. او همچنین در سال ۱۳۴۳، برای تکمیل مطالعات خود در زبان و ادبیات ایتالیایی به آن سرزمین رفت و در شهرهای پروجا و رم به تحصیل پرداخت.زمان و علت فوت : نادر نادر پور در بهار سال ۱۳۷۹ در آمریکا از دنیا رفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نادرپور پس از گرفتن لیسانس به تهران بازگشت و در طول سالیان متمادی، نخست در بخش خصوصی و سپس به عنوان کارشناس پیمانی در وزارت فرهنگ و هنر، به انتشار ماهنامه های " هنر و مردم " و " نقش و نگار " ادامه داد و مدتی مسئولیت سردبیری آنها را بر عهده داشت. از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷، سمت سرپرستی گروه ادب امروز را در رادیو تلویزیون ملی ایران عهده دار شد و برنامه هایی درباره زندگی و آثار نوآوران ادب معاصر ساخت.فعالیتهای آموزشی : نادر پور پاره ای از برنامه های ادبی و فرهنگی خود را،چه از طریق تدریس در کلاسها و چه از راه سخن گفتن در رادیو و تلویزیون، ارائه می کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نادر پور در مرداد ۱۳۵۹ از تهران به پاریس رفت و تا اردیبهشت ۱۳۶۵ در آن شهر اقامت داشت. او در همانجا، به عضویت افتخاری اتحادیه نویسندگان فرانسه برگزیده شد و در مجامع و گردهمایی های گوناگون شرکت جست و سخن راند. در بهار سال ۱۳۶۵ به دعوت بنیاد فرهنگ ایران در بوستون، عازم آمریکا شد و از آن پس، به سخنرانی های متعدد در دانشگاه های هاروارد، جرج تاون، یو.سی.ال.ای، برکلی و اروین پرداخت.چگونگی عرضه آثار : ۱۳۶۷ هفت جلد از این مجموعه ها با چاپ های متعدد در تهران و هشتمین آن، نخست در پاریس و سپس همراه جلد نهم توسط شرکت کتاب در لوس آنجلس منتشر شده است. علاوه بر این مجموعه ها، دو جلد برگزیده اشعار نادر نادرپور نیز در تهران، بارها به طبع رسیده است. از این اشعار، ترجمه های گوناگون به زبانهای فرانسه، انگلیسی، روسی، آلمانی، و ایتالیایی انتشار یافته است. نادر پور، اشعار بسیاری از شاعران بزرگ فرانسوی و ایتالیایی را به فارسی ترجمه کرد و مجموعه ای از آثار گروه اخیر را زیر عنوان " هفت چهره از شاعران معاصر ایتالیایی " به همراهی " بیژن اوشیدری " انتشار داد.

ناصح تهرانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۷۷ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، منطق، فقه، اصول و دوره‌ای از حکمت را نزد اساتیدی چون وحید دستگردی، میرزا رضاخان نایینی، حبیب‌اللّه مظفری و میرزا ابوالحسن شعرانی آموخت. وی با دو زبان عربی و فرانسه نیز آشنایی یافت. او در ۱۳۰۰ ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر دبیرستان‌ها به خدمت اشتغال ورزید و به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان درجه‌ی اول علمی نایل گردید. وی از اعضای انجمن ادبی ایران بود و تا پایان عمر ریاست آن را برعهده داشت. لازم به ذکر است که مصلح‌الدین مهدوی، صاحب تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان»، مولد صاحب عنوان را اصفهان دانسته است. از آثار وی: «اندرز ابن‌سعید»، ترجمه؛ «سیره‌ی جلال‌الدین یا تاریخ جلالی»، ترجمه؛ «زندگانی صلاح‌الدین ایوبی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه و مقدمه «دیوان» ابوالفرج رونی، شرح «بوستان» سعدی؛ رساله‌ای در «شرح حال خاقانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال صاحب بن عباد اصفهانی»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۹۶ -۴۹۴)، الذریعه (۱۱۵۳ -۱۱۵۲ / ۹)، سخنوران نامی (۴۴۵ -۴۳۷ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۶۴ -۳۵۵۹/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۰ -۹۰۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۸۰، ۱۴۹۹، ۱۴۹۸، ۸۶۶، ۳۵۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۵۸ -۵۷)، گلزار جاویدان (۱۲۸۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۸ -۴۲۷/ ۴).

ناصح، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد مهدی ناصح در آذر ماه ۱۳۱۸ در زهان قاینات پا به عرصهٔ وجود نهاد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال۱۳۶۱ است. وی پس از طی مراتب و مدارج علمی استادیاری ،دانشیاری از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲ به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد نائل آمد .دکتر ناصح پس از ۴۴ سال خدمت آموزشی به افتخار بازنشستگی نایل گشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات فارسی

والدین و انساب : محمد مهدی ناصح فرزند شیخ محمد حسین چهکندوکی است که پدرش به شغل معلمی اشتغال داشت.همه نسل های گذشته دکتر ناصح (۱۰ الی ۱۲ نسل) همگی اهل علم بودند.اجداد قدیمی او از کرمانشاه بودند که در عهد صفوی به ناطق خراسان آمدند.خاندان ناصح در منطقه بیرجند ،خاندان بزرگی بود که به تحصیل و علم آموزی معروف بودند.

خاطرات کودکی : محمد مهدی ناصح از مدتها پیش برای نوشتن شرح حال خود به نظم ونثر اقدام کرده که بخشی از آن با عنوان "فرشتهٔ یاد" در کتاب پاژ ۱۵ به چاپ رسانیده است.دکتر ناصح این دوران را به بازی کودکانه و بازیگوشی گذرانده و همین امر باعث می شد که از طرف پدر مورد تنبیه قرار گیرد.تحصیلات ابتدایی را در روستاهای مختلف بیرجند به تحصیل پرداخت.با

گویشهای محلی آن مناطق آشنا شد او از اول دبیرستان یادداشتهایی در این زمینه دارد که بعد آنها را بصورت آثاری درآورده و به چاپ رسانید. در این آثار می توان دوبیتی های عامیانه مردم خراسان جنوبی و شعر غم شامل رباعیهای بیرجندی و پاره ای از امثال و حکم بود (که در حال تدوین است) اشاره کرد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد مهدی ناصح در خانواده ای فرهنگی و مذهبی بدنیا آمد. از لحاظ اقتصادی در شرایط متوسطی بودند. ولی در سالهای ۱۳۲۴ که سالهای قحطی بود و مادر دکتر ناصح مجبور بود که غذای خانواده را جیره بندی کند.دکتر ناصح از آن دوران چنین به خاطر می آورد ":در عین کودکی به این امر واقف بودیم که راه زندگی قناعت است. به ما گفته بودند که هرکس بخواهد دارای عقل و هوش باشد باید به اندازه گوشش نان بخورد و من سعی می کردم در همین حد به نان ساده قناعت کنم".

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مهدی ناصح دوران مدرسه را از سال ۱۳۲۴ دریکی از روستای بیرجند آغاز کرد. پس از آن دوران تحصیل در دبستان را در روستای بورنگ و بجد ادامه داد وسرانجام در دبستان شوکتیهٔ بیرجند به پایان برد. دوران دبیرستان را در بیرجند بین سالهای ۱۳۳۱تا ۱۳۳۵ ادامه داد. در این سال بود که در آزمون دانشسرای مقدماتی بیرجند پذیرفته شد و دوسال بعد از مهرماه ۱۳۳۷ به خدمت درادارهٔ فرهنگ(آموزش وپرورش) بیرجند درآمد و دوران معلمی را آغاز کرد. وی در سال ۱۳۴۴در دورهٔکارشناسی زبان وادبیات فارسی دانشگاه مشهد پذیرفته شد و این دوره را در سال ۱۳۴۹ به پایان برد و همان سال بلافاصله در دورهٔ کارشناسی ارشد همان دانشگاه که به تازگی آغاز شده بود، به تحصیل پرداخت و دوسال بعد به عنوان اولین فارغ التحصیل دورهٔ کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد این دوره را با رتبهٔ ممتاز به پایان رسانید. در سال ۱۳۵۳ به پیشنهاد زنده یاد دکتر یوسفی به دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و به عنوان مربی کار آموزشی خود را در دانشگاه آغاز کرد. در سال ۱۳۵۵ که دورهٔ دکتری دراین دانشگاه تأسیس شد به عنوان نخستین داو طلب برای تحصیل دراین دوره پذیرفته شد. ۶ سال بعد که وی به سال ۱۳۶۱ از پایان نامهٔ دکتری خود با رتبهٔ ممتاز دراین دانشگاه دفاع کرد، در واقع او نخستین فارغ التحصیل این دوره از دانشگاه فردوسی مشهد نیز به شمار می آمد.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمد مهدی ناصح در دوران تحصیل به دروس بحث و کلام بیش از همه چیز اهمیت می داد. دکتر ناصح در این باره می گوید": قلم و کاغذ در زمان ما کمتر بود و بیشتر نوشته هایم روی لوح انجام می گرفت،لوح چوبی که بعد آن را می شستیم و خشک می کردیم و بار دیگر از آن استفاده می کردیم".

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد مهدی ناصح در حین تحصیل به جزء مطالعه کتاب و تهیه یادداشت و همچنین تهیه مقالات و رساله به کار دیگری اشتغال نداشتند.

استادان و مربیان : مرحوم احمد احمدی (از استادان در بیرجند) ، مرحوم یوسفی ،دکتر فاضل ،دکتر مقینی ،دکتر شهابی و غیره (از دوره دانشکده) از اساتید محمد مهدی ناصح بودند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد رضا راشد ،دکتر محمد تقی راشد ، مرتضی ناصح (برادرش) ،دکتر سلیمی ، دکتر رفیعی و آقای باقرپور و جمعی دیگر از همدوره ایهای دکتر محمد مهدی ماصح بودند.

همسر و فرزندان : محمد مهدی ناصح متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم آیت اللهی ،دبیر بازنشسته آموزش و پرورش در رشته جغرافیا است. ایشان دارای یک فرزند پسر بنام علی ناصح و دو فرزند دختر بنام های الهه ناصح و دیگری هایده ناصح.خانم الهه ناصح دارای مدرک پزشکی بود که بر اثر یک بیماری ناشناخته ای درگذشت و دومی خانه دار است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ مربی دانشگاه فردوسی مشهد – ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ استاد یار دانشگاه فردوسی مشهد – ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد – ۱۳۷۴ تا مهر ۱۳۸۲ استاد دانشگاه فردوسی مشهد

فعالیتهای آموزشی : محمد مهدی ناصح در دوره های کاردانی ،کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه فردوسی مشهد به امر تدریس می پرداختند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد مهدی ناصح بانی یک مدرسه و همچنین دوره تحصیلات تکمیلی چند دانشگاه بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی ناصح در کنار تدریس به کارهای تحقیقاتی و پژوهشی و همچنین به راهنمایی رساله های دانشجویی می پردازد

جوائز و نشانها : محمد مهدی ناصح یک جایزه مشترك با همکاری دیگر همکاران در باب تصحیح تفسیر ابوالفتوح رازی دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : محمد مهدی ناصح بیشتر از ۷۰ مقاله در نشریات علمی کشور بچاپ رسانیده است. او همچنین در ۳۳ کنگره، کنفرانس ونشست علمی در داخل وخارج از کشور با ارائهٔ مقاله شرکت داشته است.ایشان همچنین بیش از ۱۰۰ رساله در دوره های کاردانی ،کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری را راهنمایی کرده است. --

آثار :

۱ راهنمای نگارش و ویرایش

ویژگی اثر : انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، سال ۱۳۶۳، با همکاری آقای دکتر محمدجعفر یاحقی. چاپ شانزدهم، بهنشر مشهد، سال ۱۳۷۹.

۲ روض‌الجنان و روح‌الجنان

ویژگی اثر : مشهور به تفسیر ابوالفتحوح رازی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، در ۲۰ جلد، ؟ آقای دکتر یاحقی جلداول و دوم سال ۱۳۷۱، جلد سوم سال ۱۳۷۰، جلد چهارم و پنجم سال ۱۳۷۲، جلد ششم سال ۱۳۷۴، جلد هفتم سال ۱۳۷۵، جلد هشتم و جلد نهم سال ۱۳۶۶، جلد دهم سال ۱۳۶۸، جلد یازدهم و دوازدهم سال ۱۳۶۷، جلد سیزدهم سال ۱۳۶۸، جلد چهاردهم و پانزدهم سال ۱۳۶۹، جلد شانزدهم سال ۱۳۶۵، جلد هفدهم سال ۱۳۶۶، جلد هیجدهم، نوزدهم و بیستم یال ۱۳۷۵.

۳ شعر دلبر، دوبیتی‌های عامیانهٔ بیرجندی دفتر اول

ویژگی اثر : انتشارات محقق، مشهد، سال ۱۳۷۳.

۴ شعر دلدار

ویژگی اثر : در دست چاپ

۵ شعر غم

ویژگی اثر : انتشارات مرکز خراسان‌شناسی، مشهد سال ۱۳۷۹ شامل ۲۹۲ صفحه

۶ شعر نگار، دوبیتی‌های عامیانهٔ بیرجندی

ویژگی اثر : دفتر دوم انتشارات محق، مشهد سال ۱۳۷۷.

۷ گزیدهٔ «مرصادالعباد»

ویژگی اثر : انتشارات جامی، تهران سال ۱۳۷۳

۸ گنج شایگاهان

ویژگی اثر : انتشارات شورای گسترش زبان وادبیات فارسی، تهران سال ۱۳۷۴.

ناصح، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی ناصح

محل تولد : قایات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۹/۱

زندگینامه علمی

محمد مهدی ناصح فرزند مرحوم شیخ محمد حسین ناصح چهکندوک است. وی در آذرماه سال ۱۳۱۸ خورشیدی در روستای زهان (از محلات معتبر و آباد قاین و بیرجند) پا به عرصه‌ی هستی نهاد. خانواده، اجداد و در گذشتگاه ناصح همه اهل علم و ادب و دیانت بوده‌اند. محمد مهدی ناصح دوران کودکی و نوجوانی را به دلایلی چند «از جمله: اشتغال پدرش به کار معلمی»، در بیرجند و توابع این شهرستان سپری کرده است. این دوره از زندگی ناصح مصادف است با دوران تحول فرهنگی در شهرستانها و افتتاح پیاپی مدارس جدید در روستاها و شهرها و رواج نسبی تحصیلات و تعلیمات عمومی به شیوه‌ی جدید.

نام برده به سال ۱۳۲۴ شمسی در کلاس اول دبستان «گز یک» پای به مدرسه نهاد و تا سال دوم دبستان در همان محل سپری کرد. پس از آن جا به «بورنگ»: (محلات بیرجند) آمد و کلاس سوم و چهارم دبستان را در آن جا گذراند. پس از آن به «قصبه‌ی بجد» در نزدیکی بیرجمند انتقال یافت و سال پنجم را در آن جا تحصیل کرد و پس از آن به بیرجند نقل مکان نمود و در کلاس ششم دبستان شوکی بیرجند، ادامه تحصیل داد.

ناصح در سال ۱۳۳۱ وارد دبیرستان شد و پس از گذراندن سه ساله‌ی اول دبیرستان (سیکل اول) در دبیرستان شوکی آن زمان از سال ۱۳۳۵ در کنکور مربوط به پذیرش محصل در دوره «دانش سرای مقدماتی» شرکت کرد و در این دوره قبول شد و پس از گذراندن دوران دو ساله‌ی دانش‌سرا، در مهر ماه سال ۱۳۳۷ در شهرستان «قاین» به خدمت اداره فرهنگ (سازمان آموزش و پرورش فعلی) درآمد و تا سال ۱۳۴۴ در مدارس این شهر به تدریس در دوره‌ی ابتدایی اشتغال داشت.

ناصح به سال ۱۳۴۴ در دانشکده‌ی «ادبیات و علوم انسانی» دانشگاه فردوسی مشهد، دوره‌ی لیسانس پذیرفته شد و پس از گذشت مدت ۴ سال، از این دوره فارغ التحصیل شد. در تمام این مدت نیز به خدمت فرهنگی در مدارس شهر مشهد اشتغال داشته است. نیز وی در سال ۱۳۵۰ شمسی در کنکور دوره‌ی فوق لیسانس «زبان و ادبیات فارسی» دانشکده‌ی ادبیات مشهد شرکت کرد و در سال ۱۳۵۲ این دوره را به عنوان اولین دانشجوی فارغ التحصیل دوره‌ی فوق لیسانس با درجه‌ی عالی به پایان رساند. همچنین وی به سال ۱۳۵۵ در دوره‌ی دکتری «زبان و ادبیات فارسی» در دانشگاه فردوسی مشهد شرکت کرد و پذیرفته شد و سرانجام در سال ۱۳۶۱ شمسی، به عنوان نخستین فارغ التحصیل دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی این دوره را با درجه‌ی ممتاز گذرانید.

ناصح‌الممالک بروجردی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۸ ش)، مؤسس و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به ناصح‌الممالک. در بروجرد به دنیا آمد. در شانزده سالگی همراه پدر به مکه و پس از آن به گنجه رفت و چند سال در آنجا ماند. سپس به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در ۱۲۸۲ ش کودکستانی تأسیس نمود. او سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده حمزه دفن گردید. از آثارش: «نصایح‌الاطفال»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حاجی اسماعیل‌خان متخلص به ناصح (و. بروجرد ۱۲۴۸. ف. تهران ۱۳۱۰ ه.ش) وی در ۱۶ سالگی با پدر به مکه رفت و مدتی در باکو، تفلیس، گنجه سیاحت کرد و در آن نقاط ادبیات فارسی را تدریس می‌کرد، سپس در تهران در خدمت معارف داخل شد و عمر خود را در تربیت اطفال و اداره‌ی کودکستان می‌گذراند. شعر نیز به حد متوسط می‌سرود. در حیاط امامزاده حمزه، جنب زاویه‌ی مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۲۶)، الذریعه (۱۶۸/ ۲۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۷۷/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۵۸۶/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۶ -۶۱۵/ ۱).

ناصرالسلطنه تبریزی، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۰- ح ۱۳۱۲ ق)، خطاط. ملقب به دبیرالسلطنه و ناصرالسلطنه. وی مدتها عهده‌دار امور خالصه‌ی تهران و آذربایجان بود و در اواخر عمر از خاصان دربار مظفرالدین شاه گردید. ناصرالسلطنه از علوم ادبی بهره داشت و زبان فرانسه را نیک می‌دانست و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۰/ ۳)، شرح حال رجال (۳۴۹ -۳۴۸/ ۴).

ناطق تبریزی، ناصح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۸۴/ ۱۲۸۰ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پدرش از وکلای دادگستری و از مشروطه‌خواهان بود. ناطق پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش جهت ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و موفق به اخذ درجه‌ی مهندسی در رشته‌ی راه و ساختمان شد. پس از بازگشت به ایران به استخدام وزارت راه و ترابری درآمد و مدت هشت سال مدیر کل سازمان راه‌آهن و نیز مدتی عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود و در ضمن عضویت هیأت مدیره شرکت ساختمانی اتکو

را، که از کارهـای مهم آن ساختمـان سـد کرج و سـد سپیـدرود بود، به عهـده داشت. وی همچنین به زبان‌هـای آلمـانی، انگلیسـی، فرانسه و عربی مسلط بود. از تألیفات وی: «زندگی مانی و پیام او». از ترجمه‌های وی: «آدمک حصیری»، «جنایت سیلوستر بونارد»، «شاهزاده خانم»، «آنژلیکا»، «ژانو و کولن»، «سپید و سیاه»، «میکرو میگاس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی شـعرای آذربایجان (۶۳۸ -۶۳۵/ ۳)، سـخنوران نامی معاصر (۳۵۹۱ -۳۵۸۹/ ۶)، فهرست کتابهـای چاپی فارسی (۳۲۰۹، ۲۰۷۷، ۱۹۹۲ :۱۹۳۵، ۱۸۸۶/ ۲، ۱۳۶۴ -۱۳۶۳، ۱۰۵۳، ۲۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۸ -۴۹۷/ ۶).

ناطق، ناصح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق، مترجم.

تولد: ۱۲۸۴، تبریز.

درگذشت: ۲۵ مهر ۱۳۶۴، تهران.

ناصـح نـاطق فرزنـد جواد (از آزادیخواهان تبریز در دوره‌ی مشـروطیت) تحصـیلات ابتـدایی و متوسـطه را در تبریز به پایان رسانیـد. سپس به عزم ادامه‌ی تحصیل در خارج از کشور، در امتحانات اعزام دانشجو به اروپا شرکت کرد، پذیرفته شد و به فرانسه رفت و در آنجا به اخـذ درجه‌ی مهندسـی در رشـته‌ی راه و ساختمان نایل آمـد. پس از بازگشت به ایران مـدتی در وزارت راه خـدمت کرد و متجـاوز از هشت سال مـدیریت کل ساختمان راه‌آهن و یک چنـد نیز عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود. وی از اعضای مؤسـس شـرکت مؤلفان و مترجمان ایران بود و از سال ۱۳۵۶ تا پایان عمر ریاست هیئت شـرکت را بر عهـده داشت .وی در زمینه‌ی زبـان فارسـی و معادل‌یـابی برای واژه‌های فنی و علمی فعالیت بسـیار داشت و در این راه با غلامحسـین مصاحب و دیگران همکاری داشت. وی یکی از مؤسسین جمعیت آذربایجان بود.

ناصح ناطق پس از شهریور ۱۳۲۰ به همراه گروهی از ایرانی‌ها، به عنوان دوستدار آلمان‌ها به زندان متفقین گرفتار شد و مدت‌ها در اراک زندانی بود.

فهرست آثـار وی به شـرح زیر است: بحثی دربـاره‌ی زنـدگی مـانی و پیـام او (تهران، ۱۳۵۷)؛ ترجمه‌ی کتاب آدمک حصـیری (اثر آناتول فرانس، ۱۳۵۱)؛ ترجمه‌ی بخش اول جلـد چهارم تاریخ پیشـرفت علمی و فرهنگی بشـر (۱۳۵۳)؛ «درباره‌ی زبان آذربایجان» (بخشـی از کتـاب مجمـوعه سـخنرانی‌های کـانون فرهنگی ایران جـوان، ۱۳۵۱)؛ ترجمـه نمایشـنامه‌ی آنژلیکـا؛ ترجمـه‌ی جنـایت سیلوستربونـارد (آنـاتول فرانس، ۱۳۳۰)؛ شـاهزاده خـانم بابـل (ولتر، ۱۳۳۹)؛ ایران از نگـاه گوبینـو. مقالاـتی از وی در مجلاـت و روزنامه‌های مختلف و از جمله در «راهنمای کتاب» و «یغما» به چاپ رسیده است.

فرزنـد جـواد نـاطق یکی از آزادیخواهـان تـبریز در دوره‌ی مشـروطیت بـود کـه خـدمات وی در غـالب کتـبی که دربـاره‌ی نهضـت مشروطیت منتشر گردیده بود بوضوح و روشنی درج شده است. علاوه بر آن یکی از شیفتگان زبان و ادب فارسی بود.

ناصح در ۱۲۸۴ در شـهر تبریز پـا به عرصه وجود گـذاشت و در شـش سـالگی تحصـیلات خود را آغاز کرد و در مـدرسه‌ای درس خوانـد که اسـمعیل امیرخیزی ادیب مشـهور رئیس آن مـدرسه بود. پس از اتمـام تحصـیلات دبیرسـتانی به اروپـا رفت و در رشـته‌ی مهندسی راه و ساختمان درجه‌ی علمی عالی گرفت و به ایران بازگشت و در وزارت راه اشتغال ورزید. پس از مدت کوتاهی رئیس

اداره و مدیر کل شد و زمانی نیز رئیس راه‌آهن بود. مدتی هم عضویت شورای عالی سازمان برنامه را داشت. وی در راه‌سازی در ایران خدمات برجسته‌ای انجام داد و در احیاء ساختمانهای قدیمی و نوسازی آنها زحمات زیادی متحمل شد.

مهندس ناطق گذشته از رشته‌ی تخصصی خود یک مترجم عالیمقام و ادیب پرمایه و فرهنگی پرتوان بود. بنا به نوشته‌ی آقای ایرج افشار «ناطق به زبان فارسی با نگاهی علمی، فرهنگی و ملی می‌نگریست و بدان اهمیت بسیار می‌داد و کوششهای باارزشی در این راه کرد از آن جمله است همراهی و همکاری با مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب و مهندس صفی اصفیا، احمد آرام، دکتر گل‌گلاب و مصطفی مقربی برای یافتن و گزینش معادلهای فارسی برای واژه‌ها علمی و فنی مورد نیاز دائره‌المعارف. حاصل کار آنها فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی شامل حدود هفتصد و پنجاه واژه است.»

از ناطق آثار ادبی زیادی باقی مانده است. از ترجمه‌های او می‌توان جنایت سیلوستر بونارد، دختر کلمانتین و آدمک حصیری آناتول فرانس را نام برد. پنج نمایشنامه ولتر را هم ترجمه کرد. کتاب ایران از نگاه گوینو از دیگر آثار اوست. وی در ۱۳۶۴ در تهران درگذشت.

ناصح مردی خیر بود. همه سال مبلغی اعتبار درنظر گرفته بود و صرف خرید کتاب برای کتابخانه‌ی ملی تبریز اختصاص می‌داد. همچنین مقدار زیادی کتاب برای محققین ایرانی فرانسه که مورد لزوم بود به مؤسسه‌ی مطالعات ایرانی دانشگاه پاریس می‌فرستاد. همچنین مبلغ قابل توجهی برای ساختن بیمارستانی در تبریز پرداخت. او یکی از پایه‌گذاران شرکت مؤلفان و مترجمان بود.

مرحوم ناصح در سال ۱۳۲۲ به اتفاق عده‌ای از رجال و افسران ارتش و مدیران و مهندسین راه‌آهن از طرف متفقین به جرم ژرمانوفیلی بازداشت و در اراک زندانی شد. این دوره اسارت قریب یک سال بطول انجامید.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ - ۱۲۸۰ ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به ناظم‌الاسلام. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم ادبی و عربی، از محضر حاج شیخ ابوجعفر مجتهد، فقه و اصول و از محضر میرزا آقا خان کرمانی، منطق و شرح «اشارات» را آموخت. وی در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و در درس میرزای جلوه و سید شهاب‌الدین شیرازی به تحصیل حکمت الهی پرداخت و در حوزه‌ی درس حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ هادی نجم‌آبادی نیز حاضر بود. وی از مشروطه‌خواهان و با جمعی از روشنفکران از جمله سید محمد طباطبایی محشور بود. پس از تأسیس مدرسه‌ی اسلام، توسط سید محمد طباطبایی، میرزا محمد در آن مدرسه ناظم شد و به همین دلیل به ناظم‌الاسلام ملقب گردید. ناظم‌الاسلام در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «کوکب دری» یا «کوکب دری ناصری» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. او سپس به کرمان بازگشت و در دادگستری به خدمت پرداخت و سرانجام در همان شهر درگذشت و در مقبره‌ی سید علویه به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «اصول عقاید»؛ «تاریخ بیداری ایرانیان»، در سه جلد؛ «خلاصهٔ‌العوامل»؛ «شمس‌التصاریف»؛ «مقامات حریری»، ترجمه؛ «علائم الظهور المهدی الموعود».[۱]

محمد بن علی (و. ۱۲۸۰ ه.ق- ۱۳۳۷ ه.ق)، از فضلا و مؤلفین معروف کرمان و صاحب تاریخ بیداری ایرانیان. در کرمان متولد شد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم ادبی پارسی و عربی و فقه و اصول در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و به تحصیل حکمت پرداخت و با واقعه‌ی «رژی» و انحصار تنباکو و برخاستن زمزمه‌ی آزادیخواهی در ردیف طلاب تجددخواه درآمد و تاریخ خود را

تألیف کرد. بعد از استقرار مشروطیت در کرمان در عدلیه مشغول خدمت شد و در سال ۱۳۳۷ ه.ق در کرمان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۱۹ -۱۱۸/ ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۹۵ ،۲۶۶/ ۴)، تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ هفده- بیست و چهار، ۱۰ -۹)، تاریخ جراید (۱۵۱ -۱۵۰/ ۴)، الذریعه (۳۰۸/ ۱۵ ،۲۲۰/ ۱۴ ،۲۴۲/ ۳)، شرح حال رجال (۱۹۶ -۱۹۵/ ۶ ،۲۷۸/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۸، ۲۱۶۳/ ۲ ،۱۲۸۱، ۶۷۹ ،۲۶۰/ ۱) لغت‌نامه (ذیل/ ناظم‌الاسلام کرمانی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴ -۶۰۲/ ۵).

ناظم‌العلوم، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۷ ق)، نویسنده و مترجم. ملقب به ناظم‌العلوم. وقتی در ۱۲۹۰ ق ناصرالدین شاه برای اولین بار به اروپا سفر کرد، وی همراه دایی خود، علیقلی خان مخبرالدوله، که از ملازمان شاه در آن سفر بود به پاریس رفت و در مدرسه نظامی سن سیر در رشته توپخانه به تحصیل مشغول شد. پس از بازگشت به ایران از معلمین نظام سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان، که برای خود ارتشی تشکیل داده بود، شد. او مدتی نیز به علت اختلاف سر حدی با روسها به خوی رفت و بعد از مرگ ناصرالدین شاه به تهران بازگشت و مدتی رئیس مدرسه‌ی علمیه و از معلمین دارالفنون شد. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»؛ «اصول علم حساب»؛ «انموذجی از جبر و مقابله»؛ «تاریخ عمومی»؛ «حکمت ریاضی»، در اصول علم حساب تا لگاریتم؛ «تلماک»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۳۸۵ -۳۸۴/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۲۰۲ ،۱۱۷۰، ۹۴۷، ۷۲۹، ۳۸۴، ۲۶۳، ۲۵۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۹/ ۴).

نامدار جویباری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس نامدار جویباری

محل تولد : جویبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس نامدار جویباری در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از یک سال به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت نمودم و در مدت پنج سال، سطح مقدماتی و متوسطه را در جوار حضرت ثامن الائمه با استفاده از اساتید به نام آن سامان به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیدم.

پس از اتمام سطح عالی نزد اساتید حوزه علمیه قم، در درس های خارج فقه و اصول اساتید و مراجع عالیقدر شرکت نموده ام و همزمان از محضر اساتید کلام و فلسفه نیز بهره برده ام. ضمن اینکه در تمام طول سنوات تحصیل قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اسلامی از فعالیتهای مثبت سیاسی غافل نبوده ام .

از سال ۱۳۶۳ هجری شمسی عملا و به صورت آزاد وارد حوزه تدریس در حوزه علمیه قم شدم و ابتدا از اولین کتابهای حوزوی: «جامع المقدمات» شروع به تدریس نموده و در طول سنوات در همه مراحل و پایه های درسی حوزه به تدریس پرداختم و هم اکنون چند سال است که به تدریس درس خارج مشغولم.

ناهج قزوینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناهج قزوینی در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در قزوین متولد گردید. پس از طی تحصیلات مقدماتی ، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت. پس از آن به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد. ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است. او سرانجام در دی ماه سال ۱۳۷۰ چشم از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر ناهج قزوینی ، شیخ عیسی مجتهد مناهجی و مادرش از سادات شیرخورشیدی قزوین بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ناهج قزوینی پس از طی تحصیلات مقدماتی ، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت.

زمان و علت فوت : ناهج قزوینی در دی ماه سال ۱۳۷۰ چشم از جهان فروبست و در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ناهج قزوینی پس از تحصیل علوم معقول و منقول به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است.

آرا و گرایشهای خاص : شعر ناهج قزوینی سراسر مدح ائمه ، زهد و اندرز است و از چاشنی تصوف و عرفان بهره دارد. --------
----

آثار :

۱ دیوان ناهج

ویژگی اثر : مجموعه هیچ نامه ، عشق عریان ، پیاله ، منظومه فلسفی در دیوان وی به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه : ۱ستایش امیر المومنین (در سروده های سخنوران قزوین) ، پژوهش: محمدعلی حضرتی ، قزوین: بحرالعلوم ، ص ۳۷۷

نایب الصدر، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمد صادق بن میرزا محمد رضا فرزند میرزا ابوالقاسم مدرس عالم بزرگوار، و فاضل ارجمند و ادیب بوده، از آثارش کتابی است در دو مجلد در شجره‌نامه‌ی سادات خاتون‌آبادی فامیل خود.

از شاگردان شیخ انصاری و حاج ملا علی کنی بوده، در ربیع الاخر سال ۱۳۲۶ وفات یافته، قبرش در زیرزمین تکیه‌ی خاتون‌آبادی در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نائینی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الأصل، اصفهانی المولد، طهرانی المسکن، از علمای معقول و منقول، و تارک دنیا بوده، و در بازارچه‌ی نایب السلطنه پاره‌دوزی می‌کرده، و به مشهدی حیدر معروف بوده. حاشیه بر شرح چغمینی در هیئت نوشته که به طبع رسیده است.

در ۱۳۴۴ به سن ۷۸ سالگی وفات یافته، نزدیک سر قبر آقا مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجاتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، شاعر.

تولد: ۱۲۸۱.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۷۳.

محمدعلی نجاتی از اوان نوجوانی به عضویت انجمن‌های ادبی ایران و حکیم نظامی به سرپرستی وحید دستگردی درآمد. وی مدتی مدیریت مجله‌ی ادبی «ارمغان» را به عهده داشت. بعدها که به خدمت ارتش درآمد، مدت ده سال سردبیری مجله‌ی «ژاندارمری» را بر عهده داشت. آثار ادبی نجاتی اعم از شعر و مقاله در اغلب مجلات ادبی از جمله «یغما»، «ارمغان» و «گوهر» منتشر شده است.

نجاتی در طنز نیز آثار منظومی دارد و غیر از مقالات و تحقیقات ادبی، کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور اثر شرفشاه توسط وی ترجمه شده است.

شایان ذکر است که این کتاب به عنوان بهترین کتاب سال نیز شناخته شده است.

(۱۳۷۳ -۱۲۸۴ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه‌های اسلام و ثروت به پایان رساند. سپس به کسب علوم ادبی و عربی پرداخت و از محضر وحید دستگردی مایه‌های ادبی اخذ کرد و قریب ده

سال به عنوان مدیر داخلی مجله‌ی «ارمغان» با وی همکاری نمود و در تصحیح متون ادبی همکار نزدیک او بود و چند سال نیز به عنوان معاون کتابخانه‌ی ملی مشغول خدمت گردید. از آثار وی: ترجمه‌ی «عجایب المقدور فی نوائب تیمور»، تألیف ابن عربشاه، به نام «زندگی شگفت‌آور تیمور»؛ «دیوان» شعر؛ اهتمام در انتشار «دیوان» شعر ملک‌الشعراء فتحعلی خان صبا.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۱۷۲/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۲۳ -۳۶۱۸/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۰۲/ ۱)، کشف الظنون (۱۱۲۸)، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۴۱۰)، گلزار جاویدان (۱۶۰۷/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰/ ۴).

نجار، ابوالحسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، عارف. از عرفای بنام زمان خود بود و با خواجه عبداللّه انصاری معاصر. در قُهندوز که محلی میان هرات و بخارا بوده، درودگری می‌کرد. جامی از قول خواجه عبداللّه سخنان بسیاری از او نقل کرده است.[۱]

اسکافی، فقیه و دانشمند مشهور معاصر ابوالفضل بیقهی و سلطان ابراهیم غزنوی (جل. ۴۵۱ ه.ق.) بوده و از او نیکویی و احسان دیده است. وی مسند تدریس نیز داشت و بی‌اجری و مشاهره درس ادب و علم می‌داد. اشعاری فارسی از او در کتب ادب آمده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن نجار)، نامه‌ی دانشوران (۱۴۵ -۱۳۷/ ۷)، نفحات الانس (۳۵۵ -۳۵۰).

نجف‌آبادی، غلام حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد صادق نجفی روضه‌خوان. در کربلا متولد گردید، و در نجف ساکن، و در کتابخانه‌ی مولی علی محمد نجف‌آبادی بوده است.

کتب و رسائل عدیده تألیف نموده، از آن جمله است: ۱ - سفن النجاۀ، در ۱۴ مجلد به عدد معصومین ۲- سفینۀ النجاۀ، در شرح حال حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، در دو مجلد ۳- الشمس الطالعه فی ظهور صاحب الانوار الساطعۀ، در احوالات حضرت ولی عصر علیه‌السلام ۴- مختصر «روضات الجنات»؛ و غیره.

صاحب عنوان در ۲۲ محرم سال ۱۳۴۵ به سن تقریبی ۵۰ سال وفات یافته، در نجف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجفی اسداللهی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی.

مرتبه علمی:

مدرس در دارالعلوم العربیه، مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه علامه طباطبائی و مرکز بین‌المللی گسترش زبان فارسی، دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عضویت در هیأت مؤلفین لغت‌نامه فارسی، عضویت در هیأت علمی بخش زبان عربی دائرهٔالمعارف بزرگ اسلامی، عضویت در کمیته برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (عربی) وزارت آموزش و پرورش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

لغت عربی و فارسی، زبان و ادبیات فارسی و عربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تدوین لغت و لغت‌نامه، رابطه زبان عربی و فارسی، نکات دستوری بین دو زبان فارسی و عربی، آموزش زبان عربی در ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نجفی هزار جریبی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برادرش مرحوم شیخ محمّد حسین از علمای کاملین بوده، و رساله‌ای در شرح حال پدر و جدّ خویش نوشته، و کتابی به نام «البوارق لکشف معضلات الحقایق» دارد.

در سال ۱۲۲۵ متولّد شده، و مقدّمات را نزد پدر خود آموخته، و چون پدرش مدّت پانزده سال به مرض سل مبتلا بوده و نتوانسته بود کتاب‌های خود را پاکنویس کند، فرزندش پس از سال ها از مرگ پدر این مهم را انجام داده، و گرنه تمام تألیفات پدرش از بین می‌رفت.

سال وفاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالمی بزرگ، و فقیهی نامور، و در غایت زهـد و تقوی بوده، در دیانت و محکمی امر مرافعات، و امتناع از چیزی که بوی رشوه در او باشـد، و عـدم ملاحظه از اکابر و ارحام در این مقام، عندالخواص و العوام مسلّم بود، و مرحوم میرزای شیرازی اعتماد تامّی به او داشـته، که اهل اصـفهان هر وقت از ایشان سؤال کرده‌اند که به چه کسـی رجوع کنند؟ می‌فرمودند: به میرزا محمّد حسن نجفی. و جمعی از خواّص از ایشان تقلید می‌کردند، و ایشان امام جماعت مسجد ذوالفقار بودند، و عمر گرامی را صـرف تحصیل و تدریس و تألیف و تصنیف و جواب استفتاءات می‌فرمودند.

در حـدود سال ۱۲۳۷ متولّـد، و در روز ۵ شنبه ۱۱ ربیع الاـول سال ۱۳۱۷ در اصـفهان وفات یافته، در لسان الارض مـدفون گردید، سپس به نجف منتقل گردید.

کتب زیر از ایشان است:

۱- اجزایی دراصول ۲- اجزایی در فقه ۳- حاشیه بر فصول ۴- حاشیه بر قوانین ۵- رساله در زیارت عاشورا ۶- کتابی در طهارت ۷- کتابی در تقوی، ناتمام، و غیره.

مشارالیه در نجف از زمره شاگردان: آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، و شیخ مرتضی انصاری، و میرزای شیرازی بوده، و در اصفهان عدّه زیادی در عداد شاگردانش محسوب می‌شوند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجم الدوله، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا علی محمدبن محمد حسین اصفهانی.

ادیب فاضـل ریاضـی دان معروف، از مفـاخر علمی و ادبی ایران، و به خصوص در ریاضـیات، شـهرت و عنوان داشـته، و سال‌هـا در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس می‌نموده.

در ذی قعده سال ۱۲۵۹ متولد، و در ۱۴ جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۶ وفات یافته، در طهران مدفون گردید.

کتب و رسائـل زیـادی نوشـته و عمومـا به طبع رسـیده، از آن جمله است: ۱ – آسـمان، در هیئت [اسـتدلالی جدید] ۲ – اصـول علم جغرافیا ۳ – اصول هنـدسه ۴ – بدایـهٔ الجبر ۵ – بدایـهٔ الحساب ۶ – بدایـهٔ النجوم ۷ – بدایـهٔ الهندسه ۸ – تطبیقیه، در تطبیق سال‌هـای قمری و شمسـی و میلادی ۹ – الرحلهٔ الخوزیهٔ، در سـفرنامه‌ی خوزسـتان ۱۰ – کفایـهٔ الحساب ۱۱ – کفایـهٔ الهندسه ۱۲ – المثلثات البسیطهٔ ۱۳ – مثلثات مستقیمهٔ الخطوط] ۱۴ – قانون ناصری در هیئت استدلالی]؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجم‌آبادی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، طبیب، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. نسبش از طرف مادر به شیخ هادی نجم‌آبادی و از طرف پدر به حاج محمد نجم‌آبادی، اولین متولی مدرسه‌ی عالی شهید مطهری می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. تحصیلاتش را در مدرسه‌ی شرکت گلستان و مدرسه‌ی قدیم ایران و آلمان و سپس در دارالفنون و دارالمعلمین به اتمام رساند و از آنجا به مدرسه‌ی طب رفت و تحصیلات خود را در آنجا تکمیل نمود. در ۱۳۰۹ ش در قوچان و در ۱۳۱۲ ش در سبزوار طبابت کرد و پس از آن به تهران آمد و در انستیتو پاستور مشغول کار شد. وی ریاست بیمارستان‌های نجات و لقمان‌الدوله (لقمان حکیم) را به عهده داشت. دکتر نجم‌آبادی در اکثر کنگره‌ها درباره ابن‌سینا و رازی سخنرانی داشت و سالها نایب رئیس انجمن بین‌المللی تاریخ طب در پاریس بود. وی به زبان‌های آلمانی، فرانسوی و عربی تسلط داشت و تحقیقاتی در زمینه‌ی تاریخ طب و طب سنتی انجام داد و آثاری در این زمینه نوشت. او همچنین ماهنامه‌ی «جهان پزشکی» را تأسیس و منتشر نمود. او دیگر آثار وی: «محمد زکریای رازی»؛ «اصول بهداشت»؛ «بلای عظیم نسل بشر، سیفیلیس و سوزاك»؛ «تاریخ طب ایران»؛ «تعالیم پزشکی صد ساله‌ی فرانسویان در ایران»؛ «راهنمای پزشکان»؛ «مختصری از طب اسلامی بخصوص خدمات ایرانیان»؛ «فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی»؛ «آبله و سرخك»، ترجمه؛ «آیین پزشکی یا پندنامه‌ی اهوازی»، ترجمه؛ تصحیح «رساله‌ی جودیه»؛ مقدمه بر «طب اسلامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی دکتر محمود نجم‌آبادی، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۵۹، ۲۴۸۶، ۲۱۱۶، ۱۶۹۱، ۱۶۳۹، ۹۱۰، ۸۱۱، ۷۲۰، ۶۲۵، ۵۱۳، ۴۰۸، ۲۴۸، ۷۸، ۴ -۳ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۴، ص ۱۴ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲ -۹۹/ ۶).

نجومیان، امیرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیرعلی نجومیان پس از اتمام دوره متوسطه و اخذ دیپلم ،تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه شهید بهشتی دررشته زبان و ادبیات انگلیسی آغاز کرد.او جهت تکمیل معلومات دانشگاهی عازم انگلستان شد و در رشته ادبیات انگلیسی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه لستر انگلستان به تحصیل پرداخت.نامبرده هم امنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی است.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی : دیپلم: ریاضی و فیزیک / ۱۳۶۱ / مشهد کارشناسی: زبان و ادبیات انگلیسی / ۱۳۶۹ / تهران / دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد: ادبیات انگلیسی / ۱۳۷۳ / لستر / دانشگاه لستر دکتری: ادبیات انگلیسی / ۱۳۷۸ / لستر / دانشگاه لستر مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی امیرعلی نجومیان به ترتیب زیر است: مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی (آبان ماه ۱۳۸۱ — بهمن ماه ۱۳۸۵) معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه ۱۳۸۵-تا حال حاضر). دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاك دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت

و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه ۱۳۸۳). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (۱۳۸۲ – تا حال حاضر) دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاک دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه ۱۳۸۳). عضو گروه تخصصی نشانه شناسی هنر، فرهنگستان هنر (۱۳۸۲ –تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (۱۳۸۲ – تا حال حاضر). معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه ۱۳۸۵–تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها - ۱۳۸۲ تا حال حاضر داور بخش نقد و پژوهش ادبی، ششمین جشنواره دوسالانه ادبی دانشجویان کشور (۱۹ تا ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵). برگزاری کلاسهای تخصصی شهر کتاب: «پساساختگرایی: نظریه و نقد» (تهران: ساختمان مرکزی شهرکتاب) (تیر تا شهریور ماه ۱۳۸۵). آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی ادبیات قرن بیستم / رابطه ادبیات و فلسفه / نقد ادبی معاصر / مطالعات بین رشته‌ای / روش‌های آموزش ادبیات تحقیقات و فعالیتها : نقد ادبی معاصر – ادبیات قرن بیستم رابطه ادبیات و فلسفه جوائز و نشانها : دانشنامه زیباشناسی (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴). (برگزیده کتاب سال ۱۳۸۵) چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر امیرعلی نجومیان به قرار زیر است: مصاحبه:۷ مورد سخنرانی (به زبان فارسی):۲۱ مورد مقالات ارائه شده :بیش از ۳۰ موردآثار : ترجمه: زوال یا بقای متن اصلی؟»، خیال پردازی زوال: مفهوم زوال در فرهنگ اروپا ویژگی اثر : آلدرشات: اشگیت، ۱۳۷۸۲ دانشنامه زیباشناسی ویژگی اثر : (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴). (برگزیده کتاب سال ۱۳۸۵) ۳ درآمدی بر پست مدرنیسم در ادبیات ویژگی اثر : اهواز: انتشارات رسش، ۱۳۸۵۴ درآمدی بر مدرنیسم در ادبیات ویژگی اثر : اهواز: انتشارات رسش، ۱۳۸۳۵ کتاب و کتاب خوانی در برنامه های تلویزیونی ویژگی اثر : به کوشش دکتر بهمن نامور مطلق (همکاری در ترجمه) (تهران: اداره کل پژوهشهای سیما، ۱۳۸۱).

نحوی هروی، ابوالمظفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۴ ق)، ادیب، نحوی و عالم. از پیشوایان علوم ادبی و از شاگردان خوارزمی بود. از طبری، قاضی ابی‌الهیثم و ابوالعلاء صاعد فقه آموخت و در تفسیر و حدیث نیز دستی داشت. در اصول عقاید پیرو عدلیّه بود. شرح «اصلاح المنطق» ابن‌السکیت و شرح «امثال» ابوعبید و شرح «حماسه» و شرح «دیوان» متنبی از تألیفات اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۰ /۶)، اعیان الشیعه (۵۸ /۹)، الذریعه (۲۷۷، ۹۳ /۱۳)، ریحانه (۲۶۷ /۷)، کشف الظنون (۸۱۱، ۶۹۱، ۱۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد)، معجم الادباء (۱۱۷ –۱۱۶ /۱۷)، معجم المؤلفین (۳۵ /۹)، الوافی بالوفیات (۳۳۳ /۱).

نحوی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم مبرور شیخ ابوالقاسم نحوی از مدرسین نامی و علماء سامی حوزه علمیه و دانشمندان و ادباء معروف و عالیقـدر قم که حق عظیمی بر هزاران نفر از طلاب دارد می‌باشـد، تولدش در سال ۱۳۰۰ ق در قم واقع شـده و پس از رشد و طی مقدمات از خدمت مرحوم آقا شیخ حسن فاضل و آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی رضوان‌الله علیهم درس خوانـده و با کمال متانت و سادگی و بی‌بضاعتی زنـدگانی نموده و وارد هیـچ دسـته و سـر و صـدائی نشده و سالها از مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله بروجردی اسـتفاده نموده و صدها طلبه فاضل و عالم از ادبیات مطول و مغنی و کتـب دیگر وی اسـتفاده کرده و چنـد سـالی هـم به امر آیت‌الله العظمی بروجردی- ره- برای اداره حـوزه علمیه شهرسـتان سـاوه بـا آن سامـان توقف نموده آنگـاه به قم وطن مـالوف خود برگشـته و به خـدمات دینی و روحی پرداخته تـا در ماه رجب سال ۱۳۸۵ قمری که بدرود زندگی گفته و در صـحن جدید اتابکی در محل نماز حضـرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله مدفون گردید.

مرحوم حجه‌الاسـلام نحوی از رفقای بسـیار نزدیک مرحوم آیت‌الله مجاهد بافقی بود و به حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی بسیار ابراز علاقه و ارادت می‌ورزید فرزند برومندش ثقه‌المحدثین شیخ تقی نحوی از افاضل اهل منبر و وعاظ قم می‌باشند که در این شهرستان و بلاد دیگر در راه منبر به ترویج و خدمت به دین و معارف اسلامی می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نحوی، شهاب الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی معروف به شهاب الدین فرزند علامه‌ی فقیه سید محمد حسن. عالم فاضل زاهد. در شب غره‌ی ماه رجب سال ۱۲۶۳ متولد، و در نیمه شب چهارشنبه غره‌ی رجب سال ۱۳۴۰ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر خویش مدفون گردید.

مقدمات و سـطوح را نزد برادر خود: حاج سـید مهدی نحوی، و برادر دیگرش: سـید محمد (که در جوانی به سال ۱۲۷۵ وفات یافته است) فراگرفته؛ سـپس جهت تکمیل در محضر مرحومین حجتین: ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا میر سید محمد شهشهانی حاضر شده، سال‌ها از محضـر آنان مسـتفید گشـته، ضـمنا به درس آخوند ملا عبدالجواد خراسانی حکیم، و میرزا محمد علی قاینی حاضـر شد؛ سپس به مجلس حاج سید اسدالله بیدآبادی اختصاص یافته، و از خواص اصحاب ایشان گردید؛ ضمنا مدتی نیز از درس مرحوم میر محمد صادق کتابفروش استفاده برده، و مدت دو سال به درس حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی حاضر شده، تا در اغلب علوم از ریاضی و طبیعی و حکمت و فقه و اصول و ادب تبحری یافت.

سپس تـا آخر عمر به خـدمت خلق، و عبـادت خـالق پرداخته، مورد احترام خـاص و عـامه قرار گرفته، در نزد عموم طبقات، محترم و مقبول القول بود. از آثارش کتابی است جنگ مانند، در دو قسـمت ۱- در فواید متفرقه، از نظم و نثر عربی و فارسی و فقه و حدیث و تفسیر

۲- مجموعه‌ای از مراسـلات اسـتادش حـاج سـید اسـدالله بیـد آبـادی که به علما و غیره نوشـته، و این قسـمت شایسـته‌ی کمال توجه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نحوی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا عبدالجواد. ادیب و فاضل بوده، و از بنیان گزاران فرهنگ جدید در اصفهان به شمار می‌رود.

مدرسه دیانت به مدیری او، از اوّلین مدارس جدید اصفهان است. سالها مدیر دبستان نظامی، و سپس دبیر ادبیّات دبیرستان های اصفهان بوده، و جمعی کثیر از دانش آموزان از محضر او استفاده نمودند.

کتابی در صرف و نحو، و کتابی در شرعیّات جهت محصّلین مدارس تألیف نموده که به طبع رسیده و سال ها در اصفهان تدریس می‌شده.

در سال ۱۳۰۰ متولّد، و در شب ۲ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۱ وفات یافته، در تکیه مجاور تکیه ملک مدفون گردید.

دیگر از آثار او رساله مختصری است در شرح حال نحویهای هرندی خانواده خود.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نخجوانی، هندوشاه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۴ ق)، نویسنده، ادیب و شاعر. اصل وی از نخجوان بود و در همان جا نشو و نما یافت. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی مستنصریه‌ی بغداد به پایان رساند و نیز نزد شمس‌الدین محمد کیشی درس خواند. هندوشاه مدتی به خدمت خاندان جوینی درآمد و در ۶۷۴ ق به نیابت از برادر خود، سیف‌الدوله، چندی بر کاشان حکمرانی نمود و در آنجا مدرسه‌ای ساخت و کتابهای بسیاری وقف نمود. وی مدتی نیز در دستگاه اتابک نصرۀالدین احمد بن یوسف شاه، از اتابکان لر به سر برد و کتاب «تجارب‌السلف» را به نام او تألیف کرد. این کتاب در ۷۲۴ -۷۲۳ ق تألیف شده است و موضوع آن تاریخ خلفا و وزرای اسلام تا انقراض خلافت عباسی می‌باشد. هندوشاه در تألیف «تجارب‌السلف» از «منیۀ الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء» صفی‌الدین ابن طقطقی استفاده مستقیم نموده با این تفاوت که قسمت‌هایی از آن را حذف کرده و مطالبی از کتب معروف دیگر عربی و فارسی بر آن افزوده است. از دیگر آثار وی: «صحاح العجم» یا«صحاح الفرس»، در لغت؛ «موارد الادب»؛ «دیوان» شعر. در «ایضاح‌المکنون» تاریخ فوت او ۷۳۰ ق ذکر شده در صورتی که در «هدیۀالعارفین» ۷۳۰ ق تاریخ اتمام کتاب «موارد الادب» بیان گریده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (۵۹۸/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۴ -۱۲۴۳/ ۳)، تاریخ مغول (۵۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۴)، تجارب السلف (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۹)، دایرۀالمعارف فارسی (۳۲۹۸/ ۲)، الذریعه (۲۱۶/ ۲۳، ۱۲ -۱۱ / ۱۵، ۱۳۰۲/ ۹، ۳۴۸/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۸۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۴ -۷۹۳/ ۶)، هدیۀالعارفین (۵۱۱/ ۲).

ندیم الملک، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میرزا مهدی بن ملا هاشم ندیم باشی، مصاحب محمد حسین میرزا ولی‌عهد بوده، و لقب ندیم الملک به وی داده بودند. مردی فاضل و ادیب و سخندان، و بلند طبع و کریم النفس بوده، خط تحریری را خوب می‌نوشته، و زبان فرانسه را نیز خوب می‌دانسته.

کتب چندی تألف و از فرانسه ترجمه کرده است که نسخ آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.

۱- تاریخ اصفهان [مطبوع] ۲- ترجمه‌ی اقوم المسالک ۳- ترجمه‌ی مروج الذهب.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ندیم، حسن

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شیخ استاد) در تدریس علوم ادبیه مخصوصاً مطول یدطولائی داشته و چون ندیم و استاد مرحوم حاج سید حسین متولی‌باشی بزرگ بوده معروف به استاد ندیم شده در علوم ریاضیه نیز دست داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

نراقی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۵ / ۱۲۴۴ -۱۱۸۶/ ۱۱۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق، از توابع کاشان، به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمدباقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و به واسطه‌ی پدرش از ملا محمدباقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جاپلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری و با درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الی علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»، «مساند الشیعة فی احکام الشریعة»، در فقه؛ «وسیلة النجاة»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادة»، در اخلاق به فارسی، «مفتاح الاحکام»، در اصول فقه، «تنقیح الفصول»، در شرح «تجرید الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الایام»، در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخزائن»، به سبک «کشکول»، در تتمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش، به فارسی، «سیف الامة و برهان الملة»، در رد پادری نصرانی، به فارسی،

رساله‌ی «منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حاجی ملا احمد ابن حاج ملا مهدی معروف به نراقی (ف. ۱۲۴۵ ه.ق) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاهت اشعار عرفانی فراوان سروده است و در شعر صفاتی تخلص می‌کرد. او را تألیفات متعددی است از آن جمله: ۱- اجتماع الامر والنهی. ۲- اساس الاحکام در اصول فقه. ۳- اسرارالحج. ۴- حجیهٔ المظنهٔ. ۵- خزائن. ۶- دیوان شعر فارسی. ۷- سیف‌الامهٔ ۸- شرح تجریدالاصول. ۹- طاقدیس شامل مثنویات او. ۱۰- عین‌الاصول. ۱۱- معراج‌السعاده. ۱۲- مفتاح‌الاحکام. ۱۳- مناهج‌الوصول. وی در وبای عام در قریه‌ی نراق درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۴۵ / ۱)، اعیان‌الشیعه (۱۸۴ –۱۸۳ / ۳)، ایضاح المکنون (۵۶۳، ۵۲۳، ۴۷۸، ۱۳۰، ۲ /۳۵، ۳۳۱ / ۱) حدیقهٔ‌الشعراء (۱۰۳۱ –۱۰۲۷ / ۲) الذریعه (۱۷۸ –۱۷۷، ۸۵/ ۲۵، ۱۶/ ۲۳، ۳۵۰، ۳۴۱ – ۳۴۰/ ۲۲، ۳۱۷، ۳۱۵، ۲۳۰ –۲۲۹، ۱۵ –۱۴/ ۲۱، ۱۴۰ / ۱۷، ۳۶۷، ۳۵۴، ۱۳۴ / ۱۵، ۱۹۵، ۱۳۸ / ۱۳، ۲۸۶ / ۱۲، ۱۲ / ۱۱، ۱۱۸۱، ۶۱۰ / ۹، ۱۵۲ / ۷، ۴۳، ۴ / ۲، ۲۶۷ / ۱)، روضات الجنات (۱۰۷ –۱۰۳ / ۱)، ریحانه (۱۶۳ –۱۶۰ / ۶)، سفینهٔ‌المحمود (۴۲۳ –۴۱۹ / ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۷ –۱۱۶ / ۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۰)، فوائد الرضویه (۴۱)، قصص العلماء (۱۳۲ –۱۲۹)، مجمع‌الفصحا (۷۰۵ –۷۰۰/ ۵)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۸۸ –۱۲۸۷/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۳ –۱۶۲/ ۲)، مکارم‌الآثار (۱۲۴۲ –۱۲۳۵/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۴ – ۴۸۱/ ۱)، نگارستان دارا (۱۰۶ –۱۰۴)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۰)، هدیهٔ‌العارفین (۱۸۶ –۱۸۵/ ۱).

نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۳۷ –۴۶۱ ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی‌الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبداللّٰه بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش، ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم تورپشتی از وی روایت کرده‌اند. حدود صد اثر را به وی نسبت می‌دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده، به وی منسوب است. البته در صحت انتساب این کتاب به وی تردید می‌باشد، چنان که بعضی آن را به برهان‌الدین محمد بن محمد نسفی منسوب کرده‌اند. در سمرقند درگذشت. از دیگر آثارش: «الاکمل الاطول»، در تفسیر؛ «التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القند فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبهٔ الطلبهٔ»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع الشارع»؛ «منهاج الدرایهٔ»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار من الاشعار» یا «المختار من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومهٔ الخلافیات» یا «منظومهٔ فی الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغیر» امام محمد شیبانی، در فروع.[۱]

عمر بن محمد ابن احمد نسفی سمرقندی حنفی (۴۶۱ ه.ق- ف. ۵۳۷ ه.ق) ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابی‌حفص عالمی متکلم، اصولی، فقیه، مفسر و محدث بود. قریب یکصد رساله در مباحث فقهی و جز آن تصنیف کرده است. از اوست: «اکمل الاطول»

(ه.م) «والتیسیر فی التفسیر» و «العقائد النسفیه» و «طلبهٔ الطلبه» و «تاریخ سمرقند» و جز آن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۲۲/ ۵)، ایضاح‌المکنون (۱۱۷، ۲۵/ ۱)، ریحانه (۱۷۳ -۱۷۲/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۲۷ -۱۲۶/ ۲۰)، شذرات الذهب (۱۱۵/ ۴)، طبقات المفسرین داودی (۷ -۵ / ۲)، العبر (۴۵۳ -۴۵۲/ ۲)، کشف‌الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۴۸، ۱۹۲۹، ۱۸۷۱، ۱۸۶۷ ، ۱۷۳۱ ، ۱۶۸۶، ۱۶۰۲، ۱۳۵۶، ۱۲۳۰، ۱۱۴۵، ۱۱۲۵، ۱۱۱۴، ۷۵۶، ۷۰۶، ۶۶۸، ۶۰۲، ۵۶۴، ۵۵۳، ۵۱۹، ۴۱۸، ۴۱۵، ۲۹۶، ۲۴۷)، لسان‌المیزان (۲۳۰ -۲۲۹ / ۵)، معجم‌الادباء (۷۱ -۷۰ / ۱۶)، معجم‌المؤلفین (۳۰۶ -۳۰۵ / ۷)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۵۵)، هدیهٔ‌العارفین (۷۸۳/ ۱).

نسوی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن احمد بن علی بن محمد ملقب به نورالدین. منشی مخصوص جلال‌الدین منکبرنی و مصنف کتاب سیرهٔ جلال‌الدین و نفثهٔ‌المصدور. تاریخ تولد و مرگ او به درستی معلوم نیست ولی در قرن ششم و هفتم از هجرت می‌زیسته است. به سال ۶۲۱ از جانب والی نسا (۱- نسا) به دربار سلطان جلال‌الدین رفت و تا سال ۶۲۸ که سال مرگ جلال‌الدین است در خدمت او بود. در سال ۶۲۹ در میافارقین اقامت کرد، و نفثهٔ‌المصدور را در آنجا نوشت. در سال ۶۳۹ کتاب سیرهٔ جلال‌الدین را تألیف کرد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نشأت، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷/ ۱۳۴۶ -۱۲۷۵ ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. وی ابتدا منطق، فلسفه، اصول، حدیث، تفسیر و زبان و ادبیات فارسی و عربی را آموخت و پس از آن زبان‌های ترکی عثمانی و انگلیسی را فراگرفت. در بیست و چهار سالگی وارد وزارت فرهنگ شد و چندین سال از طرف این وزارت سرپرستی مدارس ایران را در عراق به عهده داشت. وی پس از بازگشت به ایران در آموزشگاه‌های تهران، دانشکده‌ی معقول و منقول و مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس زبان عربی و تاریخ و جغرافیای ایران و کشورهای اسلامی پرداخت. او همچنین مدت پانزده سال در دانشگاه قاهره به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیای ایران مشغول بود. نشأت در مدت سرپرستی و تدریس خود، چندین کتاب از فارسی به عربی و از عربی به فارسی ترجمه کرد. او همچنین مدتی استاد دانشگاه تهران بود و در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود. وی در تهران درگذشت. از آثارش: «آموزگار عربی»؛ «سلسله فلاسفه‌ی ایران در اسلام»، شرح حال غزالی؛ «تاریخ سیاسی خلیج‌فارس»؛ «توحید اهل توحید»، ترجمه؛ «دستور کامیابی»، ترجمه؛ «شرح وقایع زندگانی محمد علی پاشا مؤسس سلسله‌ی خدیویه‌ی مصر»، ترجمه؛ «فن معاشرت»، ترجمه؛ «المعلم الجدید»، به فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۱۶/ ۱۲ ،۱۶۵/ ۸)، سواد و بیاض (۵۵۲ -۵۵۱)، شرح حال رجال (۱۲۱/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۵۶، ۲۴۷۱، ۲۰۱۶/ ۲ ،۱۴۲۹، ۹۶۴، ۷۱۵، ۶۱/ ۱).

نصر، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۷۰ ش)، نمایشنامه‌نویس، نویسنده، مترجم و مؤسس. از سادات کاشان بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدارس شرف، علمیه و آلیانس فرانسه به پایان رساند و بعد به سمت معلمی زبان فرانسه و ریاضیات همان مدرسه رسید. او همچنین در مدارس نظامی، علوم سیاسی، اسلام و اقدسیه نیز مشغول به کار شد و سپس به وزارت مالیه رفت. نصر سالها مشاغل مختلف دیگری را نیز بر عهده داشت از جمله، معاونت وزارت پیشه و هنر، وزیر پست و تلگراف، سفیر کبیر ایران در چین و هندوستان و نماینده‌ی ایران در سازمان ملل متحد. وی در آغاز مشروطیت به کار نمایش و تئاتر روی آورد و اقدام به تأسیس تئاتر ملی کرد. نصر برای آموختن فن تئاتر به اروپا رفت و پس از بازگشت، کمدی ایران را به سبک تئاتر اروپایی تأسیس کرد. او ریاست کمیسیون نمایش را در سازمان پرورش افکار (تأسیس ۱۳۱۸ ش) برعهده داشت. همچنین وی هنرستان هنر پیشگی را بنا نهاد و خود به تدریس تاریخ هنر پرداخت. وی را پدر تئاتر ایران می‌دانند. سید علی نصر در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه دفن شد. از آثار وی: الف- تألیفات: «تاریخ ایران و دنیا»؛ «فیزیک گاز»؛ «حفظ الصحه»؛ «علم الاشیاء»، در شش مجلد؛ «هنرآموز دوشیزگان»، در شش مجلد؛ «تاریخ عمومی»، مصور؛ «تاریخ مختصر ایران». ب- نمایشنامه‌ها: «سیروس»؛ «اشتباه لپی»؛ «نتیجه تعدد زوجات»؛ «زن بی‌وفا»؛ «قمارخانه» و غیره. ج- ترجمه‌ها: «عوامفریب سالوس»؛ «سه عروسی در یک شب»؛ «تاریخ یونان»؛ «انقلاب فرانسه».[۱]

فرزند نصرالاطباء کاشانی، در ۱۲۷۴ در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدارس علمیه و آلیانس فرانسه شد و دوره مدارس مزبور را طی کرد، آنگاه به شغل معلمی پرداخت و چندی در مدارس علمیه، اقدسیه، قاجار و مدرسه سیاسی تدریس می‌کرد. سپس وارد وزارت دارایی شد و قریب بیست سال در آن وزارتخانه بود. اهم مشاغل وی در وزارت مالیه عبارتند از: ریاست کل خالصجات، رئیس انحصار تریاک، ریاست اداره دخانیات، پیشکار مالیه اصفهان، رئیس دارایی خراسان و ریاست اداره برق تهران.

نصر در ۱۳۱۵ به حکمرانی مازندران منصوب شد و قریب سه سال استاندار آنجا بود. در ۱۳۱۸ علی منصور وزیر پیشه و هنر او را به معاونت خود برگزید و وقتی منصور به نخست‌وزیری رسید کفالت وزارت پیشه و هنر با علی نصر شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ مدتی هم معاونت وزارت کشور را عهده‌دار گردید و در ۱۳۲۵ در یکی از کابینه‌های احمد قوام به وزارت پست و تلگراف معرفی شد، ولی دوران وزارتش طولانی نشد و از آنجا با سمت سفیر کبیر عازم پاکستان گردید و بعد سفیر کبیر ایران در چین ملی شد و سرانجام در ۱۳۴۰ درگذشت.

سید علی نصر مردی دانشمند و صاحب تألیفات متعدد بود و در حقیقت بنیانگذار هنر تأتر در ایران می‌باشد. تعداد زیادی نمایشنامه به وسیله او تحریر و اجرا گردید و کتبی نیز در تأتر دارد. از دیگر کارهای او تأسیس هنرستان هنرپیشگی است. چند تأتر هم در ایران تأسیس نمود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۹۱/ ۲ ،۳۴۲، ۳۲۷/ ۱)، بنیاد نمایش در ایران (۲۵۶ -۲۳۱ ،۸۱)، سیمای هنرمندان (۲۹۸ -۲۹۶/

۱)، شخصیتهای نامی (۴۸۰ -۴۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۲، ۲۴۹۷، ۲۳۳۳/ ۲، ۱۱۷۷، ۱۱۶۷، ۷۶۹، ۷۴۷، ۷۳۰، ۶۴۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۱ -۴۳۰/ ۴).

نصرآبادی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲۷- ز ۱۰۸۳ ق)، تذکره‌نویس، ادیب و شاعر. وی در نصرآباد که دهی است از دهستان ماربین، واقع در نیم فرسنگی اصفهان، به دنیا آمد. نسب او از طرف پدر به میرزا صالح اصفهانی می‌رسد. در هفده سالگی پدر خود را از دست داد و دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بیشتر اوقات خود را در اصفهان در قهوه‌خانه‌ای که مجمع شعرا و ادبا بود، می‌گذراند و در پرتو معاشرت با آنان با فنون نظم و نثر آشنایی پیدا کرد. وی از محضر آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹/ ۱۰۹۸ ق) بهره‌مند شد. شهرت نصرآبادی به دلیل مهارت در ساختن ماده تاریخ است. تاریخ ساختن عمارت هشت‌بهشت و تاریخ فوت کاشفای شاعر از ماده تاریخ‌هایی است که او سروده است. وی دارای ذوق سرشار و طبع روانی بود و به سبک عصر صفوی و پیروی از بزرگانی همچون صائب تبریزی و کلیم کاشانی شعر می‌سرود. گویند وی در پی منصب و مقام نبود و از راه کشاورزی امرار معاش می‌کرد و به همین سبب مورد احترام صاحبان مقام و منصب و بخصوص شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) بود. وی به مشهد و عتبات عالیات مسافرت کرد و پس از بازگشت به اصفهان، سالها محل تجمع او و دوستانش قهوه‌خانه و سپس مسجد لنبان بود. او در اصفهان درگذشت و قبرش در مقبره میرزاها می‌باشد. مهم‌ترین اثر وی «تذکره‌ی نصرآبادی»، در احوال شعرای عهد صفوی است که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده و در ۱۰۸۳ ق تألیف آن آغاز گردیده و به آورده‌ی تذکره‌ها در ۱۰۹۰ یا ۱۰۹۱ یا ۱۱۱۵ به پایان رسیده است. از دیگر آثارش: «گلشن خیالات»؛ مکتوبی که نصرآبادی به میرزا قاسم خلوت‌نشین، از رجال متعین عهد شاه سلیمان، نوشته است. گفته می‌شود «دیوان» شعری نیز داشته، ولی در حال حاضر تنها از اشعار او آنچه در تذکره‌اش نوشته است، در دسترس می‌باشد.[۱]

محمدطاهر (و. ۱۰۲۷ ه.ق) از ادبا و شاعران قرن یازدهم هجری است و در زمان شاه سلیمان صفوی می‌زیسته و پیرو سبک صائب تبریزی بود. از آثار منظوم او قطعه شعری است که به مناسبت ساختن توپ در سال ۱۰۸۲ هجری سروده و تمام مصرعهای آن به حروف ابجد با عدد ۱۰۸۲ تطبیق می‌کند. سال وفاتش درست معلوم نیست و محتمل است که اوایل قرن دوازدهم هجری را نیز دیده است. قبر او در نصرآباد در مقبره‌ی کوچکی که مقبره‌ی میرزاهاست قرار دارد. وی صاحب تذکره‌ای است از شاعران که به تذکره‌ی نصرآبادی مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۸۷ -۱۷۸۴/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۶ -۳۹۷/ ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه، ۴۹۱ -۴۸۷، ۴۶۸ -۴۵۷)، الذریعه (۲۲۶/ ۱۸، ۱۱۹۱، ۶۴۳/ ۹، ۳۷ -۳۶/ ۴)، ریحانه (۱۸۳ -۱۷۶/ ۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نصرآبادی)، معجم‌المؤلفین (۱۰۲/ ۱۰)، یادگار (س ۲ ش ۴، ص ۵۰ -۴۷).

نصیرالدوله بدر، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۰۹ -۱۲۴۸ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به نصیرالدوله. در رشت به دنیا آمد. وی برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و پس از فراگرفتن ادبیات فارسی به تحصیل فقه، اصول، حکمت الهی و همچنین زبان فرانسه و علوم ریاضی پرداخت. در زمان ناصرالدین شاه به عنوان منشی دربار برگزیده شد و پس از قتل شاه به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و چندی به سفیری ایران در بلژیک انتخاب گردید. وی در ۱۲۹۷ ش در کابینه‌ی دوم حسن وثوق‌الدوله وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را به عهده گرفت. در زمان وزارت وی مدارس دولتی رایگان و همچنین دانشسرای مقدماتی پسران و دختران تأسیس گردید. او همچنین مدرسه موزیک را که تا آن زمان وجود نداشت تأسیس کرد. وی سرانجام در تهران وفات یافت و در صحن حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: رساله در «خواص اعداد»؛ رساله در «هندسه»؛ «شرح حال حسین بن منصور حلاج»؛ «تاریخ نادر شاه افشار»، ترجمه؛ «زمین یا معرفت الارض»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۷۱ -۶۶۹/ ۵)، وزرای معارف ایران (۷۱ -۷۰)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۱۸۷ -۱۷۶).

نظام الدوله، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مادرش دختر فتحعلیشاه قاجار بوده، در نجف می‌زیسته، و در نزد عموم طبقات، معزّز و محترم بوده.

تألیفاتی دارد: ۱- کتابی در نحو ۲- مجموعه‌ای کشکول مانند.

سرانجام در سال ۱۳۳۰ در نجف وفات یافته، در مقبره خانوادگی خود مدفون شد. در کتاب الذریعهٔ (جلد ۱۱ صفحه ۹۰) وفاتش را حدود ۱۳۱۹ می‌نویسد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام الدوله، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۲۲ در ایران متولّد، و در اصفهان و طهران تحصیل علوم نموده، در سال ۱۲۴۷ به اتّفاق پدر به نجف اشرف مهاجرت نموده، و به تکمیل علوم و تهذیب نفس و تألیف و تصنیف پرداخته، در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضیّات مهارت داشته، قریب ۱۸ مجلّد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- البرهان ۲- تقریرات ۳- دیوان شعر، به عربی و فارسی ۴- رسال در اصول فقه ۵- رسال در شبهه محصوره و آب مضاف، به طبع رسیده ۶- رساله در امامت ۷- سلافهٔ الوزراء، در معنی ولایت به طریق اهل تصوّف و عرفان، به نظم و نثر، مطبوع ضمن فوائد البهائیّهٔ ۸- شهاب الثاقب، در ردّ صواعق ابن حجر ۹- کشف الابهام، در فقه. ۱۰ و ۱۱ - دو کتاب در رجال ۱۲- کتابی در نحو و صرف ۱۳- کتابی در ترجمه ۱۹ نفر از بزرگان اهل سنّت، و ردّ بر آنها از

کتب اهل سنّت ۱۴- معارج القدس، در حکمت و کلام و توحید و عدل ۱۵- نور الابصار؛ و غیره.

مشارالیه نزد صاحب جواهر، و ملاّ مقصود علی غروی، و میرزا حسن بن ملاّعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده، و از حاج ملّا احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است

(تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است)

سرانجام در ۸ ذی حجّه سال ۱۲۷۶ در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام الدوله، مرتضی قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و ادیب، در نزد علما و فضلا تحصیل نموده، تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱- اشعهٔ القدسیّهٔ، فارسی ۲- تتمّه طراز اللغهٔ تألیف علی خان مدنی که به دستور میرزا سلیمان خان نایب الحکومه اصفهان تألیف نموده ۳- جمرات ۴- دیوان اشعار عربی و فارسی ۵- مکاتبات او با اعیان زمان خود ۶- نامه‌ای در جواب اعتراضات آخوندزاده و غیره.

وفاتش در ۱۵ ذی قعده سال ۱۳۰۶ در طهران اتفّاق افتاده، و در حضرت عبدالعظیم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام العلمای تبریزی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۲/ ۱۲۷۰ ق)، نویسنده و ادیب. ملقب به نظام‌العلماء. وی معلم ناصرالدین میرزا ولیعهد (ناصرالدین شاه) و از علمای شیخیه آذربایجان بود. او در مجلسی که در ۱۲۶۳ ق در حضور ولیعهد برای مناظره و مباحثه و محاکمه‌ی سید علی‌محمد باب در تبریز انعقاد یافت شرکت داشت و بعدها صورت محاکمات این مجلس را به ضمیمه‌ی مطالبی دیگر در رساله‌ای مرتب و منتشر کرد. از دیگر آثارش: «الشهاب الثاقب»، در رد نواصب؛ «اخلاق نظام‌العلماء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۳۸۱)، الذریعه (۲۵۳/ ۱۴، ۳۸۱/ ۱)، ریحانه (۲۰۹ -۲۰۸/ ۶)، شرح حال رجال (۶۰ -۵۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴/ ۶).

نظام‌الدوله اصفهانی، علی‌محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و ادیب. از معاریف دربار فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود. وی در نظم و نثر و ادبیات فارسی و عربی دست داشت و از علوم ریاضی و دینی نیز بهره‌مند بود. او همچنین خط نستعلیق و نسخ را خوش می‌نوشت. در ۱۲۵۰ ق، پس از فوت فتحعلی شاه و سلطنت محمدشاه، چون نظام‌الدوله از مخالفین سلطنت محمدشاه بود، از ترس او به بین‌النهرین مهاجرت کرد و در عتبات مجاور شد. وی در نجف به حلقه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری پیوست و تا پایان عمر در همان جا به سر برد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۸۵ -۴۸۴/ ۲)، تاریخ عضدی (۶۶ -۶۰)، شرح حال رجال (۴۸۴ -۴۸۳/ ۲).

نظام‌العلمای تبریزی، محمد رفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷/ ۱۳۲۶ -۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. نسبش به ابراهیم طباطبا می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. در قریه‌ی باسمنج تبریز درگذشت و در صحن حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از آثارش: «انیس الادباء و سمیر السعداء»، کشکول فارسی؛ «تحفهٔ الامثال»، در سه قسمت: آیات، کلمات منثوره و امثال منظومه؛ «التحقیقات العلویهٔ»؛ «آداب الملوک»، در شرح «عهدنامه‌ی امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر»؛ «تشریح التقویم»؛ «حقیقهٔ الامر»، در جبر و تفویض و امر بین الامرین؛ «جواهرالاخبار»؛ «مصابیح‌الانوار»؛ «مجمع‌الفضائل»، «دستور الحکمهٔ»؛ «مقالات النظامیهٔ»؛ «مجالس النظامیهٔ»؛ «فتوحات نظامیه»، به فارسی؛ «وسیلهٔ الزائرین»؛ «کافیهٔ العروض»؛ «دیوان» شعر، در مدایح و مراثی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۳۳/ ۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵ -۱ / ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰ -۳۸۰)، الذریعه (۷۸/ ۲۵ ،۳۹۳ ،۸۰/ ۲۱ ،۳۹/ ۲۰ ،۳۷۲/ ۱۹ ،۱۲۰۳ -۱۲۰۲/ ۹ ،۴۸ -۴۷/ ۷ ،۲۵۹/ ۵ ،۱۸۷/ ۴ ،۴۸۶ ،۴۲۱/ ۳ ،۴۵۲ -۴۵۱ ،۴۶/ ۲ ،۳۰ -۲۹/ ۱)، ریحانه (۲۰۸ -۲۰۷/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۸۸ -۷۸۷/ ۱۴)، علماء معاصرین (۹۳ -۹۲)، الماثر والآثار (۱۸۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۷ -۲۲۴/ ۳).

نظمی تهرانی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۴ -۱۳۴۰ ق)، شاعر، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. پدرش از مأمورین دولت بود و پیوسته از شهری به شهر دیگری مأموریت می‌یافت، از این رو نظمی تحصیلات مقدماتی را در شهرهای مختلف به پایان رساند و تحصلات متوسطه را در رشته‌ی ادبی در دبیرستان دارالفنون و سن‌لوئی گذراند. وی با مطبوعات همکاری نزدیک داشت و سردبیری چند روزنامه را به عهده گرفت و مجله‌ی هنری و سیاسی «عقیده» را در ۱۳۶۵ ق منتشر کرد. او از سنین جوانی به نظم شعر پرداخت. از دیگر آثار وی: «اطاق کبود»؛ «شب مهتابی»؛ «معشوقه‌ی بی گناه»؛ «یادبودهای جوانی»؛ «تاتیانا»؛ «اسرار بغداد»؛ «گربه‌ی سیاه»؛ «طلا در کوه»؛ «این تو بودی»؛ «شبهای هند»؛ «پدری که پسر خود را می کشد»؛ «روح گمشده»، ترجمه؛ «طوفان زندگی»، ترجمه؛ «نگاه»، مجموعه‌ی شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۲۰۵/ ۱۸، ۱۲۱۲، ۱۱۵۷/ ۹)، سـخنوران نامی معاصر (۳۶۶۶ -۳۶۶۲/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسـی (۳۴۳۵، ۳۳۰۸، ۳۰۵۴، ۲۹۱۷، ۲۷۱۳، ۲۴۴۵، ۲۳۹۸، ۲۲۷۰، ۲۲۶۵، ۲۰۹۴، ۱۷۶۷، ۱۷۴۹/ ۲، ۱۴۹۰، ۱۱۳۲، ۱۰۶۴، ۱۰۵۰، ۶۵۲، ۵۸۹، ۴۲۶، ۱۹۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۳ -۵۲۱/ ۶).

نفیسی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۷۴ ش)، نویسـنده، مترجم، مورخ، مصـحح، فرهنگ‌نویس، اسـتاد دانشـگاه، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران به دنیا آمـد. خـانواده‌ی پـدری وی تـا یازده پشت پزشک بودنـد و خود نواده‌ی حکیم برهان‌الـدین نفیس، فرزنـد عوض کرمانی، صاحب «شـرح اسـباب». او تألیفات عدیـده‌ای در طب داشت که برخی از آنها تا روزی که طب قـدیم در ایران تـدریس می‌شـد، جزو کتب درسـی بود. وی تحصـیلات ابتـدایی و متوسطه را در مـدارس شـرف و علمیه به پایان رسانـد و سـپس برای ادامه‌ی تحصـیل به اروپا رفت و تحصـیلات خود را در سوئیس و پاریس ادامه داد. در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشت و به تدریس زبان فرانسه در دبیرسـتان‌های اقدسیه و سن‌لـویی پرداخـت و نیز در مـدارس علـوم سیاسـی، دارالفنـون، مـدرسه‌ی عـالی تجـارت، مـدرسه‌ی صـنعتی (هنرسـتان دولـتی)، دارالمعلمین عالی و پس از تأسیس دانشـگاه تهران، در دانشـکده‌ی حقوق و سـپس ادبیات به تـدریس اشـتغال ورزیـد. همچنین در وزارت فلاحت و تجارت و فوایـد عامه مشـغول خـدمت شـد و به مشاغل چنـدی دست یافت. او مـدتی مـدیریت مجله‌ی «فلاحت و تجارت» و در ۱۳۰۱ ش سـردبیری مجله‌ی ادبی «پرتو» با مدیریت میرزا محمدعلی خان واله خراسانی و مدتی مدیریت و نویسـندگی مجله‌ی «شـرق» و نیز ریاست اداره‌ی امتیازات (اداره‌ای که برای ایجاد مراکز صـنعتی و فعالیت‌های معـدنی و انتشار روزنامه‌ها و غیره مجـوز صـادر می‌کرد) را به عهـده داشت. نفیسـی همچنین برای تـدریس در دانشـگاه‌های کابـل، قـاهره و سن‌ژوزف به کشورهـای افغانسـتان، مصـر و لبنان سـفر کرد. او در ۱۳۴۰ ش در رادیو برنـامه‌ی یادداشـتهای یک اسـتاد را که راجع به شـرح حال چنـد تن از بزرگـان علم و ادب بـود، به مـدت دو سـال اجرا کرد. نفیسـی سـرانجام در بیمارسـتان شـوروی (میرزا کوچـک خـان جنگلی فعلی) درگـذشت. از آثـار وی: «آخرین یادگـار نادرشاه»، نمایشنامه؛ «احوال و اشـعار رودکی»؛ «ایران در صـد و هفتاد سال اخیر»؛ «بابک خرم دین، دلاور آذربایجان»؛ «بحرین و حقوق هزار و هفتصد ساله ایران»؛ «پورسـینا و زندگی و کار و اندیشه و روزگار او»؛ «تاریخ اجتمـاعی و سیاسـی ایران در دوره‌ی معاصـر»؛ «تاریـخ ادبیـات روسـی»؛ «تاریـخ تمـدن ایران ساسـانی»؛ «تـاریخچه‌ی ادبیـات ایران»؛ «سـتارگان سـیاه»؛ «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسـی»؛ «فرهنگ فرانسه به فارسـی»؛ «فرهنگ نامه‌ی پارسـی»؛ «ماه نخشب»؛ «فرنگیس»؛ «نیمه راه بهشت»؛ «آرزوهـای بر بـاد رفته»؛ ترجمه؛ «ایلیـاد»، ترجمه؛ «تاریـخ عمـومی قرون معاصـر»، ترجمه؛ «افسانه‌هـای گریلف»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[۱]

سعیـد فرزند علی‌اکبر ناظم‌الاطباء (و. ۱۲۷۴ ه.ش- ف. ۲۳ آبان ۱۳۴۵) از اسـتادان و نویسندگان مشهور ایران. سالها در دانشکده‌ی ادبیات دانشـگاه تهران تاریخ تصوف و ملل و نحل و دروس دیگر را تدریس می‌کرد و در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز مدتها به تدریس پرداخت. مقاله‌ها و کتابهای متعدد از او باقی است و از آثار مفید او باید احوال و اشعار رودکی را نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آئینه‌ی میراث (س ۳، ش ۲ و ۳، ص ۶۹ -۶۴)، از نیما تا روزگار ما (۲۷۱ -۲۵۸)، تاریخ جراید (۷۱ -۶۶/ ۳،

۵۰ -۴۹/ ۲)، چهره‌های آشنا (۶۲۴ -۶۲۳)، الذریه (۳۲/ ۱۹ ،۲۱۸ ،۲۱۲ ،۱۸۴/ ۱۶ ،۱۴۱/ ۱۲ ،۱۲۱۸/ ۹)، ستارگان کرمان (۴۰۸ - ۳۹۶)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۷۲ -۳۶۶۷/ ۶)، سواد و بیاض (۵۳۳ -۵۱۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۴۱، ۲۸۶۴، ۲۴۴۱، ۲۴۳۴، ۲۴۰۹، ۱۹۳۶/ ۲ ،۷۶۲، ۷۲۹، ۶۹۵، ۶۸۸، ۶۶۴، ۶۵۹، ۶۲۹، ۴۶۱، ۴۳۱، ۴۲۴، ۴۱۴، ۲۹۵، ۱۲۶، ۳۱، ۹۱/ ۱)، کلک (س ۱، ش ۹، ص ۱۰۷ -۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸ -۳۳۲/ ۳)، یغما (س ۱۹، ش ۹، ص ۴۹۵ -۴۹۳).

نفیسی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناظم‌الاطباء میرزا علی‌اکبرخان (و. کرمان ۱۲۶۳ ه.ق- ف. ۱۳۴۲ ه.ق) فرزنـد محمدحسن بن علی‌اکبر بن محمد بن محمدکاظم بن ابی‌القاسم بن محمدکاظم بن سعید شریف نفیسی. پزشک، ادیب و لغوی، تحصیلات مقدماتی را در کرمان فراگرفت، سپس به سال ۱۲۸۲ ه.ق به تهران آمـد و به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و در سال ۱۲۸۹ ه.ق فارغ‌التحصـیل شد. سپس به ریاست مریضخانه‌ی دولتی منصوب شد و تا سال ۱۲۹۸ در این سمت باقی بود. در سال ۱۳۰۳ ه.ق به دعوت ظل‌السلطان به اصفهان رفت و دو سال بدانجا بود. در سـال ۱۳۱۰ جزو اطبـای حضـور ناصـرالدین شـاه درآمـد. او را تألیفـات متعـددی در طـب و تشـریح و لغـت است. اثر معروف او فرنودسار (فرهنگ نفیسی) است.

لقـب میرزا علی‌اکبرخـان نفیسـی (۱۲۶۳ ه.ق- ۱۳۴۲)، از اطبـای معروف و دانشـمند قرن چهـاردهم و مؤلـف فرهنگ نفیســی یا «فرنودسار». در کرمان تولـد یافت. تحصـیلات مقـدماتی را در همان شـهر به پایان رسانـد سـپس به فراگرفتن حکمت الهی و فلسـفه پرداخت و در دارالفنون تهران که تازه تأسیس شده بود به تحصیل طب پرداخت. در سال ۱۲۸۹ از آن مدرسه فارغ‌التحصیل شد و به تأسیس بیمارسـتان دولتی به سـبک بیمارسـتانهای اروپا از طرف ناصـرالدین شاه مأمور شـد. تألیفات وی در طب شامل یک سلسـله کتابهای سودمند است که یا خود مستقیماً نوشته و یا از کتب فرانسه ترجمه کرده است بدین قرار: ۱- کتابی در پاتولوژی و کلینیک جراحی. ۲- رسـاله‌ای در فیزیک. ۳- رسـاله‌ای در جراحی، ۴- رسـاله‌ای در تراپوتیک. ۵- دو رسـاله در سوء هضم. ۶- کتابی بنام مذاکرات. علی‌اکبر نفیسـی در نهضـتهای فرهنگی نیز پیشـقدم بود. به «عضویت انجمن معارف» درآمد و مدرسه‌ی شرف را به روش مدارس اروپائی تأسـیس کرد. مهمترین تألیف او کتاب فرهنگ نفیسی یا فرنودسار می‌باشد که بیست و پنج سال عمر خود را صرف آن کرد. نسخه‌ی اصلی این کتاب شامل چهار مجلد بزرگ است در ۳۳۱۷ صفحه و شامل ۹۹۵۵۲ لغت تازی و ۵۸۸۷۹ لغت فارسی است.

(۱۳۴۳/ ۱۳۴۲ -۱۲۶۳ ق)، پزشک، نویسـنده و مؤسـس. ملقب به ناظم‌الاطباء. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاهش با مساعدت وکیل‌الملک، حاکم کرمان، جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون به تحصیل طب پرداخت. در ۱۲۸۵ ق قبل از اتمام دوره‌ی طب، طبابت هنگ مهندسـی در تهران به او سپرده شـد. وی بعد از فراغت از تحصـیل به پیشـنهاد میرزا حسـین خان مشیرالدوله، نخستین بیمارستان جدید را به روش اروپایی در ایران که همان مریضخانه‌ی دولتی (بیمارستان سینا) است، تأسیس کرد و خود ریاست آن را به عهده گرفت. وی رد مجلس حفظ الصـحه (متشـکل از پزشـکان نامی شهر) که نخستین بار در تهران تشـکیل شد، حضور داشت. او پس از کناره گیری از ریاست بیمارسـتان دولتی در ۱۲۹۸ ق با میرزا حسـین خان مشیرالدوله به مشـهد رفت و در آنجا بیمارستان رضوی را، از موقوفات آستان قدس رضوی، بنیان نهاد و آن دومین بیمارستان به روش اروپایی در ایران بـود. از ۱۳۱۰ ق جزو اطبـای ناصـراالدین شـاه و مظفرالـدین شاه شـد و به طبابت در دربار اشـتغال ورزیـد. وی کتاب‌هایی در

«پاتولوژی و کلینیک جراحی»، «فیزیک»، «جراحی»، «تراپوتیک»، «تشریح» و دو رساله در «سوء هضم» تألیف کرده است. از دیگر آثارش: «پزشکی‌نامه»، نامه داروهای طب قدیم در برابر نامهای اروپایی؛ «تعلیمات ابتدایی»؛ «فرهنگ نفیسی»، در لغت، «نامه‌ی زبان آموز».[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ ۲۱۹ -۲۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۹۴/ ۲)، روز شمار تاریخ (۱۳۳/ ۱)، ریحانه (۱۲۳ -۱۲۱/ ۶)، شرح حال رجال (۴۳۵/ ۲)، فرهنگ نفیسی (۱/ مقدمه)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۴۲/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ناظم الاطباء)، مکارم‌الآثار (۱۷۰۲ -۱۷۰۱/ ۵) مؤلفین کتب چاپی (۵۴۹ -۵۴۷/ ۴)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۶۵ -۵۲).

نقاشباشی مزین‌الدوله، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) در بیستم ربیع‌الثانی ۱۲۶۳ ق. در نطنز کاشان به دنیا آمد. به سن دوزاده سالگی، در زمان ناصرالدین شاه، جزو نخستین دسته‌ی محصلین اعزامی، به پاریس رفت و از مدرسه‌ی هنرهای زیبا موفق به اخذ دیپلم شد. پس از پایان تحصیلات، مدتی نزد «انگر» به تکمیل هنر نقاشی پرداخت.

مزین‌الدوله پس از بازگشت به ایران، از طرف ناصرالدین شاه قاجار مأمور تدریس زبان فرانسه، موسیقی با نت و نقاشی در دارالفنون شد. کمال‌الملک غفاری و مصورالملک از جمله شاگردان وی در این زمان بودند.

مزین‌الدوله بنا به دستور ناصرالدین شاه مأموریت یافت تا برای نخستین بار تئاتری به شیوه‌ی اروپایی در ایران دایر کند. او برای این منظور تالار دارالفنون را انتخاب کرد. در همین دوره «مزین‌الدوله» نمایشنامه‌ی «مردم گریز» از مولیر را به روی صحنه آورد. ناصرالدین شاه در شب‌های نمایش برای تماشا به تالار نمایش می‌آمد.

مزین‌الدوله به ادبیات فرانسه آشنایی کامل داشت و در آکادمی فرانسه عضو بود. وی به دستور ناصرالدین شاه مأمور به ترجمه‌ی کتاب لغت فرانسه موسوم به «دیامان» به فارسی شد. این فرهنگ دارای پنجاه هزار لغت بود و پس از سی سال زحمت، در زمان سلطنت احمدشاه قاجار به پایان رسید، ولی به سبب فقر مالی ایران، موفق به چاپ آن نشدند. سفیر فرانسه در ایران تقاضا کرد تا فرهنگ را برای چاپ و استفاده در مدرسه‌ی زبان‌های شرقی، به فرانسه فرستند. این کتاب لغت به «مزین‌اللغة» موسوم است.

مزین‌الدوله به سال ۱۳۱۲ شمسی در سن ۸۹ سالگی در تهران درگذشت. از آثار نقاشی مرحوم مزین‌الدوله در موزه‌ی کاخ گلستان نگهداری می‌شود. بعضی از نشان‌های وی که از کشورهای خارج دریافت کرده، در زیر می‌آید: نشان درجه یک لژیون دونور، نشان بزرگ زیتون فرانسه از ناپلئون سوم، صلیب آبی از ویلهلم پادشاه آلمان، «سنت استانیلاس» از تزار روسیه، نشان ویکتوریا از پادشاه انگلستان، نشان درجه یک علمی از فرانسوا ژوزف پادشاه اتریش.

مزین‌الدوله را باید نخستین معلم زبان فرانسه، موسیقی با نت و نقاشی با اصول اروپایی و بنیانگذار تئاتر به شیوه‌ی غربی در ایران دانست.

میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله، تعداد دو جلد کتاب مربوط به هارمونی و تئوری موسیقی که نوشته‌ی لومر فرانسوی است به فارسی ترجمه کرد که در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسید، و این نخستین کتاب تئوری موسیقی است که به فارسی برگردانده شده است.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

نقره‌کار نیشابوری، جمال‌الدین عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۶ -۷۰۶ ق)، فقیه، اصولی و نحوی. موصوف به شریف. وی در علوم عربی و اصول فقه تبحر داشت. مدتی در دمشق و قاهره ساکن و عهده‌دار مشیخت بعضی از خانقاه‌ها بود. او به تدریس در مدرسه‌ی اسدیه‌ی حلب از بزرگترین مدارس شافعیان پرداخت. بعضی این مدرسه را به اسدیه خارج دمشق که اختصاص به حنفیان داشت حمل کرده‌اند، لذا برخی مذهب او را شافعی و برخی حنفی دانسته‌اند. لیکن به آورده‌ی «ریحانهٔالادب»، قرائن حنفی بودنش ارجح می‌باشد و اما چون گاهی اظهار تشیع می‌کرد، محقق کرکی او را از دانشمندان امامی دانسته است. از آثارش: شرح «منارالانوار» ابوالبرکات نسفی، در اصول، شرح «التسهیل»، در نحو، شرح «الشافیهٔ» ابن‌حاجب، در صرف، «العباب»، در شرح «اللباب» تاج‌الدین محمد اسفراینی، در نحو، شرح «تلخیص المفتاح»، در بلاغت؛ شرح «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، شرح «قصیده‌ی بانت سعاد»، شرح «الفوائد الغیاثیهٔ» عضدالدین ایجی، در معانی و بیان؛ شرح «حرز الامانی» شاطبی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۲ -۲۷۱/ ۴)، ریحانه (۲۳۰ -۲۲۹/ ۶)، شذرات الذهب (۲۴۲/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۵۴۴، ۱۳۳۰، ۱۳۰۰، ۱۰۲۱، ۶۴۹، ۴۹۹، ۴۷۷)، معجم‌المؤلفین (۱۰۸/ ۶)، هدیهٔ‌العارفین (۴۶۷/ ۱).

نقیب‌الممالک

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدعلی نقیب‌الممالک، نقال ناصرالدین شاه، که داستان امیرارسلان ساخته‌ی فکر او است و دو داستان دیگر به نام ملک‌جمشید و زرین‌ملک دارد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نمازی شادمان، فرنگیس

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مترجم.

درگذشت: شهریور ۱۳۶۲.

فرنگیس نمازی همسر دکتر فخرالدین شادمان، خواندن و نوشتن را در شیراز و هندوستان از معلم خانگی آموخت. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان مهرآیین شیراز و دبیرستان بهشت‌آیین اصفهان به پایان آورد و در امتحانات نهایی متوسطه به دریافت نشان

درجه‌ی دوم علمی از وزارت فرهنگ نایل شد.
پس از آن به انگلستان رفت و یک سال در مدرسه‌ی متوسطه سنت مارتین این ذفیلد و سه سال در وستفیلد کالج آکسفورد به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی و فرانسه پرداخت و پس از ده سال به ایران بازگشت از آثار اوست: تحقیقات و مطالعات انگلیس‌ها در باب فارسی (دکتر آرتور ج. آربری، لندن، ۱۹۴۳، م.، رساله‌ی ایشان) تراژدی قیصر (ویلیام شکسپیر، ۱۳۳۴)؛ تراژدی مکبث (ویلیام شکسپیر ۱۳۴۰)؛ انحطاط و سقوط امپراتوری روم (نوشته‌ی ادوارد گیبون، ۱۳۵۴، سه جلد)؛ از وی داستان «مادر» اثر سامرست موآم نیز در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسید. وی همچنین مقاله‌ها و ترجمه‌هایی را در مجله‌ی «روزگار نو»- طبع انگلستان- انتشار می‌داد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نواب‌پور، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: مشهد.

درگذشت: دی ۱۳۷۴، دورهام انگلستان.

رضا نواب‌پور دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه دورهام و استاد دانشگاه منچستر بود. در مزمزه‌ی خاطرات (مجموعه‌ی داستان، ۱۳۴۰) به انتقاد از خرافه‌پرستی پرداخت. از همکاران مجتبی مینوی در بنیاد شاهنامه بود، بیشتر آثار مکتوب وی به زبان انگلیسی است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوایی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

درگذشت: ۱۳۶۲.

محمود نوایی دارای درجه‌ی تحصیلی مهندسی و مترجم زبان فرانسوی و نخستین مترجم آثار زیگموند فروید بود.
از آثار اوست: آینده‌ی یک توهم (زیگموند فروید)؛ ارزش علمی و عملی نظریات فروید، بیگانگان در خانه (اثر ژرژ سیمنون)؛ بیولوژی و فلسفه‌ی زندگی؛ پنج درس پسیک آنالیز (زیگموند فروید، ۱۳۲۴)؛ خندان و گشاده‌رو باشید (پروفسور پل بنینسن فرانسوی، ۱۳۲۸)؛ روانکاوی و زندگی من (زیگموند فروید، ۱۳۲۴)؛ روش علمی تلقین بنفس (پل ب. ژاگو، ۱۳۲۵)؛ کاپیتال (تلخیص ازکتاب ارل مارکس، ۱۳۲۳)؛ گرادیوا (اثر یوهانس ویلهلم ینسن که هذیان و رؤیا اثر زیگموند فروید به ضمیمه‌ی آن آمده است، ۱۳۴۰، ظاهرا هذیان و رؤیا به صورت مجزا هم به چاپ رسیده است)؛ مزد ترس (ژرژ آرنو، ۱۳۳۴ نظریات فروید. وی مشغول به تألیف کتابی به فرانسه درباره‌ی خیام بود که نیمه کاره ماند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوبخت شیرازی، حبیب‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۴/ ۱۲۷۳ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به پایان برد، سپس برای تحصیل علوم دینی به نجف و کربلا رفت و ادبیات عرب را آموخت. او علم کلام را از محضر سید محمد مفتی هندی آموخت و ادبیات عرب را نزد شیخ عبدالرحمان کویتی تکمیل کرد و در حوزه‌ی درس صدر اصفهانی، که مرجع تقلید بود، درس خارج خواند. وی پس از مراجعت به شیراز مدتی در مدرسه شریعت، و پس از تأسیس دارالمعلمین شیراز مدت سه سال در آنجا تدریس کرد. او در ۱۲۹۸ ش در شیراز مجله‌های «دنیای ایران»، «فکر آزاد» و روزنامه‌ی «بهارستان» در ۱۲۹۹ ش مجله‌ی «گل آشتی» را در شیراز تأسیس و منتشر نمود. نوبخت از طرفداران رضا شاه بود به همین علت شاه او را به مدیریت مجله‌ی نظامی «قشون» که در ۱۳۴۰ ق تأسیس شده بود، برگزید. او در دوره‌های ششم و هفتم از طرف مردم بهبهان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی مدتی نیز ریاست کتابخانه‌ی سلطنتی را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «شاهنامه پهلوی»؛ «علم تربیت یا یداگوژی»؛ «علم روح علم طبایع»؛ «ماوراء مدرسه»؛ «فلسفه فازیسم»؛ «قانون فکر»، در علم منطق؛ «تاج جاحظ»، ترجمه؛ «کارنامه»، ترجمه؛ رساله‌ی «سفرای محمد»؛ «پندنامه»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]

فرزند میرزا محمد حسن شیرازی، در ۱۲۷۲ ش در شیراز تولد یافت. تحصیلات مقدماتی و ابتدائی را در موطن خود فراگرفت و در ۱۲ سالگی برای ادامه تحصیل به عتبات رفت و علاوه بر ادبیات عرب، حکمت الهی و فلسفه و فنون و صناعات ادبی را به خوبی فرا گرفته و به زبان عربی تسلط کامل یافت و از همان هنگام تحصیل، همکاری با مطبوعات را شروع کرد و غالبا در روزنامه‌های مصر مقالاتی به زبان عربی می‌نوشت و یا قصائدی به صورت انتقاد از اوضاع جهان سروده به مطبوعات می‌داد. مسافرت نوبخت برای ادامه تحصیل در نجف و کشورهای عربی قریب دوازده سال طول کشید و پس از پایان جنگ اول به ایران برگشت. چندی در دارالمعلمین فارس معلم طبیعیات بود، بعد به فکر روزنامه‌نگاری افتاد. ابتدا مجله‌ای به نام زندگانی تأسیس نموده، آنرا انتشار داد و پس از آن مجله‌ی فکر آزاد را تأسیس کرد ولی دوام زیادی نداشت تا اینکه در ۱۲۹۸ در شیراز روزنامه بهارستان را انتشار داد. بهارستان در جهت کودتا و ضرورت آن مقالات متعددی می‌نوشت و هر قدمی که کودتاگران برمی‌داشتند تحسین و تمجید می‌نمود. در حقیقت این روزنامه ارگان کودتا بود. پس از عزل سید ضیاءالدین از رئیس‌الوزرائی نوبخت مورد حمله شدید مخالفین واقع شد که ناچار روزنامه را تعطیل و شیراز را ترک نمود.

در ۱۳۰۱ در تهران روزنامه بهارستان مجددا دائر شد و هفته‌ای سه شماره انتشار پیدا می‌کرد و ضمن تجلیل و تأیید سردار سپه بقیه رجال را مورد انتقاد قرار می‌داد. پس از چندی روزنامه بهارستان در حقیقت مدافع رضاخان سردار سپه شد ولی به عللی در ۱۳۰۳ تعطیل گردید و نوبخت سردبیر و رئیس هیئت تحریریه مجله قشون شد و در همان موقع کتابی تحت عنوان سردار پهلوی نوشت. این کتاب شامل وقایع از سوم حوت ۱۲۹۹ تا جلوس رضاشاه به سلطنت می‌باشد که دارای تصاویر و گراورهای زیادی است. نوبخت به علت نزدیکی به رضاخان سردار سپه، داوطلب وکالت مجلس شورای ملی شد و در دوره ششم از بهبهان به وکالت رسید و در دوره هفتم هم وکیل همانجا بود. از دوره هشتم حوزه انتخابیه او عوض شد و در هر دوره از فسا انتخاب می‌گردید که مجموعا هفت دوره نماینده مجلس شورای ملی بود. نوبخت در دوره رضاشاه از وکلای مورد علاقه دستگاه بود و به همین علت نمایندگی مجلس

را در تمام دوره رضاشاه حفظ کرد. در دوره سیزدهم که انتخابات آن در تابستان ۱۳۲۰ انجام یافته بود پس از استعفا و خروج رضاشاه شروع به کار کرد و در این مجلس نوبخت وکیلی حراف و جنجالی شد و با دولتها به جنگ پرداخت. به هنگام طرح لایحه اتحاد سه جانبه بین ایران و انگلیس و شوروی در زمره مخالفان بود و چندین نطق طولانی ایراد نمود و سرانجام رأی کبود داد. نوبخت در آن ایام از طرفداران جدی آلمان و هیتلر بود و حزبی نیز به نام حزب کبود تأسیس کرد. در اواسط ۱۳۲۲ نیروهای بیگانه در ایران عده‌ای را به جرم ژرمانوفیلی بازداشت کردند که از جمله حبیب‌الله نوبخت وکیل مجلس بازداشت گردید. سایر بازداشتیها در اراک توقیف بودند ولی نوبخت به خارج از ایران انتقال یافت و تا پایان جنگ در اسارت بیگانگان بود. در ۱۳۲۴ از زندان رهایی یافت، کار سیاست را رها کرد و به تألیفات و ترجمه پرداخت تا در ۱۳۵۲ درگذشت. در طول زندگانی خود آثار زیادی نوشته و انتشار داد از جمله شاهنامه نوبخت است. فرزند ارشد وی دانش نوبخت سالها روزنامه سیاست ما را انتشار می‌داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید ۱۵۶ -۱۵۵، ۸۲/ ۴، ۱۱۱ -۱۱۰/ ۴، ۲۹۸ -۲۹۷، ۳۶ -۳۲/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۳۴ -۷۲۷/ ۵)، الذریعه (۳۱/ ۱۹، ۲۳۰ -۲۲۹، ۲۴/ ۱۷، ۳۲۱/ ۱۵، ۲۱/ ۱۳، ۱۲۲۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۸، ۲۸۶۳، ۲۸۶۲، ۲۵۸۴، ۲۵۱۸، ۲۴۶۱، ۲۳۳۷، ۲۳۳۵، ۲۰۸۷/ ۲، ۱۵۲۸، ۸۵۴، ۶۲۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ -۴۸۰/ ۲).

نوبختی، ابوالعباس فضل

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۸۵ ق)، حکیم، فیلسوف، متکلم، منجم و مترجم. گروهی او را به جدش منسوب کرده و فضل بن نوبخت خوانده‌اند. وی از مشاهیر و پیشوایان متکلمان امامیه به شمار می‌آید. ابونواس از شاعران معاصر او بود که در مدح خاندان نوبختی شعر می‌سرود. فضل از منجمان و فیلسوفان عهد هارون‌الرشید و خزانه‌دار کتابهای حکمی به حساب می‌آمد که بسیاری از کتب حکمت اشراقی قبل از اسلام را، از زبان پهلوی به عربی، ترجمه نمود. همچنین در حکمت کتابهایی تألیف کرد و در نجوم نیز آثاری دارد. سید جمال‌الدین ابن‌طاووس، در کتاب خود «فرج المهموم» آورده که تصانیف نجومی او را دیده و تبحر او را در این فن تصدیق می‌نماید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۴۱۲ -۴۱۰/ ۸)، خاندان نوبختی (۲۰، ۱۴، ۳)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۶۰/ ۲)، ریحانه (۲۵۰/ ۶)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۲۷۷، ۲۳۶، ۲۰۰، ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ نوبختی).

نوبختی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۰۲ -۳۲۰ ق)، محدث امامی و کاتب. ساکن بغداد بود. وی از قاضی محاملی و علی بن عبداللّٰه واسطی روایت نموده است.

ابوبکر احمـد بن محمـد برقانی و ابوالقاسم عبـداللّه بن احمد ازهری و ابوالقاسم تنوخی و ابوالفرج طناجیری و ابوالقاسم بن خلال از وی روایت کرده‌انـد. محدثین و علمای عامه او را در حدیث صدوق و راسـتگو دانسـته‌اند. در «میزان الاعتدال» ذهبی وفات وی ۴۵۲ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۵۶/ ۵)، انساب سمعانی (۵۳۰ –۵۲۹/ ۵)، تاریخ بغداد (۲۹۹/ ۷)، ریحانه (۲۴۸ –۲۴۷/ ۶)، لسان‌المیزان (۳۷۷/ ۲)، میزان الاعتدال (۴۸۱/ ۱)، الوافی بالوفیات (۴۲۷/ ۱۱).

نورانی وصال، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب نورانی وصال ، در سال ۱۳۰۲ شمسی در شیراز به دنیا آمد. دوره های دبستان و دبیرستان را در شیراز گذرانید. آنگاه در سال ۱۳۲۱ به تهران آمد و در رشته ی ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه ی تحصیل پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ دانشـنامه ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه ی عمومی ، به ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای زبان و ادبیـات فارسـی و تحقیق و تکمیل پایان نامه ی دکترای خود تحت عنوان « طرز شـعر در نیمه ی اول قرن دهم » به راهنمایی اسـتاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انساب : پـدرِ عبدالوهاب ، میرزاعلی متخلص به روحانی و فرزند میرزا عبدالوهاب متخلص به یزدانی ، و او نیز فرزند میرزا محمدشفیع معروف به میرزاکوچک متخلص به وصال شیرازی شاعر بزرگ عصر قاجاری بود.

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : عبـدالوهاب نورانی وصـال ، دوره هـای دبسـتان و دبیرسـتان را در شـیراز سپری کرد. آنگاه در سال ۱۳۲۱ به تهران آمـد و در رشـته ی ادبیـات فارسـی در دانشـکده ادبیات دانشـگاه تهران به ادامه ی تحصـیل پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ دانشـنامه ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه ی عمومی ، به ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای زبان و ادبیـات فارسـی و تحقیق و تکمیل پایان نامه ی دکترای خود تحت عنوان « طرز شـعر در نیمه ی اول قرن دهم » به راهنمایی اسـتاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.

استادان و مربیان : عبدالوهاب نورانی وصال ، سالها مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیرازی را برعهده داشت.

همسر و فرزندان : خانم دکتر طاهره صفارزاده ، نویسنده و شاعر توانمند معاصر ، همسر عبدالوهاب نورانی وصال می باشد.

زمان و علت فوت : دکتر عبدالوهاب نورانی وصال ، در دی ماه ۱۳۷۳ چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : عبدالوهاب نورانی وصال ، چندین سال ، مدیریت گروه ادبیات فارسـی دانشـگاه شیراز را بر عهده داشت.

فعالیتهای آموزشی : عبدالوهاب نورانی وصال ، پس از اخذ درجه ی لیسانس به تدریس در دبیرستان های تهران پرداخت. آنگاه در سال ۱۳۲۴ پس از دریافت مدرک دکترا ، به دانشیاری دانشـکده ادبیات دانشگاه شـیراز برگزیده شد و اندکی بعد به مقام استادی رسید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالوهاب نورانی وصال ، مدت ها سلسله برنامه هایی را با عنوان « سوگنامه سرایی در ادبیات فارسی » در مرکز رادیو تلویزیون شیراز اجرا کرد که از یک طرف نمودار تسلط کم نظیر او بر ادوار شعر فارسی بود و از طرف دیگر ، شور و ایمان پاک مذهبی او را که موروثیِ خاندان او بود ، نشان می داد. او در انجمن ها و مجامع ادبی و کنگره های علمی با ایراد سخنرانی و خواندن شعر حضوری فعال داشت. ضمن انجام این فعالیته او به نشر کتاب و مقالات و تحقیقات علمی خود پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : عبدالوهاب نورانی وصال ، از آخرین شاعران بزرگی بود که شعرش استواریِ سخنِ استادان گذشته را داشت و در عین حال ، سرشار از مضامین و اندیشه های لطیف نو بود. ---

آثار :

۱ تحقیق و تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر : با همکاری دکتر محمدرضا جلال نائینی.

۲ تصحیح و چاپ دیوان داوری شیرازی

ویژگی اثر : با کمک مؤسسه ی اطلاعات.

۳ نقد و تصحیح فرائدالساوک

ویژگی اثر : متن منثور اخلاقی از شمس الدین سجاسی ، با همکاری دکتر غلامرضا افراسیابی.

۴ نقد و تصحیح مصیبت نامه ی عطار

۵ هزارمزار در ترجمه ی شدالازار (در شرح مشاهد شیراز)

ویژگی اثر : تألیف: عیسی بن جنید شیرازی. منابع زندگینامه :مجله ی نامه ی فرهنگ ، شماره ی ۱۶ ، زمستان ۱۳۷۳

نوری، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۳ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر، متخلص به فاضل. معروف به فاضل نوری. جامع معقول و منقول بود. در محضر علمای اصفهان تلمذ نمود و پس از فراغت از تحصیل در مسجد محله‌ی دروازه‌ی نو اصفهان به اقامه‌ی جماعت پرداخت. وی را اهل تصفیه‌ی باطن و سیر و سلوک دانسته‌اند. در اصفهان درگذشت و در تکیه بابا رکن‌الدین تخت فولاد مدفون گردید. از آثارش «دیوان» شعری است که آن را فرزندش نصیرالدین نوری، معروف به خواجوی، گردآوری و تدوین نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرةالقبور (۲۰۶ -۲۰۵)، الذریعه (۸۰۲/ ۹)، ریحانه (۲۶۱ -۲۵۹/ ۶).

نوری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقّق، و عارف و زاهد کامل، از شاگردان آقا میر محمّد شهشهانی، و خود داماد حاجی کلباسی بوده، در شب بیستم شوال سال ۱۳۲۳ به سنّ قریب به یکصد سال وفات یافته، در داخل بقعه تکیه بابا رکن الدین در ایوان قرینه قبر بابا مدفون گردید.

کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- رساله در فقه استدلالی ۲- رساله در نمازهای مستحبّی ۳- رساله عملیّه ۴- رساله در نماز شب، مطبوع ۵- رساله در صلات ۶- رساله در نکاح ۷- رساله در تجارت ۹- کتابی در اصول؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوقاتی سجستانی، ابوعمر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. اصل وی از نوقات، از توابع سیستان است. در طلب حدیث به خراسان مسافرت کرد و در هرات، مرو، بلخ و ماوراءالنهر حدیث شنید. وی از ابوعبداللّه محمد بن اسحاق قرشی و حاکم ابوعبداللّه نیشابوری و ابوحاتم ابن حبان بستی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی و محمد بن خیو بن حامد ترمذی و ابی‌حامد احمد بن محمد بن حسین بوشنجی و عبدالرحمان بن محمد بن علویه ابهری و ابوسلیمان خطابی و دیگران حدیث شنید. دو فرزندش، عمر و عثمان، و نیز علی بن بشری لیثی و علی بن طاهر شروطی و حسین بن محمد کرابیسی و قاسم بن عباس صلحی و احمد بن سعید تونی و جماعتی دیگر از وی روایت نموده‌اند. از آثارش: «آداب المسافرین»؛ «العتاب» یا «العتاب و الاعتاب»؛ کتاب «التعظهٔ»؛ کتاب «الشیب»؛ کتاب «صون المشیب»؛ «الریاحین» یا «فضل الریاحین»؛ کتاب «العلم» یا «العلم والعلماء»؛ «محنهٔ الظراف فی اخبار العشاق»؛ «معاشرهٔالاهلین»؛ المسلسلات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (۱۴۵ -۱۴۴ / ۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ نوقاتی)، معجم‌الادباء (۲۰۸ -۲۰۵ / ۱۷)، معجم‌البلدان (۳۶۰ / ۵)، معجم‌المؤلفین (۷/ ۹، ۲۶۶ -۲۶۵/ ۸)، الوافی بالوفیات (۹۱ -۹۰/ ۲)، هدیهٔالعارفین (۵۳/ ۲).

نهاوندی اصفهانی، جهانبخش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نامش محمّد جواد، و معروف به میرزا جهانبخش است.

عالم و ادیب و منجّم بوده، و در اصفهان سکونت داشته، رساله در استخراج خطّ نصف النهار جهت شاگردش سید عباس بن سید علی موسوی شاهرودی متوفّی در سال ۱۳۴۵ در مشهد تألیف نموده است.

صاحب عنوان در سال ۱۳۳۴ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نهاوندی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ -۱۲۳۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس، ادیب و شاعر. در نهاوند به دنیا آمد. در ابتدا به فراگیری خط پرداخت. سپس برای تحصیل مقدمات علوم به بروجرد رفت. آنگاه جهت تکمیل معلومات عازم نجف گشت و در آنجا از محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، استفاده نمود و پس از درگذشت صاحب «جواهر» در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و از خواص شاگردان وی گردید. او در حیات استادش، شیخ انصاری، در نجف عهده‌دار تدریس گردید. سید محمد طباطبایی و میرزا مهدی گلستانه از شاگردان وی بودند. در ۱۲۸۹ ق به قصد زیارت امام رضا (ع) به ایران آمد و در بازگشت در تهران ساکن شد و حدود دوازده سال در مدرسه مروی (فخریه سابق) مشغول تدریس گردید. در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در صحن جدید حضرت معصومه (س) دفن شد. به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» پیکر وی به نجف منتقل گردید. از آثارش: «اصل البرائة»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «الوقف» و «العتق»، در فقه؛ «دیوان» شعر.[۱]

میرزا عبدالرحیم بن میرزا نجف مستوفی بن میرزا محمدعلی شیرازی نهاوندی عالمی متبحر و فقیهی جامع از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری و ملازمین وی و فقهاء بزرگ و مدرسین نجف اشرف بوده چند سال بعد از فوت استادش شیخ به ایران آمده و چندی در مشهد رضوی توقف آنگاه به تهران آمده و در مدرسه مروی به تدریس پرداخته تا در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ در سن ۶۷ وفات نموده و جنازه‌اش را حمل به نجف اشرف نمودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۴۷۰/ ۷)، الذریعه (۶۸۷/ ۹، ۱۵۷/ ۶)، ریحانه (۲۶۸ -۲۶۶/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۰۹ - ۱۱۰۸/ ۱۴)، فوائد الرضویه (۲۲۹ -۲۲۸)، المآثر والآثار (۱۴۳)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۲/ ۳).

نهاوندی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مدرس، ادیب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتن مقدمات، جهت تکمیل آموخته‌های خویش رهسپار نجف گشت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و از خواص شاگردان شیخ گردید. او همچنین از محضر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز استفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده‌دار تدریس و بحث و تألیف شد. نهاوندی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم قمری است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی ستوده‌اند و در اصول وی را مؤسس و در پاره‌ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته‌اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثار او: «تشریح الاصول الصغیر»؛ «تشریح الاصول الکبیر»؛ «مقدمة الواجب»؛ کتاب «الطهارة»؛ «الدماء الثلاثة»؛ «مشارق الاصول».[۱]

علی بن ملا فتح‌اللّه نهاوندی نجفی عالمی بزرگ و محققی جلیل از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و اعلام مدرسین نجف و

مجتهدین مسلم و اساتید بزرگ آن سامان بوده و با این کمالات معنوی حظی از این دنیای دنی نداشته و در نهایت فقر و عسرت و در اواخر عمر مبتلا به کسالتهای گوناگون شده تا در اول ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ در سن هشتادسالگی وفات نمود و در وادی‌السلام در مقبره مخصوص مدفون گردید از آثار اوست (تشریح اصول الصغیر) و (تشریح اصول الکبیر) و نیز کتابی (در طهارت) و کتابی در (دماء الثلاثه).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۳۰۱/ ۸)، الذریعه (۱۸۶/ ۱۵، ۱۸۵/ ۴)، ریحانه (۲۶۹ –۲۶۸/ ۶)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۳ –۱۳۱۲/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۵/ ۷).

نیازی حجازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی صاحب منظومه‌ی «جامع اللغات»، در لغت فارسی است. او پیش از قرن یازدهم قمری می‌زیسته، زیرا در «فرهنگ سروری»، تألیف شده در ۱۰۰۸ ق، و «فرهنگ جهانگیری» تألیف شده در ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۷ ق، از «جامع اللغات» شواهدی نقل گردیده است. همچنین در این کتاب از سال درگذشت میر علی هروی (۹۵۱ ق) نیز نشانی است که در این صورت تاریخ تألیف کتاب بین ۹۵۱ ق و ۱۰۰۸ ق بوده است. در «الذریعه» برای نیازی «دیوان» شعری ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۰/ ۲۳، ۱۲۴۰/ ۹، ۶۹/ ۵)، ریحانه (۲۷۵/ ۶)، فرهنگهای فارسی (۱۲۴ –۱۱۷، ۱۱۰ –۱۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ حجازی).

نیازی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۹ ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به نیازی. در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد و برای تحصیل در طب، به سوئیس رفت. او ادبیات فرانسه را به خوبی آموخت و اشعاری به زبان فرانسه سرود که مورد توجه ادبای آنجا قرار گرفت. وی در حدود ۱۳۰۰ ش در اداره تجارتی سفارت ایران در سوئیس با سمت منشی‌گری مشغول خدمت شد. بعد از بازگشت به ایران به معلمی مدرسه دارالفنون منصوب گردید. او همچنین در دبیرستان‌های دولتی ادبیات فرانسه تدریس می‌کرد.پس از فوت میرزا حسین خان صبا، صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران»، امتیاز آن روزنامه به وی واگذار شد و او در ۱۳۰۳ ش آن را تحت عنوان قبلی خود یعنی «ستاره‌ی ایران» منتشر کرد. سپس در ۱۳۰۷ ش این روزنامه را تحت عنوان «ستاره‌ی جهان» به دو زبان فارسی و فرانسه انتشار داد. وی قطعه‌ای به زبان فرانسه به عنوان «زندگانی» سرود و از آکادمی ژفلور و فرانسه دیپلم افتخار دریافت کرد و در ۱۳۱۱ ش به مناسبت ترجمه «رباعیات» حکیم عمر خیام از طرف آکادمی فرانسه به وی جایزه‌ای اهدا شد. از دیگر آثارش: «هزار و یک خنده». از آثار ترجمه‌ی وی: «تاریخ بیزانس»؛ «تاریخ پلیس»؛

«کشمیر یا باغ نشاط»؛ «یک دروغ چه کرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۲ –۲۰/ ۳)، الذریعه (۲۸۳، ۲۲۰/ ۲۵، ۸۳/ ۱۸)، سخنوران نامی (۴۷۷ –۴۷۲/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۰، ۳۳۹۸، ۳۳۹۷، ۲۶۴۳، ۱۶۷۶، ۱۶۷۲/ ۲، ۶۸۲، ۶۷۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۸ –۲۲۷/ ۱).

نیریزی، ارشدالدین، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، مفسر و ادیب. در «مجمل فصیحی» و «فارسنامه‌ی ناصری» نام وی محمد بن علی ذکر شده است. او جامع علوم شرعیه و در علم تفسیر و حدیث متبحر بود. مدتها در مسجد جامع عتیق شیراز امامت نمود و نوشته‌اند که به مدت هفتاد سال عهده‌دار منصب افتاء بود. او را عالمی خیرخواه و دارای اخلاق نیکو و اوصاف مرضیه دانسته‌اند. در طلب علم به حجاز و عراق مسافرت نمود و مشایخ و علمای بزرگی چون: شیخ توران کبیر، زاهد ابومنصور، ابوالوفا احمد بن ابراهیم فیروزآبادی، ابومقاتل مناور بن فرکوه دیلمی را درک نمود. شیخ روزبهان بقلی شیرازی و سراج‌الدین مکرم قاضی‌القضاة فارس و عارف معروف عزالدین مودود زرکوب و فرزندش، عمادالدین ابوالفضل محمد بن مودود زرکوب، و ملک معین‌الدین ابوذر کتکی مفتی از شاگردان او بودند. در شیراز درگذشت و در رباطی که خود در نزدیکی مصلای شیراز بنا کرده بود، دفن شد. از آثارش: «مجمع‌البحرین»، در تفسیر و تأویل، در ده مجلد؛ «تنویر المصابیح»، در شرح «المصابیح»، در حدیث؛ «باکورة الطلب لاهل الادب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :شد الازار (۳۷۶ –۳۷۲)، شیرازنامه (۱۷۰ –۱۶۹)، فارسنامه ناصری (۱۵۶۷/ ۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۰۴)، معجم‌المؤلفین (۲۲۴/ ۷).

نیساری، سلیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سلیم نیساری در ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۹ درتبریز متولد شد. وی داری دکترای فلسفه از دانشگاه ایندیانای آمریکا ست. دکتر نیساری پس از بازگشت به ایران به تدریس دردانشکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد .گروه : علوم انسانیرشته : علوم تربیتیوالدین و انساب : سلیم نیساری فرزند عبد الله که وی نیز فرزند میرزا سلیم، حاکم محال قره داغ آذربایجان بود، در ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۹ درتبریز متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سلیم نیساری پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه و توفیق در امتحان نهایی دانشسرای تبریز با رتبه اول برای ادامه تحصیل به تهران آمد و موفق به اخذ درجه لیسانس در سال ۱۳۲۱ دررشته ادبیات فارسی و علوم تربیتی شد . ضمنا به تحصیل دردوره دکتری ادبیات فارسی ادامه داد . درسال ۱۳۲۹ برای ادامه تحصیل به اروپا و سپس به آمریکا رفت. وی موفق به دریافت درجه فوق لیسانس ازدانشگاه لندن و نیز درجه دکتری دررشته علوم تربیتی و زبان شناسی از دانشگاه ایندیانا آمریکا شد.همسر و فرزندان : سلیم نیساری با ایران میرتقوی

ازدواج کرد و ثمره این ازدواج سه فرزند به نامهای نیلوفر، سیروس و نادر می باشد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل سلیم نیساری در وزارت فرهنگ عبارتند از : منشی مخصوص وزیر فرهنگ ،رئیس اداره دفتر وزارتی در دوره وزارت نفت وزیر فرهنگ و بازرس وزارتی و مشاور وزارت فرهنگ . درسال ۱۳۳۴ به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد . درسال ۱۳۳۶ به استخدام دبیرخانه مرکزی یونسکو در پاریس درآمد و به سمت رئیس اداره کمکهای فنی یونسکو منصوب شد . دراین سمت از طرف مدیر کل یونسکو برای سرکشی به نحوه پیشرفت برنامه کمکهای علمی و فرهنگی یونسکو به کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه و کشورهای جنوب غربی آسیا سفرکرد . پس از پایان ماموریت و مراجعت به ایرا ن به سمت مدیر کل روابط فرهنگی دروزارت آموزش و پرورش منصوب گردید . ضمنا درهیات مدیره موسسه فرهنگی منطقه ای نیز عضویت داشت و سردبیری یک مجله انگلیسی درموسسه فرهنگی منطقه ای را نیز به عهده داشت . درسال۱۳۵۶ با ماموریت از طرف دانشگاه تهران ووزارت فرهنگ و هنر باسمت رایزن فرهنگی به کشورترکیه رفت . پس از پایان ماموریت درسال۱۳۵۸ به ایران مراجعت کرد .فعالیتهای آموزشی : سلیم نیساری در سال ۱۳۲۱ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد . درسال ۱۳۳۳ ضمن تدریس، معاونت دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز را به عهده گرفت . تاریخ فرهنگ ایران ، کلیات روش تدریس و روش آموزش زبان فارسی دردبستان از جمله عناوینی بودکه تدریس آنها را به عهده داشت . دکتر نیساری به غیراز تدریس در رشته ها ومقاطع مختلف، درسال ۱۳۳۴ به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد . درسال ۱۳۴۴ به مرتبه استادی ارتقا یافت و به دانشگاه تهران منتقل شد . دردانشکده علوم تربیتی تدریس چند درس ازجمله فلسفه، آموزش و پرورش ،مبانی آموزش و پرورش ،کلیات روش تدریس ، آموزش مقدمات خواندن و نوشتن ، آئین بررسی و گزارش نویسی و روش تحقیق را عهده دار بود . پس از بازگشت به ایران به تدریس دردانشکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سلیم نیساری در اسفند ۱۳۳۳ مامورتاسیس دانشکده ادبیات شیراز گردید .جوائز و نشانها : از دکتر سلیم نیساری به خاطر کتاب «نسخه های خطی حافظ» (قرن نهم) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تقدیر شده است.چگونگی عرضه آثار : سلیم نیساری چندین مقاله به فارسی و انگلیسی و فرانسه و ترکی درمجلات ایران و خارج از ایران منتشرساخته و از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ مدیریت مجله بنیاد فرهنگ را به عهده داشته است . عنوان یکی ازنوشته های او دراین مجله «دستورخط فارسی » می باشد . از میان مقالاتی که درروزنامه ها انتشار یافته است تنها به یک سری شامل ۱۷ مقاله از شماره ۷۳۷۱تا ۷۳۹۲ از ۲اسفند ماه تا ۲۸ همان ماه درروزنامه کیهان زیر عنوان «خط فارسی باید اصلاح شود » اشاره می شود .آثار : ۱ Le but humain de ۱ Education ویژگی اثر : سخنرانی در ششمین کنگره بین المللی علوم تربیتی ، دانشگاه دوفین پاریس ، درسال۱۹۷۳۲ Mevlana nin Mesnevi sinde Pragmatic Egitimle I lgiili Bir ornek ویژگی اثر : این سخنرانی در کنگره بین المللی بزرگداشت مولانا درشهر قونیه در نوامبر ۱۹۷۸ به زبان ترکی ایراد شده است و عنوان آن به فارسی «تمثیلی در مثنوی مولانا درارتباط با فلسفه پراگماتیسم درآموزش »است . متن سخنرانی در کتاب : Mevli[ann ve yasama Sevinic نشریه اداره جهانگردی قونیه چاپ شده است .۳ Persian An Element Of The Regional Common Culture ویژگی اثر : این مقاله در سمینار منطقه ای میراث فرهنگی (ایران ،پاکستان ، ترکیه) ۱۹۶۵ Seminar on common cultuaral H eritage march درمجموعۀ]چاپ شده است۴ The Campaign Against Illteracy in Iran and the Role of Radio and Television In this campaign

ویژگی اثر : این سخنرانی درسمیناربین المللی نقش رادیو و تلویزیون درپیکاربا بیسوادی درشهر آنکارا ایراد شده ومتن آن درنشریه زیر به چاپ رسیده است . ،Conference of Executives From Radio and TV Organizations ۱۹۷۸۵Ankara The Emergence of a New Nation with an old culture ویژگی اثر : در نشریه بین المللی بزرگداشت محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان ، اسلام آباد ـدرنشریه Joutnal of the Regional cultural institute

volume به چاپ رسیده است .۶ آموزش زبان و ادبیات فارسی دردانشگاه ویژگی اثر : متن این سخنرانی در مجموعه سخنرانیها و مقالات اولین مجلس علمی استادان زبان و ادبیات فارسی وزار ت علوم .آذرماه ۱۳۵۰ ص ۲۴۰تا۲۳۵ منتشر شده است۷ آموزش شعر فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی از گزارش کنگره دبیران زبان و ادبیات فارسی و همچنین در نشریه دانشکده علوم تربیتی دوره اول ، شماره ۲۳۸ استفاده از شاهنامه فردوسی در پژوهشهای زبان شناسی ویژگی اثر : کنگره بزرگداشت جهانی فردوسی ،دانشگاه تهران آذرماه ۱۳۶۹۹ بررسی پندهای فردوسی از دید فرهنگ ایرانی ویژگی اثر : متن این خطابه در مجموعه سخنرانیهای نخستین دوره جلسات سخنرانی وبحث درباره شاهنامه فردوسی ، همچنین در مجله هنرومردم شماره ۱۰۲ و ۱۰۳ فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است۱۰ پیوستگی هدف ، برنامه وروش آموزش زبان وادبیات فارسی ویژگی اثر : این متن درنشریه دومین کنگره انجمن دبیران زبان وادبیات فارسی درمرداد ماه ۱۳۴۷ ، ص ۹۰-۸۴ به چاپ رسیده است۱۱ تدریس زبان فارسی دردبستان یا آموزش هنر های زبان(۱۳۴۴) می باشد. توضیحی درباب خط کتاب اول دبستان ویژگی اثر : در مجموعه مقالات همایش بررسی و تبین علل بدخطی دانش آموزان زیر عنوان خط خوش ،نشریه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ، اسفند ۱۳۷۸۱۳ خاطراتی از کلاس درس استاد ملك الشعرا بهار ویژگی اثر : دررابطه با همایش یاد بود پنجاهمین سال در گذشت ملك الشعرا بهار درآوریل ۲۰۰۱ دردانشگاه سوربن پاریس ایراد شده است .۱۴ دستور خط فارسی ویژگی اثر : پژوهشی درباره پیوستگی با زبان فارسی ، تهران : سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،۱۳۷۴۱۵ دفتر دیگر سانیها درغزلهای حافظ ویژگی اثر : جلد اول ، تهران ،سروش ۱۳۷۳۱۶ دیوان حافظ ویژگی اثر : مستند برنسخه های خطی سده نهم ،به خط استاد امیر احمد فلسفی ،همراه بامینیاتور هایی از استاد فرشچیان ،تهران ،انتشارات یساولی ،۱۳۸۲۱۷ دیوان حافظ ویژگی اثر : براساس ۴۸ نسخه خطی سده نهم ، تهران . انتشارات سینا نگار. و اسرار دانش ،۱۳۷۷-دکتر نیساری در خصوص این اثر می گوید |: اول بار پیش علامه قزوینی عنوان کرد، برای تصحیح دیوان حافظ باید متونی را که به زمان حافظ نزدیک تر است، یافته و براساس چنین نسخه ای دیوان حافظ را تنظیم و تصحیح کرد. قزوینی یک نسخه خطی بیشتر به دست نیاورد. من این جست وجوها را در حد توان ادامه دادم و مرحوم خانلری و مرحوم مجتبی مینوی که باهم کار می کردند، توانستند نسخه خطی پیدا کنند. روی جلد نوشتم براساس نسخه خطی دیوان حافظ.۱۸ غزلهای حافظ ویژگی اثر : براساس نسخه خطی سده نهم ، به خط استاد محمد سلحشور ، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۷۱ ،چاپ دوم الهدی آذرماه ۱۳۷۱۱۹ غزلهای حافظ ویژگی اثر : نشریه موسسه فرهنگی منطقه ای ۱۳۵۳۲۰ کلیات روش تدریس ویژگی اثر : چاپ اول این اثر در سال ۱۳۴۴و چاپ دوم این اثر ۱۳۵۵۲۱ گروه بندی افعال فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی درجلد دوم سومین کنگره تحقیقات ایرانی ، بنیاد فرهنگ ایران ، شهریور ۱۳۵۱ درج شده است۲۲ مقدمه ای بر تدوین غزلهای حافظ(۱۳۶۷) ، ملاحظاتی درباب نسخه خطی مشتمل بر ۱۵۲ غزل حافظ و چاپ تک نسخه ای آن ویژگی اثر : در نخستین همایش ایران شناسی ، ۱۳۸۱۲۴ نسخه های خطی حافظ ویژگی اثر : شیراز سده نهم ، مرکز حافظ شناسی، ۱۳۸۰۲۵ نقش معلم در برابرارزشهای اخلاقی ویژگی اثر : متن این سخنرانی در نشریه دانشکده علوم تربیتی ، دوره پنجم شماره ۱و۲ درسال۱۳۵۴ به چاپ رسیده است۲۶ نمونه هایی از آثار جاویدان شعر فارسی(۱۳۵۰) ، نوآوری درترکیبات واژگان فارسی در خمسه نظامی گنجوی ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره بین المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی ، دانشگاه تبریز ، جلد سوم .۱۳۷۲ ص ۴۴۰-۴۲۸۲۸ یکسان کردن املای فارسی ویژگی اثر : درمجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ، دانشگاه تهران : شهریورماه ۱۳۴۹ ، جلد اول ص ۳۱۲-۲۹۹

نیشابوری، ابوعبدالرحمان عبداللّه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۶ ق)، محدث، نحوی و ادیب. اهل نیشابور بود. علم نحو را از اخفش فراگرفت. خطیب بغدادی او را در این فن صاحب بصیرت می‌داند. وی همچنین در ادبیات متبحر بود. از محمد بن جعفر غندر و محمد بن ابی‌عدی و عبدالاعلی بن عبدالاعلی و یوسف بن عطیه صفار و معلی بن سلیمان و یحیی بن سعید قطان و عبدالعزیز عطار و عبدالوهاب ثقفی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن ابی الدنیا و عبداللّٰه بن محمد بن ناجیه از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «نوادر العرب و غریب الفاظها» یا «نوادر العرب و غرائب الفاظها والمعانی والامثال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (۶۸۱ / ۲)، تاریخ بغداد (۷۳ -۷۲/ ۱۰)، الثقات (۳۶۴/ ۸)، الجرح والتعدیل (ج ۲، ق ۱۹۵ / ۲)، لسان‌المیزان (۱۸۳ -۱۸۲/ ۴)، معجم‌المؤلفین (۱۴۳/ ۶)، هدیهٔ‌العارفین (۴۴۰/ ۱).

نیشابوری، ابویوسف یعقوب

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۴ ق)، ادیب، لغوی و شاعر. اهل نیشابور بود و در علم لغت تبحر داشت و بنابر آورده‌ی «کشف‌الظنون» صاحب تألیفاتی در این فن می‌باشد. او شعر نیز می‌سرود. از آثار او: «البلغهٔ فی اللغهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف‌الظنون (۲۵۳)، معجم‌المؤلفین (۲۴۱/ ۱۳)، هدیهٔ‌العارفین (۵۴۴/ ۲).

نیشابوری، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، محدث، مقری و نحوی. از علمای امامیه در قرن ششم قمری است. او از شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی روایت کرده است. کتاب «المجالس»، در حدیث از اوست و ابن شهرآشوب در «مناقب» خود از آن بسیار نقل کرده است. وی از مشایخ روایی سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌اللّٰه بن علی راوندی و امام قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) بود. قطب‌الدین نیشابوری «الندبهٔ» امام زین‌العابدین (ع) را از حاکم حسکانی از صدوق ابن‌بابویه روایت کرده و علامه حلی در «اجازه‌ی» کبیره خود به این مطلب اشاره کرده است. از دیگر آثارش: «التعلیق»؛ «الحدود»؛ «الموجز فی النحو».[۱]

محمد بن علی بن حسن مقری نیشابوری ملقب به (قطب‌الدین) مکنی به ابوجعفر عالمی موثق و استاد سید ابی‌الرضا فضل‌اللّٰه راوندی و شیخ ابی‌الحسن قطب راوندی و صاحب تعلیق الحدود الموجز در نحو بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۵۱/ ۲۳ ،۳۵۶/ ۱۹ ،۲۲۱/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۷۲/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۵۸ -۱۵۷)،

فوائد الرضویه (۵۵۹)، معجم‌المؤلفین (۳۱۸ –۳۱۷/ ۱۰).

نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۵۰ ق)، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر. ملقب به بیان الحق. مؤلف «معجم‌الادباء» وی را عالمی بارع و مفسری دانشمند توصیف کرده است. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف او را کم‌نظیر دانسته‌اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق الانسان»؛ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکرة والتبصرة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۳ / ۸)، کشف‌الظنون (۱۲۰۵، ۷۲۲، ۶۰۲ –۶۰۱، ۳۹۳، ۲۰۵)، معجم‌الادباء (۱۲۵ –۱۲۴ / ۱۹)، معجم‌المؤلفین (۱۵۸ –۱۵۷/ ۱۲).

نیکنام، مهرداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهرداد نیکنام در سال ۱۳۲۶ ش در شهر تهران به دنیا آمد.ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی ،در سال ۱۳۵۵ ش رشته کتابداری را از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران اخذ کرد.وی در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانهٔ ملی ایران است. کتاب" کتابشناسی حافظ " تالیف مهرداد نیکنام ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهرداد نیکنام دورهٔ دبیرستان را در سال ۱۳۴۵ ش به پایان رسانید. سپس در دانشکدهٔ علوم ارتباطات اجتماعی به تحصیل پرداخت و لیسانس مترجمی زبان انگلیسی را در سال ۱۳۵۰ ش از آن دانشکده دریافت کرد و در سال ۱۳۵۵ ش از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران در رشتهٔ کتابداری موفق به اخذ درجهٔ فوق‌لیسانس شدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهرداد نیکنام در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانهٔ ملی ایران است.جوائز و نشانها : کتاب" کتابشناسی حافظ " تالیف مهرداد نیک نام ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : آفتها و آسیبهای کتاب ، احیای نسخهٔ خطی کتاب «تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه» ویژگی اثر : با همکاری آقای عین‌الله کیانفر۳ کتابشناسی حافظ ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است- آشنایی با کتاب: «کتابشناسی حافظ» این کتاب الگوی مناسبی برای تدوین «کتابشناسی مشاهیر» یا «کتابشناسی پدیدآورنده» است و نیز منبع سودمندی برای آگاهی حافظ‌شناسان و حافظ دوستان. کتاب در دو بخش اصلی سامان یافته است. بخش اوّل، آثار فارسی، عربی، ترکی قدیم، اردو، پنجابی و سندی را در بر دارد و بخش دوم شامل آثار به بیست و پنج زبان دیگر است. چاپهای مختلف دیوان حافظ و نیز برگزیده‌های آن، شرحها، کتابهای مستقل و نیز بخشی از یک کتاب دربارهٔ حافظ، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌های دکترا، نسخ خطی (تا پایان قرن دهم)، تنظیم شعرهای حافظ برای آواز و حافظ در ادبیات

کودکان دامنهٔ گستردهٔ تتبع گردآورنـده را می‌نمایانـد. گردآورنده در تنظیم مشـخصات آثار، اصول کتابشناسـی را رعایت کرده و فهرستهای پایان کتاب دستیابی به مدخلها را بخوبی فراهم می‌کند. ۴ ویرایش فنی و مقابله کامل کتاب «حفاظت و نگهداری اسناد و کتب». ویژگی اثر : ویرایش

نیلی نیشابوری، ابوسهل سعید

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۰ –۳۵۳ ق)، فقیه، طبیب، ادیب، نحوی و شـاعر. اهل نیشابور بود. او در علم طب اسـتاد بود و از مشاهیر اطبا به شـمار می‌آمـد و تصـانیفی در این زمینه دارد. وی همچنین در فقه و فنـون شـعر و ادب نیز متبحر بـود. از آثـار او: اختصـار کتـاب «المسائـل» حنین بن اسحاق؛ تلخیص «شرح فصول بقراط» جالینوس همراه با نکاتی از «شرح ابوبکر رازی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۵۰ / ۳)، تاریـخ طب (۶۷۹ –۶۷۸/ ۲)، عیون الانبـاء فی طبقـات الاطبـاء (۳۱۴)، کشف‌الظنـون (۱۶۶۸)، معجم‌الادباء (۲۱۸/ ۱۱)، معجم‌المؤلفین (۲۲۵/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۴۰/ ۱۵).

نیلی‌پور، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: پیام نور

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، کارشناسـی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه ایلینویز در سال ۱۳۵۱، دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵، فوق تخصص عصب‌شناسی زبان و اختلالهای زبان از دانشگاه برکلی و ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

اسـتادیار و دانشـیار دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۲، دانشـیار دانشکده علوم توانبخشی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷، دانشیار و استاد دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسـیهای زبـانی کودکـان عقب‌مانـده ذهنی، زبـان پرسشـی و ارزیـابی دوزبـانگی، نقش زایمـانی فرآینـده‌های فولوژیکی، آفـازی بزرگسالان، ارزیابی و درمان، تأثیر دو زبانگی همپایه در یادگیری زبان دیگر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

توانائیهای دوزبانه شدن در کودکان و بزرگسالان، فیلم آموزش صداها و الفبای فارسی به خارجیان، فیلم آموزش زبان انگلیسی از تلویزیون، زبان‌شناسی نوین، اثرات انقلاب چامکی، در زمینه‌های زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

توصیف ساختمان فعل لهجه‌داران، سنجش معنی در روان‌شناسی زبان، دو زبانگی و زبان پرسشی، سازمان‌بندی دو زبان در قشر مخ، دستور پرسشی و نمود آن در زبان‌شناسی، خودآموزی و آماده‌سازی دو اصل آموزشی در رشته‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان و آموزش از راه دور.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۸ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث، نحوی، لغوی و مدرس. اصل وی از ساوه بود. در نیشابور به دنیا آمد و برخلاف پیشه‌ی اجدادش که تجارت بود، او و برادرش عبدالرحمان، به کسب علم پرداختند و در سلك محدثین و علما درآمدند. وی را از نویسندگان بزرگ و امام و استاد بی‌نظیر عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه و نحو دانسته‌اند. او نزد خواجه نظام‌الملك، وزیر مقتدر سلجوقیان، تقربی تمام داشت. ادبیات و لغت را نزد ابوالفضل عروضی ادیب و نحو را نزد ابوالحسن ضریر قهندزی و ابوعمران مغربی مالکی فراگرفت و برای تکمیل معلومات خویش به مسافرت پرداخت. وی در علم تفسیر از محضر ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی استفاده نمود. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری و ابوابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمان بن حمدان نصروی و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران حدیث شنید. احمد بن عمر ارغیانی و عبدالجبار بن محمد خواری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت. در «النجوم الزاهرة» سال وفات وی ۴۶۹ ق ذکر شده است. از آثارش: تفاسیر سه‌گانه: «البسیط»، «الوسیط» و «الوجیز» که به «الحاوی لجمیع المعانی» موسوم و به «تفسیر واحدی» معروف است؛ «اسباب النزول» یا «اسباب التنزیل»؛ «الدعوات والمحصول»؛ «المغازی»؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «الاغراب فی الاعراب» یا «الاعراب فی علم الاعراب»، در نحو؛ «تفسیر النبی (ص)»؛ «نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «التحبیر فی شرح الاسماء الحسنی» یا «التنجیز فی شرح اسماء اللّٰه الحسنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۰ -۵۹/ ۵)، ایضاح‌المکنون (۶۷۴ -۶۷۳/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۰/ ۲)، دمیة القصر (۱۰۲۰ - ۱۰۱۷/ ۲)، الذریعه (۴۲/ ۲۵، ۱۸۸/ ۲۰، ۳۱۹/ ۴)، روضات‌الجنات (۲۳۶ -۲۳۴/ ۵)، ریحانه (۲۸۶ -۲۸۵/ ۶)، سیرالنبلاء (۳۴۲ -۳۳۹/ ۱۸)، شذرات‌الذهب (۳۳۰/ ۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۸/ ۵)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۲۵۸ -۲۵۶/ ۱)، طبقات

الشافعیه‌ی سبکی (۲۴۳ -۲۴۰ / ۵)، طبقات المفسرین داودی (۳۹۰ -۳۸۷ / ۱)، العبر (۳۲۴ / ۲)، الکامل (۱۲۳ / ۸)، کشف‌الظنون (۲۰۰۲، ۱۷۴۷، ۱۴۶۰، ۱۴۱۷، ۱۲۷۷، ۸۰۹، ۳۵۵، ۲۴۵، ۱۲۵، ۷۶)، الکنی والالقاب (۲۷۷ / ۳)، معجم‌الادباء (۲۷۰ -۲۵۷ / ۱۲)، معجم‌المؤلفین (۲۷ -۲۶ / ۷)، النجوم الزاهرة (۱۰۵ / ۵)، وفیات الاعیان (۳۰۴ -۳۰۳/ ۳)، هدیۀالاحباب (۲۶۰)، هدیۀالعارفین (۶۹۲/ ۱).

واعظ اصفهانی حائری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد، متوفی حدود سال ۱۳۲۰، مولف کتاب «طریق الجنۀ» مقتل فارسی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

واعظ اصفهانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۹ ق)، ادیب، واعظ و محدث. او واعظ و ادیبی فاضل، از دانشمندان و بزرگان حنابله در عصر خود بود. از ابوسعد احمد بن محمد بغدادی و ابوالقاسم اسماعیل بن علی حمامی و ابورشید احمد بن محمد بن احمد خرقی و ابوالقاسم ابراهیم بن محمد دواتی و جمع کثیری حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا نقل حدیث کرد. محمد بن حامد بن عبدالواحد بقال از او روایت کرده است.

از آثارش گردآوری کتابی به نام «معجم» از مشایخ خود بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (۱۶۹/ ۲۲)، معجم‌المؤلفین (۳۱۵/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۳۹۳ -۳۹۲/ ۴).

واعظ شیرازی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج علی اکبر بن حاج قاسم. عالم فاضل زاهد عابد، ادیب کامل، و طبیب ماهر، از نوادر زمان، و مفاخر علمی و عملی اصفهان به شمار می‌رفت. در زد و تقوا وحید و یگانه بود.

در شعبان ۱۲۹۴ متولد، و در نزد جمعی کثیر از فضلاء تحصیل نمود که از آن جمله است: شیخ عبدالحسین محلاتی، و حاج آقا حسین بروجردی (در موقع تحصیل در اصفهان) و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و حاج میرزا محمدباقر حکیم‌باشی؛ و در نجف از محضر: شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و آقا سید محمدکاظم یزدی، و آخوند خراسانی و غیره استفاده برده، پس از مراجعت به اصفهان سال‌ها به شغل تجارت مشغول بوده، سپس مدتی طبابت می‌فرموده، پس از آن ترک تجارت و طب گفته،

جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، به مداوای روحی مردم پرداخته.
واعظی بود شیرین بیان، و متکلمی فصیح اللسان، منابرش شام مواعظ شافیه، و نصایح کافیه، از حدیث و اخبار و تفسیر و تاریخ بود.
در مدرسه‌ی صدر ادبیات و نهج‌البلاغه و تفسیر می‌فرمود، و عده‌ای از طلاب از محضرش مستفید می‌شدند.
در شب ۲۴ جمادی‌الاولی سال ۱۳۵۷ وفات یافته، جنازه با احترامات لازم به قم منتقل گردیده، و در مقبره‌ی شیخان مدفون گردید.
از آثارش تصحیح و مقابله‌ی قسمتی از تفسیر «تبیان» شیخ طوسی است که به طبع رسیده است.
پدرش از تجار و فضلا بوده، و در نجف نزد مولی محمد حسین کاظمینی تحصیل نموده، و کتابی در شرح چهل حدیث در فضیلت صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم‌السلام نوشته، و در سال ۱۳۵ در آنجا وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

واعظ قاینی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، عالم دینی، واعظ، ادیب و شاعر. از فضلا و فصحای بزرگ امامیه در خراسان در سده‌ی نهم قمری می‌باشد. در وعظ و خطابه او را از اقران و امثال ممتاز دانسته‌اند. او معاصر با سلطان حسین میرزای بایقرا است و مشهور است که چون سلطان، در ۸۷۳ ق، در ابتدای دولت خود خواست در خطبه اسامی ائمه معصومین (ع) را ذکر کند، به امیر سید علی که شیعه‌ی امامی مذهب بود فرمان داد که خطبه بخواند، اما هجوم اهل تسنن و عوام هرات به مرتبه‌ای رسید که او را از منبر به پایین کشیدند. وی را صاحب حافظه‌ای قوی دانسته‌اند تا آنجا که می‌گویند با یک مرتبه شنیدن قصیده‌ای همه آن را به خاطر می‌سپرد. او همچنین شاعری خوش قریحه بود و در مدح ائمه معصومین (ع) قصایدی دارد. وی در نیشابور درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد و به روایتی در روستای آفریز بیرجند مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۴۶ -۲۴۴)، بهارستان (۲۱۱ -۲۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، الذریعه (۱۲۵۱/ ۹)، مجالس المؤمنین (۵۲۶ -۵۲۳/ ۱).

واعظ قزوینی، رفیع‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۹ ق)، عالم امامی، واعظ، ادیب و شاعر، متخلص به واعظ. معروف به میرزا رفیعا. موصوف به ملا رفیع‌الدین یا ملا رفیع. از علمای امامیه و از ادبا و شعرا و فضلای قرن یازدهم قمری است. در وعظ و خطابه سرآمد بود و مدتها در مسجد جامع قزوین وعظ می‌گفت. او از شاگردان ملا خلیل قزوینی بود. از علم معقول حظی وافر داشت و در این علم کتابی به نام «ابواب الجنان»، در هشت باب شروع کرد که بیش از یک یا دو باب آن را نتوانست بنویسد، پس از مرگ او فرزندش، ملا محمد شفیع، آن را به اتمام رسانید. در بعضی از مآخذ وی نواده‌ی ملا فتح‌اللّه ذکر شده است. از دیگر آثارش: «الموعظة»، در دو مجلد؛ «الحملة الحیدریة»؛

«دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۱۰ –۱۲۰۴/ ۳)، ایضاح‌المکنون (۴۲۲، ۱۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۶ –۱۳۰۱/ ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۲ –۱۷۱)، الذریعه (۱۲۵۲/ ۹) ،۷۷ –۷۶/ ۱)، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، ریحانه (۲۹۴ –۲۹۳/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۸/ ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۷۰ –۹۶۹)، الکنی والالقاب (۲۷۹/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ واعظ قزوینی)، معجم‌المؤلفین (۱۱۷/ ۱۱)، هدیۀالاحباب (۲۶۰)، هدیۀالعارفین (۲۹۶/ ۲).

واله، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۴۶، مشهد.

درگذشت: ۱۳۷۰.

حسن واله پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، راهی حوزه‌های علمیه مشهد و قم شد تا به آموختن علوم قدیمه بپردازد. پس از آن به تهران آمد و با گشایش فضای موسیقی در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به آموختن این هنر پرداخت. به همراه فراگیری موسیقی، به خواندن فلسفه و تحقیق در متون کهن و بررسی موسیقی مقامی مناطق مختلف ایران مشغول شد و به کار نسخه‌شناسی و مقابله‌ی آنها می‌پرداخت.

حسن واله در بخش موسیقی حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی به کار مشغول شد. از او کار مستقلی به طبع نرسیده است، اما مقاله‌هایی برای «کیهان فرهنگی» نوشته است. وی قرار بود از مشهد به تهران بیاید و ناگهان مفقود گردید تا این که پیکر درهم شکسته‌اش را در ارتفاعات شمال تهران یافتند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وثوقی، افضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۴ و دکترای زبانشناسی از دانشگاه پاریس ۷ در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان‌شناسی و ادبیات کشورهای مختلف، تدریس درس ادبیات و زبان فرانسه و زبان‌شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تأثر و اضطراب بشر، ادبیات نو آفریقائی، ادبیات ژاپن، ادبیات چین، گسترش انقلاب اسلامی در ایالات متحده آمریکا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نظام آوایی در زبان کردی لهجه سقز، ساختمان فعل در زبان کردی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وثوقی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در سال ۱۴۳۱ ، Diploma Postgraduate زبان‌شناسی تطبیقی فارسی واژه از دانشگاه کراچی در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد پیوسته TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، دکترای زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، تحقیق بعد از دوره دکترا در روان‌شناسی زبان دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۶ و دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۶۶

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس ساخت زبان فارسی ۱ و ۲، ساخت زبان انگلیسی، زبان تخصصی، زبان‌شناسی در دانشگاههای تربیت مدرس، تربیت معلم و ایلینویز آمریکا، تحقیق در زمینه زبان‌شناسی و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر چند پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

دستور و سنجش، عوامل مؤثر در یادگیری زبان دیگر، ساخت زبان فارسی به شیوه گفتاری Vocabulary Enrich You، نظریه

ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی، زبان‌شناسی همگانی، طرح پرسشهای چند گزینه‌ای و فرهنگ اصطلاحات و کاربرد آنها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

نقش قوم موازنه زبان، جمله‌های مرکب و حذف معادلها، چگونگی تحقیق دانشگاهی، زبان آذری

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وجیه‌اللهی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت: ۲۸ دی ۱۳۶۶.

ابوالقاسم وجیه‌اللهی پس از اتمام تحصیلات خود در وزارت راه مشغول به کار شد. وجیه‌اللهی یکی از بنیانگذاران جامعه‌ی تعلیمات اسلامی است، جامعه‌ای که تعلیم و تربیت نسل جوان را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بود. تأسیس و توسعه‌ی مدارس اسلامی،- به ویژه مدارس اسلامی دخترانه- در تهران و شهرستان‌ها، تشکیل سمینارهای مختلف در مدارس اسلامی سراسر کشور، دعوت از کسانی چون استاد شهید مرتضی مطهری، دکتر سید محمدحسین بهشتی، آیت‌الله محمد مفتح و آیت‌الله محمدجواد باهنر برای تدریس و سخنرانی، تأسیس دوره‌ی فوق دیپلم، و تربیت معلم برای مدارس اسلامی، چاپ و نشر کتب اسلامی و ترجمه و نشر کتاب الغدیر و غیره... از جمله خدمات وجیه‌اللهی است.

وجیه‌اللهی در غروب روز دوشنبه ۲۸ دی ۱۳۶۶ بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحدت، اختر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۱، بجنورد.

درگذشت: ۱۳۶۰.

اختر وحدت فرزند محمد، در خانواده‌ی اهل ادب تربیت یافت و همچون پدرش طبع روانی داشت. وی در زمره‌ی اولین زنانی بود که به استخدام اداره‌ی فرهنگ بجنورد درآمد. در سال ۱۳۳۹ به مشهد منتقل گردید. اهل شعر و شاعری بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحید دستگردی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۱ -۱۲۵۸ ش)، ادیب، مصحح، نویسنده و شاعر، متخلص به وحید. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه میرزا حسن علوم ادبی را نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، معروف به کاشی پز، و علوم دینی را نزد عبدالکریم گزی و سید محمدباقر درچه‌ای آموخت و از محضر جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی استفاده نمود. وی از طرفداران مشروطیت بود و اشعار و مقالاتی در این زمینه در روزنامه‌های اصفهان منتشر می‌کرد. دستگردی در آغاز جنگ بین‌الملل اول، روزنامه‌ی «درفش کاویان» را در اصفهان منتشر نمود. او همچنین با روزنامه‌های «پروانه»، «زاینده رود» و «مفتش ایران» نیز همکاری می‌کرد. وی در ۱۳۳۸ ق به تهران آمد و انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد و همچنین در ۱۳۳۸ ق مجله‌ی ادبی «ارمغان» را طی دوره‌ای بیست و دو ساله در تهران تأسیس و منتشر نمود. وحید در اوایل ورود خود به تهران در حلقه‌ی مریدان صفی علیشاه درآمد. وی مدتی در اداره‌ی انطباعات وزارت معارف مشغول کار گشت. او در شعر ابتدا لمعه تخلص می‌کرد، ولی بعدها به دستور میرزا یحیی بیدآبادی تغییر تخلص داد. وی در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه شهر ری دفن شد. از دیگر آثارش: «انقلاب ادبی»؛ «ره‌آورد وحید»، سفرنامه چهار محال و تاریخچه‌ی وقایع اصفهان و جنوب ایران؛ «سرگذشت اردشیر»، به شعر؛ تصحیح و تحشیه‌ی «سبعه» حکیم نظامی گنجوی شامل: ۱- «مخزن‌الاسرار» ۲- «خسرو و شیرین» ۳- «لیلی و مجنون» ۴- «هفت پیکر» ۵- و ۶- «شرف‌نامه» و «اقبال‌نامه» که این دو همان «اسکندرنامه» است ۷- «گنجینه‌ی گنجوی» یا «دیوان» شعر نظامی؛ تصحیح کتابهای: «تذکره‌ی نصرآبادی» میرزا محمد طاهر نصرآبادی و «جلایرنامه» قائم‌مقام فراهانی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «تحفه‌ی سامی» سام میرزای صفوی، «جام جم» یا «جام جهان‌نما» اوحدی مراغی، «دیوان» امیر فراهانی و «دیوان» بابا طاهر عریان.[۱]

حسن فرزند محمدقاسم متخلص به وحید و مشهور به وحید دستگردی از مردم اصفهان (و- ۱۲۹۸ ه.ق- ف. دی‌ماه ۱۳۲۱). وی تا سال ۱۳۱۲ ه.ق در دستگرد و سپس در شهر اصفهان به تحصیل ادبیات فارسی، عربی، حکمت، فقه و اصول پرداخت. ادبیات را از میرزا یحیی مدرس و فلسفه را از جهانگیرخان حکیم قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی فراگرفت. در آغاز مشروطه و انقلابات اصفهان به خاک بختیاری مهاجرت کرد و در این شهر مجله‌ی ارمغان را منتشر کرد. دو کتاب منظوم هم دارد یکی بنام «سرگذشت اردشیر» و دیگر «ره‌آورد وحید» که بطبع رسیده است. وحید در انواع شعر صاحب قدرت بود و به نظامی گنجوی علاقه‌ی مخصوصی داشت و بیشتر سبک نظامی را پیروی می‌کرد. بر اثر این علاقه انجمن ادبی را که خود تأسیس کرده بود «انجمن حکیم نظامی» نام داد و به تصحیح و مقابله‌ی خمسه‌ی نظامی پرداخت و پس از قریب پانزده سال تحقیق و مطالعه آن را با اصلاحات و تعلیقات مفید به چاپ رساند. دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیوان ادیب‌الممالک فراهانی را نیز تصحیح کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۴۷، ۳۴۰، ۷۶، ۵۱، ۴۵، ۴۳)، از صبا تا نیما (۳۲۵ -۳۲۲/ ۲)، تاریخ جراید (۲۸۴، ۵۲، ۵۱/ ۲، ۱۳۶ -۱۲۱/ ۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۲۹ -۵۲۶)، تذکرةالقبور (۲۷۳)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۴۳)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۴۹/ ۲)، الذریعه (۳۰۹/ ۱۱، ۱۲۶۶ -۱۲۶۵/ ۹)، سخنوران نامی (۵۱۴ -۴۹۸/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴۷ -۳۸۴۲/ ۶)، شخصیت‌های نامی (۵۰۶)، شرح حال رجال (۶۶/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۵، ۳۳۹۶، ۳۱۷۰، ۲۹۶۱، ۲۸۳۳، ۲۷۸۱، ۲۶۶۸، ۲۱۴۳، ۱۹۶۵، ۱۷۹۶، ۱۶۶۹، ۱۶۶۸، ۱۶۶۷/ ۲، ۱۵۹۵، ۱۵۸۹، ۱۵۶۵، ۱۵۶۲، ۱۵۱۲، ۱۵۰۵،

۱۵۰۴، ۱۲۸۹، ۱۲۸۸– ۱۲۶۶، ۱۰۴۶، ۹۸۶، ۸۳۸، ۸۰۱، ۳۷۷، ۳۰۳، ۲۱۳/ ۱)، گلزار معانی (۷۳۷ –۷۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۴ – ۶۲۳/ ۲).

وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، مورخ، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به وحید. در قزوین به دنیا آمد. در عهد صفویه می‌زیست و از شاعران و منشیان عصر خود بود. وی پس از کسب دانش و مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمات دیوانی و از دفترنویسان دیوان شد. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ –۱۰۵۲ ق) به منصب واقعه‌نویسی انتخاب شد و در زمان شاه سلیمان منصب وزارت یافت. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» آمده که وحید با صائب تبریزی مصاحبت و دوستی داشت. در اوایل عهد شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ –۱۱۰۵ ق) از کار کناره گرفت و چندی بعد درگذشت. در مورد تاریخ وفاتش در بین مؤلفان اختلاف است و به تفاوت ۱۱۲۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۰، ۱۱۰۷، ۱۱۰۵ ق نوشته‌اند. از آثار وی: «خلوت راز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «راز و نیاز» یا «ناز و نیاز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «عاشق و معشوق»، به وزن «لیلی و مجنون»، در یک هزار و سیصد بیت؛ «فتح نامه قندهار»، در چهار صد و شصت بیت؛ «آلات جنگ»، در هشتصد بیت؛ «گلزار عباسی»، در ششصد و شصت بیت؛ «ساقی‌نامه»؛ «عباسنامه» یا «تاریخ شاه عباس ثانی» یا «تاریخ طاهر وحید»، در تاریخ دوران شاه عباس دوم؛ «منشآت»؛ مثنوی «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر.[۱]

عمادالدین میرزا طاهر بن میرزا حسین‌خان قزوینی، متخلص به وحید و برادر محمد یوسف مؤلف «تاریخ خلد برین». حزین در تذکره او را وحیدالزمان خوانده است و گوید از غایت اشتهار بی‌نیاز از تعریف است و هدایت گوید: دیوانی مشتمل بر نود هزار بیت ارد. وحید ابتدا منشی میرزا تقی وزیر شاه صفی و شاه عباس ثانی بود. تاریخی که نوشته عباس‌نامه یا تاریخ طاهر وحید یا تاریخ شاه عباس ثانی نام دارد. میرزا محمد وحید در عهد سلطنت شاه سلیمان از (۱۱۰۵ –۱۰۷۸ ه.ق) با لقب عمادالدوله وزیر اعظم شد زندگانی گفت. از وی مجموعه‌ی منشاتی هم باقی مانده که اگر چه از لحاظ تاریخی حاوی مطالب مهمی است لیکن انشاء آن بسیار متکلفانه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۰ –۱۲۱۱/ ۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۴/ ۳)، ایضاح‌المکنون (۵۳۷/ ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۷۵/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۵۱ –۱۳۴۶/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۵۵ –۶۵۴/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۹۰۵ –۹۰۱)، تذکرة المعاصرین (۲۷۴ –۲۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰ –۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۸۰)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۴۹/ ۲)، الذریعه (۱۸۵/ ۱۹، ۱۲۶۷ –۱۲۶۶/ ۹، ۲۰/ ۱)، ریحانه (۳۱۱ –۳۱۰/ ۶)، سبک‌شناسی (۲۷۶، ۲۵۹/ ۳)، سرو آزاد (۱۳۵ –۱۳۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰ –۹۷۹)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۱۶)، کلمات الشعراء (۱۹۰ –۱۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ وحید قزوینی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۵/ ۴)، منظومه‌های فارسی (۶۱۶ –۶۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱/ ۳)، مینودر (۸۷۴ –۸۷۲/ ۲)، نتایج‌الافکار (۷۴۳ –۷۴۰)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۰ –۱۱۸).

وحید مازندرانی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مورخ.

تولد: ۱۲۹۱، ساری.

درگذشت: ۱۵ فروردین ۱۳۶۹.

غلامعلی وحید، فرزند مصطفی، در اوایل کودکی پدرش را از دست داد و پس از پایان دوره‌ی شش ساله‌ی ابتدایی در ساری به تهران رفت و متوسطه را در دارالنون خواند و پس از فراغت از تحصیل دانشگاهی در وزارت امور خارجه وارد خدمت شد. شش سال در لندن در سفارت ایران کار می‌کرد. پس از آن در تهران نخست به معاونت و پس از آن به کفالت اداره‌ی عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه دست اندر کار شد. آنگاه در کشورهای آمریکا و هندوستان و انگلستان ریاست اداره‌ی پنجم سیاسی و سرکنسولی ایران در بمبئی و وزیر مختار ایران در لندن را عهده داشت و سپس در هندوستان و بعد از آن، اندونزی به سفارت ایران مشغول شد.

تألیفات عهده وی به این شرح است: اقتصاد ملی (۱۳۱۶)؛ ایران و قضیه ایران (لرد کرزن)؛ بحثی چند درباره‌ی انقلابیون این عصر (اثر هرولد ج. لسکی، ۱۳۳۱)؛ تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا هیتلر (هربرت فیشر، ۱۳۲۴ -۱۳۱۹)؛ تاریخ ایران از ابتدای قرن ۱۹ تا سال ۱۸۵۸ م. (رابرت کرنت والس، ۱۳۴۱)؛ تاریخ هردوت (۱۳۲۴)؛ تمدن غرب در شرق نزدیک (هانس کن، ۱۳۱۶)؛ خواستن توانستن است (امیل پش، ۱۳۱۳)؛ دیپلمات (ژول کامبون، ۱۳۲۴)؛ راهنمای عهود و عهدنامه‌های تاریخی ایران (۱۳۴۱)؛ رستاخیز (لئون تولستوی، ۱۳۱۲)؛ قرارداد ۱۹۰۷ م. بین روس و انگلیس (۱۳۲۸)؛ مازندران و استرآباد (ه. ل. رابینو، ۱۳۲۷)؛ ممالک متحده آمریکا (۱۳۲۴)؛ موسولینی (۱۳۱۷)؛ هند یا سرزمین اشراق (۱۳۳۵)؛ هیتلر (۱۳۱۶).

از فضلا و دانشمندان و محققین تاریخ، در ۱۲۹۰ ش متولد شد. تحصیلات ابتدائی متوسطه و عالی را در تهران باتمام رسانید و درجه‌ی لیسانس در علم حقوق و علوم سیاسی گرفت و در ۱۳۱۵ در وزارت امور خارجه استخدام شد.

پس از طی مقدمات اداری دبیر سوم سفارت ایران در لندن گردید و سپس به معاونت اداره عهود و حقوقی منصوب شد. چندی هم کفالت و ریاست اداره ششم وزارت امور خارجه را عهده‌دار بود تا به رایزنی سفارت ایران در امریکا برگزیده شد. سایر مشاغل وی به ترتیب عبارتند از: رئیس اداره پنجم سیاسی، رئیس اداره تابعیت، سرکنسول در بمبئی، رئیس اداره چهارم سیاسی، وزیر مختار در لندن، عضو شورای عالی سیاسی، ریاست اداره عهود و حقوقی. آنگاه به سفیر کبیری ایران در اندونزی منصوب شد و مدتی هم سفارت ایران را در هندوستان عهده‌دار بود. پس از بازگشت از هندوستان بازنشسته شد و به کار نویسندگی و ترجمه پرداخت. قسمتی از آثار چاپ شده‌ی ایشان بشرح زیر است: اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران، قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران، هند یا سرزمین اشراق، نامه‌های تاریخی ایران.

از ترجمه‌های ایشان می‌توان کتب زیر را نام برد: تاریخ ایران در قرن نوزدهم تألیف ه.ل. فیشر، تاریخ هرودوت، کتاب مازندران و استرآباد رابینو، تاریخ ایران در قرن نوزدهم تألیف واتسن.

دکتر غلامعلی وحید مازندرانی در ۱۳۶۶ درگذشت.

(۱۳۶۹ -۱۲۹۱ ش)، نویسنده و مترجم. در ساری به دنیا آمد. پس از پایان دوره ابتدایی به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و در ۱۳۱۴ ش از دانشکده حقوق تهران فارغ‌التحصیل شد و سپس به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. وی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت. او در تهران ابتدا به معاونت و بعد به کفالت اداره‌ی عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه مشغول شد و پس از آن در واشنگتن، بمبئی، لندن، هندوستان و اندونزی عهده‌دار مشاغلی گردید. از آثار وی: «اقتصاد

ملی»؛ «راهنمای عهود و عهدنامه‌های تاریخی ایران»؛ «ممالک متحده‌ی آمریکا»؛ «موسولینی»؛ «هند یا سرزمین اشراق». از آثار ترجمه‌ی وی: «بحثی چند درباره‌ی انقلابیون این عصر»؛ «تاریخ هردوت»؛ «تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا ظهور هیتلر»؛ «تاریخ ایران در قرن نوزدهم»؛ «تمدن غرب در شرق نزدیک»؛ «خواستن توانستن است».[۱]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۶۴۷ -۶۴۶)، الذریعه (۲۵۰/ ۲۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۵۸ -۱۵۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۵۴، ۲۵۱۳، ۱۹۹۷، ۱۶۵۳/ ۲ ،۱۲۹۳، ۹۵۰، ۵۲۰، ۳۰۸/ ۱)، کتاب گیلان (۵۴۵، ۳۶۰، ۱۴۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۰ -۷۲۸/ ۴).

وحیدی تبریزی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ ق)، ادیب و شاعر. اهل تبریز بود، ولی چون مدتی در قم سکونت داشت، برخی از مؤلفان او را قمی نوشته‌اند و همچنین صاحب «ریحانةالادب» او را اهل تبریز یا هرات می‌داند. در شناخت اشعار و علم عروض و قافیه مهارت داشت. وی با مولانا حیرتی معاصر و معاشر بود که به سببی یکدیگر را هجو کردند. وحیدی اواخر عمر به گیلان مسافرت کرد و در آنجا درگذشت. مؤلف «الذریعه» وحید تبریزی و وحیدی قمی را دو نفر دانسته است. از آثار وی: «مفتاح البدایع»، در لغت فارسی؛ «الجمع المختصر» یا «مختصر وحیدی»، در عروض و قافیه؛ «شهرانگیز»، برای مردم تبریز؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۹، ۴۰۲/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، تحفه سامی (۲۲۸ -۲۲۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۴ -۳۹۳)، الذریعه (۳۲۰ / ۲۱ ،۱۲۶۵ / ۹ ،۱۳۹ / ۵)، ریحانه (۳۱۰ / ۶)، صبح گلشن (۵۸۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مجالس‌النفائس (۱۶۱)، هفت اقلیم (۵۰۵ -۵۰۴/ ۲).

وحیدیان کامیار، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران، دکترای زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی منشاء وزن شعر فارسی، گردآوری واژگان قافیه شعر فارسی، گردآوری و تدوین وزنهای شعر فارسی و استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

وزن و قافیه شعر فارسی، وزن شعر فارسی (عروضی فارسی) نوای گفتار در فارسی، دستور زبان عامیانه فارسی، بررسی وزن شعر عامیانه فارسی، دستور فارسی، فرهنگ نام آوایی، موسیقی حرف، کلمه و کلام (مربوط به نام آواها).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

نقشهای تکیه در زبان فارسی، تکیه و وزن شعر فارسی، قافیه در شعر فارسی، افسانه چیست؟- فارسی مؤدبانه، اسمهای خاص و نظریه اطلاع، فعل مرکب در فارسی نیست، نقدی بر تاریخ زبان دکتر خانلری، وزن فهلویات عروضی است نه هجایی، اوزان ایقاعی، اندیشیدن در قافیه، نقد عروض، عروض فارسی، مدارس قدیم مشهد، و مقالاتی دیگر در زمینه‌های دستور زبان، عروض، شعر و شاعری و زبان‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وخشی بلخی، ابوعلی حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۱ -۳۸۵ ق)، حافظ، محدث، زاهد و ادیب. اصل وی از وخش، قریه‌ای در حوالی بلخ است. در طلب حدیث به عراق، جبال، شام و مصر سفرهای طولانی نمود و در بلخ، نشابور، بغداد، اصفهان، دمشق، بصره، مصر، عسقلان، تنیس، رمله، قدس، عکا، حلب و همدان از ابوالقاسم خزاعی و ابوسعید صیرفی و یحیی بن ابراهیم مزکی و ابوعمر بن مهدی فارسی و ابونعیم حافظ و ابوحسین بن بشران و ابومحمد نحاس و تمام بن محمد رازی و محمد بن احمد بن محمد بن مزدین و ابوسعید بن حسنویه و ابوالحسن علی بن قاسم نجاد و عقیل بن عبدان و قاضی ابوبکر حیری و عبدالواحد بن محمد بن مهدی و محمد بن حسین بن فضل قطان و محمد بن احمد بن ابوالفوارس و از جماعتی دیگر حدیث شنید. خطیب بغدادی و عمر بن محمد سرخسی و عمر بن علی محمودی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. خواجه نظام‌الملک در بلخ از وی حدیث شنید. در بغداد خلیفه عباسی به اتهام قدری بودن دستور به غرق کردن او داد. پس به مصر گریخت و بعد از چندی دوباره مخفیانه به بغداد آمد و از آنجا به بلخ بازگشت، در بلخ به امر خواجه نظام‌الملک برای وی مدرسه‌ای بنا نمودند تا در آن حدیث گوید. او در بلخ درگذشت. وی برگزیده‌ای از احادیثی را که از ابونعیم حافظ شنیده بود، در پنج جزء تحت نام «وخشیات» نگاشت. در «کشف‌الظنون» و به تبع آن در «هدیةالعارفین»، «الامالی»، در حدیث و کتاب «التوقیر» از آثار وی شمرده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۳۱۲/ ۱)، انساب سمعانی (۵۷۹/ ۵)، ایضاح‌المکنون (۳۴۰/ ۱)، تذکرةالحفاظ (۱۱۷۴ - ۱۱۷۱/ ۳)، توضیح المشتبه (۱۷۶/ ۹)، سیرالنبلاء (۳۶۷ -۳۶۵/ ۱۸)، شذرات‌الذهب (۳۳۹/ ۳)، طبقات الحفاظ (۴۵۹)، العبر (۳۲۹/ ۲)، کشف‌الظنون (۵۰۸، ۱۶۳)، لسان‌المیزان (۴۴۶ -۴۴۵/ ۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۰۳ -۱۰۲/ ۱۹)، معجم‌البلدان (۴۱۹/ ۵)، معجم‌المؤلفین (۲۶۰/ ۳)، الوافی بالوفیات (۱۶۳/ ۱۲)، هدیةالعارفین (۲۷۷/ ۱).

وراق کرمانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۹ ق)، ادیب، نحوی، لغوی و منجم. از علمای نحو و لغت و از شاگردان ثعلب نحوی بود. به حسن خط شهرت داشت و از طریق وراقی و کاغذسازی امرار معاش می‌نمود. او صاحب تألیفاتی در زمینه‌ی علم لغت و علم نحو می‌باشد. از آثارش: «الموجز»، در نحو؛ «الجامع فی اللغة»، لغاتی که خلیل فراهیدی در کتاب «العین» آن را فراموش کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۶/ ۷)، روضات‌الجنات (۲۸۱/ ۳)، ریحانه (۳۱۳/ ۶)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۳۴)، کشف‌الظنون (۱۸۹۹، ۵۷۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعبداللّه)، معجم‌الادباء (۲۱۳/ ۱۸)، معجم‌المؤلفین (۲۴۷ -۲۴۶/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۲۹/ ۳)، هدیةالعارفین (۳۵، ۲۴/ ۲).

ورزگر، مینو

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دیپلم از دبیرستان هالیوود شمالی لوس آنجلس آمریکا، کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران (در طی دو سال)، کارشناسی ارشد در آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تربیت معلم (در طی یک سال)، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران (در طی دو سال)، M.A در آموزش زبان انگلیسی TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا (در طی دو یک سال)، دکترا در آموزش زبان انگلیسی TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا (در طی دو سال).

مرتبه علمی:

مدیر گروه و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

واژه‌نامه آموزش زبان، زبانشناسی و آزمون‌سازی، اثر عوامل روانی بر روی خواندن، عضویت در انجمن‌های بین‌المللی و چندین

کمیته و مرکز آموزشی و تحقیقی داخلی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱۷

زمینه علمی تألیفات:

آموزش خواندن از طریق خواندن، آموزش و سنجش زبان انگلیسی، انگلیسی برای دانشجویان پزشکی، انگلیسی برای دانشجویان مامائی، انگلیسی برای دانشجویان بهداشت، مسائل آموزش زبان انگلیسی در ایران، گرامر کامل زبان انگلیسی، انگلیسی برای کودکان، واژه‌نامه انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

فراگیری زبان در کودکان، آموزش خواندن، جنبه‌های روانی زبان خواندن، خواندن و تفکر، مراحل ادراکی خواندن، فرآیندهای شناختی خواندن، ابعاد مهارتهای شنیداری، گفتاری، جنبه‌های عصبی روانی مرحله بحرانی در زبان آموزی، مراحل ادراکی خواندن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ورزی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۹۳ ش)، شاعر، مترجم و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۱۵ ش به اخذ لیسانس از دانشکده‌ی حقوق نایل شد و در همین سال بود که به انجمن‌های ادبی تهران راه یافت و با شعرای همعصر خود آشنا گردید. وی هنگام تحصیل در دانشکده‌ی حقوق، در دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم به تحصیل پرداخت و زمانی که از طرف وزارت دادگستری در شیراز به سر می‌برد، «جامع المقدمات» و «مغنی» و «مطول» تفتازانی و «شرح منظومه» ملا هادی سبزواری و مقداری از «اسفار اربعه» را نزد میرزا علی حکیم آموخت. ورزی در ۱۳۲۰ ش در کابینه‌ی اول قوام‌السلطنه به سمت بازرس مخصوص نخست‌وزیر انتخاب شد و از آن پس عهده‌دار مشاغل مختلفی چون رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیرکل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق و غیره بود. او از همان دوران کودکی با شعر و ادب و موسیقی آشنا شد و در محضر اساتیدی مانند موسی نی داوود، نواختن تار و ویولن و سه تار را آموخت و با ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، روح‌اللّه خالقی، علینقی وزیری، غلامحسین بنان، قمرالملوک وزیری، تاج اصفهانی و بسیاری از هنرمندان دیگر مصاحب و معاشر بود. ورزی شاعری غزلسراست، اما در انواع شعر فارسی نیز طبع‌آزمایی کرده است. وی زبان فرانسه را خوب می‌دانست و اشعاری نیز به این زبان سروده و آثاری را ترجمه کرده است. از آثار منظوم او: «سخن عشق»؛ «رهاورد عمر»؛ «دیوان» شعر. از ترجمه‌های وی: «بررسیهای ادبی» و «هفت صورت عشق» از آندره موروا؛ «نغمه‌پرداز نامرد» که نام داستانی از داستایوفسکی است به نام «نیه توچکانبتروانف».[۱]

شاعر.

تولد: دی ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت: مهر ۱۳۶۸، تهران.

ابوالحسن ورزی، فرزند حسین فلاح‌زاده تا پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب درس خواند ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره‌ی اول دبیرستان را در شهرستان ساری و دوره‌ی دوم دبیرستان را در مدرسه‌ی امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساند. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق قضایی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۵ بود. پس از گذراندن دوره‌ی افسری وظیفه که محل مأموریتش در شیراز بود، مجددا از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسرای شهرستان شیراز به آن شهر بازگشت. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بود، گذشته از برنامه‌ی روزانه، مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی و مدرسان دیگر فراگرفت. هنگام تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کرد و در خارج از محیط دانشکده هم به تحصیل پرداخت. در شیراز هم جامع المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومه‌ی سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد میرزا علی حکیم ادامه داد. اشتغال در دادگستری با روحیه‌اش سازگار نبود و به همین دلیل از این شغل استعفا نمود و به تهران بازگشت در تهران وی را دعوت به همکاری در نخست وزیری کردند که در آنجا مشغول به کار شد (در سمت بازرس نخست وزیر) و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردید. رییس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رییس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرس سازمان بازرسی کل کشور در وزارت دادگستری، از آن پس بنا به تقاضای خودش بازنشسته شد.

از کودکی با تار و ویولن و سه‌تار آشنا شد و اساتیدی چون موسی و مرتضی نی‌داود به وی تعلیم دادند. گفتن شعر را از سن یازده سالگی شروع کرد و هدایت و تشویق پدرش موجب پیشرفت وی در شعر شد. از سال ۱۳۱۵ در انجمن‌های ادبی رفت و آمد می‌کرد. در یکی از جلسات ادبی با فصیح‌الزمان رضوانی، شاعر شیرازی، آشنا شد و او را تخلص «طالع» را برایش انتخاب نمود ولی او هیچ وقت خود را مقید به قید تخلص نکرد. نخستین مجموعه‌ی غزلیات او در سال ۱۳۵۸ به نام سخن عشق منتشر گردید. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی و دو بیتی طبع آزمایی نمود. از وی منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه اطهار (ع) به جا مانده است. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است (این دو منظومه در یک کتاب در سال ۱۳۶۸ منتشر شد). کتاب دیگر او پرتو راز نام دارد که در مورد زندگانی پیامبر اسلام است که به اتفاق غلامحسین جواهری وجدی سروده شده است.

آثاری که از وی ترجمه شده است از این قرار است: دو کتاب از آندره موروآ به نام‌های: بررسی‌های ادبی و هفت صورت عشق و کتاب دیگری به نام نغمه‌پرداز نامرد (اثر فئودر داستایوسکی) که در روزنامه «ایران ما» به چاپ رسید.

ابوالحسن ورزی، شاعر بلند آوازه معاصر، فرزند مرحوم حسین ورزی است که سالها مصدر مشاغل بزرگ علمی، هنری و دولتی بوده که با اکثر رجال علم و هنر و سیاست حشر و نشر داشت است. ابوالحسن ورزی، از اوایل تأسیس رادیو، کم و بیش اشعارش وسیله هنرمندان در رادیو اجرا می‌شد، ولی در سال ۱۳۳۸ رسماً به رادیو رفت و اولین شعری که وی در این سال ساخت توسط مرحوم غلامحسین بنان در «بیات اصفهان» که آهنگ آن را مهندس همایون خرم ساخته بود، خوانده شد چنین بود: «آمد اما در نگاهش آن نوازش‌ها نبود» که بعدها چند خواننده دیگر، این شعر را در رادیو اجرا کردند.

ابوالحسن ورزی، از دوستان صمیمی و نزدیک شادروان داود پیرنیا بود و سال‌ها در بازرسی نخست وزیری، همکار یکدیگر

بوده‌اند. این صمیمیت به حدی بود که روزی به عیادت داود پیرنیا که به واسطه بیماری قلبی چند روزی در منزل بستری بود به بالین پیرنیا حاضر می‌شود بلافاصله این دو بیت را برای وی می‌سازد:

گویند برنج تن فزوده است دلت

آرام و قرار ز نور بوده است دلت

ابوالحسن ورزی را بایـد به حق یکی از شـعرای بـاارزش دوران اخیر به حسـاب آورد و این ادعـا نیست بکله اشـعار وی نمایانگر این مـدعا است، به طوری که روزی در رادیو بـا مرحوم علی دشتی درباره شادروان رهی معیری مصاحبه بود، وقتی مصاحبه‌گر رادیو از ایشان پرسید «آقای دشتی شما بهترین غزلسرای امروز را چه کسی می‌دانید؟»

پاسخ داد: «ابوالحسن ورزی را کنار بگذارید، راجع به بقیه بفرمایید.»

وقتی از وی سؤال شد که: چرا ورزی را کنار بگذاریم؟»

پاسخ داد: «اگر تکفیرم نکند، ابوالحسن ورزی سعدی و حافظ و مولانای زمان است.»

نگارنده وقتی در نشستی که با این شاعر گرانمایه داشتم و درباره زندگی‌نامه ایشان جویا گردیدم؟

از روی نوشته‌ای که قبلا آماده کرده بودند چنین بیان داشتند:

«من در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در تهران به دنیا آمدم. پدرم مرحوم حسین ورزی که صدای خوشی داشت، در روز اول دی‌ماه ۱۳۲۵ در تهران درگـذشت و چنـد سال بعد از مرگ پدرم، مادرم شادروان بتول ورزی نیز برحمت ایزدی پیوست. دوران تحصـیلی من، تا کلاس پنجم ابتدایی در دبسـتان‌های شرف مظفری و ادب بود، ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره اول دبیرستان را در شهر ساری و دور دوم دبیرسـتان را در مدرسه امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساندم. در آن زمان در دارالفنون دانشمندان برجسته‌ای مانند شادروانـان فاضـل تونی، بهمنیـار، همایی، نصـراللّه فلسـفی، دکتر سیاسـی، حبیب یغمایی به تـدریس اشـتغال داشـتند. در سال ۱۳۱۵ خورشـیدی از دانشـکده حقوق دانشـگاه تهران با رتبه شاگرد اولی موفق به اخـذ درجه لیسانس در رشـته قضایی شـدم و تا آنجا که حافظه‌ام یاری می‌کنـد اساتیـدی نظیر شادروانان: بروجردی (محمد عبده) رئیس محکمه انتظامی وزارت دادگستری، دکتر سـیدعلی شایگان، دکتر زنگنه، آقا محمد شـریعت سـنگلجی، دکتر امامی، دکتر کریم سـنجابی تدریس می‌کردند. اساتید خارجی من عبارت بودند از: موسیو فونتانا معلم حقوق رم و حقوق مدنی فرانسه و موسیو لافن معلم ادبیات.

پس از گذراندن دوره افسـری وظیفه که خوشـبختانه محل مأموریتم در شـهر شیراز بود، مجدداً از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسـرای شهرسـتان شـیراز به آن شـهر بازگشـتم. از زمانی که مشـغول تحصیل در دارالفنون بودم، گذشته از برنامه روزانه مقـدمات زبـان عربی و صـرف و نحو و منطق و فلسـفه را در خـارج نزد یکی از اساتیـد زمـان یعنی مرحوم شـیخ ضـیاءالدین دری و مـدرس دیگر فراگرفتم. هنگام تحصـیل در دانشـکده حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شـرق در دانشـکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسـلامی) هم نام‌نویسـی کردم و در خارج از محیط دانشـکده هم نزد استادان این فنون به تحصیل پرداختم. در شـیراز هم جامع‌المقـدمات و مغنی و مطـول تفتـازانی و شـرح منظـومه سـبزواری و مقـداری از اسـفار اربعه را نزد حکیم محقق و دانشـمندی چون میرزا علی حکیم ادامه دادم. از استاد حکیم تا آن زمان خبر داشتم که در دانشکده معقول و منقول مشغول تدریس بودند و بعد گویا به شـیراز سـفر می‌نمایند، که بازگشتی نداشته است و هنوز خبری از ایشان ندارم که آیا در قید حیات هستند یا نه، به هر صورت اگر زنده هستند خداوند به ایشان سعادت و سلامت عطا فرماید و اگر رحلت کرده‌اند برای ایشان آمرزش می‌طلبم.

اشـتغال در دادگستری و شاهد گرفتاریهای مردم بودن و احکام شدید صادر کردن مغایر با روحیه من بود به همین دلیل از این شغل اسـتعفا نموده و به تهران بازگشتم. در تهران مرا دعوت به همکاری در نخست‌وزیری کردند، که در آنجا مشغول به کار شدم و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردیدم:

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان شادروان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرس بازرسی کل کشور و از آن پس بنا به تقاضای خود بازنشسته شدم.

آشنایی من با شعر و ادب و موسیقی:

همان‌طوری که در مقدمه کتاب، (سخن عشق) نوشته‌ام، این آشنایی برای من از دوران کودکی آغاز شد. پدربزرگم مرحوم کاظم کمپانی مردی بسیار هوشمند و روشنفکر و آزاده بود و از مجتهد آزاداندیشی به نام مرحوم شیخ هادی نجم‌آبادی تقلید می‌کرد و در زمان قحطی از ثروت شخصی و محصولات املاکش کمک مؤثری به بینوایان می‌نمود، و ای کاش تمام افراد متمکن و ثروتمند از این شیوه پیروی می‌کردند و بنا به فرموده شیخ اجل سعدی بزرگوار:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

با وجود آنکه پدربزرگم مردی متدین بود هرگز مانع معاشرت پدر من با استادان موسیقی نظیر شادروان درویش خان و جناب دماوندی، حاج قربانخان و قراب نگردید. من از زمان کودکی با تار و ویولن و سه‌تار آشنایی داشتم، اساتیدی چون موسی نی‌داود و مرتضی نی‌داود به من تعلیم می‌دادند. از دوران جوانی با چهره‌های شاخص موسیقی ایرانی نظیر شادروانان: ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، ارسلان درگاهی، هرمزی، روح‌اللّه خالقی، کلنل علینقی وزیری، زاهدی، حاج علی‌اکبرخان شهنازی، حسین یاحقی، مشیر همایون شهردار، مرتضی محجوبی، غلامحسین بنان، لطف‌اللّه مجد، پروانه، قمرالملوک وزیری، روح‌انگیز، رضاقلی میرزا ظلی، رضا ورزنده، محمود کریمی، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری و محمودی خوانساری آشنایی و دوستی نزدیک داشتم، که بدبختانه همه آنها چهره در نقاب خاک کشیده‌اند، روحشان شاد باد!

شعر و شاعری:

همان‌طوری که قبلاً متذکر شدم مرحوم پدرم صدای بسیار دلنشینی داشت و در انتخاب و شناخت شعر بسیار با ذوق بود، پیوسته کوشش می‌کرد که بهترین غزلیات شعرای برجسته میهن‌مان نظیر: سعدی، حافظ، مولانا، جامی، عطار، سنائی و صائب را یادداشت نماید و به همین دلیل من از آغاز طفولیت که قلم به دست گرفتم و خواندن و نوشتن را آموختم با این غزلیات زیبا آشنا شدم و هر زمان که تنها بودم با خود زمزمه می‌کرد، تا هنگامی که تعطیلات تابستانی مدارس فرا رسید و من که سال پنجم دبستان ادب را تمام کرده بودم، با پدرم که مأموریت گرگان را داشت به مسافرت رفتم. این نخستین بار بود که دور از محیط گرم خانواده به جایی ناشناس و بیگانه می‌رفتم. با اینکه دیدن دریا و طبیعت و کوهستانهای سرسبز و جنگلهای با عظمت برایم بسیار جالب بود ولی غم غربت و تنهایی و دوری از خانواده و دوستان به خصوص اوقاتی که پدرم به مأموریت می‌رفت مرا بسیار ملول و افسرده می‌ساخت تا آنجا که به کنجی می‌نشستم و به یاد دوستان به خصوص مادرم که به حد پرستش او را دوست داشتم اشک می‌ریختم. این افسردگی و غم و درد مرا بر آن که احساسات خود را بوسیله شعر بیان کنم، در کتاب (سخن عشق) داستان برخورد پدرم را مفصلا بیان کرده‌ام، من گفتن شعر را از سن پانزده سالگی شروع کرده‌ام و هدایت و تشویق پدرم موجب پیشرفت من در شعر شد. خوب به یاد دارم شبی یکی از دوستان پدرم شعری از فرخی سیستانی را خواند که چنین بود:

خواستم از دلبری دو بوسه و گفتم

تربیتی کن ز آب لطف خسی را

گفت یکی بس بود اگر دو ستانی

خیره شوی کازموده‌ایم بسی را

عمر دوباره است بوسه من و هرگز

عمر دوباره نداده‌اند کسی را

و من در جواب چنین گفتم:

ای که ندادی به من دو بوسه و گفتی

«عمر دوباره نداده‌اند کسی را»

غافل از آنی که عیسی مریم

داد پس از مرگ جان تازه بسی را

بوسه تو کرده کار معجز عیسی

مرده عشقیم تازه کن نفسی را

یکی از محفل‌نشینان که از مالکان ثروتمند شمال بود وعده کرده بود که در مقابل این حاضر جوابی به من یک ساعت با زنجیر طلا بدهد که خوشبختاه به عهد خود وفا نکرد و مرا از زیر بار منت خود خلاص نمود، روانش شاد باد. در حقیقت چه کار نیکویی کرد وگرنه ممکن بود مرا به گرفتن هدیه از دیگران عادت دهد و به وارستگی و بی‌نیازی که مایه سرافرازی من است خللی وارد کند.

میدمد نور صفا از خانه‌ام

عشق چون شمعی است در کاشانه‌ام

فخر من این بس که با صدها نیاز

خم نشد از بار منت شانه‌ام...

بنابراین بهترین مشوق و نخستین آموزگار شعر من پدرم بود و از اینکه فرزندی شاعر به جامعه ادب ایران تحویل داده است به خود می‌بالید و شاید اگر من به عالیترین مقامات اداری و اجتماعی رسیده بودم آنقدرها مسرت و سرافرازی احساس نمی‌کرد.

تصور می‌کنم که در سال ۱۳۱۵ خورشیدی پای من به انجمن‌های ادبی باز شد در آن زمان تهران دارای سه یا چهار انجمن ادبی بیشتر نبود که یکی را شاهزاده محمدهاشم میرزا افسر و دومی را مرحوم ترجمان‌الممالک فرهنگ و سومی را وحید دستگردی اداره می‌کردند و بر اثر شرکت در مجالس فوق با ارکستر شعرای هم عصر خود آشنا و دوست شدم که مرگ آنها برایم بسیار دردناک و جانگداز بوده و هست، در یکی از جلسات ادبی با مرحوم فصیح‌الزمان رضوانی شاعر و واعظ و ادیب شیرازی گوینده غزل:

همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی

چه زیان ترا که من هم برسم به آرزویی

آشنا شدم و او تخلص (طالع) را برایم انتخاب نمود ولی من که هیچوقت خود را مقید به قید تخلص نکرده‌ام که مجبور شدم برای آوردن تخلص یک بیت اضافی و با تکلف بسازم، غزلهای خود را مانند گذشته بدون ذکر تخلص ساخته و می‌سازم.

من از دوران جوانی شروع به خواندن و تتبع در آثار شعرا و ادبای برجسته وطنم نمودم و به دقت آثار اساتید بزرگ را با بررسی، مطالعه و کسب فیض و معرفت کرده نهال ضعیف شعر خود را بارور ساختم.

در مورد شعرای معاصر خود:

با همه آنها دوستی نزدیک داشته‌ام و در حقیقت باید متذکر شوم که زمان ما یکی از ادوار بسیار درخشان و پربار ادب فارسی است و پس از مشروطه شعرا و ادبا و سخن‌شناسان بزرگی ظهور کرده‌اند که بدون تردید از مفاخر این سرزمین مقدس می‌باشند. چون تعداد شعرای معاصر که همه از دوستان نزدیک من هستند بسیار زیاد می باشند و به خاطر آنکه مبادا نام یکی از آنان از قلم شکسته این ضعیف بیافتند با عرض معذرت و پوزش نامی ذکر نمی‌کنم تنها از خدای یگانه طول عمر و عزت و کامرانی همه آنها را آرزو

می‌نمایم و اظهارنظر در مورد شعرای معاصر را به آیندگان می‌سپارم و خود را در صلاحیت این امر نمی‌دانم.

نخستین مجموعه غزلیات من در سال ۱۳۵۸ به نام (سخن عشق) توسط انتشارات امیرکبیر منتشر گردید و پس از مدتی به کلی نایاب شد. مابقی غزلهای من امروز از نظر کمیت به ۵ برابر مجموعه فوق می‌رسد. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی، دو بیتی، پیوسته طبع آزمایی کرده‌ام.

منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه‌اطهار علیهم‌السلام دارم. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است.

در مورد شعر و شاعری و قواعد و اصول و اساس و مبانی و مبادی آن من هم به همان تعریفی که از زمان ارسطاطالیس و بعد به وسیله حکمای بزرگ ایران چون: حکیم‌ابونصر فارابی، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه قطب‌الدین شیرازی و حکیم صدرالمتالهین شیرازی شده است اعتقاد دارم. در هنگام نوشتن این مقدمه خوشبختانه اثری منظوم بنام «پرتو راز» که در مورد زندگانی پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبداله صلی اللّٰه علیه و آله که به اتفاق دوست نازنین و شاعر شیرین سخن آقای غلامحسین جواهری وجدی سروده بودیم منتشر گردید که لطف این کتاب در دو تقریظ زیبا و پرمغزی است که وسیله دو تن از شعرای توانا و فحل زمان جناب آقای ابوتراب جلی استاد سخن شناس بزرگ و جناب آقای سعید نیاز کرمانی شاعر خوش قریحه زمان سروده شده است.

آشنایی با زبانهای بیگانه:

از زبانهای خارجی انگلیسی را باندازه رفع احتیاجات می‌دانم ولی زبان فرانسه را در زمان کودکی نزد معلمین فرانسوی آموختم. زیرا در سال ۱۳۵۹ که پدرم مأمور در استان مازندران بود و من در کلاس دوم دبیرستان به تحصیل اشتغال داشتم. یک روز به مادرم اطلاع دادند که یک خانم فرانسوی به نام مادام ژاکولت که وسیله فرمانفرما برای آموختن زبان فرانسه به فرزندانش به ایران آمده بود و دیگر نیازی به او نداشتند با فقر و پریشانی در ساری زندگی می‌کند. مادرم که بانویی مهربان و پر از رحم و شفقت بود آن خانم را به خانه ما آورد و برای اینکه احساس غربت و تنهایی نکند همانند یک عضو خانواده غذای روزانه را با ما صرف می‌کرد و در عوض زبان فرانسه را به من آموخت و در نتیجه پیشرفت زیادی در این زبان کردم و پس از اینکه به تهران آمدم زبان فرانسه را در خارج از مدرسه نزد یک بانوی فرانسوی دیگر به نام مادام توماسن و بعد نزد معلم دیگری که یک مرد فرانسوی بود ادامه دادم و بعدها بر اثر خواندن متون داستاهای ادبی و تاریخی از نویسندگان برجسته فرانسه به این زبان تسلط کامل پیدا کردم و به ترجمه آثاری از این زبان پرداختم:

دو کتاب از نویسنده نامدار فرانسه آندره موروا بنامهای: «بررسی‌های ادبی» و «هفت صورت عشق» ترجمه کردم که عشقهای مختلف را در ادبیات فرانسه نشان می‌داد. نظیر: «عشق افلاطونی»، «عشقهای شوالیه‌ها» و عشقهای هوس‌انگیز مانند: «ژولی ژان‌ژاک روسو» و انواع دیگر عشقها که از مادام لافایت نویسنده معروف بود و عشقی را که شرح می‌داد اول بیوگرافی کوتاهی از نویسنده داستان می‌نوشت و سپس خلاصه داستانی را که منظور نظر او بود با قلم سحار خود شرح می‌داد.

کتاب دیگری نیز از نویسنده برجسته و نامدار روس یعنی فئودور داستایوسکی که به زبان فرانسه برگردانده شده بود به نام «نیه‌تو چکانبتروانف» که نام قهرمان داستان است. به نام «نغمه‌پرداز نامرد» ترجمه کردم که در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است.

تعدادی شعر هم به زبان فرانسه سروده‌ام و بیشتر شاهکارهای ادبی شعرای بزرگ فرانسه را نیز خوانده‌ام. از نویسندگان و شعرای فرانسه به آثار ویکتورهوگو، بالزاک، آلفرد دوموسه، آلفرد دووینی، لامارتین، پل ورلن، رمبو، بودلر، مارسل پروست، راسین، مولیر ژرژسان، کرنی، آندره موروآ، آندره ژید، آندره مالرو و آناتول فرانس و برخی دیگر بسیار علاقمندم و از مطالعه آنها لذتی عمیق در خود احساس می‌کنم:

سیر و سیاحت:

از دوارن جوانی علاقه فراوان به سیر و سیاحت داشتم که به منظور دیدن آثار تاریخی و باستانی جهان سفری به دور دنیا کردم که بسیار جالب توجه بود. ضمنا چندین بار به آمریکا و یک‌بار به روسیه و سوئد و سوئیس و بارها به لندن سفر کرده‌ام ولی هر بار عاشق بازگشت به وطنم بودم. یکی از آرزوهای بزرگم سفر به کربلا و نجف اشرف است که امیدوارم خدای بزرگ نصیبم نماید.

در خاتمه از دوست هنرمند و موسیقی‌دان و هنرشناسم آقای رضاقلی میرزای سالور قاجار متخلص به شهرام و دوست شاعرم آقای رضا تفقدراد که در جمع‌آوری اشعار با من یاریهای فراوان کرده‌اند نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم.

از جهان هرکس رود از خود گذارد یادگاری

از من این اوراق رنگین است تنها یادگارم

ابوالحسن ورزی، دارای همسر و دو پسر به نام‌های مهدی و حمید ورزی و یک دختر به نام فریناز ورزی می‌باشد که هر سه نفر ازدواج کرده‌اند و آقای ابوالحسن ورزی و خانم فرح ورزی همسر ایشان صاحب هفت نوه می‌باشند که خداوند این خانواده باتقوا و فرهنگ را حفظ فرماید. ابوالحسن ورزی به شعر «با پیرهن سبز» خود که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد بسیار علاقمند می‌باشد.

«با پیرهن سبز»

زیبا چمنی بود پر از لاله و نسرین

با پیرهن سبز که آن روز به تن داشت

صد خرمن گل ریخت بدامان خیالم

آن غنچه خاموش که آهنگ سخن داشت

آغوش گشودم که چو جان در برم آید

بگریخت چو مرغی که گریزنده ز دام است

چون دید تب‌آلوده نگاه هوسم را

دانست ز پا تا سر من تشنه کام است

میراند مرا از خود و می‌گفت که حیف است

آلوده شود عشق من و تو بگناهی

گفتم ز تو ای چشمه جوشان هوس‌ها!

قانع نتوان بود به اشکی و نگاهی

هرچند که می‌راند مرا با سخن سرد

خود سوخته از آتش سودا چو شرر بود

می‌گفت اگر طالب عشقی مطلب کام

اما بزبان نگهش حرف دگر بود

پرخاش بلب داشت ولی عشق و تمنا

می‌تافت چو برق از نگه‌گاه بگاهش

می خواست بپوشد ز من این راز ولیکن

لبریز هوس بود گریزنده نگاهش

یک بوسه به من داد و لیکن بدو صد ناز

یک بوسه که می‌سوخت دهانرا و نفس را

در وسوسه افتاد و شنیدم ز نگاهش

فریاد پشیمانی و غوغای هوس را

زان شربت نوشین که از آن بوسه چشیدم

افروخته‌تر گشت شرار هوس ما

پرهیز ز من داشت ولی گرمی آغوش

چو شعله سوزنده عیان از نفسش بود

هنگامه بپا کرد در آن چشم هوسنامک

جنگی که میان دل او با هوسش بود

پیروزی از آن دل من شد که در این جنگ

مغلوب هوس گشت و بآغوش من افتاد

زد حلقه به پشتم چو یکی مار غضبناک

آن بازوی بی‌تاب که بر دوش من افتاد

چهارشنبه ۲۵ آذرماه ۱۳۳۶

«مستی رؤیا»

آمد اما در نگاهش آن نوازشها نبود

چشم خواب آلوده‌اش را مستی رویا نبود

نقش عشق و آرزو از چهره دل شسته بود

عکس شیدایی در آن آئینه سیما نبود

لب همان لب بود اما بوسه‌اش گرمی نداشت

دل همان دل بود اما مست و بی‌پروا نبود

در دل بیزار من جز بیم رسوایی نداشت

گرچه روزی هم‌نشین جز با من رسوا نبود

دیدم آن چشم درخشان را ولی در آن صدف

گوهر اشکی که من می‌خواستم پیدا نبود

در نگاه سرد او غوغای دل خاموش بود

برق چشمش را نشان از آتش سودا نبود

هر لب لرزان من فریاد دل خاموش شد

آخر تنها امید جان من تنها نبود

جز من و او دیگری هم بود اما ای دریغ

آگه از حال دلم زان درد جانفرسا نبود

ای نداده خوشه‌ای زان خرمن زیباییم

تا نبودی در کنارم زندگی زیبا نبود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از بهار تا شهریار (۴۹۵ -۴۹۲/ ۲)، تاریخ موسیقی (۵۸۶/ ۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۱ -۶۹۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۵۸ -۳۸۵۲/ ۶)، سیمای هنرمندان (۲۳۵، ۲۳۴، ۱۵۹، ۱۳۰/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مردان موسیقی (۵۵۷ -۵۴۷/ ۳).

ورنو سفادرانی سدهی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمّد کاظم ورنوسفادرانی. عالم فاضل متبحّر، مؤلّف تفسیر مختصری است بر قرآن کریم، و در اوّل آن گوید: تفسیر بعضی از کلمات قرآن است و قرائت و صیغه و عدد آیات و حروف آن، تاریخ فراغت: سلخ ذی قعده ۱۲۴۱.

فرزندش محمّد مهدی نام داشته، و او این تفسیر را وقف نموده است در سال ۱۲۶۳.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

وزیرنیا، سیما

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سیما وزیر نیا در حیطه زبان آموزی و زبان شناسی فعالیت می کند . او آثار متعددی در آن موارد دارد که حائز اهمیت می باشند . وی در آثارخود از دیدگاه روان شناسی به ادبیات می نگرد ، بدان علت آثار او درمیان اصحاب قلم و دانشمندان مورد توجه قرار گرفته است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیما وزیرنیا در رشته روانشناسی و ادبیات فارسی تحصیل کرده است.

فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی سیما وزیر نیا را می توان در حیطه زبان شناسی خلاصه کرد . و صراحت دراصطلاح یابی نیست . وی در حوزه نگاه به ذهن انسان بوده است . وزیرنیا درحیطه ای فعالیت دارد که معتقد است اگر رابطه نماینده ونموده نوعی مشابهت باشد ،نماد است . اگر تنها قرار داد باشد ،نشانه است . پس ازنظر وی نماد درواقع نوعی نشانه است . وزیرنیا درباره آموزش زبان کتاب های فارسی دوره راهنمایی را تالیف کرده است که درآنها ازاطلاعا ت نظری مربوط به زبان آموزی که مبتنی بر اصول زبان شناسی و روان شناسی آموزش می باشد استفاده کرده است .اودرزمینه آموزش مهارت های زبان نیز فعالیت هایی انجام داده است . وی درمورد آموزش زبان دستگاهی ارائه داده که دارای نظم و اصول علمی است . این شیوه آموزش مبتنی است بر رویکرد کل نگر،که در آن باید آموزش زبان درباقت آموزش مواد دیگری همانند هنر ،مطالعات اجتماعی دیده می شود و از سوی دیگر آغاز آموزش با کلمه و جمله باشد و سپس به صداهای زبان برسد . در این شیوه پیش از آموزش صداها بر تامین مواد خواندنی و پرورش مهارت خواندنی تاکید می شود . ویژگی دیگراین روش ادغام روش کارکرد ی یا روش مهارتی است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیما وزیرنیا ابتدا زبان شناسی را به عنوان پدیده ای جذاب و نیز وسیله ای برای نوشتن می

دانست و بدین گونه فعالیت روزمره اش شکل می گرفت ،اما بعد از مدتی که به عنوان پژوهشگر وارد عرصه زبان شناسی گردید به مباحث مختلف مربوط به رشد زبان پرداخت وبه نقش کودکان درآن موارد اشاره مفیدی داشته است .

آرا و گرایشهای خاص : سیما وزیر نیا درباره زبان شناسی معتقد است که در زبان شناخت ،زبان دربافت آن یعنی مباحث مرتبط با آن مطالعه شده و از این رو بخشی از پیچیدگی موضوع نمایانده شده است اما خیلی به کنه مسئله خود زبان توجه نشده است . او بر این نظر است که ادبیات همچون زبان کار کرد ارتباطی دارد ،چون برای مخاطب یا مخاطبانی نوشته می شود ،این درحالی است که بعضی اشکال زبان ماتند زبان خود محور زبان درونی کارکرد ارتباطی ندارند . ازسوی دیگر ، یکسره فاقد عناصر زیبایی نیست . عناصری از نوع کنایات و استعاره های زبانی مانند :درد دل ، دردهن ، سر کوه و پاشنه در در زبان فراوان اند . ادبیات تنها این عناصر را پر رنگ ترو هنری تر می کند . اصولا جدا کردن این دو مقوله ،یعنی ادبیات و زبان از هم بااستفاده از نشانه های ویژه ، محصول ساده گری و نوعی کاهش گرایی است . چون ساده گری همیشه عناصری عمده از موضوع را نا دیده می گیرد و با حذف می کند .

چگونگی عرضه آثار : بیش از هجده عنوان کتاب در سه حوزه ادبیات و آموزش، روانشناسی، زبانشناسی و نقد ادبی از سیما وزیر نیا چاپ و منتشر شده است. وی در خصوص کتاب زیبا شناخت می گوید: در کتاب «زبانشناخت» زبان از ابعاد گوناگون مورد بررسی واقع شده و اساساً سبک کار این نیست که از نظریه خاصی در زبانشناسی پیروی بکند. این کتاب زبانشناسی تخصصی صرف نیست، بلکه ارتباط زبان را با مسائل گوناگونی (مثل روانشناسی، ارتباط و رویکردهای متفاوت در آموزش زبان و رشد زبان از جنبه های مختلف) مورد بررسی قرار داده است \. در زمینه کتاب روانشناسی تحلیلی یونگ نیز اینگونه میگیود: * عنوان دقیق کتاب «کیمیاگر برج بولینگن» است. این نام از برجی که یونگ در محله سکونت اش ساخت، گرفته شده است. این برج، یک برج سنگی بود که هر بخش آن نمادی از ناخود آگاه جمعی بود و سال های آخر عمرش را یونگ در آن برج با شیوه ای ابتدایی و خاص خودش گذراند. یونگ روانکاو بزرگی است و دیدگاههایش علاوه بر این که در زمینه روانشناسی و روانکاوی مورد توجه بود، در حوزه نقد ادبی و هنری و نماد شناسی هم تأثیر گذار بود. بطوری که در سالهای خاص، شاخه ای از نقد ادبی که متأثر از دیدگاه او بود، پدید آمد. زبان یونگ بسیار دشوار و تفکرش بسیار سخت است چون در حوزه های متعددی مثل اسطوره شناسی، ادبیات دینی، کیمیاگری و... تأثیر گذار بوده، ترجمه آثارش نیز بسیار دشوار است، هرچند ترجمه های خوبی هم از برخی آثارش عرضه شده است. اما هدف من از تألیف این کتاب این بود که یونگ را برای خواننده ای که شاید نخواهد همه آثار او را چندبار مطالعه کند تا پی به افکار ودیدگاههایش ببرد، معرفی کنم \. وی مورد «تاریخ بیهقی» نیز کتابی نوشته اند که درباره آن اینچنین توضیح میدهند: * عنوان اصلی این کتاب در واقع این است، «اوضاع اجتماعی عصر غزنوی در آیینه تاریخ بیهقی». اما با توجه به بحث هایی که در این کتاب شده، اوضاع اجتماعی دوران بیهقی بررسی می شود و مسائل حاشیه ای اثر، مثل ویژگی های زبانی، لحن طنز آمیز بیهقی و جنبه های دیگر آن مورد کالبد شکافی قرار می گیرد. کتاب «داستان یک سفر عجیب» کتاب داستان بلندی برای نوجوانان است که به شیوه علمی ـ تخیلی است و در پس زمینه کتاب به شیوه ای خاص اطلاعات نجومی در اختیار خواننده قرار می گیرد. این کتاب، داستان نوجوانی است که در عالم خیال دست به سفر به سیارات گوناگون می زند. آثار :

۱ خود آموز هدفدار فارسی

ویژگی اثر : این کتاب درسه جلد و توسط وزیر نیا و همکارانش تهیه و تدوین یافت است .

۲ خود باوری بر اساس مکتب عقلی ـ عاطفی

ویژگی اثر : وزیر نیا این کتاب را با همکاری همکاران و توسط انتشارات سهند به چاپ رسانده است .

۳ داستان یک سفر عجیب

ویژگی اثر : این کتاب داستانی برای نوجوانان می باشد و به همت نشر معیار به چاپ رسیده است

۴ داستان یک سفر عجیب

ویژگی اثر : در دست چاپ

۵ در آینه تاریخ بیهقی

ویژگی اثر : این کتاب وزیر نیا توسط نشر سهند به چاپ رسیده است

۶ دیداری دیگر با شازده کوچولو

ویژگی اثر : این کتاب داستانی برای نوجوانان می باشد وتوسط نشر شورا به چاپ رسیده است .

۷ روان شناسی اعماق (تحلیلی)

ویژگی اثر : این کتاب به بررسی روان شناسی یونگ بسیار پیچیده و دشوار است . بیان تمیثیلی و ادیبانه همراه با مباحث اسطوره شناسی ، کیمیا گری و صبغه فلسفی دشواری آن را دو چندان کرده است . به علاوه تکرار و اطناب که محصول اضافه شدن شیوه های مشهودی برنظام تجربی یونگ است بر این دشواریها می افزاید . انگیزه وزیر نیا درتالیف این کتاب آن بوده که برای علاقمندان به نظام اندیشه یونگ که امروزه دنیای روا ن شناسی متوجه آن است دستیابی به آن افکار را ممکن می سازد .

۸ روانشناسی تحلیلی یونگ

ویژگی اثر : در دست چاپ

۹ روانشناسی خود باوری (در مکتب عقلی و عاطفی)

۱۰ زبان شناخت

ویژگی اثر : این کتاب شناختی است چندوجهی اززبان ، که به مباحث مربوط به روان شناسی تربیتی و تجربی،روان شناسی آموزش ،روان شناسی بالینی ،زیست شناسی ،ارتباط شناسی ومواردی از این دست می پردازد .

۱۱ زیر سپهر آب سهراب

ویژگی اثر : در این کتاب فصلی مربوط به تحلیل روانکاوانه شعر سهراب از دید و روان شناختی تحلیلی بوده است . وزیر نیا در این کتاب نشانه های فرآیند کمال شخصیت را باتوجه به الگوی «فردانیت » یونگ را در شعر سهراب سپهری پی گرفته است .

۱۲ فارسی اول تا سوم راهنمایی

ویژگی اثر : وزیر نیا این کتاب را با همکاری همکارانش و توسط سازمان کتابهای درسی منتشر ساخته است .

۱۳ نقاشی کودک

ویژگی اثر : مخاطبان این کتاب اولیا ءو مربیان هستند. نقاشی کودک بیشتراز این جهت که یک نوع شیوه بیان است ودرضمن از جهاتی با زبان سنخیت دارد و درمراحل رشد شناخت و همراه با رشد کارکردهای نمادین ظاهرمی شود ، قابل توجه است . وزیرنیا بیان می دارد که نقاشی زبان کودک است . گاه موازی با آن است و گاه امتداد آن رشد زبان کودک از شیرین ترین و شگفت ترین پدیده ها می باشد .

۱۴ نوشتن و سخن گفتن

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه وتالیف وزیر نیا بوده وتوسط انتشارات مدرسه به چاپ رسیده است . منابع زندگینامه /http://iranologyfo.com:

وزین‌پور، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۱ فروردین ۱۳۰۵.

درگذشت: ۲۶ خرداد ۱۳۷۵.

نادر وزین‌پور در جوانی با چاپ مقاله‌های ادبی ادر نشریان آن زمان به عرصه فرهنگ وارد شد. نخستین کتاب وی سایه امید مجموعه‌ای از داستان است که در سال ۱۳۳۲ منتشر شد. پس از اخذ لیسانس برای شرکت در دوره‌ی آموزش زبان انگلیسی به آمریکا سفر کرد و گواهی تدریس زبان انگلیسی را ازمراجع علمی آمریکا دریافت کرد. وی موفق شد که در سال ۱۳۴۵ دکترای خود را از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران اخذ نماید. پایان‌نامه دکترای وی «بررسی صرف افعال در زبان ترکی» و مقایسه با افعال فارسی نام داشت.

ترجمه‌ی کتاب انفجار جمعیت از جمله آثاری است که ایشان به فارسی برگردانده‌اند. دکتر وزین‌پور مدتی در مدیریت گروه ادبی دانشگاه تربیت مدرس به خدمت مشغول بود. دو کتاب برگزیده‌ی قصاید حکیم ناصر خسرو قبادیانی و شرح یوسف و زلیخای هفت اورنگ جامی را در مجموعه شاهکارهای ادبی فارسی منتشر کرد. در سال ۱۳۵۶ کتاب دستور زبان فارسی را برای دانشجویان تألیف نمود. از آثار دیگر ایشان می توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: آفتاب معنوی (گزیده چهل داستان از مثنوی)؛ بر سمند سخن؛ مدح؛ داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی؛ برگزیده و شرح ناصر خسرو؛ سفرنامه‌ی ناصر خسرو (۱۳۵۰)؛ عشق‌های نافرجام (توضیح و تفسیر منظومه‌های عاشقانه کهن ادب فارسی مانند لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد،... که ناتمام مانده است)، ساختمان فعل در زبان ترکی از دیدگاه زبان شناسی (۱۳۴۸)؛ مقاله هایی نیز از وی در مجله‌های ادبی در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۰ منتشر شده است.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فارسی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دستور زبان فارسی، سفرنامه ناصرخسرو، ادبی، تحقیقی، تدریس در دانشگاههای ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، تحقیقی، آفتاب معنوی، برسمند سخن، سفرنامه ناصرخسرو، دستور زبان فارسی، یوسف و زلیخا، ۱۶ قصیده از ناصرخسرو، دستور زبان ترکی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

دستور زبان فارسی، ادبی، تحقیقی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وشمگیر دیلمی، شمس‌المعالی، ابوالحسن قابوس

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۰۳ -۳۶۶ ق)، ادیب، دانشمند، خطاط و شاعر. از سلسله‌ی آل زیار و از پادشاهان ادب‌پرور زمان خود بود که بسیاری از شاعران فارسی و عربی زبان، حکما و دانشمدان تحت حمایت او به سر می‌بردند. پایتخت او از مراکز علم و ادب آن روزگار به حساب می‌آمد و شعرایی چون: خسروی سرخسی و قمری گرگانی و دانشمندانی چون: ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا به درباش رفت و آمد داشتند. ابوریحان بیرونی کتاب معروف خود «آثار الباقیه» را در ۳۹۰ ق به نام قابوس تألیف کرد. قابوس به عربی و فارسی شعر می‌سرود و در فن انشاء نثر عربی مهارت داشت. در زمینه‌ی خط نیز ماهر بود و خط ثلث و نسخ او در نهایت خوبی بود.گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید به بال و پر طاوس تشبیه می‌کرد و می‌گفت: «هذا خط قابوس ام‌جناح طاوس». قابوس به نثر عربی رسائلی دارد که ابوالحسن علی بن محمد یزدادی آن را جمع‌آوری کرده و نام آن را «کمال البلاغه»گذاشته است. ابن‌اسفندیار در «تاریخ طبرستان» خود قطعاتی از آن را آورده است.وی عاقبت بر اثر شورش لشکریان خود به زندان افتاد و چندی بعد به قتل رسید. از شعر فارسی او تنها ابیاتی شامل: قطعه و رباعی در تذکره‌ها باقی است. در «ریحانه» کتاب «قابوس‌نامه»، که از آثار عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس برای فرزندش گیلان‌شاه می‌باشد، به نام قابوس ذکر شده است.[۱]

(مقتول ۴۰۳ ق)، نویسنده، شاعر و خطاط. چهارمین امیر گرگان و طبرستان و گیلان و دیلمان و مردی ادیب و ادیب‌پرور بود. بزرگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و ابن‌هندو به دربار او راه یافتند، و ابوریحان کتاب «آثار الباقیه» را به نام او نوشت. گروه بسیاری از شعرا و سخنوران نیز او را ستوده‌اند. وی پس از پناه دادن به فخرالدوله‌ی دیلمی که از خویشان نزدیکش بود، مورد تهاجم برادران فخرالدوله، عضدالدوله و مؤیدالدوله قرار گرفت و شکست خورد و از سال ۳۷۱ تا سال ۳۸۸ ق به خراسان پناه برد، و با وجود مساعدت نوح بن منصور سامانی موفقیتی به دست نیاورد. در سال ۳۸۸ ق مجدداً بر گرگان و طبرستان و گیلان مسلط گشت و در سال ۴۰۳ ق به توطئه‌ی بعضی از سردارانش اسیر و مقتول شد و در اطراف گرگان به خاک سپرده شد. بعد از او پسرش، فلک المعالی منوچهر، جای او را گرفت. امیر قابوس از نویسندگان بزرگ عهد خود بود و رسائلی از او به عربی و اشعاری به عربی و فارسی باقی مانده است. مجموعه‌ی رسائل او را ابوالحسن علی بن محمد یزدادی گردآوری کرده است که به «کمال البلاغه» موسوم است و به چاپ رسیده است. خط نسخ را نیکو می‌نوشت و می‌گویند هرگاه صاحب بن عباد خط او را می‌دید می‌گفت: «هذا خط قابوس أم جناح طاووس».[۲]

(معمر. کاوس (ه.م)) ابن وشمگیر بن زیار مکنی به ابوالحسن و ملقب به شمس‌المعالی، از پادشاهان آل‌زیار (جل. ۳۶۶ ه.ق- عزل ۳۷۱ ه.ق جل. مجدد ۳۸۸ ه.ق- مقت. ۴۳۳ ه.ق). وی پس از برادر خود بیستون ابن وشمگیر بر تخت جلوس کرد. در همین سال رکن‌الدوله درگذشت و قلمرو او میان سه پسرش: عضدالدوله، مؤیدالدوله و فخرالدوله تقسیم شد. عضدالدوله و مؤیدالدوله در

ملک فخرالدوله طمع کردند و جنگی درگرفت و سرانجام فخرالدوله به طبرستان گریخت و به قابوس- که شوهرخاله‌ی او بود- پناه برد. عضدالدوله و مؤیدالدوله به قابوس پیغام دادند که فخرالدوله را به ایشان تحویل دهد، ولی او نپذیرفت، در نتیجه بهانه‌ای برای لشکرکشی عضدالدوله به طبرستان و گرگان فراهم آمد، و چون قابوس تاب مقاومت نداشت، پس از مختصر جنگی در نزدیکی استراباد منهزم شد و با فخرالدوله به خراسان گریخت (سال ۳۷۱ ه.ق). حکومت خراسان از طرف سامانیان در این تاریخ به حسام‌الدوله تاش بود. وی از جانب نوح بن منصور سامانی مأموریت یافت که قابوس و فخرالدوله را مدد کند. حسام‌الدوله و امیر فائق گرگان را محاصره کردند، ولی مؤیدالدوله با دادن رشوه‌ی بسیار به فائق او را بفریفت تا در اثنای جنگ فرار کرد، و دیگران نیز تاب پایداری نیاورده شکست خوردند و لشکریان سامانی کاری از پیش نبردند. قابوس پس از چهار سال سلطنت، در حدود ۱۸ سال (۳۸۸ -۳۷۱ ه.ق) از امارت محروم بود و در این مدت در خراسان در پناه سامانیان می‌زیست. اما فخرالدوله چون برادرش عضدالدوله به سال ۳۷۱ ه.ق و برادر دیگرش مؤیدالدوله به سال ۳۷۳ مردند، به دعوت صاحب بن عباد وزیر مؤیدالدوله از خراسان به ری آمد و به جای برادر نشست، ولی گرگان را به جای آنکه به قابوس واگذار کند، به ابوالعباس حسام‌الدوله تاش واگذاشت، و آن ولایت همچنان تا سال ۳۸۸ در دست عمال آل‌بویه بماند. پس از مرگ صاحب بن عباد (۳۸۵) و وفات فخرالدوله (۳۸۷) در احوال دیلمیان عراق ضعف و ناتوانی ظهور کرد و جانشینی فخرالدوله به پسر خردسالش رسید. قابوس از فرصت استفاده کرد، و چون دیگر از یاری سامانیان- که خود گرفتار هرج و مرج بودند- مأیوس شد، درصدد برآمد که به یاران دیلمی و طبری خود متوسل شود و مستقیماً گرگان را از عمال آل‌بویه بازگیرد. نخستین کسی که به یاری او برخاست، اسپهبد شهریار بن شروین از اسپهبدان طبرستان بود، و او به سهولت بر برادران فخرالدوله پیروز شد و در قسمتی از طبرستان که تحت فرمان او بود بنام شمس‌المعالی خطبه خواند. آمل را هم دو تن دیگر از طرفداران قابوس تسخیر کردند و بر استرآباد دست یافتند و سرانجام گرگان را هم تسخیر نمودند. قابوس در شعبان ۳۸۸ به پایتخت خود برگشت و در دوره‌ی دوم سلطنت از طرف مغرب دامنه‌ی متصرفات خود را وسعت داد. وی مردی درشت‌خو، بیرحم، پرخشم و غضب بود و به آسانی حکم به کشتن می‌داد و به اندک سوءظنی دست به قتل بیگناهان می‌زد. به همین سبب جمعی بسیار به دست او کشته شدند و کینه‌ی او در سینه‌ی غالب سران لشکری جا گرفت، تا وقتی که حاجب مخصوص خویش را که مردی بی‌آزار و محبوب لشکر بود کشت، لشکریان شورش کردند و او را به زندان انداختند و پسرش فلک‌المعالی منوچهر به جای او جلوس کرد، و سپس قابوس را کشتند. قابوس مشهورترین فرد از خاندان آل‌زیار است. مردی فاضل و ادیب و فضل‌دوست و خوش‌خط بود. گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید می‌گفت: «اهذا خط قابوس او جناح طاوس». وی در نثر عربی با بهترین بلیغان زمان دم برابری می‌زد و در شعر پارسی و تازی دست داشت. بیرونی کتاب آثارالباقیه را به نام او تألیف کرده. ترسلات وی را ابوالحسن علی ابن محمد یزدادی جمع کرده و «کمال‌البلاغه» نامیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۸۳ -۸۲ / ۱)، الاعلام (۴ -۳ / ۶)، از سعدی تا جامی (۳۰۱ -۳۰۰)، اعیان الشیعه (۴۳۴ -۴۳۲ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۱ -۶۴۰ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۷۱ -۷۰)، تاریخ گزیده (۴۲۰، ۴۱۵ -۴۱۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۳)، تذکره الشعراء (۵۷ -۵۵)، حبیب السیر (۴۴۲ -۴۴۰ / ۲)، الذریعه (۸۵۹ / ۹)، ریحانه (۲۵۲ -۲۵۱ / ۳)، شاعران بی‌دیوان (۳۸۰ -۳۷۸)، شخصیت‌های نامی (۳۸۷ -۳۸۶)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸)، الکامل (۲۶۷ -۲۶۶ / ۷)، کشف الظنون (۱۵۰۹)، لباب الالباب (۳۰ -۲۹ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ قابوس)، مجمع الفصحا (۱۰۸ -۱۰۷ / ۱)، معجم الادباء (۲۳۳ -۲۱۹ / ۱۶)، معجم المؤلفین (۹۱ / ۸)، النجوم الزاهره (۲۳۳ / ۴)، وفیات الاعیان (۸۲ -۷۹ / ۴)، هدیه العارفین (۸۲۵ / ۱)، هفت اقلیم (۹۷ -۹۶ / ۳).

[۲] آتشکده‌ی آذر (۸۳ -۸۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۱ -۶۴۰، ۳۰۲، ۲۱۲/ ۱)، تاریخ گزیده (۴۲۰، ۴۱۵ -۴۱۴، ۳۸۸)، تذکرهٔ الشعراء (۵۷ -۵۵)، حبیب السیر (۴۴۳ -۴۴۰/ ۲)، الکنی والالقاب (۳۶۹ -۳۶۸/ ۲)، لباب الالباب (۳۱ -۳۰/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/

قابوس).

وصاف، شرف الدین عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شرف‌الدین عبداللّه بن فضل‌اللّه بن عبداللّه شیرازی ملقب به «وصاف‌الحضرهٔ» از ادباء بزرگ قرن هشتم هجری و مورد عنایت سلطان غیاث‌الـدین هشـتمین حکمران مغول بود. اثر معروف وی کتاب تجزیـهٔالامصار و تزجیـهٔالاعصار است که به تاریخ وصاف موصوف است و ذیلی است بر جهانگشای جوینی. قبر وصاف در قبرسـتان کم‌وسعتی که میان حافظیه و هفت‌تنان در شیراز می‌باشد واقع شده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

وصّاف‌الحضره، شرف‌الدین عبداللّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۷۳۰/ ۷۱۹ –۶۶۳ ق)، ادیب، مورخ و شاعر، متخلص به شـرف. ملقب به وصّاف‌الحضـره. در شـیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و نمـا یافت. اوماننـد پـدرش در شـمار عمال دیوانی دولت ایلخانیان در فارس درآمـد و از خواص خواجه صدرالـدین احمـد خالـدی زنجانی، نایب امیر طغاجار حاکم فارس گردید. مدتی نیز مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه و غازان خان و سلطان الجایتو قرار گرفت. وی علاوه بر مقام بلند خود در نثر متکلف مصـنوع، در شـعر عربی و فارسـی نیز دست داشته که بسیاری از ابیات و قطعات و قصایـد خود را در کتـاب خویش ذکر شـده است. قبر وی مـا بین تکیه چهل‌تنان و حافظیه است. از جمله آثارش: «تجزیـهٔ الامصار و تزجیهٔ الاعصار»، معروف به «تاریخ وصاف»، در ذکر وقایع تاریخی ایلخانیان، در پنج مجلد؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۹۴ –۹۲)، الاعلام (۲۵۲/ ۴)، اعیان‌الشیعه (۶۵/ ۸)، تاریـخ ادبیات در ایران (۱۲۶۲ –۱۲۵۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴ –۱۴۳) حبیب‌السیر (۱۹۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۰۳ –۷۹۹/ ۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۱۷۰ –۳۱۶۹/ ۲)، الذریعه (۱۲۶۸/ ۹ ،۳۵۸/ ۳)، ریحانه (۳۲۰ –۳۱۸/ ۶)، سبک‌شناسی (۱۰۳ –۹۹/ ۳)، صـبح گلشن (۵۹۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۵/ ۲)، فرهنگ سـخنوران (۴۹۹)، لغت‌نامه (ذیل/ وصاف‌الحضـرهٔ)، مجمع‌الفصـحا (۱۴۴۸/ ۳)، مرآت‌الفصاحه (۶۸۷ – ۶۸۵)، معجم‌المؤلفین (۱۰۲/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۲ –۹۸۱/ ۳)، هدیهٔ‌العارفین (۴۶۴/ ۱).

وصال شیرازی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۲ -۱۱۹۷ ق)، عالم، ادیب، شاعر، عارف و خطاط. مکنی به ابواحمد. مشهور به میرزا کوچک. وی از هنرمندان ذوفنون بود که در شیراز به دنیا آمد. خاندانش در دوره‌ی صفویان و افشاریان و زندیان دارای مناصب دیوانی بودند و خود نیز از بزرگان دانش و ادب و هنر در دوره‌ی فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بود. او در آغاز جوانی به تحصیل دانش پرداخت و از علوم و فنون عصر خویش بهره‌ی کافی یافت و چون دارای ذوق و مشرب عرفانی بود، دل در صحبت مشایخ صوفیه بست و به میرزا ابوالقاسم سکوت سر سپرد. میرزا محمد شفیع در نوشتن خطوط سبعه استاد بوده و به ویژه، در نسخ و نستعلیق مهارت به سزایی داشته اشت. از شاگردان وی در خط نستعلیق، میرزا فتحعلی حجاب شیرازی است. در شعر، عمده‌ی شهرت او به واسطه‌ی غزلیات عارفانه و مراثی شورانگیزی است که به پیروی از محتشم کاشانی سروده است. همچنین قصایدی نیز در مدح شاهان قاجار و بزرگان شیراز دارد. وی در نخستین اشعار خود مهجور تخلص می‌کرد، اما پس از آشنایی با میرزا ابوالقاسم سکوت تخلص وصال را برگزید. وصال علاوه بر این فضایل، صدایی خوش داشت و مشهور است که سه تار نیز می‌نواخته است. وی گویا در نقاشی و تذهیب و صحافی متبحر بوده و آورده‌اند هنگامی که فتحعلی شاه برای بازدید خطه‌ی فارس به شیراز رفته بود، وصال قرآنی را که با هفت نوع خط نوشته و در تذهیب و تجلید آن هنرمندی بسیار به کار برده بود، به شاه تقدیم کرد و فتحعلی شاه نیز کمالات وی را ستود. از مصاحبان و معاشران او قاآنی شیرازی است. وصال در طول حیاتش، یک بار به عزم سفر هندوستان، از زادگاه خود به بوشهر رفت، لیکن در آنجا از سفر خود منصرف شد و دوباره به شیراز بازگشت. وی در اواخر عمر نابینا شد و سپس در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی شاهچراغ به خاک سپرده شد. از آثار او: مثنوی «بزم وصال»، در هفت هزار بیت؛ تکمیل «فرهاد و شیرین» وحشی بافقی؛ ترجمه‌ی «اطواق الذهب» زمخشری، به فارسی؛ «سفینه»، در تفسیر احادیث قدسیه؛ «صبح وصال»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «دیوان» شعر. از خطوط او: یک نسخه «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «حرره العبد الاقل محمد شفیع المشهور بمیرزا کوچک، المتخلص بوصال سنه ۱۲۳۹»؛ ادعیه‌ی نیم ربعی، نسخ کتابت و نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «اقل... میرزا کوچک مسمی بمحمد شفیع متخلص بالوصال... ۱۲۴۳)؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره العبد... میرزا کوچک ابن المرحوم میرزا محمد اسماعیل الشیرازی... سنه‌ی ۱۲۴۵»؛ یک نسخه دفتر اول «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «... محمد شفیع المشتهر به میرزا کوچک المتخلص بوصال فی دارالعلم شیراز ۱۲۴۶»؛ یک نسخه «حدیقةالحقیقه» سنایی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصال الشیرازی... سنه‌ی هزار و دویست و پنجاه و پنج»؛ چند نسخه از کلام‌اللّٰه مجید، به خط نسخ و رقاع عالی و خوش، با تاریخ‌های ۱۲۵۵، ۱۲۵۴، ۱۲۳۶ و ۱۲۵۹ ق و قطعات مختلف دیگر.[۱]

میرزا محمدشفیع بن محمد اسماعیل شیرازی معروف به میرزا کوچک شاعر اوایل دوره‌ی قاجاریه (و. ۱۱۹۷ ه.ق- ۱۷۸۲ م- ف. ۱۲۶۲ ه.ق- ۱۸۴۵ م) خاندانش در دوره‌ی صفویان، افشاریان، زندیان به اعمال دیوانی مشغول بودند. وصال در دوره‌ی جوانی مدتی سرگرم تحصیل ادب، خط و هنرهای زیبا، موسیقی و سیر در مقامات عرفانی بود. دیوان اشعارش شامل قصاید، غزلیات و مثنویهای «بزم وصال» و تکمله‌ی فرهاد و شیرین وحشی بافقی است و نیز کتابی در ترجمه و شرح و نظم «اطواق‌الذهب» زمخشری دارد. پسران وصال یعنی وقار، حکیم، داوری، فرهنگ، توحید، یزدانی، همه از شاعران و هنرمندان عهد خود بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۵۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۷ -۱۱۷۵/ ۴، ۷۶۲ -۷۵۵/ ۳)، از صبا تا نیما (۴۴ -۴۰/ ۱)، اطلس خط (۳۵۹ -۳۵۸)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۵ -۲۰۳/ ۴)، تاریخ موسیقی (۴۲۱، ۴۲۰، ۳۸۳ -۳۸۲/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۵۹ -۹۵۸/ ۲)، حدیقةالشعراء (۲۰۰۰ -۱۹۸۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱۳ -۸۰۳/ ۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۷۰ / ۲)، الذریعه (۱۹۰ / ۱۶، ۱۲۶۸ / ۹)، روضةالصفا (۱۳۲ / ۱۰)، ریاض‌العارفین (۳۵۰ -۳۳۷)، ریحانه (۳۳۰ -۳۲۱ / ۶)،

سفینةالمحمود (۵۲۱ -۵۱۴/ ۲)، شرح حال رجال (۲۳۹ -۲۳۸/ ۶)، صبح گلشن (۵۹۲ -۵۹۱)، طرائق‌الحقائق (۳۷۰ -۳۶۵/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۹۷ -۹۹۰/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۵۳ -۳۵۲)، گنج سخن (۲۰۰ -۱۹۷/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۱۳۱ -۱۰۹۱/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۶۹۱ -۶۸۷)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۶ -۲۰۲)، مکارم‌الآثار (۱۶۶۹/ ۵، ۶۶ -۶۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۴ -۴۳۳/ ۳)، نگارستان دارا (۲۷۵ -۲۷۳)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۷۱ -۶۷).

وصلی تهرانی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. برادر میرزا غیاث بیگ و عموی نورجهان بیگم، همسر جهانگیر شاه بود. وی به همراه پسر خود، میرزا محمد صادق که در زمان جهانگیر شاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) و شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق) منصب دیوان داشت، به لاهور رفت و به کار دیوانی مشغول شد. مؤلف «عرفات العاشقین» در ۱۰۲۴ ق در آگره او را دیده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. مؤلف «الذریعه» وصلی طهرانی را با وصلی سارانی یکی می‌داند، در صورتی که مؤلف «فرهنگ سخنوران» آنها را جدا کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۸۸، ۱۰۹۸، ۴۷۹/ ۵)، الذریعه (۱۲۷۰/ ۹)، صبح گلشن (۵۹۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۳ - ۹۸۲)، کاروان هند (۱۵۲۴ -۱۵۲۲/ ۲)، هفت اقلیم (۷۱ -۷۰/ ۳).

وصلی شیرازی، نعمت‌اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. از سادات طباطبایی شیراز بود. پدرش در شیراز به میر پنبه‌زن شهرت داشت. وی شاگرد و پسر خوانده‌ی مرشد بروجردی بود و هنگامی که مرشد در هند می‌زیست به دیدار او رفت و در سند به او پیوست و در جرگه‌ی ملازمان و مداحان میرزا غازی ترخان درآمد و مدتی نیز با فخرالزمانی قزوینی، معاشر بود. بعد از فوت میرزا غازی (م ۱۰۲۱ ق) به اجمیر، پنجاب و لاهور مسافرت کرد. وی به همراه محمود بیگ ترکمان به بنگش، نزد اللّه دادخان افغان رفت و پس از چندی به حضور جهانگیر شاه رسید، ولی دوباره بازگشت و در بنگش ساکن شد. فخرالزمانی در تذکره‌ی «میخانه» آورده که از ۱۰۲۸ ق دیگر از او خبری ندارم و قریب چهار هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی داشت و هنوز دیوانی ترتیب نداده بود.

از آثار وی: «ساقی‌نامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی میخانه (۶۷۳ -۶۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱۵ -۸۱۴/ ۵)، الذریعه (۱۲۷۰/ ۹)، کاروان هند (۱۵۲۵ -۱۵۲۴/ ۲).

وطواط، رشیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۸/۵۷۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وطواط. در بلخ ولادت یافت و عمری او را از آن جهت گفتند که وی از اعقاب عمر بن خطاب است. در مدرسه نظامیه زادگاه خود قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعد هروی به انجام رسایند و بعد از اتمام تحصیلات خود و کسب مهارت در فاسی و عربی به خوارزم رفت و در اوائل عهد ابوالمظفر علاءالدوله اتسز خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانید و سمت صاحب دیوانی رسائل داشت. بر اثر رشک حاسدان و تهمت مبنی بر اینکه وی با کمال‌الدین محمود بن ارسلان، خواهرزاده سنجر، ارتباط دارد، به سال ۵۴۷ ق از خدمت شاه رانده شد ولی به خاطر قصایدسرایی که در رد تهمت خود سرود، دوباره مورد لطف شاه قرار گرفت. میان رشید و جاراللّه زمخشری ادیب و متکلم بزرگ قرن ششم نیز دوستی و مباحث و مکاتبه بود. بعد از وفات اتسز چندی در خدمت پسر اتسر، ایل ارسلان، بود و به خاطر کهولت از خدمت کناره گرفت. از دیگر سلاطین و امرای معاصر رشید می‌توان به تکش بن ارسلان، سنجر بن ملکشاه، سپهبد غازی نصرةالدوله اشاره کرد و از شاعران معاصر وی انوری، معزی، سنائی، ادیب صابر، سوزنی سمرقندی، خاقانی، مختاری و سید حسن غزنوی را باید نام برد. آثار وطواط: «دیوان اشعار پارسی»؛ «رسائل عربی»؛ «حدائق السحر فی دقایق الشعر»؛ «منشات فارسی»؛ «فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب»؛ «تحفه الصدیق من کلام ابی‌بکر الصدیق»؛ «انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان»؛ «نثر اللالی من کلام امیرالمومنین علی (ع)»؛ «منظومه»ای در عروض؛ «غرائب الکلم فی رغایب الحکم»؛ «منیه المتکلمین و غنیه المتعلمین»؛ «غرر الاقوال و درر الامثال»؛ «مفاتیح الکلم و مصابیح الظلم»؛ «جواهر القلاید و زواهر الفراید»؛ «الفوائد العمائیه»؛ «ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار»؛ «مطلوب کل طالب».[۱]

(بخش ۱) وطواط، امیر امام رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب و شاعر ایرانی از اعقاب عبداللّه بن عمر بن خطاب (ف. ۵۷۳ ه.ق.). وی در بلخ متولد شد و در مدرسه نظامیه آن شهر قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعد هروی انجام داد و سپس برای ادامه تحصیل به خوارزم رفت و در اوایل عهد اتسز بن محمد خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانیده و سمت صاحب دیوانی رسایل داشته. تخلص وی به وطواط از بابت کوچکی جثه او بود (بخش ۱: وطواط). در سال ۵۴۲ سنجر برای سرکوب کردن اتسز قصد خوارزم کرد و قصبه هزارسف را دو ماه در حصار گرفت. در این سفر انوری ملازم خدمت سنجر بود، دو بیتی که مبتنی بر فتح هزارسف و خوارزم به دست سنجر بود، سرود و آن را بر تیری نوشته به هزارسف انداختند. رشید در جواب این رباعی بر تیر نوشت و بینداخت:

گر خصم تو ای شاه بود رستم گرد

یک خر ز هزارسف تو نتواند برد

سنجر که به سبب این بیت و اشعار دیگر وی، از او آزرده بود، سوگند خورد که او را هفت پاره کند. پس از فتح هزارسف به دست سنجر وطواط متواری می‌زیست تا عاقبت به شفاعت منتخب‌الدین که گفت وطواط مرغکی ضعیف است و طاقت آن ندارد که به هفت پاره کنند، اگر فرمان شود او را بدو پاره کنند، سلطان او را ببخشید.از آن پس رشید همچنان در دربار اتسز به سر می‌برد تا در ۵۴۷ حاسدان وی را به داشتن روابط با کمال‌الدین حاکم جند متهم کردند. اتسز بر وی خشم گرفت و او را براند. رشید قصاید بسیار در برائت ساحت خود ساخت تا استز بر سر لطف آمد و شغل او را به وی باز گردانید. پس از وفات اتسز گویا رشید چندی در خدمت ایل ارسلان بسر می‌برد، ولی از این پس به سبب کثرت سن از خدمت تقاعد ورزید. رشید علاوه بر دیوان شعر که به

طبع رسیده آثاری منثور داشته: منشآت فارسی شامل رسائل سلطانی و اخوانی که قسمتی از آنها به طبع رسیده، حدائق السحر (ه. م.)، فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب، تحفهٔ الصدیق الی الصدیق من کلام ابی‌بکر الصدیق، انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان، نثر اللآلی (ه.م.) مجموعه رسائل عربی که در مصر به طبع رسیده، منظومه‌ای در عروض فارسی شامل ۱۶ بحر عروضی که معمول شاعران پارسی گوی است. وی در نظم و نثر فارسی سرآمد زمان بود. شعر پارسی او استادانه و در کمال انسجام است. وی در انتخاب کلمات و قوت ترکیب و ایراد صنایع مختلف لفظی مهارت داشته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۲ -۲۵۱ /۷)، ایضاح المکنون (۱۲۰ ،۹۷ /۲ ،۳۷۸/۱)، بهارستان (۱۰۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۶ -۶۲۸ /۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۹۵ -۲۹۴)، تاریخ گزیده (۷۵۷ -۷۵۶)، تاریخ نظم و نثر (۹۳ -۹۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۷ - ۲۹۵)، تذکره الشعراء (۱۰۳ -۹۸)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۱۵۸۶/۱)، الذریعه (۱۶۰ -۱۵۹ /۲۱ ،۱۲۷۱ -۱۲۷۰ /۹ ،۲۸۷ -۲۸۶ /۶)، ریحانه (۳۱۲ -۳۱۰ /۲)، سخن و سخنوران (۳۳۲ -۳۲۲) سرآمدان فرهنگ (۳۷۹ -۳۷۸ /۱)، سیری در شعر فارسی (۶۹)، طرائق الحقائق (۵۹۷ -۵۹۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸ -۳۷۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۴ -۱۸۳)، کشف الظنون (۱۲۴۳ ،۱۲۰۰ ،۳۶۸ ،۱۷۸ ،۱۷۷ ،۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۲ -۲۷۱ /۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۳۲ -۲۳۱)، لباب الالباب (۸۶ -۸۰ /۱)، لغت نامه (ذیل/ وطواط)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۷ -۷۵۶ /۵)، مجمع الفصحا (۶۷۱ -۶۵۵ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۵ و ۵۷۴)، معجم الادباء (۳۶ -۲۹ /۱۹)، معجم المؤلفین (۲۲۹/۱۱)، هفت اقلیم (۷۶ -۶۸ /۲).

وفای فراهانی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وفا. وی عموی قائم‌مقام اول و از سادات فراهان بود. او بعد از کسب علوم متداوله به شیراز رفت. در عهد لطفعلی خان زند می‌زیست و عهده‌دار منصب وزارت بود. وی با عبدالرزاق دنبلی، مؤلف «نگارستان دارا»، معاصر و معاشر بود. در نظم و نثر و فن سیاق تبحر داشت و در زمینه‌ی نظم بیشتر به غزلسرایی متمایل بود. وفا در نظم از شیوه‌ی میرزا صادق نامی و مشتاق اصفهانی پیروی می کرد. بعضی از مؤلفان معتقدند در زمان لطفعلی خان زند (۱۲۰۹ -۱۲۰۳ ق) به زیارت خانه‌ی خدا مشرف شد و در قزوین درگذشت. در «شرح حال رجال ایران» آمده که وی در زمان آقامحمد خان قاجار با برادر خود به عتبات عالیات رفت و تا آخر عمر در آنجا ساکن شد و تا ۱۲۱۲ ق زنده بوده است. از آثار وی: «مثنوی» بر وزن «هفت پیکر» نظامی؛ «دیوان» شعر، قریب به چهار یا پنج هزار بیت. مؤلف «طرائق‌الحقائق» کتاب «تاریخ زندیه» را به او نسبت می‌دهد و وی را برادر میرزا عیسی قائم‌مقام ذکر می کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ‌الشعراء (۲۰۱۵ -۲۰۱۳ / ۲)، الذریعه (۱۲۷۲ / ۹)، ریحانه (۳۳۳ -۳۳۲/ ۶)، سفینهٔ‌المحمود (۲۲۹ -۲۲۸ / ۱)، شرح حال رجال (۲۲۸ -۲۲۷ / ۶)، صبح گلشن (۵۹۶ -۵۹۵)، طرائق‌الحقائق (۲۵۱ -۲۵۰ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، گلزار جاویدان (۱۷۱۲/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۹۰ -۱۰۸۹/ ۶)، نگارستان دارا (۱۴۷ -۱۴۵).

وفایی شوشتری، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی وفایی شوشتری مولف عالم و بزرگواری بود . او پیشوای با فضیلت و دارای مکارم اخلاقی بود . نام وی محمد مهدی ، مشهور به شرف الدین فرزند شیخ محمد شرف الدین است . او مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو ، منطق ، معانی بیان ، حساب و هندسه ، فقه و اصول ، علم کلام و تفسیر را آموخته بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مهدی وفایی شوشتری ازخاندانی علمی و روحانی به نا م خاندان شرف الدین می باشد . خاندانی که همواره یا درمیان آن افرادی ممتاز و برجسته به پا خاسته و رهبری مذهبی مردم را بعهده داشته اند .همین امر احترام و توجه قاطبه اهالی خوزستان به ویژه شوشتر را در پی آورده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مهدی وفایی شوشتری مقدمات و علوم ادبی رااز صرف و نحو ، منطق ، معانی و بیان و سپس حساب هندسه ، هئیت ، فقه و اصول ، علم کلام وتفسیر را نزد فضلا و بزرگان مردم زادگاه خود شوشتر فرا گرفت پس از آن درسال ۱۳۰۴ شمسی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت نموده و از حوزه درس اساتید بزرگ آن سامان بهره مند شد.استادان و مربیان : مهمترین اساتید محمد مهدی وفایی شوشتری در دوران تحصیل درنجف و اماکن دیگر عبارتند از : آیت الله حاج میرزا حسین نایینی ، آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی ، آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید میرزا ابراهیم خراسانی ، آقا سید هبه الدین شهرستانی ، آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی،آیت الله آقا میرزا محمد سامرایی ، آیت الله میرزا محمود شیرازی ،آقا سید امام شوشتری ، شیخ شعبان گیلانی ،آیت الله آقا سید هادی میلانی ، آقا شیخ محمد علی غروی اردوبادی ، مرحوم حاج شیخ عباس قمی ،سید مهدی کاظمی اصفهانی ، سید ابراهیم راوی شافعی ، سید خلیل راوی شافعی و سید محمد راوی شافعی .فعالیتهای آموزشی : محمد مهدی وفایی شوشتری درمیان مردم محبوبیتی به سزا داشت و با خوشرویی و محبتی خاص مراجعین رامی پذیرفت. آورده اند که مواعظ وی که مهمترین فعالیتش بود ، مانند مواعظ جد والاـو تبارش علامه حاج ملاـ جعفر شرف الدین تاثیری بس شگرف و درقلوب مردم می نهاده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی وفایی شوشتری بطور کلی اوقات خود راصرف امور مذهبی وهدایت مردم از تدریس اقامه نماز جماعت ، تالیف و نگارش و موعظه و سخنرانی مذهبی می کرد.آرا و گرایشهای خاص : محمد وفایی وفایی شوشتری علاقه وافری به تحقیقات تاریخی و آثار باستانی داشت و در مطالب تاریخی صاحبنظر و بیان کننده نکات جالبی است و بر همین اصل و مدتی را صرف مطالعه آثار مشکوفه سومرو بابل درموزه بغداد نموده و از کتابخانه مشهور بغداد مطالعات ارزشمندی داشته است.آثار : تاریخ شوشتری ویژگی اثر : این کتاب چاپ نشده است ولی درباره احوال دانشمندان شوشتری می باشد .۲ ترجمه جلد اول تفسیر فخر رازی، ترجمه کتاب «فضائل»شاذان ۴ رساله شرفیات ویژگی اثر : این کتاب سوالاتی است که شوشتری از علامه آقا سید هبت الدین شهرستانی نموده و ایشان جواب داده اند.۵ عقاید اسلامیه ویژگی اثر : این کتاب ترجمه کتاب نکت الاعتقاد تالیف شیخ مفید است .۶ مطالعات و مشاهدات

منابع زندگینامه :شرف الدین شوشتری ، شرح حال علامه ادیب فقید وفایی شوشتری ، تهران : انتشارات کتابخانه صدر ، بی تا ، ص ۱

وفایی، عباسعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی وفائی به سال ۱۳۴۴ در شهر ساوه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا پایان دبیرستان در آن منطقه به اتمام رساند سپس وارد دانشگاه تربیت معلم گردید و در رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع کارشناسی ارشد در آن دانشگاه گذراند. وی در سال ۱۳۷۶ موق به اخذ دکتری با موضوع تصحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی از دانشگاه تهران گردید و هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه تهران میباشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

خاطرات کودکی : دکتر وفائی از آن دوران میگوید: «کلاس اول ابتدایی در روستای مجاور به مدرسه میرفتیم و مسافتی یک کیلومتری را پیاده طی میکردیم روزهای برفی زمستان محبت کلاس بالاتر ها را به همراه داشتیم به طوریکه در یک روز برفی که آمد و رفت به جهت کثرت برف سخت بود بر دوش آنها مسیر را طی میکردیم.»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر وفایی در یک خانواده کشاورز و متعهد و متقی بطوریکه پدر و مادر آنها را به تحصیل و طی درجات بالا ـ در کنار کمک در امور کشاورزی رهنمود میکرد و مشوق آنان بود.تا جایی که همه فرزندان خانواده تحصیلات عالی داشتند و دبیر و استاد دانشگاه شدند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۷۱، و اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی با موضوع پایاننامه صحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه تهران

خاطرات و وقایع تحصیل : وقع انقلاب اسلامی در دوره راهنمایی و شرکت در راهپیمایی ها، شروع جنگ تحمیلی و شرکت هفت دوره ای در جنگ از خاطرات دوران تحصیل دکتر وقایی استا.

فعالیتهای ضمن تحصیل : کار کشاورزی ، مطالعه دروس غیر درسی و کار در کوره های آجر پزی از فعالیتهای دوره تحصیل وی است.

استادان و مربیان : دکتر جلیل تجلیل، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر عباس ماهیاد، دکتر محمود عابدی، دکتر حین ابخوری، مرحوم دکتر سادات ناصری، دکتر عباس زریاب خویی، مرحود دکتر ضیائ الدین سجادی، دکتر علی شیخ الاسلامی و ... از استادان دکتر وفایی هستند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر حسن ذوالفقاری،دکتر محمود فتوحی، خانم دکتر شیخ مونسی، دکتر تاجبخش، دکتر اسپرهم، دمتر حبیب ارعباسی و .. از همدوره ایهای دکتر عباسعلی وفایی است و از همکاران ایشان در گروه ادبیات میتوان به دکتر شیما ،دکتر کزازی،دکتر ترابی، دکتر مسگر نژاد، دکتر حائری ، دکتر حسن زاده و بیات اشاره کرد.

همسر و فرزندان : دکتر وفایی دارای همسر و دو فرزند دختر میباشند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون اداری و مالی و دانشجویی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی ۷۹-۱۳۷۵، معاون اداری و مالی و قائم مقام دانشگاه الزهرا (س) تهارن ۸۲-۱۳۷۹، رایزن فرهنگی ایران در ازبکستان ۸۵-۱۳۸۲، رئیس شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی ۱۳۸۵ تا کنون.

فعالیتهای آموزشی : دبیر آموزش و پرورش به مدت هفت سال و تدریس درد دانشگاه های پیام نور - آزاد و دانشگاه های دولتی تهران از فعالیت های آموزسی دکتر وفایی هستند.

شاگردان : دکتر مهدی صفری،دکتر بهمن نزهت، دکتر شعبانلو، دکتر برجساز،دکتر طاهر، مهندس آزاد، مهندس خدادادی و ... از

شاگردان استاد وفائی هستند. ---

آثار :

۱ تاثیر زبان فارسی بر زبان ازبکی

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۲ تصحیح دیوان مسلمان ساوجی

ویژگی اثر : انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۳ تصحیح شرح سه دفتر نخست مثنوی مولوی

ویژگی اثر : تالیف شیخ محمد آدینه خوارزمی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۴ تصحیح کتاب مرادالعارفین

ویژگی اثر : شیخ صوفی

۵ دانشنامه زبان و ادبیات فارسی قرن ۲۰ ازبکستان

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۶ سیمای فرهنگی ازبکستان

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۷ فرهنگ لغت نامه واژگان مخفف در زبان فارسی

ویژگی اثر : در دست چاپ

۸ قصاید مضوع در زبان و ادبیات فارسی

ویژگی اثر : انتشارات روزنه

۹ واژه های فارسی در زبان ازبکی

ویژگی اثر : انتشارات ماورائ النهر تاشکند

منابع زندگینامه : تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر وفائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی – اسفند ۱۳۸۵

وقار شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ –۱۲۳۲ ق)، شاعر،ادیب و خطاط. وی فرزند بزرگ وصال شیرازی بود که در شیراز به دنیا آمد. بعد از فراگیری مقدمات به تحصیل فقه و اصول و حکمت الهی پرداخت و پس از اتمام تحصیل به تألیف و تصنیف همت گماشت. وی در اصناف شعر متبحر و در فن انشاء مهارت داشت. وقار در ۱۲۶۶ ق با برادر خود میرزا محمود حکیم به هندوستان رفت و در مدت توقفش در بمبئی، کتاب «مثنوی» مولوی را در مدت چهار ماه با خط خوش نوشت و به چاپ رسانید و سپس به زادگاه خود بازگشت. در ۱۲۹۰ ق به زیارت عتبات رفت و در راه بازگشت، به تهران آمد و مورد عنایت ناصرالدین شاه واقع شد. وقار علاوه بر نستعلیق، خطوط نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و به ویژه در خط نسخ کمتر نظیر داشت. وی در شیراز درگذشت و در جوار پدر خود

به خاک سپرده شد. از آثار او: «انجمن دانش»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «رموز الامارة»، ترجمه و شرح نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر؛ مثنوی «بهرام و بهروز»؛ «روزنامه‌ی خسروان پارسی»، که فرهنگ شیرازی آن را «تاریخ ملوک عجم» خوانده است؛ مثنوی «خضر و موسی»؛ «قانون الصدارة»؛ «مزغزار»، که نثری مسجع به روش «کلیله و دمنه» دارد؛ کتاب «مجالس السنة و محافل الازمنة»، به سبک «کشکول» شیخ‌بهائی؛ «عشره کامله»، در ذکر مصایب امام حسین (ع) و اصحاب و اولادش؛ رساله‌ای در تفسر آیه‌ی «لیغفر لک اللّه ما تقدم من ذنبک و ما تأخر»؛ «شرح شش رباعی محتشم»، در دوازده فصل؛ «تاریخ چهارده معصوم»، که توسط فرزندش، همت شیرازی، تکمیل شده است؛ «دیوان» شعر و چند رساله‌ی کوچک و ناتمام دیگر. از خطوط او: قرآن نیم ورقی، جلد روغنی کار علی اشرف، متن نسخ کتابت خوش و ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط و پایان رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره... خادم الفقراء احمد المتخلص بوقار... ۱۲۸۱»؛ قرآن وزیری، نسخ کتابت خفی خوش و حواشی نستعلیق و شکسته خفی خوش، سر سوره‌ها و آخر رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه و حرره... احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... ۱۲۷۸»؛ یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... احمد الوقار فی سنة ۱۲۸۵»؛ یک نسخه «شرح اسماء قدسیه»، نسخ کتابت جلی و خفی و رقاع خوش، با رقم: «کتبه العبد... احمد الوقار ابن المرحوم الوصال الشیرازی فی سنة ۱۲۷۴»؛ یک نسخه «دعای کمیل»، نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «... و انا العبد احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... سنة ۱۲۸۱».[۱]

نامش میرزا احمد، تخلصش وقار و نخستین پسر وصال شیرازی است (و. ۱۲۳۲ ه.ق- ف. شیرتز ۱۲۹۸ ه.ق) پدرش از هشت سالگی تربیت و تعلیم و ارشاد او را به عهده گرفت تا در فن خوشنویسی، شعر، معانی، بیان و فلسفه استاد گشت. پس از مرگ پدر در سال ۱۲۶۵ ه.ق به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نوشتن و تصحیح کتاب مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی همت گماشت و آن کتاب را به خط نسخ در ۱۱۶ صفحه نوشت و تحشیه کرد و به چاپ رساند و هم در این سفر مثنوی «بهرام و بهروز» را سرایید و آن را در ربیع‌الثانی ۱۲۶۶ به پایان رساند. پس از بازگشت از هند مدت ۸ سال در شیراز ماند و پس از آن به تهران آمد. در سال ۱۲۷۴ گویا به وسیله‌ی صدراعظم به ناصرالدین شاه معرفی شد و پس از چند مسافرت به شیراز و تهران و کرمانشاه در سال ۱۲۹۸ پس از ۶۶ سال زندگی جهان را بدرود گفت. وقار از خاندان وصال دانشمندی بنام است و تألیفات فراوان دارد و از آن جمله است: اطواق‌الذهب که از نثر و نظم مرکب است- انجمن دانش در آداب و اخلاق. کتاب «شرح و ترجمه نامه‌ی علی (ع) به مالک اشتر» و «مثنوی بهرام و بهروز» و «مثنوی خضر و موسی» و «قانون الصداره» و «مرغزار» و «کتاب مجالس السنة و محافل الازمنه» و «عشره کامله» و «ترجمه‌ی منظومه‌ی عربی حاجی ملا هادی سبزواری» و «سیاحت‌نامه از شیراز تا بندر ابوشهر» و «اهبةالادیب» و «ریحانةالادب» و «تاریخ چهارده معصوم» و «رساله در علم بدیع» و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۵۸ -۳۵۶)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۳ -۱۰۴۱/ ۴، ۵۶ -۵۵/ ۱)، اطلس خط (۵۶۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۵/ ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۶ -۹۸۵/ ۲)، حدیقةالشعراء (۲۰۴۰ -۲۰۲۸/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۳۳ -۸۲۱/ ۵)، الذریعه (۳۱۱ -۳۱۰/ ۲۰، ۱۲۷۷ -۱۲۷۶/ ۹، ۱۶۵/ ۳ -۳۶۵/ ۲)، ریحانه (۳۳۸ -۳۳۶/ ۶)، شرح حال رجال (۲۶ -۲۵/ ۶)، صبح گلشن (۵۹۹)، طرائق‌الحقائق (۳۷۴ -۳۷۲/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۰۵ -۹۹۷/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۶)، المآثر والآثار (۲۱۵)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۳ -۱۱۳۲/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۷۰۱ -۶۹۷)، مکارم‌الآثار (۹۵۰ -۹۴۹/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۴ -۴۹۳/ ۱)، هدیةالعارفین (۱۸۹/ ۱).

ولیانی، فاطمه

قرن:۱۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فاطمه ولیانی نویسنده و مترجم معاصر ،در سال ۱۳۳۸ در تهران متولد شد.ایشان تاکنون با مراکز مختلفی از جمله بنیاد دایرۀالمعارف اسلامی، نشریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است. کتاب " تاریخ جنون"ترجمه فاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه ولیانی تحصیلات متوسطه را در تهران گذراند. در سال ۱۳۵۸ در رشتۀ علوم سیاسی از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۷۰ در همان رشته از دانشگاه سوربن فارغ‌التحصیل شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فاطمه والیانی تاکنون با مراکز مختلفی از جمله بنیاد دایرۀالمعارف اسلامی، نشریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است.

جوائز و نشانها : کتاب " تاریخ جنون"ترجمه فاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : مقالات زیر از آثار ترجمه شده فاطمه ولیانی می‌باشد: ـ مردم‌شناسی و انتشار (دیدیه‌گز نیدو) ـ درهم شکستن زمان، فضا و جامعه (دانیل بل) ـ مفهوم فرهنگ در نظریه‌های روابط بین‌الملل (آر.بی.جی واکر) ـ معنای نور در حکمت معنوی سهروردی (هانری کربن) ـ خرد، حکمت و جنون در تصوف شبلی (پی یرلوری) ----------------------------- --

آثار :

۱ افسون زدگی جدید

ویژگی اثر : ترجمه

۲ تاریخ جنون

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:تاریخ جنون میشل فوکو، ترجمۀ فاطمه ولیانی.ـ تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۱. این کتاب، کوتاه شدۀ نسخۀ جامع تاریخ جنون (انتشارات پلون، ۱۹۶۱) است که مؤلف آن را در سال ۱۹۶۴ برای انتشارات پلون تنظیم کرد. این نسخه، در عین حفظ ساختمان کلّی کتاب، عمدتاً شامل بخش‌هایی از آن است که به جنبه‌های جامعه شناختی و تاریخی موضوع می‌پردازد. دربارۀ فوکو و آرای او تاکنون بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، امّا، به استثنای دو متن کوتاه، کتابی از خودِ او هنوز به فارسی درنیامده است و این کتاب اولین اثر از آثار اصلی فوکو است که به فارسی ترجمه شده است. تاریخ جنون پایان نامۀ دکتری فوکو بوده است و استادش پس از مطالعۀ آن گفته بود که این پایان نامه فقط یک اثر فلسفی یا تاریخی نیست، شعر است. مترجم ترجمه‌ای استوار و بسیار دقیق و خواندنی از این کتاب عرضه کرده است. با به کارگیری اصطلاحات و لغات جا افتاده و تعبیرات متداول فارسی، منویّات نویسنده را به خوبی و روشنی منتقل کرده است. یکدستی شیوۀ نگارش در سراسر ترجمه رعایت شده است. مؤلف کتاب نویسنده‌ای آسان‌نویس نیست؛ سبکی خاص خود دارد و اساساً فهم آثار

او دشوار است. کوشش مترجم در ترجمهٔ روشن افکار مؤلف به فارسی حکایت از اِشراف او به شیوهٔ نگارش ویژهٔ نویسنده است. از نکات درخور توجه در این ترجمه توضیح اَعلام و اشارات تاریخی است. این توضیح، به هیچ وجه، ترجمهٔ مطالبی نیست که در دایرهٔالمعارف‌ها می‌آید، بلکه مترجم کوشیده طوری توضیح دهد که مطلب مورد اشارهٔ متن روشن‌تر شود. پیداست که این کار با جستجوی وسیع در منابع صورت گرفته است.

۳ هویت چهل تکه و تفکر سیّار

ویژگی اثر : ترجمه

وهابی املش، امید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امید وهابی املش یکی از نویسندگان معاصری است که در زمینه نجوم و فلسفه مقالاتی را چاپ کرده است.او همچنین برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار وی بوده است. کتاب"ماجراهای حسابی" تالیف امید وهابی املش ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : امید وهابی املش در تابستان سال ۱۳۵۲ ش در رشت ، همزمان با آغاز تحصیلات ابتدایی مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه حاج ابوالفتح شروع کرد. از دبیرستان باهنر منطقهٔ ۱۲ تهران دیپلم ریاضی گرفت. در مدارس علمیهٔ تهران مشغول گذراندن دورهٔ سطح شد و همزمان تحصیل در رشته کارشناسی حقوق مدرسه عالی شهید مطهری را آغاز کرد. از اساتید هبهٔالله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی را نباید از نظر دور داشت.

استادان و مربیان : هبهٔالله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی از اساتید امید وهابی املش بوده اند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سوابق علمی پژوهشی و آموزشی امید وهابی املش موارد زیر به چشم می‌آید: ۱. تدریس در دبیرستانهای تهران ۲. انتشار مقالات متعدد نجومی در مجلات تخصصی و عمومی حاصل دو دهه فعالیت ۳. انتشار مقالات فلسفی و مذهبی برای نوجوانان ۴. نقد کتابهای علمی کودک و نوجوان او برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار بوده است.

جوائز و نشانها : کتاب"ماجراهای حسابی "تالیف امید وهابی املش ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ ماجراهای حسابی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب ماجراهای حسابی ماجراهای حسابی (سرگذشت پیدایش اعداد) / تألیف امید وهابی املش؛ تصویرگر فرهاد پورمحمدخان. - تهران: نشر کتاب مرجع، کتاب طاووس، ۱۳۸۳، ۱۰۴ ص، مصور، نمودار. یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به تجربه‌های جدید در علوم مختلف، واکاوی تاریخ آنهاست. تاریخ علوم از یک سو فراز و نشیب‌های مسیر طی شده را یادآوری می‌کند و از سوی دیگر ذهن مخاطب را برای رسیدن به تجربه‌های نو و جدید آماده می‌کند. ماجراهای حسابی داستان پیدایش و پیشرفت ریاضیات است. نویسنده در این اثر سعی و همت خود را بر آن گذاشته که با بررسی تاریخ ریاضیات مخاطب نوجوان را از رموز شیرین اعداد و ارتباط آنها با یکدیگر آگاه کند. نویسنده مخاطب خود را از مخاطب منفعل به سطح مخاطب فعال کشانده و به جای تشویق و ترغیب او به حفظ داده‌های اولیه، داستان شکل گیری این داده‌ها را بازگو کرده است. او مخاطب را به سویی کشانده است که به جای استفاده از ماحصل تربیت دیگران به عنوان یک محصول در فرآیند تولید و بازتولید نقش و جایگاه داشته و در تحصیل آن شرکت کند. نویسنده در این اثر به تجربه‌ای نو دست زده و به جای استفاده از زوایه‌ای فراتر از زاویهٔ دید مخاطب، در کنار او نشسته و یادآوری کرده است که اگر چه این بحث‌ها لذت بخش نیستند و مخاطب حق دارد که به آنها بی علاقه باشد اما لازم است که یک بار آنها را دوره کند تا از مشقت ندانستن آنها رهایی یابد.

هادی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین هادی

محل تولد : اشتهارد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۴/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هادی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۴۳ تیرماه در شهر «اشتهارد» از توابع شهرستان کرج در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدم با مبادی اعتقادی، اخلاقی و دینی که ریشه در اصالت خانوادگی محیط، اجتماع و شهر مذهبی اشتهارد دارد. دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی را در محل و زادگاه خود گذراندم. به لحاظ علاقه شدیدی که به تحصیل علوم دینی داشتم؛ تحصیل را در کلاس سوم راهنمایی رها و در سال ۱۳۵۷ و بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی، در حوزه علمیه «امیرالمومنین» اشتهارد به تحصیل مشغول و دروس مقدمات و ادبیات عرب را به پایان رساندم.

در سال ۶۱ برای ادامه تحصیل و جهت اینکه از نظر پیشرفت درسی در اشتهارد ادامه تحصیل موجود نبود؛ به قم عزیمت و دروس لمعه و اصول فقه را در محضر اساتیدی چون: مرحوم مغفور حجهٔ الاسلام «وجدانی فخر» و «نکونام» گذراندم. با امتحان ورودی به مدرسه علمیه «امام حسن مجتبی» زیر نظر حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی وارد و به مدت یکسال به تحصیل ادامه دادم و با ازدواج در سال ۶۲ به دروس آزاد اساتید همچون: «آیهٔ الله وجدانی فخر»، «استاد اعتمادی» و «استاد پایانی» شرکت جستم.

در سال ۱۳۶۵ جهت تدریس به مدت یک سال به شهر آشتیان عزیمت و دروس ادبیات عرب را تدریس کردم. جهت ادامه تحصیل در سال ۶۶ به قم مراجعه و تا ابتدای سال ۶۸ به تحصیل مشغول و سال ۶۸ تا ۷۱ به مدت سه سال در شهر «فارسان» از توابع

شهرکرد، مدیریت حوزه علمیه فارسان، تدریس و امور مربوط به مراجعات مردمی را در حد مقدور عهده دار بود و از سال ۱۳۷۴ تا کنون؛ ۱۳۸۵، مشغول تحقیق در مرکز پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی هستیم و این همکاری همچنان ادامه دارد.

هاشم‌پور سبحانی، توفیق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر توفیق سبحانی از فرهیختگان معاصر درزمینه زبان وادبیات فارسی درسال ۱۳۱۷ شمسی در تبریز به دنیا آمد.ایشان پس از اخذ فوق لیسانس دبیری از دانشگاه تهران به ترکیه سفر کرد و با شرکت در امتحان ورودی دور ?دکتری دانشگاه استانبول در رشت? عربی – فارسی آن دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۹۷۴ به دریافت درجه دکترا نایل آمد.او نایب رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بوده و دردانشگاه ها نیز تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول می باشد. کتاب" مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها"ترجمه توفیق سبحانی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : توفیق سبحانی دور ?ابتدایی را دردبستان رودکی، متوسطه را در دبیرستانهای رشدیه و لقمان تبریز و رشت ?زبان و ادبیات فارسی را متوسطه را در دانشکد ?ادبیات تبریز و دور ?فوق لیسانس دبیری را در تهران به پایان رسانید. عنوان رساله دوره لیسانس وی" تأثیر حافظ از سعدی وعراقی بود.ایشان در سال ۱۳۴۸ – ۱۹۶۹ – به استانبول رفت و از کتب خطی کابخانه های بسیار غنی استانبول استفاده کرد. با شرکت در امتحان ورودی دور ?دکتری دانشگاه استانبول در رشت ?عربی– فارسی آن دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۹۷۴ به دریافت درجه دکترا نایل آمد

استادان و مربیان : توفیق سبحانی در دور ?دبستان و دبیرستان از تعلیمات و راهنمائیهای مرحوم میرزا محمد ترقی، آقای عبدالله واعظ، مرحوم علی اکبر صبا و آقای عبدالامیر سلیم بهره مند شد و در دوران دانشگاه از محضر استادانی چون مرحوم احمد ترجانی زاده، مرحوم سید حسن قاضی طباطبایی، دکتر منوچهر و دکتر محمد جعفر محجوب و مرحوم دکتر محمود صناعی بهره گرفت. وی در ترکیه در دانشگاه استانبول از وجود استادانی چون دکتر تحسین یازیجی و مرحوم عبدالباقی گولپینارلی بهره برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : توفیق سبحانی دردانشگاه ها ،تدریس می نماید. او در دانشگاههای خارج از کشورنیز به تدریس مشغول بوده است . به عنوان نمونه وی ازسال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ شمسی دردانشگاه دهلی به تدریس زبان وادبیات فارسی اشتغال داشته است . دکتر سبحانی دردانشگاه پیام نور نیز به تدریس مشغول می باشند.

همفکران فرد : دکترمهدی خواجه پیری ،استاد دانشگاه اسلامی علیگره ، یکی ازهمفکران توفیق سبحانی است . این دو در تهیه فهرست نسخ دانشگاه علیگره با هم همکاری داشتند .

جوائز و نشانها : کتاب" مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها"ترجمه توفیق سبحانی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ------------------

----

آثار :

۱ الهائم الخائف من لومهٔ اللائم، شیخ نجم الدین کبری، تصحیح متن عربی و فارسی

ویژگی اثر : تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴.

۲ تدوین فهرستهای تجارب السلف هندو شاه نخجوانی

ویژگی اثر : کتابفروشی طهوری، تهران، ۱۳۵۰

۳ ترجمه شرح مثنوی شریف

ویژگی اثر : این تالیف عبدالباقی گولینارلی است و درشش جلد به همت دکتر سبحانی به فارسی ترجمه شده است .

۴ ترجمه عبد القادر دربیدل دهلوی

ویژگی اثر : این کتاب نوشته پروفسور بنی هادی است و توسط دکتر سبحانی و دیگران ترجمه شده است

۵ ترجمه ملامتیه و ملامتیان

ویژگی اثر : این کتاب تالیف عبد الباقی گولینارلی است که توسط سبحانی ترجمه شده است

۶ حاجی بکتاش ولی وطریقت بکتاشیه

ویژگی اثر : نشری ?دانشکد ?ادبیات تبریز، ۱۳۵۶.

۷ دربار ?قلندرنامه خطیب فارسی

ویژگی اثر : مقال ?کوچک، در یکی از شماره های نشر دانش

۸ ره آورد های سفر

ویژگی اثر : این کتاب سفر دوساله سبحانی به دهلی راشامل می شود که درآن به توضیح مسائل مختلفی پرداخته است .

۹ فهرست آرشیو ملی هند

۱۰ فهرست کتابخانه بمبئی

۱۱ فهرست کتابهای فارسی انستیتوغالب

۱۲ فهرست کتب خطی فارسی دانشگاه دهلی

۱۳ فهرست میکرو فیلم های نسخ خطی دانشگاه اسلامی علیگره

۱۴ فهرست میکرو فیلم های نسخ خطی درگاه پیرمحمد شاه احمد آباد گجراتی

۱۵ فهرست نسخ خطی مرکز میکرو فیلم خانه فرهنگ دهلی نو

۱۶ مختصری دربار ?زندگانی و آثار استاد عبدالباقی

ویژگی اثر : نشریه دانشکد ?ادبیات تبریز، سال ۳۱، شماره ۱۲۹ – ۱۲۸.

۱۷ مولانا جلال الدین

ویژگی اثر : ترجمه،تألیف عبدالباقی گولپینارلی، موسس ?مطالعات، تهران، ۱۳۶۳.این کتاب در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها»: این کتاب ضمن بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و علمی آناطولی در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) و ذکر اطلاعاتی مختصر و مفید دربار ?مآخذ عمده ای که برای تحقیق در زندگانی مادی و معنوی شاعر و عارف بزرگ خاور زمین مورد استفاده قرار گرفته، به زندگانی مولانا و دوره های مختلف حیات وی توجه داشته، در نهایت به فلسفه، دیدگاهها، آثار مولانا نیز گزیده ای از آنها می پردازد .

۱۸ نگاهی به تاریخ ادب فارسی درهند

منابع :

www.ketabesal.ir۲زین قند پارسی /گفتگو با دکتر توفیق سبحانی ،کتاب ماه و ادبیات ، سال اول ، شماره چهارم و پنجم ، ۲۰ اسفند ۱۳۷۶، ص۱۸

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

هاشمی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۶.

درگذشت: ۱۳۶۴.

از آثار اوست: بهداشت گاوهای شیری (ترجمه با همکاری علیرضا محمودزاده، تهران، ۱۳۶۸)؛ بیوسنتز شیر، شیردوشی صحیح، ورم پستان، ادم پستان (ترجمه و تألیف با همکاری علیرضا محمودزاده، تهران، ۱۳۶۶)؛ پرورش علمی اسب به انضمام تغذیه، خوراک دادن و بیماریهای تغذیه‌ای اسب (تهران، ۱۳۷۴)؛ پرورش عملی بز (ریچارد باتاگلیا، تهران، ۱۳۷۴)؛ پرورش عملی گوسفند به انضمام تغذیه، خوراک دادن گوسفند (تألیف و ترجمه، تهران، ۱۳۷۴)؛ تغذیه دام، طیور و آبزیان (تهران، ۱۳۷۴)؛ تغذیه دام: کاربرد فضولات حیوانی در تغذیه دام، طیور و آبزیان (تألیف و ترجمه، تهران، ۱۳۷۵ ،۱۳۶۸)؛ تلقیح مصنوعی در گاو (تهران، ۱۳۷۵)؛ تلقیح مصنوعی: کاربرد روشهای آزمایشگاهی و علمی در تولید مثل دام (آنتون مارینوس سورنس، تهران، ۱۳۵۶)؛ راهنمای ارزیابی و انتخاب گاوهای شیری (ترجمه و تألیف، تهران، ۱۳۷۴)؛ روشهای عملی در پروش طیور (ریچارد باتاگلیا؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ فرهنگ تغذیه دام: شامل اصطلاحات تغذیه دام، طیور و آبزیان، انگلیسی- فارسی (تهران، ۱۳۷۵ ،۱۳۶۹)؛ فرهنگ جامع کشاورزی و منابع طبیعی: انگلیسی- فارسی (تهران، ۱۳۷۲)؛ فیزیولوژی تولید مثل (تولید مثل کابردری در حیوانات اهلی) (نوشته‌ی اچ. جو بیرون، جان دیبلو. فوکویی، ترجمه با همکاری سعید حسنی؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ کتیبی راپه رین به انضمام دو قصیده محمدیه و غوثیه بر وزن قصیده بردیه (اثر مسعود هاشمی، خط محمدطاهر هاشمی، شعر کردی، ۱۳۶۸، مواد معدنی و ویتامینها در تغذیه حیوانات اهلی و انسان (تألیف و ترجمه، تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هبةالله اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن علی. ادیب ماهر، و حکیم حاذق، و طبیب متبحر، از محاسن روزگار، و افاضل زمان خود بوده، و در جمیع فضایل بی‌نظیر

می‌نموده است.
در ۵۳۴ به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در سرداب منزل خود دفن گردیده، و پس از چند ماه از فوت و دفنش درب سرداب را که باز کردند مرده‌ی او را نشسته در پای پله‌ها یافتند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

هجری تفرشی، محمدصادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۸۰ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به هجری. وی تحصیلات مقدماتی را نزد دایی خود، اقا محمد مؤمنای داعی گذراند و پس از آن برای تکمیل تحصیلات به قم و اصفهان سفر کرد. او در اصفهان به فراگیری معقول و منقول، ادب، عرفان و اخلاق نزد بزرگان علم و دانش از جمله مولانا محمد صادق اردستانی مشغول شد و به مدارج بالایی رسید. هجری چندی نیز به تعلیم و تربیت رضاقلی میرزا، فرزند نادرشاه پرداخت که به دلایلی از دربار به خراسان رفت و پس از مدتی بازگشت و تا پایان عمر در حوالی تفرش عزلت گزید. مؤلف «نگارستان دارا» آورده که وی در مشهد درگذشت. هجری در سرودن ماده تاریخ، غزل، رباعی و بخصوص مثنوی مهارت داشت. از آثارش می‌توان به دو مثنوی اشاره کرد که در اولی تعبیراتی از اکثر علوم همچنین: صرف، نحو، منطق و تصوف به کار برده شده است و مثنوی دیگر او مشتمل بر صد و نود و یک بیت، در ذکر داستان شکار مأمون و امام جواد (ع) و غیره است.[۱]
میرزا ابوالقاسم پسر میرزا صادق تفرشی (ف. ۱۱۸۰ ه.ق) از رجال ادب است و اشعاری نیکو سروده است. آنچه مسلم است او در اواخر دولت صفوی تا زمان کریم‌خان زند می‌زیست. در علوم معقول و منقول و عرفان به مدارج عالی رسید و چند سالی در قم و اصفهان بسر برد و مدتی معلم رضاقلی میرزا فرزند نادر بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] سفینةالمحمود (۴۴۳ -۴۴۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، نگارستان دارا (۲۲۰ -۲۱۹)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۱۰۰ -۹۲).

هجیم آملی طبرستانی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و ادیب. در عصر سلجوقیان می‌زیست. مؤلف «فرهنگ سخنوران» وی را از شعرای عهد سامانیان می‌داند. او در ادبیات عربی و فارسی مهارت داشت و شاعری چیره‌دست و خوش بیان بود. وی در آمل از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد. او به پیروی از دقیقی در یکی از قصایدش، قصیده‌ای با لغات فارسی و عربی و طبری سروده که حدود هشتاد بیت است. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۹)، الذریعه (۸۷۳/ ۹)، شعرای مازندران و گرگان (۳۴۸ -۳۴۷)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، مجمع‌الفصحا (۱۱۰۳/ ۳).

هدایت، جعفرقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفرقلی معروف به نیرالملک، فرزند رضا قلیخان هدایت متولد ۱۲۴۷ ق در تهران است. او تحصیلات خود را نزد پدرش در ادبیات فارسی و مقدمات زبان عربی آموخت. پس از تأسیس دارالفنون بدانجا رفت و به آموختن زبان فرانسه، حساب، هندسه، علوم طبیعی و نظام پرداخت. پس از ۶ سال تحصیل در دارالفنون با درجه ممتاز فارغ‌التحصیل شد و به معلمی دارالفنون درآمد. چند سال بعد ناظم آنجا شد و تدریجا رتبه سرهنگی گرفت. در ۱۲۷۸ ریاست دارالفنون را به او دادند و قریب چهل سال ریاست داشت و در همین سمت لقب نیرالملک و منصب سرداری گرفت. در ۱۳۱۶ ق به وزارت علوم منصوب شد و هفت سال در آن سمت باقی بود. بعد از مشروطیت در کابینه مشیرالسلطنه مجددا وزارت علوم را عهده‌دار شد ولی چون مدتش کوتاه بود کاری از پیش نبرد. وفات او در ۱۳۳۳ ق در ۸۶ سالگی اتفاق افتاد.

نیرالملک یکی از فضلاء و دانشمندان قرن اخیر ایران است که به توسعه فرهنگ کمک‌های زیادی کرده است. آثاری نیز دارد و اصولا خانواده هدایت در کار نشر معارف و فرهنگ خدماتی انجام داده‌اند. از وی چهار پسر و چهار دختر باقی ماند. پسران وی عبارت بودند از: رضاقلی، هدایت قلی، کریم و سلیمان. رضاقلی پس از فوت پدر نیرالملک گرفت. هدایت قلی لقب اعتضادالملک داشت و فرزندانش عبارتند از محمود هدایت، صادق هدایت و سرلشکر عیسی هدایت. کریم طبیب شد و درجه سرلشکری در ارتش یافت. سلیمان دانشکده سن‌سیر فرانسه را طی کرد و در جوانی از اسب به زیر افتاد و درگذشت.

(۱۲۸۴ -۱۲۰۹/ ۱۲۰۶ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد. مقدمات علوم زمان را نزد پدر آموخت و در دارالفنون به تحصیل زبان فرانسه و حساب و هندسه و علوم طبیعی و نظامی پرداخت. پس از طی این دوره چند کتاب و جزوه برای استفاده‌ی شاگردان دارالفنون ترجمه و تألیف کرد و در ۱۲۷۶ ش به منصب آجودانی مدرسه رسید و سال بعد ناظم مدرسه شد. وی در حدود ۱۲۴۰ ش به جای پدر ریاست مدرسه‌ی دارالفنون را به عهده گرفت و پس از فعالیتهای زیاد آموزشی و اداری، از ناصرالدین شاه لقب نیرالملک دریافت نمود و حدود چهل سال ریاست دارالفنون را عهده‌دار بود. او در حدود ۱۲۷۵ ش به وزارت علوم منصوب شد و در زمان صدارت اتابک اعظم و امین‌الدوله، وزارت معارف را به عهده داشت. وی در دوره‌ی وزارتش توانست دوره‌هایی را برای مراتب تحصیل تعیین کند. او همچنین به پاس خدمات فرهنگی نشان فرهنگستان علوم کشور فرانسه را دریافت کرد. وی در تهران درگذشت. از آثارش: رساله‌ی «مفتاح العلوم»، در مورد فیزیک و شیمی.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روز شمار تاریخ (۵۸/ ۲)، فرهنگ رجال قاجار (۲۰۷). وزرای معارف ایران (۳۲ -۳۱)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۳۹ -۲۹).

هدایت، رضاقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به نیرالملک فرزند اکبر و ارشد محمد جعفرخان نیرالملک رئیس دارالفنون، متولد ۱۲۵۰ ش است. تحصیلات خود را در دارالفنون به اتمام رسانید و پس از چندی به استادی در دارالفنون ارتقاء مقام یافت. بعد از مرگ پدرش در ۱۳۳۳ ه.ق به ریاست دارالفنون رسید و لقب نیرالملک گرفت و سالها در آن سمت بود و مدتی نیز با حفظ سمت معاونت وزارت معارف را داشت. در ۱۲۹۹ در کابینه مشیرالدوله به وزارت پست و تلگراف معرفی گردید. بعد از کودتای ۱۲۹۹ که سید ضیاءالدین به ریاست وزراء انتخاب گردید نیرالملک را به وزارت معارف و اوقاف معرفی کرد و مادام که سید ضیاء بر سر کار بود و او هم وزارت داشت در اسفند ۱۳۰۰ ش در کابینه مشیرالدوله مجددا به وزارت معارف معرفی شد. در ۱۳۰۶ که داور عدلیه جدید را بنیاد نهاد حاج مخبرالسلطنه هدایت وزیر فوائد عامه را به ریاست دیوان عالی کشور معرفی کرد. حاج مخبرالسلطنه ریاست شعبه اول دیوانعالی کشور را به عمو زاده خود نیرالملک هدایت داد. مخبرالسلطنه بعد از چند ماه به نخست‌وزیری منصوب شد و نیرالملک به کفالت دیوانعالی کشور برگزیده شد و تا سال ۱۳۱۵ در آن سمت باقی بود که جای خود را به حاج سید نصرالله تقوی داد.

نیرالملک در علوم ریاضی، فلسفه، ادبیات فارسی و عربی استاد بود و زبانهای انگلیسی و فرانسه را به حد کافی می‌دانست. یکی از فرزندان او در ارتش به نام شکرالله هدایت درجه سرتیپی یافت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مجددا فعالیت سیاسی را آغاز کرد و در تشکیل حزب اراده ملی با سید ضیاءالدین همکاری نزدیک داشت و ریاست شورایعالی حزب با او بود. وفات او در ۱۳۲۴ ش اتفاق افتاد.

(۱۳۲۴ -۱۲۵۰/ ۱۲۴۹ ش)، مترجم و استاد دانشگاه. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد و پس از طی علوم مقدماتی وارد دارالفنون شد و به فراگیری علوم عالی پرداخت. او به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط داشت و پس از فراغت از تحصیل در دارالفنون به تدریس زبان پرداخت و پس از مدتی به نیابت ریاست و نظامت دارالفنون منصوب گشت. هدایت در زمان مظفرالدین شاه به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان لیاقت نایل شد. در ۱۲۸۹ ش در دوران پادشاهی احمد شاه به معاونت و در کابینه سید ضیاءالدین طباطبایی به وزارت علوم و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه منصوب گردید. او در ۱۲۸۸ ش به طور افتخاری به عضویت آکادمی علوم فرانسه پذیرفته شد و به دریافت نشان لژیون دونور نایل گردید. نیرالملک در تهران درگذشت. از آثارش: «پرورش روح و جسم و اخلاق»، ترجمه؛ «سیاحت‌نامه‌ی استانله به افریقا»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روز شمار تاریخ (۲۷۲، ۲۱۳، ۱۰۲، ۹۷/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۴۷/ ۲)، وزرای معارف ایران (۸۰ -۷۹)، وزیران علوم و معارف فرهنگ (۲۰۶ -۲۰۳).

هدایت، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۸۱ ش)، نویسنده، مترجم و محقق. وی از خاندان رضاقلی خان هدایت است. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و دبیرستان سن‌لوئی تهران به پایان رساند و در حدود ۱۳۰۷ ش با کاروان دانش‌آموزان اعزامی به اروپا به بلژیک رفت و در رشته مهندسی راه و ساختمان نام‌نویسی کرد، اما در آنجا نماند و یک سال بعد با نخستین گروه دانشجویان اعزامی به

اروپا برای تحصیل در رشته‌ی معماری به فرانسه رفت. وی در اقامت چهار ساله خود در فرانسه بیشتر به سیر و گشت گذراند و داستان‌های معروفی در آنجا نوشت، سپس به وطن بازگشت و در ۱۳۱۵ ش به دعوت دکتر شیرازپور پرتو، عضو وزارت امور خارجه که در آن هنگام نایب کنسول ایران در بمبئی بود، به عنوان متخصص تنظیم دیالوگ فیلم فارسی به هندوستان رفت و زبان پهلوی را آموخت و دو داستان که در آنجا فراگرفته بود به فرانسه نوشت و به وطن بازگشت. هدایت در این سفر بیشتر اوقات خود را در موزه‌ها و کتابخانه‌ها می‌گذراند. وی با بزرگ علوی، مجتبی مینوی و مسعود فرزاد گروهی موسوم به ربعه را که هدفش ایجاد روحی تازه در ادبیات ایران بود در مقابل ادیبان محافظه‌کار که آنان را سبعه نامیده بودند، تشکیل داد. هدایت مدتی نیز با مجله «موسیقی» به مدیریت سرگرد مین‌باشی، تا تعطیل شدن آن در ۱۳۲۰ ش همکاری داشت. وی در همان سال مدتی نیز در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران به عنوان مترجم مشغول بود. هدایت با مجله‌های «سخن» و «پیام نو» همکاری داشت و مقالات و داستان‌هایی را در آنها منتشر می‌کرد. وی در ۱۳۲۴ ش همراه یک هیئت فرهنگی به دعوت دانشگاه تاشکند عازم ازبکستان شد و حدود دو ماه در آنجا ماند و در این مدت درباره‌ی اوضاع و احوال مردم آنجا تحقیق و مطالعه کرد. سپس در نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران در ۱۳۲۵ ش که، تحت شعار ادبیات نوین و مترقی ایران، با ریاست ملک‌الشعراء بهار تشکیل شده بود، شرکت کرد. وی در ۱۳۲۹ ش به پاریس رفت و پس از مدتی اقامت، در فروردین سال بعد، در گرمابه‌ی پانسیون خویش با گشودن شیر گاز به زندگی خود پایان داد. هدایت را در قبرستان پرلاشز پاریس به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «زنده به گور»، شامل نه داستان؛ «سه قطره خون»، شامل یازده داستان؛ «سگ و ولگرد»، شامل هشت داستان؛ «بوف کور»؛ «حاجی آقا»؛ «پروین دختر ساسان»، نمایشنامه؛ «فواید گیاهخواری»؛ تصحیح «ترانه‌های خیام»؛ سفرنامه‌ی «اصفهان نصف جهان»؛ «گجستک ابالیش»، ترجمه از پهلوی؛ «دیوار»، ترجمه؛ «مسخ»، ترجمه.[۱]

صادق فرزند اعتضادالملک (و. تهران ۲۸ بهمن ۱۲۸۱- ف. پاریس ۱۳۳۰) در تهران متولد شد و برای تحصیل به فرانسه رفت. ابتدا در پاریس اقامت نمود و سپس به بزانسون رفت. داستانهای معروف: زنده به گور، سه قطره خون، نمایشنامه‌ی پروین، افسانه‌ی آفرینش، فوائد گیاهخواری را در پاریس نوشت. سپس به ایران بازگشت و در ۱۳۱۵ به بمبئی رفت و زبان پهلوی را آنجا فراگرفت و سفرهای چندی به تاشکند و سایر شهرهای ازبکستان کرد و بالاخره در سال ۱۳۲۹ به پاریس رفت و پس از چهار ماه توقف در آن شهر خودکشی کرد. صادق به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنائی داشت. گذشته از مقالات و داستانها و سفرنامه‌ها، چند کتاب را از متون پهلوی به فارسی برگردانده است مانند: گجسته ابالش. کارنامه‌ی اردشیر بابکان. یادگار جاماسب. شهرستانهای ایران، و داستان‌هایی نیز از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است چون دیوار، مسخ و غیره. هدایت از نویسندگان بنامی است که در ادبیات فارسی عصر حاضر اثری عمیق گذاشته است. و کتابهای او بارها به چاپ رسیده و بعضی به زبانهای بیگانه ترجمه شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۶۷، ۳۶۱، ۳۶۰، ۲۱۲، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۴۸، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۴، ۱۳۱، ۱۱۳، ۱۱۲، ۹۳، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۷۶، ۷۳، ۶۷، ۵۱، ۵۰)، از نیما تا روزگار ما (۴۲۹ –۳۳۳)، تاریخ برگزیدگان (۳۵۷ –۳۵۵)، چون سبوی تشنه (۲۰۰ – ۱۹۸)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۴۹ / ۲)، روز شمار تاریخ (۳۲۱، ۲۷۹/ ۱)، شخصیتهای نامی (۵۱۶ –۵۱۴)، شناخت نامه‌ی صادق هدایت، صد سال داستان‌نویسی (۱۱۹ –۹۱/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۶، ۳۳۷۵، ۳۳۶۷، ۳۳۲۸، ۳۰۱۶، ۳۰۱۲، ۲۹۹۹، ۲۹۸۵، ۲۸۵۵، ۲۸۵۴– ۲۷۰۹، ۲۷۰۷، ۲۶۹۷، ۲۶۴۸، ۲۵۸۴، ۲۴۷۵، ۲۳۴۴، ۲۱۸۳، ۲۰۹۴، ۲۰۴۲، ۲۰۱۰، ۱۹۲۹، ۱۹۲۶، ۱۸۶۶، ۱۶۱۴/ ۲، ۱۴۷۸، ۱۴۶۲، ۱۳۸۳، ۱۳۷۲، ۱۲۰۰، ۱۱۳۷، ۸۴۵، ۶۳۵، ۶۰۲، ۵۲۷، ۴۰۳، ۳۹۴، ۳۶۲، ۲۴۲، ۳/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۹۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۳ –۵۰۸/ ۳).

هدایت، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی برادر صادق هدایت، داستان‌نویس معروف است. او در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالیه خود را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده حقوق تهران به پایان رساند. هدایت در جوانی به علوم ادبی، فنون نقاشی، موسیقی و مجسمه‌سازی علاقه زیادی داشت و سالها در خدمت استاد کمال‌الملک به آموختن صنعت نقاشی مشغول بود. او همچنین زبان فرانسه را می‌دانست. هدایت پس از اتمام تحصیلات به خدمت وزارت دادگستری درآمد و عهده‌دار مشاغلی از جمله: مترجمی موسیوپرنی مستشاری وزارت دادگستری، بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و چند سالی نیز ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز بود. از آثارش: «ازدواج عجیب»؛ «سرگذشت عشرت»؛ «زیارت و سیاحت»، در ذکر جزئیات سفر به پاریس؛ «شهنشاه‌نامه‌ی پهلوی»، تاریخ ایران از بدایت تا نهایت؛ «گلزار جاویدان»، در سه مجلد؛ تذکره‌ی «بذر سخن»؛ «آینه‌ی زندگی»؛ «در رکاب نادر شاه» یا «سفرنامه‌ی عبدالکریم»؛ «مسافرت به ارمنستان و ایران»، ترجمه؛ «کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا»، ترجمه؛ «مردم گریز»، ترجمه؛ «آب حیات»، شعر؛ «حقایق عریان»، شعر.[۱]

قاضی عالیرتبه، مترجم، نقاش، شاعر و موسیقی‌دان فرزند هدایت قلی هدایت (اعتضادالملک) در ۱۲۷۶ در تهران تولد یافت. تحصیلات خود را پس از فرا گرفتن مقدمات در ادبیات زبان پارسی، عربی و فرانسه آغاز کرد و مدتی مدید نزد کمال‌الملک هنر نقاشی آموخت. فن موسیقی را نیز به طریق علمی نزد تنی چند از هنرمندان معروف یاد گرفت. در ۱۳۰۲ وارد خدمات قضایی شد و تمام مراحل قضایی را در وزارت دادگستری طی کرد. مدتی رئیس دیوان دادرسی دارایی و زمانی مدیر کل ثبت اسناد و املاک شد. در دیوانعالی کشور مستشاری و ریاست شعبه داشت. آخرین سمت قضایی او ریاست دادگاه تجدیدنظر انتظامی قضات بود. در وزارت کشور نیز سمت‌هایی از قبیل ریاست کارگزینی و فرمانداری تبریز با او بود. وی در ۱۳۲۹ زمانی که رزم‌آرا به نخست‌وزیری رسید به معاونت نخست‌وزیر منصوب شد. در کابینه بعدی که ریاست آن با علاء بود همان سمت را حفظ کرد. در حکومت دکتر مصدق به دادگستری بازگشت و به مستشاری دیوانعالی کشور مشغول شد. در ۱۳۳۴ مجددا به معاونت نخست‌وزیری برگزیده شد و چند سالی آن سمت را داشت.

محمود هدایت اشعار زیادی سرود که بخشی از آن به چاپ رسید. اشعارش از استحکام شعری برخوردار می‌باشد و تابلوهای نقاشی او که بین خواص معروفیت دارد معرف ذوق و هنر او در این فن می‌باشد. تعداد کتبی که تاکنون ترجمه و به چاپ رسانده است زیاد است و بیشتر ترجمه‌های او کتب تاریخی است. خواهر وی همسر سپهبد رزم‌آرا بود. صادق هدایت نویسنده معروف و بزرگ معاصر برادر کهتر اوست. برادر دیگر به نام عیسی هدایت داشت که در ارتش درجه سرلشکری گرفت. وی در جوانی با دختر فتح‌الله خان سردار مؤید مراغه‌ای پیوند زناشوئی بست. صاحب دو پسر شد و همسر وی در میانسالی درگذشت. سرانجام در سال ۱۳۶۸ درگذشت.

شاعر، نقاش.

تولد: ۱۸ اردیبهشت ۱۲۷۶(۴ ذی الحجهٔ ۱۳۱۴ ق.)، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۸.

محمود هدایت، فرزند هدایت‌قلی‌خان هدایت اعتضادالملک، تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالیه را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به پایان رساند و چون از جوانی به تحصیل علوم ادبیه و فنون شاعری و موسیقی رغبت داشت، نزد

کمال‌الملک آموختن رموز نقاشی را آغاز کرد. پس از پایان دوره‌ی تحصیل، در سال ۱۳۰۲، وارد وزارت دادگستری شد. در طول پنجاه سال خدمت جز چند سالی که در خارج از دادگستری به ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز و دو بار معاونت نخست وزیر سپری گردید، بقیه به مترجمی و دادیاری دادسرای تهران و بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و مدیریت کل ثبت و ریاست ادارات بازرسی و دفتر وزارتی و دادیاری و مستشاری دیوان عالی کشور و ریاست شعبه‌ی پنجم دیوان مزبور و ریاست دادگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات مصروف شد. در آبان ۱۳۳۴ نیز یک قطعه درجه‌ی اول حقوق بشر و در ختم دوران خدمت که ۱۳۵۱ است یک قطعه نشان درجه‌ی اول عدالت دریافت کرد. ضمنا در سال ۱۳۳۱ نیز به دعوت سازمان ملل متحدد چند ماهی در نخست وزیری و شورای دولتی کشور فرانسه به کارآموزی پرداخت.

آثار ترجمه وی به این شرح هستند: مهاجرت‌های خارجی و علل و آثار آن در ایران. (۱۳۶۵)؛ مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه (موریس فون دوکتزبوئه، ۱۳۴۸)؛ مسافرت به ارمنستان و ایران (پی‌یر آمده امیلین پروب ژوبر، منشی السنه شرقی ناپلئون بناپارت)؛ سفرنامه‌ی عبدالکریم در رکاب نادرشاه؛ کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا (ارنست لاویس)، مردم گریز (مولیر)؛ شاهنامه‌ی ثعالبی نیشابوری (ترجمه از عربی)، گلزار جاویدان (سه جلد، مشتمل بر اشعار و شرح حال شش هزار شاعر پارسی گوی از ایرانی و غیر ایرانی، ۱۳۵۳)؛ دو رساله مختصر درباره‌ی «حقوق اساسی» و «اصول محاکمات حقوقی» و چند منظومه به نام آب حیات و درفش ایران و حقایق عریان از اشعار اوست.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۸۴ -۱۱۸۰)، روز شمار تاریخ (۳۱۳/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۰۶، ۲۷۱۷، ۲۶۶۰، ۱۹۶۹، ۱۷۳۶/ ۲، ۱۳۸۷ -۱۳۸۶، ۸۶۷، ۱۷۱/ ۱)، گلزار جاویدان (۱۷۸۹ -۱۷۸۰/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۹ -۱۰۷/ ۶).

هدی‌نیا، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۱ آبان ۱۳۲۹.

درگذشت: ۱۲ آبان ۱۳۷۵، تهران.

حمید هدی‌نیا فرزند عباس، مدرس، نویسنده، مترجم، منتقد سینمایی بود. از آثار اوست: فرانسوا تروفو: زندگی و آثار (ترجمه و تألیف، با همکاری رحیم قاسمیان، پروین دوامی، ۱۳۳۶۵). پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هراسی کاثی خوارزمی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۵ ق)، ادیب، لغوی، صرفی و نحوی. وی از بزرگان ادبا و لغویون خوارزم بود. اصلش از کاث، از قرای خوارزم است. در «الاعلام» تحت عنوان هراشی و در «روضات‌الجنات»، «هدیهٔ‌العارفین» و «کشف‌الظنون» تحت عنوان هراس آمده است. از آثارش: شرح «دیوان» متنبی؛ کتابی در «تصریف»؛ «رسائل البلاغهٔ والبراعهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۱ / ۷)، روضات‌الجنات (۲۳۱ / ۱)، کشف‌الظنون (۸۱۲ -۸۱۱)، معجم‌المؤلفین (۳۰۱ / ۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۲۲ -۱۲۱/ ۴)، هدیهٔ‌العارفین (۶۵/ ۶).

هروی بغدادی، ابوعبید قاسم

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۲۴/ ۲۲۳/ ۲۲۲ -۱۵۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه، مجتهد، ادیب و لغوی. در هرات به دنیا آمد. پدرش از غلامان رومی و در خدمت مردی از اهل هرات بود. ادبیات و فقه را از اساتید بزرگ آن زمان فراگرفت. قرآن و لغت را نزد ابوالحسن کسایی و اسماعیل بن جعفر و شجاع بن ابونصر بلخی و ابوعمرو شیبانی و فراء و ابوزیاد کلابی و ابوعبیده و اصمعی و یزیدی و ابوزید انصاری و عده‌ای دیگر آموخت. وی در قراآت، فقه، لغت و شعر متبحر بود. از اسحاق بن سلیمان رازی و اسماعیل بن جعفر و شریک بن عبداللّه و اسماعیل بن عیاش و هشیم بن بشیر و سفیان بن عیینه و اسماعیل بن علیه و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و حجاج بن محمد و ابومعاویه ضریر و صفوان بن عیسی و عبدالرحمان بن مهدی و حماد بن مسعده و مروان بن معاویه و ابوبکر بن عیاش و محمد بن جعفر غندر و سعید بن عبدالرحمان جمحی و عبیداللّه اشجعی و وکیع بن جراح و عبداللّه بن ادریس و جریر بن عبدالحمید و عباد بن عباد مهلبی و معاذ بن معاذ عنبری و عمر بن یونس و عبداللّه بن مبارك و اسحاق ازرق و دیگران حدیث شنید. استادش، سعید بن ابومریم مصری، و نصر بن داوود بن طوق صاغانی و محمد بن اسحاق صاغانی و حسن بن مکرم و احمد بن یوسف تغلبی و ابوبکر بن ابی الدنیا و حارث بن ابی‌اسامه و محمد بن یحیی مروزی و علی بن عبدالعزیز بغوی و عبداللّه بن عبدالرحمان دارمی و عباس دوری و محمد بن حفص دوری و احمد بن یحیی بلاذری و عبدالمجید بوشنجی و ابوالحسن علی بن عبداللّه طوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی در بغداد اقامت گزید. سپس در زمان امیر ثابت بن نصر بن مالك خزاعی به منصب قضاوت شهر طرسوس گمارده شد. در اواخر عمر به مکه رفت و همان جا درگذشت. از آثارش: «الغریب» یا «غریب الحدیث»؛ «غریب القرآن»؛ «الغریب المصنف فی علم اللسان»؛ «فضائل القرآن»؛ «ادب القاضی»؛ «الاموال»؛ «الشعراء»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «المواعظ»؛ «القراآت»؛ «النسب»؛ «معانی القرآن»؛ «المجاز فی القرآن»؛ «عدد آی القرآن»؛ «الامثال السائرهٔ»؛ «المقصور والممدود»؛ «الطهارهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰ / ۶)، تاریخ بغداد (۴۱۶ -۴۰۳ / ۱۲)، التاریخ الکبیر (۱۷۲ / ۷)، تذکرهٔ‌الحفاظ (۴۱۸ -۴۱۷ / ۱)، تهذیب‌التهذیب (۲۷۶ -۲۷۴/ ۸)، تهذیب‌الکمال (۱۵۴ -۱۴۵/ ۱۵)، الجرح والتعدیل (ج ۳، ق ۱۱۱/ ۲)، سیرالنبلاء (۵۰۹ -۴۹۰/ ۱۰)، شذرات الذهب (۵۵ -۵۴/ ۲)، صفهٔ الصفوهٔ (۳۲۸ -۳۲۷/ ۲)، طبقات ابن‌سعد (۲۵۴ -۲۵۳/ ۷)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۶۰ -۱۵۳/ ۲)، طبقات الفقهاء الحنابله (۳۶۴ -۳۶۰/ ۱)، طبقات المفسرین داودی (۳۷ -۳۲/ ۲)، العبر (۳۰۸/ ۱)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۲۱ -۱۲۰)، الکامل (۲۵۹/ ۵)، معجم‌الادباء (۲۶۱ -۲۵۴/ ۱۶)، المنتظم (۳۳۶ -۳۳۴/ ۶)، میزان‌الاعتدال (۳۵۹/ ۳)، النجوم الزاهرهٔ

(۲۹۴/ ۲)، وفیات الاعیان (۶۳ -۶۰/ ۴).

هروی، ابوسعد آدم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، ادیب، لغوی و محدث. اصلاً از هرات بود و ساکن بلخ.

در ۵۲۰ ق پس از سفر حج به بغداد وارد شد و در همان جا درگذشت. استاد رشید وطواط بود و میان او و شیخ ابومنصور جوالیقی مناظراتی واقع شد. در حدیث و فنون ادب یکی از مراجع عصر خویش بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۰ /۲)، روضات الجنات (۵۹ /۲)، ریحانه (۱۲۵ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسعد)، معجم الادباء (۱۰۷ -۱۰۱ /۱).

هروی، ابوعبید احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۱ ق)، محدث، ادیب و لغوی. معروف به صاحب «الغریبین». اصلش از فاشان، از قرای هرات است. از بزرگان علما و ادبا و لغویون و از شاگردان نفطویه و ابن‌سراج و ابومنصور ازهری بود. وی از احمد بن محمد بن یاسین و ابواسحاق احمد بن محمد بن یونس بزاز حافظ روایت کرده است. شیخ‌الاسلام ابوعثمان اسماعیل بن عبدالرحمان صابونی و ابوعمر عبدالواحد بن احمد ملیحی و ابوبکر اردستانی از وی روایت کرده‌اند. او را پیشوای اهل ادب در زمان خود می‌دانستند. وی به سرزمینهای مختلف سفر کرد و مدتی نیز اسیر قرامطه شد. در «ریحانهٔ‌الادب» و «روضات‌الجنات» کنیه‌ی وی ابوعبداللّه یا ابوالقاسم ذکر شده است. از آثارش: «الغریبین»، که جمعی است بین تفسیر «غریب القرآن» و «غریب الحدیث»؛ «ولاهٔ هرات» یا «تفصیل ولاهٔ هرات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۳/ ۱)، روضات‌الجنات (۲۵۲ -۲۵۱/ ۱)، ریحانه (۳۶۱/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۴۷ -۱۴۶/ ۱۷)، شذرات‌الذهب (۱۶۱/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۹۲ -۲۹۱/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۸۵ -۸۴/ ۴)، العبر (۱۹۹/ ۲)، الکامل (۲۵۶/ ۷)، کشف‌الظنون (۱۲۰۹، ۱۲۰۶)، معجم‌الادباء (۲۶۱ -۲۶۰/ ۴)، معجم‌المؤلفین (۱۵۰/ ۲)، النجوم الزاهره (۲۲۹/ ۴)، الوافی بالوفیات (۱۱۵ -۱۱۴/ ۸)، وفیات الاعیان (۹۶ -۹۵/ ۱)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۶۲)، هدیهٔ‌العارفین (۷۰/ ۱).

هروی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. وی دوره‌ی لیسانس زبان‌های خارجی را در دانشسرای عالی گذراند و از دانشکده‌ی الهیات دکترا گرفت و سرانجام بعد از سالها که عهده‌دار خدمات فرهنگی بود، در همان دانشکده به تدریس زبان فرانسه پرداخت. هروی مقالات ادبی و نقدهایی در مورد کار دیگر اساتید در «دیوان» حافظ نوشته که به همت دکتر عنایت‌اللّٰه مجیدی به چاپ رسیده است. وی در تهران درگذشت و در گرگان، در کنار افراد خاندان خود به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «شرح غزلهای حافظ»؛ «فرهنگ البسه مسلمانان»، ترجمه؛ «زندگینامه‌ی داستایوفسکی» هانری تروا، ترجمه؛ ترجمه‌ی جلد اول «تاریخ بزرگ جهان»؛ «درسهایی برای خوش زیستن در زندگی زناشویی»، ترجمه.[۱]

محقق، مترجم، مدرس.

تولد: ۱۲۹۷.

درگذشت: ۶ اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

حسینعلی هروی فارغ‌التحصیل دوره‌ی لیسانس زبان‌های خارجی از دانشسرای عالی بود. وی همچنین از دانشگاه الهیات موفق به اخذ درجه‌ی دکتری شد. وی در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس زبان فرانسوی می‌پرداخت. آثار وی به شرح زیر هستند: ترجمه‌ی فرهنگ البسه (به قلم «دزی»)؛ زندگینامه‌ی داستایوسکی (اثر هانری تروا)؛ ترجمه‌ی تاریخ بزرگ جهان (یکی از مجلدهای آن)، زندگی پوشیکن، حافظ پژوهی (چهار جلد)، مقاله‌های ادبی و نقدهایی درباره‌ی آثار دیگران درباره‌ی حافظ که به همت دکتر عنایت‌الله مجیدی به چاپ رسید.

دکتر هروی به سبب بیماری ریوی در تهران درگذشت و بنا به وصیت خود در شهر گرگان در جوار بستگان خود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۱۷/ ۲، ۱۳۹۱/ ۱)، کلک (س ۴، ش ۳۸، ص ۱۵۳ -۱۵۱).

هروی، عبدالملک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۹ ق)، ادیب و لغوی. معروف به مؤدب. در هرات به دنیا آمد.از بزرگان اهل سنت در سده‌ی پنجم قمری در این شهر می‌باشد. وی در هرات معلم و مرجع استفاده اکثر فضلا بود. صاحب «کشف‌الظنون» و «ریحانةالادب» وی را تحت عنوان عبدالملک بن علی مؤذن هروی آورده‌اند. از آثارش: «الصفات والذوات» یا «الصفات والادوات التی یبتدی بها الاحداث»؛ «المحیط»، در لغت؛ «المنتخب من تفسیر الرمانی» یا «مختصر» تفسیر قرآن رمانی (علی بن عیسی وراق).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روضات‌الجنات (۱۶۱/ ۵)، ریحانه (۳۶۲/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۶۲۱، ۱۴۳۳، ۴۴۸، -۴۴۷)، معجم‌المؤلفین (۱۸۶/ ۶)، هدیةالعارفین (۶۲۶/ ۱).

هروی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به کاتب. از معروفترین استادان خوشنویس خط نستعلیق است. وی از سادات حسینی هرات بود و به واسطه‌ی کثرت اقامت در مشهد، بعضی او را مشهدی نیز خوانده‌اند. اینکه بعضی وی را اهل جام دانسته‌اند، اشتباه و خلطی است که با پیر علی جامی، شاگرد سلطانعلی مشهدی کرده‌اند. میرعلی در هرات به تحصیل دانش و کسب هنر پرداخت و سپس در دارالانشاء حکام هرات، به امر کتابت مشغول شد. پس از آن، به دربار سلطان حسین میرزا بایقرا راه یافت و از مقربان دربار وی گردید و به عنوان سلطانی و کاتب السلطانی مفتخر شد. وی تا ۹۱۱ ق، زمان مرگ سلطان حسین بایقرا، در هرات می‌زیست و پس از آن، گاهی در مشهد و گاهی در هرات به سر می‌برد. در ۹۱۹ ق نزد کریم‌الدین حبیب‌اللّه ساوجی رفت و پس از قتل او، مدت سه سال در هرات بود. در ۹۳۵ ق، وقتی عبیداللّه خان ازبک به خراسان هجوم آورد و به شهر مسلط شد، جمعی از امرا و بزرگان و هنرمندان آن دیار، از جمله میرعلی را به بخارا کوچ داد و او را به معلمی عبدالعزیز خان، فرزند خود، و امر کتابت سرکاری گماشت. درباره‌ی استاد میر علی در خط نستعلیق، بین تذکره‌نویسان اختلاف است و آنچه مسلم است اینکه، وی به هنگام جوانی در هرات، شاگرد زین‌الدین محمود، شاگرد بی واسطه‌ی سلطانعلی مشهدی، بوده است. میرعلی در اقلام مختلف نستعلیق دست داشته و کتیبه‌نویسی نیز می‌کرده است. او را به حسن محاوره و شیرین سخنی نیز ستوده‌اند و گویند عبدالرحمان جامی به وی عشق می‌ورزیده است. میرعلی در نظم و نثر هم تبحر داشت و شعر فارسی و ترکی را نیکو می‌سرود و به آورده‌ی «احوال و آثار خوشنویسان»، از قول صاحب «ریاض الشعراء»، کاتب تخلص می‌کرد و «دیوان» شعری از او به جای مانده است. وی نثر را شیوا می‌نوشت و رساله‌ی «مداد الخطوط» او در آداب خوشنویسی، از معروفترین آثار خوشنویسی است که به چاپ نیز رسیده است. میر علی حدود شانزده سال در بخارا روزگار گذرانید و همان جا درگذشت و در صفه‌ی مولانا صالح، در جوار مزار شیخ سیف‌الدین باخرزی، به خاک سپرده شد. از شاگردان معروف وی: میر محمدباقر، خواجه محمد شهابی سیاوشانی، سید احمد مشهدی، مالک دیلمی، سلطان محمود بخاری و میر دوری هستند. بعضی از آثار خطی او: یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «تمت علی ید العبد... علی الحسینی الکاتب... سنهٔ ۹۱۹»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «خدم بکتابتها العبد المذنب علی الحسینی الهروی... سنهٔ ثمان عشرین و تسعمائهٔ...»؛ یک نسخه «جام جم» اوحدی، به قلم کتابت ممتاز، با رقم: «کتبه العبد... علی الحسینی الکاتب... سنهٔ ثلثین و تسعمائهٔ، بدار السلطنهٔ هراهٔ»؛ «مناجات» خواجه عبداللّه انصاری، به قلم دو دانگ عالی، با رقم: «کتبه العبد... علی الکاتب، فی سنه ۹۳۵، بلدهٔ بخارا»؛ «گلستان» سعدی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب میرعلی الکاتب»؛ یک ورق از یک بیاض کوچک، به قلم غبار ممتاز، با رقم: «تمت علی ید احقر الکاتبین علی الحسینی الکاتب، فی شهور سنهٔ خمس و ثلثین و تسعمائهٔ...»؛ قریب سیصد قطعه، به قلم‌های گوناگون، با تاریخ‌های ۹۲۵ تا ۹۵۱ ق، در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۱۶ -۴۹۳ / ۲)، اطلس خط (۴۷۸ -۴۷۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۲۵ -۱۲۳)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۱۳۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲ / ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۸۲، ۸۷۸ / ۲)، تحفه سامی (۷۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۹ -۶۶۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۵)، حبیب السیر (۶۱۸ -۶۱۷ / ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۰ -۳۸)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۱۷۶۶ / ۲)، الذریعه (۲۳۵ / ۲۰، ۷۶۵ -۷۶۴ / ۹)، ریحانه (۳۶۵ -۳۶۴ / ۶)، صبح گلشن (۴۸۱)، طرائق الحقائق (۶۸۳ -۶۸۲، ۱۲۰ / ۳)، عالم آرای عباسی (۱۷۰ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۸۶ -۸۴)، گلستان هنر (۸۴ -۷۸)، لغت نامه (ذیل / علی هروی)، مجالس المؤمنین (۴۹۱ -۴۹۰ / ۲)، مجالس النفائس (۲۶۲، ۸۸)، مجمع الخواص (۹۰ -۸۹)، مطلع

الشمس (۴۴۷ -۴۴۶/ ۲)، مناقب هنروران (۱۱۴ ،۷۹ -۷۲)، هنر عهد تیموریان (۷۴۲ -۷۳۸، ۷۱۳، ۷۰۱، ۶۴۶، ۶۱۷، ۵۳۷ -۵۳۵، ۴۸۶ -۴۸۵، ۳۹۲، ۳۵۲، ۳۳۱، ۳۰۰ -۲۹۹، ۲۹۸)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۳۱ -۱۷).

هروی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حسین علی بن رضا ابن اسماعیل حائری اصفهانی.

عالم فاضل محقّق کثیر التألیف و التصنیف، در رمضان المبارک سال ۱۲۱۷ در شهر هرات متولّد شده، و مقدّمات علوم را در آنجا آموخته، در ۱۲۳۵ به اصفهان مهاجرت نموده و نزد شیخ محمّد تقی رازی، و حاج محمّد ابراهیم کلباسی، و سید محمّد باقر حجّهٔ الاسلام بید آبادی تحصیلات خود را تکمیل نموده، و در نجف به درس شیخ محمد حسین صاحب فصول، و شیخ محمّد حسن صاحب جواهر، و در کربلا به درس حاج سید کاظم رشتی، و میرزا علی نقی طباطبائی حاضر شده، سپس به اصفهان مراجعت نموده، و ریاست کلّی و مرجعیّت تام یافته، و در اواخر عمر به مناسباتی از اصفهان به کربلا مهاجرت فرموده، و در آن ارض اقدس مجاور گردیده، و در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۲۹۹ وفات یافته، در مقبره صاحب ضوابط در صحن کوچک حسینی مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- الاربعین، در اخبار اصول دین ۲- توضیح الحساب ۳- تلخیص تحفهٔ الابرار استادش سیّد شفتی ۴- تنبیه الغافلین، ردّ بر باب ۵- التعاد و التراجیح ۶- تعلقه بر حواشی شیروانی بر معالم ۷- الحدیقهٔ النجفیّهٔ حاشیه بر شرح لمعه ۸- حجّیّت مظنّه مطلق ۹- حاشیه بر خلاصهٔ الحساب شیخ بهائی ۱۰- حاشیه بر قوانین ۱۱- خلاصهٔ البیان، در تفسیر مشکلات قرآن ۱۲- الدرر المنثوره ۱۳- رساله در بطلان طلاق به عوض ۱۴- رساله در عدالت ۱۵- رساله در عرق جنب از حرام ۱۶- رسالهٔ فی العصیر بأنواعها ۱۷- رساله در زوال، و آن شرح بر مبحث زوال روضهٔ البهیّه است ۱۸- السبع المثانی، در احوال معصومین چهارده گانه ۱۹- سوال و جواب، در مسائل روزه و زکات، به عربی و فارسی ۲۰- شرح خطبه همّام ۲۱- شرح دعای ابوحمزه - شرح روضهٔ البهیّهٔ ۲۲- طریق النجاهٔ ۲۳- عیون الاحکام ۲۴- کاشف الاستار [در شرح تلخیص تحفهٔ الابرار] ۲۵- لوامع الفصول = [شرح مبادی الوصول] ۲۶- لطائف الفوائد ۲۷- مقاصد العلّیّهٔ ۲۸- مبادی الاصول ۲۹- مشارع ۳۰- مناسک حج ۳۱- المطلق و المقیّد ۳۲- ملخّص تفسیر آیهٔ الکرسی [سید کاظم رشتی] ۳۳- الموت و البرزخ ۳۴- المناقب الحسینّیهٔ ۳۵- مجالس المواعظ ۳۶- نتایج الافکار، در اصول فقه ۳۷- نهایهٔ الامال، معروفترین تألیف او ۳۸- دو کتاب در ردّ باب و بابیّه.

نقل شده است که در اصفهان متهّم به بابیّت و میل به طریقه ایشان داشته، و به همین دلیل سه جلد کتاب در ردّ آنها نوشته، و بالاخره مجبور به مهاجرت از این شهر گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی، مقصود علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۱ ق)، مترجم. اصل وی از تبریز است. از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا سکنی گزید به همین علت به مقصود علی هندی نیز مشهور است. از آثارش «تاریخ الحکما»، درباره‌ی سرگذشت حکیمان و عالمان است که ترجمه‌ی «نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ الحکما المتقدمین والمتأخرین»، تألیف محمد بن محمود شهرزوری می‌باشد. مقصود علی این کتاب را در ۱۰۱۱ ق، در عهد اکبر شاه و به دستور شاهزاده سلیم (جهانگیر شاه)، از عربی به فارسی ترجمه نمود و بعدها میر سید صدرالدین بن میر محمد صادق، گزیده‌ای از این کتاب را به نام «قول الحکما» یا «انتخاب تاریخ الحکما» تحریر نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (۲۱۴/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۸۷ -۱۵۸۶/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۰۱،۸۰۸).

هزار جریبی، محمد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جلیل القدر، از تلامذه محقّق قمی، و آقا سید جواد عاملی، و حاج سید مهدی بحر العلوم، و حاج ملا احمد نراقی، و آقا شیخ جعفر نجفی می‌باشد.

مدّتها در ارومیه و تبریز بوده و در آنجا تدریس می‌فرموده، اخیراً به اصفهان آمده و داماد میرزا محمّد باقر نوّاب شده، و به فقیه مطلق شهرت یافته، و در مسجد ذوالفقار امامت می‌نموده.

و تألیفات و تصنیفات زیاد دارد، از آن جمله است:

۱- انیس المشتغلین ۲- البحر الزاخر ۳- جوابات المسائل ۴- حاشیه بر قواعد شهید ۵- حاشیه بر قواعد علّامه ۶- حاشیه بر طهارت مدرک ۷- حاشیه بر شرح لمعه [=مخزن الاسرار الفقهیة] ۸- حاشیه بر نکاح شرایع ۹- حاشیه بر شوارق و تجرید ۱۰- حاشیه بر قوانین - حاشیه بر معالم (= مجمع العراش الوجیهة) ۱۲- رساله در نماز ۱۳- رساله در امامت ۱۴- رساله در رجال ۱۵- رساله در نکاح عدّه ذّمیّه ۱۶- سراج المنیر، در فوائد رجالیّه، (شاید شماره ۱۴ باشد) ۱۷- شرح احادیث مشکله - شرح روضة البهیّه (= حاشیه بر شرح لمعه) ۱۸- کتابی در اصول ۱۹- کتابی در قصاید و شرح آنها ۲۰- کتابی در فقه: در نماز مسافر و نکاح و طلاق و دیات [=البحر الزخر]، پر فایده و کثیر الفروع ۲۱- مجمع العرائس [=حاشیه بر معالم]؛ و غیره.

در اواخر عمر به شهرضا منتقل گردیده و این مهاجرت سبب گمنامی او شده است. در هر صورت، از مجتهدین بزرگ است، و از او کرامات و استجابت دعا و ترویجات و زهد و تقوی معروف است.

در ۱۲ رجب ۱۱۸۸ متولّد، و در شب شنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۴۵ در شاه سید علی اکبر در نزدیکی شاهرضا به مرض وبا وفات یافته و در همانجا مدفون گردید. قبرش داخل بقعه امام زاده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هزار شیرازی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در شیراز برای تکمیل تحصلاتش به هندوستان رفت و در کراچی علوم جدید و زبان انگلیسی را آموخت و دوره کالج اسلامی آن شهر را به پایان رساند و سپس به شیراز بازگشت. وی در جنگ بین‌الملل اول (۱۳۳۷ -۱۳۳۳ ق) وارد خدمت قشون انگلیسی جنوب ایران شد. پس از انحلال قشون، وی انتشارات هزار را تأسیس کرد و به تألیف و نشر کتاب روی آورد. رکن‌زاده‌ی آدمیت صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» با وی دوستی داشته و صاحب عنوان را زنده‌ی ۱۳۵۲ ق آورده است. از آثار وی: «حیات مالک اشتر»؛ «دوران پهلوی نماینده‌ی عملیات رضا شاه از ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ ش»؛ «عارف‌نامه»؛ «بقاء روح»، در چگونگی عالم پس از مرگ جسمانی، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۴۹ -۸۴۸/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۷۹ / ۲ ،۱۴۶۳، ۱۲۲۷ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی فارسی (۲۰۸ -۲۰۷/ ۳).

هژار، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۳۰۰ ش)، محقق، مترجم، فرهنگ‌نویس، نویسنده و شاعر، متخلص به هژار. در مهاباد به دنیا آمد. در پنج سالگی نزد پدرش قرآن آموخت و سپس مدتی به مکتب خانه رفت و از آنجا رهسپار خانقاه شیخ برهان شد و پس از فراگرفتن مقدمات، به روستاهای اطراف عزیمت کرد و در کلاس درس تنی چند از مدرسین علوم اسلامی آن زمان حاضر شد. علاقه‌ی شدید عبدالرحمان به زبان و ادبیات کردی چنان بود که بسیاری از دواوین شعرای کردی را خوانده بود و بیشتر آنها را از حفظ داشت. وی جزو نخستین کسانی بود که در جمعیت تجدید حیات کردستان عضو شد. آنگاه بود که شعر و شاعری را از سر گرفت و اشعاری را سرود و از طرف قاضی محمد (مقتول ۱۳۲۶ ش) شاعر ملی لقب گرفت و نخستین «دیوان» شعرش را که «آلکوک» نام داشت منتشر کرد که این کتاب به زبان ترکی نیز ترجمه شده است. وی در پی مبارزاتش به کشورهای عراق و سوریه و لبنان سفر کرد و هنگامی که از لبنان به عراق بازگشت به عضویت مجمع علمی آن کشور درآمد. وی علاوه بر آن، عضو آکادمی علوم آذربایجان شوروی و آکادمی علوم کُرد در بغداد و از اعضای اصلی آکادمی علوم کُرد در پاریس بود. او با دوست دیرینه‌اش هیمن در ایجاد و تأسیس مرکز نشر فرهنگ و ادب کرد، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی و نشر مجله‌ی کردی «سروه» تلاش فراوانی از خود نشان داد. وی در ۱۳۵۳ ش به ایران آمد و در دانشگاه تهران، ترجمه‌ی کتاب «قانون در طب» ابوعلی سینا را آغاز کرد و با ترجمه‌ی این کتاب به عضویت فرهنگستان زبان فارسی درآمد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران او مجال یافت در زمینه‌ی ادبیات و زبان کردی به فعالیت بیشتری بپردازد. مقبره‌ی هژار در قبرستان بداغ‌السلطان در مهاباد می‌باشد. از دیگر آثار وی ترجمه‌ی از فارسی به کردی کتابهای: «رباعیات خیام»، «شرف‌نامه» شرف خان بدلیسی، «یک جلوش بی‌نهایت صفرها» دکتر علی شریعتی، «آری این چنین بود برادر» دکتر علی شریعتی و «عرفان، برابری، آزادی» دکتر علی شریعتی؛ ترجمه از عربی به فارسی کتابهای: «تاریخ سلیمانیه» و «روابط فرهنگی ایران و مصر»؛ ترجمه‌ی قرآن کریم، به کردی؛ «فرهنگ جامع کردی به کردی و فارسی»؛ «دیوان» شعر با نام «بو کوردستان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبستان (س ۲، ش ۱۰، ص ۳۳ -۳۱)، تاریخ مشاهیر کرد (۶۹۱ -۶۷۸/ ۳)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی

استاد مرحوم عبدالرحمان شرفکندی (هژار)، کلک (س ۲، ش ۱۳، ص ۲۵۵ -۲۵۲)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۵، ص ۶ -۱، س ۸، ش ۴، ص ۵۴).

هژیر، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و. ۱۲۸۱ ه.ش مقت. ۱۳ آبان ۱۳۲۸ ه.ش) فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی علوم سیاسی قدیم بود و در ۱۲۶۸ وارد خدمات دولتی شد و سمت‌های مختلف پیدا کرد. از طرف دولت ۹ ماه به آلمان و ۳ ماه به انگلستان مأموریت یافت و پس از بازگشت عهده‌دار بانک کشاورزی و مدیر کل وزارت دارائی شد و در ۱۳۲۰ وزی بازرگانی و پیشه و هنر و در کابینه‌ی «سهیلی» وزیر راه گردید و در ۲۳ خرداد ۱۳۲۷ در سن ۴۶ سالگی مأمور تشکیل دولت شد و در آبان ماه ۱۳۲۷ از نخست‌وزیری استعفا داد و در سال ۱۳۲۸ به سمت وزیر دربار شاهنشاهی منصوب گردید. در ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۸ که در مجلس روضه‌ی دربار شاهنشاهی در مجسد سهپسالار شرکت نمود به ضرب گلوله از پا درآمد و در بیمارستان در سن ۴۷ سالگی درگذشت.

(ح ۱۲۸۰- مقتول ۱۳۲۸ ش)، نویسنده و مترجم. از تحصیل کرده‌های مدرسه علوم سیاسی بود که ابتدا کارمند وزارت خارجه شد و سپس در سمت منشی‌گری و مترجمی سفارت روس به کار مشغول گردید. وی زبان‌های روسی، فرانسوی و انگلیسی را می‌دانست. هژیر وزارت‌های پیشه و هنر، بازرگانی، راه، کشور و دارایی را به ترتیب در کابینه‌های علی سهیلی، احمد قوام، ساعد و حکیمی بر عهده داشت. او همچنین در ۱۳۲۷ ش سمت نخست‌وزیری را برعهده گرفت. هژیر در مدرسه عالی سپهسالار به دست سید حسین امامی با ضرب گلوله به قتل رسید. وی را در صحن حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از آثارش: «پطراز بورگ تا قسطنطنیه»، تاریخ روابط دربار ایران با دو دربار مزبور از ظهور صفویه تا مرگ نادرشاه، ترجمه؛ «تاریخ قرون وسطی» تا جنگ صد ساله»، ترجمه؛ «تاریخ ملل شرق و یونان»، ترجمه؛ «حافظ تشریح».[۱]

فرزند محمد هژیر (وثوق همایون)، در سال ۱۲۸۱ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه‌ی مظفری و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون پایان داد و زبان فرانسه را بخوبی فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیل وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و چون دارای مدرک دیپلم بود، دوره‌ی دو ساله‌ی مؤخراتی را طی کرد و در ۱۲۹۸ فارغ‌التحصیل گردید و به استخدام در وزارت امور خارجه درآمد و مترجم زبان‌های روسی و فرانسه بود. در ۱۳۰۱ بعنوان مترجم روسی در سفارت شوروی در تهران استخدام شد و قریب ۶ سال در آن سفارتخانه اشتغال به کار داشت. در ۱۳۰۷ به خدمت کلیه ایرانیان که در سفارت شوروی کار می‌کردند خاتمه داده شد و هژیر مدتی بیکار بود تا اینکه در ۱۳۰۸ در وزارت راه استخدام شد و سمت وی بازرسی بود. در کابینه‌ی مخبرالسلطنه هدایت، تقی‌زاده به وزارت دارائی تعیین شد و هژیر را به آن وزارتخانه انتقال داد و در اداره‌ی امور اقتصادی که ریاست آن با دکتر محمود افشار بود، به کار مشغول گردید. وی در این سمت از طرف تقی‌زاده مأموریت یافت که کلیه پرونده‌های مربوط به شرکت نفت ایران و انگلیس را مطالعه و گزارش جامعی تهیه نماید. هژیر در وزارت مالیه ظاهرا کارمند عادی بود ولی بیش از همه وزیر دارائی را ملاقات می‌نمود. در حقیقت عملاـ مشاور وزیر بود. در جریان تجدیدنظر در قرارداد دارسی (۱۹۳۳) هژیر از دست‌اندرکاران درجه دوم بود و قسمت اعظم مدارکی را که داور همراه خود در دادگاه لاهه ارائه داد همه اسناد و مدارکی بود که هژیر با مطالعه‌ی دقیق پرونده‌هایی به ارزش آنها برده بود. در سال ۱۳۱۳ هژیر رئیس اداره حقوقی وزارت دارائی شد و یک سال بعد مفتش دولت در بانک ملی ایران که در آن تاریخ بانک ناشر اسکناس بود گردید. در آن تاریخ اسکناس‌های منتشره دارای دو

امضاء بود، یکی امضای مدیر کل بانک و دیگری امضای مفتش دولت. از سری دوم اسکناس‌های منتشره بانک ملی امضای هژیر در روی اسکناس‌ها قرار گرفت و چون امضای وی واضح و خوانا بود تمام مردم با نام او آشنا شدند.

در سال ۱۳۱۴ داور وزیر وقت مالیه دو قرارداد پایاپای با دولت آلمان و دولت اتحاد جماهیر شوروی منعقد نمود، برای پیشبرد امور اقتصادی شرکتهای دولتی تشکیل داد و هژیر در سمت‌های مختلف قرار گرفت، مانند مدیر عامل شرکت قماش، عضو هیئت مدیره شرکت بیمه، عضو هیئت مدیره شرکت ساختمان بازرسی بانک فلاحت و رئیس کمیسیون اسعار.

عبدالحسین هژیر در ۱۳۱۸ مدیر کل وزارت دارائی شد و پس از مدت کوتاهی به معاونت بانک ملی ایران برگزیده شد.

پس از شهریور ۱۳۲۰ هژیر وارد میدان سیاست و برای ورود به کابینه‌ها شدیدا فعالیت می‌کرد تا اینکه در اسفندماه ۱۳۲۰ در آخرین ترمیم کابینه محمد علی فروغی به وزارت پیشه و هنر منصوب گردید. این کابینه در مجلس سیزدهم با رأی ضعیفی تأیید گردید ولی فروغی آن رأی را برای ادامه‌ی کار خود کافی ندانست و استعفا داد. اصرار نمایندگان و صدور قطعنامه نمایندگان طرفدار فروغی برای ادامه‌ی کار او ثمربخش نشد ولی نمایندگان به توصیه‌ی او به علی سهیلی رأی دادند. سهیلی در کابینه‌ی خود عبدالحسین هژیر را در سمت وزارت پیشه و هنر تثبیت کرد. سهیلی بیش از چهار ماه در نخست‌وزیری دوام نکرد و جای خود را به احمد قوام داد. هژیر در کابینه‌ی جدید همچنان در وزارت پیشه و هنر باقی ماند. در کابینه‌ی دوم سهیلی، هژیر وزیر راه شد. در کابینه‌ی محمد ساعد مقام وزارت کشور گرفت و در ترمیم کابینه همچنان وزیر کشور بود. در کابینه‌ی اول و دوم حکیمی به وزارت دارائی منصوب شد.

در ۱۳۲۵ در ترمیم دوم کابینه‌ی احمد قوام او به وزارت دارائی انتخاب گردید و متوالیا در چهار ترمیم کابینه، وزارت دارائی را حفظ کرد. در ۱۳۲۶ در کابینه‌ی حکیمی سمت وزارت مشاور یافت. در حقیقت گرداننده‌ی دولت حکیمی بود.

بعد از سقوط کابینه‌ی حکیمی، علی سهیلی و عبدالسحین هژیر وزرای مشاور کاندیدای نخست‌وزیری بودند ولی علاقه‌ی شدید اشرف پهلوی به هژیر، محمدرضا پهلوی را مجبور کرد به نمایندگان توصیه‌ی نخست‌وزیری هژیر را بکند و در نتیجه هژیر با اکثریت ۶۶ رأی به نخست‌وزیری انتخاب شد.

پس از انتشار خبر نخست‌وزیری هژیر، جمع کثیری از طبقات مختلف مردم و مخصوصا دانشجویان دانشکده‌های حقوق و فنی با صفوف منظم در میدان بهارستان حضور یافتند و خواستار ملاقات با نمایندگان شدند. ضمن این ملاقات اعتراض خود را نسبت به ابراز تمایل مجلس به نخست‌وزیری هژیر بیان نمودند و وی را برای این خدمت صالح ندانستند. در همان موقع خبر نخست‌وزیری هژیر به بازار تهران رسید. کسبه و اصناف با صلاحدید و راهنمائی آیت‌الله کاشانی، مغازه‌های خود را تعطیل و در میدان بهارستان اجتماع کردند و ضمن ایراد سخن، نمایندگان مجلس را به باد ناسزا گرفتند و برای تصمیمی که اتخاذ نموده بودند آنها را مورد سرزنش و اهانت قرار دادند. دامنه اجتماع و تظاهرات علیه مجلس بالا گرفت و به دستور دولت و رئیس مجلس، پلیس برای متفرق ساختن مردم وارد معرکه شد، تیراندازی آغاز گردید و مردم تظاهرکننده نیز با چوب و چاقو به پلیس حمله کردند. در این زدوخورد عده‌ی زیادی مجروح و زخمی شدند. پس از ختم زدوخورد سردار فاخر رئیس مجلس، آیت‌الله کاشانی را مسبب این تظاهرات دانست و اضافه کرد اگر ایشان با نخست‌وزیری هژیر مخالفت دارند بهتر این بود با نمایندگان مجلس صحبت می‌کردند نه اینکه متوسل به جار و جنجال می‌شدند. به دنبال تظاهرات دانشجویان و اصناف علیه هژیر، روز بعد در شهرهای قم، مشهد، اصفهان و قزوین تظاهرات پرشوری صورت گرفت.

هژیر ناگزیر در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی به مخالفین خود پاسخ داد و افزوده مبارزه‌ی سیاسی بین جمعی نباید از حدود نزاکت خارج شود و نظم عمومی را بر هم زند و هشدار داد کسانی که موجبات اختلال در نظم عمومی و امنیت شهرها را فراهم نمایند به موجب قانون سرکوب خواهند شد.

روز چهارم نخست‌وزیری هژیر، تهران شاهد تظاهرات گسترده‌ای از طرف روحانیون بود. چندین هزار روحانی و بازاری در حالی که قرآن بر سر داشتند، به رهبری سید مجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام در میدان بهارستان علیه هژیر به تظاهرات پرداختند و ضمن ایراد سخنرانی، نمایندگان مجلس را که به انتخاب هژیر رأی داده بودند مذمّت کردند و خواستار عزل او شدند. در این موقع که بیم حمله‌ی تظاهرکنندگان به صحن بهارستان می‌رفت، گارد مجلس و مأمورین انتظامی بسوی فدائیان اسلام آتش گشودند. عده‌ی زیادی در این حمله و تیراندازی زخمی شدند و در همان موقع اعلامیه شدیداللحن آیت‌الله کاشانی علیه نمایندگان مجلس بین مردم پخش شد و هژیر نیز متقابلا اعلامیه‌ای داد و تظاهرکنندگان را به جلب به دادگاه و محاکمه تهدید نمود.

عبدالحسین هژیر روز سوم تیر ماه ۱۳۲۷ وزیران کابینه را به مجلس معرفی نمود و برنامه‌ی کار خود را نیز اعلام نمود. به هنگام نطق نخست‌وزیر در لژ تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه او برپا بود. صدای مرگ بر هژیر مزدور و بی‌دین در فضای تالار علنی مجلس طنین‌انداز گردید. در همین جلسه حسین مکّی، ابوالحسن حائری‌زاده، عبدالقدیر آزاد و رحیمیان درباره زدوخوردهای چند روزه گذشته علیه او اعلام جرم نمودند ولی با تمام تظاهرات و مخالفت‌هائی که به رهبری آیت‌الله کاشانی در خارج و داخل مجلس به عمل آمد، برنامه و وزیران هژیر با ۸۸ رأی موافق از ۹۶ رأی دهنده‌ی حاضر در مجلس به تصویب رسید.

هژیر برای جلب توجّه عامه و رد اتهاماتی که از نظر مذهبی به وی وارد می‌کردند در اولین جلسه هیئت وزیران تصویبنامه‌ای صادر کرد که بموجب آن تهیه و فروش انواع مشروبات الکلی در شهرهای مشهد، قم و شهر ری ممنوع گردید. این تصویبنامه نه تنها دردی دوا نکرد، بلکه مستمسکی به دست مخالفین داد که منظور دولت را اغفال جامعه‌ی روحانیت قلمداد کنند و در مجلس نیز چند مخالف، هژیر را متهم به ظاهرسازی و خلاف کاری نمودند.

شاه در اواخر تیر ماه ۱۳۲۷ برای یک بازدید رسمی به انگلستان رفت و قبل از حرکت نمایندگان را در کاخ خود پذیرفت و ضمن ایراد سخنرانی از نمایندگان خواست دولت را تقویت کنند و لوایحی را که به مجلس تقدیم می‌شود تصویب نمایند.

در مدتی که شاه در اروپا اقامت داشت، حوادث مهمی در ایران رخ داد. عباس اسکندری نماینده‌ی مجلس، دولت هژیر را به علت سوء سیاست داخلی و خارجی و مسئله‌ی بحرین استیضاح کرد و افزود که نباید مجال داد تا حکومت پلیسی مجددا در ایران برقرار شود. متعاقب استیضاح اسکندری، ناصرقلی اردلان نیز دولت را استیضاح کرد ولی هژیر به استیضاح کنندگان پاسخی دندان‌شکن داد و گفت این دولت بیش از دو ماه نیست که عهده‌دار امور شده است، چگونه تمام مشکلات گذشته را به او نسبت می‌دهید. سرانجام تقاضای رأی اعتماد کرد و مجلس با ۹۳ رأی او و دولتش را تأیید نمود.

هژیر در مجلس شورای ملی از اکثریتی قریب به اتفاق برخوردار بود ولی در عوض مطبوعات تهران و شهرستانها از حمله و هتاکی به او کوتاهی نمی‌کردند و همه روزه اتهامات زیادی به وی وارد می‌ساختند. او ناچار تصویبنامه‌ی زیر را در هیئت وزیران به تصویب رسانید:

«هئیت وزیران در جلسه‌ی مورخ هشتم شهریور ماه تصویب نمودند که چون در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و بنگاههائی که با سرمایه دولت اداره می‌شود یا شهرداری‌ها، کسانی که به نحوی از انحاء از آنجا حقوق می‌گیرند، نمی‌توانند با داشتن شغل دیگری از قبیل ریاست یا عضو هیئت مدیره شرکتهای خصوصی و یا داشتن هرگونه شغل آزاد دیگری از قبیل شرکت کردن در اداره‌ی روزنامه خواه به عنوان صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر یا عضو هیئت تحریریه و امثال آنها، به انجام وظایف خود بطوری که لازم است اقدام نمایند، لذا کلیه این قبیل اشخاص به عنوان این اقتضای اداری از خدمت برکنار شوند.»

وقتی که این تصویبنامه صادر و منتشر شد، در مطبوعات غوغائی برخاست و عده‌ی زیادی از مدیران و سردبیران و نویسندگان جراید در مجلس شورای ملی حضور یافته نسبت به تصویبنامه اعتراض نمودند و نخست‌وزیر نیز مصرا در پاسخ آنها ایستادگی کرد و افزود استعفا می‌دهم ولی تصویبنامه را لغو نخواهم کرد. عبدالقدیر آزاد، دولت را نسبت به توقیف جراید و اختناق آزادی و نقض

قانون اساسی و مشروطیت استیضاح کرد.

روز ۲۶ شهریور در جلسه‌ی علنی مجلس شورای ملی به هنگام طرح لایحه عفو مرتکبین قضایای آذربایجان و زنجان، بین هژیر و چند تن از نمایندگان مشاجره‌ی شدید لفظی درگرفت، به طوری که نمایندگان میزهای جلو خود را شکستند. هژیر نیز در اوج عصبانیت فریاد برآورد شما تیشه برداشته‌اید و به ریشه این مملکت می‌زنید. در این گفتگو نمایندگان اقلیت از نثار هیچ‌گونه ناسزا و کلمات زشت خودداری نکردند. بالاخره هژیر در مقابل جوّی که مخالفین برای او درست کرده بودند تاب مقاومت نیاورد و با وجودی که در مجلس از حمایت اکثریت برخوردار بود، چاره را در کناره‌گیری دید و سرانجام روز پنجم آبان ماه ۱۳۲۷ پس از پنج ماه زدوخورد و مبارزه از کار کناره گرفت.

یکی از اقدامات هژیر در دوران زمامداری، برقراری روابط سیاسی بین ایران و عربستان سعودی بود که زیارت بیت‌الله‌الحرام آزاد شد.

عبدالحسین هژیر پس از کناره‌گیری، چند ماهی بیکار بود. در انتخابات مؤسسان دوم که در اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ تشکیل یافت از تهران به نمایندگی انتخاب شد و سرانجام در ۲۸ تیر ماه ۱۳۲۸ به سمت وزیر دربار تعیین گردید و بالاخره در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۸ در مجلس عزاداری و روضه خوانی دربار در مسجد سپهسالار هدف گلوله‌ی سید حسین امامی عضو جمعیت فدائیان اسلام قرار گرفت و روز بعد درگذشت و در ایوان کفش‌کن ناصرالدین شاه مدفون شد.

به دنبال قتل هژیر در تهران حکومت نظامی برقرار شد و سرلشکر هوائی احمد خسراوانی معاون ستاد ارتش به حکومت نظامی منصوب شد و از همان روز بگیر و ببند شروع شد و آقایان دکتر مظفر بقائی، سید ابوالحسن حائری‌زاده، سید مصطفی کاشانی، سید علی بشارت، علی جواهر کلام، دانش نوبخت، عبدالقدیر آزاد و خلیل طهماسبی طبق ماده‌ی پنج حکومت نظامی بازداشت شدند. سه روز بعد هم حسن مکی بازداشت شد و دکتر محم مصدق هم به احمدآباد تبعید گردید.

بازپرسی از حسین امامی در روز چهاردهم آبان ماه آغاز شد. امامی در اولین بازپرسی به قتل هژیر اعتراف کرد و اظهار نمود بر من مسلم شد وجود هژیر برای مملکت ضرر و زیان دارد لذا درصدد کشتن او برآمدم و قریب دو ماه بود که اسلحه شبانه روز با من بود و بالاخره روز سوم عاشورا توانستم برنامه‌ی خود را اجرا کنم.

روز پانزدهم آبان دادگاه نظامی به ریاست سرهنگ جهانشاهی قاجار و دادستانی سرهنگ جهانگیری، محاکمه‌ی حسین امامی را آغاز و سرانجام حکم اعدام را صادر کردند. امامی از تقاضای تجدیدنظر خودداری نمود و اظهار کرد تجدیدنظر باعث اتلاف وقت است و حکم اعدام در سحرگاه هجدهم آبان به مرحله‌ی اجرا درآمد.

عبدالحسین هژیر از طبقه سوم برخاست. تحصیلات او منحصرا در ایران و مدرسه‌ی علوم سیاسی انجام گرفت ولی به علت هوش و استعداد زیاد، مطالعات خود را در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ و آموزش زبانهای خارجه ادامه داد و به زبان‌های فرانسه، روسی و انگلیسی تسلط داشت.

در سن ۲۰ سالی روزنامه‌ی پیکان را به صاحب امتیازی پدرش به مدت دو سال، هفته‌ای دو شماره انتشار می‌داد. مرحوم محمد صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران می‌نویسد: پیکان یکی از روزنامه‌های خوب و مفید بوده و از لحاظ مرام و مسلك طرفدار اکثریت مجلس و مخالف اقلیت و از دشمنان سرسخت سید ضیاءالدین است.

مندرجات روزنامه‌ی پیکان بخوبی روشن می‌سازد که نویسنده‌ی آن دارای اندیشه‌ی سیاسی بوده و به ادب و فلسفه وقوف داشته است. در سنین جوانی کتابی تحت عنوان حافظ تشریح انتشار داد که گلچینی از غزلیات حافظ است اما با نظم و ترتیب موضوعی. مقدمه‌ای در حدود هشتاد صفحه بر این کتاب نوشته است که نشانه‌ی بصیرت و اطلاعات وسیع او در ادبیات مخصوصا حافظشناسی است. چند ترجمه‌ی خوب هم از او باقی مانده است از جمله قسمتی از تاریخ آلبر ماله را به فارسی برگردانده است. هژیر نثر فارسی

را محکم و استوار می‌نوشت و فوق‌العاده مورد علاقه دربار پهلوی بود.

اشرف پهلوی در کتاب خاطرات خود چنین می‌نویسد: «هژیر در سال ۱۳۲۷ به نخست‌وزیری منصوب شد. هژیر یکی از دوستان خوب من بود (و باید بگویم که من تا حدی در انتصاب او مؤثر بوده‌ام) او در سمت‌های وزیر دارائی و وزیر دربار نیز خدمت کرده بود. عبدالحسین هژیر یک بوروکرات باهوش، قابل و وفادار بود و بخوبی می‌توانست مسائل داخلی و بین‌المللی را درک کند و با آنها روبرو شود. با وصف این، انتصاب او بلافاصله مورد حمله و انتقاد آیت‌الله کاشانی قرار گرفت که یکی از مقامات مهم مذهبی زمان خود بود...»

رویهمرفته مردی بلند پرواز، زدوبندچی، قدرت طلب، باسواد، ادیب، شعرشناس و سخندان، ناطق و به مال دنیا بی‌اعتنا بود. پس از مرگ کلیه ما ترک او شبیه یک کارمند دولت بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دولتهای ایران در عصر مشروطیت (۳۱۷ -۳۱۶/ ۱)، روز شمار تاریخ (۳۰۵، ۳۰۴، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۸۸، ۲۸۰، ۲۷۲، ۲۶۸، ۲۵۹، ۲۵۶، ۲۵۲، ۲۴۸، ۲۴۶، ۲۴۴، ۲۲۲، ۱۸۵، ۱۲۳/ ۱)، شرح حال رجال (۲۶۰ -۲۵۸/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۵ -۷۳۸، ۶۵۷ -۶۵۶، ۶۱۲/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه انقلاب (۳۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۶ -۷۶۴/ ۳)، نخست وزیران (۲۱۹ -۱۹۵/ ۱)، یادگار (س ۱، ش ۹، ص ۷۹)، یغما (س ۲، ش ۸ ص ۳۹۲، ۳۹۱).

همای شیرازی، محمدرضا قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۰ -۱۲۱۲ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به هما. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلاف وجود دارد. اصل وی از ایل بیات فارس بود. پدرش از رؤسای طایفه‌ی فیلی زند ساکن شیراز، منتسب به خاندان زندیه بود و مادرش از منسوبان فتحعلی خان، فرزند کریم خان زند، به حساب می‌آمد. هما در شیراز به دنیا آمد. در آغاز جوانی از افسران نظام بود ولی از آن شغل کناره گرفت و به تحصیل پرداخت و از محضر میرزای وصال استفاده نمود. وی از همان ابتدا طبع شعر خوبی داشت و با رضاقلی خان هدایت، صاحب «مجمع‌الفصحا»، و قاآنی و سروش اصفهانی و شهاب اصفهانی و فروغی بسطامی معاصر بود. پس از تحصیل در شیراز، در طلب علم به سیاحت پرداخت و به عتبات عالیات رفت و بین ۱۲۵۰ -۱۲۳۰ ق، در محضر شیخ محمدحسن ابن شیخ محمدباقر اصفهانی (م ۱۲۶۶ ق)، صاحب «جواهرالکلام»، و اساتید دیگر به تحصیل علوم نقلی و عقلی اشتغال ورزید تا به درجه‌ی اجتهاد و مقام قضاء و فتوا رسید. سپس از نجف به هند، شیراز، اصفهان، تهران، خراسان، ترکستان و کرمان سفر کرد و در آخر، به امر معتمدالدوله منوچهرخان گرجی (م ۱۲۶۳ ق)، حاکم اصفهان، و اصرار حاج سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، در ۱۲۵۹ ق به اصفهان رفت و در آنجا سکنی گزید. وی عالمی بلند همت بود که در خواستهای محمد شاه و بعد از آن ناصرالدین شاه قاجار را برای ندیمی و ملازمت دربار نپذیرفت. بعد از وفات سروش اصفهانی، در ۱۲۸۵ ق، ناصرالدین شاه منصب ملک‌الشعرایی و ملازمت را به وی تکلیف کرد لذا او به تهران آمد و چندی در این سمت ماند، اما پس از مدتی بدون رعایت آداب دربار از آنجا رفت. وی سرانجام در اصفهان درگذشت و در آستانه‌ی امامزاده احمد، در محله میدان شاه، به خاک سپرده شد. در «حدیقةالشعراء» سال مرگ وی ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ ق ذکر شده است. همچنین در این تذکره تحت عنوان همای شیرازی دو فرد به نامهای رضاقلی و میرزا علی‌اکبر ذکر شده‌اند که به آورده‌ی آقای دکتر نوایی، در حاشیه‌ی کتاب، هر دو یکی هستند. از آثارش: «دیوان» شعر، در هجده

هزار بیت، که یک سال پس از فوت او، به امر ظل‌السلطان و به دست میرزا عنقا، فرزند هما، جمع‌آوری و تدوین گردید و نام آن را «شکرستان» نهادند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۲۰۹۰ -۲۰۸۲/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۵۹ -۸۵۲/ ۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۲۸۳/ ۲)، دیوان طرب (مقدمه/ ۳۴ -۴)، الذریعه (۱۲۹۷ -۱۲۹۶/ ۹)، ریحانه (۳۷۰/ ۶)، شرح حال رجال (۱۰۸ -۱۰۷/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۴۶۹ -۴۶۸/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۹۰/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۷۴۹ -۱۷۴۸/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ همای شیرازی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۷۵ -۱۱۷۲/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۷۱۳ -۷۱۰)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۷ -۲۱۶)، مکارم‌الآثار (۴۳۶ -۴۳۳/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷ -۲۱۶/ ۳).

همایون فرخ، رکن‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به رخ. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اساتید زبان و ادب فارسی و صاحب «دستور جامع زبان فارسی» است. وی تحصیلات خود را در دبستان شرف مظفری و دبیرستان پهلوی رضائیه و نزد پدرش به پایان رساند. همایون فرخ در چهارده سالگی به نظم شعر پرداخت و نخستین اثر نظمی خود را در شانزده سالگی به نام «سوز دل» منتشر کرد. او از ۱۳۲۰ ش به کار نویسندگی پرداخت. وی همچنین چندی روزنامه‌ی «رخ» را منتشر می‌کرد و مدتی نیز سردبیری روزنامه‌های «آرزو»، «آزادی شرق»، «نیروی ملی» و «نهضت کشاورزان» را به عهده داشت. از دیگر آثار وی: «امپریالیسم چگونه به ایران آمد»؛ «خوئین خونین»؛ «عاشق بی‌نوا»؛ «عروس گورستان»؛ «شهریار»؛ تصحیح و مقدمه «تحفه سامی» سام میرزا؛ نمایشنامه‌ی «ابومسلم خراسانی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۶۶۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۱۷ -۱۵۱۳/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۹، ۲۲۷۹، ۲۱۸۴، ۲۰۳۳، ۱۹۸۱/ ۲، ۱۵۷۹، ۱۵۰۴، ۱۴۹۸، ۱۲۹۶، ۶۹۸، ۴۴۷، ۳۳۰، ۲۱۵ -۱۰۳/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۸ -۲۲۷/ ۳).

همایون فرخ، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۲ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در کاشان به دنیا آمد. وی در کودکی به تهران آمد و تحت سرپرستی دایی خود، مجیرالدوله شیبانی، به تحصیل پرداخت. او مدتی در دارالفنون و سپس در کالج آمریکایی به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی مشغول شد و دوره‌ی آن را به اتمام رساند و بعدها در دانشکده‌ی حقوق سیاسی به تدریس علوم دفترداری پرداخت. او همچنین سالها در وزارت دارایی ریاست کل حسابداری را عهده‌دار بود. وی به دلیل تدوین «دستور جامع زبان فارسی» یا «دستور فرخ» در هفت مجلد، که تألیف آن حدود چهل و دو سال طول کشیده و مرجع و سند علمی مهمی برای صرف و نحو زبان فارسی می‌باشد،

نشان درجه‌ی یک از وزارت فرهنگ را دریافت کرد. از دیگر ثارش: «آیین نگارش»؛ « اتم»، کشفیات بزرگ دانشمندان ایرانی؛ «داستان تاریخی بابک و افشین»؛ «هیئت جدید»؛ «فاجعه‌ی کربلا»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۶۶۵)، الذریعه (۹۲/ ۱۶ ،۱۶۴، ۱۵۸/ ۸)، شرح حال رجال (۱۳۹/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۸، ۲۳۸۱، ۲۳۴۸/ ۲ ،۱۴۲۹، ۱۴۱۷، ۱۳۲۵، ۱۰۷، ۸۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۴ -۸۳۳/ ۳).

همایونفرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم ابن حاج محمدحسین متولد در کاشان حدود (۱۲۵۰ تا ۱۲۵۳ ف. تهران، تیرماه ۱۳۳۸ ه.ش) در کودکی پدرش درگذشت و تحت سرپرستی دائی دانشمندش قرار گرفت و پس از تکمیل ادبیات و فراگرفتن انگلیسی چندی نیز در نزد مرحوم محمد قزوینی به تکمیل ادبیات پرداخت و سپس به مترجمی زبان انگلیسی برگزیده شد و در زمان مستشاری میلیسپو مترجم انگلیسی گردید و مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود تا اینکه در سال ۱۳۱۷ ه.ش به عضویت فرهنگستان برگزیده شد. آثار او عبارتست از: «دستور جامع»، «سفر بختیاری» در تاریخ بختیاری که به چاپ رسیده است، نمایشنامه‌ی عمرولیث و هشت فرشته، داستان تاریخی «افشین»، هیئت جدید، آیین نگارش که جزو انتشارات مجله‌ی اخگر به چاپ رسیده است. فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی و غیره.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همایی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۳ دی ۱۲۷۸(۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی

محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (۱۳۱۳)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر ۱۳۲۵)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت ۱۳۳۳)؛ سفر به بیروت (۱۳۳۴)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن ۱۳۳۸)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و روزنامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایرانشناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، ۱۳۰۹ –۱۳۰۸، در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، ۱۳۱۷)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضهٔ الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم ۱۳۵۵)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (۱۳۴۲)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه ۱ الی صفحه ۹۰)؛ صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی– دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، ۱۳۲۹ –۱۳۲۸)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ تصوف در اسلام (نگاهی

به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (۱. دیوان غبار. ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانه‌ی قمشه، ۵. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ نصیحهٔ الملوک (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ التفهیم لاوائل صناعهٔ التنجیم (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ مصباح الهدایهٔ و مفتاح الکفایهٔ (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ دیوان طرب (۱۳۴۲)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، ۱۳۱۶)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (۱۳۳۵)؛ نصیحهٔ‌الملوک (امام محمد غزالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (۱۳۳۱)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (۱۳۴۳)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح ۱۳۵۸ -۱۲۷۸ ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌اللّٰه حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌اللّٰه شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعهٔ التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایهٔ» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۲۴ -۶۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۶ -۱۶۰)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و

سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۰ -۲۴۷)، چهره‌های آشنا (۶۶۷ -۶۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸ -۱۹۵/ ۳)، الذریعه (۵۱/ ۱۶، ۴۷۲/ ۹، ۲۳۰/ ۳)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۱۲ -۱۸۰۷/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۲۸۰، ۳۲۵۰، ۳۱۳۹، ۳۰۹۳، ۳۰۸۴، ۳۰۵۹، ۳۰۲۷، ۲۶۹۱، ۲۳۸۵، ۲۳۸۴- ۲۳۶۹، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲۲۵۶/ ۲، ۱۵۹۳، ۱۵۵۵، ۱۵۵۳، ۱۵۴۹، ۱۴۹۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۲، ۱۳۵۰، ۹۳۶، ۶۶۲، ۴۸۹، ۲۴۰، ۱۴۰/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۹ -۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲ -۳۷۰/ ۲)، همایی‌نامه.

همت اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۷/ ۱۳۳۳ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به همت. در اصفهان به دنیا آمد. مدتی در مدارس جدید تحصیل کرد و بعد علوم قدیمه را نزد علمای اصفهان آموخت. بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه کتب رجال و تراجم احوال می‌کرد. از آثار وی: «انقلاب یا نهضت سید جمال‌الدین»؛ مقدمه و حواشی بر کتاب «بررسی در پیرامون سیاست و دیانت» علی جمالی؛ «به سوی کمونیست»؛ مقدمه بر کتاب «بهداشت در دین اسلام»؛ «تأثیر موسیقی بر اعصاب»؛ «عقاید و افکار»؛ «موسیقی و اسلام»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۳۷ -۵۳۶)، الذریعه (۱۳۰۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۲ -۸۰۰/ ۲).

همدانی، ابوالعلاء حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۹ -۴۸۸/ ۴۸۳ ق)، مقری، حافظ، محدث، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی و زاهد. شیخ همدان و امام العراقین در قرآت بود. در همدان به دنیا آمد. در طلب علم مسافرت‌های بسیاری نمود. علم قرائت را نزد ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و ابوعبداللّه بارع حسین دباس و ابوبکر مزرفی فراگرفت و در همدان از عبدالرحمان بن حمد دونی و در اصفهان از محمود اشقر و ابوعلی حداد اصفهانی و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان و ابن‌حصین و ابوعلی ابن مهدی و ابوعلی بن نبهان و در خراسان از ابوعبداللّه فراوی حدیث شنید. آنگاه به همدان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر زندگی نمود. او در علم تفسیر، حدیث، انساب و تاریخ متبحر بود. ابواحمد بن سکینه و ابوالحسن ابن دباس و محمد بن محمد بن کیال علم قرائت را در نزد وی فراگرفتند. شیخ منتجب‌الدین، صاحب «الفهرست»، نیز از شاگردان وی بود و کتاب «الهادی» را نزد او خواند. منتجب‌الدین استادش ابوالعلاء را صدرالحفاظ و در علم حدیث و قرائت علامه معرفی کرده است. فرزندانش، احمد و عبدالبر و فاطمه، و نوادگانش، قاضی علی و محمد و عبدالحمید پسران عبدالرشید بن علی بن بنیمان، و ابوالمواهب ابن صصری و عبدالقادر حافظ و یوسف بن احمد شیرازی حافظ و محمد بن محمود حمامی و عتیق بن بدل مکی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. ابوالحسن ابن المقیر از وی اجازه‌ی روایت داشت و

شیخ هاشم بن محمد در «مصباح‌الانوار» خویش از وی روایت کرده است. در «معجم‌الادباء» وفات وی ۵۹۹ ق آمده است. از آثارش: «زاد المسافر»، در پنجاه مجلد؛ «غایهٔ‌الاختصار»، در قراآت دهگانه؛ «الهادی الی معرفهٔ المقاطع والمبادی»، در وقوف قرآن؛ «الانتصار فی معرفهٔ قراء المدن والامصار» که «طبقات القراء» است؛ «مفردات القراء»؛ «مولد امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «الادب فی حسان الحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۵/ ۲)، اعیان‌الشیعه (۶۳۴/ ۴)، ایضاح‌المکنون (۷۱۵/ ۲ ،۶۰۶/ ۱)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۲۸ - ۱۲۶/ ۱)، تذکرهٔ‌الحفاظ (۱۳۲۸ -۱۳۲۴/ ۴)، الذریعه (۱۵۱ -۱۵۰/ ۲۵ ،۸/ ۱۲)، روضات‌الجنات (۸۷ -۸۶/ ۳)، ریحانه (۲۰۶/ ۷)، سیرالنبلاء (۴۷ -۴۰/ ۲۱ ،۳۰۴/ ۱۹)، شذرات‌الذهب (۲۳۲ -۲۳۱/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۵۴ -۵۳/ ۶)، طبقات الحفاظ (۴۹۸ - ۴۹۷)، طبقات المفسرین داودی (۱۳۱ -۱۲۸/ ۱)، العبر (۵۶/ ۳)، فهرست منتجب‌الدین (۶۶ -۶۵)، الکامل (۱۲۹/ ۹)، کشف‌الظنون (۲۰۲۶، ۱۷۷۳، ۱۳۸۷، ۱۱۸۹، ۱۱۰۶، ۹۴۶، ۱۱۴)، معجم‌الادباء (۵۲ -۵ / ۸)، معجم رجال الحدیث (۲۸۴ -۲۸۳/ ۴)، معجم‌المؤلفین (۱۹۸ -۱۹۷/ ۳)، المنتظم (۵۱۸/ ۱۰)، هدیهٔ‌العارفین (۲۸۰/ ۱).

همدانی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل احمد بن حسین ملقب به بدیع‌الزمان در حافظه و احاطه بر لغت، شعر و ادب اعجوبه‌ی زمان خود بود. گویند حافظه‌ی او به قدری قوی بود که قصائد ۶۰ بیتی را به یک بار شنیدن حفظ می‌کرد. وی در نظم و نثر عربی هر دو استاد بود و دیوان اشعار و مجموعه‌ی رسائل و مقامات او باقی است و مهمترین تألیف او همان «مقامات» است که در فن مقامه‌نویس قدیمترین کتاب می‌باشد. تولد بدیع‌الزمان در سال ۳۵۸ در همدان و وفات او در سال ۳۹۸ ه.ق در هرات واقع شده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همدانی، عبدالرحمان

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۰ ق)، ادیب، کاتب، لغوی و شاعر. وی کاتب بکر بن عبدالعزیز بن ابودلف عجلی بود. در «هدیهٔ‌العارفین» وفات وی ۳۲۷ ق ذکر شده است. از آثارش: کتاب «الالفاظ» که در بیروت تحت عنوان «الالفاظ الکتابیهٔ» یا کتاب «الکلام» چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۲۸۶)، معجم‌المؤلفین (۱۶۴ -۱۶۳ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۶ -۲۱۵ / ۱۸)، هدیهٔ‌العارفین (۵۱۳/ ۱).

همدانی، منتجب‌الدین، ابویوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۳ ق)، مقری و نحوی. شیخ القراء زنجیلیه‌ی دمشق بود. از ابن طبرزد و کندی روایت نمود و قرآن را بر ابی‌الجود غیاث بن فارس نحوی قرائت کرد و در فراگیری «شاطبیه» از سخاوی بهره گرفت. صائن واسطی و نظام تبریزی قرآن را بر او قرائت نمودند. از آثارش: شرح «المفصل» از زمخشری، در نحو؛ شرح قصیده‌ی «حرز الامانی و وجه التهانی»، مشهور به «الشاطبیهٔ»، در قراآت که آن را «الدرهٔ الفریدهٔ» نامید؛ «الفرید» یا «المفید»، در اعراب قرآن کریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۲/ ۸)، سیر النبلاء (۲۲۰ -۲۱۹/ ۲۳ ،۴۷۳/ ۲۱)، شذرات الذهب (۲۲۷/ ۵)، کشف الظنون (۱۷۷۶، ۱۲۵۹، ۱۲۵۸، ۶۴۸)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۳)، هدیهٔ العارفین (۴۷۲/ ۲).

هوشمند راد شیرازی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۳۰۹ ق)، مدرس، نویسنده و مترجم. پس از اتمام مقدمات و تحصیل زبان‌های عربی و انگلیسی و روسی، در محضر اساتید عصر در ادبیات فارسی و تاریخ و سیاست جهان تحقیقاتی به عمل آورد. او مدتی نیز مترجم کنسول‌گری دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق در شیراز بود و همچنین مقالاتی در مجله‌ی «قشون» و دیگر مجلات شیراز و تهران به چاپ می‌رساند. او انجمن ادبی حافظیون را به اتفاق عنایت‌اللّه دستغیب روحی تأسیس کرد. هوشمند سرانجام به بیماری نامعلومی که برخی احتمال مسمومیت دادند، فوت کرد و در جوار مزار شاه داعی الی‌اللّه به خاک سپرده شد. از آثار وی: «حالات واسموس آلمانی»؛ «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس اصفهانی مجتهد و سیاستمدار مشهور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۶ -۸۷۳/ ۵).

هوشیار شیرازی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۸۳ ش)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه. در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی شعاعیه شیراز به پایان رساند. برای تحصیلات عالی ابتدا به بمبئی و کلکته و بعد به آلمان رفت و مدتی در مدرسه‌ی عالی فلاحت برلن به تحصیل نظری فلاحت و عملیات زراعی پرداخت. محمدباقر پس از اتمام تحصیلات در ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت و دوباره همراه محصلین اعزامی به اروپا، به برلن رفت و ابتدا در دانشکده‌ی ادبیات برلن و سپس در دانشگاه توبین گن و دانشگاه مونیخ در رشته‌ی تعلیم و تربیت و فلسفه و تاریخ و ادبیات زبان آلمانی به تعلیم پرداخت و از دانشگاه مونیخ موفق به اخذ دکترا در فلسفه شد. او پس از اتمام

تحصیلات به تهران آمد و در دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات و هنرستان موسیقی و آموزشگاه پست و تلگراف و دبیرستان نظام به تدریس و تعلیم مشغول شد. وی بر اثر عارضه‌ی قلبی درگذشت. از آثارش: «اصول آموزش و پرورش»؛ «انقلاب مشروطیت ایران». از آثار ترجمه‌ی وی: «اگمنت»؛ «اراده معطوف به قدرت»؛ «خرده بورژاواها»؛ «روانشناسی علمی سنجش هوش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۸۰ -۸۷۸/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۹۵، ۱۹۲۵، ۱۷۶۱/ ۲ ،۸۱۶، ۳۱۳، ۲۹۴، ۲۴۵، ۱۴۹/ ۱)، کلک (س ۱، ش ۵، ص ۱۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱ -۶۹/ ۲).

هیربد، خدایار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ش)، نویسنده، مترجم و زبانشناس. وی برادر کوچکتر موبدان موبد یزد بود. او در کودکی به بمبئی رفت و در زبانهای اوستا و پهلوی و انگلیسی و گجراتی، موفق به اخذ لیسانس شد و به استادی داشنگاه بمبئی رسید. پس از بازگشت به ایران، مدتی رییس انجمن ناصری زرتشتیان بود و مدتی نیز در دبستان دین یاری و آموزشگاه موبدان به تدریس اوستا و انگلیسی پرداخت. سپس به خاطر مخالفتهای شدید و ناسازگاری با دستگاه روحانیت زرتشتی دلتنگ شد و دوباره به هندوستان برگشت و تا پایان عمر به سمت استادی در دانشگاه کراچی به خدمت فرهنگ پرداخت. از آثار وی: ترجمه‌ی کتابهای «کارنامه‌ی اردشیر بابکان»؛ «اندرز آذرباد ماراسپند»؛ «اندرز و هزاد ترخو فیروز»؛ «اندرز خسرو قبادیان»؛ «مادیگان چترنگ» از پهلوی به انگلیسی که در سال ۱۲۸۷ ش منتشر کرد؛ نیز کتاب «خوبی نمای دین رزتشتی» را برای اطلاع زرتشتیان از اصول و آیین آن تدوین کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۲/۳).

هیمن شیخ‌الاسلامی، محمد امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۳۰۰ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به هیمن. وی در روستای لاچین، از توابع مهاباد، به دنیا آمد. خاندانش از علمای مشهور زمان خود بودند و تبارش به سه واسطه به ملا جامی، عارف عالم کرد می‌رسد. وی در کودکی نزد ملا سعید ناکام قرآن، صرف، نحو و متون ادبی کردی و فارسی را آموخت. سپس به مهاباد رفت و پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی در مدرسه‌ی سعادت به سفارش پدرش مدت چهار سال در خانقاه و مدرسه جد مادریش، شیخ یوسف برهانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در همان ایام با عبدالرحمان شرفکندی متخلص به هژار آشنا شد. سپس به امر پدرش به روستای کولیجه رفت و مدت چند سالی نزد ملا احمد فوزی درس خواند. هیمن در ایام جوانی به سبب استعداد ذاتی به شعر کردی روی آورد و از آنجا که پدرش نیز اهل شعر بود در این فن تلاش بسیاری نمود. او همچنین به عضویت شورای نویسندگان نشریه‌ی «نیشتمان» درآمد. وی پس از انقلاب اسلامی خدمات ادبی و فرهنگی را از سر گرفت و مجله‌ی «سروه» را به زبان کردی در ارومیه منتشر کرد. هیمن بر اثر سکته قلبی

درگذشت. از دیگر آثار وی: «هه واری خالی»؛ بازنویسی «تحفه‌ی مظفریه» از رسم‌الخط لاتینی به کردی، ترجمه؛ «ناله‌ی جدایی»، شعر؛ «پاشه روک»، مجموعه‌ی مقالات و اشعار؛ «قلعه‌ی دمدم»، ترجمه؛ «شاهزاده و گدا»، ترجمه؛ «دیوان» شعر، با نام «تاریک وروون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۴۸۹ -۴۸۲/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۲، ص ۳۹).

یاحقی، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۴، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۲، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۲، تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه توکیو ژاپن از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فارسی، ایرانشناسی، (شاخه ادبیات فارسی)، مطالعه و تحقیق در دانشگاه کمبریج انگلستان به مدت یکسال، همکاری با بنیاد پژوهشهای اسلامی و مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی در زمینه طرح‌های پژوهشی، شرکت و ارائه مقاله در دو کنگره بین‌المللی و چند کنگره و سمینار داخلی، تألیف ۱۷ عنوان کتاب در ۳۷ جلد. راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه ادبیات فارسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی، تفسیر قرآن، فرهنگنامه قرآنی و مطالعات ایرانی و اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فارسی، پژوهشهای اسلامی و تفسیر قرآن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یادگاری، عبدالمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال ۱۳۴۶، دکترای زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس زبان عربی، ترجمه و تاریخ ادبیات و دروس مختلف عربی در دانشگاههای تهران و مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی تألیفات:

بحوث و مقالات، النظم والنثر، مکالمه، اندرز به جوانان، دین، فرهنگ اصطلاحات روانشناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

درباره یاقوت، درباره سیبویه، تحقیق در نسب طاهریان خراسان، انتقال علوم اسلامی از بغداد به خراسان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یارمحمدی، لطف‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشسرای عالی در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه ایندیانا در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس و تحقیق در دانشگاههای داخل و خارج از کشور، زبان‌شناسی مقابله‌ای (در جهات مختلف صوت، واژگان، نحو، منظورشناسی و گفتمان)، اصول و کلیات ترجمه، سوادآموزی، فرهنگ‌نگاری، ساخت زبان فارسی، طرح در زمینه‌های فرهنگ‌نگاری، تجزیه و تحلیل اغلاط، ترفندهای ارتباطی و گفتمان. ابداع سیستم سوادآموزی به بزرگسالان بی‌سواد در کتابی به نام> آموزش سواد به بزرگسالان در چهل درس <راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۷۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی تألیفات:

آموزش زبان انگلیسی، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی مقابله‌ای و سوادآموزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی، ترجمه، سوادآموزی، آموزش زبان، فرهنگ‌نگاری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یاقوت حموی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهاب‌الدین ابوعبداللّه یاقوت بن عبداللّه حموی بغدادی از ادبا و لغویان اوایل قرن هفتم هجری و مؤلف کتاب معجم‌البلدان است. صفی‌الدین ابن عبدالحق (و ۵۳۹ ه.ق- ف. ۶۲۶ ه.ق) معجم‌البلدان را مختصر کرد و آن را مراصدالاطلاع نامید. تألیف دیگر او معجم‌الادباء است. یاقوت در جوانی اسیر شد و در بغداد تاجری به نام عسکر حموی او را خرید و پس از مدتی او را آزاد کرد (۵۹۵ ه.) وی پس از آزاد شدن مسافرتها کرد. ابتدا بر اثر خواندن کتب خوارج متمایل به مذهب آنان شد، و در دمشق نزدیک بود کشته شود و از آنجا گریخت و به خراسان و خوارزم رفت. در حمله‌ی چنگیز یاقوت به موصل و از آنجا به حلب فرار کرد و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

یزدانی شیرازی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ –۱۲۵۲ ق)، خطاط، موسیقیدان، ادیب و شاعر، متخلص به یزدانی. ششمین فرزند وصال است. وی در شیراز به دنیا آمد. او در ادبیات، ریاضیات، نجوم و نظم و نثر عربی توانا بود، شعر می گفت و از موسیقی نیز بهره‌ی تمام داشت و رباب را خوب می‌نواخت. یزدانی خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و از شیوه‌ی میرعماد پیروی می کرد و کتیبه‌های اطراف حرم شاهچراغ و برادرش سید میر محمد در شیراز و همچنین کتیبه‌های قسمتی از رواق مطهر امام رضا (ع) به قلم اوست. عبدالوهاب در کهنه کردن کاغذ و مرکب دست داشت و فن نقاشی را خوب می‌دانست. یزدانی به همراه برادر خود، وقار، سفری به عتبات کرده و از آنجا به تهران آمده و سپس به زادگاه خود بازگشته است. او در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی سید میر محمد، نزد برادرش، فرهنگ دفن شد. از آثار وی: کتابت و نقاشی «خسرو و شیرین» نظامی، که به امر ناصرالدین شاه انجام پذیرفته است؛ یک نسخه «دیوان» انوری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... حرره العبد الاقل، عبدالوهاب بن وصال، طاب ثراه فی سنهٔ ۱۲۷۵»؛ یک نسخه «مناجات» حضرت علی (ع)، به قل دو دانگ خوش، با رقم: «نمقه... عبدالوهاب المتخلص به یزدانی ابن مرحوم المغفور الوصال... فی شهر شعبان المعظم ۱۲۸۲»؛ یک قطعه به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «یزدانی»؛ قطعه‌ای دیگر، به قلم کتابت خوش، با رقم: «یزدانی».[۱]

میرزا عبدالوهاب متخلص به یزدانی ششمین پسر وصال شیرازی (و. ۱۲۵۲ ه.ق– ف. ۱۳۲۸ ه.ق) وی یکی از خوش‌نویسان و نقاشان و ادبای عصر خود به شمار می‌آمد، و آنچه از اشعار او در دست است ۷ قصیده و ۱۴ غزل می‌باشد و ضمناً کتیبه‌های دور حرم شاه‌چراغ و سید محمد به خط اوست و چند نسخه از کلیات سعدی و دیوان حافظ نوشته و از موسیقی نیز بهره‌ی کافی داشته و رباب خوب می‌نواخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۶۲ –۳۶۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۰ –۴۱۹/ ۲)، احوال و آثار نقاشان (۳۵۳ –۳۵۲/ ۱)، اطلس خط (۵۶۷)، حدیقهٔالشعراء (۲۱۱۶ –۲۱۱۳/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۹۲ –۸۸۸/ ۵)، الذریعه (۱۳۱۱/ ۹)، ریحانه (۳۸۹ –۳۸۷/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۳۸۴/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۹ –۱۰۱۶/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۳)، مرآت‌الفصاحه (۷۲۴ – ۷۲۰)، مکارم‌الآثار (۱۴۱۳ –۱۴۱۲/ ۴).

یزدگردی، امیر حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیر حسین یزدگردی درسال ۱۳۰۶ در تهران زاده شد.ایشان دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶ می باشد.وی از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ در آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال ۱۳۵۹، در دانشکد ?الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشت.دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال ۱۳۶۵ درگذشت. کتاب" حواصل و بوتیمار "تالیف امیر حسین یزدگردی ، در دوره یازدهم انتحاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین کتاب" دیوان ظهیر فاریابی " تصحیح وی

، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : زنده‌یاد استاد دکتر امیرحسن یزدگردی در خانواده‌ای فرهیخته و اهل ادب در تهران متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : امیر حسین یزدگردی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان ادیب و دبیرستان مروی به سر آورد. در سال ۱۳۲۹ از دانشسرای عالی لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجهٔ دکترا در همان رشته از دانشگاه تهران نائل آمد

استادان و مربیان : اساتید دکتر یزدگردی در دوران دانشگاهی، بزرگ‌مردانی مانند استاد بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، ملک‌الشعرای بهار، بهمنیار، عبدالعظیم قریب، سیدهادی سینا و سید محمّد فرزان بودند.

زمان و علت فوت : دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال ۱۳۶۵ درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : امیر حسین یزدگردی در خلال گذراندن دورهٔ دکترا به مدت پنج سال (۱۳۳۴ ـ ۱۳۲۹) در آموزش و پرورش شهرستان قم در دبیرستان حکیم نظامی به تدریس پرداخت و پس از آن به دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران انتقال یافت و تا سال ۱۳۵۹ بیش از سی سال، بدون وقفه به تدریس اشتغال داشت .

شاگردان : استاد یزدگردی خود معلمی بود مسلّط، دلسوز، عاشق، متین و باوقار که نه تنها درس و بحثش بلکه گفتار و کردار و رفتارش نیز، سخت بر شاگردان تأثیر می‌گذاشت و محققی بود سخت‌کوش، پرحوصله و بردبار، دقیق و نکته‌یاب. شاگردان وی امروز در شمار موفق‌ترین معلمان به حساب می‌آیند؛ افرادی چون استاد دکتر فتح‌الله مجتبایی.

جوائز و نشانها : کتاب" حواصل و بوتیمار "تالیف امیر حسین یزدگردی ، در دوره یازدهم انتحاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین کتاب" دیوان ظهیر فاریابی " تصحیح وی ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است. ------------------------------
----

آثار :

۱ تصحیح دیوان کبیر (غزلیات شمس)

ویژگی اثر : با همکاری مرحوم دکتر کریمان

۲ تصحیح کلیله و دمنه

ویژگی اثر : با همکاری استاد فقید مجتبی مینوی

۳ تصحیح و تعلیق «نفثة المصدور» شهاب الدین محمد خرندزی

ویژگی اثر : ۱۳۴۳، ادار ?کل نگارش وزارت آموزش و پرورش

۴ حواشی بر دیوان حافظ، مرزبان‌نامه، جهانگشای جوینی و راحهٔ‌الصدور

۵ حواصل و بوتیمار

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنائی با کتاب: «حواصل و بوتیمار»: حواصل و بوتیمار؛ امیر حسین یزدگردی؛ به کوشش اصغر دادبه، تهران: مؤسس ?انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۱. تألیف کتاب «حواص و بوتیمار»، از شهریور ۱۳۴۹ آغاز شده و تا زمستان سال ۱۳۶۴ (۱۵ سال) ادامه یافته است. دکتر یزدگردی در باب اختیار نام «حواصل» بیشتر به منابع کهن و در خور اهمیت اقوال گروهی از

حیوانشناسان، اوصاف جوارح و اطوار خاص این پرنـده در کتب شـعر و ادب، آراء جمعی از فرهنگ نویسان و دانشـمندان قـدیم و بالاـخره تصـاویر روشن و واضـح اسـتناد کرده است. در بـاب اختیار نام «بوتیمار» برای برخی از «گونه»ها و «زیرگونه»های «خانواد? بوتیمار»، نیز به تقریب به مآخذی از همان دست، اعتماد کرده است. موضوع کتاب بسیار بدیع است و پژوهش به طور مبسوط انجام یـافته. امتیـاز خاص این کتاب ما وسعت تتبع و پهنای گسترد ?کار پیرامون این دو واژه است. زبان پژوهش، اسـتوار و عالمانه است. کتـاب دارای مقـدمه ای جامع و فصول و بخشـهای آن پیوسـته و هماهنگ است. شایـد فراهم آوردن ۱۳ گونه از فهرست تقریبـاً در تاریـخ و تحقیق پارسـی، برای یک کتاب ــ با این تفصـیل ــ بی سابقه بوده باشد. اما فقدان فهرستی از مندرجات در آغاز محسوس بوده و پرداخت فنی کتاب نیز ضعیف و نامطلوب است.

۶ دیوان ظهیر فاریابی

ویژگی اثر : تصـحیح ،این کتـاب ، در دوره بیست و یکم انتخـاب کتـاب سـال جمهـوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیـده شد. آشـنایی با کتاب: دیوان ظهیرالدّین فاریابی تصـحیح و تحقیق و توضـیح]مرحوم[امیرحسن یزدگردی؛ به اهتمـام اصـغر دادبه.ـتهران: نشـر قطره، ۱۳۸۱. «تتبع در دیوان ظهیر» موضوع رسالـهٔ دکـترای مرحوم اسـتاد یزدگردی، به راهنمایی مرحوم اسـتاد فروزانفر بوده که در تاریخ ۱/۸/۱۳۳۶ از آن دفاع شـده است. حاصل این تتبع و تحقیق، تصـحیح انتقـادی دیوان ظهیر است. برای نخستین بار و بر مبنای کهن‌ترین نسـخه‌های موجود و نوشـتن کتابی با مجلّـدی مسـتقل در شش بخش در معرفی ظهیر و حـل مشـکلات اشـعار او؛ حاصـلی، بی گمـان، بی‌ماننـد و چونـان نفثۀالمصـدور و حواصـل و بوتیمـار ارجمند و سودمند و تحسـین برانگیز.اما کمال طلبی اسـتاد یزدگردی در کارهای علمی و دقّت وسواس‌آمیز او موجب شد تا نزدیک به سی‌سال، از زمان دفاع رساله (۱۳۳۶) تا گاه مرگ (۱۳۶۵)، همواره چنان احساس کند که کاری بدین تمامی ناتمام است و به از آنچه هست بایـد! و چنین بود که در کنـار کارهـای تحقیقی خود تا پایان عمر در تکمیل آن کوشـید. حاصل کار اسـتاد یزدگردی، بی گمــان، بی‌ماننــد اســت، چرا کـه اولاًــ توضــیحات و تعلیقـات و تحقیقـات او دربـارهٔ ظهیر و شــعر او کامـل‌ترین و دقیـق‌ترین و محققـانه‌ترین تحقیقاتی است که تاکنون در زمینـهٔ ظهیرشناسـی صورت گرفته است، ثانیاً، متن مصـحح اسـتاد، یگانه متن مصـححی است که تاکنون از دیوان استاد فاریاب به چاپ رسیده است

منابع زندگینامه :منابع :

۱www.ketabesal.ir

یزدی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۷ ق)، عالم دینی، مفسر، ادیب و لغوی. اصل وی از یزد و از دانشـمندان سـده‌ی سـیزدهم هجری می‌باشد. صاحب عنوان در زمینه ادبیات، لغت و تفسیر قرآن دارای تصانیفی بوده است. از آثار او: «نخبـهٔ المیزان» یا «نخبهٔ اللغات»، در لغت که در ۱۲۸۷ ق آن را تـألیف نمـود و در ۱۲۸۸ ق در تهران به چـاپ رسـید؛ تفسـیر قرآن تـا آخر «سوره‌ی نساء»؛ شـرح «تهـذیب المنطق»؛ شـرح «خطبهٔ الزهراء (ع)»؛ شرح «خطبهٔ الشقشقیهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۷۱/ ۸)، الذریعه (۱۰۰ -۹۹، ۹۸/ ۲۴)، معجم‌المؤلفین (۴۰/ ۷).

یزگردی، امیرحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق، مدرس.

تولد: ۱۳۰۶، تهران.

درگذشت: ۴ فروردین ۱۳۵۶، تهران.

امیر حسین یزدگردی در سال ۱۳۲۹ از دانشسرای عالی درجه‌ی لیسانس و سال ۱۳۳۶ از دانشگاه تهران دکترای ادبیات فارسی دریافت داشت. از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ در وزارت آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال ۱۳۵۹، در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. او در عین حال آثار چندی را برای چاپ آماده کرد که از آن جمله است: مقاله و تصحیح دیوان ظهیر فاریابی و حواشی بر دیوان حافظ و مرزبان‌نامه و جهانگشای جوینی و راحهٔ الصدور راوندی (که به چاپ نرسیده است)؛ تصحیح و تعلیق نفثهٔ المصدور (شهاب الدین محمد زیدری، ۱۳۴۳)؛ حواصیل و بوتیمار (این کتاب در یازدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برنده‌ی رشته‌ی تاریخ و نقد در بخش ادبیات شده است)؛ مساعدت در زمینه‌ی تحشیه به مجتبی مینوی برای تصحیح کلیله و دمنه، همچنین بدیع‌الزمان فروزانفر از همکاری او در تصحیح بعضی از مجلدات دیوان کبیر مولانا یاد کرده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یعقوبی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۶، کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۶، دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد علوم کتابداری از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح فهرست گواه‌آوری در معارف اسلامی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

گرامر larive of fleury، گرامر Maurice Grevisse و راهنمای املاء فرانسه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فرانسه، طیف و طبیعت پایان‌نامه دانشگاهی، دیدگاه عرفانی ویکتور هوگو.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یغمای جندقی، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی به علت حادثه‌ای مورد توجه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت قرار می‌گیرد . وی در دستگاه خان به سرودن شعر می‌پردازد و به سمت منشی گری خان می‌رسد. پس از مدتی مورد توجه میرزا آقاسی قرار گرفته و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نام اولیه ای یغمای جندقی رحیم و نام پدرش حاج ابراهیم قلی است. رحیم در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری نام خود را به ابوالحسن تغییر می‌دهد و به مجنون تخلص می‌کرد و به نام ابوالحسن مجنون معروف شد. پس از پناهنده شدن او به شاه عبدالعظیم و انزجاری که از سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان پیدا می کند تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد: به

من از مال دنیا یک تخلص مانده «مجنون » است به کار آید گر ای لیلی وش آن را نیز «یغما» کن

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت پرورش می یابد و به سرودن شعر می‌پردازد.

خاطرات و وقایع تحصیل : در دستگاه اسماعیل خان نام خود را از رحیم به ابوالحسن تغییر می دهد و تخلص مجنون را برای خود انتخاب می کند.

همسر و فرزندان : از فرزندان وی احمد صفایی است که نسخه‌ای از برهان قاطع را کتابت نموده به وی تقدیم کرده است.

وقایع میانسالی : ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی پس از آن که به حکومت کاشان می رسد،در آنجا با ملا احمد نراقی دوستی ای بسیار می‌یابد.

زمان و علت فوت : فوت ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در سن هشتاد سالگی در زادگاهش خور

اتفاق افتاده است و در بقعه امامزاده داوود خور به خاک سپرده می‌شود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالحسن مجنون در دستگاه اسماعیل خان سمت منشی گری خان را پیدا می کند. و در سال ۱۲۳۳ هجری قمری در جنگ سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان و افاغنه به زور شرکت داده می شود. اما از آنجا که مردی هنرمند بود در دستگاه سردار به منشی گری می‌پردازد. بعدها تحت حوادثی مورد حسد اطافیان قرار می گیرد و دسیسه ای علیه او می پردازند که به دنبال آن سردار دستور می‌دهد چوب مفصلی به او بزنند. ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی به شاه عبدالعظیم پناه می‌برد و تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد. یغما بعداً مورد توجه میرزا آقاسی قرار می گیرد و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما مردی شوخ طبع و هزال بود . علاوه بر آن شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمد شاه به شمار می‌رود. یغما خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته را بسیار خوش می‌نوشته و کتابهای مختلفی را کتابت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : بسیاری از آثار یغمای جندقی جای مشخصی ندارند و در مقدمه دیوانش از آنها یاد کرده‌اند. ----------
----

آثار :

۱ المعجم فی معاییر اشعار العجم

۲ دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

۳ دیوان ظهیر فاریابی به خط نستعلیق

ویژگی اثر : این اثر نزد خانواده یغماست.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]

۴ دیوان کمال الدین اسماعیل

۵ کتابت برهان قاطع

ویژگی اثر : برهان قاطع را در سال ۱۲۴۰ هجری قمری نوشته و در سال ۱۲۶۵ به فرزندش احمد صفایی بخشیده است. این نسخه که یغما خود تصحیح کرده و بر آن مقدمه نوشته در کتابخانه حبیب یغمایی بوده است.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]

۶ کلیات شیخ سعدی

ویژگی اثر : این اثر برای شاهزاده بهاالدوله کتابت شده است.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]

۷ مقامات حمیدی

منابع زندگینامه :۱سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰

یکتا اصفهانی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۹۰ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به یکتا. در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در آموزشگاه‌های زادگاهش به اتمام رساند و در خدمت محمدکاظم غمگین قواعد شعر و فنون ادب را آموخت. او شعر را نیک می‌سرود و ابتدا فردی تخلص می‌کرد. وی به زبان فرانسه و انگلیسی آشنا بود و در علم حساب و دفترداری و موسیقی نیز اطلاعاتی داشت. او در انجمن‌های شیدا، فرهمند و کمال شرکت داشت. از آثارش: «رساله در موسیقی»؛ «تاریخ سلجوقی»، ترجمه؛ «تذکره‌ی شعرای ایران»، از اوایل قرن چهاردهم تا زمان حاضر؛ تدوین و تحشیه «دیوان» غمگین؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۴۹ -۵۴۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۹۸)، الذریعه (۱۳۱۵ - ۱۳۱۴/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۸۶ -۳۹۸۲/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۹۷/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۷/ ۵).

یمینی شریف، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان انتصاریه و شاهپور تجریش و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون و دانشسرای مقدماتی به پایان رساند. وی در ۱۳۱۹ ش وارد دانشسرای عالی و سپس وارد دانشکده‌ی ادبیات شد و موفق به اخذ لیسانس گردید و آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. رشته‌ی مورد علاقه‌ی یمینی شریف آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز (تربیت معلم) کالج کلمبیا علاوه بر رشته آموزش و پرورش به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت. شعرهایش در ۱۳۲۳ ش در اولین شماره‌ی مجله‌ی «بازی کودکان» که بعدها سردبیری آن مجله را به عهده گرفت، به چاپ رسید و در ۱۳۲۴ ش اشعاری از وی ابتدا در کتابهای ابتدایی اراک و سپس در کتابهای کلاسهای اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستان‌ها چاپ شد. او در ۱۳۲۸ ش مدیریت مجله‌ی «دانش‌آموز» و از ۱۳۳۵ ش تا ۱۳۵۸ ش مدیریت مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» را به عهده داشت. در ۱۳۳۴ ش امتیاز مدرسه‌ی روش نو را به کمک همسرش از وزارت فرهنگ دریافت کرد و بیش از بیست و پنج سال اداره‌ی آن را عهده‌دار بود. در ۱۳۴۱ ش با همکاری عده‌ای از دوستان مؤسسه فرهنگی و غیرانتفاعی شورای کتاب کودک را تأسیس کرد، که هدف از آن راهنمایی و مشاورت با نویسندگان و شاعران و تصویرگران و مترجمان علاقه‌مند به آثار کودکان و نوجوانان بود. از دیگر آثار وی: «دنیاگردی جمشید و مهشید»؛ «فری به آسمان می‌رود»؛ «قصه‌های شیرین»؛ «دو کدخدا»؛ «داستان عروسک»؛ «بازی با الفبا»؛ «روی زمین و زیر زمین» گیاه‌شناسی برای کودکان، ترجمه؛ «بیژن و شیر»، ترجمه؛ «جزیره‌ی مرجان»، ترجمه؛ «آواز فرشتگان»، شعر؛ «قصه‌های شیرین»، شعر؛ «گربه‌های شیپور زن»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]

شاعر، داستان‌پرداز.

تولد: ۱۲۹۸ تهران.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۸، تهران.

عباس یمینی شریف متخلص به «یمینی» در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ در دانشسرای مقدماتی تهران تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۹ که به دانشسرای عالی راه یافت علاقه به شعر گفتن و داستان‌نویسی برای کودکان در او بیشتر شد. در سال ۱۳۲۲ دو شعر تحت عنوان «ستاره» و «ماده غاز» از وی در شماره‌های چهارم و نهم مجله «سخن» به طبع رسید. در سال ۱۳۲۳ در اولین شماره مجله‌ی «بازی

کودکان» شعرهایش به چاپ رسید و پس از مدتی نیز یمینی شریف به سردبیری آن انتخاب شد. در سال ۱۳۲۴ برخی اشعارش وارد کتاب‌های ابتدایی اراک و پس از آن وارد کتاب‌های اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستان‌ها شد. عباس یمینی شریف در سال ۱۳۲۸ به مدیریت مجلات «دانش آموز» و «شیر وخورشید» که دو نشریه‌ی وزارت فرهنگ برای کودکان و نوجوانان بود، منصوب شد. در ششم دی ۱۳۳۵ اولین شماره‌ی مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» منشر شد. وی به عنوان مدیر این نشریه تا سال ۱۳۵۸ به انتشار آن ادامه داد. در «تهران مصور کوچولوها» تأسیس ۱۳۳۶ و ضمنا اشعار ایشان در چند مجله‌ی دیگر که برای کودکان منتشر می‌شد به چاپ می‌رسید.

عباس یمینی شریف چه در دانشسرای مقدماتی تهران و چه در دانشسرای عالی دانشکده‌ی ادبیات و چه تیچرز کلمبیا رشته‌ی تحصیلاتش همیشه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز کالج کلمبیا علاوه بر رشته‌ی آموزش و پرورش، به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت.

بعدها نیز به سردبیری و مدیریت چهار مجله برای کودکان و نوجوانان رسید. در سال ۱۳۳۴ امتیاز مدرسه‌ی «روش نو» را به کمک همسرش از وزارت اداره‌ی مدرسه را به عهده داشت. در سال ۱۳۳۶ باشگاه بچه‌ها را تأسیس کرد. در سال ۱۳۴۱ با همکاری عده‌ای از فرهنگیان باسابقه به تأسیس مؤسسه‌ی فرهنگی و غیر انتفاعی شورای کتاب کودک پرداخت و از سال تأسیس عضویت در هیئت مدیره و خزانه‌داری شورا را تقبل کرد، در سال ۱۳۵۰ به همت وی جایزه‌ی نقدی یمینی شریف تأسیس شد و از آن تاریخ به بعد هر ساله با بهترین اثر چاپ شده در حوزه‌ی ادبیات کودکان تعلق گرفت. در سال ۱۳۵۷ با عده‌ای دیگر به تأسیس انجمن پژوهش‌های آموزشی همت گماشت.

یمینی شریف در زمینه‌ی ادبیات کودکان صاحب آثار گوناگون است که از میان این می توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: آواز فرشتگان یا شعر کودکان (۱۳۲۵)؛ قصه‌های شیرین (مجموعه شعر، ۱۳۲۶)؛ گربه‌های شیپورزن (مجموعه شعر، ۱۳۴۴)؛ دو کدخدا (۱۳۲۹)؛ برق و حریق (ترجمه)، روی زمین و زیر زمین (گیاه‌شناسی برای کودکان، اثر اریاوبر. ا.، ۱۳۳۶)؛ دنیاگردی جمشید و مهشید (۱۳۲۲)؛ بازی با الفبا، جزیره‌ی مرجان (اثر پلنتین، ۱۳۳۷)؛ داستان عروسک (با همکاری اسماعیل والی‌زاده، ۱۳۳۷)؛ بیژن و شیرین (ترجمه با همکاری دیگران)، کتاب اول دبستان؛ فری به آسمان می‌رود؛ آوای نوگلان؛ پرویز و آیینه؛ در میان ابرها گل‌های گویا (۱۳۵۰)؛ پوری و لباس‌های او؛ همسایه‌ی عجیب، باغ نغمه‌ها (۱۳۵۲)؛ آه ایران عزیز؛ دستمال گلدار و گنج بی صاحب؛ داستان خر و خرکچی؛ کتاب توکا؛ خانه بابا علی؛ شعر با الفبا (۱۳۶۳)؛ سیاهک و سفیدک؛ نیم قرن در باغ شعر کودکان؛ فارسی زبان ایرانی؛ پلنگ یکه تاز (۱۳۷۳).

عباس یمینی شریف در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۴۵ موفق به دریافت جایزه‌ی سلطنتی بهترین کتاب کودکان و در سال ۱۳۴۶ نیز نایل به دریافت جایزه‌ی بین‌المللی یونسکو به مناسبت تألیف بهترین کتاب سال در ایران شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبستان (س ۱، ش ۱، ص ۵۷)، الذریعه (۱۳۱۶ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۹۲ -۳۹۸۷ / ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۱۴، ۲۷۱۴، ۲۷۱۳- ۲۵۴۷، ۲۴۴۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۵- ۲ / ۱۴۸۰، ۱۴۵۸، ۱۳۳۰، ۱۰۲۶، ۵۵۶، ۴۳۹، ۶۹، ۶۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۴۰۴ -۴۰۳)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۹، ص ۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۹ -۶۸۸/ ۳).

یوسف پور، محمد کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم یوسف پور ،رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان است . او مسئول پژوهشکده گیلان شناس نیز می باشد . وی در این پژوهشکده به امور تحقیقی ،پژوهشی و اجرایی می پردازد و با دعوت از گیلان شناسان کشور درراستای بارور کردن فرهنگ گیلان تلاشی می نماید .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد کاظم یوسف پور رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان و همچنین مسئول پژوهشکده گیلان شناسی را برعهده دارد .

فعالیتهای آموزشی : بخشی از فعالیت های آموزشی یوسف پور ، به گیلان شناسی مربوط می شود . وی براین نظر است که خرده فرهنگها ، چکیده قرنها زندگی ما هستند . یعنی هر ملتی در زندگی تاریخی خود ذخیره های فراوانی اندوخته و آنها را در صندوقچه های خرده فرهنگها به یادگار گذاشته است . بنابراین تاکار از کارنگذشته ودامنه گسترش صنعت ارتباطات ، حافظه تاریخی ما را به فراموشی دچار نساخته است باید درثبت و ضبط باقی مانده فرهنگ این منطقه بکوشیم .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پژوهشکده گیلان شناسی از جمله مرکزی است که دکتر یوسف پور درتشکیل آن نقش داشت . این نخستین پژوهشکده استان شناسی بود که براساس ضوابط دانشگاهی و منطبق با موازین وزارتخانه متبوع مورد تایید قرار گرفت .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فعالیت روزمره یوسف پور ، تحقیق ومطالعه درمورد گیلان و گیلان شناسی است . او درمورد تحققیق براین باور است که جزء اولین آموزه های هر پژوهش علمی این است که محقق باید خودرا از دایره موضوع پژوهش بیرون بکشد و از منظر اشراف وبی طرفانه به موضوع بنگرد . او معتقد است که گرایشهای تعصب آمیز نه تنها خود شان راهی به دهی نمی برد . بلکه حتی می توانند فضای تحقیق را آلوده کنند .

همفکران فرد : مهندس حمیدی ، مهندس دهقان ، دکتر ابوالفضل درویزه ، دکتر رضا فتوحی و فریدون نوزاد از جمله همفکران یوسف پور می باشند که در امور تحقیقی و پژوهشی با هم همکاری و همفکری دارند .

آرا و گرایشهای خاص : محمد کاظم یوسف پور معتقد است که درقبال سرعت شتابان علم امروزی ما باید تسلیم شویم و یا باید مقاومت کنیم . او در این موردبا مثال آوردن کسانی همچون فرانتس فانون ، امه سزر، اقبال، شریعتی و دیگران معتقد است که ما باید به خویشتن خود باز گردیم و در پی ایستادگی دربرابر استماله فرهنگی قرار گیریم .

منابع زندگینامه :مصاحبه با رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، فصلنامه فرهنگ گیلان ، شماره ۵و۶، بهار وتابستان ۱۳۷۹، ص۸

یوسفی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق، ادیب.

تولد: ۱۳۰۶، مشهد.

درگذشت: ۱۴ آذر ۱۳۶۹، تهران.

غلامحسن یوسفی دوره‌ی تحصیلات دبستان و دبیرستان را در مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۲۵ وارد دانشگاه شد و از سال ۱۳۲۸ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل گردید. وی در سال ۱۳۳۰ همزمان با دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، به دریافت درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی حقوق قضایی و علوم سیاسی نایل آمد.

دکتر یوسفی ابتدا به عنوان دبیر دبیرستان‌های مشهد و سپس به عنوان دانشیار و بعدها در سمت استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد به تدریس اشتغال داشته است. وی یک سال سرپرست تربیت معلم خراسان و مدت چندین سال نیز سرپرست گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی بوده است. مطالعه و تحقیق در کشورهای فرانسه و انگلستان و تحقیق و تدریس در آمریکا و کوشش در ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه از دیگر فعالیت‌های فرهنگی نامبرده است. از جمله آثار تألیف، تصحیح و ترجمه وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: تألیف: تمرین فارسی برای کلاس اول دبستان (با همکاری عبدالحسین پازوکی، اکبر قندهاریان، غلامرضا، قهرمان، ۱۳۳۳)؛ فرخی سیستانی، بحثی در شرح احوال، روزگار و شعر او (۱۳۴۱، کتاب برگزیده‌ی سال ۱۳۴۱، انجمن کتاب)، ابومسلم، سردار خراسان (۱۳۴۵)؛ نامه اهل خراسان (مجموعه مقالات، ۱۳۴۷)؛ دیداری با اهل قلم (دو جلد، ۱۳۵۷، ۱۳۵۵)؛ برگ‌هایی در آغوش باد (مجموعه مقالات، دو جلد، ۱۳۵۶)؛ کاغذ زر (یادداشت‌هایی ادبی و تاریخی، ۱۳۶۳)؛ روان‌های روشن (۱۳۶۳)؛ چشمه‌ی روشن (۱۳۶۹)؛ تصحیح و ترجمه: قابوس‌نامه (۱۳۴۵)؛ قابوس‌نامه‌ی درسی (۱۳۴۵)؛ التصفیه فی احوال المتصوفه (۱۳۴۷)؛ ترجمه‌ی تقویم الصحه ابن بطلان (۱۳۵۰)؛ لطائف الحکمه ارموی (۱۳۵۱)؛ گزیده‌ی قابوس‌نامه (۱۳۵۳، این کتاب با نام درس زندگی: گزیده قابوس‌نامه نیز منتشر شده است)؛ بوستان سعدی (۱۳۵۹)؛ ملخص اللغات خطیب کرمانی (با همکای دکتر محمد دبیرسیاقی، ۱۳۶۲)؛ گلستان سعدی (۱۳۶۸)؛ داستان من و شعر (نزار قبانی، با همکای دکتر یوسف آبکار، ۱۳۵۶)؛ هدف ادبیات، اسلوب عالی و فضایل ادبی (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی)، اما من شما را دوست می‌داشتم (ژیلبر سبرون، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۲)؛ انسان دوستی در اسلام (مارسل بوازار، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۲)؛ شیوه‌های نقد ادبی (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی، ۱۳۶۶، برگزیده‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ برگزیده‌ای از شعر عربی معاصر (اثر دکتر مصطفی بدوی، ترجمه از عربی با همکاری دکتر یوسف آبکار، تهران، ۱۳۶۹)؛ چشم اندازی از ادبیات و هنر (ره ولک و دیگران، ترجمه از زبان انگلیسی، با همکاری محمدتقی امیر صدقیانی، ۱۳۶۹).

دکتر یوسفی در چهاردهم آذر ۱۳۶۹ درگذشت، پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حرم حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یوسفی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا یوسفی در سال ۱۳۳۲ در همدان متولد شد.وی نوشتن را با شعر و نمایشنامه آغاز کرد و پس از آن با داستان و فیلمنامه ادامه داد و اولین کار خود را در سال ۱۳۵۷ با نام « سال تحویل» منتشر کرد. کتاب " افسان ?بلیناس جادوگر "تالیف محمد رضا یوسفی ، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا یوسفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد و در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات تهران راه یافت و در سال ۱۳۵۶ موق به اخذ لیسانس ادبیات شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رضا یوسفی نوشتن را با شعر و نمایشنامه آغاز کرد و پس از آن با داستان و فیلمنامه ادامه داد و اولین کار خود را در سال ۱۳۵۷ با نام « سال تحویل» منتشر کرد. در سال ۱۹۹۶ م. با کتاب «حسنی به مکتب نمی رفت» دیپلم افتخار کنگر ?جهانی کتاب کودك و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت.

جوائز و نشانها : محمد رضا یوسفی در سال ۱۹۹۶ م. با کتاب «حسنی به مکتب نمی رفت» دیپلم افتخار کنگر ?جهانی کتاب کودك و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت. در سال ۱۹۹۸م. نیز همان جایزه را برای رمان « ستاره ای بنام غول» اخذ نمود. دیگر تالیف ایشان کتاب"افسان ?بلیناس جادوگر "است که این کتاب،، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : از محمد رضا یوسفی بیش از ۸۵ کتاب برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است. ----------------
----

آثار :

۱ افسان ?بلیناس جادوگر

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :«افسان ?بلیناس جادوگر» افسان ?بلیناس جادوگر/ محمدرضا یوسفی — . تهران: نشر پیدایش، ۱۳۷۷. این کتاب روایتی است نو از افسانه کهن که به زبانی شیوا و امروزی به تحریر در آمده است. افسان ?بلیناس جادوگر ، هم به لحاظ مضمون و هم به اعتبار شیو ?پردازش و نگارش، اثری ارزشمند است. نوآوری نویسنده در انتخاب موضوع و عطف توجه به تاریخ کهن و پردازش گیرا وانتخاب زبان مناسب از مهمترین ویژگیهای این اثر به شمار می روند.

۲ حسنی به مکتب نمی رفت

ویژگی اثر : تالیف،در سال ۱۹۹۶ م. کتاب مذکور،دیپلم افتخار کنگر ?جهانی کتاب کودك و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت

۳ سال تحویل

ویژگی اثر : تالیف،۱۳۵۷

۴ ستاره ای بنام غول

ویژگی اثر : تالیف،. در سال ۱۹۹۸ م. کتاب فوق ،دیپلم افتخار کنگر ?جهانی کتاب کودك و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت

منابع زندگینامه : ۱www.ketabesal.ir

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان


WWW